قبل از تلاوت قرآن مجید از دعا را بخوانند

یا صاحب العصر

اللهم بالحق أنزلته و بالحق نزل اللهم عظم رغبتي فيه و اجعله نور البصري و ذهابا لهمي و غمي و حزني اللهم زين به لساني و جمل به وجهي و قو به جسدي و ثقل به ميزاني و ارزقني حق تلاوته على طاعتك آناء الليل و أطراف النهار و احشرني مع النبي محمد و آله الطاهرين الأخيار و أصحابه النجباء الأبرار

والزمان ادركنا

كتبه العبد المذنب محمد بن أحمد الصابري الخوانساري





بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد واله اجمعین سیما علی امیر المؤمنین علیه السلام **و بعد** چون بفحوای کریمه وشاورهم فی الامر ومضمون حدیث شریف ما خاب من استخار ولا ندم من استشار استخاره واستشاره در هر مطلب بغایت ضرور واز اهم امور وکافه خلق حتی انبیاء ومرسلین حسب المقدور بان مامور بود در کتب اخبار واحادیث ائمه اطهار طرق متعدد از برای استخاره واستشاره مسطور واکثر خلق را با عتبار کثرت اشغال ضبط انها غیر میسور لهذا احقر عباد الله ابن عبد الرزاق عبد النبی عفی الله عن جرائمهما وجعل القران شفیعا لهما فضیلت هر یک از استخاره واستشاره وکیفیت واداب وادعیه وانواع استخاره را انچه اجمالا در کتب بنظر رسیده در چند جدول بطور ترتیب ضبط نمود تا همه خلق بسهولت واسانی از ان بهره مند گردند واین عاصی ووالدینش را بدعای مغفرت یاد نمایند وچون تالیف قارن بود با عدد این اسم لهذا مسمی گردانید به **روائح الغیب** ۱۲۶۸ فی رفع التردید والریب مشتمل

جدول دویم در فضیلت استخاره واداب وکیفیت ان	جدول اول در فضیلت استشاره واداب وکیفیت

جدول اول در فضیلت استشاره واداب وکیفیت

بدانکه استشاره کردن با برادران مؤمن از اهم امور وتاکید بسیار در اخبار در این باب مسطور است چنانچه حقتعالی از برای تعظیم بندگان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را که عقل کل را خطاب نمود که وشاورهم فی الامر ودر جای دیگر در مدح مؤمنین میفرماید الذین استجابوا لربهم واقاموا الصلوة وامرهم شوری بینهم ومما رزقناهم ینفقون واز حضرت رسول صلی الله علیه واله منقول است که کسیکه در کارها با مردم مشورت نماید پشیمان نمیشود واز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نفس خود را بخطرها می اندازد کسیکه مستغنی میشود برای خود از رای دیگران واز حضرت صادق ع منقول است که مشورت نمیباشد مگر با چهار کس اول انکه با کسی مشورت نمائی که عاقل بوده باشد که رای غیر عاقل بکار نمیاید دویم انکه ازاد ودیندار وصالح بوده باشد که سعی کند وخیر تورا بداند وبتو بگوید ولغزش تو پنهان نکند سیم انکه دوست وبرادر مؤمن تو بوده باشد چهارم انکه اورا بر سر خود مطلع گردانی واعتماد بر او داشته باشی از افشا را نخود وان کسیکه اسرار ورازهای تورا نمیداند خیر تورا نمیتواند دانست وحضرت صادق ع فرمود که هیچ معاونی بهتر از مشورت کردن وهیچ عقلی بهتر از تدبیر نمیباشد

جدول دویم در فضیلت استخاره واداب وکیفیت ان

مقصد اصلی از استخاره طلب خیر نمودن است از جناب احدیت در جمیع امور وبمقتضای وما تشاؤن الا ان یشاء الله خواهش خداوند را بر خواهش خود مقدم داشتن واخبار در تاکید استخاره بسیار است از حضرت صادق ع مرویست که حقتعالی میفرماید که از جمله شقاوت بنده من است که کارها کند وازمن طلب خیر ننماید وایضا از حضرت صادق ع منقول است که هر که در امری بدون استخاره داخل شود وببلائی مبتلا گردد خدا اورا اجری ندهد وایضا فرمود که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است که خدا را متهم دارد راوی عرض کرد که کسی هست که خدا را متهم دارد فرمود بلی کسیکه طلب خیر از خدا ننماید وبعد از ان امری که واقع شود بان راضی نباشد پس خدا را در خیرخواهی خود با دانستن خیر او متهم داشته سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که میگفتم که در امر طلب خیر از حقتعالی کرده باشم پروا ندارم که بر اخا افتم یا بر پا وایضا از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که ما استخاره را یاد میگرفتیم چنانچه سورهای قران را می اموختیم وحضرت صادق ع فرمود که هر گاه امری اراده کنی پس با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی پرسیدند که چگونه با خدا مشورت کند فرمود که صد مرتبه بگوید استخیر الله پس از مردم مشورت کند تا خدا خیر ورا بر زبان هر که میخواهد جاری نماید

در بیان استخاره

بسم الله الرحمن الرحیم … جلد دوم در استخاره و استشاره … انواع استخاره بر چهار نوع است

اول استخاره نکردن در واجبات و منهیات الهی بلکه استخاره کردن در مباحات و توجه مستحب مستحب دیگر که با هم جمع نشود مثل زیارت امام حسین و زیارت امام رضا و صلتی دون و صلتی و کذلک در اثنای استخاره انگشتر لقول الجواد علیه السلام و توجه داشتن بطلب بسوی خدا و انگشتر عقیق در دست داشتن که نام محمد و علی بر آن نقش باشد و تمجید الهی و استخیر الله گفتن در امور سهل هفت مرتبه و در دشوار صد مرتبه و نماز استخاره کردن و آن دو رکعت است در هر رکعت حمد و هر سوره که خواهد میخواند و در قنوت هر دعا که خواهد میخواند پس چون سلام دهد حمد و ثنای او کرده صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک …

[illegible]

دویم استخاره رقعه که منقول است از حضرت صادق

[illegible]

از حضرت صادق مرویست که چون اراده کنی کاری را بنویس در سه پارچه کاغذ بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعل و در سه دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل و بجای لفلان بن فلانة در همه رقاع اسم خود و مادر خود را بنویس پس بگذار آن شش رقعه را در زیر سجاده خود پس دو رکعت نماز بگذار و چون فارغ شوی سجده کن و صد مرتبه در سجده بگو اللهم خر لی واختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة پس دست بزن و رقعها را در زیر سجاده مشوش کن و بیرون آور یکی یکی پس اگر بیرون آید سه رقعه از پی یکدیگر افعل پس بکن آن کار را و اگر بیرون آید سه رقعه از پی یکدیگر لا تفعل پس مکن آن کار را و اگر بیرون آید بعضی افعل و بعضی لا تفعل پس آنچه بیرون آید از رقعها تا پنج رقعه پس در نگر به بیشتر پس عمل کن با آنچه بیشتر است از افعل و لا تفعل و بگذار رقعه ششم را که احتیاج به بیرون آوردن آن نیست

[illegible]

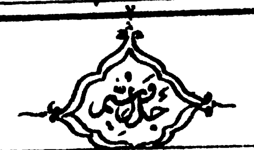




بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین سیما علی امیر المؤمنین علیه السلام **و بعد** چون بفحوای کریمهٔ وشاورهم فی الامر و مضمون حدیث شریف ما خاب من استخار و لا ندم من استشار استخاره و استشاره در هر مطلب بغایت ضرور و از اهم امور و کافهٔ خلق حتی انبیاء و مرسلین حسب المقدور بآن مامور و در کتب اخبار و احادیث ائمهٔ اطهار طرق متعدده از برای استخاره و استشاره مسطور و اکثر خلق را باعتبار کثرت اشتغال ضبط آنها غیر میسور لهذا احقر عباد الله الغنی ابن عبد الرزاق عبد النبی عفی الله عن جرائمهما و جعل القرآن شفیعا لهما فضیلت هر یک از استخاره و استشاره و کیفیت و آداب و ادعیه و انواع استخاره را آنچه اجمالا در کتب بنظر رسیده در چند جدول بطور ترتیب ضبط نمود تا همهٔ خلق بسهولت و آسانی از آن بهره مند گردند و این عاصی و والدینش را بدعای مغفرت یاد نمایند و چون در تالیف مقارن بود با عدد این اسم لهذا مسمی گردانید به **روائح الغیب** ۱۲۶۸ فی رفع التردید و الترتیب مشتمل

جدول دوم در ذکر فضیلت استخاره و آداب و کیفیت آن	جدول اول در فضیلت استشاره و آداب و کیفیت آن
مقصد اصلی از استخاره طلب خیر نمودن است از جناب احدیت در جمیع امور و بمقتضای وما تشاؤن الا ان یشاء الله خواهش خداوند را بر خواهش خود مقدم داشتن و اخبار در تاکید استخاره بسیار است از حضرت صادق ع مرویست که حق تعالی میفرماید که از جملهٔ شقاوت بندهٔ من است که کارها کند و از من طلب خیر نه نماید و ایضا از حضرت صادق ع منقول است که هر که در امری بدون استخاره داخل شود و ببلائی مبتلا گردد خدا در آن او را اجری ندهد و ایضا فرمود که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است که خدا را متهم دارد راوی عرض کرد که کسی هست که خدا را متهم دارد فرمود بلی کسیکه طلب خیر از خدا ننماید و بعد از آن امری که واقع شود بآن راضی نباشد پس خدا را در خیر خواهی خود با دانستن خیر او متهم داشته سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که میفرمود که در امر طلب خیر از حق تعالی کرده باشم پروا ندارم که بر احد افتم یا بر پا و ایضا از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که ما استخاره را یاد میگرفتیم چنانچه سورهای قرآن را میآموختیم و حضرت صادق ع فرمود که هر گاه امری اراده کنی پس با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی پرسیدند که چگونه با خدا مشورت کند فرمود که صد مرتبه بگوید استخیر الله پس از مردم مشورت کند تا خدا جاری گرداند بر زبان هر که میخواهد خیر بر بنده نماید	بدانکه استشاره کردن با برادران مؤمن از اهم امور و تاکید بسیار در اخبار در این باب مسطور است چنانچه حق تعالی از برای تعظیم بنده کان حضرت رسالت پناه صلعم را که عقل کل را خطاب نمود که وشاورهم فی الامر و در جای دیگر در مدح مؤمنین میفرماید الذین استجابوا لربهم واقاموا الصلوة وامرهم شوری بینهم ومما رزقناهم ینفقون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کسیکه در کارها با مردم مشورت نماید پشیمان نمیشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نفس خود را بخطرها می اندازد کسیکه مستغنی میشود برای خود از رای دیگران و از حضرت صادق ع منقول است که مشورت نمیباشد مگر با چهار کس اول آنکه با کسی مشورت نمائی که عاقل بوده باشد که رای غیر عاقل بکار نمیاید دویم آنکه آزاد و دیندار و صالح بوده باشد که سعی کند در خیر تو را بداند و بتو بگوید و از تو پنهان نکند سیم آنکه دوست و برادر مؤمن تو بوده باشد چهارم آنکه او را بر سر خود مطلع گردانی و اعتماد بر او داشته باشی از افشای راز خود و از کسیکه اسرار و رازهای تو را نمیداند خیر تو را نمیتواند دانست و حضرت صادق ع فرمود که هیچ معاونی بهتر از مشورت کردن و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نمیباشد



در بیان استخاره

جلد دهم در بیان استخاره و استشارت در امور و بیان ساعات و ایام که استخاره در آن‌ها بعمل آید و آن مشتمل بر هفت نوع است

نوع اول در آداب استخاره

اولا استخاره نکرد نشد در واجبات و منهیات الهی بلکه استخاره کرد نشد در مباحات و توجه مستحب بمستحب دیگر که باهم جمع نشود مثلا زیارت امام حسین و زیارت امام رضا علیهما السلام و صلی دون و صلتی و کذلک و در اثنای استخاره انکفتن لقول الجواد علیه السلام و توجه داشتن بطلب بسوی خدا و انکشتر عقیق در دست داشتن که نام محمد و علی بر آن نقش باشد و تمجید الهی و استخیر الله گفتن ده ماوه سهله هفت مرتبه و در شور صد مرتبه و نماز استخاره کردن و آن دو رکعت است در هر رکعت حمد و هر سوره که خواهد میخواند و در قنوت هر دعا که خواهد بخواند پس چون سلام دهد حمد و ثنای او کرده صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک

[illegible]

نوع دوم [illegible]

[illegible]

نوع سوم [illegible]

[illegible]

نوع چهارم در انواع استخاره و آن بر چند نوع است نوع اول استخاره بذات الرقاع و آن مشتمل بر پنج نوع است

[illegible]

دوم استخاره رقعه که منقول است از حضرت صادق

[illegible]

[illegible]

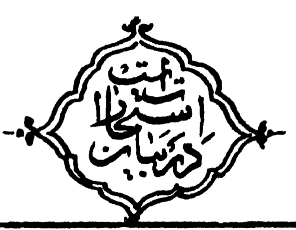
[illegible]

[illegible]

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون اراده کنی کاری را پس بنویس در سه پارچه کاغذ بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعل و در سه دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل و بجای لفلان بن فلانة در همه رقاع اسم خود و مادر خود را بنویس پس بگذار آن شش رقعه را در زیر سجاده خود پس دو رکعت نماز بگذار و چون فارغ شوی سجده کن و صد مرتبه در سجده بگو اللهم خر لی واختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة پس درست بنشین و رقعها را در زیر سجاده مشوش کن و بیرون آور یکی پس اگر بیرون آید سه رقعه از پی یکدیگر افعل پس بکن آن کار را و اگر بیرون آید سه رقعه از پی یکدیگر لا تفعل پس مکن آن کار را و اگر بیرون آید بعضی افعل و بعضی لا تفعل پس آنچه بیرون آید از رقعها تا پنج رقعه پس در آن نگر به بیشتر پس عمل کن بانچه بیشتر است از افعل و لا تفعل و بگذار رقعه ششم را که احتیاج به بیرون آوردن آن نیست

[illegible]





تتمه در بیان استخاره

جدول [illegible] در معرفت استخاره بناف و قلب و آن بر هشت نوع است				جدول ششم در معرفت استخاره بتسبیح و آن بر [illegible] نوع		جدول هفتم در معرفت استخاره بمصحف و آن بر چهار نوع است	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نوع دویم استخاره بند مشهور بعصر		چهارم من الائمة بتلعفوری		نوع دویم استخاره بتسبیح حضرت صادق		نوع دویم استخاره مصحف منقول از سید بن طاوس	
[illegible]		[illegible]		[illegible]		[illegible]	
پنجم بقلب	ششم بقلب از حضرت صادق	هفتم بقلب از حضرت رضا	هشتم بقلب از حضرت رضا	نوع سیم خیرة القائم	نوع چهارم خیرة القائم	نوع سیم منقول از علامه	نوع چهارم منقول از [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اولاد و دولت و مال باشد والسلام

خاتمه



خاتمه در ذکر بعضی از فوائد متفرقهٔ مهمهٔ تجوید چند که اینها بسیار ضروری اند و مشتمل بر چند جدول مفصل اسامی دندانها و مخارج حروف

جدول در معرفت اوقاف و اسامی و امثلهٔ آنها

المواضع	الاعداد	الاسامی	الامثلة	المعانی	رموز الحروف
دندانهای پیش است دو از زبر و دو از بالا	چهار	ثنایا	الامثلة	المعانی	رموز الحروف
از چهار جانب ثنایا دو از راست و دو از چپ یکی از زبر و یکی از بالا	چهار	رباعیات	مالک یوم الدین	غیر المتعلق بما بعده مطلقاً	م
از چهار جانب رباعیات دو از راست و دو از چپ یکی از زیر و دیگری از بالا	چهار	انیاب	مما رزقناهم ینفقون	المتعلق بما بعده معنیً	ط
از چهار جانب انیاب دو از راست و دو از چپ یکی از زیر و یکی از بالا	چهار	ضواحک	الحمد لله رب العالمین	المتعلق بما بعده لفظاً	ج
از چهار جانب ضواحک شش از راست و شش از چپ سه از زیر و سه از بالا	دوازده	طواحن	بسم الله	ما لا یفهم المعنی منه	ز
از چهار جانب طواحن دو از راست و دو از چپ یکی از زیر و یکی از بالا و آن دندان عقل گویند	چهار	نواجذ			

جدول در رموز و وقوف حروف که در آنها قرآء ذکر نموده اند و معانی آنها

الامثلة	اسمائها	المعانی	رموز
سکتة ای سکون النفس		لا یوقف علیه و یسمّی الوقف القبیح	لا
قیل علیه الوقف و قیل سکوت مع النفس	قف	وقف لازم و یسمّی الوقف التام	م
قیل علیه الوقف سکتة	قف	وقف مطلق و یسمّی الوقف الکافی	ط
قیل وقف قیل لا	قلا	جائز وصله و الوقف و لکن یسمّی الکافی	ج
الوصل و الوقف اولی منه	صلے	وصله اولی من الوقف و یسمّی الوقف الحسن بعد	ز
الوصل اولی من الوقف	صلے	وقف رخصة و یسمّی الوقف الحسن	ص
کذا ای کالرمز السابق		وقف علیه البعض	ق

الاسنان

دعا بعد فراغ ختم

وقد ختم علی ید مؤلفه الفقیر الی الله الغنی ابن عبد الرزاق عبد النبی عفی الله عنه و عن آبائهما فی یوم الخمیس الثانی و العشرین من شهر رجب المرجب من سنة خمس و ستین و مائتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی صاحبها الف الف ثناء و تحیة ... عبد المحتاج الی الله الغنی اسد الله الموری





هذا تجوید القرآن من مؤلفات محمد بن علی بن محمد الحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی هدینا للایمان ورزقنا مجاورة بیته وتلاوة القرآن والصلوة علی نبیه الذی ارسله بالدلایل والحجج وانزل علیه قرآنا عربیا غیر ذی عوج محمد خیر خلقه وخاتم النبیین وآله واولاده الطاهرین **اما بعد** چنین گوید افقر العباد الی الله الغنی محمد بن علی بن محمد الحسینی که این رساله ایست مختصر در بیان تجوید قرآن وما یتعلق به ومرتب بر مقدمه وشش باب وخاتمه **اما مقدمه** مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تفسیر الفاظ که محتاج الیه **بدانکه** حرف آوازیست که بر مخرج تکیه کرده ومبدء اش از شش است ومخرج حرف موضعی است که آن حرف از آن موضع بیرون آید وطریق شناختن وی آنست که آن حرف را ساکن گردانند وهمزه بر سر وی افزایند وتلفظ کنند پس هر موضعی که آن حرف بر آن موضع قرار گیرد آن موضع مخرج آن حرف باشد وصفت حرف عبارتست از عارضی که حرف بآن ممتاز شود از حرف دیگر اگرچه متحد باشد در مخرج مثل اطباق وانفتاح وتجوید در لغت خوب کردنست ودر اصطلاح ادا کردن هر حرف را از مخرج که مخصوص اوست با صفاتی که مخصوص‌اند بآن حرف تا ممتاز شوند حروف متقاربه که نزدیکند باهم در مخرج مثل ت وث وس وحروف متجانسه که متحدند در مخرج ومتغایرند در صفت مثل ت وط ود **بحث دویم** در بیان آنکه واجب است خواندن قرآن بتجوید بدانکه نزد ارباب بصیرت ظاهر و مبرهن است که بعد از معرفت اصول دین واجب‌ترین فریضها نماز است وآن درست نیست مگر بخواندن قرآن بوجهی که خالی باشد از لحن واین میسر نیست الا بعد از شناختن حروف تهجی ومخارج وصفات آن وامتیاز کردن حروف را از یکدیگر وبدانکه لحن بر دو قسم است جلی وخفی اما لحن جلی آنست که در کلمه یا در اعراب آن تغییر واقع شود واین همه کس را معلوم باشد خواه قاری یا غیر قاری ولحن خفی آنست که حرف از مخرج خود ادا نشود ویا خللی در صفات وی حاصل شود واین معلوم نشود الا کسیرا که فرا گرفته باشد قرآنرا از استادان ماهر ومدت مدید تعب کشیده در ادای اتمام واتقان وتحقیق وتسهیل وادغام واخفا واختلاس واشباع وغیره ومخارج وصفات حروف را دانسته ومحافظت حدود آن کرده وبسیار باشند که این معنی را ملاحظه نا کرده وقرآنرا از استادان فرا نا گرفته از جهل وتکبری که بآن مبتلا باشند قرآن خوانند بالحان وپندارند که طاعتی میکنند وحال آنکه بمعصیتی گرفتار باشند ودر حدیثست که خوانندگان قرآن بالحان حشر شوند از هر دو کنار وقرآن ایشانرا لعنت کند **باب اول** مشتمل است بر سه فصل **فصل اول** در مخارج حروف بدانکه حروف تهجی که اصول کلام عربست بیست وهشت است وبعضی بیست ونه گفته‌اند والف را داخل داشته‌اند ومجموع این حروف از سه موضع بیرون آید اول حلق که عبارتست از قصبه شش که آنرا نای گویند **دویم** دهن **سیم** لب وبن دندانها وبعضی مخارج حروف را سه گفته‌اند اما حلق را سه مخرج وحروف آن شش است بقول اول که اصح است و هفت است بقول دویم مخرج اول ابتدای حلق است از جانب شش واز مخرج همزه وها است بقول اول والف نیز بقول دویم مخرج دویم میانه حلق است واز مخرج عین وحا است بترتیب نیز مخرج سیم آخر حلق است وآن مخرج غین وخا است هم بترتیب نیز واین شش حرف را حلقی خوانند واما دهن ده مخرج است وحروف وی هیجده است واین مخرجها ابراست بر چهار موضع از زبان بن زبان ومیان زبان وکنار زبان وسر زبان با ملاقات دندان وکام بدانکه اکثر آدمیان را دندانها سی ودو باشد بر چهار قسم است اول ثنایا که جمع ثنیه است وآن چهار دندان پیش است دو پایین ودو بالا **دویم** رباعیات که جمع رباعیه است وآن نیز چهار است دو از زیر ودو از بالا پهلوی ثنایا از چهار جانب **سیم** انیاب که جمع ناب است وآن از دندان پیشتر

خوانند وان نیز چهار است دو از زیر و دو از بالا از پهلوی رباعیات چهارم اضراس که جمع ضرس است و بر سه قسم است اول ضواحك که جمع ضاحك است و آن نیز چهار دندانست دو زیر و دو در بالا از چهار پهلوی انیاب دویم طواحن که جمع طاحن است یعنی دندانهای آسیا و آن دوازده است از هر طرف شش سه از زیر و سه از بالا از چهار پهلوی ضواحك سیم نواجد که جمع ناجد است و آنرا دندان عقل گویند و نزدیک بسی سالگی بیرون میاید و بعضی مردمانرا اصلا بیرون نیاید و آن چهار دندان است از هر طرف یکی زیر و یکی بالا از چهار پهلوی طواحن مخرج چهارم بن زبانست با آنچه بالای اوست از کام و اول ملاذه بسوی حلق و آن مخرج قافست مخرج پنجم نیز بن زبانست اندکی از مخرج قاف زیرتر با آنچه بالای اوست از کام و آخر ملاذه بسوی دهن و آن مخرج کافست و این دو حرف را لهوی گویند زیرا که از لهات خیزند و آن گوشت پاره ایست آویزان محاذی حلق که بپارسی ملاذه گویند مخرج ششم میان زبانست با آنچه بالای او از کام و آن مخرج جیم و شین و یاست بشرطیکه حرف مد نباشد بترتیب از جانب حلق و بعضی شین را مقدم داشته اند و این سه حرف را شجری خوانند و شجر شکاف دهن را گویند که عبارت از میان دهن است مخرج هفتم کناره زبانست از هر طرف که باشد با آنچه پهلوی ویست از دندانهای آسیا و آن مخرج ضاد است و آنرا ضرسی خوانند زیرا که حافه کناره زبانست مخرج هشتم کناره زبانست از آخر مخرج ضاد تا سر زبان با کام چندانکه برابر ضاحك و ناب و ثنایه و رباعیه افتد از هر دو جانب و آن مخرج لام است مخرج نهم نیز کناره زبانست اندکی فروتر از مخرج لام با آنکه نزدیک ویست از کام بالا نزدیک از ثنایا و آن مخرج نونست مخرج دهم بعضی از سر زبانست با اندکی از بالای زبان و از کام اندکی که در برابر ثنایای بالا افتد و آن مخرج راست و بعضی گفته اند که این هر سه حرف از یک مخرج است و این هر سه حرف را ذلقی گویند و ذلقی خوانند زیرا که لثه گوشت بن دندانست و ذلق کناره هر چیز است مخرج یازدهم سر زبانست با بیخهای ثنایای بالا چنانکه سر زبان اندکی بکام نزدیک شود و آن مخرج دال و تا و طا است چنانکه مخرج تا اندکی بالاتر از مخرج دال بود و مخرج طا اندکی بالاتر از مخرج تا بقول بعضی و این حروف را نطعی نامند و نطع سقف دهن و شکنهای کام بالاست مخرج دوازدهم سر زبان و میان ثنایای زیرین است چنانکه اندکی گشاده میان زبان و دندان نماید و آن مخرج زای و سین و صاد است و این حروف را اسلی خوانند و اسله باریکی سر زبانست مخرج سیزدهم تیزی سر زبانست با تیزی سر ثنایای بالا و آن مخرج ثا و ذال و ظاء است و این حروف را لثوی و ذولقی خوانند زیرا که ذلق و ذولق تیزی سر زبانست مخرج چهاردهم اندرون لب زیرین است با سر ثنایای بالا و آن مخرج فاست مخرج پانزدهم میان دو لبست چنانکه بر هم نشینند و آن مخرج با و میم بود اما با از تری لب خیزد یعنی از کنار تا کنار لب از اندرون لب و میم از بیرون لب اگر لب تر نشود با از ان ادا نشود و این درست نیست بلکه با اگر بلفظ با رسی است گفته شود و اگر لبها بر هم ننشینند مخرج واو نیست که حرف مد نباشد و این چهار حرف از لبها حاصل شود و از این جهت آنها را شفوی گویند مخرج شانزدهم خیشوم است یعنی سوراخ بینی که غنه از ان بیرون میاید از مخرج میم ساکن و نون ساکن بود که از حروف حلق و غنه نشو یعنی همان نون ساکن است الا آنکه او زاید در کتابت صورت نبسته بود در وقف ساکنست و نباشد الا در آخر کلمه و این حروف را غنوی گویند زیرا که غنه آوازیست که از خیشوم بیرون آید و این معنی ظاهر گردد در گفتن حروف مذکوره در حالت اخفا یا ادغام مخرج هفدهم جوفست که الف و واو ساکن ما قبل مضموم و یا ساکن ما قبل مکسور از ان بیرون آیند و از این جهت ایشانرا جوفیه گویند و حروف مد و لین و هوائیه نیز نامند زیرا که آواز بایشان کشیده میشود بمشقتی و لیکن الف و یای مذکور از هوای دهن بیرون آیند و از هوای لب و ارتفاع صوت در الف بیشتر باشد پس معلوم شد که مخارج حروف هفده است و بعضی شانزده گفته اند مخرج هفدهم را اعتبار نکرده اند فصل دویم در صفات حروف و مشتمل است بر سه بحث بحث اول در صفات لازمی مشهوره و حروف آن و آن نوزده است اگرچه صاحب شاطبی شانزده گفته بنابر آنکه حروف مد و لین را یکی اعتبار کرده است و از این است جهر و همس شدت و رخاوة میان شدت و رخاوه و اطباق و انفتاح استعلا و استفال مد و لین اعتلال صغیر تفشی انحراف تکریر استطاله قلقله غنه اما جهر برداشتن

آواز بود و حروف او هیجده است بقول اول و نوزده است بقول دوم و مجموع این است ظل قو ربض اذ غزا جند مطیع
و این حروف را مجهوره گویند زیرا که در تلفظ ایشان آواز برداشته میشود بحدی که نفس بسته میشود و همس
برداشتن آواز بود و حروف وی ده بود مجتمع در این قول حث کسف شخصه و این حروف را مهموسه گویند جهت آنکه
در ادای ایشان آواز نرمی بیرون میاید و سستی در نفس پیدا میشود و همس و جهر ضد یکدیگرند و شدت
عبارتست از قوت آواز و امتناع آن در جریان و حروف وی هشت است مجتمع در این قول اجدت کقطب و این حروف را
شدید و مشدد گویند زیرا که در مخرج خود سخت شوند چنانکه در گفتن از غایت قوت آواز کشیده نمیشود
تا بحدی که اگر ساکن باشند در مخرج مشدد میشوند مثل اج و رخاوه سستی است و جریان آواز در حروف و باسانی شود
و حروف وی پانزده است بر قول اول و شانزده بقول دوم مجتمع در این قول سه حرف وای اختلاف حس شخص
هز قظ غض تذ و این حروف را رخوه و رخاوه گویند زیرا که در تلفظ ایشان آواز بسستی بیرون آید و توان کشیدن و
نفس تنگی نکند و میان شدت و رخاوه نه چنان قوی که شدیده شود نه این چنین که رخوه گویند و این پنج حرفست مجتمع
در این قول لن عمر و اطباق پوشیدنست و حروف وی چهار است مجتمع در این قول صض طظ و این حروف را مطبقه
و منطبقه نیز نامند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان زبان چون طبقی شود و کام بالا که برابر اوست میپوشد و انفتاح
کشاده شدنست ضد اطباق و حروف وی غیر حروف اطباق است و این حروف بیست و چهار است بقول اول و این
حروف را منفتحه گویند زیرا که در تلفظ با ایشان زبان از کام کشاده میشود و کام بالا را نمیپوشاند و استعلا طلب بلندی
کردنست و حروف وی هفت است مجتمع در این قول قظ خص ضغط و این حروف را مستعلیه گویند از جهت آنکه در تلفظ
با ایشان زبان میل بالا میکند و استفال میل بپائین کردنست ضد استعلا و حروف وی غیر حروف استعلاست
و آن بیست و یک حرفست بقول اول و این حروف را مستفله گویند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان زبان میل بپائین میکند
و مد کشیدنست و حروف وی سه است واو ساکن ما قبل مضموم و یای ساکن ما قبل مکسور و الف مطلقا و ایشان را حروف
مد گویند زیرا که در تلفظ با ایشان کشیدن صوت لازم بود و لین نرمی است و حروف وی دو است واو و یای که ساکن
باشند و ما قبل مفتوح و این هر دو حرف را حروف لین گویند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان آواز نرمی حاصل شود و اعلال
تغییر دادنست و تصرف کردن تا آنکه بدرجه صحت رسد و حروف وی مجتمعند در ترکیب اوی و این حروف را حروف
علت گویند زیرا که در ایشان تصرف بسیار کرده تا بدرجه مقصود برسند مثل حذف و قلب و تسهیل چنانکه
بیمار را معالجه گوناگون باید کردن تا صحت یابد و صفیر هست کردنست یعنی موجی است و آن عبارتست از صوتی بود
که از میان دندان شنوده شود و آن سه حرفست ای سین زا صاد و این حروف را صفیر از جهت آن گویند که از تلفظ
با ایشان آوازی بیرون میاید از میان دندان و سر زبان و تفشی از هم پاشیدن و پهن شدنست و حروف وی شین است
و بس و بعضی بر آنند که حروف تفشی چهار اند مجتمع در قول مشرف و شین را حروف تفشی خوانند از جهت آنکه در
مخرج پراکنده و پهن میشود تا غایتی که بمخرج طا میرسد از جهت آنکه در تلفظ با آن در میان کام و زبان بادی پراکنده
میشود و انحراف میل کردنست و را و لام حرف او است و ایشان را منحرف گویند از جهت آنکه در تلفظ با ایشان با
بجانب درون کام میل میکند یا آنکه از مخرج خود میل بکناره زبان میکند و بصریان بر آنند که لام منحرفست و بس
و تکریر دو بار گفتنست و حرف وی را است و بس و آن را باین صفت خوانند از بهر آنکه در تلفظ دو بار گفته شود و
استطالت طلب درازی کردنست و کشیدن و حرف وی ضاد است و بس موصوفست باین صفت زیرا که بزودی
را هم کسر نشود و تلفظ بآن نتوان کرد الا بعد از مشقت بسیار و دیگر آنکه در مخرج دراز میشود تا غایتی که بمخرج
لام میرسد یا آنکه در گفتن درازی دارد و قلقله جنبانیدنست و حروف وی پنج است مجتمع در این ترکیب
قطب جد و این حروف را حروف قلقله از جهت آن گویند که در حال سکون در مخرج بجنبند والا ظاهر نگردد
و غنه آوازیست که از خیشوم بیرون آید و میم و نون ساکن را حروف غنه گویند چنانچه معلوم شد بحث دوم
در صفات لازمی غیر مشهوره مثل ضغط که فشردن است و حروف قلقله را مضغوطه خوانند زیرا که در
حالت وقف بر ایشان فشردن لازم بود چنانکه آوازی حاصل شود و غیر حروف مضغوطه را ساکنه گویند و

ذلق کاره چیز است و حروف وی شش است ر ل ب ف م و ایشانرا مزلقه گویند که سه حرف اول از کنارهٔ زبان است وسه حرف آخر از کنار لب چنانکه معلوم شد ضد مزلقه را مصمته گویند خفا پوشیدنست و حروف وی چهار است ه و ای ایشانرا خفیه از آن سبب گویند که از غایت سبکی و هم آن میشود که در وقت تلفظ پوشیده کردند و از این جهت هارا بصله خوانند حروف مد را بزیادتی مد خوانند نزد همزه و سکون و نفث بیرون کردن است ثارا منفوثه خوانند زیراکه در گفتن آن بادی از مخرج آن بیرون میاید و بحه فشردنست و حاء مهمله را مبحوحه میخوانند زیرا که در اداکردن فشردگی در حلق پیدا میشود که اگر فشردگی را برداربد ها میشود و حرز گرفتگی است خاء معجمه را محروزه میخوانند زیراکه در تلفظ آن مسموع میشود آوازی مثل آواز کسی که حلقش گرفته باشد و نفخ دمیدنست و فارا منفوخه گویند زیراکه در وقت تلفظ بادی بیرون میشود و نبر تیز نیست و همزه را منبوره گویند بنابر حالتی که دارد و از این جهت جماعتی او را تسهیل میکنند و بعضی بر آنند که نبر بلند نیست و همزه بلند تر برحروف است در اداکردن قوتی تمام باید کردن بدین جهت تخفیف تسهیل میکنند و هوی بمعنی صعود است یعنی بر آمدن بالا و الف را هاوی نامند بجهت آنکه از تلفظ با آواز بالا بر میاید بحرکت عضوی **بحث سیم** در صفات عارضی مثل حرکات یعنی فتحه و ضمه و کسره و اشباع و وقف و روم و اشمام و اسکان و تحقیق و ترقیق و اختلاء و اثبات مد و قصر و توسط و تحقیق و تسهیل و ابدال و حذف و ادغام و اظهار و اخفا و قلب **فصل سیم** در آنکه هر از حروف هجا چند صفت دارد از صفات لازمی مذکوره بدانکه همزه را هشت صفت است جهر شدت انفتاح استفال اعتلال ضمت سکون نبر با را هفت صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط ذلق تا را شش صفت است همس شدت انفتاح استفال ضمت سکون ثا را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال ضمت سکون نفث جیم را نیز هفت صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط ضمت حا را نیز هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال ضمت سکون بحه خا را نیز هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استعلا سکون ضمت حرز دال را نیز هفت صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط ضمت ذال را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال سکون ضمت را را هشت صفت است جهر بین الشدة والرخاوه انفتاح استفال انحراف تکریر ذلق سکون زا را هفت صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال صفیر ضمت سکون سین را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال صفیر سکون ضمت شین را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال تفشی سکون ضمت صاد را هفت صفت است همس رخاوه اطباق استعلا صفیر سکون ضمت ضاد را هفت صفت است جهر اطباق رخاوه استعلا استطاله سکون ضمت طا را هفت صفت است جهر اطباق شدت استعلا قلقله ضغط ضمت ظا را هفت صفت است جهر اطباق شدت استعلا سکون ضمت قلقله ضغط ضمت ظا را شش صفت است جهر رخاوه اطباق استعلا سکون ضمت عین را شش صفت است جهر بین الشدة والرخاوه انفتاح استفال سکون ضمت غین را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استعلا سکون ضمت فا را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال نفخ سکون ذلق قاف را هفت صفت است جهر شدت انفتاح استعلا قلقله ضمت ضغط کاف را هشت صفت است همس شدت انفتاح استفال سکون ضمت لام را هفت صفت است جهر بین الشدة والرخاوه انفتاح استفال انحراف سکون ذلق میم را نیز هفت صفت است جهر بین الشدة والرخاوه انفتاح استفال غنه سکون ذلق نون را نیز هفت صفت است بعینه و او را ده صفت است جهر بین الشدة والرخاوه انفتاح استفال مد لین اعتلال سکون ضمت خفا ها را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال سکون ضمت خفا یا را ده صفت است جهر رخاوه انفتاح ضمت استفال خفا مد لین اعتلال ساکنه **باب دویم** در بیان مد و قصر بدانکه مد در لغت کشیدنست و قصر ضد آن در اصطلاح کشیدن حروف مد و لین است زیاده تر از کشیدنی که طبعی ایشان است بنابر سببی و آنرا مد فرعی و عارضی خوانند و قصر ترک آن زیادتیست که عبارت از مد طبیعی و ذاتیست و آن بقدر یک الف باشد و این باب مشتمل است بر دو فصل **فصل اول** در بیان مذهب

که در حرف مدّ واقعست یا آنکه حرف مدّ سه است الف و واو ساکن ماقبل مضموم و یای ساکن ماقبل مکسور چنانکه گذشت
و سبب مدّ همزه است یا سکون که بعد از حرف مدّ واقع شود و هر یک بر دو قسمست زیرا که حروف مدّ و همزه یا هر دو در یک کلمه اند
یا آنکه حرف مدّ در آخر کلمهٔ اوّلست و همزه در اوّل کلمهٔ دوّم و نیز سکون یا لازمیست یعنی ثابت در حالت وقف و وصل یا
عارضیست که بسبب وقف یا ادغام عارض وی شده است امّا قسم اوّل که همزه و مدّ در یک کلمه باشند دو نوع است زیرا که همزه
قبل از حرف مدّ واقع شده است یا بعد از آن نوع اوّل را همه کس بقصر خوانده است مگر از رواة ورش که بمدّ خوانده بر
مثال آمن و ایمان و اوتوا و نوع دوّم را همه کس بمدّ خوانده امّا بتفاوت و آنرا مدّ متّصل و مدّ واجب نامند مثل جاء و جیئ
و سوء امّا قسم دوّم که حرف مدّ در آخر کلمهٔ اوّل باشد همزه در اوّل کلمهٔ دوّم مثل بما انزل و قالوا امنا و فی انفسهم
و این قسم را مدّ منفصل و جایز خوانند بعضی قرّاء بمدّ خوانند و بعضی بقصر امّا سیّم که سبب مدّ سکون لازمیست مدغم
یا غیر مدغم مثل صاخّة و تحاجّونی و ق و القرآن و هم چنین حرفی که در اوّل سور واقع شده و در تلفّظ سه حرف آمده شود
و ماقبل حرف آخر حرف مدّ باشد و این قسم را مدّ لازم خوانند و جمیع بمدّ خوانند بی تفاوت و امّا نزد بعضی در سکون مدغم
زیادتر باید کشید امّا قسم چهارم که سبب مدّ سکونست بسبب وقف یا ادغام عارض مثل الباب و یومنون و نستعین
و قال لکم و یقول ربّنا و فیه هدیً بقراءت بعضی مثل سوسی و این قسم را مدّ عارضی نامند و درین وجه سه قسم جایز یا
طول و توسّط و قصر پس اگر حرف ساکن در اوّل مفتوح بوده باشد مثل یؤمنون درآن سه وجه بیشتر جایز نباشد و
اگر مکسور بوده باشد مثل یوم الدّین چهار وجه جایز باشد سه مذکور و چهارم روم با قصر و در روم جایز نباشد
الّا قصر زیرا که وقف بروم در حکم وصل است و اگر حرف ساکن در اوّل مضموم باشد مثل نستعین درآن هفت وجه جا
باشد سه وجه سکون و یک وجه روم و سه وجه اشمام در حکم سکونست چنانکه در حکم اعراب است فصل دوّم
در بیان مدّی که در حرف لین میباشد آن واو ساکن است یا یای ساکن که ماقبل ایشان مفتوح بوده باشد و سبب همزه
یا سکون چنانکه معلوم شد و همزه یا در میان کلمه است یا در آخر کلمه پس اگر همزه در میان کلمه باشد مثل سوأة و
کهیئة و استیاس و لا تیاسوا همه را بقصر خوانند مگر از رواة ورش که او بمدّ خوانده بطول و توسّط الّا در
سوءة که قصر نیز خوانده و امّا در موئلا در کهف و الموءودة در تکویر نخوانده الّا بقصر مثل دیگران و اگر همزه در آخر کلمه
باشد مثل سوء و شیءٍ از رواة ورش دو وجه یا شد طول و توسّط وقفا و وصلا و غیر از ورش سه وجه است طول
و توسّط و قصر در حالت وقف بسکون یا باشمام امّا در حالت وصل یا وقف بروم جایز نباشد الّا قصر و اگر سبب مدّ
سکون باشد عارضی یعنی سکون وقفی مثل خوف و بین همه کس سه وجه جایز باشد طول و توسّط و قصر و اگر سبب
مدّ سکون لازمی باشد مدغم مثل هاتین در قصص و الّذین در فصّلت بقراءت ابن کثیر یا غیر مدغم مثل عین در
کهیعص و حمعسق دو وجه جایز باشد طول و توسّط نزد جمیع قرّاء و قصر نیز جایز باشد نزد بعضی باب سیّم
در بیان ادغام و اخفا و اظهار حروف و مشتمل است بر یک اصل و سه فصل اصل در بیان معانی ایشان بدانکه
ادغام در لغت فرو بردنست و در اصطلاح حرف اوّل را از جنس حرف دوّم ساختن اگر نباشد و ساکن کردانیدن اگر
نبوده باشد پس تلفّظ کردن باین دو حرف بر وجهیکه یکنوبت گفته شود مشدّد و غرض از ادغام تخفیفست زیرا که زبان
چون نطق و حرف نماید باز مراجعت بان محلّ باید کردن در مثلین و متجانسین یا نزدیک بان محلّ در متقاربین تا نوبت
دیگر نطق نماید و هم چنین کسیکه یک سخن را یکنوبت بگوید باز اعاده کند و این ثقیل مینماید پس از این جهت ادغام
میکنند تا زبان بیش از یکنوبت مرتفع نشود از جهت نطق و حرف و اظهار ضدّ ادغامست و اخفا میان
ادغام و اظهار است یعنی پنهان نه بجلی بلکه از جنس اند یکرشود و مشدّد کردد فصل اوّل در بیان
ادغام و اظهار حروف متماثلین و متجانسین بدانکه چون دو حرف متماثل یعنی متّحد در مخرج و متغایر در صفات
یا متجانس یعنی متّحد در مخرج و متغایر در صفات متّصل شوند باهم خواه در یک کلمه و خواه در دو کلمه و حرف
اوّل ساکن باشد و حرف مدّ نباشد ادغام حرف اوّل در حرف دوّم واجب باشد نزد جمیع قرّاء مثل یوجّهه و
اللیل و حصدتم و ما لم تستطع علیه و قد دخل و قد تبیّن و قلما اثقلت دعوا الله ربّهما و اذ ظلمتم امّا در
مثل احطت و فرّطت و بسطت ادغام تام نباشد بلکه اطباق و جهر که از صفات طا اند باید کذاشت بحال خود

یعنی زبان ابکام بالا منطبق باید کردانید پس تا از تلفظ باید کردن واقاد در حرف مد مثل قالوا واتبلوا وفی یوسف
ادغام مطلقا جایز نباشد زیرا که مد بمنزلهٔ حرکتست واما اگر حرف در متماثلین یا متجانسین مثل ید رککم
ورزقکم وقال لهم وقال ربکم غیر سوسی وابی عمرو ویعقوب بخلاف غنه ادغام خوانده وباقی قراء باظهار
لاجرم ـ راداء آن ملاحظهٔ تمام باید کرد تا از یکدیگر ممتاز شوند تخصیص در حرف حلق وشفه وحروف علة
مثل لا ابرح حتی ومن یبتغ غیر وقع علیهم وزحزح عن النار ونعلم ما یسرون واعلم بمن فیها وقذف فی
قلوبهم وهو وجنوده ومن خزی یومئذ **فصل دویم** در بیان احکام نون ساکن وتنوین بدانکه نون ساکن
در وصل ووقف ودر لفظ وخط ثابتست ودر غیر آخر کلمه یافت نشود چنانکه معلوم شد وایشانرا نزد
حروف تهجی چهار حکمست اظهار وادغام واخفا وقلب اما اظهار وقتی است که بعد از ایشان یکی از شش
حروف حلق که همزه وها وعین وحا وغین وخا واقع شود خواه در یک کلمه باشد خواه در دو کلمه وازبرای هر حرفی سه
مثال نموده میشود مثال همزه ینأون من آمن عذاب الیم مثال ها ینهون ان هدی قوم هاد مثال عین انعمت
من عمل حکیم علیم مثال حا وانحر من حکیم حمید مثال غین فسینغضون وان یکن غنیا اجر غیر ممنون مثال خا
المنخنقة من خشیة مقیم خالدین مگر ابوجعفر که در غین وخا اخفا میکند الا در ان یکن غنیا در سورهٔ نسا
فسینغضون در بنی اسرائیل والمنخنقة در مائده که او نیز در اینکلمات اظهار میکند اما ادغام وقتی
که ایشان در آخر کلمه باشند وبعد از ایشان یکی از حروف یرملون واقع شود اما در را ولام ادغام بلا غنه است
ودر باقی مع الغنه مگر خلف از حمزه که در واو ویاء نیز غنه نمیکند وبعضی نقل کرده اند که از ابوجعفر در راء
ولام سه وجه ادغام بلا غنه ومع الغنه واظهار وازبرای هر یک از حروف سته دو مثال نموده میشود یاء من
یقول یومئذ یصدعون راء من ربکم غفورا رحیما میم من مال الله مثلا ما بعوضة لام من لدنه هدی للمتقین واو
من وال ورعد وبرق نون من ناصرین حطة نغفر لکم بدانکه اگر نون وواو ونون ویاء در کلمهٔ واحده واقع شوند مثل
صنوان وقنوان والدنیا وبنیانه البته اظهار باید کرد تا مشتبه بمضاعف نشود مثل صوان وبیان اما قلب
یعنی بدل کردن حرفی بحرفی دیگر وان وقتی است که بعد از ایشان با واقع شود در یک کلمه باشد ودر دو کلمه که قلب بمیم باید کردن
پس اخفا مع الغنه مثل انباهم ومن باس الله وصم بکم واما اخفا وقتی است که یکی از پانزده حرف باقی بعد از ایشان
واقع شود واخفا باشد الا مع الغنه وازبرای هر یک سه مثال نموده میشود تا تم من تاب جنات تجری تحت
علی الجنت لعظیم من ثمره صباح نجی من جاء عنا قابراء دانداذا من ذا فی کاسا دهاقا ذ انذرهم من دابة
حکیم ذلک زمهریرا من زکیها مبارکة زیتونة سر منسا انه من سبا خالصا سائغا شر انشانا من شجرة صبت
شکور ص ینصر من صلصال یجاصر عزاذ منضود مرضا مسفرة ضاحکة المقنطرة من طین صعیدا
طیبا ظ ان ظناه ان ظن ظلا ظلیلا فانفسهم من فضله خالدا فیها ان ینقلب من قرار سمیع قریب لینکم من
کتاب کریم **فصل سیم** در بیان احکام بدانکه میم ساکن را نزد حروف تهجی سه حکم است اول ادغام با غنه
نزد میم خواه در یک کلمه باشد خواه در دو کلمه مثل ادغام نون ساکن در میم مگر آنکه غنه در میم بیشتر است در جمیع
مشدده این حکم جاریست مانند یعمرون وهم وصم واما چنانکه در میمات معلوم شد در ادغام مثلین دویم
اخفا با غنه نزد باء مثل ومن یعتصم بالله وان ربهم بهم واظهار نیز جاریست اما مختار وجه اولست نزد ابی
عمرو والی وصاحب شاطبی سیم اظهار نزد باقی حروف خواه در یک کلمه باشد خواه در دو کلمه مثل الحمد لله انعمت ولهم
عذاب معکم انما تخصیص نزد فا وواو که اظهار بیشتر باشد باید کرد چون یمدهم فی طغیانهم وعلیهم
ولا الضالین اما ملاحظهٔ تمام باید کردن تا متحرک نشود **باب چهارم** در تفخیم وترقیق واین مشتملست
بر یک اصل وسه فصل **اصل** در تعریف ایشان بدانکه ترقیق عبارتست از ضعیف کردانیدن حرف وتفخیم
فربه کردانیدن حرفست یعنی آنکه روی زبان را بطرف کام بالا حرکت دهند در تلفظ براء یا لام چنانکه آواز
بسبب او غلیظ شود لاجرم بنابر این گفته اند که تفخیم وتغلیظ هر دو بیک معنی اند مگر اینکه تفخیم را بیشتر در
راء استعمال میکنند وتغلیظ را در لام واصل در راء تفخیم است وترقیقش یا بسبب کسره است یا یاء ساکن بدلیل

اند چون کسره زایل شود بسبب وقف بسکون ترقیق نیز زایل میشود مثل اصحاب النار که در وقف بسکون تفخیم بایدکردن و اصل در لام ترقیق است و تفخیم بنابر اسنست در الله ما قبل مفتوح یا مضموم واقع شود نزد جمیع قراء یا انکه لام مفتوح بعد از صاد یا طاء یا ظاء ساکنه یا مفتوحه واقع شود از روایت ازرق از ورش تفخیم آن لام کند چنانکه مذکور خواهد شد **فصل اول در بیان تفخیم و ترقیق راست** بدانکه هر رائی که هست یا متحرک است یا ساکن و متحرک یا مفتوح است یا مضموم است یا مکسور و ساکن ما قبل آن یا مفتوح است یا مضموم است یا مکسور است یا ساکن پس اگر راء مکسور باشد یا ساکن ما قبل مکسور بکسره لازمی یا یای ساکنی که ما قبل آن یاء ساکن باشد در این سه حال ترقیق باید کرد مثل کریم و فرعون و خبیر در حالت وقف بسکون مگر انکه راء ساکن ما قبل مکسور که بعد از او حروف استعلا واقع شده باشد مثل قرطاس و مرصاد و فرق که تفخیم باید کردن بجهت حرف استعلا و در فرق نیز ترقیق جایز است بجهت انکه میان دو کسره واقع است و اگر راء ساکن ما قبل مکسور بکسره عارضی باشد تفخیم باید کرد مثل ارجعوا و رب ارجعون و اگر راء مفتوح یا مضموم یا ساکن ما قبل مفتوح یا مضموم مثل ربنا و رب و یرجعون تفخیم باید کردن برای جمیع قراء مگر از ازرق از ورش که ترقیق باید کردن وقتیکه ما قبل آن مکسور باشد بکسره لازمی و بعد از راء حرف استعلا نباشد و در لفظ اعجمی نیز نباشد مثل اخره و بره اعم از انکه در میان کسره و راء حرف ساکن باشد یا نباشد مگر انکه حرف ساکن استعلا باشد غیر خا مثل فطرا و فطرت الله و مصرا که در این صورت او نیز تفخیم کند اما اگر کسره لازمی نباشد مثل برسولهم و لرقیلک یا انکه راء قبل از حرف استعلا باشد مثل فراق و الاشراق و الصراط و اعراضهم یا انکه راء مکرر باشد مثل ضرارا و فرارا و مدرارا یا انکه در لفظ اعجمی باشد مثل ابرهیم و اسرآءیل و ارم علی الاصح ازرق تفخیم کند و نیز ازرق از ورش ترقیق کند در راء مذکور در وقتیکه ما قبل آن یاء ساکن باشد مثل الخیرات و قدیرا و نصیرا مگر لفظ حیران در سوره انعام که در آن تفخیم و ترقیق هر دو جایز باشد و در لفظ عشیرتکم در سوره توبه که در آن نیز هر دو وجه جایز باشد بقول شیخ جزری بدانکه راویان ازرق در راء منون مفتوح که ما قبل آن مکسور باشد یا یای ساکن بهر دو نوع که باشد مثل شاکرا و بصیرا و مهاجرا و نفیرا و بصیرا و خبیرا در تفخیم و ترقیق اختلاف کرده اند بعضی مطلقا ترقیق کرده اند مثل ابی الحسن غلبون و بعضی مطلقا تفخیم کرده اند مثل ابی طاهر بن غلبون یا جمهور مثل ابی عمرو و دانی و صاحب شاطبی تخصیص کرده تفخیم را بانکه فاصله باشد میان راء و کسره بحرف صحیح ساکن و این بیشتر کلمه است ذکرا و وزرا و حجرا و امرا و صهرا بدانکه چون وقف کنند بسکون یا با شمام بر رائیکه در اخر کلمه باشد اگر ما قبل آن مکسور باشد مثل الشاعر و بعض یا ساکن که بعد از مکسور باشد مثل السحر و بکر یا یای ساکن باشد مثل قدیر و خبیر یا الف امالة مثل النار و الابرار ترقیق باید کردن اگر چه در وصل مضموم یا مفتوح بوده باشد و اگر ما قبل آن یکی از اینها که ذکر شد نباشد تفخیم باید کردن اگر در وصل مکسور باشد و وقف بروم حکم وصل دارد نظر کنند اگر در وصل ترقیق میکرده اند در حالت روم نیز ترقیق کنند **فصل دوم در بیان ترقیق و تغلیظ لام** بدانکه اصل در لام ترقیق است و تغلیظ بنا بر سببی مثل مجاور حروف استعلا و لکن باید دانستن که مصریان تغلیظ لام نقل کرده اند از ورش و قتیکه ما قبل لام یا ما بعد آن یا هر دو جانبش حرف استعلا باشد مثل و ینطف و صلوة و خلطوا اما جمهور مثل اسعر و دانی و صاحب شاطبی مشدد یا غیر مشدد ما قبل آن صاد یا طاء یا ظاء مفتوحه یا ساکنه باشد مثل صاد مفتوحه الصلوة و صلوة و یصلوه و ساکنه تصلی و یصلیها و اصلوها مثل طاء مفتوحه الطلاق و انطلق و بطل و ساکنه مطلع الفجر مثال ظاء مفتوحه ظلموا و ظلمناهم و ظل و ساکنه و من اظلم و اذا اظلم و یظلمون و لکن در مثل فصل و یطل و ظل که لام در طرف است در وقف دو وجه جایز است اما تغلیظ اولیست و در صلصالا تغلیظ روایت کرده اند و لکن ترقیق اصح است چنانکه در شاطبیه مذکور است و همچنین که در میان لام مفتوحه و ... الف واقع شود ترقیق و تغلیظ هر دو جایز باشد در حالتین و لکن تغلیظ اشهر است مثال فصالا در بقره و ان یصلحا در نساء و افطال در طه و طال در انبیاء و فطال در حدید هم چنین در لام یصلی در ... و یصلی در ... اسم و اذا صلی در علق لا غیر که در اخر ابا اند در حالتین و در مصلی در بقره در حالت

وقف ودر یصلیها در اشر وَوَالَّیْلِ وَیَصْلٰی در انشقاق وتَصْلٰی در غاشیه وسَیَصْلٰی در لهب رحالین دو وجه جایز داشته اند ولیکن در ان سه کلمه که در اخر اید ترقیق اولیست ودر این شش کلمهٔ دیگر تغلیظ ودر مُصَلًّی قید وقف کرده شد زیراکه در وقف تغلیظ فقط باشد ومیباید است که در ذوات ان تغلیظ لام یا فتح ان باشد ترقیق با اماله بین بین **مسئلهٔ** بدانکه جمیع ائمه قرّاء اتفاق کرده اند بر تغلیظ لام الله وقتیکه ماقبل ان مفتوح باشد یا مضموم مثل قال الله ورسول الله واگر ماقبلش مکسور باشد باتفاق ترقیق کنند مثل الحمدُ لِلّٰهِ وبسم الله **فصل سیم** در بیان تفخیم وترقیق الفات است بدانکه اصل در الف ترقیق است وتفخیم انرا عارض میشود بنابرانکه بعد از حروف استعلا واقع شود وبتبعیت حرف استعلا انرا تفخیم کنند ومراد از تفخیم اینجا تام گفتن است باشباع فتحهٔ ماقبل مثل قال وظاهر وخالصةً وصالحًا وضامرًا والغارمین وطال اما اگر ماقبلش حرفی از حروف مستفله باشد البته ترقیق باید کردن مثل امن وساء وجاءك وباؤ وغیر ذلك ومراد از ترقیق در اینجا عدم اشباع فتحهٔ ماقبل اوست یعنی قریب باماله بین بین چنانچه از عربان شنوده میشود وحق انستکه تفخیم وترقیق هرد والف را عارض شوند تفخیم به تبعیت حرف استعلا وترقیق به تبعیت حرف استفال وفی ذاته از هردو مبرّا است **باب پنجم** در بیان هاى کنایه است واحکام وی بدانکه هاى کنایه هاى ضمیر است کنایه از واحد مذکر یا مضموم یا مکسور مع الاشباع مثل به وبلا اشباع مثل عَلَیْهِ ومراد از اشباع سیر گردانیدن حرکتست چنانکه در ضمه واو گفته شود ودر کسره یاء واشباع تعبیر بصله نیز کنند وعدم اشباع را باختلاس یعنی استعجال کردن بر حرکت بحیثیتی که چیزی از او کم شود اما در اینجا ضدّ اشباع است یا مضموم مع الاشباع وفتی است که ماقبل او مفتوح باشد یا مضموم وما بعدش متحرك باشد مثل مالَهُ وَوَلَدُهُ وانه حکیم ومکسور مع الاشباع وفتی که ماقبل او مکسور باشد وما بعد او متحرك مثل علی سَمْعِهِ وَبَصَرِهِ ومضموم بلا اشباع بر دو قسم است متفق علیه ومختلف فیه متفق علیه انستکه بعد از هاى ضمیر حرف ساکن واقع شود خواه ماقبلش متحرك باشد یا ساکن مثل به الله ویعلمه الله ومختلف فیه انستکه ماقبل هاى ضمیر ساکن باشد وما بعد ان متحرك مثل فسبّحه وادبار السجود واتیناه حکمًا وخذوه فغلّوه زیراکه جمیع قرّاء بضمه مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بضمه مشبعه خوانده یعنی بواو ومکسور بلا اشباع نیز بر دو قسم است متفق علیه ومختلف فیه متفق علیه انستکه بعد از هاى کنایه ساکن واقع شود وماقبلش هرچه باشد مثل به الذین وعلیه الله ومختلف فیه انستکه ماقبل ان یای ساکن باشد وما بعد ان متحرك مثل فیه هدی که جمیع قرّاء بکسرهٔ مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بکسرهٔ مشبعه خواند یعنی بیاء اما در فیه مهانا در فرقان حفص نیز بصله خواند یعنی بیاء بدانکه بعضی احکام مذکور در بعضی الفاظ مخصوصه جاری نخواهد بود مثل یؤدّه وارجه ویرضه چنانکه در کتب قرّاءت مذکور است **باب ششم** در بیان وقف وان باب مشتمل است بر سه فصل **فصل اوّل** در بیان وقف بر اواخر کلمات بدانکه وقف در لغت بند کردنست وبریدن ودر اصطلاح بریدن کلمه است از ما بعد وی بانکه ساکن کرده شد یا روم کنند یا اشمام وروم در لغت جستن است ودر اصطلاح ضعیف گردانیدن اعرابست بر وجهیکه شنونده که نزدیك باشد بشنود واشمام در لغت بو یانیدنست ودر اصطلاح بهم اوردن دو لب بعد از اسکان حرف چنانکه بیننده دریابد واشمام بسمع دریافته نشود چنانکه روم ببصر ولیکن اصل در وقف سکون است زیراکه اخف است وصریح معنی اصل ودر حرکات ثلث جاریست وروم جایز نباشد مگر در ضم ورفع وکسر وجرّ مثل الحمدُ لِلّٰهِ ومن قبل ومالك وهؤلاء ودر فتح ونصب جایز نباشد اصلا مگر نزد نحویان که جایز است وبعضی جهله قرّاء در فتح ونصب مشدّد جایز داشته اند ولیکن خطا کرده اند واشمام جایز نباشد مگر در ضم ورفع وفایدهٔ وقف بروم واشمام انستکه سامع از روم وناظر از اشمام معلوم کنند که حرکت کلمهٔ که وقف بر ان کلمه کرده شده است چه بوده است وباید دانست که روم واشمام جایز نیست در سه چیز باتفاق اوّل در تاء تانیث زیراکه وقف ان بها است واعرابش عارض اما هر جائیکه بتاء دراز نویسند وکسی وقف برسم کند یعنی بتاء روم واشمام نزد انکس جایز خواهد بود دوم در حرکت عارضی مثل قل ادعوا

وقم الّیل وقل اوحی وانحر ان شانئك زیرا که در اصل ساکنند و بسبب التقاء ساکنین در دوی اول و بسبب نقل در دوی اخر حرکت عارض شود سیم میم جمع مثل انهم و بهم زیرا که اصل در میم جمع سکونست وضمه عارض او میشود حین صله بواو بقراءت بعضی در وصل اگرچنانچه بعد از وی ساکن بیاید کو ساکن بیاید باتفاق متحرك خواهد شد بحرکت عارض بجهت رفع التقاء ساکنین اما در هاء ضمیر مثل انه و به و اتیناه و علیه خلاف کرده اند مثل ابی عمرو و دانی که در هاء ضمیر روم و اشمام نزد او مطلقا جایز است و بعضی گفته اند که مطلقا جایز نیست و بعضی تفصیل کرده اند بانکه در هاء مضموم که ما قبلش مضموم باشد یا واو ساکن مثل یعلمه و اتوه و نصروه و در هاء مکسوره که ما قبلش مکسور باشد یا یای ساکن مثل به و علیه و فیه روم و اشمام هردو جایز نباشد و در غیر اینها جایز باشد و بعضی مثل سبط خیاط تفصیل کرده اند بانکه اگر ما قبل هاء ضمیر ساکن است روم و اشمام جایز است مثل منه عنه و الیه و اگر متحرکست جایز نیست مثل انه و به و صاحب شاطبی قول اول و سیم اورده **فصل دویم** در بیان وقف بر رسم خط بدانکه چون قاری خواهد که وقف کند بر کلمه از کلمات قران جهت استراحت نفس یا اختیار و اطلاع بر قواعد خط قرانی اگر چه بران کلمه وقف نباشد باید که بر رسم مصحف وقف کند مگر بمذهب جماعتی مثل ابن کثیر و ابیعمرو و کسائی و یعقوب که وقف ایشان بر رسم نیست پس لاجرم باید دانستن رسم مصحف را از تاء تانیث و مقطوع و موصول و این فصل مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تاء تانیث بدانکه اسمائیکه در ایشان در مصحف تاء دراز نوشته است بیست و پنج لفظ است یکی رحمت در هفت موضع یرجون رحمت الله در بقره و ان رحمت الله قریب در اعراف و رحمت الله و برکاته در هود و ذکر رحمت ربك در مریم و الی اثار رحمت الله در روم و اهم یقسمون رحمت ربك و رحمت ربك خیر هردو در زخرف **دویم** نعمت در یازده موضع نعمت الله علیکم و ما انزل در بقره نعمت الله علیکم اذ کنتم در ال عمران نعمت الله علیکم اذ هم در مائده نعمت الله کفرا و نعمت الله لاتحصوها هردو در ابرهیم و بنعمت الله هم یکفرون یعرفون نعمت الله و اشکروا نعمت الله هر سه در نحل و فی البحر بنعمت الله در لقمن و اذکروا نعمت الله علیکم در فاطر و بنعمت ربك در طور **سیم** امرات در هرجا که مضاف بشوهر شود و ان هفت موضع است امرات عمران در ال عمران و امرات العزیز تراود و امرات العزیز الان هردو در یوسف و امرات فرعون در قصص و امرات نوح و امرات لوط و امرات فرعون هر سه در تحریم **چهارم** کلمت در پنج موضع کلمت ربك صدقا در انعام و تمت کلمت ربك الحسنی در اعراف و کلمت ربك علی الذین و کلمت ربك لایؤمنون هردو در یونس و حقت کلمت در غافر و لیکن در دو تا یونس و در غافر اختلاف کرده اند **پنجم** سنت در پنج موضع سنت الاولین در انفال الا سنت الاولین و لسنت الله تبدیلا و لسنت الله تحویلا هر سه در فاطر و سنت الله التی در غافر **ششم** لعنت در دو موضع لعنت الله علی الکاذبین در ال عمران و ان لعنت الله در نور **هفتم** معصیت نیز در دو موضع معصیت الرسول و اذا جاؤك و معصیت الرسول و تناجوا هردو در قد سمع الله **هشتم** بقیت الله در یکموضع بقیت الله خیر لکم در هود **نهم** قرت نیز در این موضع قرت عین در قصص **دهم** فطرت نیز در یکموضع فطرت الله در روم **یازدهم** شجرت نیز در یکموضع شجرت الزقوم در دخان **دوازدهم** جنت نیز در یکموضع جنت نعیم در واقعه **سیزدهم** ابنت نیز در یکموضع ابنت عمران در تحریم **چهاردهم** ایات در دو موضع ایات للسائلین در یوسف ایات من ربه در عنکبوت **پانزدهم** یا ابت در هرجا که واقع شود **شانزدهم** ذات در هرجا که واقع شود **هفدهم** بینت در یکموضع فهم علی بینت منه در فاطر **هجدهم** غرفات در یکموضع و هم فی الغرفات امنون در سبا **نوزدهم** ثمرت در یکموضع من ثمرات من اکمامها در فصلت **بیستم** جمالت نیز در یکموضع جمالت صفر در والمرسلات **بیست و یکم** اللات در یکموضع افرایتم اللات و العزی در والنجم **بیست و دویم** هیهات در دو موضع هیهات هیهات لما توعدون در مؤمنون **بیست و سیم** غیابت در دو موضع و القوه فی غیابت الجب و ان یجعلوه فی غیابت الجب هردو در یوسف **بیست و چهارم** مرضات در چهار موضع نفسه ابتغاء مرضات الله و اموالهم ابتغاء مرضات هردو در بقره و من یفعل ذلك ابتغاء مرضات الله در نساء و تبتغی مرضات ازواجك در تحریم **بحث دویم** در مقطوع و موصول بدانکه هر کلمه که دو حرف یا بیشتر بود اصل انست که

منفصل بر داز کلمهٔ که بعد از انست خواه آنکلمه حرف بود یا اسم یا فعل مگر الف و لام تعریف و یای ندا و هاء
تثنیه و ضمیر منفصل و حروف مقطعات مثل الارض و یا ادم و هؤلاء و ضربنا و المر مگر چیزیکه در مصحف امام
نوشته اند که در این شش قسم موصول نویسند و هر یکرا سببی و از مقطوعات آنچه ذکر کرده اند بیست و سه
اول این ماهر جا که واقع شود مقطوعست مگر اینما تولوا فثم وجه الله در بقره و اینما یوجهه در نحل که این هر دو
باتفاق موصولند و اما در اینما تکونوا یدرککم الموت در نساء و اینما کنتم تعبدون در شعراء و اینما ثقفوا
در احزاب خلاف کرده اند لکن در نساء در بیشتر مصاحف مقطوع است **دوم** حیث ماهر جا که واقع شود مقطوع
باتفاق **سیم** لبئس ما مقطوع است در پنجموضع لبئس ما شروا در بقره و لبئس ما کانوا یعملون و لبئس ما
کانوا یصنعون و لبئس ما کانوا یفعلون و لبئس ما قدمت هر چهار در مائده **چهارم** بئسما هر جا که واقع شود
موصول است مگر در قل بئسما یامرکم در بقره که در اکثر مصاحف مقطوعست **پنجم** فبئس ما مقطوعست در
یکموضع فبئس ما یشترون در ال عمران مگر بقول ضعیف **ششم** کل ما مقطوعست در پنجموضع کل ما سألتموه
در ابرهیم و کل ما ردوا در نساء و کل ما دخلت در اعراف و کل ما جاء امة در مؤمنون و کل ما القی در ملک و لیکن
در سورهٔ ابرهیم بلا اختلاف و در باقی مع الخلاف اما مشهور در این چهار وصل است **هفتم** انما بهمزهٔ مکسوره
و نون مشدده مقطوعست در دو موضع انما توعدون لات در انعام و ان ما عند الله هو خیر لکم در نحل در بعضی
مصاحف موصول است **هشتم** ان ما بهمزه مفتوحه و نون مشدده مقطوع است در سه موضع ان ما تدعون
من دونه در حج و لقمن و ان ما غنمتم در انفال در اکثر مصاحف موصول است **نهم** ان ما بهمزه مکسوره و نون ساکنه مکتوب
است در جمیع قران بغیر نون مگر در یکموضع که ان ما نرینک در رعد بنون مکتوبست **دهم** ام من در چهار موضع
مقطوع است ام من یکون علیهم در نساء ام من اسس در توبه ام من خلقنا در و الصافات ام من یاتی امنا در
فصلت **یازدهم** فی ما در یازده موضع مقطوع است فی ما ههنا امنین در شعراء بلا خلاف و در ده باقی مع الخلاف
مگر اینکه جمهور نیز بر قطعند و ان ده این است فی ما فعلن فی انفسهن من معروف در بقره و لیبلوکم فی ما
اتیکم در مائده و فی ما اوحی و فی ما اتیکم هر دو در انعام و فیما اشتهت در انبیاء و فی ما افضتم در نور و فی ما رزقنکم
در روم و فی ما هم فیه و فی ما کانوا فیه هر دو در زمر و فی ما لا تعلمون در واقعه **دوازدهم** من ما مقطوع است
در سه موضع فمن ما ملکت در نساء و من ما ملکت در روم و من ما رزقنهم در منافقون و لکن در منافقون
خلاف است **سیزدهم** عن ما در یکموضع مقطوعست عن ما نهوا در اعراف **چهاردهم** عن من در دو موضع
مقطوع است عن من یشاء در نور و عن من تولی در و النجم **پانزدهم** ان لا بهمزهٔ مفتوحه و نون ساکنه در یازده
موضع مقطوع است حقیق علی ان لا اقول و ان لا یقولوا علی الله الا الحق هر دو در اعراف و ان لا ملجا در توبه
ان لا اله الا هو و ان لا تعبدوا الا الله انی اخاف هر دو در هود و ان لا تشرک بی شیا در حج و ان لا تعبدوا الشیطان
در یس و ان لا تعلوا علی الله در دخان و ان لا یشرکن بالله در ممتحنه و ان لا یدخلنها الیوم علیکم در نون و ان لا
اله الا انت در انبیاء و لکن در انبیا خلاف است اما در اکثر مصاحف مقطوع است **شانزدهم** ان لن در
جمیع قران بنون مکتوبست مگر در الن نجعل لکم موعدا در کهف و الن نجمع عظامه در قیمه که این هر دو بی نون
مکتوبست باتفاق **هفدهم** ان لم بهمزهٔ مکسوره در جمیع قران بنون مکتوبست مگر فالم یستجیبوا لکم در
هود که بلا نون مکتوبست باتفاق و فان لم یستجیبوا در قصص و لکن در اکثر مصاحف بنون مکتوبست **هجدهم**
ان لم بهمزهٔ مفتوحه در جمیع قران بنون مکتوبست مثل ان لم یکن ان لم یره احد **نوزدهم** لکی لا در جمیع قران مقطوع
است مگر در چهار موضع که موصولست لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم در ال عمران و لکیلا یعلم در حج و لکیلا یکون
علیک حرج در احزاب و لکیلا تاسوا در حدید لکن در ال عمران در بعضی مصاحف بقطع نوشته اند **بیستم** یوم هم
در جمیع قران موصولست مگر در دو موضع یوم هم بارزون در غافر یوم هم علی النار یفتنون در و الذاریات **بیست یکم**
ابن ام فی قوله در اعراف مقطوعست و در طه موصول یعنی بیای ندا و همزهٔ ام بصورت واو است یبنؤم **بیست و دوم**
مال بدانکه لام جاره از مجرور در چهار موضع مقطوعست فمال هؤلاء القوم در نساء و مال هذا الکتاب در کهف و مال

هذا الرسول در فرقان فمال الذین کفروا در معارج و در مائی موصول بلست و سیم و لا تحین مناص در ص در
اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی موصول یعنی تاء لات بحاء حین متصلست و فایده در دانستن مقطوع و موصول آن
استکه در مقطوع دو وقف توان کردن در آخر کلمه وقفی و در موصول یک وقف در آخر کلمه دوم بدانکه غیر آنچه مذکور شده
است همه را موصول نویسنده مثل ثم و عم و ویکان تا اگرچه کسائی وقف بر یا میکند و ابو عمرو بر کاف و الا یسجدوا در نمل اگرچه
کسائی وقف بر یا میکند و ابتدا با سجدوا زیرا که یا حرف ندا است **فصل سیم** در بیان احکام وقف بدانکه چون قاری
قادر نباشد که قصه تمام شود یا سوره را بیکنفس تواند خواند لاجرم او را اختیار وقف باید کردن زیرای تنفس و استراحت
و یقین حسن ابتداء بعد از آن تا معانی و اعجاز قرآن از خلل و نقصان محفوظ مانند و خواننده و شنونده از آن محظوظ گردند
و ائمه اقسام وقف بسیار آورده اند اما شیخ جزری آورده که وقف بر دو قسم است اختیاری و اضطراری زیرا که در حالت
وقف کلام تمام است یا ناقص اول اختیاری و دوم اضطراری اما اختیاری آنکه کلام تمام باشد خالی نیست که تعلق با مابعد
دارد از جهت لفظ و معنی یا ندارد پس اگر اصلا تعلق بما بعد ندارد آنرا تام گویند زیرا که سخن در وی تمام شده است
و این وقف در رؤس آیه میباشد مثل وقف بر مالک یوم الدین و ابتدا از ایاک نعبد و وقف بر اولئک هم المفلحون و
ابتدا از ان الذین کفروا و گاه هست که در میان آیه نیز میباشد مثل وقف بر لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی و ابتدا از
و کان الشیطان للانسان خذولا و اگر کلام تعلق بما بعد دارد از جهت معنی آنرا وقف کافی خوانند زیرا که وقف در وی بسنده
و ابتدا از مابعد وی جایز است و این وقف نیز در رؤس آیه میباشد و غیر آن مثل وقف بر مما رزقناهم ینفقون و ابتدا از والذین
یؤمنون و وقف بر من قبلک و ابتدا از و بالآخرة هم یوقنون و اگر تعلق بما بعد دارد کلام از جهت لفظ آنرا وقف حسن
گویند زیرا که در نفس الامر وقف در آن حسن و مفید است اما در آن جایز نیست ابتداء از مابعد آن مثل وقف بر الحمد لله و
ابتدا از رب العالمین مگر آنکه سر آیه باشد زیرا که اگرچه کلام ربط بما بعد دارد لیکن اهل ادا اختیار وقف کرده اند بلکه
وقف بر رؤس آیه مطلقا سنت سید المرسلین است از ام سلمه منقولست که حضرت رسالت صلعم در قراءت قطع آیه
میکرد و میگفت بسم الله الرحمن الرحیم و وقف میکرد و ابتدا از الحمد لله رب العالمین میکرد و وقف مینمود و بر این
قیاس تا آخر و اما وقف اضطراری او وقف قبیح گویند بجهت عدم فائده و این وقف جایز نباشد مگر بضرورت قطع نفس
یا اختیار مثل وقف بر الحمد لله و وقف بر یوم در یوم هم علی النار در والذاریات و یوم هم بارزون در غافر و وقف
بر عن در عن ما هو اد راعراف اما آنچه شیخ عبد الله سجاوندی در باب وقف آورده و رموز وضع کرده شش است
م ط ج ز ص لا اما میم علامت وقف لازم است یعنی اگر وقف بر وی نکند و بوصل خواند وهم آنستکه در معنی تغییر
واقع شود چون وصل انهم اصحاب النار الذین یحملون العرش و اما ط علامت وقف مطلق است و وقف بر وی و
ابتدا از مابعد وی مطلقا خوبست نزد جمیع ائمه مثل وقف بر کلمه یوقنون و ابتدا از اولئک و اما ج علامت وقف
جایز است مثل وقف و هم و وصل بر وی روا بود و ابتدا از مابعد وی جایز و لیکن وقف بهتر است مثل وقف
لا ریب فیه و ابتدا از هدی للمتقین و اما ز علامت وقف مجوز است یعنی اصل در وی وصل است و لیکن وقف
بر وی جایز است و ابتدا از مابعد وی مثل وقف اشتروا الحیوة الدنیا بالآخرة و ابتدا از فلا یخفف و اما ص علامت
وقف مرخص است یعنی در وقف رخصتی هست بضرورت طول کلام مثل وقف بر من کل دابة که در ان فی
خلق السموات والارض واقع است و اما لا علامت لیستکه وقف بر وی جایز نیست چون وقف میان مبتدا و خبر
مثل وقف بر اووا و نصروا و ابتدا از اولئک و وقف در میان مستثنی و مستثنی منه مثل وقف بر فسجد
الملئکة کلهم اجمعون و ابتدا از کلمه الا ابلیس و علی هذا القیاس مگر در رؤس آیه چنانکه گذشت و اما متاخرین
بر این رموز مذکوره هشت رمز دیگر زیاد کرده اند و در مصاحف نوشته اند و انها این است قف قفه
س ق قلا صل صلی ک اما قف حکم ط دارد و اما قفه و س هر دو علامت سکته اند بروی اندک توقف باید کرد
با قطع اعراب بی قطع نفس و اما ق علامت قیل است یعنی وقف جایز است بقول ضعیف و اما قلا عبارتست از قیل
لا یعنی وقف جایز نیست بقول ضعیف و اما صل ضد وقف است یعنی وقف جایز نیست و اما صلی علامت الوصل
اولیست و اما ک یعنی کذلک است یعنی هر حکم که رمز ما قبل داشت این نیز چنانست بدانکه ائمه شش رمز دیگر

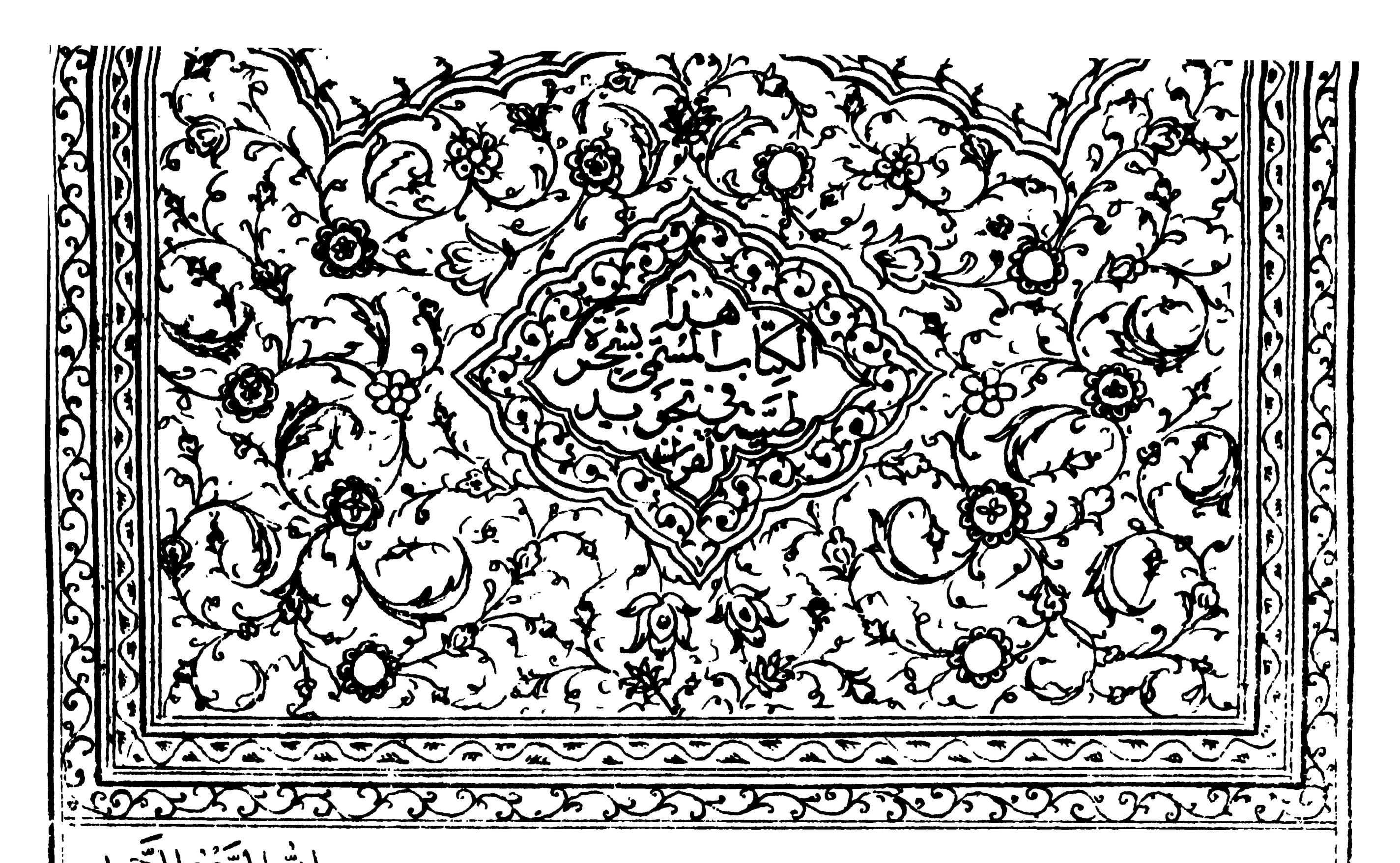
وضع کرده‌اند جهت بیان عشرها و خمسها و ابها اختلاف و انها این است هع خب عب تب لب چون کوفی و بصری در خمس اتفاق نمایند ه رمز ایشان است و چون اختلاف کنند رمز کوفی خب و رمز بصری عب و چون کوفی و بصری در عشر اتفاق نمایند ع رمز ایشان است و در اختلاف رمز کوفی همان ع است و بصری عب و چون در کوفی و بصری میان این اختلاف واقع شود تب علامت آیه بصری نیست و لب علامت آیه کوفی

پس بنا بر این رمزها که در مصاحف می‌نویسند بعد دیست باشد والسلام

البته روا شود و اگر اینسوره را بر کلاب بخوانند و قدری از آن در چشم کشند نور بسیار زیاد شود و اگر اینسوره را بر چشمی خوانند که رمد داشته باشد یا مرض دیگر شفا یابد البته ختم سوره تکاثر از برای هر مطلبی از حضرت صادق علیه السلم منقول است کرده دویست و بیست و پنج بار در خلوت بخوانند بخور خوش نماید و بعد از آن هزار صلوات بفرستند که انشاء الله بر آورده آید ختم سوره مجادله جهت غلبه کردن بر دشمن سه بار بر مشت خاک بخوانند و بطرف دشمن اندازند مقهور گردد و اگر بر بیمار خوانند تا خوش شود و تسکین یابد و اگر بخوانند اینسوره مداومت نماید از شر هر ذی شری ایمن گردد و اگر میان انبار غله بکذارند از هر موذی و مفسدی ایمن باشد ختم سوره ماعون اگر کسی بخواهد فقر و درویشی از خانواده او بر داشته شود چهل و یک بار اینسوره را بخواند عز زندان و محتاج نگردند و خوانندهٔ او در حفظ و حمایت خداوند باشد تا روز بکه ختم سورهٔ القارعه جهت بر آمدن هر مطلب و مهمی یکصد و هشتاد بار بخواند مجربست و اگر معیشت بروی تنگ باشد بنویسد با خود دارد روزی او وسیع گردد ختم سوره والعادیات اگر اینسوره را بخواند قرضش ادا شود و حامل آن ایمن گردد و اسباب سعت و رزق جهت او آماده شود و اگر بعد اسم مبارک اسم علی بخواند که اینسوره در شان او نازل شده است روزی او برسد من حیث لا یحتسب از جائی که گمان نداشته باشد ختم سوره ماعون جهت فتوحات عظیمه از شب دوشنبه تا یازده شب شبی یازده مرتبه اینسوره را بخواند در هر مرتبه بعد از تمام سوره این آیه را بخواند یا ایها الذین آمنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون و پانزده بار صلوات بفرستد و بعد سجده کند و حاجت خود را بخواهد بر آورده است ختم سورهٔ فیل در بعضی کتب مسطور است که هر که در شب سه شنبه یا چهارشنبه این سوره را بخواند بعدد هر حرفی که در خود اینسوره است هر دفعه و بجانب دشمن کند و بد مدد دشمن هلاک شود و اینسوره بیست و سه کلمه و نود و هشت حرف است در ذکر بعضی از خواص و سور کلام الله آنکه از مصباح نقل شده است اما الفاتحه هی شفاء من کل داء الا السام و ان کتبت فی اناء طاهر و محیت بماء المطر و غسل المریض بها و جهه بریء و ان شرب هذا الماء من یجد فی قلبه رجفانا او خفقانا زال عنه الیقین تعلق علی الموجوع و المعیون والفزع والمصروع والفقیر و لبنهم آن تمزار یکتب بزعفران و ماء ورد و یعلق علی شجر تثمر و المراة تسقط الثمر من دفن شیئا و ضاع عنه فلیکتب منها ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الایه فی اناء جدید و یمحاه بماء المطر و یرشه فی المکان الذی فیه المدفون یظفر به انشاء الله و من قرء منها علی تمرة ثلثا بعد البسملة ربنا لا تزغ قلوبنا الایه للمعده للوجع و عن بوء من المائده من کتبها و جعلها فی منزله و صندوقه لم یسرق له شیء الانعام من کتب منها ...
وقت السحر فی قوله وان یمسسک الله بضر الایه و علقها علی وجع الجنب ... الاعراف من کتبها بماء ورد و زعفران و علقها علیه امن من الحیة والسبع والعدو و الضلال فی الطریق الانفال من علقها علیه لم یقف بین یدی حاکم الا قضی له علی خصمه التوبه من جعلها فی تجارته ... من اللصوص و الحریق یونس قوله تعالی و اذا مس الانسان الضر دعانا الایه لوجع الرجلین و الساقین و الجنب یکتب فی فخار طریة بطیف ثم یملأ الفخار ... طیبا و تعلق علی باب البیت و تذهب هذه الاوجاع بالترکیب المذکور هود من نقش قوله و قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها و مرسیها الایه لحفظ السفینة فی البحر یکتب فی لوح ساج و یسمر فی مقدمها یوسف من کتبها و جعلها فی منزله ثلثة ایام و اخرجها الی جدار البیت من خارجه و دفنها لم یشعر الا و رسول السلطان یدعوه الی النصرة و صار له حظوة و جاها و من کتبها و شربها سهل الله له الرزق من کل احد الرعد عن علی علیه السلم یقرء من بها الثالول فلیقرء علیها هذه الایات سبعا فی نقصان الشهر و مثل کلمة خبیثة الایه و بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا ابرهیم من کتبها فی خرقة حریر بیضاء و علقها علی عضد الصغیر امن من الفزع

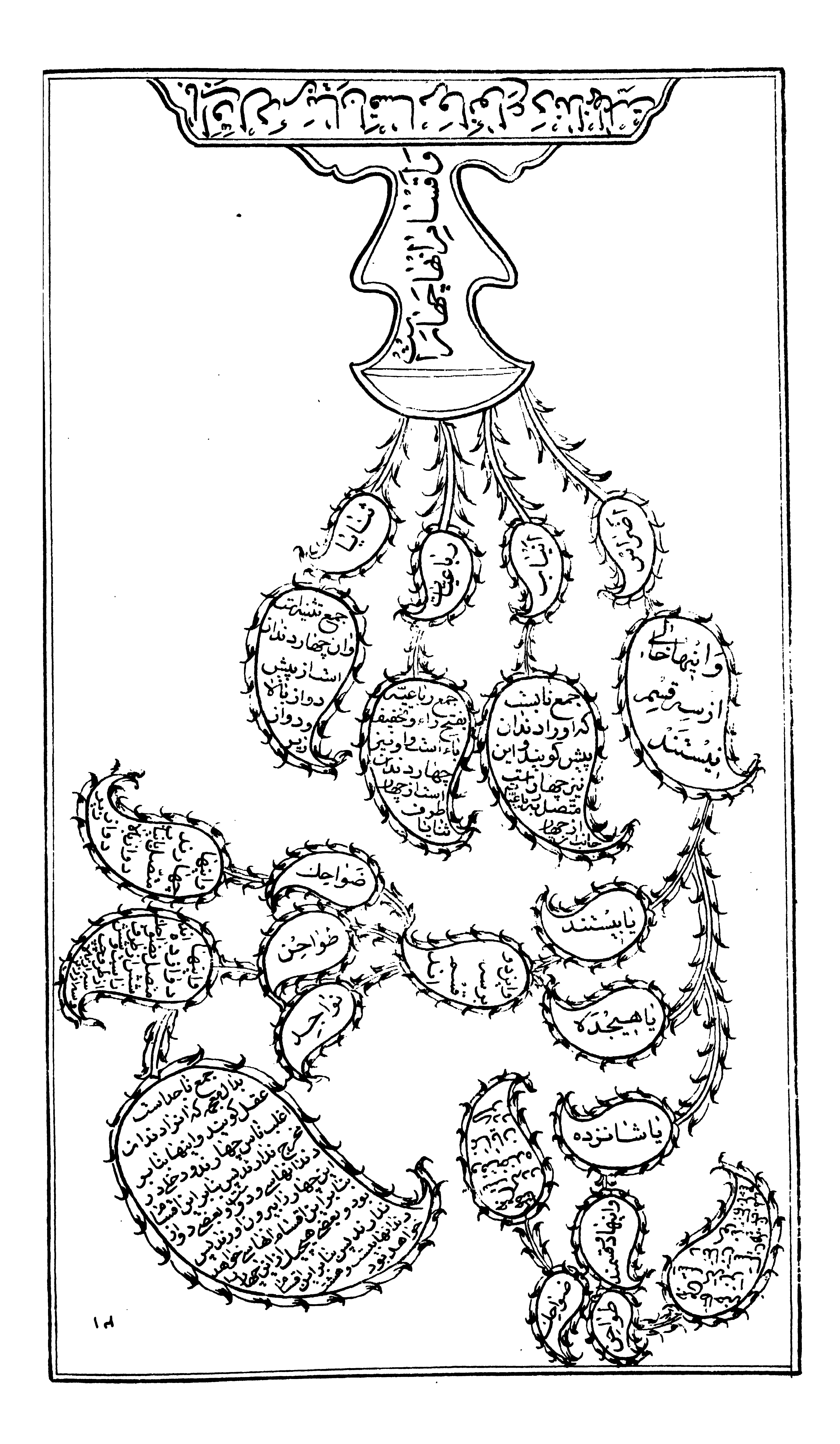
والبكاء والنوابع وجميع لاسواء الحجر من كتبها بزعفران وسقيها لامرأة قليلة اللبن كثر لبنها ومن كتبها وجعلها في جيبه
عضده كثر بيعه وكسبه ورزقه النحل من جعلها في حايط بستان لم يبق فيه شجرة الا وسقط حملها واثمر وان جعلت في
منزل قوم باعيانهم واسمائهم بادوا الاسرى من جوزها وعلقها عليه في خرقة حرير خضراء لم يحط رميه الكهف من جعلها
في اناء زجاج نظيف في منزله كثر خيره ومنع منه طوارق السوء ومن شربها وهو خائف امن طه من جعلها معه ومضى الى
قوم يريد التزويج معهم زوجوه وان قصد الاصلاح بين المتناقضين تالفوا وان مشى بها بين عسكرين افترقوا ومن كتبها
وشربها ودخل على سلطان امن شره وادناه الانبياء يكتب المريض وامن طال فكره وسهره الحج من كتبها في رق غزال و
جعلها في جيب مركب اتته الرياح ولم يسلم ورشها في موضع وال او قاض لم يبق تعيش فيه الا ان يخرج منه المؤمنون من
كتبها البلاء وجعلها في خرقة حرير خضراء وعلقها عليه لم يشرب الخمر النور من جعلها في فراشه الذي ينام فيه لم
يحتلم ومن كتبها في طست نحاس ومحيها وسقيها الدابة المريضة وبرش عليها من الماء برئت الفرقان من كتبها
ودخل على قوم بينهم بيع او شراء تفرقوا ولم يقرب موضع شئ من الهوام الشعراء من علقها على ديك ابيض افرق ثم
اطلقه فانه يمشي ويقف فحيث ما وقف وجد كنز او سحر النمل من اراد ان لا يخرج عليه الدرهم الزيف فليقرأ آخرته من النمل القصص
من كتبها وعلقها على عبد من عليه من الزنا والهرب وانجى ينو كذا اذا اعلقت على وجع الكبد والبطن والمطحول ومن شربها بماء المطر
نفعته من جميع لاسقام العنكبوت من كتبها وشربها زالت عنه حمى الربع والاوجاع الروم من جعلها في اناء زجاج ضيق الرأس في
منزل قوم اعتل من فيه وان دخل اليه قريبا عتل لقمن يكتب لمن فيه نزف الدم والاوجاع السجدة من جعلها في منزل واعزل
في منبته ومن علقها عليه امن من الحمى والشقيقة الاحزاب من كتبها في رق ظبي وجعلها في حق في منزله تزوجت بغايته سريعا
سبأ من كتبها في قرطاس وجعلها في خرقة بيضاء وجعلها امن من الهوام ومن العقوبة والنبل والحجارة والحديد الفاطر
من كتب منها ان الذين يتلون كتاب الله الاية في اربع خرق قطن جديدة طاهرة وجعلها في تجارته نمت وربحت يس
من سقيها لامرأة كثر لبنها ومن من العين والجن ويكون كثير المنامات الصالحة الصافات من اغتسل بمائها زال الد
اوجاع عرض قوله تعالى اركض برجلك هذا مغتسل بارد وشراب من اكثر من تلاوة هذه الاية وهو يحفر بئرا حسن
نبعها الزمر من جعلها على عضده كان محبوبا في اعين الناس واثنوا عليه خيرا غافر من كتبها ليلا وجعلها في دكان كثر بونه
او بستان كثر ثمره وان حملها ذو قروح او دمل برئ باذنه فصلت من كتبها بماء المطر ومحيها وسحق بمائها الكحل واكتحل به نفع
من الرمد والبياض واوجاع العين الشورى من كتبها وشربها في سفره قل عطشه وان رش هذا الماء على مصروع احترق
شيطانه ولم يعد اليه الزخرف من سقيها للزوجة المجنونة الطاعن فمائها ينفع المعصوم من البطن ويسهل المخرج ومن حملها
امن من كل شر وان وضعت تحت نائم لم ير في نومه الا خيرا الدخان من حملها كان جاها محبوبا امنا من شر كل ملك ومن شربها
امن من كل نمام وان علقت على طفل حين ظهوره امن من الجن والهوام الجاثية من حملها امن من كل محذور ومن جعلها تحت راسه
كفي شر الجن الاحقاف من كتبها في صحيفة وغسلها بماء زمزم وشربها كان وجيها محبوبا حافظا محمد من علقها عليه في القتال
نصر ومن شرب ماءها ذهب عنه الرعب والزجر ومن قرأها في البحر امن منه الفتح من علقها عليه امن من السلطان وان علقت
على حايط او بيت لم يقربه وان شربتها المرأة ماء هاد لبنها الحجرات اذا علقت في مكان لم يقربه شيطان وان علقت على مبتلى
لم يعد اليه شيطانه ق من كتبها في صحيفة ومحاها بماء المطر وشربها الخائف والولهان وانسا بكي بطنه وقمه زال المه و
ان غسل بمائها فم الطفل الصغير خرجت اسنانه بغير الم الذاريات اذا علقت مطلقة وضعت سريعا الطور اذا ادمن قراءتها
المسجون خرج والمسافر امن وحرس النجم قوله تعالى افمن هذا الحديث تعجبون وتضحكون ولا تبكون وانتم سامدون يكتب ويعلق
البكاء الاطفال القمر من كتبها يوم الجمعة وقت الظهر وحملها بحث عمامته كان محبوبا مقبولا الرحمن يشرب الطحال والد
وجع الفؤاد وتعلق على الرمد والمصروع ويكتب على حايط البيت فيذهب هوامه الواقعة تسهل الولادة تعليقا الحديد
من علقها عليه امن من الحديد في القتال واذا قرأت على الحديد يخرج من غير الم وبغسل الحمرة والورم والجروح والقروح
بمائها تبرء باذن الله تعالى ومن حملها لم ير خصمه المجادلة لا تقرء عند المريض يسكن وعلى ما يحرز يحفظ واذا طرحت
والحبوب لم تفسد ومن قرأها حفظ من كل سوء الحشر من كتبها في جام زجاج وغسلها بماء المطر وشربها رزق الحفظ
والفطنة الممتحنة تكتب ثلثة ايام متوالية وتسقي للمطحول لتزول المه الصف من ادمن قراءتها في سفره حفظ فيه الى

البروج من قراها فی فراشه حفظ او علی منزله عند خروجه حرس هو ومن فی البیت من الاهل والمال ومن قرا من اوله
الی قتل اصحاب الاخدود کفی شر الزنابیر الطارق من غسل بماء ها الجراح سکنت ولم یقیح ومن قراها علی ای شیء کان
من فیه من الهی الاعلی یقرا علی الاذن الدوسه وعلی البواسیر وعلی الموضع المنتفخ نزول ذلک الغاشیة اذا قرات علی ما یوکل
امن فیه من التکسو علی ما یولد بسلمه الله الفجر من قراها احدی عشر مره علی ذکره ثم جامع رزق ولدا یقر عینه به البلد
یسعط من مائها من فی خیاشیمه الم واذا علقت علی الطفل اول ما یولد امن من النقص الشمس الشرب من مائها یسکن
الرجیف والزحیر اللیل یقرا فی اذن المصروع یفیق الضحی یقرا علی الشیء المنسی یذکره الانشراح شرب ماؤها یفتت الحصا
ویفتح المثانه وینفع من البروده وقرائتها علی الصدر والفؤاد تسکن المها التین من قراها علی طعام جعل فیه الشفا
العلق من قراها فی البحر سلم منه القدر من قراها علیها بخر حفظ ومن شرب من مائها وهب الله له النور فی بصره والیقین
فی قلبه ورزق الحکمة وان قراها مهموم او مریض او مسافر او مسجون نال مطلبه وان قرات علی زرع بورک فیه واذا قرئت
علی دهن ورد وخلط بلبن امرأة وسعط منه صاحب البلغم نفعه واذا جلست مراة من جدید حلیا شیئا او کتبت القدر
علی المرآة بزعفران ثم یدخل من به اللقوة بیتا مظلما وینظر فی المرآة مرارا یبری باذنه تعالی ومن قراها عند زوال
الشمس راه رای النبی صلی الله علیه واله فی نومه وان کتبت فی اناء حدید وغسلت بماء المطر وجعل فیه شیء من
سکر وشربه من به وجع الکبد بریء باذنه تعالی ومن قراها کل لیلة جمعة مائة ثم بات لو ابدا ومن اراد الحج فلیلبس
ثوبا جدیدا ویاخذ قدح ماء ویقرئها علیه خمسا وثلثین مرة ویرشه علیه ثم یصلی اربع رکعات بتسلیمتین
یقرء فیهن ما شاء ثم یسئل الحج فانه یرزقه البینة تسلم الحامل اذا شربت من مائها وتعلق علی صاحب الیرقان وعلی
صاحب بیاض العین بعد ان یشربا من مائها وتدفع قراءتها شر الطعام المسموم واذا اخذت کف تراب من مفرق
اربع طرق واقرا علیه السورة ورشه بین المجتمعین علی الضلالة فانهم یفرقوا واذا کتبت علی جمیع الاوزام الزلزلة
الزلزلة تؤمن قاریها من السلطان العادیات قراءتها تخلص الخائف والعطشان والجایع والعطشان والمدیون مما
هم القارعة یعلق علی من تقل علیه الرزق التکاثر نافعة للصداع اذا قرات علیه العصر یقرا علی المحزون یحفظ وعلی المهموم
یبرئ ومن کتبها لیلة الجمعة بعد العشاء الاخر وحملها ودخل علی حاکم امن فیه الهمزة یقرء علی العین المؤجوعة تبرئ
الفیل من قراها فی الحرب یقوی علی القتال واذا قرات بین عسکرین انهزم الباغی فیهما واذا علقت علی الرماح التی تصادم
کسرت ما تصدمه قریش من قراها علی طعام امن من ضرره ومن قراها جائع قبل طلوع الشمس سهل الله من یطعمه
الدین من قراها بعد صلوة الفجر مائة کان فی حفظ الله الکوثر اذا معلت الدابة فاقراها فی اذنه الیمنی ثلثا وفی الیسری
ثلثا ثم اضربها فی جنبها برجلک یقوم الجحد من قراها عند طلوع الشمس عشرا ثم دعا بما اراد استجیب دعاؤه
النصر من قراها فی صلوة سبعا قبلت وجب الله الیه الصلوة فی اوقاتها تبت یقرء علی الاوجاع والامراض تشفی
انشاء الله الاخلاص یقرء علی العین الرمدة تبری باذن الله تعالی المعوذتین من قراهما کل لیلة امن من الجن
والوسوسة ومن علقهما علی طفل او من من الجن والهوام انشاء الله تعالی از حضرت صادق مرویست که فرمود
که عجب دارم از کسیکه از چیزی بترسد چرا پناه نجوید بگفته خدای عزوجل حسبنا الله ونعم الوکیل بدرستیکه
بعد از ان حق تعالی فرموده فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء وعجب دارم از کسیکه غمگین باشد و متوسل
نشود بکریمه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین بتحقیق که شنیدم خدای تعالی در عقب آن فرموده
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین وعجب دارم از کسیکه حیله در حق او شده باشد و متوسل
نشود بقول خدای عزوجل وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد که بدرستیکه شنیدم قول خدا را بعد
از ان فوقیه الله سیئات ما مکروا و عجب دارم از کسیکه دنیا و زینت آن اراده داشته باشد و چرا متوسل نشود
باین قول خدای عزوجل ما شاء الله لا قوة الا بالله پس بتحقیق که حق تعالی در عقب آن فرموده فعسی ربی ان یؤتین
خیرا من جنتک دعائیست که حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه مشافهة بجناب سید العلماء میر محمد باقر داماد
تعلیم فرموده که در حالت اضطرار در امور یک هفته بعد از هر فریضه باید خواند که انشاء الله باجابت مقرون
میگردد بسم الله الرحمن الرحیم الهی بحق الحسنة محمد رسولک وعلی وصی رسولک وفاطمة بنت رسولک والحسن

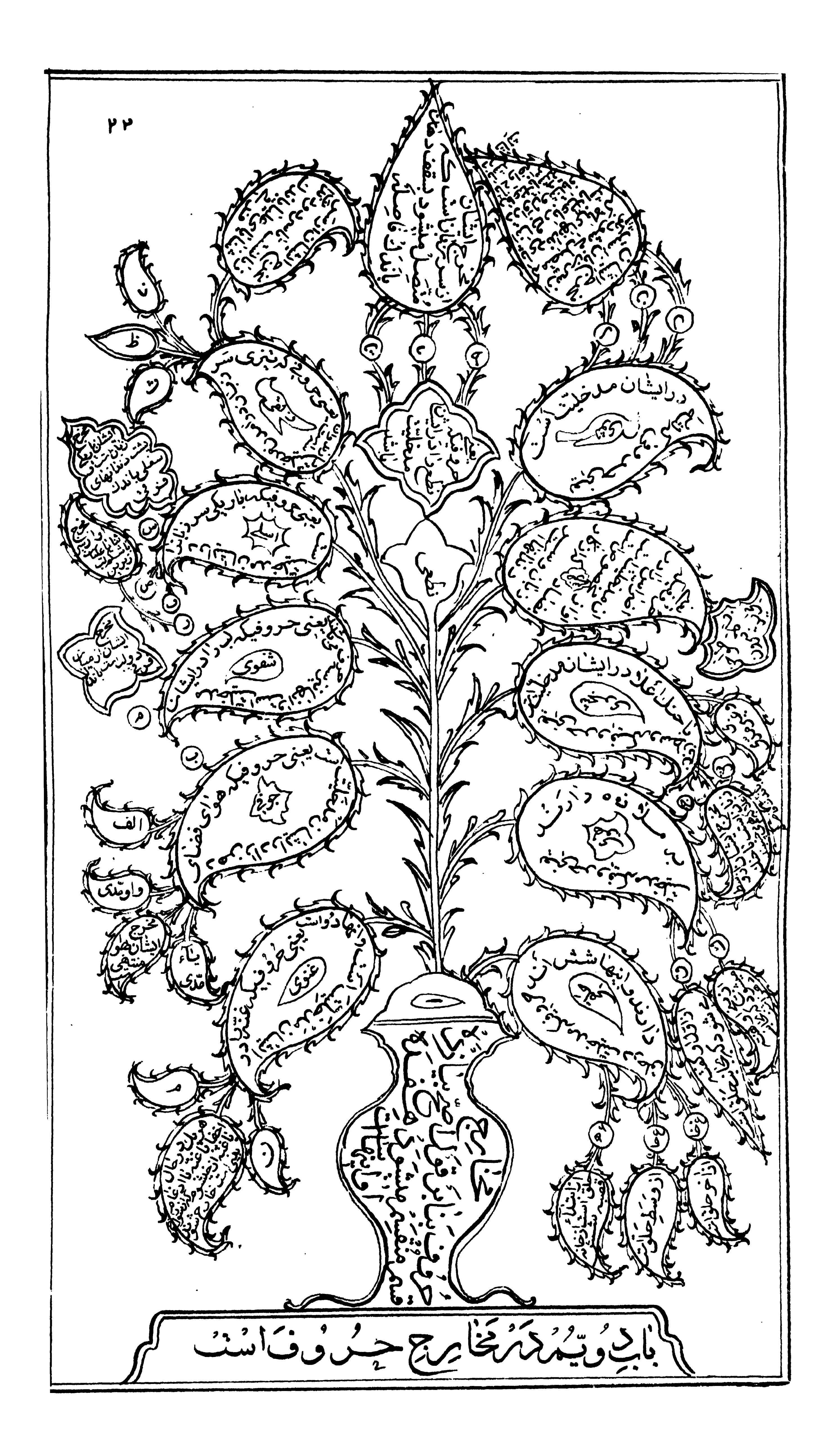


بسم الله الرحمن الرحیم

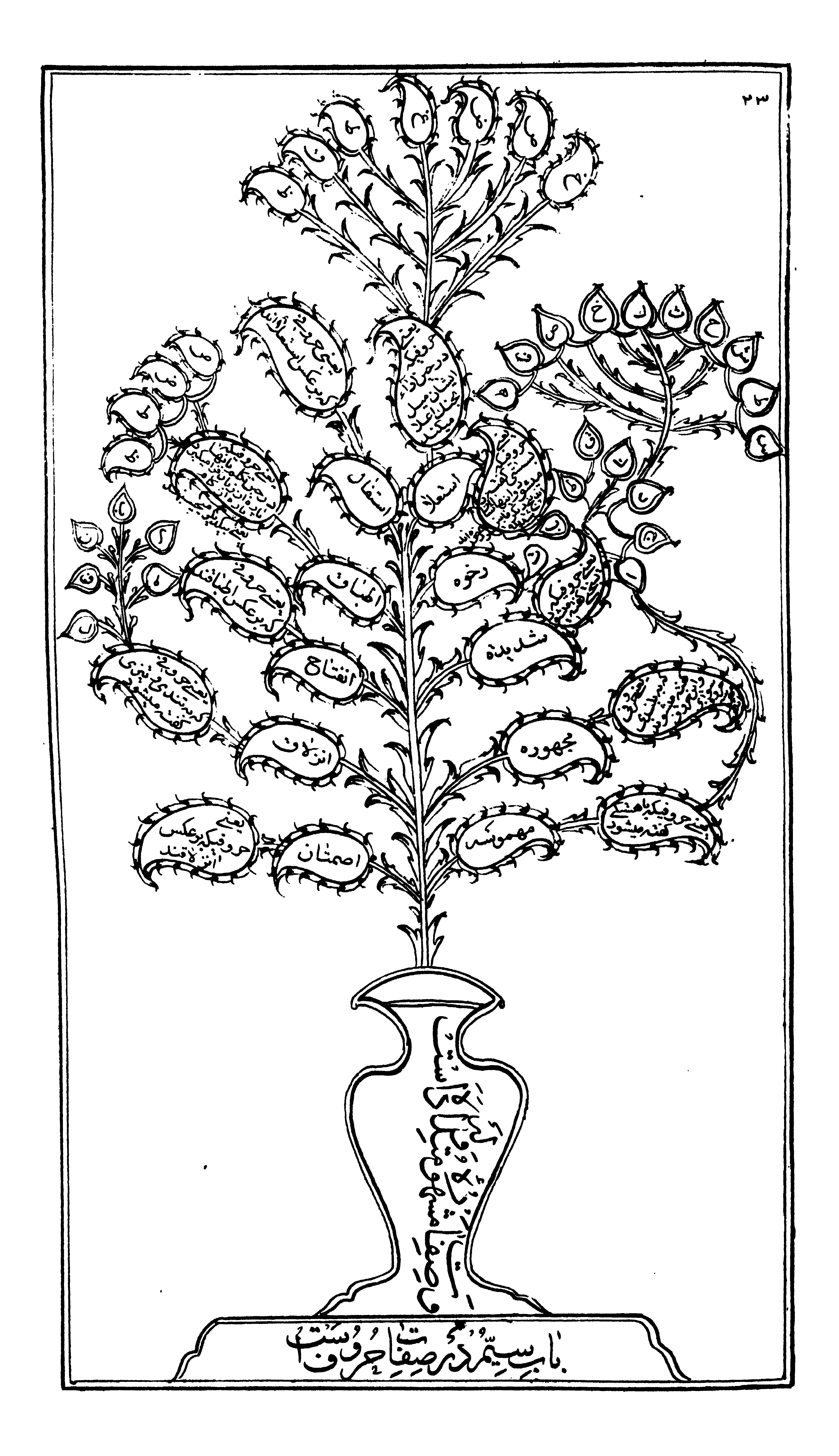
الحمد لله الذی جعل للنبیین لسان صدق فی الآخرین وصیّر ائمة المعصومین تذکرة للمتقین والصلوة والسلام
علی محمد اشرف المرسلین وآله خیر الوصیین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین و بعد چنین گوید خادم خدام شرع متین
زین العابدین بن مرحوم مبرور مغفور میرزا ابی میرزا محمد علی مراحقاد تلامذه سبزواری اعلی الله مقامهما که چون در سوابق زمان
رسائل متعدده در علم قراءت نوشته بودم بمذهب عاصم و از جمله رساله است که موسوم نموده ام انرا بشجرهٔ طیبه چون
ابواب و فصول آن بصورت اشجار و ثمره مرسوم گشته و بلسان عرب نوشته شده و از این جهت فیض آن عاید عوام نمیگردید لهذا
در این اوان حسب الحکم مطاع لازم الاتباع سرکار شریعتمدار ملاذ ابو الفخار حجة الاسلام والمسلمین و قدوة الفقهاء المجتهدین
و قدوة المحققین و زبدة المدققین و رئیس الملة والدین و مروج شریعة جده سید المرسلین و مصباح الحق والیقین
اعلم العلماء العاملین وافضل الفضلاء الراشدین وازهد الزهاد والاتقیاء والصالحین سیدنا الجلیل وشیخنا
النبیل السالک فی سبیل الله فخر الحاج مولانا حاج سید اسد الله وفقه الله در صدد آن برآمدم که رساله مزبوره را
بزبان فارسی ایراد نمایم شاید جمهور خلق منفعت و فائده تام از آن ببینند امید از فضل حضرت سبحان جل عزه وجلاله
که منظور نظر کیمیا اثر قدسی منظر ارجمند اولاد سید البشر گردد و ها انا اشرع فی المرام و ابتدء بحسن الکلام
واستعین بالله الکریم واقول بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لمن توحد بالعز والبقاء وتفرد بالمجد والثناء والصلوة
والسلام علی اشرف الانبیاء محمد وآله الاتقیاء وسمیتها بشجرة طیبة ورتبتها علی اثنی عشر باب وخاتمة هدیة
الثنائی که قاریان آیات و سور کلام سبحانی در مجامع قلوب بزم ایمانی و محافل ضمائر اهل معرفت و ایقان تلاوت
توانند نمود و حروف شریعت مألوفه را از مخارج لسان شکرگذاری بازای خفای نعم متواتره بصفای
قلب بنحو اظهار و ادغام در بیان آن زبان توانند گشود حمد حضرت ذو الجلال لیست جل شانه که آیات مجید قرآنی و
سور مبارکهٔ فرقانی را بجهت هدایت بندگان از فرط رأفت بی پایان بصحابت جبرئیل مرحمت و امیر وحی ملاطفت
ارسال برسول امین و ابلاغ بحضرت سید المرسلین فرموده و ثواب عظیم از کرم عمیم در قراءت و تلاوت آیات
و سور با برکات کثیر المعجزات آن مقرر داشته و بمصداق وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا امر بتجوید کلمات و تحسین
آیات و فقرات آن نموده و قراء سبعه ساکنان صوامع افلاک و متوطنین مرکز خاک را بجهت تجوید قراءت برسالک
راه هدایت گماشته و دُرر غرر صلوات و تحف تحیات و تسلیمات نثار بارگاه حضرت رسالت و زینت افزای
سریر نبوت باد که نجات دارین بجهت شفاعت او برقرار است و سرافرازی نشأتین بولایت و محبت اهل بیت
طاهرین بشر اشکار صلوات الله علیهم علیهم سلام الله ما فاح عبهر و احضر الغبراء من روح و ریحان



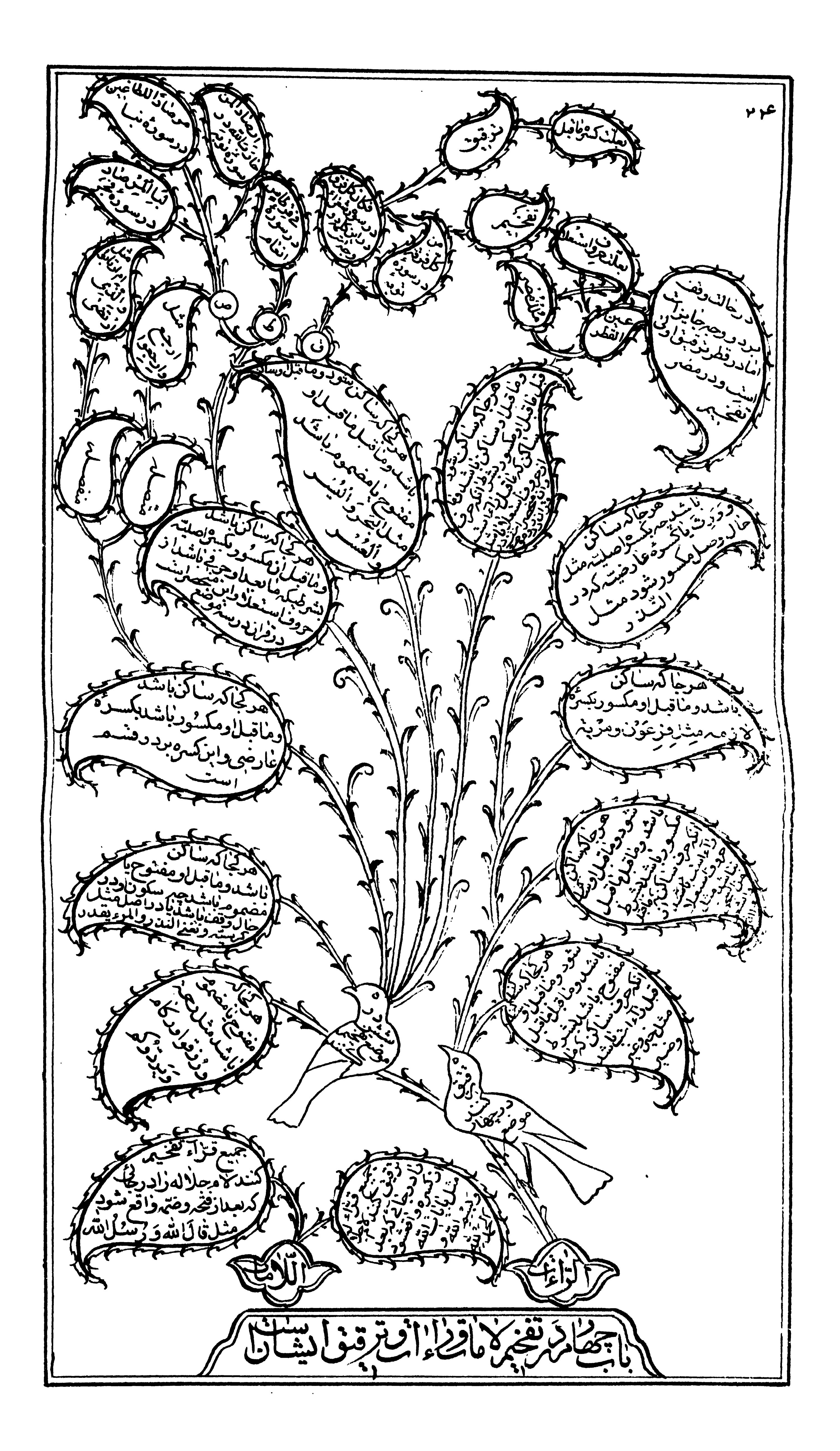
باب اول در بیان اقسام و انواع دندانهاست
و اقسام آنها چهار است
ثنایا
رباعیات
انیاب
اضراس
جمع ثنیه است و آن چهار دندان است از پیش دو از بالا و دو از زیر
جمع رباعیه بفتح راء و تخفیف یاء است و نیز چهار دندان است از چهار طرف ثنایا
جمع نابست که او را دندان پیش گویند و این نیز چهار است متصل برباعیات از چهار جانب
و اینها خالی از سه قسم نیستند
یا بیست
یا هجده
یا شانزده
ضواحک
طواحن
نواجذ
ضواحک
طواحن



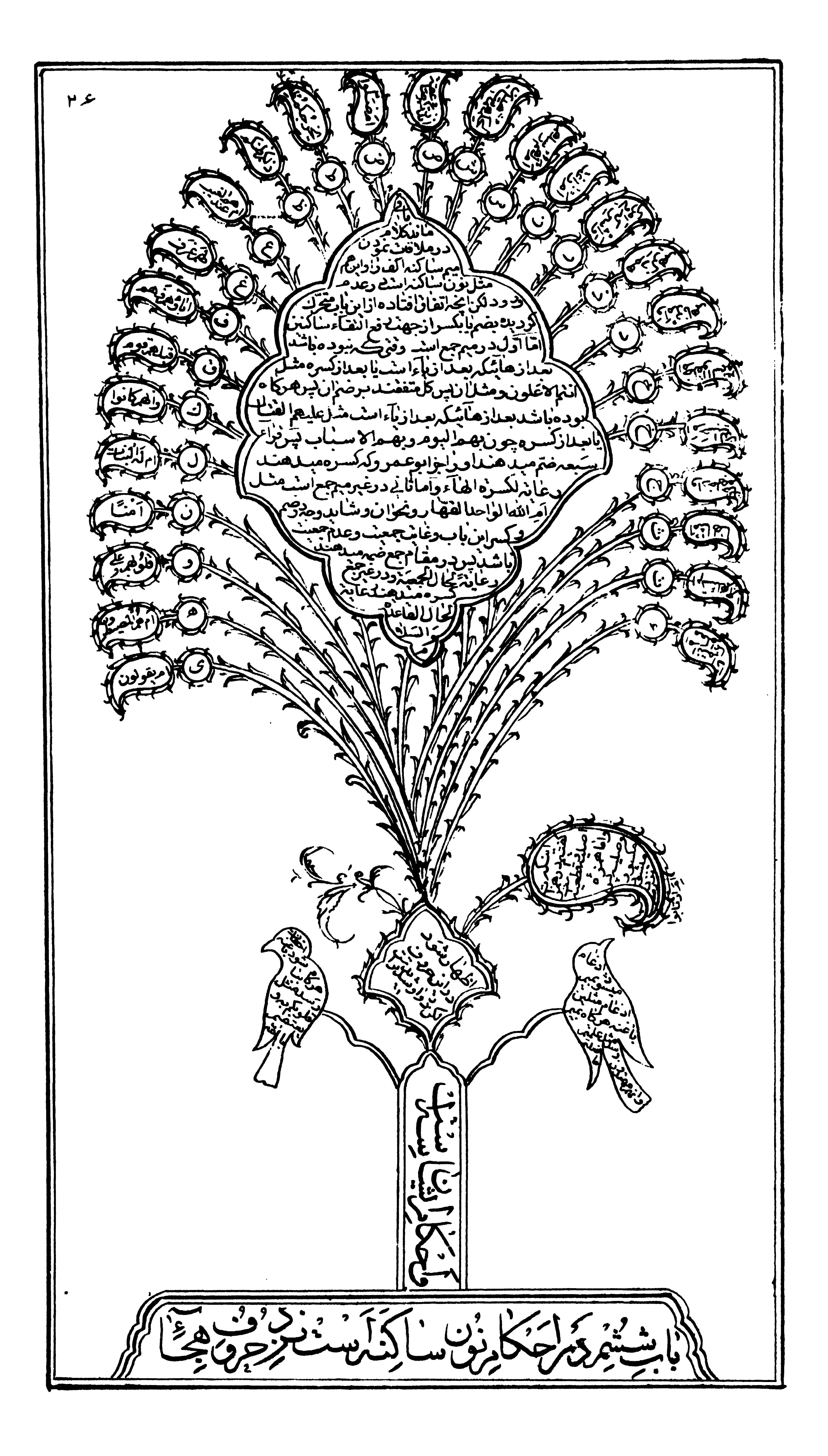
شفوی
جوفی
غنوی
الف
ظ
باب دویم در مخارج حروف است

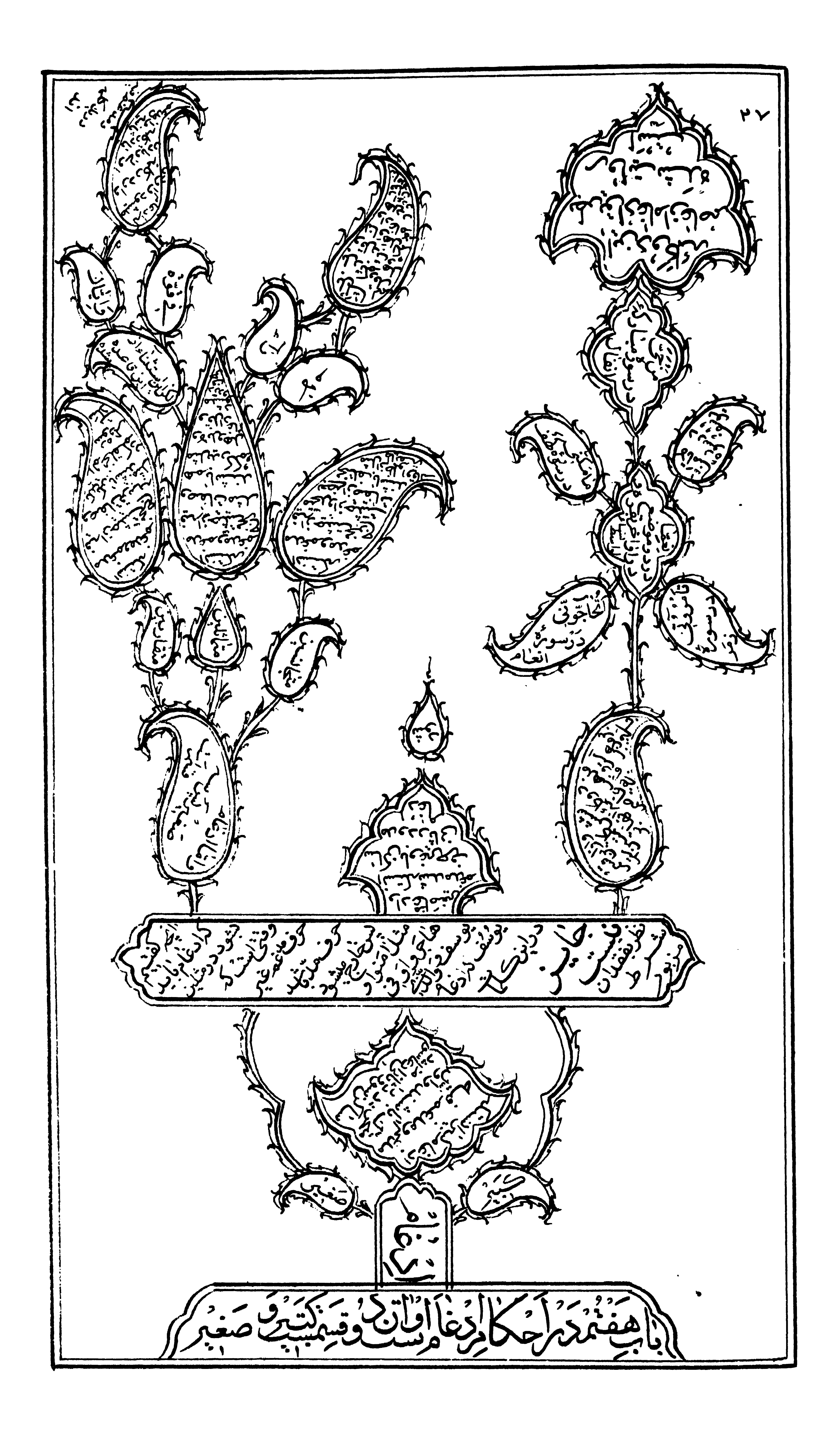


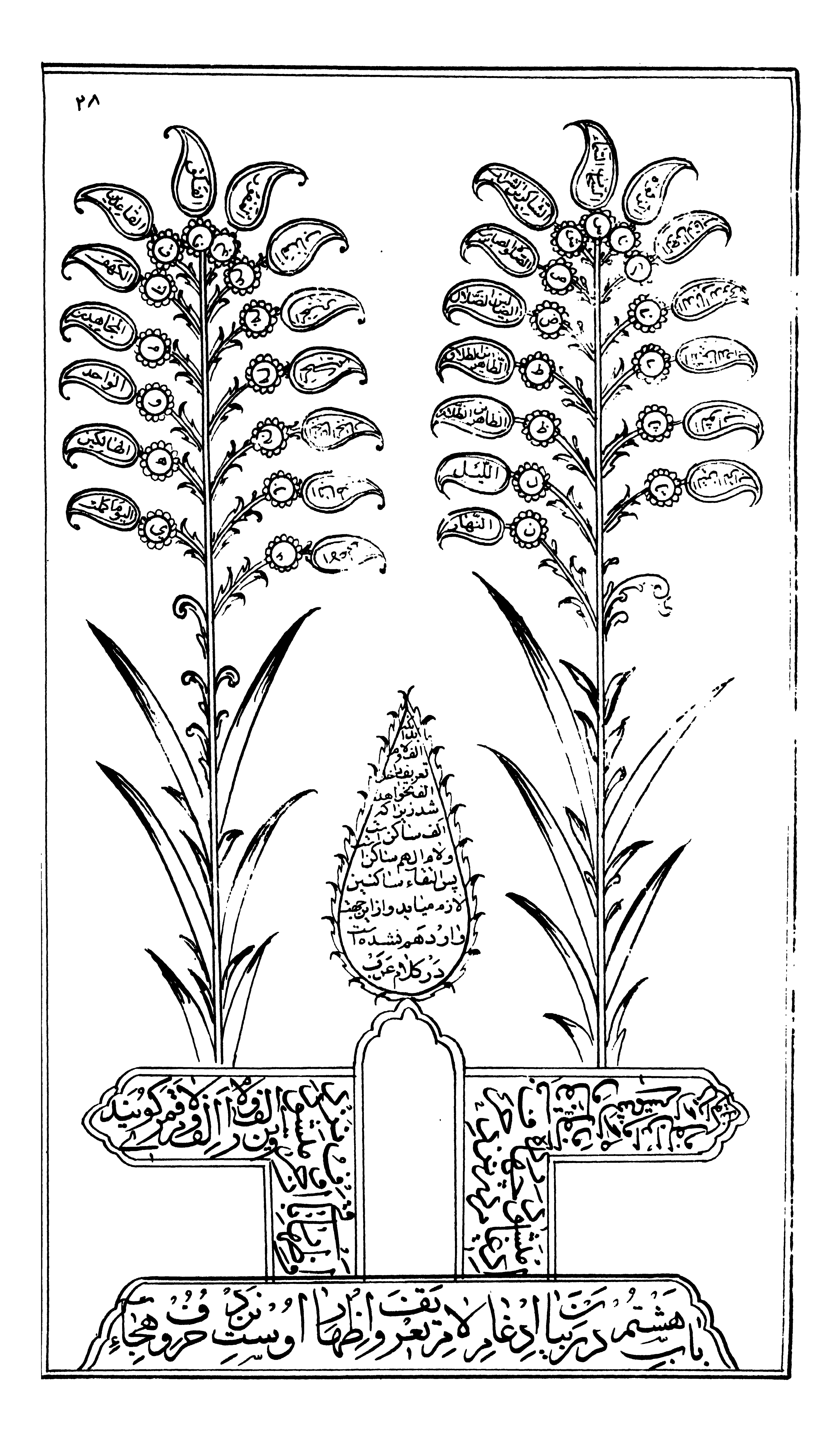
استفال
استعلا
رخوه
شدیده
انفتاح
مجهوره
مهموسه
باب سیم در صفات حروف است

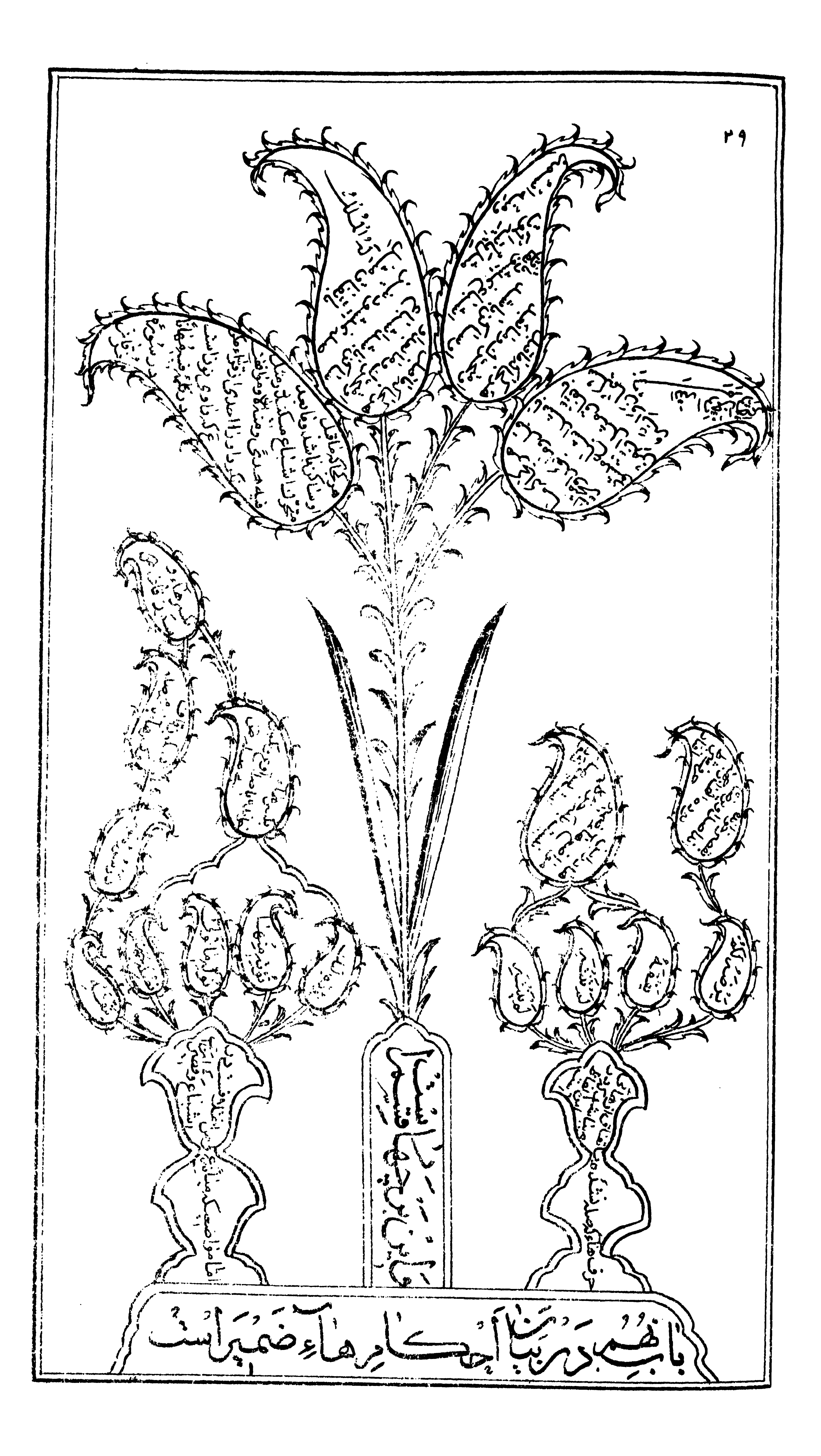

ترقیق
تفخیم
هر کجا که ساکن باشد
و ما قبل او مکسور باشد بکسره
عارضی و این کسره بردو قسم
است
هرجا که ساکن
باشد و ما قبل او مکسور بکسره
لازمه مثل فرعون و مریه
جمیع قراء تفخیم
کنند لام جلاله را در جائی
که بعد از فتحه و ضمه واقع شود
مثل قال الله و رسل الله
اللامات
الراءات
باب چهارم در تفخیم لامات و راءات و ترقیق ایشان

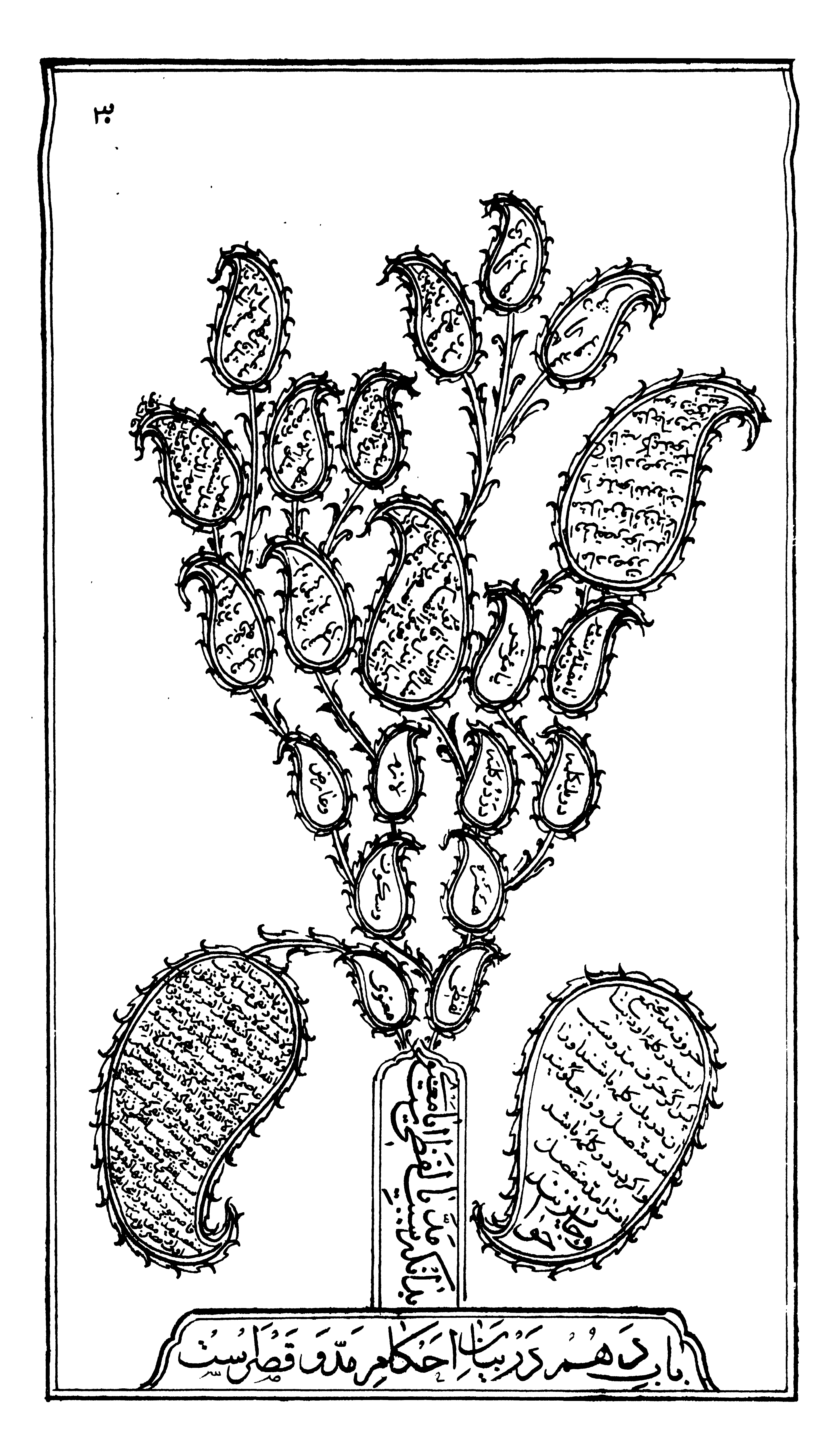

۲۵
تا مانند
کلامه در ملاقات
نمودن نون ساکنه و تنوین
الف را لکن این مرحله نیامده در کلام الله
مجید بلکه عرب از جهة انکه التقاء ساکنین علی
غیر حده لازم میاید و این جایز نیست چنانچه علماء
صرف تصریح بان نموده اند بلکه انچه اتفاق بیفتد
از این باب مکسور خواهد شد از جهت رفع التقاء
ساکنین مثل مِنَ الکذابِ الاشر و مِنَ الصالحین و من الذی و
امثال اینها و اصل در تحریک ساکن کسر است لکن استثنا شده
است من جاره که مفتوح میکردد از جهة انکه کثیر الاستعمال
پس هرگاه کسره دهند او را لازم میاید
دو کسره در چیزی که کثیر
الاستعمال است
باب پنجم در احکام نون ساکنه و تنوین نزد بیست و دو حرف هجاء

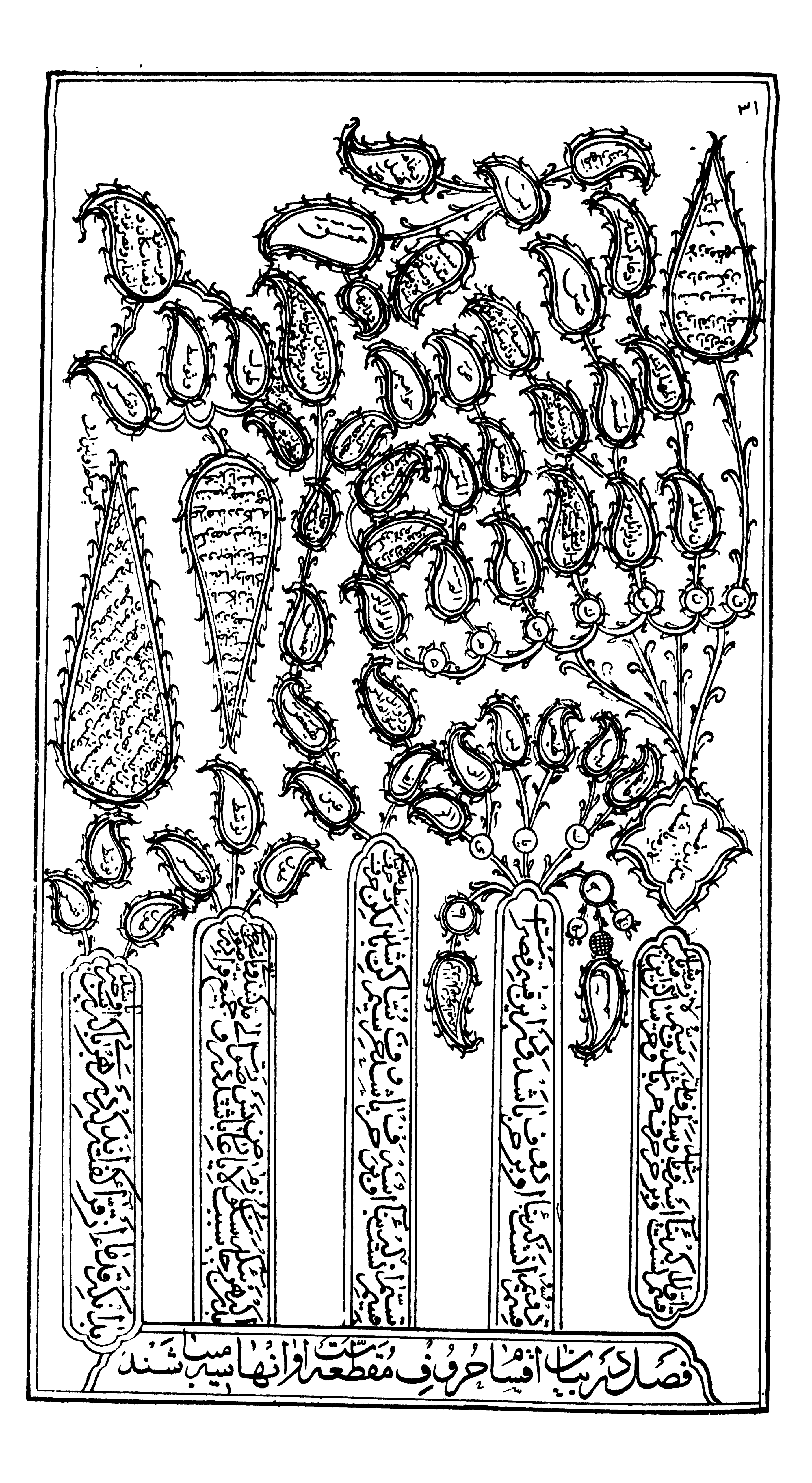

مانند کلام
در ملاقات نمودن
میم ساکنه الف را و این هم
مثل نون ساکنه است در عدم
وجود لکن آنچه اتفاق افتاده از این باب متحرک
گردیدن بضم یا بکسر از جهت دفع التقاء ساکنین
اما اول در میم جمع است وقتی که نبوده باشد
بعد از هائیکه بعد از یاء است یا بعد از کسره مثل
انتم الاعلون و مثلا از پس کل متفقند بر ضم این پس هر گاه
بوده باشد بعد از هائیکه بعد از یاء است مثل علیهم القتال
یا بعد از کسره چون بهم الیوم و بهم الاسباب پس قراء
سبعه ضم میدهند و راجز ابو عمرو که کسره میدهند
رعایة لکسرة الهاء و اما ثانی در غیر میم جمع است مثل
امر الله الواحد القهار و نحوان و شاید وجه ضم
و کسر این باب و غایت جمعیت و علم جمعیت
باشد پس در مقام جمع ضمه میدهند
رعایة لحال الجمعیة و در غیر جمع
کسره میدهند رعایة
لحال القاعدة
السلام
باب ششم در احکام نون ساکنه است نزد حروف هجا

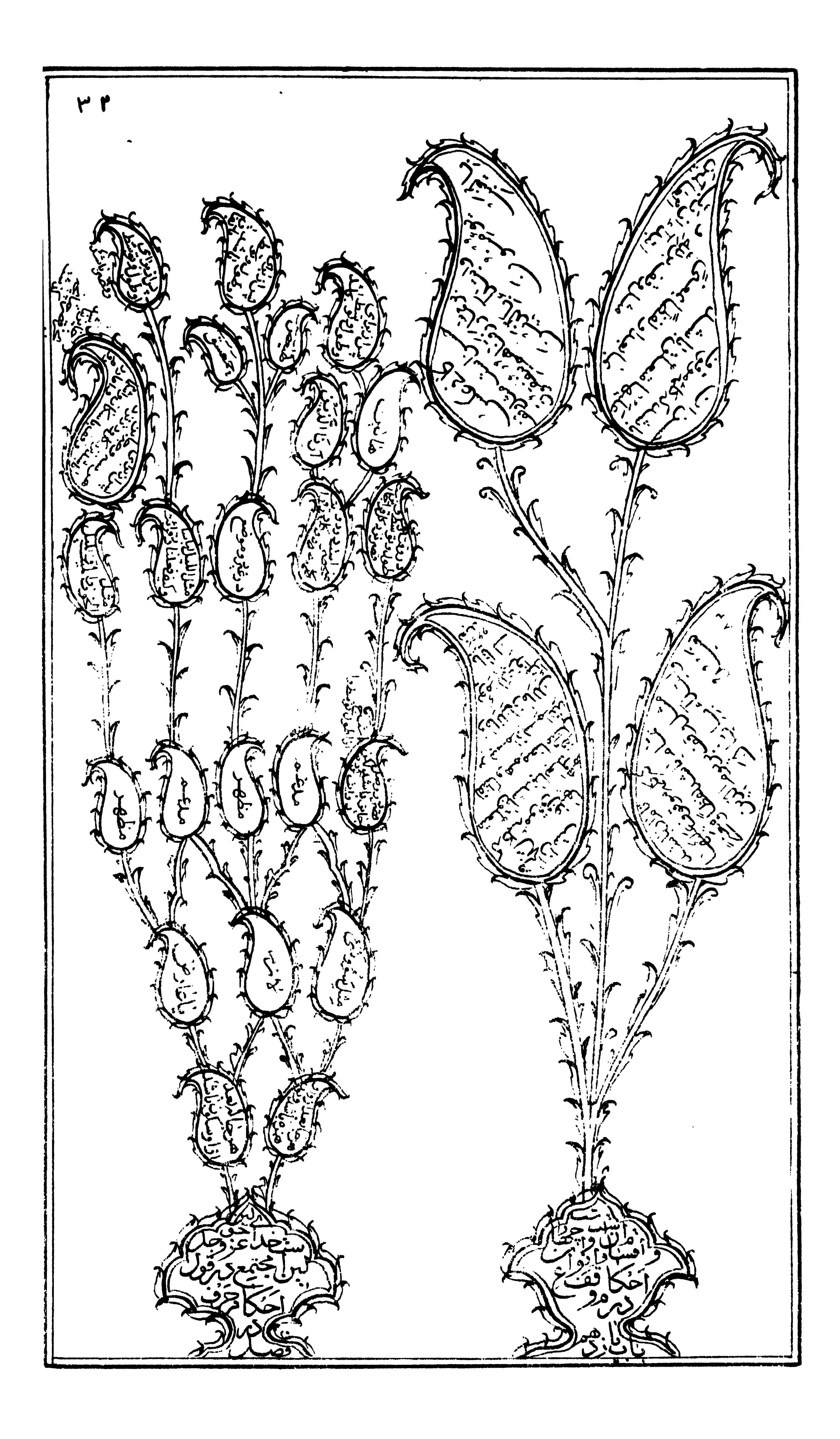

الحاجوتی
در سوره
انعام
صغیر
کبیر
باب هفتم در احکام ادغام
کبیر و صغیر

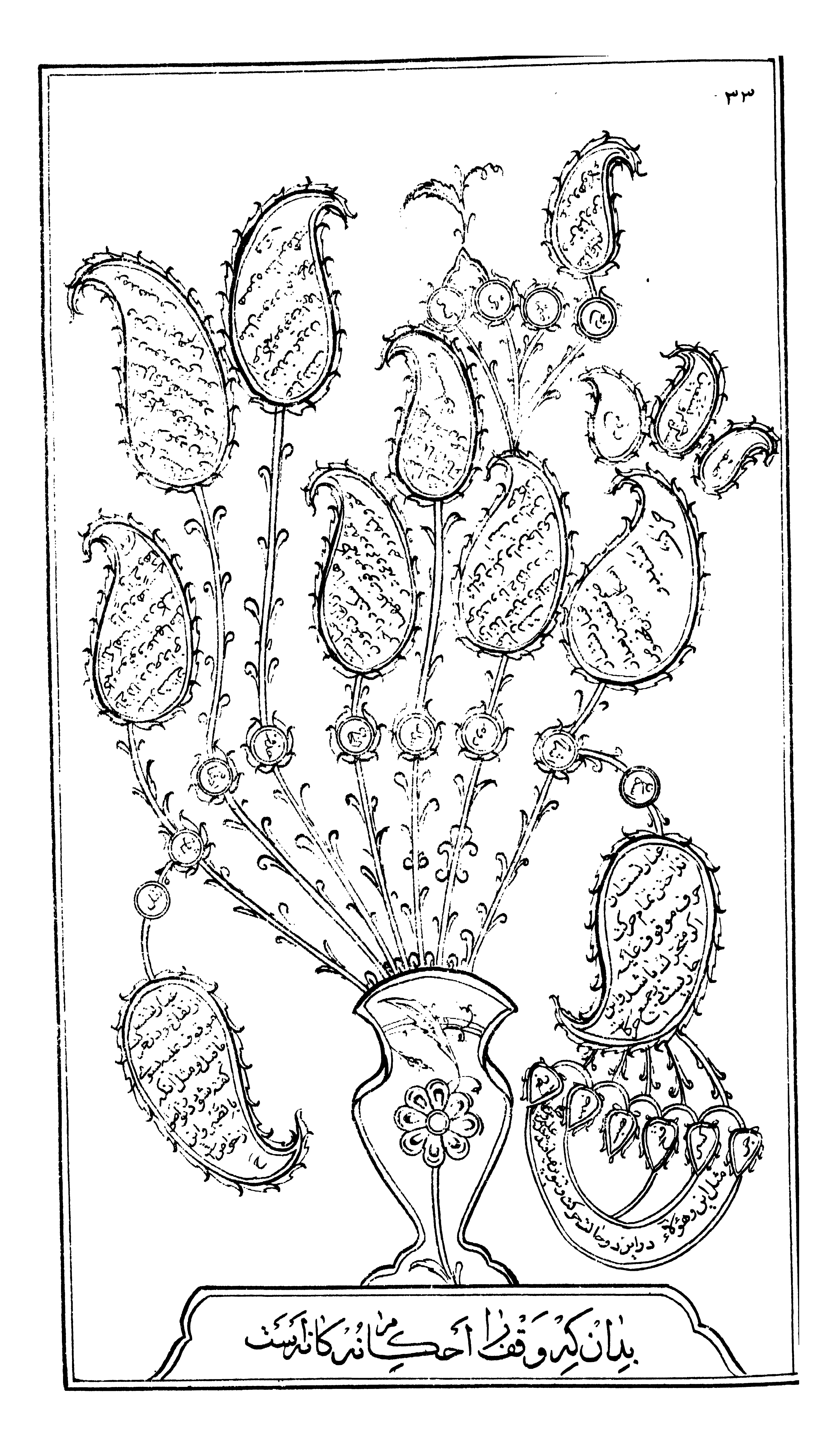

بدانکه الف و لام
تعریف خواهند
شد زیرا که
الف ساکن است
و لام الف هم ساکن
پس التقاء ساکنین
لازم میاید و از این جهت
وارد هم نشده است
در کلام عرب
الكهف
الواحد
الليل
النهار
باب هشتم در بیان ادغام لام تعریف و اظهار او نزد بیست حروف هجاء

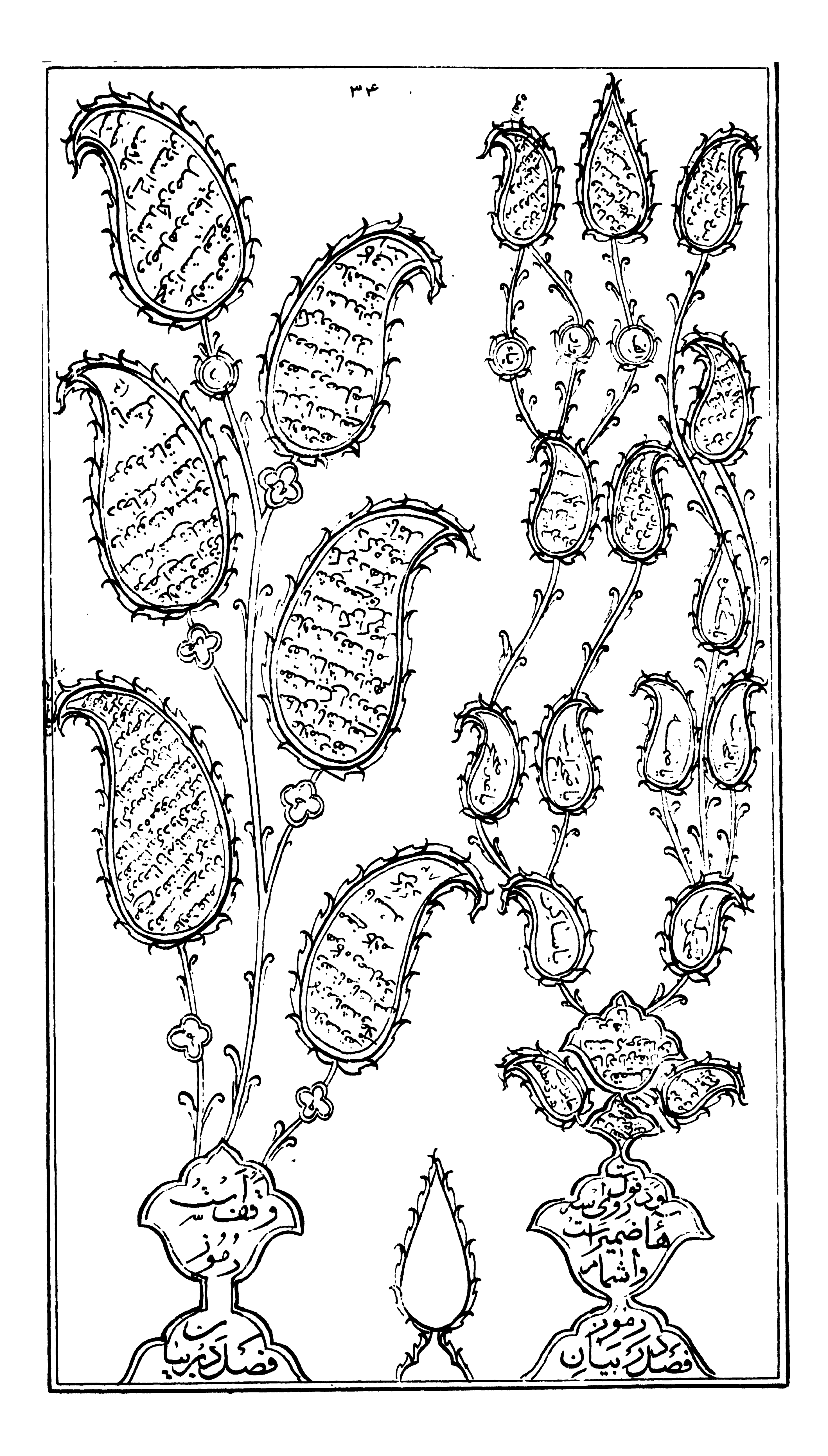

باب نهم در بیان احکام هاء ضمیر است


باب دهم در بیان احکام مد و قصر است

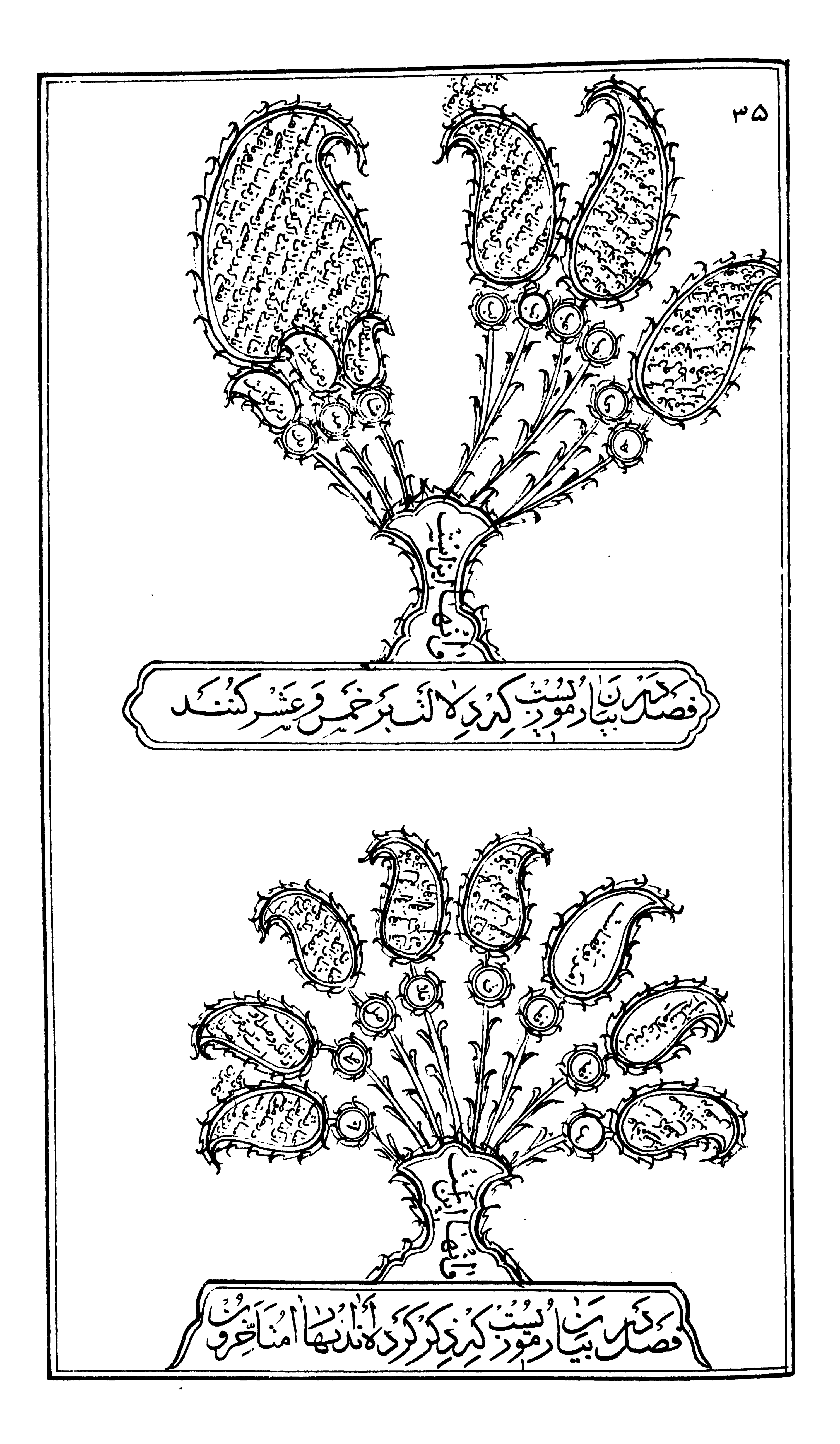

فصل در بیان اقسام حروف مقطعه

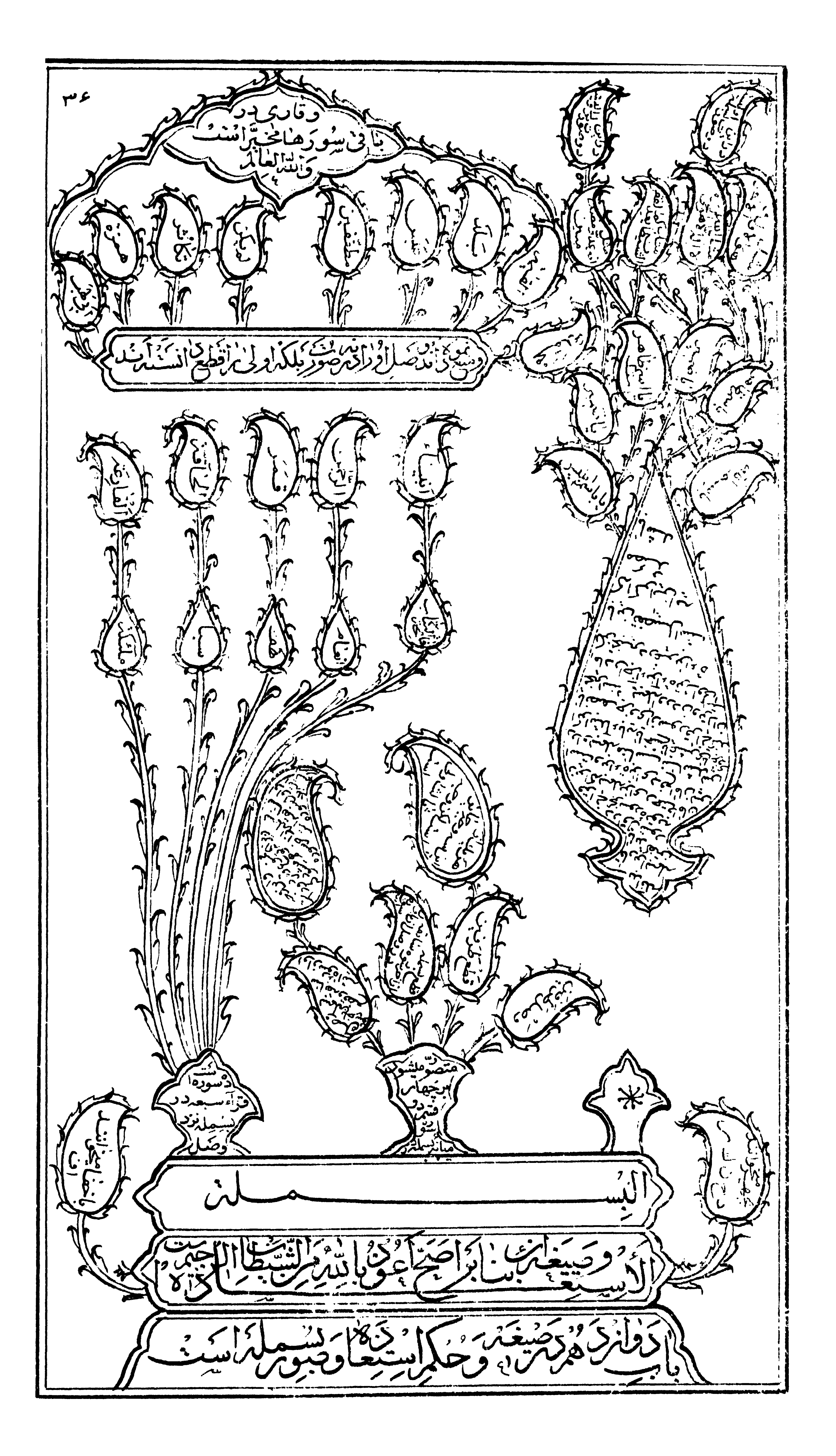



بدانکه وقف را احکام نه‌گانه است

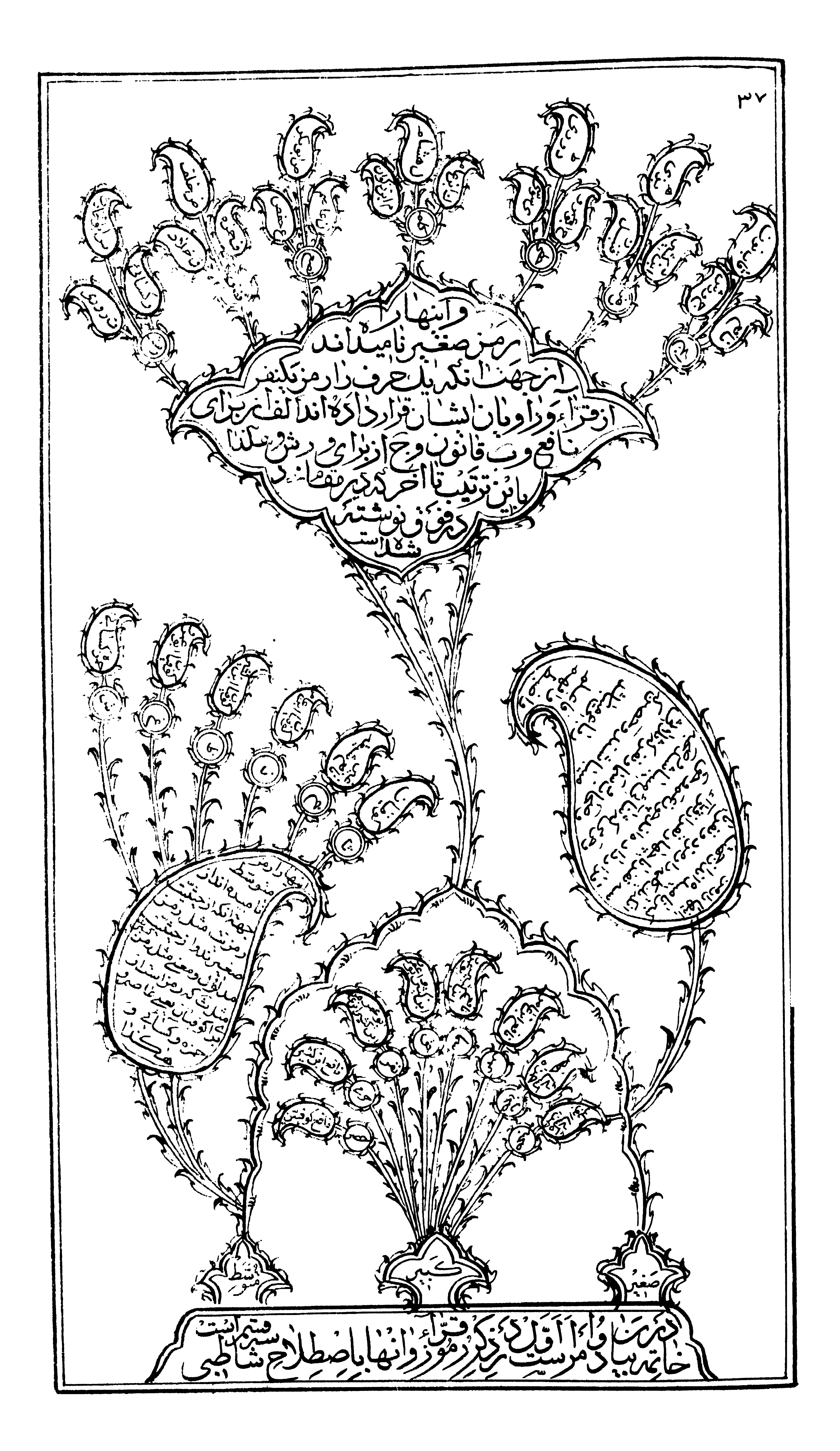


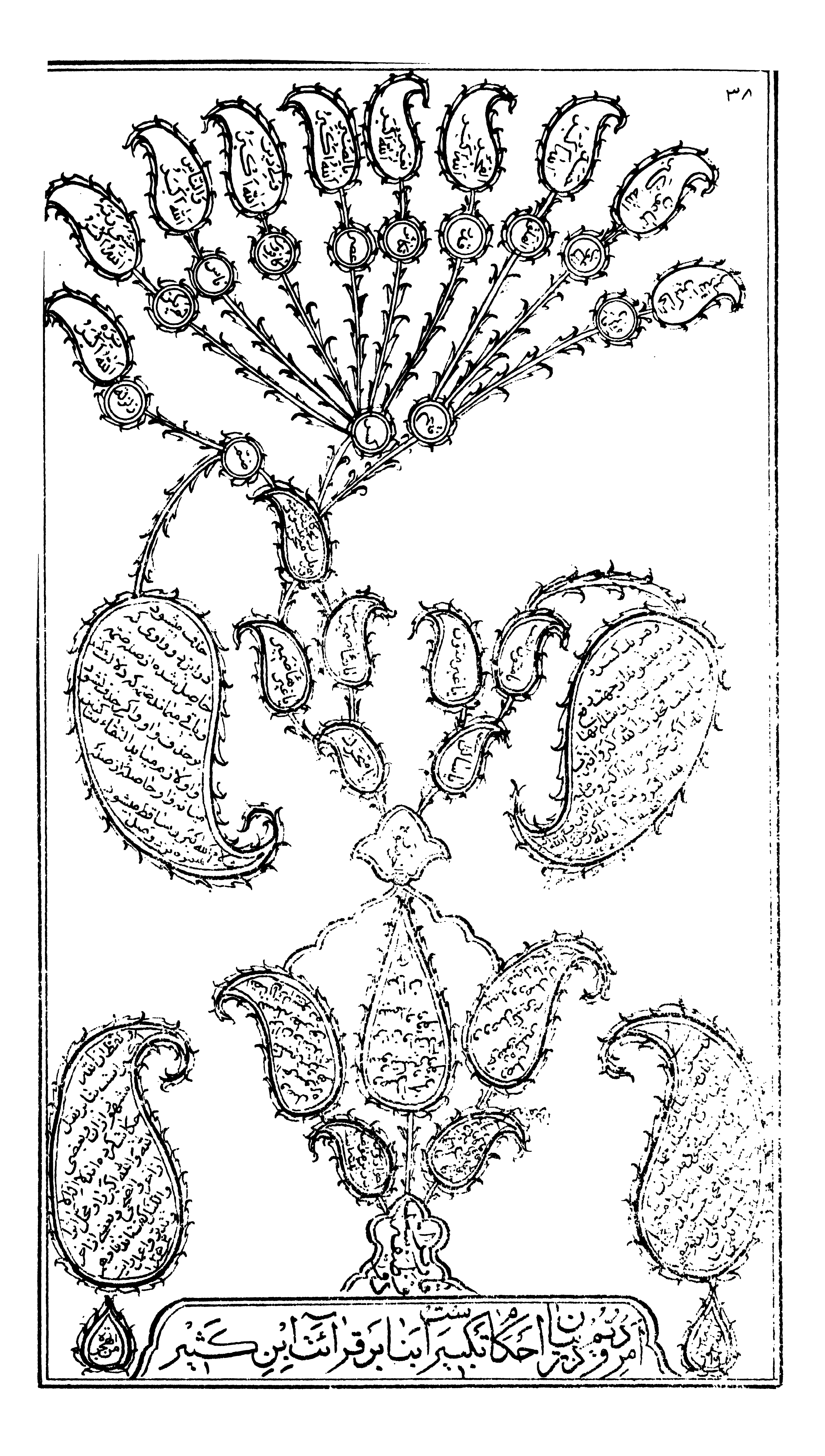
فصل در بیان
رموز
فصل در بیان
رموز

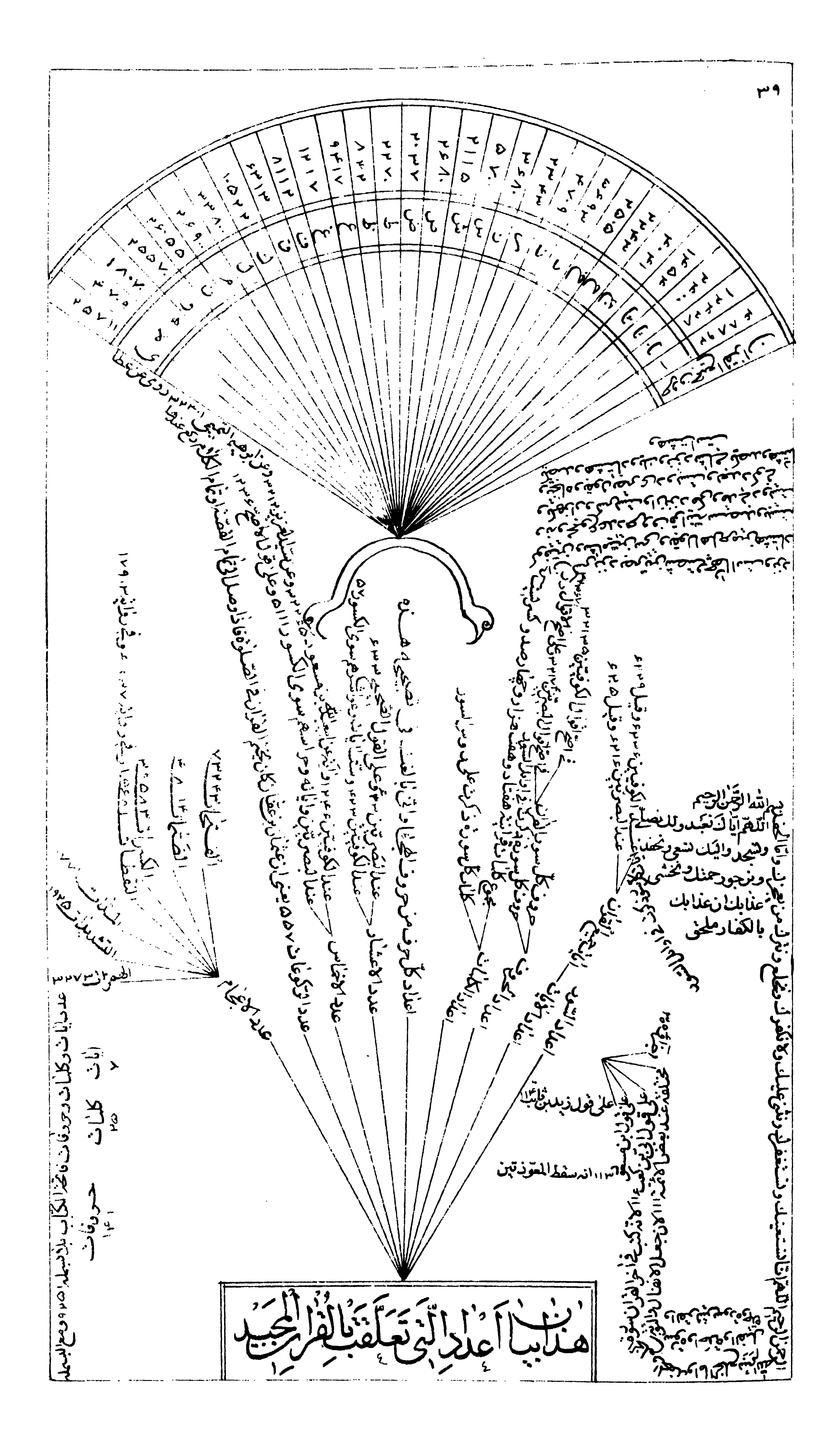

فصل در بیان موی بست کرده الف بر خمس و عشر کنند
فصل در بیان موی بست که ذکر کرده اند بهاء امنا خرو



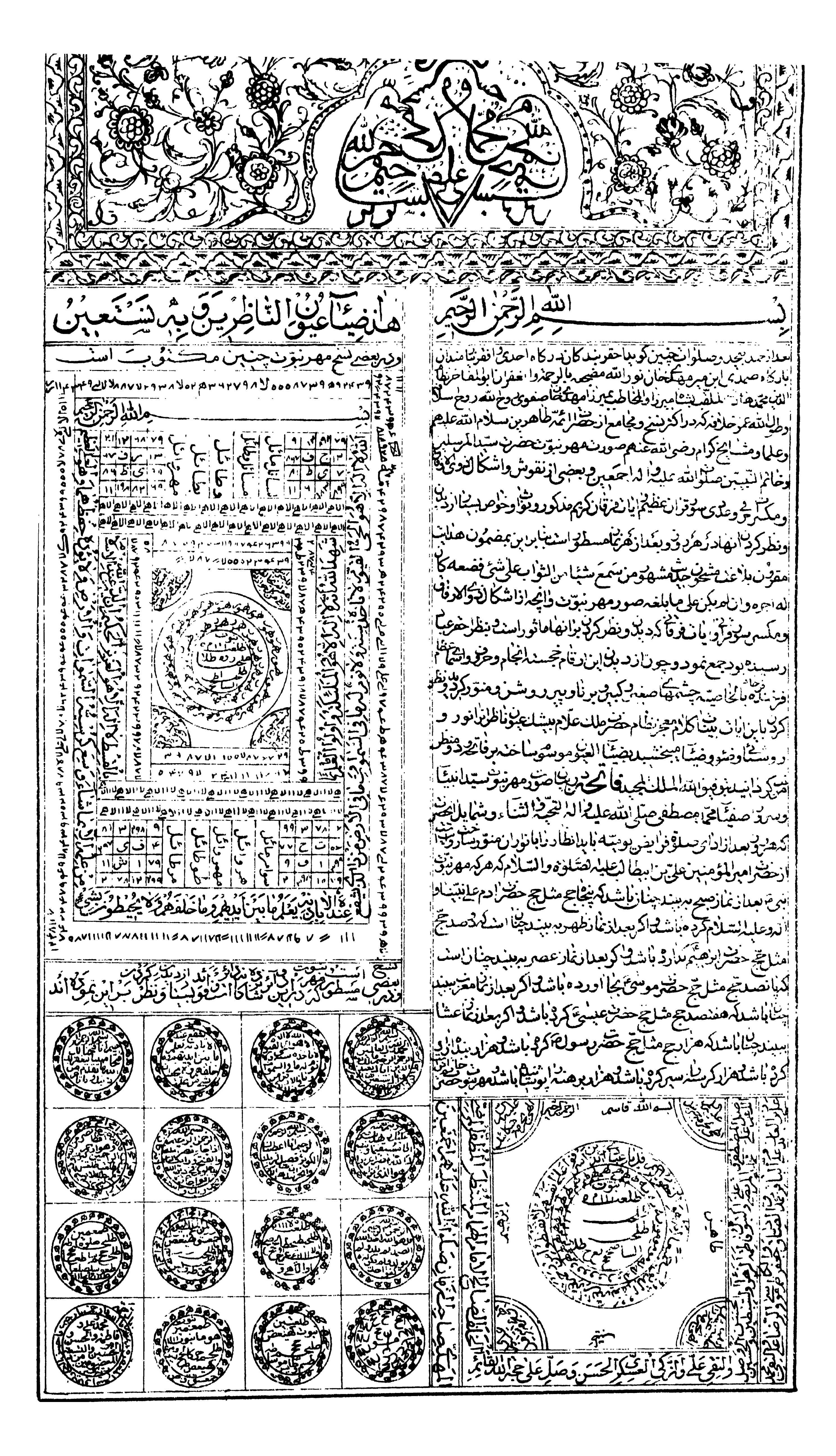
وقاری در
باقی سورها مخیر است
والله العالم
ست
دو سوره ا
قراء سبعه در
بسمله نزد
وصل
متصور میشود
بر چهار
قسم در
میان بسمله و
البسمله
الاستعاذه و صیغه آن بنابر اصح اعوذ بالله من الشیطان الرجیم است
باب دوازدهم در صیغه و حکم استعاذه و صور بسمله است


و انها را
رمز صغیر نامیده اند
از جهت آنکه یک حرف را رمز یکنفر
از قراء و راویان ایشان قرار داده اند الف برای
نافع و ب قالون و ج از برای ورش و هکذا
باین ترتیب تا آخر که در مقام
در فوق نوشته
شده است
متوسط
کبیر
صغیر
خاتمه در بیان دو امر است اول در ذکر رموز قراء و آنها باصطلاح شاطبی سه قسم است


امر دویم در بیان احکام سنت تکبیر بنا بر قرائت ابن کثیر



هذا بيان أعداد التي تتعلق بالقرآن المجيد
بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم إياك نعبد ولك نصلي
ونسجد وإليك نسعى ونحفد
ونرجو رحمتك ونخشى
عذابك إن عذابك
بالكفار ملحق
على قول زيد بن ثابت
إنه سقط المعوذتين



بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از حمد بیحد و صلوات بیچون گوید احقر بندگان درگاه احدیت و افقر بندگان
بارگاه صمدی ابن میرمهدی خان نور الله مضجعه بالرحمة والغفران ابوالمفاخر نظام
الدین محمد هادی الملقب بشاه میرزا و المخاطب بمیرزا مهدی خان صفوی روح الله روح سلا
طین الله عمر حالا وفه که در اکثر نسخ و مجامع از حضرات ائمه طاهرین سلام الله علیهم
و علما و مشایخ کرام رضی الله عنهم صورت مهر نبوت حضرت سید المرسلین
و خاتم النبیین صلوات الله علیه و آله اجمعین و بعضی از نقوش و اشکال الذی لا وفق
و مکسر هم و عددی سور قرآن عظیم یا آیات فرقان کریم مذکور و ثواب و خواص بسیار از دیدن
و نظر کردن آنها ذکر نموده و بعد از همه مسطور است بنابر این بمضمون هذا
مقرون بلاغ عن شیخ حدیث مشهور من سمع شیئا من الثواب علی شیء فصنعه کان
له اجره و ان لم یکن علی ما بلغه صور مهر نبوت و آنچه از اشکال الذی لا وفق
و مکسر سور و آیات فرقانی که دیدن و نظر کردن برآنها ماثور است و بنظر حقیر
رسیده بود جمع نمود و چون از دیدن این ارقام خجسته انجام و حروف و اسماء
فرخنده بالخاصیه چشمهای صغیر و کبیر و برنا و پیر روشن و منور گردد و نظر
کردن باین آیات بینات کلام معجز نظام حضرت ملک علام بیشک عیون ناظرین را نور و
روشنائی و ضیاء میبخشید بضیاء العیون موسوم ساخته بر فاتحه و دو منظر
مسمی گردانید بعون الله الملک المجید فاتحه در بیان صور مهر نبوت سید انبیا
و سرور اصفیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله التحیة و الثناء و شمایل حضرت
که هر که بعد از ادای صلوة فرایض بوجه با انظار نورانی منور سازد
از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه الصلوة و السلام که هر که مهر نبوت
نبی را بعد از نماز صبح ببیند چنان باشد که پنجاه حج مثل حج حضرت آدم علی نبینا و
آله و علیه السلام کرده باشد و اگر بعد از نماز ظهر ببیند چنان است که صد حج
مثل حج حضرت ابراهیم کرده باشد و اگر بعد از نماز عصر ببیند چنان است
که پانصد حج مثل حج حضرت موسی بجا آورده باشد و اگر بعد از نماز مغرب ببیند
چنان باشد که هفتصد حج مثل حج حضرت عیسی کرده باشد و اگر بعد از نماز عشا
ببیند چنان باشد که هزار حج مثل حج حضرت رسول کرده باشد و هزار بنده آزاد
کرده باشد و هزار گرسنه سیر کرده باشد و هزار برهنه پوشانیده باشد و مهر نبوت حضرت خاتم

هذا ضیاء عیون الناظرین و به نستعین

و در بعضی نسخ مهر نبوت چنین مکتوب است

بسم الله الرحمن الرحیم

عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء

و در بعضی نسخ است مهر نبوت که در این شاکله مسطور است و دائره دائره اند از دیدن ... و نظر بر این نموده اند

بسم الله قاسم

در ردیفِ این نقش مکرم بعد از فرایض خمسهٔ یومیه ثواب بسیار و خواص بی‌شمار نقل شده از جمله اینکه ناظرین از جمیع آفات و بلیات در حمایت حق تعالی باشد و در نزد سلاطین و اکابر معزز و مقبول القول باشد و از سحر ساحران و مکر مکاران در امان بوده باشد هر که با او خصومت نماید مغلوب گردد و اگر کسی مدیون باشد این شکل را در شب پنجشنبه یا شب جمعه شفیع خود سازد قادر به ادای دین او را آسان سازد و اگر نوشته با خود دارد در معرکه جنگ مظفر و منصور گردد

یا رحمن یا رحیم	یا الله یا علی	ه [illegible] صعصر ساب
یا الله یا الله	علی ولی الله محمد رسول الله	صعصر [illegible]

ابحع دب

صعصر سال

این نقش مبارک از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است و آنجناب از حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند و ثواب بسیار و فوائد بی‌شمار در دیدن این نقش مبارک بعد از هر فریضه خمسه لیل و نهار ذکر فرموده‌اند

ا	!	ں	الله	د	م	م
ص	ع	ط	هو	و	و	رحیم
م						رر
س ط						سمد

ص ط ک

منقولست که هر که بعد از هر فریضه خمسه یومیه این نقش معظم را ببیند خدای تعالی ببرکت و حرمت آن معاصی و خطایای او را عفو فرماید و بکرم خود او را بیامرزد و آن این است

یا الله بهـــ ح ـــــ ف	یا الله بهـــ ح ـــــ ف
یا الله بهـــ ح ـــــ ف	بهـــ ح ـــــ ف

فواید و ثواب بسیار در دیدن این نقش اعظم نقل شده از جمله آنکه چیز خدای تعالی بناظر این نقش عطا میفرماید اول بینائی و روشنائی چشم دوم وسعت رزق سیم آتش دوزخ را بر وی حرام کند چهارم او را بیامرزد

سلام م	ـب	رص
ودی	الف	مرد
سال	مرد	محرمـ

مذکور است که هر که مکسر حروف سوره ناس را در مربع دوازده در دوازده نوشته با خود دارد و هر روز آنرا ببیند خدای تعالی او را بیامرزد و از وسوسه شیطانی نگاه دارد و دلش قوی گردد و با ایمان از دنیا برود و آتش دوزخ بر او حرام گردد و پیوسته بخوشی و خرمی بگذراند

[illegible]

منقولست از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه نشسته بود که جبرئیل آمد و گفت یا رسول الله خدای تعالی ترا سلام میرساند و میفرماید که هر که از امت تو مکسر حروف آیة الکرسی را در پانزده در پانزده بنویسد و با خود دارد و هر روز به بیند از همه بلایا ... [illegible] ... و تا ... [illegible] گردانند و هر که با وی قصد [illegible] داشته باشد ... [illegible]

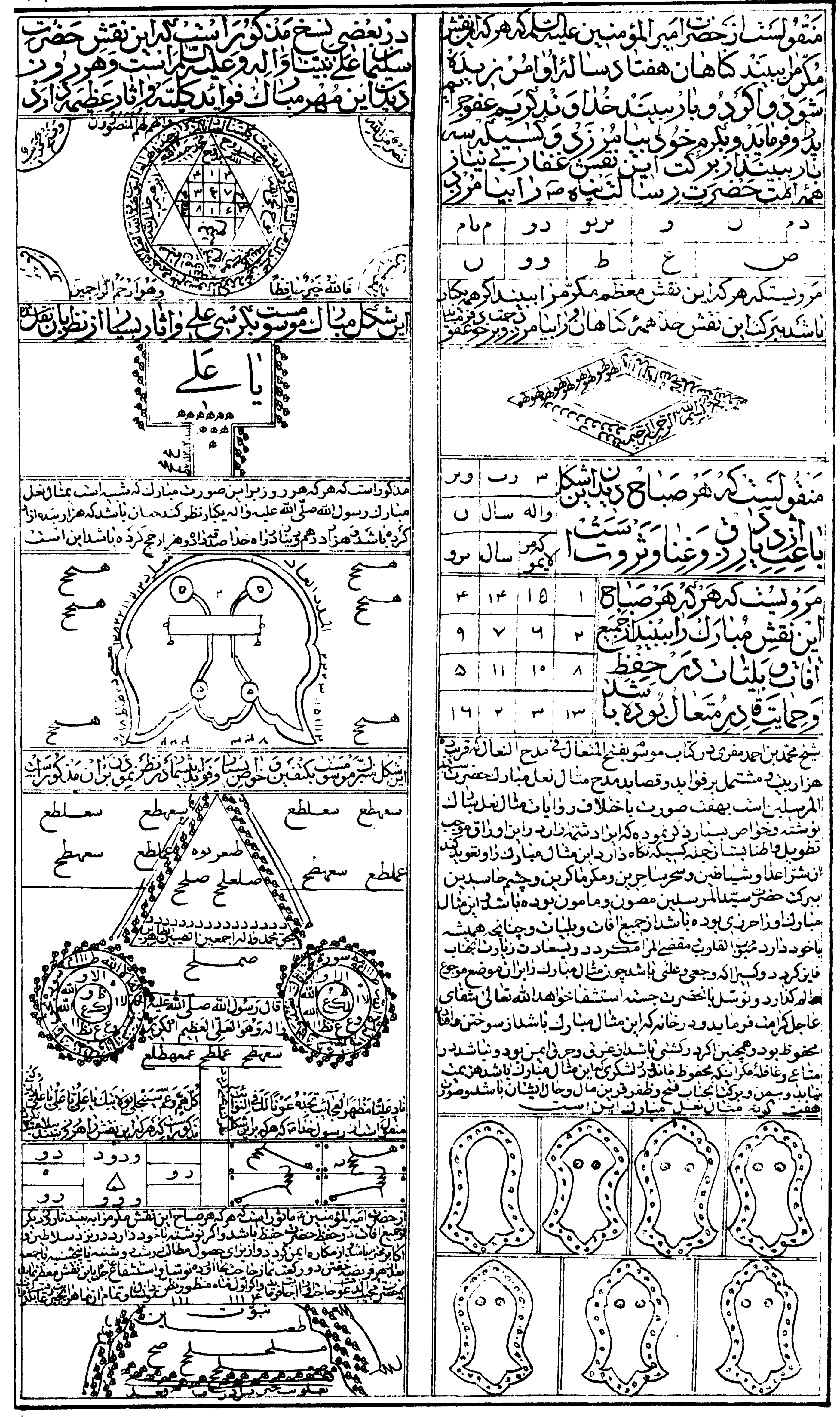
[illegible]

و در نسخه دیگر مکسر آیه مذکوره بهیئت دیگر دیده شد و شرح از همه ... حضرت ماثور و سهل نقاوت از زیاده و تفصیل بهمان منوال مذکور نوشت

[illegible]

مرویست از حضرت رسول که فرمود که از جبرئیل شنیدم که هر که ... [illegible] ... را در مربع بیست در بیست نوشته با خود دارد و هر روز به بیند ... [illegible] ... پادشاهان و امرا و بزرگان با عزت و حرمت شود و علو مطیع و ... [illegible]

[illegible]



منقولست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که این نقش
مکرم ببیند گناهان هفتاد ساله او آمرزیده
شود و اگر دو بار ببیند خداوند کریم عفو گرداند
و فرماید و بکرم خود بیامرزد و کسیکه سه
بار ببیند از برکت این نقش غفار بی نیاز
همه امت حضرت رسالتپناه صلعم را بیامرزد

م ما م	دو	مرہو	و	ں	دم
ں	وو	ط	ع		ص

مرویست که هر که این نقش معظم مکرم را ببیند اگر همه یکبار
باشد ببرکت این نقش حق تعالی همه گناهان او را بیامرزد و برحمت و مغفرت خود عفو فرماید

منقولست که هر صباح دیدن این اشکال
باعث ازدیاد رزق و غنا و ثروت است

ور	رب	۳
ں	سال	واله
مرو	سال	کهر لایموت

مرویست که هر که هر صباح
این نقش مبارک را ببیند از جمیع
آفات و بلیات در حفظ
و حمایت قادر متعال بوده باشد

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

شیخ محمد بن احمد مقری در کتاب موسوم بفتح المتعال فی مدح النعال قریب دو هزار بیت و مشتمل بر فواید و قصاید مدح مثال نعل مبارک حضرت سید المرسلین است بهفت صورت باختلاف روایات مثال نعل مبارک نوشته و خواص بسیار ذکر نموده که ایراد شمه ذکر در این اوراق موجب تطویل و اطناب است از جمله کسیکه نگاه دارد این مثال مبارک را و تعویذ کند از شر اعدا و شیاطین و سحر ساحرین و مکر ماکرین و چشم حاسدین ببرکت حضرت سید المرسلین مصون و مامون بوده باشد و این مثال مبارک او را حرزی بوده باشد از جمیع آفات و بلیات و چنانچه همیشه با خود دارد محبوب القلوب مقضی المرام گردد و بسعادت زیارت آنجناب فایز گردد و کسیرا که وجعی و علتی باشد چون مثال مبارک را بر آن موضع موجع الم گذارد و توسل بآنحضرت جسته استشفا خواهد الله تعالی شفای عاجل کرامت فرماید و در خانه که این مثال مبارک باشد از سوختن و افتادن محفوظ بود و همچنین اگر در کشتی باشد از غرق و حرق ایمن بود و نباشد در متاع و قافله مگر آنکه محفوظ ماند در لشکری که این مثال مبارک باشد هزیمت نیابد و بیمن و برکت آنجناب فتح و ظفر قرین مال و حال ایشان باشد و صورت هفت گونه مثال نعل مبارک این است

در بعضی نسخ مذکور است که این نقش حضرت
سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام است و هر روز
دیدن این مهر مبارک فواید کلیه و آثار عظیمه دارد

این شکل مبارک موسوم بکرسی علی و آثار بسیار از نظر آن پدید

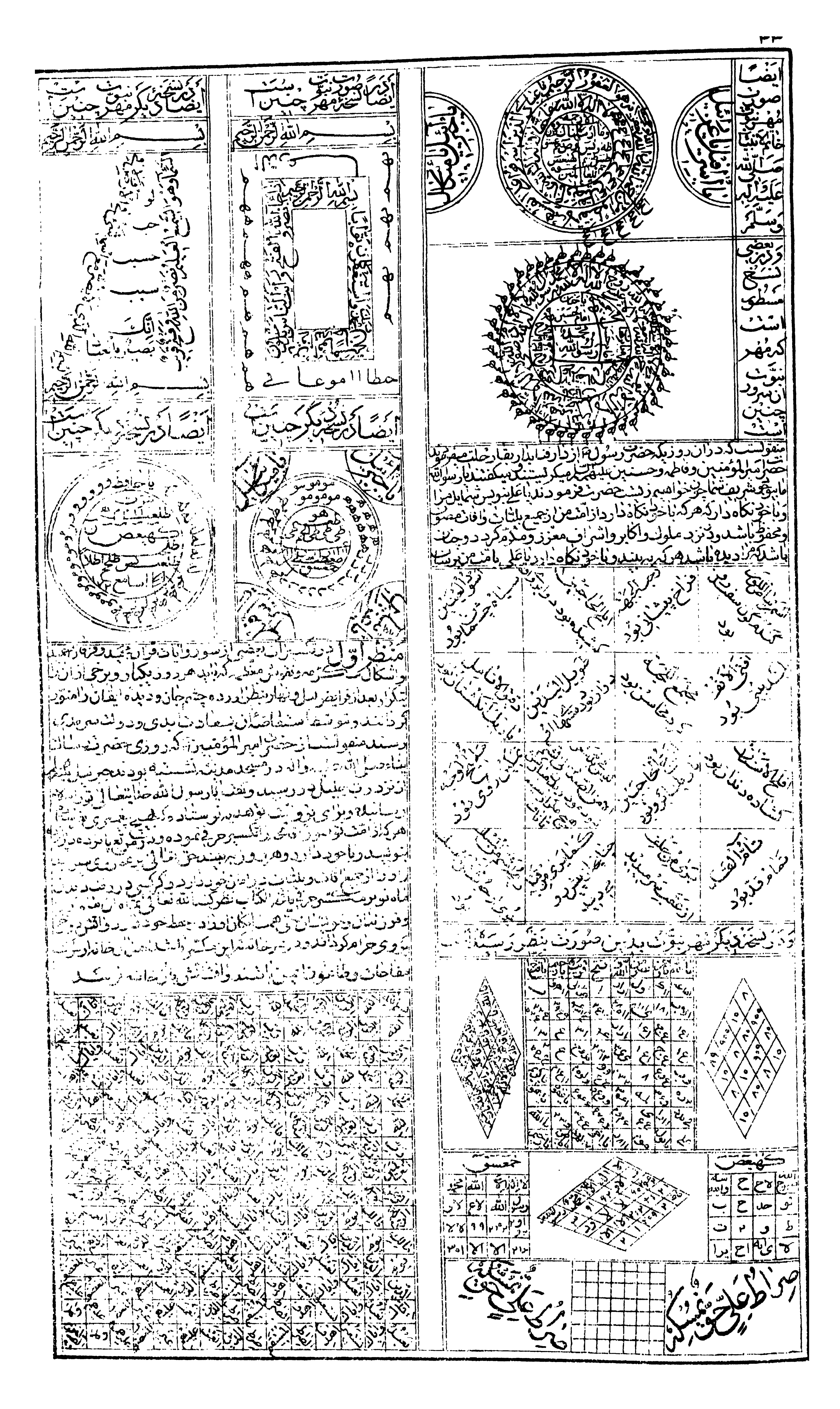
مذکور است که هر که هر روز بر این صورت مبارک که شبیه است بمثال نعل مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله یکبار نظر کند چنان باشد که هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار درهم و دینار در راه خدا صدقه داده و هزار حج کرده باشد این است

این شکل مبارک موسوم بکف بن خوص و فواید بسیار در نظر نمودن بر آن مذکور است

ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب
کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی
منقول است از رسول خدا که هر که بر این شکل نگرد
مذکور است که هر که این نقش را هر روز ببیند بسلامت

دو	ودود	
ه	۵	دو
دو	ووو	

از حضرت امیر المؤمنین ماثور است که هر که هر صباح این نقش مکرم را ببیند تا روز دیگر از جمیع آفات در حفظ حضرت حفیظ باشد و اگر نوشته با خود دارد در نزد سلاطین و اکابر محترم باشد و از مکاره ایمن گردد و از برای حصول مطالب روز شنبه و شنبه یا پنجشنبه یا جمعه بعد هر فریضه خفتن دو رکعت نماز حاجت بجا آورده توسل و استشفاع جل باین نقش معظم نماید بحضرت مجیب الدعوات حاجت او اجابت نماید و اگر او را گناه منظور نظر داشته نوشته باشد و تمام از ماه رجب غایب گردد



ایضاً صورت مهر نبوت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم
و در بعضی نسخ مسطور است که مهر نبوت آن سرور چنین است
ایضاً در نسخهٔ دیگر مهر نبوت چنین است
بسم الله الرحمن الرحیم
منقولست که در آن روزیکه حضرت رسول ص از دار فنا بدار بقا رحلت میفرمودند
حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنین علیهم السلام میگریستند میگفتند یا رسول الله
ما بمهر شریف شما چون خواهیم زیست حضرت فرمودند یا علی بنویس شما این مهرا
و با خود نگاه دارید هر که با خود نگاه دارد از امت من از جمیع بلیات و آفات معصوم
و محفوظ باشد و در نزد ملوک و اکابر و اشراف معزز و مکرم گردد و چنان
باشد که مرا دیده باشد هر که ببیند و با خود نگاه دارد یا علی با امت من برسان
منظر اول در تسخیرات بعضی از سور و آیات قرآن مجید

مذکور است که هر که مکسّر حرفی سورهٔ قدر را در مربع پانزده در پانزده بنویسد و با خود دارد هر روز از آنرا ببیند چنان است که گویا شب قدر را یافته ثواب آنرا دریافت کرده و آتش دوزخ براو حرام گردد و هرگز محتاج نشود و همیشه با عزت و حرمت باشد و هر که او را ببیند بر او مهربان شود و در هر خانه که این مکسّر در آن باشد آفت آتش بآن خانه نرسد ان شاء الله

منقولست از ائمهٔ معصومین علیهم السلام که هر که مکسّر حرفی سورهٔ نصر را در مربع دوازده در دوازده نوشته و با خود دارد و هر روز او را ببیند روشنی چشمش بیفزاید و هر علت که در چشم او باشد دفع شود و آتش دوزخ براو حرام گردد و در نظر پادشاه و خلایق و امرا و اکابر عزیز و محترم باشد و بهر معرکه که رود او ور دفع و نصرت یابد و هر که او را ببیند بر او مهربان شود و دشمن دوست گردد و هر که با او بدی کند با و بر گردد

مذکور است که هر که مکسّر حرفی سورهٔ کوثر را در مربع هفت در هفت بنویسد و با خود دارد و هر روز آنرا ببیند حق تعالی او را از حوض کوثر روزی گرداند و در نظر مردم عزیز باشد و روزی او فراخ گردد و هرگز محتاج این خلق روزگار نگردد و در خانه که باشد تنگی نه بیند از آب و نان و از آفات محفوظ باشند

مذکور است که هر که مکسّر حرفی سورهٔ جحد را در مربع پانزده در پانزده نوشته و با خود دارد و هر روز آنرا ببیند ثواب جهاد با کفار و مرتبه شهدا دارد و ایمانش از وساوس شیطانی محفوظ ماند و دلش قوی گردد و دشمنانش مقهور شوند و در نظر مردم با هیبت نماید و هر حاجت که از خدا بخواهد بی شک بیابد

منظر دوم در نقش معظمی که در ایام هفته باید دید و ذو الکتابة مخصوص هر روز اما نقش معظم این است که از حضرت رسول ص مرویست که هر که روز شنبه نظر نماید رحمت الهی شامل حال او گردد و روز یکشنبه غنی و بی نیاز گردد و روز دوشنبه ناظرش عمرش زیاد شود و روز سه شنبه دیدنش موجب زیادتی مال گردد و روز چهارشنبه خلاق عالم سیّئات نظر کننده را از نامهٔ عملش محو فرماید و روز پنجشنبه نظر کننده از مکروهات خلاصی یابد و بمسرّت و کامرانی بگذراند و هر که روز جمعه ببیند بسعادت دارین فایز گردد ان شاء الله تعالی وان ...

لا اله الا الله محمد رسول الله

یا محمد ان الرسول لله حلب

منل الرسو بوا اه ه ا ا ع ه

یوم الاحد

منقولست که هر که این مربع را در روز یکشنبه ببیند جمیع امور او بسهولت تمام شود و در میان خلق با هیبت و صلابت باشد و تمام هفته در امان خدا باشد و همه دشمنان او مقهور شوند و در نظر خلایق و سلاطین معزز باشد و هر که او را ببیند مطیع او شود والسلام

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٥٨	٢٤	١٦٨	٥٩٤	٥٢٧
١١١١	٥٩٢	٥٤٠	١٠٤	٢٨
٥٣٨	١٠٢	٢٥	١٦٢	٥٩٥
٢٣	١٧٢	٥٩٣	٥٩٣	١٠٥

یوم الاثنین

منقولست که هر که این مربع را در روز دوشنبه ببیند در آن روز از انواع بلیات و مکروهات در حفظ الهی باشد و حاجات او مقرون باجابت گردد و در نزد همهٔ خلایق مکرم باشد

نصر من الله	وفتح قریب	وبشر المؤمنین	فالله خیر حافظا	وهو ارحم الراحمین
٧٣٨	٩٤٤	٦٠٤	٤٩٩	٨٠٤
٩٥٧	٤٩٧	٨٠٧	٢٣٢	٩٤٩
٨٠٥	٧٣٤	٩٤٥	٦٠٥	٥٠٠
٩٤٣	٦٠٦	٤٩٨	٨٠٣	٢٣٧

یوم الثلثاء

منقولست که هرکه در روز سه شنبه این مربع را ببندد از جمیع مکاره در امان باشد و هر گناهی از صغیره و کبیره که در آن روز و در آن هفته کرده باشد خداوند کریم بکرم خود عفو فرماید و دعائی که در آن روز در درگاه احدیت طلب نماید مستجاب شود و زنی که دردِ زائیدن خاطر او زده شود

یا غوث	یا نور النور	یا مبدع البدائع	یا خالق النور	یا غیاث
۵۸۹	۱۰۱۶	۲۸۷	۳۵۹	۵۴۱
۳۹۰	۲۵۷	۵۴۴	۵۴۸	۱۰۱۴
۵۰۲	۵۸۲	۱۰۱۷	۳۸۸	۲۹۰
۱۰۱۵	۲۹۱	۳۵۸	۵۴۰	۵۸۵

یوم الاربعاء

منقولست که هرکه این مربع را در روز چهارشنبه ببندد در آن روز از جمیع مصائب عظیمه و نوائب جسیمه محفوظ و محروس باشد و در نزد خلایق عزیز و محترم گردد و محبوب القلوب و مقبول القول گردد

یا الله	یا قائم	یا رزاق	یا مجیب	یا لطیف
۳۱۱	۱۳	۱۲۷	۶۹	۴۸۷
۱۳۰	۶۲	۴۹۰	۳۹	۱۰
۴۸۸	۳۰۷	۱۳	۱۲۸	۲۰
۱۱	۱۳۱	۹۸	۴۸۶	۳۱۰

یوم الخمیس

منقولست که هرکه این مربع را در روز پنجشنبه ببندد صاحب مکنت و ثروت و مقبول القول کافه انام شود و چهره بهبود در آئینه مقصود صورت بندد و در امن و امان ملک منان بوده و دست تقدیر ملک قدیر ابواب رزق بروی بگشاید

یا الله	یا ودود	یا رئوف	یا رب	یا قیوم
۲۸۹	۳۵۵	۱۲	۶۹	۱۸
۳۱	۹۷	۳۱	۲۸۷	۱۹۸
۱۹	۳۸۵	۲۰۱	۱۹	۷۰
۱۹۹	۲۲	۶۲	۱۷	۳۸۸

یوم الجمعة

منقولست که هرکه این مربع را در روز جمعه ببندد هر گناهی از صغیره و کبیره که در آن هفته از او صادر شده باشد خدا از او عفو فرماید بر اعدا مظفر و منصور گرداند انشاء الله تعالی

علیقا	ملیقا	انت تعلم	ما فی الصدور	یا لیقا
۱۸۳	۴۷۴	۱۷۹	۲۱۴	۱۷۹
۱۸۲	۳۱۲	۱۸۲	۹۹۳	۴۷۲
۱۸۰	۹۹۰	۴۷۵	۱۸۰	۳۱۵
۴۷۲	۱۸۳	۲۱۳	۱۷۸	۹۹۳

یوم السبت

منقولست که هر که این مربع را در روز شنبه ببندد خدا او را از جمیع آفات تا شنبه دیگر نگاه دارد و در نزد ملوک و اکابر عزیز باشد و همه خلق مطیع و منقاد او شوند و مقبول القول همه خلق گردد

وافوض امری و سپردم	کارهای خود را	الی الله بسوی خدا	ان الله بدرستی که خدا	بصیر بالعباد بیناست به بندگان
۱۱۰	۱۱۵	۴۱۰	۸۹۶	۲۴۹
۴۱۳	۸۹۴	۳۵۳	۱۰۸	۱۱۳
۲۵۰	۱۰۶	۱۱۹	۴۱۱	۸۹۷
۱	۱۴	۱۹۵	۲۴۸	۱۰۴۹

مذکور است که هرکه سوره فلق را در مربع چهارده در چهارده بنویسد و با خود دارد و هر روز آنرا به بیند از شر دیو و پری و شیطان و سلطان ایمن باشد و دشمنانش مقهور گردند و همیشه بخوشی و خرمی روزگار بسر برد

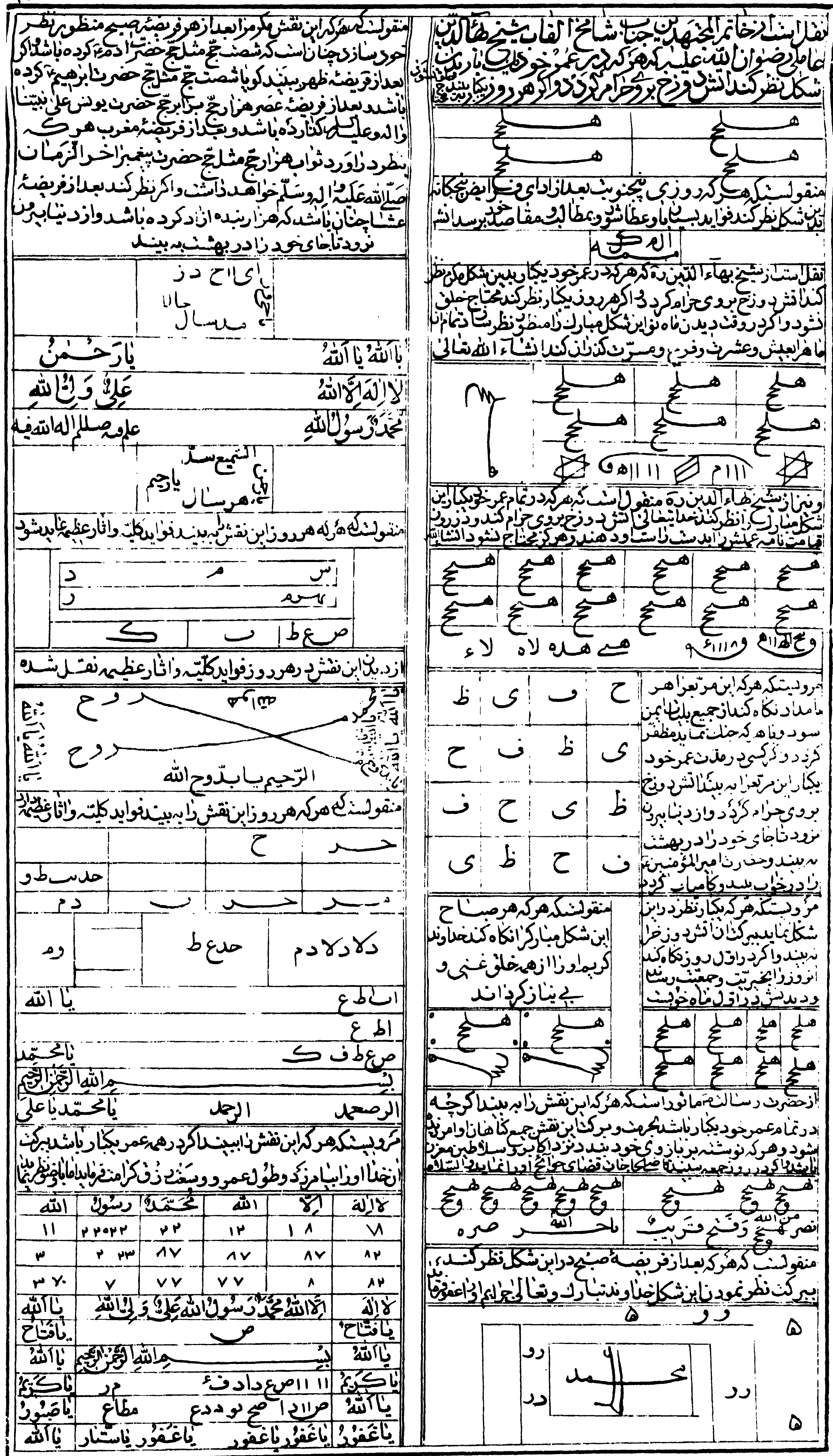
بسم	الله	الرحمن	الرحیم	قل	اعوذ	برب	الفلق	من	شر	ما	خلق	ومن	شر
[illegible]													

مذکور است که هرکه مکسر حرفی ناد علیا را در مربع هفت در هفت بنویسد با خود دارد و هر روز آنرا ببیند از جمیع بلیات مصون و محفوظ و مامون باشد و در معرکه جنگ نصرت و فتح یابد و بر دشمنان غالب شود و میان مردم عزیز شود و مطالب مآرب او محصل و میسر گردد و هرکه او را ببیند اطاعت و فرمانبرداری نماید و سحر و جادو بر او و بر اهل خانه او اثر نکند و هیچ حربه بر او کارگر نشود انشاء الله

[illegible]

مذکور است که هر که مکسر عددی تمام قرآن را در مربع ده در ده بنویسد و با خود دارد و هر روز آنرا ببیند اگر هر روز نتواند در هر هفته و گر نتواند در هر ماهی یکبار و اگر نتواند در سالی یکبار و اگر در همه عمر یکبار ببیند خدا چهار چیز او را کرامت فرماید اول ثواب ختم قرآن دوم ثواب حج بیت الله سیم او را بهشت داخل فرماید چهارم زیارت پیغمبر نصیب شود و دارنده و بیننده این تکسیر در نزد مردم عزیز باشد بر دشمنان مظفر و منصور آید از مرض مفاجات ایمن گردد

[illegible]



نقل است از خاتم المجتهدین جناب شامخ الالقاب شیخ بهاء الدین عاملی رضوان الله علیه که هر که در عمر خود یکبار بدین شکل نظر کند آتش دوزخ بر وی حرام گردد و اگر هر روز یکبار ببیند محتاج نشود

هـلـج	هـلـج
هـلـج	هـلـج

منقولست که هر که روزی پنج نوبت بعد از ادای فرایض پنجگانه بدین شکل نظر کند فواید بسیار عطا شود و بمطالب و مقاصد خود برسد انشاء الله

الهکم مسمه

نقل است از شیخ بهاء الدین ره که هر که در عمر خود یکبار بدین شکل مکرم نظر کند آتش دوزخ بر وی حرام گردد و اگر هر روز یکبار نظر کند محتاج خلق نشود و اگر در وقت دیدن ماه نو این شکل مبارک را منظور نظر سازد تمام آن ماه را بعیش و عشرت و فرح و مسرت گذران کند انشاء الله تعالی

هـلـج	هـلـج	هـلـج
هـلـج	هـلـج	هـلـج

۱۱۱م ۱۱ ۱۱ اهو

و نیز از شیخ بهاء الدین ره منقول است که هر که در تمام عمر خود یکبار این شکل مبارک را نظر کند خدای تعالی آتش دوزخ بر وی حرام کند و در روز قیامت نامه عملش را بدست راست وی دهند و هرگز محتاج نشود انشاء الله

هـج	هـج	هـج	هـج	هـج	هـج
هـج	هـج	هـج	هـج	هـج	هـج

وهج الهم ۱۱۱۸ و ۹
هـے هـلاه لاه لاء

مرویست که هر که این مربع را هر بامداد نگاه کند از جمیع بلیات ایمن شود و بهر که جنگ نماید مظفر گردد و هر کسی در مدت عمر خود یکبار این مربع را ببیند آتش دوزخ بر وی حرام گردد و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و حضرت امیر المؤمنین را در خواب ببیند و کامیاب گردد

ط	ی	ف	ح
ح	ف	ظ	ی
ف	ح	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف

مرویست که هر که یکبار نظر در این شکل نماید ببرکت آن آتش دوزخ را نبیند و اگر در اول روز نگاه کند آن روز را بخیریت و جمعیت رساند و دیدنش در اول ماه خوبست

منقولست که هر که هر صباح این شکل مبارک را نگاه کند خداوند کریم او را از همه خلق غنی و بی نیاز گرداند

هـلـج	هـلـج	هـلـج	هـلـج
هـلـج	هـلـج	هـلـج	هـلـج

از حضرت رسالت مآب مأثور است که هر که این نقش را ببیند اگر چه در تمام عمر خود یکبار باشد بحرمت و برکت این نقش جمیع گناهان او آمرزیده شود و هر که نوشته بر بازوی خود بندد نزد اکابر و سلاطین معزز باشد و اگر در روز جمعه ببیند تا صلوات حاجات قضای حوائج او را نماید والسلام

هـج هـج هـج هـج وهج وهج وهج	هـج هـج وهج وهج
یا حـ الله ـر صره	نصر من الله وفتح قریب

منقولست که هر که بعد از فریضه صبح در این شکل نظر کند ببرکت نظر نمودن این شکل خداوند تبارک و تعالی جرایم او را عفو فرماید

ه و و ه
ه رو محمد رد
در ه

منقولست که هر که این نقش مکرم را بعد از هر فریضه صبح منظور نظر خود سازد چنانست که شصت حج مثل حج حضرت آدم ع کرده باشد و اگر بعد از فریضه ظهر ببیند گویا شصت حج مثل حج حضرت ابراهیم ع کرده باشد و بعد از فریضه عصر هزار حج برابر حج حضرت یونس علی نبینا و آله و علیه السلام گذارده باشد و بعد از فریضه مغرب هر که بنظر در آورد ثواب هزار حج مثل حج حضرت پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله و سلم خواهد داشت و اگر نظر کند بعد از فریضه عشا چنان باشد که هزار بنده آزاد کرده باشد و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت ببیند

ای اح د ز
حالا
مدسال

یا رحمن	یا الله یا الله
علی ولی الله	لا اله الا الله
علم صلعم اله الله فیه	محمد رسول الله

السمیع سد
یا رحیم
هرسال

منقولست که هر که هر روز این نقش را ببیند فواید کلیه و آثار عظیمه عاید شود

د	م	س
ر		بهرم
ک	ب	صع ط

از دیدن این نقش در هر روز فواید کلیه و آثار عظیمه نقل شده

روح
محمد
روح
الرحیم یا بدوح الله
یا الله

منقولست که هر که هر روز این نقش را ببیند فواید کلیه و آثار عظیمه دارد

		ح	حـر
حدسطو			
دم	ب	حـر	مـر

وم		حدع ط	دلا دلا دم

یا الله	اطع
	اط ع
یا محمد	صع ط ف ک
بسم الله الرحمن الرحیم	بسم
یا محمد یا علی	الصعد الرحد

مرویست که هر که این نقش را ببیند اگر در همه عمر یکبار باشد ببرکت آن خدا او را بیامرزد و طول عمر و وسعت رزق کرامت فرماید اما باوضو نظر نماید

لا اله	الا	الله	محمد	رسول	الله
۷۱	۱۸	۱۲	۲۲	۲۲۵۲۲	۱۱
۸۲	۸۷	۸۷	۸۷	۲ ۲۳	۳
۸۲	۸	۷۷	۷۷	۷	۷۰ ۳

لا اله	الا الله محمد رسول الله علی ولی الله	یا الله
یا فتاح	ص	یا فتاح
یا الله	بسم الله الرحمن الرحیم	یا الله
یا کریم	۱۱ ۱۱ صع داد ف ء م ر	یا کریم
یا الله	صر ۱۱ د ا صح نو د دع مطاع	یا صبور
یا غفور	یا غفور یا غفور یا غفور یا ستار	یا الله

از بعضی مشایخ کرام منقولست که هر که هر صباح در این شکل نظر کند محبوب القلوب همه خلایق کردد و مطلب او بسهولت میسّر کردد و هر که با او عداوت نماید منکوب و مخذول کردد انشاء الله تعالی

۱۲۰۹۱	۱۲۰۹۴	۲۰۹۷	۱۲۰۸۴
۱۲۰۹۶	۱۲۰۸۵	۱۲۰۹۰	۱۲۰۹۵
۱۲۰۸۶	۱۲۰۹۹	۱۲۰۹۲	۱۲۰۸۹
۱۲۰۹۳	۱۲۰۸۸	۱۲۰۸۷	۱۲۰۹۸

سبوح مهمهو		وما لیسقو ملس
۹		۲
ویطعا		عماوفه

از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که هر که در عمر خود یکبار باین نقش معظم نظر کند ببرکت آن غفار رحیم او را بیامرزد و هر که سه نوبت به بیند خداوند کریم بشفاعت و حرامت محمد صلی الله علیه و آله و سلم او را عفو فرماید و اکر بر کفن میتی نویسند آن میّت از عذاب قبر ایمن شود انشاء الله تعالی

سلام	ود	الی
هیح	الف	مرسا
ماسهم	مهاره	مامری

مذکوراست که هر که هر روز این نقش معظم را ببیند خدا همه کناهان صغیره و کبیرهٔ او را بیامرزد و چنان باشد که حضرت رسول را دیده باشد و اکر هر روز نتواند در هر هفته یکبار ببیند و اکر نتواند در ماهی یکبار و اکر نتواند در سالی یکبار و اکر نتواند در عمر خود یکبار ببیند و اکر بیمار ببیند شفا یابد بقدرت کامله خدای تعالی انشاء الله تعالی

۱۸۱۱۴	۱۲۲	۱۸۰۸۶	۸۱	۱
۲۱	ع	۱۲۲	۱۱۰۵	۱۲۱
۱۰ع		۱۱۸	۹۱	۲۱۱
۱۱۱	۱۲۳			۹۱۹
۱۸	۱۹	ع	۱۱۱	۱۲۱۰
۱۵	۱۱ع	۹۲	۱۲۱	۱۲۴۱

مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه که هر که این نقش را یکبار ببیند کناهان هفتاد ساله او آمرزیده شود و اکر دو مرتبه ببیند پدر و مادر را و آمرزیده شود

الله الله الله	الله الله	الله الله	
سوف	رب	در	
ارهه	ماب	وا	
لاهر	ماد	سرب	
۱۳۳ ۱۳۳ ۱۳۳	۱۳۳ ۱۳۳	۱۳۳	

مذکوراست که در وقت بامداد نکاه کردن باین شکل باعث حصول ثواب زیاد است

۱ ه	۵۲	۷	۸۸
السا	۵۲	۱۰۱	۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱
۰۱۴	۸۷	۹۹	۷۱ ۷۱
۰۱۰۱۰۱۸	۱۶۲	۹۴	۷۱ ۷۱

عاط ۷۱۱ که لم ۱۱ ا حلوح

شیخ اسد الملة والدین رحمه الله نقل نموده که هر که هر صباح در این هفت کلمه نظر کند محبوب القلوب و مقبول القول کردد و بر جمیع مرادات فایز کردد انشاء الله تعالی

ههه ولس	فو قطوطس
سر وما سعوس	سرورعما لط

منقولست که نظر کردن در این ارقام هر روز بعد از نماز صبح کفارت سیئات است

ص	ع	ف	ک
	۹	۹	ر
	۹۱		هـ

دیدن این نقش مکرم بعد از نمازهای یومیه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست و ثواب بسیار در آن ذکر شده

مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام و حاصل آن اینکه هر که با طهارت این شکل را منظور نظر خود سازد الله تعالی در آن روز او را از جمیع بلیات سیما مرک مفاجات و طاعون محفوظ دارد و بتبعیت و عافیت کرامت فرماید و بر دشمن مظفر و منصور کرداند این است

۲	جو	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

یا رحمن

یا الله

منقولست که هر که مکسر عدد ... بنویسد و با خود دارد هر روز ببیند هیچ حربه بروی کارکر نکردد و همیشه از همه کس مظفر و منصور کردد و آثار عظمت و حشمت و بزرکی از ناصیه‌اش ظاهر کردد

۱۹۱۴۸۲	۱۹۱۴۷۳	۱۹۱۴۸۵	۱۹۱۴۸۸
۱۹۱۴۷۶	۱۹۱۴۷۷	۱۹۱۴۸۵	۱۹۱۴۸۴
۱۹۱۴۷۸	۱۹۱۴۸۹	۱۹۱۴۸۴	۱۹۱۴۸۱
۱۹۱۴۸۰	۱۹۱۴۸۵	۱۹۱۴۷۹	۱۹۱۴۹۰

نقل است که هر که مکسر عدد آیهٔ ثم انزل علیکم را نا فاق الصدور در مربعی نویسد و هر روز در آن نظر کند یا با خود دارد همه مقاصد دنیوی و اخروی او برآورده شود و در نزد مردم عزیز باشد

۵۰۳۹	۵۰۴۸	۵۰۴۶	۵۰۳۴
۵۰۴۵	۵۰۴۲	۵۰۳۸	۵۰۴۴
۵۰۳۴	۵۰۴۸	۵۰۴۱	۵۰۳۷
۵۰۴۸	۵۰۳۶	۵۰۳۵	۵۰۴۱

این نقش معظم منسوب بحضرت رسول است و نقل شده که هر که در عمر خود یکبار به بیند ببرکت آن همه کناهان عفو شود و اکر هر روز ببیند هر حاجتی که از حضرت قاضی الحاجات داشته باشد باجابت مقرون کردد

این نقش مبارک منسوبست بحضرت علی بن موسی الرضا و مذکوراست که هر که یکمرتبه ببیند ببرکت آن صد هزار کناه او عفو شود و کویا جمال بی‌مثال حضرت رسالت را دیده باشد و اکر مریض باشد شفا حقیقی یا صحت کرامت شود

بسم الله الرحمن الرحیم انا نحن نعم الهنا
امرهم ... و ویا الله

حدسه طاود د	یا محمد
الحمد لله م	فر و و
حدسه طاود د	یا علی

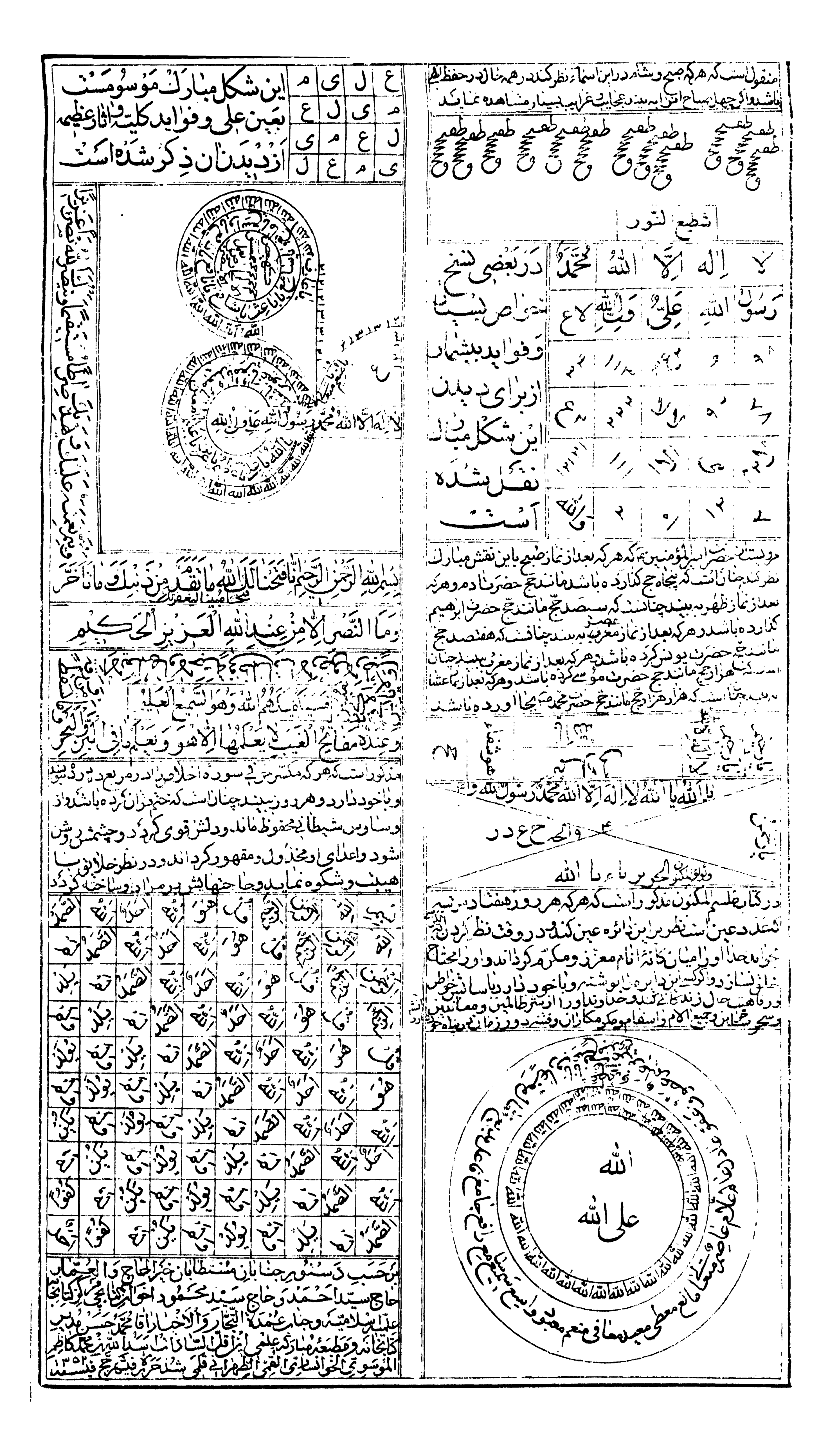
۱۸	۱۲۱	۱۱۲	۱۸۴	۱۱۷	۱۷
۱۱۱	۲۷	۲۱	ع	۲۱۲	۰۱
۱۸	۱۹	۱۹	۱۹ع	ع۸	۱۱۲
۱۹	۱۸	۱۱۱	۱۰	۹	۱۸
۱۷	۱۶ع	۱۸	۱۲۱	۱۲	۱

منقولست که هر که در تمام عمر خود یکبار این نقش معظم را نظر کند کناهان او از نامهٔ اعمالش محو کردد و اکر هر روز یکبار ببیند هر مطلب و مقصدی که داشته باشد از مجیب الدعوات طلب کند البته حاصل شود و مهم و کفایت شود

بسم الله الرحمن الرحیم

هو لا لا س ۱۱۱ ه

الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله



منقول است که هر که صبح و شام در این اسماء نظر کند در همه حال در حفظ الهی باشد و اگر چهل صباح این را ببیند عجایب و غرایب بسیار مشاهده نماید

طمسم طمسم طمسم و حج …

ع	ل	ی	م
م	ی	ل	ع
ل	ع	م	ی
ی	م	ع	ل

این شکل مبارک موسوم است بعین علی و فواید کلیه و آثار عظیمه از دیدن آن ذکر شده است

شطرنج لنور

لا	اله	الا	الله	محمد
رسول	الله	علی	ولی الله	لاع
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	۱۲	۵	۲	و الله

در بعضی نسخ خواص بسیار و فواید بیشمار از برای دیدن این شکل مبارک نقل شده است

مرویست از حضرت امیرالمؤمنین که هر که بعد از نماز صبح باین نقش مبارک نظر کند چنان است که پنجاه حج گذارده باشد مانند حج حضرت آدم و هر که بعد از نماز ظهر ببیند چنانست که سیصد حج مانند حج حضرت ابرهیم گذارده باشد و هر که بعد از نماز عصر ببیند چنانست که هفتصد حج مانند حج حضرت یونس کرده باشد و هر که بعد از نماز مغرب ببیند چنانست که هزار حج مانند حج حضرت موسی کرده باشد و هر که بعد از نماز عشا ببیند چنانست که هزار هزار حج مانند حج حضرت محمد ص بجا آورده باشد

یا الله یا الله لا اله الا الله محمد رسول الله و …

و الحی ع د ر

یا الله

در کتاب طلسم المکنون مذکور است که هر که هر روز هفتاد دفعه نظر بر این دائره عین کند در روز نظر کردن … خدا او را میان خلایق تمام معزز و مکرم گرداند و او را محتاج خلایق نسازد و اگر کسی این دایره را بپوشد و با خود دارد بیاسایش خود … حل زند گانی کند خداوند او را از شر ظالمین و معاندین و سحر ساحرین و جمیع الام و اسقام و مکر مکاران و فتنه دوران زمان در پناه خود …

الله
علی الله

بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر

و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم

فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم

و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر

مذکور است که هر که مشترح سوره اخلاص را در مربع درج نموده و با خود دارد و هر روز ببیند چنانست که ختم قرآن کرده باشد و از وساوس شیطانی محفوظ ماند و دلش قوی گردد و چشمش روشن شود و اعدای او مخذول و مقهور گردانند و در نظر خلایق با هیبت و شکوه نماید و حاجتهایش بر مراد و ساخته گردد

بسم	الله	الرحمن	الرحیم	قل	هو	الله	احد	الله	الصمد
الله	الرحمن	الرحیم	قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم
الرحمن	الرحیم	قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
الرحیم	قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

برحسب دستور جنابان مستطابان فخر الحاج و العمائر حاج سید احمد و حاج سید محمود اخوان کتابچی کتابخانه علمیه اسلامیه و جناب عمدة التجار و الاخیار آقا محمد حسن مدیر کتابخانه و مطبعه مبارکه علمی از قلم اقل السادات سید الله بن محمد کاظم الموسوی الخوانساری القمی الطهرانی قلمی شد حرره فی شهر حج فی سنه ۱۳۵۲

بسم الله الرحمن الرحيم من طرق الاستخارة ما نقل و اشتهر من السيد الجليل علي بن طاوس بالقرآن المجيد فليقرأ آية الكرسي الى هم فيها خالدون
وآية وعنده مفاتح الغيب الى مبين ثم سورة يس ثم يقرأ هذا الدعاء اللهم اني توكلت عليك و تفألت بكتابك فارني ما هو المكتوم
في سرك المخزون في غيبك يا ذا الجلال والاكرام اللهم انت الحق و انزلتها بالحق على محمد و آله صلى الله عليه و آله
اللهم ارني الحق حقا حتى اتبعه و ارني الباطل باطلا حتى اجتنبه برحمتك يا ارحم الراحمين ثم تفتح المصحف و تعد الجلالات
من الصفحة اليمنى و تعد بعدد الجلالات اوراقا من الصفحة اليسرى ثم تعد الاسطر بعدد الاوراق من الصفحة اليسرى فما يأتي بعد ذلك فهو بمنزلة الوحي نقلا عن كتاب شرح
الصحيفة السجادية للسيد العلامة السيد علي خان
قدس سره عند شرحه للدعاء في الاستخارة وهو
الدعاء الثالث والثلاثون

الاستخارة
بالسبحة ذكر صاحب كتاب السعادات

مرويا عن الصادق تقرأ الحمد مرة والاخلاص
ثلاثا وتصلي على محمد وآله خمس عشرة مرة ثم تقول اللهم اني
اسئلك بحق الحسين و جده و ابيه
و امه و اخيه و الائمة من ذريته ان تصلي
على محمد و آل محمد و ان تجعل لي الخيرة
في هذه السبحة و ان تريني ما هو الاصلح
لي في الدين و الدنيا اللهم ان كان
الاصلح لي في ديني و دنياي و عاجل امري
و آجله فعل ما انا عازم عليه فأمرني و
الا فانهني انك على كل شيء قدير ثم تقبض
قبضة من السبحة و تعدها و تقول سبحان الله و
الحمد لله و لا اله الا الله الى آخر القبضة
فان كانت الاخيرة سبحان الله فهو مخير بين الفعل
و الترك و ان كان الحمد لله فهو امر و ان كان
لا اله الا الله فهو نهي نقلا ايضا من شرح الصحيفة
السجادية على صاحبها السلام و التحية

تنقيح ١٩٥٠

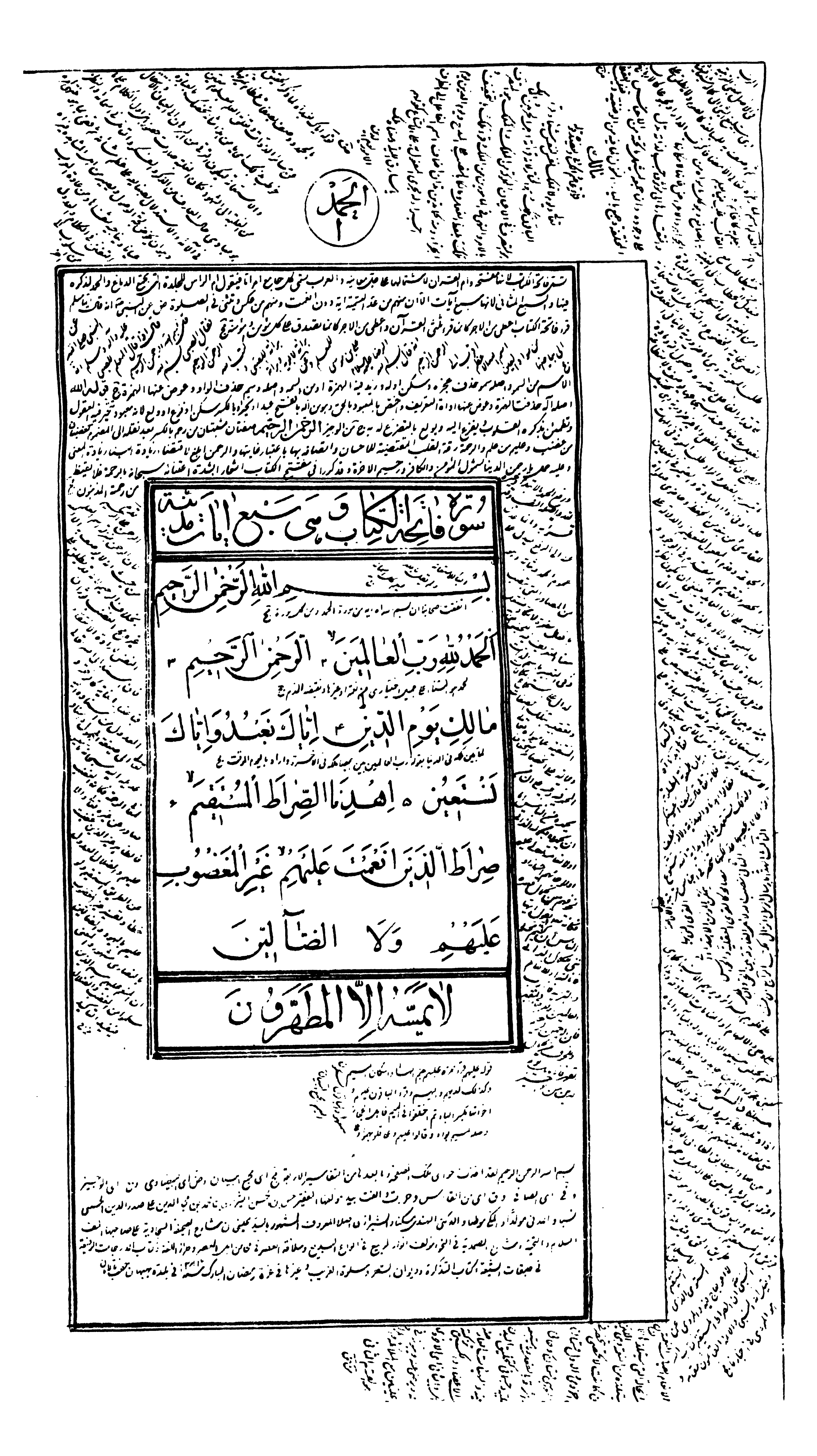
٢١٨

اين كلام الله مجيد را با دو فرزندانم كامم
سيد عبد الله مير كمالي بطبع رساندم
مركز فروش جلوخان كوچه
مسجد شاه مغازه آقا سيد محمد
مير كمالي نشر فروش مير سيد
سيد محمد مير
كمالي
١٣٥٢

بسم الله الرحمن الرحيم

الدعاء عند الشروع في قراءة القرآن

اللهم بالحق انزلته و بالحق نزل
اللهم عظم رغبتي فيه و اجعله نورا
لبصري و شفاء لصدري و ذهابا لهمي و
غمي و حزني اللهم زين به لساني و
جمل به وجهي و قو به جسدي و ثقل به
ميزاني و ارزقني تلاوته على
طاعتك
آناء
الليل و اطراف
النهار و احشرني مع النبي
محمد و
آله الطيبين الطاهرين



الحمد ١

تسمى فاتحة الكتاب لانها مفتتحه وام القرآن لاشتمالها على جميع معانيه والعرب تسمى كل جامع امرا فيقول ام الراس للجلدة التي تجمع الدماغ والحمد لذكره
فيها والسبع المثاني لانها سبع آيات الا ان منهم من عد التسمية اية دون انعمت ومنهم من عكس وتثنى في الصلوة عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال من
قرأ فاتحة الكتاب اعطى من الاجر كانما قرأ ثلثي القرآن واعطى من الاجر كانما تصدق على كل مؤمن ومؤمنة

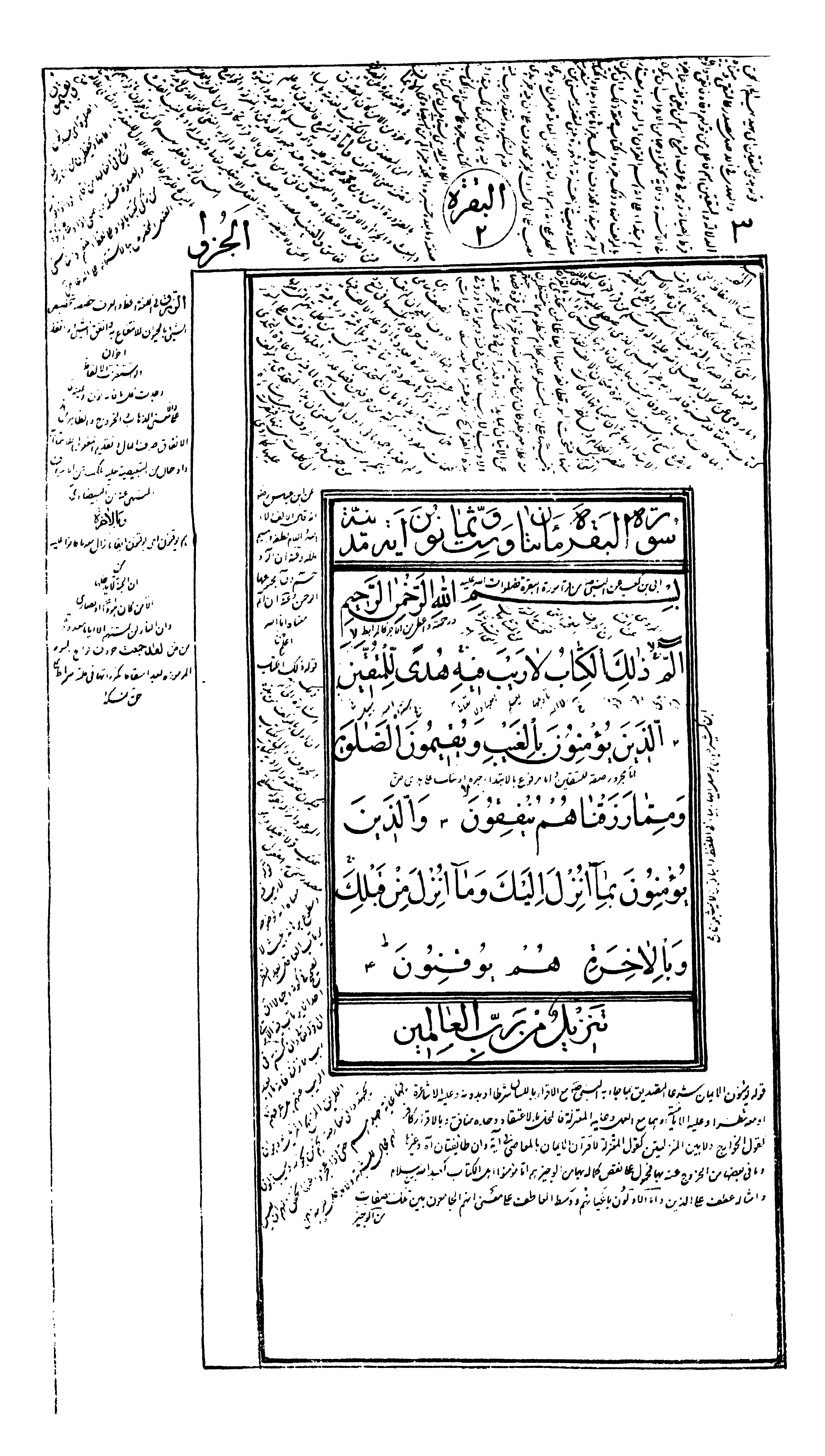
الاسم من السمو واصله سمو حذف عجزه وسكن اوله وزيد فيه الهمزة او من السمة واصله وسم حذف الواو وعوض عنها الهمزة قوله الله

سورة فاتحة الكتاب وهي سبع آيات مدنية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ٣
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ٤ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ
نَسْتَعِينُ ٥ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ٦
صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

لا يمسه الا المطهرون



سورة البقرة مائتان وست وثمانون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين ﴿٢﴾ الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ﴿٣﴾ والذين يؤمنون بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون ﴿٤﴾

تنزيل من رب العالمين



أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٥ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٦ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ
عَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٧ وَمِنَ النَّاسِ مَن
يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ ٨ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ
آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٩ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ
مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ١٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي
الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ١١ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ١٢
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ
هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ ١٣ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا
إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ١٤ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ
وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ١٥ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ
فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ١٦ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ
نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَّا يُبْصِرُونَ ١٧
صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ١٨ أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ
وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِم مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ

سوره الحمد مشتمل بر هفت آیه است

بنام خداوند بخشاینده مهربان حمد از برای خداست که پروردگار عالمیانست ۲ بخشنده مهربان ۳ صاحب روز قیامت ۴ تو را عبادت میکنیم و تو را یاری میجوئیم ۵ هدایت کن ما را براه راست ۶ راه آنهائیکه نعمت دادی بر آنها نه راه آنکسانیکه خشم داری بر آنها و نه راه گمراهان

سوره بقره مشتمل بر دویست و نود و شش آیه در مدینه نازل شده است

الم اینست قرآن شکی نیست در آن راهنماست از برای پرهیزکاران ۲ آنکسانیکه ایمان میآورند بغیب و برپا میدارند نماز را و از هرچه روزی داده ایم بایشان انفاق میکنند ۳ و آنکسانیکه ایمان می آورند بآنچه فرستاده شده است بسوی تو که قرآن و تورات و سایر کتب آسمانیست که بر انبیا نازل شده است و آنکسانیکه بآخرت یقین دارند

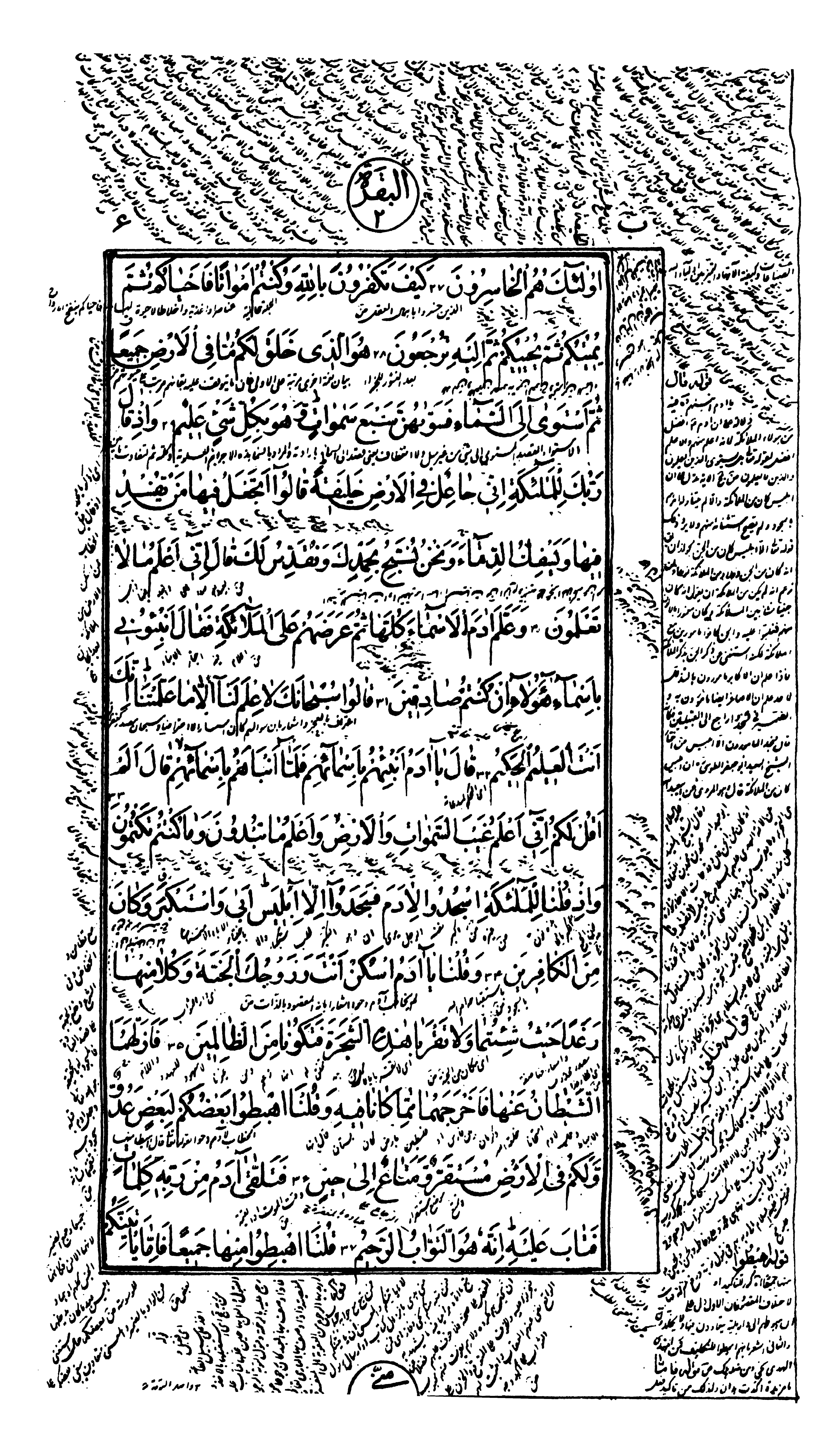
متعلق بصفحه چهارم است

۴ آنها بر راه راستند از جانب پروردگار خودشان و ایشان رستگارانند ۵ بدرستیکه آنکسانیکه کافر شدند مساویست بر آنها که بیم کنی آنها را یا بیم نکنی ایمان نمی آورند ۶ مهر کرد خدا بر دلهای آنها و بر گوشهای ایشان و بر چشمهای ایشان پرده ایست و از برای ایشانست عذاب بزرگی ۷ و از مردمان کسانی هستند که میگویند ما ایمان آورده ایم بخدا و روز قیامت و نیستند آنها مؤمنین ۸ فریب میدهند آنها خدا را و آنکسانیکه ایمان آوردند و فریب نمیدهند مگر خودشانرا و شعور ندارند ۹ در دلهای آنها مرضی است پس زیاد کند مرض ایشانرا و از برای آنهاست عذاب دردناک بجهة این دروغ گفتنشان ۱۰ و اگر گفته شود از برای آنها که فساد نکنید در زمین گویند ما اصلاح کننده ایم ۱۱ آگاه باشید که ایشان مفسدند ولی نمی دانند ۱۲ و وقتی گفته شود بآنها ایمان بیاورید همان طور که ایمان آورده اند مردم گویند آیا ما ایمان بیاوریم بطوری که ایمان آورده اند کم عقلها آگاه باشید که ایشان تماماً کم عقلند ولی نمیدانند ۱۳ و وقتی دیدند مسلمین را گویند ما ایمان آورده ایم و وقتی خلوت کردند با شیطانهای خودشان گویند ما با شمائیم غیر از این نیست که ما استهزا میکنیم ۱۴ خدا استهزا میکند بآنها و مهلت میدهد آنها را در طغیان و سرکشی که حیران و سرگردانند ۱۵ اینها هستند که خریده اند گمراهی را براه راست پس نفع نکرد تجارت آنها و نیستند راه یافتگان ۱۶ مثل ایشان مثل کسی است که روشن کند آتشی را پس چون روشن کرد آتش اطراف خود را خدا برد نور آنها را و واگذارد ایشانرا در تاریکی که نبینند ۱۷ کرند و گنگ و کور و ایشان برنمی گردند از عادات ذمیمه خودشان ۱۸ یا مثل کسانی هستند که در بیابان بارش تندی بآنها برسد در حالتیکه بسیار تاریک باشد و رعد و برق شدیدی باشد میگذارند انگشتهای خودشانرا در گوشهاشان از شدت صدای صاعقه از ترس مردن و خدا احاطه کننده است

بکافران ۱۹ نزدیکست برق ببرد نور چشمهای ایشانرا هر وقت روشنی دیدند راه میروند در آن روشنی و هر وقت
تاریک شد بر آنها بایستند اگر بخواهد خدا کر میکند انهارا از رعد و کور میکند از برق یقین خدا بر هر چیزی قادر است
۲۰ ای مردم عبادت کنید خدائیرا که خلق کرد شمارا و آنهائیرا که پیش از شما بودند شاید شماها پرهیزکار شوید ۲۱ آنکه
گردانید برای شما زمین را بساط گسترده و آسمانرا سقف و فرستاد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب آن آب
از میوها روزی از برای شما پس شما قرار ندهید از برای خدا شریکها و شما میدانید که این بیانات از روی حقیقت است
۲۲ و اگر شما تردید دارید از قرآنی که فرستادیم بر پیغمبر که بندهٔ ماست پس بیاورید یکسوره مثل آن و بخوانید
گواهان خودتانرا که بجز خدا است اگر راست میگوئید ۲۳ پس اگر نکرده اید و نمیکنید این کار را پس بپرهیزید از آتشی
که هیزمش از مردم گناهکار و از سنگهاست که مخصوص است از برای کفار ۲۴ و مژده بده ای پیغمبر آنکسانیرا که ایمان آوردند
و اعمال خوب کردند بیقین از برای آنهاست باغهائیست که جاریست از میان آنها نهرهای آب و هر وقت روزی داده شوند
از میوهای بهشت روزی آماده بگویند مؤمنین اینست آنچه روزی داده بما را پیش از این و تمام میوها و ماکولات یکرنگ
و یک طعم دارد و هرچه خورند فوراً بجای آن مثل آن خلق میشود و از برای مؤمنین است در بهشت زنهای پاک و پاکیزه
و ایشان در بهشت خواهند بود ۲۵ بدرستی که خدا شرم نمیکند از اینکه مثل بیاورد در امثال چیزی چه دیزرگتر آنرا
که مگس و عنکبوت برای خدا هر مثلی که در قرآن بیاورد شرم و ملاحظه در آن نیست پس اما آنهائیکه ایمان آوردند
میدانند که این بیان درست از جانب پروردگار را اما آنکسانیکه کافر شدند پس میگویند چه خدا خواسته است از این
مثل گمراه میکند باین مثل بسیاریرا و هدایت میکند بسیاریرا و گمراه نمیکند بآن مثل مگر فاسقین ۲۶ آنها
که می‌شکنند عهد خدا را بعد از آنکه محکم کرده اند آن عهد را و قطع میکنند آنچه را که امر کرده است خدا بآن در وصل و پیوند و فساد
میکنند در زمین آنها کلاً زیان کارند ۲۷ چگونه کافر میشوید

بخدا و حال اینکه شماها مرده بودید پس زنده کرد شمارا بعد میمیراند شمارا باز زنده میکند شمارا پس بسوی او بر میگردید ۲۸ او است
خدائی که خلق کرد از برای شما هرچه در زمین است کلاً پس از آن شروع کرد بخلق کردن آسمانها پس مرتب کرد هفت آسمان و او است
خدا بهر چیزی دانا است ۲۹ وقتی گفت خدای تو از برای ملائکه من خلیفه قرار میدهم در زمین گفتند ملائکه آیا میخواهی قرار بدهی کسی
را در زمین و بریزد خونها را و ما تسبیح میکنیم بحمد تو و تقدیس میکنیم ترا گفت خدا من میدانم چیزیرا که شما نمیدانید ۳۰ گفتند ملائکه منزهی
تو ما نمیدانیم چیزیرا مگر آنچه تعلیم کرده تو ما را تو ئی دانا و حکیم ۳۱ گفت خدا ای آدم آگاه کن ملائکه را باسمای این مسمیات پس
چون آگاه کرد آدم ملائکه را باسمای آنها گفت خدا بملائکه نگفتم بشما من میدانم غیب آسمانها و زمین را و میدانم تمام
آنچه را که آشکار و هرچه را پنهان میکنید ۳۲ وقتی گفتیم ما از برای ملائکه سجده کنید برای آدم پس سجده
کردند مگر شیطان ابا کرد و تکبر کرد و بود از کافران ۳۳ و گفتیم ای آدم بمان تو و زنت در بهشت و
بخورید از اطعمهٔ بهشت رایگان و بیزحمت هر جا که میخواهید و نزدیک مشوید باین درخت گندم که اگر نزدیک این
درخت رفتید از جملهٔ ظلم کنندگان خواهید بود ۳۴ پس بلغزانید آدم و حوا را شیطان و خوردند از درخت
گندم پس شیطان سبب بیرون کردن آن دو نفر شد از آن بهشت و نعمتهائی که در آن بودند و گفتیم بحوا
و آدم فرود آئید از بهشت در حالتیکه بعضی از برای بعضی دیگر دشمن باشید و از برای شماست در زمین آرامگاه
و اسباب آسایش تا روز مرگ ۳۵ پس رسید از جانب خدا بکلماتی از اسرار پس بخشید اورا بدرستیکه خداوند
بخشنده و مهربانست ۳۶ گفتیم ما فرود آئید و بیرون بروید از بهشت همهٔ شماها که آدم و حوا و شیطان است
پس اگر بیاید بسوی شما

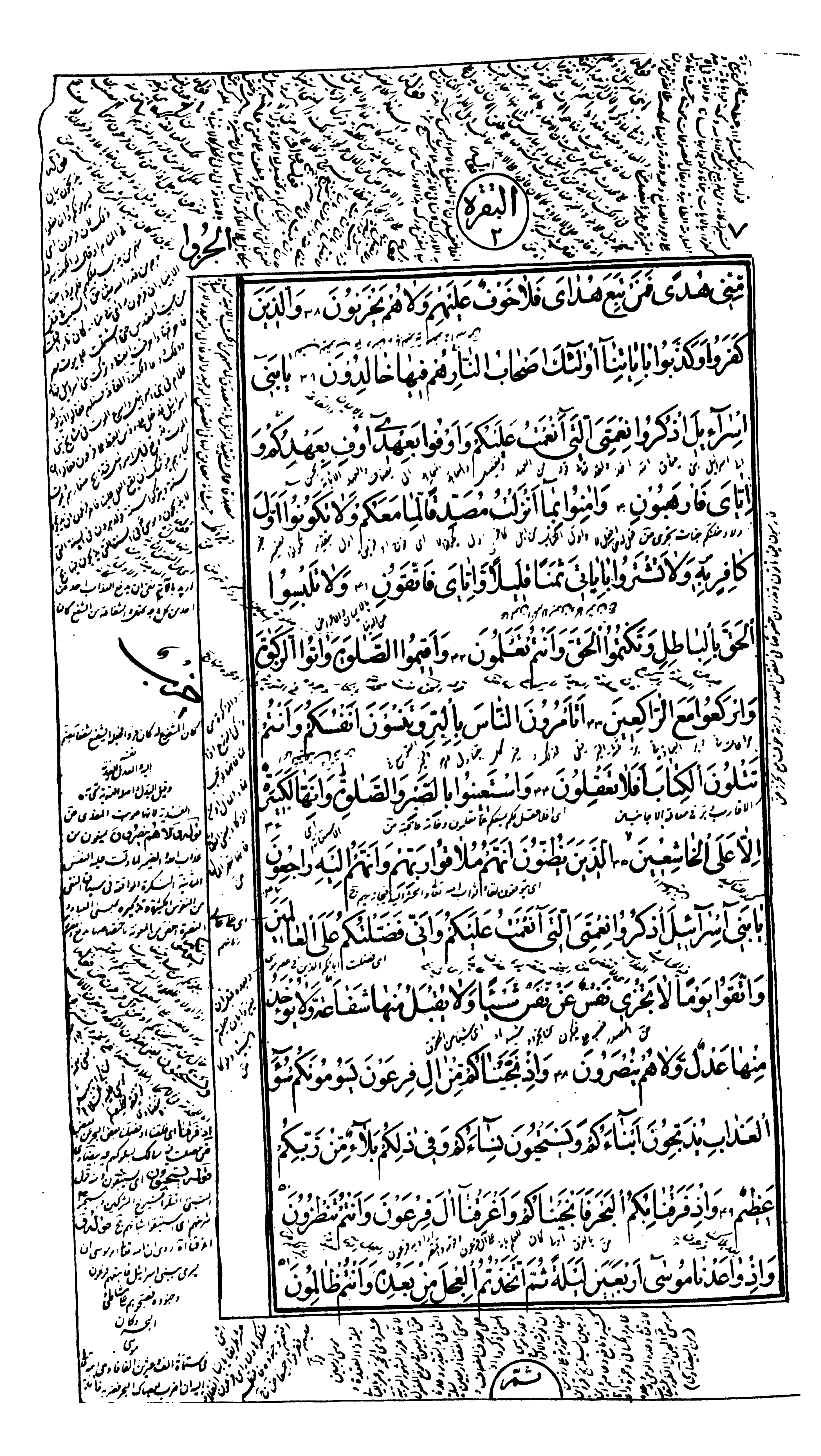
بالكافرين ١٩ يكاد البرق يخطف أبصارهم كلما أضاء لهم مشوا فيه وإذا
أظلم عليهم قاموا ولو شاء الله لذهب بسمعهم وأبصارهم إن الله على كل شيء
قدير ٢٠ يا أيها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم والذين من قبلكم لعلكم
تتقون ٢١ الذي جعل لكم الأرض فراشا والسماء بناء وأنزل من السماء ماء
فأخرج به من الثمرات رزقا لكم فلا تجعلوا لله أندادا وأنتم تعلمون ٢٢ وإن كنتم
في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله وادعوا شهداءكم
من دون الله إن كنتم صادقين ٢٣ فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا
النار التي وقودها الناس والحجارة أعدت للكافرين ٢٤ وبشر الذين
آمنوا وعملوا الصالحات أن لهم جنات تجري من تحتها الأنهار كلما
رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل وأتوا به
متشابها ولهم فيها أزواج مطهرة وهم فيها خالدون ٢٥ إن الله لا يستحيي
أن يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها فأما الذين آمنوا فيعلمون أنه الحق
من ربهم وأما الذين كفروا فيقولون ماذا أراد الله بهذا مثلا يضل به
كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل به إلا الفاسقين ٢٦ الذين ينقضون عهد الله
من بعد ميثاقه ويقطعون ما أمر الله به أن يوصل ويفسدون في الأرض



أولئك هم الخاسرون ٢٧ كيف تكفرون بالله وكنتم أمواتا فأحياكم ثم
يميتكم ثم يحييكم ثم إليه ترجعون ٢٨ هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعا
ثم استوى إلى السماء فسواهن سبع سماوات وهو بكل شيء عليم ٢٩ وإذ قال
ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة قالوا أتجعل فيها من يفسد
فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال إني أعلم ما لا
تعلمون ٣٠ وعلم آدم الأسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال أنبئوني
بأسماء هؤلاء إن كنتم صادقين ٣١ قالوا سبحانك لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك
أنت العليم الحكيم ٣٢ قال يا آدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم قال ألم
أقل لكم إني أعلم غيب السماوات والأرض وأعلم ما تبدون وما كنتم تكتمون ٣٣
وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى واستكبر وكان
من الكافرين ٣٤ وقلنا يا آدم اسكن أنت وزوجك الجنة وكلا منها
رغدا حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين ٣٥ فأزلهما
الشيطان عنها فأخرجهما مما كانا فيه وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو
ولكم في الأرض مستقر ومتاع إلى حين ٣٦ فتلقى آدم من ربه كلمات
فتاب عليه إنه هو التواب الرحيم ٣٧ قلنا اهبطوا منها جميعا فإما يأتينكم

قوله قال

قوله اهبطوا



مِنّى هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٣٨ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٣٩ يَا بَنِى
إِسْرَآءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِىَ الَّتِى أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِى أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَ
إِيَّاىَ فَارْهَبُونِ ٤٠ وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ
كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِى ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّاىَ فَاتَّقُونِ ٤١ وَلَا تَلْبِسُوا
الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٤٢ وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ
وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ٤٣ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ
تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٤٤ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ
إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ٤٥ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ٤٦
يَا بَنِى إِسْرَآءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِىَ الَّتِى أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ٤٧
وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِى نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ
مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ٤٨ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ
الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ وَفِى ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِنْ رَبِّكُمْ
عَظِيمٌ ٤٩ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ٥٠
وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسٰى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ٥١

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ
أَنفُسَكُم بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ
عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن
نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ۝ ثُمَّ
بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا
عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا
أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ
رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ
الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ
ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ
فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ
أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ۝ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ
يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا

متعلق بصفحه ۷ از جانب من راهنمائی پس کسی که متابعت کند آن راه مرا پس نه ترس بر ایشان است و نه غمگین میشوند
۳۹ و آنهائیکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آنها اصحاب آتش هستند و در آن آتش همیشه خواهند ماند
۴۰ ای پسرای یعقوب ذکر کنید نعمتهائی که انعام کردم و دادم بشماها و وفا کنید بعهد من وفا میکنم بعهد
شماها و بترسید از من و ایمان بیاورید بقرآن که فرستادم مصدق است آن قرآن توراة شما را و
نباشید اول کافر بآن قرآن و نفروشید آیات مرا بقیمت کمی و از من پرهیز کنید ۴۱ و نپوشانید حق را بباطل
پنهان نکنید حق را و شماها میدانید که حرف حق را نباید پنهان کرد ۴۲ و برپا بدارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع
کنید با رکوع کنندگان ۴۳ آیا امر میکنید مردم را بنیکوکاری و نفس خودتان را فراموش میکنید و حال آنکه شماها
میخوانید کتاب الله را آیا پس نمیفهمید ۴۴ و طلب یاری کنید از خدا بصبر کردن و بنماز گذاردن و بدرستیکه
اینها کار بزرگیست در دین داشتن مگر بر کسانی که از خدا ترس دارنده ۴۵ آنکسانیکه گمان میکنند که خواهند دید پروردگار خود
را و گمان دارند که بسوی خدا بر میگردند ۴۶ ای پسران یعقوب ذکر کنید نعمتهائیکه انعام کردم بر شماها و من تفضیل دادم
شما را بر تمام اهل عالم ۴۷ و بپرهیزید از روزیکه جزا داده نمیشود شخصی عوض شخصی دیگر هیچ چیز و قبول نمیشود از آن شخص
شفاعت در بارهٔ دیگری و گرفته نمیشود از آنشخص عوض که بخواهد فدا برای گناه خودش بدهد و هیچ نصرت کننده و فریاد
رسی در آنروز ندارید ۴۸ و وقتی که نجات دادم شما را از کسان فرعون که میچشانیدند عذابهای بد بشما میکشتند
پسرهای شما را و زنده میگذاشتند زنهای شما را و در بلای بزرگی بودید که میرسید از رب شما ۴۹ و وقتیکه شکافتیم
از برای شما دریا را پس نجات دادیم شما را و غرق کردیم کسان فرعون را و شماها میدیدید که چگونه گرفتار غرق شدن
و هلاک شدن هستند ۵۰ و وقتی وعده دادیم با موسی را چهل شب پس گرفتید شماها گوساله را در غیاب موسی و شماها ظلم
کردید **متعلق بصفحهٔ مقابل** ۵۱ پس بخشیدیم و گذشتیم از گناه شما بعد از این عملی که کردید شاید شماها شکر
کنید ۵۲ و وقتی که دادیم بموسی کتاب و فرقان را شاید شماها هدایت شوید ۵۳ و وقتیکه گفت موسی از برای قوم خود
ایقوم من بتحقیق شماها ظلم بنفس خودتان کردید بسبب اختیار کردن شما گوساله را پس توبه کنید بسوی خدای خودتان
پس بکشید نفسهای امارهٔ خود را این بهتر است از برای شما در پیش خدای شما پس بخشید شما را بدرستیکه آن خدا است
قبول کننده توبه و مهربان است ۵۴ و وقتی گفتید ایموسی ایمان نمی آوریم ما تو را تا اینکه ببینیم خدا را آشکارا پس گرفت
شما را صاعقه و شما میدیدید ۵۵ پس برانگیختیم شما را بعد از مردنتان شاید شماها شاکر شوید ۵۶ و سایبان قرار دادیم
برای شماها ابر را و فرستادیم بر شما مرغ بریان شده و شبیه بر انگبین چیزی که تغذیه میکردید بخورید از روزیهای پاک و پاکیزه
که بشما دادیم و ظلم نکردند ما را لیکن نفسهای خود شان را ظلم میکنند ۵۷ و وقتی که گفتیم ما داخل شوید این قریه را
یعنی بیت المقدس را پس بخورید از ماکولات و میوهای آن هرچه میخواهید و در هر جا که میخواهید رایگان و بی زحمت و داخل شوید
یکی از دریهای همگانه بیت المقدس را در حالیکه سجده کننده باشید خدا را و بگوئید حطه یعنی کلمهٔ طلب آمرزش را میامرزیم گناهان
شماها را و زود باشد که زیاد کنیم ثواب نیکوکاران ۵۸ پس تبدیل کردند آنهائیکه ظلم کردند قول و فرمایش ما بغیر از آنچه گفته شد
برای آنها پس فرود فرستادیم بر آنکسانیکه ظلم کردند عذابی از آسمان بسبب فسقی که میکردند ۵۹ و وقتیکه آب خواست
موسی برای قوم خود پس گفتیم ما بزن عصای خودت را بسنگ پس باز شد از آن سنگ دوازده چشمه بتحقیق دانستند
هر سبطی آبخور خود شان را بخورید و بیاشامید از روزی خدا و از حد خود تجاوز نکنید در زمین در حالتی که
فساد کننده باشید ۶۰ و وقتی گفتید ایموسی ما صبر نمیکنیم بر یک طعام پس بخواه از خدای خودت که بیرون
بیاورد از برای ما از آن چیزهائیکه سبز میشود از زمین از سبزیش و خیارش و سیر و عدسش و پیازش

متعلق بصفحهٔ ۹) گفت موسی آیا عوض میکنید چیز پستترا با آن چیزهائیکه بهتر است فرود آئید بشهر مصر بدرستیکه از برای شما است در مصر آنچه را که خواسته اید و زده شد برای شما کوبیده گان و اعتراض کنندگان ذلت و فقر و گرفتار شدند بخشمی از خداوند این گرفتاری آنها بسبب این بود که کفران میکردند بآیات خدا و میکشتند پیمبران را بیجهت و این اعمال آنها بسبب عصیان و تجاوز کردن شان بود از راه حق ۶۱ بتحقیق از مؤمنین ظاهری و یهود و نصارا و ستاره پرستان هر که حقیقت ایمان بخدا و روز قیامت آورد و عمل خوب کرد پس برای ایشانست اجر آنها نزد پروردگار شان نه ترس است برای آنها و نه محزون میشوند ۶۲ و در وقتیکه گرفتیم عهد از شما بنی اسرائیل و بلند کردیم بالای سر شما کوه طور را بسیار خوف داشتید بگیرید احکام توراترا بتوانائی و قوت و ذکر کنید آنچه در آن توراتست از اوامر و نواهی شاید شما بپرهیزید ۶۳ پس برگشتید بعد از این عهدی که کرده بودید پس اگر نبود فضل خدا و رحمت او بر شما هرآینه میبودید از جملهٔ زیان کاران ۶۴ هرآینه و بتحقیق دانستید آنهائیرا که گذشتند از فرمان شما در فرایض حفظ روز شنبه گفتیم بآنها باشید بوزینگان رانده شده ۶۵ پس گردانیدیم آن مسخ را عبرت از برای آنهائیکه بودند و آنهائی که بعد می آیند و پند از برای پرهیزکاران ۶۶ وقتی که گفت موسی از برای قوم خودش بدرستیکه خدا امر میکند شما را باینکه بکشید گاوی را گفتند آیا ما را استهزا میکنی گفت موسی پناه میبرم بخدا اینکه باشم من از جملهٔ نادانان ۶۷ گفتند قوم موسی که بخوان پروردگار خودت را معین کند از برای چه گاوی باشد که بکشیم گفت موسی بتحقیق خدا میفرماید که آن گاویست نه پیر از کار افتاده و نه جوان کار ندیده میان این دو حالت پس بکنید آنچه را مامور میشوید ۶۸ گفتند قوم بخوان خدای خودت را از برای ما معین کند چه رنگ باشد آنگاه گفت موسی بدرستیکه خدا میفرماید گاو زرد خالصی نشان باشد که رنگ آن سرور دهد بنظر کنندگان ۶۹ گفتند بخوان از برای ما از خدای خودت ظاهر کند از برای ما

متعلق بصفحهٔ مقابل که چه گاویست آنگاو مشتبه است بر ما بدرستیکه ما اگر خدا بخواهد هرآینه از جملهٔ راه یافتگانیم

۷۰ گفت موسی بدرستیکه خدا میفرماید آن گاویست رام شیار نکرده باشد زمین را و آب نکشیده باشد برای زراعت بیعیب که رنگی دیگر نباشد در آن یعنی یکرنگ باشد گفتند الان راست گفتی پس کشتند آنگاو را و نزدیک بود برای زیادی قیمت کشتن آنگاو را موقوف کنند ۷۱ وقتی کشتید نفسیرا یعنی عامیلرا پس گفتگو و مرافعه در دار الحکومه در باب قتل او میکردید و هیچ یک اقرار بقتل نمیکردید و خدا بیرون آورنده آنچیزیستکه پنهان میکردید ۷۲ پس گفتیم بزنید آن مرده را ببعضی از عضو آنگاو اینطور خدا زنده میکند مردها را و می بینید شماها آیات خدا را شاید تعقل کنید و بفهمید ۷۳ پس سخت شد دلهای شماها بعد از این واقعه و آن دلهای شما مثل سنگ است یا سخت تر از سنگ و بدرستیکه پاره از سنگهاست که بیرون میآید از آنها نهرهای آب و بعضی دیگر از سنگهاست که باید منشق شود تا اینکه بیرون بیاید از آن آب و بتحقیق بعضی از آن سنگها هستند که از بلندیها می افتند بپایین از ترس خداوند نیست خدا غافل از آنچه میکنید ۷۴ آیا طمع دارید باینکه یهودیها بگروند بشما و ایمان بیاورند و حال اینکه طایفهٔ از ایشان هستند که میشنوند کلام خدا را بعد تحریف میکنند آن کلام خدا را بعد از اینکه فهمیدند معنی آنرا و ایشان میدانند که خوب است ایمان آوردن برای آنها و ایمان نمیآورند ۷۵ و هر وقت ملاقات کنند آنکسانیرا که ایمان آورده اند میگویند ایمان آوردیم ما و وقتیکه خلوت کنند بعضی با بعضی دیگر میگویند آیا شما حکایت میکنید برای مسلمانان با آنچه گشاده است خدا علم آنرا برای شما تا اینکه خصومت کنند بشماها بحجت آن علومی که از شماها فرا میگیرند روز قیامت در نزد پروردگار شما آیا تعقل نمیکنید ۷۶ آیا نمیدانند آن یهودان اینکه خدا میداند هرچه را که مخفی میدارند و هرچه را آشکار میکنند ۷۷ و بعضی از یهود هستند که خط و سواد ندارند و هیچ علم ندارند بتورات مگر اینکه آرزوی دانائیرا دارند و ایشان نیستند مگر اینکه گمان میکنند که میدانند و حال اینکه هیچ نمیفهمند پس وای بر آن کسانیکه مینویسند کتاب توراترا بطور تحریف با دستهای خودشان بعد میگویند این مکتوب ما از جانب خدا نازل شده است برای اینکه بفروشند آنچه نوشته اند بقیمت کمی پس وای از برای ایشان بجهة آنچیزهائی که نوشت دستهای ایشان باز وای از برای ایشان

متعلق بصفحهٔ ۱۱ از آنچه کسب میکنند ۷۸ و گفتند آن یهود که هرگز نمیرسد بما آتش مگر چند روزی
شمرده شده که هفت روز یا چهل روز است مطابق ایامی که گوساله پرستیدند بگو بآنها آیا شما گرفتید
عهدی از جانب خدا پس اگر عهد گرفته باشید هرگز خلاف نمیکند خدا عهد خودش را یا میگوئید بر خدا
چیزی را که علم بآن ندارید ۷۹ آری هر کس کسب کند بدی را و احاطه کند گناهانش باو پس آنها از یاران
آتشند ایشان همیشه در آتش خواهند ماند ۸۰ و آنهائیکه ایمان آوردند و کارهای خوب کردند آنها
یاران بهشتند ایشان در بهشت خواهند ماند ۸۱ و هنگامیکه عهد گرفتیم ما از بنی اسرائیل که عبادت
نکنید مگر بخدا و احسان کنید بپدر و مادر و خویشان نزدیک خود و یتیمها و فقیرها و بزبان خوش با مردم
تکلم کنید و نماز کنید و زکوة بدهید بعد روگرداندید شما مگر کمی از شما و شما از جملهٔ برگشتگان از عهد خود هستید
۸۲ و هنگامیکه عهد گرفتیم از شما که خون یکدیگر را نریزید و بیرون نروید از خانهای خودتان پس اقرار کردید بآن
عهدیکه با من کردید و حال اینکه خودتان شهادت میدهید و گواه هستید که همین طور است ۸۳ پس ای گروه مردم
شما میکشید از اهل خودتان را و بیرون میکنید بعضی از طایفهٔ خودتان را از خانهای خودشان حمایت میکنید از یکدیگر
که با آنها بدی و دشمنی میکنید و اگر اسیر از آنها بیاورید برای شما فدیه میدهند و میفروشید آنها را و حال اینکه این
عمل حرام است بر شما بیرون کردن آنها آیا ایمان میآورید ببعضی احکام توراة و کافر میشوید ببعضی دیگر پس چه چیز است جزای
آنکه در میان شما اینطور میکند مگر خواری در زندگی دنیا و در روز قیامت برگشته میشوند بسوی سختترین عذابها و غافل

نیست خدا از آنچه میکنید ۸۴ و بتحقیق آوردیم برای موسی کتاب تورات را **متعلق بصفحهٔ مقابل** و از

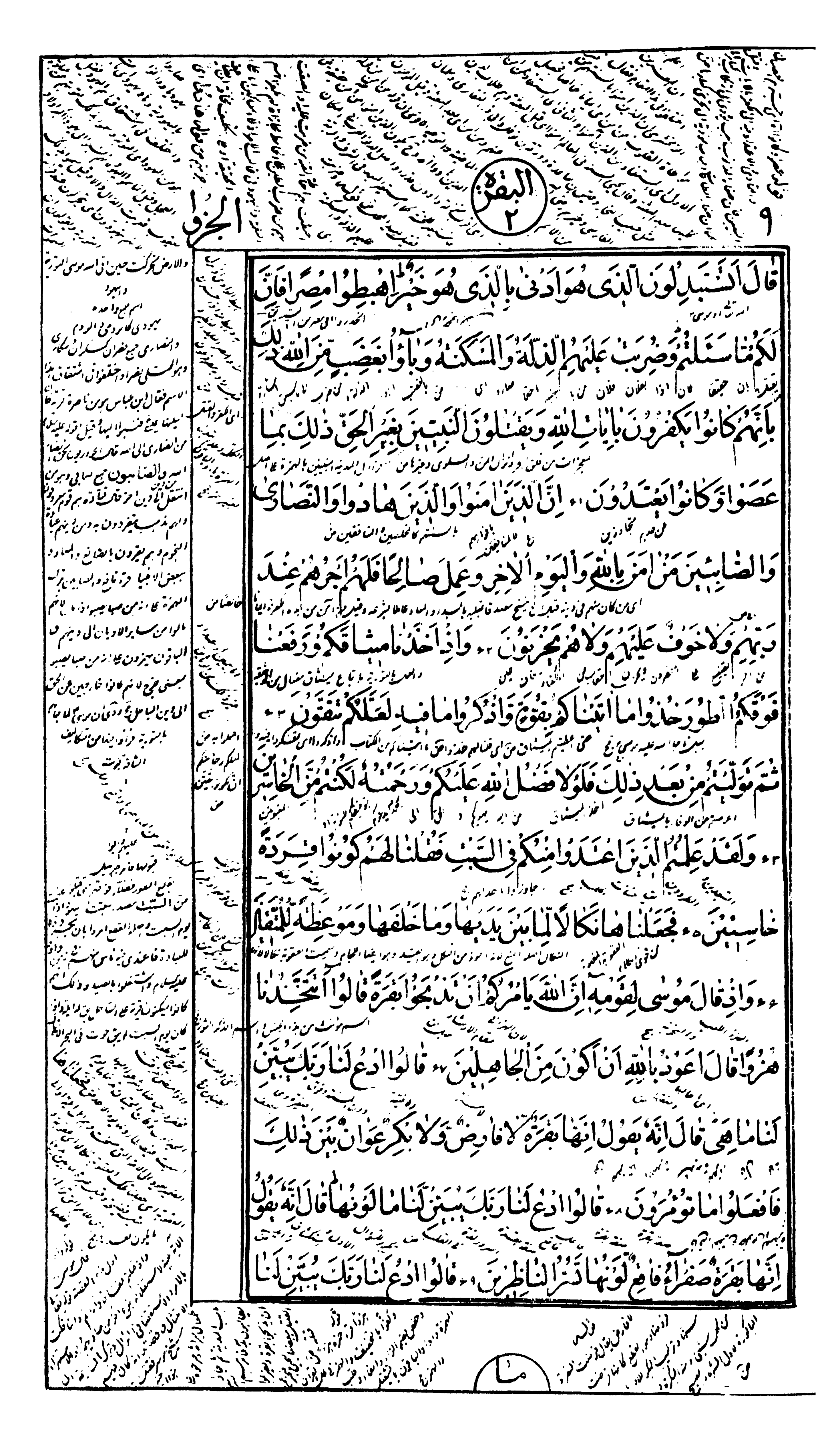
عقب او فرستادیم پیغمبر از او و دادیم بعیسی پسر مریم معجزه‌ها را و تایید کردیم او را بروح منزه پاک آیا پس هر وقت آمد
برای شما پیغمبری که امر کند شما را بچیزهائی که میل ندارد دلهای شما تکبر کردید پس طایفهٔ از شما تکذیب کردید
پیغمبر مرسل او نسبت دروغگوئی باو دادید و بعضی را کشتید ۸۵ و گفتند دلهای ما در غلافند بلکه لعنت کرد خدا
ایشانرا بسبب کفرشان پس کمست در میان ایشان که ایمان میآورد ۸۶ و چون رسید بآنها کتابی از جانب
خدا یعنی قرآن که مصدق بود از برای چیزیکه با یهود بود که توراتست و بودند پیش از بعثت پیغمبر از جملهٔ کسانیکه
طلب فتح و نصرت میجستند یهود بر آنکسانیکه کافر بودند بآمدن پیغمبر آخر الزمان پس چون آمد آن پیغمبر و دارو شد برایشان
و شناختند که این همان پیغمبر موعود است تکفیر کردند باو پس لعنت خدا بر کافران ۸۷ بد است آنچیزیکه فروختند
و بدل کردند با نفسهای خودشان که کفران میکنند بآنچه فرستاده است خدا یعنی قرآنرا بسبب حسدیکه داشتند
که بفرستد خدا از فضل خودش قرآنرا بر کسیکه میخواهد از بندگان خودش پس سزاوار شدند بغضبی بر غضبی که درباره آنها
بود یعنی خشمی تازه علاوه بر خشم سابق از جانب خدا برای خود حاصل نمودند و از برای کفار هست عذاب
دردناک ۸۸ و اگر گفته شود از برای آن یهودیها ایمان بیاورید بآنچه فرستاده خدا گویند ایمان میاوریم بتوراتی
که فرو فرستاده است بر ما و کفر میورزند بآنچه سوای توراتست و حال آنکه آن قرآن راست است تصدیق توریة
است بگو برای چه کشتید پیغمبران خدا را پیش از اینکه ایمان بیاورید ۸۹ و بتحقیق که آورد موسی برای شما معجزات پس
گرفتید شما گوساله را بعد از دیدن آن معجزات و شما ها ظلم کردید ۹۰ و آنوقتی که گرفتیم ما عهد از شما و افراشتیم بالای سر شما
کوه را بگیرید بقوت آنچه را که دادیم شما را و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم ما و حال اینکه بجهة کفری که داشتند
محبت گوساله آشامیده شد مانند آب و غذا در دل آنها بود بگو بد چیزیست آنچه را که امر میکند بشما ایمان شما بآن چیز اگر
بودید شما از جملهٔ مؤمنین ۹۱ بگو اگر هست برای شما خانهٔ آخرت نزد خدا که مخصوص است بشما

متعلق بصفحه ۱۳ و دیگران چنین خانه ندارند پس آرزو کنید مرگ را اگر راست میگوئید ۹۲ و آرزو نمی کنند
مرگ را هرگز بسبب اعمالی که از دستهای ایشان صادر شده است از پیش خدا داناست بظلم کنندگان
هر آینه بیابی آن یهود را از سایر مردم حریص تر بر زندگانی و از آنهائیکه مشرک شدند دوست دارند افراد
آنها که هزار سال عمر کنند و نیست این زیادتی عمر دور کننده او را از عذاب و خدا بیناست بآنچه میکنند
۹۳ بگو هرکس دشمن باشد از برای جبرائیل پس بدرستیکه آن جبرئیل نزد و آورد قرآن را بر دل تو باذن خدا
مصدق است قران از برای آنچه میان دو دست آنست که توریت و سایر کتب سماوی باشد و آن قران راه
نماست و مژده دهنده است از برای مؤمنین ۹۴ هرکه باشد دشمن از برای خدا و ملائکه و رسولان خدا
و جبرئیل و میکائیل پس بدرستیکه خدا دشمن کفار است ۹۵ و بتحقیق فرستادیم ما بسوی تو معجزات آشکار
و کافر نمیشود بآن معجزات مگر کسانیکه فاسقند ۹۶ آیا هر وقت عهد بستند عهد بستنی در مطلبی انداختند عهد
خود را طایفه از ایشان بلکه بیشتر از ایشان ایمان نمی آورند ۹۷ و چون آمد آنها را پیغمبری از جانب خدا که در
توریات تصدیق نبوت او شده است انداختند طایفه از آن کسانیکه تورات برای آنها داده شده است
یعنی علمای یهود کتاب خدا یعنی تورا را از پشت سرشان گویا ایشان نمیدانند ۹۸ پیروی میکنند آنچه را که خواندند
شیطانها در ایام سلطنت سلیمان و کافر نشد سلیمان لیکن شیاطین کافر شدند میاموختند آن شیاطین
بمردم سحر را و آنچه فرستاده شده بود بر دو فرشته که هاروت و ماروت بودند در شهر بابل و نیاموختند
آن دو فرشته سحر را باحدی تا اینکه گفتند بتحقیق ما آزمایش مخلوقیم پس کافر مشو که معتقد شوی سحر کردن
گناه ندارد و پس می آموختند مردم از آن دو فرشته چیزهائیرا که جدائی میانداز بسبب آنچیزها میانه زن و شوهر
و نبودند آنکسانیکه این علم را از فرشتگان فرا گرفته بودند که باحدی ضرری رسانند باین علم مگر باذن خدا

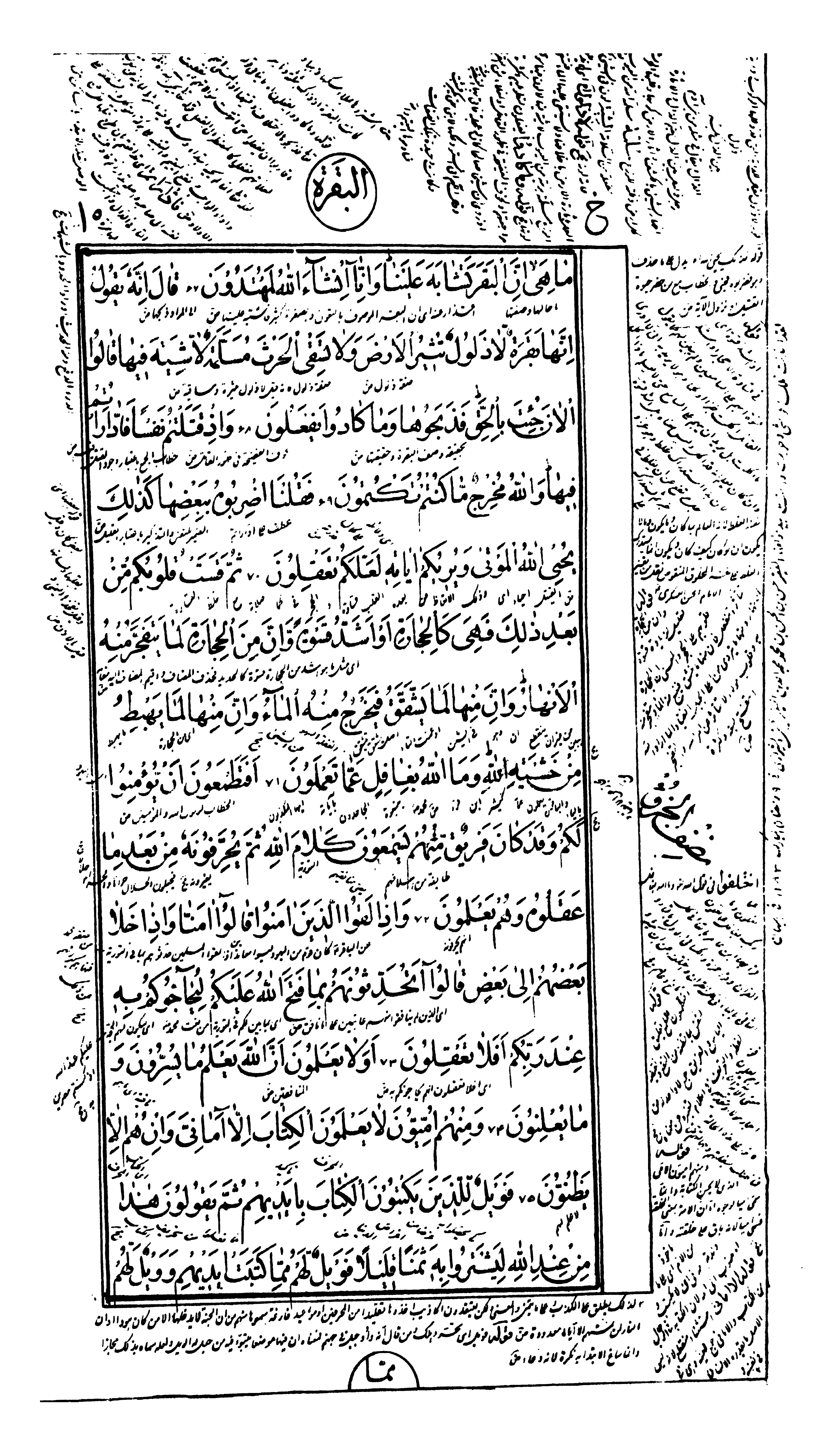
متعلق بصفحه مقابل و یاد میگرفتند مردم از فرشتگان چیزهائیرا که نه ضرری در آن بود و نه نفعی و

بتحقیق دانستند که هرکه بخرد این علم را یعنی سحر را اختیار کند در آخرت بهره و نصیبی برای او نخواهد بود و هر آینه
بد چیزیست آنچه که خریدند بآنچیز خودشان را اگر بدانند و بفهمند که سحر یاد گرفتند و از آخرت محروم شدند اگر
بدانند ۹۹ و اگر اینکه آنها ایمان میآوردند و پرهیز میکردند و اجرتی یافتند از جانب خدا بهتر بود اگر میدانستند
ای آنکسانیکه ایمان آورده اید در تکلم به پیغمبر نگوئید راعنا یعنی مراعات ما را بکن بلکه بجای این کلمه بگوئید انظرنا یعنی نظر
کن ما را و بشنوید ای مردم فرمایشات پیغمبر را و از برای کافرانست عذاب دردناک ۱۰۰ دوست ندارند کفار از یهود و نصارا
و مشرکین اینکه برسد چیزی از جانب خدا بر شما مسلمانان و خدا اختصاص میدهد برحمت خودش هرکه را میخواهد
و خدا صاحب بخشش بزرگست ۱۰۱ آیا نمیدانستی که پادشاهی آسمانها و زمین از برای خداست و نیست از برای
شما سوای خدا دوستی و سوای خدا نیست یاری ۱۰۲ آیا میخواهید بپرسید از پیغمبر خودتان همانطوریکه
پرسیدند یهود از موسی پیش از این هرکه تبدیل کند کفر را بایمان بتحقیق گم کرده است راه راست را ۱۰۳
دوست دارند بسیاری از اهل کتاب که یهود و غیره هستند که شاید برگردانند شما را بسوی کفر بعد از اینکه
ایمان آوردید از جهت حسدیکه دارند در جزء طبیعت خودشان بعد از اینکه ظاهر شد از برای آنها حق پس عفو کنید و
درگذرید و روی بگردانید از ایشان تا بیاورد خدا امر خودش را بدرستیکه خدا بر هر چیز قدرت دارد و تواناست
۱۰۴ و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش میفرستید از برای خودتان از خیرات مییابید آن را نزد
خدا بدرستیکه خدا بهرچه میکنید بیناست ۱۰۵ و گفتند داخل نمیشود بهشت مگر کسیکه هست یهود یا نصارے

این



قال أتستبدلون الذي هو أدنى بالذي هو خير اهبطوا مصرا فإن
لكم ما سألتم وضربت عليهم الذلة والمسكنة وباءو بغضب من الله ذلك
بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله ويقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما
عصوا وكانوا يعتدون ۝ إن الذين آمنوا والذين هادوا والنصارى
والصابئين من آمن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا فلهم أجرهم عند
ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ وإذ أخذنا ميثاقكم ورفعنا
فوقكم الطور خذوا ما آتيناكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون ۝
ثم توليتم من بعد ذلك فلولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم من الخاسرين
۝ ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت فقلنا لهم كونوا قردة
خاسئين ۝ فجعلناها نكالا لما بين يديها وما خلفها وموعظة للمتقين
۝ وإذ قال موسى لقومه إن الله يأمركم أن تذبحوا بقرة قالوا أتتخذنا
هزوا قال أعوذ بالله أن أكون من الجاهلين ۝ قالوا ادع لنا ربك يبين
لنا ما هي قال إنه يقول إنها بقرة لا فارض ولا بكر عوان بين ذلك
فافعلوا ما تؤمرون ۝ قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال إنه يقول
إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين ۝ قالوا ادع لنا ربك يبين لنا



ما هي إن البقر تشابه علينا وإنا إن شاء الله لمهتدون ٧٠ قال إنه يقول
إنها بقرة لا ذلول تثير الأرض ولا تسقي الحرث مسلمة لا شية فيها قالوا
الآن جئت بالحق فذبحوها وما كادوا يفعلون ٧١ وإذ قتلتم نفسا فادارأتم
فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون ٧٢ فقلنا اضربوه ببعضها كذلك
يحيي الله الموتى ويريكم آياته لعلكم تعقلون ٧٣ ثم قست قلوبكم من
بعد ذلك فهي كالحجارة أو أشد قسوة وإن من الحجارة لما يتفجر منه
الأنهار وإن منها لما يشقق فيخرج منه الماء وإن منها لما يهبط
من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون ٧٤ أفتطمعون أن يؤمنوا
لكم وقد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما
عقلوه وهم يعلمون ٧٥ وإذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا وإذا خلا
بعضهم إلى بعض قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به
عند ربكم أفلا تعقلون ٧٦ أولا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و
ما يعلنون ٧٧ ومنهم أميون لا يعلمون الكتاب إلا أماني وإن هم إلا
يظنون ٧٨ فويل للذين يكتبون الكتاب بأيديهم ثم يقولون هذا
من عند الله ليشتروا به ثمنا قليلا فويل لهم مما كتبت أيديهم وويل لهم

نصف



مما يكسبون ٧٧ وقالوا لن تمسنا النار إلا أياما معدودة قل أتخذتم
عند الله عهدا فلن يخلف الله عهده أم تقولون على الله ما لا تعلمون
بلى من كسب سيئة وأحاطت به خطيئته فأولئك أصحاب النار هم
فيها خالدون ٧٨ والذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك أصحاب الجنة
هم فيها خالدون ٧٩ وإذ أخذنا ميثاق بني إسرائيل لا تعبدون إلا
الله وبالوالدين إحسانا وذي القربى واليتامى والمساكين وقولوا
للناس حسنا وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة ثم توليتم إلا قليلا منكم و
أنتم معرضون ٨٠ وإذ أخذنا ميثاقكم لا تسفكون دماءكم ولا تخرجون
أنفسكم من دياركم ثم أقررتم وأنتم تشهدون ٨١ ثم أنتم هؤلاء تقتلون
أنفسكم وتخرجون فريقا منكم من ديارهم تظاهرون عليهم بالإثم
والعدوان وإن يأتوكم أسارى تفادوهم وهو محرم عليكم إخراجهم
أفتؤمنون ببعض الكتاب وتكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك
منكم إلا خزي في الحيوة الدنيا ويوم القيمة يردون إلى أشد العذاب
وما الله بغافل عما تعملون ٨٢ أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالآخرة
فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينصرون ٨٣ ولقد آتينا موسى الكتاب



وقفينا من بعده بالرسل وآتينا عيسى ابن مريم البينات وأيدناه بروح
القدس أفكلما جاءكم رسول بما لا تهوى أنفسكم استكبرتم
ففريقا كذبتم وفريقا تقتلون ٨٧ وقالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله
بكفرهم فقليلا ما يؤمنون ٨٨ ولما جاءهم كتاب من عند الله مصدق
لما معهم وكانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا فلما جاءهم
ما عرفوا كفروا به فلعنة الله على الكافرين ٨٩ بئسما اشتروا به
أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله بغيا أن ينزل الله من فضله على
من يشاء من عباده فباءوا بغضب على غضب وللكافرين عذاب
مهين ٩٠ وإذا قيل لهم آمنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا
ويكفرون بما وراءه وهو الحق مصدقا لما معهم قل فلم تقتلون
أنبياء الله من قبل إن كنتم مؤمنين ٩١ ولقد جاءكم موسى بالبينات
ثم اتخذتم العجل من بعده وأنتم ظالمون ٩٢ وإذ أخذنا ميثاقكم و
رفعنا فوقكم الطور خذوا ما آتيناكم بقوة واسمعوا قالوا سمعنا و
عصينا وأشربوا في قلوبهم العجل بكفرهم قل بئسما يأمركم به إيمانكم
إن كنتم مؤمنين ٩٣ قل إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة

متعلق بصفحهٔ ۱۵) اینست آرزوی آنها بگوای پیغمبر بیاورید برهان خودتان را اگر راست میگوئید ۱۰۶ آری هرکس خالص کرد روی
خود را از برای خدا و حال اینکه او نیکوکار است پس برای اوست اجر او نزد پروردگار خودش و نه ترسی بر ایشانست و نه ایشان غم و
اندوهی دارند ۱۰۷ وگفتند یهودیها که نیستند نصاری بر چیزی وگفتند نصاری نیستند یهود بر چیزی و حال اینکه یهودان
کتاب تورات میخوانند و میدانند و همین طور گفتند آنهائی که هیچ نمیدانند از کفار و سایر طبقات مثل آنچه یهود و نصاری
در بارهٔ یکدیگر گفته اند پس خدا حکم میکند میانهٔ آنها روز قیامت در چیزی که اختلاف داشته اند در میانهٔ خودشان
۱۰۸ وکیست ظالمتر از آن کسی که منع کرد مسجدهای خدا را از اینکه ذکر بشود در آن مسجدها اسم خدا و اهتمام کرد در خرابی آن مسجدها
ایشان کسانی هستند که نیست از برای آنها که داخل بشوند مسجدها را مگر در حالت ترس از برای آنها در دنیا خواریست و از
برای آنهاست در آخرت عذاب بزرگ ۱۰۹ و از برای خداست مشرق و مغرب پس هر طرف رو بیاورید پس آنجا روی بخداست بدرستیکه
خدا وسعت دهنده و داناست ۱۱۰ وگفتند ترسایان که گرفته است خدا عیسی را برای خودش ولد منزه است خدا بلکه از برای خداست
هرچه در آسمانها و زمین است تماماً از برای او فرمان برند ۱۱۱ پدید آورنده آسمانها و زمین است و اگر اراده کند امری را پس تحقیق می
گوید از برای آن امر باش پس موجود میشود ۱۱۲ وگفتند آنکسانیکه علم ندارند و نمیدانند چرا حرف نمیزند خدا با ما یا اینکه چرا نمیآورد
برای ما آیتی همین طور گفتند آنکسانیکه بودند قبل از اینها مثل گفته های ایشان شباهت دارد دلهاشان بیکدیگر بتحقیق ظاهر
کردیم ما آیات را از برای طایفهٔ که یقین دارند ۱۱۳ بدرستیکه ما فرستادیم تو را ای پیغمبر براستی مژده دهنده و ترساننده
و سؤال کرده نخواهی شد روز قیامت از یاران دوزخ که چرا آنها را براه حق در نیاوردی که مستوجب آتش نشوند ۱۱۴ و راضی
نمیشوند یهود و نصاری از تو تا اینکه متابعت کنی کیشای آنها را یعنی دین ایشانرا بگوای پیغمبر بدرستیکه راه نمائی خدا راه روشن است

متعلق بصفحهٔ ۱۶) و هر آینه اگر متابعت کنی خواهش یهودان را بعد از اینکه دریافتی علم را نخواهد بود برای تو از خدا هیچ

دوستی و هیچ یاری کننده ۱۱۵ آنکسانیکه داده ایم آنها را کتاب تورات و میخوانند آن کتاب را حق خواندنرا بجا میآورند ایشانند
که ایمان می آورند و میگروند بکتاب خدا و هر که کفران میکند بکتاب خدا و تحریف میکند حق تلاوترا بجای نیاورد پس آنها کسانند
زیان کاران ۱۱۶ ای بنی اسرائیل ذکر کنید و بیاد آورید نعمت مرا که انعام کردم بر شما بدرستیکه من تفضیل دادم شما را بر جهانیان
۱۱۷ و بپرهیزید از آن روزیکه جزا داده نمیشود از کسی بدیگری هیچ چیز را و قبول نمیشود از احدی خطا و رشوه و نفع نمیدهد کسی را
شفاعتی و نه ایشان یاری کرده میشوند ۱۱۸ و وقتی آزمود ابرهیم را پروردگار او بکلمهٔ چند پس ابرهیم با تمام
رسانید آنچه را که رضای خدا در آن بود و گفت خدا بدرستی که من تو را امام قرار دادم از برای مردم گفت ابرهیم بعضی
از اولاد مرا هم امامت عطا فرما گفت خدا نمیرسد عهد من بظالمین از ذریه تو یعنی بصالحین آنها امامت داده خواهد شد
چنانچه به پیغمبر و علی و اولاد او داده شد ۱۱۹ و وقتی قرار دادیم خانهٔ مکه را محل بازگشت و عبادتگاه از برای مردم و ایمن
و بگیرید از مقام ابرهیم محل نماز را و عهد فرستادیم ما بسوی ابرهیم و اسمعیل اینکه پاک کنید خانهٔ مرا از بتها و سایر نجاسات
از برای طواف کنندگان و آنها که همیشه در آنجا مجاور و معتکف هستند و برای رکوع کنندگان و سجود کنندگان ۱۲۰
و وقتی گفت ابرهیم پروردگارا بگردان اینشهر را ایمن و روزی بده اهل آنرا از میوه جات آنهائیکه ایمان بخدا آوردند
و ایمان بروز قیامت دارند گفت خدا هر که کافر شد پس روزی کم باو میدهم بعد مضطر گردانم او را بسوی عذاب آتش
و بدترین مرجعات آن عذاب ۱۲۱ و وقتیکه بلند کرد ابرهیم و اسمعیل دیوارهای خانهٔ مکه را گفت ای پروردگار
ما قبول کن از ما بدرستیکه خودت شنونده و دانا هستی ۱۲۲ ای پروردگار ما و بگردان ما را مسلمان از برای خودت و از
اولاد ما امت مطیع از برای خودت و بنما بما محل عبادت ما را از لوازم حج کردن و قبول توبه کن بر ما بدرستی که تو
خودت قبول توبه کننده و بخشاینده ۱۲۳ ای پروردگار ما و برانگیز از میان اولاد ما پیغمبری از ایشان

متعلق بصفحه ۱۷ که بخواند بر مردم آیتهای تورا و بیاموزد کتاب و حکمت را بر ایشان و پاک کند آنها را از شرک
و کفر بدرستیکه تو خودت عزیز و حکیمی ۱۲۴ و کیست که برگردد از ملت ابرهیم مگر آنکه خوار کند خود را و بتحقیق بر
گزیدیم ما ابرهیم را در دنیا و بدرستیکه او در آخرت از جملهٔ نیکمردان و خوبانست ۱۲۵ و وقتی گفت خدای ابرهیم
با منقاد شو گفت ابرهیم منقاد شدم از برای پروردگار عالمیان ۱۲۶ و وصیت کرد ابرهیم بانقیاد پسران
خود را و یعقوب پسران خود را ای پسران من بدرستیکه خدا بر گزید از برای شما دین را پس نباید بمیرید البته مگر در حالت
اسلام ۱۲۷ یا بودید شما حاضر آن وقتی رسید مرگ بیعقوب وقتی گفت یعقوب از برای پسران خودش چه چیز را عبادت
میکنید بعد از من گفتند عبادت میکنیم خدای تو را و خدای پدران تو ابرهیم و اسمعیل و اسحق را که خدای یگانه است
و ما برای او منقادیم ۱۲۸ آنها گروهی بودند که بتحقیق باقی ماند از برای آنها هرچه کسب کردند و اندوختند و از برای شما هم
خواهد بود هرچه کسب بکنید و برای یعنی از دین خود ذخیره بگذارید و اعمال گذشتگانرا از شما نخواهند پرسید و عقوبت آنها را
از شما نخواهند کشید ۱۲۹ و گفتند یهود بمسلمانان که شما مثل یهود و نصاری شوید که راه بیابید در درگاه خدا بگوای
پیغمبر جواب آنها را بلکه متابعت میکنیم ملت ابرهیم را که میل میدهد تمام کجیها را براستی ابرهیم از مشرکان ۱۳۰ بگوئید ایمان آوردیم
بخدا و آنچه فرستاده شد بسوی ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان یعقوب و آنچه داده شد بموسی و عیسی و بآنچه داده
شد به پیغمبران از جانب پروردگار آنها فرق نمیگذاریم میانهٔ احدی از آنها و ما از برای خدا منقاد و مطیعیم ۱۳۱ پس اگر
ایمان بیاورند یهود و غیره بمثل ایمانی که شما مسلمانان آورده اید بخدا بتحقیق راه راست یافته اند و اگر رو بگردانند از
این طور ایمان پس جز این نیست که ایشان در خلاف و نزاعند پس زود است که کفایت کند خدا تو را از شر ایشان یعنی
یهود و نصاری و اوست شنونده و دانا ۱۳۲ رنگ خداست که دلهای مسلمانانرا بروشنی نور ایمان رنگین کرده است

متعلق بصفحه ۱۸ و کیست بهتر از خدا در رنگ کردن و ما برای خدا عبادت میکنیم ۱۳۳ بگوای پیغمبر یهودیان آیا

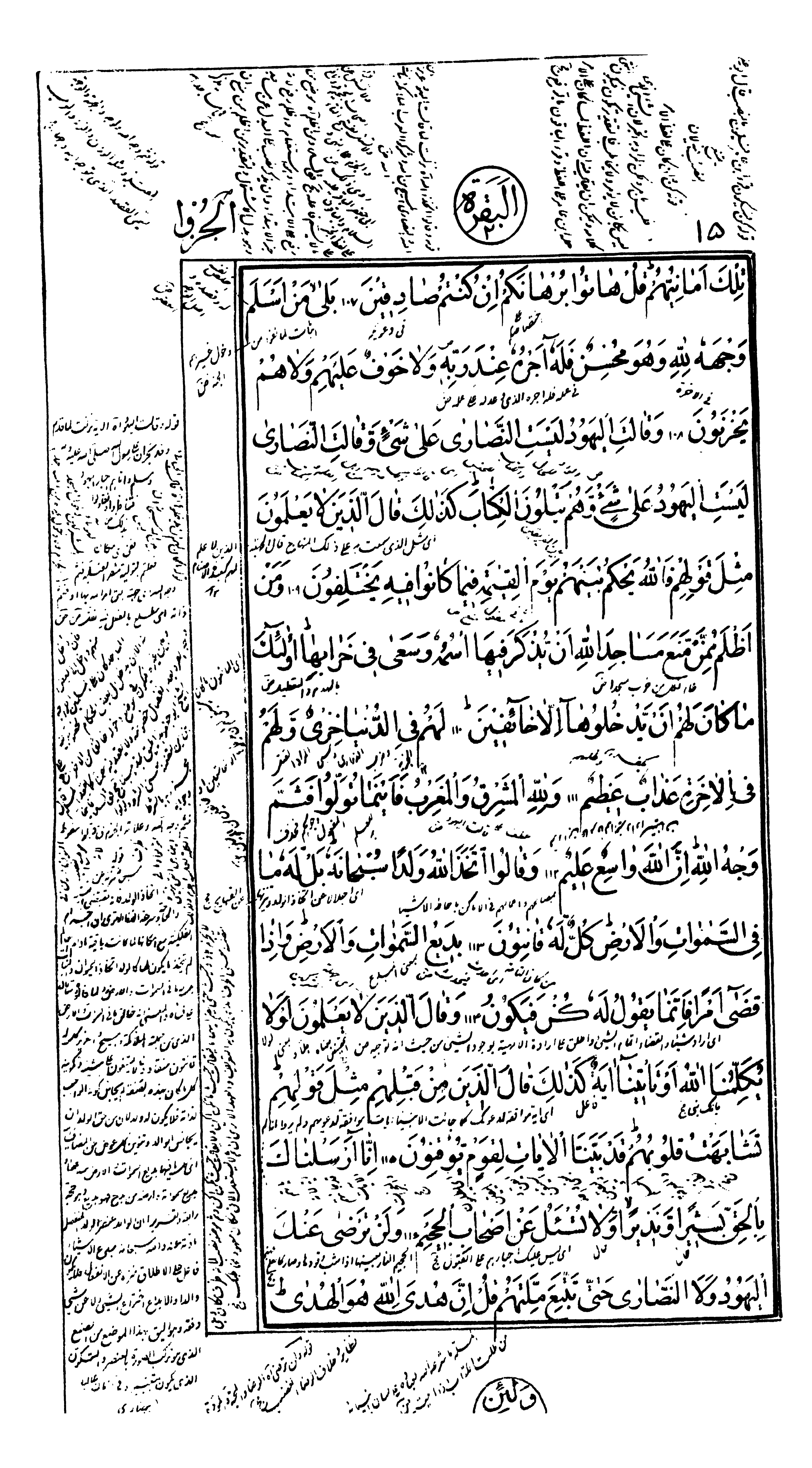
خصومت و جدال میکنید با ما در بارهٔ خدا که اختصاص میدهید خدا را بخودتان و حال اینکه آن خدا پروردگار ما و آفریننده
شماست و مخصوص برای هیچکس نیست و از برای ماست خوب و بد اعمال خودمان و مائیم که از برای خدا مخلص و موحدیم
شما ۱۳۴ آیا میگوئید بدرستیکه ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اولادان یعقوب یهودی یا نصاری بودند بگو در جواب آنها
آیا شما بهتر میدانید یا خدا و کیست ظالمتر از کسیکه کتمان کند شهادت خود را از خدا و نیست خداوند غافل از آنچه میکنید
۱۳۵ آنها گروهی بودند که بتحقیق گذشتند و رفتند از برای آنهاست هرچه که کسب کردند و از برای شماست آنچه را که کسب
کردید شما و سؤال کرده نمیشوید از اعمال گذشتگان ۱۳۶ زود است که میگویند سفهای مردم چه بود که برگردانید مسلمانان
را از قبلهٔ خودشان که بودند بر آن یعنی بیت المقدس که برگشتند رو بمکه بگو از برای خداست مشرق و مغرب راه مینماید
خدا هر که را میخواهد براه راست ۱۳۷ و اینطور گردانیدیم شما مسلمانانرا گروه وسط یعنی با عقل و عدالت تا اینکه گواه و شاهد
باشید بانکار مردم پیغمبران را و باشد رسول خدا گواه و شاهد بر شما ۱۳۸ و نگردانیدیم ما قبلهٔ آنجائی را که بودی تو بر او
یعنی بیت المقدس بطرف مکه مگر اینکه بدانیم کیست که متابعت میکند پیغمبر را از اینکه برگردد بر پاشنهای پای خودش
اگرچه بود برگرداندن قبله کار بزرگی مگر برای آنکسانیکه راه نموده بود خدا آنها و خدا ضایع نمیکند ایمان شما را
بدرستیکه خدا بمردم هرآینه رئوف و مهربانست ۱۳۹ بتحقیق می بینیم برگشتن روی تو را بسوی آسمان بجهت رسیدن
وحی پس هرآینه بگردانیم البته تو را بقبله که بپسندی آنرا پس بگردان روی خود را بطرف مسجد الحرام و هرجا باشید
پس بگردانید رویهای خودتان را بطرف مسجد الحرام بدرستی آنهائی که داده شدند و دیده اند کتاب خدا را هرآینه می
دانند که این مطلب حق است از جانب پروردگار خودشان و نیست خدا غافل از آنچه میکنند یهود و نصاری ۱۴۰



خالصة من دون الناس فتمنوا الموت إن كنتم صادقين ٩ ولن يتمنوه
أبدا بما قدمت أيديهم والله عليم بالظالمين ١١ ولتجدنهم أحرص الناس
على حيوة ومن الذين أشركوا يود أحدهم لو يعمر ألف سنة وما هو
بمزحزحه من العذاب أن يعمر والله بصير بما يعملون ١٢ قل من كان
عدوا لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن الله مصدقا لما بين يديه و
هدى وبشرى للمؤمنين ١٣ من كان عدوا لله وملائكته ورسله
وجبريل وميكال فإن الله عدو للكافرين ١٤ ولقد أنزلنا إليك آيات
بينات وما يكفر بها إلا الفاسقون ١٥ أوكلما عاهدوا عهدا نبذه
فريق منهم بل أكثرهم لا يؤمنون ١٦ ولما جاءهم رسول من عند الله
مصدق لما معهم نبذ فريق من الذين أوتوا الكتاب كتاب الله وراء
ظهورهم كأنهم لا يعلمون ١٧ واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك
سليمان وما كفر سليمان ولكن الشياطين كفروا يعلمون الناس
السحر وما أنزل على الملكين ببابل هاروت وماروت وما
يعلمان من أحد حتى يقولا إنما نحن فتنة فلا تكفر فيتعلمون منهما ما
يفرقون به بين المرء وزوجه وما هم بضارين به من أحد إلا بإذن الله

وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ
مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ١٠٢ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا
وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ١٠٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٠٤ مَا
يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ
خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ١٠٥
مَا نَنسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٠٦ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُم
مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ١٠٧ أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا
سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ وَمَن يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ
سَوَاءَ السَّبِيلِ ١٠٨ وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ
كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَ
اصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٠٩ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١٠ وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ

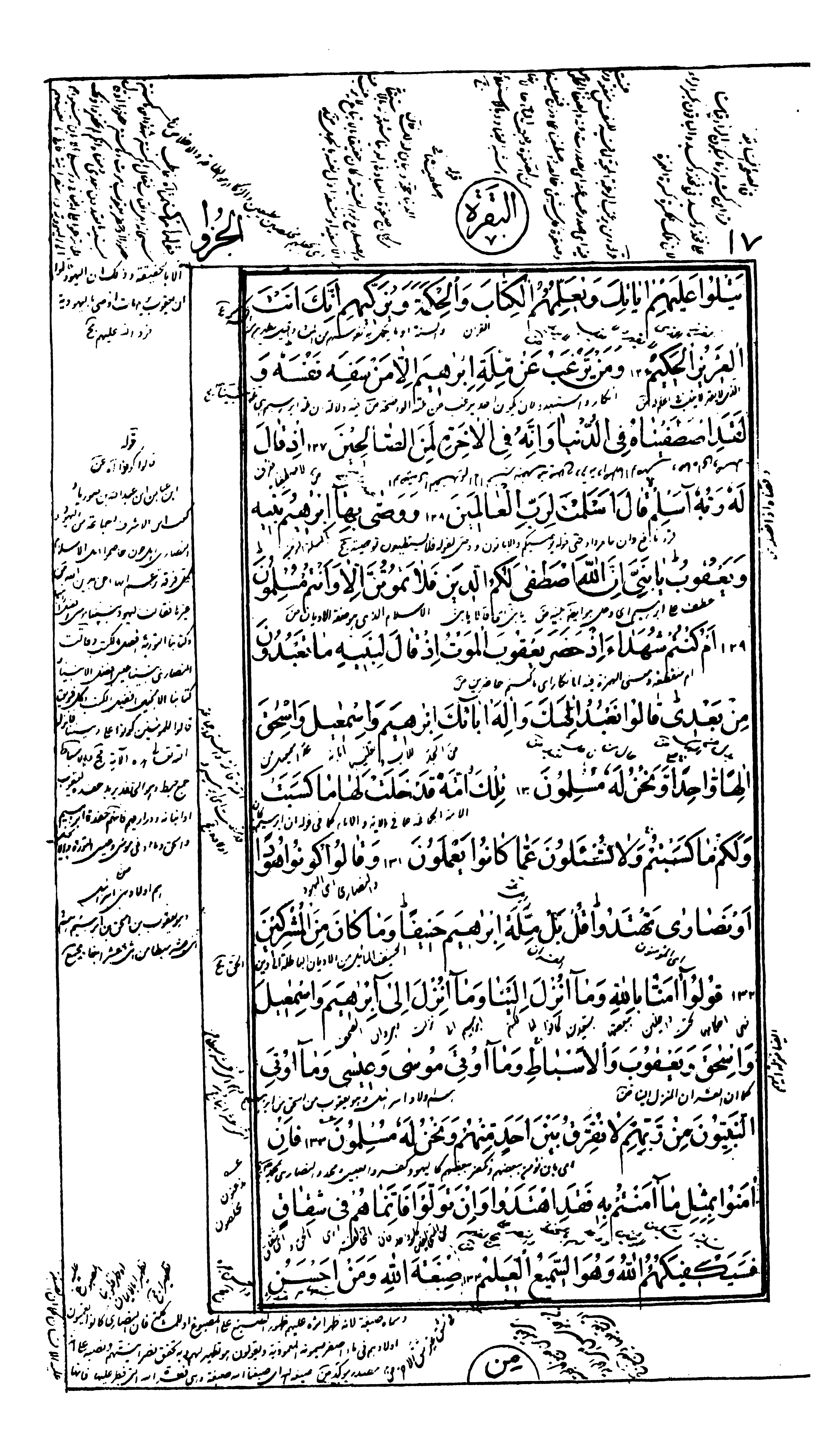
السواء بالمد على ثلثة اوجه بمعنى القصد والعدل وبمعنى الوسط وبمعنى غير
ومعنى ضل هنا ذهب عن الاستقامة والسبيل والطريق واذهب
نظائر ذلك



تِلْكَ اَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۱۰۷ بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ
وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهٗ اَجْرُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُوْنَ ۱۰۸ وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ لَيْسَتِ النَّصٰرٰى عَلٰى شَيْءٍ وَّقَالَتِ النَّصٰرٰى
لَيْسَتِ الْيَهُوْدُ عَلٰى شَيْءٍ وَّهُمْ يَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ
مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ۱۰۹ وَمَنْ
اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسٰجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُّذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ وَسَعٰى فِيْ خَرَابِهَا اُولٰٓئِكَ
مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَّدْخُلُوْهَا اِلَّا خَآئِفِيْنَ ۱۱۰ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ
فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۱۱۱ وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَاَيْنَمَا تُوَلُّوْا فَثَمَّ
وَجْهُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۱۱۲ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ بَلْ لَّهٗ مَا
فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلٌّ لَّهٗ قٰنِتُوْنَ ۱۱۳ بَدِيْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِذَا
قَضٰٓى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ۱۱۴ وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ لَوْلَا
يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَاْتِيْنَآ اٰيَةٌ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّثْلَ قَوْلِهِمْ
تَشَابَهَتْ قُلُوْبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ۱۱۵ اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ
بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا وَّلَا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحٰبِ الْجَحِيْمِ ۱۱۶ وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ
الْيَهُوْدُ وَلَا النَّصٰرٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى



وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ
وَلَا نَصِيرٍ ١٢٠ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ
وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ١٢١ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي
أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ١٢٢ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ
عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ١٢٣
وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا
قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ١٢٤ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ
مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ١٢٥
وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ
مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ
أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٢٦ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ
مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ١٢٧ رَبَّنَا
وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا
وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ١٢٨ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ



يتلوا عليهم آياتك ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم إنك أنت

العزيز الحكيم ١٢٦ ومن يرغب عن ملة ابرهيم إلا من سفه نفسه و

لقد اصطفيناه في الدنيا وإنه في الآخرة لمن الصالحين ١٢٧ إذ قال

له ربه أسلم قال أسلمت لرب العالمين ١٢٨ ووصى بها ابرهيم بنيه

ويعقوب يا بني إن الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن إلا وأنتم مسلمون

١٢٩ أم كنتم شهداء إذ حضر يعقوب الموت إذ قال لبنيه ما تعبدون

من بعدي قالوا نعبد إلهك وإله آبائك ابرهيم واسمعيل واسحق

إلها واحدا ونحن له مسلمون ١٣٠ تلك أمة قد خلت لها ما كسبت

ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا يعملون ١٣١ وقالوا كونوا هودا

أو نصارى تهتدوا قل بل ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين

١٣٢ قولوا آمنا بالله وما أنزل إلينا وما أنزل إلى ابرهيم واسمعيل

واسحق ويعقوب والأسباط وما أوتي موسى وعيسى وما أوتي

النبيون من ربهم لا نفرق بين أحد منهم ونحن له مسلمون ١٣٣ فإن

آمنوا بمثل ما آمنتم به فقد اهتدوا وإن تولوا فإنما هم في شقاق

فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ١٣٤ صبغة الله ومن أحسن

مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عٰابِدُونَ ١٣٥ قُلْ اَتُحَاجُّونَنَا فِي اللّٰهِ وَهُوَ
رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ١٣٦
اَمْ تَقُولُونَ اِنَّ اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطَ
كَانُوا هُودًا اَوْ نَصَارٰى قُلْ ءَاَنْتُمْ اَعْلَمُ اَمِ اللّٰهُ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ
شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللّٰهِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ١٣٧ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ
خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٣٨
سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلّٰيهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ
لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٣٩ وَكَذٰلِكَ
جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ
شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ
مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلٰى عَقِبَيْهِ وَاِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً اِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ وَ
مَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِيعَ اِيمَانَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ ١٤٠ قَدْ نَرٰى تَقَلُّبَ
وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضٰيهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَاِنَّ الَّذِينَ اُوتُوا
الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ١٤١ وَ

لئن أتيت الذين أوتوا الكتاب بكل آية ما تبعوا قبلتك وما أنت
بتابع قبلتهم وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت أهواءهم
من بعد ما جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمين ١٤١ الذين آتيناهم
الكتاب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم وإن فريقا منهم ليكتمون
الحق وهم يعلمون ١ الحق من ربك فلا تكونن من الممترين ١٤٢ ولكل
وجهة هو موليها فاستبقوا الخيرات أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعا
إن الله على كل شيء قدير ١٤٣ ومن حيث خرجت فول وجهك شطر
المسجد الحرام وإنه للحق من ربك وما الله بغافل عما تعملون ١٤٤ ومن
حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا
وجوهكم شطره لئلا يكون للناس عليكم حجة إلا الذين ظلموا منهم
فلا تخشوهم واخشوني ولأتم نعمتي عليكم ولعلكم تهتدون ١٤٥
كما أرسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم
الكتاب والحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون ١٤٦ فاذكروني أذكركم
واشكروا لي ولا تكفرون ١٤٧ يا أيها الذين آمنوا استعينوا بالصبر
والصلوة إن الله مع الصابرين ١٤٨ ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله

أموات بل أحياء ولكن لا تشعرون ﴿١٥٤﴾ ولنبلونكم بشيء من الخوف
والجوع ونقص من الأموال والأنفس والثمرات وبشر الصابرين ﴿١٥٥﴾
الذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله وإنا إليه راجعون ﴿١٥٦﴾ أولئك
عليهم صلوات من ربهم ورحمة وأولئك هم المهتدون ﴿١٥٧﴾ إن الصفا
والمروة من شعائر الله فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن
يطوف بهما ومن تطوع خيرا فإن الله شاكر عليم ﴿١٥٨﴾ إن الذين يكتمون
ما أنزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب
أولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون ﴿١٥٩﴾ إلا الذين تابوا وأصلحوا
وبينوا فأولئك أتوب عليهم وأنا التواب الرحيم ﴿١٦٠﴾ إن الذين
كفروا وماتوا وهم كفار أولئك عليهم لعنة الله والملائكة و
الناس أجمعين ﴿١٦١﴾ خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم
ينظرون ﴿١٦٢﴾ وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم ﴿١٦٣﴾ إن في
خلق السماوات والأرض واختلاف الليل والنهار والفلك التي
تجري في البحر بما ينفع الناس وما أنزل الله من السماء من ماء فأحيا به
الأرض بعد موتها وبث فيها من كل دابة وتصريف الرياح والسحاب

متعلق بصفحه ۱۹ و هرآینه اگر بیاوری تو آن کسانی را که داده شده اند کتاب را یعنی صاحبان تورات و
انجیل هرآینه متابعت نمی کنند قبلهٔ تو را و تو هم متابعت نخواهی کرد قبلهٔ آنها را و نیستند پارهٔ از آن مردم متابعت کننده
قبلهٔ بعضی دیگر را و اگر متابعت کنی تو که پیغمبر هستی خواهشهای ایشان را بعد از آنکه علم تو داده شد بدرستیکه تو در آن
وقت از جملهٔ ظلم کنندگان خواهی بود ۱۴۱ آنهائیکه دادیم ما ایشان را کتاب یعنی تورات و انجیل را می شناسند پیغمبر را
همانطور که میشناسند پسرهای خودشان را بدرستیکه طایفهٔ از آنها محض عناد و لجاج هرآینه کتمان میکنند حق را و حال اینکه
ایشان میدانند که چه آیات بر تصدیق نبوت پیغمبر در تورات هست حق از جانب پروردگار تو است پس مباش تو از جملهٔ
شک کنندگان ۱۴۳ و از برای هر صاحب شریعتی قبله ایست که خدا گرداننده روهای مردم است پس پیشی بجوئید خیرات
را هر جا باشید میآورد خدا همهٔ شما را روز قیامت برای امتیاز دادن خوب را از بد بدرستی که خدا بر هر چیزی قادر است
۱۴۴ و از هر جا بیرون رفتی تو ای پیغمبر پس بگردان روی خودت را بطرف مسجد الحرام و بدرستی که آن قبله هرآینه حق است
از جانب پروردگار تو و نیست خدا غافل از هر چه میکنید ۱۴۵ و از هر جا بیرون رفتی بگردان روی خودت را بطرف
مسجد الحرام و هر جا باشید بگردانید روهای خودتان را بطرف مسجد الحرام تا اینکه نباشد از مردم بر شما حجتی مگر آنکسانیکه
ظلم کردند از ایشان یعنی از یهود مدینه پس نترسید از ایشان و بترسید از من تا اینکه تمام کنم نعمت خودم را بر شما و شاید
شما راه بیابید ۱۴۶ همچنانکه ما فرستادیم میان شما رسولی از خودتان که میخواند بر شما آیات و احکام ما را و پاک میکند شما
را و تعلیم میکند کتاب و حکمت را بشما و تعلیم میکند هر چه را نمیدانید بشما ۱۴۷ پس ذکر کنید مرا تا ذکر کنم شما را و شکر
کنید از برای من و کفران مکنید مرا ۱۴۸ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید مدد جوئید بسبب صبر و صلوة بدرستیکه خدا با صبر
کنندگان است ۱۴۹ و مگوئید برای آن کسانیکه کشته شوند در راه خدا متعلق بصفحه ۲۰ مردگانند بلکه زنده اند
ولیکن شما نمیدانید ۱۵۰ و هرآینه آزمایش کنیم شما را البته بچیزی از ترس و گرسنگی و کم شدن از مالها و تنها و
میوه جات و مژده بده صبر کنندگان را ۱۵۱ آنهائیکه اگر برسد بآنها مصیبتی بگویند ما از خدائیم و
بتحقیق ما بسوی خدا رجوع کنندگانیم ۱۵۲ آن گروه بر ایشان است درودها از جانب پروردگارشان و رحمت
بر آنها و اینها هستند که راه یافته اند ۱۵۳ بدرستیکه صفا و مروه از نشانهای خدا است پس هر کس
حج کرد خانهٔ کعبه را با عمال مخصوص یا عمره بجای آورد که زیارت بکند مکه را بدون اعمال حج پس بحثی بر او نیست
اینکه طواف بکند بصفا و مروه و هر کس رغبت کند خدا یرا از حج و عمره پس بدرستیکه خدا جزا دهنده است
شکر کنندگان را و داناست ۱۵۴ بدرستی آن کسانیکه کتمان میکنند آنچه را فرستادیم ما از حجتها و راه نمائیها
بعد از آنکه آشکار کردیم از برای مردم در قرآن ایشانند که لعنت میکند خدا آنها را و لعنت میکنند
بآنها لعنت کنندگان ۱۵۵ مگر آنهائی را که توبه کردند و اصلاح کردند مفاسد اعمال خود را و
بیان کردند آنچه را که حق تعالی در کتاب ایشان بیان کرده بود پس اینگروه را می پذیرم توبهٔ
ایشان را و منم قبول کننده توبه و رحم کننده ۱۵۶ بدرستیکه آنکسانیکه کافر شدند و مردند و ایشان
باقی بکفر خود بودند آن گروه لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر آنجماعت باد ۱۵۷ همیشه بمانند در جهنم با آن
لعنت کم نمیشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده میشوند ۱۵۸ و خدای شما خدای یکتاست نیست خدائی مگر او
که بخشاینده و مهربانست ۱۵۹ بدرستیکه در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز و کشتی که حرکت میکند در دریا
بآنچه منفعت میدهد مردم را و آنچه فرو فرستاد خدا آب را از آسمان پس زنده کرد بآن آب زمین را بعد از مردن آن زمین و پراکنده کرد در زمین از هر جنبنده و گردانیدن

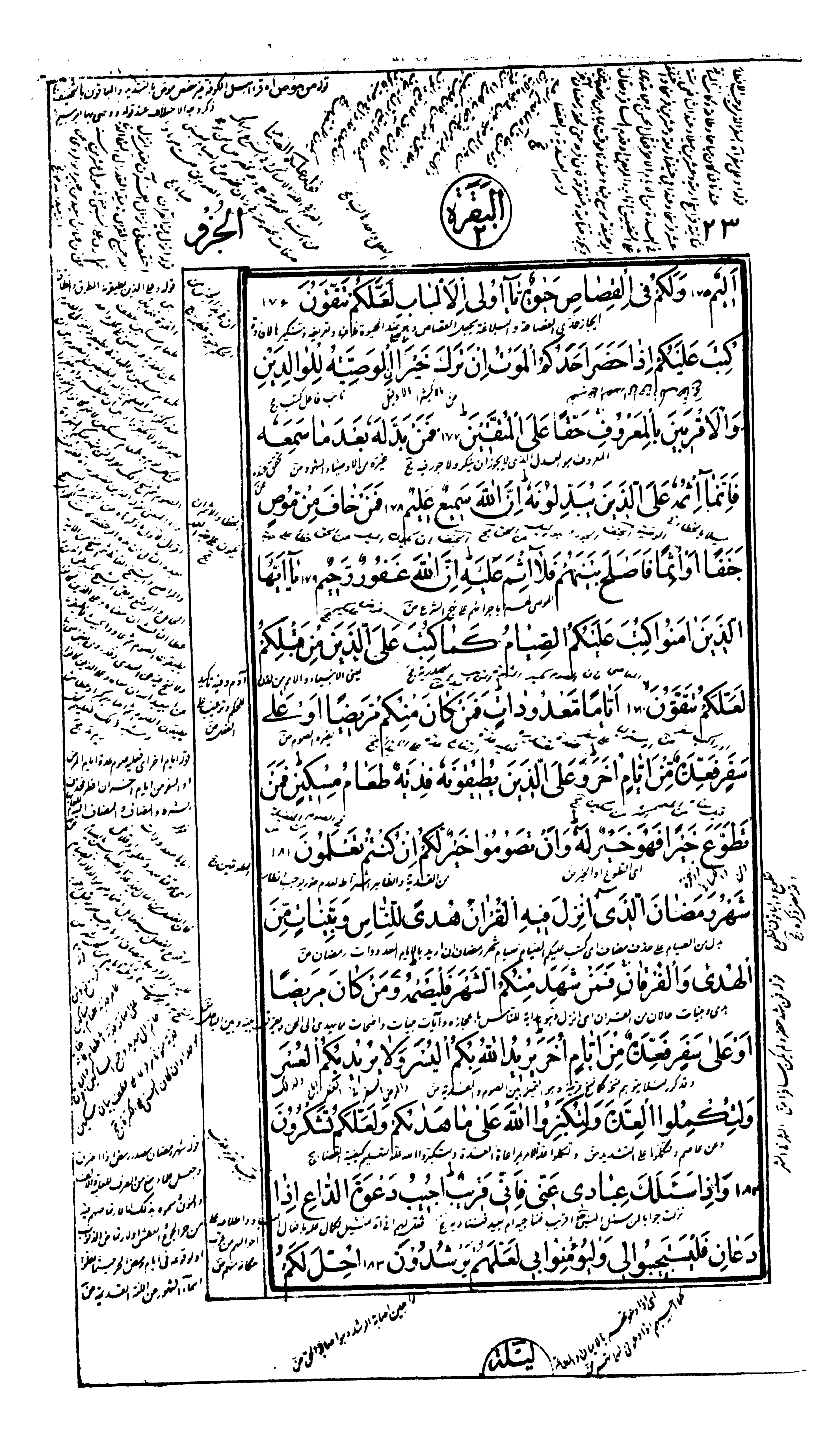
متعلق بصفحهٔ ۲۱ مسخرات میان آسمان وزمین هرآینه اینها دلائل است ازبرای گروهی که بفهمند وتعقل
کنند ۱۶۰ واز جملهٔ مردم هستند که میگیرند بت ها راهمتا برای خدا دوست دارند مثل آن بتها را مثل دوست داشتن
موحدین خدارا وآنهائیکه ایمان آورده اند خدارا بیشتر از هرکس دوست دارند وچون ملتفت شوند آنکسانی
ظلم کردند وقتی که ببینند عذاب را که تمام قوه ازبرای خداست وبدرستیکه خدا سخت عذابست ۱۶۱ وقتی بیزاری
کنند آن کسانیکه متابعت کردند دین اسلام را از آن کسانی که متابعت کردند رؤسای مشرکین را وببینند تابعین
مشرکین عذاب را وقطع بشود برای آنها اسباب وروابطی که در دنیا بایکدیگر داشتند ۱۶۲ وگفتند آنهائیکه تابع
مشرکین بودند اگر میبود از برای ما که یک کرت دیگر بدنیا برگشتیم پس بیزاری میجستیم از ایشان یعنی از رئیس
مشرکین همچنانکه بیزاری جستند ازما وبیفائده بودند برای ما اینطور مینماید خدا عملهای ایشانرا حسرتها بر
ایشان ونیستند ایشان بیرون آینده از آتش ۱۶۳ ایمردم بخورید از آنچه در زمین حلال وپاک است و
متابعت مکنید وسوسه های شیطانرا بدرستیکه شیطان ازبرای شما دشمن آشکاریست ۱۶۴ اینستکه بتحقیق
که امر میکند شیطان شمارا ببدی وزشتی وامر میکند باینکه بگوئید برخدا آنچه را که نمیدانید ۱۶۵ واگرگفته شود
ازبرای کفار که متابعت کنید آنچه را که فرستاده است خدا از حلال وحرام وقرآن گویند بلکه متابعت میکنیم ما آنچه را
که یافته ایم پدران خودمان را بر آن اگرچه بودند پدران آنها نه چیزی میدانستند ونه راه مییافتند ۱۶۶ مثل آنکسانی
که کافر شدند مثل آن کسی است که بانگ میزند بانچه اینکه نمیشنود مگر خواندنی وآوازی وهیچ نمیفهمد که مقصود صدا
زننده چیست آنها کرند وگنگ وکور پس ایشان هیچ نمی یابند ۱۶۷ ای کسانیکه ایمان آورده اید بخورید از روزیهای
پاک که روزی دادیم شمارا وشکر کنید ازبرای خدا اگر هستید خدارا می پرستید ۱۶۸ بتحقیق حرام گردانید خدا بر

شما مردار را وخون را وگوشت خوک وهرچه را که باسم غیر خدا کشته باشند **متعلق بصفحهٔ ۲۲** پس هرکس محتاج و

مضطر باشد درصورتیکه دزد وقطاع الطریق نباشد واز حد اندازه سد رمق هم تجاوز نکند پس گناهی براو نخواهد بود که میته وگوشت
خوک وغیر آن را بقدر احتیاج بخورد بدرستیکه خدا آمرزنده ومهربانست ۱۶۹ بدرستیکه آنکسانیکه می پوشانند آنچه را که فرو فرستاده
است خدا در تورات وانجیل از فضائل پیغمبر ومیفروشند کتمان کردن صفات پیغمبر را برشوه وبهای کمی که از جهال قوم خودشان
بآنها داده میشود آنگروه نمیخورند در شکمهای خودشان مگر آتش را وتکلم نمیکند خدا با آنها روز قیامت یعنی اعتنا نمیکند خدا بآنها و
پاک نمیکند خدا آنهارا از خبث ونجاستی که دارند واز برای آنهاست عذاب دردناک ۱۷۰ آن گروهند کسانیکه خریدند گمراهیرا
براه راست وعذاب را بمغفرت پس چه چیز تاب وصبر داد آنها را بر آتش ۱۷۱ این عذاب بسبب اینستکه خدا فرستاد تورات براستی
وبتحقیق آنکسانیکه اختلاف کردند در تورات ونعت پیغمبر را در آن پوشانیدند هرآینه در خلاف دوری هستند ۱۷۲ نیست
خوبی ورستکاری باینکه بگردانید روهای خودتانرا بطرف مشرق که طریقهٔ نصاری است یا بطرف مغرب که طریقهٔ یهود است ولکن رستگاری
ازبرای کسیستکه ایمان بخدا داشته باشد وایمان بروز قیامت وملائکه وقرآن وپیغمبران داشته باشد وبدهد مال خودش را درراه دوستی
خدا بخویشان نزدیک خودش وبیتیمها وفقرا وابن سبیل یعنی مسافرین که از راه میرسند وسؤال کنندگان وبدر آزاد کردن بندگان ونماز
گذارد وزکوة بدهد ووفا کنندگان بعهدشان اگر عهدی کرده باشند وصبرکنندگان در کارزار وسختی وصبر کردن در وقت تعب رحمت اینها
هستند آنکسانیکه راست گویند واینها هستند پرهیزکار ۱۷۳ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید نوشته شد برشما قصاص در کشتگان آزاد
بعوض آزاد وبنده بعوض بنده وزن عوض زن پس هرکس از صاحب مقتول ببخشد ازبرای قاتل که برادر دینی اوست چیزیرا که عوض کشتن قاتل گرفتن
دیه صلح کند پس لازمست که متابعت کند قاتل او را بخوبی وخرمی ودادن دیه را باو باحسان ونیکوئی هم ۱۷۴ این بخشیدن خون وگرفتن دیه سبک
باریست از جانب پروردگار شما ورحمتست پس هرکه درگذرد بعد از این یعنی بعد از گذشتن ودیه گرفتن باز درمقام قتل آن قاتل برآید پس ازبرای اوست عذاب

الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ١٦٠ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ
مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا
لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَ
أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا
وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ١٦٢ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا
لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ
حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ١٦٣ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا
فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ
مُبِينٌ ١٦٤ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ ١٦٥ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ
مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا
يَهْتَدُونَ ١٦٦ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً
وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ١٦٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ
١٦٨ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ

فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم ١٧٣ ان
الذين يكتمون ما انزل الله من الكتاب ويشترون به ثمنا قليلا
اولئك ما ياكلون في بطونهم الا النار ولا يكلمهم الله يوم القيمة
ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم ١٧٤ اولئك الذين اشتروا الضللة بالهدى
والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم على النار ١٧٥ ذلك بان الله نزل
الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي شقاق بعيد ١٧٦
ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب ولكن البر من امن
بالله واليوم الاخر والملئكة والكتاب والنبين واتى المال على
حبه ذوي القربى واليتمى والمسكين وابن السبيل والسائلين
وفي الرقاب واقام الصلوة واتى الزكوة والموفون بعهدهم اذا
عاهدوا والصبرين في البأساء والضراء وحين البأس اولئك
الذين صدقوا واولئك هم المتقون ١٧٧ يايها الذين امنوا كتب عليكم
القصاص في القتلى الحر بالحر والعبد بالعبد والانثى بالانثى
فمن عفي له من اخيه شيء فاتباع بالمعروف واداء اليه باحسان ١٧٨
ذلك تخفيف من ربكم ورحمة فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب



أَلِيمٌ ١٧٥ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ يَٰٓأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ١٧٦
كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ
وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ١٧٧ فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعْدَ مَا سَمِعَهُۥ
فَإِنَّمَآ إِثْمُهُۥ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٧٨ فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ
جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ١٧٩ يَٰٓأَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ١٨٠ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ
سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن
تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ وَأَن تَصُومُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ١٨١
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِىٓ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ
الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا
أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا۟ الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا۟ اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
١٨٢ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا
دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا۟ لِى وَلْيُؤْمِنُوا۟ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ١٨٣ أُحِلَّ لَكُمْ



لیلة الصیام الرفث الی نسائکم هن لباس لکم وانتم لباس لهن علم الله
انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم وعفا عنکم فالان
باشروهن وابتغوا ما کتب الله لکم وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم
الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر ثم اتموا الصیام الی اللیل
ولا تباشروهن وانتم عاکفون فی المساجد تلک حدود الله فلا
تقربوها کذلک یبین الله ایاته للناس لعلهم یتقون ١٨٣ ولا تاکلوا
اموالکم بینکم بالباطل وتدلوا بها الی الحکام لتاکلوا فریقا من
اموال الناس بالاثم وانتم تعلمون ١٨٥ یسئلونک عن الاهلة قل هی
مواقیت للناس والحج ولیس البر بان تاتوا البیوت من ظهورها و
لکن البر من اتقی واتوا البیوت من ابوابها واتقوا الله لعلکم تفلحون
وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب
المعتدین ١٨٧ واقتلوهم حیث ثقفتموهم واخرجوهم من حیث اخرجوکم
والفتنة اشد من القتل ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم
فیه فان قاتلوکم فاقتلوهم کذلک جزاء الکافرین ١٨٨ فان
انتهوا فان الله غفور رحیم ١٨٩ وقاتلوهم حتی لا تکون فتنة ویکون

دردناک ۱۷۵ و از برای شما در حکم قصاص زندگانیست ای صاحبان عقول کامله شاید شما بپرهیزید ۱۷۶ نوشته شد
برشما هر وقت نزدیک شد برای یکی از شما مردن که وصیت کند مالی را برای پدر و مادر و خویشان خود تان به نیکوئی
این کار سزاوار است بر پرهیزکاران ۱۷۷ پس هرکس تبدیل کند بعد از آنکه شنید وصیت کردن موصی را پس جز این نیست
که گناه آن بر آنکسانیست که تبدیل میکنند آن وصیت را بدرستیکه خدا شنونده و داناست ۱۷۸ پس هرکس بترسد
یعنی گمان برد از وصیت کننده میلی یعنی پشیمانی یا گناهی از عدول حق بباطل پس اصلاح کند میانهٔ ایشان را پس
گناهی نخواهد بود بر اصلاح کننده بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست ۱۷۹ ای کسانیکه ایمان آورده اید نوشته شد
برشما روزه چنانچه نوشته بر آنکسانیکه قبل از شما بودند شاید شما بپرهیزید ۱۸۰ روزهای شمرده شدهٔ معلوم پس هرکس
از شما مریض باشد یا در سفر باشد پس بشمار دار روزهای غیر ماه رمضان و بر کسانیکه طاقت روزه گرفتن دارند ولی بر آنها بسیار شاق
است بجهة کبر سن و غیر آن زحمت فوق العادة دارد برای آنها روزه گرفتن فدا بدهند باینکه فقیری را غذا بدهند بقدر یعنی
پس کسیکه رغبت کند باینکه زیادتر از آن مقدار معین بآن فقیر بدهد بهتر است برای او و روزه گرفتن شما بهتر است برای شما
اگر بدانید ۱۸۱ ماه رمضان آنچنان ماهی است که نازل شده است در آنماه قرآن راه نماست برای مردم و حجتهاست از راه راست
و جدا کننده است پس هرکه دریافت از شما ماه رمضان را باید روزه بدارد آنماه را و هرکس ناخوش باشد یا در سفر باشد پس بشمارد آنچه روزه
خورده است از ماههای دیگر روزه بگیرد اراده میکند بشما خدا آسانی را و اراده نمیکند بشما ای مسلمانان زحمت و تنگی را و تا کامل کنید
روزهای ماه رمضان را و تا بزرگی بشمارید خدا را بر آنچه هدایت کرده است شما را شاید شما شکر خدا را بجا بیاورید ۱۸۲ و وقتی
سؤال کنند تو را بندگان من از من پس من نزدیکم اجابت میکنم دعوت خواننده را وقتی بخوانند مرا پس باید اجابت کنند از
برای من باینکه حاجت خود را از من بخواهند و باید ایمان بیاورند بمن شاید ایشان بفلاح و رستگاری برسند ۱۸۳

حلال کرده شد از برای شما متعلق بصفحه ۲۴ شبهای ماه رمضان جماع کردن با زنهای خودتان ایشان یعنی زنان شما لباسند

از برای شما و شما لباسید از برای ایشان دانست خدا اینکه شما خیانت بخودتان میکردید اگر جماع کردن بر شما حلال نمیشد باین
جهت حلال کرد بر شما و عفو کرد از شما پس حالا مباشرت کنید با زنها و طلب کنید آنچه را که نوشته است خدا از برای شما و بخورید
و بیاشامید در شب رمضان تا اینکه آشکار شود از برای شما رشتهٔ سفید از رشتهٔ سیاه از افق در صبح پس تمام کنید روزه را تا شام و
مباشرت نکنید با زنها در حالتی که شما معتکف در مسجد باشید اینست حدهای خدا پس نزدیک نشوید منهیات را این طور
آشکار میکند خدا آیات خودش را از برای مردم شاید ایشان بپرهیزند ۱۸۴ و نخورید مالهای خود را در میانهٔ خودتان بطور تضییع
و نیندازید ترافع خود را بسوی حکام تا اینکه بخورند بعضی از اموال مردم را برشتی و حال اینکه شما میدانید که نباید این کارها را کرد
۱۸۵ می پرسند تو را ای پیغمبر از هلالها یعنی نازک شدن در اول هر ماه بگو آنها مواقیتند از برای مردم که وقتهای خود شان را
بشناسند و مواقیت است از برای حج کردن و نیست خوب و شایسته که بیائید بخانها در پشت بامها ولیکن شایسته آنست
که بپرهیزند و احتیاط کنند و از درب این خانها داخل شوید و بپرهیزید از خدا شاید شما رستگار شوید ۱۸۶ و جنگ و مقاتله
کنید در راه خدا با آن کسانیکه مقاتله میکنند با شما و تجاوز نکنید از مخالفین بدرستیکه خدا دوست ندارد
تجاوز کنندگان را ۱۸۷ و بکشید آنها را هرجا یافتید آنها را و بیرون کنید آنها را از آنجا که بیرون کردند
شما را و فتنه کردن شدیدتر است از کشتن و مقاتله نکنید با کفار در مسجد الحرام تا اینکه آنها مقاتله کنند
با شما در آن مسجد پس اگر مقاتله کردند با شما پس بکشید آنها را این طور است جزا دادن بکفار ۱۸۸ پس
اگر باز ایستند در مقاتله و توبه کنند پس بدرستی که خدا آمرزنده و رحم کننده است ۱۸۹ و مقاتله
کنید با کفار تا اینکه فتنه باقی نماند و کفار بالمره از میان برداشته شوند و باشد

متعلق بصفحهٔ ۲ دین از برای خدا بدون مانعی پس اگر باز ایستند از جنگ کردن پس دشمنی نخواهد بود مگر بر ظلم کنندگان ۱۹۰ ماه ذیقعدة الحرام که بمقاتله میروید در عوض آن ماه حرامی است که کفار با شماها مقاتله کردند و محرمات قصاص دارند مثل قصاص قتل پس هر کس تجاوز کند بر شماها پس تجاوز کنید شماها بر او بمثل تجاوزی که او کرده است بر شما و بپرهیزید از خدا و بدانید بتحقیق خدا با پرهیزکارانست ۱۹۱ وانفاق کنید در راه خدا و نیندازید خود را بدست خودتان بهلاکت و نیکی کنید بدرستیکه خدا دوست دارد نیکوکاران را ۱۹۲ و تمام کنید حج و عمره را از برای خدا پس اگر باز داشته شوید یعنی نتوانید پس بقدر مقدور قربانی کنید و نتراشید سرهای خود را تا اینکه برسد وقت قربانی در محل خودش که مکه است در عمره و منی است در حج واجب پس هر که باشد از شما ناخوش یا سر او ناخوشی داشته باشد پس فدا بدهد از روزه گرفتن یا تصدق دادن یا قربانی کردن پس هر وقت آسوده شدید پس هر که برخوردار شود و منتفع شود با فعال عمره در حالتی که قصد کننده حج باشد پس هر چه ممکن است از گاو و شتر و گوسفند قربانی کند پس هر که را نیابد قربانی پس سه روز روزه داشتن در حج و هفت روز وقتی برگشتید اینست ده روز کامل شده این تمتع و عمره و حج برای کسی است که از اهل مکه نباشد یا اینکه مجاور و متوقف مکه نباشد و بپرهیزید از خدا و بدانید و بدرستیکه خدا سخت عقوبتست ۱۹۳ زمان حج در ماههای معین است که رجب و شوال و ذیقعده و ذیحجه است پس هر که واجب کند در آن ماهها بر خودش حج کردن را نباید جماع کند و دروغ بگوید و نه جنگ کند با کسی در ایام حج و آنچه از خیرات بکنید میداند خدا آنعمل را و توشه با خود بردارید برای رفتن بمکه و بجا آوردن حج پس بدرستیکه بهترین توشهها پرهیزکاریست بپرهیزید مرا ای صاحبان عقلهای سالم ۱۹۴ نیست بر شما گناهی

از اینکه طلب کنید فضلی را از پروردگار خودتان پس اگر برگشتید از عرفات پس ذکر کنید خدا را نزد مشعر الحرام متعلق بصفحهٔ ۲

و ذکر کنید خدا را بآن طوریکه راه نموده است بشما و اگر چه بودید پیش از این از جمله گمراهان و بی اطلاعان ۱۹۵ پس برگردید از آنجائیکه برگشتند مردم و استغفار کنید خدا را بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست ۱۹۶ پس هر وقت بجا آوردید تمام اعمال حج خود را پس ذکر کنید خدا را مثل ذکر کردن شما پدران خودتان را یا سخت تر از آن در ذکر کردن پس بعضی از مردم هستند که میگویند ای پروردگار ما بده بما در دنیا امتعهٔ دنیویه را و نیست از برای آنشخص در آخرت بهره ۱۹۷ و بعضی هستند که میگویند ای پروردگار ما بده بما در دنیا نیکوئی و در آخرت نیکوئی و نگاهدار ما را از عذاب آتش ۱۹۸ برای آنها قسمت و بهره است از چیزیکه اندوخته اند برای خودشان و خدا زود حسابست ۱۹۹ و ذکر کنید خدا را در روزهای معین که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه است پس هر کس تعجیل در دو روز اول که یازدهم و دوازدهم است بکند و نماند تا روز سیزدهم و عمره را با تمام نرساند پس گناهی نکرده است و هر که بماند روز سیزدهم را هم پس گناهی ندارد و برای آنکه پرهیز کرده است و بپرهیزید از خدا و بدانید که شما بسوی خدا محشور میشوید ۲۰۰ و از جملهٔ مردم کسی هست که بتعجب و شگفت می آورد تو را حرف او در تعریف زندگانی دنیا و بشهادت میخواهد خدا را بر آنچه در دل او است و حال اینکه او سخت تر است در دشمنی با اهل اسلام از هر کس ۲۰۱ و وقتیکه برگشت از نزد پیغمبر بشتاب میرود در زمین که فساد کند در آن زمین و هلاک کند زراعتها را بسبب سوزاندن و نابود کند گاو و سایر چهارپایان را و خدا دوست نمیدارد فساد کردن را ۲۰۲ و اگر گفته شود از برای او بپرهیز از خدا بگیرد او را غیرت جاهلیت بجهت رنجیدن از اینحرف پس بس است او را جهنم ۲۰۳ و از جملهٔ مردم کسی است که میفروشد خودش را بجهت طلب کردن رضای خدا و خدا مهربانست ببندگان خودش ۲۰۴ ای کسانیکه ایمان آورده اید داخل شوید در صلاح همه شما و متابعت نکنید وساوس شیطان را بدرستیکه آن شیطان از برای شما دشمن آشکار ظاهریست ۲۰۵ پس لغزیدید شما در دین اسلام بعد از

متعلق بصفحهٔ ۲۷ آمد برای شما حجتها و براهین محکم پس بدانید که خداوند عزیز است یعنی قادر و غالب است بر عقوبت
مخالفان و درست کار و محکم است ۲۰۶ آیا چشم دارند یهود که ایمان نیاورند مگر اینکه بیاید خدا آنها را در میانهٔ ابرها و
بیاید آنها را ملائکه و حال اینکه گذشته است این امر که در عهد نبوت موسی اینطور بود و حالا امکان نخواهد داشت کارها
راجع بسوی خداست در هر زمانی بطور دیگر ارادهٔ خداوند تعلق میگیرد ۲۰۷ سؤال کن ای پیغمبر از بنی اسرائیل چه
بسیار دادیم ایشانرا از آیت آشکار و هر کس تبدیل کند نعمت خدا را بعد از آنکه آن نعمت باو داده شده و کفران
کند پس بدرستیکه خدا سخت عقوبتست و بان تغییر دهندهٔ نعمت عذاب خواهد نمود ۲۰۸ زینت داده از برای کفار
حیوة دنیا و سخره میکنند از آن کسانیکه ایمان آورده اند و آنکسانیکه پرهیزکارند اعلی مرتبه و بلند مقام هستند
نسبت بکفار در روز قیامت و خدا روزی بیحساب میدهد هر که را که بخواهد ۲۰۹ بودند مردم یک گروه پس برانگیخت
خدا پیغمبران را مژده دهنده و ترساننده و فرو فرستاد با آن پیغمبران کتاب را براستی و حقیقت تا اینکه حکم بکند
خدا میانهٔ مردم و آنچه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آنهائیکه کتاب بآنها رسیده بود مثل یهود
بعد از اینکه آمد آنها را حجتها و دلائل آشکار بجهة حسد و ظلمی که میان ایشان بود پس راه راست و طریق حق نمود خدا
آنهائیرا که ایمان آوردند مر آنچه اختلاف کرده بودند در آن از حقیقت باذن خدا و خدا راه مینماید هر که را میخواهد
بسوی راه راست ۲۱۰ یا گمان کردید شما که داخل میشوید بهشت را و چون بیاید شما را مثل آنکسانیکه گذشته از پیش شما
رسید بایشان سختیها و بدیها و لرزیدند و منقلب شدند تا اینکه بگوید پیغمبر و آنکسانیکه ایمان آورده بودند با پیغمبر متفقا
کی خواهد بود یاری خدا بدان بدرستیکه یاری خدا نزدیکست ۲۱۱ سؤال میکنند ترا که چه چیز نفقه کنند بگو آنچه را
که از راه خیر نفقه کردید شما پس از برای پدر و مادر و خویشان و یتیمها و فقرا و راه گذاران و هرچه بکنید از نیکی پس
بدرستیکه خدا با عمل شما داناست ۲۱۲ نوشته شد بر شما جنگ و کارزار و آن مکروهست برای شما ۲۱۳ متعلق

بصفحهٔ ۲۸ و شاید اینکه خوش ندارید چیزی را و آن خیریست برای شما و شاید اینکه دوست دارید چیزی را و آن بدست

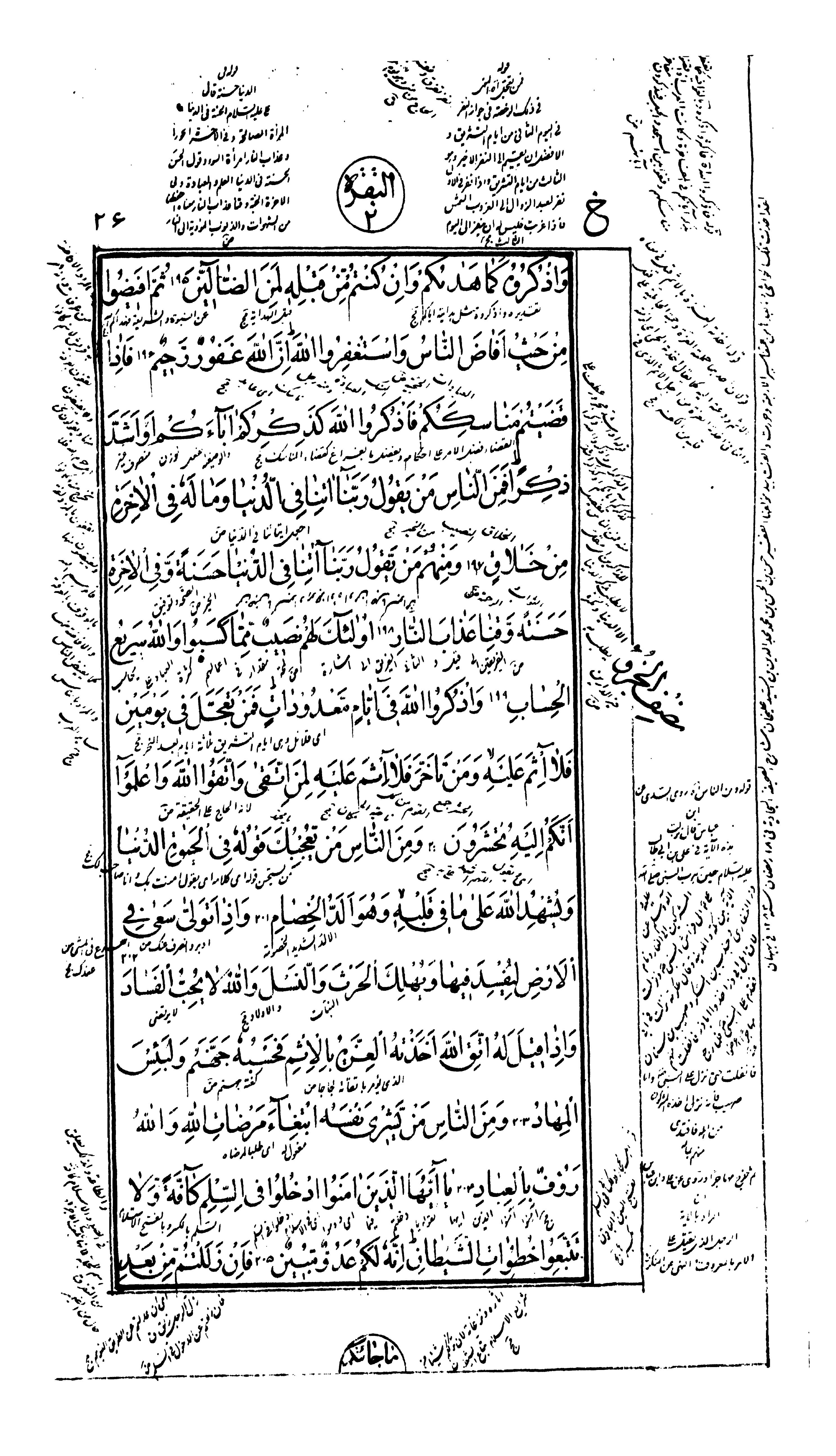
برای شما و خدا میداند و شما نمیدانید ۲۱۴ سؤال میکنند ترا از جنگ کردن در ماه حرام گناه بزرگست و مانع از راه خدا است و
کفر بخدا است و جنگ کردن در مسجد الحرام و بیرون کردن اهل مسجد را از آنجا گناهش بزرگتر است از قتل کردن و همیشه جنگ میکنند
شما را تا اینکه برگردانند شما را از دین خودتان اگر بتوانند و هر کس از شما برگردد از دین خودش پس بمیرد در حالت ارتداد او
کافر است پس آنها هستند که نابود و ضایع شده است اعمال آنها در دنیا و آخرت و آنگروه یاران آتشند و ایشان در آتش
جاویدانند ۲۱۵ بدرستی و تحقیق کسانیکه ایمان آوردند و آنهائیکه هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا آنگروه امیدوارند
برحمت خدا و خدا آمرزنده و مهربانست ۲۱۶ میپرسند ترا از شراب و قمار بگو در این دو چیز گناه بزرگست و منفعت
بسیار است از برای مردم و گناه آنها بزرگتر از نفع آنهاست و میپرسند ترا چه چیز نفقه بکنند یعنی در چه حالت انفاق کردن خوبست
۲۱۷ بگو عفو یعنی کفاف که بقدر معیشت خود و عیال خود را منظور داشته زیادتی را انفاق کنید اینطور ظاهر میکند خدا
از برای شما آیات را شاید شما تفکر کنید در کار دنیا و آخرت خودتان ۲۱۸ و میپرسند ترا از طریق معاشرت با یتیمان
بگو ای پیغمبر اصلاح کردن امور برای آنها بهتر از کناره جوئی از آنهاست ۲۱۹ و اگر مخالطه کنید با ایشان یعنی شریک
شوید در اکل و شرب و مخلوط کنید ماکول و مشروب خودتانرا با آنها عیب ندارد پس برادران دینی شما هستند و خدا میداند
مفسد مال یتیم خور کیست و مصلح که حفظ مال آنها را میکند کیست و اگر بخواهد خدا هر آینه در رنج افکند شما را در اصلاح امور یتیمان
بدرستیکه خدا غالب قاهر و آگاه و دانشمند است ۲۲۰ نکاح مکنید زنهای مشرکه را تا اینکه ایمان بیاورند و هر آینه کنیز مؤمنه بهتر
از زن آزادیست که مشرکه باشد اگرچه حسن او شما را بشگفت در آورد و نکاح مکنید بمشرکین زنهای مؤمنه را تا اینکه

متعلق بصفحهٔ ۲۹ ایمان بیاورند و هر آینه بندهٔ مؤمن بهتر است از مرد آزاد مشرک و اگر چه بشگفت بیاورد
آن مشرک شما را بجهت کثرت مال یا اطوار خوش آید ۲۲۱ آن گروه یعنی مشرکین و مشرکات میخوانند شما را بسوی آتش و خدا میخواند
شما را بسوی بهشت و آمرزش باذن خودش و ظاهر میکند آیات خود را از برای مردم شاید تذکر و ملتفت شوند ۲۲۲
و میپرسند ترا از حالت حیض زنها بگو حالت حیض بد است پس کناره بجوئید از زنها در حالت حیض آنها و نزدیکی نکنید
با آنها تا اینکه پاک شوند پس وقتیکه پاک شدند پس بیائید بسوی آنها از آنجائیکه امر کرده است خدا شما را بدرستیکه خدا دوست میدارد
توبه کنندگان و دوست میدارد پاکیزه کان را ۲۲۳ زنهای شما محل زراعت هستند برای شما پس بیائید بزراعتگاه
خودتان هر وقت هر جا که بخواهید مقدم بدارید زنهای خود را بر خودتان و بپرهیزید از خدا و بدانید که بیقین شما ملاقات کننده
اید جزای خدا را و مژده بده ای پیغمبر مؤمنین را ۲۲۴ و نگردانید خدا را دست آویز از برای قسمهای خودتان که نیکی بدوستان
و خویشان خود کرده باشید و بپرهیزید و اصلاح کنید میانهٔ مردم و خدا شنوا و داناست ۲۲۵ نمیگیرد شما را خدا بسبب
سهو دلی در قسمهای شما و از غیر قصد و عمد بزبان شما جاری میشود و لیکن مؤاخذه میکند شما را بسبب آنچه اندوخته باشد دلهای
شما که از روی حقیقت و قلب با نیت قسم دروغ بخورید خدا میگیرد شما را و خدا آمرزنده و بردبار است ۲۲۶ از برای کسانیکه قسم
خورند در بارهٔ زنان خودشان که با آنها مجامعت نکنند انتظار کشیدن چهار ماه است پس اگر باز آیند و میل کنند در رجوع کننده
پس بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست و میگذرد و عفو میفرماید آن قسمی که خورده است ۲۲۷ و اگر اراده کنند طلاق
دادن زنها را پس بدرستیکه خدا شنوا و داناست ۲۲۸ و زنهای طلاق داده شده خود را منتظر بدارند سه طهر و حلال نیست از
برای آنها اینکه پنهان بدارند بچه را که خدا در بچه‌دان آنها خلق کرده است اگر آن زنها ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشند
و شوهرهای آنها سزاوارترند بباز آوردن آنها در زمان عدهٔ انتظارشان در صورتیکه طلاق رجعی باشد اگر اراده داشته باشند
اصلاح را نه اینکه مقصود آزار و اذیت آن زن باشد و از برای زنهاست ادای حقوق مردان همان طور که بر مرد ادای حقوق
زنان واجب است بخوبی و نیکوئی و مهربانی و از برای مردانست بر آن زنها تفضلی و خدا قاهر است و داناست ۲۲۹ طلاق دادن

در صورتیکه رجعی باشد تا دو مرتبه جایز است در رجوع مرتبهٔ ثانی پس نگاه داشتن اوست متعلق بصفحهٔ ۳۰ بخوبی یا رها کردن

بخوشی و خوبی و حلال نیست از برای شما اینکه بگیرید از آنچه داده اید بآنها در عوض مهر چیزی مگر آنکه بترسند از آنکه این زن و شوهر بر پا نخواهند
داشت حدود خدا را و بفهمند که با هم زندگانی نمیتوانند بکنند پس اگر ترسیدید از اینکه حدود خدا را بجا نخواهند آورد پس حرجی
نیست بر آن زن و شوهر در چیزیکه فدیه بدهد آن زن و خود را خلاص کند اینست حدود خدا پس در نگذرید از آنها و هر که در گذرد از
حدود خدا پس آن گروه ستمکارانند ۲۳۰ پس اگر طلاق داد شوهر زن را بعد از طلاق دویم پس حلال نیست از برای او که بعد از طلاق سیم
نکاح کند او را تا اینکه بنکاح در آورد آن زن خودش را بشوهری غیر از شوهر اول خودش پس اگر طلاق داد آن شوهر ثانی آن زن را حجتی و
عیبی نیست بر آن زن و شوهر اول اینکه برگردند و باز زن و شوهر شوند اگر گمان داشته باشند اینکه برپا دارند حدود خدا را و اینست حدهای خدا
ظاهر میکند خدا حدود خود را از برای گروهیکه میدانند ۲۳۱ و اگر طلاق دهید زنها را پس برسند آن زنها نزدیک بمدت عدهٔ خودشان
پس نگاه دارید ایشان را بخوبی یا رها کنید ایشان را بخوبی و نگاه ندارید آنها را بجهت ضرر کردن آنها تا ستمکاری کنید با ایشان و هر که
بکند اینکار را که محض ضرر زدن رجوع کند و قصد مهربانی نداشته باشد پس بتحقیق که ظلم بنفس خودش کرده است و نگیرید آیتهای
خدا را باستهزاء و ذکر کنید نعمت خدا را بر خودتان و آنچه فرستاده خدا بر شما از کتاب و حکمت که پند دهد شما را با آن کتاب و حکمت
و بپرهیزید از خدا و بدانید بدرستیکه خدا بهر چیزی داناست ۲۳۲ و وقتی طلاق دادید زنهای خود را پس برسند بمدت عدهٔ خودشان
پس منع نکنید ایشان را از اینکه بنکاح در آیند شوهر قدیم خودشان را در صورتیکه از یکدیگر راضی شده باشند بخوبی این حکم پند داده
میشود بآن کسیکه از شما ایمان بخدا و روز قیامت میآورد این احکام بانفع است از برای شما و پاکتر است و خدا میداند و شما نمیدانید

الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ١٩٠ الشَّهْرُ الْحَرَامُ
بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا
عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ
الْمُتَّقِينَ ١٩١ وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ
أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ١٩٢ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ
أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ
الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ
مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى
الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ
وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ
حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ١٩٣
الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا
جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ
التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ١٩٤ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا
فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ



واذكروه كما هداكم وان كنتم من قبله لمن الضالين ١٩٥ ثم افيضوا
من حيث افاض الناس واستغفروا الله ان الله غفور رحيم ١٩٦ فاذا
قضيتم مناسككم فاذكروا الله كذكركم آباءكم او اشد
ذكرا فمن الناس من يقول ربنا آتنا في الدنيا وما له في الآخرة
من خلاق ١٩٧ ومنهم من يقول ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار ١٩٨ اولئك لهم نصيب مما كسبوا والله سريع
الحساب ١٩٩ واذكروا الله في ايام معدودات فمن تعجل في يومين
فلا اثم عليه ومن تأخر فلا اثم عليه لمن اتقى واتقوا الله واعلموا
انكم اليه تحشرون ٢٠٠ ومن الناس من يعجبك قوله في الحيوة الدنيا
ويشهد الله على ما في قلبه وهو الد الخصام ٢٠١ واذا تولى سعى في
الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد ٢٠٢
واذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم ولبئس
المهاد ٢٠٣ ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله والله
رؤف بالعباد ٢٠٤ يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا
تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين ٢٠٥ فان زللتم من بعد



مَا جَآءَتْكُمُ الْبَيِّنٰتُ فَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝ هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّآ اَنْ

يَّاْتِيَهُمُ اللّٰهُ فِيْ ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَقُضِيَ الْاَمْرُ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ

الْاُمُوْرُ ۝ سَلْ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ كَمْ اٰتَيْنٰهُمْ مِّنْ اٰيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُّبَدِّلْ

نِعْمَةَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ۝ زُيِّنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوا

الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُوْنَ مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ

الْقِيٰمَةِ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ كَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً

فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيّٖنَ مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ

بَيْنَ النَّاسِ فِيْمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيْهِ اِلَّا الَّذِيْنَ اُوْتُوْهُ مِنْ

بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَا اخْتَلَفُوْا

فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهٖ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۝ اَمْ

حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَّثَلُ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ

الْبَاْسَآءُ وَالضَّرَّآءُ وَزُلْزِلُوْا حَتّٰى يَقُوْلَ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ

مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ اَلَآ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ ۝ يَسْـَٔلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ قُلْ مَآ

اَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ السَّبِيْلِ

وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ۝ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ

وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٢١٦ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفْرٌۢ بِهِۦ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِۦ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَٱلْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ ٱلْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ ٱسْتَطَٰعُوا۟ ۚ وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢١٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أُو۟لَٰٓئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ ٱللَّهِ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٢١٨ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ ٱلْعَفْوَ ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ٢١٩ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْيَتَٰمَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَٰنُكُمْ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ ٱلْمُفْسِدَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٢٠ وَلَا تَنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ ۚ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا تُنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ

متعلق بصفحه ۱۳ هیچکس بقدر وسع و توانائی او یعنی باید نان و رخت بقدر توانائی که دارد تبیر دهند بدهد
و باید ضرر نرساند مادر طفل بطفل خودش از اینکه پیش از وقت او را از شیر خوردن باز دارد و باید ضرر نرساند پدر طفل
بان طفل که او را در بین شیر خوردن از مادر بستانند و اگر در بین شیر خوردن طفل پدرش فوت شود وارث او هم باید مثل
پدرش رفتار کنند که ضرر بطفل نرسانند پس اگر اراده کردند پدر و مادر که طفل را از شیر بگیرند قبل از اتمام دو سال و مشورت
در این کار کردند و هر دو راضی شدند پس نیست بالی بر پدر و مادر و اگر اراده کردید که دایه برای شیر دادن اولاد خودتان
معین کنید پس نیست وبال و عیبی بر شما اگر بدهید بدایه هرچه را که معین کرده باشید بخوبی و خوشروئی و بترسید
از خدا و بدانید بدرستیکه خدا بهرچه میکنید دانا و بیناست ۲۳۴ و آنهائیکه میمیرند از شما و وامیگذارند زنهای
خود را آن زنها منتظر میگذارند خود را چهار ماه و ده روز پس وقتی رسید موعد عده آنها پس بالی و عیبی نیست
بر شما در آنچه بکنند آن زنها در شخص خودشان بخوبی و خدا بآنچه میکنید آگاه است ۲۳۵ و نیست گناهی بر شما در آنچه
در پرده و باشاره خواستگاری زنان کنید پس از انقضای مدت عده یا پنهان دارید خواستگاری را در قلب
خودتان دانست خدا که شما زود یاد میکنید آنها را و در پرده با هم وعده نکنید مگر آنکه بگوئید حرف آشکار ۲۳۶ و عزم
نکنید بستن نکاح را تا اینکه برسد مدت اتمام عده چنانچه در کتاب الله مقرر شده است و بدانید که خدا میداند هرچه در قلب
شماست پس حذر کنید از عذاب خدا و بدانید اینکه خدا آمرزنده و بردبار است ۲۳۷ نیست گناهی بر شما از اینکه
طلاق بدهید زنان را مادامیکه نزدیکی با آنها نکرده اید یعنی جماع نکرده اید و مهری برای او معین نکرده اید و بدهید
ایشانرا متعه ای از مال صاحب دولت بقدر خودش و فقیر بقدر خودش متع دادنی به نیکوئی و خوب سزاوار است بر
نیکوکاران ۲۳۸ و اگر طلاق دادید شما آنها را پیش از جماع کردن و معین کرده اید مهر آنها را پس آنچه را که قرار داده
اید بدهید مگر آنکه ببخشد آن زن بشوهر یا اینکه ببخشد آنکسی که بدست او است بستن نکاح که پدر یا ولی دختر صغیره باشد
و بخشیدن شما متعلق بصفحه ۳۲ نزدیکتر است به پرهیزکاری و فراموش نکنید احسان را میانه خودتان بدرستیکه
خدا بهرچه میکنید بیناست ۲۳۹ محافظت بکنید نمازها را و نماز ظهر یا عصر را و بایستید از برای خدا فرمانبرداران
۲۴۰ پس اگر ترسیدید پس نماز خوف بگذارید در حالیکه پیاده هستید یا سوار هستید بقدر امکان پس هر وقت ایمن
شوید پس ذکر خدا بکنید و نماز کنید همانطور که تعلیم کرد بشما آنچه را که نمیدانستید ۲۴۱ و آنهائیکه میمیرند از شما و وامیگذارند
زنهای خود را وصیت میکنند تا یکسال چیزی بزنها داده شود و بیرون نکنند آنها را پس اگر بیرون بروند نیست گناهی بر شما
در آنچه کرده اند آن زنها در شخص خودشان از نیکوئی و خدا عزیز و حکیم است ۲۴۲ و از برای طلاق داده شدگان برخورداری و انعامی است بخوبی واجبست بر پرهیزکاران که انعام آنها را بدهند ۲۴۳ اینطور آشکار میکند خدا از برای شما
آیات خودش را شاید شما دریابید و بفهمید ۲۴۴ آیا نمی بینی آنها را که بیرون رفتند از خانهای خودشان و آنها هزاران
بودند از ترس مرگ پس گفت از برای ایشان خدا بمیرید پس زنده کرد ایشانرا بدرستیکه خدا هر آینه
صاحب فضل است بر مردم ولیکن بیشتر مردم شکر نمی کنند ۲۴۵ و جنگ کنید در راه خدا و بدانید اینکه خدا
شنوا و داناست ۲۴۶ کیست آن کسی که قرض بدهد بخدا قرض نیکو پس دو چندان کند خدا
از برای او دو چندانهای بسیار و خدا می بندد و باز میکند و بسوی او بر میگردید ۲۴۷ آیا نمی بینی
اشراف بنی اسرائیل را بعد از موسی وقتی گفتند از برای پیغمبری که بود برای ایشان برانگیز
از برای ما پادشاهی که جنگ کنیم در راه خدا گفت آن پیغمبر آیا شایسته است از شما اگر نوشته شود
بر شما جنگ کردن که جنگ نکنید گفتند ما چرا جنگ نمی کنیم در راه خدا و حال اینکه بیرون کرده شدیم

ازقلمها

متعلق بصفحه ۳۳ ازخانهای خودمان و بیرون کردند فرزندان مارا پس چون نوشته شد برآنها جنگ
کردن برگشتند مگر کمی ازآنها و خدا داناست بظلم کنندگان ۲۴۸ و گفت از برای آنها پیغمبرشان بدرستیکه
خدا برانگیخت از برای شما طالوت را پادشاه گفتند از کجا باشد او را پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم
بسلطنت از او و نداده مال و دولت بسیاری گفت پیغمبر آنها بدرستیکه خدا برگزید طالوت را بر شما و زیاد
کرد خدا او را وسعت در علم و قوهٔ بدن او و خدا میدهد ملک خود را بهر که میخواهد و خدا وسعت دهنده و داناست
۲۴۹ و گفت از برای بنی اسرائیل پیغمبر آنها بدرستیکه نشانه سلطنت و پادشاهی طالوت اینست که بیاورد برای
شما تابوت که در آن آرامی است از جانب پروردگار شما و باقی مانده ایست از آنچه واگذاشتند آل موسی و آل
هرون برمیدارند آن تابوت را ملائکه بدرستیکه در این مطلب نشانه ایست برای شما اگر هستید ایمان دارنده ۲۵۰
پس چون جدا شد از قوم خود طالوت با لشکر خودش گفت بدرستیکه خدا بیازماید شما را بنهری پس هرکه
آشامید از آن نهر پس نیست از من و هرکه نیاشامید بدرستیکه او از من است مگر کسیکه بردارد بدست خودش
غرفه را یعنی کفی از آب را پس آشامیدند از آن نهر مگر کمی از ایشان پس چون گذشت طالوت و آنهائیکه ایمان آورده
بودند با او از آن نهر گفتند لشکریان که طاقت نیست برای ما امروز برای جنگ با جالوت و لشکریان او و گفتند
آنکسانیکه گمان میکردند که آنها ملاقات کننده اند خدا را چه بسیار گروه کمی که غالب شدند بر گروه بسیاری
باذن خدا و خدا با صبر کنندگان است ۲۵۱ و چون برابر شدند با جالوت و لشکر او گفتند ای پروردگار ما فرو ریز
بر ما صبر را و ثابت دار قدمهای ما را و نصرت بده ما را بر قوم کافران ۲۵۲ پس قرار دادند جالوت و لشکر او را

باذن خدا و کشت داود جالوت را و داد داود را خدا سلطنت و حکمت متعلق بصفحه ۳۴ و تعلیم کرد

او را از چیزیکه میخواست و اگر نبود دفع کردن خدا مردم را بعضی از آنها را ببعضی دیگر هر آینه فاسد میشد زمین ولیکن خدا صاحب فضل است
بر جهانیان ۲۵۳ اینهاست آیات خدا میخوانیم آیاترا برای تو ای محمد براستی و بتحقیق تو از جمله پیغمبران مرسلی
۲۵۴ این پیغمبران را تفضیل دادیم ما بعضی از آنها را ببعضی دیگر از جمله پیغمبران کسی بود که حرف میزد با خدا و بلند
کرد خدا درجه های بعضی از ایشان را و دادیم ما عیسی بن مریم را حجتها و تایید کردیم ما او را بروح پاکیزه
و اگر میخواست خدا اختلاف نمیکردند آنهائیکه بعد از موسی و عیسی بودند بعد از آنکه آمد ایشان را
معجزات ولیکن اختلاف کردند پس بعضی از ایشان کسی بود که ایمان آورد و بعضی دیگر کسی بود که کافر شد و اگر
میخواست خدا اختلاف نمیکردند ولیکن خدا میکند هرچه میخواهد ۲۵۵ ای کسانیکه ایمان آورده اید انفاق
کنید از آنچه روزی دادیم ما بشما پیش از اینکه بیاید روزیکه خرید و فروش نباشد در آن روز و نه دوستی
کسی بکار آید و نه شفاعت کسی فائده بدهد و کافران ایشان ظلم کنندگانند ۲۵۶ خدا نیست خدائی سوای
او که زنده و پاینده است نمیگیرد او را پینکی و نمیگیرد او را خواب از برای اوست هرچه در آسمانها و هرچه
در زمین است کیست آنکسیکه شفاعت بکند نزد پروردگار مگر باذن خودش میداند هرچه را که پیش روی مردم
است و هرچه را که پشت سر آنهاست و احاطه نمیکنند بچیزی از علم خدا یعنی بهیچ چیزی از علم خدا نمیتوان
اطلاع یافت مگر بآنچه خودش بخواهد فرا گرفته است کرسی او آسمان و زمین را و زحمت نمیدهد خدا را نگاهداری آسمان و زمین
اوست افراشته و بلند مقام تر از حدود و بزرگوار است ۲۵۷ نیست اکراهی در دین بتحقیق آشکار شد راست
روی از گمراهی پس هرکه کافر شود بطاغوت و ایمان بیاورد بخدا پس بتحقیق چنگ در زده است ببند محکمی که نباشد پاره
شدن از برای آن بند و خدا شنوا و داناست ۲۵۸ خدا دوست آنکسانیست که ایمان آوردند بیرون میآورد مؤمنین را از

تاریکیها



يؤمنوا ولعبد مؤمن خير من مشرك ولو اعجبكم اولئك يدعون الى
النار والله يدعوا الى الجنة والمغفرة باذنه ويبين اياته للناس
لعلهم يتذكرون ٢٢١ ويسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا
النساء في المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن فاذا تطهرن فأتوهن
من حيث امركم الله ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين ٢٢٢ نساؤكم
حرث لكم فأتوا حرثكم انى شئتم وقدموا لانفسكم واتقوا الله واعلموا
انكم ملاقوه وبشر المؤمنين ٢٢٣ ولا تجعلوا الله عرضة لايمانكم ان
تبروا وتتقوا وتصلحوا بين الناس والله سميع عليم ٢٢٤ لا يؤاخذكم الله
باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما كسبت قلوبكم والله غفور
حليم ٢٢٥ للذين يؤلون من نسائهم تربص اربعة اشهر فان فاءوا فان الله
غفور رحيم ٢٢٦ وان عزموا الطلاق فان الله سميع عليم ٢٢٧ والمطلقات
يتربصن بانفسهن ثلثة قروء ولا يحل لهن ان يكتمن ما خلق الله
في ارحامهن ان كن يؤمن بالله واليوم الاخر وبعولتهن احق بردهن
في ذلك ان ارادوا اصلاحا ولهن مثل الذي عليهن بالمعروف و
للرجال عليهن درجة والله عزيز حكيم ٢٢٨ الطلاق مرتان فامساك



بمعروف أو تسريح بإحسان ولا يحل لكم أن تأخذوا مما آتيتموهن
شيئا إلا أن يخافا ألا يقيما حدود الله فإن خفتم ألا يقيما حدود الله
فلا جناح عليهما فيما افتدت به تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن
يتعد حدود الله فأولئك هم الظالمون ٢٢٩ فإن طلقها فلا تحل له من
بعد حتى تنكح زوجا غيره فإن طلقها فلا جناح عليهما أن يتراجعا
إن ظنا أن يقيما حدود الله وتلك حدود الله يبينها لقوم يعلمون ٢٣٠
وإذا طلقتم النساء فبلغن أجلهن فأمسكوهن بمعروف أو سرحوهن
بمعروف ولا تمسكوهن ضرارا لتعتدوا ومن يفعل ذلك فقد ظلم
نفسه ولا تتخذوا آيات الله هزوا واذكروا نعمت الله عليكم وما أنزل
عليكم من الكتاب والحكمة يعظكم به واتقوا الله واعلموا أن الله بكل
شيء عليم ٢٣١ وإذا طلقتم النساء فبلغن أجلهن فلا تعضلوهن أن ينكحن
أزواجهن إذا تراضوا بينهم بالمعروف ذلك يوعظ به من كان منكم
يؤمن بالله واليوم الآخر ذلكم أزكى لكم وأطهر والله يعلم وأنتم
لا تعلمون ٢٣٢ والوالدات يرضعن أولادهن حولين كاملين لمن أراد
أن يتم الرضاعة وعلى المولود له رزقهن وكسوتهن بالمعروف لا تكلف



نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَآرَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهٗ بِوَلَدِهٖ وَعَلَى
الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ فَاِنْ اَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَاِنْ اَرَدْتُّمْ اَنْ تَسْتَرْضِعُوْٓا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا
سَلَّمْتُمْ مَّآ اٰتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوْفِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ٢٣٣
وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُوْنَ اَزْوَاجًا يَّتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ
اَشْهُرٍ وَّعَشْرًا فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا فَعَلْنَ فِيْٓ
اَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ٢٣٤ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا عَرَّضْتُمْ
بِهٖ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَآءِ اَوْ اَكْنَنْتُمْ فِيْٓ اَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ سَتَذْكُرُوْنَهُنَّ
وَلٰكِنْ لَّا تُوَاعِدُوْهُنَّ سِرًّا اِلَّآ اَنْ تَقُوْلُوْا قَوْلًا مَّعْرُوْفًا ۥ وَلَا تَعْزِمُوْا
عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتّٰى يَبْلُغَ الْكِتٰبُ اَجَلَهٗ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِيْٓ
اَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوْهُ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ٢٣٥ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ
طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ مَا لَمْ تَمَسُّوْهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوْا لَهُنَّ فَرِيْضَةً وَّمَتِّعُوْهُنَّ عَلَى
الْمُوْسِعِ قَدَرُهٗ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهٗ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوْفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِيْنَ ٢٣٦
وَاِنْ طَلَّقْتُمُوْهُنَّ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمَسُّوْهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيْضَةً فَنِصْفُ
مَا فَرَضْتُمْ اِلَّآ اَنْ يَّعْفُوْنَ اَوْ يَعْفُوَا الَّذِيْ بِيَدِهٖ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَاَنْ تَعْفُوْٓا

أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٣٩

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَوٰةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ٢٤٠

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم

مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ٢٤١ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا

وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِم مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ

عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٤٢ وَلِلْمُطَلَّقَاتِ

مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ٢٤٣ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

تَعْقِلُونَ ٢٤٤ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ

الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ٢٤٥ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا

أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٤٦ مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ

لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢٤٧ أَلَمْ تَرَ إِلَى

الْمَلَإِ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا

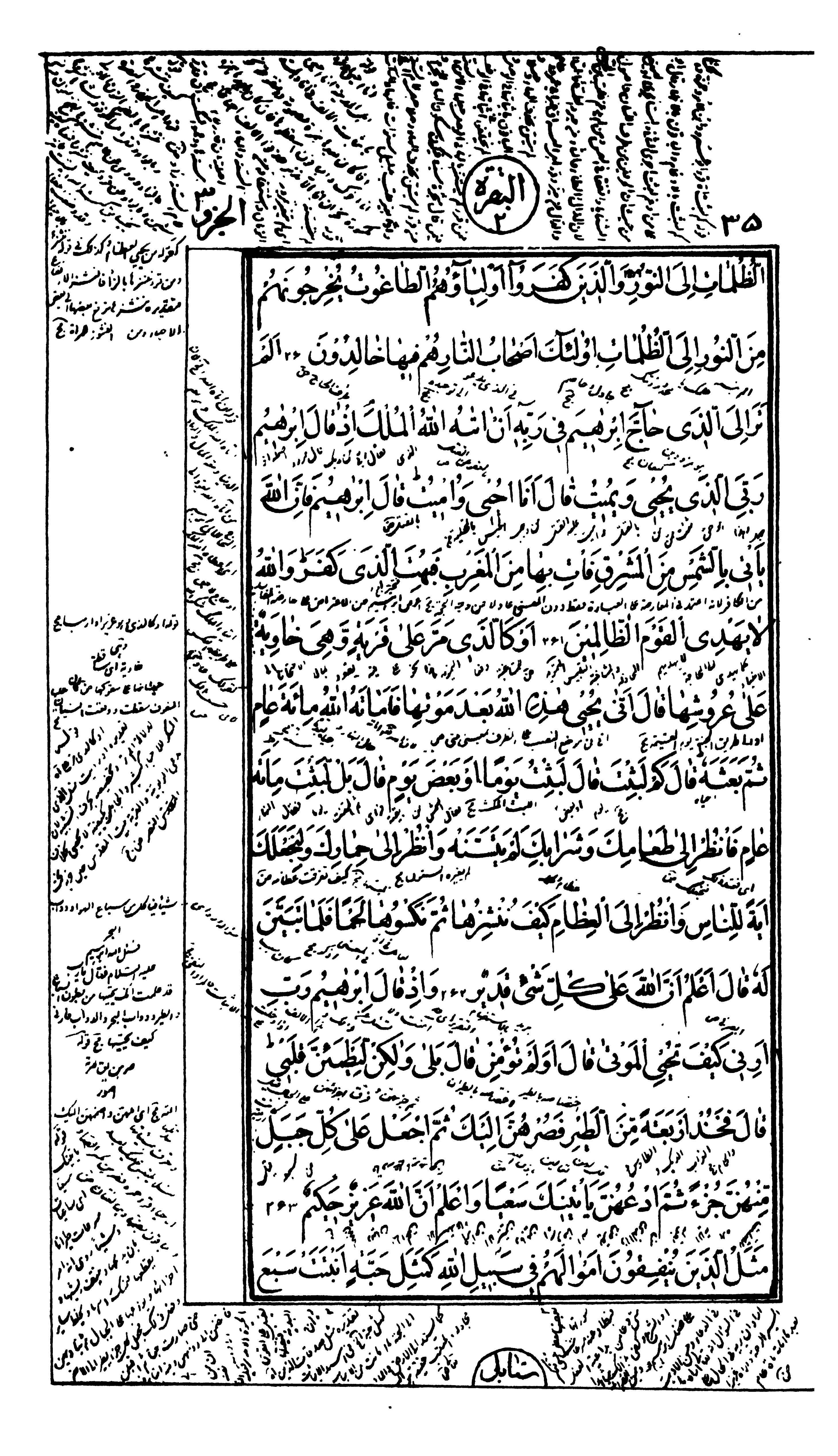
مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ

أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا

من ديارنا وابنائنا فلما كتب عليهم القتال تولوا الا قليلا منهم
والله عليم بالظالمين ٢٤٦ وقال لهم نبيهم ان الله قد بعث لكم طالوت
ملكا قالوا انى يكون له الملك علينا ونحن احق بالملك منه ولم
يؤت سعة من المال قال ان الله اصطفه عليكم وزاده بسطة في
العلم والجسم والله يؤتي ملكه من يشاء والله واسع عليم ٢٤٧ وقال
لهم نبيهم ان اية ملكه ان ياتيكم التابوت فيه سكينة من ربكم و
بقية مما ترك ال موسى وال هرون تحمله الملائكة ان في ذلك
لاية لكم ان كنتم مؤمنين ٢٤٨ فلما فصل طالوت بالجنود قال ان الله
مبتليكم بنهر فمن شرب منه فليس مني ومن لم يطعمه فانه مني الا
من اغترف غرفة بيده فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه هو و
الذين امنوا معه قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت وجنوده قال
الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة
باذن الله والله مع الصابرين ٢٤٩ ولما برزوا لجالوت وجنوده قالوا
ربنا افرغ علينا صبرا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين ٢٥٠
فهزموهم باذن الله وقتل داود جالوت واتيه الله الملك والحكمة



وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض
ولكن الله ذو فضل على العالمين ٢٥٣ تلك آيات الله نتلوها
عليك بالحق وإنك لمن المرسلين ٢٥٤ تلك الرسل فضلنا بعضهم على
بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات وآتينا عيسى ابن مريم البينات
وأيدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين من بعدهم من بعد
ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا فمنهم من آمن ومنهم من كفر ولو شاء
الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد ٢٥٥ يا أيها الذين آمنوا أنفقوا
مما رزقناكم من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة و
الكافرون هم الظالمون ٢٥٦ الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه
سنة ولا نوم له ما في السماوات وما في الأرض من ذا الذي يشفع عنده
إلا بإذنه يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا
بما شاء وسع كرسيه السماوات والأرض ولا يؤوده حفظهما و
هو العلي العظيم ٢٥٧ لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي
فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى
لا انفصام لها والله سميع عليم ٢٥٨ الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من



الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَوْلِيٰٓؤُهُمُ الطَّاغُوْتُ يُخْرِجُوْنَهُمْ

مِنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمٰتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ٢٦٠ اَلَمْ

تَرَ اِلَى الَّذِىْ حَآجَّ اِبْرٰهٖمَ فِىْ رَبِّهٖٓ اَنْ اٰتٰىهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ

رَبِّىَ الَّذِىْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ قَالَ اَنَا اُحْيٖ وَاُمِيْتُ قَالَ اِبْرٰهٖمُ فَاِنَّ اللّٰهَ

يَاْتِىْ بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَاْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِىْ كَفَرَ وَاللّٰهُ

لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ٢٦١ اَوْ كَالَّذِىْ مَرَّ عَلٰى قَرْيَةٍ وَّهِىَ خَاوِيَةٌ

عَلٰى عُرُوْشِهَا قَالَ اَنّٰى يُحْيٖ هٰذِهِ اللّٰهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَاَمَاتَهُ اللّٰهُ مِائَةَ عَامٍ

ثُمَّ بَعَثَهٗ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَّبِثْتَ مِائَةَ

عَامٍ فَانْظُرْ اِلٰى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ اِلٰى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ

اٰيَةً لِّلنَّاسِ وَانْظُرْ اِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوْهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ

لَهٗ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ٢٦٢ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ

اَرِنِىْ كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتٰى قَالَ اَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِىْ

قَالَ فَخُذْ اَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ اِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ

مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَاْتِيْنَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ٢٦٣

مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ

سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ ۗ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا
أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى ۙ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ۝ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى ۗ وَ
اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ
كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ
كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَا يَقْدِرُونَ
عَلَىٰ شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِينَ
يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ
بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ۗ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ
وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ
الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ۗ
كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا

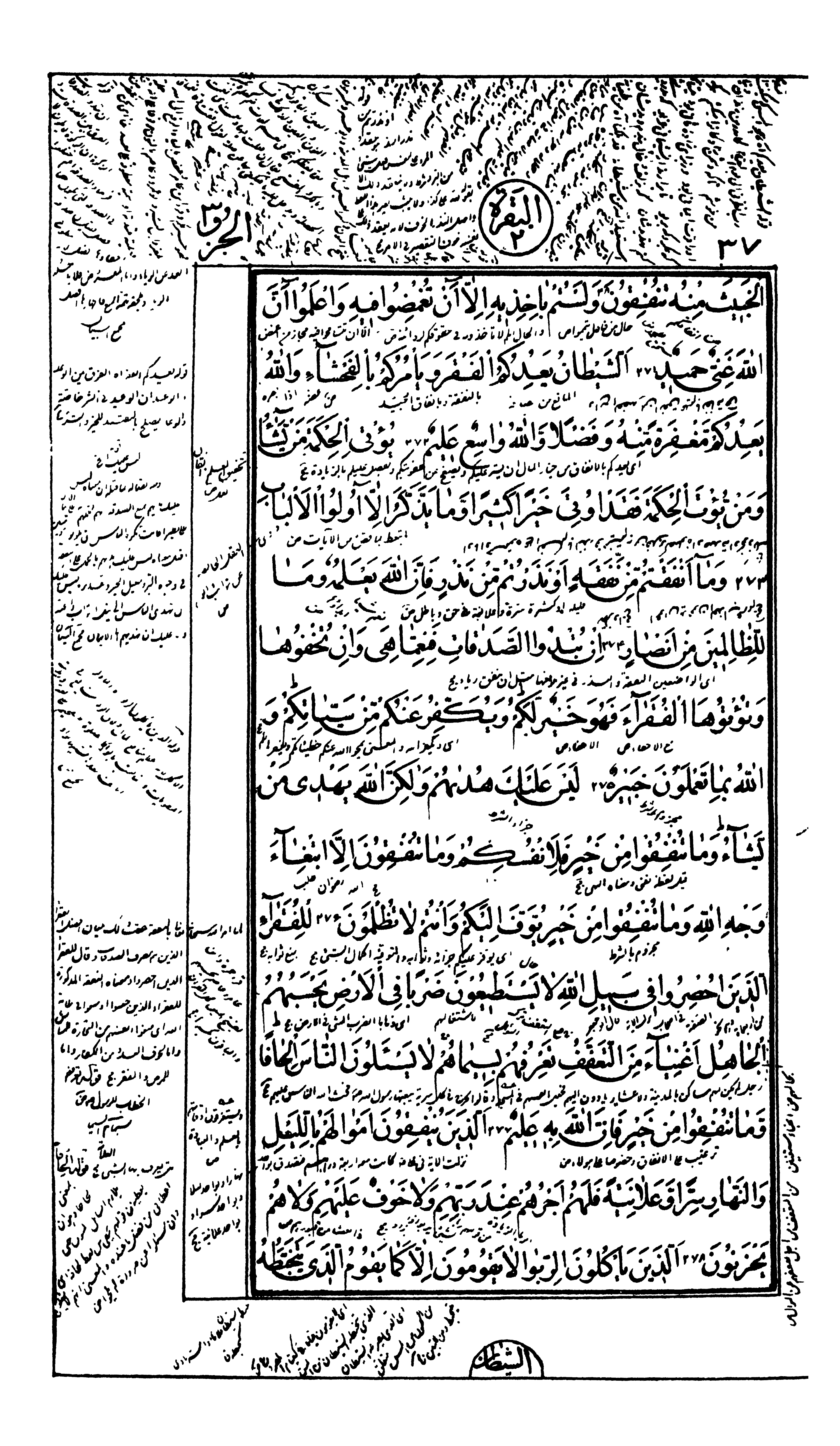
تاریکیها بسوی روشنی ۲۵۹ و آنکسانیکه کافر شدند دوستان آنها طاغوت است یعنی دوست آنها بت است
بیرون میاورند ایشانرا از نور بسوی تاریکیها ایشانند یاران آتش و ایشان در آن آتش همیشه هستند و بیابدند
۲۶۰ آیا نظر نمیکنی بسوی آنکسی که محاجه کرد با ابرهیم درباره وحدانیت خدا بواسطهٔ سلطنتی که داده بود او را خدا
وقتی که گفت ابرهیم پروردگار من آنچنان کسی است که زنده میکند و میمیراند گفت پادشاه منهم زنده میکنم و میمیرانم گفت ابرهیم
پس بتحقیق که خدا میاورد خورشید را از مشرق پس بیاور تو شمس را از مغرب پس مبهوت شد آنکه کافر بود و خدا راه نمینماید طایفهٔ
ظلم کنندگانرا ۲۶۱ یا مثل آنکسیکه گذشت بقریه یعنی عزیر گذشت از بیت المقدس و حال اینکه آن قریه خراب شده بود بر
سقفهای آن یعنی عالیها سافلها شده بود که هیچ آثاری از آبادی در آن نبود گفت عزیر از کجا زنده میکند مخلوق این قریه را خدا
بعد از مردن آنها پس میراند خدا عزیر را صد سال بعد از آن برانگیخت او را گفت خدا چقدر درنگ کردی و براحت خوابیدی
گفت عزیر درنگ کردم یکروز یا بعضی از روز گفت خدا بلکه درنگ کردی صد سال پس نگاه کن بطعام و شراب خودت که
فاسد نشده است و بنگر بسوی خر خودت که چگونه گوشت آن ریخته و استخوان آن متفرق شده است و هر آینه میگردانیم
ما ترا آیتی از برای مردم و بنگر بسوی استخوانهای الاغ که چگونه برهم مینهیم آنرا و بعد میپوشانیم آن استخوانها را گوشت
پس چون ظاهر و آشکار شد برای عزیر گفت میدانم که خدا بر هر چیز تواناست ۲۶۲ و وقتی گفت ابرهیم ای پروردگار
من بنما بمن که چگونه زنده میکنی تو مردها را گفت خدا آیا ایمان نیاورده گفت ابرهیم بلی ولیکن تا اطمینان بهم رساند
دل من گفت خدا پس بگیر چهار تا از مرغان را پس منضم کن آنها را بسوی خودت و بدقت ببین و بشناس پس پاره پاره
کن آنها را که مخلوط بشوند پس بگردان بر هر کوهی جزئی از آنها را پس بخوان آنها را میایند تو را بشتاب و بدانکه خدا
غالب و خالق معدومات و درستکار است ۲۶۳ مثل آنکسانیکه انفاق میکنند اموال خود را در راه خدا مانند مثل دانه
ایست که بکارند و برویاند هفت — — خوشه در هر خوشه صد دانه و خدا زیاد کند از برای هر که خواهد و خدا
وسعت بخشنده داناست ۲۶۴ آنهائیکه انفاق میکنند مالهای خود را در راه خدا و بعد دنبال نمیکنند چیزی را که نفقه داده اند بمنت و نه
بخواری یعنی که بآن صدقه گیرنده منت نمیگذارند و اذیت نمیکنند برای آنها از اینکه بدخوئی کنند یا حرف سخت یا کنایه بگویند از برای
ایشانست اجر آنها نزد پروردگار خودشان و نه ترسی آنهاست و نه ایشان محزون اند و غمگین میشوند ۲۶۵ گفتار نیکو و گذشت
از آنچه از کسی ناگواری دیده شود بهتر از صدقه دادنیست که همراه آن صدقه دادن اذیت و آزار باشد خدا بی نیاز و بردبار است
۲۶۶ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید باطل و ضایع نکنید صدقات خود تا از منت گذاشتن و آزار کردن مثل آنکسیکه انفاق
میکند مال خود را برای دیدن مردم و ایمان نمیاورد بخدا و روز قیامت پس مثل این شخص ریاکار مانند مثل سنگ صافی است
که بروی آن خاکی باشد پس برسد بآن باران درشتی و بشوید آن خاکها را پس واگذارد آن سنگ را بی خاک و پاک نشسته شده قدرت
ندارند نفقه دهندهای ریائی بر چیزی از ثواب اجزوی از آنچه اندوخته کرده اند بطریق ریا و خدا راه نمینماید گروه کافران را ۲۶۷
و مثل آنکسانیکه انفاق میکنند اموال خود را بجهة طلب خوشنودی خدا و ثابت کردن از ایمان خودشان همچو مثل باغچه ایست در بلندی
که برسد بر آن باران درشتی پس بیاید میوه های خوردنی آن دو مقابل پس اگر نرسد در آن باران تند درشت پس باران نرم ریزه
برسد و خدا بآنچه میکنید بیناست ۲۶۸ آیا دوست میدارد یکی از شماها که باشد برای او باغی از درختهای خرما و انگورستان جاری باشد از زیر درختهای
آن باغ نهرها و جویهای آب از برای او باشد در آن باغ از تمام میوجات و برسد باو پیری و از برای او اولاد باشد که همه صغیر و ضعیف
باشند پس برسد آن باغرا گردبادی که در او آتش باشد یعنی باد سموم پس بسوزاند آن باغرا چنانچه ریا که بمنزلهٔ سموم است باغرا
که مثال نفقه دادنست میسوزاند و از میان میبرد اینطور آشکار میکند خدا حجتهای خودش را شاید شما تفکر کنید ۲۶۹ ای آنکسانیکه
ایمان آورده اید انفاق کنید از نیکوهای آنچه کسب کرده اید و از چیزهائیکه ما بیرون آوردیم از برای شما از زمین و قصد نکنید که

ترجمهٔ صفحهٔ ۳۷

از چیزهای بد انفاق کنید ۲۷۰ و نیستید شما گیرندهٔ چیز بد اگر بدهند بشما مگر اینکه اغماض کنید در آن و چشم از بدی
آن بپوشید و قبول کنید چنانچه شما چیز بد را قبول نمیکنید خودتان هم چیز بد را بکسی ندهید و بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده
است ۲۷۱ شیطان وعده میدهد شما را بفقر و امر میکند شما را بزشتی و ارتکاب معاصی و بعد از این بارتکاب قبایح
و خدا وعده میدهد شما را آمرزش از خودش و انفاق و بخشش را و خدا وسعت دهنده و داناست ۲۷۲ میدهد حکمت را هر که را
میخواهد و هر کس داده شد حکمت یعنی حقیقت که داده شد ذات خیر بسیار و پند نمیگیرند مگر صاحبان عقل مستقیم ۲۷۳ و آنچه انفاق
کنید از نفقه یا نذر کردید از نذری پس بدرستیکه خدا میداند آنرا و نیست از برای ظالمین یاری کنندگان اگر ظاهر کنید
دادن صدقات را پس خوبست این و اگر مخفی نمایید و بدهید بفقرا پس او بهتر است از برای شما و میپوشد گناهان شما را از شما و
خدا بآنچه میکنید داناست ۲۷۴ نیست بر تو ای پیغمبر راه نمودن مردم را و لیکن خدا راه مینماید هر که را میخواهد و آنچه انفاق
میکنید از خوبی پس برای خودتانست و انفاق نمیکنید مگر طلب کردن رضای خدا را و هر چه انفاق میکنید از خوبی جزای آن
تمام میرسد بشما و شما ستم نمی‌بینید از برای فقرا است استحقاق آنهائیکه باز داشته شده اند بعبادت در راه خدا نمیتوانند سیر
کردن در زمین که تجارت کنند یا تحصیل معیشتی نمایند گمان میکند بی‌اطلاع از حال آنها که ایشان بی‌نیازند از جهت عفت گزینی که
دارند مراد از این فقرا اصحاب صفه هستند میشناسی تو ای پیغمبر تو آنها را بسیمای آنها که زردی رنگ از کثرت عبادت و شدت
گرسنگی سؤال نمیکنند از مردم ابرام و آنچه انفاق کنید از بهتر چیز بخود آن اصحاب صفه و غیر آنها پس بدرستیکه خدا بآن دانا
است ۲۷۵ آنهائیکه انفاق میکنند مالهای خود شانرا در شب و روز مخفی و آشکارا پس از برای ایشانست اجر آنها نزد
پروردگار خودشان و نه ترس بر آنهاست و نه ایشان اندوه میخورند ۲۷۶ آنکسانیکه ربا میخورند بر نمیخیزند از قبر مگر مثل برخاستن

آن کسی که صرع کرده است او را — **ترجمهٔ صفحهٔ ۳۸** — شیطان از دست مالیدن این

است که گفتند بیع مثل رباست و حلال کرده خدا بیع را و حرام کرده ربا را پس هر که برسد پندی از جانب پروردگار خود پس
موقوف دارد اعمال ناپسند خود را پس از برای او خواهد بود آنچه گذشته و کار او با خداست که برحمت خود گذشته را عفو فرماید
و هر که تجاوز کند یعنی بعد از شنیدن نهی کردن و موعظه نمودن باز مرتکب شود پس آنها هستند یاران آتش که آنها در آن
آتش همیشه خواهند بود ۲۷۷ کم و کاست میکند خدا ربا را یعنی برکت را از مال رباخوار برمیدارد و میافزاید بر مال کسانیکه
صدقه میدهند و خدا دوست ندارد هر ناسپاس گنهکار را بدرستی کسانیکه ایمان آوردند و کارهای خوب کردند و بپا داشتند
نماز را و دادند زکوة را از برای آنها است اجر آنها در نزد پروردگار خودشان و نه ترس بر آنهاست و نه اندوه میخورند ۲۷۸
ای کسانیکه ایمان آورده اید بپرهیزید از خدا و واگذارید آنچه باقی مانده است از ربا اگر هستید شما مؤمن ۲۷۹ پس
اگر نمیکنید این کار را یعنی واگذاشتن بقیه ربا را پس اعلام کنید یکدیگر را بجنگ کردن که صادر شده باشد از خدا و رسول
خدا و اگر توبه کنید از گرفتن ربا پس از برای شماست مایه و اصل اموال شما ظلم نکنید و مظلوم نشوید ۲۸۰ و اگر باشد بیچیز یعنی
شخص مدیون بی‌چیز و پریشان باشد پس مهلت است تا وقت وسعت و دارائی و صدقه دادن شما بهتر است برای شما اگر
باشید شما دانا ۲۸۱ و بپرهیزید از روزیکه بر میگردید در آن روز بسوی خدا پس داده میشود هر کسی را آنچه ذخیره و کسب
کرده است و ایشان مظلوم نمیشوند ۲۸۲ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید اگر معامله کنید بقرض یعنی مدیون شدید تا موعد
معینی پس بنویسید آنرا و باید بنویسد میانه خودتان نویسنده براستی و عدالت و ابا نکند نویسنده از نوشتن بآنطوریکه
تعلیم کرده است او را خدا یعنی نکات شرعیه را در نوشتن رعایت کند پس باید بنویسد و اقرار کند آنکسی که مقروض است و باید
بپرهیزد از خدا که پروردگار است و باید کم نکند از حقیقت مطلب چیزی را پس اگر باشد آن شخص مقروض کم عقل یا صغیر
یا پیر از کار افتاده یا کسیکه قوهٔ اقرار کردن ندارد



الخبيث منه تنفقون ولستم بآخذيه إلا أن تغمضوا فيه واعلموا أن
الله غني حميد ٢٦٧ الشيطان يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء والله
يعدكم مغفرة منه وفضلا والله واسع عليم ٢٦٨ يؤتي الحكمة من يشاء
ومن يؤت الحكمة فقد أوتي خيرا كثيرا وما يذكر إلا أولوا الألباب
٢٦٩ وما أنفقتم من نفقة أو نذرتم من نذر فإن الله يعلمه وما
للظالمين من أنصار ٢٧٠ إن تبدوا الصدقات فنعما هي وإن تخفوها
وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم ويكفر عنكم من سيئاتكم و
الله بما تعملون خبير ٢٧١ ليس عليك هداهم ولكن الله يهدي من
يشاء وما تنفقوا من خير فلأنفسكم وما تنفقون إلا ابتغاء
وجه الله وما تنفقوا من خير يوف إليكم وأنتم لا تظلمون ٢٧٢ للفقراء
الذين أحصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الأرض يحسبهم
الجاهل أغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسألون الناس إلحافا
وما تنفقوا من خير فإن الله به عليم ٢٧٣ الذين ينفقون أموالهم بالليل
والنهار سرا وعلانية فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم
يحزنون ٢٧٤ الذين يأكلون الربوا لا يقومون إلا كما يقوم الذي يتخبطه



الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَوا وَأَحَلَّ اللَّهُ
الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَوا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ
وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٢٧٧
يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَوا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ٢٧٨
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَوةَ وَآتَوُا الزَّكَوةَ
لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٢٧٩ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٨٠
فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ
أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ٢٨١ وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ
وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٨٢ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ
فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ٢٨٣ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ
كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ
لْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ
كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ

وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا

رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا

فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا

أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ

لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا

بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا

يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا

اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٢٨٣ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ

وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ

الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ

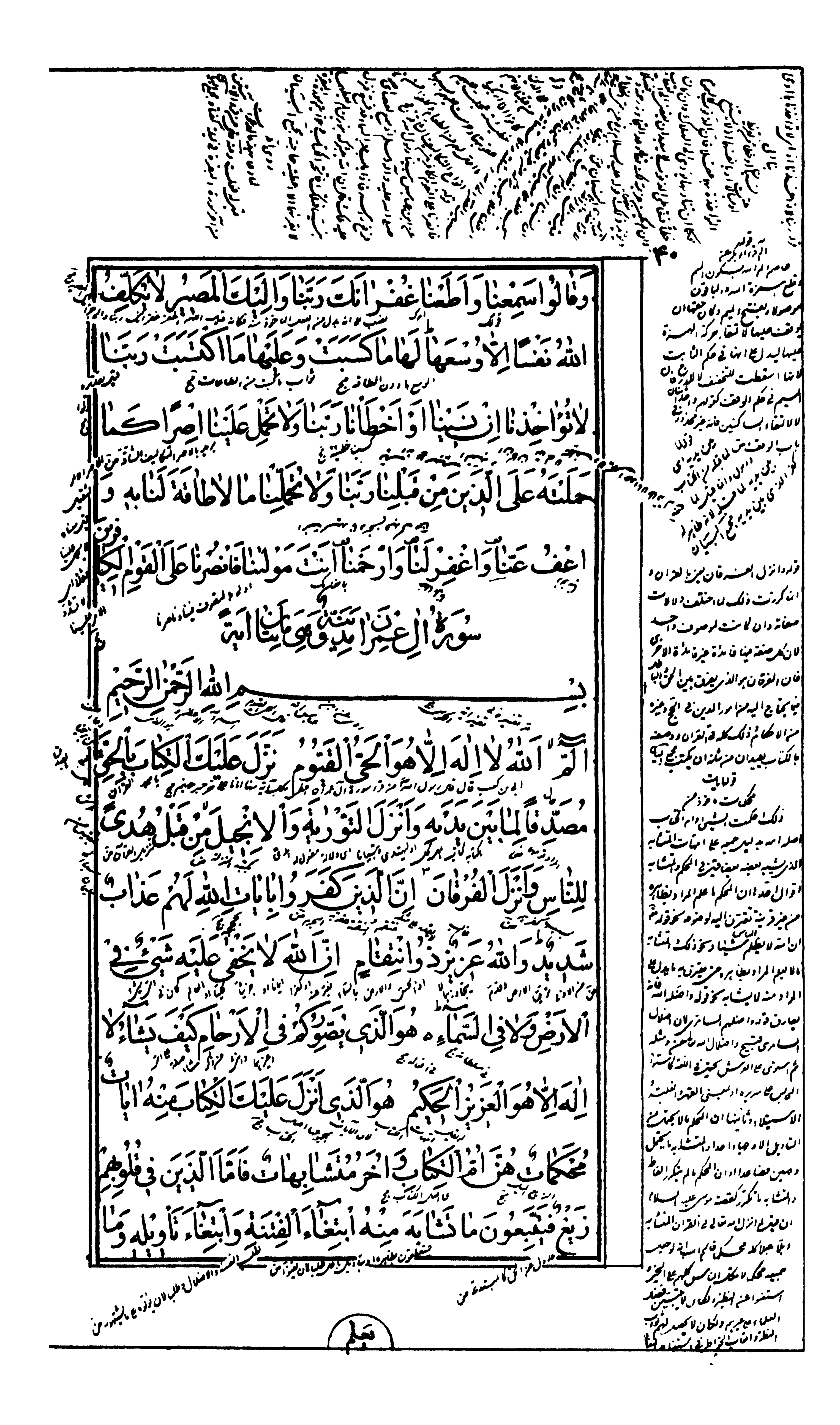
يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ٢٨٤ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ

اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٨٥

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ

مَلٰئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا



وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ
اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا
لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا
حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ
اعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰينَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مِائَتَا آيَةٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

الٓمٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى
لِلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ
شَدِيدٌ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي
الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هُوَ الَّذِي اَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ اٰيَاتٌ
مُحْكَمَاتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتَابِ وَاُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَاَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَاْوِيلِهِ وَمَا

پس باید اقرار کند ولی آن سفیه و صغیر بدرستی و دو شاهد مرد بگیرید از مردمان خودتان پس اگر نباشند دو مرد پس
یک مرد و دو زن از جملهٔ کسانی باشند که بپسندید شما از شاهدان یعنی عادل باشند و یقین دو زن برای اینست که اگر
فراموش کند یکی از آنها بیاد او بیاورد یکی دیگر و باید که ابا نکنند شاهدها اگر خواستند آنها را و باید که اظهار ملال
نکنید از نوشتن کلیات و جزئیات معامله تا مدت معین که مقرر شده است این کار برای شما راست تر است در نزد خدا و
ثابت تر است بجهة شهادت شهود و نزدیکتر است که شک نکنید مگر اینکه تجارت حاضر و معاملهٔ دست بدست نقدی
باشد که میکردید آن معاملات را میانهٔ خودتان پس نیست بر شما گناهی اینکه در معاملات نقدی حضوری کتابت
نکنید و چیزی ننویسید و شاهد بگیرید اگر مبایعه کردید و نباید اذیت کرد کاتب را و شهود را که بزور و عدوان باز دارند
نویسنده را که ننویسند و حتم کنند شهود را که شاهد شوند و اگر این کار را بکنید بدرستیکه نافرمانی است که از شما شده
و بپرهیزید از خدا و تعلیم میکند شما را خدا و خدا بهر چیز داناست ۲۸۳ و اگر باشید شما در سفر و نیابید نویسنده پس
گرو بگیرید پس اگر ایمن داند بعضی از شما بعض دیگر را باو قرض بدهد بدون گرو پس باید ادا کند آن مقروض مؤتمن قرض خود را که بطور امانت
گرفته بود و باید بپرهیزد خدا را که پروردگار اوست و کتمان نکنید شهادت خود را و هر کس کتمان کند شهادت خود را بتحقیق
که او گناهکار است از قلب یعنی دل او معصیت کار است و خدا بآنچه میکنید داناست ۲۸۴ از برای خداست آنچه در
آسمانها و آنچه در زمین است و اگر ظاهر کنید آنچه در قلبها و باطن شماست یا مخفی بدارید آنرا حساب میکند شما را بآنچیز خدا
پس می آمرزد هر که را میخواهد و عذاب میکند هر که را میخواهد و خدا بهر چیزی قادر است ۲۸۵ ایمان آورد پیغمبر بآنچه فرو
فرستاده شد بسوی او از جانب پروردگار خود و هم مؤمنین کلا ایمان آورده اند بخدا و ملائکهٔ خدا و کتابهای خدا

و به پیغمبران خدا فرقی نمیگذاریم میانهٔ احدی از پیغمبران خدا

و گفتند همه مؤمنان شنیدیم و اطاعت کردیم بآمرزش تو را ای پروردگار ما و بسوی تو است بازگشت ۲۸۶
تکلیف نمیکند خدا نفسی را مگر بقدر وسعت او از برای هر شخصی است آنچه را از خوبی اندوخته است و بر آنست آنچه را از بدی
کرده و اندوخته است ای پروردگار ما مؤاخذه مکن ما را اگر فراموش کردیم احکام تو را یا خطا کردیم ای پروردگار ما بار
مکن بر ما گناه را چنانچه بار کردی آن بار گران را بر آنکسانیکه پیش از ما بودند ای پروردگار ما بار مکن ما را بآنچیز یکه طاقت نیست
از برای ما بآنچیز و چشم پوشی از گناهان ما و بیامرز ما را و رحم کن بر ما توئی آقای ما پس نصرت بده ما را بر قوم کفار

سورهٔ آل عمران مشتمل بر دویست آیه و در مدینه نازل شده است

بنام خداوند بخشاینده مهربان الم نیست خدائی بجز آن خدائی که زنده پاینده است و قیام هر پاینده از او است
۲ فرو فرستاد خدا بر تو ای پیغمبر قرآن را براستی که مصدق است یعنی موافق است با آن کتابهائیکه میان دو دست او است
که پیش از آن بوده در توحید و نبوت و فرو فرستاد خدا تورات و انجیل را پیش از این که راه نما بود از برای مردم و فرو
فرستاد قرآن را که جدا کنندهٔ میان حق و باطل است ۳ بدرستیکه آنکسانیکه کافر شدند بآیات خدا از برای ایشان
است عذاب سخت و خدا غالب و قاهر است و دارندهٔ عقاب و غضب است بر ایشان ۴ بدرستیکه پوشیده نیست بر خدا
هیچ چیز در زمین و در آسمان خداست که نقش میکند شما را در رحمها هر طور که میخواهد نیست خدائی سوای او و او است
غالب و قاهر و درست کار ۵ آن خدائی است که فرو فرستاد بر تو که پیغمبری قرآن را که بعضی از آن قرآن
محکمات است و آن احکام اصل قرآنست و بعضی دیگر شبیه محکمات است که باید بافکار مستقیمه حقیقت معنی آنها را
فهمید و مشتبه میشود بر مردمانی که علم بتفسیر ندارند پس آن کسانی که در دلهاشان شکی هست پیروی
میکنند آنچه را متشابه است از آن بجهة جستن فتنه و طلب کردن تاویل آن آیات را بغیر صواب و حال اینکه

نمیدانند تأویل آن آیات را مگر خدا و آنکسانیکه ثابت هستند در علم میگویند آن راسخان ایمان آوردیم بآن آیات
قرآن کلاً محکم و متشابه آن از جانب پروردگار ماست پند نمیگیرند مگر صاحبان عقلهای مستقیم ۶ ای پروردگار
ما منحرف مساز دلهای ما را بعد از اینکه هدایت کردی ما را و ببخش از برای ما از جانب خودت رحمت را بدرستی
که تو بخشاینده ۷ ای پروردگار ما بدرستیکه تو جمع کنندهٔ مردمی در روز قیامت که شکی در آمدن آن
روز نیست بدرستیکه خدا خلف نمیکند وعدهٔ خود را ۸ بدرستیکه آنکسانیکه کافر شدند بی نیاز نمیکند آنها
را مال و اولادشان از خدا هیچ چیز نه در دنیا و نه در آخرت ایشانند سبب اشتعال جهنم ۹ مثل عادت آل فرعون
و آنکسانیکه پیش از آنها بودند تکذیب کردند آیات ما را پس گرفت آنها را خدا بسبب گناهشان و خدا سخت عقوبت است
۱۰ بگو ای پیغمبر از برای آنکسانیکه کافر شدند زود باشد که مغلوب شوید شما و جمع کرده شوید در آخرت بسوی جهنم
۱۱ بتحقیق که بود از برای شما قریش نشانه از نبوت پیغمبر در دو گروه که برای جنگ رو بیکدیگر صف کشیدند یک گروه که
سیصد و سیزده نفر بودند جنگ میکردند در راه خدا و گروه دیگر که نهصد و پنجاه نفر لشکر ابوجهل و کافر بودند میدیدند
مسلمانان کفار را بچشم خودشان که دو مساوی زیادتر جمعیت دارند و خدا قوت میدهد بیاری کردن خودش هر
که را میخواهد بدرستیکه در این جنگ که مسلمانان کم بودند نسبت بکفار و بی سلاح بودند و اینطور فتح کردند عبرت
است از برای صاحب نظران ۱۲ زینت داده شد از برای مردم دوستی شهوتها که از آنجمله زنها و اولادها و مالهای
جمع کرده شده است از طلا و نقره و اسبهای با نشان و سایر چهارپایان و کشت و زرع اینها متاع حیات دنیاست
و در نزد خداوند است نیکو بازگشت ۱۳ بگو ای پیغمبر آیا آگاه بکنم شما را به بهتر از آنهائیکه ذکر شد از برای پرهیز

کاران نزد پروردگارشان بهشتهائی که جاریست از میان درختان آنها نهرها

که همیشه در آن بهشتها میمانند و زنهای پاکیزه و خوشنودی از خدا و خداوند بیناست ببندگان خودش ۱۴ آن
بندگانیکه میگویند پروردگارا بدرستیکه ما ایمان آورده ایم پس بیامرز گناهان ما را و نگاه دار ما را از عذاب آتش
۱۵ صبر کنندگان و راست گویان و فرمان برداران و انفاق کنندگان و طلب آمرزش کنندگان در سحرها ۱۶
شهادت داد خدا یعنی بنزول آیات واضحه روشن گردانید که بدرستی و بتحقیق نیست خدائی غیر خودش و شهادت
دادند ملائکه و علما بوحدانیت او برپا دارندهٔ عدالت است نیست خدائی مگر او که قاهر و داناست ۱۷
بدرستیکه دین در نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردند آنکسانیکه داده شد بآنها تورات و انجیل بعد از اینکه عالم
شدند و فهمیدند مگر اختلافاتیکه بواسطهٔ حسد میانهٔ خودشان بود و هر که کافر شود بآیات خدا پس بدرستیکه
خدا زود حساب کننده است ۱۸ پس اگر محاجه میکنند با تو بگو تسلیم کردم نفس خودم را و هر که تابع من است
تسلیم کردند از برای خدا ۱۹ و بگو از برای کسانیکه تورات و انجیل دارند و کسانیکه سواد و خط ندارند و مشرکند آیا
شما منقاد شدید پس اگر اسلام آوردند بتحقیق هدایت شدند و اگر رد گردانند پس نیست بجز این که بر تواست
رسانیدن احکام الله و خدا بیناست ببندگان ۲۰ بدرستی آنکسانیکه کافر میشوید بآیات خدا و میکشند پیغمبران را
بدون حق و میکشند آنکسانیرا که امر میکنند بعدالت و راستی از مردمان یعنی غیر پیغمبران پس مژده بده آنها را بعذاب
دردناک ۲۱ آن گروه کسانی هستند که تباه و نابود شد اعمالشان در دنیا و آخرت و نیست برای آنها یاری
کننده ۲۲ آیا ندیدی آنکسانیرا که داشتند بهره از تورات و انجیل خوانده شدند بسوی تورات تا اینکه حکم بکند
تورات میانهٔ آنها پس برگردیدند گروهی از ایشان در حالیکه اعراض کننده بودند ۲۳ این حرکت
اعراض کردن آنها از تورات که کتاب حق و شانست باین سبب بود که گفتند نمیرسد بما

ترجمهٔ صفحهٔ ۴۳

آتش مگر چند روز یعنی که هفت روز یا چهار روز باشد و فریفت آنها را آنچیزیکه در کیش خودشان بر می بافتند
و معتقد بودند از سهولت عقوبت ۲۴ پس چگونه است وقتی که جمع کنیم ما آنها را از برای روزیکه شک و ریبی در
آن روز نیست که روز قیامت است و داده شود هر کسی تمام آنچه کسب کرده و اندوخته است و هیچ یک از مردم ستم
کرده نمیشوند و حقوق هر کسی بی کم و زیاد بخودش خواهد رسید ۲۵ بگو ای پیغمبر که ای خداوند صاحب ملک
میدهی ملک را بهر که میخواهی و میگیری ملک را از هر که میخواهی و عزت میدهی هر که را میخواهی و ذلیل میکنی هر که را که میخواهی
بدست تو است نیکی بدرستیکه تو بر هر چیزی قادر و توانائی ۲۶ داخل میکنی شب را در روز و داخل میکنی روز
در شب و بیرون میآوری زنده را از میت مثل انسان را از منی و بیرون میآوری مرده را از زنده مثل تخم را از
مرغ و روزی میدهی هر که را میخواهی بدون حساب ۲۷ باید نگیرند مؤمنین کفار را دوست از برای خودشان یعنی
کافران را بجای دوستان مؤمن اختیار نمیکنند و هر که این کار را بکند از دوستی خدا بهره نخواهد داشت مگر اینکه بپرهیزید
از ایشان یعنی از کافران پرهیز کردنی که از روی حقیقت باشد و میترساند خدا شما را از موالات با دشمنان او و از عذاب
ذات خودش که صادر شده باشد از محض قهاری خودش و بسوی خداست بازگشت بگو ای پیغمبر اگر مخفی کنید آنچه را در
سینههای شماست یا آشکار کنید میداند خدا آنرا و میداند هر چه را که در آسمانهاست و آنچه را در زمین است و خدا بر هر
چیزی قادر است ۲۸ روزی که بیابد هر کسی آنچه را که کرده است از خوبی حاضر کرده شده و هر چه را کرده است از بدیها
دوست دارد شخص گناهکار اگر باشد میانهٔ او و میانهٔ آن روزیکه مرتکب گناه بود مسافتی بسیار دور که هرگز نبیند و بیاد
نیاورد آن روز را و میترساند خدا شما را از عذاب خودش و خدا مهربان است به بندگان خود ۲۹ بگو ای پیغمبر اگر شما دوست خدا
هستید پس متابعت کنید مرا که پیغمبر هستم تا اینکه دوست داشته باشد خدا شما را و بیامرزد گناهان شما را و خدا آمرزنده و مهربان
است ۳۰ بگو اطاعت کنید خدا و رسول را پس اگر برگردند و اطاعت نکنند پس بدرستیکه خدا دوست ندارد کفار را ۳۱

ترجمهٔ صفحهٔ ۴۴

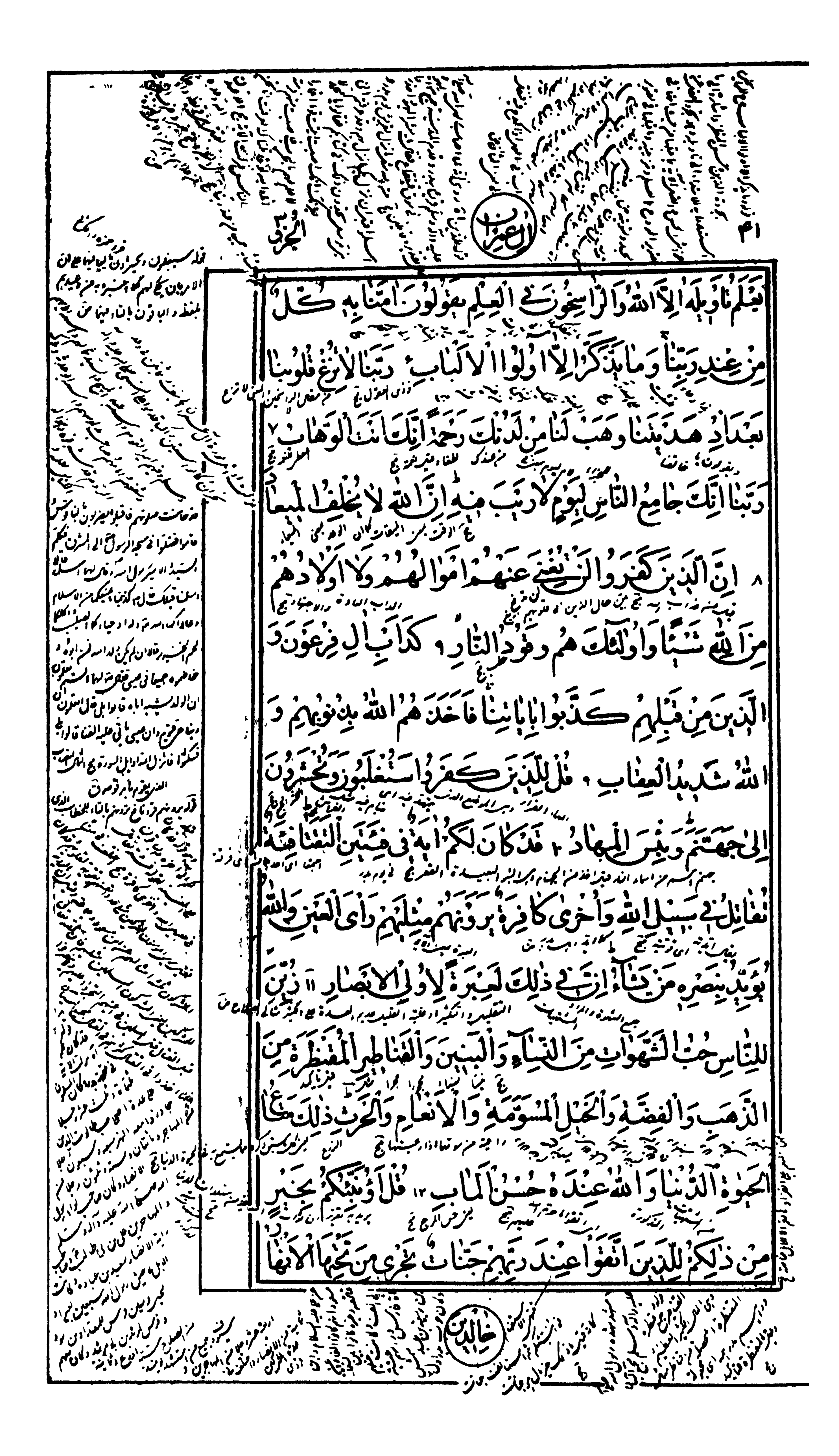
بدرستیکه خدا برگزید آدم و نوح و آل ابرهیم و آل عمران را بر عالمیان در حالتیکه آنها فرزندانی هستند که بعضی از آنها
از بعضی دیگر بعمل آمده اند یعنی اولاد پسندیده هستند از آبای خودشان و خدا شنوا و داناست ۳۱ وقتی گفت حنه زن عمران
پروردگارا من نذر کردم از برای تو آنچه در شکمم هست آزاد یعنی اولادی که در شکم دارم بخدمات دنیوی مشغول نسازم و او را مخصوص
خدمت بیت المقدس کنم پس قبول کن پروردگارا این نذر مرا بدرستیکه تو خودت شنونده و دانائی پس چون زائید آن دختر را گفت
پروردگارا من زائیدم دختر و خدا داناتر است بآنچه زائیده و نیست پسر مثل دختر و من نامیدم او را مریم و به پناه تو دادم او را
و فرزندان او را از شیطان رانده شده ۳۲ پس قبول کرد او را خدای او بقبولی نیکو و پرورش داد خدا او را به نیکوئی
از برای عبادت و کفیل شد برای مریم زکریا هر وقت داخل میشد زکریا در محراب عبادت بر مریم مییافت نزد مریم روزی یا ماکول
گفت زکریا ای مریم از کجا یافت میشود از برای تو این ماکولات گفت مریم که آن روزی از جانب خداست بدرستیکه خدا روزی میدهد
هر که را میخواهد بیحساب ۳۳ در آن مکان که کرامت مریم را مشاهده نمود خواند زکریا پروردگار خود را گفت پروردگارا ببخش بمن از
جانب خودت اولادی پاکیزه چنانچه بحنه در پیری اولاد دادی بدرستیکه تو شنوندهٔ دعا را پس ندا کرد زکریا را ملائکه در حالتیکه
که او در محراب بنماز ایستاده بود ۳۴ بدرستیکه خدا مژده میدهد ترا بتولد یحیی در حالتیکه آن یحیی مصدق است بکلمه که موجود گشته
از نزد خدا که یحیی اول تصدیق کنندگان عیسی بود و بزرگ قوم و پارسا و پیغمبر و از نیک مردان بود ۳۵ گفت زکریا پروردگارا
از کجا میشود از برای من پسری و حال اینکه بتحقیق رسیده است مرا پیری و زن من نازاینده است گفت جبرئیل اینطور خدا میکند هر چه را که میخواهد
۳۶ گفت زکریا پروردگارا بگردان برای من علامتی گفت جبرئیل نشانهٔ تو اینستکه حرف نزنی با مردم سه روز مگر بطور رمز و ذکر کن پروردگار خود را

ترجمهٔ صفحهٔ ۴۵

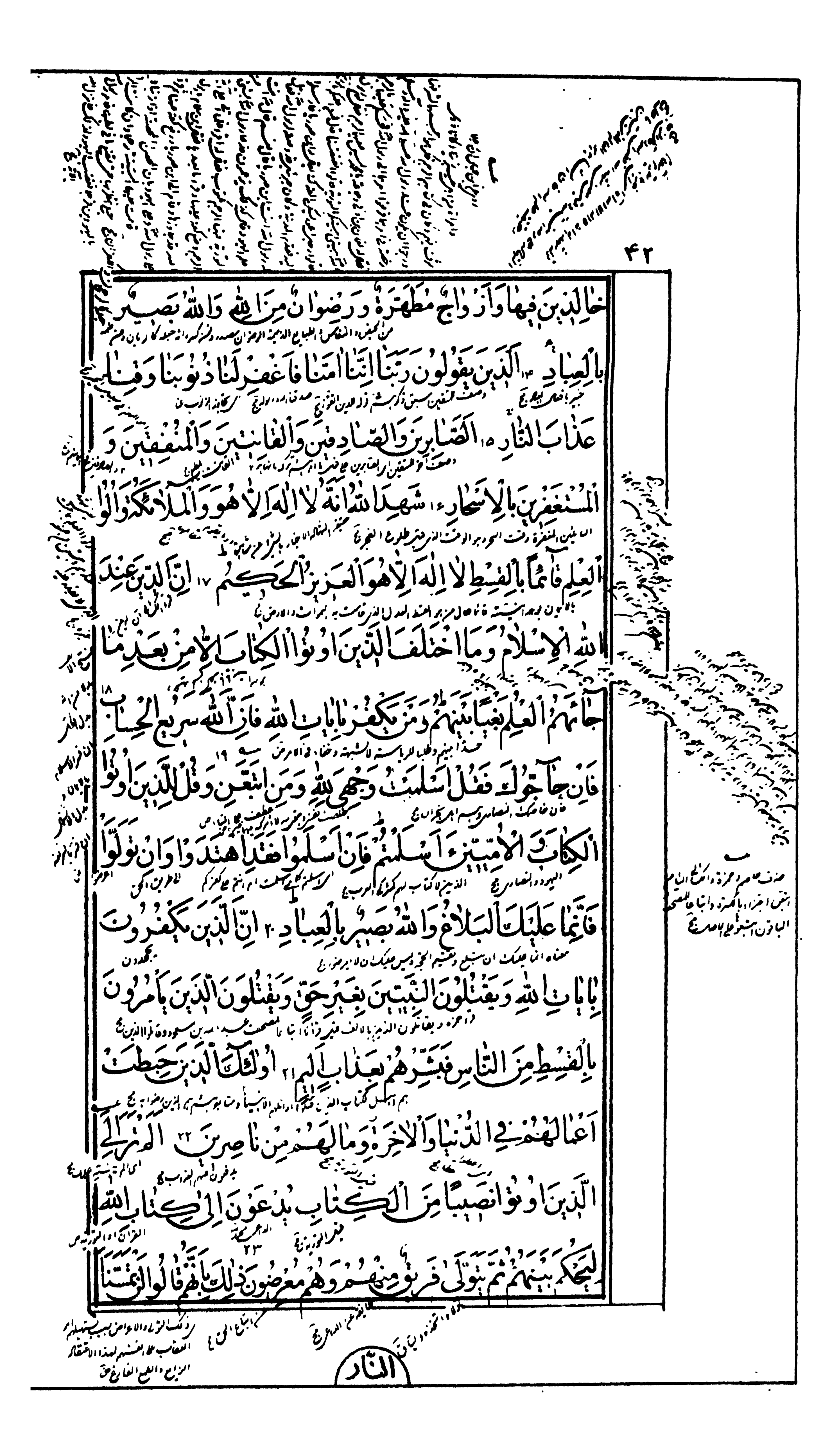
بسیار و تسبیح کن هر شامگاه و صبحها ۳۷ وقتی گفتند ملائکه ای مریم بدرستیکه خدا برگزید ترا و پاک گردانید ترا و برگزید
ترا بر زنهای جهانیان عهد تو ۳۸ ای مریم عبادت کن از برای پروردگار خودت و سجده بکن و رکوع کن با رکوع کنندگان
۳۹ این از اخبار غیبی است که وحی میکنیم ما بسوی تو و نبودی نزد ایشان وقتیکه میانداختند قلمهای کتابت خود شانرا بطور
قرعه میان جوی آب که کدام یک کفالت بکنند مریم را و نبودی نزد ایشان وقتی که با یکدیگر در باب کفالت مریم مخاصمه و نزاع
میکردند ۴۰ وقتی گفتند ملائکه ای مریم بدرستیکه خدا مژده میدهد ترا بکلمهٔ از جانب خودش که اسم او است مسیح عیسی بن مریم
صاحب جاه در دنیا و آخرت و از جملهٔ نزدیک شدگان درگاه خدا است ۴۱ و سخن گوید در گهواره و در بزرگی بی تفاوت و
عیسی از نیکوکار است ۴۲ گفت مریم پروردگارا از کجا میشود برای من فرزند و حال اینکه دست کسی بمن نرسیده است
و زن بیشوهر چگونه اولاد می آورد گفت ملائکه بهمین طور که هستی صاحب ولد میشوی خدا خلق میکند هرچه میخواهد اگر حکم کند کاری را
پس جز این نیست که میگوید از برای او باش پس موجود شود ۴۳ و تعلیم میکند خدا بعیسی کتاب سابقین که صحف شیث و
ابرهیم است و حکمت را و توراة و انجیل را و رسول است عیسی به بنی اسرائیل بتحقیق منکه عیسی هستم آورده ام برای شما مردم نشانه
از پروردگار شما بدرستیکه من میسازم از برای شما از گل مثل شکل مرغی پس میدمم بنفس خود در آن پس میشود مرغی باذن خدا و
شفا میدهم کور مادرزاد و ناخوشی پیس را و زنده میکنم مردگان را باذن خدا و آگاه میکنم شما را بآنچه میخورید و آنچه ذخیره مینهید در خانهای
خودتان بدرستیکه در این مطلب هر آینه آیتی است از برای شما اگر باشید از گروندگان ۴۴ و آمده ام من در حالتیکه تصدیق کننده
هستم از برای توراتی که پیش از من بوده و در زمان من هست و آمده ام من برای اینکه حلال کنم از برای شما بعضی از آنچیزیکه حرام کرده شده
بود بر شما از حرمت شنبه و چیزهای دیگر و آورده ام برای شما

ترجمهٔ صفحهٔ ۴۶

نشانهٔ از پروردگار شما پس پرهیزکار باشید خدا را و اطاعت کنید مرا بدرستی که خدا پروردگار من است و پروردگار شما
پس عبادت بکنید او را اینست راه راست ۴۵ پس چون دریافت و دید عیسی از یهودان کفر را گفت با کسانیکه ایمان آورده
آورده بودند کیست از شماها که یاری کند مرا و ملتجی شود بسوی خدا گفتند حواریون مائیم انصار خدا ایمان آورده ایم بخدا و شاهد
باش تو ای عیسی باینکه ما از گروندگانیم باحکام الله ۴۶ ای پروردگار ما ایمان آوردیم ما بآنچه فرستادی و متابعت
کردیم ما رسول ترا پس بنویس ما را با شهادت دهندگان ۴۷ و مکر کردند یهودان در قتل عیسی که او را بکشند و
جزای مکر آنها را داد خدا که عیسی را باسمان برد و خدا بهترین مکافات دهندگان است مکاران را ۴۸ وقتی گفت
خدا ای عیسی بدرستیکه من میرانم ترا و بلند کنندهٔ توام بسوی خودم و پاک کنندهٔ توام از مصاحبت آنکسانیکه
کافر شدند و گرداننده ام آن کسانیرا که متابعت تو کردند برتر از آن کسانیکه کافر شدند از یهود تا روز قیامت پس بسوی
منست برگشت شماها پس حکم بکن در میان خودتان در آنچه هستید که در آن اختلاف دارید ۴۹ پس اما آنکسانیکه
کافر شدند پس عذاب میکنم ایشانرا عذاب سختی در دنیا و آخرت و نیست از برای ایشان نصرت کننده و یاران ۵۰ و اما آنکسانی
که ایمان آوردند و عملهای خوب کردند پس تمام میدهم مزد آنها را و خدا دوست ندارد ظلم کنندگان را ۵۱ این کلامیه که مذکور شد
میخوانیم آنرا بر تو در حالیکه از جملهٔ علامات نبوت است و از یاد کردنیست که مشتمل بر حکمت است از میان حلال و حرام ۵۲
بدرستی که مثل عیسی در نزد خدا مثل آدم است که خلق کرد خدا او را از خاک پس گفت از برای او باش پس وجود بهم رسانید
۵۳ خبر مذکور راست و درست است و پیغامی است نازل شده از جانب پروردگار تو پس
نباش از جملهٔ شک آورندگان ۵۴ پس هرکس مجادله کند با تو در مقام خصومت باشد در امر عیسی که او را بندهٔ خدا ندانند
بعد از اینکه آمد ترا از دانستن پس بگو بیائید برای مباهله میخوانیم ما پسرهای خودمان را و بخوانید شما پسرهای خودتانرا و میخوانیم ما زنهای
خودمان را و بخوانید شما زنهای خودتان را و ما میخوانیم نزدیکان خودمان را که بمنزلهٔ خود ما هستند و شما بخوانید



يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ
مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ٧
رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ
٨ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ٩ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ
اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٠ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ
إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ١٠ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ
تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ
يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ١١ زُيِّنَ
لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ
الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ
الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ١٢ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ
مِنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ



خالدين فيها وأزواج مطهرة ورضوان من الله والله بصير
بالعباد ١٤ الذين يقولون ربنا إننا آمنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا
عذاب النار ١٥ الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين و
المستغفرين بالأسحار ١٦ شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا
العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم ١٧ إن الدين عند
الله الإسلام وما اختلف الذين أوتوا الكتاب إلا من بعد ما
جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بآيات الله فإن الله سريع الحساب ١٨
فإن حاجوك فقل أسلمت وجهي لله ومن اتبعن وقل للذين أوتوا
الكتاب والأميين أأسلمتم فإن أسلموا فقد اهتدوا وإن تولوا
فإنما عليك البلاغ والله بصير بالعباد ٢٠ إن الذين يكفرون
بآيات الله ويقتلون النبيين بغير حق ويقتلون الذين يأمرون
بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب أليم ٢١ أولئك الذين حبطت
أعمالهم في الدنيا والآخرة وما لهم من ناصرين ٢٢ ألم تر إلى
الذين أوتوا نصيبا من الكتاب يدعون إلى كتاب الله
ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم وهم معرضون ٢٣ ذلك بأنهم قالوا لن تمسنا

النار الا ايامًا معدودٰت وغرهم في دينهم ما كانوا يفترون ٢٣

فكيف اذا جمعنٰهم ليوم لا ريب فيه ووفيت كل نفس ما كسبت و

هم لا يظلمون ٢٤ قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشآء

وتنزع الملك ممن تشآء وتعز من تشآء وتذل من تشآء بيدك الخير

انك على كل شيء قدير ٢٥ تولج الليل في النهار وتولج النهار

في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من

تشآء بغير حساب ٢٦ لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون

المؤمنين ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تتقوا منهم

تقٰىة ويحذركم الله نفسه والى الله المصير ٢٧ قل ان تخفوا ما في

صدوركم او تبدوه يعلمه الله ويعلم ما في السمٰوٰت وما في

الارض والله على كل شيء قدير ٢٨ يوم تجد كل نفس ما عملت

من خير محضرًا وما عملت من سوء تود لو ان بينها وبينه امدًا

بعيدًا ويحذركم الله نفسه والله رءوف بالعباد ٢٩ قل ان كنتم

تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور

رحيم ٣٠ قل اطيعوا الله والرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين



إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى اٰدَمَ وَنُوحًا وَاٰلَ اِبْرٰهِيمَ وَاٰلَ عِمْرٰنَ عَلَى الْعٰلَمِينَ

٣١ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٣٢ اِذْ قَالَتِ امْرَاَتُ عِمْرٰنَ

رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثٰى وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا

وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثٰى وَاِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَاِنِّي اُعِيذُهَا

بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيمِ ٣٣ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ

وَاَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا

زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يٰمَرْيَمُ اَنّٰى لَكِ هٰذَا قَالَتْ

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاۤءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ هُنَالِكَ

دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ

سَمِيعُ الدُّعَاۤءِ فَنَادَتْهُ الْمَلٰۤئِكَةُ وَهُوَ قَاۤئِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ ٣٤

اَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا

مِنَ الصّٰلِحِينَ ٣٥ قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُونُ لِي غُلٰمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ

وَامْرَاَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاۤءُ ٣٦ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ

لِّي اٰيَةً قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ

نزدیکان مخصوص خودمان را بعد از جمع شدن همگی پس لعن کنیم و قرار بدهیم لعنت خدا را بر دروغ گویان ۵۵
بدرستی که این حکایت قصهٔ راستی است و نیست هیچ خدائی مگر خدا و بدرستیکه خدا هر آینه او است قادر و محکم کار ۵۶
پس اگر رو بگردانند و اعراض کنند از راه حق پس بدرستیکه خدا داناست بحال مفسدین ۵۷ بگو ای یهود و نصاری
بیائید بسوی کلمهٔ که راست بود میانهٔ ما و میانهٔ شما اینکه عبادت نکنیم مگر بخدای واحد و شریک قرار ندهیم برای او هیچ
چیز را و نگیریم بعضی از ما بعض دیگر را خدایان که بآنها سجده کنیم مگر اینکه پرستش کنیم خدای واحد را پس اگر برگشتند
یهود و نصاری از عقاید خودشان باید بگوئید شهادت بدهیم و اقرار میکنیم باینکه ما مسلمانیم ۵۸ ای یهود و نصاری
چرا محاجه و خصومت میکنید در ابرهیم که هر یک نسبت بخود میدهید یهود میگویند ابرهیم یهودی بود و نصاری میگویند ابرهیم
نصاری بود و حال اینکه فرستاده نشد توراة و انجیل مگر بعد از ابرهیم بهزار سال ناسلا آیا تعقل نمیکنید که در این
صورت ابرهیم دین یهود و نصاری نداشته است ۵۹ کسانی هستید شما که خصومت میکنید و انکار میورزید در
آنچیزهائیکه از برای شما علم بآنهاست مثل تصدیق نبوت پیغمبر که در توراة و انجیل ذکر آن هست پس چرا و برای چه خصومت
میکنید در چیزهائی که علم بآنها ندارید خدا میداند که ابرهیم بر دین شما نبود و شما نمیدانید حال او را ۶۰ نبود ابرهیم
یهودی و نبود نصرانی ولیکن بود مایل بحق و منقاد از برای احکام الهی و نبود ابرهیم از مشرکین ۶۱ بدرستیکه سزاوارتر
مردم بابرهیم کسانی هستند که متابعت کردند او را و این پیغمبر را و آنهائیکه ایمان آورده اند و خدا دوست مؤمنین است
۶۲ دوست داشتند طایفهٔ از یهود و نصاری که شاید گمراه کنند شما مسلمانان را و گمراه نمیکنند مگر خودشان را و شعور ندارند
۶۳ ای یهود و نصاری چرا انکار میکنید آیات خدا را و حال اینکه شما گواه و شاهدید ۶۴ ای یهود و نصاری چرا میپوشانید
حق را بباطل و کتمان میکنید حق را و حال اینکه شما میدانید که نبوت پیغمبر حق است ۶۵ و گفتند طایفهٔ از یهود ایمان بیاورید

بقرآنی که فرستاده شده است بمؤمنین در وقت نهار و کافر شوید بقرآن در آخر آن روز شاید بجهة این حرکت شما
مسلمانان هم برگردند از اعتقادات خودشان ۶۶ و ایمان از روی حقیقت نیاورید مگر از برای کسیکه متابعت کند دین شما را بگو ای
پیغمبر بدرستیکه راه راه خدا است و گفتند یهود که گمان نکنید که داده شده باشد بمسلمانان مثل آنچه داده شده است بشما یا اینکه بتوانند منازعه کنند با شما
در نزد پروردگار شما بگو ای پیغمبر بدرستیکه بخشش بدست خدا است میدهد بفضل خود هر که را میخواهد و خدا وسعت دهنده و داناست
۶۷ خدا هر که را میخواهد مخصوص میکند برحمت خودش و خدا صاحب بخشش بزرگست ۶۸ و از اهل یهود کسی است که اگر امین کنی او را
بمال بسیار بشمار رد میکند بسوی تو و از ایشان کسی هست که اگر امین کنی او را بیک دینار رد نمیکند بسوی تو مگر اینکه ابرام کنی در
پس گرفتن ۶۹ این حالت خیانت یهود بجهة اینست که ایشان گفتند نیست بر ما بجهت بیسوادان راهی که مقصود آنها اعراب بود که بخط
و سواد بودند و اقرار بتوراة نداشتند و مال آنها را یهود حلال میدانستند و میگویند بر خدا دروغ را و حال اینکه ایشان
میدانند و با علم دروغ میگویند ۷۰ آری هر که وفا کند بعهد خودش و بپرهیزد از سخط پروردگار پس بدرستیکه خدا دوست
دارد پرهیزکاران را ۷۱ بدرستی کسانیکه میفروشند عهد خدا را و سوگندهای خودشان را بقیمت کمی آن گروه کسانی هستند که
بهره نیست بجهة آنها در آخرت و تکلم نمیکند خدا با ایشان و نظر نمیکند بطرف آنها در روز قیامت و پاک نمیکند آنها را و از
برای ایشانست عذاب دردناک ۷۲ و بدرستیکه از آن گروه کسانی هستند که می پیچانند زبان خودشان را بخواندن
توراتیکه بربافتهٔ خودشانست تا اینکه گمان کنید که هر چه میخوانند از توراة است و نیست آن بربافتهها از توراة و میگویند
آن تحریفات و تغییرات از جانب خدا است و نیست آن از جانب خدا و میگویند دروغ را بر پروردگار و خودشان میدانند که
هر چه میگویند دروغ است ۷۳ نیست از برای بشری اینکه بدهد خدا او را کتاب و حکمت و نبوت بعد از آن بگوید از برای مردم که

ترجمهٔ صفحهٔ ۴۹

باشید بندگان از برای من جز از خدا ولیکن باشید شما خداشناس بآنچه شما آموختید کتاب را و بآنچه شما تدریس
میکنید ۷۴ و امر نمیکند شما را پیغمبر اینکه بگیرید فرشتگان و پیغمبران را خدایان خود آیا امر میکند آن پیغمبر شما را بکفر و شریک
قرار دادن برای خدا بعد از اینکه شما مطیع و موحد شدید ۷۵ و در وقتیکه گرفت خدا عهد از پیغمبران که هر چه بدهم شما را
از کتاب و حکمت بعد بیاید شما را رسولی که تصدیق کننده باشد آنچه را که با شما است تا اینکه ایمان بیاورید باو و یاری
کنید او را بمال و نفس خودتان گفت خدا آیا اقرار کردید شما و گرفتید بر این مطالب پیمان مرا گفتند انبیا که اقرار کردیم ما
تمام این بیانات گفت خدا پس شهادت بدهید و من با شما از گواه دهندگانم ۷۶ پس هر که رو بگرداند از تمام امتهای انبیا
از ایمان آوردن به پیغمبر بعد از این پس آنگروه تماما فاسقند ۷۷ آیا پس سوای دین خدا را طلب میکنند و حال اینکه منقاد شد
از برای خدا هر که در آسمانها و زمین است برغبت و کراهت ایمان آوردند و بسوی خدا بر میگردند ۷۸ بگو ایمان آوردیم ما بخدا
و بآنچه فرود فرستاده شد بر ما که قرآنست و بآنچه فرود فرستاده شد بر ابرهیم و بر اسمعیل و بر اسحق و بر یعقوب و فرزندان یعقوب
و بآنچه داده شد بموسی و عیسی و پیغمبران از جانب پروردگارشان فرق نمیگذاریم ما که محمد و سایر مؤمنین هستیم میانهٔ احدی
از آن پیغمبران و ما از برای حکم خدا مطیع و منقادیم ۷۹ و هر که طلب کند غیر اسلام دینی را پس قبول نمیشود از او و او در
آخرت از جملهٔ زیانکارانست ۸۰ چگونه راه مینماید خدا قومی را که کافر شدند بعد از ایمان آوردن آنها و شهادت دادند باینکه
پیغمبر راست است و آمد ایشانرا حجتها و خدا هدایت نمیکند قوم ظالمین را ۸۱ این گروه جزای ایشان اینست که بر ایشان است
لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم ۸۲ همیشه میمانند در آن لعنت

ترجمهٔ صفحهٔ ۵۰

و کم نمیشود از ایشان عذاب الهی و ایشان مهلت داده نمیشوند ۸۳ مگر آن کسانیکه توبه کردند بعد از اینکه آثار
کفر از آنها بروز کرد و اصلاح کردند سیئات اعمال خودشان را پس بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست ۸۴ بدرستیکه
آنهائی که کافر شدند بعد از ایمان آوردنشان بعد زیاد کردند کفر خودشانرا قبول نمیشود توبهٔ ایشان و این گروه تماما از
گمراهانند ۸۵ بدرستی آنکسانیکه کافر شدند و مردند در حالتی که کافر بودند پس قبول نمیشود از هیچ یک از ایشان اگر
فدا بدهند زمین تمام دنیا را که پر باشد آن زمین از طلا این جماعت از برای ایشانست عذاب دردناک و نیست برای ایشان
یاری کنندگان ۸۶ نمیرسید بنیکوئی تا اینکه انفاق بکنید از آن چیزهائیکه دوست دارید و هر چه را انفاق کنید پس بدرستیکه
خدا میداند که چه انفاق کرده اید ۸۷ تمام اطعمه بود حلال از برای بنی اسرائیل مگر آنچه را که حرام کرد یعقوب برای خودش
پیش از نزول تورات اگر بگویند یهود که گوشت شتر با شیر آن حرام است بر تمام بنی اسرائیل و در تورات حرمت آن نوشته شده
است بگو بیاورید تورات صحیح را و بخوانید آنرا اگر راست میگوئید ۸۸ پس هر کس ببندد بر خدا دروغ را یعنی دروغ بگوید و
نسبت آنرا بخدا بدهد بعد از آنکه معلوم شد تحریم از یعقوب بوده و از خدا نبوده است پس آنگروه ایشان هستند ظلم کننده ۸۹
بگو ای پیغمبر راست گفت خدا پس پیروی کنید دین ابرهیم را که او مایل بحق بود و نبود از مشرکین ۹۰ بدرستی اول خانه که نهاده
شد از برای مردم هر آینه هم انستکه در مکه واقع است در حالتی که آن خانه با برکت است از برای حاجیان که بزیارت آنجا مشرف
شده اند و سبب هدایت است مر عالمیان را ۹۱ در آن مکه نشانهای واضحست و علامات و خواص بسیار است و از آنجمله
مکان ایستادن ابرهیم است که در آن مکان کرامات و معجزات هویداست و هر که داخل بشود بمکه ایمن میشود و از برای خداست بر
مردم حج کردن خانهٔ مکه برای هر که استطاعت رفتن بآنجا را داشته باشد از صحت بدن و خرج رفتن و برگشتن و دادن نفقه
بواجب النفقات خودش ۹۲ و هر که انکار نماید رفتن بمکه را در صورت استطاعت پس بدرستیکه خدا بی نیاز است از
جهانیان ۹۳ و بگو ای اهل کتاب چرا کافر میشوید بآیات خدا و حال اینکه خدا شاهد است بر آنچه میکنید ۹۴

كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ٤١ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ

اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِينَ ٤٢ يٰمَرْيَمُ اقْنُتِي

لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرّٰكِعِينَ ٤٣ ذٰلِكَ مِنْ أَنْبَآءِ الْغَيْبِ

نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلٰمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ

وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ٤٤ إِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ

يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ

الْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ٤٥ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصّٰلِحِينَ

قَالَتْ رَبِّ أَنّٰى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذٰلِكِ اللّٰهُ يَخْلُقُ

مَا يَشَآءُ إِذَا قَضٰٓى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ٤٧ وَيُعَلِّمُهُ

الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْإِنْجِيلَ وَرَسُولًا إِلٰى بَنِي إِسْرَآءِيلَ

أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْـَٔةِ

الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ

وَأُحْيِ الْمَوْتٰى بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي

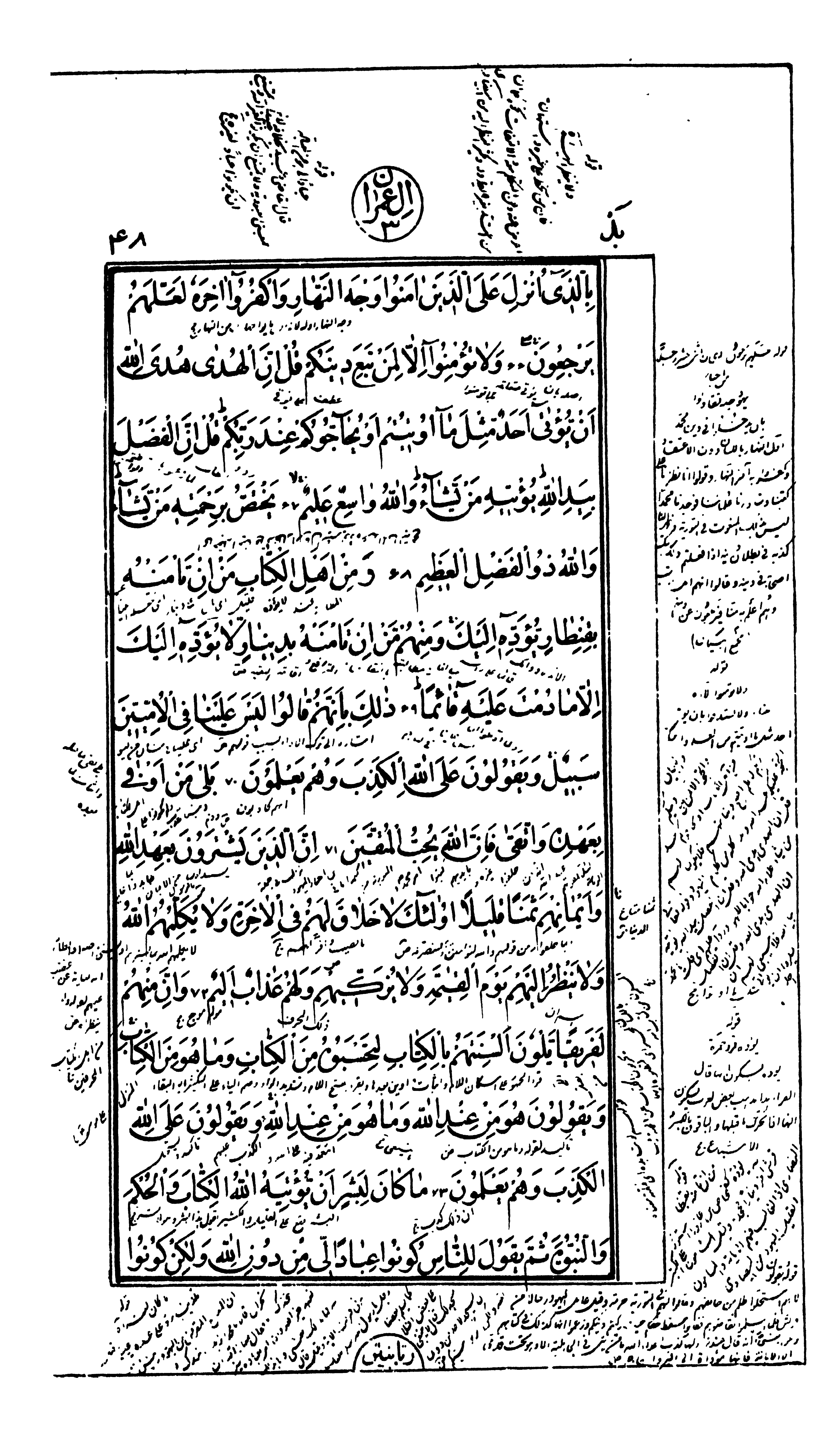
بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٤٩ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ

يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ

بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ
هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝٥١ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ
أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ۝٥٢ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا
مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝٥٣ وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۝٥٤
إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝٥٥ فَأَمَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا
لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝٥٦ وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ
أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝٥٧ ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ
وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ۝٥٨ إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ
مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝٥٩ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ
الْمُمْتَرِينَ ۝٦٠ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ
تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَ



أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ٥٥ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ
الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٥٦ فَإِن
تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ٥٧ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ
كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا
وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا
اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ٥٨ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ
وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنجِيلُ إِلَّا مِن بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٥٩
هَا أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم
بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٦٠ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا
نَصْرَانِيًّا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ٦١ إِنَّ أَوْلَى
النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ
الْمُؤْمِنِينَ ٦٢ وَدَّت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا
يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٦٣ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ
بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ٦٤ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ
وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ٦٥ وَقَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا



بالذي أنزل على الذين آمنوا وجه النهار واكفروا آخره لعلهم
يرجعون ۝٦٦ ولا تؤمنوا إلا لمن تبع دينكم قل إن الهدى هدى الله
أن يؤتى أحد مثل ما أوتيتم أو يحاجوكم عند ربكم قل إن الفضل
بيد الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم ۝٦٧ يختص برحمته من يشاء
والله ذو الفضل العظيم ۝٦٨ ومن أهل الكتاب من إن تأمنه
بقنطار يؤده إليك ومنهم من إن تأمنه بدينار لا يؤده إليك
إلا ما دمت عليه قائما ۝٦٩ ذلك بأنهم قالوا ليس علينا في الأميين
سبيل ويقولون على الله الكذب وهم يعلمون ۝٧٠ بلى من أوفى
بعهده واتقى فإن الله يحب المتقين ۝٧١ إن الذين يشترون بعهد الله
وأيمانهم ثمنا قليلا أولئك لا خلاق لهم في الآخرة ولا يكلمهم الله
ولا ينظر إليهم يوم القيامة ولا يزكيهم ولهم عذاب أليم ۝٧٢ وإن منهم
لفريقا يلوون ألسنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب وما هو من الكتاب
ويقولون هو من عند الله وما هو من عند الله ويقولون على الله
الكذب وهم يعلمون ۝٧٣ ما كان لبشر أن يؤتيه الله الكتاب والحكم
والنبوة ثم يقول للناس كونوا عبادا لي من دون الله ولكن كونوا



كونوا ربانيين بما كنتم تعلمون الكتاب وبما كنتم تدرسون ٧٤

ولا يأمركم أن تتخذوا الملائكة والنبيين أربابا أيأمركم بالكفر

بعد إذ أنتم مسلمون ٧٥ وإذ أخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم

من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به

ولتنصرنه قال أأقررتم وأخذتم على ذلكم إصري قالوا أقررنا

قال فاشهدوا وأنا معكم من الشاهدين ٧٦ فمن تولى بعد ذلك

فأولئك هم الفاسقون ٧٧ أفغير دين الله يبغون وله أسلم من في

السموات والأرض طوعا وكرها وإليه يرجعون ٧٨ قل آمنا

بالله وما أنزل علينا وما أنزل على إبرهيم وإسمعيل وإسحق و

يعقوب والأسباط وما أوتي موسى وعيسى والنبيون من ربهم

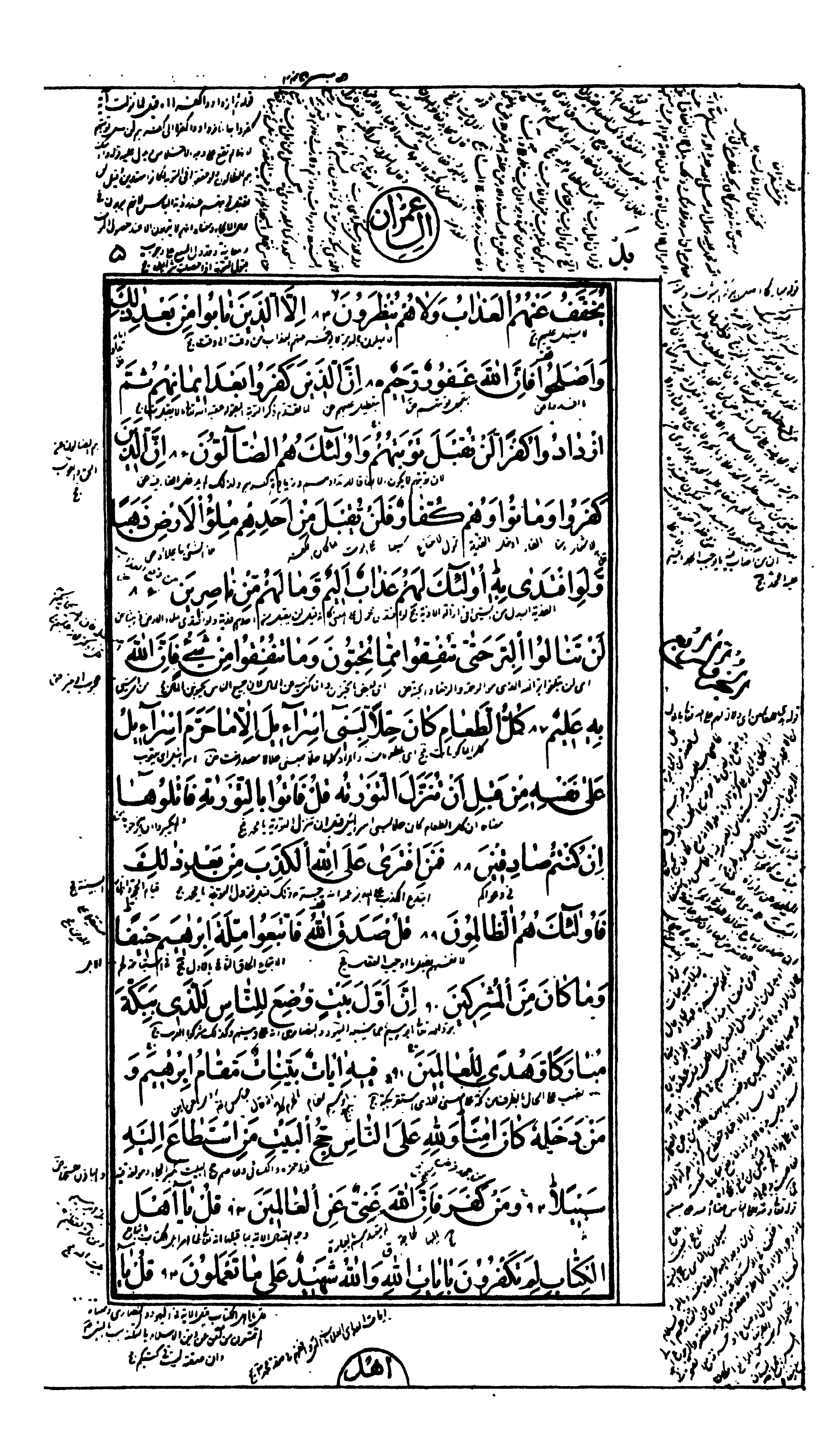
لا نفرق بين أحد منهم ونحن له مسلمون ٧٩ ومن يبتغ غير الإسلام

دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين ٨٠ كيف يهدي

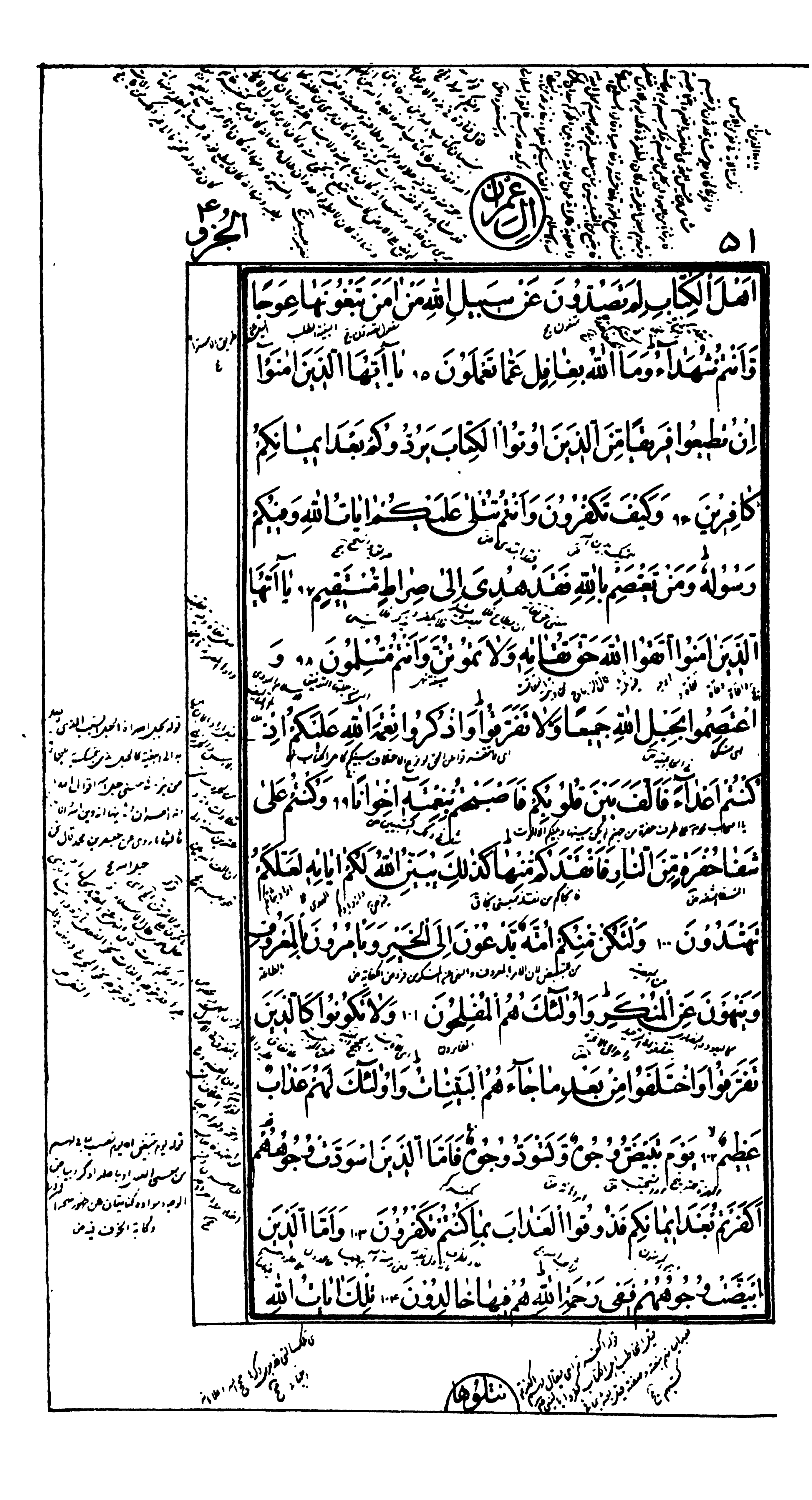
الله قوما كفروا بعد إيمانهم وشهدوا أن الرسول حق وجاءهم

البينات والله لا يهدي القوم الظالمين ٨١ أولئك جزاؤهم أن

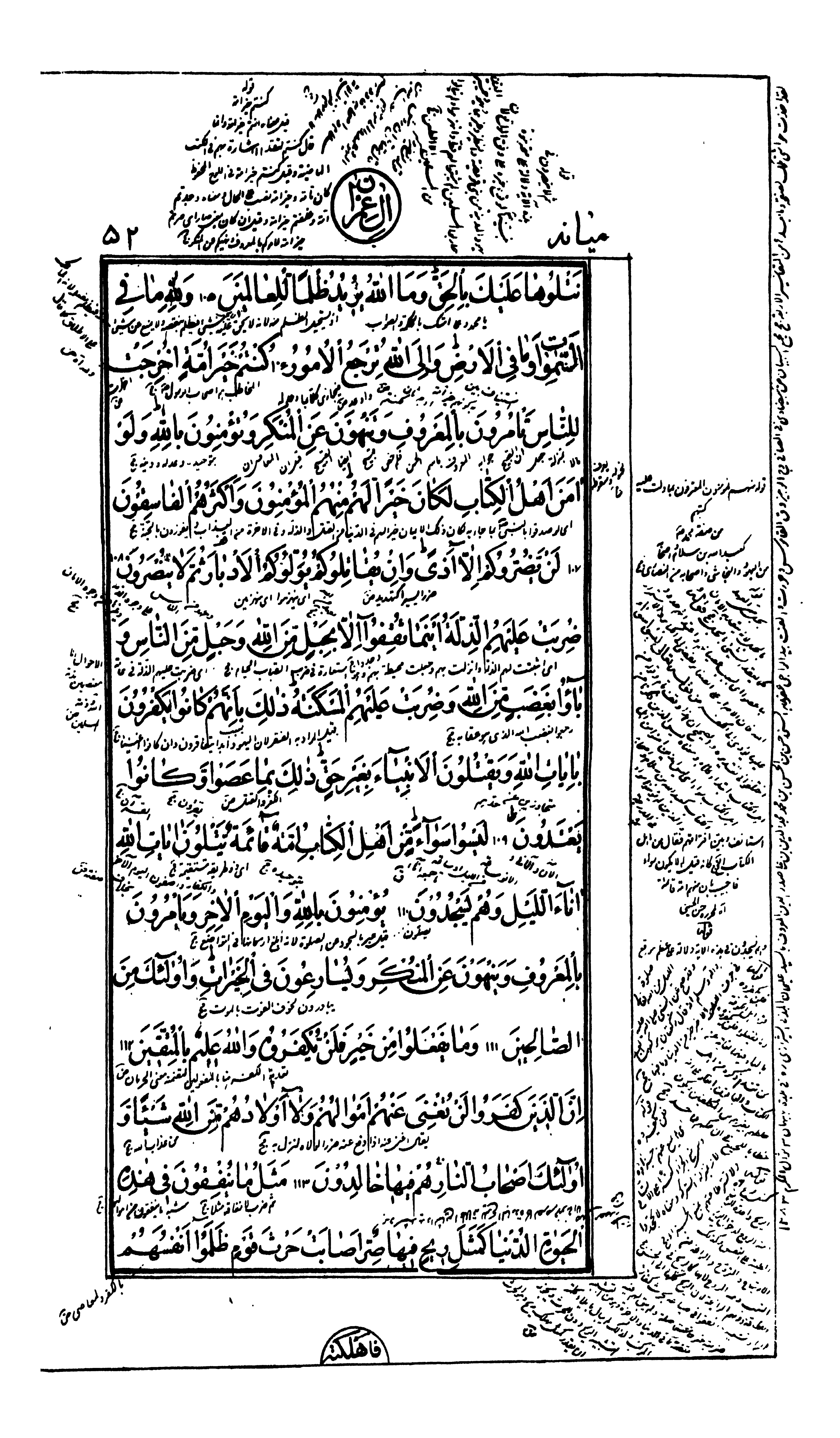
عليهم لعنة الله والملائكة والناس أجمعين ٨٢ خالدين فيها لا



يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون ٨٨ إلا الذين تابوا من بعد ذلك
وأصلحوا فإن الله غفور رحيم ٨٩ إن الذين كفروا بعد إيمانهم ثم
ازدادوا كفرا لن تقبل توبتهم وأولئك هم الضالون ٩٠ إن الذين
كفروا وماتوا وهم كفار فلن يقبل من أحدهم ملء الأرض ذهبا
ولو افتدى به أولئك لهم عذاب أليم وما لهم من ناصرين ٩١
لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شيء فإن الله
به عليم ٩٢ كل الطعام كان حلا لبني إسرائيل إلا ما حرم إسرائيل
على نفسه من قبل أن تنزل التوراة قل فأتوا بالتوراة فاتلوها
إن كنتم صادقين ٩٣ فمن افترى على الله الكذب من بعد ذلك
فأولئك هم الظالمون ٩٤ قل صدق الله فاتبعوا ملة إبراهيم حنيفا
وما كان من المشركين ٩٥ إن أول بيت وضع للناس للذي ببكة
مباركا وهدى للعالمين ٩٦ فيه آيات بينات مقام إبراهيم و
من دخله كان آمنا ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه
سبيلا ومن كفر فإن الله غني عن العالمين ٩٧ قل يا أهل
الكتاب لم تكفرون بآيات الله والله شهيد على ما تعملون ٩٨ قل يا



اهل الكتاب لم تصدون عن سبيل الله من آمن تبغونها عوجا
وانتم شهداء وما الله بغافل عما تعملون ٩٥ يا ايها الذين آمنوا
ان تطيعوا فريقا من الذين اوتوا الكتاب يردوكم بعد ايمانكم
كافرين ٩٦ وكيف تكفرون وانتم تتلى عليكم آيات الله وفيكم
رسوله ومن يعتصم بالله فقد هدي الى صراط مستقيم ٩٧ يا ايها
الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون ٩٨ و
اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ
كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا ٩٩ وكنتم على
شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم
تهتدون ١٠٠ ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف
وينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون ١٠١ ولا تكونوا كالذين
تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات واولئك لهم عذاب
عظيم ١٠٢ يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فاما الذين اسودت وجوههم
اكفرتم بعد ايمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ١٠٣ واما الذين
ابيضت وجوههم ففي رحمة الله هم فيها خالدون ١٠٤ تلك آيات الله



نتلوها عليك بالحق وما الله يريد ظلما للعالمين ١٠٥ ولله ما في
السموات وما في الأرض وإلى الله ترجع الأمور ١٠٦ كنتم خير أمة أخرجت
للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنكر وتؤمنون بالله ولو
آمن أهل الكتاب لكان خيرا لهم منهم المؤمنون وأكثرهم الفاسقون ١٠٧
لن يضروكم إلا أذى وإن يقاتلوكم يولوكم الأدبار ثم لا ينصرون ١٠٨
ضربت عليهم الذلة أين ما ثقفوا إلا بحبل من الله وحبل من الناس و
باءو بغضب من الله وضربت عليهم المسكنة ذلك بأنهم كانوا يكفرون
بآيات الله ويقتلون الأنبياء بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا
يعتدون ١٠٩ ليسوا سواء من أهل الكتاب أمة قائمة يتلون آيات الله
آناء الليل وهم يسجدون ١١٠ يؤمنون بالله واليوم الآخر ويأمرون
بالمعروف وينهون عن المنكر ويسارعون في الخيرات وأولئك من
الصالحين ١١١ وما يفعلوا من خير فلن يكفروه والله عليم بالمتقين ١١٢
إن الذين كفروا لن تغني عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله شيئا و
أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون ١١٣ مثل ما ينفقون في هذه
الحياة الدنيا كمثل ريح فيها صر أصابت حرث قوم ظلموا أنفسهم

بگو ای اهل کتاب چرا باز میدارید مردم را از راه خدا هر کس ایمان آورد طلب میکنید برای او کجی با اینکه شبهه میکنید بادوانیدن را
براه کج بیاندازید و حال اینکه شما شاهدید براینکه دین خدا و راه حق همان دین اسلام است و نیست خدا غافل از آنچه میکنید
۹۵ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید اگر اطاعت و پیروی کنید طایفهٔ از یهودان را برمیگردانند شما را بعد از ایمان آوردن
شما بکفر ۹۶ و چگونه کافر میشوید و حال اینکه شما کسانی هستید که خوانده میشود بر شما آیات خدا و در میان شماست رسول خدا و
هر که چنگ زند بخدا پس بتحقیق که هدایت کرده شده است بسوی راه راست ۹۷ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بپرهیزید از خدا
حق پرهیزکاری شایسته او و نمیرید شما البته مگر اینکه مسلمان باشید ۹۸ و چنگ در زنید بریسمان خدا همگی و متفرق مشوید بوقوع اختلاف
میانهٔ خودتان بلکه مجتمع باشید و متفق باشید در ایمان خودتان و ذکر کنید نعمت خدا را که بر شما لطف شده در وقتی که بودید
دشمن در زمان جاهلیت پس خدا الفت انداخت میان دلهای شما پس صبح کردید در حالتیکه برادر بودید بسبب نعمت خدا ۹۹
و بودید بر کنار گودالی از آتش پس رهانید خدا شما را از آن آتش اینطور ظاهر میکند خدا از برای شما آیات خودش را که شاید
شما راه بیابید ۱۰۰ و باید باشند از شما گروهی که بخوانند مردم را بسوی اسلام و امر بمعروف و نهی از منکر بکنند این گروه تماما
رستگارند ۱۰۱ و نباشید شما مثل آنکسانیکه متفرق شدند و اختلاف کردند بعد از آنکه آمد آنها را حجتها مثل قوم موسی و
متابعان عیسی گروهی هستند که از برای آنهاست عذاب دردناک ۱۰۲ روزیکه سفید میشود رویهای مؤمنین و سیاه میشود رویهای
کفار و منافقین پس اما آنکسانیکه سیاه شد رویهای آنها آیا کافر شدید شما بعد از ایمانتان پس بچشید عذاب را بسبب
کافر شدنتان ۱۰۳ و اما آنهائیکه سفید شد رویهای آنها پس در رحمت خدا هستند و ایشان در آن رحمت همیشه برقرار هستند

۱۰۴ آیت — ترجمهٔ صفحهٔ ۵۲ — آیات خدا

میخوانیم آیات را بر تو که پیغمبر هستی براستی و نیست خدا اینکه اراده بکند ظلمی را از برای احدی از جهانیان ۱۰۵ و از برای
خداست آنچه در آسمانها و هرچه در زمین است و بسوی خدا برگشته میشود کارها ۱۰۶ هستید شما بهترین امتها که بیرون آورده
شدید از برای مردم امر میکنید بنیکوئی و نهی میکنید از زشتی و گرویدید بخدا و اگر ایمان بیاورند یهود و نصاری که اهل کتاب
هستند بهتر خواهد بود برای آنها بعضی از ایشان گرویدگان به پیغمبر و قرآن و بیشتر از ایشان فرمان بردار نیستند ۱۰۷ ضرر
نمیرسانند بشما مگر اندکی همین قدر که ملامت کنند شما را از اسلام و وعده دادن بقتل و اگر جنگ کنند با شما پشت
میگردانند و فرار میکنند و بعد از فرار کسی از آنها یاری نمیکند ۱۰۸ زده شد بر ایشان خواری هرجا یافت شوند مگر اینکه
درآیند بریسمانی از خدا یعنی بزینهار درآیند و نکشند آنها را بدادن جزیه و یا درآیند بریسمانی از مردم یعنی در پناه مسلمانان آیند
و از کشتن خلاصی یابند و بسزاوار گرفتار شدند یهود بخشمی از خدا و زده شد بر آنها فقر و پریشانی این غضب خدا به
آنها برای آن بود که ایشان کفر میورزیدند بآیات خدا و میکشتند پیغمبران را بدون حق این حرکت آنها بجهت این بود که نافرمانی
کردند و بودند از جملهٔ کسانیکه از حد خود تجاوز نموده بودند ۱۰۹ نیستند مؤمنان اهل کتاب مساوی با کافران ایشان از
جملهٔ اهل کتاب گروهی هستند که ایستاده اند بر دین اسلام و قائمند بحدود الهی در ساعتهای شب میخوانند
آیات قرآن را در نماز خودشان در حالتیکه سجده میکنند یعنی نماز نافله میگذارند ۱۱۰ ایمان می آورند بخدا و
روز قیامت و امر میکنند بمعروف و نهی میکنند از منکر و میشتابند در خیرات کردن و آنگروه از نیکمردانند ۱۱۱
و هرچه میکنند از نیکی پس هرگز کافر نشوند بآن یعنی پشیمان نشوند از ارتکاب باعمال نیک و خدا داناست به پرهیز
کاران ۱۱۲ بدرستی آنهائیکه کافر شدند بی نیاز نمیکند مالها و اولادشان آنها را از خدا بهیچ چیز و آن گروه
یاران آتشند ایشان در آتش همیشه خواهند بود ۱۱۳ مثل آنچیزی که ایشان انفاق میکنند در این حیات دنیا
مثل بادیست که در آن سرمائیست که برسد بزراعت قومیکه ظلم کردند بنفسهای خودشان

ترجمهٔ صفحهٔ ۵۳

پس هلاک کند آن باد زراعت آنها را و ظلم نکرد خدا آنها را ولیکن خودشان بنفسهای خود ظلم کردند ۱۱۴ ای آن
کسانیکه ایمان آوردید دوست مخصوص و محرم اسرار بجز مسلمانان که با شما هم دین هستند نگیرید کوتاهی نمیکنند یهود در افساد امور شما و دوست
دارند هرچه را که برنج و زحمت بیفتاد از شماها را بتحقیق ظاهر شده است بغض و عداوت از دهنهای آنها که بی اختیار آثار عداوت
از زبان آنها بروز میکند و آنچه مخفی است در دلهای آنها بزرگتر است از آنچه بزبان میگویند بتحقیق ظاهر و روشن کردیم ما از
برای شما نشانه‌ها را اگر هستید که در مییابید ۱۱۵ آگاه باشید ببینید شما و اینانند یهودان دوست دارید شما ایشان را و
دوست ندارند ایشان شماها را و ایمان میآورید شما بتمام کتب و اگر ملاقات کردند شما را گویند ایمان آوردیم ما و وقتی خلوت کنند
میخایند سر انگشتان خود را بر شما از غیظ بگو بمیرید بسبب غیظ خودتان بدرستیکه خدا داناست باسرار سینه‌ها ۱۱۶ اگر برسد
بشما نیکی و خوشی بد میآید ایشان را و اگر برسد بشما بدی و آزاری شاد میشوند بآن و اگر صبر کنید شما و بپرهیزید از مصاحبت آنها
ضرر نمیرساند بشما مکر همه آنها هیچ چیز بدرستیکه خدا بآنچه میکنند احاطه کننده است ۱۱۷ و یاد بیاور ای محمد وقت صبح که بیرون شدی از
خانهٔ عیال خودت که عایشه بود و جا دادی مؤمنین را در مکانهای خودشان در احد بجهة جنگ کردن و هر کرا بجای خودش قرار
دادی و خدا شنوا و داناست ۱۱۸ وقتیکه قصد کردند دو طایفهٔ از شما باینکه بددلی کنند و برگردند بخانهای خود چنانچه عبدالله
بن ابی منافق بازگشت و در هر جا نماند و خدا یاور و نگاهبان آن دو طایفه شد پس باید توکل کنند بر خدا مؤمنان ۱۱۹
و بتحقیقکه یاری کرد شما را خدا در جنگ بدر حال اینکه شماها ذلیل بودید بواسطهٔ قلت عدد و کمی زاد و اسباب پس بپرهیزید
از خدا شاید شما شکرگذار شوید ۱۲۰ وقتیکه میگفتی از برای مؤمنین آیا کفایت نمیکند شما را اینکه کمک بدهد پروردگار
شماها را بسه هزار از فرشتگان که فرود آیند ۱۲۱ آری اگر صبر کنید و بپرهیزید و ثبات و تقوی داشته باشید و در اینحالت
بیایند دشمنان بر سر شما فورا مدد میکند پروردگار شما را به پنجهزار ملائک که اسبهای خود را نشان گذارده بودند ۱۲۲ و نگردانید
خدا امداد ملائکه را مگر اینکه مژده باشد برای شماها تا اینکه مطمئن شود دلهای شما بسبب آمدن فرشتگان و نیست نصرتی مگر

ترجمهٔ صفحهٔ ۵۴

از جانب خدای قادر دانا که نصرت داد شماها را در بدر تا اینکه قطع نماید و نیست کند پارهٔ از
متمردین کفار را یا اینکه برو در اندازد آنها را و برمیگردند ایشان از حالت اینکه بودند به ناامیدی و مایوسی ۱۲۳ نیست کار قتل کفار بدست
تو بهیچ وجه یا توبه میدهد خدا بر ایشان که داخل مؤمنین شوند یا عذاب میدهد ایشان را که اصرار در کفر خود داشته باشند زیرا که
ایشان ستمکارانند ۱۲۴ و از برای خداست هرچه در آسمانهاست و هرچه در زمین است میآمرزد هر که را میخواهد و خدا آمرزنده و مهربانست
۱۲۵ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید نخورید ربا را با زیادتیهای نفع در نفع و بپرهیزید از خدا شاید شما رستکار شوید ۱۲۶ و
بپرهیزید از آن آتشیکه مهیا شده است از برای کفار و اطاعت کنید خدا و رسول خدا را شاید شما رحم کرده شوید ۱۲۷ و بشتابید
بسوی آمرزش از جانب پروردگار خودتان و بشتابید بسوی بهشتی که عرض آن بهشت آسمانها و زمین است که آماده و مخصوص
شده است از برای پرهیزکاران ۱۲۶ آن کسانیکه انفاق میکنند مال خود را در خوشی و ناخوشی و فرو میبرند غیظ خود را
و در میگذرند از مردم اگرچه‌ها خطائی از کسی بآنها شده باشد و خدا دوست دارد نیکوکاران را ۱۲۹ و آنکسانیکه اگر کار زشتی کردند
یا ظلمی کردند بخودشان یاد خدا کردند پس طلب آمرزش کردند از برای گناه خودشان و کیست که بیامرزد گناهان را مگر خدا و اصرار
نکردند بر آنچه میکردند از اعمال زشت و ایشان میدانند که عمل زشت بد است ۱۳۰ آن گروه جزای آنها آمرزش است
از جانب پروردگار خودشان و بهشتهائیستکه جاری میشود از زیر درختان آن نهرها همیشه در آنجا باشند و خوبست
اجر نیکوکاران ۱۳۱ بتحقیق گذشت از پیش از شماها واقعه‌های بسیار از غم و شادیهای بیشمار پس بگردید در زمین و به
بینید چگونه بود عاقبت کار دروغگویان ۱۳۲ این بیانیست از برای مردم و راهیست و پندیست از برای پرهیزکاران
۱۳۳ سست نشوید و غمگین نشوید بر آنچه فوت شد شما را از غنیمت و حال اینکه شماها برتر و بهترید از سایر مردم اگر باشید شماها

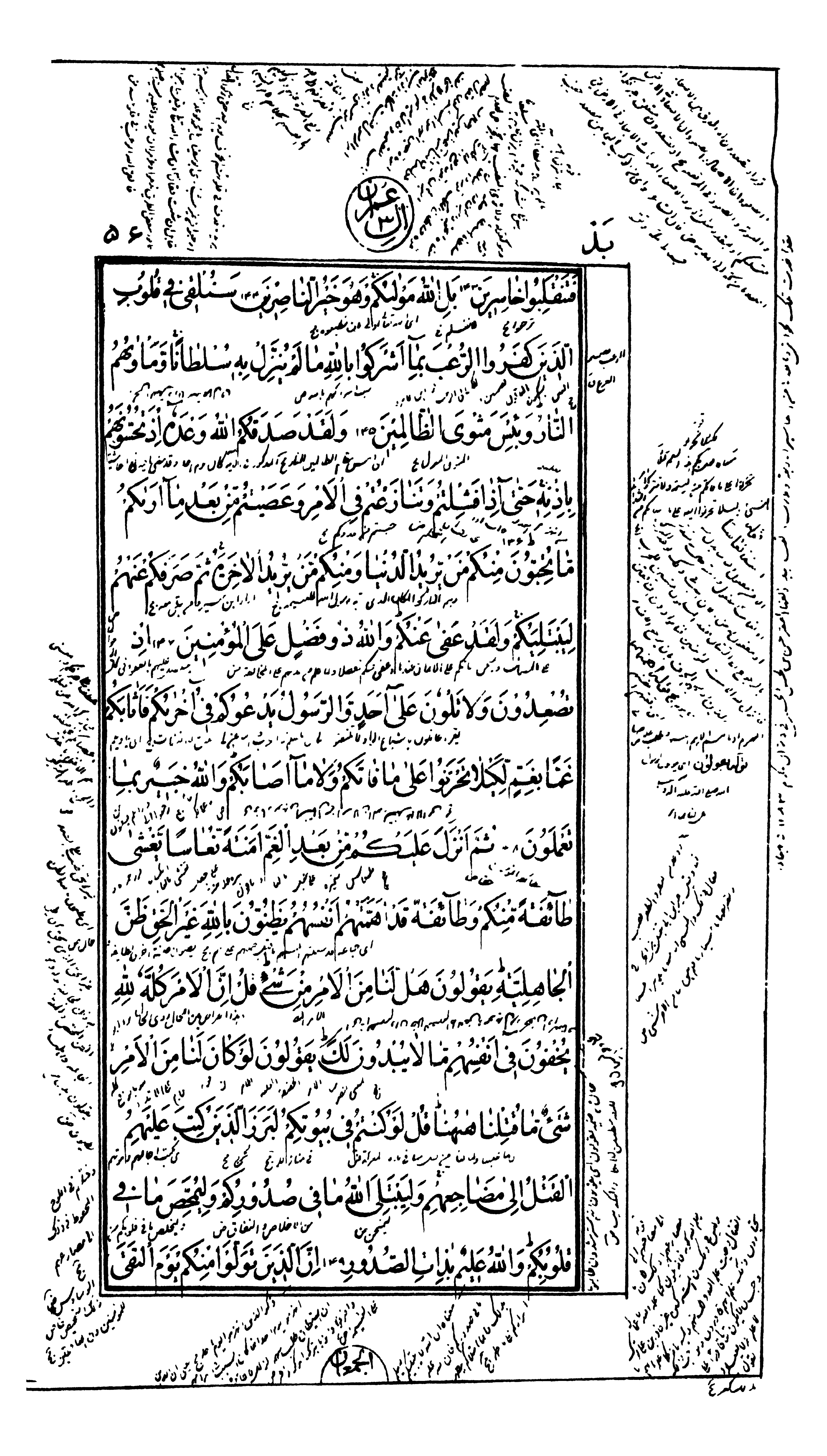
فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ١١٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ
الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ
إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ ١١٥ هَا أَنتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ
بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ
مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ١١٦ إِن
تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصْبِرُوا
وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ١١٧ وَإِذْ غَدَوْتَ
مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١١٨ إِذْ
هَمَّت طَّائِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ ١١٩ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ١٢٠ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم بِثَلَاثَةِ
آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ ١٢١ بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن
فَوْرِهِمْ هَٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ١٢٢
وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِن



عِندِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ
فَيَنقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿١٢٧﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ
فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا
أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ
الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾
وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ
الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا
فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ
الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ
جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى
وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم



مؤمنين ١٣٤ إن يمسسكم قرح فقد مس القوم قرح مثله وتلك
الأيام نداولها بين الناس وليعلم الله الذين آمنوا ويتخذ منكم شهداء
والله لا يحب الظالمين ١٣٥ وليمحص الله الذين آمنوا ويمحق الكافرين ١٣٦
أم حسبتم أن تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و
يعلم الصابرين ١٣٧ ولقد كنتم تمنون الموت من قبل أن تلقوه فقد
رأيتموه وأنتم تنظرون ١٣٨ وما محمد إلا رسول قد خلت من قبله
الرسل أفإن مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم ومن ينقلب على عقبيه
فلن يضر الله شيئا وسيجزي الله الشاكرين ١٣٩ وما كان لنفس أن
تموت إلا بإذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها
ومن يرد ثواب الآخرة نؤته منها وسنجزي الشاكرين ١٤٠ وكأين من
نبي قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما أصابهم في سبيل الله وما
ضعفوا وما استكانوا والله يحب الصابرين ١٤١ وما كان قولهم إلا
أن قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا وإسرافنا في أمرنا وثبت أقدامنا وانصرنا
على القوم الكافرين ١٤٢ فآتاهم الله ثواب الدنيا وحسن ثواب الآخرة والله يحب
المحسنين ١٤٣ يا أيها الذين آمنوا إن تطيعوا الذين كفروا يردوكم على أعقابكم



فتنقلبوا خاسرين ١٤٩ بل الله مولاكم وهو خير الناصرين ١٥٠ سنلقي في قلوب
الذين كفروا الرعب بما أشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا ومأواهم
النار وبئس مثوى الظالمين ١٥١ ولقد صدقكم الله وعده إذ تحسونهم
بإذنه حتى إذا فشلتم وتنازعتم في الأمر وعصيتم من بعد ما أراكم
ما تحبون منكم من يريد الدنيا ومنكم من يريد الآخرة ثم صرفكم عنهم
ليبتليكم ولقد عفا عنكم والله ذو فضل على المؤمنين ١٥٢ إذ
تصعدون ولا تلوون على أحد والرسول يدعوكم في أخراكم فأثابكم
غما بغم لكيلا تحزنوا على ما فاتكم ولا ما أصابكم والله خبير بما
تعملون ١٥٣ ثم أنزل عليكم من بعد الغم أمنة نعاسا يغشى
طائفة منكم وطائفة قد أهمتهم أنفسهم يظنون بالله غير الحق ظن
الجاهلية يقولون هل لنا من الأمر من شيء قل إن الأمر كله لله
يخفون في أنفسهم ما لا يبدون لك يقولون لو كان لنا من الأمر
شيء ما قتلنا هاهنا قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم
القتل إلى مضاجعهم وليبتلي الله ما في صدوركم وليمحص ما في
قلوبكم والله عليم بذات الصدور ١٥٤ إن الذين تولوا منكم يوم التقى

ترجمه صفحه پنجاه و پنج

گروندگان ۱۴۰ اگر برسد شما را زخمی در این جنگ احد بتحقیق رسیده است گروهی را از کفار زخم و خستگی مثل خستگی ایشان در روز جنگ بدر و این روزها
که مدار زندگی بر آنست میگردانیم آنرا میانهٔ مردم که یک روز خوشحال و یک روز بدحال باشند تا اینکه معلوم خدا مشهود کند و بشناساند آن کسانی
که ایمان دارند و پای ثبات در اوامر الهی دارند و بگیرد از شما گواهان از آنکه بجگرگوشه شهید شوید که کدام یک در جنگ ثبات دارند و
کدام بی صبری کردند و خدا دوست ندارد ظالمین را ۱۴۱ و تا خالص و پاک و پاکیزه کند خدا از گردانیدن دولت و مکنت آن کسانی را
که ایمان آوردند و محو و نابود کند کافران را ۱۴۲ آیا گمان میکنید اینکه داخل میشوید بهشت را و حال اینکه نمیداند خدا و نشناساند آن کسانی را
که جهاد کردند از شماها و نمیداند که کدام یک از شماها صبر کننده اید در روز جنگ احد ۱۴۳ و بتحقیق شماها بودید که آرزوی مرگ می کردید پیش از این
که ببینید شما مردن را پس بتحقیق دیدید شما روز مرگ را در روز جنگ احد که خویشان و اقربای شما کشته شدند و شما نگاه میکردید و نزدیک بکشته شدن
گردید با اینکه قبل از جنگ آن را آرزو مینمودید ۱۴۴ و نیست محمد مگر رسولی که بتحقیق گذشته است پیش از او پیغمبران چند پس اگر بمیرد یا کشته شود برمی
گردید بر پاشنه های پاهای خود تا بع هر که برگردد بپاشنه خودش یعنی مرتد شود و از جهاد کردن سرباز زند پس ضرر نمیرساند بخدا هیچ چیز را و ضرر این حرکت برای نفس
خودش خواهد بود و زود باشد که جزا دهد خدا شکرکنندگان را ۱۴۵ و نیست از برای هیچکس اینکه بمیرد مگر باذن خدا چنانچه در لوح محفوظ نوشته شده است
و آن نوشتن بموعد معین است که تقدیم و تاخیر در آن نیست و هرکس بخواهد ثواب دنیا را میدهیم از دنیا باو و در آخرت قسمتی برای او نخواهد بود و هر که بخواهد
ثواب آخرت را میدهیم از نعم اخروی باو و زود باشد که جزا دهیم شکرکنندگان را ۱۴۶ و چه بسیار از پیغمبر که جنگ کرد در حالتی که با او بودند جمع
کثیری از عالمان و زاهدان پس سست نشدند آن جمعیت از آن صدماتی که رسید ایشان را در راه خدا و ضعیف نشدند و فروتنی نکردند دست از حمایت
پیغمبر خود بر نداشتند و خدا دوست میدارد صبرکنندگان را ۱۴۷ و نبود گفتار آن علما و زاهدان مگر اینکه میگفتند پروردگارا بیامرز از برای ما
گناهان ما را و زیاده روی ما را که در کار خودمان میکنیم و ثابت بدار قدمهای ما را و نصرت بده ما را بر قوم کافران ۱۴۸ پس داد خدا آنها ثواب
دنیا را و خوبی ثواب آخرت را و خدا دوست دارد نیکوکاران را ۱۴۹ ای آن کسانی که ایمان آوردید اگر اطاعت کنید آن کسانی را که کافر شدند
برمیگردانند شما را بر اعقابتان پس برمیگردید زیانکاران

صفحه ۵۶

۱۵۰ بلکه خدا آقای شماست و او بهترین یاری کنندگان است ۱۵۱
زود باشد که بیندازیم در دلهای کفار ترس را بجهت اینکه شریک قرار دادند برای خدا چیزی را که نفرستاده است خدا برای شرک آوردن آنها
حجتی و دلیلی و جای آنها آتش است و بد است منزل و مسکن ظلم کنندگان ۱۵۲ و هرآینه بتحقیق راست کرد خدا وعدهٔ خودش را با شما وقتیکه کشتید
کفار را باذن خدا تا وقتی ضعیف شدید و سست شدید در کار جنگ و منازعه کردید در کار و نافرمانی کردید و بیرون رفتید از قرارداد و دستور پیغمبر
بعد از اینکه نشان داد بشما آنچه را که دوست داشتید از تاراج و غارت اموال ... بعضی از شما کسانی هستند که میخواهند دنیا را و آنها کسانی بودند
که در احد خلاف حکم رسول نموده مرکز را خالی کرده رو بغنیمت آوردند و بعضی کسانی هستند از شما که طالب میشوند آخرت را و آنها کسانی بودند
که از خدمت پیغمبر دور نشدند و محافظت او را کردند و آنها علی بود و دو نفر دیگر بعد از آن منصرف کرد خدا شما را از قتل کفار تا اینکه بیازماید شما را
و هرآینه بتحقیق درگذشت از حرکات خلاف قاعدهٔ شما و خدا صاحب فضل و کرامت است بر مؤمنین ۱۵۳ وقتی که فرار کردید و با اضطراب بشتاب دور
دور شدید و نزدیک نمیشدید باحدی و پیغمبر صدا میزد شما را با آواز بلند در عقب سر شما پس جزا داد شما را غمی بالای غم دیگر تا اینکه محزون نشوید
بعد از این بر آنچه از شما گم شود و هر مصیبتی که بشما وارد بیاید مقصود اینکه خدا خواست شما عادت کنید بترس و ضرر و کشته شدن که من بعد از وقوع
این حادثات غمگین و پریشان نشوید و خدا خبیر است بآنچه میکنید ۱۵۴ بعد از آن فرستاد خدا بشما بعد از غم امنیت خواب را که میپوشید و فرو میگرفت
این خواب طایفهٔ از شما را و طایفهٔ که منافق بودند و نفسهای ایشان بهم و غم انداخته بود ایشان را گمان میکردند بخدا بناحق مثل گمانهای جاهلیت که در جاهلیت
اعتقاد مردم این بود که مهم محمد فیصل پذیر نخواهد شد این طایفه هم بجهت سستی اعتقاد چنین گمانی میکردند و میگفتند آیا در وقت گریختن و فرار کردن هست برای ما
از فتح و ظفر چیزی بگو بدرستی کارها و ظفرها همه از برای خداست مخفی مینمایند در نفسهای خودشان چیزها را که اظهار نمیکنند از برای تو میگویند اگر بود از برای ما از ظفر
و پیشرفت کار چیزی کشته نمیشدیم در این مکان بگو اگر بودید شما در خانه‌های خودتان هرآینه بیرون می‌آمدند از برای جنگ کردن آن کسانی که نوشته شده بود کشته شدن
برای آنها در لوح محفوظ بسوی قتلگاه خودشان تا اینکه آزمایش بکند خدا آنچه را که در سینه‌های شماست و خالص بکند آنچه را که در دلهای شماست و خدا داناست بصاحبان سینه‌ها که هرکدام
در قلب خودشان چه دارند ۱۵۵ بدرستی آن کسانی که برگشتند از شما و روی گردان شدند روزی که بهم رسیدند
م ن -

صفحهٔ پنجاه و هفتم

دو لشکر یکی لشکر اسلام بود و یکی لشکر کفر در روز احد اینست و جز این نیست که لغزش داد پای آنها را شیطان بپارهٔ از آنچه کسب کرده بودند یعنی بواسطهٔ شیطان حرکت کرده خالی گذاشته رو بغنیمت و تاراج آوردند و هر آینه بتحقیق درگذشت خدا از گناه آنها بدرستیکه خدا آمرزنده و بردبار است ۱۵۰ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید نباشید مثل آنکسانیکه کافر شدند و گفتند از برای برادرهای خودشان وقتی که رفتند در زمین بتجارت یا بودند در حربگاه جنگ کننده اگر میبودند پیش ما نمیمردند آنهائیکه بتجارت رفته بودند و کشته نمیشدند آنهائی که بجنگ رفته بودند تا اینکه بگرداند خدا این عقیده را غم و اندوه در دل ایشان شما مسلمانان مثل آنها نباشید و خدا زنده میکند و میمیراند و خدا بآنچه میکنید بینا است ۱۵۱ و اگر کشته شوید در راه خدا یا بمیرید هر آینه آمرزشی است از جانب خدا و رحمت است بهتر است از آنچه جمع میکنند ۱۵۲ و اگر مردید یا کشته شدید هر آینه بسوی خدا محشور میشوید ۱۵۳ پس بجهت رحمت از جانب خدا که درباره تو شد در روز احد نرم شدی از برای گریختگان و اگر بودی تو بدخو و سخت دل هر آینه متفرق میشدند از اطراف تو پس حال که نرمی کردی بجهت اینکه رحمت خدا دربارهٔ تو شامل شده بود درگذر از تقصیر و نافرمانی ایشان و طلب آمرزش کن از برای آنها و مشورت کن از ایشان در امور جنگ و جهاد پس هر وقت بعد از مشورت عزم کردی در کاری پس توکل کن بخدا بدرستیکه خدا دوست دارد توکل کنندگان را ۱۵۴ اگر یاری کند شما را خدا پس نخواهد بود کسی که غلبه کند مر شما را و اگر خوار کند خدا شما را پس کیست آنکه یاری کند شما را بعد از خدا پس باید مؤمنون بخدا توکل کنند ۱۵۵ و نیست از برای هیچ پیغمبری اینکه خیانت کند و هر که خیانت کند میآید با خیانت خودش روز قیامت بعد از آن تمام داده میشود بهر نفسی آنچه کسب کرده است و ایشان ظلم کرده نمیشوند ۱۵۶ آیا آن کسی که متابعت بکند خوشنودی خدا را مثل آن کسی است که بازگردد بخشمی از خداوند و آرامگاه او دوزخ است و بازگشتی است جهنم ۱۵۷ متابعین درجه ها در نزد خدا است و خدا بینا است بهرچه میکنند ۱۵۸ هر آینه بتحقیق منت گذاشت خدا بر مؤمنین وقتی برانگیخت در میان آنها رسولی از خود آنها که میخواند بر آنها آیات خدا را و پاک میکند آنها را و تعلیم میکند

صفحهٔ پنجاه و هشتم

کتاب و حکمت را بآنها اگر چه بودند پیش از این در گمراهی آشکار ۱۵۹ آیا چون رسید بشما مصیبتی در جنگ احد بتحقیق رسید بملاحظه شما با دو مقابل این مصیبت بکفار که در این جنگ هفتاد نفر از شما کشته شد و در جنگ بدر هفتاد نفر کشته و هفتاد نفر اسیر شده بودند گفتید از کجا شد این شکست و حال اینکه ما مسلمانیم و پیغمبر در میان ما است بگو ای محمد این شکست از نزد اشخاص خودتانست بدرستیکه خدا بر هر چیز قادر است ۱۶۰ و آنچه رسید شما را روزی که تلاقی دو لشکر شد و آنچه رسید بشما در روزی که برابر شدند لشکر اسلام با لشکر کفر از قتل و جراحت هر چه بشما رسید باذن خدا بود تا اینکه معلوم شود مؤمن ثابت قدم کدام است و معلوم شود منافق کیست و گفته شد در آنروز از برای منافقین بیائید جنگ کنید در راه خدا که بکشید یا کشته شوید یا دفع کنید کفار را گفتند اگر میدانستیم حربیه جنگ کردن هر آینه متابعت میکردیم شما را ایشان از برای کفر در آنروز نزدیکتر بودند از اینکه نزدیک باشند از برای ایمان ۱۶۱ میگویند بزبانهای خودشان آنچه را که نیست در دلهای ایشان و خدا داناتر است بآنچه پنهان میکنند ۱۶۲ آن کسانیکه در خانه نشسته بودند و همراه قشون پیغمبر بجنگ نرفته بودند میگفتند برای برادرهای خودشان اگر آنهائیکه رفتند اطاعت ما را کرده بودند و بجنگ نمیرفتند کشته نمیشدند بگو بآنها پس دور کنید شما از خودتان مرگ را اگر راست میگوئید ۱۶۳ و گمان مکن ای محمد البته آن کسانی را که کشته شدند در راه خدا مردگانند بلکه زندگانند در نزد پروردگارشان روزی داده میشوند ۱۶۴ شادانند بآنچه داده است خدا بآنها از فضل خودش در ازای شهادت آنها و شادمانند بآن کسانی که بعد بدرجهٔ شهادت میرسند و بآنها ملحق خواهند شد و از عقب آنها خواهند رسید که نباشد ترس برای آنها و نه ایشان اندوهناک و غمگین میشوند ۱۶۵ شادمانند بسبب نعمتی که از جانب خدا بآنها رسیده و مزیتی که بآنها داده شده و بدرستیکه خدا ضایع نمیکند اجر مؤمنین را ۱۶۶ آن کسانیکه طلب اجابت کردند از برای خدا و از برای رسول خدا بعد از آنکه رسیده بود بایشان زخم مر آنهائیرا که نیکوئی کردند از ایشان و پرهیز نمودند اجر بزرگی است ۱۶۷ آن کسانی که گفتند برای ایشان مردم بدرستی مردمی که اجاع کردند از برای آمدن به بدر و جنگ کردن با شما پس بترسید از ایشان پس زیاد شد ایمان آنها و گفتند بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است ۱۶۸ پس برگشتند از بدر ثانی بسبب نعمتی که از جانب خدا

صفحهٔ پنجاه و نهم

بآنها برسید و زیادی کرامتی که نرسید بآنها بدی و متابعت کردند خوشنودی خدا را و خدا صاحب فضل بزرگست ۱۶۹ جز این نیست که این
شیطانست میترساند دوستان خودش را که منافقین باشند که نروند بالشکر پیغمبر و برگردند پس نترسید از ایشان و بترسید از من اگر هستید
از مؤمنین ۱۷۰ و اندوهناک نکند ترا آن کسانیکه شتاب میکنند در کفر بدرستیکه ایشان ضرر نمیرسانند خدا را هیچ چیز اراده میکند خدا اینکه نگرداند
برای ایشان بهره در آخرت و از برای آنهاست عذاب بزرگ ۱۷۱ بدرستی و بتحقیق آن کسانیکه خریدند کفر را با ایمان ضرر نمیرسانند بخدا
هیچ چیز و از برای آنهاست عذاب دردناک ۱۷۲ و گمان نکنند کفار که مهلت دادیم از برای آنها بهتر است برای ایشان مهلت دادیم
از برای ایشان تا اینکه زیاد کنند گناه را و از برای ایشانست عذاب خوار کننده ۱۷۳ هرگز نباشد که خدا وابگذارد مؤمنین را بر آنچه
هستید شما منافقین بر آن که آنها را استهزاء کنید و طعن بر آنها زنید بلکه این مهلت برای اینست که تمیز داده شود نجس از پاک ۱۷۴ و هرگز
نباشد که خدا آگاه بسازد شما را از غیب و لیکن خدا برمیگزیند از پیغمبرهای خودش هر که را میخواهد پس ایمان بیاورید بخدا و رسولان
خدا و اگر ایمان بیاورید و به پرهیزید پس از برای شماست مزد بزرگ ۱۷۵ و گمان نکنند آن کسانیکه بخل میکنند بآنچه داد خدا
از کرم خودش بایشان از دادن زکوة آنها این ندادن زکوة خوبست برای آنها بلکه آن شر است برای آنها ۱۷۶ زود باشد که مال
زکوة و سایر خیرات و مبرات را که بخل کردند و ندادند طوق کنند بگردن آنها در روز قیامت و از برای خداست میراث آسمانها و زمین
و خدا بهرچه میکنند آگاه است ۱۷۷ بتحقیق شنید خدا قول آن کسانی که گفتند بدرستی که خدا فقیر است و ما توانگرانیم زود باشد
که بنویسیم آنچه را گفتند و کشتن آنها پیغمبران را بدون حق و میگوئیم بچشید عذاب سوزاننده را ۱۷۸ این سوختن شما بجهت آن چیزهائیست
که پیش فرستاده است دستهای از اینکه کشته اید پیغمبران را و نسبت فقر بخدا و غنا بخودتان داده اید بدرستیکه خدا نیست ظلم کننده
از برای بندگان خودش ۱۷۹ آن کسانی که

صفحهٔ شصتم

گفتند بدرستی که خدا عهد کرد بسوی ما اینکه ایمان نیاوریم از برای رسولی تا اینکه بیاورد ما را قربانی که بسوزاند آنرا آتش
۱۸۰ بگو ای محمد بتحقیق آوردند شما را رسولانی پیش از من حجتها و آنچه را شما گفتید که قربانی آورند که آتش آنرا بسوزاند
پس چرا کشتید ایشان را اگر راست گو هستید ۱۸۱ پس اگر تکذیب کنند ترا بتحقیق تکذیب کرده شدند
رسولان که پیش از تو بودند و معجزه‌ها آورده بودند و زبورها و کتاب روشن آوردند ۱۸۲ هر نفسی چشنده است
مرگ را و جز این نیست که تمام داده میشود مزدهای خود را در روز قیامت پس هر که دور کرده شود از آتش و داخل
شود بهشت را پس بتحقیق رستگار شد و نیست حیات دنیا مگر متاع فریب ۱۸۳ هر آینه آزموده شوید در مالهای
خودتان و نفسهای خودتان و هر آینه البته خواهید شنید از کسانی که داده شد بآنها کتاب پیش از شما و از کسانی که
مشرک شدند ناخوشی و بدحرفی بسیار و اگر صبر کنید و بپرهیزید پس بدرستی که این صبر و پرهیزکاری از استواری و محکم کاری
دین است ۱۸۴ و وقتی گرفت خدا عهد از آن کسانیکه داده شدند کتاب که علمای یهود و نصاری بودند بر اینکه
بیان کنند و آشکار سازند آنچه را که در تورات و انجیل وصف محمد ص نموده است از برای مردم و کتمان نکنند آن را
پس انداختند آن عهد را پشت سر خودشان و خریدند آن عهد را بقیمت کمی پس بد است آنچه را که خریدند و بد معامله کردند
که آخرت جاویدان را بطعام دنیا فروختند ۱۸۵ گمان مکن ای محمد البته آن کسانیرا که شادی میکنند بآنچه
آوردند که کتمان نعت پیغمبر را که در تورات نوشته شده بود کردند و معذلک دوست داشتند که تمجید کرده شوند باین که وفا
بعهد خود کردند و نعت نبی را مخفی داشتند پس گمان مکن البته آنها رستگار از عذاب و از برای ایشانست عذاب دردناک ۱۸۶
و از برای خداست ملک آسمانها و زمین و خدا بر هر چیز قادر است ۱۸۷ بدرستیکه در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز
هر آینه نشانهاست از برای صاحبان خرد ۱۸۸ آنکسانیکه ذکر میکنند خدا را در حالت ایستادن و نشستن و در آن زمان که افتاده اند بپهلوهای خودشان

و فکر کنند در خلقت آسمانها و زمین و میگویند ای پروردگار ما خلق نکردی این را باطل منزهی تو پس نگاه دار ما را از عذاب آتش ۱۸۹ پروردگارا
بدرستیکه تو هر که را داخل آتش کنی بتحقیق خوار نموده او را و نیست از برای ظالمین یاری ۱۹۰ پروردگارا بدرستیکه ما شنیدیم نداکننده را که ندا
میکرد از برای ایمان که ایمان بیاورید به پروردگار خودتان پس ایمان آوردیم ما ۱۹۱ ای پروردگار ما بیامرز ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران
ما را با خوبان ۱۹۲ ای پروردگار ما بده ما را آنچه وعده دادی ما را بر تصدیق رسولان خودت و خوار مکن ما را در روز قیامت بدرستی که تو خلاف نمیکنی
وعدهٔ خود را ۱۹۳ پس پذیرفت از برای ایشان پروردگارشان اینکه من ضایع نمیکنم عمل هیچ عمل کننده از شما را از مرد یا زن بعض شما از بعضی
دیگر یعنی تفاوت در میان مرد و زن در اجر دادن نیست هر کس هر چه کرده است بجزای آن خواهد رسید چه مرد باشد و چه زن ۱۹۴ پس آنکسانیکه
هجرت کردند از دیار کفر و جهة اسلام بیرون آمدند و آنکسانیرا که بیرون کردند از خانهای خودشان مثل خود پیغمبر و آزار دیده شدند در راه من
و جنگ کردند و کشته شدند هر آینه بپوشانم از ایشان بدیهاشان را و هر آینه داخل کنم آنها را البته در بهشتهائی که جاریست از زیر درختان
آن نهرها ۱۹۵ پاداش دادنی از جانب پروردگار و در نزد خداست بهترین پاداشها یعنی اوست بهترین ثواب دهندگان ۱۹۶
نفریبد تو را البته آمد و شد کفار در شهرها برای تجارت و جمع کردن مال برخورداری آنها از مال خودشان کم است پس منزل آنها جهنم است
و بد آرامگاهی است جهنم ۱۹۷ لیکن آنکسانیکه پرهیز کردند پروردگار خودشان را از برای آنهاست بهشتهائیکه جاریست از زیر درختهای
آن نهرها همیشه در آن بهشتها خواهند بود و این نعمتی است که فرو فرستاده شده است از جانب خدا برای آنها و هر چه از جانب خداوند است
خوبتر است از برای نیکوکاران ۱۹۸ و بدرستیکه از اهل کتاب کسانی هستند که ایمان میآورند بخدا و بآنچه فرستاده شده است بسوی
شما از قرآن و احکام الله مؤمن بآنها هستند و بآنچه فرستاده شده است بسوی خودشان در حالتیکه ترسندگانند از برای خدا
و نمیفروشند آیات خدا را ببهای کم ۱۹۹ آن گروه برای ایشانست اجر آنها در نزد پروردگارشان بدرستیکه خداوند زود حسابست

حزب

صفحهٔ شصت و دوم

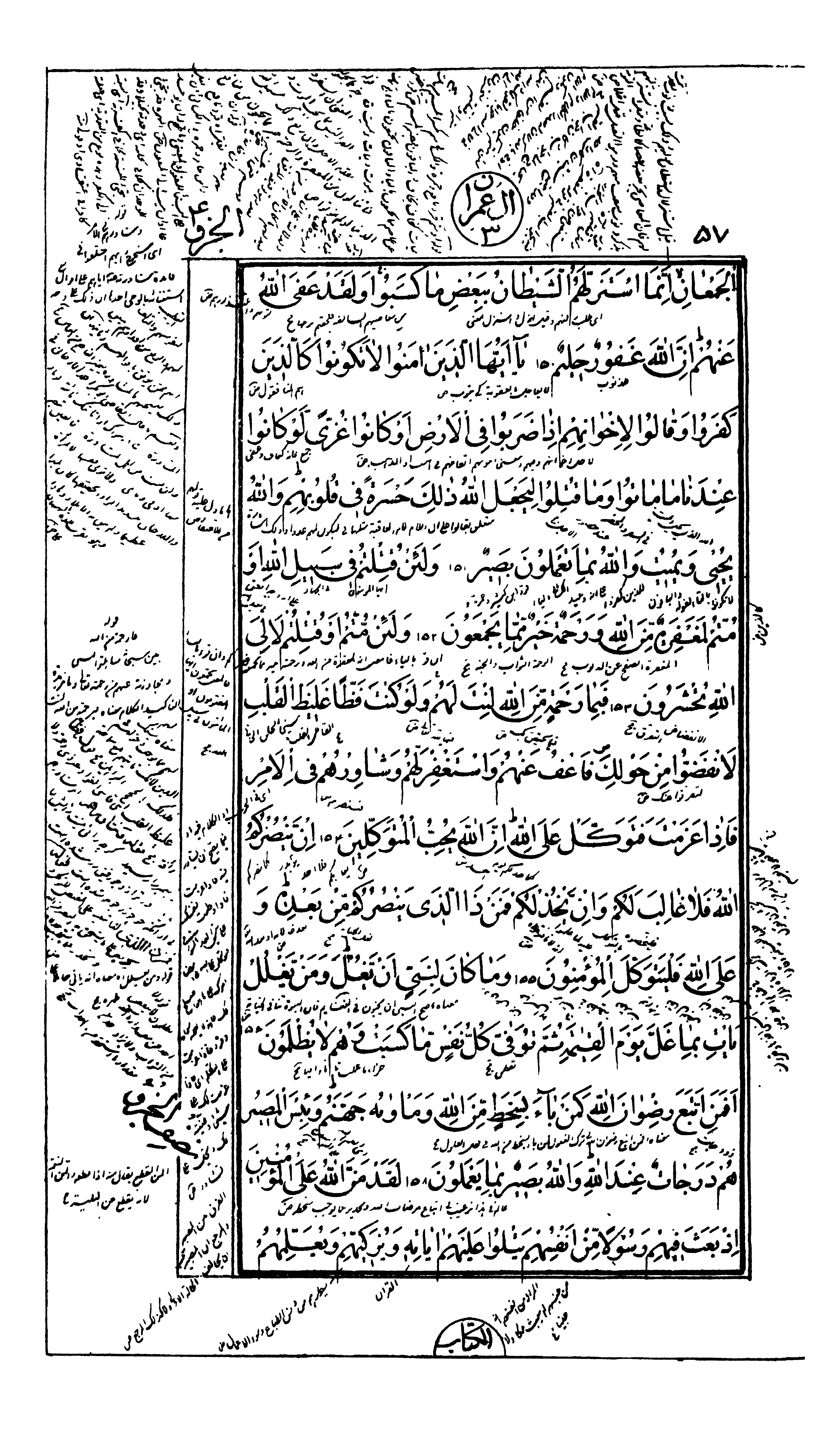
ای آنکسانیکه ایمان آورده اید آماده باشید و شکیبائی ورزید بر شدائد حرب با اعدا و ساخته و آماده باشید برای مقاتله با اعدا و بپرهیزید از خدا شاید شما رستگار شوید

حزب

سورهٔ نساء یکصد و هفتاد و شش آیه در مدینهٔ مبارکه نازل شده است

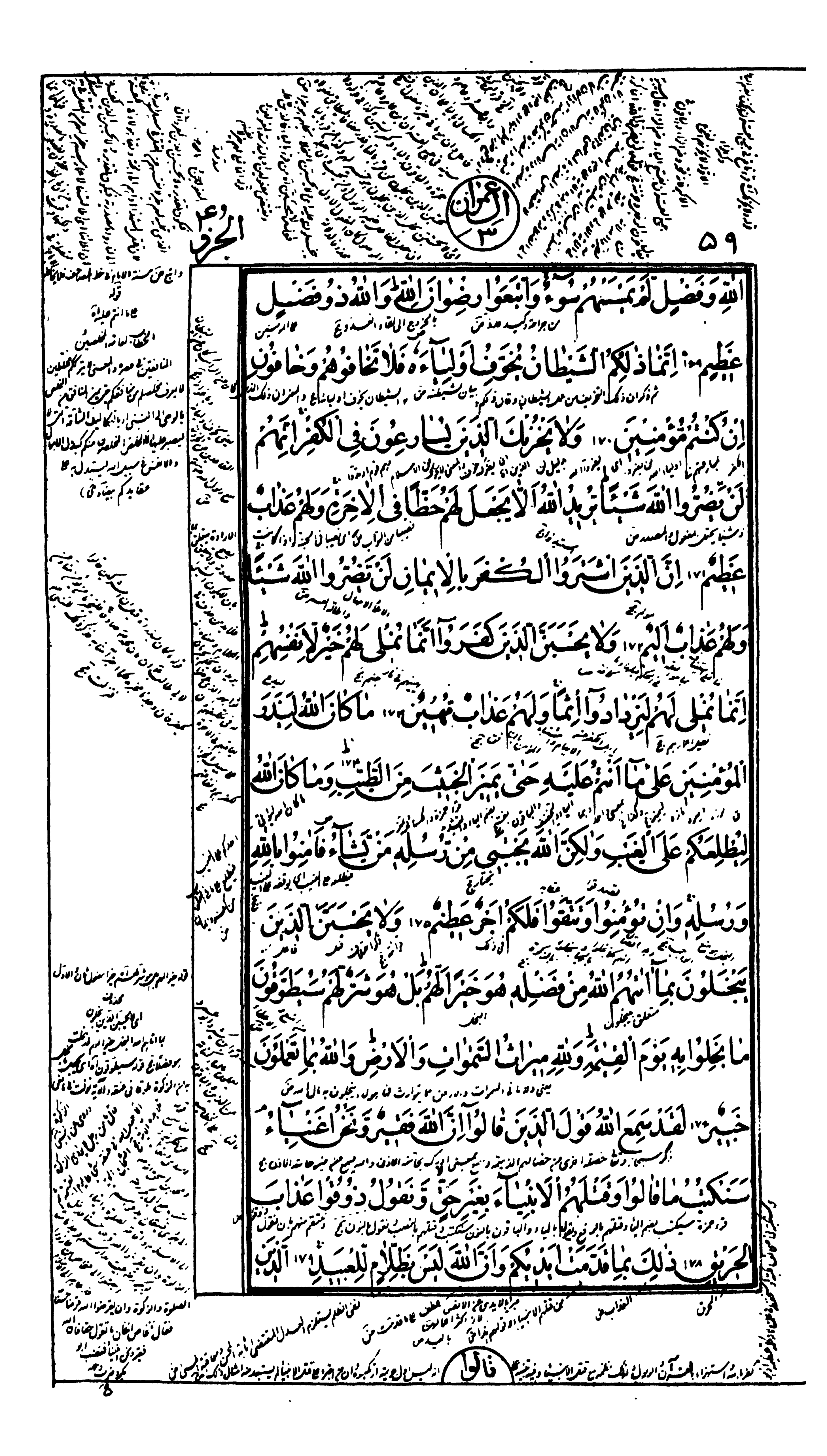
بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

ای مردمان بپرهیزید از پروردگار آنچنانی خودتان که خلق کرد شما را از یک تن و خلق کرد از آن یک تن جفت او را
و پراکند از این دو نفر مردان بسیار و زنهای بیشمار و بپرهیزید از خدائی که سؤال میکنید با یکدیگر بسبب
قسم خوردن بخدا و بپرهیزید از ارحامی که قسم میخورید بآنها بدرستیکه خدا میباشد بر شما نگاهبان ۲ و بدهید
به یتیمها اموال آنها را و تبدیل نکنید ناپاک را بپاک و نخورید مال آنها را با مالهای خودتان بدرستی که
این کار هست گناهی بزرگ ۳ و اگر بترسید شما اولیای یتیمان از اینکه عدالت نکنید در مال آنها پس
بعقد خود درآورید آنچه را که میل کنید و خوب باشد برای شما از زنهای یتیمان دو تا یا سه تا یا چهار تا و اگر بترسید
از اینکه نتوانید عدالت کنید در میانهٔ زنهای متعدد پس یک زن بگیرید یا از کنیزان که بملکیت در دست شما
است اکتفا کنید این آسانتر است از اینکه متعدد باشند که نتوانید بآنها برسید و بدهید مهر زنها را بطور
هبه کردن پس اگر ببخشند زنها یک مقداری از مهر خودشان را از روی میل و رضای خود پس بخورید آنچه را
که بخشیده اند خوش و گوارا ۴ و ندهید اموالی را که خدا برای شما مقرر کرده است به بی عقلان و قوت و لباس بآنها
بدهید و تکلم کنید بآنها بطور مهربانی ۵ و بیازمائید یتیمها را تا اینکه برسند بمقام نکاح پس اگر ببینید از آنها رشدی که بتوانند دفع
و جلب منفعت برای خود نمایند ۶ پس بدهید بآنها اموالشان را و نخورید آن مالها را بطور اسراف و تعجیل که مبادا صغیرها بزرگ شوند
و بمقام مطالبه برآیند و هر کس از اولیای یتیمان بی نیاز و مستغنی است باید در گذرد و بهیچوجه مداخله در مال آنها نکند و اگر فقیر باشد



الجمعان إنما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبوا ولقد عفا الله
عنهم إن الله غفور حليم ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تكونوا كالذين
كفروا وقالوا لإخوانهم إذا ضربوا في الأرض أو كانوا غزى لو كانوا
عندنا ما ماتوا وما قتلوا ليجعل الله ذلك حسرة في قلوبهم والله
يحيي ويميت والله بما تعملون بصير ۝ ولئن قتلتم في سبيل الله أو
متم لمغفرة من الله ورحمة خير مما يجمعون ۝ ولئن متم أو قتلتم لإلى
الله تحشرون ۝ فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب
لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الأمر
فإذا عزمت فتوكل على الله إن الله يحب المتوكلين ۝ إن ينصركم
الله فلا غالب لكم وإن يخذلكم فمن ذا الذي ينصركم من بعده و
على الله فليتوكل المؤمنون ۝ وما كان لنبي أن يغل ومن يغلل
يأت بما غل يوم القيامة ثم توفى كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون ۝
أفمن اتبع رضوان الله كمن باء بسخط من الله ومأواه جهنم وبئس المصير
هم درجات عند الله والله بصير بما يعملون ۝ لقد من الله على المؤمنين
إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم

الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين ١٥٩ اولما اصابتكم
مصيبة قد اصبتم مثليها قلتم انى هذا قل هو من عند انفسكم ان الله
على كل شيء قدير ١٦٠ وما اصابكم يوم التقى الجمعان فباذن الله
وليعلم المؤمنين ١٦١ وليعلم الذين نافقوا وقيل لهم تعالوا قاتلوا
في سبيل الله او ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا لاتبعناكم هم للكفر
يومئذ اقرب منهم للايمان يقولون بافواههم ما ليس في قلوبهم
والله اعلم بما يكتمون ١٦٢ الذين قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا
ما قتلوا قل فادرءوا عن انفسكم الموت ان كنتم صادقين ١٦٣
ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم
يرزقون ١٦٤ فرحين بما اتاهم الله من فضله ويستبشرون بالذين لم
يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يحزنون ١٦٥ يستبشرون
بنعمة من الله وفضل وان الله لا يضيع اجر المؤمنين ١٦٦ الذين استجابوا
لله والرسول من بعد ما اصابهم القرح للذين احسنوا منهم واتقوا
اجر عظيم ١٦٧ الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم
فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل ١٦٨ فانقلبوا بنعمة من



اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوٓءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ
عَظِيمٍ ١٦٩ إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ
إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ١٧٠ وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ
لَن يَضُرُّوا اللّٰهَ شَيْـًٔا يُرِيدُ اللّٰهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ١٧١ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللّٰهَ شَيْـًٔا
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٧٢ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ
إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ١٧٣ مَا كَانَ اللّٰهُ لِيَذَرَ
الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ١٧٤ وَمَا كَانَ اللّٰهُ
لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَٰكِنَّ اللّٰهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَآءُ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ
وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ١٧٥ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ
يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَاهُمُ اللّٰهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ
مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ ١٧٧ لَّقَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللّٰهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَآءُ
سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ
الْحَرِيقِ ١٧٨ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ١٧٩ الَّذِينَ

قالوا إن الله عهد إلينا ألا نؤمن لرسول حتى يأتينا بقربان تأكله
النار قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات وبالذي قلتم فلم
قتلتموهم إن كنتم صادقين ١٨٠ فإن كذبوك فقد كذب رسل من
قبلك جاءو بالبينات والزبر والكتاب المنير ١٨١ كل نفس ذائقة
الموت وإنما توفون أجوركم يوم القيامة فمن زحزح عن النار وأدخل
الجنة فقد فاز وما الحيوة الدنيا إلا متاع الغرور ١٨٢ لتبلون في
أموالكم وأنفسكم ولتسمعن من الذين أوتوا الكتاب من قبلكم و
من الذين أشركوا أذى كثيرا وإن تصبروا وتتقوا فإن ذلك من عزم
الأمور ١٨٣ وإذ أخذ الله ميثاق الذين أوتوا الكتاب لتبيننه للناس
ولا تكتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمنا قليلا فبئس
ما يشترون ١٨٤ لا تحسبن الذين يفرحون بما أتوا ويحبون أن يحمدوا
بما لم يفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب ولهم عذاب أليم ١٨٥
ولله ملك السموات والأرض والله على كل شيء قدير ١٨٦ إن في
خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار لآيات لأولي
الألباب ١٨٧ الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم و

بخورد از مال آنها بقدر حقی که در حفظ مال آنها دارد ۷ پس اگر رد کردید مال ایتام را بخود شان شاهد بگیرید بر ایشان و بس کو
حساب کننده است خدای تعالی ۸ از برای مردانست قسمتی از آنچه باز گذاشته است پدر و مادرشان و نزدیکان ایشان
و از برای زنهاست قسمتی از آنچه باز گذارده اند پدر و مادر و خویشان نزدیک ایشان از مال موروث اگر کم باشد یا زیاد باشد قسمت
معینی است برای آنها ۹ و اگر حاضر شدند در وقت قسمت کردن اموال خویشان و یتیمان و فقرا روزی بدهید آنها را از آن
مال موروث و با آنها بخوبی و مهربانی تکلم کنید ۱۰ و باید بترسند آن کسانیکه اگر بمانند از آنها اولادی که ضعیف
و ناتوان باشند بترسند از بگذرانی و پریشانی آنها پس باید بپرهیزند از خدا و باید بضعفا بگویند کلامی که صواب و صلاح
باشد ۱۱ بدرستی که آنکسانی که میخورند مال یتیمانرا از روی ظلم و ستم جز این نیست که میخورند در شکمهای خود آتشی را
و زود باشند که در آیند در آتش افروخته میفرماید خدا در اولاد شما از برای پسر مثل دو دختر پس اگر باشند زنان که پسر
نباشد و دختر باشد و زیاد تر از دو نفر باشند پس از برای آنهاست دو ثلث از ترکه که میانه آنها بالمساوی قسمت شود
و اگر اولاد منحصر بیک دختر باشد پس از برای نصف از ترکه مقرراست و از برای پدر و مادر میت برای هر یک آنهاست
شش یک از ترکه در صورتیکه میت اولاد داشته باشد و اگر اولاد نداشته باشد تمام ترکه بوالدین میرسد که مادر ثلث میبرد
و پدر دو ثلث و اگر برادر داشته باشد مادر شش یک میبرد از پس وصیتی که وصیت کرده باشد بآن یا قرضی که داشته باشد
نمیدانید شما که پدران شما یا اولاد و خویشان کدام یک نزدیکترند باینکه توانند منفعت دنیوی و اخروی بشما برسانند و خدا بدانچه
واجب فرمود در حکم که بعضی کمتر و بعضی زیادتر از ارث ببرند بتحقیق که خدا دانا و درست کار است ۱۲ و از برای شما
مردانست نصف آنچیزی که باز گذاشته اند زنان شما اگر نباشد از برای آنها اولادی پس اگر اولاد داشته باشند آن زنان
میت از برای شوهرانست ربع مال از هر چه باز گذاشته اند آن زنان بعد از وصیتی که بآن وصیت کرده باشند یا قرض آنها
۱۴ و از برای زنان است ربع از آنچه باز گذارده اید شما شوهران

صفحهٔ شصت و چهارم

اگر اولاد نداشته باشید پس اگر اولاد داشته باشید از برای زنان هشت یک مقرراست از هر چه باز گذاشته اید بعد از
وصیت یا قرض ۱۵ و اگر باشد مردی یا زنی میت که پدر و مادر نداشته باشد و برادر یا خواهر مادری داشته
باشد از برای هر یک از آن برادر و خواهر او شش یک مقرراست و اگر برادر و خواهر زیادتر از دو نفر داشته باشد
باید ثلث مال او در میان برادران و خواهران بتساوی قسمت شود بعد از وصیتی که کرده باشد یا قرض او
۱۶ در صورتی که وصیت آن میت یا اقرار بدین او غیر مضار باشد یعنی بقصد ضرر رسانیدن بوارث اقرار بدین
غیر واقع نکرده باشد حکم و فرمانست از جانب خدا و خدا دانا و بردبار است ۱۷ اینست حدهای احکام خدا هر کس اطاعت
کند خدا و رسول خدا را داخل میکند او را ببهشت هائیکه جاریست از زیر درختان آن نهر های آب همیشه در آن بهشتها باشند اینست
رستگاری بزرگ ۱۸ و هر کس نافرمانی کند خدا و رسول خدا را و در گذرد از حدود الهی داخل میکند او را باتشی همیشه در آن آتش هست و از برای
اوست عذاب خوار کننده ۱۹ و اگر زنهای شما مرتکب اعمال زشت میشوند پس گواه بگیرید بر آنها چهار نفر از خودتان پس اگر شهادت دادند
حبس کنید آن زنها را در خانه تا برسد بآنها مرگ یا بگرداند خدای برای آنها راهی ۲۰ و آن زن و مردیکه از شما اعمال بد را مرتکب شوند پس آنها
و تعزیر کنید ایشانرا اگر توبه کردند و صالح شدند پس در گذرید از آن مرد و زن بدرستیکه خدا قبول توبه کننده و مهربانست ۲۱ جز این نیست که
پذیرفتن توبه بر خداست از برای کسانیکه از روی نادانی کار بد میکنند و بعد بزودی توبه میکنند پس آنگروه هستند که توبهٔ آنها را خدا قبول میفرماید
و خدا دانا و حکیم است ۲۲ و نیست قبول توبه از برای کسانیکه مشغول اعمال بد هستند تا وقتی که برسد بیکی از
آنها مرگ آنوقت بگوید حالا توبه کردم و نیست آمرزش برای آن کسانیکه میمیرند و ایشان کافرند آنگروه هستند که مهیا کرده ایم برای ایشان عذاب دردناک ۲۳

صفحهٔ شصت و پنجم

ای آن کسانی که ایمان آورده اید حلال نیست برای شما که میراث بگیرید از زنها بکراهت و سخت گیری مکنید بر آنها برای
اینکه ببرید پارهٔ از آن چیزها اینکه بخانهٔ شما آورده اند مگر اینکه مرتکب شوند آشکارا بعمل زشتی و صحبت کنید با آنها
بخوبی و اگر کراهت داشته باشید از صحبت آنها پس شاید که مکروه باشید چیزیرا و بگرداند خدا در آن چیز خیریت بسیاری
۲۴ و اگر اراده کنید تبدیل کردن زنی را بزنی دیگر و آورده باشید یکی از آنها را مال بسیاری پس نگیرید از آن مال و
چیزی را آیا میگیرید از آن مال بسبب بهتان و گناه آشکار که نسبت بآن بگوئید برای اینکه چیزی از مال او بگیرید ۲۵ چگونه
میگیرید مال او را و حال اینکه بتحقیق اتصال پیدا کرده است و گذشته است بعضی از اجزای شما با بعضی دیگر و گرفته اند آن زنها
از شما عهد و پیمان محکم ۲۶ و بزنی نگیرید آنچه را که بزنی گرفته است پدران شما از زنها مگر آنچه را پیشتر کرده اند قبل
از نزول آیهٔ تحریم بدرستی که اینعمل زشت است و دشمنی است و بد راهی است ۲۷ حرام کرده شد بر شما مادرهای
شما و دخترهای شما و خواهرهای شما و عمه های شما و خاله های شما و دختران برادر شما و دختران خواهر شما و مادرهائی که
شیر دادند بشما و خواهرهای هم شیر شما و مادرهای زنهای شما و دختر زنهائی که در خانه شما هستند از آن زنهائی که
تصرف کرده اید در آنها و دخول کرده اید بایشان و اگر دخول نکرده باشید بر آن زنان باکی نیست بر شما و زنهای
پسرانی که از اصلاب شما هستند و جمع نکنید میانهٔ دو خواهر که هر دو را یکدفعه بزنی اختیار کنید مگر اینکه یکی را طلاق
داده باشید دیگری را اختیار کنید مگر آنچه را پیشتر کرده باشید بدرستی که خدا آمرزنده و مهربانست
۲۸ و حرام است زنان شوهردار بر شما مگر آنهائی که بملکیت شما در آمده باشند نوشته و حکم است
از جانب خدا بر شما و حلال است از برای شما سوای اینها که ذکر شد اینکه بخواهید بسبب اموال خودتان زنهای با عفت غیر زناکننده

صفحهٔ شصت و ششم

پس هر چه را اقرار دادید که بآن چیز بهره مند شوید از زنها بدهید مهرهای آنها را که واجبست دادن مهر و گناهی نیست بر شما
در آنچه طرفین بآن راضی باشید بعد از مقام وجوب که اگر ببخشد زن مهر خود را گناهی نخواهد بدرستی که خدا
دانا و درست کار است ۲۹ و هر کس استطاعت ندارد از شماها از حیثیت مال باینکه زنی بخواهد
از باعفتهای آزاد مؤمنه پس بزنی بخواهد از کنیزان جوان مؤمنه که در ملکیت شماها هست و خدا داناتر
است بایمان و گرویدن شماها بعضی از بعضی دیگر بعمل آمده اند حسب و نسب ملحوظ نیست ایمان مراد است
پس بزنی بخواهید ایشانرا باذن اهل ایشان و بدهید مهر آنها را بدون کسر و نقصی کنیزان با عفت که نه آشکارا زناکار باشند
و نه رفیق پنهانی گیرند ۳۰ پس وقتی شوهر کردند اگر عمل زنا از آنها سر زد پس بر آنها است نصف آن قدر تعزیری که برای
زنان با عفت آزاد مقرر است این خواستن و اختیار کردن کنیزانرا بزنی برای کسی است از شما که بترسد از زنا کردن
و اگر صبر کنید و کنیزانرا بزنی نخواهید بهتر است از برای شما و خدا آمرزنده و مهربانست ۳۱ میخواهد خدا تا روشن
و آشکار کند از برای شماها و بنماید بشماها طریقه های آنکسانیکه پیش از شما بودند و قبول توبه کند بر شماها و خدا دانای درستکار است
۳۲ اراده میکند خدا اینکه قبول توبه کند بر شماها و اراده میکنند آنهائیکه متابعت میکنند شهوتها را باینکه میل کنید از راه راست میل کردن بزرگی که
داخل معاصی کبیره شوید اراده میکند خدا اینکه سبک کند از شماها گناهها را و خلق شده است انسان ناتوان و عاجز ۳۳ ای آنکسانیکه
ایمان دارید نخورید مالهای خودتانرا در میان خود بباطل و حرام مگر اینکه باشد تجارتی که رضای طرفین در آن باشد و نکشید نفسهای خودتانرا یعنی از خوردن
مال حرام نفس انسانی مثل مرده میشود بتحقیق خدا بشماها رحم کننده و مهربانست ۳۴ و هر کس بکند این کار را که بخورد مال غیر را از روی تعدی و ظلم
پس زود باشد که در آوریم او را در آتش و هست اینکار یعنی در آوردن ظالمانرا در آتش بر خدا آسان ۳۵ اگر دوری کنید از گناهان کبیره
که منع شده اید از آن می پوشانیم از شماها بدیهای شما را و داخل میکنیم شماها را در بهشت که جای بزرگی است ۳۶



يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا

سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ١٩١ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ

أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظّٰلِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ١٩٢ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي

لِلْإِيمٰنِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَـَٔامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا

سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ١٩٤ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي

لَا أُضِيعُ عَمَلَ عٰمِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثٰى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ١٩٥

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيٰرِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقٰتَلُوا

وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهٰرُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ١٩٥ لَا يَغُرَّنَّكَ

تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلٰدِ ١٩٦ مَتٰعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ١٩٧

لٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا

نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ١٩٨ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ

لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خٰشِعِينَ لِلّٰهِ لَا يَشْتَرُونَ

بِـَٔايٰتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولٰٓئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ١٩٩

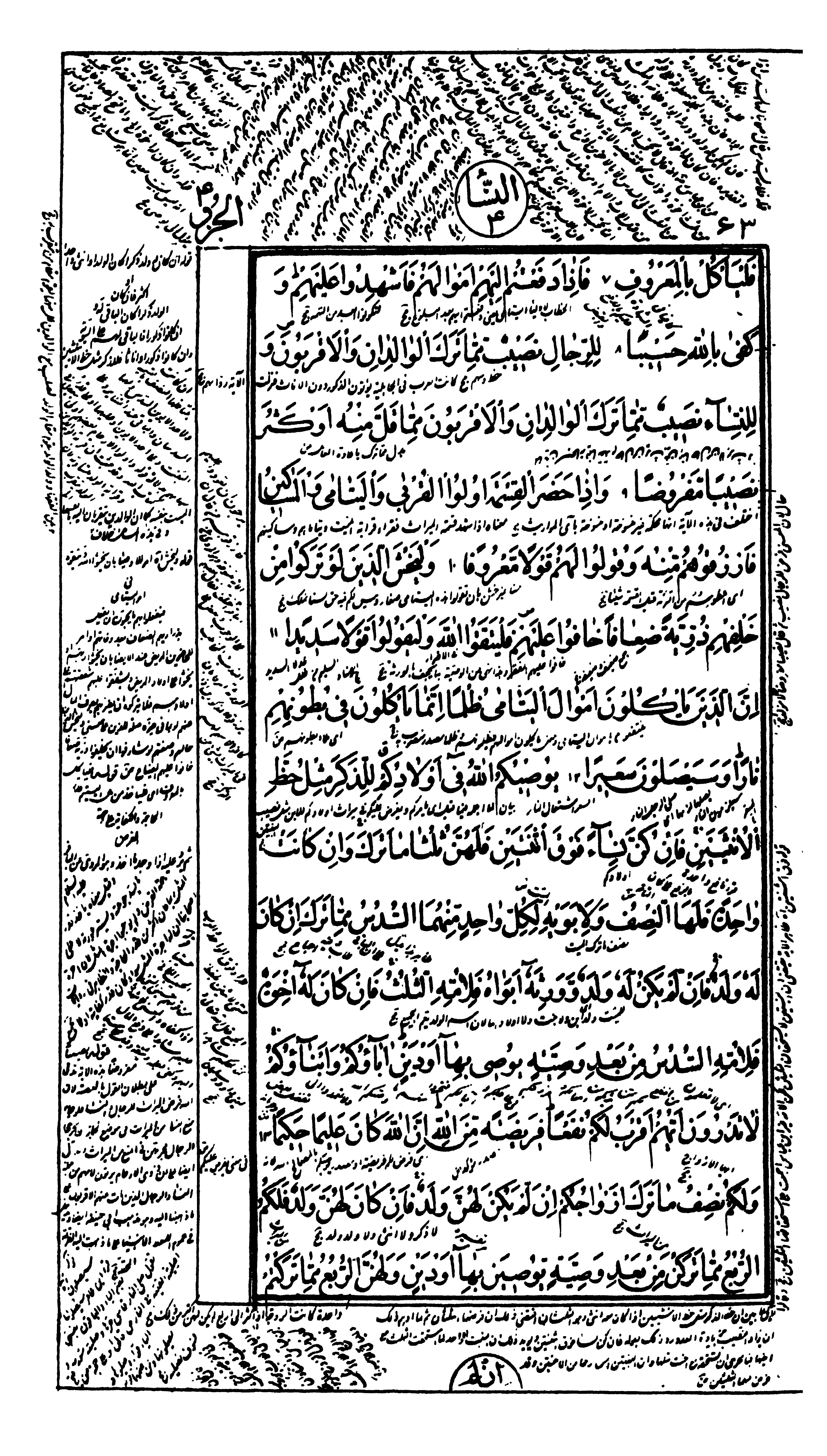


يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

سورة النساء مدنية وهي مائة وسبع وسبعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ
مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ
بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝ وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا
تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ ۖ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ ۚ إِنَّهُ
كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ۝ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ
لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۝ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ
نِحْلَةً ۚ فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا ۝ وَلَا
تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا
وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا
النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَا
إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا ۚ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۖ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا



فليأكل بالمعروف ٧ فإذا دفعتم إليهم أموالهم فأشهدوا عليهم و
كفى بالله حسيبا ٨ للرجال نصيب مما ترك الوالدان والأقربون و
للنساء نصيب مما ترك الوالدان والأقربون مما قل منه أو كثر
نصيبا مفروضا ٩ وإذا حضر القسمة أولوا القربى واليتامى والمسكين
فارزقوهم منه وقولوا لهم قولا معروفا ١٠ وليخش الذين لو تركوا من
خلفهم ذرية ضعافا خافوا عليهم فليتقوا الله وليقولوا قولا سديدا ١١
إن الذين يأكلون أموال اليتامى ظلما إنما يأكلون في بطونهم
نارا وسيصلون سعيرا ١٢ يوصيكم الله في أولادكم للذكر مثل حظ
الأنثيين فإن كن نساء فوق اثنتين فلهن ثلثا ما ترك وإن كانت
واحدة فلها النصف ولأبويه لكل واحد منهما السدس مما ترك إن كان
له ولد فإن لم يكن له ولد وورثه أبواه فلأمه الثلث فإن كان له إخوة
فلأمه السدس من بعد وصية يوصي بها أو دين آباؤكم وأبناؤكم
لا تدرون أيهم أقرب لكم نفعا فريضة من الله إن الله كان عليما حكيما ١٣
ولكم نصف ما ترك أزواجكم إن لم يكن لهن ولد فإن كان لهن ولد فلكم
الربع مما تركن من بعد وصية يوصين بها أو دين ولهن الربع مما تركتم



إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ
تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٥ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ
أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ
شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ١٦ غَيْرَ مُضَارٍّ
وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ١٧ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَ
رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٨ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ
نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ١٩ وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن
نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي
الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ٢٠ وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا
مِنكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا
٢١ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن
قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ٢٢ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ
لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ
وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ٢٣ يَا أَيُّهَا



الذين آمنوا لا يحل لكم أن ترثوا النساء كرها ولا تعضلوهن لتذهبوا
ببعض ما آتيتموهن إلا أن يأتين بفاحشة مبينة وعاشروهن
بالمعروف فإن كرهتموهن فعسى أن تكرهوا شيئا ويجعل الله فيه
خيرا كثيرا وإن أردتم استبدال زوج مكان زوج وآتيتم
إحداهن قنطارا فلا تأخذوا منه شيئا أتأخذونه بهتانا وإثما مبينا
وكيف تأخذونه وقد أفضى بعضكم إلى بعض وأخذن منكم
ميثاقا غليظا ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم من النساء إلا ما قد سلف إنه
كان فاحشة ومقتا وساء سبيلا حرمت عليكم أمهاتكم وبناتكم
وأخواتكم وعماتكم وخالاتكم وبنات الأخ وبنات الأخت وأمهاتكم
اللاتي أرضعنكم وأخواتكم من الرضاعة وأمهات نسائكم وربائبكم
اللاتي في حجوركم من نسائكم اللاتي دخلتم بهن فإن لم تكونوا
دخلتم بهن فلا جناح عليكم وحلائل أبنائكم الذين من أصلابكم
وأن تجمعوا بين الأختين إلا ما قد سلف إن الله كان غفورا رحيما
والمحصنات من النساء إلا ما ملكت أيمانكم كتاب الله عليكم
وأحل لكم ما وراء ذلكم أن تبتغوا بأموالكم محصنين غير مسافحين فما



اَسْتَمْتَعْتُمْ بِهٖ مِنْهُنَّ فَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ فَرِيْضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا
تَرٰضَيْتُمْ بِهٖ مِنْۢ بَعْدِ الْفَرِيْضَةِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ٢٩ وَمَنْ لَّمْ
يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا اَنْ يَّنْكِحَ الْمُحْصَنٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ
مِّنْ فَتَيٰتِكُمُ الْمُؤْمِنٰتِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْۢ بَعْضٍ فَانْكِحُوْهُنَّ
بِاِذْنِ اَهْلِهِنَّ وَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ مُحْصَنٰتٍ غَيْرَ مُسٰفِحٰتٍ
وَّلَا مُتَّخِذٰتِ اَخْدَانٍ ٣٠ فَاِذَآ اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ
مَا عَلَى الْمُحْصَنٰتِ مِنَ الْعَذَابِ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَاَنْ تَصْبِرُوْا
خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ٣١ يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِيْنَ
مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوْبَ عَلَيْكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ٣٢ وَاللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يَّتُوْبَ
عَلَيْكُمْ وَيُرِيْدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهَوٰتِ اَنْ تَمِيْلُوْا مَيْلًا عَظِيْمًا ٣٣ يُرِيْدُ اللّٰهُ
اَنْ يُّخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيْفًا ٣٤ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْٓا
اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا
تَقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ٣٥ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا
وَّظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيْهِ نَارًا وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ٣٦ اِنْ تَجْتَنِبُوْا
كَبٰٓئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا كَرِيْمًا ٣٧



وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا
اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ اِنَّ
اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ٣٢ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ
وَالْاَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ اَيْمَانُكُمْ فَاٰتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى
كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ٣٣ اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ
عَلٰى بَعْضٍ وَبِمَا اَنْفَقُوا مِنْ اَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ
لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ
فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَاِنْ اَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا اِنَّ اللّٰهَ
كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ٣٤ وَاِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ اَهْلِهٖ
وَحَكَمًا مِنْ اَهْلِهَا اِنْ يُرِيدَا اِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُمَا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ
عَلِيمًا خَبِيرًا ٣٥ وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهٖ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا
وَبِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتَامٰى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبٰى وَالْجَارِ الْجُنُبِ
وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ
مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ٣٦ اَلَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَاْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ
يَكْتُمُونَ مَا اٰتٰيهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَاَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ٣٧ وَالَّذِينَ



يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ
مَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ٣٨ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ
الْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ٣٩ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا
عَظِيمًا ٤٠ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ
شَهِيدًا ٤١ يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ
الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ٤٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ
وَأَنتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ
تَغْتَسِلُوا وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ
لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ
وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ٤٣ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا
مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ ٤٤ وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ٤٥ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا
يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ
مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ

و آرزو نکنید با آنچه افزونی داد خدا بان بعضی از شماها را ببعضی دیگر از برای مردها بهره ایست از آنچه کسب میکنند و از برای زنها بهره
ایست از آنچه کسب میکنند و بخواهید از خدا تا بدهد شما را از فضل خودش بدرستی که خدا بهر چیزی داناست ۳۷ و از برای
هرکس قرار دادیم میراث از آنچه گذاشتند پدرو مادران و خویشان و آن کسانیکه بسته اند با شما سوگند پس بدهید بهرهٔ ایشانرا
بدرستیکه خدا بر هر چیزی گواه است ۳۸ مردها استیلا دارند بر زنها بجهت تفضیلی که داد خدا بعضی را ببعضی دیگر و بجهت انفاق
کردن از مالهاشان پس زنان نیکوکار فرمانبر و نگاهدارنده اند مال و عصمت خود شانرا در غیاب شوهران خود بچیزی که
نگاهداشت خدا آنهارا بواسطهٔ امر فرمودن بحفظ و نگاهداشتن و آن زنانی که میترسید نافرمانی آنهارا پس نصیحت کنید
آنهارا و کناره کنید از خوابگاه آنها و بزنید آنهارا پس اگر اطاعت کردند شماها را پس بجوئید برآنها راه توبیخ و سرزنش
بدرستیکه خدا برتر و بزرگست ۳۹ و اگر بترسید از شقاق و نفاق که جدائی شود میان زن و مرد پس برانگیزید حاکمی
از کسان خود آنزن و حاکمی از کسان آن مرد اگر مقصود ایشان اصلاح باشد مهربانی میدهد خدا میانهٔ آنزن و آن شوهررا
بدرستی که خدا دانا و آگاه است ۴۰ و عبادت کنید خدا را و شریک قرار ندهید بخدا هیچ چیزرا و نیکوئی بکنید
بپدر و مادر خودتان و باقوام نزدیک و به یتیمان و بفقیران و خویشان نزدیک بصلهٔ رحم و بیتیمان و بدرویشان بی
بضاعت که مؤنهٔ سال خود را ندارند و همسایگان خویش آوند که هم حق جوار دارند و هم قرابت و همسایگان دور
که بعضی تا چهل خانه دورتر مقرر کرده اند و بمصاحب و رفیقی که در جوار شما است و بابن سبیل یعنی پیاده که از راه
میرسد خواه فقیر باشد یا نباشد و بان کنیز و غلامانی که مالک هستید بدرستی که خدا دوست ندارد کسی را که نازنده
کننده و فخر کننده است ۴۱ آنکسانیکه بخل میکنند و امر میکنند مردمرا ببخل کردن و پنهان میکنند آنچه را که خدا از فضل و کرم خود بآنها
داده است و آماده کردیم برای آنکسانیکه کفران نعمترا میکنند و پنهان میدارند فضل و کرم مارا و بخل میکنند عذاب خوار کننده ۴۲ و آنهائیکه

انفاق میکنند مالهای خود شانرا برای دیدن مردم و نمودن بآنها و ایمان نمیآورند بخدا و بروز قیامت و هر که باشد دوستش شیطان
بدعقیده و با او همنشین پس بد قرینی است شیطان ۴۳ چه میشد برآنها اگر ایمان میآوردند بخدا و بروز قیامت و انفاق میکردند از آنچه
روزی داده است خدا بآنها و خدا داناست بایشان ۴۴ بدرستیکه خدا ظلم نمیکند بقدر ذرهٔ و اگر باشد نیکوئی که از مسیحی
حسنه یافت شود دو برابر میکند آنرا و میدهد خدا از جانب خودش مزد بزرگ ۴۵ پس چون وقتی آوردیم از هر امتی گواهی
از پیغمبران آن امتها و بیاوردیم ترا ای محمد بر این قوم خودت گواه که شهادت بدهی بر نافرمانی آنها آنروز دوست دارند آنکسانی
که کافر شدند و نافرمانی کردند با پیغمبر اگر هموار شود بآنها زمین که بروند زیر خاک و پنهان باشند از انظار و نپوشانند از خدا
سخنی را بجهت اینکه شهادت دهد باعمال آنها پیغمبر و جوارح آنها ۴۶ ای کسانیکه ایمان آورده اید نزدیک نشوید بنماز در
حالتی که مست باشید تا اینکه بدانید چه میگوئید و نزدیک نشوید نماز را در وقتی که جنب باشید مگر وقتی که در راه رفتن باشید
تا اینکه غسل کنید و اگر باشید ناخوش یا در سفر باشید یا اینکه بیاید یکی از شماها از غایطی یا مقاربت کردید با زنها پس نیافتید آبرا پس
تیمم کنید بخاک پاکی پس مسح کنید یعنی بمالید برو های خودتان و دستهای خودتان بدرستیکه عفو کننده و آمرزنده است ۴۷ آیا
ندیدی آنکسانیرا که داده شد بآنها بهره از کتاب یعنی علمهای یهود که میخرند گمراهی را و اراده میکنند که گمراه کنند مسلمانانرا و خدا
داناتر است بعقاید دشمنهای شما و بس است مهربانی و دوستی خدا و بس است یاری کردن خدا ۴۸ بعضی از یهود تغییر
میدهند کلماترا از جاهای خودش یعنی آنچه درباره نبوت پیغمبر خاتم نوشته شده است بر میدارند و چیز دیگر بجای آن مینویسند
و میگویند به پیغمبر که شنیدیم فرمایشات ترا و نافرمانی کردیم و عرض مارا که غیر این نخواهی بشنید و رعایت کن از ما می
پیچند سخنرا بزبانهای خودشان و بطور استهزاء سخن میگویند و طعن میزنند بدین اسلام و اگر آنها بگویند شنیدیم

صفحهٔ شصت و نهم

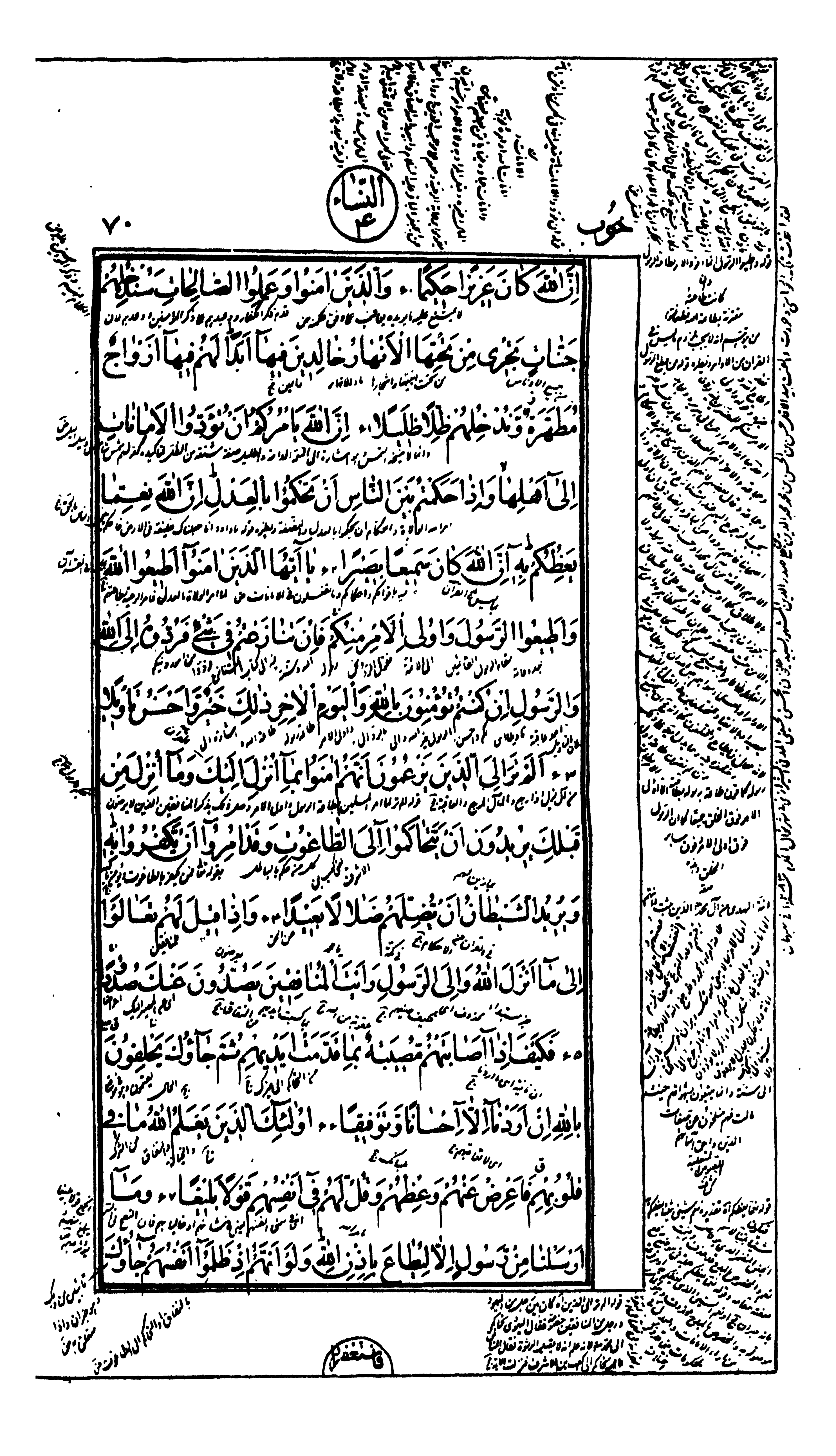
واطاعت کردیم و تو هم ای پیغمبر بشنو سخن ما را و نگاه کن و ملاحظه کن ما را بهتر است از برای آنها و راست تر و صواب تر است
از اینکه بطور استهزاء سخن بگویند ولیکن لعنت کند ایشان را خدا بسبب کفر آنها پس ایمان نمیآورند و نمیگروند مگر گرویدنی کمی
در نهایت ضعف که معتبر نیست ۵۰ ای کسانیکه کتاب آورده شده یعنی ای علماء یهود ایمان بیاورید بقرآنیکه فرستادیم ما
که مصدقست از برای توراتی که با شماست پیش از آنکه روی شماها را منطمس کنیم یعنی چشم و ابرو و دماغ و دهن شما را محو کنیم
و برگردانیم روی شماها را بعقب سر شما یا اینکه لعن کنیم و از رحمت خودمان دور کنیم شماها را مثل آنکسانیکه حرمت روز شنبه را
نگاه نداشتند و بلعنت ما گرفتار شدند و هست حکم خدا کرده شده ۵۱ بدرستی که خدا نمیآمرزد آنکسی را که شرک باو بیاورد و
میآمرزد هرچه را که سوای شرکست آنرا از برای هرکس که میخواهد و هرکس شرک بخدا بیاورد بیقین افترا کرده است یعنی بر بافته
است گناه بزرگی ۵۲ آیا نمی بینی آنکسانی را که می ستایند خودشان را بپاکیزگی و بیگناهی بلکه خدا پاک و پاکیزه میکند هر که را میخواهد و ستم کرده
نشوند بمقدار رشته باریکی که در شکاف خرماست ۵۳ نگاه کن که چطور بر میبافند دروغ را بخدا و بس است مفتری را گناه آشکار واضح
۵۴ آیا نمی بینی آنکسانی را که داده شده است بآنها بهره از کتاب توراة که میگروند بجبت و طاغوت که هر دو بت هستند و میگویند کفار
قریش را که بت پرستان بهترند از مسلمانان از جهة دین و مذهب ۵۵ ایشان یعنی یهود آنهائی هستند که لعن کرده خدا آنها را و هر کس را که
لعن بکند پس نمی یابی برای او یار و یاوری ۵۶ یا برای ایشان بهره از سلطنت یعنی ابداً سلطنت بآنها داده نخواهد شد و در هنگامیکه صاحب مالی
هم بشوند نخواهند داد بمردم بقدر نقیری یعنی بقدر گودی که بر پشت دانهٔ خرماست ۵۷ یا حسد میبرند بمردم بر آنچه داده است خدا بآنها از کرم
خودش پس بتحقیق دادیم آل ابراهیم را کتاب و حکمت و دادیم آنها را سلطنت بزرگی ۵۸ پس بعضی از یهود کسانی هستند که ایمان آوردند بمحمد
و بعضی هستند که اعراض کردند از او و ایمان نیاوردند و پسندیده است برای آنهائیکه ایمان نیاوردند جهنم و آتش افروخته ۵۹ بدرستیکه آنکسانیکه
کافر شدند بآیات ما زود باشد داخل کنیم آنها را بآتشی که هر وقت پخته شود پوست بدن آنها عوض کنیم پوست آنها را و پوستی از نو بآنها بدهیم که غیر از

پوست اول آنها باشد | **صفحهٔ هفتادم** | تا اینکه بچشند عذاب را

بدرستیکه خدا غالب و درستکار است ۶۰ و آنکسانیکه ایمان آوردند و اعمال خوب از آنها ظاهر شد زود باشد که داخل میکنیم آنها را بهشتی که
جاری باشد از زیر درختان آن جویهای آب همیشه در آن بهشت باشند از برای آنها در آن بهشت زنهای پاک پاکیزه است و داخل میکنیم آنها را
بسایه های طولانی یعنی براحت مستدام ۶۱ بدرستیکه خدا امر میفرماید شماها را باینکه رد کنید امانتها را بصاحبانشان و هر وقت حکومت کنید میانهٔ
مردم حکم کنید بعدالت بدرستیکه خدا خوب پندی میدهد شما را براهنمائی عدالت بدرستیکه خدا شنونده و بیناست ۶۲ ای کسانیکه ایمان آوردید
اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر خدا را و اطاعت کنید صاحبان حکومت را که از شما حاکم باشد یعنی ائمهٔ اطهار را پس اگر منازعه کنید
در چیزی پس برگردانید بحکم خدا و رسول اگر ایمان بخدا و بروز قیامت دارید این بهتر و نیکوتر است برای عاقبت امور شما ۶۳ آیا نمی بینی
آنکسانی را که گمان میکنند که گرویده اند بقرآنیکه فرو فرستاده شده است بر تو که پیغمبری و گرویده اند بتورات و انجیل که فرستاده شده است
پیش از تو میخواهند که داوری برند بسوی طاغوت و بتحقیق مأمور شدند باینکه کفر ورزند بطاغوت و اطاعت حکم طاغوت نکنند
قصد میکند شیطان باینکه گمراه کند آنها را گمراهی دوری ۶۴ و اگر گفته شود بآن مردم که بیائید بسوی آنچیزی که فرستاده
است خدا و بیائید نزد رسول خدا می بینی منافقین را رو بگردانند از تو اعراض کردنی ۶۵ پس چگونه
است وقتی برسد ایشان را غم و اندوهی که نتیجهٔ اعمال پیش خودشان است بعد میآیند نزد تو
و قسم میخورند بخدا که ما قصدی نداشتیم مگر نیکی کردن و توفیق یافتن ۶۶ آنها کسانی هستند که میداند خدا آنچه
در دلهای آنهاست که دروغ گویند پس کناره کن و رو بگردان از آنها و نصیحت کن بآنها و بگو بشخص آنها گفتنی بلیغ
و کفی که در دلهای آنها اثر کند که اگر ترک دروغگوئی و قسم دروغ خوردن و تزویر را نکنند بقتل خواهند رسید
۶۷ و نفرستادیم پیغمبری مگر اینکه اطاعت کنند او را باذن خدا و اگر آن کفار منافقین آمدند نزد تو و رو گردانند از طاغوت



أطعنا واسمع وانظرنا لكان خيرا لهم وأقوم ولكن لعنهم الله بكفرهم
فلا يؤمنون إلا قليلا ۝ يا أيها الذين أوتوا الكتاب آمنوا بما نزلنا
مصدقا لما معكم من قبل أن نطمس وجوها فنردها على أدبارها
أو نلعنهم كما لعنا أصحاب السبت وكان أمر الله مفعولا ۝ إن الله لا
يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله فقد
افترى إثما عظيما ۝ ألم تر إلى الذين يزكون أنفسهم بل الله يزكي من
يشاء ولا يظلمون فتيلا ۝ انظر كيف يفترون على الله الكذب وكفى
به إثما مبينا ۝ ألم تر إلى الذين أوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون
بالجبت والطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء أهدى من الذين
آمنوا سبيلا ۝ أولئك الذين لعنهم الله ومن يلعن الله فلن تجد له
نصيرا ۝ أم لهم نصيب من الملك فإذا لا يؤتون الناس نقيرا ۝
أم يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله فقد آتينا آل إبراهيم
الكتاب والحكمة وآتيناهم ملكا عظيما ۝ فمنهم من آمن به ومنهم من
صد عنه وكفى بجهنم سعيرا ۝ إن الذين كفروا بآياتنا سوف نصليهم
نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب



إن الله كان عزيزا حكيما ٥٦ والذين آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم
جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا لهم فيها أزواج
مطهرة وندخلهم ظلا ظليلا ٥٧ إن الله يأمركم أن تؤدوا الأمانات
إلى أهلها وإذا حكمتم بين الناس أن تحكموا بالعدل إن الله نعما
يعظكم به إن الله كان سميعا بصيرا ٥٨ يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله
وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم فإن تنازعتم في شيء فردوه إلى الله
والرسول إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر ذلك خير وأحسن تأويلا
٥٩ ألم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك وما أنزل من
قبلك يريدون أن يتحاكموا إلى الطاغوت وقد أمروا أن يكفروا به
ويريد الشيطان أن يضلهم ضلالا بعيدا ٦٠ وإذا قيل لهم تعالوا
إلى ما أنزل الله وإلى الرسول رأيت المنافقين يصدون عنك صدودا
٦١ فكيف إذا أصابتهم مصيبة بما قدمت أيديهم ثم جاؤك يحلفون
بالله إن أردنا إلا إحسانا وتوفيقا ٦٢ أولئك الذين يعلم الله ما في
قلوبهم فأعرض عنهم وعظهم وقل لهم في أنفسهم قولا بليغا ٦٣ وما
أرسلنا من رسول إلا ليطاع بإذن الله ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤك

فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ٦٨
فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في
انفسهم حرجا مما قضيت ويسلموا تسليما ٦٩ ولو انا كتبنا عليهم ان
اقتلوا انفسكم او اخرجوا من دياركم ما فعلوه الا قليل منهم ولو انهم
فعلوا ما يوعظون به لكان خيرا لهم واشد تثبيتا ٧٠ واذا لاتيناهم من
لدنا اجرا عظيما ٧١ ولهديناهم صراطا مستقيما ٧٢ ومن يطع الله والرسول
فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين والصديقين و
الشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا ٧٣ ذلك الفضل من الله
وكفى بالله عليما ٧٤ يا ايها الذين امنوا خذوا حذركم فانفروا ثبات او انفروا
جميعا ٧٥ وان منكم لمن ليبطئن فان اصابتكم مصيبة قال قد انعم الله علي اذ
لم اكن معهم شهيدا ٧٦ ولئن اصابكم فضل من الله ليقولن كان لم تكن
بينكم وبينه مودة يا ليتني كنت معهم فافوز فوزا عظيما ٧٧ فليقاتل في سبيل الله
الذين يشرون الحيوة الدنيا بالاخرة ومن يقاتل في سبيل الله فيقتل
او يغلب فسوف نؤتيه اجرا عظيما ٧٨ وما لكم لا تقاتلون في سبيل الله
والمستضعفين من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه

القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنك وليا واجعل لنا من
لدنك نصيرا ٧٥ الذين امنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا
يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا اولياء الشيطن ان كيد
الشيطن كان ضعيفا ٧٦ الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم و
اقيموا الصلوة واتوا الزكوة فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم
يخشون الناس كخشية الله او اشد خشية وقالوا ربنا لم كتبت علينا
القتال لولا اخرتنا الى اجل قريب قل متاع الدنيا قليل والاخرة
خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا ٧٧ اينما تكونوا يدرككم الموت و
لو كنتم في بروج مشيدة وان تصبهم حسنة يقولوا هذه من عند الله
وان تصبهم سيئة يقولوا هذه من عندك قل كل من عند الله فما
ل هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا ٧٨ ما اصابك من حسنة
فمن الله وما اصابك من سيئة فمن نفسك وارسلنك للناس رسولا
وكفى بالله شهيدا ٧٩ من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما
ارسلنك عليهم حفيظا ٨٠ ويقولون طاعة فاذا برزوا من عندك
بيت طائفة منهم غير الذي تقول والله يكتب ما يبيتون فاعرض عنهم

و توبه کردند و طلب آمرزش کرد پیغمبر برای آنها هرآینه خواهند یافت خدا را که قبول کننده است توبه را و مهربانست
۶۵ پس نه چنین است قسم بپروردگار تو که ایمان نمیآورند تا آنکه حکم قرار بدهند تو را در آنچیزیکه اختلاف شده است
میانهٔ آنها و بعد از اینکه حکم کردی میانهٔ آنها نیابند در دلهای خود تنگی از آنچه بر آن حکم کردی و گردن نهند گردن نهادنی که ظاهراً
و باطناً راضی باشند ۶۶ و اگر ما می نوشتیم بر آنها اینکه بکشند نفسهای خود را یعنی اعراض کنید از کفار یا بیرون بروید
از خانهای خودتان برای جهاد کردن قبول نمیکردند و بجها د نمیرفتند مگر کمی از آنها که ایمان صادق داشتند و اگر آنها
میکردند آنچه پند داده میشوند خوب بود از برای آنها و سبب استحکام مثبوت ایمان آنها بود ۶۷ و در آنهنگام که اطاعت
میکردند هرآینه میدادیم ما ایشانرا از جانب خودمان مزد بزرگی و هرآینه هدایت میکردیم با یشان راه راستی ۶۸ و هرکس اطاعت
میکند خدا و رسول را پس ایشان با آنکسانی هستند که نعمت داده خدا بر آنها از پیغمبران و راستگویان و شهیدان و ستودگان و اینها
خوب رفیقانی هستند ۶۹ این بخشش از خداست و بس است خدای دانا ۷۰ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بگیرید اسلحه
خود را پس بیرون بروید برای جهاد دسته دسته یا بیرون بروید همه یکدفعه ۷۱ و بدرستیکه از شما کسی هست که کاهلی میکند در امر
جهاد کردن و بجنگ جهاد نمیرود پس اگر برسد بشما مصیبتی میگوید خدا انعام کرد بر من که حاضر نبودم با آنها در جنگ ۷۲
و اگر برسد بشما نعمتی از جانب خدا از فتح و غنیمت قطعاً بگوید بطوریکه هرگز میانهٔ او و شما مودت و دوستی نبوده است
که کاش بودم من با آنها پس فیض میبردم فیض بزرگی از غنایم ۷۳ پس باید جنگ کنند در راه خدا آنکسانیکه میخرند زندگانی
دنیا را بآخرت و هرکس کارزار کند در راه خدا پس کشته شود یا مغلوب شود زود باشد که بدهیم او را مزد بزرگی ۷۴ و چه
چیز است از برای شما که جهاد نمیکنید در راه خدا از روی جد و جهد برای استخلاص ناتوانان و بیچارگان از مردها و زنها
و اطفالی که در مکه اسلام آورده گرفتارند و میگویند ای پروردگار ما بیرون بفرست ما را از این ده که

صفحهٔ هفتاد و دویم

اهل آن ظلم کنندگانند و بگردان از برای ما از جانب خودت دوستی و بگردان از برای ما از جانب خودت یاری کننده
۷۵ آن کسانیکه ایمان آورده اند جنگ میکنند در راه خدا و آن کسانی که کافرند جنگ میکنند در راه طاغوت
پس جنگ کنید با کفاری که دوستان شیطانند بدرستی که حیلهٔ شیطان ضعیف است در پیش اراده پروردگار ۷۶
آیا نمی بینی آنکسانیرا که گفته شد بآنها که شتاب در جنگ کردن نکنید و باز دارید دستهای خود تانرا از جنگ کردن و نماز
کنید و زکوة بدهید پس وقتی که نوشته شد برای آنها جنگ کردن با کفار در بدر آنوقت طایفهٔ از آنها میترسیدند از
مردمانی که دشمن بودند مثل ترسی که بنده از خدا دارد یا سخت تر از آن و گفتند پروردگارا چرا نوشتی بر ما جنگ کردن را
چرا تاخیر نکردی برای ما جنگ کردن را تا زمان مرگ که بما نزدیکست بگو بآنها ای پیغمبر که برخورداری دنیا کم است و آخرت بهتر است
از برای کسیکه پرهیزکار باشد و ستم کرده نمیشوید بقدر رشته که در رخنهٔ هستهٔ خرماست ۷۷ هرجا باشید درمی یابد شما را مرگ
اگرچه باشید در برجهای محکم استوار و اگر برسد منافقین را نیکی میگویند این از جانب خداست و اگر برسد بآنها بدی میگویند
این بدی از تو است ای محمد بگو ای پیغمبر همه از جانب خداست پس چه چیز است از برای این مردم که نزدیک بفهمیدن هیچ سخنی نیستند ۷۸ هرچه برسد
ترا از نیکوئی پس از جانب خداست و هرچه برسد ترا از بدی پس از نفس خودت است و فرستادیم ما ترا ای پیغمبر رسول و کافیست خدا بگواه بودن
۷۹ هرکس اطاعت کند رسول را بتحقیق اطاعت کرده است خدا را و هرکس رو بگرداند و در مقام اطاعت قول تو نه پیغمبری نباشد پس
نفرستادیم ما تو را برای آنها حفظ کننده که بجبر آنها را از معاصی باز داری ۸۰ و میگویند منافقین بتو ای محمد که از ما اطاعت است
برای تو پس چون بیرون میروند از پیش تو شب باهم می نشینند طایفهٔ از آنها و میگویند غیر از آنچه بآنها میگوئی
و خدا می نویسد آنچه که در شب باهم میگویند در مخالفت بتو بنامهٔ اعمال آنها پس اعراض کن و رو بگردان از آنها

و توکل کن بر خدا و کافیست خدا بقیام در امور ۸۴ آیا تدبر و تفکر نمی کنند در قران که تمام معجز است و احکام لازم
الاتباع هست و اگر می بود این قران از نزد غیر خدا هرآینه می یافتند در آن اختلاف بسیاری که مردم در مطالب آن مباحثات
میکردند ۸۵ و اگر برسد منافقین را خبری از آسودگی یا ترس قشون مومنین اسلام فشا و آشکار کنند آنخبر را بدون تحقیق و
رسیدگی و اگر باز گذارند به پیغمبر و بصاحبان حکم که سرداران و پیشوایان مسلمین هستند هرآینه دانند آنکسانیکه استخراج میکنند خبر صحیح را
و نیکو تحقیق مینمایند از احوال مومنین قشون یعنی پیغمبر و صحابهٔ او خبر را استرا درست تحقیق میکنند و اگر صلاح حال مسلمانان باشد
افشا مینمایند و اگر نبود بخشش و رحمت خدا بر شما ها هرآینه متابعت میکردید شیطانرا مگر کمی از شما ها بسبب عقل خود کامل هستید ۸۶
پس کارزار کن در راه خدا تکلیف نکن بکسی مگر بخود ت و تحریص کن مومنین را از و دانست که خدا باز دارد آسیب کفار را و آسیب ضد سخت
تر است و سخت عقوبت تر است ۸۷ هر کس شفاعت کند شفاعت نیکوئی که در بارهٔ مومنین دعا کند میباشد از برای دعا کننده
قسمتی از آن دعا و هر کس دعا کند در بارهٔ دیگری دعای بدی میباشد بر این دعا کننده قسمتی و بهرهٔ از آن دعا و خدا بر هر چیز نگاهبان است
۸۸ و اگر تحیت داده شوید شما به تحیتی پس تحیت کنید او را به بهتر از آن که او تحیت کرده است مثلا کسی که بگوید سلام علیک شما بگوئید السلام علیکم و رحمة الله و اگر
بهتر از آن جواب نگوئید بهمان قدر که او تحیت کرده است جواب بگوئید بدرستیکه خدا بر هر چیز حساب کننده است ۸۹ خدا نیست خدائی مگر او هرآینه جمع میکند
شما را در قبرها تا روز قیامت که نیست شکی در آن و در این وعده و فرمایش خداست و کیست از خدا راستگو تر ۹۰ پس چه چیز است از برای شما در بارهٔ منافقین
که بدو فرقه شده اید خدا برگرداند آنها را در حکم کفار که قتل و اسیر است بسبب اعمال آنها آیا میخواهید هدایت کنید کسی را که فرو گذاشته است او را خدا و هر کس را
خدا واگذارد پس نمی یابی برای او راه نجاتی ۹۱ دوست داشتند اگر کافر شوید شما همچنین که خود ایشان کافر شدند پس باشید با کفار یکسان پس نگیرید از
ایشان دوستان تا اینکه مهاجرت کنند از کفر ببلاد اسلام و داخل شوند در راه خدا پس اگر اعراض کنند و برگردند از مهاجرت باسلام بگیرید آنها را و بکشید آنها را

هر جا یافتید و نگیرید از آنها دوستی و نخواهید از آنها نصرت و یاری ۹۲ مگر آنکسانیکه صفحهٔ هفتاد و چهارم

بپیوسته شوند با طایفه که میانهٔ شما و آنها عهد شده است یا اینکه بیایند نزد شما در حالتیکه تنگ شده باشد سینه های آنها از اینکه با شما جنگ کنند یا جنگ
کنند با اقوام خود شان که کافر بودند و اگر بخواهد خدا هرآینه مسلط میکند ایشانرا بر شما ها که ترس را از دل آنها بیرون میکند و با شما ها جنگ میکنند پس اگر کناره
گیرند از شما ها و جنگ نکنند با شما و القا کنند بسوی شما مسالمت و انقیاد که امان بخواهند پس نگرداند خدا شما ها را بر آنها راهی که در آنوقت حق جنگ کردن
و دشمنی کردن داشته باشید ۹۳ زود باشد که بیابی دیگرانرا که اراده میکنند بسبب اظهار اسلام ایمن شوند از شما و ایمن شوند از قوم خود شان و در باطن کافر باشند
هر وقت بخواهند و خبر کنند آنها را بسوی فتنه باز گردانیده شوند بسوی آن فتنه و کفر خود را ظاهر سازند پس اگر کناره نگیرند از شما و نیفکنند بسوی شما
صلح و دوستی را و باز نداشته باشند دستهای خود شانرا از جنگ و جدال پس بگیرید آنها را هر جا یافتید و بکشید آنها را هر جا دست یافتید بر آنها و آنها را
که گردانیدیم از برای شما بر آنها حجتی روشن از قتل و اسیری آنها ۹۴ و نیست حکم از برای هیچ مومنی که بکشد مومنی دیگر را مگر بطور خطا و سهو و هر کس
بکشد مومنی را از روی خطا باید آزاد کند بندهٔ مومنی را و دیه بدهد که تسلیم شود و داده شود بورثهٔ آن مقتول مگر اینکه ورثه ببخشند حق خود شانرا بقاتل
و اگر مقتول از طایفهٔ باشد که دشمن شما هستند و خود مقتول مومن بوده است باید آزاد کند قاتل بندهٔ مومنی را و دیه ندهد و اگر مقتول
از طایفهٔ باشد که میانهٔ شما و آن طایفه عهد و میثاق باشد باید آزاد کند قاتل بندهٔ مومنی را و دیه بدهد بورثهٔ مقتول
پس اگر از برای قاتل ممکن نباشد که بندهٔ را بخرد و آزاد کند دو ماه متوالی روزه بگیرد آزاد کردن بنده و دادن دیه
برای قاتل سبب است از برای قبول توبهٔ او از جانب خدا و خدا دانا و درستکار است ۹۵ و هر کس بکشد مومنی را عمدا
پس جزای او جهنم است که همیشه در آن جهنم باشد و غضب خدا و نفرین خدا بر او شامل است و آماده شده است
برای او عذاب بزرگی ۹۶ ای آن کسانی که ایمان آورده اید اگر رفتید بجهاد در راه خدا پس تحقیق و تجسس کنید از احوال
مردم و نگوئید بآن کسی که میفرستد بسوی شما سلام و صلح را که تو مومن نیستی برای خواستن مال دنیا که او را بکشید و مال او را ضبط کنید مالهای
بسیار پیش خداست خود تان هم در اول همین طور بودید که بزبان عرض اسلام میکردید و در دل مسلمان نبودید

صفحهٔ هفتاد و پنجم

بعد منت گذاشت خدا بشما که از دل و زبان مسلمان شدید پس تحقیق درست از حال مردم بکنید که مبادا مسلمانی را بجای
کافر بکشند بدرستی که خدا بهرچه میکنید دانا و آگاه است ۹۷ مساوی نیستند آن مؤمنینی که نشستند در مدینه در خانهٔ
خودشان مگر آنهائی که بیمار و ناتوان هستند با آنهائیکه مجاهدند در راه خدا بتوسط مالهای خودشان و نفسهای خودشان
که هم مال خود را در راه خدا خرج میکنند و هم کشته میشوند تفضیل داد خدا مجاهدین را باموال و انفس بر قاعدین و
خانه نشینان از حیثیت درجه و مرتبه خدا بهمهٔ مسلمانان وعدهٔ نیکو داده است و مجاهدین را بر قاعدین تفضیل
داد خدا و برای مجاهدین مزد بزرگی از غنیمت و نعمت و اسم و افتخار است ۹۸ درجاتست از خدا برای مراتب مسلمانان و
آمرزش است و رحمت برای آنها و خدا آمرزنده و مهربانست ۹۹ بدرستی و تحقیق آنکسانیرا که کشتند ملائکه آنها را در جنگ
بدر ظلم کردند بنفس خودشان پرسیدند ملائکه از آنها کجا بودید گفتند ما ضعیف بودیم در دست کفار قریش در زمین مکه گفتند
ملائکه بآنها مگر زمین خدا وسعت نداشت که بیرون بروید از مکه بطرفی دیگر پس آنها هستند که جای آنها جهنم است و بد مرجعی است
جهنم ۱۰۰ مگر آن مستضعفین از مرد و زن و بچه ها که بی چیز و پریشان بودند و چاره نداشتند و راه نمی یافتند پس آنها را
نزدیکست که خدا عفو کند و ببخشد آنها را و خدا درگذرنده و آمرزنده است ۱۰۱ و هرکس مهاجرت میکند در راه خدا می یابد در زمین
آرامگاه بسیار و وسعت رزق بیشمار و هرکس بیرون برود از خانهٔ خودش و هجرت کرده باشد بسوی خدا و بسوی رسول خدا بعد بمیرد
بتحقیق مزد او با خداست و خدا آمرزنده و رحم کننده است ۱۰۲ و اگر بیرون رفتید از خانهٔ خود و سفر کردید پس حرجی نیست
برشما از اینکه قصر کنید نماز را اگر بترسید از اینکه بمهلکه بیندازند شما را کفار بدرستیکه کفار دشمن آشکارند شما را ۱۰۳ اگر باشی
توای پیغمبر خودت یا نایبت در میانهٔ قشونی که با مخالفین جنگ میکنند و خوفی از دشمن بهم رسیده پس بپاداری برای آنها نماز خوف را

صفحهٔ هفتاد و ششم

پس قشون را دو قسمت کن یک قسمت نماز بگذارد در حالتیکه خلع نکنند از خودشان اسلحهٔ خود را و در آنوقت که بسجده میروند باید آن طایفهٔ دیگر پشت سر شما
بایستند و محافظت بکنند آنها را از دشمن یک رکعت نماز کردند اینها که نماز کرده اند بروند و دستهٔ دیگر که نماز نکرده اند بیایند بنماز با تو و باید خلع نکنند
از خودشان سپر و خود و اسلحهٔ خودشان را در وقت نماز دوست دارند کفار اینکه غافل بشوید از اسلحهٔ خودتان و از امتعهٔ خودتان پس حمله کنند بشما
یکدفعه و گناهی نیست بر شما در وقتی که بارانی بیاید که شما را آزار کند یا ناخوشی داشته باشید که برداشتن حذر موجب اذیت یا آن ناخوشی بشود در این
صورت اسلحه را در وقت نماز بگذارید و بردارید حذر را یعنی زره و سپر و خود و آنچه بدان دفع ضرر دشمن کنند که بجهت آن حذر رفع اذیت باران
و ازدیاد مرض کنید و بدرستیکه خدا مهیا کرده است از برای کفار عذابی خوار کننده ۱۰۴ پس وقتی گذراندید زمان نماز را و نماز را با تمام رسانیدید
پس ذکر کنید خدا را ایستاده و نشسته و در وقتیکه بپهلو خوابیده اید پس وقتی اطمینان بهم رسانیدید و رفع خوف از شما شد برپا دارید نماز و اجبر است بدرستیکه
نماز بر مؤمنین بوقتهای معین نوشته شده است ۱۰۵ و کاهلی نکنید در خواستن جنگ با گروه کفار اگر شما زحمدار و رنج دیده هستید
دشمنهای شما هم همین طور زحمدار و متالمند و امیدوارید شما رحمت خدا را و آنها این امید را هم ندارند و هست خدا دانا
و درستکار ۱۰۶ بدرستیکه ما فرستادیم بسوی تو قرآن را بحق تا اینکه حکم کنی میانهٔ مردم بآنچه نمود ترا خدا و نباش خیانت
کاران را دشمن یعنی بقصد عداوت شخصی برای آنها حاکم مکن بلکه بهمان اندازه که خدا بقدر خیانت آنها مقرر فرموده است
حکومت بکن و طلب آمرزش کن از خدا بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست ۱۰۷ مجادله مکن از آنکسانیکه خیانت میکنند بخودشان که در پنهان
معصیت میکنند بدرستیکه خدا دوست ندارد هر کسرا که خیانت کار و گناهکار است ۱۰۸ پنهان میدارند گناه خود را از مردم پنهان نمیدارند از خدا
و حال اینکه خدا همه جا با آنها هست وقتیکه شبها بروز میآورند در اشتغال بمعاصی چندی که راضی نمیشود از اینکه گفته شود و خدا بآنچه میکنند
آگاه است ۱۰۹ آگاه باشید شما گروه بنی ظفر شما مجادله کردید در حمیت جاهلیت از خائنین در طریقهٔ زندگانی دنیا
و حمایت کردید آنها را پس هرکس مجادله و حمایت کند از خائنان در روز قیامت کی نگاهبان آنها خواهد بود ۱۱۰

صفحهٔ هفتاد و هفتم

وهرکس بدی بکند یا ظلم کند بنفس خودش که در پنهان معصیت کند بعد آمرزش بخواهد از خدا می یابد خدا را آمرزندهٔ مهربان ١١١ و
هرکس مرتکب شود و بیند و زد گناهی را پس جز این نیست که اندوخته است آن گناه را برای خودش و خدا دانا و درستکار است
١١٢ وهرکس بی بجهة یا گناهی بکند ونسبت بدیگری بدهد که بیگناه باشد بتحقیق برداشته است بدوش خودش بار بزرگ
وبهتان آشکار را ١١٣ واگر نبود فضل و رحمت خدا بر تو هر آینه قصد کردند طایفهٔ از کفار بانیکه گمراه کنند ترا و گمراه نمیکنند
مگر خودشانرا و ضرر نمیرسانند ترا هیچ چیز و فرو فرستاد خدا بر تو قرآن و حکمت را و تعلیم کرد ترا آنچه را نمیدانستی و فضل خدا بر تو
بزرگ است ١١٤ نیست خیر در بسیاری از نجوی و سرگوشی گفتن مردم مگر کسی که امر میکند بصدقه یا امر میکند بخوبی کردن
یا اصلاح میانهٔ مردم و هرکس بکند این کار را که بجهة مطالبهٔ که ذکر شد بجوی کند بجهة تحصیل خوشنودی خدا پس زود باشد بدهیم اورا
اجری بزرگ ١١٥ هرکس خلاف کند به پیغمبر بعد از اینکه روشن شد برای او راه راست و متابعت غیر راه مؤمنین را باز دارم
اورا در آخرت آنچه را که در دنیا دوست داشته است که آن کفر و ضلالت است و در آوریم اورا در جهنم و بد مرجعی است جهنم
١١٦ بدرستیکه خدا نمیآمرزد آنکه را شرک آورد بخدا و میآمرزد سوای شرک هرکس را که میخواهد و هرکس شرک بخدا بیاورد بتحقیق گمراه شده است
گمراهی خیلی دوری را ١١٧ نمیخوانند مشرکان سوای خدا مگر بتهای خودشانرا که بجهة تأنیث لفظی آنها را اناث مینامند و نمیخوانند کفار مگر
شیطان رانده شده را ١١٨ رانده است خدا تعالی شیطانرا و گفت شیطان هر آینه میگیرم از بندگان تو قسمتی معین که آنها را گمراه میکنم
و با خود دوست قرار میدهم و هر آینه گمراه میکنم بندگان ترا و بآرزوهای طولانی باز میدارم ایشانرا و امر میکنم آنها را که ببرند گوشهای گوسفندها
و سایر چهارپایانرا و هر آینه امر میکنم تغییر بدهند خلقتهای خدا را از بریدن خایه‌های مردان و خال و خطاط کردن زنها و هرکس بگیرد شیطانرا دوست
و خدا را دوست نگیرد بتحقیق زیان کرده است زیان کردن روشنی ١١٩ وعده میدهد شیطان مردم را و بآرزوها میاندازد مردم را و وعده نمیدهد شیطان مگر

صفحهٔ هفتاد و هشتم

اینکه فریب میدهد و دروغ میگوید ١٢٠ آنها هستند که فریب شیطان خورده اند کسانیکه منزل آنها جهنم است و نمی یابند از آن جهنم گریزگاه
١٢١ و آن کسانیکه ایمان آورده اند و عملهای خوب کردند زود باشد که داخل کنیم آنها را ببهشتهائیکه جاریست از زیر درختان آن جویهای
آب که باشند در آن بهشتها همیشه وعدهٔ خدا راست است و کیست از خدا راستگوتر از گفتار ١٢٢ نیست این وعدهٔ بهشت بآرزوهای
شماها و نیست بآرزوهای یهود که اعتقاد دارند ببهشت خواهند رفت بآرزوی هیچکس بهشت حاصل نمیشود مگر بافعال و اعمال نیک و هرکس
عمل بد بکند جزا داده میشود و یافت نمیشود برای او سوای خدا دوستی و نصرت دهنده ١٢٣ و هرکس عمل خوب بکند از زن یا مرد که او مؤمن باشد پس آنها
داخل میشوند بهشت را و ظلم کرده نمیشوند باحدی بقدر گودی که در پشت هستهٔ خرماست ١٢٤ و کیست بهتر در دین داری از آنکسی که خالص کرد خودش را
برای خدا و او است نیکوکار و متابعت کرد دین ابراهیم مایل بحق را و گرفت خدا ابراهیم را دوست خود ١٢٥ و از برای خداست هرچه در
آسمانها و هرچه در زمین است و هست خدا بتمام چیزها احاطه کننده ١٢٦ و فتوی خواهند از تو درباره ارث زنها بگو درباره زنها خدا فتوی میدهد
شما را و هم آنها و آنچه خوانده میشود در قرآن بر شما درباره یتیمانیکه دختر هستند آنهائیکه نمیدهید بایشان از ارث آنچه را برای آنها نوشته شده است و
رغبت میکنید بانیکه بزنی بگیرید آنها را بجهة خوردن مالشان و دیگر فتوی خواهند ناتوانان از فرزندان کوچک که آنها ارث نمیدادند در اعراب و اینکه بایستید
در کار یتیمان بعدالت با آنها رفتار شود و هرچه میکنید از خوبی درباره آنها پس بتحقیق خدا بآن داناست ١٢٧ و اگر زنی بترسد از شوهر خود که سر بار
زندگانی جوید و بیرون کند آن زن را بجهة کراهتی که از او بهم رسانده است پس باکی نخواهد بود بر آن زن و شوهر که صلح بکنند میانهٔ خودشان
بیک طوری که از یکدیگر راضی باشند و صلح خوبست و حاضر کرده شده است برای هرکسی بخل که زنها درباره مردها دارند از اینکه بزنی
دیگر مهربانی داشته باشد و مردها بخل دارند از اینکه حقوق و ابتمامه ادا نمایند و اگر خوبی بکنند و بپرهیزند از حرکات ناشایست
بتحقیق که خدا بهرچه میکنید داناست ١٢٨ و هرگز نمیتوانید عدالت کنید میانهٔ زنهای خودتان اگر متعدد باشند هرچند میل داشته باشید که میانه
آنها عدالت کنید ممکن نیست پس تمام میل خود را بیکنفر از آنها قرار ندهید و دیگری را محروم بدارید و او را مثل معلق شده نگاه ندارید که نه مثل شوهر دار زندگی کند و نه مثل بیشوهر

حزب

واگر صلح



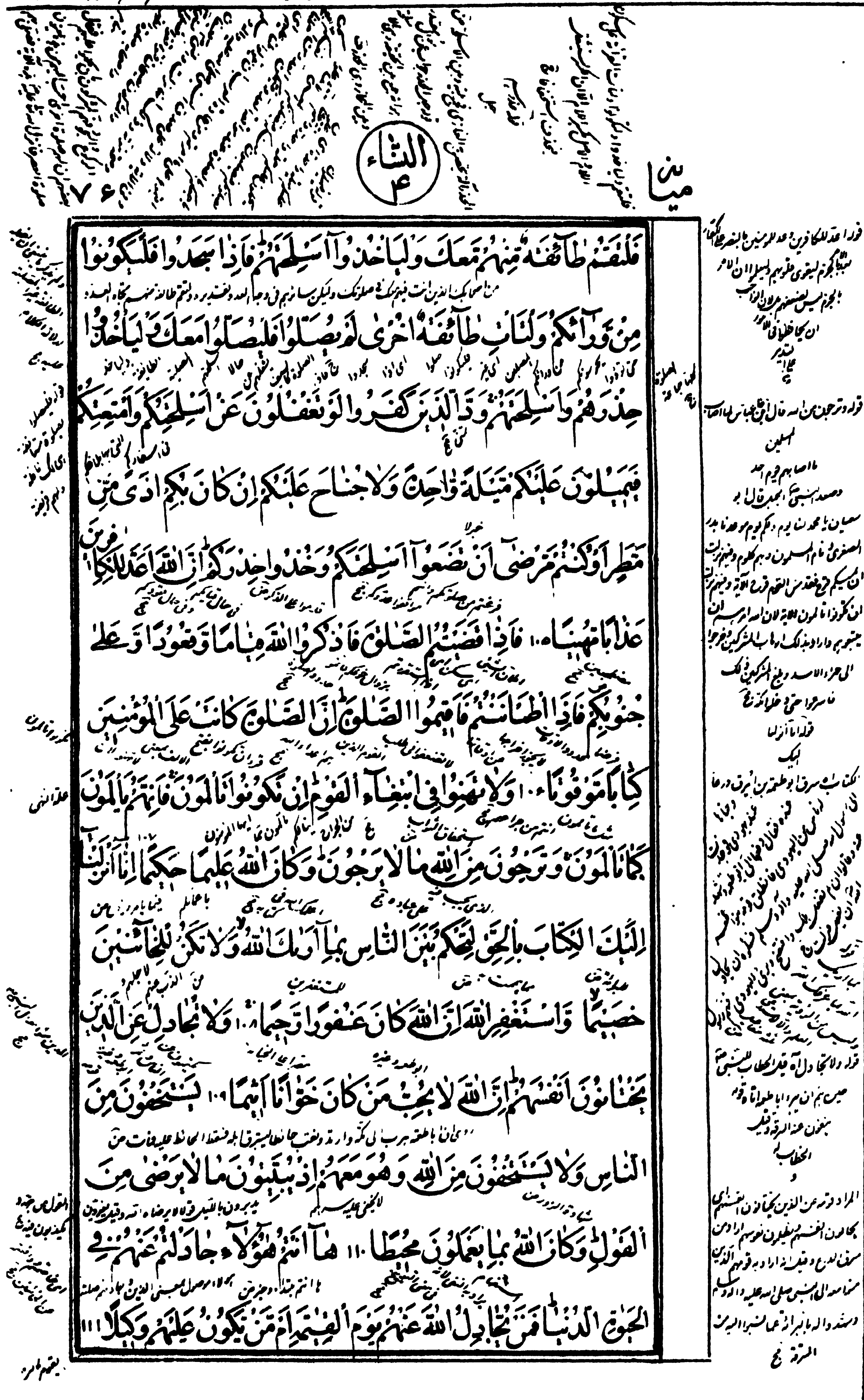
وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ۸٤ افلا يتدبرون القرآن ولو كان
من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا ۸۵ واذا جاءهم امر من
الامن او الخوف اذاعوا به ولو ردوه الى الرسول والى اولي الامر
منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم ولولا فضل الله عليكم ورحمته
لاتبعتم الشيطان الا قليلا ۸٦ فقاتل في سبيل الله لا تكلف الا
نفسك وحرض المؤمنين عسى الله ان يكف باس الذين كفروا والله
اشد باسا واشد تنكيلا ۸۷ من يشفع شفاعة حسنة يكن له نصيب منها
ومن يشفع شفاعة سيئة يكن له كفل منها وكان الله على كل شيء
مقيتا ۸۸ واذا حييتم بتحية فحيوا باحسن منها او ردوها ان الله كان
على كل شيء حسيبا ۸۹ الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيامة لا ريب
فيه ومن اصدق من الله حديثا ۹۰ فما لكم في المنافقين فئتين و
الله اركسهم بما كسبوا اتريدون ان تهدوا من اضل الله ومن يضلل الله
فلن تجد له سبيلا ۹۱ ودوا لو تكفرون كما كفروا فتكونون سواء فلا
تتخذوا منهم اولياء حتى يهاجروا في سبيل الله فان تولوا فخذوهم و
اقتلوهم حيث وجدتموهم ولا تتخذوا منهم وليا ولا نصيرا ۹۲ الا الذين



يَصِلُونَ اِلٰى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ اَوْ جَاۤؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ
اَنْ يُقَاتِلُوكُمْ اَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاۤءَ اللّٰهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ
فَاِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَاَلْقَوْا اِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ
عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ٩٠ سَتَجِدُونَ اٰخَرِينَ يُرِيدُونَ اَنْ يَاْمَنُوكُمْ وَيَاْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا
رُدُّوا اِلَى الْفِتْنَةِ اُرْكِسُوا فِيهَا فَاِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا اِلَيْكُمُ السَّلَمَ
وَيَكُفُّوا اَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَاُولٰۤئِكُمْ جَعَلْنَا
لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ٩١ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ اَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا اِلَّا خَطَـًٔا وَمَنْ
قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَـًٔا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلٰى اَهْلِهِ اِلَّا اَنْ
يَصَّدَّقُوا فَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ
وَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلٰى اَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ
رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللّٰهِ وَكَانَ
اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ٩٢ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاۤؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَاَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ٩٣ يَاۤ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا ضَرَبْتُمْ
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ اَلْقٰۤى اِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا
تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ



مِّنَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ٩٧ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً
وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا
عَظِيمًا ٩٨ دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ٩٩
إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا كُنَّا
مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا
فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ١٠٠ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ
الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا
١٠١ فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللّٰهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُورًا ١٠٢ وَ
مَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ
مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى
اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ١٠٣ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ
جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَن يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ
الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ١٠٤ فَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ



فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوٓا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا
مِن وَرَآئِكُمْ وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا
حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ
فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن
مَّطَرٍ أَوْ كُنتُم مَّرْضَىٰٓ أَن تَضَعُوٓا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ
عَذَابًا مُّهِينًا ۝١٠٢ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَوٰةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ
جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ إِنَّ الصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
كِتَابًا مَّوْقُوتًا ۝١٠٣ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَآءِ الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ
كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝١٠٤ إِنَّآ أَنزَلْنَآ
إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَآ أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ
خَصِيمًا ۝١٠٥ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝١٠٦ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ
يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ۝١٠٧ يَسْتَخْفُونَ مِنَ
النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ
الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ۝١٠٨ هَآ أَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي
الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝١٠٩

و اگر صلح کنید و پرهیز نمایید از بد کردن بهتر است پس بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست ۱۲۹ و اگر جدا شوند از یکدیگر بی نیاز میکند خدا
هریک را از وسعت و کرم خودش و خدا فراخ رحمت و درستکار است ۱۳۰ و از برای خداست هرچه در آسمانها و هرچه در زمین است
و بتحقیق وصیت کردیم فرمودیم آنکسانیرا که صاحب کتاب بودند پیش از شما که یهود و نصاری هستند و بشما ها میفرمائیم اینکه پرهیز نمائید
خدا و اگر کفران و نافرمانی کنید پس بدرستی که از برای خداست تمام هرچه در آسمانها و زمین است و هیچوجه محتاج بعبادت و تقوای
شماها نیست و این تکلیف برای رستکاری خود شماها است و خدا بی نیاز و ستوده است ۱۳۱ و از برای خداست هرچه در آسمانها و هرچه
در زمین است و بس است کفایت کردن خدا با مور بندگان ۱۳۲ اگر بخواهد خدا میبرد شما را از این دنیا ای مردم و میآورد طایفهٔ دیگر را و خدا
قادر است بر اینمطلب که تعویض مخلوق خود بفرماید ۱۳۳ پس هرکس اراده میکند و میخواهد ثواب دنیا را پس در نزد خداست ثواب دنیا و آخرت
و خدا شنونده و بیننده است ۱۳۴ ای کسانیکه ایمان آورده اید کارگذاری بعدالت کنید شهادت بدهید از برای خدا اگرچه برای خودتان
یا برای پدر و مادرتان یا خویشان خودتان ضرری هم باشد شهادت بدهید و کتمان نکنید اگر غنی باشد ملاحظهٔ غنای او را نکنید که شاید برای ادای
شهادت نفعی بشما برساند یا فقیر باشد بجهة فقر او کتمان کنید خدا اولی است برای اغنیا و فقرا باید خدا را ملاحظه کنید و حق شهادت را ادا کنید
پس متابعت نکنید هوای نفس را اینکه عدول کنید از حکم بحق و اینکه بپیچانید زبانهای خودتان را در ادای مطلب یا اینکه اعراض کنید و کناره جوئی
کنید از حکومت کردن بدرستیکه خدا بهرچه میکنید آگاه است ۱۳۵ ای مؤمنین ایمان بیاورید بخدا و رسول خدا و کتابی که نازل کرده است برسول
خودش که قرآن است و کتابیکه نازل کرده است پیش از این که تورات باشد که حقیقت تورات مصدق احکام قرآنست و هرکس کفر ورزد بخدا
و ملائکه خدا و کتب خدا و رسولان خدا و بروز قیامت پس بتحقیق که گمراه شده است گمراه شدن دوری ۱۳۶ بدرستی که آنکسانیکه ایمان آوردند بموسی
بعد از ایمان کافر شدند بسبب گوساله پرستیدن باز ایمان آوردند بعد کافر شدند بسبب انکار عیسی بعد زیاد کردند کفر خود را بسبب انکار رسالت محمد را نمود اینکه نمیباشد خدا
بیامرزد آنها را و نه راه راست بآنها خواهد نمود ۱۳۷ بشارت ده منافقین را بانکه از برای آنها عذاب دردناکست ۱۳۸ آنکسانیکه میگیرند کفار را دوست برای
خودشان و مؤمنین را برای خود دوست قرار نمیدهند

آیا میخواهند عزت پیش آنها باشد پس بدرستی که عزت تماما از برای خداست ۱۳۹ و بتحقیق فرستاده است
خدا بر شما در قرآن اینکه اگر شنیدید آیات قرآن را در وقتی کفر میورزند کفار بآن آیات و استهزاء میکنند بآن پس
ننشینید با آنها و ترک صحبت کنید تا اینکه شروع کنند و مشغول شوند در سخنی غیر آن که استهزاء مینمایند زیرا که اگر با آنها
باشید و بشنوید حرفهای کفرآمیز آنها را در آن وقت شماها هم مثل آنها خواهید بود بدرستیکه خدا جمع کننده است
منافقین و کافرین را در جهنم همه را تماما ۱۴۰ آن کسانیکه انتظار و چشم دارند بشما پس اگر باشد فتحی برای شما
از جانب خدا میگویند آیا نبودیم ما با شما و توقع قسمتی از غنیمت کنند و اگر فتح از برای کفار شد بگویند بکفار آیا ما سبب
منع غلبهٔ مؤمنین از شما نشدیم با اینکه با آنها همراهی نکردیم و سبب فتح شماها شدیم و توقع غنیمت از آنها میکنند پس
خدا حکم میکند میانهٔ شماها در روز قیامت و نمیگرداند خدا از برای کافرین بر مؤمنین راهی ۱۴۱ بدرستیکه منافقین
حیله میکنند بخدا و خدا فریب دهنده است ایشانرا و اگر ایستادند بنماز بایستند بکسالت مینمایند بمردم و ذکر نمی کنند خدا را
مگر کمی ۱۴۲ مترددین میانهٔ مسلمین و کفار هستند نه از روی حقیقت مسلمانند که یک جهة با مسلمین باشند و نه صلاح خود را امید هستند که ظاهر
کفر کنند و با کفار یکجهة باشند و هرکس گم کند راه خدا را پس نخواهی یافت برای او راهی ۱۴۳ ای مؤمنین نگیرید کفار را دوست خود
بجز مؤمنین آیا میخواهید که خدا را بگردانید برخودتان سلطان روشن که از شما مؤاخذه و حکومت فرماید ۱۴۴ بدرستیکه منافقین در
درک اسفل از آتش هستند و نخواهی یافت از برای آنها یار و یاوری ۱۴۵ مگر آنکسانیکه توبه کردند و اصلاح کردند و متوسل
بخدا شدند و خالص کردند دین خود شانرا از برای خدا پس ایشان با مؤمنین اند و زود باشد که بدهد خدا مؤمنین را مزد بزرگ ۱۴۶
چرا عذاب کند خدا شما را اگر شکر کنید و ایمان بیاورید و خدا قبول شکر کننده و داناست ۱۴۷ دوست ندارد خدا صدا بلند کردن با بدی

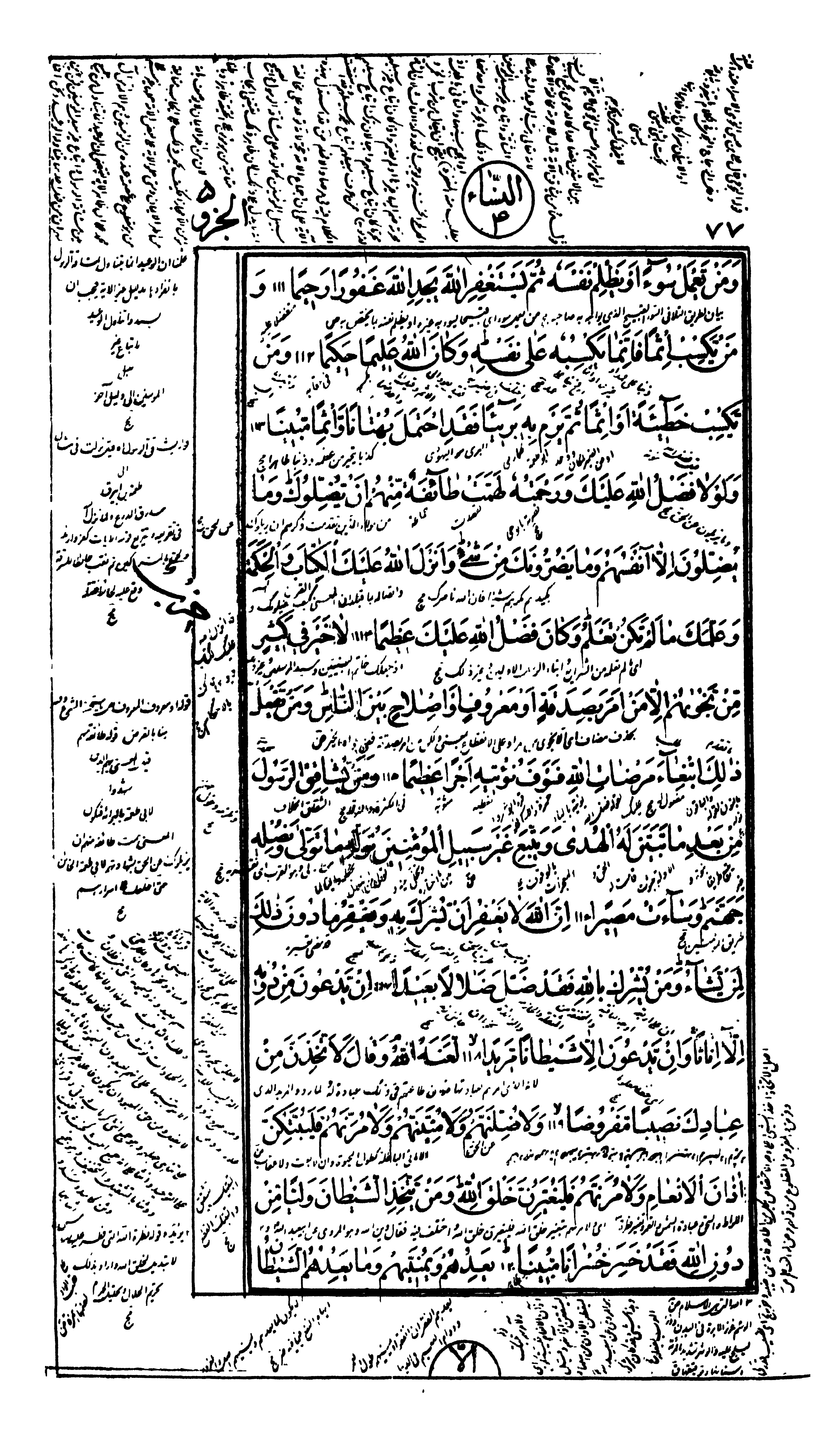
صفحهٔ هشتاد و یکم

از گفتار مگر کسی که ظلم باو شده باشد و خدا شنونده و داناست ۱۴۸ اگر ظاهر کنید خوبی را یا اینکه در خفا خوبی کنید یا چشم
بپوشید از بدی و در گذرید از آن بدرستیکه خدا عفو کننده و قادرست ۱۴۹ بدرستیکه آنکسانیکه کفران میکنند بخدا و برسول
خدا و اراده میکنند اینکه جدائی بنیدازند میانهٔ خدا و رسولان خدا و میگویند ایمان میآوریم ببعضی از احکام و کفر میورزیم
ببعضی احکام دیگر و قصد دارند اینکه بگیرند در این میانه راه مخصوص و طریقهٔ علیحده ۱۵۰ ایشان هستند کافر حقیقی و مهیا کرده
ایم برای کفار عذاب خوار کننده ۱۵۱ و آن کسانیکه ایمان آوردند بخدا و برسول خدا و جدائی ننمودند میان خدا و رسول خدا آنها
نزدیکست بدهد بایشان اجرتهای آنها را و خدا آمرزنده و مهربانست ۱۵۲ سؤال میکنند از تو اهل کتاب که علمای یهود بودند
اینکه بخواه از خدا که نازل کنی تو برایشان کتابی از آسمان بتحقیق از موسی بزرگتر از اینها سؤال میکردند و میخواستند و میگفتند
بموسی که بنما خدا را آشکار که ببینیم او را پس گرفت آنها را صاعقه بسبب ظلم آنها بعد گرفتند گوساله و پرستش کردند آنرا بعد از آنکه
آمده بود آنها را معجزات پس عفو کردیم این حرکت آنها را و گذشتیم از آنها و دادیم بموسی سلطنتی روشن و آشکار ۱۵۳
و بلند کردیم بالای سرشان کوه طور را بسبب عهدشان که شکسته بودند و احکام خدا را قبول نمیکردند و گفتیم بآنها که داخل شوید
در شهر بیت المقدس از دروازهٔ ایلیا در حالتی که سجده کننده باشید و گفتیم از برای آنها که تجاوز نکنید در گرفتن روز شنبه و احترام آنروز
و گرفتیم ما از یهود عهد محکمی ۱۵۴ پس بسبب شکستن ایشان عهود خودشان را و بسبب کفر آنها بآیات خدا و کشتن آنها پیغمبران را
بغیر حق و گفتن آنها به پیغمبر مسلمانان که دلهای ما بسته شده است و نمی شنود بیانات تو را بلکه مهر کرده است خدا آن دلها را بسبب
کفر آنها پس ایمان نیآورند یهودان مگر کمی از آنها ۱۵۵ و بسبب کفر یهودان و گفتن آنها بر مریم بهتان بزرگ را که نسبت زنا باو
دادند ۱۵۶ و بسبب قول آنها که گفتند ما کشتیم مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را و حال اینکه نکشتند او را و بدار نزدند او را ولیکن مشتبه شد برای آنها بدن

صفحهٔ هشتاد و دوم

آنهائی که اختلاف کردند در باب قتل عیسی و اقوال مختلف گفته اند و در تردید هستند در بارهٔ عیسی نیست از برای آنها علمی
مگر اینکه متابعت میکنند گمان خودشان را و نکشتند او را بطور یقین بلکه بالا برد خدا او را بسوی خودش و خدا
عزیز و درستکار است ۱۵۷ و نیست از اهل کتاب مگر اینکه ایمان بیاورند بنبوت عیسی پیش از مردن او که باید از
آسمان رجعت کند و چهل سال در دار دنیا اقامت فرماید و اهل کتاب باو ایمان بیاورند و در روز قیامت حضرت عیسی
بر واقعات قبل و بعد آنها شاهد خواهد بود ۱۵۸ پس بسبب ظلمی که واقع شد از یهود حرام کردیم بر آنها نعمتهای پاک و پاکیزه را
که حلال بود بر آنها و بسبب صد کردن و برگرداندن آنها جمع کثیری را از راه خدا ۱۵۹ و بسبب گرفتن آنها ربا را و حال اینکه بتحقیق
نهی کرده شده بودند از گرفتن ربا و بسبب خوردن یهودان مال مردم را از راه باطل و مهیا کرده ایم برای کفار بنی اسرائیل عذاب دردناکی
۱۶۰ لیکن رسوخ دارندگان در علم از یهودان و گروندگان دین اسلام ایمان دارند بآنچه فرستاده
شده است بتو که قران است و آنچه فرستاده شده است پیش از تو که توراة است و برپا دارندگان
نماز و دهندگان زکوة و ایمان داران بخدا و بروز قیامت اینها هستند که زود باشد که بدهیم آنها را اجر و مزد بزرگی
۱۶۱ بدرستیکه ما وحی کردیم بسوی تو همانطور که وحی کردیم بسوی نوح و پیغمبرانی که بعد از نوح بودند
و وحی کردیم بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان یعقوب و عیسی و ایوب و یونس
و هرون و سلیمان و دادیم بداود زبور را ۱۶۲ و پیغمبرانی که بتحقیق ذکر کردیم بر تو و حکایت کردیم و پیغمبرانی حکایت
و ذکر آنها را نکردیم بر تو و تکلم کرد موسی بخدا سخن گفتنی ۱۶۳ رسولانی که بشارت دهنده و ترساننده اند تا اینکه
نباشد از برای مردم بر خدا حجتی بعد از رسولان و خدا غالب و درستکردار است ۱۶۴ لیکن خدا شهادت
میدهد بچیزیکه فرستاد بسوی تو که قرانست فرستاد خدا قرآن را بدانش خودش و ملائکه شاهدند و بس است گواهی دادن خدا ۱۶۵

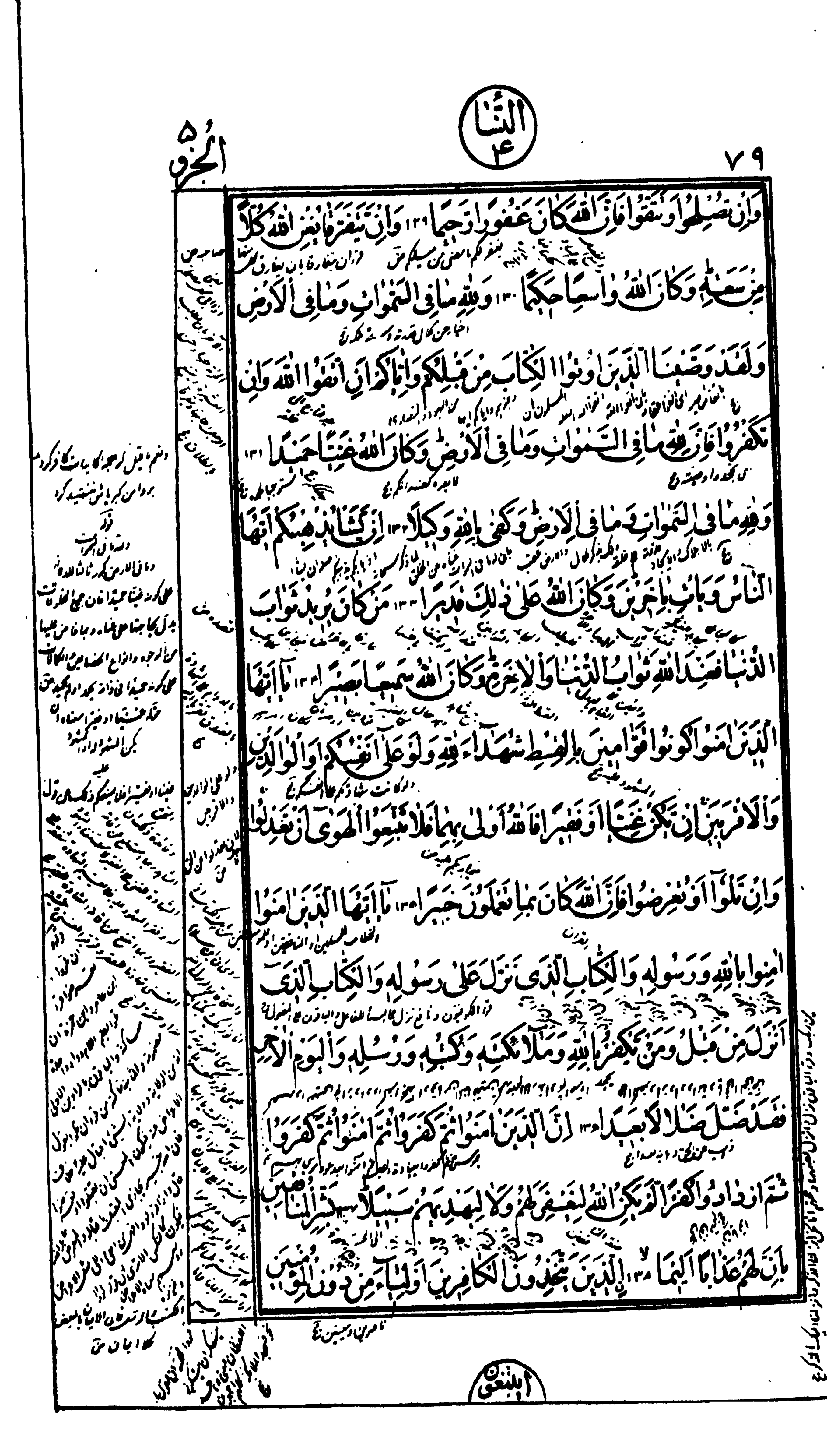
بدرستی



وَمَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُۥ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا ١١١ وَ
مَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١١٢ وَمَن
يَكْسِبْ خَطِيٓـَٔةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِۦ بَرِيٓـًٔا فَقَدِ ٱحْتَمَلَ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ١١٣
وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُۥ لَهَمَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا
يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ ۖ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَىْءٍ ۚ وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ
وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ١١٤ لَّا خَيْرَ فِى كَثِيرٍ
مِّن نَّجْوَىٰهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَٰحٍۭ بَيْنَ ٱلنَّاسِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ
ذَٰلِكَ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ١١٥ وَمَن يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ
مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ ٱلْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ ٱلْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِۦ
جَهَنَّمَ ۖ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ١١٦ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِۦ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ
لِمَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا ١١٧ إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦٓ
إِلَّآ إِنَٰثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَٰنًا مَّرِيدًا ١١٨ لَّعَنَهُ ٱللَّهُ ۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ
عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ١١٩ وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَءَامُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ
ءَاذَانَ ٱلْأَنْعَٰمِ وَلَءَامُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَتَّخِذِ ٱلشَّيْطَٰنَ وَلِيًّا مِّن
دُونِ ٱللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ١٢٠ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيْطَٰ



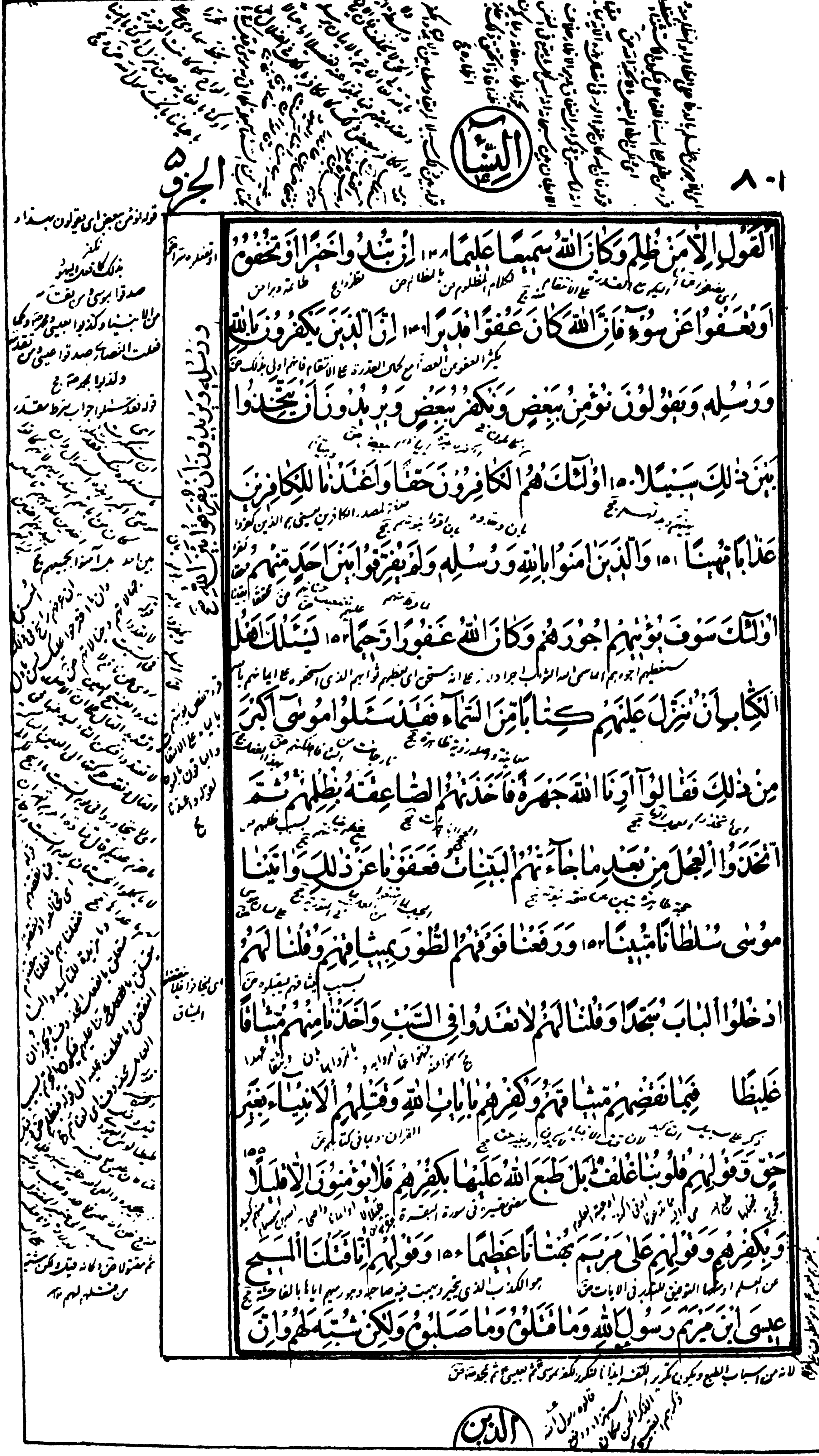
إِلَّا غُرُورًا ١٢٠ أُولٰئِكَ مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ١٢١ وَالَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ
خٰلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيلًا ١٢٢ لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ
وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتٰبِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا ١٢٣ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰئِكَ
يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ١٢٤ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ
لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرٰهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللّٰهُ إِبْرٰهِيمَ خَلِيلًا ١٢٥
وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا ١٢٦ وَ
يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ فِي
يَتٰمَى النِّسَاءِ اللّٰتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ
الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتٰمٰى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ
خَيْرٍ فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ١٢٧ وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ
وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ١٢٨ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ
تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ



وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ١٢٩ وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا
مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ١٣٠ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ
تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ١٣١
وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ١٣٢ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا
النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ١٣٣ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ
الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ١٣٤ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ
وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا
وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ١٣٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي
أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ١٣٦ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا
ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ١٣٧ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ
بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ١٣٨ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ



أيبتغون عندهم العزة فإن العزة لله جميعا ١٣٩ وقد نزل عليكم في الكتاب
أن إذا سمعتم آيات الله يكفر بها ويستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتى
يخوضوا في حديث غيره إنكم إذا مثلهم إن الله جامع المنافقين والكافرين
في جهنم جميعا ١٤٠ الذين يتربصون بكم فإن كان لكم فتح من الله قالوا
ألم نكن معكم وإن كان للكافرين نصيب قالوا ألم نستحوذ عليكم و
نمنعكم من المؤمنين فالله يحكم بينكم يوم القيامة ولن يجعل الله
للكافرين على المؤمنين سبيلا ١٤١ إن المنافقين يخادعون الله وهو
خادعهم وإذا قاموا إلى الصلاة قاموا كسالى يراءون الناس ولا يذكرون
الله إلا قليلا ١٤٢ مذبذبين بين ذلك لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء ومن
يضلل الله فلن تجد له سبيلا ١٤٣ يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين
أولياء من دون المؤمنين أتريدون أن تجعلوا لله عليكم سلطانا مبينا ١٤٤
إن المنافقين في الدرك الأسفل من النار ولن تجد لهم نصيرا ١٤٥ إلا الذين
تابوا وأصلحوا واعتصموا بالله وأخلصوا دينهم لله فأولئك مع المؤمنين
وسوف يؤت الله المؤمنين أجرا عظيما ١٤٦ ما يفعل الله بعذابكم إن
شكرتم وآمنتم وكان الله شاكرا عليما ١٤٧ لا يحب الله الجهر بالسوء من

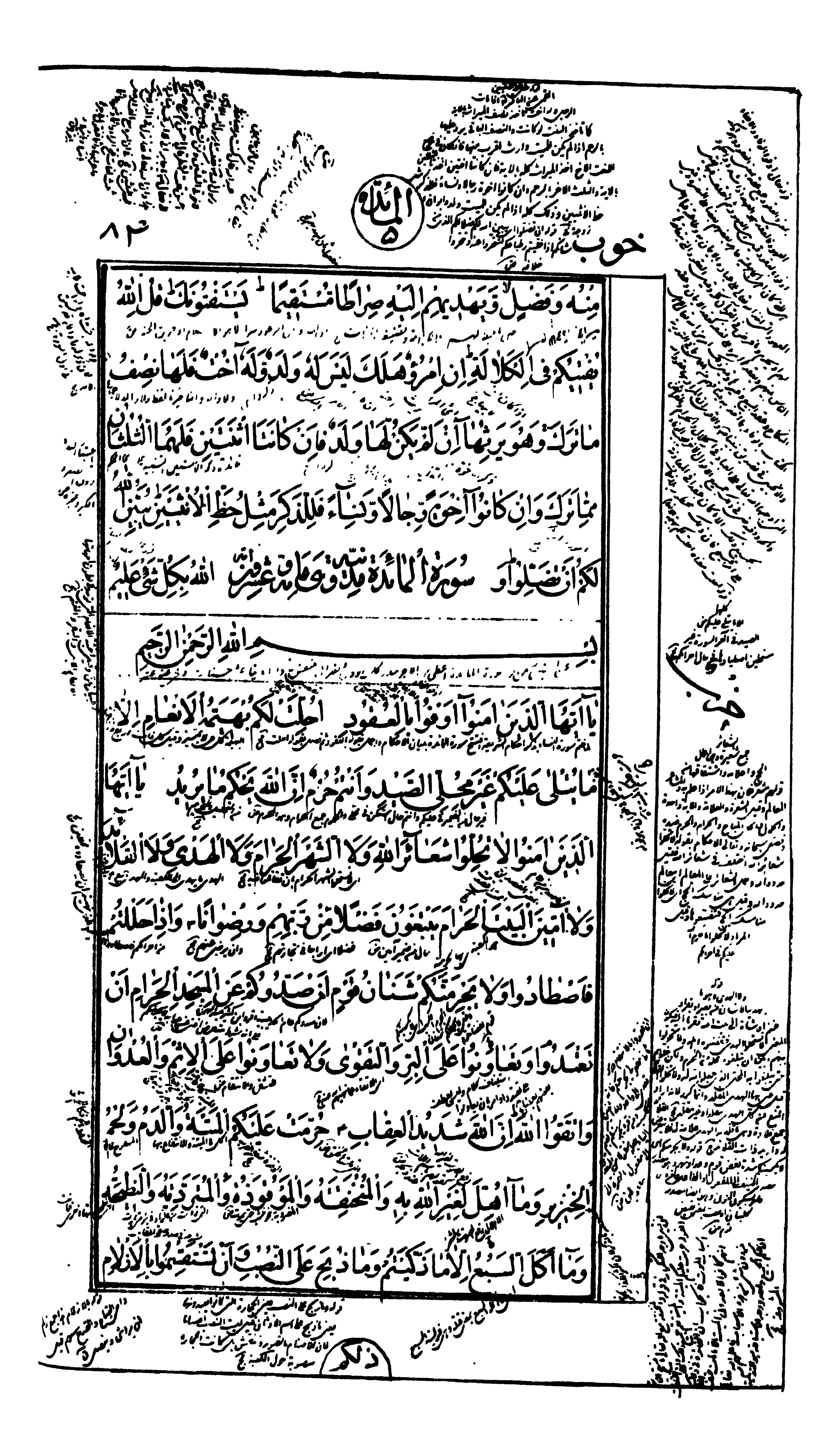


القول الا من ظلم وكان الله سميعا عليما ١٤٨ ان تبدوا خيرا او تخفوه
او تعفوا عن سوء فان الله كان عفوا قديرا ١٤٩ ان الذين يكفرون بالله
ورسله ويقولون نؤمن ببعض ونكفر ببعض ويريدون ان يتخذوا
بين ذلك سبيلا ١٥٠ اولئك هم الكافرون حقا واعتدنا للكافرين
عذابا مهينا ١٥١ والذين آمنوا بالله ورسله ولم يفرقوا بين احد منهم
اولئك سوف يؤتيهم اجورهم وكان الله غفورا رحيما ١٥٢ يسألك اهل
الكتاب ان تنزل عليهم كتابا من السماء فقد سألوا موسى اكبر
من ذلك فقالوا ارنا الله جهرة فاخذتهم الصاعقة بظلمهم ثم
اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينات فعفونا عن ذلك وآتينا
موسى سلطانا مبينا ١٥٣ ورفعنا فوقهم الطور بميثاقهم وقلنا لهم
ادخلوا الباب سجدا وقلنا لهم لا تعدوا في السبت واخذنا منهم ميثاقا
غليظا ١٥٤ فبما نقضهم ميثاقهم وكفرهم بآيات الله وقتلهم الانبياء بغير
حق وقولهم قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا ١٥٥
وبكفرهم وقولهم على مريم بهتانا عظيما ١٥٦ وقولهم انا قتلنا المسيح
عيسى ابن مريم رسول الله وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه لهم وان



الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ
مَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ١٥٨ وَإِنْ مِنْ
أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا
١٥٩ فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ
بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ١٦١ لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي
الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ
الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ١٦٢ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ
وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ
الْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ
زَبُورًا ١٦٣ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ
عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ١٦٤ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ
لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ١٦٥ لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ
بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ١٦٦

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾ إِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا
طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾ يَا أَيُّهَا
النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا
فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ
لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ
وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَن يَكُونَ
لَهُ وَلَدٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾ لَّن
يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَن يَسْتَنكِفْ
عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا
وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧٣﴾ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ
نُورًا مُّبِينًا ﴿١٧٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ



منه وفضل ويهديهم إليه صراطا مستقيما ۝ يستفتونك قل الله
يفتيكم في الكلالة إن امرؤ هلك ليس له ولد وله أخت فلها نصف
ما ترك وهو يرثها إن لم يكن لها ولد فإن كانتا اثنتين فلهما الثلثان
مما ترك وإن كانوا إخوة رجالا ونساء فللذكر مثل حظ الأنثيين يبين الله
لكم أن تضلوا والله بكل شيء عليم

سورة المائدة مدنية وهي مائة وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها الذين آمنوا أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعام إلا
ما يتلى عليكم غير محلي الصيد وأنتم حرم إن الله يحكم ما يريد ۝ يا أيها
الذين آمنوا لا تحلوا شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدي ولا القلائد
ولا آمين البيت الحرام يبتغون فضلا من ربهم ورضوانا وإذا حللتم
فاصطادوا ولا يجرمنكم شنآن قوم أن صدوكم عن المسجد الحرام أن
تعتدوا وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان
واتقوا الله إن الله شديد العقاب ۝ حرمت عليكم الميتة والدم ولحم
الخنزير وما أهل لغير الله به والمنخنقة والموقوذة والمتردية والنطيحة
وما أكل السبع إلا ما ذكيتم وما ذبح على النصب وأن تستقسموا بالأزلام

بدرستیکه آن کسانیکه کافر شدند و باز داشتند مردم را از راه خدا بتحقیق گمراه شدند گمراهی بسیار دوری ۱۶۶ بدرستی که آنکسانیکه کافر شدند و ظلم کردند نخواهد بود که بیامرزد خدا آنها را و هدایت نخواهد کرد خدا آنها را بهیچ راهی ۱۶۷ مگر راه جهنم را که دایم در آنجا باشند همیشه و اینکار هست بر خدا آسان ۱۶۸ ای مردم بتحقیق آمد شما را پیغمبر بر حق از جانب پروردگار شما پس ایمان بیاورید بهتر است و خوبتر است برای شما ها و اگر کافر شوید پس بدرستی که هر چه هست در آسمانها و زمین از برای خداست و کفر شما با و ضرری نخواهد رساند و خدا دانا و درستکار است ۱۶۹ ای علمای یهود غلو نکنید در دین خودتان و نگوئید درباره خدا مگر حقیقت را جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم رسول خدا بود و کلمهٔ خدا بود که انداخت آنرا بسوی مریم و روحی بود از جانب خدا پس ایمان بیاورید بخدا و رسولان او و نگوئید خدا سه تا هست که عیسی و مریم و عزیر باز ایستید از این حرف بهتر است برای شما جز این نیست که خدا یکی است بپاکی یاد میکنیم او را و منزه میدانیم او را از اینکه صاحب ولد باشد از برای اوست هرچه در آسمانها و زمین است و بس است بخدا کفایت داشتن امور ۱۷۰ هرگز ننگ ندارد مسیح باینکه باشد بندهٔ خدا و ملائکه های مقرب خدا هم ننگ و عار ندارند از بنده بودن بخدا ۱۷۱ و هر کس ننگ دارد از بندگی خدا و استکبار میکند پس زود باشد که جمع کند خدا همه را بسوی خود تمام را ۱۷۲ پس آن کسانیکه ایمان آوردند و اعمال خوب کردند پس بتمام میدهد خدا مزدهای آنها را و زیاد میکند مزد آنها را از فضل و کرم خودش و اما آن کسانی که ننگ داشتند و استکبار کردند پس عذاب میکند آنها را بعذاب دردناکی ۱۷۳ و نمی یابند از برای خودشان سوای خدا دوستی و نه یاری کننده ۱۷۴ ای مردم بتحقیق آمد برای شماها برهانی از جانب پروردگار شما و فرستادیم بسوی شما نور روشنی که قرآنست پس اما آنکسانیکه ایمان آوردند بخدا و چنگ زدند

و پناه بردند باو زود باشد که داخل کند خدا ایشانرا در رحمتی از خودش و فضلی و هدایت میکند راه بنماید آنها را بسوی خود در راه راستی ۱۷۵ فتوی طلبند از تو در باب ارث کلاله که فرزند اولاد و پدر و مادر است بگو خدا فتوی میدهد شما را در ارث از آنچه باز گذاشته است و انمیراث میبرد از خواهر خودش بهمین طور اگر خواهر مرده باشد و برادر زنده باشد در صورتیکه خواهر اولاد نداشته باشد پس اگر خواهر دو نفر باشند پس از برای آنهاست دو ثلث که هر یک ثلثی ارث ببرند و اگر برای او باشد برادرها و خواهرها پس از برای هر مردی است مقابل دو زن بیان میکند خدا برای شما که گمراه نشوید و خدا بهر چیزی داناست

حزب

سورهٔ مائده یکصد و بیست آیه — بنام خداوند بخشاینده مهربان — در مدینه طیبه نازل شده است

ای کسانیکه ایمان آورده اید وفا کنید به بستن عقدهای شرعیه حلال کرده شد برای شما چهار پایان بابسته مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما در این سوره سوای آنچه را که از صید حلال مندانید در حالیکه شما محرم باشید بدرستیکه خدا حکم میکند هر چه را که اراده میفرماید ۲ ای کسانیکه ایمان آوردید حلال نکنید مناسک حج خدا را و حلال نکنید ماه حرام را بسبب قتال و حلال نکنید قربانیها را و حلال نکنید قلاید را یعنی آنچه را که از گاو و گوسفند و شتر وغیره که قلاده بگردن آنها بسته اند و برای قربانی مخصوص کرده اند و حلال ندانید تعرض باشخاصی که قاصدان مکهٔ معظمه اند که بزیارت کعبه میروند که مؤمنین ایشان می طلبند افزونی از پروردگار خودشان ثواب آخرت و منفعت دنیا را و اگر کافرند میطلبند افزونی دنیوی را از جانب پروردگار خودشان و می طلبند بحسن اعتقاد خودشان خوشنودی خدا را ۳ و چون از احرام بیرون آئید پس صید کنید اگر خواهید و باید که بر آن ندارد شما را دشمنی قومی برای اینکه باز داشتند شما را از طواف مسجد الحرام اینکه از حدود گذرید و یاری کنید یکدیگر را به نیکوئی و پرهیزکاری و یاری نکنید یکدیگر را بر بدی و بر ستمکاری و بپرهیزید از نافرمانی خدا بدرستیکه خدا سخت عقوبت است ۴ حرام کرده شده بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر چه را یاد کرده باشند در وقت کشتن از برای غیر خدا با آن یعنی در وقت ذبح بسم الله گفته نشده باشد و خفه شده و آنچه را با چوب و سنگ زده باشند تا مرده باشد و آنچه از بلندی بزیر انداخته باشند و مرده باشد و آنچه را که شاخ زده باشد حیوانی دیگر و مرده باشد و آنچه را که حیوان درنده بعضی از آنرا خورده باشد و بقیه آن مرده باشد یا حیات غیر مستقره داشته باشد مگر آنکه حیات مستقره داشته باشد و بطور شرعی آنرا ذبح کرده باشند و هر چه را که کشته باشند باسم قربانی برای سنگهائیکه منصوب است در حوالی بیت الحرام حرام است بر شما آنچه را که قسمت کنید با زلام یعنی به تیرهائیکه اعراب بمعمول خودشان با آنها خیر و شر میکردند

این تقسیم کردن با ازلام بیرون رفتن است از طریقهٔ فرمان برداری خدا امروز نا امید شدند کفار از دین شما که دین شما
تحلیل برند دین و طریقهٔ شما را پس مترسید از فتنه کردن ایشان و بترسید از من ۵ امروز کامل کردم برای شما دین شما را و
تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم برای شما اسلام را دینی پس هر که بیچاره شود در گرسنگی در حالتی که میل کننده نباشد
بگناهی بخورد از آنچه ذکر شد از محرمات بقدر سد رمق پس بتحقیق خدا آمرزنده و مهربانست ۶ می پرسند از تو ای پیغمبر چه چیز حلال
کرده شد از برای ایشان از مطاعم بگو حلال کرده شد از برای شما کشتارهای پاکیزه که بنام خدا ذبح کرده باشند و هر چه را که تعلیم
کردید از سگهای شکاری که تعلیم داده اید شما آن سگها را از آنچیزیکه تعلیم کرده است خدا شما را از طریق تادیب که برای صید رها
کنید وقتی بخوانید آنها را باز آیند و شکار نگاهدارند و نخورند پس بخورید از آنچه نگاهداشته اند آن سگان شکاری و نخورده اند و بخوانید اسم
خدا را بر آن صید و ذبح کنید و بخورید و بپرهیزید از خدا در خوردن هر چه حرام است بدرستیکه خدا زود حسابست و از حلال و حرام
سؤال کند ۷ امروز حلال کرده شد از برای شما طعامهای پاک پاکیزه و طعام آنکسانیکه داده شده اند کتاب را یعنی یهود و نصاری
حلالست از برای شما و طعام شما حلالست برای ایشان و حلال شده است بر شما زنهای پارسا از مؤمنات و زنهای پارسا از کسانیکه
داده شده است آنها کتاب پیش از شما که یهود و نصاری هستید وقتی بدهید مهرهای ایشانرا در حالتی که با عفت باشند زناکار نباشند و رفیق
در پنهانی نباشند و هر کس کافر شود بآنچه ایمان بآن واجب باشد پس بتحقیق باطلست عمل او و او در آخرت از جملهٔ زیانکارانست ۸
ای کسانیکه گرویده اید چون خواهید که بایستید بنماز پس بشوئید رویهای خود را و دستهای خود تا بآرنجها تا مرفقها و مسح کنید سرهای خود را و پاهای خود تا
تا کعبین که آن استخوانی است که بیرون آمده است از میان قدم ۹ و اگر باشید جنب پس غسل کنید و اگر باشید ناخوش یا در سفر باشید یا باید یکی از شما
از غائط یا بوده باشید زنانرا مباشرت پس نیابید آبی را پس تیمم کنید بخاک پاک پس مسح کنید برویها و دستهای خود تان از آن خاک نمیخواهد خدا
اینکه بگرداند بر شما حرجی و تنگی ولیکن میخواهد که پاک گرداند شما را و تا تمام کند نعمت خود را بر شما شاید شما شکر کنید ۱۰ و ذکر کنید

صفحهٔ هشتاد و ششم

نعمت خدا را که انعام کرده است بر شما و یاد آرید میثاق او را که بسته است شما را بر آن وقتی که گفتید سمعنا و اطعنا
یعنی شنیدیم و اطاعت کردیم و بپرهیزید از خدا بدرستی که خدا داناست بآنچه در سینه ها مخفی است ۱۱ ای کسانی که
گرویده اید باشید ایستادگان از برای خدا گواهان بعدل و باید که باز ندارد شما را دشمنی قومی بر اینکه عدالت
نکنید عدالت کنید که آن نزدیکتر است از برای پرهیزکاری و بترسید از خدا بدرستیکه خدا داناست بآنچه میکنید ۱۲ وعده داد خدا
بآن کسانیکه گرویدند و عمل کردند کارهای شایسته و از برای ایشانست آمرزش گناه و مزدی بزرگ که آن بهشتست ۱۳ و آن کسانیکه کافر
شدند و تکذیب کردند آیات ما را که آن قرآنست آن گروه یاران و مجاوران جهنمند ۱۴ ای کسانیکه ایمان آورده و گرویده اید ذکر کنید
نعمتهای خدا را که انعام کرده است بر شما چون قصد کردند قومی اینکه بگشایند بسوی شما دستهای خود شانرا بقتل پس باز داشت خدا دستهای
ایشانرا از شما و بپرهیزید از خدا و بر خدای تعالی پس باید توکل کنند گروندگان ۱۵ و هر آینه بتحقیق گرفت خدا میثاق بنی اسرائیل را
و برانگیختیم از ایشان دوازده مهتر که کارگذار طبقهٔ خود بودند و گفت خدا بدرستیکه من با شما هستم البته اگر برپا دارید نماز
را و بدهید زکوة را و بگروید بفرستادگان من و اعزاز و یاری کنید شما آن رسولان را و قرض بدهید خدا را در دادن نفقه
از وجه حلال که نیکو باشد تا اینکه درگذرم از شما بدیهای شما را و هر آینه داخل کنم شما را البته ببهشتهائیکه جاریست از زیر درختان آن جویهای
آب پس هر کس کافر شود بعد از این از شما پس بتحقیق گم کرده است راه راست را ۱۶ پس بسبب شکستن ایشان عهد خود شانرا لعنت
ما ایشانرا و گردانیدیم دلهای ایشانرا بسیار سخت تغییر میدهند کلام را از جای خودش و فراموش کردند بهره از آنچه گفته شد و پند داده شدند بآن
در تورات همیشه آگاه شوی بر خیانتی از ایشان مگر کمی از ایشان پس درگذر از ایشان و رو بگردان از ایذای ایشان بدرستیکه خدا دوست میدارد نیکوکارانرا ۱۷
و از جملهٔ کسانی که گفتند ما ترسایانیم گرفتیم ما عهد از ایشان پس فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شده بودند بآن در انجیل پس انداختیم



ذلكم فسق اليوم يئس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم واخشون ٥
اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام
دينا فمن اضطر في مخمصة غير متجانف لاثم فان الله غفور رحيم ٦
يسئلونك ماذا احل لهم قل احل لكم الطيبات وما علمتم من الجوارح
مكلبين تعلمونهن مما علمكم الله فكلوا مما امسكن عليكم واذكروا
اسم الله عليه واتقوا الله ان الله سريع الحساب ٧ اليوم احل لكم الطيبات
وطعام الذين اوتوا الكتاب حل لكم وطعامكم حل لهم والمحصنات من
المؤمنات والمحصنات من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم اذا آتيتموهن
اجورهن محصنين غير مسافحين ولا متخذي اخدان ومن يكفر بالايمان
فقد حبط عمله وهو في الآخرة من الخاسرين ٨ يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم
الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وايديكم الى المرافق وامسحوا برؤسكم و
ارجلكم الى الكعبين وان كنتم جنبا فاطهروا وان كنتم مرضى او على سفر
او جاء احد منكم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا
طيبا فامسحوا بوجوهكم وايديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج
ولكن يريد ليطهركم وليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون ١٠ واذكروا

نعمة الله عليكم وميثاقه الذي واثقكم به إذ قلتم سمعنا وأطعنا واتقوا
الله إن الله عليم بذات الصدور ١١ يا أيها الذين آمنوا كونوا قوامين لله
شهداء بالقسط ولا يجرمنكم شنآن قوم على ألا تعدلوا اعدلوا هو
أقرب للتقوى واتقوا الله إن الله خبير بما تعملون ١٢ وعد الله الذين آمنوا
وعملوا الصالحات لهم مغفرة وأجر عظيم ١٣ والذين كفروا وكذبوا بآياتنا
أولئك أصحاب الجحيم ١٤ يا أيها الذين آمنوا اذكروا نعمت الله عليكم إذ هم
قوم أن يبسطوا إليكم أيديهم فكف أيديهم عنكم واتقوا الله وعلى الله فليتوكل
المؤمنون ١٥ ولقد أخذ الله ميثاق بني إسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر
نقيبا وقال الله إني معكم لئن أقمتم الصلوة وآتيتم الزكوة وآمنتم برسلي
وعزرتموهم وأقرضتم الله قرضا حسنا لأكفرن عنكم سيئاتكم و
لأدخلنكم جنات تجري من تحتها الأنهار فمن كفر بعد ذلك منكم فقد
ضل سواء السبيل ١٦ فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية
يحرفون الكلم عن مواضعه ونسوا حظا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على
خائنة منهم إلا قليلا منهم فاعف عنهم واصفح إن الله يحب المحسنين ١٧
ومن الذين قالوا إنا نصارى أخذنا ميثاقهم فنسوا حظا مما ذكروا به فأغرينا

بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا
يَصْنَعُونَ ١٤ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ
تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ۚ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ١٥
يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى
النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ١٦ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ
هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ
مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ
يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٧ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ
نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ ۚ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ ۖ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ ۚ
يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ١٨ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ
فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۖ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ
وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٩ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا
نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ
أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ٢٠ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ

وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ٢٥ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا
قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا
دَاخِلُونَ ٢٦ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ
فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٧
قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ
فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ٢٨ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي
فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٢٩ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ
سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٣٠ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ
نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ
قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ٣١ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ
لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ
الظَّالِمِينَ ٣٣ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ
فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا
وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ

میانهٔ ایشان دشمنی و خشم تا روز قیامت و زود باشد که خبر بدهد ایشانرا خدا بآنچه بودند که میکردند ۱۸ ای اهل کتاب که یهودی
و نصرانی هستید بتحقیق آمد شما را فرستادهٔ ما بیان میکند از برای شما بسیاری از آنچه شما پنهان میکنید از توراة
و در میگذرد از بسیاری از مخفیات شما بتحقیق آمد شما را از جانب خدا نوری و قرآن روشنی هدایت میکند بآن قران خدا کسی را
که پیروی کرد خوشنودی او را براهای سلامتی از عذاب و بیرون میآورد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنی باذن خدا و راه مینماید
ایشانرا بسوی راه راست ۱۹ هر آینه بتحقیق کافر شدند آن کسانیکه گفتند بدرستیکه خدا اوست مسیح بن مریم بگو ای محمد پس کیست
که بتواند منع کند از قدرت خدا چیزی را اگر اراده کند خدا اینکه هلاک کند مسیح بن مریم و مادر او را و هر که در زمین است همه را ۲۰
و از برای خداست ملک آسمانها و زمین و هر چه میانهٔ زمین و آسمانست خلق میکند هر چه میخواهد و خدا بر هر چیزی قادر است ۲۱
و گفتند یهود و نصاری مائیم پسران خدا و دوستان خدا بگو پس برای چه عذاب میکند شما را خدا بسبب گناهان شما بلکه شما انسانید از
آنچه آفرید میآمرزد از برای هر که میخواهد و عذاب میکند هر که را میخواهد و از برای خداست ملک آسمانها و زمین و هر چه میان آسمانها و زمین
است و بسوی خداست بازگشت ۲۲ ای اهل کتاب بتحقیق آمد شما را فرستادهٔ ما که محمد است روشن میکند از برای شما راه حق را
بر فاصلهٔ از فرستادگان که بگوئید شما نیامد ما را از مژده دهنده و نیامد ما را بیم کننده پس بتحقیق آمد شما را مژده دهنده و بیم کننده
و خدا بر هر چیز قادر است ۲۳ و وقتی گفت موسی از برای قوم خودش ای قوم ذکر کنید نعمت خدا را بر خودتان وقتی که گردانید
در میان شما پیغمبران و گردانید شما را سلاطین و داد بشما آنچه را که نداده بود باحدی از جهانیان ۲۴ ای قوم من داخل شوید زمین پاک گردانیده

و بر نگردید بر پشت سرهای خودتان یعنی همین طور که برای خوف جبارین آمده اید باشید و گرنه پس بر میگردید زیانکاران ۲۵ گفتند
یهودیان ای موسی بدرستیکه در آن ارض مقدسه هستند قوم جبر کنندگان و بدرستیکه ما هرگز داخل نمیشویم بآن زمین تا اینکه بیرون روند آن قوم جبارین
از آن زمین پس اگر بیرون روند ایشان بتحقیق ما داخل شوندگانیم ۲۶ گفتند دو مرد از آن کسانیکه میترسیدند که یوشع بن نون و کالوب بن یوحنا
بودند که انعام کرده بود خدا بر آن دو نفر نور ایمان و ثبات قدم را داخل شوید از این در بر ایشان یعنی بر جبارین و ایشانرا در رهگذر تنگ
بگیرید و نگذارید بصحرا در آیند پس اگر داخل شوید آنرا بر وجهی که ذکر شد پس بتحقیق که شما غالبانید و بر خدا پس توکل کنید اگر شما گروندگان
۲۷ گفتند ای موسی بدرستیکه ما داخل نمیشویم آن زمین هرگز مادامیکه باشند جبارین در آن زمین پس برو تو و پروردگار خودت پس جنگ کنید
بدرستی که ما در این مکان از جملهٔ نشستگانیم ۲۸ گفت موسی ای پروردگار من بدرستیکه من مالک نیستم مگر نفس
خودم را و برادرم هرون نفس خودش را پس جدائی بینداز میان ما و قوم بدکاران ۲۹ گفت خدا پس بدرستیکه
آن زمین حرام کرده شد بر ایشان چهل سال سرگردان خواهند بود در زمین این بیابان که شش فرسخ است پس اندوهناک
مباش بر قوم بدکاران که این حکم برای نافرمانی آنها شده است ۳۰ و بخوان بر ایشان خبر دو پسر آدم را که قابیل
و هابیل بودند از حقیقت و راستی وقتی که تقرب جستند بسبب قربانی پس قبول شد از یکی از آنها که هابیل بود و قبول
نشد از دیگری که قابیل بود گفت قابیل بهابیل هر آینه البته میکشم ترا گفت هابیل اینست جز این نیست قبول میکند خدا از
پرهیزکاران ۳۱ هر آینه اگر بگشائی بسوی من دست خودت را تا بکشی مرا نیستم من که باز کنم دست خودم را بسوی تو تا اینکه
بکشم ترا بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار جهانیانست ۳۲ بدرستیکه من میخواهم اینکه برگردی بگناه من یعنی مرا
بکشی و گناه خودت یعنی آن نافرمانی که اول کرده بودی پس باشی از اصحاب آتش و اینست جزای ستمکاران ۳۳ پس فرمان داد
از برای قابیل نفس او کشتن برادر خودش را پس کشت او را پس صبح کرد قابیل از جملهٔ زیانکاران ۳۴ پس برانگیخت خدا
کلاغی را که میکاوید زمین و بهر دو پای گودی بکند تا اینکه بنماید قابیل را که چگونه بپوشاند جسد برادر خود را چون
دید قابیل حرکات غراب را گفت ای وای مرا آیا عاجز شدم من که باشم مثل این کلاغ پس بپوشانم جثهٔ برادر خودم را پس صبح کرد

از پشیمانان ۳۵ ازاین جهة نوشتیم بر بنی اسرائیل اینکه هرکس بکشد نفسی را بغیر اینکه کسیرا کشته باشد که قصاص براو وارد باشد یافسادی در زمین کرده باشد پس چنانست که کشته است همهٔ مردم را و هرکس زنده دارد نفسی را که سبب حیات شده باشد پس چنانست که گویا زنده کرده است جمیع مردم را ۳۶ و هرآئینه بتحقیق آمد ایشانرا یعنی بنی اسرائیل را فرستادگان ما بامعجزهایی بدرستی و بتحقیق بسیاری از ایشان بعد از این آمدن رسولان در زمین از جملهٔ اسراف کنندگان بودند در قتل وسایر منهیات ۳۷ اینست و جزاین نیست که سزای آنکسانیکه مجادله میکنند بخدا و رسول خدا و سعی میکنند در زمین بفساد یعنی بشتابند در زمین برای قتل و غارت و فساد کردن اینست که کشته شوند یا بدار کشیده شوند یا بریده شود دستهای ایشان و پاهای ایشان از خلاف یا آواره شوند از زمین این امر ایشانرا است خزی در دنیا و از برای ایشانست در آخرت عذابی بزرگ ۳۸ مگر آنکسانیکه توبه کردند از پیش از اینکه قادر شوید بر ایشان پس بدانید که خدا آمرزنده و مهربانست ۳۹ ای آنکسانیکه گرویدید بپرهیزید از خدا و بجوئید بسوی او وسیلهٔ و جهاد کنید در راه خدا شاید شما رستگار شوید ۴۰ بدرستی که آنکسانیکه کافر شدند اگر اینکه بتحقیق باشد از برای ایشان هرچه در زمین است همه و مثل آن با آن تا فدا بدهند بآن از عذاب روز قیامت قبول نمیشود از ایشان و از برای ایشانست عذاب دردناک ۴۱ میخواهند که بیرون بیایند از آتش و نیستند ایشان بیرون آیندگان از آتش و از برای ایشانست عذابی برقرار ۴۲ و مرد دزد و زن پس ببرید دستهاشانرا سزا دادنی بآنچه کسب کردند عقوبتی از خدا و خدا غالب و درستکار است ۴۳ پس هرکس توبه کرد از بعد از ستم خود و باصلاح آورد پس بدرستیکه خدا می پذیرد براو بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست ۴۴ آیا ندانسته که خدا از برای اوست ملک آسمانها و زمین عذاب میکند هرکه را میخواهد و می آمرزد هرکه را میخواهد و خدا بر هر چیز تواناست ۴۵

صفحهٔ نودم

ای فرستادهٔ از جانب خدا بناید که اندوهگین کنند ترا آنکسانیکه شتاب میکنند در کفر از آنهائیکه بدهنها و بزبانهای خودشان گفتند ایمان آورده ایم و در دلهای خودشان ایمان نیاورده بودند و از آنهائیکه یهودی شدند شنوندگانند مر دروغرا شنوندگانند و خبر دهندگانند از برای گروهی دیگر که نیامده اند نزد تو که پیغمبری که آن یهودان خیبر بودند که از تکبر خدمت پیغمبر نمیآیند تغییر میدهند سخنرا از مواضع خودش بعد از اینکه حکم شده و نوشته شده است مقصود اینکه حلالرا بجای حرام و حرام را بجای حلال میگذارند میگویند اگر بدهد شما را پیغمبر حکم بجلد که زدن تازیانه است پس بگیرید آنحکم را و قبول کنید و اگر نیاورد شما را حکم تازیانه بلکه حکم برجم یعنی سنگسار نمود پس کناره کنید و قبول نکنید آنحکم را و هرکسرا که اراده میکند خدا برای او فضیحت و عقوبت و آزمایش پس هرگز مالک نتوانی شد از برای او از خدا چیزی را آنگروه هستند کسانیکه نخواسته است خدا اینکه پاک گرداند دلهای ایشانرا از برای ایشانست در دنیا خواری و در آخرت عذاب بزرگ ۴۶ شنوندگانند مر دروغ را خورندگانند مر حرام را پس اگر بیایند ترا ای محمد پس حکم کن میانهٔ ایشان یا روبگردان از ایشان و اگر اعراض کنی از ایشان پس ضرر نمیتوانند برسانند ترا هیچ چیز و اگر حکم بکنی تو میان ایشان پس حکم میان ایشان بعدل بدرستیکه خدا دوست دارد عدالت کنندگان را ۴۷ و چگونه حکم می سازید ترا و حال اینکه نزد ایشانست توراتی که در آن تورات حکم خدا هست برجم پس برمیگردید از بعد از این یعنی بعد از اینکه تو حکومت بروفق حکم تورات کردی برمیگردند از آنحکم و نیستند این گروه گروندگان ۴۸ بدرستیکه ما فرستادیم تورات را که در آن هدایت و روشنی است حکم میکردند بآن پیغمبران بنی اسرائیل آن پیغمبرانی که انقیاد داشتند احکام را از برای آنها که متدین بدین یهود بودند و حکم میکردند بآن خداپرستان از علمای ربانی از بنی اسرائیل و زاهدان آنها که تابع انبیای خود بودند بسبب آنچه مامور شده بودند بمحافظت از کتاب خدا و بودند ایشان بر کتاب تورات گواهان که بیان کنند حقیقت تورات را براستی پس مترسید از مردم بترسید از من و نخرید آیات مرا ببهای کمی و هرکس حکم نمیکند بآنچه فرستاده است خدا پس آنگروه ایشانند کافران ۴۹ و نوشتیم بر بنی اسرائیل در تورات اینکه برای کشتن یکنفر یکنفر را بکشند و عوض چشم چشم و دماغ بدماغ و گوش بگوش و دندان بدندان و جراحتها را اطلاق قصاص پس هرکس

با آن پس آن تصدقست کفاره از برای او و هرکس حکم نمیکند بچیزیکه فرو فرستاده است خدا پس آنگروه ستمکارانند ۵۰ و از پی در آوردیم بر اثرهای ایشان عیسی بن مریم را در حالتی که تصدیق کننده بود از برای چیزی که میان دو دست او بود از احکام تورات و دادیم عیسی را انجیل که در آنست راهنمائی و روشنی و تصدیق کننده از برای چیزی که پیش از او بود میان تورات و راهنمائی و پندی از برای پرهیزکاران ۵۱ و باید حکم کننده اهل انجیل با آنچه فرو فرستاده است در آن انجیل از احکام و هرکس حکم نکند با آنچه فرو فرستاده است خدا پس آن گروه ایشانند بدکاران ۵۲ و فرو فرستادیم بسوی تو ای محمد قرآن را براستی در حالتی که مصدق است از برای آنچه پیش از تو بود از تورات و انجیل و نگهبان است بر آن کتب پس حکم بکن میان ایشان بآنچیزیکه فرستاده است خدا و متابعت نکن خواهشهای ایشانرا از آنچه آمده تورا از حق برای هریک گردانیدیم ما از شما شریعتی را و راه روشنی ۵۳ و اگر بخواهد هرآینه میگرداند شما را یک امت ولیکن تا آزماید شما را در آنچه داد شما را پس پیش گیرید بجو نیها بسوی خداست بازگشت شما همگی پس آگاه میگرداند شما را بآنچه شما در آن اختلاف دارید ۵۴ و اینکه حکم کنی میان ایشان با آنچه فرستاد خدا و متابعت نکن خواهشهای ایشانرا و پیروی نکن خواهشهای ایشانرا و حذر کن از ایشان اینکه بفتنه بیندازند تورا از بعض آنچیزیکه فرستاد خدا بسوی تو پس اگر برگردند از حکم تو پس بدان جز این نیست که میخواهد خدا اینکه برساند ایشانرا عقوبتهای بعضی از گناهان ایشان و بدرستیکه بسیاری از یهودان بدکارانند ۵۵ آیا پس حکم جاهلیت را میخواهند و کیست نیکوتر از خدا از روی حکم از برای گروهی که یقین دارند ۵۶ ای کسانیکه ایمان آوردید مگیرید یهود و نصاری را دوستان که بعضی از ایشان یاوران بعضی دیگرند و هرکه دوست بگیرد ایشانرا از شما پس بدرستیکه او از ایشانست بدرستیکه خدا هدایت نمیکند قوم ظالمین را

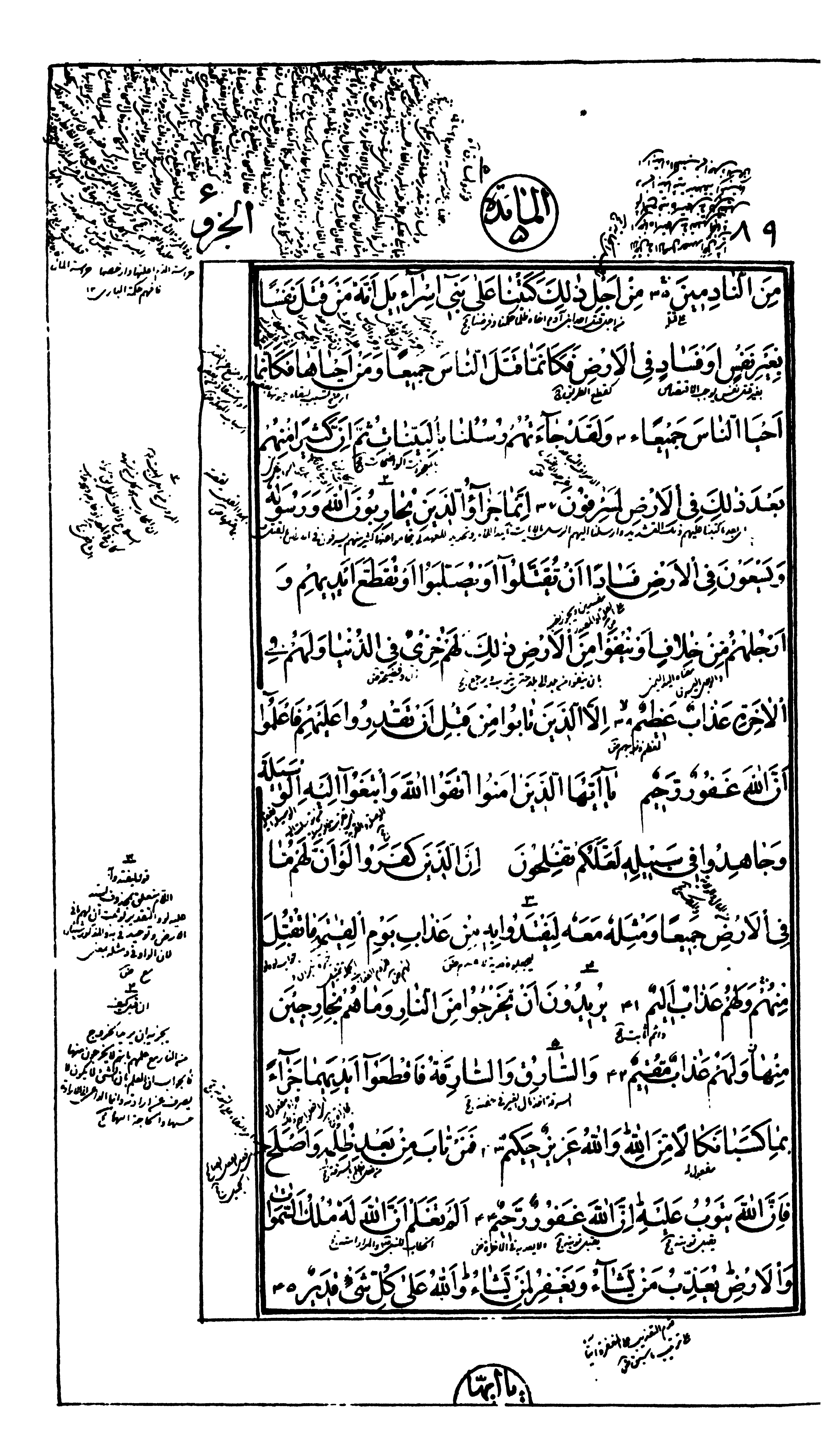
پس به بینی آنکسانی را که در دلهای ایشان مرض است می شتابند در دوستی و یاری دوستان خود که اهل کفرند میگویند میترسیم ما اینکه برسد ما را گردشی یعنی مسلمان مغلوب شوند و دولت بکفار برسد پس تا آید خدا که بیاورد فتحی یا فرمانی از جانب خویش پس صبح کردند بر آنچه پنهان کرده بودند در نفسهای خودشان از دوستی با یهودان یا شک در کار پیغمبر پشیمانان ۵۸ و میگویند آن کسانیکه ایمان آوردند آیا این گروهند آن کسانیکه قسم میخوردند بخدا سخت ترین و غلیظ ترین سوگندهای خود بدرستی که ایشان با شما اند هرآینه امروز پرده ایشان پاره و دروغشان معلوم شد و باطل و نابود شد اعمال ایشان پس گشتند زیان کاران ۵۹ ای کسانیکه ایمان آورده اید هرکه برگردد از شما از دین خود پس زود باشد بیاورد گروهی را که دوست دارد خدا ایشانرا و دوست دارند ایشان خدا را متواضع و فروتن باشند بر مومنین و غلبه کنندگان باشند بر کافران کارزار میکنند در راه خدا و نمی ترسند از ملامت ملامت کنی این احسان خداست میدهد آن احسان را هرکه میخواهد و خدا وسعت دهنده و داناست ۶۰ این است و جز این نیست که دوست شما خدا و رسول خداست و آن کسانی که ایمان آوردند کسانی هستند که برپا میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان رکوع کنندگان اند ۶۱ و هرکس که ولی امر خود گرداند خدا و رسول خدا را و آن کسانی که ایمان آوردند پس بدرستی که لشکر خدا ایشانند غلبه کنندگان ۶۲ ای کسانی که ایمان آورده اید مگیرید شما آن کسانی را که گرفته اند دین شما را مسخره و بازیچه از آن کسانی که داده شده اند کتاب را یعنی یهودان از پیش از شما و مگیرید کفار را دوستان خودتان و بپرهیزید از خدا اگر هستید شما ایمان دارندگان ۶۳ و وقتی ندا کردند شما را بسوی نماز میگیرید نماز را مسخره و بازیچه این بسبب آنکه ایشان قومی هستند که عقل ندارند ۶۴ بگو ای اهل کتاب آیا انکار و عیب میکنید از ما مگر اینکه ایمان آوردیم بخدا و بچیزیکه فرستاده شده است بسوی ما و بچیزیکه فرستاده شده است از پیش که توراتست و بدرستیکه بسیاری از شما بدکارانند ۶۵ بگو آیا آگاه کنم و خبر دهم شما را به بدتر از آنچه گفتید که دین شما بدتر از سایر ادیانست از روی پاداش که ثابت است نزد خدای هرکس لعن کرد او را خدا

حزب

وخشم گرفت بر او و گردانید بعضی از ایشان را بوزینه‌گان و خوگان و آنکس که پرستید طاغوت را یعنی گوساله پرستی اختیار کرد آن گروه بدترند بجایگاه و گمراه‌ترند از میان راه یعنی از کسیکه گم کرده است راه حق را ۶۵ و اگر بیایند شما را بگویند ایمان آوردیم ما و حال اینکه بتحقیق داخل شده اند بکفر و ایشان بتحقیق خارج شدند با کفر یعنی در وقت دخول و خروج کافر بودند و خدا داناتر است بآنچه هستند که کتمان میکنند ۶۷ و می بینی بسیاری از ایشان شتاب میکنند در گناه و دشمنی و خوردنشان حرام را هر آینه بداست آنچه را که هستند میکنند یعنی مشغول کردن آن کارها هستند ۶۸ چرا نهی نمیکنند ایشانرا علمای ایشان که خداشناسند و فراهدند از دروغ گفتن ایشان و خوردن ایشان حرام را هر آینه بداست آنچه را که هستند میسازند یعنی این صفت دروغ گوئی و خوردن ربا بداست ۶۹ و گفتند یهود دست خدا بسته است بسته باد دستهای ایشان و لعنت کرده شدند بآنچیزی که گفتند بلکه دستهای خدا هر دو باز است نفقه میدهد هر طور که میخواهد و هر آینه زیاد میکند بسیاری از یهودان را آنچه فرستاده شد بسوی تو از جانب پروردگار تو طغیان و کفر را و انداختیم میان ایشان عداوت و غضب تا روز قیامت هر چند روشن کردند آتش را از برای جنگ فرو خوابانید آن آتش را خدا و میشتابند در زمین براه فتنه انگیزی و خدا دوست ندارد مفسدین را ۷۰ و اگر اینکه یهودان و نصرانیان ایمان بگروند و بپرهیزند هر آینه بپوشانیم از ایشان بدیهاشانرا و هر آینه درآوریم ایشانرا بوستانهای پر نعمت ۷۱ و اگر اینکه ایشان بپای میداشتند توریت و انجیل را و آنچه را که فرستاده شد بسوی ایشان از جانب پروردگارشان هر آینه میخوردند از بالای سرشان و از زیر پاهاشان یعنی بسبب باران و سبز کردن نباتات روزی آنها را وسعت میدادیم بعضی از ایشان گروهی هستند که راست گویانند و بسیاری از ایشان بداست آنچه میکنند ۷۲ ای پیغمبر برسان آنچه را که فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار خودت و اگر نکنی پس تبلیغ رسالت نکردهٔ و خدا نگاه میدارد ترا از مردم بدرستیکه خدا راه نمینماید قوم کافران را

صفحهٔ نود و چهارم

بگو ای یهود و نصاری نیستید شما بر چیزی تا اینکه بپای دارید توراة و انجیل را و آنچه را که فرستاده شد بسوی شما از جانب پروردگار شما و هر آینه البته زیاد میکند بسیاری از ایشانرا چیزیکه فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو سرکشی و کفر پس اندوه مخور بر قوم کافران ۷۳ بدرستیکه آن کسانی که ایمان آوردند و آن کسانی که یهود شدند و ستاره پرستان و ترسایان هر کس ایمان آورد بخدا و روز قیامت و عمل نیکو کند پس نه ترسی بر ایشانست و نه ایشان اندوه میخورند ۷۴ هر آینه بتحقیق گرفتیم ما از عهد از فرزندان یعقوب و فرستادیم بسوی ایشان رسولانی هر وقت آمد ایشانرا رسولی بآنچه دوست نداشت نفسهای ایشان گروهی را تکذیب کردند و گروهی را میکشتند ۷۵ و گمان داشتند که نباشد عذابی پس کور شدند و کر شدند پس پذیرفت خدا بر ایشان بعد از آن کور شدند و کر شدند بسیاری ایشان و خدا بیناست بآنچه میکنند ۷۶ هر آینه بتحقیق کافر شدند آنکسانی که گفتند بدرستی که خدا اوست مسیح بن مریم و گفت مسیح ای بنی اسرائیل عبادت کنید خدا را که پروردگار من است و پروردگار شماست بدرستیکه هر که شرک بیاورد بخدا پس بتحقیق حرام کرده است خدا بر او بهشت را و آرامگاه او آتش است و نیست از برای ظالمین هیچ مددکاری ۷۷ هر آینه بتحقیق کافر شدند آنکسانیکه گفتند بدرستیکه خدا یکی از سه خدا است یعنی عیسی و مریم و خدا سه خدا میدانند و حال اینکه نیست هیچ معبودی مگر خدای واحد و اگر باز نه ایستند از آنچه میگویند هر آینه برسد بآنهائی که کافر شدند از قوم نصاری عذابی دردناک ۷۸ آیا پس توبه نمیکنند بسوی خدا و استغفار کنند از او و خدا آمرزنده و مهربانست ۷۹ نیست مسیح بن مریم رسول مگر بتحقیق گذشته اند پیش از او رسولان و مادر او بسیار راستگو بود بودند مسیح و مادرش که میخوردند خوردنی را پس ببین چگونه آشکار کردیم از برای ایشان نشانها پس نظر کن چگونه برگردانیده میشوند ۸۰ بگو ای محمد آیا عبادت می کنید از



مِنَ النّٰدِمِينَ ۝ مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ كَتَبْنَا عَلٰى بَنِيٓ اِسْرَآءِيلَ اَنَّهٗ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فَسَادٍ فِي الْاَرْضِ فَكَاَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ اَحْيَاهَا فَكَاَنَّمَا اَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۝ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنٰتِ ثُمَّ اِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ فِي الْاَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ۝ اِنَّمَا جَزٰٓؤُا الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ وَيَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَسَادًا اَنْ يُقَتَّلُوٓا اَوْ يُصَلَّبُوٓا اَوْ تُقَطَّعَ اَيْدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْاَرْضِ ذٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ اِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوٓا اِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهٖ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهٗ مَعَهٗ لِيَفْتَدُوا بِهٖ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝٤١ يُرِيدُونَ اَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخٰرِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝٤٢ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوٓا اَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْۢ بَعْدِ ظُلْمِهٖ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝٤٥

يا أيها الرسول لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر من الذين قالوا
آمنا بأفواههم ولم تؤمن قلوبهم ومن الذين هادوا سماعون للكذب
سماعون لقوم آخرين لم يأتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه يقولون
إن أوتيتم هذا فخذوه وإن لم تؤتوه فاحذروا ومن يرد الله فتنته
فلن تملك له من الله شيئا أولئك الذين لم يرد الله أن يطهر قلوبهم لهم
في الدنيا خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم ٤١ سماعون للكذب أكالون
للسحت فإن جاءوك فاحكم بينهم أو أعرض عنهم وإن تعرض عنهم فلن يضروك
شيئا وإن حكمت فاحكم بينهم بالقسط إن الله يحب المقسطين ٤٢ وكيف
يحكمونك وعندهم التوراة فيها حكم الله ثم يتولون من بعد ذلك و
ما أولئك بالمؤمنين ٤٣ إنا أنزلنا التوراة فيها هدى ونور يحكم
بها النبيون الذين أسلموا للذين هادوا والربانيون والأحبار بما
استحفظوا من كتاب الله وكانوا عليه شهداء فلا تخشوا الناس واخشون
ولا تشتروا بآياتي ثمنا قليلا ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم
الكافرون ٤٤ وكتبنا عليهم فيها أن النفس بالنفس والعين بالعين و
الأنف بالأنف والأذن بالأذن والسن بالسن والجروح قصاص فمن

تَصَدَّقَ بِهٖ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهٗ وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ

الظّٰلِمُوْنَ ○ وَقَفَّيْنَا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ بِعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

مِنَ التَّوْرٰىةِ وَاٰتَيْنٰهُ الْاِنْجِيْلَ فِيْهِ هُدًى وَّنُوْرٌ وَّمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

مِنَ التَّوْرٰىةِ وَهُدًى وَّمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِيْنَ ○ وَلْيَحْكُمْ اَهْلُ الْاِنْجِيْلِ بِمَآ

اَنْزَلَ اللّٰهُ فِيْهِ وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ○ وَ

اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتٰبِ وَمُهَيْمِنًا

عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَهُمْ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ الْحَقِّ

لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَّمِنْهَاجًا ○ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً

وَّلٰكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِيْ مَآ اٰتٰىكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرٰتِ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ○ وَاَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ

اَهْوَآءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ اَنْ يَّفْتِنُوْكَ عَنْ بَعْضِ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكَ فَاِنْ تَوَلَّوْا

فَاعْلَمْ اَنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّصِيْبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوْبِهِمْ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ لَفٰسِقُوْنَ

○ اَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُوْنَ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ

○ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُوْدَ وَالنَّصٰرٰٓى اَوْلِيَآءَ بَعْضُهُمْ

اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاِنَّهٗ مِنْهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ○



فترى الذين في قلوبهم مرض يسارعون فيهم يقولون نخشى أن تصيبنا
دائرة فعسى الله أن يأتي بالفتح أو أمر من عنده فيصبحوا على ما أسروا
في أنفسهم نادمين ٥٢ ويقول الذين آمنوا أهؤلاء الذين أقسموا بالله
جهد أيمانهم إنهم لمعكم حبطت أعمالهم فأصبحوا خاسرين ٥٣ يا أيها الذين
آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة
على المؤمنين أعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون
لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم ٥٤ إنما
وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون
الزكوة وهم راكعون ٥٥ ومن يتول الله ورسوله والذين آمنوا فإن حزب
الله هم الغالبون ٥٦ يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم
هزوا ولعبا من الذين أوتوا الكتاب من قبلكم والكفار أولياء واتقوا
الله إن كنتم مؤمنين ٥٧ وإذا ناديتم إلى الصلوة اتخذوها هزوا و
لعبا ذلك بأنهم قوم لا يعقلون ٥٨ قل يا أهل الكتاب هل تنقمون
منا إلا أن آمنا بالله وما أنزل إلينا وما أنزل من قبل وأن أكثركم
فاسقون ٥٩ قل هل أنبئكم بشر من ذلك مثوبة عند الله من لعنه الله

وغضب

از غیر خدا آنچه را که مالک نیست مر شما را ضرری و نه منفعتی را و خدا اوست شنونده و دانا ۸۱ بگو ای اهل کتاب غلو مکنید
در دین خودتان غیر از حق یعنی حرف باطل یعنی یهود و نصاری هر یک درباره پیغمبر خودشان حرف باطل نگویند و حق بگویند و متابعت
مکنید خواهشهای قومی را که بتحقیق گمراه شدند از پیش و گمراه نمودند بسیاری را و گمراه شدند از راه راست ۸۲ لعنت
کرده شدند آنکسانیکه کافر شدند از بنی اسرائیل بر زبان داود که در زبور لعن کرده و نفرین کرده برآنهائی که از حرمت داشتن
روز سبت در گذشته بودند و بزبان عیسی بن مریم که در انجیل لعن و نفرین کرد بر اصحاب مائده این لعن و نفرین برای این بود
که نافرمانی کرده بودند که در میگذشتند از احکام حق و بودند که باز نمیایستادند از کار زشت که مرتکب میشدند آنرا هر آینه بد است
آنچه میکنند ۸۳ می بینی بسیاری از ایشان را که دوستی میکنند با آنهائیکه کافر شدند هر آینه بد چیز یست آنچه را که از پیش
فرستاده است از برای ایشان نفسهای ایشان این استکه خشم گرفت خدا بر ایشان و در عذاب ایشان جاویدانند ۸۴
و اگر باشند که ایمان بیاورند بخدا و پیغمبر و بآنچه فرستاده شده است بسوی پیغمبر که قرآنست نمیگرفتند ایشان را
یعنی کفار را دوستان و لیکن بسیاری از ایشان بدکارانند ۸۵ هر آینه بیابی بدترین مردمان را از حیثیت عداوت
از برای کسانی که ایمان آورده اند یهود و آن کسانی که شرک بخدا آوردند و هر آینه می یابی البته ایشان را نزدیکتر بدوستی
از برای کسانیکه ایمان آوردند آنکسانیرا که گفتند ما نصاری هستیم این بسبب اینست یعنی از ایشان دانایان راستگو و زاهدانند
و بدرستیکه ایشان گردن کشی نمیکنند ۸۶ و اگر بشنوند آنچه را که فرستاده شده است بسوی پیغمبر یعنی آیات قرآن را بشنوند
می بینی که اشک میریزد از چشم آنها از آنچه شناخته اند از دین حق میگویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم ما پس بنویس ما را با گواهان
۸۷ و چه چیز است از برای ما که ایمان نمیآوریم بخدا و بآنچه آمده است ما را از دین حق و طمع داریم اینکه داخل کند ما را پروردگار
ما با قوام شایسته کاران ۸۸ پس جزا داد ایشان را خدا بآنچه گفتند بهشتهائیکه جاریست از زیر درختان آن نهرها که
همیشه در آن بهشتها هستند و اینست جزای نیکوکاران و آن کسانی که کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را این گروه اصحاب

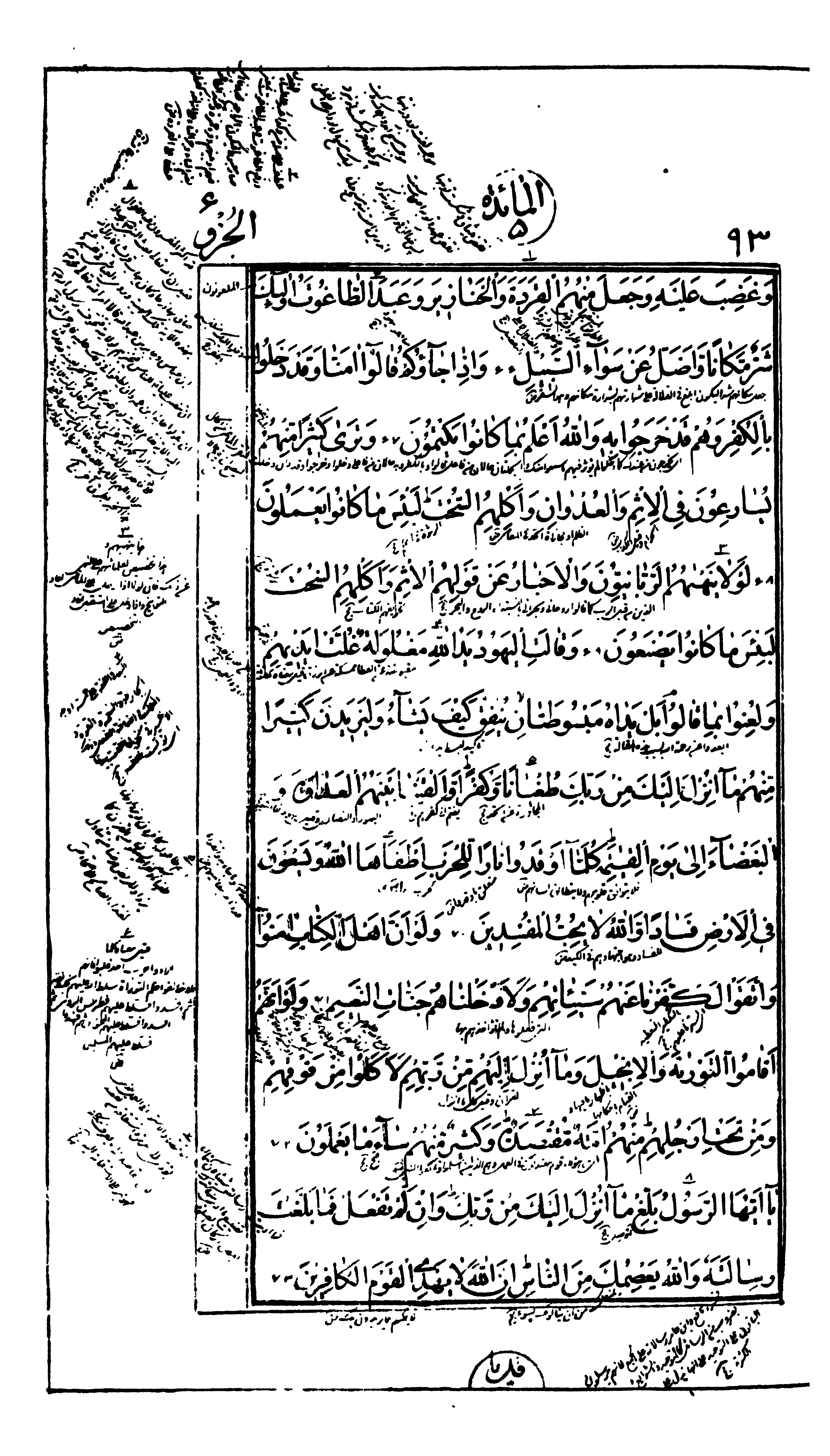
صفحهٔ نود و ششم

جهنمند ۸۹ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید حرام مکنید پاکیزه های آنچه را که حلال کرد خدا از برای شما و در مگذرید از احکام خدا بدرستی
که خدا دوست ندارد در گذرندگان را ۹۰ و بخورید از آنچه روزی داد خدا شما را حلال و پاک و پاکیزه و بپرهیزید از خدای آنچنانیکه شما
بآن ایمان آورنده اید ۹۱ نمیگیرد شما را خدا بسبب بیهوده قسمهای شما و لیکن میگیرد شما را بآنچه بدل بربستید قسمها را پس کفاره شکستن قسم
طعام دادن ده فقیر است از وسط آنچه را که میخورانید اهل خودتان را یا پوشانیدن ده نفر از فقیر است یا آزاد کردن بندهٔ مؤمن یا در حکم مؤمن
است پس هر کس نیابد یعنی قوهٔ اطعام و پوشانیدن و آزاد کردن بنده ندارد پس روزه گرفتن سه روز است اینست کفاره قسمهای
خودتان را اینطور بیان میکند خدا از برای شما نشانهای خود را شاید شما شکر کنید ۹۲ ای آن کسانی که ایمان
آورده اید این است و جز این نیست شراب و قمار و بت پرستیدن و قمار اقداح که با تیرها قمار میکردند پلید است
و از عمل شیطانست پس دوری کنید از هر یک از آنها شاید شما رستگار شوید ۹۳ اینست و جز این نیست که قصد دارد
شیطان اینکه بیندازد میان شما عداوت و کینه را در شراب و قمار و باز دارد شما را از ذکر خدا و نماز پس آیا شما از باز ایستادگانید
و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و بترسید پس اگر رو بگردانید شما و اطاعت نکنید پس بدانید که اینست و جز این نیست بر رسول ما است
رسانیدن آشکار ۹۴ نیست بر آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل شایسته کردند گناهی در آنچه خوردند هرگاه بپرهیزند و بگروند و اعمال شایسته کنند بعد
از آن بپرهیزند و بگروند یعنی ثابت باشند در تصدیق محرمات پس پرهیز نمایند و نیکی کنند یعنی مستمر و مستقر باشند در پرهیز کردن
از معاصی و خدا دوست دارد نیکوکاران را ۹۵ ای آن کسانیکه ایمان آورده اید هر آینه امتحان میکند خدا شما را البته
بچیزی از صید که میرسد بآن دستهای شما و نیزه های شما تا اینکه بداند خدا کی میترسد از خدا به پنهانی پس هر که زیادروی کرد

بعد از این پس از برای اوست عذابی دردناک ۹۶ ای کسانی که ایمان آورده اید نکشید صید را در حالتی که شما محرم باشید
و هر کس بکشد صید را از شما عمداً پس جزای او مثل آنچه کشته است از گوسفندان و سایر چهارپایان از گاو و شتر حکم میکند بآن
صاحبان عدل از شما قربانی که رسیده بکعبه باشد یعنی در خانهٔ کعبه بکشند آن قربانی را یا کفاره طعام دادن فقیران است
یا مثل این روزه گرفتن که مقابل طعام هر مسکینی یکروز روزه بدارند تا اینکه بچشد عقوبت کار خودش را درگذشت خدا از آنچه
گذشته است که در ایام جاهلیت هنگام احرام صید میکردند و هر کس عود کند یعنی اصرار کند پس انتقام میکشد خدا از او
و خدا غالب است و صاحب انتقام است یعنی انتقام میکشد از خلاف کار ۹۷ حلال شد از برای شما صید دریا و خوردن آن
یعنی خوردن ماهی های شیرین و شور بجهت برخورداری از برای شما و از برای مسافران و حرام شد بر شما صید صحرائی تا وقتیکه شما محرمید
و بپرهیزید از خدای آنچنانیکه بسوی او برانگیخته خواهید شد ۹۸ گردانید خدا کعبه را خانهٔ محترم قایم است از برای امور مردمان
و گردانید ماه حرام را رابطهٔ قوام مهمات و گردانید خدا قربانی و حیواناتی که صاحب قلاده هستند که آنها مخصوصند برای
قربانی و قلاده در گردن آنها علامت قربانیست قیام مردمان که مساکین بدان منتفع میشوند این بجهت آنست که بدانید بدرستیکه
خدا میداند هر چه را در آسمانهاست و هر چه در زمین است و اینکه خدا بهر چیزی داناست بدانید که خدا سخت عقوبتست و اینکه خدا آمرزنده و
مهربانست ۹۹ نیست بر فرستاده شده مگر رسانیدن و خدا میداند آنچه را آشکار میکنید و آنچه را پنهان میکنید ۱۰۰ بگو مساوی نیست پلید
و پاک و اگر چه بعجب بیاورد تو را بسیاری پلید یعنی مال و شکوه و احترام ظاهری کفار و یهودان سبب تعجب شما نشود زیرا که آنها هر چه دارند خود شان را
تا ما تحس اند پس بپرهیزید از خدای صاحبان خردها شاید شما رستگار شوید ۱۰۱ ای کسانیکه ایمان آورده اید سؤال نکنید از چیزهائیکه اگر ظاهر شود شما را
واندوهگین شوید و میپرسید شما از چیزهائیکه اگر پرسید از آنها در وقتیکه فرود آید قرآن آشکار شود از برای شما و اندوهگین شوید گذشت خدا از آنها
یعنی از آن سؤالات که جواب آنها مکره طبع شماست و خدا آمرزنده و بردبار است بتحقیق پرسیدند آنها را طایفهٔ پیش از شما پس صبح کردند بآن کافران یعنی معجزه
که طلبیده بودند دیدند و نگرویدند ۱۰۲ نگردانیده است خدا هیچ بحیره یعنی شتر گوش شکافته و نه سائبه یعنی شتر بازگذاشته مطلق العنان و نه وصیله یعنی گوسفند برادر

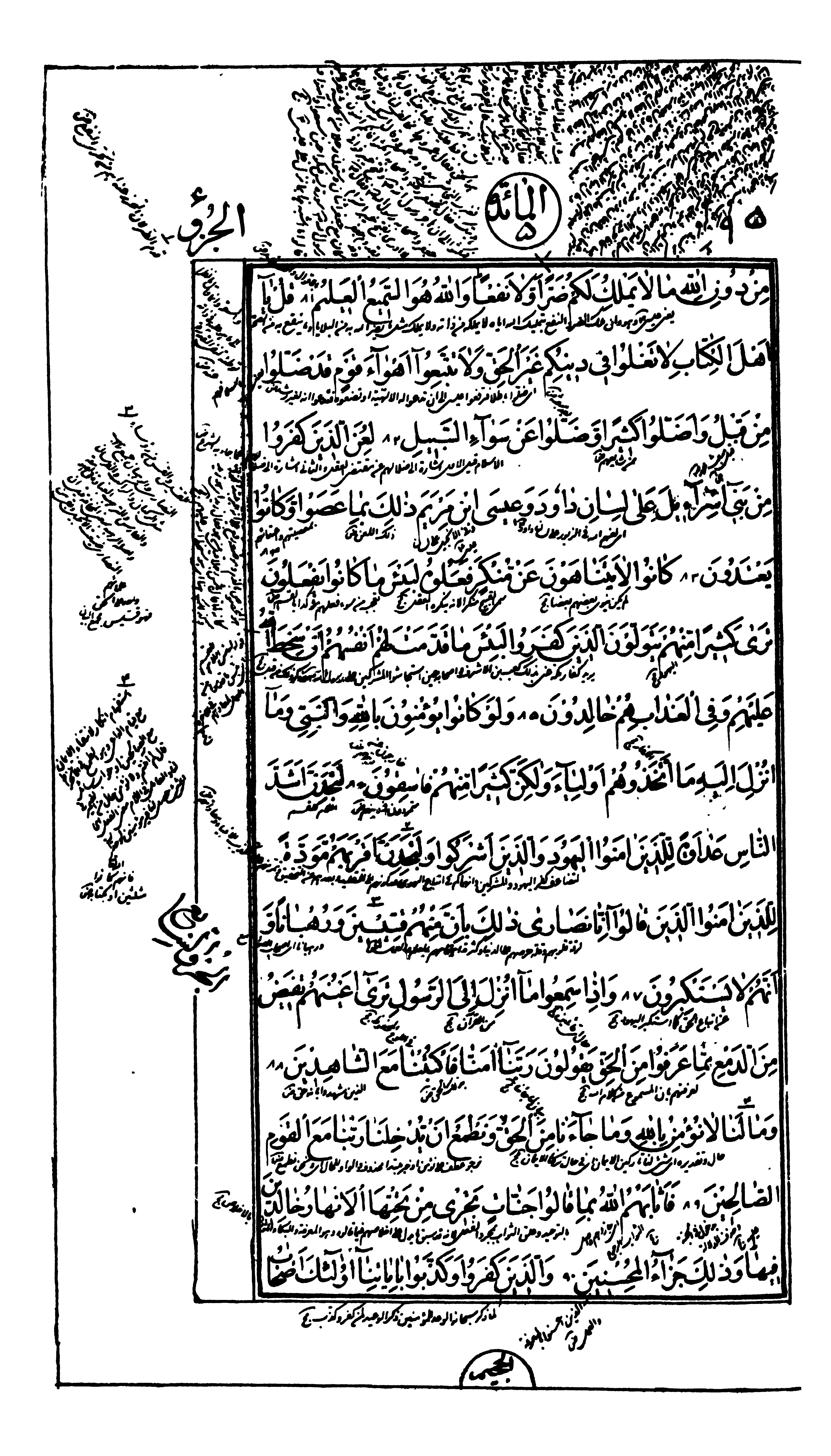
بهشته

و نه حام را یعنی شتر نریکه حمایت کننده پشت خود باشد و لیکن آنکسانیکه کافر شدند افترا میزنند بخدا دروغ را و بیشتر ایشان عقل ندارند ۱۰۳ و اگر گفته شود
از برای ایشان بیائید بسوی آنچه فرستاد خدا و بسوی پیغمبر گفتند بس است ما را آنچه یافته ایم که بر آن بودند پدران ما آیا بس است آنها را آنچه یافتند از پدران
خودشان اگر چه بودند پدران ایشان که نمیدانستند چیزی را و نه راه حق یافته بودند ۱۰۴ ای آنکسانیکه ایمان آوردید بر شماست که نگاهدارید خود را که ضرر نرساند
شما را هر که گمراه شد چون راه یافتید شما بسوی خداست بازگشت شما همه پس آگاه میکند خدا شما را بآنچه هستید میکنید ۱۰۵ ای کسانیکه ایمان آورده اید
گواهی در میان شما یعنی شاهد بگیرید میان خودتان آنوقتیکه حاضر شد از برای یکی از شما مرگ در وقت وصیت دو نفر صاحبان عدالت از شما خودتان
یا دو نفر دیگر از غیر خودتان اگر شما مسافر شوید در زمین پس برسد شما را مصیبت مرگ نگاهدارید آندو نفر شاهد را از بعد از نماز که مقصود نماز عصر است
که مردمان جمع شوند پس سوگند خورند آن شاهدان بخدا اگر در شهادت ایشان در شک هستید باینطور قسم خورند که نمیخریم باین شهادت بهائی را اگر چه باشد
برای خویش خودمان و کتمان نمیکنیم شهادت خدا را یعنی اگر کتمان کنیم بدرستیکه ما در آنوقت هر آینه از گناهکارانیم ۱۰۶ پس اگر اطلاع یافته شد بر اینکه
این دو نفر شاهد مستحق گناه هستند پس دو نفر دیگر باشید بجای ایشان از کسانیکه سزاوارترند بمیراث و استحقاق بر ایشانست پس قسم بخورند
بخدا باینطور که شهادت ما راست تر است از شهادت آن دو نفر و ستم نکردیم ما و اگر غیر این باشد بدرستیکه ما در این هنگام هر آینه
از ظالم کنندگانیم ۱۰۷ اینکه مذکور شد نزدیکتر است باینکه بیاورند گواهان گواهی دادن بر طریق آن یعنی بر مثل آنچه حکم بآن شهادت
کرده اند بدون خیانت در آن یا بترسند که برگردانیده شود قسمها بورثه بعد از قسمهای ایشان و بپرهیزید از خدا و بشنوید و خدا هدایت نمیکند قوم بدکاران را
۱۰۸ روزی که جمع میکند خدا رسولان را پس میگوید خدا بچه چیز جواب شنیدید یعنی وقتی امت خود را بوحدانیت خدا دعوت کردید امت
شما چه جواب دادند گویند نیست علمی از برای ما بدرستی که تو توئی داننده غیبها ۱۰۹ وقتی گفت خدا

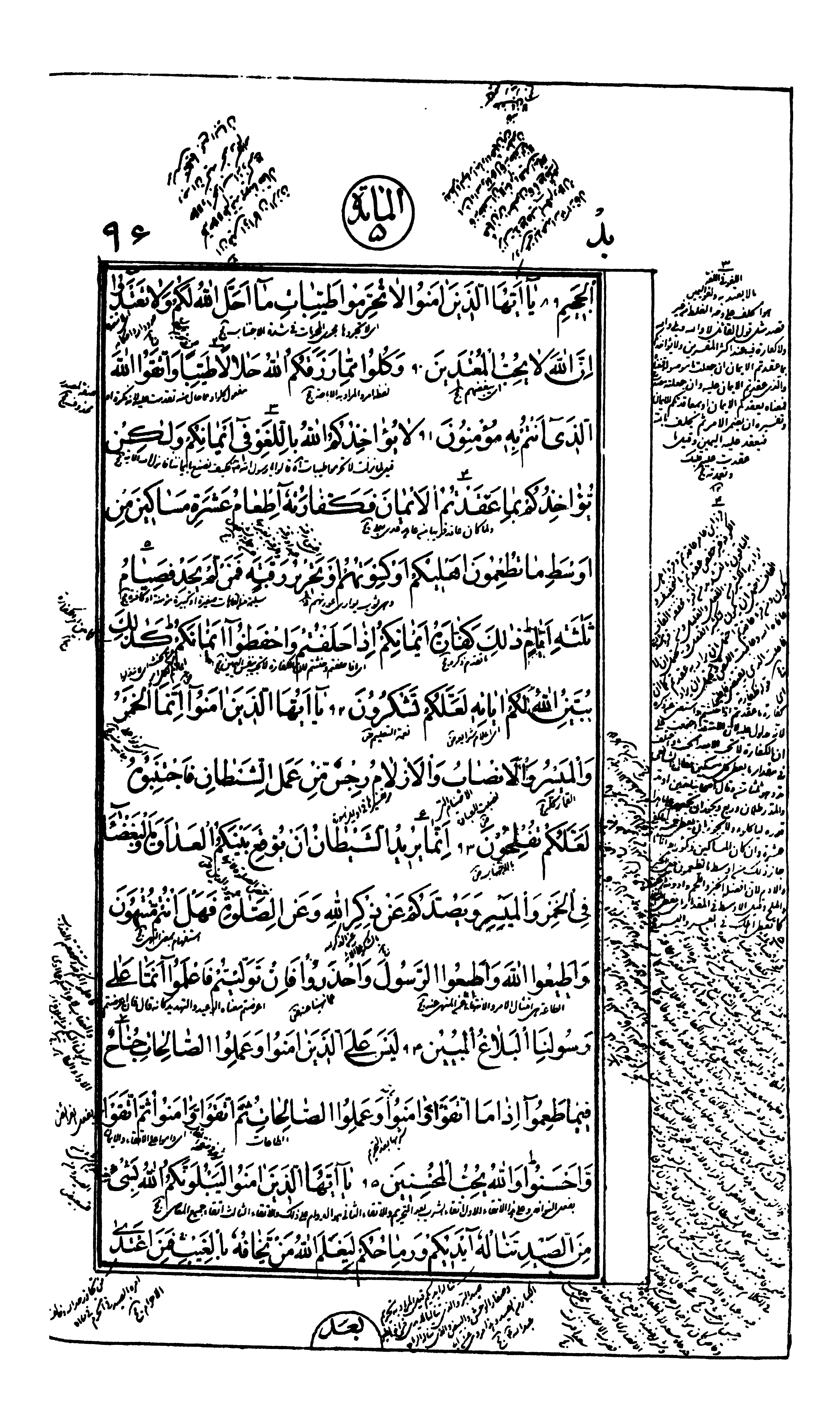


وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ
شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا
بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿٦١﴾ وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ
يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ
لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ
وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا
مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ
الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ
فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا
وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ
أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ
وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾
يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ
رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾

قل يا أهل الكتاب لستم على شيء حتى تقيموا التوراة والانجيل وما
انزل اليكم من ربكم وليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك طغيانا
وكفرا فلا تأس على القوم الكافرين ٧٣ ان الذين آمنوا والذين هادوا
والصابئون والنصارى من آمن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا فلا خوف
عليهم ولا هم يحزنون ٧٤ لقد اخذنا ميثاق بني اسرائيل وارسلنا اليهم
رسلا كلما جاءهم رسول بما لا تهوى انفسهم فريقا كذبوا وفريقا يقتلون
٧٥ وحسبوا الا تكون فتنة فعموا وصموا ثم تاب الله عليهم ثم عموا وصموا
كثير منهم والله بصير بما يعملون ٧٦ لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح
ابن مريم وقال المسيح يا بني اسرائيل اعبدوا الله ربي وربكم انه من
يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة ومأواه النار وما للظالمين من
انصار ٧٧ لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة وما من اله الا اله
واحد وان لم ينتهوا عما يقولون ليمسن الذين كفروا منهم عذاب اليم ٧٨
افلا يتوبون الى الله ويستغفرونه والله غفور رحيم ٧٩ ما المسيح ابن مريم
الا رسول قد خلت من قبله الرسل وامه صديقة كانا يأكلان
الطعام انظر كيف نبين لهم الآيات ثم انظر انى يؤفكون ٨٠ قل اتعبدون



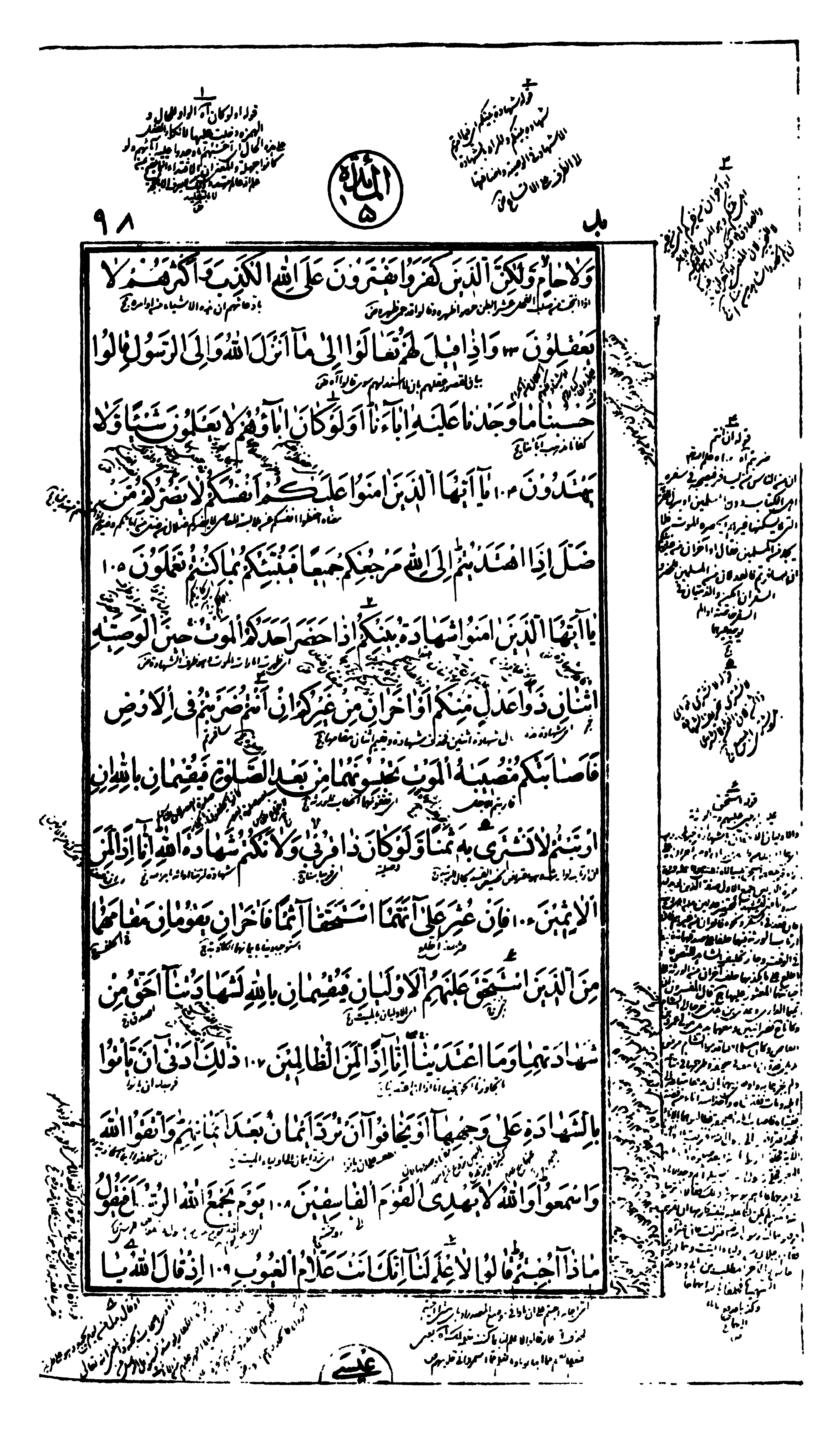
مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝٨١ قُلْ يَا
أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا
مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ۝٨٢ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا
يَعْتَدُونَ ۝٨٣ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝٨٤
تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ۝٨٥ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا
أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝٨٦ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ
النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً
لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ
لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝٨٧ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ
مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝٨٨
وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ
الصَّالِحِينَ ۝٨٩ فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۝٩٠ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ



الجحيم ٨٩ يا أيها الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم ولا تعتدوا
إن الله لا يحب المعتدين ٩٠ وكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واتقوا الله
الذي أنتم به مؤمنون ٩١ لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم ولكن
يؤاخذكم بما عقدتم الأيمان فكفارته إطعام عشرة مساكين من
أوسط ما تطعمون أهليكم أو كسوتهم أو تحرير رقبة فمن لم يجد فصيام
ثلاثة أيام ذلك كفارة أيمانكم إذا حلفتم واحفظوا أيمانكم كذلك
يبين الله لكم آياته لعلكم تشكرون ٩٢ يا أيها الذين آمنوا إنما الخمر
والميسر والأنصاب والأزلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه
لعلكم تفلحون ٩٣ إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء
في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلوة فهل أنتم منتهون
وأطيعوا الله وأطيعوا الرسول واحذروا فإن توليتم فاعلموا أنما على
رسولنا البلاغ المبين ٩٤ ليس على الذين آمنوا وعملوا الصالحات جناح
فيما طعموا إذا ما اتقوا وآمنوا وعملوا الصالحات ثم اتقوا وآمنوا ثم اتقوا
وأحسنوا والله يحب المحسنين ٩٥ يا أيها الذين آمنوا ليبلونكم الله بشيء
من الصيد تناله أيديكم ورماحكم ليعلم الله من يخافه بالغيب فمن اعتدى



بعد ذلك فله عذاب أليم ٩٤ يا أيها الذين آمنوا لا تقتلوا الصيد وأنتم
حرم ومن قتله منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم يحكم به ذوا
عدل منكم هديا بالغ الكعبة أو كفارة طعام مساكين أو عدل
ذلك صياما ليذوق وبال أمره عفا الله عما سلف ومن عاد فينتقم الله
منه والله عزيز ذو انتقام ٩٥ أحل لكم صيد البحر وطعامه متاعا لكم
وللسيارة وحرم عليكم صيد البر ما دمتم حرما واتقوا الله الذي إليه
تحشرون ٩٦ جعل الله الكعبة البيت الحرام قياما للناس والشهر الحرام
والهدي والقلائد ذلك لتعلموا أن الله يعلم ما في السماوات وما في
الأرض وأن الله بكل شيء عليم ٩٧ اعلموا أن الله شديد العقاب وأن الله
غفور رحيم ٩٨ ما على الرسول إلا البلاغ والله يعلم ما تبدون وما
تكتمون ٩٩ قل لا يستوي الخبيث والطيب ولو أعجبك كثرة الخبيث
فاتقوا الله يا أولي الألباب لعلكم تفلحون ١٠٠ يا أيها الذين آمنوا لا
تسألوا عن أشياء إن تبد لكم تسؤكم وإن تسألوا عنها حين ينزل القرآن
تبد لكم عفا الله عنها والله غفور حليم ١٠١ قد سألها قوم من قبلكم
ثم أصبحوا بها كافرين ١٠٢ ما جعل الله من بحيرة ولا سائبة ولا وصيلة



ولا حام ولكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب وأكثرهم لا
يعقلون ١٠٣ وإذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله وإلى الرسول قالوا
حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا أولو كان آباؤهم لا يعلمون شيئا ولا
يهتدون ١٠٤ يا أيها الذين آمنوا عليكم أنفسكم لا يضركم من
ضل إذا اهتديتم إلى الله مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم تعملون ١٠٥
يا أيها الذين آمنوا شهادة بينكم إذا حضر أحدكم الموت حين الوصية
اثنان ذوا عدل منكم أو آخران من غيركم إن أنتم ضربتم في الأرض
فأصابتكم مصيبة الموت تحبسونهما من بعد الصلوة فيقسمان بالله إن
ارتبتم لا نشتري به ثمنا ولو كان ذا قربى ولا نكتم شهادة الله إنا إذا لمن
الآثمين ١٠٦ فإن عثر على أنهما استحقا إثما فآخران يقومان مقامهما
من الذين استحق عليهم الأوليان فيقسمان بالله لشهادتنا أحق من
شهادتهما وما اعتدينا إنا إذا لمن الظالمين ١٠٧ ذلك أدنى أن يأتوا
بالشهادة على وجهها أو يخافوا أن ترد أيمان بعد أيمانهم واتقوا الله
واسمعوا والله لا يهدي القوم الفاسقين ١٠٨ يوم يجمع الله الرسل فيقول
ماذا أجبتم قالوا لا علم لنا إنك أنت علام الغيوب ١٠٩ إذ قال الله يا

عيسى ابن مريم اذكر نعمتي عليك وعلى والدتك اذ ايدتك بروح
القدس تكلم الناس في المهد وكهلا واذ علمتك الكتاب والحكمة
والتورىة والانجيل واذ تخلق من الطين كهيئة الطير باذني فتنفخ فيها
فتكون طيرا باذني وتبرئ الاكمه والابرص باذني واذ تخرج الموتى
باذني واذ كففت بني اسراءيل عنك اذ جئتهم بالبينات فقال الذين
كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين ١١١ واذ اوحيت الى الحواريين ان
امنوا بي وبرسولي قالوا امنا واشهد باننا مسلمون ١١٢ اذ قال الحواريون
يا عيسى ابن مريم هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائدة من السماء
قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين ١١٣ قالوا نريد ان ناكل منها وتطمئن
قلوبنا ونعلم ان قد صدقتنا ونكون عليها من الشاهدين ١١٤ قال
عيسى ابن مريم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا
عيدا لاولنا واخرنا واية منك وارزقنا وانت خير الرازقين ١١٥
قال الله اني منزلها عليكم فمن يكفر بعد منكم فاني اعذبه عذابا لا
اعذبه احدا من العالمين ١١٦ واذ قال الله يا عيسى ابن مريم ءانت قلت
للناس اتخذوني وامي الهين من دون الله قال سبحانك ما يكون لي ان



أقول ما ليس لي بحق إن كنت قلته فقد علمته تعلم ما في نفسي ولا أعلم ما في نفسك إنك أنت علام الغيوب ١١ ما قلت لهم إلا ما أمرتني به أن اعبدوا الله ربي وربكم وكنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم وأنت على كل شيء شهيد ١١ إن تعذبهم فإنهم عبادك وإن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحكيم ١١ قال الله هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم لهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك الفوز العظيم ١٢٠ لله ملك السماوات والأرض وما فيهن وهو على كل شيء قدير ١٢١

سورة الأنعام مكية وهي مائة وخمس وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق السماوات والأرض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون ١ هو الذي خلقكم من طين ثم قضى أجلا وأجل مسمى عنده ثم أنتم تمترون ٢ وهو الله في السماوات وفي الأرض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون ٣ وما تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا كانوا عنها معرضين ٤ فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف يأتيهم

ای عیسی بن مریم ذکر کن نعمت مرا بر خودت و بر مادرت وقتی که قوت دادم ترا بروح قدس سخن میگفتی با مردم در گهواره و در پیری یعنی در طفولیت و پیری بیک طور سخن میگفتی ۱۱۰ و وقتیکه تعلیم کردم ترا کتابت کردن یا جنس کتابت و حکمت و توراة وانجیل را و وقتی که میساختی از گل مثل ترکیب مرغی باذن من پس می دمیدی در آن هیات پس میشد مرغی باذن من و شفا میدادی کور مادر زاد و پیسی را باذن من و وقتی که بیرون می آوردی مردگان را از قبرها باذن من و وقتی که باز داشتم بنی اسرائیل را از تو و وقتی که آمدی ایشان را بمعجزات روشن پس گفتند آن کسانی که کافر شدند از ایشان نیست این مگر سحر آشکار ۱۱۱ و وقتی که وحی کردم من بسوی حواریین این که ایمان بیاورید بمن و برسول من گفتند ایمان آوردیم و شهادت بده تو ای عیسی بانکه ما مسلمانانیم ۱۱۲ وقتی که گفتند حواریان ای عیسی بن مریم آیا میتواند پروردگار تو اینکه فرو فرستد بر ما مائدهٔ از آسمان گفت عیسی بپرهیزید از خدا اگر هستید گروندگان ۱۱۳ گفتند میخواهیم اینکه بخوریم از آن مائده و مطمئن شود دلهای ما و بدانیم که بتحقیق راست گفتهٔ با ما و باشیم بر آن مائده از گواهان ۱۱۴ گفت عیسی بن مریم بار خدایا ای پروردگار ما بفرست بر ما مائدهٔ از آسمان که باشد از برای ما عیدی از برای اول ما و آخر ما و باشد نشانهٔ از تو و روزی بده ما را و تو بهترین روزی دهندگانی ۱۱۵ گفت خدا بدرستی که من فرو فرستندهام مائده را بر شما پس هر کس کافر شود بعد از این از شما پس بدرستی که من عذاب میکنم او را عذابی که مثل آن عذاب نکرده باشم احدی را از عالمیان ۱۱۶ و وقتی که گفت خدای عیسی بن مریم آیا تو گفتی از برای مردم بگیرید مرا و مادر مرا دو خدا از غیر خدا گفت عیسی پاک میدانم ترا نیست از برای من اینکه

بگویم چیزی را که نیست حق من اگر باشم من که گفته باشم آنرا پس بتحقیق دانستهٔ تو آنرا میدانی آنچه را که در نفس منست و نمیدانم آنچه را که در نفس تو است بدرستیکه تو توئی دانندهٔ غیبها ۱۱۷ نگفتم از برای ایشان مگر آنچه را که امر کردی مرا بآن اینکه عبادت کنید خدا را که پروردگار منست و پروردگار شما است و بودم من بر ایشان گواه مادامیکه بودم در میان ایشان پس چون گرفتی مرا بآسمان بودی تو نگهبان بر ایشان و تو بر هر چیز گواهی ۱۱۸ اگر عذاب کنی ایشان را پس بدرستیکه ایشان بندگان تو اند و اگر بیامرزی ایشان را پس بدرستی که تو توئی غالب دانا ۱۱۹ گفت خدا این روزیست که نفع می بخشد راستگویان را راستی ایشان از برای ایشان است بهشتهائی که جاری است از زیر درختان آنها نهرها جاویدانند در آن بهشتها همیشه خوشنود شده است خدا از ایشان و خوشنود شدند از خدا اینست رستگاری بزرگ ۱۲۰ از برای خداست ملک آسمانها و زمین و هرچه در آنهاست و او بر هر چیز توانا است

سورهٔ انعام یکصد و شصت و پنج آیه در مکه نازل شده است

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

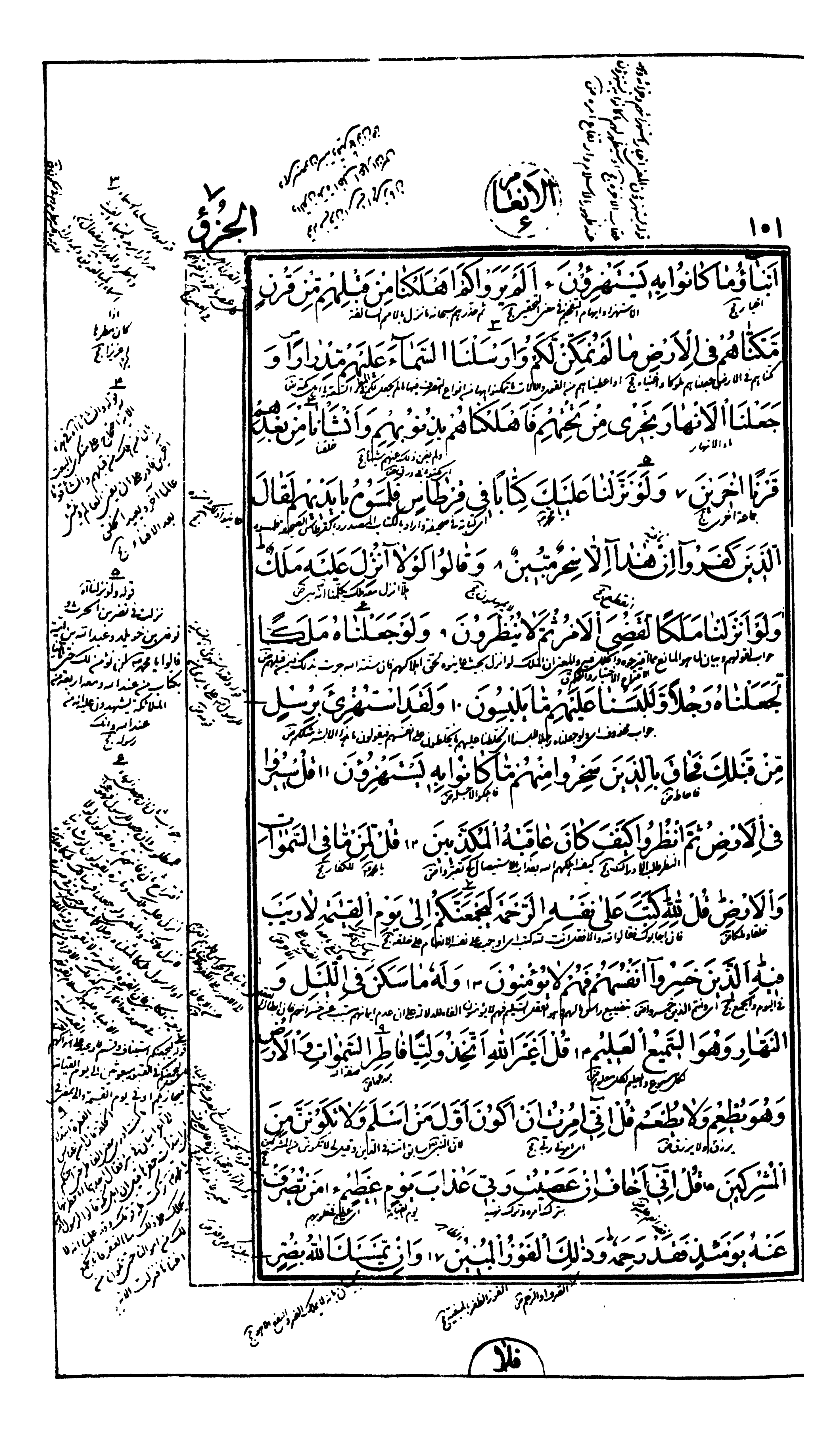
سپاس مر خدای را که آفرید آسمان و زمین را و گردانید یعنی آفرید تاریکیها و روشنی را پس آن کسانی که کافر شدند بپروردگار خودشان عدول میکنند از حق بعبادت غیر او ۲ اوست آنکه خلق کرد شما را از گل پس حکم فرمود مدتی و مدتی را معین در نزد خودش پس شما شک میکنید ۳ و اوست خدا در آسمانها و در زمین میداند سر شما را و میداند آشکار شما را و میداند آنچه را کسب میکنید ۴ و نمیآید ایشانرا هیچ نشانی از نشانهای پروردگارشان مگر اینکه بودند از آن نشانی اعراض کنندگان یعنی روگردان ۵ پس بتحقیق بدروغ داشتند حق را یعنی قرآن را آن هنگام که آمد قرآن ایشان را پس زود بیاید ایشان را

صفحهٔ صد و یکم

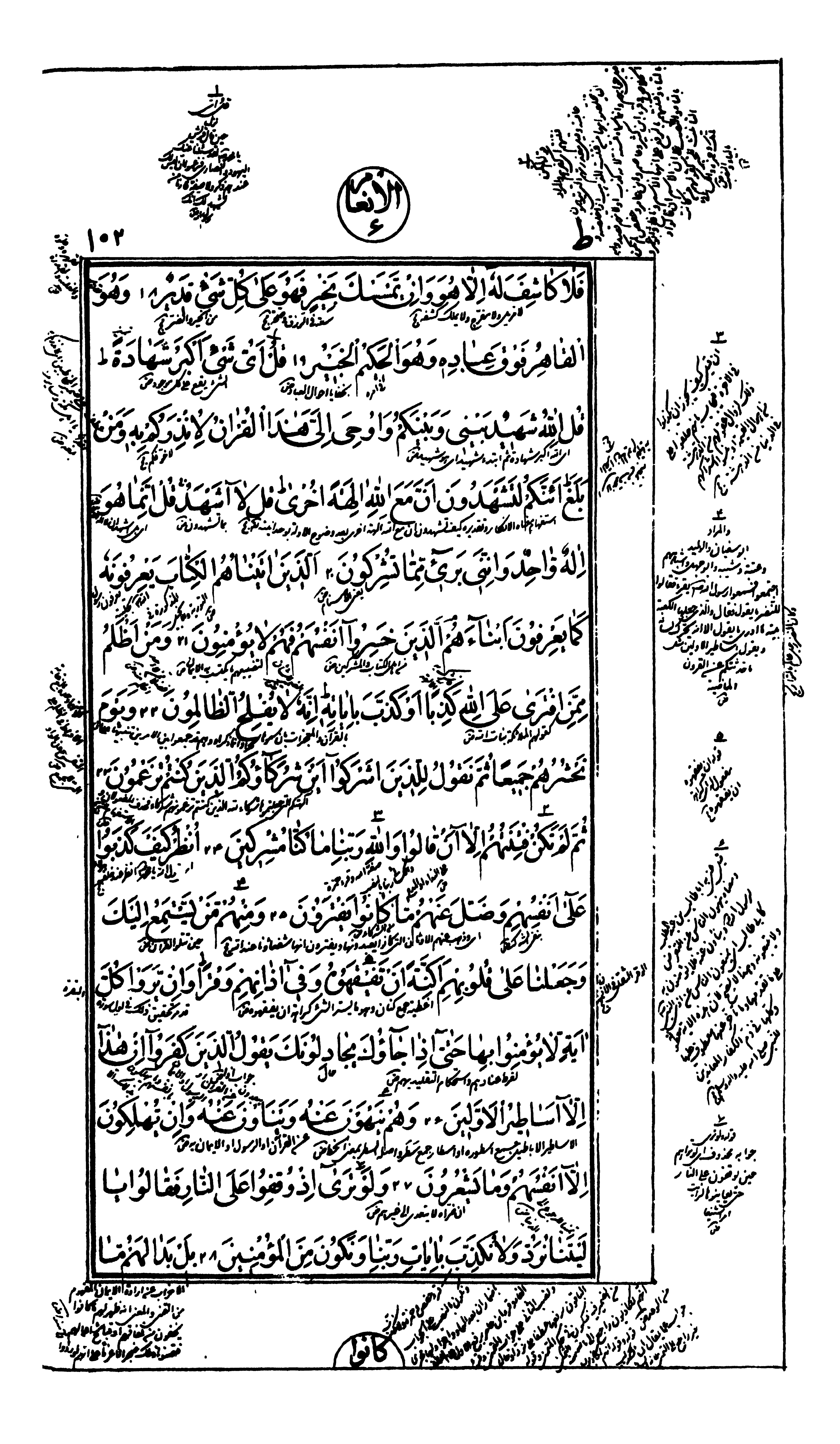
خبرهای آنچه را که بودند بآن که استهزاء میکردند ۶ آیا ندیدند چه بسیار هلاک کردیم از پیش ایشان از اهل زمان که تمکنت
و مکنت دادیم ایشانرا در زمین آنچه را که قوت و وسعت ندادیم از برای شما و فرستادیم بر ایشان ابر باران ریز که بر
ایشان می بارید و گردانیدیم نهرها که جاری بود از زیر درختان ایشان پس هلاک کردیم ایشانرا بسبب گناهانشان
و از نو پدید آوردیم از بعد از ایشان گروهی دیگران ۷ و اگر فرو فرستیم بر تو کتابی یعنی نوشتهٔ در کاغذی پس مالند
آنرا بدستهای خودشان هرآینه میگویند آن کسانیکه کافر شدند نیست این مگر سحر آشکار ۸ و گفتند چرا فرو فرستاده
نشد بر محمد فرشتهٔ را و اگر میفرستادیم فرشتهٔ را هرآینه گذشته و تمام بود کار یعنی همه هلاک میشدند مثل قوم عاد پس
مهلت داده نمیشوند ۹ و اگر میگردانیدیم آن رسول را فرشته هرآینه میگردانیدیم آن فرشته را بصورت انسانی و مردی
و هرآینه می پوشانیدیم بر ایشان آنچه را که میپوشانند بر خود یعنی چنانچه الآن رسالت بشری را مسلم نمیدارند آنوقت رسالت آنفرشته را
قبول نمیکردند و میگفتند نیست این مگر بشری ۱۰ و هرآینه بتحقیق استهزاء کرده شده اند رسولانی که پیش از تو بودند پس
احاطه نمود و فرود آمد بآن کسانیکه سخره میکردند از ایشان جزای آنچه که بودند بآن استهزاء میکردند ۱۱ بگو بگروید در زمین پس
بنگرید چگونه بود عاقبت دروغ گویان ۱۲ بگو از کیست آنچه در آسمانها و زمین است بگو از خداست نوشته است بر خودش
رحمت را هرآینه جمع میکند شما را البته در روز قیامت که شکی نیست در آن روز آنچنان کسانیکه زیان کردند نفسهای خودشانرا
پس ایشان ایمان نمیاورند ۱۳ و از برای خداست آنچه آرام دارد در شب و روز و اوست شنوندهٔ دانا ۱۴ بگو آیا بغیر
از خدا بگیرم دوستی که آفرینندهٔ آسمانها و زمین است و آن خدا میخوراند و نمیخورد بگو بدرستیکه امر کرده شده ام اینکه
باشم اول کسی که اسلام آورد و نباش البته از شرک آورندگان ۱۵ بگو بدرستیکه من میترسم اینکه نافرمانی کنم پروردگار خود مرا
از عذاب روز بزرگ یعنی روز قیامت ۱۶ هرکس گردانیده شود از او در آن روز قیامت عذاب پس بتحقیق رحمت کرده است
خدا او را و این است رستگاری آشکار ۱۷ و اگر برساند تو را خدا ضررے

صفحهٔ صد و دویم

پس نیست بردارندهٔ از برای آن مگر خودش و اگر برساند بتو نیکی و خوبی پس آنخدا بر هر چیز تواناست ۱۸ و اوست قادر بالای بندگان
خویش و اوست درست کار دانا ۱۹ بگو چه چیز است بزرگتر از شهادت بگو خدا شاهد است میان من و میان شما و وحی کرده شد بسوی من
این قرآن تا اینکه بترسانم شما را بآن قرآن و هرکس که برسد باو قرآن از جن و انس آیا بدرستیکه شما یدکه هرآینه گواهی میدهید اینکه با خدا است
خدایانی دیگر بگو شهادت نمیدهم یعنی بگو ایمحمد من شهادت نمیدهم باینکه شما شهادت میدهید بگو اینست و جز این نیست او خدای یگانه است
و بدرستیکه من بیزارم از آنچه شرک میاورید ۲۰ آنکسانیکه دادیم ایشانرا کتاب یعنی تورات و انجیل میشناسند محمد را همچنانکه میشناسند پسرهای خودشانرا
آنکسانیکه زیان کردند نفسهای خود را پس ایشان ایمان نمیگروند ۲۱ و کیست ستمکارتر از آنکه بربافد بر خدا دروغ را یا تکذیب کند بآیات خدا بدرستیکه
رستگار نمیشوند ظلم کنندگان ۲۲ و روزیکه حشر کنیم ایشانرا یعنی عابدان و معبودان را جمیعا بعد از آن بگوئیم از برای آنکسانیکه شرک آوردند کجا هستند
شریکان شما آنانکه بودید شما که گمان میبردید آنها را شریکان خدا ۲۳ بعد از آن نباشد فتنهٔ ایشان مگر اینکه گویند قسم بخدا که پروردگار ما است نبودیم
ما شرک آورندگان ۲۴ ببین چگونه دروغ گفتند بر نفسهای خودشان و گمشد از ایشان آنچه بودند که افترا می بستند ۲۵ و از ایشان کسیست که گوش
میدارد بسوی تو و گردانیدیم بر دلهای ایشان پردهها بجهة کراهیت اینکه فهم کنند قرآنرا و نهاده ایم در گوشهای ایشان سنگینی تا سخن حق نشنوند و اگر
ببینند هر معجزهٔ را ایمان نمیاورند بدان تا اینکه بیایند تورا خصومت کنند با تو میگویند آنکسانیکه کافر شدند نیست این کتاب مگر افسانهای
پیشینیان ۲۶ و ایشان یعنی کافران باز میدارند مردم را از ایمان برسول خودشان و دوری میجویند از پیغمبر و هلاک نمیکنند مگر نفسهای
خودشان را و نمیدانند که ضرر ایشان بغیر تعدی نمیکند ۲۷ و اگر ببینی وقتی که باز داشته شوند بر آتش پس بگویند ای کاش ما
بر میگشتیم بدنیا و تکذیب نمیکردیم آیات پروردگار خود را و باشیم از گروندگان ۲۸ بلکه ظاهر شد از برای ایشان آنچه



أنباؤا ما كانوا به يستهزءون ٦ الم يروا كم اهلكنا من قبلهم من قرن
مكنهم في الارض ما لم نمكن لكم وارسلنا السماء عليهم مدرارا و
جعلنا الانهار تجري من تحتهم فاهلكنهم بذنوبهم وانشانا من بعدهم
قرنا آخرين ٧ ولو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بايديهم لقال
الذين كفروا ان هذا الا سحر مبين ٨ وقالوا لولا انزل عليه ملك
ولو انزلنا ملكا لقضي الامر ثم لا ينظرون ٩ ولو جعلنه ملكا
لجعلنه رجلا وللبسنا عليهم ما يلبسون ١٠ ولقد استهزئ برسل
من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ١١ قل سيروا
في الارض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين ١٢ قل لمن ما في السموات
والارض قل لله كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب
فيه الذين خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون ١٣ وله ما سكن في الليل و
النهار وهو السميع العليم ١٤ قل اغير الله اتخذ وليا فاطر السموات والارض
وهو يطعم ولا يطعم قل اني امرت ان اكون اول من اسلم ولا تكونن من
المشركين ١٥ قل اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم عظيم ١٦ من يصرف
عنه يومئذ فقد رحمه وذلك الفوز المبين ١٧ وان يمسسك الله بضر



فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٨ وَهُوَ
الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ١٩ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً
قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ
بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ
إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ٢٠ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ
كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٢١ وَمَنْ أَظْلَمُ
مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ٢٢ وَيَوْمَ
نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ٢٣
ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ٢٤ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا
عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٢٥ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ
وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ
آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا
إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ٢٦ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ
إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٢٧ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا
لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٨ بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا

كانوا يخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه وإنهم لكاذبون

٢٩ وقالوا إن هي إلا حياتنا الدنيا وما نحن بمبعوثين ٣٠ ولو ترى إذ

وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا

العذاب بما كنتم تكفرون ٣١ قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله حتى إذا

جاءتهم الساعة بغتة قالوا يا حسرتنا على ما فرطنا فيها وهم يحملون

أوزارهم على ظهورهم ألا ساء ما يزرون ٣٢ وما الحياة الدنيا إلا

لعب ولهو وللدار الآخرة خير للذين يتقون أفلا تعقلون ٣٣ قد نعلم

إنه ليحزنك الذي يقولون فإنهم لا يكذبونك ولكن الظالمين بآيات الله

يجحدون ٣٤ ولقد كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا وأوذوا

حتى أتاهم نصرنا ولا مبدل لكلمات الله ولقد جاءك من نبإ المرسلين

٣٥ وإن كان كبر عليك إعراضهم فإن استطعت أن تبتغي نفقا في

الأرض أو سلما في السماء فتأتيهم بآية ولو شاء الله لجمعهم على الهدى

فلا تكونن من الجاهلين ٣٦ إنما يستجيب الذين يسمعون والموتى يبعثهم الله

ثم إليه يرجعون ٣٧ وقالوا لولا نزل عليه آية من ربه قل إن الله قادر

على أن ينزل آية ولكن أكثرهم لا يعلمون ٣٨ وما من دابة في الأرض ولا



طائر يطير بجناحيه إلا أمم أمثالكم ما فرطنا في الكتاب من شيء ثم
إلى ربهم يحشرون ٣٨ والذين كذبوا بآياتنا صم وبكم في الظلمات من
يشإ الله يضلله ومن يشأ يجعله على صراط مستقيم ٣٩ قل أرأيتكم إن
أتاكم عذاب الله أو أتتكم الساعة أغير الله تدعون إن كنتم صادقين ٤٠
بل إياه تدعون فيكشف ما تدعون إليه إن شاء وتنسون ما تشركون ٤١
ولقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فأخذناهم بالبأساء والضراء لعلهم
يتضرعون ٤٢ فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا ولكن قست قلوبهم وزين
لهم الشيطان ما كانوا يعملون ٤٣ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب
كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا أخذناهم بغتة فإذا هم مبلسون ٤٤ فقطع
دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين ٤٥ قل أرأيتم إن أخذ الله
سمعكم وأبصاركم وختم على قلوبكم من إله غير الله يأتيكم به انظر كيف نصرف
الآيات ثم هم يصدفون ٤٦ قل أرأيتكم إن أتاكم عذاب الله بغتة أو
جهرة هل يهلك إلا القوم الظالمون ٤٧ وما نرسل المرسلين إلا مبشرين
ومنذرين فمن آمن وأصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ٤٨ والذين
كذبوا بآياتنا يمسهم العذاب بما كانوا يفسقون ٤٩ قل لا أقول لكم عندي

بودند که پنهان میکردند از پیش یعنی نه چنانست که ایشان بدنیا برگردند ایمان بیاورند بلکه ظاهر شود بشهادت اعضای خودشان
آنچه را که بودند که می‌پوشانیدند از کفر خودشان بر وجه نفاق از پیش از این در دنیا و اگر برگردند بدنیا هر آینه عود کنند مر آنچیزی را
که نهی کرده شده بودند از آن یعنی باز مرتکب عصیان و شرک شوند و بدرستیکه ایشان هر آینه دروغ گویانند ۲۹ و گفتند کفار نیست
این زندگانی مگر زندگانی ما در دنیا و نیستیم ما برانگیخته شدگان از قبور ۳۰ و اگر ببینی تو وقتی که باز داشته شوند کافران در قیامت بحکم
پروردگارشان گوید خدا بر سبیل توبیخ آیا نیست این بعث و نشور راست و درست گویند آری بحق پروردگار ما گوید خدا پس بچشید عذاب را
بآنچه بودید شما که منکر و میدید ۳۱ بتحقیق زیان کردند آنکسانیکه دروغ انگاشتند رسیدن بثواب و عقاب خدا را تا وقتیکه بیاید ایشانرا
قیامت ناگهان گویند ای حسرت ما برآنچه تقصیر کردیم ما در زندگانی دنیا و ایشان برمیدارند بارگناهانشانرا بر پشتهای خود بدان
بدا بهست آنچه برمیدارند ۳۲ و نیست زندگانی دنیا مگر بازیچه و هزل و البته خانهٔ آخرت خوبتر است از برای کسانیکه پرهیز میکنند
آیا پس درنمی‌یابید ۳۳ بتحقیق میدانیم بدرستیکه هر آینه اندوهگین میکند تو را آنچه میگویند کفار و تکذیب تو را میکنند پس بدرستی که ایشان
تکذیب نمیکنند تو را و لیکن ستمکاران بآیات خدا انکار میکنند ۳۴ و هر آینه بتحقیق تکذیب کرده شدند رسولانیکه از پیش از تو بودند
پس صبر کردند رسولان بر آنچه تکذیب کرده شدند و رنجانیده شدند تا آمد ایشانرا یاری ما و نیست تغییر دهنده مر سخنان خدا را و هر آینه
بتحقیق آمد تو را بعضی از خبر پیغمبران که باقوال کفار صبر کردند تا غالب شدند تو هم صبر کن تا مظفر و غالب بر اعدای خود شوی ۳۵
و اگر چنانچه گران و دشوار است بر تو روی گردانیدن ایشان از قبول سخن حق پس اگر میتوانی که بجوئی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان
پس بیاوری ایشانرا معجزه و اگر بخواهد خدا هر آینه جمع کند ایشانرا بر هدایت یعنی همه را براه راست در آورد پس مباش تو البته از نادانان
۳۶ اینست و جز این نیست که اجابت میکنند آنهائیکه میشنوند سخنان حقه تو را و مردگانرا برمیانگیزد ایشانرا خدا بعد از آن بسوی او برگردیده میشوند
۳۷ و گفتند چرا فرو فرستاده نشد بر پیغمبر معجزه از پروردگارش بگو بدرستیکه خدا قادر است بآنکه فرو فرستد معجزه و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند ۳۸

و نه مرغی که پرواز کند بدو بال خودش مگر آنکه گروهانی هستند مانند شما تقصیر نکردیم در قرآن از هیچ چیز بعد از این بسوی پروردگارشان
فراهم آورده میشوند ۳۹ و آنکسانیکه تکذیب کردند بآیات ما کرانند و گنگانند در تاریکیها هر که را خواهد خدا واگذارد او را بگمراهی
و هر که را خواهد میگرداند او را براه راست ۴۰ بگو ای پیغمبر آیا چه می‌بینید شما کفار اگر بیاید شما را عذاب خدا یا بیاید شما را قیامت
آیا بجز خدا میخوانید کسی را اگر شما هستید راستگویان ۴۱ بلکه خدا را میخوانید پس کشف میکند آنچه را میخوانید بسوی او اگر بخواهد و فراموش کنید
آنچه شرک آوردید یعنی خدا را بخوانید قبول میشود مستدعیات دنیوی شما و شرک بودنرا از یاد شما بیرون سپرد خدا ۴۲ و هر آینه بتحقیق
فرستادیم رسولان بسوی امتان پیش از تو پس گرفتیم ما ایشانرا بسختی و آفت که شاید ایشان تضرع و زاری کنند ۴۳ پس چرا وقتی
آمد ایشانرا عذاب ما زاری کردند و لیکن سخت شده است دلهای ایشان و زینت داده است از برای ایشان شیطان آنچه را بودند که می
کردند ۴۴ پس چون فراموش کردند کافران آنچه را که پند داده شده بودند بآن از باساء و ضراء گشودیم برایشان درهای هر چیز را تا چون شاد شدند بآنچه
داده شدند گرفتیم ما ایشانرا ناگاه پس آن وقت ایشان نا امید شدند ۴۵ پس بریده شد و برکنده شد بیخ و دم گروهی آنهائیکه ظلم کردند حمد از برای
خدائیست که پروردگار عالمیانست ۴۶ بگو ای محمد آیا چه می‌بینید اگر بگیرد خدا شنوائی شما را که کر شوید و بینائی شما را که کور شوید و مهر زند بر دلهای
شما کیست خدائی غیر از خدا که بیاورد یا بدهد شما را بآنچه از شما رفته است که سمع و بصر باشد نگاه کن چگونه میگردانیم آیات و نشانه‌ها را یعنی گاهی در
ترغیب و گاهی در تنبیه بیان میفرمائیم بعد از آن ایشان یعنی کفار اعراض میکنند و رو میگردانند ۴۷ بگو آیا می‌بینید شما اگر بیاید شما را عذاب خدا
غفلتاً یا بطور آشکار یعنی با مقدمات آیا هلاک کرده میشود مگر گروهی که ظلم کنندگانند ۴۸ و نمیفرستیم ما پیغمبرانرا مگر مژده دهندگان و بیم کنندگان
پس هر که ایمان بیاورد و با صلاح آورد پس نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند ۴۹ و آنکسانیکه تکذیب
کردند آیات ما را میرسد ایشانرا عذاب بآنچه بودند که فسق میکردند یعنی کار زشت میکردند ۵۰ بگو نمیگویم مر شما را که نزد من است

صفحهٔ صد و پنجم

خزائن خدا و نمیدانیم غیب را و نمیگویم از برای شما بدرستیکه من فرشته هستم متابعت نمیکنم یعنی پیروی نمیکنم مگر آنچه را که وحی میشود
بسوی من بگو آیا مساویست کور یا بینا آیا پس فکر نمیکنید ۵۱ و بترسان بآنچه وحی میشود بتو آنکسانیرا که میترسند که فراهم آورده
شوند بسوی پروردگار خودشان نیست از برای ایشان سوای خدا دوستی و نه شفیعی شاید ایشان بپرهیزند ۵۲ و مران آنکسانیرا که
میخوانند پروردگار خود را بصبحگاه و شام میخواهند بر آن خواندن طریقه رضای خدا را نیست بر تو ای پیغمبر از حساب اعمال ایشان هیچ
چیز و نیست از حساب اعمال تو بر ایشان هیچ چیزی پس برانی ایشانرا یعنی حسابی نداری تا برانی ایشانرا پس باشی از ظلم کنندگان ۵۳
و همچنین آزمودیم بعضی از اشراف را ببعضی از ضعفا تا بگویند اکابر اغنیا آیا این گروهند که منت گذاشت خدا بر ایشان از میان
ما بسبب نعمت هدایت آیا نیست خدا داناتر بشکر کنندگان ۵۴ و چون بیایند ترا آن کسانیکه ایمان میآورند بآیات ما
پس بگو ای پیغمبر سلام بر شما نوشته است پروردگار شما بر ذات مقدس خودش رحمت را و آن اینست هر که عمل کند از شما بدی را
بنادانی بعد از آن توبه کند از پس عمل خود و اصلاح کند یعنی عمل شایسته کند پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ۵۵ و همچنین
و همچنین تفصیل میدهیم آیات را تا روشن شود راه گناهکاران ۵۶ بگو ای پیغمبر بمشرکان بدرستیکه من نهی کرده شدم از اینکه
عبادت کنم آنکسانیرا که میخوانید شما و عبادت میکنید از سوای خدا بگو متابعت نمیکنم خواهشهای شما را بتحقیق گمراه باشم من
در آن هنگام که متابعت آرزوهای شما را کنم و نباشم من از جملهٔ راه یافتگان ۵۷ بگو بدرستیکه من بر حجتی هستم از پروردگار
خودم که قرآن و وحی و سایر آیاتست و تکذیب میکنید شما بآن حجت که نیست نزد من آنچه را که شتاب میکنید بآن نیست حکم
مگر از برای خدا بیان میکند حق را و خدا بهترین جدا کنندگانست ۵۸ بگو اگر اینکه بود نزد من آنچه را که میشتابید بآن از عذاب
و عقاب هرآینه گذارده شده بود امر میانهٔ من و میانهٔ شما یعنی شما را هلاک میکردم و خدا داناتر است بظلم کنندگان ۵۹
و نزد پروردگار است کلیدهای گشایش پنهانی نمیداند آن کلیدها را مگر خودش و میداند خدا هرچه را که در بیابان و دریاست و نمیافتد

صفحهٔ صد و ششم

برگی از درختان مگر اینکه میداند خدا آنرا و نیست دانهٔ در تاریکیهای زمین و نیست هیچ تری و نیست هیچ خشکی مگر اینکه در کتاب روشن خداست یعنی
قرآن ۶۰ و آنخدای آنچنانیست که میمیراند شما را در شب یعنی میخواباند و میداند آنچه را کسب میکنید بروز بعد از آن میخیزاند شما را یعنی بیدار میکند
شما را در آن روز تا بگذرد موعد نام برده شده پس بسوی خداست برگشت شما پس آگاه میسازد شما را بآنچه هستید که میکنید ۶۱ و خدا قاهر است یعنی
فرو شکننده است بالای بندگان خودش یعنی از تمام بندگان خودش بقدرت بالاتر است و میفرستد بر شما نگاهبانان یعنی فرشتگان که ضبط اعمال شما را
بکنند تا وقتیکه بیاید یکی از شما را مرگ که بگیرند جان شما را فرشتگان ما یعنی عزرائیل و چهارده فرشتهٔ دیگر که با او هستند در وقت گرفتن جان مردم و ایشان یعنی
فرشتگان تقصیر و کوتاهی نمیکنند ۶۲ بعد از آن برگردانیده میشوند بسوی خدا اینکه متولی امور ایشان و راست گو و درست کردار است بدانید که از برای اوست
حکم در آنروز یعنی هیچ حاکمی بجز او حکم ندارد و خدا زودتر حساب کنندگانست ۶۳ بگو کی میرهاند شما را از تاریکیهای صحرا و دریا میخوانید او را بزاری
و پنهانی هرآینه اگر برهاند خدا ما را از این شدائد و محنتها هرآینه باشیم البته از شکرگذارندگان ۶۴ بگو ای محمد خدا نجات میدهد شما را از ظلمات و هر
و از هر اندوهی بعد از آن شما شرک میآورید ۶۵ بگو ای محمد خدا قادر است بر اینکه برانگیزد بر شما عذابی از بالای سر شما یا از زیر پای شما یا در آمیزد شما را گروه گروه
بچشاند بعض شما را شدت سختی بسبب بعضی دیگر ببین چگونه میگردانیم آیات خود را از وعد و وعید شاید ایشان بفهمند ۶۶ و تکذیب کردند بآن آیات قوم ای محمد
و اوست حق بگو نیستم بر شما وکیل از برای هر خبری از وعد و وعید وقت مقرریست و زود باشد که بدانید شما ۶۷ و هنگامیکه دیدی تو آنکسانیرا که از روی سخریه و استهزا
گفتگو کنند در آیات قرآن و بر آن طعن میکنند پس اعراض کن یعنی روی بگردان از ایشان تا اینکه گفتگو کنند در سخنی غیر آن و اگر بفراموشی بیندازد البته ترا شیطان پس
منشین بعد از یاد کردن تو سخن خدا را با قوم ظلم کنندگان ۶۸ و نیست بر کسانیکه پرهیزکاری میکنند از حساب ایشان یعنی از حساب کسانیکه خوض میکنند یعنی
گفتگو کنند در آیات قران هیچ چیزی و لیکن بر ایشانست که پند دهند ایشانرا و مانع شوند از خوض شاید ایشان بپرهیزند ۶۹ و واگذار
کسانی را که گرفته اند دین خود شانرا بازیچه و بیمعنی و مغرور کرد ایشانرا زندگانی دنیا و پند ده ایشانرا بقرآن مبادا گرفتار شود

نفسی با نچه کسب میکند یعنی اگر پند ندهی کفار را و احکام قرآنرا برآنها نخوانی و آگاه نشوند گرفتار خواهند شد در دنیا و آخرت باعمالیکه میکنند نیست
برای آن نفس از سوای خدا دوستی و نه شفیعی و اگر فرضًا فدا بدهد آن نفس هر فدائی که باشد گرفته نمیشود یعنی قبول نمیشود از آنگروه آنها هستند
که گرفتار شدند با نچه کسب کرده اند از برای ایشانست شراب از آب جوشان و عذاب دردناک بانچه بودند که کفران میکردند و می پوشاندند سخنان
حق را ۷۰ بگوای محمد آیا پرستیم از سوای خدا چیزیرا که نفع نمیدهد ما را و ضرر نمیرساند ما را و آیا بازگردیم بپاشنه های پای خود مان یعنی مرتد شویم
و بکفر رجوع کنیم بعد از اینکه هدایت کرده است ما را خدا که آنوقت مثل کسی باشیم که او را برده باشند دیوان در زمین بیابان دور از راه
حیران و سرگردان از برای او دوستان و اصحابی که میخوانند او را بسوی راه راست که بیا نزد ما مراد اینست کسیکه مرتد شد و بتر دید افتاد مثل
اینست که از میان قافله دیوان او را بطرف خود دعوت کنند و بموضع هلاک خطرناک برند و اهل قافله او را بطرف خود شان که راه نجات و جادهٔ
مستقیم است بخوانند بگوای محمد بدرستیکه راه خدا یعنی دین اسلام آنست راه حق و دین درست نه غیر آن و مأمور شدیم ما که گردن نهیم مر
پروردگار عالمیانرا ۷۱ و آنکه بپای دارید نماز را و بپرهیزید از خدا و آنخدای آنچنانی استکه بسوی او فراهم آورده میشوید ۷۲ و آنخدای
آنچنانیست که خلق کرد آسمانها و زمین را در حالتی که قائمست بحق و یاد کن روز قیامت را که هرچه میخواهد ایجاد فرماید میگوید باش پس میباشد و
موجود میشود ۷۳ گفتار خداست راست و درست و از برای خداست پادشاهی روزیکه دمیده میشود در صور داناى پنهانی و آشکار است
و اوست درستکار و آگاه ۷۴ و چون گفت ابراهیم از برای پدرش آزر آیا میگیری بتهارا خدایان بدرستی که من می بینم ترا و قومت را
در گمراهی آشکار ۷۵ و همچنانکه ابراهیم را بینا کردیم بر ضلالت پدرش و قوم او و نمودیم ابراهیم را ربوبیت و پادشاهی و عجایب آسمانها و زمین را
تا باشد از یقین کنندگان ۷۶ پس چون در آمد بر ابراهیم شب دید ستاره زهره را که مردم بر آن سجده میکردند برای ثبوت بطلان عقیدهٔ قوم
درابتدا گفت اینست پروردگار من پس چون غروب کرد گفت دوست ندارم من غروب کنندگانرا ۷۷ پس چون دید ماه را که برآمد و طالع شد
گفت اینست پروردگار من پس چون غروب کرد گفت هر آینه اگر راه راست ننماید مرا خدای من هر آینه باشم البته از قوم گمراهان ۷۸ پس چون دید
خورشید را که برآمد و طالع شد و مردم بر او سجده کردند گفت اینست پروردگار من اینکه خورشید بزرگتر است از سایر کواکب نورانی پس چون غروب کرد گفت ابراهیم
ایقوم من بدرستی که من بیزارم از آنچه شریک و انباز میگیرید برای خدا ۷۹ بدرستیکه من متوجه ساختم روی خودم را یعنی خالص کردم دین خودم را از برای

کسی که آفرید آسمانها

و زمین را پاکیزه

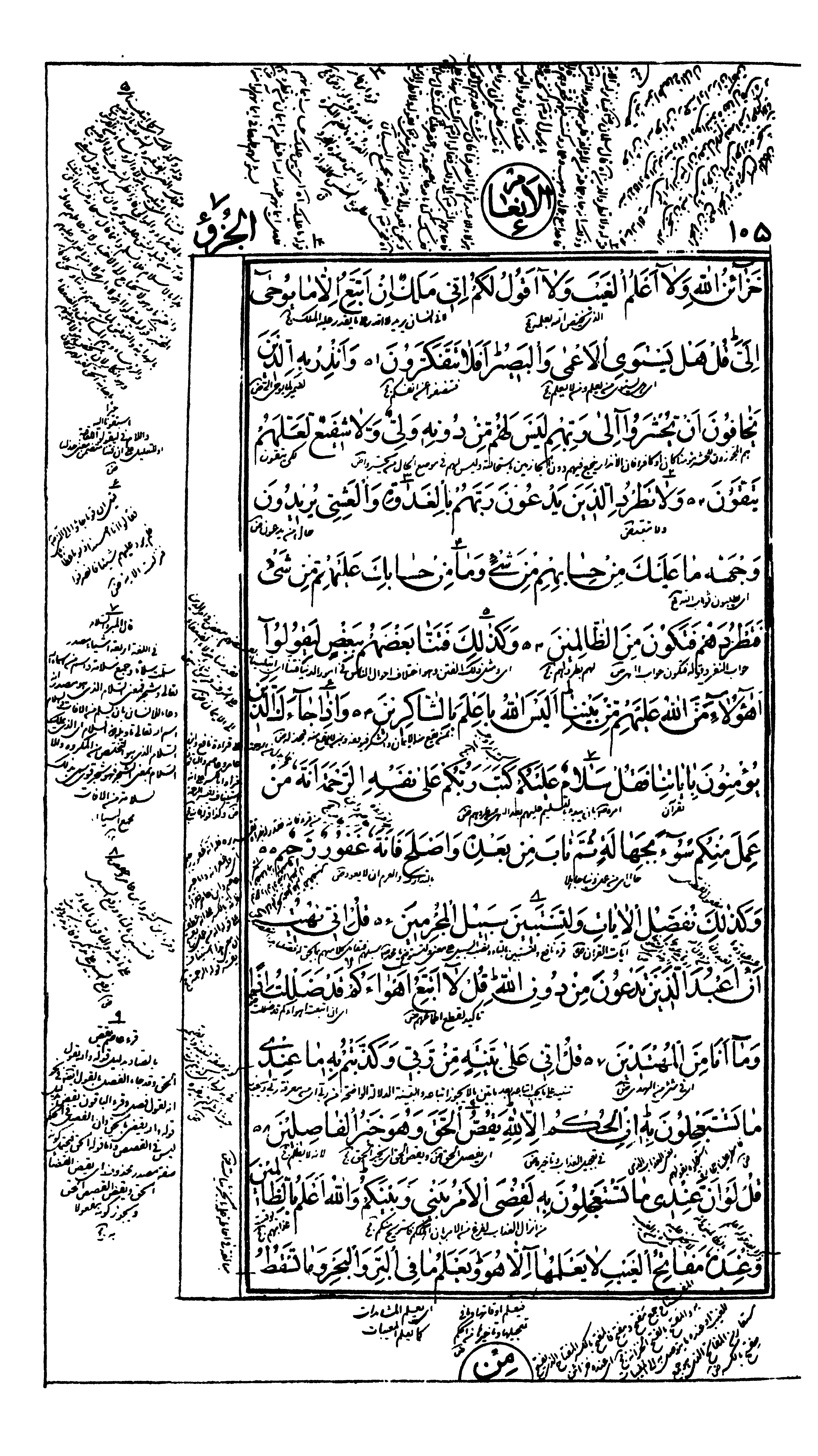
و نیستم من از شرک آورندگان ۸۰ و گفتگو کردند با ابراهیم قوم او گفت ابراهیم بقوم آیا گفتگو میکنید با من در دین خدا و حال آنکه بتحقیق
راه نموده است مرا خدا و نمیترسم از آنچه شریک میآورید بآن مگر اینکه بخواهد پروردگار من چیزیرا و احاطه دارد پروردگار من بهر چیز از راه علم و
دانش آیا پس متذکر نمیشوید و پند نمیگیرید ۸۱ و چگونه بترسم از آنچه شریک قرار دادید و نمی ترسید از اینکه شما شریک آوردید یعنی شریک برای خدا
قرار دادید چیزیرا که نفرستاده است خدا بشریک کردن آن بر شما کتابی و حجتی پس کدام یک از این دو گروه که موحد و مشرک باشند سزاوار ترند بایمن
بودن اگر هستید شما که میدانید ۸۲ آنکسانیکه ایمان آوردند و نیامیختند ایمانشانرا بظلمی آن گروهند که از برای ایشانست ایمنی و ایشانند یافته گانند
۸۳ و اینست حجت ما که دادیم آنرا بابراهیم تا حجت گیرد بر قوم خودش بلند میکنیم مراتب هر کسرا که میخواهیم بدرستی که پروردگار تو درست کردار داناست
۸۴ و بخشیدیم از برای ابراهیم اسحق و یعقوب را همه را راه راست نمودیم و نوح را هدایت کردیم ما از پیش و از فرزندان او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و
موسی و هرون را و اینطور جزا میدهیم نیکوکارانرا ۸۵ و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس هریک از شایسته کارانند ۸۶ و اسمعیل و الیسع و یونس و لوط و
هریکرا تفضیل دادیم ما بر عالمیان ۸۷ و از پدران ایشان و فرزندان ایشان و برادران ایشان و برگزیدیم ایشانرا و راه نمودیم ما ایشانرا بسوی راه راست
۸۸ اینست راهنمائی خدا هدایت میکند بآن هر کسرا میخواهد از بندگان خودش و اگر شرک میآورند هر آینه باطل شده است از ایشان آنچه را
که هستند میکنند ۸۹ آنگروه کسانی هستند که دادیم ما ایشانرا کتاب و حکمت و نبوت را پس اگر کافر شوند بآن حکمت و نبوت این گروه قریش پس
بتحقیق موکل کرده ایم ما یعنی برگماشته ایم و مهیا کرده ایم برای ایمان بآن قومیرا که نیستند بآن حکمت و نبوت کافران ۹۰ این گروه کسانی هستند
که هدایت کرده است آنها را خدا پس بطریقهٔ ایشان اقتدا کن بگو نمیخواهم از شما بر پیغام رسانیدن از خدا مزدی نیست آن تبلیغ من مگر پندی

مر عالمیانرا

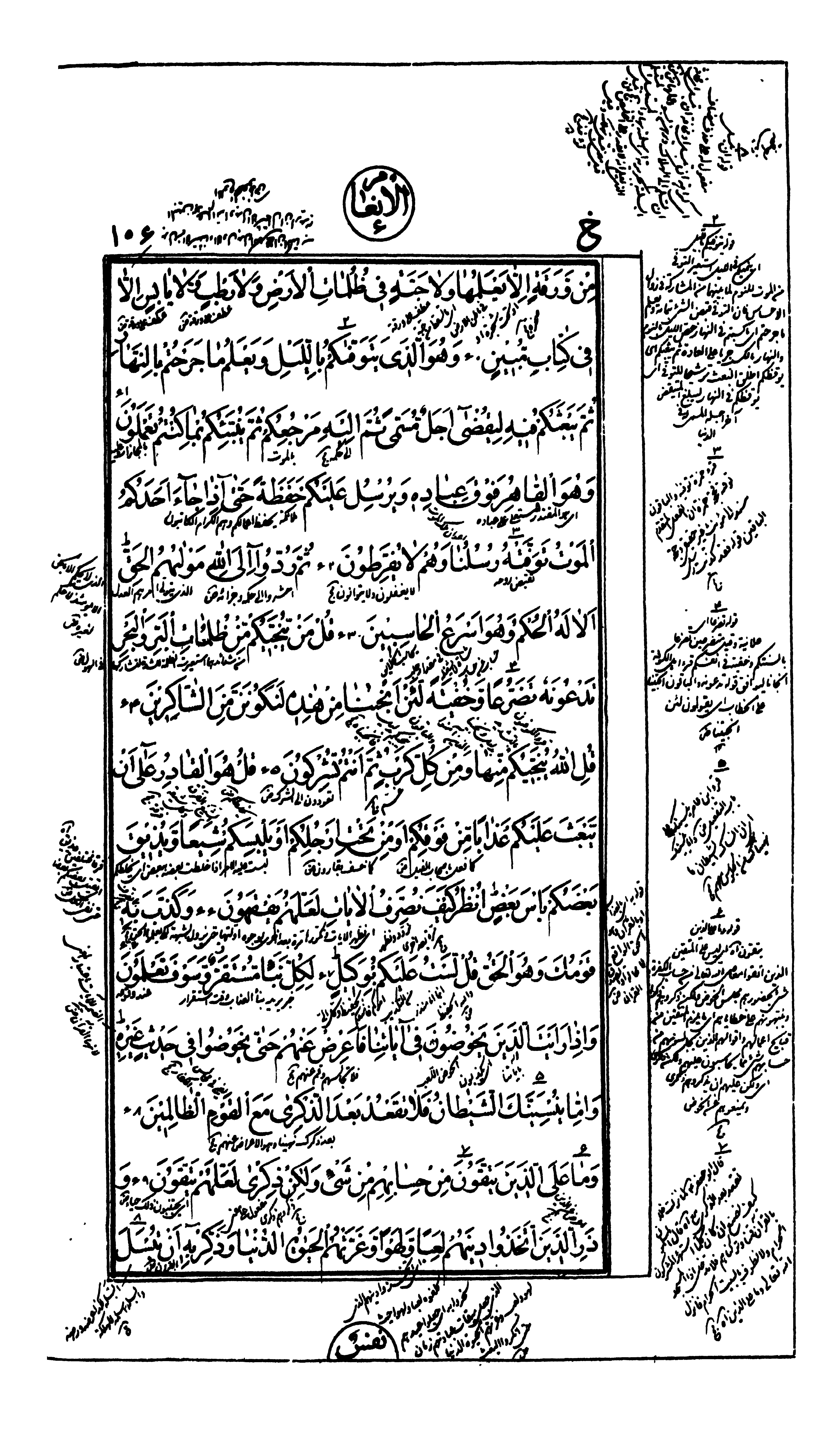
مرعالمیانرا ۹۱ و تعظیم نکردند یهودان حق بزرگواری خدا را وقتی گفتند نفرستاده است خدا بر احدی هیچ چیز از وحی و احکام
شرع بگو کی فرستاد کتاب توراة آنچنانیرا که آورد آنرا موسی روشنی و راه راست از برای مردم میگردانید آن توراترا کاغذها و
طومارها که ظاهر میسازید آنها را و مخفی میدارید بسیاری از احکام آنرا از قبیل نعت رسول و آیات رجم و تعلیم کرده شدند از آیات
کتاب الله آنچه را که ندانستید نه شما و نه پدران شما بگو ای محمد خدا فرستاده است آنچه را که ندانستید پس واگذار ایشانرا یعنی یهودانرا
که در یاوه گوئی و هرزه درائی خودشان بازی میکنند ۹۲ و این قرآن کتابیست که فرستادیم ما آنرا با برکت تصدیق کننده است آنچیزیرا
که در میان دو دست اوست یعنی قران مصدق توراة و انجیل است و تا اینکه بترسانی اهل مکه را و کسانیکه در اطراف مکه هستند و آن
کسانیکه ایمان میآورند بآخرت و روز جزا ایمان میآورند بقران و ایشان یعنی آن مؤمنین بر نماز خودشان محافظت میکنند ۹۳ و
کیست ستمکارتر از آن کسی که افترا بافد بر خدا دروغ را یا گفت وحی شد بسوی من و حال اینکه وحی کرده نشد بسوی او هیچ چیز و کسی که گفت زود
باشد فرستاده شود از جانب خدا مثل آنچه فرستاده است خدا یعنی قران و اگر ببینی تو وقتی را که ستمکاران باشند در سکرات
و شداید مرگ و ملائکه عذاب گشوده باشند دستهای خود را برای گرفتن روح ایشان یا گشوده اند دستهای خود را برای گرفتن عمود آتشین
و عذاب کردن ایشان و گویند بیرون آرید روحها که بیرون بیائید از بدنهای خود تا امروز جزا داده میشود بعذاب خاری یعنی عذاب بدی بسبب آنچه
هستید شما که میگوئید بر خدا غیر حقیقت و بودید شما از آیات خدا که استکبار میکردید یعنی طلب کبر و نخوت مینمودید ۹۴ و هرآینه بتحقیق
آمدید بحساب و جزای ما تنها چنانچه خلق کردیم ما شما را اول دفعه و بازگذاشتید شما آنچه را که بشما عطا کرده بودیم از نعمتها و عزت و ثروتها و تفاخرات
پشت سر خودتان که نه جلو فرستادید و نه همراه خودتان آوردید و نمی بینیم با شما شفعای شما را یعنی بتهای شما را آنهائیکه گمان میکردید اینکه
ایشان در تربیت و عبادت شما شریکانند هرآینه بتحقیق بریده میان شما یعنی پیوند شما و گم شد از شما آنچه را که بودید که گمان میبردید یعنی این گمانی
که این بتها شفیعان ما خواهند بود ۹۵ بدرستیکه خدا شکافنده دانه است تا زراعت شما را برویاند و شکافنده تخم اشجار است تا
نباتات و شجرها برویاند بیرون میآورد زنده را از مرده مثل اشجار زنده از تخمی مرده است و بیرون آورنده است مرده را از زنده مثل تخم و نطفه
و بیضه اینست خدای شما که زنده کننده و میراننده است پس کجا برگردانیده میشوید یعنی که را غیر از خدا عبادت میکنید ۹۶ شکافندهٔ عمود صبح است از
ظلمت شب و گردانیده خدا شب را آرامگاه و خورشید و ماه را نشانهای اوقات که حساب سال و ماه بآنها شود اینست اندازه کردن خدای غالب دانا ۹۷

و اوست خدای آنچنانیکه گردانید از برای

شما ستارگانرا تا اینکه راه یابید
بسبب آنها در تاریکیهای بیابان و دریا بتحقیق تفصیل دادیم آیاترا از برای گروهی که عاقلند یعنی میدانند و میفهمند ۹۸ و اوست آنچنان خدائیکه خلق کرد شما را
از یکتن پس شما راست آرامگاه و محل ودیعتی که مراد قبر و دنیا است بتحقیق تفصیل دادیم آیاترا از برای قومیکه دریابند یعنی ملتفت شوند و بفهمند ۹۹
و اوست خدای آنچنانیکه فرستاد از آسمان آبرا پس بیرون آوردیم ما بسبب آن آب نبات هر چیزیرا یعنی سبز شدن و روئیدن هر چیزیرا بسبب آب قرار دادیم
پس بیرون آوردیم ما از آن آب چیزی سبز که بیرون میآوردیم از آن سبز بها دانه بهم آمیخته یعنی خوشه و از درخت خرما از شکوفهٔ آن خوشه های نزدیک بهم و بیرون
آوردیم از آن آب باغهائی از انگورها و زیتون و انار شبیه بیکدیگر و غیر شبیه نگاه کنید بسوی میوهٔ آن وقتی میوه میدهد و رسیدن میوهٔ آن بدرستیکه در اینها هر آینه نشانه هاست
آیاتی است برای گروهی که میگروند ۱۰۰ و گردانیدند کافران از برای خدا شریکان یعنی بتان از جن یعنی ملائکه را شریک خدا قرار دادند و حال اینکه خلق کرد خدا جنه و ملائکه را
و تراشیدند از برای او یعنی افترا زدند برای خدا پسران و دختران چون عزیر و عیسی و ملائکه بدون اینکه علمی باشد ایشانرا پاکست خدا و برتر است از آنچه وصف میکنند ۱۰۱ پدید
آورندهٔ آسمانها و زمین اوست یعنی اوست که از نو پدید آورندهٔ آسمان و زمین را از کجا میباشد از برای او فرزندی و حال اینکه نیست از برای او زنی که فرزند بیاورد و خلق کرد
هر چیزیرا و او بهر چیزی داناست ۱۰۲ اینکه باین صفات موصوفست خداست پروردگار شما است نیست خدائی مگر او خلق کننده هر چیزیست پس عبادت کنید او را
و خدا بر هر چیز نگهبانست ۱۰۳ در نمی یابند او را دیدهها و خدا در مییابد دیدهها را یعنی در نمییابد آنچه را که دیدهها ادراک آن میکنند و اوست لطف کننده نیکوکار ۱۰۴
بتحقیق آمد شما را بینائیها یعنی دلائل محکمه از جانب پروردگار شما پس هر کس ببیند حق را و تصدیق کند پس از برای نفس خود دیده و منفعت آنرا خودش برده است
و هر کس نابینا شود پس ضررش بر خود او است ضرر آن و نیستم من بر شما نگهبان ۱۰۵ و مانند آنچه مذکور شد میگردانیم آیات قرآنرا از خوف بر جا و از وعده بوعید و تا اینکه
میگویند درست یعنی اهل مکه میگویند تو که محمدی آنچه میگوئی درس خوانده و تعلیم گرفته و تا بیان کنیم ما قرآنرا از برای قومیکه میدانند ۱۰۶ متابعت کن آنچه



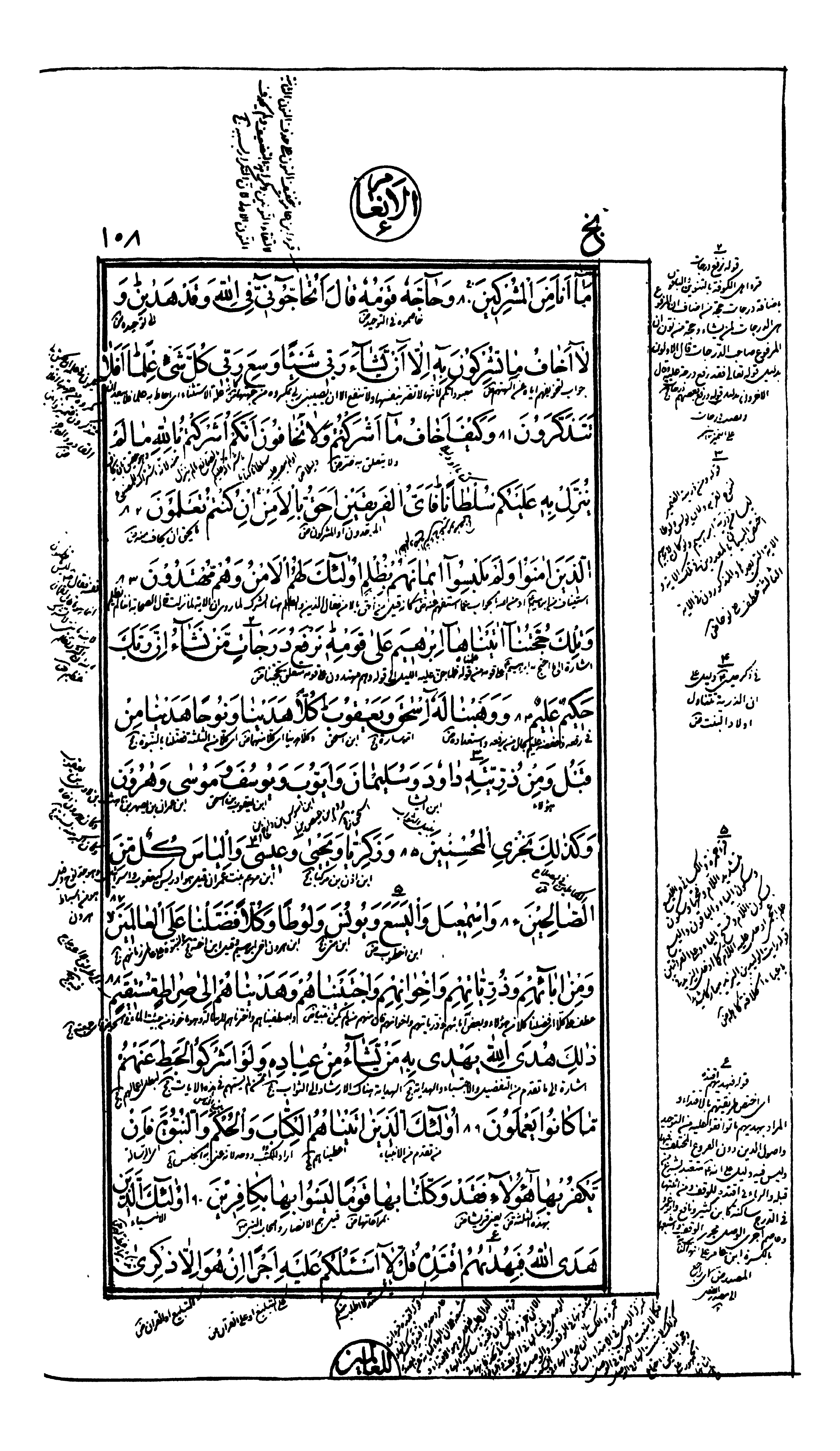
خزائن الله ولا أعلم الغيب ولا أقول لكم إني ملك إن أتبع إلا ما يوحى
إلي قل هل يستوي الأعمى والبصير أفلا تتفكرون ۝ وأنذر به الذين
يخافون أن يحشروا إلى ربهم ليس لهم من دونه ولي ولا شفيع لعلهم
يتقون ۝ ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون
وجهه ما عليك من حسابهم من شيء وما من حسابك عليهم من شيء
فتطردهم فتكون من الظالمين ۝ وكذلك فتنا بعضهم ببعض ليقولوا أ
هؤلاء من الله عليهم من بيننا أليس الله بأعلم بالشاكرين ۝ وإذا جاءك الذين
يؤمنون بآياتنا فقل سلام عليكم كتب ربكم على نفسه الرحمة أنه من
عمل منكم سوءا بجهالة ثم تاب من بعده وأصلح فأنه غفور رحيم ۝
وكذلك نفصل الآيات ولتستبين سبيل المجرمين ۝ قل إني نهيت
أن أعبد الذين تدعون من دون الله قل لا أتبع أهواءكم قد ضللت إذا
وما أنا من المهتدين ۝ قل إني على بينة من ربي وكذبتم به ما عندي
ما تستعجلون به إن الحكم إلا لله يقص الحق وهو خير الفاصلين ۝
قل لو أن عندي ما تستعجلون به لقضي الأمر بيني وبينكم والله أعلم بالظالمين
وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط



من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا
في كتاب مبين ۝ وهو الذي يتوفاكم بالليل ويعلم ما جرحتم بالنهار
ثم يبعثكم فيه ليقضى اجل مسمى ثم اليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون
وهو القاهر فوق عباده ويرسل عليكم حفظة حتى اذا جاء احدكم
الموت توفته رسلنا وهم لا يفرطون ۝ ثم ردوا الى الله مولاهم الحق
الا له الحكم وهو اسرع الحاسبين ۝ قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر
تدعونه تضرعا وخفية لئن انجانا من هذه لنكونن من الشاكرين ۝
قل الله ينجيكم منها ومن كل كرب ثم انتم تشركون ۝ قل هو القادر على ان
يبعث عليكم عذابا من فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم شيعا ويذيق
بعضكم بأس بعض انظر كيف نصرف الايات لعلهم يفقهون ۝ وكذب به
قومك وهو الحق قل لست عليكم بوكيل ۝ لكل نبا مستقر وسوف تعلمون ۝
واذا رأيت الذين يخوضون في اياتنا فاعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره
واما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين ۝
وما على الذين يتقون من حسابهم من شيء ولكن ذكرى لعلهم يتقون ۝ و
ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا ولهوا وغرتهم الحيوة الدنيا وذكر به ان تبسل



نفس بما كسبت ليس لها من دون الله ولي ولا شفيع وإن تعدل كل عدل لا
يؤخذ منها أولئك الذين أبسلوا بما كسبوا لهم شراب من حميم وعذاب أليم
بما كانوا يكفرون ٧٠ قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا ونرد
على أعقابنا بعد إذ هدىنا الله كالذي استهوته الشياطين في الأرض
حيران له أصحاب يدعونه إلى الهدى ائتنا قل إن هدى الله هو الهدى
وأمرنا لنسلم لرب العالمين ٧١ وأن أقيموا الصلوة واتقوه وهو الذي إليه
تحشرون ٧٢ وهو الذي خلق السموات والأرض بالحق ويوم يقول كن
فيكون قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور عالم الغيب والشهادة
وهو الحكيم الخبير ٧٣ وإذ قال إبرهيم لأبيه آزر أتتخذ أصناما آلهة إني
أرىك وقومك في ضلال مبين ٧٤ وكذلك نري إبرهيم ملكوت السموات
والأرض وليكون من الموقنين ٧٥ فلما جن عليه الليل رأى كوكبا قال
هذا ربي فلما أفل قال لا أحب الآفلين ٧٦ فلما رأى القمر بازغا قال هذا
ربي فلما أفل قال لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم الضالين ٧٧ فلما
رأى الشمس بازغة قال هذا ربي هذا أكبر فلما أفلت قال يا قوم إني بريء
مما تشركون ٧٨ إني وجهت وجهي للذي فطر السموات والأرض حنيفا و



مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ٨٠ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِّي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَ
لَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا
تَتَذَكَّرُونَ ٨١ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ
يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٨٢
الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ٨٣
وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ
حَكِيمٌ عَلِيمٌ ٨٤ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ
قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٨٥ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ
الصَّالِحِينَ ٨٦ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ٨٧
وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٨٨
ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٨٩ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ
يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ٩٠ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
هَدَى اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ

غیر خدا را پس ایشان نیز در مقابل دشنام شما دشنام دهند خدا را از روی ظلم و تجاوز بغیر علم یعنی از روی بی دانشی همچنانکه
بیاراسته ایم ما از برای هر گروهی کردار ایشانرا بعد از آن بسوی پروردگار ایشانست برگشت ایشان پس آگاه میکند
ایشانرا بآنچه بودند که میکردند ۱۰۹ و قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگندهای خودشان را چه اگر آید ایشانرا نشانهٔ از آنچه
طلب میکنند هر آینه ایمان آورند البته بآن بگوای محمد جز این نیست که آیات یعنی نشانه ها نزد خداست و چه میدانید شمای
مؤمنان بدرستیکه آن معجزات اگر بیاید ایمان نمیآورند یعنی نمیدانید شما که با آوردن معجزه کفار ایمان نمیآورند ۱۱۰ و بر میگردانیم
دلهای ایشانرا از تصدیق بآن معجزات و چشمهای ایشانرا از دیدن حق همچنانکه ایمان نیاوردند بآن معجزات از شق القمر و غیر آن
نخستین بار و وا گذاردیم ایشانرا در سرکشی خودشان سرگشته و حیران بمانند ۱۱۱ و اگر اینکه ما فرو فرستیم بسوی ایشان ملائکه را و سخن میگفتند
با ایشان مردگان و جمع میساختیم بر ایشان یعنی بر کفار هر چیز را گروه گروه تا همه بر وحدانیت خدا و نبوت پیغمبر گواهی دهند نبودند اینکه ایمان
بیاورند مگر اینکه بخواهد خدا و لیکن بیشتر ایشان نادانی کنند ۱۱۲ و همچنانکه تو را ای محمد دشمنان هستند گردانیدیم ما از برای هر پیغمبری
یعنی از برای همهٔ انبیای سابق دشمنی از دیوان و گردنکشان انس و جن که وسوسه میکنند بعضی از ایشان بسوی بعضی آراسته سخنان دروغ
از روی فریب و اگر خواستی پروردگار تو نمیکردند دشمنی با پیغمبران پس واگذار ای محمد ایشان را با آن دروغها که بر میبافند ۱۱۳ و بجهة
اینکه میل کنند بسوی آن وسوسهٔ گمراه کننده دلهای آن کسانیکه ایمان نمیآورند بآخرت و بجهة اینکه پسندند آن سخن باطل را و بجهة اینکه
کسب کنند آنچه را که ایشان کسب کردند ۱۱۴ آیا پس غیر از خدا بجویم داوری را در حالتی که حکم کننده باشد و حال اینکه اوست که فرو فرستاده
است بسوی شما قرآن را در حالتیکه بیان کرده شده است در او حق و باطل و آن کسانیکه دادیم ما ایشانرا کتاب میدانند بدرستیکه آن قرآن فرو فرستاده شده
از پروردگار تو براستی پس مباش البته از شک کنندگان ۱۱۵ و تمام شد سخن پروردگار تو از روی راستی و بر وجه عدالت نیست تبدیل دهنده یعنی تغییر
از برای کلمات خدا و اوست شنونده و دانا ۱۱۶ و اگر اطاعت کنی بیشتر کسانیکه در زمین هستند گمراه میکنند تو را از راه خدا پیروی نمیکنند
مگر گمان خود را و نیستند ایشان مگر اینکه دروغ میگویند و گزاف میسرایند ۱۱۷ بدرستیکه پروردگار تو داناتر است باینکه کی گمراه میشود از راه خدا و خدا

داناتر است براه یافتگان ۱۱۸ پس
صفحه صد دوازدهم
بخورید از آنچه ذکر کرده شد اسم خدا بر او

اگر هستید شما بآیات خدا گروندگان ۱۱۹ و چه است از برای شما اینکه نخورید از آنچه ذکر کرده شده است اسم خدا بر آن چیز و حال اینکه
بتحقیق تفصیل و تبیین فرموده از برای شما آنچه حرام شد بر شما مگر آنچه را که ناچار شوید شما بسوی آن و بدرستیکه بسیاری هر آینه گمراه میشوند
بخواهشهای خودشان بغیر دانش بدرستیکه پروردگار تو اوست داناتر بآنها که از حد در گذشتند ۱۲۰ و واگذارید آشکارهای گناه و پنهان
آنرا یعنی ترک کنید گناهان آشکار و نهانرا بدرستیکه آنکسانیکه کسب میکنند گناه را زود باشد که جزا داده میشوند بآنچه بودند که کسب میکردند
۱۲۱ و نخورید از آنچه ذکر نشده است اسم خدا بر آن چیز و بدرستیکه هر آینه فسق است و بدرستیکه شیاطین هر آینه میرسانند بسوی دوستان
تا اینکه مجادله کنند با شما و اگر اطاعت کنید شما ایشانرا بدرستیکه شما هر آینه مشرکانید ۱۲۲ آیا آن کسی که بود مرده بسبب
کفر و جهالت پس زنده کردیم ما او را بسبب اسلام و گردانیدیم ما برای او اسلام را نور و روشنی که راه میرود بسبب آن روشنی در میان مردم
مانند کسی که در تاریکیهای جهل و کفر مانده نیست که بیرون آید از آنجا یعنی نتواند خود را از کفر و ضلالت بیرون بیاورد همچنین زینت داده شد
از برای کافران آنچه بودند که میکردند ۱۲۳ و همین طور گردانیدیم ما در هر دهی بزرگان گناهکار آنرا تا مکر کنند در آن قریه و مکر نمیکنند مگر بنفسهای
خودشان و نمی یابند ۱۲۴ و اگر بیاید ایشانرا یعنی کفار قریش را نشانه یعنی معجزه گویند هرگز ایمان نیاوریم تا داده شویم مثل آنچیزی که داده شدند پیغمبران خدا خدا
داناتر است کجا بنهد آورد رسالت خود را زود باشد برسد بآنکسانیکه گناه کردند خواری و رسوائی نزد خدا و برسد بایشان عذابی سخت بآنچه بودند که مکر میکنند ۱۲۵
پس کسی که بخواهد خدا اینکه هدایت کند او را میگشاید سینهٔ او را برای اسلام و کسیرا که میخواهد خدا اینکه گمراه کند او را میگرداند سینهٔ او را تنگ فراهم آمده گویا بالا میرود
در آسمانها یعنی میگریزد از قبول حق و میخواهد بآسمان بالا برود و همچنین میگرداند خدا پلیدی را بر آنکسانیکه ایمان نمیآورند و منکر شوند ۱۲۶ و هست یعنی این دین اسلام
راه پروردگار تو که راست است بتحقیق تفصیل دادیم ما آیات را بقومی که پند میگیرند ۱۲۷ از برای ایشانست خانهٔ با سلامت نزد

پروردگار

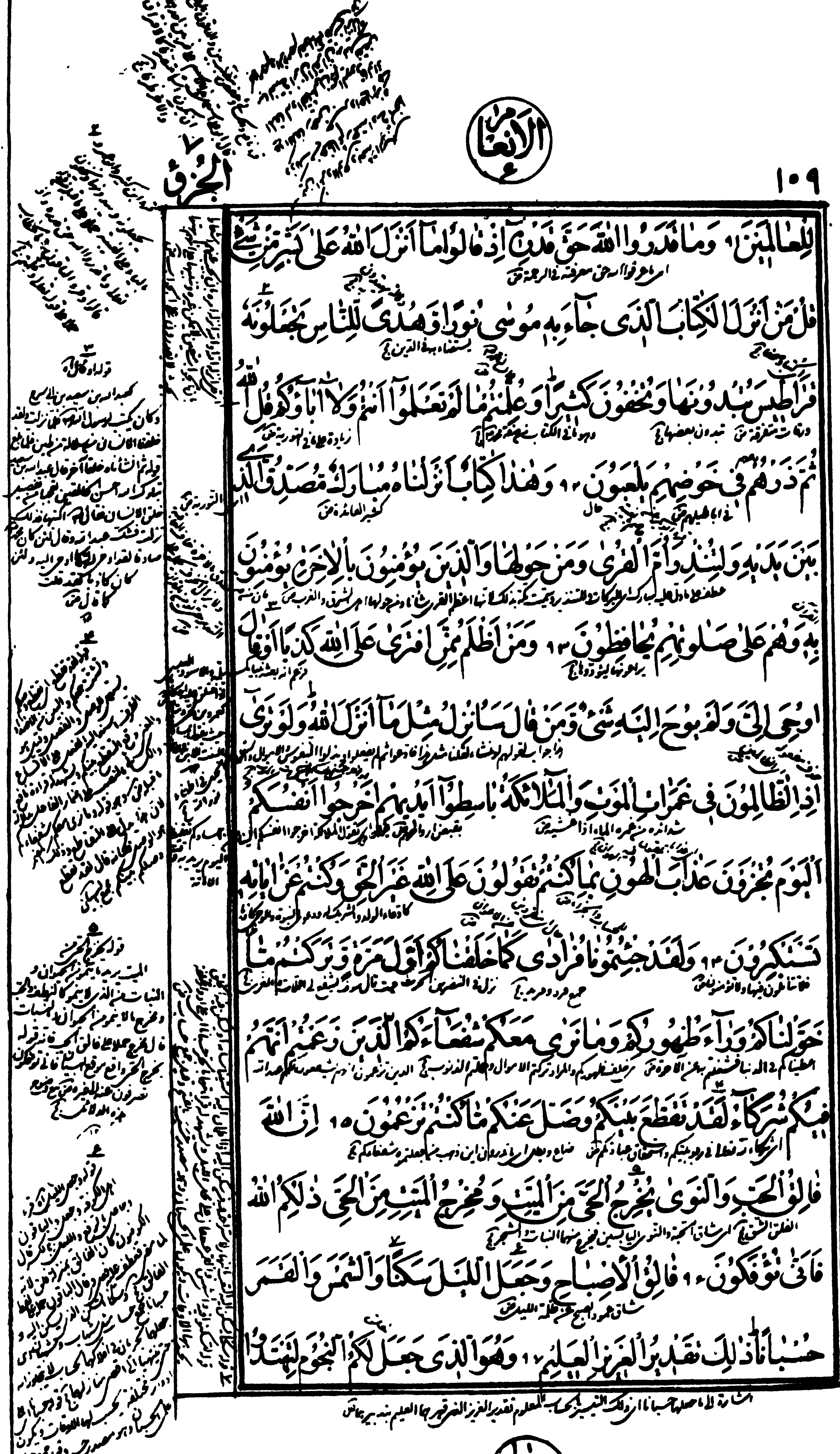
صفحهٔ صد و سیزدهم

نزد پروردگار ایشان و خدا یار ایشانست بآنچه بودند که میکنند ۱۲۸ و یاد کن روزیکه جمع میکنیم ما جن و انس را جمیعا و با ایشان ندا کنیم ای گروه جن بتحقیق
بسیار گردانیدیم شما را از انس و گویند دوستان ایشان از انس ای پروردگار ما برخورداری کردند بعضی از ما ببعضی دیگر و رسیدیم با وقت مقرر
خودمان یعنی تا وقت مرگ آنچنانیکه مقرر کرده تو از برای ما یعنی متابعت کردیم ما آخر عمر خودمان شیاطین گوید خدا آتش است جایگاه شماست
همیشه در آن آتش خواهید بود مگر آنچه را خواسته است خدا بدرستیکه پروردگار تو استوار کار داناست ۱۲۹ و همچنین بر گماریم بعضی از ستمکاران را
ببعضی دیگر بآنچه بودند که کسب میکنند ۱۳۰ ای گروه جن و انس آیا نیامد شما را رسولانی از خود شما که حکایت کنند بر شما آیات مرا و بترسانند شما را از دیدن
اینروز شما که روز قیامت است گویند گواه میدهیم بر نفسهای خودمان که ما در کفر و ضلالت بودیم و مغرور کرد ایشانرا زندگانی دنیا و شهادت دادند
بر نفسهای خود بدرستیکه ایشان بودند کافران که گردن ننهادند ۱۳۱ این فرستادن رسولان برای اینست که نیست پروردگار تو هلاک کننده اهل
قریه‌ها بظلم و ستم در حالیکه اهل آن شهرها و قریه‌ها غافلانند ۱۳۲ و از برای هر یک از مکلفانست مراتبی از آنچه عمل کردند و نیست پروردگار تو
غافل از آنچه میکنند ۱۳۳ و پروردگار تو بی‌نیاز است از عبادت مردم صاحب رحمت است اگر بخواهد میبرد شما را ای کفار قریش و جانشین شما
سازد از بعد از شما آنچه را میخواهد چنانچه آورد شما را از فرزندان گروهی دیگران ۱۳۴ بدرستیکه آنچه وعده کرده شده اید هر آینه آمدنی است و نیستید
شما عاجز کنندگان مر خدا را ۱۳۵ بگو ای قوم من کار کنید بر جایگاه و توانائی خودتان بدرستیکه من کار کننده‌ام پس بزودی میدانید ۱۳۶ کیست
که باشد از برای او سرانجام آنسرا که سرای عاقبت است بدرستیکه رستگار نمیشوند ستمکاران ۱۳۷ و گردانیدند از برای خدا از آنچه آفریده است
خدا از زراعت و از چهارپایان بهره پس گفتند این از برای خداست و این از برای شریکان ما یعنی بتان که بزعم خودشان خدا قرار داده بودند پس
آن نصیب که باشد از برای بتان ایشان پس نمیرسد بسوی خدا و آنچه باشد از برای خدا پس آن میرسد به بتان ایشان یعنی آنچه خوبست و سزاوار
قربانی خداست برای بتان بخش خود میگذارند و آنچه بد است میرسانند بقربانگاه خداوند متعال بد است آنچه را که حکم میکنند ۱۳۸ و همچنین

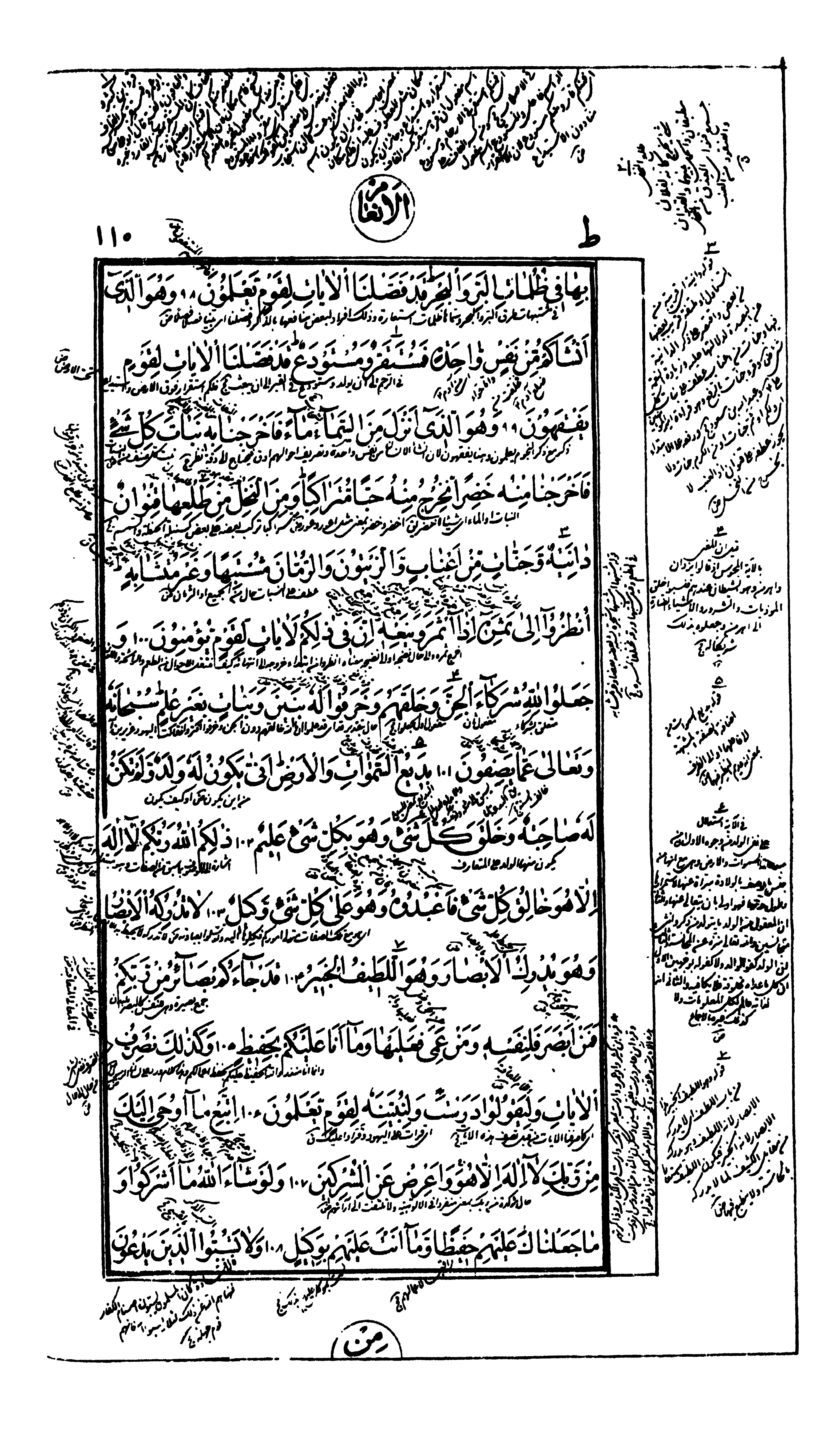
آرایش دادند از برای بسیاری از | صفحهٔ صد و چهاردهم | مشرکان کشتن فرزندان ایشانرا

صفحهٔ صد و چهاردهم

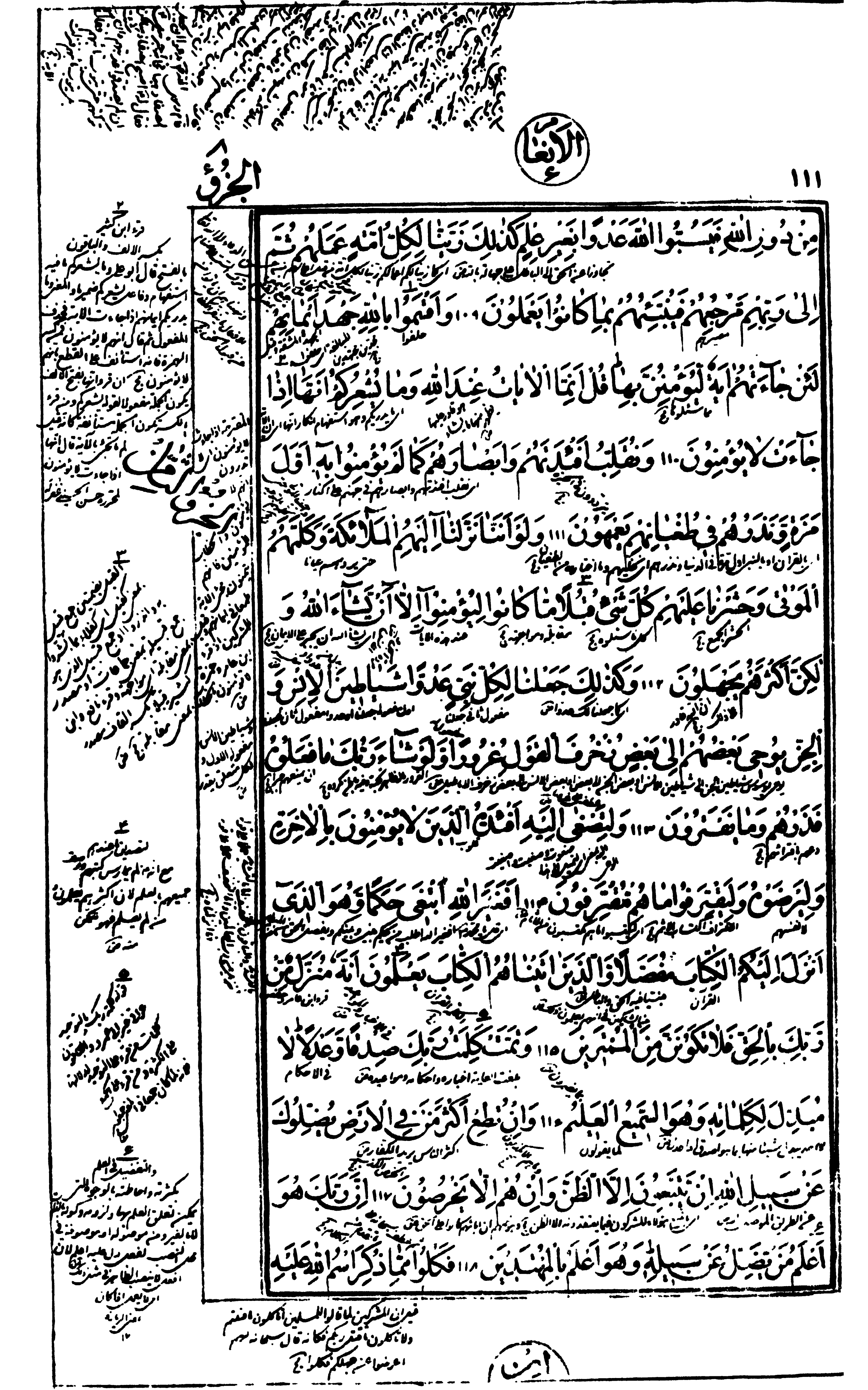
شریکهای ایشان تا اینکه گمراه گردانند و هلاک سازند ایشانرا و تا پوشیده گردانند بر ایشان دین ایشانرا و اگر بخواهد خدا نکردندی آنرا و قادر نشدندی
پس واگذار ایشانرا و آنچه بر میبافند یعنی دروغ میگویند ۱۳۹ و گفتند بت پرستان این چهارپایان و زراعت که مخصوص خدایان خودمان کرده ایم حرامست بر ما
نخورد آنرا مگر آنکس که بخواهیم ما که مردان خادمان بتخانه غیر زنان باشند بگمان خودشان بدون دلیل و حجتی و چهارپایانی که حرام شده پشت های آنها یعنی بار
کشیدن از پشت آنها حرامست و چهارپایانیکه ذکر نمیکنند در وقت ذبح آنها اسم خدا را بر آن چهارپایان بجهة افتراء کردن بر آن یعنی بنام خدائی که دروغ است ذبح
کنند. زود باشد که جزا بدهد ایشانرا بآنچه هستند که دروغ می‌بندند ۱۴۰ و گفتند آنچه در شکمهای این چهارپایانست یعنی بحیره و سائبه که در سوره قبل ذکر شد
مخصوص است از برای مردان ما و حرامست بر زنهای ما و اگر باشد مردار یعنی مردار متولد شده باشد پس ایشان در آن شریکند یعنی زن و مرد در آن شریکند که همه
میتوانند بخورند زود باشد که جزا دهد خدا وصف کردن ایشانرا بدرستیکه خدا حکیم است در آنچه حرام و حلال میکند و داناست بمصالح بندگان ۱۴۱ بتحقیق
زیان کردند آنکسانیکه کشتند اولاد خودشانرا از روی سفاهت بغیر دانش و حرام کردند آنچه را که روزی داد ایشانرا خدا یعنی از بحیره و سائبه و غیر آن بجهة دروغ بستن
بر خدا بتحقیق گمراه شدند و نبودند هدایت شدگان ۱۴۲ و اوست خدای آنچنانیکه پیدا کرد برای شما بوستانها و باغات انگور که بعضی بچوبها بسته و بلند شده است و بعضی
غیر معروشاتست یعنی بر روی زمین گسترده است و درخت خرما و زراعت که گوناگون است میوه‌های خوردنی آن یعنی انواع میوه‌جات در آن باغها موجود است و دیگر پیدا
کرد زیتون و انار را که شبیه است برگ آنها بیکدیگر و غیر شبیه است از حیثیت طعم که بعضی ترش و بعضی شیرین است بخورید از میوهٔ آن وقتی میوه پیدا کرد و رسید بار رسیدند آنرا
و بدهید زکوة آنرا روز چیدن آن میوه و اسراف مکنید یعنی بقدریکه مقرر است زکوة بدهید و بقیه را برای عیال خود بگذارید اسراف در بخشیدن نکنید که عیال خودتان محتاج
و مضطر مانند بدرستیکه خدا دوست نمیدارد اسراف کنندگانرا ۱۴۳ و از چهارپایان حموله است و فرش یعنی بعضی اهلی هستند که بار میبرند و بعضی بیابانی و وحشی بخورید از آنچه روزی
داده است شما را خدا و متابعت نکنید وسوسه شیطانرا بدرستیکه او از برای شما دشمن آشکار است ۱۴۴ هشت جفت نر و ماده از میش دو تا از نر و ماده و از بز دو تا از نر و ماده بگو
ای محمد آیا آن دو میش و بز نر را حرام کرد خدا یا آن دو ماده را یا آنچه را که مشتمل است بر آن رحمهای دو ماده یعنی بچه‌هائیکه در شکم آن میش و بز ماده است خواه نر و خواه ماده لکن خدا حرام کرده آگاه
کنید مرا از روی دانش اگر هستید شما راستگویان ۱۴۵ و از شتر دو تا نر و ماده و از گاو دو تا بگو آیا نرهای آنها را حرام کرده است خدا یا ماده‌های آنها را یا بچه‌هائیکه در رحم ماده‌های آنهاست یا بودید شما حاضر



لِلعالمين ١١ وما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء
قل من أنزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه
قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا أنتم ولا آباؤكم قل الله
ثم ذرهم في خوضهم يلعبون ١٢ وهذا كتاب أنزلناه مبارك مصدق الذي
بين يديه ولتنذر أم القرى ومن حولها والذين يؤمنون بالآخرة يؤمنون
به وهم على صلاتهم يحافظون ١٣ ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا أو قال
أوحي إلي ولم يوح إليه شيء ومن قال سأنزل مثل ما أنزل الله ولو ترى
إذ الظالمون في غمرات الموت والملائكة باسطوا أيديهم أخرجوا أنفسكم
اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون على الله غير الحق وكنتم عن آياته
تستكبرون ١٤ ولقد جئتمونا فرادى كما خلقناكم أول مرة وتركتم ما
خولناكم وراء ظهوركم وما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم أنهم
فيكم شركاء لقد تقطع بينكم وضل عنكم ما كنتم تزعمون ١٥ إن الله
فالق الحب والنوى يخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي ذلكم الله
فأنى تؤفكون ١٦ فالق الإصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر
حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم ١٧ وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا



بها في ظلمات البر والبحر قد فصلنا الآيات لقوم يعلمون ٩٨ وهو الذي
أنشأكم من نفس واحدة فمستقر ومستودع قد فصلنا الآيات لقوم
يفقهون ٩٩ وهو الذي أنزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات كل شيء
فأخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا ومن النخل من طلعها قنوان
دانية وجنات من أعناب والزيتون والرمان مشتبها وغير متشابه
انظروا إلى ثمره إذا أثمر وينعه إن في ذلكم لآيات لقوم يؤمنون ١٠٠ و
جعلوا لله شركاء الجن وخلقهم وخرقوا له بنين وبنات بغير علم سبحانه
وتعالى عما يصفون ١٠١ بديع السماوات والأرض أنى يكون له ولد ولم تكن
له صاحبة وخلق كل شيء وهو بكل شيء عليم ١٠٢ ذلكم الله ربكم لا إله
إلا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل ١٠٣ لا تدركه الأبصار
وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير ١٠٤ قد جاءكم بصائر من ربكم
فمن أبصر فلنفسه ومن عمي فعليها وما أنا عليكم بحفيظ ١٠٥ وكذلك نصرف
الآيات وليقولوا درست ولنبينه لقوم يعلمون ١٠٦ اتبع ما أوحي إليك
من ربك لا إله إلا هو وأعرض عن المشركين ١٠٧ ولو شاء الله ما أشركوا و
ما جعلناك عليهم حفيظا وما أنت عليهم بوكيل ١٠٨ ولا تسبوا الذين يدعون

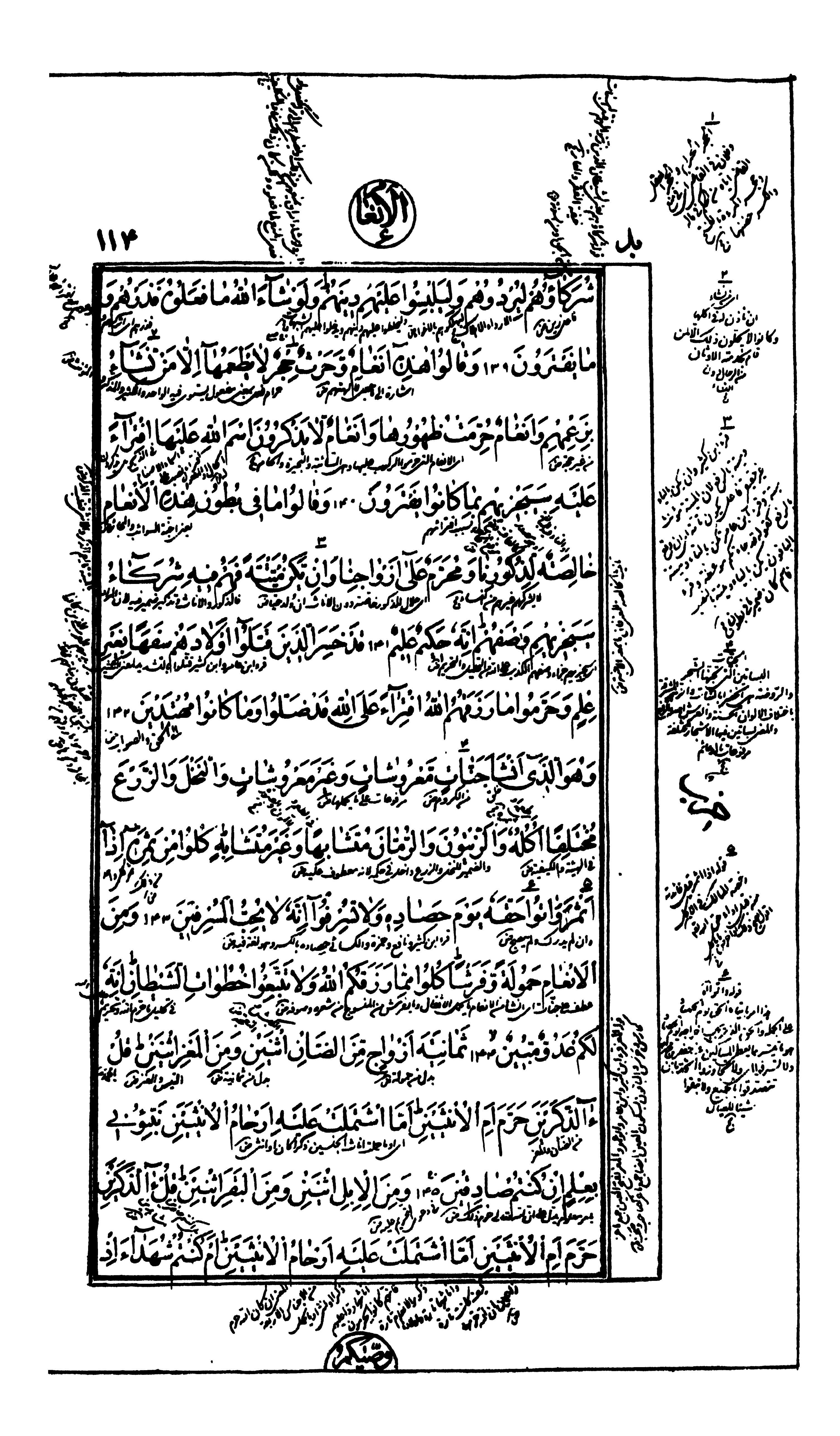


مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ
إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٠٩ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ
لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا
جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ١١٠ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ
مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ١١١ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ
الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَ
لَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ١١٢ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَ
الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ
فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ١١٣ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ ١١٤ أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي
أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن
رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ١١٥ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَّا
مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ١١٦ وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ
عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ١١٧ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ١١٨ فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ



ان كنتم بآياته مؤمنين ١١٩ وما لكم الا تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه وقد
فصل لكم ما حرم عليكم الا ما اضطررتم اليه وان كثيرا ليضلون بأهوائهم
بغير علم ان ربك هو اعلم بالمعتدين ١٢٠ وذروا ظاهر الاثم وباطنه
ان الذين يكسبون الاثم سيجزون بما كانوا يقترفون ١٢١ ولا تأكلوا مما لم
يذكر اسم الله عليه وانه لفسق وان الشياطين ليوحون الى اوليائهم
ليجادلوكم وان اطعتموهم انكم لمشركون ١٢٢ اومن كان ميتا فأحييناه وجعلنا
له نورا يمشي به في الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها كذلك
زين للكافرين ما كانوا يعملون ١٢٣ وكذلك جعلنا في كل قرية اكابر
مجرميها ليمكروا فيها وما يمكرون الا بأنفسهم وما يشعرون ١٢٤ واذا
جاءتهم آية قالوا لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما اوتي رسل الله الله اعلم
حيث يجعل رسالته سيصيب الذين اجرموا صغار عند الله وعذاب
شديد بما كانوا يمكرون ١٢٥ فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره
للاسلام ومن يرد ان يضله يجعل صدره ضيقا حرجا كأنما يصعد في
السماء كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون ١٢٦ وهذا صراط
ربك مستقيما قد فصلنا الآيات لقوم يذكرون ١٢٧ لهم دار السلام عند

عند ربهم وهو وليهم بما كانوا يعملون ١٢٨ ويوم يحشرهم جميعا يا معشر
الجن قد استكثرتم من الانس وقال اولياؤهم من الانس ربنا استمتع بعضنا
ببعض وبلغنا اجلنا الذي اجلت لنا قال النار مثواكم خالدين فيها الا
ما شاء الله ان ربك حكيم عليم ١٢٩ وكذلك نولي بعض الظالمين بعضا بما
كانوا يكسبون ١٣٠ يا معشر الجن والانس الم ياتكم رسل منكم يقصون عليكم
اياتي وينذرونكم لقاء يومكم هذا قالوا شهدنا على انفسنا وغرتهم
الحيوة الدنيا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا كافرين ١٣١ ذلك ان لم يكن
ربك مهلك القرى بظلم واهلها غافلون ١٣٢ ولكل درجات مما عملوا
وما ربك بغافل عما يعملون ١٣٣ وربك الغني ذو الرحمة ان يشا يذهبكم
ويستخلف من بعدكم ما يشاء كما انشاكم من ذرية قوم اخرين ١٣٤
ان ما توعدون لات وما انتم بمعجزين ١٣٥ قل يا قوم اعملوا على مكانتكم اني
عامل فسوف تعلمون ١٣٦ من تكون له عاقبة الدار انه لا يفلح الظالمون ١٣٧
وجعلوا لله مما ذرا من الحرث والانعام نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا
لشركائنا فما كان لشركائهم فلا يصل الى الله وما كان لله فهو يصل الى
شركائهم ساء ما يحكمون ١٣٨ وكذلك زين لكثير من المشركين قتل اولادهم



شركاؤهم ليردوهم وليلبسوا عليهم دينهم ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم و
ما يفترون ١٣٩ وقالوا هذه أنعام وحرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء
بزعمهم وأنعام حرمت ظهورها وأنعام لا يذكرون اسم الله عليها افتراء
عليه سيجزيهم بما كانوا يفترون ١٤٠ وقالوا ما في بطون هذه الأنعام
خالصة لذكورنا ومحرم على أزواجنا وإن يكن ميتة فهم فيه شركاء
سيجزيهم وصفهم إنه حكيم عليم ١٤١ قد خسر الذين قتلوا أولادهم سفها بغير
علم وحرموا ما رزقهم الله افتراء على الله قد ضلوا وما كانوا مهتدين ١٤٢
وهو الذي أنشأ جنات معروشات وغير معروشات والنخل والزرع
مختلفا أكله والزيتون والرمان متشابها وغير متشابه كلوا من ثمره إذا
أثمر وآتوا حقه يوم حصاده ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين ١٤٣ ومن
الأنعام حمولة وفرشا كلوا مما رزقكم الله ولا تتبعوا خطوات الشيطان إنه
لكم عدو مبين ١٤٤ ثمانية أزواج من الضأن اثنين ومن المعز اثنين قل
آلذكرين حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه أرحام الأنثيين نبئوني
بعلم إن كنتم صادقين ١٤٥ ومن الإبل اثنين ومن البقر اثنين قل آلذكرين
حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه أرحام الأنثيين أم كنتم شهداء إذ

وَصّٰىكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ١٤٤ قُلْ لَّاۤ اَجِدُ فِيْ مَاۤ اُوْحِيَ اِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَّطْعَمُهٗۤ اِلَّاۤ اَنْ يَّكُوْنَ مَيْتَةً اَوْ دَمًا مَّسْفُوْحًا اَوْ لَحْمَ خِنْزِيْرٍ فَاِنَّهٗ رِجْسٌ اَوْ فِسْقًا اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ١٤٥ وَعَلَى الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِيْ ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُوْمَهُمَاۤ اِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُوْرُهُمَاۤ اَوِ الْحَوَايَاۤ اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ١٤٦ فَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقُلْ رَّبُّكُمْ ذُوْ رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَاْسُهٗ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ ١٤٧ سَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا لَوْ شَاۤءَ اللّٰهُ مَاۤ اَشْرَكْنَا وَلَاۤ اٰبَاۤؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتّٰى ذَاقُوْا بَاْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوْهُ لَنَا اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَخْرُصُوْنَ ١٤٨ قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاۤءَ لَهَدٰىكُمْ اَجْمَعِيْنَ ١٤٩ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاۤءَكُمُ الَّذِيْنَ يَشْهَدُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ هٰذَا فَاِنْ شَهِدُوْا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاۤءَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ١٥٠ قُلْ تَعَالَوْا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ اَلَّا تُشْرِكُوْا بِهٖ شَيْـًٔا وَّبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوْۤا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِيَّاهُمْ وَلَا

تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا
بالحق ذلكم وصىكم به لعلكم تعقلون ١٥٣ ولا تقربوا مال اليتيم إلا بالتي
هي أحسن حتى يبلغ أشده وأوفوا الكيل والميزان بالقسط لا نكلف نفسا
إلا وسعها وإذا قلتم فاعدلوا ولو كان ذا قربى وبعهد الله أوفوا ذلكم
وصىكم به لعلكم تذكرون ١٥٤ وأن هذا صراطي مستقيما فاتبعوه ولا تتبعوا
السبل فتفرق بكم عن سبيله ذلكم وصىكم به لعلكم تتقون ١٥٥ ثم آتينا
موسى الكتاب تماما على الذي أحسن وتفصيلا لكل شيء وهدى ورحمة
لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون ١٥٦ وهذا كتاب أنزلناه مبارك فاتبعوه واتقوا
لعلكم ترحمون ١٥٧ أن تقولوا إنما أنزل الكتاب على طائفتين من قبلنا وإن
كنا عن دراستهم لغافلين ١٥٨ أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتاب لكنا
أهدى منهم فقد جاءكم بينة من ربكم وهدى ورحمة فمن أظلم ممن كذب
بآيات الله وصدف عنها سنجزي الذين يصدفون عن آياتنا سوء العذاب
بما كانوا يصدفون ١٥٩ هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك
أو يأتي بعض آيات ربك يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا إيمانها لم
تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيرا قل انتظروا إنا منتظرون ١٦٠

وصیت کرد شما را خدا باین یعنی واجب گردانید بر شما این تحریم را آیا پس کیست ستمکارتر از آن کسی که برباقت بر خدا دروغ را تا اینکه گمراه گرداند خدا مردم را
به بی دانشی بدرستیکه خدا هدایت نمیکند گروه ظالم کنندگان را ۱۴۶ بگو ای محمد نمییابم در آنچه وحی شد بسوی من حرام شده بر خورنده که میخورد آنرا مگر اینکه
مرده باشد یا خون ریخته شده باشد یعنی خونیکه در وقت ذبح یا غیر ذبح از حیوانی ریخته شود آن خون حرام است یا گوشت خوک پس بدرستیکه آن خوک پلید
و نجس است یا فسق کشته شده باشد یعنی ماکول اللحم باشد و اسم غیر خدا کشته باشند یعنی باسم بتان ذبح شده باشد پس هر که مضطر باشد که غیر میته چیزی نیابد
و ستمکار بر بیچاره مثل خود نباشد و زیاد روی هم در خوردن گوشت میت نکند بقدر ضرورت بخورد پس بدرستی که پروردگار تو آمرزنده و مهربانست ۱۴۷
و بر آن کسانیکه یهود شدند حرام کردیم ما تمام صاحبان ناخن را و از گاو و گوسفند حرام کردیم ما بر ایشان پیه های گاو و گوسفند را مگر آنچه چسپیده باشد به پشتهای
آنها یا بپهلوی آنها یا آنچه مخلوط باشد با استخوان این تحریم است که جزا دادیم ما ایشان را بسبب سرکشی ایشان و بدرستیکه ما هر آینه راست گویانیم ۱۴۸ پس اگر تکذیب
کردند ترا پس بگو پروردگار شما صاحب رحمت واسعه است یعنی بخشش بسیار است و بازداشته نمیشود عذاب او از گروه گناهکاران ۱۴۹ زود باشد که بگویند
آنکسانیکه شرک بخدا آوردند اگر خواسته بود خدا شرک نمیآوردیم ما و نه پدران ما و حرام نمیگرفتیم ما هیچ چیز را یعنی شرک ما و پدران ما و تحریم ما بخواست خدا بوده یا منظور
که ترا تکذیب میکنند تکذیب کردند آنکسانیکه از پیش از ایشان بودند تا اینکه چشیدند عذاب ما را بگو ای محمد آیا نزد شما است از هیچ دانشی پس بیرون بیاورید
آن دانش را از برای ما پیروی نمیکنید شما مگر گمان را و نیستید شما مگر گزاف گویندگان ۱۵۰ بگو ای محمد پس از برای خداست حجتی رسیده پس اگر بنهایت صحت بخواهد
خدا هر آینه هدایت میکند شما را تماما ۱۵۱ بگو ای پیغمبر بیاورید گواهان خود را آنکسانیکه شهادت میدهند بدرستیکه خدا کرده است این محرمات را پس اگر گواهی دادند پس
گواهی بده تو با ایشان و پیروی مکن خواهشهای آن کسانی را که دروغ بستند بآیات ما و آنکسانیکه ایمان نمیآورند بآخرت و ایشان به پروردگار خودشان برابر میکنند بتان را
۱۵۲ بگو ای محمد بیائید بخوانم آنچه را که حرام کرد پروردگار شما بر شما تا اینکه شریک قرار ندهید بخدا هیچ چیز را و به پدر و مادر احسان کنید و نکشید اولاد خود را

و نزدیک نشوید زشتی ها را از آنچه ظاهر است از آنها و از آنچه پنهان باشد و نکشید نفس آنچنانی را که حرام کرد خدا مگر بحق یعنی قصاص و غیر آن موافق حکم خدا باشد این و الامر
و نواهی بر شما را وصیت خدا است یعنی امر فرموده خدا است شما را شاید شما تعقل کنید ۱۵۳ نزدیک نشوید مال یتیم را مگر با آنچه آن بهتر باشد یعنی اگر چیزی از مال یتیم
تصرف نمودید بهتر از آن را عوض بدهید تا اینکه برسد یتیم بقوتهای خودش و تمام بجا بیاورید کیله و ترازو را بعدل تکلیف نمیکنیم هیچکس را مگر بقدر گنجایش آن و اگر سخن گفتید
راستی کنید و اگر چه باشد شهادت شما بر خویشان خودتان و بعهد خودتان و بعهد خدا وفا کنید این عدم کتمان شهادت شما را وصیت کرد خدا بشما یعنی حکم و فرمایش بشما شاید شما
پند بگیرید ۱۵۴ و بدرستیکه این راه من راست است پس این راه را متابعت کنید شما طریق مستقیم را و پیروی نکنید راههای دیگر را یعنی ادیان دیگر را پس متفرق سازد از طرق مختلفه شما را
از راه حق این پیروی کردن دین حق است که وصیت کرده خدا یعنی حکم فرموده خدا شما را بآن شاید شما پرهیزکار شوید ۱۵۵ بعد از آن دادیم ما موسی را کتاب تورات برای تمامی نعمت بر آن
کسی که نیکو قیام کند در احکام آن و برای تفصیلی که برای بیان هر چیزیکه در آن تورات است و راهنمائی و رحمت از برای بنی اسرائیل شاید ایشان بلقای پروردگار یعنی بجزای پروردگار
خودشان ایمان بیاورند ۱۵۶ و این کتابیست یعنی قرآن کتابی است که فرو فرستادیم میمون و مبارک پس متابعت کنید آنرا و بپرهیزید شاید شما رحم کرده شوید ۱۵۷
بجهت کراهت اینکه شما بگوئید جز این نیست که فرستاده شده است قرآن بر دو طایفه که از پیش از ما بودند و اگر چه بودیم ما یعنی بتحقیق بودیم
ما از خواندن ایشان از جملهٔ غافلین یعنی نمیدانیم ایشان چه خوانده و چه فهمیده اند ۱۵۸ یا بگوئید اگر اینکه فرو فرستاده
شده بود بر ما قرآن هر آینه بودیم ما اهدای از ایشان یعنی زودتر و بهتر از ایشان قبول میکردیم پس بتحقیق آمد شما را
شاهدی از جانب پروردگار شما و راهنما و رحمت یعنی قرآنی که بلغت خودتانست پس کیست ستمکارتر از آنکه تکذیب کند آیات خدا را
و روی گرداند از آنها یعنی اعراض کند زود باشد که جزا دهیم آنکسانی را که رو میگردانند از آیات ما شدت و سختی عذاب را بسبب آنچه بودند که اعراض میکردند ۱۵۹
آیا انتظار میبرند کفار مکه بعد از تکذیب قرآن مگر اینکه بیاید ایشان را ملائکه یعنی فرشتگان یا بیاید پروردگار یا بیاید پاره از آیات پروردگار تو روزیکه میآید بعضی از
آیات پروردگار تو که علامات روز قیامت است در آن روز نفع نمیدهد هیچ نفسی را ایمان آن نفس که نباشد اینکه ایمان آورده باشد از
پیش یعنی اگر در آن روز قیامت کسی ایمان بیاورد و پیشتر ایمان نداشته باشد فایده برای او نخواهد داشت یا اینکه
با داشتن ایمان کسب چیزی برای خودش نکرده باشد بگو ای پیغمبر بکفار قریش منتظر باشید روز قیامت را بدرستیکه ما منتظریم ۱۶۰

بدرستی که آنکسانیکه متفرق کردند دین خود شانرا و بودند گروه گروه که هر طایفه یک امامی اختیار کردند نیستی تو از ایشان در چیزی یعنی تو از ایشان نیستی و از ایشان نیستی
تو نیستند جز این نیست که امر ایشان بسوی خداست بعد از این آگاه میکند ایشانرا بآنچه بودند که میکردند ۱۶۰ هر کس آید به نیکوئی پس از برای او است ده
مقابل آن نیکوئی که کرده است و هر کس بیاید ببدی پس جزا داده نمیشود مگر مثل آن بدی که کرده است و ایشان ظلم کرده نمیشوند ۱۶۱ بگو ای محمد بدرستیکه هدایت
کرده است مرا پروردگار من بسوی راه راست دینی که پاینده و استوار که ملت و مذهب ابراهیم گرایست و نبود ابراهیم از مشرکان ۱۶۲
بگو بدرستیکه نماز من و قربانی و تمام اعمال حج من و زندگی من و مردن از برای خدائی استکه پروردگار عالمیانست که نیست شریکی از برای او
و باین دین امر کرده شدم و من اول کسی هستم که گرویدم باحکام خدا اسلام ۱۶۳ بگو ای پیغمبر آیا سوای خدا بجویم پروردگاری و حال اینکه خدا
پروردگار هر چیزیست و کسب نمیکند هیچ نفسی از بدیها مگر اینکه بر خود آن نفس است وبال او لا عیرو بر نمیدارد هیچ بردارندهٔ وزر و وبال دیگری را بعد از آن
بسوی پروردگار شماست برگشت شما پس آگاه میکند شما را بآنچه هستید شما در آنچیز اختلاف میکردید ۱۶۴ و آن خدای آنچنانیست که گردانید شما را آدمیان را
خلیفه‌های زمین و بلند کرد بعضی را بالای بعضی دیگر از جهة درجه‌ها تا اینکه بیازماید شما را در آنچه داد شما را بدرستیکه پروردگار شما زود عقوبت و بدرستیکه او هر آینه آمرزنده
مهربان است

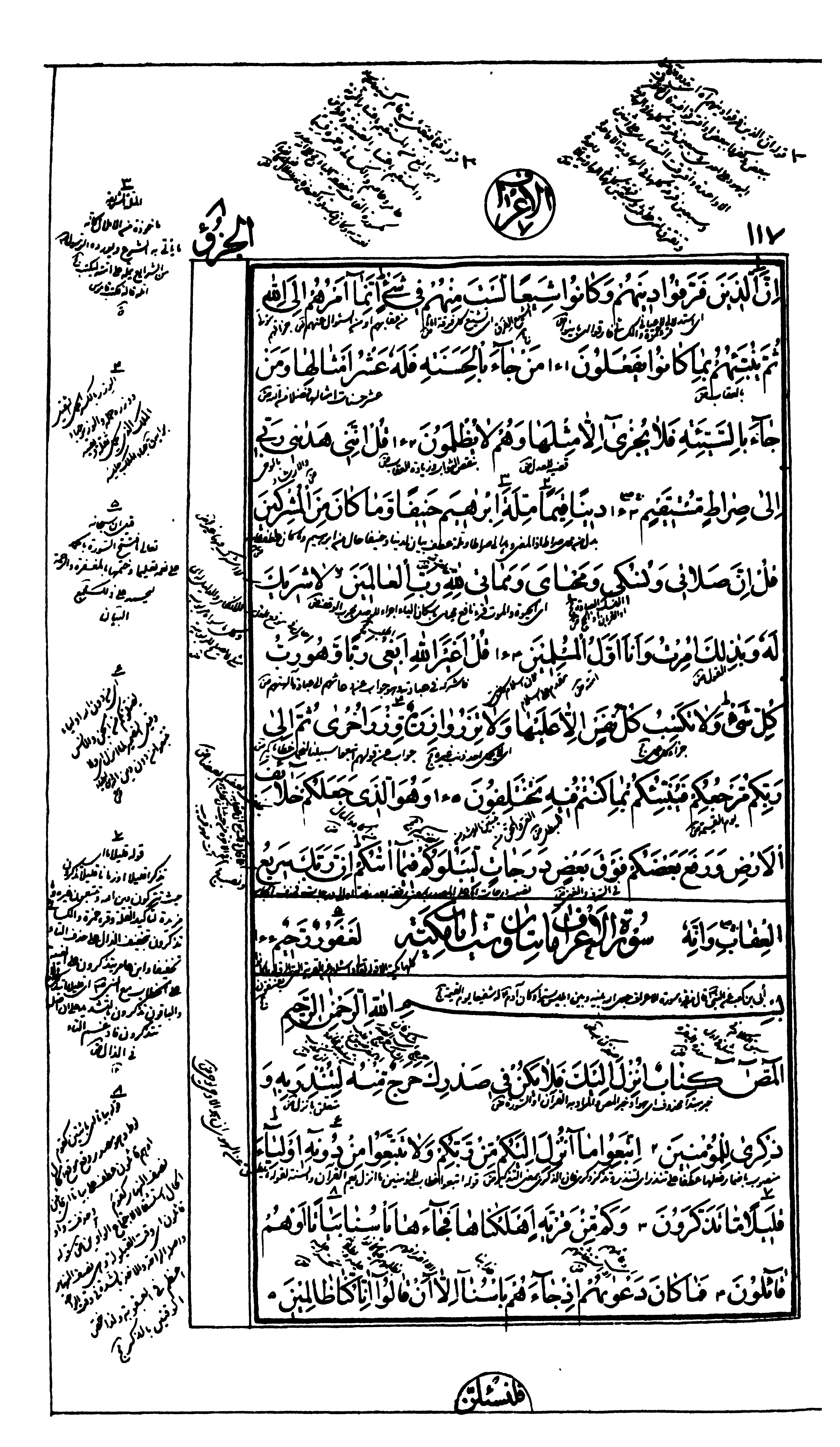
سورة الاعراف در مکه نازل شده و دویست و شش آیه است

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

الله و لطیف و مالک و صبور کتابیکه فرستاده شد بسوی تو یعنی این سوره یا این قران کتابیست که خدا بسوی تو که پیغمبری فرستاد پس نباشد در دل تو شکی
یعنی شکی نداشته باشی از آن تا اینکه بترسانی بسبب آن مردم را و پند داد نیست از برای مؤمنین (۲) پیروی کنید آنچه را که فرستاده شد بسوی شما از جانب پروردگار شما
و پیروی نکنید از آنچه سوای او بی خداست که تیان باشند که دوستان کفار زندکم است که پند میگیرید در متابعت حق ۳ و چه بسیار از اهل دهها و شهرها که هلاک کردیم
ایشانرا پس آمد ایشانرا عذاب ما در شب که خوابیده بودند مثل قوم لوط یا ایشان در روز بخواب قیلوله بودند ۴ پس نبود خواندن ایشان وقتیکه آمد ایشانرا عذاب ما مگر اینکه
گفتند بدرستیکه ما بودیم ظالم کنندگان (۵)

پس هر آینه می پرسیم البته از کسانیکه فرستاده شد بسوی ایشان پیغمبران و هر آینه میپرسیم البته پیغمبران مرسل را از تبلیغ رسالت و احکام را بمردم ۶ پس
هر آینه میخوانیم بر ایشان یعنی بر پیغمبران و امتان ایشان بدانش خود مان در حالتیکه عالمیم بظواهر و بواطن ایشان و نبودیم بیخبر از اعمال ایشان ۷ و سنجیدن
اعمال در روز قیامت حق است یعنی یقینیست پس هر کس گران بود عملهای سنجیده او بحساب پس این گروه ایشانند رستگاران ۸ و هر که سبک باشد
عملهای او پس آنگروه کسانی هستند که زیان کردند در نفسهای خود در آنچه بودند که بآیات ما ستم میکردند که تکذیب مینمودند ۹ و هر آینه بتحقیق جا دادیم شما را در زمین
و آفریدیم برای شما در آن زمین معیشتها یعنی اسباب زندگانی اندکی شکر میکنید با وجود بسیاری نعم ۱۰ و هر آینه بتحقیق خلق کردیم ما شما را بعد از آن بصورت کردیم شما را بصورتی
خوب بعد از آن گفتیم از برای ملائکه سجده کنید از برای آدم پس سجده کردند مگر شیطان که نبود از سجده کنندگان ۱۱ گفت خدا بشیطان چه چیز منع کرد ترا اینکه سجده
نکنی آدم را وقتی امر کردم ترا گفت شیطان من بهترم از آدم خلق کردی مرا از آتش و خلق کردی آدم را از گل ۱۲ گفت خدا بشیطان پس فرود آی از بهشت
یا از آسمان پس نمی باشد از برای تو یعنی نرسد ترا اینکه بزرگی جوئی در آسمان پس بیرون رو از بهشت بدرستیکه تو از جملهٔ خوار شدگانی ۱۳ گفت شیطان مهلت بده مرا تا روزیکه
برانگیخته شوند مردمان ۱۴ گفت خدا بدرستیکه تو از مهلت داده شدگانی ۱۵ گفت شیطان بخدا پس بسبب اینکه دور کردی مرا از رحمت خود هر آینه بنشینم برای
گمراه کردن ایشان راه تو را که راستست یعنی بگردانم ایشانرا از راه راست تو که دین اسلام است ۱۶ بعد از آن هر آینه بیایم ایشانرا البته از میان دستشان یعنی از جلو روی ایشان
و از پس سر آنها و از طرف راست ایشان و از طرف چپ ایشان و نیابی تو که خداوندی بیشتر از اولاد آدم را شکر کنندگان ۱۷ گفت خدا بشیطان بیرون برو از بهشت
نکوهیده رانده شده هر آینه هر کس متابعت کند ترا از بنی آدم هر آینه پر میکنم البته جهنم را از شما کلا یعنی از تو و متابعان تو ۱۸ و ای آدم ساکن شو تو و زنت بهشت را پس بخورید
از هر جا که خواسته باشید و نزدیک نشوید اینه درخت را یعنی درخت گندم را پس باشید شما دو نفر از ظلم کنندگان یعنی اگر نزدیک بدرخت گندم رسید و از آن خوردید
ظالم خواهید بود ۱۹ پس وسوسه کرد از برای آدم و حوا شیطان تا اینکه ظاهر کند از برای آن دو نفر آنچه را که پوشیده بود
از آنها از عورتهاشان و گفت شیطان به آدم که نهی نکرد خدا شما را پروردگار شما از این درخت مگر اینکه باشید شما
دو فرشته یا باشید از جاودانیان یعنی منع کرد خدا که نخورید از این درخت باین سبب بود که اگر بخورید یا فرشته میشوید یا خالد در بهشت خواهید بود ۲۰

و قسم خورد

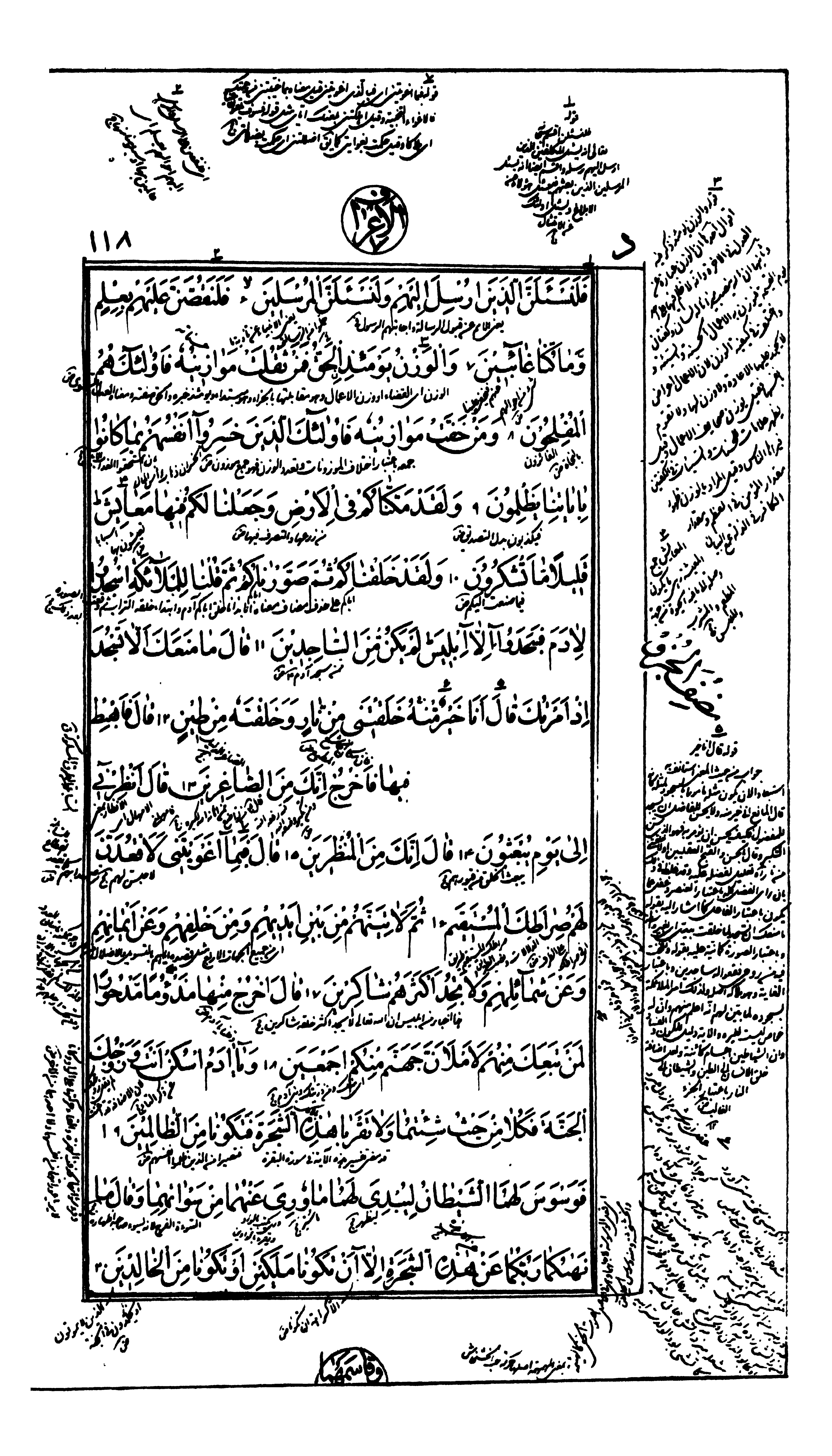


إن الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعا لست منهم في شيء إنما أمرهم إلى الله
ثم ينبئهم بما كانوا يفعلون ١٦١ من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها ومن
جاء بالسيئة فلا يجزى إلا مثلها وهم لا يظلمون ١٦٢ قل إنني هداني ربي
إلى صراط مستقيم ١٦٣ دينا قيما ملة إبراهيم حنيفا وما كان من المشركين
قل إن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك
له وبذلك أمرت وأنا أول المسلمين ١٦٤ قل أغير الله أبغي ربا وهو رب
كل شيء ولا تكسب كل نفس إلا عليها ولا تزر وازرة وزر أخرى ثم إلى
ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون ١٦٥ وهو الذي جعلكم خلائف
الأرض ورفع بعضكم فوق بعض درجات ليبلوكم في ما آتاكم إن ربك سريع
العقاب وإنه لغفور رحيم

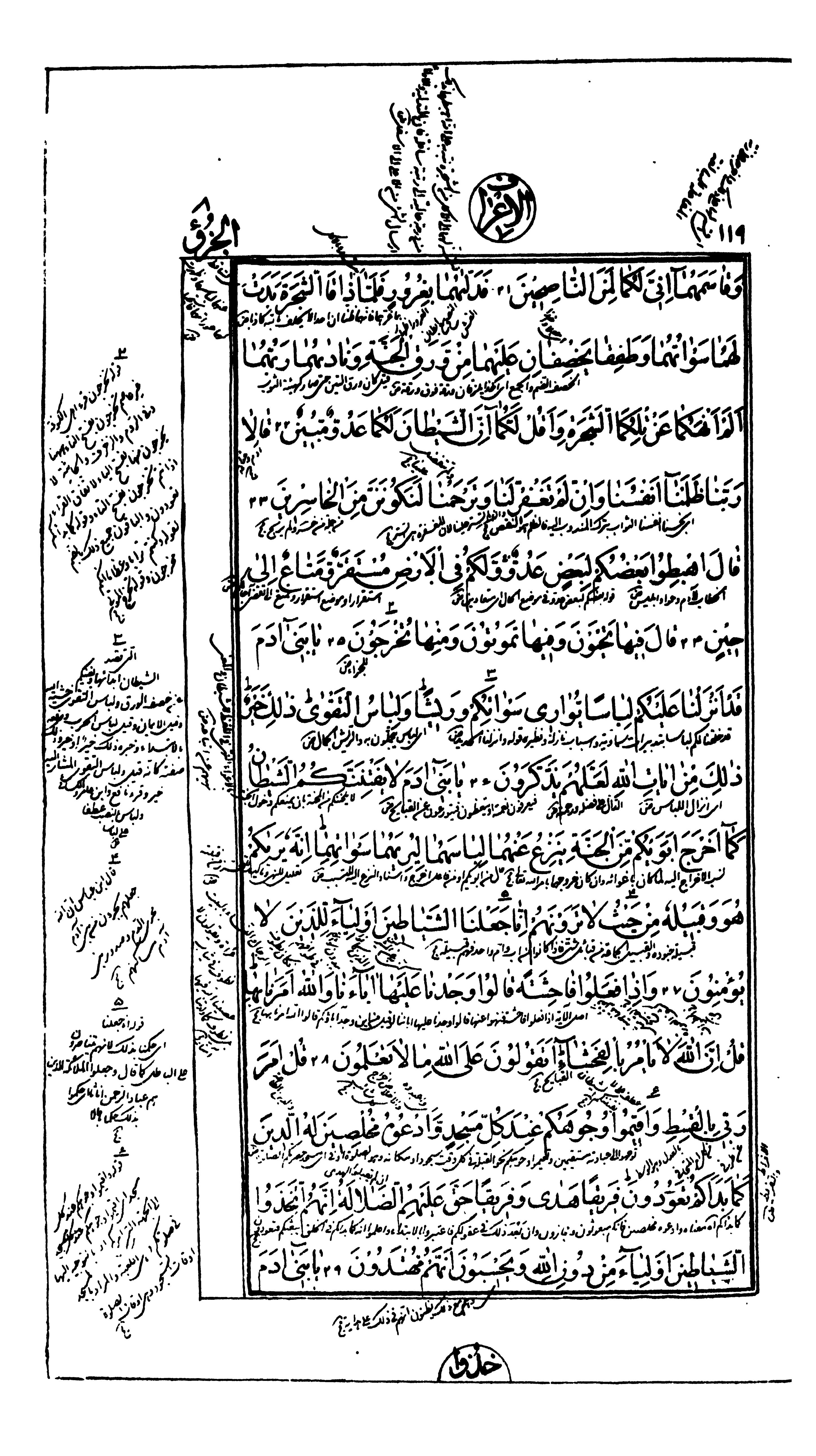
سورة الأعراف مائتان وست آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

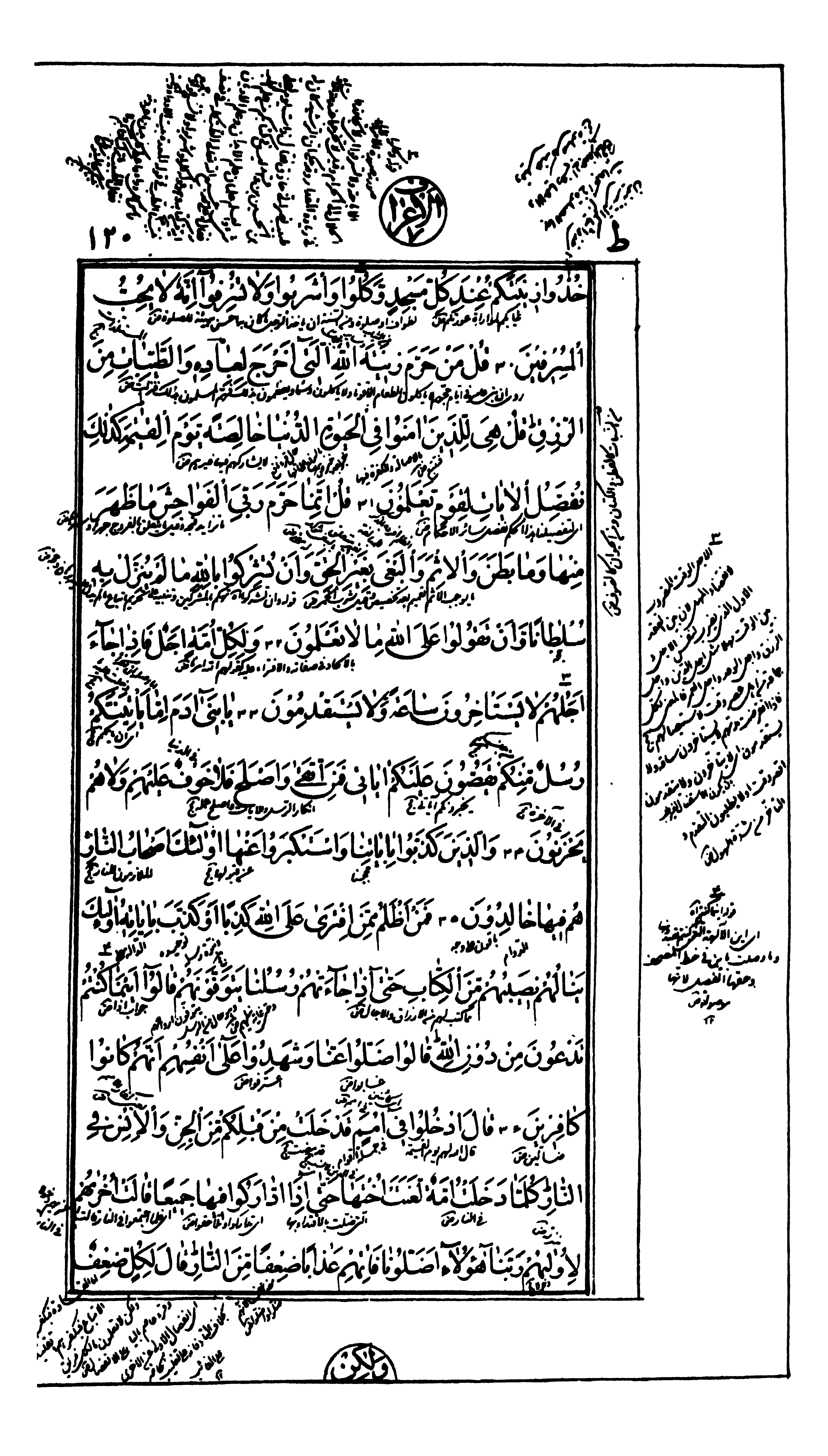
المص ١ كتاب أنزل إليك فلا يكن في صدرك حرج منه لتنذر به و
ذكرى للمؤمنين ٢ اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه أولياء
قليلا ما تذكرون ٣ وكم من قرية أهلكناها فجاءها بأسنا بياتا أو هم
قائلون ٤ فما كان دعواهم إذ جاءهم بأسنا إلا أن قالوا إنا كنا ظالمين ٥



فلنسئلن الذين ارسل اليهم ولنسئلن المرسلين ٦ فلنقصن عليهم بعلم
وما كنا غائبين ٧ والوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه فاولئك هم
المفلحون ٨ ومن خفت موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم بما كانوا
بآياتنا يظلمون ٩ ولقد مكناكم في الارض وجعلنا لكم فيها معايش
قليلا ما تشكرون ١٠ ولقد خلقناكم ثم صورناكم ثم قلنا للملائكة اسجدوا
لآدم فسجدوا الا ابليس لم يكن من الساجدين ١١ قال ما منعك الا تسجد
اذ امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين ١٢ قال فاهبط
فيها فاخرج انك من الصاغرين ١٣ قال انظرني
الى يوم يبعثون ١٤ قال انك من المنظرين ١٥ قال فبما اغويتني لاقعدن
لهم صراطك المستقيم ١٦ ثم لآتينهم من بين ايديهم ومن خلفهم وعن ايمانهم
وعن شمائلهم ولا تجد اكثرهم شاكرين ١٧ قال اخرج منها مذءوما مدحورا
لمن تبعك منهم لاملأن جهنم منكم اجمعين ١٨ ويا آدم اسكن انت وزوجك
الجنة فكلا من حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين ١٩
فوسوس لهما الشيطان ليبدي لهما ما ووري عنهما من سوآتهما وقال ما
نهاكما ربكما عن هذه الشجرة الا ان تكونا ملكين او تكونا من الخالدين ٢٠



وقاسمهما اني لكما لمن الناصحين ٢١ فدلىهما بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت
لهما سوآتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة ونادىهما ربهما
الم انهكما عن تلكما الشجرة واقل لكما ان الشيطان لكما عدو مبين ٢٢ قالا
ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين ٢٣
قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في الارض مستقر ومتاع الى
حين ٢٤ قال فيها تحيون وفيها تموتون ومنها تخرجون ٢٥ يا بني آدم
قد انزلنا عليكم لباسا يواري سوآتكم وريشا ولباس التقوى ذلك خير
ذلك من آيات الله لعلهم يذكرون ٢٦ يا بني آدم لا يفتننكم الشيطان
كما اخرج ابويكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوآتهما انه يريكم
هو وقبيله من حيث لا ترونهم انا جعلنا الشياطين اولياء للذين لا
يؤمنون ٢٧ واذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها آباءنا والله امرنا بها
قل ان الله لا يأمر بالفحشاء أتقولون على الله ما لا تعلمون ٢٨ قل امر
ربي بالقسط واقيموا وجوهكم عند كل مسجد وادعوه مخلصين له الدين
كما بدأكم تعودون فريقا هدى وفريقا حق عليهم الضلالة انهم اتخذوا
الشياطين اولياء من دون الله ويحسبون انهم مهتدون ٢٩ يا بني آدم



خذوا زينتكم عند كل مسجد وكلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لا يحب
المسرفين ٣٠ قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من
الرزق قل هي للذين امنوا في الحيوة الدنيا خالصة يوم القيمة كذلك
نفصل الايات لقوم يعلمون ٣١ قل انما حرم ربي الفواحش ما ظهر
منها وما بطن والاثم والبغي بغير الحق وان تشركوا بالله ما لم ينزل به
سلطانا وان تقولوا على الله ما لا تعلمون ٣٢ ولكل امة اجل فاذا جاء
اجلهم لا يستاخرون ساعة ولا يستقدمون ٣٣ يا بني ادم اما ياتينكم
رسل منكم يقصون عليكم اياتي فمن اتقى واصلح فلا خوف عليهم ولا هم
يحزنون ٣٤ والذين كذبوا باياتنا واستكبروا عنها اولئك اصحاب النار
هم فيها خالدون ٣٥ فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب باياته اولئك
ينالهم نصيبهم من الكتاب حتى اذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم قالوا اينما كنتم
تدعون من دون الله قالوا ضلوا عنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا
كافرين ٣٦ قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم من الجن والانس في
النار كلما دخلت امة لعنت اختها حتى اذا اداركوا فيها جميعا قالت اخريهم
لاوليهم ربنا هؤلاء اضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف

صفحهٔ صد و نوزدهم

وقسم خورد شیطان برای آدم و حوا که بدرستیکه من از برای شما هر آینه از جملهٔ نصیحت کنندگانم ۲۱ پس فرود آورد شیطان آدم و حوا
بفریفتن پس چون چشیدند از درخت گندم ظاهر شد از برای ایشان عورتشان و شروع کردند باینکه می چسپانیدند بعورت خودشان
از برگ درختهای بهشت و ندا کرد آدم و حوا را پروردگارشان آیا نهی نکردم شما را از اینکه بخورید از این درخت و نگفتم از شما بدرستیکه
شیطان از برای شما دشمن آشکاریست ۲۲ گفتند آدم و حوا ای پروردگار ما ظلم کردیم نفس خود مانرا و اگر نیامرزی ما را و رحم نکنی
ما را هر آینه میباشیم ما البته از زیانکاران ۲۳ گفت خدا فرو بروید از بهشت بزمین در حالتی که بعضی از شما مر بعضی را دشمنند
و از برای شماست در زمین آرامگاه و برخورداری تا هنگام رسیدن مرگ ۲۴ گفت خدا در زمین زندگانی میکنید و در آن زمین میمیرید
و از آن زمین بیرون میآیید ۲۵ ای پسران آدم بتحقیق فرستادیم بر شما پوششی که بپوشاند عورتهای شما را و لباسهای نرم ابریشمی و لباس
پرهیزکاری یعنی لباس درشت خشن این لباس درشت که لباس تقوی است بهتر است از سایر لباسها این از آیات خداست شاید
ایشان پند گیرند ۲۶ ای پسران آدم نفریبد شما را شیطان همچنانکه بیرون کرد پدر و مادر شما را از بهشت بر میکند شیطان از
ایشان لباسشان را که بنماید عورتشانرا بدرستیکه شیطان می بیند شما را او و قبیله او از جائیکه نمی بینید شما آنها را بدرستیکه ما گردانیدیم دیوان
را دوستان از برای کسانیکه ایمان نمیآورند ۲۷ و وقتی بکنند کار زشتی را گویند یافتیم ما بر آن کار زشت پدران خودمان را و خدا امر
کرد ما را بآن بگو ای پیغمبر بدرستیکه خدا امر نمیکند بزشتی ها آیا میگوئید بر خدا چیزیرا که نمیدانید ۲۸ بگو ای محمد امر کرد پروردگار من بعدل و راست
دارید رویهای خودتانرا نزد هر نمازگاهی و بخوانید خدا را در حالتی که خالص کنندگانید از برای او دین خود را همانطوریکه آفرید شما را برمیگردید
گروهیرا راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان گمراهی بدرستیکه ایشان یعنی گمراهان گرفتند شیاطین را دوستان از سوای خدا و گمان میکنند که ایشان راه یافته گانند ۲۹

ای بنی | آدم

صفحهٔ صد و بیستم

بگیرید زینت خودتانرا نزد هر نمازگاه و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید بدرستی که خدا دوست ندارد
اسراف کنندگانرا ۳۰ بگو ای محمد کی است که حرام کرد زینت خدای آن چنانی را که بیرون آورد از برای
بندگان خودش و پاکیزه ها از روزی ها را بگو اینها از برای کسانی است که ایمان آوردند در زندگانی دنیا مخصوص
در روز قیامت یعنی روزی ها را در دنیا کفار شرکت با مؤمنین دارند ولی در روز قیامت تمام روزی مخصوص و خالص
است از برای مؤمنین بدون اینکه کافری در آن شریک باشد اینطور تفصیل میدهیم آیات را از برای قومی که میدانند
۳۱ بگو ای پیغمبر جز این نیست که حرام کرد پروردگار من زشتیها را آنچه ظاهر است از آنها و آنچه مخفی است و حرام
کرد نافرمانی و سرکشی را بغیر حق و اینکه شرک بیاورید بخدا چیزیرا که نفرستاده است به پرستش آن حجتی و حرام است اینکه
بگوئید بر خدا چیزیرا که نمیدانید ۳۲ و از برای هر گروهی زمانی است پس اگر بیاید زمان مرگ ایشان تاخیر نمیاندازند ساعتی
و نه پیش میافتند یعنی همان ساعتی که در آن مردن مقرر است ساعتی تقدیم و تاخیر نمیشود ۳۳ ای پسران آدم چون بیاید البته
شما را پیغمبرانی از شما که میخوانند بر شما آیات مرا پس هر که پرهیزکاری نمود و نیکو شد پس نه ترس است بر ایشان و نه ایشان
اندوه میخورند ۳۴ و آن کسانیکه تکذیب کردند یعنی دروغ دانستند آیات ما را و کبر آوردند و سرکشی کردند از آیات ما آنگروه یاران
دوزخند ایشان در جهنم همیشه خواهند بود ۳۵ پس کیست ستمکارتر از آنکسانیکه بر میبافند یعنی نسبت میدهند بر خدا دروغ را یا تکذیب میکنند آیات
خدا را آنگروه میرسد بایشان بهره و قسمت ایشان از کتاب یعنی از لوح محفوظ تا وقتیکه آید ایشانرا فرشتگان ما میمیرانند آن فرشتگان قوم
تکذیب کنندگانرا گویند کجا است آنچه بودید شما که میخواندید آنها را از غیر خدا یعنی حوائج خود را از آنان میخواستید و از خدا نمیخواستید گویند گم شدند
از ما یعنی گم کردیم آنها را و گواهی دهند بر نفسهای خودشان که ایشان بودند کافران ۳۶ گفت خدا داخل شوید در طایفه هائیکه بتحقیق گذشتند از پیش
از شما از جن و انس در آتش هرگاه داخل شود گروهی از انس لعنت کند گروه دیگر را تا هنگامیکه دریابند یکدیگر را یعنی جمع شوند در جهنم جمیعاً گفت آخرین از ایشان
آنها از برای پیشینیانشان ای پروردگار ما اینگروه گمراه کردند ما را پس بده بایشان عذابی دو مساوی از آتش گفت خدا از برای هر یک دو مساوی است

ولیکن

صفحهٔ صد و بیست و یکم

ولیکن نمیدانند ۳۹ وگویند پیشینیان اصحاب آتش از برای آخرینهای خودشان پس نبود از برای شما بر ما هیچ افزونی پس بچشید عذابرا
بآنچه بودید کسب میکردید ۴۰ بدرستی که آنکسانیکه دروغ گفتند بآیات ما و سرکشی کردند از آن آیات و احکام گشاده نمیشود از برای ایشان درهای
آسمان و داخل نمیشوند بهشت را تا اینکه درآید شتر در سوراخ سوزن و اینطور جزا میدهیم گناهکارانرا ۴۱ از برای ایشان کارسیست در جهنم
فراشی که بران نشینند و از بالای ایشان سقفست یعنی از زیر و بالای سر آنها آتش احاطه کرده است و اینطور جزا میدهیم ظلم کنندگانرا ۴۲
و آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل کردند کارهای شایسته تکلیف نمیکنیم کسیرا مگر بقدر وسع آن این گروه اصحاب بهشت و ایشان در بهشت
همیشه خواهند بود ۴۳ و بیرون بیاوریم آنچه در سینهٔ بهشتیانست از کینه جاری میشود از زیر غرفات و مساکن ایشان نهرها و گویند حمد از
برای خدای آنچنانیست که هدایت کرد ما را از برای این مقام و نبودیم ما که راه یابیم بقوت خود اگر نبود اینکه هدایت کند ما را خدا هر آینه بتحقیق
آمدند رسولان پروردگار ما براستی و ندا کرده شوند اینکه اینست شما را بهشت که میراث داده شدید شما آنرا بسبب آنچه بودید شما که میکردید یعنی به
پاداش اعمال نیک شما بهشت بطور ارث بشما رسید ۴۴ و ندا کردند یاران بهشت یاران جهنم را اینکه بتحقیق یافتیم ما آنچه را که وعده داد
بود ما را پروردگار ما براستی پس آیا یافتید شما آنچه را وعده کرده بود پروردگار شما براستی گفتند بلی پس خبر کرد خبر کننده میانهٔ ایشان اینکه لعنت خدا بر
ظلم کنندگان ۴۵ آنکسانیکه باز میدارند از راه خدا یعنی مردم را از راه خدا باز میدارند و طلب آن میکردند از کجی یعنی طلب صد کردن از راه خدا میکردند
بسبب کج خیالی خودشان و ایشان بآخرت یعنی بروز قیامت کافرند ۴۶ و میانهٔ اهل بهشت و اهل جهنم پرده ایست و بر اعراف یعنی اعالی آن مردانی
هستند که میشناسند همه را بروهای ایشان و ندا کنند آن مردان یاران بهشت را اینکه درود بر شما باد داخل نشده بودند بهشت را و ایشان طمع دارند یعنی
امیدوارند که داخل بهشت شوند ۴۷ و هنگامیکه برگشته شود چشمهای مردان اعراف بجانب یاران آتش گویند پروردگار ما

صفحهٔ صد و بیست و دوم

مگردان ما را با قوم ظلم کنندگان یعنی ما را با اهل جهنم همنشین قرار نده ۴۸ و ندا کنند اصحاب اعراف مردانیرا از اهل جهنم که میشناسند ایشانرا بسیماهای ایشان یعنی
برویهای ایشان گویند بی نیاز نکرد شما را جمع کردن شما یعنی جمع کردن اموال دنیویه شما و آنچه بودید که طلب گردن کشی میکردید ۴۹ آیا اینگروه اهل بهشت
آنکسانی هستند که قسم میخوردند که نمیرساند ایشانرا خدا برحمتی داخل شوید ای مؤمنین بهشت را نه ترسی است بر شما و نه شما اندوه میخورید ۵۰ و ندا کنند اصحاب آتش
یاران بهشت را اینکه بریزید بر ما از آب یعنی از آبیکه دارید بدهید بما که رفع تشنگی کنیم یا از آنچه روزی داد شما را خدا بدهید بما که دفع گرسنگی کنیم گویند یاران
بدرستیکه خدا حرام کرد آب و روزیرا بر کافران ۵۱ آنکسانیکه گرفتند دین خودشانرا هزل و بازیچه و مغرور کرد ایشانرا زندگانی دنیا پس امروز فراموش میکنیم
ایشانرا یعنی بی اعتنائی میکنیم بایشان و در آتش باز میگذاریم ایشانرا همچنانکه فراموش کردند و بر خاطر نیاوردند امروز خود را و آنچه بودند که بآیات ما از روی
عناد انکار میکردند ۵۲ و بتحقیق آوردیم ایشانرا کتابی یعنی قرآنیکه تفصیل دادیم آنرا برابر علمی که راه نماست و رحمتست از برای قومی که ایمان
میآورند ۵۳ آیا انتظار میبرند و چشم داشت دارند مگر تأویل قرآنرا روزیکه بیاید تأویل قرآن یعنی آن عذابهای عذابات برای کفار که منتظر
هستند که آن عذاب بایشان برسد میگویند آنکسانیکه فراموش کردند قرآنرا یعنی ترک کردند از پیش بتحقیق آمد رسولان پروردگار ما براستی
پس آیا از برای ما است شفیعانی پس شفاعت بکنند از برای ما یا برگردیم بدنیا پس عمل کنیم غیر از آنچه بودیم ما که عمل میکردیم بتحقیق زیان کردند
نفسهای خودشانرا یعنی ضرر بخودشان وارد آوردند و گم شد از ایشان آنچه را که بودند دروغ می بستند یعنی آنچه میگفتند که بتها شفیعان
ما خواهند بود ۵۴ بدرستیکه پروردگار شما خدای آنچنانیست که خلق کرد آسمانها و زمین را در شش روز بعد از آن مستولی شد اراده او
بر آفریدن عرشها می پوشاند شب روز را یعنی ظلمت شب نور و روشنائی روز را میپوشد یعنی ظلمت میکند شب روز را بشتاب و طلب و همچنین
میکند روز شب را بشتاب پی یکدیگر برآیند بسرعت و آفرید خورشید و ماه و ستارگانرا خدا در حالتی که رام شدگانند بامر و فرمان او بدانید
که از برای اوست آفریدن تمام مخلوقات و حکم و فرمان نافذ بزرگست خدا بوحدانیت و الوهیت پروردگار عالمیانست ۵۵
بخوانید پروردگار خودتانرا از روی تضرع و زاری و پنهان بدرستیکه او دوست نمیدارد از خدا دور گردندگانرا یعنی کسانی که در دعا
فریاد کنند که رسا شود ۵۶ و فساد نکنید در زمین بکفر و بعضی از معاصی پس از اصلاح آوردن با ایمان و عدل و تقوی

و بخوانید

و بخوانید خدا را از روی ترس از عذاب و امید برحمت او بدرستیکه رحمت خدا نزدیکست به نیکوکاران ۵۵ و او خدای آنچنانیست که میفرستد
بادهای بور و صبا و جنوب و شمال را در حالتیکه مژده دهنده است پیش از نزول رحمت او بر زمین که بارانست تا وقتیکه بردارند آن بادها را ابرهای
سنگین که سنگینی آن از بارانست برانیم آن ابر را از برای زمین شهریکه مرده است پس فرو فرستادیم ما بآن شهر آب را پس بیرون آوردیم ما بآن آب
از همه ثمرها یعنی میوجات اینطور بیرون میآوریم ما مردگان را یعنی بیرون آوردیم نباتات مرده را از زمین بواسطهٔ آن آب و زنده کردیم آنرا شاید
شما پند بگیرید ۵۶ و زمین پاک بیرون میآید گیاه آن باذن پروردگار و زمین پلید بیرون نمیآید مگر اندک یعنی از زمینهای پاک خوب گیاه
و رستنی نیکو و زیاد بیرون میآید باذن پروردگار و از زمین شوره زار بیرون نمیآید مگر گیاه بدکمی اینطور میگردانیم و صرف امثال و فنون احوال میکنیم
آیات را از برای گروهیکه شکر میکنند ۵۷ هر آینه بتحقیق فرستادیم ما نوح را بسوی قوم خودش پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را
نیست از برای شما خدائی غیر خدا بدرستیکه میترسم بر شما عذاب روز بزرگ را یعنی روز قیامت را ۵۸ گفتند بزرگان از قوم نوح بدرستیکه ما هر آینه
می بینیم ترا در گمراهی آشکار ۵۹ گفت نوح ای قوم من نیست بمن هیچ گمراهی ولیکن من فرستاده هستم از جانب پروردگار عالمیان ۶۰ میرسانم
شما را پیغامهای پروردگار خودم را و نصیحت میکنم از برای شما و میدانم از خدا آنچه را که شما نمیدانید ۶۱ آیا تعجب میکنید اینکه آمد شما را
پندی از جانب پروردگار شما بر مردی از شما تا اینکه بترساند شما را و باید بپرهیزید شما و شاید شما رحم کرده شوید ۶۲ پس تکذیب کردند نوح را پس نجات
دادیم ما او را و آنکسانیرا که با او بودند در کشتی و غرق کردیم ما آنکسانیرا که تکذیب کردند آیات ما را بدرستیکه ایشان بودند گروهی کوران ۶۳ و
بسوی عاد برادرشان هود را یعنی فرستادیم بسوی قوم عاد هود پیغمبر را که از خویشان و برادران خود آنقوم بود گفت هود ای قوم من عبادت کنید
خدا را نیست از برای شما هیچ خدائی غیر از خدای واحد آیا پس شما نمی پرهیزید ۶۴ گفتند گروه آنچنانیکه کافر بودند از قوم هود بدرستیکه ما هر آینه می بینیم ترا
در بیخردی یعنی دیوانگی و بدرستیکه ما هر آینه گمان میکنیم ترا از جملهٔ دروغگویان ۶۵ گفت هود ای قوم من نیست بمن سفاهتی ولیکن من فرستاده

هستم از جانب پروردگار عالمیان ۶۶ میرسانم من بشما پیغامهای پروردگار خود را

صفحهٔ صد و بیست و چهارم

و من از برای شما نصیحت کننده امینم ۶۷ آیا تعجب کردید شما اینکه بیاید شما را پندی از جانب پروردگار شما بر مردی از شما تا اینکه بترساند
از عقوبات الهی و یاد کنید وقتی که گردانید خدا شما را جانشین از بعد قوم نوح و زیاد کرد شما را در آفرینش
فراخی یعنی قوت و تمامیت را پس یاد کنید نعمتهای خدا را شاید شما رستگار شوید ۶۸ گفتند آیا آمدی
تو ما را تا بپرستیم خدا را بیگانگی و واگذاریم آنچه را که بودند که عبادت میکردند پدران ما پس بیار ما را آنچه وعده میکنی ما را
یعنی نزول عذاب را اگر هستی تو از جملهٔ راستگویان ۶۹ گفت هود بتحقیق واقع شد بر شما از جانب پروردگار شما
بدی و غضب آیا مجادله میکنید مرا در اسمائیکه نامیده اید شما آنها را شما و پدران شما نفرستاده است خدا بآنها هیچ
سلطنتی پس منتظر شوید عذاب خدا را بدرستیکه من با شما از منتظرین هستم ۷۰ پس نجات دادیم ما هود را و آنکسانی که با او بودند
برحمتی از ما و بریدیم دنبالهٔ آن کسانی که تکذیب کردند آیات ما را و نبودند گروندگان ۷۱ و بسوی قوم ثمود فرستادیم
برادر و خویش خودشان صالح را گفت صالح ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست از برای شما هیچ خدائی غیر آن
خدا بتحقیق آمد شما را نشانهٔ از جانب پروردگار شما اینست ناقهٔ خدا از برای شما است نشانهٔ پس واگذارید آن ناقه را که بخورد
در زمین خدا و هیچ نرسانید بآن بدی را پس بگیرد شما را عذاب دردناک ۷۲ و یاد بیاورید هنگامیکه گردانید شما را خدا خلیفه گان
از بعد عاد و جای داد شما را در زمین که میگیرید از زمین های نرم قصرها یعنی در زمینهای نرم خوب قصرهای عالی میسازید برای تابستان و میتراشید
از کوهها خانهها یعنی کوه را سوراخ میکنید بجهة خانهٔ زمستانی خودتان پس یاد کنید شما نعمتهای خدا را و تباه کاری نکنید در زمین در
حالتی که فساد کننده باشید ۷۳ گفتند گروه آنچنانی که طلب تکبر کردند از قوم صالح از برای کسانی که
ضعیف و ناتوان اند مر آن کسی که گروید از ایشان آیا میدانید شما اینکه صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار خودش
گفتند ضعفای مؤمنین بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شده است بآن ایمان داریم و گروندگانیم ۷۴ گفتند آنکسانیکه برتری جستند بدرستیکه ما بآن کسی که

ایمان آورده‌ید شما بآن کافرانیم یعنی منکرویم ۷۵ پس بریدند پی های شتر را و سر باز زدند از امر پروردگار خود شان و گفتند ای صالح
بیاور ما را بآنچه وعده میدهی ما را اگر هستی تو از فرستاده شدگان یعنی عذاب خدا را بیاور برای ما ۷۶ پس گرفت ایشانرا آوازی مهیب
وجنبشی یعنی ایشانرا بسبب کشتن شتر زلزله پس صبح کردند در خانهٔ خودشان افتادگان ۷۷ پس روی گردان شد صالح از قوم و گفت ایقوم من
هر آینه بتحقیق رسانیدم شما را رسالت پروردگار خودم را و نصیحت کردم از برای شما ولیکن دوست نمیدارید نیکخواهانرا ۷۸ و فرستادیم لوط را وقتی
گفت از برای قوم خود آیا میآورید شما زشتیها را که پیشی نگرفته است شما را بآن فاحشه یعنی بآن لواطه احدی از عالمیان ۷۹ بدرستیکه شما
هر آینه میآیید مردانرا بجهة خواهش از سوای زنان یعنی لواطه که حرام است میکنید و باز زنها که مباح است نزدیک نمیشوید بلکه شما طائفه هستید اسراف
کنندگان ۸۰ و نبود جواب قوم لوط مگر اینکه گفتند بیرون کنید لوط و دختران و گروندگان او را از ده خودتان بدرستیکه ایشان مردانی هستند که
پاکی و پاکیزگی میجویند ۸۱ پس نجات دادیم ما لوط و اهل او را مگر زن او را که بود از جملهٔ باز ماندگان ۸۲ و بارانیدیم بر قوم لوط بارانی یعنی عجب بارانیکه
از سنگ بر آنها باران باریدیم پس نظر کن چگونه بود عاقبت گناهکاران ۸۳ و فرستادیم بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت ایقوم من
عبادت کنید خدا را نیست از برای شما خدائی غیر از خدای واحد بتحقیق آمد شما را معجزهٔ از جانب پروردگار شما پس وفا کنید کیل و ترازو را و کم
نکنید مردم را یعنی کم تعرفشید بمردم چیزهای ایشانرا که با ایشان میفروشید و فساد نکنید در زمین بعد از اصلاح آن اینعمل کردن شما یعنی با وامر
و نواهی که فرموده اند بهتر است از برای شما اگر هستید شما ایمان دارندگان ۸۴ و نه نشینید بهر راهی میترسانید یعنی ننشینید بهر راهی که
بجهة گرفتن مال میترسانید مردم را و باز میدارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است بخدا و میجوئید او را کجی یعنی طلب بطلان او را میکنید بافتن
نسبتهای باطل باو و یاد بیاورید وقتیکه بودید شما کم یعنی اندک پس زیاد کرد خدا شما را و نظر کنید چگونه بود عاقبت امور فساد کنندگان
۸۵ و اگر باشد طائفهٔ از شما که ایمان آورده باشند یعنی گرویده باشند بآن کسی که فرستاده شده ام بآن و طائفهٔ که

صفحهٔ صد و بیست و ششم

نگرویده اند پس صبر کنید تا حکم کند خدا میان ما و خدا بهتر حکم کنندگانست ۸۶ گفتند گروه آنکسانیکه طلب کبر کردند از
قوم شعیب هر آینه بیرون میکنیم البته ترا ای شعیب و آن کسانیرا که ایمان آوردند با تو هستند از ده خودمان یا هر آینه بر میگردید
شما البته در ملت خودمان گفت شعیب اگر چه هستیم ما کراهت داران یعنی نهایت اکراه را داریم که ما بدین شما بر گردیم
و راه باطل اختیار کنیم مگر بطور غلبه و زور باشد ۸۷ بتحقیق بر بافتیم ما بر خدا دروغ را اگر بر گردیم ما در ملت شما
بعد از آنچه رهانید ما را خدا از آن ملت و نمی باشد از برای ما اینکه برگردیم در آن ملت مگر این که بخواهد خدائی که پروردگار
ما است رسیده است و احاطه کرده است پروردگار ما هر چیزی را از روی دانش بر خدا توکل کرده ایم ای پروردگار
بگشا میان ما و میان قوم ما براستی و درستی و تو بهترین گشایندگانی ۸۸ و گفتند گروه آنچنانی که کافر شدند از
قوم شعیب هر آینه اگر متابعت کنید شعیب را بدرستیکه شما در این هنگام هر آینه از جملهٔ زیانکارانید ۸۹ پس گرفت ایشانرا زلزله
پس صبح کردند در خانهٔ خودشان بروی در افتادگان ۹۰ آنکسانیکه تکذیب کردند شعیب را گویا هرگز نبودند در آنشهر آنکسانیکه
تکذیب کردند شعیب را بودند ایشان زیانکاران ۹۱ پس روی گرداند شعیب از ایشان و گفت ایقوم من هر آینه بتحقیق رسانیدم من شما را
پیغامات پروردگار خودم را و نصیحت کردم از برای شما پس چگونه اندوه خورم بر قوم کافران ۹۲ و نفرستادیم ما در هیچ دهی و
شهری پیغمبری مگر اینکه گرفتیم ما اهل آنشهر را بسختی و ضرر شاید ایشان زاری کنند ۹۳ بعد از آن بدل کردیم ما بجای بدی
خوبی را تا اینکه زیاد شدند بمال و رجال و گفتند بتحقیق رسید پدران ما را ضرر و سختی یعنی بمقام نافرمانی
بر آمدند پس گرفتیم ما ایشان یکدفعه و ایشان میدانند و شعور ندارند ۹۴ و اگر اینکه اهل دهات
و شهرها ایمان آورده بودند و پرهیزکاری کرده بودند هر آینه میگشادیم بر ایشان برکتها از
آسمان و زمین ولیکن تکذیب کردند پس گرفتیم ما ایشانرا بسبب آنچه بودند که کسب میکردند ۹۵ آیا پس ایمن شدند

وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ ٣٨ وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ٣٩ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ
اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ
الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ٤٠ لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن
فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ٤١ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٤٢ وَ
نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ
رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ٤٣
وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا
فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ
اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ٤٤ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ
هُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ٤٥ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ
كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ
يَطْمَعُونَ ٤٦ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا

تجعلنا مع القوم الظالمين ٤٦ ونادى أصحاب الأعراف رجالا يعرفونهم
بسيماهم قالوا ما أغنى عنكم جمعكم وما كنتم تستكبرون ٤٧ أهؤلاء
الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف عليكم ولا أنتم
تحزنون ٤٨ ونادى أصحاب النار أصحاب الجنة أن أفيضوا علينا من الماء
أو مما رزقكم الله قالوا إن الله حرمهما على الكافرين ٤٩ الذين اتخذوا
دينهم لهوا ولعبا وغرتهم الحياة الدنيا فاليوم ننساهم كما نسوا لقاء
يومهم هذا وما كانوا بآياتنا يجحدون ٥٠ ولقد جئناهم بكتاب فصلناه
على علم هدى ورحمة لقوم يؤمنون ٥١ هل ينظرون إلا تأويله يوم
يأتي تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق
فهل لنا من شفعاء فيشفعوا لنا أو نرد فنعمل غير الذي كنا نعمل
قد خسروا أنفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون ٥٢ إن ربكم الله الذي
خلق السماوات والأرض في ستة أيام ثم استوى على العرش يغشي
الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره
ألا له الخلق والأمر تبارك الله رب العالمين ٥٣ ادعوا ربكم تضرعا و
خفية إنه لا يحب المعتدين ٥٤ ولا تفسدوا في الأرض بعد إصلاحها

وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين ۝ وهو الذى

يرسل الرياح بشرا بين يدى رحمته حتى اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه

لبلد ميت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من كل الثمرات كذلك نخرج

الموتى لعلكم تذكرون ۝ والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه والذى

خبث لا يخرج الا نكدا كذلك نصرف الايات لقوم يشكرون ۝ لقد

ارسلنا نوحا الى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره

انى اخاف عليكم عذاب يوم عظيم ۝ قال الملا من قومه انا لنريك

فى ضلال مبين ۝ قال يا قوم ليس بى ضلالة ولكنى رسول من رب

العالمين ۝ ابلغكم رسالات ربى وانصح لكم واعلم من الله ما لا تعلمون

اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم ولتتقوا ولعلكم

ترحمون ۝ فكذبوه فانجيناه والذين معه فى الفلك واغرقنا الذين

كذبوا باياتنا انهم كانوا قوما عمين ۝ والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم

اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ۝ قال الملا الذين كفروا

من قومه انا لنريك فى سفاهة وانا لنظنك من الكاذبين ۝ قال يا قوم

ليس بى سفاهة ولكنى رسول من رب العالمين ۝ ابلغكم رسالات ربى

وانا لكم ناصح امين ٦٧ اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم
لينذركم واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح وزادكم في
الخلق بسطة فاذكروا الاء الله لعلكم تفلحون ٦٨ قالوا اجئتنا لنعبد
الله وحده ونذر ما كان يعبد اباؤنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين
٦٩ قال قد وقع عليكم من ربكم رجس وغضب اتجادلونني في اسماء
سميتموها انتم واباؤكم ما نزل الله بها من سلطان فانتظروا اني
معكم من المنتظرين ٧٠ فانجيناه والذين معه برحمة منا وقطعنا دابر
الذين كذبوا باياتنا وما كانوا مؤمنين ٧١ والى ثمود اخاهم صالحا قال
يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره قد جاءتكم بينة من ربكم هذه
ناقة الله لكم اية فذروها تاكل في ارض الله ولا تمسوها بسوء
فياخذكم عذاب اليم ٧٢ واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد عاد وبواكم
في الارض تتخذون من سهولها قصورا وتنحتون الجبال بيوتا فاذكروا
الاء الله ولا تعثوا في الارض مفسدين ٧٣ قال الملا الذين استكبروا
من قومه للذين استضعفوا لمن امن منهم اتعلمون ان صالحا مرسل من
ربه قالوا انا بما ارسل به مؤمنون ٧٤ قال الذين استكبروا انا بالذي

اهل دهات اینکه بیاید ایشانرا سختی ما در حالت شب بروز آوردن یعنی وقت طلوع فجر و ایشان خوابیده باشند یعنی چگونه از این مطلب ایمن بودند که عذاب ما نخواهد رسید ۹۶ آیا ایمن شدند اهل دهات اینکه بیاید ایشانرا سختی ما در چاشت گاه در حال اینکه ایشان بازی میکردند ۹۷ آیا پس ایمن بودند مکر خدا را پس ایمن نمیشود از مکر خدا مگر قوم زیانکاران یعنی از مکر خدا نباید غافل بود مکر خدا اینست که کفار را فرمان داد که یکدفعه بی خبر میکرد ۹۸ آیا راه ننمود از برای کسانیکه میراث می برند زمین را از بعد از مردن و تمام شدن اهل آن زمین اینکه اگر میخواستیم میرسانیدیم بایشان جزای گناهان ایشانرا و مهر میزدیم بر دلهای ایشان پس ایشان نمیشنوند ۹۹ این قریه‌ها است که میخوانیم بر تو از خبرهای آنها و هر آینه بتحقیق آمد رسولان ایشان به نشانها پس نبودند تا ایمان بیاورند بآنچه تکذیب کردند از پیش اینطور مهر میزند خدا بر دلهای کافران ۱۰۰ و نیافتیم ما از برای بیشتر ایشان پیمانی و اگرچه یافتیم ما بیشتر ایشانرا هر آینه بدکاران ۱۰۱ بعد از آن برانگیختیم ما از بعد از ایشان موسی را به نشانها بسوی فرعون مهتران گروه او پس ظلم کردند ایشان یعنی کافر شدند بآن نشانیات پس نظر کن چگونه بود عاقبت کار فساد کنندگان یعنی تبه کاران ۱۰۲ و گفت موسی ای فرعون بدرستیکه من رسولم از جانب پروردگار عالمیان ۱۰۳ سزاوار است براینکه نگویم من بر خدا مگر راستی بتحقیق آوردم شما را بحجتی از جانب پروردگار شما پس بفرست با من بنی اسرائیل را گفت فرعون اگر هستی تو که آورده نشانه پس بیاور آنرا اگر هستی تو از راستگویان ۱۰۴ پس انداخت موسی عصای خود را پس آنگاه آن عصا اژدهائی بود آشکار ۱۰۵ و بیرون کرد دست خود را یعنی دست بغل خود برده بیرون آورد پس در آنوقت آن روشنی بود از برای بینندگان ۱۰۶ گفتند بزرگان از قوم فرعون بفرعون بدرستیکه این یعنی موسی هر آینه سحر کننده دانائی است ۱۰۷ میخواهد موسی اینکه بیرون کند شما را از زمین خود تان پس چه چیز میفرمائید ۱۰۸ گفتند آنگروه بفرعون مهلت قرار بده بموسی و برادرش و بفرست در شهرها گرد آورندگانرا یعنی مامورین

بولایات **صفحهٔ صد و بیست و هشتم** بفرست ۱۰۹

بیاورند ترا هر ساحر دانا را ۱۱۰ و آمدند ساحران فرعون را گفتند بدرستی که از برای ما است هر آینه اجرتی اگر باشیم ما غلبه کنندگان ۱۱۱ گفت فرعون بلی و بدرستیکه شما هر آینه از مقربین خواهید بود ۱۱۲ گفتند سحر کنندگان ای موسی یا این است تو بیاندازی عصای خودت را یا اینکه باشیم ما افکنندگان یعنی تو اول عصا می اندازی یا ما ریسمانهای خود را بیندازیم ۱۱۳ گفت موسی بیندازید شما پس چون انداختند سحر کردند چشمهای مردم را و ترسانیدند ایشانرا و آوردند سحری بزرگ یعنی ساحرین فرعون سحر بزرگی عجیبی کردند ۱۱۴ و وحی کردیم ما بسوی موسی اینکه بینداز عصای خودت را پس در آنهنگام آن عصا بلعید آنچه را که تزویر کرده بودند ۱۱۵ پس واقع شد حق و باطل شد آنچه بودند که عمل میکردند ۱۱۶ پس مغلوب شدند آنجایگاه و برگشتند خوار شدگان ۱۱۷ و افتاده شدند سحر کنندگان سجده کنندگان ۱۱۸ گفتند ساحرین ایمان آوردیم بپروردگار عالمیان ۱۱۹ پروردگار موسی و هرون ۱۲۰ گفت فرعون بساحرین ایمان آوردید بموسی پیش از اینکه رخصت دهم شما را بدرستیکه این هر آینه مکریست که مکر کردید شما آنرا در شهر تا اینکه بیرون کنید شما از آن شهر اهل آنرا پس زود باشد که بدانید ۱۲۱ هر آینه قطع میکنیم دستهای شما را البته و پاهای شما را از خلاف یعنی یکدست راست و یکپای چپ شما را ببرم یا بعکس بعد از آن هر آینه بردار کشم البته شما را کلاً ۱۲۲ گفتند سحره بدرستیکه ما بسوی پروردگار خودمان برگردنده ایم ۱۲۳ و انتقام نمیکشی از ما مگر اینکه ایمان آورده ایم بآیات پروردگار خودمان آنهنگام که آمد ما را و شاهد کردیم از دست موسی ای پروردگار ما بریز بر ما و افاضه کن بر ما صبر را و بمیران ما را مسلمانان یعنی در حالتیکه ما مسلمان باشیم ۱۲۴ و گفتند معتبرین قوم فرعون بفرعون آیا وامیگذاری موسی و قوم او را تا اینکه فساد کنند در زمین و وامیگذارند ترا و خدایان ترا گفت فرعون زود باشد که بکشیم پسرهای ایشانرا و زنده بگذاریم زنهای ایشانرا و بدرستیکه ما بالای ایشان غلبه کنندگانیم ۱۲۵ گفت موسی از برای قوم خودش یاری بجوئید بخدا و صبر کنید بدرستیکه زمین از برای خداست میراث میدهد آنرا بهر که میخواهد از بندگان خودش و سرانجام نیکو

از برای پرهیزکارانست ١٢٦ گفتند بنی اسرائیل موسی اذیت کرده شدیم ما پیش از اینکه بیائی تو ما را و از بعد از اینکه آمدی تو ما را
گفت موسی شاید پروردگار شما اینکه هلاک کند دشمن شما را و جانشین کند شما را در زمین پس بنگرید چگونه عمل میکنید ١٢٧ و بتحقیق گرفتیم ما آل فرعون را بقحط و تنگی و کمی از میوه ها شاید ایشان پند گیرند ١٢٨ پس اگر بیاید ایشانرا نیکوئی یعنی افزونی گویند از برای ما
این افزونی یعنی ما خود مان صلاحیت دادیم باین حسنات و اگر برسد ایشانرا بدی یعنی قحطی فال بد میزنند بموسی و آنکسانیکه با موسی هستند
بدانید جز این نیست که خوب و بد ایشان نزد خداست و لیکن بیشتر ایشان میدانند ١٢٩ و گفتند آل فرعون بموسی هرگاه بیاوری ما را
با آن یعنی باین معجزات از نشانه تا اینکه سحر کنی ما را با آن پس نیستیم ما از برای تو از جملهٔ گروندگان ١٣٠ پس فرستادیم ما بر ایشان طوفان و ملخ
و شپش و وزغها و خون را یعنی آب نیل را برای آنها خون کردیم نشانهای تفصیل داده شده پس گردنکشی کردند و بودند گروه گناهکاران ١٣١ و چون
واقع شد بر ایشان عذابی گفتند ای موسی بخوان از برای ما پروردگار خودت را بآنچه عهد کرده است نزد تو یعنی عهد کرده است خدا با تو که هرگاه
قوم قبول کنند که ایمان بیاورند عذاب از ایشان برداشته شود هر آینه اگر برداری تو از ما عذابرا هر آینه ایمان میآوریم ما البته از برای تو
و هر آینه میفرستیم ما البته با تو بنی اسرائیل را پس چون زایل کردیم از ایشان عذاب را تا وقتیکه ایشانرا رسنده است آن حین یعنی غرق شدن
در آب بنا گاه ایشان می شکنند عهد خود را ١٣٢ پس انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ما ایشانرا در دریا بسبب اینکه ایشان تکذیب کردند بآیات
ما و بودند از فوائد آن آیات بیخبران ١٣٣ و میراث دادیم ما قوم آنچنانی را که بودند ضعیف شمرده میشدند در سمت مشرقهای اراضی مصر
و مغربهای آن که برکت دادیم ما در آن زمین یعنی آن اراضی را بجهة وفور نعمت یا قدوم انبیا با برکت قرار دادیم و تمام شد کلمهٔ پروردگار تو نیکوئی
یعنی تمام شد و وفا شد بوعدهٔ خدای تو که نیکو بود بر بنی اسرائیل بسبب آنچه صبر کردند بر شدائد و خراب کردیم آنچه بود که میساختند فرعون
و قوم او و آنچه را که بودند که افراشته بودند یعنی عمارات خوب و قصرهای بلند مرغوبیکه فرعون و قوم او ساخته بودند همه را خراب کردیم ١٣٤ و گذرانیدیم

صفحهٔ صد و سی ام

ما بنی اسرائیل را از دریا پس گذشتند بر طایفهٔ که اقامت میکردند بر بتهائیکه بود از برای ایشان گفتند بنی اسرائیل ای موسی بگردان از برای ما خدائی
یعنی بتی همچنانکه از برای ایشان یعنی از برای این قوم خدایانست گفت موسی بدرستیکه شما قومی نادانید ١٣٥ بدرستیکه این گروه بت پرستان هلاک
شده اند با آنچه ایشان در آن هستند یعنی عنقریب ایشان هلاک میشوند و بتهای ایشان بدست شما شکسته خواهد شد و باطل است آنچه
بودند که میکنند ١٣٦ گفت موسی آیا غیر از خدا طلب کردید شما خدائی و حال اینکه خدا تفصیل داد شما را بر عالمیان ١٣٧ و آن
هنگام که نجات دادیم ما شما را از آل فرعون میچشانیدند شما را سختی عذاب را می کشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند زنان شما را و در
این رهائی از بلا و سختی شما نعمتی بود از جانب پروردگار شما بزرگ یعنی نعمت بزرگی بود از جانب پروردگار ١٣٨ و وعده دادیم ما موسی
سی شب و تمام کردیم ما آن سی روز را بده روز دیگر پس تمام شد وقتی که پروردگار مقرر فرموده بود بچهل شب و گفت موسی از برای برادر
هرون جانشین باش مرا در قوم من و اصلاح کن و متابعت مکن براه فساد کنندگانرا ١٣٩ و چون آمد موسی یعنی آمد موسی با هفتاد
کس از برگزیدگان قوم خودش بوقتی که مقرر کرده بودیم ما و سخن گفت موسی را پروردگارش گفت ای پروردگار من بنما مرا تا نظر
کنم بسوی تو گفت خدا هرگز نمی بینی مرا و لیکن نگاه کن بسوی کوه پس اگر قرار بگیرد کوه بجای خودش پس زود باشد ببینی مرا یعنی بعد از
تجلی نور من اگر کوه توانست بجای خودش قرار بگیرد تو نیز میتوانی مرا ببینی و اگر کوه نتواند قرار گرفت هرگز تو نخواهی دید پس
چون تجلی کرد پروردگار موسی از برای کوه گردانید آن کوه را ریزه ریزه و افتاد موسی بیهوش ١٤٠ پس چون بهوش آمد گفت پاکی تو
توبه کردم بسوی تو و منم اول ایمان آورندگان ١٤١ گفت خدای موسی بدرستیکه من برگزیدم ترا بر مردم بسبب پیغامهای خودم
و بسبب کلام خودم پس بگیر آنچه را که دادم ترا و باش از شکر کنندگان ١٤٢ و نوشتیم ما از برای موسی در لوحها از هر چیزی
پندی و بیان از برای هر چیز پس بگیر آن مکتوب را بقوه و عزم تمام و حکم کن قوم خودت را که بگیرند نیکوترین آنچه در
الواح است زود باشد که بنمایم شما خانهٔ فاسقان را ١٤٣ زود باشد که بگردانم از آیات خودم آنکسانیرا که تکبر میکنند در

آمنتم به كافرون ٧٥ فعقروا الناقة وعتوا عن أمر ربهم وقالوا يا
صالح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين ٧٦ فأخذتهم الرجفة
فأصبحوا في دارهم جاثمين ٧٧ فتولى عنهم وقال يا قوم لقد أبلغتكم
رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون الناصحين ٧٨ ولوطا إذ
قال لقومه أتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من أحد من العالمين ٧٩
إنكم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون ٨٠
وما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريتكم إنهم أناس
يتطهرون ٨١ فأنجيناه وأهله إلا امرأته كانت من الغابرين ٨٢ و
أمطرنا عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبة المجرمين ٨٣ وإلى مدين أخاهم
شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاءتكم بينة من
ربكم فأوفوا الكيل والميزان ولا تبخسوا الناس أشياءهم ولا تفسدوا
في الأرض بعد إصلاحها ذلكم خير لكم إن كنتم مؤمنين ٨٤ ولا تقعدوا
بكل صراط توعدون وتصدون عن سبيل الله من آمن به وتبغونها
عوجا واذكروا إذ كنتم قليلا فكثركم وانظروا كيف كان عاقبة
المفسدين ٨٥ وإن كان طائفة منكم آمنوا بالذي أرسلت به وطائفة

ربع

لم يؤمنوا فاصبروا حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين ۝٨٦ قال الملأ

الذين استكبروا من قومه لنخرجنك يا شعيب والذين آمنوا معك من

قريتنا أو لتعودن في ملتنا قال أولو كنا كارهين ۝٨٧ قد افترينا

على الله كذبا إن عدنا في ملتكم بعد إذ نجانا الله منها وما يكون لنا

أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله

توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وأنت خير الفاتحين ۝٨٨ وقال

الملأ الذين كفروا من قومه لئن اتبعتم شعيبا إنكم إذا لخاسرون ۝٨٩

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين ۝٩٠ الذين كذبوا شعيبا

كأن لم يغنوا فيها الذين كذبوا شعيبا كانوا هم الخاسرين ۝٩١ فتولى عنهم

وقال يا قوم لقد أبلغتكم رسالات ربي ونصحت لكم فكيف آسى على

قوم كافرين ۝٩٢ وما أرسلنا في قرية من نبي إلا أخذنا أهلها بالبأساء

والضراء لعلهم يضرعون ۝٩٣ ثم بدلنا مكان السيئة الحسنة حتى

عفوا وقالوا قد مس آباءنا الضراء والسراء فأخذناهم بغتة وهم لا

يشعرون ۝٩٤ ولو أن أهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات

من السماء والأرض ولكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا يكسبون أفأمن

أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ٩٦ أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ
أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ٩٧ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ
إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ٩٨ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ
أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
يَسْمَعُونَ ٩٩ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ
عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ١٠٠ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا
أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ١٠١ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ
مَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ١٠٢ وَقَالَ مُوسَىٰ
يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ١٠٣ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ
إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ إِن
كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ١٠٤ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا
هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ١٠٥ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ١٠٦ قَالَ
الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ١٠٧ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ
فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ١٠٨ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ١٠٩

يأتوك بكل ساحر عليم ١١٠ وجاء السحرة فرعون قالوا إن لنا لأجرا

إن كنا نحن الغالبين ١١١ قال نعم وإنكم لمن المقربين ١١٢ قالوا يا موسى

إما أن تلقي وإما أن نكون نحن الملقين ١١٣ قال ألقوا فلما ألقوا

سحروا أعين الناس واسترهبوهم وجاءو بسحر عظيم ١١٤ وأوحينا إلى

موسى أن ألق عصاك فإذا هي تلقف ما يأفكون ١١٥ فوقع الحق وبطل

ما كانوا يعملون ١١٦ فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين ١١٧ وألقي

السحرة ساجدين ١١٨ قالوا آمنا برب العالمين ١١٩ رب موسى وهرون

قال فرعون آمنتم به قبل أن آذن لكم إن هذا لمكر مكرتموه في

المدينة لتخرجوا منها أهلها فسوف تعلمون ١٢١ لأقطعن أيديكم و

أرجلكم من خلاف ثم لأصلبنكم أجمعين ١٢٢ قالوا إنا إلى ربنا منقلبون

وما تنقم منا إلا أن آمنا بآيات ربنا لما جاءتنا ربنا أفرغ علينا

صبرا وتوفنا مسلمين ١٢٤ وقال الملأ من قوم فرعون أتذر موسى و

قومه ليفسدوا في الأرض ويذرك وآلهتك قال سنقتل أبناءهم و

نستحيي نساءهم وإنا فوقهم قاهرون ١٢٥ قال موسى لقومه استعينوا

بالله واصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة



للمتقين ١٢٦ قالوا أوذينا من قبل أن تأتينا ومن بعد ما جئتنا قال
عسى ربكم أن يهلك عدوكم ويستخلفكم في الأرض فينظر كيف
تعملون ١٢٧ ولقد أخذنا آل فرعون بالسنين ونقص من الثمرات
لعلهم يذكرون ١٢٨ فإذا جاءتهم الحسنة قالوا لنا هذه وإن تصبهم
سيئة يطيروا بموسى ومن معه ألا إنما طائرهم عند الله ولكن
أكثرهم لا يعلمون ١٢٩ وقالوا مهما تأتنا به من آية لتسحرنا بها فما نحن لك
بمؤمنين ١٣٠ فأرسلنا عليهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع
والدم آيات مفصلات فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين ١٣١ ولما
وقع عليهم الرجز قالوا يا موسى ادع لنا ربك بما عهد عندك لئن
كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك ولنرسلن معك بني إسرائيل فلما
كشفنا عنهم الرجز إلى أجل هم بالغوه إذا هم ينكثون ١٣٢ فانتقمنا منهم
فأغرقناهم في اليم بأنهم كذبوا بآياتنا وكانوا عنها غافلين ١٣٣
وأورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الأرض ومغاربها
التي باركنا فيها وتمت كلمت ربك الحسنى على بني إسرائيل بما صبروا ودمرنا
ما كان يصنع فرعون وقومه وما كانوا يعرشون ١٣٤ وجاوزنا

بَنِي إِسْرَاءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى

اجْعَلْ لَنَا إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ١٣٥ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ

مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٣٦ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا

وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ١٣٧ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ

سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ

مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ١٣٨ وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ

مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي

وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ١٣٩ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ

رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ

اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ

صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ١٤١ قَالَ

يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ

وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ١٤٢ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً

وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا

سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ١٤٣ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي

الأرض بغير الحق وإن يروا كل آية لا يؤمنوا بها وإن يروا سبيل الرشد

لا يتخذوه سبيلا وإن يروا سبيل الغي يتخذوه سبيلا ذلك بأنهم

كذبوا بآياتنا وكانوا عنها غافلين ١٤٦ والذين كذبوا بآياتنا ولقاء

الآخرة حبطت أعمالهم هل يجزون إلا ما كانوا يعملون ١٤٧ واتخذ

قوم موسى من بعده من حليهم عجلا جسدا له خوار ألم يروا أنه لا

يكلمهم ولا يهديهم سبيلا اتخذوه وكانوا ظالمين ١٤٨ ولما سقط في

أيديهم ورأوا أنهم قد ضلوا قالوا لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن

من الخاسرين ١٤٩ ولما رجع موسى إلى قومه غضبان أسفا قال بئسما

خلفتموني من بعدي أعجلتم أمر ربكم وألقى الألواح وأخذ برأس أخيه

يجره إليه قال ابن أم إن القوم استضعفوني وكادوا يقتلونني فلا

تشمت بي الأعداء ولا تجعلني مع القوم الظالمين ١٥٠ قال رب اغفر

لي ولأخي وأدخلنا في رحمتك وأنت أرحم الراحمين ١٥١ إن الذين

اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم وذلة في الحياة الدنيا و

كذلك نجزي المفترين ١٥٢ والذين عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها

وآمنوا إن ربك من بعدها لغفور رحيم ١٥٣ ولما سكت عن موسى



الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ
يَرْهَبُونَ ١٥٤ وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ
الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ
السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ
أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ١٥٥ وَاكْتُبْ لَنَا فِي
هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ
بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ١٥٦ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ
الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ
الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا
بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ ١٥٧ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي
لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ
رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

در زمین بغیر حق و اگر ببینند هر آیتی را یعنی معجزهٔ را ایمان نیاورند بآن و اگر ببینند راه هدایت را نمیگیرند آن راه هدایت را
براه خود ۱۴۴ و اگر ببینند راه گمراهی را میگیرند آن راه را برای خود این اعتقاد ایشان برای اینست که ایشان تکذیب کردند
بآیات ما و بودند از آیات ما غافلان یعنی بیخبران ۱۴۵ و آن کسانیکه تکذیب کردند آیات ما را و تکذیب کردند رسیدن در دیدن
آخرت را ضایع شد یعنی تباه گشت عملهای ایشان آیا جزا داده میشوند مگر آنچه را که بودند میکردند ۱۴۶ و فرا گرفتند قوم
موسی یعنی ساختند از بعد او یعنی بعد از رفتن موسی چهل شب بمیقات پروردگار از زیورها و طلاهای خودشان گوساله
ترکیب گوساله بود که از برای او بود آواز گاوی آیا ندیدند که آن گوساله تکلم نمیکرد ایشانرا و راه نمینماید ایشانرا بهیچ راهی
۱۴۷ فرا گرفتند آن گوساله را و بودند ظلم کنندگان ۱۴۸ و چون گزیدند دستهای خود را یعنی پشیمان شدند از پرستیدن گوساله
و دیدند که ایشان بتحقیق گمراه شدند گفتند هر آینه اگر رحم نکند ما را خدای ما و نیامرزد از برای ما هر آینه میباشیم ما البته از زیانکاران
۱۴۹ و چون برگشت موسی بسوی قوم خودش خشمناک اندوهگین گفت بد است آنچه جانشینی کردید برای من از بعد از من آیا شتاب
کردید فرمان خدای خود را و انداخت الواح را و گرفت سر برادرش را میکشید او را بسوی خودش گفت هرون ای پسر مادر من بدرستیکه
قوم ضعیف و بیچاره دیدند مرا و نزدیک بود بکشند مرا پس شاد مکن بمن دشمنانرا و مگردان مرا با گروه ستمکاران در اظهار غضب خود
۱۵۰ گفت موسی ای پروردگار من بیامرز مرا و برادر مرا و داخل کن ما را در رحمت خودت و تو مهربانترا از رحم کنندگانی ۱۵۱ بدرستیکه
آنکسانیکه گرفتند گوساله را یعنی پرستیدند گوساله را زود باشد که برسد ایشانرا غضبی از جانب پروردگار خودشان و خواری در
زندگانی دنیا و چنین جزا میدهیم دروغگویانرا ۱۵۲ و آنکسانیکه عمل کردند بدیها را پس توبه کردند از بعد از اعمال زشت خود و ایمان
آوردند بدرستیکه پروردگار تو از بعد از توبه هر آینه آمرزندهٔ مهربانست ۱۵۳ و چون ساکت شد از موسی

صفحهٔ صد و سی و دوم

غضب گرفت الواح را و در مکتوب آن الواح بود هدایت و رحمت از برای کسانیکه ایشان از پروردگار خود میترسند ۱۵۴ و اختیار
کرد از موسی از قوم خود هفتاد مرد از برای میقات ما پس چون گرفت ایشانرا صاعقه گفت موسی ای پروردگار من اگر میخواستی
تو هلاک میکردی ایشانرا از پیش و مرا آیا هلاک میکنی ما را بسبب آنچه کردند بی عقلان از ما نیست این مگر امتحان کردی تو گمراه میکنی بآن
هر که را میخواهی یعنی فرو میگذاری باین فتنه و ابتلا هر که را میخواهی و راه مینمائی هر که را میخواهی تو یار ما و متولی کار مائی پس بیامرز
ما را و رحم کن ما را و تو بهترین آمرزندگانی ۱۵۵ و بنویس از برای ما در این دنیا نیکی و در آخرت بدرستیکه ما باز گشتیم بسوی تو گفت
خدا عذاب خودم میرسانم آنرا بهر که میخواهم و رحمت من فرا گرفته است هر چیزی را پس زود باشد بنویسیم آن رحمت را از برای
کسانیکه می پرهیزند و میدهند زکوة را و آنکسانیکه ایشان بآیات ما ایمان میآورند ۱۵۶ آن کسانیکه متابعت میکنند پیغمبر را
پیغمبر اُمّی یعنی نانویسندهٔ آنچنانی که می یابند او را نوشته شده نزد ایشان در تورات و در انجیل امر میکند آن پیغمبر ایشانرا
بمعروف و نهی میکند ایشانرا از منکر و حلال میکند از برای ایشان خوراکیهای پاکیزه و حرام میکند بر ایشان خورشهای
پلید را و فرو میگذارد از ایشان بار گران شان را یعنی سبک میگرداند برای قوم تکالیف شاقه را و سبک میگرداند
و بر میدارد از ایشان غلهائی که بود بر ایشان در زمان موسی پس آنکسانیکه ایمان آوردند بآن پیغمبر و تعظیم کردند
او را و یاری کردند او را و متابعت کردند نور را آنچنانی را که فرستاده شد با او که آن نبوت است
یا قرآن آن گروه ایشان رستکارانند ۱۵۷ بگو ای مردم بدرستیکه من رسول خدا هستم
بسوی شما همگی ۱۵۸ آنخدائی که از برای او است ملک آسمانها و زمین نیست خدائی مگر آن خدا
زنده میکند و میمیراند پس ایمان بیاورید بخدا و رسول خدا پیغمبری که اُمّی است یعنی خواننده و نویسنده
نیست آنچنان پیغمبر نیست که ایمان میآورد بخدا و به کلمات خدا و متابعت کنید او را شاید شما راه بیابید ۱۵۹

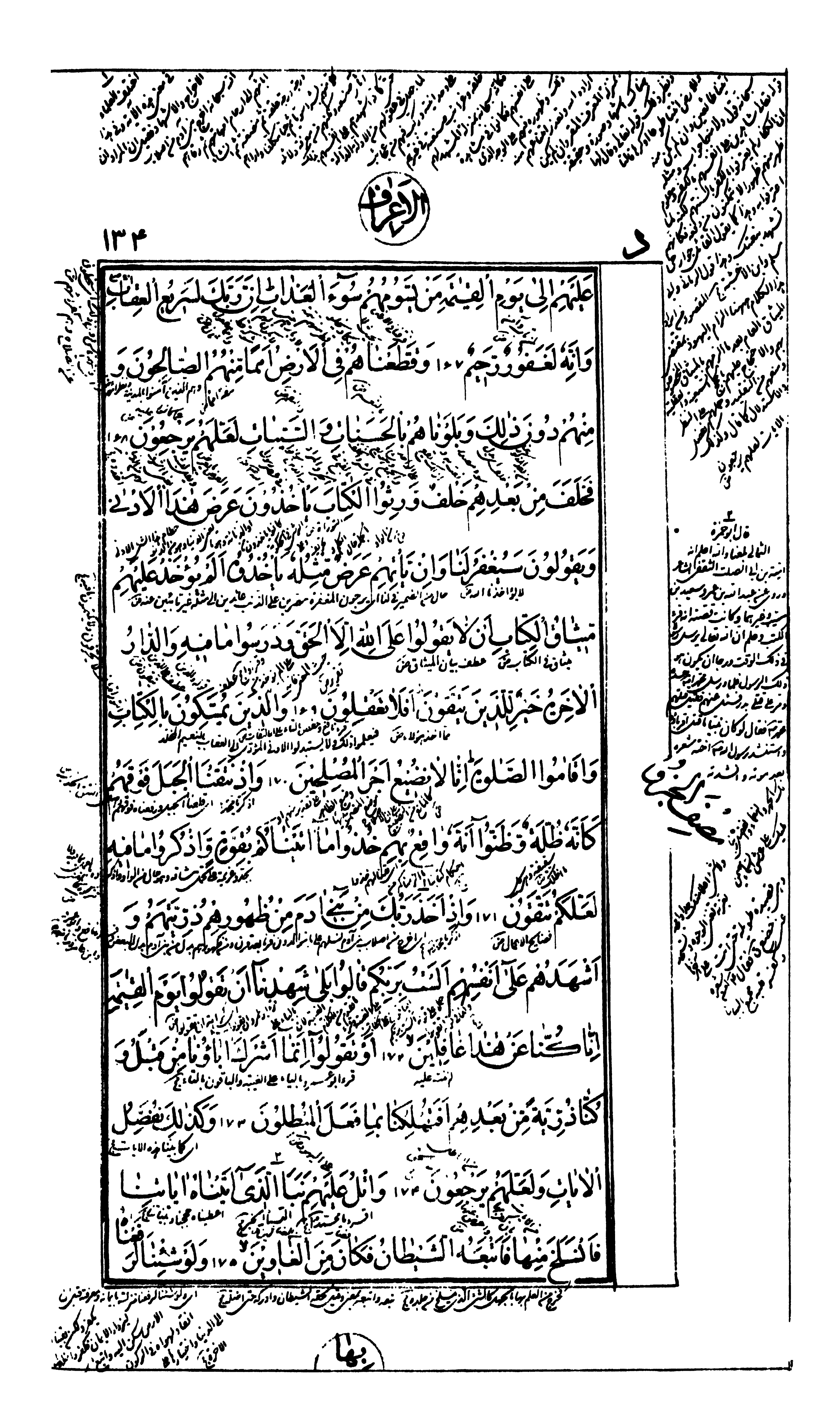
صفحهٔ صد و سی و سوم

وازقوم موسی گروهی هستند که راه مینمایند خلق را بخدا و بحق و براستی عدل میکنند در میان خلق ۱۶۰ و متفرق کردیم ما بنی اسرائیل را یعنی اولاد یعقوب را
بدوازده سبط گروه گروه یعنی اولاد هر پسری از یعقوب را که دوازده نفر بودند یک گروه قرار دادیم و وحی کردیم بسوی موسی هنگامیکه طلب آب کردند قوم موسی از او اینکه بزن بعصای
خود ترا بآن سنگ که در اول ورود به بیابان با تو تکلم کرد پس شکافته شد و گشوده شد از آن سنگ دوازده چشمه بتحقیق دانستند همه مردم آبخور خود شان را و سایه
انداختیم ما بر ایشان ابر را و فرو فرستادیم ما بر ایشان من و سلوی را یعنی چیزی شبیه به ترنجبین و شبیه مرغیکه نان و گوشت بود برای ایشان بخورید از پاکیزهای آنچه روزی
دادیم ما شما را و ظلم نکردند ما را ولیکن بودند نفسهای خود را ظلم میکردند یعنی گفتیم ذخیره نکنید من و سلوی را ذخیره کردند و خلاف حکم خدا کردند بجهت این نافرمانی قطع شد
من و سلوی از ایشان و این قطع من و سلوی ظلمی بود بخود شان برای نافرمانی در حق خود کردند ۱۶۱ و هنگامیکه گفته شد به بنی اسرائیل یعنی بعد از محاربه با جباران
و فتح کردن قوم بنی اسرائیل با ایشان گفته شد ساکن بشوید در این قریه یعنی قریه از قرای بیت المقدس است و بخورید از طعامهای آن قریه هر چه میخواهید و بگوئید حطه
یعنی پروردگارا بیامرز گناهان ما را و داخل شوید از درب قریه در حالتیکه سجده کننده باشید میآمرزیم از برای شما گناهان شما را زود باشد که زیاد کنیم اجر نیکوکاران را
۱۶۲ پس بدل کردند آنکسانیکه ظلم کردند از بنی اسرائیل قولی را که غیر از آنچه گفته شد از برای ایشان یعنی هر چه گفته بودیم نکنند برخلاف آن کردند پس فرستادیم ما بر ایشان عذابی
از آسمانی بسبب آنچه بودند که ستم میکردند ۱۶۳ و بپرس ای محمد بنی اسرائیل را از اهل دهی که بود آن ده نزدیک دریا که آن ده ایله بود وقتیکه در گذشتند از تعظیم روز شنبه وقتی که میآمد
ایشان را ماهیهای ایشان در روز شنبه در حالتیکه روی آب بازی میکردند و در روزهای غیر شنبه نمیآمدند بروی آب پیدا نبودند یعنی محض امتحان اهل ایله در زمان داود در روز شنبه که صید ماهی
حرام بود ماهی زیادی میآمد در روی آب ظاهر میشدند و بازی میکردند و در روزهای دیگر پیدا نمیشدند اهل ایله حرمت شنبه را شکسته دست بصید آنها در روز شنبه دراز نموده مشغول
صید کردن شدند و بجهت نافرمانی مسخ شدند همچنین آزمایش میکنیم ایشانرا بسبب آنچه بودند که فسق میکردند یعنی نافرمانی میکردند ۱۶۴ و هنگامیکه گفتند جمعی از اهل
ایله برای چه موعظه میکنید قومی را که خدا هلاک کننده ایشانست یا عذاب کننده ایشانست عذابی سخت یعنی اهل قریه ایله وقتی حرمت شنبه را شکستند و مشغول صید ماهی
شدند سه طایفه شدند بعضی صید ماهی میکردند و بعضی صید نمیکردند و موعظه و نهی میکردند صیادان را و بعضی دیگر صید نمیکردند و نهی میکردند طایفه موعظه کنان را و
میگفتند برای چه موعظه میکنید طایفه را که خدا هلاک کننده ایشانست گفتند آنقوم نهی کنندگان این موعظه و پند ما معذرتست بسوی پروردگار شما و شاید ایشان پرهیز
کنند یعنی دست از معصیت الهی بردارند ۱۶۵ پس چون فراموش کردند آنچه را که ذکر کرده شدند بآن یعنی قبول موعظه نهیا را ننمودند و از صید کردن دست باز نداشتند
نجات دادیم ما کسانیرا که نهی میکردند از بدی یعنی نافرمانی و گرفتیم ما کسانیرا که ظلم کردند بعذاب بدی بسبب آنچه بودند که فسق میکردند ۱۶۶ پس چون سرکشی کردند از آنچه نهی کرده
شدند از آن گفتیم از برای ایشان باشید بوزینگان دور افتاده از رحمت خدا و چون اعلام نمود پروردگار تو هر آینه برانگیزاند

صفحهٔ صد و سی و چهارم

۱۶۷ بر ایشان تا روز قیامت کسیرا که بچشاند بایشان بدی عذاب را بدرستیکه پروردگار تو هر آینه زود عقوبتست مرکفار را و بدرستیکه خدا هر آینه آمرزنده و مهربانست
و متفرق کردیم ما بنی اسرائیل را در زمین گروه گروه بعضی از ایشان صالحانند و بعضی از ایشان غیر صالحانند و امتحان کردیم ایشانرا به نیکوئیها و بدیها شاید ایشان برگردند
بسوی نیکوکاری و رضای خدا ۱۶۸ پس باز ماندند از صلحای بنی اسرائیل بازماندگانی یعنی اعقاب و اولادی که وارث شدند توریت را یعنی حکومت با حکام توراة با ایشان رسید
که علمای یهود که در عهد حضرت رسول بودند که میگیرند رشوه این را یعنی از متاع دنیا بطور رشوه میگیرند بطور پستی که تحریف میکنند آیات توریترا و بطور تاویلهای غیر
صحیح احکام میکنند و میگویند زود باشد که آمرزیده شود از برای ما گناهان ما و اگر بیاید ایشانرا متاعی مثل آن یعنی بیاورند مردم متاع رشوه را برای آن تا مثل متاع
سابق الذکر میگیرند آنرا آیا گرفته نشد بر ایشان عهد کتاب توراة اینکه نگویند بر خدا مگر حق و راستی را و درس خواندند آنچه را که در آن توراتست و برپا داشتند نماز را و خانه
آخرت بهتر است از برای کسانیکه پرهیز میکنند آیا پس تعقل نمیکنید که بفهمید ۱۶۹ و آن کسانیکه متمسک میشوند یعنی چنگ در میزنند بقرآن و برپا میدارند نماز را بدرستیکه
ما ضایع نمیکنیم اجر صلاح کنندگان را ۱۷۰ و یاد کن ای محمد برای یهودان عهد خود را وقتیکه از جای خود بر کندیم و برداشتیم کوه طور را بالای ایشان یعنی بر زبر ایشان گویا آن کوه سایبانی است
برای ایشان یعنی کوه طور را از جای بر کندند بالای سر جمعیت بنی اسرائیل که یکفرسخ در یکفرسخ جمعیت ایشان بود نگاه داشتیم مثل سایبانی بر سر ایشان بود و گمان کردند که آن کوه فرود میآید بایشان
بگیرید آنچه را که دادیم ما برای شما یعنی بگیرید توریت را و احکام آنرا بقوت و ذکر کنید آنچه در آن توراتست شاید شما پرهیز کنید ۱۷۱ و هنگامیکه گرفت پروردگار تو از پسران آدم
از پشتهای ایشان نسل ایشانرا و گواه گرفت ایشانرا بر نفسهای خودشان آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری شاهد شدیم ما باقرار خودمان و اخذ میثاق بجهت کراهت اینکه گویند روز
قیامت بدرستیکه ما بودیم از این اقرار بیخبران ۱۷۲ یا بگوئید جز این نیست که شرک آوردند پدران ما از پیش و بودیم ما فرزندانی از بعد از ایشان آیا پس هلاک میکنی ما را بسبب آنچه کردند
باطل کنندگان یعنی گمراهان ۱۷۳ و همچنین تفصیل میدهیم آیات خود را و شاید ایشان برگردند یعنی از راه باطل بسبب بطریق حق گردند ۱۷۴ و بخوان ای محمد بر بنی اسرائیل خبر آنکسیرا که دادیم
ما او را علم آیات خود را که امیة ابن صلت یا بلعم است پس بیرون رفت از احکام آن آیات بواسطه کفر و عناد پس تابعت کرد او را شیطان پس بود از گمراهان ۱۷۵ و اگر میخواستیم ما هر آینه بلند میکردیم ما او را

وَمِن قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ١٥٩ وَقَطَّعْنَاهُمُ
اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ
أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ
أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا
مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ١٦٠ وَ
إِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَ
ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ١٦١ فَبَدَّلَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَظْلِمُونَ ١٦٢ وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ
فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ
كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ١٦٣ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ
قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ١٦٤ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ
وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ١٦٥ فَلَمَّا عَتَوْا عَن
مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ١٦٦ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ



عليهم الى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب ان ربك لسريع العقاب
وانه لغفور رحيم ١٦٧ وقطعناهم في الارض امما منهم الصالحون و
منهم دون ذلك وبلوناهم بالحسنات والسيئات لعلهم يرجعون ١٦٨
فخلف من بعدهم خلف ورثوا الكتاب ياخذون عرض هذا الادنى
ويقولون سيغفر لنا وان ياتهم عرض مثله ياخذوه الم يؤخذ عليهم
ميثاق الكتاب ان لا يقولوا على الله الا الحق ودرسوا ما فيه والدار
الاخرة خير للذين يتقون افلا تعقلون ١٦٩ والذين يمسكون بالكتاب
واقاموا الصلوة انا لا نضيع اجر المصلحين ١٧٠ واذ نتقنا الجبل فوقهم
كانه ظلة وظنوا انه واقع بهم خذوا ما اتيناكم بقوة واذكروا ما فيه
لعلكم تتقون ١٧١ واذ اخذ ربك من بني ادم من ظهورهم ذريتهم و
اشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيمة
انا كنا عن هذا غافلين ١٧٢ او تقولوا انما اشرك اباؤنا من قبل و
كنا ذرية من بعدهم افتهلكنا بما فعل المبطلون ١٧٣ وكذلك نفصل
الايات ولعلهم يرجعون ١٧٤ واتل عليهم نبا الذي اتيناه اياتنا
فانسلخ منها فاتبعه الشيطان فكان من الغاوين ١٧٥ ولو شئنا لرفعنا

بها ولكنه اخلد الى الارض واتبع هوىه فمثله كمثل الكلب ان
تحمل عليه يلهث او تتركه يلهث ذلك مثل القوم الذين كذبوا
باياتنا فاقصص القصص لعلهم يتفكرون ١٧٦ ساء مثلا القوم الذين
كذبوا باياتنا وانفسهم كانوا يظلمون ١٧٧ من يهد الله فهو المهتدي
ومن يضلل فاولئك هم الخاسرون ١٧٨ ولقد ذرانا لجهنم كثيرا من
الجن والانس لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم اعين لا يبصرون بها و
لهم اذان لا يسمعون بها اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم
الغافلون ١٧٩ ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها وذروا الذين يلحدون
في اسمائه سيجزون ما كانوا يعملون ١٨٠ وممن خلقنا امة يهدون
بالحق وبه يعدلون ١٨١ والذين كذبوا باياتنا سنستدرجهم من حيث
لا يعلمون ١٨٢ واملي لهم ان كيدي متين ١٨٣ اولم يتفكروا ما
بصاحبهم من جنة ان هو الا نذير مبين ١٨٤ اولم ينظروا في ملكوت
السموات والارض وما خلق الله من شيء وان عسى ان يكون قد اقترب
اجلهم فباي حديث بعده يؤمنون ١٨٥ من يضلل الله فلا هادي له و
يذرهم في طغيانهم يعمهون ١٨٦ يسئلونك عن الساعة ايان مرسىها

قل انما علمها عند ربي لا يجليها لوقتها الا هو ثقلت في السموات
والارض لا تأتيكم الا بغتة يسئلونك كأنك حفي عنها قل انما
علمها عند الله ولكن اكثر الناس لا يعلمون ١٨٨ قل لا املك لنفسي
نفعا ولا ضرا الا ما شاء الله ولو كنت اعلم الغيب لاستكثرت من الخير
وما مسني السوء ان انا الا نذير وبشير لقوم يؤمنون ١٨٩ هو الذي
خلقكم من نفس واحدة وجعل منها زوجها ليسكن اليها فلما تغشيها
حملت حملا خفيفا فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن اتيتنا
صالحا لنكونن من الشاكرين ١٩٠ فلما اتيهما صالحا جعلا له شركاء
فيما اتيهما فتعالى الله عما يشركون ١٩١ ايشركون ما لا يخلق شيئا وهم
يخلقون ١٩٢ ولا يستطيعون لهم نصرا ولا انفسهم ينصرون ١٩٣ وان
تدعوهم الى الهدى لا يتبعوكم سواء عليكم ادعوتموهم ام انتم صامتون
ان الذين تدعون من دون الله عباد امثالكم فادعوهم فليستجيبوا
لكم ان كنتم صادقين ١٩٤ الهم ارجل يمشون بها ام لهم ايد يبطشون
بها ام لهم اعين يبصرون بها ام لهم اذان يسمعون بها قل ادعوا شركاء
كم ثم كيدون فلا تنظرون ١٩٥ ان ولي الله الذي نزل الكتاب وهو

صفحهٔ صد و سی و پنجم

بسبب آیات یعنی امیة ابن صلت را ولیکن او میل کرد بسوی زمین یعنی برذالت و پستی راضی شد و متابعت کرد آرزوی خود را که متاع و
زندگانی دنیا بود پس مثل او مثل سگ است اگر حمله کنی بر آن زبان بیرون میآورد یا واگذاری آنرا زبان بیرون میآورد یعنی
در هر حال صفت سگیت خود را بروز میدهد این مثل طایفه ایست که تکذیب کردند بآیات ما پس بخوان قصه های مذکوره را که یکی
از آنها انسلاخ امیه است از آیات ما شاید ایشان متفکر شوند ۱۷۶ بد است مثل قوم آنکسانیکه تکذیب کردند آیات ما را
و نفسهای خود را بودند که ظلم میکردند ۱۷۷ هر کس را که هدایت میکند خدا او راپس اوست هدایت کرده شده و هر که گمراه شود
پس آن گروه ایشان زیان کارانند ۱۷۸ و هر آینه بتحقیق آفریدیم ما از برای جهنم بسیاری از جن و انس یعنی آفریدیم بسیاری
را از جن و انس که آنها بسبب کفر خودشان بجهنم میروند و ما بعلم لدنی میدانستیم که ایشان بجهنم میروند و خلق کردیم ایشانرا برای
رفتن بجهنم از برای ایشانست که دلهائیکه نمی فهمند بآن دلها و از برای ایشانست چشمهائی که نمی بینند بآن و از برای آنهاست
گوشهائیکه نمی شنوند بآن آنگروه مثل گوسفندانند بلکه گمراه ترند از گوسفندان آنگروه ایشانند بیخبران ۱۷۹ و از برای خداست
اسامی نیکو پس بخوانید خدا را بآن اسامی و واگذارید آنکسانیرا که مایل میشوند بکجی در اسماء خدا زود باشد که جزا داده بشوند آنچه را که
هستند که عمل میکنند ۱۸۰ و از جمله کسانیکه خلق کردیم ما گروهی هستند که راه مینمایند براستی و بآن راستی عدول میکنند از راه باطل
۱۸۱ و آن کسانیکه تکذیب کردند آیات ما را زود باشد که ما بگیریم ایشانرا از آنجائیکه نمیدانند ۱۸۲ و مهلت میدهیم مر ایشانرا بدرستیکه مکر من یعنی
گرفتن من بروجهی که مخفی باشد محکم و استوار است ۱۸۳ آیا فکر نکردند که نیست یار و صاحب ایشانرا که محمد است هیچ جنونی نیست آن پیغمبر مگر
ترسانندهٔ آشکار ۱۸۴ آیا نظر نکردند در ملکوت آسمانها و زمین و آنچه را که خلق کرد خدا از چیزی و اینکه شاید بوده باشد که بتحقیق نزدیک
باشد زمان مرگ ایشان پس بکدام حکایت بعد از این قرآن ایمان میآورند ۱۸۵ هر کسرا که فرو گذارد خدا در گمراهی پس نیست راهنمائی برای
او و باز میگذارد خدا ایشانرا در طغیان خودشان سرگردان و حیران میگردند ۱۸۶ سؤال میکنند ترا از روز قیامت که چه وقتست آمدن آن روز

صفحهٔ صد و سی و ششم

بگو جز این نیست که علم آن نزد پروردگار من است روشن نمیکند وقوع قیامت را مگر خود او سنگین شد قیامت در آسمانها و زمین یعنی
بجهت عظمت روز قیامت سنگینی بر اهل آسمانها و زمین از جن و انس ظاهر شد نمیآید شما را قیامت مگر ناگهان ۱۸۷ سؤال میکنند مردم
از تو ای پیغمبر از قیامت گویا تو دوستداری سؤال از آن قیامت را بگو جز این نیست که علم آن نزد خداست و لیکن بیشتر از مردم نمیدانند
۱۸۸ بگو ای محمد مالک نیستم من از برای نفس خودم هیچ نفعی و نه هیچ ضرری مگر آنچه را بخواهد خدا و اگر بودم من که میدانستم غیب را هر آینه طلب
بسیاری کردمی از منفعت از مال و فتح و غنیمت و غیر آن و نمیرسید مرا بدی نیستم من مگر ترساننده و مژده دهنده از برای گروهیکه
ایمان میآورند ۱۸۹ اوست آنکسی که خلق کرد شما را از یکتن و گردانید از آن یکتن جفت او را یعنی حوا را تا اینکه آرام بگیرد آدم بصحبت
خود پس چون فرو پوشید آدم حوا را یعنی مباشرت و جفتی نمود حامله شد حوا یعنی آبستن شد حوا بنطفهٔ آدم آبستنی سبکی پس مستمر بود بآن
حمل پس چون سنگین شد خواندند آدم و حوا پروردگار خود را هر آینه اگر بدهی ما را صالحی یعنی فرزند صالحی هر آینه میباشیم ما البته از شکر
کنندگان ۱۹۰ پس چون داد پروردگار ایشانرا فرزند صالح گردانیدند از برای خدا شریکان در آنچه داد خدا ایشانرا یعنی اولادیکه بهم رسانیدند
اسامی آنها را شریک خدا قرار دادند مثل عبدالحارث و عبدالشمس و عبدالعزا پس برتر است خدا از آنچه شرک میورزند ۱۹۱ آیا شریک
میکنند آنچه را که خلق نمیکند چیزی را و ایشان خلق کرده میشوند و قدرت ندارند آن معبودین از برای مشرکین یاری و نه برای نفس خودشان یاری میکنند ۱۹۲ و اگر بخوانید
آن مشرکین را بسوی هدایت متابعت نمیکنند شما را مساویست بر شما چه بخوانید آنرا و چه نخوانید ۱۹۳ بدرستیکه آنکسانیرا که میخوانند از سوای خدا بندگانند
مانند شما پس بخوانید ایشانرا پس باید اجابت کنند شما را اگر هستید شما راستگویان ۱۹۴ آیا از برای ایشانست پاهائی که راه بروند بآن یا هست از برای آنها
دستهائیکه بگیرند بآن دستها یا از برای آنها چشمهائیست که ببینند بآن چشمها یا برای آنها گوشهائیست که بشنوند بآن گوشها بگو ای محمد بخوانید شریکان
خدای خود را بعد از آن حیله کنید مرا پس مهلت ندهید مرا یعنی چون یقینی است که خدایان شما هیچ نمی
توانند کرد بهیچ وجه باکی از عقاید و رفتار شما ندارم ۱۹۵ بدرستیکه دوست من خدای آنچنانیست که فرو فرستاد قرآنرا و او

صفحهٔ صد سی و هفتم

یاور نیکوکارانست ۱۹۶ و آنکسانیرا که میخوانید شما از غیر خدا قدرت ندارند بر یاری شما و نه نفسهای خود را یاری میکنند ۱۹۷
و اگر بخوانید شما ایشانرا بسوی راه راست نمی‌شنوند و می‌بینی ایشانرا که نظر میکنند بسوی تو و ایشان نمی‌بینند یعنی شعور و ادراک ندارند
۱۹۸ بگیر عفو را یعنی صفت گذشت و چشم پوشی اختیار کن و حکم بکن به نیکوئی و دوری کن یعنی رو بگردان از نادانان ۱۹۹ و اگر بر
انگیزاند تو را یعنی عارض شود بتو وسوسهٔ از شیطان پس پناه بجوی بخدا بدرستیکه خدا شنوندهٔ داناست ۲۰۰ بدرستیکه آنکسانیکه پرهیزکاری
کردند اگر برسد ایشانرا وسوسهٔ از شیطان یاد میکنند خدا را پس در آن هنگام ایشان بینا یانند ۲۰۱ و برادران ایشان یعنی کافران میکشانند ایشانرا
در گمراهی بعد از آن تقصیر نمیکنند یعنی دست از گمراهی ایشان برنمیدارند ۲۰۲ و اگر نیاوری ایشانرا معجزهٔ میگویند چرا فراهم نیاوردی
معجزهٔ را بگو ای پیغمبر جز این نیست متابعت میکنم من آنچه که وحی میشود بسوی من از جانب پروردگار خودم این قرآن بینائیها و دلیلها است
از جانب پروردگار شما و راه نما است و رحمت است از برای قومیکه ایمان میآورند ۲۰۳ و هنگامیکه خوانده میشود قرآن پس استماع
کنید یعنی طلب شنیدن کنید مر قرآنرا و خاموش باشید شاید شما رحم کرده شوید ۲۰۴ و ذکر بکن پروردگار خودت را در دل خودت از
روی زاری و ترس و سوای جهر از قول یعنی بطور بلند و فریاد ذکر خدا نکنید که ریا شود بلکه بطور خفا و آهستگی عرض عبودیت کنید در صبح و شام و نباشی
از بیخبران ۲۰۵ بدرستیکه آنکسانیکه نزد پروردگار تو هستند یعنی ملائکه طلب تکبر نمیکنند از عبادت کردن بخدا و تسبیح میکنند خدا را و از برای او سجده میکنند

سورهٔ انفال هفتاد و شش آیه و در مدینهٔ طیبه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

سؤال میکنند تو را از انفال یعنی از غنیمت بگو ای محمد انفال از برای خداست و رسول خداست پس بپرهیزید
از خدا و صلاح میان خودتان و اطاعت کنید خدا و رسول خدا را اگر هستید شما ایمان آورندگان ۲ بدرستی که مؤمنین

صفحهٔ صد سی و هشتم

آنانند اگر ذکر شود خدا بترسد دلهای ایشان و اگر خوانده شود بر ایشان آیات خدا که قرآنست زیاد میکند با ایشان ایمانرا و بر
پروردگار خودشان توکل میکنند ۳ آنکسانیکه برپا میدارند نمازرا و از آنچه روزی دادیم ما ایشانرا انفاق میکنند ۴
آن گروه ایشانند ایمان آورندگان براستی و درستی و از برای ایشانست درجاتی یعنی مراتبی نزد پروردگارشان آمرزش و روزی
نیکو ۵ همچنانکه بیرون کرد تو را پروردگار تو از خانهٔ خودت براستی و بدرستی که طایفهٔ از مؤمنین هر آینه کارهند یعنی از
رفتن بجنگ بدر ۶ مجادله میکنند تو را یعنی خصومت میکنند با تو در حق یعنی در جهاد کردن که حق است بعد از آنکه روشن شد با یشان که
جهاد حق است گویا رانده میشوند بسوی مرگ و ایشان نگاه میکنند ۷ و هنگامیکه وعده میکند خدا شما را یکی از دو طایفه یعنی طایفهٔ
کفار یا کاروان اینکه آن یکی از دو طایفه از برای شما است و دوست میدارید اینکه غیر صاحب شوکت بوده باشد از برای شما
یعنی دوست آنکه برای شما است صاحب شوکتی نباشد که بتوانید رایگان با ایشان غلبه کنید و میخواهد خدا اینکه ثابت کند حق را
بسبب کلمات و آیات خودش و ببرد بیخ و بن کافرانرا ۸ تا اینکه ظاهر کند حق را و ضایع کند باطل را یعنی کفر را اگرچه کراهت دارند
گناهکاران ۹ وقتیکه طلب فریادرسی میکردید پروردگار خودتانرا پس مستجاب کرد خدا از برای شما اینکه من مدد کنندهٔ ام شما را
بهزار عدد از ملائکه حال کوئی صف کشیده باشند ۱۰ و نگردانید آن امداد را خدا مگر مژدهٔ و تا اینکه مطمئن باشد بسبب آن امداد دلهای
شما و نیست یاری مگر از جانب خدا بدرستیکه خدا غالب درست کار است ۱۱ وقتیکه فرو پوشید بر شما خواب سبک بجهة ایمنی از نزد خدا و فرود
فرستد بر شما از آسمان آب را تا اینکه پاک کند شما را بآن آب و ببرد از شما وسوسهٔ شیطانرا و تا اینکه به بندد بر دلهای شما امیدواری
و ثابت بکند بآن آب یعنی با آن باران محل قدمهای شما را ۱۲ وقتیکه وحی میکند پروردگار تو بسوی ملائکه اینکه من با شما هستم پس ثابت بگردانید قدمهای
آنکسانیرا که ایمان آوردند زود باشد که بیندازم من در دلهای آنکسانیکه کافر شدند ترس را پس بزنید بالای گردنهای ایشان را و بزنید
از ایشان تمام انگشتانشان را این زدن و قطع کردن بسبب این است که ایشان مخالفت کردند خدا و رسول خدا را

و هر کس مخالفت

وهر کس مخالفت کند خدا و رسول او را پس بدرستیکه خدا سخت عقوبتست ۱۴ اینست عقاب شما ای مشرکین پس بچشید آن را
و بدرستیکه از برای کافرانست عذاب آتش ۱۵ ای آنکسانیکه ایمان آورده‌اید اگر ملاقات کنید آنکسانیرا که کافر شدند در حالت جمعیت پس
بگردانید بر ایشان پشت‌ها را یعنی از جمعیت کفار بیم ندارید و از جلو آنها فرار نکنید ۱۶ و هر کس بگرداند بکفار در آن روز پشت خود را مگر
اینکه میل کننده باشد از برای جنگ یا پناه جوینده بسوی گروهی دیگر یعنی از میمنه بمیسره یا بعکس آن پس بتحقیق بازگرد بغضبی از
خدا یعنی در روز جنگ پشت بدشمن نکنید برای فرار مگر اینکه بطرف میمنه و میسره بکمک یکدیگر بروید و اگر پشت بجنگ کنند منزل
او جهنم است و بد جایگاهی است و بازگشتی است جهنم ۱۷ پس نکشتید شما ایشانرا و لیکن خدا کشت ایشانرا و تیر نینداختی
تو وقتی که تیر انداختی و لیکن خدا تیر انداخت و تا اینکه عطا کند خدا مؤمنین را از جانب خودش عطای نیکو بدرستیکه خدا
شنونده و داناست ۱۸ اینست جنگ کردنی که دیدید و بدرستی که خدا سست کننده است مکر کفار را ۱۹ اگر طلب فتح
میکنید شما کفار پس بتحقیق آمده شما را فتح یعنی فتح دین مبین و اگر باز ایستید ای کافران از کفر خودتان و دشمنی به پیغمبر پس آن
بهتر است از برای شما و اگر برگردید بجنگ مسلمانان برمیگردیم ما و بی نیاز نمیکند از شما جمعیت شما چیزیرا و اگرچه جمعیت شما
بسیار باشد و بدرستیکه خدا با مؤمنین است ۲۰ ای آنکسانیکه ایمان آوردید اطاعت کنید خدا و رسول خدا را و پشت
نگردانید از امر خدا و حال اینکه شما میشنوید مواعظ خدا را ۲۱ و نباشید مثل آنکسانیکه گفتند شنیدیم ما و حال اینکه ایشان نمیشنوند
۲۲ بدرستیکه بدترین جنبندگان نزد خدا کران و گوران آنچنانی هستند که عقل ندارند یعنی تفکر و تعقل در امر الهی نمیکنند ۲۳ و اگر میدانست
خدا در آن اشخاص بتعقل خیری را هر آینه می‌شنوانید ایشانرا و اگر میشنوانید ایشانرا هر آینه پشت میکردند و حال اینکه ایشان اعراض کننده
بودند ۲۴ ای آنکسانیکه ایمان آوردید اجابت کنید خدا را و پیغمبر را وقتی بخواند شما را بچیزیکه زنده میکند شما را که آن ایمانست و
بدانید اینکه خدا حایل میشود میان مرد و قلب او یعنی خدا نزدیکتر است بقلب ایشان از هر چیز و اینکه بسوی خدا محشور میشوید ۲۵
و بپرهیزید از عذابیکه نمیرسد البته آنکسانیرا که ظلم کردند از شما مخصوصاً یعنی بپرهیزید از گناهیکه اگر برسد عذاب مخصوص ظلم کنندگان نیست بلکه نعوذ بالله بعموم مردم میرسد و بدانید بدرستیکه خدا سخت عقوبتست ۲۶ و ذکر کنید

وقتیکه شما کم بودید و بیچارگان بودید در زمین یعنی زمین مکه میترسیدید اینکه بربایند شما را مردم یعنی بتازند مشرکان بر شما پس جای داد خدا
شما را یعنی مدینه و مؤید ساخت شما را بسبب نصرت و یاری خودش و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها یعنی از غنیمت‌های نفیسه شاید شما شکر کنید
۲۷ ای آنکسانیکه ایمان آوردید خیانت نکنید بخدا و برسول خدا و خیانت نکنید در امانتهای خودتان و حال اینکه شما میدانید که وبال خیانت بسیار است
۲۸ و بدانید جز این نیست مالهای شما و اولاد شما آزمایش است و بدرستیکه خدا نزد او است اجر بزرگ ۲۹ ای آنکسانیکه ایمان آوردید اگر
بپرهیزید از خدا میگرداند از برای شما فرقانی یعنی جدا کند حق را از باطل و میپوشاند از شما بدیهای شما را و میآمرزد شما را و خدا صاحب نعمت
بزرگست ۳۰ و هنگامیکه مکر میکنند بتو آن کسانیکه کافر شدند تا اینکه نگاهدارند تو را ای پیغمبر یا بکشند تو را یا بیرون کنند تو را از مکان
خودت و مکر میکنند کفار و مکر میکنند یعنی جزای مکر ایشانرا خدا میدهد و خدا بهترین جزا دهندگان مکر است ۳۱ و چون خوانده شود بر ایشان
آیات ما گویند بتحقیق شنیدیم ما اگر بخواهیم هر آینه بگوئیم ما مثل این قرآن نیست این قرآن مگر قصه‌های پیشینیان ۳۲ و هنگامیکه گفتند بار خدایا
اگر هست این قرآن راست و درست و فرود آمده است از جانب تو پس بباران بر ما سنگ از آسمان یا بیاور بر ما عذابی دردناک ۳۳ و
نبود خدا که عذاب کند ایشانرا و حال اینکه تو پیغمبر در میان ایشان باشی و نیست خدا عذاب کننده ایشان و حال اینکه ایشان استغفار میکنند ۳۴
و چه چیز است از برای ایشان اینکه عذاب نکند ایشانرا خدا و حال اینکه ایشان باز میدارند مردمانرا از مسجد الحرام و نمیشدند ایشان متولیان مسجد
الحرام نمیشدند متولیان مسجد الحرام مگر پرهیزکاران و لیکن بیشتر از ایشان نمیدانند ۳۵ و نیست نماز ایشان نزد خانهٔ خدا مگر صفیر زدن
و دست بدست زدن یعنی طریقهٔ کفار این بود که در وقت نماز صفیر میزدند و دست بدست و بطور لهو و لعب حرکت
میکردند پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید که کافر شدید ۳۶ بدرستیکه آن کسانی که کافر شدند انفاق میکنند
اموال خود شانرا تا اینکه باز دارند مردم را از راه خدا پس زود باشد که انفاق کنند ایشان اموال خود را بعد از آن باشد

برایشان حسرت بعد از آن مغلوب کردند ۳۷ و آنکسانیکه کافر شدند بسوی جهنم حشر کرده شوند یعنی جمع شوند در جهنم ۳۸ تا اینکه تمیز بدهد خدا ناپاک را از پاک
و بگرداند خدا ناپاک را بعضی را بر بعضی یعنی جمع کند کفار را پس بر هم آن کفار را جمیعاً پس در آورد همه را در جهنم آنگروه ایشانند زیانکاران ۳۹ بگو
آنجمع از برای کسانیکه کافر شدند اگر باز گردند ایشان آمرزیده میشود از برای ایشان آنچه را که بتحقیق گذشت عادت پیشینیان یعنی گذشته است سنت الهی
و عادت ربانی در بارهٔ پیشینیان که لشکرکشی کردند و آخر مستاصل شدند ۴۰ و جنگ کنید با کفار تا اینکه نباشد فتنه و باشد همه دین از برای خدا پس اگر
باز ایستند و جنگ نکنند پس بدرستی که خدا بهر چه میکنند بیناست ۴۱ و اگر برگردند کفار بسوی خدا پس بدانید که خدا یاور شما است خوب دوستی است و
خوب یاری کننده ایست ۴۲ و بدانید که آنچه غنیمت گرفتید از چیزی پس بدرستیکه از برای خداست خمس آن و از برای رسول خداست و از برای
ذی القربی یعنی خویشان و یتیمان و فقرا و ابن السبیل یعنی پیاده که در راه باشد اگر هستید شما که ایمان آوردید شما بخدا و بآنچه فرو فرستادیم بر بنده
خود مان روز فرقان یعنی در روز بدر که جدا شدن حق از باطل در آن روز واقع شد در روزیکه دو گروه کافران و مسلمانان که آن روز جمعه بود و خدا بر همه چیز قادر
است ۴۳ یاد کنید وقتیکه بودید شما بوادی که نزدیکتر بود بمدینه و زمین ریگستانی بود که در آنجا پا بزمین فرو میرفت و آب نداشتند و ایشان یعنی کافران
و دشمنان در وادی دورتر بودند که زمین سختی بود و آب هم داشتند و سواران پائین تر از شما بودند و اگر وعده جنگ میکردید با کفار هر آینه اختلاف
میکردید شما در وعدهٔ خودتان بجهة اینکه کفار بیشتر جمعیت داشتند و مسلح بودند و لیکن تا حکم کند کاری را که بود کرده شده یعنی ثابت و کائن بود در علم خدا
که اعزاز اسلام و اذلال مذهب کفر است ۴۴ تا هلاک شود هر که هلاک شود از حجتی روشن و زنده شود از حجتی هویدا یعنی واقعهٔ روز بدر معجزه
بود آشکار در آن روز بعد از بروز آن معجزه هر کس هلاک شدنی بسبب کفر هلاک شد که بکفر خود باز ماند و هر که زنده شدنی بود بسبب اسلام
زنده شد و در اسلام خود ثابت ماند و بدرستیکه خدا هر آینه شنوندهٔ داناست ۴۵ یاد بیاور چون مینمود خدا لشکر کفار را در
خواب بتو کمی و اگر مینمود آن لشکر را بسیار هر آینه بد دل می شدید ای اصحاب و هر آینه اختلاف میکردید در کار قتال که آیا حرب بکنیم
یا نکنیم و لیکن خدا بسلامت داشت شما را از بد دلی بدرستی که خدا داناست بآنچه در سینه هاست ۴۶ و یاد آور وقتی که مینمود
خدا دشمنان را بشما هنگامیکه ملاقات کردید و بهم رسیدید در چشمهای شما کمی و اندک گردانید شما را در چشمهای دشمنان که دلیر شدند و بجنگ شما اقدام
نمودند تا اینکه حکم کند خدا کاری را که بود کرده شده یعنی بعد از اشتغال بجنگ عدد مؤمنین دو برابر بچشم دشمنان آمد و شکست خوردند و فتح با مسلمانان شد

و بسوی — صفحهٔ صد و چهل و دوم — خدا

بر میگردد کارها ۴۷ ای کسانیکه ایمان آوردید اگر دیدید گروهی را از کفار که قصد جنگ کردن با شما نمایند پس ثابت باشید و محکم باشید
و ذکر کنید خدا را بسیار شاید شما رستگار شوید ۴۸ و اطاعت کنید خدا و رسول خدا را و اختلاف نکنید پس بد دل شوید و بر باد رود از شما دولت شما
و صبر کنید بدرستیکه خدا با صبر کنندگانست ۴۹ و نباشید شما مثل آنکسانیکه بیرون رفتند از خانهای خود شان از روی سرکشی و خودنمائی بر مدینه
مردم یعنی شما ها مثل ابوجهل و سایر کفار قریش نباشید که بیرون میآمدند از مکه برای خودنمائی و باز میداشتند آن کفار مردم را از راه خدا و خدا بآنچه می کنند
احاطه کننده است یعنی آگاه است ۵۰ و یاد آور وقتیکه زینت داد از برای ایشان یعنی کفار شیطان عملهای ایشان را و گفت نیست غلبه از برای شما امروز
از مردم یعنی کسی بر شما غلبه نخواهد کرد و بدرستیکه من فریادرسم از برای شما پس چون دیدند هر دو لشکر یکدیگر را برگشت شیطان بر دو پاشنه های خود و گفت بدرستیکه
من بیزارم از شما بدرستیکه من می بینم چیزی را که نمی بینید شما یعنی فوج ملائکه را که بکمک مسلمانان آمده بودند شیطان میدید بدرستیکه من میترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است
۵۱ یاد کنید وقتیکه میگفتند منافقان و آنکسانیکه در دلهای ایشانست مرضی فریفته است این گروه را یعنی مسلمانان را دینشان که با جمعیت اندک در مقابل
لشکر بسیار ایستاده جنگ میکنند و هر کس توکل کند بر خدا پس بدرستیکه خدا غالب درست کار است ۵۲ و اگر میدیدید وقتیکه میمیرانند آنکسانی را که کافر شدند
فرشتگان اعوان ملک الموت که در بدر حاضر بودند میزدند با عمودهای آتشی روهای ایشان و پشتهای ایشان را و میگفتند بچشید عذاب سوزان را ۵۳ این
زدن با عمودهای آتشین بسبب آنچیز است که پیش فرستاده است دستهای شما و بدرستیکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را ۵۴ مثل عادت متابعان فرعون و آنکسانیکه قبل از
ایشان بودند کافر شدند بآیات خدا پس گرفت ایشان را خدا بسبب گناهانشان بدرستیکه خدا توانا و سخت عقوبت است ۵۵ این عقوبت پیشینیان بسبب آنست که خدا
تغییر دهنده نعمتی را که انعام کرد آنرا بر طایفهٔ تا وقتی که تغییر دهند آنچه بنفسهای ایشانست و اینکه خدا شنوندهٔ داناست ۵۶ مثل عادت قوم فرعون و آن
کسانیکه بودند پیش از ایشان تکذیب کردند آیات پروردگار خود شان را پس هلاک کردیم ما ایشان را بسبب گناهانشان و غرق کردیم ما آل

فرعون را

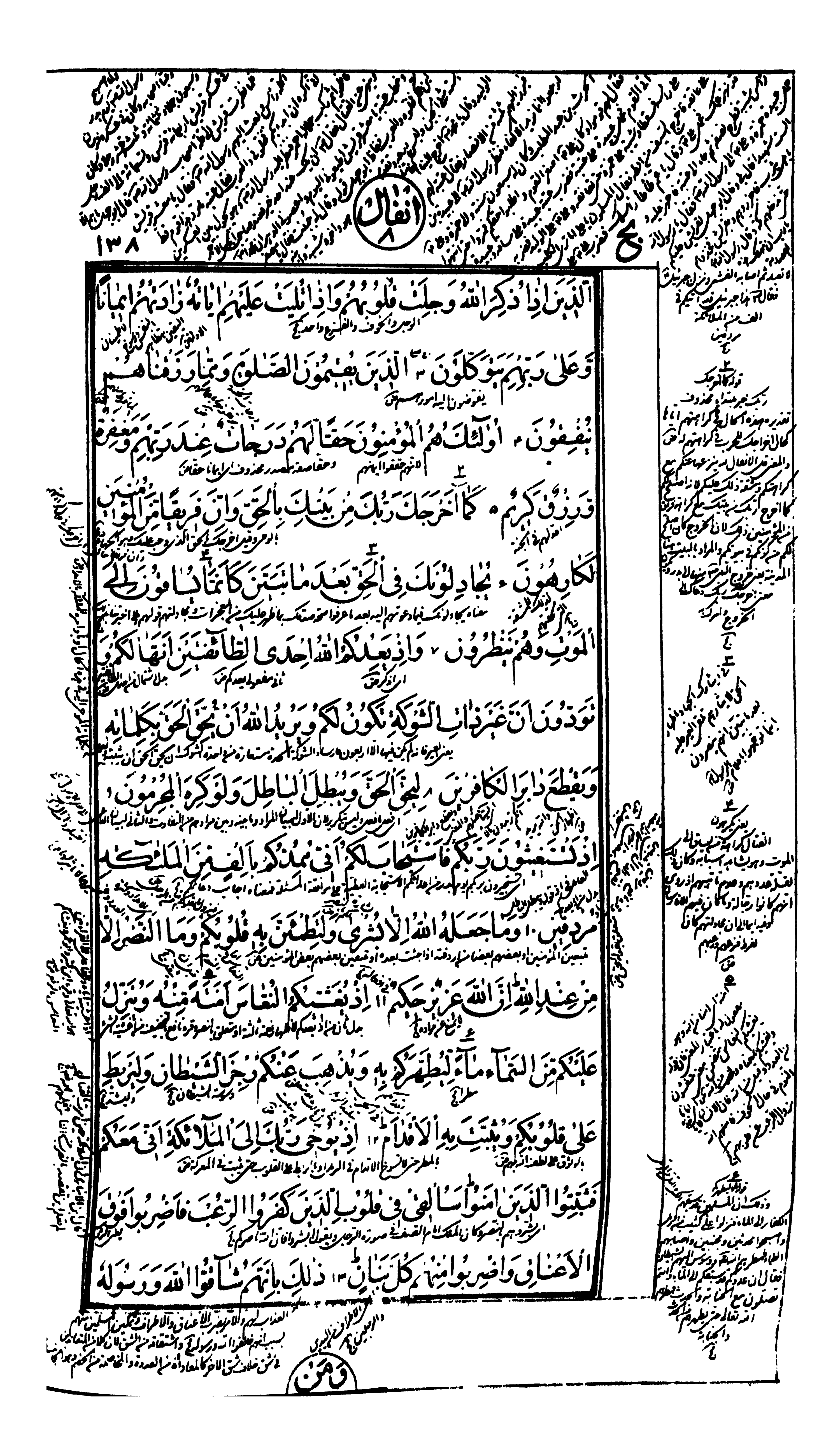


يتولى الصالحين ١٩٦ والذين تدعون من دونه لا يستطيعون نصركم
ولا أنفسهم ينصرون ١٩٧ وإن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعوا وتراهم
ينظرون إليك وهم لا يبصرون ١٩٨ خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض
عن الجاهلين ١٩٩ وإما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله إنه
سميع عليم ٢٠٠ إن الذين اتقوا إذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فإذا
هم مبصرون ٢٠١ وإخوانهم يمدونهم في الغي ثم لا يقصرون ٢٠٢ وإذا
لم تأتهم بآية قالوا لولا اجتبيتها قل إنما أتبع ما يوحى إلي من ربي هذا
بصائر من ربكم وهدى ورحمة لقوم يؤمنون ٢٠٣ وإذا قرئ القرآن
فاستمعوا له وأنصتوا لعلكم ترحمون ٢٠٤ واذكر ربك في نفسك تضرعا
وخيفة ودون الجهر من القول بالغدو والآصال ولا تكن من الغافلين
إن الذين عند ربك لا يستكبرون عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون ٢٠٦

سورة الأنفال مدنية وهي ست وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يسألونك عن الأنفال قل الأنفال لله والرسول فاتقوا الله وأصلحوا
ذات بينكم وأطيعوا الله ورسوله إن كنتم مؤمنين ١ إنما المؤمنون



الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا
وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ٣ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ ٤ أُولٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ٥ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
لَكَارِهُونَ ٦ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى
الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ٧ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللّٰهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ
تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللّٰهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ
وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ٨ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ٩
إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُرْدِفِينَ ١٠ وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا
مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ١١ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ
عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ
عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ١٢ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ
فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ
الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ١٣ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ

ومن يشاقق الله ورسوله فان الله شديد العقاب ١٤ ذلكم فذوقوه و

ان للكافرين عذاب النار ١٥ يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم الذين كفروا

زحفا فلا تولوهم الادبار ١٦ ومن يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال

او متحيزا الى فئة فقد باء بغضب من الله وماوه جهنم وبئس المصير ١٧

فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى و

ليبلي المؤمنين منه بلاء حسنا ان الله سميع عليم ١٨ ذلكم وان الله موهن

كيد الكافرين ١٩ ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وان تنتهوا فهو خير

لكم وان تعودوا نعد ولن تغني عنكم فئتكم شيئا ولو كثرت وان الله

مع المؤمنين ٢٠ يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله ورسوله ولا تولوا عنه

وانتم تسمعون ٢١ ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا وهم لا يسمعون ٢٢ ان

شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون ٢٣ ولو علم الله

فيهم خيرا لاسمعهم ولو اسمعهم لتولوا وهم معرضون ٢٤ يا ايها الذين

امنوا استجيبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم واعلموا ان الله

يحول بين المرء وقلبه وانه اليه تحشرون ٢٥ واتقوا فتنة لا تصيبن

الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا ان الله شديد العقاب ٢٦ واذكروا

اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ
فَاٰوٰيكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهٖ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٢٧ يَا
اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَخُونُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا اَمَانَاتِكُمْ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٨
وَاعْلَمُوا اَنَّمَا اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاَنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗ اَجْرٌ عَظِيمٌ ٢٩ يَا اَيُّهَا
الَّذِينَ اٰمَنُوا اِنْ تَتَّقُوا اللّٰهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ
لَكُمْ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ٣٠ وَاِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ اَوْ
يَقْتُلُوكَ اَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ٣١ وَاِذَا
تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هٰذَا اِنْ هٰذَا اِلَّا
اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ ٣٢ وَاِذْ قَالُوا اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هٰذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ
فَاَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ اَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ اَلِيمٍ ٣٣ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
وَاَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللّٰهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ٣٤ وَمَا لَهُمْ اَلَّا يُعَذِّبَهُمُ
اللّٰهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا اَوْلِيَاءَهٗ اِنْ اَوْلِيَاؤُهٗ اِلَّا
الْمُتَّقُونَ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٣٥ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ
اِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ٣٦ اِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا يُنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ

صفحهٔ صد و چهل و سوم

فرعون را و همه بودند ستمکاران ۵۷ و بدرستیکه بدترین جنبندگان نزد خدا آنکسانی هستند که کافر شدند پس ایشان نمیگروند ۵۸
و آنکسانیکه عهد گرفتی از ایشان بعد از آن پس شکستند عهد خودشانرا در هر دفعهٔ که عهد بستند و ایشان پرهیز نمیکنند ۵۹ پس
اگر دریابی ایشانرا در جنگ پس رمیده کن یعنی بتازان بسبب قتل ایشان هرکس را پشت سر ایشانست شاید ایشان پند بگیرند
۶۰ و اگر ترسی از طایفهٔ خیانتی را البته پس بینداز بسوی ایشان بر مساوات یعنی الفت و مهربانی و دوستی و مساوات بینداز
میانهٔ خودت با ایشان بدرستیکه خدا دوست نمیدارد خیانت کاران را ۶۱ و گمان نکنند البته آن کسانیکه کافر شدند پیشی
گرفتند یعنی قوت و قدرتی حاصل کردند بدرستیکه ایشان عاجز نمیکنند ما را ۶۲ و آماده کنید شما مؤمنین از برای ایشان
آنچه را که استطاعت دارید از مهیا کردن اسباب جنگ که موجب قوة و قدرت شماست و از اسبهای بسته یعنی اسبهائی
که چابک و پر قوتند بترسانید باین استعداد و اسب و اسباب خودتان دشمنان خدا و دشمنان خودتانرا و دیگر دشمنانرا از غیر
کفار مکه که نمیدانید شما ایشانرا خدا میداند ایشانرا یعنی یهود بنی قریظه را و آنچه نفقه کنید از چیزیکه دارید در راه خدا وفا میکند
خدا بسوی شما یعنی تمام میدهد خدا آنچیز را که نفقه کرده اید شما و شما ظلم کرده نمیشوید ۶۳ و اگر میل کنند مشرکان بصلح پس
میل کن تو ای محمد برای صلح و توکل کن بخدا بدرستیکه آنخدا اوست شنونده دانا ۶۴ و اگر اراده میکنند اینکه بفریبند ترا پس
بدرستیکه بس است ترا خدا از خدای آنچنانیکه قوت داد ترا بسبب نصرت کردن و یاری کردن خودش بسبب فرشتگان و مؤمنین
یعنی اوس و خزرج و الفت انداخت میانه دلهای اوس و خزرج که صد و بیست سال میانهٔ آنها قتال و جدال و عداوت بود اگر
انفاق میکردی یعنی میدادی هرچه را که در زمین است همه را الفت نمیدادی یعنی قادر نبودی که الفت بدهی میان دلهای ایشان ولیکن خدا
الفت داد میانهٔ ایشان بدرستیکه خدا غالب درستکار است ۶۵ ای پیغمبر بس است ترا خدا و هرکه متابعت میکند ترا از مؤمنین ۶۶
ای پیغمبر تحریص کن مؤمنین را بر جنگ اگر باشد از شما بیست نفر صبر کنندگان غلبه میکنند دویست نفر را و اگر باشد از شما صد نفر غالب میشوند
هزار نفر از آنکسانیکه کافر شدند بسبب اینکه ایشان قومی هستند که نمی فهمند یعنی کفار فهم ندارند ۶۷ الحال سبک گردانید خدا

صفحهٔ صد و چهل و چهارم

از شما و دانست اینکه در شما هست ضعفی پس اگر باشد از شما صد نفر صبر کننده یعنی پایدار در معرکه غلبه میکنند دویست نفر را و اگر باشد
هزار نفر غلبه میکنند دو هزار نفر را باذن خدا و خدا با صبر کنندگانست ۶۸ نیست از برای هیچ پیغمبری اینکه باشد از برای او
اسیران تا اینکه بکشد در زمین یعنی هیچ پیغمبری نباید اسیر زیاد بگیرد که از آنها فدا بگیرد یا بسبب ایشان بکشد مردم در زمین اراده می
کنید شما مال دنیا را و خدا اراده میکند آخرت را و خدا غالب درستکار است ۶۹ اگر نبود فرمانی از خدا که پیش
گرفته یعنی اگر نبود در عالم زر فرمان خدا در گرفتن فدیه و نهی نشده بود هر آینه میرسید شما را در آنچه گرفتید از خدا عذابی بزرگ
چه درباره اسرای بدر میل پیغمبر بکشتن آنها بود و چون مسلمانان مخیر بودند در کشتن و فدیه گرفتن میل آنها بفدا گرفتن بود و فدیه گرفتند
از ایشان و از کشتن ایشان درگذشتند بعد از نزول این آیه دست از فدیه گرفتن کشیدند و احتیاط کردند بعد این آیه نازل شد ۷۰ پس
بخورید از آنچه گرفتید یعنی از فدیه حلال پاک و بپرهیزید از خدا بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ۷۱ ای پیغمبر بگو از برای کسانیکه
در دست شما هستند از اسیران اگر بداند خدا در دلهای شما نیکی را میدهد شما را بهتر از آنچه گرفته شد از شما و بیامرزد شما را و خدا آمرزنده
مهربانست ۷۲ و اگر اراده میکنند خیانت کردن ترا پس بتحقیق خیانت کردند خدا را از پیش پس مسلط کرد خدا ترا بر ایشان و خدا دانا و حکیم است ۷۳
بدرستیکه آنکسانیکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند با مالهای خودشان و نفسهای خودشان در راه خدا و آنکسانیکه جا دادند مهاجرین
را و یاری کردند آنگروه بعضی از ایشان دوستان بعضی دیگر هستند و آنکسانیکه ایمان آوردند و هجرت نکردند نیست از برای شما از دوستی ایشان
چیزی تا اینکه هجرت کنند و اگر طلب یاری کنند شما را در دین پس بر شماست یاری کردن مگر بر طایفهٔ که میانهٔ شما و میان ایشان عهدیست و خدا بآنچه میکنید
بیناست ۷۴ و آنکسانیکه کافر شدند بعضی دوستان بعضی دیگرند اگر نکنید دوستی با یکدیگر حاصل شود فتنه در زمین و فساد بزرگی در دین ۷۵ و آنکسانیکه ایمان
آوردند و هجرت کردند و جنگ کردند در راه خدا و آنکسانیکه جای دادند شما را و یاری کردند آن گروه ایشانند مؤمنین براستی و درستی

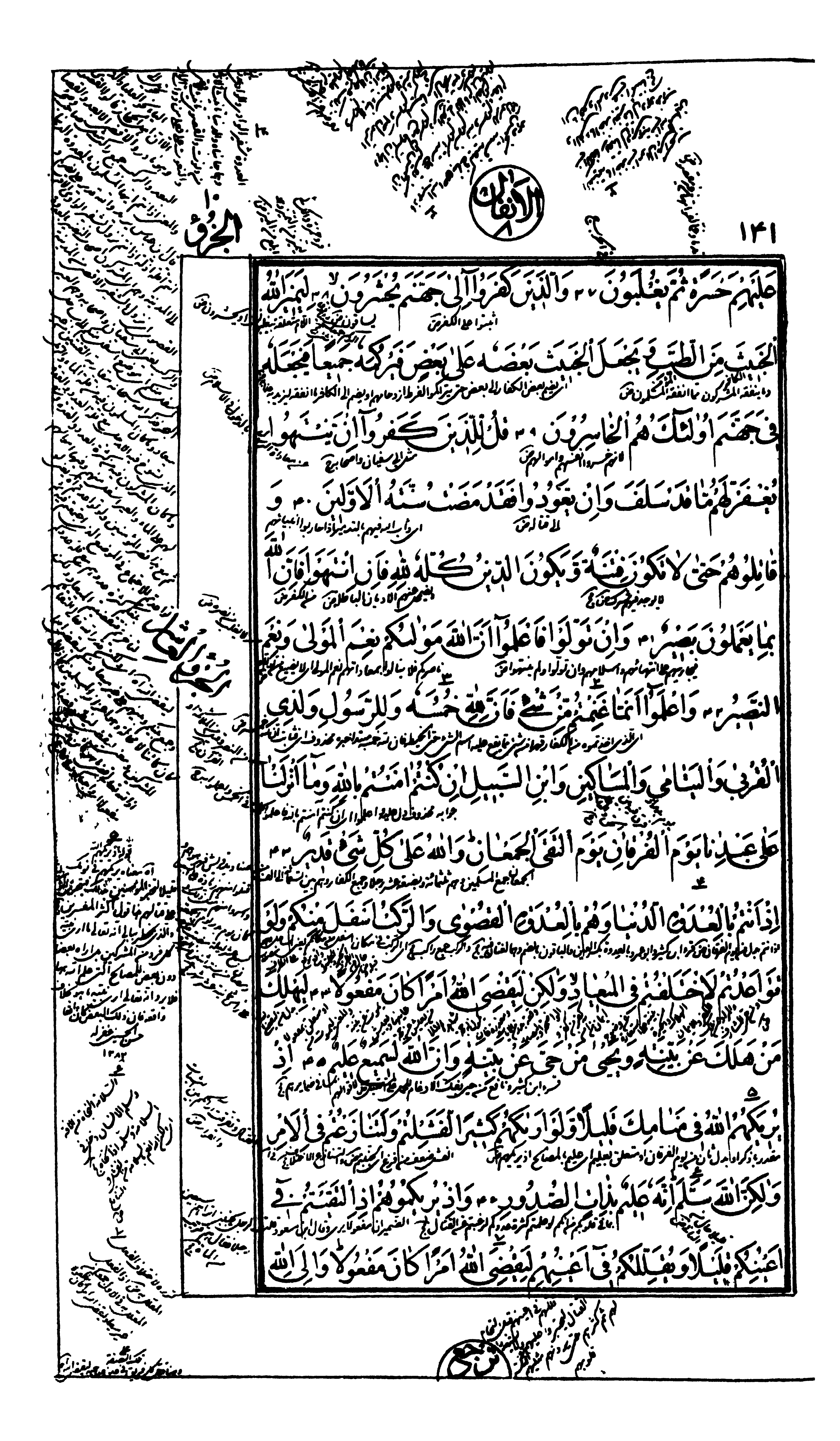
از برای ایشانست آمرزش و روزی نیکو ۷۴ و آنکسانیکه ایمان آوردند از بعد از صلح حدیبیه و هجرت کردند از مکه و جهاد کردند همراه شما
پس آنگروه از شمایند و صاحبان رحمها یعنی خویشان یکدیگرند بعضی از ایشان سزاوارترند ببعضی دیگر در میراث گرفتن در کتاب خدا
بدرستیکه خدا بهر چیزی داناست

سورهٔ توبه یکصد و سی آیه و در مدینه نازل شده

این سورهٔ بیزاری است از خدا و رسول خدا بسوی آن کسانیکه عهد بستید شما از مشرکین ۲ پس سیر کنید در زمین چهار ماه و بدانید
بدرستی که شما عاجز نمیتوانید بکنید خدا و بدرستیکه خدا رسوا کننده است کافرین را ۳ و اعلانست از
خدا و رسول خدا بسوی مردم روز حج بزرگ یعنی عید قربان اینکه خدا و رسول خدا بری اند از مشرکین پس
اگر توبه کنید بهتر است از برای و اگر برگردید شما از توبه کردن پس بدانید بدرستی که شما عاجز نمیکنید خدا را و مژده
بده آن کسانیرا که کافر شدند بعذاب دردناک ۴ مگر آنکسانی که عهد بستید شما با ایشان از مشرکین پس کم نکردند
شما را از شرایط عهد هیچ چیز را و پشتی نکردند بر شما احدی را یعنی با حدی از دشمنان شما کمک نکردند پس تمام کنید
بسوی ایشان عهدشان را تا مدت ایشان یعنی چهار ماه مدت مقرره بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزکاران را
۵ پس وقتیکه گذشتند ماههای حرام پس بکشید مشرکین را هر جا یافتید شما ایشانرا و بگیرید ایشانرا و محاصره کنید ایشانرا
بنشینید از برای ایشان در همهٔ کمینگاهها پس اگر توبه کردند و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را پس خالی کنید راه ایشانرا یعنی
متعرض ایشان نشوید هر جا خواهند بروند بدرستیکه خدا آمرزندهٔ مهربانست ۶ و اگر یکی از مشرکین پناه بجوید تو را ای پیغمبر
پس پناه بده او را تا اینکه بشنود کلام خدا را بعد از آن برسان او را بمنزل خودش این امان دادن
و رساندن مأمن آنها را بسبب آنست که ایشان قومی هستند که نمیدانند حقیقت ایمان را ۷
چگونه میباشد از برای مشرکین عهدی در نزد خدا و رسول خدا مگر آنکسانیکه عهد بستید شما با ایشان نزدیک

صفحهٔ صد و چهل و ششم

مسجد الحرام پس مادامی که مستقیم شدند برای شما پس مستقیم شوید شما برای ایشان بدرستی که خدا دوست میدارد پرهیزکاران را ۸
چگونه و اگر ظفر یابند بر شما رعایت نمی‌کنند در حق شما وفای پیمانی و نه عهدی را راضی میکنند شما را بحرفهای زبانی خودشان
و ابا و نافرمانی میکند دلهای ایشان و بیشتر ایشان فسق کنندگانند ۹ خریدند آیات خدا را بقیمت کمی پس اعراض کردند از راه خدا بدرستی
که ایشان بد کاری میکنند ۱۰ مراعات نمیکنند مشرکان در حق هیچ مؤمنی قسمی و نه عهدی را و آن گروه ایشانند درگذشتگان ۱۱
پس اگر توبه کردند و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را پس برادران شمایند در دین و تفصیل میدهیم آیاترا از برای قومیکه میدانند
۱۲ و اگر بشکنند کفار قسمهای خودشانرا از بعد از عهد کردن خودشان و طعن بزنند در دین شما پس بکشید پیشوایان کفر را
بدرستیکه ایشان نیست قسمی و سوگندی از برای ایشان شاید ایشان باز ایستند ۱۳ آیا جنگ نمیکنید با طایفه که شکستند
قسمهای خود را یعنی آن طایفه که در حدیبیه عهد بستند و عهد خود را شکستند و سعی و اهتمام کردند به بیرون کردن رسول خدا
از مکه و ایشان ابتدا کردند بشما در شکستن عهد اول دفعه آیا میترسید از ایشان پس خدا سزاوارتر است از اینکه بترسید از او اگر هستید
شما ایمان آورندگان ۱۴ جنگ کنید با ایشان عذاب میکند خدا ایشانرا بدستهای شما و رسوا میکند ایشانرا و نصرت میدهد شما را
بر ایشان و شفا میدهد سینه‌های گروه مؤمنین را ۱۵ و میبرد خدا غیظ قلبهای ایشانرا یعنی کینهٔ کفار را خدا از دل آنها بیرون میکند
و قبول توبه میکند خدا بر هر که میخواهد و خدا دانای درستکار است ۱۶ آیا گمان میکنید شما مؤمنین اینکه واگذارده میشوید باین حالتی
که هستید و گمان میکنید اینکه ندانسته است خدا آن کسانیرا که جهاد کردند از شما و نگرفتند سوای خدا و رسول او و مؤمنین
دوست نهانی و خدا داناست بآنچه میکنید یعنی خدا میداند شما مؤمنین کدام جهاد کنید و صید بقید و کفار را دوست خود قرار
میدهید و کدام بر خلاف این هستید و برای هر کدام سزا از خیر و شر خواهد داد ۱۷ سزاوار نیست از برای مشرکین اینکه تعمیر کنند
مسجدهای خدا را در حالیکه شاهد باشید بکفر او یعنی خود را کافر بدانند و ساجد اصنام باشند آنگروه ضایع و باطل شد اعمال ایشان



عليهم حسرة ثم يغلبون ٣٦ والذين كفروا الى جهنم يحشرون ٣٧ ليميز الله
الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله
في جهنم اولئك هم الخاسرون ٣٨ قل للذين كفروا ان ينتهوا
يغفر لهم ما قد سلف وان يعودوا فقد مضت سنت الاولين ٣٩ و
قاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله فان انتهوا فان الله
بما يعملون بصير ٤٠ وان تولوا فاعلموا ان الله مولىكم نعم المولى ونعم
النصير ٤١ واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله خمسه وللرسول ولذي
القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل ان كنتم امنتم بالله وما انزلنا
على عبدنا يوم الفرقان يوم التقى الجمعان والله على كل شيء قدير ٤٢
اذ انتم بالعدوة الدنيا وهم بالعدوة القصوى والركب اسفل منكم ولو
تواعدتم لاختلفتم في الميعاد ولكن ليقضي الله امرا كان مفعولا ٤٣ ليهلك
من هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة وان الله لسميع عليم ٤٤ اذ
يريكهم الله في منامك قليلا ولو اريكهم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم في الامر
ولكن الله سلم انه عليم بذات الصدور ٤٥ واذ يريكموهم اذ التقيتم في
اعينكم قليلا ويقللكم في اعينهم ليقضي الله امرا كان مفعولا والى الله

تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝٤٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا
اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝٤٥ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا
فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝٤٦ وَلَا تَكُونُوا
كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝٤٧ وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ
لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ
وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ
الْعِقَابِ ۝٤٨ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَٰؤُلَاءِ
دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝٤٩ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى
الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ
الْحَرِيقِ ۝٥٠ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝٥١ كَدَأْبِ
آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ
إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝٥٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا
عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝٥٣ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ
وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ

فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ٥٤ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا

فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٥٥ الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ

مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ٥٦ فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ

يَذَّكَّرُونَ ٥٧ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ

لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ٥٨ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ٥٩

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ

وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ٦٠ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ

لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦١ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ

يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ٦٢ وَأَلَّفَ

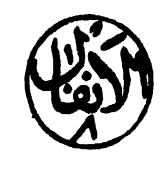
بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ

لَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٦٣ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ

اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٦٤ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ

يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ٦٥ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ



عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ

إِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ٦٦ مَا

كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ

الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٦٧ لَّوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ

لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٦٨ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٦٩ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن

يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَّحِيمٌ ٧٠ وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَ

اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٧١ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ

أَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ

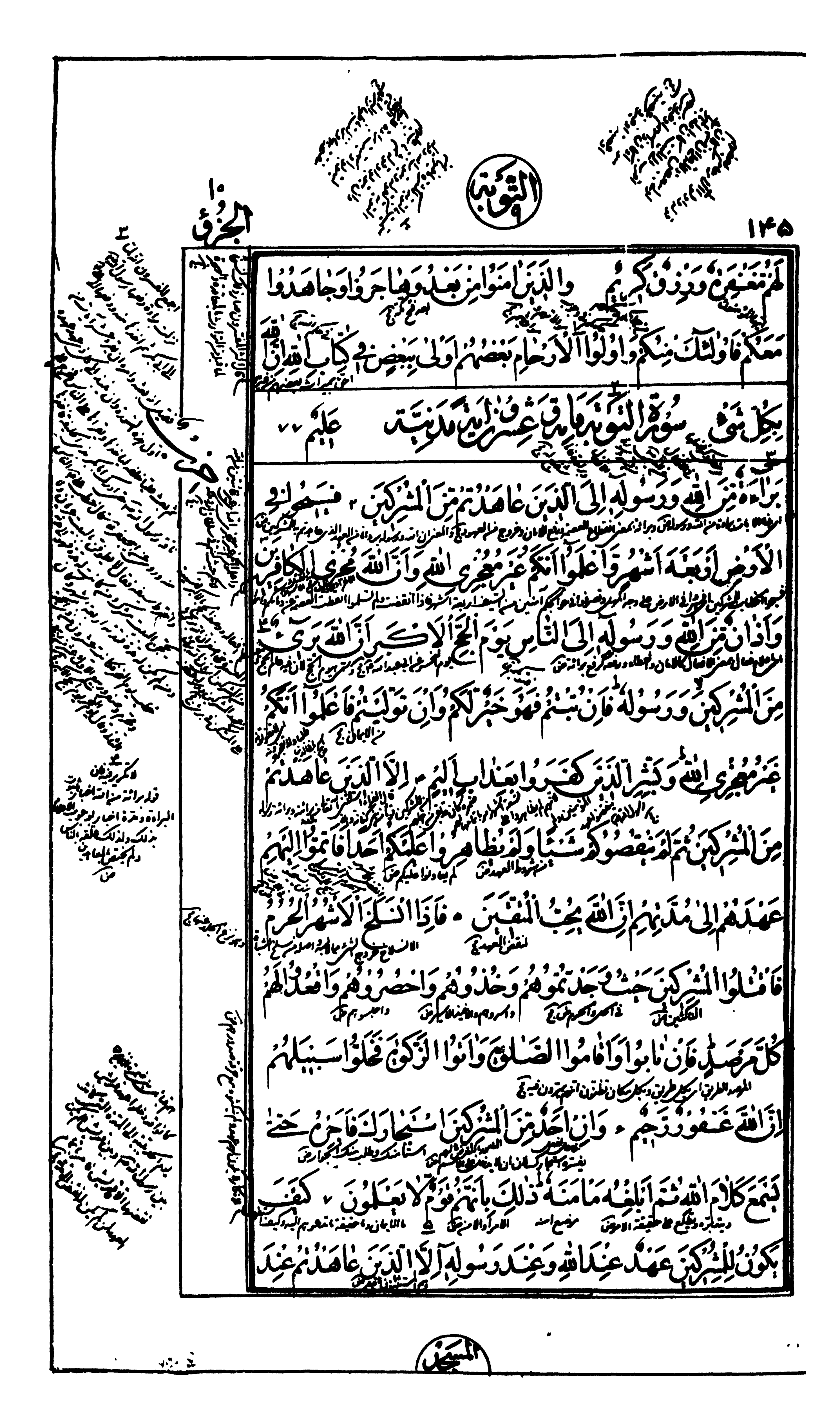
بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا

وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم

مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٧٢ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ٧٣ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا

وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا



لهم مغفرة ورزق كريم ﴿٧٤﴾ والذين آمنوا من بعد وهاجروا وجاهدوا
معكم فأولئك منكم وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله إن الله
بكل شيء عليم ٧٧

سورة التوبة مائة وعشر آية مدنية

براءة من الله ورسوله إلى الذين عاهدتم من المشركين ٢ فسيحوا في
الأرض أربعة أشهر واعلموا أنكم غير معجزي الله وأن الله مخزي الكافرين
وأذان من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر أن الله بريء
من المشركين ورسوله فإن تبتم فهو خير لكم وإن توليتم فاعلموا أنكم
غير معجزي الله وبشر الذين كفروا بعذاب أليم ٠ إلا الذين عاهدتم
من المشركين ثم لم ينقصوكم شيئا ولم يظاهروا عليكم أحدا فأتموا إليهم
عهدهم إلى مدتهم إن الله يحب المتقين ٠ فإذا انسلخ الأشهر الحرم
فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم
كل مرصد فإن تابوا وأقاموا الصلوة وآتوا الزكوة فخلوا سبيلهم
إن الله غفور رحيم ٠ وإن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى
يسمع كلام الله ثم أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون ٧ كيف
يكون للمشركين عهد عند الله وعند رسوله إلا الذين عاهدتم عند

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٧

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ

وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ٨ اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٩ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ

إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ١٠ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ١١

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ

الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ١٢ أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا

أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ

أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ١٣ قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ

وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ ١٤ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ

وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٥ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا

يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَ

لَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٦ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا

مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي

النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ١٧ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَوٰةَ وَآتَى الزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ١٨ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ١٩ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ٢٠ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ ٢١ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ٢٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ٢٣ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ٢٤ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا

رحبت ثم وليتم مدبرين ٢٦ ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى
المؤمنين وانزل جنودا لم تروها وعذب الذين كفروا وذلك جزاء
الكافرين ٢٧ ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء والله غفور
رحيم ٢٨ يا ايها الذين امنوا انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد
الحرام بعد عامهم هذا وان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله
ان شاء ان الله عليم حكيم ٢٩ قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر
ولا يحرمون ما حرم الله ورسوله ولا يدينون دين الحق من الذين اوتوا
الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون ٣٠ وقالت اليهود
عزير ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم بافواههم
يضاهئون قول الذين كفروا من قبل قاتلهم الله انى يؤفكون ٣١
اتخذوا احبارهم ورهبانهم اربابا من دون الله والمسيح ابن مريم وما
امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون ٣٢
يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم ويابى الله الا ان يتم نوره ولو
كره الكافرون ٣٣ هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق
ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون ٣٤ يا ايها الذين امنوا

صفحهٔ صد و چهل و هفتم

و در آتش ایشان جاویدانند ۱۸ جز این نیست که تعمیر میکند مسجدهای خدا را کسی که ایمان آورده است بخدا و بروز قیامت و برپا
داشته است نماز را و داده است زکوة را و نترسیده است مگر از خدا پس امید است آن گروه اینکه باشند از راه یافتگان ۱۹
آیا گردانیدید آب دادن حاجیان را و عمارت کردن مسجد الحرام را مثل آن کسی که ایمان آورده است بخدا و بروز قیامت و جهاد کرده است
در راه خدا مساوی نیستید ای ایندو فرقه در نزد خدا و خدا راه نمی نماید قوم ظالمین را ۲۰ آنکسانیکه ایمان آوردند و هجرت از خانهای خود نمودند
و جهاد کردند در راه خدا بسبب مال و نفسهای خودشان بزرگترند از حیثیت درجه در نزد خدا از آنکسانیکه سقایت حاج و تعمیر مسجد کنند
و آن گروه ایشانند رستگاران ۲۱ مژده میدهد ایشانرا پروردگارشان یعنی آنگروه رستگاران را برحمتی از جانب خودش و بستانهای بهشت
هائیکه از برای ایشانست در آن بهشتها نعمت همیشه و برقرار ۲۲ در حالتیکه جاویدانند در آن بهشت همیشه بدرستیکه خدا نزد اوست مزد بزرگ
۲۳ ای آنکسانیکه ایمان آوردید نگیرید پدران خودتان و برادران خودتانرا دوستان اگر ترجیح بدهند آن پدر و برادران کفر را برایمان
و هرکه از شما دوست بدارد ایشانرا یعنی دوست دارندگان کفر را پس آنگروه ایشانند ظلم کنندگان ۲۴ بگوای محمد اگر باشند پدران شما
و پسران شما و برادران شما و زنهای شما و طایفهٔ شما و مالهائیکه جمع کرده اید شما آنها را و تجارتی را که میترسید از کساد آن تجارت و خانهها
که می پسندید آنها را محبوبتر بسوی شما یعنی نزد شما از خدا و رسول خدا و جهاد کردن در راه خدا پس انتظار بکشید تا بیاورد خدا حکم خود را
یعنی عقوبت خود را و خدا هدایت نمیکند قوم فاسقین را ۲۵ هر آینه بتحقیق یاری کرد خدا شما را در مواضع بسیار و در روز جنگ حنین وقتیکه
بتعجب در آورد شما را بسیاری شما پس بی نیاز نکرد از شما آن کثرت چیزی را یعنی بسیاری شما دفع صولت دشمن نکرد و تنگ شد بر شما زمین

صفحهٔ صد و چهل و هشتم

باوجود وسعت و فراخی آن زمین بعد از آن برگشتید پشت کنندگان یعنی ترسیدید و گریختید ۲۶
بعد از آن فرو فرستاد خدا آرامی و تسکین خود را بر پیغمبر خود و بر مؤمنین و فرو فرستاد لشکری
که ندیدید شما آنها را و عذاب کرد خدا آن کسانی را که کافر شدند و این است جزای کافران ۲۷ بعد
از آن قبول توبه میکند خدا از پس این جنگ بر هرکه میخواهد و خدا آمرزندهٔ مهربانست ۲۸ ای
آن کسانی که ایمان آوردید جز این نیست که مشرکین نجسند پس نباید نزدیک شوند مسجد الحرام را بعد
از این سال یعنی سال نهم هجرت و اگر بترسید از فقر و فاقه بسبب ممنوع شدن کفار از داخل شدن مکه و
مسجد الحرام پس زود باشد که بی نیاز کند خدا شما را از فضل و کرم خودش اگر بخواهد بدرستیکه خدا دانای
درستکار است ۲۹ جنگ کنید با آن کسانی که ایمان نمی آورند بخدا و نه بروز قیامت و حرام نمیدارند
آنچه را که حرام کرده است خدا و رسول خدا یعنی خمر و خنزیر و غیر آن و متدین نمیشوند بدین حق یعنی دین اسلام از کسانی که
داده شده اند کتاب را یعنی یهود و نصاری تا اینکه بدهند جزیه را از دست خودشان و حال اینکه ایشان خوارشدگان باشند ۳۰
و گفتند یهودان عزیر پسر خداست و گفتند نصاری مسیح پسر خداست این گفتار ایشانست بدهنهای ایشان شبیه میسازند گفتار
خود را بگفتار آنکسانیکه کافر شدند پیش از این یعنی بنی مدلج که ملائکه را دختران خدا میدانستند بکشد و هلاک گرداند خدا ایشانرا چگونه
برگشته میشوند از راه حق بطریق باطل ۳۱ گرفتند یهود و نصاری علماء و زاهدان خود و مسیح بن مریم را خدایانی غیر از خدا و حال
اینکه مامور نبودند مگر اینکه عبادت کنند خدای یگانه را که نیست خدائی غیر از او پاک است
خدا از آنچه شریک میآورند ۳۲ اراده میکنند اینکه خاموش کنند نور خدا را بدهنهای
خودشان و ابا میکند خدا یعنی نمی خواهد مگر اینکه تمام کند یعنی آشکار کند نور خود را و اگرچه کراهت
داشته باشند کافران ۳۳ آن خدا کسی است که فرستاد رسول خود را بهدایت و راستی
و دین اسلام تا اینکه ظاهر کند دین اسلام را بر همهٔ ادیان و اگرچه اکراه داشته باشند مشرکان ۳۴ ای آنکسانیکه ایمان آوردید

صفحهٔ صد و چهل و نهم

بدرستیکه بسیاری از علماء و زهاد و یهود و نصاری هر آینه میخورند مالهای مردم را از راه باطل و باز میدارند مردم را از راه خدا
و آن کسانیکه ذخیره و دفینه میکنند طلا و نقره را و انفاق نمیکنند آن طلا و نقره را در راه خدا پس مژده بده ایشانرا بعذاب دردناک ۳۵ روزیکه
داغ کرده شود آن طلا و نقره در آتش جهنم پس داغ کرده شود بآنها پیشانیهاو پهلوها و پشتهای ایشان میگویند بایشان اینست ذخیره و دفینه
کردید از برای خودتان پس بچشید آنچه را که دفینه میکردید یعنی عذاب اینعمل خودتانرا ۳۶ بدرستیکه شمارهٔ ماهها نزد خدا دوازده ماهست در کتاب خدا
یعنی در لوح محفوظ روزیکه خلق کرد خدا آسمانها و زمین را بعضی از آن ماهها چهار ماه حرامست یعنی رجب و ذیقعده و ذیحجه و محرم اینست دین محکم پس ظلم
نکنید در این ماههای حرام خودتانرا یعنی در این ماهها جنگ نکنید و جنگ کنید با مشرکین عموما چنانچه جنگ میکنند با شما همگی یعنی در هشت ماه غیر
حرام و بدانید اینکه خدا با پرهیزکارانست ۳۷ جز این نیست که تاخیر زیادتی در کفر است یعنی جنگ کردن در ماه حرام و جنگ نکردن در ماه غیر
حرام که عوض و بدل قرار داده شود ماه حرام بغیر حرام زیادتی کفر است گمراه میشوند بسبب این کار آنکسانیکه کافر شدند که حلال میکنند تاخیر
در حرمت جنگ را در سالی و حرام میکنند در سالی تا اینکه مساوی و مطابق کنند عدد شهوری را که حرام کرده است خدا پس حلال کنند آنچه را
که حرام کرده است خدا زینت داده شده است از برای ایشان بدی عملهای ایشان و خدا راه نمینماید قوم کافرین را ۳۸ ای کسانیکه ایمان آورده اید
چه چیز است از برای شما وقتی که گفته شود از برای شما بیرون روید بجهاد در راه خدا سنگینی میکنید در حرکت کردن بسوی زمین آیا راضی شدید شما
بزندگانی دنیا عوض نعیم آخرت پس نیست متاع زندگی دنیا در آخرت یعنی نسبت بآخرت مگر برخورداری کمی ۳۹ اگر بیرون نروید بسوی جنگ
در راه خدا عذاب میکند خدا شما را عذابی دردناک و بدل میکند شما را بطایفهٔ غیر از شما که فرمانبردار باشند و ضرر نمیرسانید
شما خدا را بچیزی یعنی بسبب کاهلی کردن در نصرت دین و خدا بر هر چیز تواناست ۴۰ اگر یاری نکنید پیغمبر را پس بتحقیق
یاری میکند خدا او را وقتی که بیرون کردند او را آن کسانی که کافر شدند یعنی قصد بیرون کردن پیغمبر را نمودند آن
کفار قریش از مکه در حالتی که دویمین بود پیغمبر از دو نفر وقتی آن دو نفر بودند در غار یعنی پیغمبر و ابابکر این دو نفر در غار بودند

صفحهٔ صد و پنجاهم

چون گفت پیغمبر از برای صاحب خود یعنی ابابکر اندوه مخور بدرستیکه خدا با ماست پس فرستاد خدا آرام و اطمینان بر ابابکر و تایید کرد خدا پیغمبر را
بلشکرهائیکه ندیدند آن لشکرها را و گردانید خدا دعوت آنکسانیکه کافر شدند فروتر و پست و دعوت خدا را که دین اسلام است اوست بلند و خدا غالب
درستکار است ۴۱ بیرون روید برای جهاد سبکبار و سنگین بار و جهاد کنید بمالهای خودتان و نفسهای خودتان در راه خدا این شما را بهتر است از
برای شما اگر هستید که میدانید ۴۲ اگر میبود متاعی از مال دنیا نزدیک بغیر اگرفتن و سفری آسان هر آینه متابعت میکردند تو را و لیکن دور شد بر ایشان
مشقت یعنی دور شد سفری بر ایشان که بمشقت و زحمت بایدطی آن سفر را نمود و دور باشد که قسم بخورند بخدا که اگر میتوانستیم ما هر آینه بیرون میآمدیم با
با شما هلاک میکنند خودشانرا بجهة قسم دروغی که میخورند و خدا میداند بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند ۴۳ درگذرد خدا از تو برای چه مرخص کردی
ایشانرا در باز ایستادن یعنی بایستی اذن تخلف ندهی ایشانرا تا اینکه روشن شود مر تو را آنکسانیکه راست گفتند و بدانی دروغگویانرا ۴۴ رخصت نمیطلبند
از تو آنکسانیکه ایمان میآورند بخدا و بروز قیامت اینکه جهاد کنند بمالهای خودشان و نفسهای خودشان و خدا داناست بپرهیزکاران ۴۵ جز این
نیست که رخصت میطلبند از تو آنکسانیکه ایمان نمیآورند بخدا و بروز قیامت و در شک افتاده است دلهای ایشان پس ایشان در شک خود متحیر و سرگردانند ۴۶
و اگر اراده میکردند منافقین بیرون رفتن بجنگ را هر آینه آماده میکردند از برای سفر کردن اسباب احتیاجی و لیکن کراهت داشت خدا برانگیختن ایشانرا پس باز
داشت ایشانرا و گفته شد بنشینید شما با نشستگان یعنی چون خدا میدانست که این منافقین مفسدند و در سفر خدمت نمیکنند و فساد میکنند از خیر آنها
گذشت و از روی غضب فرمود بنشینید با زنان و بیماران و عاجزین در خانه خود و بسفر نروید ۴۷ و اگر بیرون میآمدند در میان شما زیاد نمیکردند شما را مگر
تباهی و مکر و غدر و هر آینه در میافتادند میان شما بسخن چینی و طلب میکردند برای شما فتنه و فساد را و در میان شما جاسوسانست از برای ایشان و خدا داناست
بظلم کنندگان ۴۸ هر آینه بتحقیق طلبیدند فتنه را از پیش در جنگ احد و در جنگ خندق که گفتند یا اهل یثرب
لامقام لکم و منقلب کردند از برای تو کارها را و تدبیر در ابطال امر تو کردند تا اینکه آمد نصرت پروردگار
و ظاهر شد یعنی غالب شد کار خدا و ایشان کراهت دارند یعنی میل ندارند نصرت و دولت تو را
۴۹ و از ایشان کسی هست که میگوید اذن بده از برای من که معاف از سفر جنگ باشم و مینداز مرا در فتنه آگاه باش

إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ

يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا

يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝٣٤ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ

جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ

فَذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ ۝٣٥ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا

فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ

الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ

كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝٣٦ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ

يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا

حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْكَافِرِينَ ۝٣٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۝٣٨ إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ

قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝٣٩ إِلَّا تَنصُرُوهُ

فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ



يقول لصاحبه لا تحزن إن الله معنا فأنزل الله سكينته عليه وأيده
بجنود لم تروها وجعل كلمة الذين كفروا السفلى وكلمة الله هي
العليا والله عزيز حكيم ٤٠ انفروا خفافا وثقالا وجاهدوا بأموالكم
وأنفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون ٤١ لو كان عرضا
قريبا وسفرا قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت عليهم الشقة وسيحلفون
بالله لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون أنفسهم والله يعلم إنهم لكاذبون ٤٢
عفا الله عنك لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم
الكاذبين ٤٣ لا يستأذنك الذين يؤمنون بالله واليوم الآخر أن يجاهدوا
بأموالهم وأنفسهم والله عليم بالمتقين ٤٤ إنما يستأذنك الذين لا يؤمنون
بالله واليوم الآخر وارتابت قلوبهم فهم في ريبهم يترددون ٤٥ ولو
أرادوا الخروج لأعدوا له عدة ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم و
قيل اقعدوا مع القاعدين ٤٦ لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا و
لأوضعوا خلالكم يبغونكم الفتنة وفيكم سماعون لهم والله عليم بالظالمين ٤٧
لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لك الأمور حتى جاء الحق وظهر
أمر الله وهم كارهون ٤٨ ومنهم من يقول ائذن لي ولا تفتني ألا في

الفتنة سقطوا وان جهنم لمحيطة بالكافرين ۝ ان تصبك حسنة

تسؤهم وان تصبك مصيبة يقولوا قد اخذنا امرنا من قبل ويتولوا

وهم فرحون ۝ قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولىنا وعلى الله

فليتوكل المؤمنون ۝ قل هل تربصون بنا الا احدى الحسنيين و

نحن نتربص بكم ان يصيبكم الله بعذاب من عنده او بايدينا فتربصوا

انا معكم متربصون ۝ قل انفقوا طوعا او كرها لن يتقبل منكم انكم

كنتم قوما فاسقين ۝ وما منعهم ان تقبل منهم نفقاتهم الا انهم

كفروا بالله وبرسوله ولا يأتون الصلوة الا وهم كسالى ولا ينفقون

الا وهم كارهون ۝ فلا تعجبك اموالهم ولا اولادهم انما يريد الله

ليعذبهم بها في الحيوة الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون ۝ ويحلفون

بالله انهم لمنكم وما هم منكم ولكنهم قوم يفرقون ۝ لو يجدون

ملجأ او مغارات او مدخلا لولوا اليه وهم يجمحون ۝ ومنهم من

يلمزك في الصدقات فان اعطوا منها رضوا وان لم يعطوا منها اذا

هم يسخطون ۝ ولو انهم رضوا ما اتاهم الله ورسوله وقالوا حسبنا الله

سيؤتينا الله من فضله ورسوله انا الى الله راغبون ۝ انما الصدقات



لِلْفُقَرَآءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ
وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ۝ وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ
لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ
يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ
وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ إِن كَانُوا مُؤْمِنِينَ ۝ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ۝ يَحْذَرُ
الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ
مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ ۝ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ
أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ۝ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم
بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِن نَّعْفُ عَن طَائِفَةٍ مِّنكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا
مُجْرِمِينَ ۝ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ
هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ
نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ كَالَّذِينَ

صفحهٔ صد و پنجاه و یکم

که در فتنه افتاده اند که ظهور نفاق از ایشان میشود و بدرستیکه جهنم هر آینه فراگیرنده و احاطه کننده است بکافرین ۵۰ اگر برسد تورا حسنه غمگین
سازد ایشانرا و اگر برسد تورا بدی یعنی در جنگها زخمی و زحمتی و شکستی بهم رسد چنانچه در جنگ احد اتفاق افتاد میگویند بتحقیق گرفتیم ما احتیاط خودرا از پیش
که بجنگ نرفتیم و برگردند از مجالس و محافل و حال اینکه ایشان فرحناک و خوشحال باشند ۵۱ بگوای محمد نخواهد رسید مارا مگر آنچه نوشته است خدا از برای ما
در لوح محفوظ از جنگ کردن و فتح کردن و شکست خوردن او ست ناصر و یاور ما و بر خدا پس توکل میکنند مؤمنین ۵۲ بگوای محمد آیا منتظر مید برای ما سوای یکی
از دو حسن و نیکوئی را یعنی بکشیم یا کشته شویم و هر دو برای ما نیکوئیست که در کشته شدن بهشت موعود است و در کشتن ثواب آخرت و ما منتظریم برای شما اینکه
برساند شمارا خدا بعذابی از جانب خود یا برساند شمارا بعذابی از دست ما پس انتظار برید بدرستیکه ما با شما از جملهٔ منتظرانیم ۵۳ بگوای محمد انفاق کنید میل
خودتان یا از روی کراهت قبول نمیشود از شما بدرستیکه شما هستید قومی فسق کنندگان ۵۴ و باز نداشت ایشانرا اینکه قبول شود از ایشان نفقات ایشان مگر
اینکه ایشان کافر شدند بخدا و برسول خدا و نمیآیند بنماز مگر اینکه ایشان در کسالت اند یعنی با حالت کسالت و بی میلی بنماز حاضر میشوند و انفاق نمیکنند مگر اینکه ایشان
کراهت دارند گان اند یعنی از راه کراهت و بی رغبتی انفاق میکنند ۵۵ پس بتعجب نیاورد تورا ای محمد مالهای ایشان و نه اولاد ایشان جز این نیست که اراده
میکند خدا تا عذاب کند ایشانرا بسبب آن مالها و اولاد در زندگانی دنیا و بیرون رود جانهای ایشان بسختی از بدنهای ایشان در حالتی که ایشان کافران باشند ۵۶
و قسم میخورند بخدا اینکه ایشان از شمایند و نیستند ایشان از شما یعنی مسلمان نمیشوند و کافرند و کفر خودرا پنهان میکنند و لیکن ایشان قومی هستند که میترسند از
شما و بطور تقیه رفتار میکنند ۵۷ اگر می یافتند پناهی یا غارهائی در کوهها یا سوراخی که توانند بدانجا گریخت هر آینه روی کنند بدان یعنی از ترس شما بسوی
آن غار و سوراخ در حالتیکه ایشان میشتابند یعنی با شتاب و تعجیل باشند ۵۸ و بعضی از ایشان کسی است که عیب میکند تورا و طعن میزند تورا در قسمت کردن
صدقات پس اگر داده شوند از صدقات خوشنود شوند و اگر داده نشوند از صدقات آنگاه خشمگین میشوند ۵۹ و اگر اینکه ایشان راضی و خوشنود شدند
یعنی داده شد بایشان از صدقات آنچه داد ایشانرا خدا و رسول خدا و گویند بس است مارا خدا زود باشد که بدهد مارا خدا از فضل و احسان خود و رسول خدا
برساند بما زیاده از آنچه داد بدرستی که ما بسوی خدا رغبت کنندگانیم و امیدواریم که از فضل خود مارا غنی گرداند ۶۰ جز این نیست که صدقات

صفحهٔ صد و پنجاه و دوم

از برای فقراء و محتاجانست و از برای عاملین بر آن صدقاتست آنهائیکه سعی میکنند بر جمع کردن صدقات و از برای کسانیست که الفت گرفته
دلهای ایشان یعنی بزرگان قوم که دل آنها نرم شده است باینکه قبول اسلام کنند از صدقات بآنها داده میشوند که مسلمان شوند و از برای آزاد کردن بندگان
و از برای قرض داران مفلس و از برای اینکه در راه خدا داده شود و از برای ابن سبیل یعنی مسافرین که در راه باشد و محتاج شده باشد فرض کردنی از جانب خدا
و خدا دانای درستکار است ۶۱ و بعضی از ایشان کسانی هستند که آزار میکنند پیغمبررا و میگویند که او یعنی پیغمبر گوش شنوا است که هرچه بدو گویند تصدیق و باور کند
بگوای محمد گوش شنوا بودن خوبست از برای شما که تصدیق میکند بخدا و تصدیق میکند از برای مؤمنین ۶۲ و رحمتست پیغمبر از برای آنکسانیکه ایمان آورده اند
از شما و آنکسانیکه اذیت میکنند رسول خدارا از برای ایشانست عذاب دردناک ۶۳ قسم میخورند بخدا از برای شما تا اینکه راضی و خوشنود کنند شمارا و خدا و
رسول خدا سزاوارترند باینکه خوشنود کنند هر یک از کفار را اگر هستید مؤمنان یعنی شما کافران که دعوی دروغی در اسلام خودتان میکنید اگر روی حقیقت ایمان
بیاورید خدا و رسول هر یک از شمارا راضی و خوشنود میکنند ۶۴ آیا نمیدانند اینکه هر کس خلاف کند بخدا و رسول و پس بدرستی که از برای اوست آتش جهنم
که دایم در آن آتش هست اینست رسوائی بزرگ ۶۵ حذر میکنند منافقون از اینکه فرو فرستاده میشود بر ایشان سوره که آگاه کند ایشانرا بآنچه
در دلهای ایشانست بگو استهزاء کنید بدرستی که خدا بیرون آورنده است آنچه را که حذر میکنید ۶۶ و اگر بپرسی ایشانرا هر آینه گویند یعنی اگر بپرسی
از منافقین که چه میگفتید بگویند جز این نیست که بودیم ما که خوض میکردیم و بازی میکردیم در سخن گفتن یعنی چنانچه مسافران تفحص چیزهای ندیده میکنند
ما هم تفتن و بازی میکردیم در گفتن این سخنان بگوای محمد آیا بخدا و آیات خدا و رسول خدا هستید شما که استهزاء میکنید ۶۷ عذر مگوئید بتحقیق کافر شدید
شما بعد از گرویدن خودتان اگر عفو کنیم و در گذریم از طایفهٔ از شما عذاب میکنیم طایفهٔ دیگررا بسبب اینکه ایشان هستند گناهکاران ۶۸ مردان منافق و زنان
منافقه بعضی ایشان از بعضی دیگرا امر بمنکر و نهی از معروف میکنند و میگیرند دستهای خودرا یعنی از بخلی که دارند دستهای خودرا فرا میگیرند از دادن
خیرات و صدقات فراموش میکنند خدا یعنی ترک میکنند احکام خدا را پس فرامیگیرد خدا از ایشان فضل و کرم خودرا بدرستیکه
منافقین ایشانند فسق کنندگان و بدکاران ۶۹ وعده کرد خدا مردان منافق و زنان منافقه و کافران را آتش جهنم که همیشه باشند
در آن آتش آن آتش بس است ایشانرا و لعن کرد خدا ایشانرا و از برای ایشانست عذابی دائم ۷۰ مثل آنکسانی که از

صفحهٔ صد و پنجاه و سیم

ازپیش از شما بودند سخت تر از شما بتوانائی و بیشتر بمالها و فرزندان پس بهره گرفتند بنصیب خود شان پس بهره گرفتید شما بنصیب خودتان مثل اینکه بهره یافتند آن کسانیکه ازپیش از شما بودند بنصیب خودشان و شروع کردید شما همچنانکه شروع کردند ایشان در کفر آن گروه نابود گشت اعمالشان در دنیا و در آخرت و آن گروه ایشانند زیانکاران ۷۱ آیا نیامد ایشانرا خبر آنکسانی که ازپیش از ایشان که قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین یعنی قوم شعیب و مؤتفکات که اهل شهرهای قوم لوط بودند آمد ایشانرا رسولانشان بمعجزات پس نبود خدا که ظلم کند ایشانرا ولیکن بودند نفسهای خودشانرا ظلم میکردند ۷۲ و مردان مؤمن و زنان مؤمنه بعضی از ایشان دوستان بعضی دیگر هستند امر میکنند بمعروف و نهی میکنند از منکر و برپا میدارند نمازرا و میدهند زکوة را و اطاعت میکنند خدا و رسول خدارا آنگروه زود باشد که رحم کند ایشانرا خدا بدرستیکه خدا غالب درستکار است ۷۳ وعده میکند مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بهشتهائی که جاریست از زیر درختان و قصور آن نهرهای آب همیشه در آن بهشتها هستند و جایگاه پاکیزه در بهشتهای با اقامت یعنی استوار که بادهای مشکین و بویهای خوش در آنست و خوشنودی از خدا که بزرگتر است و بهتر است از بهشت عدن اینست آن رستگاری بزرگ ۷۴ ای پیغمبر جهاد کن با کفار و با منافقین و درشت و سخت باش بر ایشان و جایگاه ایشان جهنم است و بد بازگشتی است ۷۵ قسم میخورند بخدا که نگفته اند و هرآینه بتحقیق گفته اند کلمهٔ کفر را و کافر شده اند بعد از اسلام شان و قصد کردند بچیزی که نیافتند آن را و کینه نداشتند با پیغمبر مگر اینکه بی نیاز گردانید ایشانرا خدا و رسول خدا از فضل و کرم خود یعنی اهل مدینه فقیر و بی چیز بودند و بفضل مقدم رسول خدا متمول و صاحب بضاعت شدند و آن بی نیازی اسباب نافرمانی ایشان شد پس اگر توبه کنند بهتر باشد از برای ایشان و اگر برو گردند از راه صلاح عذاب میکند خدا ایشان را عذاب دردناکی در دنیا

صفحهٔ صد و پنجاه و چهارم

و آخرت و نیست از برای ایشان در زمین از دوستی و نه یاری کننده ۷۶ و بعضی از ایشان کسی است که عهد کرد خدارا که اگر بدهد مارا خدا از فضل خودش هرآینه صدقه بدهیم البته و هرآینه باشیم البته از صلحا و ستایش کنندگان ۷۷ پس چون داد ایشانرا خدا از فضل خود بخل کردند بآن داده خدا یعنی صدقه ندادند و روی گردانیدند و ایشان اعراض کنندگانند ۷۸ پس چون داد ایشانرا نفاقی در دلهای ایشان تا روزی که ملاقات کنند او را یعنی عمل خود را بسبب آنچیزیکه خلاف کردند بخدا آنچه وعده دادند آنرا و بآنچه بودند که تکذیب میکردند دروغ میگفتند ۷۹ آیا نمیدانند اینکه خدا میداند سر ایشانرا و سرگوشی ایشانرا و اینکه خدا علام الغیوبست ۸۰ آنکسانیکه عیب میکنند بطور استهزاء مطوعین از مؤمنین را در صدقات یعنی آن گروه کانیرا که از روی رغبت و میل مال خود را صدقه میدهند و آنکسانیرا که نمی یابند مگر بقدر طاقت خود یعنی هرچه مقدور شانست میدهند پس استهزاء میکنند از ایشان استهزاء میکند خدا از ایشان و از برای ایشانست عذاب دردناک ۸۱ آمرزش خواه ای پیغمبر از برای صدقه دهندگان یا آمرزش بخواه از برای استهزاء کنندگان اگر آمرزش بخواهی از برای استهزاء کنندگان هفتاد مرتبه پس نمی آمرزد خدا از برای ایشان این نیامرزیدن خدا بسبب آنست که ایشان کافر شدند بخدا و برسول خدا و خدا راه نماینده نیست قوم فسق کنندگان را ۸۲ شاد شدند بازماندگان بنشستن خودشان برخلاف رسول خدا و کراهت داشتند اینکه جهاد کنند با مالهای خودشان و نفسهای خودشان در راه خدا و گفتند بیرون نروید در گرما بگو ای پیغمبر آتش جهنم سخت تر است از حیثیت گرمی اگر باشند اینکه بفهمند ۸۳ پس باید بخندند کم و باید بگریند بسیار پاداش بآنچه بودند که کسب میکردند ۸۴ پس اگر برگرداند ترا خدا بسوی طایفه از ایشان پس رخصت خواهند از تو از برای بیرون رفتن پس بگو بیرون نیائید با من هرگز و جنگ نکنید در مصاحبت من هیچ دشمنی را بدرستیکه شما راضی شدید به نشستن اول دفعه پس بنشینید با بازماندگان ۸۵ و نماز مکن هرگز بر احدی از ایشان که مرده باشد و نه ایست بر قبر او بدرستیکه ایشان کافر شدند بخدا و برسول خدا

و مهر زده شد بر دلهای ایشان پس ایشان نمی‌فهمند ۸۶ و بعجب در نیاورد ترا اموال ایشان و اولاد ایشان جز این نیست که اراده میکند خدا
اینکه عذاب کند ایشانرا بآن مال و فرزندان در دنیا و تنگ کند نفسهای ایشانرا که بسختی جان بدهند و ایشان کافرانند
۸۷ و چون فرستاده شود سوره از قرآن اینکه ایمان بیاورید بخدا و جهاد کنید با رسول خدا رخصت خواهند از تو صاحبان
مال از ایشان و گویند واگذار ما را باشیم با نشستگان ۸۸ راضی شدند باینکه باشند با زنان و مهر زده شد بر دلهای
ایشان پس ایشان نمی‌فهمند ۸۹ لیکن پیغمبر و آنکسانیکه ایمان آوردند با او جهاد کردند بمالهای خودشان و نفسهای خودشان
و آن گروه از برای ایشانست خوبیها و آنگروه ایشانند رستگاران ۹۰ مهیا کرده است خدا از برای ایشان یعنی مؤمنین
بهشتهائیکه جاریست از زیر درختان و عمارات آن نهرهای آب همیشه در آن بهشت خواهند بود هست رستگاری بزرگ
۹۱ و آمدند عذر گویان از عربها تا اینکه اذن داده شود از برای ایشان و نشستند آنکسانیکه دروغ گفتند بخدا و رسول
خدا زود باشد که برسد بآن کسانیکه کافر شدند از ایشان عذابی دردناک ۹۲ نیست بر ضعیفان و نه بر مریضان و نه بر آن
کسانیکه نمی‌یابند چیزی را که نفقه کنند بر خود و اسباب راه سازند گناهی چون نیکخواهی کنند خدا و رسول خدا را یعنی فرمان
برند در عبادت و اطاعت نیست بر نیکوکاران هیچ عتابی و خدا آمرزندهٔ مهربانست ۹۳ و نه بر آنکسانی که
چون آمدند تو را تا اینکه سوار کنی ایشانرا گفتی نمی‌یابم چیزی که سوار کنم شما را بر آن برگشتند و چشمهای ایشان
میریخت اشک را بجهت اندوه اینکه نیافتند چیزی را که نفقه کنند ۹۴ جز این نیست راه عتاب بر آن کسانی
است که رخصت میخواهند از تو و حال اینکه ایشان بی‌نیازانند و صاحبان مکنت هستند راضی شدند باینکه
باشند با زنان و کودکان و مهر زد خدا بر دلهای ایشان پس ایشان نمی‌دانند ۹۵ عذر میاورند بسوی
شما وقتی که برگشتید شما بسوی ایشان بگو عذر نیاورید هرگز باور نخواهیم داشت عذر را از برای شما بتحقیق آگاه کرد

از خبرهای شما و زود باشد که ببیند خدا و رسول عمل شما را پس بازگردانیده شوید بسوی عالم غیب و شهادت پس خبر میدهد
شما را بآنچه بودید که میکردید ۹۶ زود باشد که قسم میخورند بخدا از برای شما چون بازگردید شما بسوی ایشان تا اعراض
کنید از ایشان پس اعراض کنید از ایشان بدرستیکه ایشان پلید و نجسند و جای ایشان جهنم است پاداش بآنچه بودند که
کسب میکردند ۹۷ قسم میخورند از برای شما تا اینکه راضی شوید شما از ایشان پس اگر راضی شوید از ایشان پس بدرستیکه خدا راضی
نمیشود از قوم فسق کنندگان یعنی بدکاران ۹۸ اهل بادیه سخت‌ترند از حیثیت کفر و نفاق یعنی بادیه‌نشینان بسبب بی‌ترتیبی و
وحشی بودن در مراتب کفر و نفاق و ضلالت سخت‌تر از دیگرانند و سزاوارترند باینکه ندانند حدود آنچه را که فرستاده است خدا
بر پیغمبر خود و خدا دانای درستکار است ۹۹ و از اعراب بادیه کسی هست که میگیرد از آنچه انفاق کرده است تاوان و غرامتی و منتظر
میشود بشما گردشهای روزگار یعنی انتظار دارد که مصائب روز بد بشما برسد و دولت اسلام بنکبت مبدل شود بر ایشان باد گردش روزگار بد
و خدا شنوندهٔ داناست ۱۰۰ و از اعراب بادیه کسی هست که ایمان میاورد بخدا و بروز قیامت و میگیرد آنچه را انفاق میکند اسباب تقرب نزد خدا
و سبب دعاهای پیغمبر در حق ایشان بدانید که بدرستیکه آن نفقات سبب تقربست از برای ایشان زود باشد که داخل میکند ایشانرا خدا در رحمت خود بدرستیکه
خدا آمرزندهٔ مهربانست ۱۰۱ و پیشی گیرندگان اولین از مهاجرین و انصار و آنکسانیکه متابعت کردند ایشانرا بسبب احسان راضی شد خدا از ایشان
یعنی خشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا و آماده کرد خدا از برای ایشان بهشتهائیرا که جاری میشود از زیر درختان و عمارات
آنها نهرهای آب که همیشه در آن بهشتها هستند دایم هست فیروزی و رستگاری بزرگ ۱۰۲ و از آنانکه گرداگرد شما هستند از اعراب منافقانند
و از اهل مدینه جمعی هستند که خو کرده‌اند بر نفاق نمیدانی تو ای پیغمبر حالت ایشانرا ما میدانیم ایشانرا یعنی تو نمیشناسی و ما میشناسیم زود باشد که عذاب کنیم
ایشانرا دو بار بعد از آن بگردیده شوند بسوی عذاب بزرگ یعنی منافقین اول بقتل عذاب کنیم و بعد بفشار قبر بعد از آن بعذاب بزرگ که آتش جهنم است ۱۰۳ و دیگران
از خلاف کنندگان اقرار کردند بگناه خودشان مخلوط کردند عمل خوب را و دیگر کردار بد را شاید خدا اینکه بپذیرد توبهٔ ایشان را

صفحه صد و پنجاه و هفتم

برایشان بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست ۱۰۴ بگیر ای محمد از مالهای ایشان صدقه که تا پاک کند ایشانرا و زیاد کند حسنات
ایشانرا بسبب آن صدقه و دعا کن برایشان بدرستی که دعای تو آرامش ایشانست و خدا شنونده داناست ۱۰۵ آیا ندانسته اند
اینکه خدا او قبول میکند توبه را از بندگان خودش و میگیرد صدقات را و اینکه خدا اوست قبول کننده توبه که مهربانست
۱۰۶ و بگو ای پیغمبر کردار نیکو نمائید پس زود باشد که بنماید عمل شما را و بنماید رسول خدا و مؤمنین اعمال شما را زود
باشد که برگردیده شوید بسوی دانای پنهان و آشکار پس آگاه میکند شما را بآنچه بودید که میکردید ۱۰۷
و دیگران از متخلفون تأخیر شدگانند از برای امر خدا یا عذاب میکند خدا ایشان را و یا توبه میدهد برایشان
و خدا دانای درستکار است ۱۰۸ و آن کسانیکه میگیرند یعنی بنا میکنند مسجدی را برای ضرر و برای کفر
و برای تفریق میان مؤمنین و برای انتظار بجهت کسی که حرب کرد با خدا و رسول خدا از پیش و هر آینه سوگند
میخورند البته که نخواستیم ما از ساختن این مسجد مگر نیکی و خوبی را و خدا گواهی میدهد بانکه ایشان هر آینه دروغگو
یانند ۱۰۹ نایست در آن مسجد هرگز هر آینه مسجدی که بنا شده است بر پرهیزکاری از روز اول سزاوار
تر است بانکه بایستی تو در آن مسجد و در آن مسجد مردمانی هستند که دوست میدارند اینکه پاکیزه شوند و خدا دوست
میدارد پاکیزگانرا ۱۱۰ آیا پس هرکه بنا کند بنیان دین خود را بر تقوای از خدا و طلب خوشنودی از او بهتر است یا کسی
برپا کند بنیان دین خود را برلب رودی که ظاهرش بی عیب و زیرش سست و ویران و آب برده باشد پس آن زمین سست
گردد و بیفتد با بانیش در آتش جهنم و خدا راه نمایست یعنی هدایت نمیکند قوم ظالمین را ۱۱۱ همیشه هست بنیان آنچنانکه
ایشان بنا نهاده اند شک و نفاق در دلهاشان مگر اینکه پاره گردد دلهای ایشان و خدا دانای درستکردار است
۱۱۲ بدرستیکه خدا خرید از مؤمنین نفسهای ایشانرا و مالهای ایشان را بانکه از برای ایشانست بهشت جنگ
میکنند در راه خدا پس میکشند و کشته میشوند وعده داد خدا بر این وعده حق یعنی وعده راست درست در توریه و انجیل

صفحه صد و پنجاه و هشتم

و قرآن و هرکه وفا کننده تر باشد بعهد خود از خدا پس مژده دهید و شاد باشند بخرید و فروخت آنچنانی خودتان که معامله
کردید با آن و اینست رستگاری بزرگ ۱۱۳ مؤمنان مذکور توبه کنندگانند از معاصی عبادت کنندگانند پروردگار خود را
ستایش کنندگانند حق جل و علا را سیر کنندگانند در راه طلب علم و جهاد و رکوع کنندگانند در نماز سجده کنندگانند در وقت
نماز امر کنندگانند به نیکوئی و نهی کنندگانند از زشتی و محافظه کنندگانند از برای حدود خدا و مژده بده مؤمنین را ۱۱۴
نیست از برای پیغمبر و از برای کسانیکه ایمان آوردند اینکه طلب آمرزش کنند از برای مشرکین و اگرچه باشند صاحبان خویشی
از بعد از آنچه روشن شد از برای ایشان اینکه ایشان اصحاب دوزخند ۱۱۵ و نبود تو آمرزش ابرهیم از برای پدرش یعنی برای آذر
عمویش که او را پدر میگفت مگر از برای وفا کردن وعده که در وقت مناظره وعده کرده بود با ابراهیم آذر پدر خود را پس چون روشن
گشت برابراهیم اینکه آذر دشمن خداست و ایمان نخواهد آورد بیزاری جست از او بدرستیکه ابراهیم هر آینه بسیار آه کننده بردبار
۱۱۶ و نبوده است خدا تا اینکه گمراه کند قومی را بعد از اینکه هدایت کرد ایشانرا تا اینکه روشن شود برایشان آنچه را که پرهیز میکنند یعنی آنچه را
که باید پرهیز کنند بدرستیکه خدا بهر چیزی داناست ۱۱۷ بدرستیکه خدا از برای اوست ملک آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و نیست
از برای شما از سوای خدا هیچ دوستی و یاوری یعنی فریادرسی ۱۱۸ هر آینه بتحقیق قبول توبه نمود خدا بر پیغمبر و مهاجرین و انصار آنچنانکه
متابعت کردند پیغمبر را در ساعت تنگی یعنی جنگ تبوک از بعد از آنکه نزدیک بود میل کند دلهای طایفه از ایشان از حق بباطل بعد از آن بازگشت خدا برایشان بدرستیکه
خدا بمؤمنین رؤف و مهربانست ۱۱۹ و پذیرفت خدا توبه را برسه نفر آنچنانکه خلاف کردند یعنی بر کعب و هلال و مراره که تخلف نمودند از رفتن بجنگ و مقرر شد
پنجاه روز کسی با ایشان تکلم نکنند تا اینکه تنگ شد برایشان زمین با وجود وسعت و گشادگی یعنی نهایت سختی برای ایشان دست داد و تنگ شد برایشان نفسهاشان یعنی قلبهای
ایشان و گمان کردند نیست چاره و پناهی از جانب خدا مگر پناه بردن بسوی خدا بعد از آن قبول توبه شد برایشان تا مستقیم شوند بر توبه کردن
بدرستیکه خدا اوست قبول توبه کننده مهربان ۱۲۰ ای کسانیکه ایمان آورده اید

مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا

بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُم بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ

كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ

هُمُ الْخَاسِرُونَ ٧١ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ

وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا

كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٧٢ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ

الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٧٣ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ

مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ٧٤ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ

وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ٧٥ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ

مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا

بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ فَإِن

يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ وَإِن يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَ



الآخرة وما لهم في الأرض من ولي ولا نصير ٧٦ ومنهم من عاهد الله لئن آتانا من فضله لنصدقن ولنكونن من الصالحين ٧٧ فلما آتاهم من فضله بخلوا به وتولوا وهم معرضون ٧٨ فأعقبهم نفاقا في قلوبهم إلى يوم يلقونه بما أخلفوا الله ما وعدوه وبما كانوا يكذبون ٧٩ ألم يعلموا أن الله يعلم سرهم ونجواهم وأن الله علام الغيوب ٨٠ الذين يلمزون المطوعين من المؤمنين في الصدقات والذين لا يجدون إلا جهدهم فيسخرون منهم سخر الله منهم ولهم عذاب أليم ٨١ استغفر لهم أو لا تستغفر لهم إن تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله ورسوله والله لا يهدي القوم الفاسقين ٨٢ فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله وكرهوا أن يجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل الله وقالوا لا تنفروا في الحر قل نار جهنم أشد حرا لو كانوا يفقهون ٨٣ فليضحكوا قليلا وليبكوا كثيرا جزاء بما كانوا يكسبون ٨٤ فإن رجعك الله إلى طائفة منهم فاستأذنوك للخروج فقل لن تخرجوا معي أبدا ولن تقاتلوا معي عدوا إنكم رضيتم بالقعود أول مرة فاقعدوا مع الخالفين ٨٥ ولا تصل على أحد منهم مات أبدا ولا تقم على قبره إنهم كفروا بالله ورسوله

وماتوا وهم فاسقون ٨٦ ولا تعجبك اموالهم واولادهم انما يريد الله
ان يعذبهم بها في الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون ٨٧ واذا انزلت
سورة ان امنوا بالله وجاهدوا مع رسوله استاذنك اولوا الطول منهم
وقالوا ذرنا نكن مع القاعدين ٨٨ رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع
على قلوبهم فهم لا يفقهون ٨٩ لكن الرسول والذين امنوا معه جاهدوا
باموالهم وانفسهم واولئك لهم الخيرات واولئك هم المفلحون ٩٠ اعد الله
لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم ٩١
وجاء المعذرون من الاعراب ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله و
رسوله سيصيب الذين كفروا منهم عذاب اليم ٩٢ ليس على الضعفاء ولا
على المرضى ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج اذا نصحوا لله ورسوله
ما على المحسنين من سبيل والله غفور رحيم ٩٣ ولا على الذين اذا ما اتوك
لتحملهم قلت لا اجد ما احملكم عليه تولوا واعينهم تفيض من الدمع حزنا
الا يجدوا ما ينفقون ٩٤ انما السبيل على الذين يستاذنونك وهم اغنياء
رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع الله على قلوبهم فهم لا يعلمون ٩٥
يعتذرون اليكم اذا رجعتم اليهم قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم قد نبانا الله

مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ

الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٩٦ سَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ

إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا

كَانُوا يَكْسِبُونَ ٩٧ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللّٰهَ

لَا يَرْضٰى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٩٨ اَلْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ

أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهِ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٩٩ وَمِنَ الْأَعْرَابِ

مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللّٰهُ

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٠٠ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ

قُرُبَاتٍ عِنْدَ اللّٰهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللّٰهُ

فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٠١ وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ

وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَ

أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ

لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلٰى عَذَابٍ عَظِيمٍ ١٠٣ وَ

آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَتُوبَ

بپرهیزید از خدا و باشید از راستگویان ۱۲۱ نیست از برای اهل مدینه و هرکه در اطراف مدینه هستند از عربهای بادیه اینکه تخلف کنند از رسول خدا و نسزد که رغبت کنند بنفسهای خودشان از نفس رسول یعنی خودشان را ترجیح بر رسول خدا ندهند و راحتی که برای رسول نیست از برای خود اختیار نکنند این منع کردن ایشان برای اینست که اگر تخلف نکنند و با رسول خدا باشند نمیرسد ایشانرا تشنگی و نه رنجی از تعب سفر و نه گرسنگی در راه خدا و نسپرند مکان سپردنیرا یعنی سواره یا پیاده بمکانهائی نروند که بغیظ در آورند کفار را و نیابند از دشمن هیچ یافتنی یعنی بی اذن و بمقدمه و تدارک بزمین کفار نروند که مغلوب شوند و زخم بخورند و بتوانند غارتی از آنها بدست بیاورند مگر اینکه نوشته شود بر ایشان برفتن بر اراضی کفار که بعد از نوشتن و مأمور شدن عمل صالحی است یعنی آنوقت که مأمور شدند صالح خواهد بود قدم گذاشتن ایشان در اراضی کفار بدرستیکه خدا ضایع نمیکند اجر نیکوکارانرا ۱۲۲ و نفقه نکنند هیچ نفقهٔ کم یا بسیار و قطع نکنند هیچ وادیرا مگر نوشته شود از برای ایشان یعنی تا پیغمبر نفرماید سر خود چیزی بکسی ندهند و باختیار خود باینطرف و آنطرف دنبال نهب و غارت نروند مگر وقتی که بآنها حکم شود تا اینکه جزای خیر بدهد خدا ایشانرا بهتر از آنچه بودند که میکردند یعنی از آنچه میکنند ۱۲۳ و نسزد مؤمنون را اینکه بیرون بروند همگی یکدفعه تماما پس چرا نروند بیرون بروند از هر گروهی یعنی از جمع کثیری از ایشان طایفهٔ تا اینکه تفقه کنند در دین یعنی مشغول یادگرفتن احکام شرع باشند و تا بیم دهند قوم خودشانرا وقتی برگشتند بسوی ایشان شاید ایشان حذر نمایند ۱۲۴ ای کسانیکه ایمان آورده اید بکشید کسانیرا که نزدیک شمایند از کفار و باید که بیابند در شما درشتی را و بدانید اینکه خدا با پرهیزکارانست ۱۲۵ و هنگامیکه فرستاده شود سورهٔ پس از ایشان کسی استکه میگوید کدام یک از شماست که زیاد کرد او را این سوره ایمانی پس اما آنکسانیکه ایمان آوردند پس زیاد کرد ایشانرا ایمانی و ایشان شاد میشوند ۱۲۶ و اما آنکسانیکه در دلهای ایشانست مرضی پس زیاد کرد ایشانرا پلیدی بر پلیدی ایشان یعنی نجس بودند بجهة مرض قلبی خودشان قدری بر نجاست ایشان افزوده شد و مردند و ایشان کافرانند ۱۲۷ آیا نمی بینند که ایشان مبتلا میشوند بقحط در هر سالی یکدفعه یا دودفعه بعد از آن توبه نمیکنند و نه ایشان پند میگیرند ۱۲۸ و چون فرود میآید سورهٔ نگاه میکنند بعضی از ایشان بعضی دیگر یعنی بچشم اشاره بیکدیگر کنند و سخریه کنند آیا می بینند شما را یکی از مسلمانان یعنی اگر به بینند آنرا نشنیده و اگر نه بینند بعد از آن برخیزند

و باز گردند در مجلس پیغمبر گردانید خدا دلهای ایشانرا از انشراح صدر و فهم قرآن بسبب اینکه ایشان قومی هستند که نمیفهمند ۱۲۹ هر آینه بتحقیق آمد شما را پیغمبری از خود شما دشوار است بر او آنچه در رنج افتید شما بدان از کفر و ضلالت حریص است بر اسلام شما و بمؤمنین رئوف و رحیم است ۱۳۰ پس اگر برگردند منافقان از یاری و هواداری پس بگو ای محمد بس است مرا خدا نیست خدائی مگر خدا بر او توکل کردم و آنخدا پروردگار عرش بزرگست یعنی عرشی که احاطه دارد بر مخلوقات یعنی آنخدائیکه خالق چنین عرشی است مرا هم از شر آنها و منافقین نگاه میدارد و محتاج بهمراهی منافقان نخواهد بود

سورهٔ یونس صد و نه آیه و در مکه نازل شد

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

منم خدای بخشاینده اینست آیات کتاب یعنی قرآن که مشتملست بر حکمت ۲ آیا هست از برای مردمان تعجبی اینکه وحی کردیم بسوی مردی از ایشان اینکه بترسان مردم را از سخط خداوند و مژده بده آنکسانیرا که ایمان آوردند اینکه از برای ایشانست پیشی گرفتن در راستی نزد پروردگارشان گفتند بدرستیکه این پیغمبر هر آینه سحر کنندهٔ آشکار است ۳ بدرستیکه پروردگار شما خدای آنچنانی استکه خلق کرد آسمانها و زمین را در شش روز بعد از آن مستولی شد بر عرش تدبیر میکند امر کاینات را نیست هیچ شفیعی مگر پس از رخصت دادن او اینست خدا پروردگار شما پس عبادت کنید او را آیا پس یاد نمیکنید ۴ بسوی خداست برگشت شما همه وعده دادن خدا از روی راستی است بدرستیکه او اول میآفریند خلق را بعد از آن برمیگرداند او را از حیات بمردن تا اینکه جزا دهد آنکسانیرا که ایمان آوردند و عمل کردند شایسته بعدل و آنکسانیکه کافر شدند از برای ایشانست آشامیدنی از حمیم یعنی آب جوشان و عذاب دردناک بآنچه بودند که کافر میشدند ۵ آنخدای آنچنانیست که گردانید خورشید را روشنی درخشنده و ماه را روشنی و معین کرد برای ماه منزلها تا اینکه بدانید شماره سالها را و حساب را یعنی حساب روز و هفته و ماه را خلق نکرده خدا اینها را مگر براستی تفصیل میدهد خدا یعنی روشن میکند آیات را از برای قومیکه میدانند ۶ بدرستیکه در اختلاف شب و روز و آنچه

خلق کرده

خلق کرده است خدا در آسمانها و زمین هرآینه نشانهاییست از برای قومی که بپرهیزند یعنی بترسند از خدا ۷ بدرستیکه آن کسانیکه
امید ندارند ملاقات ما را یعنی رسیدن بآخرت ما و راضی شدند بزندگی دنیا و اطمینان و خاطر جمعی شدند بزندگی دنیا و آنکسانیکه ایشان از
آیات ما غافلند ۸ آن گروه مکان ایشان آتش است بسبب آنچه بودند که کسب میکردند ۹ بدرستی که آنکسانیکه ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند
راه مینماید ایشان را پروردگارشان بسبب ایمانشان بهشتی که جاری میشود از زیر عمارات و مساکن ایشان نهرها در بهشتهای پر نعمت ۱۰ دعا
کردن مؤمنین در بهشت سبحانک اللهم است یعنی منزهی تو بار پروردگارا و تحیت مؤمنین یعنی درود ایشان در بهشت سلام است
۱۱ و آخر خواندن ایشان اینست که سپاس مر خدایرا که پروردگار عالمیانست ۱۲ و اگر تعجیل کند از برای مردم در مستجاب کردن دعاهای
شر ایشان یعنی نفرین کردنشان در حق یکدیگر مثل تعجیل کردن ایشان در استجابت دعاهای خیر ایشان یعنی چنانچه خداوند بزودی دعاهای خیر مردم را مستجاب
میکند اگر نفرینهای ایشان را هم در حق یکدیگر میکنند بزودی مستجاب میشود هرآینه بگذرد بسوی ایشان مرگشان یعنی میمیرند و میگذرد مدت حیاتشان
پس وا میگذاریم آنکسانیرا که امید ندارند برسیدن ثواب ما در سرکشی خودشان سرگردان ۱۳ و اگر برسد بآدمی سختی میخواند ما را در حالتی که بپهلو
خوابیده باشد یا نشسته باشد یا ایستاده باشد پس چون برداریم ما از او رنج او را برود بکفر مثل اینکه گویا نخوانده باشد ما را بسوی ضرری و سختی که رسیده
بود او را همچنین زینت داده شد از برای اسراف کنندگان آنچه هستند که میکنند ۱۴ و هرآینه بتحقیق هلاک کردیم اهل قریه و شهرها را از پیش شما و قتیکه
ستم کردند و آمد ایشانرا رسولانشان با معجزات و نبودند که ایمان بیاورند همچنین جزا میدهیم قوم گناهکاران را ۱۵ بعد از آن گردانیدیم ما شما را
جانشینان در زمین از بعد از ایشان یعنی بعد از قومی که هلاک شدند تا اینکه ببینیم چگونه عمل میکنید ۱۶ و اگر خوانده شود بر ایشان آیات ما که روشن
و آشکار است گویند آنکسانیکه امید ندارند برسیدن ثواب ما بیاور قرآنی غیر از این یا بدل کن آنرا یعنی عوض کن بگوای پیغمبر نمیباشد از برای
من اینکه تبدیل کنم قرآن را از پیش خودم متابعت نمیکنم یعنی پیروی نمیکنم مگر آنچه را که وحی میشود بسوی من بدرستیکه من میترسم اینکه
عصیان کنم پروردگار خودم را که تبدیل قرآن کنم در عذاب روز قیامت ۱۷ بگوای محمد اگر

صفحهٔ صد و شصت و دوم

بخواهد خدا نخوانم قرآنرا بر شما و نه اعلام کنم شما را باین قرآن پس بتحقیق درنگ کردم در میان شما عمر درازی از پیش از
قرآن یعنی قبل از نزول قرآن و بعثت خودم در مدت چهل سال در میان شما عمر کردم و بودم نه قرآن نازل شده بود و نه قرآن میخواندم
بر شما آیا پس تعقل نمیکنید ۱۸ پس کیست ستمکارتر از آن که ببندد بر خدا دروغرا یا دروغ شمرده است آیات او را بدرستی که
رستگار نمیکند گناهکارانرا ۱۹ و عبادت میکنند از سوای خدا چیزیرا که ضرر نمیرساند ایشانرا و نه نفع میدهد ایشانرا و میگویند این بتان
شفیعان ما هستند نزد خدا بگو آیا خبر میکنید خدا را بآنچه نمیداند در آسمانها و نه در زمین بزرگست خدا و برتر است از آنچه شرک میآورند ۲۰
و نبودند مردم مگر یک گروه پس اختلاف کردند و اگر نبود کلمه که پیشی گرفته بود از پروردگار تو یعنی اگر حکم ازلی با خیر عذاب نبود هرآینه حکم
میشد میان ایشان در آنچیزیکه در آن اختلاف میکنند یعنی عذاب نازل میشد بدانرا هلاک و خوبانرا بجای خود باقی میگذاشت ۲۱ و میگویند
منافقین چرا فرستاده نشد بر پیغمبر نشانهٔ از پروردگارش پس بگوای محمد جز این نیست که علم غیب از برای خداست پس منتظر شوید بدرستیکه من با شما
از منتظرانم ۲۲ و چون بچشانیم مردم را رحمتی یعنی صحتی و فرجی بعد از سختی یعنی بیماری و قحطی که رسیده باشد ایشانرا آنوقت از برای ایشان مکری
در آیات ما یعنی طعن زنند بآیات ما و مکر و حیله برای پیغمبر کنند بگوای محمد خدا زودتر است از شما در رسانیدن جزای مکر بدرستیکه فرستادگان ما یعنی ملائکه
مینویسند آنچه را که شما میاندیشید ۲۳ اوست خدای آنچنانی که سیر میدهد شما را یعنی قدرت سیر و گردش میدهد شما را در بیابان و دریا تا وقتی که باشید
در کشتی ها و روان شوند با آنانکه در کشتی هستند بسبب باد خوش ملایم و فرح کنند اهل کشتی بآن باد ناگاه آید بر آن کشتی بادی سخت و آید
ایشانرا موج از هر مکانی یعنی از اطراف کشتی موج برخیزد و گمان برند باینکه بلاها فرو گرفته است مر ایشانرا بخوانند خدا را خالص کنندگان باشند یعنی
پاک کنندگان باشند از برای خدا دین خود را هرآینه اگر برهانی ما را از این بلا هرآینه باشیم البته از شکر کنندگان ۲۴ پس چون نجات داد خدا
ایشان را از بلیهٔ غرق آنوقت ایشان ستم کنندگان در زمین بغیر حق ای مردم جز این نیست که فساد شما بر خود شما است با ارتکاب معاصی
برخورداری زندگانی دنیا بعد از آن بسوی ما است برگشت شما پس آگاه میکنیم شما را بسبب آنچه شما بودید عمل میکردید ۲۵

جز این نیست

عليهم إن الله غفور رحيم ۝ خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكيهم
بها وصل عليهم إن صلوتك سكن لهم والله سميع عليم ۝ ألم يعلموا أن
الله هو يقبل التوبة عن عباده ويأخذ الصدقات وأن الله هو التواب
الرحيم ۝ وقل اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله والمؤمنون وستردون
إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون ۝ وآخرون
مرجون لأمر الله إما يعذبهم وإما يتوب عليهم والله عليم حكيم ۝ والذين
اتخذوا مسجدا ضرارا وكفرا وتفريقا بين المؤمنين وإرصادا لمن حارب
الله ورسوله من قبل وليحلفن إن أردنا إلا الحسنى والله يشهد إنهم لكاذبون
لا تقم فيه أبدا لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن تقوم فيه
فيه رجال يحبون أن يتطهروا والله يحب المطهرين ۝ أفمن أسس بنيانه
على تقوى من الله ورضوان خير أم من أسس بنيانه على شفا جرف هار
فانهار به في نار جهنم والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ لا يزال بنيانهم
الذي بنوا ريبة في قلوبهم إلا أن تقطع قلوبهم والله عليم حكيم ۝ إن الله
اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل
الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التورىة والإنجيل و

الْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١١٣ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ١١٤ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ١١٥ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ١١٦ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١١٧ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ١١٨ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ١١٩ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ١٢٠ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اتقوا الله وكونوا مع الصادقين ١١٩ ما كان لأهل المدينة ومن حولهم

من الأعراب أن يتخلفوا عن رسول الله ولا يرغبوا بأنفسهم عن نفسه

ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في سبيل الله ولا يطئون

موطئا يغيظ الكفار ولا ينالون من عدو نيلا إلا كتب لهم به

عمل صالح إن الله لا يضيع أجر المحسنين ١٢٠ ولا ينفقون نفقة صغيرة

ولا كبيرة ولا يقطعون واديا إلا كتب لهم ليجزيهم الله أحسن ما كانوا

يعملون ١٢١ وما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة

منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم

لعلهم يحذرون ١٢٢ يا أيها الذين آمنوا قاتلوا الذين يلونكم من الكفار

وليجدوا فيكم غلظة واعلموا أن الله مع المتقين ١٢٣ وإذا ما أنزلت سورة

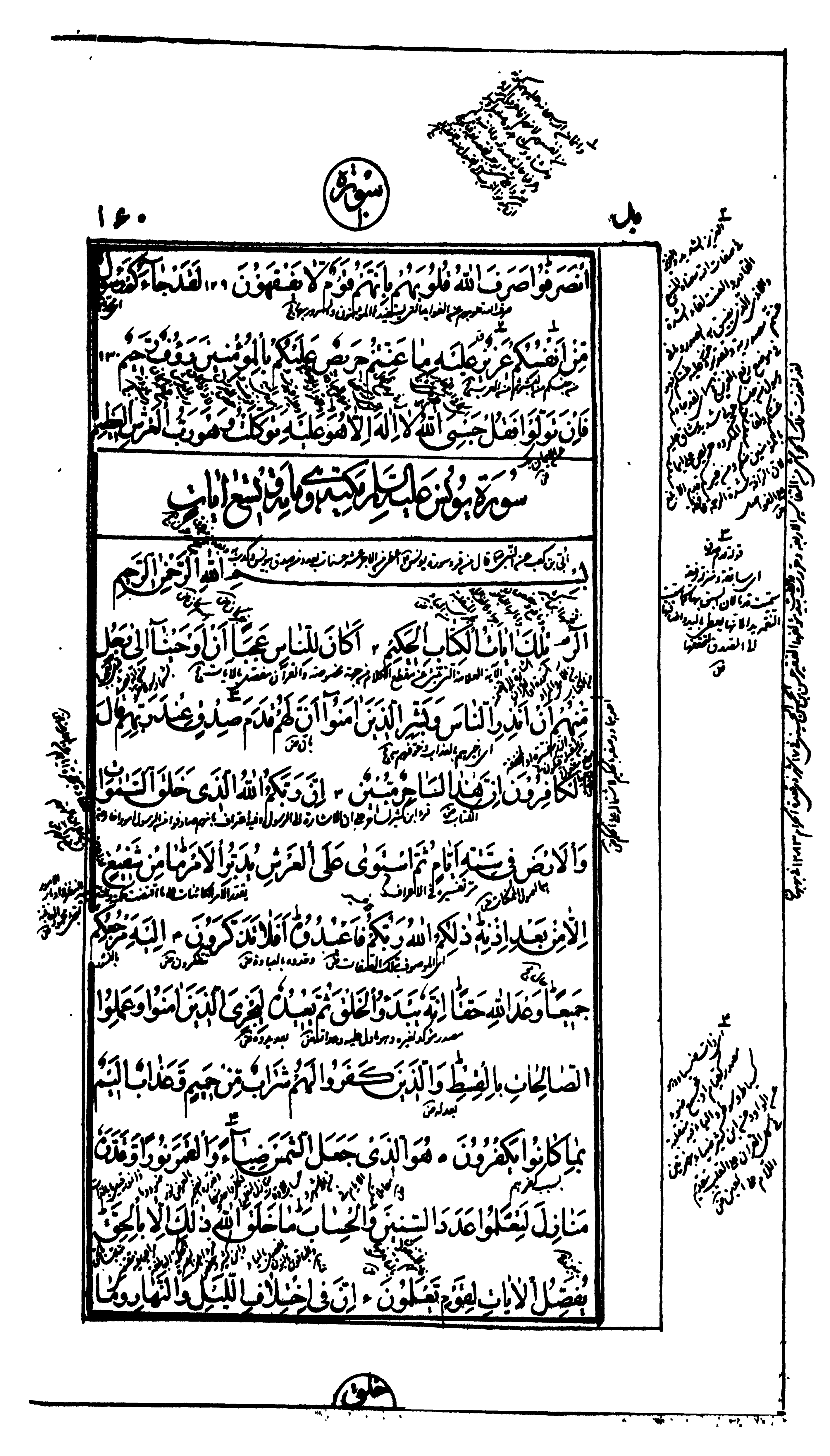
فمنهم من يقول أيكم زادته هذه إيمانا فأما الذين آمنوا فزادتهم

إيمانا وهم يستبشرون ١٢٤ وأما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم

رجسا إلى رجسهم وماتوا وهم كافرون ١٢٥ أولا يرون أنهم

يفتنون في كل عام مرة أو مرتين ثم لا يتوبون ولا هم يذكرون ١٢٦

وإذا ما أنزلت سورة نظر بعضهم إلى بعض هل يراكم من أحد ثم

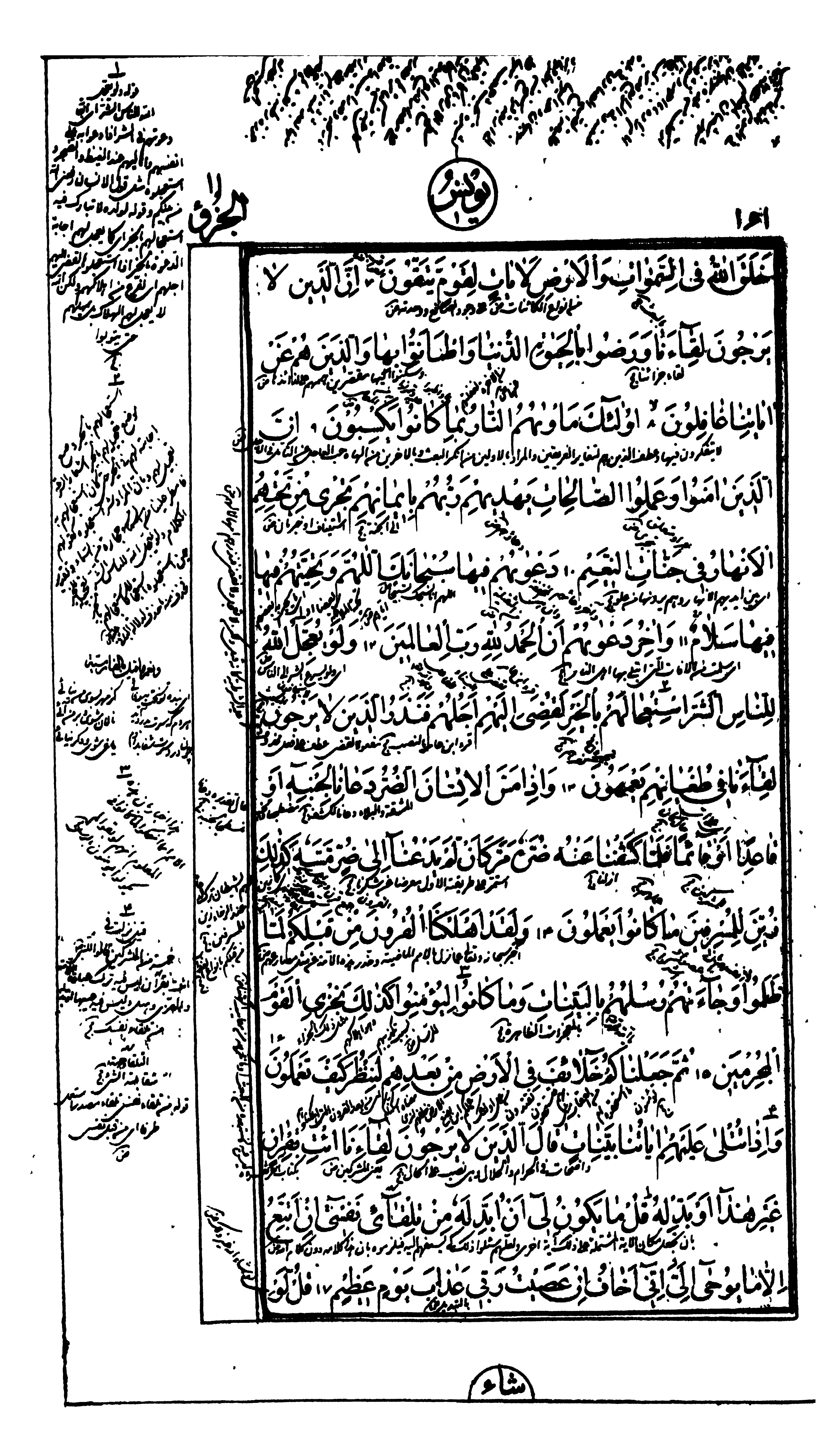


انصرفوا صرف الله قلوبهم بانهم قوم لا يفقهون ١٢٩ لقد جاءكم رسول
من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم ١٣٠
فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

سورة يونس عليه السلام مكية وهي مائة وتسع آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

الر تلك آيات الكتاب الحكيم ٢ اكان للناس عجبا ان اوحينا الى رجل
منهم ان انذر الناس وبشر الذين آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم قال
الكافرون ان هذا لساحر مبين ٣ ان ربكم الله الذي خلق السموات
والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يدبر الامر ما من شفيع
الا من بعد اذنه ذلكم الله ربكم فاعبدوه افلا تذكرون ٤ اليه مرجعكم
جميعا وعد الله حقا انه يبدؤا الخلق ثم يعيده ليجزي الذين آمنوا وعملوا
الصالحات بالقسط والذين كفروا لهم شراب من حميم وعذاب اليم
بما كانوا يكفرون ٥ هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وقدره
منازل لتعلموا عدد السنين والحساب ما خلق الله ذلك الا بالحق
يفصل الآيات لقوم يعلمون ٦ ان في اختلاف الليل والنهار وما



خلق الله في السموات والارض لايات لقوم يتقون ٦ ان الذين لا
يرجون لقاءنا ورضوا بالحيوة الدنيا واطمانوا بها والذين هم عن
اياتنا غافلون ٧ اولئك ماويهم النار بما كانوا يكسبون ٨ ان
الذين امنوا وعملوا الصالحات يهديهم ربهم بايمانهم تجري من تحتهم
الانهار في جنات النعيم ٩ دعويهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم
فيها سلام وآخر دعويهم ان الحمد لله رب العالمين ١٠ ولو يعجل الله
للناس الشر استعجالهم بالخير لقضي اليهم اجلهم فنذر الذين لا يرجون
لقاءنا في طغيانهم يعمهون ١١ واذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او
قاعدا او قائما فلما كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه كذلك
زين للمسرفين ما كانوا يعملون ١٢ ولقد اهلكنا القرون من قبلكم لما
ظلموا وجاءتهم رسلهم بالبينات وما كانوا ليؤمنوا كذلك نجزي القوم
المجرمين ١٣ ثم جعلناكم خلائف في الارض من بعدهم لننظر كيف تعملون
١٤ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقران
غير هذا او بدله قل ما يكون لي ان ابدله من تلقاي نفسي ان اتبع
الا ما يوحى الي اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم عظيم ١٥ قل لو

شاء الله ما تلوته عليكم ولا ادريكم به فقد لبثت فيكم عمرا من قبله

افلا تعقلون ١٨ فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب بآياته انه

لا يفلح المجرمون ١٩ ويعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم

ويقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل اتنبئون الله بما لا يعلم في

السموات ولا في الارض سبحانه وتعالى عما يشركون ٢٠ وما كان الناس

الا امة واحدة فاختلفوا ولولا كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم فيما

فيه يختلفون ٢١ ويقولون لولا انزل عليه آية من ربه فقل انما

الغيب لله فانتظروا اني معكم من المنتظرين ٢٢ واذا اذقنا الناس رحمة

من بعد ضراء مستهم اذا لهم مكر في آياتنا قل الله اسرع مكرا ان

رسلنا يكتبون ما تمكرون ٢٣ هو الذي يسيركم في البر والبحر حتى

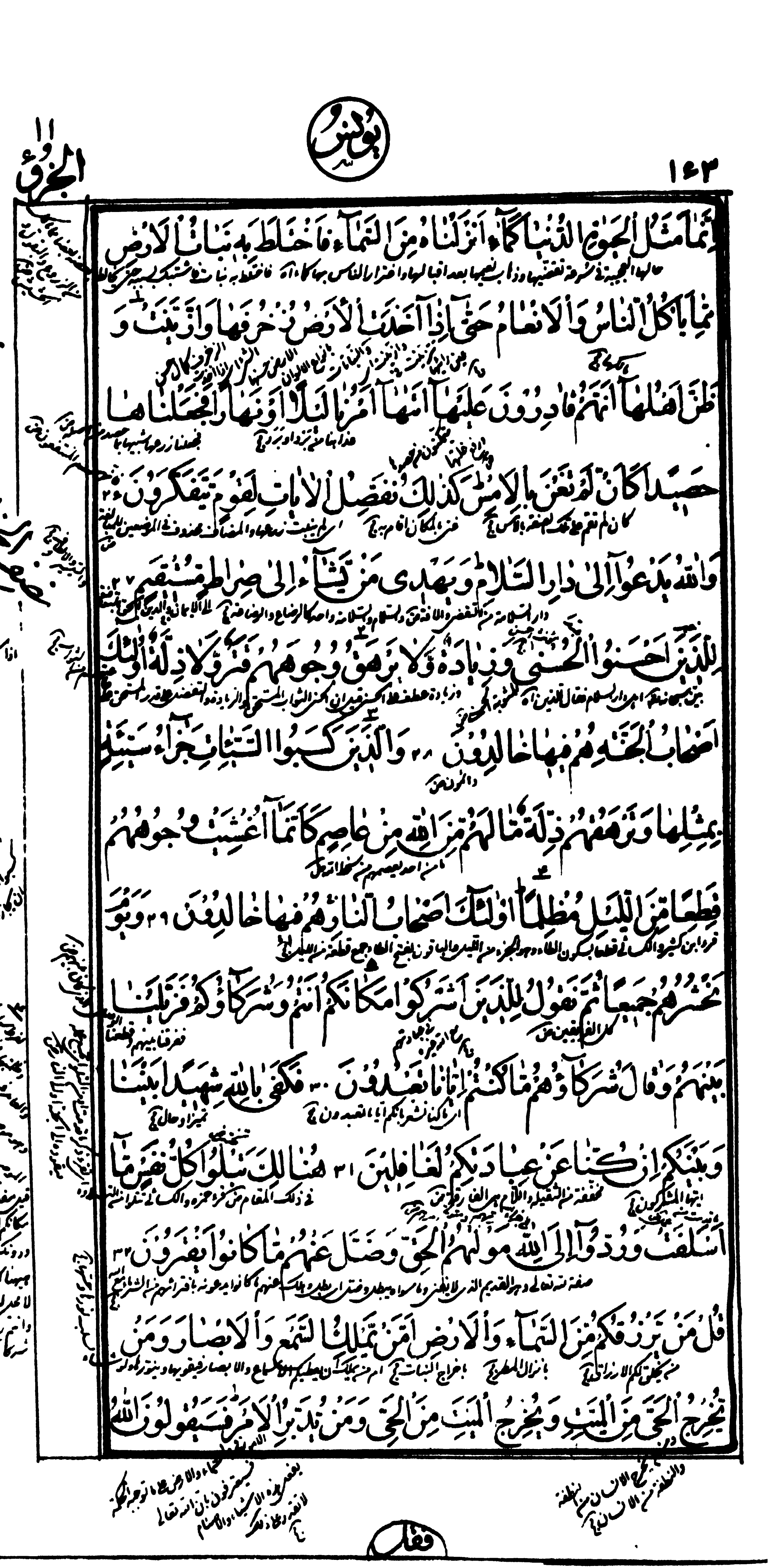
اذا كنتم في الفلك وجرين بهم بريح طيبة وفرحوا بها جاءتها ريح

عاصف وجاءهم الموج من كل مكان وظنوا انهم احيط بهم دعوا الله

مخلصين له الدين لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين ٢٤ فلما

انجيهم اذا هم يبغون في الارض بغير الحق يا ايها الناس انما بغيكم على

انفسكم متاع الحيوة الدنيا ثم الينا مرجعكم فننبئكم بما كنتم تعملون ٢٥



إنما مثل الحياة الدنيا كماء أنزلناه من السماء فاختلط به نبات الأرض
مما يأكل الناس والأنعام حتى إذا أخذت الأرض زخرفها وازينت و
ظن أهلها أنهم قادرون عليها أتاها أمرنا ليلا أو نهارا فجعلناها
حصيدا كأن لم تغن بالأمس كذلك نفصل الآيات لقوم يتفكرون ٢٦
والله يدعوا إلى دار السلام ويهدي من يشاء إلى صراط مستقيم ٢٧
للذين أحسنوا الحسنى وزيادة ولا يرهق وجوههم قتر ولا ذلة أولئك
أصحاب الجنة هم فيها خالدون ٢٨ والذين كسبوا السيئات جزاء سيئة
بمثلها وترهقهم ذلة ما لهم من الله من عاصم كأنما أغشيت وجوههم
قطعا من الليل مظلما أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون ٢٩ ويوم
نحشرهم جميعا ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم وشركاؤكم فزيلنا
بينهم وقال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون ٣٠ فكفى بالله شهيدا بيننا
وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغافلين ٣١ هنالك تبلوا كل نفس ما
أسلفت وردوا إلى الله مولاهم الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون ٣٢
قل من يرزقكم من السماء والأرض أمن يملك السمع والأبصار ومن
يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ومن يدبر الأمر فسيقولون الله

فقل أفلا تتقون ٣١ فذلكم الله ربكم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلال
فأنى تصرفون ٣٢ كذلك حقت كلمت ربك على الذين فسقوا أنهم لا
يؤمنون ٣٣ قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق ثم يعيده قل الله يبدؤا
الخلق ثم يعيده فأنى تؤفكون ٣٤ قل هل من شركائكم من يهدي
إلى الحق قل الله يهدي للحق أفمن يهدي إلى الحق أحق أن يتبع أمن لا
يهدي إلا أن يهدى فما لكم كيف تحكمون ٣٥ وما يتبع أكثرهم إلا
ظنا إن الظن لا يغني من الحق شيئا إن الله عليم بما يفعلون ٣٦ وما
كان هذا القرآن أن يفترى من دون الله ولكن تصديق الذي بين
يديه وتفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين ٣٧ أم يقولون
افتراه قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله إن
كنتم صادقين ٣٨ بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه ولما يأتهم تأويله كذلك
كذب الذين من قبلهم فانظر كيف كان عاقبة الظالمين ٣٩ ومنهم من
يؤمن به ومنهم من لا يؤمن به وربك أعلم بالمفسدين ٤٠ وإن كذبوك
فقل لي عملي ولكم عملكم أنتم بريئون مما أعمل وأنا بريء مما تعملون
ومنهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصم ولو كانوا لا يعقلون ٤٢

صفحهٔ صد و شصت و سیم

جز این نیست که مثل زندگانی دنیا مثل آبیست که فرستادیم ما آن آبرا از آسمان پس مخلوط شد بآن گیاه روئیدهٔ زمین از آنچه میخورند مردم و چارپایان تا
وقتیکه گرفت زمین پیرایهٔ خود را و آراسته شد یعنی زمین بآن گیاه های رنگارنگ و ثمرات پاکیزه زینت گرفت و آراسته شد و گمان بردند اهل زمین بآنکه ایشان قادرند
بر آنگیاه و ثمرها ناگاه آید بآن زمین امر ما یعنی عذاب ما در شبی یا روزی پس گردانیدیم ما آنگیاه را شبیه بدرویده یعنی خشک بهم افتاده مثل اینکه یافت نشده بود
دیروز همچنین تفصیل میدهیم یعنی روشن و آشکار میکنیم آیات را از برای قومیکه تفکر میکنند در این مثل زندگانی ۲۶ و خدا میخواند بندگان را بسوی دار السلام یعنی
بسوی اعمالیکه موجب بهشت است که خانهٔ سلامتست و راه مینماید هر که را میخواهد بسوی راه راست ۲۷ از برای آنکسانیکه نیکوئی کردند نیکی است و زیاده یعنی
درعوض هر نیکوئی نیکوئی باو میدهند بعلاوه زیاده که آن زیاده قصریست از مروارید در بهشت و نمیپوشاند روهای اهل بهشت را گردی و نه از احوال ایشان ذلتی و کدورتی
مشاهده میشود یعنی اهل بهشت در کمال طراوت و لطافت هستند آنگروه اصحاب بهشتند ایشان در بهشت همیشه خواهند بود ۲۸ و آنکسانیکه کسب کردند بدیها
جزای هر بدی بدیست مثل آن و میپوشاند رویهای ایشانرا ذلتی نیست از برای ایشان از عذاب خدا نگاهدارنده گوئیا پوشیده شده است روهای ایشان از قطعهٔ از شب
تاریک یعنی روهای ایشان از غم و اندوه یا از حرارت آتش سیاه است مثل سیاهی شب تاریک آنگروه اصحاب آتشند ایشان در آتش همیشه خواهند بود ۲۹ و
روزیکه حشر کنیم ایشانرا همگی یعنی بت پرستان و بتان همه را بعد از آن بگوئیم مر آنکسانیرا که شرک آوردند بایستید بجای خودتان شما و شریکان شما پس جدا کنیم میانهٔ
ایشانرا یعنی میانهٔ بت پرستان و بتانرا و گویند بتان به بت پرستان نبودید شما که مارا عبادت کنید یعنی هوای نفس خود را عبادت میکردید ما را آلت و اسباب قرار داده
بودید بجهة اینکه معلوم بود ما نه می شنیدیم و نه تکلم میکردیم و نه کاری از ما ساخته بود ۳۰ پس کافیست خدا گواه بودن میان ما و میان شما بدرستیکه بودیم ما از عبادت شما
هر آینه بیخبران یعنی بتان گفتند ما که عقل و فهم نداریم چه خبر از عبادت کردن شما داریم ۳۱ در آنمقام میآزماید هر نفسی یعنی میداند هر کسی آنچه پیش فرستاده است از خیر و شر
و نفع و ضرر اعمال خود را معاینه میبیند و باز گردانیده شوند همه نفسها بسوی ثواب و عقاب خدای که خداوند متولی امر ایشانست بحقیقت و گم شود از کفار آنچه که بودند
افترا میبستند یعنی از شفاعت بتان و دعوی الوهیت ایشان ۳۲ بگوای محمد کی روزی میدهد شمارا از آسمان و زمین آیا کیست آنکه مالک و صاحب میشود گوش و دیده ها
و کیست که بیرون میآورد زنده را از مرده مثل حیوان که از نطفه و گیاه که از تخم سبز شود و زنده شود و کیست که بیرون میآورد مرده را از زنده مثل تخمهائیکه از نباتات
حاصل شود و کیست که تدبیر کند کارهای عالمیان را پس زود باشد که جواب گویند خداست که دارای این شئونات است

صفحهٔ صد و شصت و چهارم

پس بگوای محمد آیا پس پرهیز نمیکنید از چنین خدائی ۳۳ پس این خدای شما که پروردگار شما است حق است پس چه چیز است بعد از حق و راستی بجز ضلالت و گمراهی پس بکجا گردانیده
میشود از حق بباطل ۳۴ همچنین که ربوبیت حق را سزاوار است سزاوار شده یعنی واجب شده است حکم پروردگار تو بر آن کسانیکه بیرون رفتند از دایرهٔ فرمان و متمرد گشتند بدرستیکه
ایشان ایمان نمیآورند یعنی علم الهی تعلق گرفته که ایشان ایمان نیاورند و مستوجب عذاب شوند ۳۵ بگوای محمد آیا از بتان شما کسی هست اول خلق کند مخلوق را و بعد از آن برگرداند او را یعنی
بعد از مردن باز زنده کند او را بگو خدا در اول خلق میکند بعد از مردن بر میگرداند او را که دوباره زنده میکند او را پس از کجا بر گردانیده میشوید از راه راست ۳۶ بگوای محمد آیا از
شریکان شما یعنی از بتانیکه شریک خدا قرار داده اید کسی هست که راه نماید بسوی حق بگو خدا راه مینماید بسوی راستی آیا پس کسی که هدایت میکند و راه مینماید بسوی حق سزاوارتر است باینکه
پیروی کرده شود یعنی متابعت امر او بکنید یا کسی که راه نیابد بخودی خود مگر اینکه هدایت کرده شود پس چه چیز است از برای شما چگونه حکم میکنید و چگونه مساوی قرار میدهید قادر و عاجز را
۳۷ و متابعت نمیکنند بیشتر ایشان یعنی کفار مگر گمان فاسد را بدرستیکه گمان بی نیاز نمیکند از راستی هیچ چیز را بدرستیکه خدا داناست بآنچه میکنند ۳۸ و نیست این قرآن اینکه افترا زده
شود از برای خدا یعنی قرآن چیزی نیست که بتوان گفت غیر خدا آنرا گفته است و لیکن تصدیق آنچیزیکه بود از پیش یعنی قرآن تصدیق کننده است تورات و انجیل را و تفصیل کتاب یعنی
تفصیل اوامر و نواهی و نیست شکی در آن از جانب پروردگار عالمیان ۳۹ یا میگویند مشرکان بر بافته است محمد آن قرآن را بگوای محمد پس بیاورید سورهٔ مثل آن
و بخوانید هر کرا قدرت دارید غیر از خدا اگر هستید شما راستگویان ۴۰ بلکه تکذیب کردند بچیزی که احاطه نکردند بعلم آن قرآن و چونکه نیامده است
ایشانرا تاویل آن قرآن همچنین تکذیب کردند آن کسانی که بودند از پیش ایشان پس ببین چگونه بود عاقبت کار ظلم کنندگان ۴۱
و از جملهٔ ایشان است کسی که ایمان میآورد بآن قرآن و از جملهٔ ایشان است کسیکه ایمان نمیآورد بقرآن و پروردگار
تو داناتر است باحوال فساد کنندگان ۴۲ و اگر تکذیب کنند ترا ای پیغمبر پس بگو از برای من است عمل من و از برای شما
است عملتان شما بیزارید از چیزی که میکنم من و من بیزارم از آن چیزیکه شما میکنید ۴۳ و از جملهٔ ایشان است کسانی که
گوش میدهند بسوی تو یعنی از جملهٔ طایفهٔ یهود و مشرکین کسانی هستند که گوش میدهند بقرآن خواندن تو آیا پس تو می شنوانی کران را
و اگر چه باشند که بی عقلانند یعنی چون ایشان کرند و بی عقل نتوانی قرآن را بایشان بشنوانی و بگوش ایشان فرو کنی ۴۴

صفحهٔ صد و شصت و پنج

و از جملهٔ ایشان کسی استکه نظر میکند بسوی تو در وقت خواندن قرآن و احکام خداوند آیا پس تو هدایت میکنی کوران را و اگر چه باشند
که نمی بینند یعنی قادر نیستی بر هدایت بی بصیرتان ۴۵ بدرستی که خدا ظلم نمیکند بر مردم هیچ چیز را ولیکن مردم نفسهای خود شان را ظلم میکنند
۴۶ و یاد کن روزیکه جمع میکند خدا کافران را در روز قیامت گو یا درنگ نکردند ایشان در دنیا مگر یکساعت از روز آشنائی میدهند میان
خود شان یعنی یکدیگر میشناسند بتحقیق زیان کردند آنکسانیکه تکذیب کردند برسیدن از خدا بجزای روز حساب و نبودند راه یافتگان ۴۷ و اگر
بنمائیم تو را بعض از آنچه وعده میدهیم بکفار یا بمیرانیم تو را پس بسوی ماست بازگشت ایشان بعد از آن خدا گواهست بر آنچه میکنند ۴۸ و از
برای هر امتی است رسولی پس وقتی آمد رسول ایشان حکم کرده شد میان ایشان بعدل و ایشان ظلم کرده نمیشوند ۴۹ و میگویند چه وقتست این
وعده روز قیامت اگر هستید شما راستگویان ۵۰ بگو ای محمد مالک نیستم من از برای نفس خودم ضرری و نه نفعی را مگر آنچه را که بخواهد خدا از
برای هر امتی وقتی معین است اگر بیاید اجل ایشان یعنی وقت مرگ ایشان پس عقب نمیافتند ساعتی و نه پیشی میگیرند ۵۱ بگو ای پیغمبر آیا دیدید شما
اگر بیاید شما را عذاب خدا در شب یا در روز چه چیز را شتاب میکنند از آن عذاب گناهکاران یعنی کدام نوع را از عذاب میطلبند و حال اینکه همه عذاب
ناملایم است ۵۲ آیا بعد از این چون واقع شود عذاب ایمان آورید بخدا اکنون و حال آنکه بتحقیق بودید شما که بآن نزول عذاب تعجیل میکردید
۵۳ پس گفته شود از برای کسانی که ظلم کردند بچشید عذاب همیشه را آیا جزا داده میشوید یعنی جزا نمیدهند شما را مگر بسبب چیزیکه بودید که کسب
میکردید ۵۴ و خبر می پرسند از تو آیا حق است آن قرآن بگو بلی قسم بپروردگارم بدرستیکه آن قرآن هر آینه حق است یعنی راست است و نیستید
شما عاجز کنندگان خدا از عذاب کردن ۵۵ و اگر باشد از برای هر نفسی که ظلم کرده باشد بنفس خود یعنی کافر باشد آنچه را که در زمین است هر آینه
فدا بدهد آنچیز را تا خود را از عذاب برهاند و بپوشانند ندامت خود را چون ببینند عذاب خدا را و حکم کرده شود میانه ایشان یعنی مؤمنین و کافران بعدل و ایشان
ستم دیده نشوند بنقصان ثواب و افزونی عذاب ۵۶ بدان بدرستیکه از برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است بدان بدرستی که وعدهٔ

صفحهٔ صد و شصت و ششم

خدا راست است ولیکن بیشتر اهل ظلم و کفر نمیدانند ۵۷ او زنده میکند و میمیراند و بسوی او بر میگردید ۵۸
ای مردم بتحقیق آمد شما را پندی از جانب پروردگار شما که قرآنست و شفائی است از برای آنچه در سینه‌ها است و راهنما
و رحمت است از برای مؤمنان ۵۹ بگو ای محمد بفضل خدا و رحمت خدا فرود آمده است قرآن پس باین فضل
و رحمت نامتناهی پس باید که شاد شوند آن مؤمنان آن فضل و رحمت بهتر است از آنچه جمع میکنند از حطام
و متاع دنیوی ۶۰ بگو ای پیغمبر آیا دیدید شما آنچه را که فرو فرستاد خدا از برای شما از روزی پس گردانید
شما از آن روزی حرامی و حلالی بگو آیا خدا رخصت داد از برای شما یا بر خدا افترا می بندید ۶۱ و چیست گمان آن
کسانی که افترا میزنند یعنی بر می بندند بر خدا دروغ را در تحریم و تحلیل یعنی گمان دارند که خدا با ایشان چه کند روز قیامت بدرستیکه
خدا هر آینه صاحب فضل است بر مردم ولیکن بیشتر ایشان شکر نمیکنند ۶۲ و نباشی تو در کاری و نخوانی تو از آنچه
فرستاد خدا از قرآن و نمیکنید هیچ کاری مگر اینکه بودیم ما بر شما گواهان وقتی که شروع میکردید در آن کار و پوشیده
نمی شود از پروردگار تو هم سنگ ذرهٔ در زمین و نه در آسمانها و نه کوچکتر از این یعنی از ذرهٔ و نه بزرگتر مگر در کتاب
مبین یعنی هیچ نیست از امور مذکوره مگر در کتاب روشن یعنی قرآن ۶۳ بدان بدرستیکه دوستان خدا نه ترس
است بر ایشان و نه ایشان غمگین می شوند ۶۴ آن کسانی که ایمان آوردند و بودند که پرهیز میکردند
۶۵ از برای ایشان یعنی از برای مؤمنین است مژدهٔ در زندگانی دنیا و در آخرت نیست
تبدیل کردنی از برای کلمات خدا این است آن رستگاری بزرگ ۶۶ و محزون نکند تو را
گفتن کفار یعنی گفتار کافران در تکذیب نبوت بدرستیکه عزت از برای خداست تمام عزتها اوست شنوندهٔ دانا ۶۷ بدان بدرستیکه
از برای خداست هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است و چه چیز را متابعت میکنند آنکسانیکه میخوانند از سوای خدا شریکانی
یعنی بتان را شریکان خدا میدانند متابعت و پیروی نمیکنند مگر گمان خود را و نیستند ایشان

مگر انکه

ومنهم من ينظر إليك أفأنت تهدي العمي ولو كانوا لا يبصرون ٤٥

إن الله لا يظلم الناس شيئا ولكن الناس أنفسهم يظلمون ٤٦ ويوم

يحشرهم كأن لم يلبثوا إلا ساعة من النهار يتعارفون بينهم قد خسر

الذين كذبوا بلقاء الله وما كانوا مهتدين ٤٧ وإما نرينك بعض الذي

نعدهم أو نتوفينك فإلينا مرجعهم ثم الله شهيد على ما يفعلون ٤٨

ولكل أمة رسول فإذا جاء رسولهم قضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون ٤٩

ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ٥٠ قل لا أملك لنفسي

ضرا ولا نفعا إلا ما شاء الله لكل أمة أجل إذا جاء أجلهم فلا

يستأخرون ساعة ولا يستقدمون ٥١ قل أرأيتم إن أتاكم عذابه بياتا

أو نهارا ماذا يستعجل منه المجرمون ٥٢ أثم إذا ما وقع آمنتم به آلآن

وقد كنتم به تستعجلون ٥٣ ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد

هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون ٥٤ ويستنبئونك أحق هو قل إي و

ربي إنه لحق وما أنتم بمعجزين ٥٥ ولو أن لكل نفس ظلمت ما في

الأرض لافتدت به وأسروا الندامة لما رأوا العذاب وقضي بينهم

بالقسط وهم لا يظلمون ٥٦ ألا إن لله ما في السموات والأرض ألا إن

وَعدَ اللهِ حقٌّ وَلكِنَّ أكثَرَهُم لا يَعلَمُونَ ۝ هُوَ يُحيِي وَيُمِيتُ وَإليهِ
تُرجَعُونَ ۝ يَا أيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَوعِظَةٌ مِن رَبِّكُم وَشِفَاءٌ
لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحمَةٌ لِلمُؤمِنِينَ ۝ قُل بِفَضلِ اللهِ وَبِرَحمَتِهِ
فَبِذَلِكَ فَليَفرَحُوا هُوَ خَيرٌ مِمَّا يَجمَعُونَ ۝ قُل أرَأيتُم مَا أنزَلَ اللهُ لَكُم مِن
رِزقٍ فَجَعَلتُم مِنهُ حَرَامًا وَحَلالًا قُل آللهُ أذِنَ لَكُم أم عَلَى اللهِ تَفتَرُونَ
وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفتَرُونَ عَلَى اللهِ الكَذِبَ يَومَ القِيَامَةِ إنَّ اللهَ لَذُو فَضلٍ
عَلَى النَّاسِ وَلكِنَّ أكثَرَهُم لا يَشكُرُونَ ۝ وَمَا تَكُونُ فِي شَأنٍ
وَمَا تَتلُو مِنهُ مِن قُرآنٍ وَلا تَعمَلُونَ مِن عَمَلٍ إلا كُنَّا عَلَيكُم شُهُودًا
إذ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعزُبُ عَن رَبِّكَ مِن مِثقَالِ ذَرَّةٍ فِي الأرضِ وَلا
فِي السَّمَاءِ وَلا أصغَرَ مِن ذَلِكَ وَلا أكبَرَ إلا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ ألا إنَّ
أولِيَاءَ اللهِ لا خَوفٌ عَلَيهِم وَلا هُم يَحزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا
يَتَّقُونَ ۝ لَهُمُ البُشرَى فِي الحَيَوةِ الدُّنيَا وَفِي الآخِرَةِ لا تَبدِيلَ لِكَلِمَاتِ
اللهِ ذَلِكَ هُوَ الفَوزُ العَظِيمُ ۝ وَلا يَحزُنكَ قَولُهُم إنَّ العِزَّةَ لِلهِ جَمِيعًا
هُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ ۝ ألا إنَّ لِلهِ مَن فِي السَّمٰوَاتِ وَمَن فِي الأرضِ وَمَا
يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدعُونَ مِن دُونِ اللهِ شُرَكَاءَ إن يَتَّبِعُونَ إلا الظَّنَّ وَإن هُم

إِلَّا يَخْرُصُونَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ
مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ٦٧ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا
سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ
سُلْطَانٍ بِهَٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٦٨ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ
عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ٦٩ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ
الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ٧٠ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ
يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ
فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا
تُنْظِرُونِ ٧١ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ
أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ٧٢ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ
جَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُنْذَرِينَ ٧٣ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا
كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ٧٤
ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا
وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ٧٥ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ

مُبِينٌ ٧٦ قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ
السَّاحِرُونَ ٧٧ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ
لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ٧٨ وَقَالَ فِرْعَوْنُ
ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ٧٩ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ
مُلْقُونَ ٨٠ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ
إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ٨١ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُجْرِمُونَ ٨٢ فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ
وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ
وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ
فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٨٥ وَنَجِّنَا
بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ٨٦ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ
تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ ٨٧ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً
وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ
أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ٨٨

مگر اینکه دروغ میگویند یعنی بدروغ گمان میبرند که نسبت شرکت بتان بخدا میدهند ۶۸ اوست خدای آنچنانیکه گردانید از برای شما شب را یعنی
مقرر فرمود برای شما شب را تا اینکه بیارامید در آن و روز را روشن ساخت بدرستیکه در این شب و روز هر آئینه نشانهاییست از برای قومیکه
میشنوند ۶۹ گفتند گرفت خدا فرزندی پاکست خدا از اینکه فرزند بیاورد اوست بی نیاز از برای اوست هرچه در آسمانها و هرچه در زمین است
نیست نزد شما هیچ حجتی باینکه خدا فرزند گیرد آیا میگوئید بر خدا آنچه را که نمیدانید ۷۰ بگوای محمد بدرستی که آنکسانیکه افترا می بندند بر خدا دروغ را
رستگار نمیشوند ۷۱ متاع است یعنی این افترا اینکه بخدا می بندند و کفر میورزند برخورداری دنیای ایشانست بعد از این بسوی ماست
بازگشت ایشان پس بچشانیم بایشان عذاب سخت را بسبب آنچه بودند که کفر میورزیدند ۷۲ و بخوان برایشان خبر نوح را وقتی که گفت از برای قوم
خود ای قوم من اگر هست بزرگ بر شما مقام من و پند دادن من بآیات خدا پس بر خدا توکل کردم پس جمع کنید امر خود را و شریکان خود را
پس نباشد امر شما بر شما پوشیده پس ادا کنید بسوی من و مهلت مدهید مرا یعنی ای قوم من اگر بجهت طول مدت از مواعظ و نصایح من تنگ
آمده اید و خیال هلاک کردن و کشتن مرا دارید ضرور نیست که در خفیه تدبیر این کار را بکنید همه جمع شوید و آشکارا در صدد قتل من برآئید
توکل من بخداست هرچه میخواهید بکنید آشکار و واضح بگوئید و بکنید ۷۳ پس اگر برگردید شما یعنی از عقاید فاسدهٔ خود برگردید و در مقام
اطاعت برآئید پس نمیخواهم از شما مزدی نیست مزد من مگر بر خدا و امر کرده شدم من اینکه باشم از مسلمین ۷۴ پس تکذیب کردند قوم آن نوح را
پس نجات دادیم او را و هرکه با او بود در کشتی و گردانیدیم ایشان را یعنی نوح و متابعان او را که در کشتی بودند جانشینان و غرق کردیم
آنکسانیرا که تکذیب کردند بآیات ما پس نظر کن ببین چگونه بود عاقبت بیم شدگان ۷۵ پس برانگیختیم ما از بعد از نوح رسولانی بسوی
قوم خودشان پس آمدند رسولان ما ایشان خود را بمعجزهای روشن پس نبودند که ایمان بیاورند بآنچه تکذیب کردند بآن از پیش همچنین مهر زنیم بر دلهای
درگذرندگان ۷۶ پس برانگیختیم ما بعد از پیغمبران موسی و هرون را بسوی فرعون و اشراف او یعنی اشراف قوم فرعون بمعجزات ما
پس سرکشی کردند و بودند قومی گناهکاران ۷۷ پس چون آمد ایشانرا سخن راست از جانب ما گفتند بدرستیکه این سخن هر آئینه سحر

آشکار است ۷۸ گفت موسی مر آنهائی را که این سخن را گفتند آیا میگوئید مر سخن حق را آنهنگام که آمد بشما آیا سحر است این یعنی سحر نیست و رستگار
نمیشوند سحر کنندگان ۷۹ گفتند قوم فرعون بموسی آیا آمدهٔ مارا تا اینکه بگردانی ما را از آنچه یافتیم ما بر آن چیز پدران خود را یعنی آمدی که ما را باز
گردانی از پرستش فرعون که شیوهٔ پدران ما بود و باشد از برای شما بزرگواری در زمین و نبودیم ما از برای شما باور دارندگان ۸۰ و گفت فرعون
بیاورید مرا بهر ساحر دانائی که هست ۸۱ پس چون آمدند ساحران گفت از برای ایشان موسی بیندازید آنچه را که شما میاندازید یعنی
بنمائید سحر خود را هرچه می توانید ۸۲ پس چون انداختند ریسمانها و عصای خود را گفت موسی آنچه آورده اید شما آنرا سحر است بدرستیکه
خدا زود باشد که باطل کند آن سحر را بدرستی که خدا اصلاح نمیکند عمل مفسدین را ۸۳ و ثابت کند خدا حق را بسبب کلمات خودش
و اگرچه اکراه داشته باشند بدکاران ۸۴ پس ایمان نیاوردند از برای موسی مگر فرزندانی از قوم خود موسی با وجود ترس از فرعون
و اشراف قوم فرعون اینکه عذاب کند ایشانرا و بدرستی که فرعون هر آئینه برتری جوینده و طاغی است در زمین مصر و بدرستیکه
او هر آئینه از اسراف کنندگانست ۸۵ و گفت موسی ای قوم من اگر هستید شما که ایمان آورده اید بخدا پس بر او
توکل کنید اگر هستید شما اسلام آورندگان ۸۶ پس گفتند بر خدا توکل کردیم ما ای پروردگار ما مگردان ما را آزمایش
از برای قوم ظالمین ۸۷ و نجات بده ما را برحمت خودت از قوم کافران ۸۸ و وحی کردیم ما بسوی موسی و برادرش اینکه جای
بگیرید از برای قوم خودتان بشهر مصر خانهائی یعنی گفتیم برای قوم خودتان خانها در مصر بسازید و بگردانید خانهای خودتانرا قبله
و برپا دارید نماز را و مژده بده گروندگانرا ۸۹ و گفت موسی ای پروردگار ما بدرستی که تو دادهٔ فرعون و اشراف
قوم او را زینتی و اموالی در حیات دنیا ای پروردگار ما تا اینکه بگردانند مردم را از راه تو یعنی این زینت و اموال را
بایشان دادی تا اینکه بگردانند مردم را و گمراه کنند از راه عبادت تو ای پروردگار ما اثر محو بفرست بر
اموال ایشان یعنی نابود کن مالهای ایشانرا و سخت بگیر بر دلهای ایشان پس ایمان نیاورند تا ببینند عذاب دردناک را ۹۰

صفحهٔ صد و شصت و نهم

گفت خدا بتحقیق اجابت کرده شد دعای شما پس ثابت باشید و متابعت نکنید راه کسانیرا که نمیدانند ۹۱ و گذرانیدیم ما بنی اسرائیلرا
از دریا پس از پی درآمد ایشانرا فرعون و لشگر او برای ستم کردن و دشمنی نمودن تا اینکه دریافت او را غرق گفت فرعون ایمان آوردم من
باینکه نیست خدائی مگر خدای آنچنانی که ایمان آوردند باو پسران اسرائیل و من از جملهٔ گردندگانم ۹۲ آیا حالا ایمان آوردی و حال
اینکه نافرمانی کردی پیش از این و بودی تو از فساد کنندگان ۹۳ پس امروز رها میکنیم بدن ترا یعنی امروز نعش ترا بروی آب میاندازیم که موج
دریا باطراف متحرک سازد تا اینکه باشی از برای کسیکه در عقب تو بیاید نشانهٔ و بدرستی که بسیاری از مردم از معجزات ما هرآینه غافلانند ۹۴
و هرآینه بتحقیق جای دادیم ما بنی اسرائیل را جائیکه سزاوار بود و روزی دادیم ما ایشانرا از پاکیزه‌ها پس اختلاف نکردند در دین تا اینکه آمد ایشانرا
علم تورات یعنی آنوقت در تفسیر تورات اختلاف نمودند بدرستیکه پروردگار شما حکم میکند میانهٔ ایشان روز قیامت در آنچه بودند که در آن
اختلاف میکردند در حکم توریت ۹۵ پس اگر باشی تو در شک از آنچه فرستادیم ما بسوی تو پس بپرس از آن کسانیکه میخوانند کتاب را از پیش
از تو هرآینه بتحقیق آمد ترا بیانات راست درست از جانب پروردگار تو پس نباش تو البته از جملهٔ شک کنندگان ۹۶ و مباش البته
از کسانیکه تکذیب کردند بآیات خدا پس باشی تو از زیانکاران ۹۷ بدرستیکه آن کسانیکه سزاوار شد بر ایشان سخن پروردگار تو یعنی کسانیکه کافر شدند
در لوح نوشته شده است که بجهنم خواهند رفت آنقوم ایمان نمیآورند و اگرچه بیاید ایشانرا هر آیهٔ و نشانهٔ و معجزهٔ تا به بینند عذاب دردناک را ۹۸
پس چرا نبود دیه اهل دهی که ایمان آوردند پس نفع داد ایشانرا ایمانشان مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتیم ما از ایشان عذاب خواری را
در زندگانی دنیا و برخورداری دادیم ایشانرا تا وقت مردنشان ۹۹ و اگر بخواهد پروردگار تو هرآینه ایمان بیاورد هر کس در زمین است همهٔ ایشان
جمیعاً آیا پس تو اکراه داری مردم را

صفحهٔ صد و هفتادم

تا باشند ایمان آورندگان یعنی میخواهی باکراه و زور مردم را بایمان درآوری نمیتوانی و در تحت قدرت تو نیست و این کار بسته است
باراده و قدرت خدا ۱۰۰ و نیست از برای احدی اینکه ایمان آورد مگر باذن خدا و میگرداند خدا پلیدی را بر آن کسانیکه عقل ندارند
یعنی تعقل نمیکنند در آیات باهرات ما تا اینکه بفهمند و ایمان بیاورند ۱۰۱ بگو ای محمد نظر کنید چه چیز است در آسمانها و زمین
یعنی در آسمانها و زمین چه چیزها از قدرت خدا ظاهر است و بی نیاز نمیکند آیات و معجزات و بیم کردنها از قومی که نمیگروند ۱۰۲ پس آیا نمی
بینید مگر مثل روزهای آن کسانیکه گذشتند از پیش از ایشان یعنی قوم عاد و ثمود و اصحاب ایکه مقصود نزول عذابست که بر آنها
رسید بگو ای پیغمبر پس منتظر باشید عذابیرا که بر شما نازل خواهد شد بدرستی که من با شما از منتظرانم ۱۰۳ پس نجات میدهیم
ما رسولان خود را و آن کسانیکه ایمان آوردند همچنین حق است بر ما یعنی راست است وعدهٔ ما که بوقت هلاک کردن مشرکان نجات
بدهیم ایمان آورندگان را ۱۰۴ بگو ای مردم اگر هستید شما در شک از دین من پس عبادت نمیکنم من آنهارا که عبادت میکنید
شما از سوای خدا ولیکن عبادت میکنم من خدای آنچنانی را که میمیراند شما را و مأمور شدم من باینکه باشم از
گروندگان ۱۰۵ و دیگر امر کرده شدم باینکه راست گردان روی خود را از برای دین حق و مباش البته از مشرکین ۱۰۶ و مأمور
شدم باینکه مخوان از سوای خدا چیزی را که نفع نمیدهد ترا و نه ضرر میرساند ترا پس اگر کردی تو یعنی اگر بخوانی آن بتانرا
پس بدرستی که تو در آن هنگام که خوانده باشی آنهارا از جملهٔ ظلم کنندگان خواهی بود ۱۰۷ و اگر برساند
ترا خدا بضرری پس نیست بردارندهٔ از برای او مگر خدا و اگر خواهد ترا بخیری و نیکی پس نیست
رد کنندهٔ از برای فضل خدا میرساند بفضل خود هر که را میخواهد از بندگان خودش و اوست آمرزندهٔ مهربان
۱۰۸ بگو ای مردم بتحقیق آمد شما را وعده‌های راست درست از جانب پروردگار شما پس هر که راه یافت پس جز این نیست
راه می یابد از برای خودش و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر نفس خودش و نیستم من بر شما نگاهبان
۱۰۹ و متابعت کن ای پیغمبر هر چه را که وحی کرده میشود بسوی تو و صبر کن تا حکم کند خدا و آن خدا بهترین حکم کنندگانست

سورهٔ هود یکصد و بیست و سه آیه در مکه نازل شده است

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر کتابیست که محکم کرده شده است آیات آن پس تفصیل داده شده است از نزد حکیم آگاه ۲ اینکه پرستید مگر خدا را بدرستیکه من از برای شما از جانب خدا بیم کننده و مژده دهنده ام ۳ و اینکه استغفار کنید پروردگار خود را پس توبه کنید بسوی او برخورداری میدهد شما را برخورداری نیکو تا وقت نام برده شده یعنی تا وقت مردن که آخر عمر است و تا بدهد هر صاحب فضلی را در دین ثواب و جزای فضل او را و اگر برگردید پس بدرستیکه من میترسم بر شما عذاب روز بزرگ را یعنی عذاب روز قیامت را ۴ بسوی خداست بازگشت شما و او است بر همه چیز قادر و توانا ۵ بدانید بدرستیکه ایشان یعنی کفار فراهم میگیرند سینه های خود یعنی دشمنی پیغمبر را در درون سینه های خود میگیرند تا پنهان کنند از خدا بدانید که آنوقت ۶ بر سر میکشند جامه های خود را میداند خدا آنچه را که پنهان میکنند و آنچه را آشکار میکنند ۷ بدرستیکه آن خدا دانا است باسراری که در سینه ها است ۸ و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی آن و میداند خدا قرارگاه حیوانات و آرامگاه آنها را همه در کتاب روشن است یعنی در لوح محفوظ ۹ و او است خدای آنچنانیکه خلق کرد آسمانها و زمین را در شش روز و بود پیش از همه عرش او بر آب بعد از آن خلق کرد مخلوقرا تا اینکه بیازماید شما را کدام یک از شما بهترید بکردار ۱۰ و اگر بگوئی تو بدرستیکه شما برانگیخته خواهید شد از بعد از مردن هر آینه میگویند البته آن کسانیکه کافر شدند نیست این مگر سحر آشکار ۱۱ و هر آینه اگر تاخیر کنیم ما از ایشان عذاب را بسوی امتی شمرده شده هر آینه میگویند البته چه چیز نگاه میدارد عذاب را بدانید روزیکه میآید ایشانرا عذاب نیست باز داشته شده از ایشان و احاطه کرده با ایشان آنچه بودند که بآن استهزاء میکردند یعنی عذاب اطراف ایشانرا فرا گرفت ۱۲ و هر آینه اگر بچشانیم ما آدمی را از نزد خود نعمتی پس باز گیریم ما آن نعمت را از او بدرستیکه او هر آینه ناامید و ناسپاس است ۱۳ و هر آینه اگر بچشانیم او را نعمتها بعد از ضررها و گرفتاریها که رسیده او را هر آینه میگوید البته رفت بدیها

صفحهٔ صد هفتاد و دویم

از من بدرستیکه آدمی هر آینه شادمان و فخر کننده است ۱۴ مگر آنکسانیکه صبر کردند و عمل کردند نیکیها را آن گروه از برای ایشانست آمرزش و مزد بزرگ ۱۵ پس شاید تو ترک کننده باشی بعض از آنچه را که وحی میشود بسوی تو و تنگست بآن سینهٔ تو اینکه میگویند چرا فرستاده نشد بر او گنجی یا چرا نیامد با او ملکی جز این نیست که تو بیم کننده و خدا بر هر چیز نگهبان است ۱۶ یا میگویند بر بافته است آن را محمد بگو پس بیاورید ده سوره مثل قرآن که بر بافته شده و بخوانید هر کرا میتوانید شما از غیر خدا اگر هستید راست گویان ۱۷ پس اگر اجابت نکردند شما را پس بدانید جز این نیست که فرستاده شده است بعلم خدا یعنی قران و بدانید اینکه نیست خدائی غیر از او پس آیا شما هستید ثابت در اسلام ۱۸ هر که میخواهد زندگانی دنیا و زینت دنیا را بتمامی میدهیم بایشان جزای کردارهای ایشان را در دنیا ناقص کرده نمیشوند یعنی از مال و دولت و ثروت و اولاد در دنیا همه را بایشان میدهیم ۱۹ آن گروه کسانی هستند که نیست از برای ایشان در آخرت مگر آتش و تباه گشت هر چه کردند در دنیا و باطل است آنچه بودند که میکردند ۲۰ آیا پس هر که باشد بر برهانی از پروردگار خودش و از پی در آرید برهان او را که دلیل عقلی است گواهی از خدا که بصحت آن گواهی دهد که آن قرآنست و از پیش از قران تورات موسی در حالتیکه پیشوا و سبب رحمت بود از برای مردم در دنیا و آخرت آن گروه که بر بینه اند میگروند بقران یا به محمد و هر که کافر شود بقرآن از گروه یعنی از ملل متفرقه از یهود و نصاری پس آتش وعدگاه او است پس نباش در شک از آن قران بدرستیکه آن قرآن راست است از جانب پروردگار تو ولیکن بیشتر از مردم ایمان نمیآورند ۲۱ و کیست ستمکارتر از کسی که بر بندد بر خدا دروغ را آنگروه عرض کرده خواهند شد بر پروردگار خود و میگویند گواهان یعنی پیغمبران هر امتی اینانند کسانیکه دروغ گفتند بر پروردگار خودشان بدانید که لعنت خدا بر ظلم کنندگانست ۲۲ آنکسانیکه باز میدارند مردمانرا از راه خدا و میجویند آن راه مستقیم را که اسلام است کجی و ایشان

با آخرت ایشان ستمکارانند آنگروه نیستند عاجز کنندگان مر خدا را از عذاب در زمین یعنی در دنیا و نمی باشد از برای ایشان از غیر خدا هیچ دوستانی افزوده میشود از برای ایشان عذاب نبودند که بتوانند شنیدن را و نبودند که ببینند یعنی استعداد و قدرت شنیدن و دیدن احکام خدا و راه مستقیم را نداشتند ۲۳ آن گروه کسانی هستند که زیان کردند نفسهای خود را یعنی ضرر بخود شان زدند و گم شد از ایشان آنچه را که بودند دروغ می بستند یعنی میگفتند که بتان درخواست و شفاعت ما را میکنند ۲۴ نیست شکی که ایشان در آخرت ایشان زیان کارترند از همه زیان کاران ۲۵ بدرستیکه آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل کردند نیکیها را و آرام گرفتند بذکر پروردگارشان که خاضع و خاشع شدند بسوی پروردگارشان آنگروه اصحاب بهشتند ایشان در بهشت همیشه خواهند بود ۲۶ مثل دو گروه یعنی کافر و مؤمن مثل کور است و کنگ و بینا و شنونده آیا مساویند از روی صفت این دو گروه آیا پس پند نمیگیرید ۲۷ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما نوح را بسوی قوم خودش که گفت نوح بدرستیکه من از برای شما بیم کننده آشکارم و دوشنم ۲۸ اینکه عبادت نکنید مگر خدا را بدرستیکه من میترسم بر شما عذاب روز پر دردی را ۲۹ پس گفتند اشراف آن کسانیکه کافر شدند از قوم نوح نمی بینیم ترا مگر آدمی مثل ما و نمی بینیم ترا که متابعت کند ترا مگر کسانیکه ایشان اراذل و پست و خسیسان مایند در ظاهر نظر بی تأمل یعنی بی تردید و نمی بینیم ما شما را بر خودمان از فضلی یعنی نمی بینیم که شما فضیلتی و افزونی داشته باشید که ما نداشته ایم بلکه گمان میکنیم ما شما را در غگویان ۳۰ گفت نوح ای قوم من آیا می بینید اگر باشم من بر حجتی از پروردگارم و داده باشد خدا مرا رحمتی از نزد خودش پس پوشیده باشد بر شما آیا آنوقت ملزم میکنیم شما را بآن علامت رحمت و حال اینکه شما از برای آن کراهت دارید ۳۱ و ای قوم من سؤال نمیکنم شما را بر آن حجت مالی یعنی چیزی از شما نمیخواهم برای نمودن حجت خدا نیست اجر و مزد من مگر بر خدا و نیستم من راننده آنکسانیرا که ایمان آوردند بدرستیکه ایشان رسنده اند بجزای پروردگار خودشان ولیکن من می بینم شما را قومی که نمیدانید ۳۲ و ای قوم من کیست که نصرت و یاری کند مرا از خدا اگر برانم ایشان را آیا پس پند نمیگیرید ۳۳

صفحهٔ صد و هفتاد و چهارم

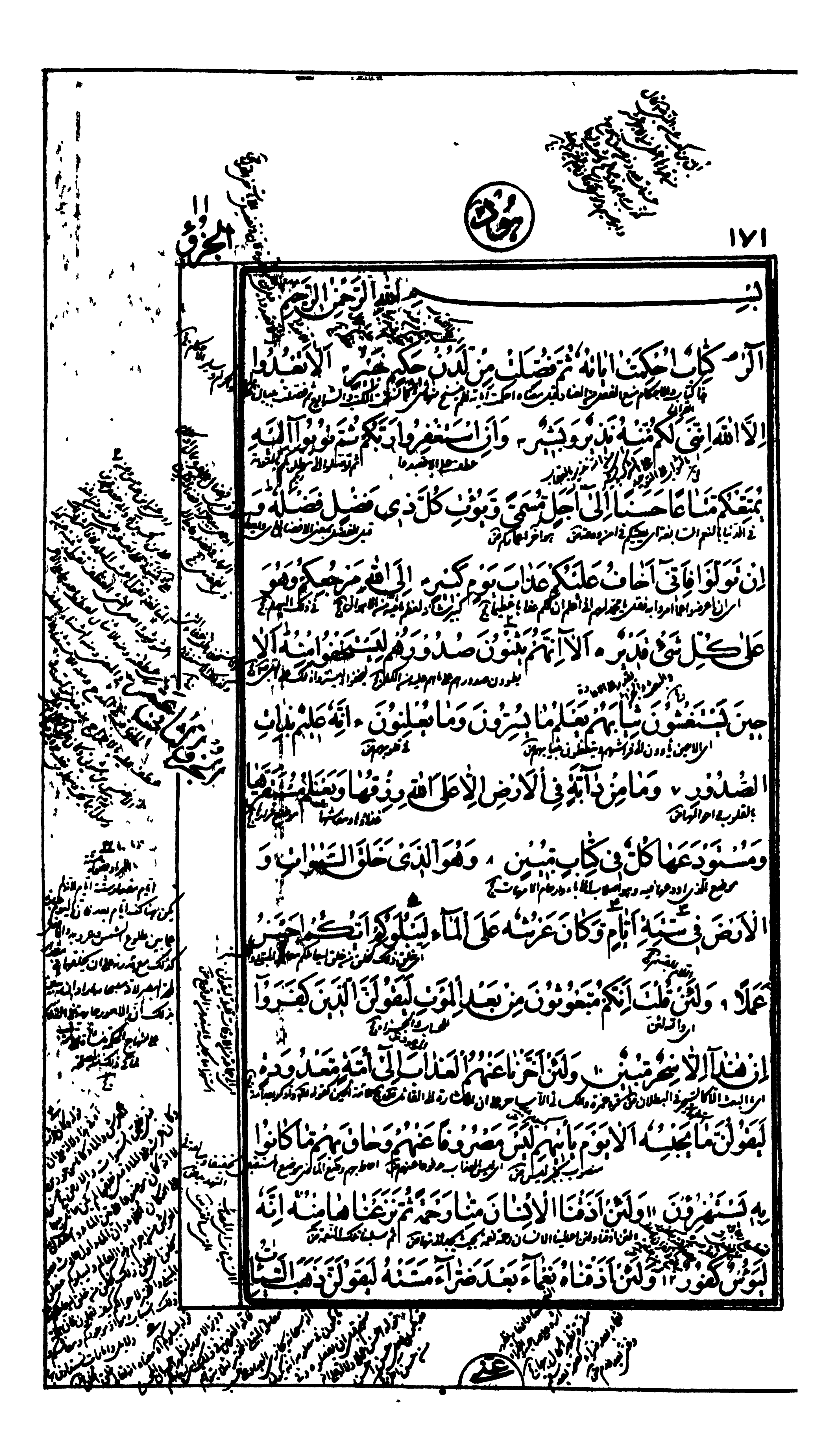
و نمیگویم از برای شما نزد من است خزینه های خدا و نمیدانم غیب را و نمیگویم بدرستی من فرشته ام و نمیگویم از برای کسانیکه بخواری در ایشان مینگرد چشمهای شما نمیدهد ایشانرا خدا نیکی خدا دانا تراست بآنچه در نفسهای ایشانست و اگر من حکم باسلام ایشان نمیکنم در ظاهر بدرستیکه من در این هنگام هر آینه از ستمکارانم ۳۴ گفتند قوم نوح ای نوح بتحقیق جدا کردی با ما پس بسیار کردی جدال ما را یعنی از اندازه بیرون بردی و خسته کردی ما را پس بیاور ما را آنچه وعده میدهی ما را از عذاب و عقاب اگر هستی تو از راستگویان ۳۵ گفت نوح جز این نیست میآورد بشما عذاب را خدا اگر بخواهد و نیستید شما عاجز کنندگان خدا را از عذاب ۳۶ و سود نمیدهد شما را نصیحت من اگر بخواهم اینکه نصیحت کنم مر شما را اگر هست خدا که بخواهد اینکه گمراه کند شما را او است پروردگار شما و بسوی او برگشته میشوید ۳۷ یا میگویند بربافته است نوح آنرا یعنی وحی را بگو ای نوح اگر بربافته آمد آنرا پس بر من است گناه من و من بیزارم از آنچه گناه میکنید ۳۸ و وحی کرده شد بسوی نوح اینکه هرگز ایمان نیاورند از قوم تو مگر کسی که بتحقیق ایمان آورده پس نا امید مباش بآنچه بودند که میکنند ۳۹ و بساز کشتی را به نگهبانی ما و وحی ما و خطاب مکن با من در باره آنکه ستم کردند بدرستی که ایشان غرق شدگانند ۴۰ و میساخت نوح کشتی را و هر وقت مرور میکردند بر آن کشتی گروهی از قوم او مسخره میکردند نوح را گفت نوح اگر مسخره میکنید از ما پس بدرستی که ما مسخره میکنیم از شما همچنانکه مسخره میکنید شما پس زود باشد که بدانید ۴۱ هر که بیاید او را عذابی که رسوا میسازد او را و فرود آید بر او عذاب پاینده ۴۲ تا وقتیکه بیاید فرمان ما و بجوش آمد آب از تنور گفتیم ما نوح را بردار در آن کشتی از هر نر و ماده دو تا و اهل خود را مگر کسی که پیشی گرفته است بر او گفتار ما یعنی در روز ازل حکم بهلاکت او شده که او کنعانست و واعله که زن و پسر نوح بودند و کافر بودند و بردار هر کس را که ایمان آورده است و ایمان نیاورده با او مگر کمی که من حیث المجموع با خود نوح هشتاد نفر بودند از پسران نوح سه نفر بودند حام و یافث و سام و زنان ایشان و مؤمنین هشتاد و نه نفر بودند ۴۳ و گفت نوح سوار شوید در کشتی و بگوئید بنام خداست رفتن و حرکت نمودن کشتی و ایستادن آن بدرستیکه پروردگار من هر آینه

قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا
يَعْلَمُونَ ٩٠ وَجَاوَزْنَا بِبَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ
بَغْيًا وَعَدْوًا حَتّٰىٓ إِذَآ أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ اٰمَنْتُ أَنَّهُ لَآ إِلٰهَ إِلَّا الَّذِيٓ
اٰمَنَتْ بِهِ بَنُوٓا إِسْرَآءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ٩٢ آٰلْـٰٔنَ وَقَدْ عَصَيْتَ
قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ٩٣ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ
خَلْفَكَ اٰيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ اٰيٰتِنَا لَغٰفِلُونَ ٩٤ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا
بَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنٰهُمْ مِنَ الطَّيِّبٰتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتّٰى
جَآءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ٩٥
فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّآ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتٰبَ مِنْ
قَبْلِكَ لَقَدْ جَآءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ٩٦ وَلَا تَكُونَنَّ
مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخٰسِرِينَ ٩٧ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ
عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ٩٨ وَلَوْ جَآءَتْهُمْ كُلُّ اٰيَةٍ حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ
الْأَلِيمَ ٩٩ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ اٰمَنَتْ فَنَفَعَهَآ إِيمٰنُهَآ إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ
اٰمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنٰهُمْ إِلٰى حِينٍ ١٠٠
وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَاٰمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتّٰى

قرء ابن عامر ولا تتبعان بخفة النون لا انه خفف الثقيل التضعيف والباقون بالتشديد

يكونوا مؤمنين ١٠٠ وما كان لنفس أن تؤمن إلا بإذن الله ويجعل
الرجس على الذين لا يعقلون ١٠١ قل انظروا ماذا في السموات والأرض
وما تغني الآيات والنذر عن قوم لا يؤمنون ١٠٢ فهل ينتظرون إلا
مثل أيام الذين خلوا من قبلهم قل فانتظروا إني معكم من المنتظرين ١٠٣
ثم ننجي رسلنا والذين آمنوا كذلك حقا علينا ننج المؤمنين قل يا أيها
الناس إن كنتم في شك من ديني فلا أعبد الذين تعبدون من دون الله
ولكن أعبد الله الذي يتوفاكم وأمرت أن أكون من المؤمنين ١٠٥ وأن
أقم وجهك للدين حنيفا ولا تكونن من المشركين ١٠٦ ولا تدع من دون الله
ما لا ينفعك ولا يضرك فإن فعلت فإنك إذا من الظالمين ١٠٧ وإن
يمسسك الله بضر فلا كاشف له إلا هو وإن يردك بخير فلا راد
لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم ١٠٨ قل يا
أيها الناس قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدي
لنفسه ومن ضل فإنما يضل عليها وما أنا عليكم بوكيل ١٠٩ واتبع
ما يوحى إليك واصبر حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين ١١٠

سورة هود عليه السلام مكية وهي مائة وثلث وعشرون آية



بسم الله الرحمن الرحيم

الر كتاب أحكمت آياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير ألا تعبدوا
إلا الله إنني لكم منه نذير وبشير وأن استغفروا ربكم ثم توبوا إليه
يمتعكم متاعا حسنا إلى أجل مسمى ويؤت كل ذي فضل فضله وإن
تولوا فإني أخاف عليكم عذاب يوم كبير إلى الله مرجعكم وهو
على كل شيء قدير ألا إنهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه ألا
حين يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون وما يعلنون إنه عليم بذات
الصدور وما من دابة في الأرض إلا على الله رزقها ويعلم مستقرها
ومستودعها كل في كتاب مبين وهو الذي خلق السماوات و
الأرض في ستة أيام وكان عرشه على الماء ليبلوكم أيكم أحسن
عملا ولئن قلت إنكم مبعوثون من بعد الموت ليقولن الذين كفروا
إن هذا إلا سحر مبين ولئن أخرنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة
ليقولن ما يحبسه ألا يوم يأتيهم ليس مصروفا عنهم وحاق بهم ما كانوا
به يستهزئون ولئن أذقنا الإنسان منا رحمة ثم نزعناها منه إنه
ليئوس كفور ولئن أذقناه نعماء بعد ضراء مسته ليقولن ذهب السيئات

عجبا إنه لفرح فخور ١٤ إلا الذين صبروا وعملوا الصالحات أولئك لهم
مغفرة وأجر كبير ١٥ فلعلك تارك بعض ما يوحى إليك وضائق به
صدرك أن يقولوا لولا أنزل عليه كنز أو جاء معه ملك إنما أنت
نذير والله على كل شيء وكيل ١٦ أم يقولون افتراه قل فأتوا بعشر
سور مثله مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم
صادقين ١٧ فإن لم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله وأن لا إله
إلا هو فهل أنتم مسلمون ١٨ من كان يريد الحياة الدنيا وزينتها
نوف إليهم أعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون ١٩ أولئك الذين ليس لهم
في الآخرة إلا النار وحبط ما صنعوا فيها وباطل ما كانوا يعملون ٢٠
أفمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتاب
موسى إماما ورحمة أولئك يؤمنون به ومن يكفر به من الأحزاب
فالنار موعده فلا تك في مرية منه إنه الحق من ربك ولكن أكثر الناس
لا يؤمنون ٢١ ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا أولئك يعرضون على
ربهم ويقول الأشهاد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله
على الظالمين ٢٢ الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم

صفحهٔ صد و هفتاد و پنجم

مهربانست ۴۴ و آن کشتی میبرد ایشانرا در موجهای مثل کوهها و ندا کرد نوح پسر خود را یعنی در وقت سوار شدن بکشتی و بود
آن پسر که کنعان بود در کنارهٔ گفت ای پسر من سوار شو با ما و نباش با کافران ۴۵ گفت کنعان پسر نوح زود باشد که بالا روم
و جای گیرم بسوی کوهی که نگاه دارد مرا از آب گفت نوح نیست نگهدارندهٔ امروز از حکم خدا مگر کسی که رحم کند خدا براو و حایل شد
میان نوح و پسرش موج دریا پس بود کنعان از غرق شدگان ۴۶ و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود ترا و ای آسمان باز گیر آب
خود را و کم کرده شد آب و گذشته شد کار و قرار گرفت کشتی بر کوه جودی و گفته شد دوری باد از رحمت مر قوم ستمکاران ۴۷ و آواز
داد یعنی خواند نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من بدرستیکه من از اهل بیت منست و بدرستی که وعدهٔ تو راستست و تو
بهترین حکم کنندگانی یعنی چرا پسر مرا هلاک کردی و حال آنکه وعده کرده بودی که مرا و اهلم را از بلا نجات بدهی ۴۸ گفت خدای نوح
بدرستیکه نیست او از اهل تو بدرستیکه او عمل غیر صالحی است یعنی پسر بدیست پس سؤال مکن مرا از چیزیکه نیست از برای تو دانشی بدرستیکه من
موعظه میکنم ترا از اینکه باشی از نادانان ۴۹ گفت نوح ای پروردگار من بدرستیکه من پناه میبرم بتو از اینکه سؤال کنم ترا از چیزی که
نیست از برای من با آنچیز دانشی و اگر نیامرزی مرا و رحم نکنی مرا باشم من از زیانکاران ۵ گفته شد ای نوح پایین بیا از کشتی بسلامتی از ما
و برکتها بر تو و بر امتانی از آنانیکه با تو هستند و امتانی که زود باشد برخوردار میدهیم ایشانرا پس برسد بایشان از جانب ما عذاب دردناک
۵۱ این از چیزهای غیب است که وحی میکنیم ما آن اخبار را بسوی تو نبودی تو که بدانی آنها را تو و نه قوم تو از پیش از این پس صبر کن بدرستیکه
عاقبت از برای پرهیزکارانست ۵۲ و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر نسبی ایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را
نیست از برای شما هیچ خدائی غیر از خدا نیستید شما مگر دروغ بندان ۵۳ ای قوم نمیخواهم از شما بر رسالت خود مزدی نیست مزد من

صفحهٔ صد و هفتاد و ششم

مگر بر کسی که آفرید مرا آیا پس تعقل نمیکنید ۵۴ و گفت هود ای قوم من آمرزش خواهید از پروردگار خودتان پس توبه کنید بسوی او
تا بفرستد از آسمان بر شما باران متراکم ۵۵ و زیاد کند شما را قوتی بر قوت شما و اعراض نکنید یعنی روی نگردانید از من در حالتی
که مصر گناهان خود باشید ۵۶ گفتند قوم ای هود نیاوردی ما را حجتی و نیستیم ما که ترک کنیم خدایان خود را از قول تو و نیستیم
ما از برای ایمان آورندگان ۵۷ میگوئیم درباره تو مگر اینکه رساینده است بتو بعضی از خدایان ما بدی یعنی بارهٔ از خدایان
ما بجهت بی ادبیهائی که نسبت با آنها کردهٔ ترا دیوانه کرده اند و این سخنان و حرکات تو از روی دیوانگی است گفت هود بدرستیکه
گواه میگیرم خدا را و گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک میسازید یعنی از بتان که شریک میسازید برای خدا و عبادت میکنید
از غیر خدا پس حیله کنید در دفع من همگی پس مهلت ندهید مرا یعنی هر چه از دست شما برآید درباره من ۵۸
کوتاهی نکنید ۵۹ بدرستیکه من توکل کردم بر خدائی که پروردگار من است و پروردگار شما است نیست هیچ
جنبندهٔ مگر اینکه خدا گیرنده است موهای پیشانی او را یعنی اختیار هر چیز در قبضهٔ قدرت خداست بدرستیکه پروردگار من بر راه
راست است ۶۰ پس اگر برگردید پس بتحقیق رسانیدم بشما آنچه را که فرستاده شدم بآن بسوی شما و جانشین کند پروردگار من
قومی را غیر از شما و ضرر نمیرسانید یعنی نمیتوانید ضرر برسانید بخدا هیچ چیز را بدرستیکه پروردگار من بر هر چیز نگاهبانست ۶۱ و چون
آمد امر ما یعنی عذاب ما نجات دادیم هود را و آن کسانیکه ایمان آوردند با او برحمتی از ما و نجات دادیم ایشانرا از عذاب
درشت ۶۲ و این قبیلهٔ عاد انکار کردند آیات پروردگارشان را و گناه کردند و نافرمانی کردند پیغمبران
خود را و متابعت کردند امر هر گردنکش ستیزه کار را ۶۳ و متابعت کرده شدند در این دنیا و روز قیامت
لعنت را یعنی دوری از رحمت را بدانید بدرستیکه قوم عاد کافر شدند بپروردگار خودشان بدانید که دوریست از رحمت
خدا مر طایفه عاد را که قوم هود ند ۶۴ و فرستادیم بسوی قوم ثمود برادر نسبی ایشان صالح را گفت صالح ای قوم من
عبادت کنید خدا را نیست از برای شما خدائی غیر آنخدا او آفرید شما را از زمین و زندگانی داد شما را در آن زمین پس طلب
آمرزش کنید از خدا پس توبه کنید بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیکست و اجابت کننده است دعای توبه کنندگان را ۶۵

صفحهٔ صد و هفتاد و هفتم

گفتند قوم ای صالح بتحقیق بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش از این یعنی ما امیدمان بتقویت و همراهی تو بود که در کار دنیا
و دین ما قوت بدهی ما را آیا نهی میکنی ما را از اینکه عبادت کنیم آنچه را که عبادت میکردند پدران ما و بدرستیکه ما هر آینه در شکیم از آنچه
میخوانی ما را بسوی او و در تهمت افکنده یعنی منع کردن تو ما را از پرستش اصنام در شک و تهمت افکنده است و در اضطراب انداخته
و عقل ما را پریشان کرده است ۶۶ گفت صالح ای قوم من خبر دهید مرا اگر باشم من بر حجتی از جانب پروردگار خودم و داده مرا از
جانب خود رحمتی پس کیست که یاری کند مرا از عذاب خدا اگر نافرمانی کنم او را پس زیاد نمیکنید مرا غیر زیان کاری ۶۷ و ای قوم من
اینست شتر خدا از برای شما نشانه است پس بازگذارید آن شتر را که بچرد در زمین خدا و نرسانید آن شتر را بدی که اگر آزار رسانید پس
بگیرد شما را عذابی نزدیکی ۶۸ پس پی کردند آن شتر را پس گفت صالح زندگی کنید در خانه خودتان سه روز که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه بوده
این وعده ایست که دروغ نیست ۶۹ پس چون آمد امر ما یعنی عذاب ما نجات دادیم صالح را و آن کسانیرا که ایمان آوردند با صالح برحمتی
از ما و نجات دادیم از رسوائی آنروز که عذاب بقوم رسید بدرستی که پروردگار تو او است توانای غالب ۷۰ و گرفت کسانیرا که ظلم کردند
فریادی عظیم پس صبح کردند در خانهای خودشان بزمین فرو رفتگان ۷۱ مثل اینکه نبوده اند در آنجاها هرگز بدانید که بتحقیق قوم ثمود
کافر شدند پروردگار خود را بدانید که قوم ثمود را دوریست از رحمت پروردگار ۷۲ و هر آینه بتحقیق آمدند رسولان ما یعنی فرشتگان ابراهیم
را مژده فرزند گفتند سلام گفت ابراهیم سلام بر شما پس درنگ نکرد که آورد ابراهیم گوسالهٔ بریان شده ۷۳ پس چون دید ابراهیم که
نمیرسد دست مهمانان بسوی طعام منکر شمرد ایشانرا بدل شد از ایشان از روی ترس گفتند مهمانها مترس بدرستیکه ما فرستاده شدیم
بسوی قوم لوط ۷۴ و زن ابراهیم یعنی ساره ایستاده بود پس خندید پس بشارت دادیم ما یعنی مژده دادیم ساره با سحق و از عقب اسحق
یعقوب ۷۵ گفت ساره ای وای عجب آیا میزایم من و حال اینکه من پیرم و این شوهر من پیر است بدرستیکه این هر آینه چیزیست عجیب

۷۶ گفتند فرشتگان آیا تعجب میکنی از امر خدا رحمت خدا

صفحهٔ صد و هفتاد و هشتم

و برکات خدا بر شما اهل خانه ابراهیم است بدرستی که خدا ستوده شدهٔ بزرگوار است ۷۷ پس چون رفت از ابراهیم ترس و آمد او را
مژده ولد مجادله میکرد با رسولان ما در قوم لوط یعنی میگفت بفرشتگان آیا شما در دهی که صد مؤمن باشد آنها را هلاک میکنید گفتند نه
گفت نود باشد گفتند نه همین طور ده ده کم کرد تا رسید بیکنفر باشد گفتند نه گفت ابراهیم پس چطور جمیع را هلاک کنید که لوط و دختران
او در آن قومند گفتند فرستادگان که ما اول لوط و اولاد او را بیرون میبریم و باقی را هلاک میسازیم بدرستیکه ابراهیم هر آینه بردبار آه
کننده بازگشت کننده بسوی حضرت عزت بود ۷۸ ای ابراهیم اعراض کن از این یعنی اعراض کن از مجادلات خودت با فرشتگان
بدرستیکه بتحقیق آمد امر پروردگار تو یعنی رسید عذاب پروردگارت و بدرستیکه ایشان یعنی قوم لوط آینده است بایشان عذابی که برگردیده نشود ۷۹ و چون
آمدند رسولان ما لوط را اندوهگین شد بسبب ایشان و تنگ شد سینهٔ لوط بسبب دیدن ایشان و گفت اینست روز سخت ۸۰ و آمدند لوط را قوم او در حالیکه
بسرعت میرفتند بسوی او و از پیش بودند که عمل میکردند بدیها را گفت لوط ای قوم من اینها دختران منند ایشان حلالتر و پاکترند از برای شما پس بپرهیزید
از خدا و رسوا نکنید مرا در نزد مهمانان من آیا نیست از شما مردی راه یافته شده ۸۱ گفتند قوم هر آینه بتحقیق دانستهٔ تو که نیست از برای ما در دختران تو
هیچ حقی و بدرستیکه تو هر آینه میدانی آنچه را که میخواهیم یعنی بدختران تو میل نداریم و میل ما باین جوانان معقول که مهمان تو هستند داریم ۸۲ گفت
لوط کاش بود مرا بشما قوتی یا پناه میگرفتم بسوی رکنی سخت که از شر شما محفوظ میماندم ۸۳ گفتند فرشتگان ای لوط بدرستیکه ما رسولان
پروردگار تو هستیم هرگز نرسند این قوم بسوی تو یعنی ضرری بتو نخواهند رساند پس ببر اهل خودت را بپارهٔ از شب و وا پس ننگرد از شما احدی
یعنی هیچکس از اهل بیت شما نباید بماند مگر زن تو بدرستیکه رسنده است باو آنچه میرسد بایشان یعنی عذابیکه بقوم تو میرسد بزنت هم خواهد رسید بدرستیکه موعد رسیدن عذاب
بایشان صبح است آیا نیست صبح نزدیک ۸۴ پس چون آمد امر ما یعنی رسید عذاب ما گردانیدیم ما زبر آنشهر را بزیر آن یعنی شهر لوط را زیر و زبر کردیم و بارانیدیم بر آنشهر سنگ از گل
سخت بهم نهاده شده نشان کرده شده نزد پروردگار تو و نیست این نزول عذاب از ستمکاران دور ۸۵ و فرستادیم بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم عبادت کنید خدا را
نیست از برای شما هیچ خدائی غیر او و کم نکنید از کیله و ترازو یعنی کم نفروشید بدرستی که من می بینم شما را بخیر و بدرستیکه من میترسم بر شما عذاب روز

بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا
كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ
السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ٢٣ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ
عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ٢٤ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ٢٥ إِنَّ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٢٦ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ
وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٢٧ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ
قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ٢٨ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ٢٩ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا
بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا
نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ٣٠ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ
كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا
وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ٣١ وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا
عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ
قَوْمًا تَجْهَلُونَ ٣٢ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ



ولا أقول لكم عندي خزائن الله ولا أعلم الغيب ولا أقول إني ملك و
لا أقول للذين تزدري أعينكم لن يؤتيهم الله خيرا الله أعلم بما
في أنفسهم إني إذا لمن الظالمين ٣١ قالوا يا نوح قد جادلتنا فأكثرت
جدالنا فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين ٣٢ قال إنما يأتيكم به
الله إن شاء وما أنتم بمعجزين ٣٣ ولا ينفعكم نصحي إن أردت أن أنصح
لكم إن كان الله يريد أن يغويكم هو ربكم وإليه ترجعون ٣٤ أم يقولون
افتراه قل إن افتريته فعلي إجرامي وأنا بريء مما تجرمون ٣٥ وأوحي
إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتئس بما كانوا
يفعلون ٣٦ واصنع الفلك بأعيننا ووحينا ولا تخاطبني في الذين
ظلموا إنهم مغرقون ٣٧ ويصنع الفلك وكلما مر عليه ملأ من قومه
سخروا منه قال إن تسخروا منا فإنا نسخر منكم كما تسخرون فسوف
تعلمون ٣٨ من يأتيه عذاب يخزيه ويحل عليه عذاب مقيم ٣٩ حتى
إذا جاء أمرنا وفار التنور قلنا احمل فيها من كل زوجين اثنين
وأهلك إلا من سبق عليه القول ومن آمن وما آمن معه إلا
قليل ٤٠ وقال اركبوا فيها بسم الله مجراها ومرساها إن ربي لغفور

رَّحِيمٌ ٤١ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ
فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ ٤٢ قَالَ سَآوِي
إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ
وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ٤٣ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ
وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ
وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٤٤ وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ
ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ٤٥ قَالَ يَا نُوحُ
إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
إِنِّي أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ٤٦ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ
أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ
قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَكَ وَ
أُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ٤٨ تِلْكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا
إِلَيْكَ مَا كُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَٰذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ
لِلْمُتَّقِينَ ٤٩ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ
إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ٥٠ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ

إلا على الذي فطرني أفلا تعقلون ۝ ويا قوم استغفروا ربكم ثم
توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارا ۝ ويزدكم قوة إلى قوتكم ولا
تتولوا مجرمين ۝ قالوا يا هود ما جئتنا ببينة وما نحن بتاركي آلهتنا
عن قولك وما نحن لك بمؤمنين ۝ إن نقول إلا اعتراك بعض آلهتنا
بسوء قال إني أشهد الله واشهدوا أني بريء مما تشركون ۝ من دونه
فكيدوني جميعا ثم لا تنظرون ۝ إني توكلت على الله ربي وربكم ما
من دابة إلا هو آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم ۝ فإن
تولوا فقد أبلغتكم ما أرسلت به إليكم ويستخلف ربي قوما غيركم
ولا تضرونه شيئا إن ربي على كل شيء حفيظ ۝ ولما جاء أمرنا
نجينا هودا والذين آمنوا معه برحمة منا ونجيناهم من عذاب غليظ
وتلك عاد جحدوا بآيات ربهم وعصوا رسله واتبعوا أمر كل جبار
عنيد ۝ وأتبعوا في هذه الدنيا لعنة ويوم القيامة ألا إن عادا
كفروا ربهم ألا بعدا لعاد قوم هود ۝ وإلى ثمود أخاهم صالحا
قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره هو أنشأكم من الأرض
واستعمركم فيها فاستغفروه ثم توبوا إليه إن ربي قريب مجيب ۝

قالوا يا صالح قد كنت فينا مرجوا قبل هذا أتنهانا أن نعبد ما يعبد
آباؤنا وإننا لفي شك مما تدعونا إليه مريب ۝ قال يا قوم أرأيتم إن
كنت على بينة من ربي وآتاني منه رحمة فمن ينصرني من الله إن
عصيته فما تزيدونني غير تخسير ۝ ويا قوم هذه ناقة الله لكم آية
فذروها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب
قريب ۝ فعقروها فقال تمتعوا في داركم ثلاثة أيام ذلك وعد غير
مكذوب ۝ فلما جاء أمرنا نجينا صالحا والذين آمنوا معه برحمة منا
ومن خزي يومئذ إن ربك هو القوي العزيز ۝ وأخذ الذين ظلموا
الصيحة فأصبحوا في ديارهم جاثمين ۝ كأن لم يغنوا فيها ألا إن ثمودا
كفروا ربهم ألا بعدا لثمود ۝ ولقد جاءت رسلنا إبراهيم بالبشرى
قالوا سلاما قال سلام فما لبث أن جاء بعجل حنيذ ۝ فلما رأى
أيديهم لا تصل إليه نكرهم وأوجس منهم خيفة قالوا لا تخف إنا
أرسلنا إلى قوم لوط ۝ وامرأته قائمة فضحكت فبشرناها بإسحق و
من وراء إسحق يعقوب ۝ قالت يا ويلتى أألد وأنا عجوز وهذا بعلي
شيخا إن هذا لشيء عجيب ۝ قالوا أتعجبين من أمر الله رحمت الله و

بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ٧٧ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرٰهِيمَ

الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ إِنَّ إِبْرٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ

مُنِيبٌ ٧٨ يَا إِبْرٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هٰذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ

عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ٧٩ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ

بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ٨٠ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ

وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هٰؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ

لَكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ٨١

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ٨٢ قَالَ

لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ٨٣ قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ

رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ

أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ

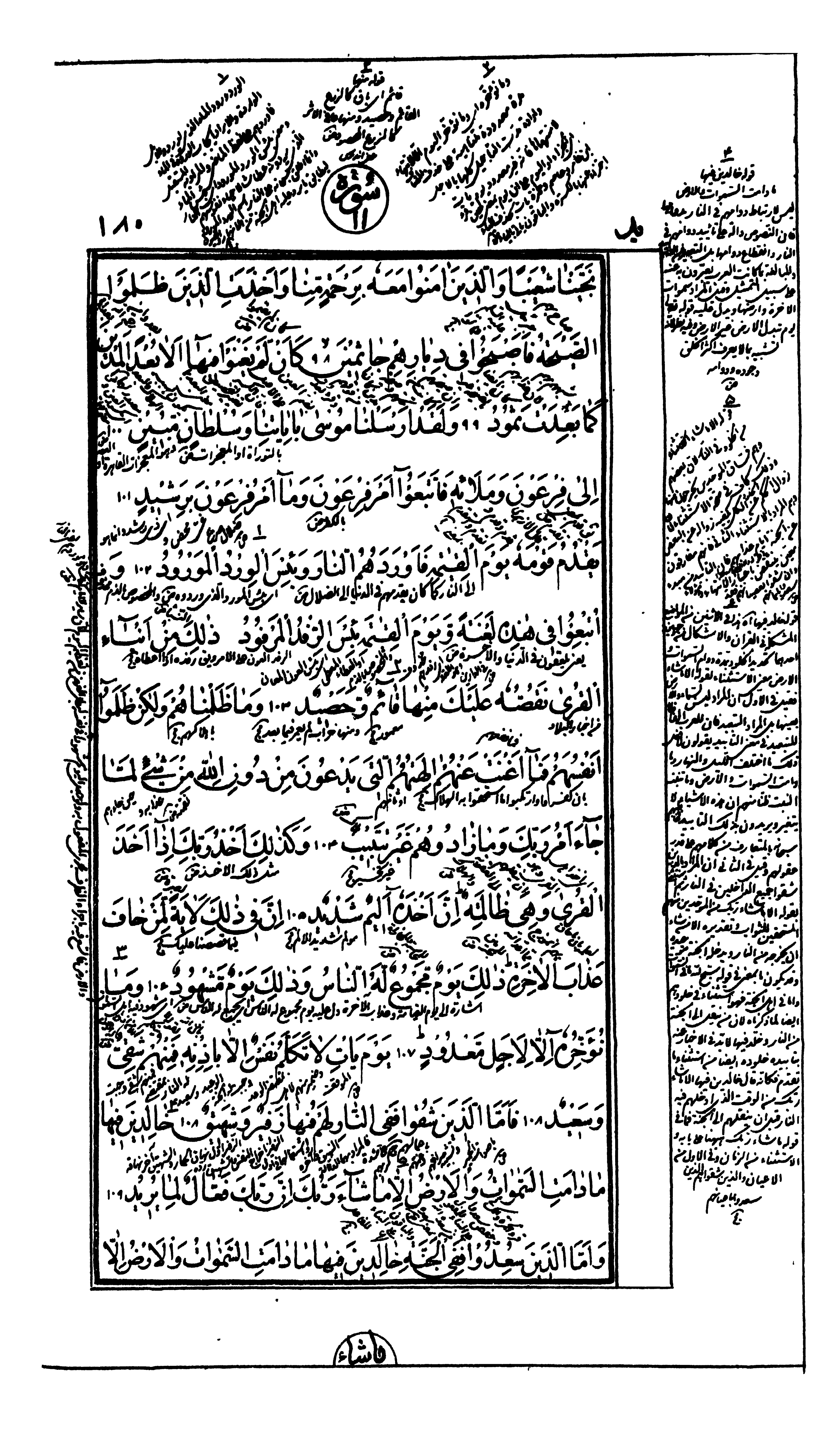
الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ٨٤ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا

حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ٨٥

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ

وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

يوم محيط ٨٦ ويا قوم أوفوا المكيال والميزان بالقسط ولا تبخسوا الناس
أشياءهم ولا تعثوا في الأرض مفسدين ٨٧ بقيت الله خير لكم إن كنتم
مؤمنين ٨٨ وما أنا عليكم بحفيظ ٨٩ قالوا يا شعيب أصلوتك
تأمرك أن نترك ما يعبد آباؤنا أو أن نفعل في أموالنا ما نشؤا إنك
لأنت الحليم الرشيد ٩٠ قال يا قوم أرأيتم إن كنت على بينة من ربي و
رزقني منه رزقا حسنا وما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهاكم عنه
إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت وما توفيقي إلا بالله عليه توكلت
وإليه أنيب ٩١ ويا قوم لا يجرمنكم شقاقي أن يصيبكم مثل ما
أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صالح وما قوم لوط منكم ببعيد ٩٢
واستغفروا ربكم ثم توبوا إليه إن ربي رحيم ودود ٩٣ قالوا يا
شعيب ما نفقه كثيرا مما تقول وإنا لنريك فينا ضعيفا ولولا رهطك
لرجمناك وما أنت علينا بعزيز ٩٤ قال يا قوم أرهطي أعز عليكم
من الله واتخذتموه وراءكم ظهريا إن ربي بما تعملون محيط ٩٥ و
يا قوم اعملوا على مكانتكم إني عامل سوف تعلمون ٩٦ من يأتيه عذاب
يخزيه ومن هو كاذب وارتقبوا إني معكم رقيب ٩٧ ولما جاء أمرنا



نجينا شعيبا والذين امنوا معه برحمة منا واخذت الذين ظلموا
الصيحة فاصبحوا في ديارهم جاثمين ٩٨ كأن لم يغنوا فيها الا بعدا لمدين
كما بعدت ثمود ٩٩ ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين ١٠٠
الى فرعون وملائه فاتبعوا امر فرعون وما امر فرعون برشيد ١٠١
يقدم قومه يوم القيامة فاوردهم النار وبئس الورد المورود ١٠٢ و
اتبعوا في هذه لعنة ويوم القيامة بئس الرفد المرفود ذلك من انباء
القرى نقصه عليك منها قائم وحصيد ١٠٣ وما ظلمناهم ولكن ظلموا
انفسهم فما اغنت عنهم آلهتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما
جاء امر ربك وما زادوهم غير تتبيب ١٠٤ وكذلك اخذ ربك اذا اخذ
القرى وهي ظالمة ان اخذه اليم شديد ١٠٥ ان في ذلك لاية لمن خاف
عذاب الاخرة ذلك يوم مجموع له الناس وذلك يوم مشهود ١٠٦ وما
نؤخره الا لاجل معدود ١٠٧ يوم يأت لا تكلم نفس الا باذنه فمنهم شقي
وسعيد ١٠٨ فاما الذين شقوا ففي النار لهم فيها زفير وشهيق ١٠٨ خالدين فيها
ما دامت السموات والارض الا ما شاء ربك ان ربك فعال لما يريد ١٠٩
واما الذين سعدوا ففي الجنة خالدين فيها ما دامت السموات والارض الا

روز احاطه کننده ۸۶ و ای قوم من تمام بنمایید کیل و ترازو را بعدل و راستی و کم مکنید چیزهای مردمان را و تباهی مجوئید در زمین که از مفسدان
باشید ۸۷ آنچه باقی گذارد خدا بهتر است از برای شما از حلال اگر هستید شما گروندگان ۸۸ و نیستم من بر شما نگهبان ۸۹ گفتند
قوم ای شعیب آیا نماز تو امر میکند ترا اینکه ترک کنیم ما آنچه را که می پرستیدند پدران ما یا اینکه بکنیم در مالها خود مان آنچه بخواهیم بدرستیکه
تو هر آینه توئی بردبار راه یافته شده ۹۰ گفت شعیب ای قوم من آیا دیدید شما اگر باشم من بر حجتی از پروردگار خودم و روزی داد مرا از
جانب خودش و روزی یافتم من از جانب خدا روزی نیکو و اراده نمیکنم یعنی نمیخواهم اینکه مخالفت کنم شما را بسوی آنچه نهی میکنم شما را از آن نمیخواهم
مگر اصلاح آوردن کار آنچه را که استطاعت داشته باشم یعنی بتوانم و نیست توفیق من مگر بخدا بر او توکل کردم من و بسوی
خدا بازگشت میکنم ۹۱ و ای قوم من باید بر آن ندارد شما را دشمنی من اینکه برسد شما را مثل آنچه رسید قوم نوح را یا قوم
هود را یا قوم صالح را و نیستند قوم لوط از شما دور ۹۲ و استغفار کنید پروردگار خود را بعد از آن توبه کنید بسوی او
بدرستیکه پروردگار من رحم کننده دوست دارنده است ۹۳ گفتند قوم ای شعیب نمیفهمیم ما بسیاری از آنچه را که میگوئی و بدرستیکه
ما هر آینه می بینیم ترا در میان خود مان ضعیف و اگر نه اقوام تو در میان ما بودند هر آینه سنگباران میکردیم ترا و نیستی تو بر ما غالب
۹۴ گفت شعیب ای قوم من آیا قوم من عزیزتر است بر شما از خدا و فرا گرفته اید امر خدا را پس پشت خود فراموش
شده بدرستیکه پروردگار من با آنچه می کنید احاطه کننده است ۹۵ و ای قوم من کار کنید بر مکان خود یعنی بر کفر
خود باقی باشید و باعمال خود مشغول باشید بدرستیکه من عمل کننده ام یعنی بعبادت خدا مشغولم زود باشد که بدانید یعنی
ثمر اعمال شنیعهٔ خود را بر خورید ۹۶ هر کس که بیاید او را عذابی که رسوا کند او را و هر که دروغگو است
و انتظار برید عذاب خدا را بدرستیکه من با شما نگاهبانم یعنی ملتفت هستم که چگونه عذاب خواهد رسید ۹۷ و چون آمد عذاب

صفحه یکصد هشتادم

ما نجات دادیم شعیب را و آن کسانیرا که ایمان آوردند با او برحمتی از ما و گرفت آن کسانیرا که ظلم کردند فریاد جبرئیل پس صبح کردند در خانهای
خود شان بزمین افتادگان ۹۸ مثل اینکه هرگز اقامت نکرده اند در آن خانها بدانید که دوریست اهل مدین را از رحمت خدا همچنانکه دور شدند
قوم ثمود از رحمت خدا ۹۹ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما موسی را با آیات خود مان یعنی تورات و سلطنتی آشکار بسوی فرعون و اشراف قوم او
پس متابعت کردند مردم حکم فرعون را و نیست حکم فرعون بر نهج رشد یعنی راه نماینده ۱۰۰ پیش روی میکند فرعون قوم خودش را روز
قیامت پس آورد فرعون ایشانرا بر آتش و بد مکانیست در آورده شده در او یعنی در آتش دوزخ ۱۰۱ و متابعت کرده شدند در این دنیا
و در روز قیامت لعنت را بد عطائیست داده شده با ایشان یعنی لعنت دو جهان ۱۰۲ این از خبرهای ده ها است که میخوانیم آنرا بر تو ای محمد
بعضی از آنها قائمست و خراب یعنی بعضی از دهات آثار آن باقی و قائمست مثل دیار عاد و ثمود و بعضی خراب است مثل دیار نوح که مثل
زراعت درو شده خورد شده است که هیچ اثری از زراعت در آن نمانده باشد ۱۰۳ و ظلم نکردیم ما ایشان را ولیکن ظلم کردند بنفسهای
خود را پس نفع نکردند و قدرت دفع نداشتند از ایشان خدایان آنچنانی که میخواندند آنها را از غیر از خدا از هیچ چیز چونکه آمد امر
پروردگار تو یعنی عذاب پروردگار تو و زیاد نکردند ایشان را غیر هلاک شدن ۱۰۴ و همچنین است گرفتن پروردگار تو هنگامیکه گرفت
اهل ده ها را در حالتی که آن اهل ده ها ظالم بودند بدرستیکه گرفتن خدا دردناک سخت است ۱۰۵ بدرستیکه در این یعنی در نزول عذاب
هر آینه علامتی است از برای کسیکه بترسد از عذاب آخرت این روز قیامت روزیستکه جمع کرده شده از برای آن مردمان یعنی همه
خلایق را در آن روز جمع کنند و این روز روزیست که حاضر گردانیده شده در وی اهل آسمان و زمین ۱۰۶ و تاخیر نکنیم روز قیامت را
مگر برای مدتی شمرده شده ۱۰۷ روزیکه بیاید آن روز که سخن نگوید هیچ نفسی مگر باذن خدا پس بعضی از ایشانند بدبخت و بعضی خوشبخت
۱۰۸ پس اما آنکسانیکه بدبخت شدند در آتشند از برای ایشانست در آن آتش فریاد سخت و ناله زار ۱۰۹ جاویدانند در آن آتش مادامیکه باشند
آسمانها و زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو بدرستیکه پروردگار تو کننده است مر آنچه میخواهد ۱۱۰ و اما آنکسانیکه نیکبخت شدند پس در
بهشت جاویدانند در آن مادامیکه هست آسمانها و زمین مگر

آنچه خواهد پروردگار تو بخشش خدا غیر منقطع است ۱۱۱ پس مباش در شک از آنچه عبادت میکنند این گروه یعنی بت پرستان
عبادت نمیکنند مگر همچنانکه میپرستیدند پدرهای ایشان از پیش و بدرستیکه ما هر آینه تمام رساننده‌ایم بهرهٔ ایشان را بی نقص
۱۱۲ و هر آینه بتحقیق دادیم ما موسی را تورات پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبود سخنی که پیشی گرفته بود از پروردگار تو یعنی
بتاخیر عذاب از ایشان تا قیامت برای حکمت و مصلحت هر آینه حکم کرده میشد میانهٔ ایشان و بدرستیکه کفار قوم تو هر آینه در
شکند از قرآن شک مضطرب کننده ۱۱۳ و بدرستیکه همه مردم خواه مؤمن و خواه کافر از هر امتی مسلمان یهود و سایر ملل هر
آینه تمام خواهد داد بایشان پروردگار تو جزای اعمالشان را بدرستیکه خدا بآنچه میکنند آگاه است ۱۱۴ پس مستقیم باش یعنی محکم
باش همچنانکه امر کرده شدی و هر که توبه کرد با تو یعنی آنانکه بازگشته اند بسوی تو و ایمان آورده اند باید محکم بایستند و بیرون نروید
یعنی از حد در مگذرید بزیاده و نقصان بدرستیکه خدا بآنچه میکنید بیناست ۱۱۵ و اندک میل نکنید بسوی کسانیکه ظلم کردند بر خود
و بر غیر پس برسد شما را آتش یعنی اگر میل کنید بآن ظالمان آتش میرسد بشما و نیست از برای شما غیر از خدا هیچ دوستانی پس
یاری کرده نشوید ۱۱۶ و برپا دار نماز را در دو طرف روز یعنی صبح و شام و نزدیک از شب یعنی نمازیکه نزدیک است بنماز شام که نماز
مغرب است بدرستیکه حسنات میبرند گناهان را یعنی نماز پنجگانه میبرد گناهان غیر کبیره را این پندیست برای یاد کنندگان و پند گیرندگان ۱۱۷
و صبر کن ای محمد پس بدرستیکه خدا ضایع نمیکند اجر نیکوکاران را ۱۱۸ پس چرا نبودند از اهل قرنهائی که پیش از شما بودند خداوندان عقل که از روی
عاقبت اندیشی باز میداشتند مفسدان را از فساد کردن در زمین مگر کمی از کسانیکه نجات دادیم ما از ایشان و پیروی کردند کسانیکه
کافر بودند آنچیز را که متنعم بودند در آنچیز و بودند گناهکاران یعنی در قرنهای سابق هم اشخاص عاقل بودند که کارهای خوب میکردند
و ما نجات داده ایم ایشان را اشخاص بد هم بودند که کافر بودند و بر کفر خود باقی ماندند یعنی همه وقت در میان مردم بد و خوب بوده است
۱۱۹ و نیست پروردگار تو را اینکه هلاک کند اهل قریه‌ها را بظلم و حال اینکه اهل آن قریه‌ها مردمان مصلحی باشند ۱۲۰ و اگر میخواهد پروردگار تو

هر آینه میگرداند مردم را یک امت یعنی همه را بر یک دین ولیکن این منافی تکلیف است و شرط تکلیف اختیار است
و همیشه باشند اختلاف کنندگان در دین مگر آنکس را که رحم کرد پروردگار تو او را و توفیق داد و از برای تمکین و اختیار خلق
کرد خدا ایشان را که تا ثواب دهند اختیار کنندهٔ حق را و عقاب کنند اختیار کنندهٔ باطل را
و تمام شد سخن پروردگار تو هر آینه پر کنم البته جهنم را از جنیان و مردم تماما ۱۲۱ و هر قصه که میخوانیم
بر تو از اخبار انبیاء چیزی که ثابت بداریم بآن دل تو را و آمد تو را در این سوره

آنچه راست است و پند است و یادبودی مر گروندگان را ۱۲۲ و بگو ای محمد از برای کسانیکه ایمان نیاوردند کار کنید بر حالیکه
بر آن متمکنید و قدرت دارید بدرستیکه ما عمل کنندگانیم بر هر چه خواهیم و منتظر باشید بما انقلاب زمان و گردش دوران را بدرستیکه ما
نیز منتظریم برای شما نزول عذاب را ۱۲۳ و از برای خداست علم جمیع آنچه غایب است از آسمانها

سورهٔ یوسف علیه السلام مشتمل بر یکصد و یازده آیه و در مکهٔ معظمه نازل شده است

بنام خداوند بخشاینده مهربان ۱ الر
اینست نشانهای کتاب روشن آشکار ۲ ما فرو فرستادیم قرآن عربی را شاید شما تعقل کنید ۳ ما قصه میخوانیم بر تو ای پیغمبر
بهترین قصه‌ها را بآنچه وحی کردیم بسوی تو این قرآن را و اگر چه بودی تو پیش از وحی کردن از جملهٔ بیخبران از این قصه ۴ وقتی گفت
یوسف از برای پدر خود که ای پدر من خوابی عجیب دیدم یازده ستاره و آفتاب و ماه را دیدم که آنها برای من سجده میکردند
۵ گفت یعقوب پدر یوسف ای پسر من نقل مکن خواب خودت را برای برادرهای خودت پس حیله کنند از برای تو حیله کردنی
یعنی تدبیری از برای تو بکنند که موجب ضرر و هلاکت تو شود بدرستیکه شیطان از برای انسان دشمن آشکاریست ۶ و این طور
برگزید تو را پروردگار تو و تعلیم میکند خدا تو را از تاویل حکایات و تعبیر خوابها و اینطور تمام میکند خدا نعمت خودش را بر تو
و بر آل یعقوب چنانچه تمام کرد خدا نعمت خود را سابقا بر پدران تو که ابراهیم و اسحق بودند بدرستیکه پروردگار تو دانای
حکیم است ۷ هر آینه بتحقیق بوده است در حکایت یوسف و برادرانش نشانهائی از برای سؤال کنندگان یعنی هر که بپرسد و
بشنود نقل یوسف و برادرهای او را عبرت میکند ۸ وقتی که گفتند برادرهای یوسف که یوسف و برادر مادری یوسف که این
یامین است پدر ما این دو را بیشتر از ما دوست میدارد و حال اینکه ما جمعی شجاع و صاحب قوه هستیم بدرستیکه پدر ما
هر آینه در گمراهی آشکار است ۹ بکشید یوسف را یا بیندازید او را در جائی از زمین



مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ١١١ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَٰؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ

إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ١١٢ وَلَقَدْ

آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ

بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ١١٣ وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ

إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ١١٤ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١٥ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ

دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ١١٦ وَأَقِمِ الصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَ

زُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ ١١٧

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ١١٨ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ

قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ

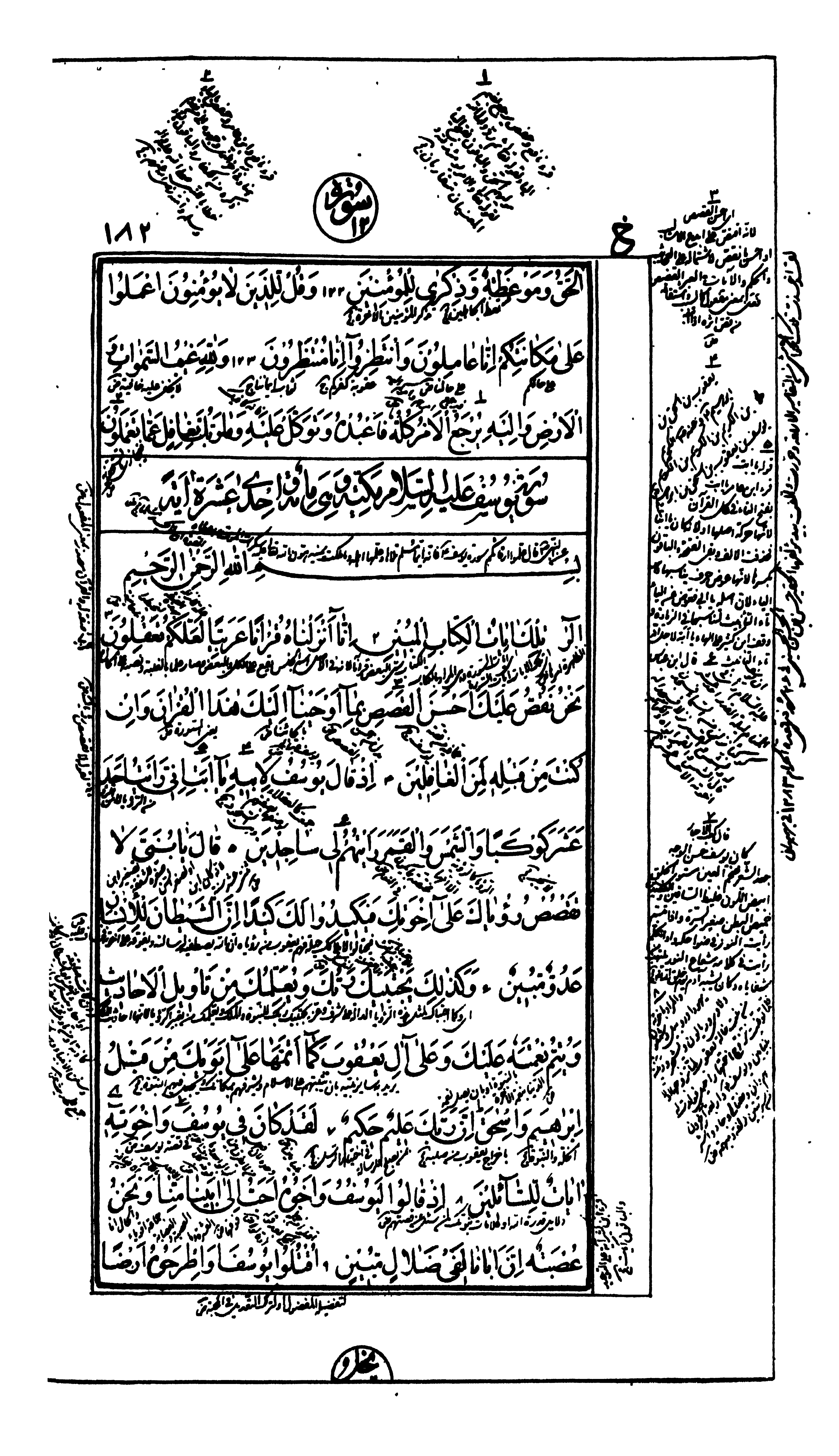
وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ١١٩ وَمَا كَانَ

رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ١٢٠ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ

النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ

وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ١٢١ وَكُلًّا

نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَٰذِهِ



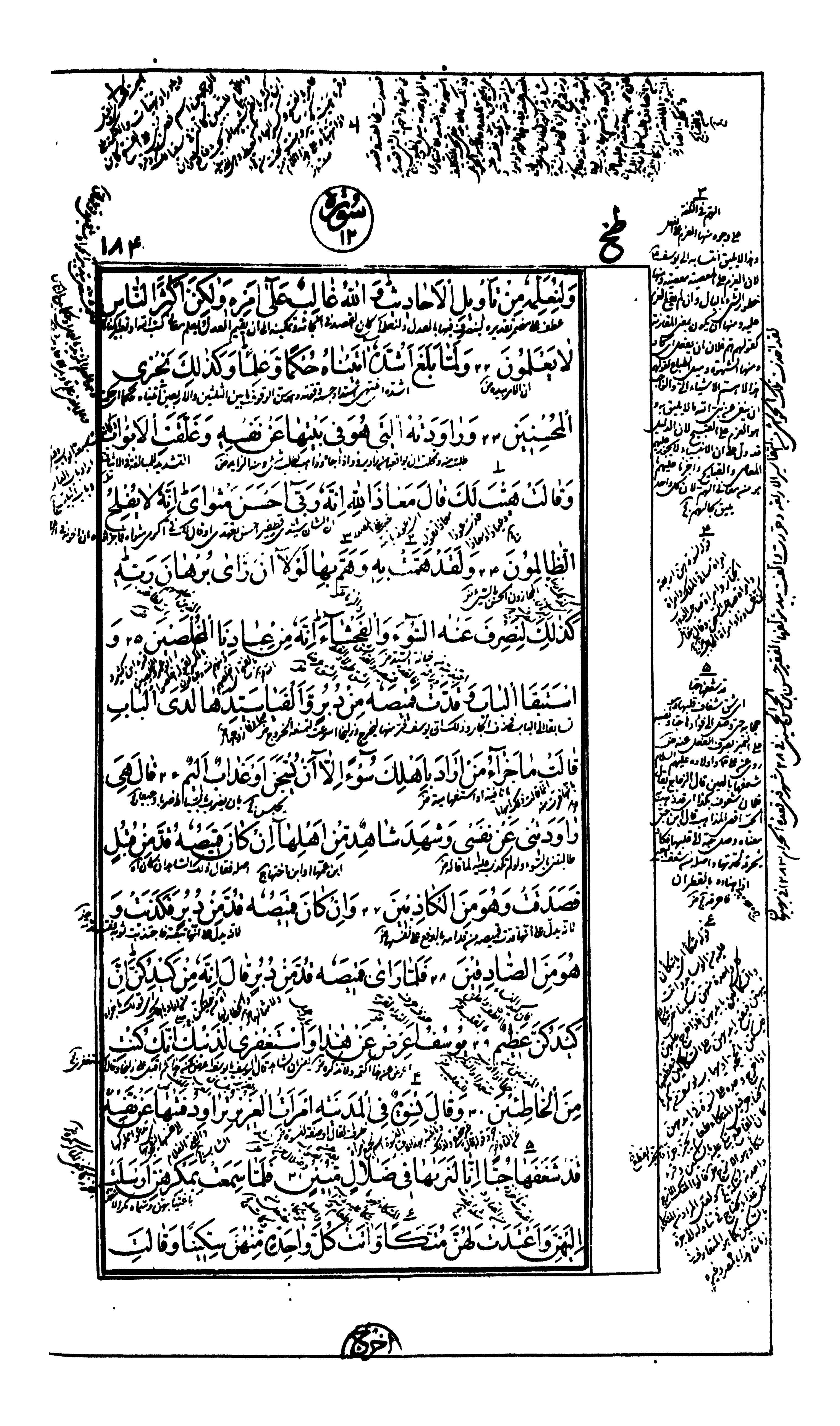
الحق وموعظة وذكرى للمؤمنين ١٢٢ وقل للذين لا يؤمنون اعملوا
على مكانتكم انا عاملون وانتظروا انا منتظرون ١٢٣ ولله غيب السموات
والارض واليه يرجع الامر كله فاعبده وتوكل عليه وما ربك بغافل عما تعملون

سورة يوسف عليه السلام مكية وهي مائة واحدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الر تلك آيات الكتاب المبين ١ انا انزلناه قرانا عربيا لعلكم تعقلون
نحن نقص عليك احسن القصص بما اوحينا اليك هذا القران وان
كنت من قبله لمن الغافلين ٣ اذ قال يوسف لابيه يا ابت اني رايت احد
عشر كوكبا والشمس والقمر رايتهم لي ساجدين ٤ قال يا بني لا
تقصص رؤياك على اخوتك فيكيدوا لك كيدا ان الشيطان للانسان
عدو مبين ٥ وكذلك يجتبيك ربك ويعلمك من تاويل الاحاديث
ويتم نعمته عليك وعلى آل يعقوب كما اتمها على ابويك من قبل
ابراهيم واسحق ان ربك عليم حكيم ٦ لقد كان في يوسف واخوته
آيات للسائلين ٧ اذ قالوا ليوسف واخوه احب الى ابينا منا ونحن
عصبة ان ابانا لفي ضلال مبين ٨ اقتلوا يوسف او اطرحوه ارضا

يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ١٠ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ١١ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ١٢ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ١٣ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ١٤ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ ١٥ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ١٦ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ١٧ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ١٨ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ١٩ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ٢٠ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ٢١ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ



وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ ٢٢ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ ٢٣ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ
وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الظَّالِمُونَ ٢٤ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ
كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ٢٥ وَ
اسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ
قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٢٦ قَالَ هِيَ
رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ
فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ٢٧ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَ
هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ٢٨ فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ
كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ٢٩ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ
مِنَ الْخَاطِئِينَ ٣٠ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ
قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٣١ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ
إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ

که توجه پدر شما منحصر شود از برای شما و باشید بعد از این عمل مردمان نیکوکار ۱۰ گفت گوینده از برادران یوسف نکشید یوسف را و بیندازید او را در ته چاه که بیابند او را بعض مسافرین اگر میخواهید کاری درباره یوسف بکنید ۱۱ گفتند برادران یوسف بیعقوب ای پدر ما چه حالت است از برای تو که خاطر جمع نیستی از ما درباره یوسف و حال اینکه ما از برای یوسف ناصحیم و دوست و مهربانیم و نیکوخواهانیم ۱۲ بفرست یوسف را با ما فردا بگردش برود و بازی کند و بدرستیکه ما او را حفظ کنندگانیم ۱۳ گفت یعقوب بدرستیکه محزون میکند مرا اینکه ببرید یوسف را و میترسم از اینکه بخورد او را گرگ و شما از او غافل باشید ۱۴ گفتند برادران اگر او را گرگ بخورد با اینکه ما جمعی از شجاعانیم زیان کار خواهیم بود ۱۵ پس چون بردند یوسف را و همراهی شدند با اینکه بیفکنند او را در چاه و وحی کردیم بسوی یوسف که هرآینه آگاه میکنی البته برادران خود را باین کاری که کرده اند و حال اینکه ایشان نمیدانند ۱۶ و آمدند شامگاه پیش پدر خودشان در حالتیکه گریه میکردند ۱۷ گفتند ای پدر بدرستیکه ما رفتیم که پیشی بگیریم در دویدن که یکنوع از بازی کردن است و واگذاشتیم یوسف را پیش اسبابهای خودمان پس خورد او را گرگ و نیستی تو مصدق از برای ما و اگرچه باشیم راستگویان یعنی باور نمیکنی این حرف راست ما را ۱۸ و آوردند پیراهن یوسف را آلوده بخون دروغی گفت یعقوب بلکه زینت داد از برای شما نفسهای شما کاری را پس صبر من صبریست خوب و نیکو و خدا محل استعانت است یعنی از خدا باید یاری و استعانت خواست بر آنچه وصف میکنید یعنی بنابراین خبریکه میدهید خدا باید رحم و اعانت کند غیر از آن چاره نیست ۱۹ و آمد قافله پس فرستادند آبکش خودشان را پس فرو گذاشت آبکش دلو خود را در چاه گفت ای مژده این پسریست و پنهان کردند یوسف را برای تجارت و خدا داناست بآنچه میکنند ۲۰ و فروختند اهل قافله یوسف را بقیمت کمی چند عدد درهم و بودند فروشندگان درباره یوسف از جمله بی رغبتان ۲۱ و گفت

و گفت آنکسی که یوسف را از اهل مصر خرید بزن خود گرامی کن منزل خوبی بده یوسف را شاید که نفع بدهد ما را یا بجای فرزندی بگیریم او را و همینطور مسکن دادیم یوسف را در زمین

و تا بیاموزیم یوسف را از تاویل خبرها و تعبیر خوابها و خدا غالب است بر امر خود و لیکن بیشتر از مردم نمیدانند ۲۲ و چون رسید یوسف بحد رشد و کمال دادیم او را حکم و علم و همینطور جزا میدهیم خوبان و نیکوکاران را ۲۳ و آمد بمنزل یوسف آن زنی که یوسف در خانه او بود و خواهش کرد نفس خود را و بست آن زن درها را و گفت آن زن پیش من آی که من از آن توام گفت یوسف معاذ الله بدرستیکه پروردگار من بهتر پناه و جایگاه است بدرستیکه رستگار نمیشوند ظلم کنندگان ۲۴ و بتحقیق درآویخت زلیخا بیوسف برای اختلاط و درآویخت یوسف با زن برای دفع کردن او را از خود و اگر نمیدید یوسف راه راست را دستن پروردگار خود را همینطور کردیم تا اینکه برگردانیم از یوسف بدی و زشتی را بدرستیکه یوسف از جمله بندگان خالص ماست یعنی وقتیکه زلیخا درآویخت بیوسف که با او اختلاط کند یوسف هم با او پیچیده بود که او را از خود دفع کند و اگر برهان پروردگار خود را ندیده بود با زلیخا اختلاط کرده بود و خواست خدا و ند بود که برگشت از اینکار و در مقام دفع برآمد ۲۵ و دویدند یوسف قبل از زلیخا رسید بدر اطاق در حالتیکه پاره شده بود پیراهن یوسف از پشت و ملاقات کردند هر دو شوهر زلیخا را دم در گفت زلیخا چه چیز است جزای کسیکه اراده کند بزن تو بدعملی را مگر اینکه بحبس بیفتد یا اینکه عذاب دردناکی باو برسد ۲۶ گفت یوسف این زن آمد که مخالطه کند با من و شهادت داد شاهدی از کسان خود زلیخا که اگر پیراهن یوسف پاره شده است از پیش روی است زلیخا راستگوست زلیخا و یوسف از دروغگویان است ۲۷ و اگر پاره شده است پیراهن یوسف از پشت پس دروغ گفته است زلیخا و یوسف از راستگویانست ۲۸ پس چون دید جامه او را پاره شده بود از پشت گفت آنکه دید پاره بودن پیراهن را بدرستیکه پاره شدن از حیله شما زنهاست بدرستیکه حیله شما زنها بزرگست ۲۹ ای یوسف بگذر از این مطلب و ای زلیخا استغفار کن از برای گناه خودت بدرستیکه تو بودی از جمله خطاکاران ۳۰ و گفتند زنانی در شهر مصر که زن عزیز آمد و شد میکند غلام خود را از نفس خود یعنی او را بخود دعوت میکند بتحقیق برده است دل او را از جهت محبت بدرستیکه ما می بینیم زلیخا را در گمراهی و بدکاری ظاهر و آشکار ۳۱ پس چون شنید زلیخا اعتراض زنهای مصر را احضار کرد آنها را و مهیا کرد برای هر یک از ایشان ترنجی و داد بهر یک از ایشان کاردی و گفت زلیخا بیوسف که

صفحهٔ یکصد و هشتاد و پنج

که بیرون بیا برایشان پس چون دیدند زنها یوسف را بزرگ شمردند او را و بریدند دستهای خود شان را و گفتند حاشا لله نیست این جوان از آدمی
نیست این مگر از ملائکه بزرگوار ۳۲ گفت زلیخا پس اینست آن کسیکه ملامت کردند مرا در محبت او و هر آینه بتحقیق براو ده کردم از نفس او پس
طلب کرد یوسف عصمت را و اگر نکند آنچه را که با و امر میکنم هر آینه بزندان خواهد رفت البته و هر آینه خواهد بود هر آینه از جمله خار و ذلیل شدگان
۳۳ گفت یوسف ای پروردگار من زندان محبوبتر است بسوی من از آنچه دعوت میکنند مرا بسوی آن و اگر بر نگردانی از من حیله زنها را میل خاطر
میکنم و میل میکنم بسوی این زنها و خواهم بود از جمله نادانان ۳۴ پس مستجاب کرد خدای یوسف دعای او را پس برگردانید از یوسف حیله زنها
بدرستیکه خدا اوست شنونده دانا ۳۵ پس ظاهر شد از برای ایشان بعد از اینکه دیدند آیات و نشانه ها را که بزندان برند یوسف را تا زمان
معینی یعنی با وجود دیگر علامات صدق یوسف و کذب زلیخا را دیدند و فهمیدند صلاح دانستند که یکچندی یوسف را حبس کنند که رفع تهمت و حرف
مردم را از زلیخا کرده باشند ۳۶ و داخل شد با یوسف در زندان دو جوان گفت یکی از آن دو نفر بدرستی که من در خواب دیدم شراب میفشردم
و گفت آن یکی دیگر بدرستیکه من در خواب دیدم بروی سرم گذارده ام نانی را و میخورند پرنده ها از آن نان آگاه کن ما را ای یوسف بتعبیر این خواب
بدرستیکه ما می بینیم ترا از خوبان و نیکوکاران ۳۷ گفت یوسف نمیآورند شما را غذائی که بخورید آنرا مگر اینکه آگاه کنم شما را به تعبیر خواب
پیش از آنکه برسد بشما آن تعبیر این تعبیر خواب شما دو نفر از جمله چیزهائیست که تعلیم کرد مرا خدای من و من وا گذاشتم مذهب قومیرا که ایمان
نمیآورند بخدا و ایشان در آخرت همه کافر هستند ۳۸ و متابعت و پیروی کردم من مذهب پدران خودم را ابراهیم و اسحق و یعقوب
نیست از برای ما اینکه شریک قرار بدهیم برای خدا هیچ چیزرا این از تفضل خداست بر ما و بر مردم و لیکن بسیاری از مردم شکر
گذاری نمیکنند ۳۹ ای دو مصاحب من در زندان آیا خدایان متفرق متعدد بهتر است یا خدای یگانه که غالب بر هر چیز باشد
۴۰ عبادت نمیکنید شما مگر از غیر خدا اسمهائی که شما نامیده اید آنها را و پدرهای شما هم گذاشته اند با آنها نفرستاده است خدا با آن اسمها

صفحهٔ یکصد و هشتاد و شش

حکومتی نیست حکم مگر اینکه از برای خداست امر کرده است خدا اینکه عبادت نکنید مگر آن خدای واحد را اینست دین محکم و لیکن
بیشتر از مردم نمیدانند ۴۱ ای مصاحبان زندان من اما یکی از شما پس سقایت میکند رب خودش را از شراب یعنی ساقی شاه
خواهد شد و اما دیگری پس بدار زده میشود پس میخورند مرغان از مغز سر او گذشت کاری که در آن استفتا میکردید یعنی تعبیر خواب
بطوریکه یوسف کرده بود همانطور شد ۴۲ و گفت یوسف از برای آنکه گمان کرد اینکه او نجات خواهد یافت از آن دو تا ذکر
کن مرا پیش رب خودت پس فراموشی آورد شیطان ذکر کردن این شخص ناجی یوسف را در پیش رب خودش پس ماند یوسف در
زندان چند سال یعنی هفت سال در زندان ماند ۴۳ و گفت پادشاه که من در خواب دیدم هفت گاو چاق که میخوردند آنها را هفت
گاو لاغر و هفت خوشه گندم سبز و هفت خوشه خشک ای مردمان محترم تعبیر کنید در خواب من اگر هستید که از برای خواب تعبیر
میکنند ۴۴ گفتند خواب پریشانست و ما خواب پریشان را تعبیر کردن نمیدانیم ۴۵ و گفت آنکسی که نجات یافته بود از آن دو
نفر زندانی و بیاد آورد حرف یوسف را بعد از مدتی من آگاه میکنم شما را به تعبیر این خواب پس بفرستید مرا نزد معبر ۴۶ ای یوسف
ای راستگو فتوی بده ما را در هفت گاو چاق که میخوردند آنها را هفت گاو لاغر و هفت خوشه گندم سبز و هفت خوشه خشک
شاید من برگردم بسوی مردم شاید ایشان بفهمند و بدانند ۴۷ گفت یوسف زراعت میکنید هفت سال بعادت خودتان پس
آنچه را که درو میکنید بگذارید در میان خوشه اش مگر کمی از آن را که میخورند ۴۸ پس میآید بعد از آن هفت سال سختی یعنی قحطی
میخورند آنچه را که ذخیره کردید برای آنها مگر کمی از آنچه در انبارها محفوظ دارید ۴۹ پس میآید بعد از آن سالهای قحطیها که
که بعد باران درآیند مردم سالی که در آن سال اثمار زیاد باشد و بفشارند انگورها و خرماها را و بدوشند شیرها را از پستان
حیوانات ۵۰ و گفت پادشاه بیاورید یوسف را پیش من پس چون

صفحهٔ یکصد و هشتاد و هفت

آمد رسول شاه نزد یوسف گفت یوسف برگرد نزد رب خودت پس سؤال کن از او که چه چیز است حکایت آن زنهائی که بریدند
دستهای خودشان را بتحقیق خدای من بمکر آن زنها داناست ۵۱ گفت پادشاه بزنها چه بود مقصود شما وقتیکه مراوده از
شخص یوسف میکردید گفتند زنها خدا گواه است نفهمیدیم بدی بر یوسف گفت زن عزیز حالا معلوم شد راستگوئی من مراوده
میکردم یوسف را از نفس او و بدرستیکه یوسف از جمله راستگویان است ۵۲ این مطلب یعنی فرستادن یوسف را بزندان برای
این بود که بداند عزیز اینکه من خیانت نکرده ام در غیاب او و اینکه خدا راه نمینماید حیله خیانت کاران را ۵۳ و بری نمیکنم نفس
خودم را از تقصیر خودم بدرستی که نفس امر کننده است ببدی مگر آنچه را که رحم کند پروردگار من بدرستیکه پروردگار من آمرزنده
رحیم است ۵۴ و گفت پادشاه بیاورید یوسف را مخصوص میکنم او را برای خودم پس چون تکلم کرد با یوسف گفت شاه
بدرستیکه تو امروز در نزد ما با عزت و امینی ۵۵ گفت یوسف بشاه بگردان مرا بخزائن زمین یعنی بسپار بمن خزائن را بدرستیکه
من حفظ کننده دانا هستم ۵۶ و اینطور تمکن دادیم یعنی احترام دادیم از برای یوسف در زمین جای میگیرد یعنی مخصوص میکند یوسف
از زمین برای خودش هر جا را که میخواهد میرسانیم رحمت خودمان را بهر که میخواهیم ما ضایع نمیکنیم اجر نیکوکاران را ۵۷ و هر آینه اجر آخرت بهتر است
از برای کسانیکه ایمان آوردند و هستند که پرهیز میکنند ۵۸ و آمدند برادران یوسف پس داخل شدند بر یوسف یعنی بحضور یوسف آمدند
پس شناخت یوسف آنها را و ایشان یوسف را نمی شناختند ۵۹ و چون بار بندی کرد یوسف بار آنها را گفت یوسف برادران خود را که
بیاورید برادری که دارید از پدر خودمان آیا نمی بینید که من پر میکردم کیل را و من بهترین منزل دهندگانم یعنی کسانیکه مردم با او وارد میشوند ۶۰ پس
اگر نیاورید مرا آن برادر خود را پس نیست کیل برای شما نزد من و نزدیک نشوید شهر مرا ۶۱ گفتند برادران یوسف که زود باشد که
مراوده کنیم از او پدر او را یعنی با انکار راضی میکنیم که راضی بکنیم پدر او را و همراه خود بیاوریم بدرستیکه ما هر آینه کنندگانیم ۶۲ و گفت یوسف
بخادمان خودش که بگذارید اسبابهای مال التجارهٔ آنها را در میان بارهای ایشان شاید ایشان بشناسند آن بضاعت خود را در وقتیکه برگردند بسوی

صفحهٔ یکصد و هشتاد و هشت

کسان خودشان شاید ایشان برگردند ۶۳ پس چون برگشتند بسوی پدر خودشان گفتند ای پدر ما منع کرده شد از ما کیل پس بفرست
با ما برادر ما ابن یامین را که بار گیریم و بدرستیکه ما از برای او هر آینه محافظت کنندگانیم ۶۴ گفت یعقوب آیا امین شوم از شما بر آن پسر خودم
همچنانکه امین کردم شما را بر برادر او پیش از این پس خدا بهترین محافظت کننده است و آنخدا رحیمتر است از تمام رحم کنندگان ۶۵ و چون
باز کردند بارهای خودشان را یافتند مال التجارهٔ خود را که برگشته است بسوی ایشان گفتند ای پدر ما چه میخواهیم اینست مال التجاره ما که
رد کرده شده است بسوی ما و طعام میگیریم برای کسان خودمان و محافظت میکنیم برادر خودمان را و زیاد میکنیم بار شتران
خودمان را این بارها با اینکه زیاد است کم است نسبت بآن باریکه بعد بیاوریم ۶۶ گفت یعقوب نمیفرستم ابن یامین را با شما تا اینکه بیاورید
از برای من وثیقه از جانب خدا یعنی قسم بخدا بخورید که مراجعت میدهید او را برای من مگر اینکه احاطه بشود بشما یعنی گرفتار شوید و نتوانید
او را بیاورید پس چون دادند به پدر خودشان وثیقهٔ خود را گفت یعقوب که خدا بر آنچه میگوئیم وکیل است ۶۷ و گفت یعقوب ای پسران
من داخل نشوید از یک دروازه و داخل شوید از درهای مختلفه و بی نیاز نمیکنم از شما از هیچ چیز خدا حکمی نیست مگر از برای خدا بر او توکل
کردم من و باید همه توکل کنندگان بر خدا توکل کنند و تکیه بالطاف او داشته باشند ۶۸ و چون داخل شدند پسرهای یعقوب از
جائی که امر کرده بود پدر ایشان را نبود مقصودی از جانب خدا از این مسافرت هیچ چیز مگر مقصودیکه بود در نفس یعقوب که ظاهر
کند آن مقصود را و بیقین یعقوب صاحب دانائی بود از برای آنچه ما تعلیم کرده بودیم او را ولیکن بیشتر از مردم نمیدانند ۶۹ و چون داخل
شدند پسرهای یعقوب بر یوسف جای داد بسوی خودش برادر خود ابن یامین را گفت یوسف با ابن یامین بدرستیکه من برادر تو
هستم پس دلتنگ و مأیوس مباش بآن اعمالی که میکردند یعنی برادرها ۷۰ پس چون حاضر کرد یوسف بارهای برادر خود را گذاشت
ظرف آبخوری خود را در میان بار ابن یامین پس ندا کرد نداکننده ای اهل قافله بدرستیکه شما ها دزدانید ۷۱ گفتند برادران یوسف

گم کرده ایم مشربهٔ پادشاه را و هر که بیاورد آنرا و بدهد یکبار شتر گندم باو داده خواهد شد و من بآن ضامنم ۷۳ گفتند پسرها یعقوب بخدا بتحقیق میدانید شما که نیامدیم برای اینکه فساد بکنیم در زمین و نیستیم ما از جملهٔ دزدان ۷۴ گفتند خبر کنندگان پس چه چیز است جزای آن دزد اگر باشید شما دروغگویان ۷۵ گفتند برادران جزای آن دزد هر که باشد که گم شده در میان بار او یافت شود خود صاحب بار هست که او را عوض کار دزدی باسیری ببرید اینطور جزا میدهیم ما که خداوند هستیم ظلم کنندگان را ۷۶ پس ابتدا کردند بگردش کردن میان بارهای ایشان پیش از بار برادراو ابن یامین بیرون آوردند مشربه را از میان بار ابن یامین اینطور تدبیر کردیم ما از برای یوسف ممکن نبود که بگیرد یوسف ابن یامین را در قانون و طریقهٔ پادشاه مگر اینکه بخواهد خدا و تدبیر شود چنانچه کردند بالا میبریم مرتبه‌های هر که را میخواهیم و بالای هر صاحب علمی اعلم هست ۷۷ گفتند پسرهای یعقوب اگر دزدی کرده است ابن یامین پس بتحقیق دزدی کرده است برادر او از پیش که مراد آنها خود یوسف بود پس پنهان کرد این حرف را یوسف در دل خودش و اظهار نکرد حرف زشت برادران خود را با آنها گفت یوسف شما طبعاً مردمان شریری هستید و خدا داناتر است بآنچه وصف میکنید ۷۸ گفتند برادران ای عزیز بدرستیکه از برای ابن یامین است پدری پیر بزرگ منزلت پس بگیر یکی از ما را بجای او بدرستیکه ما می‌بینیم ترا از جملهٔ خوبان و نیکوکاران را ۷۹ گفت یوسف پناه میبرم بخدا یعنی محال است اینکه بگیریم مگر کسی را که یافتیم اسبابهای خود را پیش او اگر غیر از این بکنیم در آنوقت از جملهٔ ظلم کنندگان هستیم ۸۰ پس چون مأیوس شدند برادرها از یوسف بکناری رفتند در حالتیکه نجوی میکردند گفت بزرگ آنها آیا نمیدانید که بیقین پدر شما بتحقیق گرفت بر شما وثیقه از جانب خدا یعنی قسم خوردن بخدا و پیش از این چه تقصیری کردید دربارهٔ یوسف پس حرکت نمیکنم من از زمین مصر تا اینکه اذن بدهد بمن پدر من یا حکم کند خدا از برای من و خدا بهترین حکم کنندگانست ۸۱ برگردید و بروید بسوی پدر خودمان و بگوئید ای پدر ما بدرستیکه پسر تو یعنی ابن یامین دزدی کرد و شهادت نمیدهیم مگر بچیزی که علم بهم رسانیده ایم و نبودیم ما از برای غیب نگاهداران ۸۲ و بپرس از اهل ده آنانیکه بودیم

صفحهٔ یکصد و نود

از جمله راست گویانیم ۸۳ گفت یعقوب بلکه زینت داد از برای شما نفسهای شما کاری را پس صبر کردن خوبست شاید خدا برساند بمن همگی را بدرستیکه خدا دانای حکیم است ۸۴ و رو گردانید از پسرها و گفت ای افسوس بر یوسف و سفید شد دو چشم او از گریه و اندوه پس او فرو نشانید غم و غیظ خود را ۸۵ گفتند پسرها بخدا که تو همیشه بحالت گریه و ناله ذکر میکنی یوسف را تا اینکه نزدیک مردن برسی یا بمیری ۸۶ گفت یعقوب جز این نیست که من شکایت میکنم شدت غم و اندوه خودم را بسوی خدا و میدانم از خدا چیزی را که شما نمیدانید ۸۷ ای پسرهای من بروید و تفحص کنید از یوسف و برادرش و مأیوس نباشید از رحمت خدا بدرستیکه مأیوس نمیشود از رحمت خدا مگر طایفهٔ کفار ۸۸ پس چون داخل شدند بر یوسف گفتند ای عزیز رسید بما و کسان ما فقر و آورده ایم چیز کمی پس بده از برای ما کیل را یعنی گندم را که کیله میکنند و تصدق کن بر ما بدرستیکه خدا جزا میدهد تصدق دهندگان را ۸۹ گفت یوسف آیا دانستید چه کردید بیوسف و برادرش وقتیکه شما در جهالت بودید ۹۰ گفتند آیا بدرستیکه تو یوسفی گفت من یوسفم و این برادر من است یعنی ابن یامین بتحقیق منت گذاشت خدا بر ما بدرستیکه هر کس پرهیز کند و صبر کند خدا ضایع نمیکند اجر نیکوکاران را ۹۱ گفتند برادران بخدا سوگند بتحقیق برگزید خدای تو را بر ما اگرچه بودیم خیانت کار و خطا کنندگان ۹۲ گفت یوسف سرزنشی نیست بر شما امروز بیامرزد خدا مر شما را و خدا رحیمتر از جمیع رحم کنندگان است ببرید این پیراهن مرا پس بیندازید آنرا بروی پدرم بینا میشود و بیاورید پیش من کسان و عیال خودتان را کلا ۹۴ و چون جدا شدند اهل قافله گفت پدر ایشان یعقوب بدرستی که من مییابم بوی یوسف را اگر نسبت کم عقلی بمن ندهید ۹۵ گفتند کسان یعقوب قسم بخدا بدرستیکه تو در گمراهی قدیم خود هستی ۹۶ پس چون آمد بشیر انداخت پیراهن را بر روی یعقوب پس برگردید به بینائی ۹۷ گفت یعقوب آیا نگفتم برای شما بدرستیکه من

اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا

إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ٣٢ قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ

عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ ٣٣

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ

أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ ٣٤ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ

كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٣٥ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ

لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ٣٦ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي

أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ

مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ٣٧ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ

تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي

تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ٣٨ وَاتَّبَعْتُ

مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ٣٩

يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ٤٠ مَا

تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا

مِن سُلطانٍ إِنِ الحُكمُ إِلّا لِلّهِ أَمَرَ أَلّا تَعبُدوا إِلّا إِيّاهُ ذٰلِكَ الدّينُ القَيِّمُ

وَلٰكِنَّ أَكثَرَ النّاسِ لا يَعلَمونَ ٤١ يا صاحِبَيِ السِّجنِ أَمّا أَحَدُكُما فَيَسقي رَبَّهُ

خَمرًا وَأَمَّا الآخَرُ فَيُصلَبُ فَتَأكُلُ الطَّيرُ مِن رَأسِهِ قُضِيَ الأَمرُ الَّذي فيهِ

تَستَفتِيانِ ٤٢ وَقالَ لِلَّذي ظَنَّ أَنَّهُ ناجٍ مِنهُمَا اذكُرني عِندَ رَبِّكَ

فَأَنساهُ الشَّيطانُ ذِكرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجنِ بِضعَ سِنينَ ٤٣ وَقالَ

المَلِكُ إِنّي أَرىٰ سَبعَ بَقَراتٍ سِمانٍ يَأكُلُهُنَّ سَبعٌ عِجافٌ وَسَبعَ سُنبُلاتٍ

خُضرٍ وَأُخَرَ يابِساتٍ يا أَيُّهَا المَلَأُ أَفتوني في رُؤيايَ إِن كُنتُم لِلرُّؤيا

تَعبُرونَ ٤٤ قالوا أَضغاثُ أَحلامٍ وَما نَحنُ بِتَأويلِ الأَحلامِ بِعالِمينَ ٤٥

وَقالَ الَّذي نَجا مِنهُما وَادَّكَرَ بَعدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُم بِتَأويلِهِ فَأَرسِلونِ

يوسُفُ أَيُّهَا الصِّدّيقُ أَفتِنا في سَبعِ بَقَراتٍ سِمانٍ يَأكُلُهُنَّ سَبعٌ عِجافٌ

وَسَبعِ سُنبُلاتٍ خُضرٍ وَأُخَرَ يابِساتٍ لَعَلّي أَرجِعُ إِلَى النّاسِ لَعَلَّهُم

يَعلَمونَ ٤٧ قالَ تَزرَعونَ سَبعَ سِنينَ دَأَبًا فَما حَصَدتُم فَذَروهُ في

سُنبُلِهِ إِلّا قَليلًا مِمّا تَأكُلونَ ٤٨ ثُمَّ يَأتي مِن بَعدِ ذٰلِكَ سَبعٌ شِدادٌ

يَأكُلنَ ما قَدَّمتُم لَهُنَّ إِلّا قَليلًا مِمّا تُحصِنونَ ٤٩ ثُمَّ يَأتي مِن بَعدِ ذٰلِكَ عامٌ

فيهِ يُغاثُ النّاسُ وَفيهِ يَعصِرونَ ٥٠ وَقالَ المَلِكُ ائتوني بِهِ فَلَمّا



جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْئَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ
أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ٥٠ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ
عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَاَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ
حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ٥١ ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ
أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ٥٢ وَمَا أُبَرِّئُ
نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ٥٣
وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا
مَكِينٌ أَمِينٌ ٥٤ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ٥٥ وَ
كَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا
مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ٥٦ وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ
كَانُوا يَتَّقُونَ ٥٧ وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ
مُنْكِرُونَ ٥٨ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ
أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ٥٩ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي
وَلَا تَقْرَبُونِ ٦٠ قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ٦١ وَقَالَ
لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ



أهليهم لعلهم يرجعون ٦٢ فلما رجعوا الى ابيهم قالوا يا ابانا منع منا
الكيل فارسل معنا اخانا نكتل وانا له لحافظون ٦٣ قال هل
آمنكم عليه الا كما امنتكم على اخيه من قبل فالله خير حافظا وهو
ارحم الراحمين ٦٤ ولما فتحوا متاعهم وجدوا بضاعتهم ردت اليهم قالوا
يا ابانا ما نبغي هذه بضاعتنا ردت الينا ونمير اهلنا ونحفظ اخانا ونز
داد كيل بعير ذلك كيل يسير ٦٥ قال لن ارسله معكم حتى تؤتون
موثقا من الله لتأتنني به الا ان يحاط بكم فلما آتوه موثقهم قال الله على
ما نقول وكيل ٦٦ وقال يا بني لا تدخلوا من باب واحد وادخلوا من
ابواب متفرقة وما اغني عنكم من الله من شيء ان الحكم الا لله عليه
توكلت وعليه فليتوكل المتوكلون ٦٧ ولما دخلوا من حيث امرهم ابوهم
ما كان يغني عنهم من الله من شيء الا حاجة في نفس يعقوب قضاها و
انه لذو علم لما علمناه ولكن اكثر الناس لا يعلمون ٦٨ ولما دخلوا على
يوسف آوى اليه اخاه قال اني انا اخوك فلا تبتئس بما كانوا يعملون ٦٩
فلما جهزهم بجهازهم جعل السقاية في رحل اخيه ثم اذن مؤذن ايتها
العير انكم لسارقون ٧٠ قالوا واقبلوا عليهم ماذا تفقدون ٧١ قالوا

صفحهٔ یکصد و نود و یک

میدانم از خدا چیزیرا
که شما نمیدانید ۹۸ گفتند پسرها ای پدر ما طلب آمرزش کن از برای ما گناهان ما را که بودیم ما گناهکاران ۹۹ گفت یعقوب زود باشد که طلب کنم از برای شما از خدای خودم آمرزش را بدرستیکه آن خدا آمرزنده و رحم کننده است ۱۰۰ پس چون داخل شدند یعقوب و پسرها و عیال او کلاً بر یوسف جای داد بسوی خودش پدر و مادرش را و گفت داخل شوید بمصر در حالتیکه ایمنید اگر خدا خواهد ۱۰۱ و بالا برد پدر و مادرش را بر تخت و انداختند خود را بزمین سجده کننده برای یوسف و گفت یوسف ای پدر من اینست تعبیر خواب من که پیش از این دیده بودم بتحقیق گردانید خدا آن خواب مرا درست و بتحقیق نیکوئی کرد بمن وقتیکه بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را بمصر از بیابان بعد از آنکه فساد انداخت شیطان میانه من و میانه برادرهایم بدرستیکه خدای من لطف کننده است بهر چه بخواهد بدرستی که خدا داناى حکیم است ۱۰۲ ای پروردگار من بتحقیق دادی مرا پادشاهی و تعلیم دادی مرا از تعبیر خوابها و معنی خبرها آفریننده آسمانها و زمین تو یاور منی در دنیا و آخرت بمیران مرا مسلمان و ملحق کن مرا بصلحا و خوبان ۱۰۳ این حکایت یوسف از خبرهای غیبی است که وحی میکنیم آنرا بسوی تو که محمد و رسول هستی و نبودی نزد یعقوب و یوسف و برادران وقتیکه جمع نمودند امر خود را یعنی عزم نمودند و ایشان یعنی برادرهای یوسف حیله میکردند درباره یوسف و نیستند بسیاری از مردم مؤمن اگر چه بخوبی تو که پیغمبر هستی در نهایت سعی صاحب ایمان را ۱۰۴ و سؤال نمیکنی مردم را بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست آن مگر پندی از برای تمام مردم ۱۰۵ و چه بسیار است از نشانه های قدرت خدا در آسمانها و زمین میگذرند مردم بر آن آیات و از آنها اعراض میکنند و ملتفت نمیشوند ۱۰۶ و ایمان ندارند بیشتر از آن مردم بخدا مگر اینکه مشرک هم هستند ۱۰۷ آیا پس مگر خاطر جمع شدند از اینکه بیاید ایشان را سرپوشی از عذاب خدا یا اینکه بیاید ایشان را قیامت یکدفعه و ایشان شعور ندارند و مترصد آمدن قیامت نیستند ۱۰۸ بگو ای محمد اینست راه من که میخوانم من بسوی خدا از روی بینائی و پاکست خدا و نیستم من از مشرکان ۱۰۹ و نفرستادیم ما پیش از تو که محمد هستی
مگر مردانی که وحی میفرستیم بسوی آنها از اهل دهات

صفحهٔ یکصد و نود و دو

آیا نمیگردند در زمین پس ببینید چطور بود آخر کار آن کسانی که پیش از ایشان بودند و هر آینه خانهٔ آخرت بهتر است از برای کسانیکه پرهیزکار هستند آیا تعقل نمیکنید ۱۱۰ تا وقتی که مأیوس شدند پیغمبران و گمان کردند مردم که این پیغمبرها دروغگو هستند آمد آنها را نصرت ما پس نجات داده شد هر کسیکه خواستیم و بر نمیگردد شدت و غضب ما از طایفه گناهکاران ولیکن تصدیق کردن است آنچه در بین دو دست است یعنی رسالت محمد و شرح هر چیزی و راه نماینده است و رحمة از برای طایفه ایست که ایمان و میگروند بتوحید خدا و نبوت خاتم انبیا

سورهٔ رعد مشتمل بر چهل و سه آیه در مکهٔ معظمه نازل شده ۱۳

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

المر یعنی منم خدائی که می بینم و میدانم جمیع اشیا را اینست آیات قرآن و آنچیزیست که فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو راست و درست است ولیکن بیشتر مردم نمیگروند ۲ خدای آنچنانی که بلند کرد آسمانها را بدون ستون که می بینی تو آنرا بعد قصد کرد بر آفریدن عرش باستیلای تمام و مسخر کرد خورشید و ماه را همه حرکت میکنند تا وقت نام برده شده یعنی در زمان معین که دوره خود را طی کنند تدبیر میکند کار ملکوت خود را از ایجاد و عدم تفصیل میدهیم آیات را شاید شما برسیدن پروردگار خودتان یقین کنید ۳ و او است آنکه کشید زمین را و گردانید در آن زمین کوهها و نهرها و از همه میوه ها گردانید در آن دو جفت میپوشاند شب را بروز بدرستیکه در این آیات قدرت هر آینه نشانها است از برای قومیکه تفکر میکنند ۴ و در زمین پاره هاست بیکدیگر پیوسته و باغات است از انگورها و زراعت و درختان خرما چند شاخ بهم پیچیده و غیر پیچیده آب داده میشوند بیک آب و زیادتی میدهیم بعضی از آنها را بعضی دیگر در خوردن بدرستی که در این هر آینه نشانهائیست از برای قومیکه تعقل میکنند ۵ و اگر عجب میداری پس عجب است گفتار ایشان آیا آنوقتیکه ما باشیم

خاک یعنی بعد از مرگ که ما خاک شویم آیا ما هر آینه باشیم در آفرینش نو یعنی با ما زنده گردانند و آن گروه کسانی هستند که کافر شدند به پروردگار خودشان
و آن گروه غلها در گردنهاشان است و آن گروه اصحاب آتشند ایشان در آتش همیشه خواهند بود ۷ و طلب تعجیل میکنند از تو بعقوبتی که خدا بر ایشان
مقرر کرده پیش از عافیت و بتحقیق گذشته از پیش از ایشان عقوبتها و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه صاحب آمرزش است از برای مردم بر ستم ایشان
یعنی که ایشان را بیامرزد و از سر معاصی ایشان بگذرد و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه سخت عقوبت است ۸ و میگویند آنکه کافر شدند چرا فرو فرستاده
بر پیغمبر آیتی از جانب پروردگار خودش جز این نیست که تو ترساننده و از برای هر گروهی هدایت کننده ۹ خدا میداند آنچه را که بر میدارد هر زنی
از فرزندان از نر و ماده و میداند هر چه را که نگاه دارد رحمها یعنی تمام خلقت بیرون نیاید و میداند آنچه را که میافزاید بولد تا که چند ولد در یک رحم جا
میگیرد و هر چیزی نزد خدا باندازه است ۱۰ داننده پنهان و آشکار است بزرگ و برتر است از هر چیز ۱۱ یکسان است از شما هر که بپوشاند سخن را
و هر که آشکار کند آن سخن و هر که او طلب کننده خفا است به پوشنده عمل خود در شب و ظاهر گسترنده قول و فعل خود در روز یعنی از سر و علانیه هیچ
چیز بر خدا پوشیده نیست ۱۲ مر آن کسیکه میپوشد و آشکار میکند قول و فعل خود را فرشتگانی هستند که از پی در آیند آنکس را حفظ کنند قول و
افعال او را از پیش رو و پشت ایشان و از پشت سر ایشان نگاه میدارند او را بفرمان خدا و هر چه از او صادر میشود و مینویسند و ایشان را کرام الکاتبین
میگویند بدرستیکه خدا تغییر نمیدهد آنچه با گروهی باشد از عافیت و نعمت تا وقتیکه تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشانست و اگر خواهد خدا یعنی حکمت
اقتضا کند که برساند بگروهی عذاب و عقوبت پس نیست بازگشتی از برای او و نیست از برای ایشان سوای خدا هیچ کس متولی ۱۳ او دست خدای
آنچنانیکه مینماید بشما برق را از ترس مسافر و طمع مقیم یعنی آنان که بباران محتاج باشند و پدید میآورد در هوا ابرهای باران دار را ۱۴ و تسبیح میکند
رعد بحمد پروردگار خودش و تسبیح میکنند ملائکه از ترس خدا و میفرستد صاعقه ها را پس میرساند هر کرا میخواهد و ایشان جدال میکنند در خدا یعنی تکذیب
پیغمبر را میکنند و او سخت قوه است ۱۵ مر خدا راست دعوه بحق و آن کسانیکه میخوانند از سوای خدا اجابت نمیکنند از برای ایشان بچیزی مگر
همچو اجابت کسیکه بگشاید دو دست خود را بسوی آب تا اینکه برساند بدهن خودش و نیست او برساننده و نیست خواندن کافرین مگر

صفحهٔ یکصد و نود و چهار

در گمراهی ۱۶ و از برای خدا سجده میکنند هر که در آسمانها و زمین است از روی رغبت و کراهت و سجده میکنند هر که آسمان را و سایه
انداخته است یعنی تمام مخلوق سجده میکنند خداوند را صبح و عصر ۱۷ بگو ای پیغمبر کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدا بگو آیا پس
گرفتید شما از غیر خدا دوستانی که مالک نمیشوند از برای نفسهای خودشان نفعی و نه ضرری بگو آیا مساویست کور و روشن یا آیا
مساویست تاریکی و روشنی یا گردانیده است خدا شریکان که خلق کرده است آنها را مثل خلق خودش پس مشابه شد مخلوق با خالق
بر ایشان بگو خدا خلق کننده هر چیز است و او است یگانه غالب ۱۸ فرو فرستاد خدا از آسمان آب را پس روان شد رودخانها باندازه
آن آب پس برداشت سیل آب که از باران حاصل شد کف بلند را یعنی کف بزرگ را و از آنچه میافروزند بر آن در آتش یعنی در کورهائی که
فلزات طلا و نقره و آهن و غیره در آن آب میکنند برای طلب زیور یا ظروف کفی است مثل آن کفی که بر روی آب سیل است همچنین مثل میزند
خدا حق و باطل را پس اما کف پس میرود در حالتیکه مطروح میشود یعنی کف تحلیل رفته بر طرف میشود و اما آنچه منفعت میدهد مردم را از آب و
و سایر فلزات پس میماند در زمین همچنین میزند خدا مثلها را از برای کسانیکه اجابت نمودند مر پروردگار خود را ثواب نیکو است و آن کسانیکه
اجابت نکردند از برای پروردگار اگر باشد از برای ایشان آنچه در زمین است همه و مثل آنرا علاوه کنند با او هر آینه فدا کنند بآن اشیا یعنی
خواهند که فی المجلس خود را باز خرند از عذاب برهند کسی از آنها نستانند و آن گروه از برای ایشان است بدی روز حساب یعنی
روز قیامت و جایگاه ایشان جهنم است و بد آرامگاهیست ۱۹ آیا پس کسیکه میداند آنچه فرستاده شده است بسوی تو از جانب
پروردگار تو که راست و درست است مثل کسیست که او کور باشد جز این نیست که پند میگیرند بقرآن صاحبان عقول ۲۰ آن کسانیکه
وفا میکنند بعهد خدا و نمیشکنند عهد خود را ۲۱ و آن کسانیکه میرسانند آنچه را که امر کرده است خدا بآن اینکه رسیده شود یعنی صله
رحم و سوالات و ایمان را ملاحظه کنند و میترسند از پروردگار خود و میترسند از بدی روز قیامت ۲۲ و آن کسانیکه صبر کردند
برای طلب خوشنودی پروردگار خودشان و بر پا داشتند

نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَآءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ٧٣ قَالُوا تَاللَّهِ
لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ٧٤ قَالُوا فَمَا
جَزَآؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ٧٥ قَالُوا جَزَآؤُهُ مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَآؤُهُ
كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ٧٦ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَآءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا
مِن وِعَآءِ أَخِيهِ كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ
إِلَّا أَن يَشَآءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَآءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ٧٧
قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ
يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ٧٨ قَالُوا يَا أَيُّهَا
الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ٧٩
قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا لَّظَالِمُونَ ٨٠
فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ
عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ
يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ٨١ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَبِيكُمْ
فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ
حَافِظِينَ ٨٢ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا

لصادقون ٨٣ قال بل سولت لكم أنفسكم أمرا فصبر جميل عسى الله أن يأتيني
بهم جميعا إنه هو العليم الحكيم ٨٣ وتولى عنهم وقال يا أسفى على يوسف
وابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم ٨٤ قالوا تالله تفتؤ تذكر يوسف حتى تكون حرضا
أو تكون من الهالكين ٨٥ قال إنما أشكو بثي وحزني إلى الله وأعلم من الله
ما لا تعلمون ٨٦ يا بني اذهبوا فتحسسوا من يوسف وأخيه ولا تيأسوا من روح الله
إنه لا ييأس من روح الله إلا القوم الكافرون ٨٧ فلما دخلوا عليه قالوا يا
أيها العزيز مسنا وأهلنا الضر وجئنا ببضاعة مزجاة فأوف لنا الكيل
وتصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين ٨٨ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف
وأخيه إذ أنتم جاهلون ٨٩ قالوا أإنك لأنت يوسف قال أنا يوسف وهذا
أخي قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين ٩٠ قالوا
تالله لقد آثرك الله علينا وإن كنا لخاطئين ٩١ قال لا تثريب عليكم اليوم يغفر
الله لكم وهو أرحم الراحمين ٩٢ اذهبوا بقميصي هذا فألقوه على وجه أبي يأت
بصيرا وأتوني بأهلكم أجمعين ٩٣ ولما فصلت العير قال أبوهم إني لأجد ريح
يوسف لولا أن تفندون ٩٤ قالوا تالله إنك لفي ضلالك القديم ٩٥ فلما
أن جاء البشير ألقاه على وجهه فارتد بصيرا قال ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما



لا تعلمون ٩٦ قالوا يا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين ٩٧ قال سوف
استغفر لكم ربي انه هو الغفور الرحيم ٩٨ فلما دخلوا على يوسف آوى اليه
ابويه وقال ادخلوا مصر ان شاء الله آمنين ٩٩ ورفع ابويه على العرش وخروا
له سجدا وقال يا ابت هذا تاويل رؤياي من قبل قد جعلها ربي حقا وقد
احسن بي اذ اخرجني من السجن وجاء بكم من البدو من بعد ان نزغ الشيطان
بيني وبين اخوتي ان ربي لطيف لما يشاء انه هو العليم الحكيم ١٠٠ رب قد آتيتني
من الملك وعلمتني من تاويل الاحاديث فاطر السموات والارض انت وليي في
الدنيا والآخرة توفني مسلما والحقني بالصالحين ١٠١ ذلك من انباء الغيب
نوحيه اليك وما كنت لديهم اذ اجمعوا امرهم وهم يمكرون ١٠٢ وما اكثر الناس
ولو حرصت بمؤمنين ١٠٣ وما تسئلهم عليه من اجر ان هو الا ذكر للعالمين
١٠٤ وكأين من آية في السموات والارض يمرون عليها وهم عنها معرضون ١٠٥
وما يؤمن اكثرهم بالله الا وهم مشركون ١٠٦ افامنوا ان تاتيهم غاشية
من عذاب الله او تاتيهم الساعة بغتة وهم لا يشعرون ١٠٧ قل هذه
سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا ومن اتبعني وسبحان الله وما انا
من المشركين ١٠٨ وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحي اليهم من اهل القرى

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ

الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ١٠٩ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا

أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ١١٠

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي

بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

سُورَةُ الرَّعْدِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ

ثَلٰثٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الٓمٓرٰ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ

النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ١ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ

اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ

الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُم بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ٢ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ

الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

٣ وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ

صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٤ وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا

ترابا إنا لفي خلق جديد ۚ أولئك الذين كفروا بربهم وأولئك الأغلال
في أعناقهم وأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون ٧ ويستعجلونك
بالسيئة قبل الحسنة وقد خلت من قبلهم المثلات وإن ربك لذو
مغفرة للناس على ظلمهم وإن ربك لشديد العقاب ٨ ويقول الذين
كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه إنما أنت منذر ولكل قوم هاد ٩
الله يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض الأرحام وما تزداد وكل شيء
عنده بمقدار ١٠ عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال ١١ سواء منكم
من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار ١٢
له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله إن الله لا يغير
ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وإذا أراد الله بقوم سوءا فلا مرد له و
ما لهم من دونه من وال ١٣ هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا وينشئ
السحاب الثقال ١٤ ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل
الصواعق فيصيب بها من يشاء وهم يجادلون في الله وهو شديد المحال
له دعوة الحق والذين يدعون من دونه لا يستجيبون لهم بشيء إلا
كباسط كفيه إلى الماء ليبلغ فاه وما هو ببالغه وما دعاء الكافرين إلا



فِي ضَلَالٍ ١٦ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ
بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ١٧ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ
مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي
الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ
خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَا
الْقَهَّارُ ١٨ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ
زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ
مِثْلُهُ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا
مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلَّذِينَ
اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ
جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ
وَبِئْسَ الْمِهَادُ ١٩ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ٢٠ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ
الْمِيثَاقَ ٢١ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ٢٢ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا

الصلوة وأنفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية ويدرءون بالحسنة السيئة
أولئك لهم عقبى الدار ٢٢ جنات عدن يدخلونها ومن صلح من
آبائهم وأزواجهم وذرياتهم والملائكة يدخلون عليهم من كل باب ٢٣
سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار ٢٤ والذين ينقضون عهد الله
من بعد ميثاقه ويقطعون ما أمر الله به أن يوصل ويفسدون في
الأرض أولئك لهم اللعنة ولهم سوء الدار ٢٥ الله يبسط الرزق لمن
يشاء ويقدر وفرحوا بالحيوة الدنيا وما الحيوة الدنيا في الآخرة إلا
متاع ٢٦ ويقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه قل إن الله
يضل من يشاء ويهدي إليه من أناب ٢٧ الذين آمنوا وتطمئن قلوبهم
بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب ٢٨ الذين آمنوا وعملوا الصالحات
طوبى لهم وحسن مآب ٢٩ كذلك أرسلناك في أمة قد خلت من قبلها
أمم لتتلوا عليهم الذي أوحينا إليك وهم يكفرون بالرحمن قل هو
ربي لا إله إلا هو عليه توكلت وإليه متاب ٣٠ ولو أن قرآنا سيرت
به الجبال أو قطعت به الأرض أو كلم به الموتى بل لله الأمر جميعا
أفلم ييأس الذين آمنوا أن لو يشاء الله لهدى الناس جميعا ٣١ ولا يزال

الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعة او تحل قريبا من دارهم حتى ياتى

وعد الله ان الله لا يخلف الميعاد ٣١ ولقد استهزئ برسل من قبلك

فامليت للذين كفروا ثم اخذتهم فكيف كان عقاب ٣٢ افمن هو قائم

على كل نفس بما كسبت وجعلوا لله شركاء قل سموهم ام تنبئونه بما لا

يعلم فى الارض ام بظاهر من القول بل زين للذين كفروا مكرهم و

صدوا عن السبيل ومن يضلل الله فما له من هاد ٣٣ لهم عذاب فى

الحيوة الدنيا ولعذاب الاخرة اشق وما لهم من الله من واق ٣٤ مثل

الجنة التى وعد المتقون تجرى من تحتها الانهار اكلها دائم و

ظلها تلك عقبى الذين اتقوا وعقبى الكافرين النار ٣٥ والذين اتيناهم

الكتاب يفرحون بما انزل اليك ومن الاحزاب من ينكر بعضه قل انما امرت

ان اعبد الله ولا اشرك به اليه ادعوا واليه مئاب ٣٦ وكذلك انزلناه حكما

عربيا ولئن اتبعت اهواءهم بعد ما جاءك من العلم ما لك من الله من

ولى ولا واق ٣٧ ولقد ارسلنا رسلا من قبلك وجعلنا لهم ازواجا

وذرية وما كان لرسول ان ياتى باية الا باذن الله لكل اجل كتاب ٣٨

يمحوا الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب ٣٩ واما نرينك بعض الذى

صفحهٔ یکصد و نود و پنجم

نماز را و انفاق کردند از آنچه روزی دادیم ما ایشانرا پنهان و آشکار و دفع میکنند بسبب نیکوئی بدی را آن گروه از برای
ایشانست خانهٔ آخرت ۲۳ بهشتهای با اقامت داخل میشوند آن بهشت ها را و هر که قابل باشد از پدران ایشان
و زنهای ایشان و اولاد ایشان و ملائکه داخل میشوند بر ایشان از هر دری ۲۴ سلامتی باد بر شما یعنی رحمت خدا باد بر شما
بسبب آنچه صبر کردید شما پس خوبست خانهٔ آخرت ۲۵ و آنکسانیکه می شکنند عهد خدا را از بعد از بستن آن عهد و قطع میکنند آنچه را که امر کرده خدا
بآن اینکه رسیده شود یعنی مخالفت اوامر خدا کنند و فساد میکنند در زمین آنگروه از برای ایشانست لعنت و از برای ایشان بدی خانهٔ
آخرت ۲۶ خدا میگستراند روزی را برای هر که میخواهد و مقدر میکند و شاد شدند آنملاعین بزندگانی دنیا و نیست زندگانی در آخرت مگر
تمتع اندکی ۲۷ و میگویند آنکسانیکه کافر شدند چرا فرستاده نشد بر پیغمبر آیهٔ بگو ای محمد بدرستیکه خدا گمراه میکند هر که میخواهد و هدایت
میکند بسوی خود هر که را که باز گردد بسوی او ۲۸ آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل کردند کارهای شایسته را و آرام میگیرد دلهای ایشان
بذکر خدا آگاه باش که بذکر خدا آرام میگیرند دلهای آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل کردند کارهای شایسته را خوشا بحال ایشان و خوبی باز
گشت ایشان ۲۹ همچنین فرستادیم ما ترا در میان امتی که بتحقیق گذشت از پیش از آن امت امتانی تا اینکه بخوانی بر ایشان
آنچه را که وحی کردیم ما بسوی تو و ایشان کفر میورزند بخدا بگو ای پیغمبر او است پروردگار من نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم
من و بسوی او است محل بازگشت من ۳۰ و اگر بود قرآنی را که رانده میشدند ببرکت آن قرآن کوهها یا از
پاره میشد بواسطهٔ آن زمین یا تکلم کرده میشدند یعنی بزبان میآمدند بآن مردگان بر فرض بودن این معجزات کفار ایمان نمیآوردند بلکه از برای
خداست جمیع کارها آیا پس نمیدانند آنکسانیکه ایمان آوردند اینکه اگر بخواهد خدا هر آینه هدایت میکند جمیع مردم را ۳۱

صفحهٔ یکصد و نود و ششم

و همیشه آنکسانیکه کافر شدند میرسد ایشانرا بلیهٔ گویند بسبب آنچه کردند یعنی مصیبتی از بیخ برکنده بسبب آنچه کردند یا فرود آئی بموضعی که
نزدیکست بخانهٔ ایشان یعنی خانهٔ کفار مکه تا وقتیکه بیاید وعدهٔ خدا که مردنست بدرستیکه خدا خلف نمیکند وعدهٔ خود را ۳۲ و هر آینه بتحقیق
استهزا کرده شدند برسولانی که پیش از تو بودند پس مهلت دادیم از برای آنکسانیکه کافر شدند پس گرفتیم ایشانرا بعقوبت پس چگونه بود عقوبت
من ایشانرا ۳۳ آیا پس کسیکه او نگهبان بر هر نفسی است بآنچه کسب میکنند یعنی خدا بهتر است یا آنکه نیست اینچنین یعنی بتان و قرار دادند از برای خدا
شریکان بگو ای محمد نام نهید ایشانرا یعنی بخوانید ایشانرا یا خبر میدهید آن بتان خدا را بآنچه نمیداند در زمین یعنی علم بشریک خود ندارد یا بظاهر
از قول است یعنی ظاهر تلفظ مراد است مثل اینکه زنگی را کافور نام نهند چنانچه بتان را که عین شیطانند خدایان میخوانند بلکه زینت داده شد
از برای کسانیکه کافر شدند مکر و حیلهٔ ایشان و باز داشته شدند از راه راست و هر که را باز میگذارد خدا او را پس نیست از برای او راهنمائی
۳۴ از برای ایشانست در حیات دنیا و هر آینه عذاب آخرت سخت تر است و نیست از برای ایشان از عذاب خدا نگاه دارنده
۳۵ مثل آنچنان بهشتی که وعده داده شده اند پرهیزکاران جاری میشود از زیر درختان و قصور آن بهشت نهرها میوه
آن و سایهٔ آن همیشه است این است عاقبت کسانی که پرهیز کردند و عاقبت امر کافران آتش است ۳۶ و آن
کسانی که دادیم ما ایشانرا کتاب یعنی یهود و نصاری که توراة و انجیل دادیم مراد مؤمنین از یهود و نصاری است
که عبد الله سلام و اصحاب او از یهود و هشتاد نفر از نصاری خوشحال میشوند بآنچه فرستاده است بسوی تو یعنی قرآن و از
گروه یهود و نصاری کسی هست که انکار میکند بعضی از آن قرآنرا مثل حی اخطب و اتباع او بگو ای پیغمبر جز این نیست که مأمور شدم من اینکه
عبادت کنم خدا را و شرک نیاورم بخدا بسوی خدا میخوانم مردم را و بسوی خداست بازگشت من ۳۷ و همچنین فرستادیم ما قرآن را
که محکمست بزبان عربی و هر آینه اگر متابعت کنی تو خواهشهای کفار را بعد از آنکه آمد ترا از علم یعنی عالم ببطلان مذهب ایشان شدی نیست از برای تو
هیچ دوستی و نه نگاهبانی ۳۸ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما رسولانی از پیش از تو و قرار دادیم ما از برای ایشان زنها و اولادها و نیست از برای
هیچ رسولی اینکه بیاورد آیهٔ و معجزهٔ مگر باذن خدا از برای هر وقتی حکمی است که نوشته شده است ۳۹ محو میکند خدا هر چه را که میخواهد و ثابت میکند
آنچه را که صلاح میداند و نزد خداست اصل کتاب یعنی لوح محفوظ ۴۰ و اگر بنمائیم ترا بعض آن چیزهائی که

وعده میکنیم کفار را از عذاب یا بمیرانیم ترا پس جز این نیست که بر تو است رسانیدن احکام و بر ما است حساب اعمال ۴۱ آیا نمی بینند
اهل که اینکه فرمان ما میآید بزمین کفار کم میکنیم آن زمین را از اطراف آن یعنی اراضی کفار را از تصرفشان بیرون میآوریم و بتصرف مسلمین میدهیم
و خدا حکم میکند بنقصان اراضی ایشان نیست رد کنندهٔ از برای حکم خدا و او زود حسابست ۴۲ و بتحقیق مکر و حیله کردند آنکسانیکه
از پیش ایشان بودند یعنی یهودان از ازمنهٔ سابقه پس از برای خداست جزای مکر و حیلها جمیعاً میداند چه کسب میکند هر کسی و زود
باشد که بدانند کفار از برای کیست خانهٔ آخرت ۴۳ و میگویند آن کسانیکه کافر شدند نیستی تو فرستاده شده
یعنی پیغمبر نیستی بگو کافی است خدائیکه شاهد است میانهٔ من و شما و خدائی که نزد او است علم کتاب یعنی دانستن لوح محفوظ

سورهٔ ابرهیم مشتمل است بر پنجاه و دو آیه در مکه معظمه نازل شده است

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الرا یعنی منم خدائی که میدانم کتابیست که فرو فرستادیم بسوی تو تا بیرون آوری مردم را از تاریکیها بسوی روشنیها باذن پروردگار
ایشان و بسوی راه خداوند غالب ستوده که راه هدایتست ۲ خدای آنچنانیست که از برای اوست آنچه در آسمانها است و آنچه در
زمین است و وای از برای کافران از عذاب سخت ۳ آنکسانیکه دوست میدارند دنیا را یعنی ترجیح میدهند دنیا را بر آخرت و باز میدارند
مردم را از راه خدا و کج میشمارند آنرا آنگروه در گمراهی دور از حق هستند ۴ و نفرستادیم ما هیچ رسولی را مگر بزبان قوم خودش تا بیان واضح
کند از برای ایشان احکام خدا را پس فرو گذارد خدا هر که را میخواهد و راه مینماید هر که را میخواهد و او است غالب درستکار ۵ و هر آینه بتحقیق فرستادیم
ما موسی را با آیات خودمان اینکه بیرون بیار قوم خودت را از تاریکیها بسوی روشنی و پند بده ایشانرا بروزهای عذاب البته بدرستی که
در این هر آینه نشانهائی است از برای هر صبر کنندهٔ شکر کننده ۶ و وقتی گفت موسی قوم خود را

یاد کنید نعمت خدا را که بر شما است وقتی که نجات داد شما را از آل فرعون میچشانیدند شما را بدی عذاب را و میکشتند پسران شما را
و زنده میگذاشتند زنهای شما را و در این گرفتاریها بلای بزرگی بود از جانب پروردگار شما ۷ و وقتی که اعلام
کرد پروردگار شما هر آینه اگر شکر کنید هر آینه زیاد میکنیم البته بر شما و هر آینه اگر کفران کنید شما بدرستیکه عذاب
من هر آینه سخت است ۸ و گفت موسی بقوم خود اگر کافر شوید شما و هر که در زمین است تماماً پس بدرستی که
خدا هر آینه بی نیاز ستوده است ۹ آیا نیامد شما را خبر آن کسانی که از پیش از شما بودند مثل قوم نوح
و عاد و ثمود ۱۰ و آنکسانی که از بعد از ایشان بودند از قوم پیغمبران که نمیداند عدد ایشان را مگر خدا
آمدند ایشان را پیغمبرانشان با معجزات پس گذاردند دستهای خود را در دهنهای خودشان از کمال غضب و گفتند
بدرستی که ما کافر شدیم بدینی فرستاده شده اید شما با آن دین و بدرستیکه ما در شکیم از آنچه میخوانید
ما را بسوی آن متزلزل و مضطربیم ۱۱ گفتند رسولان ایشان آیا در خدا شک دارید که خالق
آسمانها و زمین است میخواند خدا شما را بدین حق تا اینکه بیامرزد از برای شما گناهان شما را و تأخیر
بیندازد عذاب شما را تا روز مردن که شاید براه راست بیائید ۱۲ گفتند قوم نیستید
شما مگر آدمی مانند ما میخواهید شما این که باز دارید ما را از آنچه بود که عبادت میکردند پدران ما
یعنی بت پرستی پس بیاورید ما را بحجتی روشن ۱۳ گفتند از برای ایشان رسولانشان نیستیم ما
مگر آدمی مگر مثل شما و لیکن خدا منت میگذارد بنعمت نبوت خود بر هر که میخواهد از بندگان خودش و نیست
از برای ما اینکه بیاوریم از شما حجت و معجزهٔ ۱۴ مگر باذن خدا و بر خدا پس باید توکل کنند ایمان آورندگان ۱۵
و چه چیز است از برای ما اینکه توکل نکنیم بر خدا و حال اینکه بتحقیق نمود ما را راه راست و هر آینه باید صبر بکنیم ما البته بر آنچه
اذیت کرده اید شما ما را و بر خدا پس باید توکل کنند توکل کنندگان ۱۶ و گفتند آن کسانی که کافر شدند

نعدهم او نتوفينك فانما عليك البلاغ وعلينا الحساب ٤٠ اولم يروا
انا نأتي الارض ننقصها من اطرافها والله يحكم لا معقب لحكمه وهو
سريع الحساب ٤١ وقد مكر الذين من قبلهم فلله المكر جميعا يعلم ما
تكسب كل نفس وسيعلم الكفار لمن عقبى الدار ٤٢ ويقول الذين كفروا
لست مرسلا قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب

سورة ابراهيم عليه السلام مكية وهي اثنتان وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور باذن ربهم
الى صراط العزيز الحميد ١ الله الذي له ما في السموات وما في الارض
وويل للكافرين من عذاب شديد ٢ الذين يستحبون الحيوة الدنيا
على الآخرة ويصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا اولئك في ضلال
بعيد ٣ وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه ليبين لهم فيضل الله
من يشاء ويهدي من يشاء وهو العزيز الحكيم ٤ ولقد ارسلنا
موسى باياتنا ان اخرج قومك من الظلمات الى النور وذكرهم
بايام الله ان في ذلك لايات لكل صبار شكور ٥ واذ قال موسى لقومه

اذكروا نعمة الله عليكم اذ انجىكم من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب
ويذبحون ابناءكم ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم
عظيم ٦ واذ تاذن ربكم لئن شكرتم لازيدنكم ولئن كفرتم ان
عذابي لشديد ٨ وقال موسى ان تكفروا انتم ومن في الارض جميعا
فان الله لغني حميد ٩ الم ياتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و
عاد وثمود ١٠ والذين من بعدهم لا يعلمهم الا الله جاءتهم رسلهم
بالبينات فردوا ايديهم في افواههم وقالوا انا كفرنا بما ارسلتم به و
انا لفي شك مما تدعوننا اليه مريب ١١ قالت رسلهم افي الله شك
فاطر السموات والارض يدعوكم ليغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم الى
اجل مسمى قالوا ان انتم الا بشر مثلنا تريدون ان تصدونا عما كان
يعبد اباؤنا فاتونا بسلطان مبين ١٣ قالت لهم رسلهم ان نحن الا
بشر مثلكم ولكن الله يمن على من يشاء من عباده وما كان لنا ان
ناتيكم بسلطان الا باذن الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون ١٥ و
ما لنا الا نتوكل على الله وقد هدىنا سبلنا ولنصبرن على ما
اذيتمونا وعلى الله فليتوكل المتوكلون ١٦ وقال الذين كفروا

رُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ
الظَّالِمِينَ ١٧ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ
خَافَ وَعِيدِ ١٨ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ١٩ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ
يُسْقَىٰ مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ٢٠ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ
كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ٢١ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا
كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ٢٢ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ٢٣ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ
بِعَزِيزٍ ٢٤ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا
لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ
لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ٢٦ وَقَالَ
الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ
وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي
وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا
أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٢٨ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا

وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها بإذن
ربهم تحيتهم فيها سلام ٢٣ ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة
كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء ٢٤ تؤتي أكلها كل
حين بإذن ربها ويضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون ٢٥
ومثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الأرض ما لها
من قرار ٢٦ يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي
الآخرة ويضل الله الظالمين ويفعل الله ما يشاء ٢٧ ألم تر إلى الذين
بدلوا نعمت الله كفرا وأحلوا قومهم دار البوار ٢٨ جهنم يصلونها وبئس
القرار ٢٩ وجعلوا لله أندادا ليضلوا عن سبيله قل تمتعوا فإن مصيركم
إلى النار ٣٠ قل لعبادي الذين آمنوا يقيموا الصلاة وينفقوا مما رزقنا
هم سرا وعلانية من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلال ٣١ الله الذي
خلق السماوات والأرض وأنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات
رزقا لكم وسخر لكم الفلك لتجري في البحر بأمره وسخر لكم الأنهار وسخر
لكم الشمس والقمر دائبين وسخر لكم الليل والنهار وآتاكم من كل
ما سألتموه وإن تعدوا نعمت الله لا تحصوها إن الإنسان لظلوم

از برای رسولان خودشان هرآینه بیرون میکنیم شما را البته از زمین خودمان یا هرآینه برگردید البته در مذهب ما پس وحی کرد بسوی ایشان پروردگارشان که هرآینه هلاک میکنیم ما البته ظالمین را ۱۷ و هرآینه ساکن میسازیم شما را البته در زمین کفار بعد از ایشان این وعدهٔ پیغمبران از برای کسی است که بترسد از ایستادن در موقف حکم من و بترسد از وعدهای عذاب من ۱۸ و طلب فتح کردند پیغمبران از هلاکت دشمنان و نومید شد هر جبر کنندهٔ متکبر ۱۹ از بعد از زندگی او جهنم است و آشامیده میشود از آب چرک بدن اهل جهنم ۲۰ میآشامد آن آب را و نتواند که بگلو فرو برد و میآید او را مرگ از هر جانبی و نیست او مرده و از دنبالهٔ آن حالت عذابی سخت و زشت ۲۱ مثل آن کسانیکه کافر شدند باحکام پروردگار خودشان مثل خاکستریست که بشدت برسد بآن باد در روزی که سخت است یعنی باد سخت بوزد که قادر نیستند از آنچه کسب کردند بر چیزی اینست او را گمراهی دور ۲۲ آیا نمی بینی اینکه خدا خلق کرد آسمانها و زمین را بحق اگر خواهد خدا ببرد شما را و بیاورد خلق تازهٔ ۲۳ و نیست این بر خدا دشوار ۲۴ و ظاهر شوند از برای خدا یعنی از قبر بیرون آیند بامر خدا همگی پس گویند عجزهٔ کفار از برای کسانی که طلب تکبر کردند بدرستی که ما بودیم از برای شما مطیع پس آیا شما دفع کننده اید از ما چیزی از عذاب خدا را ۲۵ گفتند مستکبرین اگر راه مینمود ما را خدا هرآینه راه مینمودیم ما شما را یکسانست بر ما که جزع کنیم ما یا صبر کنیم نیست از برای ما پناهی از عذاب خدا ۲۶ و گفت شیطان چون گذرد امر یعنی حکم الهی صادر شود بجزای اعمال بدرستیکه خدا وعده داد بشما وعده راست و وعده دادم من شما را پس خلاف کردم شما را یعنی دروغ من ظاهر شد و نبود از برای من بر شما حجتی یعنی تسلطی ۲۷ مگر اینکه دعوت شما را پس اجابت کردید مرا پس ملامت مکنید مرا و ملامت کنید بنفسهای خودتان را و نیستم من فریادرس شما و نیستید شما فریادرس من بدرستیکه من کافر شدم بآنچه شریک کردید شما مرا از پیش یعنی کافر شده ام بخدا بدرستیکه ظلم کنندگان از برای ایشانست عذاب دردناک ۲۸ و داخل شوند آن کسانی که ایمان آوردند

صفحهٔ دویستم

و عمل شایسته کردند بهشتهائیرا که جاری میشود از زیر درختان و قصور آن بهشت نهرها جاوید اند در آن باذن پروردگارشان و درود ایشان در بهشت سلام است ۲۹ آیا نمی بینی چگونه زد خدا مثلی را کلمهٔ پاکی مثل درخت پاکیزهٔ که ریشهٔ آن محکم است در زمین و شاخهٔ آن در آسمان است ۳۰ میدهد خود را در هر زمانی باذن پروردگار خودش و میزند خدا مثلها را از برای مردم شاید ایشان متذکر و ملتفت شوند ۳۱ و مثل کلمهٔ ناپاک یعنی کلمات کفر مثل درخت ناپاکی است که ریشهٔ آن پهن شود از روی زمین نیست از برای آن درخت ثباتی ۳۲ ثابت میکنند آن کسانی که ایمان آوردند بگفتن راست درست در زندگانی دنیا و در آخرت و فرو میگذارد خدا ظالمین را در گمراهی و میکند خدا هرچه میخواهد ۳۳ آیا ندیدی و نظر نکردی بسوی کسانی که تبدیل کردند نعمت خدا را بکفران و فرود آوردند قوم خودشان را بخانهٔ هلاکت ۳۴ جهنمی است که در آیند در آن و بد قرارگاهی است مراد اهل مکه است که با نواع نعمتهای الهی دارا بودند با پیغمبر بنای مخاصمه گذاردند بعضی در جنگ بدر کشته شدند و بعضی گرفتار گشتند ۳۵ و قرار دادند از برای خدا شریکان تا اینکه گمراه کنند مردم را از راه خدا بگو ای محمد برخوردار شوید پس بدرستیکه بازگشت شما بسوی آتش است ۳۶ بگو از برای بندگان من آن کسانیکه ایمان آوردند برپا بدارید نماز را و انفاق از آنچه روزی دادیم ما ایشان را در پنهان و آشکار از پیش اینکه بیاید روزی که نه خرید و نه فروش است در آن روز و نه دوستی بهم رسد که شفاعت کند ۳۷ خداست آنکه خلق کرد آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد بآن آب از میوها روزی از برای شما و مطیع گردانید از برای شما کشتی را تا اینکه برود یعنی سیر کند در دریا بامر خدا و باختیار شما در آورد نهرها را و قرار داد از برای شما خورشید و ماه را مسخر بر دأب و عادت خود در سیر کردن و نور دادن و قرار داد از برای شما شب و روز را و داد شما را از هر چیزی آنچه خواستید شما آن را و اگر بشمارید نعمت خدا را نتوانید بشما آورید بدرستیکه انسان هرآینه بسیار ظلم کننده

و کفران

صفحهٔ دویست و یکم

و کفران کننده است ۳۸ و چون گفت ابراهیم ای پروردگار من بگردان این شهر را ایمن یعنی مکه را و دور گردان مرا و فرزندان
مرا از عبادت بتان ۳۹ ای پروردگار من بدرستیکه بتان گمراه کردند بسیاری از مردم را پس هر که متابعت کرد مرا که ابراهیم
هستم پس بدرستیکه او از ملت منست و هر که معصیت کند مرا پس بدرستی که تو آمرزندهٔ مهربانی ۴۰ ای پروردگار ما بدرستیکه
من منزل دادم یعنی سکنی دادم از اولاد خودم به بیابانی که در آن زراعت نمیشود و آب و آبادی ندارد و نزدیک خانهٔ تو که حرام
است در آن صید و قتال ای پروردگار ما تا اینکه برپا دارند نماز را پس بگردان دلهای بعضی از مردم را میل کنند بسوی ایشان
و روزی بده ایشانرا از میوه‌ها شاید ایشان شکر کنند ۴۱ ای پروردگار ما بدرستیکه تو میدانی آنچه را که پنهان میکنیم ما
و آنچه را که آشکار میکنیم یعنی عالم بجمیع امور ما هستی و پوشیده نیست بر خدا هیچ چیز در زمین و نه در آسمان حمد از برای
خدای آنچنانیست که بخشید بمن در پیری اسمعیل را و اسحق را بدرستیکه پروردگار من هر آینه شنوندهٔ دعاست ۴۲ ای
پروردگار من بگردان مرا و فرزندان مرا برپا دارندهٔ نماز ای پروردگار ما قبول کن دعای مرا پروردگار ما بیامرز مرا و
والدین مرا و مؤمنین را روزی که برپا میشود حساب ۴۳ و گمان مکن البته خدا را غافل از آنچه میکنند ستمکاران جز
این نیست تأخیر میاندازد خدا عذاب ایشانرا از برای روزیکه خیره میشود در آنروز چشمها ۴۴ در حالتی که شتابان باشند بسوی
اسرافیل که ایشانرا بمحشر خوانده و بلند کننده باشند سرهای خود را بطرف بالا از شدت حیرت بر نمیگردد بسوی ایشان طرف ایشان
یعنی چشمهاشان حیران بماند و دلهای ایشان خالی باشد از مشاعر و بترسان ای محمد مردم مکه را از روزیکه میاید ایشانرا عذاب ۴۵ پس میگویند
آنکسانیکه ستم کردند ای پروردگار ما تأخیر نما عذاب ما را تا وقت مردنی که نزدیک یعنی آنمقدار زمانیکه ایمان توان آورد ۴۶ تا اجابت
کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم پیغمبرانرا ملائکه گویند آیا نبودید شما که قسم خوردید پیش از این که نیست از برای شما زوالی ۴۷
و ساکن بودید در مساکن آنکسانیکه ظلم کردند نفسهای خود را و روشن شد از برای شما که چه کردیم ما با ایشان و زدیم ما از برای شما مثلها را

صفحهٔ دویست و دوم

و بتحقیق مکر کردند مکر خود را و نزد خداست جزای مکر ایشان تا اینکه متزلزل شود از مکر ایشان کوهها ۴۸ پس مپندار تو البته خدا را خلاف کننده
وعده خود پیغمبرانرا بدرستی که خدا غالب صاحب انتقام است ۴۹ روزیکه تبدیل کرده شود زمین غیر این زمین و آسمانها
غیر این آسمانها و ظاهر شوند مردم از برای حساب دادن بخدای یگانه غلبه کننده ۵۰ و می بینی گناهکاران را در آن روز اشخاصی
که بسته شده اند بزنجیرها ۵۱ پیراهنهای ایشان از قیر و قطرانست و میپوشد آتش رویهای ایشانرا تا اینکه جزا بدهد خدا
هر کس را بآنچه کسب کرده است بدرستیکه خدا زود حساب کننده است ۵۲ این کفایت است از برای موعظهٔ مردم و تا
ترسانیده شوند بآن و تا اینکه بدانند جز این نیست که او خدای یگانه است و تا اینکه پند بگیرند صاحبان عقول

سورهٔ مبارکهٔ حجر مشتمل بر نود و نه آیه و در مکه معظمه نازل شده است

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

الر منم خدائی که می بینم اینست آیتهای سوره و قرآن روشن ۲ ای بسا که دوست دارند آن کسانی که کافر شدند
اگر بودند ایمان آورده شدگان یعنی مسلمانان ۳ واگذار ایشانرا که بخورند و بهره‌وری گیرند و مشغول بسازد ایشانرا
آرزو پس زود باشد که بدانند ۴ و هلاک نکردیم ما اهل هیچ دهی را مگر اینکه از برای آنست نوشته شده معلوم در لوح
محفوظ ۵ پیشی نگیرد هیچ امتی مدت هلاک خود را و بتأخیر نیاندازند ۶ و گفتند کفار عرب ای آن کسی که فرستاده شده
بر او قرآن بدرستی که تو هر آینه دیوانهٔ ۷ چرا نمیاوردی بسوی ما ملائکه را بجهت ثبوت رسالت خود اگر هستی تو از راستگویان
۸ نازل نمیکنیم ما ملائکه را مگر براستی و نبودند کفار در این هنگام از مهلت داده شدگان یعنی بعد از دیدن کفار ملائکه را
فی الفور معذب شوند ۹ بدرستیکه ما فرستادیم قرآن را و بدرستی که ما از برای قرآن هر آینه محافظه کنندگانیم از
مداخله شیطان و تغییر و تبدیل آن ۱۰ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما از پیش از تو رسولانی در گروه پیشینیان ۱۱

جزو چهاردهم

صفحهٔ دویست و سیم

و نیامد ایشانرا رسولی مگر اینکه بودند که باو استهزاء میکردند ۱۲ همچنین در میآوریم قرانرا در دلهای گناهکاران یعنی کفار ۱۳ و از شدت عناد ایمان نمیآورند بآن قران و بتحقیق گذشت سنت اولین یعنی هرکه از ایشان هلاک شد بترک قبول حق و تکذیب رسول بود ۱۴ و اگر بگشائیم ما بر ایشان دری را از آسمان پس همیشه در آن باب آسمان عروج کنند یعنی بالا بروند و عجایب قدرت ما را به بینند ۱۵ هرآینه از شدت عناد گویند جز این نیست که بسته شد چشمهای ما بلکه ما قومی هستیم سحر کرده شده ۱۶ و هرآینه بتحقیق قرار دادیم ما در آسمان برجها و زینت دادیم ما آسمان را از برای نظر کنندگان ۱۷ و حفظ کردیم ما آسمانرا از هر شیطان رانده شده ۱۸ مگر آن شیطانیکه استراق سمع کند یعنی بجهة شنیدن ذکر ملائکه بخواهد بآسمان برود پس از پی در آید او را تیر شهاب سوزنده آشکار ۱۹ و زمین را کشیدیم ما آنرا بر روی آب و انداختیم در آن زمین کوههای بلند محکم و رویانیدیم ما در آن زمین از هر چیزی سنجیده بمیزان حکمت و مشتمل بر منافع بسیار از اشجار و اثمار ۲۰ و قرار دادیم از برای شما در آن زمین اسباب معیشتها و قرار دادیم برای شما کسی را از اولاد و خدمتگذار که نیستید شما او را روزی دهندگان یعنی روزی ایشان خدا میدهد ۲۱ و نیست هیچ چیز مگر نزد ما است خزینه های آن و نمیفرستیم آنچیز را از خزینه قدرت خود مگر بقدر اندازهٔ ۲۲ و فرستادیم ما بادها را آبستن کنندهٔ نباتات و درختان پس فرستادیم ما از آسمان آب را پس سیراب کردیم ما شمارا از آن آب و نبودید شما از برای آن آب نگاهداران در چاهها و چشمها ۲۳ و بدرستی ما هرآینه زنده میکنیم و میمیرانیم و مائیم وارثان خلایق بعد از فنای ایشان ۲۴ و هرآینه بتحقیق دانستیم ما پیش گذشتگان شما را در اسلام و هرآینه بتحقیق دانستیم پس افتادگانرا ۲۵ و بدرستیکه پروردگار تو او جمع میکند همه ایشانرا بدرستیکه خدا درست کار دانا است ۲۶ و هرآینه خلق کردیم ما انسانرا از گل خشک که چون دست بر آن زنند آواز کند از گل سیاه بدبو ۲۷ و جن را خلق کردیم او را از پیش از آفریدن انسان از آتش بی دود و لطیف ۲۸ و چون گفت پروردگار تو از برای ملائکه بدرستی که من خلق کننده ام انسانرا از گل خشک شده و از گل سیاه گندیده ۲۹ پس چونکه درست کردم صورت آدم را و دمیدم در وجود او از روح خودم پس بیفتید شما از برای او سجده کننده ۳۰ پس سجده کردند ملائکه کل آنها همگی ۳۱ مگر شیطان که ابا و امتناع کرد اینکه باشد با سجده کنندگان ۳۲ گفت خدا ای شیطان چه چیز است از برای تو

صفحهٔ دویست و چهارم

اینکه نمیباشی از سجده کنندگان ۳۳ گفت شیطان نبودم من تا اینکه سجده کنم از برای انسانیکه خلق کردی او را از گل خشک سیاه بدبو ۳۴ گفت خدا پس بیرون برو از بهشت پس بدرستیکه تو رانده شدهٔ ۳۵ و بدرستیکه بر تست لعنت تا روز قیامت ۳۶ گفت شیطان پس مهلت بده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند یعنی روز قیامت که تمام مردم مبعوث شوند ۳۷ گفت خدا پس بدرستیکه تو از مهلت داده شدگانی ۳۸ تا روز موعد معین یعنی تا وقت مردن خود نه روز قیامت ۳۹ گفت شیطان ای پروردگار من بسبب نومید ساختن تو مرا هرآینه زینت دهم البته از برای آدمیان معاصی را در زمین و هرآینه گمراه کنم ایشانرا تماماً ۴۰ مگر بندگان ترا از ایشان که اخلاص دارندگانند یعنی خالص شدگانند از شرک ۴۱ گفت خدا اینست راه راست بر من است نمودن آن راه ۴۲ بدرستی که بندگان من نیست از برای تو بر ایشان تسلطی مگر آن کسی که متابعت کند ترا از گمراهان ۴۳ و بدرستیکه جهنم هرآینه وعده گاه ایشانست تماماً یعنی کسانی که متابعت ترا کنند ۴۴ از برای آن جهنم هفت در است از برای هر دری از ایشان جزئیست قسمت کرده شده ۴۵ بدرستیکه پرهیزکاران در باغهای پر درخت و چشمهها ۴۶ داخل شوید بهشت را بسلامتی که ایمن باشید ۴۷ و بر کندیم ما آنچه را که در سینه های ایشانست از کینهٔ که در دنیا باهم داشتند در حالتیکه برادران باشند یعنی بطور برادری رفتار کنند بر تختهای برابر یکدیگر ۴۸ نرسد ایشانرا در آن بهشت رنجی و محنتی و نیستند ایشان از بهشت بیرون کردگان ۴۹ خبر ده ای پیغمبر بندگان مرا بدرستیکه من آمرزنده مهربانم ۵۰ و اینکه عذاب من و عذاب دردناکست ۵۱ و خبر ده قوم خود را از مهمانان ابراهیم ۵۲ وقتیکه داخل شدند مهمانها بر ابراهیم پس گفتند سلام میکنیم بر تو سلام کردنی گفت ابراهیم بدرستیکه ما از شما ترسانیم ۵۳ گفتند ملائکه با ابراهیم مترس بدرستیکه ما مژده میدهیم ترا به پسری دانا بعلم نبوت ۵۴ گفت ابراهیم آیا مژده میدهید مرا بر اینکه رسیده است مرا پیری پس بچه مژده میدهید یعنی در سن پیری چگونه ممکنست که مرا اولاد شود ۵۵ گفتند ملائکه مژده داده ایم ترا براستی پس مباش از ناامیدان ۵۶ گفت ابراهیم و کیست که ناامید شود از رحمت پروردگار خودش بجز گمراهان ۵۷ گفت ابراهیم بملائکه پس چه چیز است کار بزرگ شما ای فرستادگان ۵۸ گفتند ملائکه بدرستی که ما فرستاده شده ایم بسوی قوم

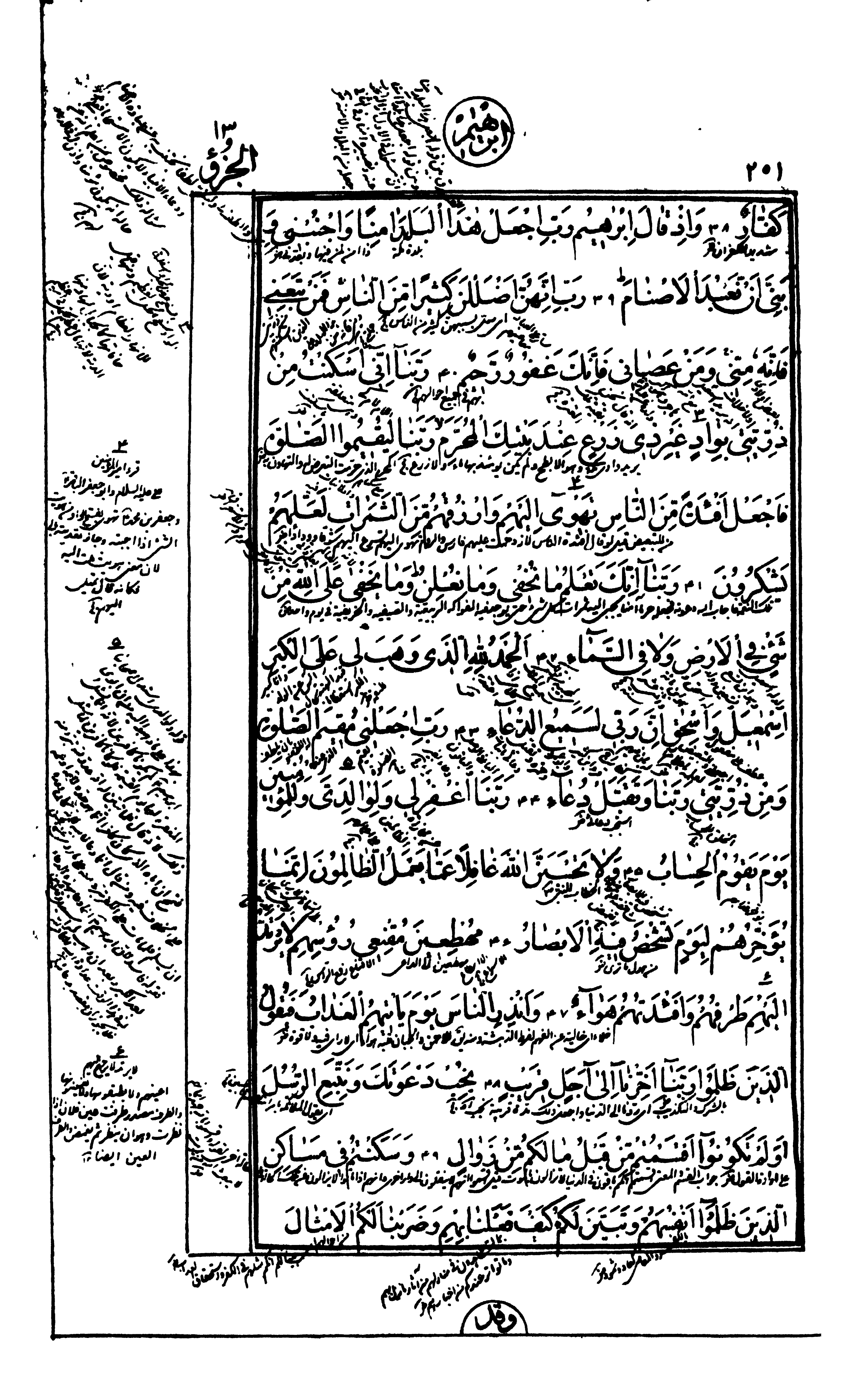
گناهکاران یعنی قوم لوط ۵۹ مگر اهل بیت لوط بدرستیکه ما هرآینه نجات دهندهٔ ایم اهل خانهٔ لوط را تماماً ۶۰ مگر زن او را تقدیر کردیم ما بدرستیکه آن زن هرآ
از بازماندگانست بجهة رسیدن بعذاب ۶۱ پس چون آمدند فرستادگان بخانوادهٔ لوط ۶۲ گفت لوط بملائکه بدرستیکه شما قومی هستید ناشناس یعنی نمیشناسم شمارا
۶۳ گفتند ملائکه بلکه آمدیم ما ترا بچیزی که بودند قوم در آن شک میکردند از عذاب خدا ۶۴ و آوردیم ترا بخبر عذاب براستی و درستی و بدرستیکه ما راستگویانیم ۶۵ پس بیرون بر
اهل خود را بپارهٔ از شب و برو از عقب ایشان و بعقب بر نگردد از شما احدی و بروید بمکانیکه مأمور میشوید یعنی بشام یا مصر بروید ۶۶ و حکم کردیم ما بسوی لوط این امر را
اینکه بنیاد این گروه بریده و برکنده است در حالتیکه بوقت صبح برسند یعنی اینقوم قبل از صبح شدن همه هلاک میشوند ۶۷ و آمدند اهل مدینه بخانه لوط در حالتیکه مژده میدادند
یکدیگر را بمهمانان لوط که ملائکه خوش رو و مقبول بودند ۶۸ گفت لوط بقوم خودش بدرستیکه این واردین مهمانان منند پس رسوا مکنید مرا ۶۹ و بپرهیزید از خدا و خوار و خجل
مسازید مرا ۷۰ گفتند اهل شهر آیا نهی نکردیم ترا ای لوط از حمایت عالمیان یعنی غریبان ۷۱ گفت لوط اینها هستند دختران من اگر شما کنندگانید یعنی هر عملی خواهید
بدختران من بکنید و نزدیک مهمانهای من نیائید ۷۲ بجان تو ای محمد بدرستیکه ایشان هرآینه در مستی غفلت خود سرگردانند ۷۳ پس گرفت ایشانرا نعرهٔ جبرئیل در حالتیکه
صبح شده و هوا روشن شده بود ۷۴ پس گردانیدیم ما بلندیهای مسکن ایشانرا به پستیهای آن یعنی تمام اماکن ایشانرا زیر و زبر کردیم و باراندیم بر ایشان سنگهائی از گل محکم
یعنی از پارهای آجر ۷۵ بدرستیکه در این نزول عذاب هرآینه نشانهاییست از برای صاحبان فراست که بتأمل ملاحظه کنند ۷۶ و بدرستی که آن شهرها هرآینه راه و
منزلگاه شدند برای عابرین یعنی هیچ آبادی در آنها باقی نماند ۷۷ بدرستی که در این قصه لوط هرآینه علامتی است از برای مؤمنین ۷۸ و اگرچه بودند اصحاب ایکه
که قوم شعیب بودند هرآینه از ظلم کنندگان ۷۹ پس انتقام کشیدیم ما از ایشان و بدرستی که اصحاب لوط و اصحاب ایکه هرآینه براه راست دعوت میشدند قبول
طریق ننمودند گرفتار عذاب گشتند ۸۰ و هرآینه بتحقیق تکذیب کردند اصحاب حجر یعنی قوم ثمود پیغمبران که از آنجمله صالح بود ۸۱ و دادیم ما ایشانرا
آیات و معجزات خود را پس بودند ایشان از آن آیات اعراض کنندگان ۸۲ و بودند که میتراشیدند از کوهها خانهها در حالتی که ایمن بودند یعنی
اطمینان باستحکام خانهای خود که از سنگ تراشیده بودند داشتند و از عذاب خدا غافل که در وقت رسیدن امر خدا سنگ و خاک بی تفاوتست ۸۳
پس گرفت ایشانرا فریاد عذاب در صبح ۸۴ پس منع نکرد از ایشان عذاب را آنچه بودند کسب میکردند ۸۵ و خلق نکردیم ما آسمان و زمین را و هرچه میانهٔ آسمان و زمین است مگر براستی
و بروفق حکمت و بدرستیکه قیامت هرآینه آینده است پس درگذر از ایشان درگذشتن نیکی ۸۶ بدرستیکه پروردگار تو او است خلق کننده

دانا ۸۷ و هرآینه بتحقیق دادیم ترا هفت آیه از سورهٔ فاتحة الکتاب و قرآن بزرگ ۸۸ باز مکش چشمهای خود را بسوی آنچه نعمت دادیم بآن انواع از ایشان یعنی
نعم گوناگونی که بکفار داده ایم منظور تو نیاید و محزون مشو بر کفار یعنی غم مخور که این کفار ایمان نمیآورند و دارای تمام نعمت و ثروت هستند و فرود بر
بال خود را از برای مؤمنین یعنی با مؤمنین بطور فروتنی حرکت کن ۸۹ و بگو بدرستیکه من منم ترساننده آشکار ۹۰ همچنانکه فرستادیم بر قسمت کنندگان ۹۱
آنکسانیکه گردانیدند قرآنرا پاره پاره یعنی دوازده نفر از کفار بودند که بطور استهزاء هریک یکسوره از قرآن را اختیار کرده میگفتند این سوره از من باشد و باقی قرآنرا میخواهم
۹۲ پس قسم بپروردگار تو هرآینه میپرسیم البته از همگی ۹۳ از آنچه میکردند از تقسیم قرآن و تکذیب پیغمبر ۹۴ پس آشکار کن ای محمد بآنچه مأمور میشوی و اعراض کن
از مشرکین ۹۵ بدرستیکه ما کفایت کردیم ترا یعنی حفظ نمودیم ترا از مسخره کنندگان ۹۶ آن کسانیکه قرار میدهند با خدا خدائی
دیگر پس زود است که بدانند عذاب را ۹۷ و هرآینه میدانیم اینکه تنگ میشود سینهٔ تو بآنچه میگویند کفار ۹۸ پس تسبیح کن ای
بحمد پروردگار خودت و باش از سجده کنندگان ۹۹ و عبادت کن پروردگار خودت را تا بیاید ترا الیقین تا بیاید ترا مرگ که متیقن است

سورهٔ نحل مشتمل بر یکصد و بیست و هشت آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

آمد حکم خدا بقیام قیامت پس شتاب طلب آن مکنید منزه است خدا و برتر است از آنچه شرک میآورند باو ۲ فرو میفرستد ملائکه با وحی
یا با قرآن از فرمان خود بر هر که میخواهد از بندگان خود اینکه بترسانید مردم را اینکه نیست خدائی بجز من پس بپرهیزید از من ۳ خلق کرد خدا آسمانها و
زمین را براستی و حکمت و درستی منزه است خدا از آنچه شرک باو میآورند ۴ خلق کرد خدا انسانرا از نطفه پس آنگاه آن انسان دشمنی است
آشکار ۵ و چهارپایانرا خلق کرد از برای شما است در آنها دفء یعنی ملبوسی که حفظ کند از سرما و منفعتها از شیر و سایر نفعهای آنها و از آنها میخورید ۶
و از برای شما است در آن چهارپایان زینت و آرایشی وقتی که بر میگردند از چراگاه و هنگامیکه بچراگاه میروند ۷ و بر میدارند بارهای شما را



كفار ٣٨ وإذ قال ابراهيم رب اجعل هذا البلد امنا واجنبني و
بني ان نعبد الاصنام ٣٩ رب انهن اضللن كثيرا من الناس فمن تبعني
فانه مني ومن عصاني فانك غفور رحيم ٤٠ ربنا اني اسكنت من
ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم ربنا ليقيموا الصلوة
فاجعل افئدة من الناس تهوي اليهم وارزقهم من الثمرات لعلهم
يشكرون ٤١ ربنا انك تعلم ما نخفي وما نعلن وما يخفى على الله من
شيء في الارض ولا في السماء ٤٢ الحمد لله الذي وهب لي على الكبر
اسمعيل واسحق ان ربي لسميع الدعاء ٤٣ رب اجعلني مقيم الصلوة
ومن ذريتي ربنا وتقبل دعاء ٤٤ ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين
يوم يقوم الحساب ٤٥ ولا تحسبن الله غافلا عما يعمل الظالمون انما
يؤخرهم ليوم تشخص فيه الابصار ٤٦ مهطعين مقنعي رءوسهم لا يرتد
اليهم طرفهم وافئدتهم هواء ٤٧ وانذر الناس يوم ياتيهم العذاب فيقول
الذين ظلموا ربنا اخرنا الى اجل قريب ٤٨ نجب دعوتك ونتبع الرسل
اولم تكونوا اقسمتم من قبل ما لكم من زوال ٤٩ وسكنتم في مساكن
الذين ظلموا انفسهم وتبين لكم كيف فعلنا بهم وضربنا لكم الامثال

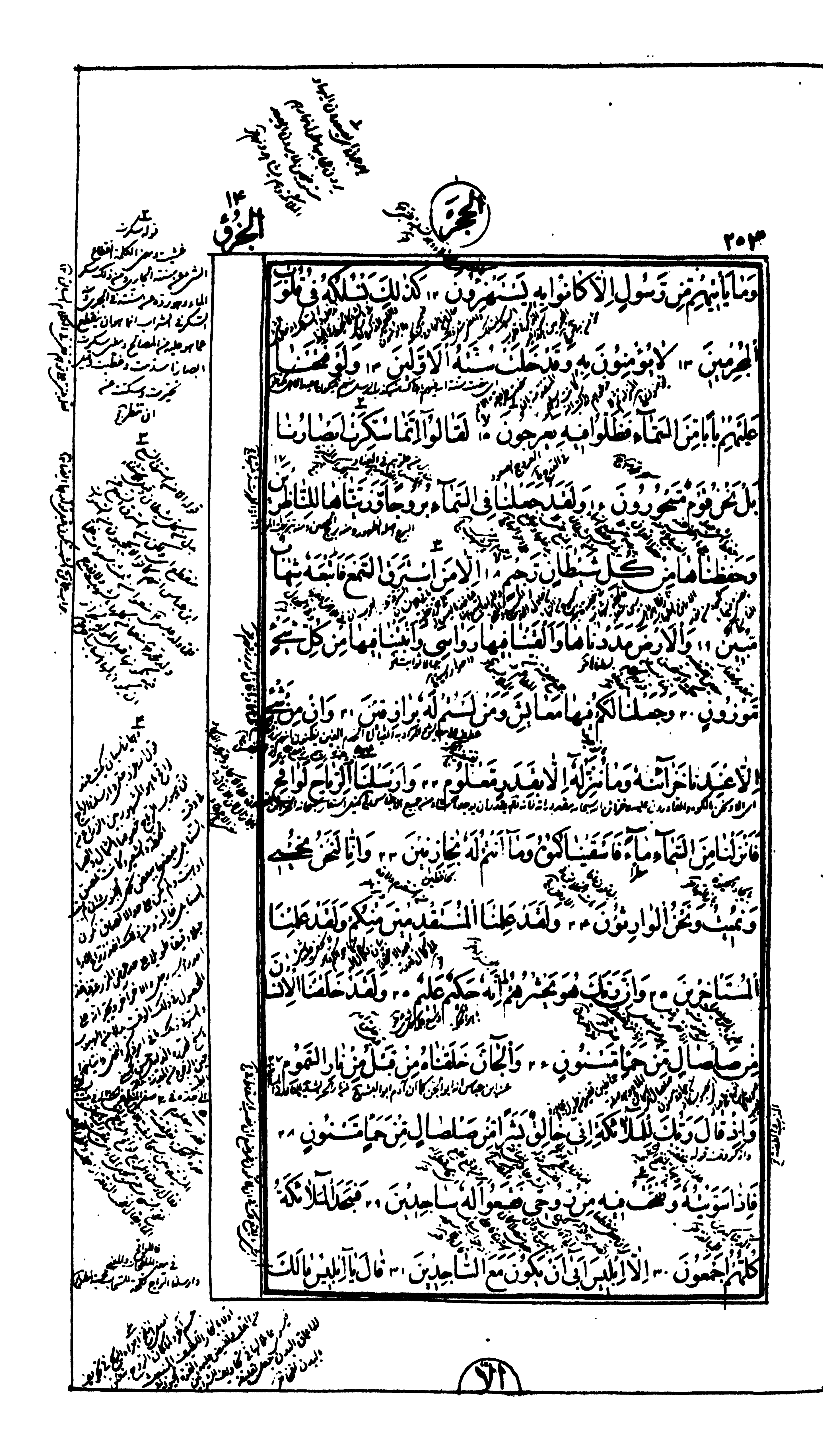


وقد مكروا مكرهم وعند الله مكرهم وان كان مكرهم لتزول منه الجبال ٤٦ فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله ان الله عزيز ذو انتقام ٤٧ يوم تبدل الارض غير الارض والسموات وبرزوا لله الواحد القهار ٤٨ وترى المجرمين يومئذ مقرنين في الاصفاد ٤٩ سرابيلهم من قطران وتغشى وجوههم النار ٥٠ ليجزي الله كل نفس ما كسبت ان الله سريع الحساب ٥١ هذا بلاغ للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو اله واحد وليذكر اولوا الالباب ٥٢

سورة الحجر مكية وتسع وتسعون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

الر تلك ايات الكتاب وقران مبين ١ ربما يود الذين كفروا لو كانوا مسلمين ٢ ذرهم ياكلوا ويتمتعوا ويلههم الامل فسوف يعلمون ٣ وما اهلكنا من قرية الا ولها كتاب معلوم ٤ ما تسبق من امة اجلها وما يستاخرون ٥ وقالوا يا ايها الذي نزل عليه الذكر انك لمجنون ٦ لوما تاتينا بالملائكة ان كنت من الصادقين ٧ ما ننزل الملائكة الا بالحق وما كانوا اذا منظرين ٨ انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون ٩ ولقد ارسلنا من قبلك في شيع الاولين



وما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزءون ١٢ كذلك نسلكه في قلوب
المجرمين ١٣ لا يؤمنون به وقد خلت سنة الأولين ١٤ ولو فتحنا
عليهم بابا من السماء فظلوا فيه يعرجون ١٥ لقالوا إنما سكرت أبصارنا
بل نحن قوم مسحورون ١٦ ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها للناظرين
وحفظناها من كل شيطان رجيم ١٨ إلا من استرق السمع فأتبعه شهاب
مبين ١٩ والأرض مددناها وألقينا فيها رواسي وأنبتنا فيها من كل شيء
موزون ٢٠ وجعلنا لكم فيها معايش ومن لستم له برازقين ٢١ وإن من شيء
إلا عندنا خزائنه وما ننزله إلا بقدر معلوم ٢٢ وأرسلنا الرياح لواقح
فأنزلنا من السماء ماء فأسقيناكموه وما أنتم له بخازنين ٢٣ وإنا لنحن نحيي
ونميت ونحن الوارثون ٢٤ ولقد علمنا المستقدمين منكم ولقد علمنا
المستأخرين ٢٥ وإن ربك هو يحشرهم إنه حكيم عليم ٢٦ ولقد خلقنا الإنسان
من صلصال من حمإ مسنون ٢٧ والجان خلقناه من قبل من نار السموم
وإذ قال ربك للملائكة إني خالق بشرا من صلصال من حمإ مسنون ٢٨
فإذا سويته ونفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين ٢٩ فسجد الملائكة
كلهم أجمعون ٣٠ إلا إبليس أبى أن يكون مع الساجدين ٣١ قال يا إبليس ما لك

أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ٣٢ قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ

مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ٣٣ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ٣٤ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ

إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ٣٥ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ٣٦ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ

الْمُنظَرِينَ ٣٧ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ٣٨ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ

فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ٣٩ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ٤٠ قَالَ هَٰذَا

صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ٤١ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ

الْغَاوِينَ ٤٢ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ٤٣ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ

مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ٤٤ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ٤٥ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ

آمِنِينَ ٤٦ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ٤٧

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ٤٨ نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ

الرَّحِيمُ ٤٩ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ٥٠ وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ٥١

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ ٥٢ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا

نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ٥٣ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَن مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ٥٤

قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ ٥٥ قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا

الضَّالُّونَ ٥٦ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ٥٧ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

صفحهٔ دویست و هفتم

بسوی شهری که نمیرسید بآن شهر مگر بمشقت و زحمت بدنهای خود بدرستیکه پروردگار شما هرآینه بخشاینده مهربانست ۸ و اگر آفرید اسبان و قاطران
و خران را تا اینکه سوار شوید بر آنها و آرایش کنید بآنها آرایش کردنی و خلق میکند خدا از برای شما چیزی را که نمیدانید ۹ و بر خداست نمودن
میانه راه یعنی حقیقت دین اسلام و بعضی از آن راهها کج است و اگر میخواست خدا هرآینه هدایت میکرد شما را تماما ۱۰ اوست خدائی که
فرستاد از آسمان آبی برای شما که از آن آبست آشامیدن شما و از آن نباتاتی است از درخت و غیر آن در آن نباتات میچرانید چهارپایان خود را
میرویاند خدا از برای شما بسبب آن آب زراعت شما را و درخت زیتون و خرماها و انگورها و از همهٔ میوه‌ها بدرستیکه در این خلقت هرآینه علامتی
است از برای قومی که فکر و تامل میکنند ۱۲ و مسخر کرد خدا از برای منفعت شما شب و روز را و خورشید و ماه را و ستارگان رام
کرده شدند بامر پروردگار بدرستی که در این تسخیر هرآینه علامتهاست از برای قومی که عاقلند ۱۳ و مسخر کرد آنچه را که آفرید خدا از برای
شما در زمین در حالتی که مختلفند رنگهای آنها بدرستیکه در این اختلافست هرآینه علامتی از برای قومی پند میگیرند ۱۴ و اوست خدائی
که مسخر کرد برای شما دریا را تا اینکه بخورید از صید دریا گوشت تازه و بیرون بیاورید از آن دریا زینتی که می پوشید آنرا مثل مروارید و مرجان
که زنان میپوشند آنرا و می بینید شما کشتیها را شکافنده در آن دریا تا اینکه بجوئید شما زیادتی روزی را و شاید شما شکر کنید این نعمت را ۱۵
و افکند در زمین کوهها را که مبادا متحرک شود آن زمین شما را و افکند نهرها را و راهها را شاید شما راه بیابید منازل و مقاصد خود را ۱۶ و پیدا
کرد از برای شما علامتهائی از پشته‌ها و دره‌ها در بادیه‌ها و بستارگان ایشان راه می یابند ۱۷ آیا پس کسی که خلق میکند موجودات را مثل کسی است که
خلق نمیکند یعنی آنانکه از انسان و غیر انسان چون عزیر و مسیح و بتان شریک خدا میشمارند نمیفهمند که آنکه نمیتواند خلق کند چیزی مقابل با خدای
خلاق نمیشود آیا پس پند نمیگیرید ۱۸ و اگر بشمارید نعمتهای خدا را بحساب در نمیآورید آنها را بدرستیکه خدا هرآینه آمرزنده مهربانست ۱۹
و خدا میداند آنچه را که پنهان میکنید و آنچه را که آشکار میکنید از اعمال و عقاید خوب و بد خودتان ۲۰ و آنکسانیکه میخوانند غیر خدا یعنی کفار که خلق نمیکنند
بتان ایشان هیچ چیز را و آنها خلق کرده میشوند ۲۱ آن بتان مردگانند و زنده نیستند و شعور ندارند یعنی نمیدانند ۲۲ که چه وقت برانگیخته خواهند شد ۲۳
خدای شما خدائیست یگانه پس آنکسانیکه ایمان نمیآورند بروز قیامت دلهای ایشان انکار کننده یعنی قبول راه هدایت نمینماید و ایشان

صفحهٔ دویست و هشتم

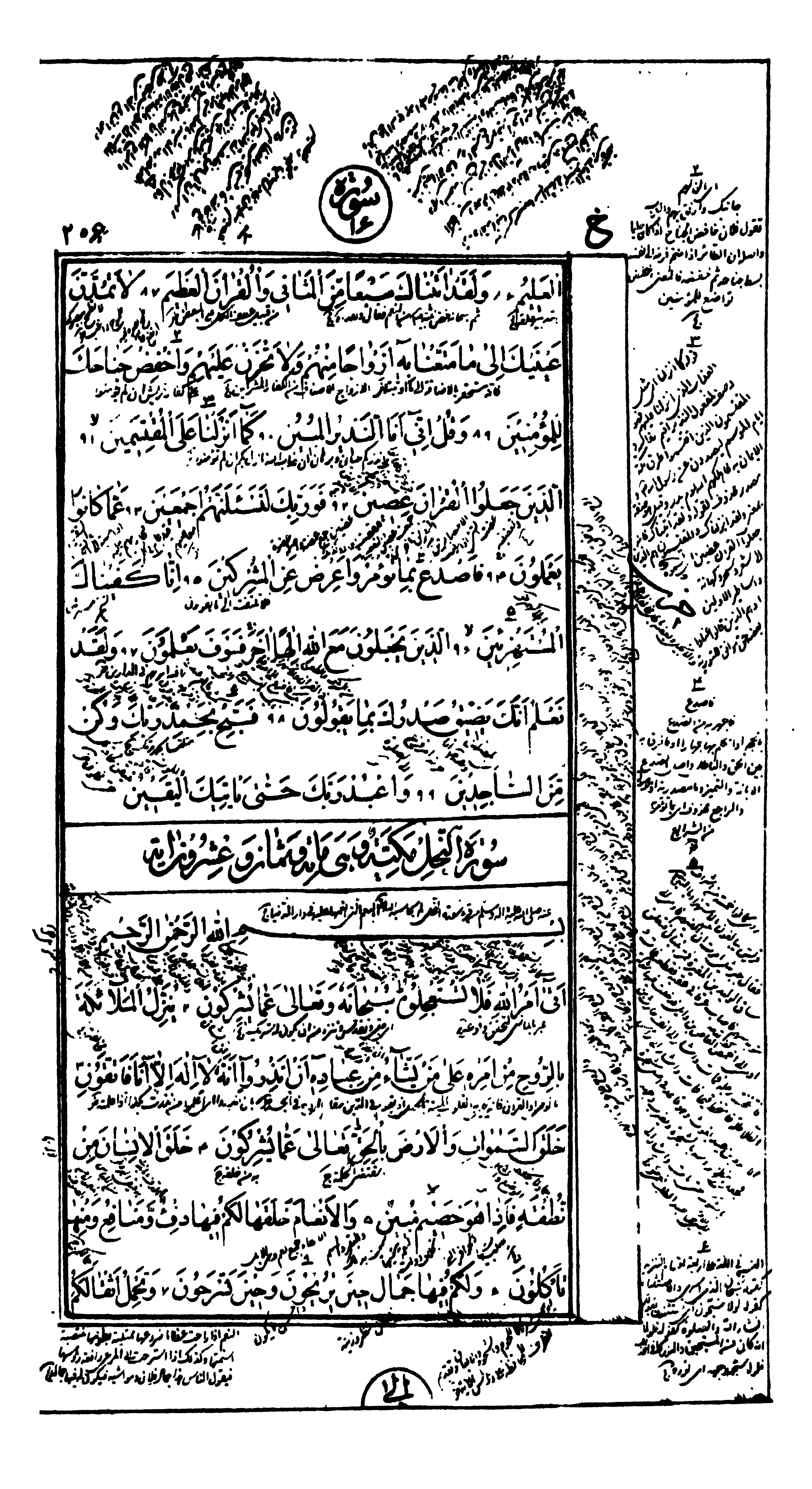
تکبر کنندگانند و سرکشند ۲۴ شبهه نیست اینکه میداند خدا آنچه را که مخفی میکنند و آنچه را که آشکار میکنند از دشمنی با پیغمبر ۲۵ بدرستیکه
خدا دوست نمیدارد متکبران و سرکشانرا ۲۶ و اگر گفته شود از برای ایشان چه چیز فرستاد پروردگار شما گویند سرگذشت اولین یعنی آنچه آورده است اقوال جهاباد یا
زردشت و سایر اشخاصی است که از پیش گفته اند ۲۷ تا اینکه بردارند بارگناهان خود را تماما در روز قیامت و بردارند بعضی از بارهای آنکسانیرا که گمراه میکنند ایشانرا
از روی بی دانشی بدانید بد باریست آنچه میکشند ۲۸ بتحقیق مکر کردند آنکسانیکه پیش از ایشان بودند پس آمد فرمان خدا بخرابی بنیان ایشان از اصل و ریشه و بنیان ایشان
پس فرود آمد بر ایشان سقف از بالای سر ایشان و آمد ایشانرا عذاب از جائیکه نمیدانستند و بی خبر بودند ۲۹ پس روز قیامت رسوا میکند ایشانرا خدا و میگوید کجا
هستند آن شریکان آنچنانیکه بودید شما که خلاف میکردید با پیغمبران درباره این بتان گفتند آنکسانیکه داده شده اند علم را یعنی پیغمبران و مومنون بدرستیکه رسوائی
و بدی امروز بر کافرینست ۳۰ آنکسانیرا که میمیرانند ایشانرا عزرائیل و اعوان او در حالتیکه ظلم کننده اند نفسهای خود را پس انداختند صلح را یعنی بالتماس درآیند و گویند
نبودیم تا اینکه کار بدی بکنیم ملائکه بآنها گویند بلی بدرستیکه خدا داناست بآنچه بودید که میکردید ۳۱ و نیز گویند ملائکه بایشان پس داخل شوید از درهای جهنم در حالتیکه
همیشه باشید در آن جهنم پس هرآینه بد است مقام و ماوای متکبرین ۳۲ و گفته شد از برای آنکسانیکه پرهیز کردند چه چیز فرستاد پروردگار شما گفتند فرستاد خوبی را یعنی
قرآنرا که جامع جمیع خیرات و برکاتست از برای کسانیکه نیکی کردند در این دنیا نیکوئیست و از برای خانهٔ آخرت بهتر است و هرآینه خوبست خانهٔ پرهیزکاران ۳۳ بهشت
های ثبات و اقامت است داخل میشوند متقین آن بهشتها را که جاری میشود از زیر درختان و قصور آن نهرها از برای ایشانست در آن بهشت هر چه میخواهند همچنین
جزا میدهد خدا پرهیزکارانرا ۳۴ آن کسانیکه میمیرانند ایشانرا ملائکه یعنی عزرائیل و اعوان او که پاک و پاکیزه هستند میگویند آن
فرشتگان بمتقین سلام خدا بر شما باد داخل شوید بهشت را بسبب آنچه بودید که میکردید از اعمال حسنه ۳۵
آیا انتظار میبرند کافران مگر اینکه بیاید ایشان را ملائکه یعنی کفار هیچ گمان مردن ندارند یا بیاید امر
پروردگار تو بعذاب ایشان همچنین کردند آنکسانی که پیش از ایشان بودند و ظلم نکرد خدا ایشان را و لیکن بودند که

ظلم میکردند نفسهای خودشان ۳۶ پس رسید بایشان بدیهائیکه میکردند و رسید و احاطه نمود بایشان عذابیکه بودند بآن استهزاء میکردند ۳۷ و گفتند
آنکسانیکه شرک آوردند اگر میخواست خدا عبادت نمیکردیم ماسوای از او هیچ چیز را نه ما و نه پدران ما و حرام نمیکردیم بی حکم خدا هیچ چیز را همچنین کردند آنکسانیکه
بودند پیش از ایشان پس نیست بر پیغمبران مگر رسانیدن آشکار ۳۸ و هرآینه بتحقیق برانگیختیم ما در میان هر امتی رسولی تا با قوم خود گویند اینکه عبادت کنید
خدا را و دوری کنید از پرستیدن بتی که اسم آن طاغوت است پس بعضی از ایشان کسی بود که هدایت کرد خدا او را و از ایشان کسی بود که ثابت شد بر او گمراهی پس
سیر کنید در زمین پس ببینید چگونه بود سرانجام کار تکذیب کنندگان ۳۹ اگر حریص باشی ای محمد بر هدایت ایشان پس بدرستیکه خدا هدایت نمیکند کسیرا که فرو گذاشته
است او را در گمراهی و نیست از برای ایشان هیچ یاری کنندگانی ۴۰ و قسم خوردند بخدا سخت ترین قسمهای خود را باینکه بر نمیانگیزاند خدا کسیرا
که میمیرد حقتعالی میفرماید آری برانگیخته شوند همه مردمان برای حساب و عقاب وعده کرده است خدا وعده کردنی بر زنده شدن مردمان وعده
راست درست ولیکن بیشتر مردم نمیدانند ۴۱ تا اینکه بیان کند خدا از برای ایشان چیزیرا که اختلاف میکردند در آن و تا اینکه بدانند آنانکه کافر شدند
اینکه ایشان بودند دروغگویان ۴۲ جز این نیست گفتن ما از برای چیزی وقتی اراده کرده ایم ما آفریدن آنرا اینکه بگوئیم از برای آن چیز باش پس شد
یعنی فی الفور موجود میشود ۴۳ و آنکسانیکه هجرت کردند در پناه خدا بعد از اینکه ظلم کرده شدند یعنی آنانیکه بسبب ظلم کفار بحبشه رفتند همراه
جابر همه البته ایشانرا در دنیا مکان نیکو یعنی در مدینه منازل خوب برای ایشان معین کنیم و هرآینه مزد آخرت ایشان بزرگتر و بیشتر
است اگر باشند که بدانند ۴۴ مهاجرین آن کسانی هستند که صبر کردند و بر پروردگار خود توکل میکنند ۴۵ و نفرستادیم ما
پیش از تو ای پیغمبر مگر مردانی را که وحی میکردیم بسوی ایشان یعنی سنت الهی جاری شده که بشر را برسالت بفرستد نه ملائکه پس اگر
باور ندارید بپرسید از اهل تواریخ و علما و اگر هستید شما که نمیدانید انبیای سابق همه بشر بوده اند و مبعوث شده اند
۴۶ فرستادیم ما پیغمبران را با معجزات و کتابها و فرو فرستادیم ما بسوی تو قرآن را تا ظاهر کنی از برای ما چیزیرا که فرستاده
شده است بسوی ایشان و شاید ایشان متفکر شوند ۴۷ آیا پس ایمن شدند کسانیکه مکر و حیله کردند در بدیها اینکه فرو برد خدا

صفحهٔ دویست و دهم

ایشانرا بزمین یا بیاید ایشانرا عذاب از جائیکه خبر ندارند ۴۸ یا بگیرد ایشانرا در آمد و شد ایشان یعنی در مسافرت که هستند بگیرد عذاب
خدا ایشانرا پس نیستند ایشان عاجز کنندگان خدا را از نزول عذاب ۴۹ یا بگیرد ایشانرا بترس از عذاب پس بدرستیکه پروردگار شما
هرآینه بخشنده مهربانست ۵۰ آیا ندیدند و نظر نکردند بسوی آنچه خلق کرد خدا از هر چیزی حرکت میکند سایه‌های آن از راست و چپ در
حالتی که سجده کننده اند از برای خدا و آنها در خضوع و خشوعند ۵۱ و از برای خدا سجده میکند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از هر جنبنده
و ملائکه و ایشان تکبر و سرکشی نمیکنند ۵۲ میترسند از عذاب پروردگار خودشان از بالای سرشان یعنی عذاب از آسمان بر آنها نازل شود و میکنند آنچه را که
مامور میشوند ۵۳ و گفت خدا مگیرید دو خدا را بجز این نیست که او خدای یگانه است پس از من بترسید نه غیر من ۵۴ و از برای خداست هرچه در آسمانها و
زمین است و از برای او است اطاعت دین او بطور وجوب و لزوم آیا پس از غیر خدا میترسید ۵۵ و آنچه بشما رسیده است از نعمتها پس از خداست پس اگر برسد شما را
ضرری پس بسوی خدا پناه میبرید ۵۶ بعد از آن اگر برداشت ضرر و بلیه را از شما آنگاه طایفه از شما بپروردگار خود شرک میآورند ۵۷ تا اینکه کفر ورزند بچیزیکه دادیم ما ایشانرا
از نعمت و کشف مضرت پس تمتع بگیرید یعنی تعیش کنید در مدت کمی پس زود باشد که بدانید عاقبت امر خود را ۵۸ و قرار میدهند از برای چیزهائیکه نمیدانند قسمتی از
آنچه روزی دادیم ما ایشانرا یعنی برای بتان که علم ندارند نه فهم از روزی و مال خودشان قسمت قرار میدهند و در راه آنها صرف میکنند بخدا قسم هرآینه سؤال کرده میشوید ای بت پرستان
البته در روز قیامت از آنچه بودید که افترا میبستید و میگفتید بتان خدایان ما هستند و از مال خودتان بآنها نصیب قرار میدادید ۵۹ و قرار میدادند از برای دختران یعنی بنی خزاعه و بنی
کنانه میگفتند ملائکه دختران خدایند پاکست خدا از آنچه میگویند و از برای ایشانست آنچه آرزو دارند یعنی این نسبتها را که خلاف واقعست میل طبیعت و آرزوی خود میدهند که
میگویند از برای خدا دختر است ۶۰ و اگر مژده داده شود احدی از ایشان با بتولد دختری میگردد رنگ روی او سیاه و او فرو برنده است خشم و غیظ خود را ۶۱ پنهان میدارد از قوم او
آنچه مژده داده شده است با و یعنی خبر تولد دختر آیا نگاه میدارد آنمولود را بر خفت و خواری یا بپوشد او را در خاک یعنی زنده در گور کند بدان ای پیغمبر بد است آنچه حکم میکنند
یعنی پسر را نگاه میدارند و دختر را میکشتند ۶۲ از برای کسانیکه ایمان نمیآورند بآخرت مثل بدیست کشتن دختران و از برای خداست خوب بلند یعنی منزه بودن از زن
و فرزند و او است غالب درستکار ۶۳ و اگر مؤاخذه کند خدا از مردم بسبب ظلمشان نگذارد بر روی زمین

مجرمين ٥٨ إلا آل لوط إنا لمنجوهم أجمعين ٥٩ إلا امرأته قدرنا إنها لمن
الغابرين ٦٠ فلما جاء آل لوط المرسلون ٦١ قال إنكم قوم منكرون ٦٢ قالوا
بل جئناك بما كانوا فيه يمترون ٦٣ وأتيناك بالحق وإنا لصادقون ٦٤ فأسر
بأهلك بقطع من الليل واتبع أدبارهم ولا يلتفت منكم أحد وامضوا حيث تؤمرون
٦٥ وقضينا إليه ذلك الأمر أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين ٦٦ وجاء أهل
المدينة يستبشرون ٦٧ قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون ٦٨ واتقوا الله ولا
تخزون ٦٩ قالوا أولم ننهك عن العالمين ٧٠ قال هؤلاء بناتي إن كنتم فاعلين ٧١
لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون ٧٢ فأخذتهم الصيحة مشرقين ٧٣ فجعلنا
عاليها سافلها وأمطرنا عليهم حجارة من سجيل ٧٤ إن في ذلك لآيات
للمتوسمين ٧٥ وإنها لبسبيل مقيم ٧٦ إن في ذلك لآية للمؤمنين ٧٧ وإن
كان أصحاب الأيكة لظالمين ٧٨ فانتقمنا منهم وإنهما لبإمام مبين ٧٩ و
لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين ٨٠ وآتيناهم آياتنا فكانوا عنها معرضين ٨١
وكانوا ينحتون من الجبال بيوتا آمنين ٨٢ فأخذتهم الصيحة مصبحين ٨٣
فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون ٨٤ وما خلقنا السموات والأرض وما بينهما
إلا بالحق وإن الساعة لآتية فاصفح الصفح الجميل ٨٥ إن ربك هو الخلاق



الْعَلِيمُ ٨٦ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ٨٧ لَا تَمُدَّنَّ
عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ
لِلْمُؤْمِنِينَ ٨٨ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ٨٩ كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ٩٠
الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ٩١ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ٩٢ عَمَّا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ٩٣ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ٩٤ إِنَّا كَفَيْنَاكَ
الْمُسْتَهْزِئِينَ ٩٥ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ٩٦ وَلَقَدْ
نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ٩٧ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن
مِّنَ السَّاجِدِينَ ٩٨ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ٩٩

سورة النحل مكية وهي مائة وثمان وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ١ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ
بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ٢
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٣ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن
نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ٤ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا
تَأْكُلُونَ ٥ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ٦ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ

إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ٨ وَالْخَيْلَ وَ
الْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٩ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ
السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ١٠ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ١١ يُنبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ
وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٢
وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ١٣ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ١٤ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا
مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ١٥ وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ١٦ وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ١٧ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ
لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٨ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ ١٩ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ٢٠ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ٢١ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ ٢٢ أَيَّانَ
يُبْعَثُونَ ٢٣ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنكِرَةٌ وَهُمْ

مستكبرون ٢٢ لا جرم ان الله يعلم ما يسرون وما يعلنون ٥ انه لا يحب
المستكبرين ٢٣ واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم قالوا اساطير الاولين ٢٤
ليحملوا اوزارهم كاملة يوم القيمة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم
الا ساء ما يزرون ٢٥ قد مكر الذين من قبلهم فاتى الله بنيانهم من القواعد
فخر عليهم السقف من فوقهم واتيهم العذاب من حيث لا يشعرون ٢٦ ثم يوم
القيمة يخزيهم ويقول اين شركاءي الذين كنتم تشاقون فيهم قال الذين
اوتوا العلم ان الخزي اليوم والسوء على الكافرين ٢٧ الذين تتوفيهم
الملائكة ظالمي انفسهم فالقوا السلم ما كنا نعمل من سوء بلى ان الله عليم
بما كنتم تعملون ٢٨ فادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها فلبئس مثوى
المتكبرين ٢٩ وقيل للذين اتقوا ماذا انزل ربكم قالوا خيرا للذين
احسنوا في هذه الدنيا حسنة ولدار الاخرة خير ولنعم دار المتقين ٣٠
جنات عدن يدخلونها تجري من تحتها الانهار لهم فيها ما يشاءون كذلك
يجزي الله المتقين ٣١ الذين تتوفيهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم
ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون ٣٢ هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة او
ياتي امر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم وما ظلمهم الله ولكن كانوا انفسهم

يَظْلِمُونَ ٣٣ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ٣٤

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ٣٥

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ٣٦

إِن تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ ٣٧

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٣٨

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ٣٩

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ ٤٠

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ٤١

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ٤٢

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٤٣

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ٤٤

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَن يَخْسِفَ

بهم الارض او يأتيهم العذاب من حيث لا يشعرون ٠ او يأخذهم في
تقلبهم فما هم بمعجزين ٠ او يأخذهم على تخوف فان ربكم لرءوف رحيم ٠
اولم يروا الى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلاله عن اليمين والشمائل سجدا
لله وهم داخرون ٠ ولله يسجد ما في السموات وما في الارض من دابة و
الملائكة وهم لا يستكبرون ٠ يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون ما
يؤمرون ٠ وقال الله لا تتخذوا الهين اثنين انما هو اله واحد فاياي
فارهبون ٠ وله ما في السموات والارض وله الدين واصبا افغير الله
تتقون ٠ وما بكم من نعمة فمن الله ثم اذا مسكم الضر فاليه تجأرون ٠
ثم اذا كشف الضر عنكم اذا فريق منكم بربهم يشركون ٠ ليكفروا بما
آتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون ٠ ويجعلون لما لا يعلمون نصيبا مما
رزقناهم تالله لتسئلن عما كنتم تفترون ٠ ويجعلون لله البنات سبحانه
ولهم ما يشتهون ٠ واذا بشر احدهم بالانثى ظل وجهه مسودا وهو كظيم
يتوارى من القوم من سوء ما بشر به ايمسكه على هون ام يدسه في التراب
الا ساء ما يحكمون ٠ للذين لا يؤمنون بالآخرة مثل السوء ولله المثل
الاعلى وهو العزيز الحكيم ٠ ولو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها

مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً

وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ٦١ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ

أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُم مُّفْرَطُونَ ٦٢ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا

إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ ٦٣ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى

وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٦٤ وَاللَّهُ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ٦٥ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً

نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ ٦٦

وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي

ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٦٧ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ

الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ٦٨ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي

سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ

لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ٦٩ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ

وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

قَدِيرٌ ٧٠ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي



رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ٧٤ وَاللَّهُ جَعَلَ
لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم
مِّنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ٧٥ وَيَعْبُدُونَ
مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ
فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٧٧ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ
سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٧٨ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ
لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ٧٩
وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٨٠ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ
شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٨١ أَلَمْ يَرَوْا
إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ٨٢ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ
الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَ

هیچ جنبنده را ولیکن تأخیر میاندازد و مهلت میدهد ایشانرا تا وقت مرگ ایشان پس اگر بیاید مرگ ایشان تأخیر نمیاندازد ساعتی و نه پیش میاندازند ملائکه مرگ ایشانرا ۶۴ و قرار میدهند از برای خدا آنچه را که کراهت دارند و وصف میکند زبانهای ایشان دروغها اینکه از برای ایشان خوبیها یعنی صفات بد را نسبت بخدا میدهند و محسنات را بخود نسبت میدهند حقا که از برای ایشانست آتش جهنم و بدرستیکه ایشان پیش فرستاده شوند در دخول جهنم ۶۵ قسم بخدا هرآینه فرستادیم ما رسولان خود را بسوی امتهائیکه پیش از تو بودند پس زینت داد از برای ایشان شیطان اعمال ایشانرا پس آن شیطان دوست ایشانست امروز و از برای ایشانست عذاب دردناک ۶۶ و نفرستادیم ما بر تو قرآنرا مگر اینکه ظاهر کنی از برای مردمی که اختلاف کردند در آن قرآن و هدایت و رحمتی از برای قومیکه ایمان میآورند ۶۷ و خدا فرو فرستاد از آسمان آبرا پس زنده کرد بآن زمین را بعد از مردن و خشکیدن آن بدرستیکه در این هرآینه نشانه ایست از برای قومیکه میشنوند ۶۸ و بدرستیکه از برای شما در چهارپایان هرآینه عبرت و تعجبی است میآشامانیم ما شمارا از آنچه در شکمهای آنهاست از میانه سرگین و خون شیریکه خالص است از رنگ خون و بوی سرگین گوارا است از برای آشامندگان ۶۹ و از میوهای درختان خرما و انگورها میگیرید شما از آن مست کننده و روزی نیکو بدرستیکه در این است هرآینه علامتی از برای قومیکه تعقل میکنند ۷۰ و وحی کرد پروردگار تو بسوی زنبور عسل اینکه بگیر از شکاف کوهها خانها و از درخت و از آنچه بنا میکنند بر خانها برای خود بساز ۷۱ بعد از آن بخور از همه میوها پس طی کن راه پروردگار خود را در حالت اطاعت و انقیاد بیرون میآید از شکمهای آن زنبورها شربتی که مختلف است رنگهای آن در آن شفا است از برای مردم بدرستی که در آن هرآینه نشانه ایست از برای قومی که تفکر کنند ۷۲ و خدا خلق کرد شمارا بعد از آن میمیراند شمارا و از شما کسی است که برگشته میشود بسوی خوارترین عمرها یعنی بکمال پیری که عقل از او زایل شود و خوار گردد تا اینکه نداند بعد از داشتن هیچ چیزرا بدرستیکه خدا دانا و قادر است ۷۳ و خدا تفضیل داد بعض شمارا بر بعضی دیگر در روزی پس نیستند آنکسانیکه تفضیل داده شدند رد کنندگان

صفحهٔ دویست و دوازدهم

رزقهای خود بر غلامان خودشان پس ایشان یعنی غلامان در آن مالها با خواجگان خود مساوی باشند آیا پس نعمت خدارا انکار میکنند ۷۴ و خدا قرار داد از برای شما از نفسهای شما زنانی و قرار داد از برای شما از زنهای شما اولادها و نبیرهاو روزی قرار داد شمارا از نعمتهای پاکیزه آیا پس بباطل ایمان میآورند و بنعمت خدا ایشان کفران میکنند ۷۵ و عبادت میکنند از غیر خدا چیزی را مالک نمیشود از برای ایشان روزی از آسمانها و زمین هیچ چیزی یعنی بتان عبادت میکنند و قدرت ندارند آن بتان بر نفع و ضرری پس مزنید مثل ها را از برای خدا بدرستیکه خدا میداند و شما نمیدانید ۷۶ زد خدا مثلی بنده مملوکی را که قادر نیست بر هیچ چیز و کسی که روزی دادیم ما او را از جانب خود روزی نیکوئی پس او انفاق میکند از آن رزق در خفیه و آشکار آیا مساوی اند یعنی آن غلام و آن آزادی که مرزوق است مثل هم نیستند حمد از برای خداست بلکه بیشتر از مردم نمیدانند ۷۸ و زد خدا مثلی را که دو مرد یکی از ایشان گنگ باشد که قادر نباشد بر هیچ چیز و او گران باشد بر متولی امر خودش یعنی اسباب زحمت باشد برآنکه متکفل اوست که آن متولی بهر جا بفرستد او را نیارد خبری را یعنی هیچ مهمی کفایت نکند آیا مساوی است آن گنگ با آن کسی که امر میکند بعدل یعنی در امور مدبر و عاقل و سخنور باشد و او بر راه راست و سیرت درست باشد ۷۹ و از برای خداست علم غیب امور آسمانها و زمین و نیست امر قیامت مگر مثل بهمزدن چشم یا نزدیکتر از آن بدرستیکه خدا بر هر چیز قادر و توانا است ۸۰ و خدا بیرون آورد شمارا از شکمهای مادرهاتان در حالتی که نمیدانستید هیچ چیزرا و قرار داد از برای شما گوش و چشمها و دلها شاید شما شکر کنید ۸۱ آیا نظر نمی کنید بسوی پرندگان که مسخرند در میان آسمان و زمین نگاه نمیدارد آن پرندگانرا مگر خدا بدرستیکه در این تسخیر طیر است هرآینه علاماتی از برای قومی که ایمان میآورند ۸۲ و خدا قرار داد از برای شما از خانها مسکنی و گردانید از برای شما از پوستهای چهارپایان خانها خفیف میکنید آن را یعنی کوچک میکنید خیام روز نقل و تحویل شما از منزلی بمنزلی دیگر و روز اقامت شما و از پشمهای آن انعام

صفحهٔ دویست و سیزدهم

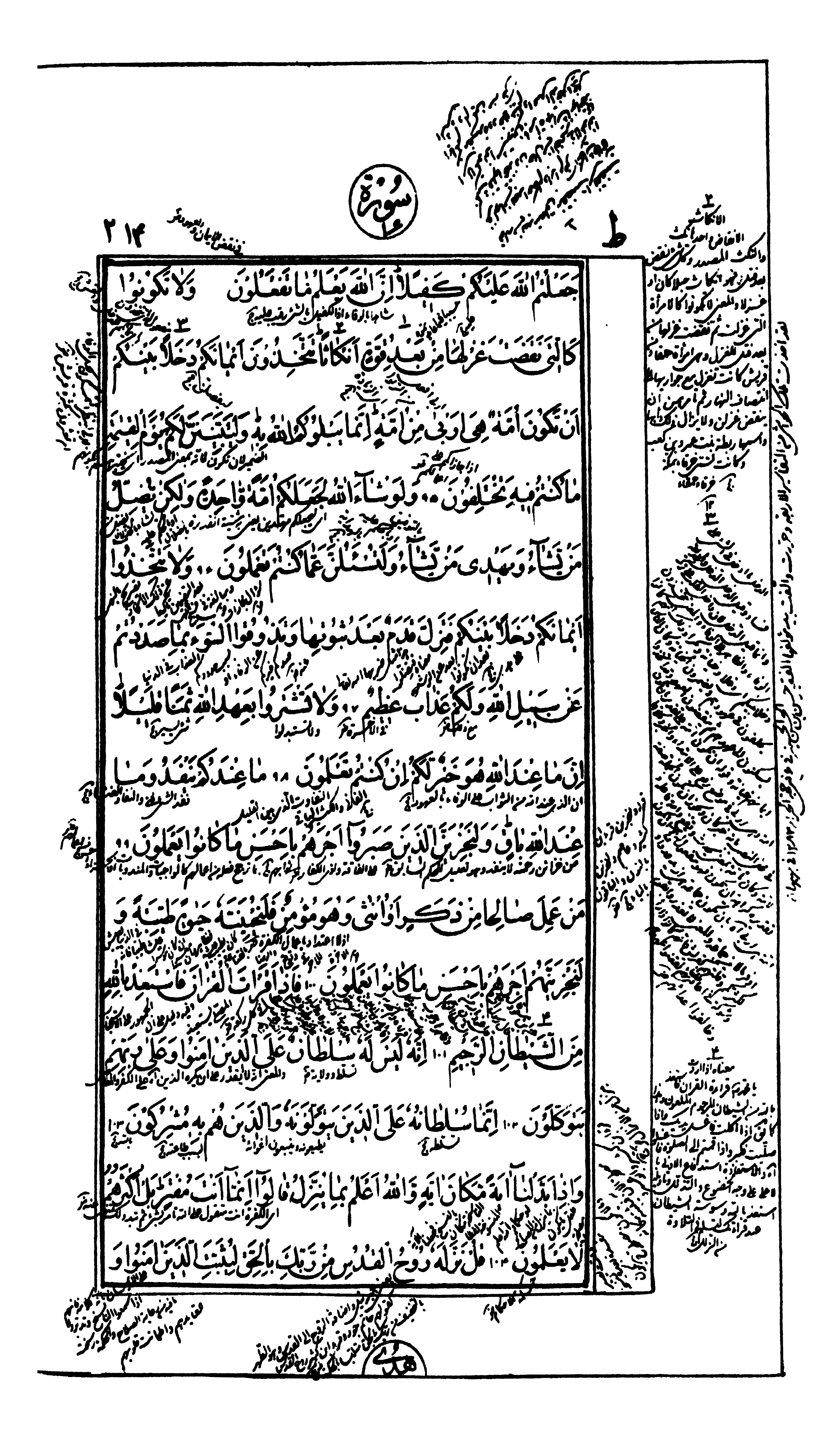
و کرکهای آنها و از موهای آنها رختها و پوشیدنی و فرش کردنی و برخورداری تا وقتی که امکان بقا داشته باشند ۸۳ و خدا
گردانید از برای شما از چیزها ئیکه خلق کرد سایبانها از درختان و بناها و غیر آن و گردانید از برای شما از کوهها خانها و غارها و
گردانید از برای شما پیراهنهائی که حفظ کند شما را از حرارت و پیراهنهائی که حفظ کند شما را از گرفتاری در کارزار چون زره
و خود و غیر آنها همچنین تمام میکند خدا نعمت خودش را بر شما شاید شما اسلام بیاورید ۸۴ پس اگر بر گردند پس غیر از
نیست که بر تو است رسانیدن احکام خدا بطور آشکار ۸۵ میشناسند نعمت خدا پس منکر میشوند آن را و بیشتر ایشان کافرند
۸۶ و روزی که بر میانگیزیم از هر امتی شاهدی بر ایمان و کفر ایشان پس اذن داده نمی شود بجهة عذر خواهی از برای کسانیکه
کافر شدند و نه ایشان کتاب کرده شوند یعنی طرف سؤال و جواب واقع نمیشوند یکسر بجهنم میروند ۸۷ و هنگامیکه به بینند آنکسانی
که ظلم کردند عذاب را پس تخفیف داده نمیشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده میشوند ۸۸ و هنگامی که به بینند آنکسانی که شرک
بخدا آوردند شریکان خود را یعنی بتان را گویند ای پروردگار ما این بتان شریکان هستند آن بتانی هستند که بودیم ما میخواندیم آنها را
از سوای تو پس القا کنند ملائکه به بتان تکلم را پس بتان گویند بدرستیکه شما هر آینه دروغگو یانید ۸۹ و بیفکنند در آنروز بسوی
خدا صلح را یعنی معترف بگناه خود شوند و گم گردد از ایشان آنچه بودند که دروغ بر می بافتند از اینکه میگفتند که بتان شفاعت
کننده اند ۹۰ آن کسانیکه کافر شدند و باز داشتند مردم را از راه خدا زیاد کردیم ما عذابی بالای عذاب ایشان بسبب آنچه
بودند که فساد میکردند ۹۱ و روزی که برانگیزیم در هر امتی شاهدی بر ایشان بر خودشان و بیاوریم تو را شاهد
بر این قوم امت تو و فرو فرستادیم بر تو قرآن را در حالتی که روشن از برای هر چیزی از امور دین و راه نما و رحمت
است و مژده است از برای مسلمانان ۹۲ بدرستیکه خدا امر میکند بعدل کردن و احسان نمودن و عطا کردن
بخویشان و نهی کردن از کارهای زشت مثل لواطه و زنا و کردار بد مثل قتل و غصب اموال مردم و ستم کردن موعظه و نصیحت میکند
خدا شما را شاید شما پند بگیرید ۹۳ و وفا کنید بعهد خدا اگر عهد کردید شما و مشکنید قسم ها را بعد از استوار کردن آن قسمها و بتحقیق

صفحهٔ دویست و چهاردهم

گردانید شما یعنی قرار دادید خدا را بر خودتان گواهی بدرستیکه خدا میداند آنچه میکنید ۹۴ و نباشید مثل زنیکه برید ریسمان خود را
بعد از استحکام در تابیدن در حالتی که تاب آن باز شده باشد و بریده شود میگیرید قسمهای خود را مکر و خیانت میان خودتان اینکه
هست امتی زیاد تر از امتی دیگر از حیثیت مال جز این نیست که خدا میآزماید شما را بامر کردن بوفای عهد و تا اینکه ظاهر کند البته
از برای شما در روز قیامت آنچه را که بودید شما که در آن اختلاف میکردید ۹۵ و اگر بخواهد خدا هر آینه بگرداند شما را یک امت ولیکن
باز گذارد خدا بضلالت هر که را میخواهد و هدایت میکند هر که را میخواهد و هر آینه سؤال کرده میشوید شما از آنچه بودید که میکردید ۹۶
و نگیرید قسمهای خودتان را عذر و مکر میانه خودتان پس بلغزد قدمی بعد از ثبوت آن پس از استواری آن در اسلام و بچشید الم بدی را بسبب آنچه
باز داشتید شما مردم را از راه خدا و از برای شما است عذاب دردناک ۹۷ و نفروشید عهد خدا را ببهای کمی بدرستیکه آنچه نزد خدا است از نعیم دنیا
و ثواب آخرت آن بهتر است از برای شما اگر باشید شما که بدانید ۹۸ آنچه نزد شما است از سود آل دنیویه فانی میشود و آنچه نزد خدا است از خزاین
رحمت باقی است و هر آینه جزا میدهیم البته کسانی را که صبر کردند بر فقر و فاقه اجر ایشان را به بهتر از آنچه بودند که عمل میکردند ۹۹ هر که بکند عمل شایسته
را از مرد یا زن و او مؤمن باشد پس هر آینه زندگانی دهیم او را زندگانی پاکیزه و هر آینه جزا میدهیم ایشان را مزدشان به بهتر از آنچه بودند که عمل میکردند ۱۰۰
پس اگر بخوانی قرآن را پس پناه ببر بخدا از شیطان رانده شده ۱۰۱ بدرستیکه شیطان نیست از برای او تسلطی بر کسانیکه ایمان آوردند بر پروردگار خود توکل
میکنند ۱۰۲ جز این نیست که سلطنت شیطان بر کسانیست که دوست میدارند آن را و بر آنکسانیکه ایشان بسبب او مشرک کنند بخدای متعال ۱۰۳ و اگر
تبدیل کنیم ما آیه را بجای آیهٔ دیگر یعنی نسخ کردیم بعضی از آیات را و خدا داناتر است بآنچه میفرستد بمقتضای حکمت گفتند کفار جز این نیست
که تو ای پیغمبر افترا کننده بر خدا بلکه بیشتر کفار نمیدانند ۱۰۴ بگو ای محمد فرود آورد آن قرآن را جبرئیل از
جانب پروردگار تو براستی تا اینکه ثابت و محکم کند کسانی را که ایمان آوردند و تا اینکه



أوبارها وأشعارها أثاثا ومتاعا إلى حين ٨٣ والله جعل لكم مما
خلق ظلالا وجعل لكم من الجبال أكنانا وجعل لكم سرابيل تقيكم الحر و
سرابيل تقيكم بأسكم كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم تسلمون ٨٤
فإن تولوا فإنما عليك البلاغ المبين ٨٥ يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها
وأكثرهم الكافرون ٨٦ ويوم نبعث من كل أمة شهيدا ثم لا يؤذن
للذين كفروا ولا هم يستعتبون ٨٧ وإذا رأى الذين ظلموا العذاب فلا
يخفف عنهم ولا هم ينظرون ٨٨ وإذا رأى الذين أشركوا شركاءهم قالوا
ربنا هؤلاء شركاؤنا الذين كنا ندعوا من دونك فألقوا إليهم القول
إنكم لكاذبون ٨٩ وألقوا إلى الله يومئذ السلم وضل عنهم ما كانوا يفترون ٩٠
الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله زدناهم عذابا فوق العذاب بما كانوا
يفسدون ٩١ ويوم نبعث في كل أمة شهيدا عليهم من أنفسهم وجئنا بك
شهيدا على هؤلاء ونزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء وهدى و
رحمة وبشرى للمسلمين ٩٢ إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي
القربى وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي يعظكم لعلكم تذكرون ٩٣ و
أوفوا بعهد الله إذا عاهدتم ولا تنقضوا الأيمان بعد توكيدها وقد



جعلتم الله عليكم كفيلا إن الله يعلم ما تفعلون ۝ ولا تكونوا
كالتي نقضت غزلها من بعد قوة أنكاثا تتخذون أيمانكم دخلا بينكم
أن تكون أمة هي أربى من أمة إنما يبلوكم الله به وليبينن لكم يوم القيمة
ما كنتم فيه تختلفون ۝ ولو شاء الله لجعلكم أمة واحدة ولكن يضل
من يشاء ويهدي من يشاء ولتسئلن عما كنتم تعملون ۝ ولا تتخذوا
أيمانكم دخلا بينكم فتزل قدم بعد ثبوتها وتذوقوا السوء بما صددتم
عن سبيل الله ولكم عذاب عظيم ۝ ولا تشتروا بعهد الله ثمنا قليلا
إن ما عند الله هو خير لكم إن كنتم تعلمون ۝ ما عندكم ينفد وما
عند الله باق ولنجزين الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون ۝
من عمل صالحا من ذكر أو أنثى وهو مؤمن فلنحيينه حيوة طيبة و
لنجزينهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون ۝ فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله
من الشيطان الرجيم ۝ إنه ليس له سلطان على الذين آمنوا وعلى ربهم
يتوكلون ۝ إنما سلطانه على الذين يتولونه والذين هم به مشركون ۝
وإذا بدلنا آية مكان آية والله أعلم بما ينزل قالوا إنما أنت مفتر بل أكثرهم
لا يعلمون ۝ قل نزله روح القدس من ربك بالحق ليثبت الذين آمنوا و



هدى وبشرى للمسلمين ١٠٢ ولقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلمه بشر
لسان الذي يلحدون إليه أعجمي وهذا لسان عربي مبين ١٠٣ إن الذين
لا يؤمنون بآيات الله لا يهديهم الله ولهم عذاب أليم ١٠٤ إنما يفتري الكذب
الذين لا يؤمنون بآيات الله وأولئك هم الكاذبون ١٠٥ من كفر بالله من بعد
إيمانه إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان ولكن من شرح بالكفر
صدرا فعليهم غضب من الله ولهم عذاب عظيم ١٠٦ ذلك بأنهم استحبوا
الحياة الدنيا على الآخرة وأن الله لا يهدي القوم الكافرين ١٠٧ أولئك
الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصارهم وأولئك هم الغافلون ١٠٨
لا جرم أنهم في الآخرة هم الخاسرون ١٠٩ ثم إن ربك للذين هاجروا من بعد
ما فتنوا ثم جاهدوا وصبروا إن ربك من بعدها لغفور رحيم ١١٠ يوم
تأتي كل نفس تجادل عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت وهم لا
يظلمون ١١١ وضرب الله مثلا قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغدا
من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما
كانوا يصنعون ١١٢ ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فأخذهم العذاب و
هم ظالمون ١١٣ فكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا نعمة الله إن كنتم

إياه تعبدون ١١٦ إنما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما أهل

لغير الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فإن الله غفور رحيم ١١٧ ولا تقولوا

لما تصف ألسنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا على الله الكذب

إن الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون ١١٨ متاع قليل ولهم عذاب

أليم ١١٩ وعلى الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك من قبل وما ظلمناهم

ولكن كانوا أنفسهم يظلمون ١٢٠ ثم إن ربك للذين عملوا السوء بجهالة ثم

تابوا من بعد ذلك وأصلحوا إن ربك من بعدها لغفور رحيم ١٢١ إن

إبرهيم كان أمة قانتا لله حنيفا ولم يك من المشركين ١٢٢ شاكرا لأنعمه

اجتبه وهديه إلى صراط مستقيم ١٢٣ وآتيناه في الدنيا حسنة وإنه

في الآخرة لمن الصالحين ١٢٤ ثم أوحينا إليك أن اتبع ملة إبرهيم حنيفا وما

كان من المشركين ١٢٥ إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه وإن ربك

ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ١٢٦ ادع إلى سبيل ربك بالحكمة

والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضل عن

سبيله وهو أعلم بالمهتدين ١٢٧ وإن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن

صبرتم لهو خير للصابرين ١٢٨ واصبر وما صبرك إلا بالله ولا تحزن عليهم ولا تك

هدایت و مژده باشد از برای مسلمانان ۱۰۵ و هر آینه بتحقیق میدانیم ما اینکه ایشان میگویند جز این نیست تعلیم میکند پیغمبر را آدمی بآیات قرآن زبان یعنی لغت کسی که بر میگردانند گفتار را بسوی او یعنی نسبت میدهند که او تعلیم کرده است عجمی است و این قرآن زبان عربی آشکار پس چگونه عجمی تواند عربی باین فصاحت اداء نماید ۱۰۶ بدرستی که آنکسانیکه ایمان نمیآورند بآیات خدا هدایت نمیکند خدا ایشانرا و از برای ایشانست عذاب دردناک ۱۰۷ جز این نیست می بندند دروغ را کسانیکه ایمان نمیآورند بآیات خدا و آن گروه ایشان دروغگویانند ۱۰۸ کیست که کافر شود بخدا از بعد ایمان خویش مگر کسی که اکراه داشته شود و قلب او مطمئن باشد بسبب ایمان و لیکن هر که بگشاید بکفر سینهٔ خود را یعنی برضا و رغبت کافر شود پس بر ایشانست غضبی از جانب خدا و از برای ایشانست عذاب بزرگ ۱۰۹ این بسبب آنست که ایشان دوست داشتند و ترجیح دادند زندگانی دنیا را بر آخرت و اینکه خدا هدایت نمیکند قوم کافرین را ۱۱۰ آنگروه کسانی هستند که مهر زده است خدا بر دلهای ایشان و بر گوش ایشان و بر چشمهای ایشان و این گروه ایشان غافلانند حقا که ایشان بی شبههٔ در دار آخرت ایشان زیانکارانند ۱۱۱ پس بدرستیکه پروردگار تو مر آنانرا که هجرت کردند بسوی مدینه چون عمار و جناب و صهیب از پس آنکه عذاب کشیدند و تمام یافته بودند از کفار پس جهاد کردند و صبر کردند در جهاد کردن و بر آزار ستمکاران بدرستی پروردگار پس از هجرت و صبر و جهاد هر آینه آمرزنده است عفو کند گناهان گذشتهٔ ایشانرا مهربانست ایشانرا بتوفیق طاعت در زمان آینده ۱۱۲ روزیکه بیاید هر کسی مجادله کند با نفس خودش یعنی بخود ملامت کند مثلا عاصی گوید چرا گناه کردم مطیع گوید چرا بیشتر طاعت نکردم و تمام داده شود هر نفسی را جزای آنچه کرده است و ایشان ظلم کرده نشوند ۱۱۳ و زده است خدا مثل دهی را که بود اهل آن ایمن و مطمئن میآمد بر آن روزی اهل آن فراخ یعنی فراوان از هر جانب که مراد اهل مکه هستند پس کفران کردند بنعمتهای خدا پس چشانید اهل ده را خدا لباس گرسنگی و ترس بسبب آنچه بودند که میکردند از کفران نعمت ۱۱۴ و هر آینه بتحقیق آمد ایشانرا پیغمبری از ایشان یعنی محمد پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشانرا عذاب از ترس و قحط و حال آنکه ایشان ظلم کنندگان بودند ۱۱۵ پس بخورید ای مؤمنین از آنچه روزی داد شما را خدا حلال و پاک و شکر کنید نعمت خدا را اگر هستید که

خدا را عبادت و فرمان برداری میکنید ۱۱۶ جز این نیست که حرام کرده است خدا بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که نام برده شده است بغیر خدا بآن یعنی بنام بتان ذبح کرده باشند پس هر که مضطر و لاعلاج شود بخوردن این محرمات در حالتیکه طالب لذت نباشد و از حد سد رمق تجاوز نکند پس بدرستیکه خدا آمرزندهٔ است گناه مضطر را و مهربانست در رخصت دادن خوردن محرمات در وقت اضطرار ۱۱۷ و مگوئید مر آنچه را که وصف میکند زبانهای شما دروغ را یعنی حرف بی دلیل که محض لغو است بدون دلیل بگوئید این حلال است و این حرام است اینکه افترا بزنید و به بندید بر خدا دروغ را بدرستیکه آنکسانیکه افترا بندند بخدا دروغ را رستگار نشوند ۱۱۸ برخورداری کمی است در دنیا دروغگویان و مفتریان را و از برای ایشانست عذاب دردناک ۱۱۹ و بر آنکسانیکه یهودی شدند حرام کردیم ما آنچه که خواندیم ما بر تو پیش از این و ظلم نکردیم ما ایشانرا و لیکن بودند که خود ایشانرا ظلم میکنند ۱۲۰ پس بدرستیکه پروردگار تو مر آنکسانیرا که گناه کردند بسبب نادانی بعد توبه کردند بعد از آن اعمال و صلاح آوردند کار خود را بدرستی که پروردگار تو بعد از توبه هر آینه آمرزنده است معاصی گذشته را و مهربانست ۱۲۱ بدرستیکه ابراهیم بود یک امت فرمان بردار از برای خدا مایل بحق و نبود از شرک آورندگان بخدا ۱۲۲ شکر کننده بود ابراهیم از برای نعمتهای خدا برگزید خدا ابراهیم به نبوت و هدایت کرد او را بسوی راه راست ۱۲۳ و دادیم ما ابراهیم را در دنیا نیکوئی و بدرستیکه او در آخرت هر آینه از شایستگانست ۱۲۴ پس وحی کردیم ما بسوی تو اینکه متابعت کن مذهب ابراهیم را که مایل بحق بود و نبود از شرک آورندگان ۱۲۵ جز این نیست که مقرر شد تعظیم روز شنبه بر کسانیکه اختلاف کردند در آن که یهودان بودند و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه حکم میکند میانهٔ ایشان در روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند ۱۲۶ بخوان ای محمد مردم را بسوی راه پروردگار خود بسبب حکمت و نصیحت خوب و مجادله کن با ایشان بطوری که آن مجادله بهتر است بدرستیکه پروردگار تو او داناتر است بکسی که گمراه از راه خداست یعنی گمراه از دین حق است و آن خدا داناتر است براه یافتگان ۱۲۷ و اگر عقوبت کنید شما کسی را پس عقوبت کنید مثل آنچه عقوبت کرده شدید شما بآن و اگر صبر کنید هر آینه آن بهتر است از برای صبر کنندگان ۱۲۸ و صبر کن در آنچه در راه خدا بتو رسید و نیست صبر تو مگر بتوفیق خدا و غمگین مشو بر ایشان یعنی بر تسلط ایشان بر لشکر تو و مباش

در تنگدلی از آنچه مکر میکنند بدرستیکه خدا با کسانی است که پرهیز کردند و خدا با کسانی است که ایشان نیکوکارانند

سورهٔ بنی اسرائیل مشتمل بر یکصد و یازده آیه در مکهٔ معظمه نازل شده است

بنام خداوند بخشاینده مهربان

پاک و بی عیب است آن خدائیکه برد بندهٔ خود محمد را در یکشب از مسجد الحرام که حوالی خانهٔ مکه است بسوی مسجد اقصی که بیت المقدس آنجانیست که برکت دادیم ما در آن مسجد اقصا را یعنی حدود شام را با برکت قرار دادیم تا بنمائیم آن محمد را از آیات خودمان بدرستیکه خدا شنونده و بیناست ۲ و دادیم ما موسی را کتاب یعنی تورات و گردانیدیم ما آن تورات را راهنما از برای بنی اسرائیل اینکه فرا مگیرید از سوای من وکیلی ۳ ای فرزندان کسی که برداشتیم ما با نوح یعنی سام بن نوح که جد ابراهیم است که او جد بنی اسرائیل بود بدرستیکه نوح بود بندهٔ شکر کننده ۴ و اعلام کردیم یعنی پیغام فرستادیم بسوی بنی اسرائیل در تورات که هر آینه فساد میکنید البته در زمین شام دو بار یعنی اول مخالفت تورات و حکم ارمیای پیغمبر و کشتن شعیا و دویم قتل یحیی و ذکریا و قصد عیسی و هر آینه سرکشی میکنید البته سرکشی بزرگی ۵ پس آنهنگام که بیاید عقوبت افساد اول ایشان برانگیزانیم و مسلط گردانیم بر شما بندگانی یعنی مخلوقی که از برای ما هستند که ایشان بخت النصر و لشکر او بودند که صاحب کارزار سختند پس درآیند میان خانهای شما و بود این وعده وعدهٔ کرده شده یعنی علم ما تعلق گرفته بود باینکه این واقع شود ۶ بعد از آن برگردانیم ما از برای شما غلبه را تا غالب شوید بر ایشان یعنی بر بخت النصر و لشکر او و مدد کنیم شما را بزیادی مالها و اولاد و پسران که بجهت کثرت و جمعیت غلبه کنید بر ایشان و بگردانیم شما را بیشتر از ایام سابقه خودتان از حیثیت نفر و عدد رجال جنگجوی رشید چنانچه بهمن بن اسفندیار که سلطنت یافت حق تعالی در دل او افکند اسیران بنی اسرائیل را بشام برگردانید و دانیال بر ایشان پادشاه شد و بر اتباع بخت النصر مسلط شدند ۷ اگر نیکی کنید نیکوئی کرده اید برای خودتان و اگر بدی کنید شما پس آن بدی خودتانست پس چون بیاید وعدهٔ عقاب توبهٔ دیگر یعنی فساد دویم برانگیزیم بر شما گروه طیطوس رومی را تا اینکه بدسازد رویهای شما را یعنی آثار غم و اندوه در شما پدید آید و تا درآیند در بیت المقدس چنانکه در اول درآمدند یعنی همچنانکه لشکر بخت النصر درآمدند در آن مسجد لشکر طیطوس هم همانطور درآیند تا اینکه هلاک کنند آنچه را که غالب شدند هلاک کردنی ۸ شاید که پروردگار شما بعد از عقوبت دویم اینکه رحم کند بر شما و اگر باز برگردید نوبت دیگر بنافرمانی و فساد کردن باز برگردیم ما بعقوبت کشیدن و قرار بدهیم ما جهنم را از برای کافران زندان ۹ بدرستیکه این قرآن راه مینماید بطریقهٔ اسلام را که راست تر و محکم تر است از سایر ادیان و مژده میدهد اهل ایمان آورندگان را آنکسانیرا که عمل میکنند

علمهای شایسته را اینکه از برای ایشانست اجر بزرگ ۱۱

و اینکه آنکسانیکه ایمان نیاوردند در قیامت آماده کردیم برای ایشان عذاب دردناک ۱۲ و میخواند انسان خدا را در وقت بدی و گرفتاری در نفس خود و اهل و مال خود مثل دعا کردن یعنی خواندن خدا را آنیکوئی مراد حاجت است که عذابی از خدا بدعا میخواهد و هست انسان شتاب کننده ۱۳ و گردانیدیم ما شب و روز را دو نشانه پس محو کردیم نشانهٔ شب را بشعاع آفتاب و گردانیدیم نشانهٔ روز را روشن تا طلب کنید در روشنی افزونی در معیشت از پروردگار خودتان و تا اینکه بدانید شمارهٔ سالها و حساب هر چیز را که بدان محتاجید و هر چیز را تفصیل دادیم آنرا تفصیل دادنی ۱۴ و هر انسانی را لازم کردیم عمل او را در گردن او مثل طوق بگردن کسی باشد که از او جدا نشود و بیرون میآوریم برای او در روز قیامت صحیفهٔ عمل او را که برسد باو و گشاده شود ۱۵ گوئیم بخوان کتاب خود را کفایت میکند این مکتوبات برای امروز که بر تو حساب کننده است ۱۶ هر که راه یابد پس جز این نیست که راه مییابد از برای خودش و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر نفس خودش یعنی ضرر و عقوبت برای خود اوست و برندارد هیچ بردارندهٔ بار گناه دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده قومی بعذاب استیصال تا اینکه برانگیزانیم و بعزم فرستادهٔ بر ایشان که براه راست دعوت کند و حجت را بر آنقوم تمام کند ۱۷ و چون خواهیم ما اینکه هلاک سازیم اهل دهی یا شهری را بعد از اقامهٔ حجت که مستحق هلاک شدند امر کنیم ما منعمان و شاهزادگان و سرکشان ایشانرا بعبادت و فرمانبرداری پیغمبران پس ایشان فسق کنند در آن یعنی از فرمانبرداری رسول خود بیرون روند پس واجب شود بر اهل آنشهر گفتار یعنی از بیخ و بنیاد برکنیم آنشهر را و هلاک سازیم اهل آنرا هلاک گردانیدنی ۱۸ و چه بسیار هلاک کردیم ما اهل زمانها بعد از نوح و کافیست پروردگار تو بگناهان بندگان خودش که هم آگاه و هم بیناست و اعمال سر و آشکار بندگانرا آگاهست و در خور هر عذابی عقوبت نماید ۱۹ هر کس باشد که بخواهد و تعجیل داشته باشد در خواستن این دنیا یعنی لذت و نعمت این دنیا را بخواهد تعجیل میکنیم از برای او در دنیا یعنی زود میدهیم نعمت او را بخواهش خودش در دنیا فراهم میآوریم هر چه بخواهیم از برای هر کسی که اراده کنیم در دنیا بعد میگردانیم یعنی مقرر میداریم از برای او جهنم را که درآید آن جهنم را نکوهیده رانده شده ۲۰ و هر که بخواهد آخرت را و سعی کند از برای تحصیل آخرت سعی کردنی یعنی شتابد بر آن در حالتیکه او مؤمن باشد پس آن گروه هست سعی ایشان پسندیده شده ۲۱ هر یک را امداد کنیم این گروه دنیاخواه و آنگروه آخرت جو را از عطا و بخشش پروردگار تو و نیست عطای پروردگار تو منع کرده شده ۲۲ ببین چگونه افزونی دادیم ما بعضی از ایشانرا بر بعضی دیگر و هر آینه آخرت بزرگتر است بدرجات یعنی درجات آخرت بعضی بزرگتر و بالاتر از درجهٔ دیگر است و بزرگتر است از یکدیگر از حیثیت مراتب فضیلت بگردان یعنی قرار مده با خدا خدائی دیگر یعنی شریک برای خدا قرار مده

پس منشین

صفحهٔ دویست نوزدهم

پس بنشینی در جهنم سرزنش شده و فروگذاشته محروم از همه نیکیها ۲۲ وحکم کرد پروردگار تو اینکه عبادت نکنید مگر او را وحکم کرد باینکه بوالدین خود احسان کنید
اگر برسند نزد تو بسن پیری یکی از ایشان یا هر دو یعنی در حالتی که پیر هم شده باشند پدر و مادر هر دو یا یکی از ایشان نزد تو که او لاد او هستی باید احسان کنی با ایشان پس مگو با ایشان
عبارت اف که کنایه است از ضجار از ایشان است و بانگ مزن بر ایشان و بگو از برای پدر و مادر قول نیکو را ۲۵ و فرو گذار از برای پدر و مادر بالهای تواضع را از رحمت یعنی کوچکی
و افتادگی برای ایشان اظهار کن و بگوای پروردگار من رحم کن بر ایشان همچنانکه پروردند و تربیت کردند مرا در کوچکی ۲۶ پروردگار شما دانا تر است بآنچه در نفسهای شما است اگر
باشید شایستگان ۲۷ پس بدرستی که خداست مر بازگردندگان را آمرزنده یعنی کسانیکه قبل از توبه میکنند ۲۸ و بده صاحب خویشی را حق او را و فقیر را و پیاده در راه را
حق ایشان را و اسراف مکن اسراف کردنی ۲۹ بدرستیکه اسراف کنندگان هستند برادران شیطانها و هست شیطان از برای پروردگار خود ناسپاس ۳۰ و اگر اعراض کنی تو ای
محمد از محتاجان صحابه خود بجهت طلب کردن رحمتی که از پروردگار تو باشد که امیدوار باین رحمت باشی که از صحابه از حضرت رسول چیزی میخواستند که رفع گرسنگی کند حضرت
نداشتند چیزی که با ایشان بدهند دعا میکرد و از خدا طلب میکرد که وسعتی در رزق ایشان کرامت فرماید پس بگو با ایشان گفتاری نرم یعنی زبان ملایم ایشان را امیدوار
رحمت خدا بکن ۳۱ و مگردان دست خود را بسته بگردن خود و مگشا دست خود را بتمام گشودن پس بنشینی ملامت کرده و حسرت خورده
شده یعنی چیزی که داری نه اینکه بطوری ضبط و حفظ کنی که هیچ بکسی ندهی و نه اینکه هر چه داری یکدفعه بدهی که هیچ برای تو باقی نماند که بعد از آن
محتاج شوی و حسرت داشته باشی و ملامت کنند ترا از نداری و بی چیزی ۳۲ بدرستی که پروردگار تو میگشاید روزی را از برای هر که میخواهد و تنگ
میکند بر هر که میخواهد بدرستیکه خدا هست به بندگان خودش آگاه و بیننده یعنی خدا میداند کی را باید روزی بسیار داد و میداند که را باید تنگ معیشت کرد و میکند
۳۳ و مکشید اولاد خودتان را از ترس فقر و درویشی ما روزی میدهیم ایشان را و شما را بدرستیکه کشتن ایشان هست خطای بزرگی ۳۴ و نزدیک
نشوید زنا کردن را بدرستیکه آن هست کار زشت و بد راهی است ۳۵ و مکشید نفس آنکه را حرام کرد خدا مگر براستی یعنی واجب شده باشد
بر او قتل و هر که بکشد کسی را در حالتی که مظلوم باشد پس بتحقیق قرار دادیم از برای وارث مقتول سلطنتی که بکشد قاتل را در عوض مقتول پس نباید اسراف
کند در کشتن یعنی وارث نباید اسراف کند که از غیر قاتل تجاوز کند و بدیگری آزار کند بدرستیکه ولی دم هست یاری کرده شده در قصاص معونت حکام شرع ۳۶
و نزدیک مشوید مال یتیم را مگر بطور بهتر یعنی اگر تصرفی در مال یتیم کردید بهتر آن عوض قرار دهید تا اینکه برسد بقوت خودش یعنی بحد بلوغ و رشد برسد و وفا کنید
بعهد خودتان یعنی بعهدیکه بسته است خدا با شما از برای تکالیف شرعیه بدرستیکه عهد هست سؤال کرده شده یعنی از آنکه عهد بسته است اگر بشکند عهد خود را سؤال خواهد شد

معاف خواهد

صفحهٔ دویست بیستم

بود ۳۷

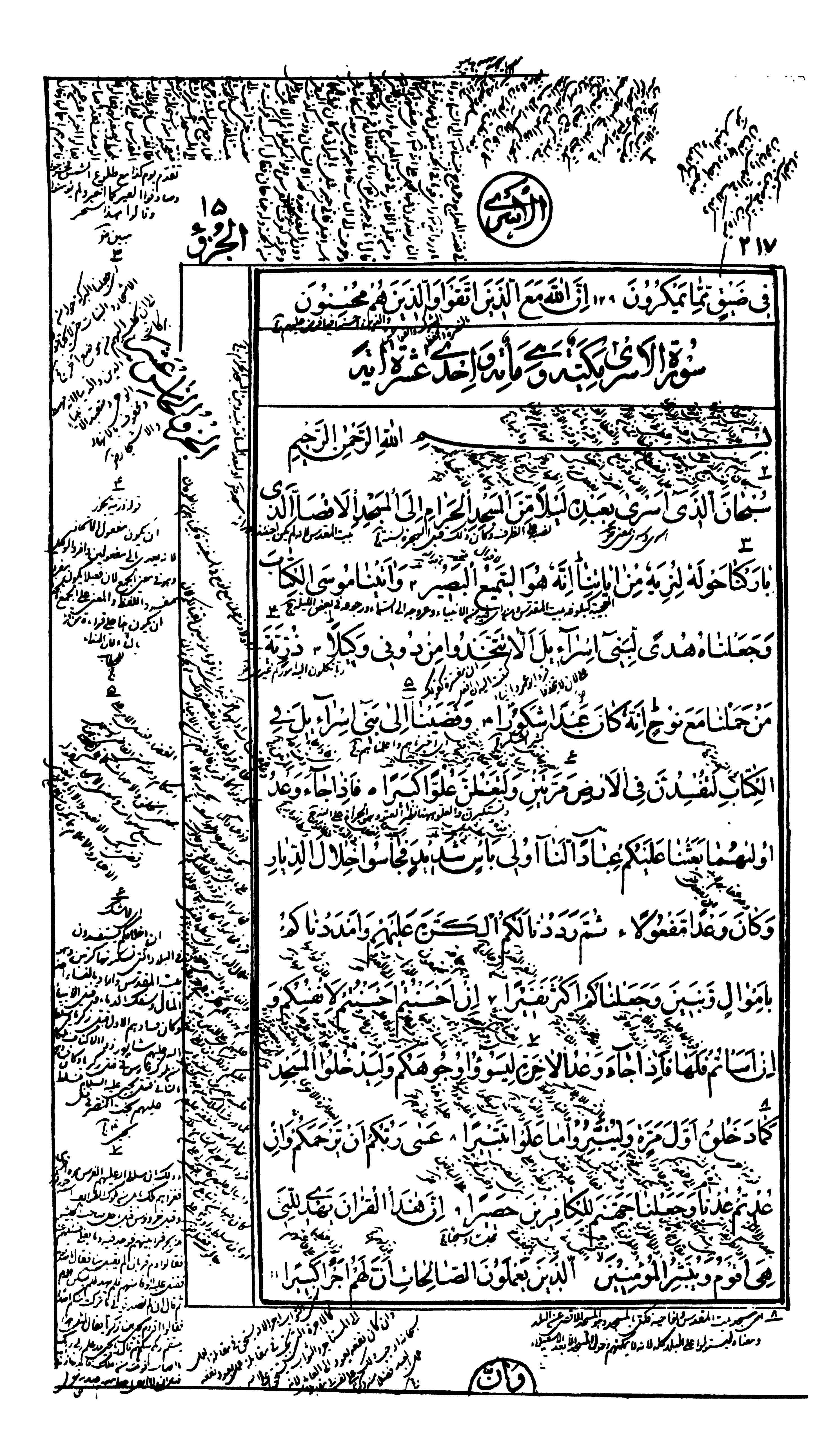
و تمام بدهید کیل را وقتی که کیل کنید شما و بکشید اشیاء را با ترازوی راست درست این درستکاری بهتر است از کم فروشی و تقلب و بهتر است از حیث بازگشت و عاقبت
۳۸ و مایست یعنی اصرار مکن در آنچه نیست از برای تو بآن چیز علم و اطلاعی بدرستیکه گوش و چشم و دل همهٔ اینها هست از هر یک پرسیده شده یعنی تمام اینها در مقام مسئولیت
خواهند بود ۳۹ و راه مرو در زمین در حالت تکبر کردن بدرستیکه تو نمیتوانی زمین را بشکافی و هرگز نرسی بلندی کوهها ۴۰ همهٔ اینها بوده است بدی آن نزد پروردگار تو
کراهت داشته شده است ۴۱ این از آن چیزیست که وحی کرد بسوی تو پروردگار تو از حکمت و قرار مده با خدا خدائی دیگر را پس انداخته شوی در جهنم ملامت کرده شده رانده شده ۴۲
آیا پس برگزید شما را پروردگار شما به پسران و گرفت از ملائکه دختران را بدرستیکه شما هر آینه میگوئید گفتاری بزرگ ۴۳ و هر آینه بتحقیق گردانیدیم ما در این قرآن آیت خود را تا اینکه
پند پذیر شوند مردم و زیاد نمیکند ایشان را مگر رمیدن و دور شدن از حق ۴۴ بگوای محمد اگر بودندی با خدای بر حق خدایانی دیگر همچنانکه میگویند آنگاه طلب کردندی بسوی خداوند
عرش راهی یعنی اگر این بتان خدا بودند بایستی با خدا و ندیگانه راه منازعه بجویند و عجز را از خود دفع نمایند اینکه نمیکنند معلوم است که خدا
نیستند و در مخلوقیت هم از هر مخلوقی پست ترند ۴۵ منزه است خدای و برتر است از آنچه میگویند برتری بسیار بزرگی ۴۶ تسبیح
میکنند از برای او آسمانهای هفتگانه و زمین و هر چه در آسمانها و زمین است و نیست هیچ چیزی مگر اینکه تسبیح میکند بحمد پروردگار خود ولیکن نمیفهمید
شما تسبیح ایشان را بدرستیکه خدا هست بردبار آمرزنده ۴۷ و چون بخوانی قرآن را گردانیم میانهٔ تو و میانهٔ آن کسانیکه ایمان نمیآورند بروز قیامت پرده
پوشیده ۴۸ و گردانیدیم ما بر دلهای ایشان یعنی کفار سرپوشی از اینکه بفهمند و در گوشهای ایشان سنگینی قرار دادیم نشنوند ۴۹ و چون یاد کنی
پروردگار خود ترا در قران بوحدانیت برمیگردند کفار بر پشتهای خودشان در حالتی که نفرت دارند ۵۰ ما دانا تریم بآنچه می شنوند آن قرآن را
یعنی بجهت سخریه و استهزاء و طعن در آن می شنوند و گوش میدهند بسوی تو و آن هنگام که ایشان
پنهان با یکدیگر سخن میگویند وقتی که میگویند ظالمون و کفار منافقین مر متابعین را که

متابعت

متابعت نمیکنید شما مگر مردی را که مسحور است یعنی سحر کرده شده است ۵۱ ببین ای پیغمبر چگونه زدند از برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نمی توانند یافت راهی را بطعنه تو که وارد باشد ۵۲ و گفتند آیا وقتیکه باشیم استخوان و پوسیده آیا ما برانگیخته میشویم آفریدهٔ نو تازه ۵۳ بگو ای محمد باشید سنگ یا آهن ۵۴ یا آفریده باشید از آنچیزها یکه بزرگست در سینه های شما مانند کوه و آسمان پس زود باشد که گویند کیست که باز میگرداند ما را و مبعوث میکند ما را بگو آن کسی که آفرید شما را اول دفعه پس زود باشد که بجنبانند بسوی تو سرهای خود شان را و بگویند کی خواهد بود آن بعث بگو شاید اینکه باشد نزدیک ۵۴ روزیکه میخوانند شما را پس اجابت میکنید شما در حالتیکه قائل باشید بستایش حق تعالی بر کمال قدرت و گمان برید که درنگ نکردید در قبرها در دنیا مگر اندکی ۵۵ و بگو از برای بندگان من که میگویند کلمه که آن بهتر است بدرستیکه شیطان دشمنی میافکند میانهٔ ایشان بدرستیکه شیطان هست از برای انسان دشمن ظاهر ۵۵ پروردگار شما داناتر است بشما اگر بخواهد رحم میکند شما را یا اگر بخواهد شما را عذاب میکند شما را و نفرستادیم ترا بر ایشان نگهبان ۵۷ و پروردگار تو داناتر است با آنچه در آسمانها و زمین است و هر آینه بتحقیق ترجیح دادیم ما بعضی از پیغمبران را بر بعضی دیگر و دادیم داود را زبور ۵۸ بگو ای محمد بخوانید آنانی را که گمان کردید خدایان از سوای خدا یعنی بخوانید بتان خود را پس مالک نیستند یعنی نمیتوانند آن بتان برداشتن ضرری را از شما و نه تغییر دادن آن ضرر را ۵۹ آن گروه از ملائکه و جن آنانند که میخوانند کفار ایشان را و میپرستند میخوانند ملائکه و جن بسوی پروردگار تو وسیلهٔ یعنی بقرب بطاعت و عبادت هر کدام یک از ایشان که نزدیکترند یعنی آنانکه مقربترند بدرگاه خدا از ملائکه و جن توسل میکنند بحقتعالی پس غیر مقرب بطریق اولی و امیدوارند رحمت پروردگار را و میترسند از عذاب خدا بدرستیکه عذاب پروردگار تو هست حذر کرده شده یعنی سزاوار باینکه حذر کنند مردم از آن عذاب ۶۰ و نیست هیچ دهی مگر اینکه ما هلاک کننده ایم اهل آنرا پیش از روز قیامت یا عذاب کننده ایم آنرا عذاب سختی هست این حکم در کتاب نوشته شده یعنی هلاکت ایشان در لوح محفوظ ثبت است ۶۱ و چه چیز منع کرد ما را اینکه بفرستیم آیات و معجزات را مگر اینکه تکذیب کردند بآن معجزات اولون یعنی امم سابقه مراد اینکه هر پیغمبری فرستادیم مردم او را تکذیب کردند و بهمین سبب قطع فرستادن آیات و معجزات خود را نمودیم و دادیم ما قوم ثمود را شتر که اسباب بصیرت بود پس ظلم کردند بآن یعنی آن شتر را پی کردند و

هلاک نمودند آن را

و نفرستادیم ما آیات و معجزات را مگر برسانیدن مردم را از عذاب ۶۲ و چون گفتیم ما از برای تو اینکه پروردگار تو احاطه خواهد نمود بر مردم از جهت عذاب نمودن و نگردانیدیم ما خواب آنچنانیرا که نمودیم بتو مگر آزمایش از برای مردم و نگردانیدیم شجرهٔ ملعونه را در قرآن یعنی درخت زقوم را که در قرآن ذکر آن نیز آزمایشی برای مردم و میترسانیم کافرانرا بانواع ترسها پس زیاد نمیکند ایشانرا مگر طغیان و سرکشی بزرگ ۶۳ و چون گفتیم از برای ملائکه سجده کنید از برای آدم پس سجده کردند مگر شیطان گفت شیطان بطور آشکار و استکبار آیا سجده کنم من از برای کسی که خلق کردی او را از گل ۶۴ گفت شیطان آیا دیدی تو اینرا که گرامی داشتی و تفضیل دادی بر من هر آینه اگر تاخیر نیندازی مرا یعنی مهلت ندهی مرا تا روز قیامت هر آینه کر میکنم من البته اولاد آدم را مگر کمی از آنها ۶۵ گفت خدا بشیطان برو یعنی از رحمت من دور شو پس هر که متابعت کند تو را از ایشان پس بدرستیکه جهنم جزای شما است جزای وافر دائمی ۶۶ بلغزان و گمراه کن هر که را بتوانی از مردم بآواز و افساد خود و برانگیزان بر ایشان سواران و پیادگان خود و شریک شو ایشان را در اموال و اولادشان و وعده بده ایشان را بوعدهای دروغ خود و وعده نمیدهد مردم را شیطان مگر بفریب ۶۷ بدرستیکه بندگان خالص من نیست از برای تو بر ایشان سلطنتی و بس است پروردگار تو وکیل بندگان خود ۶۸ پروردگار شما کسی که میراند برای شما کشتی را در دریا تا اینکه طلب روزی کنید از فضل او بدرستیکه خدا هست بشما رحم کننده ۶۹ و اگر برسد شما را ضرری در دریا از غرق شدن و غیر آن باطل شود کسی که میخوانید او را غیر از خدا یعنی در وقت غرق شدن احدی غیر از خدا بفریاد شما نمیرسد و واضح میشود باطل بودن خدایان دیگر از برای کفار پس چون نجات داد شما را خدا بسوی خشکی اعراض کردید از خدا و باز بت پرست شدید و هست انسان ناسپاس بنعمت خدا ۷۰ آیا پس ایمن شدید شما از اینکه فرو برد خدا شما را بطرفی از زمین یا اینکه بفرستد بر شما باد ریزنده سنگ بر شما پس نیابید از برای خود تان نگاهدارندهٔ یعنی غضب خدا در دریا و خشکی در صورتیکه خواسته باشد تفاوت نمیکند در هر حال چه در دریا و چه در خشکی باید خدا را غالب و قاهر دانست و از عذاب سخت او ترسید ۷۱ یا ایمن شدید از اینکه برگرداند شما را خدا در دریا دفعهٔ دیگر پس بفرستد بر شما بادی که بشکند کشتی را پس غرق کند شما را بسبب آنچه کفر ورزیدید شما پس نیابید از برای خود تان بر ما بسبب آن غرق اشعام کشتی را ۷۲ و هر آینه بتحقیق مکرم کردیم ما بنی

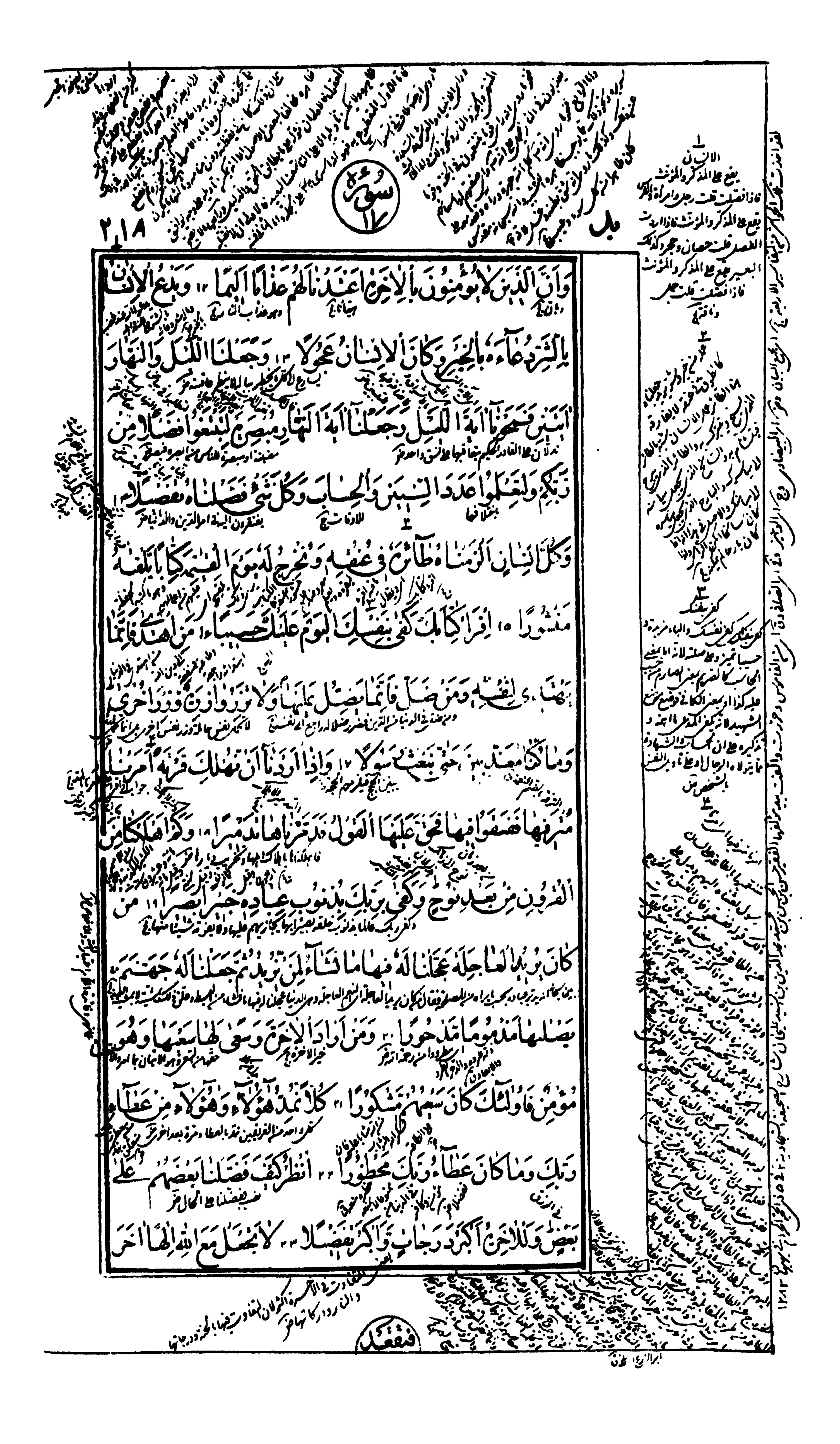


فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ١٢٧ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ

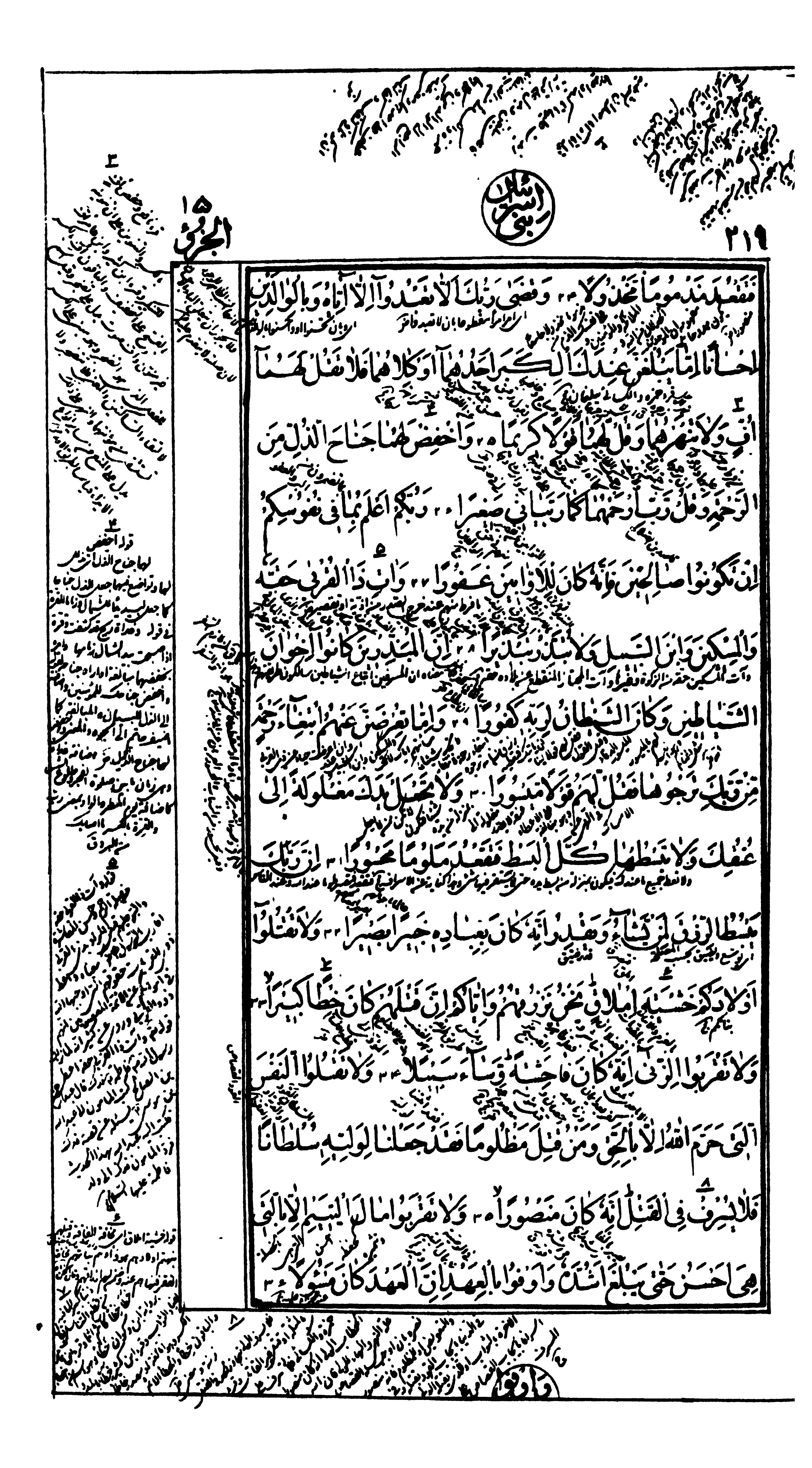
سُورَةُ الْإِسْرَى مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مِائَةٌ وَإِحْدَى عَشْرَةَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي
بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ١ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا ٢ ذُرِّيَّةَ
مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ٣ وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي
الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ٤ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ
وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ٥ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ٦ إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَ
إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ٧ عَسَى رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ
عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ٨ إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي
هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ٩



وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ١٠ وَيَدْعُ الْإِنسَانُ
بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنسَانُ عَجُولًا ١١ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِن
رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ١٢
وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ
مَنشُورًا ١٣ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ١٤ مَّنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا
يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ
وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ١٥ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا
مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ١٦ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ
الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ١٧ مَّن
كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ
يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ١٨ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ
مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا ١٩ كُلًّا نُّمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَهَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ
رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ٢٠ انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ
بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ٢١ لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ



فتقعد مذموما مخذولا ٢٢ وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه وبالوالدين
إحسانا إما يبلغن عندك الكبر أحدهما أو كلاهما فلا تقل لهما
أف ولا تنهرهما وقل لهما قولا كريما ٢٣ واخفض لهما جناح الذل من
الرحمة وقل رب ارحمهما كما ربياني صغيرا ٢٤ ربكم أعلم بما في نفوسكم
إن تكونوا صالحين فإنه كان للأوابين غفورا ٢٥ وآت ذا القربى حقه
والمسكين وابن السبيل ولا تبذر تبذيرا ٢٦ إن المبذرين كانوا إخوان
الشياطين وكان الشيطان لربه كفورا ٢٧ وإما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة
من ربك ترجوها فقل لهم قولا ميسورا ٢٨ ولا تجعل يدك مغلولة إلى
عنقك ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوما محسورا ٢٩ إن ربك
يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر إنه كان بعباده خبيرا بصيرا ٣٠ ولا تقتلوا
أولادكم خشية إملاق نحن نرزقهم وإياكم إن قتلهم كان خطئا كبيرا ٣١
ولا تقربوا الزنى إنه كان فاحشة وساء سبيلا ٣٢ ولا تقتلوا النفس
التي حرم الله إلا بالحق ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا
فلا يسرف في القتل إنه كان منصورا ٣٣ ولا تقربوا مال اليتيم إلا بالتي
هي أحسن حتى يبلغ أشده وأوفوا بالعهد إن العهد كان مسئولا ٣٤

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ
تَأْوِيلًا ٣٧ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ
أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولًا ٣٨ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ
الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ٣٩ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ
مَكْرُوهًا ٤٠ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا
آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ٤١ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ
مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ٤٢ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ
لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ٤٣ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ
إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ٤٤ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ
عُلُوًّا كَبِيرًا ٤٥ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ
إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ٤٦
وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا
مَسْتُورًا ٤٧ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ٤٨
وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ٤٩ نَحْنُ أَعْلَمُ
بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ

یعنی آدم و برداشتیم ایشانرا در بیابان و دریا یعنی سوار کردیم ایشانرا در خشکی بچهارپایان و در دریا بکشتی و روزی دادیم ایشانرا از طعامهای پاکیزه و تفضیل دادیم ما ایشانرا بر
بسیاری از آنچه خلق کردیم تفضیل دادنی یعنی ایشانرا بر بسیاری از مخلوقات خودمان تفضیل داده‌ایم ۷۳ روزیکه میخوانیم هر گروهی از مردم با پیشوای ایشان
پس هرکه داده شود کتاب او یعنی نامهٔ اعمال او بدست راستش پس آن گروه میخوانند نامهٔ اعمال خود را و ظلم کرده نمیشوند بقدر فتیله یعنی بقدر چیز بسیار کمی ۷۴
و هرکه باشد در این دنیا کور پس او در آخرت کور است و گمراه تر است از نابینا از حیثیت راه ۷۵ و بدرستیکه نزدیک شدند طایفهٔ ثقیف تا اینکه بفتنه بیندازند تورا
از آنچیزیکه وحی کردیم ما بسوی تو تا اینکه ببندی بر ما غیر آن وحی را هر آینه بگیرند تورا برای خودشان دوست یعنی اهل ثقیف خواستند پیغمبر را از طریق حق باز دارند
و دوست خود قرار بدهند و شریک در راه و طریقهٔ خود قرار بدهند ۷۶ و اگر ثابت نمیکردیم تورا بعد عصمت هر آینه بتحقیق نزدیک بودی که میل بکنی بسوی
ایشان چیز کمی یعنی میل کردن کمی ۷۷ آنهنگام هر آینه میچشانیدیم تورا دو مقابل عذاب در دنیا و دو مقابل در ممات یعنی در آخرت بعد از آن نمی یافتی
از برای خود بر ما یاری کننده که دفع عذاب از تو بکند ۷۸ و بدرستیکه نزدیک بودند اهل مکه که بلغزانند تورا در زمین مکه بسبب دشمنی تا اینکه بیرون
بکنند تورا از زمین مکه و در آن هنگام درنگ نمیکنند بعد از تو در زمین مگر کمی و آنچنان شد که بعد از هجرت باندک زمانی واقعه بدر دست داد و کفار
هلاک شدند ۷۹ سنت نهادیم سنت نهادنی برای کسانیکه بتحقیق فرستادیم ما پیش از تو از پیغمبران خودمان و نمی یابی از برای سنت ما تغییر
و تبدیل یعنی خارج نمودن تورا ای پیغمبر از مکه و هلاک کفار در بدر شبیه است که ما از برای همهٔ پیغمبران قرار داده بودیم که امتان ایشان دعوت بحق را
قبول نمینمودند و تکذیب میکردند و ما ایشانرا هلاک میکردیم ۸۰ برپای دار نماز را در وقت زوال آفتاب پس آن بطرف مغرب تا تاریکی شب
و برپای دار نماز صبح را بدرستیکه نماز صبح بوده است مشهود یعنی نماز صبح مشهود ملائکه است ۸۱ و بعضی از شب پس بیدار شو بنماز در آن
در حالتیکه آن نماز نافله است یعنی علاوه بر نماز واجب فریضهٔ زائده ایست از برای تو شاید اینکه برساند تورا پروردگار تو بمقام
ستوده ۸۲ و بگو ای محمد ای پروردگار من داخل کن مرا در قبر در آوردنی راست و پسندیده و بیرون بیاور مرا از قبر در روز حشر بیرون آوردن
پسندیده راست و قرار بده از برای من از جانب خودت سلطنتی که یاری کند مرا ۸۳ و بگو آمد حق یعنی دین اسلام و رفت باطل یعنی شرک کفار بدرستیکه باطل
است برطرف شده ۸۴ و فرو میفرستیم ما از قرآن چیزی را که شفا و رحمت است از برای مؤمنین و زیاد نمیکند آن قرآن ظلم کنندگان را مگر خسران و هلاکت

بجهت تکذیب پیغمبر صفحهٔ دویست و بیست و چهارم ۸۵ و چون انعام دهیم

بر انسان اعراض میکند از ما و دور گرداند خود را از خدای خود و اگر برسد او را شری میباشد بسیار مأیوس ۸۶ بگو هرکس عمل میکند بر شکل عقاید
خودش از خیر و شر پس پروردگار شما داناتر است بکسی که او راه یافته‌تر است براه صواب ۸۷ و سؤال میکنند تو را از روح بگو روح از امر
پروردگار من است و داده نشدید شما علم روح را مگر کمی ۸۸ و اگر بخواهیم ما هر آینه میبریم البته آنچیز را که وحی کردیم بسوی تو یعنی
اگر بخواهیم قرآن را از سینه‌ها و مصحفها محو نمائیم بعد از آن نیابی از برای خودت بسبب آن محو نمودن بر ما وکیلی ۸۹
مگر رحمتی از جانب پروردگار خودت بدرستی که فضل خدا هست بر تو بزرگ ۹۰ بگو ای محمد اگر جمع شوند تمام آدمیان
و جنیان بر اینکه بیاورند مثل این قرآن را نمیاورند مثل آن را و اگرچه باشند بعض ایشان از برای بعضی دیگر هم پشت و مددکار
۹۱ و هر آینه بتحقیق گردانیدیم ما از برای مردم در این قرآن از هر مثلی پس ابا و امتناع کردند بیشتر از مردم بجز دین
مگر اینکه ناسپاس شدند ۹۲ و گفتند قریش هرگز ایمان نمیاوریم از برای تو تا اینکه روان کنی از برای ما از زمین چشمهٔ
۹۳ یا باشد از برای تو باغی از درختان خرما و انگور پس روان کنی در میان آن باغها نهرها روان کردنی ۹۴ یا بیفکنی
آسمانرا همچنانکه گمان کردی یعنی وعده دادی بر ما پاره پاره یا بیاوری خدا و فرشتگانرا برابر یعنی رو برو بیاوری که مشاهده کنیم
۹۵ یا باشد از برای تو خانهٔ از طلا یا بالا بروی در آسمان و هرگز ایمان نمیاوریم از برای بالا رفتن تو بر آسمان تا اینکه فرو بیاوری بر ما کتابی که بخوانیم آنرا بگو ای پیغمبر منزه است
پروردگار من نیستم من مگر آدمی فرستاده شده ۹۶ و منع نکرد مردم را از اینکه بگروند چون آمد ایشانرا هدایت یعنی قرآن بتوسط محمد مگر اینکه گفتند آیا برانگیخته
است بشری را برسالت ۹۷ بگو ای پیغمبر اگر بودند در زمین ملائکه که راه میرفتند در حالتیکه مطمئن و آرام بودند هر آینه میفرستادیم بر ایشان
ملکی را برسالت یعنی اگر عوض این مردم ملائکه بودند برای پیغمبری آنها ملائکه نازل میکردیم همچنین که حالا بشرند بشری را
رسول قرار دادیم حاصل اینکه پیغمبر هر امتی باید از جنس خود ایشان باشد ۹۸ بگو ای محمد بس است خدا

درحالتی که شاهد است میانهٔ من و میانهٔ شما بدرستیکه خدا بوده است به بندگان خود دانا و بینا ۹۹ و هرکس را هدایت کند یعنی راه نماید خدا پس او راه یافته است و هرکس را که فروگذارد در گمراهی پس نمی‌یابی تو از برای ایشان دوستانی غیر از خدا و محشور میکنیم ایشانرا در روز قیامت بر رویهای خودشان درحالتی که نابینا و کران و گنگان جای ایشان جهنم است هروقت که خاموش آتش جهنم زیاد میکنیم بر ایشان آتش سوزان برافروخته ۱۰۰ این عذاب جزای ایشانست بسبب اینکه ایشان کافر شدند بآیات ما و گفتند آیا اگر باشیم استخوان و خاک شده آیا ما برانگیخته‌گان باشیم بخلقتی تازه ۱۰۱ آیا ندیدند اینکه خدای آنچنانی خلق کرد آسمانها و زمین را قادر است بر اینکه خلق کند مثل ایشان را و قرار بدهد از برای ایشان زمان مردنی که نیست شکی در آن پس ابا کردند ظلم کنندگان مگر ناسپاسی را ۱۰۲ بگو ای محمد اگر شما مالک بشوید خزائن رحمت پروردگار مرا در آنهنگام هرآینه امساک کنید و بخل ورزید از ترس بخشیدن که مبادا فقیر شوید و هست انسان بخیل ۱۰۳ و هرآینه دادیم ما موسی را نه معجزهٔ آشکار پس سؤال کن بنی اسرائیل را چون آمد موسی ایشانرا پس گفت از برای موسی فرعون بدرستیکه من هرآینه گمان میکنم تو را ای موسی سحر کرده شده گفت موسی هرآینه بتحقیق دانستهٔ که نفرستاده است ۱۰۴ این معجزات را مگر پروردگار آسمانها و زمین درحالتی که روشنند آن معجزات و بدرستیکه من هرآینه گمان میکنم تو را ای فرعون مشرف بهلاکت ۱۰۵ پس اراده کرد فرعون اینکه دور کند ایشانرا یعنی موسی و قوم او را از زمین مصر پس غرق کردیم ما فرعون را و هرکه با او بود تماما ۱۰۶ و گفتیم ما بعد از غرق شدن فرعون از برای بنی اسرائیل ساکن شوید در زمین پس اگر بیاید وعدهٔ روز قیامت بیاوریم شما را با ایشان مخلوط بهم و براستی فرستادیم ما قرآن را و بدرستی که فرود آمد و نفرستادیم ما تو را مگر مژده دهنده و ترساننده ۱۰۷ و قرآن را پراکنده و متفرق فرستادیم یعنی آیه آیه تا بخوانی بر مردم بملایمت و آرامی و فرود فرستادیم آنرا فرستادنی یعنی در مدت بیست سال ۱۰۸

بگو ای پیغمبر ایمان بیاورید بقرآن یا ایمان نیاورید بدرستیکه آنکسانیکه داده شده اند علم را پیش از نزول قرآن چون خوانده شود قرآن بر ایشان میافتند بر زنخهای خود درحالتی که سجده کنانند و میگویند پاکست پروردگار ما از خلف وعده بدرستیکه وعدهٔ پروردگار ما هرآینه کرده شده است یعنی واقع شد ۱۰۹ و میافتند بر زنخهای خود درحالتیکه گریه میکنند و زیاد میکند ایشانرا قرآن تواضع و فروتنی ۱۱۰ بگو ای محمد بخوانید خدا را ای مشرکان یا بخوانید رحمن را بهرکدام را که بخوانید پس از برای اوست اسمهای نیکو که هریک دلالت میکنند بر صفات جلال او و بلند مخوان نماز خودت را که از اندازه خارج بشود و نه بقدری آهسته بخوان که مفهوم نگردد و بجوی میانهٔ این بلند و آهسته راه حد وسط را ۱۱۱ و بگو ای پیغمبر حمد از برای خدای آنچنانی است که نگرفته است فرزندی و نمیباشد از برای او شریکی در ملک و نمی باشد از برای او دوستی که از مذلت حفظ کند او را و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

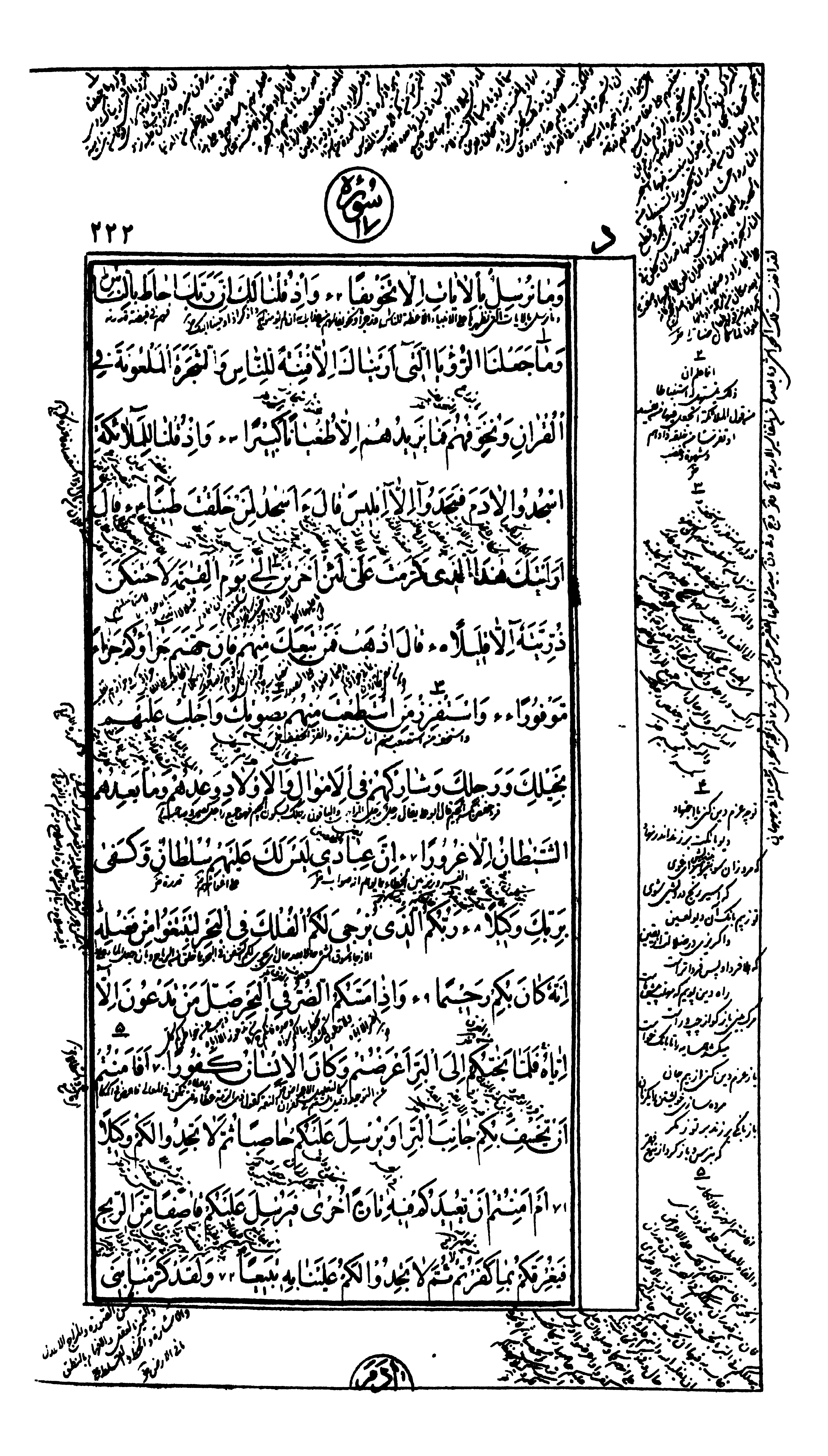
سورهٔ کهف مشتمل بر یکصد و ده آیه و در مکهٔ معظمه زادها الله شرفا نازل شده

بنام خدای بخشاینده مهربان

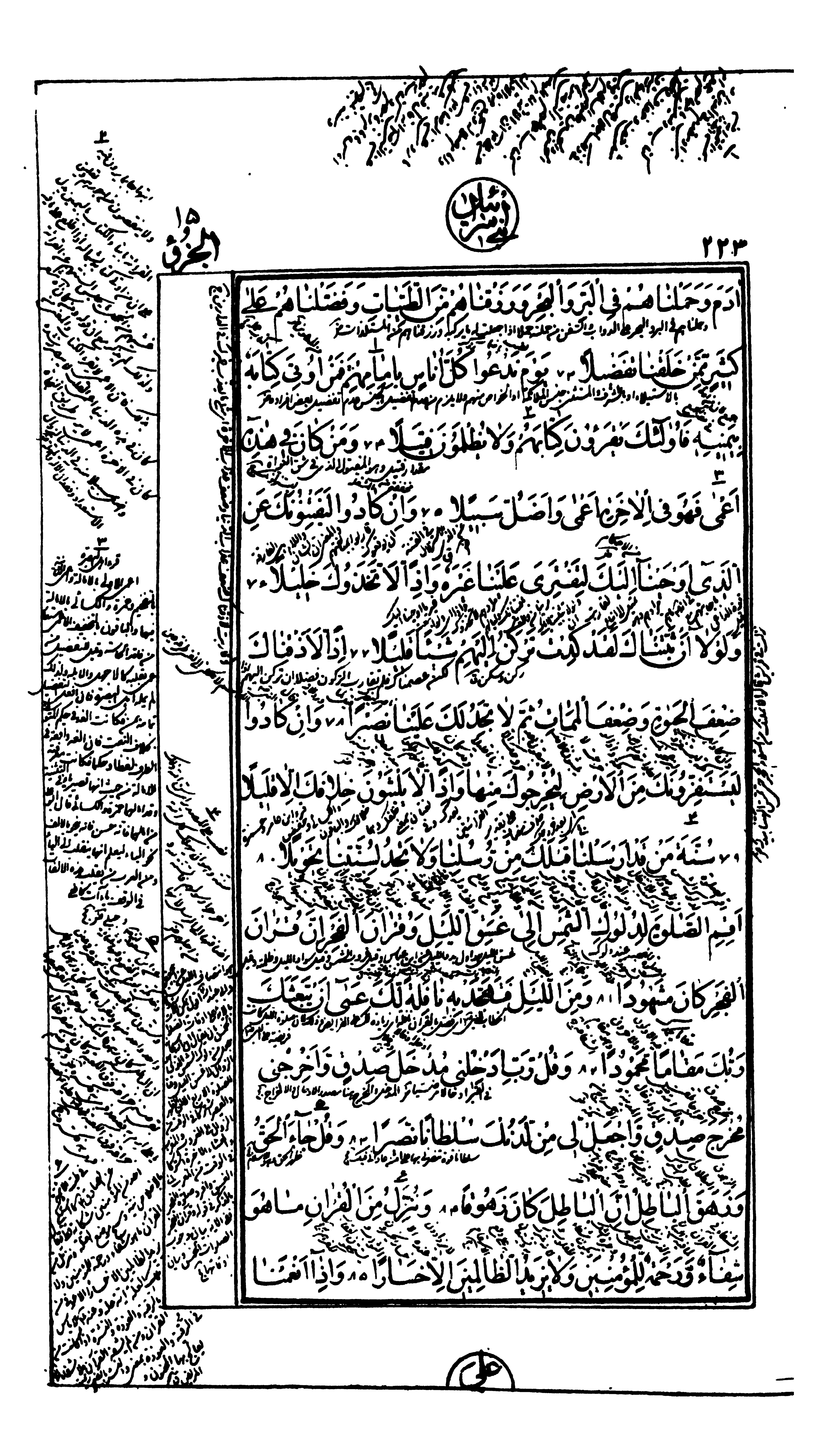
حمد از برای آنچنانی است که فرستاد بر بندهٔ خودش محمد قرآن را و نگردانید از برای او کجی ۲ و گردانید آنرا راست تا اینکه برساند عباد را بعذاب سخت از جانب خودش و مژده بدهد مؤمنین آنچنانی را که عمل نیک میکنند اینکه از برای ایشانست اجر نیکو درحالتی که مقیم باشند در آن همیشه ۳ و تا اینکه بترساند آنکسانی را که گفتند گرفته است خدا فرزندی یعنی یهود و نصاری و بنو اندلج ۴ نیست از برای ایشان باین گفتن هیچ علمی و نه از برای پدر ایشان بود علمی بزرگست کلمهٔ که بیرون میآید از دهنهای ایشان نمیگویند مگر دروغ بزرگی ۵ پس شاید تو هلاک کننده باشی خودت را بر نشانهای ایشان که باز میگردند از حق بباطل اگر ایمان نیاورند باین قرآن از حیثیت جزع و تاسف بحال ایشان ۶ بدرستی که گردانیدیم ما آنچه بر زمین است از معادن و نباتات و حیوانات زینتی از برای اهل آن تا اینکه بیازمائیم ایشان را که کدام یک از ایشان نیکوترند از حیثیت عمل و کردار ۷ و بدرستیکه ما هرآینه گردانندهٔ ایم چیزی را که بر آن زمین است زمین صاف بی گیاه یعنی تمام کوه و درخت و بنای زمین را محو و خراب خواهیم نمود ۸ یا گمان کردی ای پیغمبر اینکه اصحاب

نصف القرآن

تتبعون الا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلوا فلا
يستطيعون سبيلا ۝ وقالوا ءاذا كنا عظاما ورفاتا ءانا لمبعوثون
خلقا جديدا ۝ قل كونوا حجارة او حديدا ۝ او خلقا مما يكبر في صدوركم
فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطركم اول مرة فسينغضون اليك رءوسهم
ويقولون متى هو قل عسى ان يكون قريبا ۝ يوم يدعوكم فتستجيبون
بحمده وتظنون ان لبثتم الا قليلا ۝ وقل لعبادي يقولوا التي هي احسن
ان الشيطان ينزغ بينهم ان الشيطان كان للانسان عدوا مبينا ۝
ربكم اعلم بكم ان يشأ يرحمكم او ان يشأ يعذبكم وما ارسلناك عليهم
وكيلا ۝ وربك اعلم بمن في السموات والارض ولقد فضلنا بعض النبيين
على بعض وءاتينا داود زبورا ۝ قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا
يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا ۝ اولئك الذين يدعون يبتغون
الى ربهم الوسيلة ايهم اقرب ويرجون رحمته ويخافون عذابه ان عذاب
ربك كان محذورا ۝ وان من قرية الا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة او معذبوها
عذابا شديدا كان ذلك في الكتاب مسطورا ۝ وما منعنا ان نرسل
بالايات الا ان كذب بها الاولون وءاتينا ثمود الناقة مبصرة فظلموا بها



وما نرسل بالآيات إلا تخويفا ٥٩ وإذ قلنا لك إن ربك أحاط بالناس
وما جعلنا الرؤيا التي أريناك إلا فتنة للناس والشجرة الملعونة في
القرآن ونخوفهم فما يزيدهم إلا طغيانا كبيرا ٦٠ وإذ قلنا للملائكة
اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس قال أأسجد لمن خلقت طينا ٦١ قال
أرأيتك هذا الذي كرمت علي لئن أخرتن إلى يوم القيامة لأحتنكن
ذريته إلا قليلا ٦٢ قال اذهب فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم جزاء
موفورا ٦٣ واستفزز من استطعت منهم بصوتك وأجلب عليهم
بخيلك ورجلك وشاركهم في الأموال والأولاد وعدهم وما يعدهم
الشيطان إلا غرورا ٦٤ إن عبادي ليس لك عليهم سلطان وكفى
بربك وكيلا ٦٥ ربكم الذي يزجي لكم الفلك في البحر لتبتغوا من فضله
إنه كان بكم رحيما ٦٦ وإذا مسكم الضر في البحر ضل من تدعون إلا
إياه فلما نجاكم إلى البر أعرضتم وكان الإنسان كفورا ٦٧ أفأمنتم
أن يخسف بكم جانب البر أو يرسل عليكم حاصبا ثم لا تجدوا لكم وكيلا
٦٨ أم أمنتم أن يعيدكم فيه تارة أخرى فيرسل عليكم قاصفا من الريح
فيغرقكم بما كفرتم ثم لا تجدوا لكم علينا به تبيعا ٦٩ ولقد كرمنا بني



ادم وحملناهم في البر والبحر ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم على
كثير ممن خلقنا تفضيلا ٧٠ يوم ندعوا كل اناس بامامهم فمن اوتي كتابه
بيمينه فاولئك يقرءون كتابهم ولا يظلمون فتيلا ٧١ ومن كان في هذه
اعمى فهو في الاخرة اعمى واضل سبيلا ٧٢ وان كادوا ليفتنونك عن
الذي اوحينا اليك لتفتري علينا غيره واذا لاتخذوك خليلا ٧٣
ولولا ان ثبتناك لقد كدت تركن اليهم شيئا قليلا ٧٤ اذا لاذقناك
ضعف الحيوة وضعف الممات ثم لا تجد لك علينا نصيرا ٧٥ وان كادوا
ليستفزونك من الارض ليخرجوك منها واذا لا يلبثون خلافك الا قليلا
٧٦ سنة من قد ارسلنا قبلك من رسلنا ولا تجد لسنتنا تحويلا ٧٧
اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل وقران الفجر ان قران
الفجر كان مشهودا ٧٨ ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك
ربك مقاما محمودا ٧٩ وقل رب ادخلني مدخل صدق واخرجني
مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا ٨٠ وقل جاء الحق
وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا ٨١ وننزل من القران ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا ٨٢ واذا انعمنا



على الانسان اعرض ونا بجانبه واذا مسه الشر كان يؤسا ٨٣ قل
كل يعمل على شاكلته فربكم اعلم بمن هو اهدى سبيلا ٨٤ ويسئلونك
عن الروح قل الروح من امر ربي وما اوتيتم من العلم الا قليلا ٨٥ ولئن
شئنا لنذهبن بالذي اوحينا اليك ثم لا تجد لك به علينا وكيلا
الا رحمة من ربك ان فضله كان عليك كبيرا ٨٧ قل لئن اجتمعت الانس
والجن على ان ياتوا بمثل هذا القران لا ياتون بمثله ولو كان بعضهم
لبعض ظهيرا ٨٨ ولقد صرفنا للناس في هذا القران من كل مثل
فابى اكثر الناس الا كفورا ٨٩ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا
من الارض ينبوعا ٩٠ او تكون لك جنة من نخيل وعنب فتفجر
الانهار خلالها تفجيرا ٩١ او تسقط السماء كما زعمت علينا كسفا او تاتي
بالله والملائكة قبيلا ٩٢ او يكون لك بيت من زخرف او ترقى في السماء
ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتابا نقرؤه قل سبحان ربي
هل كنت الا بشرا رسولا ٩٣ وما منع الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم الهدى
الا ان قالوا ابعث الله بشرا رسولا ٩٤ قل لو كان في الارض ملائكة
يمشون مطمئنين لنزلنا عليهم من السماء ملكا رسولا ٩٥ قل كفى بالله

شهيدا بيني وبينكم إنه كان بعباده خبيرا بصيرا ٩٩ ومن يهد الله

فهو المهتد ومن يضلل فلن تجد لهم أولياء من دونه ونحشرهم يوم

القيامة على وجوههم عميا وبكما وصما مأواهم جهنم كلما خبت زدناهم

سعيرا ١٠٠ ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بآياتنا وقالوا أإذا كنا عظاما

ورفاتا أإنا لمبعوثون خلقا جديدا ١٠١ أولم يروا أن الله الذي خلق

السماوات والأرض قادر على أن يخلق مثلهم وجعل لهم أجلا لا ريب

فيه فأبى الظالمون إلا كفورا ١٠٢ قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربي

إذا لأمسكتم خشية الإنفاق وكان الإنسان قتورا ١٠٣ ولقد آتينا

موسى تسع آيات بينات فاسأل بني إسرائيل إذ جاءهم فقال له

فرعون إني لأظنك يا موسى مسحورا ١٠٤ قال لقد علمت ما أنزل

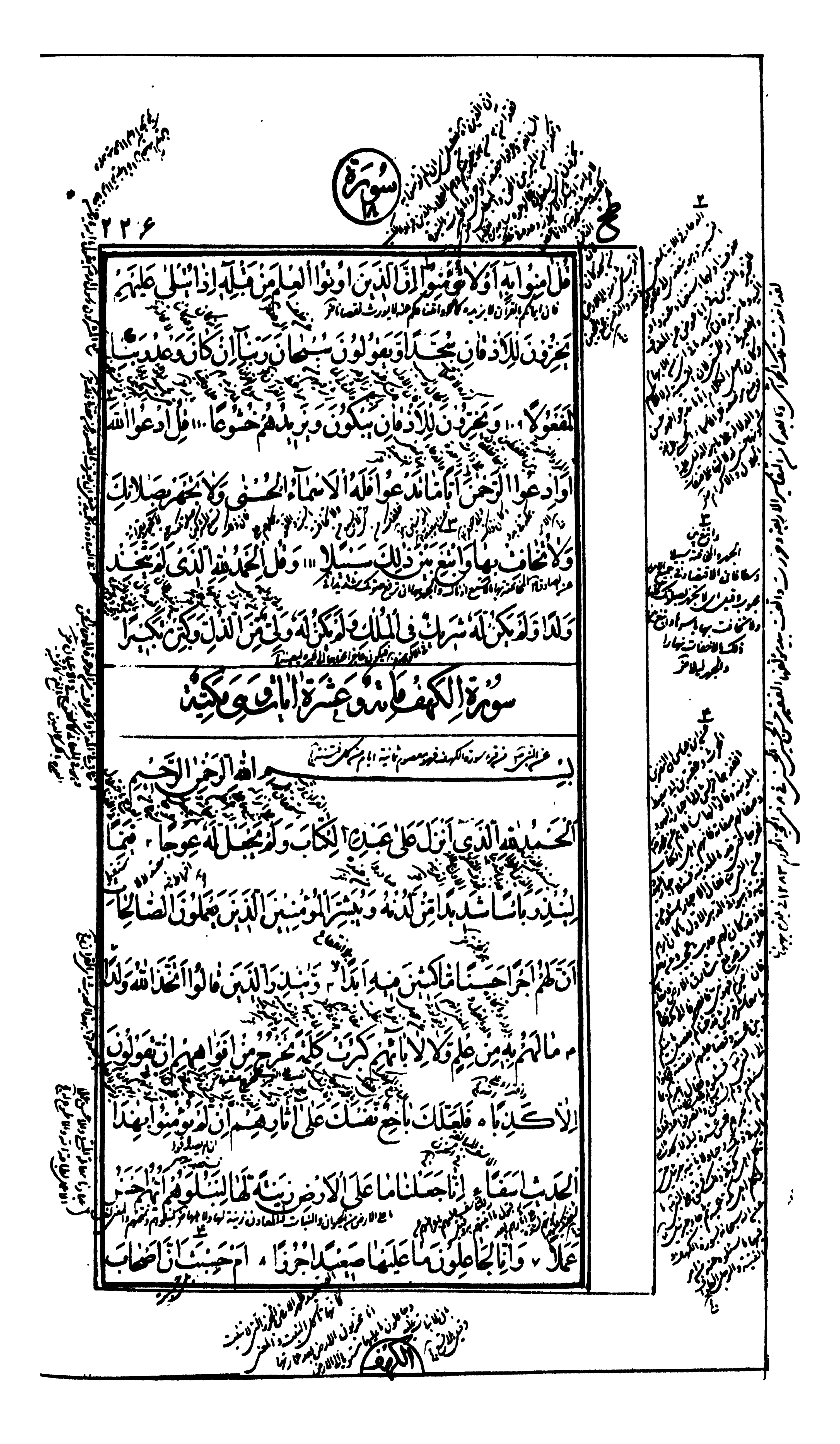
هؤلاء إلا رب السماوات والأرض بصائر وإني لأظنك يا فرعون

مثبورا ١٠٥ فأراد أن يستفزهم من الأرض فأغرقناه ومن معه جميعا

١٠٦ وقلنا من بعده لبني إسرائيل اسكنوا الأرض فإذا جاء وعد الآخرة

جئنا بكم لفيفا ١٠٧ وبالحق أنزلناه وبالحق نزل وما أرسلناك إلا مبشرا

ونذيرا ١٠٨ وقرآنا فرقناه لتقرأه على الناس على مكث ونزلناه تنزيلا ١٠٩



قل آمنوا به أو لا تؤمنوا إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم
يخرون للأذقان سجدا ويقولون سبحان ربنا إن كان وعد ربنا
لمفعولا ١٠٩ ويخرون للأذقان يبكون ويزيدهم خشوعا ١١٠ قل ادعوا الله
أو ادعوا الرحمن أيا ما تدعوا فله الأسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك
ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا ١١١ وقل الحمد لله الذي لم يتخذ
ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

سورة الكهف مائة وعشر آيات وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا ١ قيما
لينذر بأسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات
أن لهم أجرا حسنا ٢ ماكثين فيه أبدا ٣ وينذر الذين قالوا اتخذ الله ولدا
٤ ما لهم به من علم ولا لآبائهم كبرت كلمة تخرج من أفواههم إن يقولون
إلا كذبا ٥ فلعلك باخع نفسك على آثارهم إن لم يؤمنوا بهذا
الحديث أسفا ٦ إنا جعلنا ما على الأرض زينة لها لنبلوهم أيهم أحسن
عملا ٧ وإنا لجاعلون ما عليها صعيدا جرزا ٨ أم حسبت أن أصحاب



الكهف والرقيم كانوا من آياتنا عجبا ٩ إذ أوى الفتية إلى الكهف

فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمة وهيئ لنا من أمرنا رشدا ١٠ فضربنا

على آذانهم في الكهف سنين عددا ١١ ثم بعثناهم لنعلم أي الحزبين

أحصى لما لبثوا أمدا ١٢ نحن نقص عليك نبأهم بالحق إنهم فتية آمنوا

بربهم وزدناهم هدى ١٣ وربطنا على قلوبهم إذ قاموا فقالوا ربنا

رب السماوات والأرض لن ندعو من دونه إلها لقد قلنا إذا شططا

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه آلهة لولا يأتون عليهم بسلطان بين فمن

أظلم ممن افترى على الله كذبا ١٥ وإذ اعتزلتموهم وما يعبدون إلا الله

فأووا إلى الكهف ينشر لكم ربكم من رحمته ويهيئ لكم من أمركم مرفقا

وترى الشمس إذا طلعت تزاور عن كهفهم ذات اليمين وإذا غربت تقرضهم

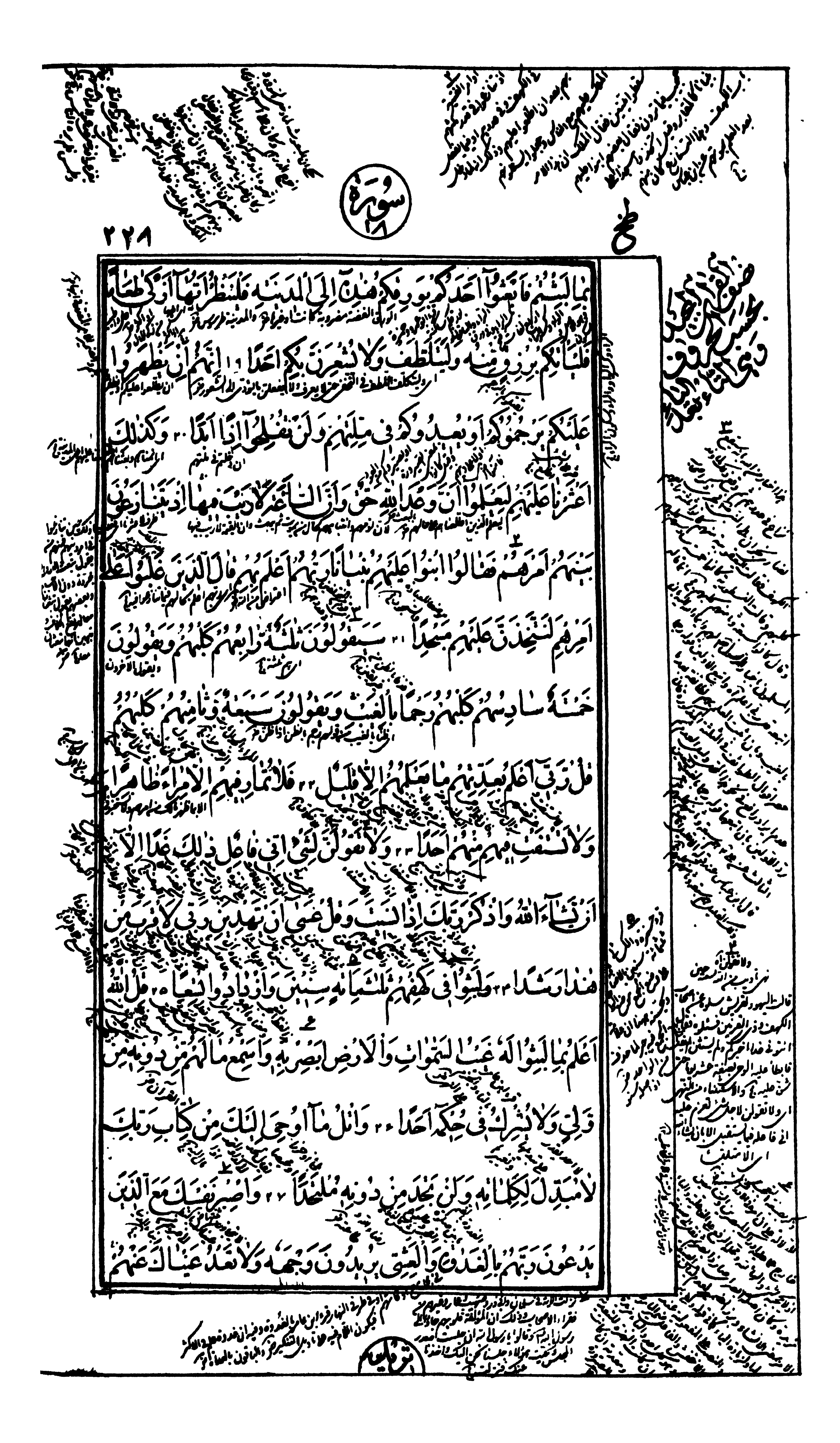
ذات الشمال وهم في فجوة منه ذلك من آيات الله من يهد الله فهو

المهتد ومن يضلل فلن تجد له وليا مرشدا ١٧ وتحسبهم أيقاظا وهم

رقود ونقلبهم ذات اليمين وذات الشمال وكلبهم باسط ذراعيه بالوصيد

لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارا ولملئت منهم رعبا ١٨ وكذلك بعثناهم

ليتساءلوا بينهم قال قائل منهم كم لبثتم قالوا لبثنا يوما أو بعض يوم قالوا ربكم أعلم



بما لبثتم فابعثوا أحدكم بورقكم هذه إلى المدينة فلينظر أيها أزكى طعاما
فليأتكم برزق منه وليتلطف ولا يشعرن بكم أحدا ١٩ إنهم إن يظهروا
عليكم يرجموكم أو يعيدوكم في ملتهم ولن تفلحوا إذا أبدا ٢٠ وكذلك
أعثرنا عليهم ليعلموا أن وعد الله حق وأن الساعة لا ريب فيها إذ يتنازعون
بينهم أمرهم فقالوا ابنوا عليهم بنيانا ربهم أعلم بهم قال الذين غلبوا على
أمرهم لنتخذن عليهم مسجدا ٢١ سيقولون ثلاثة رابعهم كلبهم ويقولون
خمسة سادسهم كلبهم رجما بالغيب ويقولون سبعة وثامنهم كلبهم
قل ربي أعلم بعدتهم ما يعلمهم إلا قليل ٢٢ فلا تمار فيهم إلا مراء ظاهرا
ولا تستفت فيهم منهم أحدا ٢٣ ولا تقولن لشيء إني فاعل ذلك غدا إلا
أن يشاء الله واذكر ربك إذا نسيت وقل عسى أن يهدين ربي لأقرب من
هذا رشدا ٢٤ ولبثوا في كهفهم ثلاث مائة سنين وازدادوا تسعا ٢٥ قل الله
أعلم بما لبثوا له غيب السماوات والأرض أبصر به وأسمع ما لهم من دونه من
ولي ولا يشرك في حكمه أحدا ٢٦ واتل ما أوحي إليك من كتاب ربك
لا مبدل لكلماته ولن تجد من دونه ملتحدا ٢٧ واصبر نفسك مع الذين
يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك عنهم

کهف و اصحاب رقیم بودند از دلیلهای قدرت ما عجب ۹ چون جای گرفتند جوانان بسوی غار جهت گریختن از دقیانوس پس گفتند ای پروردگار ما بیاور ما را از جانب خود رحمتی و مهیا کن برای ما از امر ما ثواب رستی ۱۰ پس زدیم بر گوشهای ایشان حجابی که نشنوند در غار چندین سال شمرده یعنی سیصد و نه سال ۱۱ بعد بر انگیختیم ایشان را یعنی بیدار کردیم تا اینکه بدانیم که کدام یک از دو گروه که اختلاف کردند در مدت خواب ایشان نگاه دارنده تراست مر اندازه مدت خواب ایشان را یعنی گروه مومنین و کافرین یا خود اصحاب کهف که در باب مدت خواب میانه خودشان اختلاف شد ۱۲ ما میخوانیم بر تو ای محمد خبر ایشان را براستی بدرستیکه ایشان جوانانی بودند که ایمان آوردند بپروردگار خودشان و زیاد کردیم با ایشان هدایت را یعنی ثبات و یقین ۱۳ و بستیم ما بر دلهای ایشان یعنی استوار ساختیم دلهای ایشان را وقتی که ایستادند نزد دقیانوس پادشاه و او ایشان را به بت پرستی دعوت کرد پس گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است هرگز نمیخوانیم سوای او خدائی را هر آینه بتحقیق گفته باشیم آنهنگام که دیگری را پرستیم سخن دور از حق ۱۴ این گروه که خویشان و اقوام ما هستند فرا گرفتند از سوای خدا خدایانی پس چرا نمیآورند بر ایشان یعنی کافران بر پرستش بتان حجتی ظاهر پس کیست ستمکارتر از آن کسی که بربست بر خدا دروغ را ۱۵ و چون یکسو شدید شما اصحاب کهف از کافران و آنچه میپرستیدند مگر خدا را پس گفت تملیخا که یکی از بزرگان بنی اسرائیل بود جای گیرید یعنی بازگشت کنید بسوی غار تا گستراند از برای شما پروردگار شما از رحمت خود و مهیا کند برای شما از کار شما که نفع گیرید یعنی منتفع شوید در دنیا و آخرت ۱۶ و میبینی تو ای بیننده چون طلوع کند آفتاب میل کند از غار ایشان بجهتی که خدا آن دست راست است و چون غروب کند ببرد نور خود را از ایشان و بگردد بسوی دست چپ غار و ایشان در فراخی و فضای از آن غارند که نسیم با ایشان بوزد و بوی بد ایشان را دور کند و آفتاب به ایشان نتابد که جسد ایشان متعفن نشود این جای دادن ایشان را در غار از آیات خداست هر که را راه نماید خدا پس اوست راه یافته شده و هر که را فرو گذارد در وادی حیرت یعنی در خذلان خسران نگذارد پس هرگز نیابی تو از برای او دوستی رهنماینده او را براه راست دلالت کند و بمقصود برساند مثل دقیانوس و اتباع او ۱۷ و پنداری ایشان را یعنی اصحاب کهف را بیداران و حال آنکه ایشان خفتگان بودند و برمیگردانیم ما ایشان را بدست راست و بدست چپ و سگ ایشان گسترده است دو دست خود را بآستانه در غار اگر اطلاع یابی بر ایشان یعنی ببینی ایشان را بگونه بود هیئت ایشان که موها دراز و چشمهای ایشان گشاده بود هر آینه رو بگردانی از ایشان بجهت گریختن و هر آینه پر کرده شوی از ایشان از ترس ۱۸ و همچنین بر انگیختیم ما ایشان را تا بپرسند حال خود شان را از یکدیگر گفت گوینده از ایشان یعنی مکسلمینا که بسی این همه بزرگتر بود چند وقت درنگ کردید در این غار گفتند درنگ کردیم یک روز یا پاره از روز چون صبح وارد شده بودند آفتاب بوقت چاشت رسیده بود گمان کردند که همین امروز

صبح داخل غار شده اند — — گفتند پروردگار شما داناتر

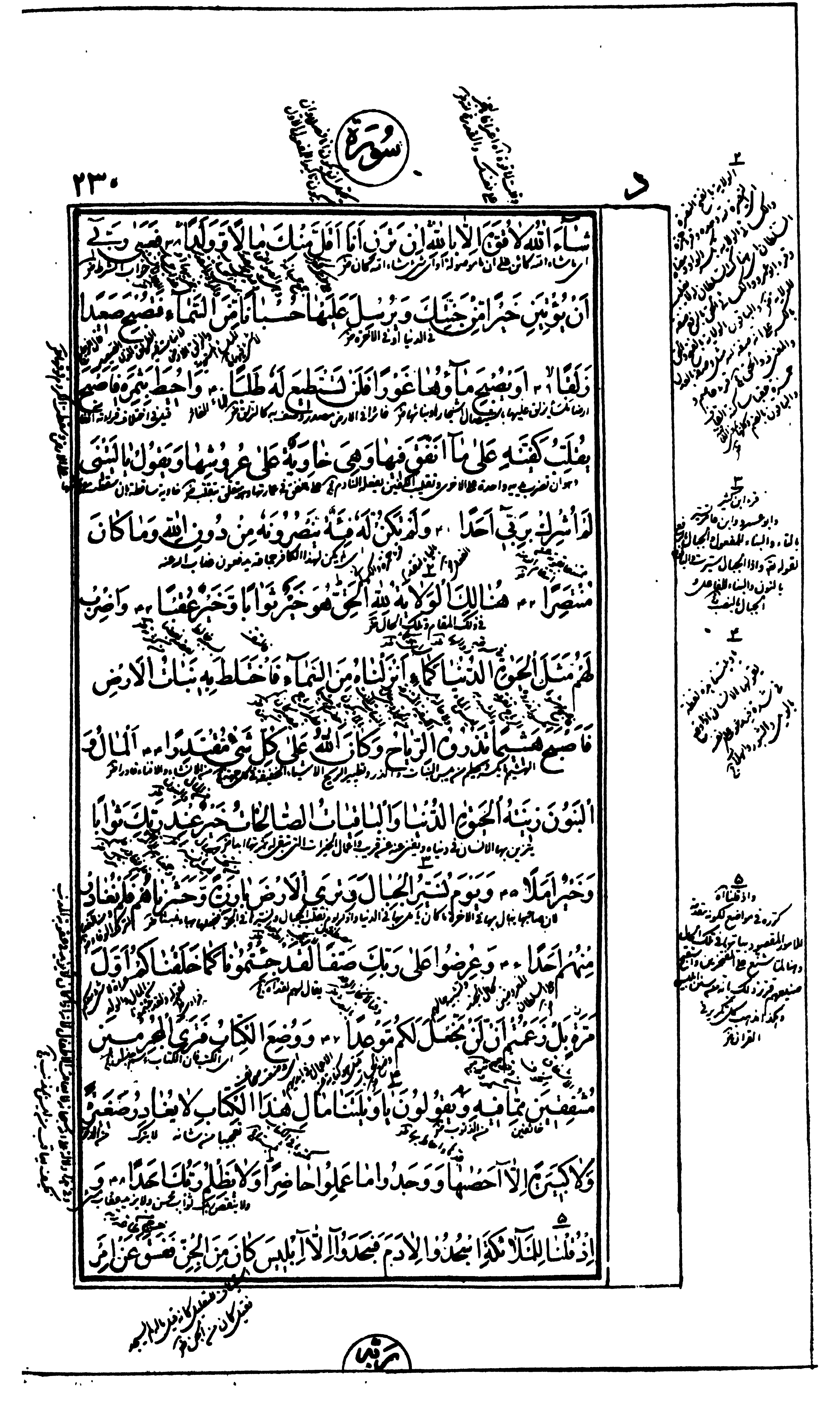
است بآنچه درنگ کردید شما پس بفرستید یکی از خود را بدین دینار با اینکه موجود هست بسوی شهر که اسم شهر افسوس بود پس باید بنگرد کدام یک از طعامها پاکیزه تر است پس بیاورد شما را خوردنی از آن طعام پاکیزه و باید که نرمی کند و خبردار نکند البته شما را هیچکس را ۱۹ بدرستیکه ایشان یعنی اهل شهر اگر قادر شوند بر شما سنگسار کنند شما را یا برگردانند شما را بر ملت و مذهب خود شان که بت پرستی است و هرگز نجات نیابید آنهنگام ۲۰ و همچنین مطلع ساختیم بر ایشان یعنی قوم شد روس را بر بیداری اصحاب کهف تا بدانند وعده خدا در حشر و روز قیامت راستست و بدانند شکی در قیامت نیست وقتیکه نزاع میکردند میانه خود شان قوم شد روس در امر اصحاب کهف یعنی میگفتند ایشان مرده اند و بعضی میگفتند خوابند پس گفتند بنا کنید بر ایشان بنیانی یعنی در غار را دیوار بکشید و مسدود کنید پروردگار ایشان داناتر است با ایشان گفتند آنکسانیکه غالب شدند بر امر ایشان یعنی آن جماعت که بر حشر اجساد و مردن ایشان قائل بودند هر آینه میگیریم بر ایشان مسجد را یعنی مسجدی بر روی غار اصحاب کهف بسازیم ۲۱ زود باشد که بگویند ترسایان اصحاب کهف سه نفر بودند چهارم ایشان سگشان بود و بگویند ترسایان پنج نفر بودند ششم آنها سگشان بود و انداختن بغیب یعنی گفتن مطلبی از روی بی اطلاعی و بگویند مسلمانان هفت نفر بودند و هشتم ایشان سگ ایشان بود بگو پروردگار من داناتر است بشماره ایشان نمیدانند شماره ایشان را مگر کمی از مردم که حضرت رسول و امیر المؤمنین بودند و مسلمین نفر بودند ۲۲ پس مجادله مکن در عدد ایشان مگر مجادله ظاهری پس مجادله مکن در حق اصحاب کهف احدی را از اهل توریت و انجیل ۲۳ و مگو تو هرگز مر چیزی را که بدرستیکه من کننده این هستم فردا مگر اینکه بخواهد خدا و ذکر کن پروردگار خود را وقتی فراموش کردی چیزی را و بگو شاید اینکه هدایت کند مرا پروردگار من بجهت نزدیکتر از این یعنی از قصه اصحاب کهف نیست شد ۲۴ و درنگ کردند در غار خود شان سیصد سال و زیاد کردند نه سال ۲۵ بگو خدا داناتر است بآنچه درنگ کردند از برای خداست علم بغیب آسمانها و زمین بینا تر است خدا بهر چیزی و شنوا تر است بآن نیست از برای اهل آسمانها و زمین از غیر خدا هیچ دوستی و شریک نمیکند خدا در حکم خود کسی احدی را ۲۶ و بخوان ای پیغمبر آنچه را که وحی کرده شده بسوی تو از قرآن پروردگار خود نیست تبدیل کننده مر کلمات او را و نخواهی یافت هرگز سوای خدا پناهی ۲۷ و باز دار نفس را و صبر کن با آنکسانیکه میخوانند پروردگار خود را بصبح و شام میخواهند رضای خدا را و باید درنگذرد چشمهای تو از ایشان یعنی باید محل نظر لطف تو باشند

میخواهی تو زینت حیات دنیا را و متابعت مکن کسی را که غافل کردیم دل او را از ذکر خود مان و متابعت کرد هوا و هوس خود را یعنی امید طلب
و اتباع او را و بود امر او پس افتادهٔ از دین حق و راه ثواب ۲۸ و بگو ای محمد حق از جانب پروردگار شما است یعنی بحکم خدا مصاحبت فقرا را
میکنم پس هر که بخواهد پس باید ایمان بیاورد و هر که بخواهد پس کافر شود بدرستیکه ما مهیا کردیم از برای ظالمین آتشی که احاطه کند سراپردهای آن آتش
با یشان یعنی آتش از اطراف و جوانب ایشان کمال احاطه را داشته باشد و اگر طلب فریاد رسی کنند از تشنگی فریاد رسیده میشوند بآبی چون مس گداخته
که بریان میکند یعنی میسوزاند رویها را بد آبی است و بد جایگاهی است ۲۹ بدرستیکه آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل نیک کردند بدرستیکه ما ضایع نمیکنیم اجر
کسیرا که عمل نیکوتر کرده است ۳۰ این گروه از برای ایشانست باغهائی با اقامت جاریست از زیر درختان و قصور آن نهرها آرایش داده شوند در
بهشت از دست بندها ئیکه از طلا است و میپوشند لباسهای سبز را از سندس و استبرق یعنی پارچهٔ نازک و کلفت که از ابریشم سبز بافته اند تکیه
کنندهٔ اند در آن بهشت بر تختها خوب ثوابی است و نیکو تکیه گاهی است ۳۱ و بزن از برای ایشان مثلی دو مرد که قرار دادیم از برای یکی از آن دو نفر
دو باغ از انگور و پوشیدیم اطراف آن دو باغرا بدرخت خرما و قرار دادیم میانهٔ دو باغ را کشت زاری ۳۲ و آن دو باغ داد میوهٔ خود را و ستم نکرد از میوهٔ
خود چیزی را یعنی همیشه میوهای خوب داد و هرگز بی میوه نماند ۳۳ و روان کردیم میان این دو باغ نهری و بود از برای آن کافر میوه و فایدها پس گفت
صاحب باغها از برای مصاحب خودش که او مجاور صاحب باغها بود من بیشترم از تو از حیثیت مال و عزیزترم از حیثیت اولاد و حشم ۳۴ و داخل شد
باغ خود را و حال اینکه ظلم کننده بود مر نفس خود را بعجب و مفاخرت گفت گمان نمیکنم اینکه زایل و فانی شود این نعمت که برای من حاصل است هرگز ۳۵ و
گمان نمیکنم قیامت را برپا شونده و هر آینه اگر برگشته شوم من بسوی پروردگار خودم هر آینه می یابم بهتر از ان نعمت بازگشتی ۳۶ گفت از برای او مصاحب او در حالتیکه
با او مجاوره و جدال میکرد آیا کافر شدی بآن کسی که خلق کرد ترا از خاک بعد از نطفه پس ساخت ترا مردی ۳۷ ولیکن من میگویم که آن خدا
پروردگار من است و شریک نمیکنم بپروردگار خودم احدی را ۳۸ و چرا وقتی که داخل شدی بباغ خودت نگفتی

صفحهٔ دویست و سی ام

ماشاء الله نیست قوتی برای احدی مگر بخدا یعنی اگر تو به بینی مرا که من کمترم از تو از حیثیت مال و اولاد ۳۹ پس شاید پروردگار من اینکه بدهد مرا باغی بهتر
باغ تو و فرو فرستد بر باغ تو صاعقه هائی از آسمان پس صبح کنی در حالتی که باغ تو زمین بی گیاهیست که محل باشد ۴۰ یا صبح بکند آب آن باغ در حالتی که فرو رونده
باشد پس نتوانی طلب و تحصیل آن آب بزمین رفته را نمائی ۴۱ و احاطه شد عذاب خدا بثمر آن باغ پس صبح کرد صاحب باغ در حالیکه دست بدست میزد بر چیزیکه
مخارج کرده بود در آن باغ بجهت عمارات و سایر مخارج آن در حالیکه عمارات آن باغ خراب شده بود و سقف آن فرو ریخته بود و میگفت ایکاش من شریک
نکرده بودم بپروردگار خودم احدی را ۴۲ و نبود از برای او طایفه و قبیله که یاری کنند او را برای خدا و نبود یاری دهٔ خود را ۴۳ در این هنگام دوستی از
برای خداست و حق است آنخدا بهتر است از جزا دادن کار خوب و جزا دادن کار بد ۴۴ و بزن از برای کفار مثل زندگانی دنیا را مثل آبیکه فرستادیم ما آن
آب را از آسمان پس مخلوط شد بان آب گیاه زمین پس صبح کرد آن نبات پاره پاره و خشک شده که پراکنده میگردانند آنرا بادها و هست خدا بر هر چیز توانا ۴۵ مال
و اولاد ذکور زینت زندگانی دنیا هستند و باقیات شایسته یعنی کارهای خوب از ساختن پل و مسجد و احداث نهرها و قنوات بهترند نزد پروردگار تو از حیثیت
ثواب و بهترند از حیثیت امید و آرزو ۴۶ و روزی که برانیم کوهها را یعنی از جای خود بر کنیم کوهها را و به بینی زمین را آشکار از زیر کوهها و محشور کنیم یعنی بیرون
بیاوریم ما از قبر مردم را پس فرو نگذاریم از ایشان احدی را یعنی تمام مردم را از قبر بیرون بیاوریم ۴۷ و عرض کرده شوند
بر پروردگار تو صف کشیده در آن وقت خدا با یشان فرماید هر آینه بتحقیق آمدید شما ما را تنها و برهنه همچنانکه
خلق کردیم ما شما را اول دفعه یعنی قبل از مردن بلکه گمان کردید شما اینکه قرار نمیدهیم از برای شما
موعدی ۴۸ و گذاشته می شود کتاب اعمال خلایق در دستهای ایشان پس می بینی گناهکاران
را ترسان از چیزی که در آن کتاب است و میگویند ای وای بر ما چه چیز است مر این کتاب را که فرو
نمیگذارد گناه کوچک و نه گناه بزرگی را مگر اینکه شمرده و ضبط کرده است کتاب آن را
و بیابند آنچه کرده اند حاضر در نزد خودشان و ظلم نمیکند پروردگار تو احدی را ۴۹ و چون گفتیم
ما از برای ملائکه سجده کنید بجهت آدم پس سجده کردند ملائکه مگر شیطان که بود از جن پس تمرد کرد از امر

تريد زينة الحيوة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هويه
وكان امره فرطا ٢٨ وقل الحق من ربكم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر
انا اعتدنا للظلمين نارا احاط بهم سرادقها وان يستغيثوا يغاثوا بماء
كالمهل يشوي الوجوه بئس الشراب وساءت مرتفقا ٢٩ ان الذين امنوا
وعملوا الصلحت انا لا نضيع اجر من احسن عملا ٣٠ اولئك لهم جنت
عدن تجري من تحتهم الانهر يحلون فيها من اساور من ذهب ويلبسون
ثيابا خضرا من سندس واستبرق متكئين فيها على الارائك نعم الثواب
وحسنت مرتفقا ٣١ واضرب لهم مثلا رجلين جعلنا لاحدهما جنتين من
اعناب وحففنهما بنخل وجعلنا بينهما زرعا كلتا الجنتين اتت اكلها ولم
تظلم منه شيئا ٣٢ وفجرنا خللهما نهرا وكان له ثمر فقال لصاحبه و
هو يحاوره انا اكثر منك مالا واعز نفرا ٣٣ ودخل جنته وهو ظالم
لنفسه قال ما اظن ان تبيد هذه ابدا ٣٤ وما اظن الساعة قائمة ولئن رددت
الى ربي لاجدن خيرا منها منقلبا ٣٥ قال له صاحبه وهو يحاوره
اكفرت بالذي خلقك من تراب ثم من نطفة ثم سوىك رجلا ٣٦ لكنا
هو الله ربي ولا اشرك بربي احدا ٣٧ ولولا اذ دخلت جنتك قلت ما



شاء الله لا قوة إلا بالله إن ترن أنا أقل منك مالا وولدا ۝ فعسى ربي
أن يؤتين خيرا من جنتك ويرسل عليها حسبانا من السماء فتصبح صعيدا
زلقا ۝ أو يصبح ماؤها غورا فلن تستطيع له طلبا ۝ وأحيط بثمره فأصبح
يقلب كفيه على ما أنفق فيها وهي خاوية على عروشها ويقول يا ليتني
لم أشرك بربي أحدا ۝ ولم تكن له فئة ينصرونه من دون الله وما كان
منتصرا ۝ هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا وخير عقبا ۝ واضرب
لهم مثل الحيوة الدنيا كماء أنزلناه من السماء فاختلط به نبات الأرض
فأصبح هشيما تذروه الرياح وكان الله على كل شيء مقتدرا ۝ المال و
البنون زينة الحيوة الدنيا والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا
وخير أملا ۝ ويوم نسير الجبال وترى الأرض بارزة وحشرناهم فلم نغادر
منهم أحدا ۝ وعرضوا على ربك صفا لقد جئتمونا كما خلقناكم أول
مرة بل زعمتم ألن نجعل لكم موعدا ۝ ووضع الكتاب فترى المجرمين
مشفقين مما فيه ويقولون يا ويلتنا مال هذا الكتاب لا يغادر صغيرة
ولا كبيرة إلا أحصاها ووجدوا ما عملوا حاضرا ولا يظلم ربك أحدا ۝ و
إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس كان من الجن ففسق عن أمر



وبه أفتتخذونه وذريته أولياء من دوني وهم لكم عدو بئس للظالمين
بدلا ٥٠ ما أشهدتهم خلق السموات والأرض ولا خلق أنفسهم وما كنت
متخذ المضلين عضدا ٥١ ويوم يقول نادوا شركائي الذين زعمتم فدعوهم
فلم يستجيبوا لهم وجعلنا بينهم موبقا ٥٢ ورأى المجرمون النار فظنوا أنهم
مواقعوها ولم يجدوا عنها مصرفا ٥٣ ولقد صرفنا في هذا القرآن للناس
من كل مثل وكان الإنسان أكثر شيء جدلا ٥٤ وما منع الناس أن
يؤمنوا إذ جاءهم الهدى ويستغفروا ربهم إلا أن تأتيهم سنة الأولين أو
يأتيهم العذاب قبلا ٥٥ وما نرسل المرسلين إلا مبشرين ومنذرين ويجادل
الذين كفروا بالباطل ليدحضوا به الحق واتخذوا آياتي وما أنذروا هزوا ٥٦ ومن
أظلم ممن ذكر بآيات ربه فأعرض عنها ونسي ما قدمت يداه إنا جعلنا على قلوبهم
أكنة أن يفقهوه وفي آذانهم وقرا ٥٧ وإن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا
إذا أبدا ٥٧ وربك الغفور ذو الرحمة لو يؤاخذهم بما كسبوا لعجل لهم العذاب
بل لهم موعد لن يجدوا من دونه موئلا ٥٨ وتلك القرى أهلكناهم لما
ظلموا وجعلنا لمهلكهم موعدا ٥٩ وإذ قال موسى لفتاه لا أبرح حتى أبلغ
مجمع البحرين أو أمضي حقبا ٦٠ فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما فاتخذ

سبيله



سبيله في البحر سربا ۝ فلما جاوزا قال لفتاه آتنا غداءنا لقد لقينا
من سفرنا هذا نصبا ۝ قال أرأيت إذ أوينا إلى الصخرة فإني نسيت الحوت
وما أنسانيه إلا الشيطان أن أذكره واتخذ سبيله في البحر عجبا ۝
قال ذلك ما كنا نبغ فارتدا على آثارهما قصصا ۝ فوجدا عبدا من عبادنا
آتيناه رحمة من عندنا وعلمناه من لدنا علما ۝ قال له موسى هل أتبعك
على أن تعلمن مما علمت رشدا ۝ قال إنك لن تستطيع معي صبرا ۝ وكيف
تصبر على ما لم تحط به خبرا ۝ قال ستجدني إن شاء الله صابرا ولا أعصي
لك أمرا ۝ قال فإن اتبعتني فلا تسألني عن شيء حتى أحدث لك منه
ذكرا ۝ فانطلقا حتى إذا ركبا في السفينة خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها
لقد جئت شيئا إمرا ۝ قال ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبرا ۝ قال لا
تؤاخذني بما نسيت ولا ترهقني من أمري عسرا ۝ فانطلقا حتى إذا لقيا
غلاما فقتله قال أقتلت نفسا زكية بغير نفس لقد جئت شيئا نكرا ۝ قال
ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبرا ۝ قال إن سألتك عن شيء بعدها
فلا تصاحبني قد بلغت من لدني عذرا ۝ فانطلقا حتى إذا أتيا أهل قرية
استطعما أهلها فأبوا أن يضيفوهما فوجدا فيها جدارا يريد أن ينقض فأقامه

پروردگار خودش آیا پس میگیرید شیطان را و اولاد او را که دوستانی غیر از من و حال اینکه ایشان از برای شما دشمنانند بد است از برای ظلم کنندگان بدل بود عبادت خدای واحد را بمتابعت شیطان ۴۹ حاضر نکردم شیطان و اولاد او را هنگام خلق کردن آسمانها و زمین تا با ایشان مشورت کنم و نه در خلق کردن نفسهای خودشان یعنی چیزیکه از خلق شدن خودش و غیر خودش آگاه نباشد چگونه میتوان آن چیز را شریک خدا قرار داد و نبوده ام من که گیرنده باشم گمراه کنندگان را معاضد و معین خود ۵۰ و روزیکه میگوید خدا بکفار که بخوانید شریکان مرا آنهائیکه گمان کرده اید شریک منند پس بخوانند کافران بتان و شیاطین را پس اجابت نکنند ایشان را و بفریاد ایشان نرسند و قرار دادیم میانهٔ ایشان یعنی مابین کفار و خدایان ایشان محل هلاکتی ۵۱ و به بینند گناهکاران آتش را از چهل سال راه پس گمان کنند ایشان در آیند کانند در آتش و نیابند از آن آتش برگشتن و گریزگاهی ۵۲ و هر آینه بتحقیق گردانیدیم و بیان کردیم از برای مردم از هر مثلی و هست انسان بیشتر از هر چیزی از حیثیت جدال و خصومت ۵۳ و منع نکرد مردم مکه را از ایمان آوردن وقتی که آمد ایشانرا راه نماینده براستی که پیغمبر با قرآ و استغفار کنند پروردگار خود را مگر اینکه بیاید ایشانرا سنت خدا در ملوک پیشینیان یا بیاید ایشانرا عذاب آخرت روبرو و معاینه ۵۴ و نمیفرستیم با پیغمبران مگر مژده دهندگان و ترسانندگان مرمخلوقرا و مجادله میکنند پیغمبران با کسانیکه کافر شدند براه باطل تا اینکه پامال کنند باین باطل حق را و بگیرند آیات مرا و آنچه ترسانده میشوند لغو و باطل ۵۵ و کیست ظالمتر از کسی که پند گرفته شود از آیات پروردگار خودش پس اعراض کند از آن آیات و فراموش کند اعمال سابقهٔ خود را بدرستیکه ما قرار دادیم بر دلهای ایشان پوشش ها تا اینکه نفهمند قرآنرا و نهاده ایم بر گوشهای ایشان سنگینی ۵۶ و اگر بخوانی تو ای پیغمبر ایشانرا برای هدایت پس هدایت نمیشوند در آن هنگام هیچ وقت ۵۷ و پروردگار تو بسیار آمرزنده و صاحب رحمت اگر مؤاخذه بکند کفار را بسبب چیزیکه کسب کردند از شرک بخدا و تکذیب پیغمبر هر آینه تعجیل میکند خدا از برای ایشان عذابرا بلکه از برای موعدیست که عذاب که نمی یابند از غیر خدا پناه و بازگشتی ۵۸ و این دهات هلاک کردیم اهل آنهارا چونکه ظلم کردند بخودشان بکفر و تکذیب و قرار دادیم از برای هلاکت ایشان وعدهٔ معین ۵۹ و هنگامیکه گفت موسی مر جوان خود را یعنی یوشع را زایل نشوم من یعنی همیشه در طلب خضر باشم تا اینکه برسم مجمع البحرین و آن جائیست که دریای روم و دریای فارس بهم میرسند یا میروم در زمان طولانی تا بخضر برسم ۶۰ پس چون رسیدند موسی و یوشع مجمعی که میان هر دو دریاست فراموش کردند خوردن ماهی خود را که همراه داشتند پس بسبب وضو ساختن یوشع از چشمهٔ حیات و ریختن آب وضو بماهی بریان شده گرفت آن ماهی

صفحهٔ دویست و سی و دویم

راه خود را در دریا مثل رفتن بسرداب یعنی سرازیر شد و بقعر دریا فرو رفت ۶۱ پس چون درگذشتند موسی و یوشع از مجمع البحرین گفت از برای یوشع بیاور چاشت مارا هر آینه دیدیم ما از این سفرمان رنج و زحمتی ۶۲ گفت یوشع آیا دیدی تو وقتیکه جای داشتیم در روی سنگ کنار دریا پس بدرستیکه من فراموش ماهی را و فراموش نکرد برمن ذکر ماهیرا مگر شیطان از اینکه بگویم ترا و یاد بیاورم ترا از حال ماهی و گرفت راه خود را آن ماهی در دریا بطور عجیبی ۶۳ گفت موسی اینقصهٔ ماهی چیزیست که بودیم ما میطلبیدیم ما آنرا پس برگشتند موسی و یوشع بامر خدا که وحی شده بود بایشان که ماهیرا با ایشان نماید بر آثار قدم خودشان بطور متابعت قدم خود ۶۴ پس یافتند بندهٔ از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزد خودمان یعنی نبوت و طول عمر و تعلیم کردیم ما او را از جانب خودمان علمی ۶۵ گفت از برای موسی آیا متابعت کنم من ترا بشرط اینکه بیاموزی مرا از آنچه آموخته شدهٔ از حیثیت رشد و نیکی ۶۶ گفت خضر موسی که تو هرگز نتوانی با من صبر و شکیبائی کنی چون تو پیغمبر ظاهری شاید از من عملی سر زند که در ظاهر منکر باید و تو وجه حکمت آن ندانی و بر آن صبر کردن نتوانی ۶۷ و چگونه صبر میکنی بر آنچه احاطه نکرده باشی بآنچیز از روی دانش ۶۸ گفت موسی زود باشد که بیابی مرا انشاء الله صبر کننده و نافرمانی نکنم ترا هیچ کاری ۶۹ گفت خضر پس اگر پیروی کنی مرا پس سؤال مکن مرا از چیزی تا احداث نمایم پس ابتدا نمایم از برای تو از آنچیز بیانی که تو دریابی موسی قبول کرد پس هر دو روانه شدند و یوشع از عقب ایشان میرفت و نظاره مینمود ۷۰ پس روانه شدند بساحل دریا تا اینکه سوار شدند در کشتی خضر سوراخ کرد کشتی را گفت موسی آیا سوراخ کردی کشتی را تا اینکه غرق کنی اهل کشتی را هر آینه بتحقیق آوردی تو چیزی را عجب و کاری شنیع ۷۱ گفت خضر آیا نگفتم بدرستیکه تو نتوانی با من صبر کنی ۷۲ گفت موسی مگیر مرا بآنچه فراموش کردم و تکلیف مرسان مرا از کار من سختی و دشواری یعنی سخت گیری مکن بر من که فراموش کردم قرار داد خودم را که ساکت باشم ۷۳ پس رفتند تا وقتی دیدند پسری را پس کشت خضر آن پسر را گفت موسی آیا کشتی نفسی را بغیر از نفسی یعنی نفس که پاکیزه از گناه یعنی آدم بیگناهیرا کشتی که او کسیرا نکشته و واجب القتل نبوده هر آینه بتحقیق آوردی چیزی ناپسندیده ۷۴ گفت خضر آیا نگفتم از برای تو بدرستیکه تو نمیتوانی با من صبر و شکیبائی ورزی ۷۵ گفت موسی اگر سؤال کنم ترا از چیزی بعد از این پس مصاحبت مکن با من بدرستیکه رسیدهٔ باشی از جانب من عذر را یعنی معذوری میخواهم ۷۶ پس رفتند تا وقتیکه آمدند اهل دهی را در انطاکیه چون بیرون رسیدند اهل ده دروازه را بسته بودند خواستند که بده در آیند کسی دروازه نگشود طلب طعام کردند از اهل ده پس ابا کردند از اینکه مهمان کنند موسی و خضر را ناچار بیرون دروازه ماندند خسته رو براه نهادند در بین راه دیدند دیواری را که میخواست بشکند و خراب شود در این حالت که خضر آن دیوار را یعنی با سنگ و گل بنیان آن دیوار را محکم کرد

کهف موسی اگر میخواستی هر آینه میگرفتی بر تعمیر آن دیوار مزدی ۷۷ گفت خضر اینست فراق میانهٔ من و تو زود باشد که آگاه کنم ترا بتاویل آنچه نتوانستی بر آن
چیز صبر و تحمل نمود ۷۸ امّا کشتی پس بود از برای فقرا اینکه کار میکردند در دریا پس قصد کردم که معیوب کنم آن کشتی را در حالتی که از پشت سر ایشان پادشاهی بود که میگرفت
هر کشتی را بغصب ۷۹ وامّا پسری را که کشتم پس بودند پدر و مادر هر دو مؤمن پس ترسیدم بالهام حقتعالی اینکه برساند این پسر پدر و مادر خود را بسرکشی و کفر ۸۰ پس
خواستم تا اینکه بدل دهد پدر و مادر را پروردگار شان بهتر از آن پسر از حیثیت پاکی و نزدیکتر از روی مهربانی گویند در عوض آن پسر خدا داد دختری بپدر و مادر او عطا فرمود
پیغمبری او را بخواست و هفتاد پیغمبر از نسل او پدید آمد ۸۱ وامّا دیوار پس بود از برای دو پسر یتیم که در شهر بودند و بود در زیر دیوار گنجی از برای آن دو پسر و بود پدر شان
نیکوکار پس خواست پروردگار تو اینکه برسند آندو پسر بر شد و قوت خود بیرون آورند گنج خود را بجهت رحمتی که از پروردگار تو در بارهٔ آن دو یتیمان بود از جانب
پروردگار تو و نکردم آنچه تو دیدی از پیش خود بلکه بفرمان حقتعالی کردم اینست تاویل آنچه نتوانستی بر آن صبر کردن را ۸۲ و سوآل میکنند کفار بامتحان ترا
ای پیغمبر از ذی القرنین یعنی اسکندر رومی که صاحب شرق و غرب بود باین سبب او را ذی القرنین میخواندند بگو زود باشد که بخوانیم بر شما از او چیزی و بیانی ۸۳
بدرستیکه ما قوت دادیم مر او را یعنی ذی القرنین را در زمین و دادیم او را از هر چیزی سببی یعنی اسباب هر کاری را که میخواست از تسخیر ملک و غیر آن با و دادیم و فتح و ظفر را باختیار او
آوردیم و چون قصد تسخیر ملک مغرب و جنگ با زنگیان نمود پس از پی در آوردیم او را اسباب تسخیر مغرب زمین را ۸۴ تا وقتیکه رسید بمکانی که جای غروب کردن آفتاب بود دریافت آفتاب را
که غروب میکند در چشمهٔ آب گرمی و یافت نزدیک آن چشمه بر ساحل دریا گروهی را که ناسک گویند و بت پرستند سبز چشم و سرخ موی تن آورند و لباس ایشان پوست حیوانات و خوراک شان
طیور است ۸۵ گفتیم ما ای ذی القرنین یا اینست که عذاب کنی اینقوم را اگر ایمان نیاورند و یا اینکه فرا میگیری در باب ایشان نیکوئی از ارشاد و تعلیمات شرعیه اگر بگروند ۸۶ گفت ذی القرنین
امّا کسی که ظلم کند بر نفس خود و بر کفر مصر باشد پس زود باشد که عذاب کنیم او را و این عذاب دنیا است پس باز گشته شود بسوی پروردگار خود پس در قیامت پس عذاب میکند خدا
او را عذاب بدی ۸۷ وامّا کسی که ایمان بیاورد از ایشان و عمل نیک کند پس او برای اوست جزای نیکو و زود باشد که بگوئیم مر او را از فرمان خود دادن کاری که آسان باشد ۸۸ پس دیگر از پی
در آمد اسکندر سببی و چیزی یعنی اگر راه مشرق توان گرفت و قوم ناسک را با خود برد ۸۹ تا اینکه رسید بمحل طلوع آفتاب یافت آفتاب را که طلوع میکند بر قومیکه نگردانیده بودیم برای ایشان از سوای آفتاب
لباسی که حاجب شود میانهٔ ایشان و آفتاب یعنی لخت و بی لباس زندگانی میشوند از صبح تا ظهر در سردابها میرفتند و بعد از زوال شمس بیرون آمده ماهی میگرفتند و در جلو خورشید کباب کرده میخوردند

و ایشان را از او قوم شکل — صفحهٔ دویست و سی و چهارم — میکنند ۹۰

همچنین که با قوم مغرب سلوک کردند با ایشان هم همانطور که ایشان را اسیر کرده همراه بردند تا رسیدند بقومیکه ایشان را تاویل خواندند و با ایشان هم بهمانطور سلوک کردند و بتحقیق احاطه
کردیم ما بآنچه نزدیک او بود از روی آگاهی یعنی جمیع لشکر و اسباب حرب او را میدیدیم و کثرت لشکر او بقدری بود که احاطه نکرده بود بآن مگر علم خدای خبیر ۹۱ پس از پی در آمد اسکندر را
سببی دیگر که قصد ما بین مشرق و مغرب نمود یعنی از جنوب تا شمال ۹۲ تا وقتیکه رسید با خر زمین که میانهٔ دو کوه بود که از پس آنها زمین یاجوج و ماجوج است یافت از نزدیک آندو کوه قومی را
بهیئت و اشکال عجیبه و غریبه نزدیک نبود بجهت غرابت لغت اینکه بفهمند لشکر اسکندر گفتار ایشان را ۹۳ گفتند مترجمین ایشان ای ذی القرنین بدرستیکه یاجوج و ماجوج مفسد اند در زمین و مار اسیار
آزار میکنند گیاه صحرای ما میخورند و چهارپایان ما را میبرند پس آیا بگردانیم ما از برای تو خرجی یعنی از مال خود دادن خرجی معین کنیم و بدهیم ۹۴ بشرطی که سدی میانهٔ ما و ایشان بسازی که نتوانند
ما را آزار کنند ۹۵ گفت اسکندر آنچه را که مکنت داده مرا در آن پروردگار من بهتر و بیشتر است از آنچه شما بخواهید مرا بمال امداد کنید پس اعانت کنید مرا با شخاص با قوت که بگردانم میانهٔ شما و میانهٔ یاجوج و ماجوج
بنای محکمی ۹۶ بیاورید مرا پارچه های بزرگ از آهن یعنی چون خواست اسکندر بنای سلختن سد بگذارد و بالای کوه رفت دید در پس کوه طایفه هستند که یکشبر یعنی یکوجب قد آنها است و دندان و چنگال
دارند موهای ایشان تن شانرا پوشیده است آواز شان مثل آواز کبوتر از کوه پائین آمد و گفت بیاورید پارچه های آهن و در عوض از من زر بستانید و گفت میان دو کوه را که چهار هزار قدم طول و در شصت
پنج ذرع عرض کندند تا بآب رسیدند از آنجا سنگ خاره گذاشتند و پارچه های آهن روی آنها نهادند تا وقتیکه مساوی شد میانهٔ هر دو جانب کوه گفت اسکندر بدمید تا وقتیکه بگردانند آن پارچه های آهن را
مانند آتش گفت اسکندر بیاورید تا بریزم بر آن آهنهای مثل آتش روی گداخته و بدینگونه دیوار صد و پنجاه ذرع ارتفاع ساختند تا مساوی شد با کوه ۹۷ پس نتوانستند یاجوج و ماجوج اینکه بالا بروند
بر آن سد و نتوانستند بر آن دیوار نقبی بزنند یعنی سوراخ کنند ۹۸ گفت اسکندر این ساختن رحمتی است از جانب پروردگار من پس چون آمد وعدهٔ پروردگار من بگرداند آن سد را خورد از هم ریخته و هست وعدهٔ
پروردگار راست درست ۹۹ و باز گذاریم بعضی از طایفهٔ یاجوج و ماجوج را در روز قیامت که از ازدحام و اضطراب کنند در بعضی دیگر و دمیده شود در صور پس جمع کنیم ما در آنروز همه خلایق را جمع کردنی ۱۰۰
و ظاهر گردانیم و نشان بدهیم جهنم را در آنروز از برای کافران ظاهر کردنی ۱۰۱ آن کسانیکه بود چشمهای ایشان در پرده از ذکر من یعنی چشم خود را بهم میگذاشتند که نبینند آیات مرا و هستند
کافران که نمیتوانستند شنیدن کلام مرا ۱۰۲ آیا پس پنداشتند آنانکه کافر شدند اینکه فرا میگیرند بندگان مرا از سوای من دوستانی بدرستیکه ما مهیا کرده ایم جهنم را از برای کافرین منزلگاه ۱۰۳
بگو ای محمد آیا خبر دهیم شما را بزیان بدترین مردمان از روی کردار ۱۰۴ آنکسانیکه معدوم شد و ضایع شد سعی و شتاب شان در زندگانی دنیا و می پندارند که کارهای خوب میکنند ۱۰۵ آنگروه کسانی
هستند که کافر شدند بآیات ما و برسیدن بجزای خود شان از خدا پس ضایع و نابود شد عملهای ایشان پس بپا نخواهیم کرد از برای ایشان در روز قیامت ترازوئی بسبب اینکه عملهای شان نابود شده چیزی ندارند که سنجیدن
لازم داشته باشد و ترازو بخواهد ۱۰۶ اینست که جزای ایشان جهنم است بسبب آنچه کافر شدند و گرفتند آیات و معجزات پیغمبران مرا

استهزاء ۱۰۷ بدرستیکه آنکسانیکه ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند هست برای ایشان بهشت ای فردوس که بالاترین بهشتها ست که بدست قدرت
محض ما ساخته هست منزلگاه ۱۰۸ همیشه در آن بهشتها خواهند بود بخواهند یعنی نخواهند از آن بهشت فردوس گردیدنی یعنی میل بطرفی و مکانی دیگر نکنند
۱۰۹ بگو ای محمد اگر باشد دریا مرکب از برای نوشتن کلمات حکمت آمیز پروردگار من هر آینه تمام شود پیش از اینکه تمام نوشته شده باشد کلمات پروردگار
من و اگر چه بیاوریم مثل آن دریا مددی ۱۱۰ بگو ای محمد جز این نیست که من بشری هستم مثل شما وحی میشود بسوی من جز این نیست که خدای
شما خدای یگانه است پس هر که باشد که بخواهد رسیدن به پروردگار خودش را پس باید عمل کند عمل نیکو و شریک قرار ندهد به پرستش پروردگار خودش احدی را

سورهٔ مریم نود و هشت آیه است و در مکهٔ معظمه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

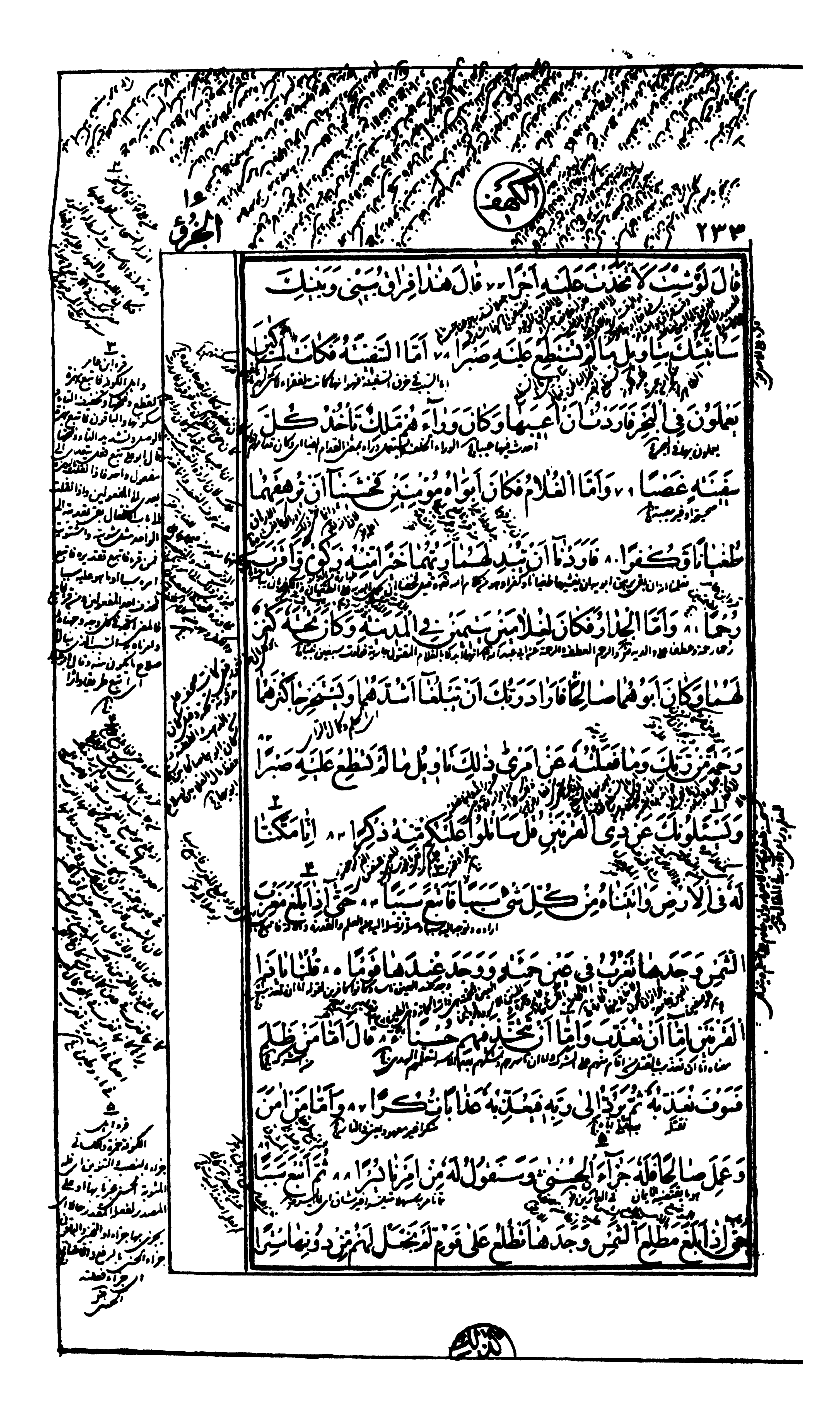
کهیعص این سورهٔ مبارکه ذکر کردن رحمت پروردگار تو است بندهٔ خود زکریا را ۲ چون خواند زکریا پروردگار خود را خواندن آهسته ۳ گفت
ای پروردگار من بدرستیکه من سست شد استخوان از من و برافروخته شد سر من از پیری یعنی موی سرم سفید شد و پیر شدم ۴ و نبودم من بخواندن
تو ای پروردگار من ناامید ۵ و بدرستیکه من میترسم از اولیائیکه بعد از من وارث من باشند که بدترین بنی اسرائیلند و مال مرا در غیر رضای تو خرج کنند
و هست زن من نازاینده پس ببخش از برای من از جانب خودت فرزندی ۶ که میراث گیرد مرا و میراث گیرد از آل یعقوب و بگردان او را ای پروردگار من
پسندیده و شایسته ۷ ای زکریا بدرستیکه ما مژده میدهیم ترا به پسری که اسم او یحیی است ۸ نگردانیدیم از برای او از پیش هم اسمی ۹ گفت زکریا ای پروردگار
از کجا و چگونه باشد از برای من پسری و حال اینکه هست زن من نازاینده و بتحقیق رسیدم از کبر سن بضعف پیری ۱۰ گفت جبرئیل همچنین فرمود خدا
پروردگار تو آن دادن فرزند تو را بر من آسانست و بتحقیق خلق کردم ترا از پیش و حال اینکه نبودی تو چیزی ۱۱ گفت زکریا ای پروردگار من بگردان
از برای من نشانی گفت خدا نشانهٔ تو آنست سخن نگوئی مردم را سه شب تمام بی دردی ۱۲ پس بیرون آمد زکریا بر قوم خودش از

محراب پس اشارت کرد بسوی قوم خود اینکه تسبیح کنید خدا را صبح و شام ۱۳ ای یحیی بگیر کتاب تورات را بجد و اهتمام و دادیم او را حکم در حال کودکی
۱۴ و دادیم او را رحمت و عطوفتی از جانب خودمان و دیگر دادیم او را طهارت و هست پرهیزکار و نیکوکار به پدر و مادر خود و نبود سرکش و نافرمان
۱۵ و سلام بر او روزیکه متولد شده و روزی که میمیرد و روزی که برانگیخته میشود زنده مراد از سلام نزول رحمت و تحیت خداوندیست
بدرود دنیا و آخرت ۱۶ و یاد کن ای محمد در قرآن مریم را وقتی که بگوشه رفت و منفرد شد از اهل خودش یعنی از خالهٔ خودش در مکان شرقی را
یعنی بطرف آفتاب آمدن از بیت المقدس بود ۱۷ پس گرفت از پیش ایشان پرده یعنی پرده میان خود و کسانش قرار داد که مانع دیدن ایشان شود پس
فرستادیم بسوی مریم روح خود را پس ممثل شد و مصور گشت آن روح ما برای مریم بشری تمام خلقت و خود را بمریم نمود ۱۸ گفت مریم
بدرستی که من پناه میبرم بخدای بخشاینده از تو اگر هستی پرهیزکار ۱۹ گفت آن روح یعنی جبرئیل که بصورت بشر مینمود
جز این نیست که من فرستادهٔ پروردگار توام تا اینکه ببخشم از برای تو پسری پاکیزه ۲۰ گفت مریم از کجا باشد
از برای من پسری و حال اینکه نرسیده است بمن آدمی و نبودم من بدکار ۲۱ گفت جبرئیل چنین است که گفتی کسی ترا
ندیده اما گفت پروردگار تو آن کار یعنی دادن ولد بدون پدر بر من آسانست تا اینکه گردانیم ما آن را علامتی از برای
مردم و رحمتی از جانب خود و هست آفریدن عیسی بی پدر کاری حکم کرده شده ۲۲ پس آبستن شد مریم بعیسی پس بگوشه رفت
بسبب آن حمل بمکانی که دور بود از شهر ایلیا ۲۳ پس آورد او را درد زائیدن بسوی درخت خرما گفت مریم ای کاش من میمردم پیش از این
یا بودم حقیر فراموش شده که هیچکس نام مرا نبردی ۲۴ پس خواند و آواز داد مریم را جبرئیل از زیر پای او اینکه غمگین مباش بتحقیق گردانید پروردگار تو
زیر قدم تو جوی آب ۲۵ و بجنبان و میل ده بسوی خودت ای مریم تنهٔ درخت خرما را که فرو ریزد بر تو خرمای تر و تازه ۲۶ پس
بخور از خرما و بیاشام در وشن ساز چشم را پس اشت اگر ببینی از آدمیان کسی را ۲۷ پس بگو ای مریم بدرستیکه من نذر
کردم از برای خدای بخشاینده روزه پس سخن نگویم امروز آدمی را ۲۸ پس آورد مریم عیسی را بقوم خود که بر داشته بود
و در بغل گرفته بود او را گفتند ای مریم هر آینه بتحقیق تو آوردی چیزی عجیب ۲۹ ای خواهر هرون نبود پدرت مرد بدی و نبود مادرت زناکار

پس اشاره کرد مریم بسوی عیسی گفتند چگونه تکلم کنیم با کسی که در گهواره کوچک است ۳۱ گفت عیسی بدرستیکه من بندهٔ خدایم داده است خدا مرا کتاب و گردانید مرا پیغمبر ۳۲ و گردانید مرا خدا با برکت هر کجا باشم و فرمود مرا خدا بنماز کردن و دادن زکوة مادام که باشم زنده ۳۳ و گردانید مرا نیکوکار بپدر و مادر خودم و نگردانید مرا گردنکش بدبخت ۳۴ و سلام خدا بر منست روزی که بزادم و روزی که بمیرم و روزیکه مبعوث شوم و برانگیخته شوم زنده یعنی بعد از مردن زنده شوم ۳۵ این عیسی پسر مریم است گفتار درستست که در آن سخن حق شک دارند مردم بعضی گویند یوسف نجار است و ساحر است و بعضی گویند پسر خداست ۳۶ نیست از برای خدا اینکه بگیرد هیچ ولدی منزه است خدا چون حکم کند بکاری یعنی اراده آفریدن چیزی بکند پس جز این نیست که گوید از برای آنچیز باش پس یافت شود و موجود گردد ۳۷ و بدرستیکه خدا پروردگار من و پروردگار شما است پس عبادت کنید او را این است راه راست ۳۸ پس اختلاف کردند یهود و نصاری در باب عیسی در میان خودشان که بعضی او را بی پدر دانستند و بعضی پسر خدا شمردند و بعضی گفتند خداست و پارهٔ گفتند پیغمبر است پس وای از برای آنکسانیکه کفر ورزیدند یعنی کافر شدند بپروردگار خود از حاضر شدن در روز بزرگ یعنی روز قیامت ۳۹ چه شنوا باشند و چه بینا روزی که بیایند ما را روز قیامت و لیکن ظالمان امروز در دنیا در گمراهی آشکارند یعنی کفار در دنیا در کفر و بی نصرتی هستند در روز قیامت خواهند دید و خواهند فهمید و برأی العین مشاهده خواهند نمود اما نفع نرساند آن دیدن و فهمیدن ایشان را ۴۰ و بترسان ایشان را یعنی کفار مکه را ای محمد در روز ندامت وقتیکه ساخته شود کار یعنی بحساب همهٔ مردم رسیدگی کنند و ایشان یعنی کفار در غفلتند از احوال آخرت و ایشان ایمان نمیآورند ۴۱ بدرستیکه ما میراث میبریم زمین را و هر که در روی زمین است یعنی همه را فانی کنیم و بسوی ما برگشته میشوند ۴۲ و یاد کن در قران ابراهیم را بدرستیکه او بود پیغمبر راستگو ۴۳ چون گفت ابراهیم مر پدر خود مراد عم او بود که آذر است ای پدر من چرا می پرستی چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و نه بی نیاز میکند از تو چیزی را ۴۴ ای پدر من بدرستیکه من بتحقیق آمد مرا از علم آنچه را که نیامد تو را پس متابعت من کن تا بنمایم ترا راه راست ۴۵ ای پدر من عبادت مکن شیطان را بدرستیکه شیطان هست از برای خدای بخشاینده نافرمان ۴۶ ای پدر من بدرستیکه میترسم من اینکه برسد تو را عذابی از جانب خدای بخشاینده پس باشی از برای شیطان قرین و مثل او ۴۷ گفت پدر ابراهیم آیا رد کرده شده تو از خدایان من ای

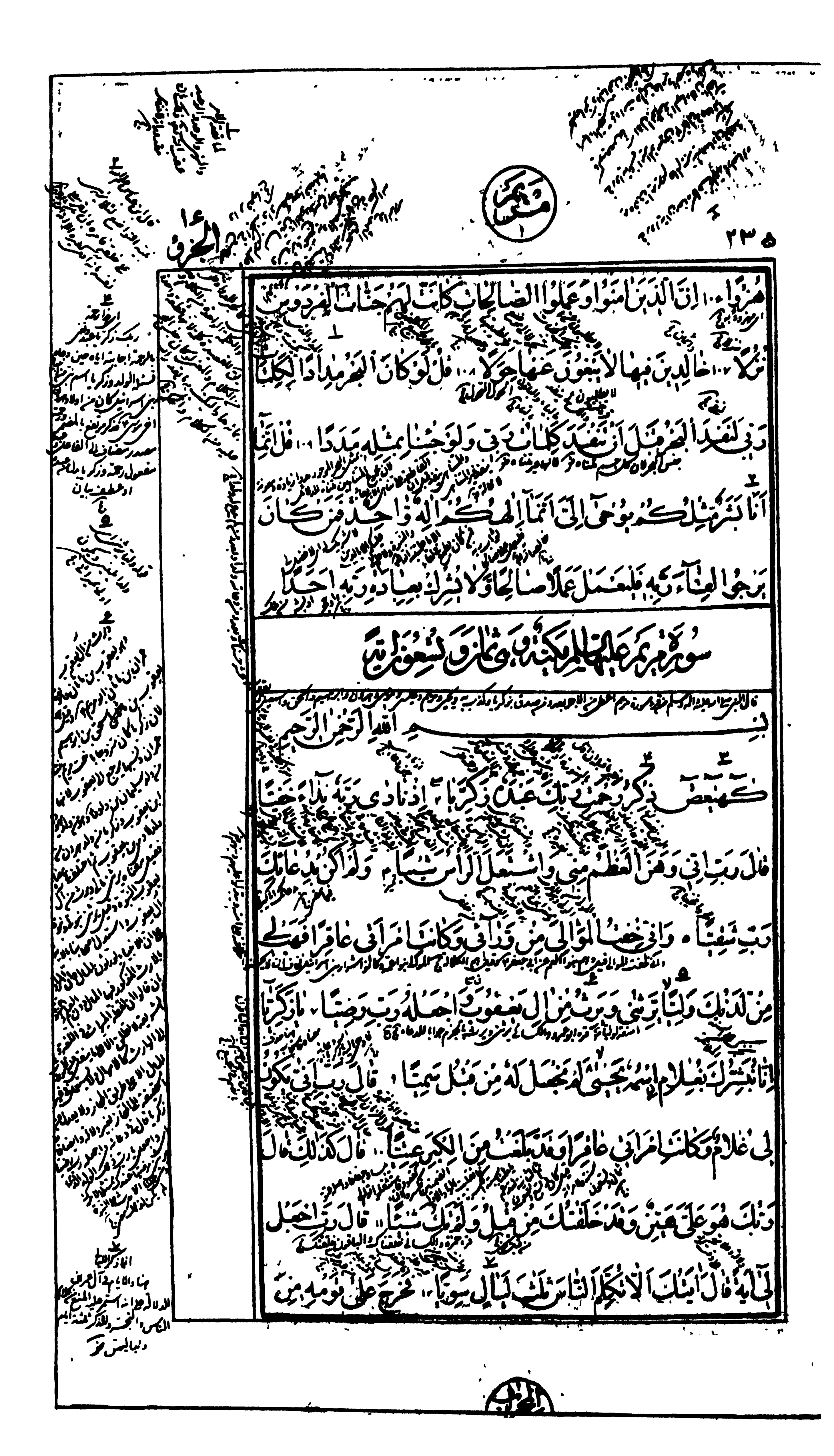
صفحهٔ دویست و سی و هشتم

ابراهیم هر آینه اگر باز نایستی و انکار خدایان مرا موقوف نداری هر آینه سنگسار کنم تو را و دور شو از من زمانی دور و دراز ۴۸ گفت ابراهیم سلام بر تو زود باشد که طلب آمرزش کنم برای تو از پروردگار خودم بدرستیکه او هست بمن مهربان ۴۹ و کناره میگیرم از شما و از آنچه میخوانید از غیر خدا یعنی بتان و میخوانم پروردگار خود را شاید اینکه نباشم بخواندن پروردگارم ناامید ۵۰ پس چون کناره گرفت ابراهیم از ایشان و از آنچه می پرستند از سوای خدا بخشیدیم ما از برای او اسحق را و یعقوب را و همه را گردانیدیم پیغمبر ۵۱ و بخشیدیم ما از برای ایشان از رحمت خودمان یعنی نبوت و اولاد و اموال با ایشان کرامت کردیم و گردانیدیم یعنی دادیم ایشان را زبان راست در حالتی که بلند بود آن لسان صدق در میان مردمان ۵۲ و یاد کن در قران موسی را بدرستیکه او بود پاک کرده شده یعنی موحد بود و بود فرستاده شده از نزد پروردگار خبر دهنده خلق از جانب خدا ۵۳ و خواندیم موسی را از جانب کوه طور که در طرف دست راست موسی بود و نزدیک گردانیدیم او را در حالتی که راز گوینده بود ۵۴ و بخشیدیم ما او را از رحمت خودمان برادر موسی هرون را در حالتی که پیغمبر بود ۵۵ و یاد کن ای محمد در قران اسمعیل را بدرستیکه او بود راستگو و درست وعده و بود فرستاده از جانب ما و نبی بود ۵۶ و بود اسمعیل که امر میکرد کسان خود را بنماز کردن و زکوة دادن و بود نزد پروردگار خود پسندیده ۵۷ و ذکر کن در قرآن ادریس را بدرستیکه او بود راستگو و خبر دهندهٔ از جانب حقتعالی بمردم ۵۸ و بلند کردیم ما ادریس را بجایگاه بلند ۵۹ این گروه انبیا هستند کسانیکه نعمت داد خدا بر ایشان از پیغمبران از اولاد آدم و از کسانی که برداشتیم ما با نوح و از اولاد ابراهیم و اسرائیل و از آنها که راه نمودیم و برگزیدیم ما چون خوانده شود بر ایشان آیات خدای بخشاینده در افتند بر و سجده کننده و گریه کننده ۶۰ پس در رسید از بعد ایشان فرزندانی که فرو گذاشتند یعنی ترک کردند نماز را و پیروی کردند شهوتها را پس زود باشد که برسند بجزای گمراهی خود ۶۱ مگر کسیکه توبه کند و ایمان بیاورد و عمل نیک کند پس آن گروه داخل می شوند بهشت را و ظلم کرده نمی شوند چیزی را ۶۲ بهشتهای با اقامت آنچنانیکه وعده کرد خدای بخشاینده بندگان خود را در حالتیکه آن بهشتها غایب از نظر



قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ٧٧ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ
سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ٧٨ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ
يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ
سَفِينَةٍ غَصْبًا ٧٩ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا
طُغْيَانًا وَكُفْرًا ٨٠ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ
رُحْمًا ٨١ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ
لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا
رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ٨٢
وَيَسْأَلُونَكَ عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ٨٣ إِنَّا مَكَّنَّا
لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ٨٤ فَأَتْبَعَ سَبَبًا ٨٥ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ
الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا ٨٦ قُلْنَا يَا ذَا
الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ٨٧ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ
فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا ٨٨ وَأَمَّا مَنْ آمَنَ
وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ٨٩ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ٩٠
حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا

كذلك وقد أحطنا بما لديه خبرا ٩١ ثم أتبع سببا ٩٢ حتى إذا بلغ بين
السدين وجد من دونهما قوما لا يكادون يفقهون قولا ٩٣ قالوا يا ذا
القرنين إن يأجوج ومأجوج مفسدون في الأرض فهل نجعل لك خرجا
على أن تجعل بيننا وبينهم سدا ٩٤ قال ما مكني فيه ربي خير فأعينوني
بقوة أجعل بينكم وبينهم ردما ٩٥ آتوني زبر الحديد حتى إذا ساوى بين
الصدفين قال انفخوا حتى إذا جعله نارا قال آتوني أفرغ عليه قطرا ٩٦
فما اسطاعوا أن يظهروه وما استطاعوا له نقبا ٩٧ قال هذا رحمة من
ربي فإذا جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي حقا ٩٨ وتركنا
بعضهم يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا ٩٩ وعرضنا
جهنم يومئذ للكافرين عرضا ١٠٠ الذين كانت أعينهم في غطاء عن ذكري
وكانوا لا يستطيعون سمعا ١٠١ أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي
من دوني أولياء إنا أعتدنا جهنم للكافرين نزلا ١٠٢ قل هل ننبئكم بالأخسرين
أعمالا ١٠٣ الذين ضل سعيهم في الحياة الدنيا وهم يحسبون أنهم يحسنون
صنعا ١٠٤ أولئك الذين كفروا بآيات ربهم ولقائه فحبطت أعمالهم فلا نقيم
لهم يوم القيامة وزنا ١٠٥ ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا واتخذوا آياتي ورسلي

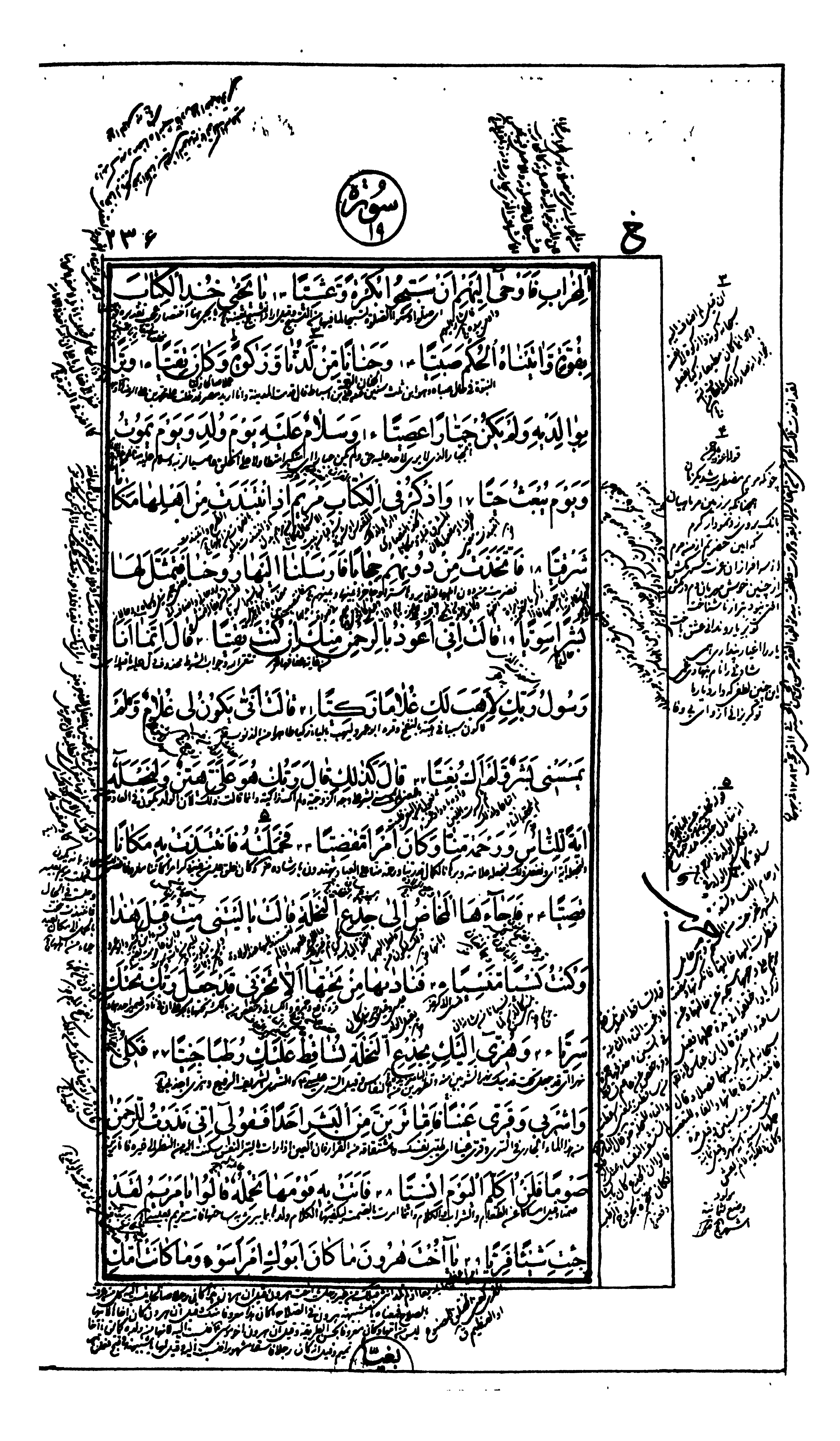


هزوا ۝ إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس
نزلا ۝ خالدين فيها لا يبغون عنها حولا ۝ قل لو كان البحر مدادا لكلمات
ربي لنفد البحر قبل أن تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا ۝ قل إنما
أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فمن كان
يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه أحدا

سورة مريم عليها السلام مكية وثمان وتسعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

كهيعص ۝ ذكر رحمت ربك عبده زكريا ۝ إذ نادى ربه نداء خفيا
قال رب إني وهن العظم مني واشتعل الرأس شيبا ولم أكن بدعائك
رب شقيا ۝ وإني خفت الموالي من ورائي وكانت امرأتي عاقرا فهب لي
من لدنك وليا ۝ يرثني ويرث من آل يعقوب واجعله رب رضيا ۝ يا زكريا
إنا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سميا ۝ قال رب أنى يكون
لي غلام وكانت امرأتي عاقرا وقد بلغت من الكبر عتيا ۝ قال كذلك قال
ربك هو علي هين وقد خلقتك من قبل ولم تك شيئا ۝ قال رب اجعل
لي آية قال آيتك ألا تكلم الناس ثلاث ليال سويا ۝ فخرج على قومه من



المحراب فاوحى اليهم ان سبحوا بكرة وعشيا ١١ يا يحيى خذ الكتاب
بقوة واتيناه الحكم صبيا ١٢ وحنانا من لدنا وزكوة وكان تقيا ١٣ وبرا
بوالديه ولم يكن جبارا عصيا ١٤ وسلام عليه يوم ولد ويوم يموت
ويوم يبعث حيا ١٥ واذكر في الكتاب مريم اذ انتبذت من اهلها مكانا
شرقيا ١٦ فاتخذت من دونهم حجابا فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها
بشرا سويا ١٧ قالت اني اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا ١٨ قال انما انا
رسول ربك لاهب لك غلاما زكيا ١٩ قالت انى يكون لي غلام ولم
يمسسني بشر ولم اك بغيا ٢٠ قال كذلك قال ربك هو علي هين ولنجعله
اية للناس ورحمة منا وكان امرا مقضيا ٢١ فحملته فانتبذت به مكانا
قصيا ٢٢ فاجاءها المخاض الى جذع النخلة قالت يا ليتني مت قبل هذا
وكنت نسيا منسيا ٢٣ فناداها من تحتها الا تحزني قد جعل ربك تحتك
سريا ٢٤ وهزي اليك بجذع النخلة تساقط عليك رطبا جنيا ٢٥ فكلي
واشربي وقري عينا فاما ترين من البشر احدا فقولي اني نذرت للرحمن
صوما فلن اكلم اليوم انسيا ٢٦ فاتت به قومها تحمله قالوا يا مريم لقد
جئت شيئا فريا ٢٧ يا اخت هرون ما كان ابوك امرا سوء وما كانت امك

بدرستیکه خدا هست وعدهٔ او آینده ۶۳ نمی شنوند در آن بهشتها سخن بیهودهٔ بی فایده مگر اینکه بشنوند سلام از جانب پروردگار و از برای
ایشانست روزی ایشان در آن بهشتها صبح و شام یعنی تمام اوقات ۶۴ این بهشت آنچنانی استکه میراث میدهیم از بندگان خودمان هرکه را
که باشد پرهیزکار ۶۵ و فرود نمیآییم ما فرشتگان مگر بامر پروردگار تو از برای اوست آنچه در پیش ما است یعنی در زمان آینده و آنچه در پشت سر ما است
یعنی در زمان گذشته و آنچه در میان زمان گذشته و آینده است که زمان حال باشد یعنی هرچه هست از گذشته و آینده و حال در قبضهٔ قدرت خداست و نیست پروردگار تو فراموشکار یعنی از حال تو
در هر وقت آگاه است ۶۶ پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه میان آسمان و زمین است پس عبادت کن او را و صبر کن شکیبائی جو از برای عبادت او یعنی بعد از اینکه دانستی تو را فراموش نمیکند ثابت قدم باش
در عبادت خدا آیا میدانی خدا را مانندی یعنی اگر میدانی که خدا مثل و مانند ندارد پس چارهٔ بجز عبادت او نخواهی داشت ۶۷ و میگوید انسان آیا در وقتیکه مردم هرآینه زود بیرون آورده
شوم در حالتی که زنده باشم ۶۸ آیا یاد نمیکند انسان اینکه ما آفریدیم او را از پیش و حال اینکه نبود چیزی ۶۹ پس قسم به پروردگار تو هرآینه فراهم آوریم انسان و شیاطین که گمراه کنند
ایشانند بعد هرآینه حاضر سازیم البته ایشانرا دور تا دور جهنم در حالتیکه بزانو درافتادگان باشند ۷۰ پس هرآینه بیرون آوریم از هر گروهی هرکه را از ایشان که سخت تر باشد
بر خدای بخشاینده از حیثیت سرکشی ۷۱ بعد از آن هرآینه ما داناتریم بآن کسانی که ایشان سزاوارترند بجهنم از حیثیت انداختن یعنی بهتر میدانیم که کیست
آنکه باید او را از میان مردم جدا کرد و بجهنم انداخت ۷۲ و نیست از شما مگر اینکه وارد شونده است بجهنم هست ورود مردمان بجهنم بر پروردگار تو
جزم و قطع که ناگزیر است از آن حکم کرده شده بر آن یعنی البته واقع خواهد شد یعنی تمام مردم البته از جهنم عبور میکنند و مؤمنین چون بر آتش بگذرند آتش بر آنها برد شود چنانچه برابراهیم
شد ۷۳ پس نجات میدهیم آنکسانیرا که پرهیزکردند و بازگذاریم ظلم کنندگانرا در جهنم در حالیکه بزانو درآمده باشند ۷۴ و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما که روشن است گویند
آنکسانیکه کافر شدند از صنادید و متمولین قریش از برای آنکسانیکه ایمان آوردند که فقیر و بی بضاعت بودند کدام یک از دو گروه کافرین و مسلمانان بهترند از حیثیت مقام و جایگاه
و بهترند از حیثیت مجلس و مکان یعنی چنانچه ما کفار در دنیا مال و حشم و ثروت و مقام و مکان بیشتر و بهتر از شما در دنیا داریم در آخرت هم بهتر خواهیم بود ۷۵ و چه بسیار هلاک کردیم پیش
از ایشان گروهی که ایشان بهتر بودند از این کفار قریش از حیثیت متاع و هیئت یعنی کسانیرا هلاک کردیم که بمراتب از این کفار بهتر بودند ۷۶ بگو ای محمد هرکه باشد در گمراهی پس مهلت دهد کند از
برای او خداوند کردنی یعنی خدای بخشاینده مهلت میدهد گمراهانرا ۷۷ تا وقتیکه به بینند آنچه را که وعده داده شده اند یا عذاب دنیا بقتل و اسیری یا عذاب روز قیامت پس زود باشد که بدانند که کیست
بدتر از این دو گروه از حیثیت مکان و کیست ضعیف تر از حیثیت لشکر ۷۸ و زیاد میکند خدا کسانیرا که هدایت یافتند هدایتی یعنی بنزول هر آیه از آیات خدا بر هدایت ایشان میافزاید ۷۹ و باقیات
صالحات یعنی عملهای شایسته از عبادات و غیر آن بهترند نزد پروردگار تو از حیثیت ثواب و بهترند از حیثیت بازگشت یعنی اگر کافران را در دنیا متاع بسیار است مؤمنین را ثواب آخرت است و آن ثواب

آخرت بهتر است از متاع و زندگانی دنیا ۸۰ آیا پس دیدی آن را که کافر شد بآیات ما
و گفت هرآینه داده شوم مال و فرزند البته ۸۱ آیا مطلع شد از غیب یا گرفت نزد خدا پیمانی ۸۲ نه چنانست زود باشد که بنویسیم در نامهٔ اعمال او هرچه میگوید و بار کشیم از برای
او از عذاب بار کشیدنی یعنی طولانی کنیم مدت عذاب او را ۸۳ و بازگیریم آنچه را که میگوید یعنی این مال و اولادی که بآن افتخار میکند از او بگیریم و با نهایت امر او در روز مرگ و در روز قیامت تنها
۸۴ و گرفتند از سوای خدا خدایانی یعنی بتان تا اینکه باشند آن خدایان از برای ایشان قوتی ۸۵ نه چنانست که بواسطهٔ این خدایان و بتان عزیز شوند زود باشد که کافر شوند یعنی بتها موقوف
کنند عبادت ایشانرا و منکر آنها شوند و باشند بر خدایان خودشان دشمن ۸۶ آیا ندیدی و ندانستی که ما فرستادیم شیاطین را بر کافرین که می جنبانند ایشانرا جنبانیدنی یعنی تحریص میکنند ایشانرا
بمعاصی ۸۷ پس تعجیل مکن بر ایشان یعنی بعذاب ایشان شتاب مکن جز این نیست که میشماریم از برای ایشان شمردنی یعنی میشماریم بر ایشان ایام اجل ایشانرا که بعد از مردن بعذاب موعود برسانیم
۸۸ روزیکه برانگیزانیم پرهیزکارانرا بسوی خدا که واردشدگان باشند ۸۹ و میرانیم گناهکارانرا بسوی جهنم در حالتی که تشنگان باشند ۹۰ مالک نباشند هیچیک از مردمان شفاعت
کردن ایشانرا مگر کسی که گرفته باشد نزد خدای بخشاینده عهدی بر اینکه بتواند شفاعت نمود و آن صلحا هستند که دستوری از جانب پروردگار برای شفاعت داشته باشند ۹۱ و گفتند
گرفته است ولدی یعنی گفتند کفار بنو ملیح و یهود و نصاری که گرفته است خدا ولدی که ملائکه و عیسی و عزیر ند هرآینه بتحقیق که آوردید شما ای کافران جاهل چیز بدی و سخن زشتی را
۹۲ نزدیکست آسمانها شکافته شوند از عظمت این سخن و شکافته شود زمین و بیفتد کوهها یعنی خراب شود و برهم بریزند کوهها در حالتیکه پاره پاره شوند ۹۳ جهت اینکه خواندند از برای خدا ولد و سزاوار نیست
از برای خدا اینکه بگیرد ولدی ۹۴ نیست هرکه در آسمانها و زمین است مگر اینکه آینده هستند بسوی جزای خدا در حالتی که بنده اند ۹۵ هرآینه بتحقیق که خدا احصا کرده است اسامی ایشانرا یعنی
علم خدا با ایشان احاطه نموده است و شمرده است اشخاص را بر احوال ایشان شمردنی و همه ایشان آینده کانند خدا را روز قیامت تنها ۹۶ بدرستیکه آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل نیکو کردند
باشد که بگرداند از برای ایشان خدا دوستی یعنی محبت و مودت ایشانرا در دل مردمان قرار دهد ۹۷ پس جز این نیست که آسان کردیم ما فرستادن قرآنرا بزبان تو که تو عرب هستی تا اینکه مژده دهی بآن قرآن پرهیزکارانرا
و بترسانی بآن قرآن قومیرا که ستیزه کنندگانند ۹۸ و چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از گروه ها آیا می یابی از ایشان هیچکس را یا میشنوی از ایشان آوازی پوشیده یعنی چنان بعذاب گرفتار
شده هلاک شدند که اثری از ایشان باقی نماند

سوره طه مشتمل بر یکصد و سی و پنج آیه در مکه نازل شده

بنام

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

طه ۱ ای پیغمبر برگزیده نفرستادیم بر تو قرآن را تا اینکه رنج بکشی ۲ مگر پند بیستا از برای کسی که میترسد ۳ فرو فرستاده است از جانب کسی که خلق کرد زمین و آسمانهای بلندرا ۴ خداوند بخشاینده بر عرش مستولی شد ۵ از برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و هرچه در میانهٔ آسمان و زمین و هرچه در زیر خاکست ۶ و اگر بلند کنی گفتار و صدای خود را پس بدرستیکه خدا میداند پوشیده و پنهانرا ۷ خدا نیست خدائی مگر او از برای اوست اسمهای نیکو ۸ و آیا آمد ترا خبر موسی یعنی مطلع شدی بر حکایت موسی ۹ هنگامیکه دید آتشرا پس گفت از برای اهل خودش اینکه مکث کنید یعنی درنگ کنید بدرستیکه من دیدم آتشرا ۱۰ شاید بیاورم شمارا از آن آتش پارهٔ یا بیابم بر آتش راه نماینده را ۱۱ پس چون آمد موسی نزدیک آن آتش ندا کرده شد ای موسی ۱۲ بدرستیکه من منم پروردگار تو پس بکن کفشهای خود ترا بدرستیکه تو رسیدهٔ بوادی پاکی که اسم آن طوی است ۱۳ و من اختیار کردم ترا پس گوش دار و بشنو آنچه را وحی کرده میشود بسوی تو ۱۴ اینکه منم خدا نیست خدائی مگر من پس عبادت کن مرا و برپادار نمازرا بجهة یاد کردن من ۱۵ بدرستیکه قیامت آینده است نزدیکست که پنهان کنم وقت آنرا ۱۶ تا اینکه جزا داده شود هر نفسی بآنچه میشتابد از عملهای نیک و بد ۱۷ پس باید که باز ندارد تورا از ایمان بقیامت و تصدیق بآمدن آن کسی که نمیگرود و اقرار ندارد بآمدن قیامت و متابعت کرده است خواهش خود را پس هلاک شوی یعنی باید تو بجهت کثرت مال و تنعم اعدا از راه بیرون نروی و تابع هوای نفس نشوی ۱۸ و چه چیز است بدست راست تو ای موسی ۱۹ گفت موسی این عصای منست که تکیه میکنم بر آن و فرو میریزم برگ درخت را برگوسفندان خودم و از برای منست در آن عصا حاجتهای دیگر ۲۰ گفت خدا بیفکن آنرا ای موسی ۲۱ پس انداخت آنرا پس ناگاه آن عصا ماری شد که میشتافت ۲۲ گفت خدا یا موسی بگیر آنرا و مترس زود باشد که برگردانیم آنرا بسیرت اول خودش ۲۳ و ضم کن دست خود را بپهلوی خودت یعنی دستت را در بغل خودت بکن بیرون بیاید آن دست سفید نورانی از غیر بدی یعنی سفیدی برص نباشد بلکه نورانی بود که آن معجزهٔ دیگر است ۲۴

تا اینکه بنمائیم تورا از نشانهای ما که بزرگتر است ۲۵ برو بسوی فرعون بدرستیکه او از حد درگذشته است ۲۶ گفت موسی ای پروردگار من گشاده کن سینهٔ مرا ۲۷ و آسان کن کار مرا ۲۸ و بگشای گره از زبان من ۲۹ تا فهم کنند گفتار مرا ۳۰ و بگردان از برای من وزیری از کسان خودم ۳۱ هرون برادر من ۳۲ محکم کن باو یعنی به هرون پشت مرا ۳۳ و شریک کن او را در کار من ۳۴ تا بپاکی تسبیح کنیم تورا بسیار و یاد کنیم یعنی نماز گذاریم تورا بسیار ۳۵ بدرستیکه تو هستی بما بینا ۳۶ گفت خدا بتحقیق داده شدی تو مقصود خود را ای موسی ۳۷ و هر آینه بتحقیق منت گذاشتیم بر تو دفعهٔ دیگر ۳۸ وقتی که وحی کردیم بسوی مادر تو آنچه را که وحی کرده شد ۳۹ اینکه بیفکند فرزند خود را در تابوت پس بیفکند آنرا در دریا پس بیاندازد او را دریا بساحل تا بگیرد او را دشمنی که از برای منست و دشمن است از برای او یعنی فرعون میگیرد او را و انداختم بر تو ای موسی محبتی از جانب خودم ۴۰ و تا پرورده شوی بر چشم من یعنی منظور نظر تربیت من باشی ۴۱ وقتیکه میرفت خواهرت پس میگفت بآسیه زن فرعون آیا دلالت کنم شما را بر کسی که کفالت کند موسی را پس برگردانیدیم تورا بسوی مادرت تا اینکه روشن شود چشم او و اندوه نخورد و کشتی تو نفسی را پس نجات دادیم تورا از غم و آزمودیم تورا آزمودنی ۴۲ پس درنگ کردی سالها در میان اهل مدین پس آمدی بدین وادی بر اندازهٔ که مقرر کرده بودیم ای موسی ۴۳ و برگزیدم تورا برای دوستی خودم ۴۴ برو تو و برادرت بنشانهای من و سستی نکنید در رساندن پیغام من ۴۵ بروید بسوی بدرستی که او طغیان کرده است ۴۶ پس بگوئید از برای فرعون گفتن نرمی شاید او پند بگیرد و بترسد ۴۷ گفتند موسی و هرون ای پروردگار ما بدرستیکه ما میترسیم اینکه عقوبت کند بر ما یا اینکه سرکشی کند بر ما ۴۸ گفت خدا مترسید بدرستیکه من با شما هستم میشنوم و می بینم ۴۹ پس بروید نزد فرعون پس بگوئید بدرستی که ما رسولانیم از جانب پروردگار تو پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب مکن ایشانرا بتحقیق آمدیم تورا بنشانه یعنی بمعجزهٔ از

الجزء ۱۶

نَبِيًّا ۝ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۝ قَالَ إِنِّي

عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۝ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ

أَوْصَانِي بِالصَّلَوٰةِ وَالزَّكَوٰةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۝ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا

شَقِيًّا ۝ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ۝

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ۝ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ

مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي

وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ

لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ

الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ

وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا

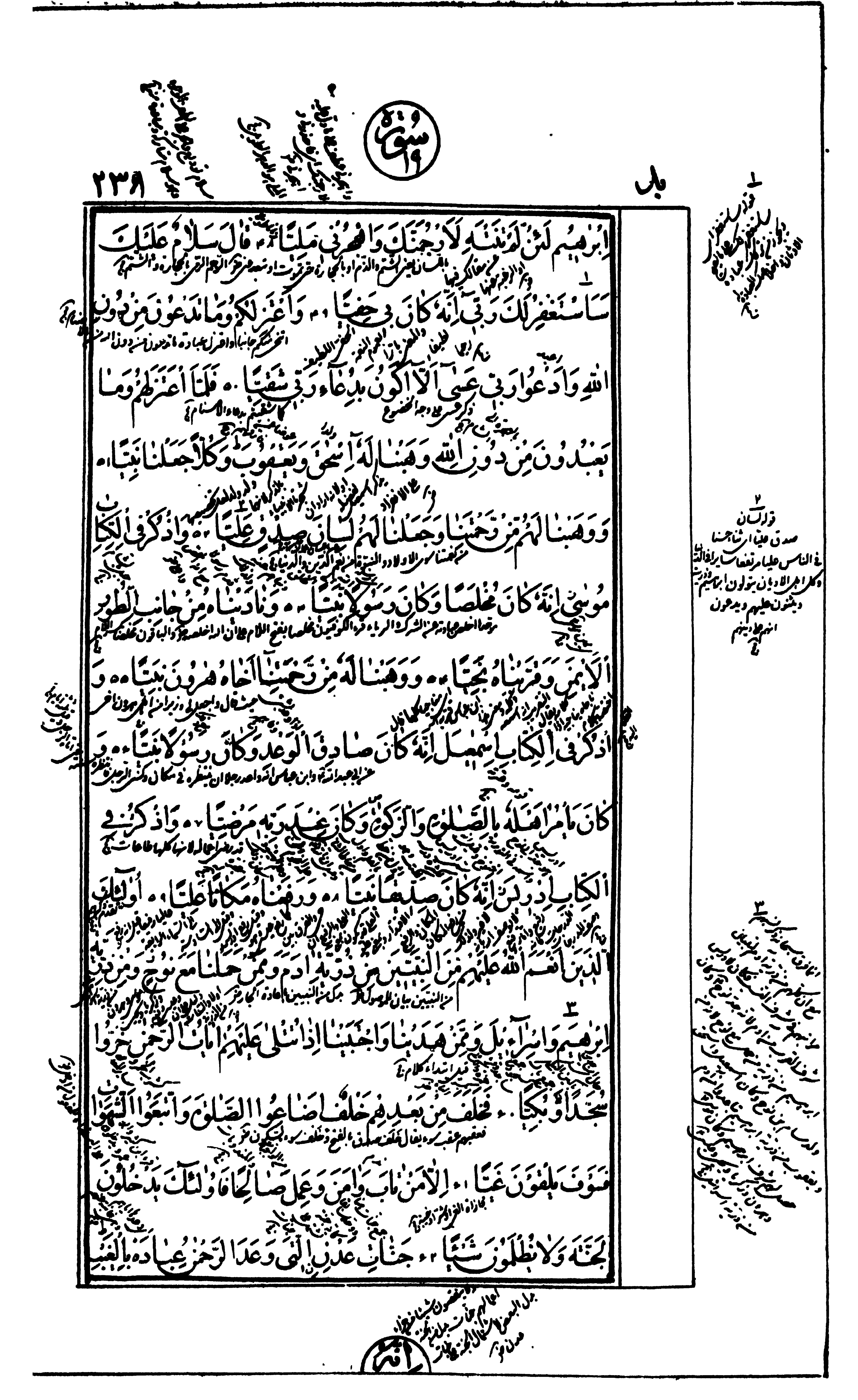
يُرْجَعُونَ ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ۝ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ

جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ۝ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ

الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ۝ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ

عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ۝ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا



ابرهيم لئن لم تنته لارجمنك واهجرني مليا قال سلام عليك
سأستغفر لك ربي انه كان بي حفيا واعتزلكم وما تدعون من دون
الله وادعوا ربي عسى الا اكون بدعاء ربي شقيا فلما اعتزلهم وما
يعبدون من دون الله وهبنا له اسحق ويعقوب وكلا جعلنا نبيا
ووهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق عليا واذكر في الكتاب
موسى انه كان مخلصا وكان رسولا نبيا وناديناه من جانب الطور
الايمن وقربناه نجيا ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبيا و
اذكر في الكتاب اسمعيل انه كان صادق الوعد وكان رسولا نبيا و
كان يامر اهله بالصلوة والزكوة وكان عند ربه مرضيا واذكر في
الكتاب ادريس انه كان صديقا نبيا ورفعناه مكانا عليا اولئك
الذين انعم الله عليهم من النبيين من ذرية ادم وممن حملنا مع نوح ومن ذرية
ابرهيم واسرائيل وممن هدينا واجتبينا اذا تتلى عليهم ايات الرحمن خروا
سجدا وبكيا فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات
فسوف يلقون غيا الا من تاب وامن وعمل صالحا فاولئك يدخلون
الجنة ولا يظلمون شيئا جنات عدن التي وعد الرحمن عباده بالغيب

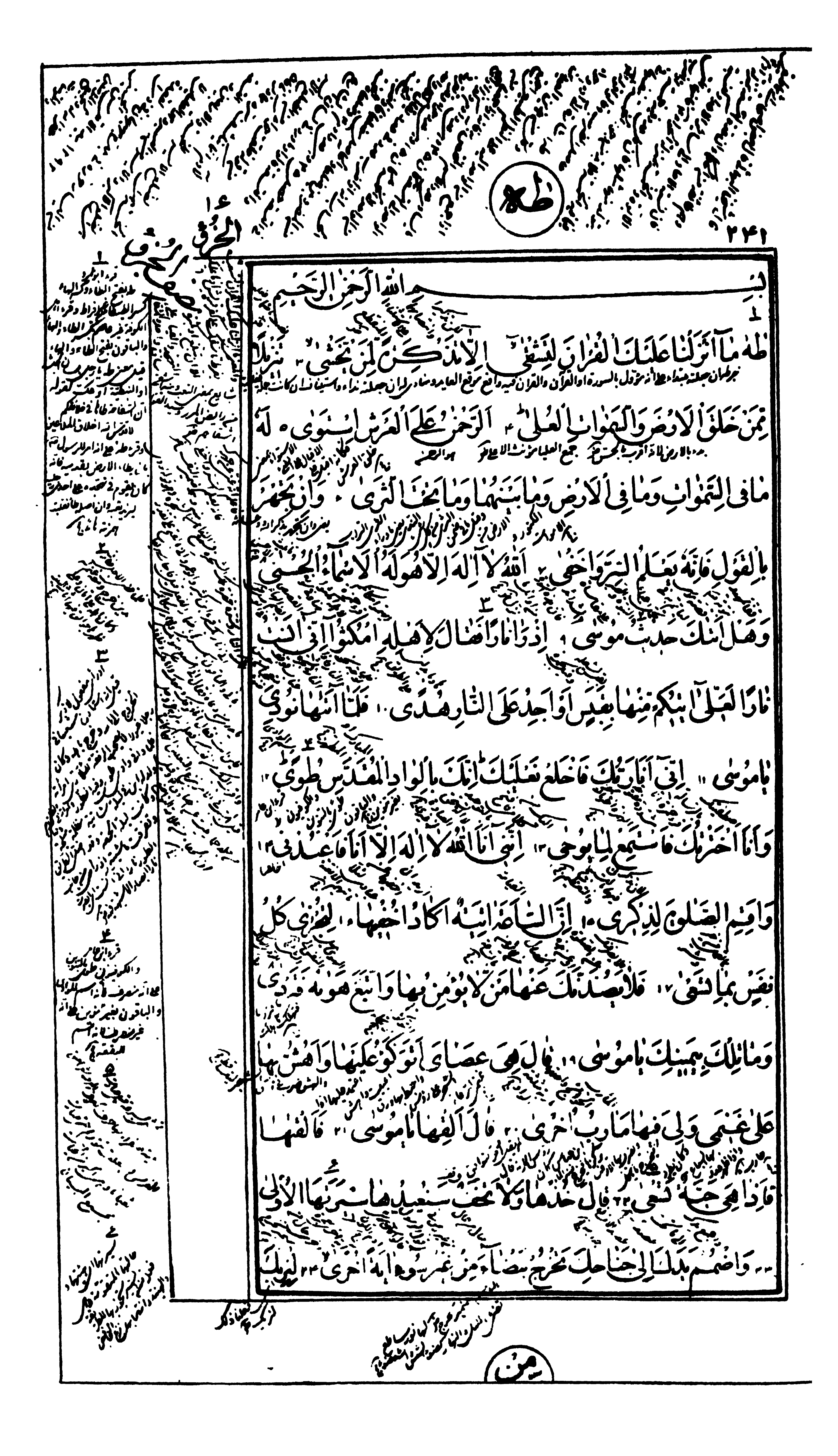
إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا
بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝ وَ
مَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا
كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۝ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ
لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ۝ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ
حَيًّا ۝ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ۝ فَوَرَبِّكَ
لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ۝ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ
شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ۝ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا
صِلِيًّا ۝ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ۝ ثُمَّ نُنَجِّي
الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ۝ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ
قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ۝
وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ۝ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ
فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا ۝ حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ
مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ۝ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ
الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ۝ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا



وقال لأوتين مالا وولدا ٧٧ اطلع الغيب ام اتخذ عند الرحمن عهدا ٧٨
كلا سنكتب ما يقول ونمد له من العذاب مدا ٧٩ ونرثه ما يقول ويأتينا
فردا ٨٠ واتخذوا من دون الله آلهة ليكونوا لهم عزا ٨١ كلا سيكفرون
بعبادتهم ويكونون عليهم ضدا ٨٢ الم تر انا ارسلنا الشياطين على
الكافرين تؤزهم ازا ٨٣ فلا تعجل عليهم انما نعد لهم عدا ٨٤ يوم
نحشر المتقين الى الرحمن وفدا ٨٥ ونسوق المجرمين الى جهنم وردا ٨٦ لا
يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا ٨٧ وقالوا اتخذ
الرحمن ولدا ٨٨ لقد جئتم شيئا ادا ٨٩ تكاد السموات يتفطرن منه
وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ٩٠ ان دعوا للرحمن ولدا ٩١ وما ينبغي
للرحمن ان يتخذ ولدا ٩٢ ان كل من في السموات والارض الا آتي
الرحمن عبدا ٩٣ لقد احصيهم وعدهم عدا ٩٤ وكلهم آتيه يوم القيمة
فردا ٩٥ ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا ٩٦
فانما يسرناه بلسانك لتبشر به المتقين وتنذر به قوما لدا ٩٧ وكم
اهلكنا قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع لهم ركزا ٩٨

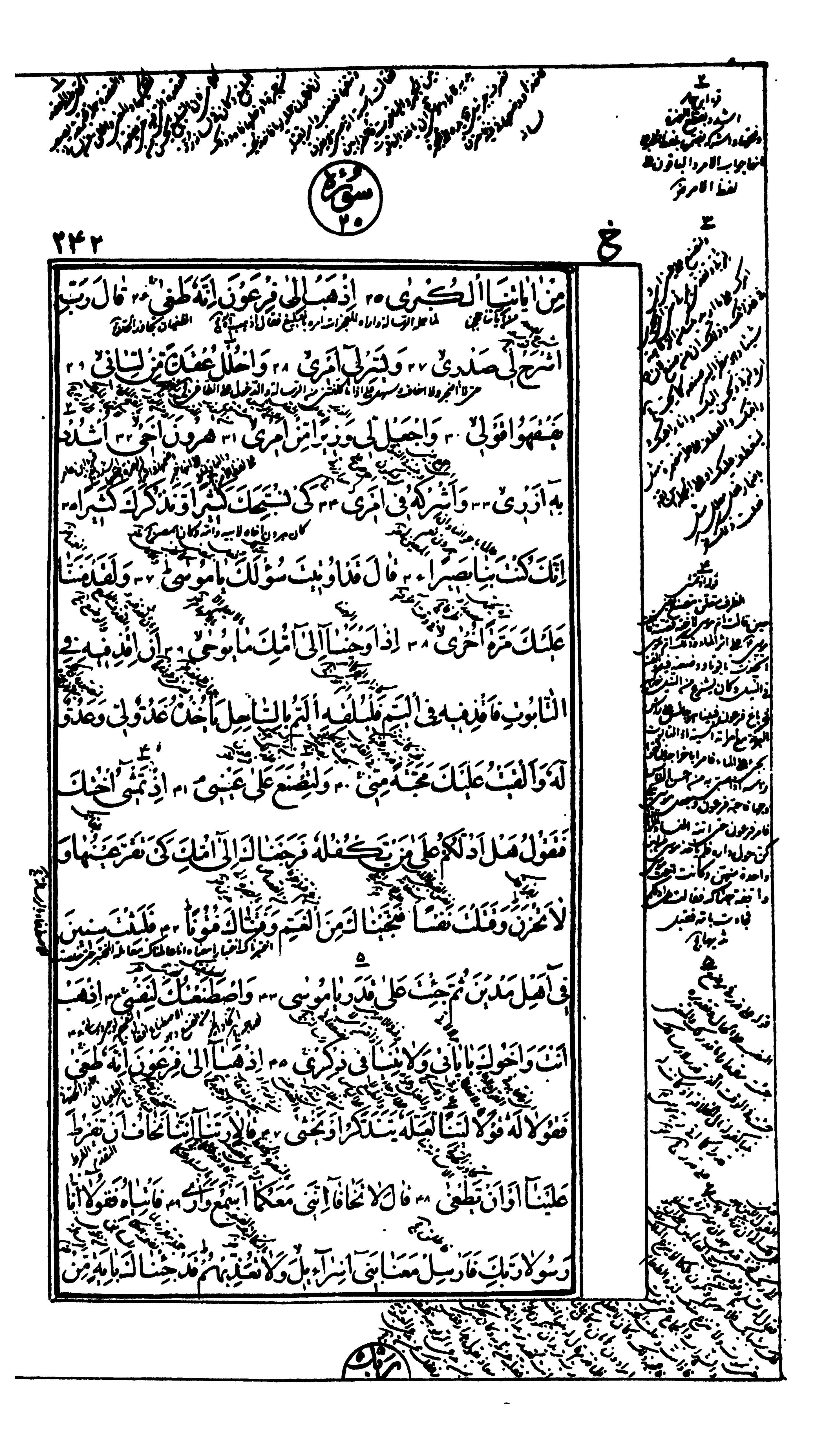
سورة طه مكية وهي مائة وخمس وثلثون آية

عن النبي صلعم قال من قرأ سورة طه اعطي يوم القيمة ثواب المهاجرين والانصار



بسم الله الرحمن الرحيم

طه ١ ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى ٢ إلا تذكرة لمن يخشى ٣ تنزيلا
ممن خلق الأرض والسموات العلى ٤ الرحمن على العرش استوى ٥ له
ما في السموات وما في الأرض وما بينهما وما تحت الثرى ٦ وإن تجهر
بالقول فإنه يعلم السر وأخفى ٧ الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى ٨
وهل أتاك حديث موسى ٩ إذ رأى نارا فقال لأهله امكثوا إني آنست
نارا لعلي آتيكم منها بقبس أو أجد على النار هدى ١٠ فلما أتاها نودي
يا موسى ١١ إني أنا ربك فاخلع نعليك إنك بالواد المقدس طوى ١٢
وأنا اخترتك فاستمع لما يوحى ١٣ إنني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدني
وأقم الصلوة لذكري ١٤ إن الساعة آتية أكاد أخفيها لتجزى كل
نفس بما تسعى ١٥ فلا يصدنك عنها من لا يؤمن بها واتبع هواه فتردى ١٦
وما تلك بيمينك يا موسى ١٧ قال هي عصاي أتوكأ عليها وأهش بها
على غنمي ولي فيها مآرب أخرى ١٨ قال ألقها يا موسى ١٩ فألقاها
فإذا هي حية تسعى ٢٠ قال خذها ولا تخف سنعيدها سيرتها الأولى ٢١
واضمم يدك إلى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء آية أخرى ٢٢ لنريك



من آياتنا الكبرى ٢٥ اذهب الى فرعون انه طغى ٢٦ قال رب

اشرح لي صدري ٢٧ ويسر لي امري ٢٨ واحلل عقدة من لساني ٢٩

يفقهوا قولي ٣٠ واجعل لي وزيرا من اهلي ٣١ هرون اخي ٣٢ اشدد

به ازري ٣٣ واشركه في امري ٣٤ كي نسبحك كثيرا ونذكرك كثيرا ٣٥

انك كنت بنا بصيرا ٣٦ قال قد اوتيت سؤلك يا موسى ٣٧ ولقد مننا

عليك مرة اخرى ٣٨ اذ اوحينا الى امك ما يوحى ٣٩ ان اقذفيه في

التابوت فاقذفيه في اليم فليلقه اليم بالساحل يأخذه عدو لي وعدو

له والقيت عليك محبة مني ٤٠ ولتصنع على عيني ٤١ اذ تمشي اختك

فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك كي تقر عينها و

لا تحزن وقتلت نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا ٤٢ فلبثت سنين

في اهل مدين ثم جئت على قدر يا موسى ٤٣ واصطنعتك لنفسي اذهب

انت واخوك باياتي ولا تنيا في ذكري ٤٥ اذهبا الى فرعون انه طغى

فقولا له قولا لينا لعله يتذكر او يخشى ٤٧ قالا ربنا اننا نخاف ان يفرط

علينا او ان يطغى ٤٨ قال لا تخافا انني معكما اسمع وارى ٤٩ فاتياه فقولا انا

رسولا ربك فارسل معنا بني اسرائيل ولا تعذبهم قد جئناك بآية من



ربك والسلام على من اتبع الهدى ۝ إنا قد أوحي إلينا أن العذاب على
من كذب وتولى ۝ قال فمن ربكما يا موسى ۝ قال ربنا الذي أعطى كل
شيء خلقه ثم هدى ۝ قال فما بال القرون الأولى ۝ قال علمها
عند ربي في كتاب لا يضل ربي ولا ينسى ۝ الذي جعل لكم الأرض
مهدا وسلك لكم فيها سبلا وأنزل من السماء ماء فأخرجنا به
أزواجا من نبات شتى ۝ كلوا وارعوا أنعامكم إن في ذلك لآيات لأولي
النهى ۝ منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة أخرى ۝
ولقد أريناه آياتنا كلها فكذب وأبى ۝ قال أجئتنا لتخرجنا من
أرضنا بسحرك يا موسى ۝ فلنأتينك بسحر مثله فاجعل بيننا وبينك
موعدا لا نخلفه نحن ولا أنت مكانا سوى ۝ قال موعدكم يوم الزينة
وأن يحشر الناس ضحى ۝ فتولى فرعون فجمع كيده ثم أتى ۝ قال لهم
موسى ويلكم لا تفتروا على الله كذبا فيسحتكم بعذاب وقد خاب
من افترى ۝ فتنازعوا أمرهم بينهم وأسروا النجوى ۝ قالوا إن هذان
لساحران يريدان أن يخرجاكم من أرضكم بسحرهما ويذهبا بطريقتكم
المثلى ۝ فأجمعوا كيدكم ثم ائتوا صفا وقد أفلح اليوم من استعلى ۝ قالوا

يا موسى اما ان تلقى واما ان نكون اول من القى ٦٨ قال بل القوا فاذا
حبالهم وعصيهم يخيل اليه من سحرهم انها تسعى ٦٩ فاوجس في نفسه
خيفة موسى ٧٠ قلنا لا تخف انك انت الاعلى ٧١ والق ما في يمينك
تلقف ما صنعوا انما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى ٧٢
فالقى السحرة سجدا قالوا امنا برب هرون وموسى ٧٣ قال امنتم له
قبل ان اذن لكم انه لكبيركم الذي علمكم السحر فلاقطعن ايديكم
وارجلكم من خلاف ولاصلبنكم في جذوع النخل ولتعلمن اينا اشد عذابا
وابقى ٧٤ قالوا لن نؤثرك على ما جاءنا من البينات والذي فطرنا
فاقض ما انت قاض انما تقضي هذه الحيوة الدنيا انا امنا بربنا ليغفر
لنا خطايانا وما اكرهتنا عليه من السحر والله خير وابقى ٧٥ انه من يات
ربه مجرما فان له جهنم لا يموت فيها ولا يحيى ٧٦ ومن ياته مؤمنا قد عمل
الصالحات فاولئك لهم الدرجات العلى ٧٧ جنات عدن تجري من
تحتها الانهار خالدين فيها وذلك جزاء من تزكى ٧٨ ولقد اوحينا الى
موسى ان اسر بعبادي فاضرب لهم طريقا في البحر يبسا ٧٩ لا تخاف دركا
ولا تخشى ٨٠ فاتبعهم فرعون بجنوده فغشيهم من اليم ما غشيهم واضل

از جانب پروردگار تو و سلام بر کسی که متابعت کند راه راست را ٤٨ بدرستیکه بتحقیق وحی شده است بسوی ما اینکه عذاب خدا بر کسی است که تکذیب کرده پیغمبر را و روی برگرداینده ٤٩ گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی ٥٠ گفت موسی پروردگار ما آن کسی است که عطا کرد هر چیزی را از انواع مخلوقات صورتیکه شایسته آن مخلوق بود پس راه نمود ٥١ گفت فرعون پس چه بود حال قرنهای پیشین اولین یعنی حال نوح و سایر پیشینیان ٥٢ گفت موسی علم آن نزد پروردگار من است در کتابی یعنی در لوح محفوظ که خطا نمیکند پروردگار من در طریق علم باسرار بندگان و فراموش نمیکند هیچ چیز را ٥٣ آنخدائی که گردانید از برای شما زمین را گهواره و پیدا کرد برای شما در زمین راهها و فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آوردیم ما بآن آب انواع از نباتات پراکنده عدیده بسیار ٥٤ بخورید و بچرانید چارپایان خود تا نزا بدرستی که در این هر آینه علاماتی است برای صاحبان خردها ٥٥ از زمین آفریدیم ما شما را در آن زمین برمیگردانیم شما را و از آن زمین بیرون میآوریم شما را دفعهٔ دیگر ٥٦ و هر آینه بتحقیق نمودیم ما فرعون را آیات و معجزات کل آیات را پس تکذیب نمود و اباکرد ٥٧ گفت فرعون آیا آمدی ما را تا اینکه بیرون کنی ما را از زمین ما بسبب سحر خود ای موسی ٥٨ پس هر آینه میاوریم البته تو را بسحری مثل سحر تو پس قرار بده میان ما و میان خودت وعده که خلاف نکنیم آن وعده را ما و نه تو در جایگاه هموار که بنمائیم سحر یکدیگر را همه مردم مشاهده کنند ٥٩ گفت موسی بفرعون موعد شما روز زینت قبطیانست که آن روز عید ایشان بود که همه در یکجا جمع میشدند و اینکه جمع شوند مردم در ساعت چاشت ٦٠ پس برگشت فرعون از مجلس و بخلوت نشست پس جمع کرد ساحران و آلاتی را که بآن سحر کنند پس آمد بوعدگاه با ساحران ٦١ گفت از برای ایشان موسی وای بر شما افترا مبندید بر خدا دروغ را ٦٢ پس مستاصل گرداند شما را بعذابی که نازل گرداند بشما و بتحقیق بی بهره شد و زیان کرد هر که افترا بست ٦٣ پس منازعه کردند کار خود را میان خود و ایشان پنهان داشتند سرگوشی را یعنی بطور نجوی و سرگوشی با هم سخن گفتند ٦٤ فرعون و اعوان او گفتند نیستند این دو نفر یعنی موسی و هرون هر آینه دو ساحر اراده دارند اینکه بیرون کنند شما را از زمین شما بسبب سحر خودشان و ببرند طریقه و مذهب شما را که بهترین مذاهبست ٦٥ پس جمع کنید حیله خود را بعد از آن بیائید بوعدگاه و بتحقیق رستگار شد امروز هر که برتر شد ٦٦ گفتند سحره فرعون

صفحه دویست و چهل و چهارم

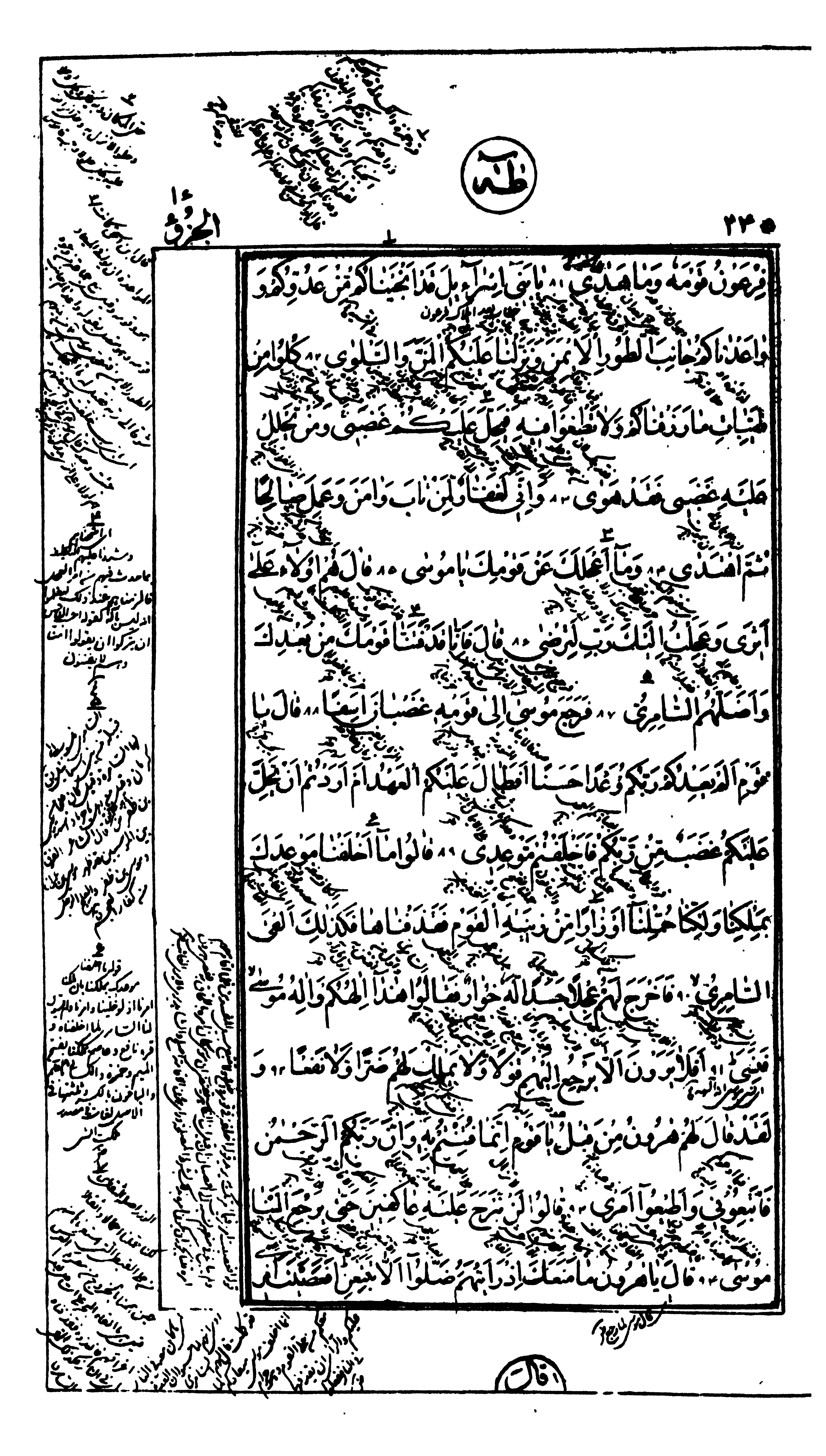
ای موسی تو میافکنی یا اینکه باشیم ما اول کسی که بیفکند چوب و ریسمان خود را ٦٧ گفت موسی بلکه بیندازید پس آنگاه ریسمانهای ایشان و عصاهای ایشان نموده شد بموسی از سحر ایشان اینکه تمامی میشتابند و راه میروند ٦٨ پس دریافت در دل خود ترسی موسی ٦٩ گفتیم ما مترس بدرستیکه تو توئی برتر ٧٠ و بینداز آنچه در دست راست تست تا فرو برد آنچه را که ساخته اند جز این نیست آنچه را که ساخته اند حیله ساحر است و رستگار نشود ساحر هر جا که آید یعنی هر جا و بهر سحری و بهر جا باشد ظفر و فلاح نیابد ٧١ پس افتاده شدند ساحران در حالتی که سجده کننده بودند گفتند ایمان آوردیم به پروردگار هرون و موسی ٧٢ گفت فرعون ایمان آوردید از برای موسی پیش از اینکه اذن بدهم شما را بدرستیکه او یعنی موسی هر آینه بزرگ شما است که آموخت شما را سحر پس هر آینه ببرم البته دستهای شما را و پاهای شما را بر خلاف یکدیگر یعنی دست راست و پای چپ و دست چپ و پای راست شما را ببرم و هر آینه بردار کشم شما را البته در شاخهای درخت خرما و هر آینه بدانید کدام یک ما شدیدتریم از حیثیت عذاب کردن و پاینده تریم ٧٣ گفتند ساحران هرگز اختیار نکنیم تو را بر آنچیزیکه آمد ما را از معجزات قسم بخدائی که آفرید ما را پس حکم کن آنچه را که تو حکم کننده جز این نیست که حکم میکنی در این زندگانی دنیا بدرستی که ما ایمان آوردیم به پروردگار خودمان تا اینکه بیامرزد از برای ما گناهان ما را و آنچه را که اکراه کردی ما را بر آن چیز از سحر کردن و خدا بهتر و پاینده تر است ٧٤ بدرستی که هر که بیاید نزد پروردگار خودش در حالتی که گناهکار باشد پس بدرستیکه از برای او جهنمی است که نه میمیرد در آن جهنم و نه زنده میشود ٧٥ و هر که بیاید نزد خدا در حالتی که مؤمن باشد بتحقیق عمل کرده است نیکوئیها را پس آنگروه از برای ایشانست درجات بلند ٧٦ بهشتهای با اقامت که جاری است از زیر درختان آن نهرها همیشه هستند در آن بهشت ها و این جزای کسی است که پاک است ٧٧ و هر آینه بتحقیق وحی کردیم ما بسوی موسی اینکه ببر بندگان مرا پس بزن از برای ایشان راهی در دریا که خشک باشد ٧٨ مترس از دریافتن دشمن یعنی ایمن باش که فرعونیان شما را دریابند و مترس از اینکه غرق شوید ٧٩ پس دنبال کرد ایشان را فرعون با لشگر خودش پس فرو گرفت ایشان را از دریا آنچه فرو گرفت ایشان را و گمراه کرد

صفحهٔ دویست و چهل و پنجم

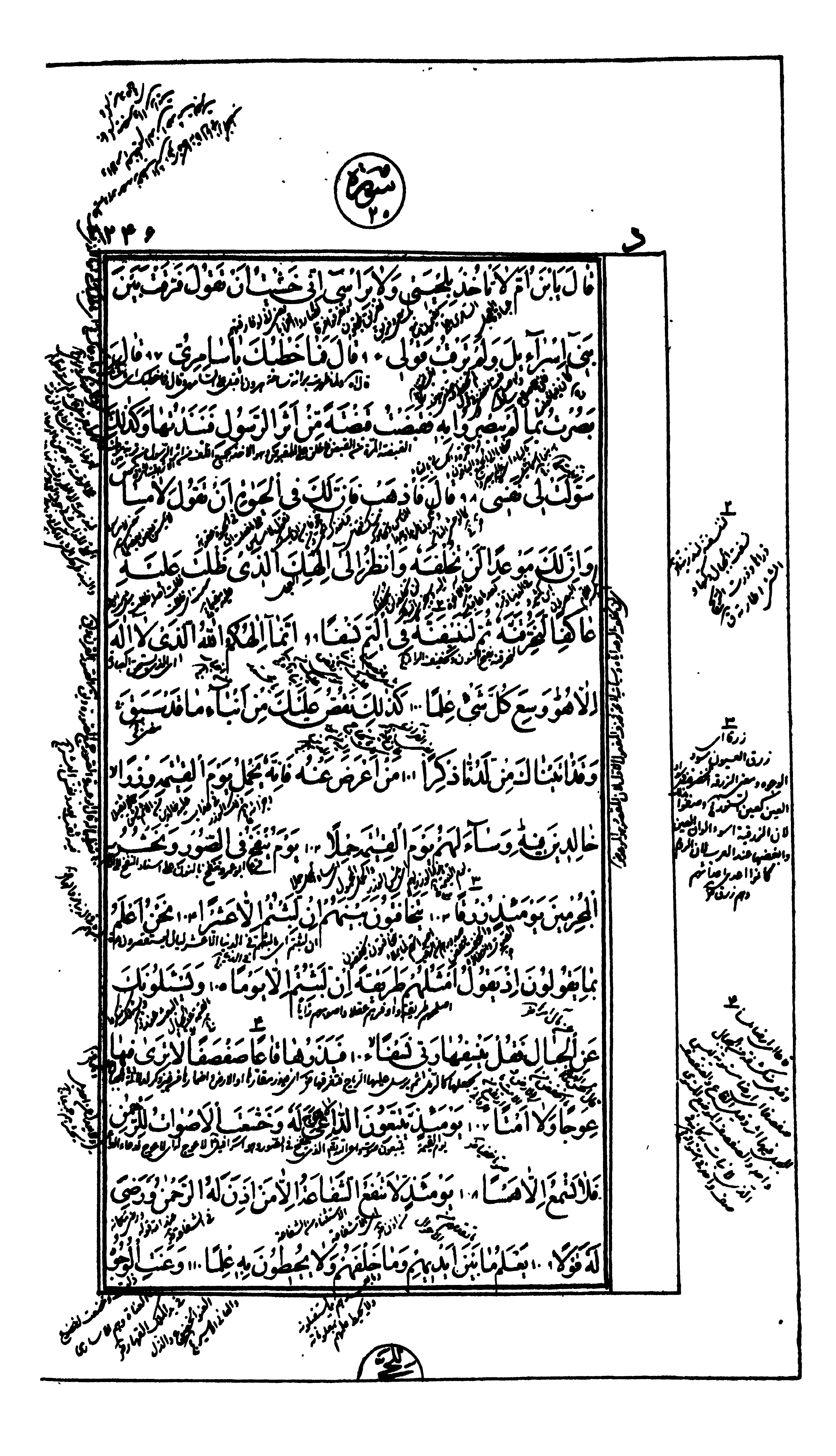
فرعون قوم خود را و راه ننمود بایشان ۸۲ ای بنی اسرائیل بتحقیق نجات دادیم ما شما را از دشمن شما و وعده دادیم شما را بطرف کوه طور ایمن و فرو فرستادیم بر شما من
و سلوی یعنی نعمتی مثل ترنجبین و مرغ بریان شده ۸۳ بخورید از پاکیزهای آنچه روزی دادیم بشما و سرکشی نکنید یعنی از حد در نگذرید در آن و زیادتی که حلال را حرام و حرام را
حلال نکنید و شکر کنید که اگر حفظ این مراتب را نکردید پس حلول کند بر شما یعنی فرود آید بر شما غضب من و هر که را فرود آید بر او غضب من پس بتحقیق هلاک شود ۸۴ و بدرستیکه من
هرآینه آمرزنده ام از برای کسی که توبه کند و عمل نیک کند بعد راه راست یابد ۸۵ و چه چیز شتابان ساخت تو را از قوم خود ای موسی یعنی چه سبب داشت که قوم خود را
گذاشتی و زودتر آمدی ۸۶ گفت موسی ایشان گروهند میآیند بر اثر من و تعجیل کردم من بسوی تو ای پروردگار من تا خوشنود شوی ۸۷ گفت خدا پس ما بدرستیکه ما بتحقیق آزمودیم
قوم تو را از بعد از تو و گمراه کرد ایشان را سامری ۸۸ پس برگشت موسی بسوی قوم خودش خشمناک اندوهگین ۸۹ گفت موسی ایقوم من آیا وعده نداد شما را خدای شما وعدهٔ
نیکو آیا پس دراز شد بر شما زمان مفارقت یا قصد کردید اینکه فرود آید بر شما غضبی از جانب پروردگار شما پس خلاف کردید شما وعدهٔ مرا ۹۰ گفتند قوم خلاف نکردیم ما وعدهٔ تو را
باختیار خود و لیکن ما برداشتیم بارهای سنگین یعنی چیزهای بسیار که باسم عروسی عاریت گرفته بودیم از قبطیان در وقت حرکت از مصر با ایشان و ذکر دیدیم پس بتحقیق در آتش انداختیم ما
آن پیرایهها را پس همچنانکه ما پیرایهها را بآتش انداختیم سامری هم انداخت پیرایههای خود را در آتش پس بیرون آورد سامری برای ایشان گوساله تنی بود ساخته از آن حلی که در آتش
بود و از برای آن تن بود بانگ گوساله پس گفتند سامری و اتباع او این است خدای شما و خدای موسی پس فراموش کرد موسی خدای خود را و بکوه طور رفت ۹۱ آیا پس نمی بینند
گوساله پرستان اینکه برنمیگرداند این گوساله بسوی ایشان گفتاری یعنی هر چند آن را می طلبند جواب نمیگوید و مالک نیست آن گوساله برای ایشان ضرری را و نه نفعی را ۹۲ و هر آینه
بتحقیق گفت از برای ایشان هرون از پیش ای قوم من جز این نیست که مبتلا شدید بسبب این گوساله و بدرستیکه پروردگار شما خدای بخشاینده است پس متابعت کنید مرا و اطاعت
کنید امر مرا در ثبات و ورزیدن باسلام ۹۳ گفتند گوساله پرستان پیوسته بر پرستیدن گوساله اقامت کنندگانیم تا برگردد بسوی ما موسی ۹۴ گفت موسی ای هرون چه
چیز منع کرد تو را وقتی دیدی ایشان را که گمراه شدند اینکه از عقب من نیامدی آیا پس سرکشیدی از فرمان من ۹۵

صفحهٔ دویست و چهل و ششم

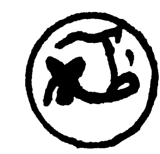
گفت هرون موسی ای پسر مادر من نگیر ریش مرا و نگیر سر مرا بدرستیکه من ترسیدم اینکه بگوئی جدائی انداختی میان بنی اسرائیل و نگاه نداشتی سخن مرا که گفتی بمان بعد از من در
میان قوم و صلاح کن امور ایشان را ۹۶ گفت موسی پس چه بود این کار بزرگ تو ای سامری گفت بینا شدم من بچیزی که بینا نشدند بآن بنی اسرائیل و آن این بود که اثر
که بسوی تو رسید در وقت غرق شدن فرعونیان دانستم که روحانی محض بود و اثر قدم او هر چه برسد آنرا زنده کند پس گرفتم قبضهٔ از خاک پای اسب جبرئیل پس افکندم
آنخاک را باین گوساله و همچنین بیاراست از برای من نفس من ۹۷ گفت موسی بسامری پس برو بدرستیکه هست از برای تو در زندگانی دنیا عقوبتی اینکه بگوئی هر کس نزدیک
تو آید نیست مس کردن تو مرا یعنی از من دور شو تا کسی دیگر را مس نکنیم چه حکم الهی این بود که هر که سامری مس نماید تب عارض او و سامری شود پس مردمان با نتیجه از او کناره جستند
و متفرق شدند و تنها مثل حیوانات در صحراها میگشت و هر که را از دور میدید فریاد میکرد که نزدیک من میا این عقوبت دنیای او بود و بدرستیکه از برای تو است عذاب آخرت
وعده که هرگز خلاف کرده نشوی آنرا و تو را بعذاب موعود رسانند و نگاه کن بسوی خدایی که بودی همه روز بر پرستش او مقیم و مجاور هر آینه میسوزانیم آنرا بعد هر آینه پراکنده سازیم ریزهای
آنرا در دریا پراکنده ساختنی البته ۹۸ جز این نیست که خدای شما خدائیست که نیست خدائی مگر او فرا رسیده است هر چیز را علم او ۹۹ همچنین قصه خوانیم و حکایت کنیم بر تو از
خبرهای آنچه بتحقیق گذشته است یعنی اخباری که پیش از این اتفاق افتاده است و بتحقیق دادیم ترا ای پیغمبر از جانب خود ما قرآن ۱۰۰ هر که رو بگرداند از قرآن پس بدرستیکه او بر میدارد
روز قیامت گناه را که بار گران است ۱۰۱ در حالتیکه جاوید باشند در آنروز یعنی عقوبت و عذاب اثم داشته باشند و بد است از برای ایشان روز قیامت بار ایشان که کفر و تکذیب است
۱۰۲ روزیکه دمیده شود در صور و جمع کنیم گناهکاران را در آنروز در حالتیکه چشمان ایشان کبود باشد ۱۰۳ پنهان بیکدیگر گویند در میان خودشان درنگ نکردید در دنیا مگر ده شب
و ده روز یعنی زمان اندکی ۱۰۴ ما داناتریم بآنچه میگویند وقتیکه گویند تمام ترین ایشان از روی عقل درنگ نکردید شما مگر یکروز ۱۰۵ و می پرسند تو را ای پیغمبر از کوهها پس بگو
پراکنده و ریزه ریزه سازد خدا آنها را پراکنده کردنی یعنی باد و بوران ریزهها را باطراف متفرق سازد ۱۰۶ پس بگذارد قرارگاه آنرا که زمین است در حالتی که
متساوی و هموار باشد و نه بینی در آن زمین کجی و نه بلندی یعنی بلند و پستی نخواهد داشت و هموار خواهد بود ۱۰۷ در آنروز پیروی کنند همه مردم
خوانندهٔ خود را که نیست کجی از برای او یعنی اسرافیل را و پست شود صداها از برای خدا پس نخواهی شنید مگر سخن آهسته ۱۰۸ در آن
روز نفع نمیدهد شفاعت احدی در بارهٔ کسی مگر کسی که رخصت دهد از برای او خدای بخشاینده و رضای او باشد در سخن
گفتن و شفاعت کردن ۱۰۹ میداند خدا آنچه را که در پیش روی ایشان است و آنچه را که پس ایشان است و احاطه نتوانند
نمود بآنچیز از روی دانش ۱۱۰ و خوار و ذلیل باشد روها در روز قیامت



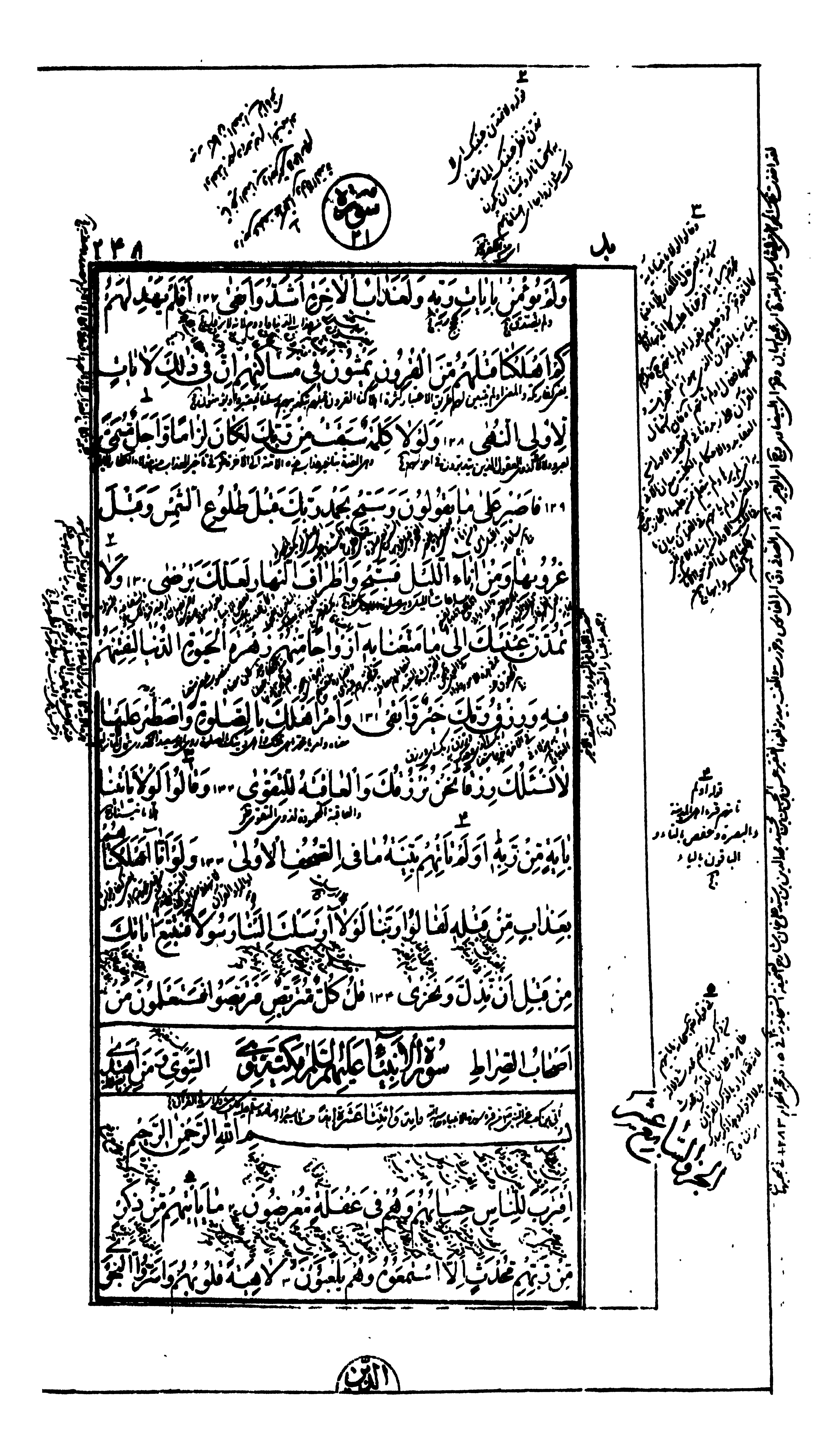
فرعون قومه وما هدى يا بني إسرائيل قد أنجيناكم من عدوكم و
واعدناكم جانب الطور الأيمن ونزلنا عليكم المن والسلوى كلوا من
طيبات ما رزقناكم ولا تطغوا فيه فيحل عليكم غضبي ومن يحلل
عليه غضبي فقد هوى وإني لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا
ثم اهتدى وما أعجلك عن قومك يا موسى قال هم أولاء على
أثري وعجلت إليك رب لترضى قال فإنا قد فتنا قومك من بعدك
وأضلهم السامري فرجع موسى إلى قومه غضبان أسفا قال يا
قوم ألم يعدكم ربكم وعدا حسنا أفطال عليكم العهد أم أردتم أن يحل
عليكم غضب من ربكم فأخلفتم موعدي قالوا ما أخلفنا موعدك
بملكنا ولكنا حملنا أوزارا من زينة القوم فقذفناها فكذلك ألقى
السامري فأخرج لهم عجلا جسدا له خوار فقالوا هذا إلهكم وإله موسى
فنسي أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولا ولا يملك لهم ضرا ولا نفعا و
لقد قال لهم هرون من قبل يا قوم إنما فتنتم به وإن ربكم الرحمن
فاتبعوني وأطيعوا أمري قالوا لن نبرح عليه عاكفين حتى يرجع إلينا
موسى قال يا هرون ما منعك إذ رأيتهم ضلوا ألا تتبعن أفعصيت أمري



قال يا بنؤم لا تأخذ بلحيتي ولا برأسي إني خشيت أن تقول فرقت بين
بني إسرآءيل ولم ترقب قولي ٩٤ قال فما خطبك يا سامري ٩٥ قال
بصرت بما لم يبصروا به فقبضت قبضة من أثر الرسول فنبذتها وكذلك
سولت لي نفسي ٩٦ قال فاذهب فإن لك في الحيوة أن تقول لا مساس
وإن لك موعدا لن تخلفه وانظر إلى إلهك الذي ظلت عليه
عاكفا لنحرقنه ثم لننسفنه في اليم نسفا ٩٧ إنما إلهكم الله الذي لا إله
إلا هو وسع كل شيء علما ٩٨ كذلك نقص عليك من أنباء ما قد سبق
وقد آتيناك من لدنا ذكرا ٩٩ من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزرا
خالدين فيه وساء لهم يوم القيمة حملا ١٠١ يوم ينفخ في الصور ونحشر
المجرمين يومئذ زرقا ١٠٢ يتخافتون بينهم إن لبثتم إلا عشرا ١٠٣ نحن أعلم
بما يقولون إذ يقول أمثلهم طريقة إن لبثتم إلا يوما ١٠٤ ويسئلونك
عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا ١٠٥ فيذرها قاعا صفصفا ١٠٦ لا ترى فيها
عوجا ولا أمتا ١٠٧ يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له وخشعت الأصوات للرحمن
فلا تسمع إلا همسا ١٠٨ يومئذ لا تنفع الشفاعة إلا من أذن له الرحمن ورضي
له قولا ١٠٩ يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علما ١١٠ وعنت الوجوه



للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما ١١١ ومن يعمل من الصالحات وهو مؤمن
فلا يخاف ظلما ولا هضما ١١٢ وكذلك أنزلناه قرآنا عربيا وصرفنا فيه
من الوعيد لعلهم يتقون أو يحدث لهم ذكرا ١١٣ فتعالى الله الملك الحق ولا
تعجل بالقرآن من قبل أن يقضى إليك وحيه وقل رب زدني علما ١١٤
ولقد عهدنا إلى آدم من قبل فنسي ولم نجد له عزما ١١٥ وإذ قلنا للملائكة
اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى ١١٦ فقلنا يا آدم إن هذا عدو لك
ولزوجك فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى ١١٧ إن لك ألا تجوع فيها ولا تعرى
١١٨ وأنك لا تظمأ فيها ولا تضحى ١١٩ فوسوس إليه الشيطان قال يا آدم
هل أدلك على شجرة الخلد وملك لا يبلى ١٢٠ فأكلا منها فبدت لهما
سوآتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة وعصى آدم ربه فغوى
١٢١ ثم اجتباه ربه فتاب عليه وهدى ١٢٢ قال اهبطا منها جميعا بعضكم
لبعض عدو فإما يأتينكم مني هدى فمن اتبع هداي فلا يضل ولا
يشقى ١٢٣ ومن أعرض عن ذكري فإن له معيشة ضنكا ونحشره يوم
القيامة أعمى ١٢٤ قال رب لم حشرتني أعمى وقد كنت بصيرا ١٢٥ قال كذلك
أتتك آياتنا فنسيتها وكذلك اليوم تنسى ١٢٦ وكذلك نجزي من أسرف



سورة ٢١

ولم يؤمن بايات ربه ولعذاب الاخرة اشد وابقى ١٢٧ افلم يهد لهم
كم اهلكنا قبلهم من القرون يمشون في مساكنهم ان في ذلك لايات
لاولي النهى ١٢٨ ولولا كلمة سبقت من ربك لكان لزاما واجل مسمى
١٢٩ فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل
غروبها ومن اناء الليل فسبح واطراف النهار لعلك ترضى ١٣٠ ولا
تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم
فيه ورزق ربك خير وابقى ١٣١ وامر اهلك بالصلوة واصطبر عليها
لا نسئلك رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى ١٣٢ وقالوا لولا ياتينا
باية من ربه اولم تاتهم بينة ما في الصحف الاولى ١٣٣ ولو انا اهلكناهم
بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا ارسلت الينا رسولا فنتبع اياتك
من قبل ان نذل ونخزى ١٣٤ قل كل متربص فتربصوا فستعلمون من

اصحاب الصراط السوي ومن اهتدى

سورة الانبياء عليهم السلام مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون ١ ما ياتيهم من ذكر
من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون ٢ لاهية قلوبهم واسروا النجوى

از برای خدا زندهٔ پاینده و بتحقیق بی بهره است کسی که بر داشت بار ظلم را ۱۱۱ و هر که عمل میکند از نیکوئیها و او مؤمن باشد پس نمیترسد ظلمی را و نه شکستی را ۱۱۲ و همچنین فرو فرستادیم کتابیرا قرآنی عربی و مکرر گردانیدیم در آن قرآن از وعدهای عذاب شاید ایشان بپرهیزند یا احداث کند قرآن برای ایشان پندی را ۱۱۳ پس بلند مرتبه است خدائیکه پادشاه راستست و تعجیل مکن ای پیغمبر بقرائت قرآن پیش از اینکه ادا کرده شود بسوی تو وحی خدا و بگو ای پروردگار من زیاد کن علم مرا ۱۱۴ و هر آینه بتحقیق عهد کردیم بسوی آدم از پیش پس فراموش کرد و نیافتیم مر او را عزمی یعنی ثابت و اولوالعزم نبود ۱۱۵ و چون گفتیم از برای ملائکه سجده کنید از برای آدم پس سجده کردند مگر شیطان که اباوانکار کرد از سجده کردن پس گفتیم ای آدم بدرستیکه این شیطان دشمن است از برای تو و از برای زن تو پس باید بیرون نکند شما دو نفر را البته از بهشت پس برنج و زحمت بیفتی ۱۱۶ بدرستیکه مر تو راست در بهشت اینکه گرسنه نشوی در بهشت و برهنه نگردی یعنی در بهشت از طعام و ملبوس همه چیز از برای تو موجود است ۱۱۷ و بدرستیکه تو تشنه نشوی در بهشت و در آفتاب گرم نباشی که صدمه بخوری ۱۱۸ پس وسوسه کرد بسوی آدم شیطان گفت ای آدم آیا دلالت کنم تو را بر درخت جاوید که هر که از آن خورد همیشه باقی بماند و بپادشاهی که هرگز کهنه نشود ۱۱۹ پس خوردند آدم و حوا از آن درخت گندم پس ظاهر شد از برای ایشان عورتشان پس در ایستادند و می چسبانیدند بر عورتهای خود از برگهای درختان بهشت و خلاف کرد آدم پروردگار خود را پس بی بهره ماند از بقای جاوید ۱۲۰ بعد از آن برگزید آدم را پروردگار او پس قبول کرد توبهٔ او را و راه نمود او را ۱۲۱ گفت خدا فرود آئید از بهشت بزمین همگی یعنی آدم و حوا و ابلیس و طاوس و مار در حالتی که بعضی از شما آدمیان از برای بعضی دیگر دشمن باشید پس اگر بیاید شما را از جانب من راهنمائی ۱۲۲ پس هر که متابعت کند او راه مرا پس گمراه نشود و بمشقت نیفتد ۱۲۳ و هر که روی بگرداند از پند من پس بدرستیکه از برای او است زندگانی سخت در دنیا ۱۲۴ و حشر کنیم او را در روز قیامت کور ۱۲۵ گوید ای پروردگار من از چه حشر کردی مرا کور و حال آنکه بتحقیق بودم من بینا ۱۲۶ گوید خدا همچنین بود عمل تو که در دنیا چشم از طریق خیر پوشیدی ما نیز امروز راه را که طریق بهشت است از او پوشیده ایم زیرا که آمد تو را آیات قدرت ما پس فراموش کردی یعنی ترک آن نمودی و همچنین امروز فراموش کرده شدی یعنی کور شدی و راه بهشت نیابی ۱۲۷ و همچنین جزا میدهیم کسیرا که اسراف کرد یعنی از حد درگذشت و بکفر مبادرت نمود

و ایمان نیاورد بآیات پروردگار خود و هر آینه عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است ۱۲۸ آیا پس هدایت نکرد مر مشرکان را چه بسیار هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهها که راه میرفتند در مکانهای خودشان بدرستیکه در این هلاک کردن بعذاب هر آینه نشانهاست از برای صاحبان خردها و عقلها ۱۲۹ و اگر نه سخنی است که پیشی گرفته است از جانب پروردگار تو که عذاب منکران امت را تا آخرت انداخت هر آینه بود مثل آنچه نازل شد بر عاد لازمه اینست و مرگی معین برای ایشان ۱۳۰ پس صبر کن ای پیغمبر بر آنچه میگویند و تسبیح کن یعنی نماز گذار بحمد پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن و از ساعات شب پس نماز گذار و در اطراف روز یعنی صبح و عصر نماز کن شاید خدا از تو راضی شود ۱۳۱ و باز مکش البته چشمهای خودت را بسوی آنچیزی که متمتع کرده ایم ما یعنی برخوردار کرده ایم ما بآنچیز اصناف مردم را از کفار که عطا کرده ایم با ایشان زینت زندگانی دنیا را تا اینکه بیازمائیم ایشانرا در آن متاعهای دنیوی و روزی پروردگار تو بهتر است و باقی تر است ۱۳۲ و امر کن اهل خود ترا بنماز و صبر کن بر نماز یعنی مداومت کن بر نماز نمیخواهیم از تو روزی دادن باهل خود ترا ما روزی میدهیم تو را و انجام خوب از برای پرهیزکار است ۱۳۳ و گفتند مشرکان چرا نمیآرد برای ما آیتی یعنی معجزهٔ از جانب پروردگار خودش آیا نیامد ایشانرا بیان آنچه در کتابهای پیش است که تورات و انجیل است که در آنها خبر از نبوت پیغمبر ذکر شده است ۱۳۴ و اگر ما هلاک میکردیم کفار مکه را بعذابی از پیش از بعثت پیغمبر هر آینه گفتندی در وقت نزول عذاب ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری پس متابعت و پیروی کنیم آیات تو را پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم ۱۳۵ بگو ای محمد هر یک از ما و شما منتظریم حال یکدیگر را پس منتظر شوید پس زود باشد که بدانید که از ما و شما کیست خداوندان راه راست و دین مستقیم که طریق بهشتست و کیست راه یافته بحق و رسنده بمقصود و مقصد خود که درجهٔ علو و مقام بلند است

سورهٔ انبیاء مشتمل بر یکصد و دوازده آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

نزدیک شد مردمان را وقت حساب اعمال ایشان یعنی روز قیامت میرسد مثل اینست که رسیده باشد و حال آنکه ایشان در غفلتند و اعراض کنندگانند از ایمان آوردن ۲ نیامد ایشانرا هیچ پندی از پروردگارشان که از نو فرستاده شده است مگر اینکه بشنوند آنرا از پیغمبر و حال اینکه بازی میکنند بر آن و استهزاء مینمایند ۳ در حالتیکه مشغول است دلهای ایشان یعنی پندهای پروردگار را از پیغمبر میشنوند و دلهاشان بلهو و لعب است و تفکر در آیات پروردگار نمیکنند که بفهمند که تنها معجز است و پنهان کردند نجوی یعنی سر گوشی با هم میگفتند

انکسانیکه ظلم کردند بر نفس خود و کافر شدند میگفتند نیست این پیغمبر مگر آدمی مثل شما آیا پس میآئید شما سحر را یعنی قبول میکنید سحر کردن او را در حال اینکه شما می بینید
که این محمد آدمی است مثل شما هر چه میگوید سحر است ۴ گفت پیغمبر که پروردگار من میداند گفتن هر گوینده را در آسمان و در زمین و او است شنونده دانا ۵
بلکه گفتند یعنی کافران علاوه بر اینکه گفتند قرآن سحر است اینرا هم گفتند که قرآن سخنان پراکنده پریشانست بلکه بر بافته است محمد آن قرآن را از پیش خود و دروغ
نسبت بخدا میدهد بلکه گفتند که محمد شاعر است پس باید بیاورد ما را معجزه همچنانکه فرستاده شده بودند پیغمبران پیشینیان مثل ناقه صالح و عصا و ید بیضای
موسی ۶ ایمان نیاوردند پیش از کفار مکه هیچ شهر که هلاک کردیم ایشانرا یعنی آیات و معجزات طلبیدند بعد از اینکه نمودیم معجزات خود مانرا ایمان نیاوردند و هلاک
کردیم ایشانرا آیا پس ایشان یعنی کفار مکه ایمان میآورند اگر اینهارا با ایشان بنمائیم یعنی ایمان نخواهند آورد ۷ و نفرستادیم ما پیش از تو ای محمد مگر مردانی که
وحی کردیم با ایشان پس سؤال کنید از اهل کتاب که ایشان عالمند با نبیاء پیغمبران بایدبشر باشند نه ملائکه اگر هستید شما که نمیدانید بپرسید ۸ و قرار ندادیم ما پیغمبرانرا
خداوند بدنی که نمیخورند طعام را و نبودند جاویدان در دنیای فانی ۹ پس راست گردانیم ما ایشانرا بوعده که با ایشان کرده بودیم از غلبه موحدان و مغلوب شدن
کفار و مشرکان پس نجات دادیم ما ایشانرا و هر که را میخواستیم و هلاک کردیم ما مسرفین را ۱۰ هر آینه بتحقیق فرو فرستادیم ما بسوی شما کتابی را که در آنست شرف
بزرگواری شما آیا پس تعقل نمیکنید ۱۱ و چه بسیار در هم شکستیم از اهل شهرهائیکه بودند ستمکار و آفریدیم بعد از هلاک ایشان قومی دیگر را بجای ایشان ۱۲
پس چون یافتند عذاب ما را یعنی مشاهده کردند لشکر بخت النصر را که فرو گرفت ایشانرا ناگاه ایشان از آن قریه فرار میکردند ۱۳ فرار نکنید و برگردید بسوی آنچیزیکه
متنعم شده بودید در آن و بسوی مسکنهای خود شاید شما پرسیده شوید از نعمت یعنی فقرا از شما سؤال چیزی کنند ۱۴ گفتند ای وای بر ما بدرستیکه ما بودیم از ستمکاران
۱۵ پس همیشه بود این کلمه یا ویل خواندن ایشان و همیشه اینکلمات را تکرار میکردند تا وقتیکه گردانیدیم ما ایشانرا گیاه درویده یعنی همچنانکه گیاه را بداس میبرند ایشانرا
درویدند در حالتیکه افسرده گان مردگان بودند ۱۶ و خلق نکردیم آسمان و زمین را و آنچه در بین آسمان و زمین است در حالتیکه بازی کنندگان بودیم یعنی اینها را ببازی خلق نکردیم
۱۷ اگر میخواستیم اینکه فرا گیریم چیزی را که بآن مشغول شوند هر آینه فرا میگرفتیم ما از جانب خود مان اگر بودیم ما کننده و فرا گیرنده آن یعنی بر وجهی که لایق حضرت ما بود اسباب بازی
میآفریدیم از قسم مجردات نه از طریق مادیات و اجسام ۱۸ بلکه شان ما اینست که میافکنیم حق را که حجت است بر باطل که لهو و لعب است پس فرو میشکند آنرا پس آنهنگام آن لهو محو شده باشد
و از برای شما است ویل که کلمه حسرت است از آنچه وصف میکنید بر خدا بوصف نالایق ۱۹ و از برای خدا است هر چه در آسمانها و زمین است و هر که نزد او است از ملائکه و مقربان

درگاه سرکشی صفحه دویست پنجاهم میکنند

از عبادت خدا و هیچ مانده نمیشوند و ملال نمیگیرند ۲۰ تسبیح میکنند حضرت سبحانه و تعالی را شب و روز و سست نمیشوند هرگز در عبادت خود ۲۱ آیا فرا گرفته اند کافران
خدایانرا از زمین و ایشان زنده کننده مردگانند یعنی بتانی که حس ندارند چگونه خواهند توانست که مرده گانرا زنده کنند ۲۲ اگر می بود در زمین و آسمان
خدایانی سوای خدای واحد هر آینه فاسد میشدند آسمان و زمین و نظام کارها در هم شکستی پس تنزیه کن خدای را که پروردگار عرش است از آنچه
وصف میکنند که شریک و زن و فرزند برای او قرار میدهند ۲۳ پرسیده نشود خدای تعالی از آنچه میکند و ایشان یعنی همه بندگان پرسیده میشوند
۲۴ یا فرا گرفتند از سوای خدا خدایانی بگو بیاورید برهان خود تانرا اینکه مذکور شد از تعدد آلهه یاد کردن کسانی است که با منند از امت من یعنی
قرآن و یاد کردن کسانی که پیش از من بوده اند یعنی تورات بلکه بیشتر ایشان نمیدانند راه حق را پس ایشان اعراض کنندگانند از
خدا و متابعت رسول خدا ۲۵ و نفرستادیم ما از پیش از تو هیچ رسولی را مگر اینکه وحی کردیم بسوی او اینکه نیست خدائی مگر من پس
عبادت کنید مرا ۲۶ و گفتند گرفته است خدا ولدی پاکست خدا و منزه است بلکه فرشتگان بندگانند گرامی شده و ایشان
هم بعبودیت هستند که منافی ولادتست ۲۷ پیشی نمیگیرند ملائکه بر خدا در سخن گفتن و ایشان بامر خدا عمل میکنند ۲۸ میداند خدا
آنچه در پیش ایشانست و آنچه در پشت سر ایشانست و شفاعت یعنی درخواست نمیکنند ۲۹ مگر از برای کسی که خدا راضی باشد که در حق وی شفاعت کنند
و ایشان یعنی فرشتگان از ترس عذاب خدا ترسانند ۳۰ و هر که میگوید از فرشتگان و سایر مخلوق بدرستیکه من خدا هستم از سوای خدا تعالی پس آن قائل را جزا
دهیم او را دوزخ همچنین جزا میدهیم ظلم کنندگانرا ۳۱ آیا ندیدند آنکسانیکه کافر شدند اینکه آسمانها و زمین بودند بر هم نهاده و بهم بسته شده پس باز کردیم آنهارا و گردانیدیم ما از
آب هر چیزی را زنده آیا پس ایمان نمیآورند ۳۲ و قرار دادیم ما در زمین کوهها را تا نجنبانند زمین آدمیانرا و قرار دادیم در زمین راههای گشاده شاید ایشان راه بیابند بمقاصد خود شان
۳۳ و قرار دادیم ما آسمانرا سقفی محفوظ یعنی نگاهداشته شده از افتادن و کافران از نشانها و علامات آسمان که طلوع و غروب آفتاب و ماه و ستاره گانند اعراض کنندگانند ۳۴ و او است خدای
آنچنانیکه خلق کرد شب و روز را و خورشید و ماه را هر یک در آسمان شنا میکنند یعنی بر سطح فلک میشتابند مثل شناگری که بر روی آب شنا کند ۳۵ و قرار ندادیم ما از برای هیچ آدمی پیش از تو

از تو خلود در دنیا را پس اگر بمیری تو پس ایشان که منتظر موت تو هستند در دنیا جاوید خواهند ماند ۳۶ هر نفسی صاحب حیاتی چشنده است مرگ را و میآزمائیم
شما را به بدی یعنی به بلاها و به خوبی یعنی بعطاها و نعمتها آزمودنی و بسوی ما برگشته میشوید ۳۷ و چون به بینند تو را آنکسانیکه کافر شدند فرا نگیرند تو را مگر
باستهزاء یعنی ایشان استهزاء تو را پیغمبر خوانند و بیکدیگر گویند آیا اینست آنکسی که یاد میکند خدایان شما را ببدی و مذمت میکنند و ایشان یعنی کافران بیاد کردن
خدای بخشاینده ایشان کافرانند ۳۸ خلق کرده شد انسان از تعجیل زود باشد که بنمایم بشما آیات خود را پس تعجیل نکنید در عذاب من ۳۹ و میگویند کفار کی باشد
این وعده عذاب اگر هستید شما راستگویان ۴۰ خدا در جواب کفار میفرماید اگر بدانند کسانیکه کافر شدند در وقتی که باز ندارند از رویهای خودشان آتش را
و نه از پشتهای خودشان و نه ایشان یاری کرده میشوند ۴۱ بلکه میآید ایشان را عذاب ناگاه پس مبهوت میکند ایشان را پس قدرت ندارند رد کردن عذاب را
از خود و نه ایشان مهلت داده میشوند ۴۲ و هرآینه بتحقیق استهزاء کرده شدند پیغمبرانیکه پیش از تو بودند پس احاطه کرد بآن کسانیکه مسخره کردند
از ایشان آنچه را که بودند بآن استهزاء میکردند ۴۳ بگو ای محمد کی حفظ میکند شما را در شب و روز از عذاب خدا بلکه کفار از یاد پروردگار خودشان
اعراض کننده اند ۴۴ یا از برای ایشانست خدایانیکه باز میدارند آن خدایان از ایشان عذابی را که از نزد ما بایشان میرسد قدرت ندارند خدایان
ایشان یاری کردن نفسهای خودشان را و نه ایشان از ما مصاحبت کرده میشوند یعنی نصرتی از ما بایشان نمیرسد ۴۵ بلکه زندگانی با وسعت دادیم این
کفار را و پدران ایشان را تا اینکه طولانی شد بر ایشان مدت زندگانی آیا پس نمی بینند ایشان اینکه ما میآوریم زمین را کم میکنیم آن زمین را از اطراف آن یعنی از
اراضی کفار بتصرف اهل اسلام در میآوریم آیا پس ایشان یعنی کفار غلبه کنندگانند یعنی هرگز غلبه نخواهند نمود ۴۶ بگو ای محمد جز این نیست میترسانم من
شما را بسبب وحی که از جانب خدا بمن میرسد و نمی شنوند کر خواندن تو را بخدا در وقتیکه ترسانیده شوند ۴۷ و هرآینه اگر برسد بکفار اندک اثری از
عذاب پروردگار تو هرآینه میگویند البته ای وای بر ما بدرستیکه ما بودیم ظلم کنندگان بر خود ۴۸ و میگذاریم ترازوهای عدل
و راستی را برای روز قیامت پس ستم کرده نمیشود نفسی هیچ چیز را و اگر باشد بقدر دانهٔ از خردل بپا داریم او را در ترازوی حساب و بس است ما را

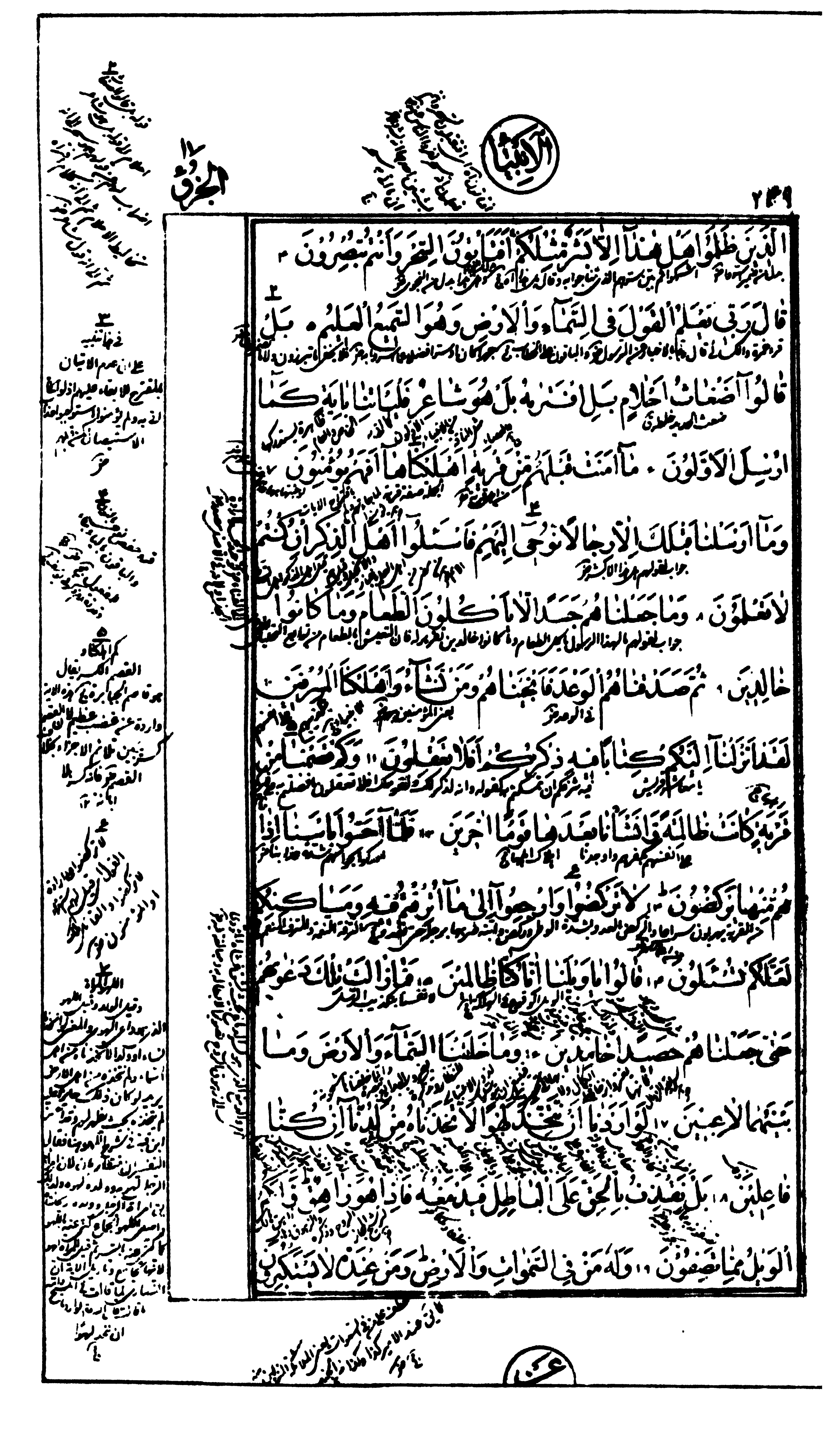
صفحهٔ دویست پنجاه و دوم

حساب کنندگان ۴۹ و بدرستیکه دادیم بموسی و هرون کتابی که جدا کننده است میان حق و باطل و روشنی و پنداست از برای پرهیزکاران ۵۰
آن کسانیکه یعنی پرهیزکاران آنکسانی هستند که میترسند از پروردگار خودشان در حالتی که پنهانند از نظر مردمان یعنی در خلوات و جای تنها ترسانند
از پروردگار و ترس خود را بمردم آشکار نمیکنند و ایشان از هول قیامت ترسندگانند ۵۱ و این قران سخنی است با خیر و منفعت که فرو فرستادیم
ما آنرا آیا پس شما مر او را انکار کنندگانید ۵۲ و هرآینه بتحقیق دادیم ما بابراهیم راه یافتن او را و صلاح از پیش از این و بودیم ما
باو یعنی باستحقاق او مر عطای رشد را دانا ۵۳ وقتی که گفت ابراهیم پدر خود را یعنی عم خود را و قوم خود را چه چیز است این شکلها و صورتها
که شما پرستش آنها را مجاور ایند ۵۴ گفتند کفار یافتیم ما پدران خود را که از برای آنها عبادت کنندگان بودند ۵۵ گفت ابراهیم
هرآینه بدرستیکه بودید شما خودتان و پدرانتان در گمراهی آشکار ۵۶ گفتند کفار آیا آوردی تو ما را سخن حق یعنی این را بجد میگوئی یا تو از بازی
کنندگانی یعنی این سخن را بطور لعب و بازی و مطایبه میگوئی ۵۷ گفت ابراهیم بلکه پروردگار شما پروردگار آسمانها و زمین آنچنانی است که آفرید آنها را
و من بر آنچه گفتم بشما از گواهانم ۵۸ و قسم بخدا هرآینه جد و جهد و تدبیر خفی نمایم البته در شکستن بتان شما بعد از اینکه روی بگردانید در حالتیکه پشت کننده
باشید بر ایشان یعنی ایشان را باز گذاشته و بتماشای سیر خود رفته باشید ۵۹ پس گردانید ابراهیم بتان را پاره پاره و خورد کرده مگر بزرگ بتان را که نشکست و تبر را
بگردن آن نهاد شاید ایشان بسوی آن بت و بتخانه برگردند و به بینند که چگونه بتان درهم شکسته است ۶۰ گفتند کافران کی کرده است این کار را بخدایان ما بدرستیکه او
یعنی کنندهٔ این کار و شکنندهٔ بتان هرآینه از ظلم کنندگانست ۶۱ گفتند شنیدیم ما بواسطه از جوانی که ببدی ذکر میکرد بتان ما را گفته میشد از برای او ابراهیم یعنی اسم
آنجوان را ابراهیم میگفتند ۶۲ گفتند کفار پس بیاورید او را برابر چشمهای مردم شاید ایشان به بینند و گواهی دهند که اینست بتان را نکوهش مینمود یعنی بد میگفت
۶۳ گفتند کفار با ابراهیم آیا تو کرده این را بخدایان ما یعنی تو شکستهٔ بتان ما را ای ابراهیم ۶۴ گفت ابراهیم بلکه کرده است این کار را بزرگ ایشان که این بت است
و اشاره نمود بآن بت بزرگ پس بپرسید از ایشان یعنی از بتان اگر هستند که حرف میزنند ۶۵ پس برگشتند بسوی نفسهای خودشان یعنی بفکر فرو رفتند پس گفتند بعضی از
نمرودیان ببعضی مگر بدرستیکه ستمکارانید بر خود بر این حالی که دیدید ۶۶ پس برانداخته شد سرهای خودشان را و گفتند هرآینه بتحقیق دانسته تو که این بتان حرف نمیزنند ۶۷
گفت ابراهیم آیا پس عبادت میکنید از غیر خدا چیزی را که نفع نمیدهد شما را هیچ چیز و ضرر نمیرساند بشما زشتی و ناخوشی باد از برای شما و برای آنچه عبادت میکنید

از غیر خدا آیا پس تعقل نمیکنید ۶۸ گفتند نمرودیان بسوزانید ابراهیم را و یاری کنید خدایان خود را اگر هستید شما کنندگان نصرت مر خدایان خودتان را ۶۹
گفتیم ما ای آتش باش برد و سالم یعنی سرد و برودتی باش که ضرر باو نرساند ۷۰ و اراده کردند نمرودیان با براهیم مکری و تدبیری پس گردانیدیم ما ایشانرا زیانکاران
۷۱ و نجات دادیم ما ابراهیم را از زمین عراق که منزل نمرودیانست و نجات دادیم لوط برادرزادهٔ ابراهیم را و رسانیدیم ایشانرا بآن زمینی که برکت دادیم در آن زمین
برجهانیان یعنی زمین شام ۷۲ و بخشیدیم ما از برای ابراهیم از ساره دختر عم او پسری اسحق نام و یعقوب در حالتی که عطیه بود از ما نسبت با براهیم و همه را یعنی
ابراهیم و لوط و اسحق و یعقوب را گردانیدیم نیکان و شایستگان ۷۳ و گردانیدیم ما ایشانرا پیشوایان راه مینمایند مردمانرا بامر ما و وحی کردیم بسوی
ایشان عملهای نیک را و برپا داشتن نماز را و دادن زکوة را و بودند ایشان از برای ما عبادت کنندگان ۷۴ و لوط را ما دادیم او را حکمت و علم یعنی نبوت و
نجات دادیم ما او را از آن دهی که بودند اهل آن ده که میکردند عملهای بد ناپاک را و آن ده سدوم بود از مؤتفکات که اهل آن بعمل لواطه مشغول بودند بدرستی
که ایشان بودند قوم بدی بیرون رفتگان از دایرهٔ فرمان ۷۵ و داخل کردیم ما لوط را در رحمت خودمان بدرستیکه او از جملهٔ شایستگان و ستودگانست
۷۶ و یاد کن نوح را وقتی که خواند پروردگار خود را پیش از ابراهیم و لوط پس اجابت کردیم ما دعای او را پس نجات دادیم ما او را و اهل او را از اندوه بزرگ یعنی
از طوفان ۷۷ و یاری کردیم ما نوح را از قومی که تکذیب کردند آیات ما را بدرستیکه ایشان بودند قومی بد پس غرق کردیم ما ایشانرا تماما ۷۸ و یاد کن داود
و سلیمانرا وقتی که حکم کردند در کشت و زراعت وقتیکه پراکنده شده بودند در آن کشت زار گوسفندان قوم و بودیم ما مر حکم ایشانرا از جملهٔ دانایان یعنی دانستیم
که داود و سلیمان چه حکم کردند در میان صاحب زراعت و صاحب گوسفند ۷۹ پس فهمانیدیم ما یعنی تسلیم کردیم ما حکومت را بسلیمان و همه را دادیم یعنی هر یک
از پدر و پسر را دادیم ما حکمت و علم و نبوت و مسخر کردیم یعنی رام کردیم با داود کوهها را بسخن گفتن و تسبیح میکردند خدای را بموافقت او و رام کردیم از برای او
پرندگانرا و هستیم ما کنندگان مر امثال اینها را ۸۰ و تعلیم کردیم ما داود را ساختن زره از برای شما تا اینکه حفظ کند آن زره شما را از کارزار شما یعنی از قتل و جراحت
پس آیا هستید شما سپاس گویندگان ۸۱ و رام کردیم ما از برای سلیمان باد را در حالتی که آن باد تند و سخت باشد که جاری میشد یعنی آن باد میرفت بامر سلیمان بسوی

زمینی که برکت دادیم ما در آن زمین یعنی بولایت شام و هستیم ما بهمه چیز دانا ۸۲

و رام کردیم مر سلیمانرا از دیوان تا آنکه غواصی میکردند در دریا برای او و میکردند عملی دیگر سوای غواصی و بودیم ما مر دیوانرا نگاه دارنده که از فرمان سلیمان بیرون
نروند ۸۳ و یاد کن ایوب را وقتیکه خواند پروردگار خود را باینکه رسید مرا رنجی سخت و تو بخشنده ترین بخشندگانی ۸۴ پس اجابت کردیم ما از برای ایوب پس بردیم
ما آنچه باو رسیده بود از رنج و دادیم ما بایوب اهل و اولاد را یعنی فرزندان او را زنده کردیم و مثل ایشان با ایشان یعنی مثل آن فرزندان و اموال و چندان دادیم چنانچه
رحیمه زن ایوب بعد از عود بجوانی و قوت بیست و شش پسر آورده بود بجهة انعام و بخشش از جانب ما نسبت بایوب بجهة پندی برای عبادت کنندگان ۸۵ و یاد کن ای محمد
اسمعیل و ادریس و ذا الکفل را که همه بودند از جملهٔ صبر کنندگان ۸۶ و داخل کردیم ما ایشانرا در رحمت خودمان بدرستیکه ایشان از نیکوکارانند ۸۷ و یاد کن ذا النون یعنی یونس را وقتیکه
بیرون رفت از میان قوم خود در حالت غضب پس گمان کرد اینکه تنگ نکنیم تکلیف مشقت را بر او یعنی او را بشدائد مبتلا نگردانیم بجهة نافرمانی که کرده بود که بی اذن خدا از میان قوم
بیرون رفته بود و بعد از اینکه بکشتی نشست و او را بدریا انداختند و ماهی او را بلعید و چهل روز در شکم ماهی ماند و آن ماهی بقعر دریا فرو رفت پس یونس خواند پروردگار خود را در آن تاریکی شکم
ماهی و تاریکی قعر دریا اینکه نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنیم ترا بدرستیکه من از ستمکاران ۸۸ پس اجابت کردیم ما دعای یونس را و نجات دادیم او را از غم و همچنین نجات میدهیم
گروندگانرا ۸۹ و یاد کن ای پیغمبر زکریا را چون خواند پروردگار خود را که ای پروردگار من وا مگذار مرا تنها پس فرزندی بمن عطا کن و تو بهترین وارثانی ۹۰ پس مستجاب کردیم
ما دعای او را و بخشیدیم ما برای او یحیی را و بصلاح آوردیم ما از برای او زن او را که اشاع بنت عمران بود یعنی بعد از عقیم شدن او را قابل آن ساختیم که آبستن شود بدرستیکه
ایشان یعنی همه پیغمبرانی که ذکر شده بودند که شتاب میکردند در انواع خوبیها و میخواندند ما را بجهة رغبت نمودن بثواب و طاعت و بجهة ترسیدن از عقوبت و بودند پیغمبران
از برای ما ترسندگان و فروتنان ۹۱ و یاد کن آن زنی را که نگاه داشت فرج خود را از حلال و حرام پس دمیدیم یعنی جبرئیل را فرمودیم دمید در مریم از روح ما و گردانیدیم
ما مریم و پسر مریم را علامتی و حجتی از برای عالمیان ۹۲ بدرستیکه این ملت توحید و دین اسلام ملت و کیش شما است در حالتی که ملتی است یگانه یعنی همه انبیا متفق بوده اند در وحدت
خدا و اختلافی نداشته اند و منم پروردگار شما پس عبادت کنید مرا ۹۳ و قطعه قطعه کردند و پاره پاره نمودند یهود و نصاری کار دین خود را در میان خودشان همگی بسوی ما بازگردندگانند
۹۴ پس هر که عمل کند از نیکوئیها و او گرونده باشد پس نیست هیچ ناسپاسی مر شناختن او را بعمل یعنی ضایع نشود کردار او بدرستیکه ما از برای او نویسندگانیم یعنی فرشتگان را امر
فرمائیم که سعی و اهتمام او را بنویسند و ثبت کنند ۹۵ و حرام است یعنی است بر اهل دهی که هلاک کردیم
ما ایشانرا اینکه ایشان بازنگردند یعنی ۹۶ تا وقتی که گشوده شود سد یاجوج و ماجوج



الذين ظلموا هل هذا إلا بشر مثلكم أفتأتون السحر وأنتم تبصرون ٣
قال ربي يعلم القول في السماء والأرض وهو السميع العليم ٤ بل
قالوا أضغاث أحلام بل افتراه بل هو شاعر فليأتنا بآية كما
أرسل الأولون ٥ ما آمنت قبلهم من قرية أهلكناها أفهم يؤمنون ٦
وما أرسلنا قبلك إلا رجالا نوحي إليهم فاسألوا أهل الذكر إن كنتم
لا تعلمون ٧ وما جعلناهم جسدا لا يأكلون الطعام وما كانوا
خالدين ٨ ثم صدقناهم الوعد فأنجيناهم ومن نشاء وأهلكنا المسرفين ٩
لقد أنزلنا إليكم كتابا فيه ذكركم أفلا تعقلون ١٠ وكم قصمنا من
قرية كانت ظالمة وأنشأنا بعدها قوما آخرين ١١ فلما أحسوا بأسنا إذا
هم منها يركضون ١٢ لا تركضوا وارجعوا إلى ما أترفتم فيه ومساكنكم
لعلكم تسألون ١٣ قالوا يا ويلنا إنا كنا ظالمين ١٤ فما زالت تلك دعواهم
حتى جعلناهم حصيدا خامدين ١٥ وما خلقنا السماء والأرض وما
بينهما لاعبين ١٦ لو أردنا أن نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا إن كنا
فاعلين ١٧ بل نقذف بالحق على الباطل فيدمغه فإذا هو زاهق ولكم
الويل مما تصفون ١٨ وله من في السماوات والأرض ومن عنده لا يستكبرون



عن عبادته ولا يستحسرون ٢٠ يسبحون الليل والنهار لا يفترون ٢١
أم اتخذوا آلهة من الأرض هم ينشرون ٢٢ لو كان فيهما آلهة إلا الله
لفسدتا فسبحان الله رب العرش عما يصفون ٢٣ لا يسئل عما يفعل و
هم يسئلون ٢٤ أم اتخذوا من دونه آلهة قل هاتوا برهانكم هذا ذكر
من معي وذكر من قبلي بل أكثرهم لا يعلمون الحق فهم معرضون ٢٥
وما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا أنا
فاعبدون ٢٦ وقالوا اتخذ الرحمن ولدا سبحانه بل عباد مكرمون ٢٧
لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون ٢٨ يعلم ما بين أيديهم وما
خلفهم ولا يشفعون إلا لمن ارتضى وهم من خشيته مشفقون ٢٩ ومن يقل
منهم إني إله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين ٣٠ أولم ير
الذين كفروا أن السموات والأرض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون ٣١ وجعلنا في الأرض رواسي أن تميد
بهم وجعلنا فيها فجاجا سبلا لعلهم يهتدون ٣٢ وجعلنا السماء
سقفا محفوظا وهم عن آياتها معرضون ٣٣ وهو الذي خلق الليل و
النهار والشمس والقمر كل في فلك يسبحون ٣٤ وما جعلنا لبشر من

قبلك الخلد أفإين مت فهم الخالدون ٣٤ كل نفس ذائقة الموت ونبلوكم
بالشر والخير فتنة وإلينا ترجعون ٣٥ وإذا رآك الذين كفروا إن يتخذونك
إلا هزوا أهذا الذي يذكر آلهتكم وهم بذكر الرحمن هم كافرون ٣٦
خلق الإنسان من عجل سأوريكم آياتي فلا تستعجلون ٣٧ ويقولون
متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ٣٨ لو يعلم الذين كفروا حين لا يكفون
عن وجوههم النار ولا عن ظهورهم ولا هم ينصرون ٣٩ بل تأتيهم بغتة
فتبهتهم فلا يستطيعون ردها ولا هم ينظرون ٤٠ ولقد استهزئ برسل
من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزئون ٤١ قل من
يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون ٤٢
أم لهم آلهة تمنعهم من دوننا لا يستطيعون نصر أنفسهم ولا هم منا يصحبون ٤٣
بل متعنا هؤلاء وآباءهم حتى طال عليهم العمر أفلا يرون أنا نأتي الأرض
ننقصها من أطرافها أفهم الغالبون ٤٤ قل إنما أنذركم بالوحي ولا يسمع
الصم الدعاء إذا ما ينذرون ٤٥ ولئن مستهم نفحة من عذاب ربك
ليقولن يا ويلنا إنا كنا ظالمين ٤٦ ونضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا
تظلم نفس شيئا وإن كان مثقال حبة من خردل أتينا بها وكفى بنا

خاسرين ولقد آتينا موسى وهرون الفرقان وضياء وذكرا
للمتقين الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من الساعة مشفقون و
هذا ذكر مبارك أنزلناه أفأنتم له منكرون ولقد آتينا إبرهيم
رشده من قبل وكنا به عالمين إذ قال لأبيه وقومه ما هذه
التماثيل التي أنتم لها عاكفون قالوا وجدنا آباءنا لها عابدين
قال لقد كنتم أنتم وآباؤكم في ضلال مبين قالوا أجئتنا بالحق أم
أنت من اللاعبين قال بل ربكم رب السموات والأرض الذي فطرهن
وأنا على ذلكم من الشاهدين وتالله لأكيدن أصنامكم بعد أن تولوا
مدبرين فجعلهم جذاذا إلا كبيرا لهم لعلهم إليه يرجعون قالوا
من فعل هذا بآلهتنا إنه لمن الظالمين قالوا سمعنا فتى يذكرهم يقال
له إبرهيم قالوا فأتوا به على أعين الناس لعلهم يشهدون قالوا
ءأنت فعلت هذا بآلهتنا يا إبرهيم قال بل فعله كبيرهم هذا
فسئلوهم إن كانوا ينطقون فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أنتم
الظالمون ثم نكسوا على رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون قال
أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضركم أف لكم ولما تعبدون

وایشان از هر بلندی و پستی بشتابند و بدوند یعنی تمام دنیا را فرو گیرند ۹۷ و نزدیک شد وعده راست که آن قیامت است پس آنهنگام که واقع شود قصه خیره مانده
باشد چشمهای کسانیکه کافر شدند گویند ای وای بر ما بدرستیکه بودیم ما در غفلت از این ورود قیامت بلکه بودیم ما ظلم کنندگان ۹۸ بدرستیکه شما و آنچه را
که میپرستید از غیر خدا آتش افروز جهنمید یعنی بجهنم در افتید مثل اینکه ریزه سنگرا در چاه اندازند شما از برای جهنم هر آینه وارد شوندگانید ۹۹ اگر میبودند
این بتان خدایان وارد نمیشدند بجهنم و حال اینکه همان بتان و بت پرستان در جهنم همیشه خواهند بود ۱۰۰ از برای کفار است در آن جهنم نالهای زار و ایشان در آن
جهنم نشنوند یعنی نشنوند سخنی که بآن شاد شوند ۱۰۱ بدرستیکه آنکسانیکه پیش گرفته است از برای ایشان از جانب ما نیکوئیها که توفیق و سعادت رسید آن گروه
از جهنم دور شدگانند ۱۰۲ نمیشنوند کوششین آواز جهنم را و ایشان در هر چه بخواهد نفسهای ایشان جاویدانند یعنی همیشه هر چه آرزو کنند برای ایشان موجود
است ۱۰۳ اندوهگین نکند ایشانرا ترس بزرگ یعنی ترسی که از شنیدن آواز صور حاصل میشود و استقبال کنند ایشانرا فرشتگان و گویند اینست
روز آنچنانی که شما بودید وعده کرده میشدید ۱۰۴ روزیکه به پیچیم آسمانرا مثل پیچیده شدن طومار برای کتابها یعنی نوشتن اعمال همچنانکه ابتدا کردیم
اول آفرینش را باز گردانیم آنرا بصورت اول چنانچه در اول هیچ نبود و ما بید قدرت خلق کردیم در روز قیامت همه را نیست و نابود کنیم مثل روز اول
وعده ایست که کردیم بر ما است وفای بآن وعده بدرستیکه ما بودیم کنندگان یعنی وفا کننده بوعده خودمان ۱۰۵ و هر آینه بتحقیق نوشتیم ما
در زبور بعد از نوشتن در تورات اینکه زمین میراث میبرند آنرا بندگان صالح من ۱۰۶ بدرستیکه در این یعنی در آنچه مذکور شد از هلاک کافران و دولت
صلحای اهل ایمان هر آینه کفایت است از برای گروهی که عبادت کنندگانند ۱۰۷ و نفرستادیم ما ترا ای پیغمبر مگر رحمتی از برای عالمیان ۱۰۸
بگو جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس آیا شما گروندگانید ۱۰۹ پس اگر برگردند از توحید پس بگو آگاه کردم شما را بطریق مساوی یعنی
بهمه شما خبر کردم و نمیدانم من آیا نزدیکست یا دور است آنچه وعده داده میشوید ۱۱۰ بدرستیکه او یعنی خدا میداند گفتار بلند آشکار را و میداند آنچه را که
میپوشانید ۱۱۱ و نمیدانم تاخیر عقوبت را شاید که آن آزمایش است از برای شما و برخورداری است تا روز مردن ۱۱۲ گفت پیغمبر ای پروردگار من حکم کن براستی
و پروردگار ما مهربانست یاری خواسته شده است بر آنچه وصف میکنید از حالاتیکه بخلاف حق است که آن شوکت و اقتدار شما و سرنگون شدن رایات اسلام است

سوره حج مشتمل بر هفتاد و هشت آیه و در مدینه طیبه نازل شده است

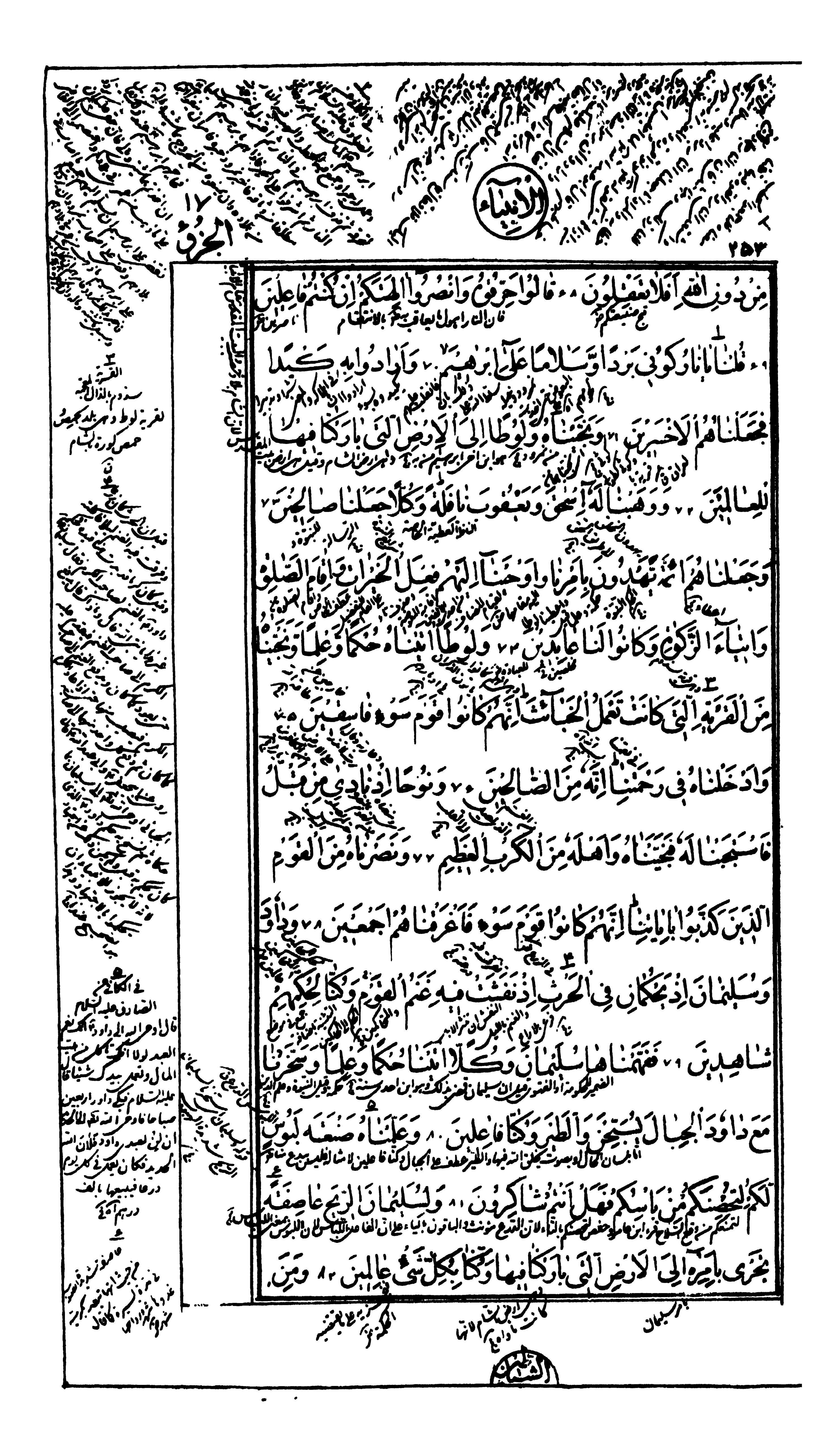
بنام خدای بخشاینده مهربان

ای مردم بپرهیزید از عذاب پروردگار خودتان بدرستیکه زلزله قیامت چیزیست بزرگ ۲ روزیکه به بینید آنرا که غافل شود هر شیر دهنده از
آنچه شیر میدهد یعنی تمام مادرها بچه خود را فراموش کنند و بگذارد هر آبستنی حمل خود را یعنی تمام آبستنها بچه بیندازند و به بینی مردم را مست و حال
اینکه نیستند ایشان مست و لیکن عذاب خدا سخت است ۳ و از مردم است کسی که جدال میکند در خدا یعنی در قدرت خدا بدون دانش و متابعت
میکند هر شیطانیرا که متمرد است ۴ نوشته شد بر آن اینکه هر که دوست دارد او را پس بدرستیکه او گمراه کند آن متمرد آن دوست دارنده را و راه نماید او را بسوی
عذاب آتش سعیر ۵ ای مردم اگر هستید شما در شکی از برانگیخته شدن بعد از مردن پس بدرستیکه ما خلق کردیم شما را از خاک بعد از
آن از نطفه بعد از آن خون بسته شده بعد از آن از پاره گوشت تمام خلقت و غیر تمام خلقت تا بیان کنیم از برای شما با این
انتقالات حکمت و قدرت خودمان را و قرار میدهیم ما در رحمها هر چه را که میخواهیم تا وقت معین بعد از آن بیرون میآوریم
شما را در حال طفولیت بعد از آن تا برسید بکمال قوت خود و از شما است کسی که میمیرد در جوانی و از شما است کسی که بر میگردد بسوی پست‌ترین
عمر یعنی پیر میشود و سستی و خرافت میرسد که بدترین زندگانیست تا اینکه نداند بعد از دانستن چیزی را یعنی آنچه در جوانی میدانست
در پیری فراموش کند و به بینی زمین را خشک پس وقتی که فرو فرستادیم ما بر آن زمین خشک آب را
جنبش کند و نمو کند و سبز کند از هر گیاهی تازه و نیکو ۶ این آثار بسبب این است که او است حق و راست
و بدرستی که خداوند زنده میکند مردگان را و بدرستی که او بر هر چیز قادر است ۷ و اینکه قیامت
آینده است نیست شکی در آن و اینکه خدا برانگیزد کسانی را که در قبرها هستند ۸ و از مردم است کسی که مجادله میکند در خدا یعنی
در کلام خدا و توحید بدون دانش و بی دلیل و نه راه نماینده و نه کتابی روشن که صواب از خطا ممتاز شود ۹ در حالی

در حالتی که پیچیده است گردن و جانب دوش خود را که علامت تکبر است تا اینکه گمراه بگرداند مردم را از راه خدا از برای اوست در دنیا خواری
و می چشانیم او را در روز قیامت عذاب سوزانی را ۱۰ این بسبب آنچیزیست که پیش فرستاده دستهای تو یعنی کسب کفر و معصیت کرده است و آنکه
خدا نیست ستم کننده مر بندگان را ۱۱ و از مردمست کسی که عبادت میکند خدا را بزبان پس اگر برسد او را چیزی مطمئن میشود بآن از دین و اگر برسد او را آزمایشی
برمیگردد بر روی خود یعنی از آنروکه باسلام آورده است برمیگردد از اسلام ضرر کرد در دنیا و آخرت اینست آن زیان کار آشکار ۱۲ میخواند از سوای خدا
چیزی را که ضرر نمیرساند او را و چیزیرا که نفع نمیرساند او را اینست آن گمراهی دور از رحمت که در دنیا و آخرت هردو محروم از فیض پروردگار باشد ۱۳ می
خواند آنرا که ضرر آن نزدیکتر است از نفع آن یعنی در دنیا قتل و در آخرت حرمان از رحمت نصیب او است هرآینه بد مصاحب و بد معاشریست که برای خود
اختیار کرده اند ۱۴ بدرستیکه خدا داخل میکند آن کسانیرا که ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند ببهشتهائیکه جاری میشود از زیر درختان و عمارات آن نهرها بدرستی
که خدا میکند هرچه که میخواهد ۱۵ هرکه باشد گمان کند اینکه یاری نمیکند او را خدا در دنیا و آخرت پس باید که بکشد ریسمانی بسوی آسمان یعنی ریسمانی از سقف خانه
بیاویزد و گردن خود بر آن ببندد و بعد از آن باید که قطع کند آن ریسمانرا تا بیفتد و بمیرد یا قطع کند راه نفس کشیدن خود را تا بمیرد پس باید بنظر کند و به بیند آیا میبرد
این حیله او آنچه را که بخشم آورده او را از کار پیغمبر ۱۶ و همچنین فرو فرستادیم قرآنرا آیات بینات یعنی آشکار و بدرستیکه خدای تعالی راه نماید هرکه را که میخواهد ۱۷
بدرستی که آنکسانیکه ایمان آوردند و آن کسانیکه یهود شدند و ستاره پرستان و نصاری و مجوس و آنکسانیکه مشرک شدند بدرستیکه خدا جدائی افکند میانه
ایشان در روز قیامت بدرستیکه خدا بر هر چیز گواه است یعنی حق را از باطل و خوب را از بد جدا کند و هر یکرا بخوبی و بدی مجازات دهد ۱۸ آیا نمی بینی اینکه خدا
سجده میکند از برای او هرکه در آسمانها است و هرکه در زمین است و خورشید و ماه و ستارها و کوهها و درخت و چهارپایان و بسیاری از مردم سجده و عبادت
کنند خدا را و بسیاری که سجده نمیکنند و عبادت خدا را بجا نمیآورند ثابت شده است بر ایشان عذاب و مستحق عقوبت شده اند ۱۹ و هرکه را خوار کند
خدا پس نیست از برای او هیچ گرامی دارنده بدرستیکه خدا میکند آنچه میخواهد ۲۰ این دو گروه دو دشمنند یعنی یهود و
نصاری و غیر ایشان که ذکر شد یک گروه و مسلمانان یک گروه این دو گروه جدال کردند در دین پروردگار خود

صفحهٔ دویست و پنجاه و هشتم

پس آنکسانیکه کافر شدند بریده شود از برای ایشان لباسها از آتش میریزد از بالای سرهای ایشان آبی جوشیده در غایت حرارت ۲۱ گداخته
میشود بسبب آن آبهای جوشان آنچه در شکمهای ایشانست و پوستهای ایشان و از برای ایشانست گرزها از آهن که بعنف بر سر ایشان زنند ۲۲ هرگاه
بخواهند که بیرون روند از آتش از جهت کثرت غم و اندوه برگردانیده شوند در آن آتش و ملائکه بایشان گویند بچشید عذاب سوزانرا ۲۳ بدرستیکه خدا داخل
میکند آن کسانیرا که ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند ببهشتهائی که جاریست از زیر درختان آن نهرها زیور بسته شوند در آن بهشتها از
دست بندها از طلا و مروارید و لباس ایشان در بهشت پارچه های ابریشمین بسیار لطیف است ۲۴ و راه نموده شوند بسوی گفتار
خوب پاکیزه و راه نموده شوند بسوی راه خداوند ستوده ۲۵ بدرستیکه آنکسانیکه کافر شدند و باز میدارند مردم را از راه دین خدا و باز میدارند
مردم را از مسجد الحرام که زیارت خانه مکه است آنچنان خانه که گردانیدیم ما آنرا از برای مردم که مساویست در آن مقیم آن و مسافرین بادیه
همه یکسانند یعنی اختصاص ببعضی دون بعض ندارد ۲۶ و هرکه اراده کند در آن که میل کردن بظلمی بچشانیم او را از عذاب دردناک ۲۷ و یاد کن
ای محمد وقتی که تعیین کردیم ما از برای ابراهیم جای خانه کعبه را اینکه شریک قرار مده بمن هیچ چیزرا و پاک کن خانه مرا از بتان و نجاسات از برای
طواف کنندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان ۲۸ و خبر بده در میان مردم بحج کردن تا بیایند تو را مردانی که پیاده باشند
و بر هر شتر لاغری سوار شده بیایند از هر راه گشاده دوری یعنی مردم را دعوت کن بحج کردن پیاده و سواره از اطراف و اکناف و از راههای
دور بزیارت حج خواهند آمد ۲۹ تا اینکه ببینند و مشاهده کنند منفعتهائیکه از برای ایشانست از نفع دنیوی و اخروی و بجهة اینکه یاد کنند اسم
خدارا در روزهای معین بر آنچه روزی داد ایشانرا خدا از زبان بستگان چهارپایان پس بخورید از آن و بخورانید محنت کشیدگان محتاج را ۳۰ بعد از آن
باید بگذارند مناسک حج را در سر تراشیدن و ناخن چیدن و رمی جمار و سایر اعمال حج و باید که وفا کنند بنذرهای خود و باید که طواف کنند بخانه عتیق یعنی آزاد از طوفان
۳۱ اینست امور حج و هرکه بزرگ شمارد حرمتهای خدا را یعنی حرمت احکام حج خانه خدا را پس آن بهتر است از برای او در نزد پروردگارش و حلال کرده شد
از برای شما چهارپایان مگر آنچه خوانده شود بر شما که میته است یا آنچه بغیر اسم خدا کشته شود که آنها نجس است پس دوری کنید از پلیدی که آن بتان است



مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٦٧ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ

٦٨ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ٦٩ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا

فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ٧٠ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا

لِلْعَالَمِينَ ٧١ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ٧٢

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ

وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ٧٣ وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ

مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ٧٤

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٧٥ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن قَبْلُ

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ٧٦ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ٧٧ وَدَاوُودَ

وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ

شَاهِدِينَ ٧٨ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا

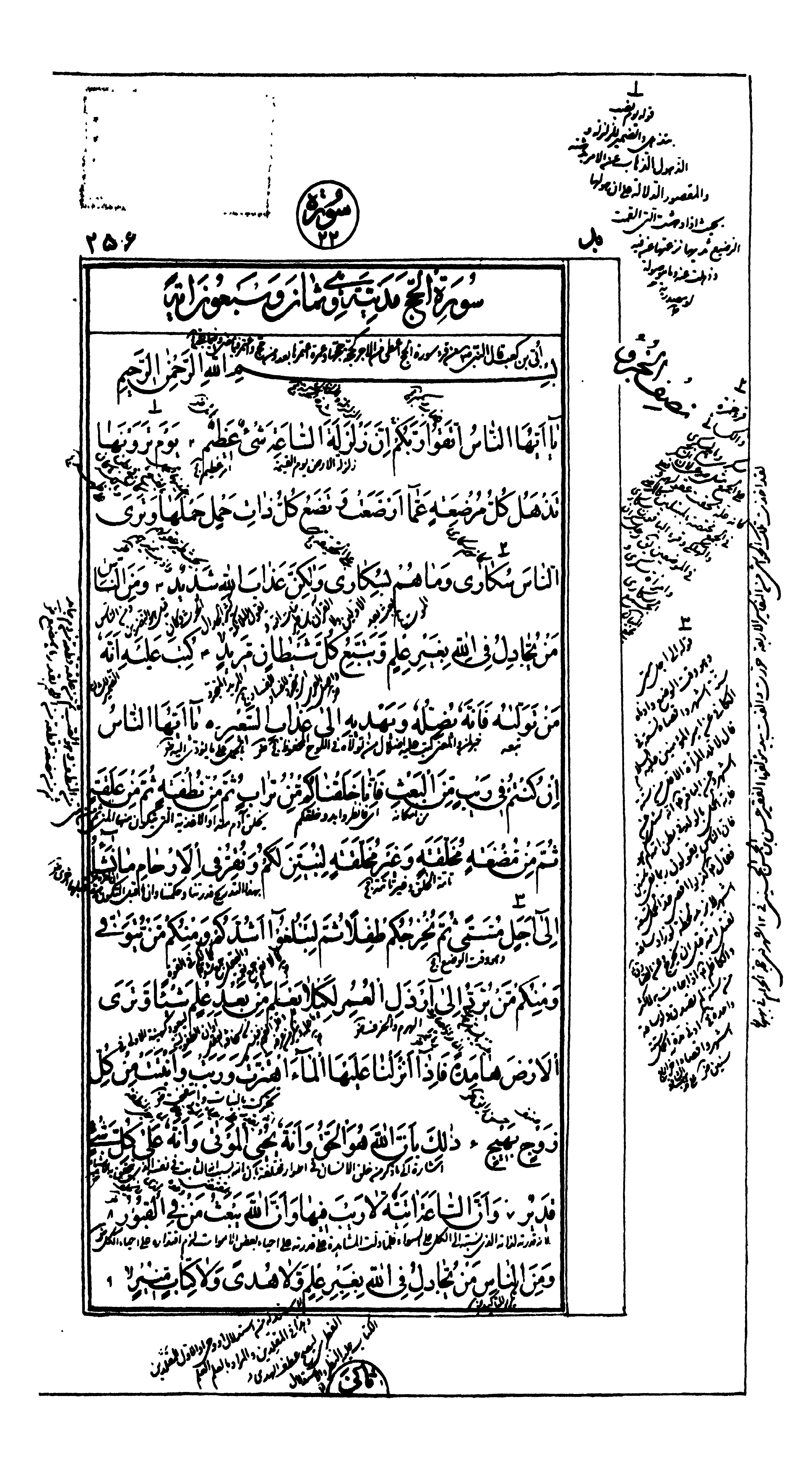
مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ٧٩ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ

لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ ٨٠ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً

تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ٨١ وَمِنَ

الشياطين من يغوصون له ويعملون عملا دون ذلك وكنا لهم حافظين ٨٢ وأيوب إذ نادى ربه أني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين ٨٣
فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضر وآتيناه أهله ومثلهم معهم رحمة من
عندنا وذكرى للعابدين ٨٤ وإسمعيل وإدريس وذا الكفل كل من
الصابرين ٨٥ وأدخلناهم في رحمتنا إنهم من الصالحين ٨٦ وذا النون
إذ ذهب مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه فنادى في الظلمات أن لا
إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين ٨٧ فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك نجي المؤمنين ٨٨ وزكريا إذ نادى ربه رب لا تذرني
فردا وأنت خير الوارثين ٨٩ فاستجبنا له ووهبنا له يحيى وأصلحنا له
زوجه إنهم كانوا يسارعون في الخيرات ويدعوننا رغبا ورهبا و
كانوا لنا خاشعين ٩٠ والتي أحصنت فرجها فنفخنا فيها من روحنا و
جعلناها وابنها آية للعالمين ٩١ إن هذه أمتكم أمة واحدة وأنا
ربكم فاعبدون ٩٢ وتقطعوا أمرهم بينهم كل إلينا راجعون ٩٣ فمن
يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا كفران لسعيه وإنا له كاتبون ٩٤
وحرام على قرية أهلكناها أنهم لا يرجعون ٩٥ حتى إذا فتحت يأجوج

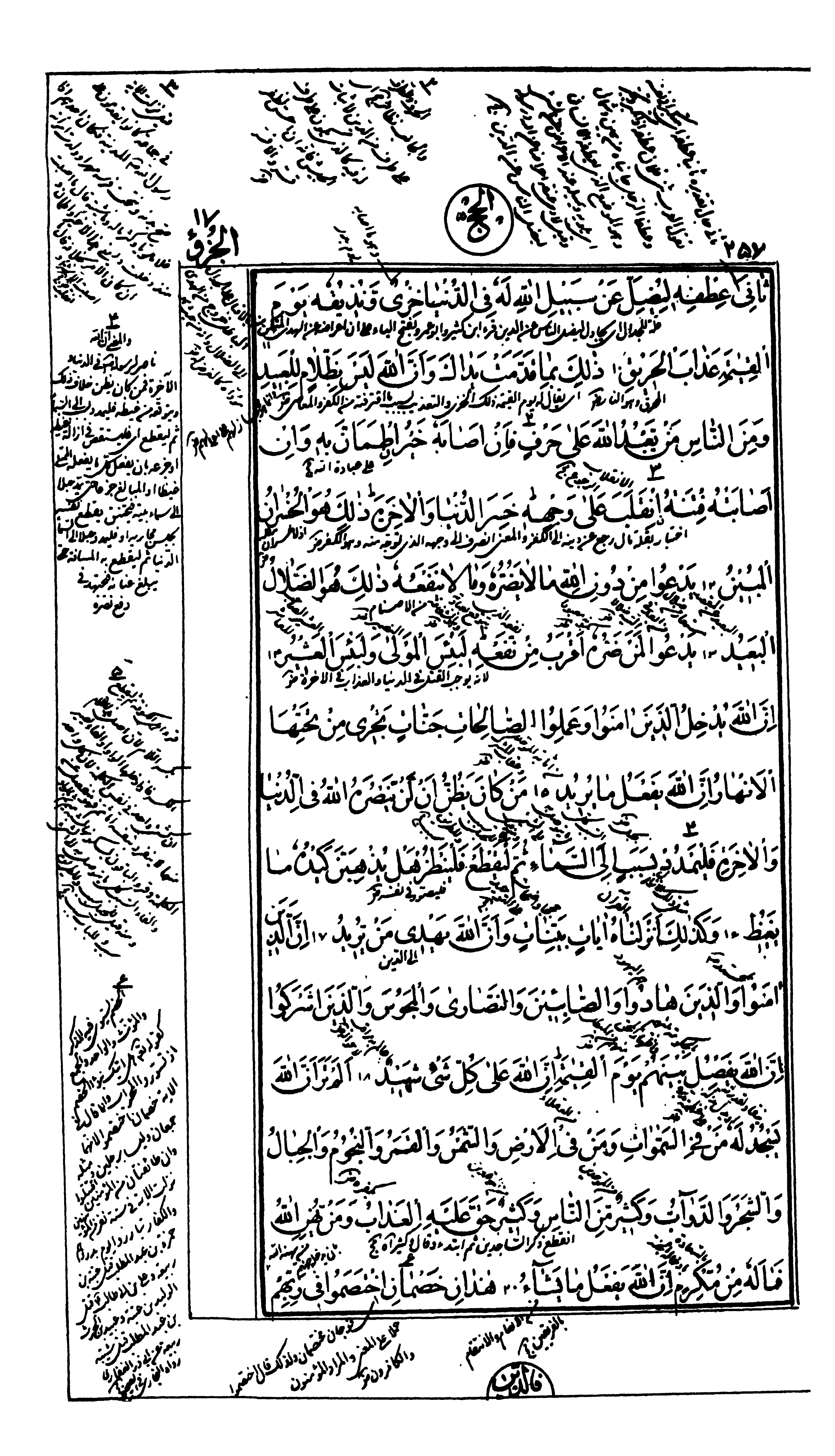
وماجوج وهم من كل حدب ينسلون ٩٧ واقترب الوعد الحق فاذا هي
شاخصة ابصار الذين كفروا يا ويلنا قد كنا في غفلة من هذا بل كنا
ظالمين ٩٨ انكم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون ٩٩
لو كان هؤلاء آلهة ما وردوها وكل فيها خالدون ١٠٠ لهم فيها زفير و
هم فيها لا يسمعون ١٠١ ان الذين سبقت لهم منا الحسنى اولئك عنها
مبعدون ١٠٢ لا يسمعون حسيسها وهم في ما اشتهت انفسهم خالدون ١٠٣
لا يحزنهم الفزع الاكبر وتتلقاهم الملائكة هذا يومكم الذي كنتم
توعدون ١٠٤ يوم نطوي السماء كطي السجل للكتب كما بدأنا اول
خلق نعيده وعدا علينا انا كنا فاعلين ١٠٥ ولقد كتبنا في الزبور من
بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون ١٠٦ ان في هذا
لبلاغا لقوم عابدين ١٠٧ وما ارسلناك الا رحمة للعالمين ١٠٨ قل انما
يوحى الي انما الهكم اله واحد فهل انتم مسلمون ١٠٩ فان تولوا فقل
آذنتكم على سواء وان ادري اقريب ام بعيد ما توعدون ١١٠ انه يعلم
الجهر من القول ويعلم ما تكتمون ١١١ وان ادري لعله فتنة لكم ومتاع
الى حين ١١٢ قل رب احكم بالحق وربنا الرحمن المستعان على ما تصفون



سورة الحج مدنية وهي ثمان وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها الناس اتقوا ربكم إن زلزلة الساعة شيء عظيم يوم ترونها
تذهل كل مرضعة عما أرضعت وتضع كل ذات حمل حملها وترى
الناس سكارى وما هم بسكارى ولكن عذاب الله شديد ومن الناس
من يجادل في الله بغير علم ويتبع كل شيطان مريد كتب عليه أنه
من تولاه فأنه يضله ويهديه إلى عذاب السعير يا أيها الناس
إن كنتم في ريب من البعث فإنا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة
ثم من مضغة مخلقة وغير مخلقة لنبين لكم ونقر في الأرحام ما نشاء
إلى أجل مسمى ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا أشدكم ومنكم من يتوفى
ومنكم من يرد إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئا وترى
الأرض هامدة فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت وأنبتت من كل
زوج بهيج ذلك بأن الله هو الحق وأنه يحيي الموتى وأنه على كل شيء
قدير وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور
ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير



ثانى عطفه ليضل عن سبيل الله له فى الدنيا خزى ونذيقه يوم

القيمة عذاب الحريق ٩ ذلك بما قدمت يداك وان الله ليس بظلام للعبيد

ومن الناس من يعبد الله على حرف فان اصابه خير اطمان به وان

اصابته فتنة انقلب على وجهه خسر الدنيا والاخرة ذلك هو الخسران

المبين ١١ يدعوا من دون الله ما لا يضره وما لا ينفعه ذلك هو الضلال

البعيد ١٢ يدعوا لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى ولبئس العشير ١٣

ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات تجرى من تحتها

الانهار ان الله يفعل ما يريد ١٤ من كان يظن ان لن ينصره الله فى الدنيا

والاخرة فليمدد بسبب الى السماء ثم ليقطع فلينظر هل يذهبن كيده ما

يغيظ ١٥ وكذلك انزلناه ايات بينات وان الله يهدى من يريد ١٦ ان الذين

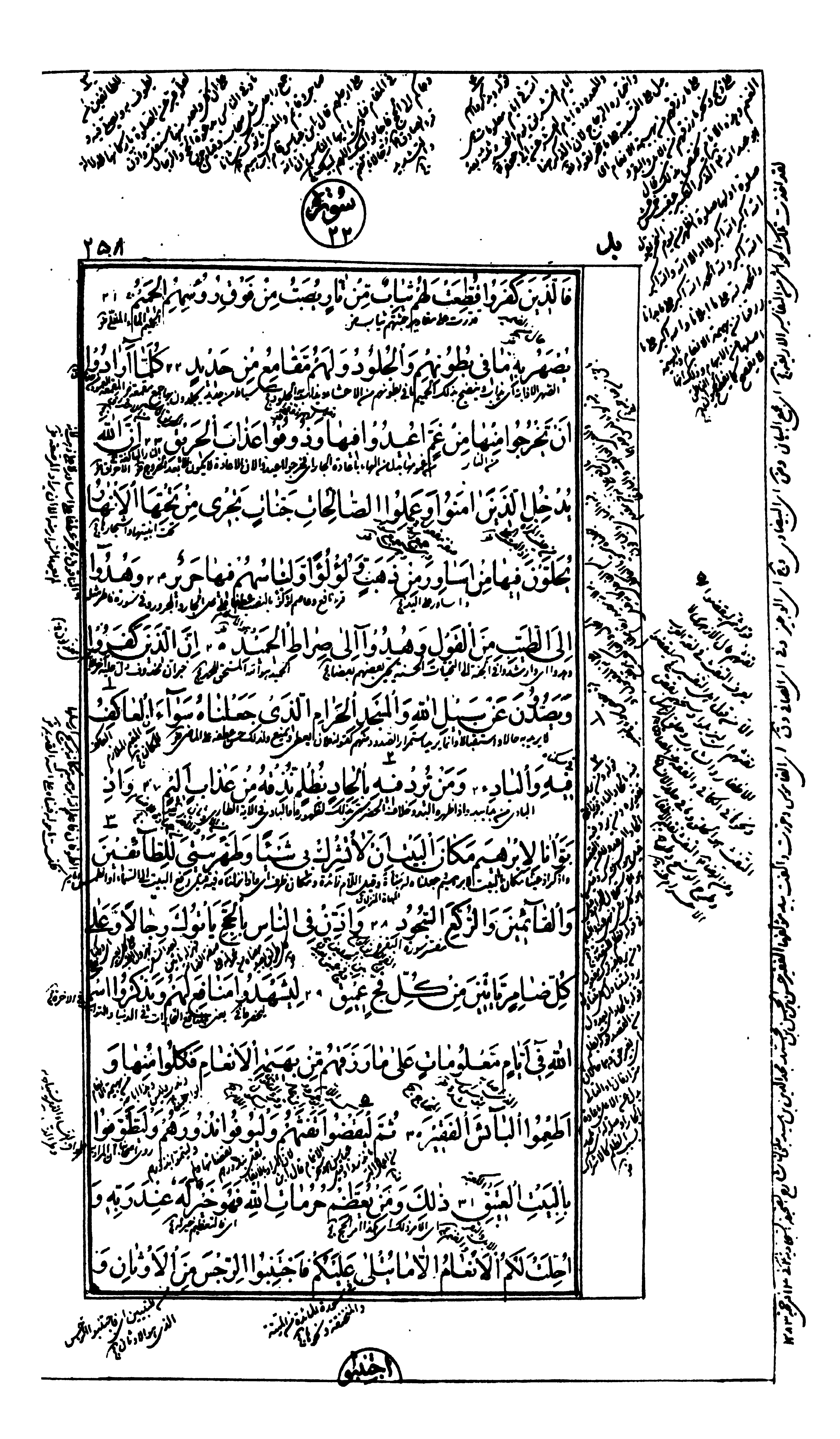
امنوا والذين هادوا والصابئين والنصارى والمجوس والذين اشركوا

ان الله يفصل بينهم يوم القيمة ان الله على كل شىء شهيد ١٧ الم تر ان الله

يسجد له من فى السموات ومن فى الارض والشمس والقمر والنجوم والجبال

والشجر والدواب وكثير من الناس وكثير حق عليه العذاب ومن يهن الله

فما له من مكرم ان الله يفعل ما يشاء ١٨ هذان خصمان اختصموا فى ربهم



فالذين كفروا قطعت لهم ثياب من نار يصب من فوق رءوسهم الحميم ٢١

يصهر به ما في بطونهم والجلود ولهم مقامع من حديد ٢٢ كلما أرادوا

أن يخرجوا منها من غم أعيدوا فيها وذوقوا عذاب الحريق ٢٣ إن الله

يدخل الذين آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار

يحلون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ٢٤ وهدوا

إلى الطيب من القول وهدوا إلى صراط الحميد ٢٥ إن الذين كفروا

ويصدون عن سبيل الله والمسجد الحرام الذي جعلناه سواء العاكف

فيه والباد ٢٦ ومن يرد فيه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم ٢٧ وإذ

بوأنا لإبراهيم مكان البيت أن لا تشرك بي شيئا وطهر بيتي للطائفين

والقائمين والركع السجود ٢٨ وأذن في الناس بالحج يأتوك رجالا وعلى

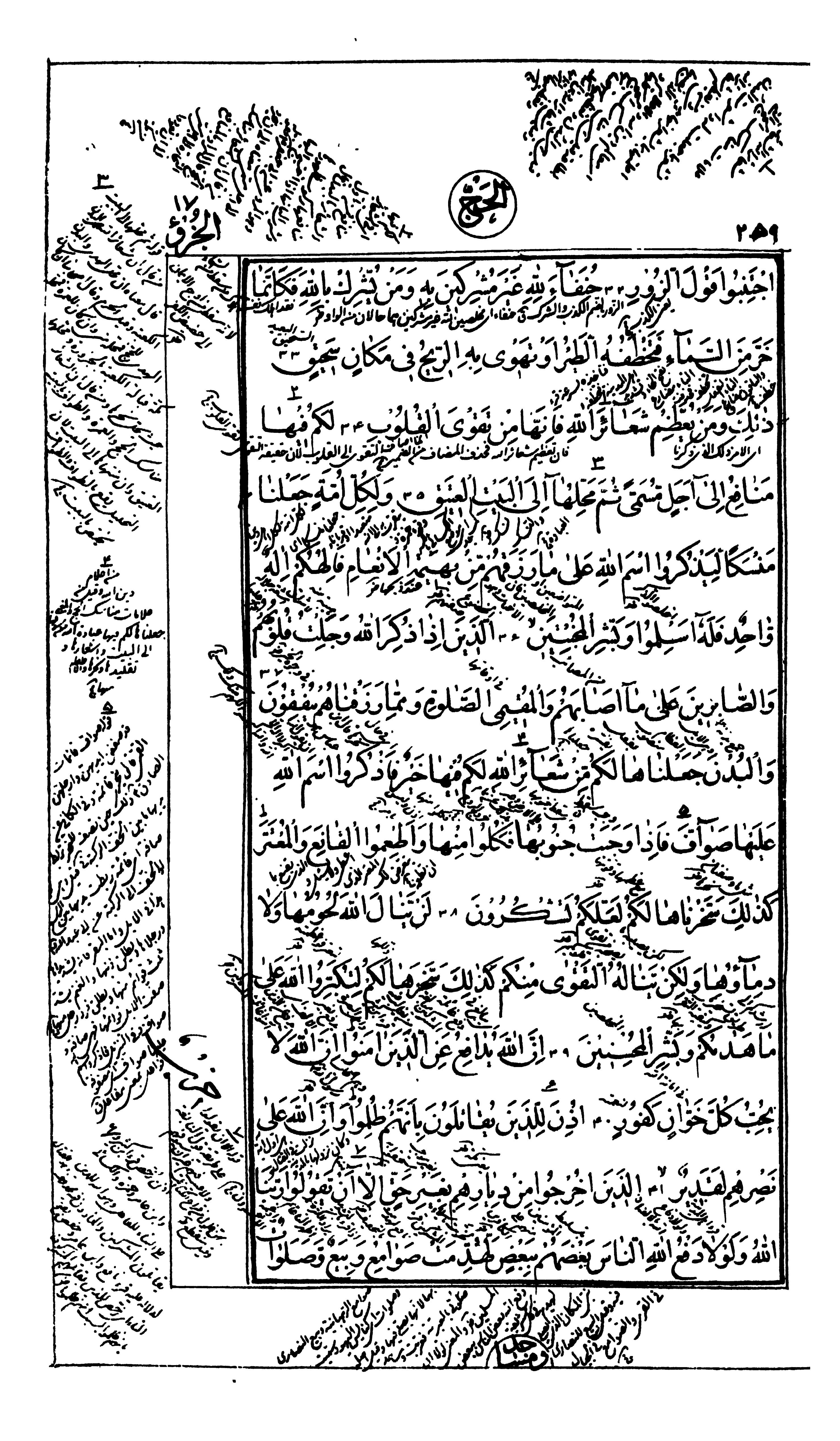
كل ضامر يأتين من كل فج عميق ٢٩ ليشهدوا منافع لهم ويذكروا اسم

الله في أيام معلومات على ما رزقهم من بهيمة الأنعام فكلوا منها و

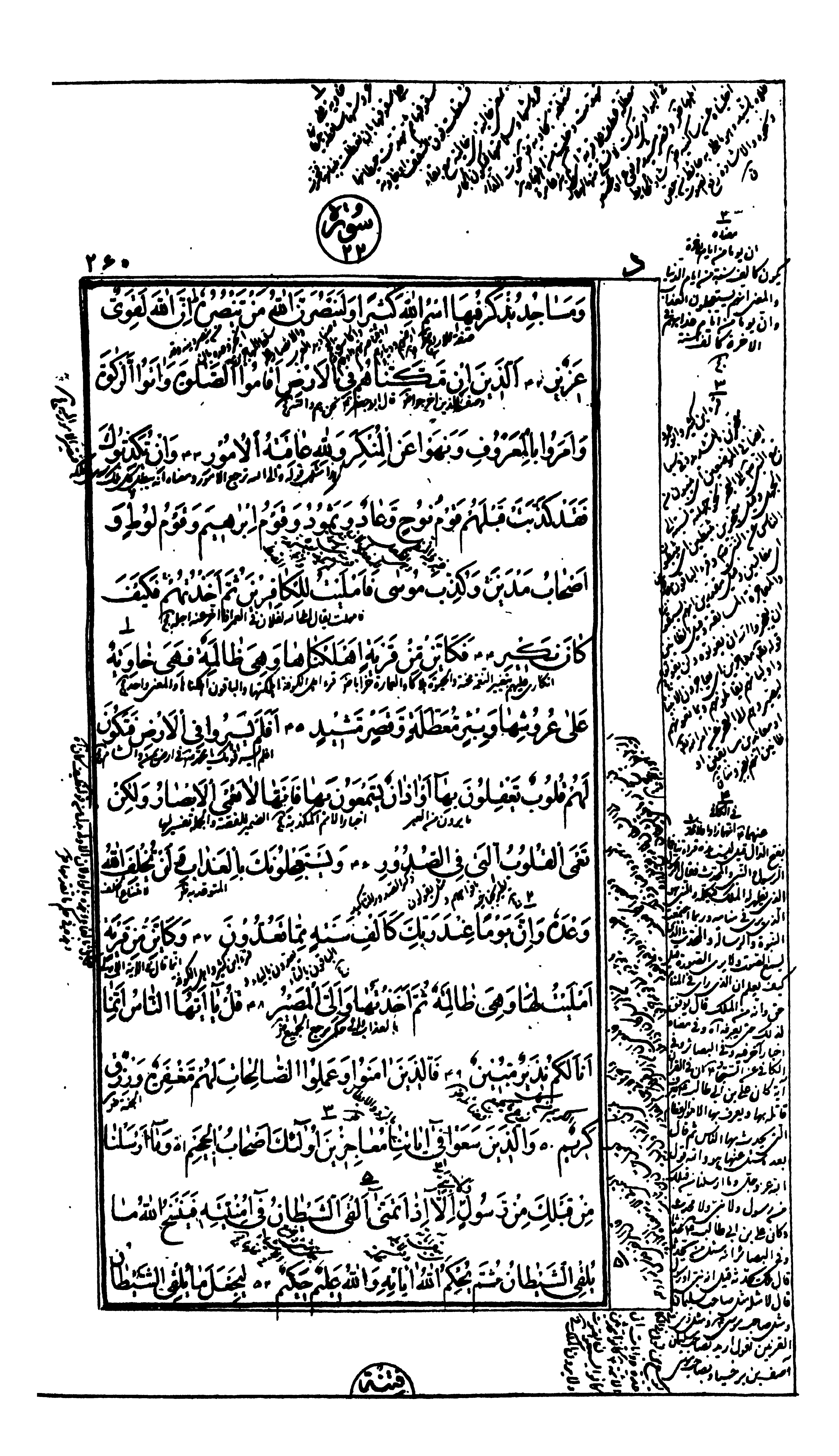
أطعموا البائس الفقير ٣٠ ثم ليقضوا تفثهم وليوفوا نذورهم وليطوفوا

بالبيت العتيق ٣١ ذلك ومن يعظم حرمات الله فهو خير له عند ربه و

أحلت لكم الأنعام إلا ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الأوثان و



اجتنبوا قول الزور ٣٠ حنفاء لله غير مشركين به ومن يشرك بالله فكأنما
خر من السماء فتخطفه الطير أو تهوي به الريح في مكان سحيق ٣١
ذلك ومن يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب ٣٢ لكم فيها
منافع إلى أجل مسمى ثم محلها إلى البيت العتيق ٣٣ ولكل أمة جعلنا
منسكا ليذكروا اسم الله على ما رزقهم من بهيمة الأنعام فإلهكم إله
واحد فله أسلموا وبشر المخبتين ٣٤ الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم
والصابرين على ما أصابهم والمقيمي الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ٣٥
والبدن جعلناها لكم من شعائر الله لكم فيها خير فاذكروا اسم الله
عليها صواف فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها وأطعموا القانع والمعتر
كذلك سخرناها لكم لعلكم تشكرون ٣٦ لن ينال الله لحومها ولا
دماؤها ولكن يناله التقوى منكم كذلك سخرها لكم لتكبروا الله على
ما هدىكم وبشر المحسنين ٣٧ إن الله يدافع عن الذين آمنوا إن الله لا
يحب كل خوان كفور ٣٨ أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على
نصرهم لقدير ٣٩ الذين أخرجوا من ديارهم بغير حق إلا أن يقولوا ربنا
الله ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات



وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ
عَزِيزٌ ٤٠ الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَآتَوُا الزَّكَوٰةَ
وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ٤١ وَإِن يُكَذِّبُوكَ
فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ وَقَوْمُ إِبْرَٰهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ
وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ
كَانَ نَكِيرِ ٤٤ فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ
عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ ٤٥ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ
لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَٰكِن
تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ٤٦ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ
وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٤٧ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ
أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ ٤٨ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا
أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ٤٩ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
كَرِيمٌ ٥٠ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ٥١ وَمَا أَرْسَلْنَا
مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا
يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٥٢ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ

صفحه دویست و پنجاه و نهم

و دوری کنید از گفتار دروغ ۳۲ در حالتی که میل کننده باشید از همه ادیان برای خدا مشرک نباشید بخدا و هر که شرک بیاورد بخدا پس گویا در افتاده است
از آسمان بر روی زمین پس بربایند او را مرغان یا بیفکند او را بادها از موضع بلند در جائی دور از دستگیری و فریادرسی ۳۳ اینست حقیقت امر و هر که
بزرگ بشمارد شعایر خدا را که مناسک حج اند پس بدرستی که آن از پرهیزکاری دلهاست ۳۴ از برای شما است در آن مناسک حج منفعتها تا زمان معین
پس جای مناسک حج بسوی خانه آزاد از غرق است یعنی خانه مکه است که از قدیم است ۳۵ و از برای هر گروهی گردانیدیم محل عبادتی تا اینکه ذکر
کنند اسم خدا را بر آنچه روزی داد ایشان را از زبان بستگان چهارپایان پس خدای شما خدای یگانه است پس از برای او منقاد شوید و مژده بده ای محمد
فروتنان را ۳۶ آن کسانیکه چون ذکر کرده شود خدا نزد ایشان بترسد دلهای ایشان و مژده ده صبر کنندگان را بر آنچه برسد ایشان را از رنجها و محنتها و
مژده بده برپادارندگان نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را انفاق میکنند ۳۷ و شتر بزرگ چاق قرار دادیم ما آن را از برای شما از شعایر خدا
یعنی نشانهای خدا از برای شما است در آن شتر خوبی پس ذکر کنید شما اسم خدا را بر آن شتر در حالتی که صف زده باشد یعنی ایستاده و چهار دست
و پای آن درست در جای خود باشد و آن را نحر کنند پس وقتیکه بیفتد پهلوهای آن بزمین و روح از آن مفارقت کند پس بخورید از آن و بخورانید
فقیری را که سؤال نمیکند و فقیری را که سؤال میکند همچنین رام کردیم ما شتر با آن عظمت و قوت را از برای شما شاید شما شکر کنید ۳۸ هرگز
نرسد بخدا گوشتهای آن شتر و نه خونهای آنها و لیکن میرسد بخدا پرهیزکاری که از شما میشود همچنین رام کرد خدا آن را از برای شما تا اینکه بزرگ
بشمارید خدا را بر آنچه راه نمود شما را بطریق تسخیر آنها و مژده بده نیکوکاران را ۳۹ بدرستیکه خدا دفع میکند و باز میدارد فتنه مشرکین را از آن
کسانیکه ایمان آوردند بدرستیکه خدا دوست نمیدارد هر خیانت کننده ناسپاس را ۴۰ رخصت داده شد کارزار کردن از برای آنکسانیکه بخواهند
کارزار کنند با کفار بسبب اینکه ایشان ستم دیده شدند و جفاهای بسیار از دشمنان دیدند و بدرستیکه خدا بر یاری کردن ایشان هر آینه توانا است ۴۱ آنکسانیکه
بیرون کرده شدند از خانهاشان بغیر حق مگر اینکه میگفتند پروردگار ما خدا است و اگر نبود دفع کردن خدا مردم بعضی از ایشان را ببعضی دیگر
تسلط دادن مؤمنین بر مشرکین هر آینه خراب میشد صومعه های رهبانان و کلیساهای ترسایان و کنشت های یهودان

صفحه دویست و شصتم

و مسجدهای مسلمانان که ذکر میشود در آنها اسم خدا بسیار هر آینه یاری میکند خدا البته آن کسی را که یاری میکند دین او را بدرستیکه خدا هر آینه توانا
غالب است ۴۲ آنکسانیکه هستند اگر جای ایشان را و تمکین و اقتدار دهیم ایشان را در زمین برپا دارند نماز را و بدهند زکوة را و امر کنند بخوبی و نهی کنند
از بدی و از برای خدا است سرانجام کارها ۴۳ و اگر تکذیب میکنند تو را ای محمد پس بتحقیق تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و قوم عاد و ثمود
و قوم ابراهیم و قوم لوط و اصحاب مدین پیغمبران خود را و تکذیب کرده شد موسی پس مهلت دادیم مر کافران را بعد گرفتیم ایشان را بعذاب خود پس چگونه بود
ناپسندیدن من ایشان را که هر یک از این طوایف را بعذاب مخصوصی گرفتار کردم ۴۴ پس چه بسیار از اهل شهری که هلاک کردیم ما آنها را و حال اینکه
اهل آن ده ظالم بودند پس آن افتاده است بر سقفهای خود یعنی سقفهای آن ریخته و خراب و ویران است و بسا چاههای پر آب که باز گذاشته شده
است و کسی نیست که از آن آبها بخورد و بسا قصر محکم که برافراشته شده است که سکنه ندارد و بی سکنه و بی اهل مانده است ۴۵ آیا پس سیر نکردند کفار
در زمین پس باشد از برای ایشان دلهائیکه تعقل کنند بآن یا گوشهائیکه بشنوند بآن پس بدرستیکه کور نیست چشمهای ایشان که نتوانند ببینند و لیکن کور
است دلهای آنچنانیکه در سینه های ایشانست ۴۶ و بشتاب میخواهند از تو کافران مکه و تعجیل مینمایند بعذاب و هرگز خلف نمیکند خدا وعده خود
که در انزال عذاب ایشان فرموده و بدرستیکه روزی از روزهای شما نزد پروردگار تو مثل هزار سال است از آنچه می شمرید ۴۷ و چندین ده از دهها
که مهلت دادم اهل آن را بتاخیر عذاب و حال اینکه اهل آن ده ظالم بودند بعد گرفتیم ایشان را بعذاب سخت و بسوی منست بازگشت همه در آخرت ۴۸ بگو ای محمد مردم
این نیست که من از برای شما ترساننده آشکارم ۴۹ پس آنکسانیکه ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند از برای ایشانست آمرزش و روزی نیکو ۵۰ و آنانکه شتافتند
در آیات ما یعنی مجادله در حالتی که پیش گیرند که ما را بعاجز گردانیدن ما آنگروه اصحاب جهنمند ۵۱ و نفرستادیم از پیش از تو هیچ رسولی
و نه پیغمبری مگر اینکه چون تلاوت کند بیفکند شیطان در نزد تلاوت او آنچه خواهد چنانچه در وقت تلاوت تو شیطانی که او را ابیض گویند
با آهنگ تو این کلمات بر تو خواند و مشرکان گمان بردند که این تلاوت از شما است و بجهت آن خوشحال شدند و بسجده افتادند پس نسخ و باطل میکند خدا
آنچه را که القا میکند شیطان بعد از آن حکم میکند بآیات خود و خدا دانا و درستکار است ۵۲ تا بگرداند خدا آنچه را که القا میکند شیطان

آزمایش از برای آنان که در دلهای ایشان مرض است و سخت شده است دلهای ایشان و بدرستیکه ظلم کنندگان هرآینه در خلافی دورند ۵۳ و تا
بدانند آنکسانیکه داده شدند علم را اینکه حق از جانب پروردگار تواست پس بگروند بقرآن پس نرم شود بقرآن دلهای ایشان و بدرستیکه خدا هرآینه
راه نماینده کسانیست که ایمان آوردند بسوی راه راست ۵۴ و همیشه آنانکه کافر شدند در شک‌اند از قرآن یا از رسول تا بیاید ایشانرا قیامت ناگاه
یا بیاید ایشانرا عذاب روز عقیم یعنی نزایند یعنی روزیکه کشته شوند و کسی از ایشان باقی نماند که او لاد بهم رسانند ۵۵ پادشاهی امروز از برای خداست
حکم میکند میانهٔ ایشان پس آنکسانیکه ایمان آوردند و عمل کردند نیکوئیها را در بهشتهای پر نعمتند ۵۶ و آنکسانیکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات
ما را پس آنگروه از برای ایشانست عذاب خوار کننده ۵۷ و آنکسانیکه هجرت کردند در راه خدا بعد کشته شدند یا مردند هرآینه روزی میدهد ایشانرا
البته خدا روزی نیکو و بدرستیکه خدا هرآینه اوست بهترین روزی دهندگان ۵۸ هرآینه داخل میکند خدا ایشانرا داخل کردنی که بپسندند
آنرا یعنی همه کشتگان و مردگان را در بهشتی داخل کند که همه راضی باشند و بدرستی که خدا هرآینه دانا و بردبار است ۵۹ اینست
امر خدا و هرکه عقوبت کند بمثل آنچه عقوبت کرده شده است باو پس ظلم کرده شود بران یعنی مشرکان باز ستم کنند بر آن مؤمن هرآینه
نصرت میکند البته او را خدا بدرستیکه خدا هرآینه درگذرنده و آمرزنده است ۶۰ این نصرت و یاری خدا بسبب اینست که خدا درمیاورد
شب را در روز و درمیاورد روز را در شب و اینکه خدا شنونده و بیناست ۶۱ این وصف حق تعالی بکمال قدرت بسبب اینستکه او است
حق و درست و اینکه هرچه را میخوانند از غیر خدا او باطل است و اینکه خدا اوست برتر و بزرگوار ۶۲ آیا نمی بینی اینکه خدا فرستاد از آسمان آبرا پس
گشت زمین سبز بدرستیکه خدا لطف کننده و آگاهست بجمیع اشیاء ۶۳ از برای او است هرچه در آسمانها و هرچه در زمین است و بدرستیکه خدا هرآینه اوست
بی نیاز ۶۴ آیا نمی بینی اینکه خدا رام کرد از برای شما آنچه در زمین است و کشتی را که میرود در دریا بامر خدا و نگاه میدارد آسمان را اینکه

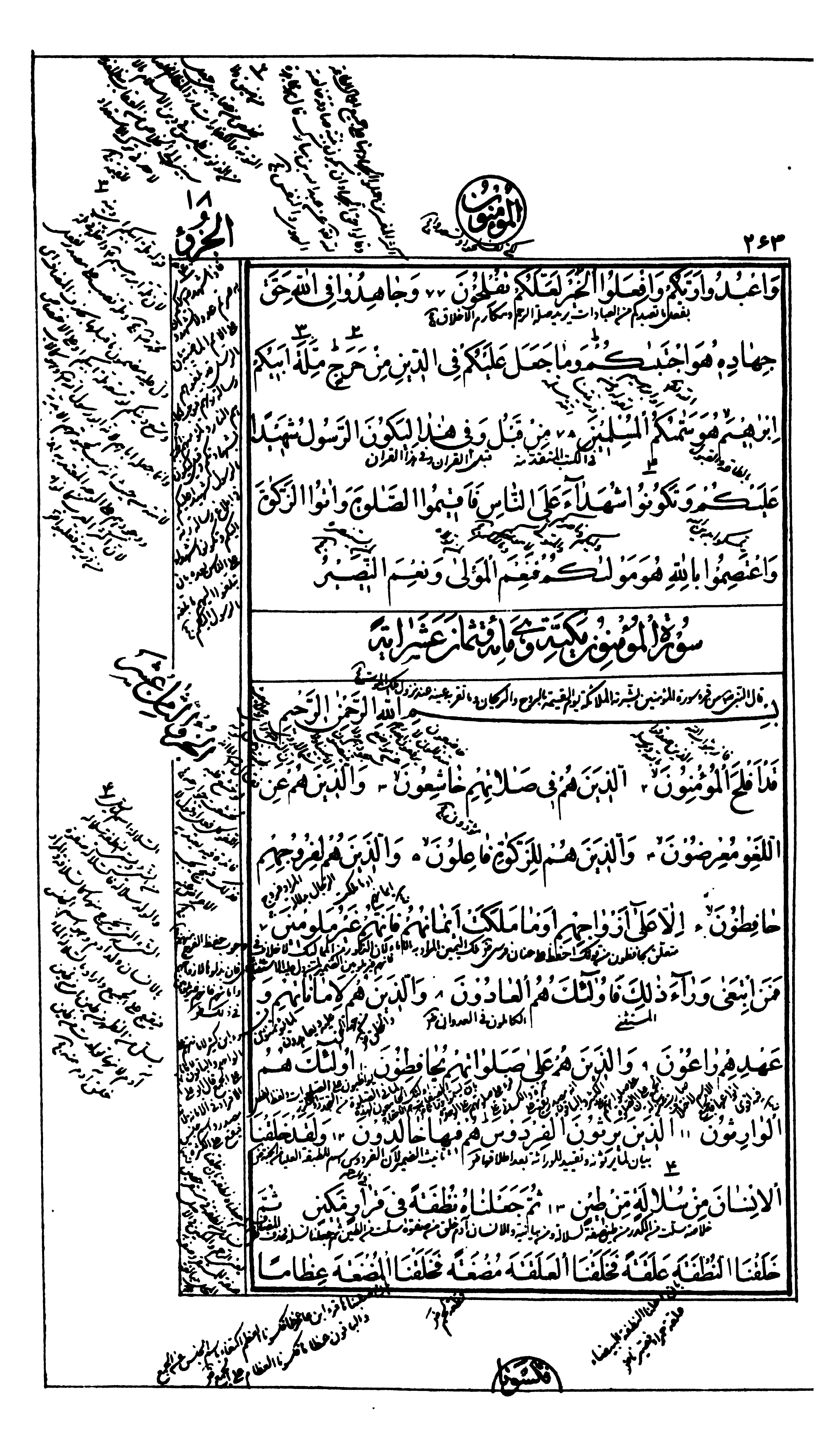
صفحهٔ دویست و شصت و دوم

بیفتد بر زمین مگر باذن خودش بدرستی که خدا بمردم هرآینه بخشایندهٔ مهربان است ۶۵ و او است خدائی که زنده کرد
شما را بعد میمیراند شما را بعد زنده میکند شما را بدرستیکه انسان هرآینه ناسپاس است ۶۶ از برای هر امتی از گذشته
و حالیه قرار دادیم منسکی یعنی دینی و شریعتی یا معبدی یا عیدی که ایشان پذیرندهٔ آن بودند پس نزاع نکنند با تو در این کار و بخوان مردم را
ای محمد بسوی پروردگار خود بدرستیکه تو هرآینه بر راه راستی ۶۷ و اگر جدال کنند ترا پس بگو خدا داناتر است بآنچه می کنید
۶۸ خدا حکم میکند میانهٔ شما روز قیامت در آنچه بودید که در آن اختلاف میکنید ۶۹ آیا نمیدانی اینکه خدا میداند آنچه در آسمان
و زمین است بدرستی که همهٔ آنچه در آسمانها و زمین است نوشته شده است در لوح محفوظ بدرستی که علم بتمام اشیاء بر خدا آسانست
۷۰ و عبادت میکنند کفار از غیر خدا چیزیرا که فرستاده نشده است بآن برهانی و چیزی را که نیست از برای ایشان بان چیز علمی و نیست
از برای ظلم کنندگان هیچ یاری کننده ۷۱ و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما که روشن اندمی شناسی در رودهای آنانکه کافر شدند
و منکر شدند قرآن را نزدیک باشند بانکه برجهند و بگیرند بشدت تمام آنکسانیرا که میخوانند بر ایشان آیات ما را بگو آیا پس خبر بدهم من شما را
به بدتر از اینکه میخواهید بخوانندگان قرآن که آن آتش دوزخ است که سخت تر و مکروه تر است از غیظ و غضب شما وعده داده است آن آتش را
خدا بآن کسانی که کافر شدند و نگرویدند و بد بازگشتی است آتش جهنم ۷۲ ای مردم زده شده است مثلی برای عبادت شما مر بتانرا پس
بشنوید مر آن مثل را بدرستیکه آن کسانیکه میخوانند از غیر خدا معبودی را هرگز نیافرینند یعنی نتوانند بیافرینند مگسی را و اگر جمع شوند همه از
برای آفریدن مگسی و اگر برباید از ایشان مگس چیزیرا که از عسل یا غیر آن بخود آلوده کرده باشد نتوانند خلاص گردانند آن چیز را از آن مگس
سست است طالب و مطلوب یعنی مگس و آنچه بخود آلوده کرده است مثل بت پرستان و بتان بلکه بتان سست ترند
از مگس زیرا که مگس حیوانی است و آنها جماد ۷۳ تعظیم نکردند کفار خدا را آنچه سزاوار تعظیم او است یعنی نشناختند
او را چنانچه باید شناخت بدرستیکه خدا هرآینه توانای غالب است ۷۴ خدا بر میگزیند از فرشتگان رسولانی که واسطه
باشند میانهٔ او و پیغمبر و بر میگزیند از مردم پیغمبران را که خلق را باو دعوت کنند بدرستی که خدا شنوا و بینا است ۷۵
میداند خدا آنچه در پیش آدمیانست و آنچه را که در پشت سر ایشانست و بسوی خدا برگشته میشوند کارها ۷۶ ای کسانیکه ایمان آورده اید رکوع کنید و سجده کنید

فتنة للذين في قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم وان الظالمين لفي شقاق
بعيد ٥٣ وليعلم الذين اوتوا العلم انه الحق من ربك فيؤمنوا به فتخبت
له قلوبهم وان الله لهاد الذين امنوا الى صراط مستقيم ٥٤ ولا يزال
الذين كفروا في مرية منه حتى تاتيهم الساعة بغتة او ياتيهم عذاب يوم
عقيم ٥٥ الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين امنوا وعملوا الصالحات
في جنات النعيم ٥٦ والذين كفروا وكذبوا باياتنا فاولئك لهم عذاب
مهين ٥٧ والذين هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقنهم الله
رزقا حسنا وان الله لهو خير الرازقين ٥٨ ليدخلنهم مدخلا يرضونه و
ان الله لعليم حليم ٥٩ ذلك ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغي عليه
لينصرنه الله ان الله لعفو غفور ٦٠ ذلك بان الله يولج الليل في النهار
ويولج النهار في الليل وان الله سميع بصير ٦١ ذلك بان الله هو الحق
وان ما يدعون من دونه هو الباطل وان الله هو العلي الكبير ٦٢ الم تر
ان الله انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطيف خبير ٦٣
له ما في السموات وما في الارض وان الله لهو الغني الحميد ٦٤ الم تر ان الله
سخر لكم ما في الارض والفلك تجري في البحر بامره ويمسك السماء ان

تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي
أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ۝ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا
مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ
هُدًى مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ اللَّهُ
يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ ٧٠ وَيَعْبُدُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ۝ ٧١
وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ
يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكُمُ
النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ
مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ
اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ
وَالْمَطْلُوبُ ۝ ٧٣ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ ٧٤ اللَّهُ يَصْطَفِي
مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ٧٥ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ ٧٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا

من الكشاف
ان قيل فاين المثل قيل
ليس هنا مثل والمعنى انه قال
ضرب لي شبه في الاله ثم
قال فاستمعوا لهذا المثل
قال الطبرسي ههنا مثل لانه ضرب مثل
هؤلاء الذين يعبدون الاصنام بمن
عبد ما لا يخلق ذبابا وقيل معناه
حديث عجيب منه فاستمعوا
على جهل الكفار من قولك ضربت
خيمة اذا نصبتها واثبتها
مجمع البيان



واعبدوا ربكم وافعلوا الخير لعلكم تفلحون ٧٧ وجاهدوا في الله حق
جهاده هو اجتبىكم وما جعل عليكم في الدين من حرج ملة أبيكم
إبرهيم هو سمىكم المسلمين من قبل وفي هذا ليكون الرسول شهيدا
عليكم وتكونوا شهداء على الناس فأقيموا الصلوة وءاتوا الزكوة
واعتصموا بالله هو مولىكم فنعم المولى ونعم النصير

سورة المؤمنون مكية وهي مائة وثمان عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

قد أفلح المؤمنون ٢ الذين هم في صلاتهم خاشعون ٣ والذين هم عن
اللغو معرضون ٤ والذين هم للزكوة فاعلون ٥ والذين هم لفروجهم
حافظون ٦ إلا على أزواجهم أو ما ملكت أيمانهم فإنهم غير ملومين ٧
فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون ٨ والذين هم لأماناتهم و
عهدهم راعون ٩ والذين هم على صلواتهم يحافظون ١٠ أولئك هم
الوارثون ١١ الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون ١٢ ولقد خلقنا
الإنسان من سلالة من طين ١٣ ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ثم
خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما

فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

١٥ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ١٦ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ١٧ وَلَقَدْ

خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ١٨ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ١٩

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَ

مِنْهَا تَأْكُلُونَ ٢٠ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ

لِلْآكِلِينَ ٢١ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ

فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ٢٢ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ٢٣

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ

غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٢٤ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا

بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا

بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ٢٥ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

٢٦ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ٢٧ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا

وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ ٢٨ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ

وعبادت کنید پروردگار خودرا وبکنید نیکوئی راشاید شمارستگار شوید ۷۷ وجهاد کنید با دشمنان خدا در راه خدا چنانچه سزاوار جهاد
او باشد او برگزید شمارا ومقرر نفرمود برشما در دین هیچ تنگی یعنی تکلیف مالایطاق نکرد بشما مانند واسع گردانیدن کیش پدر شما که ابراهیم
است یعنی چون ابراهیم پدر پیغمبر و پیغمبر بمنزلهٔ پدر است از برای امت پس ابراهیم پدر امت واقع شود خدا نام نهاد شما را مسلمانان ۷۸
پیش از قرآن در کتب منزله و در قرآن تا اینکه باشد پیغمبری یعنی محمد روز قیامت گواه برشما و باشید شما شاهدان بر مردمان برسانیدن انبیا
دعوت خودرا برایشان پس برپا دارید نمازرا و بدهید زکوة را وچنگ زنید بفضل خدا اوست آقای شما خوب آقائی است وخوب یاری کننده است

سورهٔ مؤمنون مشتمل بر یکصد و هجده آیه است و در مکه معظمه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بتحقیق رستگار شدند مؤمنان ۲ آنانکه ایشان در نماز خودشان فروتنی وخشوع کنندگانند ۳ وآنکسانیکه ایشان در گفتار وکردار بیهوده
اعراض کنندگانند ۴ وآنکسانیکه ایشان مر زکوة دادن را واجب کنندگانند ۵ وآنکسانیکه ایشان مر فروج خودرا حفظ کنندگانند ۶
مگر بر زنان خودشان که حلالند یا آنچه راکه مالک شد دستهای ایشان یعنی کنیزان پس بدرستی که ایشان غیر ملامت شدگانند ۷ پس هرکه بجوید
وبخواهد غیر از این که ذکر شد پس آنگروه ایشانند درگذرندگان از حلال و حرام ۸ وآنکسانی که ایشان مر امانتهای خود را وعهد خودرا رعایت
کنندگانند ۹ وآن کسانیکه بر نماز خودشان محافظت میکنند ۱۰ آنگروه ایشانند وارث برندگان یعنی سزاوارند که اسم وارث برایشان
اطلاق کنند ۱۱ آنکسانیکه هستند که ارث میبرند فردوس را وایشان در آن فردوس همیشه هستند ۱۲ وهرآینه بتحقیق خلق کردیم ما انسان را
از خلاصهٔ از گل ۱۳ بعد قرار دادیم اورا نطفهٔ در قرارگاه استوار یعنی در رحم زنان که محفوظ است از ضعف ما سکه ۱۴ بعد
خلق کردیم ما نطفه علقه یعنی پارچه خون پس خلق کردیم علقه را مضغه یعنی پارچه گوشتی پس خلق کردیم مضغه را استخوان پس

صفحهٔ دویست و شصت و چهارم

پوشانیدیم آن استخوان را گوشت بعد آفریدیم ما آنرا خلقتی دیگر یعنی روح را در آن دمیدیم تا زنده شد وصورت آدمی دادیم اورا پس
بزرگست خدا که بهترین خلق کنندگانست ۱۵ بعد از آن بدرستی که شما بعد از این خلق شدن و زنده شدن هرآینه میمیرید ۱۶ بعد از آن
بدرستی که شما روز قیامت برانگیخته میشوید ۱۷ وهرآینه بتحقیق خلق کردیم ما بالای سر شما هفت آسمان که بر طریقه یکدیگرند ونیستیم ما از این
مخلوق بیخبران ۱۸ وفرستادیم ما از آسمان آبرا باندازه پس ساکن کردیم ما آن آبرا در زمین یعنی دریا ساختیم بدرستیکه ما بر بردن آن آب
هرآینه قادریم یعنی میتوانیم که باز آنها را بآسمان ببریم یا بطوری در زمین فرو بریم که هیچ فایده برای مخلوق نداشته باشد ۱۹ پس آفریدیم ما از برای شما
بسبب آن آب باغها از درخت خرما وانگور را از برای شما در آن باغها میوجات بسیار واز آن میوجات میخورید ۲۰ ودیگر بیافریدیم درختی که بیرون
میآید از کوه طور سینا یعنی درخت زیتون راکه میروید آن درخت درحالتی که باروغن است ونان خورش است مر خورندگانرا ۲۱ وبدرستیکه از برای
شما است در چهارپایان هرآینه عبرتی میآشامانیم شما را از آنچه در شکمهای آنست یعنی از شیر آنها میخورید واز برای شما است در آن انعام منفعتهای
بسیار واز گوشت آنها میخورید ۲۲ وبرآن چهارپایان وبرکشتی سوار میشوید وبار حمل میکنید ۲۳ وهرآینه بتحقیق فرستادیم ما نوح را بسوی قوم
خودش پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست از برای شما خدائی غیر از خدای واحد آیا پس پرهیز نمیکنید ۲۴ پس گفتند اشراف
آن کسانیکه کافر شدند از قوم نوح نیست این یعنی نیست نوح مگر آدمی مثل شما میخواهد زیادتی بجوید برشما واگر میخواست خدا هرآینه میفرستاد فرشتگانرا
نشنیدیم ما اینرا که آدمی تواند رسول خدا بود در میان پدران خودمان که گذشته اند یعنی از آبای خود نشنیده ایم
که بوجه پیغمبر است ۲۵ نیست نوح مگر مردی که با اوست دیوانگی پس انتظار دارید باو تا وقتی که از زمان
یعنی منتظر مردن او شوید ۲۶ گفت نوح ای پروردگار من نصرت بده مرا بآنچه تکذیب کردند مرا ۲۷ پس وحی کردیم ما بسوی
نوح اینکه بساز کشتی را به تعیین نمودن و دستور العمل دادن ما و وحی کردن ما پس چون آید حکم ما وجوشد تنور ۲۸ پس درآور
در آن کشتی از هر دو صنف حیوانات دوتا که یکی نر و یکی ماده و درآور در آن کشتی اهل وکسان خودت را مگر آنکه پیش گرفته است بر آن
گفتار از ایشان یعنی آن زن خودت را وخطاب مکن با من ودعا کردن در باب نجات آنانیکه ظلم کردند بدرستی که ایشان

صفحهٔ دویست و شصت و پنجم

غرق شدگانند ۲۹ پس چون نشستی و قرار گرفتی تو و هر که با تست بر کشتی پس بگو حمد از برای خدای آنچنانیست که نجات داد ما را از قوم
ظلم کنندگان ۳۰ و بگو ای پروردگار من فرود آور مرا فرود آوردن مبارکی و تو بهترین فرود آورندگانی ۳۱ بدرستیکه در این قصه
نوح است نشانه هائی و اگر چه بودیم ما هر آینه رسانندهٔ بلیات بقوم نوح یا بودیم ما آزمایش کنندگان مردمان ۳۲ بعد از آن آفریدیم ما از بعد
از قوم نوح گروهی دیگر از ان ۳۳ پس فرستادیم ما در میان ایشان رسولی از جنس خود ایشان که هود بود یا صالح گفتیم آنقوم را بزبان رسول خود
اینکه عبادت کنید خدا را نیست مر شما را خدائی جز او آیا پس پرهیز نمی کنید ۳۴ و گفتند اشراف از قوم آن پیغمبر از کسانیکه کافر شدند
و تکذیب کردند لقای آخرت را یعنی گفتند روز قیامت و بعث دروغست و متنعم گردانیدیم ما ایشانرا در حیات دنیا یعنی آن منعمان و نازپروردگان
با یکدیگر گفتند که نیست این رسول خدا که شما را دعوت میکند مگر آدمی مثل شما میخورد و از آنچه شما میخورید ۳۵ از آن و میآشامد از آنچه می
آشامید شما ۳۶ و هر آینه اگر اطاعت کردید شما بشری را که مثل شما است بدرستیکه شما در آنهنگام هر آینه زیانکارانید ۳۷ آیا وعده میدهد شما را
اینکه شما چون مردید و شدید خاک و استخوان بدرستیکه شما بیرون آیندگانید ۳۸ دور است و دور است مر آنچه را که وعده داده شده اید ۳۹
نیست این مگر زندگانی ما در دنیا میمیریم و زنده میشویم و نیستیم ما برانگیخته شدگان ۴۰ نیست این پیغمبر یعنی هود مگر مردی که افترا کرد بر خدا
دروغ را و نیستیم ما از برای او گروندگان ۴۱ گفت هود ای پروردگار من نصرت بده مرا بآنچه تکذیب کردند مرا ۴۲ گفت خدا بعد از اندک
زمانی هر آینه گردند کافران پشیمانان از کذب قول خود ۴۳ پس گرفت ایشانرا فریادی بوجهی ثابت پس گردانیدیم ما ایشانرا چون خاشاک
آب آورده پس دوریست از رحمت خدا مر قوم ظالمین را ۴۴ بعد از آن آفریدیم ما از بعد از ایشان قومهای دیگر را ۴۵ پیشی نمی گیرند هیچ امتی
بر وقت مقرر شدهٔ بعذاب خودشان و عقب نمیافتند مرگ ایشان یعنی در آنوقتی که برای ایشان عذاب و مرگ مقرر شده است نه پیش میافتند
و نه عقب بلکه در همانوقت مقرر مرگ ایشان میرسد ۴۶ بعد از آن فرستادیم ما فرستادگان خود را متواتر و پشت سر هم هر وقت آمد امتی را
رسولی آن تکذیب کردند او را پس از پی در آوردیم بعضی از ایشانرا از بعضی دیگر یعنی هلاک کردیم ایشانرا بعذاب خودمان متعاقب یکدیگر و گردانیدیم
ما ایشان را خبرها که از ایشان حکایات نقل کنند پس دوریست رحمت خدا

صفحهٔ دویست و شصت و ششم

از گروهی که ایمان نمیآورند ۴۷ بعد از آن فرستادیم موسی و برادرش هرون را بنشان قدرت خود و معجزات و سلطنت که حجتی آشکار بود ۴۸
بسوی فرعون و اشراف قوم او پس تکبر کردند و بودند قومی گردنکشان ۴۹ پس گفتند فرعون و فرعونیان آیا ایمان بیاوریم از برای دو نفر آدمی که
مثل ما هستند و طایفهٔ ایشان از برای ما بندگان هستند ۵۰ پس تکذیب کردند موسی و هرون را پس بودند از هلاک شدگان ۵۱ و هر آینه بتحقیق دادیم ما
موسی را تورات شاید که بنی اسرائیل هدایت شوند ۵۲ و گردانیدیم ما عیسی بن مریم را و مادر او را آیتی و جای دادیم ما آندو نفر را بلندی از بیت المقدس
که صاحب استقرار و میوجات و انهار نیک و آب گوارا بود ۵۳ ای پیغمبر بخورید از چیزهای پاکیزه و عمل کنید نیکوئیها بدرستیکه من بآنچه میکنید دانا هستم
۵۴ و بدرستی که این امت شما رسولان امت یگانه است یعنی همه در اصول عقاید مساوی هستند و منم پروردگار شما پس بپرهیزید از من ۵۵ پس منقطع
ساختند اهل ملک کار دین خود را در میان یکدیگر در حالتیکه پاره پاره فرقه فرقه بودند هر گروهی از اینگروههای مختلفه بآنچه نزدیک ایشانست از دین باطل ایشان معتقدند
۵۶ پس واگذار ایشانرا در گرداب غرقاب جهالت خودشان تا زمان موتشان ۵۷ آیا گمان میکنند آنچه را عطا میکنیم ایشانرا بآنچیز از مال و اولاد ۵۸ شتاب میکنیم
ما از برای ایشان در نیکوئیها یعنی همچو پندارند کفار که مال و اولاد ما بمیل و شتاب خودمان برای استحقاقشان بایشان میدهیم و مقصود ما خیریت ایشانست و حال اینکه ایشان نظر
نیست شعور ندارند که اینطور تصور میکنند ۵۹ بدرستیکه آنکسانیکه ایشان از ترس پروردگار خودشان حذر کنندگانند ۶۰ و آنانکه ایشان بآیات پروردگارشان میگروند ۶۱
و آنانکه ایشان بپروردگارشان شرک نمیآورند ۶۲ و آنانکه میدهند آنچه داده شدند از صدقات و خیرات و دلهای ایشان ترسانست بانیکه ایشان بسوی پروردگار خود
بازگردندگانند ۶۳ آنگروه که باین صفات موصوفند میشتابند در نیکیها و ایشان از برای خیرات پیش گیرندگانند بر مردم ۶۴ و تکلیف نمیکنیم هیچ نفسی را مگر بقدر توانائی او
و نزد ما کتابی است یعنی لوح محفوظ است که سخن گوید براستی و درستی و نامهٔ اعمال مردمان در آن ضبط است و ایشان عاملان اعمال خیر ظلم
کرده نمیشوند ۶۵ بلکه دلهای ایشان در غفلت و حیرتی است از این یعنی از اینکه سخن گفته شد از وعده و وعید و از برای ایشانست کارهای زشت پلید
بجز این خطای بزرگ یعنی شرک بخدا که ایشان از برای آن گناهان عمل کنندگانند ۶۶ تا وقتیکه بگیریم ما منعمان ایشان را

صفحهٔ دویست و شصت و هفتم

بعذاب یعنی قتل روز بدر آنگاه ایشان بفریاد آیند و باواز بلند استغاثه کنند ۶۴ گویند ملائکه استغاثه نکنید امروز بدرستیکه شما از ما یاری کرده نمیشوید ۶۵ بتحقیق که بودند آیتهای من یعنی قرآن که همیشه خوانده میشد بر شما پس بودید شما که بر پاشنه‌های پاهای خودتان بر میگشتید بطریق قهقرا ۶۶ در حالتی که طلب رفعت کننده بودید و فخر میکردید بخانه کعبه یعنی می‌گفتید ما اهل حرم را هیچکس غلبه نتواند نمود در حالتی که بذکر قرآن و طعن در آن حدیث کننده‌گان بودند در شب و اعراض میکردند از قرآن و در شان پیغمبر سخنان بد زشت میگفتند ۶۷ آیا پس تفکر نکردند در قرآن یا آمد ایشان را از کتاب و رسول چیزیکه نیامده بود پدران ایشان را که از پیش بودند ۶۸ یا نشناختند پیغمبر خود را پس ایشان مر او را انکار کننده‌گان بودند ۶۹ یا میگویند بان پیغمبر است دیوانگی بلکه آمد ایشانرا پیغمبر بدین درست یعنی دین اسلام و بیشتر از ایشان یعنی از کفار مر دین درست اسلام را کراهت دارندگانند ۷۰ و اگر متابعت کند امر حق آرزوهای ایشانرا هر آینه فاسد شدی یا نا چیز گشتی آسمانها و زمین و هر که در آسمان و زمین است بلکه دادیم ایشانرا کتابی و عظ و پند ایشانست پس ایشان از موعظه خود یا از آنچه سبب بزرگی دنیا و آخرت ایشانست اعراض کنندگانند ۷۱ یا می‌پرسی یعنی میخواهی تو از ایشان برای رسالت خود مزدی پس مزدهای پروردگار تو که روزی دنیا و ثواب آخرتست بهتر است از نزد ایشان و آن خدا بهترین روزی دهندگانست ۷۲ و بدرستیکه تو هر آینه میخوانی کفار را بسوی راه راست ۷۳ و بدرستیکه آنانکه ایمان نمیاورند بسرای دیگر از راه راست که دین اسلام است هر آینه عدول کنندگانند یعنی از بهشت بطرف جهنم ۷۴ و اگر رحم کنیم ما بایشان و برداریم ما آنچه را که بایشانست از بدی و سختی و قحطی هر آینه لجاج کنند در سرکشی خودشان در حالتی که متحیر و سرگردان باشند ۷۵ و هر آینه بتحقیق گرفتیم ما ایشانرا یعنی اهل مکه را بعذاب قتل و غارت پس فروتنی نکردند از برای پروردگار خودشان و تضرع و زاری ننمودند ۷۶ تا وقتی که گشودیم ما بر ایشان دری که خداوند عذاب سخت بود یعنی جوع که شدت آن از قتل بیشتر است ناگاه ایشان در آن عذاب ناامید و سرگردان بودند ۷۷ و آن خدای آنچنانیست که آفرید از برای شما گوش و چشمها و دلها اندکی شکر میکنید شما ۷۸ و اوست خدای آنچنانیکه بیافرید شما را در زمین و بسوی او جمع کرده شوید ۷۹ و آن خدای آنچنانیست که زنده میکند و میمیراند و مر او راست یعنی بامر اوست اختلاف شب و روز آیا پس تعقل نمیکنید ۸۰ بلکه گفتند مثل آنچه گفته بودند پیشینیان از کفار در باب حشر و نشر ۸۱ گفتند کفار آیا وقتی که بمیریم ما باشیم

صفحهٔ دویست و شصت و هشتم

خاک و استخوان آیا ما برانگیخته شدگانیم ۸۲ هر آینه بتحقیق وعده داده شدیم ما و پدران ما اینچنینرا از پیش نیست این گفتار مگر افسانهای پیشینیان و اکاذیب ایشان ۸۳ بگو ای پیغمبر از برای کیست زمین و آنکه در وی است از مخلوقات اگر هستید شما که میدانند ۸۴ زود باشد که بگویند از برای خدا است بگو آیا پس پند نمیگیرید ۸۵ بگو ای محمد کیست پروردگار آسمان هفت گانه و کیست پروردگار عرش بزرگ ۸۶ زود باشد که بگویند از برای خداست بگو آیا پس پرهیز نمیکنید ۸۷ بگو ای پیغمبر کیست که بدست اوست سلطنت و پادشاهی هر چیزی و او زنهار دهد و زنهار داده نشود بر او یعنی هیچکس نتواند کسی را از عذاب او ایمن گرداند و در پناه خود گیرد و زنهار دهد اگر هستید شما که میدانید ۸۸ زود باشد که بگویند از برای خداست بگو پس از کجا فریب خورده میشوید ۸۹ بلکه آوردیم بایشان امر درست و راست را از توحید و وعده حشر و نشر و بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند ۹۰ نگرفته است خدا هیچ فرزندی و نیست با او هیچ خدائی که با او در الوهیت شریک باشد اگر شریک داشته باشد هر یک خلقی جدا گانه کنند و در آن هنگام پیروی هر خدائی آنچه را خلق کرده بود و ملکشان ممتاز گشتی و هر آینه تنازع در میان افتادی و هر آینه برتری جستندی بعضی از خدایان بر بعضی دیگر پاکست خدا از آنچه وصف میکنند ۹۱ دانای آنچه پنهان و آشکار است پس برتر است از آنچه شرک میاورند ۹۲ بگو ای پروردگار من اگر بنمائی مرا آنچه وعده داده میشوند کافران یعنی اگر البته عذاب کفار را بمن بنمائی در دنیا و آخرت ۹۳ ای پروردگار من پس مگردان مرا در گروه ستمکاران ۹۴ و بدرستیکه ما بر اینکه بنمائیم ترا آنچه وعده کردیم ایشانرا هر آینه قادر و توانائیم ۹۵ دفع کن بخصلتی که آن بهتر است خصلت بد را ما دانا تریم بآنچه وصف میکنند ترا از شاعری و ساحری ۹۶ و بگو ای پروردگار من پناه میبرم بتو از وسوسه شیطانها ۹۷ و پناه میبرم بتو ای پروردگار من که حاضر شوند دیوان نزد من ۹۸ تا وقتی که بیاید یکی از ایشان را مرگ گوید پروردگار من باز گردان مرا ۹۹ شاید که من بکنم کار شایسته در آنچه ترک کردم من حاشا که باز گردد بدرستیکه آن کلمه ایست که او گوینده آنست و از پس این مشرکان است مانعی میانهٔ ایشان و بازگشتن بدنیا تا روزی که برانگیخته شوند ۱۰۰ پس وقتیکه دمیده شود در صور پس نیست خویشی میان ایشان در آن روز و حال یکدیگر نپرسند ۱۰۱ پس هر که سنگین باشد ترازوهای کردار او بایمان و اعمال نیک پس

پس آنگروه ایشانند رستگاران ۱۰۵ و هرکه سبک شود ترازوی اعمال او پس آن گروهند کسانی که زیان کردند نفسهای خود را
یعنی سرمایهٔ عمر بباد غفلت دادند در جهنم جاوید مانندگانند ۱۰۶ می سوزاند روهای ایشان را آتش و ایشان در آتش زشت
رویان باشند ۱۰۷ آیا نبود آیات من که خوانده میشد بر شما پس بودید شما که بآن آیات تکذیب میکردید ۱۰۸ گویند ای پروردگار ما
غالب شد بر ما شقاوت و بدبختی و بودیم ما قومی گمراهان ۱۰۹ ای پروردگار ما بیرون آور ما را از آتش پس اگر برگردیم ما پس بدرستیکه ما ظلم
کنندگانیم ۱۱۰ گوید خدای تعالی خاموش باشید و فرو روید در دوزخ و تکلم نکنید با من ۱۱۱ بدرستیکه قصه اینست که بودند گروهی از بندگان
من که میگویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و ببخش ما را و تو بهترین رحم کنندگانی ۱۱۲ پس فرو گرفتند مؤمنان را بمسخرگی تا آنکه
از یاد ببرید شما را از ذکر کردن من و بودید که از ایشان خنده زنان و مسخره کنان بودید ۱۱۳ بدرستیکه من جزا میدهم ایشان را امروز بسبب
آنچه صبر کردند بدرستیکه مؤمنین ایشان رستگارانند ۱۱۴ گوید فرشته بامر پروردگار کافران را چند درنگ کردید در زمین از روی شمارهٔ سال
۱۱۵ گفتند کافران درنگ کردیم روزی یا بعضی از یک روز پس بپرس از شمارکنندگان ۱۱۶ گفت خدا درنگ نکردید مگر
کمی اگر اینکه شما هستید که میدانید ۱۱۷ آیا پس پنداشتید که جز این نیست خلق کردیم ما شما را از روی بازیچه و بیهودگی و اینکه شما بسوی
ما برگشته نمیشوید پس برتر است خدائی که پادشاه است و حق است نیست خدائی مگر او پروردگار عرش بزرگست و هرکه میخواند
با خدا خدائی دیگر نیست حجتی برای او بآن خواندن پس جز این نیست که حساب او نزد پروردگار او است بدرستیکه رستگار
نمیشوند کافران ۱۱۸ و بگو ای محمد که ای پروردگار من بیامرز و رحم کن بر من یا بر بندگان مؤمن خودت و تو بهترین رحم کنندگانی

سورهٔ نور مشتمل بر شصت و چهار آیه است و در مدینهٔ طیبه نازل شد

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

این سوره ایست از عالم بالا فرو فرستادیم ما آنرا بتوسط جبرئیل و فرض کردیم ما آنرا یعنی آن احکامی را که در او است و فرو فرستادیم
ما در آن سوره آیات روشن که حدود و احکام حلال و حرام شاید شما پند بگیرید ۲ مرد زناکار و زن زناکار پس بزنید ای حکام شرع هریک از آن
دو نفر را صد تازیانه و نگیرد شما را بآن دو نفر رأفت و مهربانی در حفظ دین خدا اگر هستید شما که میگروید بخدا و روز قیامت و باید که حاضر شوند در وقت عذاب
تازیانه زدن آن مرد و زن طایفهٔ از ایمان آورندگان ۳ زناکننده نکاح نمیکند مگر زن زناکننده را یا زنیرا که مشرکه باشد و زن زناکار نکاح نمیکند او را مگر مرد زناکار
یا مشرک و حرام کرده شد تزوج بر زناکاران خواه مرد و خواه زن بر گروندگان ۴ و آنکسانیکه رمی میکنند زنان محصنه را یعنی زنانی را که بالغ و آزاد و با کمال عقل
و اسلام و با عفت باشند و او را بزنا دشنام دهند بعد نیاورند نزد حکام شرع چهار شاهد عادل بر آنچه نسبت داده اند پس بزنید ای حکام شرع ایشان را هشتاد تازیانه
و قبول نکنید مر ایشان را که نسبت زنا دادند و شاهد نیاوردند و هشتاد تازیانه خوردند شهادتی را هرگز در هیچ باب و آنگروه ایشانند فاسقان چه در شهادت عدالت شرط است
۵ مگر آنکسانیکه توبه کردند بعد از تعذیر شدن و بصلاح آوردند نیت خود را پس بدرستیکه خدا آمرزندهٔ مهربانست ۶ و آنکسانیکه نسبت میدهند بزنان خود زنا دادن
و فاحشه را و نمی باشد از برای ایشان شاهدانی مگر خودشان یعنی بچشم خود دیده اند زنا دادن زن خود را و شاهدی ندارند پس گواه بودن هریک از زن و مرد چهار بار قسم خوردن بخدا
و اقرار بر راست گفتن خود است بدرستیکه او هر آینه از راستگویانست یعنی بعد از اینکه چهار بار بگوید اشهد بالله انی لمن الصادقین باید اقرار براستگو بودنست ۷ و پنجم اینکه لعنت خدا
بر او اگر باشد از دروغگویان یعنی نوبت پنجم بر خود لعن کند باینطور که بگوید لعنت خدا بر من اگر دروغگویم در نسبت زنائی که باین زوجه که فلان اسم دارد داده ام ۸ و باز میدارد از
زن عذاب حد را اینکه چهار بار گواه بگیرد خدا را باینکه آنمرد هر آینه از دروغگویانست ۹ و پنجم اینکه غضب خدا بر آن زن اگر باشد مرد از راستگویان یعنی در دفعهٔ پنجم زن بگوید لعنت خدا
بر من اگر اینمرد من که نسبت زنا میدهد از راستگویان باشد ۱۰ و اگر نبود بخشش خدا بر شما و رحمت او بر شما و اینکه خدا قبول توبه کننده است و حکم کننده است در حدود و احکام هر آینه
شما را فضیحت کردی و دروغگوی را بعذاب الیم مبتلا ساختی ۱۱ بدرستیکه آنکسانیکه آوردند دروغ بزرگ را در بارهٔ زن پیغمبر گروهی اند از شما که ایشان عبدالله بن ابی سلول
و زید بن رفاعه و حسان بن ثابت و مسطح بن اثاثه و حمنه بنت جحش بودند مپندارید شما که پیغمبر و زوجهٔ او و صفوان هستید این دروغ را که بدی است از برای شما بلکه گفتن
این دروغ بهتر است برای شما بجهت اینکه ثواب بزرگ یافتید که برای برائت این مطلب هیجده آیه نازل شد که متضمن فواید دین و احکام شرعیه است
از برای هر گروهی از اهل بهتان جزای آن چیزیست که کسب کرد از گناه بقدری که شروع در آن نمود و آن کس که فرا گرفت

تغرقون ۲۹ فاذا استويت انت ومن معك على الفلك فقل الحمد لله
الذي نجىنا من القوم الظلمين ۳۰ وقل رب انزلني منزلا مبركا وانت
خير المنزلين ۳۱ ان في ذلك لايت وان كنا لمبتلين ۳۲ ثم انشانا
من بعدهم قرنا اخرين ۳۳ فارسلنا فيهم رسولا منهم ان اعبدوا الله ما
لكم من اله غيره افلا تتقون ۳۴ وقال الملا من قومه الذين كفروا وكذبوا
بلقاء الاخرة واترفنهم في الحيوة الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم ياكل
مما تاكلون منه ويشرب مما تشربون ۳۵ ولئن اطعتم بشرا مثلكم انكم
اذا لخسرون ۳۶ ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا وعظاما انكم
مخرجون ۳۷ هيهات هيهات لما توعدون ۳۸ ان هي الا حياتنا
الدنيا نموت ونحيا وما نحن بمبعوثين ۳۹ ان هو الا رجل افترى على
الله كذبا وما نحن له بمؤمنين ۴۰ قال رب انصرني بما كذبون ۴۱ قال
عما قليل ليصبحن ندمين ۴۲ فاخذتهم الصيحة بالحق فجعلنهم غثاء
فبعدا للقوم الظلمين ۴۳ ثم انشانا من بعدهم قرونا اخرين ۴۴ ما
تسبق من امة اجلها وما يستاخرون ۴۵ ثم ارسلنا رسلنا تترا كل
ما جاء امة رسولها كذبوه فاتبعنا بعضهم بعضا وجعلنهم احاديث فبعدا

لقوم لا يؤمنون ٤٧ ثم أرسلنا موسى وأخاه هرون بآياتنا وسلطان
مبين ٤٨ إلى فرعون وملائه فاستكبروا وكانوا قوما عالين ٤٩
فقالوا أنؤمن لبشرين مثلنا وقومهما لنا عابدون ٥٠ فكذبوهما فكانوا
من المهلكين ٥١ ولقد آتينا موسى الكتاب لعلهم يهتدون ٥٢ و
جعلنا ابن مريم وأمه آية وآويناهما إلى ربوة ذات قرار ومعين ٥٣
يا أيها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا إني بما تعملون عليم ٥٤
وإن هذه أمتكم أمة واحدة وأنا ربكم فاتقون ٥٥ فتقطعوا أمرهم بينهم
زبرا كل حزب بما لديهم فرحون ٥٦ فذرهم في غمرتهم حتى حين ٥٧
أيحسبون أنما نمدهم به من مال وبنين ٥٨ نسارع لهم في الخيرات
بل لا يشعرون ٥٩ إن الذين هم من خشية ربهم مشفقون ٦٠ والذين هم
بآيات ربهم يؤمنون ٦١ والذين هم بربهم لا يشركون ٦٢ والذين يؤتون
ما آتوا وقلوبهم وجلة أنهم إلى ربهم راجعون ٦٣ أولئك يسارعون
في الخيرات وهم لها سابقون ٦٤ ولا نكلف نفسا إلا وسعها و
لدينا كتاب ينطق بالحق وهم لا يظلمون ٦٥ بل قلوبهم في غمرة من هذا
ولهم أعمال من دون ذلك هم لها عاملون ٦٦ حتى إذا أخذنا مترفيهم

بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ٦٧ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ٦٨

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ ٦٩ مُسْتَكْبِرِينَ

بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ٧٠ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ

الْأَوَّلِينَ ٧١ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ٧٢ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ

جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ٧٣ وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ

أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ

فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ٧٤ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ

الرَّازِقِينَ ٧٥ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٧٦ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا

يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ٧٧ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ

مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ٧٨ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا

اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٩ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ

شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ٨٠ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ

وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ٨١ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ

تُحْشَرُونَ ٨٢ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا

تَعْقِلُونَ ٨٣ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ٨٤ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا

ترابا وعظاما ءانا لمبعوثون ٨٢ لقد وعدنا نحن وءاباؤنا هذا من قبل

ان هذا الا اساطير الاولين ٨٣ قل لمن الارض ومن فيها ان كنتم

تعلمون ٨٤ سيقولون لله قل افلا تذكرون ٨٥ قل من رب السموات

السبع ورب العرش العظيم ٨٦ سيقولون لله قل افلا تتقون ٨٧ قل

من بيده ملكوت كل شيء وهو يجير ولا يجار عليه ان كنتم تعلمون ٨٨

سيقولون لله قل فانى تسحرون ٨٩ بل اتيناهم بالحق وانهم لكاذبون ٩٠

ما اتخذ الله من ولد وما كان معه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق و

لعلا بعضهم على بعض سبحان الله عما يصفون ٩١ عالم الغيب والشهادة

فتعالى عما يشركون ٩٢ قل رب اما تريني ما يوعدون ٩٣ رب فلا

تجعلني في القوم الظالمين ٩٤ وانا على ان نريك ما نعدهم لقادرون ٩٥

ادفع بالتي هي احسن السيئة نحن اعلم بما يصفون ٩٦ وقل رب اعوذ

بك من همزات الشياطين ٩٧ واعوذ بك رب ان يحضرون ٩٨ حتى اذا

جاء احدهم الموت قال رب ارجعون ٩٩ لعلي اعمل صالحا فيما تركت

كلا انها كلمة هو قائلها ومن ورائهم برزخ الى يوم يبعثون ١٠٠ فاذا

نفخ في الصور فلا انساب بينهم يومئذ ولا يتساءلون ١٠١ فمن ثقلت موازينه

معظم آن وکسیکه متحمل شد بیشتر آنرا از آنجماعت که عبدالله بن سلول بود از برای او هست عذابی بزرگ در آخرت و در دنیا که حدّ قذف خورد و مشهور بنفاق گشت یا حسان بود که کور شد یا مسطح بود که دستهای او شل شد ۱۲ چرا نه آنگاه که شنیدید اینسخن باطل را گمان بردند مؤمنین یعنی چرا وقت شنیدن این افک که سخن دروغ است گمان بردند مردان گرویدگان و زنهای ایمان آورنده بنفسهای خود یعنی بهمدینان خود نیکوئی را چنانچه بنفسهای خود برند یعنی مؤمنان بعد از شنیدن این دروغ بایستی گمان نیک بصفوان بردندی و گفتندی که این دروغی روشن است ۱۳ چرا نیاوردند بر اینسخن چهار گواه را که گواهی دهند بر آنچه دروغ میگویند ایشان پس اکنون نیاوردند شاهدان را پس آنگروه نزد خدا ایشانند دروغگویان در ظاهر و باطن ۱۴ و اگر نه فضل و کرم خدا بودی بر شما و مهربانی و رحمت او در دنیا و آخرت هر آینه رسیدی شما را در آنچیزیکه خوض کردید در آن عذابی بزرگ ۱۵ وقتیکه فرا گرفتید اینسخن را بزبانهای خود و گفتید بدهنهای خود آنچه را که نیست از برای شما بآن چیز دانشی و گمان کردید آنچیزی را که میگفتید سهل و آسان که هیچ عقوبتی بر آن مترتب نباشد و حال اینکه اینسخن نزد خدا بزرگ است ۱۶ و چرا آنوقت که شنیدید اینسخن دروغ باطل را نگفتید نمیباشد از برای ما یعنی نسزد دین ما را اینکه سخن گوئیم باین گفتار پاکی تو ای خداوند از اینکه در حرم پیغمبر تو قدح توان کرد این کلام بهتانی است بزرگ پند میدهد شما را خدا از اینکه باز گردید بمثل این سخن هرگز اگر هستید شما گرویدگان ۱۷ و روشن کند خدا از برای شما آیات را و خدا دانای درست کار است ۱۸ بدرستی آن کسانیکه دوست دارند اینکه فاش گردد فاحشه یعنی زنا و سایر قبایح در بارهٔ کسانی که ایمان آوردند از برای ایشانست عذابی دردناک ۱۹ در دنیا و آخرت و خدا میداند و شما نمیدانید ۲۰ و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او و اینکه خدا بخشندهٔ مهربان است ببرائهٔ ذمه و پاکدامنی مقذوف هر آینه عذاب بر شما نازل شدی ۲۱ ای کسانی که ایمان آوردید متابعت نکنید گامهای شیطان را یعنی پیروی شیطان را نکنید و هر کس پیروی نکند گامهای شیطان را پس بدرستی که شیطان امر میکند بکار زشت و ناپسندیده و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او پاک نگشتی از شما هیچ یک هرگز و لیکن خدا پاک میکند هر که را می خواهد و خدا شنوا و دانا است ۲۲ و باید که سوگند نخورند خداوندان فزونی از شما و خداوندان مال اینکه ندهند چیزی خداوندگان خویشی و فقیران را

و مهاجرین را در راه خدا و باید درگذرند و باید روی نگردانند و از انتقام درگذرند آیا دوست نمیدارید اینکه بیامرزد خدا مر شما را و خدا آمرزنده و مهربانست ۲۳ بدرستیکه آن کسانی که نسبت بد میدهند زنان عفیفه را که بی خبرند از فعل بد و مؤمنه هستند لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و از برای ایشانست عذاب بزرگ ۲۴ روزیکه شهادت بدهد بر ایشان زبانهای ایشان و دستهای ایشان و پاهای ایشان بآنچه بودند که میکردند یعنی بدروغها و بهتانهائی که می بستند ۲۵ آن روز تمام بدهد خدا جزای ایشان را که سزاوار و درخور ایشان باشد و بدانند در آنروز بمعاینه اینکه خدا است ثابت بذات خود و پیدا و ظاهر است بر قدرت و عقوبت ۲۶ سخنان ناپاک از برای مردمان ناپاکست و پلیدان شایسته اند مر سخنان ناپاک را و کلمات پاکیزه گفته میشود از برای مردمان پاک و پاکیزگان شایسته اند سخنان پاک را یعنی جنسیت سبب الفت است (ذره ذره کاندرین ارض و سماست جنس خود را همچو کاه و کهرباست) و بروایتی مراد از خبیث و خبیثات و طیب و طیبات مردان و زنان پاک و ناپاکند و چون سید عالم پاکترین موجودات است پس ازدواج او پاک و پاکیزه اند و بری هستند از بدکاری آن گروه یعنی پیغمبر و زوجات او و سایر طیبین بیزار کرده شدگانند از آنچه میگویند از برای ایشانست آمرزش و روزی نیکو ۲۷ ای کسانیکه ایمان آورده‌اید داخل نشوید خانهائیکه غیر خانه خودتان اند تا اینکه دستوری بگیرید و سلام کنید بر اهل آنخانه این دستوری خواستن بهتر است از برای شما شاید شما پند بگیرید ۲۸ پس اگر نیافتید در آنخانه کسی را پس داخل نشوید آنخانها را تا اینکه اذن داده شود از برای شما یعنی صاحبخانه بیاید و شما را اذن بدهد که داخل شوید و اگر گفته شود از برای شما که برگردید پس برگردید آن برگشتن پاکیزه تر است از برای شما و خدا بآنچه میکنید داناست ۲۹ نیست بر شما حرجی اینکه داخل شوید خانهای غیر مسکونه را یعنی بحمامات و خانات و شترخانها که در آنخانها بهره داریست از برای شما چنانچه از سرما و گرما شما را محافظت نماید و خدا میداند آنچه را آشکار میکنید و آنچه را می پوشانید ۳۰ بگو از برای مؤمنین بپوشند چشمهای خود را از نامحرم و محافظت کنند فرجهای خود را این حفظ فروج پاکیزه تر است از برای ایشان بدرستیکه خدا آگاه است بآنچه میکنند ۳۱ و بگو ای محمد از برای زنهای مؤمنه که بپوشند چشمهای خود را از مردان نامحرم و محافظت فرجهای خود شان را و ظاهر نکنند زینتهای خود را از آرایش و جامهای رنگین خود را مگر آنچه ظاهر باشد از آن زینتها مثل اطراف جامه و باید بزنند مقنعهای خود را بر گریبانهای خود یعنی گردن خود را بمقنعه بپوشانند تا موی گردن و بناگوش و سینه شان پوشیده باشد و ظاهر نکنند آرایش خود را مگر

صفحهٔ دویست هفتاد و سوم

مگر برای شوهرهای خود یا پدرها یا پدر شوهرها یا پسران یا پسر شوهران یا برادران یا پسر برادران یا پسر خواهران یا زنان اهل دین خود یا آنچه را که مالک شده است
دستهای ایشان از کنیزان خواه مسلمه خواه کافره و یا تابعین یعنی پرورندگان که نه خداوندان حاجتند بزنان در حالتی که غیراند باب حاجت یا
بزنان از مردان یعنی آنهائیکه متابعت مردان کنند برای طعام خوردن و هیچ حاجت بزنان ندارند مثل پیر مردان که از مباشرت خبر
ندارند یا کودکانی که اطلاع ندارند بر عورتهای زنان و باید نزنند زنان پاهای خود را بر زمین تا اینکه دانسته شود آنچه پنهان میدارند از زینت خود مثل
آن خلخال است تا موجب میل مردان بدیشان شود و توبه کنید بسوی خدا همه شما ای گروه گروندگان شاید شما رستگار شوید ۳۲ و بنکاح
درآورید ای اولیای عقد زنان بی شوهر و مردان بی زن را از خودتان و بنکاح درآورید نیکان از غلامان و کنیزان خود را اگر باشند بی چیز فقیر
بی نیاز میکند ایشانرا خدا از کرم خودش و خدا وسعت دهندهٔ داناست ۳۳ و باید خودداری کنند آنکسانی که نمی یابند نکاح را و ندارند اسباب
نکاح را از مهر و نفقه تا اینکه بی نیاز کند ایشانرا خدا از فضل خود و آن کسانیکه طلب میکنند مکاتبه را از غلامان و کنیزانی که مالک شده است دستهای
شما پس مکاتب سازید ایشان را اگر بدانید در ایشان خیری را که بدانید بگدائی تحصیل مال نخواهند نمود که سبب خفت باشد مکاتب آنست که
مولی مملوک خود را گوید من مکاتب ساختم ترا بر این مقدار از مال و مدت پس چون مملوک آن مال را ادا کند آزاد باشد و بدهید مملوکین را از مال خدا
که داده است شما را و اکراه و اجبار نکنید کنیزان خود را بر زنا و بدکاری اگر اراده دارند پرهیزکاری را تا اینکه فرا گیرید مال و زندگانی دنیا را
از کسب فرج ایشان و هرکه اجبار کند ایشانرا پس بدرستیکه خدا از بعد از اکراه کردن خواجه گان ایشان را آمرزنده است گناه کنیزان
مکره و مهربانست خدا بر ایشان و نبود وبال نیست مگر بر اکراه کنندگان ۳۴ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما بسوی شما آیاتیکه روشن سازنده اند و مثلی را از آن
کسانیکه گذشته اند از پیش از شما و پندی از برای پرهیزکاران ۳۵ خدا آفرینندهٔ نور آسمانها و زمین است مثل نور او مثل گیلاس بلور است که در آن چراغی باشد
که آن در قندیل بلوری باشد که آن قندیل در میان قندیلی دیگر از بلور باشد که گویا آن روشنی ستاره ایست نورانی درخشان که روشن میشود آن چراغ
که از روغن درخت مبارک که آن زیتونست نه از مشرق است نه از مغرب بلکه در اراضی شام درخت زیتون موجود است نزدیک است روغن
آن درخت روشنی بدهد و اگر نرسیده باشد بآن آتش روشنی است صفای آن روغن بر روشنی چراغ

صفحهٔ دویست هفتاد و چهارم

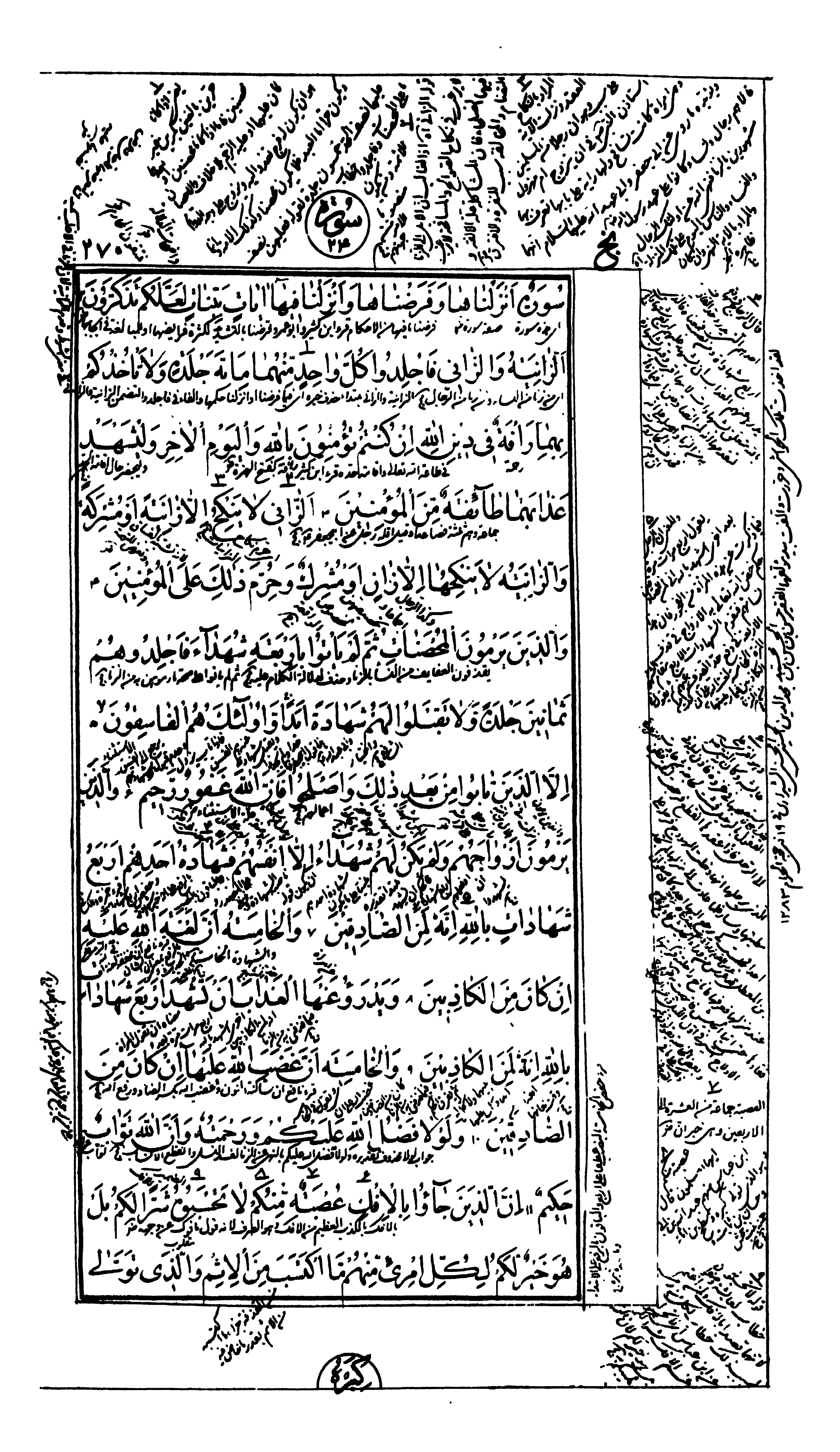
راه مینماید خدا بنور خود هر که را میخواهد و میزند خدا مثلها را از برای مردم و خدا بهر چیز داناست ۳۶ در خانها یعنی آن مصباح در زجاجه
روشن میشود در خانهائیکه رخصت داد خدا اینکه بلند کرده شود قدر آنها و ذکر شود در آن اسم خدا که تسبیح میکنند از برای خدا در آن جاها
وقت صبح و وقت شام یعنی مساجد ۳۷ مردانی یعنی تسبیح میکنند در آن مسجدها مردانیکه مشغول نمی سازد ایشان را هیچ تجارتی و نه هیچ
خرید و فروشی از ذکر خدا و برپای داشتن نماز و دادن زکوة میترسند از روزی که منقلب شوند در آن روز دلها و چشمها ۳۸ تا جزا
بدهد ایشانرا خدا بهتر از آنچه عمل کردند و زیاد کند ایشانرا یعنی مزیت بدهد ایشانرا از فضل خودش و خدا روزی میدهد هر که را میخواهد بدون حساب
۳۹ و آنکسانیکه کافر شدند اعمال ایشان مثل سراب است در زمین هموار که گمان میکند آنرا تشنه آبی صاف تا وقتیکه بیاید بنزدیک آن موضع که آب
تصور کرده بود نمی یابد چیزی را و می یابد خدای را نزدیک کردار خود حساب کننده پس تمام بدهد او را جزای کردار او را و خدا زود حساب کند بیک دفعه
۴۰ یا اعمال کفار مثل تاریکیها است در دریای عمیق که بپوشاند آن دریا را موجی از بالای آن موجی دیگر باشد که از بالای آن ابری باشد که روشنی
ستارها را بپوشد تاریکیهائی که بعضی از آن بالای بعضی دیگر که تاریکی شب و تاریکی موج دریا و تاریکی ابر و تاریکی موج ثانی که اگر بیرون بیاورد کسی
دست خود را نزدیک نباشد که ببیند آن دست خود را و هر که را قرار نداده است خدا از برای او روشنی پس نیست از برای او هیچ نوری ۴۱ آیا نمی بینی اینکه
خدا تسبیح میکند از برای او هر که در آسمانها و زمین است و مرغان در حالتی که صف زدگانند و بال گشادگانند همه بتحقیق دانسته اند دعای خود را و تسبیح خود را
و خدا داناست بآنچه میکنند ۴۲ و از برای خداست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت ۴۳ آیا نمی بینی اینکه خدا میراند ابر را قطعه قطعه بر میانگیزاند آن ابرها را
در اطراف عالم بعد منضم میکند قطعات ابر را با هم بعد میگرداند آنرا متراکم یعنی برهم نشسته پس می بینی باران که بیرون می آید از میان ابر و فرو میفرستد از آسمان از کوههائیکه
در آنست یعنی قطعات ابر که هر یک بقدر کوهی است از تگرگ پس میرساند آن تگرگ را بطور عذاب بهر که میخواهد و برمیگرداند
آن را از هر که میخواهد نزدیک است روشنی برق آن ابرها را ببرد دیدها را از غایت روشنی و شدت درخشندگی ۴۴

میگرداند

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١٠٢ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ١٠٣ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ١٠٤ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٥ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ١٠٦ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ١٠٧ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ١٠٨ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ١٠٩ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ ١١٠ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ١١١ قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٢ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ ١١٣ قَالَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ١١٤ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ١١٥ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ١١٦ وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ١١٧ وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ١١٨

سُورَةُ النُّورِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ أَرْبَعٌ وَسِتُّونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ



سورة أنزلناها وفرضناها وأنزلنا فيها آيات بينات لعلكم تذكرون

الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة ولا تأخذكم

بهما رأفة في دين الله إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر وليشهد

عذابهما طائفة من المؤمنين ٭ الزاني لا ينكح إلا زانية أو مشركة

والزانية لا ينكحها إلا زان أو مشرك وحرم ذلك على المؤمنين ٭

والذين يرمون المحصنات ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

ثمانين جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة أبدا وأولئك هم الفاسقون ٭

إلا الذين تابوا من بعد ذلك وأصلحوا فإن الله غفور رحيم ٭ والذين

يرمون أزواجهم ولم يكن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهادة أحدهم أربع

شهادات بالله إنه لمن الصادقين ٭ والخامسة أن لعنت الله عليه

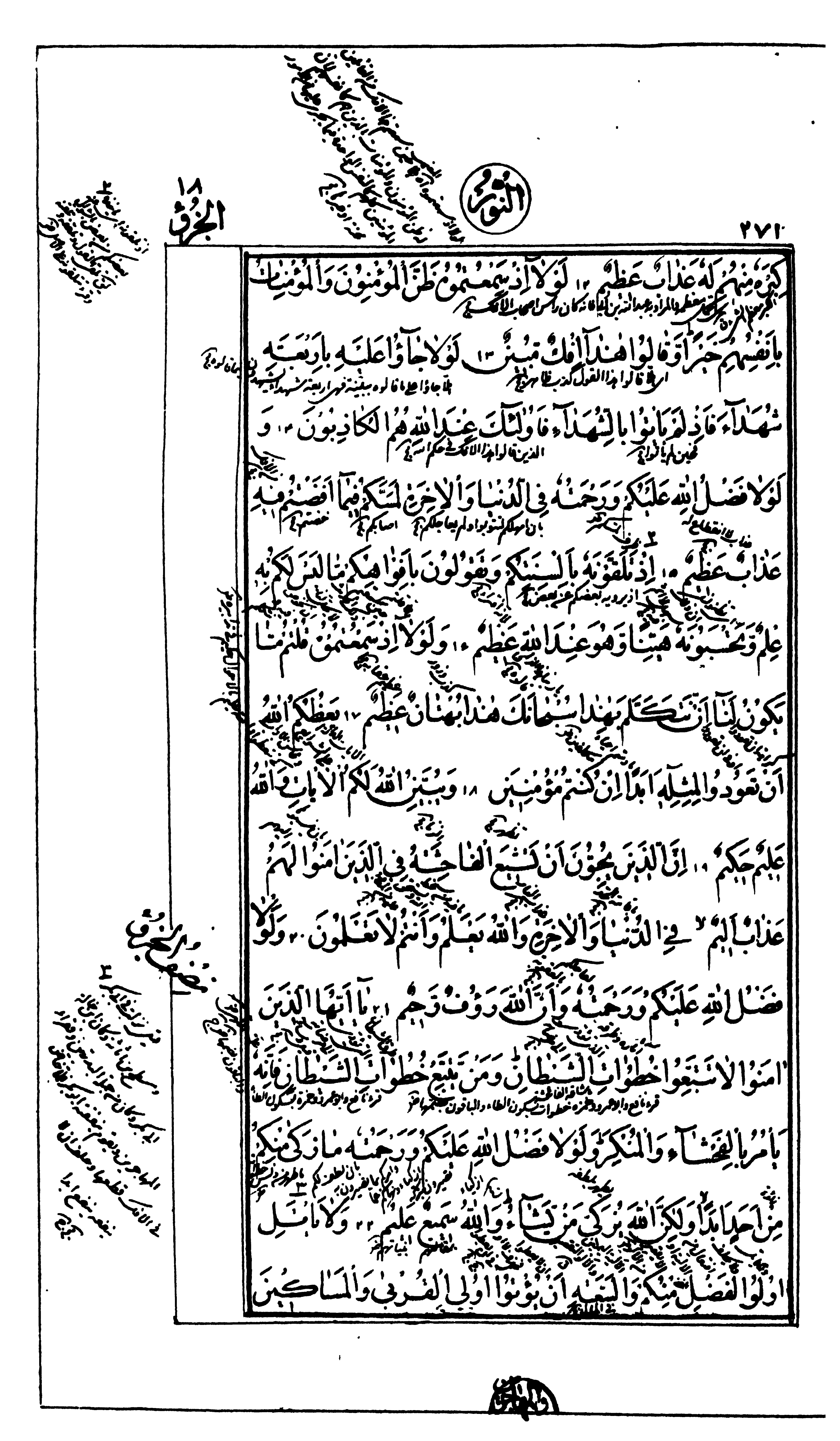
إن كان من الكاذبين ٭ ويدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات

بالله إنه لمن الكاذبين ٭ والخامسة أن غضب الله عليها إن كان من

الصادقين ٭ ولولا فضل الله عليكم ورحمته وأن الله تواب

حكيم ٭ إن الذين جاءو بالإفك عصبة منكم لا تحسبوه شرا لكم بل

هو خير لكم لكل امرئ منهم ما اكتسب من الإثم والذي تولى



كبره منهم له عذاب عظيم ١٢ لولا إذ سمعتموه ظن المؤمنون والمؤمنات

بأنفسهم خيرا وقالوا هذا إفك مبين ١٣ لولا جاءو عليه بأربعة

شهداء فإذ لم يأتوا بالشهداء فأولئك عند الله هم الكاذبون ١٤ و

لولا فضل الله عليكم ورحمته في الدنيا والآخرة لمسكم فيما أفضتم فيه

عذاب عظيم ١٥ إذ تلقونه بألسنتكم وتقولون بأفواهكم ما ليس لكم به

علم وتحسبونه هينا وهو عند الله عظيم ١٦ ولولا إذ سمعتموه قلتم ما

يكون لنا أن نتكلم بهذا سبحانك هذا بهتان عظيم ١٧ يعظكم الله

أن تعودوا لمثله أبدا إن كنتم مؤمنين ١٨ ويبين الله لكم الآيات والله

عليم حكيم ١٩ إن الذين يحبون أن تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم

عذاب أليم في الدنيا والآخرة والله يعلم وأنتم لا تعلمون ٢٠ ولولا

فضل الله عليكم ورحمته وأن الله رءوف رحيم ٢١ يا أيها الذين

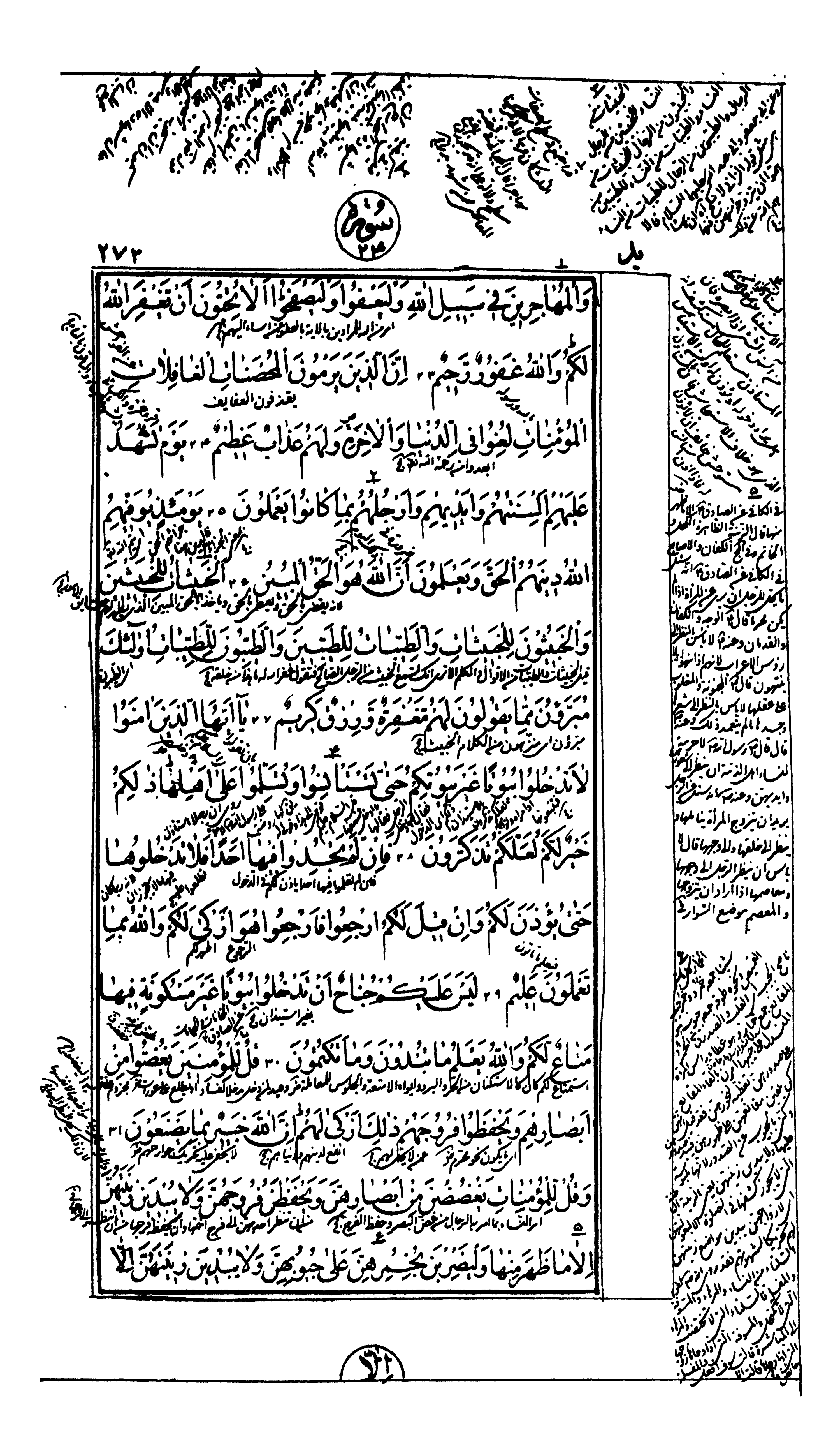
آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان ومن يتبع خطوات الشيطان فإنه

يأمر بالفحشاء والمنكر ولولا فضل الله عليكم ورحمته ما زكى منكم

من أحد أبدا ولكن الله يزكي من يشاء والله سميع عليم ٢٢ ولا يأتل

أولو الفضل منكم والسعة أن يؤتوا أولي القربى والمساكين

نصف الحزب



وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ

لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٢٣ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ

الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٢٤ يَوْمَ تَشْهَدُ

عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٢٥ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ

اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ٢٦ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ

وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ

مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ٢٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ

خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٢٨ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا

حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا

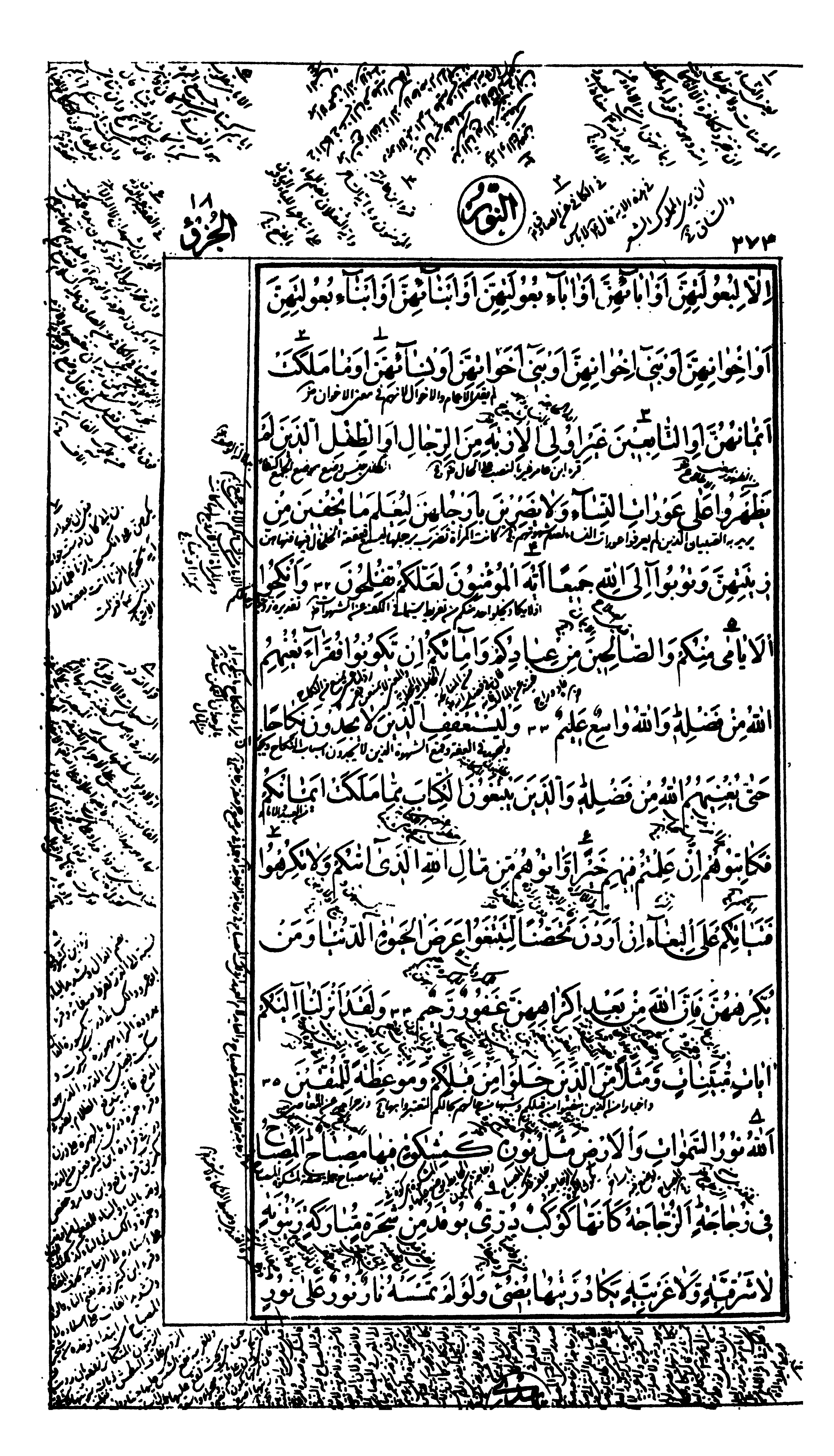
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ٢٩ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا

مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ٣٠ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ

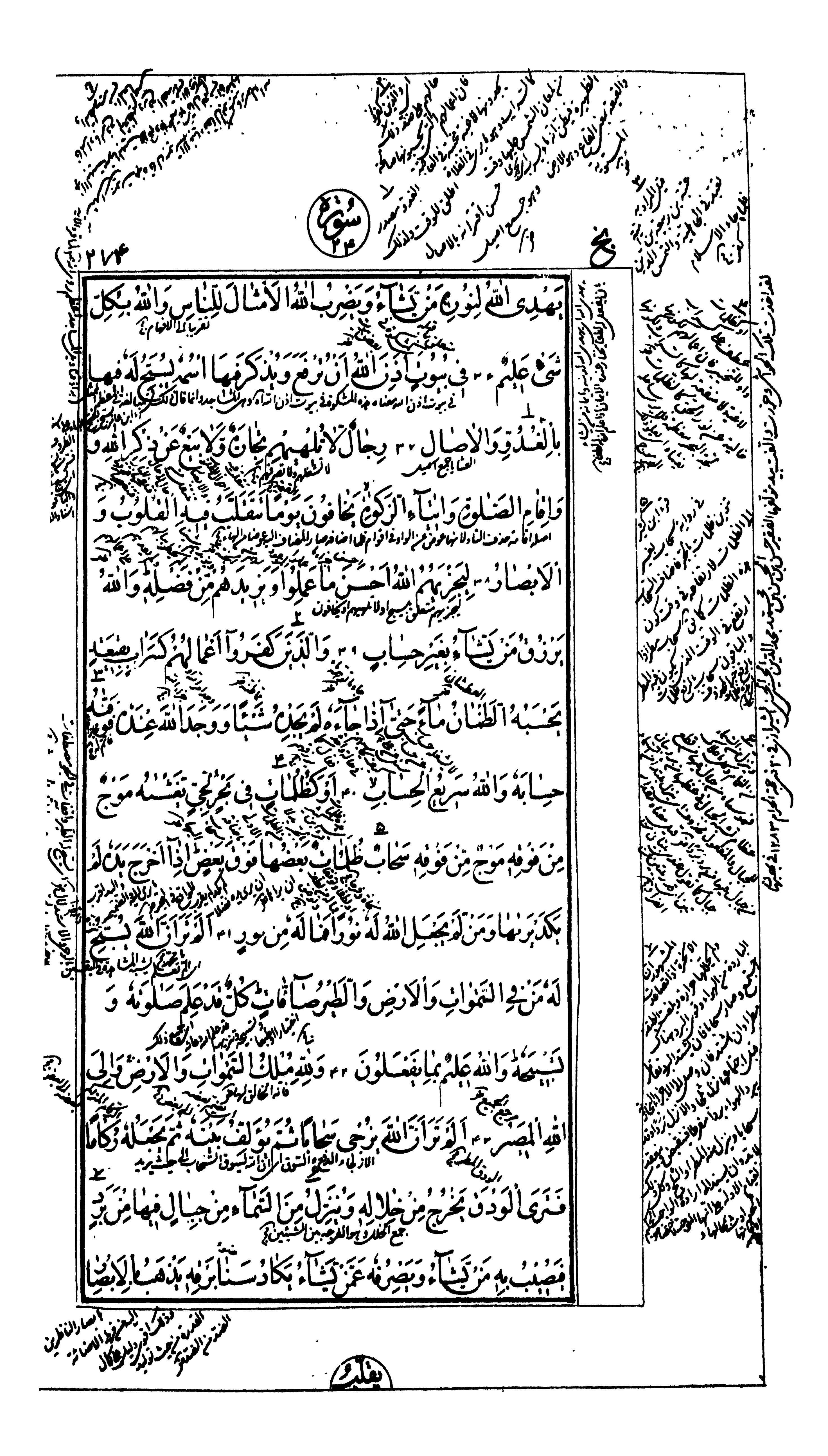
أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ٣١

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا



إلا لبعولتهن أو آبائهن أو آباء بعولتهن أو أبنائهن أو أبناء بعولتهن
أو إخوانهن أو بني إخوانهن أو بني أخواتهن أو نسائهن أو ما ملكت
أيمانهن أو التابعين غير أولي الإربة من الرجال أو الطفل الذين لم
يظهروا على عورات النساء ولا يضربن بأرجلهن ليعلم ما يخفين من
زينتهن وتوبوا إلى الله جميعا أيه المؤمنون لعلكم تفلحون ٣١ وأنكحوا
الأيامى منكم والصالحين من عبادكم وإمائكم إن يكونوا فقراء يغنهم
الله من فضله والله واسع عليم ٣٢ وليستعفف الذين لا يجدون نكاحا
حتى يغنيهم الله من فضله والذين يبتغون الكتاب مما ملكت أيمانكم
فكاتبوهم إن علمتم فيهم خيرا وآتوهم من مال الله الذي آتاكم ولا تكرهوا
فتياتكم على البغاء إن أردن تحصنا لتبتغوا عرض الحياة الدنيا ومن
يكرههن فإن الله من بعد إكراههن غفور رحيم ٣٣ ولقد أنزلنا إليكم
آيات مبينات ومثلا من الذين خلوا من قبلكم وموعظة للمتقين ٣٤
الله نور السماوات والأرض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح
في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة
لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور



يهدى الله لنوره من يشاء ويضرب الله الأمثال للناس والله بكل
شىء عليم ٣٥ فى بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها
بالغدو والآصال ٣٦ رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و
إقام الصلوة وإيتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه القلوب و
الأبصار ٣٧ ليجزيهم الله أحسن ما عملوا ويزيدهم من فضله والله
يرزق من يشاء بغير حساب ٣٨ والذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعة
يحسبه الظمآن ماء حتى إذا جاءه لم يجده شيئا ووجد الله عنده فوفيه
حسابه والله سريع الحساب ٣٩ أو كظلمات فى بحر لجى يغشيه موج
من فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض إذا أخرج يده لم
يكد يريها ومن لم يجعل الله له نورا فما له من نور ٤٠ ألم تر أن الله يسبح
له من فى السموات والأرض والطير صافات كل قد علم صلوته و
تسبيحه والله عليم بما يفعلون ٤١ ولله ملك السموات والأرض وإلى
الله المصير ٤٢ ألم تر أن الله يزجى سحابا ثم يؤلف بينه ثم يجعله ركاما
فترى الودق يخرج من خلاله وينزل من السماء من جبال فيها من برد
فيصيب به من يشاء ويصرفه عن من يشاء يكاد سنا برقه يذهب بالأبصار

يُقَلِّبُ اللّٰهُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّاُولِي الْاَبْصَارِ ۝ وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّنْ مَّآءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِي عَلٰى بَطْنِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِي عَلٰى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِي عَلٰى اَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ لَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۝ وَيَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُوْلِ وَاَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَمَآ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ۝ وَاِذَا دُعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ۝ وَاِنْ يَّكُنْ لَّهُمُ الْحَقُّ يَاْتُوْٓا اِلَيْهِ مُذْعِنِيْنَ ۝ اَفِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ اَمِ ارْتَابُوْٓا اَمْ يَخَافُوْنَ اَنْ يَّحِيْفَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُوْلُهٗ بَلْ اُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۝ اِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِيْنَ اِذَا دُعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اَنْ يَّقُوْلُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۝ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَخْشَ اللّٰهَ وَيَتَّقْهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ۝ وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَئِنْ اَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَّا تُقْسِمُوْا طَاعَةٌ مَّعْرُوْفَةٌ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ۝ قُلْ اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ وَاِنْ تُطِيْعُوْهُ تَهْتَدُوْا وَمَا عَلَى الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ۝ وَعَدَ اللّٰهُ

سورة ٢٤

الذين امنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف
الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم
من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر بعد ذلك
فاولئك هم الفاسقون ٥٥ واقيموا الصلوة واتوا الزكوة واطيعوا
الرسول لعلكم ترحمون ٥٦ لا تحسبن الذين كفروا معجزين في الارض
وماويهم النار ولبئس المصير ٥٧ يا ايها الذين امنوا ليستاذنكم الذين
ملكت ايمانكم والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مرات من قبل صلوة الفجر
وحين تضعون ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلوة العشاء ثلث عورات
لكم ليس عليكم ولا عليهم جناح بعدهن طوافون عليكم بعضكم على
بعض كذلك يبين الله لكم الايات والله عليم حكيم ٥٨ واذا بلغ الاطفال
منكم الحلم فليستاذنوا كما استاذن الذين من قبلهم كذلك يبين الله
لكم اياته والله عليم حكيم ٥٩ والقواعد من النساء اللاتي لا يرجون نكاحا
فليس عليهن جناح ان يضعن ثيابهن غير متبرجات بزينة وان يستعففن
خير لهن والله سميع عليم ٦٠ ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج
ولا على المريض حرج ولا على انفسكم ان تاكلوا من بيوتكم او بيوت اباءكم

قرا ابن عامر وحده لا يحسبن بالياء اسنادا الى الرسول والباقون بالتاء اسنادا الى الكفر مخاطبه

او بيوت

میگرداند خدا شب و روز را برفتن و آمدن از پی یکدیگر بدرستیکه در این گردش شب و روز هرآینه عبرتست از برای صاحبان دیدهای بصیرت
و خدا خلق کرد هر جنبنده را از آب پس بعضی از آنها آنست که میرود بر شکم خود مثل مار و امثال آن و بعضی از آنها آنست که راه میرود
بر دو پای خود مثل انسان و بعضی از آنها آنستکه راه میرود بر چهار دست و پا مثل اسب و گوسفند و امثال آن و خلق میکند خدا هر چه را میخواهد
بدرستیکه خدا بر هر چیز قادر است ۴۵ هرآینه بتحقیق فرستادیم ما آیات روشن و خدا راه مینماید هر که را می خواهد بسوی راه راست ۴۶
و میگویند منافقان ایمان آوردیم بخدا و رسول و اطاعت کردیم بعد از آن پشت میکردند گروهی از ایشان از بعد از اظهار با ایمان
آوردن خود و نیستند این گروه از ایمان آورندگان ۴۷ و اگر خوانده شوند بسوی خدا و رسول خدا تا اینکه حکم کند میانهٔ ایشان آنگاه
گروهی از ایشان اعراض کنندگانند ۴۸ و اگر باشد مر ایشانرا حق یعنی حکم برای ایشان باشد نه بر ایشان بیایند بسوی پیغمبر
در حالتی که فرمان برداران باشند ۴۹ آیا در دلهای ایشانست مرضی یا در شک افتادند یا میترسند اینکه میل بجور کند خدا بر ایشان و
رسول خدا نیز حیف کند بر ایشان بلکه آنگروه ایشانند ظلم کنندگان ۵۰ جز این نیست که هست گفتار مؤمنان بخدا و رسول خدا اگر
خوانده شوند مؤمنون بسوی خدا و رسول خدا تا اینکه حکم کند میانهٔ ایشان اینکه بگویند شنیدیم ما و اطاعت کردیم ما و آن گروه ایشانند رستگاران
۵۱ و هر که اطاعت کند خدا و رسول خدا را و بترسد از خدا و بپرهیزد خدا را پس آنگروه ایشان رستگارانند ۵۲ و قسم خوردند بخدا سخت ترین قسمهای
خود را که اگر بفرمائی ایشانرا به بیرون رفتن از دیار خود و اموال و تمام علایق خود همه را گذاشتن هرآینه بیرون بروند البته بگو قسم نخورید فرمان برداری
شما شناخته است که با صدق نیت اصلاً آمیخته نیست بدرستی که خدا دانا است بآنچه میکنید ۵۳ بگو ای پیغمبر اطاعت کنید خدا را و اطاعت
کنید رسول خدا را پس اگر برگردند پس جز این نیست که بر پیغمبر است آنچه حمل کرده شده است از تبلیغ رسالت و بر شما است آنچه حمل کرده شدید
از انقیاد و امتثال و اگر اطاعت کنید پیغمبر را راه یابید بحق و نیست بر رسول خدا اگر با ذن ظاهر آشکارا احکام خدا را ۵۴ وعده داد خدا آنانرا

صفحهٔ دویست و هفتاد و ششم

که ایمان آوردند از شما و عمل کردند نیکوئیهارا هرآینه البته خدا خلیفه گرداند ایشانرا در زمین همچنانکه خلیفه گردانید آنکسانیرا که بودند از پیش
از ایشان یعنی قوم بنی اسرائیل که زمین شام و مصر بایشان داده هرآینه البته متمکن سازد و با قوت گرداند برای مؤمنان دین ایشانرا آن دینی که پسندیده
است برای ایشان و هرآینه البته بدل دهد ایشانرا از بعد از ترس ایشان از دشمنان ایمنی از ایشان در حالتی که عبادت کنند مرا شریک
نسازند بمن هیچ چیز را و هر که کافر شود بعد از این پس آن گروه ایشان فاسقان و بدکارانند ۵۵ و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را
و اطاعت کنید رسول خدا را شاید شما رحم کرده شوید ۵۶ گمان مکن ای محمد البته آن کسانیکه کافر شدند عاجز کنندگانند مر
خدا را در دفع عذاب خود شان در زمین و بازگشت ایشان آتش دوزخ است و هرآینه بد بازگشتی است ۵۷ ای کسانیکه ایمان آوردید باید
رخصت بخواهند از شما آنانکه مالک شده است دستهای شما یعنی غلامان و کنیزان خودتان و آنهائی که نرسیده اند بحد بلوغ از شما یعنی جوانان
بالغ نشدهٔ خود هر شبانه روزی سه مرتبه یکمرتبه پیش از نماز صبح و یکمرتبه آنوقتی که می نهید جامههای خود را از وقت نیم روز برای قیلوله و استراحت
و یکمرتبه بعد از نماز خفتن آن سه وقت عورتست از برای شما که چون در این سه وقت جامه عوض کنید عورت شما ظاهر شود نیست بر شما
و نه بر بندگان و کودکان نارسیده گناهی در ترک اذن طلبیدن پس از این سه وقت طواف کنندگانند بر شما بعضی بر بعضی دیگر بندگان بر خواجگان
طواف کنند پس مرخصید در غیر این سه وقت در ترک طلب اذن بجهة عدم مظنه کشف عورت در این سه وقت همچنین روشن میسازد خدا از برای شما
دلایل حقه و احکام شرع را و خدا داناست بمصالح بندگان و حکم کننده است بر غایت مراتب آداب و جه حکمت ۵۸ و اگر برسند اطفال از شما محتلم شدن یعنی
بحد بلوغ برسند پس باید رخصت دخول خواهند همچنانکه رخصت میطلبیدند آنها که پیش از ایشان بودند همچنین بیان کند خدا از برای شما آیات خود را و خدا داناست
درستکار است ۵۹ و آنان که نشستگانند از زنان آنچنانیکه امید ندارند شوهر کردن را پس نیست بر ایشان حرجی اینکه بگذارند جامههای خود را یعنی چادرها
و سراندازها که بر بالای مقنعه میپوشند یعنی چادر بسر نکنند در حالتی که اظهار نسازند مواضع زینت خود را یعنی غرض ایشان از چادر بسر نکردن اظهار زینت
مو و دیگر مواضع بدن خود شان نباشد و اینکه طلب عفت کنند و چادر بسر کنند بهتر است از برای ایشان و خدا شنونده و داناست
۶۰ بر کور حرجی و نه بر لنگ حرجی و نه بر ناخوش حرجی و نه بر نفسهای شما اینکه بخورید از خانهای خودتان یا از خانهای پدرانتان

یا از خانهای مادرهایتان یا از خانهای برادرانتان یا از خانهای خواهرانتان یا از خانهای عموهایتان یا از خانهای عمه‌هایتان
یا از خانهای دائیهایتان یا از خانهای خاله‌هایتان یا از آنچه مالک شدید مفاتیح آن را یعنی خانهای مملوک خودتان یا از خانهای
دوستان خودتان نیست بر شما گناهی اینکه بخورید طعام را باهم یا فرد فرد و متفرق ۶۱ پس اگر داخل شدید بخانهائی که خالی باشد پس
سلام کنید بر نفسهای خود سلام کردنی از جانب خدا مبارک و پاکیزه است سلام کردن همچنین بیان میکند خدا از برای شما آیات را شاید
شما دریابید ۶۲ جز این نیست که مؤمنان آنهائی هستند که ایمان آوردند بخدا و رسول خدا و چون باشند با رسول خدا بر امری که جمع آورنده
باشد یعنی شریعت امر بجمع شدن فرموده باشد مثل روزهای جمعه و عید و اوقات مشاورت نمیروند از نزد پیغمبر تا اینکه رخصت طلبند
از او بدرستیکه آنکسانی که رخصت طلبند از تو آن گروه کسانی هستند که ایمان دارند بخدا و رسول خدا پس چون رخصت خواستند
از تو برای پارهٔ کارهای خودشان پس اذن برای هر که میخواهی از ایشان و طلب آمرزش کن از برای ایشان از خدا بدرستیکه خدا آمرزندهٔ
مهربانست ۶۳ مگردانید یعنی قرار مدهید یعنی احضار کردن پیغمبر را میانهٔ خودتان مثل خواندن بعضی از شما بعضی دیگر را بتحقیق میداند خدا
آنان را که بیرون میروند اندک اندک از میان شما در حالتی که میپوشند یکدیگر را از پیغمبر و از شما و از پس یکدیگر پنهان میشوند پس باید بترسند
آنان که مخالفت میکنند از حکم خدا از اینکه برسد ایشان را آزمایشی یا برسد ایشان را عذابی دردناک ۶۴ بدانید بدرستیکه از برای خداست هر چه در
آسمانها و زمین است بتحقیق میداند خدا آنچه را که شما میدانید و روزیکه برگردید بسوی خدا پس آگاه میکند ایشان را بآنچه عمل کردند و خدا بهر چیزی داناست

سورهٔ فرقان مشتمل بر هفتاد و هفت آیه و در مکهٔ معظمه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بزرگوار است آنخدائیکه فرو فرستاد قرآن را که جدا کنندهٔ حق و باطلست بر بندهٔ خود که محمد است تا اینکه باشد بر جهانیان بیم کننده ۲

آنخدائیکه از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین و نگرفته است فرزندی و نبوده است از برای او شریکی در پادشاهی و خلق کرد هر چیزی را پس اندازه کرد او را
اندازه کردنی یعنی آن را مهیا ساخت برای افعالی از ادی خواست ۳ و گرفتند کافران از سوای خدا خدایانی که خلق
نمیکنند هیچ چیز را و ایشان خلق کرده میشوند ۴ و مالک نیستند آن بتان از برای نفس‌های خودشان هیچ ضرری
و هیچ نفعی را و نمیتوانند و قادر نیستند بر میراندن و نه زنده کردن و نه بر بعث و جزا و حشر احدی ۵ و گفتند
آن کسانی که کافر شدند نیست این فرقان که محمد برای ما آورده است مگر دروغ بزرگی که بر بافته است آنرا و یاری داده‌اند
پیغمبر را بر ساختن آن فرقان قومی دیگران چون غلام عامر و یسار و یا فلیههٔ رومی یا جمعی از یهود که اخبار سابقه بروی خواندند
و او بعبارت عربی بر ما القا میکند پس بتحقیق مشرکان آمده‌اند یعنی کرده‌اند ستم و تعدی و بهتانی را ۶ و گفتند این
قران افسانهای پیشینیانست که نوشته است آنرا محمد یعنی فرا گرفته است پس آن نوشته‌ها املا کرده میشود برا و در صبح و شام یعنی
در دو طرف روز یا در شب و روز اینها بر محمد میخوانند تا یاد میگیرد ۷ بگو ای محمد فرو فرستاد قرآن را آن کسی که میداند اسرار پنهانی آسمانها
و زمین را بدرستیکه اوست آمرزندهٔ مهربان ۸ و گفتند کفار چیست این پیغمبر را و چه بود که دعوی رسالت میکند که میخورد طعام را و راه میرود در بازارها
چرا فرستاده نشدی بسوی او فرشته تا باشد با او بیم کننده ۹ یا اینکه انداخته نشد بسوی او گنجی یا باشد از برای او باغی که بخورد از ثمرهای آن و گفتند ستمکاران
پیروی نمیکنید شما مگر مرد جادو کرده شده را یا پیروی نمیکنید مگر مرد جادوگری را که نسبت جادوگری به پیغمبر میدادند ۱۰ ببین ای محمد چگونه زدند از برای تو مثلها
پس گمراه شدند پس توانائی ندارند براهیکه قدح نبوت تو کنند ۱۱ بزرگوار است آنکه اگر بخواهد بگرداند از برای تو بهتر از این یعنی بهتر از گنج و بوستانهائیکه ایشان
میگویند باغهائیکه جاری باشد از زیر درختان آن نهرها و قرار دهد خدا از برای تو در آن باغات قصرها ۱۲ بلکه تکذیب کردند روز قیامت و مهیا کردیم ما
از برای آنکه تکذیب کرد روز قیامت را آتشی افروخته ۱۳ چون ببیند آتش دوزخ ایشان را از راه دور بشنوند مر آن آتش را آواز جوشیدن از
فرط خشم و بانگی چنانکه از درون خشمناک آید مانند غریدن ۱۴ و چون در انداخته شوند مشرکان از دوزخ مکان تنگی
بجهت زیادتی عذاب در حالتی که با زنجیرهای آتشین درهم بسته شده باشند بخوانند در آن مقام بر خود هلاک را یعنی نفرین کنند بر خود ۱۵

أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ
أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ
أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا
دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ
وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ
الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ
لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
۝ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ
الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ
فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ
مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

سُورَةُ الْفُرْقَانِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سَبْعٌ وَسَبْعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ۝ الَّذِي

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا ٢ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ اٰلِهَةً
لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِاَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَ
لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا ٣ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ هٰذَا
اِلَّا اِفْكٌ افْتَرٰيهُ وَاَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ اٰخَرُونَ فَقَدْ جَاءُو ظُلْمًا وَزُورًا
٤ وَقَالُوا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلٰى عَلَيْهِ بُكْرَةً
وَاَصِيلًا ٥ قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهُ كَانَ
غَفُورًا رَحِيمًا ٦ وَقَالُوا مَالِ هٰذَا الرَّسُولِ يَاْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي
الْاَسْوَاقِ لَوْلَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا ٧ اَوْ يُلْقٰى اِلَيْهِ
كَنْزٌ اَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَاْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ اِنْ تَتَّبِعُونَ اِلَّا
رَجُلًا مَسْحُورًا ٨ اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
سَبِيلًا ٩ تَبَارَكَ الَّذِي اِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذٰلِكَ جَنّٰتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ وَيَجْعَلْ لَكَ قُصُورًا ١٠ بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَاَعْتَدْنَا
لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ١١ اِذَا رَاَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا
وَزَفِيرًا ١٢ وَاِذَا اُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا



لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ١٦ قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ
جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ١٧ لَهُمْ فِيهَا مَا
يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا ١٨ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا
يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ
ضَلُّوا السَّبِيلَ ١٩ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ
مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا
بُورًا ٢٠ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا ٢١
وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ٢٢ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ
إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ
لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ٢٣ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ
وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ٢٤ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَ
يَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ٢٥ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً
مَنْثُورًا ٢٦ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ٢٧ وَيَوْمَ
تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ٢٨ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ

للرحمن وكان يوما على الكافرين عسيرا ٢٦ ويوم يعض الظالم على
يديه يقول يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلا ٢٧ يا ويلتى ليتني
لم أتخذ فلانا خليلا ٢٨ لقد أضلني عن الذكر بعد إذ جاءني وكان
الشيطان للإنسان خذولا ٢٩ وقال الرسول يا رب إن قومي اتخذوا
هذا القرآن مهجورا ٣٠ وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا من المجرمين
وكفى بربك هاديا ونصيرا ٣١ وقال الذين كفروا لولا نزل عليه
القرآن جملة واحدة كذلك لنثبت به فؤادك ورتلناه ترتيلا ٣٢ و
لا يأتونك بمثل إلا جئناك بالحق وأحسن تفسيرا ٣٣ الذين يحشرون
على وجوههم إلى جهنم أولئك شر مكانا وأضل سبيلا ٣٤ ولقد آتينا موسى
الكتاب وجعلنا معه أخاه هارون وزيرا ٣٥ فقلنا اذهبا إلى
القوم الذين كذبوا بآياتنا فدمرناهم تدميرا ٣٦ وقوم نوح لما كذبوا
الرسل أغرقناهم وجعلناهم للناس آية وأعتدنا للظالمين عذابا
أليما ٣٧ وعادا وثمود وأصحاب الرس وقرونا بين ذلك كثيرا ٣٨ و
كلا ضربنا له الأمثال وكلا تبرنا تتبيرا ٣٩ ولقد أتوا على القرية
التي أمطرت مطر السوء أفلم يكونوا يرونها بل كانوا لا يرجون نشورا

نخوانید امروز هلاکت خود را یکدفعه بلکه بخوانید نفرین بهلاکت خود را بسیار ۱۶ بگو ای محمد از برای منافقین این عذاب جهنم بهتر است
یا بهشت جاویدی که وعده کرده شدند پرهیزکاران که هست آن بهشت از برای متقیان پاداش کردارشان و بازگشتی که در آخرت
در آن قرار گیرند ۱۷ از برای متقیانست در آن بهشتها هر چه بخواهند همیشه در آن باشند این وعده بهشت برای متقیان هست
بر پروردگار تو وعده که خواسته شده است یعنی خواهش مؤمنین همین بهشت است که از خدا خواستند ۱۸ و روزیکه جمع و محشور
میکند ایشانرا و آنچه را که عبادت میکردند از سوای خدا یعنی در روز قیامت که جمع کنند بتان و کفار بت پرست را پس میگوید خدا آیا آن
بتان آیا شما گمراه گردید بندگان مرا که این گروه کفارند یا اینکه ایشان خود شان گم کردند راه را ۱۹ گویند بتان پاکی و پاکیزگی تو راست
نبود سزاوار از برای ما اینکه بگیریم از سوای تو دوستان و لیکن تو برخوردار گردانیدی ایشانرا و پدرهای ایشانرا تا اینکه فراموش کردند
یاد کردن ترا و بودند قومی هلاک شده و تباه گشته ۲۰ پس بتحقیق یعنی گوئیم به بت پرستان پس بتحقیق تکذیب کردند خدایان شما شما را
با آنچه میگوئید پس نمیتوانند بتان گردانیدن عذاب را از شما و نه یاری کردن شما را بنجات دادن از عذاب ۲۱ و هر که ستم کند از شما میچشانیم
او را عذاب بزرگی ۲۲ و نفرستادیم ما پیش از تو از پیغمبران مگر اینکه ایشان هر آینه میخوردند طعام را و راه میرفتند در بازارها و گردانیدیم ما بعضی
از شما را از برای بعضی دیگر آزمایش آیا صبر میکنید و هست پروردگار تو بینا ۲۳ و گفتند آنانکه امید ندارند رسیدن بجزای ما را چرا فرو
فرستاده نشد بر ما ملائکه یا چرا نمی بینیم پروردگار خود مانرا هر آینه بتحقیق استکبار کردند در نفسهای خود شان و در گذشتند از اندازهٔ
در گذشتن بزرگی ۲۴ روزی که ببینند کفار فرشتگان را نیست مژده آنروز از برای کافران و گناهکاران و میگویند سختی که سخت است ۲۵
و قصد کنیم ما بسوی آنچه کردند کافران از اعمال نیک مثل اطعام گرسنگان و اکرام یتیمان و امثال آن پس گردانیم اعمال خوب ایشانرا مثل ذره در هوا پراکنده
۲۶ یاران بهشت در آن روز بهترند از روی قرارگاه یعنی مقام و منزل یاران بهشت بهتر است از جایگاه کفار و نیکوترند از روی مکان و آرامگاه
۲۷ و یاد کن روزیرا که شکافته شود آسمان بسبب ابری سفید که بالای هفت آسمانست و فرو فرستاده شوند فرشتگان فرستاده شدنی ۲۸ پادشاهی آنروز

بخشاینده و باشد آنروز بر کافران دشوار ۲۹ و روزی که بگزد ستمکار دستهای خود را و بگوید ای کاش میگرفتم با رسول خدا راهی ۳۰ ای وای
کاش من نمی گرفتم فلانرا یعنی شیطانرا دوست ۳۱ هر آینه بتحقیق گمراه کرد مرا شیطان و باز داشت مرا از ذکر پروردگار بعد از اینکه آمده بود
مرا و هست شیطان از برای انسان فرو گذارندهٔ در ضلالت و هلاکت ۳۲ و گفت پیغمبر ای پروردگار بدرستیکه قوم من گرفتند این قرانرا مهجور
بهذیان ۳۳ و همچنین گردانیدیم ما از برای هر پیغمبری دشمنی از گناهکاران و بس است پروردگار تو راه نمایندهٔ تو و یاری دهندهٔ تو
۳۴ و گفتند آنکسانیکه کافر شدند چرا فرستاده نشد بر پیغمبر قران یکبار همچنان فرو فرستادیم پراکنده تا اینکه ثابت گردانیم و قوت دهیم
قران متفرق دل ترا و بر تو خواندیم ما آن قرآنرا خواندنی بمهلت ۳۵ و نمی آورند ترا کفار مثلی در قدح نبوت و طعن کتاب تو مگر اینکه
میآوریم برای تو جوابی راست درست و میآوریم آنچیزی را که بهتر است از روی بیان ۳۶ آنکسانیکه محشور میشوند بر رویهای خود یعنی کافران
در روز قیامت رویهای خود بر زمین گذارند و پاهای خود را بهوا بلند کنند و اینطور برده شوند بسوی جهنم آن گروه بدترند از حیثیت مکان و منزل
از منازلی که فقرای مؤمنین در دنیا داشتند و کج تر و ناصواب تر از حیثیت راه که رو بآتش میروند ۳۷ و هر آینه بتحقیق دادیم موسی را تورات
و گردانیدیم ما با او برادرش هرون را وزیر و مددکار ۳۸ پس گفتیم ما بروید بسوی قوم آنچنانی که تکذیب کردند آیات ما پس هلاک کردیم
ما ایشانرا هلاک کردنی ۳۹ و قوم نوح را آن هنگام که تکذیب کردند رسولانرا غرق کردیم ما ایشانرا و گردانیدیم ما ایشانرا از برای مردم
نشانه و آماده کردیم از برای ظلم کنندگان عذابی دردناک ۴۰ و عاد را یعنی گردانیدیم قصهٔ عاد و هلاک ایشانرا بجهة تکذیب نمودن هود و ثمود را یعنی گروه ثمود که
تکذیب صالح را نمودند و اصحاب رس را که در طغیان بحد نهایت رسیده بودند رس چاهیست در تهامه یا در آذربایجان یا در انطاکیه که حبیب نجار را در آنجا کشتند اهل قریه
که بودند میانهٔ این عاد و ثمود بسیار ۴۱ و هر یکرا از ایشان زدیم ما از برای آن مثلها و همه را نیست گردانیدیم نیست گردانیدنی ۴۲ و هر آینه بتحقیق آمدند یعنی
گذشتند قریش در وقت تجارت بشام بر آن دهی که بارید شد بر آن باران بدی یعنی سنگباران شد که آن ده سدوم است از مؤتفکات آیا پس نبودند قریش که میدیدند
آن را بدیدهای خود در وقت مرورشان از آن ده بلکه بودند از روی کفر که توقع نداشتند بر انگیختن را و عاقبت جزای خود را دیدند ۴۳

و چون ببینند ترا کفار ای محمد فرا نمیگیرند ترا مگر باستهزاء یعنی مثل کسی که بان استهزاء کنند و بگویند آیا اینست آن کسی که برانگیخته است
خدا او را پیغمبر ۴۴ نزدیک بود که این کس یعنی محمد اینکه گمراه کند ما را از پرستش خدایان ما اگر نبود اینکه صبر کردیم ما بر عبادت اصنام
و زود باشد که بدانند وقتیکه ببینند عذاب را که کیست گمگشته تر است از راه راست ۴۵ آیا دیدی کسیرا که فرا گرفت خدای خود را هوای خود یعنی ترک
عبادت خالق خود کرد و تابع آرزوی باطل خود شد و بت را پرستید آیا پس باشی تو بر او نگهبان ۴۶ یا گمان میبری اینکه بیشتر این مشرکان می شنوند
یا تعقل میکنند نیستند ایشان مگر مثل چهارپایان بلکه ایشان گمراه ترند از انعام بیافتن راه ۴۷ آیا نمی بینی و نظر نمیکنی بسوی صنع پروردگار خود
که چگونه کشید و گسترانید سایه را و اگر میخواست هر آینه قرار میداد آنرا ایستاده یعنی ساکن و دائم بعد از آن گردانیدیم ما خورشید را بر آن سایه دلیل و راه نما
۴۸ بعد از آن گرفتیم ما آن سایه را بسوی خودمان گرفتنی آسان که چون آفتاب را بسمت الرأس آوردیم کم کم سایه را گرفتیم و کم کردیم تا تمام شد ۴۹ و اوست
خدای آنچنانیست که قرار داد از برای شما شب را پوشش که در آن آرام گیرید و گردانید خواب را راحتی تا در آن آسایش یابید و گردانید روز را
پراکنده برای تحصیل معاش یا اینکه روز را برای برانگیختن شما را از خواب و استراحت شب ۵۰ و اوست خدای آنچنانیکه فرستاد بادها را مژده
دهنده پیش از نزول رحمت خود که باران است و فرو فرستادیم ما از آسمان آب پاک کننده ۵۱ تا اینکه زنده کنیم با آن باران شهری را که مرده بود
یعنی اراضی که بی گیاه بود و پر آب گردانیم از آن آب از آنچه آفریدیم از چهارپایان و مردم بسیار را ۵۲ و هر آینه بتحقیق گردانیدیم ما باران را میانهٔ ایشان
تا اینکه متذکر شوند پس ابا کردند بیشتر از مردم مگر کفران نعمت را که ناسپاسی کردند و جحود ورزیدند ۵۳ و اگر میخواستیم ما هر آینه برمیانگیختیم در هر دهی
پیغمبری که بیم کننده بود ۵۴ پس اطاعت مکن کافران را و جهاد کن با ایشان بقرآن با ترک طاعت ایشان جهادی بزرگ ۵۵ و اوست خدائی که بهم
گذاشت دو دریا را این یکی آبی است شیرین و گوارا و آن یکی شور و تلخ و گردانید میانهٔ این دو دریا مانعی از قدرت خود و حدی محدود که آب دو دریا بهم نریزد
و آن آب خوشگوار را و آبی که تلخ و شور است فاسد نگرداند ۵۶ و اوست خدائی که خلق کرد از آب آدمی را پس گردانید او را
خداوند نژاد یعنی ذکور و اناث تا از ذکور نسب معلوم شود و از اناث که داماد براو تعلق گیرد و هست پروردگار تو توانا ۵۷ و عبادت میکنند

صفحهٔ دویست و هشتاد و دوم

از غیر خدا چیزی را که نه نفع میدهد ایشان را و نه ضرر میرساند ایشان را اگر عبادت و طاعت او کنند و هست کافر بنافرمانی پروردگار خود هم پشت شیطان
و معاون یکدیگر ۵۸ و نفرستادیم ما ترا مگر مژده دهنده و بیم کننده ۵۹ بگو ای محمد نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت خودم هیچ مزدی
مگر آنکه را که بخواهد خدا اینکه بگیرد بسوی پروردگار خودش راهی را ۶۰ و توکل کن ای پیغمبر بر خدائیکه زنده است و هرگز نمیرد و تسبیح کن بحمد
پروردگار و بس است او را که بگناهان بندگان خودش آگاه است آن خدائی که خلق کرد آسمان و زمین و آنچه میانهٔ آسمان و زمین است
در شش روز بعد از آن مستولی شد بر عرش خداوند بخشنده پس سؤال کن حقیقت خلقت را از آنان که خبردار نده اند که آنکس خدا
است یا جبرئیل است یا کسی که از کتب سابقهٔ تورات و سایر کتب خبر دارد ۶۱ و اگر گفته شود از برای مشرکان سجده کنید از برای
خدای بخشنده گویند چه چیز است خدا آیا سجده کنیم ما از برای آنچه امر میکنی ما را و زیاد میشود ایشان را نفرت یعنی رمیدن ۶۲ بزرگوار است
خدائی که قرار داد بر آسمان برجها و قرار داد یعنی آفرید در آن آسمان چراغی یعنی خورشید و ماهی نور بخش تابان ۶۳ و اوست خدای
آنچنانی که قرار داد شب و روز را مخالف یکدیگر از برای کسی که قصد کند اینکه ذکر کند نعم پروردگار را یا قصد کند که در وقتی معین شکر
کند مراحم خداوندی را ۶۴ و بندگان خاص خدا آنانند که راه میروند بر زمین از روی تواضع و اگر مخاطب سازند ایشان را جاهلان
و نادانان جواب گویند به گفتاری با سلامت و ملایمت ۶۵ و آن کسانی که شب بروز آورند از برای
پروردگار خود و سجده کنند و برپای ایستاده اند برای عبادت ۶۶ و آن کسانی که میگویند ای پروردگار
ما بگردان از ما عذاب جهنم را بدرستی که عذاب جهنم هست لازم و دایم بدرستیکه آن عذاب بد است از روی
مکان و جایگاه ۶۷ و آن کسانی که اگر انفاق کنند اسراف نکنند و تنگ هم نگیرند مثل بخیلان و هست آن انفاق میانهٔ اسراف
کردن و بخل کردن ایستاده و بحد اعتدال ۶۸ و آنانیکه نمی خوانند با خدا خدائی دیگر را و نمی کشند نفسی را که حرام کرده خدا مگر
بحق و زنا نمی کنند و هر که بکند این کار را یعنی قتل بی حق و زنا را برسد بجزای خودش ۶۹ دو چندان کند خدا از برای او

عذاب او در روز قیامت و همیشه باشد در عذاب در حالت خواری ۷۰ مگر کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل کند عمل نیکو را پس آنگروه تبدیل میکند
خدا بدیهای اعمالشانرا به نیکوئیها و هست خدا آمرزندهٔ مهربان ۷۱ و هر که توبه کند و عمل نیکو کند پس بدرستیکه او باز میگردد بسوی خدا
بازگشتنی ۷۲ و آنانکه حاضر نشوند در محکمهٔ باطل که گواهی دروغ دهند و اگر بگذرند بچیزی که ناپسندیدهٔ شرعست بگذرند در حالت بزرگواری
و کرامت ۷۳ و آنانکه اگر ذکر کرده شوند بآیات پروردگارشان نیفتند بر آن یعنی سجده نکنند بر آنها در حالتی که کران و کوران باشند ۷۴
و آنها که میگویند ای پروردگار ما ببخش از برای ما از زنهای ما و فرزندان ما کسی که روشنی چشمهای ما باشند یعنی اولاد صالح و بگردان ما را از برای
پرهیزکاران پیشوا یعنی چنان توفیق بما عطا فرما که شایسته امامت متقیان باشیم ۷۵ این گروه جزا داده میشوند غرفه از بهشت را بسبب آنچه
صبر کردند بر مشقت دنیا و میبینند یا عطا داده شوند در آن بهشت تحیت و سلامتی از آفات یا اینکه دعای زندگانی دائم و سلامتی شنوند
از ملائکه ۷۶ همیشه باشند در آن بهشت نیکو قرارگاهی است و نیکو جایگاهیست ۷۷ بگو ای محمد چه اعتبار دهد شما را پروردگار من اگر نباشد خواندن شما او را پس بتحقیق تکذیب کردید
شما ای اهل کفر وحدانیت او را پس زود باشد که این تکذیب کردن باشد ملازم شما و همراه شما باشد تا داخل جهنم شوید و لامحاله بهمهٔ شما برسد این عذاب که دخول جهنم است

سورهٔ شعراء مشتمل بر دویست و بیست و هشت آیه در مکهٔ معظمه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

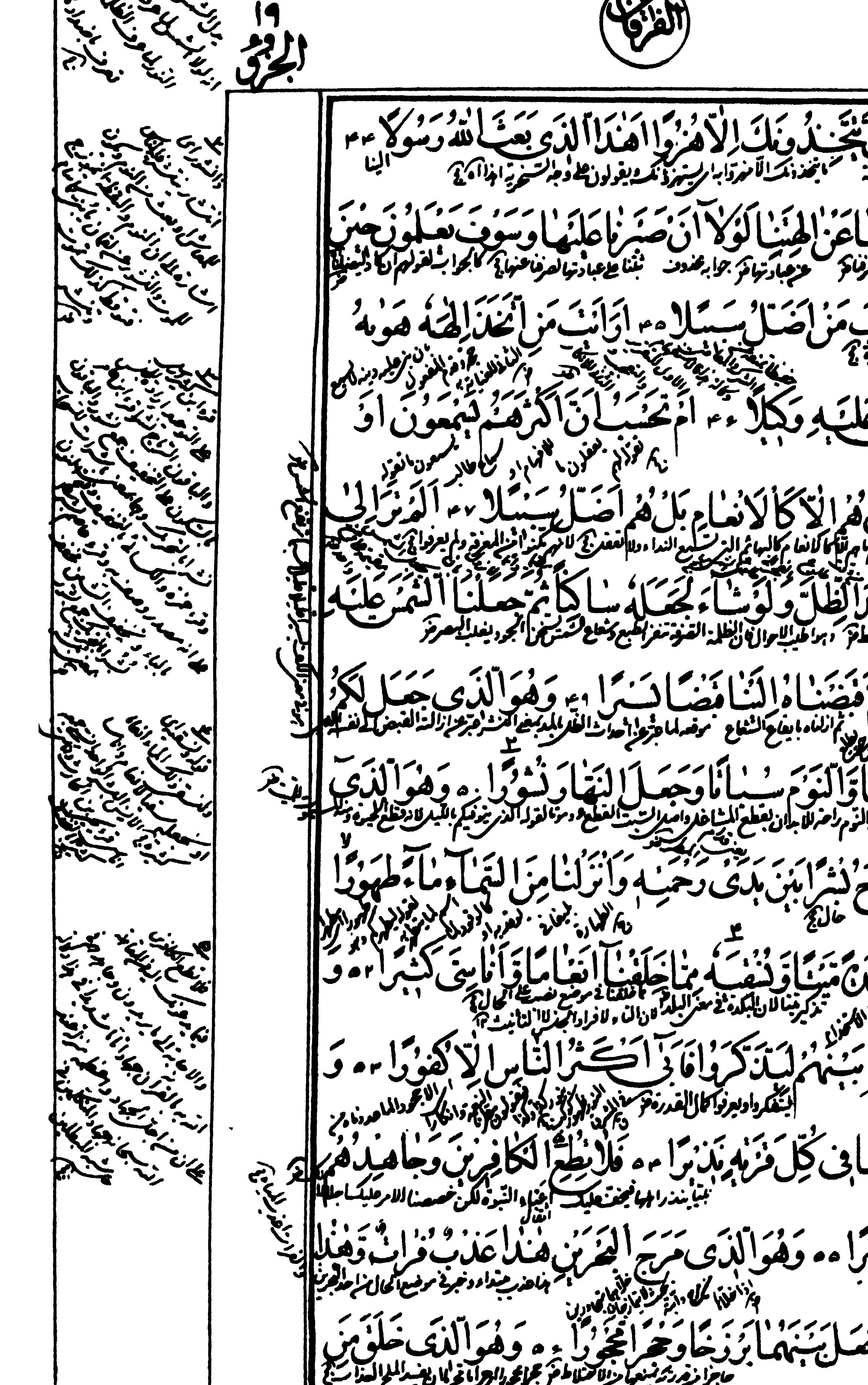
منم خدای ساتر اینست آیتهای کتاب که آشکار و روشن است ۲ شاید که تو هلاک کننده باشی نفس خودت را بجهة اینکه نمیباشند گروندگان
۳ اگر بخواهیم فرو فرستیم بر ایشان از آسمان آیه عذابرا پس بگردد گردنهای ایشان مر آن آیات را فروتنان ۴ و نمیآید ایشان را هیچ پندی از خدای بخشاینده
که تازه فرستاده باشد مگر اینکه باشند ایشان از آن پند اعراض کنندگان ۵ پس بتحقیق تکذیب کردند پس زود باشد که بیاید ایشانرا خبرهای آنچه بودند که بآن استهزا
میکردند ۶ و آیا نمی بینند و نظر نمیکنند مکذبان بسوی زمین که چقدر رویانیدیم ما از گیاهها در آن زمین از هر نوعی نیکو و خوب ۷ بدرستیکه در این یعنی در رویانیدن هر یک از نباتات

و هر آینه نشانه ایست از قدرت پروردگار و نیستند بیشتر از ایشان گروندگان ۸ و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان ۹ و چون
خواند پروردگار تو موسی را وقتی که نزدیک شجره رسید اینکه بیا بقوم ظالمین یعنی توجه کن ۱۰ بقوم فرعون که ستم کردند بر بنی اسرائیل آیا نمی
پرهیزید از عذاب خدا ۱۱ گفت موسی ای پروردگار من بدرستیکه من می ترسم از اینکه تکذیب کنند مرا ۱۲ و تنگ شود سینهٔ من و
نگشاید زبان من پس بفرست جبرئیل را بسوی هرون برادر من و او را شریک من گردان در رسالت ۱۳ و از برای ایشانست بر من
گناهی پس میترسم اینکه بکشند مرا ۱۴ گفت خدا نه چنانست که ایشان دست یابند بر تو پس بروید شما یعنی تو و برادرت هرون به
معجزات ما بدرستیکه ما با شما شنوندگانیم هر چه گفتگو میان شما و فرعون شود و شما را بر او غالب سازیم ۱۵ پس بیائید نزد فرعون پس بگوئید
بدرستیکه ما فرستادهٔ پروردگار عالمیانیم ۱۶ اینکه بفرست با ما بنی اسرائیل را ۱۷ گفت فرعون آیا تربیت نکردیم ما ترا در میان خودمان
در حالتی که تو طفل بودی و درنگ کردی در میان ما از زندگانی خودت سالها ۱۸ و کردی کردار خودت را آنچه کردی یعنی قبطی خباز مرا کشتی
و تو از ناسپاسانی نعمت مرا ۱۹ گفت موسی کردم من آن کار را در آنهنگام و من از نادانان بودم یعنی من مشتی که بر آن قبطی زدم مقصد
کشتن نبود بلکه مقصودم تأدیب بود اتفاقا مرد ۲۰ یعنی فرار کردم از شما چونکه ترسیدم از شما پس بخشید از برای من
پروردگارم حکم را و گردانید مرا از پیغمبران ۲۱ و این است یعنی که منت میگذاری آنرا بر من اینکه بندهٔ خود قرار دادی بنی اسرائیل را
۲۲ گفت فرعون و چه چیز است پروردگار عالمیان ۲۳ گفت موسی پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میانهٔ آسمان و زمین است
اگر هستید شما که یقین علم باشیاء دارید ۲۴ گفت فرعون از برای کسانی که در اطراف او بودند آیا نمی شنوید ۲۵ گفت
موسی آفرینندهٔ شما است و پروردگار پدران پیشینیان شما ۲۶ گفت فرعون قوم خود را بدرستیکه رسول شما که فرستاده شده است
بسوی شما هر آینه دیوانه است ۲۷ گفت موسی که پروردگار عالم پروردگار مشرق و مغربست و آنچه میانهٔ مشرق و مغربست اگر
هستید شما که فهم میکنید ۲۸ گفت فرعون که اگر بگیری خدا و معبودی غیر از من هر آینه میگردانم ترا از جملهٔ زندانیان ۲۹ گفت
موسی اگر بیاورم ترا بچیزی روشن یعنی اگر معجزهٔ بیاورم باز بزندان فرستی ۳۰ گفت فرعون پس بیاور معجزهٔ خودت را اگر هستی از

راستگویان ۳۱ پس انداخت موسی عصای خود شرا پس آنگاه آن عصا اژدهائی ظاهر شد ۳۲ و بیرون آورد دست خود شرا از گریبان خود پس آنهنگام سفید بود دست او درخشنده مر نظر کنندگان را ۳۳ گفت فرعون مر اشراف خود را که در اطراف او بودند بدرستیکه این یعنی موسی هر آینه سحر کننده دانائی است ۳۴ اراده و قصد دارد اینکه بیرون کند شمارا از زمین خودتان بسبب سحر خودش پس به چه چیز امر میکنید ۳۵ گفتند اشراف قوم تاخیر کن یعنی مهلت بده از موسی و برادر او را و بفرست در شهرها جمع کنندگان یعنی مامورین بفرست بشهرها ۳۶ تا اینکه بیاورند تو را هر جادوگر دانائی را ۳۷ پس جمع کرده شدند ساحران برای روزیکه معین شده بود ۳۸ و گفته شد از برای مردمان آیا شمائید جمع شوندگان یعنی البته همه جمع شوید ۳۹ شاید که ما پیروی کنیم سحره را یعنی همراهی کنیم ساحرانرا اگر باشند ایشان غلبه کنندگان ۴۰ پس چون آمدند جادوگران گفتند مر فرعونرا آیا بدرستیکه از برای ماست هر آینه مزدی اگر باشیم ما غلبه کنندگان ۴۱ گفت فرعون آری و بدرستیکه شما آنهنگام که غلبه کنید بر موسی هر آینه از جمله مقربانید ۴۲ گفت موسی از برای جادوگران بیندازید آنچه که افکنندگانید ۴۳ پس انداختند ریسمانهای خود را و عصاهای خود را و گفتند بعزت فرعون بدرستیکه ما هر آینه مائیم غلبه کنندگان ۴۴ پس انداخت موسی عصای خود را پس آن هنگام آن عصا بلعید آنچه را که تزویر میکردند و بصورت مار بمردم مینمودند ۴۵ پس افتاده شدند جادوگران در حالتی که سجده کنندگان بودند موسی را ۴۶ گفتند ساحران ایمان آوردیم بپروردگار عالمیان ۴۷ که پروردگار موسی و هرون است ۴۸ گفت فرعون بجادوگران ایمان آوردید شما از برای موسی پیش از اینکه اذن بدهم مر شمارا بدرستیکه موسی هر آینه بزرگ شما است در جادوگری آنچنانست که تعلیم کرده است شمارا سحر را یعنی قدری از سحر خودش بشما تعلیم کرده بود که غالب شد بر شما پس هر آینه زود باشد که بدانید که چه عقوبت خواهم کرد شمارا ۴۹ هر آینه می برم البته دستهای شمارا و پاهای شمارا از خلاف یعنی از چپ و راست یکدست و یکپای راست شمارا می برم و هر آینه بر دار میکشم البته شمارا تماما ۵۰ گفتند ساحران نیست ضرری بدرستیکه ما بسوی پروردگار خودمان بازگردندگانیم ۵۱ بدرستیکه ما طمع داریم اینکه بیامرزد مارا پروردگار ما گناهان مارا اینکه باشیم اول ایمان آورندگان ۵۲ و وحی کردیم ما بسوی موسی اینکه شب ببر بندگان مارا یعنی بنی اسرائیل را شب از مصر بیرون ببر بدرستیکه شما از پی در آمدگانید یعنی فرعون و قوم او از عقب شما خواهند آمد ۵۳ پس فرستاد فرعون در شهرها

صفحه دویست و هشتاد و ششم

جمع کنندگان را یعنی مامورین فرستاد جمعیت و لشکر خبر کرده از شهرها بیایند ۵۴ بدرستیکه این گروه بنی اسرائیل هر آینه گروهی اندکند و حال اینکه مردان جنگی بنی اسرائیل از بیست الی شصت ساله سیصد و هشتاد هزار بودند و تمام جمعیت آنها از زن و بچه و مرد دو کرور و دویست هزار و کسری بودند فرعون بقدری لشکر فراهم کرد که این جمعیت موسی را گروهی بسیار اندک میشمردند ۵۵ و بدرستیکه ایشان یعنی بنی اسرائیل ما را بخشم آورندگانند ۵۶ و بدرستیکه ما همه حذر کنندگانیم یعنی با اینکه جمعیت بنی اسرائیل بسیار کم هستند و ما جمعیت زیاد داریم باز احتیاط را از دست ندهیم ۵۷ پس بیرون آوردیم ما فرعونیانرا از باغهای پر درخت پر میوه و از چشمهای آب صاف گوارا ۵۸ و از گنجهای زر و نقره و از منزلهای نیکو و آراسته ۵۹ همچنین کردیم ما ایشان یعنی بیرون آوردیم ایشان را از خانمان و هرچه داشتند و میراث قرار دادیم ما آن اموال و دولت وافر بنی اسرائیل را ۶۰ پس از پی در آمدند قوم فرعون بنی اسرائیلرا در حالتی که قصد کنندگان بودند بطرف مشرق ۶۱ پس چون دیدند آن هر دو گروه یکدیگر را گفتند اصحاب موسی بدرستیکه ما هر آینه دریافته شدگانیم یعنی بدست لشکر فرعون گرفتار شدیم ۶۲ گفت موسی حاشا بدرستیکه با من است پروردگار من زود باشد که راه نماید خدا مرا ۶۳ پس وحی کردیم ما بسوی موسی اینکه بزن عصای خود را بدریا پس دریا هم شکافت پس از هم جدا شده بود مثل کوه بلند بزرگ ۶۴ و نزدیک گردانیدیم ما بآن شکاف فرعونیانرا ۶۵ و نجات دادیم ما موسی را و هر که با او بود همه را ۶۶ بعد غرق کردیم ما قوم فرعونرا ۶۷ بدرستیکه در این نجات موسویان و غرق فرعونیان هر آینه آیتی است و نبودند بیشتر قوم فرعون گروندگان ۶۸ بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان ۶۹ و بخوان ای محمد بر مشرکان خبر ابراهیم را ۷۰ چون گفت مر پدر خود را یعنی آذر عموی خود را و قوم خود را چه چیز را میپرستید ۷۱ گفتند می پرستیم بتانی را پس همیشه باشیم مر بتانرا ملازمان و مجاوران ۷۲ گفت ابراهیم آیا می شنوند از شما وقتی میخوانید آنها را ۷۳ یا اینکه نفع میدهند شمارا یا ضرری بشما میرسانند یعنی از وجود این بتان اثری بروز میکند یا خیر جماد هستند و هرگز اثری از آنها نیست ۷۴ گفتند بلکه یافتیم پدران خودمانرا همچنین میکردند یعنی عبادت بتان مینمودند ۷۵ گفت ابراهیم آیا پس دیدید شما و دانستید که چه چیز است که بودید و هستید شما که عبادت میکنید آنرا ۷۶ شما و پدران شما که در سابق بودند ۷۷ پس بدرستیکه ایشان دشمنند از برای من و من دشمنم برای ایشان مگر پروردگار عالمیان یعنی دوست من پروردگار عالمیانست ۷۸ آنچنان خدائیست که خلق کرد مرا پس او راه مینماید مرا ۷۹ و آنچنان خدائیست که او طعام میدهد مرا و سیراب میگرداند مرا ۸۰ و چون ناخوش شوم پس او شفا میدهد مرا ۸۱ و آنچنان خدائیست که میمیراند مرا بعد از آن زنده میکند مرا ۸۲ و آن کسی استکه طمع دارم من اینکه بیامرزد گناه مرا



وإذا رأوك إن يتخذونك إلا هزوا أهذا الذي بعث الله رسولا ٤١

إن كاد ليضلنا عن آلهتنا لولا أن صبرنا عليها وسوف يعلمون حين

يرون العذاب من أضل سبيلا ٤٢ أرأيت من اتخذ إلهه هواه

أفأنت تكون عليه وكيلا ٤٣ أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو

يعقلون إن هم إلا كالأنعام بل هم أضل سبيلا ٤٤ ألم تر إلى

ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا الشمس عليه

دليلا ٤٥ ثم قبضناه إلينا قبضا يسيرا ٤٦ وهو الذي جعل لكم

الليل لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا ٤٧ وهو الذي

أرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته وأنزلنا من السماء ماء طهورا ٤٨

لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا أنعاما وأناسي كثيرا ٤٩ و

لقد صرفناه بينهم ليذكروا فأبى أكثر الناس إلا كفورا ٥٠ و

لو شئنا لبعثنا في كل قرية نذيرا ٥١ فلا تطع الكافرين وجاهدهم

به جهادا كبيرا ٥٢ وهو الذي مرج البحرين هذا عذب فرات وهذا

ملح أجاج وجعل بينهما برزخا وحجرا محجورا ٥٣ وهو الذي خلق من

الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان ربك قديرا ٥٤ ويعبدون من



دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم وكان الكافر على ربه ظهيرا

وما أرسلناك إلا مبشرا ونذيرا قل ما أسألكم عليه من أجر

إلا من شاء أن يتخذ إلى ربه سبيلا وتوكل على الحي الذي لا

يموت وسبح بحمده وكفى به بذنوب عباده خبيرا الذي

خلق السموات والأرض وما بينهما في ستة أيام ثم استوى على

العرش الرحمن فسئل به خبيرا وإذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا

وما الرحمن أنسجد لما تأمرنا وزادهم نفورا تبارك الذي جعل

في السماء بروجا وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا وهو الذي جعل

الليل والنهار خلفة لمن أراد أن يذكر أو أراد شكورا وعباد

الرحمن الذين يمشون على الأرض هونا وإذا خاطبهم الجاهلون قالوا

سلاما والذين يبيتون لربهم سجدا وقياما والذين يقولون

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إن عذابها كان غراما إنها ساءت

مستقرا ومقاما والذين إذا أنفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا وكان

بين ذلك قواما والذين لا يدعون مع الله إلها آخر ولا يقتلون النفس

التي حرم الله إلا بالحق ولا يزنون ومن يفعل ذلك يلق أثاما يضاعف له



العذاب يوم القيمة ويخلد فيه مهانا ٦٩ الا من تاب وامن وعمل عملا
صالحا فاولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات وكان الله غفورا رحيما ٧٠
ومن تاب وعمل صالحا فانه يتوب الى الله متابا ٧١ والذين لا يشهدون
الزور واذا مروا باللغو مروا كراما ٧٢ والذين اذا ذكروا بايات ربهم
لم يخروا عليها صما وعميانا ٧٣ والذين يقولون ربنا هب لنا من
ازواجنا وذرياتنا قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ٧٤ اولئك
يجزون الغرفة بما صبروا ويلقون فيها تحية وسلاما ٧٥ خالدين فيها
حسنت مستقرا ومقاما ٧٦ قل ما يعبؤا بكم ربي لولا دعاؤكم فقد كذبتم
فسوف يكون لزاما ٧٧

سورة الشعراء مكية وهي مائتان وثمان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

طسم ١ تلك ايات الكتاب المبين ٢ لعلك باخع نفسك الا يكونوا
مؤمنين ٣ ان نشا ننزل عليهم من السماء اية فظلت اعناقهم لها
خاضعين ٤ وما ياتيهم من ذكر من الرحمن محدث الا كانوا عنه
معرضين ٥ فقد كذبوا فسياتيهم انبؤا ما كانوا به يستهزءون ٦
اولم يروا الى الارض كم انبتنا فيها من كل زوج كريم ٧ ان في ذلك

لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ٨ وإن ربك لهو العزيز الرحيم ٩ وإذ
نادى ربك موسى أن ائت القوم الظالمين ١٠ قوم فرعون ألا يتقون ١١
قال رب إني أخاف أن يكذبون ١٢ ويضيق صدري ولا ينطلق لساني
فأرسل إلى هرون ١٣ ولهم علي ذنب فأخاف أن يقتلون ١٤ قال كلا
فاذهبا بآياتنا إنا معكم مستمعون ١٥ فأتيا فرعون فقولا إنا رسول رب
العالمين ١٦ أن أرسل معنا بني إسرائيل ١٧ قال ألم نربك فينا وليدا
ولبثت فينا من عمرك سنين ١٨ وفعلت فعلتك التي فعلت وأنت
من الكافرين ١٩ قال فعلتها إذا وأنا من الضالين ٢٠ ففررت منكم
لما خفتكم فوهب لي ربي حكما وجعلني من المرسلين ٢١ وتلك نعمة
تمنها علي أن عبدت بني إسرائيل ٢٢ قال فرعون وما رب العالمين
٢٣ قال رب السموات والأرض وما بينهما إن كنتم موقنين ٢٤ قال
لمن حوله ألا تستمعون ٢٥ قال ربكم ورب آبائكم الأولين ٢٦ قال إن
رسولكم الذي أرسل إليكم لمجنون ٢٧ قال رب المشرق والمغرب وما
بينهما إن كنتم تعقلون ٢٨ قال لئن اتخذت إلها غيري لأجعلنك من
المسجونين ٢٩ قال أولو جئتك بشيء مبين ٣٠ قال فأت به إن كنت من

در روز قیامت ۸۳ ای پروردگار من ببخش مرا حکمت را و ملحق کن مرا به نیکوان و شایستگان ۸۴ و بگردان یعنی قرار بده از برای من زبان
راستی در میان کسانی که بعد از من بیایند ۸۵ و بگردان مرا از وارثان بهشت پر نعمت ۸۶ و بیامرز پدر مرا بدرستیکه او بود از گمراهان ۸۷ و
رسوا و خوار مکن مرا در روزیکه برانگیخته میشوند ۸۸ روزی که نفع نمیدهد کسی را مال و نه اولاد او ۸۹ مگر کسی که بیاید بخدا بدلی با سلامت یعنی
خالص از کفر و معصیت ۹۰ روزیکه نزدیک کرده شود بهشت بر پرهیزکاران ۹۱ روزیکه ظاهر کرده شود دوزخ از برای گمراهان
۹۲ و گفته شود مر ایشانرا کجا یند آنچه را که بودید شما که عبادت میکردید ۹۳ از سوای خدا آیا یاری میدهند شما را بر دفع عذاب از شما
یا دفع میکنند عذاب خود را ۹۴ پس بروی در انداخته شوند در آن آتش تابان و گمراهان که بت پرستانند ۹۵ و لشکرهای شیطان
بروی در آتش انداخته شوند همگی آنها ۹۶ گفتند کافران در حالتی که ایشان در آن جهنم دشمنی کنند با یکدیگر ۹۷ قسم بخدا بدرستیکه
بودیم ما هر آینه در گمراهی آشکار ۹۸ وقتی که برابر میکردیم شما را با پروردگار عالمیان ۹۹ و گمراه نکردند ما را مگر گناهکاران ۱۰۰ پس
نیست ما را شفاعت کنندگان ۱۰۱ و نه دوستی مهربان ۱۰۲ پس کاشکی بودی ما را بازگشتی پس میبودیم از ایمان آورندگان ۱۰۳
بدرستیکه در این یعنی در خبر ابراهیم هر آینه آیتی و نشانه ایست و نبودند بیشتر ایشان یعنی بیشتر قوم ابراهیم گروندگان چه از اهل بابل
بجز دختر نمرود کسی دیگر ایمان نیاورده بود ۱۰۴ و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان ۱۰۵ تکذیب کردند قوم نوح همهٔ
پیغمبرانرا تا آدم و گفتند هیچ پیغمبری بدنیا نیامده است ۱۰۶ یاد کن وقتی را که گفت از برای ایشان برادر ایشان نوح آیا پرهیز نمیکنید یعنی برادر
از اخوت نسبت ایشان بود که سلسلهٔ نسب ایشان باو منتهی میشد ۱۰۷ بدرستیکه من از برای شما پیغمبر امینی هستم ۱۰۸ پس بپرهیزید
از خدا و اطاعت کنید مرا ۱۰۹ و نمیخواهم من از شما بر رسالت خودم هیچ مزدی بدرستیکه نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان ۱۱۰ پس بپرهیزید
از عقوبت خدا و ترک بت پرستیدن کنید و اطاعت کنید فرمان مرا ۱۱۱ گفتند بت پرستان آیا ایمان بیاوریم مر تو را و حال آنکه پیروی کرده اند
تو را بی قدران و فرومایگان ۱۱۲ گفت نوح در جواب ایشان و نیست علم من بآنچه بودند که میکردند ۱۱۳ نیست حساب ایشان مگر بر

صفحهٔ دویست و هشتاد و هشتم

پروردگار من اگر بدانید که عالم الغیب او است ۱۱۴ و نیستم من رانندهٔ مؤمنین از پیش خود ۱۱۵ نیستم من مگر ترسانندهٔ آشکار ۱۱۶ گفتند
کفار بت پرستان هر آینه اگر باز نایستی ای نوح هر آینه باشی تو البته از سنگسار شدگان ۱۱۷ گفت نوح ای پروردگار من بدرستیکه قوم من
تکذیب کردند مرا از روی عناد ۱۱۸ پس بگشا یعنی حکم کن میان من و میان ایشان حکمی را و نجات بده مرا و هر که با منست از ایمان آورندگان ۱۱۹
پس نجات دادیم ما نوح را و هر که با او بود در کشتی که پر بود از آدمیان و حیوانات و امتعه از هر چیز ۱۲۰ بعد از آن غرق کردیم ما بعد از نجات
ایشان باز ماندگانرا ۱۲۱ بدرستیکه در این بود یعنی در نجات نوح و غرق کردن بقیهٔ مردمان هر آینه آیتی است و علامتی است شایع و نبودند
بیشتر ایشان گروندگان ۱۲۲ و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه او است غالب مهربان ۱۲۳ تکذیب کردند قوم عاد پیغمبرانرا ۱۲۴ وقتی که گفت مر
ایشانرا برادر ایشان هود آیا نمی پرهیزید ۱۲۵ بدرستیکه من از برای شما پیغمبری امینم ۱۲۶ پس بپرهیزید از خدا و اطاعت کنید فرمان مرا
۱۲۷ و نمیخواهم من از شما بر آن رسالت خودم هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان ۱۲۸ آیا بنا میکنید بهر موضعی علامتی که بازی
میکنید یعنی بناهای رفیع عالی میسازید محض از برای بازی و تماشا و حال آنکه احتیاج بآن ندارید ۱۲۹ و فرا میگیرید حوضها و دریاچه‌ها و کوشکها
و قلعه‌های محکم گویا شما جاوید خواهید بود در آنها ۱۳۰ و چون سخت گرفتید و مؤاخذه کردید مردمانرا سخت گیری کردید در حالیکه متکبران و سرکشانید ۱۳۱ پس بترسید
از خدا و اطاعت کنید فرمان مرا ۱۳۲ و بترسید از آنکه امداد کرد شما را بآنچه میدانید و میشناسید از انواع نعمتها ۱۳۳ امداد کرد شما را بچهارپایان و پسران ۱۳۴
و باغها و چشمه‌ها ۱۳۵ بدرستیکه من میترسم بر شما عذاب روز بزرگرا که روز قیامت ۱۳۶ گفتند قوم عاد در جواب هود مساویست بما آیا موعظه بکنی یا نباشی از موعظه کنندگان
یعنی طریقه خود را از دست نمیدهیم چه موعظه بکنی چه نکنی ۱۳۷ نیست این یعنی این کاریکه ما بر آنیم از بت پرستی و تکبر و بناهای بلند مگر عادت پیشینیان ما که اقتدا بایشان
کرده ایم ۱۳۸ و نیستیم ما عذاب کرده شدگان بر این عادتهای قدیمه ۱۳۹ پس تکذیب کردند هود را پس هلاک کردیم ما قوم عاد را بباد صرصر بدرستیکه در این هلاکت قوم عاد هر آینه
نشانه ایست که دلالت کند بر اینکه عاقبت اهل تکذیب بعذاب دنیوی و عقاب اخروی کشد و نبودند بیشتر ایشان گروندگان ۱۴۰ و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان
۱۴۱ تکذیب کردند قوم ثمود پیغمبرانرا ۱۴۲ وقتیکه گفت از برای ایشان برادر ایشان صالح آیا پرهیز نمیکنید ۱۴۳ بدرستی که من از برای شما پیغمبری

صفحهٔ دویست و هشتاد و نهم

امینم ۱۴۴ پس بترسید از خدا و اطاعت کنید امر مرا ۱۴۵ و نمیخواهم من از شما بجهة تبلیغ رسالت خودم هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان ۱۴۶ آیا واگذاشته خواهید شد شما در آنچه هستید اینجا یعنی در نعمتهای دنیا در حالتی که ایمن باشید از مردن و فانی شدن آن اموال و نعمتها ۱۴۷ و خواهید ماند شما در بوستانهای پر از اشجار و اثمار و چشمهای آب خوشگوار ۱۴۸ و در زراعتها و خرماستانها که شکوفهٔ آن درختها لطیف و نرم و نازک است ۱۴۹ و میتراشید برای خانهای خود از کوهها خانها در حالتی که مهارت دارید در تراشیدن سنگ و خوشحالید از ساختن خانها برای خودمان ۱۵۰ پس بترسید از خدا و اطاعت کنید فرمان مرا ۱۵۱ و اطاعت نکنید امر اسراف کنندگان را ۱۵۲ آنکسانیکه فساد میکنند در زمین و اصلاح نمیکنند ۱۵۳ گفتند قوم ثمود بصالح جز این نیست که هستی از سحر شدگان ۱۵۴ نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیاور معجزهٔ اگر هستی تو از راستگویان ۱۵۵ گفت صالح این شتریست از برای آنست نصیبی از آب و از برای شما است آب خوردن روز معین که یکروز شتر آب بخورد و یکروز شما آب بخورید ۱۵۶ و مرسانید شتر را بدی یعنی قصد زدن و کشتن او را مکنید که اگر چنین قصدی بکنید پس میگیرد شما را عذاب روز بزرگ یعنی روزیکه عذاب بزرگ در آن روز نازل شود ۱۵۷ پس پی کردند قوم آن شتر را پس گشتند پشیمانان ۱۵۸ پس گرفت ایشان را عذاب بدرستیکه در این نزول عذاب هرآینه دلالتی است بر اهل اعتبار را کفر ورزیدن موجب نزول عذاب است و نبودند بیشتر قوم ثمود گروندگان ۱۵۹ و بدرستیکه پروردگار تو هرآینه اوست غالب مهربان ۱۶۰ تکذیب کردند قوم لوط یعنی اهل مؤتفکات پیغمبران را ۱۶۱ وقتی که گفت از برای ایشان برادر ایشان لوط آیا پرهیزی نمیکنید ۱۶۲ بدرستیکه من از برای شما رسول امینم ۱۶۳ پس بترسید از خدا و اطاعت کنید امر مرا ۱۶۴ و نمیخواهم من از شما بر رسالت خودم هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان ۱۶۵ آیا می‌آیید مردان را از جهانیان یعنی عملی که با زنان باید کرد با مردان میکنید ۱۶۶ و وامیگذارید آنچه را خلق کرد از برای شما پروردگار شما از زنان بلکه شما قومی در گذشته گانید ۱۶۷ گفتند قوم هرآینه اگر باز نایستی ای لوط از گفتار و کردار خودت هرآینه باشی البته از بیرون شدگان یعنی ترا اخراج کنیم از بلد خودمان ۱۶۸ گفت لوط بقوم بدرستیکه من هرآینه کردار شما را از دشمنانم بغایت دشمنی ۱۶۹ ای پروردگار من

صفحهٔ دویست و نودم

نجات ده مرا و اهل مرا از آنچه میکنند یعنی از این اعمالی که قوم میکنند ۱۷۰ پس نجات دادیم ما لوط و اهل او را تماما ۱۷۱ مگر پیرزنی یعنی زن لوط که پیر بود و داخل بود در بازماندگان در عذاب ۱۷۲ پس هلاک کردیم دیگران را که بزمین فرو رفتند ۱۷۳ و بارانیدیم بر ایشان بارانی یعنی سنگ بارید بر ایشان پس بد است باران بیم کرده شدگان ۱۷۴ بدرستیکه در این نزول عذاب بر اهل مؤتفکات هرآینه اثر و علامتی بر عقوبت نافرمانان و نبودند بیشتر ایشان گروندگان ۱۷۵ و بدرستیکه پروردگار تو هرآینه اوست ارجمند مهربان ۱۷۶ تکذیب کردند اصحاب ایکه پیغمبران را یعنی شعیب را با انبیای سابقه تکذیب نمودند ۱۷۷ چون گفت مر ایشان را شعیب آیا پرهیز نمیکنید ۱۷۸ بدرستیکه من از برای شما پیغمبری امینم ۱۷۹ پس بترسید از خدا و اطاعت کنید فرمان مرا ۱۸۰ و نمی‌خواهم از شما بر رسالت خودم هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان ۱۸۱ تمام بدهید کیلها را و نباشید از زیانکاران یعنی کم نفروشید ۱۸۲ و بکشید با ترازوی راست درست ۱۸۳ و کم نکنید از مردم چیزهای ایشان را و تباهی مجوئید در زمین یعنی خرابی و قتل و غارت نکنید در حالتی که فسادکنندگان باشید ۱۸۴ و بترسید از کسی که خلق کرد شما را و گروه پیشینیان را ۱۸۵ گفتند قوم جز این نیست که تو از سحر شدگانی ۱۸۶ و نیستی تو مگر آدمی مثل ما و بدرستیکه گمان می‌بریم ما تو را از دروغگویان ۱۸۷ پس بیفکن بر ما پارهٔ از آسمان اگر هستی تو از راستگویان ۱۸۸ گفت شعیب پروردگار من داناتر است بآنچه میکنید ۱۸۹ پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشان را عذاب روز ظله یعنی روزی که ابر بر ایشان سایه انداخت و هفت شبانه روز گرما بر ایشان غلبه نمود آتش از آن ابر بر ایشان بارید تا نفسهای ایشان قطع شد بدرستیکه آن عذاب ظله بود عذاب روزی که بزرگ بود واقعهٔ آن ۱۹۰ بدرستیکه در این نزول عذاب ظله هرآینه آیت و علامتی است بر کمال قدرت و نبودند بیشتر از قوم ایکه و اهل مدین گروندگان ۱۹۱ و بدرستیکه پروردگار تو هرآینه اوست غالب مهربان ۱۹۲ و بدرستیکه آن فرستاده شده بر تو یعنی قرآن هرآینه فرستادهٔ پروردگار عالمیان است ۱۹۳ فرود آورده است قرآن را جبرئیل ۱۹۴ بر دل تو تا اینکه باشی از بیم کنندگان ۱۹۵ بزبان عربی آشکار ۱۹۶ و بدرستیکه ذکر قرآن یا معنی قرآن

الصادقين ٣١ فالقى عصاه فاذا هي ثعبان مبين ٣٢ ونزع يده فاذا

هي بيضاء للناظرين ٣٣ قال للملا حوله ان هذا لساحر عليم ٣٤ يريد

ان يخرجكم من ارضكم بسحره فماذا تامرون ٣٥ قالوا ارجه واخاه وابعث

في المدائن حاشرين ٣٦ ياتوك بكل سحار عليم ٣٧ فجمع السحرة لميقات

يوم معلوم ٣٨ وقيل للناس هل انتم مجتمعون ٣٩ لعلنا نتبع

السحرة ان كانوا هم الغالبين ٤٠ فلما جاء السحرة قالوا لفرعون ائن

لنا لاجرا ان كنا نحن الغالبين ٤١ قال نعم وانكم اذا لمن المقربين ٤٢

قال لهم موسى القوا ما انتم ملقون ٤٣ فالقوا حبالهم وعصيهم و

قالوا بعزة فرعون انا لنحن الغالبون ٤٤ فالقى موسى عصاه فاذا هي

تلقف ما يافكون ٤٥ فالقي السحرة ساجدين ٤٦ قالوا امنا برب العالمين ٤٧

رب موسى وهرون ٤٨ قال امنتم له قبل ان اذن لكم انه لكبيركم

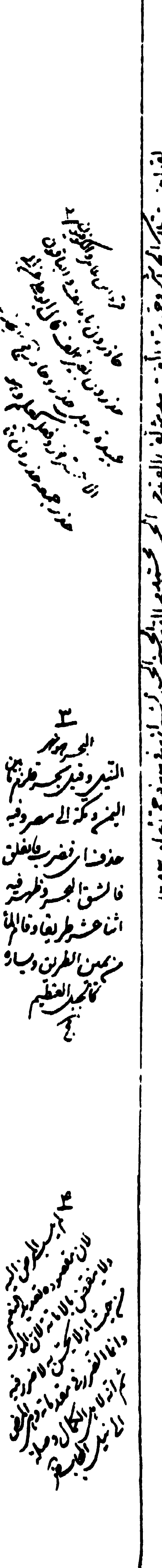
الذي علمكم السحر فلسوف تعلمون ٤٩ لاقطعن ايديكم وارجلكم من خلاف

ولاصلبنكم اجمعين ٥٠ قالوا لا ضير انا الى ربنا منقلبون ٥١ انا

نطمع ان يغفر لنا ربنا خطايانا ان كنا اول المؤمنين ٥٢ واوحينا الى

موسى ان اسر بعبادي انكم متبعون ٥٣ فارسل فرعون في المدائن

حَاشِرِينَ ٥٣ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ٥٤ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ٥٥
وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ ٥٦ فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ٥٧ وَكُنُوزٍ
وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ٥٨ كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ٥٩ فَأَتْبَعُوهُم
مُّشْرِقِينَ ٦٠ فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ٦١ قَالَ
كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ٦٢ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ
الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ٦٣ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ
الْآخَرِينَ ٦٤ وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ ٦٥ ثُمَّ أَغْرَقْنَا
الْآخَرِينَ ٦٦ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ٦٧ وَإِنَّ رَبَّكَ
لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٦٨ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ٦٩ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ
مَا تَعْبُدُونَ ٧٠ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ٧١ قَالَ هَلْ
يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ٧٢ أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ٧٣ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا
آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ٧٤ قَالَ أَفَرَأَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ٧٥ أَنتُمْ وَ
آبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ٧٦ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ٧٧ الَّذِي
خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ٧٨ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ٧٩ وَإِذَا مَرِضْتُ
فَهُوَ يَشْفِينِ ٨٠ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ٨١ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ



لِي خَطِيٓـَٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ ٨٢ رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ٨٣

وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٨٤ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ

ٱلنَّعِيمِ ٨٥ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ٨٦ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ

يُبۡعَثُونَ ٨٧ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ٨٩

وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ ٩٠ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِلۡغَاوِينَ ٩١ وَقِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَمَا

كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ٩٢ مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ أَوۡ يَنتَصِرُونَ ٩٣ فَكُبۡكِبُواْ

فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ ٩٤ وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ أَجۡمَعُونَ ٩٥ قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ ٩٦

تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٩٧ إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٨ وَمَآ

أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٩٩ فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ١٠٠ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ ١٠١ فَلَوۡ

أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٢ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم

مُّؤۡمِنِينَ ١٠٣ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٤ كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ

١٠٥ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٠٦ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٠٧ فَٱتَّقُواْ

ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٠٨ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ

ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠٩ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١١٠ ۞ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ

ٱلۡأَرۡذَلُونَ ١١١ قَالَ وَمَا عِلۡمِي بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٢ إِنۡ حِسَابُهُمۡ إِلَّا عَلَىٰ

نصف الحزب

رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ ١١٣ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ١١٤ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ

١١٥ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ١١٦ قَالَ رَبِّ إِنَّ

قَوْمِي كَذَّبُونِ ١١٧ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

١١٨ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ١١٩ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ

١٢٠ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ١٢١ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

الرَّحِيمُ ١٢٢ كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ١٢٣ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

١٢٤ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٢٥ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٢٦ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ

مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٢٧ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ

١٢٨ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ١٢٩ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ

١٣٠ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٣١ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ١٣٢ أَمَدَّكُمْ

بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ١٣٣ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ١٣٤ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٣٥ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ١٣٦

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ١٣٧ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ١٣٨ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ١٣٩ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ١٤١ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٤٢ إِنِّي لَكُمْ

رسول امين ١٤٣ فاتقوا الله واطيعون ١٤٤ وما اسئلكم عليه من اجر

ان اجرى الا على رب العالمين ١٤٥ اتتركون فيما ههنا امنين ١٤٦

في جنات وعيون ١٤٧ وزروع ونخل طلعها هضيم ١٤٨ وتنحتون من

الجبال بيوتا فارهين ١٤٩ فاتقوا الله واطيعون ١٥٠ ولا تطيعوا امر

المسرفين ١٥١ الذين يفسدون في الارض ولا يصلحون ١٥٢ قالوا

انما انت من المسحرين ١٥٣ ما انت الا بشر مثلنا فات باية ان كنت من

الصادقين ١٥٤ قال هذه ناقة لها شرب ولكم شرب يوم معلوم ١٥٥

ولا تمسوها بسوء فياخذكم عذاب يوم عظيم ١٥٦ فعقروها فاصبحوا

نادمين ١٥٧ فاخذهم العذاب ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم

مؤمنين ١٥٨ وان ربك لهو العزيز الرحيم ١٥٩ كذبت قوم لوط المرسلين

١٦٠ اذ قال لهم اخوهم لوط الا تتقون ١٦١ اني لكم رسول امين ١٦٢

فاتقوا الله واطيعون ١٦٣ وما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا

على رب العالمين ١٦٤ اتاتون الذكران من العالمين ١٦٥ وتذرون

ما خلق لكم ربكم من ازواجكم بل انتم قوم عادون ١٦٦ قالوا لئن لم تنته

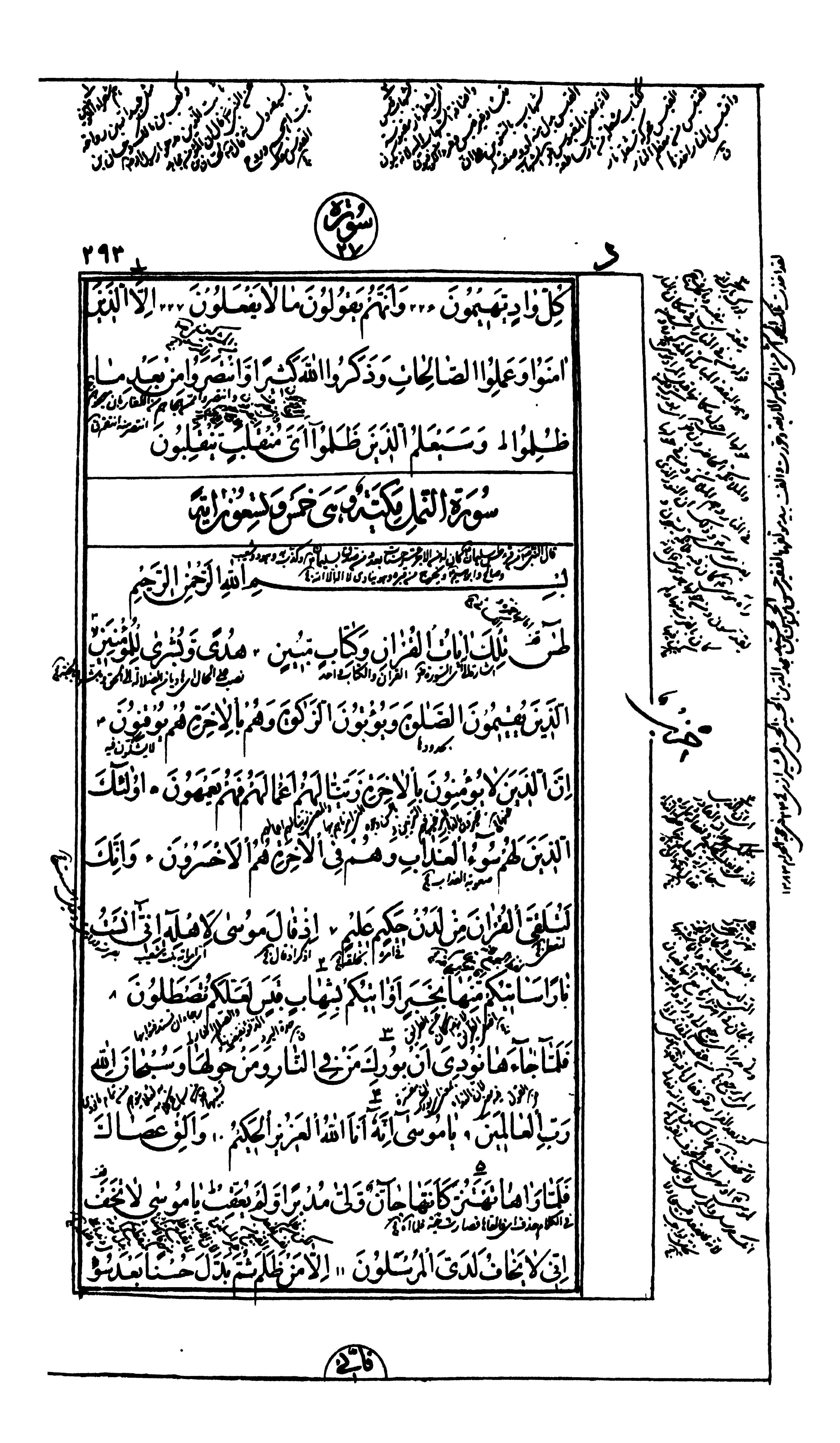
يا لوط لتكونن من المخرجين ١٦٧ قال اني لعملكم من القالين ١٦٨ رب

٢ قرء اهل الكوفة والشام فارهين بالالف قال الزجاج فارهين حاذقين من الفراهة ... والباقون فرهين بغير الف قال الزجاج فرهين اشرين مرحين ...



نجنى واهلى مما يعملون ١٧٠ فنجيناه واهله اجمعين ١٧١ الا عجوزا فى
الغابرين ١٧٢ ثم دمرنا الآخرين ١٧٣ وامطرنا عليهم مطرا فساء مطر
المنذرين ١٧٤ ان فى ذلك لآية وما كان اكثرهم مؤمنين ١٧٥ وان
ربك لهو العزيز الرحيم ١٧٦ كذب اصحاب الايكة المرسلين ١٧٧ اذ قال
لهم شعيب الا تتقون ١٧٨ انى لكم رسول امين ١٧٩ فاتقوا الله واطيعون
وما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا على رب العالمين ١٨١ اوفوا
الكيل ولا تكونوا من المخسرين ١٨٢ وزنوا بالقسطاس المستقيم ١٨٣ ولا
تبخسوا الناس اشياءهم ولا تعثوا فى الارض مفسدين ١٨٤ واتقوا
الذى خلقكم والجبلة الاولين ١٨٥ قالوا انما انت من المسحرين ١٨٦
وما انت الا بشر مثلنا وان نظنك لمن الكاذبين ١٨٧ فاسقط علينا
كسفا من السماء ان كنت من الصادقين ١٨٨ قال ربى اعلم بما تعملون
فكذبوه فاخذهم عذاب يوم الظلة انه كان عذاب يوم عظيم ١٩٠
ان فى ذلك لآية وما كان اكثرهم مؤمنين ١٩١ وان ربك لهو العزيز
الرحيم ١٩٢ وانه لتنزيل رب العالمين ١٩٣ نزل به الروح الامين ١٩٤
على قلبك لتكون من المنذرين ١٩٥ بلسان عربى مبين ١٩٦ وانه

لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ١٩٦ أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ١٩٧
وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ١٩٨ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ١٩٩
كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ٢٠٠ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا
الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ٢٠١ فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٢٠٢ فَيَقُولُوا هَلْ
نَحْنُ مُنظَرُونَ ٢٠٣ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ٢٠٤ أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ٢٠٥
ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ ٢٠٦ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ٢٠٧
وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ٢٠٨ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ٢٠٩
وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ٢١٠ وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ٢١١ إِنَّهُمْ
عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ٢١٢ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ٢١٣
وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ٢١٤ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ ٢١٥ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ٢١٦ وَتَوَكَّلْ
عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ٢١٧ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ٢١٨ وَتَقَلُّبَكَ فِي
السَّاجِدِينَ ٢١٩ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٢٢٠ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن
تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ٢٢١ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ٢٢٢ يُلْقُونَ السَّمْعَ
وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ٢٢٣ وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ٢٢٤ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي



كل واد يهيمون ٢٢٥ وانهم يقولون ما لا يفعلون ٢٢٦ الا الذين
امنوا وعملوا الصالحات وذكروا الله كثيرا وانتصروا من بعد ما
ظلموا وسيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون

سورة النمل مكية وهى خمس وتسعون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

طس تلك ايات القران وكتاب مبين ١ هدى وبشرى للمؤمنين ٢
الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالاخرة هم يوقنون ٣
ان الذين لا يؤمنون بالاخرة زينا لهم اعمالهم فهم يعمهون ٤ اولئك
الذين لهم سوء العذاب وهم فى الاخرة هم الاخسرون ٥ وانك
لتلقى القران من لدن حكيم عليم ٦ اذ قال موسى لاهله انى انست
نارا سآتيكم منها بخبر او اتيكم بشهاب قبس لعلكم تصطلون ٧
فلما جاءها نودى ان بورك من فى النار ومن حولها وسبحان الله
رب العالمين ٨ يا موسى انه انا الله العزيز الحكيم ٩ والق عصاك
فلما راها تهتز كانها جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى لا تخف
انى لا يخاف لدى المرسلون ١٠ الا من ظلم ثم بدل حسنا بعد سوء

هر آینه در کتب پیشینیانست ۱۹۷ آیا نباشد مر مشرکان قریش را نشانهٔ بصحت قرآن یا نبوت پیغمبر اینکه میدانند نعت پیغمبر و صفت قرآنرا علمای بنی اسرائیل یعنی شهادت مردم دانا بر چیزی موجب تیقن و تحقق است ۱۹۸ و اگر میفرستادیم ما قرآنرا بر بعضی از مردم که عجم بودند ۱۹۹ پس میخواند آن پیغمبر عجمی قرآنرا بر ایشان که کفار قریش که عرب بودند نبودند بآن قرآن ایمان آورندگان یعنی از روی استکبار می گفتند عرب را از اطاعت عجم عار است یعنی گویند یعنی آیا نیست که اگر قرآنرا بلغت عجمی میفرستادیم کافران نمی گرویدند و میگفتند ما فهم نمیکنیم و معنی آنرا نمی دانیم بانجهة بزبان عربی فرستادیم و بر فصیحترین مردی نازل کردیم که اشرف همهٔ مردم است ۲۰۰ همچنین که قرآنرا بلغت عربی فرستادیم در میآوریم آنرا در دلهای گنه کاران یعنی پیغمبر را فرمائیم تا بخواند آنرا و در دلهای مجرمان داخل کند ۲۰۱ ایمان نمیآورند بآن تا ببینند عذاب دردناکرا در دنیا ۲۰۲ پس بیاید عذاب ایشانرا ناگهان و ایشان نمیدانند وقت آمدن عذابرا ۲۰۳ پس میگویند آیا ما هستیم مهلت داده شدگان یعنی آیا مهلت دهند که گرویم و تصدیق کنیم انبیا را ۲۰۴ آیا پس بعذاب تعجیل میکنند ۲۰۵ آیا پس دیدی و دانستی که اگر نعمت و اسباب راحت دهیم ایشانرا سالها ۲۰۶ بعد از آن بیاید ایشانرا آنچه بودند که وعده داده میشدند بعذاب ۲۰۷ دفع نکند از ایشان عذابرا آنچه را که بودند که تمتع داده میشدند یعنی تمتع و نعیم دنیا مانع عذاب ایشان نشود ۲۰۸ و هلاک نکردیم ما اهل هیچ دهی یا شهری را مگر اینکه پیغمبران از برای آن ده بیم کننده بودند ۲۰۹ بجهت پند دادن و نبودیم ما ستمکاران ۲۱۰ و فرو نیاوردند قرآنرا شیاطین ۲۱۱ و سزاوار نباشد از برای شیاطین فرو آوردن قرآن و توانائی ندارند باین کار ۲۱۲ بدرستی که شیاطین از شنیدن کلام خدا هر آینه دور کرده شدگانند ۲۱۳ پس مخوان با خدای یگانه خدائی دیگر را پس باشی از عذاب کرده شدگان ۲۱۴ و بیم کن یعنی بترسان خویشان خود ترا که نزدیکان تو هستند ۲۱۵ و فرو گذار بال خودت را از برای کسی که متابعت کرد ترا از ایمان آورندگان یعنی برای آنان که ایمان آوردند و تصدیق تو میکنند با تواضع باش ۲۱۶ پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگو بدرستیکه من بیزارم از آنچه میکنید ۲۱۷ و توکل کن بر خدای غالب مهربان ۲۱۸ آنخدائیکه می بیند ترا هنگامیکه برمیخیزی ۲۱۹ و می بیند گردیدن ترا در میان سجده کنندگان ۲۲۰ بدرستیکه آن خدا اوست شنوندهٔ دانا ۲۲۱ آیا آگاه کنم شما را براینکه بر که فرود آیند شیطانها ۲۲۲ فرود میآیند بر هر بسیار دروغگوی گنهکار ۲۲۳ فرو میدارند دروغگویان گوش خود را بسخنان شیاطین و گوش میدهند شیاطین باخبار دروغ دروغگویان و بیشتر اهل افک دروغگویانند ۲۲۴ و شاعران متابعت میکنند ایشانرا زیانکاران و سفیهان عرب ۲۲۵ آیا نمی بینی بدرستیکه ایشان در هر

صفحهٔ دویست و نود و دوم

وادی از فنون کلام متحیر و سرگردانند چه اغلب کلمات ایشان هزل و مطایبه است و فعل حرام و عشقبازی و هتک عرض مردمان و مدح نامستحق و ذم نالایق ۲۲۶ و بدرستیکه شعرا میگویند آنچه را که نمیکنند ۲۲۷ مگر آنانکه ایمان آوردند و عمل نیکو کردند و ذکر کردند خدا را بسیار ۲۲۸ و انتقام کشیدند از بعد از آنکه ظلم کرده شدند و زود باشد که بدانند آنانکه ظلم کردند بکدام مکان باز خواهند گشت یعنی بازگشت ایشان بآتش دوزخ خواهد بود و مآل کار ایشان بعذاب شدید و عقاب الیم خواهد

سورهٔ نمل مکیست مشتمل بر نود و پنج آیه و در مکهٔ معظمه نازل شده

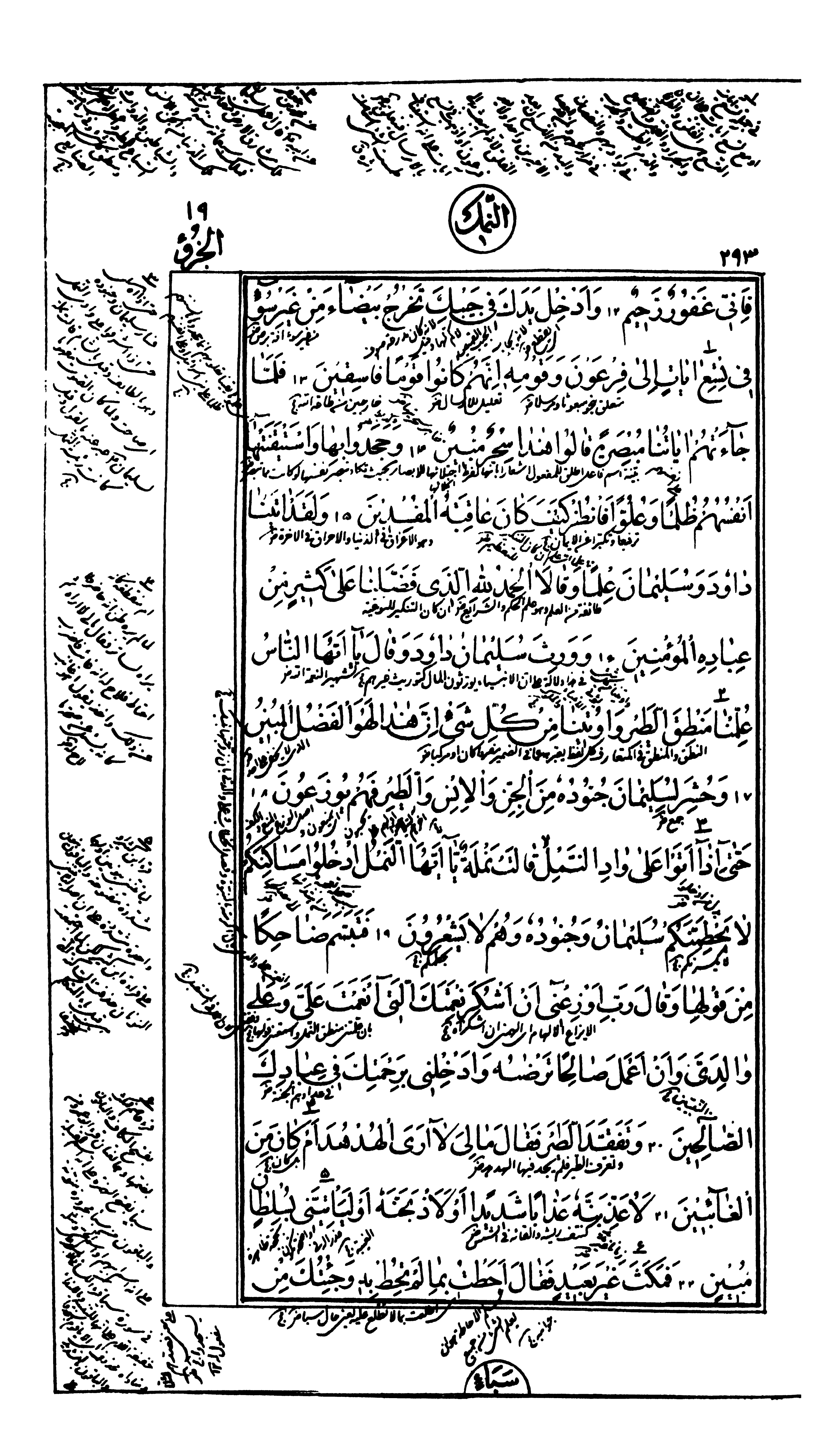
بنام خداوند بخشاینده مهربان

طس نامی است از نامهای ذو الجلال اینست آیات قرآن و کتاب روشن ۲ در حالتیکه آن آیات قرآن و کتاب روشن راه نماینده اند بصراط مستقیم مژده انداز برای گروندگان ۳ آنکسانیکه برپا میدارند نماز را و میدهند زکوة اموال خود را و ایشان بآخرت و روز قیامت یقین دارند که بعث و نشور و حساب و میزان خواهد بود ۴ بدرستیکه کسانیکه ایمان نمیآورند بآخرت زینت دادیم ما از برای ایشان اعمالشانرا پس ایشان حیران و سرگردان میشوند در ضلالت ۵ آنگروه هند کسانیکه مر ایشانراست بدی عذاب و ایشان در آخرت ایشانند زیانکاران ۶ و بدرستیکه تو هر آینه القا کرده میشوی قرآنرا یعنی جبرئیل بتو القا میکند از نزد خدای درستکردار بسیار دانا ۷ یاد کن چون گفت موسی از برای اهل خود یعنی کسان خود بدرستیکه من دیدم آتشی را زود باشد که بیاورم شما را از آن آتش خبری یا بیاورم شما را آتش شعله وری شاید شما گرم شوید بآن آتش ۸ پس چون آمد موسی نزدیک آن آتش ندا کرده شد اینکه برکت و خیر فایض باشد هر که در مکان آتش است و هر که در اطراف و حوالی آتش است یعنی هر که در وادی ایمن است و پاکست خدا تعالی که پروردگار عالمیانست ۹ ای موسی بدرستیکه منم خدای غالب درستکار ۱۰ و بیفکن عصای خود را پس چون دید عصا را حرکت میکند بهر طرف گویا آن ماریست باریک و تند و تیز در حرکات گویا آن عصا جان بوده چون دید موسی حرکات آن عصا را روی بگردانید موسی در حالیکه گریزان بود و باز نگشت بعقب خدا فرمود ای موسی مترس بدرستیکه نترسند نزد من پیغمبران ۱۱ مگر کسیکه ستم کرد بر نفس خود بعد بدل کرد بدی را به نیکوئی بعد از بدی

پس بدرستیکه من آمرزندهٔ مهربانم مقصود از کسی که ستم کرد بنفس خود موسی است که مشت زدن بقبطی چنانکه گفت رب انی ظلمت نفسی فاغفر لی
۱۲ و داخل کن دست خودت را در بغل خودت تا بیرون آید سفید نورانی از غیر اینکه بد باشد یعنی ناخوش باشد در نه معجزه بسوی فرعون و قوم او
بدرستیکه ایشان بودند گروهی فسق کنندگان ۱۳ پس چون آمد فرعون و قوم او را معجزات ما در حالتی که روشن و هویدا بودند گفتند این است
سحر آشکار ۱۴ و منکر شدند بآن یعنی تکذیب کردند آن معجزات را و بیقین دانستند نفسهای ایشان آن آیات را و تکذیب میکردند بستمکاری و سرکشی
پس نظر کن ببین چگونه بود عاقبت کار فساد کنندگان ۱۵ و هر آینه بتحقیق دادیم داود و سلیمان را دانشی و گفتند حمد مر خدای آنچنانی راست
که تفضیل داد ما را بر بسیاری از بندگان خود مؤمن گروندگانش ۱۶ و میراث گرفت سلیمان از داود و گفت ای مردم تعلیم کرده شدیم ما یعنی من و پدرم
داود گفتار مرغان را و داده شدیم از هر چیزی یعنی من و پدرم دارای علم و سلطنت و مال بسیار شدیم بدرستیکه این هر آینه فضل و کرم آشکار خداوند است
۱۷ و جمع شد از برای سلیمان لشکرها از جن و انس و مرغان پس ایشان بازداشته شده بودند در مکانها و موضع خودشان ۱۸ تا وقتی که آمدند بوادی مورچه
گان که سمت جنوب طائف است گفت رئیس مورچه گان ای و از بلندای مورچگان داخل شوید مسکنهای خودتان تا درهم نشکنند شما را پامال یا سم اسبهای
سلیمان و لشکر او و حال اینکه ایشانند که شما را پامال میکنند ۱۹ باد از یکفرسخ راه قول مورچه را بگوش سلیمان رساند پس تبسم کرد در حالتی که خندان
بود از قول آن مورچه و گفت سلیمان ای پروردگار من الهام ده مرا اینکه شکر بکنم نعمت ترا آنچنانی نعمتی را که انعام کردی بر من و بر پدر و مادرم و اینکه
عمل کنم کار شایسته را که راضی باشی تو از آن کار و داخل کن مرا برحمت خودت در بندگان صالح خودت ۲۰ و تفحص کرد سلیمان مرغان را پس گفت چه چیز است
مرا که نمی بینم هدهد را یا هست از غایب شدگان ۲۱ هر آینه عذاب کنم البته آنرا عذابی سخت یا هر آینه بکشم آنرا البته یا بیاورد مرا بحجتی آشکار ۲۲ پس
درنگ کرد هدهد در زمان نزدیکی و حاضر شد پس گفت بسلیمان احاطه کردم من بچیزی که احاطه نکردی تو بآن و آورده ام من تو را از

صفحهٔ دویست و نود و چهارم

شهر سبا خبری راست و یقین ۲۳ بدرستیکه من یافتم زنی را که پادشاهی میکند اهل سبا را و داده شده است از هر چیزی که پادشاهان را در کار
است و از برای او است تخت بزرگی ۲۴ یافتم من او را و قوم او را که سجده میکنند از برای آفتاب از سوای خدا و زینت داده است
از برای ایشان شیطان اعمال ایشان را پس باز داشته است شیطان ایشان را از راه راست پس ایشان هدایت
نمی شوند ۲۵ بجهت اینکه سجده نمی کنند خدای آنچنانی را که بیرون میآورد پوشیده و مخفی را در آسمانها و زمین و میداند آنچه را
که پنهان میکنید و آنچه را که آشکار کنید ۲۶ خدا نیست خدائی غیر او که پروردگار عرش بزرگ است ۲۷ گفت سلیمان
زود باشد که ببینیم آیا راست میگوئی یا هستی از دروغگویان ۲۸ ببر این نوشته مرا پس بیفکن بسوی ایشان پس رو بگردان
از ایشان و در کناری رفته تجسس کن پس ببین بچه چیز باز میگردند یعنی در جواب مکتوب چه قرار میدهند ۲۹ گفت بلقیس ای
اشراف قوم من بدرستی که من انداخته شده است بسوی من کتابی بزرگوار ۳۰ بدرستیکه آن کتابت از جانب
سلیمان است و بدرستیکه مشتمل است بر دو مضمون اول اینکه بنام خداوند بخشاینده مهربان ۳۱ دویم اینکه
بلندی و گردنکشی نکنید بر من و بیائید نزد من فرمانبرداران ۳۲ گفت بلقیس ای اشراف لشکر من فتوی بدهید مرا
در کار من نبوده ام من قطع کننده کاری تا حاضر شوید یعنی بی حضور شما کاری را اقدام نمیکنم ۳۳ گفتند بزرگان
قوم بلقیس ما صاحبان قوتیم و صاحبان کارزار سخت و خداوندان شجاعت و این حکم واگذاشت بسوی
تو پس بنگر و ببین چه میفرمائی از مقاتله و مصالحه ۳۴ گفت بلقیس بدرستیکه پادشاهان اگر داخل شوند دهی یا شهری را
فاسد میکنند آن شهر را از قهر و غضب عزیزان اهل آن دیار را ذلیلان و همچنین میکنند ۳۵ و بدرستی که من فرستنده
بسوی سلیمان و قوم او هدیه را که مقدمهٔ صلح است پس نظر کننده ام که بچه چیز باز میگردند فرستاده شدگان ۳۶ پس
چون آمد رسول بلقیس نزد سلیمان و هدیه او را آورد گفت سلیمان آیا مدد میکنند مرا بمال پس آنچه عطا کرده است مرا خدا پادشاهی
و نبوت بهتر است از آنچه داده است شما را از متاع دنیا و این جهة مرا بهدیهٔ شما احتیاج نیست بلکه شما بهدیهٔ خویش شادمان میشوید
و می نازید ۳۷ برگرد بسوی ایشان پس هر آینه میآئیم ایشان را البته با لشکرهائی که طاقت مقابله نباشد کسی را با نهای ایشان از لشکر



فَاِنِّىْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ١٢ وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِىْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ
فِىْ تِسْعِ اٰيٰتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ١٣ فَلَمَّا
جَآءَتْهُمْ اٰيٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ١٤ وَجَحَدُوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَآ
اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَّعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ١٥ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا
دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيْرٍ مِّنْ
عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٦ وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوٗدَ وَقَالَ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ
عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَاُوْتِيْنَا مِنْ كُلِّ شَىْءٍ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِيْنُ
١٧ وَحُشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُوْدُهٗ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ١٨
حَتّٰىٓ اِذَآ اَتَوْا عَلٰى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يّٰٓاَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوْا مَسٰكِنَكُمْ
لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُوْدُهٗ وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ١٩ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا
مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِىْٓ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِىْٓ اَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلٰى
وَالِدَىَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَدْخِلْنِىْ بِرَحْمَتِكَ فِىْ عِبَادِكَ
الصّٰلِحِيْنَ ٢٠ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِىَ لَآ اَرَى الْهُدْهُدَ اَمْ كَانَ مِنَ
الْغَآئِبِيْنَ ٢١ لَاُعَذِّبَنَّهٗ عَذَابًا شَدِيْدًا اَوْ لَاَاذْبَحَنَّهٗٓ اَوْ لَيَاْتِيَنِّىْ بِسُلْطٰنٍ
مُّبِيْنٍ ٢٢ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيْدٍ فَقَالَ اَحَطْتُّ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ

سبا بنبا يقين ٢٣ اني وجدت امراة تملكهم واوتيت من كل شيء

ولها عرش عظيم ٢٤ وجدتها وقومها يسجدون للشمس من دون الله

وزين لهم الشيطان اعمالهم فصدهم عن السبيل فهم لا يهتدون ٢٥

الا يسجدوا لله الذي يخرج الخبء في السموات والارض ويعلم ما

تخفون وما تعلنون ٢٦ الله لا اله الا هو رب العرش العظيم ٢٧ قال

سننظر اصدقت ام كنت من الكاذبين ٢٨ اذهب بكتابي هذا فالقه

اليهم ثم تول عنهم فانظر ماذا يرجعون ٢٩ قالت يا ايها الملؤا اني القي

الي كتاب كريم ٣٠ انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم ٣١ الا

تعلوا علي واتوني مسلمين ٣٢ قالت يا ايها الملؤا افتوني في امري

ما كنت قاطعة امرا حتى تشهدون ٣٣ قالوا نحن اولوا قوة واولوا

باس شديد والامر اليك فانظري ماذا تامرين ٣٤ قالت ان الملوك

اذا دخلوا قرية افسدوها وجعلوا اعزة اهلها اذلة وكذلك

يفعلون ٣٥ واني مرسلة اليهم بهدية فناظرة بم يرجع المرسلون

٣٦ فلما جاء سليمان قال اتمدونن بمال فما اتاني الله خير مما اتاكم

بل انتم بهديتكم تفرحون ٣٧ ارجع اليهم فلناتينهم بجنود لا قبل لهم بها

وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ٣٨ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ
يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ٣٩ قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا
آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ٤٠ قَالَ
الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ
فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُ قَالَ هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ
أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ
٤١ قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ
٤٢ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ
مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ٤٣ وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ
إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ ٤٤ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ
حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ ٤٥
قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٦
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ
يَخْتَصِمُونَ ٤٧ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا
تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ٤٨ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ

طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ٤٩ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ
رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ٥٠ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ
لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا
لَصَادِقُونَ ٥١ وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٢
فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ٥٣
فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٥٤ وَ
أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ٥٥ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ
الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ٥٦ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ
النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ٥٧ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا
أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ٥٨ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ
إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ٥٩ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ
الْمُنْذَرِينَ ٦٠ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ آللَّهُ
خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ٦١ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا
شَجَرَهَا أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ٦٢ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا

و هر آینه بیرون میکنیم ایشان را البته از شهر سبا در حالتی که ذلیل شدگان باشند و ایشان خوار شدگان باشند ۳۸ گفت سلیمان ای
اشراف قوم من کدام یک از شما میآورد نزد من تخت بلقیس را پیش از اینکه بیایند مرا در حالتی که منقادین باشند ۳۹ گفت دیو سرکشی بهیاتی
از جن من میآورم تخت بلقیس را از برای تو پیش از اینکه برخیزی از جای نشستن خود و بدرستیکه من بر آن یعنی بر حمل آن تخت هر آینه توانا هستم
و امینم بحفظ آن ۴۰ گفت آنکسی که نزد او هست دانستنی از علم کتب آلهی و اسم اعظم دانستی من میآورم تخت بلقیس را برای تو پیش از آنکه برگردد بسوی تو
چشم خودت پس چون دید سلیمان تخت آن عظمت را قرار گرفته نزد او گفت سلیمان این از فضل و کرم پروردگار من است تا اینکه بیازماید مرا که آیا شکر
میکنم من خدا را یا کفران میکنم و هر که شکر کند پس جز این نیست شکر میکند از برای نفس خودش و هر که کفران کند پس بدرستیکه پروردگار من بی نیاز و کریم
است ۴۱ گفت سلیمان با عیان و اشراف خود تغییر دهید از برای بلقیس تخت او را یعنی تغییر وضع دهید این تخت را ببینیم آیا میشناسد بلقیس تخت خود را
یا میباشد از کسانیکه نمیشناسند و طبعت نمیشوند ۴۲ پس چون آمد بلقیس گفته شد برای او آیا همین است تو گفت بلقیس گویا که آن من همین است و داده شده ایم
ما دانش بر کمال قدرت آلهی از پیش از این معجزه و هستیم ما از فرمان بران ۴۳ و باز داشت بلقیس را آنچه بود که عبادت میکرد از سوای خدا یعنی آفتاب را که می
پرستید بدرستیکه بلقیس پیش از اسلام آوردن بود از قومیکه کافر اند ۴۴ گفته شد از برای بلقیس که داخل شو قصر را یا فضای خانه را پس چون دید فضای خانه را
گمان کرد آنرا دریاچهٔ آبیست و برکشید جامه را از ساق پاهای خود گفت سلیمان فرو گذار جامهٔ خود را بدرستیکه آن قصر صاف ساده و هموار از بلور است ۴۵ گفت
بلقیس ای پروردگار من بدرستیکه من ظلم کردم نفس خودم را و اسلام آوردم با سلیمان از برای خدائیکه پروردگار عالمیانست ۴۶ و هر آینه بتحقیق فرستادیم
ما بسوی قوم ثمود برادر نسبی ایشان صالح را اینکه عبادت کنید خدا را پس آنگاه ایشان دو فرقه شدند که با یکدیگر دشمنی میکردند یکفرقه مؤمن بودند و یکفرقه کافر ۴۷ گفت صالح ای قوم من
چرا شتاب میکنید ببدی پیش از نیکوئی چرا استغفار نمیکنید خدا را یعنی توبه نمیکنید و طلب آمرزش از خدا نمینمائید شاید شما رحم کرده شوید ۴۸ گفتند قوم فال بد زدیم بتو و بهر که با تست

فال بد شما نزد خدا است بلکه شما قومی هستید که آزموده و امتحان میشوید ۴۹ و بودند در شهریکه صالح بود اندر مین معجزه نه نفر از اشراف که رئیس ایشان قدار بن
سالف بود که فساد میکردند در زمین و باصلاح نمیآوردند کار خود را و این نه نفر بودند که ناقهٔ صالح را پی کردند ۵۰ گفتند با یکدیگر در حالتیکه قسم خورده بودند با یکدیگر بخدا
که هر آینه شبیخون میزنیم البته بر صالح و اهل او و او را میکشیم بعد از آن هر آینه میگوئیم از برای ولی او که حاضر نبودیم و مشاهده نکردیم ما موضع هلاک اهل صالح را چه جای اینکه ما
او را کشته باشیم و بدرستیکه ما هر آینه راستگویانیم ۵۱ و مکر کردند مکر کردنی و مکر کردیم ما مکر کردنی یعنی جزای مکر ایشان را دادیم و ایشان نمیدانستند ۵۲ پس ببین ای بیننده چگونه بود
سرانجام مکر کردن ایشان اینکه ما هلاک کردیم ایشان را و قوم ایشان را تماما ۵۳ پس اینست خانهای ایشان که منهدم شد بسبب آنچه ستم کردند بدرستیکه در این هلاک ایشان هر آینه
آیتی است از برای قومی که میدانند ۵۴ و نجات دادیم ما آنان را که ایمان آوردند و بودند که پرهیز میکردند از کفر و معاصی ۵۵ و فرستادیم
لوط بن هرون را چون گفت از برای قومش آیا میآئید برشتی یعنی بعمل لواطه که زشت ترین فواحش است و حال اینکه
شما می بینید بدی و زشتی این کار را و رو بروی یکدیگر مشغول این عمل زشت می شوید ۵۶ آیا بدرستی که شما هر آینه
میآئید بمردان از روی شهوت بجز از زنان که برای شهوت خلق شده اند بلکه شما قومی هستید که جهالت و نادانی میکنید
۵۷ پس نبود جواب قوم لوط مگر اینکه گفتند بیرون کنید آل لوط را از ده خودتان بدرستی که ایشان مردمانی هستند
که منزهند از افعال ما یعنی خود را پاک و ما را پلید میدانند ۵۸ پس نجات دادیم لوط و اهل او را مگر زن
او را که مقدر کرده بودیم او را از باز ماندگان ۵۹ و باراندیم ما بر ایشان بارانی از سنگ پس بد
بارانی بود باران بیم شدگان ۶۰ بگو ستایش مر خدا راست و سلام بر بندگان او آنان که برگزید خدا
ایشان را و نگاه داشت از فواحش و نجات داد از عقوبت آیا خدا بهتر است یا آنچه انباز میگیرند
مشرکان با خدا ۶۱ بلکه بهترند از آنچه کفار می پرستند آن خدائی که بقدرت کاملهٔ خود بیافرید
آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از برای شما از آسمان آب را پس رویانیدیم ما با آن آبها باغهائی که صاحب
خرمی است نبود از برای شما و نرسد شما را اینکه برویانید درختان آن بوستانها را آیا هست خدائی با خدای بحق بلکه ایشان
قومی هستند که میل میکنند از راه حق ۶۲ بهتر است از خدایان باطلهٔ شما آن کسی که گردانید زمین را قرارگاه

وگردانید یعنی قرار داد در میان آن زمین نهرها وگردانید یعنی قرار داد از برای زمین کوههای بلند و قرار داد میانهٔ دو دریای شور و شیرین
حاجب و مانعی آیا خدائی هست با خدای برحق در خلق کردن این چیزها بلکه بیشتر از اهل شرک نمیدانند ۶۳ و بلکه بهتر است از شریکان ناتوان آن کسی که
اجابت کند ناتوان و فرومانده و بیچاره را وقتی که بخواند آن ناتوان خدا را و برمیدارد یعنی میکند خدا از آن فرومانده بدی را و میگرداند شما را جانشین
پیشینیان در زمین آیا خدائی هست با خدای بحق که در این کارها اعانت کند اندکی پند می پذیرند یعنی خدای را اندکی یاد میکنند ۶۴ بلکه بهتر است
از خدایان جامده آنخدائی که راه مینماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا و آنخدائی که میفرستد بادها را مژده دهنده پیش از نزول رحمت او
که بارانست آیا هست خدائی با خدای برحق برتر است خدا از آنچه شریک قرار میدهند کافران ۶۵ بلکه بهتر است از معبودان عاجزه آن کسی که
میآفرید خلق را ابتدا اعاده کند و باز آرد او را در روز قیامت و آن کسی که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین آیا خدائی هست با خدای متعال بگو بیاورید
برهان روشن خود را اگر هستید راستگویان ۶۶ بگو ای محمد نمیدانند هر که در آسمانها و زمین است غیب را مگر خدا و نمیدانند آنانکه در آسمانها و زمینند
۶۷ که در کدام وقت برانگیخته خواهند شد ۶۸ بلکه استحکام یافته است علم ایشان در آخرت بلکه ایشان در شک و تردید هستند در وقوع
آخرت و روز قیامت بلکه ایشان از آخرت نابینایانند ۶۹ و گفتند آنانکه کافر شدند آیا وقتیکه باشیم خاک و پدران ما آیا ما هرآینه بیرون شدگانیم
از قبرها یعنی بعد از مردن در روز قیامت زنده میشویم و از قبر بیرون میآئیم ۷۰ هرآینه بتحقیق وعده داده شدیم ما این بعث را ما و پدران ما از پیش
یعنی پیغمبران سابق هم چنین حرفها را میگفتند نیست این بیانات مگر افسانهای پیشینیان ۷۱ بگو ای محمد سیر کنید در زمین پس ببینید چگونه بود عاقبت
کار گناهکاران ۷۲ و اندوه مخور بر ایشان یعنی از قول و اطوار کفار غمگین مشو و مباش در دلتنگی از آنکه مکر و حیله میکنند ۷۳ و میگویند کفار کی خواهد بود
این وعده عذاب اگر هستید شما راستگویان ۷۴ بگو ای پیغمبر شاید که باشد بحکم خدا که از پی در آید شما را و در عقب شما بیوندد بعضی از آنچه
شتاب میکنید که آن عذاب روز بدر یا قحط است ۷۵ و بدرستیکه پروردگار تو هرآینه صاحب فضل و احسان است بر مردم ولیکن بیشتر ایشان

صفحه دویست و نود و هشتم

شکر نمیکنند ۷۶ و بدرستی که پروردگار تو هرآینه میداند آنچه را که مخفی است در سینه های ایشان و آنچه را که آشکار میکنند ۷۷ و نیست هیچ
پنهانی و پوشیده در آسمان و زمین مگر اینکه در کتاب مبین است یعنی در لوح محفوظ ثبت است ۷۸ بدرستی که این قرآن میخواند یعنی بیان میکند
بر اولاد یعقوب بیشتر چیزی که ایشان در آن اختلاف میکنند ۷۹ و بدرستی که آن قرآن هرآینه راه نما و
رحمت است از برای مؤمنین ۸۰ بدرستیکه پروردگار تو حکم میکند میانه ایشان یعنی بنی اسرائیل بحکم خود
براستی و اوست غالب دانا ۸۱ پس توکل کن بر خدا بدرستیکه تو بر حقی بر روشنی و راستی ۸۲ بدرستیکه
تو نمی شنوانی مردگان را و نمی شنوانی کران را خواندن و آواز دادن در حالتیکه آن هنگام برگردند و پشت
کنند ۸۳ و نیستی تو راه نمای کوران از گمراهی ایشان نمی شنوانی مگر کسی را که ایمان میآورد بآیات ما پس
ایشان گروندگانند ۸۴ و چون واقع شود قول بر کفار یعنی وعدهٔ عذاب نزدیک شود بیرون آوریم بر ایشان
دابه را از زمین که تکلم کند آن دابه با ایشان بزبان عربی فصیح اینکه مردم بودند که بآیات و معجزات ما یقین نداشتند
و معتقد نمی شدند ۸۵ و یاد کن روزی که حشر کنیم از هر امتی گروهی را از اشراف از آنهائی که تکذیب کرده
باشند بآیات ما پس ایشان باز داشته شوند تا اراذل قوم بدیشان برسند و یک دفعه بجهنم داخل شوند ۸۶ تا وقتی که
بیایند بموقف حساب گوید خدا با ایشان آیا تکذیب کردید شما بآیات من و احاطه نکردید شما بآن آیات از روی علم و دانش
یا از چه چیز بود که شما میکردید ۸۷ و واقع شود قول یعنی رسید عذاب بر ایشان بسبب آنچه ظلم کردند و از حق در گذشتند پس ایشان
سخن نگویند ۸۸ آیا نمی بینند اینکه ما قرار دادیم شب را تا اینکه آرام بگیرند در آن و گردانیدیم روز را روشن بدرستیکه در این خلق شب و روز هرآینه
آیاتی است از برای قومیکه ایمان میآورند ۸۹ و روزی که دمیده میشود در صور پس بترسد از هول هر که در آسمانها و هر که در زمین است مگر هر که را خواهد خدا
که آنها شهیدانند که از فزع روز قیامت معافند و تمام مردم آیند کانند بموقف حساب در حالتی که خوار شدگان باشند ۹۰ و می بینی کوهها را گمان کنی
آنها را بر جای خود ایستاده و حال اینکه آن کوهها میروند و میگذرند مثل رفتن ابر بفعل آورد خدای آنچنانی که محکم کرد و منظم ساخت هر

هر چیز برا بدرستیکه او آگاه است بآنچه میکنید ۹۱ هر که بیاید به نیکوئی یعنی عمل نیک کند پس جزای آن عمل نیک از برای او بهتر است از آن عمل نیکی که کرده است و ایشان از هول و ترس آن روز ایمنند ۹۲ و هر که بیاورد بدی را که آن شرکست پس سرنگون شوند رویهای ایشان در آتش جهنم جزا داده نمیشوید مگر آنچه را که هستید که عمل میکنید ۹۳ جز این نیست که امر کرده شدم اینکه عبادت کنم خداوند این شهر را آنچنان خدا اینکه حرام گردانید آنرا از هر چه مستلزم هتک حرمتست مثل مقاتله و قلع اشجار و صید و از برای خداست هر چیزی و امر کرده شدم اینکه باشم از مسلمین ۹۴ و امر کرده شدم اینکه بخوانم قرآنرا پس هر که راه بیابد پس جز این نیست که راه می یابد از برای نفس خودش و هر که گمراه شود پس بگو جز این نیست که من از ترسانندگانم ۹۵ و بگو ای محمد حمد از برای خداست زود باشد که بنماید شما را آیات خود را پس میشناسید آنها را و نیست پروردگار تو غافل از آنچه می کنید

سوره قصص مشتمل بر هشتاد و هشت آیه و در مکه معظمه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

طسم اینست آیتهای کتاب روشن ۲ میخوانیم بر تو از خبر موسی و فرعون براستی از برای قومی که میگروند ۳ بدرستیکه فرعون برتری جست در زمین و گردانید اهل زمین مصر را گروه گروه متفرقه ضعیف و ناتوان میساخت طایفه از ایشانرا یعنی بنی اسرائیل را که میکشت پسرهای ایشانرا و باقی و زنده میگذاشت زنان ایشان را بدرستی که او یعنی فرعون بود از تباه کاران ۴ و میخواستیم که منت بگذاریم برکسانیکه ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیم ایشان را پیشوایان و بگردانیم ایشان را وارثان اموال و امتعه فرعونیان ۵ و تمکن و قوت دهیم ایشان را در زمین شام و بنمائیم فرعون و هامان و لشکرهای ایشانرا از بنی اسرائیل آنچه را که بودند که حذر میکردند از زوال ملک و هلاک ایشان ۶ و وحی کردیم بسوی مادر موسی اینکه شیر بده او را پس چون بترسی بر او پس بیفکن او را در دریا و مترس

صفحه سیصد

و محزون مباش بدرستی که ما باز گرداننده ایم بسوی تو و گرداننده ایم موسی را از پیغمبران ۷ پس فرا گرفتند موسی را اهل و کسان فرعون تا اینکه باشد از برای ایشان دشمن و اندوهی بدرستیکه فرعون و هامان و لشکرهای ایشان بودند خطا کاران ۸ و گفت آسیه زن فرعون روشنی چشم است از برای من و از برای تو مکشید او را شاید نفع بدهد ما را یا فرا گیریم او را و لدی یعنی فرزند خود قرار بدهیم چه صلاحیت دارد که فرزند ملوک باشد و ایشان شعور نداشتند و نمیدانستند که او دشمن ایشانست ۹ پس گشت دل مادر موسی خالی از خوف یعنی بعد از اینکه شنید که موسی را آسیه زن فرعون که عمه موسی بود از آب گرفته است و فرعون او را بفرزندی اختیار کرده است دل او آرام گرفت و آسوده شد بدرستیکه نزدیک بود اینکه از غایت خوشحالی آشکار کند مادر موسی فرزندی او را از برای خودش اگر نبود اینکه ما بند نهادیم بر دل او و محکم کردیم او را بتوفیق صبر و ثبات تا اینکه باشد از مؤمنین یعنی از باورآورندگان و عده ما هر آینه ظاهر گردانیدی سر پسر خود را ۱۰ و گفت مادر موسی از برای خواهر موسی کلثوم که از پی برادرت برو پس دید کلثوم برادر خود را که در پهلوی آسیه است و ایشان نمیدانستند که او خواهر موسی است ۱۱ و حرام کردیم ما بر موسی شیردهندگانرا از پیش یعنی پیش از آمدن خواهر موسی پس گفت خواهر موسی آیا دلالت و راهنمائی کنم شما را بر اهل خانه که از روی شفقت تربیت نمایند این کودک را از برای شما و ایشان مر او را نیکخواهان باشند ۱۲ پس برگردانیدیم ما موسی را بسوی مادرش تا روشن شود چشم او بدیدن پسرش و غمگین نباشد و تا اینکه بداند اینکه بدرستیکه وعده خدا راست است و لیکن بیشتر از مردم نمیدانند ۱۳ و چون رسید موسی بغایت قوت و راست شد قد او که دهیم او را دادیم ما او را نبوت و دانش و همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را ۱۴ و داخل شد موسی شهر مصر را بر هنگام غفلتی که واقع بود بر اهل مصر یعنی در میان خفتن که در آن وقت هر کس بهم خویش گرفتار بود پس یافت موسی در آن شهر دو مرد که مقاتله میکردند یکی از ایشان دو نفر از پیروان موسی بود و یکی از پیروان فرعون و دشمن موسی بود پس فریاد خواست موسی را آنکس که از پیروان موسی بود و بر آن کسی که از دشمنان او بود پس مشت زد او را موسی پس حقتعالی حکم موت او فرمود و گذشت حکم خدا بر او یعنی مرد آن مرد قبطی گفت موسی این از عمل شیطانست بدرستیکه او دشمن گمراه کننده آشکار است ۱۵ گفت موسی ای پروردگار من بدرستیکه من ظلم کردم بنفس خودم را پس بیامرز مرا پس آمرزید خدا او را بدرستیکه خدا اوست آمرزنده مهربان ۱۶ گفت موسی ای پروردگار من بآنچه انعام کردی

صفحهٔ سیصد و یکم

بر من از کمال قوت که آنمرد را بیک مشت زدن کشتم پس هرگز نباشم من مددکار از برای گناهان ۱۷ پس بامداد کرد موسی در شهر مصر در حالتی که
ترسنده و منتظر بود که مردم او را بقصاص طلب کنند پس در آنهنگام آن کسی که طلب نصرت از او کرده بود دیروز طلب فریادرسی میکرد
موسی را گفت از برای او موسی بدرستیکه تو هر آینه گمراه آشکاری که دیروز برای خلاصی تو یکنفر را کشته ام باز امروز طلب فریاد
رسی میکنی ۱۸ پس چون آن هنگام اراده کرد موسی اینکه بگیرد آن کسی را که او دشمن بود از برای موسی و بنی اسرائیل گفت آنشخص قبطی ای
موسی آیا اراده داری اینکه بکشی مرا همچنانکه کشتی یکنفر را دیروز نمیخواهی مگر اینکه باشی جبر کننده در زمین و نمیخواهی اینکه باشی از اصلاح
کنندگان موسی بعد از شنیدن اینسخن دست از حمایت سبطی باز داشت و سکوت کرد شخص قبطی از سکوت موسی یقین کرد که مقتول دیروز را
موسی کشته است رفت فرعون را خبر کرد فرعون با رجال و معتبرین قوم خود مشورت نمود قرار بر قتل موسی عوض مقتول روز قبل که شخص خبازی
گذشته شد ۱۹ و آمد مردی یعنی حزقیل پسر عموی موسی از راه دور از یکطرف شهر که مقر فرعون بود که سعی میکرد در آمدن تا رسید بموسی گفت ای موسی بدرستی
که بزرگان قوم مشورت کردند در باب تو اینکه بکشند ترا پس بیرون برو از شهر مصر بدرستیکه من از برای تو از جمله نصیحت کنندگانم ۲۰ پس
بیرون رفت موسی از شهر مصر در حالتی که ترسنده و منتظر گرفتاری بود گفت موسی ای پروردگار من نجات بده مرا از قوم ظلم کنندگان ۲۱
و چون روی آورد موسی بطرف مدین گفت شاید پروردگار من اینکه راه نماید مرا براه راست ۲۲ و چون وارد شد و رسید بآب مدین یافت بر آن آب جمعی از مردم
را که آب میدهند مواشی خود را ۲۳ و یافت موسی از پائین تر از آنجمعیت دو زن که منع میکردند آندو زن گوسفندان خود را از آب خوردن گفت موسی با ایشان
چیست کار شما گفتند آب نمیدهیم ما گوسفندان خود را تا برگردانند شبانان گوسفندان خود را آنوقت از بقیه و باز مانده آب ایشان ما گوسفندان خود را آب میدهیم
زیرا که مرد کاری نداریم و پدر ما پیر سالخورده است ۲۴ پس آب کشید موسی از چاه از برای آندو دختر و آب داد گوسفندان ایشانرا بعد برگشت بسوی سایه درختی پس گفت
ای پروردگار من بدرستی که من از برای آنچه بفرستی بسوی من از نیکوئی و خیریت محتاجم ۲۵ پس آمد موسی را یکی از آن دختر ها که راه میرفت بطور شرم و حیا و گفت ای موسی
بدرستیکه پدر من میخواند ترا تا اینکه مژده دهد ترا با پاداش آب دادن تو گوسفندان ما را پس چون آمد موسی نزد شعیب و خواند بر او حکایت فرار خود را از مصر گفت شعیب
مترس نجات یافتی تو از گروه ستمکاران ۲۶ گفت یکی از آندو دختر ای پدر من اجیر کن موسی را بدرستیکه بهتر کسی که اجیر کنی او را توانای امین است ۲۷

صفحهٔ سیصد و دوم

گفت شعیب موسی بدرستیکه من میخواهم اینکه بزنی بدهم ترا یکی از این دو دختر خود را که حاضرند برا اینکه اجیر شوی مرا هشت سال پس اگر تمام کنی ده سال را
پس از نزد تست یعنی آن ده سال از اختیار با خود تست و نمیخواهم اینکه مشقت نهم بر تو زود باشد که بیابی مرا اگر خواهد خدا از شایستگان ۲۸ گفت موسی این شرط میان
من است و میان تو هر کدام از این دو مدت که هشت سال و ده سال است بگذارم و با تمام رسانم پس نیست تعدی بر من و خدا بر آنچه میگوئیم وکیل است ۲۹
پس چون گذراند موسی مدت مقرر خود را که ده سال بود و برد اهل و عیال خود را بسوی مصر دید از جانب کوه طور آتشی را گفت موسی مر اهل خود را
که مکث و درنگ کنید بدرستیکه من دیدم آتشی را شاید بیاورم شما را از آن آتش خبری یا بیاورم پارهٔ از آتش را شاید شما گرم
شوید ۳۰ پس چون آمد موسی نزدیک آن آتش ندا کرده شد یعنی ندا بموسی رسید از رودی که واقع بود در وادی طرف راست
او در جائی که برکت داده شده است از درخت زیتون یا درخت عناب اینکه ای موسی بدرستیکه من منم خدا که پروردگار عالمیانم ۳۱ و اینکه
بینداز عصای خودت را انداخت موسی عصا را پس چون دید موسی آن عصا را حرکت میکند در غایت سرعت که گویا آن تیر ماری است که
با سرعت باطراف حرکت مینماید برگشت موسی در حالتی که پشت کننده بود و برنگشت بسوی آن درخت ندا شنید که ای موسی رو بیاور و پیش آی
و مترس بدرستیکه تو از امان یافتگانی ۳۲ در آور دست خودت را اندر گریبان خود بیرون بیاید سفید درخشنده از غیر بدی یعنی سفیدی است تو
از روی ناخوشی برص و امثال آن نیست و جمع کن بسوی خود بال خود را از ترس پس این دو تا که مار شدن عصا و ید بیضا است دو علامت
از جانب پروردگار تو بسوی فرعون و اعیان قوم فرعون بدرستیکه ایشان بودند قومی بدکاران ۳۳ گفت موسی ای پروردگار
من بدرستی که من کشتم از قوم فرعون نفسی را پس میترسم اینکه بکشند مرا ۳۴ و برادر من هرون فصیح تر است از من از حیثیت
زبان آوری و تقریر پس بفرست او را با من مددکار که تصدیق کند مرا بدرستیکه من میترسم از اینکه تکذیب کنند مرا ۳۵
گفت خدا زود باشد که محکم کنیم بازوی ترا بسبب برادرت هرون و قرار بدهیم از برای شما دو نفر سلطنتی پس نمیرسند بشما

بسوی شما

وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ
حَاجِزًا ءَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٦٣ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ
إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ءَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ
قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ٦٤ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ
الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ءَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٦٥
أَمَّنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
ءَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٦٦ قُلْ لَا يَعْلَمُ
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ
بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ٦٨
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا ءَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَإِنَّا لَمُخْرَجُونَ ٧٠ لَقَدْ
وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ٧١
قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ٧٢ وَلَا
تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ٧٣ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ
هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٧٤ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ
الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ٧٥ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

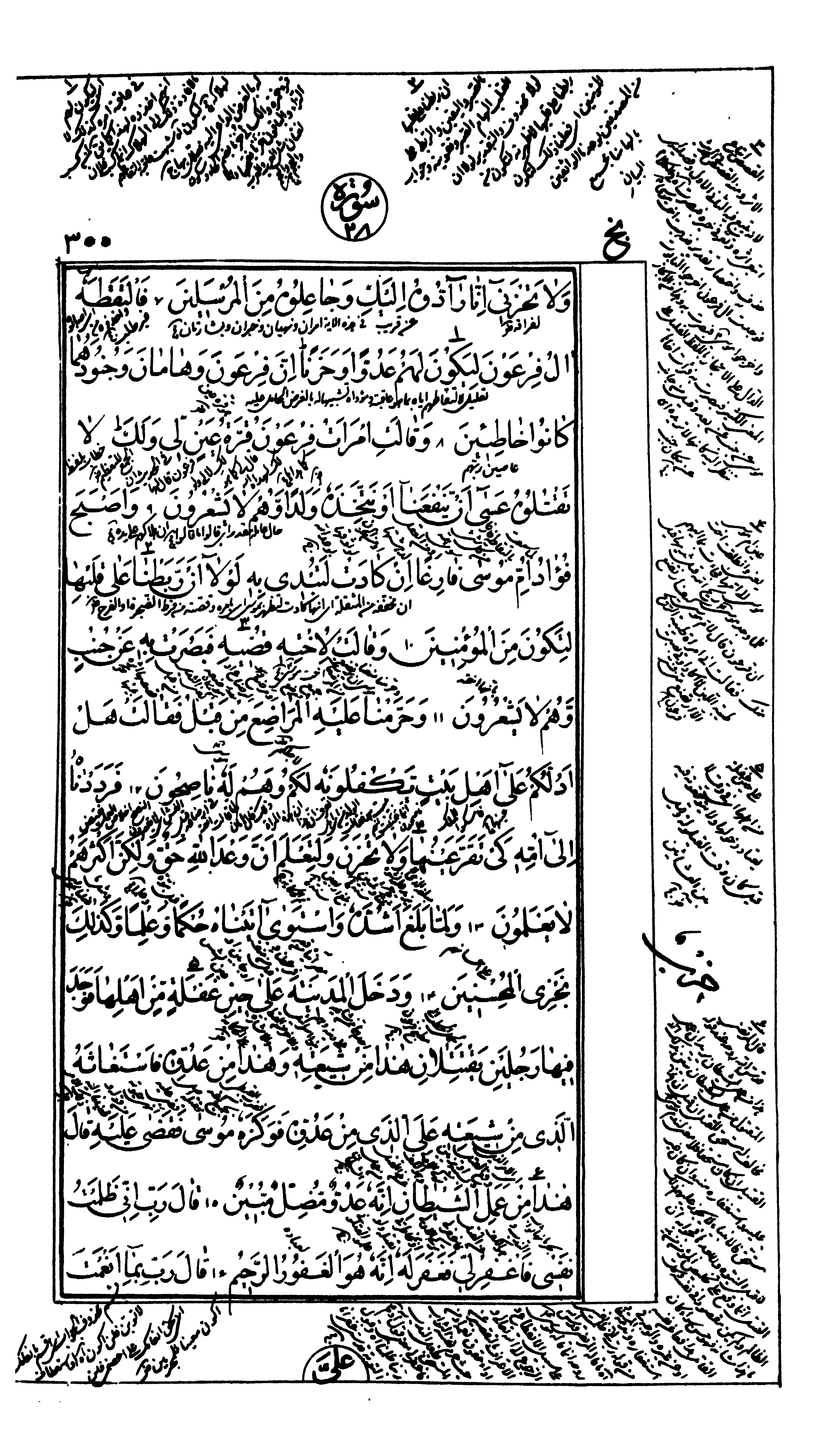
لا يشكرون ٧٦ وإن ربك ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون ٧٧
وما من غائبة في السماء والأرض إلا في كتاب مبين ٧٨ إن هذا
القرآن يقص على بني إسرآءيل أكثر الذي هم فيه يختلفون ٧٩ وإنه
لهدى ورحمة للمؤمنين ٨٠ إن ربك يقضي بينهم بحكمه وهو العزيز
العليم ٨١ فتوكل على الله إنك على الحق المبين ٨٢ إنك لا تسمع
الموتى ولا تسمع الصم الدعاء إذا ولوا مدبرين ٨٣ وما أنت بهادي
العمي عن ضلالتهم إن تسمع إلا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون ٨٤
وإذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم أن
الناس كانوا بآياتنا لا يوقنون ٨٥ ويوم نحشر من كل أمة فوجا ممن
يكذب بآياتنا فهم يوزعون ٨٦ حتى إذا جاءو قال أكذبتم بآياتي ولم تحيطوا
بها علما أماذا كنتم تعملون ٨٧ ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا
ينطقون ٨٨ ألم يروا أنا جعلنا الليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرا
إن في ذلك لآيات لقوم يؤمنون ٨٩ ويوم ينفخ في الصور ففزع من
في السموات ومن في الأرض إلا من شاء الله وكل أتوه داخرين ٩٠ و
ترى الجبال تحسبها جامدة وهي تمر مر السحاب صنع الله الذي أتقن

كُلَّ شَىْءٍ اِنَّهٗ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَفْعَلُوْنَ ۹۱ مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ
مِّنْ فَزَعٍ يَّوْمَئِذٍ اٰمِنُوْنَ ۹۲ وَمَنْ جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوْهُهُمْ فِى
النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۹۳ اِنَّمَآ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ رَبَّ
هٰذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِىْ حَرَّمَهَا وَلَهٗ كُلُّ شَىْءٍ وَّاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ
۹۴ وَاَنْ اَتْلُوَا الْقُرْاٰنَ فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِىْ لِنَفْسِهٖ وَمَنْ ضَلَّ
فَقُلْ اِنَّمَآ اَنَا مِنَ الْمُنْذِرِيْنَ ۹۵ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ سَيُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ فَتَعْرِفُوْنَهَا
وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ

سُوْرَةُ الْقَصَصِ مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

طٰسٓمٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ۲ نَتْلُوْا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَاِ مُوْسٰى وَ
فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ۳ اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِى الْاَرْضِ وَجَعَلَ
اَهْلَهَا شِيَعًا يَّسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ اَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْىٖ نِسَآءَهُمْ
اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِيْنَ ۴ وَنُرِيْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا فِى
الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَّنَجْعَلَهُمُ الْوٰرِثِيْنَ ۵ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِى الْاَرْضِ وَ
نُرِىَ فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَجُنُوْدَهُمَا مِنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَحْذَرُوْنَ ۶ وَاَوْحَيْنَآ
اِلٰٓى اُمِّ مُوْسٰٓى اَنْ اَرْضِعِيْهِ فَاِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَاَلْقِيْهِ فِى الْيَمِّ وَلَا تَخَافِىْ



ولا تحزني إنا رادوه إليك وجاعلوه من المرسلين ٧ فالتقطه
آل فرعون ليكون لهم عدوا وحزنا إن فرعون وهامان وجنودهما
كانوا خاطئين ٨ وقالت امرأت فرعون قرت عين لي ولك لا
تقتلوه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدا وهم لا يشعرون ٩ وأصبح
فؤاد أم موسى فارغا إن كادت لتبدي به لولا أن ربطنا على قلبها
لتكون من المؤمنين ١٠ وقالت لأخته قصيه فبصرت به عن جنب
وهم لا يشعرون ١١ وحرمنا عليه المراضع من قبل فقالت هل
أدلكم على أهل بيت يكفلونه لكم وهم له ناصحون ١٢ فرددناه
إلى أمه كي تقر عينها ولا تحزن ولتعلم أن وعد الله حق ولكن أكثرهم
لا يعلمون ١٣ ولما بلغ أشده واستوى آتيناه حكما وعلما وكذلك
نجزي المحسنين ١٤ ودخل المدينة على حين غفلة من أهلها فوجد
فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته وهذا من عدوه فاستغاثه
الذي من شيعته على الذي من عدوه فوكزه موسى فقضى عليه قال
هذا من عمل الشيطان إنه عدو مضل مبين ١٥ قال رب إني ظلمت
نفسي فاغفر لي فغفر له إنه هو الغفور الرحيم ١٦ قال رب بما أنعمت

بسوی شما یعنی تاب مقاومت با شما ندارند بسبب معجزات ما که بشما عنایت کرده ایم شما و هر که متابعت شما کند غلبه کنندگانید ۳۶
پس چون آورد موسی فرعون و قوم او را آیات و معجزات روشن ما را گفتند نیست این آیات مگر سحری که بر بافته شده است و نشنیدیم
مثل این سحر در زمان پدران پیشینیان خودمان ۳۷ و گفت موسی پروردگار من داناتر است بآنکه آمد براه نمودن و هدایت کردن
از جانب خدا و هر که باشد از برای او انجام خانهٔ آخرت بدرستی که رستگار نمیشوند ستمکاران ۳۸ و گفت فرعون ای بزرگان قوم من نمیدانم
من از برای شما هیچ خدائی غیر خودم پس برافروز برای من آتشی ای هامان بر گل تا پخته شود و آجر شود پس بگردان از برای من کوشکی بلند که بر بام
آن بالا روم شاید من مطلع شوم بخدای موسی و بدرستیکه من هر آینه گمان میکنم موسی را از دروغگویان ۳۹ و سرکشی
کرد فرعون و لشکر او در زمین بغیر حق و گمان کردند که ایشان بسوی ما برنمیگردند ۴۰ پس گرفتیم ما او را و لشکر او را پس افکندیم
ما ایشان را در دریا پس ببین چگونه بود آخر کار ظلم کنندگان ۴۱ و گردانیدیم ما ایشان را پیشوایانی که میخوانند مردمان را بعذاب ایشان را بسوی
آتش جهنم و روز قیامت یاری داده نمیشوند یعنی احدی بفریاد ایشان نرسد ۴۲ و از پی در آوردیم ایشان را در این دنیا لعنت را و در روز
قیامت ایشان از جملهٔ زشت رویانند ۴۳ و هر آینه بتحقیق دادیم موسی تورات را از بعد از آنکه هلاک کردیم اهل قرنهای پیشین را
از نوح و هود و صالح در حالتی که حجتها و برهانهای روشن بودند از برای مردم و راهنما و رحمت بودند پند بگیرند ۴۴ و نبودی
تو ای محمد بطرف غربی طور که میقات موسی است هنگامی که گذاردیم ما بسوی موسی وحی را و یا امری را و نبودی تو از
حاضران یعنی در آن هنگام ۴۵ و لیکن ما آفریدیم قرنهای بسیار پس دراز شد بر ایشان زندگانی و نبودی تو مقیم در اهل مدین
که بخوانی بر ایشان آیات ما را و لیکن ما بودیم و هستیم فرستنده و خبر کننده تو را از این قصه‌ها ۴۶ و نبودی تو بطرف کوه طور وقتی که

صفحهٔ پانصد چهارم

ندا کردیم ما موسی را و لیکن خبر دادیم تو را از جهت آمرزش و بخشش که واقع است بتو از جانب پروردگار خودت تا اینکه بترسانی
قومی را که نیامد ایشان را هیچ ترساننده پیش از تو یعنی در ایام فترت بعد از عیسی شاید ایشان پند بگیرند ۴۷ و اگر نه آن
بودی که رسیدی بدیشان عقوبتی بآنچه پیش فرستاده دستهای پس میگفتند ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما رسولی
پس پیروی کنیم آیات تو را و باشیم از گروندگان ۴۸ پس چون آمد ایشان را احکام و سخنان راست از نزد ما گفتند
چرا داده نشد مثل آنچه داده شد موسی را آیا کافر نشدند بآنچه داده شد بموسی از پیش گفتند قبطیان که خداوند سحرند
موسی و هرون که هم پشت شدند در بروز خارق عادات و گفتند بدرستی که ما بهمهٔ آیات موسی کافرانیم ۴۹ بگو ای محمد پس بیاورید
کتابی از نزد خدا که آن کتاب راه نماتر باشد از دو کتاب که تورات موسی و قرآن من است اگر آورید کتابی متابعت کنم
آن را اگر هستید راستگویان ۵۰ پس اگر اجابت نکنند تو را و کتاب نیاورند پس بدان جز این نیست که متابعت می
کنند خواهشهای خود را و کیست گمراه تر از کسی که متابعت کند خواهش خود را بجز راهنمائی از جانب خدا بدرستیکه
خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را ۵۱ و هر آینه بتحقیق پیوند و اتصال دادیم ما برای ایشان سخن را یعنی پیوسته
فرستادیم قرآن را شاید ایشان پند بگیرند ۵۲ آن کسانی که دادیم بایشان تورات یا انجیل را از پیش از قرآن ایشان
بقرآن میگروند مراد از گروندگان ترسایانند که چهل نفر آمدند مسلمان شدند ۵۳ و هنگامیکه خوانده شود قرآن بر ایشان گویند
ایمان آوردیم بقرآن بدرستیکه آن قرآن راست است و از جانب پروردگار ما است بدرستی که ما بودیم پیش از نزول یا پیش از تلاوت
آن گروندگان ۵۴ آن گروهند که داده میشود مزد شان دو دفعه بسبب آنچه صبر کردند و دفع میکنند بکلمات نیکو کلمات بد را که
قائل شدند بکفر و از آنچه روزی دادیم ما ایشان را انفاق میکنند ۵۵ و اگر بشنوند سخنان لغو بی معنی را اعراض میکنند از آن
و گویند از برای ما است عملهای ما و از برای شما است عملهای شما و گویند سلامتی است از ما بر شما یعنی ما در مقابل سخنان لغو شما
سخن لغو نگوئیم نمی طلبیم صحبت جاهلان را ۵۶ بدرستیکه تو ای محمد قادر نیستی که راهنمائی کنی کسی را که دوست میداری و لیکن
خدا راه مینماید هر که را میخواهد و او داناتر است براه یافتگان یعنی بکسانی که استعداد دارند که بشرف ایمان برسند ۵۷

صفحهٔ سیصد پنجم

وگفتند بعضی از کفار اگر متابعت و پیروی کنیم براه راست با تو ربوده شویم ما و بیرون برند ما را از زمین و مسکن ما یعنی اعراب ما را
از زمین خود مان بیرون کنند آیا جا ندادیم ما و قرارگاه معین نکردیم از برای ایشان حرمی که ایمنی است در آن حرم یعنی مکه که هیچکس
دست با ایشان ندارد بجهت حرمت خانه مکه کشیده میشود بسوی آن حرم میوه ها و ملبوسات و امتعه از هر چیزی روزی از جانب ما
ولیکن بیشتر از کفار نمیدانند ۵۸ و چه بسیار هلاک کردیم ما اهل دهی که حال ایشان مانند حال شما بود که بسیار خوشحال بودند از معیشت
و زندگانی خود شان و بواسطهٔ کثرت نعمت شادی ایشان زیاد شده یاغی و طاغی شدند و ما آن یاغیان را هلاک کردیم و در هم شکستیم
بلاد ایشان را و خراب کردیم پس اینست محل سکنای ایشان که مسکون نشد بعد از ایشان مگر کمی که از راه گذران از آنجاها عبور کنند یعنی
و روزی در آنجاها بمانند و هستیم ما میراث گیرندگان ۵۹ و نبود پروردگار تو هلاک کننده اهل دهها تا اینکه برانگیزد در اصل آنها
در شهرهای معظم پیغمبری که بخواند بر ایشان آیات ما را و نبودیم ما هلاک کننده اهل دهات مگر در حالیکه اهل آن دهات ستمکاران باشند ۶۰ و آنچه داده شدید شما
از هر چیز پس متاع زندگانی دنیاست و زینت دنیاست و آنچه نزد خداست بهتر است ابقاء ثباتش بیشتر است آیا پس تعقل نمیکنید و درنمی یابید ۶۱ آیا
پس آن کسی که وعده داده ایم ما او را در آخرت وعده نیکو که در ازای عبادت و اطاعت او بهشت وعده کرده ایم پس او دریابنده است آن وعدهٔ نیکوی ما را
مثل کسی که برخورداری دادیم ما او را بمتاع زندگانی دنیا پس او در روز قیامت از حاضر شدگانست برای حساب و عقاب و عذاب ۶۲ و روزیکه ندا کند یعنی بخواند
خدا ایشان را برای عذاب پس میگوید کجایند شریکان من آنانکه بودید که گمان میبردید که آنها شریکان منند ۶۳ گویند آنکسانیکه واجب شده باشد بر ایشان کلمهٔ
عذاب که ایشان رؤسای اهل ضلال هستند ای پروردگار این گروهند یعنی ضعفا و اتباع ما آنانند که گمراه کردیم ما ایشان را همچنانکه گمراه بودیم ما یعنی مجرد دعوت
ما خودشان باختیار خود گمراه شدند و بضلالت تابع ما شدند و قطع نظر از ادلهٔ عقلیه و نصایح رسولان نمودند تبرا کردیم ما بسوی تو از ایشان و از آنچه باختیار خود
کردند از کفر و طغیان نبودند ایشان که ما را از روی واقع بپرستند بلکه پرستش هواهای باطلهٔ خود را مینمودند ۶۴ و گفته شود بکافران که بخوانید شریکان خود را
پس بخوانند ایشان را پس اجابت نکنند مر ایشان را و ببینند تابعان و متبوعان عذاب را اگر اینکه ایشان بودند که راه می یافتند بوجهی از وجوه و بهر حیلهٔ که توانستندی
دفع عذاب از خود مینمودند ۶۵ و یاد کن ای محمد روز یرا که ندا کند خدا اهل تکذیب را پس گوید بدیشان بطریق توبیخ و سرزنش چه جواب دادید پیغمبران را ۶۶ و پس پوشیده
بر ایشان خبرها یعنی از هول و هیبت عذاب در آن روز ندانند چه بگویند پس ایشان نپرسند از یکدیگر که چه باید گفت یعنی همه سائل و مسئول از وحشت و دهشت فرومانده باشند
۶۷ پس اما کسی که توبه کرد و ایمان آورد و عمل نیک نمود پس زود است اینکه باشد از رستگاران ۶۸ و پروردگار تو خلق میکند هر چه میخواهد و اختیار میکند برای رسالت هر کرا میخواهد

صفحهٔ سیصد ششم

نیست و نباشد مر کافران را اختیاری که برای نبوت کسی را برگزینند پاکست خدا و برتر است از آنچه شرک بدو میآورند ۶۹ و پروردگار تو میداند آنچه را که مخفی
میکند سینه های ایشان و آنچه را آشکار میکنند ۷۰ و اوست خدا و نیست خدائی مگر او و از برای خداست حمد در این دنیا و آن دنیا و از برای اوست حکم
و بسوی او یعنی جزای او باز گردیده خواهند شد ۷۱ بگو ای محمد آیا دیدید شما اگر بگرداند خدا بر شما شب را همیشه تا روز قیامت کیست خدائی غیر از خدای
واحد مهربان که بیاورد برای شما روشنی آیا پس نمی شنوید موعظه را که از این قدرت بوحدانیت معترف شوید ۷۲ بگو ای پیغمبر آیا می بینید اگر بگرداند
خدا بر شما روز را همیشه تا روز قیامت کیست خدائی غیر از خدای واحد که بیاورد برای شما شب را که آرام بگیرید در آن آیا پس نمی بینید ۷۳ و از جمله
رحمتهای الهی اینست که گردانیده است از برای شما شب و روز را تا اینکه آرام بگیرید در شب و یا اینکه بجوئید انواع مکاسب را در روز از فضل
و کرم خودش و شاید شما شکر کنید ۷۴ و روزی که ندا کند خدا کافران را پس میگوید کجایند شریکان من آنانکه بودید شما که گمان میکردید که شریکان
منند ۷۵ و بیرون آوردیم از گروهی گواهی پس گوئیم بیاورید حجت و دلیل خود تان را پس بدانند اینکه حق مر خدا راست و گم شد از ایشان آنچه را که بودند
افترا میکردند ۷۶ بدرستیکه قارون بود از قوم موسی یا عموی موسی بود پس ستم کرد و افزونی جست و تکبر نمود بر قوم موسی و دادیم ما او را از گنجها آنمقدار که بتحقیق کلیدهای آن
هر آئینه رنج میآورد بجداوند توانائی که صاحب قوة هستند که ایشان چهل نفر بودند که حامل کلیدهای گنج قارون بودند وقتیکه گفتند از برای قارون قوم او یعنی خویشان او از راه نصیحت
گفتند شادی مکن بمال دنیا بدرستیکه خدا دوست نمیدارد شادی کنندگان را ۷۷ و بجوی بدست آور آنچه عطا کرده است ترا خدا از مال دنیا خانهٔ آخرت را و فراموش مکن بهرهٔ خود ترا از
دنیا که بجز کفنی نخواهی برد و نیکوئی کن همچنانکه نیکوئی کرد خدا بسوی تو و مجوی فساد را در زمین بدرستیکه خدا دوست نمیدارد مفسدان را ۷۸ گفت قارون جز این نیست که داده شده ام من این مال را
در حالیکه بر دانشی هستم که نزد منست یعنی علم توراة یا علم تجارت و دهقانی یا علم کیمیا یا اطلاع بر گنجهای یوسف صدیق آیا ندانست قارون اینکه خدا بتحقیق

عَلَىَّ فَلَنْ اَكُوْنَ ظَهِيْرًا لِّلْمُجْرِمِيْنَ ١٧ فَاَصْبَحَ فِى الْمَدِيْنَةِ خَآئِفًا يَّتَرَقَّبُ

فَاِذَا الَّذِى اسْتَنْصَرَهٗ بِالْاَمْسِ يَسْتَصْرِخُهٗ قَالَ لَهٗ مُوْسٰٓى اِنَّكَ لَغَوِىٌّ

مُّبِيْنٌ ١٨ فَلَمَّآ اَنْ اَرَادَ اَنْ يَّبْطِشَ بِالَّذِىْ هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يٰمُوْسٰٓى

اَتُرِيْدُ اَنْ تَقْتُلَنِىْ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْاَمْسِ اِنْ تُرِيْدُ اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ جَبَّارًا

فِى الْاَرْضِ وَمَا تُرِيْدُ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْمُصْلِحِيْنَ ١٩ وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ اَقْصَا

الْمَدِيْنَةِ يَسْعٰى قَالَ يٰمُوْسٰٓى اِنَّ الْمَلَاَ يَاْتَمِرُوْنَ بِكَ لِيَقْتُلُوْكَ فَاخْرُجْ

اِنِّىْ لَكَ مِنَ النّٰصِحِيْنَ ٢٠ فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَّتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِىْ مِنَ الْقَوْ

مِ الظّٰلِمِيْنَ ٢١ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسٰى رَبِّىْٓ اَنْ يَّهْدِيَنِىْ سَوَآءَ

السَّبِيْلِ ٢٢ وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُوْنَ

وَوَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمُ امْرَاَتَيْنِ تَذُوْدٰنِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِىْ حَتّٰى

يُصْدِرَ الرِّعَآءُ وَاَبُوْنَا شَيْخٌ كَبِيْرٌ ٢٣ فَسَقٰى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلّٰٓى اِلَى الظِّلِّ فَقَالَ

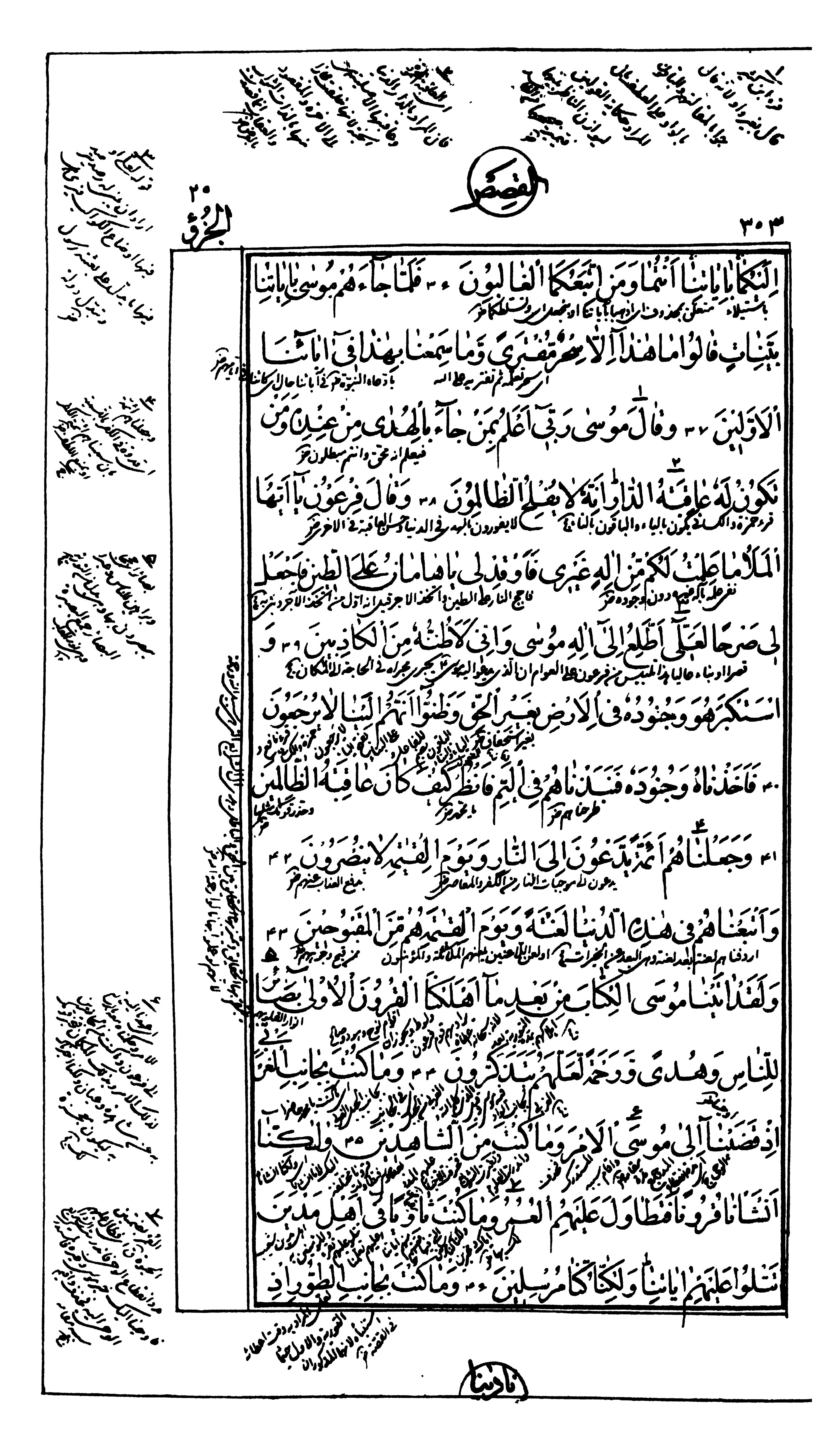
رَبِّ اِنِّىْ لِمَآ اَنْزَلْتَ اِلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرٌ ٢٤ فَجَآءَتْهُ اِحْدٰىهُمَا تَمْشِىْ عَلَى

اسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ اِنَّ اَبِىْ يَدْعُوْكَ لِيَجْزِيَكَ اَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَآءَهٗ وَ

قَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ٢٥ قَالَتْ

اِحْدٰىهُمَا يٰٓاَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ اِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَاْجَرْتَ الْقَوِىُّ الْاَمِيْنُ ٢٦

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَن تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ
حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي
إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٢٨ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ
قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ٢٩ فَلَمَّا قَضَى
مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ
امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ
لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ٣٠ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِن شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي
الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ٣١
وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ
يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ٣٢ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ
تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ
بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ٣٣
قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ٣٤ وَأَخِي هَارُونُ
هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ
قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ ٣٥



إليكما بآياتنا أنتما ومن اتبعكما الغالبون ٣٦ فلما جاءهم موسى بآياتنا
بينات قالوا ما هذا إلا سحر مفترى وما سمعنا بهذا في آبائنا
الأولين ٣٧ وقال موسى ربي أعلم بمن جاء بالهدى من عنده ومن
تكون له عاقبة الدار إنه لا يفلح الظالمون ٣٨ وقال فرعون يا أيها
الملأ ما علمت لكم من إله غيري فأوقد لي يا هامان على الطين فاجعل
لي صرحا لعلي أطلع إلى إله موسى وإني لأظنه من الكاذبين ٣٩ و
استكبر هو وجنوده في الأرض بغير الحق وظنوا أنهم إلينا لا يرجعون
٤٠ فأخذناه وجنوده فنبذناهم في اليم فانظر كيف كان عاقبة الظالمين
٤١ وجعلناهم أئمة يدعون إلى النار ويوم القيامة لا ينصرون ٤٢
وأتبعناهم في هذه الدنيا لعنة ويوم القيامة هم من المقبوحين ٤٣
ولقد آتينا موسى الكتاب من بعد ما أهلكنا القرون الأولى بصائر
للناس وهدى ورحمة لعلهم يتذكرون ٤٤ وما كنت بجانب الغربي
إذ قضينا إلى موسى الأمر وما كنت من الشاهدين ٤٥ ولكنا
أنشأنا قرونا فتطاول عليهم العمر وما كنت ثاويا في أهل مدين
تتلو عليهم آياتنا ولكنا كنا مرسلين ٤٦ وما كنت بجانب الطور إذ

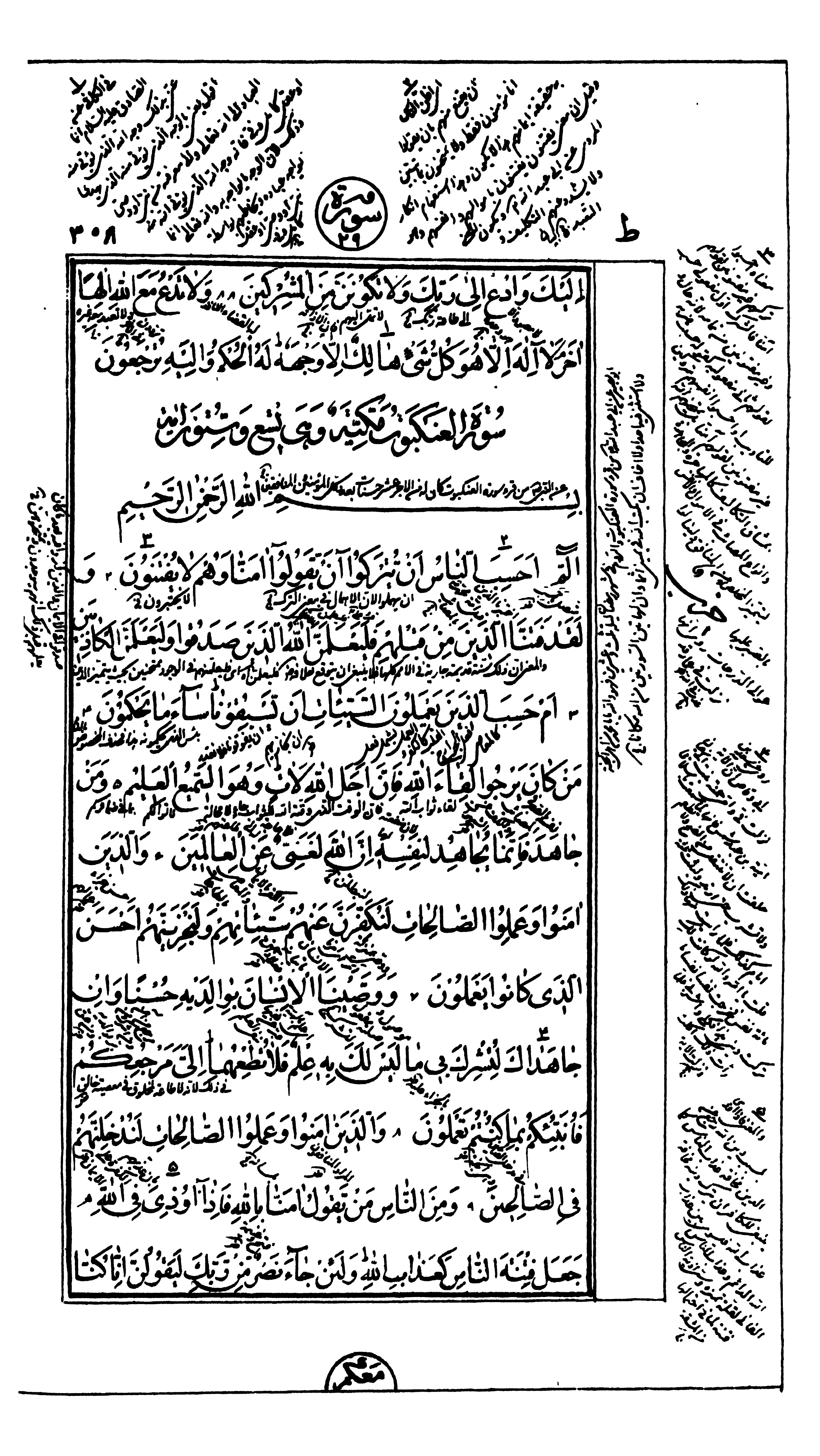


نادينا ولكن رحمة من ربك لتنذر قوما ما أتاهم من نذير من قبلك
لعلهم يتذكرون ٤٧ ولولا أن تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم
فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا فنتبع آياتك ونكون من
المؤمنين ٤٨ فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا لولا أوتي مثل ما
أوتي موسى أولم يكفروا بما أوتي موسى من قبل قالوا سحران
تظاهرا وقالوا إنا بكل كافرون ٤٩ قل فأتوا بكتاب من عند الله
هو أهدى منهما أتبعه إن كنتم صادقين ٥٠ فإن لم يستجيبوا لك
فاعلم أنما يتبعون أهواءهم ومن أضل ممن اتبع هواه بغير هدى من الله
إن الله لا يهدي القوم الظالمين ٥١ ولقد وصلنا لهم القول لعلهم
يتذكرون ٥٢ الذين آتيناهم الكتاب من قبله هم به يؤمنون ٥٣ و
إذا يتلى عليهم قالوا آمنا به إنه الحق من ربنا إنا كنا من قبله مسلمين
٥٤ أولئك يؤتون أجرهم مرتين بما صبروا ويدرءون بالحسنة السيئة
ومما رزقناهم ينفقون ٥٥ وإذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه وقالوا
لنا أعمالنا ولكم أعمالكم سلام عليكم لا نبتغي الجاهلين ٥٦ إنك لا
تهدي من أحببت ولكن الله يهدي من يشاء وهو أعلم بالمهتدين

وقالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا أولم نمكن لهم
حرما آمنا يجبى إليه ثمرات كل شيء رزقا من لدنا ولكن أكثرهم لا
يعلمون ٥٧ وكم أهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم
لم تسكن من بعدهم إلا قليلا وكنا نحن الوارثين ٥٨ وما كان ربك
مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا يتلوا عليهم آياتنا وما كنا
مهلكي القرى إلا وأهلها ظالمون ٥٩ وما أوتيتم من شيء فمتاع
الحيوة الدنيا وزينتها وما عند الله خير وأبقى أفلا تعقلون ٦٠ أفمن
وعدناه وعدا حسنا فهو لاقيه كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا ثم هو
يوم القيامة من المحضرين ٦١ ويوم يناديهم فيقول أين شركائي الذين
كنتم تزعمون ٦٢ قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين أغوينا
أغويناهم كما غوينا تبرأنا إليك ما كانوا إيانا يعبدون ٦٣ وقيل
ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم ورأوا العذاب لو أنهم كانوا
يهتدون ٦٤ ويوم يناديهم فيقول ماذا أجبتم المرسلين ٦٥ فعميت
عليهم الأنباء يومئذ فهم لا يتساءلون ٦٦ فأما من تاب وآمن وعمل
صالحا فعسى أن يكون من المفلحين ٦٧ وربك يخلق ما يشاء ويختار

ما كان لهم الخيرة سبحان الله وتعالى عما يشركون ٦٨ وربك يعلم
ما تكن صدورهم وما يعلنون ٦٩ وهو الله لا إله إلا هو له الحمد في
الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون ٧٠ قل أرأيتم إن
جعل الله عليكم الليل سرمدا إلى يوم القيامة من إله غير الله يأتيكم
بضياء أفلا تسمعون ٧١ قل أرأيتم إن جعل الله عليكم النهار سرمدا
إلى يوم القيامة من إله غير الله يأتيكم بليل تسكنون فيه أفلا تبصرون ٧٢
ومن رحمته جعل لكم الليل والنهار لتسكنوا فيه ولتبتغوا من فضله
ولعلكم تشكرون ٧٣ ويوم يناديهم فيقول أين شركائي الذين كنتم
تزعمون ٧٤ ونزعنا من كل أمة شهيدا فقلنا هاتوا برهانكم
فعلموا أن الحق لله وضل عنهم ما كانوا يفترون ٧٥ إن قارون كان
من قوم موسى فبغى عليهم وآتيناه من الكنوز ما إن مفاتحه لتنوء
بالعصبة أولي القوة إذ قال له قومه لا تفرح إن الله لا يحب الفرحين
٧٦ وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة ولا تنس نصيبك من الدنيا و
أحسن كما أحسن الله إليك ولا تبغ الفساد في الأرض إن الله لا يحب
المفسدين ٧٧ قال إنما أوتيته على علم عندي أولم يعلم أن الله قد

أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا
يُسْئَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ٧٩ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ
يُرِيدُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ
عَظِيمٍ ٨٠ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ
صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ٨١ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ
فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ٨٢
وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا
وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ٨٣ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا
يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ٨٤ مَن جَاءَ
بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا
السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٨٥ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ
لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ مَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ ٨٦ وَمَا كُنتَ تَرْجُو أَن يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا
تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ٨٧ وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ



إليك وادع إلى ربك ولا تكونن من المشركين ٨٧ ولا تدع مع الله إلها
آخر لا إله إلا هو كل شيء هالك إلا وجهه له الحكم وإليه ترجعون ٨٨

سورة العنكبوت مكية وهي تسع وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ١ أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون ٢ و
لقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين
٣ أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون ٤
من كان يرجو لقاء الله فإن أجل الله لآت وهو السميع العليم ٥ ومن
جاهد فإنما يجاهد لنفسه إن الله لغني عن العالمين ٦ والذين
آمنوا وعملوا الصالحات لنكفرن عنهم سيئاتهم ولنجزينهم أحسن
الذي كانوا يعملون ٧ ووصينا الإنسان بوالديه حسنا وإن
جاهداك لتشرك بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما إلي مرجعكم
فأنبئكم بما كنتم تعملون ٨ والذين آمنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم
في الصالحين ٩ ومن الناس من يقول آمنا بالله فإذا أوذي في الله
جعل فتنة الناس كعذاب الله ولئن جاء نصر من ربك ليقولن إنا كنا

هلاک کرد پیش از قارون از اهل روزگارها کسی راکه او سخت تر بود از قارون اندر توانائی و بیشتر بود از روی جمع مال و پرسیده نخواهند شد از گناهان خود گناهکاران یعنی ایشان بسیما شناخته خواهند شد یا اینکه بی حساب بدوزخ خواهند رفت ۷۹ پس بیرون آمد قارون بر قوم خودش در زینت خود که بر استر سفید که زین زرین داشته سوار بود و جامهٔ ارغوانی پوشیده و چهار هزار نفر با او بهمین صفت سوار شده بودند گفتند کسانیکه میخواستند زندگانی دنیا را ای کاش بودی مارا مثل آنچه داده شد بقارون بدرستیکه او هرآینه خداوند بهرهٔ بزرگست ۸۰ گفتند آنانکه داده شدند علم را یعنی یوشع و امثال آن که صاحب دانش بودند بآنهائیکه آرزو کردند وای بر شما پاداش خدا در آخرت بهتر است از مالهای دنیا از برای کسی که بگرود بخدا و به پیغمبر او و عمل شایسته نیکو کند و توفیق داده نشوند به تلقا نمودن و فرا گرفتن این کلمه در دل و زبان خود مگر صبر کنندگان ۸۱ پس فرو بردیم قارون و خانهٔ او را بزمین پس نبود مر قارون را هیچ گروهی از یاران او که در آن وقت یاری کنند او را از سوای خدا و نبود قارون از یاری کرده شدگان ۸۲ و صبح کردند آنکسانیکه آرزو کردند منزلت و جاه او را دیروز یعنی پیش از خسف بر جاه و مال قارون حسرت میخوردند میگفتند چه شبیه است بصواب و صلاح اینکه خدا میگشاید روزی را برای هر که میخواهد از بندگان خودش و تنگ می سازد روزی را بر هر که میخواهد اگر نبود اینکه منت نهاد بر ما هرآینه فرو بردی ما را چه مینماید اینکه رستگار نمیشوند کافران ۸۳ این خانهٔ آخرت که وصف آنرا شنیدهٔ بگردانیدیم ما آن را از برای کسانیکه نمیخواهند برتری در زمین و نه تباهکاری را مثل فرعون و قارون و سرانجام مر پرهیزکاران راست ۸۴ هر که بیاید بخصلتی نیکو پس از برای او است بهتر از آن خصلت نیکو که نعیم آخرتست و هر که بیاید ببدی پس جزا داده نمیشوند آن کسانیکه کردند بدیها را مگر آنچه را که بودند که میکردند ۸۵ بدرستی که آن کسی که بر تو فرض کرد بر تو ای پیغمبر تلاوت قرآن را هرآینه بازگرداننده است ترا بسوی بازگشت یعنی بمکه یا اینکه بعد از موت بمرجعی که هیچ بشری مانند آن نداشته باشد بگو پروردگار من داناتر است بهر که آمد براه راست و هر که او در گمراهی آشکار است ۸۶ و نبودی تو ای محمد اینکه امیدوار باشی اینکه القا کرده شود بسوی تو کتاب یعنی قرآن مگر القای آن کردیم بجهت رحمتی از آفریدگار تو پس مباش البته هم پشت مر کافران را که مدارا و مداهنه کنی با ایشان ۸۷ و باید که کافران باز ندارند ترا از خواندن قرآن بعد از آنکه فرو فرستاده شده است

صفحهٔ سیصد و هشتم

بسوی تو و بخوان بسوی عبادت و پرستش پروردگار تو و مباش البته از مشرکان ۸۸ و مخوان با خدا خدائی دیگر را نیست خدائی مگر او هر چیزی هلاک شونده است و نیست و نابود شود مگر ذات پاک او از برای اوست فرمان روائی در جمیع مخلوقات و بسوی او بر میگردید

سورهٔ عنکبوت شصت و نه آیه و در مکهٔ معظمه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓ منم خدائی که میدانم آیا گمان کردند مردم اینکه فرو گذاشته شوند باینکه بگویند ایمان آوردیم یعنی مپندارند بمحض اینکه گفتند ما ایمان داریم دست از ایشان بدارند و حال اینکه ایشان آزموده نشوند بمال و نفسشان ۲ و هرآینه بتحقیق آزمودیم آنانرا که پیش از ایشان بودند پس هرآینه میداند الله خدا آنانرا که راست گفتند و هرآینه میداند البته دروغگویانرا ۳ یا گمان کردند آنانکه میکنند بدیها را اینکه پیشی گیرند ما را یعنی از عذاب ما در گذرند یا اینکه نتوانیم که ایشانرا بر بدی اعمال جزا دهیم بد است آنچه را که حکم میکنند که گمان ایشانست باینکه عذاب نخواهند دید ۴ هر که باشد که امیدوار باشد بدیدن و رسیدن ثواب خدا پس بدرستیکه مدتی که خدا معین کرده است برای رسیدن بثواب خدا هرآینه آینده است و اوست شنوای دانا ۵ و هر که جهاد کرد پس جز این نیست که جهاد میکند از برای نفس خودش بدرستیکه خدا هرآینه بی نیاز است از عالمیان ۶ و آن کسانی که ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند هرآینه محو میکنیم البته از ایشان بدیهای ایشانرا و هرآینه جزا دهیم البته ایشانرا بهتر از آنچه که میکردند ۷ و امر کردیم ما انسانرا بپدر و مادرش نیکوئی کردنرا و اگر جنگ و نزاع کنند ترا تا اینکه شرک بیاوری بمن یعنی شریک قرار دهی برای من آنچه را که نیست از برای تو بآن چیز علمی و دانشی پس اطاعت مکن در اینمطلب پدر و مادر خود را و بسوی منست بازگشت شما پس آگاه میکنم شما را بآنچه بودید شما که میکردید ۸ و آنکسانیکه ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند هرآینه داخل میکنیم البته ایشانرا در زمرهٔ شایستگان ۹ و از مردمان کسی است که میگوید ایمان آوردیم ما بخدا پس چون اذیت کرده شوند در راه خدا بگرداند یعنی بشمارد فتنهٔ مردمان را مثل عذاب خدا یعنی ترک ایمان کند از ترس عذاب مردم و اگر بیاید یاری و نصرتی از جانب پروردگار تو هرآینه بگویند البته بدرستی که ما بودیم

صفحهٔ سیصد و نهم

باشما آیا نیست خدا داناتر بآنچه در سینه‌های عالمیانست ۱۰ و هرآینه میداند البته خدا آنانرا که ایمان آوردند و هرآینه میداند البته منافقانرا ۱۱ و گفتند آن کسانی که کافر شدند مر آنکسانیکه ایمان آوردند متابعت کنید راه ما را یعنی متابع کیش ما باشید و باید که برداریم ما گناهان شما را و نیستند ایشان یعنی کافران بردارنده گناهان ایشان یعنی مؤمنان هیچ چیز بدرستیکه ایشان هرآینه دروغگویانند ۱۲ و هرآینه برمیدارند گناهان البته بارهای گران خودشان و بارهای گران دیگر با بارهای گران خودشان و هرآینه سؤآل کرده میشوند البته روز قیامت از آنچه بودند که افترا می‌بستند ۱۳ و هرآینه بتحقیق فرستادیم ما نوح را بسوی قوم خودش پس درنگ کرد در میان ایشان هزار سال مگر پنجاه سال یعنی نهصد و پنجاه سال پس گرفت قوم نوح را طوفان و ایشان بودند ظلم کنندگان ۱۴ پس نجات دادیم ما نوح را و اصحاب کشتی و گردانیدیم ما واقعهٔ نوح و کشتی او را آیتی از برای عالمیان ۱۵ و یاد کن ابراهیم را چون گفت از برای قوم خودش عبادت کنید خدا را و بپرهیزید از خدا این پرهیز شما بهتر است از برای شما اگر هستید که میدانید چیزیرا از خیر و شر خودتان ۱۶ جز این نیست که عبادت می‌کنید از سوای خدا بتانی را و بر می‌بافید دروغی را در تسمیهٔ آنها بدرستیکه آن بتانیکه عبادت میکنید از سوای خدا مالک نمی‌باشند یعنی قدرت ندارند از برای شما روزی دادنی را پس بجوئید از نزد خدا روزی را و عبادت کنید او را و شکر کنید از برای او بسوی او بازگردیده میشوید ۱۷ و اگر تکذیب کنید پیغمبر را پس بتحقیق تکذیب کرده اند رسولان خود را گروهی که پیش از شما بودند و نیست بر رسول مگر رساندن پیغام را آشکار ۱۸ آیا ندیدند امتانی که پیش از شما بودند چگونه ابتدا میکند خدا الخلق کردن مخلوقات و می‌آفریند آنها را بعد باز میگرداند ایشانرا بحیات بعد از موت بدرستیکه این یعنی آفریدن و میراندن و باز زنده کردن بر خدا آسانست ۱۹ بگو ای پیغمبر بقوم خودت سیر کنید در زمین پس بنگرید از راه تفکر و استدلال که چگونه آفریده است خدا خلق را باختلاف اشکال و احوال بعد خدا آماده میکند و ظاهر سازد عالمی دیگر را بعد از آفریدن اول بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست ۲۰ عذاب میکند هر که را میخواهد و رحم میکند هر که را میخواهد و بسوی او برگردانیده میشوید ۲۱

صفحهٔ سیصد و دهم

و نیستید شما منکران روز قیامت عاجز کنندگان مر پروردگار خود را از عذاب کردن او شما را در زمین و نه در آسمان و نیست از برای شما از سوای خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده‌ٔ ۲۲ و آنان که کافر شدند بآیات خدا و لقای او آن گروه نا امید شدند از رحمت من و آن گروه از برای ایشانست عذابی دردناک ۲۳ پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر اینکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را قوم اتفاق کرده ابراهیم را در آتش افکندند پس نجات داد او را خدا از آتش بدرستیکه در این یعنی در آتش انداختن ابراهیم و سرد شدن بر او هرآینه آیاتی است از برای قومی که ایمان میآورند ۲۴ و گفت ابراهیم بعد از نجات از آتش جز این نیست که گرفتید شما از سوای خدا بتانی برای دوستی مابین خودتان در زندگانی دنیا پس روز قیامت کافر شوید بعضی از شما که متبوعانید ببعضی دیگر که تابعانید و لعنت کنند بعضی از شما بعضی دیگر را و جایگاه شما آتش است و نیست از برای شما هیچ یاری کننده‌ٔ ۲۵ پس گروید و تصدیق کرد مر ابراهیم را لوط که خواهرزاده یا برادرزاده او بود و گفت ابراهیم لوط و ساره زن خود را بدرستیکه من هجرت کننده ام بسوی پروردگار خودم و بآنجائیکه امر کرده است خدا مرا بدرستیکه او غالب داناست ۲۶ و بخشیدیم ما از برای ابراهیم اسحق و یعقوب را و قرار دادیم در فرزندان او نبوت و کتاب را یعنی تورات و انجیل و زبور و قرآن که همهٔ این کتب سماوی بر اولاد ابراهیم نازل شد و دادیم ما مزد هجرت او را در دنیا که در پیری فرزند باو دادیم و بدرستیکه او در آخرت هرآینه از جملهٔ پسندیدگانست ۲۷ و فرستادیم لوط را چون گفت از برای قوم خودش بدرستیکه شما هرآینه میآئید بکارهای زشتی که پیشی نگرفته است شما را بآن زشتی هیچکسی از عالمیان ۲۸ آیا شما هرآینه میآئید بمردان بطریق مباشرت و قطع میکنید راه را یعنی مال مردم را میبرید و ایشانرا میکشید یا اینکه راه نسل را میبرید که لواط میکنید و بزنان نزدیک نمیشوید و باین سبب قطع راه تناسل میکنید و میآئید در مجلس خودتان بفعل بد یعنی در حضور یکدیگر لواط میکنید پس نبود جواب قوم لوط مگر اینکه گفتند بیاور از برای ما عذاب خدا اگر هستی تو از راستگویان ۲۹ گفت لوط ای پروردگار من یاری ده مرا بفرستادن عذاب بر قوم تباه کاران ۳۰ و چون آمدند رسولان ما ابراهیم را به بشارت فرزند یعنی فرشتگان ما آمدند نزد ابراهیم و مژده دادند او را که اسحق و یعقوب باو عطا خواهد شد گفتند فرشتگان بدرستیکه ما هلاک کننده‌ایم اهل این ده را که سدوم است بدرستی که اهل سدوم بودند ستمکاران ۳۱ گفت ابراهیم بدرستیکه در آن قریه هم لوط است گفتند رسولان

مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ١٠ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ١١ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا
سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ ١٢ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ١٣ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ
فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ١٤
فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ١٥ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ
قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ١٦
إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ
وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ١٧ وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ
قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ١٨ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ
اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ١٩ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ
فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٠ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ٢١

وما أنتم بمعجزين في الأرض ولا في السماء وما لكم من دون الله من ولي
ولا نصير ٢٢ والذين كفروا بآيات الله ولقائه أولئك يئسوا من
رحمتي وأولئك لهم عذاب أليم ٢٣ فما كان جواب قومه إلا أن قالوا
اقتلوه أو حرقوه فأنجاه الله من النار إن في ذلك لآيات لقوم يؤمنون
٢٤ وقال إنما اتخذتم من دون الله أوثانا مودة بينكم في الحياة الدنيا
ثم يوم القيامة يكفر بعضكم ببعض ويلعن بعضكم بعضا ومأواكم
النار وما لكم من ناصرين ٢٥ فآمن له لوط وقال إني مهاجر إلى ربي
إنه هو العزيز الحكيم ٢٦ ووهبنا له إسحاق ويعقوب وجعلنا في ذريته
النبوة والكتاب وآتيناه أجره في الدنيا وإنه في الآخرة لمن الصالحين
٢٧ ولوطا إذ قال لقومه إنكم لتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من
أحد من العالمين ٢٨ أئنكم لتأتون الرجال وتقطعون السبيل و
تأتون في ناديكم المنكر فما كان جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا
بعذاب الله إن كنت من الصادقين ٢٩ قال رب انصرني على القوم
المفسدين ٣٠ ولما جاءت رسلنا إبراهيم بالبشرى قالوا إنا مهلكوا
أهل هذه القرية إن أهلها كانوا ظالمين ٣١ قال إن فيها لوطا قالوا

نحن اعلم بمن فيها لننجينه واهله الا امرأته كانت من الغابرين ٣٢ ولما

ان جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا وقالوا لا تخف و

لا تحزن انا منجوك واهلك الا امرأتك كانت من الغابرين ٣٣ انا

منزلون على اهل هذه القرية رجزا من السماء بما كانوا يفسقون ٣٤

ولقد تركنا منها آية بينة لقوم يعقلون ٣٥ والى مدين اخاهم

شعيبا فقال يا قوم اعبدوا الله وارجوا اليوم الآخر ولا تعثوا في الارض

مفسدين ٣٦ فكذبوه فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين ٣٧

وعادا وثمود وقد تبين لكم من مساكنهم وزين لهم الشيطان اعمالهم

فصدهم عن السبيل وكانوا مستبصرين ٣٨ وقارون وفرعون و

هامان ولقد جاءهم موسى بالبينات فاستكبروا في الارض وما كانوا

سابقين ٣٩ فكلا اخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا عليه حاصبا و

منهم من اخذته الصيحة ومنهم من خسفنا به الارض ومنهم من اغرقنا

وما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ٤٠ مثل الذين

اتخذوا من دون الله اولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتا وان اوهن

البيوت لبيت العنكبوت لو كانوا يعلمون ٤١ ان الله يعلم ما يدعون

من دونه من شيء وهو العزيز الحكيم ٤٢ وتلك الأمثال نضربها
للناس وما يعقلها إلا العالمون ٤٣ خلق الله السموات والأرض
بالحق إن في ذلك لآية للمؤمنين ٤٤ اتل ما أوحي إليك من الكتاب
وأقم الصلوة إن الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله
أكبر والله يعلم ما تصنعون ٤٥ ولا تجادلوا أهل الكتاب إلا بالتي
هي أحسن إلا الذين ظلموا منهم وقولوا آمنا بالذي أنزل إلينا و
أنزل إليكم وإلهنا وإلهكم واحد ونحن له مسلمون ٤٦ وكذلك
أنزلنا إليك الكتاب فالذين آتيناهم الكتاب يؤمنون به ومن هؤلاء
من يؤمن به وما يجحد بآياتنا إلا الكافرون ٤٧ وما كنت تتلوا من
قبله من كتاب ولا تخطه بيمينك إذا لارتاب المبطلون ٤٨ بل هو
آيات بينات في صدور الذين أوتوا العلم وما يجحد بآياتنا إلا
الظالمون ٤٩ وقالوا لولا أنزل عليه آيات من ربه قل إنما الآيات
عند الله وإنما أنا نذير مبين ٥٠ أولم يكفهم أنا أنزلنا عليك الكتاب
يتلى عليهم إن في ذلك لرحمة وذكرى لقوم يؤمنون ٥١ قل كفى بالله
بيني وبينكم شهيدا ٥٢ يعلم ما في السموات والأرض والذين آمنوا

صفحهٔ سیصد و یازدهم

ما دانا تریم بکسی که در آنست هر آینه نجات میدهیم البته لوط را و کسان او را مگر زن او را که بود از باز ماندگان در عذاب ۳۲ و آن هنگام که
آمدند فرشتگان ما لوط را اندوهناک شد بسبب ایشان یعنی ترسید که قوم با ایشان عمل بد کنند و تنگ شد بسبب ایشان طاقت لوط و ندانست که چه
تدبیر کند در حفظ ایشان و گفتند فرشتگان بلوط مترس و اندوهناک مشو بدرستیکه ما رهاننده ایم تو را و کسان تو را مگر زن تو که هست از باز ماندگان
در عذاب ۳۳ بدرستیکه ما فرود آورندگانیم بر اهل این ده عذابی را از آسمان بسبب اینکه بودند که پیوسته فسق میکردند ۳۴ و هر آینه بتحقیق گذاشتیم
ما از خرابی آن ده نشانهٔ آشکاری از برای گروهی که تعقل کنند و عبرت گیرند و آن نشانه حکایت مشهور ایشان یا آثار دیار خراب ایشان
یا حجارهٔ سجیل که در آن زمین میتوان یافت یا آبهای سیاه است که هنوز باقی است ۳۵ و فرستادیم بسوی اهل مدین برادر ایشان شعیب را
پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را و امیدوار باشید ثواب روز قیامت را و تباهی مجوئید در زمین در حالتی که قاصد فساد و طالب باطل
باشید ۳۶ پس تکذیب کردند شعیب را پس گرفت ایشان را زلزله پس صبح کردند و گشتند در خانه خود شان بزانو در آمدگان و مردگان ۳۷ و یاد
کن قوم عاد و ثمود را و بتحقیق ظاهر شد برای شما ای اهل مکه از مسکنها و جاهای ایشان که بر راه میانهٔ شام و یمن واقع بوده و شما دیده اید علامات
مسکنهای ایشان را در نیت داد از برای ایشان شیطان کردارها و رفتارهای ایشان را پس باز داشت شیطان ایشان را از راه راست و بودند بینایان
یعنی متمکن بودند از اینکه نظر کنند و فکر و ملاحظه نمایند ۳۸ و یاد کن قصهٔ قارون را و فرعون و هامان را و هر آینه بتحقیق آمد ایشان را موسی با
معجزات پس سرکشی کردند در زمین و نبودند پیشی گیرندگان بر حکم خدا که عذاب خدا نرسد ایشان را ۳۹ پس هر یک از ایشان را گرفتیم بگناه خودش پس
بعضی از ایشانست کسی که فرستادیم ما بر او سنگریزه چون قوم لوط و هود و بعضی از ایشان کسی است که گرفت او را فریاد جبرئیل چون قوم ثمود و اهل مدین
و از ایشان است کسی که فرو بردیم ما او را در زمین چون قارون و از ایشانست کسی که غرق کردیم ما در دریا چون قوم نوح و فرعون و نبود خدا اینکه
ستم کند ایشان را و لیکن بودند خود شان که ستم میکردند ۴۰ مثل آنکسانیکه گرفتند از سوای خدا دوستان مانند مثل عنکبوتست که گرفت برای خود
خانه را و بدرستیکه سست ترین خانها هر آینه خانهٔ عنکبوتست اگر باشند که بدانند ۴۱ بدرستی که خدا میداند آنچه را که میخوانند

صفحهٔ سیصد و دوازدهم

از سوای او از هر چیزی و اوست غالب درستکار ۴۲ و این مثلها را بیان می کنیم از برای مردم و درنمی یابند آن مثلها را مگر دانشمندان
۴۳ خلق کرد خدا آسمانها و زمین را براستی و درستی بدرستیکه در این خلق کردن هر آینه نشانه ایست از برای گروندگان ۴۴ بخوان
ای پیغمبر آنچه را که وحی کردیم بسوی تو از قرآن و برپا دار نماز را بدرستیکه نماز باز میدارد انسان را از کار زشت و ناخوش
و هر آینه ذکر خدا بزرگتر است از سایر طاعات و خدا میداند آنچه را که میکنید ۴۵ و جدال نکنید اهل کتاب را
که یهود و نصارا اند مگر بآنطوری که آن نیکوتر است یعنی اگر ایشان بدخوئی کنند شما خوش روئی و ملایمت
کنید مگر آن کسانی که ستم کردند از ایشان و گفتند گرویدیم ما بآنچه فرو فرستاده شد بسوی ما و فرو فرستاده شد بسوی شما
و خدای ما و خدای شما یکی است و ما از برای او منقادانیم ۴۶ و همچنین فرستادیم ما بسوی تو قرآنرا پس آنکسانی که دادیم ما
ایشان را علم کتاب متقدمین میگروند بقرآن و از این گروه عرب یا از اهل مکه کسی است میگرود بقرآن و انکار نمی کنند آیات ما را
مگر کافران ۴۷ و نبودی تو ای محمد که بخوانی از پیش از قرآن هیچ کتابی و نمی نویسی کتابی را بدست راست خود در آن
هنگام در شک افتادندی باطلان یعنی اگر پیغمبر خواننده و نویسنده بود در شک می افتادند کافران و میگفتند از کتب قدیمه
بر میدارد و بزبان خود بیان میکند ۴۸ بلکه آن قرآن نشانهای روشن است در سینه های آنچنانی که داده شده است
بایشان علم و انکار نمیکند آیات ما را مگر ستمکاران ۴۹ و گفتند کافران چرا فرستاده نشد بر محمد آیاتی از
جانب پروردگار او یعنی نشانهای انبیای سابق مثل ناقهٔ صالح و امثال آن بگو جز این نیست که آیات نزد
خداست و جز این نیست که من ترسانندهٔ آشکارم ۵۰ آیا پسندیده نیست بر ایشان اینکه ما فرستادیم بر تو قرآن را
که خوانده میشود بر ایشان بدرستیکه در این فرستادن قرآن هر آینه رحمت است و پند است از برای قومیکه میگروند ۵۱
بگو ای محمد بس است خدا میان من و میان شما گواه بر صدق سخن من ۵۲ میداند خدا آنچه را در آسمانها و زمین است و آنکسانیکه گرویدند

صفحهٔ سیصد و سیزدهم

باطل یعنی بغیر خدا و کافر شدند بخدا آنگروه ایشانند زیانکاران ۵۲ و بشتاب میخواهند از تو بنزول عذاب و اگر نبود مدت نام
برده شده هر آینه آمدی بمستعجلان عذاب و هر آینه میآید البته ایشانرا عذاب ناگهانی و حال اینکه ایشان نمیدانند آمدن عذاب را
و یکدفعه برایشان نازل شود ۵۳ طلب تعجیل میکنند از تو بنزول عذاب و بدرستیکه جهنم هر آینه احاطه کننده بکافرانست ۵۴
روزیکه بپوشد ایشانرا عذاب از بالای سر ایشان و از زیر پای ایشان و گوید خدا یا فرشته بامر خدا بچشید آنچه را که بودید که میکردید ۵۵
ای بندگان من آنانکه ایمان آورده اید بدرستیکه زمین من گشاده است پس مرا عبادت کنید ۵۶ هر نفسی چشندهٔ مرگست پس از آن
بسوی ما باز گردیده میشوید ۵۷ و آنانکه گرویدند و عملهای نیکو کردند هر آینه جا میدهیم البته ایشانرا از بهشت غرفهائی که جاری میباشد
از زیر درختان و عمارات آن نهرها همیشه باشند در آن غرفات بهشت خوبست مزد کار کنندگان ۵۸ آنانند کسانیکه صبر کردند بر آزار
مشرکان و هجرت از اوطان و غیر آن از مصائب دوران و بر پروردگار خودشان توکل مینمایند ۵۹ و بسیار از جنبندگان است که
بر نمیدارد روزی خود را یعنی از غایت ضعف نمیتواند روزی خود را بر دارد و حمل کند خدا روزی میدهد آنها را و شما را و اوست شنوندهٔ دانا
۶۰ و هر آینه اگر بپرسی از ایشان یعنی از اهل مکه کی خلق کرد آسمانها را و زمین را و مسخر نمود خورشید و ماه را هر آینه میگویند البته خدا پس بکجا
برگردانیده میشوید از توحید ۶۱ خدا فراخ میگرداند روزی را از برای هر که میخواهد از بندگان خودش و تنگ میکند از برای هر که میخواهد
بدرستیکه خدا بهر چیز داناست ۶۲ و هر آینه اگر بپرسی از ایشان یعنی از کفار مکه کی فرو فرستاد از آسمان آب را پس زنده کرد بسبب آن
آب زمین را بعد از مردن آن زمین هر آینه میگویند البته خدا بگو ای محمد حمد از برای خداست بلکه بیشتر ایشان تعقل نمیکنند ۶۳ و نیست
این زندگانی دنیا مگر بیهوده و بازیچه و بدرستیکه خانهٔ آخرت هر آینه اوست زندگانی اگر باشند که بدانند ۶۴ پس هنگامیکه سوار شوند
در کشتی میخوانند خدا را در حالتی که خالص کنندهاند

صفحهٔ سیصد و چهاردهم

از برای او دین را پس چون نجات داد ایشان را بسوی بیابان آن گاه ایشان شرک میآورند ۶۵ تا کافر
شوند بانچه دادیم ایشان را و تا برخوردار شوند پس زود باشد که بدانند ۶۶ آیا که نمی بینی که ما گردانیدیم مکه را
حرمی که ایمن از قتال است و حال اینکه ربوده میشوند مردم از اطراف بلد ایشان آیا پس بباطل و بتان لایعقل
میگروند و بنعمت خدا کافر میشوند ۶۷ و کیست ستمکارتر از آنکه بر بافد بر خدا دروغ را یا تکذیب
کند حق را یعنی قرآن را چون آمد او را آیا نیست در جهنم جا و مکانی از برای کافران ۶۸ و آن کسانیکه جهاد کردند در راه دین ما هر آینه
مینمائیم البته بایشان راههای خود مانرا و بدرستیکه خدا هر آینه با نیکوکاران است

سورهٔ روم شصت آیه است و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

الٓمٓ مغلوب شدند رومیان ۱ در نزدیکتر زمینی که عرب داشتند نسبت بزمین روم و ایشان یعنی رومیان بعد از
مغلوب شدنشان زود باشد که غالب شوند ۲ در اندک سالها که میانهٔ سه و نه سال باشد از برای خداست حکم و
فرمان از پیش از غلبهٔ فارس بروم و بعد از غلبهٔ روم بر فارس و روزی که رومیان بر فارسیان غلبه کنند شاد
می شوند مؤمنان ۳ بیاری دادن خدا یاری میدهد هر کرا میخواهد و اوست غالب مهربان ۴ وعدهٔ خدا خلاف
نمیکند خدا وعدهٔ خود را و لیکن بیشتر مردم نمیدانند ۵ میدانند ظاهری را از زندگانی دنیا و ایشان از آخرت
ایشان بیخبرانند ۶ آیا تفکر نمیکنند در نفسهای خودشان یعنی باید تفکر کنند و ملتفت شوند که خلق نکرد خدا آسمانها و زمین را و آنچه
را که در میانهٔ آسمان و زمین است مگر براستی و مدت نام برده شده که بعد از آن مدت آسمانها در هم پیچیده شود و بدرستیکه بسیاری
از مردم بر رسیدن بجزای پروردگار خودشان هر آینه کافرانند ۷ آیا نمیگردند در زمین پس بنگرند چگونه بود انجام کار آنانکه پیش از
ایشان بودند سخت تر از ایشان یعنی از اهل مکه از حیثیت توانائی و زیر و رو کردند زمین را و کندند برای زراعت کردن

صفحهٔ سیصد و پانزدهم

و عمارت کردند زمین را بیشتر از آنچه عمارت کردند اهل مکه و آمد ایشانرا رسولانشان بمعجزات پس نبود خدا اینکه ستم کند ایشانرا و لیکن
بودند نفسهای خودشان که ستم میکردند ۹ پس از آن بود سرانجام آنانکه بد کردند عقوبت بد در دنیا یا بود برای ایشان دوزخ اینکه تکذیب
کردند بآیات خدا و بودند بآن آیات و معجزات استهزا میکردند ۱۰ خدا میآفرینید خلق را بعد از مردن باز زنده میگرداند پس بسوی
او باز گردانیده شوند ۱۱ و روزیکه برپا میشود قیامت خاموش شوند گناهکاران ۱۲ و نباشد از برای ایشان از شریکانشان شفیعان
و بودند بشریکانشان یعنی معبودان خود کافران ۱۳ و روزی که قایم شود یعنی برپا شود قیامت آنروز پراکنده گردند
مردمان ۱۴ پس اما آنکسانی که گرویدند و عملهای شایسته کردند پس ایشان در باغ پر شکوفه شاداب خوبی شاد و خرم میباشند
۱۵ و اما آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند بآیات ما و بلقای روز بازپسین پس آن گروه در عذاب دوزخ حاضر کرده شدگانند
۱۶ پس تسبیح کنید تسبیح کردن خدا را هنگامیکه بشب در آئید یعنی در وقت نماز شام و خفتن و هنگامیکه بامداد کنید ۱۷
و از برای خداست ستایش در آسمانها و زمین و در طرف آخر روز که نماز عصر است و هنگامیکه در آئید بوقت ظهر ۱۸
بیرون میآورد خدا زنده را از مرده مثل انسان از نطفه مرغ از بیضه و بیرون میآورد مرده را از زنده و زنده میکند زمین را
بعد از مردن آن یعنی زمین بی گیاه را بفرستادن باران سبز و خرم و زنده میگرداند و همچنین بیرون آورده میشوید ۱۹ و از آیات
خداست اینکه خلق کرد شما را از خاک پس آنگاه شما آدمیانید که پراکنده میشوید باطراف زمین ۲۰ و از آیات خداست اینکه
خلق کرد از برای شما از نفسهای شما زنان را تا اینکه میل کنید بحسب جنسیت با ایشان و گردانید میان شما دوستی را و مهربانی را بدرستیکه
در این محبت زن و شوهر هرآینه علامات و نشانهائی است از برای قومیکه تفکر کنند ۲۱ و از آیات خدا آفریدن
آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و اختلاف رنگهای شما است بدرستیکه در این اختلافات هرآینه آیتها است مر عالمیان را ۲۲

صفحهٔ سیصد و شانزدهم

و از آثار قدرت خدا خواب کردن شما است در شب و روز و جستن شما است روزی را از فضل و کرم خداوند بدرستیکه در این نوم
و یقظه (خواب و بیداری) هرآینه آیاتی است مر قومی را که می شنوند ۲۳ و از نشانهای قدرت او است که مینماید بشما برق را بجهة ترسیدن
مسافران از حصول صاعقه یا بجهة طمع مقیمان بر رسیدن باران و فرو میفرستد از آسمان آب را پس زنده میکند بآن آب زمین را بعد از پژمردگی
و افسردگی آن بدرستیکه در این نزول باران هرآینه نشانها است از برای قومی که تعقل میکنند ۲۴ و از نشانهای توانائی او است که
ایستاده است آسمان بدون ستون و زمین بفرمان او پس چون بخواند شما را بنفخهٔ اسرافیل خواندنی باینطور که ای مردمان بیرون آئید از زمین
آن هنگام شما بیرون میآئید از قبرهای خودتان ۲۵ و از برای او است هرچه در آسمانها و زمین است همه از برای خدا فرمان بردارند ۲۶ و آن
خدای آنچنانیست که میآفرینید خلق را بعد بر میگرداند او را بعد از آنکه مرده باشند و این برگردانیدن آسانتر است بر او و از برای خدا است
اوصاف عجیب بلند در آسمانها و زمین و او است غالب درستکار ۲۷ بیان کرد خدا از برای شما مثلی را از احوال نفسهای شما آیا مر شما را است از
آنچه مالک شد دستهای از شریکان در آنچه روزی دادیم ما شما را پس شما در آن یکسان باشید میترسید شما از تصرف کردن غلامان مثل ترسیدن شما
آزادان از نفسهای خودتان و آزادان امثال خودتان یعنی ای مردمان آزاد آیا راضی میشوید که غلامان و بندگان شما در آنچه دارید با شما شریک باشند
و تصرفات مالکانه در اموال شما کنند بطوریکه مختار باشند و با شما مساوی و مقابل باشند در تصرفات در آن اموال بیقین راضی نمیشوید در اینصورت چگونه برای خدا
شریک قرار میدهید بندگان و مخلوق او را همچنین بیان میکنیم آیات را از برای قومیکه دریابند ۲۸ بلکه متابعت میکنند آنانکه ظلم کردند بر خود بجهة شرک
هوا و هوس خودشانرا بسبب بی دانشی پس کیست که راه بنماید کسیرا که فروگذاشت خدا او را و نیست از برای ایشان هیچ یاری کننده ۲۹ پس راست
گردان روی خود را برای دین حق در حالتیکه مایل باشی از همهٔ ادیان باطله بدین اسلام و ملازم شوید خلقت خدای را که دین اسلام است آنچنان ملتی که آفرید خدا
مردمانرا بر آن دین نیست تبدیل و تغییری از برای خلق خدا این دین اسلام است دین راست محکم مستقیم و لیکن بیشتر مردم نمیدانند ۳۰ در حالتی
که بازگردیدگانند بسوی او و از غیر او و بترسید از او و ترک معصیت کنید و برپا دارید نماز را و مباشید از شرک آورندگان ۳۱ و نباشید از آنانکه
پراکنده کردند دین خود را و گشتند گروه گروه هر گروهی بآنچه نزد ایشانست شادمانند ۳۲ و چون برسد مردم را ضرر

صفحهٔ سیصد هفدهم

سختی بخوانند پروردگار خود را در حالتی که بازگشته کانند بسوی او بر وجه اخلاص از غیر او پس از آن چون بچشاند ایشان را از نزد خود بخششی
آنگاه گروهی از ایشان بپروردگار خود شرک میآورند ۳۳ سرانجام کار ایشان این است که کافر شوند بآنچه عطا کردیم ایشانرا پس
برخورید و تمتع گیرید از چند روز بعد دنیوی پس زود باشد که بدانید سرانجام تمتع خود را ۳۴ یا فرو فرستادیم بر ایشان کتابی و حجتی را پس
آن کتاب یا رسول گویا کننده است بصحت آنچه بودند که بآن شرک میآوردند ۳۵ و چون بچشانیم مردم مشرک را رحمتی شاد شوند
بآن و اگر برسد ایشانرا بدی بسبب آنچه از پیش فرستاده است دستهای ایشان آنهنگام ایشان ناامید شوند ۳۶ آیا نمی بینی اینکه خدا گشاده
میکند روزی را از برای هر که میخواهد و تنگ میسکند برای هر که بخواهد بدرستیکه در این یعنی در وسعت و تنگی روزی هر آینه
نشانهائی است از برای قومی که ایمان میآورند ۳۷ پس بده بصاحب قرابت و خویش از بنی هاشم حق او را و
بفقیران و راه گذاران این دادن حق ذوی الحقوق بهتر است مرآنان را که میخواهند ذات خدا را و این گروه ایشانند رستگاران
۳۸ و آنچه میدهید از ربای حرام تا اینکه بیفزاید در مالهای مردم پس زیاد نمی شود آن نزد خدا و آنچه میدهید از
زکوة که می خواهید ثواب خدا و رضای او را پس آن گروه ایشانند که زیاد کنندگان اند مال خود را که هر یکی مضاعف
عوض بایشان رسد ۳۹ خدای آن کس است که خلق کرد شما را پس از آن روزی داد شما را بعد از آن میمیراند
شما را بعد زنده میکند شما را آیا هست از شریکان شما یعنی از بتان که باعتقاد شما شریکان خدایند کسی که بکند از این
خلق و رزق و اماته و احیا هیچ چیزی را منزه است آن خدا و بلند تر است از آنچه شرک میآورند ۴۰ ظاهر شد فساد
در بیابان و دریا بسبب آنچه کسب کردند دستهای مردم تا اینکه بچشاند ایشانرا بعضی از آنچه عمل کردند شاید ایشان باز گردند ۴۱
بگو ای محمد سیر کنید در زمین پس بنگرید که چگونه بود عاقبت آنانکه از پیش ایشان بودند بیشتران امم شرک آورندگان ۴۲ پس راست
گردان روی خود را یعنی از جمیع الوجوه توجه کن بدین راست را که بنهایت استقامت رسیده پیش از اینکه بیاید روزی که بازگشتن نیست
مر آنرا از نزد خدا در آن روز مردم از هم جدا شوند و متفرق گردند ۴۳ هر که کافر شد پس ضرر او است

صفحهٔ سیصد هجدهم

جزای کفر او و هر که عمل نیک کرد پس از برای خود میگسترانند یعنی مواضع خود را در بهشت تسویه مینمایند ۴۴ تا اینکه جزا دهد خدا آنانرا که
ایمان آوردند و عمل کردند نیکوئیها را از فضل و کرم خود بدرستی که او دوست نمیدارد کافران را
۴۵ و از آیات قدرت خدا این است که میفرستد بادها را مژده دهندگان و تا بچشاند شما را از رحمت
خودش و تا اینکه بروند کشتیها بامر و فرمان او و تا اینکه طلب کنید در تجارت دریاها روزی را از فضل خدا و شاید شما شکر
کنید ۴۶ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما پیش از تو رسولانی را بسوی قومشان پس آمدند ایشانرا با معجزات پس انتقام کشیدیم از آنانکه کافر شدند
و هست سزاوار بر ما یاری کردن مؤمنین ۴۷ خدای آن کس است که می فرستد بادها را پس بر میانگیزانند ابرها را
پس می گستراند آن ابر را در آسمان هر طور که میخواهد و میگرداند آن را متراکم پس می بینی تو باران را که بیرون
میآید از میان آن ابر پس چون برساند خدا آن باران را در زمین هر که میخواهد از بندگان خودش آنگاه ایشان شادمان میشوند ۴۸
و بدرستی که بودند پیش از اینکه فرستاده شود باران بر ایشان پیش از ظهور باد و ابر هر آینه ناامید از باران ۴۹ پس نظر کن بسوی
اثرهای رحمت خدا چگونه زنده میکند زمین بعد از مردن آن بدرستیکه این یعنی فرستادن باران هر آینه زنده کنندهٔ مردگان
است و آن خدا بر هر چیز توانا است ۵۰ و هر آینه اگر بفرستیم ما بادی را پس ببینند اثر رحمت را
که زراعت و کشت زار سبز خرم را زرد شده بعد از سبزی هر آینه گردند بعد از این زرد شدن زراعت کافران
بنعمتها ۵۱ پس بدرستی که تو نتوانی بشنوانی مردگان را و نه بشنوانی کران دعوت را چون برگردند در حالتی که پشت
کنندگان باشند ۵۲ و نیستی تو راه نمایندهٔ کوران از گمراهی ایشان نمی شنوانی مگر کسی را که ایمان میآورد بآیات ما
پس ایشان گردن نهندگانند ۵۳ خدا است آنکه خلق کرد شما را از چیز سست پس گردانید بعد از سستی توانائی پس گردانید بعد از قوه سستی و پیری را خلق میکند

بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝٥٢ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ

بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

لَا يَشْعُرُونَ ۝٥٣ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۝٥٤

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝٥٥ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ

فَاعْبُدُونِ ۝٥٦ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۝٥٧ وَالَّذِينَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝٥٨ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

يَتَوَكَّلُونَ ۝٥٩ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَ

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝٦٠ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝٦١ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝٦٢ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ

لَا يَعْقِلُونَ ۝٦٣ وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ

لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝٦٤ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ



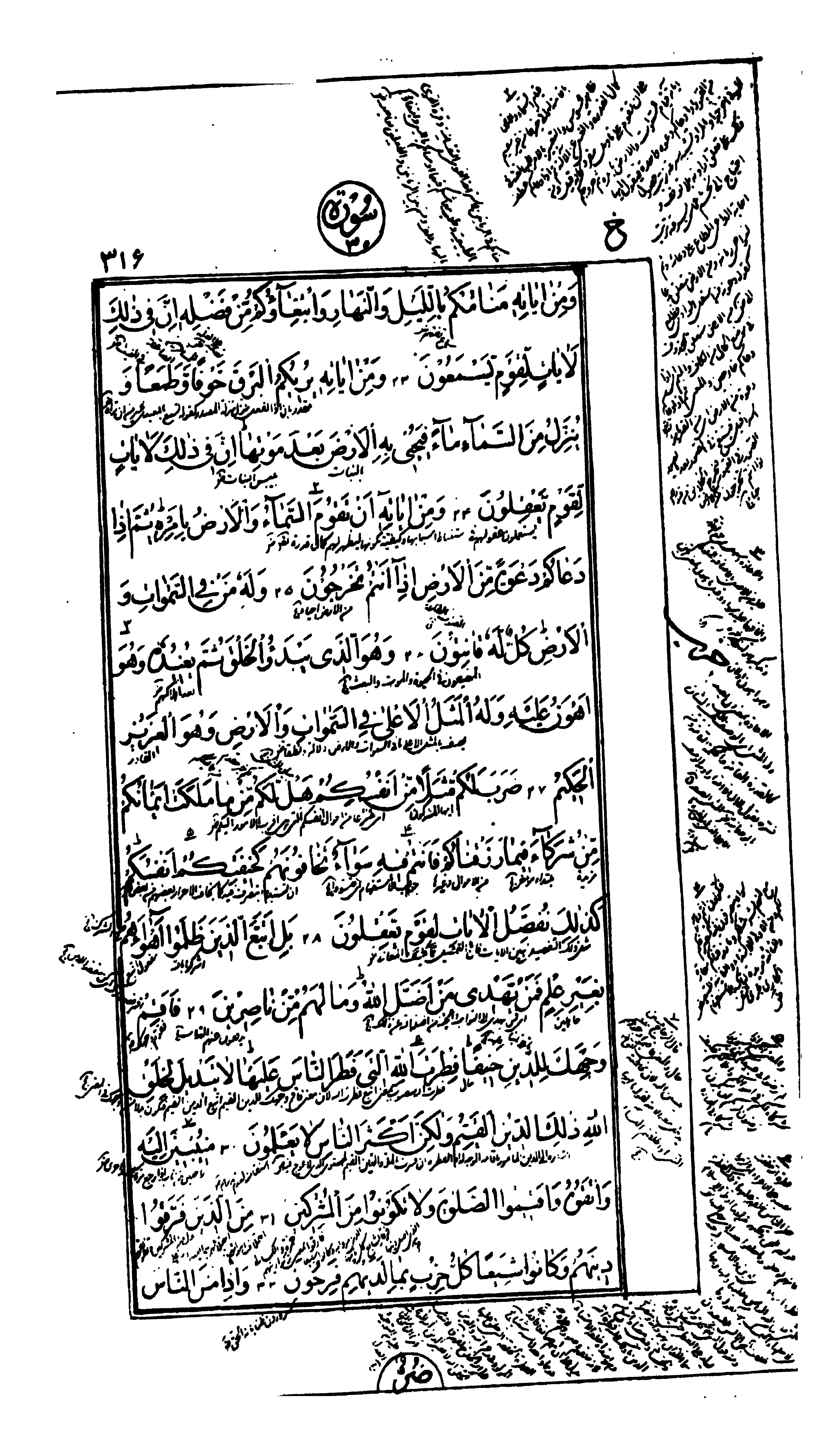
له الدين فلما نجاهم الى البر اذا هم يشركون ٦٥ ليكفروا بما آتيناهم
وليتمتعوا فسوف يعلمون ٦٦ اولم يروا انا جعلنا حرما آمنا و
يتخطف الناس من حولهم افبالباطل يؤمنون وبنعمة الله يكفرون ٦٧
ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب بالحق لما جاءه اليس في جهنم مثوى
للكافرين ٦٨ والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وان الله لمع المحسنين ٦٩

سورة الروم مكية وهي ستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ١ غلبت الروم ٢ في ادنى الارض وهم من بعد غلبهم سيغلبون ٣
في بضع سنين لله الامر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح المؤمنون ٤
بنصر الله ينصر من يشاء وهو العزيز الرحيم ٥ وعد الله لا يخلف الله وعده
ولكن اكثر الناس لا يعلمون ٦ يعلمون ظاهرا من الحيوة الدنيا وهم
عن الآخرة هم غافلون ٧ اولم يتفكروا في انفسهم ما خلق الله
السموات والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى وان كثيرا من
الناس بلقاء ربهم لكافرون ٨ اولم يسيروا في الارض فينظروا كيف
كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا اشد منهم قوة واثاروا الارض و

عمروها اكثر مما عمروها وجاءتهم رسلهم بالبينات فما كان الله
ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ٩ ثم كان عاقبة الذين اساؤا
السوأى ان كذبوا بايات الله وكانوا بها يستهزءون ١٠ الله يبدؤ
الخلق ثم يعيده ثم اليه ترجعون ١١ ويوم تقوم الساعة يبلس
المجرمون ١٢ ولم يكن لهم من شركائهم شفعاء وكانوا بشركائهم
كافرين ١٣ ويوم تقوم الساعة يومئذ يتفرقون ١٤ فاما الذين امنوا
وعملوا الصالحات فهم في روضة يحبرون ١٥ واما الذين كفروا
وكذبوا باياتنا ولقاء الاخرة فاولئك في العذاب محضرون ١٦
فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون ١٧ وله الحمد في السموات و
الارض وعشيا وحين تظهرون ١٨ يخرج الحي من الميت ويخرج
الميت من الحي ويحي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون ١٩ ومن
اياته ان خلقكم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون ٢٠ ومن اياته ان
خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها وجعل بينكم مودة و
رحمة ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون ٢١ ومن اياته خلق السموات
والارض واختلاف السنتكم والوانكم ان في ذلك لايات للعالمين ٢٢



وَمِنْ اٰيٰتِهٖ مَنَامُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَآؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ
لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ٢٣ وَمِنْ اٰيٰتِهٖ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّ
يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيٖ بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ
لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ٢٤ وَمِنْ اٰيٰتِهٖ اَنْ تَقُوْمَ السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ بِاَمْرِهٖ ثُمَّ اِذَا
دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْاَرْضِ اِذَآ اَنْتُمْ تَخْرُجُوْنَ ٢٥ وَلَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَ
الْاَرْضِ كُلٌّ لَّهٗ قٰنِتُوْنَ ٢٦ وَهُوَ الَّذِيْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ وَهُوَ
اَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ
الْحَكِيْمُ ٢٧ ضَرَبَ لَكُمْ مَّثَلًا مِّنْ اَنْفُسِكُمْ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ
مِّنْ شُرَكَآءَ فِيْ مَا رَزَقْنٰكُمْ فَاَنْتُمْ فِيْهِ سَوَآءٌ تَخَافُوْنَهُمْ كَخِيْفَتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ
كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ٢٨ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ
بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَّهْدِيْ مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ٢٩ فَاَقِمْ
وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِيْ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيْلَ لِخَلْقِ
اللّٰهِ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ٣٠ مُنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ
وَاتَّقُوْهُ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ٣١ مِنَ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا
دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ٣٢ وَاِذَا مَسَّ النَّاسَ

هرچه را میخواهد و اوست دانای توانا ۵۴ و روزی که برپا شود قیامت قسم خورند گناهکاران ۵۵ باین مضمون که درنگ نکردند
در دنیا بجز ساعتی همچنین بودند و دنیا که برگردانیده میشدند از راه صدق و گفتند آن کسانیکه داده شدند دانش و ایمان را یعنی ملائکه و انبیا
هرآینه بتحقیق درنگ کردید در لوح محفوظ تا روز برانگیختن که انکار میکردید ولیکن شما بودید که نمیدانید ۵۷ پس در آنروز سود ندهد آنانرا
که ستم کردند عذرخواهی ایشان و نه ایشان خوانده شوند بچیزی که ازالهٔ عقاب ایشان کند ۵۸ و هرآینه بتحقیق زدیم ما از برای مردم
در این قران از هر مثلی و اگر بیاری تو ای محمد ایشان را بآیتی هرآینه گویند آنانکه کافر شدند نیستید شما مگر تدویرکنندگان
۵۹ همچنین مهر میکند خدا بر دلهای آن کسانیکه نمیدانند ۶۰ پس صبر کن ای پیغمبر بدرستیکه وعدهٔ خدا راست است
و نباید سبک بشمارند ترا آنانکه یقین ندارند یعنی باید که تکذیب و ایذای اهل شک و ضلالت باعث فتور در دعوی تو نباشد و ثابت قدم باشی

سورهٔ لقمان مشتمل بر سی و چهار آیه و در مکهٔ معظمه نازل شده است

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

الم این است آیات قران خداوند حکیم ۲ راه نماینده و رحمت است مر نیکوکاران را ۳ آنانکه بپا میدارند نماز را
و میدهند زکوة را و ایشان بآخرت ایشان یقین کننده‌اند ۴ آن گروه بر راه راستند از جانب پروردگار خودشان و آن
گروه ایشانند رستگاران ۵ و از مردمان کسی است که میخرد سخن بازی بیهوده را تا اینکه گمراه سازد مردم را از راه
خدا یعنی از استماع قران بسبب بی دانشی که دارد و میگیرد راه خدا را مسخره آن گروه از برای ایشان است عذابی
خوارکننده ۶ و چون خوانده شود براو آیات ما روی بگرداند در حالتی که گردنکش باشد مثل اینکه هرگز

نشنیده است آن آیات را گویا در دو گوش او سنگینی است پس مژده بده او را ای پیغمبر بعذابی دردناک
۷ بدرستیکه آن کسانی که ایمان آوردند و عمل کردند نیکوئیها را از برای ایشان است بستانهای پرنعمت
۸ همیشه باشند در آن بستانها وعدهٔ خدا راست است و او است عزیز درست کردار ۹ خلق کرد
خدا آسمانها را بدون ستون که می بینید شما آن آسمانها را و قرار داد در زمین کوهها را جهت اینکه
حرکت ندهد شما را و پراکنده نمود در زمین از هر جنبنده و فرو فرستادیم ما از آسمان آب را پس رویانیدیم ما
در آن زمین از هر صنف گیاهی نیکو ۱۰ این است مخلوقات خدا پس بنمائید مرا آنچه خلق کرد آن کسانی که غیر از خدا
هستند بلکه ظلم کنندگان در گمراهی آشکارند ۱۱ و هرآینه بتحقیق دادیم ما لقمان را حکمت اینکه شکر کن خدا را و هرکه
شکر میگوید پس جز این نیست که شکر میگوید از برای خودش و هرکه کافر شد پس بدرستی که خدا بی نیاز ستوده
است ۱۲ و چون گفت لقمان از برای پسر خودش در حالتی که لقمان پند میداد پسر خود را ای پسرک من شرک نیاور بخدا
بدرستیکه شرک هرآینه ستمی بزرگ است ۱۳ و وصیت کردیم ما یعنی فرمودیم آدمی را نیکی کردن
به پدر و مادر حمل کرد او را مادر او در حالت سستی بر سستی یعنی ضعف بر بالای ضعفی و جدا کردن و باز گرفتن
او را از شیر دادن در دو سال اینکه شکر کنی مرا و پدر و مادر خود را بسوی من است بازگشت ۱۴ و اگر کوشش
و اصرار کنند پدر و مادر تو را بر اینکه شرک آوری و انباز گیری بآن چیزی را که نیست از برای تو بآنچیز علمی و دانشی پس
اطاعت مکن پدر و مادر خود را و مصاحبت کن ایشان را در دنیا بوجه شرع و متابعت کن راه کسیرا که بازگشته است بسوی من
بتوحید و اخلاص که محمد است و اتباع او پس از آن بسوی من است بازگشت شما پس آگاه میکنم شما را بآنچه هستید که میکنید ۱۵ ای
پسرک من بدرستیکه خصلتی که آدمی را باشد از خیر و شر اگر باشد هم وزن یکدانهٔ از خردل پس باشد در میان سنگ سختی یا در آسمانها
یا در زمین بیاورد خدا و حاضر کند آن را در موقف حساب بدرستیکه خدا باریک بین و آگاه است ۱۶ ای پسرک من برپا دار نماز را

و امر کن مردم را به نیکوئی و باز دار از کردار ناشایست و صبر کن بر آنچه برسد ترا از شداید بدرستیکه این امر بمعروف و نهی از منکر
و صبر در شداید از مفروضات کارها است یعنی آنچیزیست که عظم و قطع فرموده بر سبیل ایجاب و لزوم ۱۷ و مگردان روی خود را
از جهت و طرف مردمان یعنی چون متکبران از مردم روی بگردان بلکه متواضع باش و راه مرو در زمین بسیار شاد و فخر کننده بدرستیکه
خدا دوست نمیدارد هر متکبر فخر کننده را ۱۸ و میانه روی کن در راه رفتن خود یعنی نه پر تند که علامت خفت باشد و نه آهسته که
کرشانهٔ تکبر باشد و فرود آر و کم کن از صدای خود یعنی زیاد و بلند تکلم مکن بدرستیکه بدترین صداها و آوازها هر آینه آواز
خر است ۱۹ آیا ندیده اید اینکه خدا رام کرد از برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و فراخ کرد و تمام ساخت بر شما
نعمتهای ظاهر و باطن را یعنی نعمتهای محسوسه و غیر محسوسه را و از مردم کسی است که مجادله میکند و خصومت میورزد در کتاب خدا بدون علمی و
دانشی و بدون راه نمائی و نه کتابی که روشن باشد بلکه محض جهل و تقلید خصومت میکند ۲۰ و اگر گفته شود از برای ایشان که متابعت
کنید آنچه را که فرستاده است خدا یعنی قرآن گفتند بلکه متابعت میکنیم ما آنچه را که یافتیم بر آن پدران ما و اگر چه بود شیطان که میخواند
ایشان را بسوی آتش سوزان یعنی آیا متابعت پدران خود را میکنند با اینکه شیطان دعوت کرده باشد پدران ایشان را با آتش جهنم
۲۱ و هر که واگذارد خود را بدرگاه خدا و او نیکوکار باشد پس بتحقیق چنگ زده است بدست آویزی محکم و بسوی خداست سرانجام کارها
۲۲ پس هر که کافر شد پس اندوهگین نکند کفر او ترا بسوی ماست بازگشت ایشان پس آگاه میکنیم ایشانرا بآنچه بودند بدرستیکه خدا
داناست بآنچه در سینه ها است از خیر و شر ۲۳ برخورداری میدهیم ایشانرا کمی پس ناچار کنیم ایشانرا بسوی عذاب قوی سنگین ۲۴
و هر آینه اگر بپرسی از کفار که کی خلق کرد آسمانها و زمین را هر آینه میگویند البته خدا بگو ای محمد حمد از برای خداست بلکه بیشتر از ایشان نمیدانند ۲۵ برای خداست
آنچه در آسمانها و زمین است بدرستیکه خدا اوست بی نیاز ستوده ۲۶ و اگر اینکه بود هر چه در زمین است از درختان قلمها و دریای محیط مرکب او و کمک
میشد بعد از تمام شدن دریای محیط هفت دریای دیگر که همه مرکب بودند و نوشته میشد عجایب خلقتهای خدا همهٔ آن دریاها و قلمها تمام میشد که تمام نشدی

سخنان خدا و علوم الهی و عجایب پادشاهی پروردگار بدرستیکه خدا عزیز درست کردار است ۲۷ نیست خلق کردن شما و نیست برانگیختن و زنده
کردن شما مگر مانند خلق کردن یک تن یعنی بمحض اراده و گفتن کن تمام اشیاء را بیافرینید بدرستی که خدا شنوای بیناست ۲۸ آیا نمی بینی
اینکه خدا در میآورد شب را در روز و در میآورد روز را در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را که همه میروند تا مدت معین نام برده شده و بدرستیکه خدا
بآنچه میکنند آگاه است ۲۹ این تداخل شب و روز و حرکت آفتاب و ماه برای این است که خدا اوست راست و ثابت و بدرستی که آنچه را میخوانند
بجز او باطل است و بدرستیکه خدا اوست بلند مرتبهٔ بزرگ ۳۰ آیا ندیدی اینکه کشتی میرود در دریا بمنت و احسان حقتعالی که آنرا در روی
آب نگاه میدارد تا بنماید شما را از آیات خود کش بدرستی که در این جریان کشتی در دریا هر آینه آیات و نشانهاست از برای هر صبر کنندهٔ
شکر گذارندهٔ ۳۱ و چون فرو گیرد اهل کشتی را موج دریا مثل کوهها یا ابرها که بلند شود و تاریک کند کشتی را میخوانند خدا را در حالیکه خالص
کنندگانند از برای خدا دین را پس چون رهانیدیم ایشانرا از بیم هلاکت در دریا و رسانیدیم ایشانرا بسوی بیابان پس بعضی از ایشان راست
ایستاده اند بطریق عدل که آن طریق توحید است و انکار نمیکنند آیات ما را مگر هر غدر کنندهٔ که شکننده است عهد خود را
و ناسپاس است ۳۲ ای مردم بپرهیزید از پروردگار خودتان و بترسید از روزی که جزا ندهد پدر بفرزندش و نه اولادی
که او باز دارنده باشد از پدر خود چیزی را از ثواب و عقاب ۳۳ بدرستیکه وعدهٔ خدا راست است پس نفریبد
شما را زندگانی دنیا و نفریبد شما را بعفو و کرم و مهلت خدا شیطان فریبنده ۳۴ بدرستیکه خدا نزد اوست دانستن قیام قیامت
و میفرستد باران را و میداند آنچه را که در رحمها است و نمیداند کسی که چه کسب میکند فردا و نمیداند احدی بکدام زمین بمیرد و بدرستیکه خدا دانای آگاه است

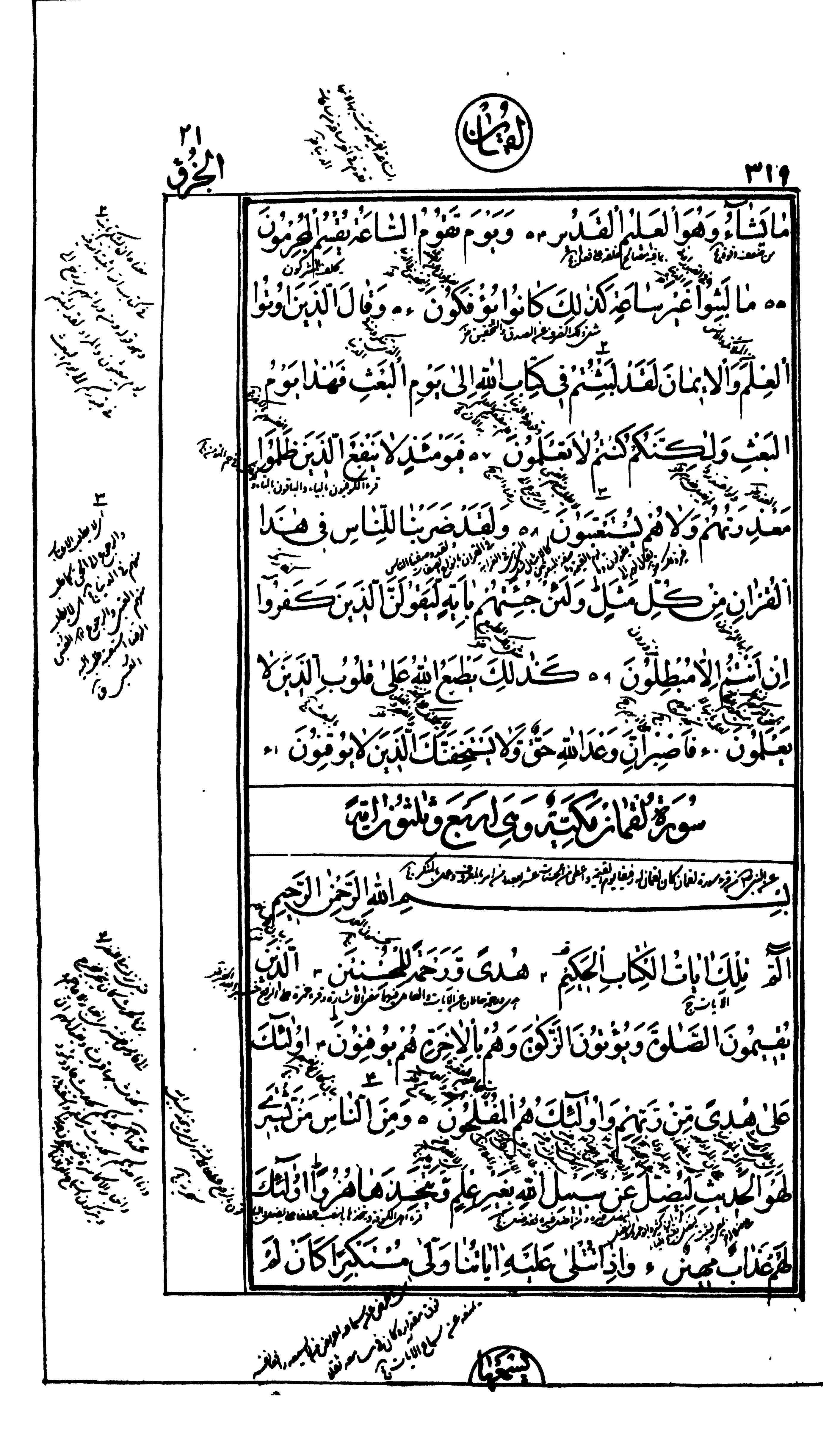
سورهٔ سجده مشتمل بر سی آیه است و در مکه نازل شده است

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

۱ الٓمٓ فرو فرستادن قرآن است نیست شکی در آن از پروردگار عالمیان ۲ یا میگویند اهل مکه که محمد بربافته است قرآن را

ضرٌّ دعوا ربهم منيبين إليه ثم إذا أذاقهم منه رحمة إذا فريق منهم
بربهم يشركون ٣٣ ليكفروا بما آتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون ٣٤
أم أنزلنا عليهم سلطانا فهو يتكلم بما كانوا به يشركون ٣٥ وإذا
أذقنا الناس رحمة فرحوا بها وإن تصبهم سيئة بما قدمت أيديهم
إذا هم يقنطون ٣٦ أولم يروا أن الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر
إن في ذلك لآيات لقوم يؤمنون ٣٧ فآت ذا القربى حقه والمسكين
وابن السبيل ذلك خير للذين يريدون وجه الله وأولئك هم
المفلحون ٣٨ وما آتيتم من ربا ليربو في أموال الناس فلا يربو عند الله
وما آتيتم من زكاة تريدون وجه الله فأولئك هم المضعفون ٣٩ الله
الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم هل من شركائكم من
يفعل من ذلكم من شيء سبحانه وتعالى عما يشركون ٤٠ ظهر الفساد
في البر والبحر بما كسبت أيدي الناس ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم
يرجعون ٤١ قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة الذين من
قبل كان أكثرهم مشركين ٤٢ فأقم وجهك للدين القيم من قبل
أن يأتي يوم لا مرد له من الله يومئذ يصدعون ٤٣ من كفر فعليه

كفره ومن عمل صالحا فلانفسهم يمهدون ٤٤ ليجزي الذين امنوا
وعملوا الصالحات من فضله انه لا يحب الكافرين ٤٥ ومن اياته
ان يرسل الرياح مبشرات وليذيقكم من رحمته ولتجري الفلك
بامره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ٤٦ ولقد ارسلنا
من قبلك رسلا الى قومهم فجاءوهم بالبينات فانتقمنا من الذين اجرموا
وكان حقا علينا نصر المؤمنين ٤٧ الله الذي يرسل الرياح فتثير
سحابا فيبسطه في السماء كيف يشاء ويجعله كسفا فترى الودق
يخرج من خلاله فاذا اصاب به من يشاء من عباده اذا هم يستبشرون
٤٨ وان كانوا من قبل ان ينزل عليهم من قبله لمبلسين ٤٩ فانظر
الى اثار رحمت الله كيف يحيي الارض بعد موتها ان ذلك لمحيي الموتى
وهو على كل شيء قدير ٥٠ ولئن ارسلنا ريحا فراوه مصفرا لظلوا
من بعده يكفرون ٥١ فانك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء اذا
ولوا مدبرين ٥٢ وما انت بهادي العمي عن ضلالتهم ان تسمع
الا من يؤمن باياتنا فهم مسلمون ٥٣ الله الذي خلقكم من ضعف ثم
جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من بعد قوة ضعفا وشيبة يخلق



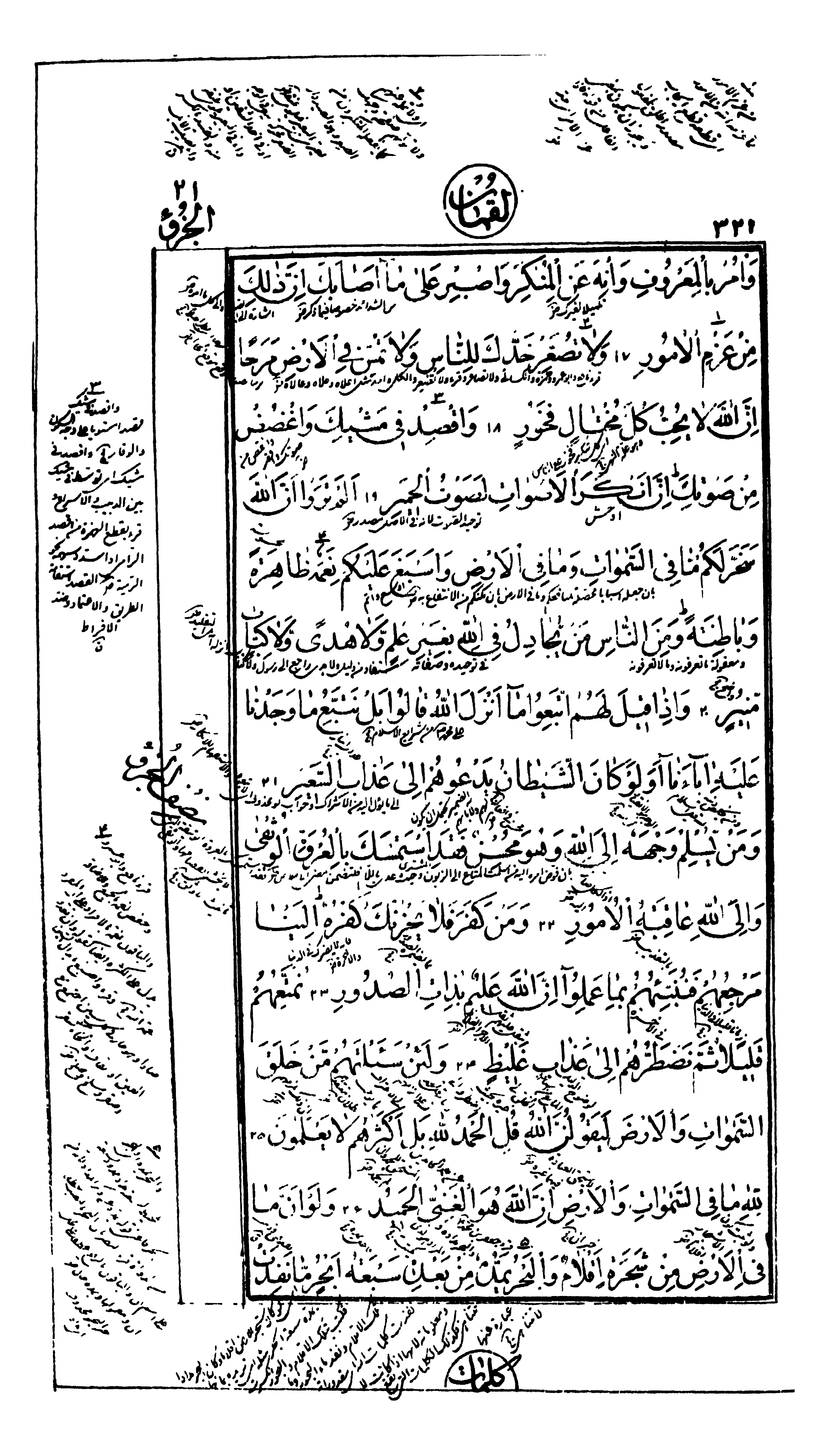
مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ٥٤ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ
مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ٥٥ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ
الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٥٦ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ٥٧ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا
الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ٥٨ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا
يَعْلَمُونَ ٥٩ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ٦٠

سورة لقمان مكية وهي أربع وثلاثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ١ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ٢ هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ ٣ الَّذِينَ
يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ٤ أُولَئِكَ
عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٥ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي
لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ
لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ٦ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ

يسمعها كأن في أذنيه وقرا فبشره بعذاب أليم ٧ إن الذين آمنوا
وعملوا الصالحات لهم جنات النعيم ٨ خالدين فيها وعد الله حقا
وهو العزيز الحكيم ٩ خلق السموات بغير عمد ترونها وألقى في الأرض
رواسي أن تميد بكم وبث فيها من كل دابة وأنزلنا من السماء ماء
فأنبتنا فيها من كل زوج كريم ١٠ هذا خلق الله فأروني ماذا خلق
الذين من دونه بل الظالمون في ضلال مبين ١١ ولقد آتينا
لقمان الحكمة أن اشكر لله ومن يشكر فإنما يشكر لنفسه ومن
كفر فإن الله غني حميد ١٢ وإذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني
لا تشرك بالله إن الشرك لظلم عظيم ١٣ ووصينا الإنسان بوالديه
حملته أمه وهنا على وهن وفصاله في عامين أن اشكر لي و
لوالديك إلي المصير ١٤ وإن جاهداك على أن تشرك بي ما ليس
لك به علم فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا واتبع سبيل
من أناب إلي ثم إلي مرجعكم فأنبئكم بما كنتم تعملون ١٥ يا بني إنها
إن تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة أو في السموات أو
في الأرض يأت بها الله إن الله لطيف خبير ١٦ يا بني أقم الصلوة



وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ
مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ١٧ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا
إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ١٨ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ
مِن صَوْتِكَ إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ١٩ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً
وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ
مُّنِيرٍ ٢٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا
عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ٢١
وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ
وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ٢٢ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا
مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٢٣ نُمَتِّعُهُمْ
قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ٢٤ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٢٥
لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ٢٦ وَلَوْ أَنَّمَا
فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ

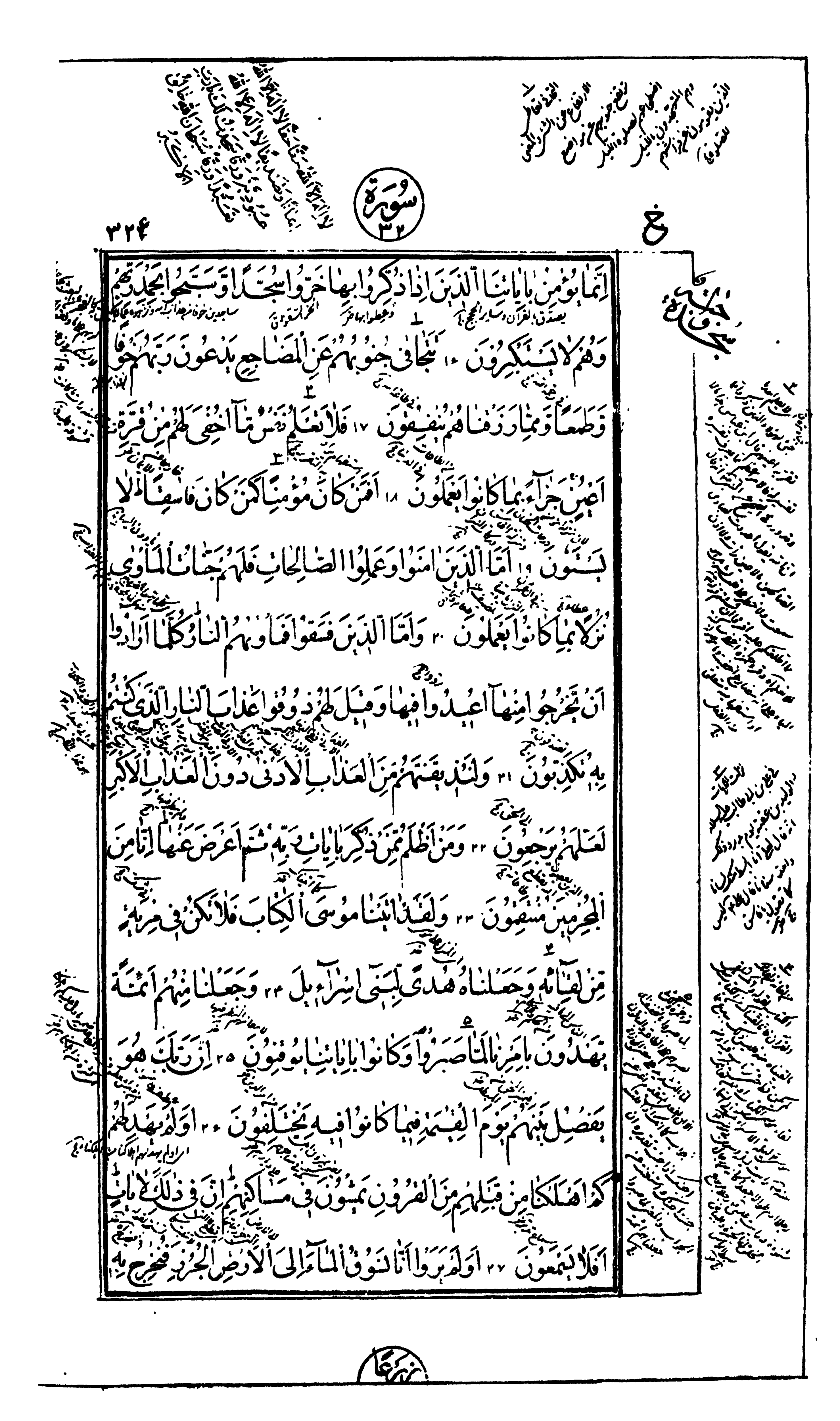
كلمات الله إن الله عزيز حكيم ٢٧ ما خلقكم ولا بعثكم إلا كنفس واحدة
إن الله سميع بصير ٢٨ ألم تر أن الله يولج الليل في النهار ويولج النهار
في الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري إلى أجل مسمى وأن الله بما تعملون
خبير ٢٩ ذلك بأن الله هو الحق وأن ما يدعون من دونه الباطل وأن
الله هو العلي الكبير ٣٠ ألم تر أن الفلك تجري في البحر بنعمت الله ليريكم
من آياته إن في ذلك لآيات لكل صبار شكور ٣١ وإذا غشيهم موج
كالظلل دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجاهم إلى البر فمنهم مقتصد
وما يجحد بآياتنا إلا كل ختار كفور ٣٢ يا أيها الناس اتقوا ربكم
واخشوا يوما لا يجزي والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن والده
شيئا ٣٣ إن وعد الله حق فلا تغرنكم الحياة الدنيا ولا يغرنكم بالله
الغرور ٣٣ إن الله عنده علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في الأرحام
وما تدري نفس ماذا تكسب غدا وما تدري نفس بأي أرض تموت
إن الله عليم خبير

سورة السجدة ثلثون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ١ تنزيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين ٢ أم يقولون افتريه

بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتٰهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ
يَهْتَدُونَ ٣ اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي
سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا
شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ٤ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ
إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ٥ ذٰلِكَ عٰلِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهٰدَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٦ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ
خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ٧ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلٰلَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ
ثُمَّ سَوّٰىهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصٰرَ وَالْأَفْئِدَةَ
قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ٩ وَقَالُوا أَءِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَءِنَّا لَفِي خَلْقٍ
جَدِيدٍ ١٠ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كٰفِرُونَ ١١ قُلْ يَتَوَفّٰىكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي
وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ١٢ وَلَوْ تَرٰى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا
رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صٰلِحًا إِنَّا
مُوقِنُونَ ١٣ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدٰىهَا وَلٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ
مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ١٤ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ
لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا إِنَّا نَسِينٰكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ١٥



إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ
وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ١٦ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا
وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ١٧ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ
أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ١٨ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا
يَسْتَوُونَ ١٩ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ
نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٢٠ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا
أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ
بِهِ تُكَذِّبُونَ ٢١ وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٢٢ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ
الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ ٢٣ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ
مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ٢٤ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً
يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ٢٥ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ٢٦ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ
كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
أَفَلَا يَسْمَعُونَ ٢٧ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ

صفحهٔ سیصد و بیست و سوم

بلکه قرآن حق است از پروردگار تو تا اینکه بترسانی قومی را که نیامد ایشانرا هیچ بیم کنندهٔ پیش از تو شاید ایشان راه یافته شوند ۳
خداست آنکه خلق کرد آسمانها و زمین را و آنچه میانهٔ آسمان و زمین است در شش روز بعد مستولی شد بر عرش نیست از برای شما غیر او
هیچ دوستی و نه شفیعی آیا پس پند پذیر نمی شوید ۴ میسازد کار دنیا را از آسمان بسوی زمین پس از آن بالا میرود آنکار ساخته شدهٔ موجود شده
بسوی او یعنی ثابت میشود در علم او وقتی که موجود میشود و زمان میانهٔ تدبیر کردن و موجود شدن امر در روزی است که هست مقدار آن روز هزار سال از آنچه
شماره میکنید یعنی حق تعالی تدبیر امری میکند که بعد از هزار سال دیگر موجود خواهد شد یا معنی اینست که خدا تدبیر امور میکند و میفرستد ملکی را که موکل بر آن
امر است از آسمان بزمین و صعود میکند آن ملک بعد از ساختن امر از زمین باسمان در روزیکه برای آدمی طی آن مسافت بکمتر از هزار سال میسر نشود چه از
زمین تا باسمان پانصد سال راه است ۵ اینست خدای مدبر دانای پنهان و آشکار است که عزیز مهربانست ۶ آن خداوندی که نیکو
کرد هر چیزی را که آفریده است او را و آغاز کرد آفرینش آدم را از گل ۷ پس از آن گردانید فرزندان آدم را از خلاصهٔ از آبی حقیر یعنی از
نطفهٔ که در نهایت حقارتست ۸ پس درست کرد او را و دمید در او از روح خود وش و قرار داد از برای شما گوش و چشمها را و دلها را در زمانی
اندک شکر گذاری میکنید یعنی بطوریکه باید در مقابل این نعمت شکر نمیکنید ۹ و گفتند منکران آیا چون گم شویم ما در زمین یعنی بمیریم و خاک شویم
و نابود گردیم آیا ما هر آینه در آفرینش تازه خواهیم بود بلکه ایشان بلاقات پروردگارشان کافرانند ۱۱ بگو ای محمد میمیراند شما را ملک الموت یعنی فرشته
مرگ آنچنانیکه موکل شده است بشما پس از آن بسوی پروردگار خود باز گردیده شوید ۱۲ و اگر ببینی هنگامیکه گناهکاران بزیر افکنده اند سرهای خود را
نزد پروردگار خود گویند ای پروردگار ما دیدیم و شنیدیم پس برگردان ما را که عمل خوب شایسته بکنیم بدرستیکه ما یقین کنندگانیم ۱۳ و اگر میخواستیم
هر آینه میدادیم هر نفسی هدایت او را و لیکن ثابت شد گفتار از من هر آینه پر میکنم البته جهنم را از جن و انس همگی ۱۴ پس بچشید عذاب دوزخ را بسبب آنکه فراموش
کردید رسیدن روز خود تانرا که امروزست بدرستیکه ما فراموش کردیم شما را و بچشید عذاب جاوید را بسبب آنچه بودید شما که میکردید ۱۵

صفحهٔ سیصد و بیست و چهارم

جز این نیست که ایمان میآورند بآیات ما آنکسانیکه هرگاه پند داده شوند بآن آیات برو در افتند سجده کنند و تسبیح کنند بحمد پروردگارشان
و ایشان تکبر و سرکشی نمیکنند ۱۶ دور میشود پهلوهای ایشان از خوابگاه میخوانند پروردگار خود را بجهة ترس از عذاب و طمع برحمت پروردگار
و از آنچه روزی دادیم ما ایشانرا انفاق میکنند ۱۷ پس نمیداند هیچ نفسی آنچه که پنهان داشته شده است برای پهلو تهی کنندگان از
خوابگاه و انفاق کنندگان از روشنی چشمها یعنی چیزهائیکه بآن چشمها روشن گردد پاداش بآنچه بودند که میکردند ۱۸ آیا پس آنکه
باشد مؤمن یعنی امیر المؤمنین مانند کسی است که بیرون رفته باشد از دایرهٔ ایمان یعنی ولید برادر عثمان برابر نیستند در شرف و رتبه
۱۹ اما آن کسانیکه ایمان آوردند و عمل نیکو کردند پس از برای ایشانست بوستانها بیکه ماوای حقیقی است در حالتی که پیشکشی است
برای ایشان بسبب آنچه بودند که میکردند ۲۰ و اما آنانکه بیرون رفتند از دایرهٔ ایمان پس جایگاه ایشان آتش جهنم است هر وقت بخواهند
اینکه بیرون روند از آتش برگردانیده شوند در آتش و گفته شود مر ایشانرا که بچشید عذاب آتش آنچنانرا که بودید شما که تکذیب میکردید
۲۱ و هر آینه بچشانیم البته ایشانرا از عذاب نزدیکتر و کوچکتر که آن عذاب دنیا است که آن قتل و اسر و قحط است بجز عذاب بزرگتر
که عذاب خلود است در آتش جهنم شاید ایشان برگردند براه حق ۲۲ و کیست ستمکارتر از آنکه پند داده شد بآیات پروردگار
خود پس اعراض کرد و رو گردانید از آن آیات بدرستیکه ما از گناهکاران انتقام کشندگانیم ۲۳ و هر آینه بتحقیق دادیم موسی را
تورات پس نباش در شک از ملاقات او یعنی از دیدن تورات و گردانیدیم تورات را راه نماینده از برای بنی اسرائیل
۲۴ و گردانیدیم از ایشان پیشوایانی که راه مینمودند خلق را بحکم ما چون صبر کردند برشداید قوم و بودند که بآیات و معجزاتی
که بموسی دادیم یقین کنندگان ۲۵ بدرستیکه پروردگار تو او است که حکم میکند میانهٔ مردمان روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف
میکردند ۲۶ آیا راه ننمود مر اهل مکه را چند آنکه هلاک کردیم پیش از ایشان از اهل قرنها مانند قوم عاد و ثمود میروند اهل مکه در مسکنهای ایشان
و می بینند خرابه های منزلهای قوم عاد و ثمود را بدرستیکه در این هلاک اهل قرون هر آینه آیاتی هست آیا پس نمی شنوند این سخنانرا
یعنی بگوش فهم استماع نمیکنند تا پند گیرند و منزجر شوند ۲۷ آیا ندیدند که ما میرانیم آبرا بسوی زمین خالی از گیاه پس بیرون میآوریم بآن آب

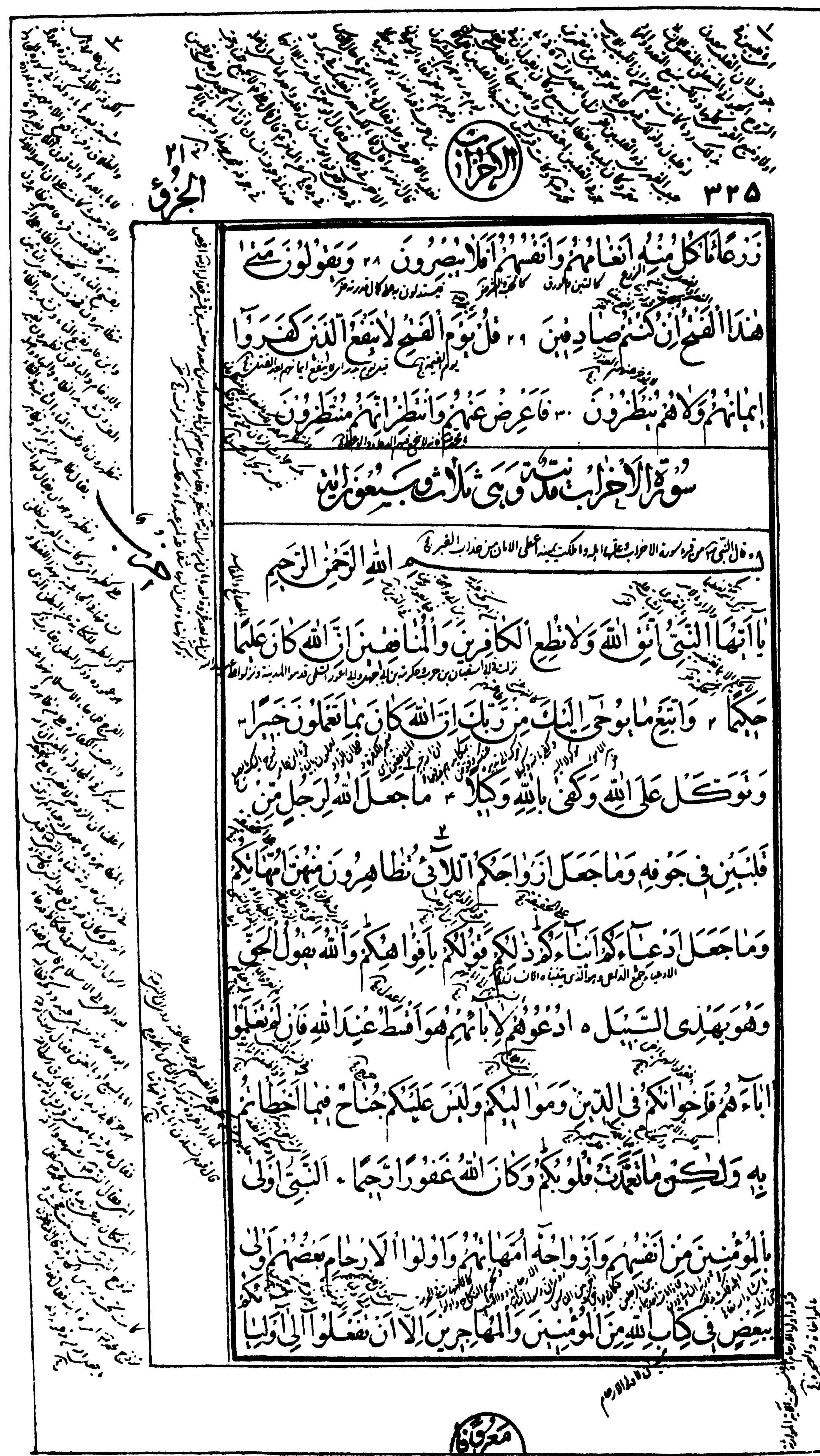
زراعتی را که میخورند از آن زراعت چهارپایان ایشان و خودشان آیا پس نمی بینند ۲۸ و میگویند کفار که کی خواهد بود این فتح که مؤمنان میگویند خدا ما را بر مشرکان که فتحی خواهد داد و اگر هستید راستگویان ۲۹ بگو ای محمد روز فتح نفع نمیدهد آنانرا که کافر شدند ایمان ایشان و نه ایشان مهلت داده میشوند ۳۰ پس رو بگردان از ایشان و منتظر نصرت باش بدرستیکه ایشان نیز منتظرند که غلبه کنند بر تو

سورهٔ احزاب مشتمل بر هفتاد و سه آیه در مدینهٔ طیبه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ای پیغمبر بپرهیز از خدا و اطاعت مکن کافرین و منافقین را بدرستیکه خدا هست دانای درستکار ۲ و پیروی کن آنچه را که وحی کرده میشود بسوی تو از جانب پروردگارت بدرستی که خدا هست بآنچه میکنید آگاه ۳ و توکل کن بر خدا و بس است خدا و کفایت کند همهٔ مهمات را ۴ نیافرید خدا از برای احدی از مردم دو دل در اندرون او و نگردانید زنان شما را آنچنان زنانی که مظاهره می کنید از ایشان مادران شما یعنی زنانیرا که با ایشان میگوئید انت علی کظهر امی ایشان مادر شما نمیشوند و نگردانید خدا پسرخواندگان شما را پسران شما اینکه یک کس را که دو دل باشد یا مظاهر مادر شود یا پسرخوانده بجای پسر واقع باشد گفتن شما است بدهنهای شما یعنی حرفی است که بزبان میگوئید و حقیقت ندارد و خدا میگوید سخن راست را و او هدایت میکند براه راست ۵ بخوانید پسرخواندگانرا باسم پدرهای ایشان آن راست تر است نزد خدا چنانچه زید بن محمد را بعد از نزول آیهٔ مبارکه زید بن حارثه خواندند پس اگر ندانید پدرهای ایشانرا پس برادران شما هستند در دین و دوستان شما هستند یعنی ایشانرا در آنوقت برادر و مولی بخوانید و نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید بآن و جاهل بودید بقبح آن ولیکن گناه هست آنچه را که عمداً قصد کند دلهای شما و باشد خدا آمرزنده گناه آنرا که خطا کند مهربانست بر صاحب عمد چون توبه کند ۶ پیغمبر سزاوار تر است بمؤمنین از خودشان و زنهای پیغمبر مادرهای ایشان باشد و خویشاوندان یعنی از ایشان اولی هستند به برخی دیگر در کتاب خدا یعنی در لوح محفوظ یا در قرآن از مؤمنین و مهاجرین مگر اینکه بکنید با دوستان خود از مهاجرین و انصار

نیکوئی یعنی وصیت کنید که تا ثلث مال شما را بدوستان بدهند یا در حیات خود با ایشان ببخشید باشد این اولویت پیغمبر و توارث ذوی الارحام در قرآن یا در لوح محفوظ نوشته شده ۷ و چون گرفتیم از پیغمبران عهد و پیمانشانرا و از تو که محمد هستی و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و گرفتیم ما از ایشان پیمانی سخت محکم ۸ تا سؤال کند صادقین را یعنی پیغمبران را در روز قیامت از راستی ایشان در عهد یعنی در آنروز هر یک از انبیا گواهی دهند بر نفسهای خود از صدق ایشان در عهد و بپرسند از پیغمبران که امم ایشان اجابت دعوت ایشان کردند یا نه و آماده کرده از برای کافران عذابی را که دردناکست ۹ ای کسانیکه ایمان آورده اید یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون آمد شما را لشکرهای کفار پس فرستادیم ما بر ایشان بادی را و لشکرها را که ندیدید آنها را و باشد خدا بآنچه میکنید بینا ۱۰ یاد کنید چون در آمدند بشما لشکرها از بالای شما یعنی از اعلای وادی از جانب مشرق که بنی غطفان بودند و از پائین تر از شما یعنی از اسفل وادی که سمت مغرب است که قریش بودند و چون خیره شد چشمها و رسید دلهای بحنجرها از غایت ترس و گمان کردید بخدا انواع گمانها را یعنی مؤمنین گمان نصرت بخود داشتند و کفار گمان غلبه بر مؤمنین مینمودند ۱۱ آنجا آزموده شدند مؤمنین و لرزیدند لرزیدنی سخت ۱۲ و یاد کن وقتی را که گفتند منافقان و آنکسانیکه در دلهای ایشان مرض است وعده نداد ما را خدا و رسول او مگر وعدهٔ فریبنده بازی داده اند ما را ۱۳ و یاد کن وقتی را که گفتند طایفهٔ از ایشان یعنی از منافقان ای اهل مدینه نیست جای ماندن از برای شما در لشکرگاه محمد پس برگردید و رخصت میطلبیدند گروهی از ایشان از پیغمبر میگفتند بدرستیکه خانهای ما خالی است و حال اینکه نبود خانهای ایشان خالی قصد نداشتند مگر فرار کردن و گریختن را ۱۴ و اگر داخل شوند بر ایشان از اطراف مدینه یعنی کفار گرداگرد مدینه را بگیرند پس از آن خواسته شوند فتنه را یعنی ایشانرا دعوت کنند بشرک هر آینه بدهند بکفار فتنه را یعنی اجابت کنند سخن آنها را و مشرک شوند و با مسلمانان در مقام مقاتله برآیند و درنگ نکنند بآن فتنه و اجابت آن در مدینه بعد از مرتد شدن مگر زمانی اندک بلکه زود مشرک شوند ۱۵ و هر آینه بتحقیق بودند جمعی که معاهده کرده بودند با خدا از پیش از این یعنی روز احد که برنگردانند پشتهای خود را از جنگ و باشد عهد خدا پرسیده شده یعنی از وفای بآن عهد سؤالی خواهند کرد و بر نقض آن جزای بد خواهند داد ۱۶ بگو ای محمد هرگز نفع نمیکند شما را فرار کردن اگر فرار کنید از مرگ یا کشته شدن و آن هنگام برخوردار نشوید مگر اندکی ۱۷ بگو کیست آنکه نگاه دارد شما را از حکم خدا اگر اراده کند بشما بدی را یا



زرعا تأكل منه أنعامهم وأنفسهم أفلا يبصرون ٢٨ ويقولون متى هذا الفتح إن كنتم صادقين ٢٩ قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا إيمانهم ولا هم ينظرون ٣٠ فأعرض عنهم وانتظر إنهم منتظرون

سورة الأحزاب مدنية وهي ثلاث وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين إن الله كان عليما حكيما ١ واتبع ما يوحى إليك من ربك إن الله كان بما تعملون خبيرا ٢ وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ٣ ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه وما جعل أزواجكم اللائي تظاهرون منهن أمهاتكم وما جعل أدعياءكم أبناءكم ذلكم قولكم بأفواهكم والله يقول الحق وهو يهدي السبيل ٤ ادعوهم لآبائهم هو أقسط عند الله فإن لم تعلموا آباءهم فإخوانكم في الدين ومواليكم وليس عليكم جناح فيما أخطأتم به ولكن ما تعمدت قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ٥ النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين إلا أن تفعلوا إلى أوليائكم

معروفا كان ذلك في الكتاب مسطورا ٧ وإذ أخذنا من النبيين ميثاقهم

ومنك ومن نوح وإبرهيم وموسى وعيسى ابن مريم وأخذنا منهم

ميثاقا غليظا ٨ ليسأل الصادقين عن صدقهم وأعد للكافرين عذابا

أليما ٩ يا أيها الذين آمنوا اذكروا نعمة الله عليكم إذ جاءتكم جنود

فأرسلنا عليهم ريحا وجنودا لم تروها وكان الله بما تعملون بصيرا ١٠

إذ جاءوكم من فوقكم ومن أسفل منكم وإذ زاغت الأبصار وبلغت القلوب

الحناجر وتظنون بالله الظنونا ١١ هنالك ابتلي المؤمنون وزلزلوا

زلزالا شديدا ١٢ وإذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما

وعدنا الله ورسوله إلا غرورا ١٣ وإذ قالت طائفة منهم يا أهل

يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستأذن فريق منهم النبي يقولون إن

بيوتنا عورة وما هي بعورة إن يريدون إلا فرارا ١٤ ولو دخلت عليهم

من أقطارها ثم سئلوا الفتنة لآتوها وما تلبثوا بها إلا يسيرا ١٥

ولقد كانوا عاهدوا الله من قبل لا يولون الأدبار وكان عهد الله

مسئولا ١٦ قل لن ينفعكم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل وإذا

لا تمتعون إلا قليلا ١٧ قل من ذا الذي يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءا

أو أراد بكم رحمة ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا ١٨ قد يعلم الله
المعوقين منكم والقائلين لإخوانهم هلم إلينا ولا يأتون البأس إلا قليلا
أشحة عليكم فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذي
يغشى عليه من الموت فإذا ذهب الخوف سلقوكم بألسنة حداد أشحة
على الخير أولئك لم يؤمنوا فأحبط الله أعمالهم وكان ذلك على الله
يسيرا ٢٠ يحسبون الأحزاب لم يذهبوا وإن يأت الأحزاب يودوا لو
أنهم بادون في الأعراب يسألون عن أنبائكم ولو كانوا فيكم ما
قاتلوا إلا قليلا ٢١ لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن
كان يرجوا الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا ٢٢ ولما رأى المؤمنون
الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله
وما زادهم إلا إيمانا وتسليما ٢٣ من المؤمنين رجال صدقوا
ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا
تبديلا ٢٤ ليجزي الله الصادقين بصدقهم ويعذب المنافقين إن شاء
أو يتوب عليهم إن الله كان غفورا رحيما ٢٥ ورد الله الذين كفروا بغيظهم
لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا ٢٦ وأنزل

الذين ظاهروهم من اهل الكتاب من صياصيهم وقذف في قلوبهم
الرعب فريقا تقتلون وتاسرون فريقا ٢٧ واورثكم ارضهم وديارهم و
اموالهم وارضا لم تطؤها وكان الله على كل شيء قديرا ٢٨ يايها
النبي قل لازواجك ان كنتن تردن الحيوة الدنيا وزينتها فتعالين
امتعكن واسرحكن سراحا جميلا ٢٩ وان كنتن تردن الله ورسوله و
الدار الاخرة فان الله اعد للمحسنت منكن اجرا عظيما ٣٠ ينساء النبي
من يات منكن بفاحشة مبينة يضعف لها العذاب ضعفين و
كان ذلك على الله يسيرا ٣١ ومن يقنت منكن لله ورسوله وتعمل
صالحا نؤتها اجرها مرتين واعتدنا لها رزقا كريما ٣٢ ينساء النبي
لستن كاحد من النساء ان اتقيتن فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في
قلبه مرض وقلن قولا معروفا ٣٣ وقرن في بيوتكن ولا تبرجن تبرج
الجاهلية الاولى واقمن الصلوة واتين الزكوة واطعن الله ورسوله
انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا ٣٤ و
اذكرن ما يتلى في بيوتكن من ايت الله والحكمة ان الله كان لطيفا خبيرا ٣٥
ان المسلمين والمسلمت والمؤمنين والمؤمنت والقنتين والقنتت و

صفحهٔ سیصد و بیست و هفتم

یا اراده کند بشما رحمتی را و نمی یابند مردمان برای خودشان از غیر خدا دوستی و نه یاری کننده ۱۸ بتحقیق میداند خدا بازدارندگان از شما را و گویندگان مر برادران خود را که بیایید بسوی ما و نمی آیند منافقان بجنگ کفار مگر کمی از ایشان یا مدتی اندک ۱۹ در حالتی که بخیلانند بر شما پس هرگاه بیاید ترس از دشمنان بینی ایشانرا از غایت خوف مینگرند بسوی تو میگردد چشمهای ایشان بچپ و راست مانند کسی که پوشیده باشد بر او عقل یعنی غش کرده و بیهوش گشته از سکرات مرگ پس چون برود ترس بجهت فتح و نصرت بر نجانند شما را بزبانهای تند و تیز یعنی حرفهای درشت و سخت گویند در حالتی که بخیلند بر غنیمت یعنی بوقت غنیمت مجادله و منازعه کنند آن گروه ایمان نیاورده اند پس نابود نمود خدا عملهای ایشان را و باشد این یعنی نابود کردن اعمال ایشان بر خدا آسان ۲۰ می پندارند منافقان که طوایف لشکر کفار نرفته اند از دور مدینه و هر چه مؤمنین با ایشان میگفتند که احزاب رفتند و فرار نمودند باور نمیکردند و اگر باز بیایند لشکر کفار دوست دارند منافقان آنکه ایشان صحرانشین باشند در میان اعراب میپرسند از خبرهای شما یعنی از مدینه بیرون میروند در صحرا میمانند و هر که از طرف مدینه میآمد از او می پرسند که فتح با کدام یک از طرفین بوده و اگر بودند در میان شما جنگ نمیکردند مگر کمی از روی ریا ۲۱ هر آینه بتحقیق هست برای شما در ذات پیغمبر خدا که صاحب خصایل نیکو است چون ثبات در جنگ وغیره پیروی پسندیده مر کسی را که باشد امیدوار بخدا و بروز قیامت و یاد کند خدا را بسیار ۲۲ و چون دیدند مؤمنان لشکر کفار را گفتند این است آنچه وعده داد خدا ما را و رسول خدا یعنی قبل از ورود احزاب بمدینه حضرت رسول فرموده بود که لشکر کفار بیایند و کار بر شما سخت شود ولی ظفر نیابند و راست گفت خدا و رسول خدا و نیفزود مؤمنین را مگر ایمان و گردن نهادن با مر و حکم خدا ۲۳ از مؤمنین مردانی هستند که راست گفتند آنچه عهد کردند با خدا بر آن خبر پس بعضی از ایشان کسی است که وفا کرد نذر خود را و جهاد کرد تا شهید شد چون حمزه و مصعب و انس بن نضیر و بعضی از ایشان کسی است که انتظار میکشند بجهت شهادت چون سایر مؤمنان و تغییر ندادند تغییر دادنی یعنی بهیچ وجه متغیر و متبدل نساختند عهد خود را ۲۴ تا پاداش دهد خدا راستگویان را بسبب صدق و راستی ایشان و عذاب کند منافقانرا اگر بخواهد یا قبول توبه کند بر ایشان بدرستیکه خدا باشد آمرزنده مهربان ۲۵ و باز گردانید خدا آنانرا که کافر شدند یعنی لشکر احزاب را از دور مدینه با غیظ و خشم ایشان یعنی در حالتی که خشمناک بودند نیافتند غنیمت و نصرتی و کفایت کرد خدا مؤمنان را مقاتله یعنی بسبب باد صبا و ملائکه ایشان را نصرت داد بر کفار یا بسبب کشتن امیرالمؤمنین ع عمرو بن عبدود را و هست خدای توانا بر هر چیز و غالب بر اشیاء ۲۶ و فرود آورد خدا یعنی در هم شکست

صفحهٔ سیصد و بیست و هشتم

آنانرا که معاونت کردند احزاب را و هم پشت ایشان شدند از اهل کتاب تورات یعنی یهود بنی قریضه از افعال و تدابیرشان که در اصلاح امور احزاب مینمودند و انداخت در دلهای ایشان ترس از پیغمبر را گروهی از ایشانرا میکشتید یعنی مردان یهود بنی قریضه را ۲۷ کشتید و گروهی از ایشانرا اسیر کردید یعنی زنان و اطفال آنها را اسیر نمودید و میراث داد بشما زمینهاشانرا و خانهاشانرا و مالهاشانرا و زمینی را که گام ننهاده اید بآن ندیده بودید و باشد خدا بر هر چیز توانا ۲۸ ای پیغمبر بگو مر زنان خود را اگر هستید شما که میخواهید زندگانی دنیا را و زینت دنیا را پس بیایید تمام مهر شما را بدهم و رها کنم شما را رها کردنی نیکو یعنی در کمال مهربانی شما را رها کنم و بی کدورت و کراهت برید ۲۹ و اگر هستید شما که میخواهید خدا و رسول خدا او خانهٔ آخرت را پس بدرستیکه خدا آماده کرده است از برای زنهای نیکوکار از شما اجر و مزد بزرگی را ۳۰ ای زنهای پیغمبر هر که بیاید از شما بکار زشت آشکارائی افزوده میشود از برای او عذاب دو برابر آنچه زنان دیگر را باشد و باشد این بر خدا آسان ۳۱ و هر که مداومت کند از شما بر طاعت و عبادت از برای خدا و رسول خدا و عمل نیکو کند میدهیم باو مزد شرا دو دفعه و آماده کرده ایم از برای او روزی نیکو شرا ۳۲ ای زنهای پیغمبر نیستید شما مثل آحاد و افراد سایر زنان اگر می پرهیزید از مخالفت خدا و میترسید از نافرمانی خدا و فرمان بردار خدا و رسول خدا هستید پس نرمی مکنید بگفتار در وقت سخن گفتن پس طمع کند آنکه در دلش مرضی است و بگوئید گفتار پسندیده درشت با خشونت ۳۳ و قرار گیرید در خانهای خودتان و اظهار نکنید زینت و پیرایهای خود را مانند اظهار زنان در ایام جاهلیت پیشینیان که از زمان ادریس بود تا زمان نوح هشتصد سال و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة و اطاعت کنید خدا و رسول خدا را جز این نیست که میخواهد خدا اینکه ببرد از شما گناه را ای اهل بیت پیغمبر و پاک کند شما را پاک کردنی ۳۴ و یاد کنید شما ای زنان پیغمبر آنچه را که خوانده میشود بر شما در خانه های شما از آیات کتاب خدا و کلمهٔ حکمت بدرستی که خدا باشد لطف کننده آگاه باعمال شما ۳۵ بدرستیکه مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان گرونده و زنان گرونده و مردان عابد و زنان عابده

و مردان راستگو و زنان راستگوینده و مردان صبر کن و زنان صبر کننده و مردان تواضع کن و زنان تواضع کننده و مردان صدقه بده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دارنده و مردانی که حفظ کننده اند فرجهای خود را از نامحرمان و زنان محافظت کننده فروج خود را و مردانی که یاد خدا میکنند بسیار و زنان یاد کنندهٔ خدا آماده کرده است خدا از برای ایشان آمرزشی و مزدی بزرگ را ۳۶ و نسزد از برای هیچ مؤمنی و نه هیچ زن مؤمنه هرگاه حکم کند خدا و رسول خدا کاری را اینکه باشد مر ایشانرا اختیاری از کارشان بلکه واجب است با ایشان که اختیار خود را تابع خدا و رسول سازند و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را پس بتحقیق گمراه شد گمراه شدنی آشکار ۳۷ و چون گفتی مرکسی را که انعام کرد خدا بر او و توفیق اسلام و انعام کردی تو بر پروریدن و آزاد کردن او یعنی زید را که فرزند خواندی و او مستغرق منت خدا و رسول است که نگاهدار زن خودت زینب را و بپرهیز از خدای تعالی در امر زینب که از روی اضرار طلاقش دهی و پنهان میکردی در نفس خود آنچیز را که خدا پیدا کننده و آشکار کنندهٔ آنست از نکاح کردن تو زینب را که زید طلاقش دهد و میترسیدی از سرزنش مردم که بگویند زن پسر خود را خواست و حال اینکه خدا سزاوارتر است که بترسی از او در آنچه باید ترسید پس چون گذارد زید از زینب حاجت خود را که با او داشت از نکاح و مباشرت و طلاق داد او را و عده نگاهداشت بزنی دادیم ما بتو زینب را تا نباشد بر مؤمنین گناهی در خواستن زنهای پسرخواندگان خود در وقتی که گذارده باشند از ایشان حاجتی را که دارند یعنی طلاق داده باشند و باشد حکم خدا کرده شده ۳۸ نیست بر پیغمبر هیچ گناهی در آنچه واجب کرده است خدا از برای او سنت گذاشت خدا سنتی را در آن کسانیکه گذشتند از پیش از محمد یعنی پیغمبران گذشته که این سنت ما در میان ایشان متداول بود که هم زنهای ادعیای خود را بزنی میخواستند و هم زن زیاد میگرفتند و باشد حکم خدا حکمی گذارده شدهٔ نافذ ۳۹ آنانکه میرسانند پیغامهای خدا را و میترسند از خدا و نمی ترسند از احدی مگر خدا و بس است خدا کفایت کنندهٔ مقاصد ترسندگان را ۴۰ نیست پیغمبر پدر احدی از مردان شما و لیکن رسول خداست و ختم کنندهٔ پیغمبران است و باشد خدا به چیز دانا ۴۱ ای کسانیکه ایمان آورده اید یاد کنید خدا را یاد کردن بسیاری و تسبیح کنید خدا را صبح و شام ۴۲ او هست خدائی آنچنانیکه رحمت میفرستد بر شما و ملائکه او درود میفرستند بر شما تا آنکه بیرون بیاورد شما را از تاریکیهای کفر و ضلالت بسوی

ایمان

و باشد خدا بمؤمنین مهربان ۴۳ درود مؤمنین از خدا روزی که برسند برحمت او که نعیم بهشت است یا وقت مرگ سلامی است که مخبر است بسلامتی از هر آفتی و آماده کرده است خدا برای ایشان مزد نیکو را ۴۴ ای پیغمبر بدرستی که ما فرستادیم تو را گواه و مژده دهنده و ترساننده ۴۵ و خواننده مردم بسوی خدا بفرمان او و چراغی روشنی دهنده ۴۶ و مژده بده مؤمنین را باینکه از برای ایشانست از خدا فضل بزرگ ۴۷ و اطاعت مکن کافران و منافقان را و دا بگذار آزار ایشانرا و توکل کن بر خدا و بس است خدا کارساز ترا ۴۸ ای کسانیکه ایمان آورده اید هرگاه نکاح کنید زنان مؤمنه را پس از آن طلاق دهید ایشانرا پیش از اینکه مس کنید ایشانرا یعنی دخول با ایشان نکرده باشید پس نیست از برای شما بر ایشان از عده که بشمارید آنرا پس بهره بدهید ایشانرا و رها کنید ایشانرا رها کردنی نیکو یعنی مهر ایشانرا بدهید و بزبان خوش رها کنید ایشانرا ۴۹ ای پیغمبر بدرستیکه ما حلال کردیم از برای تو زنان تو را آنانکه داده مهرهاشانرا و آنکه مالک شده است دست تو از آنچه گردانیده است خدای تعالی بر تو از غنایم مشرکان چون صفیه که از غنایم خیبر است و ریحانه که از غنایم بنی قریضه است و دختران عم تو را و دختران عمه های تو را و دختران خالوی تو و دختران خاله های تو آنهائیکه هجرت کردند با تو از مکه بمدینه و زن مؤمنه اگر ببخشد نفس خود را به پیغمبر اگر بخواهد پیغمبر اینکه طلب نکاح کند او را خالص شده است حلال بودن آن زن مؤمنه از برای تو بجز از مؤمنان یعنی از مخصوصان تست که زنی را بمجرد هبه بی مهر و صیغه نکاح کنی و مؤمنان را جایز نیست مگر بصیغهٔ عقد یا ملکیت و این مخصوص است با نحضرت بجهة شرافت و نبوت ۵۰ بتحقیق دانستیم ما آنچه فرض کرده ایم بر ایشان در زنان ایشان از شرط عقد و نکاح و تعیین مهر و نفقه و وجوب قسم و حصر عدد و آنچه مالک شد دستهای ایشان تا نبوده باشد بر تو تنگی و باشد خدا آمرزندهٔ مهربان ۵۱ باز پس داری هر که را خواهی از ایشان بترک مصاحبت و جا بدهی بسوی خود هر که را خواهی و هر که را طلبی از آنکه کناره جسته از آن و ترک مصاحبت او کردهٔ پس نیست گناهی بر تو این تفویض امر ایشان بمشیت تو نزدیکتر است باینکه روشن شود چشمهای ایشان و اندوهناک نشوند و خوشنود شوند بآنچه بدهی ایشانرا همگی را و خدا میداند آنچه در دلهای شما است یعنی میداند که امکان راضی باین تفویض پیغمبر نیستند و باشد خدا دانای بردبار ۵۲ حلال نیست مر تو را زنان دیگر بعد از این نه تانی که داری و نه اینکه بدل کنی با ایشان از زنان دیگر و اگر چه

صفحهٔ سیصد و یکم

بشگفت آورد تورا حسن ایشان مگر آنچه را که مالک شده است دست تو و باشد خدا بر هر چیزی نگهبان ٥٣ ای کسانیکه گرویده اید داخل مشوید خانهای پیغمبر را مگر اینکه اذن داده شود از برای شما بخوردن طعام در حالتی که منتظر نباشید وقت طعام خوردن را چون جمعی بودند که مواظب وقت طعام بودند چون دود مطبخ حضرت را میدیدند حاضر میشدند برای خوردن طعام حکم شد که منتظر وقت طعام نباشند ولیکن اگر خوانده شدید پس داخل شوید هرگاه خوردید پس پراکنده شوید دیگر میائید بخانهٔ پیغمبر در حالتی که برای آرام گرفتن بجهة سخن و نقل و حکایت آمده باشید بدرستیکه این بی موقع آمدن شما باشد که میرنجاند پیغمبر را پس شرم میدارد از شما و خدا شرم ندارد از سخن راست گفتن و اگر سؤال کنید از زنان پیغمبر متاعی را پس سؤال کنید از ایشان از پس پرده این احتجاب شما پاکتر است از برای دلهای شما و دلهای ایشان یعنی زنان و نسزد مر شما را اینکه برنجانید رسول خدا را و نه اینکه نکاح کنید زنان پیغمبر را بعد از او هرگز بدرستیکه این نکاح شما زنان پیغمبر را باشد نزد خدا بزرگ ٥٤ اگر آشکار کنید چیزی را یا پنهان کنید آن را پس بدرستیکه خدا باشد بهر چیزی دانا ٥٥ نیست گناهی بر زنان در بی حجاب بودن در نزد پدران ایشان و نه پسران خودشان و نه برادران خود و نه پسران برادران خود و نه پسران خواهران خود و نه زنان مؤمنه خود در آنچه از زنان یهود و نصاری احتجاب نمایند که بجهت عدم دیانت وصف شما را نزد شوهرهای خود کنند و نه آنچه مالک شده دستهای ایشان یعنی در وقت بی حجابی کنیزان نباید نزدیک زنان آیند و بترسید از خدا بدرستی که خدا باشد بر هر چیزی گواه ٥٦ بدرستیکه خدا و ملائکه خدا درود میفرستند بر پیغمبر ای کسانیکه ایمان آورده اید درود بفرستید بر پیغمبر و سلام گوئید سلام گفتنی یا تسلیم نمائید ٥٧ بدرستیکه آنانکه میرنجانند خدا و رسول خدا را لعنت کند ایشان را خدا در دنیا و آخرت و آماده نموده مر ایشان را عذابی خوار کننده ٥٨ و آنانکه میرنجانند مؤمنین و زنان مؤمنه را بغیر آنچه کسب کردند یعنی بغیر خیانتی که مستوجب آن باشد پس بتحقیق برداشتند بهتان و گناهی را که هویدا و آشکار است ٥٩ ای پیغمبر بگو مر زنان خود را و دختران خود را و زنان مؤمنین را که در وقت بیرون رفتن از خانه نزدیک کنند و فرو گذارند بر خود از چادرهای خود که بپوشانند خود را از دیدن نامحرمان این پوشاندن نزدیکتر است باینکه شناخته شوند بصلاح و عفت

صفحهٔ سیصد و دوم

پس رنجانیده نشوند از آزار زناکاران و باشد خدا آمرزندهٔ مهربان ٦٠ هر آینه اگر باز نایستند منافقان از آزار پیغمبر و باز نایستند آنانکه در دلهاشان مرضی است یعنی فساق هستند و قصد زنان و میل بفواحش دارند و اگر باز نایستند خبر دهندگان اخبار دروغ در مدینه هر آینه بگماریم البته تورا بایشان یعنی امر کنیم تورا بقتال ایشان پس مجاورت و همسایگی نکنند با تو در مدینه مگر زمانی کم چه در اندک فرصتی مستاصل شوند ٦١ در حالتی که در لعنت خدا مانده گانند هر کجا یافته شوند گرفته شوند و کشته شوند کشته شدنی بخواری و زاری ٦٢ سنت نهاده است خدا سنت گذاشتنی در قتل منافق مرجف در میان آنان که گذشته اند پیش از این یعنی مقرر کردیم در امم ماضیه که انبیا بکشند منافقان عهد خود را و هرگز نیابی از برای سنت خدا تغییر دادنی ٦٣ می پرسند تورا کفار از روز قیامت بطور استهزاء بگو ای محمد جز این نیست که علم آن نزد خداست و چه دانا گرداند تورا شاید آمدن قیامت باشد نزدیک ٦٤ بدرستیکه خدا لعنت کرد کافران را و آماده کرد برای ایشان آتش افروخته ٦٥ جاویدان باشند در آن آتش همیشه نمی یابند دوستی را و نه یاری کننده را ٦٦ روزی که گردانیده شود روهای ایشان در آتش میگویند ای کاش ما پیروی میکردیم خدا را و پیروی میکردیم رسول خدا را ٦٧ و گویند کفار ای پروردگار ما بدرستیکه ما اطاعت و پیروی کردیم مهتران خود را و بزرگان خود را پس گمراه کردند ما را از راه حق ٦٨ ای پروردگار ما بده ایشان را دو برابر از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنتی بزرگ ٦٩ ای کسانیکه ایمان آورده اید مباشید مثل کسانیکه اذیت کردند و رنجانیدند موسی را پس پاک گردانید و بری کرد خدا موسی را از آنچه گفتند یعنی زنی را رشوه داده بودند که در حق موسی افترا کند بپاکی او اعتراف کرد و بود موسی نزد خدا با قرب و منزلت ٧٠ ای کسانیکه ایمان آورده اید بترسید از خدا و بگوئید گفتاری استوار ٧١ تا بصلاح آورد خدا عملهای شما را و بیامرزد برای شما گناهان شما را و هر که فرمان برد خدا و رسول خدا را پس بتحقیق رستگار شد رستگاری بزرگ ٧٢ بدرستیکه ما عرض کردیم امانت را یعنی طاعت و حفظ مراتب عبادات را بر آسمانها و زمین و کوهها پس سر باز زدند از اینکه بردارند آن امانت را و ترسیدند از آن و برداشت آن را انسان بدرستیکه انسان باشد ستمکار بر نفس خود و بسیار نادان بکنه عاقبت آن ٧٣ تا عذاب کند خدا منافقین و زنان منافقه را و مردان مشرک و زنان مشرکه را و تا رجوع کند خدا برحمت بر مردان مؤمن و زنان

مؤمنه یعنی ارسال رحمت شامل خود نماید بر ایشان و باشد خدا آمرزنده مهربان

سورهٔ سبا که پنجاه و چهار آیه است در مکه معظمه نازل شده است

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ستایش از برای خدای آنچنانیست که از برای اوست هرچه در آسمانها و هرچه در زمین است و از برای اوست ستایش در آخرت و اوست درست کار آگاه ۲ میداند هرچه را که فرو میرود در زمین چون باران و دفاین و غیره و هرچه بیرون میآید از زمین چون نباتات و چشمه‌ها و فلزات و هرچه فرو میآید از آسمان چون فرشتگان و مقادیر ارزاق و هرچه بالا میرود در آسمان چون نامهای اعمال و ارواح و اوست مهربان آمرزنده ۳ و گفتند کسانیکه کافر شدند نمیآید ما را روز قیامت بگو ای محمد بلی میآید قسم به پروردگار من هر آینه بیاید البته شما را دانندهٔ غیب است آنخدا پوشیده نماند از او هم وزن ذره از ذرات در آسمانها و نه در زمین و نه کوچکتر از ذره و نه بزرگتر از آن مگر اینکه مکتوب است در کتابی روشن یعنی در لوح محفوظ ۴ تا جزا دهد آنانرا که ایمان آوردند و عمل نیکو کردند آنگروه از برای آنهاست آمرزش و روزی نیکو ۵ وآنکسانیکه سعی کردند در آیات ما یعنی سعی در ابطال آن نمودند در حالتیکه تعجیز کنندگان عجز ما بودند باعتقاد خودشان آنگروه از برای ایشانست عذاب بی دردناک ۶ و می‌بینند یعنی میدانند آنانکه داده شده‌اند علم یعنی اصحاب پیغمبر آنچه فرو فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو او حق است و درست و راه مینماید بسوی راه خداوندیکه غالب ستوده است ۷ و گفتند آنانکه کافر شدند از روی استهزاء آیا دلالت کنیم شما را بر مردیکه خبر دهد شما را یعنی محمد که چون پاره پاره شوید تمام پاره شدن بدرستیکه شما هر آینه در آفرینش تازه اید ۸ آیا بسته است پیغمبر بر خدا دروغی را یا با او دیوانگی است بلکه آنانکه ایمان نمیآورند بآخرت در عذاب و گمراهی دورند ۹ آیا پس نمی‌بینند بآنچه پیش روی ایشانست و آنچه در پشت سر ایشانست از آسمان و زمین اگر بخواهیم فرو میبریم آنها را در زمین یا فرو میافکنیم بر ایشان پاره از آسمان بجهة تکذیب ایشان بدرستیکه در این یعنی در نظر کردن در آسمان و زمین و تفکر کردن در امکان خسف و سقوط هر آینه آیتی است برای هر بندهٔ بازگردنده بحق ۱۰ و هر آینه بتحقیق دادیم داود را از خودمان فضلی گفتیم

صفحهٔ سیصد و سی و چهارم

ای کوهها بازگردانید آواز خود را با داود و ای مرغان شما نیز چنین کنید و نرم کردیم از برای او آهن را بی آتش که آهن در دست او چون موم بود و امر کردیم به او که بساز زره های فراخ دامن و اندازه نگهدار در بافتن یعنی حلقهای مساوی در هم افکن و دیگران امر کردیم داود را و اهل او را که کارهای نیکو کنید بدرستیکه من بآنچه میکنید بینا هستم ۱۱ و مسخر کردیم از برای سلیمان باد را که رفتن آن در روز یکماهه و در شب یکماه بود یعنی روز و شبی باندازه دو ماه راه طی میکرد و فرو فرستادیم از برای سلیمان یعنی جاری کردیم برای او چشمهٔ مس یعنی مس را مثل چشمهٔ آب برای او جریان دادیم که هرچه میخواست میساخت و مسخر کردیم از برای او از جنیان کسانیرا که در خدمت او کار میکردند پیش روی او باذن پروردگارش و هر که از دیوان سرکشی میکرد می‌چشانیدیم او را از عذاب آتش افروخته ۱۲ کار میکردند یعنی میساختند از برای او هرچه میخواست از غرفه‌ها و قلعه‌ها و صورتهای فرشته و انبیا و شیر و کرکس در درخت و کار... ای چوبین بزرگ مثل حوضی که هزار نفر دور آن نشسته طعام میخوردند و دیگهای ساخته دیگهای بلند بزرگ که هر روز دوازده هزار طباخ در آن دیگها طبخ مینمودند و جن و انس را طعام میدادند بکنید ای آل داود شکر خدا را وقلیلی از بندگان من شاکرند یعنی بطوریکه باید و شاید از دل و زبان بطور شایسته شکر نعمتهای مرا ادا کنند بجا آورندگی ۱۳ پس وقتیکه حکم کردیم بر او بمردن راه او مرده بر عصا تکیه کرده بود در اهتمام نکرد دیوان را بر مرگ سلیمان مگر جنبندهٔ زمین که خورد عصای او را پس چون بر رو در افتاد سلیمان ظاهر شد بر جنیان اینکه اگر میدانستند غیب را درنگ نکرده بودند در عذاب خوار کننده ۱۴ هر آینه بتحقیق بود از برای اولاد سبا ابن یشخب ابن یعرب بن قحطان در مسکن ایشان در بلد یمن علامت و نشانه از وجود صانع و قدرت کامله او که در طول هجده فرسخ راه دو باغ از طرف راست و چپ بود که باغات متعدده را بجهة تراکم اشجار هر طرف را در این طول یکباغ خواندند و در نهایت معموری بودند که جانوران موذی در آنجا یافت نمیشد مملو از انواع میوجات که اولاد سبا مشتمل بر دوازده ده بود که در هر یک پیغمبری بود که هر یک ایشانرا بخدا دعوت مینمودند و میگفتند بمردم بخورید از روزی پروردگار خودتان یعنی از میوه‌ها و باغات و شکر کنید از برای خدا و این شهریکه انواع نعمت در آن است شهری پاکیزه و آن خدائیکه انواع نعمتها را بشما داد پروردگاریست آمرزنده ۱۵ پس روی گردانیدند از رسولان و عبث شکرگذاری و کفران آن نعمتها نمودند و تکذیب پیغمبر کردند پس فرستادیم بر ایشان سیلی را از بندی محکم که بلقیس آنرا ساخته بود و بدل ایشان را بعد از بوستانشان دو باغی دیگر که صاحبان میوهٔ تلخ بودند درختی که شوره است و چیزی از درخت سدر کمی یعنی میوهٔ اندکی از درخت سدر دادیم و باقی تمام چیزهای بد تلخ شور بودند ۱۶ اینست که پاداش دادیم ایشانرا بسبب اینکه ناسپاس شدند و کفران نعمت نمودند و آیا عتاب میکنیم و جزا میکنیم مگر ناسپاسی را که در کفران نهایت رسیده باشد ۱۷ و گردانیدیم میان اهل سبا و میانهٔ ده‌هائیکه برکت دادیم ما در آنها ده‌های معمورهٔ آشکار متصل بیکدیگر از مارب که اهل سبا بود تا شام چهار هزار و هفتصد ده پدید آمد بطوریکه در هر دهی که دیگر پدیدار بود و تقدیر کردیم در آن دهات رفتن مردم را سیر کننده در آن دهات شبها و روزها در حالتیکه امان یافتگان باشید از دشمن و سباع بجهت کثرت خلق ۱۸ پس گفتند اغنیای ایشان ای پروردگار ما دوری پدید آور میانهٔ منازل سفرما که بیابان باشد تا مردم بی زاد در راحله سفر نتوانند کرد و ظلم کردند نفسهای خود را از این کفران مثل قوم موسی که سیر شدند و خواستند من و سلوا از ایشان قطع شد پس از آن خراب کرد خدا دهات ایشانرا پس گردانیدیم ما ایشانرا سخنان که مردمان بعد از ایشان بتعجب باز گویند و پاره پاره کردیم یعنی پراکنده ساختیم ایشانرا هر پراکنده کردنی که هر طایفه از آنها را بجائی متفرق ساختیم تا اینکه یکی از ایشان در مارب نماند قبیلهٔ غسان از ایشان بشام رفتند و قبیلهٔ قضاعه بمکه آمدند و اسد به بحرین و انمار به یثرب و جذام به تهامه و قبیله ازد بعمان بدرستی که در این قصهٔ اهل سبا هر آینه آیاتی است برای

الصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَ

الْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ

فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

وَأَجْرًا عَظِيمًا ٣٥ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا

أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

مُبِينًا ٣٦ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ

زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ

أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْ

حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ٣٧

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ

قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ٣٨ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ

وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ٣٩ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ

رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ٤٠ يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ٤٢ هُوَ

الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ

رحيما ٤٣ تحيتهم يوم يلقونه سلام واعد لهم اجرا كريما ٤٤ يا ايها النبي

انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا ٤٥ وداعيا الى الله باذنه وسراجا

منيرا ٤٦ وبشر المؤمنين بان لهم من الله فضلا كبيرا ٤٧ ولا تطع الكافرين

والمنافقين ودع اذيهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ٤٨ يا ايها

الذين امنوا اذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من قبل ان تمسوهن فما لكم

عليهن من عدة تعتدونها فمتعوهن وسرحوهن سراحا جميلا ٤٩ يا ايها

النبي انا احللنا لك ازواجك اللاتي اتيت اجورهن وما ملكت يمينك

مما افاء الله عليك وبنات عمك وبنات عماتك وبنات خالك وبنات

خالاتك اللاتي هاجرن معك وامراة مؤمنة ان وهبت نفسها للنبي

ان اراد النبي ان يستنكحها خالصة لك من دون المؤمنين ٥٠ قد علمنا

ما فرضنا عليهم في ازواجهم وما ملكت ايمانهم لكيلا يكون عليك حرج

وكان الله غفورا رحيما ٥١ ترجي من تشاء منهن وتؤوي اليك من تشاء

ومن ابتغيت ممن عزلت فلا جناح عليك ذلك ادنى ان تقر اعينهن ولا

يحزن ويرضين بما اتيتهن كلهن والله يعلم ما في قلوبكم وكان الله عليما

حليما ٥٢ لا يحل لك النساء من بعد ولا ان تبدل بهن من ازواج ولو



أعجبك حسنهن إلا ما ملكت يمينك وكان الله على كل شيء رقيبا ۝ يا
أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم إلى طعام غير
ناظرين إناه ولكن إذا دعيتم فادخلوا فإذا طعمتم فانتشروا ولا مستأنسين
لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم والله لا يستحيي من الحق
وإذا سألتموهن متاعا فاسألوهن من وراء حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم
وقلوبهن وما كان لكم أن تؤذوا رسول الله ولا أن تنكحوا أزواجه من
بعده أبدا إن ذلكم كان عند الله عظيما ۝ إن تبدوا شيئا أو تخفوه فإن
الله كان بكل شيء عليما ۝ لا جناح عليهن في آبائهن ولا أبنائهن ولا
إخوانهن ولا أبناء إخوانهن ولا أبناء أخواتهن ولا نسائهن ولا ما
ملكت أيمانهن واتقين الله إن الله كان على كل شيء شهيدا ۝ إن الله و
ملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا
تسليما ۝ إن الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والآخرة
وأعد لهم عذابا مهينا ۝ والذين يؤذون المؤمنين والمؤمنات بغير
ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتانا وإثما مبينا ۝ يا أيها النبي قل لأزواجك
وبناتك ونساء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك أدنى أن يعرفن



فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ٥٩ لَئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي
قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا
إِلَّا قَلِيلًا ٦٠ مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ٦١ سُنَّةَ اللّٰهِ فِي
الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا ٦٢ يَسْأَلُكَ النَّاسُ
عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللّٰهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا
٦٣ إِنَّ اللّٰهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ٦٤ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ
وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ٦٥ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللّٰهَ
وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ٦٦ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا
السَّبِيلَا ٦٧ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ٦٨ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللّٰهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللّٰهِ
وَجِيهًا ٦٩ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ٧٠ يُصْلِحْ لَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ٧١
إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَ
أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ٧٢ لِيُعَذِّبَ اللّٰهُ
الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ

صفحه سیصد و پنجم

هر صبر کننده شکر کننده ۱۹ و هر آینه بتحقیق محقق کرد بر اهل سبا شیطان گمان خود را یعنی چون شیطان گمان داشت که بر بنی آدم بسبب شهوت و غضب
آنها دست یابد و گمراه کند ایشانرا گمان او درباره اهل سبا راست شد پس متابعت کردند او را در اغوایت او مگر گروهی از مؤمنین ۲۰ و نبود او را از برای
شیطان بر مؤمنین حکم و سلطنتی مگر اینکه بدانیم یعنی ممتاز سازیم کسی را که ایمان میآورد بآخرت از آن کسی که او از آخرت در شک و ریب است یعنی بر
آنانکه بروز قیامت و آخرت شک دارند شیطان حکم و تسلط خواهد داشت و پروردگار تو بر هر چیزی نگهبانست ۲۱ بگوای محمد بخوانید کسانیرا که گمان
کردید خدایان بجز خدا نمی‌شنید از خواندن شما آنها را اجابت میکنند شما را چگونه اجابت کنند و حال اینکه مالک و قادر نیستند آن معبودان هم سنگ ذره
در آسمانها و نه در زمین و نیست از برای ایشان در آسمان و زمین هیچ شرکتی و نیست از برای خدا از اصنام و ملائکه هیچ یاری و مددکاری در تقدیر و تدبیر آسمانها
و زمین ۲۲ و نفع نمیدهد شفاعت احدی نزد پروردگار مگر از برای کسی که رخصت داد مراو را یعنی مادامیکه رخصت شفاعت کردن نداده است خدا شافع
و مشفوع له هر دو در ترس و فزع اند تا اینکه چون سلب فزع شود از دلهای ایشان و شافعین شفاعت کنند گویند گناهکاران چه گفت پروردگار شما در باب شفاعت
گویند سخن راست درست گفت که فرمود مؤمنین را شفاعت کنند نه کافران و مشرکان و منافقان را و او است برتر بزرگوارتر از اینکه ملائکه و انبیاء بتوانند
بدون اذن او شفاعت کنند ۲۳ بگوای محمد کی روزی میدهد شما را از آسمانها و زمین بگو خدا و بدرستیکه ما یا شما هر آینه بر هدایت و راه راستیم یا در
گمراهی آشکار یعنی البته ما و شما بر راه راستیم و یکی گمراه ۲۴ بگوای محمد مسئول نمیشوید از آنچه گناه کردیم ما و پرسیده نشویم ما از آنچه شما میکنید ۲۵ بگو
جمع میکند ما بین ما پروردگار ما در قیامت پس میگشاید میانه ما را براستی که طریق عدلست که محق را بنعیم جنت میرساند و مبطل را بعذاب الیم گرفتار
میکند و او است گشاینده دانا ۲۶ بگوای محمد بنمائید بمن آنانرا که الحاق کرده اید بخدا شریکان یعنی بنمائید مرا که بکدام صفت ایشانرا شریک حق می سازید
نه چنانست بلکه او است خدائی که غالب درستکار است ۲۷ و نفرستادیم ما ترا مگر فرستادنی عام از برای مردم مژده دهنده و ترساننده و لیکن
بیشتر مردم نمیدانند ۲۸ و میگویند کفار از فرط جهالت کی باشد این وعده ثواب و عقاب یا قیام قیامت اگر هستید شما راستگویان ۲۹ بگو از برای شما است
وعده روزیکه باز پس نمیدارید از آن ساعتی و پیشی نمیگیرید بر آن ۳۰ و گفتند آنانکه کافر شدند ایمان نمیآوریم هرگز باین قرآن و نه بآن کتابیکه فرود آمده پیش از این قرآن یعنی توراة
و انجیل و اگر ببینی تو زمانی را که ستمکاران یعنی مشرکان بازداشته شدگان باشند نزد پروردگار خود یعنی در محاسبه ببینی کار سخت و امری پرهول بر میگردانند بعضی از ایشان بسوی

صفحه سیصد و ششم

بعضی دیگر سخن را میگویند آنکسانیکه ضعیف بودند یعنی تابع بودند از برای آن کسانیکه سرکشی میکردند یعنی پیشوایان و بزرگان بودند اگر نبودید
شما هر آینه می‌بودیم ما گروندگان ۳۱ گفتند آنانکه سرکشی میکردند از برای آنان که ضعیف بودند آیا ما باز داشتیم شما را از
راه راست بعد از آنکه آمد راهنمای شما بلکه بودید شما بنفس و اختیار خود گناهکاران ۳۲ و گویند آنانکه ضعیف و تابع بودند
از برای آنانکه سرکشی داشتند بلکه مکر و حیله شما در شب و روز آن هنگامیکه امر میکردید ما را اینکه کافر شویم بخدا و قرار دهیم
از برای او همتایان و پنهان دارند آن پشیمانی را بجهت ترس از سرزنش و رسوا شدن چون ببینند عذاب را و
بگردانیم غلهای آتشین را در گردنهای آن کسانی که کافر شدند از تابعان و متبوعان آیا جزا داده شوند یعنی جزا داده نمی
شوند مگر آنچه را بودند که میکردند ۳۳ و نفرستادیم ما در هیچ دهی و شهری هیچ ترساننده مگر اینکه گفتند منعمان آن ده پیغمبران
را بدرستی که ما بآنچه فرستاده شده اید بآن منکرانیم ۳۴ و گفتند ما بیشتریم از حیثیت مال و اولاد یعنی چون مال و اولاد ما از شما
بیشتر است ما سزاوارتریم برسالت و نیستیم ما عذاب کرده شدگان ۳۵ بگوای محمد بدرستیکه پروردگار من پهن میکند روزی را یعنی گشاده میکند
روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میگیرد برای هر که میخواهد و لیکن بیشتر مردم نمیدانند ۳۶ و نیست مالهای شما و نه اولاد شما آنچیزیکه نزدیک کند شما را نزد ما نزدیک کردنی
مگر آنکه ایمان آورد و کار خوب کرد پس آن گروه از برای ایشانست پاداش دو مقابل بآنچه کردند یعنی بسبب اعمال نیکی که کردند و ایشان در غرفهای بهشت ایمنانند ۳۷
و آنانکه سعی میکنند در آیات ما یعنی اهتمام در تضییع آیات ما میکنند در حالیکه بزعم خود عاجز کنندگانند آن گروه در عذاب حاضر شدگانند ۳۸ بگوای محمد بدرستیکه پروردگار من
پهن میکند روزی را از برای هر که میخواهد از بندگان خود و تنگ میکند روزی را از برای بندگان و آنچه نفقه دادید شما از چیزی پس خدا عوض میدهد او را و او بهترین
روزی دهندگانست ۳۹ و روزیکه جمع میکند خدا ایشانرا همگی پس از آن میگوید مر فرشتگان را آیا این گروه شما را بودند که میپرستیدند ۴۰ گویند ملائکه پاکی تو
از اینکه غیر تو را پرستند تو دوست مائی نه ایشان یعنی میانه ما و ایشان هیچ دوستی نیست بلکه نه چنانست که کفار ما را پرستش کرده باشند

بلکه بودند که از روی جهل عبادت میکردند دیوان را بیشتر ایشان بدیوان گروندگانند ۴۱ پس امروز که روز حشر است مالک نمیشود بعضی از شما از برای بعضی
دیگر نفعی و نه ضرری را و میگوییم مر آنانرا که ستم کردند بچشید عذاب آتش آنچنانی را که بودید شما با آن آتش تکذیب میکردید ۴۲ و چون خوانده شود
بر ایشان آیات ما که آشکار است گویند نیست این محمد مگر مردی که میخواهد باز دارد شما را از آنچه بودند که می پرستیدند پدران شما و گفتند نیست این پیغمبر مگر دروغی
که بر بافته است و گفتند آنانکه کافر شدند و نگرویدند مر حق که امر نبوت یا قرآنست آنهنگام که آمد ایشانرا نیست این مگر سحری آشکار ۴۳ و ندادیم
ما ایشانرا یعنی مشرکان مکه را از کتابهای فرد فرستاده که پیوسته درس کنند و خوانند آنرا و از آنجا دلیل آرند بر بطلان قرآن یا نبوت پیغمبر و نفرستادیم بسوی
ایشان پیش از تو یعنی در زمان فطرة بر هیچ بیم دهنده یعنی پیغمبری که داعی ایشان بشرک آوردن ۴۴ و تکذیب کردند کفار مر انبیائی را که پیش از ایشان بودند
و نرسیده اند اهل مکه بده یک آنچه داده بودیم ایشانرا از فرط قوه و طول عمر و بسیاری مال پس تکذیب کردند آن پیشینیان رسولان مرا پس چگونه بود انکار
من با ایشان یعنی ناپسندیدن من ایشانرا و مستاصل کردن من ایشانرا پس باید که قوم تو بترسند از مثل این حال ۴۵ بگو ای محمد جز این نیست که پند میدهیم
شما را بیک کلمه اینکه برخیزید و مستقیم بایستید از برای امر خدا خالصا لله یعنی ترک تقلید کرده از برای طلب رضای الهی استقامت ورزید در حالتیکه
دو نفر دو نفر باشید و یکی یکی تا با یکدیگر مشورت کنید و از ازدحام مشوش نشوید پس از آن تفکر کنید در کردار و گفتار من نیست بصاحب شما یعنی پیغمبر هیچ
دیوانگی نیست او مگر ترساننده از برای شما پیش از وقوع عذاب سخت که عذاب آخرتست ۴۶ بگو ای محمد نمیخواهم از شما هیچ مزدی پس آن مزد شما راست یعنی
مزدیکه برای تبلیغ رسالت از شما میخواستم بشما بخشیدم نیست مزد من مگر بر خدا و او بر هر چیزی گواهست ۴۷ بگو ای محمد بدرستیکه پروردگار من میافکند حق را
یعنی وحی را القا میکند بهر که میخواهد خدائیکه دانای غیبهاست ۴۸ بگو ای محمد آمد حق سخن راست و نمیآفریند باطل یعنی شیطان یا بت یا چیز دیگر و باز نمیگرداند آنرا
باطل یعنی قادر نیست بر خلق و بعث ۴۹ بگو ای پیغمبر اگر گمراه شدم پس جز این نیست که گمراه میشوم بر نفس خود یعنی وبال گمراهی بر منست نه بر غیر من و اگر براه
راست روم پس بسبب چیزیست که وحی میفرستد بسوی من پروردگار من بدرستیکه او شنونده نزدیکست ۵۰ و اگر بینی ای محمد کافرانرا هنگامیکه فزع کنند پس نباشد
هیچ فوتی یعنی بجهة گریختن و پناه بجاهای بردن عذاب از ایشان فوت نشود و گرفته شوند از جایگاه نزدیک یعنی از روی زمین بزیر زمین کشند ایشانرا که قبرست ۵۱
و گفتند ایمان آوردیم بمحمد و از کجا باشد از برای ایشان فرا گرفتن ایمان از جایگاه دور که آخرتست ۵۲ و بتحقیق که کافر شدند بمحمد از پیش از اینکه در دار تکلیف بودند و میافکندند
بپوشیده سخنانرا یعنی از سر گمان سخنان میگفتند که اصلا علم بآن نداشتند و نسبت میدادند سحر و شعر و کذب و جنون بود به پیغمبر و طعن در قرآن از جای دور یعنی دور بودند از آنچه میگفتند
و نمیدانستند که چه میگویند ۵۳ و جدا کرده شد میانهٔ ایشان و میانهٔ آنچه آرزو داشتند از قبول ایمان در وقت مرگ یعنی البته ایمان از ایشان جدا باشد ۵۴ چنانچه کرده شد باتباع
ایشان از پیش مثل اصحاب فیل و غیر ایشان بدرستیکه ایشان بودند در شکی تهمت افکننده و مضطرب سازنده دلها یعنی ایشان در امر محمد یا در آخرت و وقوع عذاب بسیار شک کننده بودند

صفحهٔ ششصد و هشتم

سورهٔ فاطر مشتمل بر چهل و پنج آیه و در مکهٔ معظمه نازل شده است

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

سپاس مر خدا راست که آفرینندهٔ آسمانها و زمین است گردانندهٔ فرشتگان بسوی انبیا صاحبان دو بال و سه بال و چهار بال که کم و زیاد بالها بحسب رتبهٔ آنهاست
زیاد میکند خدا در آفرینش آنچه میخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز قادر و تواناست ۲ آنچه بگشاید خدا از برای مردم یعنی آنچه بفرستد بر مردم از رحمت خود پس نیست باز گیرنده
مر آنرا و آنچه باز گیرد خدا از مردم پس نیست فرستنده از برای آن بعد از او و او است عزیز درستکار ۳ ای مردم ذکر کنید نعمت خدا را که بر شماست یعنی یاد کنید نعم الهی را که بشما تفضل شده است
آیا هست خالقی غیر از خدا که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی مگر او پس کجا برگردانیده میشوید از راه توحید ۴ و اگر تکذیب میکنند ترا اهل مکه پس بتحقیق تکذیب کرده
شدند پیغمبران پیش از تو و بسوی خدا برمیگردد کارها ۵ ای مردم بدرستیکه وعدهٔ خدا در حشر و جزا راست است پس مغرور نکند البته شما را زندگانی دنیا و مغرور نکند البته شما را بخدا
شیطان یعنی شیطان فریبنده مغفرت خدا را بر دل شما میندازد که بآن امید معصیت کنید و اصرار در آن نمائید ۶ بدرستیکه شیطان از برای شما دشمنی است پس بگیرید او را دشمن جز این نیست
که میخواهد شیطان طالبان دنیا را متابعان و پیروان خود تا اینکه باشند از اصحاب آتش سوزان ۷ آنانکه کافر شدند و اجابت قول شیطان نمودند از برای ایشانست عذابی سخت ۸ و آنانکه
ایمان آوردند و عملهای نیکو کردند از برای ایشانست آمرزش و اجری بزرگ ۹ آیا پس کسی که زینت داده شد از برای او بدی کردارش پس دید آن کار بد را خوب پس بدرستیکه خدا گمراه میکند هر که را میخواهد و راه
مینماید هر که را میخواهد پس باید نرود نفس تو بر ایشان حسرتها یعنی بر قبایح اعمال ایشان نباید تو حسرت و تاسف بری بدرستیکه خدا داناست بآنچه میکنند ۱۰ و خداست آنکه فرستاد بادها را پس بر میانگیزانند
بادها ابر را پس راندیم ما آن ابر را بسوی شهر مرده پس زنده کردیم با آبی که از آن ابر نازل شد زمین را پس از مردگی آن زمین همچنین است برانگیختن اموات از قبر ۱۱ هر که باشد که بخواهد

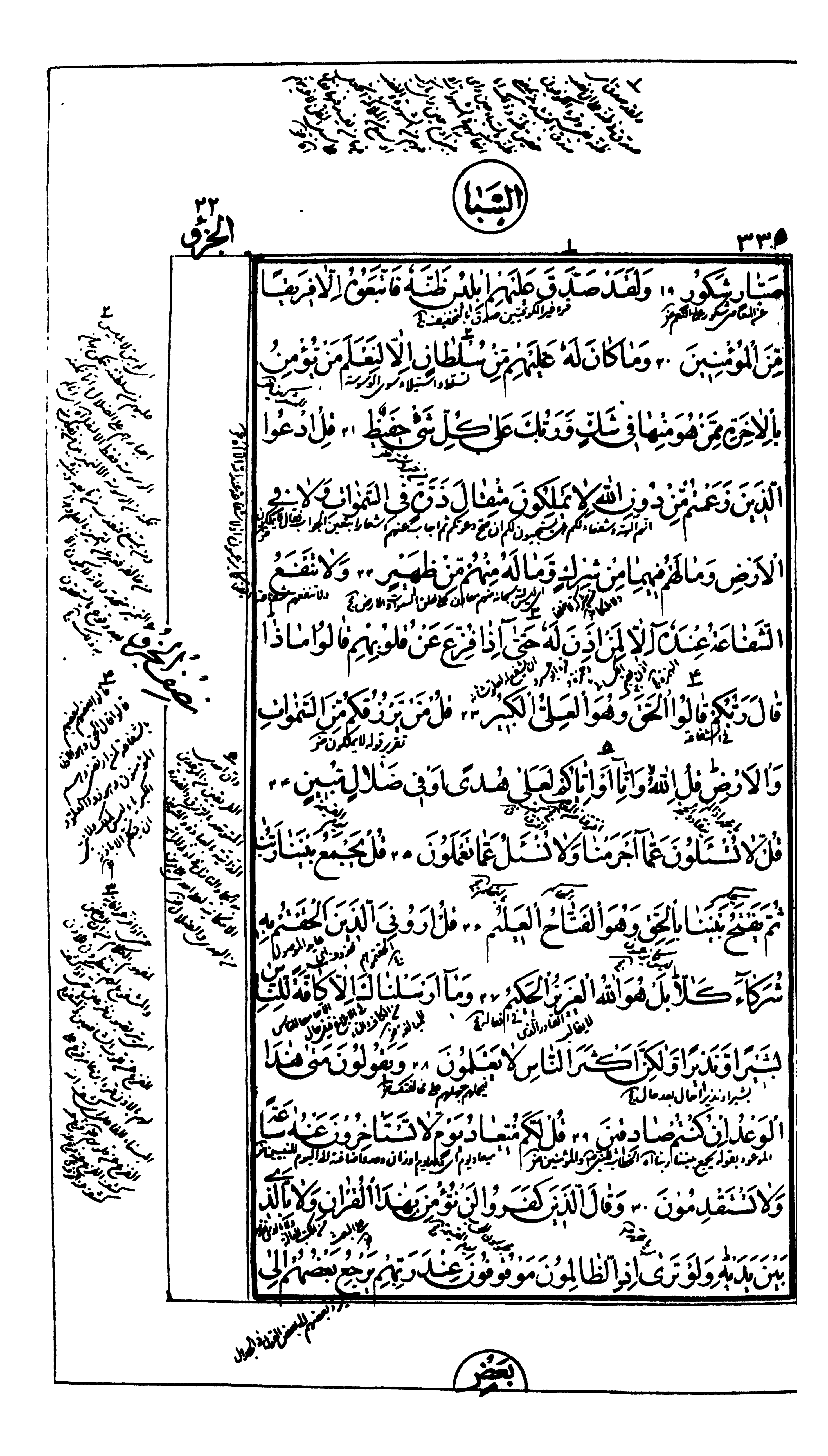
المؤمنات وكان الله غفورا رحيما

سورة السبا مكية وهي اربع وخمسون

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الاخرة وهو
الحكيم الخبير ٢ يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء
وما يعرج فيها وهو الرحيم الغفور ٣ وقال الذين كفروا لا تاتينا
الساعة قل بلى وربي لتاتينكم عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال ذرة
في السموات ولا في الارض ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين
٤ ليجزي الذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة ورزق كريم
٥ والذين سعوا في اياتنا معاجزين اولئك لهم عذاب من رجز اليم ٦ ويرى
الذين اوتوا العلم الذي انزل اليك من ربك هو الحق ويهدي الى صراط
العزيز الحميد ٧ وقال الذين كفروا هل ندلكم على رجل ينبئكم اذا مزقتم
كل ممزق انكم لفي خلق جديد ٨ افترى على الله كذبا ام به جنة بل الذين
لا يؤمنون بالاخرة في العذاب والضلال البعيد افلم يروا الى ما بين ايديهم وما
خلفهم من السماء والارض ان نشا نخسف بهم الارض او نسقط عليهم كسفا
من السماء ان في ذلك لاية لكل عبد منيب ٩ ولقد اتينا داود منا فضلا

يا جبال أوبي معه والطير وألنا له الحديد ۝ أن اعمل سابغات وقدر
في السرد واعملوا صالحا إني بما تعملون بصير ١١ ولسليمان الريح غدوها
شهر ورواحها شهر وأسلنا له عين القطر ومن الجن من يعمل بين يديه
بإذن ربه ومن يزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعير ١٢ يعملون له ما
يشاء من محاريب وتماثيل وجفان كالجواب وقدور راسيات اعملوا
آل داود شكرا وقليل من عبادي الشكور ١٣ فلما قضينا عليه الموت
ما دلهم على موته إلا دابة الأرض تأكل منسأته فلما خر تبينت الجن
أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين ١٤ لقد كان لسبإ
في مسكنهم آية جنتان عن يمين وشمال كلوا من رزق ربكم واشكروا
له بلدة طيبة ورب غفور ١٥ فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم
وبدلناهم بجنتيهم جنتين ذواتي أكل خمط وأثل وشيء من سدر قليل
١٦ ذلك جزيناهم بما كفروا وهل نجازي إلا الكفور ١٧ وجعلنا بينهم
وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيروا
فيها ليالي وأياما آمنين ١٨ فقالوا ربنا باعد بين أسفارنا وظلموا
أنفسهم فجعلناهم أحاديث ومزقناهم كل ممزق إن في ذلك لآيات لكل



صبار شكور ١٩ ولقد صدق عليهم ابليس ظنه فاتبعوه الا فريقا
من المؤمنين ٢٠ وما كان له عليهم من سلطان الا لنعلم من يؤمن
بالاخرة ممن هو منها في شك وربك على كل شيء حفيظ ٢١ قل ادعوا
الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات ولا في
الارض وما لهم فيهما من شرك وما له منهم من ظهير ٢٢ ولا تنفع
الشفاعة عنده الا لمن اذن له حتى اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا
قال ربكم قالوا الحق وهو العلي الكبير ٢٣ قل من يرزقكم من السموات
والارض قل الله وانا او اياكم لعلى هدى او في ضلال مبين ٢٤
قل لا تسئلون عما اجرمنا ولا نسئل عما تعملون ٢٥ قل يجمع بيننا ربنا
ثم يفتح بيننا بالحق وهو الفتاح العليم ٢٦ قل اروني الذين الحقتم به
شركاء كلا بل هو الله العزيز الحكيم ٢٧ وما ارسلناك الا كافة للناس
بشيرا ونذيرا ولكن اكثر الناس لا يعلمون ٢٨ ويقولون متى هذا
الوعد ان كنتم صادقين ٢٩ قل لكم ميعاد يوم لا تستاخرون عنه ساعة
ولا تستقدمون ٣٠ وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القران ولا بالذي
بين يديه ولو ترى اذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم الى

بعض القول يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لكنا
مؤمنين ٣١ قال الذين استكبروا للذين استضعفوا انحن صددناكم
عن الهدى بعد اذ جاءكم بل كنتم مجرمين ٣٢ وقال الذين استضعفوا
للذين استكبروا بل مكر اليل والنهار اذ تامروننا ان نكفر بالله و
نجعل له اندادا واسروا الندامة لما راوا العذاب وجعلنا الاغلل
في اعناق الذين كفروا هل يجزون الا ما كانوا يعملون ٣٣ وما
ارسلنا في قرية من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون ٣٤
وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبين ٣٥ قل ان ربي يبسط
الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن اكثر الناس لا يعلمون ٣٦ وما
اموالكم ولا اولادكم بالتي تقربكم عندنا زلفى الا من امن وعمل صالحا
فاولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم في الغرفات امنون ٣٧ والذين
يسعون في اياتنا معاجزين اولئك في العذاب محضرون ٣٨ قل ان ربي
يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر له وما انفقتم من شيء فهو يخلفه
وهو خير الرازقين ٣٩ ويوم يحشرهم جميعا ثم يقول للملائكة اهؤلاء
اياكم كانوا يعبدون ٤٠ قالوا سبحانك انت ولينا من دونهم بل كانوا

يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ٤١ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا
وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ٤٢ وَإِذَا
تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ
آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَٰذَا
إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ٤٣ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ
مِنْ نَذِيرٍ ٤٤ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٥ قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ
تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ٤٦
قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ٤٧
قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ٤٨ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ
وَمَا يُعِيدُ ٤٩ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي
إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ٥٠ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ
مَكَانٍ قَرِيبٍ ٥١ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ٥٢
وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ٥٣ وَحِيلَ
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ٥٤

سورة فاطر مكية وهي خمس واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى
وثلث وربع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ٢ ما يفتح الله
للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو
العزيز الحكيم ٣ يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم هل من خالق غير الله
يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى تؤفكون ٤ وان يكذبوك
فقد كذبت رسل من قبلك والى الله ترجع الامور ٥ يا ايها الناس
ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور ٦ ان
الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا انما يدعوا حزبه ليكونوا من اصحاب
السعير ٧ الذين كفروا لهم عذاب شديد ٨ والذين امنوا وعملوا الصلحت
لهم مغفرة واجر كبير ٩ افمن زين له سوء عمله فراه حسنا فان الله يضل
من يشاء ويهدي من يشاء فلا تذهب نفسك عليهم حسرات ان الله
عليم بما يصنعون ١٠ والله الذي ارسل الريح فتثير سحابا فسقناه الى بلد
ميت فاحيينا به الارض بعد موتها كذلك النشور ١١ من كان يريد



الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ

وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولٰئِكَ هُوَ يَبُورُ ١٠

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثٰى وَ

لَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ

إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ١١ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ

شَرَابُهُ وَهٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ

حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ ١٢ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ

تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ١٣ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا

دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَ

لَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ١٤ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللّٰهِ وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ

الْحَمِيدُ ١٥ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ١٦ وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيزٍ

١٧ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلٰى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ

شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا

الصلوة ومن تزكى فانما يتزكى لنفسه والى الله المصير ١٨ وما يستوي

الاعمى والبصير ولا الظلمات ولا النور ولا الظل ولا الحرور ٢١ وما

يستوي الاحياء ولا الاموات ان الله يسمع من يشاء وما انت بمسمع

من في القبور ان انت الا نذير ٢٢ انا ارسلناك بالحق بشيرا ونذيرا و

ان من امة الا خلا فيها نذير ٢٣ وان يكذبوك فقد كذب الذين من

قبلهم جاءتهم رسلهم بالبينات وبالزبر وبالكتاب المنير ٢٤ ثم اخذت

الذين كفروا فكيف كان نكير ٢٥ الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا

به ثمرات مختلفا الوانها ومن الجبال جدد بيض وحمر مختلف الوانها

وغرابيب سود ٢٦ ومن الناس والدواب والانعام مختلف الوانه كذلك

انما يخشى الله من عباده العلماء ان الله عزيز غفور ٢٧ ان الذين يتلون

كتاب الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية يرجون

تجارة لن تبور ٢٨ ليوفيهم اجورهم ويزيدهم من فضله انه غفور شكور

٢٩ والذي اوحينا اليك من الكتاب هو الحق مصدقا لما بين يديه ان

الله بعباده لخبير بصير ٣٠ ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا

فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخيرات باذن الله ذلك

عزت را پس از برای خداست عزت تماما بسوی او بالا میرود سخن پاک یعنی سخن پاک خوب بعرض قبول الهی میرسد و کردار شایسته بر میدارد آنرا یعنی بحیز قبول میافتد و آنانکه حیله میکنند بدیها یعنی حیلی میکنند در اذیت و آزار پیغمبر از برای ایشانست عذابی سخت و مکر و حیلهٔ آنگروه فاسد و باطل میشود و از پیش بزود
۱۲ و خدا خلق کرد شما را از خاک بعد از نطفه بعد گردانید شما را اصناف یعنی ذکور و اناث و بار نگیرد یعنی حمل بر ندارد هیچ زنی و نزاید زنی مگر بعلم خدا و عمر داده نشود هیچ دراز عمری و کم نشود از عمر او یعنی هیچ جوان مرگی نباشد مگر اینکه در لوح محفوظ ضبط است و نوشته شده است بدرستی که این زیاد نمودن و کم نمودن عمرها بر خدا آسانست ۱۳ و برابر نیستند دو دریا این یکی آب خوشگوار شیرین سهل و خوبست آشامیدن آن و این یکی شور و تلخ و از هر یکی از این دو دریای شیرین و شور میخورید گوشت تازه را و بیرون میآورید زیور از مروارید و مرجان که میپوشید آن زیورها را و می بینی کشتی ها را در آن دریا که می شکافند آب دریا را تا طلب کنید از بخشش حق تعالی و شاید شما شکر کنید بر چنین نعمتی ۱۴ در میآورد شب را در روز و در میآورد خدا روز را در شب یعنی از ساعات روز بشب اضافه میکند و از ساعات شب در روز داخل میکند و رام گردانید خورشید و ماه را همه سیر و کنند تا مدت نام برده شده یعنی تا مدت معینی اینست خدا که پروردگار شماست از برای اوست پادشاهی و آنانکه میخوانند از غیر خدا مالک نمیشوند از پوست نازکی که بر روی هستهٔ خرماست ۱۵ اگر بخوانید ایشانرا نمی شنوند خواندن شما را و اگر بشنوند اجابت نکنند شما را و مراد شما را ندهند و روز قیامت کافر شوند بشرک شما یعنی منکر پرستش شما شوند و خبر ندهد تو را از حقیقت اشیاء احدی مثل دانای بحقایق امور ۱۶ ای مردم شما محتاجانید بسوی خدا و خدا اوست بی نیاز ستوده ۱۷ اگر بخواهد خدا ببرد شما را از روی زمین و بیاورد خلقی تازه ۱۸ نیست این کار بر خدا دشوار ۱۹ و برندارد بردارندهٔ بارگناهی گناه دیگری را و اگر بخواند گرانباری کسی را برداشتن بار خودش برداشته نشود از آن بار گناه چیزی و اگرچه باشد آن مدعو صاحب خویشی یعنی اگر پدری به پسر یا برادر خودش تکلیف کند که قدری از بارگناه مرا تو بردار که من آسوده شوم بر نخواهد داشت و قبول نخواهد نمود جز این نیست که بیم میدهی ای محمد کسانی را که میترسند از پروردگار خودشان به پنهانی و بر پا میدارند

صفحهٔ سیصد و چهلم

نماز را و هر که پاکیزه شد پس جز این نیست که پاکیزه میشود از برای خودش و بسوی خداست بازگشت ۲۰ و مساوی نیستند کور و روشن و نه تاریکیها و نه روشنی و نه سایه که راحت بهشتست و نه با حرارت یعنی آتش جهنم ۲۱ و مساوی نیستند زندگان و نه مردگان بدرستیکه خدا می شنواند هر که را میخواهد و نیستی تو شنوانندهٔ هر که را که در قبرها هستند و نیستی تو مگر ترسانده ۲۲ بدرستیکه ما فرستادیم تو را براستی مژده دهنده و ترساننده و نیست از گروهی مگر آنکه گذشت خدا در آن امت بیم دهندهٔ ۲۳ و اگر تکذیب میکنند تو را پس بتحقیق تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند که آمد ایشانرا پیغمبرهای ایشان بحجتهای آشکار و بنامها و کتاب روشن ۲۴ پس گرفتم من آنانرا که کافر شدند پس چگونه بود انکار من و تغییر من بر ایشان و نزول عذاب بر ایشان ۲۵ آیا نمی بینی اینکه خدا فرو فرستاد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم ما بسبب آن آب میوه ها که مختلف بود رنگهای آن میوجات و از کوهها خطوط یعنی راههاکه از طبقات کوه پیداست سفید و سرخ که مختلف است رنگهای آن و سیاهیهای بسیار سیاه که سنگ سوخته مینماید است و از مردم و جنبندگان و چهارپایان که مختلف است رنگهای آنها همچنین رنگهای اثمار و جبال جز این نیست که می ترسند از خدا بندگان او دانایان بیشتر از خدا ترس دارند بجهت اینکه معرفت ایشان به آثار بزرگواری خدا بیشتر از عوام است بدرستی که خدا عزیز آمرزنده است
۲۶ بدرستیکه آنانکه میخوانند کتاب خدا را یعنی قرآن را و بر میدارند نماز را و انفاق می کنند از آنچه روزی دادیم ما ایشان را پنهان و آشکار که امیدوارند بتجارتی را که هرگز نابود نشود آن تجارت ۲۷ تا بتمامی بدیشان رساند خدا مزدهای ایشان را و بیفزاید ایشان را از فضل خودش بدرستی که او آمرزندهٔ است گناهان ایشان را و مزد دهنده است مر طاعت ایشان را ۲۸ و آنچه وحی کردیم ما بسوی تو از قرآن آن راست و درست است تصدیق کننده است از برای آنچه پیش از وی بوده از کتب سماوی بدرستیکه خدا به بندگان خود هرآینه آگاه و بیناست ۲۹ پس میراث دادیم ما قرآن را بآن کسانی که برگزیدیم ما ایشان را از بندگان خودمان پس بعضی از ایشان ستمکارند مر نفس خود را و بعضی از ایشان میانه روند که گناه ایشان مقابل ثواب ایشانست و بعضی از ایشان پیش گیرنده اند به نیکیها باذن خدا این

صفحهٔ سیصد و چهل و یکم

اصطفا و وراثت قران آن بخشایش بزرگست ۳۰ بوستانهای با اقامت یعنی فضل و بخشایش بزرگ بوستانهای با اقامت است
که درآیند سابقان بخیرات در آن زینت کرده شوند در بهشت از دست بندهای از طلا و مروارید و جامهای ایشان در آن بهشت از دیبای
بهشتی باشد ۳۱ و گویند این گروه که به بهشت داخل شوید ستایش مر خدای آنچنانی راست که برد از ما اندوه را یعنی غم و غصهٔ زحمت
دنیا را بدرستیکه پروردگار ما هر آینه آمرزنده و جزا دهنده است شکرگذاران را ۳۲ آنخدا اینکه فرود آورد ما را بسرای اقامت از
فضل و کرم خودش که نمیرسد ما را در آن بهشت رنجی و نمیرسد ما را در آن ماندگی و ملالی ۳۳ و آنکسانیکه کافر شدند مر ایشانراست آتش
جهنم حکم کرده نشود بر ایشان بمرگ وقتی که در دوزخ باشند تا بمیرند و از عذاب برهند و راحت شوند و سبک نشود از ایشان یعنی
از عذاب دوزخ همچنین پاداش میدهیم هر ناسپاسی را ۳۴ و ایشان فریاد میکنند در جهنم یعنی میگویند ای پروردگار ما بیرون آور ما را از
جهنم تا اینکه بکنیم کار شایسته غیر از آنچه بودیم که میکردیم آیا عمر ندادیم شما را آنقدر که پند بگیرید در آن هر که بخواهد پند بگیرد و آمد شما را ترسانندهٔ
۳۵ پس بچشید یعنی عذاب جهنم را بچشید پس نیست از برای ظلم کنندگان هیچ یاری کنندهٔ ۳۶ بدرستیکه خدا دانای پنهانی آسمانها
و زمین است بدرستیکه او است دانا بصاحبان سینهها یعنی بآن عقایدی که در سینههای مردم است خدا داناست ۳۷ اوست
آنخدا اینکه گردانید یعنی قرار داد شما را جانشینان در زمین پس هر که کافر شود پس بر او است ضرر کفر او و زیاد نمیکند کافران را کفر ایشان
در نزد پروردگارشان مگر دشمنی و زیاد نمیکند کافرانرا کفر ایشان مگر زیادتی را یعنی ضرری را ۳۸ بگوای پیغمبر آیا دیدید شما شریکان خود را
آنانکه میخوانید از سوای خدا بنمائید مرا که چه چیز آفریدند از زمین یا هست مر آنها را شرکی در آسمانها یا دادیم ما آنها را کتابی پس ایشان
بر حجت روشنی باشند از آن کتاب بلکه وعده نمیدهند ستمکاران بعضی از ایشان بعضی دیگر را مگر از روی فریب ۳۹ بدرستیکه خدا نگاه
میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زایل شوند از اماکن خود و هر آینه اگر زایل شوند نگاه ندارد آسمانها و زمین را هیچ کسی از
بعد او بدرستیکه خدا باشد بردبار آمرزنده ۴۰ و سوگند خوردند کفار قریش بخدا سخت ترین قسمهای خود را که اگر بیاید ایشانرا

صفحهٔ سیصد و چهل و دوم

ترسانندهٔ هر آینه بوده باشند البته راه یافته تر از یکی از امتها که ترسا و یهود باشند پس چون آمد ایشانرا ترسانندهٔ زیاد نکرد ایشانرا مگر نفرت
از حق ۴۱ و زیاد نمود ایشانرا مگر سرکشی کردن در زمین و حیلهٔ بد و احاطه نمیکند حیلهٔ بد مگر باهل خودش یعنی کار بد عاید همان شود
که بد کرده است پس انتظار نمی برند مگر عادت پیشینیان را که آن عذاب بود که بر ایشان نازل میشد پس هرگز نیابی از برای سنت خدا
تبدیلی ۴۲ و هرگز نیابی از برای سنت خدا تحویلی یعنی هیچکس عذاب آلهی را از مکذبان و کافران بدیگری حواله نتوانند نمود ۴۳ آیا سیر نمی
کنند در زمین پس بنگرند چگونه بود سرانجام آن کسانیکه بودند پیش از ایشان و حال اینکه بودند آن پیشینیان سخت تر از ایشان
یعنی از کفار قریش از حیثیت توانائی و نبود خدا که عاجز گرداند او را هیچ چیز یعنی هیچ چیز یافت نشود که عاجز کند خدا را بسبق و قوت در آسمانها و نه در زمین
بدرستیکه خدا باشد دانای توانا ۴۴ و اگر بگیرد خدا مردم را بآنچه کسب نمودند از گناهان باقی نگذاشتی بر پشت زمین هیچ جنبندهٔ را از آدمیان و حیوانات ولیکن
تأخیر میکند عذاب ایشانرا تا مدت نام برده شده یعنی تا روز قیامت ۴۵ پس چون آمد وقت هلاک ایشان پس بدرستیکه خدا بوده است به بندگان خودش بینا

سورهٔ یس مشتمل بر هشتاد و سه آیه در مکهٔ معظمه نازل شده است

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

ای سید عالم قسم بقرآن درست کردار محکم استوار ۲ بدرستیکه تو هر آینه از پیغمبرانی ۳ براه راست که دین اسلام است ۴
فرو فرستادهٔ خداست که غالب است بر همه مهربانست بر خلفای خود ۵ تا بترسانی قومی را که ترسانده نشده بود پدرهای ایشان
پس ایشان بی خبرانند از راه راست ۶ هر آینه بتحقیق راست شد گفتار ما بعذاب بر بیشتر ایشان یعنی بیشتر از مردم پس ایشان ایمان
نیاورند ۷ بدرستیکه ما گردانیدیم در گردنهای ایشان غلها پس این غلها پیوسته است بزنخهای ایشان پس ایشان سر در هوا
ماندگانند و چشم برهم نهادگان ۸ و گردانیدیم ما در پیش روی ایشان بندی یعنی پرده و از پشت سر ایشان پرده و مانعی پس
پرده کشیدیم یعنی پوشانیدیم ما چشمهای ایشانرا پس ایشان نمی بینند چیزی را و قادر نیستند که چپ و راست خود را نگاه کنند ۹ و مساویست بر ایشان آیا ترسانی ایشانرا

هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ٣٠ جَنّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ٣١ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيٓ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ٣٢ اَلَّذِيٓ اَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ٣٣ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضٰى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ٣٤ وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ اَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ النَّذِيرُ ٣٥ فَذُوقُوا فَمَا لِلظّٰلِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ٣٦ اِنَّ اللّٰهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٣٧ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلٰٓئِفَ فِي الْاَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ اِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ اِلَّا خَسَارًا ٣٨ قُلْ اَرَاَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْاَرْضِ اَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ اَمْ اٰتَيْنٰهُمْ كِتٰبًا فَهُمْ عَلٰى بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ اِنْ يَعِدُ الظّٰلِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا اِلَّا غُرُورًا ٣٩ اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَآ اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ٤٠ وَاَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَآءَهُمْ



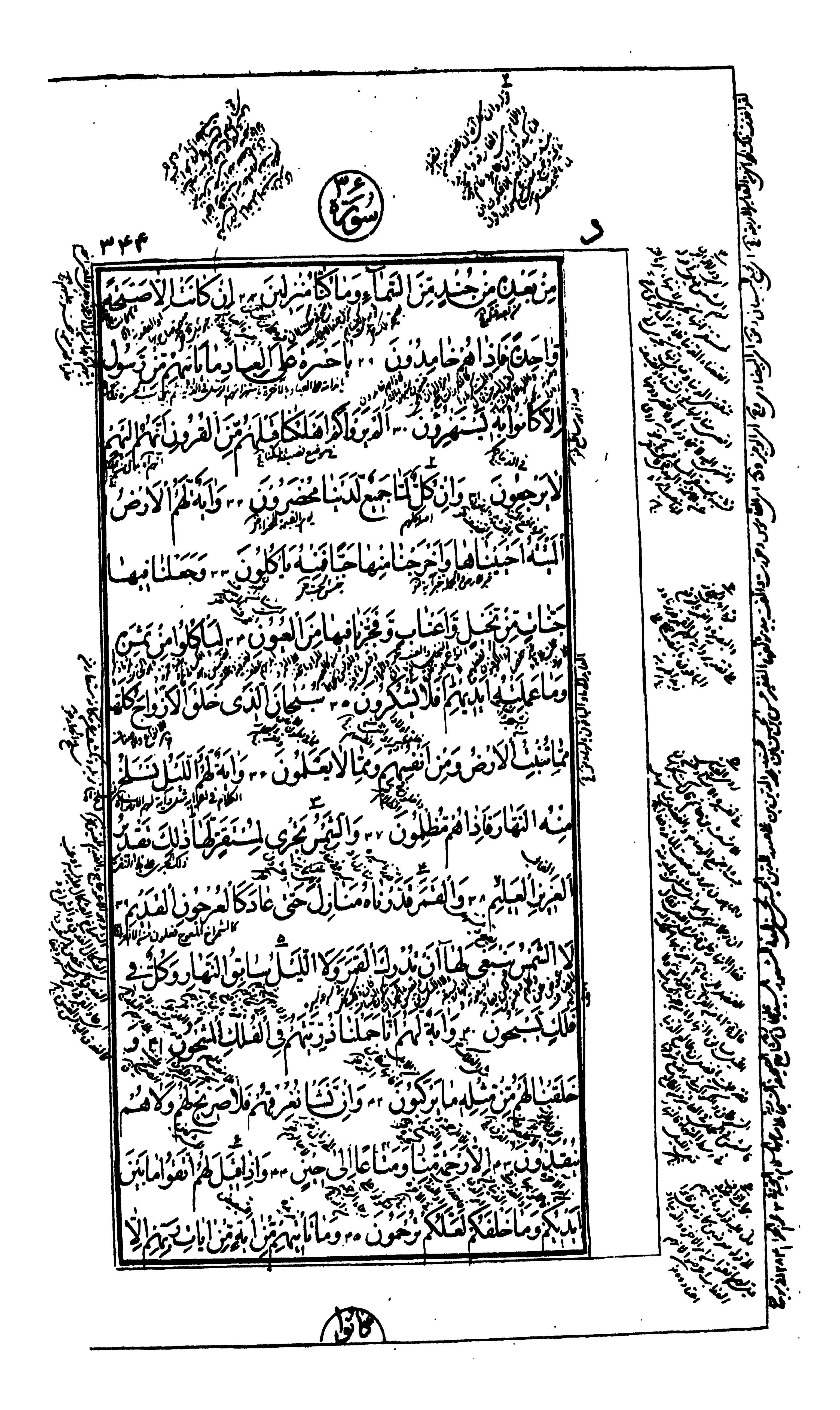
نذير ليكونن أهدى من إحدى الأمم فلما جاءهم نذير ما زادهم
إلا نفورا ٤٢ استكبارا في الأرض ومكر السيئ ولا يحيق المكر السيئ
إلا بأهله فهل ينظرون إلا سنت الأولين فلن تجد لسنت الله تبديلا
ولن تجد لسنت الله تحويلا ٤٣ أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف
كان عاقبة الذين من قبلهم وكانوا أشد منهم قوة وما كان
الله ليعجزه من شيء في السماوات ولا في الأرض إنه كان عليما قديرا ٤٤ و
لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة ولكن
يؤخرهم إلى أجل مسمى فإذا جاء أجلهم فإن الله كان بعباده بصيرا ٤٥

سورة يس مكية وهي ثلث وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يس ١ والقرآن الحكيم ٢ إنك لمن المرسلين ٣ على صراط مستقيم ٤
تنزيل العزيز الرحيم ٥ لتنذر قوما ما أنذر آباؤهم فهم غافلون ٦
لقد حق القول على أكثرهم فهم لا يؤمنون ٧ إنا جعلنا في أعناقهم
أغلالا فهي إلى الأذقان فهم مقمحون ٨ وجعلنا من بين أيديهم سدا
ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون ٩ وسواء عليهم أأنذرتهم

أم لم تنذرهم لا يؤمنون ١٠ إنما تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن
بالغيب فبشره بمغفرة وأجر كريم ١١ إنا نحن نحي الموتى ونكتب ما
قدموا وآثارهم وكل شيء أحصيناه في إمام مبين ١٢ واضرب لهم مثلا
أصحاب القرية إذ جاءها المرسلون ١٣ إذ أرسلنا إليهم اثنين فكذبوهما
فعززنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون ١٤ قالوا ما أنتم إلا بشر
مثلنا وما أنزل الرحمن من شيء إن أنتم إلا تكذبون ١٥ قالوا ربنا
يعلم إنا إليكم لمرسلون ١٦ وما علينا إلا البلاغ المبين ١٧ قالوا
إنا تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم منا عذاب أليم ١٨ قالوا
طائركم معكم أئن ذكرتم بل أنتم قوم مسرفون ١٩ وجاء من أقصى
المدينة رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين ٢٠ اتبعوا من لا
يسئلكم أجرا وهم مهتدون ٢١ وما لي لا أعبد الذي فطرني وإليه
ترجعون ٢٢ ءأتخذ من دونه آلهة إن يردن الرحمن بضر لا تغن عني
شفاعتهم شيئا ولا ينقذون ٢٣ إني إذا لفي ضلال مبين ٢٤ إني
آمنت بربكم فاسمعون ٢٥ قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون
٢٦ بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين ٢٧ وما أنزلنا على قومه



سورة

من بعده من جند من السماء وما كنا منزلين ٢٨ إن كانت إلا صيحة
واحدة فإذا هم خامدون ٢٩ يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول
إلا كانوا به يستهزءون ٣٠ ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من القرون أنهم إليهم
لا يرجعون ٣١ وإن كل لما جميع لدينا محضرون ٣٢ وآية لهم الأرض
الميتة أحييناها وأخرجنا منها حبا فمنه يأكلون ٣٣ وجعلنا فيها
جنات من نخيل وأعناب وفجرنا فيها من العيون ٣٤ ليأكلوا من ثمره
وما عملته أيديهم أفلا يشكرون ٣٥ سبحان الذي خلق الأزواج كلها
مما تنبت الأرض ومن أنفسهم ومما لا يعلمون ٣٦ وآية لهم الليل نسلخ
منه النهار فإذا هم مظلمون ٣٧ والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير
العزيز العليم ٣٨ والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم ٣٩
لا الشمس ينبغي لها أن تدرك القمر ولا الليل سابق النهار وكل في
فلك يسبحون ٤٠ وآية لهم أنا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون ٤١ و
خلقنا لهم من مثله ما يركبون ٤٢ وإن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم
ينقذون ٤٣ إلا رحمة منا ومتاعا إلى حين ٤٤ وإذا قيل لهم اتقوا ما بين
أيديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون ٤٥ وما تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا

یا نترسانی ایشان را ایمان نمی‌آورند ۱۰ جز این نیست میترسانی آن کسی را که متابعت کرد قرآن را و ترسید از خدا با آنچه پوشیده است از امور آخرت پس مژده بده او را بآمرزش و مزدی بزرگوار ۱۱ بدرستیکه ما زنده میکنیم مردگان را و مینویسیم آنچه که پیش فرستاده اند از اعمال خوب یا بد و مینویسیم اثرهای قدمهای ایشانرا که بمسجد برای عمل خیر رفته اند و هر چیز را از خوب و بد شمرده ایم و نوشته ایم در دفتر یکه پیشوای روشن است یعنی در لوح محفوظ که سر دفتر جمیع دفاتر است ۱۲ و بزن از برای ایشان یعنی بیان کن ای محمد برای اهل مکه مثلی یعنی مانند ساز ایشانرا بیاران شهر انطاکیه وقتی که آمدند ایشانرا بدان دیه رسولان ۱۳ وقتی که فرستادیم ما بسوی قریهٔ انطاکیه دو نفر از حواریان را که صادق و صدوق بودند پس تکذیب کردند ایشانرا یعنی گرفتند و حبس کردند پس غالب گردانیدیم ما آن دو نفر را بسبب فرستادهٔ سیمین که شمعون الصفا بود و پس گفتند صادق و صدوق و شمعون که بدرستیکه ما بسوی شما فرستادگانیم از جانب پروردگار که ترک بت پرستی کنید و خدای واحد را ایمان بیاورید ۱۴ گفتند مردم نیستید شما دو نفر آدمی مثل ما و نفرستاده است خدای بخشنده هیچ چیز از وحی رسالت نیستید شما مگر دروغگویان در دعوی رسالت ۱۵ گفتند رسولان پروردگار ما میداند که ما بسوی شما هر آینه فرستادگانیم ۱۶ و نیست بر ما مگر رساندن هویدا و آشکار که ادای رسالت خود کنیم ۱۷ گفتند بدرستیکه ما فال بد زدیم بشما هرگاه باز نایستید از این دعوی هر آینه سنگسار کنیم البته شما را و هر آینه برسد البته شما را از ما عذابی دردناک ۱۸ گفتند رسولان فال بد شما با شما است یعنی خیال شما بد تصور میکنید آیا اگر پند داده شوید که بخدا ایمان بیاورید یعنی از پند دادن بد دل میشوید و خیال قتل ما را میکنید بلکه شما قومی هستید که اسراف کنندگانید ۱۹ و آمد از دورترین جاهای شهر مردی که میدوید یعنی حبیب نجار گفت ای قوم من متابعت کنید فرستاده شدگانرا ۲۰ متابعت کنید کسی را که نمیخواهد از شما مزدی و ایشان راه یافتگانند ۲۱ و چه چیز است یعنی آنشخص سامی که آمده بود گفت چه چیز است از برای من که عبادت نکنم کسی را که آفرید مرا و بسوی او برگشته میشوید ۲۲ آیا بگیرم از سوای خدا خدایانیرا که اگر اراده کند مرا خدای بخشنده بضرری بی نیاز نکند از من شفاعت ایشان یعنی شفاعت بتان هیچ چیز را و نه خلاص کنند مرا ۲۳ بدرستیکه من در این هنگام هر آینه در گمراهی آشکاری هستم یعنی با اینکه میدانم بی فایده بودن بتان را اگر باز بوحدت خدا اقرار نیاورم و از بتان روگردان نشوم گمراه خواهم بود ۲۴ بدرستیکه من ایمان آوردم بپروردگار شما پس بشنوید از من یعنی شاهد باشید شما رسولان عیسی که من ایمان آورده ام ۲۵ گفته شد داخل شو بهشت را یعنی بعد از اینکه ایمان آورد او را بالگد زدند تا مرد بعد از مردنش گفته شد داخل شو در بهشت گفت ای کاش قوم من میدانستند ۲۶ با آنچه آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا از بزرگان اهل بهشت ۲۷ و نفرستادیم ما بر قوم او

بعد از قتل او هیچ لشکری از آسمان و نیستیم ما فرستندگان لشکر برای هلاکت کافران یعنی در حکمت مصلحت ما نیست که برای هلاک کفار لشکر بفرستیم ۲۸ نبود عقوبت ایشان مگر فریاد جبرئیل که یک فریاد کند پس آنگاه ایشان مردگان باشند ۲۹ ای تأسف بر بندگان مشرک نیامد ایشانرا هیچ رسولی مگر اینکه بودند با و استهزاء میکردند ۳۰ آیا ندیدند چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از اهل قرنهای روزگار ۳۱ بدرستیکه ایشان یعنی هلاک کرده شدگان بسوی ایشان یعنی در دنیا باز نمیگردند ۳۲ و نیستند همه مگر اینکه همگی نزد ما حاضر کرده شدگانند ۳۳ و علامتی است برای ایشان زمین مرده که زنده کردیم ما آنرا و بیرون آوردیم از آن زمین دانه را پس از آن دانه میخورید ۳۴ و گردانیدیم ما یعنی قرار دادیم در آن زمین بوستانها از درختهای خرما و انگورها و روان کردیم ما در آن بوستانها از چشمها ۳۵ تا اینکه بخورید از میوهٔ آن باغات و از آنچه کرده دستهای ایشان از مثل کشمش و سرکه و شیره و مثال آن آیا پس شکر نمیکنید ۳۶ پاک و بزرگست خدای آنچنانیکه خلق کرد انواع اشیاء را همه از آنچه سبز میشود و میروید از زمین و از نفسهای ایشان و از آنچه نمیدانند یعنی از آنچیزها یکه خداوند در دریاها و بیابانها خلق کرده است و عوالمی چند که مردم اطلاع بدان ندارند ۳۷ و نشانهٔ دیگر از برای ایشان شب است که میکنیم از آن شب روز را چون کندن پوست پس ناگاه ایشان در تاریکی هستند ۳۸ و آفتاب یعنی لیلی دیگر آفتاب است که میرود برای قرارگاهی که مر او راست این است تقدیر کردن خداوند غالب دانا ۳۹ و ماه را که تقدیر کردیم ما آنرا منازل یعنی قرار دادیم از برای ماه منزلها تا اینکه برگردد در آخر منازل خود مثل شاخهٔ چوب خرما که کج و باریک شده باشد یعنی هلال شب آخر ماه شود که شبیه است بچوب باریکی که خشک شده باشد ۴۰ نه آفتاب سزاوار باشد از برای او که دریابد ماه را در مقام او و در سیر و نه شب که پیشی گیرنده باشد روز را و هر یک در تمامی شنا میکنند ۴۱ و دیگر نشانه از برای ایشان این است که ما برداشتیم اجداد ایشانرا در کشتی که پر بود از مردمان و سایر حیوانات ۴۲ و آفریدیم ما برای ایشان از مثل کشتی چیزیرا که سوار میشوند یعنی کشتیهای دیگر که مثل کشتی نوح یا شتران که مثل کشتی است و سایر حیوانات برای سوار شدن ۴۳ و اگر بخواهیم غرق کنیم ایشانرا در دریا پس نیست فریادرسی برای ایشان و نه ایشان خلاص شوند از غرق شدن ۴۴ مگر رحمتی از ما که ایشان را از غرق شدن خلاص کنیم و زندگانی بخشیم تا وقت مردنشان ۴۵ و اگر گفته شود مر ایشانرا بپرهیزید از آنچه پیش از شما بوده از عذاب امم گذشته و از آنچه بعد از شما در عقب سر شما است از عذاب و عقاب آخرت شاید شما رحم کرده شوید یا اینکه بترسید از آنچه در پیش شما است از گناهان و از آنچه در پس شما است از عذاب پس بر گناهان گذشته نادم باشید و ترک ذنوب کنید بامید اینکه بر شما رحم کند ایشان از سخن مؤمنان اعراض کنند و تکبر را بیشتر نمایند ۴۶ و نیاید ایشانرا هیچ نشانه از نشانهای پروردگار ایشان مگر

اینکه بودند از آن آیات اعراض کنندگان ۴۷ و اگر گفته شود مر ایشانرا که انفاق کنید از آنچه روزی داد شما را خدا گویند آنانکه کافر شدند از برای آنان که ایمان آوردند آیا طعام دهیم ما کسی را که اگر خواهد خدا اطعام میکند او را نیستید شما ای مؤمنان مگر در گمراهی آشکار ۴۸ و میگویند کفار کی خواهد بود این وعدهٔ عذاب اگر هستید شما راستگویان ۴۹ انتظار نمی برند مگر فریاد جبرئیل را که یکدفعه فریاد کند بگیرد ایشانرا و ایشان مجادله مینمایند ۵۰ پس نمیتوانند در آنوقت وصیت کردن را و نه بسوی کسان خود برمیگردند یعنی صیحهٔ جبرئیل هرجا رسید فورا بی مجال هلاک شوند ۵۱ و دمیده در صور یعنی در نفخهٔ سیم که با آن زنده شوند پس ناگاه ایشان از قبرها بسوی پروردگار خود می شتابند ۵۲ گویند ای وای بر ما کی برانگیخت ما را از خوابگاه خودمان اینست آنچه وعده فرموده بود خدای بخشنده و راست گفتند پیغمبران ۵۳ نبود این واقعه مگر یک فریاد که نفخهٔ آخرین است پس ناگاه ایشان همه نزد ما حاضر شدگانند ۵۴ پس امروز ظلم کرده نمیشود نفسی هیچ چیز را و جزا داده نمیشوید در عرصات مگر آنچه را که بودید که میکردید ۵۵ بدرستیکه یاران بهشت امروز در کاری باشند شادان و نازان ۵۶ ایشان و زنانشان در سایه ها باشند بر تختهای آراسته تکیه زدگان ۵۷ مر ایشانراست در آن بهشت میوه ها و مر ایشانراست هرچه میخواهند ۵۸ ایشانراست سلام گفتنی از پروردگار مهربان ۵۹ و جدا شوید امروز ای گناهکاران یعنی مؤمنین از گناهکاران امروز جدا میگردند ۶۰ آیا عهد نکردم با شما ای اولاد آدم اینکه عبادت نکنید شیطانرا بدرستیکه او یعنی شیطان از برای شما دشمن ظاهر هویدائی است ۶۱ و اینکه عبادت کنید مرا اینست راه راست ۶۲ و هرآینه بتحقیق گمراه کرد از شما خلق بسیاری را آیا پس نبودید که تعقل کنید ۶۳ اینست جهنم آنچنانیکه بود شما که وعده داده میشدید و ترسانده میشدید ۶۴ در آئید بآن جهنم امروز بسبب آنچه بودید شما که کافر میشدید ۶۵ امروز مهر میزنیم بر دهنهای ایشان و سخن میگویند ما را دستهای ایشان و شهادت میدهد پاهای ایشان بآنچه بودند که کسب میکردند ۶۶ و اگر خواهیم هرآینه ناپدید کنیم ما بر

صفحهٔ سیصد و چهل و ششم

چشمهای ایشان یعنی اثر چشم را از روی ایشان محو سازیم پس سبقت گیرند در راهی که بدان عادت کرده بودند پس چگونه می بینند آنرا ۶۷ و اگر بخواهیم هرآینه مسخ کنیم ایشانرا بر جایگاه خودشان پس قدرت نداشته باشند به پیش رفتن از آن مکان و نتوانند که باز پس گردند ۶۸ و هر که را عمر دهیم او را و زندگانی او را دراز کنیم برگردانیم او را در آفرینش یعنی تمام قوای او را به تحلیل بریم و از حالت جوانی و طراوت او را به پیری و پژمردگی و نقص هوش بیاوریم آیا پس تعقل نمیکنند ۶۹ و نیاموختیم ما پیغمبر را شعر گفتن و سزاوار نیست از برای او شاعری نیست بیان او مگر پندی و قرآن هویدائی ۷۰ تا اینکه بترساند هر که را که زنده است دلش و واقع شود کلمهٔ حق بر کافران ۷۱ آیا ندیدید که ما خلق کردیم برای ایشان از آنچه کرده دستهای ما چارپایان را پس ایشان مر چارپایان را مالکانند ۷۲ و رام نمودیم ما آنچهارپایانرا از برای ایشان پس بعضی از آنها سواری ایشان است و بعضی از آنها را می خورند ۷۳ و از برای ایشانست در آنچهارپایان نفعها و آشامیدنها که از شیر آن و روغن آن میخورند آیا پس شکر نمیکنند ۷۴ و میگیرند از سوای خدا خدایانی شاید ایشان یاری کرده شوند ۷۵ نمیتوانند یاری نمودن ایشانرا و ایشان مر بتان را لشکری هستند حاضر کرده شده یعنی شیطان ایشانرا نزد بتان حاضر ساخته است بجهة عبادت کردن آنها ۷۶ پس باید غمگین نکند ترا گفتار ایشان بدرستیکه ما میدانیم آنچه را که پنهان میکنند و آنچه را که آشکار میکنند ۷۷ آیا ندید آدمی که بدرستیکه آفریدیم ما او را از نطفه پس آنگاه او جدل کننده ایست آشکارا ۷۸ و زد از برای ما آن بنی آدم مثلی را و فراموش نمود آفرینش خود را گفت کیست که زنده میکند این استخوانها را و حال اینکه آن استخوانها پوسیده باشد ۷۹ بگو ای محمد زنده میکند آن استخوانرا آنکسی که آفرید آنرا اول بار و او به هر آفرینش داناست ۸۰ آنکسی که گردانید از برای شما از درخت سبز آتشرا پس آنگاه شما از آن درخت میافروزید آتش را ۸۱ آیا نیست آنکه خلق کرد آسمانها و زمین را قادر بر اینکه بیافریند مثل آنها را آری تواند خلق نمود و او است آفرینندهٔ دانا ۸۲ جز این نیست که امر او هرگاه اراده کند چیزی را اینکه بگوید باش پس میباشد و موجود شود ۸۳ پس پاک است آنکه بدست او است پادشاهی هرچیز و بسوی او بازگشت کنید

سوره الصافات مشتمل بر یکصد و هشتاد و دو آیه مکیه نازل شد

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بحق فرشتگانی که صف کشیده اند صف کشیدنی ۲ پس بحق ملائکه . نندهٔ شیطان راندنی ۳ پس ملائکه که خوانندگان ذکر
و تسبیحند ۴ بدرستیکه خدای شما هر آینه یگانه است ۵ پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میانه آسمان و زمین است و پروردگار مشرقها
یعنی مشرقهای طلوع آفتاب که هر روزی مشرقی دارد ۶ بدرستیکه ما زینت دادیم آسمان دنیا را بزینت ستارگان ۷ و نگاه داشتیم
نگاه داشتنی از هر شیطان سرکش نافرمان ۸ طاقت ندارند شیاطین که بشنوند و گوش فرا دارند بسوی گروه اشراف فرشتگان
بلند مرتبه و انداخته میشود از هر طرف یعنی فرشتگان میاندازند بر ایشان ستارهای سوراخ کننده را از هر طرف ۹ بجهت راندن
و دور کردن ایشان را از آسمان و از برای ایشانست عذاب ثابت ۱۰ مگر آنکه در رباید کلام ملائکه را یک ربودن یعنی بدزدد سخن را
از ایشان پس از پی در آید او را آتش سوزان درخشنده ستاره نورانی که نور آن بر او ریزان شود و او را بسوزاند ۱۱ پس بپرس از
مشرکان که آیا آنها سخت ترند از روی خلقت یا آنچه آفریدیم از ایشان از قرون سابقه یعنی از امم سالفه و حال اینکه پیشینیان
قوی تر از اشخاص حالیه بودند بدرستیکه ما خلق کردیم ایشانرا یعنی اولاد آدم را از گل چسبنده ۱۲ نه چنانست که ایشان مطیع قرآن
شوند بلکه تعجب کرده تو از نا گرویدن ایشان بقرآن و حال اینکه ایشان سخریه میکنند ۱۳ و هرگاه پند داده شوند پذیرفته نشوند
۱۴ اگر ببینند معجزه مبالغه کنند در سخریه با یکدیگر ۱۵ و گویند نیست این مگر سحری آشکار ۱۶ آیا چون بمیریم ما و باشیم خاک و استخوانی
آیا ما برانگیخته شدگان باشیم ۱۷ آیا پدران ما که پیش بودند زنده شوند ۱۸ بگو ای محمد آری شما خوار باشید ۱۹ پس جز این نیست
که آن بعثت یک بانگ است پس آنگاه ایشان می نگرند ۲۰ و گویند ای وای بر ما اینست روز جزا ۲۱ اینست روز جدا کردن بندگان از
بدان و تمیز دادن حق از باطل که بودید که بآن تکذیب میکردید ۲۲ جمع کنید آنانرا که ظلم کردند بر خود بسبب شرک و تکذیب رسولان و اتباع ایشان و زنان
ایشانرا که هم مذهب با ایشان باشند و آنچه را که بودند که می پرستیدند ۲۳ از سوی خدا پس راه نمائید ایشانرا بسوی راه جهنم ۲۴ و باز
دارید ایشانرا بدرستیکه ایشان پرسیده خواهند شد ۲۵ چیست مر شما را که یاری یکدیگر نمیکنید ۲۶ بلکه ایشان امروز گردن نهندگانند ۲۷ و روکنند بعضی از ایشان

بر بعضی دیگر احوال پرسند ۲۸ گویند بدرستیکه شما بودید که میآمدید ما را از جهت میمنت و خیرخواهی یعنی از روی نصیحت و خیرخواهی ما را از دین خود میخواندید
۲۹ گویند رؤسای ایشان بلکه نبودید شما گرویدگان ۳۰ و نبود از برای ما بر شما هیچ تسلطی بلکه بودید شما قومی از حد گذرندگان ۳۱ پس لازم شد بر ما سخن پروردگار
ما بدرستیکه ما هر آینه چشندگانیم عذاب را ۳۲ پس گمراه کردیم شما را بدرستیکه ما بودیم گمراهان ۳۳ پس بدرستیکه ایشان در آنروز در عذاب شریکان باشند ۳۴ بدرستیکه ما
همچنین پاداش میدهیم بگناهکاران ۳۵ بدرستیکه ایشان بودند که هرگاه گفته میشد از برای ایشان که نیست خدائی مگر خدا سرکشی و تکبر میکنند ۳۶ و میگویند آیا ما ترک کنندگانیم خدایان
خود را از برای شاعری دیوانه ۳۷ بلکه آمد پیغمبر براستی و تصدیق نمود پیغمبران سابق را ۳۸ بدرستیکه شما هر آینه چشندگان عذاب دردناک ۳۹ و جزا داده نمیشوید مگر آنچه بودید که می
کردید ۴۰ مگر بندگان خدا که پاک کرده شدند ۴۱ آن گروه مر ایشانراست روزی معینی ۴۲ میوه ها و ایشان بزرگوارانند ۴۳ در بهشتهای پر نعمت ۴۴ بر تختهای روبروی هم ۴۵ گردانیده
میشود بر ایشان یعنی ساقیان بهشتی از غلامان و غلمان و حوریان بر سر ایشان گردانند بجامی از خمر مایعی که بینندهٔ جاریست ۴۶ آن خمر بهشتی سفید است لذتی است مر آشامندگان را ۴۷ نه در آن
خمر فسادیست و نه ایشان از خوردن آن مست شوند ۴۸ و نزد ایشانست زنانیکه کوتاه کننده اند نظر را یعنی چشم خود را مقصور ساخته باشند که بکسی نظر نکنند جز شوهران خود را گویا
ایشان یعنی آن زنان سفید و پاکیزگی مثل تخم شتر مرغ اند که پوشیده باشد از هوا و غبار یعنی چون شتر مرغ که بیضه خود را زیر بال خود پنهان میکند که از حرارت آفتاب و گرد و غبار
مصون باشد ایشان پوشیده و محفوظ ۵۰ پس رو کنند بعضی از آن بهشتیان یعنی ذکر کنند بعضی از ایشان هم و هر یک انعامی را که خدا درباره او کرده است دیگری را خبر دهد ۵۱ گوید گوینده
از ایشان بدرستیکه مرا در ایام توقف در دنیا بود همنشینی که انکار بعث مینمود و مرا سرزنش میکرد ۵۲ میگفت آیا تو هر آینه از جمله تصدیق کنندگانی ۵۳ آیا چون بمیریم ما و باشیم خاک و استخوان آیا
ما هر آینه پاداش داده شدگانیم ۵۴ گوید آن مرد مؤمن با مصاحبین خود آیا شما مطلع اید یعنی می بینید اهل دوزخ را و میدانید که من در چه حالتم بهشتیان گویند تو داناتری پس نگر
بعد از آن و نظر از بهشت بدوزخ کشاید ۵۵ پس او فرو نگرد و همنشین خود را در میان جهنم ۵۶ گوید قسم بخدا که نزدیک بودی تو هر آینه هلاک گردانی مرا و بضلالت بیندازی ۵۷
و اگر نبود بخشش و عطای پروردگار من هر آینه بودم من از حاضر شدگان با تو در عذاب جحیم ۵۸ آیا پس نیستیم ما مردگان یعنی مکلفین در دار دنیا که ما نمی میریم ۵۹ مگر

مردن ما همان مردن اول است و ما گمشی نیستیم یا معذب شدگان ۵۸ بدرستیکه این نعمت خلود بهشت هر آینه فوز رستگاری بزرگست ۵۹ از برای مثل این فوز و نعمت پس باید عمل
کنند عاملان ده وار دنیا نه برای حظوظ دنیویه ۶۰ آیا این بهتر است یعنی نعمت خلود در بهشت بهتر است از جهة مهمانی یا درخت زقوم ۶۱ بدرستیکه ما گردانیدیم آن درخت زقوم را
آزمایش از برای ظالم کنندگان ۶۲ بدرستیکه آن درخت زقوم درختی است که بیرون میآید در بیخ جهنم ۶۳ میوهٔ آن درخت گویا سرهای دیوهاست یعنی بد منظر و کریه منظر است ۶۴
پس بدرستیکه ایشان یعنی اهل جهنم هر آینه میخورندهاند از آن درخت پس پر کنندگانند از میوه و برگ آن درخت شکمهای خود را ۶۵ بعد از آن بدرستیکه مر ایشان راست بر بالای زقوم هر آینه
آمیخته است از آبی که بغایت گرم است ۶۶ بعد از آن بازگشت ایشان هر آینه بسوی جحیم است ۶۷ بدرستیکه ایشان یافتند پدران خود را گمراهان ۶۸ پس ایشان بر آثار
پدران خود می شتابند ۶۹ و هر آینه بتحقیق گمراه شدند پیش از ایشان بیشتر پیشینیان ۷۰ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما در میان ایشان بیم کنندگان یعنی پیغمبران
که ایشان را از عذاب خدا بترسانند ۷۱ پس نظر کن ببین چگونه بود سرانجام کار بیم کنندگان ۷۲ مگر بندگان خدا که شایستگانند ۷۳ و هر آینه بتحقیق
خواند ما را نوح پس هر آینه خوب اجابت کننده ایم ما ۷۴ و نجات دادیم ما نوح و کسان او را از اندوه بزرگ ۷۵ و گردانیدیم ما فرزندان
او را باقی ماندگان یعنی تمام مردم را هلاک کردیم و فرزندان نوح را که سام و حام و یافث و چهار دختر بودند باقی گذاشتیم و فرزندان
ایشان که همه مردمند پیدا کردیم ۷۶ و باقی گذاشتیم بر نوح ذکر جمیل در آخرین یعنی در میان قوم پیغمبر آخر الزمان
۷۷ درود بر نوح است در میان جهانیان ۷۸ بدرستیکه ما چنین مزد میدهیم نیکوکاران را ۷۹ بدرستیکه نوح از بندگان
گروندهٔ ما بود ۸۰ پس از آن غرق کردیم ما دیگران را که سوای نوح و متابعان او بودند ۸۱ و بدرستیکه از پیروان هر آینه
ابراهیم است ۸۲ وقتی که آمد پروردگار خود را بدل خالص از شایبهٔ شرک ۸۳ چون گفت مر پدر خود را و قوم خود را چه
چیز است که عبادت میکنید ۸۴ آیا بجهة کذب خدایانی بغیر از خدا اراده میکنید و مراد خود را از آنها می طلبید
۸۵ پس چه چیز است گمان شما بپروردگار عالمیان ۸۶ پس نظر کرد ابراهیم نظر کردنی در ستارگان ۸۷ پس گفت
بدرستیکه من بیمارم ۸۸ پس برگشتند از ابراهیم در حالتی که رو گردانندگان بودند یعنی او را تنها گذاشته رو بصحرای
عیدگاه گذاشتند ۸۹ پس میل کرد ابراهیم مخفیاً بسوی خدایان ایشان پس گفت به بتان آیا نمیخورید ۹۰ چه چیز است از برای شما که تکلم نمیکنید ۹۱ پس

صفحه سیصد و پنجاهم

پس پنهانی میل کرد بر ایشان و زد بر سر ایشان زدنی بدست راست خودش ۹۲ پس رو آوردند قوم بسوی او که او را بگیرند ۹۳ گفت ابراهیم
آیا عبادت میکنید بتانی را که میتراشید ۹۴ و خدا آفریده است شما را و آنچه میکنید ۹۵ گفتند قوم بنا کنید از برای ابراهیم بنائی را
پس بیندازید او را در آتش ۹۶ پس اراده کردند با ابراهیم مکری را پس گردانیدیم ما ایشان را بدتر و خوارتر یعنی باطل کردیم مکر ایشان را و آتش را
برابراهیم گلستان کردیم ۹۷ و گفت ابراهیم بدرستیکه من رونده ام بسوی پروردگار خودم پس زود باشد که راه نماید مرا ۹۸ ای پروردگار
من ببخش مرا فرزندی از شایستگان ۹۹ پس مژده دادیم ما او را به پسری بردبار ۱۰۰ پس چون رسید اسمعیل با او موضع سعی را ۱۰۱ گفت
ابراهیم به پسرش اسمعیل ای پسر من بدرستی که من دیدم در خواب اینکه من میکشم ترا پس نظر کن چه می بینی تو ۱۰۲ گفت اسماعیل ای پدر من بکن آنچه را
مأمور شدهٔ زود باشد که بیابی مرا ان شاء الله از صبر کنندگان ۱۰۳ پس چون پدر و پسر هر دو تسلیم شدند حکم خدا را و افکند
ابراهیم پسر را بر پیشانی یعنی پیشانی او را بر زمین گذارد ۱۰۴ و ندا کردیم ما او را اینکه ای ابراهیم ۱۰۵ بتحقیق راست کردی
خواب خود را بدرستیکه ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را ۱۰۶ بدرستیکه این ابتلاء و امتحان ابراهیم هر آینه آن آزمایش است هویدا ۱۰۷ و فدا
دادیم اسمعیل را بذبح بزرگ یعنی گوسفند بزرگ جثه بتوسط جبرئیل از بهشت بفدا رسید ۱۰۸ و باز گذاشتیم بر ابراهیم ثنا و تحیت را در میان پسینیان
یعنی امت آخر الزمان ۱۰۹ درود باد بر ابراهیم ۱۱۰ همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را ۱۱۱ بدرستیکه ابراهیم از بندگان ماست که گرونده اند ۱۱۲ و مژده دادیم ما
ابراهیم را باسحق که پیغمبری باشد از شایستگان ۱۱۳ و برکت دادیم ما بر ابراهیم و بر اسحق و از بعضی فرزندان ابراهیم و اسحق که نیکو بودند و بعضی ظلم کننده بودند مر خود را آشکارا و هویدا
۱۱۴ و هر آینه بتحقیق منت نهادیم ما بر موسی و هرون ۱۱۵ و نجات دادیم ما موسی و هرون و قوم آنده را از رنج بزرگ یعنی از غرق و مغلوبیت ۱۱۶ و یاری دادیم ما ایشان را پس
بودند ایشان غلبه کنندگان ۱۱۷ و دادیم ما ایشان را کتاب روشن یعنی تورات که مشتمل بر احکام الهی است ۱۱۸ و راه نمودیم ما موسی و هرون را براه راست ۱۱۹ و باز گذاشتیم
بر موسی و هرون ثنا و ذکر خیر را در امتان بعد از ایشان ۱۲۰ درود باد بر موسی و هرون ۱۲۱ بدرستیکه ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را ۱۲۲

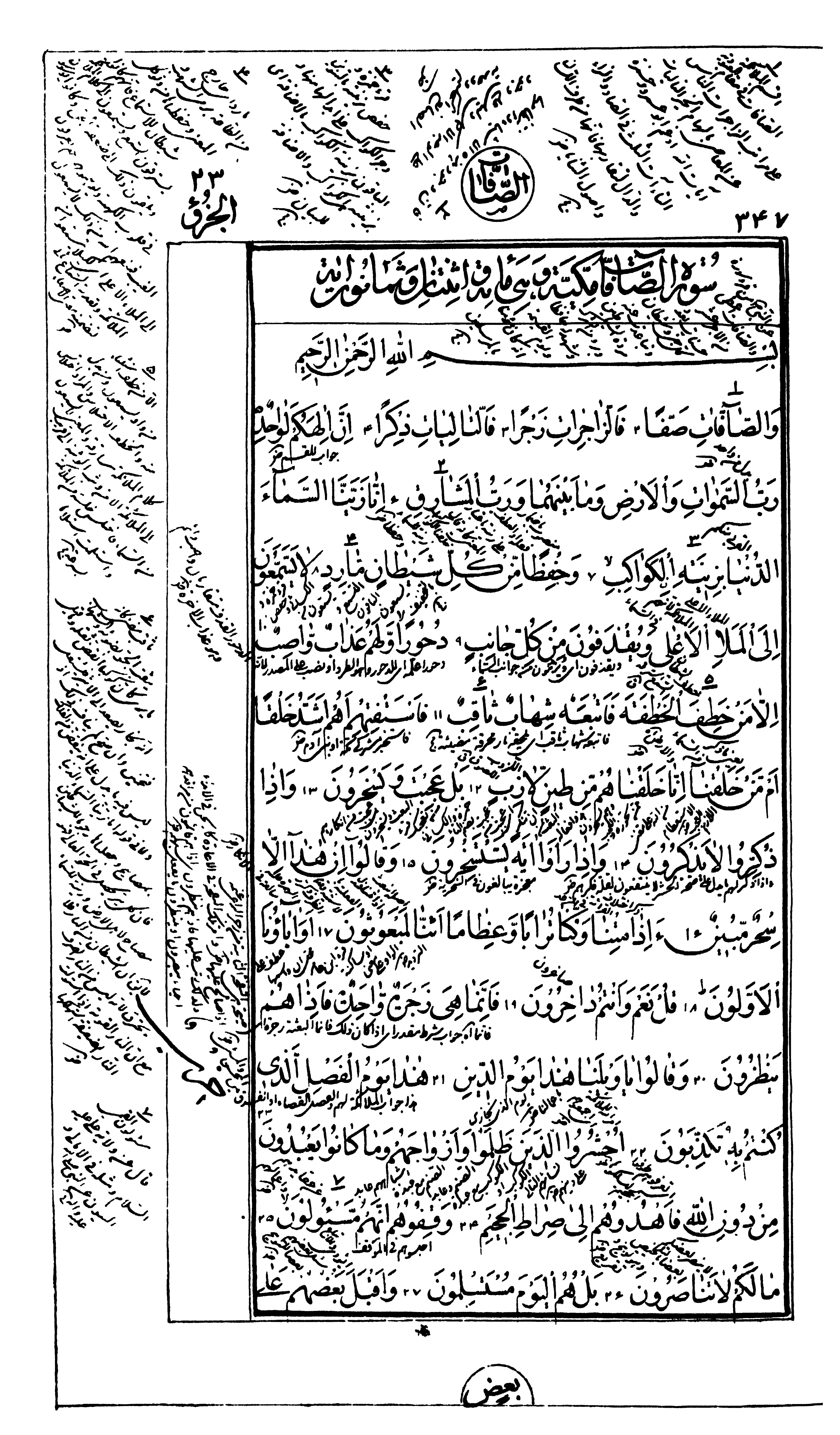
كانوا عنها معرضين ٤٦ وإذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا
للذين آمنوا أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا في ضلال مبين ٤٧
ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ٤٨ ما ينظرون إلا صيحة
واحدة تأخذهم وهم يخصمون ٤٩ فلا يستطيعون توصية ولا إلى أهلهم
يرجعون ٥٠ ونفخ في الصور فإذا هم من الأجداث إلى ربهم ينسلون ٥١
قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون
٥٢ إن كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم جميع لدينا محضرون ٥٣ فاليوم لا
تظلم نفس شيئا ولا تجزون إلا ما كنتم تعملون ٥٤ إن أصحاب الجنة اليوم
في شغل فاكهون ٥٥ هم وأزواجهم في ظلال على الأرائك متكئون ٥٦
لهم فيها فاكهة ولهم ما يدعون ٥٧ سلام قولا من رب رحيم ٥٨ وامتازوا
اليوم أيها المجرمون ٥٩ ألم أعهد إليكم يا بني آدم أن لا تعبدوا الشيطان
إنه لكم عدو مبين ٦٠ وأن اعبدوني هذا صراط مستقيم ٦١ ولقد
أضل منكم جبلا كثيرا أفلم تكونوا تعقلون ٦٢ هذه جهنم التي كنتم
توعدون ٦٣ اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون ٦٤ اليوم نختم على أفواههم
وتكلمنا أيديهم وتشهد أرجلهم بما كانوا يكسبون ٦٥ ولو نشاء لطمسنا



سورة ٣٦

على اعينهم فاستبقوا الصراط فانى يبصرون ٦٦ ولو نشاء لمسخناهم
على مكانتهم فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون ٦٧ ومن نعمره ننكسه
فى الخلق افلا يعقلون ٦٨ وما علمناه الشعر وما ينبغى له ان هو الا
ذكر وقرآن مبين ٦٩ لينذر من كان حيا ويحق القول على الكافرين
٧٠ اولم يروا انا خلقنا لهم مما عملت ايدينا انعاما فهم لها مالكون ٧١
وذللناها لهم فمنها ركوبهم ومنها ياكلون ٧٢ ولهم فيها منافع ومشارب
افلا يشكرون ٧٣ واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم ينصرون ٧٤ لا
يستطيعون نصرهم وهم لهم جند محضرون ٧٥ فلا يحزنك قولهم انا نعلم
ما يسرون وما يعلنون ٧٦ اولم ير الانسان انا خلقناه من نطفة فاذا
هو خصيم مبين ٧٧ وضرب لنا مثلا ونسى خلقه قال من يحيى العظام
وهى رميم ٧٨ قل يحييها الذى انشاها اول مرة وهو بكل خلق عليم ٧٩
الذى جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون ٨٠ اوليس
الذى خلق السموات والارض بقادر على ان يخلق مثلهم بلى وهو
الخلاق العليم ٨١ انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون ٨٢
فسبحان الذى بيده ملكوت كل شىء واليه ترجعون

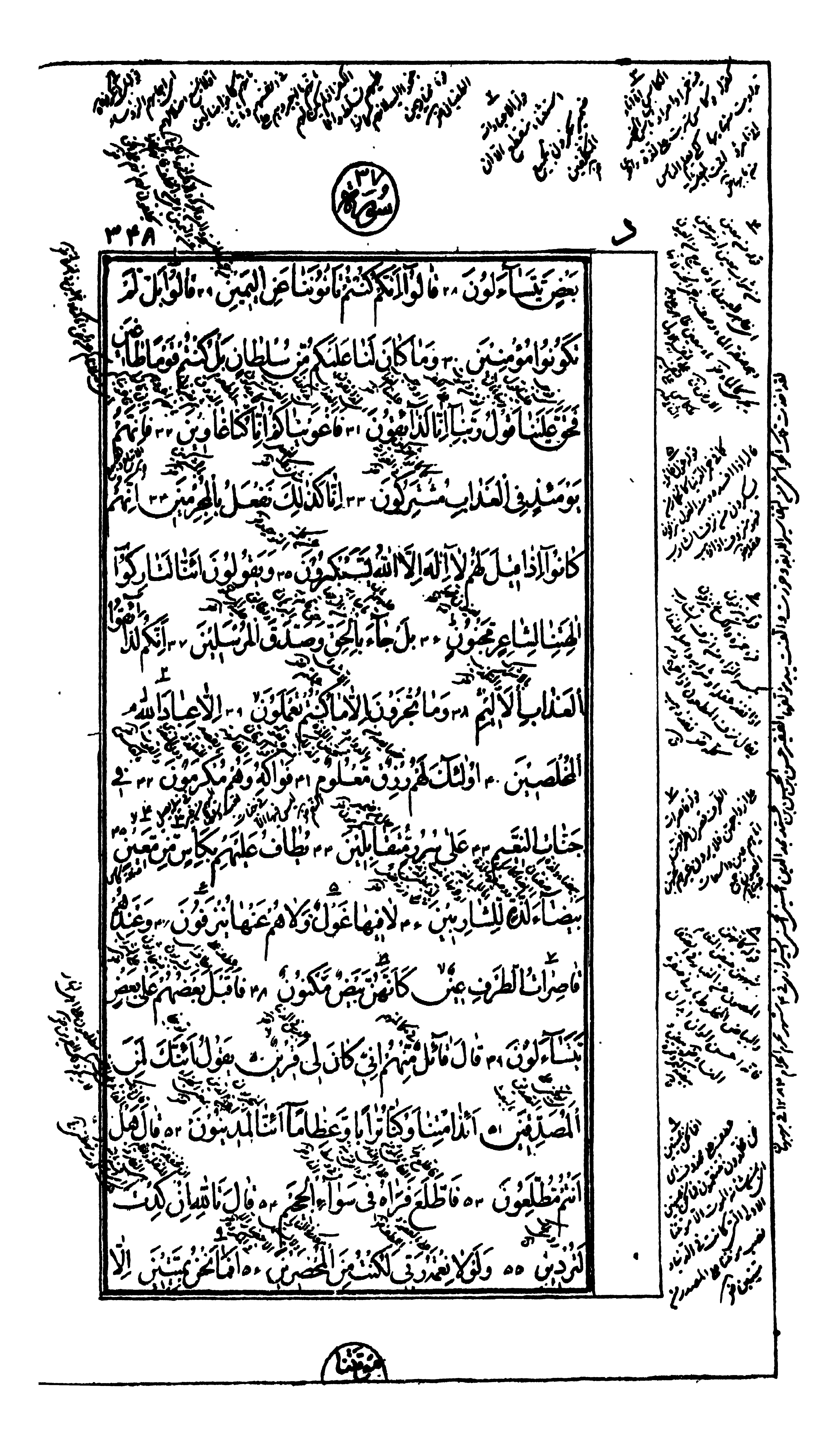
سورة



سورة الصافات مكية وهي مائة واثنتان وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ١ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ٢ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ٣ إِنَّ إِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ
رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ٥ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ
الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ٧ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ٨ لَا يَسَّمَّعُونَ
إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلٰى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ٩ دُحُورًا وَّلَهُمْ عَذَابٌ وَّاصِبٌ
إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ١١ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا
أَمْ مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ ١٢ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ١٣ وَإِذَا
ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ١٤ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ١٥ وَقَالُوا إِنْ هٰذَا إِلَّا
سِحْرٌ مُّبِينٌ ١٦ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ١٧ أَوَآبَاؤُنَا
الْأَوَّلُونَ ١٨ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ١٩ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَّاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ
يَنْظُرُونَ ٢٠ وَقَالُوا يٰوَيْلَنَا هٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ٢١ هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي
كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ٢٢ احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ
مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَاهْدُوهُمْ إِلٰى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ٢٤ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَّسْئُولُونَ ٢٥
مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ٢٦ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ٢٧ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى



بعض يتساءلون ٢٨ قالوا انكم كنتم تأتوننا عن اليمين ٢٩ قالوا بل لم

تكونوا مؤمنين ٣٠ وما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوما طاغين

فحق علينا قول ربنا انا لذائقون ٣١ فاغويناكم انا كنا غاوين ٣٢ فانهم

يومئذ في العذاب مشتركون ٣٣ انا كذلك نفعل بالمجرمين ٣٤ انهم

كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون ٣٥ ويقولون ائنا لتاركوا

آلهتنا لشاعر مجنون ٣٦ بل جاء بالحق وصدق المرسلين ٣٧ انكم لذائقوا

العذاب الاليم ٣٨ وما تجزون الا ما كنتم تعملون ٣٩ الا عباد الله

المخلصين ٤٠ اولئك لهم رزق معلوم ٤١ فواكه وهم مكرمون ٤٢ في

جنات النعيم ٤٣ على سرر متقابلين ٤٤ يطاف عليهم بكأس من معين ٤٥

بيضاء لذة للشاربين ٤٦ لا فيها غول ولا هم عنها ينزفون ٤٧ وعندهم

قاصرات الطرف عين كأنهن بيض مكنون ٤٨ فأقبل بعضهم على بعض

يتساءلون ٤٩ قال قائل منهم اني كان لي قرين يقول ائنك لمن

المصدقين ٥١ ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمدينون ٥٢ قال هل

انتم مطلعون ٥٣ فاطلع فرآه في سواء الجحيم ٥٤ قال تالله ان كدت

لتردين ٥٥ ولولا نعمة ربي لكنت من المحضرين ٥٦ افما نحن بميتين الا

بدرستیکه موسی و هرون از بندگان ما هستند گروندگان ۱۲۳ و بدرستیکه الیاس هر آینه از پیغمبرانست ۱۲۴ چون گفت مر قوم خود را آیا پرهیز
نمیکنید و نمیترسید از عذاب خدا ۱۲۵ آیا میپرستید بتی را که اسم آن بعل است و وامیگذارید بهترین خلق کنندگان را ۱۲۶ خدا پروردگار شما و پروردگار
پدران پیشینیان شما است ۱۲۷ پس تکذیب کردند الیاس را پس بدرستیکه ایشان هر آینه حاضر شدگانند در عذاب ۱۲۸ مگر بندگان خدا که پاک شدگان
بودند از شرک ۱۲۹ و باز گذاردیم بر الیاس ثنا و تحیت را در میان قوم آخر الزمان ۱۳۰ درود بر تابعین الیاس ۱۳۱ بدرستیکه همچنین جزا دهیم نیکوکاران را
۱۳۲ بدرستیکه الیاس از بندگان ما است که گرونده بودند ۱۳۳ و بدرستیکه لوط هر آینه از پیغمبرانست ۱۳۴ هنگامیکه نجات دادیم ما او را و اهل و کسان او را همگی
ایشانرا از عذاب ۱۳۵ مگر پیرزنی را که زن لوط در بازماندگان بعذاب ۱۳۶ بعد از آن هلاک کردیم دیگرانرا ۱۳۷ و بدرستیکه شما هر آینه میگذرید بر منازل
ایشان در صبحگاهان ۱۳۸ و در شب آیا پس تعقل نمیکنید ۱۳۹ و بدرستیکه یونس هر آینه از پیغمبرانست ۱۴۰ چون بگریخت از قوم خود بسوی کشتی که پر از آدم بود
۱۴۱ پس قرعه زد با اهل کشتی پس بود یونس از قرعه افتادگان یعنی چون کشتی از رفتار باز ماند مردم گفتند بندهٔ گریخته در میان کشتی است
که باید او را بدریا انداخت تا کشتی روان شود یونس گفت بندهٔ گریخته منم مردم قبول نکردند آخر الامر قرار شد قرعه بزنند در سه نوبت قرعه
باسم یونس برآمد او را بدریا انداختند ۱۴۲ پس بلعید او را ماهی و یونس ملامت کننده بود بنفس خود را که چرا بدون اذن خدا از میان قوم
بیرون آمده است ۱۴۳ پس اگر نه آنست که یونس بود از تسبیح کنندگان ۱۴۴ هر آینه درنگ کردی یونس در شکم ماهی تا روزیکه برانگیخته شوند
مردمان ۱۴۵ پس افکندیم ما یونس را بصحرای خشک بی گیاهی و حال آنکه بیمار بود ۱۴۶ و رویانیدیم براو درختی را از کدو که سایه براو افکند و مگس گرد او
نگردد ۱۴۷ و فرستادیم او را بسوی صد هزار کس یا زیاده از صد هزار نفر ۱۴۸ پس ایمان آوردند آن گروه پس برخورداری دادیمشان تا وقتی که انقضای
اجل ایشان شد ۱۴۹ پس طلب حکم کن ای محمد از ایشان یعنی از مشرکان قریش که ملائکه را دختران خدا میگفتند بطور سرزنش بپرس از بنی خزاعه و بنو ملیح
و بنو جهینه که آیا مر پروردگار تورا دخترانست و مر ایشانرا پسران از دختران که عار داشتند و زنده بگور میکردند نسبت بخدا میدادند و پسرانرا نسبت بخودشان ۱۵۰
آیا آفریدیم ما ملائکه دختران و ایشان حاضر بودند وقت خلقت ۱۵۱ آگاه باش بدرستیکه ایشان از دروغ خودشان هر آینه میگویند ۱۵۲ فرزند آورد خدا و بدرستیکه
ایشان هر آینه دروغگویانند ۱۵۳ آیا برگزید خدا دخترانرا بر پسران ۱۵۴ چیست مر شما را چگونه حکم میکنید ۱۵۵ آیا پس پند نمیگیرید ۱۵۶ یا مر شما راست حجتی هویدا ۱۵۷

و گردانیدند میان او سبحانه و میان پریان خویشی را و هر آینه بتحقیق دانستند جنیان که بدرستیکه ایشان هر آینه حاضر شدگانند در روز حساب برای چشیدن عذاب
۱۵۹ پاکست خدا از آنچه وصف میکنند ۱۶۰ مگر بندگان خدا که خالص هستند ۱۶۱ پس بدرستیکه شما و آنچه را که عبادت میکنید از بتان ۱۶۲ نیستید شما بر خدا تباه
کنندگان یعنی نتوانید بندگان او را باضلال درآورید ۱۶۳ مگر کسیرا که او در آینده است دوزخ را ۱۶۴ و نیست از ما هیچکس مگر اینکه از برای او است مقامی
معین شده یعنی ملائکه هر یک بطور مشخص معینی در عبادت مشغول هستند و گویند ۱۶۵ و بدرستیکه ما هر آینه مائیم صف زدگان یعنی حاضر و منتظرائیم از برای امر پروردگار
۱۶۶ و بدرستیکه ما هر آینه مائیم تسبیح کنندگان ۱۶۷ و بدرستیکه بودند کفار که میگفتند ۱۶۸ اگر بودی نزد ما کتابی از پیشینیان ۱۶۹ هر آینه بودیم ما بندگان خدا
پاک کرده شده از لوث شرک و کفر ۱۷۰ پس کافر شدند بآن یعنی بعد از اینکه قران نازل شد کافر شدند بآن پس زود باشد که بدانند عاقبت کفر و شرک خود را ۱۷۱
و هر آینه بتحقیق پیشی گرفت سخن ما از برای بندگان ما که فرستاده شدگانند یعنی پیغمبران و آن سخن در لوح محفوظ است باین مضمون که ۱۷۲ بدرستیکه ایشان هر آینه ایشان
یاری شدگان ۱۷۳ و بدرستیکه لشکر ما هر آینه ایشانند غلبه کنندگان ۱۷۴ پس رو بگردان از ایشان تا زمان قتال ۱۷۵ و ببین ایشانرا در اسیری و قتل و عذاب آخرت
پس زود باشد که ببینند کفار تورا در فتح و نصرت در دنیا و علو مرتبه تورا در آخرت چون کفار این آیه شنیدند گفتند کی خواهد بود این وعدهٔ محمد آیه نازل شد ۱۷۶ آیا
پس بعذاب ما شتاب میکنند ۱۷۷ پس چون فرود آید عذاب ما بسرای ایشان پس بد صبحی باشد صبح بیم داده شدگان ۱۷۸ و رو بگردان از کفار تا زمان قتال و جدال
۱۷۹ و ببین ایشانرا پس زود باشد که ببینند مغلوبیت و سایر عذابهای خود را ۱۸۰ پاکست پروردگار تو که پروردگار عزتست از آنچه وصف میکنند ۱۸۱ و درود
بر پیغمبران ۱۸۲ و حمد مر خدا راست که پروردگار عالمیانست

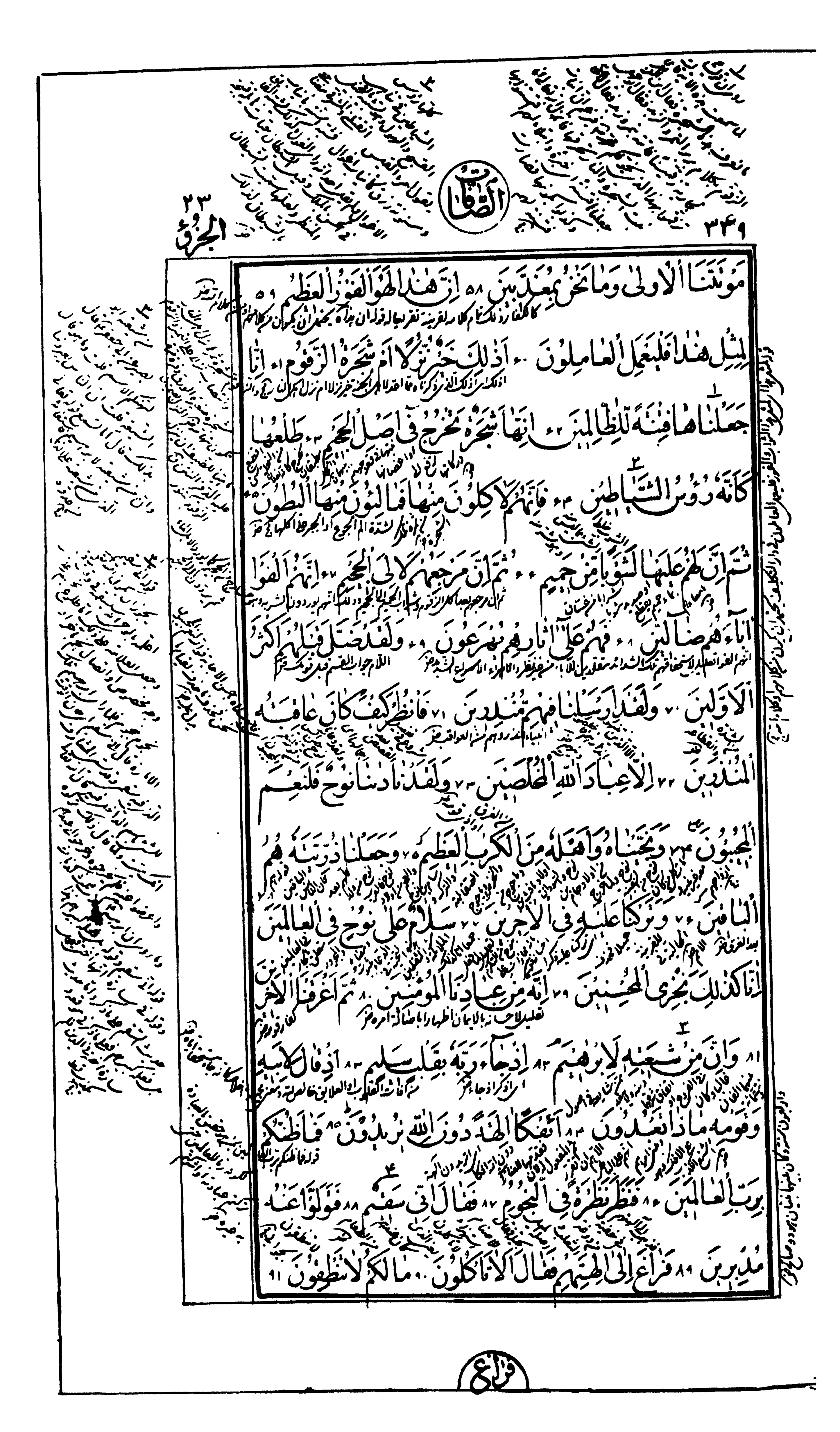
سورهٔ ص مشتمل بر هشتاد و هشت آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم بصاد و قسم بقران که صاحب شرفست ۱ بلکه آنکسانی که کافر شدند در تکبر و سرکشی ۲ چه بسیار هلاک کردیم ما پیش از
ایشان از اهل قرنها پس ندا کردند وقت مشاهدهٔ عذاب و نبود آن زمان هنگام گریختن ۳ و تعجب کردند از اینکه آمد ایشانرا بیم دهنده

از ایشان و گفتند کافران این جادوگریست دروغگو ۴ آیا گردانید خدایان متعدده را یعنی بتان را خدای یگانه بدرستیکه این هرآینه چیزیست عجب ۵ و روانشد جماعتی از اکابر ایشان از مجلس ابیطالب با یکدیگر میگفتند اینکه بروید و صبر کنید بر پرستش خدایان خود تا ثابت قدم باشید بدرستیکه این هرآینه چیزیست یعنی حادثه ایست که خواسته شده است برای ما ۶ نشنیدیم این وحدانیت خدا را که محمد میگوید در مذاهب بازپسین یعنی مذهب عیسی بجهة اینکه نصاری بخدایان ثلث قائل هستند نیست اینکه محمد میگوید مگر دروغ بافتنی از خود پیش ۷ آیا فرو فرستاده شد بر محمد قرآن از میان ما یعنی در میان اشراف چگونه شد که باید قرآن و وحی بر محمد نازل شود بلکه این کفار در شکند از قرآن من بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا یعنی بعد از اینکه عذاب مرا چشیدند آنوقت خواهند دانست که قرآن بر حق است و حسد از ایشان زایل خواهد شد ۸ یا نزد ایشانست خزینه های رحمت پروردگار تو که غالب بخشنده است ۹ یا از برای ایشانست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میانهٔ آسمان و زمین است پس بالا روند در چیزی که سبب بالا رفتن است یعنی نردبانها بسازند و بآن بالا روند بعرش و در آنجا تدبیر نظام عالم کنند ۱۰ لشکری در نهایت پستی و زبونی از آنجا یعنی در موضع بدر که موضع هلاک نمایان شکسته شده اند و مغلوب گشته از قبیل آن گروه ها هستند که با رسول خدا جنگ میکردند یعنی زود باشد که در روز بدر یا خندق لشکرکشی کنند و با تو جنگ کنند و مغلوب شوند و تو بر ایشان مظفر گردی ۱۱ تکذیب کردند پیش از مشرکان مکه نوح و عاد و فرعونی که صاحبان میخها بودند ۱۲ و قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه که قوم شعیب بودند آنگروه تکذیب کردند پیغمبران خود را اینها هستند یعنی قوم هریک از ایشان پیغمبر خود را تکذیب نمودند و قوم فرعون که صاحبان خیمه های بسیار بودند که آن خیمه ها بمیخهای استوار بود موسی را تکذیب نمودند و سایر قومها پیغمبران خود را تکذیب کردند ۱۳ نبود هیچیک از ایشان مگر اینکه تکذیب کردند پیغمبران خود را پس سزاوار است عقوبت من ۱۴ و انتظار نمیکشند این گروه مگر یک فریاد را نیست این فریاد را هیچ رجوعی یعنی البته واقع خواهد شد و هیچ نتوانند که آنرا بازگردانند ۱۵ و گفتند کفار ای پروردگار ما بشتاب بده نامهٔ اعمال ما را که محمد بآن تهدید میکند و وعید میدهد پیش از روز شمار یعنی تعجیل کن در عذاب ما اگر محمد راست میگوید که تهدید میکند ما را ۱۶ صبر کن ای محمد بر آنچه میگویند و یاد کن بندهٔ ما داود را که صاحب قوت بود بدرستیکه او بازگردنده بود از مکروهات و رجوع کننده بود بمرضات ما ۱۷ بدرستیکه ما رام کردیم کوهها را با او که تسبیح میکردند در شب و زمان روشنی روز ۱۸ و مسخر کردیم مرغانرا که جمع شدگان بودند با او و در بالای سر او صف میزدند و با او تسبیح میگفتند همه مر او را بازگردیده بودند یعنی مطیع بودند ۱۹ و محکم کردیم پادشاهی او را و دادیم داود را حکمت و کلامی خالص از التباس و پاکیزه ۲۰ و آیا آمد ترا خبر آنگروه که خصومت کننده بودند وقتیکه بالا رفتند بر دیوار غرفه یعنی بر دیوار بلند بالای خانه که محل عبادت داود بود حضرت داود روزها را قسمت نموده بود روزی حکم مینمود و روزی عبادت میکرد و روزی موعظه میفرمود و روزی بمهمات خاصهٔ خود مشغول بود در روز عبادت بالای خانه برآمدی و پاسبانان گماشتی مردم را از دخول منع مینمودند جبرئیل و میکائیل بصورت دو خصم نزد وی آمدند با جمعی از ملائکه بودند ۲۱ چون داخل شدند بر داود داود از ایشان ترسید پس ترسید از ایشان زیرا که بصورت عجیبی بی اجازت داخل شدند فرشتگان گفتند مترس ما دو دشمن ایم که ستم کرده بعضی ما بر بعضی دیگر پس حکم کن میان ما براستی و جور مکن در حکم ما و راه نما ما را

بسوی راه میانه که طریق عدالت است ۲۲ بدرستیکه این برادر منست مر او راست نود و نه میش و از برای منست یکمیش پس گفت بگردان مرا کفیل میش خود تا مرا داشته باشد و غلبه کرد مرا در مخاطبه و نگذاشت که در آن تعقل کنم ۲۳ گفت داود هرآینه بتحقیق ظلم کرد ترا بخواستن میش تو بسوی میشان خود و اضافه نمودن بر آنها و بدرستیکه بسیاری از شرکاء که مالها بهم مخلوط میکنند هرآینه ستم میکنند بعضی از ایشان بر بعضی دیگر مگر آنانکه ایمان دارند و عملهای نیکو میکنند و بسیار اندکند ایشان در میان مردم و گمان کرد اینکه داود جز این نیست که ما امتحان کردیم او را پس استغفار کرد پروردگار خود را و برو در افتاد رکوع کننده و توبه کننده گویند چهل روز در سجده بود و بقدری گریه کرد که از آب چشم او گیاه سبز شد ۲۴ پس آمرزیدیم ما او را آن ترک اولی که استغفار کرد و بدرستیکه مر او راست نزد ما هرآینه قرب و نیکوئی بازگشت ۲۵ ای داود بدرستیکه ما گردانیدیم ترا خلیفه در زمین پس حکم کن میان مردم براستی و متابعت مکن خواهش خود را پس گمراه کند ترا از راه خدا بدرستیکه آنانکه گمراه میشوند از راه خدا از برای ایشانست عذابی سخت بآنچه فراموش نمودند روز حساب را ۲۶ و خلق نکردیم آسمان و زمین را و آنچه میانهٔ آسمان و زمین است باطل این گمان آنانست که کافر شدند پس وای از برای آنانکه کافر شدند از آتش دوزخ ۲۷ یا میگردانیم آنانرا که گرویدند و عملهای نیک کردند مثل تباهکاران در زمین یا میگردانیم پرهیزکاران را مانند بدکاران ۲۸ کتابی که فرستادیم ما آنرا بسوی تو یعنی قرآن را مبارکست تا تفکر کنند در آیات آن و تا پند گیرند صاحبان عقلها ۲۹ و بخشیدیم از برای داود سلیمان را که نیکو بنده ایست بدرستیکه او رجوع کننده بود بدرگاه ما ۳۰ چون عرض کرده شد بر سلیمان در آخر روز اسبان ایستاده بر قائمهٔ خود که اسبان نیک بودند ۳۱ پس گفت سلیمان بدرستیکه من دوست دارم دوستی مال را یعنی اختیار کردم دوستی اسبان را و بازماندم از یاد کردن پروردگار خود تا پوشیده شد آفتاب بحجاب شب ۳۲ باز بگردانید آن اسبان را بر من پس در ایستاد سلیمان و شروع کرد بسودن شمشیر را بساقها و گردنهای اسبان ۳۳ و هرآینه



مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ٥٨ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ٥٩
لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ٦٠ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ٦١ إِنَّا
جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ٦٢ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ٦٣ طَلْعُهَا
كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ٦٤ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ
ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ٦٦ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ٦٧ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا
آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ٦٨ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ٦٩ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ
الْأَوَّلِينَ ٧٠ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ٧١ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُنْذَرِينَ ٧٢ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ٧٣ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ
الْمُجِيبُونَ ٧٤ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ٧٥ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ
الْبَاقِينَ ٧٦ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ٧٧ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ
إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٧٩ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ٨٠ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ
٨١ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ٨٢ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ٨٣ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ
وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ٨٤ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ٨٥ فَمَا ظَنُّكُمْ
بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ٨٦ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ٨٧ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ٨٨ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ
مُدْبِرِينَ ٨٩ فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ٩٠ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ٩١



فراغ عليهم ضربا باليمين ٩٢ فأقبلوا إليه يزفون ٩٣ قال أتعبدون ما
تنحتون ٩٤ والله خلقكم وما تعملون ٩٥ قالوا ابنوا له بنيانا فألقوه في
الجحيم ٩٦ فأرادوا به كيدا فجعلناهم الأسفلين ٩٧ وقال إني ذاهب إلى
ربي سيهدين ٩٨ رب هب لي من الصالحين ٩٩ فبشرناه بغلام حليم
١٠٠ فلما بلغ معه السعي قال يا بني إني أرى في المنام أني أذبحك فانظر
ماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من الصابرين
١٠٣ فلما أسلما وتله للجبين ١٠٤ وناديناه أن يا إبرهيم ١٠٥ قد صدقت
الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين ١٠٦ إن هذا لهو البلاء المبين ١٠٧
وفديناه بذبح عظيم ١٠٨ وتركنا عليه في الآخرين ١٠٩ سلام على إبرهيم
١١٠ كذلك نجزي المحسنين ١١١ إنه من عبادنا المؤمنين ١١٢ وبشرناه بإسحق
نبيا من الصالحين ١١٣ وباركنا عليه وعلى إسحق ومن ذريتهما محسن و
ظالم لنفسه مبين ١١٤ ولقد مننا على موسى وهرون ١١٥ ونجيناهما
وقومهما من الكرب العظيم ١١٦ ونصرناهم فكانوا هم الغالبين ١١٧ وآتيناهما
الكتاب المستبين ١١٨ وهديناهما الصراط المستقيم ١١٩ وتركنا عليهما
في الآخرين ١٢٠ سلام على موسى وهرون ١٢١ إنا كذلك نجزي المحسنين ١٢٢

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ١٢٣ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ١٢٤ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ

أَلَا تَتَّقُونَ ١٢٥ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ١٢٦ اللَّهَ رَبَّكُمْ

وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ١٢٧ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ١٢٨ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ١٢٩ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي

الْآخِرِينَ ١٣٠ سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ١٣١ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ١٣٢

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ١٣٣ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ١٣٤ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ

أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ١٣٥ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ١٣٦ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ١٣٧ وَ

إِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ١٣٨ وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ١٣٩ وَإِنَّ يُونُسَ

لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ١٤٠ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ١٤١ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

١٤٢ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ١٤٣ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ١٤٤ لَلَبِثَ فِي

بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ١٤٥ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ١٤٦ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ

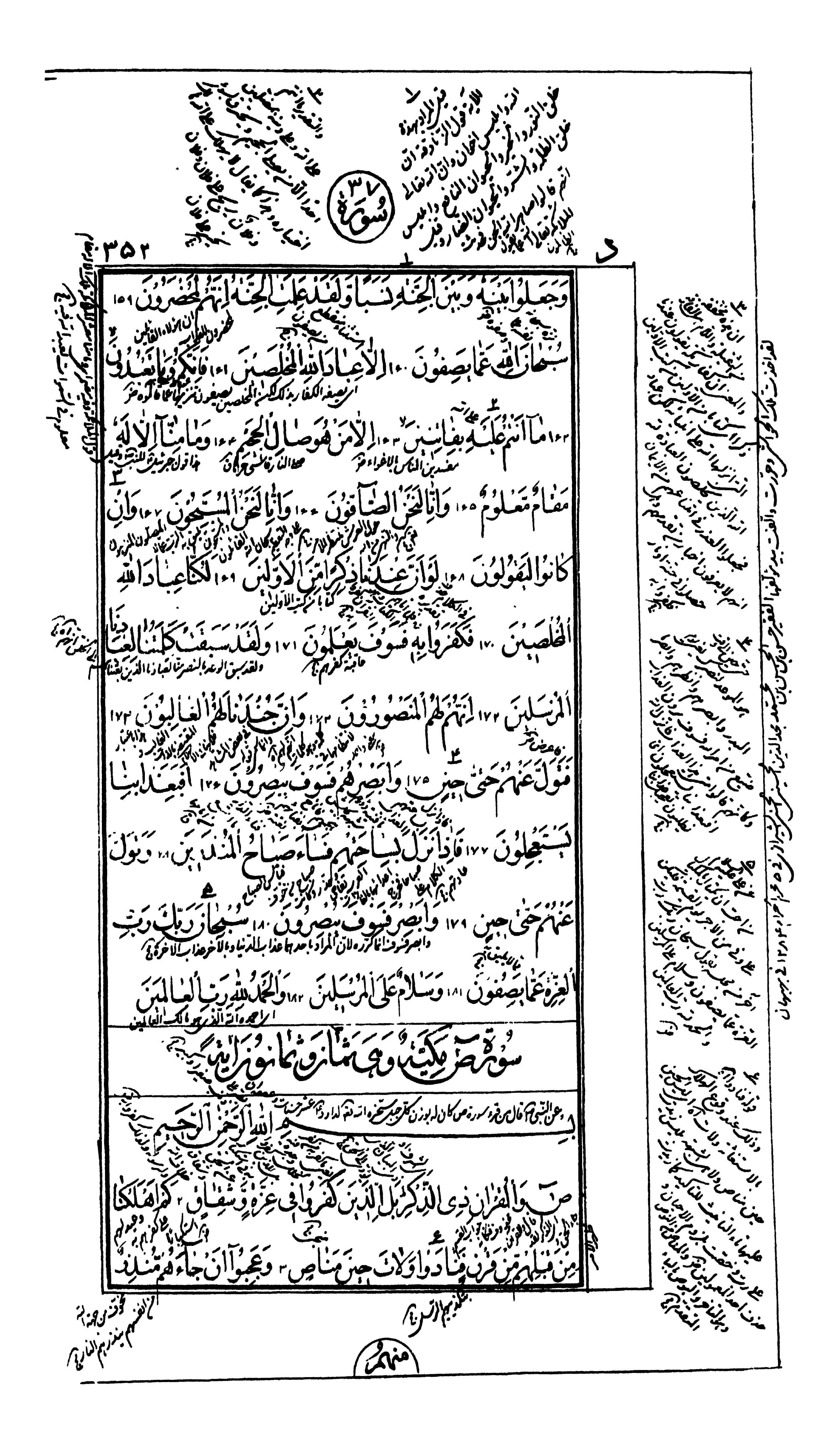
شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ١٤٧ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ١٤٨ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَا

هُمْ إِلَىٰ حِينٍ ١٤٩ فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ١٥٠ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ

إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ١٥١ أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ١٥٢ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ

لَكَاذِبُونَ ١٥٣ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ١٥٤ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ١٥٥

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٥٦ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ١٥٧ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١٥٨



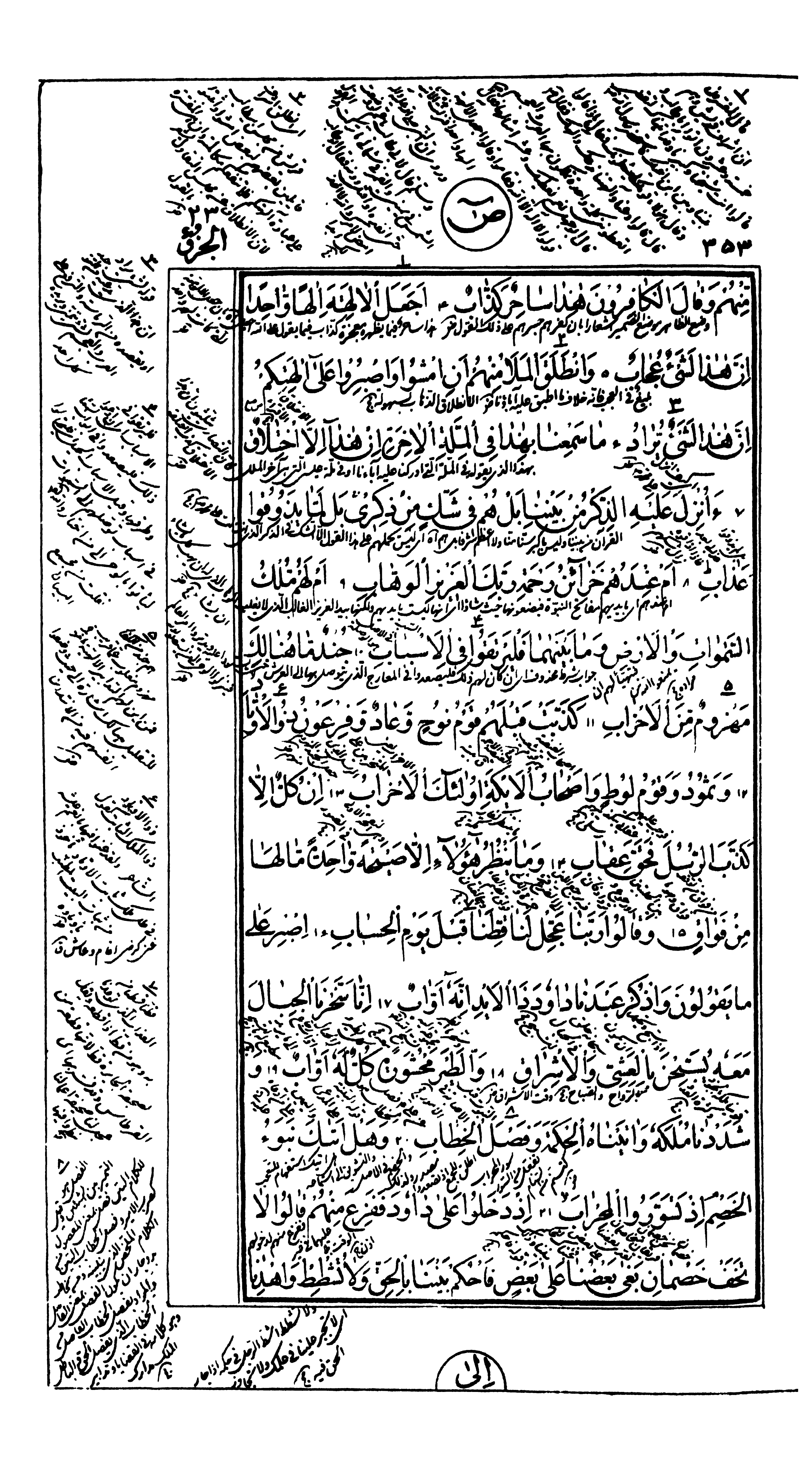
وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ١٥٩
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٦٠ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ١٦١ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ
١٦٢ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ١٦٣ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ١٦٤ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ
مَقَامٌ مَعْلُومٌ ١٦٥ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ١٦٦ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ١٦٧ وَإِنْ
كَانُوا لَيَقُولُونَ ١٦٨ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ١٦٩ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ
الْمُخْلَصِينَ ١٧٠ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ١٧١ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا
الْمُرْسَلِينَ ١٧٢ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ١٧٣ وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ١٧٤
فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ١٧٥ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ١٧٦ أَفَبِعَذَابِنَا
يَسْتَعْجِلُونَ ١٧٧ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ١٧٨ وَتَوَلَّ
عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ١٧٩ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ١٨٠ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ
الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٨١ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ١٨٢ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سُورَةُ صٓ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانٍ وَثَمَانُونَ آيَةً

عن النبي ﷺ قال من قرأ سورة ص كان له بوزن كل جبل سخره الله لداود عشر حسنات [illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ١ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ٢ كَمْ أَهْلَكْنَا
مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ٣ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ



منهم وقال الكافرون هذا ساحر كذاب ٤ اجعل الالهة الها واحدا
ان هذا لشيء عجاب ٥ وانطلق الملأ منهم ان امشوا واصبروا على الهتكم
ان هذا لشيء يراد ٦ ما سمعنا بهذا في الملة الاخرة ان هذا الا اختلاق
٧ ءانزل عليه الذكر من بيننا بل هم في شك من ذكري بل لما يذوقوا
عذاب ٨ ام عندهم خزائن رحمة ربك العزيز الوهاب ٩ ام لهم ملك
السموات والارض وما بينهما فليرتقوا في الاسباب ١٠ جند ما هنالك
مهزوم من الاحزاب ١١ كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وفرعون ذو الاوتاد
١٢ وثمود وقوم لوط واصحاب الايكة اولئك الاحزاب ١٣ ان كل الا
كذب الرسل فحق عقاب ١٤ وما ينظر هؤلاء الا صيحة واحدة ما لها
من فواق ١٥ وقالوا ربنا عجل لنا قطنا قبل يوم الحساب ١٦ اصبر على
ما يقولون واذكر عبدنا داود ذا الايد انه اواب ١٧ انا سخرنا الجبال
معه يسبحن بالعشي والاشراق ١٨ والطير محشورة كل له اواب ١٩ و
شددنا ملكه واتيناه الحكمة وفصل الخطاب ٢٠ وهل اتاك نبؤا
الخصم اذ تسوروا المحراب ٢١ اذ دخلوا على داود ففزع منهم قالوا لا
تخف خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا بالحق ولا تشطط واهدنا

إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ ٢٢ إِنَّ هَٰذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ
وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ٢٣ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ
بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ
بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا
فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ٢٤ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُ
عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ٢٥ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي
الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ
الْحِسَابِ ٢٦ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ
الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ٢٧ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ٢٨
كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ٢٩
وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ٣٠ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ
بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ٣١ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ
رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ٣٢ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَ

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمٰنَ وَأَلْقَيْنَا عَلٰى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ٣٤ قَالَ رَبِّ
اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ٣٥
فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ٣٦ وَالشَّيَاطِينَ
كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ٣٧ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ٣٨ هٰذَا عَطَاؤُنَا
فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ٣٩ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفٰى وَحُسْنَ مَآبٍ ٤٠
وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادٰى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ
عَذَابٍ ٤١ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ٤٢ وَوَهَبْنَا لَهُ
أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرٰى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ٤٣ وَخُذْ بِيَدِكَ
ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ٤٤
وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرٰهِيمَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ٤٥
إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ٤٦ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ٤٧
وَاذْكُرْ إِسْمٰعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ ٤٨ هٰذَا
ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ٤٩ جَنَّاتِ عَدْنٍ مُفَتَّحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ ٥٠
مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ٥١ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ
الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ٥٢ هٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ٥٣ إِنَّ هٰذَا لَرِزْقُنَا

ص

مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ٥٥ هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ٥٦ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

فَبِئْسَ الْمِهَادُ ٥٧ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ٥٨ وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ

أَزْوَاجٌ ٥٩ هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ ٦٠

قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ٦١ قَالُوا رَبَّنَا مَن

قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ٦٢ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا

كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ ٦٣ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ٦٤

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ٦٥ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ

الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ٦٦ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ٦٧

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ٦٨ أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ٦٩ مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ

إِذْ يَخْتَصِمُونَ ٧٠ إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ٧١ إِذْ قَالَ رَبُّكَ

لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ٧٢ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي

فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ٧٣ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ٧٤ إِلَّا إِبْلِيسَ

اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ٧٥ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ

بِيَدَيَّ ٧٦ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ ٧٧ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي

مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ٧٨ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ٧٩ وَإِنَّ عَلَيْكَ

بتحقیق امتحان کردیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او یعنی الهام کردیم زن او را که انداخت بر تخت او جسد مرده را که پسر او بود بجهة اینکه ان شاء الله نگفته بود
پس از آن پشیمان شد و بازگشت بسوی خدا نمود ۳۴ گفت ای پروردگار من بیامرز مرا و مرا ببخش از برای من پادشاهی را که نسزد مر کسی را بعد از من بدرستیکه تو
بخشنده ۳۵ پس رام کردیم ما از برای سلیمان باد را که میرفت بامر او و از روی نرمی هر جا که قصد کرده ۳۶ و رام کردیم ما دیوان را هر بنا کننده که انواع عمارات
میساختند و هر شنا کننده در دریا که انواع جواهر از دریا بیرون میآوردند ۳۷ و دیگر مسخر گردانیدیم دیوان دیگر را دو دو و سه سه و چهار چهار در غلهای آهنین
یعنی متمردان از دیوان را بغلها بستیم تا اینکه آزار مردم نتوانند نمود ۳۸ اینست بخشش ما که این نعمت و سلطنت را بتو دادیم پس عطا کن بهر که خواهی
یا منع بخشش کن از هر که خواهی در حالتیکه اعطای بی حسابست یعنی در روز قیامت محاسب نخواهی شد برای عطا و امساک ۳۹ و بدرستیکه مر سلیمان
راست نزد ما قرب و منزلت و نیکو بازگشت ۴۰ و یاد کن ای محمد بنده ما ایوب را چون خواند پروردگار خود را که بدرستیکه رسانده است مرا شیطان برنج
بدن و فوت مال ۴۱ بزن پای خود را بزمین یعنی ایوب دعا کرد مستجاب شد جبرئیل را باو فرستاد و گفت با ایوب بزن پای خود را بزمین ایوب بفرموده عمل
نمود پای خود را بزمین زد چشمه آبی از زیر قدم او جاری شد جبرئیل فرمود که این چشمه گرم جای غسل کردنست و چشمه دیگر آبی است سرد و آشامیدنی
ایوب بچشمه گرم غسل کرد امراض ظاهر او به شد و از چشمه سرد خورد علتهای باطنی از او زایل شد و گویند چشمه یکی بود وقت غسل کردن گرم بود
و هنگام آشامیدن سرد بود ۴۲ و بخشیدیم ما مر او را کسان او را یعنی عوض فرزندان او را دادیم و اکثر برآنند که فرزندان او را زنده گردانید و مثل
ایشان با ایشان یعنی اولاد او را دو برابر آن که بودند عطا فرمودیم بخششی از جانب ما و بجهت یاد کردن و پند گرفتن مر خداوندان عقول را ۴۳ و بگیر
بدست خود دسته از چوب خشک شده باریک پس بزن بآن زوجه خود را یعنی وقتی زن ایوب که لیا بنت یعقوب بود برای حاجتی بیرون رفته بود
دیر آمد ایوب قسم خورد که او را صد چوب بزند خواست که قسم خود را راست گرداند حق تعالی سوگند او را راست گردانید بآسان ترین وجهی خطاب رسید که بگیر بدست
خود دسته از چوب باریک و بزن زن خود را و مخالفت سوگند خود را مکن بدرستیکه ما یافتیم ایوب را صبر کننده ۴۴ نیکو بنده بود بدرستیکه او رجوع کننده است بسوی ما ۴۵ و یاد کن
بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را که صاحبان دستها و چشمها بودند یعنی صاحب اعمال شریعت بودند ۴۶ بدرستیکه ما پاکیزه گردانیدیم ایشان را بسبب خصلتی که خالص بود از آمیختگی
علایق دنیوی که آن نصیحت است و یاد کردن آخرت ۴۷ و بدرستیکه ایشان نزد ما هر آینه از برگزیدگان نیکانند ۴۸ یاد کن ای پیغمبر اسمعیل و الیسع و ذا الکفل را و همه از برگزیدگان
بودند ۴۹ اینکه گذشت از صفات پیغمبران شرفی بزرگست و بدرستیکه از برای پرهیزکاران است نیکو بازگشتن که آن ۵۰ بهشتهای با اقامتست در حالتیکه گشوده است از برای
پرهیزکاران درهای بهشتها ۵۱ تکیه زدگان باشند بر تختها در بهشت میخوانند در آن بهشتها یعنی امر میکنند خادمان خود را و بار ده میوهای بسیار و شراب نزد ایشان حاضر خواهد بود
بی آنکه حاضر سازند آنها را ۵۲ و نزد ایشان باشند زنانی که کوتاه کننده چشمها باشند یعنی از حیا چشمهای خود را باطراف نیندازند و بغیر شوهران خود ننگرند هم سال و هم سن
یکدیگر باشند ۵۳ این چیزیست که وعده داده میشدید از برای روز حساب ۵۴ بدرستیکه این که می بینیم از انواع نعمتها هر آینه روزی ماست

نیست از برای آن هیچ انقطاعی و زوالی ۵۵ اینست حال بهشت و بدرستیکه از برای نافرمانان و کافران هر آینه بدی بازگشت است که آن ۵۶ جهنم است که در آیند آنجا کافران پس
آرامگاهی است جهنم ۵۷ اینست عذاب پس باید بچشید آنرا که آب گرم جوشیده سوزاننده و چرک گندیده است ۵۸ و دیگر مانند این عذابها انواع گوناگونست که در سختی مثل یکدیگر است
۵۹ این گروهند که برنج و سختی در آیند کامند در دوزخ با شما نیست مرحبا ایشانرا یعنی ایشان را در تنگنای زندان عذاب هیچ گشادی و فرحی مباد بدرستیکه ایشان در آینده آتش اند ۶۰
گفتند ایشان برؤسای خود بلکه شما نیست مرحبا بشما شما پیش داشتید و فراهم آوردید عذاب را از برای ما پس بد قرارگاهی است جهنم ۶۱ گویند ای پروردگار ما هر که را که پیش داشت
یعنی سبب شد از برای ما این عذاب را پس زیاد کن بر او عذابیرا که دو مساویست در آتش جهنم ۶۲ و گویند یعنی کفار قریش که در دنیا مؤمنین را سرزنش و استهزا میکردند در جهنم چه چیز است
از برای ما که نمی بینیم مردانیرا که بودیم ما که میشمردیم ما ایشانرا از بدکاران ۶۳ آیا گرفتیم ایشانرا در دنیا مسخره یعنی چرا با ایشان سخریه میکردیم یا گردیده است از ایشان چشمهای ما که بر ایشان نمیافتد ۶۴
بدرستیکه این یعنی آنچه گذشت در احوال دوزخیان هر آینه راست و درستست که آن جدال و نزاع کردن اهل دوزخ باشد ۶۵ بگو ای محمد جز این نیست که منم ترساننده و نیست خدائی مگر خدای یگانه قهر کننده و شکننده
متکبران و جباران ۶۶ او پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میانه آسمان و زمین است غالب آمرزنده است ۶۷ و بگو ای پیغمبر آنچه مذکور شد از میان عقوبت روز قیامت خبریست بزرگ ۶۸ شما از آن خبر اعراض کنندگانید
۶۹ نبود از برای من هیچ علمی بملأ برتر یعنی ملائکه و آدم و ابلیس هنگامیکه مخاصمه میکردند ۷۰ وحی کرده نمیشود بسوی من مگر اینکه جز این نیست که منم بیم دهنده آشکارا ۷۱ چون گفت پروردگار تو
مر ملائکه را بدرستیکه من آفریننده ام آدمی را از گل ۷۲ پس چون تمام گردانیدم او را و دمیدم در او از روح خودم پس بروی در افتید از برای او سجده کنندگان ۷۳ پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان
باتمام ۷۴ مگر شیطان که سرکشی کرد و بود از کافران ۷۵ گفت خدا ای شیطان چه چیز منع کرد ترا اینکه سجده بکنی مر آنچه را که آفریدم بدو دست خودم ۷۶ آیا سرکشی کردی یا بودی از بلند
مرتبگان ۷۷ گفت شیطان من بهترم از آدم آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل ۷۸ گفت خدا پس بیرون رو از میان ملائکه بدرستیکه تو رانده شده ۷۹ و بدرستیکه بر تو است

لعنت من تا روز قیامت ۷۸ گفت شیطان ای پروردگار من پس مهلت بده مرا تا روزیکه برانگیخته میشوم ۷۹ گفت خدا پس بدرستیکه تو از مهلت داده شدگانی
۸۰ تا روز زمان دانسته شده یعنی روز قیامت ۸۱ گفت شیطان پس قسم بعزت تو هرآینه گمراه کنم البته بنی آدم را کلاً ۸۲ مگر بندگان تو را از ایشان که خالص
شدگانند ۸۳ گفت خدا پس منم خدای برحق و راست میگویم ۸۴ هرآینه پر کنم البته جهنم را از تو و از آنانکه متابعت کنند تو را از بنی آدم همگی ۸۵ بگو ای محمد کفار
مکه را نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی و نیستم من از تکلیف کنندگان یعنی از آنکسانی نیستم که ادعای چیزی کنم که دارای آن چیز نباشم
۸۶ نیست قرآن مگر پندی مر جهانیان را ۸۷ و هرآینه خواهید دانست البته خبر قرآن را بعد از زمانی یعنی بعد از مردن

سورهٔ الزمر مشتمل بر هفتاد و پنج آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

فرو فرستادن کتاب یعنی قرآن بر محمد از خدای تعالی است که غالب درستکار است ۱ بدرستیکه ما فرو فرستادیم بسوی تو قرآن را براستی پس عبادت
کن خدا را در حالتیکه خالص کننده باشی برای او دین را ۲ بدانید از برای خداست دین خالص ۳ و آنکسانیکه گرفتند از سوای خدا دوستانی را نمیپرستیم
ایشانرا مگر آنکه نزدیک گردانند ما را بسوی خدا نزدیک گردانیدنی بدرستیکه خدا حکم میکند میانهٔ ایشان یعنی مشرکان در آنچه ایشان در آن اختلاف
میکنند ۴ بدرستیکه خدا راه نمی نماید کسی را که او دروغگوینده ناسپاس است ۵ اگر خواهد خدا اینکه بگیرد فرزندی را
هرآینه برگزیدی از آنچه میآفریند آنچه را که میخواهد پاکست او اوست خدای یگانهٔ قهر کننده ۶ آفرید خدا آسمانها
و زمین را براستی درمیآورد شب را بر روز و درمیآورد روز را بر شب و رام گردانید خورشید و ماه را همه میروند در فلک خود تا
مدت نام برده شده یعنی زمانی معین بدانید که اوست غالب آمرزنده ۷ آفرید شما را از تنی تنها که آدم است پس از آن
گردانید زن او را یعنی آفرید از پهلوی چپ او یا از فضلهٔ گل او زن او را که حواست و فرستاد برای شما از چهارپایان هشت چیز را

که زوج باشد یعنی نر و ماده اند از شتر و گاو و میش و بز آفرید شما را در شکمهای مادرانتان آفریدنی از پس آفریدنی یعنی نطفه را علقه میسازد
و علقه را مضغه بعد از آن استخوان و بعد از آن گوشت میرویاند در تاریکیهای سه گانه که آن تاریکی مشیمه و تاریکی رحم و تاریکی شکم است اینست خدا
که پروردگار شما است از برای اوست پادشاهی نیست خدائی مگر او پس بکجا برگردانیده میشوید ۸ اگر کافر شوید پس بدرستیکه خدا بی نیاز است
از شما و راضی نمیشود یعنی نمی پسندد برای بندگان خودش کفر را و اگر شکر کنید می پسندد او را برای شما و بر ندارد نفسی که بردارنده بار
گران خود است بار گران دیگری را پس از آن بسوی پروردگار شما است بازگشت شما پس آگاه میکنم شما را بآنچه بودید
که میکردید ۹ بدرستیکه اوست دانا بآنچه در سینه هاست از اسرار مخفیه ۱۰ و هرگاه برسد آدمی را ضرری بخواند خدای خود را در حالتی که
برگردنده است بسوی او پس از آن چون عطا فرمود او را نعمتی از نزد خود فراموش کند آنچه را که بود میخواند بسوی او از پیش و قرار دهد از
برای خدا همتایان تا گمراه کند مردمانرا از راه خدا بگو ای محمد برخوردار باش بکفر خود اندکی بدرستیکه تو از یاران آتشی ۱۱ آیا این کافر بهتر است
یا آنکسی که دعا کننده است ساعات شب را در حالتیکه سجده کننده و ایستاده است میترسد از عذاب آخرت و امیدوار باشد برحمت
پروردگار خود بگو آیا یکسانست آنانکه میدانند و آنانکه نمیدانند جز این نیست که پند میگیرند صاحبان عقلها ۱۲ بگو ای بندگان من
آنانکه ایمان آورده اند بپرهیزید پروردگار خود را مر آنانکه نیکی کردند در این دنیا حسنه ایست در آخرت و زمین خدا گشاده است
جز این نیست که بتمام و کمال داده میشوند صبر کنندگان بر مهاجرت مزد ایشان بدون حساب یعنی بی حساب است از بسیاری
که شماره آن ممکن نباشد ۱۳ بگو ای پیغمبر بدرستیکه من مأمور شدم اینکه عبادت کنم خدا را از روی اخلاص از برای خداست
دین و مأمور شدم تا اینکه باشم اول اسلام آورندگان ۱۴ بگو بدرستیکه من میترسم اینکه اگر نافرمانی کنم پروردگار خود را عذاب روز
بزرگ یعنی قیامت را ۱۵ بگو ای محمد خدا را عبادت میکنم در حالتی که خالص کننده ام از برای او دین خود را ۱۶ پس عبادت کنید آنچه را که خواهید از غیر
خدا بگو بدرستیکه زیانکاران آن کسانند که زیان نمودند نفسهای خود را و کسان خود را در روز قیامت بدانید که این
زیان آن زیان آشکار هویداست ۱۷ مر ایشانراست از بالای سرهاشان سایبانها از آتش و از زیر پاهای آنها است

لَعْنَتِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ ٧٨ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ٧٩ قَالَ
فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ ٨٠ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ ٨١ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ
أَجْمَعِينَ ٨٢ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ ٱلْمُخْلَصِينَ ٨٣ قَالَ فَٱلْحَقُّ وَٱلْحَقَّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ
جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ٨٥ قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ
وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُتَكَلِّفِينَ ٨٦ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ٨٧ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ
بَعْدَ حِينٍۭ

سورة الزمر مكية وهي خمس وسبعون آية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ١ إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ فَٱعْبُدِ
ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ٢ أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلْخَالِصُ ۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ
أَوْلِيَآءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلْفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ
يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ ٣ لَّوْ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن
يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّٱصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ ۖ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ ٤
خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ ۖ يُكَوِّرُ ٱلَّيْلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى
ٱلَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ ٥
خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلْأَنْعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ

ازواج يخلقكم في بطون امهاتكم خلقا من بعد خلق في ظلمات ثلث

ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون ٩ ان تكفروا فان الله

غني عنكم ولا يرضى لعباده الكفر وان تشكروا يرضه لكم ولا تزر وازرة وزر

اخرى ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم تعملون ١٠ انه عليم بذات الصدور

١١ واذا مس الانسان ضر دعا ربه منيبا اليه ثم اذا خوله نعمة منه نسي

ما كان يدعوا اليه من قبل وجعل لله اندادا ليضل عن سبيله قل تمتع

بكفرك قليلا انك من اصحاب النار ١٢ امن هو قانت اناء الليل ساجدا

وقائما يحذر الاخرة ويرجوا رحمة ربه قل هل يستوي الذين يعلمون و

الذين لا يعلمون انما يتذكر اولوا الالباب ١٣ قل يا عباد الذين امنوا

اتقوا ربكم للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة وارض الله واسعة

انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب ١٤ قل اني امرت ان اعبد الله

مخلصا له الدين وامرت لان اكون اول المسلمين ١٥ قل اني اخاف ان

عصيت ربي عذاب يوم عظيم ١٧ قل الله اعبد مخلصا له ديني فاعبدوا

ما شئتم من دونه قل ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم واهليهم يوم

القيمة الا ذلك هو الخسران المبين ١٨ لهم من فوقهم ظلل من النار ومن تحتهم

ظُلَلٌ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ١٨ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ

أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ

فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ٢١ لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا

رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ

لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ٢٢ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ

فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ

حُطَامًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ٢٣ أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ

لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ

فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٢٤ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ

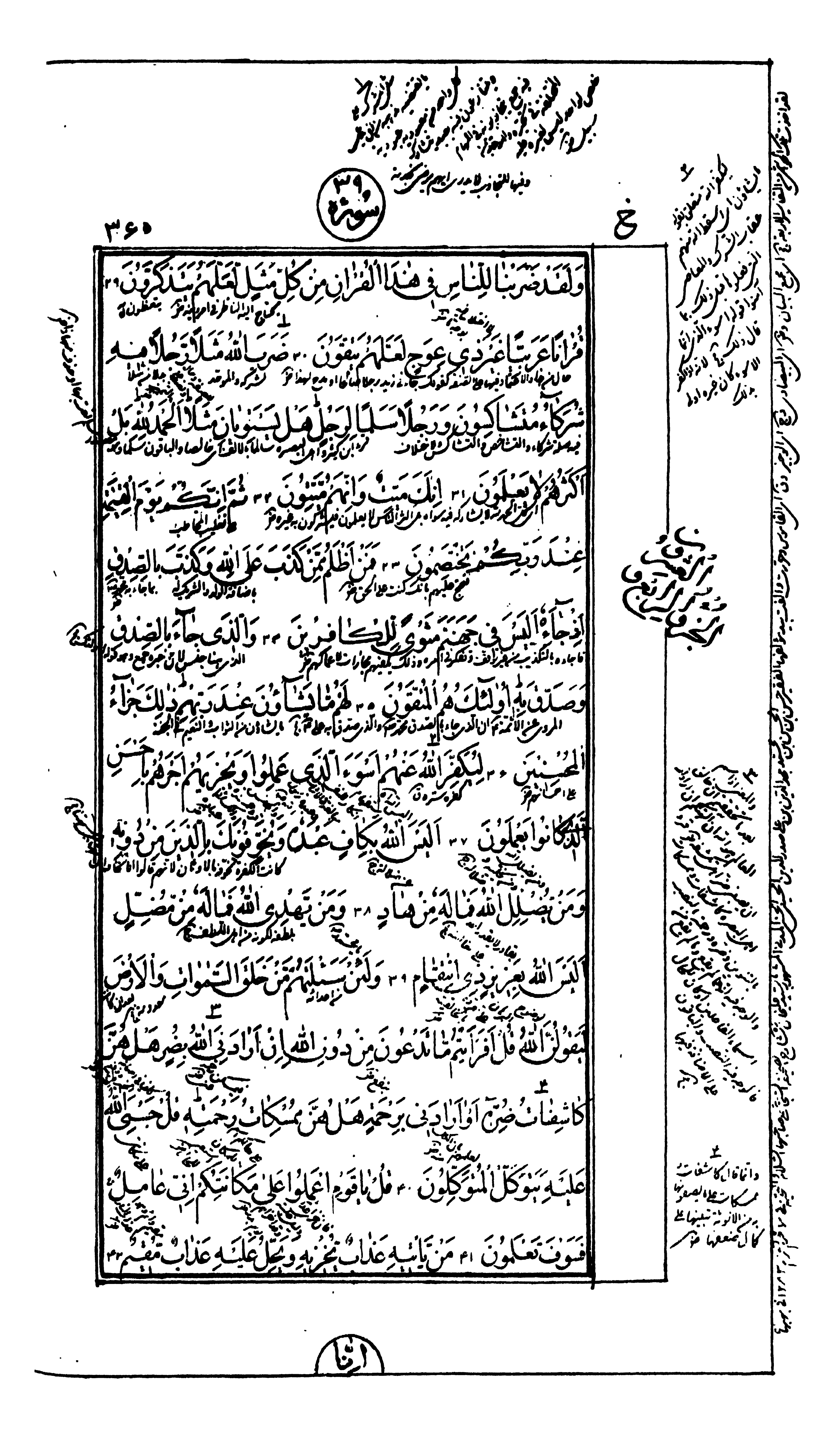
مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ٢٥

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ

تَكْسِبُونَ ٢٦ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ



وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٢٩
قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ٣٠ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ
شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٣١ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ٣٢ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ٣٣ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ
إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ ٣٤ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ
وَصَدَّقَ بِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ٣٥ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ جَزَاءُ
الْمُحْسِنِينَ ٣٦ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ
الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ٣٧ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ
وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ٣٨ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ
أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ٣٩ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ
كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ
عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ٤٠ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ
فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ٤١ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ٤٢

سایبهای آتش اینست که میترساند خدا بآن بندگان خود را ای بندگان من پس بترسید از من ۱۹ و آنانکه پرهیز کردند از شیطان اینکه پرستش
کنند او را و بازگشتند بسوی خدا مر ایشان راست مژده پس مژده بده بندگان مرا آنانکه میشنوند گفتار حق را پس پیروی میکنند نیکوترین آن را
یعنی عمل میکنند بقولی که اقرب بحق است آنگروه آنها هستند که راه نمود ایشانرا خدا و آنگروه ایشانند صاحبان عقلها ۲۰ آیا پس آنکسی که واجب شد
براو سخن عذاب مانند کسی است که مستحق روضهٔ رضوانست یعنی شخصی که مستحق عقوبتست هرگز مثل کسی نباشد که سزاوار بهشت است آیا پس تو ای محمّد
میرهانی آنرا که باشد در آتش یعنی قادر نیستی که دوزخیانرا از عذاب برهانی ۲۱ لیکن آنانکه پرهیز کردند و ترسیدند از پروردگارشان مر ایشان
راست غرفهائیکه از بالای آن غرفها غرفهای دیگراست که بنا کرده شده است میرود از زیر آن غرفها نهرها وعدهٔ خداست خلاف نمیکند خدا
وعدهٔ خود را ۲۲ آیا نمی بینی اینکه خدا فرو فرستاد از آسمان آبی را پس روان نمود آنرا در چشمهائیکه در زمین اند پس بیرون میآورد بسبب
آن آب کشت و نباتی را که گوناگونست رنگهای آن پس خشک میشود پس می بینی آنرا زرد شده پس میگرداند خدا آنرا ریزه ریزه درهم
شکسته بدرستیکه این یعنی فرو فرستادن باران و سبز کردن گیاه و خشک کردن آن هر آینه پندیست مر صاحبان عقلها را ۲۳ آیا پس هرکه را که گشاده است
خدا سینهٔ آنرا از برای اسلام پس او بر روشنی معرفت است از جانب پروردگار خودش مانند کسی است که سینهٔ او تنگست از قبول سخن حق پس وای از برای
کسانیکه سخت است قلبهای ایشان از جهة یاد کردن خدا آنگروه در گمراهی آشکارند ۲۴ خدا فرستاد بهترین سخن را که آن کتابیست مانند یکدیگر
یعنی بعضی شبیه بعضی دیگر است و مکرر است یعنی مشتمل است بر تکرار قصص و اوامر و نواهی میلرزد و از آن قرآن پوستهای آنانکه میترسند از پروردگار
خودشان پس نرم میشود پوستهای ایشان و دلهای ایشان بسوی یاد کردن خدا اینست هدایت خدا که راه مینماید بآن قرآن هرکه را میخواهد و کسیرا
که گمراه کند خدا پس نیست مر او را هیچ راهنمائی ۲۵ آیا پس آنکه میپرهیزد بروی خود از عذاب روز قیامت یعنی چون دست و پای او بزنجیر آتشین بسته است نتواند
دفع آتش کند مگر بصورت خود مانند کسی است که از عذاب رسته و در صدر جنت قرار گرفته باشد و گفته شد مر ستمکاران را که بچشید آنچه را که بودید کسب میکردید
۲۶ تکذیب نمودند آنانکه پیش از ایشان بودند پس آمد ایشانرا عذاب از جائی که شعور نداشتند بآن و وقوع آن در خاطرشان
نمیگذشت ۲۷ پس چشانید ایشانرا خدا خواری و رسوائی در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت بزرگتر است اگر هستند که بدانند ۲۸

صفحهٔ ششصد و شصتم

و هر آینه بتحقیق زدیم ما برای مردم در این قرآن از هر مثالی شاید ایشان پند بگیرند ۲۹ قرآنیست بزبان عربی غیر صاحب کجی شاید ایشان
بپرهیزند ۳۰ زده است خدا مثلی مردی را که در او شریکان باشند که مخالفت یکدیگر کنند و مردی که خالص باشد برای مردی آیا مساویند مثلاً یعنی
بندهٔ که مولای متعدد داشته باشد که هر یک حکمی مخالف یکدیگر بآن بنده بکنند مساویست با بندهٔ که یک مولا داشته باشد سپاس مر خدا راست
بلکه بیشتر از ایشان نمیدانند ۳۱ بدرستیکه تو ای پیغمبر مردهٔ یعنی دارای صفت مردن هستی و بدرستیکه ایشان یعنی کفار مکه مردگانند ۳۲ پس از مردن
که همه خواهید مرد بدرستیکه شما روز قیامت نزد پروردگار خودتان مخاصمه خواهید کرد در امر دین ۳۳ پس کیست ستمکارتر از کسی که تکذیب کرد یعنی
دروغ گفت بر خدا و تکذیب کرد سخن راست یعنی قرآن وقتی آمد قرآن او را آیا نیست در جهنم جائی و مکانی از برای کافران یعنی جای کفار در جهنم است
۳۴ و آنکه آورد راستی را و تصدیق کرد بقرآن آنگروه ایشانند پرهیزکاران ۳۵ مر ایشانراست هرچه میخواهند نزد پروردگار خودشان اینست پاداش
نیکوکاران ۳۶ تا اینکه بپوشد خدا از ایشان بدترین آنچه کرده اند و جزا میدهد بایشان مزد ایشانرا به بهتر چیزیکه بودند میکردند ۳۷
آیا نیست خدا کفایت کننده بندهٔ خود را یعنی محمّد را و میترسانند کفار تو را ای پیغمبر بآنانکه غیر از خدایند و کسی که گمراه گرداند خدا یعنی او را بوادی
کفران و شقاوت بحال خود واگذارد پس نیست از برای او هیچ راهنمائی ۳۸ و هرکه راه نماید خدا بتوحید پس نیست مر او را هیچ گمراه کننده آیا نیست
خدا غلبه کنندهٔ کینه کشنده ۳۹ و هر آینه اگر بپرسی از ایشان کی خلق کرد آسمانها و زمین را هر آینه میگویند البته خدا بگو ای محمّد آیا پس دیدید آنچه میخوانید
از جز خدا اگر بخواهد برای من خدا ضرری را آیا آنها یند رفع کنندگان ضرر از او یا اگر بخواهد برای من خدا رحمتی را آیا آنها یعنی بتان هستند نگاه
دارندهٔ رحمت و بخشش خدا را بگو بس است مرا خدا براو توکل میکنند توکل کنندگان ۴۰ بگو ای محمّد بندگان قبیلهٔ خود را
ای گروه من بکنید بر جایگاه خودتان یعنی در آن حالتی که ضعف و هلاک مرا میجوئید بهمان حالت باقی باشید بدرستی که من تأمل کننده ام
بآنچه میکنم که اظهار اثبات کلمهٔ توحید است پس زود باشد بدانید ۴۱ هرکه بیاید او را عذابی که رسوا کند او را و فرود آید براو عذاب پاینده ۴۲

بدرستیکه ما فرستادیم بر تو قرآنرا برای مردم براستی پس هرکه راه یافته است پس نفع آن برای خودش هست و هرکه گمراه شد پس جز این نیست که
گمراه شود بر ضرر خودش و نیستی تو بر ایشان نگهبان ۴۳ خدا میمیراند جمیع نفسها را هنگام مردنشان و آنکه نمرده است یعنی قبض میکند خدا نفس
آنکه را که نمرده است در خواب آن پس نگاه میدارد نفس آنرا که حکم کرده هست براو مردنرا و میفرستد نفس آن دیگری را که هنوز حکم بمردن آن
نفرموده هست که دوباره بآنشخص خوابیده میرسد و زنده میماند تا وقت نام برده شده یعنی تا وقتی که مقرر شده هست که باید زنده بماند حاصل
معنی اینکه هرکسی که میخواهد نفس او را خدا میگیرد هرکه باید بمیرد نفس او را نگاه میدارد آنشخص خوابیده میمیرد و هرکه روز مردنش نرسیده است
دوباره آن نفس بجسد آنشخص خواب برمیگردد و زنده هست تا روز موعد مرگ او بدرستیکه در این خوابیدن و بیدار شدن و مردن هرآینه
آیاتیست برای گروهی که فکر میکنند ۴۴ بلکه گرفته اند از جز خدا شفیعانی را بگو آیا شفاعت کنند بتان اگرچه باشند آنها که مالک نمیشوند
چیزیرا و درنمی یابند ۴۵ بگو ای محمد مر خدا راست شفاعت تماماً از برای خداست پادشاهی آسمانها و زمین پس از آن بسوی او برگشت میکنید
۴۶ و چون یاد کرده شود خدا در حالت یگانگی گرفته شود دلهای آنانکه ایمان نمیآورند بآخرت و چون ذکر کرده شود آنانکه جز خدایند یعنی بتان
آنگاه ایشان فرحناک شوند ۴۷ بگو ای پیغمبر خداوندا ای پدید آورندهٔ آسمانها و زمین و ای داننده نهان و آشکار تو حکم میکنی میانهٔ بندگان
خودت در آنچیز یکه هستند که در آن اختلاف میکنند ۴۸ و اگر اینکه باشد مر آنکسانیرا که ظلم کردند هرچه در زمین است تماماً و مقابل آن با آن
هرآینه فدا بدهند آنرا از بدی عذاب روز قیامت یعنی نخواهند که خود را باز خرند بآن و ظاهر شود مر ایشانرا از جانب خدا انواع عذاب آنچه نبودند
که گمان داشته باشند که با ایشان رسد ۴۹ ظاهر شود مر ایشانرا بدیهای آنچه کسب کردند و فرا گیرد ایشانرا آنچه بودند که بآن استهزا میکردند
۵۰ پس چون برسد انسانرا ضرری بخواند ما را بعد از آن چون دادیم او را نعمتی از جانب خودمان بهمان طریق عناد و انکار پیش گرفته گوید جز این
نیست که داده شده ام این نعمت را بر دانشی از من یعنی این نعمت بجهة معرفت و کفایت من حاصل شده بلکه این نعمت امتحان و آزمایشی است او را تا ظاهر
گردد که او شاکر است یا کافر ولیکن بیشتر ایشان میدانند ۵۱ بتحقیق گفته اند اینمقال را که نعمت خدا بسبب صلاحیت خودمان بما داده شده است آنکسانیکه پیش
از ایشان بودند پس باز نداشت از ایشان عذاب آنچه بودند که کسب میکردند ۵۲ پس رسید ایشانرا بدیهای آنچه کسب کردند و آنانکه ستم کردند از این گروه

صفحهٔ سیصد و شصت و دوم

زود باشد که برسد ایشانرا بدیهای آنچه کسب کردند و نیستند ایشان عاجز کنندگان ۵۳ آیا ندانستند اینکه خدا پهن میکند روزی را برای هرکه بخواهد
و تنگ میگرداند روزیرا برای هرکه میخواهد بدرستیکه در این وسعت و تنگی روزی مردمان هرآینه نشانهائیست برای گروهی که میگروند ۵۴ بگو ای
پیغمبر ای بندگان من آنانکه اسراف کردند بر خودشان نومید مشوید از رحمت خدا بدرستیکه خدا میآمرزد گناهان را تماماً بدرستیکه او آمرزندهٔ مهربانست
۵۵ و برگردید بسوی پروردگار خودتان و گردن نهید مر او را پیش از آنکه بیاید شما را عذاب پس از آن یاری
کرده نشوید ۵۶ و متابعت کنید بهتر از آنچه فرستاده شده است بسوی شما از جانب پروردگارتان پیش از اینکه بیاید
شما را عذاب یکدفعه ناگهان و شما ندانید وقت نزول آنرا ۵۷ اینکه گوید نفس یعنی بجهت کراهت نخواستن گوید نفس وقت
دیدن عذاب ای اندوه بر آنچه تقصیر کردیم در جانب خدا یعنی در طلب قرب خدا و بدرستیکه بودم من هرآینه از مسخره کنندگان
۵۸ یا اینکه گوید خدا راه نمود مرا هرآینه بودم از پرهیزکاران ۵۹ یا بگوید هنگامی که به بیند عذاب
را اگر این که بود برای من بازگشتی پس می بودم از نیکوکاران ۶۰ آری بتحقیق آمد تو را آیات من
پس تکذیب نمودی بآن و سرکشی کردی و بودی تو از کافران ۶۱ و روز قیامت می بینی آن کسانیرا
که تکذیب نمودند بر خدا باین وجه که او را متصف ساختند بگرفتن فرزند روی های ایشان سیاه شده
آیا نیست در دوزخ جایگاهی مر سرکشان را ۶۲ و نجات میدهد خدا آنانرا که پرهیز کردند بسبب
رستگاری ایشان نرسد ایشانرا بدی و نه ایشان اندوهناک شوند ۶۳ خدا خلق کنندهٔ هر چیزی است
و او بر هر چیز نگهبانست مر او راست کلیدهای آسمانها و زمین و آنانکه کافر شدند به آیات خدا آنگروه
ایشانند زیانکاران ۶۴ بگو ای محمد آیا پس غیر خدا را امر میکنید مرا که بپرستم ای نادانان ۶۵ و هرآینه بتحقیق

صفحه سیصد و شصت و سوم

وحی کرده شد بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند یعنی پیغمبران سابق اگر شرک بیاوری هرآینه نابود شود البته عمل تو و هرآینه
بودی البته تو از زیان کاران ٦٥ بلکه خدا را پس پرستش کن و باش از شکر کنندگان ٦٦ و تعظیم نکردند خدا را
حق بزرگی او و زمین تماماً در قدرت او است روز قیامت و آسمانها در هم پیچیده بدست قدرت او است پاکست او
و برتر است از آنچه شرک میآورند ٦٧ و دمیده شد در صور پس بیهوش شود هر که در آسمانها است و هر که در زمین است
مگر کسی را که خواهد خدا پس بعد از چهل سال دمیده شود در صور نفخهٔ دیگر پس ناگاه ایشان بپای ایستادگان باشند
نگرند از اطراف و جوانب خود مانند متحیران ٦٨ و روشن گردد زمین بنور پروردگارش و نهاده شود نوشته‌ها و بیاورند
پیغمبران و گواهان را و حکم کرده شود میانهٔ ایشان براستی و درستی و ایشان ستم کرده نشوند یعنی عقوبت و عذاب هر کس
باندازهٔ گناه او دهند ٦٩ و تمام داده شود هر کسی را آنچه کرده است و او است داناتر بآنچه میکنند ٧٠ و رانده شوند
آنانکه کافر شدند بسوی جهنم گروه گروه تا وقتی که بیایند آنرا یعنی برسند بجهنم گشوده شود درهای جهنم و گویند از برای کفار
خازنان دوزخ آیا نیامد شما را پیغمبرانی از شما که بخوانند بر شما آیات پروردگار شما را و بترسانند شما را بملاقات امروز
شما گویند کافران بلی و لیکن واجب شد سخن خدا بر وقوع عذاب بر کافران ٧١ گفته شود داخل شوید بدرهای
جهنم جاویدان باشید در آن پس بد است آرامگاه متکبران ٧٢ و رانده شوند آنانکه پرهیز کردند پروردگار
خود را بسوی بهشت گروه گروه تا اینکه بیایند به بهشت و گشوده شود درهای بهشت و گویند مر متقیان را خازنان
بهشت درود بر شما پاک بودید پس داخل شوید بهشت را جاویدان بمانید ٧٣ و گویند متقیان حمد از برای
خدای آنچنانی است که راست کرد وعدهٔ خود را و میراث داد بما زمین را جای میگیریم ما از بهشت هر جا بخواهیم پس نیکو است مزد کار
کنندگان بثواب ٧٤

صفحه سیصد و شصت و چهارم

و می‌بینی فرشتگان را فرود آمدگان از گرداگرد عرش تسبیح میکنند بحمد پروردگارشان و حکم کرده شد میانهٔ ایشان براستی و گفته شد حمد از برای خدا است
که پروردگار عالمیانست

سورة المؤمن مشتمل بر هشتاد و پنج آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم مخصوص مجلیم و ملک خودم ١ فرو فرستادن قرآن از جانب خدائی است که غالب داناست ٢ آمرزنده گناه و قبول کننده توبه سخت عقوبت
است ٣ خداوند نعمت است نیست خدائی مگر او بسوی او است بازگشت ٤ جدال نمی‌کنند در آیات خدا مگر آن
کسانی که کافر شدند پس باید فریب ندهد ترا گردیدن کفار در شهرها برای تجارت ٥ تکذیب کردند پیش از ایشان قوم
نوح و گروهی چند بعد از ایشان و قصد کردند هر گروهی به پیغمبر خودشان تا اینکه بگیرند او را و جدال کنند بباطل تا زایل
کنند بآن سخن حق را پس گرفتم من ایشان را پس چگونه بود عقوبت من ٦ و همچنین واجب شد کلمهٔ پروردگار
تو بر آنانکه کافر شدند بدرستی که ایشان یاران آتش اند ٧ آن فرشتگانی که برمیدارند عرش خدا را
و آن فرشتگانی که در اطراف عرش هستند تسبیح میکنند بحمد پروردگار خود و ایمان میآورند بوحدانیت خدا و
طلب آمرزش میکنند از برای آن کسانی که ایمان آوردند ای پروردگار ما فرا رسیده هر چیزی از روی رحمت
و دانش یعنی رحمت و علم تو بهمه چیز رسیده پس بیامرز مر آنانرا که توبه نمودند و پیروی کردند راه ترا و نگاهدار ایشانرا از عذاب
آتش سوزان ٨ ای پروردگار ما داخل کن مؤمنین را ببهشتهای اقامت آنچنانیکه وعده داده ایشانرا و نیز در آور در بهشت کسانیرا که عمل شایسته کرده باشند
از پدران ایشان و زنانشان و فرزندانشان بدرستیکه تو غالب درستکاری ٩ و نگاهدار ایشانرا از عقوبات یعنی جزای بدیها است و هر که را نگاهداری نمودی از عقوبات در روز جزا پس
بتحقیق بخشیدی او را و بر او رحمت رساندی و این باز داشتن تو از عقوبت آنست فیروزی بزرگ ١٠ بدرستیکه آنانکه کافر شدند ندا کرده میشوند که هرآینه دشمنی خدا بزرگتر است
از دشمنی شما مر نفسهای خود را

چون

وچون خوانده میشدید بسوی ایمان پس کفر میورزیدید شما وایمان نیاوردید ۱۱ گویند ای پروردگار ما میرانیدی ما را دو دفعه که دفعهٔ اول بعد از گذشتن عمر و دفعهٔ دویم بعد از زنده کردن در قبر برای سؤال و باز میراندن و زنده کردی ما را دو بار اول در قبور و دویم در وقت بعث و نشور پس اعتراف کردیم با گناهان خود پس آیا باشد بسوی بیرون رفتن هیچ راهی مراد ایشان از این قول توبه و قبول ایمانست ۱۲ این عذاب و نکال شما بسبب اینست که چون خوانده میشد خدا تنها کافر میشدید بیگانگی خدا و اگر شرک آورده میشد بخدا یعنی ابنای جنس شما شریک برای خدا قرار میدادند میگرویدید بایشان پس حکم مر خدای بلند مرتبهٔ بزرگست ۱۳ اوست آنکه مینماید بشما آیات خود را و میفرستد برای شما از آسمان روزی را و پند نمیگیرد مگر کسی که باز گردد بخدا ۱۴ پس بخوانید خدا را که خالص کننده باشید برای او دین را و اگرچه اکراه داشته باشند کافران ۱۵ بر دارندهٔ درجه‌های مخلوقاتست صاحب عرش عظیم است می افکند وحی را از فرمان خودش بهر که میخواهد از بندگان خودش تا اینکه بترساند مردم را روز بهم رسیدن جان و جسد یعنی روز قیامت ۱۶ روزیکه بندگان بیرون آینده باشند از قبور بر همه پوشیده نشود بر خدا از ایشان چیزی از برای کیست پادشاهی آنروز جمیع مؤمنان متفقاً گویند پادشاهی مر خدا را که یگانه و قهر کننده است یعنی شکنندهٔ جمیع منازعان و متعیانست ۱۷ امروز جزا داده شود هر نفسی بانچه کسب کرده است نیست ستمی امروز بدرستیکه خدا زود حساب است ۱۸ و بترسان ایشانرا یعنی کافرانرا از روز قیامت آنگاه که دلهای مردمان نزدیک حنجرهای ایشان بود در حالتی که خشم فرو برندگان باشند ۱۹ نیست مر ستمکاران را هیچ خویشی و نه شافعی که اطاعت کرده شوند ۲۰ میداند خدا خیانت چشمها را یعنی چشمهائی که دزدیده بچیزی نگاه کرده‌اند که حلال نبوده است و میداند آنچه را که پوشیده و مخفی میدارند سینه‌ها ۲۱ و خدا حکم میکند براستی و آنانکه میخوانند از غیر خدا حکم نمیکنند بچیزی یعنی بتان که بجا دند نمی توانند بچیزی حکم کنند بدرستی که خدا اوست شنوندهٔ بینا ۲۲ آیا سیر نمی کنند در زمین پس ببینند چگونه بود سرانجام آنانکه بودند پیش از ایشان که بودند آنقدماء سختتر از ایشان از جهة توانائی و نشانها یعنی آثار و علامات در زمین پس گرفت ایشانرا عذاب خدا بسبب گناهان ایشان و نبود برای ایشان از عذاب خدا هیچ نگاهدارنده که از ایشان دفع آن عقاب کند ۲۳ این عذاب و عقاب ایشان بجهة اینست که ایشان بودند که میآمد آنها را رسولانشان بمعجزه‌ها پس کافر شدند پس گرفت ایشانرا خدا

بدرستی که خدا توانای سخت

صفحهٔ سیصد و شصت و ششم

انتقام است ۲۴ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما موسی را بمعجزات خود مان و حجتی روشن ۲۵ بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند موسی جادوگریست دروغگو ۲۶ پس چون آورد موسی ایشانرا دین راست درست که توحید است از نزد ما گفتند بکشید پسران آنانرا که ایمان آوردند با موسی و زنده بگذارید زنان ایشانرا و نیست مکر کافران مگر در گمراهی ۲۷ و گفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم موسی را و تا بخواند خدایش را بدرستیکه من میترسم از اینکه تبدیل کند دین شما را یا اینکه ظاهر کند در زمین مصر فساد و فتنه را ۲۸ و گفت موسی بدرستیکه من پناه گرفتم بپروردگار خودم و پروردگار شما از هر متکبری که ایمان نیاورد بروز حساب یعنی روز قیامت ۲۹ و گفت مردی که ایمان داشت از اهل فرعونیان که پنهان میکرد ایمان خود را آیا میکشید مردی را که میگوید پروردگار من خداست و حال اینکه بتحقیق آمد شما را با معجزه‌ها از پروردگار شما و اگر باشد دروغگو پس براو است وبال دروغ او و اگر باشد راستگو میرسد شما را بعضی از آنچه وعده میکند شما را بدرستیکه خدا راهنمائی نمیکند کسی را که او گذرندهٔ از حد است دروغگو است پس احتیاج بقتل او نیست ۳۰ ای قوم من مر شما راست پادشاهی امروز غالبید بر بنی اسرائیل در زمین مصر پس کیست که یاری کند ما را از عذاب خدا از کشتن ما موسی را اگر بیاید عذاب خدا ما را گفت فرعون نمی نمایم شما را و دلالت نمیکنم مگر آنچه مصلحت می بینم و ثواب میدانم از قتل موسی و راه نمینمایم شما را مگر راه درست ۳۱ و گفت آنکس که ایمان آورده بود یعنی حزقیل ای قوم من بدرستیکه من میترسم بر شما مثل روز هلاکت امم ماضیه ۳۲ مثل عادت قوم نوح و عاد و ثمود که تکذیب پیغمبر خود نمودند و گرفتار عذاب الهی شده هلاک گشتند ۳۳ و آنانکه بعد از ایشان بودند چون اهل مؤتفکه و اصحاب ایکه و نیست خدا که بخواهد ستمی را برای بندگان خودش ۳۴ و ای قوم من بدرستیکه میترسم بر شما عذاب روز ندا کردن را یعنی روز قیامت را ۳۵ روزیکه برگردانیده شوید از موقف حساب در حالتیکه باز گشتگان باشید از راه دوزخ نیست برای شما از عذاب خدا هیچ نگاه دارندهٔ و هر که را فرو گذارد خدا بر گمراهی پس نیست مر او را هیچ راه

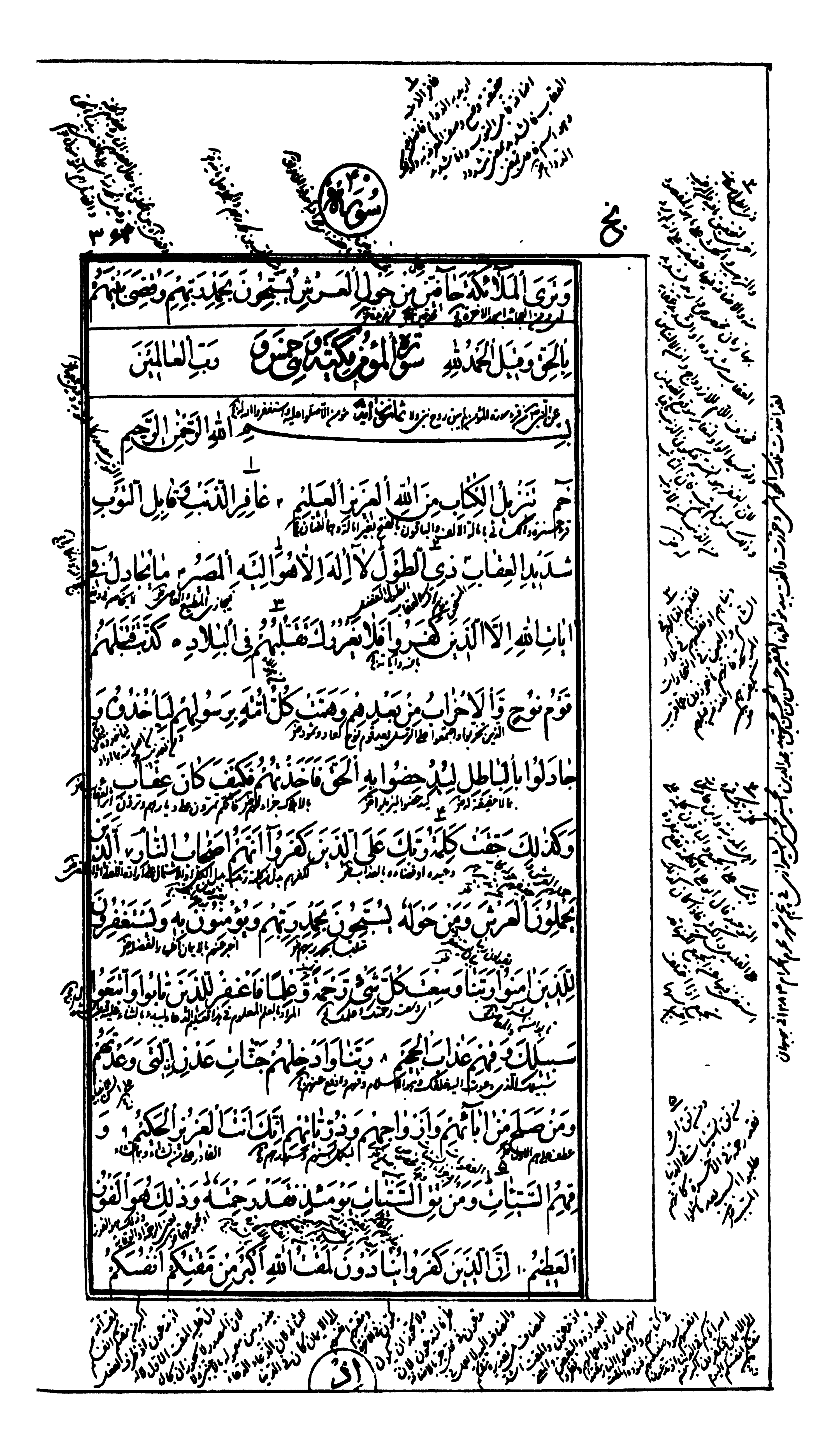
إِنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ
فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ٤١ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا
وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ٤٢ أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِ
اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ٤٣ قُل لِّلَّهِ
الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٤٤ وَإِذَا
ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ
الَّذِينَ مِن دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ٤٥ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ٤٦
وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِن سُوءِ
الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ٤٧ وَبَدَا لَهُمْ
سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٤٨ فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ
ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٤٩ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا
كَانُوا يَكْسِبُونَ ٥٠ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَٰؤُلَاءِ

(هامش) ١ أي يقبض الأنفس عن الأبدان بأن يقطع تعلقها عنها ظاهرا وباطنا وذلك عند الموت أو ظاهرا لا باطنا وهو في النوم



سيصيبهم سيئات ما كسبوا وما هم بمعجزين ٥١ اولم يعلموا ان الله
يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ٥٢
قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله
يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم ٥٣ وانيبوا الى ربكم
واسلموا له من قبل ان ياتيكم العذاب ثم لا تنصرون ٥٤ واتبعوا
احسن ما انزل اليكم من ربكم من قبل ان ياتيكم العذاب بغتة وانتم
لا تشعرون ٥٥ ان تقول نفس يا حسرتى على ما فرطت في جنب الله و
ان كنت لمن الساخرين ٥٦ او تقول لو ان الله هداني لكنت من المتقين
٥٧ او تقول حين ترى العذاب لو ان لي كرة فاكون من المحسنين ٥٨
بلى قد جاءتك اياتي فكذبت بها واستكبرت وكنت من الكافرين ٥٩
ويوم القيمة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسودة اليس في جهنم
مثوى للمتكبرين ٦٠ وينجي الله الذين اتقوا بمفازتهم لا يمسهم السوء و
لا هم يحزنون ٦١ الله خالق كل شيء وهو على كل شيء وكيل ٦٢
له مقاليد السموات والارض والذين كفروا بايات الله اولئك هم
الخاسرون ٦٣ قل افغير الله تامروني اعبد ايها الجاهلون ٦٤ ولقد

اوحي اليك والى الذين من قبلك لئن اشركت ليحبطن عملك ولتكونن
من الخاسرين ٦٥ بل الله فاعبد وكن من الشاكرين ٦٦ وما قدروا الله
حق قدره والارض جميعا قبضته يوم القيمة والسموات مطويات
بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ٦٧ ونفخ في الصور فصعق من في
السموات ومن في الارض الا من شاء الله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم
قيام ينظرون ٦٨ واشرقت الارض بنور ربها ووضع الكتاب وجيء
بالنبيين والشهداء وقضي بينهم بالحق وهم لا يظلمون ٦٩ ووفيت كل
نفس ما عملت وهو اعلم بما يفعلون ٧٠ وسيق الذين كفروا الى جهنم
زمرا حتى اذا جاؤها فتحت ابوابها وقال لهم خزنتها الم يأتكم رسل
منكم يتلون عليكم ايات ربكم وينذرونكم لقاء يومكم هذا قالوا
بلى ولكن حقت كلمة العذاب على الكافرين ٧١ قيل ادخلوا ابواب
جهنم خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين ٧٢ وسيق الذين اتقوا ربهم
الى الجنة زمرا حتى اذا جاؤها وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها سلام
عليكم طبتم فادخلوها خالدين ٧٣ وقالوا الحمد لله الذي صدقنا
وعده واورثنا الارض نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين ٧٤



وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سورة المؤمن مكية وهي ثمانون وخمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حم ١ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ٢ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ
شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ٣ مَا يُجَادِلُ فِي
آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ٤ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ
قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ
جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ٥
وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ٦ الَّذِينَ
يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ
لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا
سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ٧ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ
وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٨ وَ
قِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ ٩ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ

نماینده ۳۴ و هرآینه بتحقیق آمد شما را یوسف پیش از این بمعجزه‌ها پس همیشه بودید در شک از آنچه آورد شما را بآن یعنی مثل احکام توراة
که موسی آورد تا اینکه هلاک شد یعنی در شک بودید تا وقتی که آن پیغمبری که آورنده احکام دینیه بود فوت شد گفتید برنمی‌انگیزد
خدا بعد از او رسولی را یعنی چون قول یوسف را شنیدیم بعد از آن پیغمبری نخواهد آمد که احکام دین بیاورد همچنین
گمراه میکند خدا یعنی وامیگذارد در ضلالت و گمراهی هرکه را که او در گذرنده از حد و شک دارنده است در معجزات رسولان
۳۷ آنانکه جدال میکنند در آیات خدا بغیر حجتی که آمده باشد بایشان بزرگست جدال ایشان از روی عداوت نزد
خدا و نزد آنانکه ایمان آوردند هم چنین مهر میزند خدا بر هر دل متکبری که گردن کش است ۳۸ و گفت فرعون
ای هامان بساز برای من کوشکی بلند شاید که من برسم براههای موصله ۳۹ راههای آسمانها پس آگاه شوم بسوی
خدای موسی و بدرستیکه من هرآینه گمان میکنم او را یعنی موسی را دروغگو ۴۰ و همچنین زینت داده شد از برای فرعون
بدی عمل او و بازداشته شد از راه و نیست مکر فرعون مگر در زیان کاری ۴۱ و گفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من
متابعت کنید مرا تا راه نمایم شما را راه راست ۴۲ ای قوم من جز این نیست که این زندگانی دنیا برخورداریست اندک
و بدرستی که آخرت آنست برای آرام گرفتن که همیشه برقرار است ۴۳ هرکس عمل کند بدی را پس جزا داده نمیشود
مگر بمثل آن و هرکس عمل شایسته کند از مرد یا زن و او مؤمن باشد پس آن گروه داخل میشوند بهشت را روزی داده میشوند
در آن بهشت بیحساب ۴۴ و ای قوم من چه چیز است مرا که میخوانم شما را بسوی نجات یعنی خلاص از عذاب و میخوانید
شما مرا بسوی آتش ۴۵ میخوانند مرا تا اینکه کافر شوم بخدا و شرک بیاورم باو آنچه را که نیست مرا بآن دانشی و من میخوانم
شما را بسوی خدای غالب آمرزنده ۴۶ نه چنانست که میگویند بلکه ثابت است اینکه آنچه میخوانید مرا بسوی آن نیست از برای او
خواندنی در دنیا و نه در آخرت یعنی بتان شما را سزای دعوی الوهیت نیست و بدرستیکه بازگشت ما بسوی خداست و
بدرستیکه اسراف کنندگان ایشان اند یاران آتش ۴۷ پس زود باشد که یاد کنید آنچه را که میگویم

صفحه پانصد شصت و هشتم

برای شما و تفویض میکنم یعنی وامیگذارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خداست بینا است ببندگان ۴۸ پس نگاهداشت خدا او را
از بدیهای آنچه را که حیله کردند و فرو گرفت بآل فرعون بدی عذاب ۴۹ آتش در حالتی که عرض کرده میشوند بر آن صبح و شام و روزی که
برپا میشود قیامت داخل کنند آل فرعون را در سخت ترین عذاب ۵۰ و چون مخاصمه کنند در آتش یعنی روزی که
دوزخیان زبان مجادله بایکدیگر بگشایند در آتش جهنم پس میگویند ضعیفان مر آنکسانی را که سرکشی میکردند بدرستیکه ما بودیم از برای
شما تابع یعنی پیروان شما بودیم پس آیا شما هستید دفع کنندگان از ما قسمتی را از آتش ۵۱ گویند آنانکه سرکشی میکردند بدرستی که ما همگی
در جهنم بدرستیکه خدا بتحقیق حکم کرده است میان بندگان ۵۲ و گفتند آنانکه در آتش اند مر خازنان دوزخ را بخوانید پروردگار
خود را تا تخفیف بدهد از ما روزی را از عذاب ۵۳ گویند خازنان آیا نبود دید شما که میآمد شما را پیغمبرانتان بمعجزه‌ها گویند آری
پس بخوانید خدا را و نیست دعای کافران مگر در گمراهی و بطلان ۵۴ بدرستی که ما هرآینه یاری میکنیم پیغمبران خودمان را
و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و در روزی که برپا بایستند گواهان ۵۵ روزی که سود ندهد ستمکاران را عذر
خواهی ایشان و مر ایشان راست لعنت و مر ایشان راست بدی آن سرا یعنی بدی آخرت ۵۶ و هرآینه بتحقیق دادیم ما
موسی را هدایت و راهنمائی و میراث دادیم ما باولاد یعقوب کتاب را یعنی توراة بجهة راهنمائی و پند از برای صاحبان عقلها ۵۷ پس صبر کن ای
محمد بدرستیکه وعده خدا راست است و طلب آمرزش کن از برای گناه خود و تسبیح کن بحمد پروردگار خود شام و صبحگاهان ۵۸ بدرستی
که آنانکه جدال میکنند در آیات خدا بغیر حجتی که آمده باشد ایشانرا نیست در سینه‌های ایشان مگر کبر یعنی سرکشی نیستند ایشان رسنده بآن
یعنی هرگز بکبر و نخوت نبوت نرسند پس پناه ببر بخدا بدرستیکه او شنونده بیناست ۵۹ هرآینه آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن مردم ولکن

بیشتر مردم نمیدانند ۵۸ و مساوی نیست کور و روشن و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و نه بدکار یعنی مؤمن صالح مساوی
کافر فاسق نیست کم است یعنی اندکی پند پذیرند مردمان یعنی تذکار کافران بسیار اندکست ۵۹ بدرستیکه قیامت هر آینه
آینده است نیست شکی در آن ولیکن بیشتر مردم ایمان نمیآورند ۶۰ و گفت پروردگار شما بخوانید مرا تا بپذیرم برای شما بدرستی که آنانکه سرکشی
میکنند از عبادت و پرستش من زود باشد که درآیند بجهنم خوار شدگان ۶۱ خداست آنکه گردانید از برای شما شب
را تا اینکه آرام بگیرید در آن و خلق فرمود روز را روشن در کمال نورانیت تا به بینید در آن چیزها را بدرستیکه خدا
هر آینه صاحب فزونیست بر مردم ولیکن بیشتر مردم شکر نمیکنند ۶۲ این خدا پروردگار شماست که آفریننده هر چیز است
نیست خدائی مگر او پس کجا گردانیده میشوید از عبادت او و پرستش غیر او را میکنید ۶۳ همچنین برگردانیده شوند آنانکه
بودند بآیات خدا انکار میکردند ۶۴ خداست آنکه گردانید از برای شما زمین را قرارگاه و آسمان را بنائی برافراشته و صورت
بست شما را پس نیکو بست صورتهای شما را و روزی داد شما را از پاکیزها یعنی از انواع فواکه پاکیزه آنکه فاعل این چیزها است
خداست که پروردگار شما است پس بزرگوار و برتراست خدائی که پروردگار عالمیانست ۶۵ اوست زنده نیست
خدائی مگر او پس بخوانید او را در حالتی که پاکیزه سازندگان باشید برای او دین خود را از شرک سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان
است ۶۶ بگو ای محمد مشرکان را بدرستیکه من نهی کرده شدم از اینکه عبادت کنم آنان را یعنی بتان را که میخوانید شما مشرکان
و عبادت میکنند از غیر خدا هنگامی که آمد مرا معجزها از جانب پروردگار خودم و مأمور شدم باینکه گردن بنهم مر پروردگار
جهانیان را ۶۷ اوست آنکه آفرید شما را از خاک بعد از نطفه بعد از علقه بعد از آن بیرون میآورد شما را کودکی
پس از سستی طفولیت میرسید شما بمقامی که سخت ترین قوت شما است پس باقی میگذارد شما را تا میگردید پیران
و از شما است کسی که میمیرد پیش از پیری و نقل میکنند از سنی بسنی دیگر تا برسند بمدت نام برده شده و تا شاید که شما تعقل
کنید در خلقت و آفرینش خداوند ۶۸ اوست آنکه

صفحه ششصد هفتادم

زنده میکند و میمیراند پس چون حکم کند کاری را پس جز این نیست که میگوید مر او را باش پس میباشد ۷۱ آیا نمی بینی بسوی آنانکه جدال میکنند در آیات
خدا چگونه برگردانیده میشوند از تصدیق بآن آیات با وجود وفور دلایل و آیات ۷۲ آنکسانیکه تکذیب کردند بقرآن و بآنچه فرستادیم
ما بآنچیز پیغمبران خود را از پس زود باشد که بدانند ۷۳ هنگامیکه غلهای آتشین در گردنهای ایشانست و زنجیر در حالتی که کشیده میشوند
در آب جوشان پس از آن در آتش سوخته میشوند ۷۴ پس از آن گفته میشود مر ایشان را کجایند آنچه از شما انباز میگرفتید و میپرستید از دون
ضلالت از غیر خدا گفتند گم شدند از ما و نمییابیم ایشان را بلکه نبودیم ما که بخوانیم پیش از این در دنیا چیزی را یعنی بر ما ظاهر گشت که از
آنها نفع و ضرری متصور نیست و هیچ نبوده اند و ما ایشان را چیزی پنداشته بودیم همچنین گمراه میکند خدا کافران را یعنی فرو گذارد خدا کافران را در
ضلالت ۷۵ این فرو گذاشتن شما را امروز بسبب آنستکه بودید شما که فرحناک و خوشحال می بودید در زمین بناحق و بسبب آنکه بودید شما که نشاط
میکردید ۷۶ داخل شوید درهای جهنم را جاویدان باشید در آن جهنم پس بد است جایگاه گردنکشان ۷۷ پس صبر کن ای پیغمبر بدرستیکه وعده خدا
راستست پس مینمائیم ترا پاره از آنچه وعده میدهیم ایشان را یا میمیرانیم ترا پس بسوی ما برگشته میشوند ۷۸ و هر آینه بتحقیق فرستادیم پیغمبران از پیش از تو
پاره ایشان کسانیند که حکایت ایشان را خواندیم بر تو و پاره ایشان کسانیند که شرح حال ایشان را نخواندیم بر تو و نبود هیچ رسولی را اینکه بیاورد معجزه مگر باذن
خدا پس چون بیاید امر خدا بعذاب اهل بطلان حکم کرده شود براستی و زیان کنند آنجا اهل بطلان یعنی معاندان
۷۹ خداست آنکه گردانید برای شما چهارپایان را تا سوار شوید پاره از آنها را و پاره از آنها را بخورید ۸۰ و از برای
شما است در آن انعام سودها و تا برسید بآن چهارپایان حاجتی را که در سینه های شماست یعنی بسبب سواری بچهارپایان
بمقصودات خودتان از سفر کردنها و حمل اثقال و بر آن چهارپایان و بر کشتی حمل میشوید ۸۱ و می نماید بشما آیات خود را پس کدام
آیات خدا را انکار میکنید ۸۲ آیا پس سیر نکردند منکران در زمین پس بنگرند که چگونه بود سرانجام کار آنانکه پیش از ایشان بودند که

إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ١١ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا
اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ١٢ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا
دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ١٣
هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ
يُنِيبُ ١٤ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ١٥ رَفِيعُ
الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ١٦ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ
الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ١٧ الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ١٨ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ
كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ٢٠ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا
تُخْفِي الصُّدُورُ ٢١ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا
يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ٢٢ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا
فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ٢٣ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ

الْعِقَابِ ٢٤ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسٰى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ٢٥ إِلٰى فِرْعَوْنَ

وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ٢٦ فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِندِنَا

قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ

الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ٢٧ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسٰى وَلْيَدْعُ

رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ٢٨ وَقَالَ

مُوسٰى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ٢٩

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ

رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُم بِالْبَيِّنَاتِ مِن رَّبِّكُمْ وَإِن يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ

وَإِن يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ

مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ٣٠ يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَن يَنصُرُنَا

مِن بَأْسِ اللَّهِ إِن جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرٰى وَمَا أَهْدِيكُمْ

إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ٣١ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُم مِّثْلَ

يَوْمِ الْأَحْزَابِ مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ٣٢ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ وَ

مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ٣٣ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ٣٤

يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ

هَادٍ ٣٠ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا
جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ
مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ٣١ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ
كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبِ
مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ٣٢ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ
أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا ٣٣ وَكَذَلِكَ
زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي
تَبَابٍ ٣٤ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ٣٥ يَا
قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ٣٦ مَنْ
عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ
مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ٣٧ وَيَا قَوْمِ
مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ٣٨ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ
بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ٣٩
لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ
مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ٤٠ فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ

نصف الحزب

لكم وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد ٤٤ فوقاه الله سيئات
ما مكروا وحاق بآل فرعون سوء العذاب ٤٥ النار يعرضون عليها
غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب
٤٦ وإذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم
تبعا فهل أنتم مغنون عنا نصيبا من النار ٤٧ قال الذين استكبروا إنا
كل فيها إن الله قد حكم بين العباد ٤٨ وقال الذين في النار لخزنة جهنم
ادعوا ربكم يخفف عنا يوما من العذاب ٤٩ قالوا أولم تك تأتيكم
رسلكم بالبينات قالوا بلى قالوا فادعوا وما دعاء الكافرين إلا في
ضلال ٥٠ إنا لننصر رسلنا والذين آمنوا في الحيوة الدنيا ويوم يقوم
الأشهاد ٥١ يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء
الدار ٥٢ ولقد آتينا موسى الهدى وأورثنا بني إسرائيل الكتاب هدى
وذكرى لأولي الألباب ٥٣ فاصبر إن وعد الله حق واستغفر لذنبك
وسبح بحمد ربك بالعشي والإبكار ٥٤ إن الذين يجادلون في آيات الله
بغير سلطان أتاهم إن في صدورهم إلا كبر ما هم ببالغيه فاستعذ بالله
إنه هو السميع البصير ٥٦ لخلق السموات والأرض أكبر من خلق الناس و

١ قرء نافع وحمزة والكسائي وحفص ادخلوا على امر الملائكة بادخالهم النار والباقون ادخلوا بضم الهمزة والخاء

٢ اي ... حاملون عنا قسطا من النار ... نصيبا مفعول لما دل عليه مغنون

٣ قوله الحيوة الدنيا أي في الدارين لا ينتقض ذلك بما كان عليهم من الغلبة احيانا اذ العبرة بالعواقب وغالب الامر والاشهاد جمع شاهد كصاحب واصحاب والمراد بهم من يقوم يوم القيمة للشهادة على الناس من الملائكة والانبياء والمؤمنين

لكن اكثر الناس لا يعلمون وما يستوى الاعمى والبصير والذين
امنوا وعملوا الصلحت ولا المسیء قليلا ما تتذكرون ان الساعة
لاتية لا ريب فيها ولكن اكثر الناس لا يؤمنون وقال ربكم
ادعونى استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتى سيدخلون
جهنم دخرين الله الذى جعل لكم اليل لتسكنوا فيه والنهار
مبصرا ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون
ذلكم الله ربكم خالق كل شیء لا اله الا هو فانى تؤفكون كذلك
يؤفك الذين كانوا بايت الله يجحدون الله الذى جعل لكم الارض
قرارا والسماء بناء وصوركم فاحسن صوركم ورزقكم من الطيبت
ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العلمين هو الحى لا اله الا هو
فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العلمين قل انى نهيت ان
اعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءنى البينت من ربى وامرت
ان اسلم لرب العلمين هو الذى خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم
من علقة ثم يخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم ثم لتكونوا شيوخا و
منكم من يتوفى من قبل ولتبلغوا اجلا مسمى ولعلكم تعقلون هو

١ لا ريب فيها: في مجيئها لوضوح الدلالة على جوازها واجماع الرسل على الوعد بوقوعها

٢ قوله استجب لكم: يعني اذا اقتضت المصلحة اجابتكم وكل من يسأل الله شيئا ويدعوه فلا بد ان يترك المصلحة في ذلك الا لفظا او اضمارا والا كان قبيحا لانه ربما كان داعيا بما يكون فيه مفسدة

٣ قوله لتسكنوا فيه: لتستريحوا فيه بان خلقه باردا مظلما ليؤدي الى ضعف المحركات وهدو الحواس والنهار مبصرا يبصر فيه او به واسناد الابصار اليه مجاز فيه مبالغة ولذلك عدل به عن التعليل الى الحال

الذي يحيي ويميت فاذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون ٧١ الم تر

الى الذين يجادلون في ايات الله انى يصرفون ٧٢ الذين كذبوا بالكتاب

وبما ارسلنا به رسلنا فسوف يعلمون ٧٣ اذ الاغلال في اعناقهم و

السلاسل يسحبون في الحميم ثم في النار يسجرون ٧٤ ثم قيل لهم اين ما

كنتم تشركون من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نكن ندعوا من قبل

شيئا كذلك يضل الله الكافرين ٧٥ ذلكم بما كنتم تفرحون في الارض

بغير الحق وبما كنتم تمرحون ٧٦ ادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها

فبئس مثوى المتكبرين ٧٧ فاصبر ان وعد الله حق فاما نرينك بعض

الذي نعدهم او نتوفينك فالينا يرجعون ٧٨ ولقد ارسلنا رسلا

من قبلك منهم من قصصنا عليك ومنهم من لم نقصص عليك وما كان

لرسول ان ياتي باية الا باذن الله فاذا جاء امر الله قضي بالحق وخسر

هنالك المبطلون ٧٩ الله الذي جعل لكم الانعام لتركبوا منها و

منها تاكلون ٨٠ ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم

وعليها وعلى الفلك تحملون ٨١ ويريكم اياته فاي ايات الله تنكرون

٨٢ افلم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم

---

١ والمعنى لم نكن ندعو شيئا يستحق العبادة ولا ينتفع بعبادته

٢ اي كما اضل ... اعمال هؤلاء وابطالها ... كذلك يفعل بجميع من يتدين بالكفر فلا ينتفعون بشيء من اعمالهم

٤ اختلف الاخبار في عدد الانبياء فروي في بعضها ان عددهم مائة الف واربعة وعشرون الفا وفي بعضها ان عددهم ثمانية الاف اربعة الاف من بني اسرائيل واربعة الاف من غيرهم

كانوا أكثر منهم وأشد قوة وآثارا في الأرض فما أغنى عنهم ما كانوا

يكسبون ٨٢ فلما جاءتهم رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم

وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ٨٣ فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله

وحده وكفرنا بما كنا به مشركين ٨٤ فلم يك ينفعهم إيمانهم لما

رأوا بأسنا سنت الله التي قد خلت في عباده وخسر هنالك الكافرون

سورة السجدة مكية وهي أربع وخمسون آية

عن النبي صلى الله عليه وسلم من قرأ سورة السجدة أعطي بعدد كل حرف منها عشر حسنات

بسم الله الرحمن الرحيم

حم ١ تنزيل من الرحمن الرحيم ٢ كتاب فصلت آياته قرآنا عربيا لقوم

يعلمون ٣ بشيرا ونذيرا فأعرض أكثرهم فهم لا يسمعون ٤ وقالوا قلوبنا

في أكنة مما تدعونا إليه وفي آذاننا وقر ومن بيننا وبينك حجاب فاعمل

إننا عاملون ٥ قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد

فاستقيموا إليه واستغفروه وويل للمشركين ٦ الذين لا يؤتون الزكاة

وهم بالآخرة هم كافرون ٧ إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم أجر

غير ممنون ٨ قل أئنكم لتكفرون بالذي خلق الأرض في يومين و

تجعلون له أندادا ذلك رب العالمين ٩ وجعل فيها رواسي من فوقها



وبارك فيها وقدر فيها اقواتها في اربعة ايام سواء للسائلين ١٠ ثم

استوى الى السماء وهي دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعا او

كرها قالتا اتينا طائعين ١١ فقضاهن سبع سموات في يومين واوحى

في كل سماء امرها وزينا السماء الدنيا بمصابيح وحفظا ذلك تقدير

العزيز العليم ١٢ فان اعرضوا فقل انذرتكم صاعقة مثل صاعقة

عاد وثمود اذ جاءتهم الرسل من بين ايديهم ومن خلفهم الا تعبدوا

الا الله قالوا لو شاء ربنا لانزل ملائكة فانا بما ارسلتم به كافرون

١٣ فاما عاد فاستكبروا في الارض بغير الحق وقالوا من اشد منا قوة

اولم يروا ان الله الذي خلقهم هو اشد منهم قوة وكانوا بآياتنا يجحدون

١٤ فارسلنا عليهم ريحا صرصرا في ايام نحسات لنذيقهم عذاب الخزي

في الحيوة الدنيا ولعذاب الآخرة اخزى وهم لا ينصرون ١٥ واما ثمود

فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى فاخذتهم صاعقة العذاب

الهون بما كانوا يكسبون ١٦ ونجينا الذين آمنوا وكانوا يتقون ١٧ و

يوم يحشر اعداء الله الى النار فهم يوزعون ١٨ حتى اذا ما جاؤها

شهد عليهم سمعهم وابصارهم وجلودهم بما كانوا يعملون ١٩ وقالوا

صفحهٔ سیصد و هفتاد و یکم

بیشتر از ایشان بودند از جهت عدد و سخت‌تر از روی قوت و توانائی و از روی نشانهای در زمین که قصرها و عمارات مرتفعه بود پس منع و دفع نکرد از ایشان عذاب را آنچه بودند که کسب میکردند ۷۳ پس چون آمد ایشانرا پیغمبرانشان بمعجزه‌ها شاد شدند بآنچه نزد ایشانست از دانش خود و استحقار رسولان که مراد از علم ایشان عقاید باطلهٔ ایشانست و فرود آمد بایشان جزای آنچه بودند که بآن استهزا میکردند ۷۴ پس چونکه دیدند عذاب ما را گفتند ایمان آوردیم بخدای یگانه و کافر شدیم بآنچه بودیم بآن شرک آورندگان ۷۵ پس نبود که سود دهد ایشانرا ایمانشان چون دیدند عذاب ما را سنت نهاده است خدا عدم قبول ایمانرا در حین رسیدن عذاب که گذشته است آن سنت در میان بندگان او از امم ماضیه یعنی این طریق مستمر بود در زمان پیش و زیان کار شدند در زمان دیدن عذاب کافران بجهت عدم نفع ایمان در آن زمان

سورهٔ فصلت مشتمل بر پنجاه و چهار آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بحق حم که این سوره فرستاده شده است از نزد خدای بخشندهٔ مهربان ۲ کتابیست که تفصیل داده شده است آیات آن قرآنی است که عربی است یعنی بلغت عربست از برای قومی که میدانند یعنی در می‌یابند معنی آنرا ۳ در حالتی که مژده دهنده و ترساننده است پس روگردانیدند بیشتر از مردمان پس ایشان نمی شنوند یعنی گوش شنوا ندارند ۴ و گفتند دلهای ما در غلافست از آنچه میخوانید ما را بسوی آن و در گوشهای ما سنگینی است و از میان ما و میان تو پرده است که مانع رسیدن ماست بتو پس عمل کن تو بر دین و مذهب خود بدرستیکه ما عمل کننده‌ایم بر کیش و ملت خود ۵ بگوای محمد جز این نیست که من آدمی هستم مثل شما وحی میشود بسوی من که جز این نیست خدای شما خدای یگانه است پس راست باشید در توجه بسوی او و آمرزش جوئید از او و این یعنی سختی عذاب از برای مشرکانست ۶ آنانکه نمیدهند زکوة را و ایشان بآخرت خود کافرانند ۷ بدرستیکه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند مر ایشانراست مزدی بی منت ۸ بگوای محمد آیا شما هر آینه کافر میشوید بآنکه آفرید زمین را در دو روز و قرار میدهید برای او همتایان اینست پروردگار عالمیان ۹ و قرار داد خدا در زمین کوههای بلند استوار بالای زمین

صفحهٔ سیصد و هفتاد و دوم

و برکت داد در آن کوهها از معادن و چشمه‌ها و گیاهها تا منافع به بندگان برساند و تقدیر کرد در آن روزیهای اهل زمین را در چهار روز یکسانست یکسان بودنی مر سائلین را یعنی چهار روز زیاده و نقصان ندارد هر که سؤال کند در چند روز آفرید خدا زمین و کوهها و مافیها را گوئیم شش و نه کم و زیاد ۱۰ پس قصد کرد بسوی آسمان و آن دودی بود پس گفت خدا مر آسمان و مر زمین را که بیائید بآنچه فرمایم از روی رغبت یا از روی کراهت گفتند زمین و آسمان که آمدیم ما بهرچه فرمائی فرمان بریم ۱۱ پس محکم کرد آسمانها را و بپرداخت از خلقت آنها در حالتی که هفت آسمان بودند در دو روز و وحی فرمود در هر آسمانی کار آنرا یعنی اهل هر آسمانی را حکم فرمود که بچه طور بعبادت مشغول شوند و زینت دادیم ما آسمان دنیا را یعنی آسمان اول را که احاطه دارد بدنیا که کرهٔ ارض است بچراغها یعنی بستارگان که مانند چراغ‌اند در درخشندگی که ستارگان آسمانهای دیگر بجهت نهایت لطافت همه در آسمان اول برای اهل زمین مرئی میشود و نگاه داشتیم آسمانرا نگاهداشتنی که از شیاطین که داعیهٔ شنیدن سخنان ملائکه را داشته باشند حفظ کردیم اینست اندازه کردن و آفریدن خدای غالب دانا ۱۲ پس اگر اعراض کنند یعنی اگر رو بگردانند مشرکان از ایمان پس بگوای محمد ترسانیدم شما را از عذاب هلاک کننده و سوزانی مانند عقوبت قوم عاد که باد صرصر بود و عذاب قوم ثمود که صیحهٔ جبرئیل بود که ایشان را هلاک نمود ۱۳ در حالتی که آمده بودند بایشان پیغمبران یعنی هود و صالح از پیش روی ایشان و از پشت سر ایشان یعنی از جمیع جوانب ایشان در آمده بودند و نصیحت ایشان این بود که نپرستید مگر خدایتعالی را و شریک مسازید برای او هیچ چیز را گفتند اگر میخواست پروردگار ما هر آینه میفرستاد ملائکه را پس بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شدید شما بآن کافرانیم زیرا که شما مانند مائید و هیچ فضلی بر ما ندارید ۱۴ پس اما قوم عاد پس سرکشی کردند در زمین بناحق و گفتند کیست سخت‌تر از ما از حیثیت قوت و توانائی آیا نمی‌بینند اینکه خدای آنچنانیکه آفرید ایشانرا اوست که سخت‌تر است از ایشان از جهت توانائی و بودند قوم عاد از روی استکبار بآیات و معجزات ما انکار میکردند ۱۵ پس فرستادیم ما بر ایشان باد سخت و تند را در روزهای شوم نحسی تا اینکه بچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت رسواتر است و ایشان یاری کرده نمیشوند ۱۶ و اما قوم ثمود پس راه نمودیم ایشانرا پس ترجیح دادند کوری را بر هدایت پس گرفت ایشانرا صاعقهٔ عذاب خواری بسبب آنچه بودند که کسب میکردند ۱۷ و رهانیدیم آنانرا که ایمان آوردند و بودند که پرهیز میکردند از شرک ۱۸ و روزیکه جمع کرده شوند دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشان باز داشته شوند یعنی پیشینیان باز داشته شوند تا آنها که بعد بودند بایشان برسند آنوقت بهیئت اجتماع داخل جهنم شوند ۱۹ تا اینکه چون در آیند در آتش گواهی دهد بر ایشان گوش ایشان و چشمهاشان و پوستهاشان بآنچه بودند که میکردند ۲۰ و گفتند کافران مر

صفحه سیصد و هفتاد و سیم

پوستهای خودشان را که چرا شهادت دادید بر ما گویند که بسخن آورد ما را خدای آنچنانی که بسخن در آورده است هر چیز را و او آفرید شما را اول دفعه و بسوی او بازگشت میکنید ۲۱ و نبودید شما که بپوشانید اینکه گواهی دهند بر شما گوش شما و نه چشمهای شما و نه پوستهای شما و لیکن گمان داشتید اینکه خدا نمیداند بسیاری از آنچه را که میکنید ۲۲ و این دعوی گمان شما است که گمان کردید در دار دنیا بپروردگار خود هلاک گردانید شما را پس گشتید از زیانکاران ۲۳ پس اگر صبر میکنند کفار بر آلام عقوبت پس آتش جایگاه است مر ایشان را و اگر رضای خدا جویند و بخواهند که خدا از گناه ایشان درگذرد پس نیستند ایشان از اجابت شدگان ۲۴ و تقدیر کردیم مر ایشان را دوستانی از شیاطین پس آراستند و زینت دادند از برای ایشان آنچه پیش روی ایشانست از امتعهٔ دنیویه و آنچه پشت سر ایشانست از امور اخرویه یعنی بعث و نشور را در نظر ایشان هدر آوردند تا انکار کنند و راست شد بر ایشان گفتار در امتانی که بتحقیق گذشته اند پیش از ایشان از جن و انس یعنی چنانچه امم مکذبهٔ قدیمه لایق و سزاوار عذاب بودند این جماعت نیز لایق و مستحق عذاب شدند بدرستیکه ایشان بودند زیانکاران ۲۵ و گفتند آنانکه کافر شدند نشنوید و گوش منهید مر این قرآن را و سخن لغو بگوئید در حین خواندن قرآن شاید شما غلبه کنید ۲۶ پس هر آینه بچشانیم البته مر آنان که کافر شدند عذاب سختی را ۲۷ و هر آینه جزا دهیم البته ایشان را بدترین جزای آنچه بودند که میکردند ۲۸ این است عذاب پاداش دشمنان خدا آتش مر ایشان راست در آن آتش خانهٔ همیشه پاداش آنچه بودند که بآیات ما انکار میکردند ۲۹ و گفتند آنانکه کافر شدند ندای پروردگارا بنما بما آنان را که گمراه کردند ما را از جن و انس که بگردانیم ما آن جن و انس را که سبب گمراهی شده اند زیر قدمهای خودمان تا اینکه باشند از جمله فروتران ۳۰ بدرستیکه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست پس راست ایستادند یعنی بر سر این قول ایستادگی کردند فرود آیند بر ایشان فرشتگان اینکه مترسید و اندوهگین مشوید و شاد شوید ببهشت آنچنانیکه بودید شما که وعده کرده شدید ۳۱ ما دوستان شمائیم در زندگانی دنیا و در آخرت و مر شما راست در آن بهشت آنچه آرزو کند نفسهای شما و مر شما راست در آن بهشت هر چه بخواهید و بخوانید ۳۲ در حالتیکه عنایت و بخششی است

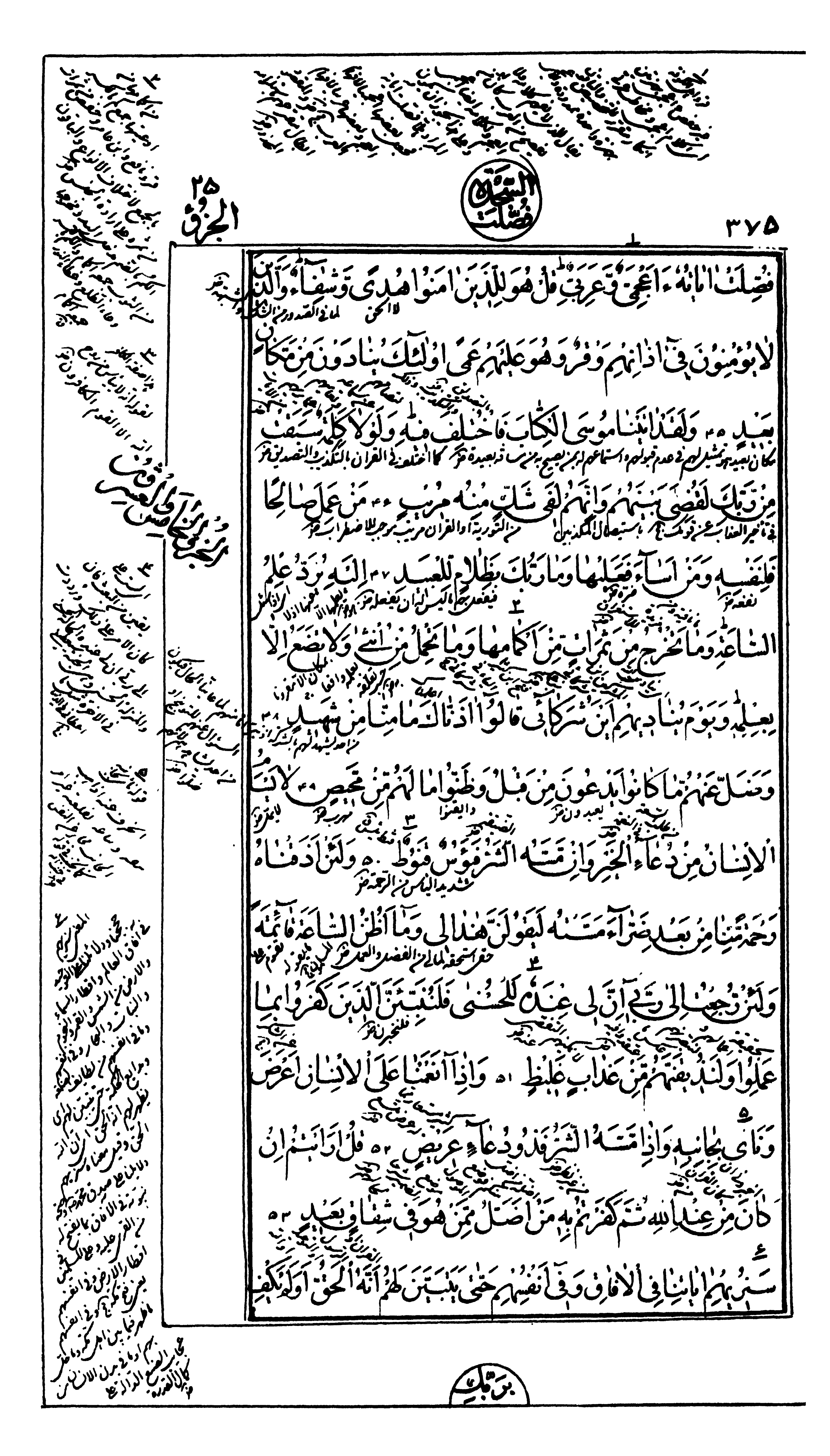
صفحه سیصد و هفتاد و چهارم

از جانب خدای آمرزندهٔ مهربان ۳۳ و کیست نیکوتر از جهت گفتار از کسی که بخواند مردمان را بسوی خدا و عمل نیکو کند و گوید بدرستیکه من از مسلمینم ۳۴ و مساوی نیست نیکوئی و نه بدی کفر دفع کن ای محمد بدی را بآنچه که آن بهتر است یعنی تبدیل کن غضب را بحلم و گناه را بعفو پس آن هنگام کسیکه میان تو و میان او دشمنی است گویا او دوستی است از خویشان ۳۵ و عطا کرده نشود این خصلت که تبدیل کند بدی را بحسنه مگر کسانیکه صبر کردند و داده نشود این طریقهٔ حسنه با حدی مگر خداوند بهرهٔ بزرگ ۳۶ و اگر برسد تو را از شیطان وسوسهٔ پس پناه بر بخدا بدرستی که خدای او است شنوندهٔ دانا ۳۷ و از نشانهای خدا شب و روز و خورشید و ماه است سجده نکنید مر آفتاب و نه ماه را و سجده کنید مر خدای آنچنانیرا که آفرید شب و روز و آفتاب و ماه را اگر هستید او را میپرستید ۳۸ پس اگر سرکشی کنند از سجده کردن پس آنانکه هستند نزد پروردگار تو تسبیح میکنند مر او را بشب و روز و ایشان ملول نمی شوند ۳۹ و از آیات خدا است که تو می بینی زمین را افسردهٔ خشک پس چون فرستادیم ما بر آن آب را بجنبش در آید و بر آید مانند خمیر مایه بدرستی که آنکه زنده کردن زمین را هر آینه زنده کنندهٔ مردگانست در آخرت بدرستی که او بر هر چیزی توانا است ۴۰ بدرستیکه آنانکه میگردند از صراط مستقیم بسبب القای کلام لغو در آیات ما پوشیده نمیشوند بر ما یعنی همه را می بینیم و اقوال همه را می شنویم آیا پس کسی که انداخته شود در آتش بهتر است یا کسی که بیاید ایمن از آتش در روز قیامت بکنید هر چه میخواهید بدرستیکه خدا بهر چه میکنید بینا است ۴۱ بدرستی که آنانکه کافر شدند بقرآن چون آید آن قرآن ایشان را و بدرستی که قرآن هر آینه کتابی است ارجمند ۴۲ نمیآید آن قرآن را هیچ باطلی از پیش روی وی و نه از پشت سر آن یعنی در اخبار ماضیه و مستقبلهٔ قرآن هیچ دروغی نیست فرو فرستاده شده است از نزد خدای دانای ستوده ۴۳ گفته نمیشود از برای تو مگر آنچه بتحقیق گفته شد از برای رسولان پیش از تو بدرستی که پروردگار تو هر آینه صاحب آمرزش و صاحب عقوبت دردناکست ۴۴ و اگر میگردانیدیم آن قرآن را قرآنی بغیر لغت عرب هر آینه میگفتند کفار عرب چرا

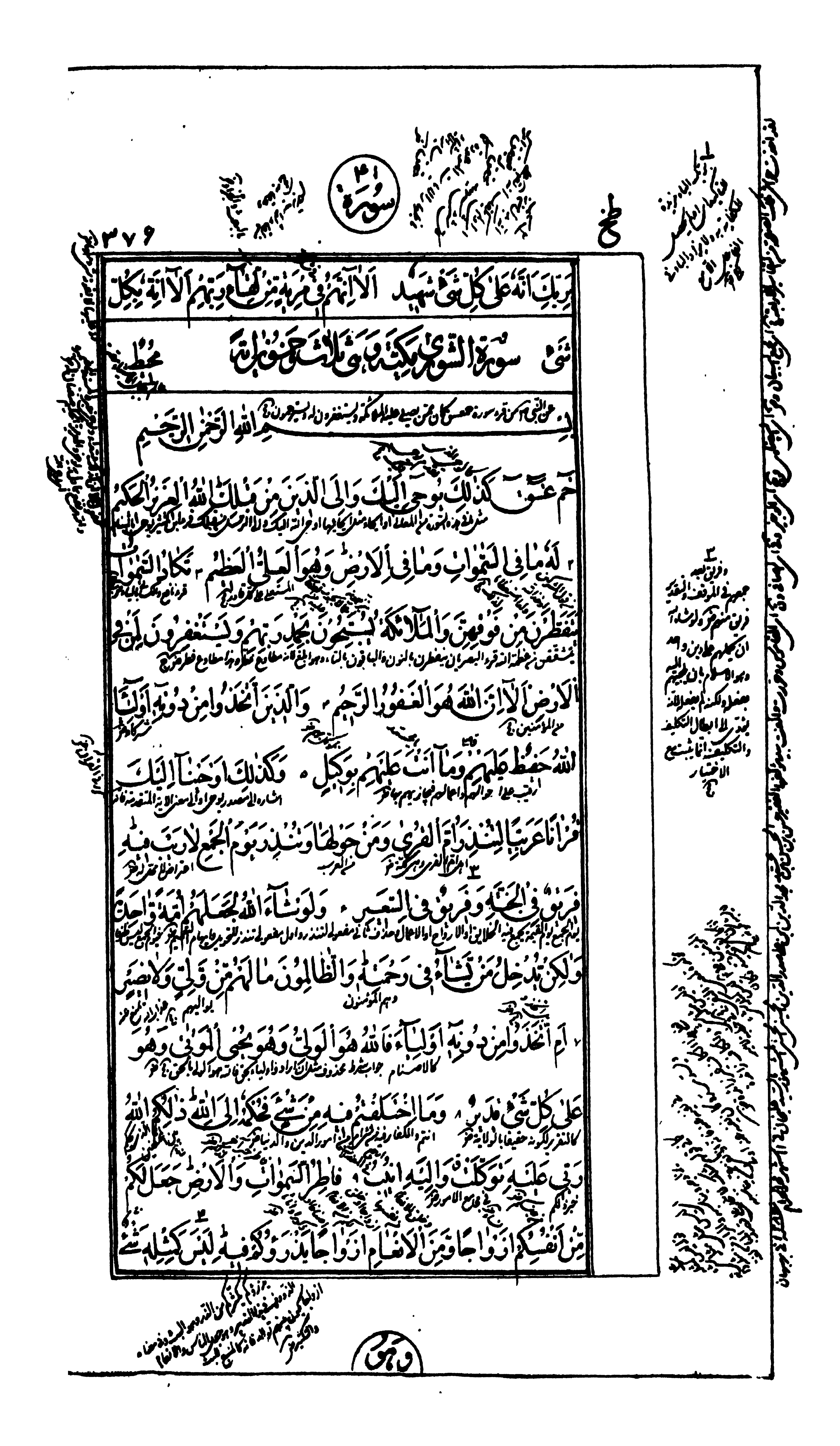


لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوٓا أَنطَقَنَا ٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ أَنطَقَ كُلَّ شَىْءٍ
وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢١ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ
عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ أَبْصَٰرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا
مِّمَّا تَعْمَلُونَ ٢٢ وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَىٰكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ
ٱلْخَٰسِرِينَ ٢٣ فَإِن يَصْبِرُوا۟ فَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا۟ فَمَا هُم مِّنَ
ٱلْمُعْتَبِينَ ٢٤ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا۟ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَ
حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ إِنَّهُمْ
كَانُوا۟ خَٰسِرِينَ ٢٥ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَسْمَعُوا۟ لِهَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْا۟
فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ٢٦ فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ
أَسْوَأَ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ٢٧ ذَٰلِكَ جَزَآءُ أَعْدَآءِ ٱللَّهِ ٱلنَّارُ لَهُمْ فِيهَا
دَارُ ٱلْخُلْدِ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَجْحَدُونَ ٢٨ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيْنِ
أَضَلَّانَا مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلْأَسْفَلِينَ ٢٩ إِنَّ ٱلَّذِينَ
قَالُوا۟ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَٰمُوا۟ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا۟ وَلَا تَحْزَنُوا۟
وَأَبْشِرُوا۟ بِٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ ٣٠ نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا
وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِىٓ أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ نُزُلًا

مِّن غَفُورٍ رَّحِيمٍ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ
إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ
أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلَقَّاهَا
إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ
الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ
وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ٣٨ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ
يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ٣٩ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى
الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا
لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٤٠ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا
لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَن يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا
مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٤١ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ
لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ٤٢ لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ
حَكِيمٍ حَمِيدٍ ٤٣ مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ
لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ٤٤ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا لَوْلَا



فصلت اياته ءاعجمي وعربي قل هو للذين امنوا هدى وشفاء والذين
لا يؤمنون في اذانهم وقر وهو عليهم عمى اولئك ينادون من مكان
بعيد ٤٤ ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت
من ربك لقضي بينهم وانهم لفي شك منه مريب ٤٥ من عمل صالحا
فلنفسه ومن اساء فعليها وما ربك بظلام للعبيد ٤٦ اليه يرد علم
الساعة وما تخرج من ثمرات من اكمامها وما تحمل من انثى ولا تضع الا
بعلمه ويوم يناديهم اين شركاءي قالوا اذناك ما منا من شهيد ٤٧
وضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل وظنوا ما لهم من محيص ٤٨ لا يسأم
الانسان من دعاء الخير وان مسه الشر فيئوس قنوط ٤٩ ولئن اذقناه
رحمة منا من بعد ضراء مسته ليقولن هذا لي وما اظن الساعة قائمة
ولئن رجعت الى ربي ان لي عنده للحسنى فلننبئن الذين كفروا بما
عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ ٥٠ واذا انعمنا على الانسان اعرض
ونا بجانبه واذا مسه الشر فذو دعاء عريض ٥١ قل ارءيتم ان
كان من عند الله ثم كفرتم به من اضل ممن هو في شقاق بعيد ٥٢
سنريهم اياتنا في الافاق وفي انفسهم حتى يتبين لهم انه الحق اولم يكف



ربك انه على كل شيء شهيد الا انهم في مرية من لقاء ربهم الا انه بكل شيء محيط

سورة الشورى مكية وهي ثلاث وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

حم عسق كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم
له ما في السموات وما في الارض وهو العلي العظيم تكاد السموات
يتفطرن من فوقهن والملائكة يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون لمن في
الارض الا ان الله هو الغفور الرحيم والذين اتخذوا من دونه اولياء
الله حفيظ عليهم وما انت عليهم بوكيل وكذلك اوحينا اليك
قرآنا عربيا لتنذر ام القرى ومن حولها وتنذر يوم الجمع لا ريب فيه
فريق في الجنة وفريق في السعير ولو شاء الله لجعلهم امة واحدة
ولكن يدخل من يشاء في رحمته والظالمون ما لهم من ولي ولا نصير
ام اتخذوا من دونه اولياء فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو
على كل شيء قدير وما اختلفتم فيه من شيء فحكمه الى الله ذلكم الله
ربي عليه توكلت واليه انيب فاطر السموات والارض جعل لكم
من انفسكم ازواجا ومن الانعام ازواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله شيء

بیان نشده است آیات آن قرآن بزبان عربی آیا کلام عجمی و مخاطب عربی یعنی ما قرآن را بزبان عربی که زبان خود شاست فرستادیم و
پیغمبر را از خود آنها قرار دادیم تا بر حجت ابلغ باشد بگوای محمد آن قرآن از برای آنانکه ایمان آوردند راه نماینده است و شفا دهنده است و آن
کسانیکه نمیگروند در گوشهاشان سنگینی است و آن قرآن بر ایشان پوشیده است آنگروه آواز کرده میشوند از مکانی دور یعنی چنانچه آواز راه
دور شنیده نمیشود و فایده بحال مستمع ندارد خواندن قران هم برای کفار فایده و ثمری ندارد ۴۵ و هر آینه بتحقیق دادیم ما بموسی کتاب
توراترا پس اختلاف کرده شد در آن یعنی بعضی آنرا باور داشتند و بعضی انکار نمودند مثل قران و اگر نبود سخنی که پیشی گرفته است از پروردگار تو
در تاخیر عذاب هر آینه حکم کرده میشد میان ایشان بعذاب در دنیا و بدرستیکه مشرکان هر آینه در شکند از قران کاینکه موجب شکست یعنی ظن
غالب ایشان آنست که قران کذبست ۴۶ هر که بکند کاری شایسته پس برای نفس خود اوست و هر که بد کرد پس ضرر خود بر اوست و نیست
پروردگار تو ستم کننده مر بندگان را ۴۷ بسوی خدا رد کرده میشود دانستن قیامت و بیرون نیاید هیچیک از میوه‌ها از غلافهایش و بار
نگیرد هیچ ماده و نگذارد بار خود را هیچ آبستنی مگر بدانستن خدا و روزی که ندا کند خدا مشرکان را یعنی از روی توبیخ خدا مشرکانرا بخواند که کجایند
شریکان من گویند مشرکان اعلام کردیم ترا که نیست از ما هیچ گواهی دهندهٔ بر شرک ایشان ۴۸ و گم شد از کفار آنچه را که بودند که
می خواندند پیش از قیامت یعنی بتان را و گمان نمودند که نیست مر ایشان را هیچ گریزگاهی از عذاب ۴۹ ملول نمی شود آدمی
یعنی کافر از خواهش نیکو که نعمت و صحت و فراغت است و اگر برسد او را شری چون فقر و بیماری پس بسیار مایوس
و بسیار ظاهر کنندهٔ ناامیدی است ۵۰ و هر آینه اگر بچشانیم ما آن کافر را رحمتی از جانب خود ما بعد از آن که سختی
بد رسیده باشد او را هر آینه گوید البته این نیکوئی از برای من است یعنی من سزاوارم و حق من است که باید این نیکی بمن
برسد و گمان نمیکنم یعنی آن کافر خود را سزاوار نعمت میداند و میگوید گمان نمی برم قیامت را بر پا شونده یعنی انکار
میکند قیامت را و هر آینه اگر برگردانیده شوم بسوی پروردگار خودم یعنی بر فرض اینکه قیامت باشد و برگردانیده شوم بسوی پروردگار
بدرستیکه از برای من نزد پروردگار حالتی نیکوتر از نعمت امروزی هست که در دار دنیا دارم بجهة اینکه نیکوئی حق من است و استحقاق آنرا دارم
پس هر آینه خبر میکنیم البته آنانرا که کافر شدند با آنچه کرده اند و هر آینه می چشانیم ایشانرا البته از عذابی درشت سخت که از غایت کثرت گویا بر بالای
یکدیگر نشسته است ۵۱ و چون انعام کنیم ما بر آدمی کافر نعمت رو بگرداند و دور دارد جانب خود را از ادای شکرگذاری و چون برسد او را شری پس صاحب
دعای بسیار است یعنی رو آورنده است بدرگاه ما ۵۲ بگوای محمد کافر نعمتانرا آیا دیدید شما یعنی اگر بصیرتی دارید بمن خبر دهید که اگر در واقع باشد قران از
جانب خدا بعد کافر شدید با آن قران کیست گمراه تر از آنکه او در مخالفتی دور است ۵۳ زود باشد که بنمائیم بکفار معجزات و قدرت خود ما نرا در آفاق و در نفسهای

ایشان تا ظاهر شود مر ایشانرا که او رسول برحق است آیا کفایت نکند

پروردگار تو برای گواهی بر صدق تو بدرستیکه خدا بر هر چیزی گواه است ۵۴ آگاه باش بدرستیکه ایشان در شکند از ملاقات پروردگار شان بدانید بدرستیکه
او بهر چیزی احاطه کننده است

سورهٔ شوری مشتمل بر پنجاه و سه آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

حمعسق قسم است همچنین وحی میکند بسوی تو و بآنانکه پیش از تو بوده اند از رسولان خدائی که غالب است بر جمیع اشیاء داناست بهمهٔ اقوال ۲ مر اوراست
آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او بلند مرتبهٔ بزرگست ۳ نزدیکست آسمانها شکافته شوند از بالای یکدیگر یعنی از آسمان بالائی شروع بشکافتن کنند تا آسمان
دنیا که آسمان اولست و فرشتگان تسبیح میکنند بستایش پروردگارشان و آمرزش جویند از برای آنکه در زمین است بدانید که خدا اوست آمرزندهٔ مهربان ۴ و آنانکه
گرفتند غیر از خدا دوستانی خدا نگهبانست بر ایشان و نیستی تو بر ایشان گماشته شده ۵ و همچنین وحی کردیم ما بسوی تو قرآنرا بلغت عرب تا اینکه بیم کنی با آن اهل مکه را
و هر که در حوالی مکه است و بترسانی ایشانرا از روز جمع شدن که نیست شکی در آن روز که روز قیامت است گروهی در بهشت و گروهی در دوزخ اند ۶ و اگر بخواهد خدا هر آینه بگرداند ایشانرا
یک امت بر جادهٔ هدایت و لیکن داخل میکند هر که را میخواهد در رحمت خود و ظلم کنندگان نیست مر ایشانرا هیچ دوستی و نه یاری کنندهٔ ۷ یا گرفته اند غیر از خدا دوستانی پس خدا اوست
دوست و او زنده میکند مردگانرا و او بر هر چیزی قادر است ۸ و آنچه اختلاف کردید شما در آن از چیزها یعنی اختلافاتیکه میان مؤمنان با کافران بهم میرسد پس حکم آن بسوی حق است
این خدا پروردگار منست بر او توکل کردم من و بسوی او بازگشت میکنیم ۹ آفرینندهٔ آسمانها و زمین است قرار داد از برای شما از جنس نفسهای شما زنانی را
و از چهارپایان جفتان گوناگونی را بسیار میکند شما و انعام را در این خلق از ازواج نیست باندازه و مانند او چیزی

و اوست شنونده بینا ۱۰ مر او راست کلیدهای آسمانها و زمین پهن میکند روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میکند برای هر که میخواهد بدرستیکه او بهر چیزی داناست ۱۱ بیان کرد برای شما از دین آنچه فرمود بان نوح را و آنچه وحی کردیم ما بسوی تو و آنچه امر کردیم بان ابراهیم و موسی و عیسی را اینکه بر پا بدارید دین را و پراکنده و مختلف نشوید در آن دین یعنی اختلاف نکنید در اصول دین بزرگ و دشوار است بر مشرکان ۱۲ آنچه میخوانی ایشانرا بسوی آن خدا میکشد بسوی آنچه تو میخوانی یعنی بدین اسلام هر که را میخواهد و راه مینماید بسوی اسلام هر که را که تا بر میگردد بسوی او یعنی هر که رو بخدا بیاورد او را سر فراز میکند بشرف دین اسلام ۱۳ و پراکنده نشدند اهل ادیان و امم پیغمبران مگر بعد از اینکه آمد ایشان را دانش بسبب ستمکاری میان ایشان یعنی بعد از آنکه کتابهای خدا و دانشها بر پیغمبران نازل شد امم ایشان متفرق و مختلف نشدند مگر وقتی که ستمکاری میان امم واقع شد برای طلب جاه و ریاست و اگر نبود سخنی که پیشی گرفته بود از جانب پروردگار تو که آن مهلت و تأخیر در عذاب گناهکاران است تا وقت نامبرده شده هر آینه حکم کرده میشد میان ایشان باستیصال کافر و نجات مؤمن و بدرستیکه آنانکه میراث داده شدند کتاب را یعنی قرآن را بعد از ایشان یعنی بعد از امم سابقه که یهود و نصاری باشند هر آینه در شکند از قرآن شکی بریب افکننده یعنی ظن دارند که دین اسلام یا قرآن غیر حق است ۱۴ پس نیا برای این بخوان مردم را و مستقیم باش همچنانکه امر کرده شدی و متابعت مکن آرزوهای ایشانرا و بگو ایمان آوردم بآنچه فرستاده خدا از جنس کتاب یعنی قرآن و تورات و انجیل و مأمور شدم تا اینکه عدالت کنم میان شما خدا پروردگار ماست و پروردگار شماست از برای ماست اعمال ما و از برای شماست اعمال شما نیست خصومتی میان ما و میان شما خدا جمع میکند میان ما همه در روز قیامت و بسوی اوست بازگشت ۱۵ و آنانکه مخاصمه میکنند از کفار و مجادله میورزند در دین خدا بعد از اینکه اجابت کرده باشند قول خدا را در روز میثاق حجت ایشان باطل است نزد پروردگارشان و بر ایشانست غضب خدا بجهة مجادله که در ابطال حق مینمایند و مر ایشان راست عذابی سخت ۱۶ خدا است آنکه فرو فرستاد قرآن را براستی و فرستاد میزانرا یعنی طریق شرع را و چه چیز دانا کرد ترا یعنی چه چیز شناسا کرد ترا بر قیامت شاید قیامت نزدیک باشد ۱۷ شتاب میکنند بقیامت آنانکه ایمان ندارند بآن یعنی از روی استهزاء و تکذیب میگویند قیامت چه شد و آنانکه ایمان دارند بقیامت ترسانند از آن و میدانند که قیامت راست است بدانید بدرستیکه آنانکه مخاصمه مینمایند در قیامت هر آینه در گمراهی دورند ۱۸ خدا بسیار لطف کننده است ببندگانش روزی میدهد هر که را میخواهد

صفحهٔ ششصد و هفتاد و هشتم

و اوست توانای غالب ۱۹ هر که باشد که اراده کند کشت آخرت را زیاد میکنیم از برای او در زراعتش و هر که اراده نماید کشت دنیا را میدهیم از کشت دنیا و نیست مر او را در آخرت هیچ بهره و نصیبی ۲۰ بلکه مر ایشانراست شریکانی یعنی البته مر کافران راست شیاطینی که در انواع معاصی شریک ایشانند که وضع کرده اند از برای ایشان از دین باطل چیزی را که اذن نداده یعنی نفرموده است از شرک و انکار بآن خدا و اگر نبود سخن حق که تأخیر عذابست تا روز قیامت هر آینه حکم کرده میشد میانه ایشان و بدرستیکه ستمکاران مر ایشانراست عذابی دردناک ۲۱ می‌بینی ستمکاران را ترسان از آنچه کسب کردند و حال اینکه جزای اعمال ایشان فرود آینده است بایشان و آن کسانیکه ایمان آوردند و اعمال شایسته کردند در مرغزارهای بهشتها یعنی در مکانهای با صفای بهشتها مر ایشانراست هر چه میخواهند نزد پروردگارشان اینست آن فضل و کرم بزرگ ۲۲ اینست آنچه مژده میدهد خدا بندگان خود را آنانکه ایمان آورده اند و عملهای نیک کردند بگو ای پیغمبر نمیخواهم از شما بر آن یعنی بر تبلیغ احکام الهی مزدی مگر دوستی در حق خویشان یعنی همین قدر توقع دارم که خویشان نزدیک مرا دوست بدارید و هر کس کسب کند حسنه را زیاد کنیم مر او را در آن حسنه نیکی را یعنی مضاعف سازیم ثواب جزا او را بدرستیکه خدا آمرزنده جزا دهنده طاعت مطیعان است ۲۳ یا که میگویند بربست محمد بر خدا دروغی را پس اگر بخواهد خدا مهر می‌نهد بر دل تو و قرآنرا بر تو فراموش کرداند اگر قصد افترا کنی پس در اینحال چگونه قادر باشی بر افترا و محو میکند خدا باطل را و ثابت میکند حق را بسبب سخنهای خودش بدرستیکه او داناست بصاحب سینه‌ها یعنی هر چه در دلهاست میداند ۲۴ و اوست آنکه قبول میکند توبه را از بندگان خودش و در میگذرد از بدیها و میداند آنچه را که میکنید ۲۵ و اجابت میکند دعای آنانرا که ایمان آوردند و عملهای نیک کردند و زیاد میکند ایشانرا از فضل خود و کافران از برای ایشانست عذاب سخت ۲۶ و اگر بگستراند خدا روزی را برای بندگانش هر آینه فساد کنند در زمین ولیکن فرو میفرستد خدا روزی ایشانرا باندازه آنچه میخواهد بدرستیکه خدا ببندگان خود آگاه و بیناست ۲۷ و اوست آنکه میفرستد بارانرا از بعد از آنکه ناامید شده باشند

صفحه سیصد و هفتاد و نهم

و پراکنده میکند رحمت خود را و اوست دوست ستوده ۲۸ و از جمله آیات خداست آفریدن آسمانها و زمین و آنچه که پراکنده است در آسمانها و زمین از جنبنده
و او بر فراهم کردن آنها هر وقت بخواهد تواناست ۲۹ و آنچه برسد شما را از مصیبتی پس بسبب کسبی است که دستهای شما کرده است و میگذرد از بسیاری
گناهان مجرمان ۳۰ و نیستید شما عاجز کنندگان خدا در زمین یعنی نمیتوانید باز دارید مصیبت و عذابی را که خدا برای شما مقرر فرموده است و نیست از برای
شما از غیر خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده ۳۱ و از جمله آیات خدا کشتیهای جاریه است در دریا مانند کوهها اگر بخواهد خدا ساکن کند باد را
پس گردند آن کشتیها ایستاده بر پشت دریا بدرستیکه در این هر آینه نشانها و علامات است از برای هر بسیار صبر کننده شاکری ۳۲ یا خواهد
هلاک کند کشتیها را یعنی اهل آنها را غرق کند بسبب آنچه کسب کرده اند و در میگذرد از بسیاری ۳۳ و میدانند آنهائی که مخاصمه میکنند
در آیات ما که نیست مر ایشان را هیچ گریزگاهی ۳۴ پس آنچه داده شدید از چیزی که تعلق بدنیا دارد از مال و اولاد پس آن برخورداری
زندگانی دنیا است و آنچه نزد خداست از نعیم اخروی بهتر و باقی تر است از برای آنانکه ایمان آوردند و بر پروردگارشان
توکل میکنند ۳۵ و آنانکه اجتناب میکنند یعنی دوری مینمایند از کبایر گناهان و کارهای زشت و چون خشم گیرد
ایشان را زود در میگذرند یعنی اغماض و عفو میکنند ۳۶ و آنانکه اجابت کردند مر پروردگار خود را و برپا داشتند نماز را
و کار ایشان مشورت است میان خودشان و از آنچه روزیشان دادیم ما ایشان را انفاق میکنند ۳۷ و آنانکه چون
برسد ایشان را گمراهی از کفار ایشان انتقام میکشند ۳۸ و جزای کردار بد بدی است مانند آن پس هر که درگذرد
و اصلاح کند پس مزد او بر خداست بدرستیکه او دوست نمیدارد ستمکاران را ۳۹ و هر آینه هر که انتقام کشد
از ستمکار بعد از ستم کردن او پس آن گروه نیست بر ایشان هیچ راهی یعنی هیچ معاقبه و مواخذه بر او نیست
۴۰ جز این نیست که راه عتاب بر آن کسانی است که ظلم میکنند مردم را و افزونی میجویند در زمین بغیر حق
آن گروه از برای ایشان است عذابی دردناک ۴۱ و هر که شکیبائی ورزید و درگذشت بدرستیکه این گذشت

صفحه سیصد و هشتادم

هر آینه از کارهائیست که مجزوم است یعنی کسانی که موصوفند بکمال ایمان عزم ایشان جزم است بر این نوع کارها
۴۲ و هر کرا که فرو گذارد خدا در گمراهی پس نیست از برای او هیچ دوستی بعد از خدا و می بینی ستمکاران را ۴۳
که چون دیدند عذاب را میگویند آیا هست بسوی بازگشتن بدنیا هیچ راهی ۴۴ و می بینی ایشان را که عرض کرده شوند آتش دوزخ
در حالتی که فروتنانند از خواری می نگرند بآتش دوزخ از نگریستن پنهان یعنی از هول جهنم زهره ندارند که یک نگاه کنند بآن
بلکه بکنارهٔ چشم بنگرند و گفتند آنانکه ایمان آوردند بدرستیکه زیانکاران آنکسانی هستند که زیان کردند نفسهای
خود را و کسانشان را روز قیامت برآیند بدرستی که ستمکاران در عذاب همیشه هستند ۴۵ و نیست مر ایشان را از دوستانی
که یاری دهند ایشان را از سوای خدا و هر که را فرو گذارد خدا در گمراهی پس نیست مر او را هیچ راهی ۴۶ اجابت کنید
مر پروردگار خود را پیش از اینکه بیاید روزی که نیست بازگشتی مر او را از جانب خدا نیست برای شما هیچ پناهی در آن روز
و نیست از برای شما هیچ انکاری ۴۷ پس اگر اعراض کنند پس نفرستادیم ترا بر ایشان نگهبان نیست بر تو مگر رسانیدن احکام
و بدرستیکه ما آن هنگام که چشانیدیم انسان را از نزد خودمان رحمتی شاد شوند بآن و اگر برسد ایشان را بدی بسبب آنچه پیش
فرستاده دستهای ایشان پس بدرستی که انسان ناسپاس است ۴۸ مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین میآفریند آنچه میخواهد می بخشد هر کرا
میخواهد دختران و می بخشد هر که را میخواهد پسران ۴۹ یا جفت میکند ایشانرا پسران و دختران و میگرداند هر که را میخواهد نازاینده بدرستیکه او دانای تواناست
۵۰ و نشد مر آدمی را اینکه سخن کند او را خدا مگر بطور وحی یا از پس پرده ۵۱ یا میفرستد پیغمبری را پس القای کلام میکند آن رسول با آن بشر بفرمان
خدا آنچه خواهد بدرستیکه او برتر درستکار است ۵۲ و همچنین وحی کردیم ما بسوی تو قرآن را که روح است از برای دلها از فرمان خودمان نبودی
تو که بدانی چه چیز است قرآن و نه میدانی که چه چیز است ایمان و لیکن گردانیدیم ما آن قرآن یا ایمان را نوری که راه نمائیم بسبب آن نور هر که را بخواهیم از

بندگان خود مان و بدرستی که تو هرآینه راه مینمائی بسوی راه راست ۵۲ راه راست خدا آنست که مر اوراست هرچه در آسمانها و هرچه در زمین است بدانید که بسوی خدا برمیگردد کارها

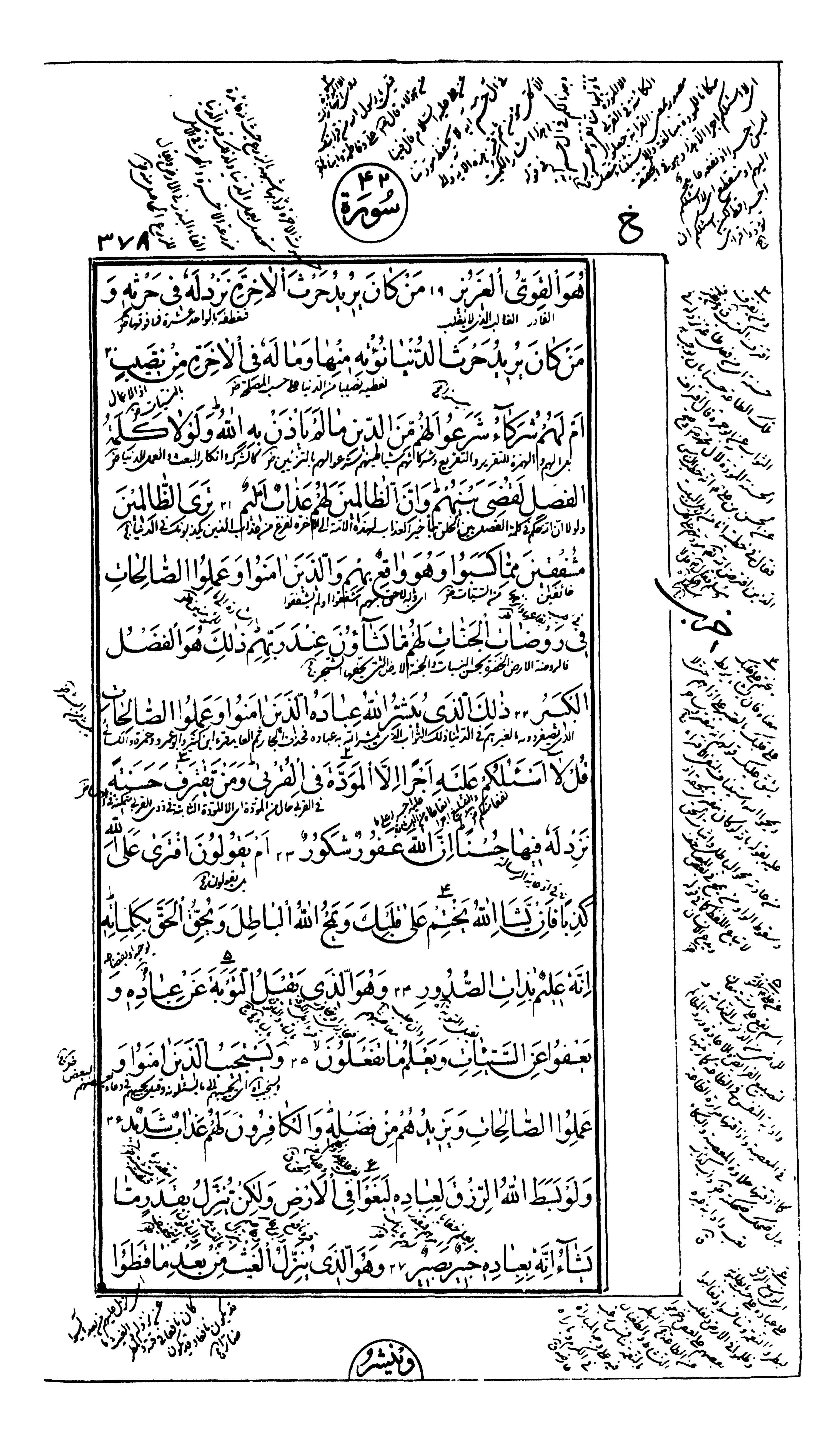
سورهٔ زخرف مشتمل بر هشتاد و نه آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

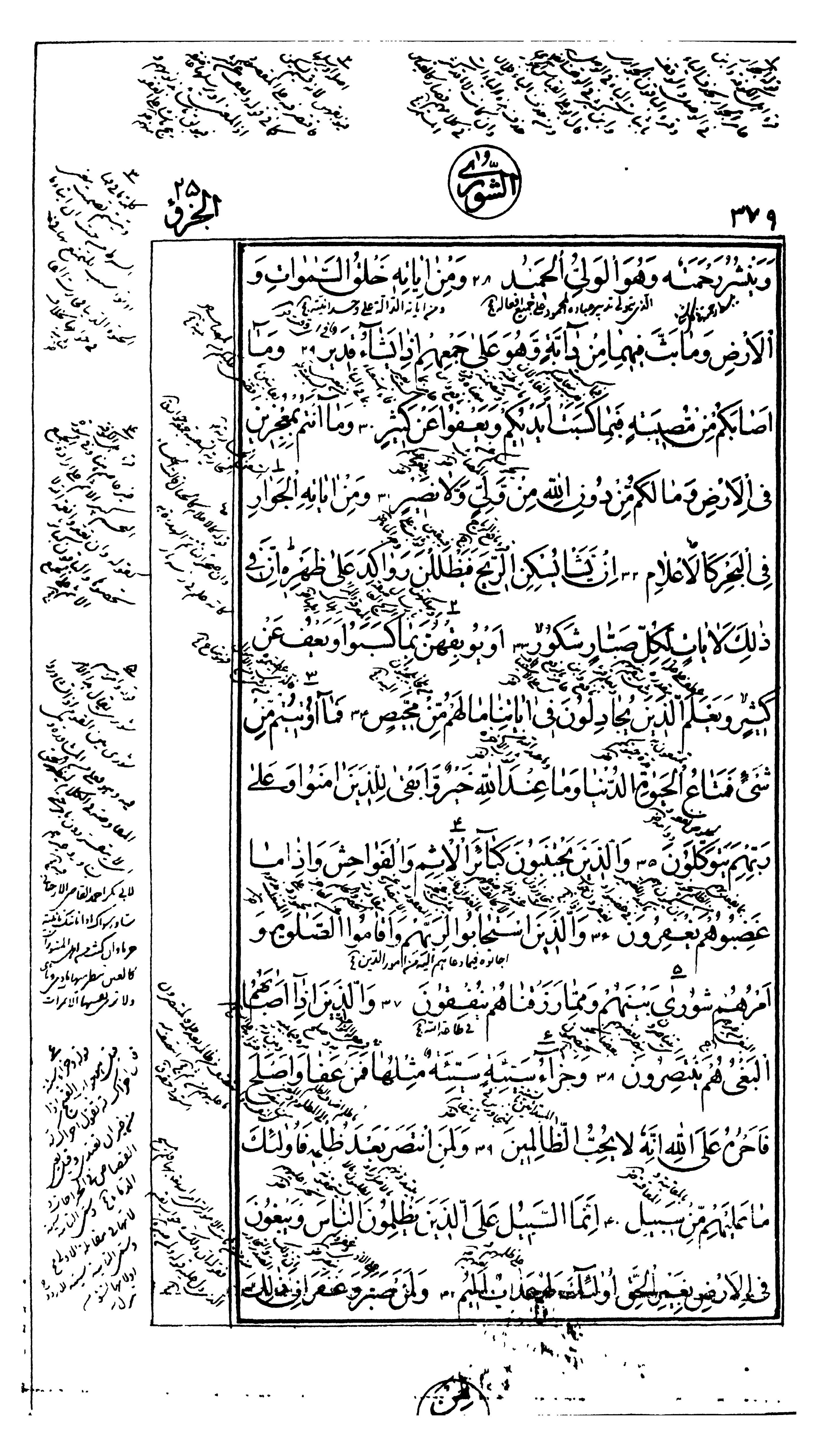
حم قسم است باین دو حرف که مبادی اسماء حسنی است و قسم بقرآن روشن ۲ بدرستی که ما گردانیدیم این کتاب را قرآنی بلغت عرب شاید شما دریابید ۳ و بدرستیکه قرآن در اصل کتاب که لوح محفوظ است نزد ما هرآینه بزرگوار محکم کرده شده است ۴ آیا پس باز گذاریم از شما یعنی باز زنیم و باز داریم از شما قرآن را باز داشتنی بجهت اینکه هستید شما قومی از حد در گذشتگان ۵ و چه بسیار فرستادیم ما از پیغمبران در پیشینیان یعنی در زمانهای گذشته ۶ و نیامد ایشان را هیچ پیغمبری مگر اینکه بودند که بآن پیغمبر استهزا میکردند ۷ پس هلاک کردیم ما سخت تر از ایشان را از روی قدرت و توانائی و گذشت قصهٔ پیشینیان ۸ و اگر بپرسی مشرکان را که کی آفرید آسمانها و زمین را هرآینه میگویند البته آفرید آنها را خدائی که غالب داناست ۹ آنکه گردانید از برای شما زمین را بساط گسترده تا مستقر شما باشد و گردانید از برای شما در آن زمین راهها شاید شما راه بیابید ۱۰ و آنکه فرو فرستاد از آسمان آبی را باندازه پس زنده کردیم بآن آب زمین مرده را همچنین بیرون آورده خواهید شد از قبور در وقت نشور ۱۱ و آنکه آفرید صنفها خلق را همگی و قرار داد از برای شما از کشتی و چهار پایان آنچه سوار میشوید ۱۲ تا اینکه راست شوید بر پشتهای آن کشتی ها و چهار پایان پس از آن یاد بکنید نعمت پروردگار خود را چون راست شدید بر آن و بگوئید منزه است آنکه رام کرد از برای ما این را و نبودیم ما او نیستیم ما مر او را که بتوانیم برآئیم ۱۳ و بدرستی که ما بسوی پروردگار خود هرآینه بازگردندگانیم ۱۴ و گردانیدند مشرکان از برای خدا از بندگان او جزئی یعنی گفتند فرشتگان دختران خدا هستند

بدرستی که انسان هرآینه ناسپاس هویداست ۱۵ آیا گرفته است خدا از آنچه میآفرید دختران و برگزید شما را بپسران ۱۶ و اگر مژده داده شود یکی از مشرکان بآنچه زده است از برای خدای بخشاینده مثل یعنی گفته شود که دختر بهم رسانده بگردد روی او سیاه و او در غایت خشم و اندوه باشد یعنی در حالتی که خبر تولد دختر را که بخود ایشان میدهند اینقدر متغیر میشوند چگونه این نسبت را بخدا میدهند که دختر دارد ۱۷ آیا کسی که نشو و نما میکند در زینت و زیور و او در وقت خصومت آشکار کنندهٔ حجت نباشد یعنی چنین کسی را نسبت اولادیت بخدا میدهید ۱۸ و گردانیدند فرشتگان را آنانکه ایشان بندگان خدای بخشنده هستند دختران آیا حاضر بودند در آفریدن ایشان زود باشد که نوشته شود شهادت ایشان و پرسیده شوند یعنی آنچه ایشان پرسیده شود بچه دلیل فرشتگان را که مشغول عبادت خدا هستند ایشان را دختران میخوانید ۱۹ و گفتند اگر خواستی خدای بخشنده نمی پرستیدیم ملائکه را نیست ایشان را باین یعنی بپرستیدن ملائکه هیچ دانشی نیستند ایشان مگر دروغگویان ۲۰ یا دادیم ایشان را کتابی پیش از این پس ایشان بآن کتاب چنگ در زدگانند یعنی چنین نیست که بر ایشان کتابی نازل شده است پس هرچه میگویند بر مدعای خود نه دلیل عقلی دارند و نه حجت نقلی و هرچه میگویند باطل است ۲۱ بلکه گفتند بدرستیکه ما یافتیم پدران خود را بر ملتی و بدرستیکه ما بر اثرهای ایشان یعنی بر طریقه و رفتار و اعتقاد ایشان راه یافتگانیم ۲۲ و همچنین نفرستادیم پیش از تو در هیچ ده ترساننده مگر اینکه گفتند توانگران آن ده بدرستیکه ما یافتیم پدران خود را بر ملتی و طریقه و بدرستیکه ما بر اثرهای ایشان یعنی بر اعتقادات ایشان اقتدا کنندگانیم ۲۳ گفت آن پیغمبر آیا اگر بیاورم شما را بدینی راست تر از آنچه یافتید شما بر آن دین پدران خود را گفتند بدرستی که ما بآنچه فرستاده شدید شما بآن کافرانیم ۲۴ پس انتقام کشیدیم ما از ایشان پس نظر کن ببین چگونه بود سرانجام کار دروغگویان ۲۵ و چون گفت ابراهیم مر پدر خود را و قوم خود را بدرستیکه من بیزارم از آنچه عبادت میکنید ۲۶ مگر کسی را یعنی آنخدائی را که آفرید مرا پس بدرستیکه زود باشد که راه نماید مرا ۲۷ و گردانید ابراهیم کلمهٔ توحید را که گفته بود سخنی پاینده در عقب خود یعنی در میان اعقاب فرزندان خود شاید ایشان برگردند باعتقاد پدر خود در توحید و اخلاص ۲۸ بلکه برخورداری دادم ایشان را یعنی کفار قریش و پدران ایشان را تا آمد ایشان را سخن راست که کلمهٔ توحید و قرآن است و پیغمبری که ظاهر است ۲۹ و چون آمد ایشان را سخن راست گفتند این قرآن سحر است و بدرستیکه ما بآن قرآن کافرانیم ۳۰ و گفتند چرا فرو نفرستاد خدا این قرآن را بر مردی که از دو ده مکه و طائف

وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ١٠ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
يَشَآءُ وَيَقْدِرُ اِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١١ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصّٰى بِهِ نُوحًا
وَالَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى وَعِيسٰى اَنْ اَقِيمُوا
الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ اِلَيْهِ اَللّٰهُ يَجْتَبِي
اِلَيْهِ مَنْ يَشَآءُ وَيَهْدِي اِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ١٣ وَمَا تَفَرَّقُوا اِلَّا مِنْ بَعْدِ
مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى
لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّ الَّذِينَ اُورِثُوا الْكِتٰبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
١٤ فَلِذٰلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَهُمْ وَقُلْ اٰمَنْتُ بِمَا
اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ وَاُمِرْتُ لِاَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا اَعْمَالُنَا
وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ ١٥ وَالَّذِينَ
يُحَآجُّونَ فِي اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ
عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ١٦ اَللّٰهُ الَّذِي اَنْزَلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ وَ
الْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ١٧ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِهَا وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ اَنَّهَا الْحَقُّ اَلَا اِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ
فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلٰلٍ بَعِيدٍ ١٨ اَللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَآءُ وَ



هو القوي العزيز ١٩ من كان يريد حرث الاخرة نزد له في حرثه و
من كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما له في الاخرة من نصيب ٢٠
ام لهم شركاء شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله ولولا كلمة
الفصل لقضي بينهم وان الظالمين لهم عذاب اليم ٢١ ترى الظالمين
مشفقين مما كسبوا وهو واقع بهم والذين امنوا وعملوا الصالحات
في روضات الجنات لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك هو الفضل
الكبير ٢٢ ذلك الذي يبشر الله عباده الذين امنوا وعملوا الصالحات
قل لا اسألكم عليه اجرا الا المودة في القربى ومن يقترف حسنة
نزد له فيها حسنا ان الله غفور شكور ٢٣ ام يقولون افترى على الله
كذبا فان يشا الله يختم على قلبك ويمح الله الباطل ويحق الحق بكلماته
انه عليم بذات الصدور ٢٤ وهو الذي يقبل التوبة عن عباده و
يعفوا عن السيئات ويعلم ما تفعلون ٢٥ ويستجيب الذين امنوا و
عملوا الصالحات ويزيدهم من فضله والكافرون لهم عذاب شديد ٢٦
ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الارض ولكن ينزل بقدر ما
يشاء انه بعباده خبير بصير ٢٧ وهو الذي ينزل الغيث من بعد ما قنطوا



وينشر رحمته وهو الولي الحميد ٢٨ ومن آياته خلق السموات و
الأرض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم إذا يشاء قدير ٢٩ وما
أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيديكم ويعفوا عن كثير ٣٠ وما أنتم بمعجزين
في الأرض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ٣١ ومن آياته الجوار
في البحر كالأعلام ٣٢ إن يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره إن في
ذلك لآيات لكل صبار شكور ٣٣ أو يوبقهن بما كسبوا ويعف عن
كثير ويعلم الذين يجادلون في آياتنا ما لهم من محيص ٣٤ فما أوتيتم من
شيء فمتاع الحيوة الدنيا وما عند الله خير وأبقى للذين آمنوا وعلى
ربهم يتوكلون ٣٥ والذين يجتنبون كبائر الإثم والفواحش وإذا ما
غضبوا هم يغفرون ٣٦ والذين استجابوا لربهم وأقاموا الصلوة و
أمرهم شورى بينهم ومما رزقناهم ينفقون ٣٧ والذين إذا أصابهم
البغي هم ينتصرون ٣٨ وجزاء سيئة سيئة مثلها فمن عفا وأصلح
فأجره على الله إنه لا يحب الظالمين ٣٩ ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك
ما عليهم من سبيل ٤٠ إنما السبيل على الذين يظلمون الناس ويبغون
في الأرض بغير الحق أولئك لهم عذاب أليم ٤١ ولمن صبر وغفر إن ذلك

لمن عزم الامور ٤٣ ومن يضلل الله فما له من ولي من بعده وترى
الظالمين لما راوا العذاب يقولون هل الى مرد من سبيل ٤٤ وتريهم
يعرضون عليها خاشعين من الذل ينظرون من طرف خفي وقال الذين
امنوا ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم واهليهم يوم القيمة الا ان
الظالمين في عذاب مقيم ٤٥ وما كان لهم من اولياء ينصرونهم من دون
الله ومن يضلل الله فما له من سبيل ٤٦ استجيبوا لربكم من قبل ان
ياتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجا يومئذ وما لكم من نكير ٤٧
فان اعرضوا فما ارسلناك عليهم حفيظا ان عليك الا البلاغ وانا اذا
اذقنا الانسان منا رحمة فرح بها وان تصبهم سيئة بما قدمت ايديهم
فان الانسان كفور ٤٨ لله ملك السموات والارض يخلق ما يشاء
يهب لمن يشاء اناثا ويهب لمن يشاء الذكور ٤٩ او يزوجهم ذكرانا و
اناثا ويجعل من يشاء عقيما انه عليم قدير ٥٠ وما كان لبشر ان يكلمه الله
الا وحيا او من وراء حجاب او يرسل رسولا فيوحي باذنه ما يشاء
انه علي حكيم ٥١ وكذلك اوحينا اليك روحا من امرنا ما كنت تدري
ما الكتاب ولا الايمان ولكن جعلناه نورا نهدي به من نشاء من

بزرگ قدر باشد یعنی صاحب مال و منال و خدم و حشم باشد ۳۱ آیا ایشان قسمت میکنند رحمت پروردگار تو را ما قسمت میکنیم میان ایشان روزی
ایشان را در زندگانی دنیا و برافراشتیم بعضی از ایشان را بالای بعضی دیگر مدرجه‌ها یعنی یکی را غنی و دیگری را فقیر و یکی را حر و دیگری را عبد قرار دادیم تا اینکه بگیرند بعضی
از ایشان بعضی دیگر را مسخر سازنده و رام کننده و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع میکنند ۳۲ و اگر نبودی اینکه باشند مردمان یک گروه بر کفر یعنی
اختیار کفر بر ایمان و اختیار حب دنیا بر آخرت نمایند هر آینه قرار میدادیم از برای آنانکه کافر شدند بخدای بخشاینده مر سقف خانهای ایشان را از نقره و نردبانها
از نقره که بر آن نردبانها بالا بروند یعنی در پیش رأفت خدا و بخشش او قدری نداشت که سقف خانه‌های ایشان را نقره کنیم ۳۳ و از برای خانه‌های ایشان درها
و تخته‌هائی از نقره که بر آن تختها تکیه کنند ۳۴ و طلا ساختمی یعنی اصل آن از نقره و آرایش آن از زر سرخ و نیست همه آنچه مذکور شد مگر برخورداری زندگانی
دنیا که در صدد زوال و فناست و آخرت یعنی بهشت جاویدان نزد پروردگار تو از برای پرهیزکارانست ۳۵ و هر که چشم پوشد از یاد خدای
بخشنده بگماریم از برای او شیطانی را پس آن شیطان مر او را همنشین است ۳۶ و بدرستی که آن شیاطین هر آینه باز میدارند ایشان را از
راه راست و پندارند که ایشان راه یافته‌گانند یعنی گمان میکنند که دیوان از اهل هدایت‌اند یا خودشان هدایت شدگانند ۳۷ تا اینکه
چون بیاید ما را یعنی آن چشم پوشنده و شیطان گوید آن غاشی بشیطان خود ای کاش بودی میانهٔ من و میان تو دوری مغرب تا
مشرق پس بد همنشینی است شیطان ۳۸ و نفع نمیکند هرگز شما را امروز چون ستم کردید شما بدرستیکه شما در عذاب شریکانید ۳۹ آیا
پس تو ای محمد می‌شنوانی کران را یا راه مینمائی کوران را و هر که را باشد در گمراهی آشکاری ۴۰ پس اگر ببریم تو را ای محمد بجوار رحمت
خودمان پیش از اینکه تو از کفار انتقام بکشی پس بدرستیکه ما از ایشان انتقام کشندگانیم ۴۱ یا اگر بنمائیم تو را آنچه وعده دادیم
ایشان را پس بدرستی که ما بر ایشان از قادرانیم ۴۲ پس چنگ در زن بآن چیزی که وحی شده است بسوی تو بدرستیکه تو بر راهی
هستی که راست است ۴۳ و بدرستی که آن وحی که قرآنست هر آینه ذکری است یعنی شرف و عزتی است از برای تو و از برای طائفه
تو یعنی قوم تو و زود باشد که پرسیده شوید ای بندگان از قیام نمودن بحق آن و تعظیم کردن احکام آن ۴۴ و بپرس احوال کسانی را
که فرستادیم پیش از تو از پیغمبران خودمان آیا گردانیدیم از جز خدای بخشنده خدایانی دیگر که پرستیده شوند ۴۵ و هر آینه بتحقیق

بسوی فرعون و بزرگان قوم او پس گفت موسی بدرستیکه من رسول پروردگار عالمیانم ۴۶ پس چون آمد موسی ایشان را با معجزات ما آنگاه ایشان
از آن معجزات میخندیدند ۴۷ و نمی‌نمودیم ایشان را از معجزه مگر که آن بزرگتر بود از مانند آن که پیش از او نموده بودیم و گرفتیم ما ایشان را یعنی قوم فرعون را
بعذاب شاید ایشان برگردند بسوی خدا ۴۸ و گفتند فرعونیان بموسی ای جادوکننده بخوان از برای ما پروردگار خود را بآنچه عهد کرده نزد تو بدرستیکه ما
هر آینه راه یافته‌گانیم یعنی اگر عذاب از ما رفع شود بتو ایمان میآوریم ۴۹ پس چون برداشتیم از ایشان عذاب را آنگاه ایشان می‌شکستند عهد خود را ۵۰ و ندا نمود
فرعون در قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست از برای من پادشاهی شهر مصر و این نهرها و رود نیل که جاری میشود از زیر قصرهای من آیا پس نمی‌بینید ۵۱ بلکه من بهترم از آنکه
او خوار است در ملک من یعنی موسی ۵۲ و نیست نزدیک که روشن سازد سخن را بجهة بستگی زبانش ۵۳ پس چرا انداخته نشده است بر موسی دست‌بندها از طلا
یا چرا نیامده با او فرشتگان قرین او باشند بجهة مدد و اعانت او ۵۴ پس سبک عقل یافت فرعون قوم خود را پس اطاعت کردند قوم او را بدرستیکه ایشان بودند قومی
بدکاران ۵۵ پس چون بخشم آوردند ما را انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ایشان را تماما ۵۶ پس گردانیدیم ایشان را پیشرو کافران آینده و عبرتی از برای پسینیان که
حکایت ایشان را باز گویند و عبرت گیرند ۵۷ و چون زده شد به پسر مریم مثلی یعنی ابن زبعری چون عیسی را مثل زد و مجادله کرد با تو بپرستش ترسایان عیسی را آنگاه قوم تو یعنی کفار قریش
از آن مثل آواز بلند برکشیدند و آغاز فرح و خوشحالی نمودند ۵۸ و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا عیسی هرگاه او سنگریزهٔ جهنم باشد بتان ما نیز باشند نزدند آن مثل را از برای تو مگر برای
خصومت کردن بلکه ایشان گروهی دشمنی کنندگانند ۵۹ نیست عیسی مگر بنده‌ئی که انعام کردیم بر او بدادن منصب رسالت و گردانیدیم او را آیتی از برای بنی اسرائیل ۶۰ و اگر بخواهیم هر آینه
بگردانیم عوض از شما فرشتگانی را یعنی شما را هلاک کنیم و بدل شما فرشتگان پیدا کنیم در زمین که جانشین شما بشوند یعنی عیسی اگرچه غریب و عجیب است بنظر شما که بی پدر خلق شد ولی
خدای تعالی قادر است بر اینکه اعجب از او بیاورد که بی پدر و بی مادر باشند که آن فرشتگان هستند ۶۱ و بدرستی که عیسی هر آینه چیزیست
که بآن دانسته شود نزدیک شدن قیام قیامت پس شک نکنید البته بآن و پیروی کنید مرا یعنی تابع رسول من
شوید اینست راه راست ۶۲ و باید که باز ندارد البته شما را شیطان بدرستی که او مر شما را دشمنی آشکار است ۶۳ و چون آمد عیسی با

صفحه سیصد و هشتاد و پنجم

با معجزها گفت بتحقیق آمدم شما را بشریعتی با حکمت و برای اینکه هویدا کنم برای شما بعضی از آنچه را که اختلاف میکنید در آن پس بترسید از خدا و اطاعت
کنید مرا در آنچه بشما میرسانم از جانب حضرت عزت ۶۴ بدرستیکه خدا او است پروردگار من و پروردگار شما پس عبادت کنید او را اینست راه
راست ۶۵ پس اختلاف نمودند گروهها که فرق متعدده شدند بعد از عیسی از میان آنهائیکه مخاطب عیسی بودند پس وای از برای آنانکه ستم کردند
از عذاب روزی دردناک ۶۶ آیا انتظار نمیبرند احزاب بعد از ورود رسل و قرآن مگر قیامت را اینکه بیاید ایشان را ناگاه و ایشان ندانند آمدن
آن را ۶۷ کسانیکه از کفار در این دنیا دوستان یکدیگر بودند در آن روز قیامت بعضی از ایشان از برای بعضی دیگر دشمن باشند مگر
پرهیزکاران که ایشان در قیامت دوستان یکدیگر باشند ۶۸ ای بندگان من نیست ترسی بر شما امروز و نه شما اندوهناک شوید ۶۹
آنکسانی که ایمان آوردند بآیات ما و بودند مسلمانان ۷۰ داخل شوید بهشت را شما و زنهای شما در حالتی که شادمان باشید ۷۱ گردانیده
میشود بر اهل بهشت بکاسهای پهن از طلا و کوزهای بیدسته که از برای اصناف اشربه مهیا شده باشد و در آن بهشتاست آنچه آرزو کند
آنرا نفسها و لذت برد چشمها و شما در آن بهشت همیشه باشید ۷۲ و اینست بهشتی که میراث داده شدید آنرا بسبب آنچه بودید که میکردید
۷۳ مر شما راست در آن بهشت میوهای بسیار که از آن میخورید ۷۴ بدرستی که گناهکاران در عذاب جهنم همیشه هستند که سست کرده
نشود از ایشان عذاب و ایشان در آن عذاب ناامیدانند ۷۵ و ستم نکردیم ما ایشانرا ولیکن بودند ایشان ستمکاران ۷۶ و ندا
کنند اهل جهنم که ای مالک دوزخ درخواست کن تا حکم کند خدا برما پروردگار تو یعنی ما را بمیراند از این عذاب خلاص شویم گوید مالک
بدرستیکه شما درنگ کنندگانید ۷۸ هرآینه بتحقیق آوردیم شما را براستی یعنی فرستادیم سخن راست درست را بر زبان پیغمبران خود
ولیکن بیشتر شما مر سخن حق را ناخواهان بودید ۷۹ بلکه محکم کرده بودند کاری را که آن ابطال حق بود یا کیدی برای پیغمبر پس بدرستیکه
ما محکم کنندگانیم کاری را برای مکافات ایشان ۸۰ یا که گمان میکردند که ما نمی شنویم سر نهانی آنها را که در دل داشتند و سخن
آشکار ایشانرا که بطور سرگوشی بایکدیگر مشورت مینمودند آری و فرستادگان ما نزد ایشان و موکل ایشان بودند می نوشتند آن
اسرار را بامر ما ۸۱ بگو ای محمد جماعتی را که قائلند باینکه ملائکه دختران خدا هستند اگر باشد مر خدای بخشنده را

صفحه سیصد و هشتاد و ششم

فرزندی پس من اول عبادت کنندگانم ۸۲ پاکست پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش از آنچه وصف میکنند ۸۳ پس واگذار ایشانرا
صحبت دارند و بازی کنند تا ملاقات کنند روز شانرا که وعده داده میشوند ۸۴ و او است آنکه در آسمان خداست و در زمین خداست و او است
درست کردار دانا ۸۵ و بزرگوار است آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست و نزد او است دانستن قیامت و بسوی
او بازگردیده میشوید ۸۶ و مالک نمیباشند آنانکه میخوانند از جز خدا شفاعت را مگر آنکه گواهی داده باشد بحق که توحید است و ایشان میدانند ۸۷
و هرآینه اگر بپرسی از ایشان که کی آفریده ایشانرا هرآینه گویند البته خدا پس چگونه گردانیده میشوند از عبادت او ۸۸ و نزد خداست دانستن قول رسول که گفت
ای پروردگار من بدرستیکه آنها گروهی هستند که ایمان نمیآورند ۸۹ پس اعراض کن از دعوت ایشان و بگو سلام یعنی میانه من و شما سلامتی است پس زود باشد که
بدانند عاقبت شرک و کفر خود را وقتی که عذاب بر ایشان نازل شود

سوره دخان مشتمل بر پنجاه و نه آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم قسم باسماء حسنی و بقرآن هویدا ۲ بدرستیکه ما فرو فرستادیم قرآن را در شبی که با برکت است بدرستی که ما هستیم بیم
دهندگان بفرستادن قرآن ۳ در آن شب فصل داده شود هر کار حکم کرده شده ۴ امری حاصل از نزد ما بدرستیکه ما بودیم
از فرستندگان قرآن ۵ بجهت بخشایشی از جانب پروردگار تو بدرستیکه خدا او شنونده داناست ۶ پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست
در زمین است اگر هستید یقین کنندگان و تحقیق نمایندگان علوم ۷ نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شماست و پروردگار
پدران نخستین شماست ۸ بلکه ایشان در شکند و شبهه دارند و در آنچه با نان خبر دادیم بازی و استهزا میکنند ۹ پس انتظار بکش برای
ایشان روزیکه بیاورد آسمان دودی ظاهر ۱۰ فرو گیرد مردم را اینست عذاب دردناک ۱۱ ای پروردگار ما بردار از ما عذاب را

عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ٥٢ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ

سورة الزخرف تسع وثمانون آية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حم ١ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٣
وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ٤ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن
كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ٥ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ٦ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن
نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٧ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ
الْأَوَّلِينَ ٨ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ
الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ٩ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا
لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ١٠ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ
بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ١١ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ
لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ١٢ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا
نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا
كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ١٣ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ١٤ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا



إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ١٥ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ١٦
وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ١٧
أَوَمَن يُنَشَّؤُا فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ١٨ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ
الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ
١٩ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا
يَخْرُصُونَ ٢٠ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ٢١ بَلْ قَالُوا إِنَّا
وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ٢٢ وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا
مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ
وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ٢٣ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمْ
عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ٢٤ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ٢٥ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ
مِّمَّا تَعْبُدُونَ ٢٦ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ٢٧ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً
بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٢٨ بَلْ مَتَّعْتُ هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ
جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ٢٩ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا
بِهِ كَافِرُونَ ٣٠ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ

عظيم ٣١ أهم يقسمون رحمت ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحيوة

الدنيا ورفعنا بعضهم فوق بعض درجٰت ليتخذ بعضهم بعضا سخريا

ورحمت ربك خير مما يجمعون ٣٢ ولولا أن يكون الناس أمة واحدة

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سقفا من فضة ومعارج عليها

يظهرون ٣٣ ولبيوتهم أبوابا وسررا عليها يتكئون ٣٤ وزخرفا وإن

كل ذلك لما متاع الحيوة الدنيا والاخرة عند ربك للمتقين ٣٥ ومن

يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين ٣٦ وإنهم ليصدونهم

عن السبيل ويحسبون أنهم مهتدون ٣٧ حتى إذا جاءنا قال يليت بيني

وبينك بعد المشرقين فبئس القرين ٣٨ ولن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم

أنكم في العذاب مشتركون ٣٩ أفأنت تسمع الصم أو تهدي العمي ومن

كان في ضلال مبين ٤٠ فإما نذهبن بك فإنا منهم منتقمون ٤١ أو

نرينك الذي وعدناهم فإنا عليهم مقتدرون ٤٢ فاستمسك بالذي

أوحي إليك إنك على صراط مستقيم ٤٣ وإنه لذكر لك ولقومك

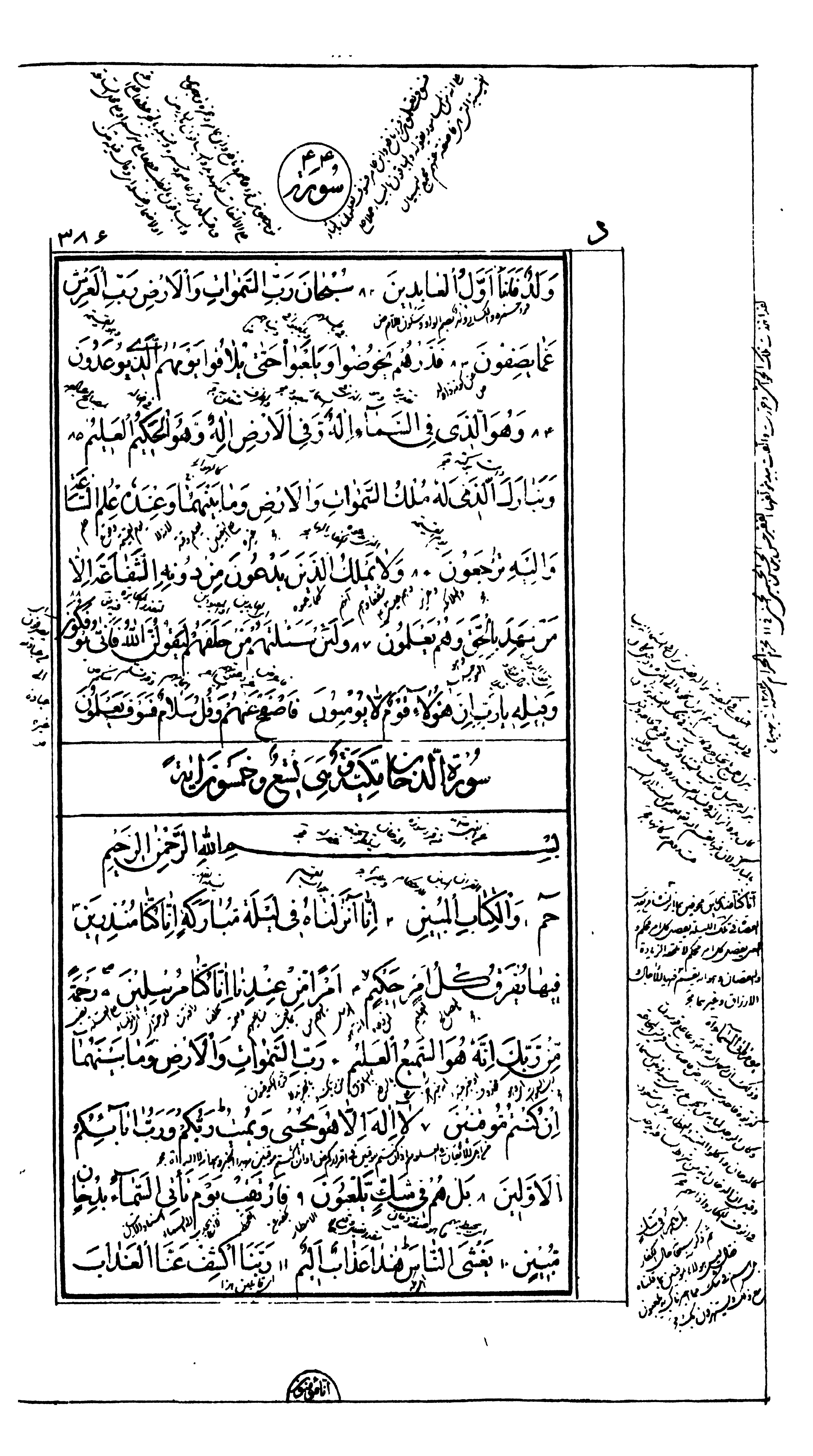
وسوف تسئلون ٤٤ وسئل من أرسلنا من قبلك من رسلنا

أجعلنا من دون الرحمن آلهة يعبدون ٤٥ ولقد أرسلنا موسى بايتنا



إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٦ فَلَمَّا جَاءَهُمْ
بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ٤٧ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا
وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٤٨ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ
لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ٤٩ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا
هُمْ يَنْكُثُونَ ٥٠ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ
وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ٥١ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي
هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ٥٢ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ
أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ٥٣ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ
كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ٥٤ فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ٥٥
فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ٥٦ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ
مِنْهُ يَصِدُّونَ ٥٧ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا
بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ٥٨ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا
لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ٥٩ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ٦٠
وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ٦١
وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ٦٢ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى

بالبينات قال قد جئتكم بالحكمة ولأبين لكم بعض الذي تختلفون
فيه فاتقوا الله وأطيعون ٦٤ إن الله هو ربي وربكم فاعبدوه
هذا صراط مستقيم ٦٥ فاختلف الأحزاب من بينهم فويل للذين
ظلموا من عذاب يوم أليم ٦٦ هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة
وهم لا يشعرون ٦٧ الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين ٦٨
يا عباد لا خوف عليكم اليوم ولا أنتم تحزنون ٦٩ الذين آمنوا بآياتنا
وكانوا مسلمين ٧٠ ادخلوا الجنة أنتم وأزواجكم تحبرون ٧١ يطاف
عليهم بصحاف من ذهب وأكواب وفيها ما تشتهيه الأنفس وتلذ
الأعين وأنتم فيها خالدون ٧٢ وتلك الجنة التي أورثتموها بما
كنتم تعملون ٧٣ لكم فيها فاكهة كثيرة منها تأكلون ٧٤ إن المجرمين
في عذاب جهنم خالدون ٧٥ لا يفتر عنهم وهم فيه مبلسون ٧٦ و
ما ظلمناهم ولكن كانوا هم الظالمين ٧٧ ونادوا يا مالك ليقض
علينا ربك قال إنكم ماكثون ٧٨ لقد جئناكم بالحق ولكن أكثركم
للحق كارهون ٧٩ أم أبرموا أمرا فإنا مبرمون ٨٠ أم يحسبون أنا لا
نسمع سرهم ونجواهم بلى ورسلنا لديهم يكتبون ٨١ قل إن كان للرحمن



وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ٨٢ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ
عَمَّا يَصِفُونَ ٨٣ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
٨٤ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ٨٥
وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٨٦ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا
مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ٨٧ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ
وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

سورة الدخان مكية وهي تسع وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حم ١ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ٢ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ٣
فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ٤ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ٥ رَحْمَةً
مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ٧ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ
الْأَوَّلِينَ ٨ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ٩ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ
مُبِينٍ ١٠ يَغْشَى النَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ١١ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ

إِنَّا مُؤْمِنُونَ ١٢ أَنَّىٰ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ١٣ ثُمَّ تَوَلَّوْا

عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ١٤ إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ

١٥ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ١٦ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ

فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ١٧ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ

أَمِينٌ ١٨ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ١٩ وَإِنِّي

عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ٢٠ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ٢١

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ٢٢ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ

٢٣ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ٢٤ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ

عُيُونٍ ٢٥ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ٢٦ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ٢٧

كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ٢٨ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ

وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ٢٩ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ٣٠

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ٣١ وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى

الْعَالَمِينَ ٣٢ وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ٣٣ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ

لَيَقُولُونَ ٣٤ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ٣٥ فَأْتُوا بِآبَائِنَا

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٣٦ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ ٣٧ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ

إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ٣٧ وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لٰعِبِينَ ٣٨ مَا خَلَقْنٰهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٣٩ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقٰتُهُمْ أَجْمَعِينَ ٤٠ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْـًٔا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ٤١ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللّٰهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٤٢ إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ٤٣ طَعَامُ الْأَثِيمِ ٤٤ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ٤٥ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ٤٦ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلٰى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ٤٧ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ٤٨ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ٤٩ إِنَّ هٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ٥٠ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ٥١ فِي جَنّٰتٍ وَعُيُونٍ ٥٢ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقٰبِلِينَ ٥٣ كَذٰلِكَ وَزَوَّجْنٰهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ٥٤ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فٰكِهَةٍ أٰمِنِينَ ٥٥ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولٰى وَوَقٰهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ٥٦ فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ٥٧ فَإِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٥٨ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ٥٩

سُورَةُ الْجَاثِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتٌّ وَثَلٰثُونَ اٰيَةً

عن أبي بن كعب عن النبي ﷺ قال من قرأ سورة الجاثية ستر الله عورته وسكن روعته عند الحساب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

حٰمٓ ١ تَنْزِيلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ٢ إِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ

ابن الحسنين عز
فصل الحق من الباطل
من قرابة وغيرها عن مولى كان عن شيئا من الاغناء
كثير الآثام وهو ابو جهل
السندس ما رق من الحرير والاستبرق ما غلظ منه
يطلبون ما يشتهون من الفواكه
والاستثناء منقطع
لانه عطاء عن المكاره وفوز بالمطالب فانما سهلنا القرآن
هذا العذاب ما كنتم تشكون فيه في الدنيا

٢ سواء وسط الشيء سمي سواء لاستواء المسافة بينه وبين اطراف المحيط به والتواء العدل

٣ ...

٤ قرأ اهل المدينة في مقام بالضم على انه المكان من اقامه والباقون بالفتح على ارادة المجلس

٥ ...

صفحهٔ سیصد و هشتاد و هفتم

بدرستیکه ما ایمان آورندگانیم ۱۲ چگونه بود مر ایشانرا پند گرفتن و حال اینکه بتحقیق آمد ایشانرا رسولی آشکار ۱۳ پس رو گردانیدند و اعراض کردند از او و گفتند آموخته شده است دیوانه یعنی جبیر و یسار که غلام اعجمی اند قرآن بوی تعلیم میدهند ۱۴ بدرستیکه ما بردارندهٔ عذاب ایشان باشیم در زمان اندکی یعنی بعد از چهل روز دفع آن عذاب نمائیم از ایشان بدرستیکه شما رجوع کنندگانید از عذاب حقیر بعذاب کبیر که عذاب جهنم است ۱۵ روزیکه بگیریم آنها را بعذاب بزرگ بدرستی که ما انتقام کشندگانیم ۱۶ و هر آینه بتحقیق در فتنه انداختیم پیش از کفار قریش قوم فرعون را و آمد ایشانرا پیغمبری بزرگوار یعنی موسی ۱۷ اینکه برسانید یعنی بفرستید بسوی من بندگان خود را یعنی بنی اسرائیل را بدرستیکه من برای شما فرستاده امینم ۱۸ و اینکه تکبر نکنید بر خدا بدرستیکه من آورنده ام شما را حجتی روشن آشکار ۱۹ و بدرستی که من پناه گرفتم بپروردگار خودم و پروردگار شما اینکه سنگسار کنید مرا یا بکشید مرا ۲۰ و اگر بمن گرویده نیستید پس کناره کنید از من ۲۱ پس خواند موسی پروردگار خود را اینکه این گروه قومی گناهکارانند ۲۲ پس ببر بندگان مرا در شب یعنی بنی اسرائیل را از شهر مصر بیرون ببر بدرستیکه شما از پی درآمده گانید یعنی بعد از انتشار خبر بیرون رفتن شما از شهر مصر فرعون و لشکرش از عقب شما میآیند ۲۳ و واگذار دریا را ساکن یعنی بعد از اینکه تو و قومت از دریا گذشتید دوباره عصا بزن که بصورت اول باز گردد بگذار همین طور بماند تا قبطیان داخل شوند بدرستیکه ایشان لشکری هستند غرق شدگان ۲۴ چه بسیار گذاشتند قبطیان از باغها و بوستانهای پر میوه و چشمه های آب گوارا ۲۵ و کشت زارهای پر از نعمت و جایگاههای نیکوی رفیع ۲۶ و نعمتی که بودند در آن نعمت و برخورداری شادی کنان ۲۷ همچنین است و میراث دادیم ما آن نعم و مقامات را بگروه دیگران ۲۸ پس گریه نکرد بر ایشان آسمان و زمین و نبودند ایشان مهلت داده شدگان ۲۹ و هر آینه بتحقیق نجات دادیم بنی اسرائیل را از عذاب خوار کننده ۳۰ که از فرعون با ایشان وارد میآمد بدرستیکه فرعون بود برتری جوینده از حد در گذرندگان ۳۱ و هر آینه بتحقیق برگزیدیم ما موسی و قوم او را بر دانشی یعنی در حالیکه بر دانش بودیم بر اینکه قوم بنی اسرائیل سزاوارند که ایشانرا برگزینیم بر جهانیان ۳۲ و دادیم ما ایشانرا از معجزات آنچه در آن نعمتی بود آشکار مثل ابر که سایه بر ایشان میانداخت و نزول من و سلوی ۳۳ بدرستیکه گروه قریش هر آینه میگویند ۳۴ نیست این یعنی عاقبت کار ما مگر مردن اول یعنی بعد از آن حسابی نخواهد بود و نیستیم ما زنده شدگان ۳۵ پس بیاورید پدران ما را اگر هستید راستگویان ۳۶ آیا ایشان بهترند یا قوم تبع که لشکری بودند با عدت و ابهت در نهایت کثرت و حشمت ۳۷ و آنانکه پیش از ایشان بودند هلاک کردیم ایشانرا

صفحهٔ سیصد و هشتاد و هشتم

بدرستی که ایشان بودند گناهکاران ۳۸ و نیافریدیم ما آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست در حالتی که بازی کنندگان باشیم ۳۹ نیافریدیم آسمان و زمین را مگر براستی و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند ۴۰ بدرستیکه روز جدا شدن حق از باطل هنگام جمع شدن آدمیانست در حالتی که همه مجتمع باشند در آنوقت ۴۱ روزی که دفع نکند هیچ دوستی از دوست خودش چیزی را و نه ایشان یاری کرده شوند ۴۲ مگر آنکه را که رحم کند خدا بدرستیکه خدا اوست غالب مهربان ۴۳ بدرستیکه درخت زقوم ۴۴ طعام گناهکارانست ۴۵ مانند چیزیست که گداخته شده باشد بآتش چون مس یا سایر فلزات که میجوشد اندر شکمها ۴۶ مثل جوشیدن آبی که جوشانست ۴۷ پس حکم کند خدا که بگیرید او را پس بکشید او را بمیان دوزخ ۴۸ پس از آن بریزید بالای سرش از عذاب آب جوشان ۴۹ بچش بدرستی که تو غالب قوم خودی بزرگواری بزعم خود یعنی مثل ابوجهل که میگفت از من بزرگوارتری نیست ۵۰ بدرستیکه این چشیدن عذاب است آنچه بودید شما که بآن شک میکردید ۵۱ بدرستیکه پرهیزکاران در جایگاه امنی هستند ۵۲ در بوستانها و چشمه های جاری ۵۳ میپوشند لباس از حریر و استبرق یعنی لباسهای بریشمین لطیف خوب در حالتی که مؤنسان و بروی یکدیگر نشسته باشند ۵۴ همچنین است بهشت و تزویج کردیم ما ایشانرا بزنان گشاده چشم ۵۵ میخوانند مؤمنین در آن بهشت بهر میوهٔ که بخواهند در حالیکه ایمن باشند ۵۶ نمی چشند در آن بهشت مرگ را مگر مردن اولین را و نگاهدارد ایشانرا خدا از عذاب دوزخ ۵۷ بجهة افزونی و تفضلی است که از پروردگار تو است نیست آن رستگاری بزرگ ۵۸ پس جز این نیست که آسان نمودیم قرآنرا بزبان تو شاید که قوم تو متذکر شوند ۵۹ پس انتظار ببر بدرستیکه ایشان منتظرند

سورهٔ جاثیه مشتمل بر سی و شش آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

حم فرود آمدن قرآن از خدای غالب درستکار است ۲ بدرستیکه در آسمانها و زمین هر آینه

نشانهائی است مر مؤمنان را ۳ و در آفریدن شما و آنچه پراکنده میکند از جنبندگان علاماتیست مر قومی را که یقین میکنند ۴
و اختلافات شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از روزی یعنی از باران که سبب روزیست پس زنده کرد بآن باران
زمین را بعد از مردن آن و گردانیدن بادها علاماتیست مر قومی را که دریابند ۵ اینست آیات قدرت خدا میخوانیم ما قرآنرا
بر تو براستی پس بکدام سخن بعد از سخن خدا و دلایل قدرت او ایمان میآورید ۶ وای از برای هر دروغگوی گناهکاریست ۷ میشنود
آیات خدا را که خوانده میشود بر او پس اصرار میکند یعنی ثابت قدم میشود در کفر و عصیان در حالتی که گردنکش است
گویا که هیچ نشنیده آن آیات را پس مژده بده او را بعذاب دردناک ۸ و چون بداند از آیتهای کتاب ما چیزی را
بگیرد آن را باستهزاء، آن گروه مر ایشانراست عذاب خوار کننده ۹ از پس ایشانست جهنم دفع نکند از ایشان آنچه
کسب کردند چیزی را از عذاب و نه آنچه را که گرفته باشند از سوای خدا دوستان و مر ایشان راست عذابی بزرگ ۱۰ این
قرآن راه نماینده است و آنانکه کافر شدند بآیات پروردگار خودشان مر ایشانراست عذابی از سخت ترین عذابهای دردناک
۱۱ خدای بحق آنست که مسخر کرد برای شما دریا را تا برود کشتی در آن دریا بحکم او و تا طلب کنید و بجوئید از فضل او انواع نعمتها و جواهر
را از آن دریا و شاید شما شکر کنید ۱۲ و رام کرد از برای شما هرچه در آسمانها و هرچه در زمین است همه را در حالتی که حاصل از او
نه غیر او بدرستیکه در این رام بودن همه چیز برای مردمان هرآینه آیاتیست برای قومی که فکر میکنند ۱۳ بگو ای محمد مر آنانرا
که ایمان آوردند درگذرید مر آنان را که امید ندارند روزهای خدا را یعنی راضی بآن روزهائی که خدا انزال عذاب نموده
بر کافران و مشرکان نیستند تا اینکه پاداش بدهد خدا گروهی را بآنچه بودند که کسب میکردند ۱۴ هرکه کار خوب بکند پس
از برای نفس خود او است و هرکه بد بکند پس آن بدی بر خود او است پس از آن بسوی پروردگار خودتان بازگشت
میکنید ۱۵ و هرآینه بتحقیق دادیم ما بنی اسرائیل را تورات و حکمت نبوت و روزی دادیم ایشانرا از چیزهای پاکیزه و تفضیل دادیم ایشانرا بر جهانیان ۱۶

صفحهٔ سیصد و نودم

و دادیم ایشان را معجزه‌ها از کار دین پس اختلاف نکردند در دین مگر بعد از آن که آمد ایشان را
دانش بنبوت محمد ص بجهت عداوتی که ثابت بود در میان ایشان بدرستی که پروردگار تو حکم میکند میان
ایشان در روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند ۱۷ پس گردانیدیم ما تو را بر شریعتی از کار دین
پس متابعت کن آنرا و متابعت و پیروی مکن خواهشهای آنان را که نمیدانند ۱۸ بدرستی که ایشان دفع نمیکنند
از تو از عذاب خدا چیزی را و بدرستی ستمکاران بعضی از ایشان دوستان بعضی هستند و خدا دوستدار
پرهیزکارانست ۱۹ این قرآن بینائی‌هائی است برای مردمان و راهنما و رحمتی است از برای قومی که
یقین دارند ۲۰ آیا پنداشتند آنان که کسب کرده اند بدیها را که کفر و سایر معاصی است اینکه بگردانیم
ایشان مثل آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته کردند یکسان است زندگانی ایشان و
مردنشان بد است آنچه حکم میکنند که حال خود را با مؤمنان مساوی میدانند ۲۱ و آفرید خدا آسمانها
و زمین را براستی و تا اینکه پاداش داده شود هر نفسی بآنچه کسب کرده و ایشان ستم کرده نمیشوند ۲۲ آیا پس دیدی کسی را که گرفته
خدای خود را از روی خود یعنی هواهای نفسانی خود را خدای خودش قرار داده است و فرو گذارد او را خدا بر دانشی و مهر کرد بر گوش
او و بر دل او و گردانید بر چشم او پرده پس کیست که راه بنماید او را بعد از خدا آیا پس پند نمیگیرید ۲۳ و گفتند نیست این زندگانی مگر زندگانی
ما در حیات دنیا میمیریم و زنده میشویم و هلاک نمیکند ما را مگر دور زمان و نیست برای ایشان بآن بیانات که میکنند هیچ دانشی نیستند
ایشان مگر اینکه گمان میکنند و از گمان بی اصل خودشان حرفی میگویند ۲۴ و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما که واضحند نباشد حجت ایشان
مگر اینکه گویند که بیاورید پدران ما را اگر هستید شما راستگویان ۲۵ بگو ای محمد خدا زنده میکند شما را بعد میمیراند شما را بعد جمع میکند شما را
تا روز قیامت که نیست شکی در آن روز و لیکن بیشتر مردم نمیدانند ۲۶ و از برای خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و روزیکه برپا شود قیامت در آن روز

لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ٣ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

٤ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا

بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ٥ تِلْكَ

آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ

وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ٦ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا

كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٨ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا

هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ٩ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا

كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ١١ اللَّهُ الَّذِي

سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ ١٢ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي

ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٣ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ١٤ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ

أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ١٥ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ

وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ١٦ وَ

٣ قل للذين آمنوا
مفعول القول محذوف
لدلالة الجواب عليه و
المعنى قل لهم اغفروا
يغفروا أي يعفوا ...
[illegible]



اٰتيناهم بينٰت من الامر فما اختلفوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا

بينهم ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ١٧ ثم

جعلناك على شريعة من الامر فاتبعها ولا تتبع اهواء الذين لا يعلمون

١٨ انهم لن يغنوا عنك من الله شيئا وان الظالمين بعضهم اولياء بعض

والله ولي المتقين ١٩ هذا بصائر للناس وهدى ورحمة لقوم يوقنون

٢٠ ام حسب الذين اجترحوا السيات ان نجعلهم كالذين امنوا وعملوا

الصالحات سواء محياهم ومماتهم ساء ما يحكمون ٢١ وخلق الله السموات

والارض بالحق ولتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون ٢٢ افرايت

من اتخذ الهه هويه واضله الله على علم وختم على سمعه وقلبه و

جعل على بصره غشوة فمن يهديه من بعد الله افلا تذكرون ٢٣ و

قالوا ما هي الا حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا الا الدهر و

ما لهم بذلك من علم ان هم الا يظنون ٢٤ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات

ما كان حجتهم الا ان قالوا ائتوا بابائنا ان كنتم صادقين ٢٥ قل الله

يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ولكن اكثر الناس

لا يعلمون ٢٦ ولله ملك السموات والارض ويوم تقوم الساعة يومئذ

يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ ٢٧ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٢٨ هَٰذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٢٩ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ٣٠ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ ٣١ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ٣٢ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٣٣ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ٣٤ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ٣٥ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٣٦ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

سورة الأحقاف مكية وهي ثلثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حم ١ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ٢ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ

قل ارايتم ما تدعون من دون الله اروني ماذا خلقوا من الارض ام
لهم شرك في السموات ائتوني بكتاب من قبل هذا او اثارة من علم ان
كنتم صادقين ٤ ومن اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب
له الى يوم القيمة وهم عن دعائهم غافلون ٥ واذا حشر الناس كانوا
لهم اعداء وكانوا بعبادتهم كافرين ٦ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات
قال الذين كفروا للحق لما جاءهم هذا سحر مبين ٧ ام يقولون افتريه
قل ان افتريته فلا تملكون لي من الله شيئا هو اعلم بما تفيضون فيه
كفى به شهيدا بيني وبينكم وهو الغفور الرحيم ٨ قل ما كنت بدعا من
الرسل وما ادري ما يفعل بي ولا بكم ان اتبع الا ما يوحى الي وما
انا الا نذير مبين ٩ قل ارايتم ان كان من عند الله وكفرتم به وشهد
شاهد من بني اسرائيل على مثله فامن واستكبرتم ان الله لا يهدي
القوم الظالمين ١٠ وقال الذين كفروا للذين امنوا لو كان خيرا ما
سبقونا اليه واذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا افك قديم ١١ و
من قبله كتاب موسى اماما ورحمة وهذا كتاب مصدق لسانا عربيا
لينذر الذين ظلموا وبشرى للمحسنين ١٢ ان الذين قالوا ربنا الله ثم

صفحهٔ سیصد و نود و یکم

زیان میبرند تباه کاران ۲۷ و می بینی هر گروهی را بزانو در آمده هر امتی خوانده میشود بسوی نوشتهٔ خود یعنی بسوی نامهٔ اعمال او نوشته شده
است بآن خوانده میشود امروز جزا داده میشوید بآنچه بودید که میکردید ۲۸ این است کتاب ما که سخن میگوید بشما براستی بدرستیکه ما
بودیم که امر بنوشتن میکردیم حفظه را آنچه بودید شما که عمل میکردید ۲۹ پس آنانکه ایمان آوردند و عملهای شایسته
کردند پس داخل میکند ایشان را پروردگارشان در رحمت خودش اینست آن رستگاری ظاهر آشکار ۳۰ و اما آنانکه
کافر شدند آیا پس نبود آیات من که خوانده شود بر شما پس سرکشی کردید و بودید گروهی گناهکاران ۳۱ و چون گفته شود بدرستیکه
وعدهٔ خدا راست است و روز قیامت شکی نیست در آن گفتید نمیدانیم ما که چه چیز است قیامت که گمان نمی بریم مگر گمان
بردنی و نیستیم ما یقین کنندگان ۳۲ و هویدا شود مر ایشانرا بدیهای آنچه کردند و فرود آید بایشان جزای آنچه بودند که بآن
استهزاء میکردند ۳۳ و گفته شود امروز فراموش کنیم شما را یعنی خدای تعالی بواسطهٔ ملائکه بایشان گوید امروز فراموش کنیم یعنی
واگذاریم شما را در آتش همچنانکه فراموش کردید شما دیدن امروز خود را و جایگاه شما آتش است و نیست از برای شما هیچ یاری کنندهٔ
۳۴ این عذاب شما بجهة اینست که شما گرفتید آیات خدا را باستهزاء و فریفت شما را زندگانی دنیا پس امروز بیرون آورده نشوند از آتش و نه ایشان عذر
پذرفته شوند ۳۵ پس از برای خداست حمد که پروردگار آسمانها و پروردگار زمین است پروردگار جهانیان ۳۶ و از برای اوست بزرگواری در آسمانها و زمین و
اوست غالب درستکار

سورهٔ احقاف مشتمل بر سی و پنج آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

حم قسم است باسماء حسنی که فرو فرستادن قرآن از جانب خدای متعال غالب درستکار است ۲ نیافریدیم
آسمانها و زمین را و آنچه میان آسمان و زمین است مگر براستی و مدتی نام برده شده که آن روز قیامت است و آنانکه کافر شدند
از آنچه بیم کرده شدند اعراض کنندگانند یعنی کفار از شنیدن عذاب روز قیامت اعراض کننده اند و رو گردانند ۳

صفحهٔ سیصد و نود و دوم

بگو ای پیغمبر آیا دیدید شما آنچه میخوانید از غیر خدا از سایر معبودان بنمائید مرا که چه آفریده اند از زمین یا مر آنها راست یعنی بتان را است شرکتی
در آسمانها بیاورید مرا کتابی که پیش از این قرآن باشد یا بیاورید مرا بقیه از اثر علم یعنی خطی که باقیمانده باشد از علوم پیشینیان
اگر هستید شما راستگویان ۴ و کیست گمراه تر از آنکه میخواند از غیر خدا کسی را که اجابت نکند مر او را تا روز قیامت و بتان از خواندن
کفار ایشانرا بی خبرانند ۵ و چون محشور شوند مردم باشند آن معبودان باطل مر ایشانرا دشمنان و باشند آن بتان از عبادت بت پرستان
کافران یعنی در روز قیامت بتان انکار کنند عبادت بت پرستان را و گویند که شما ما را نپرستیدید بلکه هوای خود را میپرستیدید ۶ و آنهنگام که
خوانده شود بر مشرکان آیات ما که ظاهر است گویند آنانکه کافر شدند مر سخن حق را آنهنگام که آمد ایشانرا یعنی در آنوقت گویند اینست سحر آشکار روشن
۷ یا میگویند بر بافته است محمد قرآنرا بگو ای پیغمبر اگر بر بافته باشم آنرا پس مالک نشوید شما برای من از خدا چیزی را او داناتر است بآنچه شروع میکنید سخن را
در آن از قدح و طعن در آیات قرآن بس است خدا بآن گواه میانهٔ من و میانهٔ شما و اوست آمرزندهٔ مهربان ۸ بگو ای محمد نیستم من تازه پیدا شده از انبیاء
و نمیدانم چه خواهد شد بمن و نمیدانم چه خواهد شد بشما پیروی نمیکنم مگر آنچه وحی کرده شد بسوی من و نیستم من مگر بیم کنندهٔ آشکار ۹ بگو چگونه می بینید اگر باشد این
قرآن از نزد خدا و کافر شده باشید بآن و گواهی داده باشد گواهی از بنی اسرائیل یعنی عالم از علمای بنی اسرائیل گواهی بر آن داده باشد بر آنچه مانند قرآن است
که آن آیات توریت است که مصدق قرآن است پس ایمان آورده باشد آن عالم بنی اسرائیل و سرکشی کرده باشید شما بدرستیکه خدا راه نمینماید گروه ستمکاران را ۱۰ و گفتند
آنانکه کافر شدند از برای آنانکه ایمان آوردند که اگر می بود دین اسلام بهتر از طریقهٔ ما که بنی عامر و غطفان هستیم سبقت نمی جستند بر ما بسوی آن دین یعنی قبایلی که ایمان آوردند
نمی گرویدند و ما ایمان آورده بودیم و چون راه نیافتند بقرآن پس زود باشد که بگویند این قرآن دروغی است که پیشینیان گفته اند ۱۱ و پیش از قرآن توریت موسی است که
پیشوای مردم و رحمتی از جانب خداوند بود و این قرآن تصدیق کننده است توریت موسی را و بزبان عربیت تا آنکه بترساند آنانرا که ستم
کردند و مژده دهنده است قرآن مر نیکوکاران را ۱۲ بدرستیکه آن کسانی که گفتند پروردگار ما خداست پس

پس ایستادند در این سخن پس نه ترسی است بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند ۱۳ این گروه یاران بهشت اند همیشه در آن بهشت باشند
پاداش با آنچه بودند که میکردند ۱۴ و فرمودیم انسان را به پدر و مادرش نیکوئی را برداشته است آنرا مادرش در حالت حمل بزحمت و زائیده است
آنرا بزحمت و مدت حمل او تا زمان شیر باز گرفتن طفلش سی ماه است تا چون برسد بنهایت قوت و برسد چهل سالگی را گفت ای پروردگار
من یعنی سزاوار است که بگوید پروردگارا الهام کن مرا اینکه شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و اینکه بکنم
کار شایسته که بپسندی آنرا و اصلاح کن از برای من در فرزندان من بدرستیکه من توبه کردم بسوی تو و بدرستیکه من از گردن
نهادگانم ۱۵ آنگروه کسانی هستند که می پذیریم از ایشان نیکوترین آنچه کردند و میگذریم از بدیهای ایشان در حالتیکه
میان اهل بهشت باشند وعده داد خدا وعده دادن راست در قبول طاعات و نجات از سیآت آن وعدهٔ که بودند وعده
داده میشدند در دنیا ۱۶ و آن کسی که گفت مر پدر یا مادر خود را دلتنگی و کراهت باد مر شما را آیا وعده میدهید مرا اینکه
بیرون آورده شوم یعنی برانگیزانند مرا زنده از قبر و حال اینکه بتحقیق گذشت قرنهای بسیار پیش از من و پدر و مادر استغاثه
کنند از خدا تا راه ایمان بفرزندان ایشان نماید وای بر تو ایمان بیاور بخدا بدرستیکه وعدهٔ خدا راست است پس میگوید
آنکس که نیست اینکه شما را وعده میدهید مگر افسانهای پیشینیان ۱۷ آنگروه کسانی هستند که راست شد بر ایشان کلمهٔ
عذاب در حالتی که معدود شدند در سلک گروهی چند از کفار که بتحقیق گذشته اند پیش از ایشان از جن و انس بدرستیکه ایشان بودند
زیان[illegible] ۱۸ و [illegible] مرتبهایست از ایشان [illegible] مؤمن و کافر مراتب [illegible] ست از آنچه کرده اند و تا تمام بدهد ایشان جزای کردارشان و ایشان
ستم کرده نشوند بنقصان ثواب [illegible] عقاب [illegible] ۱۹ [illegible] کرده شوند آنانکه کافر شدند بر آتش ببرد یعنی صرف چیزهای [illegible]
خود [illegible] مکانی [illegible] داشتید در دنیا و برخوردار [illegible] آن [illegible] پس امروز [illegible] داده میشوید عذاب خواری بسبب آنچه بودید که سرکشی
[illegible] بناحق و بسبب آنچه بودید [illegible] بیرون میرفتید [illegible] ۲۰ و یاد کن ای پیغمبر

صفحهٔ سیصد و نود و چهارم

[illegible] چون [illegible] در [illegible] و بتحقیق گذشتند [illegible] بر دریای
[illegible] و [illegible] پیغمبرانی [illegible] نپرستید مگر خدا را بدرستیکه من
[illegible] بر شما عذاب روز بزرگ را [illegible] ۲۱ [illegible] آمدی ما را [illegible] پس بیاور برما آنچه وعده میکنی اگر هستی تو
[illegible] ۲۲ [illegible] جز این نیست که علم [illegible] نزد خداست و میرسانم بشما آنچه را که فرستاده شدم بآن و لیکن من می بینم شما را قومی که نمی‌دانید ۲۳
[illegible] آنچیزی که موعود شده بودند از عذاب در حالتی که [illegible] در آسمان [illegible] رو آورنده بود وادیهای ایشانرا گفتند این ابریست ببارد
[illegible] است [illegible] آنچیزیست که تعجیل میکردید بآن از وقوع عذاب بادیست که در آن عذابیست دردناک ۲۴ که هلاک و نابود کند آن باد از غایت شدت
هر چیزی را بحکم پروردگار خود پس صبح [illegible] یعنی بجائی رسیدند که دیده نمیشد از وجود خودشان و اموال آنها مگر منازلشان که عابرین بجز منزلهای ایشان چیزی
نمی‌دیدند خودشان و اموالشان همه نابود و هلاک شدند همچنین جزا میدهیم گروه گناهکاران را ۲۵ و هر آینه بتحقیق تمکین دادیم ما قوم عاد را در آنچه که تمکین ندادیم
[illegible] قریش در آن چیز که قوت و [illegible] و شوکت و کثرت اموال و طول اعمار باشد و گردانیدیم از برای ایشان گوش و چشمها و دلها پس
[illegible] یعنی وقوع نکرد از ایشان گوش ایشان و نه چشمهای ایشان و نه دلهای ایشان هیچ چیزی را از عذاب آن گناه که بودند
که [illegible] میکردند آیات خدا و فرو رفت ایشان [illegible] آنچه بودند که بآن استهزاء میکردند ۲۶ و هر آینه بتحقیق هلاک کردیم آنچه گرداگرد
یعنی اطراف شما بود از اهل دهها و گردانیدیم آیات را یعنی تکرار کرده بودیم آیتهای خود را بر اهل قری تا شاید ایشان بازگشت
کنند بسوی خدا ۲۷ پس چرا یاری نکردند ایشان را آنانکه گرفتند مشرکین [illegible] ایشانرا از غیر خدا بجهة نزدیکی و تقرب بخدا آلهه و تا بنزا گم شدند از ایشان
و نیست [illegible] دروغ ایشان و آنچه بودند که دروغ بر می بافتند ۲۸ و چون گردانیدیم ما بسوی تو ای پیغمبر گروهی را از جن که می شنیدند قرآن را پس
چون حاضر شدند آنرا گفتند خاموش باشید پس چون گذرانده شد و قرائت قرآن تمام شد برگشتند بسوی قوم خودشان در حالتی که بیم کنندگان
بودند ۲۹ گفتند ای قوم ما بدرستیکه ما شنیدیم قرآنیرا که فرو فرستاده شده است بعد از موسی که تصدیق کننده است مر آنچیزی را که پیش از آن بوده است از کتب انبیا که

راه مینماید آن کتاب بسوی آنچه راست و درست است و بسوی راه راست ۳۰ ای گروه اجابت کنید خواننده خدا را یعنی محمد را و ایمان بیاورید بآن تا بیامرزد خدا از برای شما بعضی از گناهان شما را و پناه دهد شما را از عذاب دردناک ۳۱ و هر که اجابت نکند خواننده خدا را پس نیست بعاجز کننده خدا از تعذیب او در زمین و نیست مر او را از سوای خدا دوستانی آن گروه در گمراهی آشکارند ۳۲ آیا ندیدند اینکه خدای آنچنانی که خلق کرد آسمانها و زمین را و مانده نشد بآفریدن آنها قادر است بر اینکه زنده کند مردگان را آری بدرستیکه خدا بر هر چیز توانا است ۳۳ و یاد کن روزی که عرض کرده شوند آنانکه کافر شدند بر آتش آیا نیست این عذاب براستی گویند آری قسم بپروردگار ما گوید پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید که منکر دید بسخنان پیغمبران ۳۴ پس صبر کن ای محمد چنانچه صبر کردند صاحبان ثبات از پیغمبران و تعجیل مکن یعنی طلب شتاب زدگی مکن برای کفار قریش گویا ایشان روزیرا ببینند آنچه را که وعده داده میشوند ۳۵ درنگ نکردند در دنیا مگر یکساعت از روز دنیا اگرچه عمر دراز داشتند بقدر یکساعت برای ایشان نمودند آنچه بیان شد درین سوره تبلیغ رسالت است بکافران پس آیا هلاک میشود احدی مگر گروه بدکاران

سورهٔ محمد مشتمل بر چهل آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

آن کسانیکه کافر شدند و باز ایستادند از راه خدا یعنی مسلمان نشدند باطل نمود خدا کردار ایشانرا ۲ و آن کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و ایمان آوردند بآنچه فرو فرستاده شد بر محمد یعنی قرآن و آن قرآن راست است از جانب پروردگار ایشان پوشانید خدا از ایشان گناهانشانرا و اصلاح کرد حال ایشانرا در دنیا ۳ این اصلاح بسبب آنستکه آنانکه کافر شدند پیروی کردند باطل را و آنکسانیکه ایمان آوردند پیروی کردند حق را از پروردگارشان همچنین بیان میکند خدا برای مردم احوالشانرا ۴

صفحهٔ سیصد و نود و ششم

پس چون ملاقات کنید آنانرا که کافر شدند پس بزنید گردنهای ایشانرا گردن زدنی تا آنگاه که بسیار کشتید پس محکم کنید بند را برای کفار ۵ پس یا منت نهید منت گذاردنی بر ایشان بعد از اسیر کردنشان یا فدیه بگیرید از ایشان فدا گرفتنی یعنی مخیرید میان آزاد کردن و فدا گرفتن ایشان تا بگذارند اهل جنگ سلاح خود را یعنی تا جنگ موقوف شود و صلاح تو این است کار و اگر بخواهد خدا هر آینه انتقام کشد از ایشان و لیکن تا بیازماید بعضی از شما را ببعضی دیگر یعنی کافر را بدست مؤمن گرفتار کند تا بجهت مغلوب شدن ایمان بیاورد و مؤمن را بدست کافر گرفتار کند تا جهاد کند و بثواب اخروی برسد و آنانکه کشته شدند در راه خدا پس باطل نمیکند خدا کردار ایشانرا ۶ زود باشد که راه نماید ایشانرا و باصلاح آورد کار ایشانرا ۷ و داخل میکند ایشانرا ببهشت که تعریف کرد آن بهشت را برایشان ۸ ای کسانیکه ایمان آورده اید اگر یاری میکنید خدا را یعنی دین خدا را نصرت میدهد نصرت میدهد خدا شما را تا بر کفار غالب شوید و استوار میکند قدمهای شما را ۹ و آن کسانیکه کافر شدند پس نگونساری است مر ایشانرا و ضایع نمود کردار شانرا ۱۰ این یعنی نگونساری آنها بسبب اینست که ایشان کراهت داشتند آنچه را که فرو فرستاد خدا پس نابود کرد خدا کردار ایشانرا ۱۱ آیا پس سیر نکردند در زمین پس ببینند چگونه بود عاقبت آنانکه پیش از ایشان بودند که از بیخ بر کند خدا بر ایشان هر چه مختص بود با ایشان از انفس و اموال و اولاد و مر این کافرانراست مانند آن عاقبت ۱۲ این نابود شدن ایشان بسبب اینست که خدا دوست آنانست که ایمان آوردند و بدرستیکه کافران نیست دوستی برایشان ۱۳ بدرستیکه خدا داخل میکند آنانرا که ایمان آوردند و کارهای شایسته نمودند ببهشتهائی که جاریست از زیر درختان و قصور آن نهرها و آنانکه کافر شدند برخورداری می یابند و می خورند همچنانکه میخورند چهارپایان و آتش دوزخ منزلگاه است مر ایشانرا ۱۴ و بسا از اهل دهها که آنها سخت تر بودند از جهة توانائی و سطوت از اهل ده تو که مکه است آنچنان کسانیکه بیرون کردند ترا از آن که هلاک نمودیم ما ایشانرا بانواع عذابها پس نیست یاری کننده مر ایشانرا ۱۵ آیا پس آنکه باشد بر حجتی از پروردگار خودش که قرآنست مانند آن کسی است که زینت داده شده است از برای او بدی عملش و پیروی کردند خواهشهای خود را ۱۶ مانند بهشتی که وعده کرده شدند پرهیزکاران در آن جویها است از آب خوب که متغیر نیست رنگ و بوی آنها و نهرها است از شیری که متغیر نشده است طعم آن و نهرها از شراب که لذیذ و خوشگوار است از برای آشامندگان ۱۷ و نهرها از عسل صاف شده و مر ایشانراست در آن بهشت از همه

صفحهٔ ششصد نود و هفتم

میوه‌ها و آمرزش از پروردگارشان مثل کسی که جاوید باشد در آتش و چشانیده شود آبی داغ پس پاره کند آن آب جوش روده‌های ایشانرا ۱۸ و از این منافقانست کسانی که گوش فرا میدهند بسوی تو تا وقتی که بیرون از نزد تو گویند از برای آنانکه داده شدند علم شریعت را چه گفت پیغمبر در این وقت که نزدیکست یا یعنی ما فهم نکردیم اقوال پیغمبران را آن گروه کسانی هستند که مهر زده است خدا بر دلهای ایشان و متابعت کرده خواهشهای خود را ۱۹ و آنکسانیکه راه یافتند افزود خدا با ایشان هدایت را و داد با ایشان پرهیزکاری ایشان را ۲۰ پس آیا مینگرند مگر روز قیامت را اینکه بیاید ایشانرا ناگاه پس بتحقیق که آمد علامات روز قیامت پس کجا باشد مر ایشانرا چون آید ایشانرا پند یافتنشان ۲۱ پس بدان بدرستیکه نیست خدائی مگر خدا و آمرزش خواه برای گناهان خود از برای مؤمنین و زنان مؤمنه و خدا میداند جای گردیدن شما و آرامگاه شمارا ۲۲ و میگویند آنانکه ایمان آوردند چرا فرستاده نشد سوره پس چون فرستاده شود سورهٔ محکمی و ذکر کرده شود در آن سوره کارزار یعنی جنگ کردن با کفار می‌بینی آنان را که در دلهاشان ناخوشی است مینگرند بسوی تو نگریستن آن کسی که فرود آمده باشد بر او از مرگ پس سزاوارتر است مر ایشانرا فرمان برداری یا گفتاری نیکو ۲۳ پس چون جزم شد امر قتال پس اگر راست گویند با خدا هرآینه بود بهتر مر ایشانرا ۲۴ پس آیا متوقع است از شما ای اهل نفاق که اگر متولی امر مردمان شوید و حاکم ایشان گردید اینکه تباهی و فساد کنید در زمین و قطع کنید ارحام خود را یعنی ببرید از خویشان خودتان ۲۵ این گروه آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدا پس کر گردانید ایشانرا و کور کرد چشمهای ایشان را ۲۶ پس آیا تفکر نمیکنید قرآنرا بلکه بر دلهای ایشانست قفلهای آنها ۲۷ بدرستیکه آنانکه برگشتند بر پشتهاشان یعنی کافر شدند و از صفات پیغمبر که مردمانرا بآن خبر میدادند اعراض کردند بعد از آنکه ظاهر شد مر ایشانرا راه راست از نبوت شیطان آراست از برای ایشان و در نظر ایشان نیکو گردانید طریق عناد را و دراز گردانید امل و آرزوهای ایشانرا ۲۸ این کفر و طغیان ایشان بسبب آنست که گفتند از برای آنانکه کراهت نمودند از آنچه فرو فرستاد خدا زود باشد که فرمان بریم شمارا در بعضی کارها که آن مددکاری ماست شمارا در محاربه با پیغمبر و خدا میداند نهانی ایشانرا ۲۹ پس چگونه است وقتی

صفحهٔ ششصد نود و هشتم

میرانند ایشانرا فرشتگان میزنند بر رویهاشان و پشتهای ایشانرا بگرزهای آتشین ۳۰ این بسبب آنستکه ایشان پیروی نمودند آنچه را که بخشم آورد خدا را و کراهت داشتند خوشنودی خدا را پس نابود کرد عملهای ایشانرا ۳۱ بلکه گمان کردند آنانکه در دلهاشان مرضی است اینکه هرگز بیرون نکند خدا کینهای ایشانرا که نسبت به پیغمبر و اهل ایمان دارند ۳۲ و اگر بخواهیم هرآینه بنمائیم ایشانرا بتو پس هرآینه میشناسی ایشانرا بعلامتی که از ایشان دیده شود و هرآینه میشناسی ایشانرا البته در گردانیدن سخن از صواب و خدا میداند کردار شمارا ۳۳ و هرآینه بیازمائیم شمارا تا بدانیم جهاد کنندگان از شما و صبرکنندگانرا و بیازمائیم خبرهای شمارا از اعمال حسنه و افعال قبیحه ۳۴ بدرستیکه آنانکه کافر شدند و باز داشتند قوم خود را از راه خدا و مخالفت نمودند پیغمبر را بعد از آنکه ظاهر شد برای ایشان راه راست ضرر نمیرسانند خدا را چیزی و زود باشد که نابود کند کردار ایشانرا ۳۵ ای آنکسانیکه ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را و باطل نکنید کردار خود را ۳۶ بدرستیکه آنانکه کافر شدند و بازداشتند مردم را از راه خدا بعد از آن مردند و ایشان کافران بودند پس هرگز نیامرزد خدا مر ایشان را ۳۷ پس سست مشوید ای مؤمنان در حرب با کفار و مخوانید کفار را بسوی آشتی و دوستی و حال اینکه شما برترید و مزیت دارید و خدا با شماست و هرگز ناقص نکند خدا شمارا از ثواب کردار شما ۳۸ جز این نیست که زندگانی دنیا بازیچه و بیهوده است و اگر بگروید و پرهیز کنید میدهد خدا بشما مزدهای شمارا و نمیخواهد خدا بر مزد دادن شما مالهای شمارا ۳۹ اگر بخواهد خدا مال شمارا پس تأکید و مبالغه کند با شما که بخیلی کنید و بیرون آورد کینه‌های شمارا ۴۰ آگاه باشید شما آنانکه خوانده شوید بجهت اینکه انفاق کنید در راه خدا پس بعضی از شما کسی است که بخل میکند و هرکه بخل میکند پس جز این نیست که بخل میکند از نفس خودش یعنی نفع انفاق را از خودش دفع میکند و خدا بی نیاز است و شما فقیران و محتاجانید و اگر روی گردانید از آنچه مأمور شده‌اید از انفاق و ایمان و سایر تکالیف بدل گیرد خدا گروهی را که غیر شما باشند یعنی شمارا هلاک کند و گروهی دیگر بجای شما بیاورد پس از آن نباشند آنگروه مانند شما

اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١٣ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا جَزَآءً بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ١٤ وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ

اِحْسَانًا حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ كُرْهًا وَّوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهٗ وَفِصٰلُهٗ ثَلٰثُوْنَ

شَهْرًا حَتّٰٓى اِذَا بَلَغَ اَشُدَّهٗ وَبَلَغَ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِيْٓ اَنْ اَشْكُرَ

نِعْمَتَكَ الَّتِيْٓ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَ

اَصْلِحْ لِيْ فِيْ ذُرِّيَّتِيْ اِنِّيْ تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّيْ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ١٥ اُولٰٓئِكَ

الَّذِيْنَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّاٰتِهِمْ فِيْٓ اَصْحٰبِ

الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِيْ كَانُوْا يُوْعَدُوْنَ ١٦ وَالَّذِيْ قَالَ لِوَالِدَيْهِ

اُفٍّ لَّكُمَآ اَتَعِدٰنِنِيْٓ اَنْ اُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُوْنُ مِنْ قَبْلِيْ وَهُمَا

يَسْتَغِيْثٰنِ اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَيَقُوْلُ مَا هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيْرُ

الْاَوَّلِيْنَ ١٧ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِيْٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ

مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ١٨ وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا وَ

لِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ١٩ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَى النَّارِ

اَذْهَبْتُمْ طَيِّبٰتِكُمْ فِيْ حَيٰوتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ

الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُوْنَ ٢٠ وَاذْكُرْ

اخا عاد اذ انذر قومه بالاحقاف وقد خلت النذر من بين يديه ومن
خلفه الا تعبدوا الا الله اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم ٢١
قالوا اجئتنا لتأفكنا عن آلهتنا فأتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين
٢٢ قال انما العلم عند الله وابلغكم ما ارسلت به ولكني اريكم قوما
تجهلون ٢٣ فلما رأوه عارضا مستقبل اوديتهم قالوا هذا عارض
ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب اليم ٢٤ تدمر كل شيء بامر
ربها فاصبحوا لا يرى الا مساكنهم كذلك نجزي القوم المجرمين ٢٥ و
لقد مكناهم فيما ان مكناكم فيه وجعلنا لهم سمعا وابصارا و
افئدة فما اغنى عنهم سمعهم ولا ابصارهم ولا افئدتهم من شيء اذ كانوا
يجحدون بآيات الله وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ٢٦ ولقد اهلكنا
ما حولكم من القرى وصرفنا الآيات لعلهم يرجعون ٢٧ فلولا نصرهم
الذين اتخذوا من دون الله قربانا آلهة بل ضلوا عنهم وذلك افكهم
وما كانوا يفترون ٢٨ واذ صرفنا اليك نفرا من الجن يستمعون
القرآن فلما حضروه قالوا انصتوا فلما قضي ولوا الى قومهم منذرين
٢٩ قالوا يا قومنا انا سمعنا كتابا انزل من بعد موسى مصدقا لما بين يديه

يهدي الى الحق والى طريق مستقيم ٣٠ يا قومنا اجيبوا داعي الله

وامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم ويجركم من عذاب اليم ٣١ ومن لا يجب

داعي الله فليس بمعجز في الارض وليس له من دونه اولياء اولئك في

ضلال مبين ٣٢ اولم يروا ان الله الذي خلق السموات والارض

ولم يعي بخلقهن بقادر على ان يحيي الموتى بلى انه على كل شيء

قدير ٣٣ ويوم يعرض الذين كفروا على النار اليس هذا بالحق قالوا

بلى وربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ٣٤ فاصبر كما صبر

اولوا العزم من الرسل ولا تستعجل لهم كانهم يوم يرون ما يوعدون

لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون

سورة القتال مدنية وهي اربعون آية

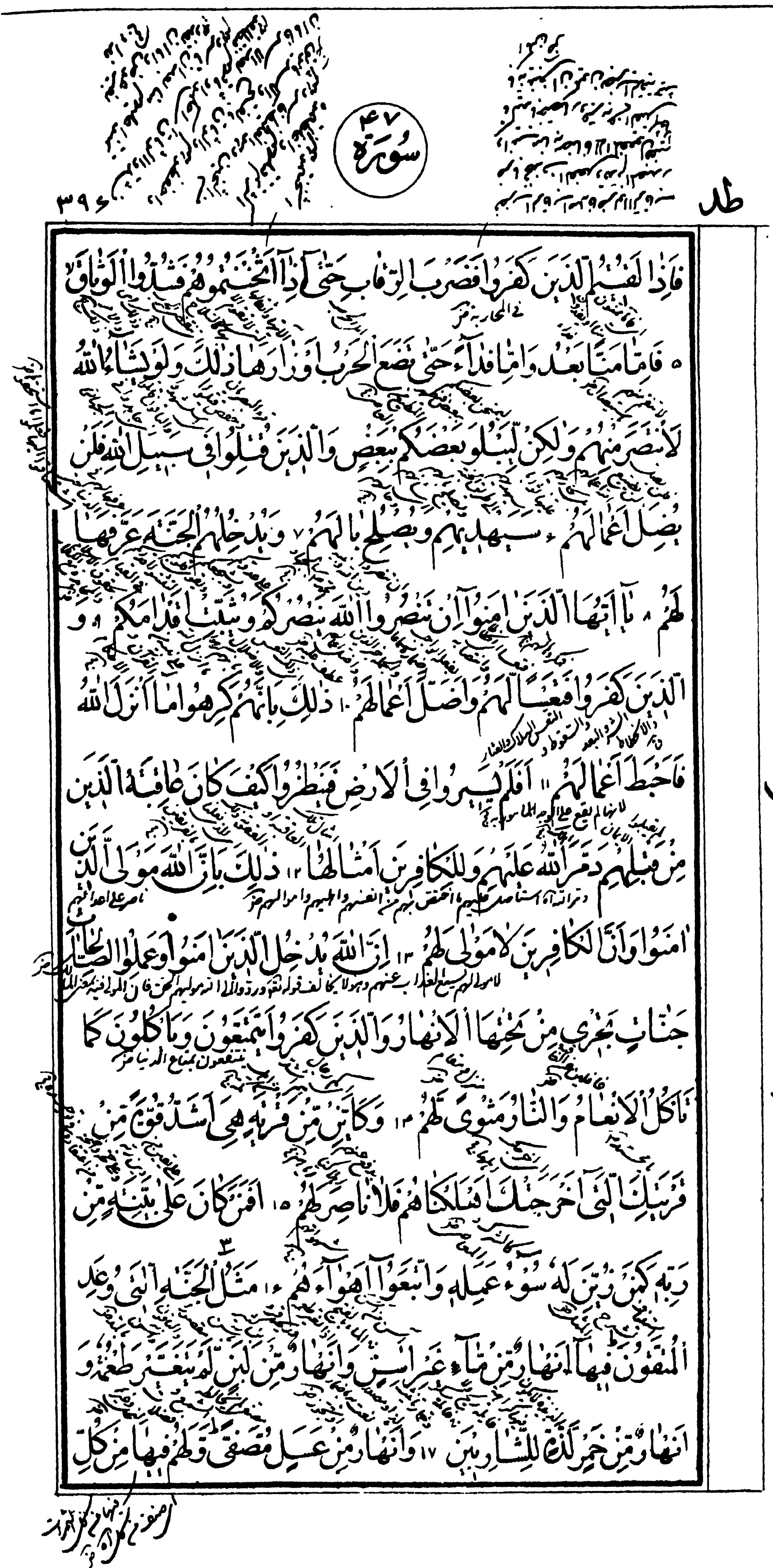
بسم الله الرحمن الرحيم

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله اضل اعمالهم ١ والذين امنوا و

عملوا الصالحات وامنوا بما نزل على محمد وهو الحق من ربهم كفر

عنهم سيئاتهم واصلح بالهم ٢ ذلك بان الذين كفروا اتبعوا الباطل

وان الذين امنوا اتبعوا الحق من ربهم كذلك يضرب الله للناس امثالهم ٣


٥ فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق
فاما منا بعد واما فداء حتى تضع الحرب اوزارها ذلك ولو يشاء الله
لانتصر منهم ولكن ليبلوا بعضكم ببعض والذين قتلوا في سبيل الله فلن
يضل اعمالهم ٦ سيهديهم ويصلح بالهم ٧ ويدخلهم الجنة عرفها
لهم ٨ يا ايها الذين امنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبت اقدامكم ٩ و
الذين كفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ١٠ ذلك بانهم كرهوا ما انزل الله
فاحبط اعمالهم ١١ افلم يسيروا في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين
من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين امثالها ١٢ ذلك بان الله مولى الذين
امنوا وان الكافرين لا مولى لهم ١٣ ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات
جنات تجري من تحتها الانهار والذين كفروا يتمتعون وياكلون كما
تاكل الانعام والنار مثوى لهم ١٤ وكاين من قرية هي اشد قوة من
قريتك التي اخرجتك اهلكناهم فلا ناصر لهم ١٥ افمن كان على بينة من
ربه كمن زين له سوء عمله واتبعوا اهواءهم ١٦ مثل الجنة التي وعد
المتقون فيها انهار من ماء غير اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه و
انهار من خمر لذة للشاربين ١٧ وانهار من عسل مصفى ولهم فيها من كل

حزب

سورهٔ فتح مشتمل بر بیست و نه آیه و در مدینه نازل شد

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بدرستیکه ما فتح کردیم از برای تو فتحی هویدا و آشکار یعنی مکه را فتح میکنیم ۲ تا بیامرزد خدا مر تو خدا آنچه گذشته است پیش از
فتح از گناه تو یعنی از ترک اولی و آنچه پس از آن واقع شده یعنی حقتعالی بیامن جهاد که سبب فتح است بیامرزد گناهان گذشته
و آیندهٔ که از امت تو صادر شود و تمام گرداند بفضل عمیم نعمت خود را بر تو و راه نماید تو را راه راست ۳ و یاری کند تو را خدا یاری
کردنی غالب ۴ او است آن خدائی که فرستاد چیزی را که موجب سکونت بود در دلهای مؤمنین تا زیاد کنند ایمان را با ایمان خود یعنی
بجهت رسوخ عقیده افزون سازند یقین خود را با یقین دیگر در حین دیدن آنچه موعود شده بودند از وقوع فتوح متعاقبه و برای خدا است
لشکرهای آسمانها و زمین و باشد خدا دانای درستکار ۵ تا درآورد مردان مؤمن و زنان مؤمنه را ببوستانهای مملو از اشجار که میرود
از زیر آن اشجار یا از زیر قصور آن بهشت نهرها در حالتی که جاوید مانند در آن بهشت و برای اینکه بپوشاند از ایشان بدیهای ایشان را و باشد
این خلود در بهشت نزد خدا رستگاری بزرگ ۶ و عذاب میکند مردان منافق و زنان و زنان منافقه را و مردان مشرک و زنان مشرکه
را که گمان برندگانند بخدا گمان بد را بر آنها باد گردش بد و خشم گرفت خدا بر ایشان و لعن کرد ایشان را و آماده کرد از برای ایشان جهنم را
و بد بازگشتی است جهنم ۷ و از برای خدا است لشکرهای آسمانها و زمین و باشد خدا غالب درستکار در قهر و انتقام خود ۸ بدرستیکه
ما فرستادیم تو را که گواه و مژده دهنده و بیم کننده باشی ۹ تا بگروید بخدا و رسول او و تقویت نمائید دین او را و بزرگ دارید فرمان
او را و تسبیح کنید یعنی بپاکی یاد کنید او را بامداد و شبانگاه ۱۰ بدرستیکه آنانکه بیعت میکنند تو را جز این نیست که بیعت میکنند خدا را
دست خدا بالای دست ایشانست یعنی دست پیغمبر که در حکم دست خدا است بالای دست ایشانست پس هر که بشکند بیعت را
پس جز این نیست که می شکند عهد را بر نفس خود یعنی ضرر آن شکستن عهد عاید خود او شود و هر که وفا کند بآنچه عهد کرده است بر آن خدا پس زود باشد
که بدهد او را مزدی بزرگ ۱۱ زود باشد که بگویند از برای تو بازماندگان از اعراب مشغول ساخت ما را دلهای ما و کسان ما پس طلب آمرزش کن از برای ما

میگویند بزبانهای خود شان آنچه را که نیست در دلهای ایشان بگو ای محمد پس کیست که مالک شود از برای شما و تواند که دفع کند از مشیت
خدا چیزی را اگر بخواهد خدا برای شما ضرری را یا بخواهد برای شما نفعی را بلکه هست خدا بآنچه میکنید آگاه ۱۲ بلکه گمان کردید شما اینکه هرگز
برنگردند پیغمبر و مؤمنین بسوی کسان خود شان بمدینه هرگز و زینت داده شد این گمان در دلهای شما و گمان کردید گمان بدی و گردیدید شما
گروه هلاکشدگان ۱۳ و هر که ایمان نیاورد بخدا و رسول خدا پس بدرستیکه ما آماده کردیم از برای کافران آتش افروخته سوزانی را ۱۴ و از
برای خدا است سلطنت آسمانها و زمین میآمرزد هر که را میخواهد و عذاب میکند هر که را میخواهد و باشد خدا آمرزندهٔ مهربان ۱۵ زود باشد که بگویند
بازماندگان چون بروید شما بسوی غنیمتهائی تا اینکه بگیرند آن غنایم را بگذارید ما را تا متابعت کنیم شما را میخواهند اینکه تغییر بدهند سخن خدا را
که فرموده بود غیر اهل حدیبیه برای حرب نروند و اخذ غنیمت ننمایند بگو ای محمد هرگز متابعت نخواهید کرد ما را همچنین فرمود خدا پیش از این پس زود باشد
که بگویند بلکه حسد میبرند ما را بلکه هستند که نمیفهمند مگر اندکی را ۱۶ بگو ای پیغمبر از برای بازماندگان از عربهای بادیه نشین زود باشد که خوانده شوید بسوی
قومی که صاحب کارزار سختند کارزار کنید ایشان را یا مسلمان شوند پس اگر فرمان برید یعنی اطاعت کنید میدهد شما را خدا مزدی نیکو و اگر روی
بگردانید همچنانکه روی گردانیدید پیش از این عذاب میکند خدا شما را عذابی دردناک ۱۷ نیست بر کور گناهی و بر لنگ گناهی است
و نه بر ناخوش گناهی است و هر که اطاعت میکند خدا و رسول خدا را داخل میکند او را ببهشتهائیکه جاریست از زیر درختان آن نهرها و هر که رو بگرداند
عذاب میکند خدا او را عذابی دردناک ۱۸ هر آینه بتحقیق خوشنود شد خدا از مؤمنین چون بیعت نمودند از زیر درخت سمره پس میداند خدا آنچه در
دلهای ایشانست از خلوص عقیدت پس فرو فرستاد سکون و آرامی را بر ایشان و پاداش داد بایشان فتحی نزدیک را که آن فتح خیبر
است تا بگیرند ۱۹ و غنیمتهای بسیار که میگیرند آن را و باشد خدا غالب درستکار ۲۰ وعده داد شما را خدا غنیمتهای بسیار که

بگیرید

صفحهٔ چهارصد و یکم

بگیرید آنها را پس شتاب نمود از برای شما این را یعنی این غنیمت خیبر را زود بشما رساند و باز داشت دستهای مردم را از شما یعنی طایفهٔ بنی غطفان
واهل خیبر را که خوف در دلهای ایشان انداخت که در حصارهای خود نشستند و برای جنگ بیرون نیامدند و شما از زحمت جنگ مصون ماندید و تا باشد نشانهٔ مر گروندگان
را و هدایت میکند شما را براه راست ۲۱ و وعده کرد شما را خدا غنیمتهای دیگر که هنوز قادر نشده اید بر آن خدا آنها را که غنایم روم و فارس و مداین و کنوز کسری و کمر است بتحقیق
احاطه کرده است علم خدا بآنها و باشد خدا بر هر چیز توانا ۲۲ و اگر جنگ کنند با شما آنانکه کافر شدند هر آینه گردانیدندی پشتهای خود را یعنی هزیمت جستندی
پس از آن نیافتندی دوستی و نه یاری کننده ۲۳ سنت نهاده است خدا آنچنان سنتی که بتحقیق گذشت پیش از این یعنی همیشه انبیاء و امم ایشان بر اعدا غالب
باشند اهل طاعت منصور و اهل معصیت مخذول و هرگز نخواهی یافت از برای سنت خدا تبدیل و تغییری ۲۴ و او خدای آنچنانیست که باز داشت دستهای
کفار مکه را از شما و باز داشت دستهای شما را از ایشان در وادی مکه یعنی در حدیبیه بعد از اینکه غالب نمود شما را و ظفر داد بر ایشان و باشد خدا بآنچه میکنید بینا
۲۵ ایشانند آنانکه کافر شدند و باز داشتند شما را از دخول مسجد الحرام و منع کردند شتران قربانی را در حالتی که باز داشته بودند از اینکه برسند بمحل خودش یعنی بمکان
نحر و اگر نبودند مردان گرونده و زنان گرونده که ندانید شما ایشانرا و بر ایمانشان وقوف و اطلاع ندارید بجهة اختلاط با مشرکان و آن هفتاد مرد و زن بودند
که کتمان ایمان از مشرکان میکردند اینکه زیر پا بگیرید آن مؤمنین را و هلاک شوند پس برسد شما را از کشتن ایشان افسوس و اندوه در حالتی که بی علم باشید از احوال
آن مؤمنین تا داخل کند خدا در رحمت خودش هر که را بخواهد که صلح کنند اهل مکه و طریقه مسالمت پیش بگیرند اگر جدا شده بودند مؤمنان از کفار که معلوم
بود مؤمنین کدامند هر آینه عذاب میکردیم ما آنانرا که کافر شدند از اهل مکه عذابی دردناک ۲۶ و یاد کن ای محمد چون گردانیدند آنانکه کافر
شدند در دلهای خودشان حمیت را غیرت جاهلیت یعنی سهل بن عمرو و حویطب بن عبد العزی و مکرز بن حفص راضی نشدند در مصالحه نامه بسم الله
نوشته شود و محمد رسول خدا نویسند و مؤمنین از این فقره بر آشفتند پس فرو فرستاد خدا آرام و سکون خود را بر پیغمبر خودش و بر مؤمنین و لازم
نمود با ایشان سخن پرهیزکاری را که کلمهٔ لا اله الا الله است و بودند مؤمنین سزاوارتر بآن کلمه تقوی و اهل آن کلمه بودند و باشد خدا بهر چیزی دانا ۲۷
هر آینه بتحقیق راست نمود خدا برسول خود خواب را براستی که هر آینه درآیند البته در مسجد الحرام انشاء الله در حالتی که ایمن باشید
و تراشیده باشید سرهای خود را و تقصیر کنندگان باشید یعنی ناخن و موی خود را بچینید که نترسید از کسی پس داند خدا آنچه را که
نمیدانید شما پس گردانید خدا از سوای این فتح فتح و گشایشی نزدیک که آن صلح حدیبیه است ۲۸ او است آنخدائی که فرستاد

صفحهٔ چهارصد و دویم

رسول خود را براستی و دین راست که اسلام است تا اینکه ظاهر و هویدا کند یعنی غالب گرداند دین اسلام را بر سایر دینها همگی و بس
است خدا گواه بودن ۲۹ محمد پیغمبر خدا است و آن کسانیکه با او هستند سخت دلان هستند بر کافران رحیم دلان اند میان خودشان می بینی
ایشانرا بسیار راکع و ساجد میخواهند تفضلی را از خدا و خوشنودی را علامت ایشان در رویهای ایشا نست از اثر سجده نمودن این صفات
مذکوره صفات مؤمنین است در کتاب تورات و این صفات مذکور است در انجیل که کتاب عیسی است و ایشان مثل دانهٔ کشته شده
هستند که بیرون آورده شاخه های خود را که در نهایت باریکی و ضعیفی باشد پس قوی و برومند گرداند آنرا پس سطبر و غلیظ شود پس راست
بایستد بر ساقهای اصول خود و تعجب میکنند زارعین از قوت و سطبری آن یعنی پیغمبر و اصحاب او که در اول کار ضعیف بودند کم کم قوی شدند تا بر
عالمیان غالب شدند تا اینکه بخشم آورد بسبب قوت و حشمت ایشان کفار را وعده کرد خدا آنکسانیرا که ایمان آوردند و کارهای خوب کردند از ایشان آمرزش و مزدی بزرگ را

سورهٔ حجرات مشتمل بر هجده آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ای آنکسانیکه ایمان آورده اید پیش میندازید خود را در هیچ امری نزد خدا و رسول خدا و بپرهیزید از خدا بدرستیکه شنونده داناست ۲ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بلند نکنید صداهای خودرا
بالای آواز پیغمبر و بلند نکنید از برای او گفتار مثل بلند حرف زدن بعضی از شما از برای بعضی دیگر یعنی ادب پیدا کنید و سلوک بی ادبی در پیش پیغمبر تکلم نکنید که نابود شود کردارهای شما و حال اینکه
شما نمیدانید ۳ بدرستیکه آنانکه پست میکنند صداهای خود را یعنی آهسته میکنند سخن خود را نزد رسول خدا آنگروه کسانی هستند که امتحان کرد خدا دلهای ایشانرا از برای پرهیزکاری مر ایشانراست آمرزش
و مزدی بزرگ ۴ بدرستیکه آنانکه ندا میکنند ترا از پس حجرها بیشتر ایشان نمیفهمند ۵ و اگر اینکه ایشان صبر کنند تا بیرون آئی بسوی ایشان هر آینه بهتر است مر ایشانرا و خدا آمرزنده مهربانست
۶ ای کسانیکه ایمان آورده اید اگر

بیاور

الثمرات ومغفرة من ربهم كمن هو خالد في النار وسقوا ماء حميما
فقطع امعاءهم ١٨ ومنهم من يستمع اليك حتى اذا خرجوا من عندك قالوا
للذين اوتوا العلم ماذا قال انفا اولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا
اهواءهم ١٩ والذين اهتدوا زادهم هدى واتاهم تقواهم ٢٠ فهل ينظرون
الا الساعة ان تاتيهم بغتة فقد جاء اشراطها فانى لهم اذا جاءتهم ذكراهم
٢١ فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات و
الله يعلم متقلبكم ومثواكم ٢٢ ويقول الذين امنوا لولا نزلت سورة
فاذا انزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال رايت الذين في قلوبهم
مرض ينظرون اليك نظر المغشي عليه من الموت فاولى لهم طاعة
وقول معروف ٢٣ فاذا عزم الامر فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم ٢٤
فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا في الارض وتقطعوا ارحامكم ٢٥
اولئك الذين لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم ٢٦ افلا يتدبرون القران
ام على قلوب اقفالها ٢٧ ان الذين ارتدوا على ادبارهم من بعد ما تبين
لهم الهدى الشيطان سول لهم واملى لهم ٢٨ ذلك بانهم قالوا للذين كرهوا
ما نزل الله سنطيعكم في بعض الامر والله يعلم اسرارهم ٢٩ فكيف اذا

قد وقع الفراغ من تحرير تلك الحواشي في ليلة ١٣ شهر محرم الحرام سنة ١٣٨٤
في سپاهان ان شاء الله تعالى لسافر الى الشيراز غدا بمصاحبة النواب الاشرف
الارفع الاميرزاده سلطان اويس ميرزا قاجار ابقاه الله تعالى بيد الفقير
حسن بن المحسن الحسيني الحسني

سورة ٤٧

تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ٣٠ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا
مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ٣١ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي
قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ٣٢ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ
فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ٣٣ وَ
لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ٣٤ إِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا
تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ ٣٥ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ٣٦ إِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
لَهُمْ ٣٧ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ
يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ٣٨ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا
يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ٣٩ إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ
تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ ٤٠ هَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ
اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ
الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

١ اللحن الاصوات المصوغة الموضوعة على الالحان ويكون اللحن في قراءة طرب فيها والعدول الخطا في القرائة

٢ وصدوا عن سبيل الله اي منعوا اتباع دين الله ومنعوا غيرهم عن اتباعه بالقهر تارة وبالاغواء اخرى

٣ لن يتركم لن يضيع اعمالكم من وترت الرجل اذا قتلت قريبه ... بتقطيع ثواب العمل وافراده منه ... المنقطع بالعزلة عن غيره

٤ ها انتم يا من المؤمنين هؤلاء الموصوفون وقوله تدعون استيناف مقرر لذلك او صلة لهؤلاء ... ويدعوهم لنفقة الغزو والزكاة وغيرهما



سورة الفتح تسع وعشرون آية وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ١ لِّيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ
وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ٢ وَيَنصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا
عَزِيزًا ٣ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا
مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ٤ لِّيُدْخِلَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ٥ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ
الْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ
وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ٦ وَلِلَّهِ جُنُودُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ٧ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا
وَنَذِيرًا ٨ لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ٩
إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا
يَنكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ١٠
سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا

يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم قل فمن يملك لكم من الله شيئا إن أراد

بكم ضرا أو أراد بكم نفعا بل كان الله بما تعملون خبيرا ١١ بل ظننتم أن لن ينقلب

الرسول والمؤمنون إلى أهليهم أبدا وزين ذلك في قلوبكم وظننتم ظن السوء

وكنتم قوما بورا ١٢ ومن لم يؤمن بالله ورسوله فإنا أعتدنا للكافرين سعيرا ١٣

ولله ملك السماوات والأرض يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء وكان الله غفورا

رحيما ١٤ سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا نتبعكم

يريدون أن يبدلوا كلام الله قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل فسيقولون

بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون إلا قليلا ١٥ قل للمخلفين من

الأعراب ستدعون إلى قوم أولي بأس شديد تقاتلونهم أو يسلمون

فإن تطيعوا يؤتكم الله أجرا حسنا وإن تتولوا كما توليتم من قبل يعذبكم عذابا

أليما ١٦ ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج و

من يطع الله ورسوله يدخله جنات تجري من تحتها الأنهار ومن يتول

يعذبه عذابا أليما ١٧ لقد رضي الله عن المؤمنين إذ يبايعونك تحت الشجرة

فعلم ما في قلوبهم فأنزل السكينة عليهم وأثابهم فتحا قريبا ١٨ ومغانم

كثيرة يأخذونها وكان الله عزيزا حكيما ١٩ وعدكم الله مغانم كثيرة

تأخذونها فعجل لكم هذه وكف أيدي الناس عنكم ولتكون آية
للمؤمنين ويهديكم صراطا مستقيما ٢١ وأخرى لم تقدروا عليها
قد أحاط الله بها وكان الله على كل شيء قديرا ٢٢ ولو قاتلكم الذين كفروا
لولوا الأدبار ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا ٢٣ سنة الله التي قد خلت
من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا ٢٤ وهو الذي كف أيديهم عنكم
وأيديكم عنهم ببطن مكة من بعد أن أظفركم عليهم وكان الله بما تعملون
بصيرا ٢٥ هم الذين كفروا وصدوكم عن المسجد الحرام والهدي معكوفا
أن يبلغ محله ولولا رجال مؤمنون ونساء مؤمنات لم تعلموهم أن
تطئوهم فتصيبكم منهم معرة بغير علم ليدخل الله في رحمته من يشاء لو
تزيلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذابا أليما ٢٦ إذ جعل الذين كفروا
في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سكينته على رسوله
وعلى المؤمنين وألزمهم كلمة التقوى وكانوا أحق بها وأهلها وكان
الله بكل شيء عليما ٢٧ لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن
المسجد الحرام إن شاء الله آمنين محلقين رءوسكم ومقصرين لا تخافون
فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا ٢٨ هو الذي أرسل

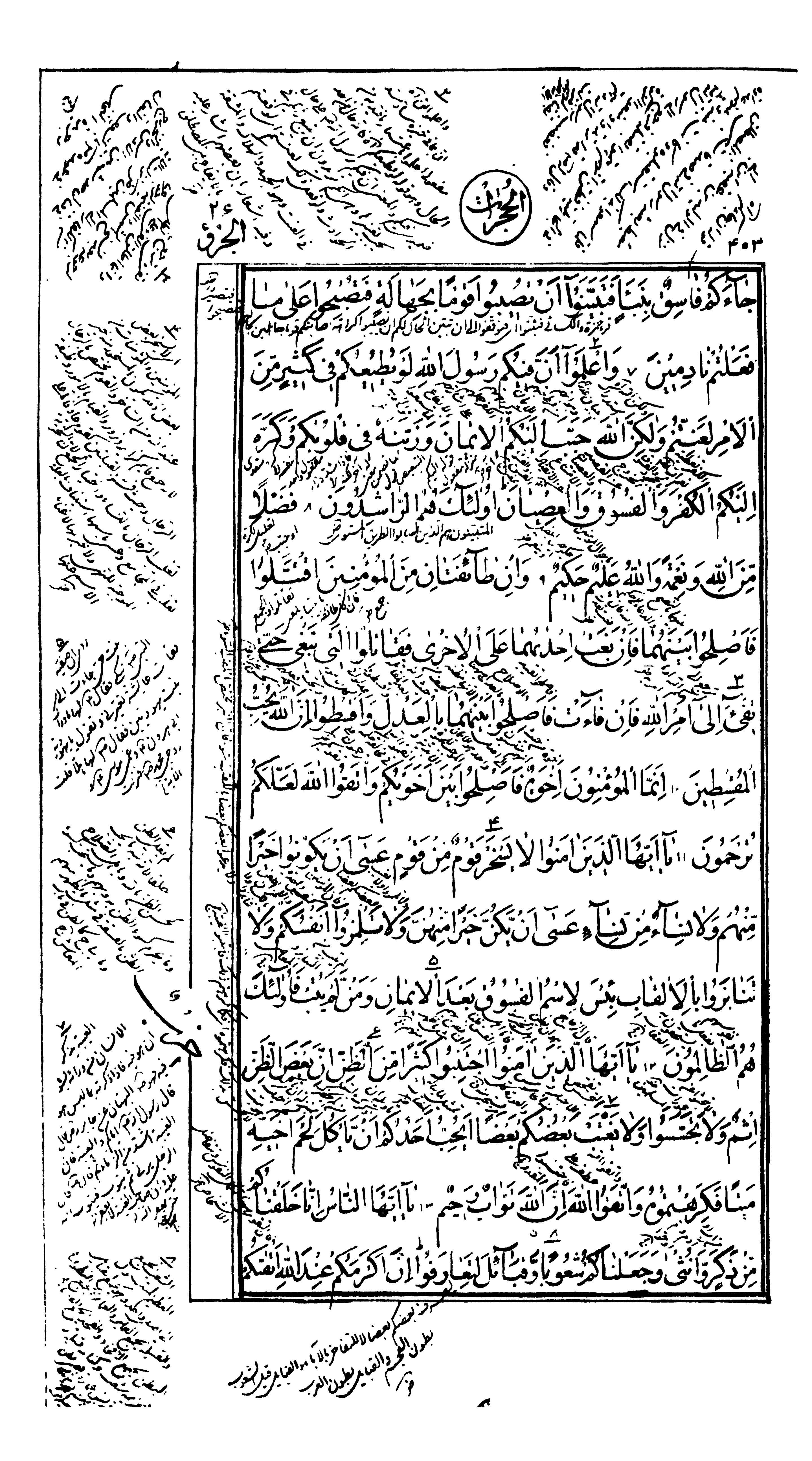


رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
شَهِيدًا ٢٩ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي
الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ
يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

سُورَةُ الْحُجُرَاتِ مَدَنِيَّةٌ وَثَمَانَ عَشْرَةَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ
النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ
وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ٣ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ
الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ٤ إِنَّ الَّذِينَ
يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ٥ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ
تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ



جاءكم فاسق بنبإ فتبينوا أن تصيبوا قوما بجهالة فتصبحوا على ما
فعلتم نادمين ٦ واعلموا أن فيكم رسول الله لو يطيعكم في كثير من
الأمر لعنتم ولكن الله حبب إليكم الإيمان وزينه في قلوبكم وكره
إليكم الكفر والفسوق والعصيان أولئك هم الراشدون ٧ فضلا
من الله ونعمة والله عليم حكيم ٨ وإن طائفتان من المؤمنين اقتتلوا
فأصلحوا بينهما فإن بغت إحداهما على الأخرى فقاتلوا التي تبغي حتى
تفيء إلى أمر الله فإن فاءت فأصلحوا بينهما بالعدل وأقسطوا إن الله يحب
المقسطين ٩ إنما المؤمنون إخوة فأصلحوا بين أخويكم واتقوا الله لعلكم
ترحمون ١٠ يا أيها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيرا
منهم ولا نساء من نساء عسى أن يكن خيرا منهن ولا تلمزوا أنفسكم ولا
تنابزوا بالألقاب بئس الاسم الفسوق بعد الإيمان ومن لم يتب فأولئك
هم الظالمون ١١ يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن إن بعض الظن
إثم ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضا أيحب أحدكم أن يأكل لحم أخيه
ميتا فكرهتموه واتقوا الله إن الله تواب رحيم ١٢ يا أيها الناس إنا خلقناكم
من ذكر وأنثى وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا إن أكرمكم عند الله أتقاكم

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ١٣ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ١٤ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ١٥ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١٦ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ١٧ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

سورة ق مكية وهي خمس وأربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ١ بَلْ عَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ٢ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ٣ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ٤ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ ٥ أَفَلَمْ يَنظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ ٦ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ٧ تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ٨ وَنَزَّلْنَا

بیاورد بشما مرد بدکاری خبری را پس تحقیق نمایید و صدق و کذب قول او را معلوم کنید که مبادا بمحض خبر دروغی طایفهٔ را که ایمان دارند بمحض قول غیر صحیح ایشان را کافر تصور کنید و در مقام آزار ایشان بر آیید که برسانید اذیت و آزار قومی را بنادانی که اگر اینطور بشود پس گردید بر آنچه کرده اید پشیمانان ۷ و بدانید اینکه در میان شما رسول خداست اگر فرمان برد شما را در بسیاری از کارها هرآینه در رنج افتید یعنی چون اکثر قول و فعل شما برای هوا و غضب است پس در جمیع امور اطاعت پیغمبر را مکنید و لیکن خدا دوست کرده است بسوی شما ایمان را و زینت داد ایمان را در دلهای شما و مکروه کرد بسوی شما کفر و بدکاریها و گناهان را و آنگروه ایشانند راه یافتگان ۸ فضلی است از جانب خدا و نعمتی است و خدا دانای درستکار است ۹ و اگر دو گروه از مؤمنین جنگ کنند با یکدیگر پس اصلاح کنید میانهٔ ایشان پس اگر ستم کند یکی از این دو طایفه بر دیگری پس جنگ کنید با آنانکه ستم می کنند تا برگردند بسوی فرمان خدا پس اگر برگردند گروه ستمکاران پس اصلاح کنید میانهٔ ایشان بالسویه و عدالت کنید بدرستی که خدا دوست دارد عادلان را ۱۰ جز این نیست که مؤمنان برادرند باهم پس اصلاح کنید میانهٔ برادران خود را و بترسید از خدا شاید شما رحم کرده شوید ۱۱ ای کسانیکه ایمان آورده اید باید که استهزا نکنند گروهی از شما قومی دیگر را شاید اینکه بوده باشند بهتر از ایشان و نه زنان که سخریه کنند زنان دیگر را شاید اینکه بوده باشند بهتر از ایشان و باید که طعنه نزنید و عیب نکنید نفسهای خود را یعنی اهل ملت خود را و باید که بدی نخوانید یکدیگر را بلقبهای زشت بد اسمی است آنچه متضمن فسق است بعد از ایمان یعنی کسی را بیهود و نصرانی و ترسا ملقب سازند بعد از ایمان و هر که توبه نکند پس آنگروه ایشانند ستمکاران ۱۲ ای کسانیکه ایمان آورده اید دور شوید و واگذارید بسیاری از گمان را بدرستیکه بعضی از گمان بد گناه است و جستجو مکنید و باید که غیبت نکند بعضی از شما بعضی دیگر را آیا دوست دارد یکی از شما اینکه بخورد گوشت برادر خود را که مرده باشد پس کراهت خواهید داشت او را و بترسید از خدا بدرستیکه خدا توبه پذیر مهربانست ۱۳ ای مردمان بدرستیکه ما خلق کردیم شما را از مرد و زنی که آدم و حوا باشند و گردانیدیم شما را شعبه ها و قبایل تا بشناسید یکدیگر را بدرستیکه گرامی تر شما نزد خدا پرهیزکارتر شماست

صفحهٔ چهارصد و چهارم

بدرستیکه خدا دانای آگاه است ۱۴ گفتند عربها گرویدیم ما بگو ای محمد نگرویده اید شما و لیکن بگویید اسلام آوردیم ما و هنوز در نیامده است ایمان در دلهای شما و اگر پیروی کنید خدا را و رسول خدا را کم نگرداند خدا از ثواب کردار شما چیزی را بدرستیکه خدا آمرزندهٔ مهربانست ۱۵ جز این نیست که گروندگان آنانکه گرویدند بخدا و رسول او پس شک نکردند در ایمان و جهاد نمودند با مالهای خود و نفسهای خود شان در راه خدا آنگروه ایشانند راستگویان ۱۶ بگو ای محمد میا موزید خدا بدین خود تان و حال اینکه خدا میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بهر چیزی داناست ۱۷ منت می نهند بر تو اینکه اسلام آوردند بگو منت مگذارید بر من اسلام خود تان را بلکه منت میگذارد بر شما اینکه راه نمود شما را برای ایمان اگر هستید راستگویان ۱۸ بدرستیکه خدا میداند پنهانی آسمانها و زمین را و خدا بیناست بآنچه میکنید

سورهٔ ق مشتمل بر چهل و پنج آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم بقرآن بزرگوار ۲ بلکه تعجب نمودند معاندان قریش اینکه آمد ایشان را ترسانندهٔ از آنها پس گفتند کافران این چیزیست عجیب ۳ گویند اگر بمیریم ما و باشیم خاک این برگشتن روح ببدن بازگشتنی است دور از عادت ۴ بتحقیق که ما میدانیم آنچه را که کم بگرداند زمین از ایشان یعنی پوست و گوشت و استخوان ایشان را زمین میخورد در اینصورت چگونه قادر نباشیم بر رجعت دادن ایشان و حال اینکه نزد ما است کتابی که نگاهدارنده است یعنی لوح محفوظ است که تمام چیزها در آن ثبت و ضبط است ۵ بلکه تکذیب کردند بقرآن مجید چون آمد سخن حق ایشان را پس ایشان در کاری شوریده اند یعنی گاهی قرآن را سحر و گاهی بشعر و گاهی بافسانه نسبت میدهند ۶ آیا پس نمی نگرند بسوی آسمان بالای سر ایشان چگونه بنا نمودیم آنرا و زینت دادیم آنرا یعنی بستاره های درخشان آسمان را مزین کردیم و نیست از برای آسمانها هیچ شکافها و گشادگیهائی ۷ و زمین را کشیدیم ما آنرا و افکندیم در آن زمین کوهها را و رویانیدیم در آن زمین از هر صنف نباتی آراسته و بهجت افزا ۸ بجهت بینائی و پند دادن مر هر بندهٔ بازگردندهٔ بخدا و تفکر نمایندهٔ در بدایع صنع الهی ۹ و فرود فرستادیم

از آسمان آبی را با برکت پس رویانیدیم ما بسبب آن آب بوستانها و دانهٔ که درو میشود یعنی گندم وجو و سایر حبوبات که درو میکنند و قوت مردم و سایر حیوانات است ۱۰ و درختهای خرما که بلند شونده است مر آن درختها راست شکوفهٔ متراکم یعنی شکوفهٔ بسیار بر روی هم که موجب کثرت میوه است ۱۱ روزی برای بندگان و زنده کردیم ما بآن آب زمین مرده را یعنی زمینی را که خشک و بی گیاه بود مثل اینکه مرده باشد همچنین است بیرون آمدن و مبعوث شدن شما ۱۲ تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب چاه پر از سنگ یعنی آنکسانیکه حنظلة بن صفوان پیغمبر خود را کشتند و توی چاه انداختند و آن چاه را پر از سنگ کردند و قوم ثمود که تکذیب صالح را نمودند ۱۳ و گروه عاد که تکذیب هود پیغمبر را نمودند و فرعون که تکذیب موسی نمود و برادران لوط و اصحاب ایکه یعنی یاران بیشه تکذیب شعیب را نمودند و گروه تبع یعنی گروه و لشکر انبوه که همگی تکذیب کردند پیغمبران را پس واجب شد وعید من یعنی آنچه وعده کرده بودم از عذاب که بایشان نازل شد پس حال قریش هم که در مقام تکذیب است هلاکت خواهد بود ۱۴ آیا درمانده شدیم بآفرینش اول تا فرو مانیم بآفرینش ثانی بلکه ایشان در شکند از آفرینش تازه ۱۵ و هر آینه بتحقیق آفریدیم ما انسان را و میدانیم آنچه وسوسه میکند باو نفس او یعنی آنچه را که در نفس او حاضر است میدانیم و ما نزدیکتریم باو از رگ گردن ۱۶ در وقتی که فرا میگیرند دو فرشته یعنی فرا گیرندهٔ اقوال و اعمال ایشانند و می نویسند یکی از آن دو فرشته از طرف راست و دیگری از طرف چپ نشسته یعنی ملازم و مواظب هستند که هر چه بگوید و هر چه بکند ثبت نمایند و بنویسند ۱۷ بیرون نمیکند آدمی از دهن خود هیچ سخنی را مگر اینکه نزدیک او نگهبانیست آماده و مهیا یعنی هر چه بگوئی ثبت کنند و ضبط نمایندهٔ آن حاضر و موجود است بامر پروردگار ۱۸ و بیاید بیهوشی مرگ براستی اینست آنچه بودی تو که از آن میگریختی و میترسیدی ۱۹ و دمیده شد در صور هست آن روز که مردم را بآن میترسانند ۲۰ و بیاید هر کسی در حالتی که با او باشد فرشتهٔ رانندهٔ یعنی براند او را بپای محاسبه و فرشتهٔ که شاهد و گواه است باعمال خوب و زشت او ۲۱ هر آینه بتحقیق بودی تو در غفلتی از این امر پس برداشتیم از تو پردهٔ غفلت تو را پس چشم تو امروز تیزبین است ۲۲ و گوید همنشین او یعنی فرشتهٔ که در دنیا بروی گواه است این نامهٔ اعمال آنچیزیست که نزد من مهیا و آماده است ۲۳ بیفکنید در دوزخ هر ناگروندهٔ ستیزه کنندهٔ در امر حق را ۲۴ که بسیار منع کننده بود مر خیر و خوبی را یعنی باز دارنده مال بود از حقوق واجبه که [illegible] گذرنده بود از حدود الهی شک آورنده بود در وحدانیت خدا و روز جزا ۲۵ آنکه قرار داد با خدا خدائی دیگر پس بیفکنید او را در عذاب سخت ۲۶ گوید همنشین او یعنی دیوی که در دنیا با وی بود ای پروردگار ما طاغی نساختم او را ولیکن بود او در گمراهی دور از راه حق ۲۷ گوید خدا مخاصمه نکنید نزد من بتحقیق پیش فرستادم بسوی شما وعدهٔ عذاب خود را ۲۸ تبدیل داده نمیشود سخن نزد من و نیستم من ظلم کننده مر بندگان را ۲۹ روزیکه میگوئیم از برای دوزخ آیا پر شدهٔ تو

و نزدیک برده شد بهشت از برای پرهیزکاران در حالتی که دور نباشد از ایشان ۳۱ این ثواب عظیم چیزیست که وعده داده شده بودید در دنیا از برای هر بازگشت کنندهٔ و توبه کننده از گناه خود در بسیاری که نگاه دارندهٔ حدود و شرایع است ۳۲ هر که بترسد خدای بخشنده را به پنهانی و بیاید بقلبی که بازگشت بحق داشته باشد یعنی بدون اخلاص عبادت و سرار معصیت باز زند ۳۳ در آئید در بهشت بسلامت و ایمنی از زوال نعمت اینست روز جاوید ماندن ۳۴ مر ایشانراست آنچه بخواهند در آن بهشت و نزد ماست زیادتی از آنچه اراده کنند ۳۵ و چه بسیار هلاک کردیم ما پیش از ایشان یعنی پیش از قوم تو که کفار مکه اند از اهل روزگار که ایشان سخت تر بودند از کفار قریش از حیثیت قدرت پس دور بزدند در شهرها بشدت قوت یعنی در شهرها بسیار سفر کردند بجهة کسب مال و متاع بقصد تجارت آیا بود مر ایشانرا هیچ گریزگاهی از مرگ ۳۶ بدرستیکه در آنچه مذکور شد در این سوره هر آینه پندیست از برای کسیکه باشد مر او را دلی که تفکر کند یا فرا دارد گوش خود را بموعظه و او حاضر باشد بذهن خود ۳۷ و هر آینه بتحقیق آفریدیم ما آسمانها و زمین را و آنچه میان آسمان و زمین است در شش روز و نرسید ما را هیچ تعبی ۳۸ پس صبر کن ای محمد بر آنچه میگویند و تسبیح کن بحمد پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب پیش از غروب آفتاب ۳۹ و بعضی از شب پس تسبیح کن او را یعنی نماز شام و خفتن بگذار و دیگر تسبیح کن در اعقاب سجدها یعنی دو رکعت نماز بعد از نماز مغرب روایت شده است ۴۰ و بشنو روزیکه ندا کند ندا کنندهٔ یعنی اسرافیل از مکانی که نزدیک است بآسمان بر صخرهٔ بیت المقدس است که بهجده میل بآسمان نزدیکتر است ۴۱ روزیکه میشنوند آواز مهیب را براستی اینست روز بیرون آمدن از قبر ۴۲ بدرستیکه ما زنده میکنیم و میمیرانیم و بسوی ماست بازگشت مردمان یعنی بار دیگر برای حساب و جزا زنده میگردانیم ۴۳ روزیکه بشکافد زمین از ایشان و دور شود از ایشان یعنی از مردگان پس بیرون آیند از قبر شتابندگان این برانگیختن لشکر بر ما آسانست ۴۴ ما داناتریم بآنچه میگویند و نیستی تو بر ایشان جبر کننده ۴۵ پس پند ده بموعظهٔ قرآن هر که بترسد از وعدهٔ عذاب من

سورة الذاريات مشتمل بر شصت آیه و در مکه نازل شد

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

سوگند ببادهای پراکنده کنندهٔ ابرها پراکنده کردنی ۱ پس بردارندگان ابرهائیکه بردارند بارگران را که آن باران است ۲ پس قسم بکشتیهای روند که بآسانی حرکت میکنند ۳ پس بتقسیم کنندگان کارها یعنی فرشتگان که تقسیم میکنند کارها را که مامور بآن شده‌اند ۴ جز این نیست که آنچه وعده کرده میشوید هر آینه راست است ۵ و بدرستیکه روز قیامت هر آینه واقع شونده است ۶ قسم بآسمان که صاحب



مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ٩ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ
لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ١٠ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ١١
كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ١٢ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ
لُوطٍ ١٣ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ١٤ أَفَعَيِينَا
بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ١٥ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ
مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ١٦ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ
عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ١٧ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ١٨
وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ ١٩ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ
ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ٢٠ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ٢١ لَقَدْ كُنتَ
فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ٢٢ وَقَالَ
قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ٢٣ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ٢٤ مَنَّاعٍ
لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ٢٥ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ
٢٦ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ٢٧ قَالَ لَا
تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ ٢٨ مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا
أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ٢٩ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَزِيدٍ



وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ٣١ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ
٣٢ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ٣٣ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ
ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ٣٤ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ٣٥ وَكَمْ أَهْلَكْنَا
قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ٣٦ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ٣٧ وَلَقَدْ
خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ
فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ
٣٩ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ٤٠ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ
مَكَانٍ قَرِيبٍ ٤١ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ٤٢ إِنَّا
نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ٤٣ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ
عَلَيْنَا يَسِيرٌ ٤٤ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ
مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتُّونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا ١ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ٢ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ٣ فَالْمُقَسِّمَاتِ
أَمْرًا ٤ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ٥ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ٦ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ



الحبك ٧ إنكم لفي قول مختلف ٨ يؤفك عنه من أفك ٩ قتل الخراصون

١٠ الذين هم في غمرة ساهون ١١ يسئلون أيان يوم الدين ١٢ يوم هم

على النار يفتنون ١٣ ذوقوا فتنتكم هذا الذي كنتم به تستعجلون ١٤ إن

المتقين في جنات وعيون ١٥ آخذين ما آتاهم ربهم إنهم كانوا قبل ذلك

محسنين ١٦ كانوا قليلا من الليل ما يهجعون ١٧ وبالأسحار هم يستغفرون

١٨ وفي أموالهم حق للسائل والمحروم ١٩ وفي الأرض آيات للموقنين ٢٠ وفي

أنفسكم أفلا تبصرون ٢١ وفي السماء رزقكم وما توعدون ٢٢ فورب

السماء والأرض إنه لحق مثل ما أنكم تنطقون ٢٣ هل أتاك حديث ضيف إبراهيم

المكرمين ٢٤ إذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال سلام قوم منكرون ٢٥

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين ٢٦ فقربه إليهم قال ألا تأكلون ٢٧

فأوجس منهم خيفة قالوا لا تخف وبشروه بغلام عليم ٢٨ فأقبلت امرأته

في صرة فصكت وجهها وقالت عجوز عقيم ٢٩ قالوا كذلك قال ربك

إنه هو الحكيم العليم ٣٠ قال فما خطبكم أيها المرسلون ٣١ قالوا إنا

أرسلنا إلى قوم مجرمين ٣٢ لنرسل عليهم حجارة من طين ٣٣ مسومة عند

ربك للمسرفين ٣٤ فأخرجنا من كان فيها من المؤمنين ٣٥ فما وجدنا فيها

غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ٣٧ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ٣٨

وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ٣٩ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَ

قَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ٤٠ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ٤١

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ٤٢ مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ

إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ٤٣ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ٤٤ فَعَتَوْا

عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ٤٥ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن

قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ ٤٦ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ٤٨ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

٤٩ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ٥٠ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم

مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ٥١ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ٥٢

كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ٥٣

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ٥٤ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ ٥٥ وَذَكِّرْ

فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ٥٥ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ ٥٧ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ

الْمَتِينُ ٥٨ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ٥٩

---

٣ لموسعون لقادرون من الوسع بمعنى الطاقة والموسع القادر على الانفاق او لموسعون السماء وما بينها وبين الارض او الرزق ضر

٤ عن مجاهد قال خرج علي بن ابي طالب مغتما مشتملا في قميصه فقال لما نزل قوله فتول عنهم لم يبق منا احد الا ايقن بالهلكة فلما نزلت آية وذكر فان الذكرى طابت نفوسنا ومعناه عظ بالقرآن من آمن من قومك

٥ اي اريد ان امرهم في تحصيل رزقي والمراد ان يبين ان شانه مع عباده ليس شان السادة مع عبيدهم فانهم يملكونهم ليستعينوا بهم في تحصيل معايشهم

٦ ذنوبا اصحابهم مثل نصيب نظرائهم من الامم السالفة وهو ماخوذ من مقاسمة السقاة الماء بالدلاء فان الذنوب هو الدلو العظيم الملئ

صفحه چهارصد و هفتم

راههای نیکو است یا صاحب ستارگان با زینت است ۸ بدرستیکه شما هر آینه در گفتار مختلفید نسبت به پیغمبر ۹ برگردیده شود از ایمان هر که برگردانیده شد ۱۰ کشته شده اند یعنی لعنت کرده شدند دروغگویان از اصحاب قول مختلف ۱۱ آنکسانیکه ایشان در جهل فرو رونده اند در جمیع جوانب غافلان و بیخبرانند ۱۲ می پرسند کی خواهد بود روز جزا ۱۳ روزیکه ایشان در آتش سوخته شوند ۱۴ بچشید یعنی ملائکه بایشان گویند بچشید سوختن خود را با تش اینست آنچیزیکه بودید شما که بآن شتاب میکردید ۱۵ بدرستیکه پرهیزکاران در بهشتهای پر از میوه و اشجار و چشمهای جاری گوارا ۱۶ گیرندگان آنچه را که داد ایشان را پروردگارشان بدرستیکه ایشان بودند پیش از این یعنی پیش از دخول بهشت نیکوکاران ۱۷ بودند کمی از شب که خواب میکردند ۱۸ و بسحرها ایشان استغفار میکردند ۱۹ و در مالهای ایشان حقی است از برای سؤال کننده و بی بهره از سؤال یعنی آن کسانیکه چیزی ندارند و سؤال هم نمیکنند و مردم گمان می برند که ایشان غنی می باشند ۲۰ و در زمین نشانها و علامات است از جانب پروردگار از برای یقین کنندگان ۲۱ و در نفسهای خودتان آیا پس نمی بینید یعنی حالات خود را بنظر در آورید و بپسندید که کمال قدرت در خلقت وجود شما است و نهایت حکمت در طریقه خلقت شما اینست که خداوند در وجود شما خلق فرموده است ۲۲ و در آسمانست روزی شما و آنچه وعده کرده میشوید ۲۳ پس قسم بپروردگار آسمان و زمین بدرستیکه امور مذکور هر آینه راست است مثل اینست آنچه را که شما سخن میگوئید یعنی چنانچه در سخن گفتن خودتان شکی ندارید در آنهائی هم که ذکر شد شکی نیست ۲۴ آیا آمد ترا سخن مهمان ابراهیم که گرامی شده بودند نزد ابراهیم یعنی چهار فرشته بودند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل ۲۵ چون داخل شدند بر ابراهیم پس گفتند سلام گفت ابراهیم سلام بر شما قومی هستید ناشناخته یعنی معرفت باحوال شما ندارم ۲۶ پس میل کرد یعنی رو آورده و توجه کرد ابراهیم بسوی اهل خود یعنی ساره زن خود پس بیاورد ابراهیم گوساله چاقی یعنی از ساره غذا از برای مهمان خواست او چیزی نداشت گوساله داشت که آنرا بسیار دوست میداشت و حنا بپاها و دستهای آن بسته بود آن گوساله را کشت و بریان کرده نزد مهمانها آورد ۲۷ پس نزدیک کرد آن گوساله را بایشان گفت آیا نمیخورید ۲۸ پس در خاطر گرفت از ایشان ترسی یعنی چون نخوردند از گوشت گوساله و رسم آن زمان این بود که اگر مهمان غذای صاحبخانه نخوردی دلیل بود بر اینکه خیال بد دارد که غذا نمیخورد از اینجهت که دید مهمانها از غذا نخوردند ترسید گفتند مهمانها مترس و مژده دادند ابراهیم را به پسری دانا ۲۹ پس رو کرد زن ابراهیم حالتیکه فریاد میکرد پس طپانچه زد بروی خود و گفت پیرزنی نازاینده ام ۳۰ گفتند مهمانان ای ساره همچنین گفت پروردگار تو بدرستیکه او است درستکار دانا ۳۱ گفت ابراهیم چیست کار شما ای فرستاده شدگان ۳۲ گفتند بدرستیکه ما فرستاده شدیم بسوی قومیکه گناهکارانند ۳۳ تا اینکه بفرستیم بر ایشان سنگی از گل پخته شده یعنی آجر ۳۴ نشان کرده شده است آن آجرها نزد پروردگار تو از برای اسراف کنندگان ۳۵ پس بیرون بیاوردیم ما هر کرا که بود در میان آن دهها مؤمن تا اینکه از گروندگان بلوط ۳۶ پس نخواهیم یافت در آن دهها

صفحه چهارصد و هشتم

غیر از یکخانه از مسلمانان یعنی غیر از خانه لوط و دختران او و تمام خراب خواهیم کرد ۳۷ و باقی گذاشتیم در آن شهرها علامتی از برای آنانکه میترسند از عذاب دردناک یعنی آن علامات سنگهای تراشیده یا گیاههائیکه روئیده باشد یا درختهای کهن ۳۸ و در قصه موسی هنگامیکه فرستادیم ما او را بسوی فرعون با حجتی و معجزه روشن آشکار ۳۹ پس رو گردانید فرعون یعنی برگشت از ایمان آوردن بسبب قوت خود و گفت فرعون که موسی سحر کننده یا دیوانه است ۴۰ پس گرفتیم ما او را یعنی فرعون و لشکر او را پس انداختیم ایشان را در دریا و او ملامت کننده بود مر نفس خود را ۴۱ و در قصه عاد نیز آیتی است برای عبرت گیرندگان وقتیکه فرستادیم بر قوم عاد بادیرا که هلاک کرد و قطع نسل نمود ۴۲ نمیگذاشت آن باد هیچ چیزیرا که بگذشت بر او مگر اینکه گردانید آنرا مثل کهنه ریز ریز شده از هم ریخته ۴۳ و در حکایت قوم ثمود هنگامیکه گفته شد مر ایشانرا که برخورداری گیرید تا هنگام ۴۴ پس سرکشیدند از حکم خودشان پس گرفت ایشانرا صاعقه و ایشان منگریستند ۴۵ پس نتوانستند هیچ برخواستن را و نبودند یاری دهندگان بدفع عذاب ۴۶ و هلاک کردیم قوم نوح را پیش از این بدرستیکه ایشان بودند قومی بدکاران ۴۷ و آسمانرا بنا نهادیم آنرا بتوانائی خود و بدرستیکه ما توانائیم بر بنای آن ۴۸ و زمین را گسترانیدیم آنرا پس خوب گسترانندگانیم ۴۹ و از هر چیزی آفریدیم ما دو صنف یعنی نر و ماده شاید شما پند بگیرید ۵۰ پس فرار کنید بسوی خدا بدرستیکه من مر شما را از او بیم کننده آشکارم ۵۱ و مگردانید یعنی قرار ندهید با خدا خدائی دیگر را بدرستیکه من مر شما را از عذاب او بیم کننده آشکارم ۵۲ همچنین نیامد بآنانکه بودند پیش از ایشان هیچ پیغمبری مگر اینکه گفتند ساحر است یا دیوانه ۵۳ آیا وصیت کردند بآن بلکه ایشان گروهی طاغیانند ۵۴ پس روی بگردان از ایشان پس نیستی تو ملامت زده ۵۵ و پند بده اهل ایمان را پس بدرستیکه پند دادن نفع گروندگان را ۵۶ و نیافریدم من جن و انس را مگر اینکه بپرستند مرا و عبادت کنند مرا ۵۷ نمیخواهم از ایشان هیچ روزی و نمیخواهم اینکه طعام دهند مرا ۵۸ بدرستیکه خدا او است روزی دهنده صاحب توانائی استوار ۵۹ پس بدرستیکه مر آنهارا که ستم کردند بهره ایست از عذاب مثل بهره عذاب یاران ایشان یعنی نظایر ایشان در کفر و عناد از امم گذشته پس باید شتاب نکنند مرا ۶۰

پس وای از برای کسانی که کافر شدند از عذاب روز ایشان آن عذابی که وعده داده شدند بآن

سورة الطور مشتمل بر چهل و نه آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قسم بطور سیناء ۲ و قسم بکتاب نوشته شده ۳ در صفحه گشوده شده ۴ و قسم بخانهٔ آبادان یعنی کعبه معظمه ۵ و قسم بسقف بلند برافراشته شده یعنی آسمان ۶ و قسم بدریای پر برآمده یعنی مملو از آب ۷ بدرستیکه عذاب پروردگار تو هرآینه واقع است یعنی بیقین الحصول است ۸ نیست از برای آن عذاب هیچ دفع کننده ۹ روزی که مضطرب شود آسمان مضطرب شدنی ۱۰ و روان شوند کوهها روان شدنی ۱۱ پس وای آنروز از برای تکذیب کنندگان ۱۲ آنکسانیکه ایشان در شروع با قوالی که آن استهزای بقرآن و تکذیب پیغمبر است بازی میکنند ۱۳ روزی که دفع کرده میشوند بسوی آتش جهنم دفع کردنی بعنف یعنی خازنان جهنم دستهای ایشان را بر گردنهای ایشان بندند و موهای پیشانی ایشان را بر پشت پای و از روی در آتش جهنم در اندازند و گویند ۱۴ اینست آتش سوزنده که بودید شما که بآن تکذیب میکردید ۱۵ آیا پس سحر است این یا شما نمی بینید عذاب را ۱۶ در آیند در آتش پس صبر کنید یا صبر نکنید مساوی است بر شما جز این نیست جزا داده میشوید آنچه را که بودید که میکردید ۱۷ بدرستیکه پرهیزکاران در بهشتها و نعمتها هستند ۱۸ متنعم باشند بآنچه داد ایشانرا پروردگارشان و نگاهداشت ایشانرا پروردگارشان از عذاب دوزخ ۱۹ بخورید و بیاشامید گوارنده بسبب آنچه بودید که میکردید ۲۰ تکیه زنندگان بر تختهای بهم پیوسته و جفت کنیم ما ایشانرا بزنان گشاده چشمان ۲۱ و آنکسانی که ایمان و پیروی کردند ایشانرا فرزندانشان بسبب ایمان برسانیم بایشان فرزندانشانرا و کم نگردانیم ما از ایشان از اعمالشان هیچ چیزی را هر مردی بآنچه کسب کرده است در گرو است ۲۲ و بیفزاییم پرهیزکاران را میوه و گوشت از آنچه آرزو میکنند ۲۳ داد و ستد کنند در آن بهشت کاسه شراب را نباشد سخن بیهوده در آن و نه گناه کردنی ۲۴ و طواف کنند بر ایشان غلامان که مر ایشانرا است گویا ایشان مروارید پوشیده در صدفند ۲۵ و روی آورند بعضی از ایشان بر بعضی در حالتیکه می پرسند از یکدیگر ۲۶ گفتند بدرستی که ما بودیم پیش از این در میان کسان خود

صفحه چهارصد دهم

ترسندگان ۲۷ پس منت گذاشت خدا بر ما و نگاهداشت ما را از عذاب آتش سوزان ۲۸ بدرستی که ما بودیم پیش از این میخواندیم او را یعنی خدا را بدرستیکه او است نیکوکار مهربان ۲۹ پس پند بده پس نیستی تو بنعمت پروردگار خود خبر دهنده و نه دیوانه ۳۰ یا میگویند شاعر است انتظار میبریم او را از حوادث روزگار ۳۱ بگو ای محمد انتظار ببرید پس بدرستی که من با شما از انتظار برندگانم ۳۲ یا امر میکند ایشانرا عقولشان باین بلکه ایشان گروهی هستند از خدا در گذشتگان ۳۳ بلکه میگویند بربافته است محمد آنرا بلکه ایمان نمیآورند ۳۴ پس باید بیاورند سخنی مانند این قرآن اگر هستند راستگویان ۳۵ یا آفریده شدند از غیر چیزی یعنی آیا ایشان بی خالق مخلوق شده اند یا ایشان آفریدگانند خود را ۳۶ یا آفریده اند آسمانها و زمین را بلکه یقین ندارند باینکه خالق جمیع ممکنات واجب الوجود است ۳۷ یا نزد ایشانست خزینه های پروردگار تو یا ایشان غالبانند ۳۸ یا از برای ایشان است نردبانی که بآسمان رفته بشنوند در آن کلام ملائکه را پس باید بیاورد شنونده ایشان حجتی روشن ۳۹ یا از برای خداست دختران و از برای شما است پسران ۴۰ یا سؤال میکنی از ایشان مزدی را پس ایشان در التزام تاوان گران بار شدگانند ۴۱ یا نزد ایشانست غیب پس ایشان می نویسند ۴۲ یا میخواهند حیله درباره تو پس آنانکه کافر شدند ایشان کید کرده شدگانند ۴۳ یا مر ایشانراست خدائی غیر از خدا پاکست خدا از آنچه شرک میآورند ۴۴ و اگر به بینند پاره از آسمان را فرود آینده میگویند ابریست بر هم نشسته ۴۵ پس واگذار ایشانرا تا به بینند روز خود را که در آنروز هلاک کرده شوند بوقوع صاعقه بر ایشان ۴۶ روزیکه بی نیاز نکند از ایشان مکر ایشان چیزیرا و نه ایشان یاری کرده شوند ۴۷ و بدرستیکه از برای آنانکه ستم کردند عذابی است غیر از این عذاب آخرت که عذاب قبر است ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند ۴۸ و صبر کن مر حکم پروردگار خودت را پس بدرستی که تو در حفظ و عنایت مائی یعنی ترا می بینیم و بنظر لطف و عنایت محافظت تو میکنیم و تسبیح کن بحمد پروردگار خود وقتی که برخیزی از خواب ۴۹

وبعضی از شب پس تسبیح کن پروردگار را و نماز کن در برگشتن ستارگان یعنی وقت اخفای آنها بطلوع صبح

سورة النجم مشتمل بر شصت و دو آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قسم بستاره وقتی که هبوط کند و غروب نماید ۲ گمراه نشد صاحب شما یعنی پیغمبر و نه خطا کرد ۳ و سخن نگفت از روی هوای نفس ۴ نیست آن نطق مگر وحیی که فرود آمده میشد باو ۵ تعلیم کرد پیغمبر را شدید القوه یعنی وحی باو فرود آورد فرشته که سخت است قوت او یعنی جبرئیل ۶ صاحب زیادت و شدت در عقل پس راست بایستاد بصورت حقیقی خود ۷ و او یعنی جبرئیل بر کنار بلندترین امکنه بود و آن اقصای دنیا است نزدیک مطلع آفتاب که نسبت بافق مغرب ارفع است ۸ پس نزدیک شد به پیغمبر پس در آویخت از افق و خود را بر سر پیغمبر آویخت بجهة سخن گفتن با وی ۹ پس بود بمقدار دو کمان یا نزدیکتر یعنی نهایت نزدیکی حاصل شده بود ۱۰ پس وحی کرد خدا بسوی بنده خود آنچه وحی کرد ۱۱ دروغ نگفت دل آنچه دید ۱۲ آیا پس مجادله میکنید او را ای کفار قریش بر آنچه دید پیغمبر در شب معراج از آیات عظیمه در مخلوقات عجیبه ۱۳ و هر آینه بتحقیق دید پیغمبر جبرئیل را یکدفعه دیگر بصورت اصلی ۱۴ نزد سدرة المنتهی که آن درختی است در بالای آسمان هفتم که شاخهای آن بر سر همه عالمیانست ۱۵ نزدیک آن درخت سدرة المنتهی است بهشتی که آرامگاه متقیانست ۱۶ آنهنگام که پوشیده بود سدره را آنچه پوشیده بود یعنی جمعیت ملائکه دور آن میگردیدند و تسبیح حق سبحانه میکردند ۱۷ میل نکرد دیده دل محمد از پیش و درنگذشت از آنچه مامور بدیدن آن بود ۱۸ هر آینه بتحقیق دید از نشانهای پروردگار خود که بزرگتر نشانها بود از حیثیت دلالت بر کمال قدرت ۱۹ آیا پس دیدید شما لات و عزی را ۲۰ و منات که سیمین یکی دیگر از بتان بود ۲۱ آیا از برای شما است پسر و از برای خداست دختر یعنی کفار قریش بتها را بشکل دختران ساخته آنها را عبادت میکردند و میگفتند اینها دختران خدا هستند و شفیعان ما خواهند بود ۲۲ این قسمت در اینهنگام قسمتی است نارست ۲۳ نیستند این بتان الا اسمی چند که نامیده اید آنها را شما و پدران شما نفرستاده است خدا بآن تسمیه هیچ حجتی پیروی نمیکنند مگر گمان را و آنچه آرزو میکند نفسها و هر آینه بتحقیق آمد ایشانرا از جانب پروردگارشان راهنمون یعنی پیغمبر که راهنمای ایشانست ۲۴ یا مر انسان راست آنچه آرزو کند ۲۵ پس از برای خداست آخرت و دنیا ۲۶ و چه بسیار از فرشتگان در آسمانها که سود نکند شفاعت ایشان چیزی را ۲۷ مگر بعد از آنکه رخصت بدهد خدا از برای هر که خواهد و پسندد ۲۸ بدرستیکه آنانکه ایمان نمیآورند بآخرت هر آینه اسم میگذارند ملائکه را

نام نهادن زنان یعنی میگویند فرشتگان دختران خدا هستند ۲۹ و نیست از برای ایشان بآن هیچ دانشی پیروی نمیکنند مگر گمان را و بدرستیکه گمان سود نمیدهد از حقیقت چیزی را ۳۰ پس روی بگردان ای پیغمبر از آنکه روی میگرداند از ذکر ما و اراده نمیکند مگر زندگانی دنیا را ۳۱ این دوستی دنیا نهایت رسیدن ایشانست از علم یعنی سر حد فهمیده اند همین زندگانی دنیا است بدرستیکه پروردگار تو او داناتر است بآنکه گم شد از راه خود و او داناتر است بآنکه راه یافته است ۳۲ و از برای خداست آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است تا اینکه جزا بدهد آنکسانیرا که بد کردند بعقوبت آنچه عمل کردند و جزا بدهد آنکسانیرا که نیکوئی کردند جنتی یعنی بریاض جنان رسیدن بسبب نیکوئیهای اعمال خودشان ۳۳ آنکسانی هستند که دوری میجویند از کبیرهای گناه و فاحشه ها یعنی از گناهان بد مثل زنا و لواط و امثال آن مگر آنچه صغیره و جزئی باشد بدرستی که پروردگار تو بسیار آمرزش است او داناتر است بشما وقتیکه آفرید شما را از زمین و وقتی که شما خود بودید در شکمهای مادرانتان پس پاکیزه نشمارید نفسهای خود را یعنی و تکبر بر خود قرار ندهید و خود را از هر کس بهتر ندانید خدا داناتر است بکسی که تقوی کند یعنی پرهیزکاری شعار خود قرار دهد ۳۴ آیا پس دیدی آنکسی که روی گردانید از جنگ احد و فرار نمود ۳۵ و داد چیز کمی را و باز داشت خود را از صدقه دادن یعنی کمی که بحاملان گناهان او شوند خود را مستغنی دانست از صدقه دادن و موقوف داشت دادن تصدق را ۳۶ آیا نزد او است دانستن غیب یعنی میداند پس او می بیند آنچه را بعد از این خواهد شد ۳۷ یا خبر داده نشده است بآنچه در صحف موسی است ۳۸ و در صحف ابراهیم است که آن ابراهیم نیک وفا بود یعنی ادا نمود آنچه را که مامور بود ۳۹ و آن حکمی که در صحف موسی و ابراهیم است اینست که برنمیدارد هیچ بردارنده بار دیگری را ۴۰ و اینکه نیست از برای ایشان مگر آنچه سعی کند ۴۱ و اینکه سعی او زود باشد که دیده شود ۴۲ پس از آن جزا داده شود بپاداش تمامتر یعنی اگر خوب کند جزای خوب و اگر بد کند جزای بد بزودی خواهد دید ۴۳ و اینکه بسوی پروردگار تو است انتهای کار همه ۴۴ و نیز در صحف است اینکه خدا میخنداند مردم را و میگریاند یعنی سبب خنده که سرور قلب است و سبب گریه که غم و اندوه است از خدا است ۴۵ و اینکه خدا او است میمیراند و زنده میکند ۴۶ و اینکه او آفرید از انسان و سایر حیوانات دو صنف نر و ماده ۴۷ از نطفه که جدا کرده شود از ایشان ۴۸ و اینکه بر خداست آفرینش دیگر روز قیامت ۴۹ و اینکه خدا او توانگر نمود یعنی مال بسیار داد و راضی کند شخص را بآنچه باو میرسد که سرمایه قناعت است ۵۰ و اینکه او است پروردگار و آفریننده ستاره شعرای یمانی که روشن ترین ستارگان دیگر است ۵۱ و اینکه خدا هلاک کرد قوم عاد اول را که امت هود بودند ۵۲ و هلاک کرد قوم ثمود را پس باقی نگذاشت از ایشان هیچ چیز را ۵۳ و هلاک کرد قوم نوح را پیش از قوم عاد و ثمود بدرستی

بدرستیکه ایشان بودند همگی ایشان ستمکارتر و سرکش‌تر از قوم عاد ۵۴ و مؤتفکه را بیفکند یعنی شهرهای قوم لوط را که صوایم و ادوما و عاموره و سدوم
چهار شهر بودند که مؤتفکات نامیده میشدند که بامر خدا جبرئیل آنها را بر جناح خود بلند کرد تا آسمان بعد از آن بیفکند بر زمین و معدوم شدند ۵۵ پس
پوشانید آن شهرها را آنچه پوشانید که سنگهای نشاندار بود بر آنها بارید تا در زیر سنگ پوشیده شدند ۵۶ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودت
شک میکنی ۵۷ این پیغمبر ترساننده ایست از ترسانندگان اولین یعنی چنانچه انبیای سابق برای بیم کردن آمدند این پیغمبر هم همانطور مثل سابقین بیم کننده است
۵۸ نزدیک شد قیامت نیست از برای قیامت غیر از خدا ظاهر کننده ۵۹ آیا پس از این سخن تعجب میکنید ۶۰ و میخندید و گریه نمیکنید ۶۱ و حال اینکه شما بازی کننده غافلانید
۶۲ پس سجده کنید مر خدا را و عبادت کنید مر او را

سورهٔ قمر مشتمل بر پنجاه و پنج آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

نزدیک شد قیامت و شکافته شد ماه ۱ و اگر ببینند کافران آیتی یعنی نشانهٔ از جانب پروردگار اعراض میکنند و میگویند سحریست دایم ۲ و تکذیب کردند بعثت
و پیروی نمودند آرزوهای خود را و هر کاری قرار گیرنده است بجای خود ۳ و هر آینه بتحقیق آمد ایشان را یعنی اهل مکه را از خبرهای قرون سابقه
آنچه در آن باز داشتنی است از مناهی و منع کفار از تمرد و سرکشی ۴ و آن باز داشتن حکمتی است تمام که رسیده است بحد کمال پس نفع نده بیم دادن مردمی را که
سخن پیغمبر نشنوند ۵ پس روی بگردان از ایشان یعنی ترک موعظهٔ ایشان نما روزیکه میخواند خواننده یعنی اسرافیل بر صخرهٔ بیت المقدس بر آمده که مردمان را بخواند بسوی
چیزی که ناخوش باشد یعنی هول قیامت و ترس از حساب ۶ در حالتیکه خوار باشد چشمهای ایشان بیرون میآیند از قبرها گویا ایشان ملخ پراکنده اند ۷ که شتابندگانند
بسوی خواننده یعنی در کمال عجله بروند بسوی کسی که میخواند ایشان را یعنی بطرف او از اسرافیل گویند کافران امروز روزیست دشوار ۸ تکذیب کردند پیش از ایشان یعنی پیش از
کفار مکه قوم نوح پس تکذیب کردند بنده ما را که نوح بود و گفتند دیوانه است و باز داشته شد از دعوت بانواع اذیت قوم ۹ پس خواند نوح پروردگار خود را اینکه من مغلوبم
پس یاری کن مرا ۱۰ پس گشودیم ما درهای آسمان را بآبی ریزنده ۱۱ و روان ساختیم در زمین چشمه‌ها پس تلاقی شد آب یعنی بهم برخوردند آب آسمان که باران است با آب چشمه‌ها
بر حالی که مقدر شده بود ۱۲ و برداشتیم ما نوح را بر کشتی که خداوند لوحها یعنی صفحه‌های چوبین و میخها بود ۱۳ میرود آن کشتی بحفظ ما جزا است یا پاداش از برای کسی که بود
کافر ۱۴ و هر آینه بتحقیق که باقی گذاشتیم این قصه را نشانی پس آیا

هیچ پند گیرنده هست ۱۵ پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من ۱۶ و هر آینه بتحقیق آسان کردیم قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هست هیچ پند گیرنده ۱۷
تکذیب کردند قوم عاد هود را پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدن من ۱۸ بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان بادی تند را در روز شوم بدی پیوسته ۱۹ که میربود آن
باد مردم را گویا ایشان تنهای درخت خرما بودند که از بیخ کنده شده و بر زمین افتاده باشد ۲۰ پس چگونه بود عذاب و ترسانیدن من ۲۱ و هر آینه بتحقیق آسان
کردیم ما قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هست هیچ پند گیرنده ۲۲ تکذیب کردند قوم ثمود صالح را به بیم دادن و مواعظ او ۲۳ پس گفتند آیا انسانی را که از ما است
یکنفر است بدون حشمت متابعت کنیم ما او را بدرستیکه ما در آنوقت هر آینه در گمراهی و آتشهای سوزان باشیم ۲۴ آیا القا شده است وحی بر او از میانهٔ ما بلکه اوست
دروغگوی خودپسند که میخواهد بجهت این دعوی دروغ بر ما بزرگی کند ۲۵ زود باشد که بدانند فردا کیست دروغگوی متکبر ۲۶ بدرستیکه ما فرستندگانیم شتر صالح را که
از سنگ بیرون آوردیم برای امتحان کردن مر ایشان را پس نگاهبان باش ایشان را و ببین که بنا دچه میکنند و صبر کن بر آزار ایشان نسبت بتو و تعجیل مکن بعذاب ایشان ۲۷
و آگاه کن ایشان را اینکه آب چشمه قسمت است میانهٔ ایشان که یکروز مال مواشی ایشانست و یکروز برای شتر صالح مقرر است هر نصیبی از آن آب حاضر گردانیده شده
است نزد صاحب آن ۲۸ پس بخواندند قوم ثمود یار خود را که سالف بن جیم بود بجهت کشتن شتر پس گرفت شمشیر خود را پس پی کرد ناقه را ۲۹ پس چگونه بود
عذاب من و ترسانیدن من ۳۰ بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان یکفریاد پس بودند مثل درخت خشک شدهٔ در هم شکسته یعنی ایشان بعد از هلاک شدن
ریزه ریزه شدند مثل گیاه خشک شده ۳۱ و هر آینه بتحقیق آسان کردیم قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هست هیچ پند گیرنده ۳۲ تکذیب کردند
قوم لوط را به بیم کردن ۳۳ بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان باد سنگ بارنده مگر اهل و اولاد لوط را که نجات دادیم ایشان را بوقت سحر ۳۴ انعامی از جانب ما همچنانکه
انعام کردیم بر لوط و دختران او و جزا میدهیم هر که را که شکر گذارد ۳۵ و هر آینه بتحقیق ترسانید لوط قوم خود را از شدت گرفتن ما ایشان را بهلاک و تعذیب پس شک کردند
با آن بیم کردن ۳۶ و هر آینه بتحقیق طلب کردند قوم لوط از او مهمانان او را که ملائکه بودند پس محو کردیم چشمهای ایشان را پس بچشید عذاب من و بیم دادن من شما را از زبان
لوط بوقوع عذاب ۳۷ و هر آینه بتحقیق که بامداد کرد قوم لوط را در اول روز عذابی قرار گرفته دادیم ۳۸ پس بچشید عذاب مرا و بیم کردن مرا ۳۹ و هر آینه
بتحقیق آسان کردیم قرآن را از برای پند گرفتن پس آیا هست هیچ پند گیرنده ۴۰ و هر آینه بتحقیق آمد فرعون و آل

اربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والطور ١ وكتاب مسطور ٢ في رق منشور ٣ والبيت المعمور ٤ والسقف المرفوع ٥ والبحر المسجور ٦ ان عذاب ربك لواقع ٧ ما له من دافع ٨ يوم تمور السماء مورا ٩ وتسير الجبال سيرا ١٠ فويل يومئذ للمكذبين ١١ الذين هم في خوض يلعبون ١٢ يوم يدعون الى نار جهنم دعا ١٣ هذه النار التي كنتم بها تكذبون ١٤ افسحر هذا ام انتم لا تبصرون ١٥ اصلوها فاصبروا او لا تصبروا سواء عليكم انما تجزون ما كنتم تعملون ١٦ ان المتقين في جنات ونعيم ١٧ فاكهين بما آتاهم ربهم ووقاهم ربهم عذاب الجحيم ١٨ كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ١٩ متكئين على سرر مصفوفة وزوجناهم بحور عين ٢٠ والذين آمنوا واتبعتهم ذريتهم بايمان الحقنا بهم ذريتهم وما التناهم من عملهم من شيء كل امرئ بما كسب رهين ٢١ وامددناهم بفاكهة ولحم مما يشتهون ٢٢ يتنازعون فيها كاسا لا لغو فيها ولا تاثيم ٢٣ ويطوف عليهم غلمان لهم كانهم لؤلؤ مكنون ٢٤ واقبل بعضهم على بعض يتساءلون ٢٥ قالوا انا كنا قبل في اهلنا

٢ في حديث: بالباطل يخوضون في الخوض في الباطل وهو الانكار البعث يلعبون يلهون ... يوم يدعون بدل من يومئذ يوم يدعون يدفعون الى نار جهنم بعنف وذلك ان تغل ايديهم الى اعناقهم فيدفعون الى النار دعا

٣ قرأ ابو عمرو واتبعناهم بالنون والالف وقطع الهمزة ذرياتهم بالالف وكسر التاء اي جعلناهم تابعين لهم في الايمان والذرية تقع على الواحد والكثير وجمعه للمبالغة في كثرتهم وقرأ اهل المدينة واتبعتهم بالتاء ووصل الهمزة ذرياتهم بالرفع والحق التاء في اتبعتهم لتانيث الاسم وقرأ ابن عامر اتبعتهم ذرياتهم

٤ يتنازعون هم وجلساؤهم يتجاذب [illegible] لا لغو فيها ولا تاثيم اي لا يتكلمون بلغو الحديث في اثناء شربها ولا يفعلون ما يؤثم به فاعله كما هو عادة الشاربين في الدنيا قرأ ابن كثير والبصريان لا لغو ولا تاثيم بالفتح على ان لا نافية للجنس

مشفقين ٢٧ فمن الله علينا ووقانا عذاب السموم ٢٨ انا كنا من قبل

ندعوه انه هو البر الرحيم ٢٩ فذكر فما انت بنعمت ربك بكاهن ولا

مجنون ٣٠ ام يقولون شاعر نتربص به ريب المنون ٣١ قل تربصوا فاني

معكم من المتربصين ٣٢ ام تامرهم احلامهم بهذا ام هم قوم طاغون ٣٣

ام يقولون تقوله بل لا يؤمنون ٣٤ فلياتوا بحديث مثله ان كانوا

صادقين ٣٥ ام خلقوا من غير شيء ام هم الخالقون ٣٦ ام خلقوا السموات

والارض بل لا يوقنون ٣٧ ام عندهم خزائن ربك ام هم المصيطرون ٣٨

ام لهم سلم يستمعون فيه فليات مستمعهم بسلطان مبين ٣٩ ام له

البنات ولكم البنون ٤٠ ام تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ٤١ ام

عندهم الغيب فهم يكتبون ٤٢ ام يريدون كيدا فالذين كفروا هم

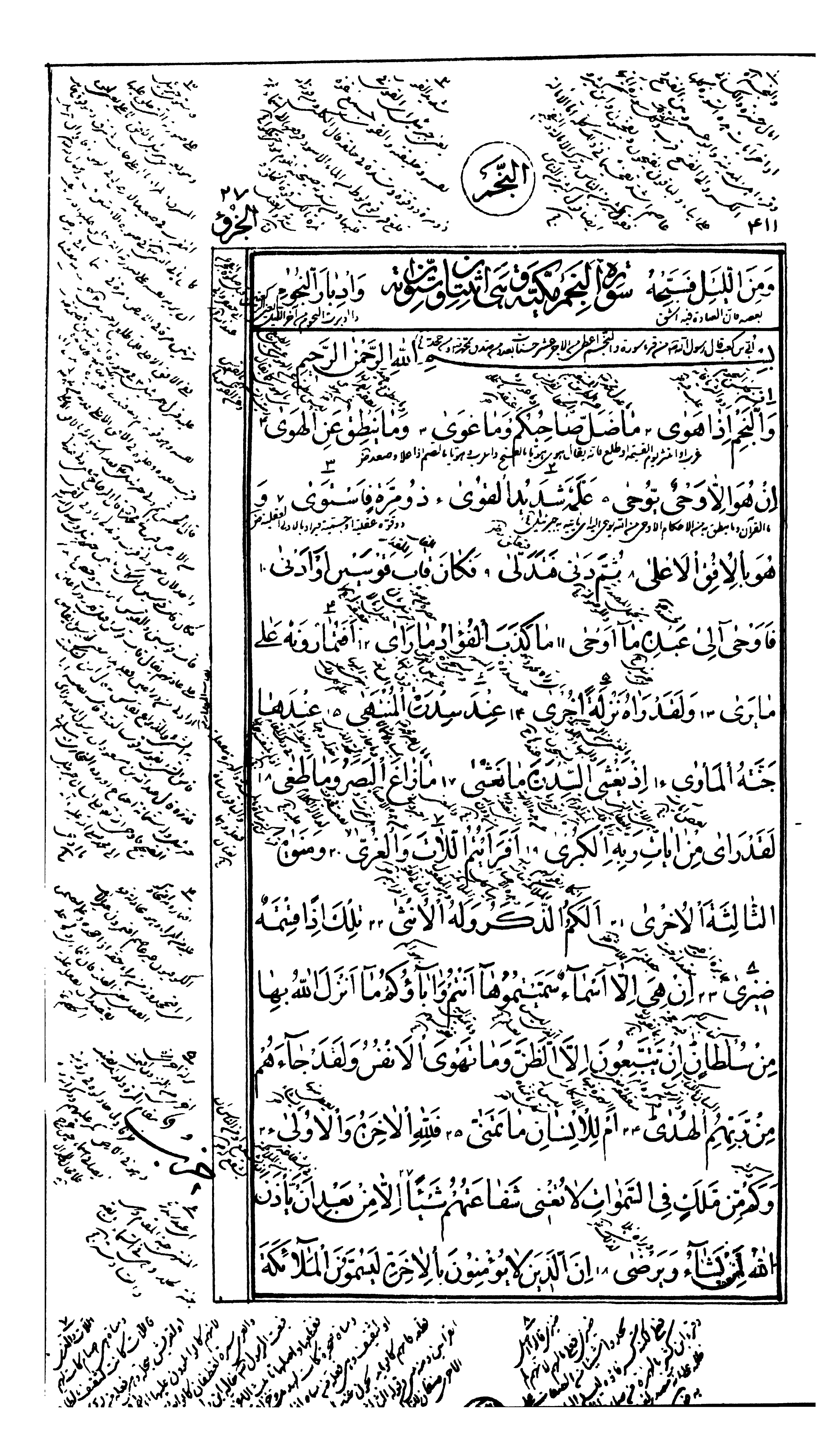
المكيدون ٤٣ ام لهم اله غير الله سبحان الله عما يشركون ٤٤ وان يروا

كسفا من السماء ساقطا يقولوا سحاب مركوم ٤٥ فذرهم حتى يلاقوا

يومهم الذي فيه يصعقون ٤٦ يوم لا يغني عنهم كيدهم شيئا ولا

هم ينصرون ٤٧ وان للذين ظلموا عذابا دون ذلك ولكن اكثرهم لا

يعلمون ٤٨ واصبر لحكم ربك فانك باعيننا وسبح بحمد ربك حين تقوم

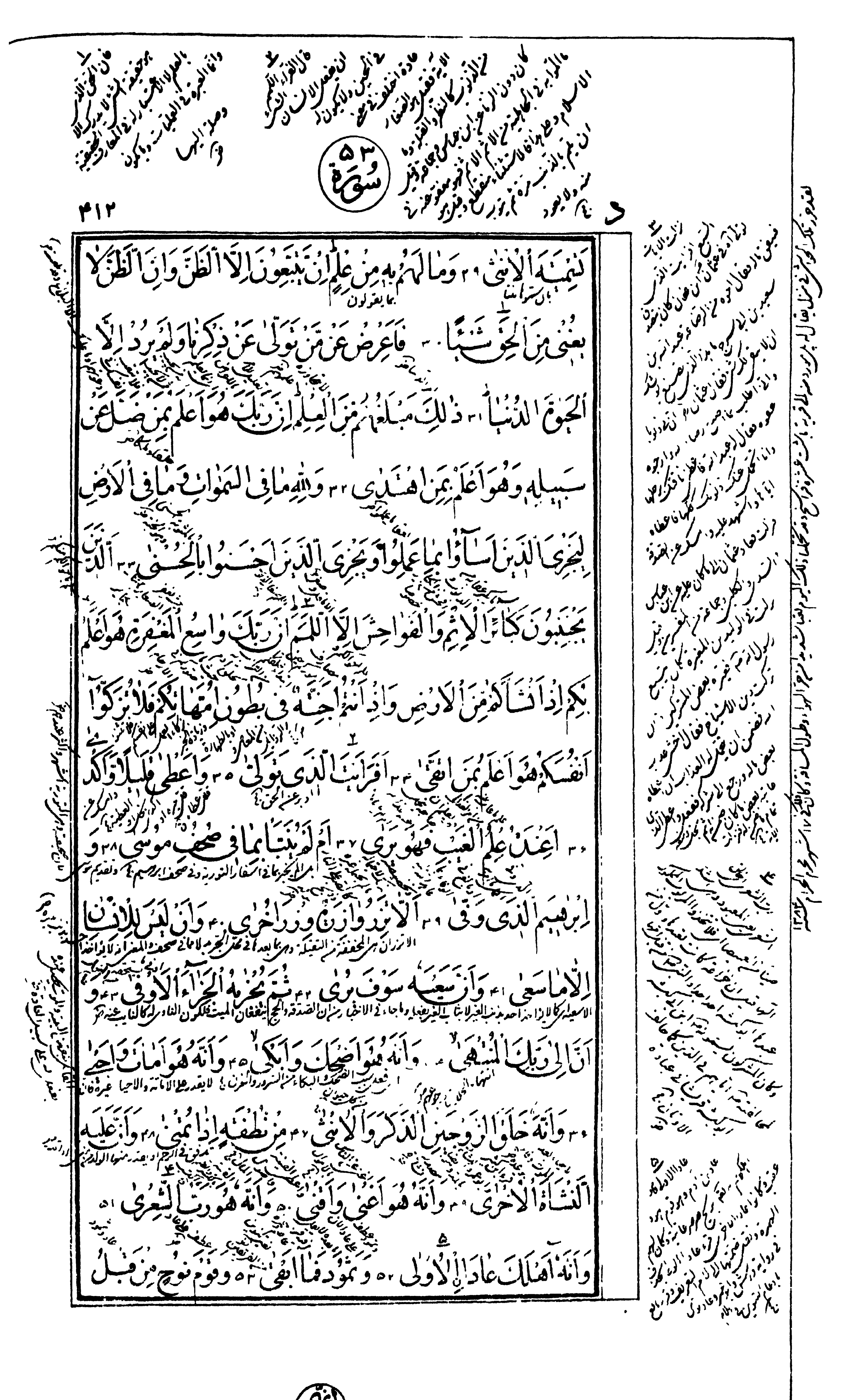


ومن الليل فسبحه وادبار النجوم

سورة النجم مكية وهي اثنتان وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ٢ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ٣ وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ٤
إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ٥ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ٦ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ٧ وَ
هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ٨ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ٩ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ١٠
فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ١١ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ١٢ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ
مَا يَرَىٰ ١٣ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ١٤ عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَىٰ ١٥ عِندَهَا
جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ١٦ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ١٧ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ١٨
لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ١٩ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ٢٠ وَمَنَاةَ
الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ٢١ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ٢٢ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ
ضِيزَىٰ ٢٣ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا
مِن سُلْطَانٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُم
مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَىٰ ٢٤ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ٢٥ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ٢٦
وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ
اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ٢٧ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ



تسمية الانثى ٢٩ وما لهم به من علم ان يتبعون الا الظن وان الظن لا
يغني من الحق شيئا ٣٠ فاعرض عن من تولى عن ذكرنا ولم يرد الا
الحيوة الدنيا ٣١ ذلك مبلغهم من العلم ان ربك هو اعلم بمن ضل عن
سبيله وهو اعلم بمن اهتدى ٣٢ ولله ما في السموات وما في الارض
ليجزي الذين اساؤا بما عملوا ويجزي الذين احسنوا بالحسنى ٣٣ الذين
يجتنبون كبائر الاثم والفواحش الا اللمم ان ربك واسع المغفرة هو اعلم
بكم اذ انشاكم من الارض واذ انتم اجنة في بطون امهاتكم فلا تزكوا
انفسكم هو اعلم بمن اتقى ٣٤ افرايت الذي تولى ٣٥ واعطى قليلا واكدى
٣٦ اعنده علم الغيب فهو يرى ٣٧ ام لم ينبا بما في صحف موسى ٣٨ و
ابرهيم الذي وفى ٣٩ الا تزر وازرة وزر اخرى ٤٠ وان ليس للانسان
الا ما سعى ٤١ وان سعيه سوف يرى ٤٢ ثم يجزيه الجزاء الاوفى ٤٣ و
ان الى ربك المنتهى ٤٤ وانه هو اضحك وابكى ٤٥ وانه هو امات واحيى
٤٦ وانه خلق الزوجين الذكر والانثى ٤٧ من نطفة اذا تمنى ٤٨ وان عليه
النشاة الاخرى ٤٩ وانه هو اغنى واقنى ٥٠ وانه هو رب الشعرى ٥١
وانه اهلك عادا الاولى ٥٢ وثمود فما ابقى ٥٣ وقوم نوح من قبل

فرعون را بیم کردن ۴۲ تکذیب کردند فرعونیان بآیات ما همه پس گرفتیم ایشانرا گرفتن کسی که غالب توانا باشد ۴۳ آیا کافران شما بهترند از آن
گروه که قوم نوح و هود و صالح و لوط و قبطیان باشند یعنی ایشان از آنان در قوت و کثرت بهتر نیستند یا شما راست برائتی در کتب آسمانی که در
آن نوشته باشد بنام شما که کافر باشید ۴۴ یا گویند کفار عرب ما گروهی جمع شده ایم در قوت و شوکت و حشمت انتقام کشنده از اعدا ۴۵ زود
باشد که هزیمت کرده شوند یعنی فرار کنند همه و برگردانند پشتهای خود را یعنی فرار اختیار کنند ۴۶ بلکه روز قیامت وعدهٔ ایشانست برسیدن عذاب
و قیامت سخت‌تر و تلخ‌تر است از هر چیز ۴۷ بدرستیکه گناهکاران در گمراهی و آتش افروخته سوزاننده ۴۸ روزی که کشیده شوند در آتش بر روهای
خود بچشید سودن دوزخ را ۴۹ بدرستیکه ما هر چیز را آفریدیم باندازه ۵۰ نیست فرمودن ما مگر کلمهٔ واحده مانند نگریستن بچشم در کمال سرعت
۵۱ و هر آینه بتحقیق هلاک کردیم اشباه و امثال شما را پس آیا هست هیچ پندگیرنده ۵۲ و هر چیز که کرده اند آنرا کفار مکتوبست در نامهای اعمال
ایشان ۵۳ و هر گناه کوچک و گناه بزرگی که از ایشان و از جمیع مردم صادر شده است و بعد از این بشود نوشته شده است در لوح محفوظ ۵۴
بدرستیکه پرهیزکاران در بهشتها و نهرهای شیر و عسل و آب و شراب باشند ۵۵ در مجلس حق و مکان پسندیده باشند نزد پادشاهی که مبهمست امر او بر تمام عقول که

صاحب قدرت و توانائی   **سورة الرحمن هفتاد و هشت آیه و در مکه نازل شد**   بر همه چیزها است

بنام خداوند بخشاینده مهربان

خدای بخشاینده تعلیم کرد به پیغمبر خود قرآن را ۲ آفرید انسان را ۳ تعلیم کرد با انسان بیان و نطق را که روشن کردن ما فی الضمیر او است بنطق ۴
خورشید و ماه بحسابی مقدر میروند ۵ و گیاهیکه از زمین میروید که آنرا ساقی نیست و بر روی زمین پهن میشود و گیاهی که آنرا ساقی هست و بر پای خود میایستد
چون درخت و غیره سجده میکنند پروردگار خود را یعنی فرمان میبرند خدا را بهرچه از برای آن خلق شده اند ۷ و آسمان را بلند کرد خدا آنرا بالای زمین و قرار داد در
میان مردمان ترازو را یعنی آنچیز را که بآن وزن مقادیر اشیاء معلوم میشود ۸ تا اینکه تجاوز نکنند در عدل ۹ و بپای دارید سنجیدن را بعدل و کم نکنید ترازو را
۱۰ و زمین را بنهاد آنرا بر روی آب از برای مردمان ۱۱ در آن زمین است میوه و درخت خرما که صاحبان غلافهاست ۱۲ و نیز در زمین است دانه که صاحب برگ خشک است
چون گندم و جو و ارزن و امثال آن که مردم بآن سد جوع کنند و نیز در زمین است گیاههای خوشبو ۱۳ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید و انکار مینمائید ۱۴

آدم را از گل خشک مانند گل پخته شده که چون دست بر او زنند صدا کند ۱۵ و آفرید جن را از آتش بهوا آمیخته شده که شعله و زبانه دوددار است ۱۶ پس بکدام
از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۱۷ پروردگار دو مشرقست که یکی مشرق تابستان و یکی مشرق زمستان ۱۸ و پروردگار دو مغربست یکی مغرب تابستان
و یکی مغرب زمستانست ۱۹ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید ۲۰ روان کرد دو دریا را که بهم رسند و آن دو دریا یکی دریای فارس و یکی دریای
روم است که یکی شیرین و یکی تلخ و شور است ۲۱ میان آن دو دریا مانعی است که افزونی نمیجویند بر یکدیگر ۲۲ پس بکدام یک نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۲۳
بیرون میآید از آن دو دریا مروارید و مرجان ۲۴ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۲۵ و مر او راست کشتیهای برافراشته بادبان
برکرده برای روان کردن در دریا مانند کوهها ۲۶ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۲۷ هر که بر روی زمین است فانیست ۲۸
و باقی میماند ذات پروردگار تو که خداوند جلالت و غنای مطلق است ۲۹ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۳۰ میپرسند او را
یعنی جمیع حاجات را از خدا میطلبند هر که در آسمانها و زمین است هر روزی یعنی هر وقتی و زمانی او در احداث امریست ۳۱ پس بکدام یک از نعمتهای
پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۳۲ زود باشد که فارغ شویم از همه امور و مجرد شویم برای حساب و جزای شما ای گروه جن و انس ۳۳ پس بکدام یک از
نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۳۴ ای گروه جن و انس اگر میتوانید اینکه بیرون روید از کنارهای آسمانها و زمین پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر
بسلطنت و قوتی که خدا بدهد شما را ۳۵ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۳۶ فرستاده میشود بر شما زبانه تند از آتش و دودی سیاه
یا مس گداخته پس نتوانید از خود دفع نمائید ۳۷ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۳۸ پس آنهنگام که بشکافد آسمان پس گردد برنگ گل
مثل روغن زیت ۳۹ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۴۰ پس در آنروز سؤال کرده نشود از گناه خود آدمی
و نه جن یعنی بچشمها و روهای ایشان شناخته شوند که احتیاج بسؤال نداشته باشند ۴۱ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان
تکذیب میکنید ۴۲ شناخته میشوند گناهکاران بعلامت روهای ایشان پس گرفته میشوند بموهای پیشانی و قدمهای ایشان یعنی نوبتی موهای پیشانی
ایشانرا بگیرند و نوبتی پاهای ایشان بگیرند و بدوزخ کشند ۴۳ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۴۴ این آن جهنمی

جهنمی است که تکذیب میکردند بآن گناهکاران ۴۴ طواف میکنند میان دوزخ و میان آبی که بغایت گرم است ۴۵ پس کدام یک از نعمت های پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۴۶ و از برای هر که بترسد از ایستادن نزد پروردگار خود یعنی از ایستادن بموقف حساب که بهشت است که یکی بهشت عدن است و یکی بهشت نعیم ۴۷ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۴۸ این دو بهشت صاحب شاخهای درختند ۴۹ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۵۰ در آندو بهشت چشمهاست که روانند ۵۱ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۵۲ در آندو بهشت از هر میوه است دو صنف که تشاکل میکند بیکدیگر مثل انسان نر و ماده که یک صنف آن در دنیا دیده شده و صنف دیگر در دنیا دیده نشده و مخصوص در بهشت موجود است ۵۳ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۵۴ تکیه کنندگانند بر فرشهائیکه آستر آنها از استبرق است یعنی حریر چینی است و میوه چیدن از آندو بهشت نزدیکست یعنی بهر حالت که باشند ایستاده نشسته خوابیده بهر حالت که هستند چون میل میوه کنند شاخ درخت نزدیک شود و هر چه خواهند بچینند ۵۵ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۵۶ در آن بهشتها زنان کوتاه چشمان باشند یعنی از غایت حیا چشم خود را فرو داآورند نسوده باشند یعنی دست باشیان دراز نکرده باشد آدمی پیش از ایشان و نه جان ۵۷ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۵۸ گویا ایشان یاقوت و مرجانند در رنگ و صفا ۵۹ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۶۰ آیا پاداش نکوئیست سوای نکوئی ۶۱ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۶۲ و از نزد یک آن دو بهشت که برای خائفان مذکور شد دو بهشت دیگر است در نزدیکی قصور خائفان که هر وقت بخواهند بآن بهشتها انتقال کنند که مزید فرح ایشان شود ۶۳ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۶۴ بسیار سبز باشند ایندو بهشت که از غایت سبزی بسیاهی مانند ۶۵ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۶۶ در آندو بهشت دو چشمه جوشنده است که از زمین میجوشد بطوریکه سنگ ریزه و ریگهای که در حوالی آن باشد بر هوا اندازد ۶۷ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۶۸ در آندو بهشت میوها است و درخت خرما و انار است ۶۹ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۷۰ در آن بهشتها دختران خوب صورتند ۷۱ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۷۲ حورانی که پرده نشینانند در خیمها ۷۳ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۷۴ نسوده است ایشانرا یعنی دست نمالیده است بآن حوران هیچ انسانی پیش از مؤمنین خائفین و نه جنیان ۷۵ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۷۶ تکیه کنندگان بر فرشهای سبز

و بساط قیمتی خوب ۷۷ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خودتان تکذیب میکنید ۷۸ بزرگوار است نام پروردگار تو که خداوند بزرگی و کرمهاست

سورهٔ واقعه مشتمل بر نود و شش آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

یاد کنید چون واقع شود ساعت واقع شونده یعنی روز قیامت برسد ۲ نیست از برای واقع شدن آنروز دروغ گوینده بر خدا و تکذیب کننده آنروز ۳ فرو برنده است و پست سازنده است قیامت کسانیرا که در دنیا مرتفع باشند و بلند کننده است اشخاصی را که در دنیا منخفض و پست باشند ۴ چون جنبانده شود زمین جنبانیدنی چنانچه کوهها هم در هم ریزند ۵ و ریزریز شود کوهها ریزریز شدنی ۶ پس باشند کوهها غباری پراکنده شده ۷ و باشید شما اصنافی سه گانه ۸ پس یاران دست راست ۹ چه چیز است یاران دست راست ۱۰ و یاران دست چپ چه چیز است یاران دست چپ ۱۱ و پیشی گرفته گان بایمان کسانی هستند که پیشی گرفته اند و حال ایشان در سبقت بر تو واضحست ۱۲ آنگروه هستند که نزدیکانند از حیثیت درجه بعرش خدا ۱۳ در بهشتهای پر نعمت ۱۴ گروهی در پیشینیان یعنی از امم سابقه ۱۵ و گروهی اندک از آخرین یعنی از امت محمد ۱۶ بر تختها بافته شده از زر و جواهر ۱۷ تکیه زنندگان بر آن تختها در حالتی که برابر یکدیگر باشند ۱۸ طواف کنند بر ایشان یعنی بخدمت مشغول باشند پسران جاوید ماندگان یا پسرانیکه گوشوارهای زرین در گوش داشته باشند ۱۹ با کوزهای بیدسته و ابریقها که لوله و دسته داشته باشد و جام از شراب صافی که در صفا مانند آب زلال باشد ۲۰ درد سر نکشند از آن شراب خوردن و نه بی عقل شوند ۲۱ و دیگران پسران طواف کنند با میوها از آنچه اختیار کنند و برگزینند ۲۲ و گوشت مرغ از آنچه آرزو کنند ۲۳ و طواف نمایند در جنت حوران یعنی زنان سیاه چشم پاکیزه مثل مروارید در صدف پوشیده شده که غبار بر آن نشسته باشد ۲۴ بسبب پاداش با آنچه بودند که میکردند ۲۵ نمیشنوند در آن بهشت سخن بیهوده و نه سخنی که موجب گناه شود ۲۶ مگر گفتاری که آن سلام است سلامی که علامت وارستگی از غم و اندوه است ۲۷ و اصحاب دست راست چه چیز است یاران دست راست ۲۸ در زیر درخت سدر بی خار ۲۹ و درخت موز بر هم پیچیده یعنی باو بار پرمایه ۳۰ و سایه کشیده شده طولانی ۳۱ و آب جاری دائم ۳۲ و میوهای بسیاری که نه قطع کرده شده اند آن میوها یعنی در هر فصلی هست و نه منع کرده شده اند یعنی در جمیع اوقات از هر میوهٔ بخواهند در بهشت بدون منع میخورند ۳۳ و فرشهای برداشته شده که بر بالای تختها افکنده شده اند ۳۴ بدرستیکه ما آفریدیم حوریان را آفریدنی یعنی بدون ولادت خلق کردیم ۳۵ ایشانرا



إنهم كانوا هم أظلم وأطغى ٥٤ والمؤتفكة أهوى ٥٥ فغشاها ما غشى ٥٦
فبأي آلاء ربك تتمارى ٥٧ هذا نذير من النذر الأولى ٥٨ أزفت
الآزفة ٥٩ ليس لها من دون الله كاشفة ٦٠ أفمن هذا الحديث تعجبون ٦١
وتضحكون ولا تبكون ٦٢ وأنتم سامدون ٦٣ فاسجدوا لله واعبدوا

سورة القمر مكية وهي خمس وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

اقتربت الساعة وانشق القمر ٢ وإن يروا آية يعرضوا ويقولوا سحر مستمر
وكذبوا واتبعوا أهواءهم وكل أمر مستقر ٤ ولقد جاءهم من الأنباء
ما فيه مزدجر ٥ حكمة بالغة فما تغن النذر ٦ فتول عنهم يوم يدع
الداع إلى شيء نكر ٧ خشعا أبصارهم يخرجون من الأجداث كأنهم
جراد منتشر ٨ مهطعين إلى الداع يقول الكافرون هذا يوم عسر ٩
كذبت قبلهم قوم نوح فكذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر ١٠ فدعا
ربه أني مغلوب فانتصر ١١ ففتحنا أبواب السماء بماء منهمر ١٢ وفجرنا
الأرض عيونا فالتقى الماء على أمر قد قدر ١٣ وحملناه على ذات ألواح
ودسر ١٤ تجري بأعيننا جزاء لمن كان كفر ١٥ ولقد تركناها آية فهل

مِن مُّدَّكِرٍ ١٦ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٧ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ

مِن مُّدَّكِرٍ ١٨ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٩ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ٢٠ تَنزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ ٢١

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٢٢ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ٢٣

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ٢٤ فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ

وَسُعُرٍ ٢٥ أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ٢٦ سَيَعْلَمُونَ

غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ ٢٧ إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ

٢٨ وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ٢٩ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ

فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ٣٠ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٣١ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً

وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ٣٢ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ

٣٣ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ٣٤ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ

لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ ٣٥ نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا كَذَٰلِكَ نَجْزِي مَن شَكَرَ ٣٦ وَلَقَدْ

أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ٣٧ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا

أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ٣٨ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ٣٩ فَذُوقُوا

عَذَابِي وَنُذُرِ ٤٠ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ٤١ وَلَقَدْ جَاءَ

آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ٤١ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ ٤٢ أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَٰئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ٤٣ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ ٤٤ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ٤٥ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ ٤٦ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ٤٧ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ٤٨ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ٤٩ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ٥٠ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ٥١ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ٥٢ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ٥٣ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ٥٤ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ ٥٥

سُورَةُ الرَّحْمَٰنِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانٌ وَسَبْعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَٰنُ ١ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ٢ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ٣ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ٤ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ٥ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ٦ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ٧ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ٨ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ٩ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ١٠ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ١١ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ١٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٣ خَلَقَ

الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ١٤ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ ١٥

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٦ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ ١٧ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ١٨ فَبِأَيِّ

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٩ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ٢٠ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ ٢١

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٢ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ٢٣ فَبِأَيِّ

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٤ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ٢٥ فَبِأَيِّ

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٦ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ٢٧ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ ٢٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٩ يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ٣٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣١ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ

الثَّقَلَانِ ٣٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٣ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ

أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

٣٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٥ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ

فَلَا تَنتَصِرَانِ ٣٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٧ فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ

وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ٣٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٩ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن

ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ ٤٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤١ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ

بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ٤٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٣ هَٰذِهِ

بحر را نیمی شیرین چون شکر
طعم شیرین رنگ روشن چون قمر
نیم دیگر تلخ همچون زهر مار
طعم تلخ و رنگ مظلم قیروار

جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ٤٣ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ ٤٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٥ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ٤٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٧ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ٤٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٩ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ٥٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥١ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ٥٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٣ مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ٥٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٥ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ٥٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٧ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ٥٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٩ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ٦٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦١ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ٦٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٣ مُدْهَامَّتَانِ ٦٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٥ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ٦٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٧ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ٦٨ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٩ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ٧٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧١ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ٧٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٣ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ٧٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٥ مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ

٢ يقال طمثت المرأة اذا حاضت وطمثت اذا دميت بالافتضاض و بعير لم يطمث اذا لم يمسه حبل ولا رحل ...



عبقري حسان ٧٧ فبأي آلاء ربكما تكذبان ٧٨ تبارك اسم ربك ذي الجلال والإكرام

سورة الواقعة مكية وهي ست وتسعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا وقعت الواقعة ٢ ليس لوقعتها كاذبة ٣ خافضة رافعة ٤ إذا رجت
الأرض رجا ٥ وبست الجبال بسا ٦ فكانت هباء منبثا ٧ وكنتم
أزواجا ثلاثة ٨ فأصحاب الميمنة ٩ ما أصحاب الميمنة ١٠ وأصحاب المشأمة
١١ ما أصحاب المشأمة ١٢ والسابقون السابقون ١٣ أولئك المقربون ١٤
في جنات النعيم ١٥ ثلة من الأولين ١٦ وقليل من الآخرين ١٧ على سرر
موضونة ١٨ متكئين عليها متقابلين ١٩ يطوف عليهم ولدان مخلدون
٢٠ بأكواب وأباريق وكأس من معين ٢١ لا يصدعون عنها ولا ينزفون ٢٢
وفاكهة مما يتخيرون ٢٣ ولحم طير مما يشتهون ٢٤ وحور عين ٢٥ كأمثال
اللؤلؤ المكنون ٢٦ جزاء بما كانوا يعملون ٢٧ لا يسمعون فيها لغوا ولا تأثيما
إلا قيلا سلاما سلاما ٢٨ وأصحاب اليمين ما أصحاب اليمين ٢٩ في سدر
مخضود ٣٠ وطلح منضود ٣١ وظل ممدود ٣٢ وماء مسكوب ٣٣ وفاكهة
كثيرة ٣٤ لا مقطوعة ولا ممنوعة ٣٥ وفرش مرفوعة ٣٦ إنا أنشأناهن إنشاء

فجعلناهن أبكارا ٣٦ عربا أترابا ٣٧ لأصحب اليمين ٣٨ ثلة من الأولين ٣٩

وثلة من الآخرين ٤٠ وأصحب الشمال ما أصحب الشمال ٤١ في

سموم وحميم ٤٢ وظل من يحموم ٤٣ لا بارد ولا كريم ٤٤ إنهم كانوا

قبل ذلك مترفين ٤٥ وكانوا يصرون على الحنث العظيم ٤٦ وكانوا

يقولون أئذا متنا وكنا ترابا وعظاما أءنا لمبعوثون ٤٧ أوآباؤنا

الأولون ٤٨ قل إن الأولين والآخرين ٤٩ لمجموعون إلى ميقت يوم

معلوم ٥٠ ثم إنكم أيها الضالون المكذبون ٥١ لآكلون من شجر من

زقوم ٥٢ فمالئون منها البطون ٥٣ فشربون عليه من الحميم ٥٤ فشربون

شرب الهيم ٥٥ هذا نزلهم يوم الدين ٥٦ نحن خلقنكم فلولا تصدقون ٥٧

أفرأيتم ما تمنون ٥٨ ءأنتم تخلقونه أم نحن الخلقون ٥٩ نحن قدرنا بينكم

الموت وما نحن بمسبوقين ٦٠ على أن نبدل أمثلكم وننشئكم فيما لا

تعلمون ٦١ ولقد علمتم النشأة الأولى فلولا تذكرون ٦٢ أفرأيتم ما تحرثون

٦٣ ءأنتم تزرعونه أم نحن الزرعون ٦٤ لو نشاء لجعلنه حطما فظلتم

تفكهون ٦٥ إنا لمغرمون ٦٦ بل نحن محرومون ٦٧ أفرأيتم الماء الذي

تشربون ٦٨ ءأنتم أنزلتموه من المزن أم نحن المنزلون ٦٩ لو نشاء جعلنه

أجاجا فلولا تشكرون ٧٠ أفرأيتم النار التي تورون ٧١ ءأنتم أنشأتم
شجرتها أم نحن المنشئون ٧٢ نحن جعلناها تذكرة ومتاعا للمقوين ٧٣
فسبح باسم ربك العظيم ٧٤ فلا أقسم بمواقع النجوم ٧٥ وإنه لقسم لو تعلمون
عظيم ٧٦ إنه لقرآن كريم ٧٧ في كتاب مكنون ٧٨ لا يمسه إلا المطهرون ٧٩
تنزيل من رب العالمين ٨٠ أفبهذا الحديث أنتم مدهنون ٨١ وتجعلون رزقكم
أنكم تكذبون ٨٢ فلولا إذا بلغت الحلقوم ٨٣ وأنتم حينئذ تنظرون ٨٤
ونحن أقرب إليه منكم ولكن لا تبصرون ٨٥ فلولا إن كنتم غير مدينين ٨٦
ترجعونها إن كنتم صادقين ٨٧ فأما إن كان من المقربين ٨٨ فروح و
ريحان وجنت نعيم ٨٩ وأما إن كان من أصحاب اليمين ٩٠ فسلام لك من
أصحاب اليمين ٩١ وأما إن كان من المكذبين الضالين ٩٢ فنزل من حميم ٩٣ و
تصلية جحيم ٩٤ إن هذا لهو حق اليقين ٩٥ فسبح باسم ربك العظيم ٩٦

سورة الحديد مدنية وهي تسع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سبح لله ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم ١ له ملك السموات
والأرض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ٢ هو الأول والآخر و

صفحهٔ چهارصد و نوزدهم

پس گردانیدیم ایشانرا باکره‌ها ۳۶ که عاشق و دوست شوهران خود شانند و همه سی و سه ساله همسال شوهران خودند ۳۷ از برای یاران دست راست ۳۸
گروهی هستند از پیشینیان ۳۹ و گروهی هستند از آخرین که مطیعان پیغمبر ختمی مآب باشند ۴۰ و یاران دست چپ چه چیزند یاران دست چپ ۴۱
هستند در باد گرمی چون آتش نفوذ کننده است ۴۲ و سایه از دود سیاه ۴۳ که نه خنک و نه سود رساننده ۴۴ بدرستیکه ایشان بودند پیش از این در دنیا
متمول و با ناز و نعمت ۴۵ و بودند که اصرار میکردند بر گناه بزرگ ۴۶ و بودند که میگفتند ۴۷ آیا چون بمیریم ما و باشیم خاک و استخوانها آیا ما برانگیخته
میشویم ۴۸ آیا برانگیخته شوند پدران ما که خاک شده‌اند و اجزای ایشان از هم ریخته است ۴۹ بگو ای محمد بدرستیکه اولین و آخرین ۵۰
هر آینه جمع کرده شدگانند بسوی آنچه موقت و معلوم شده است اتیان بآن که آن روزیست معلوم یعنی روز قیامت ۵۱ پس بدرستیکه
شما ای گمراهان تکذیب کنندگان ۵۲ هر آینه خورندگانید از درختی که از زقوم است ۵۳ پس پر کنندگانید از آن شکمها را ۵۴ پس آشامندگانید
بر بالای آن درخت از آب بسیار گرم ۵۵ پس آشامندگانید از آن حمیم که آب جوشان است مانند آشامیدن شتران
تشنه ۵۶ این است پیشکش ایشان در روز جزا ۵۷ ما آفریدیم شما را پس چرا باور نمی‌کنید ۵۸ آیا پس دیدید شما آنچیزیرا
که میریزید در رحم ۵۹ آیا شما خلق میکنید آن را یا ما خلق کنندگانیم ۶۰ ما مقدر کردیم میانهٔ شما مرگ را و نیستیم ما پیشی گرفته
شدگان یعنی هیچکس بر ما غلبه نتواند نمود ۶۱ بر اینکه بدل کنیم بشما امثال شما را و بیافرینیم شما را در صورت و هیئتی که نمیدانید
۶۲ و هر آینه بتحقیق دانستید شما آفریدن نخستین را پس چرا متذکر نمی‌شوید ۶۳ آیا پس دیدید شما آنچه را که زراعت میکنید
۶۴ آیا شما زراعت میکنید آنرا یا مائیم زراعت کنندگان و روینده نباتات ۶۵ اگر بخواهیم هر آینه بگردانیم آنرا گیاه درهم
شکسته پس همه روزه تعجب کنید و بگوئید ۶۶ بدرستیکه ما هر آینه الزام کرده شدگانیم بغرامت و خسارت آنچه خرج کردیم بلکه ما محروم شدگانیم
۶۷ آیا پس دیدید شما آبیرا که میآشامید ۶۸ آیا شما فرود فرستادید آنرا از ابر سفید یا ما فرود فرستادگانیم ۶۹ اگر بخواهیم بگردانیم آن آب را تلخ

صفحهٔ چهارصد و بیستم

پس چرا شکر نمیکنید ۷۰ آیا پس دیدید شما آتش آنچنانیرا که میآید از درخت سبز ۷۱ آیا شما خلق کردید درخت آنرا یا ما پدید آورندگانیم ۷۲
ما گردانیدیم آن آتش را بجهة یاد کردن دوزخ و برای نفع هر کسی که نزول کند در بیابان ۷۳ پس تسبیح کن باسم پروردگار خودت که بزرگست ۷۴
پس بدرستیکه قسم میخورم بمواضع ستارگان ۷۵ و بدرستیکه آنچه خداوند بدان سوگند خورد هر آینه قسمی است که اگر بدانید بزرگست ۷۶ بدرستیکه
آنچه حضرت رسالت بر شما میخواند هر آینه قرآنی است بزرگوار ۷۷ در کتابیکه پوشیده است از ملائکه یعنی لوح محفوظ ۷۸ که مس نکنند لوح را
یعنی مطلع نشوند بر آنچه در او است مگر پاکان ۷۹ فرو فرستاده ایست از پروردگار عالمیان ۸۰ آیا پس باین سخن شما
تهاون کنندگانید یعنی در تصدیق قرآن ثابت قدم نیستید ۸۱ و میگردانید روزی و نصیب خود را از این قرآن اینکه
شما تکذیب میکنید و بآنچه باید از قرآن عمل کرد بر خلاف آن میکنید ۸۲ پس چرا وقتی که جان میرسد بگلو ۸۳
و شما آن هنگام مینگرید بحال محتضرتان و نمی‌توانید چاره کنید ۸۴ و ما نزدیکتریم از دی علم و قدرت بسوی
آن محتضر از شما و لیکن نمی‌بینید یعنی در نمی‌یابید آن فرشتگانی که قابض ارواحند ۸۵ پس چرا اگر هستید شما
غیر مقهوران و ذلیلان ۸۶ باز نمیگردانید روح را بجسد آن محتضر اگر هستید شما راستگویان ۸۷ پس اما
اگر باشد از مقربان درگاه ربانی یعنی از سابقان که از ازواج ثلاثه مذکوره اند ۸۸ پس مر او راست راحت
و ریحان و بوستان پر نعمت ۸۹ پس اما اگر باشد از یاران دست راست ۹۰ پس سلامتی مر تو راست از
یاران دست راست ۹۱ و اما اگر باشد از دروغگویان گمراهان ۹۲ پس پیشکش او است از آب جوشان داغ ۹۳ و در آوردن
در آتش سوزان ۹۴ بدرستیکه این یعنی آنچه گفته شد هر آینه آن حق ثابت است ۹۵ پس تسبیح کن بنام پروردگار خودت که بزرگست

سورة الحديد مشتمل بر بیست و نه آیه در مدینه نازل شده و بعضی گفته‌اند در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تسبیح کردند از برای خدا آنچه در آسمانها و زمین است و او هست غالب درستکار ۲ از برای خدا است سلطنت آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و او بر هر چیزی توانا است
۳ او است اول و آخر

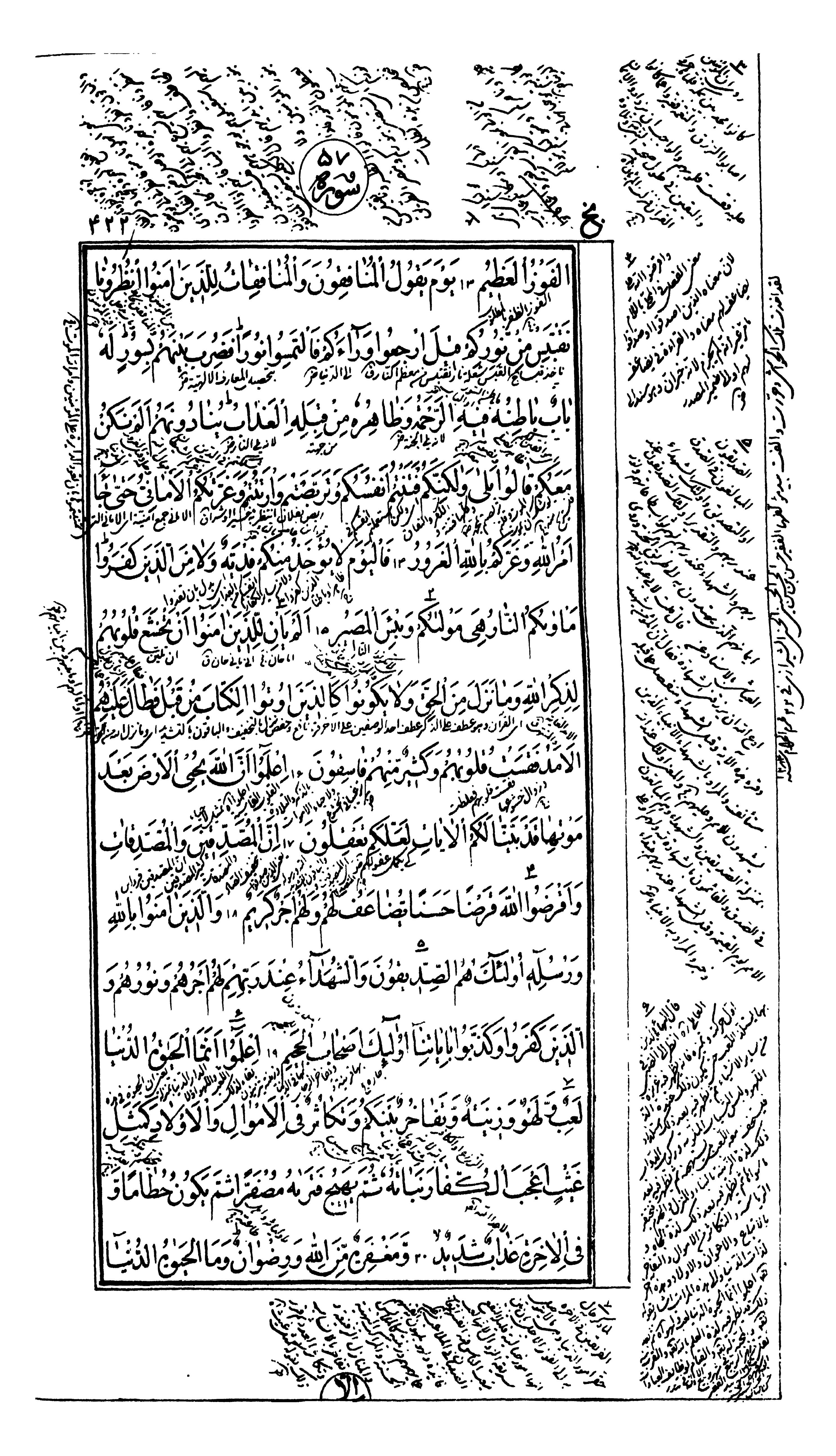
صفحهٔ چهار صد و بیست و یکم

وظاهر و باطن واو بهر چیزی دانا است ۴ اوآنست یعنی خدای آنچنانی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس
از آن مستولی شد بر عرش میداند هر چه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون میآید از زمین و آنچه فرود میآید از آسمان
و آنچه بالا میرود در آسمان واو با شما است هر جا باشید و خدا بآنچه میکنید بینا است ۵ از برای او است
پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا بر گردانیده میشود کارها ۶ در آورد شب را در روز یعنی ساعات شب را داخل روز کند
و در آورد روز را در شب واو دانا است بسرایر سینه‌ها ۷ ایمان بیاورید بخدا و رسول خدا و انفاق کنید از آنچه
گردانیده شما را بازمانده شدگان در آن پس آن کسانیکه ایمان آوردند از شما و انفاق کردند مر ایشان راست اجری
بزرگ ۸ و چه چیز است مر شما را که نمیگروید بخدا و رسول میخواند شما را تا اینکه ایمان بیاورید بپروردگار خودتان و بتحقیق
گرفت پیمان شما را اگر هستید گروندگان ۹ اوست یعنی آن خدای آنچنانی است که میفرستد بر بنده خودش یعنی پیغمبر
نشانهای روشنی تا اینکه بیرون کند شما را از تاریکیها بسوی روشنی و بدرستی که خدا بشما هر آینه رؤف مهربانست
۱۰ و چه چیز است مر شما را اینکه انفاق نمیکنید در راه خدا و از برای خدا است میراث آسمانها و زمین مساوی نیست
از شما کسی که انفاق کند پیش از فتح مکه که قبل از عز اسلام است و قوت مسلمانان و جنگ کرد آنگروه بزرگترند از روی
درجه از کسانیکه انفاق کردند بعد از آن و جنگ کردند و همه را آنها وعده داد خدا به نیکوئی و خدا بآنچه میکنید آگاه است ۱۱ کیست آنکه قرض دهد
خدا را قرضی نیکو پس دو چندان کند آنرا از برای او و مر او راست مزدی گرامی ۱۲ روزی که به بینی مردان مؤمن و زنان مؤمنه را
بر صراط که میرود بشتاب روشنی نور ایشان در پیش روی ایشان و بدست راست ایشان مژده باد شما را امروز
که دخول است در بهشتهائی که جاری میشود از زیر درختان آن نهرهای آب که همیشه هستند در آن بهشت‌ها اینست آن

صفحهٔ چهار صد و بیست و دوم

رستگاری بزرگ ۱۳ روزی که گویند مردان منافق و زنان منافقه مر آنانرا که ایمان آوردند انتظار کشید ما را تا بگیریم از نور شما
گفته شود که برگردید به پس خود یعنی رجعت کنید بدنیا پس بجوئید روشنی را در آنجا بتحصیل سبب آن که ایمانست پس زده شود یعنی ملائکه
بحکم خدا بزنند میانهٔ منافقان و مؤمنان دیواری بلند چون باره شهر مر آنرا دری باشد که مؤمنین در آیند در آن داخل آن که مؤمنان باشند در آنست
رحمت و خارج آن که منافقان باشند از نزد آن عذاب باشد زیرا که نزدیک آن دوزخ باشد بخوانند منافقان مؤمنانرا و میگویند آیا نبودیم ما با شما
گویند آری و لیکن شما در محنت افکندید خود را و انتظار میکشیدید که بر محمد و یاران او مصائب فرود آید و شک کردید شما و فریفت شما را آرزوها
تا آمد حکم خدا و فریفت شما را بخدا شیطان یعنی شیطان فریب داد شما را باینکه خدا کریم است و عذاب شما نکند ۱۴ پس امروز گرفته نمیشود از شما
فدائی و نه از آن کسانیکه کافر شدند جای شما آتش است این آتش سزاوارتر است شما را و بد بازگشتی است ۱۵ آیا وقت نیامد مر آنانرا که
ایمان آوردند اینکه بترسد دلهای ایشان برای یاد کردن خدا و آنچه فرستاد خدا از کلام حق و نباشند مثل آنانکه داده شدند کتاب را پیش از این یعنی یهود
و نصاری پس دراز شد بر ایشان زمان پس سخت شد دلهای ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند ۱۶ بدانید که خدا زنده میکند زمین را بعد از مردن
آن بتحقیق روشن کردیم از برای شما آیات را که دلایل واضحانست بر قدرت شاید شما دریابید ۱۷ بدرستیکه مردان صدقه کنندگان و زنان
صدقه کنندگان و مردان و زنانیکه قرض دادند بخدا قرض نیکو یعنی از بهترین اموال خودشان در راه خدا دادند دو چندان کند از برای ایشان یعنی زیاد
کند خدا برای ایشان از ده تا هفتصد و زیاده و مر ایشانراست مزدی گرامی ۱۸ و آنانکه ایمان آوردند بخدا و رسولان او آن گروه
ایشانند راستگویان و گواهان نزد پروردگار خودشان مر ایشانراست اجر ایشان و نور ایشان و آنانکه کافر
شدند و تکذیب کردند آیات ما را آن گروه یاران دوزخند ۱۹ بدانید جز این نیست که زندگانی دنیا بازیچه و بیهوده و زینت
و تفاخری است میان شما و مباهات کردن در بسیاری اموال و فرزندان مانند بارانیست که بر زمین کشته ببارد
و به تعجب آورد کافران را سبز شدن آن بعد خشک گردد بواسطهٔ آفتی که بآن برسد پس به بینی آن سبزی را زرد شده
پس باشد درهم شکسته خورد شده و در آخرتست عذابی سخت ۲۰ و آمرزشی از خدا و خوشنودی و نیست زندگانی دنیا

الظاهر والباطن وهو بكل شئ عليم ٣ هو الذى خلق السموات والأرض
فى ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم ما يلج فى الأرض وما يخرج
منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اين ما كنتم والله بما
تعملون بصير ٤ له ملك السموات والأرض والى الله ترجع الأمور ٥
يولج الليل فى النهار ويولج النهار فى الليل وهو عليم بذات الصدور ٦
امنوا بالله ورسوله وانفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه فالذين امنوا
منكم وانفقوا لهم اجر كبير ٧ وما لكم لا تؤمنون بالله والرسول يدعوكم
لتؤمنوا بربكم وقد اخذ ميثاقكم ان كنتم مؤمنين ٨ هو الذى ينزل على
عبده ايات بينات ليخرجكم من الظلمات الى النور وان الله بكم لرءوف
رحيم ٩ وما لكم الا تنفقوا فى سبيل الله ولله ميراث السموات والأرض
لا يستوى منكم من انفق من قبل الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من
الذين انفقوا من بعد وقاتلوا وكلا وعد الله الحسنى والله بما تعملون
خبير ١٠ من ذا الذى يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له وله اجر كريم
١١ يوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعى نورهم بين ايديهم وبايمانهم
بشريكم اليوم جنات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ذلك هو



الفوز العظيم ١٣ يوم يقول المنافقون والمنافقات للذين آمنوا انظرونا
نقتبس من نوركم قيل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورا فضرب بينهم بسور له
باب باطنه فيه الرحمة وظاهره من قبله العذاب ينادونهم ألم نكن
معكم قالوا بلى ولكنكم فتنتم أنفسكم وتربصتم وارتبتم وغرتكم الأماني حتى جاء
أمر الله وغركم بالله الغرور ١٤ فاليوم لا يؤخذ منكم فدية ولا من الذين كفروا
مأواكم النار هي مولاكم وبئس المصير ١٥ ألم يأن للذين آمنوا أن تخشع قلوبهم
لذكر الله وما نزل من الحق ولا يكونوا كالذين أوتوا الكتاب من قبل فطال عليهم
الأمد فقست قلوبهم وكثير منهم فاسقون ١٦ اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد
موتها قد بينا لكم الآيات لعلكم تعقلون ١٧ إن المصدقين والمصدقات
وأقرضوا الله قرضا حسنا يضاعف لهم ولهم أجر كريم ١٨ والذين آمنوا بالله
ورسله أولئك هم الصديقون والشهداء عند ربهم لهم أجرهم ونورهم و
الذين كفروا وكذبوا بآياتنا أولئك أصحاب الجحيم ١٩ اعلموا أنما الحياة الدنيا
لعب ولهو وزينة وتفاخر بينكم وتكاثر في الأموال والأولاد كمثل
غيث أعجب الكفار نباته ثم يهيج فتراه مصفرا ثم يكون حطاما و
في الآخرة عذاب شديد ٢٠ ومغفرة من الله ورضوان وما الحياة الدنيا

الْأَمْتَاعُ الْغُرُورِ ٢١ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ٢٢ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي
الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ
يَسِيرٌ ٢٣ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ٢٤ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ٢٥ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا
مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ
شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ
قَوِيٌّ عَزِيزٌ ٢٦ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا
النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ٢٧ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ
بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ
الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا
ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ
وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ٢٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ



كفلين من رحمته ويجعل لكم نورا تمشون به ويغفر لكم والله غفور
رحيم ٢٨ لئلا يعلم اهل الكتاب الا يقدرون على شيء من فضل الله و
ان الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم

سورة المجادلة مدنية وهي اثنتان وعشرون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها وتشتكي الى الله والله يسمع
تحاوركما ان الله سميع بصير ١ الذين يظاهرون منكم من نسائهم ما هن
امهاتهم ان امهاتهم الا اللائي ولدنهم وانهم ليقولون منكرا من القول
وزورا وان الله لعفو غفور ٢ والذين يظاهرون من نسائهم ثم
يعودون لما قالوا فتحرير رقبة من قبل ان يتماسا ذلكم توعظون به والله
بما تعملون خبير ٣ فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين من قبل ان يتماسا
فمن لم يستطع فاطعام ستين مسكينا ذلك لتؤمنوا بالله ورسوله و
تلك حدود الله وللكافرين عذاب اليم ٤ ان الذين يحادون الله ورسوله
كبتوا كما كبت الذين من قبلهم وقد انزلنا ايات بينات وللكافرين عذاب
مهين ٥ يوم يبعثهم الله جميعا فينبئهم بما عملوا احصاه الله ونسوه و

مگر برخورداری غرور که متاع غرور بفریبد کسی را که در فکر آخرت نباشد ۲۱ پیشی گیرید بسوی آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنای آن مثل پهنای آسمان و زمین است مهیا شده است از برای کسانیکه ایمان آوردند بخدا و رسولان خدا اینست فضل خدا میدهد هر کرا میخواهد و خدا صاحب فضل بزرگست ۲۲ نرسید هیچ مصیبتی در زمین و نه در نفسهای شما مگر آنچه ثبت کرده شده است در لوح محفوظ پیش از اینکه بیافرینیم نفسها را به درستیکه این ثبت اشیاء در لوح محفوظ بر خدا آسانست ۲۳ تا اندوهگین نشوید و غم نخورید بر آنچه فوت شد از شما و خوشحال نشوید بآنچه داد شما را و خدا دوست نمیدارد هر متکبر فخر کننده را ۲۴ آنانکه بخل میکنند و امر میکنند مردم را بخل کردن و هر که روی بگرداند از انفاق اموال پس بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده ۲۵ هر آینه بتحقیق فرستادیم رسولان خودمان را با حجتها و فرو فرستادیم با ایشان کتاب را یعنی کتب سماوی را و ترازو را تا قائم شوند مردمان بعدل و فرو فرستادیم ما آهن را که در آنست کارزاری سخت و سودهائی از برای مردم و تا بداند خدا کی نصرت میدهد او را و رسولان او را به پنهانی بدرستی که خدا توانای غالب است ۲۶ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ما نوح و ابراهیم را و گردانیدیم در فرزندان ایشان پیغمبری را و کتاب را پس بعضی از ایشان راه یافتگانند و بسیاری از ایشان بدکارانند ۲۷ پس از پی در آوردیم ما بر اعقاب نوح و ابراهیم فرستادگان خودمان را که پیغمبران بودند و از پی در آوردیم یعنی تمام کردیم پیغمبران بنی اسرائیل را بعیسی پسر مریم و دادیم باو انجیل را و گردانیدیم در دلهای آنانکه متابعت کردند او را مهربانی و بخشایشی و طریق رهبانیتی که از نو پیدا کردند آنرا ننوشتیم و واجب نکردیم رهبانیت را بر ایشان مگر بطلب خوشنودی خدا پس رعایت نکردند آن را حق رعایت رهبانیت را پس دادیم آن کسانی را که ایمان آوردند از قوم عیسی اجر ایشان را و بسیاری از ایشان بدکارانند ۲۸ ای آن کسانیکه ایمان آورده اید بپرهیزید از خدا و ایمان بیاورید برسول خدا میدهد شما را

صفحهٔ چهارصد و بیست و چهارم

دو حصه از رحمت خودش و میگرداند برای شما نوری را که میروید بآن که از صراط بگذرید و ببهشت برسید و میآمرزد برای شما گناهان سابقهٔ شما را و خدا آمرزندهٔ مهربانست ۲۹ تا اینکه البته بدانند اهل کتاب اینکه قادر نیستند بر چیزی از فضل خدا و اینکه فضل بدست خداست میدهد هر کسی را که میخواهد و خدا صاحب فضل بزرگست

سورة المجادلة مشتمل بر بیست و دو آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بتحقیق شنید خدا سخن آنکه مجادله میکرد ترا در کار شوهر خود و شکایت میکرد بسوی خدا و خدا می شنود مراجعت کلام شما را بدرستی که خدا شنوندهٔ بیناست ۲ آنانکه ظهار کنند از شما از زنانشان نیستند ایشان مادر ایشان نیستند مادران ایشان مگر آن زنانی که زائیده اند ایشان را بدرستیکه ایشان هر آینه میگویند ناپسندی را از گفتار یعنی سخن ناشناخته و نادانسته در شرع و دروغی را ۳ و بدرستیکه خدا هر آینه درگذرندهٔ آمرزنده است ۴ و آنانکه ظهار کنند از زنان خود پس تکرار میکنند مر آنچیز را که گفتند پس بر ایشانست آزاد کردن بندهٔ پیش از اینکه مس یکدیگر کنند اینست حکمی که مامور شده اید بآن پند داده میشوید بآن و خدا بآنچه میکنید آگاهست ۵ پس هر که نیابد یعنی نتواند آزاد کردن بندهٔ را پس روزه گرفتن دو ماه متصل است پیش از اینکه مس کنند یکدیگر را پس هر که نتواند روزه بگیرد پس طعام دادن شصت مسکین است این احکام برای اینست که ایمان بیاورید و تصدیق کنید بخدا و رسول خدا و اینست حدود خدا و از برای کافران عذابی دردناکست ۶ بدرستی که آنانکه خلاف میکنند خدا و پیغمبر او را نگونسار شدند آنکسانیکه پیش از ایشان بودند و بیقین فرو فرستادیم ما آیات ظاهر روشن را و از برای کافرانست عذابی خوار کننده ۷ روزی که بر انگیزاند ایشان را خدا همگی را پس خبر دهد ایشان را بآنچه کرده اند شمرده است آن اعمال را خدا و فراموش کردند آن را

و خدا بر هر چیزی گواه است ۸ آیا ندیدهٔ اینکه خدا میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است نمی باشد از راز گفتن و مخفی سخن گفتن سه نفر مگر اینکه خدا چهارم ایشانست و نه از راز گفتن پنج نفر مگر اینکه خدا ششم ایشانست و نه کمتر از سه نفر و نه بیشتر مگر اینکه خدا با ایشانست هر کجا باشند پس از آن خبر میدهد ایشانرا بآنچه کرده اند در روز قیامت بدرستیکه بهر چیزی داناست ۹ آیا ندیدهٔ یعنی نمی نگری بسوی آنانکه باز داشته شدند از راز گفتن پس باز میگردند از آنچه نهی کرده شدند از آن و نجوی میکنند یعنی راز میگویند بگناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر و چون بیایند ترا تحیت کنند ترا بآنچه تحیت نکرد ترا بآن خدا و میگویند در نفسهای خود چرا عذاب نمیکند ما را خدا بآنچه گوئیم کافی ایشانست دوزخ در آیند آنرا پس بد بازگشتی است ۱۰ ای کسانیکه ایمان آوردید چون راز گوئید با هم پس راز نگوئید بگناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر و راز گوئید به نیکی و پرهیزکاری و بپرهیزید از خدای آنچنانیکه بسوی او جمع کرده شوید ۱۱ جز این نیست که نجوی از شیطانست تا اینکه اندوهگین شوند آنانکه گرویدند و نیست شیطان یا نجوی ایشان ضرر رسانندهٔ ایشان هیچ چیز مگر باذن خدا و بر خدا پس باید توکل کنند گروندگان ۱۲ ای کسانی که ایمان آورده اید چون گفته شود مر شما را که وسعت بدهید در مجالس یعنی فراخ کنید مکان را برای هم پس فراخ کنید وسعت میدهد خدا برای شما و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید بلند میکند خدا آنان را که ایمان آورده اند از شما و آنانرا که داده شدند علم باحکام شرایع درجه های بلند و رتبه های [illegible] و خدا بآنچه میکنید آگاه است ۱۳ ای آن کسانی که ایمان آورده اید چون سرگوشی کنید پیغمبر را پس مقدم بدارید پیش از گفتن خود تصدق دادن مستحقان را این صدقه دادن بهتر است از برای شما و پاکیزه تر است پس اگر نیافتید چیزیکه صدقه بدهید پس بدرستی که خدا آمرزندهٔ مهربانست ۱۴

صفحه چهارصد وبیست وششم

آیا ترسیدید اینکه بدهید پیش از راز گفتن صدقه هائی را پس چون نکردید این کار را و درگذشت و پذیرفت خدا بر شما و معذور داشت شما را پس برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و اطاعت کنید خدا و رسول خدا را و خدا آگاه است بآنچه میکنید ۱۵ آیا نمی بینی و نظر نمی کنی بسوی آنانکه دوست گرفتند قومی را که خشم گرفت خدا بر ایشان نیستند ایشان از شما و نه از یهودان و قسم میخورند بر دروغ و دعوی اسلام و احترام سید انام و حال اینکه ایشان میدانند که منافقانند ۱۶ آماده کرده است خدا از برای ایشان عذابی سخت را بدرستیکه ایشان بد است آنچه میکردند ۱۷ گرفتند سوگندهای خود را سپری پس باز داشتند مردم را از راه خدا پس از برای ایشانست عذابی خوار کننده ۱۸ هرگز دفع نکند از منافقین اموال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را آنگروه یاران آتش اند ایشان در آن آتش جاوید اند ۱۹ روزیکه برانگیزاند ایشانرا خدا همه را پس سوگند خورند برای خدا همچنانکه سوگند میخورند برای شما و گمان کنند که ایشان بر چیزی هستند یعنی پندارند که آن قسم خوردن برای ایشان فایده دارد و بدانید بدرستیکه ایشانند دروغگویان ۲۰ مستولی شد بر ایشان شیطان پس از یاد ایشان برد ذکر خدا را آنگروه لشکر شیطانند بدان بدرستی که لشکر شیطان ایشانند زیانکاران ۲۱ بدرستیکه آنانکه خلاف کنند خدا و فرستاده خدا را آنگروه در سلک ذلیل ترانند نوشته است خدا و فرض کرده است هر آینه غالب شوم البته من و پیغمبرانم یعنی نصرت دهم اهل اسلام را بدرستیکه خدا توانای غالب است ۲۲ نیابی گروهی را که میگروند بخدا و روز قیامت که دوستی کنند کسی را که خلاف کند با خدا و رسول خدا و اگرچه بودند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا قبیلهٔ ایشان این گروه نوشته است در دلهای ایشان ایمان و تقویت کرد خدا ایشان را بروحی از خودش و در آورد ایشان را ببهشتهائی که میرود از زیر درختان آن نهرهای آب همیشه در آن بهشتها هستند راضی است خدا از ایشان و خوشنود باشند ایشان از خدا

این گروه لشکر خدایند بدانکه لشکر خدا ایشانند رستگاران

سورة الحشر مشتمل بر بیست و چهار آیه در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تسبیح کرد و پاکی یاد کرد از برای خدا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او است غالب درستکار ۲ او است آنکه
بیرون آورد آنانرا که کافر شدند از اهل کتاب یعنی بنی النضیر از دیارشان در اول راندنشان یعنی از جزیرهٔ عرب بشام گمان نداشتید اینکه
بیرون بروند و گمان میکردند باینکه منع کننده ایشانست و بازدارنده است ایشانرا حصارهای ایشان از عذاب خدا پس آمد عذاب خدا ایشانرا
از جائیکه گمان نمیبردند و افکند خدا در دلهای ایشان ترس را که خراب میکردند خانهاشانرا بدستهای خودشان و بدستهای مؤمنین پس عبرت
بگیرید ای خداوندان بینائیها ۳ و اگر نه آن بود که نوشته است خدا بر ایشان جلا را یعنی بیرون رفتن از خانهاشان هر آینه عذاب میکرد خدا
ایشانرا در دنیا باستیصال قتل چنانچه با بنی قریظه عمل نمود و مر ایشانراست در آخرت عذاب آتش ۴ این جلای وطن ایشان بسبب اینست که
ایشان مخالفت کردند خدا و رسول خدا را و هر که مخالفت کند خدا را پس بدرستیکه خدا سخت عقوبتست ۵ آنچه بریدید از درختهای خرمای
خوب یا بازگذاشتید آنرا ایستاده بر ریشه‌های خود پس باذن خداست تا اینکه خوار کند بدکارانرا ۶ و آنچه باز فرستاده خدا بر رسول خود
از مالهای ایشان پس نتاختید بر آن اموال هیچ اسبی و نه شتری یعنی پیاده بجنگ رفتید سوی پیغمبر که بر شتر سوار بود ولیکن خدا مسلط میکند
رسولان خود را بر هر که میخواهد و خدا بر همه چیزی قادر است ۷ آنچه باز گردانیده است خدا بر رسول خودش از اموال اهل دهها که بجنگ و جدال
گرفته نشده یعنی قرای بنی نضیر پس از برای خدا است و از برای رسول و برای خویشان و یتیمان و فقیران و مسافر را هم تا نباشد آن اموال
متداول میان بی نیازان از شما که بآن اموال زیادتی جویند و بفقرا کم دهند یا محروم سازند مانند زمان جاهلیت

و آنچه داد شما را پیغمبر پس بگیرید آنرا و آنچه نهی کرد پیغمبر شما را از آن پس

باز ایستید و بترسید از خدا بدرستیکه خدا سخت عقوبتست ۸ و همچنین از غنایم برای فقراء مهاجرین است آنانکه بیرون کرده شدند از خانهاشان
و مالهاشان که در مکه اند در حالتی که میجستند فضلی از خدا و خوشنودی را و یاری میکنند خدا و رسول خدا را این گروه ایشانند راست گویانند ۹ و دیگر از
غنایم آنانراست که جای گرفتند در خانهای مدینه در ایمان یعنی انصار اهل مدینه در ایمان ثابت قدم بودند پیش از مهاجرین که دوست میدارند هر که را
هجرت کند و پناه بسوی ایشان نیابند در سینه‌های خودشان حسد و غیظ آنچه بمهاجرین داده شد از اموال غنیمت بنی نضیر و اختیار میکنند مهاجرین را بر نفسهای
خودشان یعنی هر چه دارند از خانه و مال بمهاجرین میدهند و اگر چه هست خود ایشانرا احتیاج بآنچه میدهند و هر که نگاهداشته شود از بخل خودش یعنی نگاهدارد از
بخل نفس خود را پس آنگروه ایشانند رستگاران ۱۰ و آنانکه آمدند بعد از مهاجرین و انصار میگویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و مر برادران ما را آنانکه پیشی گرفتند ما را
بایمان و مگردان در دلهای ما کینه از برای آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ما بدرستیکه تو بخشاینده مهربانی ۱۱ آیا نمینگری بسوی آنانکه نفاق ورزیدند میگویند برای
برادران خودشان آنانکه کافر شدند از اهل کتاب یعنی از اهل توراة هر آینه اگر بیرون کرده شوید شما یعنی شما را از مدینه بیرون کنند هر آینه بیرون میرویم البته با شما و اطاعت
نکنیم یعنی فرمان نبریم در خلاف و جدال شما احدی را یعنی محمد را هرگز و اگر مقاتله کرده شوید شما یعنی جنگ کنند با شما هر آینه یاری کنیم البته شما را و خدا گواهی میدهد بدرستیکه
ایشان هر آینه دروغگویان هستند ۱۲ هر آینه اگر بیرون کرده شوند کفار یهود از مدینه بیرون نمیروند منافقان که دوست ایشانند با ایشان و هر آینه اگر کارزار کرده
شوند یاری نمیکنند ایشانرا و هر آینه اگر یاری دهند ایشانرا هر آینه برگردانند البته پشتهای خود را پس یاری کرده نمیشوند ۱۳ هر آینه شما مؤمنان سخت ترید از
روی ترس در سینه‌های منافقان از خدا یعنی ترس شما در دل منافقان بیشتر است از ترس از خدا اینکه از شما بیشتر از خدا میترسند بسبب اینکه ایشان قومی هستند
که نمیفهمند ۱۴ جنگ نمیکنند با شما در حالتی که جمع باشند مگر در دههای استوار برج و باره و خندق یا از پشت دیوارها کارزارشان در میان خودشان سخت است
یعنی در کمال شجاعت هستند ولی با مسلمانان که مقابل شوند خدا اندر دل ایشان رعب و ترس افکند گمان میکنی ایشانرا یکدل و یکجهت
و حال آنکه دلهای ایشان متفرق است این تفرقه حواس ایشان بسبب این است که ایشان قومی هستند که عقل
ندارند ۱۵ مانند آن کسانی که پیش از ایشان بودند در زمان نزدیک بفاصلهٔ شش ماه که چشیدند بدی عاقبت
کار خود را یعنی کفار قریش از جهت کفر خود در بدر کشته شدند و مر ایشانراست عذابی دردناک ۱۶ مانند مثل

شیطانست چون گفت از برای انسان کافر شو پس چون کافر شد گفت بدرستیکه من بیزارم از تو بدرستی که من میترسم خدا را که پروردگار عالمیانست ۱۷ پس بود عاقبت شیطان و انسان اینکه هر دو در آتش جاویدمان هستند در آن و اینست جزای ستمکاران ۱۸ ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بترسید از خدا و باید که نظر کند هر نفسی بآنچه پیش فرستاده برای فردا و بترسید از خدا بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنید ۱۹ و نباشید مثل آنانکه فراموش کردند خدا را پس فراموشی داد خدا ایشان را از نفسهاشان این گروه ایشانند فاسقان ۲۰ مساوی نیست یاران آتش و یاران بهشت ایشان رستگارانند ۲۱ اگر فرو فرستیم ما این قرآن را بر کوهی هر آینه می بینی آنکوه را ترسنده و از هم ریخته شده از ترس خدا و این مثلها را میزنیم آنها را از برای مردم شاید ایشان تفکر کنند ۲۲ اوست خدای آنچنانیکه نیست خدائی مگر او دانای پنهان و آشکار است اوست بخشندهٔ مهربان ۲۳ اوست خدای آنچنانی که نیست خدائی مگر او پادشاه عالم که پاک و منزه سالم از عیبهاست ایمن کنندهٔ بندگان نگهبان بر هر چیزی خلق فرموده غالب بزرگوار است در نهایت کبریا پاکست خدا از آنچه شرک میآورند ۲۴ اوست خدا که تقدیر کنندهٔ هر چیز از مخلوقات است آفرینندهٔ مکنونات بخشندهٔ صورتها و نگارندهٔ آنها باشکال مختلفه از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند از برای او آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب درستکار

سورهٔ ممتحنه مشتمل بر سیزده آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای آن کسانی که ایمان آوردید مگیرید دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان می افکنید بسوی ایشان دوستی بمکاتبات و بتحقیق کافر شدند بآنچه آمد شما را از حق که قرآنست و متابعت سید الانام بیرون میکنند پیغمبر را از مکه و شما را نیز بیرون میکنند بسبب اینکه ایمان میآورید بخدا

که پروردگار شما است اگر بودید شما که بیرون آمده اید بجهت جهاد در راه من و برای طلب رضای من پنهانی میفرستید بسوی ایشان دوستی را و من داناترم بآنچه پنهان دارید و آنچه آشکار کنید و هر که میکند آن را از شما پس بتحقیق گم کرده است راه راست را ۲ اگر دریابند شما را کفار باشند مر شما را دشمنانی و بگشایند بسوی شما دستهای خودشان را و زبانهای خود را ببدی و دوست دارند اگر کافر شوید ۳ هرگز نفع نخواهد رسانید شما را خویشان شما و نه فرزندان شما روز قیامت جدائی افکند میان شما و خدا بآنچه میکنید بیناست ۴ بتحقیق هست مر شما را اقتدائی نیکو در ابراهیم و آنانکه با او بودند چون گفتند مر قوم خود را بدرستی که ما بیزاریم از شما و از آنچه عبادت میکنید از جز خدا انکار کردیم بشما و ظاهر شد میانهٔ ما و میانهٔ شما دشمنی و خشم همیشه تا ایمان بیاورید بخدا که یکتاست مگر گفتن ابراهیم مر پدر خود را که هر آینه آمرزش می طلبم البته از برای تو و مالک نیستم از برای تو از خدا هیچ چیز یعنی نمی توانم دفع عذاب خدا را از تو که پدرم هستی بکنم ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم ما و بسوی تو بازگشتیم بتوبه و انابه و بسوی تواست بازگشت ۵ ای پروردگار ما مگردان ما را آزمایشی برای آنها که کافر شدند و بیامرز ما را ای پروردگار ما بدرستیکه تو توئی غالب درستکار ۶ هر آینه بتحقیق هست مر شما را ای اهل اسلام در ابراهیم و اتباع او اقتداء بخصلتی نیکو برای کسی که باشد امیدوار خدا را و روز قیامت را و هر که روی بگرداند پس بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده ۷ شاید یعنی امید است اینکه خدا بگرداند میان شما و میان آنانکه دشمنی داشتند از کفار دوستی و خدا تواناست و خدا آمرزندهٔ مهربانست ۸ نهی نمی کند شما را خدا از آنها که کارزار نکردند با شما در کار دین و بیرون نکردند شما را از خانه های شما اینکه نیکی کنید ایشان را و حکم عدل کنید بسوی ایشان بدرستی که خدا دوست میدارد عدل کنندگان را ۹ جز این نیست که نهی میکند شما را خدا از کسانی که کارزار کردند با شما

اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ٨ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ

وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا

يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٩ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى

ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ

الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ

لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٠ يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ

الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ١١

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا

بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ١٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا

قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَبِيرٌ ١٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ

نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٤

لولا يعذبنا الله
اي يقولون لو كان هذا نبيا
كما يزعم فهلا يعذبنا الله
ولا يستجيب لنا فينا قولوا
عليكم يغفر والسام وهو
الموت فقال سبحانه
حسبهم كافيهم

ءَاَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقٰتٍ فَاِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ

اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَاللّٰهُ

خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ١٥ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ

مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُوْنَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ١٦ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ

عَذَابًا شَدِيْدًا اِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ١٧ اِتَّخَذُوْٓا اَيْمَانَهُمْ جُنَّةً

فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ١٨ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَ

لَآ اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ١٩ يَوْمَ

يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا فَيَحْلِفُوْنَ لَهٗ كَمَا يَحْلِفُوْنَ لَكُمْ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ عَلٰى شَيْءٍ اَلَآ

اِنَّهُمْ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ٢٠ اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطٰنُ فَاَنْسٰىهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ

حِزْبُ الشَّيْطٰنِ اَلَآ اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطٰنِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ٢١ اِنَّ الَّذِيْنَ

يُحَآدُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗٓ اُولٰٓئِكَ فِي الْاَذَلِّيْنَ كَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِيْ

اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ ٢٢ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُّؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ يُوَآدُّوْنَ مَنْ

حَآدَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَلَوْ كَانُوْٓا اٰبَآءَهُمْ اَوْ اَبْنَآءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيْرَتَهُمْ

اُولٰٓئِكَ كَتَبَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْاِيْمَانَ وَاَيَّدَهُمْ بِرُوْحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ

تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ اُولٰٓئِكَ



حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون

سورة الحشر مدنية وهي أربع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سبح لله ما في السماوات وما في الأرض وهو العزيز الحكيم ۝١ هو الذي أخرج
الذين كفروا من أهل الكتاب من ديارهم لأول الحشر ما ظننتم أن يخرجوا
وظنوا أنهم مانعتهم حصونهم من الله فأتاهم الله من حيث لم يحتسبوا و
قذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بأيديهم وأيدي المؤمنين فاعتبروا
يا أولي الأبصار ۝٢ ولولا أن كتب الله عليهم الجلاء لعذبهم في الدنيا
ولهم في الآخرة عذاب النار ۝٣ ذلك بأنهم شاقوا الله ورسوله ومن
يشاق الله فإن الله شديد العقاب ۝٤ ما قطعتم من لينة أو تركتموها
قائمة على أصولها فبإذن الله وليخزي الفاسقين ۝٥ وما أفاء الله على
رسوله منهم فما أوجفتم عليه من خيل ولا ركاب ولكن الله يسلط رسله
على من يشاء والله على كل شيء قدير ۝٦ ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى
فلله وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل كي لا
يكون دولة بين الأغنياء منكم وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه



فانتهوا واتقوا الله ان الله شديد العقاب ٧ للفقراء المهاجرين الذين
اخرجوا من ديارهم واموالهم يبتغون فضلا من الله ورضوانا وينصرون الله
ورسوله اولئك هم الصادقون ٨ والذين تبوء الدار والايمان يحبون
من هاجر اليهم ولا يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا ويؤثرون
على انفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فاولئك هم
المفلحون ٩ والذين جاءو من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا
الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا انك
رءوف رحيم ١٠ الم تر الى الذين نافقوا يقولون لاخوانهم الذين كفروا
من اهل الكتاب لئن اخرجتم لنخرجن معكم ولا نطيع فيكم احدا ابدا وان
قوتلتم لننصرنكم والله يشهد انهم لكاذبون ١١ لئن اخرجوا لا يخرجون معهم
ولئن قوتلوا لا ينصرونهم ولئن نصروهم ليولن الادبار ثم لا ينصرون ١٢
لانتم اشد رهبة في صدورهم من الله ذلك بانهم قوم لا يفقهون ١٣
لا يقاتلونكم جميعا الا في قرى محصنة او من وراء جدر بأسهم بينهم
شديد تحسبهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك بانهم قوم لا يعقلون ١٤
كمثل الذين من قبلهم قريبا ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم ١٥ كمثل

حزب

١ وكان كذلك قال ابن ابي واصحابه راسلوا بني النضير بذلك ثم اخلفوهم وفيه دليل على اعجاز القرآن

٣ قرء ابن كثير و ابو عمرو جدار والباقون جدر

در کار دین و بیرون کردند شما را از خانهای شما و هم پشت و کمک یکدیگر شدند بر بیرون کردن شما اینکه دوستی کنید با ایشان
و هر که دوستی کند با ایشان پس آنگروه ایشان ظلم کنندگانند ۱۰ ای کسانیکه ایمان آورده اید چون بیایند شما را زنان مؤمنه که
هجرت کرده باشند از کفر با یمان پس بیازمائید ایشانرا باینطور که قسم بدهید ایشانرا که هجرتشان برای دشمنی با شوهران خود و دوستی
با دیگران نبوده بلکه محض دوستی بخدا و رسول و دین اسلام بوده خدا داناتراست با یمان ایشان پس اگر دانستید شما آنها را مؤمنه پس
برنگردانید آنها را بسوی کافران نه ایشان حلالند از برای کفار و نه کفار حلال میشوند مر آن زنان را و بدهید شوهران ایشان را آنچه
خرج کردند برای آن زنها از مهر آنها و نیست جرمی بر شما اینکه نکاح کنید آن زنانرا وقتی که بدهید بایشان مهرهای ایشانرا و باید متمسک نشوید
یعنی چنگ در نزنید بعقد و کابین زنان کافره که بر زنیت شما باقی هستند و بخواهید آنچه خرج کردید شما یعنی زنانیکه در خانهٔ شما هستند
اگر مرتد شدند و نزد کفار رفتند باید مهری که بآنها داده اید از کفار مطالبه کنید و باید بخواهند کفار آنچه مهر داده اند بزنان خودشان در
صورتیکه آن زن مسلمان شده باشد این فرمان حکم خداست حکم میکند میان شما و خدا دانای درستکار است ۱۱ و اگر فوت شود از شما چیزی
از زنهای شما بسوی کفار یعنی اگر از زنهای شما مؤمنین بطرف کفار رفته باشند که مهر آنها را پس نگرفته باشید و نداده باشند پس تعاقب
کنید کفار را و غنیمت از مال آنها بدست بیاورید پس بدهید بآنکسانیکه رفته است زنهای ایشان مانند آنچه داده اند بآن زنها و بترسید از خدائی
آنچنانیکه شما باو گروندگانید ۱۲ ای پیغمبر اگر بیایند ترا زنان مؤمنه که بیعت کنند ترا بر اینکه شرک نیاورند بخدا چیزیرا و دزدی نکنند
و زنا نکنند و نکشند فرزندان خود را و نیاورند بهتانیرا که افترا کرده باشند میان دستهای خود و پاهای خود یعنی در جلوروی خود
افترا نگویند و عصیان نکنند ترا در نیکوئی پس بیعت کن با آن زنان و طلب آمرزش کن از برای ایشان از خدا بدرستیکه خدا آمرزندهٔ
مهربانست ۱۳ ای کسانیکه ایمان آورده اید دوستی نکنید بقومی که خشم گرفت خدا بر ایشان بتحقیق نومید شدند از آخرت همچنانکه
مأیوس شدند کافران از اصحاب گورها که آن اموات بعلم الیقین عاقبت کار خود را دانسته از نعم آن جهان بکلی قطع امید کرده باشند

سورة الصّف مشتمل بر چهارده آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

تسبیح کرد از برای خدا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او غالب درستکار است ۲ ای آن کسانی که ایمان
آورده اید چرا میگوئید آنچه را که نمیکنید ۳ بزرگست از روی شدت غضب نزد خدا اینکه میگوئید چیزی را که نمیکنید ۴
بدرستی که خدا دوست میدارد آن کسانی را که جنگ می کنند در راه او درحالتی که صف زدگانند گویا ایشان بناهای
ریخته شدهٔ از ارزیز هستند ۵ و چون گفت موسی از برای قوم خودش ای قوم من برای چه اذیت میکنید مرا و حال
اینکه بتحقیق میدانید اینکه من رسول خدایم بسوی شما پس چون کشتند از فرمان و اطاعت موسی با وجود آن ادله گردانید خدا دلهای ایشانرا
از استقامت یقین یعنی ایشانرا در بادیهٔ خذلان فرو گذاشت و خدا راه نمینماید قوم فاسقین ۶ و چون گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل
بدرستی که من رسول خدایم بسوی شما تصدیق کننده ام برای آنچه پیش منست از تورات و مژده دهنده است به پیغمبری که میاید بعد از من
که اسم او احمد است پس چون آمد آن احمد ایشانرا بمعجزات گفتند این سحری آشکار است ۷ و کیست ستمکارتر از آن کسی که بربافت
بر خدا دروغ را و او خوانده میشود بسوی اسلام و خدا راه نمینماید قوم ستمکارانرا ۸ میخواهند تا فرونشانند نور خدا بدهنهای خود و خدا
تمام کننده است نور خود را و اگرچه کراهت داشته باشند کافران ۹ اوست که فرستاد رسول خود را براهنمائی و دین حق تا غالب
سازد این دینرا بر تمام سایر ادیان و اگرچه اکراه دارند مشرکان ۱۰ ای آن کسانیکه ایمان آورده اید آیا راه نمائی کنم
شما را بر تجارتی که برهاند شما را از عذابی دردناک ۱۱ میگروید بخدا و رسول خدا و جهاد می کنید در راه خدا بمالهای
خودشان و تنهای خود آنچه مذکور شد از ایمان و جهاد بهتر است از برای شما اگر هستید شما که بدانید ۱۲ میآمرزد برای
شما گناهان شما را و داخل میکند شما را ببهشتهائی که میرود از زیر درختان آن نهرهای آب و مسکنهای پاکیزه در بهشتهای

اینست رستگاری بزرگ ۱۳ و نعمت دیگر که دوست میدارید آن را نصرتیست از جانب خدا و فتحی نزدیک و مژده بده
ای محمد مؤمنین را ۱۴ ای آن کسانیکه ایمان آورده اید باشید یاران دین خدا همچنانکه گفت عیسی پسر مریم از برای حواریین
کیست انصار من بسوی خدا گفتند حواریون مائیم انصار خدا پس گرویدند طایفه از بنی اسرائیل و کافر شدند طایفهٔ
پس قوت دادیم مر آنکسانیرا که ایمان آوردند بر دشمنانشان پس گشتند مؤمنان غلبه کنندگان بر کافران

سوره جمعه مشتمل بر یازده آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تسبیح میکند برای خدا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است پادشاه پاک غالب درستکار ۲ اوست آن که
برانگیخت در ما نویسندگان پیغمبری را از ایشان میخواند برایشان آیات او را و پاک سازد ایشان را و تعلیم کند بایشان
کتاب و حکمت را و اگر چه بودند پیش از این هر آینه در گمراهی روشن آشکاری ۳ و دیگران از ایشان که هنوز لاحق
نشده اند بایشان و اوست غالب درستکار ۴ اینست فضل خدا میدهد فضل را بهر که میخواهد و خدا صاحب
بخشش بزرگست ۵ مثل آنهائیکه بار کرده شدند تورات را پس برنداشتند آن تورات را یعنی فایدهٔ آن را
ضبط ننمودند مثل خریست که برمیدارد کتابهائی را بدست مثل قومی که تکذیب کردند بآیات خدا و خدا راه نمی
نماید قوم ستمکاران را ۶ بگو ای آن کسانی که یهود شدید اگر گمان شما این است که شما دوستان خدائید
از جز مردم یعنی هیچ میدانید که سایر مردم دوست خدا نیستند و شما دوستان خدائید پس آرزو کنید مرگ را
اگر هستید شما راستگویان ۷ و آرزو نمیکنند آن را هرگز بآنچه پیش فرستاده است دستهای
ایشان و خدا داناتر است بستمکاران ۸ بگو ای محمد بدرستی که مرگ آنچنانی که فرار میکنید از

آن پس بدرستیکه آن رسنده است شما را یعنی بطور یقین مرگ را شما را در خواهد یافت پس از آن برگردانیده شوید بسوی دانندهٔ
پنهان و آشکار پس خبر دهد شما را بآنچه بودید که میکردید ۹ ای آن کسانیکه ایمان آوردید چون ندا کرده شوید از برای نماز
از روز جمعه پس بشتابید بسوی ذکر خدا و بگذارید خرید و فروش را این بازگذاشتن بیع و شری و شتاب بنماز کردن بهتر است
از برای شما اگر هستید شما که میدانید ۱۰ پس چون گذارده شود نماز پس پراکنده در زمین و بجوئید از فضل خدا یعنی طلب روزی کنید
بواسطهٔ معاملات و ذکر کنید خدا را بسیار شاید شما رستگار شوید ۱۱ و چون ببینند تجارتی یا بازیچه را متفرق شوند بسوی آن و بازگذارند
ترا ایستاده تنها بگو آنچه نزد خداست بهتر است از بازیچه و از تجارت و خدا بهترین روزی دهندگانست

سوره منافقین مشتمل بر یازده آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اگر بیایند ترا ای محمد منافقان گویند گواهی میدهیم بدرستیکه تو هر آینه رسول خدائی و خدا میداند اینکه تو هر آینه رسول او هستی و خدا گواهی میدهد اینکه منافقان هر آینه
دروغگویانند ۲ گرفتند قسمهای خود را سپری پس باز داشتند مردم را از راه خدا بدرستیکه ایشان بد است آنچه بودند که میکردند ۳ اینکه مردم را از راه خدا باز داشتند بسبب اینست که
ایشان ایمان آوردند بعد کافر شدند پس مهر زده شد بر دلهای ایشان پس ایشان نمیفهمند ۴ و چون ببینی منافقان را بعجب آورد ترا جسمهای ایشان و اگر گویند یعنی تکلم کنند گوش
میدهی سخن ایشان را بجهت فصاحت بیانی که دارند و حال اینکه ایشان مانند چوبهای خشک شده اند که بدیوار تکیه داده شده باشند یعنی جسمانی هستند خالی از علم و دانش گمان
میکنند هر فریادی که برآید در میان لشکر آن واقعست برایشان ایشان دشمنند پس حذر کن از ایشان بکشد خدا ایشان را از کجا
برگردانیده میشوند از طریق حق با وجود مشاهدهٔ آیات ۵ و چون گفته شود از برای ایشان بیائید تا آمرزش
بخواهد برای شما رسول خدا بپیچند سرهای خود را و ببینی ایشان که باز میدارند یعنی اعراض میکنند و ایشان

گردن



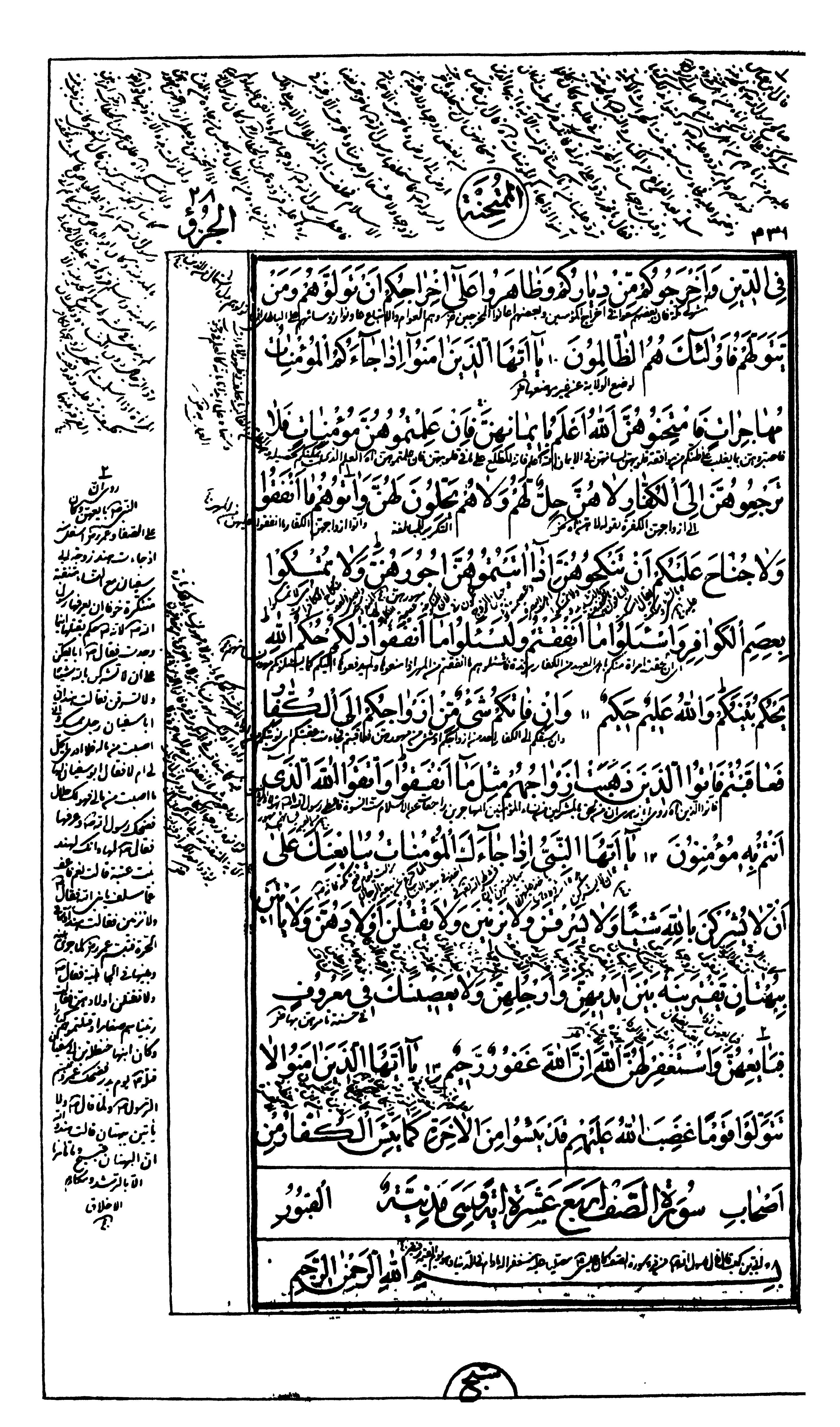
الشيطان اذ قال للانسان اكفر فلما كفر قال انى برىء منك انى اخاف الله
رب العالمين ١٧ فكان عاقبتهما انهما فى النار خالدين فيها وذلك جزاء
الظالمين ١٨ يا ايها الذين امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد
واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون ١٩ ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانسٰهم
انفسهم اولئك هم الفاسقون ٢٠ لا يستوى اصحاب النار واصحاب
الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون ٢١ لو انزلنا هذا القران على جبل
لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم يتفكرون ٢٢ هو الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب و
الشهادة هو الرحمن الرحيم ٢٣ هو الله الذى لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون ٢٤
هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما فى السموات
والارض وهو العزيز الحكيم

سورة الممتحنة مدنية وهى ثلث عشرة اية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا عدوى وعدوكم اولياء تلقون اليهم
بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون الرسول واياكم ان تؤمنوا

بالله ربكم ان كنتم خرجتم جهادا في سبيلي وابتغاء مرضاتي تسرون
اليهم بالمودة وانا اعلم بما اخفيتم وما اعلنتم ومن يفعله منكم فقد
ضل سواء السبيل ان يثقفوكم يكونوا لكم اعداء ويبسطوا اليكم
ايديهم والسنتهم بالسوء وودوا لو تكفرون لن تنفعكم ارحامكم و
لا اولادكم يوم القيمة يفصل بينكم والله بما تعملون بصير قد كانت
لكم اسوة حسنة في ابرهيم والذين معه اذ قالوا لقومهم انا برءؤا منكم
ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم وبدا بيننا وبينكم العداوة و
البغضاء ابدا حتى تؤمنوا بالله وحده الا قول ابرهيم لابيه لاستغفرن
لك وما املك لك من الله من شيء ربنا عليك توكلنا واليك انبنا
واليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا واغفر لنا ربنا انك
انت العزيز الحكيم لقد كان لكم فيهم اسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم
الاخر ومن يتول فان الله هو الغني الحميد عسى الله ان يجعل بينكم
وبين الذين عاديتم منهم مودة والله قدير والله غفور رحيم لا ينهىكم
الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم
وتقسطوا اليهم ان الله يحب المقسطين انما ينهىكم الله عن الذين قاتلوكم

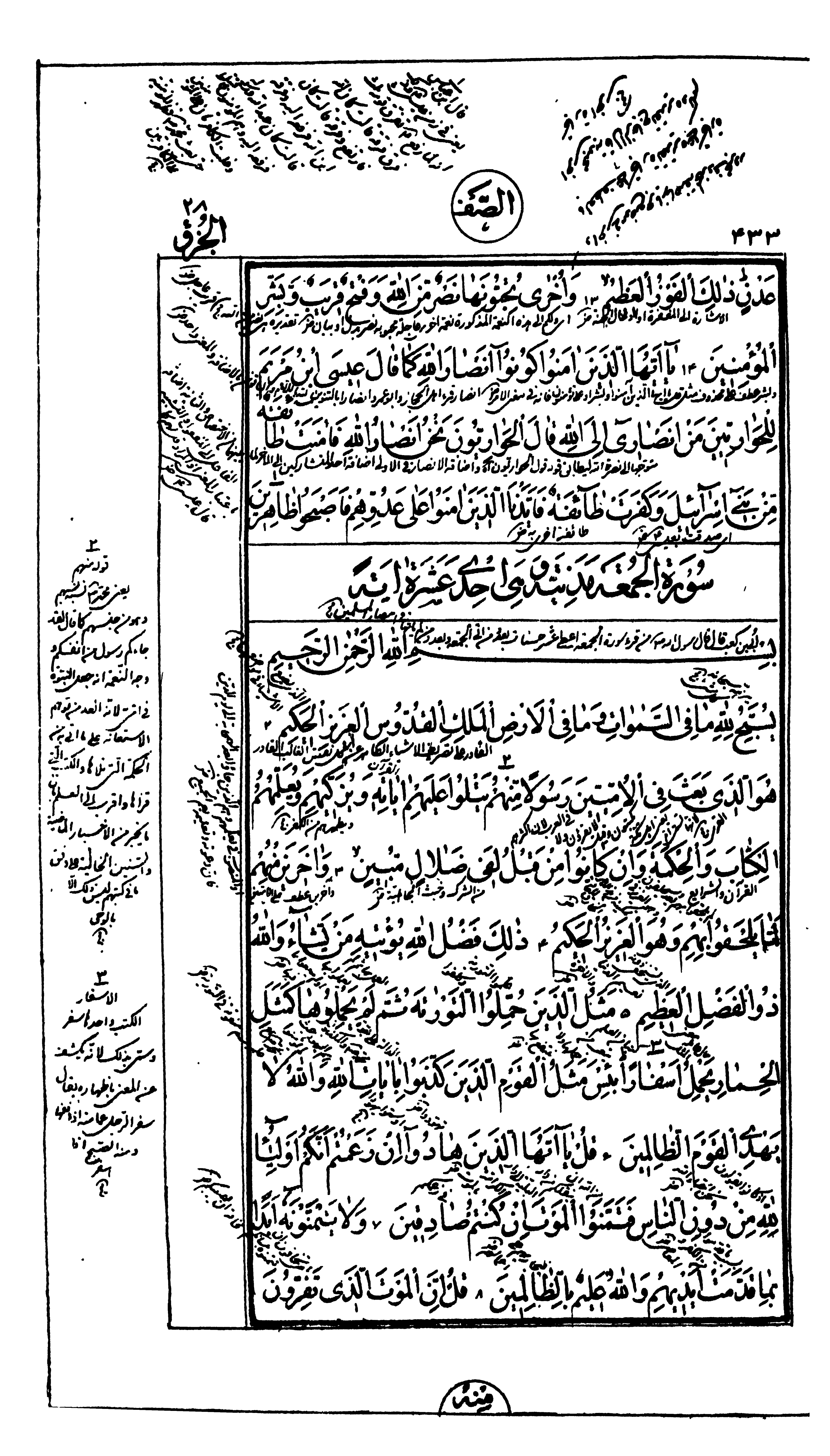


في الدين وأخرجوكم من دياركم وظاهروا على إخراجكم أن تولوهم ومن
يتولهم فأولئك هم الظالمون ١٠ يا أيها الذين آمنوا إذا جاءكم المؤمنات
مهاجرات فامتحنوهن الله أعلم بإيمانهن فإن علمتموهن مؤمنات فلا
ترجعوهن إلى الكفار لا هن حل لهم ولا هم يحلون لهن وآتوهم ما أنفقوا
ولا جناح عليكم أن تنكحوهن إذا آتيتموهن أجورهن ولا تمسكوا
بعصم الكوافر واسألوا ما أنفقتم وليسألوا ما أنفقوا ذلكم حكم الله
يحكم بينكم والله عليم حكيم ١١ وإن فاتكم شيء من أزواجكم إلى الكفار
فعاقبتم فآتوا الذين ذهبت أزواجهم مثل ما أنفقوا واتقوا الله الذي
أنتم به مؤمنون ١٢ يا أيها النبي إذا جاءك المؤمنات يبايعنك على
أن لا يشركن بالله شيئا ولا يسرقن ولا يزنين ولا يقتلن أولادهن ولا يأتين
ببهتان يفترينه بين أيديهن وأرجلهن ولا يعصينك في معروف
فبايعهن واستغفر لهن الله إن الله غفور رحيم ١٣ يا أيها الذين آمنوا لا
تتولوا قوما غضب الله عليهم قد يئسوا من الآخرة كما يئس الكفار من
أصحاب القبور

سورة الصف أربع عشرة آية وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٢ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ
اٰمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ٣ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا
تَفْعَلُونَ ٤ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ
مَرْصُوصٌ ٥ وَإِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي
رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفٰسِقِينَ ٦ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰبَنِي إِسْرٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ
أَحْمَدُ فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ٧ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى
عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعٰٓى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ٨
يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوٰهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُونَ ٩
هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ١٠ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلٰى تِجٰرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ
عَذَابٍ أَلِيمٍ ١١ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُجٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
بِأَمْوٰلِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ١٢ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَيُدْخِلْكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنّٰتِ

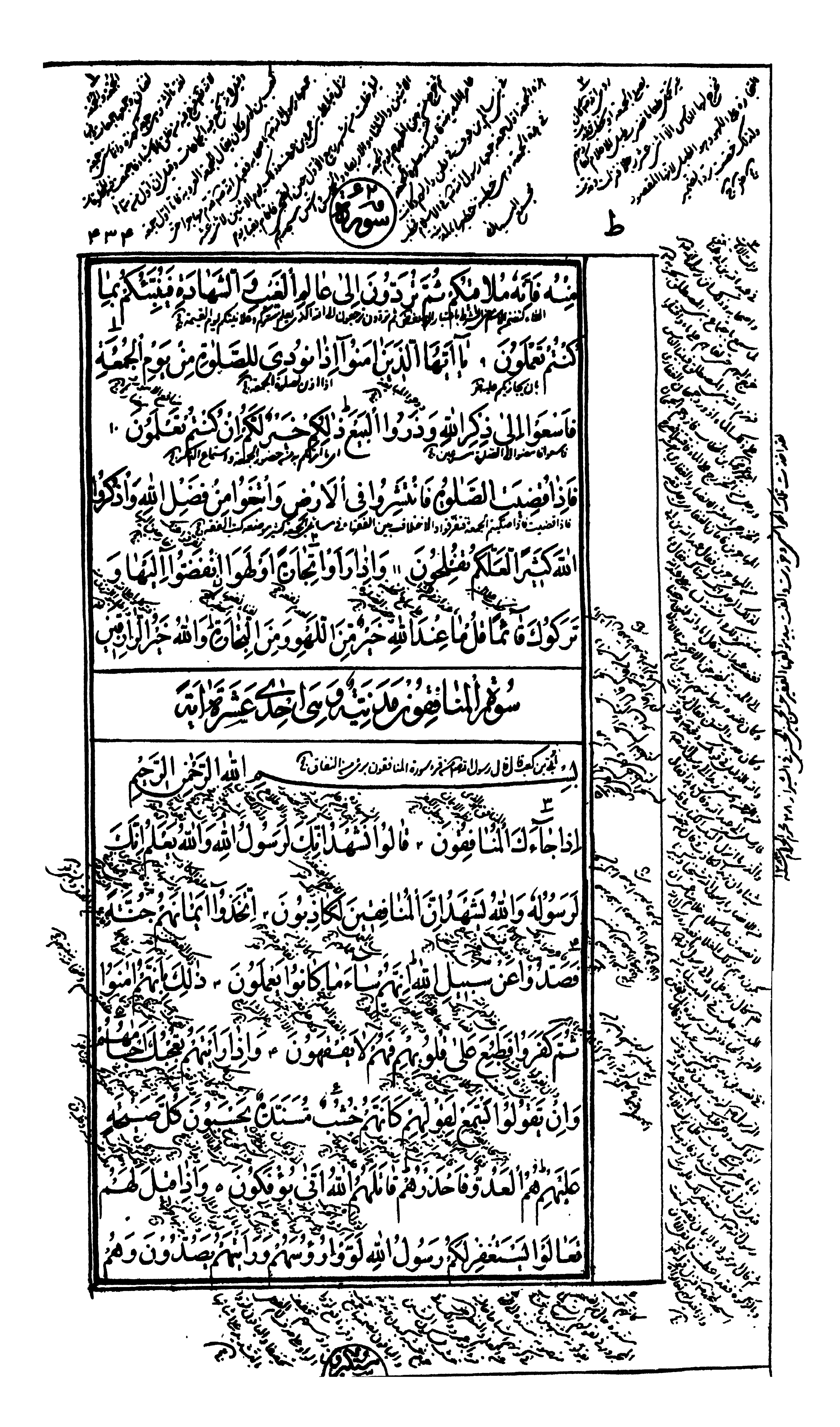


عدنٍ ذلك الفوز العظيم ١٣ وأخرى تحبونها نصر من الله وفتح قريب وبشر
المؤمنين ١٤ يا أيها الذين آمنوا كونوا أنصار الله كما قال عيسى ابن مريم
للحواريين من أنصاري إلى الله قال الحواريون نحن أنصار الله فآمنت طائفة
من بني إسرائيل وكفرت طائفة فأيدنا الذين آمنوا على عدوهم فأصبحوا ظاهرين

سورة الجمعة مدنية وهي إحدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يسبح لله ما في السموات وما في الأرض الملك القدوس العزيز الحكيم ٢
هو الذي بعث في الأميين رسولا منهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم
الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفي ضلال مبين ٣ وآخرين منهم
لما يلحقوا بهم وهو العزيز الحكيم ٤ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله
ذو الفضل العظيم ٥ مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل
الحمار يحمل أسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله لا
يهدي القوم الظالمين ٦ قل يا أيها الذين هادوا إن زعمتم أنكم أولياء
لله من دون الناس فتمنوا الموت إن كنتم صادقين ٧ ولا يتمنونه أبدا
بما قدمت أيديهم والله عليم بالظالمين ٨ قل إن الموت الذي تفرون



منه فإنه ملاقيكم ثم تردون إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما
كنتم تعملون ۝ يا أيها الذين آمنوا إذا نودي للصلوة من يوم الجمعة
فاسعوا إلى ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون ۝
فإذا قضيت الصلوة فانتشروا في الأرض وابتغوا من فضل الله واذكروا
الله كثيرا لعلكم تفلحون ۝ وإذا رأوا تجارة أو لهوا انفضوا إليها و
تركوك قائما قل ما عند الله خير من اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين

سورة المنافقون مدنية وهي إحدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله والله يعلم إنك
لرسوله والله يشهد إن المنافقين لكاذبون ۝ اتخذوا أيمانهم جنة
فصدوا عن سبيل الله إنهم ساء ما كانوا يعملون ۝ ذلك بأنهم آمنوا
ثم كفروا فطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون ۝ وإذا رأيتهم تعجبك أجسامهم
وإن يقولوا تسمع لقولهم كأنهم خشب مسندة يحسبون كل صيحة
عليهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله أنى يؤفكون ۝ وإذا قيل لهم
تعالوا يستغفر لكم رسول الله لووا رؤوسهم ورأيتهم يصدون وهم

مُسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ۝ هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا۟ عَلَىٰ مَنْ عِندَ

رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّوا۟ ۗ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ

لَا يَفْقَهُونَ ۝ يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَآ إِلَى ٱلْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ ٱلْأَعَزُّ مِنْهَا ٱلْأَذَلَّ

وَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَٰٓأَيُّهَا

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ

فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ۝ وَأَنفِقُوا۟ مِن مَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ

ٱلْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ

وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا ۚ وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

سورة التغابن مكية وهي ثماني عشرة آية

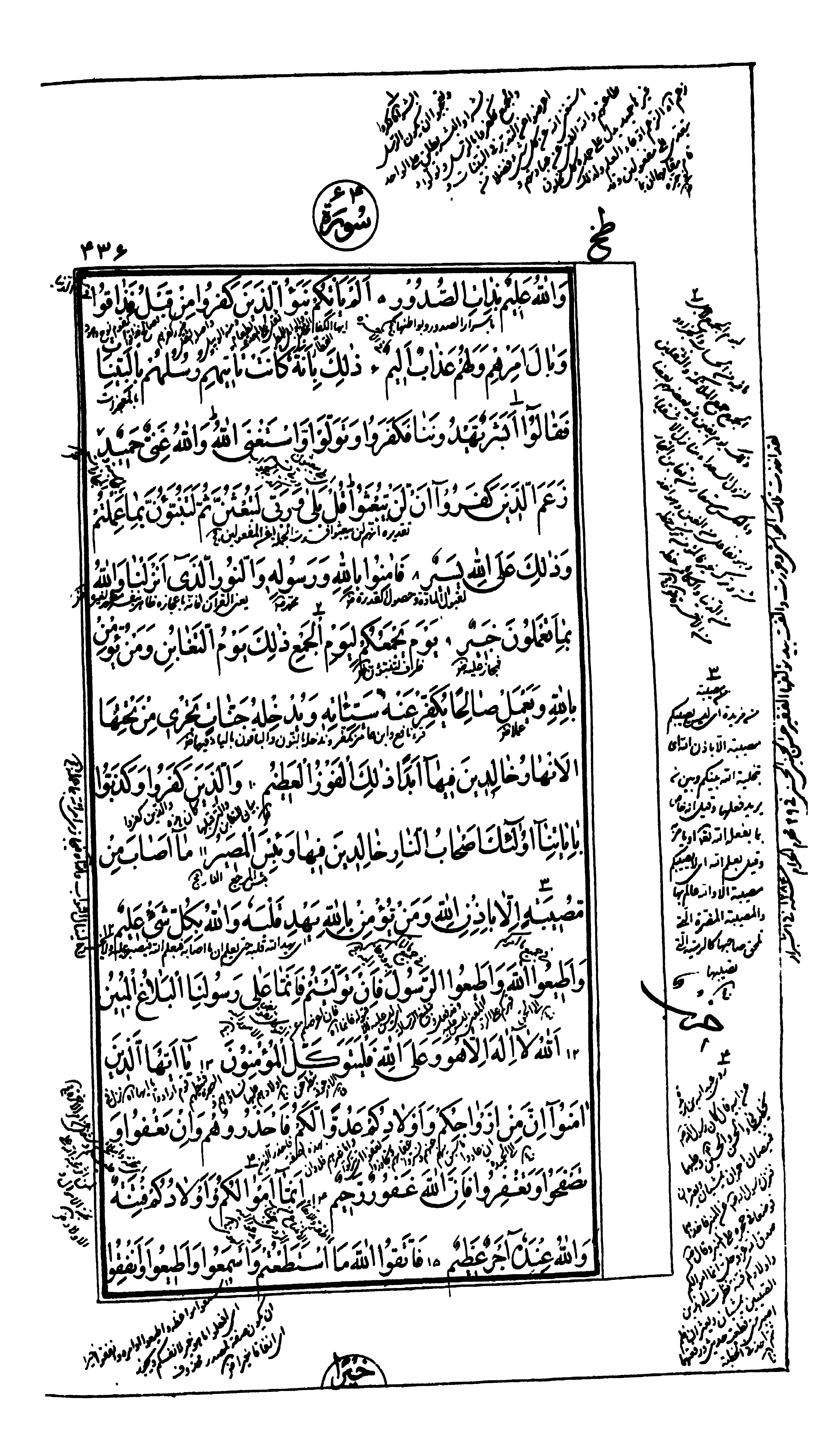
بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۖ لَهُ ٱلْمُلْكُ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم مُّؤْمِنٌ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ

ٱلْمَصِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ



والله عليم بذات الصدور ٥ ألم يأتكم نبؤا الذين كفروا من قبل فذاقوا
وبال أمرهم ولهم عذاب أليم ٦ ذلك بأنه كانت تأتيهم رسلهم بالبينات
فقالوا أبشر يهدوننا فكفروا وتولوا واستغنى الله والله غني حميد
زعم الذين كفروا أن لن يبعثوا قل بلى وربي لتبعثن ثم لتنبؤن بما عملتم
وذلك على الله يسير ٨ فآمنوا بالله ورسوله والنور الذي أنزلنا والله
بما تعملون خبير ٩ يوم يجمعكم ليوم الجمع ذلك يوم التغابن ومن يؤمن
بالله ويعمل صالحا يكفر عنه سيئاته ويدخله جنات تجري من تحتها
الأنهار خالدين فيها أبدا ذلك الفوز العظيم ١٠ والذين كفروا وكذبوا
بآياتنا أولئك أصحاب النار خالدين فيها وبئس المصير ١١ ما أصاب من
مصيبة إلا بإذن الله ومن يؤمن بالله يهد قلبه والله بكل شيء عليم
وأطيعوا الله وأطيعوا الرسول فإن توليتم فإنما على رسولنا البلاغ المبين
١٢ الله لا إله إلا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون ١٣ يا أيها الذين
آمنوا إن من أزواجكم وأولادكم عدوا لكم فاحذروهم وإن تعفوا
وتصفحوا وتغفروا فإن الله غفور رحيم ١٤ إنما أموالكم وأولادكم فتنة
والله عنده أجر عظيم ١٥ فاتقوا الله ما استطعتم واسمعوا وأطيعوا وأنفقوا

گردن کشانند ۶ مساویست برایشان طلب آمرزش کنی یا طلب آمرزش نکنی برای ایشان هرگز نخواهد آمرزید خدا مر ایشانرا بدرستیکه خدا راه ننماید قوم بدکاران را ۷ ایشان آنکسانی هستند که میگویند نفقه نکنید بر هر که نزد رسول خداست تا متفرق شوند و از برای خداست خزینه‌های آسمانها و زمین ولیکن منافقین نمیفهمند ۸ میگویند هر آینه اگر برگردیم بمدینه هر آینه بیرون کند البته عزیز از مدینه ذلیل تر را مقصود از عزیز تر ابن ابی و کسانی که تابع او بودند و از اذل پیغمبر و اصحاب کبار او بودند و از برای خداست عزت ربوبیت و از برای رسول خداست عزت نبوت و از برای مؤمنین است عزت اسلام ولیکن منافقان نمیدانند ۹ ای آنکسانیکه ایمان آورده‌اید باید مشغول نسازد شما را مالهای شما و نه اولاد شما از ذکر خدا و هر که بکند این را پس آنگروه ایشانند زیانکاران ۱۰ و انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید یکی از شما را مرگ پس گوید وقت مردن ای پروردگار من چرا مهلت ندادی مرا تا مدتی نزدیک که زنده بمانم پس تصدق بدهم از اموال خودم و باشم از جملهٔ شایستگان ۱۱ و هرگز تاخیر نکند خدا از مرگ هیچکس را چون بیاید اجل آن و خدا آگاه است بآنچه میکنید

سورهٔ تغابن مشتمل بر هیجده آیه و در مکه نازل شد

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

تسبیح میکند از برای خدا هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از برای اوست پادشاهی و مر او راست حمد و او بر هر چیزی قادر است ۲ اوست خدای آنچنانی که آفرید شما را پس بعضی از شما کافرند و بعضی از شما مؤمنند و خدا بآنچه میکنید بیناست ۳ آفرید آسمانها و زمین را براستی و تصویر کرد شما را پس نیکو کرد صورتهای شما را و بسوی اوست بازگشت ۴ میداند هر چه در آسمانها و زمین است و میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکار میکنید

صفحهٔ چهارصد و سی و ششم

و خدا داناست بصاحبان سینه‌ها ۵ آیا نیامد شما را خبر آن کسانیکه کافر شدند از پیش پس چشیدند وخامت کار خود را و مر ایشان راست عذابی دردناک ۶ این چشیدن وخامت بسبب این بود که آمد ایشانرا پیغمبر ایشان بمعجزها پس گفتند آیا بشری راه مینماید ما را پس کافر شدند و روی گردانیدند و بی نیاز است خدا و خدا بی نیاز ستوده است ۷ گمان کردند آنانکه کافر شدند که هرگز برانگیخته نشوند بگو آری قسم بپروردگار من هر آینه مبعوث میشوید البته پس از آن هر آینه خبر داده شوید البته بآنچه کرده‌اید و این بر خدا آسانست که شما را مبعوث نماید ۸ پس ایمان بیاورید بخدا و رسول خدا و ایمان بیاورید بنور آنچنانیکه فرو فرستادیم یعنی قرآن را که بر محمد فرستادیم و خدا بآنچه میکنید آگاه است ۹ روزی که جمع کند شما را برای روز جمعیت یعنی مخلوقات از جن و انس و ملائکه در آن روز جمع باشند این روز تغابن است یعنی روزیست بنمایند جهنم را ببهشتیان تا بدانند که بچه اندازه از کرم خدا مستفیض شده‌اند که ببهشت میروند و بنمایند بهشت را بجهنمیان تا حسرت خورند که چه نعمت از ایشان فوت شده و گرفتار چه عذابی بپاداش اعمال خود شده‌اند و چه قدر مغبون‌اند و هر که ایمان آورد بخدا و عمل شایسته کند بپوشاند خدا از او بدیهای او را و داخل کند او را ببهشتهائیکه میرود از زیر درختان آن نهرهای آب جاوید در آن بهشتها باشند همیشه اینست رستگاری بزرگ ۱۰ و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند بآیات ما آنگروه یاران آتش‌اند جاویدان در آن آتش و بد بازگشتی است ۱۱ نرسید هیچ مصیبتی مگر باذن خدا و هر که بگرود بخدا راه مینماید دل او را و خدا بهر چیزی داناست ۱۲ و اطاعت کنید خدا را و فرمان برید رسول خدا را پس اگر روی بگردانید شما پس جز این نیست که بر پیغمبر ماست رساندنی روشن ۱۳ خداست که نیست خدائی مگر او و بر خدا پس توکل کنند مؤمنین ۱۴ ای آن کسانیکه ایمان آورده‌اید بدرستیکه بعضی از زنان شما و فرزندان شما دشمنند مر شما را پس حذر کنید از ایشان و اگر عفو نمائید از تقصیرات ایشان و درگذرید از آنچه از ایشان صادر شده و عذر ایشان بپذیرید پس بدرستیکه خدا آمرزندهٔ مهربانست ۱۵ جز این نیست که مالهای شما و فرزندان شما آزمایش هستند و خدا نزد اوست مزدی بزرگ ۱۶ پس بترسید از خدا آنچه بتوانید و بشنوید و فرمان برید و نفقه بدهید

صفحهٔ چهارصد و سی و هفتم

بهتر است از برای نفسهای شما و هرکه نگاه داشته شود از بخل نفس خود یعنی نگاه دارد نفس خود را از بخل پس آنگروه ایشانند رستگاران
۱۷ اگر قرض دهید خدا را قرضی نیکو دو چندان کند خدا آنرا برای شما و بیامرزد مر شما را و خدا جزا دهنده بردبار است ۱۸ دانندهٔ نهان
و آشکار غالب درستکار است

سورهٔ طلاق مشتمل بر دوازده آیه و در مدینه نازل شد

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

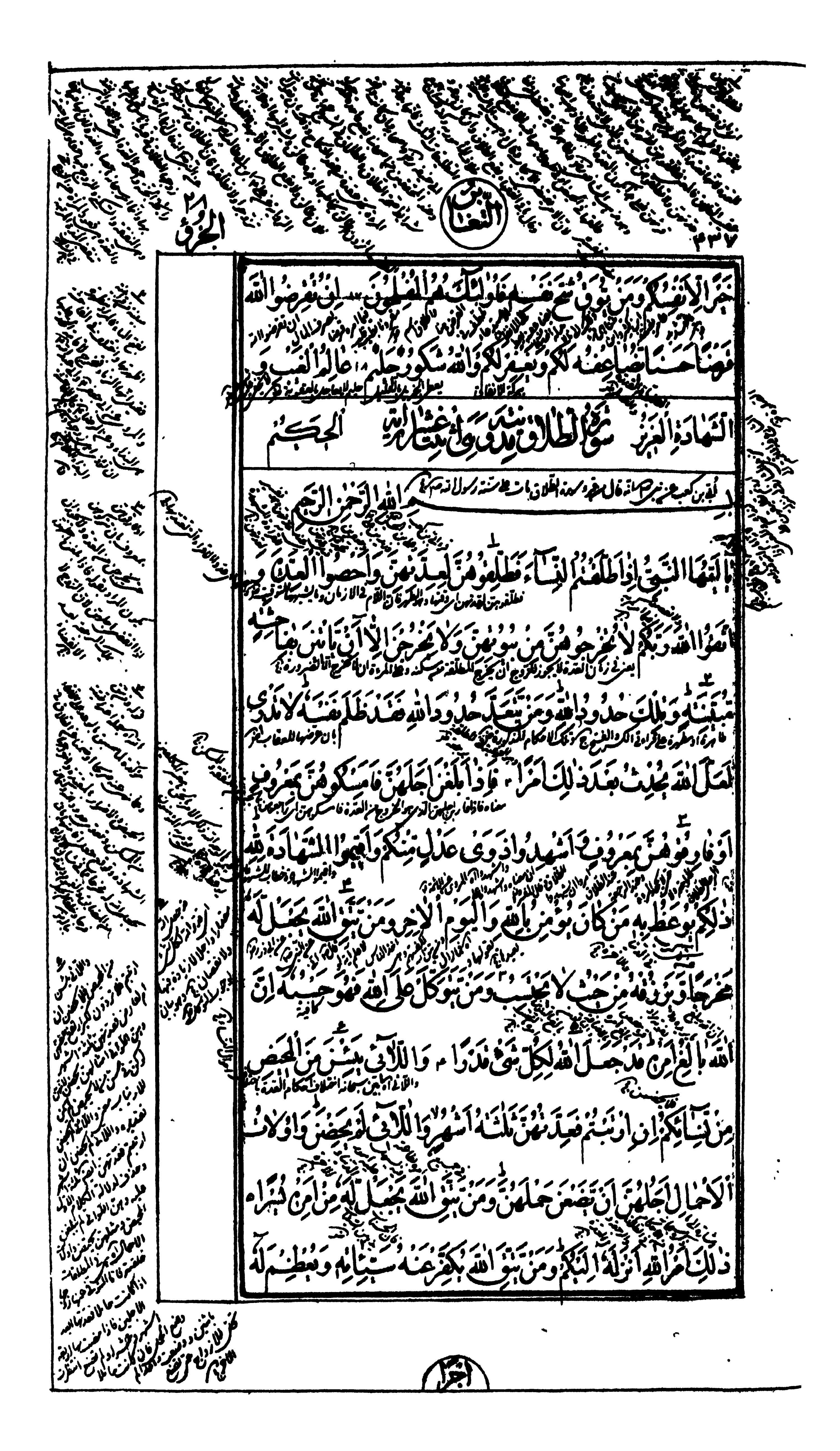
ای پیغمبر چون طلاق دهید زنان را پس طلاق بدهید ایشانرا در وقت عدهٔ ایشان یعنی در وقت حیض نباید طلاق بدهید و بشمارید
ایام عده را یعنی حساب آنرا نگاه دارید و بپرهیزید از خدا که پروردگار شما است بیرون نکنید زنان را در ایام عده از خانهای خودتان
و باید که بیرون نروند آن زنهای طلاق داده شده از خانهٔ شوهران خود مگر اینکه بیاورند آن زنان زشتی روشنی یعنی کردار قبیحی کنند
که روشن کنندهٔ حالت زنانست و اینست احکام حدود خدا و هرکه درگذرد از حدود و احکام الله پس بتحقیق ستم کرده است نفس خود را
نمیدانی تو ای طلاق دهنده شاید خدا تازه کند بعد از این کاری را یعنی احتمال دارد که در مدت عده باز باهم برآیند و زن و شوهر شوند ۲
پس چون برسند بمدت خود یعنی زمان عده تمام شود پس نگاه دارید ایشانرا بخوبی و مهربانی یا مفارقت کنید از ایشان بخوبی و گواه گیرید
دو کس صاحب عدل را از شما و برپا دارید ای شاهدان شهادت را در وقت ادای شهادت برای خدا آنچه مذکور شد پند داده شود بآن
هرکه باشد که بگرود بخدا و روز قیامت و هرکه بپرهیزد خدا را میگرداند از برای او مخرجی یعنی خلاصی دهد او را از اندوه و روزی میدهد
او را از جائی که گمان نبرد ۳ و هرکه توکل کند بر خدا پس آن توکل بس است او را بدرستیکه خدا رسانندهٔ کار او است بتحقیق گردانید خدا برای
هر چیزی اندازهٔ ۴ و آن زنانیکه نومید شدند از حیض از زنان شما اگر شک دارید پس زمان عدهٔ ایشان سه ماه است و آنانکه حائض
نشده باشند و خداوندان بارها یعنی آبستن باشند مدت عدهٔ ایشان آنست که تا بگذارند حمل خود را یعنی بزایند و هرکه بپرهیزد
از خدا قرار میدهد از برای او آسانی کارش ۵ آنچه مذکور شد حکم خداست که فرو فرستاده است آنرا بسوی شما و هرکه بپرهیزد از خدا بپوشاند از او
بدیهای او را و بزرگ سازد برای او

صفحهٔ چهارصد و سی و هشتم

مزد را ۶ ساکن گردانید زنان مطلقه را از جائیکه ساکن شدید شما یعنی باندازهٔ غنا و فقر خود ایشانرا مسکن دهید و ضرر مرسانید ایشانرا ای
رنج مرسانید زنان مطلقه را در مسکن برای اینکه تنگ گردانید برای ایشان مساکن ایشانرا که لابد به بیرون رفتن شوند و اگر باشند صاحبان
حمل پس نفقه دهید برایشان تا بگذارند حمل خود را یعنی تا وقتی که بزایند پس اگر شیر دادند برای شما آن طفل را پس بدهید شان مزدهای ایشانرا
و سازگاری نمائید میان خودتان به نیکوئی یعنی مهربانی و موافقت کنید ای پدران و مادران در شیر دادن بفرزند و اگر سخت گیری کنید پس زود
باشد که شیر دهد مر آن مولود را دیگری را ۷ باید که نفقه دهد خداوند مال از مال خود و هرکه تنگ کرده شد بر او روزی او پس باید که نفقه دهد از آنچه
داده است او را خدا تکلیف نمیکند خدا کسی را مگر آنچه عطا کرد او را زود باشد که بگرداند خدا بعد از دشواری تنگدستی آسانی توانگری را
۸ و چه بسیار از اهل دهی که سرباز زدند از حکم پروردگار خود و از امر رسولان خدا پس حساب کنیم ما ایشانرا حسابی سخت و عذاب کنیم ایشانرا
عذابی زشت ۹ پس بچشیدند اهل آن ده وخامت کار خود را یعنی سزای کفر و شرک را و بود سرانجام کار ایشان زیانکاری ۱۰ آماده کرده
است خدا از برای ایشان عذابی سخت را پس بپرهیزید از عذاب خدا ای صاحبان عقلها ۱۱ آنکسانیکه ایمان آورده اند بتحقیق فرستاد خدا
بسوی شما ذکر را که پیغمبر است که میخواند بر شما آیات خدا را که روشن و آشکارند تا اینکه بیرون آورد آنانرا که ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته
از تاریکیها بسوی روشنی و هرکه ایمان بیاورد بخدا و بکند کار شایسته در آورد او را ببهشتهائیکه جاریست از زیر درختان آن نهرهای آب جاوید مانند
در آن بهشتها همیشه بتحقیق نیکو گردانید خدا از برای او روزی را ۱۲ خدای آنچنانیست که خلق کرد هفت آسمانها و از زمین مثل آسمانها فرود آمد
فرمان خدا میان ایشان تا اینکه بدانند اینکه خدا بر هر چیزی قادر است و اینکه خدا بتحقیق احاطه دارد هر چیز را از روی دانش

سورهٔ تحریم مشتمل بر دوازده آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان



خيرا لأنفسكم ومن يوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون إن تقرضوا الله
قرضا حسنا يضاعفه لكم ويغفر لكم والله شكور حليم عالم الغيب و
الشهادة العزيز سورة الطلاق مدنية وهي اثنتا عشرة آية الحكيم

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها النبي إذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن وأحصوا العدة و
اتقوا الله ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن إلا أن يأتين بفاحشة
مبينة وتلك حدود الله ومن يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدري
لعل الله يحدث بعد ذلك أمرا فإذا بلغن أجلهن فأمسكوهن بمعروف
أو فارقوهن بمعروف وأشهدوا ذوي عدل منكم وأقيموا الشهادة لله
ذلكم يوعظ به من كان يؤمن بالله واليوم الآخر ومن يتق الله يجعل له
مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله فهو حسبه إن
الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدرا واللائي يئسن من المحيض
من نسائكم إن ارتبتم فعدتهن ثلاثة أشهر واللائي لم يحضن وأولات
الأحمال أجلهن أن يضعن حملهن ومن يتق الله يجعل له من أمره يسرا
ذلك أمر الله أنزله إليكم ومن يتق الله يكفر عنه سيئاته ويعظم له



أجرا ٥ أسكنوهن من حيث سكنتم من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا
عليهن وإن كن أولات حمل فأنفقوا عليهن حتى يضعن حملهن فإن
أرضعن لكم فآتوهن أجورهن وأتمروا بينكم بمعروف وإن تعاسرتم
فسترضع له أخرى ٦ لينفق ذو سعة من سعته ومن قدر عليه رزقه
فلينفق مما آتاه الله لا يكلف الله نفسا إلا ما آتاها سيجعل الله بعد
عسر يسرا ٧ وكأين من قرية عتت عن أمر ربها ورسله فحاسبناها
حسابا شديدا وعذبناها عذابا نكرا ٨ فذاقت وبال أمرها وكان عاقبة
أمرها خسرا ٩ أعد الله لهم عذابا شديدا فاتقوا الله يا أولي الألباب ١٠
الذين آمنوا قد أنزل الله إليكم ذكرا ١١ رسولا يتلو عليكم آيات الله مبينات
ليخرج الذين آمنوا وعملوا الصالحات من الظلمات إلى النور ومن يؤمن
بالله ويعمل صالحا يدخله جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها
أبدا قد أحسن الله له رزقا ١٢ الله الذي خلق سبع سموات ومن الأرض
مثلهن يتنزل الأمر بينهن لتعلموا أن الله على كل شيء قدير وأن الله قد أحاط
بكل شيء علما

سورة التحريم مدنية وهي اثنتا عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها النبي لم تحرم ما أحل الله لك تبتغي مرضات أزواجك والله
غفور رحيم ١ قد فرض الله لكم تحلة أيمانكم والله مولاكم وهو العليم
الحكيم ٢ وإذ أسر النبي إلى بعض أزواجه حديثا فلما نبأت به وأظهره
الله عليه عرف بعضه وأعرض عن بعض فلما نبأها به قالت من أنبأك
هذا قال نبأني العليم الخبير ٣ إن تتوبا إلى الله فقد صغت قلوبكما وإن
تظاهرا عليه فإن الله هو مولاه وجبريل وصالح المؤمنين والملائكة
بعد ذلك ظهير ٤ عسى ربه إن طلقكن أن يبدله أزواجا خيرا منكن
مسلمات مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات ثيبات وأبكارا
٥ يا أيها الذين آمنوا قوا أنفسكم وأهليكم نارا وقودها الناس و
الحجارة عليها ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما أمرهم ويفعلون
ما يؤمرون ٦ يا أيها الذين كفروا لا تعتذروا اليوم إنما تجزون ما
كنتم تعملون ٧ يا أيها الذين آمنوا توبوا إلى الله توبة نصوحا عسى ربكم
أن يكفر عنكم سيئاتكم ويدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار يوم
لا يخزي الله النبي والذين آمنوا معه نورهم يسعى بين أيديهم وبأيمانهم
يقولون ربنا أتمم لنا نورنا واغفر لنا إنك على كل شيء قدير ٨ يا أيها



النبي جاهد الكفار والمنافقين واغلظ عليهم ومأويهم جهنم وبئس
المصير ۝ ضرب الله مثلا للذين كفروا امرأت نوح وامرأت لوط كانتا
تحت عبدين من عبادنا صالحين فخانتاهما فلم يغنيا عنهما من الله
شيئا وقيل ادخلا النار مع الداخلين ۝ وضرب الله مثلا للذين آمنوا
امرأت فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون
وعمله ونجني من القوم الظالمين ۝ ومريم ابنت عمران التي احصنت
فرجها فنفخنا فيه من روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت
من القانتين

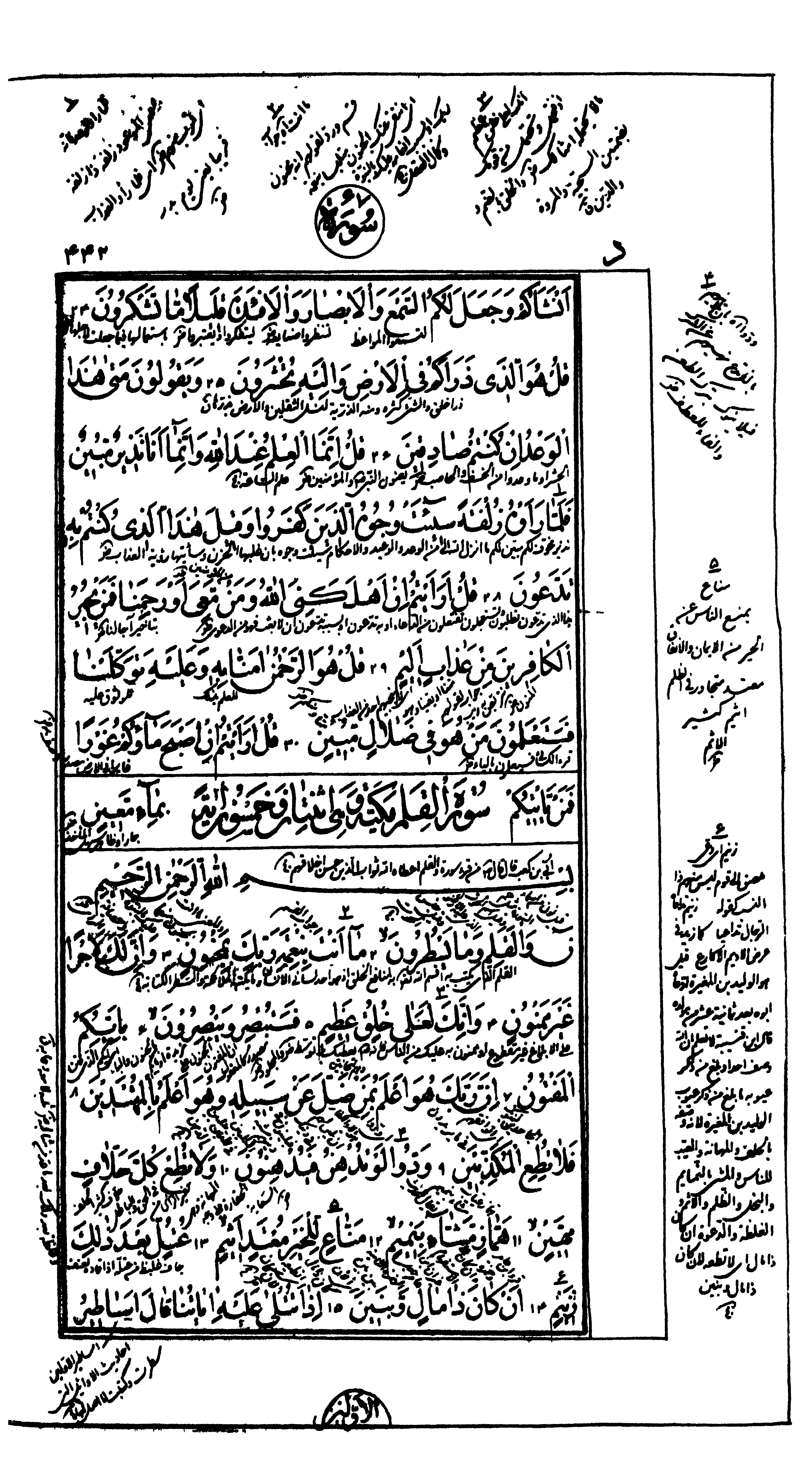
سورة الملك مكية وهي ثلاثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير ۝ الذي خلق الموت
والحيوة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز الغفور ۝ الذي خلق
سبع سموات طباقا ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر
هل ترى من فطور ۝ ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا
وهو حسير ۝ ولقد زينا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما
للشياطين واعتدنا لهم عذاب السعير ۝ وللذين كفروا بربهم عذاب جهنم



وبئس المصير ٧ إذا ألقوا فيها سمعوا لها شهيقا وهي تفور ٨ تكاد تميز
من الغيظ كلما ألقي فيها فوج سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير ٩ قالوا
بلى قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله من شيء إن أنتم إلا في ضلال
كبير ١٠ وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير ١١ فاعترفوا
بذنبهم فسحقا لأصحاب السعير ١٢ إن الذين يخشون ربهم بالغيب لهم
مغفرة وأجر كبير ١٣ وأسروا قولكم أو اجهروا به إنه عليم بذات الصدور
١٤ ألا يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير ١٥ هو الذي جعل لكم الأرض
ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا من رزقه وإليه النشور ١٦ أأمنتم من في السماء
أن يخسف بكم الأرض فإذا هي تمور ١٧ أم أمنتم من في السماء أن يرسل
عليكم حاصبا فستعلمون كيف نذير ١٨ ولقد كذب الذين من قبلهم
فكيف كان نكير ١٩ أولم يروا إلى الطير فوقهم صافات ويقبضن
ما يمسكهن إلا الرحمن إنه بكل شيء بصير ٢٠ أمن هذا الذي هو جند
لكم ينصركم من دون الرحمن إن الكافرون إلا في غرور ٢١ أمن هذا
الذي يرزقكم إن أمسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور ٢٢ أفمن يمشي مكبا
على وجهه أهدى أمن يمشي سويا على صراط مستقيم ٢٣ قل هو الذي



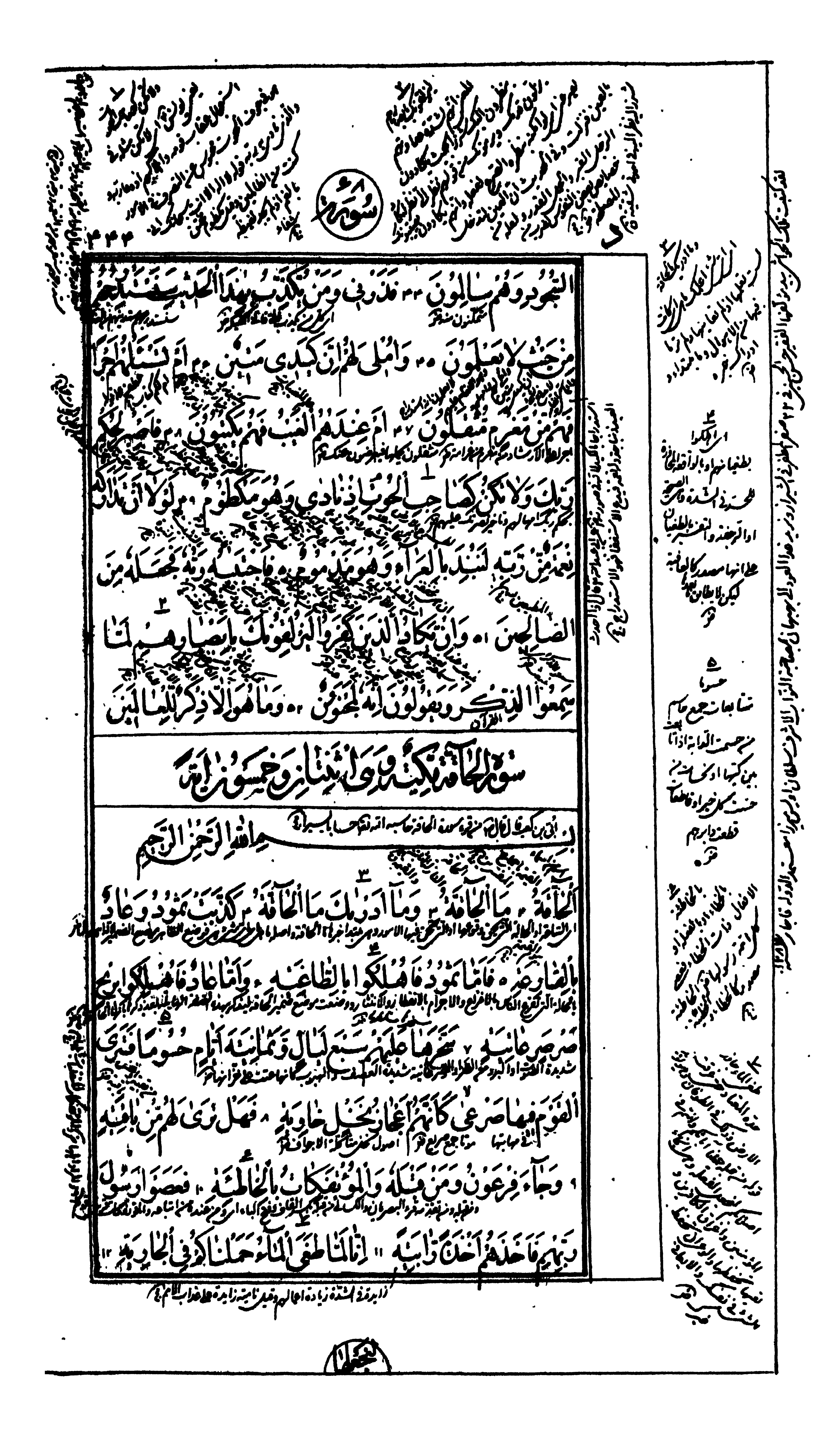
أنشأكم وجعل لكم السمع والأبصار والأفئدة قليلا ما تشكرون ٢٣ قل هو الذي ذرأكم في الأرض وإليه تحشرون ٢٤ ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ٢٥ قل إنما العلم عند الله وإنما أنا نذير مبين ٢٦ فلما رأوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا وقيل هذا الذي كنتم به تدعون ٢٧ قل أرأيتم إن أهلكني الله ومن معي أو رحمنا فمن يجير الكافرين من عذاب أليم ٢٨ قل هو الرحمن آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال مبين ٢٩ قل أرأيتم إن أصبح ماؤكم غورا فمن يأتيكم بماء معين ٣٠

سورة القلم مكية وهي اثنتان وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

ن والقلم وما يسطرون ١ ما أنت بنعمة ربك بمجنون ٢ وإن لك لأجرا غير ممنون ٣ وإنك لعلى خلق عظيم ٤ فستبصر ويبصرون ٥ بأييكم المفتون ٦ إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله وهو أعلم بالمهتدين ٧ فلا تطع المكذبين ٨ ودوا لو تدهن فيدهنون ٩ ولا تطع كل حلاف مهين ١٠ هماز مشاء بنميم ١١ مناع للخير معتد أثيم ١٢ عتل بعد ذلك زنيم ١٣ أن كان ذا مال وبنين ١٤ إذا تتلى عليه آياتنا قال أساطير

الاولين ١٥ سنسمه على الخرطوم ١٦ انا بلوناهم كما بلونا اصحاب الجنة اذ
اقسموا ليصرمنها مصبحين ١٧ ولا يستثنون ١٨ فطاف عليها طائف من
ربك وهم نائمون ١٩ فاصبحت كالصريم ٢٠ فتنادوا مصبحين ٢١ ان اغدوا
على حرثكم ان كنتم صارمين ٢٢ فانطلقوا وهم يتخافتون ٢٣ ان لا يدخلنها
اليوم عليكم مسكين ٢٤ وغدوا على حرد قادرين ٢٥ فلما راوها قالوا
انا لضالون ٢٦ بل نحن محرومون ٢٧ قال اوسطهم الم اقل لكم لولا تسبحون
٢٨ قالوا سبحان ربنا انا كنا ظالمين ٢٩ فاقبل بعضهم على بعض يتلاومون
٣٠ قالوا يا ويلنا انا كنا طاغين ٣١ عسى ربنا ان يبدلنا خيرا منها انا الى
ربنا راغبون ٣٢ كذلك العذاب ولعذاب الآخرة اكبر لو كانوا يعلمون
٣٣ ان للمتقين عند ربهم جنات النعيم ٣٤ افنجعل المسلمين كالمجرمين
٣٥ ما لكم كيف تحكمون ٣٦ ام لكم كتاب فيه تدرسون ٣٧ ان لكم
فيه لما تخيرون ٣٨ ام لكم ايمان علينا بالغة الى يوم القيامة ان لكم لما
تحكمون ٣٩ سلهم ايهم بذلك زعيم ٤٠ ام لهم شركاء فليأتوا بشركائهم
ان كانوا صادقين ٤١ يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود فلا
يستطيعون ٤٢ خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة وقد كانوا يدعون الى



بِالسُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ٤٣ فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ٤٤ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ٤٥ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا
فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ٤٦ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ٤٧ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ
رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ٤٨ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ
نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ٤٩ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ
الصَّالِحِينَ ٥٠ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا
سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ٥١ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

سُورَةُ الْحَاقَّةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ اثْنَتَانِ وَخَمْسُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ ١ مَا الْحَاقَّةُ ٢ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ٣ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ
بِالْقَارِعَةِ ٤ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ٥ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ
صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ٦ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى
الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ٧ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ
٨ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ٩ فَعَصَوْا رَسُولَ
رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً ١٠ إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ١١

بر نمازشان مداومت کننده کانند ۲۴ و آنانکه در مالهای ایشان حقی است دانسته شده مثل زکوة و سایر خیرات و مبرات ۲۵ از برای سوال کننده و از برای آنانکه محتاجند و سؤال نمیکنند ۲۶ و آنانکه تصدیق میکنند بروز قیامت ۲۷ و آنکسانیکه ایشان از عذاب پروردگارشان ترسانند ۲۸ بدرستیکه عذاب پروردگارشان ایمن کرده نشده است یعنی از وقوع آن ایمن نتوانند شد ۲۹ و آنانکه ایشان مر فرجهای خودرا محافظت کننده کانند ۳۰ مگر بر زنان خودشان یا آنکه را مالک شده است دستهای ایشان یعنی بر کنیزان خودشان پس بدرستیکه ایشان غیر ملامت شده کانند ۳۱ پس هرکه بجوید سوای این طریقه را پس آنگروه ایشانند درگذرنده کانند از حد ۳۲ و آن آنکسانیکه ایشان برای امانتهای خودشان و عهد خودشان رعایت کننده کانند ۳۳ و آن کسانیکه ایشان بشهادتهای خودشان قیام کننده کانند ۳۴ و آن کسانی که ایشان بر نماز خودشان محافظت کننده کانند ۳۵ آنگروه در بهشتها گرامی داشته کانند ۳۶ پس چه چیز است مر آنانرا که کافر شدند بجانب تو شتابنده کانند ۳۷ از طرف راست و از طرف چپ متفرقند ۳۸ آیا طمع دارد هر مردی از ایشان اینکه داخل شود بهشت پر نعمت را ۳۹ نه چنین است بدرستیکه ما آفریدیم ایشانرا از آنچه میدانند یعنی از نطفه پلید ۴۰ پس قسم میخورم بپروردگار مشرقها و مغربها اینکه بدرستیکه ما هر آینه قادران و توانایانیم ۴۱ بر اینکه تبدیل کنیم به بهتر از ایشان و نیستیم ما پیشی گرفته شده کان یعنی اگر ارادهٔ امری بکنیم هیچکس بر آن امر از ما پیشی نتواند گرفت ۴۲ پس واگذار ای پیغمبر ایشانرا یعنی منافقان را و کفار را تا شروع کنند در امور باطله و بازی کنند تا برسند روز خود را آنچنان روزی که موعود شده اند یعنی روز رستخیز ۴۳ روزی که بیرون آیند از قبرها شتاب کننده کان گویا ایشان بسوی علمی برپا کرده شده می شتابند ۴۴ در حالتیکه فرو افتاده است چشمهای ایشان بپوشد ایشانرا خواری این است روز آنچنانی که بودند که وعده داده می شدند

سورهٔ نوح مشتمل بر بیست و نه آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بدرستیکه ما فرستادیم نوح را بسوی قوم خودش اینکه بترسان قوم خودت را پیش از اینکه بیاید ایشانرا عذابی دردناک ۲ گفت نوح ای قوم من بدرستیکه من از برای شما ترسانندهٔ آشکارم ۳ اینکه عبادت کنید خدا را و بپرهیزید او را و اطاعت کنید مرا یعنی بپرستید خدا را بیگانگی ۴ تا بیامرزد شما را از گناهان شما و مؤخر دارد شما را یعنی تأخیر بیندازد مردن شما را تا وقت نام برده شده یعنی تا انقضای مدتی که مقرر شده است بدرستیکه مدت خدا چون آمد تأخیر نیافتد اگر هستید شما که میدانید ۵ گفت نوح ای پروردگار من بدرستیکه من خواندم قوم خودم را شب و روز پس زیاد نشد یعنی نیفزود ایشانرا خواندن من مگر گریختن از حرف ایمان ۶ و بدرستیکه من هرگاه خواندم ایشانرا تا بیامرزی مر ایشانرا گردانیدند انگشتهای خودشانرا در گوشهای خودشان و بسر کشیدند جامهای خودرا و مصر شدند در معصیت و سرکشی کردند سرکشی کردنی ۷ پس از آن بدرستیکه من خواندم ایشانرا آشکارا بآواز بلند ۸ پس بدرستیکه من آشکار کردم مر ایشانرا و آهسته گفتم مر ایشانرا پنهان گفتنی ۹ پس گفتم طلب آمرزش کنید پروردگار خودرا بدرستیکه او هست آمرزنده ۱۰ میفرستد ابر آسمانرا بر شما بسیار بارنده ۱۱ و مدد میکند شما را بمالها و فرزندان و میگرداند برای شما بستانها و میگرداند برای شما نهرها ۱۲ چه چیز است از برای شما که نمیخواهید و امید ندارید از برای خدا عظمت را ۱۳ و حال اینکه بتحقیق آفرید شما را مختلف ۱۴ آیا نمی بینید چگونه آفرید خدا هفت آسمانهارا طبقه بالای طبقه ۱۵ و گردانید ماه را در آن آسمانها روشنی دهنده و گردانید خورشید چراغی ۱۶ و خدا رویانید شما را از زمین رویانیدنی ۱۷ پس از آن بر میگرداند شما را در آن زمین و بیرون میآورد شما را بیرون آوردنی ۱۸ و خدا گردانید زمین را برای شما گسترده ۱۹ تا اینکه بروید از آن راههای گشاده ۲۰ گفت نوح ای پروردگار من بدرستیکه ایشان نافرمانی کردند مرا و متابعت کردند کسی را که زیاد نمیکند او را مال او و فرزندان او مگر زیانکاری یعنی متابعت مهتران خودرا نمودند ۲۱ و مکر کردند مکر کردنی بزرگ ۲۲ و گفتند وامگذارید خدایان خودرا البته و وامگذارید ودّ را و نه سواع را که اسم دو بت است که در عهد نوح آنهارا میپرستیدند ۲۳ و نه یغوث و نه یعوق و نسر را

ستمگر را که اینها همه اسم بتان است ۲۴ و بتحقیق گمراه کردند بسیاری را و زیاد مکن ستمکاران را مگر گمراهی ۲۵ از جهت گناهانشان غرق شدند بطوفان پس درآورده شدند به آتش جهنم ۲۶ پس یافت نشد از برای ایشان بجز خدا یاوری ۲۷ و گفت نوح ای پروردگار من وا مگذار بر زمین از کافران هیچ ساکنی را ۲۸ بدرستی که تو اگر بازگذاری ایشانرا گمراه میکنند بندگان ترا و نمی زایند مگر فاجر کننده ناسپاسی را ۲۹ ای پروردگار من بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و هر کسیرا که داخل شد خانه مرا در حالتی که مؤمن باشد و مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را و زیاد مکن ستمکاران را مگر هلاک شدن ایشان

سوره جن مشتمل بر بیست و هشت آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بگو ای محمد وحی کرده شد بسوی من اینکه شنیدند قرآنرا گروهی از جن پس گفتند بدرستیکه ما شنیدیم قرآنی را بغایت شگفت که تعجب کردیم از بیانات آن ۱ راه مینماید بسوی راستی پس ایمان آوردیم ما بآن قران و شریک نمی سازیم بپروردگار مان احدی را ۳ و بدرستیکه او بلند است عظمت پروردگار ما نگرفته است زنی و نه فرزندی ۴ و بدرستیکه هست که میگوید جاهل و نادان ما بر خدا سخن دور از حق و متجاوز از حد لایق نسبت صاحبه و الداست باو ۵ و بدرستیکه ما پنداشتیم اینکه هرگز نگویند آدمی و جن بر خدا دروغی را ۶ و آنکه بودند مردانی از آدمیان که پناه میگرفتند بمردانی از جن و آنچنان بود که چون کسی به بیابان هولناکی رسیدی گفتی پناه می برم بسید این وادی از شر ستمهای قوم او و اعتقاد او این بود که بدین استعاذه سالم ماند پس بیفزودند آدمیان مر جنیانرا سرکشی و جهل بجهة اینکه جنیان می گفتند بزرگی ما بر تبه ایست که آدمیان بما پناه میجویند ۷ و بدرستیکه آدمیان یعنی کفار از ایشان گمان بردند همچنانکه شما جنیان گمان برده اید اینکه هرگز مبعوث نکند خدا بعد از موسی و عیسی احدی را ۸ و بدرستیکه ما قصد آسمان نمودیم و طلب رسیدن بآسمان کردیم برای استراق سمع پس یافتیم ما آسمانرا پر از پاسبانان توانا یعنی فرشتگان که برای منع مقرر شده اند و ستاره های درخشنده آتش فشان ۹ و بدرستیکه ما بودیم می نشستیم از آسمان در نشستنگاه برای شنیدن پس هر که از جن طلب شنیدن میکند اکنون می یابد برای خود ستاره روشن آتشبار نگاهدارنده از صعود یعنی منع کننده از استماع قول فرشتگان ۱۰ و بدرستیکه ما نمیدانیم آیا بدی خواسته شده هر که در زمین است یا خواسته است برای ایشان پروردگارشان

صفحه چهارصد و پنجاهم

چیزی و صلاحی ۱۱ و بدرستیکه از جنس ما شایستگان هستند و از ما گروهی هستند فرود تر از صالحان هستیم ما طرق مختلفه و متفرقه از یکدیگر و مذاهب مختلفه ۱۲ و بدرستیکه ما گمان میکنیم اینکه هرگز عاجز نتوانیم کرد خدا را در زمین و هرگز عاجز نتوانیم کرد او را در حالتی که پرنده باشیم ۱۳ و بدرستیکه ما چون شنیدیم راهنما را یعنی آیات قرآنرا ایمان آوردیم ما بآن پس هر که ایمان آورد بپروردگار خودش پس نترسد از نقصان اجر حساب خود و نه از مذلت ۱۴ و بدرستیکه از ما مسلمانانند و از ما ستمکارانند پس هر که گردن نهاد حکم خدا را پس آنگروه قصد کردند راه رست را ۱۵ و اما ستمکاران پس باشند از برای جهنم هیزمی ۱۶ و دیگر وحی کرده شده است بمن که اگر مستقیم شوند اهل مکه بر طریقه اسلام هر آینه میآشامانیم ایشانرا آبی بسیار مراد مال بسیار است و وسعت رزق است که از باران بسیار حاصل میشود ۱۷ تا بیازمائیم ایشانرا در آن وسعت رزق و کثرت مال و هر که اعراض میکند از ذکر پروردگار خودش در آورد او را عذابی فوق طاقت او ۱۸ و دیگر وحی کرده شده است بمن اینکه مسجدها مر خدا راست پس نخوانید با خدا احدی را ۱۹ و اینکه آنهنگام که برخواست بنده خدا که محمد است میخواند خدا را در نماز نزدیک بود که باشند بر پیغمبر چسبندگان از غایت ازدحام بر او بجهة تعجب جنیان از آنچه میدیدند از عبادت او ۲۰ بگو ای محمد جز این نیست که میخوانم پروردگار خود مرا و شریک نمیکنم با او احدی را ۲۱ بگو بدرستی که من قادر نیستم برای شما دفع ضرری و نه رسانیدن چیزیرا ۲۲ بگو بدرستیکه من را هرگز زنهار ندهد در پناه خود از عذاب خدا احدی ۲۳ و هرگز نیابم از غیر خدا پناهی ۲۴ مگر رسانیدنی از خدا و پیغامهای او و هر که عصیان کند خدا و رسول خدا را پس بدرستیکه مر او راست آتش جهنم جاویدان در آن آتش است همیشه ۲۵ تا وقتیکه ببینند آنچه را که وعده داده میشوند پس زود باشد که بدانند کیست ضعیفتر از جهة یاور و کمتر از روی عدد ۲۶ بگو ای محمد نمیدانم آیا نزدیکست آنچه وعده داده میشوند یا میگرداند آن وعده را پروردگار من مدت دوری و آینده پنهانست پس ظاهر نسازد بر غیب خودش احدی را ۲۷ مگر آنکه پسندیده باشد از پیغمبری پس بدرستی که خدا در میآورد از پیش روی و از پشت سر او نگهبانی ۲۸ تا بداند پیغمبر اینکه بتحقیق رسانیدند پیغامهای پروردگار خود را و فرا گرفته با آنچه نزد

لنجعلها لكم تذكرة وتعيها أذن واعية ١٣ فإذا نفخ في الصور نفخة
واحدة ١٤ وحملت الأرض والجبال فدكتا دكة واحدة ١٥ فيومئذ
وقعت الواقعة ١٦ وانشقت السماء فهي يومئذ واهية ١٧ والملك
على أرجائها ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية ١٨ يومئذ تعرضون
لا تخفى منكم خافية ١٩ فأما من أوتي كتابه بيمينه فيقول هاؤم اقرءوا
كتابيه ٢٠ إني ظننت أني ملاق حسابيه ٢١ فهو في عيشة راضية ٢٢
في جنة عالية ٢٣ قطوفها دانية ٢٤ كلوا واشربوا هنيئا بما أسلفتم
في الأيام الخالية ٢٥ وأما من أوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت
كتابيه ٢٦ ولم أدر ما حسابيه ٢٧ يا ليتها كانت القاضية ٢٨ ما أغنى
عني ماليه ٢٩ هلك عني سلطانيه ٣٠ خذوه فغلوه ٣١ ثم الجحيم
صلوه ٣٢ ثم في سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه ٣٣ إنه
كان لا يؤمن بالله العظيم ٣٤ ولا يحض على طعام المسكين ٣٥ فليس له
اليوم ههنا حميم ٣٦ ولا طعام إلا من غسلين ٣٧ لا يأكله إلا
الخاطئون ٣٨ فلا أقسم بما تبصرون ٣٩ وما لا تبصرون ٤٠ إنه لقول
رسول كريم ٤١ وما هو بقول شاعر قليلا ما تؤمنون ٤٢ ولا بقول



كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ٤٣ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ٤٤ وَلَوْ تَقَوَّلَ
عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ٤٥ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ٤٦ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ
الْوَتِينَ ٤٧ فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ٤٨ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ٤٩ وَ
إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ٥٠ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ٥١ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ٥٢
فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

سُورَةُ الْمَعَارِجِ أَرْبَعٌ وَأَرْبَعُونَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

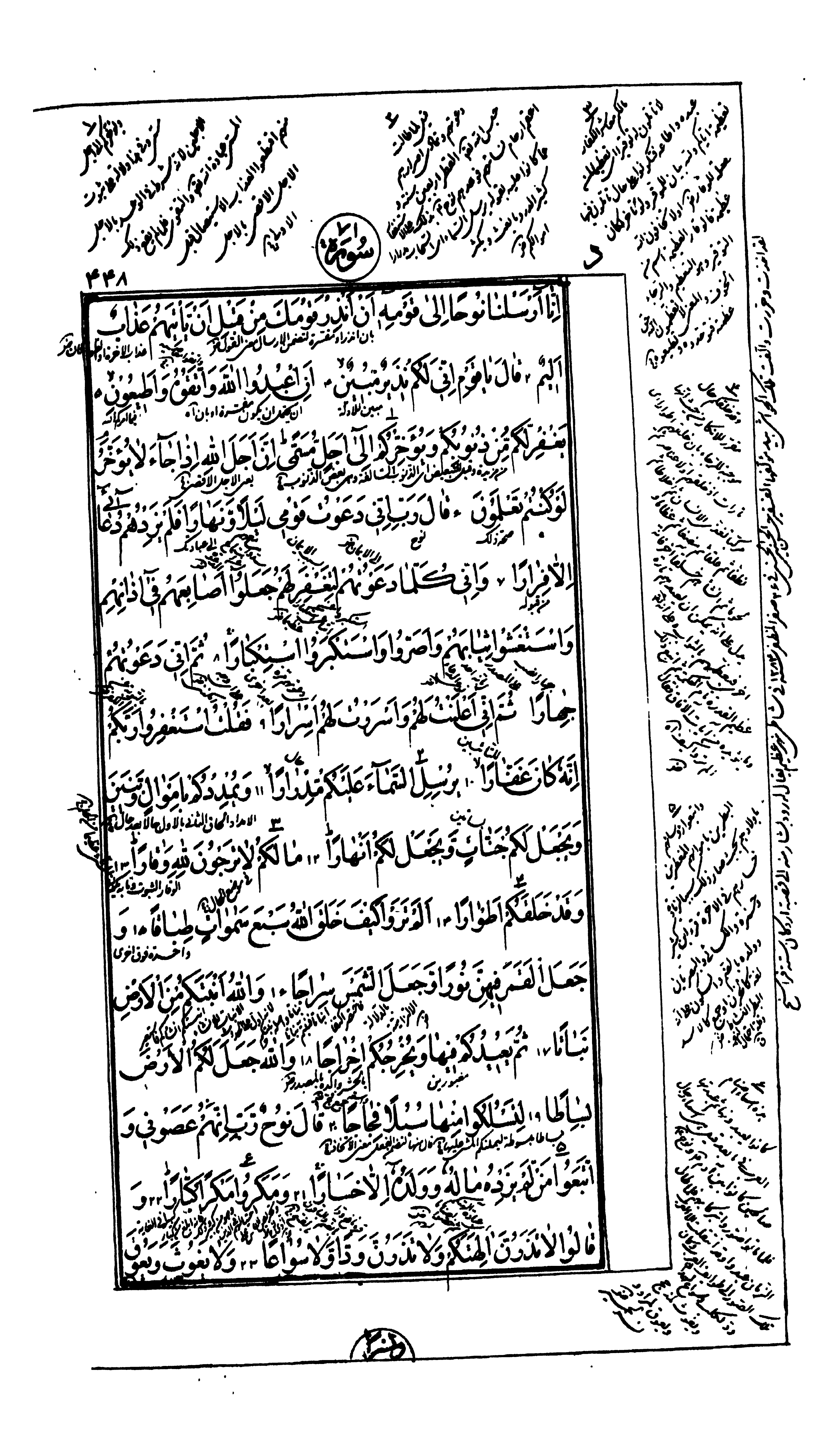
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ٢ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ٣ مِّنَ اللَّهِ ذِي
الْمَعَارِجِ ٤ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ
أَلْفَ سَنَةٍ ٥ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ٦ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ٧ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ٨
يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ٩ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ١٠ وَلَا يَسْأَلُ
حَمِيمٌ حَمِيمًا ١١ يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ
بِبَنِيهِ ١٢ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ١٣ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ١٤ وَمَن فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ ١٥ كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ ١٦ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ ١٧ تَدْعُو
مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ١٨ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ١٩ إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ٢٠ إِذَا
مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ٢١ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ٢٢ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ٢٣ الَّذِينَ

هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ٢٣ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ٢٤ لِّلسَّائِلِ
وَالْمَحْرُومِ ٢٥ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ٢٦ وَالَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ
رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ٢٧ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ٢٨ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ
حَافِظُونَ ٢٩ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ٣٠
فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ٣١ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ
وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ٣٢ وَالَّذِينَ هُم بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ٣٣ وَالَّذِينَ هُمْ
عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ٣٤ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ٣٥ فَمَالِ الَّذِينَ
كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ٣٦ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ٣٧ أَيَطْمَعُ كُلُّ
امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ٣٨ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّمَّا يَعْلَمُونَ ٣٩ فَلَا
أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ ٤٠ عَلَىٰ أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ
وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٤١ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي
يُوعَدُونَ ٤٢ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ٤٣
خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ٤٤

سورة نوح عليه السلام مكية وهي تسع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ



سورة نوح ٧١

إنا أرسلنا نوحا إلى قومه أن أنذر قومك من قبل أن يأتيهم عذاب
أليم ١ قال يا قوم إني لكم نذير مبين ٢ أن اعبدوا الله واتقوه وأطيعون ٣
يغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم إلى أجل مسمى إن أجل الله إذا جاء لا يؤخر
لو كنتم تعلمون ٤ قال رب إني دعوت قومي ليلا ونهارا ٥ فلم يزدهم دعائي
إلا فرارا ٦ وإني كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا أصابعهم في آذانهم
واستغشوا ثيابهم وأصروا واستكبروا استكبارا ٧ ثم إني دعوتهم
جهارا ٨ ثم إني أعلنت لهم وأسررت لهم إسرارا ٩ فقلت استغفروا ربكم
إنه كان غفارا ١٠ يرسل السماء عليكم مدرارا ١١ ويمددكم بأموال وبنين
ويجعل لكم جنات ويجعل لكم أنهارا ١٢ ما لكم لا ترجون لله وقارا ١٣
وقد خلقكم أطوارا ١٤ ألم تروا كيف خلق الله سبع سماوات طباقا ١٥ و
جعل القمر فيهن نورا وجعل الشمس سراجا ١٦ والله أنبتكم من الأرض
نباتا ١٧ ثم يعيدكم فيها ويخرجكم إخراجا ١٨ والله جعل لكم الأرض
بساطا ١٩ لتسلكوا منها سبلا فجاجا ٢٠ قال نوح رب إنهم عصوني و
اتبعوا من لم يزده ماله وولده إلا خسارا ٢١ ومكروا مكرا كبارا ٢٢ و
قالوا لا تذرن آلهتكم ولا تذرن ودا ولا سواعا ٢٣ ولا يغوث ويعوق

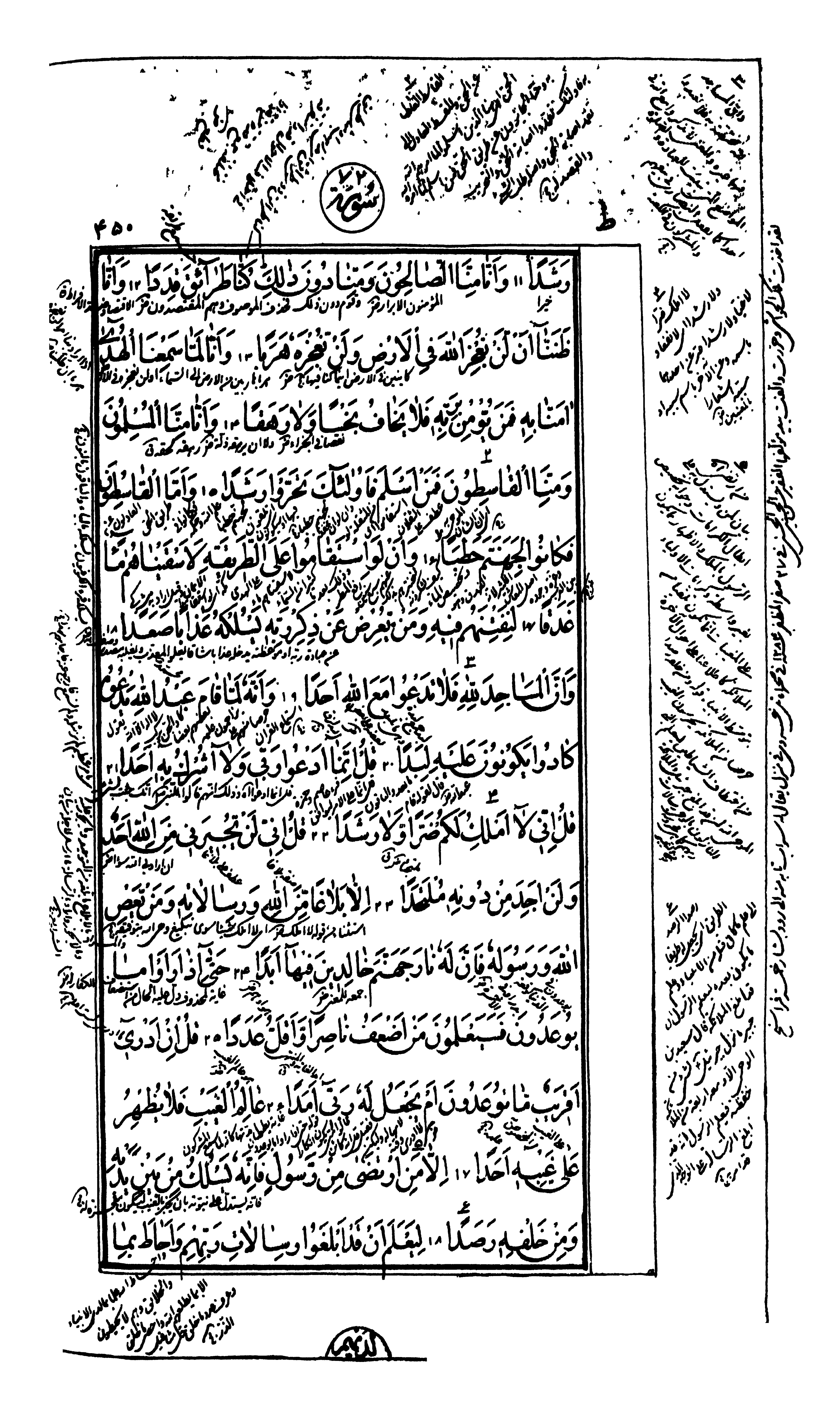
وَنَسْرًا ٢٣ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ٢٤ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ
أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ٢٥ وَقَالَ نُوحٌ
رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ٢٦ إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا
عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ٢٧ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ
لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ٢٨

سُورَةُ الْجِنِّ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانٌ وَعِشْرُونَ آيَةً

نصف الجزء

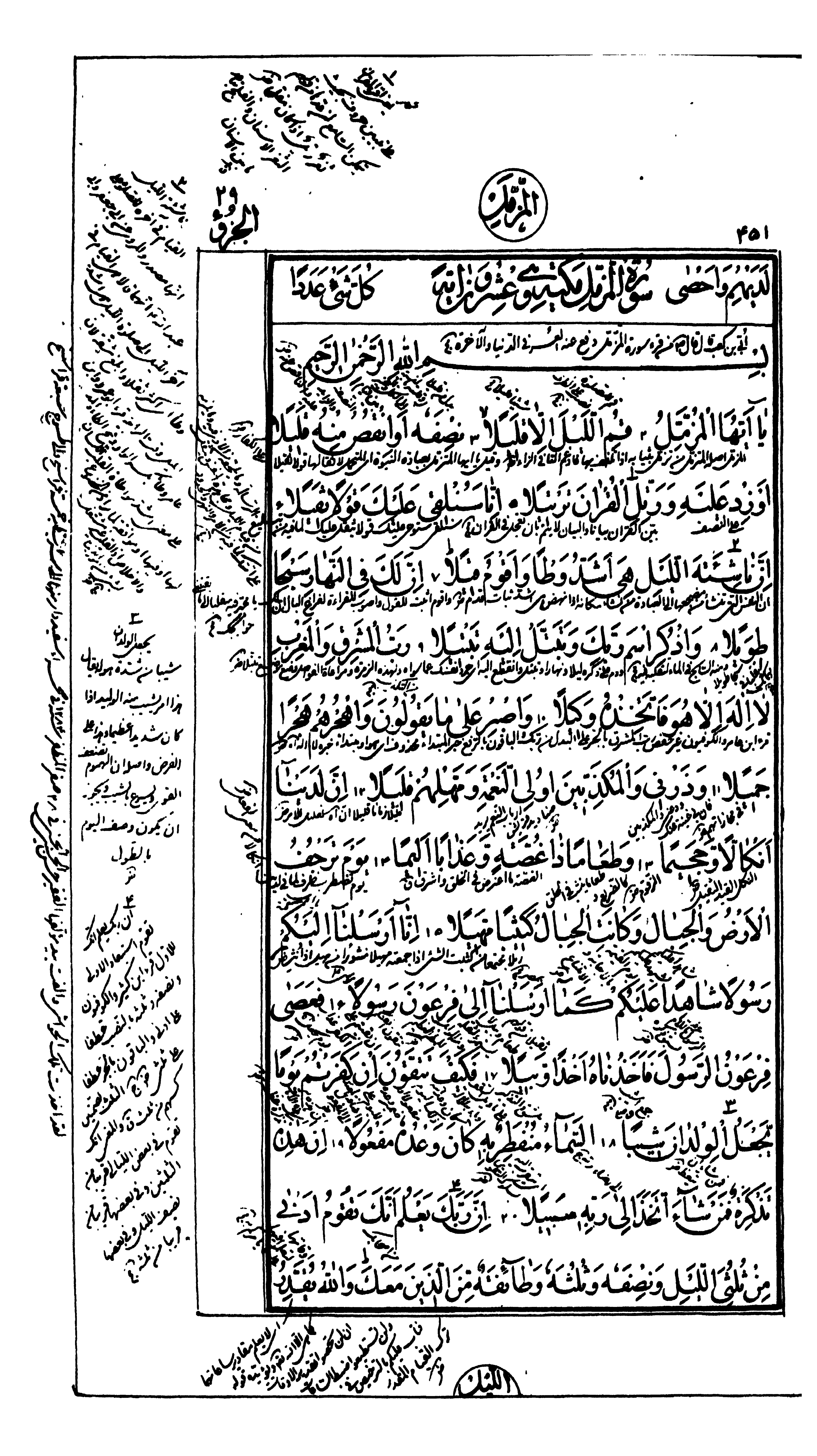
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ١ يَهْدِي
إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ٢ وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا
اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ٣ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ٤ وَأَنَّا
ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ٥ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ
يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ٦ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ
لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ٧ وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا
وَشُهُبًا ٨ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ
شِهَابًا رَصَدًا ٩ وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ



سورة ٧٢

رَشَدًا ١١ وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا ١٢ وَأَنَّا
ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا ١٣ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ
آمَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ١٤ وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ
وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ١٥ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ
فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ١٦ وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً
غَدَقًا ١٧ لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ١٨
وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ١٩ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ
كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ٢٠ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ٢١
قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ٢٢ قُلْ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ
وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا ٢٣ إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن يَعْصِ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ٢٤ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا
يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ٢٥ قُلْ إِنْ أَدْرِي
أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ٢٦ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ
عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ٢٧ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ٢٨ لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا

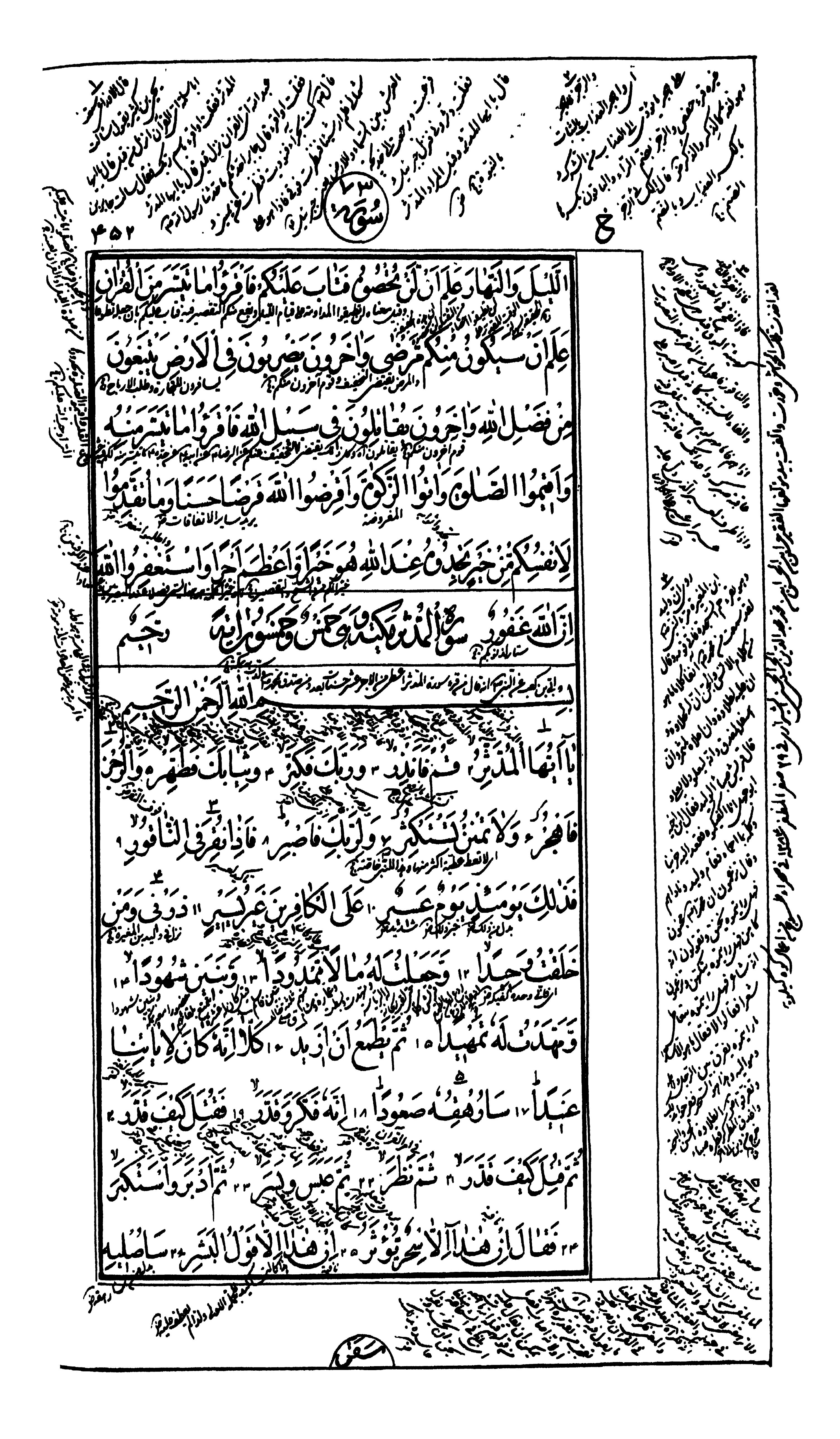


لديهم وأحصى كل شيء عددا

سورة المزمل مكية وهي عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها المزمل ١ قم الليل إلا قليلا ٢ نصفه أو انقص منه قليلا ٣
أو زد عليه ورتل القرآن ترتيلا ٤ إنا سنلقي عليك قولا ثقيلا ٥
إن ناشئة الليل هي أشد وطئا وأقوم قيلا ٦ إن لك في النهار سبحا
طويلا ٧ واذكر اسم ربك وتبتل إليه تبتيلا ٨ رب المشرق والمغرب
لا إله إلا هو فاتخذه وكيلا ٩ واصبر على ما يقولون واهجرهم هجرا
جميلا ١٠ وذرني والمكذبين أولي النعمة ومهلهم قليلا ١١ إن لدينا
أنكالا وجحيما ١٢ وطعاما ذا غصة وعذابا أليما ١٣ يوم ترجف
الأرض والجبال وكانت الجبال كثيبا مهيلا ١٤ إنا أرسلنا إليكم
رسولا شاهدا عليكم كما أرسلنا إلى فرعون رسولا ١٥ فعصى
فرعون الرسول فأخذناه أخذا وبيلا ١٦ فكيف تتقون إن كفرتم يوما
يجعل الولدان شيبا ١٧ السماء منفطر به كان وعده مفعولا ١٨ إن هذه
تذكرة فمن شاء اتخذ إلى ربه سبيلا ١٩ إن ربك يعلم أنك تقوم أدنى
من ثلثي الليل ونصفه وثلثه وطائفة من الذين معك والله يقدر



اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ
عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ
وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا الزَّكَوٰةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا
لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

سورة المدثر مكية وهي خمس وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ٢ قُمْ فَأَنْذِرْ ٣ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ٤ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ٥ وَالرُّجْزَ
فَاهْجُرْ ٦ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ٧ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ٨ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ٩
فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ١٠ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ١١ ذَرْنِي وَمَنْ
خَلَقْتُ وَحِيدًا ١٢ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ١٣ وَبَنِينَ شُهُودًا ١٤
وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ١٥ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ١٦ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا
عَنِيدًا ١٧ سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ١٨ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ١٩ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ٢٠
ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ٢١ ثُمَّ نَظَرَ ٢٢ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ٢٣ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ
فَقَالَ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ ٢٥ إِنْ هَٰذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ٢٦ سَأُصْلِيهِ

نزد ایشان است و منضبط و حفظ فرمود هر چیزی را از جهت شماره حتی قطرات باران

سورهٔ المزمل مشتمل بر بیست آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

ای گلیم بر خود پیچیده ۲ برخیز بنماز شب مگر اندکی در شب ۳ که نصف از شبست یا کم کن از نصف شب اندکی ۴ یا زیاد کن بر نیمه شب و بتأنی بخوان قرآن را تأنی خواندنی ۵ بدرستیکه ما زود باشد که وحی کنیم بر تو گفتنی سنگین ۶ بدرستیکه ساعتی که بجهة عبادت در شب آن سخت ترست به ثبات از عبادت روز و درست تر و ثابت تر از روی مقال ۷ بدرستیکه از برای تست در روز از آمد و شد بسیار ۸ و یاد کن اسم پروردگار خود را و بریده شو از خلق بسوی خدا بریدنی ۹ پروردگار مشرق و مغرب نیست خدائی مگر او پس بگیر او را وکیل ۱۰ و صبر کن ای پیغمبر بر آنچه میگویند و هجرت کن یعنی ببر از ایشان بریدنی نیکو ۱۱ و بگذار مرا با تکذیب کنندگان که خداوندان نعمتند و مهلت بده ایشان را کمی ۱۲ بدرستیکه نزد ما است غلها و بندهای گران و آتش افروخته ۱۳ و طعامی صاحب گلو گرفتن و عذابی دردناک ۱۴ روزی که بلرزد زمین و کوهها و باشند کوهها مثل ریگ پراکنده شده ۱۵ بدرستی که ما فرستادیم بسوی شما پیغمبری که گواه است بر شما همچنانکه فرستادیم بسوی فرعون پیغمبری را ۱۶ پس عصیان کرد فرعون یعنی نافرمانی کرد موسی را پس گرفتیم او را گرفتن سخت ۱۷ پس چگونه پرهیز میکنید اگر کافر شوید روزی را که میگرداند کودکان را پیر ۱۸ آسمان شکافته شود در آن روز هست وعدهٔ خدا کرده شده ۱۹ بدرستی که این قرآن پند است پس هر که خواهد بگیرد بسوی پروردگار خود راهی ۲۰ بدرستیکه پروردگار تو میداند که تو برمیخیزی کمتر از دو ثلث شب و نصف شب و ثلث شب و طایفهٔ از کسانیکه با تو هستند که بجهت نماز شب برمی‌خیزند و خدا اندازه میکند

صفحهٔ چهارصد و پنجاه و دویم

شب و روز را میداند که هرگز ضبط نخواهید کرد آنرا پس بعفو و تخفیف رخصت فرمود بر شما پس بخوانید آنچه میسر شود از قرآن داند خدا اینکه باشند از شما بیماران و دیگران که سفر کنند در زمین میجویند از فضل خدا و طایفهٔ کارزار کنند در راه خدا پس بخوانید هرچه میسر باشد از قرآن و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و قرض بدهید بندگان خدا را قرضی نیکو و آنچه پیش فرستید برای نفسهای خود از نیکی بیابید آنرا نزد خدا آن بهتر و بزرگتر است از روی مزد و طلب آمرزش کنید از خدا بدرستیکه خدا آمرزندهٔ مهربان است

سورهٔ مدثر مشتمل بر پنجاه و پنج آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

ای جامه بر سر کشیده ۲ برخیز پس بیم کن مردم را ۳ و پروردگار خود را پس تکبیر کن ۴ و جامهٔ خود را پس پاک ساز ۵ و از گناه پس دوری کن ۶ و منت مگذار در عطا دادن خود در حالتی که طلب کثرت آن کنی یعنی بسیار عطا کنی و منت نگذاری ۷ و از برای رضای پروردگار خود پس صبر کن ۸ پس چون دمیده شود در صور دویم ۹ پس این روز روز دشوار است ۱۰ بر کافران غیر آسانست یعنی بر مؤمنان آسان خواهد بود ۱۱ بگذار مرا با آنکه آفریدم او را در حالتیکه تنها بود که هیچ مال و اولاد نداشت مراد ولید بن مغیرهٔ مخزومی است ۱۲ و گردانیدیم برای او مالی کشیده یعنی کثیر النماء که از زر سرخ و اسب و گوسفند و باغ و بوستان چندان داشت که بحساب نمیآمد ۱۳ و گردانیدیم برای او پسرانی که همه در مکه همیشه پیش او حاضر بودند ۱۴ و گسترانیدیم برای او بساط جاه و مال و ریاست گسترانیدنی ۱۵ پس طمع میدارد اینکه زیاد ترکنیم ۱۶ نه چنانست بدرستیکه او بود مر آیات ما را ستیزه کننده ۱۷ زود باشد که در رسانیم او را بعقبهٔ که بمشقت تمام ببالای آن توان رفت ۱۸ بدرستیکه ولید فکر کرد که طعنه زند بر قرآن و اندازه با خود راست کرد که چه گوید ۱۹ پس کشته باد بعذاب و عقاب یعنی گرفتار باد که چگونه تقدیر کرد ۲۰ پس کشته باد و بعذاب و عقاب گرفتار باد که چگونه تقدیر کرد ۲۱ پس نظر کرد در آن و تفکر در آن نمود ۲۲ پس روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید ۲۳ پس روی گردانید از محمد و سرکشی کرد ۲۴ پس گفت نیست این قرآن مگر سحری که روایت کرده میشود از ساحران بابل که هاروت و ماروتند ۲۵ نیست این قرآن مگر گفتن آدمی ۲۶ زود باشد که در افکنیم او را در

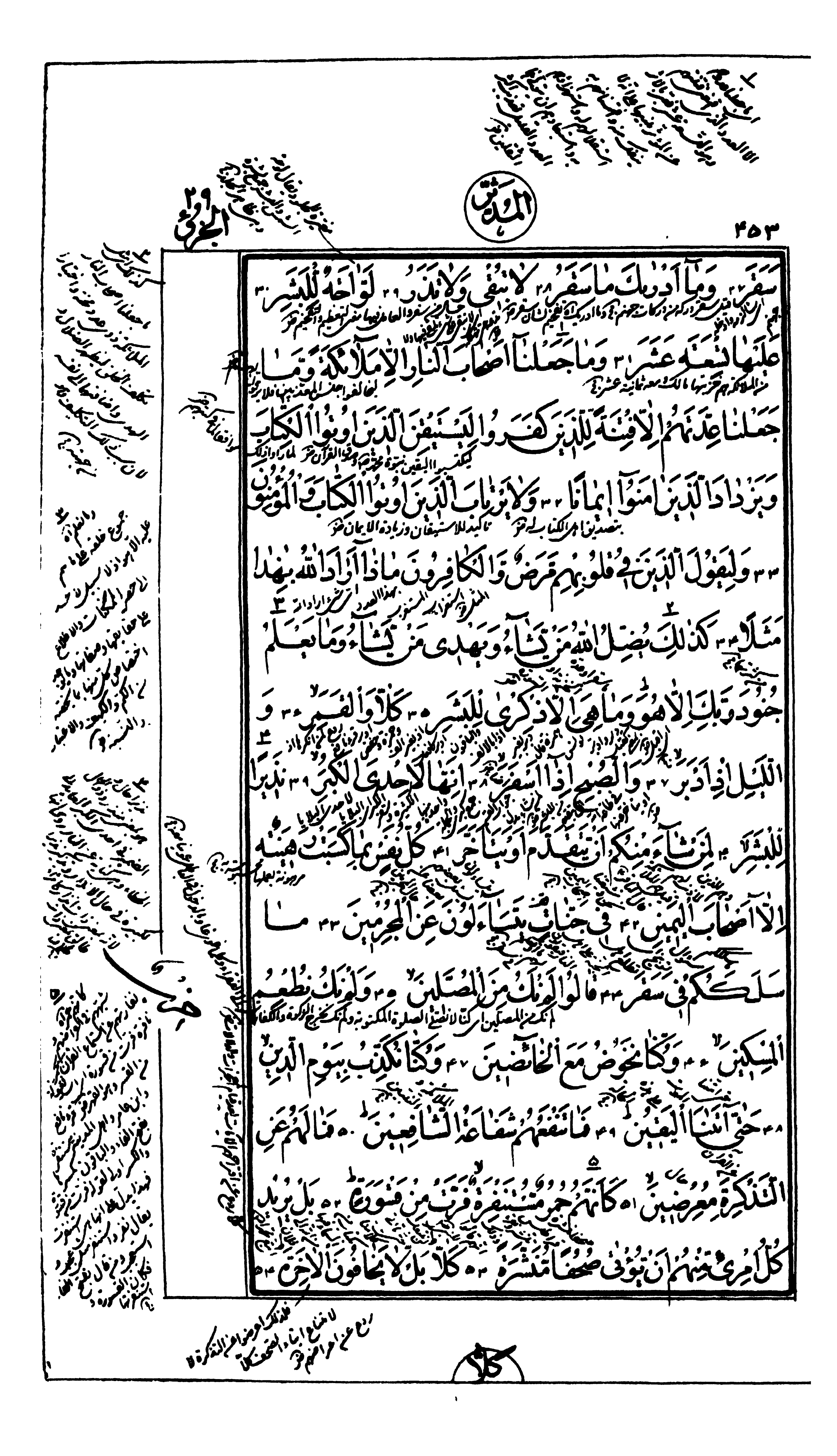
دوزخ ۲۷ و چه دانا کرد ترا که چه چیز است سقر ۲۸ باقی نمیگذارد پوست و گوشت و استخوان را بر هیچ دوزخی مگر اینکه همه را بسوزاند ۲۹ آتشی سیاه سیاه کننده مر پوست کافران را ۳۰ بر آن دوزخ موکلند نوزده فرشته ۳۱ و نگردانیدیم موکلان آتش را مگر فرشتگانی و نگردانیدیم عدهٔ ایشان را مگر عده اندک که منقضی فتنه باشد از برای کسانیکه کافر شدند یعنی کفار چون عدد موکلان دوزخ را بشنوند بآن استهزا کنند و بگویند چگونه میشود که گناهکاران خلق اولین و آخرین را این نوزده نفر فرشتگان همه را بجهنم برند تا اینکه یقین کنند آنانکه داده شدند کتاب تورات یعنی کسب یقین کنند به نبوت پیغمبر و حقیقت قرآن چه قرآن مصدق کتاب آنهاست و باینجهه یقین کنند که قرآن از جانب خداست و زیاد کند عقیدهٔ آنان را که ایمان آورده اند ایمان آوردنی ۳۲ و تا شک نیاورند آنانکه داده شدند کتاب تورات را و مؤمنین نیز شک نیاورند ۳۳ و تا بگویند آنانکه در دلهای ایشان مرضی است و بگویند کافران چه خواسته است خدا باین عدهٔ نوزده از راه مثل یعنی کافران گویند خداوند باین مثل عجیب چه غرض و قصد نموده که نوزده تعیین کرده و بیست که عدد تمامیست معین ننموده یعنی گویند که این سخن خدا نیست اگر خدا گفته بود عدد بیست که تمام است معین مینمود ۳۴ همچنین گمراه کند خدا یعنی بضلالت و گمراهی واگذارد خدا هر که را میخواهد و راه مینماید هر که را میخواهد و نمیداند لشکرهای پروردگار ترا مگر او و نیست این سوره مگر پندی از برای مردمان ۳۵ نه چنانست قسم بماه ۳۶ و قسم بشب چون بیاید در عقب روز ۳۷ و قسم بصبح چون روشن شود ۳۸ بدرستیکه سقر یکی از بلاهای بزرگ است ۳۹ ترساننده است مر آدمیان را ۴۰ برای هر که خواهد از شما اینکه پیش رود در خیر و طاعت یا باز ایستد از شر معصیت ۴۱ هر نفسی بآنچه کسب کرده مرهونست مگر یاران دست راست ۴۲ در بهشتها میپرسند از گناهکاران ۴۳ چه چیز در آورد شما را در آتش ۴۴ گفتند نبودیم ما از نمازکنندگان ۴۵ و نبودیم که ما طعام دهیم درویشان را ۴۶ و بودیم ما که صحبت باطل میداشتیم با صحبت دارندگان ۴۷ و بودیم ما که تکذیب میکردیم بروز قیامت ۴۸ تا آمد ما را یقین یعنی مرگ ۴۹ پس نفع نمیدهد ایشان را شفاعت شفاعت کنندگان ۵۰ پس چیست ایشان را از تذکیر یعنی از قرآن روی گردانندگان ۵۱ گویا ایشان خرانی هستند رم کرده که فرار کرده اند از شیر ۵۲ بلکه میخواهد هر مردی از ایشان اینکه داده شود نامههای سرگشاده که در آن نوشته باشد ای فلان پیروی محمد کن ۵۳ نه چنانست بلکه نمی ترسند آخرت را ۵۴

نه چنانست بدرستیکه این قرآن پندیست پس هر که خواهد پند گیرد آنرا ۵۵ و پند نگیرند مگر اینکه بخواهد خدا او است سزاوار اینکه بترسند از او و او است سزاوار آمرزیدن گناهان گناهکاران را

سورهٔ القیمه مشتمل بر چهل آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم میخورم بروز قیامت ۲ و قسم میخورم بنفس ملامت کننده ۳ آیا می پندارد انسان اینکه جمع نخواهیم کرد استخوانهای او را ۴ آری توانائیم بر اینکه راست کنیم سر انگشتان او را ۵ بلکه میخواهد آدمی اینکه همیشه بفجور و دروغ مشغول باشد در زمانیکه پیش روی او است یعنی همه وقت ۶ میپرسد که کی خواهد بود روز قیامت ۷ پس چون خیره شود چشم ۸ و تیره شود ماه ۹ و جمع شود خورشید با ماه ۱۰ میگوید آدمی امروز کجاست پناهی ۱۱ نه چنانست نیست پناهی ۱۲ بسوی پروردگار تو است در آنروز قرارگاه ۱۳ خبر داده شود انسان در آنروز بآنچه پیش فرستاده و آنچه تاخیر کرده و نفرستاده است از عمل خیر ۱۴ بلکه آدمی بر نفس بینا است ۱۵ و اگرچه القا کند عذرهای خود را ۱۶ مجنبان ای محمد بقرآن زبان خود را تا تعجیل کنی بحفظ آن پیش از اتمام وحی ۱۷ بدرستیکه بر ما است فراهم آوردن آن و قرائت کردن آن ۱۸ پس اگر قرائت کردیم آنرا پس متابعت کن خواندن آنرا ۱۹ پس بدرستیکه بر ما است بیان آن ۲۰ نه چنانست بلکه دوست میدارید دنیای شتابنده را ۲۱ و وا میگذارید آخرت را ۲۲ روی هائی در آنروز درخشنده اند ۲۳ بسوی پروردگار خود نظر کننده ۲۴ و رویهائی در آنروز سخت ترش باشند ۲۵ گمان برند که کرده خواهد شد بآنها عقوبتی که شکننده پشت آنهاست ۲۶ نه چنانست چون برسد روح باستخوان سینه ۲۷ و گفته شود کیست افسون کننده ۲۸ و گمان کند آنروز روز مفارقت است یعنی سبب جدائی است از دنیا ۲۹ و پیچیده شود در وقت مردن ساق پاهای او بیکدیگر ۳۰ بسوی پروردگار تو در آنروز راندنست یعنی همه کس را بزمین محشر کشند ۳۱ پس تصدیق نکرد و نماز نکرد ۳۲ و لیکن تکذیب کرد و برگشت ۳۳ پس



سقر ٢٧ وما أدراك ما سقر ٢٨ لا تبقي ولا تذر ٢٩ لواحة للبشر ٣٠
عليها تسعة عشر ٣١ وما جعلنا أصحاب النار إلا ملائكة وما
جعلنا عدتهم إلا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين أوتوا الكتاب
ويزداد الذين آمنوا إيمانا ٣٢ ولا يرتاب الذين أوتوا الكتاب والمؤمنون
٣٣ وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا أراد الله بهذا
مثلا ٣٤ كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم
جنود ربك إلا هو وما هي إلا ذكرى للبشر ٣٥ كلا والقمر ٣٦ و
الليل إذ أدبر ٣٧ والصبح إذا أسفر ٣٨ إنها لإحدى الكبر ٣٩ نذيرا
للبشر ٤٠ لمن شاء منكم أن يتقدم أو يتأخر ٤١ كل نفس بما كسبت رهينة
إلا أصحاب اليمين ٤٢ في جنات يتساءلون عن المجرمين ٤٣ ما
سلككم في سقر ٤٤ قالوا لم نك من المصلين ٤٥ ولم نك نطعم
المسكين ٤٦ وكنا نخوض مع الخائضين ٤٧ وكنا نكذب بيوم الدين
٤٨ حتى أتانا اليقين ٤٩ فما تنفعهم شفاعة الشافعين ٥٠ فما لهم عن
التذكرة معرضين ٥١ كأنهم حمر مستنفرة فرت من قسورة ٥٢ بل يريد
كل امرئ منهم أن يؤتى صحفا منشرة ٥٣ كلا بل لا يخافون الآخرة ٥٤

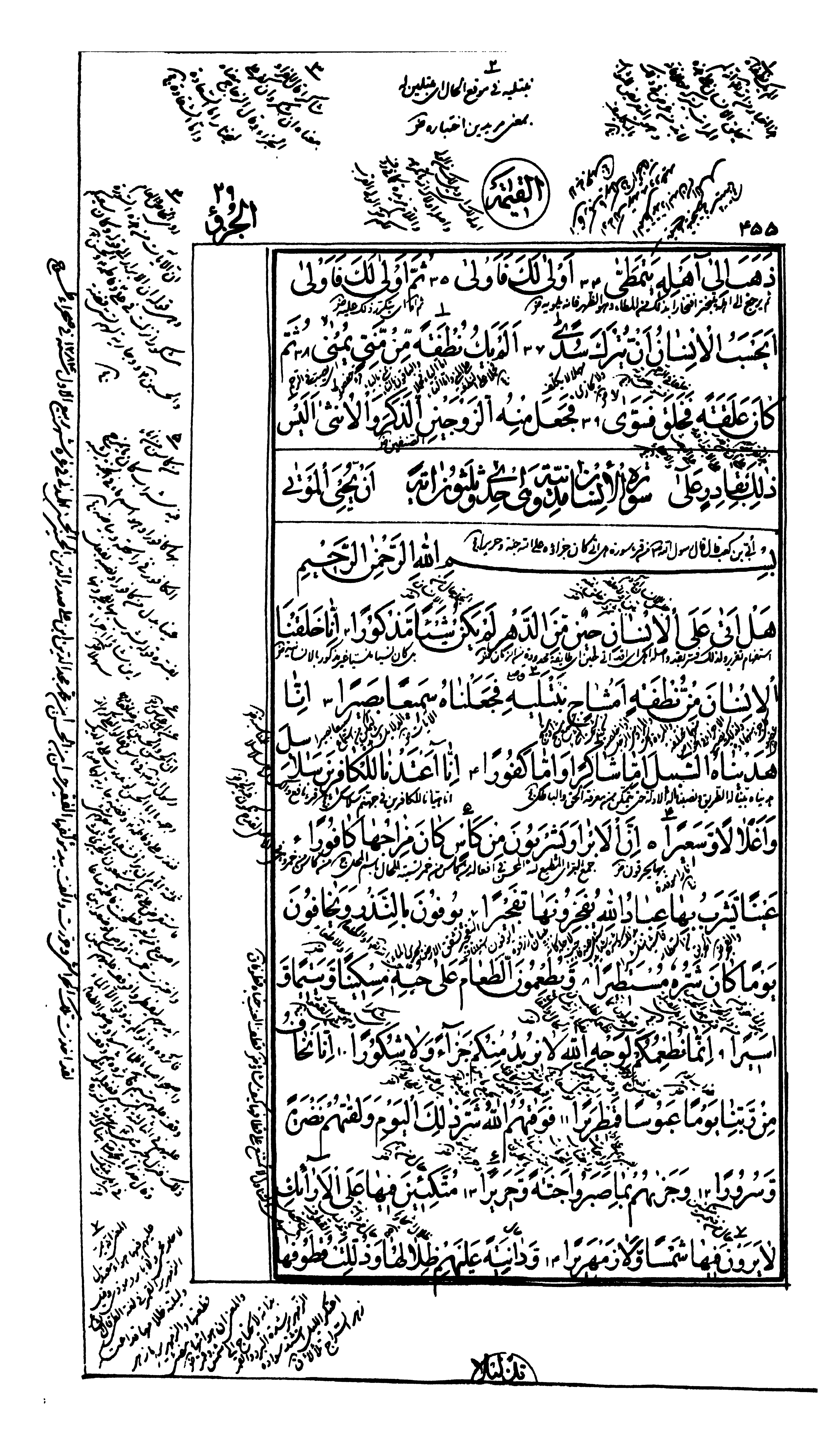
كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ٥٤ فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ٥٥ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ٥٦

سورة القيمة [illegible] مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ ١ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ٢ أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ ٣ بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ ٤ بَلْ يُرِيدُ الْإِنسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ٥ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَمَةِ ٦ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ٧ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ٨ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ٩ يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ ١٠ كَلَّا لَا وَزَرَ ١١ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ١٢ يُنَبَّؤُا الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ١٣ بَلِ الْإِنسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ١٤ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ ١٥ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ١٦ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ١٧ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ١٨ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ١٩ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ٢٠ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ٢١ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ٢٢ إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ٢٣ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ٢٤ تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ٢٥ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ٢٦ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ٢٧ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ٢٨ وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ٢٩ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ٣٠ فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى ٣١ وَلَكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى ٣٢ ثُمَّ





ذهب إلى أهله يتمطى ٣٣ أولى لك فأولى ٣٤ ثم أولى لك فأولى ٣٥
أيحسب الإنسان أن يترك سدى ٣٦ ألم يك نطفة من مني يمنى ٣٧ ثم
كان علقة فخلق فسوى ٣٨ فجعل منه الزوجين الذكر والأنثى ٣٩ أليس
ذلك بقادر على أن يحيي الموتى ٤٠

سورة الإنسان مدنية وهي إحدى وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا ١ إنا خلقنا
الإنسان من نطفة أمشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا ٢ إنا
هديناه السبيل إما شاكرا وإما كفورا ٣ إنا أعتدنا للكافرين سلاسل
وأغلالا وسعيرا ٤ إن الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورا ٥
عينا يشرب بها عباد الله يفجرونها تفجيرا ٦ يوفون بالنذر ويخافون
يوما كان شره مستطيرا ٧ ويطعمون الطعام على حبه مسكينا ويتيما
وأسيرا ٨ إنما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاء ولا شكورا ٩ إنا نخاف
من ربنا يوما عبوسا قمطريرا ١٠ فوقاهم الله شر ذلك اليوم ولقاهم نضرة
وسرورا ١١ وجزاهم بما صبروا جنة وحريرا ١٢ متكئين فيها على الأرائك
لا يرون فيها شمسا ولا زمهريرا ١٣ ودانية عليهم ظلالها وذللت قطوفها



تذليلا ١٥ ويطاف عليهم بآنية من فضة وأكواب كانت قواريرا ١٦ قواريرا
من فضة قدروها تقديرا ١٧ ويسقون فيها كأسا كان مزاجها زنجبيلا ١٨
عينا فيها تسمى سلسبيلا ١٩ ويطوف عليهم ولدان مخلدون إذا رأيتهم
حسبتهم لؤلؤا منثورا ٢٠ وإذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا ٢١
عاليهم ثياب سندس خضر وإستبرق وحلوا أساور من فضة وسقاهم
ربهم شرابا طهورا ٢٢ إن هذا كان لكم جزاء وكان سعيكم مشكورا ٢٣
إنا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلا ٢٤ فاصبر لحكم ربك ولا تطع منهم
آثما أو كفورا ٢٥ واذكر اسم ربك بكرة وأصيلا ٢٦ ومن الليل فاسجد
له وسبحه ليلا طويلا ٢٧ إن هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون
وراءهم يوما ثقيلا ٢٨ نحن خلقناهم وشددنا أسرهم وإذا شئنا بدلنا
أمثالهم تبديلا ٢٩ إن هذه تذكرة فمن شاء اتخذ إلى ربه سبيلا ٣٠ وما تشاءون
إلا أن يشاء الله إن الله كان عليما حكيما ٣١ يدخل من يشاء في رحمته والظالمين

أعد لهم — سورة المرسلات مكية وهي خمسون آية — عذابا أليما

بسم الله الرحمن الرحيم

والمرسلات عرفا ٢ فالعاصفات عصفا ٣ والناشرات نشرا ٤ فالفارقات

رفت بسوی اهل خود که بخرامید ۳۳ سزاوار است ترا پس سزاوار است ۳۴ پس سزاوار است ۳۵ آیا گمان میکند آدمی اینکه واگذاشته شود مهمل ۳۶ آیا نبود قطرهٔ آبی از منی که ریخته میشود ۳۷ پس بود خون بسته پس آفرید پس راست گردانید او را باعتدال قامت ۳۸ پس گردانید از آدمی دو صنف را ۳۹ مرد و زن ۴۰ آیا نیست این خدا توانا بر اینکه زنده کند مردگانرا

سورهٔ الانسان مشتمل بر سی و یک آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بتحقیق آمد بر آدمی زمانی از روزگار که نبود چیزی ذکر کرده شده ۱ بدرستیکه ما آفریدیم انسانرا از نطفهٔ یعنی از آب منی ممزوج یعنی اجزای آن بهم مخلوط است که بیازمائیم آن آدمی را پس گردانیدیم او را شنوا و بینا ۲ بدرستی که ما اراده نمودیم او را راه راست یا شاکر است یعنی مؤمن و موحد است یا کفور است یعنی ناسپاس است که کافر جاحد است ۳ بدرستیکه ما آماده کردیم برای کافران زنجیرها و غلها و آتش افروخته را ۴ بدرستی که نیکوان میآشامند از جامهائی از شراب که باشد امتزاج آن با کافور بهشت ۵ که آمیخته باشد بچشمهٔ که آشامند آنرا بندگان خدا میرانند آنچشمه را راندنی یعنی هر جا خواهند آب آنچشمه را همراه خود ببرند باینطور که خطی بکشند آن آب از آن خط روان شود بهر طرف خواهند برود ۶ وفا میکنند بنذر و میترسند روزی را که باشد شر آن روز فاش و آشکارا ۷ و اطعام میکنند یعنی میدهند خوردنی را بر دوستی خدا بدرویش و یتیم و اسیر ۸ جز این نیست که میخورانیم شما را برای رضای خدا نمیخواهیم از شما پاداشی و نه شکر کردنی ۹ بدرستیکه ما میترسیم از پروردگار خودمان روزی که روی ها ترش باشد در کمال سختی ۱۰ پس نگاهداشت ایشانرا خدا از بدی آن روز و پیش آورد ایشانرا تازگی و خوشی ۱۱ و جزا داد ایشانرا بآنچه صبر کردند بهشت را و جامهٔ ابریشمین را ۱۲ در حالتی که تکیه زنندگان باشند در آن بهشت بر تختها نه بینند در آن گرمائی و نه سرمائی را ۱۳ و پاداش دهد ایشانرا بهشتی دیگر سوای بهشت اول که نزدیک باشد بر ایشان سایهٔ درختان آن بهشت و رام کرده شود میوهٔ آنها رام

کردنی یعنی چیدن آن آسان باشد ۱۴ و گردانیده شود بر ایشان بظروفی از نقره و کوزهائی که باشند مانند شیشه در صفا و لطافت ۱۵ شیشهائی که از نقره باشند اندازه کرده اند آنها را اندازه کردنی ۱۶ و سیراب کرده میشوند در آن بهشت از کاسهٔ خمر که باشد امتزاج آن با زنجبیل ۱۷ چشمه ایست در آن بهشت که نامیده میشود سلسبیل ۱۸ و طوف میکنند بر ایشان پسرانی که جاوید در آن بهشتند چون به بینی ایشانرا گمان کنی ایشانرا مروارید مروارید پراکنده شده از صدف یعنی مروارید تر و تازه ۱۹ و چون نظر بیندازی آنجا به بینی نعمتهائیکه در وصف نگنجد و ملکی بزرگ و متعی را که زوال بر آن راه نیابد ۲۰ بر زبر ایشان باشد جامهای دیبای لطیف نازک سبز و استبرق و آراسته شوند بدست بندهای از نقره و سیراب کند ایشانرا پروردگارشان از شرابی پاک ۲۱ بدرستیکه این نعمتها از برای شما پاداشی است و هست سعی شما پسندیده شده ۲۲ بدرستی که ما فرستادیم بر تو قرآنرا فرستادنی ۲۳ پس صبر کن مر حکم پروردگار خود ترا و فرمان مبر از ایشان گناهکاری را چون عتبه که مرتکب انواع فسوق است یا ناسپاسی را چون ولید بن مغیره که در کفر غالب است ۲۴ و ذکر کن اسم پروردگار خود ترا در صبح و شام ۲۵ و از شب پس سجده کن از برای خدا و تسبیح کن او را در شب دراز ۲۶ بدرستی که این کافران دوست دارند دنیای شتابنده را و وامیگذارند پشت سر خود روزی را که گران است یعنی روز قیامت را ۲۷ ما آفریدیم ایشانرا و محکم کردیم رابطهٔ مفاصل ایشان را و هرگاه بخواهیم هلاکت ایشان را بدل کنیم امثال ایشان را تبدیل کردنی ۲۸ بدرستیکه این سوره پندیست پس هر که خواهد فرا گیرد بسوی پروردگار خودش راهی ۲۹ و نمیخواهد مگر آنکه میخواهد خدا بدرستیکه خدا هست دانای درستکار ۳۰ داخل میکند هر که را میخواهد در رحمت خود و ستمکارانرا آماده کرده است از برای ایشان عذابی دردناک ۳۱

سورهٔ مرسلات مشتمل بر پنجاه آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم بفرشتگان فرستاده شده بجهت نیکوئی یعنی با مر و نهی که موجب هدایت است ۱ پس قسم بملائکه جهنده سخت رونده در ادای امر الهی ۲ و قسم بملائکه که منتشر کنندگان کتب و احکام الهی را نشر کردنی ۳ پس قسم بملائکه که جدا کنند

جدا کردنی که حق را از باطل ممتاز سازند ۵ پس قسم بفرشتگانی که افکنندگانند به پیغمبران وحی را با آیات قران ۶ بجهت عذر صواب کاران یا بیم کردن مبطلان ۷ جز این نیست که آنچه وعده کرده میشوند از نعمتهای بهشت و عذاب جهنم هر آینه واقع شونده و ظاهر شونده است ۸ پس چون ستاره‌ها محو و زایل شوند ۹ و چون آسمان شکافته شود ۱۰ و چون کوهها پراکنده شود ۱۱ و چون پیغمبران تعیین کرده شوند برای ایشان میعاتی که حاضر شوند ۱۲ برای کدام روز واپس داشته شدند این امور ۱۳ برای روز جدا کردن مؤمن از کافر ۱۴ و چه چیز دانا کرد تو را که چیست روز فصل ۱۵ وای آنروز از برای تکذیب کنندگان ۱۶ آیا هلاک نکردیم پیشینیان را چون قوم نوح و عاد و ثمود ۱۷ پس از پی ایشان در آوردیم آخرین را که کفار مکه بودند در جنگ بدر ۱۸ همچنین میکنیم بگناهکاران ۱۹ وای در آنروز از برای تکذیب کنندگان ۲۰ آیا نیافریدیم شما را از آبی بیمقدار ۲۱ پس گردانیدیم ما آن آب را در قرارگاه استواری ۲۲ تا مقداری معین که آن زمان ولادتست ۲۳ پس توانا بودیم بآفرینش شما پس نیک توانائیم ۲۴ وای آنروز برای تکذیب کنندگان ۲۵ آیا نگردانیدیم زمین را جمع کنندهٔ مردم ۲۶ زندگان و مردگان ۲۷ و نگردانیدیم ما در آن زمین کوههای استوار و آشامانیدیم شما را آبی شیرین ۲۸ وای آنروز مر تکذیب کنندگان را ۲۹ بروید بسوی آنچه بودید که بآن تکذیب میکردید ۳۰ بروید بسوی سایهٔ که خداوند سه شاخست مراد ظل محموم است که در جهنم است ۳۱ نه سایه خنک دائمی است که در او راحت باشد و نه دفع کند از زبانهٔ آتش ۳۲ بدرستیکه دوزخ میاندازد شرارهٔ مانند کوشکی بعظمت ۳۳ گویا که آن شرارهٔ آتش شترانی هستند زرد رنگ ۳۴ وای آنروز مر تکذیب کنندگان را ۳۵ این روزیست که سخن نگویند کفار ۳۶ و رخصت داده نشود برای ایشان که عذر بخواهند پس عذر میگویند ولی فایده که از معذرت منظور است از ایشان منتفی باشد ۳۷ وای آنروز مر تکذیب کنندگان را ۳۸ اینست روز جدا کردن جمع کردیم شما را و پیشینیان را ۳۹ پس اگر هست برای شما کیدی یعنی حیله پس حیله کنید ۴۰ وای آنروز از برای تکذیب کنندگان ۴۱ بدرستی که پرهیزکاران در سایه‌ها و کنار چشمه‌ها هستند ۴۲ و میوه‌ها از آنچه بخواهند ۴۳ بخورید و بیاشامید گوارا بسبب آنچه بودید که میکردید ۴۴

بدرستیکه ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را ۴۵ وای آنروز از برای تکذیب کنندگان ۴۶ بخورید و برخورداری گیرید نعیم فانی دنیا را اندکی زمانی اندک بدرستیکه شما گناهکارانید ۴۷ وای آنروز مر تکذیب کنندگان ۴۸ و چون گفته شود از برای کفار که رکوع کنید رکوع نمیکنند ۴۹ وای آنروز از برای تکذیب کنندگان ۵۰ پس بکدام سخن بعد از قران ایمان میآورید

سورهٔ النبأ مشتمل بر چهل و یک آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

از چه می‌پرسند ۲ از خبر بزرگ یعنی از حشر ۳ آنچه ایشان در آن اختلاف کنند که بعضی گویند قیامت و بتان را شفاعت کنند و بعضی منکرند و میگویند ابدا قیامت نیست ۴ نه چنانست زود باشد که بدانند ۵ پس از آن هم نه چنانست زود باشد که بدانند ۶ آیا نگردانیدیم زمین را بستری گسترده ۷ و کوهها را میخهای زمین ۸ و خلق کردیم ما شما را جفت جفت نر و ماده ۹ و گردانیدیم ما خواب شما را سبب راحتی ۱۰ و گردانیدیم شب را پوشش ۱۱ و گردانیدیم روز را وقت طلب معیشت ۱۲ و بنا کردیم بالای سر شما هفت آسمان سخت ۱۳ و گردانیدیم در آسمان چراغهای درخشان ۱۴ و فرو فرستادیم از ابرهای فشارندهٔ آب ریزان ۱۵ تا بیرون آوریم بآن باران دانه و گیاه ۱۶ و باغهای بهم پیچیده یعنی درختان آن متراکم است ۱۷ بدرستیکه روز حکم هست وقتی مقرر ۱۸ روزیکه دمیده میشود در صور پس بیائید فوج فوج ۱۹ و گشاده شود آسمان پس باشند درها یعنی آن شکافها بمنزلهٔ درهای آسمان باشد ۲۰ و روان کرده شوند کوهها پس باشند سراب ۲۱ بدرستیکه جهنم هست کمینگاهی ۲۲ مر طاغیان را بازگشتی ۲۳ درنگ کنندگان باشند در آن روزگارهای دراز ۲۴ نمی‌چشند در آن سردی و نه شرابی را ۲۵ مگر آب جوشان و چرک را ۲۶ پاداشی موافق کردار ۲۷ بدرستیکه ایشان بودند که امید نداشتند حساب را ۲۸ و تکذیب کردند

صفحهٔ چهارصد و پنجاه و نهم

بآیات ما تکذیب کردنی ۲۹ و هر چیزی را شمردیم آن را یعنی ثبت کردیم هر چیز را در لوح محفوظ ۳۰ پس بچشید پس یا دنکنیم شما را هرگز مگر عذاب
۳۱ بدرستیکه از برای پرهیزکار انست جای فوز یعنی رستگاری از عذاب ۳۲ باغها و انگورها است ۳۳ و دختران هم سن ۳۴ و جام
پر شراب ۳۵ شنیده نمیشود در آن بهشت سخن لغوی و نه تکذیب کردنی ۳۶ جزائی از پروردگار تو بخشش بسندیده ۳۷ پروردگار آسمانها
و زمین و آنچه میانهٔ آسمان و زمین است خدای بخشاینده مالک نباشند اهل آسمان و زمین از او سبحانه سخن گفتن را یعنی قادر نباشند
بر اینکه با او سخن بگویند ۳۸ روزیکه بایستند روح و فرشتگان صف زدگان سخن نگویند مگر هر که را رخصت بدهد از برای او خدای بخشنده
و بگوید صوابی را ۳۹ این روز روزیست محقق الوقوع پس هر که خواهد بگیرد بسوی ثواب پروردگار خودش بازگشتی ۴۰ بدرستیکه ما
بیم کردیم شما را بعذابی نزدیک ۴۱ روزیکه بنگرد مرد آنچه را که پیش فرستاده دستهای او و گوید کافر ای کاش من بودمی خاک

سورهٔ النازعات مشتمل بر چهل و شش آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم بکشندگان از روی قوت یعنی ملائکه موت ۲ و قسم بفرشتگان که برفق بیرون آورندگانند ارواح مؤمنانرا بیرون آوردنی بمدارا ۳ و قسم
بفرشتگان شناوکنند شنو کردنی یعنی از آسمان بزمین و از زمین بآسمان روند برای مصالح خلق آمد و شد نمایند مثل شناگری که در دریا غوص
میکند ۴ پس قسم به پیشی گیرندگان برکیدیگر در وقت فرود آمدن بزمین پیشی گرفتنی در فرمان برداری او امر الهی ۵ پس قسم بملائکه که تدبیر کنندگان
کار دنیا را یعنی جبرئیل ۶ روزیکه بلرزد زمین لرزیدنی ۷ از پی در آید آنرا زمین را ستارگان و آسمان که در پی جنبیدن زمین شکافته و پراکنده شوند
۸ دلهائی در آنروز لرزان و هراسان باشد ۹ چشمهای صاحبان آن دلها باشد از شدت هول ۱۰ میگویند اشخاصی که منکر بعثت هستند آیا بدرستیکه ما هر آینه
برگردیده شدگانیم در حالت اول ۱۱ آیا وقتیکه باشیم ما استخوانهای پوسیده ۱۲ میگویند منکران از روی استهزاء این حالت برگشتن در آن هنگام بازگشتن زیانکاران
باشد یعنی با اینکه ما منکر این مطلب بوده ایم اگر برگشتن و بعثت یقین شود ما ضرر کرده ایم ۱۳ پس جز این نیست که آن مبعوث شدن یک فریاد جبرئیل است ۱۴
پس آنگاه ایشان بزمین صاف هموار باشند که آن صحرای محشر است ۱۵ آیا آمد ترا حدیث موسی یعنی حکایت موسی را شنیدی ۱۶ چون ندا کرد او را پروردگار
او بوادی پاکیزه که آن وادی طوی است ۱۷ برو بسوی فرعون بدرستی که او طاغی شده است ۱۸

صفحهٔ چهارصد و شصتم

پس بگو بفرعون آیا از برای تو هست رغبتی بسوی اینکه پاک شوی ۱۹ و اینکه راه نمایم ترا بسوی پروردگار تو پس بترسی از خدا ۲۰ پس نمود موسی بفرعون معجزهٔ بزرگرا که آن انداختن
عصا و اژدها شدن آن بود ۲۱ پس تکذیب کرد فرعون و گناه کرد ۲۲ پس برگشت یعنی پشت کرد فرعون بموسی در حالتیکه بسرعت میرفت از ترس اژدها ۲۳ پس جمع کرد مردم را پس
ندا کرد باواز بلند ۲۴ پس گفت من پروردگار شمایم که برتری دارم ۲۵ پس گرفت او را خدا بعقوبت آخرت و غرق شدن در دنیا ۲۶ بدرستیکه در این غرق شدن فرعون هر آینه عبرتست
از برای کسی که بترسد ۲۷ آیا شما سخت ترید از روی خلقت یا آسمان که بنا کرد آنرا یعنی کسی که آسمان با عظمت را خلق کند چگونه نمیتواند شما را دوباره مبعوث گرداند ۲۸ بلند کرد
سقف آنرا بطور تدبیر پس راست و درست کرد آنرا ۲۹ و تاریک گردانید شب آنرا و بیرون آورد روشنی روز آنرا یعنی خورشید را که سبب روشنی روز است ۳۰ و زمین را بعد از آن گسترانید
برای آرام گرفتن خلق در آن ۳۱ بیرون آورد از زمین آب آنرا و چراگاه آنرا ۳۲ و کوهها را استوار گردانید آنها را ۳۳ برخورداریست از برای شما و از برای چارپایان شما ۳۴
پس چون بیاید بلیه بزرگ که آن قیامتست ۳۵ روزیکه یاد آورد آدمی آنچه را که سعی کرده است در آن ۳۶ و ظاهر گردد دوزخ از برای کسی که ببیند ۳۷ پس اما هر که طغیان کرده یعنی
از حد درگذشته است ۳۸ و اختیار کرد زندگانی دنیا را ۳۹ پس بدرستیکه دوزخ آن آرامگاه و مکان او است ۴۰ و اما کسی که ترسید مقام پروردگار خود را یعنی از ایستادن بمقام
عقاب پروردگار خود و باز داشت نفس خود را از خواهش ۴۱ پس بدرستیکه بهشت آنست جایگاه او ۴۲ میپرسند ترا از روز قیامت که کی باشد اقامت آن ۴۳ در چه چیزی تو
از یاد کردن آن یعنی علم قیامت بتو ربط ندارد و ترا در آن دخلی نیست ۴۴ بسوی پروردگار تست نهایت آن ۴۵ جز این نیست که تو ترسانندهٔ کسی هستی که بترسد ۴۶ مثل ایشان
که ایشان روزی که ببینند قیامت را درنگ نکردند در دنیا مگر شبی را یا چاشتگاهی را یعنی درنگ ایشان در دنیا یا در قبر از هول آن روز بقدر نصف روز بنظر شان بیاید

سورهٔ عبس مشتمل بر چهل و دو آیه در مکه نازل شده

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

روی ترش کرد و بگردانید روی را ۲ آنکه آمد او را نابینا یعنی عبدالله مکتوم ۳ و چه چیز دانا کرد ترا شاید او پاک شود ۴ یا پند

یا پند گیرد پس نفع بدهد او را پند ٥ امّا هر که توانگر است ٦ پس تو از برای او رو میآوری یعنی با او اقبال میکنی بجهت حرصی که بر ایمان داری ٧ و نیست بر تو وزر و وبالی در اینکه آن مستغنی پاک نشود یعنی ایمان نیاورد ٨ وامّا کسی که بیاید تو را در حالتی که می شتابد ٩ و او میترسد ١٠ پس تو از او مشغول میشوی یعنی از او اعراض مینمائی یعنی سزاوار نیست که مستغنی را متصدی شوی و از فقیر رو بگردانی ١١ نه چنانست بدرستی که قرآن پندیست ١٢ پس هر که خواهد حفظ و ضبط کند آنرا ١٣ در کتابهای گرامی داشته شده ١٤ برداشته شده در آسمانی بلند پاکیزه ١٥ بدست کتاب ملائکه کرام و نیکوکاری ١٦ لعنت باد آدمی را یعنی کفار از مردم را چه چیز سبب کفر ایشان شد ١٧ از چه چیز آفریده ایشانرا ١٨ از آب منی ١٩ خلق کرد او را پس آماده ساخته آنچه صلاح اوست از ترکیب و هیات او ٢٠ پس راه بیرون آمدن او را از شکم مادر آسان کرد که دهنهٔ رحم را وسیع ساخت و او را ملهم نمود که معکوس برگردد و از سر متولد شود ٢١ پس بمیرانداو را پس در قبر جای داد او را ٢٢ پس از آن هر وقت بخواهد زنده گرداند او را ٢٣ نه چنانست هنوز ادا نکرده و بجا نیاورده است انسان آنچه را که امر کرده است خدا او را یعنی شرط عبادت و اطاعت را بجا نیاورده است ٢٤ پس باید که نظر کند انسان بسوی طعام و مأکولات خود بشنوش و عبرت بگیرد ٢٥ بدرستیکه ما ریختیم آبرا از ابرها ریختنی ٢٦ پس از آن شکافتیم زمین را شکافتنی ٢٧ پس رویانیدیم در آن زمین دانه های مأکول را چون گندم و جو و سایر حبوبات که قوت انسانست ٢٨ و درخت انگور و درخت رطب را ٢٩ و درخت زیتون و درخت خرما را ٣٠ و باغهای مشتمل بر درختان پر ثمر را ٣١ و میوه و چراگاه را ٣٢ برخورداریست برای شما و برای چهارپایان شما ٣٣ پس چون آید آواز کننده که هر که بشنود کر شود یعنی نفخهٔ دویم صور ٣٤ روزیکه فرار میکند مرد از برادر خود ٣٥ و مادر و پدر خود ٣٦ و زن خود و پسران خود ٣٧ از برای هر مردی از ایشان در آن روز کاریست که مشغول سازد او را و ملتفت حالت خود باشد ٣٨ رویها است در آن روز روشن ٣٩ خندان و شادان ٤٠ و رویهائیست در آن روز که بر آنها غبار نشسته ٤١ فرا گرفته آنرا تاریکی ٤٢ آنگروه ایشانند کافران فاجران

سورة التکویر مشتمل بر بیست و نه آیه در مکه نازل شد

بنام خداوند بخشاینده مهربان

صفحه چهارصد و شصت و دوم

آنوقت که خورشید بهم پیچیده شود ٢ و آنوقت که ستارگان تیره شوند ٣ و آنوقت که کوهها سیر کرده شوند یعنی حرکت کرده براه افتند ٤ و آنوقت که شتران آبستن بار گذاشته شوند یعنی با اینکه شتر آبستن نزد عرب بسیار عزیز است ملتفت آن شتران نشوند ٥ و آنوقت که وحشیان جمع کرده شوند ٦ و آنوقت که دریاها پر گردانیده شوند ٧ و آنوقت که نفسها جفت گردانیده شود یعنی هر کس را با مثل خود برانگیزد ٨ و آنوقت که دختران زنده در گور رسیده شوند یعنی پدران ایشانرا بپرسند و سرزنش کنند ٩ که بکدام گناه کشته شدند یعنی چون در جاهلیت رسم بود که مردان دختران را زنده در گور میکردند روز قیامت از پدران ایشان سؤال خواهد شد که چه گناه کرده بودند که ایشانرا زنده در گور گردیده کشتید ١٠ و آنوقت که نامهها گشاده شود ١١ و آنوقت که آسمان کنده شود ١٢ آنوقت که دوزخ افروخته شود ١٣ و آنوقت که بهشت نزدیک گردانیده شود ١٤ بداند هر نفسی آنچه حاضر کرده ١٥ پس قسم میخورم بستارگان رجوع کننده ١٦ روندگان پنهان شونده که در شعاع آفتاب پنهان شوند ١٧ قسم بشب آنگاه که پیش آید و هوا تاریک شود یا باز پس رود و ظلمت را زایل گرداند ١٨ و قسم بصبح وقتی که تنفس کند یعنی روشن شود ١٩ بدرستیکه قرآن هر آینه گفتار رسول بزرگوار است یعنی جبرئیل ٢٠ که صاحب قوه است نزد خداوند عرش با منزلت ٢١ فرمان برده شده است در آسمان امینی است ٢٢ و نیست صاحب شما یعنی پیغمبر دیوانه ٢٣ و هر آینه بتحقیق دید پیغمبر جبرئیل را بصورت اصلی او بکنار افق روشن ٢٤ و نیست پیغمبر بچیزهای پوشیده بخیل ٢٥ و نیست قرآن گفتار شیطان رانده شده ٢٦ پس کجا میروید یعنی سخن باین راستی و درستی را تکذیب میکنید نسبت بسحر بان میدهید ٢٧ نیست آن قرآن مگر پندی از برای عالمیان ٢٨ از برای هر که بخواهد از شما اینکه مستقیم شود در راه خدا و پیروی حق کند ٢٩ و نمیخواهید شما مگر اینکه بخواهد خدا که پروردگار عالمیانست

سورة انفطار نوزده آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

آنوقت که آسمان شکافته شود ٢ و آنوقت که ستارها فرو ریزند ٣ و آنوقت که دریاها روان گردیده شوند یعنی راه بیکدیگر داده شود که جریان بهم رسانند که مخلوط شوند ٤ و آنوقت که قبرها زیر و زبر گردند ٥ بداند هر کسی آنچه پیش کرده است و پس انداخته است ٦ ای انسان

فَرْقًا ٤ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ٥ عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ٦ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ٧ فَإِذَا
النُّجُومُ طُمِسَتْ ٨ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ٩ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ١٠ وَإِذَا
الرُّسُلُ أُقِّتَتْ ١١ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ١٢ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ١٣ وَمَا أَدْرَاكَ مَا
يَوْمُ الْفَصْلِ ١٤ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ١٥ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ١٦ ثُمَّ
نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ١٧ كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ١٨ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
١٩ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ٢٠ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ٢١ إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ
فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ٢٣ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٢٤ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ
كِفَاتًا ٢٥ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ٢٦ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ
مَاءً فُرَاتًا ٢٧ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٢٨ انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ
٢٩ انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ٣٠ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ٣١
إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ٣٢ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ٣٣ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
٣٤ هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ ٣٥ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ٣٦ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِلْمُكَذِّبِينَ ٣٧ هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ٣٨ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ
كَيْدٌ فَكِيدُونِ ٣٩ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ٤٠ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ
عُيُونٍ ٤١ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ٤٢ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ



إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٤٤ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ٤٥ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا
قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ ٤٦ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ٤٧ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ٤٨ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ٤٩ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ٥٠

سورة النبأ مكية وهي اربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ١ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ٢ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ٣ كَلَّا
سَيَعْلَمُونَ ٤ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ٥ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ٦ وَالْجِبَالَ
أَوْتَادًا ٧ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ٨ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ٩ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ
لِبَاسًا ١٠ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ١١ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ١٢ وَ
جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ١٣ وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ١٤ لِّنُخْرِجَ بِهِ
حَبًّا وَنَبَاتًا ١٥ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ١٦ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ١٧ يَوْمَ
يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ١٨ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ١٩ وَسُيِّرَتِ
الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ٢٠ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ٢١ لِّلطَّاغِينَ مَآبًا ٢٢
لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ٢٣ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ٢٤ إِلَّا حَمِيمًا
وَغَسَّاقًا ٢٥ جَزَاءً وِفَاقًا ٢٦ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ٢٧ وَكَذَّبُوا



بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ٢٩ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ٣٠ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ٣١ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ٣٢ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ٣٣ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ٣٤ وَكَأْسًا دِهَاقًا ٣٥ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ٣٦ جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ٣٧ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ٣٨ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ٣٩ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ٤٠ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ٤١ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

سُورَةُ النَّازِعَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتٌّ وَأَرْبَعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ٢ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ٣ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ٥ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ٧ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ٨ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ٩ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ١٠ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ١١ أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ١٢ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ١٣ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ١٤ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ١٥ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ١٦ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ١٧ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ١٨

فقل هل لك إلى أن تزكى ١٩ وأهديك إلى ربك فتخشى ٢٠ فأريه
الآية الكبرى ٢١ فكذب وعصى ٢٢ ثم أدبر يسعى ٢٣ فحشر فنادى ٢٤
فقال أنا ربكم الأعلى ٢٥ فأخذه الله نكال الآخرة والأولى ٢٦ إن في
ذلك لعبرة لمن يخشى ٢٧ ءأنتم أشد خلقا أم السماء بناها ٢٨ رفع
سمكها فسواها ٢٩ وأغطش ليلها وأخرج ضحاها ٣٠ والأرض بعد ذلك
دحاها ٣١ أخرج منها ماءها ومرعاها ٣٢ والجبال أرساها ٣٣ متاعا
لكم ولأنعامكم ٣٤ فإذا جاءت الطامة الكبرى ٣٥ يوم يتذكر الإنسان
ما سعى ٣٦ وبرزت الجحيم لمن يرى ٣٧ فأما من طغى ٣٨ وآثر الحيوة
الدنيا ٣٩ فإن الجحيم هي المأوى ٤٠ وأما من خاف مقام ربه ونهى النفس
عن الهوى ٤١ فإن الجنة هي المأوى ٤٢ يسئلونك عن الساعة أيان
مرسها ٤٣ فيم أنت من ذكرها ٤٤ إلى ربك منتهاها ٤٥ إنما أنت
منذر من يخشها ٤٦ كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا إلا عشية أو ضحها

سورة عبس مكية وهي اثنتان وأربعون آية

أبي بن كعب قال قال رسول الله ص من قرأ سورة عبس جاء يوم القيامة ووجهه ضاحك مستبشر

بسم الله الرحمن الرحيم

عبس وتولى ١ أن جاءه الأعمى ٢ وما يدريك لعله يزكى ٣ أو

روي أن ابن أم مكتوم أتى رسول الله ص وعنده صناديد قريش يدعوهم إلى الإسلام فقال يا رسول الله علمني مما علمك الله وكرر ذلك ولم يعلم تشاغله بالقوم فكره رسول الله ص قطعه لكلامه وعبس وأعرض عنه فنزلت فكان رسول الله ص يكرمه ويقول إذا رآه مرحبا بمن عاتبني فيه ربي واستخلفه على المدينة مرتين قال المرتضى علم الهدى رض ليس في ظاهر الآية دلالة على توجهها إلى النبي ص بل هو خبر محض لم يصرح بالمخبر عنه وفيها ما يدل على أن المعني بها غيره لأن العبوس ليس من صفات النبي ص مع الأعداء فضلا عن المؤمنين المسترشدين ثم الوصف بأنه يتصدى للأغنياء ويتلهى عن الفقراء لا يشبه أخلاقه الكريمة ويؤيد هذا القول قوله تعالى وإنك لعلى خلق عظيم وروي عن الصادق ع أنها نزلت في رجل من بني أمية كان عند النبي ص فجاء ابن أم مكتوم فلما رآه تقذر منه وعبس وأعرض بوجهه عنه فحكى سبحانه ذلك وأنكره عليه إن قيل لو صح الخبر الأول هل يكون العبوس ذنبا أم لا فالجواب أن العبوس والانبساط مع الأعمى سواء إذ لا يشق عليه ذلك فلا يكون ذنبا فيجوز أن يكون عاتب الله سبحانه بذلك نبيه ص ليأخذه بأوفر محاسن الأخلاق

چه چیز مغرور کرد ترا بپروردگار با کرامت بزرگوار که کافر شدی ۷ آنکه آفرید ترا پس راست کرد یعنی تمام اعضا و اجزای ترا پس معتدل کرد ترا ۸ در هر صورتیکه خواست ترکیب بست ترا ۹ نه چنانست بلکه تکذیب میکنید بروز قیامت ۱۰ و بدرستیکه بر شما هرآینه حفظ کنندگانند ملائکه ۱۱ بزرگان نزد خدا نویسندگان شب و روز نامهٔ اعمال و افعال شما را ۱۲ میدانند آنچه میکنید ۱۳ بدرستیکه نیکوکاران هرآینه در نعمتند ۱۴ و بدرستی که بدکاران هرآینه در دوزخند ۱۵ در آیند آن دوزخ را در روز جزا ۱۶ و نیستند کفار از دوزخ گم شدگان ۱۷ و چه چیز دانا کرد ترا که چیست روز جزا ۱۸ پس چه چیز دانا کرد ترا که چه چیز است روز جزا ۱۹ روزیکه مالک نشود نفسی از برای نفسی چیزی را یعنی احدی برای احدی نتواند چیزی بدهد یا کاری بکند که فایدهٔ بحال او بخشد و حکم در آن روز با خداست

سورة المطففين مشتمل بر سی و شش آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

وای از برای کسانیکه از وزن و کیل بکاهند یعنی کم بفروشند ۲ آنکسانی که چون بستانند بکیل از مردمان تمام بستانند ۳ و چون کیل بدهند بمردم یا بترازو بکشند و بمردم بفروشند کم کنند ۴ آیا گمان نمیبرند آنگروه اینکه ایشان برانگیخته شدگانند از برای ۵ روزی بزرگ که قیامت است ۶ روزی که بایستند مردم از برای حساب دادن و از برای حکم پروردگار عالمیان ۷ نه چنانست بدرستی که نامهٔ بدکاران هرآینه در سجین است ۸ و چه چیز دانا کرد ترا که چه چیز است سجین ۹ کتابیست نوشته شده در مجمعی که ابلیس و کفار و فجار از جن و انس در آن جمع است ۱۰ وای در آنروز از برای تکذیب کنندگان ۱۱ آنانکه تکذیب میکنند بروز قیامت ۱۲ و تکذیب نمیکنند بآنروز مگر هر درگذرندهٔ از حکم الهی که گنه کار است ۱۳ چون خوانده شود بر آن گناهکار آیات ما گوید افسانهای پیشینیانست ۱۴ نه چنانست بلکه زنگ نهادهٔ بر دلهای ایشان یعنی دلهای ایشان سیاه شده آنچه بودند که کسب میکردند از اعمال زشت ۱۵ نه چنانست بدرستیکه ایشان از پروردگار خودشان آنروز هرآینه در پرده شدگانند ۱۶ پس آنگاه بدرستیکه ایشان هرآینه در آینده در دوزخ ۱۷ پس از آن گفته میشود

اینست آن عذابی که بودید شما که بآن تکذیب میکردید ۱۸ نه چنانست بدرستی که کتاب نیکوکاران هرآینه در علیین است ۱۹ و چه چیز دانا کرد ترا که چه چیز است علیون ۲۰ کتابیست نوشته شده ۲۱ که حاضر شوند بر آن کتاب فرشتگان بزرگوار ۲۲ بدرستیکه نیکوکاران هرآینه در نعمتند ۲۳ بر تختها مینگرند بچیزهائیکه موجب عجب و سرور است ۲۴ میشناسی در روهای ایشان تازگی نعمتهای بهشت را ۲۵ آشامیده میشوند از شراب خالص سر بمهر ۲۶ که مهر آن از مشک است و در این شراب پس باید رغبت کنند رغبت کنندگان ۲۷ و آمیختگی آن چیز از تسنیم است ۲۸ که چشمه ایست تسنیم که میآشامند از آن چشمه مقربان درگاه احدیت ۲۹ بدرستیکه آنانکه گناه کردند بودند از آنانکه ایمان آورده اند میخندیدند ۳۰ و چون میگذشتند بایشان غمزه میکردند یعنی با چشم بایشان اشاره میکردند بطور استهزا ۳۱ و چون باز گردند گناهکاران بسوی کسان خودشان باز گردند شادمان ۳۲ و چون ببینند مؤمنان را گویند بدرستیکه اینگروه که تابع محمدند هرآینه گمراهانند ۳۳ و حال اینکه فرستاده نشدند کفار بر ایشان نگاهبانان تا گواهی دهند بر ضلالت یا هدایت ایشان ۳۴ پس امروز آنانکه ایمان آورده اند از کفار میخندند ۳۵ بر تختها نشسته و می‌نگرند ۳۶ آیا جزا داده شدند کفار آنچه را که بودند در دنیا میکردند که استهزاء و سخریه بمؤمنان میکردند

سورة الانشقاق مشتمل بر بیست و پنج آیه و در مکه نازل شد

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

وقتی که آسمان شکافته شود ۲ و بشنود و فرمان برد آسمان از برای پروردگار خود و سزاوار گردانیده شده است آسمان از برای اطاعت امر پروردگار ۳ و چون زمین کشیده شود یعنی کوهها و بلندی و پستی ها را بردارند و زمین کشیده شود که صاف شود ۴ و بیرون اندازد زمین آنچه در او هست از گنجها و مردگان و تکلیف کند در خالی شدن بغایت جهد که هیچ در آن نماند ۵ و بشنود و فرمان برد از برای پروردگار و سزاوار گردانیده شده است بر حکم پروردگار را ۶ ای آدمی بدرستیکه تو کارکننده سعی و زحمت تا برسی بسوی پروردگار خود کار کردنی بجد و جهد پس رسندهٔ بپاداش کار خود ۷ پس اما هر که داده شود نامهٔ اعمال او بدست راستش ۸ پس زود حساب کرده شود حسابی آسان ۹ و برگردد بسوی کسان خود شادمان ۱۰ و اما کسی که داده شود

کتاب اعمال او از پشت سرش ۱۱ پس زود باشد که بخواند یعنی تمنا کند هلاکت را ۱۲ و در آید در آتش افروخته ۱۳ بدرستیکه او بود در دنیا
در نزد کسان خود شادمان ۱۴ بدرستیکه او گمان میکرد اینکه هرگز باز نگردد ۱۵ آری بدرستیکه پروردگار او هست باو بینا ۱۶
پس قسم میخورم بسرخی بعد از غروب ۱۷ و قسم بشب و آنچه بپوشد یعنی بهر چه تاریکی شب آنرا فرو گیرد ۱۸ و قسم بماه وقتی که
بدر شود که کامل باشد ۱۹ هر آینه مرتکب شوید یعنی ملاقات نمائید حالی را بعد از حالی دیگر در شدت هول مراد مرگست و شدت
هول قیامت ۲۰ پس چه چیز است که ایمان نمی آورند ۲۱ و چون خوانده شود بر ایشان قران سجده نمیکنند ۲۲ بلکه آنانکه کافر شدند
تکذیب میکنند قرآن را ۲۳ و خدا داناتر است بآنچه پنهان میدارند ۲۴ پس مژده بده ایشانرا بعذابی دردناک ۲۵
مگر آن کسانیرا که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته مر ایشانراست مزدی غیر مقطوع

سورة البروج مشتمل بر بیست و دو آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم بآسمان که صاحب برجهاست ۲ و قسم بروز موعود که روز قیامت است ۳ و قسم بشاهد یعنی پیغمبر و مشهود یعنی امت او ۴ کشته
شدند یاران شکاف زمین یعنی جماعتی که حفرها در زمین نموده پر از آتش کردند برای هلاکت مسلمانان ۵ آتشی بود صاحب هیمه یعنی هیمه بر آن
موجود برای سوختن ۶ وقتیکه ایشان برکنار حفرهای آتش نشسته بودند برای انداختن اهل ایمانرا در آن آتش ۷ و ایشان بر آنچه میکردند
بمؤمنین گواهند ۸ و انکار نکردند اصحاب اخدود از مؤمنان مگر اینکه میگرویدند بخدای غالب ستوده ۹ آنخدائیکه از برای اوست سلطنت
آسمانها و زمین و خدا بر هر چیزی گواه است ۱۰ بدرستیکه آنانکه مبتلا باذیت کردن مردان و زنان مؤمنه را پس از آن توبه نکردند پس از برای ایشانست
عذاب جهنم و مر ایشانراست عذاب سوزان ۱۱ بدرستیکه آنانکه ایمان آوردند و کردند اعمال نیکو و کار شایسته مر ایشانراست بهشتهائیکه جاری
است از زیر درختان آن نهرهای آب اینست رستگاری بزرگ ۱۲ بدرستیکه گرفتن پروردگار تو هر آینه سخت است ۱۳ بدرستیکه او

آشکار میکند سختی خود را بر کافران در دنیا و اعاده میکند ایشانرا در عقاب برای حساب و جزا ۱۴ و اوست آمرزندهٔ دوست ۱۵ صاحب عرش بزرگوار ۱۶
کننده است مر هر چه میخواهد ۱۷ آیا آمد بتو سخن لشکر کفار ۱۸ لشکر فرعون و لشکر ثمود ۱۹ بلکه آنانکه کافر شدند در تکذیبند ۲۰ و خدا از پس ایشان احاطه کننده است ۲۱
بلکه آن قرآنیست بزرگوار ۲۲ در لوح محفوظ یعنی نگاهداشته شده نزد خداوند

سورة الطارق مشتمل بر هفده آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم بآسمان و قسم بطارق ۲ و چه چیز دانا کرد ترا که چه چیز است طارق ۳ ستارهٔ درخشنده است ۴ نیست هیچ نفسی مگر اینکه بر اوست نگهبانی
که حقتعالی است نگهبان هر کس ۵ پس باید که نظر کند آدمی که از چه آفریده شده است ۶ آفریده شده است از آبی جهنده ۷ بیرون میآید
از میان پشت مرد و استخوان سینهٔ زنان ۸ بدرستیکه خدا بر رجعت دادن او هر آینه تواناست ۹ روزیکه آزموده شوند پنهانها یعنی ظاهر
شوند مخفیات ضمایر ۱۰ پس نیست مر او را هیچ قوتی و نه یاری دهنده ۱۱ و قسم بآسمان که صاحب بازگردیدنست ۱۲ و قسم بزمین که صاحب شکافتن
است ۱۳ بدرستیکه او یعنی قرآن هر آینه سخن جدا کنندهٔ حق از باطل است ۱۴ و نیست قرآن بازی و باطل ۱۵ بدرستی که معاندان قریش مکر
و حیله میکنند مکر کردنی ۱۶ و مکر میکنیم من مکر کردنی یعنی جزای مکر ایشانرا میدهم ۱۷ پس مهلت بده کافرانرا فرو گذاشتن کمی که عنقریب هلاک خواهند شد

سورة الاعلی مشتمل بر نوزده آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

تنزیه کن نام پروردگار خود را که برتر است از هر چیز ۲ آنکه بیافرید تمام چیزها را پس راست کرد و درست نمود ۳ و آنکه تقدیر نمود
برای هر چیز از انسان و حیوان و غیره آنچه را که صلاح اوست پس ارشاد نمود او را ۴ و آنکه بیرون آورد از زمین گیاه را
که چراگاه حیوانات است ۵ پس گردانید آن چراگاه را خشک سیاه تیره ۶ زود باشد که بخوانیم بر تو قرآن را پس فراموش نکنی ۷

يذكر فتنفعه الذكرى ٥ أما من استغنى ٦ فأنت له تصدى ٧

أو يذكر أو يتعظ فتنفعه موعظتك قرء عاصم فتنفعه بالنصب جوابا للعل وقرء الباقون بالرفع عطفا على ما تقدم

وما عليك ألا يزكى ٨ وأما من جاءك يسعى ٩ وهو يخشى ١٠ فأنت

عنه تلهى ١١ كلا إنها تذكرة ١٢ فمن شاء ذكره ١٣ في صحف مكرمة

١٤ مرفوعة مطهرة ١٥ بأيدي سفرة ١٦ كرام بررة قتل الإنسان ما

أكفره ١٧ من أي شيء خلقه ١٨ من نطفة خلقه فقدره ٢٠ ثم

السبيل يسره ٢١ ثم أماته فأقبره ٢٢ ثم إذا شاء أنشره ٢٣ كلا لما

يقض ما أمره ٢٤ فلينظر الإنسان إلى طعامه أنا صببنا الماء صبا

٢٦ ثم شققنا الأرض شقا ٢٧ فأنبتنا فيها حبا وعنبا وقضبا ٢٨ وزيتونا

ونخلا ٢٩ وحدائق غلبا ٣٠ وفاكهة وأبا ٣١ متاعا لكم ولأنعامكم ٣٢

فإذا جاءت الصاخة ٣٣ يوم يفر المرء من أخيه ٣٤ وأمه وأبيه ٣٥

وصاحبته وبنيه ٣٦ لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه ٣٧

وجوه يومئذ مسفرة ٣٨ ضاحكة مستبشرة ٣٩ ووجوه يومئذ

عليها غبرة ٤٠ ترهقها قترة ٤١ أولئك هم الكفرة الفجرة

سورة التكوير مكية وهي تسع وعشرون آية

أبي بن كعب قال قال رسول الله ﷺ من قرء سورة التكوير أعاذه الله أن يفضحه حين تنشر صحيفته

بسم الله الرحمن الرحيم

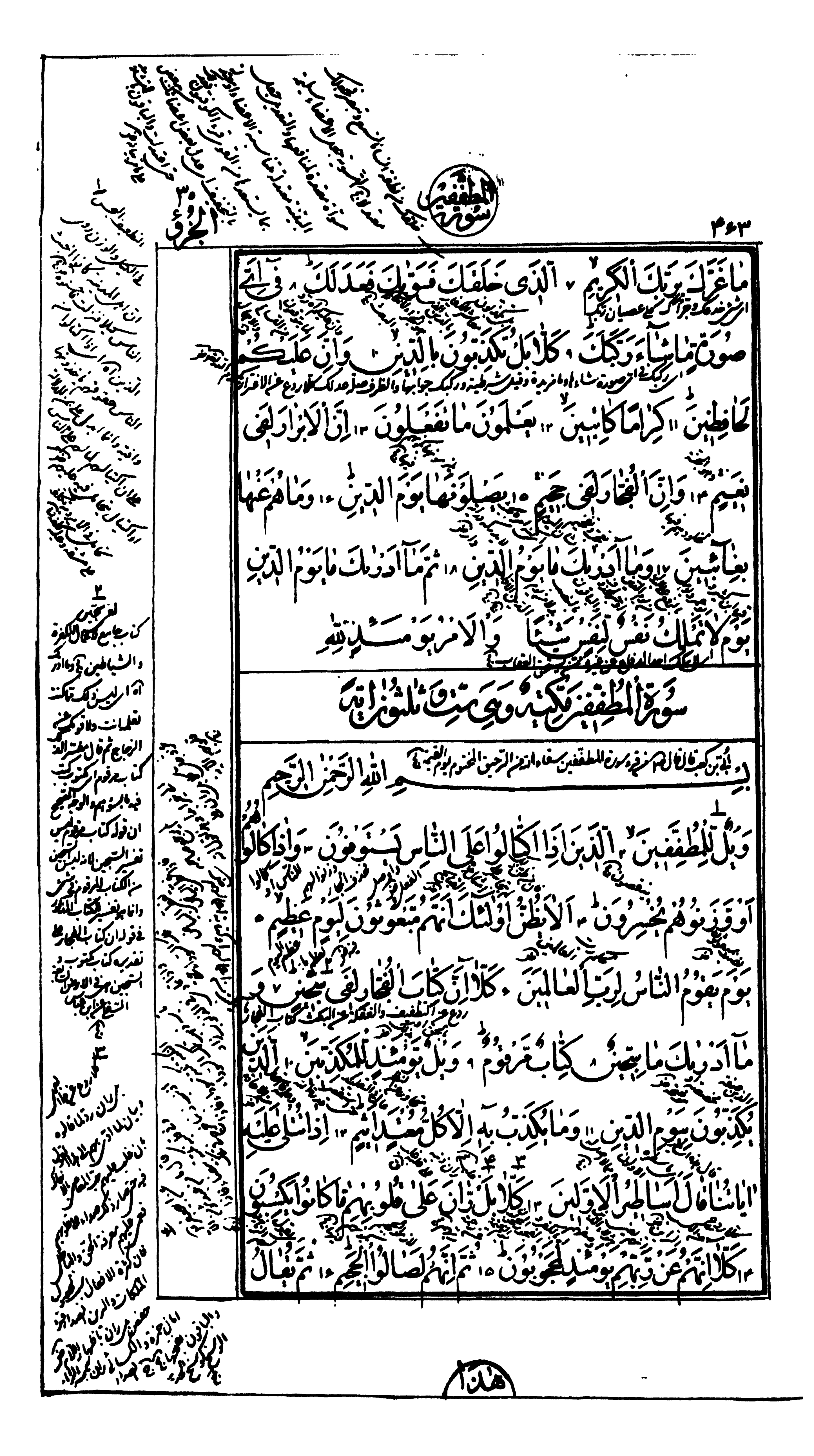


إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ٢ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ ٣ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ
وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ٥ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ٦ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ
٧ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ٨ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ٩ بِأَيِّ ذَنبٍ
قُتِلَتْ ١٠ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ١١ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ١٢ وَإِذَا الْجَحِيمُ
سُعِّرَتْ ١٣ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ١٤ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ١٥ فَلَا
أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ١٦ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ١٧ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ١٨ وَالصُّبْحِ إِذَا
تَنَفَّسَ ١٩ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ٢٠ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ
٢١ مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ٢٢ وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ ٢٣ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ
الْمُبِينِ ٢٤ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ٢٥ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ
رَّجِيمٍ ٢٦ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ٢٧ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ٢٨ لِمَن شَاءَ
مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ٢٩ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

سُورَةُ الانفِطَارِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ تِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ ٢ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ ٣ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ٤
وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ٥ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ٦ يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ



مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ٦ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ٧ فِي أَيِّ
صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ ٨ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ٩ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ
لَحَافِظِينَ ١٠ كِرَامًا كَاتِبِينَ ١١ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ١٢ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي
نَعِيمٍ ١٣ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ١٤ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ١٥ وَمَا هُمْ عَنْهَا
بِغَائِبِينَ ١٦ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ١٧ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ١٨
يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

سورة المطففين مكية وهي ست وثلثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ١ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ٢ وَإِذَا كَالُوهُمْ
أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ٣ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ٤ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ٥
يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ٦ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ٧ وَ
مَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ٨ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ٩ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ١٠ الَّذِينَ
يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ١١ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ١٢ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ
آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ١٣ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
١٤ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ١٥ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ١٦ ثُمَّ يُقَالُ

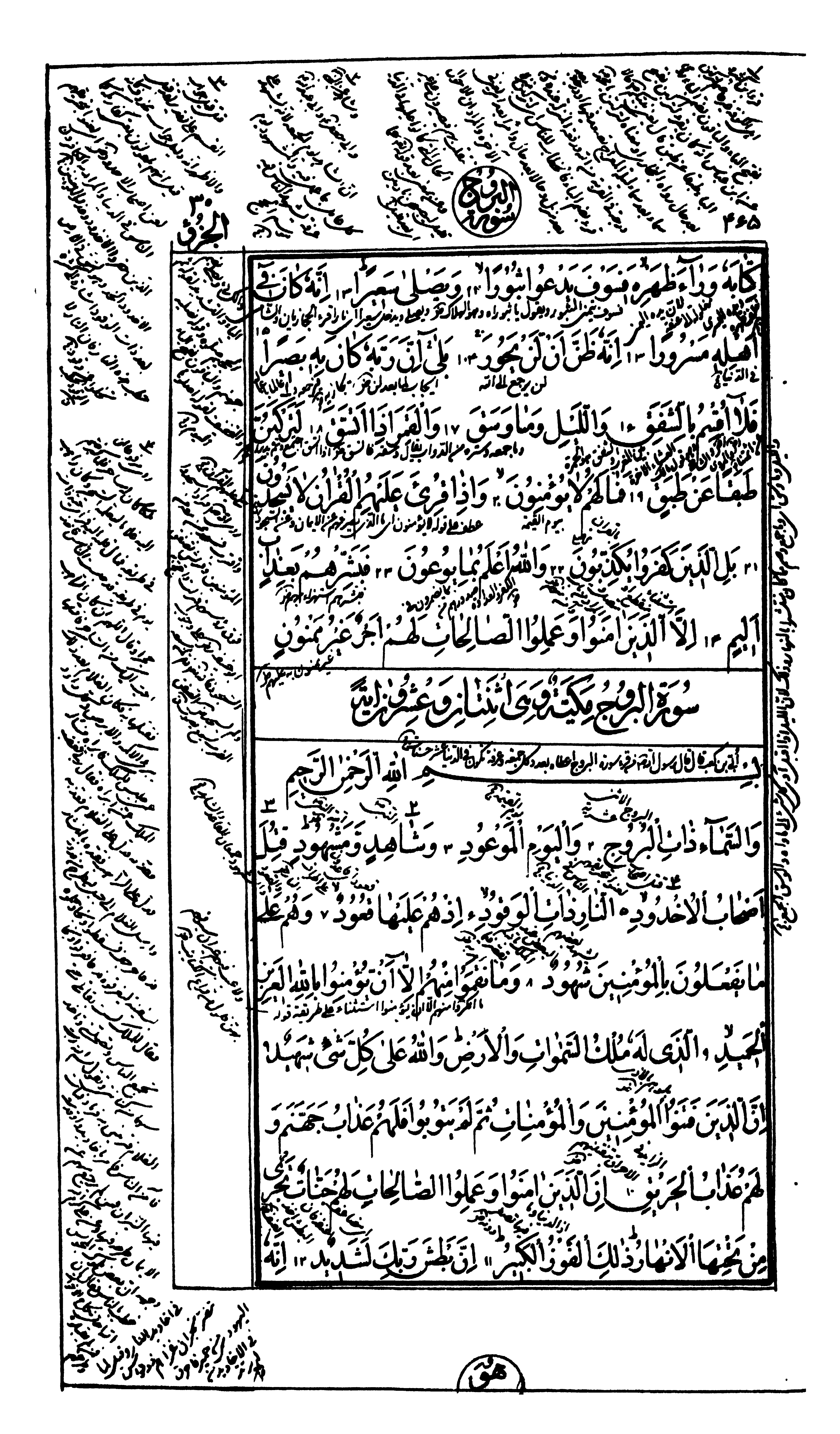


هذا الذی کنتم به تکذبون ١٧ کلا ان کتاب الابرار لفی علیین ١٨ و
ما ادرٰک ما علیون ١٩ کتاب مرقوم ٢٠ یشهده المقربون ٢١ ان الابرار
لفی نعیم ٢٢ علی الارائک ینظرون ٢٣ تعرف فی وجوههم نضرة النعیم
٢٤ یسقون من رحیق مختوم ٢٥ ختٰمه مسک وفی ذلک فلیتنافس
المتنٰفسون ٢٦ ومزاجه من تسنیم ٢٧ عینا یشرب بها المقربون ٢٨
ان الذین اجرموا کانوا من الذین امنوا یضحکون ٢٩ واذا مروا بهم یتغامزون
٣٠ واذا انقلبوا الی اهلهم انقلبوا فکهین ٣١ واذا راوهم قالوا ان هؤلاء
لضالون ٣٢ وما ارسلوا علیهم حٰفظین ٣٣ فالیوم الذین امنوا من الکفار
یضحکون ٣٤ علی الارائک ینظرون ٣٥ هل ثوب الکفار ما کانوا یفعلون

سورة الانشقاق مکیة وهی خمس وعشرون اٰیة

بسم الله الرحمن الرحیم

اذا السماء انشقت ١ واذنت لربها وحقت ٢ واذا الارض مدت ٣ و
القت ما فیها وتخلت ٤ واذنت لربها وحقت ٥ یایها الانسان انک
کادح الی ربک کدحا فملٰقیه ٦ فاما من اوتی کتٰبه بیمینه ٧ فسوف
یحاسب حسابا یسیرا ٨ وینقلب الی اهله مسرورا ٩ واما من اوتی

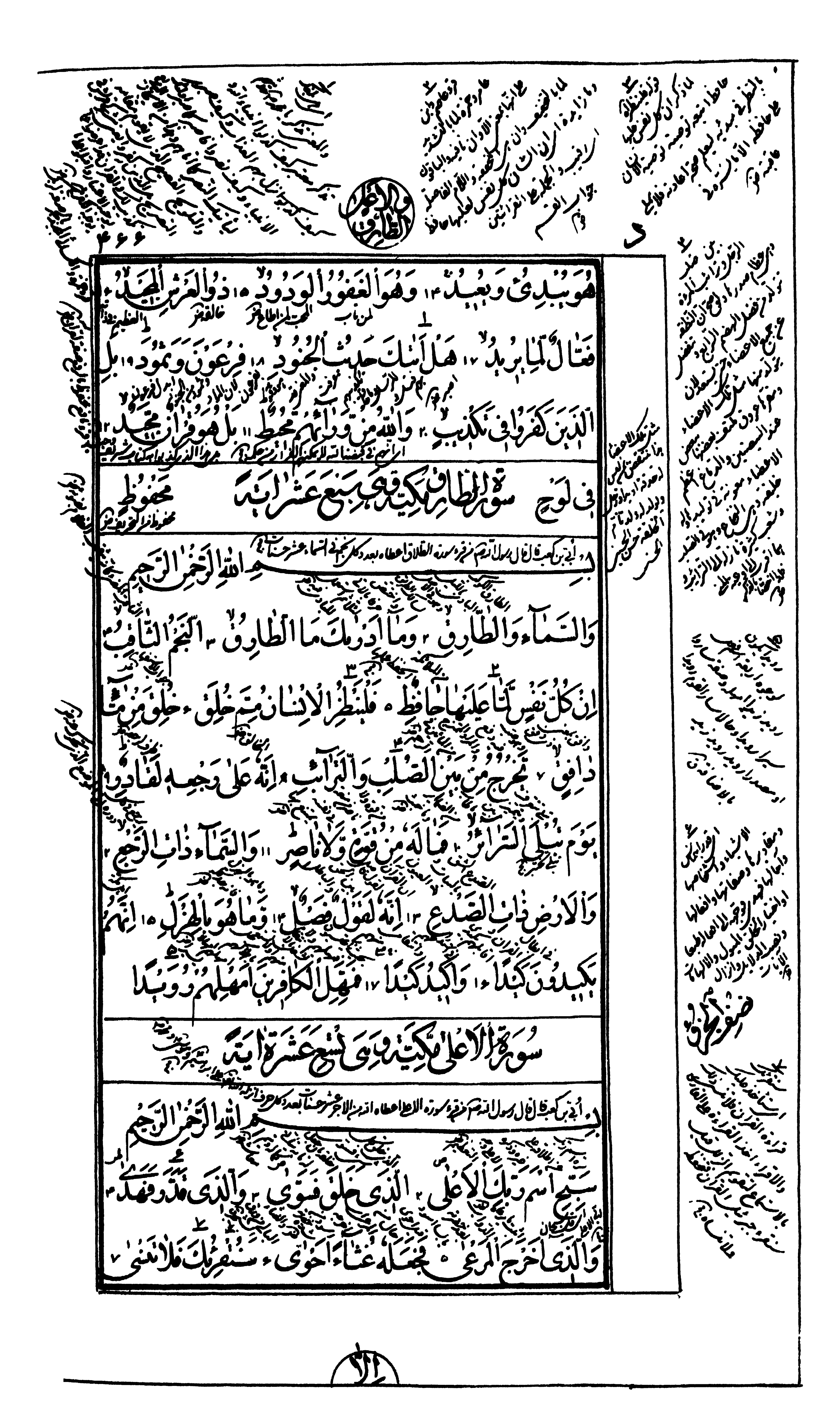


كتابه وراء ظهره ١٠ فسوف يدعوا ثبورا ١١ ويصلى سعيرا ١٢ إنه كان في
أهله مسرورا ١٣ إنه ظن أن لن يحور ١٤ بلى إن ربه كان به بصيرا ١٥
فلا أقسم بالشفق ١٦ والليل وما وسق ١٧ والقمر إذا اتسق ١٨ لتركبن
طبقا عن طبق ١٩ فما لهم لا يؤمنون ٢٠ وإذا قرئ عليهم القرآن لا يسجدون ٢١
بل الذين كفروا يكذبون ٢٢ والله أعلم بما يوعون ٢٣ فبشرهم بعذاب
أليم ٢٤ إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم أجر غير ممنون ٢٥

سورة البروج مكية وهي اثنتان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والسماء ذات البروج ١ واليوم الموعود ٢ وشاهد ومشهود ٣ قتل
أصحاب الأخدود ٤ النار ذات الوقود ٥ إذ هم عليها قعود ٦ وهم على
ما يفعلون بالمؤمنين شهود ٧ وما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله العزيز
الحميد ٨ الذي له ملك السموات والأرض والله على كل شيء شهيد ٩
إن الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم و
لهم عذاب الحريق ١٠ إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم جنات تجري
من تحتها الأنهار ذلك الفوز الكبير ١١ إن بطش ربك لشديد ١٢ إنه



هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ١٣ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ١٤ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ١٥
فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ١٦ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ١٧ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ١٨ بَلِ
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ١٩ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ٢٠ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ٢١
فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ٢٢

سورة الطارق مكية وهي سبع عشرة آية

أبي بن كعب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ سورة الطارق اعطاه الله بعدد كل نجم في السماء عشر حسنات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ١ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ٢ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ٣
إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ٤ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ٥ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ
دَافِقٍ ٦ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ٧ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ٨
يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ٩ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ١٠ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ١١
وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ١٢ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ١٣ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ١٤ إِنَّهُمْ
يَكِيدُونَ كَيْدًا ١٥ وَأَكِيدُ كَيْدًا ١٦ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ١٧

سورة الأعلى مكية وهي تسع عشرة آية

أبي بن كعب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ سورة الأعلى اعطاه الله من الأجر عشر حسنات بعدد كل حرف انزله الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ١ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ٢ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ٣
وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ٤ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ٥ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى ٦

إلا ما شاء الله إنه يعلم الجهر وما يخفى ٧ ونيسرك لليسرى ٨ فذكر
إن نفعت الذكرى ٩ سيذكر من يخشى ١٠ ويتجنبها الأشقى ١١ الذي
يصلى النار الكبرى ١٢ ثم لا يموت فيها ولا يحيى ١٣ قد أفلح من تزكى ١٤
وذكر اسم ربه فصلى ١٥ بل تؤثرون الحياة الدنيا ١٦ والآخرة خير
وأبقى ١٧ إن هذا لفي الصحف الأولى ١٨ صحف إبراهيم وموسى

سورة الغاشية مكية وهي ست وعشرون آية

وعن أبي بن كعب قال قال رسول الله ص من قرأ سورة الغاشية حاسبه الله حسابا يسيرا

بسم الله الرحمن الرحيم

هل أتاك حديث الغاشية ١ وجوه يومئذ خاشعة ٢ عاملة
ناصبة ٣ تصلى نارا حامية ٤ تسقى من عين آنية ٥ ليس لهم طعام إلا
من ضريع ٦ لا يسمن ولا يغني من جوع ٧ وجوه يومئذ ناعمة ٨ لسعيها
راضية ٩ في جنة عالية ١٠ لا تسمع فيها لاغية ١١ فيها عين جارية ١٢
فيها سرر مرفوعة ١٣ وأكواب موضوعة ١٤ ونمارق مصفوفة ١٥ و
زرابي مبثوثة ١٦ أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت ١٧ وإلى السماء
كيف رفعت ١٨ وإلى الجبال كيف نصبت ١٩ وإلى الأرض كيف سطحت
٢٠ فذكر إنما أنت مذكر ٢١ لست عليهم بمصيطر ٢٢ إلا من تولى وكفر

٥ بمصيطر: المتسلط على غيره بالقهر، يقال اصيطر فلان على فلان اذا تسلط

فيعذبه الله العذاب الأكبر ٢٥ إن إلينا إيابهم ثم إن علينا حسابهم

سورة الفجر ثلثون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

والفجر وليال عشر ٢ والشفع والوتر ٣ والليل إذا يسر ٤ هل في
ذلك قسم لذي حجر ٥ ألم تر كيف فعل ربك بعاد ٦ إرم ذات العماد ٧
التي لم يخلق مثلها في البلاد ٨ وثمود الذين جابوا الصخر بالواد ٩
وفرعون ذي الأوتاد ١٠ الذين طغوا في البلاد ١١ فأكثروا فيها الفساد ١٢
فصب عليهم ربك سوط عذاب ١٣ إن ربك لبالمرصاد ١٤ فأما الإنسان
إذا ما ابتلاه ربه فأكرمه ونعمه ١٥ فيقول ربي أكرمن ١٦ وأما إذا
ما ابتلاه فقدر عليه رزقه فيقول ربي أهانن ١٨ كلا بل لا تكرمون
اليتيم ١٩ ولا تحاضون على طعام المسكين ٢٠ وتأكلون التراث أكلا
لما ٢١ وتحبون المال حبا جما ٢٢ كلا إذا دكت الأرض دكا دكا ٢٣ و
جاء ربك والملك صفا صفا ٢٤ وجيء يومئذ بجهنم يومئذ يتذكر
الإنسان وأنى له الذكرى ٢٥ يقول يا ليتني قدمت لحياتي فيومئذ
لا يعذب عذابه أحد ٢٦ ولا يوثق وثاقه أحد ٢٧ يا أيتها النفس

الْمَشْئَمَةِ ٢٨ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ٢٩ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي

سُورَةُ الْبَلَدِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ عِشْرُونَ آيَةً

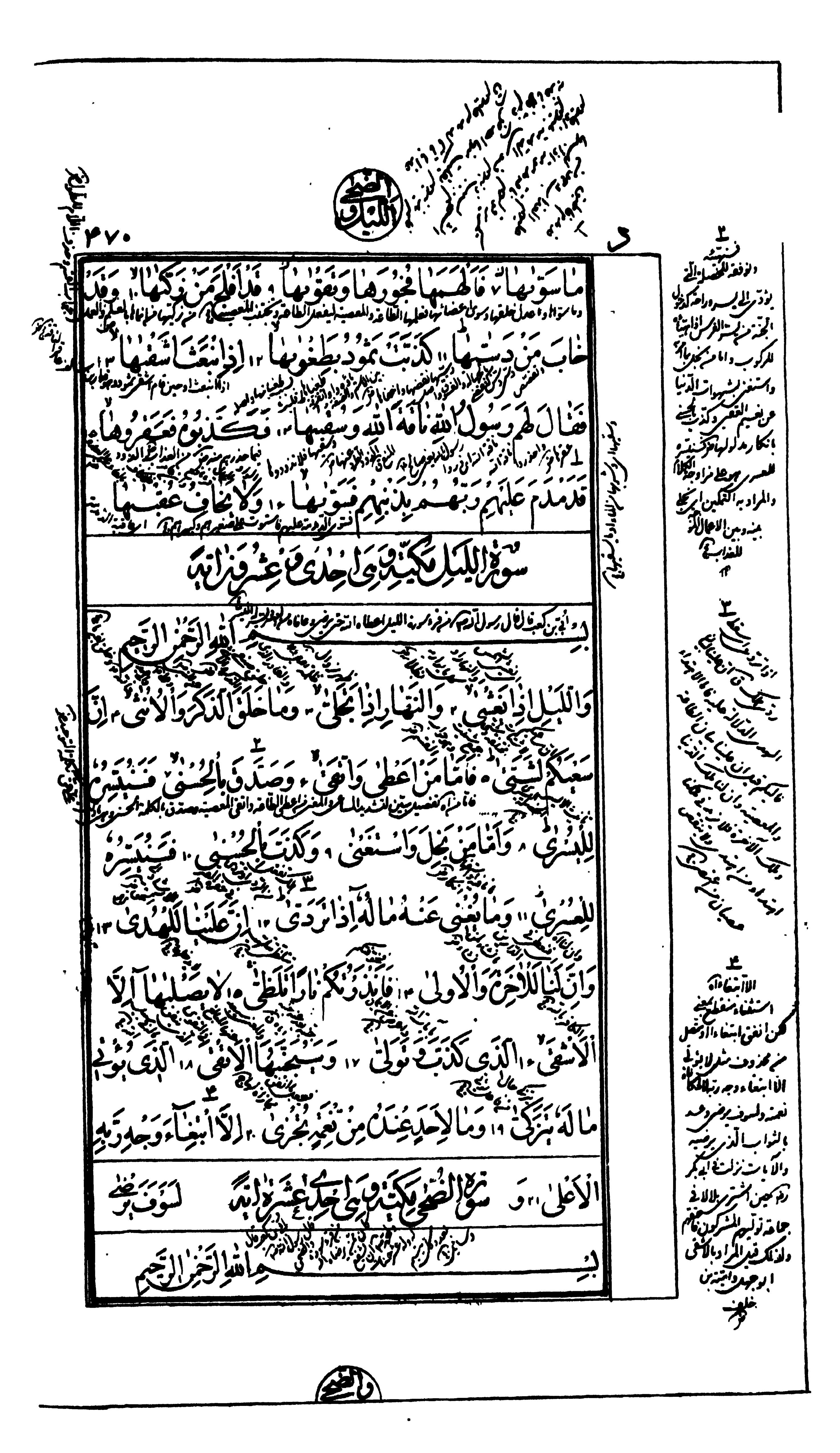
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ١ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ٢ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ٣ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ٤ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ٥ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ٦ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ٧ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ٨ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ٩ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ١٠ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ١١ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ١٢ فَكُّ رَقَبَةٍ ١٣ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ١٤ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ١٥ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ١٦ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ١٧ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ١٨ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ١٩ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ ٢٠

سُورَةُ الشَّمْسِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتَّ عَشْرَةَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ١ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ٢ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ٣ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ٤ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ٥ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ٦ وَنَفْسٍ



ما سوىٰها ٧ فألهمها فجورها وتقوىٰها ٨ قد أفلح من زكىٰها ٩ وقد
خاب من دسّىٰها ١٠ كذبت ثمود بطغوىٰها ١١ إذ انبعث أشقىٰها ١٢
فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقيٰها ١٣ فكذبوه فعقروها
فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسوىٰها ١٤ ولا يخاف عقبٰها ١٥

سورة الليل مكية وهي إحدى وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والليل إذا يغشىٰ ١ والنهار إذا تجلىٰ ٢ وما خلق الذكر والأنثىٰ ٣ إن
سعيكم لشتىٰ ٤ فأما من أعطىٰ واتقىٰ ٥ وصدق بالحسنىٰ ٦ فسنيسره
لليسرىٰ ٧ وأما من بخل واستغنىٰ ٨ وكذب بالحسنىٰ ٩ فسنيسره
للعسرىٰ ١٠ وما يغني عنه ماله إذا تردىٰ ١١ إن علينا للهدىٰ ١٢
وإن لنا للآخرة والأولىٰ ١٣ فأنذرتكم نارا تلظىٰ ١٤ لا يصلىٰها إلا
الأشقى ١٥ الذي كذب وتولىٰ ١٦ وسيجنبها الأتقى ١٧ الذي يؤتي
ماله يتزكىٰ ١٨ وما لأحد عنده من نعمة تجزىٰ ١٩ إلا ابتغاء وجه ربه
الأعلىٰ ٢٠ ولسوف يرضىٰ ٢١

سورة الضحى مكية وهي إحدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

صفحهٔ چهارصد و شصت و هفتم

مگر آنچه را که بخواهد خدا بدرستی که او میداند آشکار را و آنچه پنهانست ۸ و توفیق دهیم تو را برای طریقهٔ آسان ۹ پس پند ده بقرآن که نفع
دهد پند دادن ۱۰ زود باشد که پند بگیرد کسی که میترسد ۱۱ و پهلو تهی کند از پند بدبخت ۱۲ آنکه درآید آتش بزرگ را در دوزخ ۱۳ پس نمیرد
در آن آتش و نه زنده شود ۱۴ بتحقیق رستگار شد کسی که پاک شد از کفر و معصیت ۱۵ و یاد کرد اسم پروردگار خود را پس نماز کرد ۱۶ بلکه بر میگزینید زندگانی
دنیا را ۱۷ و آخرت بهتر و باقی تر است ۱۸ بدرستیکه این سخن هر آینه در صحیفه های پیشینیانست ۱۹ نامه های ابراهیم و موسی است

سورة الغاشیة مشتمل بر بیست و شش آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

آیا آمد ترا ای محمد حکایت قیامت ۲ روهایی که در آن روز ترسناکست ۳ عمل کننده و رنج کشنده یعنی در دنیا و خسته در آن روز عملی کنند که بایشان
بسیار رنج رسد که آن غل کشیدن بزنجیرهای آتشین و امثال آنست ۴ درآینده در آتش سوزنده ۵ آشامیده شوند از چشمهٔ که بغایت گرم است ۶
نیست برای ایشان خوردنی مگر از گیاه خوار دار که هیچ برگ ندارد و سم قاتلست که هیچ حیوانی آنرا نخورد و در جهنم این خوردنی را بکفار دهند ۷
که نه چاق میکند و نه دفع میکند هیچ گرسنگی را ۸ روهایی است در آن روز تر و تازه ۹ مر عملهای خود را پسندیده ۱۰ در بهشتی بلند مرتبه ۱۱ که شنیده
نمیشود در آن بهشت هیچ سخن لغوی ۱۲ در آن بهشت چشمهٔ روانست ۱۳ در آن بهشت تختهای بلند کرده شده است ۱۴ و کوزهائی نهاده شده است
۱۵ و بالشهای راست هم گذاشته شده است ۱۶ و فرشهائی گسترانیده شده است ۱۷ آیا پس نظر نمیکنید بسوی شتر که چگونه خلق کرده شده
است ۱۸ و بسوی آسمان که چگونه بلند کرده شده است ۱۹ و بسوی کوهها که چگونه برافراشته شده است ۲۰ و بسوی زمین که
چگونه پهن شده است ۲۱ پس پند ده جز این نیست که تو پند دهندهٔ ۲۲ نیستی تو بر ایشان مسلط ۲۳ مگر هر که برگردد و کافر شود ۲۴

صفحهٔ چهارصد و شصت و هشتم

پس عذاب کند او را خدا عذاب بزرگتر ۲۵ بدرستیکه بسوی ماست آمدن ایشان ۲۶ پس بدرستی که بر ماست حساب ایشان

سورة الفجر مشتمل بر سی آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم باول صبح و قسم بشبهای ده گانه یعنی دههٔ ذیحجه که عید قربان در آنست ۲ و قسم بجفت و طاق مراد تمام اشیاست که خالی از جفت
و طاق نیست ۳ و قسم بشب هرگاه منقضی شود ۴ آیا هست در آنچه ذکر کردیم قسمی مر خداوندان عقل را ۵ آیا ندیدی چگونه کرد پروردگار تو
باولاد عاد ۶ اهل ارم که اسم شهر قوم عاد است که صاحبان قامتهای بلند بودند که استخوانهای ایشان مثل ستونها بود ۷ بطوریکه
آفریده نشد مثل آن در شهرها ۸ و قوم ثمود آنانکه بریدند سنگ را در وادی قری برای خانه و مکان خود ۹ و فرعون که صاحب میخها بود یعنی
صاحب سراپردهائی بود که میخها برپا داشته بودند ۱۰ آنانکه سرکشی کردند در شهرها ۱۱ پس بسیار کردند در آن شهرها فساد
و تباهی را ۱۲ پس ریخت بر ایشان پروردگار تو تازیانهٔ عذاب ۱۳ بدرستیکه پروردگار تو هر آینه در گذرگاه است
۱۴ پس اما آدمی چون بیازماید او را پروردگار او و در شکر نعمت و لذت دنیا پس گرامی کند او را و نعمت دهد او را و تمام اسباب
وسعت و پیشرفت و عیش برای او فراهم آورد ۱۵ پس گوید ای پروردگار من اکرام کردی مرا ۱۶ و اما چون بیازماید او را بصبر
و قناعت تنگ کند بر او روزی او را ۱۷ پس گوید پروردگار من خوار کرد مرا ۱۸ نه چنانست بلکه گرامی ندارید یتیم را
۱۹ و تحریص نمیکنید بر طعام دادن درویشان ۲۰ و میخورید میراث را خوردن بسیار که جمع میکند ۲۱ و دوست میدارید مال
دنیا را دوستی بسیار ۲۲ نه چنانست چون شکافته شود زمین پاره پاره گردد ۲۳ و بیاید قدرت پروردگار تو و فرشتگان صفی
بعد از صفی ۲۴ و آورده شود آن روز بجهنم آنروز پند میگیرد انسان و از کجا باشد برای او یاد کردن ۲۵ میگوید آن انسان
ای کاش من پیش میفرستادم از برای زندگانی خود یعنی عمل خیری پیش از مردن فرستاده بودم پس آنروز عذاب نکند
مثل عذاب او احدی را ۲۶ و بند نکند مثل بند کردن او احدی را یعنی باز بزنجیرهای آتشین او را ببندند ۲۷ ای نفس

آرام

آرام گرفته بذکر من و فارغ از غیر من که شاکر بودی ۲۸ برگرد بسوی پروردگار خودت در حالیکه پسند کننده باشی بآنچه بتو دهند پسند کرده شده نزد خدا بعملی که کردهٔ ۲۹ پس داخل شو در زمرهٔ بندگان من ۳۰ و داخل شو ببهشت مرا

سورة البلد مشتمل بر بیست آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم میخورم باین شهر یعنی مکه و چگونه نخورم قسم را ۲ و حال اینکه تو فرود آمدهٔ باین شهر ۳ و قسم به پدر یعنی بآدم ابو البشر و آنچه زاده از انبیاء و اولیاء و اتباع ایشان ۴ هر آینه بتحقیق آفریدیم آدمی را در سختی و رنج از ظلمت رحم ۵ آیا پندارد انسان اینکه قادر نباشد برا و احدی ۶ میگوید از روی حیرت در وقت وقوع قیامت هلاک کردم یعنی ضایع کردم در دنیا مالی انبوه را ۷ آیا پندارد که ندیده است او را کسی یعنی خدا او را دیده بر آن قصدی که نفقه کرده جزا خواهد داد ۸ آیا نگردانیدیم برای او دو چشم ۹ و زبان و دو لب را ۱۰ و راه نمودیم او را بخیر و شر ۱۱ پس بتکلیف در نیامد و شروع نکرد در امر سخت یعنی رنج نکشیده ۱۲ و چه چیز دانا کرد ترا که چه چیز است عقبه ۱۳ رها نیدن بنده ۱۴ اطعام دادن در روزی که خداوند گرسنگی است ۱۵ طعام دادن یتیمی را که خداوند خویشی است ۱۶ یا درویش فقیری که خداوند خاک نشینی باشد ۱۷ پس باشد از آنکسانیکه آوردند و وصیت کردند ببخشایش ۱۸ آنگروه هند یاران دست راست ۱۹ و آنانکه کافر شدند بآیات ما ایشان یاران دست چپ اند ۲۰ بر ایشان آتش پوشیده شده است یعنی آتشی است در دره که سر آنرا پوشیده باشد که هوا داخل آنجا نشود که بتوان تنفس نمود و دود از آن بیرون نرود که موجب خفگی است

سورة الشمس مشتمل بر شانزده آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم بخورشید و چاشتگاه آن که در آنوقت غایت روشنی آفتاب است ۲ قسم بماه چون پیروی آفتاب کند که در آنوقت تمام ماه نورانی باشد ۳ قسم بروز چون بپلاد آفتاب را ۴ قسم بشب چون بپوشاند ایشان را یعنی ظلمت شب فرو گیرد تمام مردم را ۵ قسم باسمان و کسیکه بنا کرد آن را ۶ قسم بزمین و کسی که پهن کرد آن را ۷ قسم بنفس

صفحهٔ چهارصد و هفتادم

و کسی که راست و درست کرد آنرا ۸ پس الهام کرد آنرا دروغ آن و پرهیزکاری آن ۹ بتحقیق نجات یافت و درستکار شد هر که پاک کرد خود را ۱۰ و بتحقیق بی بهره شد هر که کم کرد نفس خود را ۱۱ تکذیب کردند قوم ثمود بسبب طغیان خود ۱۲ وقتی که برخواست بدبخت ترین قبیله که قدار بن سالف بود ۱۳ پس گفت از برای ایشان پیغمبر خدا صالح دست بدارید شتر خدا را و نزدیک آب خوردن آن مشوید یعنی بگذارید در نوبت خودش شراب کند و مزاحم او نشوید ۱۴ پس تکذیب کردند صالح را پس عقر کردند شتر را یعنی کشتند او را ۱۵ پس در پوشانید بر ایشان پروردگار ایشان عذاب را بسبب گناهانشان پس مساوی و یکسان کرد ایشان را و همگیرا هلاک فرمود ۱۶ و نترسید خدا عاقبت بلیه دمدمه را که هلاک تمام مردم باشد چنانچه مردم می ترسند از هلاک تمام

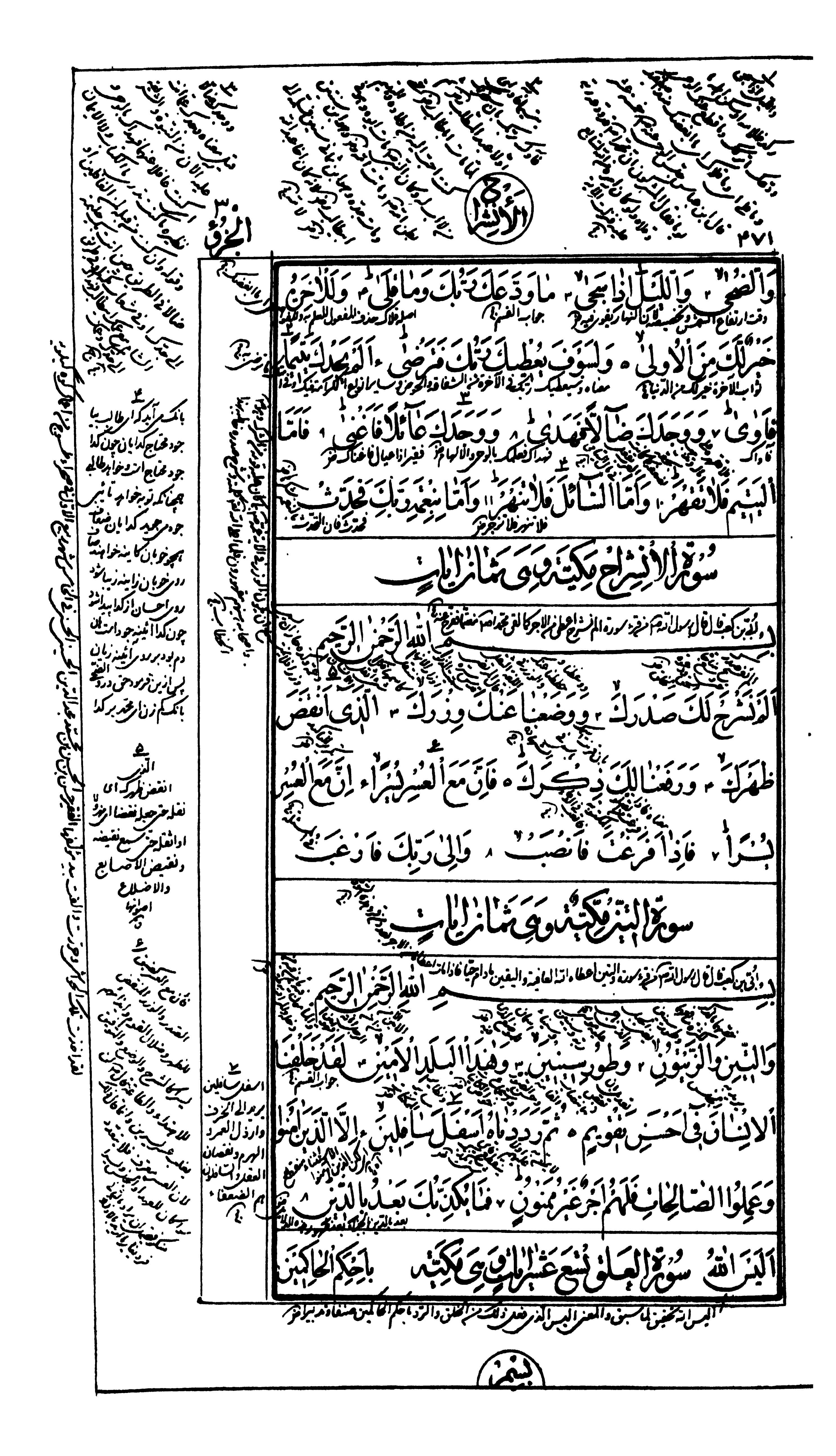
سورة اللیل مشتمل بر بیست و یک آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قسم بشب چون بپوشد آفتاب را یعنی روشنی روز را ۲ قسم بروز چون روشن شد ۳ قسم بآنچه آفرید نر و ماده را ۴ بدرستیکه سعیهای شما در اقوال و افعال هر آینه مختلف است و پراکنده چه بعضی از سعیهای شما موجب نجات است و برخی موجب هلاکت ۵ اما آنکه بداد حقوق مال خود را و پرهیزکرد ۶ و تصدیق کرد بکلمه نیکو ۷ پس زود باشد که آماده کنیم برای او آسانتر را یعنی برای او اسباب لطف کرامت کنیم تا آماده شود برای طاعتی که آسیر و اهون امور باشد و آسانتر از هر کاری باشد ۸ و اما کسی که بخل کرد و استغنا کرد ۹ و تکذیب کرد کلمه نیکو را ۱۰ پس زود باشد که آماده کنیم برای او دشواری را یعنی اسباب توفیق را از او باز گیریم تا آماده و مهیا شود از برای عسر که اشد امور است و آن دخول بآتش است ۱۱ و دفع عذاب نمیکند از او مال او چون هلاک شود ۱۲ بدرستیکه بر ماست راه نمودن ۱۳ و بدرستیکه برای ماست سرای آخرت و دنیا ۱۴ پس ترسانیدم شما را از آتشی که زبانه زند ۱۵ در نیاید بآن آتش مگر بدبخت ۱۶ آنکسیکه تکذیب کند و روی بگرداند ۱۷ و زود باشد که دور کرده شود از آن آتش پرهیزگارتر هر که پرهیزگارتر است از سایر مردم ۱۸ آنکه میدهد مال خود را و میجوید پاکی ۱۹ و نیست هیچکس را نزد معطی از نعمتی که مکافات داده شود ۲۰ مگر برای طلب رضای پروردگار که برتر است ۲۱ و زود باشد که خوشنود شود

سورة الضحی یازده آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان



وَالضُّحَىٰ ١ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ٢ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ٣ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَىٰ ٤ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ٥ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ٦ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ٧ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ٨ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ٩ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ١٠ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ١١

سُورَةُ الْانْشِرَاحِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ١ وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ٢ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ٣ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ٤ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ٥ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ٦ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ٧ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ٨

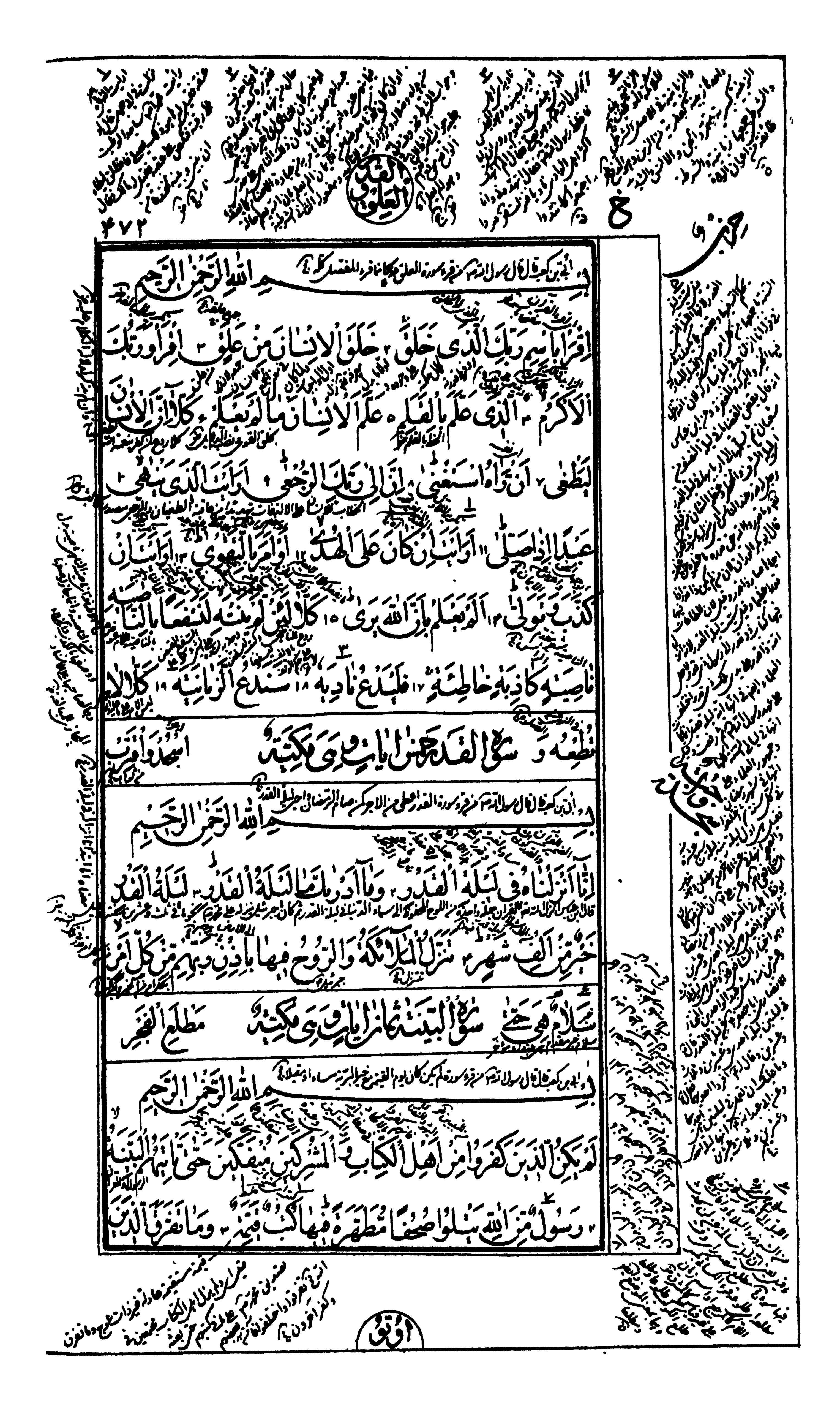
سُورَةُ التِّينِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ١ وَطُورِ سِينِينَ ٢ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ٣ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ٤ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ٥ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ٦ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ٧ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ٨

سُورَةُ الْعَلَقِ تِسْعَ عَشْرَةَ آيَةً وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

با کسی آید کرا طالب بیا
جود محتاج گدایان چون گدا
جود محتاج است و خواهد طالبی
همچنانکه توبه خواهد تائبی
جود می‌جوید گدایان ضعاف
همچو خوبان کاینه خواهند صاف
روی خوبان ز آینه زیبا شود
روی احسان از گدا پیدا شود
چون گدا آئینه جود است هان
دم بود بر روی آئینه زیان
پس از این فرمود حق در والضحی
بانگ کم زن ای محمد بر گدا



بسم الله الرحمن الرحيم

اقرأ باسم ربك الذي خلق ١ خلق الانسان من علق ٢ اقرأ وربك
الاكرم ٣ الذي علم بالقلم ٤ علم الانسان ما لم يعلم ٥ كلا ان الانسان
ليطغى ٦ ان رآه استغنى ٧ ان الى ربك الرجعى ٨ ارأيت الذي ينهى
عبدا اذا صلى ٩ ارأيت ان كان على الهدى ١٠ او امر بالتقوى ١١ ارأيت ان
كذب وتولى ١٢ الم يعلم بان الله يرى ١٣ كلا لئن لم ينته لنسفعا بالناصية ١٤
ناصية كاذبة خاطئة ١٥ فليدع ناديه ١٦ سندع الزبانية ١٧ كلا لا
تطعه واسجد واقترب ١٨

سورة القدر خمس آيات وهي مكية

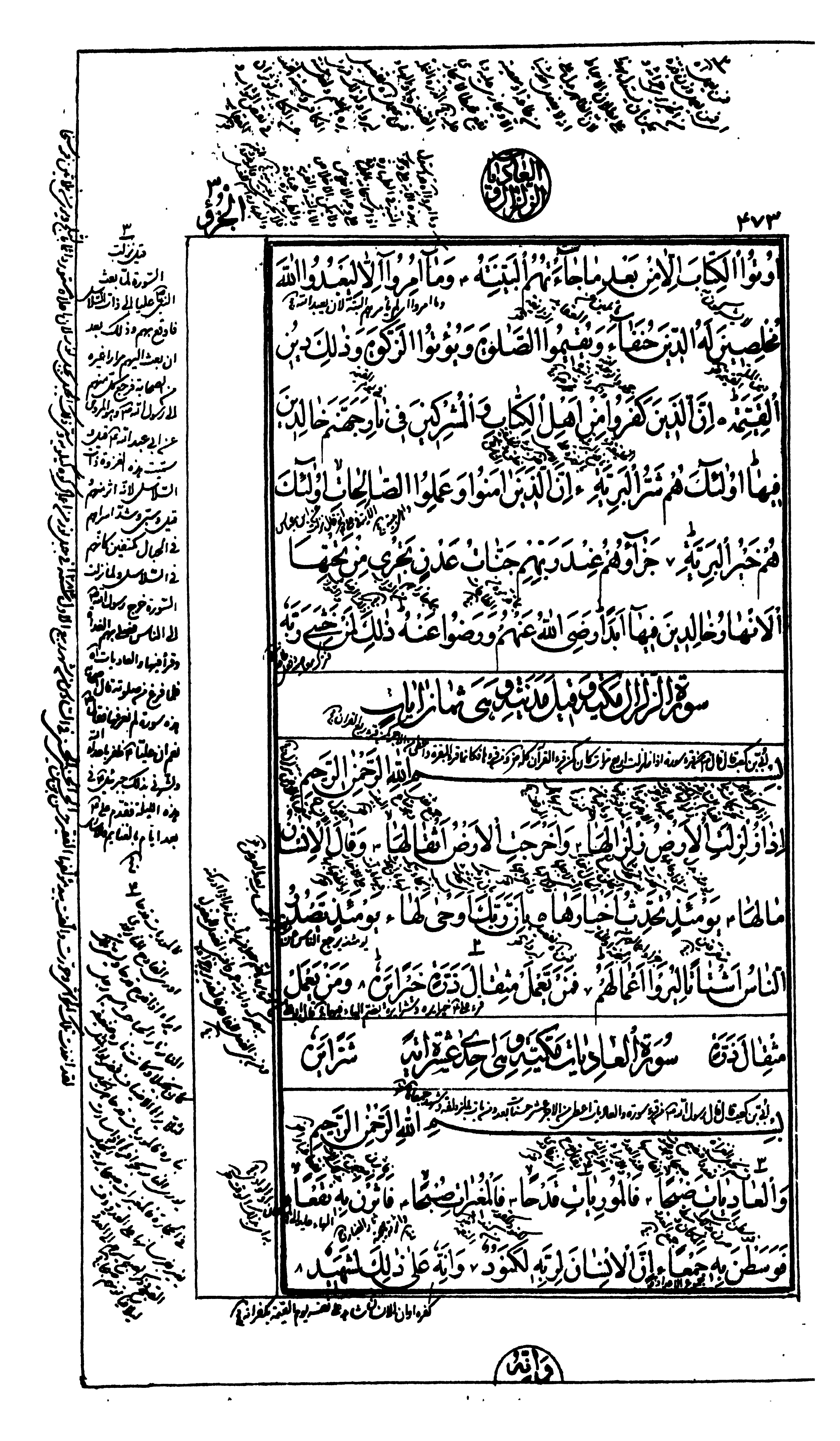
بسم الله الرحمن الرحيم

انا انزلناه في ليلة القدر ١ وما ادراك ما ليلة القدر ٢ ليلة القدر
خير من الف شهر ٣ تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر ٤
سلام هي حتى مطلع الفجر ٥

سورة البينة ثمان آيات وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين منفكين حتى تأتيهم البينة ١
رسول من الله يتلوا صحفا مطهرة ٢ فيها كتب قيمة ٣ وما تفرق الذين



أوتوا الكتاب إلا من بعد ما جاءتهم البينة ۝ وما أمروا إلا ليعبدوا الله
مخلصين له الدين حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين
القيمة ۝ إن الذين كفروا من أهل الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدين
فيها أولئك هم شر البرية ۝ إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك
هم خير البرية ۝ جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجري من تحتها
الأنهار خالدين فيها أبدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه

سورة الزلزال مكية وقيل مدنية وهي ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا زلزلت الأرض زلزالها ۝ وأخرجت الأرض أثقالها ۝ وقال الإنسان
ما لها ۝ يومئذ تحدث أخبارها ۝ بأن ربك أوحى لها ۝ يومئذ يصدر
الناس أشتاتا ليروا أعمالهم ۝ فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره ۝ ومن يعمل
مثقال ذرة شرا يره

سورة العاديات مكية وهي إحدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والعاديات ضبحا ۝ فالموريات قدحا ۝ فالمغيرات صبحا ۝ فأثرن به نقعا ۝
فوسطن به جمعا ۝ إن الإنسان لربه لكنود ۝ وإنه على ذلك لشهيد ۝

وَاِنَّهٗ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيْدٌ ۝ اَفَلَا يَعْلَمُ اِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُوْرِ ۝ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُوْرِ ۝

اِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيْرٌ ۝

سُوْرَةُ الْقَارِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانُ اٰيَاتٍ

وفي حديث ابي بن كعب من قرأ سورة القارعة ثقل الله بها ميزانه يوم القيمة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْقَارِعَةُ ۝ مَا الْقَارِعَةُ ۝ وَمَا اَدْرٰىكَ مَا الْقَارِعَةُ ۝ يَوْمَ يَكُوْنُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوْثِ ۝ وَتَكُوْنُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوْشِ ۝ فَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ ۝ فَهُوَ فِيْ عِيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝ وَاَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ ۝ فَاُمُّهٗ هَاوِيَةٌ ۝ وَمَا اَدْرٰىكَ مَا هِيَهْ ۝ نَارٌ حَامِيَةٌ ۝

سُوْرَةُ التَّكَاثُرِ ثَمَانُ اٰيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

ابي بن كعب من قرأ سورة التكاثر لم يحاسبه الله بالنعيم الذي انعم عليه في دار الدنيا واعطي من الاجر كانما قرأ الف آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْهٰىكُمُ التَّكَاثُرُ ۝ حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ۝ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ ۝ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ۝ ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ ۝

سُوْرَةُ الْعَصْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَلٰثُ اٰيَاتٍ

ابي بن كعب قال قال النبي صلى الله عليه وسلم من قرأ سورة العصر غفر الله له وكان ممن تواصى بالحق وتواصى بالصبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالْعَصْرِ ۝ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْ خُسْرٍ ۝ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ۝ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝

سُوْرَةُ الْهُمَزَةِ تِسْعُ اٰيَاتٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ

وفي حديث ابي بن كعب من قرأ سورة الهمزة اعطاه الله عشر حسنات بعدد من استهزأ بمحمد وأصحابه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

صفحهٔ چهارصد و هفتاد و یکم

قسم بساعت چاشتگاه ۱ و قسم بشب وقتی که بیارامد ۲ یکی آن ۳ نگذاشت ترا پروردگار تو و دشمن نگرفت ترا بلکه تو حبیب برگزیدهٔ خدائی ۴ و هر آینه سرای آخرت بهتر است از برای تو از این سرای دنیا ۵ و هر آینه زود باشد که بدهد ترا پروردگار تو نعم تامه خود را پس راضی شوی ۶ آیا نیافت ترا یتیمی پس جای داد ترا ۷ و یافت ترا راه گم کرده بر در دروازه مکه وقتیکه حلیمه دایه ات آورده بود ترا که بجدت بسپارد پس راه نمود ترا بانیکه جدت ترا بتو رسانید ۸ پس یافت ترا درویش پس توانگر ساخت ترا ۹ پس اما یتیم را پس قهر مکن او را ۱۰ و اما سائل درویش را پس زجر مکن آنرا ۱۱ و اما بنعمت پروردگار خودت پس حدیث کن

سورهٔ انشراح مشتمل بر هشت آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

آیا نگشادیم برای تو سینهٔ ترا ۱ و برداشتیم از تو بار گران ترا ۲ آن باری که شکست پشت ترا که آن انکار کفار بود و نافرمانی ایشان که ترا مسلط کردیم بایشان ۳ و بلند کردیم ما از برای تو ذکر ترا ۴ پس بدرستیکه با هر تنگی و دشواری آسانیست ۵ و بدرستیکه با هر دشواریست آسانی ۶ پس چون فارغ شدی از تبلیغ رسالت پس رنج کش در سرانجام عبادت ۷ و بسوی پروردگار خودت پس رغبت کن

سورهٔ تین مشتمل بر هشت آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قسم بانجیر و زیتون ۱ و قسم بطور سینا ۲ و قسم باین شهر مکه که ایمن است ۳ هر آینه بتحقیق آفریدیم ما انسان را در بهترین تعدیلی که در میان حیوانات بهترین صورتی و بهترین هیکلی بانسان عنایت فرمودیم ۴ پس بازگردانیدیم ما او را در زیرترین زیرین ها یعنی کریه ترین صورتها مراد اصحاب دوزخند که بهیات زشت ترین مخلوق میشوند ۵ مگر آنکسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس برای ایشان است مزدیکه بریده نمیشود یعنی مزد او بهشت است که دائم خواهد بود ۶ پس چه چیز ترا بر تکذیب کردن میدارد ای منکر بعث بعد از ظهور دلایل واضحه بروز جزا و حساب ۷ آیا نیست خدا احکم کننده ترین حکم کنندگان

سورهٔ علق مشتمل بر نوزده آیه و در مکه نازل شده

صفحهٔ چهارصد و هفتاد و دوم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بخوان باسم پروردگار خودت آنکه خلق کرد شما را ۱ خلق کرد انسان را از خون بسته شده ۲ بخوان و پروردگار تو بزرگتر است از همه بزرگان ۳ آنکه آموخت بایشان نوشتن را بقلم تا علم را بخط مقید سازند و خبایا را آگاهی دهند که اول نویسندگان ادریس بود ۴ تعلیم کرد جنس آدمی را آنچه نمیدانست ۵ نه چنانست بدرستیکه انسان هر آینه طاغی میشود ۶ بجهة اینکه ببیند خود را مستغنی ۷ بدرستیکه بسوی پروردگار تو بازگشتن است ۸ آیا دیدی آنکس را که نهی میکند ۹ بنده کامل یعنی محمد را چون نماز میگذارد ۱۰ آیا می بینی تو ای نهی کننده بنده از نماز اگر باشد بر راه راست ۱۱ یا فرمان دهد بپرهیزکاری ۱۲ آیا می بینی تو ابوجهل را اگر تکذیب کند ترا و روی بگرداند از ایمان ۱۳ آیا ندانسته است ابوجهل بانیکه خدا می بیند و قصد او را مطلع است ۱۴ نه چنانست هر آینه اگر باز نایستد ابوجهل از ایذای پیغمبر هر آینه بگیریم موی پیشانی او را ۱۵ موی پیشانی دروغگوی خطاکار را ۱۶ پس باید بخواند اهل مجلس و قبیله و عشیرهٔ خود را تا یاری دهند ۱۷ زود باشد که بخوانیم ما زبانیه دوزخ را که ملائکه غلاظ و شداد اند ۱۸ نه چنانست فرمان نبر او را بر ترک نماز یعنی بر مخالفت او ثابت قدم باش و سجده کن و نزدیک شو پروردگار خود را

سورهٔ قدر مشتمل بر پنج آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بدرستیکه ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر ۱ و چه چیز دانا کرد ترا که چه چیز است شب قدر ۲ شب قدر بهتر است از هزار ماه ۳ فرود می آیند فرشتگان و روح که جبرئیل است در آنشب باذن پروردگارشان از هر کاری ۴ سلامتی است آنشب تا دمیدن صبح ۵

سورهٔ بینه مشتمل بر هشت آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

نبودند آنهائی که کافر شدند از اهل کتاب و مشرکین بازایستندگان از کفر و معصیت تا آمد ایشان را حجتی روشن ۱ رسولی از خدا که میخواند نامه های پاکیزه را که در آن نامه ها نوشته هاییست راست ۲ و جدا نشدند یعنی اختلاف نکردند در شان پیغمبر آنانکه

داده شدند

داده شدند کتاب اگر بعد از آنکه آمد ایشانرا حجت ۴ و مأمور نشدند مگر اینکه بپرستند خدا را در حالتی که خالص سازند برای خدا دین اسلام را میل کنندگان از عقاید باطله بدین اسلام و برپا دارند نماز را و بدهند زکوة و اینست دین راست درست ۵ بدرستیکه آنکسانیکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکین در آتش جهنم همیشه خواهند بود در آن آتش آنگروه ایشان بدترین آفریدگانند ۶ بدرستیکه آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته آنگروه ایشانند بهترین آفریدگان ۷ جزای ایشان نزد پروردگار ایشان بهشتهای اقامتست که جاریست از زیر درختان آن نهرهای آب خالدند در آن بهشتها همیشه ۸ راضی است خدا از ایشان و راضیند ایشان از خدا این نعمت رضای خدا و بهشت عدن برای کسی است که برسید از خدای خود

سورهٔ زلزال مشتمل بر هشت آیه در مکه و کسی گفتند در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

اگر جنبانیده شود زمین جنبانیدن آن ۲ و بیرون آورد زمین بارهای گران خود را که اموات و دفاین و کنوز او است ۳ و گوید آدمی چیست زمین را ۴ آنروز سخن گوید زمین خبرهای خود را یعنی خبر دهد بهر عملی را که بالای آن کرده باشند ۵ بانیکه پروردگار تو وحی کند بر زمین در صحبت دادن که تکلم کند و خبر دهد از عملهای مردمان که بر روی آن واقع شده است ۶ آنروز باز گردند مردمان از قبور خود بسوی حساب متفرق و پراکنده یعنی دسته دسته بصورتهای مختلف بر آیند بعضی نورانی و خوشحال و بعضی ظلمانی و گرفته و بدحال تا بنمایند کردار خود را ۷ پس هر که میکند بقدر ذرهٔ از نیکی می بیند آنرا و جزای خیر بهمان مقدار باو میرسد ۸ و هر که بکند بقدر ذرهٔ شری و بدی را می بیند آنرا

سورهٔ عادیات مشتمل بر یازده آیه در مکه نازل شده و کسی گفته در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم باسبان نفس زنندهٔ در جهاد نفس زدنی ۲ پس قسم به بیرون آورندگان آتش از سنگ بسمهای خود ۳ پس قسم باسبان غارت کننده در وقت صبح ۴ پس برانگیختند بوقت صبح غباری ۵ پس بمیان در آمدند بوقت صبح جمعی را ۶ بدرستیکه انسان مر پروردگار خود را ناسپاس است ۷ و بدرستیکه آدمی بر آن ناسپاسی خود گواه است

۸ و بدرستی که او بجهة دوستی مال هر آینه سختست ۹ آیا پس نمیداند چون برانگیخته میشود آنچه در قبرهاست ۱۰ و حاصل کرده شود یعنی جمع کرده در صحف آنچه در سینه هاست ۱۱ بدرستیکه پروردگارشان بایشان آن روز هر آینه آگاه است

سورهٔ قارعة مشتمل بر هشت آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

ساعت کوبنده چه چیز است آن ساعت کوبنده ۲ و چه چیز دانا کرد ترا که چه چیز است قارعه ۳ روزیکه باشند مردم مثل پروانه پراکنده شده ۴ و باشند کوهها مثل پشم رنگین زده شده ۵ پس اما هر که سنگین باشد وزنهای اعمال او پس او در زندگانی پسندیده است ۶ و اما هر که سبک باشد اوزان عمل او پس جای او در هاویه است ۷ و آن دره ایست زیرترین درکات دوزخ ۸ و چه چیز دانا کرد ترا که چیست هاویه ۹ آتشی است بسیار گرم که در نهایت سوزندگیست

سورهٔ التکاثر مشتمل بر هشت آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

مشغول کرد شما را مفاخرت بیکدیگر بجهة بسیاری قبیله و عشیره از ذکر طاعت و فکر آخرت ۲ تا اینکه زیارت کردید قبرها را یعنی آمدید قبرها را میشمردید قبیله و عشیرهٔ اموات خود را مینمودید ۳ نه چنانست زود باشد که بدانید ۴ پس حقا که زود باشد که بدانید ۵ نه چنانست اگر بدانید دانستن امری را که یقین است ۶ هر آینه خواهید دید دوزخ را ۷ پس هر آینه خواهید دید دوزخ را بچشم یقین ۸ پس هر آینه پرسیده شوید در آنروز از نعمتهائی که داشتید.

سورهٔ عصر مشتمل بر سه آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

قسم بعصر ۲ بدرستیکه انسان هر آینه در زیانکاریست ۳ مگر آنانکه ایمان آوردند و کار شایسته کردند و وصیت کردند بسخن راست و وصیت کردند بصبر

سورهٔ همزه مشتمل بر نه آیه در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

وای از برای هر عیب کننده در پنهان و طعنه زننده در ظاهر ۲ آن کسی که جمع کرد مالی را و شمرد آنرا ۳ گمان میکند اینکه مال او باقی خواهد گذاشت
او را همیشه در دنیا ۴ نه چنانست هر آینه انداخته شود البته در حطمه ۵ و چه چیز دانا کرد تورا که چیست حطمه ۶ آتش خداست که روشن شده است
یعنی برافروخته است ۷ آن آتشی که طلوع کند یعنی برآید بر دلها ۸ بدرستیکه آن آتش بر ایشان بسته شده است ۹ در ستونهای کشیده شده

سورهٔ فیل مشتمل بر پنج آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگار تو با اصحاب فیل ۲ آیا نگردانید مکر ایشانرا در گمراهی که قصد تخریب خانه کعبه را داشتند ۳ و فرستاد خدا بر ایشان مرغان ابابیل را
یعنی مرغان متفرقه گروه گروه ۴ که میانداختند آن مرغان باصحاب فیل سنگهائی از گل پخته شده ۵ پس گردانید خدا ایشانرا مثل کاه خورد شده یعنی ریز ریز بر هم مالیده شده

سورهٔ قریش مشتمل بر چهار آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

برای الفت قریش یعنی هلاک کردن اصحاب فیل برای الفت ایشان بود با قریش ۲ که الفت ایشان رفتن سفر بود در زمستان و تابستان ۳ پس باید
بپرستند پروردگار این خانه را یعنی خانهٔ مکه را ۴ آنکه طعام داد ایشان را از گرسنگی و ایمن ساخت ایشانرا از ترس

سورهٔ ماعون مشتمل بر هفت آیه و در مکه نازل شده و کسی گفته که در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

آیا دیدی آن کسیرا که تکذیب میکرد بروز جزا ۲ پس این است آنکه میراند یتیم را ۳ و تحریص نمیکند مردم را بر طعام
دادن درویش ۴ پس وای از برای نمازگذارندگان ریائی ۵ آنانکه ایشان از نماز خود شان سهو کنندگان و بیخبرانند ۶

آنکسانیکه ایشان ریا میکنند ۷ و منع زکوة را از مستحق

سورهٔ کوثر مشتمل بر سه آیه و در مکه نازل شده است

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بدرستیکه ما عطا کردیم تو ای پیغمبر کوثر را ۲ پس نماز کن از پروردگار خودت و قربانی کن ۳ بدرستیکه دشمن تو عاص بن وائل است او است دم بریده و بلا عقب

سورهٔ کافرون مشتمل بر شش آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بگو ای محمد ای کافران ۲ عبادت نمیکنم من آنچه را که شما عبادت میکنید ۳ و نه شما عبادت میکنید آنچه را
که من می پرستم ۴ و نه عبادت کننده ام آنچه را که می پرستید ۵ و نه شما عبادت میکنید آنچه را که من عبادت میکنم
۶ از برای شما است دین شما و از برای من است دین خودم که اسلام است

سورهٔ نصر مشتمل بر سه آیه و در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

چون بیاید یاری خدا و فتح مکه ۲ و ببینی مردم را که داخل میشوند در دین خدا فوج فوج ۳ پس تسبیح کن بحمد پروردگار خودت و طلب آمرزش کن از او بدرستیکه خدا است
قبول کنندهٔ توبه

سورهٔ تبت مشتمل بر پنج آیه و در مکه نازل شده

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بریده باد دو دست ابی لهب که سنگ برداشت و خواست رسول خدا را بزند و هلاک شد
۲ دفع نکند عذاب او را از او و مالش و آنچه کسب کرده است ۳ زود باشد که درآید در آتشی که خداوند زبانه است
۴ و زن او ام جمیل بنت حرب خواهر ابو سفیان بردارندهٔ هیزم است ۵ در گردن او است ریسمانی از لیف خرما

سورة اخلاص مشتمل بر چهار آیه در مکه یا مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بگو ای محمد او هست خدای یگانه ۱ خدای بی نیاز است ۲ نزاده است او و کسی را و نزاده است کسی او را ۳ و نمی باشد از برای او همتا احدی ۴

سورة الفلق مشتمل بر پنج آیه در مکه نازل شده و نیز گفته اند در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بگو ای محمد پناه میبرم به پروردگار شکافندهٔ صبح ۱ از شر آنچه آفریده است ۲ و از شر شب تاریک چون درآید ۳ و از شر زنانی که دمندگان افسونند در گرهها ۴ و از شر حسد برنده چون ظاهر کند حسد خود را ۵

سورة ناس مشتمل بر شش آیه در مکه نازل شده و نیز گفته اند در مدینه نازل شده

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

بگو ای پیغمبر پناه می برم به پروردگار آدمیان ۱ پادشاه مردمان ۲ خدای آدمیان ۳ از شر وسوسه کننده که شیطانست ۴ آن که وسوسه میکند در دلهای مردمان ۵ از جن و انسان ۶

تمت الکتاب المجید بعون الملک [illegible] بید الاقل الاحقر [illegible] حسین [illegible] ۱۳۵۱

(در مطبعهٔ اخوان کتابچی بطبع رسید)

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۝ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۝ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ۝ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۝ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۝ إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ ۝ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۝

سورة الفيل مكية وهي خمس آيات

في حديث أبي بن كعب من قرأ سورة الفيل عافاه الله أيام حياته من المسخ والخسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ۝ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝

سورة قريش مكية وهي أربع آيات

في حديث أبي بن كعب من قرأ سورة لإيلاف أعطاه الله عشر حسنات بعدد من طاف بالكعبة واعتكف بها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

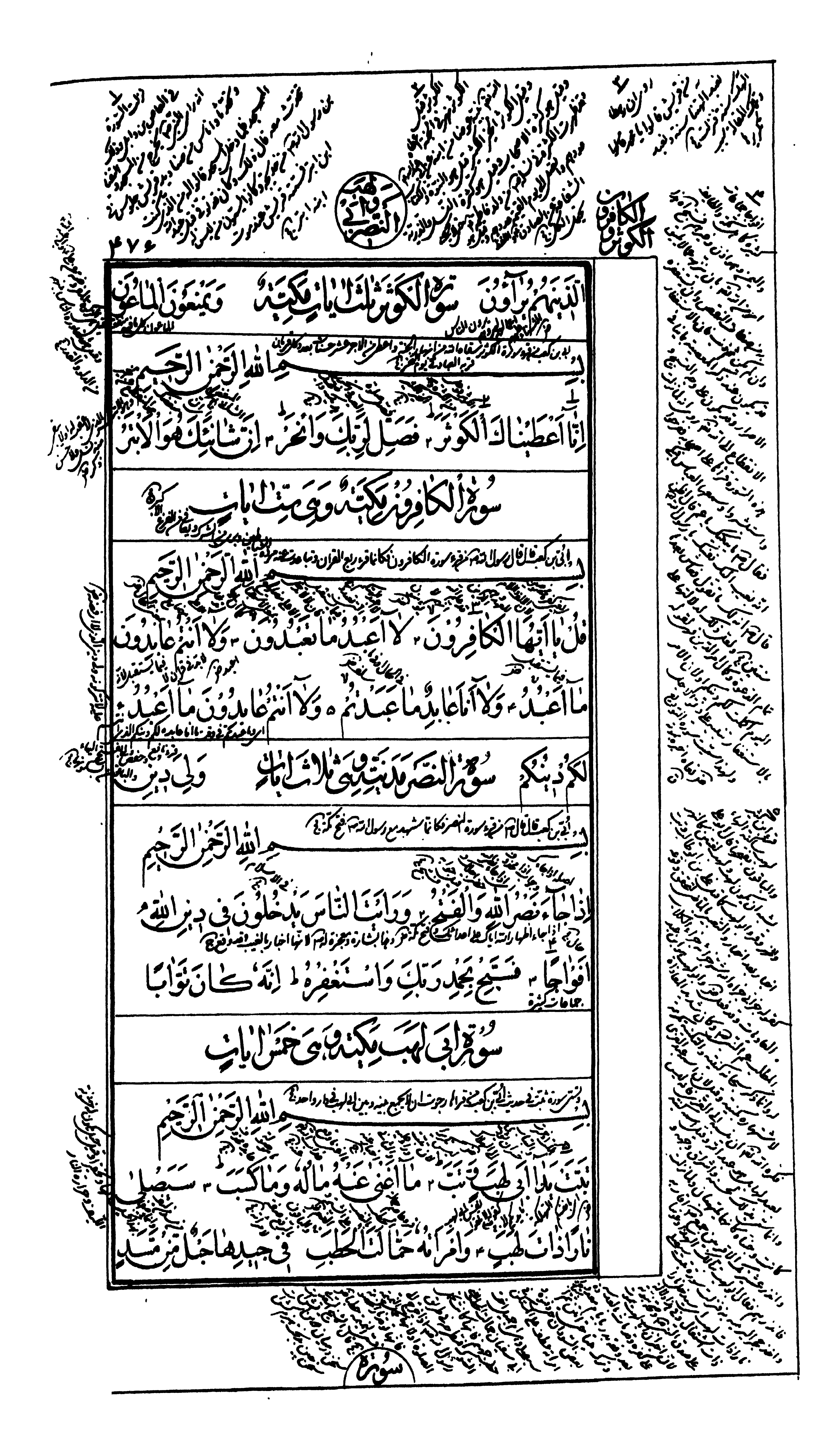
لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ۝ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۝ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ ۝ الَّذِي أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَآمَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ ۝

سورة الماعون مكية وهي سبع آيات

في حديث أبي بن كعب من قرأ سورة أرأيت غفر الله له إن كان للزكاة مؤدياً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۝ فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝



الذين هم يراءون ٦ ويمنعون الماعون ٧

سورة الكوثر ثلث آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا أعطيناك الكوثر ١ فصل لربك وانحر ٢ إن شانئك هو الأبتر ٣

سورة الكافرون مكية وهي ست آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

قل يا أيها الكافرون ١ لا أعبد ما تعبدون ٢ ولا أنتم عابدون ما أعبد ٣ ولا أنا عابد ما عبدتم ٤ ولا أنتم عابدون ما أعبد ٥ لكم دينكم ولي دين ٦

سورة النصر مدنية وهي ثلاث آيات

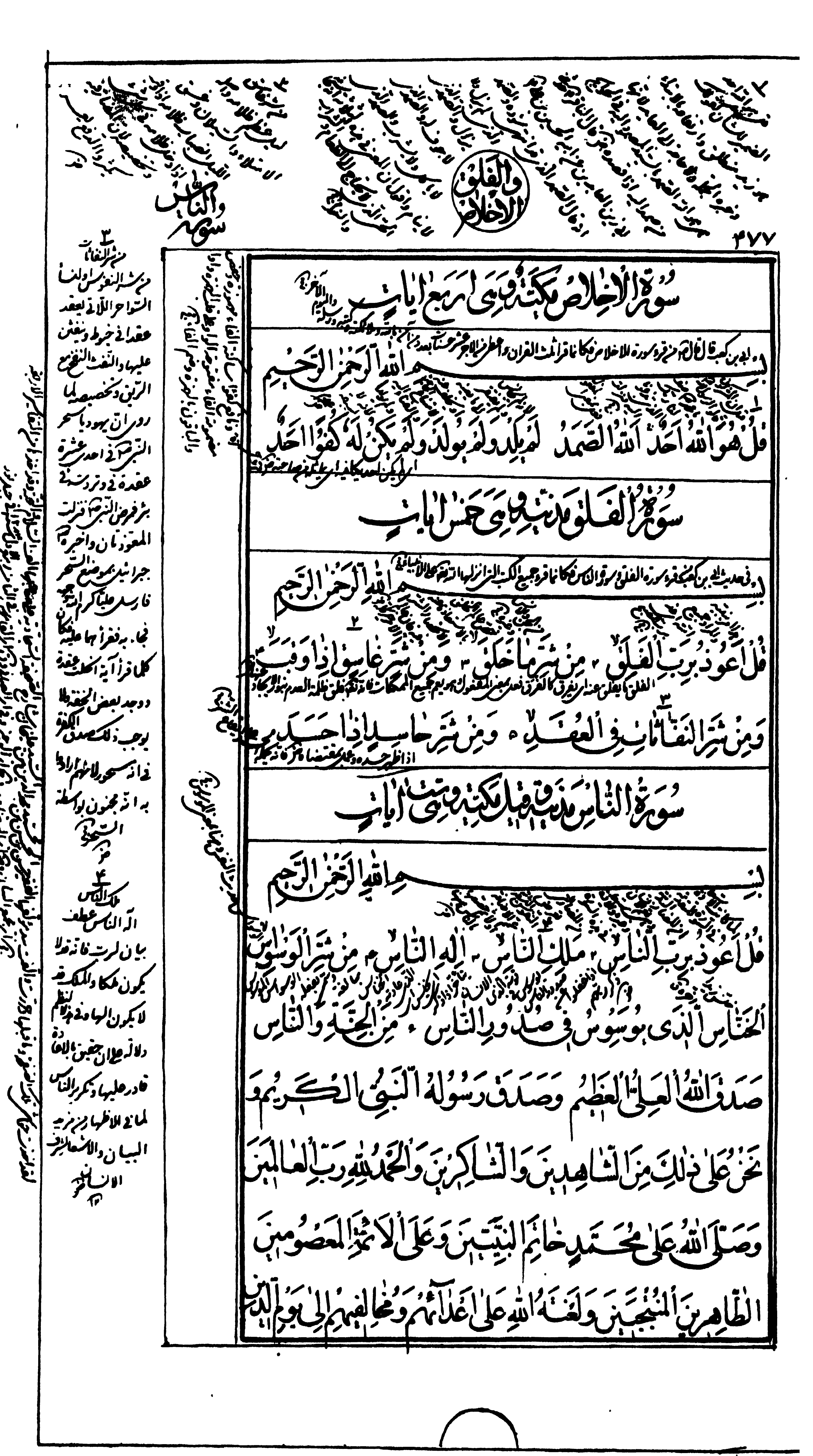
بسم الله الرحمن الرحيم

إذا جاء نصر الله والفتح ١ ورأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا ٢ فسبح بحمد ربك واستغفره إنه كان توابا ٣

سورة أبي لهب مكية وهي خمس آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

تبت يدا أبي لهب وتب ١ ما أغنى عنه ماله وما كسب ٢ سيصلى نارا ذات لهب ٣ وامرأته حمالة الحطب ٤ في جيدها حبل من مسد ٥



سورة الاخلاص مكية وهى اربع ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد ۝ الله الصمد ۝ لم يلد ولم يولد ۝ ولم يكن له كفوا احد ۝

سورة الفلق مدنية وهى خمس ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الفلق ۝ من شر ما خلق ۝ ومن شر غاسق اذا وقب ۝ ومن شر النفاثات فى العقد ۝ ومن شر حاسد اذا حسد ۝

سورة الناس مدنية وقيل مكية وهى ست ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس ۝ ملك الناس ۝ اله الناس ۝ من شر الوسواس الخناس ۝ الذى يوسوس فى صدور الناس ۝ من الجنة والناس ۝

صدق الله العلى العظيم وصدق رسوله النبى الكريم و نحن على ذلك من الشاهدين والشاكرين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين وعلى الائمة المعصومين الطاهرين المنتجبين ولعنة الله على اعدائهم ومخالفيهم الى يوم الدين

دعاء
ختم
القرآن

صدق الله العلي العظيم
وصدق رسوله النبي الكريم ونحن على ذلك
من الشاهدين والشاكرين والحمد لله رب العالمين اللهم ربنا
تقبل منا انك انت السميع العليم وتب علينا يا مولانا انك
انت التواب الرحيم اهدنا ووفقنا الى الحق والى طريق مستقيم
ببركة القرآن العظيم واعف عنا يا كريم واغفر لنا ذنوبنا بفضلك وجودك
وكرمك يا اكرم الاكرمين اللهم اجعل القرآن لنا في الدنيا قرينا وفي
القبر مونسا وفي القيامة شفيعا وعلى الصراط نورا وفي الجنة
رفيقا ومن النار سترا وحجابا والى الخيرات كلها دليلا
واماما بفضلك وجودك وكرمك يا ارحم
الراحمين

حسب الفرمایش جناب
آقای آقا سید محمد
میرکمالی
خلف مرحوم
آقا سید عبدالله
خوانساری بطبع
رسید

در مطبعه اخوان کتابچی بطبع رسید

وكان من دعائه عليه السلام عند ختم القرآن

اللهم انك اعنتني على ختم كتابك الذي انزلته نورا وجعلته مهيمنا على كل كتاب انزلته وفضلته
على كل حديث قصصته وفرقانا فرقت به بين حلالك وحرامك وقرآنا اعربت به عن شرائع
احكامك وكتابا فصلته لعبادك تفصيلا ووحيا انزلته على نبيك محمد صلواتك عليه و
آله تنزيلا وجعلته نورا نهتدي من ظلم الضلالة والجهالة باتباعه وشفاء لمن انصت بفهم
التصديق الى استماعه وميزان قسط لا يحيف عن الحق لسانه ونور هدى لا يطفأ عن الشاهدين
برهانه وعلم نجاة لا يضل من ام قصد سنته ولا تنال ايدي الهلكات من تعلق بعروة عصمته
اللهم فاذ افدتنا المعونة على تلاوته وسهلت جواسي السنتنا بحسن عبارته فاجعلنا ممن يرعاه
حق رعايته ويدين لك باعتقاد التسليم لمحكم آياته ويفزع الى الاقرار بمتشابهه وموضحات بيناته
اللهم انك انزلته على نبيك محمد صلى الله عليه وآله مجملا والهمته علم عجائبه مكملا وورثتنا
علمه مفسرا وفضلتنا على من جهل علمه وقويتنا عليه لترفعنا فوق من لم يطق حمله اللهم
فكما جعلت قلوبنا له حملة وعرفتنا برحمتك شرفه وفضله فصل على محمد الخطيب به وعلى آله الخزان
له واجعلنا ممن يعترف بانه من عندك حتى لا يعارضنا الشك في تصديقه ولا يختلجنا الزيغ
عن قصد طريقه اللهم صل على محمد وآله واجعلنا ممن يعتصم بحبله ويأوي من المتشابهات
الى حرز معقله ويسكن في ظل جناحه ويهتدي بضوء صباحه ويقتدي بتبلج اسفاره ويستصبح
بمصباحه ولا يلتمس الهدى في غيره اللهم وكما نصبت به محمدا علما للدلالة عليك وانهجت بآله
سبل الرضا اليك فصل على محمد وآله واجعل القرآن وسيلة لنا الى اشرف منازل الكرامة وسلما
نعرج فيه الى محل السلامة وسببا نجزى به النجاة في عرصة القيامة وذريعة نقدم بها على نعيم دار المقامة
اللهم صل على محمد وآله واحطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار وهب لنا حسن شمائل الابرار واقف بنا آثار
الذين قاموا لك به آناء الليل واطراف النهار حتى تطهرنا من كل دنس بتطهيره وتقفو بنا آثار الذين
استضاؤا بنوره ولم يلههم الامل عن العمل فيقطعهم بخدع غروره اللهم صل على محمد وآله واجعل
القرآن لنا في ظلم الليالي مونسا ومن نزغات الشيطان وخطرات الوساوس حارسا ولاقدامنا عن نقلها
الى المعاصي حابسا ولالسنتنا عن الخوض في الباطل من غير ما آفة مخرسا ولجوارحنا عن اقتراف الآثام زاجرا
ولما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشرا حتى توصل الى قلوبنا فهم عجائبه وزواجر امثاله التي ضعفت
الجبال الرواسي على صلابتها عن احتماله اللهم صل على محمد وآله وادم بالقرآن صلاح ظاهرنا واحجب
به خطرات الوساوس عن صحة ضمائرنا واغسل به درن قلوبنا وعلائق اوزارنا واجمع به منتشر امورنا
وارو به في موقف العرض عليك ظمأ هواجرنا واكسنا به حلل الامان يوم الفزع الاكبر في نشورنا اللهم
صل على محمد وآله واجبر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق وسق الينا به رغد العيش وخصب سعة الارزاق
وجنبنا به الضرائب المذمومة ومداني الاخلاق واعصمنا به من هوة الكفر ودواعي النفاق حتى يكون لنا
في القيامة الى رضوانك وجنانك قائدا ولنا في الدنيا عن سخطك وتعدي حدودك ذائدا ولما عندك
بتحليل حلاله وتحريم حرامه شاهدا اللهم صل على محمد وآله وهون بالقرآن عند الموت على انفسنا كرب
السياق وجهد الانين وترادف الحشارج اذا بلغت النفوس التراقي وقيل من راق وتجلى ملك الموت لقبضها
من حجب الغيوب ورماها عن قوس المنايا باسهم وحشة الفراق ودنا منا الى الآخرة رحيل وانطلاق وصارت
الاعمال قلائد في الاعناق وكانت القبور هي المأوى الى ميقات يوم التلاق اللهم صل على محمد وآله وبارك لنا في
حلول دار البلى وطول المقامة بين اطباق الثرى واجعل القبور بعد فراق الدنيا خير منازلنا وافسح لنا برحمتك في
ضيق ملاحدنا ولا تفضحنا في حاضري القيامة بموبقات آثامنا وارحم بالقرآن في موقف العرض عليك ذل مقامنا وثبت
به عند اضطراب جسر جهنم يوم المجاز عليها زلل اقدامنا ونجنا به من كل كرب يوم القيامة وشدائد اهوال يوم الطامة
وبيض وجوهنا يوم تسود وجوه الظلمة في يوم الحسرة والندامة واجعل لنا في صدور المؤمنين ودا ولا تجعل
الحيوة علينا نكدا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك كما بلغ رسالتك وصدع بامرك ونصح لعبادك اللهم

اللهم اجعل نبينا محمدا صلواتك عليه وآله يوم القيمة اقرب النبيين منك مجلسا وامكنهم منك شفاعة واجلهم عندك قدرا واوجههم عندك جاها اللهم صل على محمد وآله وشرف بنيانه وعظم برهانه وثقل ميزانه وتقبل شفاعته وقرب وسيلته وبيض وجهه واتم نوره وارفع درجته واحينا على سنته وتوفنا على ملته وخذ بنا منهاجه واسلك بنا سبيله واجعلنا من اهل طاعته واحشرنا في زمرته واوردنا حوضه واسقنا بكاسه وصل اللهم على محمد وآله صلوة تبلغه بها افضل ما يأمل من خيرك وفضلك وكرامتك انك ذو رحمة واسعة وفضل كريم اللهم اجزه بما بلغ من رسالاتك وادى من آياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك افضل ما جزيت احدا من ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين المصطفين والسلام عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته

حرره العبد المحتاج الى الله الغني اسد الله ابن محمد كاظم الموسوي الزنجاني الشهير القمي المسكن سنة ١٣٥٣



بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد والصلوة چون کشف الابانی که علماء از بقا نوشته بودند مشتمل بود بر تمام کلمات قرآن من البدو الی الختم از مشتقات و جوامد و ضمائر و اسماء اشارات و غیرها و تمام اینها از حیث کشف فائده نداشت و کاشف را بمطلوب نمیرساند لذا محض سهولت همین کشف الایات را مجرد نموده از کلماتی که از حیث کشف فائده نداشتند از قبیل ضمائر و اسماء اشارات و موصولات و اسماء افعال و مصادر و مشتقات الا در صورت تعدد تا چنانچه کثیراً کشف فائده نمیداشتند ذکر شده و بعضی موارد که تابع شش سوره ذکر شده و ترتیب این کشف الایات بطریق کتب لغت ملاحظه شده که باید ماده کلمه ملاحظه شود لکن اگر ماده کلمه مصدر بهمزه باشد از او در باب الف ملاحظه باید کرد و اگر حرف اول با باشد در باب الباء و هکذا در حرف دوم و سوم کلمه هم بترتیب حروف تهجی رعایت شده حروف که بنیانها ذکر نمیشود ضبط شده لکن متصل بکلمات بکرنا ابن دفعه مانی که متعلقند بابتدای حروف است سهولت در او شود مثلاً فا و با در فبحمد و واو در و لا یوبه و لام در والرسول و امثال ان و حروف جاره کلا ترک شده بواسطه انکه کلمات بکرر زیاد و از قصد که موضع در قرآن مجید واقع شده از حیث کشف برای کاشف ابداً فائده ندارد الا حرف مشتقات که در چهار سوره در قرآن واقع بیرون فائده نامتر دارد برای کشف ذکر شده امثال لیجعل و یجعل و هرگاه کلمه در ابتدای آیه باشد پس اگر در دو موضع او لیه باشد بحرف میم که علامت مکرر تا لفظ مکرر امانیشو و اگر در سه موضع از آیه باشد تعلا تم سی مکرر رسیده مرقوم شده و هکذا قد وقع الفراغ من تحریر هذه الوریقة الشریفة

باب الالف

ستون ۱:

هر کلمه که حرکت است که
متصل میشود کلمات
و نهایا استعمال میشود
مثل همزه و ترغیب
اب
واباً هشتادم ۳۱
ابریق
واباریق پنجاه وششم ۱۸
ابراهیم سیم ۴۱
لابراهیم بیست ودوم
۲۷ سی وهفتم ۱۱
وابراهیم سی وسیم ۷
پنجاه و سیم ۳۸
وابراهیم بیست ونهم
۵۱ پنجاه ونهم ۲ ۲
ابق سی ونهم
ابل ۱۴۰
الابل هشتم ۴۵
هشتاد وهشتم
۱۷
ابابیل صد ویکم ۳
ابی
ابی دوازدهم ۹۳
ششم یازدهم ۱
لابی بیست وششم ۸۶
ابا سی وسیم ۴
ابا دوازدهم ۷۸
ابت دوازدهم ۴
۱۰

ستون ۲:

نوزدهم ۴۳ ۴۴۰
۴۵ ۴۶
بیست وهشتم ۲ ۶
سی وهفتم ۱۰۲
اولی نوزدهم ۲۹
ابوها هجدهم ۸۱
وابونا بیست وهشتم
۲۳
ابوهم دوازدهم ۶۸
۹۴
لابیه ششم ۷۴
نهم ۱۱۵ دوازدهم
۴ نوزدهم ۳ ۶
بیست ویکم ۳ د بیست
ششم ۷۰ سی وهفتم
۸۳ چهل وسیم ۲۵
ششم
۴
وابیه هشتادم ۳۵
ابنا دوازدهم ۸
ابیکم دوازدهم
۹۰۵۹۰ ۸۱
بیست ودوم ۷۷
ابیهم دوازدهم ۲۳
اباه دوازدهم ۶۱
ابانا دوازدهم ۱۱۰۸
۳۰۱۷ ۹۸۰۸۱۰۵
اباکم دوازدهم ۸۰
اباهم دوازدهم ۱۶

ستون ۳:

ابواه چهارم ۱۱ هجدهم ۷۹
ابویک دوازدهم ۶
ابویه دوازدهم ۱۰۰
۱۰۱
ولابویه چهارم ۱۲
ابویکم هفتم ۲۶
اباه بیست وچهارم ۳۱
اباؤنا ششم ۱۴۹ هفتم
۱۷۲۰۶۹ یازدهم ۶۵
۸۹ چهاردهم ۱۲
شانزدهم ۳۷
واباؤنا بیست وسیم ۸۵
بیست وهفتم ۷۰۰۶۹
اواباؤنا سی وهفتم ۱۷
پنجاه وششم ۴۸
اباؤکم چهارم ۱۲ ۲۶۰
ششم ۹۱ نهم ۲۴
وچهارم ۴۲
واباؤکم هفتم
دهم ۴۰ بیست ویکم ۵
بیست وششم ۷۶
پنجاه وسیم ۲۳
اباؤهم دوم ۱۶۵ پنجم
۱۰۳ یازدهم ۱۱۱
سی وششم ۵
ابائی دوازدهم ۳۸
ابائک دوم ۱۲۷
ابائنا بیست وسیم ۲۴

ستون ۴:

بیست وهفتم ۳۶
یا ابانا چهل وچهارم ۳۵
چهل ونهم ۲۴
ابائکم بیست وچهارم ۶۰
بیست وسیم ۲۵ ۷
سی وهفتم ۱۲۶ چهل وچهارم
ابائهم ششم ۸۷ سیزدهم
۲۳ چهلم ۸
لابائهم هجدهم ۴ سی وسیم
ابائهن بیست وچهارم
۲۱ سی وسیم ۵۵
ابا دوم ۱۰۵ پنجم ۱۰۳
۵ ۹۳۰۲۲ دهم ۷۹
بیست ویکم ۵۴ سی وسیم
۷۳ سی ویکم ۲۰ چهل ستم
۲۲۰۲۱
اباؤکم دوم ۱۹۶ ۲۳
چهل وسیم ۲۳
اباؤهم بیست وسیم ۷ سی و
۴ بیست هسم ۶۷
پنجاه وسیم ۲۳
واباؤهم بیست ویکم ۴۵
بیست وپنجم ۱۹ چهل وسیم ۲۸
ابی دوم ۳۲ یازدهم ۳۱
بیستم ۱۱۵
فابی هفدهم ۹۱ ۱۰۱
بیست وپنجم ۵۲
وابی بیستم ۵۸

ستون ۵:

فابوا هجدهم ۷۶
فابین سی وسیم ۷۲
ویابی نهم ۳۲
یاب دوم ۲۸۲ مکرر
وبابی نهم ۸
اتی شانزدهم ۱ مستم ۲۲۰۶۴
بیست وششم ۹ پنجاه ویکم ۲۵ هشتاد
فاتی شانزدهم ۲۸
انت پنجاه ویکم ۴۲
فانت نوزدهم ۲۸
انت دوم ۱۴۰
اتنا هجدهم ۷۶
انتنا بیست ویکم ۴۸ چهل ویکم ۱۰
اتوا ششم ۱۸۵ بیست وپنجم ۴۲
بیست وهفتم ۱۸
فاتوا هفتم ۱۳۴
ابین چهارم ۳۰
اتاک بیستم ۸۰ سی وششم
۲۰ پنجاه ویکم ۲۴ هفتاد
نهم ۱۵ هشتاد پنجم ۱۷
هشتاد وهشتم ۱
اتاها دهم ۲۵ بیستم ۱۱
بیست وهشتم ۳۰
اتانا هشتاد چهارم ۳۸
اتاکم ششم ۴۰ ۴۷
دهم ۵۱
اتاهم ششم ۳۴
بیست وهشتم ۴۶

ستون ۶:

سی ودوم ۲ چهلم ۵۸۰۳۷ ۵
فاتاهم سی ونهم ۲۰ پنجاه
نهم ۲
واتاهم شانزدهم ۲۸
اتیک بیستم ۱۲۶
اتیکم ششم ۴
اتیهم نهم ۷۱
اتول نهم ۹۳
اتوه بیست وهفتم ۸۹
وانیاک یازدهم ۶۴
اتناهم بیست وسیم ۹۲۰۷۲
یاتی دوم ۲۶۰ پنجم ۵۹
ششم ۱۵۹ هفتم ۵۱
دوازدهم ۴۸ ۴۹ ۰
چهل ویکم ۴۰ شصت ویکم
یاتی دوم ۱۴۳ سیم ۱۵۵
یازدهم ۱۰۷ دوازدهم
۹۳ شانزدهم ۸ ۷
بیستم ۷۴ بیست وسیم
۷۰ سی ویکم ۱۵ سی وسیم
۲۰ ۳۰
فلیات پنجاه ودوم
۳۸
ویاتی چهارم ۳۲ چهارم
۲۲ سی ونهم ۱۲
تاتی شانزدهم ۱۱۲ چهل و
چهارم ۹
تاتی هفدهم ۹۴



باب الالف بعد التاء والثاء

باب الالف بعده الجيم والحاء والخاء

۲۰۲۰۱۸۴ پنجاه و ششم
۱۰۰۹ ۱۰
اِثْمٌ دو ویم ۱۷۸۰۱۶۸
۱۹۹ مکرر
اَثَامًا دو ویم ۱۷۸ سیم
۱۷۲ چهارم ۵۳
۱۱۲۰۱۱۱ پنجم ۱۰۶
وَاِثْمًا چهارم ۱۱۲۰۲۴
سے سیم ۵۸
الاِثْمَ پنجم ۸ ششم ۱۲
وَالاِثْمُ هفتم ۳۱
اِثْمٌ دو ویم ۱۲۷
وَاِثْمُهُمَا دو ویم ۲۱۶
بِاِثْمِی وَاِثْمِكَ پنجم ۳۲
اَثَامًا بیست پنجم ۶۸
اِثْمٌ دو ویم ۲۸۳
اَثِیمًا هفتاد ششم ۲۴
الاَثِیمِ پنجم ۱۰۵
آثِمٌ دو ویم ۲۷ بیست ششم
۲۲۲ چهل پنجم شصت
هشتم ۱۲ هشتادسیم ۱۲
الاِثْمِ چهل چهارم ۴۴
اَیُّهَا چهارم ۱۰۲
تَأْثِیمٌ پنجاه دو ویم ۲۳
تَأْثِیمًا پنجاه ششم ۲۴

اَجَجَ

اُجَاجٌ بیست پنجم ۵۵
سے پنجم ۱۳
اُجَاجًا پنجاه ششم ۶۹
تَأْجُرَنِی بیست ششم ۲۷
اسْتَأْجِرْهُ بیست ششم ۲۶
اسْتَأْجَرْتَ بیست ششم ۲۶
اَجْرٌ سیم ۱۳ بیست نهم
۵۸ سے نهم ۷۴
وَلَاَجْرُ دوازدهم ۵۷
شانزدهم ۴۳
اَجْرًا سیم ۱۷۲۰۱۶
هشتم ۲۸ نهم ۲۲
چهل پنجم ۲ پنجاه ۱۲۱۱۰۷
شصت چهارم ۱۵ هشتاد
چهارم ۲۵ نود و پنجم ۶
وَاَجْرٌ پنجم ۱۲ یازدهم ۱۴
سے پنجم ۸ چهل و پنجم ۳
شصت هفتم ۱۲ اَجْرٌ
۷۳ دوازدهم ۱۰۴
بیست پنجم ۵۹ بیست ششم ۱۰۹
۱۲۷ ۰ ۱۴۵ ۰ ۱۶۴
۸۰ سے چهارم ۴۶
سے ششم ۱۰ وَاَجْرٌ سے ششم
اَجْرٌ سیم ۵ هشتم
۱۶۹ نهم ۱۲۱ یازدهم
۱۱۷ دوازدهم ۶ ۹۰
هجدهم ۲۹ بیست ششم ۲۰

لَاَجْرُ هفتم ۱۱ بیست ششم
۳۴ شصت هشتم ۳
وَاَجْرٌ سیم ۳۵ چهل
هشتم ۲۹
اَجْرَهُمْ ۷۳ یازدهم
۵۳۰۳۱ بیست ششم
۱۰۹ ۰ ۱۲۷ ۱۴۵
۱۶۴ ۰ ۱۸ سے چهارم ۴۶
اَجْرُهُ دو ویم ۱۰۶ چهارم
۱۰۱
فَاَجْرُهُ چهل دو ویم ۳۸
اَجْرُهُمْ دو ویم ۲۶۴۰۵۹
۲۷۷۰۲۷۵ سیم ۱۹۹
پنجاه هفتم ۱۸
اَجْرُهُ بیست نهم ۲۶
اَجْرُهَا سے سیم ۳۱
اَجْرُهُمْ شانزدهم ۹۸
۹۹ بیست هشتم ۵۴ سے
عشر ۱۳۰۳۶ پنجاه هفتم ۲۷ بیست ششم
اُجُورَكُمْ سیم ۱۸۲
چهل هفتم ۳۸
اُجُورَهُمْ سیم ۵ چهارم
۱۵۱ ۱۷۲ سے پنجم ۲۷
اُجُورَهُنَّ چهارم ۲۹۰۲۸
پنجم ۷ سے سیم ۴۹ شصتم
۱۰ شصت پنجم ۶

اَجَلَ

اَجَلَكَ ششم ۱۲۸
اَجَلَكَ هفتاد و هفتم ۱۴
اَجَلٌ پنجم
بیست نهم ۳ ۳۵
وَاَجَلٌ ششم ۲۰
بیستم ۱۲۹
لِاَجَلٍ یازدهم ۲ سیزدهم ۲
سے پنجم ۱۴ سے نهم ۷
وَاَجَلٌ سیم ۷ چهل
و ششم ۳
اَجَلٌ بیست نهم ۴
هفتاد یکم ۴
اَجَلُكُمْ ششم ۲ هفتم
۱۰۱ چهل ۶۹
الاَجَلَ بیست ششم ۲۹
الاَجَلَیْنِ بیست ششم ۲۸
اَجَلُهَا شصتم ۱۱
اَجَلُهُمْ هفتم ۱۸۴۰۳۲
دهم ۵۰۱۲ شانزدهم
۶۳ سے و پنجم ۴۵
اَجَلَهُنَّ شصت پنجم ۴
اَجَلٌ دو ویم ۲۸۲
اَجَلَهُ دو ویم ۲۳۶
اَجَلَهَا یازدهم ۵

بیست سیم ۴۵
اَجَلْنَا ششم ۱۲۸
اَجَلَهُنَّ دو ویم ۲۳۲۰۲۳۴
۲۳۴ شصتم پنجم ۲
مُؤَجَّلًا سیم ۱۳۹
فَاَحْیُوا سے سیم ۳۲
لِاَحَدٍ سے هشتم ۳۴
نود و دو ویم ۱۹
اَحَدٌ دوازدهم ۴
اَحَدٌ هشتم ۷ نهم ۵۲
بیست هشتم ۲۷ سے پنجم ۴۰۰
لِاَحَدٍ هفتاد چهارم ۳۸
اَحَدُهُمَا دوازدهم ۳۶
اَحَدُكُمَا دوازدهم ۴۱
شانزدهم ۷۸ هفتادم
اَحَدُكُمْ دو ویم ۲۶۸
چهل و نهم ۱۲
اَحَدُهُمْ دو ویم ۹۰
شانزدهم ۶۰ چهل و
سیم ۱۶
اَحَدُهُمَا پنجم ۳۰
لِاَحَدِهِمَا هجدهم ۳۱
اَحَدُهُمْ سیم ۸۵
بیست چهارم ۶
اَحَدَنَا دوازدهم ۷۸
اَحَدُكُمْ دو ویم ۱۷۶
پنجم ۱۵ ششم ۱۶ هجدهم
۱۸ شصت سیم ۱۰
اَحَدَهُمْ چهارم ۲۲
بیست سیم ۱۰۱
اَحَدُهُمَا دو ویم ۲۸۲
بیست هشتم ۲۵ ۲۶۰
چهل نهم ۹
اَحَدُهُنَّ چهارم ۲۴
وَاَخَذَ هفتم ۱۴۹
یازدهم ۷۰
وَاَخَذْتُ یازدهم ۹۷
اَخَذْتُ سے پنجم ۲۴
وَاَخَذْتُ چهارم ۲۵
اَخَذَتْهُ هشتم ۶۹
وَاَخَذَهُمْ سیم ۷۵
لَاَخَذْنَا شصتم ۴۵
اَخَذْتُ دهم ۲۵
وَاَخَذْنَا چهارم ۱۵۳
هفتم ۵۰ سے سیم ۷
فَاَخَذَهُ هفتاد و نهم ۲۵
فَاَخَذَهُمْ سیم ۹ هشتم
۵۴ شانزدهم ۱۱۴
بیست ششم ۱۵۸
۱۸۹ بیست نهم
۱۳ چهلم ۲۲
۲۳ شصت نهم ۱۰
اَخَذْتُمْ دو ویم ۲۰۲

بیست نهم ۳۹
فَاَخَذَ یکم دو ویم ۵۲
اَخَذَتْهُمْ هفتم ۱۵۴
اَخَذْنَاهَا بیست دو ویم ۴۲
اَخَذْتُهُمْ سیزدهم ۳۲
بیست دو ویم ۴۳
فَاَخَذْنَاهُمْ چهلم ۵
فَاَخَذْنَاهُ بیست ششم ۴۰
پنجاه یکم ۴۰ هفتاد
سیم ۱۶
اَخَذْنَاهُمْ ششم ۴۴
بیست سیم ۷۸
فَاَخَذْنَاهُمْ ششم ۴۲
هفتم ۹۴۰۹۴ پنجاه
و چهارم ۴۲
وَاَخَذْنَاهُمْ چهل سیم ۴۲
بِاَخْذِ هجدهم ۷۸
وَیَاْخُذُهُمْ ۱۰۵
لِیَاْخُذَ دوازدهم ۷۶
یَاْخُذْ بیست سیم ۹۵
یَاْخُذُونَ هفتم ۱۶۸
یَاْخُذُوا هفتم ۱۴۲
وَلْیَاْخُذُوا چهارم ۱۰۳
مکرر
فَاْخُذُوا دو ویم ۲۲۹
چهارم ۲۴
فَخُذْ دوازدهم ۷۹
اَخَذَهُ بیستم ۳۹
فَیَاْخُذَكُمْ هفتم ۷۱
یازدهم ۷ بیست ششم
۱۵۶
فَاَخَذَتْهُمْ شانزدهم ۴۹ ۴۸
فَاَخَذَ دو ویم ۲۵۶
فَاَخَذْنَاهُمْ بیست چهارم ۲
فَاَخَذَهُمْ سے ششم ۴۹
فَاَخَذْنَاهَا چهل ششم ۱۹
فَاَخَذْنَاهُ هفتم ۱۶۸
لِیَاْخُذُوهُ چهل پنجم
وَاَخَذُوا چهارم ۲۵
لِیَاْخُذُوهُ چهارم ۲۴
فَاَخَذُوا چهل ششم ۳۰
لَنَاْخُذَنَّهَا چهل ششم ۱۵
خُذْ هشتم ۱۹۸ نهم
۱۰۴ نوزدهم ۱۳
خُذْ دو ویم ۲۶۲ هفتم
۱۴۱ دوازدهم ۷۸
وَخُذْ سے ششم ۴۳
خُذْهَا بیستم ۲۲
خُذْهَا هفتم ۱۴۲
خُذُوا دو ویم ۶۳
۸۷ چهارم ۷۳ هفتم
۲۹ ۰ ۱۷
وَخُذُوا چهارم ۱۰۳

خُذُوهُ چهل و چهارم
۴۷ شصت نهم ۳۰
فَخُذُوهُ پنجم ۴۵
پنجاه نهم ۷
فَخُذُوهُمْ چهارم ۹۳۰۹۱
وَخُذُوهُمْ نهم ۵
اُخِذَ هشتم ۷۱
اُخِذُوا سے سیم ۶۱
وَاُخِذُوا سے چهارم ۵
یُؤْخَذْ دو ویم ۴۵
پنجاه هفتم ۱۴
فَیُؤْخَذُ پنجاه و پنجم ۴۱
یُؤْخَذُ ششم ۶۹
هفتم ۱۶۸
یُؤَاخِذُ شانزدهم ۶۳
سے و پنجم ۴۴
یُؤَاخِذُكُمْ دو ویم ۲۲۵
مکرر پنجم ۹۱ مکرر
یُؤَاخِذُهُمْ هجدهم ۵۷
یُؤَاخِذُ هجدهم ۷۲
تُؤَاخِذْنَا دو ویم ۲۸۶
تُؤَاخِذْ هجدهم ۶۰
وَاَخَذَ چهارم ۱۲۴
هفتم ۱۴۳ هفدهم ۴۲
هجدهم ۶۲
اتَّخَذَتْ بیست نهم ۴۰
فَاتَّخَذَتْ نوزدهم ۱۷
اتَّخَذَتْ بیست ششم ۲۸
لَاتَّخَذْتَ هجدهم ۷۶
اتَّخَذْتُ بیست پنجم ۲۹
وَاتَّخَذُوا هجدهم ۵۴
۱۰۶ نوزدهم ۸۴
بیست پنجم ۳ سے ششم ۷۴
اتَّخَذْتُمْ دو ویم ۸۰۰۶۴۵۱
بیست نهم ۲۴
اتَّخَذْتُمْ دو ویم ۲۴
اَفَاتَّخَذْتُمْ سیزدهم ۱۷
اتَّخَذَهَا چهل پنجم ۸
اتَّخَذُوا هفتم ۱۴۷
اتَّخَذُوا پنجم ۶۳
لَاتَّخَذُوا هفدهم ۷۵
وَاتَّخِذُوا یازدهم ۹۴
تَتَّخِذُوا بیست ۱۱۲
اتَّخِذَا سے ششم ۶۳
لَاتَّخَذْنَاهُ بیست یکم ۱۷
نَتَّخِذَ دو ویم ۱۶ نهم ۹۹
وَنَتَّخِذُ نهم ۱۰۰
یَتَّخِذُ سیم ۵۲ نوزدهم ۴
۹۳ بیست پنجم ۵۹ سے
نهم ۶
لِتَتَّخِذُ چهل سیم ۳۱
وَتَتَّخِذُ سیم ۱۴۴

یَتَّخِذُ سیم ۲۷ چهارم
۱۱۸ هفدهم ۱۱۱ بیست
پنجم ۲
اتَّخَذْتُ ششم ۷۴
یَتَّخِذُ هجدهم ۸۵
اتَّخَذُوا ششم ۱۴
وَاتَّخِذُوا سے ششم ۲۲
اتَّخَذَ بیست پنجم ۳۰
لَاتَّخِذَنَّ چهارم ۱۱۸
یَتَّخِذُونَ چهارم ۱۳۸
یَتَّخِذُوا چهارم ۱۴۹
نهم ۱۶ هجدهم ۱۰۲
یَتَّخِذُونَ هفتم ۴ شانزدهم
۹ ۹۴۰
وَیَتَّخِذُونَ بیست ۱۲۹
یَتَّخِذُ بیست یکم ۱۷
بیست پنجم ۱۹
لَیَتَّخِذْنَ هجدهم ۲۰
وَیَتَّخِذُهَا سے یکم ۵۰
اتَّخَذْنَا دو ویم ۶۳
یَتَّخِذُونَكَ بیست یکم ۳۲
بیست پنجم ۴۳
یَتَّخِذُوا هفدهم ۴۳ مکرر
اَفَتَتَّخِذُونَهُ هجدهم ۴۸
تَتَّخِذُوا دوازدهم ۲۱
بیست و هشتم ۸
اتَّخِذِی شانزدهم ۷۰
وَاتَّخِذُوا دو ویم ۱۱۹
فَاتَّخِذُوا هفتاد سیم ۹
اتَّخِذُونِی پنجم ۱۱۶
فَاتَّخِذُوهُ سے پنجم ۶
اَخَذَ یازدهم ۱۰۴
اَخَذَ پنجاه و چهارم ۴۲
اَخَذَ هفتاد سیم ۱۶
وَاَخَذَهُمْ چهارم ۱۵۹
اَخَذَهُ یازدهم ۱۰۴
اَخَذَتْهُ شصت نهم ۱۰
اَخَذَ یازدهم ۵۹
اَخَذْنَ پنجاه یکم ۱۶
اَخَذْنَاهُمْ پنجم ۸۴
بِاَخْذِهِ دو ویم ۴۲
بِاتِّخَاذِكُمْ دو ویم ۵۱
مُتَّخِذِ هجدهم ۴۹
مُتَّخِذِی پنجم ۲
مُتَّخِذَاتِ چهارم ۲۹

اَخَرَ

وَآخَرُ هفتاد و پنجم ۱۳
وَآخَرُونَ هشتاد دو ویم ۵
اُخْرَى یازدهم ۱۱
اُخْرَى ۱۰
اُخْرَیَیْنِ هفدهم ۶۴
اُخْرَاهُمْ چهارم ۲۹
یُؤَخِّرُ شصت سیم ۱۱

باب الالف مع الدال والراء والسين

بُوخُوهم چهاردهم ٤٣
سَنأتونهم ٣٣ سی پنجم ٤٤
وَبُوخُوهم چهاردهم ١١
وَبُوخُوكم هفتاد و یکم ٤
بُوخُونَ یازدهم ١٠٦
أخرَجنا چهاردهم ٤٥
بُوخُوهم هفتاد یکم ٤
تأخّر سدوم ١٩٩
چهل هشتم ٢
بِأخرِهفتاد چهارم ٤٠
بَنأخرُونَ هفتم ٣٢
دهم ٥٠ پانزدهم ٥
شانزدهم ٣ سی و بیست سوم ٤
تَسأخرونَ سی چهارم ٩
واخرلسی هشتم ٥٨
الأخر دوازدهم ١٠٣ ٣
الأخر پنجم ٣٠
وآخر نهم ١٠٣

١١٩ . ١٢٩ پنجاه و ششم
١٤ . ٣٩ هفتاد هفتم ١٧
للآخرین چهل سیم ٥
والآخرین پنجاه و ششم
٤٩
وآخرنا پنجم ١١٤
آخر سیم ٦٥
الآخرة دوم ١٨ ششم
٣٢ هفتم ١٦٨ بیست و هشتم
٨٣ پنجاه و سیم
٢٥
وللآخرة هفدهم ٢٢
نوزدهم ٤
والآخرة چهارم ٧٩
هشتاد و هفتم ١٧
وبالآخرة دوم ٣
للآخرة نود و دوم ١٣
والآخرة بیست دوم ١١

باب الالف بعد الشین الی المیم

تأس پنجم ۲۹ ۰ ۷۲
تأسی هفتم ۹۱
تأسو پنجاه وهفتم ۲۳

اشر

پنجاه و چهارم ۲۵
الاشر پنجاه و چهارم ۲۶

مؤصدة

نود ۲۰۴ صد و چهارم ۸

اصروا

دوم ۶ ۲۸
اصری سیم ۵ ۷
اصرهم هفتم ۱۵۶

اصل

سی و هفتم ۶۲
اصلها چهاردهم ۲۹
اصولها پنجاه ونهم ۵
واصیلا بیست و نهم ۶
سی سیم ۴۱ چهل هشتم
۹ هفتاد و ششم ۲۵
والاصال هفتم ۲۰۴
سیزدهم ۱۶ بیست و چهارم
۳۶

اف

هفدهم ۲۴ بیست و یکم ۶۷
چهل و ششم ۱۶
بالانف
پنجاه و سیم ۷ هشتاد و یکم
۲۳
الافاذ چهل و یکم ۵۳
بافکون
هفتم ۱۱۴ بیست و ششم ۴۴
لتافکنا چهل و ششم ۲۱
افك پنجاه و یکم ۹
یؤفك چهلم ۶۵ پنجاه و
یکم ۹
یؤفکون پنجم ۷۹
نهم ۳۰ بیست و نهم ۶۱
سیام ۵۵ چهل و سیم ۸۷
شصت و سیم ۴
تؤفکون ششم ۹۵ دهم
۳۵ سی و پنجم ۳
چهلم ۶۴
افك بیست و چهارم ۱۲
بیست و پنجم ۵ سی و چهارم ۵۲
چهل و ششم ۱۰
بالافك بیست و چهارم ۱۲
ائفکا بیست نهم ۱۶
آئفکا سی و هفتم ۸۳
افکهم چهل و ششم ۲۷
افکهم سی و هفتم ۱۵۱
افاك بیست و ششم ۲۲۲
چهل و پنجم ۶

والمؤتفکة پنجاه و سیم ۵۳
والمؤتفکات شصت و نهم
والمؤتفکات نهم ۷۱

افل

ششم ۷۶ ۷۷
افلت ششم ۷۸
الافلین ششم ۷۶

افق

هفتاد و هفتم ۱۱

اکل

پنجم ۴
فاکلا بیستم ۱۱۹
لاکلوا پنجم ۷۰
~~فاکله دوازدهم ۱۳~~
اکله دوازدهم ۱۴
یاکل دهم ۲۵ بیست و سیم
۳۴ بیست و پنجم ۹۸
یاکل چهل و نهم ۱۲
فکیا کلا چهارم ۶
فاکلا دوازدهم ۳۶
سی و دوم ۲۷ سی و چهارم
۱۳ چهل و هشتم ۱۳
فیاکل دوازدهم ۴۱
تاکل هفتم ۲۱ یازدهم ۶۴
یاکلان پنجم ۷۹
یاکلون دوم ۹۶۱
۲۷۵ چهارم ۱۱ مکرر
بیست و یکم ۸ سی و ششم ۳۳
۷۲
لیاکلون نهم ۳۴ بیست و
پنجم ۲۲
وتاکلون چهل و هفتم ۱۳
یاکلوا یازدهم ۳
لیاکلوا سی و ششم ۳۵
تاکلن دوازدهم ۴۸
وتاکلون هشتادم ۲۰
تاکلوا دوم ۱۴۸
ستم ۲۵ چهارم ۲
۳۳ ششم ۱۱۹ مکرر
۱۲۱ بیست و چهارم ۶
لتاکلوا دوم ۴ ۱۸
شانزدهم ۱۴
تاکلا پنجم ۱۱۳
یاکله شصت و هم ۳۶
یاکلهن دوازدهم ۴۳
۴۶
ماکلته دوازدهم ۱۳
تاکلوا سیم ۱۲۹
تاکلوها چهارم ۵
اکلها شانزدهم ۷۱
یاکلها نوزدهم ۲۶
اکلا هفتم ۱۸

وکلا دوم ۳ ۳۵
فکلوا دوم ۵۵ پنجم ۹
ششم ۱۱۸ هشتم ۷۰
شانزدهم ۱۱۵ بیست و دوم
۳۷ ۰ ۲۶
وکلوا دوم ۳ ۱۸۰
پنجم ۹۰ هفتم ۲۹
بیست و هفتم ۱۵
فکلوه چهارم ۳
اکلا هشتاد و نهم ۲۰
واکلهم چهارم ۱۵۹
پنجم ۶۷ ۰ ۶۸
اکل سی و چهارم دوم ۳۵
الاکل سیزدهم ۴ اکلها سیزدهم
اکله ششم ۱۴۲
اکلها دوم ۲۶۷ چهاردهم
۳۰ هجدهم ۳۱
لاکلون سی و هفتم ۶۴
پنجاه و ششم ۵۲
لاکلون بیست و سیم ۲۰
اکالون پنجم ۴۲
ماکول صد و پنجم ۵

الا

نهم ۵
والا یازدهم ۹ ۴ دوازدهم
۰ ۳۳
التیا پنجاه دوم ۲۱
واللاتی چهارم ۱۹
۳۸
اللاتی سی دوم ۴
پنجاه هشتم ۲
واللاتی شصت و پنجم ۴

فبالذی

سیم ۱۸۰
کالذی دوم ۲۶۱
۲۶۶ ششم ۷ نهم ۷
سی و سیم ۱۹
للذی سیم ۹۰
للذی هشتم ۷۹ دوازدهم
۴۲ سی و سیم ۳۲
واللذان چهارم ۲۰
اللذین چهل و یکم ۲۹
بالذین سیم ۱۶۴
ششم ۱۰ نوزدهم ۷۱
بیست و یکم ۴۲ بیست و دوم
۷۱ سی و نهم ۳۷
فالذین سیم ۱۹۴
هفتم ۱۵۶ بیست و دوم ۲۰
۹ ۳ ۵ بیست و نهم ۴۶
چهل و یکم ۳۸
پنجاه و دوم ۴۲
پنجاه و هفتم ۷

کالذین سیم ۱۰۱ ۱۵۰
هشتم ۲۱ ۰ ۲۹ نهم ۷۰
سی سیم ۶۹ چهل و پنجم
۲۰ پنجاه و هفتم ۱۵
پنجاه و نهم ۱۹
للذین سیم ۶۱
والذین شصت و هفتم ۶
بالتی ششم ۱۵۳ شانزدهم
۱۲۶ بیست سیم ۹۸ بیست و دوم
۴۵ سی چهارم ۳۶
چهل و یکم ۳۴
کالتی شانزدهم ۹۴
للتی هفدهم ۹
والتی بیست و یکم ۹۱ سی و دهم
۴۳
اللاتی چهارم ۲۷ ج
۱۲۶ دوازدهم ۵۰
بیست و چهارم ۵۹
سی و سیم ۹ ۴ مکرر

الرا

دهم ۱ یازدهم ۱ دوازدهم
چهاردهم ۱ پانزدهم ۱

الف

هشتم ۶۴
فالف سیم ۹۸
والف هشتم ۶۰
الف هشتم ۶۴
یولف بیست و چهارم ۴۳
الف هشتم ۶۷
بالف نود و هفتم ۳
کالف بیست و دوم ۴۶
الف سی و هفتم ۴۷
بالف هشتم ۹
الف دوم ۹۰ بیست و نهم
۱۳ سی و دوم ۴ هفتادم
۴
الفا هشتم ۶۶
الفین هشتم ۶۷
الاف سیم ۱۲۰ ۰ ۱۲۱
الوف دوم ۲۴۴
لایلاف صد و ششم ۱
ایلافهم صد و ششم ۲
والمؤلفة نهم ۶۰
اوتکا سیم ۱۵۹

الم

دوم ۱ سیم ۱ بیست و نهم ۱
سیام ۱ سی و یکم ۱ سی و دوم ۱

یالمون

چهارم ۱۰۵
یالمون چهارم ۱۰۵ مکرر
الالیم پانزدهم ۵۰ الالیم
سی و هفتم ۳۷

الالهه دهم ۸۸ ۰ ۹۷
بیست و ششم ۲۰۱ پنجاه و
یکم ۳۷

المر

سیزدهم ۱
المص هفتم ۱ و اله
بیستم ۹۰ و اله
بیست و هفتم ۱ ۶۰ ۲
۶۳ ۰ ۶۴ ۰ ۶۵
اله بیست و هشتم ۳۸
چهلم ۳ ۹ صد و چهارم
۳
واله دوم ۱۲۲
الهتن پنجم ۱۱۶
شانزدهم ۵۳
الهة هفتم ۱۳۴
هفدهم ۴۲ بیست و یکم
۲۲ ۰ ۴۴
الالهة سی و هشتم ۴
والهتنا بیست و نهم ۴۵
الهکم شانزدهم ۲۳
هجدهم ۱۱۰ بیستم ۹۰
۹۸ بیست و یکم ۱۰۸
چهل و یکم ۵
فالهکم بیست و دوم ۳۵
والهکم دوم ۱۵۸
بیست و نهم ۴۵
الهك بیستم ۹۷
الهك دوم ۱۲۷
الهه بیست و پنجم ۴۵
چهل و پنجم ۲۲
الهکم سی و هفتم ۴
الهی نوزدهم ۴۷
ءالهتنا چهل سیم ۵۸
الهتهم یازدهم ۱۰۳
لالهتنا یازدهم ۵۳
۵۷ بیست و پنجم ۴۴
سی و هفتم ۳۶ چهل و ششم
۲۱
بالهتنا بیست و یکم ۶۰
۶۳
الهکم سی و هشتم ۵
الهتهم سی و هفتم ۸۹
فالهك هفتم ۱۲۴
المنکم بیست و یکم ۳۲
هم هشتاد و یکم ۲۲
فالله دوم ۱۰۲
چهارم ۱۳۴ ۰ ۱۴۰
نهم ۱۳ دوازدهم ۶۴
چهل و دوم ۷
آبا فقه هم ۶۶
نامهم دوازدهم ۷۳

۸۵ ۰ ۹۱ ۰ ۹۵
شانزدهم ۵۸ ۰ ۶۵
بیست و ششم ۹۷ سی و هفتم
۵۴
وتالله بیست و یکم ۵۸
والله ششم ۲۳
فلله ششم ۱۵۰ سیزدهم
۴۲ سی و پنجم ۱۱
چهل و پنجم ۳۵ پنجاه و سیم
۲۵ پنجاه و نهم ۷
یالوتکم سیم ۱۱۴
الاء هفتم ۶۷ ۰ ۷۲
لالی سیم ۱۵۲ سی و هفتم
۶۶
والی بیست و دوم ۴۷
والیك دوم ۲۸۵
شصتم ۴ مکرر
الیك نوزدهم ۲۵
بیست و هفتم ۲۳ بیست و
هشتم ۶
فالیه شانزدهم ۵۵
الیها هفتم ۱۸۹ نوزدهم
۱۷ سیام ۲۰ شصت و
دوم ۱۱
الیکا بیست و هشتم ۳۵
فالینا دهم ۴۷ چهلم ۷۷
والینا نوزدهم ۴۱
بیست و یکم ۹۳ پنجاهم ۴۳
الیهن دوازدهم ۳۱
۳۳
یولون دوم ۲۲۶
یالل بیست و چهارم ۲۳

الیاس

سی و هفتم ۱۲۳
والیاس ششم ۸۵
الیاسین سی و هفتم ۱۳۰

ام

سیم ۵ سیزدهم ۳۹
امه بیست و هشتم ۹۰۶
چهل و سیم ۳
امه ششم ۹۲ هفتم
۱۴۹ بیستم ۹۵
چهل و دوم ۵
وامهات چهارم ۲۷
امك نوزدهم ۲۹
امه سی و یکم ۱۳ چهل و
ششم ۱۴
فامه صد و یکم ۶
وامه پنجم ۷۹
امك بیستم ۳۸ ۰ ۴۱
امه بیست و هشتم ۱۲
فلامه چهارم ۱۲

[illegible]

واٰمرهم هشتادم ۳۵	سی دوم ۱۹ هشتاد ۵	چهل دوم ۱۴	هفتم ۵	امن دوم ۲۸۳	پنجم ۴۵
اوتهاابیت هشتم ۹ ۵	امنا بیستم ۱۰۶	امرت ششم ۱۴	الامور سیم ۱۸۳	افامن هفتم ۹۵	وتومنون چهل ۷
والحق پنجم ۱۱	الامد پنجاه و هفتم ۱۵	۱۴۳ سیزدهم ۳۶	بیست و دوم ۴۲	شانزدهم ۴۷	یومنوا دوم ۷۰
وامرهم پنجم ۱۹ بیست و	امداً سیم ۲۸ هجدهم	بیست هفتم ۹۳ سی	سی یکم ۱۶.۰ ۲۱	اوامن هفتم ۹۶	۲۲۰ ششم ۱۱۰.۲۵
سیم ۵۲	۱۱ هفتاد دوم ۲۶	نهم ۱۴	چهل دوم ۴۱	افامنوا هفتم ۹۷	هفتم ۱۴۳.۰۸
وامهاتکم چهارم ۲۷	امر دوم ۲۵ چهارم	وامرت دهم ۷۳	الامور نهم ۴۸	دوازدهم ۱۰۷	دهم ۸۸ هفدهم ۹۶
امهاتهم سی و سیم ۶	۱۱۳ هفتم ۲۸ دوازدهم	بیست ششم ۹۳ سی	امره هجدهم ۲ ۷	امنتم دوم ۱۹۲.۲۳۰	هجدهم ۵۳
پنجاه هشتم ۴	۴۰ سیزدهم ۲۵.۲۱	نهم ۱۴ چهل ۶۸	۸۱ بیست ۲۲.۳۲ ۱۲	هفدهم ۷۱ شصتم ۷۷	سی سیم ۱۹ هشتاد پنجم
امهاتکم شانزدهم ۸۰	نود ششم ۱۲	چهل دوم ۱۴	بیست هفتم ۹۴.۹۲	اامنتم شصت ۱۶	فتومنوا بیست دوم ۵۳
بیست چهارم ۶۰	وامروا بیست دوم ۴۲	امروا چهارم ۳	۲۲ چهل ۴۷	افامنتم هفدهم ۷۰	لتومنوا ششم ۱۱۱
سی سیم ۴ سی نهم	امرنا هفدهم ۱۱	نهم ۳۱ نود ششم ۴	امره هجدهم ۲۷	یامن هفتم ۹۲	هفتم ۹۹ دهم ۱۴
۸ پنجاه سیم ۳ ۳	امره هشتادم ۲۳	وامرنا ششم ۷۰	سی ششم ۸۲	ویامنوا چهارم ۹۳	۷۵
امهاتهم پنجاه هشتم ۲	امرنا هفتم ۲۷	تومرون یازدهم ۹۴	وامره دوم ۲۷۶	امنکم دوازدهم ۶۴	ولتومنوا دوم ۱۸۲
امه دوم ۱۲۸.۵۰ ۱۳	امرکم دوم ۲۲ ۲	سی هفتم ۱۰۲	امرنا دهم ۲۵ یازدهم	تامنه سیم ۷۵ مکرر	تومن دوم ۲۲۰
سیم ۱۰۰.۱۰۹ پنجم ۷	امرهم دوازدهم ۸۶	یومرون شانزدهم ۵۲	۸۴.۶۹.۴۲ ۱۰۶	تامنا دوازدهم ۱۱	۲۲۸
هفتم ۳۶.۱۵۹.۱۶۴	ششم ۶	شصت ششم ۶	۹۲ بیستم ۲۷	امنکم دوازدهم ۶۴	تومنون چهارم ۶۲
۱۰ شانزدهم ۹۴	امرتم پنجم ۱۱۷	تومرون دوم ۶۳	پنجاه چهارم ۵۰	یامنوکم چهارم ۹۳	بیست چهارم ۲
امم ششم ۳۸	امر نهم بیست چهارم ۵۲	یازدهم ۵ ۶	امرکم دوم ۷۲	فامن بیست نهم ۲۵	پنجاه هفتم ۸ شصتم
سیزدهم ۲۹ بیست نهم ۴	امرتک هفتم ۱۱	یامرون بیستم ۱۹	امرهم ششم ۱۶۰	چهل ششم ۹	۱۱ شصت نهم ۴۱
ولکل امه یازدهم ۵۰	بامرهم هفتم ۲۷ شانزدهم	وامروا شصت پنجم ۶	وامرهم چهل دوم ۳۶	الامن دهم ۹۹	وتومنون سیم ۱۰۶
امم ششم ۴۲	۹۲.۷۸ نوزدهم ۵۶	امره چهارم ۵ نهم ۴	امره پنجم ۹۶	والامن نوزدهم ۸۱	۱۱۵
هشتم ۶۳ یازدهم ۵	بیست چهارم ۵	امرنا یازدهم ۸۸	دوازدهم ۲۱ شانزدهم	سیم ۸۳ بیست پنجم	افتومنون دوم ۷۹
شانزدهم ۶۵	یامرون بیست ۳۳	۱۰۳ شانزدهم ۱	۲	بیست هشتم ۶۷	لتومنوا سیم ۱۳
چهل یکم ۴ چهل هشتم	یامرون سیم ۲۰	۷۹.۳۵ سیم ۲۰	بیست چهارم ۳ ۴۳	امنت ششم ۱۵۹	هفدهم ۱۰۸ چهل ۱۲
۱۷	نهم ۶۸ ۷۲	۳۸.۳۲ چهل ۷	چهل یکم شصت پنجم ۳	دهم ۹۰ ۹۸ بیست یکم	چهل چهارم ۲۰
الامر سی پنجم ۴۰	وبامرون سیم ۱۰۰	پنجاه هفتم ۱۳	امرها شصت پنجم ۹ مکرر	فامنت شصت پنجم ۱۴	چهل هفتم ۳۸ چهل
امرا هفتم ۱۶۷.۱۰۶	۱۱۰ چهارم ۴۱	شصت پنجم ۵	امرنا سیم ۱۴۱	امن دهم ۹۰ سیم	نهم ۱۴ شصتم ۴۰۱
اختلکم بیست یکم ۹۲	پنجاه هفتم ۲۴	امره چهارم ۸۵	هجدهم ۸۲.۷۹ سی چهارم	ششم ۲۴ چهل دوم ۱۴	لیومنوا چهل هشتم ۹
امین پنجم ۲	تامرون سیم ۱۰۶	والامرهم هفتم ۵۲	۱۱ چهل دوم ۵۲	فامنوا سی هفتم ۱۴۸	پنجاه هفتم ۸
افامن هفتادم ۵	هفتم ۱۰۷ بیست ششم	بیست هفتم ۳۳	یامرنا بیست یکم ۷۳	وامنوا پنجم ۹ مکرر	تومن دوم ۸۵
امامه سی ششم ۱۱	۴۳	هشتاد دوم ۱۹	سی دوم ۲۴	هفتم ۱۵۲ چهل هفتم ۳	چهارم ۱۴۹ پنجم ۷۷
امام پانزدهم ۷۹	تامرون دوم ۴۱	امرهم هفتم ۵ ۷	امرکم هجدهم ۱۵	امنتم دوم ۱۳۱	یومنون دوم ۱۲
اماما دوم ۱۱۸	یامرکم دوم ۱۶۸	یازدهم ۴۵ ۷۶	امرهم هجدهم ۲۰	هفتم ۱۲۰.۷۴ ششم	بیست سیم ۴۹
یازدهم ۲۰ بیست پنجم	۱۶۴.۰۸۷ چهارم	سیزدهم ۱۲ هفدهم	سی سیم ۳۶ پنجاه	۴۲ دهم ۵۳ ۸	بیست ششم ۱۱۱
۷۴	تامرکم سیم ۷۴	۸۷ هجدهم ۴۸	نهم ۱۵ شصت چهارم ۵	بیست ششم ۴۸	یومن دوم ۵۲
چهل ششم ۱۱	وتامرکم دوم ۲۷۱	چهل نهم ۹ پنجاه یکم	بامرهم دوازدهم ۱۵	فامنتم بیستم ۷۴	سیم ۹ ۱۷ ششم ۱۲۴
امه نهم ۱۲	یامرهم هفتم ۱۵۶	۴۴ شصت ۸	امرها چهل یکم ۱۱	وامنتم چهارم ۱۴	نهم ۹۵ هفدهم ۹۲
امته بیست یکم ۷۳	یامرکم سیم ۲۴	باتمر نوزدهم ۶۵	بیستم ۱۵	پنجم ۱۵	۹۵ سی چهارم ۴
بیست هشتم ۱۰۴.۴۱	تامرک یازدهم ۸۹	چهل ششم ۲۴	امرنا نهم ۵۰	فامنا سیم ۱۹۰	لیومنن چهارم ۱۵۷
سی دوم ۲۴	تامرنا بیست یکم ۶۱	لامرهم ۱۰۷	امرکم دهم ۷۲	هفتاد دوم ۲	لیومنن ششم ۱۰۹
باماهم هفدهم ۷۳	تامرهم پنجاه دوم	امرهم هفتم ۱۴۹	امرهم دوازدهم ۱۰۳	وامنهم شصت ششم ۴	لیومنن سیم ۷۵
الامه هفتم ۱۵۸	۳۲	یازدهم ۶۲ ۹۹	هجدهم ۲۰ بیستم ۶۵	یومن نهم ۶۱	لیومنن هفتم ۱۳۱
الامی هفتم ۱۵۶	امره دوازدهم	بیست ششم ۱۵۱	بیست یکم ۹۳	یومن یازدهم ۳۸	امن چهل ششم ۱۶
امنون دوم ۷۳	۳۲	الامر سیم ۱۴۸	بیستم ۵۵	یومن بیستم ۱۲۷	امنوا دوم ۸۵.۶۲
الامنین سیم ۶۹	تامرون سی نهم ۶۴	دهم ۳۰۳ سیزدهم ۲	امرا هجدهم ۷۰	چهل ششم ۱۳ شصت	سیم ۶۵.۱۰۶ چهارم
نشعت دوم ۲	ویامرون سی چهارم ۳۲	یازدهم ۶۶ بیست سیم	الامرون نهم ۱۱۳	چهارم ۱۰۹ شصت پنجم	۱۳۵.۵۰ پنجم ۱۱۱
والامنین سیم ۱۹	وامرهم چهارم ۱۱۸	۴۴ سی دوم ۴	لامارة دوازدهم ۵۳	۱۱ هفتاد دوم ۱۳	نهم ۸۲ هفدهم ۱۰۸
اماما ششم ۱۴۴	وامر هفتم ۱۴۲	الامور دوم ۲۰۶	بالامین دهم ۲۵ بیستم	فلیومن هجدهم ۲۸	پنجاه هفتم ۷
۱۲۵ شعراء ۳۱	۱۹۸ بیستم ۱۳۲	سیم ۵۰ ۴ هشتم ۲۶	۸۲.۱۸.۱۷	لیومن دوم ۲۵۷	فامنوا سیم ۱۷۴
[illegible]	سی یکم ۱۶	بیست دوم ۷۵	الاماً پانزدهم ۳	یومن دهم ۱۰۰	چهارم ۱۶۹.۱۶۸
[illegible]	امرتک یازدهم ۱۱۳	سی پنجم چهل دوم ۳ ۵ پنجاه و	املا هجدهم ۴۴	یومن دوم ۲۶۲	هفتم ۱۵۸ شصت چهارم ۸

[illegible]

وامنوا

باب الالف بعد المیم والنون

وایمانا دوم ۳۸	پنجاه و نهم ۱۰	۱۴۳ بیست سیم ۴۰	چهل و یکم ۳۹ هفتاد	انی ششم ۶۲ یازدهم	ویمم ۲ انتم سوم ۲ ۲
چهل و ششم ۳۰	للایمان سیم ۱۶۰ ۱	بالمؤمنین پنجم ۴۷	و سیم ۲۵	۲ بیستم ۱۴ ۸۰ ۴	انتم بیست و یکم ۵۱
پنجاه و هفتم ۴۸	۱۹۰ چهارم ۷	نهم ۱۲۹ بیست چهارم	کانک هفتم ۱۸۷	چهل و یکم ۳۳ چهل و	بکانتم پنجاه نهم ۱۳
أو أمن دوم ۲۸۳	ایمانا سیم ۱۶۷	۴۶ سی و سیم ۲۰۶	وانک بستم ۱۱۲	سیم ۲۵	انفی سیم ۳۱
الامن ششم ۲ ۸	هشتم ۲ نهم ۱۲۵ کر	هشتاد و یکم ۷	بانه چهلم ۱۲ شصت و	وانتم ششم ۱۹	۱۹۲ چهارم ۱۲۳
الامن چهارم ۵ ۸	سی و سیم ۲۲ چهار و	والمؤمنین هشتم ۶۴	چهارم ۶	انک دوازدهم ۹۰	سیزدهم ۹ شانزدهم
بالامن ششم ۸۱	هشتم ۴ هفتاد و چهار	والمؤمنین چهار دهم	وانه هشتم ۴۴ بیست	سی و هفتم ۵۰	۹۹ سی و پنجم ۱۲
امنا بیست و چهارم ۵۴	۳۱	۴۲ چهل و هفتم ۲۱	و دوم ۶ پنجاه و سیم	وانک دوم ۲۵۳	چهلم ۴۳ چهل و یکم
وامنا دوم ۱۱۹	الایمان چهارم ۷	شصتم ۸ هفتاد و	۴۴ ۵۰ ۴۵ ۶۰ ۴۶	یازدهم ۸۱ بیست سیم	۴۷
امنا دوم ۱۲۰ سیم	پنجاه و هشتم ۴۲	یکم ۲۹	۴۹ ۵۰ ۵۱	۷۵ بیست هفتم ۶	وانثی چهل و نهم ۱۳
۹۱ چهارم ۸ ۳	والایمان سوم ۵۶	والمؤمنین سی سیم ۳۵	هفتادم ۳ ۴	چهل و دوم ۵۲ شصت	الانثی پنجاه و سیم ۲۱
بیست و هشتم ۵۷	پنجاه و نهم ۹	مؤمنة دوم ۲۲۰	۶ ۱۹	و هشتم ۴	۲۸ ۱۰
بیست نهم ۶۷	ایمانها ششم ۱۵۹	مؤمنة چهارم ۹۲ ق	فانه ششم ۴۵ بیست و	انک دوازدهم ۲۹	بالانثی دوم ۱۷۳ ۱
چهل و یکم ۴۰	دهم ۹۸	سی و سیم ۳۶	دوم ۴	فانها پنجم ۲۹	شانزدهم ۶۰
امنون بیست هفتم ۹۱	ایمانکم دوم ۸ ۷	مؤمنة سی و سیم ۳۶	کانه هفتم ۱۷ بیست	بیست دوم ۳۳	کالانثی سیم ۳۱
سی و چهارم ۳۶	ایمانهم بیست دوم ۲۹	مؤمنات چهل و هشتم ۲۹	هفتم ۴۲ سی و هفتم	۴۵	والانثی دوم ۱۷۳ ۱
امینن دوازدهم ۱۰	چهلم ۵۱	۲۵/۴/۲	۴۳ چهل و یکم ۳۴	وانها دوم ۴۲	پنجاه و سیم ۴۶
یازدهم ۴۶ ۲۰ ۸	ایمانه شانزدهم ۱۰۸	المؤمنات شصتم ۱۰	هفتاد و هفتم ۳ ۳	یازدهم ۷۶	هفتاد و پنجم ۳۹ نود
بیست ششم ۴۶ ۱	ایمانها ششم ۱۵۹	والمؤمنات نهم ۷۲	انها ششم ۱۰۹	انهما سی و هفتم ۱۲۲	و دوم ۳
سی چهارم ۱۷ چهل	ایمانکم دوم ۱۰۳	بیست و چهارم ۱۲	هشتم ۷ بیستم ۶۹	وانها یازدهم ۷۹	الانثیین چهارم ۱۲
و چهارم ۵۵ چهار	ستم ۹۵ ۱۰۲	مؤمنات شصتم ۱۰	چهل و دوم ۱۷	انا سیم ۱۴ ۱۹۰	۱۲۵ ۱
هشتم ۲۲ ۳۱	نهم ۶۷	شصت و ششم ۵	کانها بیست چهارم ۳۵	بیستم ۴۲ چهل و یکم	ششم ۴۳ ۴۴
الامین بیست و هشتم	بایمانکم چهارم ۲۹	المؤمنات چهارم ۲۹ مکرر	بیست هفتم ۱ بیست و	سی و سیم ۴۸	اناثا چهارم ۱۱۷ و
امینکم شانزدهم ۱۱۳	ایمانهم سیم ۸۰	پنجم ۷ بیست و چهارم	هشتم ۳۱	ولنا یازدهم ۶۵	هفدهم ۴۲ سی و هفتم
امین هفتم ۶۶	۶۴ چهل و هشتم ۴	۳۳ سی و سیم ۲۸	انهما پنجم ۱۰۶	انکم ششم ۱۹	۱۵۰ چهل و دوم ۴۸
دوازدهم ۵۴ بیست و	بایمانهم دهم ۹	المؤمنات بیست و چهار	پنجاه و نهم ۱۷	بیست و هفتم ۶۵	چهل و سیم ۱۸
ششم ۱۰۷	بایمانهن شصتم ۱۰	۳۱ و ۳۰	اناه سیم ۴۵ ۵۷	بیست و نهم ۸ ۲	واناثا چهل و دوم ۴۹
۱۲۵ ۱۴۳ ۱۶۲	ایمانها چهلم ۲۹	والمؤمنات نهم ۷۳	وانا هفتاد دوم ۵	چهل و یکم ۸	الانس بیست و هشتم ۳۹
۱۷۸ بیست هفتم ۳۹	ایمانکم دوم ۱۳۸	سی و سیم ۳۵ ۵۸	۹ ۱۰ ۱۰۰ ۱۱ ۱۲	فانکم پنجم ۲۶ سی و هفتم	انس بیستم ۹
چهل چهارم ۱۷	ایمانهم ششم ۸۲	۷۳ چهل و هفتم ۳۱	۳۰ ۱۴	۱۶۱	بیست و هفتم ۷
الامین بیستم ۱۹۳	المؤمن پنجاه و نهم ۲۳	چهل و هشتم ۵ پنجاه	انا ششم ۱۱	وانک هفتم ۱۱۱	بیست و هشتم ۲۹
بیست و هشتم ۳ ۶	مؤمن نهم ۱۰	و هفتم ۱۲ هفتاد و یکم	بانا پنجم ۱۱۱	بیست و ششم ۴۱	انستم چهارم ۵
امین چهل و چهارم	بمؤمن دوازدهم ۱۷	۲۹ هشتاد و نهم ۱۰	بانکم چهل و پنجم ۳۴	سی و هفتم ۱۳۷	تستانسوا بیست چهارم ۲۷
۵۱ هشتاد و یکم ۲۱	المؤمن چهارم ۹۴	مأمونه هفتاد ۲۸	وانکم بیستم ۱۱۲	انهن چهاردهم ۹ ۳	انس پنجاه و پنجم
الامین نود پنجم ۳	بمؤمنین سیم ۳۶	مأمنه نهم ۶	وانهم دوم ۴۳ پنجم	وانما سیم ۱۸۲	۳۹ ۵۶ ۷۴
امینا بستم ۱۴۸	مؤمنا چهارم ۹۲ م	ولامنهم دوم ۲۰ ۲۲	۸۵ شانزدهم ۶۴	بیست و نهم ۴۹	الانس هفدهم ۹۰
هشتم ۱۱	سی دوم ۸ هفتاد	وامانکم بیست چهارم	بیست و ششم ۲۲	شصت و هفتم ۶ ۲	هفتاد و دوم ۵
الامانة سی و سیم ۷۲	یکم ۲۹	۳۲	هفتاد دوم ۷	فانما سیم ۸۱	الانس ششم ۱۱۲
الامانات چهارم ۶۱	مؤمنین چهلم ۷۹	یأمن دوم ۱۸۵	کانهن سی و هفتم ۴۷	فانت پنجم ۱۱۶ بیست و	۱۲۸ م هفتاد و دوم
امانته دوم ۲۸۳	مؤمنون پنجم ۹۰	نهم ۸۸ ۹۴	پنجاه و پنجم ۵۸	یکم ۴۳	والانس ششم ۱۳۰
لامانتهم بیستم ۸	هفتم ۷۳ سی و چهارم	کان چهارم ۷۵	کانما ششم ۱۲۵	فانت هشتادم ۶	هفتم ۳۶ ۱۷۸
هفتادم ۳۲	۳۰ چهل و چهارم	هفتم ۹۰ دهم ۱۳	هشتم دهم ۸ مکرر	۱۰	بیست و هفتم ۱۷
امانا تکم هشتم ۲۷	۱۱ چهل و هشتم ۴۵	۲۵ ۶۲ یازدهم	فکانما پنجم ۳۵	افانت دهم ۴۲ ۴۳	چهل و یکم ۲۵ ۲۹
الایمان چهل و دوم	شصتم ۱۱	۷۱ ۹۸ سی و یکم ۴	بیست دوم ۳۲	بیست پنجم ۴۵ سی و	چهل و ششم ۱۷ پنجاه
۵۲ چهل و نهم ۱۴	والمؤمنون دوم ۲۸۵	چهل پنجم ۷	اون سی و ششم ۱۸	نهم ۲۰ چهل و سیم ۳۹	و پنجم ۳۳
بایمان پنجاه و دوم ۲۱	چهارم ۱۶ ام نهم ۷۲	لانی سی و نهم ۱۴	انی سیم ۱۳۸	لانت یازدهم ۹ ۸	والانس پنجاه و یکم
الایمان نهم ۲۳	۱۰۰ چهل و هشتم ۱۲	فانی هشتم ۴۲ نهم	بیست یکم ۳۵	دوازدهم ۹۰	انسانا هفدهم ۱۴
چهل ۱۰ چهل و نهم ۱۱	هفتاد و چهارم ۳۲	۶۴	انی بیست ششم ۴۰	انفا بیست ششم ۳۵	سی و دوم چهل و یکم
بالایمان دوم ۱۰۲	بمؤمنین دوم ۷	کانی سی و یکم ۶	فانی دوم ۱۸۲	انتم دوم ۱۳۴	۵۱ هفتاد و ششم ۱
سیم ۱۷۱ پنجم ۷	هفتم ۱۲۹ دهم ۷۹	وانی دوم ۴۴	پنجم ۱۱۵ یازدهم ۳	بیست پنجم ۱۸ پنجاه	الانسان هفدهم
شانزدهم ۱۰۸	یازدهم ۶ ۵ دوازدهم	۱۶	هفدهم ۶ و بیست هفتم ۱۱	ششم ۵۹ ۶۲	للانسان دوازدهم ۵
		انک یازدهم ۹۷	پنجاه و دوم ۳۱	۶۸ ۷۱ هفتاد	هفدهم ۵۵

بیست و پنجم ۱۳
پنجاه و سیم ۲۲ . ۴۰
پنجاه و نهم ۱۶
اناسی هفتم ۸۰
بیست و هفتم ۵۷
اناس دوم ۵۷
هفتم و هفدهم ۷۳
و اناسی بیست و پنجم ۵۱
انسیا نوزدهم ۲۷
مستانسین سیم
۵۳
یا الانف پنجم ۴۹
والانف پنجم ۴۹
انا چهل و هفتم ۱۸
للانام پنجاه و نهم ۹
یان پنجاه و هفتم ۱۵
ان پنجاه و پنجم ۴۴
اسن هشتاد و هشتم ۵
اناء بیستم ۱۳۰
اناء سیم ۱۰۹
سی و نهم ۱۲
اناه سی و سیم ۵۳
یا بیته هفتاد و ششم ۱۵
وانی سی و چهارم ۵۱
هشتاد و نهم ۲۴
واهل هفتاد و چهارم
۵۵
لاهل نهم ۱۲۱
اهلی یازدهم ۴۷
بیستم ۳۰
و اهلی بیست ششم ۱۶۹
اهله دوم ۱۹۲
اهلها چهارم ۷۷
دهم ۲۵
و اهلها ششم ۱۳۱
یازدهم ۱۱۹ بیست و
هشتم ۵۹
اهلک سیم ۱۱۲
یازدهم ۴۸
یا اهلک یازدهم ۸۳
دوازدهم ۲۵ یازدهم
۶۵
اهله دوم ۲۱۴
چهارم ۳۹ . ۹۴ م
بیست و هفتم ۵۰ پنجاه و یکم
۲۶ هفتاد و پنجم ۳۳
هشتاد و چهارم ۱۳۹
یا اهل بیت هم ۲۹
سی و پنجم ۴۱
لاهله بیستم ۹
بیست و هفتم ۷

بیست و هشتم ۹ ۲
اهلها چهارم ۳۹
۱۶ هفتم ۹۸ دوازدهم
۲۶ نوزدهم ۱۶
بیست و چهارم ۲۷
بیست و هفتم ۳۴
بیست و هشتم ۱۴
اهلنا پنجاه و دوم
۲۶
یا اهلکم دوازدهم ۹۳
اهلهم دوازدهم ۶۲
سی و ششم ۵۰
هشتاد و یکم ۳۱
اهلهن چهارم ۲۹
اهلک بیستم ۱۳۲
و اهلک بیست و نهم
۳۲
اهله دوم ۱۲۰
هفتم ۸۱ نوزدهم ۵۶
بیست و یکم ۸۴
سی و هشتم ۴۴
و اهله بیست یکم ۷۶
بیست و ششم ۱۷۰
بیست و هفتم ۵۰ . ۵۸
بیست و نهم ۳۱
سی و هفتم ۷۴ . ۱۳۴
اهلها هفتم ۹۲
۱۲۰ هجدهم ۷۰
۷۶ بیست و هشتم ۳
بیست و نهم ۳
و اهلها چهل و ششم ۲۶
اهلنا دوازدهم ۶۵
و اهلنا دوازدهم ۸۸
و اهلونا چهل و هشتم ۱۱
اهلیکم پنجم ۹۱
و اهلیکم شصت و ششم ۶
اهلیهم چهل و هشتم ۱۲
و اهلیهم سی و هشتم ۱۲
چهل و دوم ۴۴
ای بی سی و چهارم ۱۰
ابابهم هفتاد و ششم
۲۵
اواب سی و هشتم ۱۶
۱۸ . ۲۹ . ۴۴
اواب پنجاهم ۳۱
للاوابین هفدهم ۲۷
مآب سیزدهم ۲۸
سی و هشتم ۲۴ . ۳۹ . ۴۹
۵۵ المآب سیم ۱۳
مآبا هفتاد و هشتم
۲۲ . ۹

توده دوم ۲۵۶
آل دوم ۲۴۶
بیست و هشتم ۷
و آل دوم ۲۴۹
آل دوم ۶۴ سیم
۹ هفتم ۱۳۷ هشتم
۵۴ دوازدهم ۶
چهاردهم ۶ نوزدهم ۶
چهلم ۲۹
یا آل چهلم ۴۸
و آل سیم ۳۰
اول ششم ۱۶۳
هفتم ۱۲۰ چهل و سیم ۸۱
الاول پنجاه و هفتم ۳
اول نهم ۱۰۹
لاول پنجاه و نهم ۲
الاول پنجاهم ۱۴
الاولون نهم ۱۵۱
هفدهم ۱۶ بیست یکم
۵ بیست و سیم ۸۳ سی
و هفتم ۱۷ پنجاه ششم
۴۸
و الاولین هفتاد و هفتم
۳۸
و الاولی پنجاه و سیم ۲۵
هفتاد و نهم ۲۵
نود و دوم ۱۳
لاولنا پنجم ۱۱۴
اولیهما هفدهم ۵
اولیهم هفتم ۳۷
لاولیهم هفتم ۳۶
و اولو سیم ۱۶ هشتم
۷۶ بیست و هفتم ۳۳
سی و سیم ۶
لاولی سیم ۱۱ . ۱۸۷
دوازدهم ۱۱۱ بیستم
۵۸ . ۱۲۸ بیست و چهارم
۴۴ سی و هشتم
۴۲ سی و نهم ۲۲
چهلم ۵۶
و اولی چهارم ۲
و اولات شصت و پنجم ۴
اولات سیم ۱۱۵
بیستم ۸۶
اولکم پنجاه و چهارم
۴۳
و ازلکم چهارم ۳ ۹
تاویل دوازدهم هجدهم ۸۱
تاویل دوازدهم ۶
۲۱ . ۱۰۲
بتاویل دوازدهم ۴۴

هجدهم ۷۷
تاویلا چهارم ۶۳
هفدهم ۳۷
تاویله هفتم ۱۵ دهم
۴
تاویله سیم ۵
بتاویله دوازدهم ۳۶
۳۷ . ۴۵
تاویله سیم هفتم ۵۱
الآن دوم ۶۶
چهارم ۲۲ هشتم ۶۷
دهم ۵۲ . ۹۱ دوازدهم
۵۱ هفتاد و دوم ۹
فالآن دوم ۱۸۳
اواه یازدهم ۷۲
لاواه نهم ۱۱۵
اوی هجدهم ۹
اوینا هجدهم ۲
اوی یازدهم ۸۲
فاوی هجدهم ۱۵
اوی دوازدهم ۶۹
۱۰۰
فاووا نوزدهم ۶
اووا هشتم ۷۲ . ۷۵
وتووی سی سیم ۵۱
فاوکم هشتم ۲۶
و اوینا هما بیستم
۵۲
توویه هفتادم ۱۳
الماوی سی و دوم ۱۹
پنجاه و سیم ۱۵ هفتاد و
نهم ۳۹ . ۴۱
و ماویه سیم ۶ ۵ ۱
نهم ۷۶ هشتم ۱۶
ماویکم پنجاه و هفتم ۱۴
و ماویکم بیست و نهم
۲۲ چهل و پنجم ۳۳
ماویهم سیم ۱۹۶
چهارم ۹۹ . ۱۲۰
دهم ۸ هفدهم ۹۹
فماویهم سی و دوم ۲۰
فماویهم سیم ۱۴۴
نهم ۷۴ . ۹ سیزدهم
۱۸ بیست و چهارم ۵۶
شصت و ششم ۹
[illegible]
ابن دوم ۱۱۲
سیم ۱۱ ششم ۳۷ . ۹۰ . ۱۲۴
دهم ۲۱ سیزدهم ۸
۲۷ سی و چهارم ۱۴
و آنه سی و ششم ۳۳

۳۷ . ۴۱
ابه دوم ۲۴۹
هفدهم ۱۳ ۲
و ابنه پنجم ۱۱۴
لابنه هفتاد و دوم ۲۰
ابنتی هفدهم ۱۳
الآیات سیم ۵ . ۹۱
دوازدهم ۷ بیست و دوم
۴۸ . ۶۹ چهل و پنجم
۳ . ۶۰ پنجاه و یکم ۲۰
الآیات ششم ۱۰۹
دهم ۱۱ بیست و نهم ۴۹
یا الآیات هفدهم ۶
ابنک سیم ۳۶
نوزدهم ۱۱
الابی ششم ۱۳۰
هفتم ۳۳ . ۱۴۳
هجدهم ۵۴ . ۱۰۶
بیست یکم ۳۸ بیست و
۶۸ . ۷۰ . ۱ سی و نهم
سی و نهم ۶۰ چهل و
پنجم ۳۰
ابائی هشتم ۲ یازدهم
چهل و یکم ۴۴ . ۳
یا ابانا دوم ۳۸
پنجم ۴۸ بیستم ۴۲
بیست و هشتم ۸ ۶
ابابک دوم ۱۲۳
بیستم ۴۲ بیست و
هشتم ۴۷
یا ابانا ششم ۲۱
۱۱۸ هفتم ۳۵ دهم
۱۸
و ابانهم ۶ چهل و
پنجم ۵۰
ابانها بیست و یکم ۳۳
لابانیا هفتاد و چهارم
۱۶
ای دهم ۵۴
ای ششم ۱۹ ۱۱
نوزدهم ۷۴
فای ششم ۸۱
ای هشتادم ۱۷
هشتاد و دوم ۸
بای سی و یکم ۳۴
هفتاد و یکم ۹
لای هفتاد و ششم ۱۲
ای بیست و ششم ۲۲۸
فای چهلم ۸۱ ۱۳
انما بیستم
۷۴

انکم نهم ۱۲۵
یازدهم ۹ بیست و هفتم
۳۸ شصت و هفتم ۲
ابهم سیم ۳۴
چهارم ۱۲ هفدهم
۵۹ هجدهم ۶۲
نوزدهم ۷ شصت
و هشتم ۴۰
بانکم شصت و هشتم
انها دوازدهم ۷۰
هشتاد و نهم ۲۲
ایما بیست و هشتم ۲۸
ابتر بیست و چهارم
۳۱ چهل و یکم ۳۸
پنجاه و پنجم ۳۱
فبای شانزدهم ۵۳
بیست و نهم ۶
و ابای دوم ۳۸
هفتم ۱۵۳
اباک اول ۴
و اباک اول ۴
اباه دوم ۱۶۲
ششم ۴۱ نهم ۱۱۵
دوازدهم ۴ شانزدهم
۱۱۵ هفدهم ۲۴
۶ چهل و یکم ۳۲
ابانا دهم ۲۹ بیست
و هشتم ۶۳
اباکم سی و چهارم ۲۲
۳۹
و اباکم چهارم ۱۳۰
هفدهم ۳۳ بیست و
نهم ۶ شصتم ۱
و ابانهم ششم ۱۵۲
ایوب سی و ششم ۴۰
و ایوب چهارم ۱۶۱
ششم ۸۴ بیست یکم
۸۳
فابد المتحنه یکم ۱۴
۱۱
ابدک ششم ۶۴
و ابدک نهم ۴۰
و ابدکم هشتم ۲۶
و ابدهم پنجاه و هشتم
۲۲
ابدالک پنجم ۱۰۹
و ابدناه دوم ۸۱
۲۵۴
الاکبر یازدهم ۷۸
بیست و ششم ۱۷۶
سی و ششم ۱۲ پنجاهم ۱۳

بابُ البَاءِ بعد الالف

ابرئ چهل وسه ۲۹	بشیرهم نهم ۲۱	بازدهم ۲	والابصار دهم ۳۲	بطشتم بیست وششم ۱۱۳	بیستم ۲۱
تبرءون چهل وسه ۷۹	نبشرون پانزدهم ۵۴	البشر دوازدهم ۹۶	شانزدهم ۸۰ سی ودوم ۸	نبطش بیستم ۱۸	بطونها دوم ۱۶۹
برهان چهارم ۱۷۴	نبشرک نوزدهم ۵۳	تبشیر پنجم ۲۲	شصت ۲۳ بیستم ۸۰	بطشون هفتم ۱۹۴	چهارم ۱۱ بیستم ۲۱
برهانی دوازدهم ۲۴	نوزدهم ۷	تبشیراً دوم ۱۱۳ سی وچهارم ۲۷	تبصرک پنجاهم ۲۱	بطش چهل وچهارم ۱۵	والباطن هفتادم ۳
بیستم ۱۱۷	بشرنا چهارم ۱۳۲	سی ونهم ۲۲ چهل ویکم ۳	تبصرن چهل وپنجم ۲۲	بطش هشتاد وپنجم ۱۲	بالمنبر پنجاه وهفتم ۱۳
برهانان بیستم ۳۲	مبشر سی ونهم ۱۹	مبشراً هفدهم ۱۰۶	ابصارها هفتاد ونهم ۹۰	بطشا چهل وسوم ۷	وبالمنبر ششم ۱۳۰
برهانکم دوم ۱۰۵	مبشر سی ویکم سی وششم	بیست پنجم ۵۸	ابصارنا یازدهم ۱۵	پنجاهم ۳۵	والمنبر سی ویکم ۱۹
بیستم ۴۲ بیست وهفتم	۱۰ چهل وپنجم	ومبشر سی ام ۷	ابصارکم چهل ویکم ۳۱	البطشة چهل وچهارم ۱۵	بطانة سیم ۱۱۴
۵۹ بیست وششم ۷۵	مبشرهم سیم ۲۰ نهم ۴۴	هشتم ۸ شصت ویکم ۶	ابصارهم هفتم ۴۵	بطشتنا پنجاه وچهارم ۳۶	بطانتها پنجاه وپنجم ۵۴
تازرها ششم ۷۷	هشتاد وچهارم ۲۴	مبشرین دوم ۲۰۹ چهارم	چهل وششم ۲۵ پنجاه وچهارم	وبطل هفتم ۱۱۵	بطن دوم ۲۴۸ سیم
تازرها ششم ۷۸	۶۱ شانزدهم ۱۴۳	۴۸ ششم ۱۶۳	۴۳ شصتم ۷	ویبطل هشتم ۸	۱۵۸ بیست وپنجم ۴۳
وکتب پنجاه وششم ۵	چهل وسیم ۱۶	هفتادم ۵۴	هفتادم ۴۴	بطلوا دوم ۶۶	شصت ودوم ۲
کتابا ابضم	ناشره کهن دوم ۱۸۳	مبشرات سیم ۴۵	وابصارهم چهل ویکم ۱۹	چهل وهفتم ۳۵	ابعث هفدهم ۹۶
وکنبر هفتاد وچهارم ۲۲	نباشره کهن دوم ۱۸۳	مستبشرة هشتادم ۳۹	ابصارهم دوم ۷ بیست	سبطانه دهم ۸۱	فبعث کوم ۲۹ پنجم
نابتر هفتاد وپنجم ۴۶	واکثر چهل ویکم ۳۰	فبصرت بیست وسیم ۱۰	چهارم ۳۰	کالباطل هفتم ۱۳۵	بعثنا هفتم ۱۰ دهم ۷۵
بسط چهل ودوم ۶۲	کسکبرون سیم ۱۶۰	بصرت بیستم ۹۶	بابصارهم شصتم ۱۵	یازدهم ۱۹	۷۶ شانزدهم ۳۸
یبسط پنجم ۳۱	سیم ۱۲۵ یازدهم ۶۷	بصرو ابیستم ۹	وابصارهم دوم ۱۹	الباطل هفدهم ۱۳	هفدهم ۵
یبسط سی ودوم ۲۶	سی ام ۷ سی ونهم ۴۶	یبصرونهم هفتادم ۱۱	شانزدهم ۱۱	بیست دوم ۱۰ سی ویکم	لبعثنا بیست وپنجم ۵۳
هفدهم ۳۲ بیست و	وکبر تبررون سیم ۶۴	ابصر ششم ۱۰۴	ابصارهن بیستم ۳۱ ۲۹ سی وچهارم ۴۸	وبعثنا پنجم ۱۵
هشتم ۸۲ بیست پنجم	فاستکبر ام نهم ۱۱۲	ابصرنا سی ودوم ۱۲	وابصارکم ششم ۴	۴ چهل ویکم ۴۲	بعثنا دوم ۲۶۱
۶۲ سیم ۳ سی وچهارم	کبرا هفتم ۵۵ بیست	یبصر نوزدهم ۴۳	ابصارهم دوم ۱۹	الباطل بیست ویکم ۱۸	بعثنهم ششم ۵۲
۳۵ ۲۸۰ سی ونهم	پنجم ۵ بیست وهفتم ۶	فسنبصر شصتم ۵	چهل وهفتم ۲۵	بالباطل دوم ۳۹ ۸۴	بعثناکم دوم ۵۳
سیم چهل ودوم ۱۰	اکثر شصت وچهارم ۶	ویبصرون شصتم ۵	وابصارهم ششم ۱۱۰	سیم ۶۴ چهارم ۳۳	بعثناهم هجدهم ۱۱ ۱۸
وتبسط دوم ۴۶	کبر ششم ۹۱	البصیر هفدهم ۱ چهل	۱۵۹ انعام ۳۴ هجدهم	بیست شانزدهم ۴۵
بتسطو پنجم ۱۴	اکبر سیم ۷۳ یازدهم	وهفتم ۵۵ بیستم ۷۲	۸۰۲۱ چهل ودوم ۹	۵۴ بیست پنجم ۴۲	بیست دوم ۷
وکتبوا ششم ۲	۳۳ بیست ویکم ۳۵	چهل وسیم ۵۰ پنجاه ویکم	والبصیر شصتم ۵ سیم چهل	۵	بعث ششم هفت بیست و
انبسط سی ام ۴۷	چهل ودوم ۵۰	۲۱ پنجاه ودوم ۱۵	۱۷ سی وپنجم ۲ چهارم	افبالباطل شانزدهم ۷	هشتم ۵۶ چهارم ۳
تبسطها هفدهم ۳۱	البشر نوزدهم ۲۶	پنجاه وششم ۸۴ شصت ویکم	والبصیر یازدهم	بیست نهم ۶۲	هفتاد دوم ۷
بابسطوا ششم ۹۳	هفتاد وچهارم ۲۵	۳۸ ۳۹	تبصرة هشتاد وپنجم ۱۴	باطلا سیم ۱۸۸ سی	لیبعثن هفتم ۱۶۶
البسط هفدهم ۳۱	البشر هفتاد وچهارم	ابصر هجدهم ۲۵	بصیرة دوازدهم ۱۰۸	رهشتم ۶ ۲	لیبعث شانزدهم ۸۴
نابسط هجدهم ۱۷	۳۹ ۳۴ ۳۹	وابصر نوزدهم ۳۹ سی	بصائر ششم ۱۰۳	الباطل ششم ۸ هفدهم ۸۱	بعث هفدهم ۱۲
بباسط پنجم ۳۱	بشری یازدهم ۲۹ دوازدهم	وهفتم ۱۷۵ ۹	هفتم ۲۰۲ چهل وپنجم ۱۹	چهل ودوم ۲۳ چهل	بعث هفدهم ۱۲
کباسط سیزدهم ۱۵	۳۱ پانزدهم ۲۸	وابصرهم سی وهفتم	بصائر هفدهم ۱۰۴	هفتم ۳	یبعثک هفدهم ۸۱
بباسطا هفتاد ویکم ۱۸	هفدهم ۹۵ ۹۶ نوزدهم	البصر پنجاه وسیم ۱۷	بیست هشتم ۴۳	والباطل سیزدهم ۱۸	یبعثکم ششم ۶۰
کبسطها دوم ۲۴۸	۱۷ بیستم ۳	شصت وهفتم ۴	بصیرة پنجاهم ۸	مبطلون سی ام ۵۸	یبعثهم ششم ۳۶
هفتم ۶۷	بیست پنجم ۵ سی وششم	هفتاد وپنجم ۷	مبصرا دهم ۶۷ بیست	المبطلون هفتم ۱۷۲	پنجاه وششم ۱۹۰۷
مبسوطتان پنجم ۶۹	۷۱	البصر شانزدهم ۹۷	هفتم ۸۸ چهلم ۳	بیست نهم ۴۷ چهلم ۷	ابعث دوم ۲۴۷
بابسطاب پنجاهم ۱۰	اکثر پنجاه وچهارم ۲۴	البصر شصت ویکم ۴۳	مبصرون هفتم ۲۰۰	چهل وپنجم	وابعث دوم ۱۲۳
ابسلوا ششم ۶۹	لبشرین بیستم ۶۹	بالبصر پنجاه وچهارم ۵۰	مبصرة هفدهم ۱۳	بطن ششم ۱۵۲	بیبعثن ششم ۳۵
بسلوا ششم ۹۶	بیستم سیم ۱۲۲	والبصر هفدهم ۳۸	بیست وهفتم ۱۳	هفتم ۳۱	تبعثوا چهارم ۳۱ هجدهم ۸
قشیم هفتم ۱۹	هشتم ۱ دوازدهم ۱۹	ابصارا بیست پنجم ۹۷	مستبصرین ۳۸	بطن چهل وششم ۲۴	بعث نوزدهم ۸
وبشیرون پنجاه ویکم ۲۸	بیست پنجم ۲۴	الابصار ششم ۱۰۳	وبصلها دوم ۶۸	بطن سیم ۳۱	ابعث نوزدهم ۳۴
انبجسوا پانزدهم ۵۴	وکبری دوم ۹۱	چهارم ۴۳ بیست دوم	یفنع سی ام ۳	بطنها بیست وچهارم ۴۴	یبعثون هفتم ۱۳ یازدهم
کبر پانزدهم ۵۵	شانزدهم ۱۰۴ ۹۱ بیستم	۴۵ سی ام ۱۰	بصیر دوازدهم ۳۲	سی وهفتم ۱۴۴	۶۳ شانزدهم ۲۲
فشرناه سی وهفتم ۹۹	وهفتم ۲ چهل وششم ۱۱	سی وششم ۶۳	بصقا هجدهم دوازدهم ۸۸	بطونه ششم ۱۴۰	بیست سیم ۱۰۲ ابیستم
وکبرناه سی وهفتم ۱۱۲	الکبر دهم ۵۶	والابصار بیست وچهارم ۳۷	بصناعة دوازدهم ۱۹	شانزدهم سی ونهم ۸	۸۷ بیست هفتم ۶۷
فکبرناها یازدهم ۷۴	یازدهم ۷۷ سی ونهم ۱۹	الابصار سیم ۱ بیست	بصناعنا دوازدهم ۶۵	بنجاه وسیم ۳۳	سی وهفتم ۱۴۴
بکبیر چهل ودوم ۲۲	بالکبری یازدهم ۷۳	چهارم ۶۴ پنجاه ویکم ۲	بضاعتهم دوازدهم ۶۲	البطون چهل وچهارم ۴۵	بیست ششم ۸۰
وکبیر هفدهم ۹	بیست ونهم ۳۰	بالابصار بیست وچهارم ۴۳	۶۵	البطون سی وهفتم ۶۶	وبعثنا شصت وچهارم ۷
وکبیر هجدهم ۲	کبراکبر پنجاه وهفتم ۱۱	کالابصار سیم ۴۵	لیبطئن چهارم ۷۲	پنجاه وششم ۵۳	بیعثون بیستم ۱۶
کبیر نوزدهم ۹۷	کبیر پنجم ۲۲	والابصار چهل ودوم ۲۹	بطون بیست وششم ۵۸	بطونه شانزدهم ۶۸	بیعثون سی وششم ۲۷
کبیرا سیم ۲۴ ۴۰	وکبیر هفتم ۱۸۸	الابصار ششم ۱۰۳	کبطرا ششم ۴۹	بطونها شانزدهم ۷۱	ابعث نوزدهم ۱۲

البعث

باب الباء والعین بعد الالف

البعث بیست و دوم ۵
و سی ام ۵۶
بعثکم سی و یکم ۲۷
انبعاثہم نہم ۴۶
مبعوثون یازدہم ۱۰
ہشتاد و سوم ۴
لمبعوثون ہفدہم ۵۲
و ما مبعثہم ۸۴
سی و ہفتم ۱۶ پنجاہ و
ششم ۴۲
لمبعوثین ششم ۲۹ بیست و
و سوم ۳۹
بعثر صدم ۹
بعثرت ہشتاد و دوم ۴
بعدت یازدہم ۹۸
بعدت نہم ۴۲
باعد سی و چہارم ۱۸
بعدک دوم ۱۲۲ ہفتم
۱۴۹ سی و ششم ۳۴
شصت و یکم ۶
بعدل بیستم ۸۷
بعدہا ہفتم ۱۵۲
شانزدہم ۱۱۱ ۲۰
بعدہ ہفتم ۱۸۴
ہفتاد و ہفتم ۵
بعدہا ہجدہم ۷۵
بیست و یکم ۱۱
بعدہن سی و چہارم ۵۷
بعد چہل و سوم ۳۷
بعدا یازدہم ۳۰۴ ۶
۷۱ ۴۸
بعدا بیستم ۶۰ ۴
بعید بیست و یکم ۱۹ ۱۰۹
پنجاہم ۳۰
البعید چہاردہم ۲۱
بیست و دوم ۱۲
بعید دوم ۱۷ چہاردہم
۳ بیست و دوم ۵۲
بیست و پنجم ۱۳ بیست و ہفتم
۲۴ سی و چہارم ۵۱

یازدہم ۵۷ دوازدہم ۱۰
بیست و ہفتم ۲۴ چہلم ۲۹
بعض پنجم ۵۲ بیست و ششم
۱۴۸ چہل و ہفتم ۲۸
شصت و ششم ۳
بعض دوم ۷۹ سوم
۱۴۹ چہارم ۲۳
پنجم ۵۴
لبعض بیست و چہارم ۶۴
بعضہا سوم ۳۰
بیست و چہارم ۴۰
بعضنا ششم سی و پنجاہ و ہفتم ۱۲۸
سی و ششم ۲۱
بعضہا دوم ۶۸
بعضکم بیست و چہارم ۶۳
چہل و نہم ۲
بعضہم ششم ۲۸ سیزدہم
۶۳ شصت و ششم ۳
بعضہا سیزدہم ۴
بعضکم چہارم ۳۶
ششم ۹۶ ۱۶۵
ہشتاد و سوم ۷۳ بیست و پنجم
۲۲ چہل و ہفتم ۵
ببعوضۃ دوم ۲۴
بعلا سی و ہفتم ۱۲۵
بعلی یازدہم ۷۵
و بعولتہن دوم ۲۲۸
بعولتہن بیست و چہارم ۳۱
لبعولتہن بیست و چہارم ۳۱
البغضاء سوم ۱۱۴
والبغضاء پنجم ۶۴ ۹۱
۹۳
والبغال شانزدہم ۸
بغی سی و ہشتم ۲۱
فبغی بیست و ششم ۷۶
بغت چہل و نہم ۹
لبغوا چہل و دوم ۲۶
لیبغی سی و ہشتم ۲۳

یازدہم ۲۲ چہارم ۳
بیعتوکم نہم ۴۷
یبعثہا سوم ۹۴
و یبعثہا ہفتم ۸۴
یبغی بیست و دوم ۵۹
یبتغی نوزدہم ۹۳ بیست و پنجم
۱۹ بیست و ششم ۲۱۱
سی و ششم ۳۰ ۶۹
سی و ہشتم ۳۴
ابتغی بیست و سوم ہفتاد ۳۱
ابتغت سی و سوم ۵۱
ابتغوا نہم ۴۸
لابتغوا ہفدہم ۴۴
فابتغوا بیست و نہم ۱۶
وابتغوا دوم ۱۸۳
پنجم ۳۹ شصت و دوم ۱۰
یبتغ سوم ۷۹
یبتغی ششم ۳۵
شصت و ششم ۱
ابتغی ششم ۱۱۴
یبتغون پنجم ۲ ہفدہم

۲۶۷ ۲۲۴ سوم
۵ چہارم ۱۱۴ سیزدہم
۱۸ ۲۲۰
ہفدہم ۳۰ پنجاہ و ہفتم ۴۷
نود و دوم ۲۰
وابتغاء سوم ۵ شصتم ۱
وابتغاء کم سی ام ۲۲
البقرۃ دوم ۶۵
البقر ششم ۱۴۵
بقرۃ دوم ۶۳
بقرات دوازدہم ۴۶
البقعۃ بیست و ہشتم ۳۰
بقلہا دوم ۵۸
بقی دوم ۲۷۸
و یبقی پنجاہ و پنجم ۲۷
باقیۃ پنجاہ و سوم ۵۲
۱۲۷ ۱۳۱ بیست و ششم
۶۰ چہل و دوم ۳۴
ہشتاد و ہفتم ۱۷

ولیکوا نہم ۸۳
یبکون پنجاہ و سوم ۶۰
و ابکی پنجاہ و سوم ۴۳
بکیا نوزدہم ۵۹
والبلد ہفتم ۵۶
بلد شانزدہم ۷ سی و پنجم ۱۰
لبلد ہفتم ۵۵
البلد نوزدہم ۲ نود و پنجم ۳
بلدا دوم ۱۲۶
البلاد چہاردہم ۳۸
البلاد سوم ۱۹۶ چہلم
۴ پنجاہم ۷۳ ہشتاد
و نہم ۱۰۷
بلدۃ سی و چہارم ۱۴
البلدۃ بیست و ہفتم ۹۳
بلدۃ بیست و پنجم ۵۱
ابلس سی ام ۱۲ پنجاہم ۱۱
مبلسون ششم ۴۴
بیست و سوم ۷۹

چہل و ششم ۲۵
لیبلغ سیزدہم ۱۵
یبلغن ہفدہم ۲۴
یبلغ ہفدہم ۳۹
ابلغ چہلم ۳۸
ابلغ ہجدہم ۵۹
بلغا ہجدہم ۸۱
یبلغوا بیست و چہارم ۵۷
لیبلغوا بیست و دوم ۵
چہلم ۶۹
ولتبلغوا چہلم ۶۹ ۸۰
بلغت پنجم ۷۱
یبلغون سی و سوم ۳۹
ابلغکم ہفتم ۶۲ ۶۸
وابلغکم چہل و ششم ۲۳
بلغ پنجم ۷۱
لیبلغوا ہفتاد و دوم ۲۸
ابلغتکم ہفتم ۷۹ ۹۱
یازدہم ۶۰
ابلغہم نہم ۶

باب الباء و بعده النون الی الیاء

٢٢ — ٥

جهل و هفتم ٣ ٣
تلوم هفتم ١٠٦٣
ابتلاء هشتاد و ششم ٩
لیبلونکم سیم ٣ ٨ ١
ولیبلی هشتم ١٧
ابتلی دوم ١١٨
وابتلوا چهارم ٥
ولیبتلی سیم ١٤٨
ابتلاء هشتاد و نهم
١٦٠ / ٤
لیبلونکم سیم ١٤٦
تبتلیه هفتاد و ششم ٢
ابتلی سی و سیم ١١
بلاء دوم ٤٩ هفتم
١٣٧ چهاردهم ٦
چهل و چهارم ٣٢
البلاء سی و هفتم ١٠٦
بلاء هشتم ١٧
المبتلین بیست و سیم ٣١
لیبلوکم دوم ٢٥٠
تبیان هشتم ١٢
البیان هفتاد و پنجم ٤
تبوا نهم ١١١
وتبنا هفتاد و ششم ١٢
بناها هفتاد و نهم
٢٧ نود و یکم ٥
تبتلیها پنجاهم ٦
پنجاه یکم ٤٧
البنون بیست و ششم ١٢٨
ابنوا هجدهم ٢٠ سی و
هفتم ٩٥
ابن یخیم ٢٠٥ سی و
سیم ٢ چهل ٣٨
پنجاه و هفتم ٢٧
شصت و ششم ١١
وابن سبیل ٢١١ چهارم
٤٠ هشتم ٤٢ نهم
٦٠ پنجاه و نهم ٧
وابن دوم ١٧٢
هفدهم ٢٨ سی و یکم ٣٧
ابنی یازدهم ٤٢
لابنیه سی و یکم ١٢
ابنک دوازدهم ٨١
ابنی یازدهم ٤٢
وابنها بیست و یکم ٩
ابنی پنجم ٣٠
بنون بیست و ششم ٨٨
البنون سی و هفتم ١٤٩
پنجاه و دوم ٣٩
والبنون هجدهم ٤٦
بنین ششم ١٠٠
شانزدهم ٧٢

وبنین هفدهم بیست و سیم
٥٧ بیست و ششم ١٢٣
شصت و هشتم ١٤ پنجاه
و یکم ١١ هفتاد و چهارم ١٣
البنین سی و هفتم ١٥٣
بالبنین هفدهم ٤٢ چهل
سیم ١٥
والبنین سیم ١٢
بنوا دهم ٩٠
بنی هفتم ١٣٤ دهم
لبنی سیم ٨٧ هفدهم
١٠٦٠٢ سی و دوم ٢٣
چهل و سیم ٩ ششم ٥
بنی دوم ١٢٦ دوازدهم
٦٧ ٨٢
ببنیه هفتادم ١١
بنیه دوم ١٢٦
ابنی دوم ١٢٧
وبنیه هشتاد و ٣
ابناؤ پنجم ٢١
ابناء بیست و چهارم ٣١
سی و سیم ٥٥
ابناءهم چهلم ٢٦
وابناؤکم چهارم ١٢
نهم ٢٤
وابناءنا دوم ٢٤٢
ابناءکم چهارم ٢٢
ابناءهن بیست و چهارم ٣١
سی و سیم ٥٥
ابناءنا سیم ٥٤
ابناءکم دوم ٤٦
هفتم ١٣٧ چهاردهم ٦
سی و سیم ٤
وابناءکم سیم ٥٤
ابناءهم دوم ١٤١
ششم ٢ هفتم ١٢٤
بیست و هشتم ٣ پنجاه و هشتم ٢٢
بنی یازدهم ٤٤
دوازدهم ٥ سی و یکم
١٢ ١٥٠٦٠ سی و هفتم
ابنت شصت و ششم ١٢
وبنات چهارم ٢٧
البنات سی و هفتم ١٤٩
پنجاه و دوم ٣٩
کبنات سی و سیم ٤٩
بنات چهل و سیم ١٥
وبنات ششم ١٠٠
البنات شانزدهم ٥٩
سی و هفتم ١٥٣
ابنتی بیست و هشتم ٢٧
بناتی یازدهم ٨٠
پانزدهم ٧١

وبناکم چهارم ٢٧
بنیانک یازدهم ٨١
وبنیانک سی و سیم ٥٩
بنیانه دوم ٢٠ چهل و ٦
بنیانه سی و ششم ٦٣
بنیان شصت و یکم ٤
بنیانا هجدهم ٢٠
سی و هفتم
بنیانه نهم ١١١
بنیانه نهم ١١٠
بنیانهم شانزدهم ٢٨
فبیته سی و نهم ٢١
فبینه بیست و یکم ٤١
تبیهت دوم ٥٠ ٢
تبهتان بیست و چهارم ١٥
بهتان شصتم ٢ ١١٢
بهتانا چهارم ٢٤
١٥٥ سی و سیم ٥٨
بهیج بیست و ششم ٦١
بهیج بیست و دوم ٥
بهجه م
بتهم سیم ٥٤
بهیمة پنجم ١
بهیمة بیست و دوم ٩ ٣٥
باء سیم ٥ ٦ هشتم ١٦
فباءو دوم ٨٤
وباءو دوم ٥٨
و سیم ١٠٨
بئس پنجم ٣٢
بوانا دهم ٩٣
بیست و دوم ٢٧
وبوانکم هفتم ٧٢
بوء سیم ١٧
لنبوئنهم شانزدهم ٤٣
بیست و نهم ٥٨
تبوا دهم ٨٧
تبوا پنجاه و نهم ٩
نبوء دوازدهم ٥٦
نبوء سی و نهم ٧٤
مبوء دهم ٩٣
باب پنجاه و هفتم ١٣
باب دوازدهم ٦٧
سیزدهم ٢٣ پانزدهم ٤٤
الباب دوازدهم ٢٥
بابا پانزدهم ١٤ بیست
و سیم ٧٩
الباب دوم ٥٥
چهارم ١٥٣ پنجم ٢
هفتم ١٠١ دوازدهم ٢٥
ابواب هفتم ٨ ٣
الابواب سی و ششم ٥٠
ابواب دوازدهم ٦٧

پانزدهم ٤٤
ابواب ششم ٤٤
شانزدهم ٣١ سی و نهم
٧٢ چهل و ٧٦ پنجاه
وچهارم ١١
ابوابا چهل و سیم ٣٣
هفتاد هشتم ١٩
الابواب دوازدهم ٢٣
ابوابها دوم ١٨٥
ابوابها سی و نهم ٧١ / ٧٣
بیوت سی و پنجم ١١
بیوت سی و پنجم ٢٦
بیوتا بیست و نهم ١٩
چهل و ششم ١٢
البیوت چهاردهم ٤٣
بال دوازدهم ٥٠
سیم ٥٣
بالهم چهل و هفتم ٦٠٢
بیسون بیست و پنجم ٦٥
بیت چهارم ٨٣
بیتون چهارم ٨١
١٠٨
لیبیتنه بیست و هفتم ٥٠
لیبیتک بیست و نهم ٤٠
بیت هفدهم ٩٥
بیت سیم ٩٠ بیست و سیم
١١ پنجاه و یکم ٣٦
البیت دوم ١٢١ سیم
٩١ هشتم ٣٥ یازدهم
٧٣ بیست و دوم ٢٧
٣٤ سی و سیم ٣٣
صد و ششم ٣
بالبیت بیست و دوم ٣٠
والبیت پنجاه و دوم ٤
بیتا بیست و نهم ٤٠
شصت و ششم ١١
البیت دوم ١١٩ / ١٥٣
پنجم ٢ ٩٨
بیتی دوم ١١٩ بیست و دوم
٢٧ هفتاد و یکم ٢٩
بیتک هشتم ٥ چهاردهم
٣٧
بیته چهارم ١٠١
کبیتها دوازدهم ٢٣
بیوت بیست و چهارم ٦٠
بیوت بیست و چهارم ٣٦
البیوت چهارم ١٩
بیست و نهم ٤٠
بیوت سی و سیم ٥٣
بیوتنا هفتم ٧٢ ٨٧
پانزدهم ٨٢ شانزدهم
٨٢ بیست و چهارم ٢٧

٢٩ / ٢٠ اعیشه ١٤٩
البیوت دوم ١٨٥
بیوتهم بیست و پنجم ٥٢
بیوتکم سیم ١٤٨٠٤٣
شانزدهم ٨٢ بیست و چهارم
٢٧ / ٦٠
بیوتکن سی و سیم ٣٣
٣ ٤
لبیوتهم چهل و سیم ٣٢
ولبیوتهم چهل و سیم ٣٢
بیوتهن شصت و پنجم ١
بیوتنا سی و سیم ١٣
بیوتکم دهم ٨٧
بیوتهم پنجاه و نهم ٢
بیاتا هفتم ٩٥ ٠٣
دهم ٥١
تبیک هجدهم ٣٣
ابیضت سیم ١٠٣
وابیضت دوازدهم ٨٤
تبیض سیم ١٠٢
بیض سی و هفتم ٤٧
الابیض دوم ١٨٣
بیض سی و پنجم ٢٥
بیضاء هفتم ١٠٥
بیضاء بیست و ششم ٣٢
بیضاء بیستم ٢٢ بیست و
هفتم ١٢ بیست و ششم ٣٢
سی و هفتم
بابعتم نهم ١١٢
بایعون چهل و ششم ١٠
بیایعونک چهل و ششم ١٠
تبایعنک شصتم ١٢
فبایعهن شصتم ١٢
تبایعتم دوم ٢٨٢
بیع دوم ٢٥٥
چهاردهم ٣١ بیست و
چهارم ٣٧
البیع دوم ٢٧٦
ببیعکم نهم ١١٢
البیع دوم ٢٧٦ شصت
دوم ٩
وبیع بیست و دوم ٤١
وبیسوا دوم ١٥٥
بینا دوم ١١٢ سیم
١١٤ پنجاه و هفتم ١
بیناه دوم ١٥٤
وبین دوم ٢٢١
بیست و چهارم ١٧
بیتن نهم ١١٦
لیبین چهارم ٣١
چهاردهم ٤ شانزدهم

٤١
بینت دوم ٣ ٦٤
٥
ولیبینن شانزدهم ٩٤
لتبین شانزدهم ٤٤
٦ ٤
ولابین چهل و سیم ٦٣
یبین پنجم ٧٩
لیبین بیست و دوم ٥
یبینها دوم ٢٣٠
لیبینه سیم ١٨٤
ولتبینه ششم ١٠٥
یبین چهل و سیم ٥٢
تبین چهاردهم ٤٧
تبینت سی و چهارم ١٣
تبینوا چهارم ٩٤
چهل و نهم ٦
تبین دوم ١٨٣
نهم ٤٣ چهل و یکم ٥٣
ولتستبین ششم ٥٥
وتبینک بیستم ٦ بیست و
هشتم ٣١ چهل و سیم
٣٧
وتبینک هجدهم ٧٢
چهل و یکم ٤
تبینه بیست و چهارم ٤٣
نهم ٥٨
وتبینه سیم ٢٥ چهارم
٧٥ چهل و یکم ٣٤
تبینها سیم ٢٨
پنجاه و پنجم ٤٤
کبینهما هفتم ٤٤
تبینهما چهارم ٣٩
هجدهم
تبینا ششم ٥٢ سی و
ششم ٧ چهل و یکم ٤ پنجاه
چهارم ٢٥
تبینهم نود و دوم ٣٨
چهل و سیم ٤٥
تبینهن شصت و پنجم ١٢
بین هجدهم ١٤
بینه بیستم ١٣٣
تبیین ششم ١٥٨
هفتم ٧١ ٨٣
البینه نود و هشتم ٣٠١
تبینه هفتم ١٠٣
بازدهم ٥٦
تبینه بیست و نهم ٣٤
بینات سیم ٩١
بینت نهم ٤٨
وبینات دوم ١٨١
البینات دوم ١٤٠٨

باب الباء بعده الالف الی الواو

[illegible]

٢٥٤ بیستم ٥ ٧	اِبْتَغُوا دوم ١٤١	اِسْتَلْ هجدهم ٦٥	بِجَانِبِهِم دوم ١٥	تَارِكٌ یازدهم ١٥	تَارِكَ هشتم ٢
مُبْتَشِرٌ چهارم ٢٣	١٦٢ چهارو هفتم ٣	اِبْتَغُوا بیست ویکم	مُحَذِّرٌ پنجم ٧٠ ششم ٤٩	١٠٥ بیست نهم ٥٥	تَارِكٌ چهارم ١٢٦
وسیم ٣٠ شصت پنج	مُبْتَهِل بیست و نهم	بِتُوا هفتم ١٩٢	مُحَذِّرٌ چهارم ستم ٥٠	تَارِكُوا سی هفتم ٣٥	بِجُرًا هفدهم ١٠٨
الْمُتَبَيِّنَ سی هفتم ١١٧	فَابْتَغُوا یازدهم ٩٩	اِبْتَغُوا چهارم هشتم ١٥	بِحِث بیستم ٤٥ بیست و دوم	تَبِعَ سی ششم ٢٣	بیست دوم ٢١ بیست
بَيَانٌ ستم ١٣٢	وَابْتَغُوا دوم ٩٦ ستم	بِحَتِّرِ چهارم ٢٤	٤٩ چهار ششم ١٨	تَبِعَ بیست ششم ١٣	هشتم ٥٣ بیست نهم ٥٠
الْبَيَانُ پنجاه و پنجم ٣٠	١٦٨	تُبْتَغُوا چهارم شنم ١٥	شصت و ششم ١٠	تَبِعَ هفدهم ١٠٣	ستم ٣ ٣
بِيَانٌ هفتاد و پنجم ١٩	اِبْتَغَيْتُم هفتم ٨٨	اَتْبَعَ ششم ١٠٦	تَحْتَكَ نوزدهم ٢٣	تَبَّتْ چهارم ٣ ٣	فَالتَّابُوتُ سی هفتم ٣
تِبْيَانًا شانزدهم ٩١	لَابْتَغَوا چهارم ٤٥	شانزدهم ١٢٤	تَحْرِيرٌ هجدهم ٨١	تَخْتَمَهُم بیست پنجم ٤٩	تَلَاوَتُهُ دوم ١١٥
باب التاء	وَابْتَغَيْنَا ستم ٤٠	فَاتَّبِعْ هفتاد و پنجم ١٨	تَحْتَهَا نهم ١٠١	تَخْتَمَهُ هفتاد و چهارم ٣٠	فَتَمَّ هفتم ١٣٨
التَّابُوتُ دوم ٢٤٩	اِبْتَغِ ستم ١٨	وَاتَّبِعْ دهم ١٠٩	تَحْتِهَا دوم ٢٦	فَكِتُونَ سی هشتم ٢٢	وَتَمَّتْ ششم ١١٥
التَّابُوتِ بیستم ٣٩	اَبْتَغِي دوازدهم ١٠٨	یازدهم ٦٥ سی یکم	التُّرَابِ شانزدهم ٤١	تَكْثِيرٌ هشتاد سیم ٢٢	هفتم ١٣٣ یازدهم ١٣
وَتَبَّ صد و یازدهم ١	اِبْتَغَاءَ هشتم ٦٥	١٤ سی ستم ٣	اَتْرَابًا سی ششم ٥٢	تَكُنَّا چهار هفتم ٩	اِتْمَامٌ بیست یکم ٢٧
تَبَّتْ	یازدهم ٢٩ یازدهم ٤٢	اِبْتَغَوا دوم ١٦٥	اَتْرَابًا پنجاه ششم ٣٧	تَعْظُمُ بیست دوم ٣٠	وَاَتْمَمْنَا پنجم ٥
تَبَابٍ چهلم ٤٠	بیست ستم ٢١٥	هفتم ٢١ بیست نهم ١١	هفتاد و ششم ٣٣	اَتْقَنَ بیست هفتم ٩٠	اَتْمِمْهَا دوازدهم ٦
تَتْبِيبٍ یازدهم ١٠٣	وَابْتَغِ بیست ششم ١١١	سی یکم ٢ سی ششم ١٩	وَالتَّرَائِبِ هشتاد ششم	الَّاتِي نود دوم ١٢	فَاتِمُّوا دوم ١١٨
تَبَّرًا بیست پنجم ٤١	لَاَسْتَكْثَرْ بیست ستم ٣٥	فَابْتَغُوا ستم ٨٩	مَتْرَبَةٍ نودم ١٦	اِنْتَاكُمْ چهارم ١٣	وَاَتْمَمْنَاهَا هفتم ١٣٨
وَلِيُتَبِّرُوا هفدهم ٧	وَاَرْسَلْنَا پنجاه دوم ٢١	وَاتَّبَعُوا سی و نهم ٥٥	وَاَزْوَاجُهُمْ بیست ٤٣	وَكُلًّا سی و هفتم ١٠٣	ثُمَّ شانزدهم ٤٨
تَبَّرَا هفتاد دوم ٢٩	اِسْتَغْنَى هجدهم ٩٦	فَاتَّبِعْنِي نوزدهم ٤٤	اَزْوَاجًا یازدهم ١١٨	تِلْكَ بیست هفتم ٥٣	وَبَغَتَ دوازدهم ٦
تَتْبِيرًا هفدهم ٧	اِسْتَوَى ستم ٤٨	فَاتَّبَعَهَا چهارم ١٧	اَلتَّرْمِيمُ ستم ١٣	بَيْنَهُمَا ٨٥	ثُمَّ اَرِي الثُّمَّ ٢٣٣
بیست دوم	لِاَسْتَوْا نهم ٤٢	اِتَّبَعُوا چهلم ٤١	مُتْرَفِينَ پنجاه ششم ٤٥	تِلْكَ هفتم ٢١	نهم ٣ ٢
مُتَبَّرٌ هفتم ١٣٥	اِسْتَوَى ستم ٤١ نهم	فَاتَّبِعُونِي ستم ٢٩	مُتْرَفُوهَا سی چهارم	تِلْكُمَا هفتم ٤١	وَالتِّينِ نهم ٩
اِتَّبِعْ دوم ٦ ٣	١١٨ پنجاه هفتم ٢٧	بیستم ٩٢	٣٣	تِلْكُمُ نود و یکم ٢	وَتَحْرِيمٌ چهارم ٢
سیم ٦ ٤	فَاتَّبِعُوهُ سی چهارم ١٩	وَاتَّبِعُونِي چهلم ٤١	چهارم ستم ٢٢	تَلَوْنَا دهم ١٧ ١	وَكَانَ دوم ١٤٥
اَتْبَعُوا دوم ١٤٠	اِتَّبَعْتُم نهم ١٠٩	فَاتَّبِعْ دوم ١٧٣	مُتْرَفِيهَا هفدهم ١٧	تَتْلُوا دوم ١٢٣	اَتَمَّ ششم ٨
اَتْبَعَهُ چهار دهم ٣٩	لَاتَّبَعْنَاكُمْ ستم ١٦٠	فَاتَّبِعُوهُ ششم ١٥٤	مُتْرَفِيهِمْ بیست ٤٦	١٣٦ ستم ١٥٨	اِتَّقُوا دوم ١٨٣
تَبِعَكَ هفتم ١٧ هفتم	تَبِعَ دوم ١٣٨	١٥	تُرَاثَ دوازدهم ٣٢	بیست ٥٩ شصت ٥	فَاتَّقُوا نهم ٤
٥٩ سی هشتم ٨٥	دهم ٣٧ ٦٢	وَاتَّبِعُوا هفتم ١٥٨	بیست ستم ١٠٢	دوم ٣ شصت پنجم ١١	وَاتَّقُوا دوم ١٩٢
تَبِعَهَا دوم ٦٥	تَبِعَ بیست دوم ٣	اِتَّبَعُوا دوم ١٦١	تَرَكُوا چهارم ١ چهار و	نود و هشتم ٢	تَمَامًا ششم ١٥٥
تَبِعَهَا هفتاد نهم ٧	تَبِعَ بیست چهارم ٢١	تَبِعَ دهم ٦ ٣	چهارم ٢٤	تَلُوا دوم ٩٦	بیست ستم ٨
اِتَّبَعَ هجدهم ٨٨	وَتَبِعَ چهارم ١١٥	تَبِعَهَا چهارم ٤ ٢	تَرَكَ چهارم ١٣	دهم ٤٢ بیست ستم ٤٥	النُّورِ یازدهم ٣ ٢
فَاتَّبَعَ هجدهم ٨٣	تَبِيعٌ دوم ١١٤	چهلم	تَرَكَهُمْ چهارم ١٤ م	بیست و نهم ٢ ٤	بیست ستم ٢٢
فَلَسْتُمْ بیست ششم ٤٦	تَبِيعٌ پنجم ٥٤٠٥	نَاءِبَ دوم ١٤٠ م	تَرَكْتُمْ ششم ٩٤	تَتْلُوا سیزدهم ٢٩	کتاب دوم ٥ ٢
تَبِعَهُم هفتم ٣ ١٢	ششم ١٥١ هفتم ١٣٨	التَّائِبُونَ بیست چهارم	تَرَكَا بیست نهم ٣٤	تَلَوْا هجدهم ٢ ٨	١٨٢ بیستم ١٢٠
یازدهم ١٨ سی هفتم ١٠	سوم هشتم ٢٥ چهل	٣٢	وَتَرَكُوا دوازدهم ١٢	تِلْوَا بیست هفتم ٩٤	هفتاد ستم ٢٠
فَاتَّبِعْهُمْ دهم ٩٠	چهار دوم ١٤	تَبِيعٌ چهار چهارم ٣٦	هجدهم ٩٩ سی هفتم	الْاِسْتِنَّهُ ١٥٢	وَكِتَابٍ پنجاه ششم ١٤
بیستم ٨١	چهار پنجم ١٧	تَتْخَامُ ١٣	١١٩ ١١٥٨٠٧	تَتْلُونَ دوم ١٠٧	بیست چهارم ٢٢
فَاتَّبِعُوهُمْ بیست ششم ٦٠	اَتْبَعَ ششم ٥٠٥	تَبًّا هفتم ٧١	١٢٩ پنجاه و یکم ٣٧	سیم ١٠٩ بیست و یکم	١٤٠ چهار ششم ١٤
وَاتَّبَعَتْهُمْ بیست ششم ٤٢	هفتم ٢٠٢ دهم ٦١	اَتَبَاعُ چهارم ٩٥	٧١ سی پنجم ٢٦	تَبِعَ نهم ٢٦	فَاَتْلُوهَا چهارم ٢٠
تَشْفَعُونَ دوم ٢٦٤	چهار ششم ٨	مُتَابِعَيْنِ چهارم ٩٤	فَتَرَكَهُ دوم ٦٦٤	تَلُونَ نهم ٧	ستم دوم ٢٢٩
تَبِعَهُمْ هفتاد و پنجم ١٧	فَتَبِعَانِ دهم ٨٩	پنجاه ششم ٥	وَتَرَكُوا دوم ١٦	تَلُونَ دوم ٤١	نهم ٣
وَاتَّبَعُوا یازدهم ٦٣	مُتَّبِعُونَ ستم ٥ ستم	نهم ١٩ مُتَّبِعُونَ	وَتَرَكُوا شصت دوم	تَلَوْا بیست ششم ٢	تَتُوبُ چهارم ٢١
١٠١	مُتَّبِعُونَ بیست ششم ٥٢	تَتَّبِعُونَ ششم ١٤٩	١١	وَتَتْلُوا یازدهم ٢٠	تَتُوبُ ٣٣ ٢٢
اِتَّبِعْ ستم ١٥ پنجم ١٨	چهار چهارم ٢٣	تَتَّبِعُونَ ششم ١٢٩	تَرَكُوهَا پنجاه و نهم ٥	تَتْلُوهُ دوم ١١٥	١٠٧ بیست پنجم ٢
بیستم ٤٩ ١٢٢ بیست	هفدهم ٥٠ بیست نهم ٩	تَبِيعًا بیست ستم ٤٦	تَرَكْنَا پنجاه چهارم ١٥	تَتْلُو ستم ٥١	وَتُوبُ نهم ٥
وستم ٧ بیست ششم ٥٠	تَتَّبِعُ دوم ١٦٥	تِبَاعٌ چهارم ٣ ٣	تَرَكْنَا یازدهم ٩ ٨	تَتْلُوهَا دوم ٢٥٣	یتوب ستم ١٢٣
سی و هشتم ٢٨ سی ششم ١٠	بیست ششم ٣٩ سی یکم ٢	بیست چهارم ٣٢	تَرَكَكَ هفتم ١٢٥	ستم ١٠٤ چهارم پنجم ٥	چهارم ٣٢ نهم ١٠٣
وَاَتْبَعَ چهارم ١٢٤	فَتَتَّبِعُ بیستم ١٣٤	وَتَجَاعُ نهم ٢٤	وَاَتْرُكِ چهار و چهارم ٢٣	الَّا بیست نهم ٤٤	سی ستم ٣٤
هفتم ١٧٥ یازدهم ١١٨	بیست ششم ٣٧	تِجَارَةٌ شصت یکم ١٠	تَرَكَ هفتاد و پنجم ٣٥	وَالَّا بیست و... هفتم	وَتُوبُ چهارم ٣١
هجدهم ٢٧ بیستم ١٢	تَتْبَعُ بیست ششم ٥٢	التِّجَارَةِ شصت دوم ١١	تَرَكْتُهُ بیست ستم ١	١٧٤ دهم ٧٢	ستم ٧٣
اِتَّبَعَكَ دوم ١٤١١٣	وَتَتْبَعُ چهارم ٦ ٤	تِجَارَةٍ دوم ٢٨٢ سی	التَّرْكِينَ بیست ششم	هجدهم ٢٦ بیست ششم ٩١	تَوْبَةً نهم ١١
سیزدهم ٣٧	مُتَتَابِعَيْنِ ٢٢	پنجم ٢٦ شصت دوم	١٠ ٢٩ سی و... ١٤	فَاتْلُوهَا ستم ٨٧	تَوْبَتُهُمْ دوم ١٥٥
وَاَتْبِعْ دوازدهم ٣٨	وَتَتْبِعُونَ بیستم ٩٤	١١	تَرَكُوا نهم ١٥		تَتُوبَا شصت ششم ٤

يتوبون چهارده ۲۱ پنجم
۷۸ نهم ۱۲۷
يتوبوا نهم ۷ هشتاد
پنجم ۱۰
ليتوبوا نهم ۱۱۹
وتب دوم ۱۲۲
توبوا يازدهم ۳
۴۲۰۵۴ ۹۲۰
شصت ششم ۸
فتوبوا دوم ۵۱
وتوبوا بيست چهارم ۳۱
التوب چهل ۲ ۲۲
التوبة چهارم ۲۱ ۲۲
التوبة نهم ۱۰۵ چهل
دوم ۲۴
توبتهم سوم ۸۴
التائبون نهم ۱۱۲
تائبات شصت و ششم ۵
ثواب بيست و ... ۱۰
چهل نهم ۱۲
التواب دوم ۳۵
۱۴۲۲۰۵۱ ۱۵۵۰
نهم ۱۰ ۱۱۹
تواباً چهارم ۶۴ ۲۲
صد و نهم ۳
التوابين دوم ۲۲۲
متاباً سيزدهم ۲۹
متاباً بيست پنجم ۷۱
تائب هفدهم ۷۱
متاب ۵۷ ۸۰
التوبة سيم ۵۸
پنجم ۴۷
التوبة سيم ۴۴ پنجم
۵۰ تم هفتم ۱۵۶
نهم ۱۱۲ چهل و ششم ۲۹
شصت بكم
بالتوبة سيم ۸۷
التوبة سيم ۲ پنجم
۷۲۰ ۷۰۴۸
شصت دوم ۵
والتوبة سيم ۴۳
پنجم ۱۱۰
والتين نود و پنجم ۱
يتبوئون پنجم ۲۹
باب الثاء
ثبت
فاثبتوا هشتم ۴۷
فثبتك هفدهم ۷۶
ثبيت چهاردهم ۳۲
ليثبت شانزدهم ۱۰۴
وثبت هشتم ۱۱
ويثبت چهل هفتم ۸

بيتٌ يازدهم ۱۲۱
ليثبتك بيست پنجم ۳۴
ويثبت دوم ۲۵۱
سيم ۱۴۱
فثبتوا هشتم ۱۲
ويثبت سيزدهم ۳۹
ليثبتوا هشتم ۳۰
بالثابت چهارم ۷۳
تثبيتاً شانزدهم ۹۶
ثابت چهاردهم ۲۹
الثابت چهاردهم ۳۲
تثبيتاً چهارم ۶۶
وتثبيتاً دوم ۲۶۷
يثبوا بيست پنجم ۱۵۰۱۴
ثم هشتاد و چهارم ۱۱
مثبوراً هفدهم ۱۰۴
تثبطهم نهم ۴۶
ثجاجاً هفتاد و هشتم ۱۴
ثخنتموهم چهل هفتم ۴
يثخن هشتم ۶۸
تثريب دوازدهم ۹۲
الثرى بيستم ۵
ثعبان هفتم ۱۰۷
بيست ششم ۳۱
الثقب سي هفتم ۱۰
الثاقب هشتاد و ششم ۳
ثقفتموهم دوم ۱۸۷
چهارم ۹۳
ثقفتموهم هشتم ۵۷
يثقفوكم شصتم ۲
ثقفوا سيم ۱۱۲ سي و سوم
ثقلت ۱۰۴ هفتم
۵
أثقلت هفتم ۱۸۹
اثاقلتم نهم ۳۸
الثقلان پنجاه و پنجم ۳۱
وأثقالاً بيست ششم ۱۲
أثقالهم بيست نهم ۱۲
اثقالكم شانزدهم ۷
اثقالها نود و نهم ۲
اثقالهم نهم ۱۲
ثقلت هفتاد سيم ۵
هفتاد ششم ۲۷
ثقالاً هفتم ۵۵
وثقالاً نهم ۴۱
المثقال سيزدهم ۱۳
مثقال سي چهارم ۳
مثقال دهم ۶۱ ۲
مثقال چهارم ۴۴
بيست بكم ۴۸ سي

بكم ۱۵ سي و چهارم ۲۱
نود نهم ۸۰۷
مثقلة سي پنجم ۱۹
مثقلون پنجاه دوم ۴۰
شصت هشتم ۶ ۴
ثلة پنجاه ششم ۳۸ ۱۳
وثلة پنجاه ششم ۳۹
ثلث بيست چهارم ۵۲
ثلث هفتاد هفتم ۳۰
ثلث سي نهم ۸
ثلث چهلم ۲۴ نوزدهم
۱۱ بيست چهارم ۵۷
ثلثون چهل ششم ۱۴
ثلثين هفتم ۱۳۸
ثلاث شصت سيم ۴
ثلاثة چهارم ۶ ۱۹۶
۲۱
چهلم
ثلاثة دوم ۱۹۲ پنجم ۹۱
ثلاثة سيم ۱۲۰
ثلاثة پنجم ۳۳ پنجاه
هشتم ۸
الثلاثة نهم ۱۱۹
ثلاثة دوم ۲۲۸
سيم ۳۶ يازدهم ۶۸
ثلاثة پنجاه ششم ۷
ثلث چهارم ۱۲
الثلث چهارم ۱۵
ثلثا چهارم ۱۲
الثلثان چهارم ۱۷۵
ثلثي هفتاد سيم ۲۰
ثالث پنجم ۷۷
ثالث بيست ششم ۱۳
ثلاث نهم ۴۰ بيست دوم
الثالثة پنجاه سيم ۲۰
وثلاث چهارم ۳
سي پنجم ۱
ثمَّ بيست ششم ۶۴
هشتاد بكم ۲۱
فثمَّ دوم ۱۰۹
اثمَّ دهم ۵۲
ثمود يازدهم ۹۸
بيست ششم ۱۴۱ چهل
بكم ۱۵ پنجاه چهارم
۲۳ شصتم ۵۰۴
نود بكم ۱۱
وثمود بيست نهم ۴۳
سي هشتم ۱۲ پنجاهم
ثمود نود هفتم ۲۱
يازدهم ۶۰ بيست هفتم
۳۶ چهل ۳۲ پنجاه
بكم ۴۳
لثمود يازدهم ۷۱

وثمود نهم ۷۱ چهاردهم
۹ چهل بكم ۱۳ هشتاد
پنجم ۱۸ هشتاد نهم ۸
ثمود منصوب يازدهم ۷۱
هفدهم ۶۱
وثمود بيست پنجم ۴۰
بيست ۳۲ پنجاه
سيم ۵۲
ثمر ششم ۹۹
ثمره ششم ۱۴۲ ۳۲
ثمره دوم ۲۳
ثمرات بيست ششم ۵۷
ثمرات شانزدهم ۶۹
ثمرات پنجم ۲۵
چهل بكم ۴۷
الثمرات سيم ۱۳۰
۲۸ هفتم ۵۷ ۱۲۷
سيزدهم ۳ چهاردهم ۳۷
۳۲ شانزدهم ۱۱
۷۱ چهل هفتم ۱۲
بالثمرات دوم ۱۵۰
الثمن چهارم ۱۲
ثمن دوازدهم ۲۰
وثمانية هفدهم ۹۰ ۲۱
ثماني بيست ششم ۲۷
ثمانين بيست چهارم ۴
ثمانية شصتم ۱۷
ثمانية ششم ۱۴۴
۸
ويثنيه شصت ششم ۷
ثانوب يازدهم ۵
يثنون شصتم ۱۸
اثنى نهم ۳۶ بيست دوم ۹
اثنان نهم ۳۶
اثنين پنجم ۱۵
اثنان پنجم ۱۰۵
اثنتا دوم ۵۷
هفتم ۱۶۰
اثنتي هفتم ۱۶۰
اثنتين چهارم ۱۲
۱۷۵ چهلم ۱۱
مثنى چهارم ۳ سي
چهارم ۴۶ سي پنجم ۱
مثاني نهم ۲۴
المثاني پانزدهم ۸۷
ثوب هشتاد سيم ۳۶
ثابا بكم سيم ۱۴۷
ثابا پنجم ۸۸
ثابا پنجم چهل ششم ۱۸
ثياب هفتاد ششم ۲۱
ثياب بيست و نهم ۲۰

ثيابا هفدهم ۲۰
ثيابك هفتاد چهارم ۴
ثيابكم بيست چهارم ۵۸
ثيابهن يازدهم ۶
ثيابهم نهم ۷۱
هفتاد بكم ۶۱
ثيابهن بيست چهارم ۵۹
ثواب چهارم ۱۳۳
سيم ۸۰
الثواب هفدهم ۳۰
ثواب سيم ۱۴۱
الثواب سيم ۱۹۵
ثواب سيم ۴۹ ام ۱۳۱
چهارم ۱۳۳
ثواباً سيم ۱۹۵ هفدهم
چهل نوزدهم ۷۹
مثابة دوم ۱۱۹
لمثوبة دوم ۹۲
مثوبة پنجم ۶۰
مثوى يازدهم ۶
مثواه سي پنجم ۴۲
مثوى پنجم ۱۰
وثاروا سي ام ۸
ثاروا بيست سيم ۴۵
مثوى سيم ۱۴۴
شانزدهم ۳۱ سي نهم
۷۲ چهل ۷۶
مثوى بيست نهم ۶۸
سي نهم ۳۲ چهل هفتم
بكم ۲۳ چهل هفتم ۱۳
مثواه دوازدهم ۲۳
مثواه دوازدهم ۲۱
مثوبكم چهل ششم ۱۲۸
ومثويكم چهل هفتم ۲۱
ثيبات شصت ششم ۵
باب الجيم
جاء
يجاورنك بيستم ۶۶
يجاورون شانزدهم ۵۵
تجاوروا بيست سيم ۶۷
الجب دوازدهم ۱۵۰۱
بالجبت چهارم ۵۴
الجبار پنجاه نهم ۲۳
جبار يازدهم ۶۲
جبارين ۱۸ چهل ۲۷
جبارا پنجم ۴۴
جبارا نوزدهم ۱۴
جبارين ۳۳ بيست ۱۸
جبارين بيستم ۱۳۰
جبرئيل دوم ۱۹
جبريل دوم ۹۱
وجبريل دوم ۹۲

بجبل دوم ۲۶۲
يازدهم ۳۵ پنجاه نهم ۲
الجبل هفتم ۱۳۹
للجبل هفتم ۱۳۹
الجبل هفتم ۱۷۰
جبال سي چهارم ۱۰
والجبال بيست و نهم ۱۸
شصت نهم ۴
وسيم ۱۴
جبالي بيست چهارم ۴۳
الجبال يازدهم ۸۲
شانزدهم ۷۰ ۳۰ ۸
بيستم ۱۰۵ بيست ششم
۱۴۹ سي پنجم ۲۵
هشتاد هشتم ۱۹
كالجبال يازدهم ۴۴
والجبال سيم ۷۲
الجبال هفتم ۲ ۲
هفدهم ۳۱ چهلم
بيست بكم ۷۹ بيست هشتم
۹۰ سي ششم ۱۷
والجبال هفتاد ششم ۷
هفتاد نهم ۳۲
جبلا سي ششم ۶۲
كالجبل بيست ششم
الجبين سي هفتم ۱۰۴
جباههم نهم ۳۵
بجبهتي بيست ششم ۵۷
والجنبا نوزدهم ۵۹
اجتباه شانزدهم ۱۲۲
بيستم ۱۲۰
فاجتباه شصت ششم ۵۰
اجتباكم بيست دوم ۷۲
اجتبيناهم هفتم ۲۰۲
واجتبيناهم ششم ۸۷
يجتبي سيم ۱۲۳ چهل
دوم ۱۲
يجتبيك دوازدهم ۶
لجئت چهاردهم ۳۱
يجارهم پنجم ۷۶
۸۹ يازدهم ۷۰ ۹۷
بيست نهم ۳۶
جاثية چهل پنجم ۲۷
جثيا نوزدهم ۶۹ ۷۲
جثوا يازدهم ۶۲
وجدوا بيست هفتم ۱۴
تجدوا بيست ۴۶
۴۸ سي بكم ۳۱
تجدونه ششم ۳۳
هفتم ۹ ۴ شانزدهم
۷۲ چهارم و چهل بكم
۲۸ چهل ششم ۲۵

الجيم ا بست ستم ٩١
هفتاد و نهم ٣٦
هشتاد و یکم ١٢
جحیم پنجاه ششم ٤٩
هشتاد و دوم ١٤
الجحیم ٣ دوم ١١٣ پنجم ١٣
١٢٠ . ٨٨ نهم ١١٤
بیست دوم ٥٠ سی هفتم
٢٣
وجحیما هفتاد ستم ١٢
خمسة سور جزء
الجحیم شصت نهم ٣١
هفتاد نهم ٣٩ صد و
دوم ٤
جدیدا هفتاد دوم ٣
جدید سیزدهم ٥
چهاردهم ٢٢ سی و دوم
٩ سی چهارم ٧ سی پنجم
١٧ پنجاهم ١٤
جدیدا هفدهم ٥٢
١٠٠
جدد سی پنجم ٢٥
الاجداث سی ششم ٥١
پنجاه چهارم ٧ هفتاد
٤٣
الجدار هجدهم ٨١
جدارا هجدهم ٧٦
جدر پنجاه نهم ١٤
اجدر نهم ٩٨
وجادلوا چهلم ٥
جادلتم چهلم ١٠٩
جادلتنا یازدهم ٣٢
جادلوک ششم ٦٧
یجادل چهارم ١٠٩
بیست دوم ٣ . ٨
سی یکم ١٩ چهلم ٤
وجادلهم هجدهم ٥٤
تجادل پنجاه هفتم ١٠٧
یجادلونک سیزدهم ١٤
چهلم ٣٢ . ٧٠ . ٥٨
چهلم ٣٣
یجادلوا بیست نهم ٤٦
یجادلونا یازدهم ٧٢
یجادلک پنجاه هشتم ١
یجادلونک ششم ٢٥
هشتم ٤
لیجادلوکم ششم ١٢١
اتجادلونی هفتم
وجادلهم شانزدهم ١٢٥
جدلا هجدهم ٥٢
چهل سیم ٥٨

جدال دوم ١٩٣
جدالنا یازدهم ٣٢
جذاذا بیست یکم ٥٩
مجذوذ یازدهم ١١٠
جذع نوزدهم ٢٣
بجذع نوزدهم ٢٥
جذوع بیستم ٧١
جذوة بیست هشتم ٢٩
یجر هفتم ١٤٩
جرحتم ششم ٦٠
اجترحوا چهل پنجم ٢٠
والجروح پنجم ٤٥
الجوارح پنجم ٤
جراد پنجاه چهارم ٧
والجراد هفتم ١٣٣
الجرز سی دوم ٢٧
جرزا هجدهم ٨
یجرمنکم چهاردهم ٢٠
جرم نهم ١١٠
یجرمنکم پنجم ١١ . ٣ . ٨
یازدهم ٨٩
اجرموا ششم ١٢٤
سی ام ٤٧ هشتاد
سیم ٢٩
اجرمنا سی چهارم ٢٤
قوم مجرمین یازدهم ١١٦
مجرم یازدهم ٣٥
شانزدهم ٢٢ . ٦٤
١١٠ چهلم ٤٦
اجرامی یازدهم ٣٥
المجرم هفتادم ١١
مجرما بیستم ٧٤
مجرمون چهل چهارم ٢٢
هفتاد نهم ٤٦
المجرمین سی هفتم ٣٣
هفتاد هفتم ١٨
کالمجرمین شصت هشتم
٣٥
المجرمین بیست پنجم ٣١
بیست هشتم ١٧
المجرمون ششم ١٢٣
وجوه دهم ٢٣
المجرمین سیزدهم ٢
سی یکم ٢٨ سی پنجم
١٤ سی نهم ٧
لیجزی چهاردهم ٣٧
چهل پنجم ١١
ولیجزی سی ام ٤٥
تجزی پنجاه پنجم ٥٠
جاء بها هشتاد ششم ١٢
الجاریة شصت نهم
فالجاریات پنجاه یکم ٣

الجوار چهل دوم ٣١ پنجاه
پنجم ٢ هشتاد یکم ١٦
مجریها یازدهم ٤٣
اخرجنا چهاردهم ٢٥
وتجزوا هفتاد ششم ١٢
جزاؤهم بیستم ١١٣
جزاؤهم ششم ١٤٧
سی چهارم ١٦
تجزی شانزدهم ٣٣
سی یکم ٣٢
وسنجزی ستم ١٣٨
لنجزی دهم ٤ چهاردهم
١٤ سی ام ٤٤ سی ستم
٢٤ سی چهارم ٢ چهل
پنجم ١٣ پنجاه ستم ٣٢
ونجزی پنجاه ستم ٣٢
تجزی دوم ٤٥ . ١١٧
وسنجزی ششم ١٥٩
ولنجزین شانزدهم ٩٦
لنجزیک بیست ستم ٢٥
سنجزیهم ششم ١٣٩
١٤٠
لیجزیهم نهم ١٢٢
بیست چهارم ٣٨
یجزیهم سی نهم ٣٦
نجزیهم بیست یکم ٣٠
ولنجزینهم شانزدهم ٩٧
بیست نهم ٤
نجزی چهلم ٢٧
نجزی سی هفتم ١٦١
بیست هشتم ٢٣ چهل
٢٠
یجزیه چهارم ١٢٢
یجزیه چهلم ١٧ نود
دوم ١٩
لیجزی بیستم ٤
ولیجزی چهل پنجم ٢١
یجزون هفتم ١٤٥
بیست نهم ٧٥ سی چهارم
سنجزون ششم ١٢٠
هفتم ١٧٩
تجزاه پنجاه ستم ٤٢
یجازی سی چهارم ١٧
جزء ٣ جزوا دو
چهل ستم ١٤
جازی سی یکم ٣٣
وجزاء چهل دوم
٣٨
فجزاء پنجم ٩٦
الجزاء پنجاه ستم ٤٢
جزاؤه دوازدهم ٧٤
٧٥

فجزاؤه چهارم ٩٥
جزاؤکم هفدهم ٦٥
جزاؤهم ستم ٨١ . ١٣٠
هفدهم ١٠٠ هجدهم ١٠٦
نود هشتم ٧
الجزیة نهم ٢٩
تجتنبوا چهل نهم ١٢
جنبا هفتم ١٤٦
بجنبکم بیست یکم ٨
سوم هشتم ٣٣
والجنب دوم ٢٤٨
اجتنابهم شصت ستم ٤
اجعل سی ستم ٤
فجعل چهل هشتم ٢٧
هفتاد یکم ٣٠
یجعل یازدهم ١٢٠
وجعلت هفتاد چهارم ١٢
جعلا هفتم ١٩٠
جعلوا سیزدهم ١٧
یازدهم ٩١ هفتاد یکم ٢٥
وجعلوا ششم ١٠٠
١٣٢ سیزدهم ٣٣
چهاردهم ٣٩ بیست هفتم
٣٤ سی هفتم ١٥٨
چهل سیم ١٤ . ١٨
جعلتم شانزدهم ٩٣
اجعلتم نهم ١٩
تجعلنی دهم ٤٦
اجعلنا چهل ستم ٢٧
فجعلنا یازدهم ٧٢
لجعلنا چهل سیم ٣٢
وجعلنی نوزدهم ٣١
٣٢ بیست ششم ٢٠
سی ششم ٢٦
جعلکم ١٣٢ هفتم
١٣٩ هشتم ١٠ هجدهم
٩٥ . ٩٨
فجعلهم بیست یکم ٥٨ شصت
ششم ٥ هشتاد هفدهم
لجعلکم بیستم ٤٧
جعلها دوازدهم ١٠١
وجعلها چهل سیم ٢٢
جعلکم ششم ١٦٥
هفتم ٦٧ . ٢٠ سی پنجم
٣٢ . ١١ پنجاه هفتم ٧
بجعلکم نهم ٥٣
شانزدهم ٩٥
وجعلکم پنجم ٢٣
فجعلهم بیست یکم
٥٩ صد پنجم ٥
تجعلهم دوازدهم ٧٤
فجعلهم چهل دوم

جعلنا پنجاه هشتم ٤٢
جعلناک ششم ١٠٧
سی هشتم ٢٥
چهل پنجم ١٧
جعلناکم شعوبا بیست
دوم ٢٥ بیست ١٣
چهل پنجم ٤ چهل دوم
٥٢ چهل سیم ٢
پنجاه ششم ٩٦
فجعلناه بیست پنجم ٢٥
هفتاد ششم ٢ هفتاد
هفتم ٢١
جعلناه ششم ٩ پنجاه
ششم ٦٥
وجعلناه هفدهم ٢٦
سی دوم ٢٣ چهل
ستم ٩ ٥٩
جعلناها بیست دوم ٣٢
سی هفتم ١ ١٤ پنجاه ششم
٧٢
جعلناها دوم ٤٢
دهم ٢٥
وجعلناها بیست یکم ٩١
بیست نهم ١٤ شصت
هفتم ٥
جعلناکم دوم ١٣٧
دهم ١٥
وجعلناکم هفدهم ٦
چهل نهم ١٣
جعلناهم بیست یکم ٧٣
جعلناهم بیست پنجم ٧
بیست چهارم ٤٣ سی چهارم
١٨ سی هفتم ٩٦
چهل ستم ٥٦
وجعلناهم دهم ٧٤
بیست یکم ٧٣ بیست ستم
٤١ بیست پنجم ٣٩
بیست هشتم ٤١
فجعلناهن پنجاه ششم
٣٥
جعلناکم ششم ١٢٤
١٢٥ هفتاد دوم ٢٦
هفتاد سیم ١٧
سنجعل نوزدهم ٩٦
شصت پنجم ٧
ویجعل دهم ١٠٠ چهل
دوم ٤٩
یجعل ستم ١٢٠
چهارم ١٩ . ١٤٠
شصتم ٧
یجعل ستم ١٥٠ پنجم
٩ بیست دوم
٥٢

وجعل چهارم ٢٣
هشتم ٣٨
یجعل ششم ١٢٥
هشتم ٢٩ هجدهم ٤
بیست چهارم ٤٠ سیم
سی بیست پنجم ٤٠٢ صد
وجعل بیست پنجم ١١ پنجاه
هفتم ٢٨ هفتاد یکم
الرحیم
اجعل دوم ٢٨
یجعل هجدهم ٩٣
تجعل هفدهم ٣١ . ٣٩
٤١ پنجاهم ١٠
اجعل هجدهم ٩٤
یجعلون دوم ١٨
یازدهم ٩
ویجعلون شانزدهم
٥٨ . ٥٩ . ٦٤
ویجعلون چهل یکم ٨
پنجاه ششم ٨١
یجعلوا دوم ٢٠ . ٢٢٤
چهارم ١٤٣ بیست و
چهارم ٣ پنجاه یکم
یجعل هجدهم ٩٣
سی ششم ٢٧
انجعل شصت ستم ٣٥
وتجعل بیست ستم ٣٥
یجعل هجدهم ٤٦
ویجعل سی چهارم ٤١
یجعل هجدهم ٩ ٨
نوزدهم ٨ هفتاد هفتم
٢٥ هفتاد هشتم ٤
نودم ٨
فجعل ستم ٥٤
یجعلن نوزدهم ٣٣
یجعله بیست چهارم ٤٣
سی پنجم ٢٢
وتجعل ٤٢
فجعله هشتم ٣٨
فجعله ششم ٣٩
وتجعلکم بیستم ٦٣
یجعلنی هفتم ١٤٩
بیست ستم ٩٦
فجعلنا هفتم ٣٥
دهم ٨٥ شصتم ٥
لا تجعلنی بیست ششم ٢
یجعلون ششم ٩١
یجعلوه دوازدهم ١٥
ولیجعلک دوم ٢٦١
ولیجعله نوزدهم ٢١
یجعلها بیست هشتم ٣٨
لیجعلها شصت ١٢

بجعلهما چهل یکم ۲۹
بجعلکم چهل پنجم ۲۰
وبجعلهم بیست وهشتم ۴ م
اجعل دوم ۲۰۱۲۴ ۲
سیم ۶۳ هفتم ۱۳۴
چهاردهم ۳۸ نوزدهم ۱۱
فاجعل کچهارشم ۴۰
بیستم ۶۰ بیست وششم ۳۸
واجعل چهارم ۷۷ م
هفدهم ۸۲ بیستم ۳۰
بیست وششم ۸۴
اجعلوا دوازدهم ۶۲
واجعلوا دهم ۸۷
اجعلنی دوازدهم ۵۵
چهاردهم ۴۲
واجعلنی بیست وششم ۸۵
واجعلهم نوزدهم ۶
واجعلنا دوم ۱۲۲
بیست پنجم ۷۴
جعل شانزدهم ۱۲۵
وجاعل سیم ۴۸
جاعل دوم ۸
جاعلوه سیم ۱
لجاعلون هجدهم ۷
جاعلک دوم ۱۱۸
وجاعلوه بیست وهشتم ۶
جاء سیزدهم ۱۸
وجفان سی چهارم ۱۳
جفانی سی دوم ۱۶
الجلال پنجاه پنجم ۲۷ ۷۸
والجلال هفدهم ۶۶
جلابیبهن سی سیم ۵۹
بجالوت دوم ۲۵۰
بجالوت دوم ۲۵۱
جالوت دوم ۲۵۲
فاجلدوا بیست چهارم ۲
فاجلدوهم بیست چهارم ۴
جلدة بیست چهارم ۲
جلدة بیست چهارم ۴
جلودکم نهم ۲۴
والجلود بیست دوم ۲۱
جلودا شانزدهم ۸۲
جلودنا چهارم ۵۹
جلودکم چهل یکم ۲۱
جلودهم چهارم ۵۹
سی نهم ۲۴
وجلودهم چهل یکم ۱۹
جلودهم چهل یکم ۲۰
الجلال پنجاه ششم ۱۲
جلاها نود یکم ۳
جلاها هفتم ۱۸۶

تجلی هفتم ۱۳۶ نود دوم ۲
الجلام پنجاه نهم ۳
جماعة هشتاد نهم ۲۱
یجمعو نهم ۵۷
جامد وبیست هفتم ۹۰
یجمع صد چهارم ۳
یجمع بیستم ۶۳
وجمع هفتادم ۱۸
جمعوا سیم ۱۶۷
لجمعهم ششم ۳۵
جمعنا کم سیم ۲۴
جمعنا کم هفتادم هفتم ۳۸
جمعنا کم هجدهم ۹۹
یجمع پنجم ۱۰۸ سی چهارم ۲۵ چهل دوم ۱۴
یجمعون دهم ۵۹
چهل سیم ۳۱
یجمعون سیم ۱۵۱
یجمعوا چهارم ۲۷
یجمعو هفتاد پنجم ۳
یجمعکم چهل پنجم ۲۵
شوری چهارم ۹
یجمعکم چهارم ۸۹
بیست ششم ۱۲
یجمع بیست ششم ۳۷
وتجمع هفتاد پنجم ۹
اجمعوا دوازدهم ۱۰۳
واجمعوا دوازدهم ۱۵
فاجمعوا دهم ۷۲
بیستم ۶۴
اجمعین هفدهم ۹۰
اجمعوا بیست دوم ۷۲
الجمع پنجاه چهارم ۴۵
الجمع چهل دوم ۵
شصت چهارم ۹
جمعا هجدهم ۹۹ بیست ششم
ستم ۷۸ صد ۵
الجمعان سیم ۱۴۹
۱۶۰ هشتم ۴۲
بیست ششم ۶۱
الجمعکم هفتم ۴۶
جمعهم چهل دوم ۲۸
جمعهم هفتاد پنجم ۱۷
جامع سیم ۷ چهارم ۱۳۹
جامع بیست چهارم ۶۲
الجمعه شصت دوم ۹
جمع شصتم ۳۲
۵۳ پنجاه چهارم ۴۴
الجمع بیست ششم ۵۰
اجمعون پانزدهم ۳۰

بیست ششم ۹۵
بیع هشتم ۷۳
یجمع هجدهم ۵۹ ۶۰
مجموع یازدهم ۱۰۵
الجمعون پنجاه ششم ۵
مجمعون بیست ششم ۳۸
الجمل هفتم ۴۰
جمال شانزدهم ۶
جمیلا دوازدهم ۱۸
۸۳
جمیلا بیستم ۲۸ ۴۸
هفتادم هفتاد
سیم ۱۰
الجمل یازدهم ۸۵
جمالت بیست پنجم ۳۴
جمال هفتاد هفتم ۳۳
جن ششم ۷۶
الجن سی چهارم ۱۳
الجن هفدهم
هفتاد دوم ۵
والجن ششم ۱۱۲
الجن ششم ۱۰۰
چهارم ۴ پنجاه یکم ۵
جان بیست هفتم ۸۹
بیست ۳۱ پنجاه پنجم
و ۳۹ ۵۶ ۷۴
الجان پنجاه پنجم ۱۴
والجان پانزدهم ۲۲
جنبه بیست ۱۶
بجاهم سیم
۱۵
شصت ششم ۵۱
وجنبه پنجاه ششم ۸۸
جنه دوم ۲۶۶
هفدهم ۹۳ بیست پنجم ۹
الجنة پنجاه یکم نود دوم
۴ بیست ششم ۹۰ چهل
ستم ۷۲ پنجاه ام ۳۰
هشتاد یکم ۱۳
جنت دوم ۲۶۷
شصت ۸۵
شصت ۲۲ هشتاد
هشتم ۱۵
جنة سیم ۱۲۷ پنجاه
هفتم
بالجنة چهل یکم ۳۰
جنة هفتادم ۳۸
جنة هفتاد ششم ۱۲
جنتان سی چهارم ۱۴
پنجاه پنجم ۲۰۴
جنتین هجدهم ۳۱
سی چهارم ۱۵
الجنتین هجدهم ۳۱
پنجاه پنجم ۵۴

جنات سیم ۲۰۱۳ ۱۹
پنجم ۱۱۹ پنجاه هفتم ۱۲
هشتاد پنجم ۱۱
وجنات سیم ۱۲۰
سیزدهم ۴
وجنات ششم ۹۹
نهم ۱۸ بیست ششم ۱۳۴
هفتاد هشتم ۱۶
الجنات چهل دوم ۲۱
جنتی هشتاد نهم ۳۰
جنتک هجدهم ۳۸
جنتک هجدهم ۳۷
جنتی هجدهم ۳۳
یجتنبهم سی چهارم ۱۵
جنته بیستم ۲۵
۷۲ سی چهارم ۸
جنة پنجاه سیم ۳۳
الجنة سی هفتم ۱۵۸
جنة هفتم ۱۸۳
بیع چهارم ۴۵
الجنة یازدهم ۱۲۰
سی دوم ۱۳ سی هفتم
۱۵۸ صد چهاردهم ۶
جنة پنجاه ششم ۱۷
بیست ششم ۲
یجنون چهل چهارم ۱۳
پنجاه یکم ۳۹ ۵۲
بجهارم ۹
الجنون یازدهم ۶
بیست ششم ۲
بیست ششم
جنون سی ششم ۲۹
مجنون منظم ۲
هشتاد یکم ۲۲
واجنبنی چهاردهم ۳۸
وتجنبوا نود دوم ۱۲
وتجنبها هشتاد هفتم ۱۱
اجنبوا سی نهم ۱۹
تتجنبون چهارم ۵ وهم
جنوبهم ۱۵
یجتنبوا چهارم ۳۵
اجتنبوا چهل نهم ۱۲
فاجتنبوا بیست دوم ۳۱
واجتنبوا شانزدهم ۳۸
بیست دوم ۳۱
فاجتنبوه پنجم ۹۲
جنب سی نهم ۵۷
بالجنب چهارم ۴۰
لجنب دهم ۱۳
جنوبها بیست دوم ۳۷
جنوبهم سی دوم ۱۶

وجهوهم نهم ۳۵
جهنم چهارم ۱۰۴
جهنم سیم ۸۸
جنب بیست ششم ۱۰
الجب چهارم ۴۰
جنبا چهارم ۶ پنجم ۹
جانبیر نوزدهم ۵۳
بیست ششم ۲۹
بجانب بیست ششم ۴۴
۴۶
جانب سی هفتم ۸
جانب هفدهم ۷۰
بیستم ۸۲
بجانب هفدهم ۷۵
چهل یکم ۵۱
بجوا هشتم ۴۳
فاجنح هشتم ۴۳
جناح هفدهم ۲۵
جناحک بیست هشتم ۳۸
جناحیک بیستم ۲۳
جناحک یازدهم ۸۸
بیست ششم ۲۱۵ بیست ششم
۳۲
اجنحة سی پنجم ۱
جناح دوم ۱۹۴ ۲۸۲
چهارم ۱۰۲ پنجم ۹۴
بیست چهارم ۳۹ ۵۷
۹۵ بیست ششم ۵
جنة سی ششم ۷۵
نهم اچهارم چهارم
۲۳ شصت ششم ۲۰
الجنة بیست ششم ۲۷
جنها نوزدهم ۷۷
جنود چهل ششم ۷۰۴
وجنود بیست ششم ۹۵
جنود سی سیم ۹
جنود نهم ۴۰ بیست ۶
جنود هشتاد پنجم ۱۷
بالجنود دوم ۱۹
بالجنود دوم ۲۵۰
جنود هفتاد چهارم ۳۴
جنوده نهم ۲۶
وجنوده سیم ۹
جنوده هفتم ۱۷۳
جنوده بیست ششم ۱۷
جنوده دهم ۹۰
بیست هفتم ۱۹
بیست ششم ۳۹
تجنوده دوم ۲۵۰
۲۵۱
لجنود بیستم ۸۱
لجنوده نهم ۴۰

بجهاد یکم ۴۰
وجنوهما بیست ششم ۷۵
جهنما دوم ۱۷۸
بجهاف پنجم ۵
وجعل پنجاه پنجم ۵۴
جنتا نوزدهم ۲۵
جاهد بیست نهم ۵
وجاهد نهم ۱۹
جاهدوا سیم ۱۳۶
نهم ۱۰ ۸۹
شانزدهم ۱۱۱ بیست نهم ۶۹
وجاهدوا دوم ۲۱۵
هشتم ۷۲ ۷۴ ۷۵
نهم ۲۰ چهل نهم ۱۵
بجاهد بیست نهم ۵
جاهدون پنجم ۵۹
جاهدوا نهم ۴۴ ۲۰
وجاهدون شصت یکم ۱۱
جاهدک بیست نهم ۷
سی یکم ۱۴
جاهد نهم ۷۳ ۷۴
شصت ششم ۹
وجاهدوا پنجم ۳۹
نهم ۷۳ ۸۷ بیست دوم
وجاهدهم پنجم ۵۴
جهد پنجم ۵۸ ششم
۴۰ دا شانزدهم
بیست چهارم ۵۲
۴۰
سی پنجم
جهدهم نهم ۸۰
وجهاد نهم ۲۴
جهادا بیست پنجم ۴
شصتم ۱
چهارم بیست دوم ۷۷
والمجاهدین چهارم ۹۷
المجاهدین چهارم ۹۲
چهل هفتم ۳۳
بجهرا هفدهم ۱۱۰
بیستم ۶
تجهروا چهل نهم ۲
الجهر وانصت هفتم ۱۳
بجهرا چهل نهم ۲
الجهر هفتم ۲۰۴
وتجهرا شانزدهم ۷۷
الجهر چهارم ۱۴۷
بیستم ۱۱ هشتاد
هفتم ۷
تجهر کم شصتم ۳
جهرة دوم ۵۵ ۴۷
چهارم ۱۵۳ ششم
چهار هفتاد یکم ۸

بیان آنکه جمع ...
[illegible]



باب الجيم بعد الألف والحاء

[illegible]

[illegible]

الحمر نوزدهم ۴۰	بالحسنی پنجاه سیم ۳۲
حمر سی نهم ۵۷	نود و دوم ۶ ۹۰
حمر پنجاه ششم ۳۱	الحسنی چهل یکم ۵۰
حمیر شصت هفتم ۴	الحسنیین نهم ۵۲
محمورا هفدهم ۳۱	حسان پنجاه پنجم ۷۰
حسوما شصت نهم ۷	حسان پنجاه پنجم ۷۶
وحسن چهارم ۷۱	واحسن چهارم ۶۲
حسنت بیست پنجم ۷۶	هفدهم ۳۷ نوزدهم ۷۴
وحسنت هجدهم ۳۰	بیست پنجم ۲۶
احسن ششم ۱۵۵	احسن نود پنجم ۴
دوازدهم ۲۳، ۱۰۱	باحسن چهارم ۸۸
هجدهم ۲۹ بیست هشتم ۷۷	باحسن شانزدهم ۹۸
سی و نهم بیست پنجم ۱۱	سی نهم ۹۹ ۶ ۳
فاحسن چهلم ۶۶	باحسنها هفتم ۱۴۲
شصت چهارم ۳	احسن نهم ۱۲۲
احسنوا سیم ۶۶	دوازدهم ۳ بیست چهارم
دهم ۲۷ شانزدهم ۳۲	۳۸ بیست نهم سی
سی نهم ۱۳ پنجاه سیم ۳۲	هفتم ۱۲۹ سی نهم
	۲۴ ۶۰ ۵۰ چهل ششم ۱۵

[illegible]

باب الحاء بعد القاف الی الیا

بالاحقاف چهل‌وششم ۲۰
الحکم چهل ۵۱
یحکمون پنجم ۴۶
حکمتم چهارم ۱ ۶
لیحکم شانزدهم ۱۲۵
یحکم هفتم ۸۵ دهم
۱۰۵ دوازدهم ۸۰
لیحکم دویم ۲۰۹ سیم
۲۲ بیست‌چهارم ۴۲
۵۰
یحکم پنجم ۴۸ ۴۹ ۵۱
ولیحکم پنجم ۵۱
یحکم سی‌ونهم ۴۷
لیحکم چهارم ۱۰۵
فاحکم سیم ۴۸
یحکمان بیست‌یکم ۷۸
یحکمون ششم ۱۳۷
شانزدهم ۱ بیست‌وچهارم ۳
چهل‌پنجم ۲۰
یحکمون دهم ۳۶ سیم
هفتم ۱۵۴ شصت‌وششم
۳۹ ۰ ۳
یحکموا چهارم ۶۱
احکم پنجم ۵ بیست‌یکم
۱۱۲
فاحکم پنجم ۴۸ ۵۲
وحکمت سیم ۲۱ ۲۵
یحکمونک پنجم ۴۲
یحکمونک چهارم ۶۸
یحکم بیست‌دویم ۵۱
الحکم یازدهم ۱
یحکموا چهارم ۳ ۶
حکم پنجم ۴۷ شصتم
الحکم ششم ۵۷ ۲۰
دوازدهم ۴۰ ۷۰
بیست ۷۰ ۸۸
لحکمکم چهل
یحکم پنجاه‌دویم ۴۸
شصت‌وسیم ۴۸ هفتاد
۲۴
احکم پنجم ۵۵
حکمایم ۵۵ دوازدهم
۲۲ سیزدهم ۳۲
بیست‌یکم ۷۲ ۷۹
بیست‌ششم ۲۰ ۸۳
والحکم سیم ۷۳ هشتم
۸۹ چهل‌پنجم ۱۵
یحکم چهل‌دویم ۸
یحکم سیزدهم ۲۵
یحکم بیست‌هفتم ۴۰
احکم سیزدهم ۴۱

لحکمهم بیست‌یکم ۷۸
حکما چهارم ۳۹
ششم ۱۱۴
وحکما چهارم ۳۹
الحاکمین هفتم ۸۵
دهم ۱۰۹ یازدهم ۴۷
دوازدهم ۸۰ نود
پنجم ۸
الحکام دویم ۱۸۴
حکمه پنجاه‌وچهارم ۵
وحکمة سیم ۵ ۷
الحکمة هفدهم ۴۱
بالحکمة شانزدهم ۱۲۵
چهل‌وسیم ۶۳
والحکمة دویم ۳۱ ۲
سیم ۳۴ ۳
الحکمة دویم ۲۷۲ سیم
یکم ۱۱ سی‌هشتم ۱۹
والحکمة دویم ۱۲۳
۱۴۶ ۲۵۲ سیم
۴۳ ۸۰ چهارم
۵۷ ۱۱۳ پنجم ۱۱۰
شصت‌دویم ۲
حکیم یازدهم ۱ بیست‌هفتم
۶ چهل‌یکم ۲ چهل د
چهارم ۳
الحکیم سیم ۱۲۲۰۵۱
دهم ۱ سی‌یکم ۳ سی‌ششم
سی‌نهم ۱ چهل‌پنجم
چهل‌ششم ۱ شصت‌دویم
احکم یازدهم ۴۷
باحکم نوزدهم ۸
حکیم چهل‌هفتم ۲۲
حکیم سیم ۵
علیم پنجم ۳
بحکیم دویم ۲۲ ۲۹ ۲۲۰
چهارم ۲۳ سی‌سیم ۵
وبحکم یازدهم ۴۱
سی‌نهم ۴۱
حکم بیستم ۸۹
حکم بیستم ۸۳
سیزدهم ۳۱
حکم دویم ۲۳۰
یحکمون ششم ۱۰
والحکم بیستم ۲۸
حکموا هفتادوششم ۲۱
احکم پنجم ۸۹
شصت‌وششم ۱
واحکم دویم ۲۷۶
واحکم چهاردهم ۳۳
احکمنا سیم ۱۹ ۴
واحکم هفتم ۱۵ ۵

ولااحل سیم ۴۴
یحلو نهم ۳۷
تحاکما پنجم ۲
احلنا سی‌پنجم ۳۲
یحلونه نهم ۳۷
احل دویم ۱۸۳
پنجم هفتم ۹۷
واحل چهارم ۲۸
احلت چهارم ۱۵۸
پنجم ۱
واحلت بیست‌دویم ۳۱
حل پنجم ۷ ۳ شصتم
نوزدهم ۲
حلال سیم ۸۷
حلال شانزدهم ۱۱۲
حلالا دویم ۱۶۳
پنجم ۹ هشتم ۷۰
شانزدهم ۱۱۵
وحلالا دهم ۶۰
حلال چهارم ۲۷
حلال شصت‌ششم ۲
محلها بیست‌دویم ۳۴
محله دویم ۱۹۲ چهارم
ششم ۲۵
محلی پنجم ۱
حلفتم پنجم ۹۱
یحلفون چهارم ۶۵
تحلف نهم ۷۵ ۶۲ ۷۰
پنجاه‌هشتم ۱۹
ستحلفون نهم ۹۶
وستحلفون نهم ۴۲
یحلفون پنجاه‌هشتم ۱۹
ویحلفون نهم ۶ ۵
پنجاه‌وششم ۱۵
وتحلفون نهم ۱۰۸
حلاف شصت‌هشتم ۱۰
یحلفوا دویم ۱۹۲
یحلفون چهل‌هشتم ۲۷
الحلقوم پنجاه‌ششم ۸۲
احلامهم دوازدهم ۴۴
بیست‌یکم ۵
الاحلام دوازدهم ۴۴
احلامهم پنجاه‌دویم ۳۲
الحلم بیست‌چهارم ۵۷
الحلیم یازدهم ۸۷ ۷۰
الحلیم یازدهم ۹ ۸
حلیم سی‌هفتم ۹۹
حلیما هفدهم ۴ ۴
سی‌سیم ۱۵ سی‌پنجم ۹
یحلون هفدهم ۲۰
بیست‌دویم ۲۳

بیت پنجم ۳۵
حلیة سیزدهم ۱۸
الحلیة چهل‌سیم ۱۷
حلیة شانزدهم ۱۴
سی‌پنجم ۱۳
حلیهم هفتم ۱۴۶
ثم چهل ثم ناچهل‌وششم ۱
جهنم سی‌وهشتم ۵۷ چهل
یکم ۳۳ شصت‌نهم ۳۵
هفتادم ۱۰
الحمیم بیست‌دویم ۳۰
الحمیم ششم ۶۹ دهم ۴
بیست‌ششم ۱۰۱ سی‌هفتم
۶ چهلم ۱۹ پنجاه و
پنجم ۴۴
پنجاه‌ششم ۹۳
وحمیم پنجاه‌ششم ۴۱
الحمیم چهل ۷۳ چهل
چهارم ۴۸ ۵۰
پنجاه‌ششم ۵۴
حمیما هفتم ۱۷
هفتادم ۱۰ ۵
۲۵
حمل یازدهم ۲۸ ۲۶۲
۳۳
حمیده هفدهم ۴ ۸
محمد و سیم ۱ ۸۵
حملت دویم ۲۸
سیزدهم ۱۴
هفدهم ۴۶ ۵۴
بیست‌یکم ۶۰
الحامدون نهم ۱۱۳
حمید دویم ۲۷۰
یازدهم ۷ پنجاه‌هم
۸ سی‌یکم ۱۱ شصت‌چهارم
الحمید بیست‌دویم ۹۳
سی‌یکم ۲۵ سی‌پنجم ۱۶
چهل‌دویم ۲۲ پنجاه
حمید ۴ ۲ شصتم ۶
حمید چهل‌یکم ۴۲
الحمید چهاردهم ۱
بیست‌دویم ۲۴ سی
چهارم هشتادم ۸
حمید چهارم ۱۳۰
المحمود شصتم ۶
محمود هفدهم ۸۱
محمد سیم ۱۳۸ سی
سیم ۴۰ چهل‌هشتم ۲۹
محمد چهل‌هفتم ۲
الحمار شصت‌دویم ۵
حمارک دویم ۲۵۹
حمر هفتادوچهارم ۵۱

الحمیر سی‌پنجم ۱۸
الحمیر شانزدهم ۸
وحمر سی‌پنجم ۲۵
حمل بیستم ۱۱۰
حملت ششم ۱۴۷
هفتم ۱۸۹
حملنا هفدهم ۳
نوزدهم ۵۸ سی‌ششم ۴۱
وحملها سی‌ویکم ۷۲
حملته سی‌یکم ۱۳ چهل
بیستم ۱۴
فحملته نوزدهم ۲۲
حملته دویم ۲۸۶
وحملنا پنجاه‌وچهارم ۱۳
حملنا کرشصت‌نهم ۱۱
وحملناهم هفدهم ۷۲
حمل بیستم ۱۰۰ شصت
دویم ۵
وحمل شصت‌نهم ۱۷
حمل سیزدهم ۹ بیست
نهم ۱ سی‌پنجم ۱۲
حمل یکم ۴۷
وحمل شانزدهم ۷
حمل دویم ۲۸۶ هفتم
۱۷۵
احمل دوازدهم ۳۶
تحملون ششم ۳۱
چهل ۷
تحمل شانزدهم ۱۴
وتحمل بیست‌نهم ۱۲
ولیحمل بیست‌نهم ۱۱
تحمل دویم ۲۴۹
نوزدهم ۲۸
چهل‌نهم ۹۳
الحمل نهم ۹۳
تحملوا شصت‌دویم
تحملها سی‌سیم ۷۲
احمل یازدهم ۴۲
وتحمل شصت‌نهم ۱۳
بیست‌یکم ۱۹
تحملون بیست‌سیم ۲۲
۸۰
تحملنا دویم ۲۸۶
حمل بیست‌چهارم ۳
حملوا شصت‌دویم ۵
حملنه بیست‌چهارم ۳
حملنا بیستم ۹۰
احمل چهارم ۱۱۲
حملت سیزدهم ۱۸
فحملوا سیم ۵۸
حمل بیستم ۲

شصت‌پنجم ۶
حملها هفتم ۱۸۹
الاحمال شصت‌پنجم ۴
وحملة چهل‌وششم ۱۴
حملها بیست‌دویم ۲
حملهن شصت‌پنجم ۶ ۴
حمل دوازدهم ۷۲
حملها بیستم ۱۰۱
حملها سی‌پنجم ۱۹
بحاملین بیست‌نهم ۱۱
والحاملات پنجاه‌یکم ۲
حمالة صد یازدهم ۴
حمولة ششم ۱۴۳

حما

نحیی نهم ۳۵
حام پنجم ۱۰۲
حامیة صد و یکم ۸
حامیة هشتادوهشتم ۴
حمیة چهل‌ششم ۲۶
الحمیة چهل‌ششم ۲۶

حنن

وحنانا نوزدهم ۱۴
حنین نهم ۲۵

حنث

تحنث سی‌وهشتم ۴۳
الحنث پنجاه‌ششم ۴۵

حنجر

الحناجر چهل ۱۸
الحناجر سیم ۱۰

حنذ

حنیذ یازدهم ۷۲

حنف

حنفاء بیست‌دویم ۳۲
نود ششم ۴

حنک

لاحتنکن هفدهم ۶۴

حوب

حوبا چهارم ۲

حوت

الحوت هفتم ۱۴۲
الحوت شصت‌ششم ۴۸
الحوت هجدهم ۶۲
حوتهما هجدهم ۶۰
حیتانهم هفتم ۱۶۳

حاج

حاجة دوازدهم ۶۸
چهلم ۸ پنجاه‌نهم ۹

حاذ

استحوذ پنجاه‌ششم ۲۰
نستحوذ چهارم ۱۴۰

حار

یحور هشتادوچهارم ۱۴

باب الخاء مع الألف الی الیاء

۵ ۴۳

تجاوزکما پنجاه شتم ۱
حور پنجاه پنجم ۷۲
دحور پنجاه شتم ۲۲
بحور چهل چهارم ۵۴
پنجاه دوئم ۲۰
بجاوز هجدهم ۳۵
الحواریون سیم ۴۵
پنجم ۱۱۲ شصت یکم ۱۴
الحواریین پنجم ۱۱۱
للحواریین شصت یکم ۱۴
خاش
دوازدهم ۳۱ ۵۱
خاط
آحاط هفدهم ۶۲ هجدهم
۱۸ چهل شتم ۲۱
شصت پنجم ۱۲
واحاط هفتاد دوئم ۲۸
واحاطت دوئم ۷۵
احاطت بیست هفتم ۲۲
احطنا هجدهم ۹۰
محیط هجدهم ۶۰
بیست هفتم ۲۲
بمحیطون دوئم ۲۵۶
بیستم ۱۰۹
بمحیط دهم ۴۰
یحیطوا بیست هفتم ۸
احیط دهم ۲۳
واحیط هجدهم ۳۰
محیط دوازدهم ۶۶
محیط دوئم ۱۸ سیم
۱۱۶ فواتح سوره آخری
محیط یازدهم ۸۵
محیط چهارم ۱۰۸
۱۲۵
لمحیطه نهم ۴۹ بیست هفتم
خال
تعالی یازدهم ۴۵
نحول شتم ۲۴
تحول سی چهارم ۵۲
حول سی نهم ۷۵
الحول دوئم ۲۴۱
حولکم نوزدهم ۶۰
حولهن دوئم ۲۳۳
حولک سیم ۱۵۳
حولهم بیست نهم ۶۷
حوله دوئم ۱۵ هفتاد
بیست شتم ۲۴ ۳۳
چهلم
حولها شتم ۹۲ بیست
۵ هفتم ۸ چهل دوئم ۵
حولکم نهم ۱۰۲ چهارم
شتم ۶۱

عوالیهم نهم ۱۴
حوله هجدهم ۱۰۸
جیلة چهارم ۱۰۰
تحویلا هفدهم ۵۸ ۷۹
سی پنجم ۴۲
خوی
الحوایا شتم ۱۴۷
احوی هشتاد هفتم ۵
یحی هشتم ۴۴
یحیی بیستم ۷۶ هشتاد
و هفتم ۱۳
ویحیی هشتم ۴۴
یحیون هفتم ۲۴
ویحیا بیست سیم ۲۹
چهل پنجم ۲۳
فیحیوا چهارم ۸۰
حول پنجاه شتم
حیلهم چهارم ۸۸
احیا پنجم ۳۵
فاحیا دوئم ۱۵۹
شانزدهم ۶۷ بیست
۳ چهل پنجم
واحیا پنجاه سیم ۴۵
فاحیینا سی پنجم ۱۰
واحیینا پنجاهم ۱۱
احیاها پنجم ۳۵
چهل یکم ۳۹
احیاکم بیست دوئم ۶۸
فاحیاکم دوئم ۲۸
احیاهم دوئم ۲۴۴
واحیینا چهل ۱۱
فاحییناه شتم ۱۲۲
احییناها سی شتم ۳۳
فیحیی سی ام ۲۳
ویحیی سی ام ۱۸
یحیی چهل شتم ۳۲
هفتاد پنجم ۴۰
یحیی دوئم ۲
احیی دوئم ۲۶۰
واحیی سیم ۴۹
تحیی یازدهم ۲۳
سی شتم ۱۲ پنجاهم ۴۲
لیحیی پنجم ۵۱
یحیین بیست شتم ۸
یحییها سی شتم ۷۹
یحییکم دوئم ۲۹ شتم
بیست نهم ۲۴
سی ام ۲۹ چهل پنجم
۲۵
فلنحیینه شانزدهم ۹۹
واستحیوا چهلم ۲۶
یستحیی دوئم ۲۴

سیم ۵۳
فستحیی سیم ۵۳
وتستحیی بیست شتم ۳
وتستحیون دوئم ۴۶
هفتم ۱۳۷ چهاردهم ۶
وتستحیی هفتم ۱۲۴
الحی دوئم ۲۵۶
سیم چهلم ۶۷
حی بیست یکم ۳۱
الحی سیم ۲ شتم ۹۵
دهم ۳۲ بیست پنجم
سی ام ۱۸
الحی نهم ۱۱۰
نوزدهم ۱۵ ۳۲
سی شتم ۳ ۷۰
الحی سیم ۲۷ شتم ۹۵
دهم ۳۲ سی ام ۱۸
احیاء دوئم ۱۴۹
سیم ۳ ۶۱
الاحیاء سی پنجم ۲۱
احیاء شانزدهم ۲۱
احیاء هفتاد ششم ۲۶
حیث بیستم ۲۵
خیوة دوئم ۱۲۵
الحیوة دوئم ۲۰۸
سیم ۱۸۲ شتم ۳۲
۴۹ ۳۰ هفتم ۴۹
خیوة دوئم ۹۰
بالحیوة نهم ۳۸ دهم ۷
سیزدهم ۲۶
حیوة شانزدهم ۹۹
بیست پنجم ۴
والحیوة شتم ۲

حکام چهل پنجم ۲۰
استحیاء بیست شتم ۲۵
حنث
دوئم ۳۳ ۵۵
هفتم ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۸۷
فواتح سوره حجر
وحنث دوئم ۱۳۹
۱۴۵
خاد
محیدا پنجاهم ۱۸
خاز
حیران شتم ۷۰
خاز
مجیزا هشتم ۱۶
خاص
محیص چهاردهم ۲۵
چهل یکم ۴۸ چهل و دوئم
۳۳ پنجاهم ۳۵
محیصا چهارم ۱۲۰
خاص
بحیص شصت پنجم ۴
المحیص دوئم ۲۲۲
شصت پنجم ۴
خاف
یحیف بیست چهارم ۴۹
خاف
حیاف شتم ۱۱ بیست یکم
ریحان یازدهم
شانزدهم ۳ سی نهم
۴۹ چهل ۴۸ ۳۰
چهل پنجم ۳۲ چهل شتم
۲۵
یحیون سی پنجم ۴۱
خان
حین هفتاد شتم ۱
حین بیست شتم ۱۴
وحین دوئم ۱۷۲
شانزدهم ۶ بیست
چهاردهم ۵۲ سی ام ۱۶
۱۲
حینئذ پنجاه شتم ۸۳
باب الخاء
خبأ
الخبأ بیست هفتم ۲۵
خبث
والخبثوا یازدهم ۲۵
خبیث بیست دوئم ۵۳
الخبیث بیست نهم ۳۵
خبث
هفتم ۶ ۵
الخبیث پنجم ۱۰۰

الخبیث پنجم ۱۰۰
الخبیث دوئم ۲۶۹ سیم
۱۷۳ چهارم ۲ هشتم
۳۸ ثم والخبیثون
الخبیثین بیست چهارم
الخبیثات بیست چهارم ۲۶
الخبائث هفتم ۱۵۷
بیست یکم ۴ ۷۲
خبر
اخبار چهارم ۴۲
نخبر بیست پنجم
بیست شتم ۳۹
اخبارکم نهم ۹۵
اخبارها نوزدهم ۴
اخبارکم چهل هفتم ۳۳
الخبیر سی پنجم ۲۸
صدقه ۱۱
خبیر کبار دوئم سی پنجم ۱۵
خبز
خبزا دوازدهم ۳۶
خبط
یتخبطه دوئم ۲۷۶
خبل
خبالا سیم ۱۱۸ نهم ۴۷
خبأ
خبت هفدهم ۹۹
و حتی
ختار سی یکم ۳۱
ختم
ختم دوئم ۶
کرختم شتم ۴۶
ختم
چهل پنجم ۲۲
ختم سی شتم ۶۵
ختامه سی سیم ۴۰
خاتم هشتاد سیم ۲۶
ختمه هشتاد سیم ۲۵
نختم چهل دوئم ۲۳
خدد
خدک سی یکم ۱۷
الاخدود هشتاد پنجم ۴
خدع
تخادعون دوئم ۸
یخادع چهارم ۱۴۲
یخادعون دوئم ۸
چهارم ۱۴۱
خادعهم چهارم ۱۴۱
خدن
اخدان چهارم ۲۹
بیستم
خذل
و خذل
بخذلکم سیم ۱۵۴

یخذلکم سی پنجم ۳۱
فخذلکم هفدهم ۲۳
خر بیست دوئم ۳۲
سی چهارم ۱۳
فخر شانزدهم ۲۸
وخر هفتم ۱۳۹ سی
هشتم ۲۳
خروا نوزدهم ۵۹
سی دوئم ۱۵
وخروا دوازدهم ۱۰۱
ویخرون نوزدهم ۹۳
یخرون هفدهم ۱۰۸
ویخرون هفدهم ۱۰۹
یخروا بیست پنجم ۷۳
یخرون پنجاه ۲
یخرجها دوئم ۱۰۸
خرج نوزدهم ۱۲
بیست شتم ۲۰ ۷۹
خرجت دوئم ۱۴۴
۱۴۵
خرجوا دوئم ۲۴۴ پنجم
۶ هشتم ۴۹ نهم
۴۷ چهل شتم ۱۸
خرجن دوئم ۲۴۱
خرجنهم شصتم ۱
یخرجا نهم ۴۲
یخرج هفتم ۵ ثم
شانزدهم ۷۱ بیست
چهارم ۴۳ سی ام
۴۲ سی چهارم ۲
پنجاه پنجم ۲۲ پنجاه هفتم
۴ هشتاد هشتم
۷
نخرج دوئم ۴۹
یخرج چهارم ۱۰۱
یخرج هجدهم ۴
بیست سیم ۲۰ سی هفتم
۳۲ چهل یکم ۴۲
تخرج چهل نهم ۵
تخرج بیستم ۲۲ بیست
هفتم ۱۲ بیست نهم ۴۹
یخرجون پنجاه چهارم ۷
پنجاه نهم ۱۱ هفتاد
۴۳
یخرجوا پنجم ۲۵ ثم
۴۱ بیست دوئم ۲۲
سی دوئم ۲۰ پنجاه
نهم ۲
تخرجن بیست چهارم ۵۳
تخرجن شصت پنجم ۱
یخرجون سی ام ۲۴
یخرجوا نهم ۸۳

روایة جعفر بن محمد

لمزجم

باب بعد الخاء والواو الى الضاد

٥ ٣ ٧

الخرج هفتاد وهشتم ١٥	لخرجن پنجاه نهم ١١
يخرج چهلم ٦٩	اخرج هفتم ١٢
فيخرج هفتاد يكم ١٧	دوازدهم ٣١
يخرج دوم ٢٥٨	فاخرج هفتم ١٢ پانزدهم
ويخرج پنجم ١٨	٣٢ بيستم ١٩
يخرج هفتم ١٧	بيستم ٧٨
بيست ششم ٣٤	اخرجوا چهارم ٦٩
يخرج سيوم ٣٢	اخرج هفتم ٣٠٢
پنجاه هفتم ٩	بيست چهارم ٤٠
يخرج بيستم ١١٥	چهل هشتم ٢٩ پنجاه نهم
يخرجا بيستم ٥٩	هفتاد نهم ٣١ هشتاد
يخرجا بيستم ٦٦	هفتم ٤
يخرجونهم دوم ٢٥٩	فاخرج دوم ٢٠
يخرجوا هشتم ٣٠	چهاردهم ٣٧ بيستم
يخرجوا هفدهم ٧٨	واخرج هفتاد نهم ٢٩
	واخرج نود نهم ٢

باب الخاء والعين الى اللام

مخمص سے سیوم ٣٢
خاضعين بیست وششم ٣
خط
تخطه بیست ونهم ٢ ٧ ۴
خطأ
اخطاتم سے سیوم ٥
اخطانا دوئم ٦ ٨ ٢
خطاهفدهم ٣ ٣
خطاء چهارم ٩۴ م
خطیئة چهارم ١١٢
خطیئتي بیست وششم ٨٢
خطیئته دوئم ٧٥
خطیاتکم هفدهم ١٦١
خطیاتهم هفتا دیکم ٢٥
خطایانا بیستم ٧٥
بیست وششم ٥١
خطایاکم دوئم ٥٥
بیست ونهم ١١
خطایاهم بیست ونهم ١١
الخاطئون شصت ونهم ٣٧
خاطئین دوازدهم ٩٨
بیست وششم ٧
لخاطئین دوازدهم ٩١
الخاطئین دوازدهم ٢٩
خاطئة نود وششم ١٦
بالخاطئة شصت ونهم ٩
خطب
خاطبهم بیست وپنجم ٦۴
تخاطبني یازدهم ٣٩
بیست وسیوم ٢٨
خطبك بیستم ٩٥
خطبکما بیست وهشتم ٢٣
خطبکم پانزدهم ٥٧
پنجاه ویکم ٣١
خطبکن دوازدهم ٥١
الخطاب سے وهشتم ١٩
٢٢
خطابا هفتاد وهشتم ٣٧
خطبة دوئم ٢٣٥
خطف سے وهفتم ١٠
تخطف دوئم ١٩
فتخطفه بیست ودوئم ٣ ٢
یتخطفکم هشتم ٢٦
ویتخطف بیست ونهم ٦٧
یتخطف بیست وهشتم ٥٧
الخطفة سے وهفتم ١٠
خطو
خطوات دوئم ١٦٣
ششم ١٤٣ بیست وچهارم ٢١ م
خفت
خفت هفتم ١١٠ بیست وششم ١٠٥

صد یکم ٦
تخفف ششم ٦٧
تخفف چهارم ٢ ٣
یخفف چهلم ٥ ٢
تخفف دوئم ٨٠
سیوم ١٥٧ ٨٢
شانزدهم ٨٧ سے پنجم
٣٣
فاستخف چهل وسیوم ٥۴
یستخفنك سیوم ٦٠
تستخفونها شانزدهم ٨٢
خفیفا هفتم ١٨٩
خفافا نهم ۴١
تخفیف دوئم ١٧٨
خفت
تخافت هفدهم ١١٠
یتخافتون بیستم ١٠٣
شصت وهشتم ٢٣
خفض
واخفض پانزدهم ٨٨
هفدهم ٢۴ بیست وششم
٢١٥
خافضة پنجاه وششم ٣
خفي
یخفی سیوم ۴ چهاردهم
۴١ چهلم ١٦
هشتاد وهفتم ٧
تخفی شصت ونهم ١٨
یخفون چهل ویکم ۴٠
اخفیتم شصتم ١
تخفی سیوم ١١٢ چهلم ٢٠
وتخفي سے وسیوم ٣٧
یخفون سیوم ١۴٨
ششم ٢٨
یخفین بیست وچهارم ٣١
تخفون پنجم ١٨
بیست وهفتم ٢٥
وتخفون ششم ٩١
تخفوا سیوم ٢٧
تخفي چهاردهم ۴١
اخفیها بیستم ١٥
تخفوه دوئم ٢٨ ۴
چهارم ٢۴ سے وسیوم ۴ ٥
تخفوها دوئم ٢٧٣
اخفی سے ودوئم ١٧
یستخفون چهارم ١٠٨ م
لیستخفوا پانزدهم ٥
خفیة چهل دوئم ٣۴
خفیا نوزدهم ٢
واخفی بیستم ٦
خافیة شصت ونهم ١٨
وخفیة ششم ٦٣

هفتم ٥٣
مستخف سیزدهم ١١
خلل
تخلوا نهم ٥
خلال چهارم ٣٦
خلال هفدهم ٥
خلاله بیست وچهارم ۴٣
چهارم ۴٢
خلالها هفدهم ٩٣
بیست وهفتم ٦٢
خلالها هجدهم ٣٢
خلالکم نهم ۴٧
خلة دوئم ٢٥٥
خلیلا چهارم ١٢٢
هفدهم ٧٥ بیست وپنجم ٢٣
الاخلاء چهل وسیوم ٦٧
خلد
ویخلد بیست وپنجم ٦٩
مخلدون بیست وششم ١٢٩
اخلده هفتم ١٠٧
اخلده صد چهارم ٣
الخلد دهم ٥٣
بیستم ١١٨ بیست وپنجم ١٦
سے ودوئم ١۴ چهل ویکم
٢٨
الخلد بیست ویکم ٩ ٢
خالد چهل وهفتم ١٧
خالدا چهارم ١٨ .٩٥
نهم ٦۴
خالدین پنجاه ونهم ١٧
الخالدین هفتم ١٩
الخلود پنجاهم ٣٣
مخلدون پنجاه وششم ١٧
هفتاد وششم ١٩
خلص
خلصوا دوازدهم ٨٠
واخلصوا چهارم ١۴٥
اخلصناهم سے وهشتم ۴٦
استخلصه دوازدهم ۵۴
الخالص سے ونهم ٣
خالصا شانزدهم ٦٨
خالصة ششم ١۴٠
بخالصة سے وهشتم ۴٦
خالصة دوئم ٩۴
هفتم ٣٠ سے ونهم ٢ ۴٩
مخلصا سے ونهم ١۴
المخلصون دوئم ١٣٩
المخلصین هفتم ٢٨
دهم ٢٣ بیست وپنجم ٦٥
سے ویکم ٣١ چهلم ١۴
نود وهشتم ٥

مخلصا نوزدهم ٥٢
المخلصین دوازدهم ٢۴
پانزدهم ۴٠ سے وهفتم ٣٩
١٦٩.١٦٠.١٢٨.٧٢
سے وهشتم ٨۴
خلط
تخالطوا نهم ١٠٣
تخالطوهم دوئم ٢١٩
اختلط ششم ١۴٢
فاختلط دهم ٢٥
هجدهم ۴٣
الخلطاء سے وهشتم ٢٣
خلع
فاخلع بیستم ١٢
خلف
تخلف هفتم ١٦٨
نوزدهم ٦٠
خلفتمونی هفتم ١۴٩
یخلفون چهل وسیوم ٦٠
اخلفني هفتم ١۴٨
خلفوا نهم ١١٩
بخالفون بیست وچهارم ٦٣
اخالفکم یازدهم ٩٠
اخلفوا نهم ٧٨
فاخلفتم بیستم ٨٩
فاخلفتکم چهاردهم ٢٢
اخلفنا بیستم ٩٠
یخلف سیوم ٧ سیزدهم
٣١ سے ولرم ٥ سے ونهم ٢١
یخلف دوئم ٧۴
بیست ودوئم ۴٦
تخلف سیوم ١٩٢
یخلف چهارم ٣٨
یخلفه بیستم ٦٠
تخلفه بیستم ٩٧
واختلاف سے ام ٢١
یتخلفوا نهم ١۴١
اختلف دوئم ٢٠٩
سیوم ١٧
فاختلف نوزدهم ٣٦
چهل وسیوم ٦٥
اختلفوا دوئم ١٧١
٢٠٩ م ٢٥۴
فاختلفوا دهم ٢٠
لاختلفوا سیوم ١٠١
اختلفتم چهل ودوئم ٨
لاختلفتم هشتم ۴٣
لاختلف یازدهم ١١٢
چهل ویکم ۴٥
استخلف بیست وچهارم ٥٣
ویستخلف یازدهم ٦٠
ویستخلفکم هفتم ١٢٦
لیستخلفنهم بیست وچهارم ۴م

خلف هفتم ١٦٨
نوزدهم ٦٠
خلفه سیزدهم ١٢
چهل ویکم ۴٢ چهل وششم ٢١
هفتاد دوئم ٢٧
خلفهم سیوم ١٦۴
چهارم ٩ هفتم ١٦
سے وششم ٨
چهل ویکم ١٣
خلفك دهم ٩٢
خلفها دوئم ٦٢
خلفنا نوزدهم ٦۵
خلفکم سے وششم ۴٥
خلفهم دوئم ٦١٥
ششم ٥٩ بیستم ١٠٩
بیست ویکم ٢٨ بیست
دوئم ٧٥ سے وچهارم ٩
چهل ویکم ٢۴
الخالفین نهم ٨۴
خلاف پنجم ٣٧ هفتم
١٢١ بیستم ٧۴
بیست وششم ۴٩
خلاف نهم ٨٢
خلافك هفدهم ٧٨
خلفة بیست وپنجم ٦٣
الخوالف نهم ٨٨
٩۴
خلیفة دوئم ١٨
سے وهشتم ٢٥
خلائف ششم ١٦٥
دوئم ١٥٧۴. سے
پنجم ٣٧
خلفاء هفتم ٦٧
٧٢ بیست وهفتم ٦٣
المخلفون نهم ٨٢
چهل وهشتم ١١ ١٥
المخلفین چهل وهشتم ١٦
مخلف چهاردهم ۴٨
اخلاف بیست وسیوم ٨٢
واختلاف دوئم ١٥٩
سیوم ١٨٧ چهل وپنجم ۴
اختلافا چهارم ٨۴
مختلف شانزدهم ٧١
سے وپنجم ٢٥ م
مختلف پنجاه ویکم ٨
مختلفا ششم ١۴٢
شانزدهم ١٣ سے وپنجم
٣٥ سے ونهم ٢٢
مختلفون هفتاد ونهم ٣
مختلفین یازدهم ١٢٠
مستخلفین پنجاه وهفتم ٧
مخلوق هفتاد وپنجم ۴٨

وخلق چهار وششم ١٠١
بیست وپنجم ٢ چهل وپنجم ٢١
پنجاه وپنجم ١۴
خلقت سیوم ١٨٨
هفدهم ٦٣
خلقت سے وهشتم ٧٥
پنجاه ویکم ٥ هفتاد و
چهارم ١١
خلقوا سیزدهم ١٧ سے
پنجم ٣٨ چهل وششم ٣
پنجاه ودوئم ٣٦
فخلقنا بیست وسیوم ١۴ م
خلقناك سے وششم ۴٢
خلقني بیست وششم ٧٨
خلقك هجدهم ٣٥
هشتاد ودوئم ٧
خلقه سیوم ٥٢ سے
دوئم ٦ هشتاد ١٩٠١٧
خلقها شانزدهم ٥
خلقهم یازدهم ١٢٠
چهل وسیوم ٨٧
وخلقهم ششم ١٠٠
خلقهن چهل ویکم ٣٧
چهل وسیوم ٨
خلقني هفتم ١١ سے وهشتم ٧٦
تخلفنك نوزدهم ١٠
یخلفنا یازدهم ٢٧
نوزدهم ٨ سے وششم
٧٦ پنجاه چهارم ۴٩
خلقناهم چهل وچهارم ٣٩
خلقناکم ششم ٩۴
هفتم
١٠
هجدهم ۴٦
بیستم ٥٧ بیست ودوئم ٥
بیست وسیوم ١١٧ چهل ونهم ١٣
پنجاه وششم ٥٧
وخلقناکم هفتاد وششم ٨
خلقناهم سے وهفتم ١١
هفتادم ٣٩ هفتاد
ششم ٢٨
وتخلق شانزدهم ٨
تخلق پنجم ١٠١
سے وهشتم ٨١
تخلق پنجم ١١٠
اخلق سیوم ۴٣
یخلقون شانزدهم ٢٠
بیست وپنجم ٣
یخلقوا بیست ودوئم ٢٢
ویخلقون بیست ونهم ١٦
خلقکم سے ونهم ٨
یخلقون پنجاه وششم ٥٩

خلقكم هفتاد هفتم ٢٠
خلق بيست بكم ٣٨
هفتاد ١٩ هشتاد شتم
وخلق چهارم ٣٢
خلقت هشتاد ششم ١٧
خلقوا پنجاه دوم ٥٣
خلقوا هشتاد نهم ٧
يخلقون هفتم ١٩١
شانزدهم ٢٠ بيست پنجم ٣
خلق سى ام ٢١ سى يكم ١٠
چهاردهم ٢٨
لخلق چهلم ٥٩
الخلق هفتم ١١٥ سيزدهم ١٧
خلق دوم ١٥٩ سى ام
١٨٧ . ١٨٨ چهلم ٥٩
شصت وهفتم ٣
لخلق سى ام ٢٩
خلق سيزدهم ٥ بيست يكم
١٠٤ سى دوم ٩ سى
چهارم ٧ سى ششم ٧٩
سى نهم ٨ پنجاهم ١٤
بخلق چهاردهم ٢٢
سى پنجم ١٧
الخلق هفتم ٦٧ بيست
سيوم ١٧ سى پنجم ١
سى ششم ٨
بالخلق پنجاهم ١٤
خلق چهارم ١١٨ شم ٤٩
سى دوم ٦
خلقا هفدهم ٥٠ . ٥٢ . ٣
١٠٠ بيستم ١٤ سى هفتم
١١ سى نهم ٨
هفتاد نهم ٢٥ . ٢٧
بيست هفتم ٥ بيست ويكم
١٩٠ سى ام ١٠ . ٢٦
خلقكم سى يكم ٢٧
كخلقهم سيزدهم ١٧
خلقكم چهارم ٣
يخلقون چهل ششم ٣٢
خلقه بيستم ٢ سى ششم
٧٨
خلقهم چهل سيم ١٨
خلق بيست ششم ١٣٧
خلق شصتم ٤
خالق ششم ١٠٢
سيزدهم ١٧ سى نهم
٦٢ چهلم
خالق پانزدهم ٢٨
سى هشتم ٧١
الخالق پنجاه نهم ٢٤

خالق سى پنجم ٣
الخالقون پنجاه دوم ٣٥
پنجاه ششم ٥٩
الخالقين بيستم ١٤
سى هفتم ١٢٥
خلاق دوم ١٩٦ . ١٩٥
خلاق سيم ٧١
بخلاقكم نهم ٧٠
بخلاقهم نهم ٧٠
الخلاق پانزدهم ٨٦
سى ششم ٨١
خلقهم بيست دوم ٥
اختلاق سى ششم ٧

خلا

دوم ٧١ سى پنجم ٢٢
خلا دوازدهم ٩
وتخلت هشتاد چهارم ٤
الخالية شصت نهم ٢٤

خمد

خامدون سى ششم ٢٨
خامدين بيست يكم ١٥

خمر

الخمر پنجم ٩٢
خمر چهل هفتم ١٦
الخمر دوم ٢١٩ پنجم ٩٣
خمرا دوازدهم ٣٦ . ٤١
بخمرهن بيست چهارم ٣١

خمس

خمسة هجدهم ٢١
خمسة سيم ١٢١
خمسة پنجاه ششم ٨
خمسة هشتم ٤١
والخامسة بيست چهارم ٧
خمسين بيست نهم ١٤
هفتاد هفتم ٤

خمص

مخمصة نهم ١٢١
مخمصة پنجم ٥

خمط

خمط سى چهارم ١٥

خنزير ششم ١٤٥
الخنزير دوم ١٦٨
دهم پنجم شانزدهم ١١٦
والخنازير پنجم ٦٠

خنس

بالخنس هشتاد يكم ١٥
الخناس صد وچهارم ٤
والمنخنقة پنجم ٤

خوار

خوار هفتم ١٤٨
بيستم ٩٠

خاض

خاضوا نهم ٧٠
وخضتم نهم ٧٠
يخوضون ششم ٦٧
يخوضوا چهارم ١٣٩
ششم ٦٧ چهل سيم
سى ٨٣ هفتادم ٤٢
نخوض نهم ٦٥ هفتاد
چهارم ٤٦
خوض پنجاه دوم ١٢
خوضهم ششم ٩١
الخائضين هفتاد چهارم ٤٥
الخائض نوزدهم ٢٣

خاف

دوم ١٧٨ يازدهم ١٠٥
چهاردهم ١٧ پنجاه پنجم ٤٦
هفتاد نهم ٤٠
وخاف چهاردهم ١٧
خافت چهارم ١٢٧
خفت بيستم ٦
خفت نوزدهم ٥
خافوا چهارم ١٠
خفتم دوم ٢٢٩
٢٤٠ چهارم ٣ ٣٩
١٠٢ نهم ٢٨
خفتم بيستم ٢٠
يخاف بيستم ١١١
بيستم ١٠ پنجاهم ٤٥
هفتاد دوم ١٣
نود يكم ١٥
يخاف بيستم ٨٠
يخف يازدهم ٧٣
بيستم ٢٢ . ٧١ بيست
هفتم ١٠ بيستم ٢٥
٣١ بيست نهم ٣٢
پنجاه يكم ٢٨
يخافوا بيستم ٦
تخافن هشتم ٦٠
تخاف بيستم ١٣
بيست ششم ٣٣
واخاف دوازدهم ١٣
تخافا دوم ٢٢٩
تخافا بيستم ٤٨
يخافون پنجم ٢٣ ٥٩
ششم ١٥ شانزدهم
٥٢ بيست چهارم ٣٧
٤٩ پنجاه يكم ٣٧
هفتاد چهارم ٥٣
ويخافون سيزدهم ٢١

هفدهم ٥٩ هفتاد ششم ٧
يخافوا پنجم ١٠٧
تخافون چهارم ٣٨
ششم ٨١ ششم ٢٦
چهل ششم ٢٧
تخافوا چهل يكم ٣٠
تخاف بيستم ٤٧
هفتاد ششم ١٠
يخافون پنجم ٩٥
يخافون سى ام ٢٢
تخافونهم سيم ١٦٩
يخوف سيم ١٦٩
كخافون سيم ١٦٩
سى نهم ١٨
ويخوفونك سى نهم ٣٧
ويخوفهم هفدهم ٦٢
الخوف سيم ١٩
خوف دهم ٨٣
صدوششم ٤
الخوف دوم ١٥٥ چهلم
٨٥
والخوف شانزدهم ١١٣
خوفا هفتم ٥٤
سيزدهم ١٣ سى ام ٢٣
خيفة بيست چهارم ٥٠
خائفا بيستم ١٧ ٢٠
خائفين دوم ١٠٨
خيفة يازدهم ٧٣
بيستم ٧ پنجاه يكم ٢٨
وخيفة هفتم ٢٠٤
خيفة سيزدهم ١٤
كخيفتكم سى ام ٢٢
تخويفا هفدهم ٦١
تخوف شانزدهم ٤٩

خال

خولنا سى نهم ١١
خولناه سى نهم ٥٠
خولناكم ششم ٩٤
خالك سيم ٣٩
اخوالكم بيست چهارم ٦٠
خالاتكم چهارم ٢٧
خالاتك سى سيم ٤٩
خالاتكم بيست چهارم ٦٠

خان

خانوا هشتم ٧٢
تخونوا هشتم ٢٧
وتخونوا هشتم ٢٧
اخونه دوازدهم ٥٢
تختانون هشتم ١٠
تخانون دوم ١٨٣

يختانون چهارم ١٠٧
خائنة هشتم ٥٨
خائنة هشتم ٧٢
الخائنين هشتم ٥٨
دوازدهم ٥٢
الخائنين چهارم ١٠٦
خائنة پنجم ١٦
خائنة چهلم ٢٠
خوان بيست دوم ٣٩
خوانا چهارم ١٠٧
خاوية دوم ٢٥١
هجدهم ٤٠ بيست وسيم ٤٤
خاوية شصت نهم ٧
خاوية بيست هفتم ٥٢
خاب بيستم ٦٤
١١٠ نود يكم ١٠
وخاب چهاردهم ١٨
خائبين سيم ١٢٢

خار

يخرون شصتم ٣٨
يخرون پنجاه ششم ٢٠
والخائر هفتم ١٥٤
اخيرك بيستم ١٣
اخيرناهم چهل چهارم ٣١
وتخيار بيست ششم ٦٨
وخير هجدهم ٤٢
٤٤ نوزدهم ٧٩
بخير دوم ١٠٠ سيم
١٣ ششم ١٧ دهم ١٠٧
يازدهم ٨٥ شانزدهم ٧٧
الخير سيم ٢٩ هفتادم ٢١
الخير دهم ١١ هفدهم ١٢
الخير پنجاهم ٢٤ شصت
هشتم ١٢
والخير بيست يكم ٣٦
خير دوم ١٩٣ سيم
١٠ . ١١ چهارم ١١٤
بيست هشتم ٢٦
الخير دوم ٢٠٦
الاخيار سى هشتم ٤٧
خيرات پنجاه پنجم ٧٠
الخيرات نهم ٨٩
بالخيرات سى پنجم ٢٩
الخيرة بيست هشتم ٦٨
نود سيم ٣٦

خاط

الخيط دوم ١٨٣
الخيط دوم ١٨٣
الخياط هفتم ٣٨

خال

بخل بيستم ٤٩
خيل پنجاه نهم ٦
الخيل شتم ٦٢
والخيل سيم ١٢
يخيل هفدهم ٦٤
والخيل شانزدهم ٨
مختال سى يكم ١٧
پنجاه هفتم ٢٣
مختالا چهارم ٤٠

خام

الخيام پنجاه پنجم ٧٢

باب الدال

داب

داب چهلم ٣٢
كداب سيم ٩ هشتم ٥٤ . ٥٢
دابا دوازدهم ٤٧
دائبين چهاردهم ٣٧

دب

دابة سى چهارم ١٣
دابة دوم ١٥٩
ششم ٣٨ يازدهم ٨
٥٩ شانزدهم ٥١
٦٣ بيست چهارم ٤٤
بيست نهم ٦٠
وفى هذه سوره اخرى
دابة بيست هفتم ٨٢
والدواب بيست دوم ١٨
الدواب هشتم ٢٢
١٥٧
والدواب سى پنجم ٢٥

دبر

يدبر دهم ٣ . ٣٢
سيزدهم ٢ سى دوم ٤
ادبر هفتاد ١٧
هفتاد چهارم ٢٣
٣٠ هفتاد نهم ٢٢
يدبرون چهارم ٨٢
چهل هفتم ٢٦
يدبروا بيستم ٧٠
ليدبروا سى هشتم ٢٨
دبر دوازدهم ٢٥
٢٨
الدبر پنجاه چهارم ٤٥
دبره هشتم ١٦
وادبار پنجاهم ٣٩
الادبار سيم ١٠٧
هشتم ١٥
سى سيم ١٥
چهل هشتم ٢٢ پنجاه
نهم ١٢
ادبارها چهارم ٥٠
ادبارهم بيست پنجم ٢٢

باب الدال بعده الالف الى العين

ادبارهم هفدهم ٤٩	يخلون چهارم ١٢٣	ليدخلهم بيست و دوم ٥٨	وَدَرسوا هفتم ١٦٨	نوزدهم ٩٣ بيست پنجم	١٩٢ سی پنجم ١٥
چهل هفتم ٢٧	هفتم ٣٨ سيزدهم ٢٣	ويدخلكم شصت شتم ٨	بما درسون سيم ٧٣	١٤ بيست نهم ٥ ٦	چهل دوم ١٤
ادبارهم پانزدهم ٦٥	نوزدهم ١٤ چهل ٤٣	ولادخلنكم پنجم ١٥	شصت هشتم ٣٧	سيزدهم ٣٢ سی يکم ٣١	لندعوهم بيست ٧٥
وادبارهم هشتم ٥٢	صد دهم ٢	وادخلهم سيم ١٩	بدرسوها سی چهارم ٤٣	دخان دوم ١٨٢	يدعوهم بجد ٥٦
چهل هفتم ٢٩	سيدخلون چهل ٢ ٦	وندخلهم چهارم ٦٠	درسها شتم ١٥٧	دعاء بيست نهم ٣ ٦	ادعوكم چهل ٤٥٠٤
وادبار بچهل دوم ٤٩	ولايدخلوا هفدهم ٧	سندخلهم چهارم ٦٠	ادريس نوزدهم ٥٧	دعا نا دهم ١٣	يدعو دوازدهم ٣٣
ادبار هفتم ٧٠ هشتم ٧	يدخلوا دوم ٢١٠	١٢١	وادريس بيست پنجم ٨٥	سی نهم ٥٠	يدعوا شتم ٧٠
پانزدهم ٦٦	١٣ دوازدهم ٦٧	وندخلكم چهارم ٣٠	درك	دعاكم شتم	ويدعونا بيست پنجم ٩٠
فالمدبرات هفتاد نهم ٥	بيست چهارم ٢٢٠ ٢٩	لندخلنهم بيست نهم ٨	ادركه دوم ٩٠	دعوكم چهارم ٢٧	لندعوكم چهل ٤٥
[illegible] هفتم ٥	سی سيم ٥٣	وادخل بيست هفتم ١٢	بدرك شتم ١٠٣	يدعوهم هفتاد نهم ٨	وندعو چهل ٤٤
مدبر بيست هفتم ١٠	يدخلوها شصت شتم ٢٢	ادخلوا چهل ٤٩	تدركه بيست شتم ٣٠	يدعوهم هجدهم ٥٠	تدعونه شتم ٣٣
بيستم ٣١	يدخلونها سيزدهم ٢٣	ادخلهم هفدهم ٢	ادركه چهارم ١٠١	بيست ٤٤	يدعونا چهلم ١٥
مدبرين نهم ٢٥ بيست	شانزدهم ٣٣ سی پنجم	وادخلهم بيست ١٩	تدركه چهارم ٨٠	ادعو كم هفتم ١٩٢٠	تدعونه پنجاه دوم ٢٨
يکم ٥٨ بيست ٨٢ سی	يدخلوها دوم ١٠٨	وادخلنا هفتم ١٥٠	تدركه شتم ١٠٣	يدعوا دوم ٢٢١	ادع دوم ٦٣
٥١ سی هفتم ٨٨	هفتم ٤٤	وادخله چهل ٨	تداركه شصت ٤٩	دهم ٦٢ بيست دوم ١٢	٦٤ ٥٠
چهل ٣٥	تدخلوها بيست چهارم ٢٨	وادخلوا سيم ١٨٢	اداركوا هفتم ٣٦	١٣ سی پنجم سی نهم	هفتم ١٣ شانزدهم
دثر	ندخلها پنجم ٢٥	چهارم ٢٨	الدرك چهارم ١٤٤	١١ چهل شتم ٤	١٢ چهل دوم ٤٨
المدثر هفتاد چهارم ١	فادخلوا هفتاد بيست ٢٥	يدخلها هفتادم ٣٨	دركا بيستم ٨٠	هشتاد چهارم ١١	فادع دوم ٥٨ چهل
دحر	ادخلوا سی ششم ٢٥	فادخلوا شانزدهم ٩٤	المدركون بيست شتم ٦١	پنج بيست ١١٧	دوم ١٤
دحورا سی هفتم ٩	ادخلوا بيست هفتم ٤٤	٩٠	درهم	پنجاه چهارم ٦	وادعوا دوم ٢١
مدحورا هفتم ١٧	فادخلوا هشتاد نهم ٢٩	داخلون پنجم ٢٥	دراهم چهاردهم ٢٠	فليدع نود ششم ١٧	دهم ٣٩ يازدهم ١٦
هفدهم ١٩ ٤١	وادخلوا هشتاد نهم ٣	الداخلين شصت ششم ١٠	ادري بيست پنجم ١٠٩	ولايدع چهل ٢٧	بيست پنجم ١٥
دحض	ادخلوا شصت ششم ١٠	مدخلا هفتم ٦٢	١١ چهل ششم ٨	ويدع هفدهم ١٣	ادعوني دوم ٢٢٦
ليدحضوا هجدهم ٥٤	وادخلوا دوم ٥٥	مدخلا نهم ٥٧	هفتاد دوم ٦ ٢	تدعوا هفدهم ١١٠	ادعوني چهل ٦٢
داحضة چهل دوم ١٦	هفتم ١٤ ادخلوا دوازدهم	مدخل حام ٣٥ بيست دوم	ادري شصت نهم ٣	بيست پنجم ١٥ هفتاد ٢	فادعوا هفتم ١٧٩
المدحضين سی هفتم ١٤١	٦٧ ادخلوها پانزدهم	دخان	تدري سی يکم ٣٤	هفتاد دوم ١٨	چهل ٦٧
دحا	٤٤ بيجاهم ٣٣	الدخان چهل پنجم ١٠	چهل دوم ٥٢ شصت	ويدعوا چهل ٣٢	وادعوه هفتم ٨ ٢
دحيها هفتاد نهم ٣٠	فادخلوها سی نهم ٧٣	بدخان چهل چهارم ٩	پنجم ١	ندع دهم ١٠ بيست	٥٤
دخر	دخلت سيم ١٤	ودر	ندرون چهارم ١٢	ششم ٢١٣ بيست	ادعوهم سی سيم ٥
داخرون شانزدهم ٥٠	وادخلنا بيست يکم ٧٥	دري بيست چهارم ٣٥	تدرون چهل پنجم ٣١	٨٨ سی پنجم ١٩	فادعوهم هفتم ١٩٣
سی هفتم ١٨	وادخلناهم بيست يکم	مدرارا ششم ٦	يازدهم ٥٢ هفتاد	ادعوا دوازدهم ١٠٨	دعي چهل ١١
داخرين بيست هفتم ٨٩	ولادخلناهم پنجم ٧٠	بكرا دراء	هفتاد دوم ١٠	سيزدهم ٣ هفتاد	ادعوا دوم ٢٨٢
چهل ٢٣	يدخل بيست نهم ١٤	ويدرءون بيست چهارم ٨	اذكر دهم ١٧	دوم ٢٠	بيست چهارم ٥٠٠ ١٤٧
دخل	٢٣ چهل دوم ٦	ويدرءون سيزدهم ٢٢	يدريك سی سيم ٦٣	وادعوا نود دوم ٤٩	دعيتم سی سيم ٥٣
بيستم ٣٢ هفتاد يکم ٢٩	چهل هفتم ١٣ هفتاد	بيست شتم ٥٤	چهل دوم ٤ هشتاد شتم ٣	المدعون سی هفتم ١٢٥	يدعوا شانزدهم ٨٨
وتدخل دوازدهم ٣	ششم ١٣	فادرأو اسم ٦ ١	درس	تدعوا شانزدهم ٨٨	بدعي شصت يکم ٧
بچهل سی ٣٣ بيست ١٤	ليدخل چهل شتم ٥	فادارءتم دوم ٦٧	بدرسه شانزدهم ٦١	هفدهم ٧٣ هجدهم	تدعي چهل پنجم ٢٧
دخلت هفتم ٦ ٣	دخل سيم ١٨٩	درج	درسوا	١٣ چهل ٢٤	يدعون سيم ٢٢
دخلت هجدهم ٣٧	يدخله چهارم ١٧	سنستدرجهم هفتم ١٨١	ودرسوا بيجاه چهار ١٣	اندعوا شتم ٧٠	شصت هشتم ٤٣
دخلوا بيجم ٦ ٦	١٨ چهل هشتم ١٧	شصت هشتم ٤٤	دسر	تدع سيم ٥٤	يدعون چهل ١ چهل
دوازدهم ٦٨ ٦٩	شصت بيجه ١١	درجة دوم ٢٢٨	دسها نود يکم ١٠	ستدع نود ششم ١٨	هفتم ٤٠
دخلها اربعه سوره اخری	ويدخله شصت و	درجات چهار ٩٧	دع	يدعوك بيست ٢٥	سيدعوك چهل ششم ١٦
فدخلوا دوازدهم ٥٨	چهارم ٩	نهم ٢٠ پنجاه هفتم ١٠	يدع صد هفتم ٢	تدعو هفتاد دوم ١٩	يدعون ششم ٥٧
دخلهم چهارم ٢٢ ٣	سيدخلهم نهم ١٠٠	درجات سيم ١٥٧	يدعون پنجاه دوم ١٣	يدعوكم سيم ١٤٧	تدعون چهل يکم
بيست چهارم ١ ٤١	فسيدخلهم چهارم ١٧٣	ششم ١٣٢	دعا پنجاه دوم ١٣	چهاردهم ١١	٣١ شصت هفتم
دخلة سيم	فيدخلهم چهل پنجم ٢٩	هشتم ٤ چهل ششم	دعاء سيم ٣٣ سی نهم ١١٠	هفدهم ٥٤ پنجاه هفتم	٢٧
٩١	ويدخلهم چهل	١٨١	چهل يکم ٣٣	٨	
دخلوه هفدهم ٧	هفتم ٧	الدرجات بيستم ٧٧	فدعا چهل چهارم ٢١	يدعوهم سی يکم ٢٠	الداع دوم ١٨٢
دخلتموه پنجم ٢٣	پنجاه هشتم ٢٢	الدرجات چهل	پنجاه چهارم ١٠	يدعنا دهم ١٣	پنجاه چهارم ٨٠
يدخل دوم ١٠٥	يدخلنا پنجم ٨٧	٢٥	دعون هفتاد يکم ٥	تدعونا يازدهم ٦٥	داعي چهل ششم
يدخلها چهل نهم ١٤	ويدخلكم شصت يکم ١٢	درس	دعوا هشتم ١٨٩	چهل يکم ٤	٣٠ ٣١
لتدخلن چهل هشتم ٢٧		ادرس ششم ١٠٥	دعوا و دعوا دهم ٢٣	تدعوهم هفتم ١٩٢	وداعيا سی سيم ٤٥

باب الذّال والدّال الى الرّاء

الدّاعِ بیستم ۱۰۲
دُعاءَ سیزدہم ۱۵
چہل ۵۳
دُعاءَ چہل یکم ۴۹
بدُعاوٴ نوزدہم ۴۹
کدُعاءِ بیست چہارم ۶۳
دُعاءی چہل یکم ۵۱
الدُّعاءَ سیوم ۳۳
چہاردہم ۴۱
دُعاءَ بیست چہارم ۶۳
دُعاؤ دوم ۱۰۶
الدُّعاءَ بیست یکم ۶۴
بیست ھفتم ۸۲ سی اوم ۵۰
دُعائی چہارم ۴۲
دَعاکَ نصیبی
ہفتاد یکم ۵
دَعاکَ رفعی
دُعاؤکم بیست پنجم ۶۳
بدُعائک نوزدہم ۴
دُعاءہم چہل ششم ۴
دُعاءکم ہفتادم ۱۴
دُعاؤکم سی پنجم ۱۵
ادعُوا بیست سیوم ۳۷
دَعوۃ سیزدہم ۱۵
دَعوۃ چہلم ۴۰
دَعوۃ دوم ۱۸۶
دَعوۃ سیوم ۲۴
دَعوکم ہفتادم ۸۹
دَعونا چہاردہم ۶۴
دَعونہم ھفتم ۴
دَھم ۱۰ ۱۱ بیست یکم ۱۵

دَفْءٌ
دِفْءٌ شانزدہم ۵

دَفَعَ
دَفعتم چہارم ۷
ادفع بیست ۹۸
چہل یکم ۳۴
ادفعوا سیوم ۱۶۰
فادفعوا چہارم ۵
یدافع بیست دوم ۳۸
دفع دوم ۲۵۲
بیست دوم ۴۱
دافع ہفتادم ۲
دافع پنجاہ دوم ۸

دَفَقَ
دافقٍ ہشتاد ششم ۶

دَکَّ
دکت ہشتاد نہم ۲۲
فدکتا شصت نہم ۱۴
دکا ھفتم ۱۴۳ ہشتادم ۱۴
۲۲ دکا ششم ۱۴

دُکّاءَ ہجدہم ۹۸

دِکر
وادّکرَ دوازدہم ۴۵
مُدّکر پنجاہ چہارم ۱۵
۲۲، ۳۲، ۴۰، ۵۱

دَلَّ
دَلّہم سی چہارم ۱۳
اَدُلک بیستم ۱۱۸
ادلکم بیستم ۳۱ بیست
ہشتم ۱۱ شصت یکم ۱۰
ندلکم سی چہارم ۷
دَلیلاً بیست پنجم ۴۷

دَلَکَ
لِدُلوکِ ھفدہم ۸۰

دَلّٰی
فَدَلّٰہما ہفتم ۲۱
فَتَدَلّٰی دوازدہم ۱۹
وتُدلُوا دوم ۱۸۴
فَتَدلّی پنجاہ سیوم ۸
دَلوہ دوازدہم ۱۹

دَمدَمَ
فَدَمدَمَ نود یکم ۱۴

دَمَّرَ
دَمَّرنا چہل ھفتم ۱۱
دَمَّرنا بیست ششم ۱۷۲
سی ہفتم ۱۳۶
ودمّرنا ہفتم ۱۳۳
فدمّرناہا ہفدہم ۱۶
دمّرناہم بیست یکم ۵۲
فدمّرناہم بیست پنجم ۳۸
تُدمّر چہل ششم ۲۴
تَدمیراً ہفدہم ۱۷
بیست پنجم ۳۸

دَمَعَ
الدّمعِ پنجم ۸
نہم ۹۳

دَمَغَ
فیدمغہ بیست یکم ۱۸

دَمَ
والدّمَ پنجم ۴
بدمٍ دوازدہم ۱۸
فالدّمَ پنجم ۳
بدمٍ ششم ۱۴۵
ودمٍ شانزدہم ۶۸
دَماءکم دوم ۱۴۶
والدّمَ دوم ۱۶۸
ھفتم ۱۳۰ شانزدہم ۱۱۵

دَمِیَ
الدّماءَ دوم ۳۰
دِماءکم بیست دوم ۳۸
دماءھا دوم ۷۸

دنانیر
بدینارٍ سیوم ۷۵

دَنَا
دَنی پنجاہ سیوم ۸
وبنھم سی سیوم ۵۹
دانیۃ پنجاہ چہارم ۵۴
دانیۃ شصت نہم ۲۳
شصت ششم ۹۹
ودانیۃ ہفتاد ششم ۱۴
ادنی دوم ۶۱
ونی دمہ سورۃ ہجری
چہارم ۳ پنجم ۱۰۷
وادنی دوم ۲۸۲
الادنی ہفتم ۱۶۹
سی دوم ۱۱

دَھَرَ
الدّھرِ چہل پنجم ۲۳
الدّھرِ ہفتاد ششم ۱

دَھَنَ
دِھاقاً ہشتاد ششم ۳۴

دَھَمَ
مُدھامّتانِ پنجاہ پنجم ۶۵

دَھَنَ
بالدّھنِ بیست سیوم ۲۰
تُدھِنُ شصت ششم ۹
فیدھنونَ شصت ششم ۹
کالدّھانِ پنجاہ پنجم ۳۷
مُدھنونَ پنجاہ ششم ۸۱

دَھَی
ادھی پنجاہ چہارم ۴۶

دَارَ
دائرۃ دوم ۲۵۲
دائرۃ چہارم ۵۱
پنجم ۵۲ ششم ۸۲
ہفدہم ۷
بیست یکم ۷۹ بیست ہفتم
۱۵، ۱۸ بیست چہارم ۱۰
۱۲ سی ہشتم ۲۱، ۱۶
لداود سی ہشتم ۲۹
وداود بیست یکم ۷۸

دَاوُد
وداود سی سیوم ۱۹
مُدیرو نود دوم ۲۸۲
داودُ ششم ۱۲۷
شانزدہم ۳۲
چہل ۳۴ چہل یکم ۲۸
والداودَ ۱۰۹
شانزدہم ۳۲
الدّارِ دوم ۸۸
بیست ششم ۸۳
فللدّارِ ششم ۳۲
والدّارُ ھفتم ۱۶۸
دارِ دھم ۲۶
الدّارُ ششم ۱۳۶
سیزدہم ۲۲، ۲۴

دَارَ
بیست ھفتم ۴۲۵
سی ھشتم ۴۶ ۳۷
چہلم ۵۵
دار ھفتم ۱۴۲
چہاردہم ۳۳ سی پنجم

الدّار بیست ششم ۷۷
بیست نہم ۶۴ پنجاہ
نہم ۹
والدّار سی سیوم ۲۹
الدّیار ھفدہم ۵
وبدارہ بیست ششم ۸۱
دارکم یازدہم ۶۸
دارہم ھفتم ۷۶
۸۹ سیزدہم ۳۱
بیست نہم ۳۶
دیارنا دوم ۲۴۷
دیارکم دوم ۷۸
چہارم ۶۶ شصت ششم
دیارہم دوم ۹
۲۴۳ سیوم ۱۹۴
ہشتم ۴۹ یازدہم ۶۷
۹۷ بیست دوم ۴۱
پنجاہ نہم ۲۰۸
ودیارکم سی سیوم ۲۷
دیارا ہفتاد یکم ۲۷
دیارہ نہم ۹۹
چہل ہشتم ۶
دائرۃ پنجم ۵۷
الدّوائر نہم ۹۹

دَالَ
نداولہا سیوم ۱۳۴
دولۃ پنجاہ نہم ۷

دَامَ
دامت یازدہم ۱۰۹
۱۱۰
دمت سیوم
دمتُ پنجم ۱۱۷
نوزدہم ۳۲
داموا پنجم ۲۲
دُمتم پنجم ۹۷
دائمٌ سیزدہم ۳۵
دائمون ہفتادم ۲۳
ودون ھفتم ۲۰۴
دونہ ھفدہم ۲
ہجدہم ۴۸ ۱۰۲
دونک شانزدہم ۸۸
بیست نہم ۱۹
دونہا ہجدہم ۸۹
دونکما ہجدہم ۹۲
پنجاہ پنجم ۶۲
دونہا بیست یکم ۴۴

دو یکم سیوم ۱۱۴
دو نہم ہشتم ۶۲
نوزدہم ۱۷ بیست ششم
۲۳ سی چہارم ۴

دَانَ
بدینونَ نہم ۲۹
تدایَنتم دوم ۲۸۲
دینٍ چہارم ۱۲، ۱۳
۱۴، ۱۵
بدینٍ دوم ۲۸۲
کدینٍ نود ششم ۴
دینَکم سی ۷۷ دوازدہم
۷۶ بیست چہارم ۲
صدہم ۲
ودینَ نہم ۳۳ چہل ہشتم
۲۸ شصت یکم ۹
بالدّینِ ہشتاد نہم ۹
نود یکم ۷ صد ہفتم ۱
الدّین دہم ۱۰۵
چہارم ۹۶ شصت نہم
سیوم ۲۹، ۴۲
دینِ نہم ۲۹
دینا سیوم ۷۹ پنجم
۱۲۴ پنجم ششم ۱۶۲
دینہم دہم ۱۰۴ سی نہم
۶۰ صد نہم ۶
دینکم صد نہم ۲۷
دینہم ششم ۵۱
دینہ دوم ۲۱۴
پنجم ۵۹
دینکم دوم ۲۱۴
چہارم ۱۰۹ پنجم ۴
۸۱ نہم
بدینکم چہل نہم ۱۶
دینہم سیوم ۲۳
دینکم سیوم ۶۶ پنجم
۵۰ ۲ چہلم ۲۷
لمدینون سی ہفتم ۵۱
مدینین پنجاہ ششم ۸۶

باب الذّال

ذَأَبَ
الذّئب دوازدہم ۱۳
۱۴، ۱۷

ذَأَمَ
مذءوماً ہفتم ۱۷

ذَبَّ
الذّباب بیست دوم ۷۲
ذبابا بیست دوم ۷۲

ذَبذَبَ
مُذَبذَبینَ چہارم ۱۴۲

ذَبَحَ
نذبحوا ہا دوم ۶۶
تذبحوا دوم ۶۳

اذ نُعلّ سی ہفتم ۱۰۱
لاذبحنّہ بیست ہفتم ۲۰
اذبح پنجم ۴
تذبح ہفتم ۳
یذبّحون دوم ۴۶
ویذبحون چہاردہم ۶
یذبّح بیست ہشتم ۱۰۲

ذَخَرَ
تدّخرون سیوم ۴۳

ذَرَّ
ذرّۃ چہارم ۴۰
دہم ۶۱ سی چہارم
۳، ۲۱ نود نہم ۷
ذرّیۃ دوم ۲۶۶
ذرّیۃ سیوم ۳۸
ذرّیۃ ششم ۱۳۳
نوزدہم ۵۹
ذرّیۃ ہفدہم ۳
ذرّیۃ سی سیوم ۲۳
چہاردہم ۱۰ ہفتم ۱۲۲
وذرّیۃ سیزدہم ۳۸
ذرّیۃ دوم ۱۱۸
چہاردہم ۳۰، ۳۰
چہل ششم ۱۴
ذرّیتہم پنجاہ دوم ۲۱
ذرّیتہم ششم ۸۳
بیست نہم ۲۶
ذرّیتہم سی ہفتم ۱۱۳
پنجاہ ھفتم ۲۶
ذرّیتہا ہشتاد دوم ۱۲۲
ذرّیتہم ھفدہم ۶۲
سی ہفتم ۷۵
وذرّیتہم ہجدہم ۴۸
وذرّیتہا سیوم ۳۱
ذرّیتہم ھفتم ۱۷۱
سی ششم ۴۱ پنجاہ
دوم ۲۱
وذرّیاتہم بیست چہارم ۷۴
وذرّیتہم سی ششم ۸۷
سیزدہم ۲۳ چہلم ۸

ذَرَأَ
ذرأ ششم ۱۳۶
شانزدہم ۱۳
ذرأنا ہفتم ۱۷۸
ذرأکم بیست ۸۱
شصت ہفتم ۲۴
یذرؤکم چہل دوم ۹

ذَرَعَ
ذرعا یازدہم ۷۹
بیست نہم ۳۲
ذرعہا شصت ۳۲
ذراعا شصت ۳۲

باب الذال بعده العین الی الیاء

ذ ر ع

ذِراعیہ ہجدہم ۱۷

ذ ر و

ذرّاء

تذروہ ہجدہم ۴۳

ذرّوا پنجاہ یکم ۱

والذّاریات پنجاہ یکم ۱

ذ ع ن

مذعنین بست چہارم ۴۸

ذ ق ن

الاذقان سی ششم ۷

للاذقان ہفدہم ۱۰۸

۱۰۹

ذ ک ر

وذکر سی سیم ۲۱

ہشتاد ہفتم ۱۵

ذکرت ہفدہم ۴۹

وذکروا بیست ششم ۲۲۷

ذکروا ہفتاد چہارم ۵۴

ہشتادم ۱۲

یذکرو نوزدہم ۶۸

بیست یکم ۳۷

یذکر دوازدہم ۸۵

یذکرون سیم ۱۸۸

چہارم ۱۴۱ ششم

۱۳۹ سی ہفتم ۱۳

ہفتاد چہارم ۵۵

لیذکروا بیست دوم ۳۵

ویذکروا بیست دوم ۲۹

فستذکرون چہلم ۴۷

تذکروا چہل سیم ۱۳

یذکرہ بیست یکم ۶۱

اذکرہ ہجدہم ۶۲

اذکرکم دوم ۱۴۷

ستذکرونہن دوم

۲۳۵

ونذکرک بیستم ۳۴

اذکر پنجم ۱۰۹

اذکروا دوم ۳۸

۴۴، ۱۱۰ پنجم ۱۴

۲۳ چہاردہم ۶

سی سیم ۹، ۴۱ سی

پنجم ۳

فاذکروا دوم ۱۹۴

۱۹۶، ۲۰۰ چہارم

۱۰۴ ہفتم ۲۰۵، ۲۰۷

بیست دوم ۳۷

واذکرن سی سیم ۳۴

اذکرنی دوازدہم ۴۲

فاذکرونی دوم ۱۴۲

واذکروہ دوم ۱۹۴

ذکرتم ششم ۱۱۸، ۱۱۹

ہشتم ۲ بیست دوم

سی نہم ۳۶

م ۴۶

وذکر چہل ہفتم ۲۲

یذکر بیست دوم ۴۱

یذکروا دوم ۱۰۸

ویذکر بیست چہارم ۳۶

یذکر ششم ۱۲۱

تذکر پنجاہم ۴۵ پنجاہ

دوم ۲۹ ہشتاد ہفتم ۹

ہشتاد ہشتم ۲۱

وذکر ششم ۶۹

پنجاہ یکم ۵۵

وذکرہم چہاردہم ۵

ذکری ہجدہم ۵۵ سی

دوم ۲۲

ذکروا پنجم ۷، ۱۶۵

ششم ۴۴ ہفتم

بیست پنجم ۷۳

سی دوم ۱۵ سی ہفتم ۳

ذکرتم سی ششم ۱۸

تذکر سی پنجم ۳۴

یتذکر سیزدہم ۱۹

بیستم ۴۶ سی پنجم ۳۴

سی نہم ۲ چہلم ۱۳

ہفتاد نہم ۳۵

ہشتاد نہم ۲۴

یذکرون دوم ۲۷۲ سیم ۵

ہشتادم ۴

سیذکر ہشتاد ہفتم

۱۰

لیذکر بیست پنجم ۶۳

ولیذکر سی ششم ۲۸

ولیذکر چہاردہم ۵۲

یذکرون ششم ۸۰

لیذکروا ہفدہم ۴۳

بیست پنجم ۵۲ سی دوم

۳ چہلم ۶۰

تذکروا ہفتم ۲۰۰

ذکر نوزدہم ۱ بیست

یکم ۲۴

ولیذکر بیست نہم ۴۴

وذکر بیست یکم ۲۴

ذکر ہفتم ۶۱، ۶۲

دوازدہم ۱۰۴ بیست یکم

۵۱ سی ششم ۶۹

سی ہشتم ۴۹، ۸۷

شصت ہشتم

۵۲

ہشتاد یکم ۲۷

لذکر چہل سیم ۴۳

الذکر یازدہم ۶

سی ہشتم ۷ پنجاہ

چہارم ۲۵

یذکر سیزدہم ۲۸

م

بیست یکم ۳۷

لذکر پنجاہ ہفتم ۱۵

ذکر بیست ششم ۴

بیست یکم ۲

الذکر شانزدہم ۴۵

بیست یکم ۷، ۱۰۵

بیست پنجم ۳۱ سی ششم ۱

یالذکر چہل یکم ۴۱

للذکر پنجاہ چہارم ۱۷

۲۲، ۲۳، ۴۰

والذکر سیم ۵۱

ذکر دوازدہم ۴۲

پنجاہ ششم ۲۰

ذکرا دوم ۱۶۹

ہجدہم ۶۹، ۸۲ بیستم

۹۹، ۱۱۲ سی سیم ۴۱

سی ہفتم ۳، ۱۶۸

شصت پنجم ۱۱ ہفتاد

ہفتم ۱۵

وذکرا بیست یکم ۴۹

ذکرکم بیست یکم ۱۰

ذکری ہجدہم ۱۰۱

بیستم ۴۴، ۱۲۳

بیست سیم ۱۱۲ سی ششم ۷

لذکری بیستم ۱۴

ذکرنا ہجدہم ۲۷

پنجاہ سیم ۳۰

کذکرکم دوم ۱۹۶

ذکرہم بیست سیم ۷۳

ذکرک نود چہارم ۴

الذکر سیم ۳۱

پنجاہ سیم ۲۱

ذکر سیم ۱۹۲ چہارم

۱۲۳ شانزدہم ۹۹

چہلم ۴۳ چہل نہم ۱۳

الذکر چہارم ۱۲

فللذکر چہارم ۱۷۵

الذکر پنجاہ سیم ۴۶

ہفتاد پنجم ۳۹

نود و دوم ۳

آلذکرین ششم

۱۴۴، ۱۴۵

الذکور چہل دوم ۴۸

لذکورنا ششم ۱۴۰

ذکرانا چہل دوم ۴۹

الذکران بیست ششم ۱۶۵

۳۲

للذاکرین یازدہم ۱۱۴

والذاکرین سی سیم ۳۵

والذاکرات سی سیم

۳۵

ذکرنی ششم ۶۸

۹۰

یازدہم ۱۱ بیست نہم

۲۰۹ سی ہشتم ۴۶

ہفتاد چہارم ۳۴

لذکری سی نہم ۲۲

پنجاہم ۳۶

وذکری ہفتم ۱ یازدہم

۱۲۱ بیست یکم ۸۴

بیست نہم ۵۰ سی ششم ۴۲

چہلم ۵ پنجاہم ۸

الذکری ششم ۶۷

چہل چہارم ۱۳ پنجاہ یکم

۵۵ ہشتادم ۴

ہشتاد ہفتم ہشتاد نہم ۲۴

ذکریہا ہفتاد نہم ۴۳

ذکریہم چہل ہفتم ۳۰

مذکر ہفتاد سیم ۱۹

ہفتاد چہارم ۵۴

ہشتادم ۱۲ ہفتاد ششم ۲

التذکرة شصت نہم ۴۸

التذکرة ہفتاد چہارم ۵۰

تذکرة بیستم ۳ پنجاہ

بیست ششم ۲ شصت ۱۲

وتذکری دہم ۷۲

مذکورا ہفتاد ششم ۱

مذکر ہشتاد ششم ۲۱

ذ ک ی

ذکیتم پنجم ۴

ذ ل ل

تذلیل بیستم ۱۳۴

وذللناہا سی ششم ۷۲

وذللت ہفتاد ششم ۱۴

وتذل سیم ۲۵

الذل ہفدہم ۲۵

۱۱۱ چہل دوم ۴۴

ذلة دہم ۲۷، ۲۸

شصت ششم ۴۳

ہفتادم ۴۴

وذلة ہفتم ۱۵۱

الذلة دوم ۵۸

سیم ۱۰۸

ذلول دوم ۶۶

ذلولا شصت ہفتم ۱۵

ذللا شانزدہم ۷۱

اذلة سیم ۱۱۹

اذلة پنجم ۵۹

اذلة بیست ہفتم ۳۴

۳۲

الاذل شصت سیم ۸

الاذلین پنجاہ ہشتم ۲۱

تذلیلا ہفتاد ششم ۱۴

اذلک بیست پنجم ۱۶

سی ہفتم ۵۰

بذلک چہل سیم

۱۹

چہل پنجم

۲۳

شصت ششم ۴۰

فبذلک دہم ۵۹

وبذلک ششم ۱۶۳

فذلک بیست یکم ۳۰

ہفتاد چہارم ۹

صد ہفتم ۲

کذلک سیم ۲۶ نود ویکم ۲۱

کذلک سیزدہم ۹ ... ۱۴

وذلک یازدہم ۱۲۰

ذلکما دوازدہم ۳۷

فذلکم دہم ۳۲

کذلکم چہل سیم ۱۵

وذلکم چہل یکم ۲۲

فذلکن دوازدہم ۳۲

ذ م م

ذمة نہم ۱۰۸

مذموم شصت ہشتم ۴۹

مذموما ہفدہم ۱۹

۲۳

ذ ن ب

ذنب بیست ششم ۱۳

ذنب ہشتاد یکم ۹

الذنب چہلم ۳

بذنوب ہفدہم ۱۸

بیست پنجم ۶۰

الذنوب سیم ۱۲۹

سی نہم ۵۴

لذنبک دوازدہم ۲۹

ذنبک چہل سیم ۲

چہلم ۵۷ چہل ہفتم ۲۱

ذنبہ پنجاہ پنجم ۳۹

بذنبہم بیست نہم ۳۹

بذنبہم شصت ہفتم ۱۱

نود یکم ۱۴

بذنوبنا چہلم ۱۱

ذنوبکم چہاردہم ۱۱

چہل ششم ۳۰

ہفتاد یکم ۴

بذنوبکم پنجم ۲۱

ذنوبہم پنجم ۵۴

بیست ہشتم ۷۸

بذنوبہم سیم ۹

ششم ۹ ہفتم ۹۸

ہشتم ۵۴، ۵۶

نہم ۱۰۳ چہلم ۲۲

لذنوبہم سیم ۱۲۹

۱۴۱

ذنوبنا سیم ۱۴

۱۹۱ دوازدہم ۹۸

ذنوبکم سیم ۲۹

سی سیم ۷۱ شصت یکم ۱۲

ذنوب پنجاہ یکم ۵۹

ذنوبا پنجاہ یکم ۵۹

ذ ہ ب

دوم ۱۷ یازدہم ۱۳

بیست یکم ۷۷، ۸۷

سی سیم ۱۹ ہفتاد نہم

لذہب دوم ۱۹

بیست سیم ۳۹

ذہبت شصتم ۱۱

ذہبوا دوازدہم ۱۵

ذہبنا دوازدہم ۱۷

یذہب بیست چہارم ۴۳

ویذہب سیزدہم ۱۸

یذہب سی پنجم ۹

ویذہب ہشتم ۴۸

ویذہبا بیستم ۶۳

یذہبوا بیست چہارم ۶۲

سی سیم ۲۰

یذہبون ہشتاد یکم

۲۶

ذہبوا دوازدہم ۱۳

لیذہبوا چہارم ۲۳

لنذہبن چہل سیم ۴۰

لنذہبن ہفدہم ۸۸

اذہب ہفدہم ۶۵

بیستم ۲۵، ۴۳ بیست

ہفتم ۲۸ ہفتاد نہم

۱۷

فاذہب پنجم ۲۴

بیستم ۹۷

اذہبا بیستم ۴۵

بیست پنجم ۳۸

فاذہبا بیست ششم ۱۴

اذہبوا دوازدہم ۹۳

۸۷

اذہب سی پنجم ۳۱

اذہبتم چہل ششم ۱۹

لیذہب سی سیم ۳۳

کی یذہب ہشتم ۱۱

ویذہب نہم ۱۵

یذہبن یازدہم ۱۱۶

یذہبن بیست دوم ۱۵

الذہب سیم ۱۴

ذہبا سیم ۹۱

الذہب نہم ۳۴

ذاہب سی ہفتم ۹۹

ذہاب بیست ہشتم ۱۸

ذ ہ ل

تذہل بیست دوم ۲

فذر چہل یکم ۵۱

وذر چہل یکم ۴۳

وذرنی چہارم ۴۰

لذر ہشتاد نہم ۴

ولذر ششم ۴۲ پنجاہ نہم

باب الواو بعد الالف الی الیاء

وذره دوم	٧٧
وذا بیست پنجم ٨٥	٨٧
سی هشتم	٤٨
ذوی شصت پنجم	٢
ذوی دوم	١٧٢
ذات ... ٦	١٠
٩٧ بیست هفتم	٦١
صد یازدهم	٣
وذات هجدهم	١٧
ذواتا پنجاه پنجم	٤٨
ذواتی سی چهارم	١٥

ذاد

تذودان بیست ...	٢٣

ذاق

فذاقت شصت پنجم	٩
ذاقا هفتم	٢١
ذاقوا ششم	١٤٩
پنجاه نهم	١٥

باب الراء

راس

الرأس نوزدهم	٣
برأس هفتم	١٤٩
رؤس دوم	٢٧٩
سی هفتم	٦٣
رأيه دوازدهم	٣٦
برأيه بیستم	٩٥
رأسه دوم	١٩٢
دوازدهم ٤١ چهارم	

[illegible]



تربصوا پنجاه دوم ۳۱
فتربصوا نهم ۲۴ ۵۲
بیستم ۳۵ بیست ۲۵
تربص دوم ۲۲۶
ويتربص بیستم ۱۳۵
متربصون نهم ۵۲
المتربصين پنجاه دوم ۳۱
ربط
وربطنا بیست ششم ۹
وربط هجدهم ۱۳
ولربط هشتم ۱۱
ورابطوا سیم ۲۰۰
رباط هشتم ۶۲
ربع
الربع چهارم ۱۲٬۱۴
ورباع چهارم ۳ سیم ۱
اربع بیست چهارم ۶
اربع بیست چهارم ۴۴
اربع بیست چهارم ۸
اربعة نهم ۳۶
اربعة دوم ۲۲۶
چهل یکم ۹
باربعة بیست چهارم ۴٬۱۳
اربعين دوم ۲۶۲ چهارم
اربعين دوم ۴۸ پنجم
۲۶ هفتم ۱۳۸ چهل
ششم ۱۴
رابعهم هجدهم ۲۱ پنجاه
هشتم ۸
ربا
وربت بیست دوم ۵
چهل نهم ۳۹
لیربوا سی ام ۳۸
لیربوا سی ام ۳۸
ربانی هفدهم ۲۵
ربک بیست ششم ۱۷
وتربى دوم ۲۷۷
وانبتنا سیزدهم ۱۸
رابية شصت نهم ۱۰
اربى شانزدهم ۹۴
ربا سی ام ۳۸
الربوا دوم ۲۷۶ ۲۷۵
۲۷۷
۲۷۸ سیم ۱۲۵
چهارم ۱۵۹
ربوة بیست سیم ۵۲
بربوة دوم
۲۶۷
رتع
يرتع دوازدهم ۱۲
رتق

رتقا بیست یکم ۳۱
ورتل
ورتلناه بیست پنجم ۳۲
ترتيلا بیست پنجم ۳۲
هفتاد سیم ۴
ورتل هفتاد سیم ۴
رج
رجت پنجاه ششم ۴
رجا پنجاه ششم ۴
رجز
الرجز هفتم ۱۳۱
رجزا سی چهارم ۵
چهل پنجم ۱۰
رجز هشتم ۱۱
رجزا دوم ۵۹ هفتم
۵۲ بیست نهم ۱۳۳
الرجز هفتم ۱۳۱ ۳
والرجز هفتاد چهارم ۵
رجس
رجس پنجم ۹۲ ششم
۱۴۶ هفتم ۶۹ نهم ۹۵
رجسا نهم ۱۲۶
الرجس ششم ۱۲۵
دهم ۱۰۰ بیست دوم ۳۱
سی سیم ۳۳
رجسهم نهم ۱۲۶
رجع
رجع هفتم ۱۴۹
فرجع بیستم ۸۸
رجعوا نهم ۱۲۳
دوازدهم ۶۳
فرجعوا بیست یکم ۶۵
رجعتم دوم ۱۹۲
نهم ۹۵
رجعنا شصت سیم ۸
رجعک نهم ۸۴
فرجعناک بیستم ۴۱
رجع بیستم ۹۱ بیست
هفتم ۳۵ سی چهارم ۳۰
ترجع بیستم ۹۳
ارجع دوازدهم ۴۶
ترجعوها پنجاه ششم ۸
ترجعوهن شصتم ۱۰
ارجع دوازدهم
۵۰
بیست هفتم ۳۷
شصت هفتم ۴
فارجع شصت هفتم
۳
ارجعوا دوازدهم ۸۱
بیست چهارم ۲۸
پنجاه هفتم ۱۳
فارجعوا بیست چهارم ۲۸

سی سیم ۱۳
وارجعوا بیست یکم ۱۳
ارجعی هشتاد نهم ۲۸
فارجعنا سی دوم ۱۲
ارجعون بیست سیم ۱۰۱
رجعت چهل یکم ۵۰
یرجع یازدهم ۱۲۳
یرجعها دهم ۲۳۰
رجع نهم ۳
الرجع هشتاد ششم ۱۱
رجعه هشتاد ششم ۸
الرجعى نود ششم ۸
راجعون دوم ۴۳
۱۵۱ بیست یکم ۹۳
بیست سیم ۶۲
ترجعهم ششم ۱۰۸
دهم ۷۰٬۴۷ سی یکم
ترجعهم سی هفتم ۶
رجف
ترجف هفتاد سیم ۱۴
هفتاد نهم ۶
الراجفة هفتم ۷۸٬۹۰
۱۵۴ بیست ششم ۳
الراجفة هفتاد نهم ۶
والمرجفون سی سیم ۶۰
رجل
وتعالک هفدهم ۶۴
رجلین بیست چهارم ۴۴
برجلک سی هشتم ۴۱
ارجل هفتم ۱۹۴
ارجلهم سی ششم ۶۵
وارجلهم پنجم ۳۷
بیست چهارم ۲۴
ارجلکم ششم ۶۵
ارجلهم پنجم ۷۰ بیست
نهم ۵۵
بارجلهن بیست چهارم ۳۱
وارجلهن شصتم ۱۲
وارجلکم پنجم ۶ هفتم
۱۲۱ بیستم ۷۴ بیست
ششم ۴۹
رجلا چهارم ۱۵ یازدهم
۸۰ بیست سیم ۲۵
۴۰ بیست هشتم ۱۹ سی چهارم
۴۲ سی ششم ۱۹
چهل ۲۹
فرجلا دوم ۲۸۲
رجل هفتم ۶۱
۶۷ دهم ۲
سی چهارم ۷
چهل سیم ۳۰ لرجل
سی سیم ۴ سی نهم
۳۰

ورجلا سی نهم ۳۰
وتجلان پنجم ۲
رجلين دوم ۲۸۲
شانزدهم ۷۸ هجدهم
۲۱ بیست هشتم ۱۴
الرجال چهارم ۳۸
برجال هفتاد دوم ۶
الرجال چهارم ۷۷
۱۰۰ بیست چهارم ۳۱
للرجال چهارم ۸٬۳۶
وللرجال دوم ۲۲۸
رجالا چهارم ۱۷۵٬۱
هفتم ۴۶ دوازدهم ۱۰۹
شانزدهم ۴۳ سی سیم ۷
بیست دوم ۲۸ سی
هشتم ۶۲
فرجالا دوم ۲۴۰
الرجال هفتم ۷۹ بیست
هفتم ۵۵ بیست نهم ۲۸
رجالکم دوم ۲۸۲
سی سیم ۴۰
رجم
لرجمناک یازدهم ۹۳
لارجمنک نوزدهم ۴۲
ترجمونکم هجدهم ۱۹
ترجمون چهل چهارم ۱۹
لترجمنکم سی ششم ۱۷
رجما هجدهم ۲۱
رجوما شصت هفتم ۵
وترجم یازدهم ۳۴
نوزدهم ۷۸
رجیم پانزدهم ۱۷
هشتاد یکم ۲۵
الرجیم سیم ۳۱ شانزدهم
۱۰۰ المرجومین بیست ششم ۱۱۶
رجو
یرجوا هجدهم ۱۱۰ بیست
۴ سی سیم ۲۱
شصتم ۶
ویرجوا سی نهم ۱۲
ترجوا بیست هشتم ۸۶
ویرجون هفدهم ۵۷
ترجون هفتاد یکم ۱۲
ویرجون چهارم ۱۰۵
ترجوها هفدهم ۳۰
وارجوا بیست نهم ۳۵
ارجه هفتم ۱۰۸
بیست ششم ۳۵
ترجی سی سیم ۵۱
ارجائها شصت نهم ۱۷
مرجون یازدهم ۶۵
مرجون نهم ۱۰۷

رحیب نهم ۲۵٬۱۱۹
مرحبا سی هشتم ۵۹٬۶۰
رحق
رحیق هشتاد سیم ۲۵
رحل
رحل دوازدهم ۷۰
رحله دوازدهم ۷۵
رحالهم دوازدهم ۶۲
رحلة صد ششم ۲
رحم
رحیم یازدهم ۴۵
۱۲۰ دوازدهم ۵۳
چهل چهارم ۴۲
رحیم ششم ۱۶
رحیما سی سیم هفتم ۲۸
رحمته چهل ۹
رحمانهم بیست ۷۷
ورحم بیست نهم ۲۰
برحمها هفتم ۱۴۸
یرحمکم هفدهم ۸
یرحمکم هفدهم ۵
سی رحمکم نهم ۲
ویرحمنی یازدهم ۴۹
ویرحمنا هفتم ۲۲
وارحم بیستم ۱۱۸
ارحمهما هفدهم ۲۵
وارحمنا دوم ۲۸۶
هفتم ۱۵۴ بیست ۱۱۱
رحمت یازدهم ۷
کرحمتی چهل سیم ۳۱
رحمته هجدهم ۹۷
الرحمة هفدهم ۲۵
هجدهم ۵۷
رحمت ورحمت
دوم ۲۱۵ هفتم ۵۴
سی نهم ۱۲ چهل سیم ۳۱
الرحمة بیست هفتم ۵۰
الرحمة ششم ۱۲٬۵۴
ورحمة هفتم ۱۵۵
ورحمته دوم ۶۱
چهارم ۸۵ ۱۱۳
بیست چهارم ۱۰ ۱۴
۲۰ ۲۱
رحمتی بیست نهم ۲۲
رحمتک هفتم ۵۰ ۱
برحمتک دهم ۸
بیست هفتم ۱۹
برحمته دوم ۹۹
سیم ۶۲
ورحمته دهم ۵۹
رحمتنا نوزدهم ۵۱
بیست یکم ۵۴ ۷۵

برحمتنا دوازدهم ۵۶
رحمة هفدهم ۹ ۵
چهل دوم ۲۲
ارحام ششم ۱۴۴٬۱۴۵
الارحام سیزدهم ۹
الارحام سیم ۶ ششم ۷۶
بیست دوم ۵ سی یکم ۳۴
سی سیم ۶
والارحام چهارم ۱
ارحامکم شصتم ۳
ارحامهن دوم ۲۲۸
ارحامکم چهل هفتم ۲۴
رحما هجدهم ۸۰
الراحمین هفتم ۱۵۰
دوازدهم ۶۴ نود دوم
۱۱۱ بیست ۸۳٬۲۱
۱۱۸
رحیم سی ششم ۵۸
چهل یکم ۳۲
الرحیم اول ۲ بیست ششم
۲۱۷ بیست هفتم ۳۰
نوزدهم چهل یکم ۱
رحمة چهل ششم ۲۹
ارحم هفتم ۱۵۱ دوازدهم
۶۴ ۹۲ بیست یکم ۸۳
بالرحمن سیزدهم ۲۹
نوزدهم ۱۸ چهل یکم ۳۲
للرحمن نوزدهم ۲۶
۹۳٬۴۵ بیست
۱۰۷ بیست ۶۱٬۲۸
چهل سیم ۱۶ ۸۱
الرحمن هفدهم ۱۱۰
سی ششم ۱۵ پنجاهم ۳۲
بالمرحمة نودم ۱۲
رسخ
والراسخون سی ششم ۳۵
رد
وردوا سیم ۲۵
فردوا چهاردهم ۱۰
رددنا هفدهم ۶
رددها بیست یکم ۴۱
ردوه چهارم ۸۵
رددناه نود پنجم ۵
فرددناه بیست هشتم ۱۲
یردونکم دوم ۱۰۳
یردوکم دوم ۲۱۴
سیم ۹۵ ۱۴۲
فردها چهارم ۵۰
رددت دوازدهم ۶۵
ردت هجدهم ۳۶
ردوا چهارم ۹۱ سیم ۲۲۸

وَرَدُّوا دهم ۳۱
وُرُودُه چهارم ۶۴
رُدُّوهَا چهارم ۸۸
رَبِّي هشتم ۳۲
تُرَدُّ پنجم ۱۰۷
يُرَدُّونَ دوم ۷۹
نهم ۱۰۲
يُرَدُّونَ نهم ۹۵
شصت دوم ۸
وَسَتُرَدُّونَ نهم ۱۰۶
وَتُرَدُّ ششم ۷ نود
ششم ۲۷ هفتم ۱۵
تُرَدُّونَ نهم ۴۵
كَارْتَدُّوا دوازدهم ۹۶
فَارْتَدَّا هجدهم ۶۴
ارْتَدُّوا چهل هفتم ۲۷
يَرْتَدَّ چهاردهم ۴۴
يَرْتَدَّ پنجم ۵۹
بیست هفتم ۴۰
يَرْتَدِدْ دوم ۲۱۴
تَرْتَدُّوا پنجم ۲۴
يَرْتَدُّ سی دوم ۲۲۸
رَادُّ دهم ۱۰۷
بِرَادِّي شانزدهم ۷۳
لَرَادُّكَ بیست ششم ۸۵
رَادُّوهُ بیست هشتم ۷
مَرَدَّ چهل دوم ۴۳
مَرَدَّ سیزدهم ۲: سی هفتم
۴۲ چهل دوم ۴۶
مَرَدًّا نوزدهم ۷۶
مَرَدَّنَا چهلم ۴۶
مَرْدُودٍ یازدهم ۷۸
لَمَرْدُودُونَ هفتادنهم ۱۰

رَدَأ
رِدْءًا بیست هشتم ۳۴

رَدِف
رَدِفَ بیست هفتم ۷۴
الرَّادِفَةُ هفتادنهم ۷
مُرْدِفِينَ هشتم ۹

رَدَم
رَدْمًا هجدهم ۹۴

رَدَی
فَتَرْدَى بیستم ۱۷
أَرْدَاكُمْ چهل یکم ۲۳
لَتُرْدِينِ سی هفتم ۵۶
لِيُرْدُوهُمْ ششم ۱۳۸
تَرَدَّى نود دوم ۱۱
وَالْمُتَرَدِّيَةُ پنجم ۳
[illegible]
الْأَرْذَلُونَ بیست ششم ۱۱۱

أَرَاذِلُنَا یازدهم ۲۹

رزق
رَزَقَنِي یازدهم ۹
رَزَقَكُمُ هشتم ۲۶
شانزدهم ۷۴ چهلم ۶۴
رَزَقَهُمُ چهارم ۴۳
ششم ۱۴۱ بیست دوم ۲۹ ۳۵
رَزَقْنَاهُ شانزدهم ۷۷
وَرَزَقْنَاهُمْ دهم ۹۳
هفدهم ۷۰ چهل پنجم ۱۶
يُرْزَقُ دوم ۲۰۸
سیم ۳۷ بیست چهارم ۳۸
چهل دوم ۱۸
وَتَرْزُقُ سیم ۲۶
وَيَرْزُقْهُ شصت پنجم ۲
يَرْزُقُهَا بیست نهم ۶۰
لَيَرْزُقَنَّهُمُ بیست دوم ۵۷
يَرْزُقُكَ بیستم ۱۳۲
يَرْزُقُكُمْ ششم ۱۵۲
نَرْزُقُهُمْ هفدهم ۳۲
وَارْزُقْ دوم ۱۲۰
وَارْزُقْنَا پنجم ۱۱۴
وَارْزُقُوهُمْ چهارم ۴۰
فَارْزُقُوهُمْ چهارم ۹
وَارْزُقُوهُمْ چهارم ۴
رُزِقُوا دوم ۲۳
رُزِقْنَا دوم ۲۳
يُرْزَقُونَ سیم ۱۶۹
چهلم ۴۰
تُرْزَقَانِهِ دوازدهم ۳۷
وَرِزْقٌ بیستم ۱۳۱
رِزْقٌ سی هفتم ۴۰
وَرِزْقٌ هشتم ۴
بیست دوم ۴۹ ۷۵
بیست چهارم ۲۶ سی چهارم ۴
رِزْقٍ دوم ۵۷
سی چهارم ۱۴
رِزْقًا [illegible] ۶۰ چهلم
پنجم ۴ پنجاه یکم ۵۷
بِرِزْقٍ هجدهم ۱۸
الرِّزْقَ هفتم ۳۰
شانزدهم ۷۳
وَرِزْقًا شانزدهم ۶۹
رِزْقُهُمْ شصت پنجم ۷
رِزْقُهَا یازدهم ۸
شانزدهم ۱۱۳
لَرِزْقُنَا سی هشتم ۵۴
رِزْقُكُمْ پنجاه یکم ۲۲
رِزْقُهُمْ نوزدهم ۶۲
رِزْقُهُنَّ دوم ۲۳۳

رِزْقُهُ شصت هفتم ۱۵
رِزْقُهُمْ شانزدهم ۷۳
رِزْقُهُ شصت هفتم ۲۱
هشتاد نهم ۱۶
رِزْقُهَا بیست نهم ۶۰
رِزْقَكُمْ پنجاه ششم ۸۱
بِرَازِقِينَ پانزدهم ۲۰
الرَّزَّاقُ پنجاه یکم ۵۸
الرَّازِقِينَ [illegible]

رسخ
الرَّاسِخُونَ چهارم ۱۶۰
وَالرَّاسِخُونَ سیم ۵

رسل
أَرْسَلَ نهم ۳۳ بیست پنجم
۵۰ سی هفتم ۱۰ چهل هشتم
۲۸ شصت یکم ۹
فَأَرْسَلَ بیست ششم ۵۳
وَأَرْسَلَ صد پنجم ۳
أَرْسَلْتَ دوازدهم ۳۱
أَرْسَلْتَ بیستم ۱۳۴
بیست هشتم ۴۷
فَأَرْسَلُوا دوازدهم ۱۹
وَأَرْسَلْنَا پنجم ۷۴
ششم ۶ پانزدهم ۲۲
وَأَرْسَلْنَاكَ چهارم ۸۱
أَرْسَلْنَاهُ پنجاه یکم ۳۸
وَأَرْسَلْنَاهُ سی هفتم ۱۴۷
[illegible]
سی ام ۴۷
فَيُرْسِلَ هفدهم ۷۱
وَيُرْسِلَ هجدهم ۳۸
يُرْسِلَ یازدهم ۵۴
هفتاد یکم ۱۰
يُرْسِلُ ششم ۶۱ هفدهم
هجدهم ۵۴
يُرْسِلَ هفدهم
لِيُرْسِلَ پنجاه یکم ۳۳
وَلِنُرْسِلَنَّ هفتم ۶۱
أُرْسِلَهُ دوازدهم ۶۴
أُرْسِلَ بیست ششم ۱۶
فَأَرْسِلْ هفتم ۱۰۳
دوازدهم ۴۳ بیستم ۴۹
بیست ششم ۱۲
وَأَرْسِلْ هفتم ۱۰۸
أَرْسِلْهُ دوازدهم ۱۲
فَأَرْسِلْهُ بیست ششم ۳۴
فَأَرْسِلُونِ دوازدهم ۴۵
أُرْسِلُكَ هفتم ۱۰۵
بیست یکم ۵ بیست ششم ۱۶
أُرْسِلَتْ هفتم ۸۵
یازدهم ۷۰ چهل ششم ۲۲

أُرْسِلُوا هشتاد سیم ۳۳
أُرْسِلْتُمْ چهاردهم ۱۰ سی
چهارم ۳۳ چهل یکم ۱۳
چهل سیم ۲۳
أَرْسَلْنَا یازدهم ۷۲
یازدهم ۵۸ پنجاه یکم ۳۲
بِرَسُولٍ پنجاه پنجم ۳۵
لِرَسُولٍ شصت سیم ۱
وَرَسُولٌ چهل سیم ۲۸
بِرَسُولٍ شصت یکم ۶
لِرَسُولٍ سیم ۹ ۱۷
سیزدهم ۳۸ چهلم ۷۸
وَبِالرَّسُولِ پنجاه چهارم ۴۶
وَلِلرَّسُولِ هشتم ۲۴
۳۲ پنجاه نهم ۷
وَالرَّسُولِ سیم ۱۶۶
چهارم ۲۶ هشتم ۱
وَالرَّسُولُ سیم ۱۴۷
پنجاه هشتم ۸
رَسُولُهُ نهم ۸۲
سی سیم ۲۱ چهل نهم ۳
شصت سیم ۷
رَسُولٌ چهاردهم ۱۵ نهم
۲ سی سیم ۵۳ ۳۰
چهل نهم ۷ شصت سیم ۱۰
الرَّسُولَا سیم ۶۴
وَالرَّسُولُ سیم ۲۹
[illegible] ۲۷
رَسُولًا بیستم ۴۹۰
رُسُلُ ششم ۱۲۴
هفتم ۴۱ ۵۱ یازدهم
۸۳
بِرُسُلٍ ششم ۱۰ سیزدهم
۳۲ بیست یکم ۴۲
الرُّسُلِ چهارم ۱۴۳
پنجم ۳۲ یازدهم ۱۲۲
شانزدهم ۳۷ چهلم
ششم ۳۴ ۸۰
بِالرُّسُلِ دوم ۸۱
لِلرُّسُلِ چهل یکم ۴۳
وَرُسُلًا چهارم ۱۶۴
الرُّسُلُ پنجم ۲۸
چهاردهم ۶ بیست پنجم
۳۹ سی ششم ۱۳ پنجاه
۱۳
رَسُولُهُ سیم ۹ ۶
لِرَسُولِهِ شصت سیم ۱
رَسُولُهَا بیست هشتم ۴۶
رَسُولُنَا پنجم ۱۸ ۲۰ ۲
رَسُولُهُمْ دهم ۴۸
وَبِرَسُولِي پنجم ۱۱۱
الرَّسُولُ چهارم ۱۳۵

نهم ۱۰۷ ۲۶
۸۷ ۸۰ ۹ چهل هشتم
۲۶ پنجاه نهم ۷۰۶
بِرَسُولِهِ پنجاه هفتم ۲۸
وَبِرَسُولِهِ نهم ۵۴
وَلِرَسُولِهِ شصت سیم ۸
رَسُولِنَا پنجم ۳۹
شصت چهارم ۱۲
بِرَسُولِهِمْ چهلم ۵
رَسُولُهُمْ ۳۳ چهلم
هشتم ۲۷ ۲۸ شصت یکم ۹
وَرَسُولُهُمْ بیست سیم ۷۱
رُسُلِي سی چهارم ۴۴
وَرُسُلِي [illegible]
پنجاه هشتم ۲۱ [illegible]
هجدهم ۱۰۶
رُسُلُنَا پنجم ۳۲ ششم ۶۱
هفتم ۳۵ یازدهم ۷۲
۷۹ بیست نهم ۳۰ ۳۲
رُسُلُكُمْ دوم ۱۰۲
بیست ششم ۲۶
رُسُلُنَا چهل سیم ۸
رُسُلُكُمْ چهلم ۵۳
رُسُلُهُمْ هفتم ۹۹
۸۱ چهاردهم ۱۰ ۱۱ ۱۳
رُسُلِي پنجم ۱۵
رُسُلِكَ سیم ۱۹۲
رُسُلِهِ دوم ۲۸۵
سیم ۱۷۴
وَرُسُلِهِ دوم ۹۲
سی هفتم ۷۲ [illegible]
چهارم ۱۳۵ ۱۴۹
رُسُلُنَا هفدهم ۷۷
چهل سیم ۴۴
بِرُسُلِنَا پنجاه هفتم ۲۷
لِرُسُلِهِمْ چهاردهم ۱۳
رُسُلِهِ یازدهم ۶۲
چهاردهم ۴۸ پنجاه نهم ۶
وَرُسُلِهِ پنجاه هفتم ۲۵
رُسُلُنَا دهم ۲۲
۱۰۳ بیست سیم ۶۴ چهلم
۵۴ ۷۲ پنجاه هفتم ۲۵
رِسَالَتَهُ هفتم ۷۷
رِسَالَاتِ هفتم ۶۰
۶۶ ۹۱ سی سیم ۳۹
هفتاد دوم ۲۸
رِسَالَتَهُ پنجم ۷۱ ششم
۱۲۴ بِرِسَالَاتِي هفتم
وَرِسَالَاتِهِ هفتاد دوم
مُرْسِلٌ سی پنجم ۲

مُرْسِلُوا پنجاه سیم ۲۷
مُرْسِلِينَ بیست هشتم ۴۵
چهل چهارم ۴
مُرْسَلُونَ بیست هفتم ۳۵
مُرْسَلٌ هفتم ۷۳
مُرْسَلًا سیزدهم ۴۳
مُرْسَلُونَ سی ششم ۱۳
الْمُرْسَلُونَ سی ششم ۱۵
لَمُرْسَلُونَ یازدهم ۵۷
[illegible] ۱۰ ۳۵
سی ششم ۱۲ ۲۰ ۵۲
پنجاه یکم ۳۱
وَالْمُرْسَلَاتِ هفتاد هفتم ۱
أَرْسَاهَا هفتادنهم ۳۲
وَالرَّاسِيَاتِ سی چهارم ۱۳
مُرْسَاهَا هفتم ۱۸۶
هفتاد نهم ۴۲
وَمُرْسَاهَا یازدهم ۴۳

رشد
يَرْشُدُونَ دوم ۱۸۲
الرُّشْدُ دوم ۲۵۷
الرُّشْدِ هفتم ۱۴۳
هفتاد دوم ۲
رُشْدًا چهارم ۵
هجدهم ۶۵
رُشْدَهُ بیست یکم ۵۲
رُشْدًا هجدهم ۲۳ ۹
هفتاد دوم ۱۴ ۱۰
۲۱ ۴۱
الرَّشَادِ چهلم ۳۰ ۳۱
الرَّاشِدُونَ چهل نهم ۷
رَشِيدٌ یازدهم ۸۰
الرَّشِيدُ یازدهم ۸۹
بِرَشِيدٍ یازدهم ۹۹
مُرْشِدًا هجدهم ۱۹

رصص
مَرْصُوصٌ شصت یکم ۴

رصد
رَصَدًا هفتاد دوم ۹ ۲۷
وَإِرْصَادًا نهم ۱۰۸
مَرْصَدٍ نهم ۵
لَبِالْمِرْصَادِ هشتاد نهم ۱۳
مِرْصَادًا هفتاد هشتم ۲۱

رضع
أَرْضَعْتَ بیست دوم ۲
أَرْضِعِيهِ بیست هشتم ۶
أَرْضَعْنَكُمْ چهارم ۲۷
فَسَتُرْضِعُ شصت پنجم ۶
يُرْضِعْنَ دوم ۲۳۳
مُرْضِعَةٍ بیست دوم ۲
الْمَرَاضِعَ بیست هشتم ۱۲

باب الراء بعد الصاد الى الياء ۵

الرَّضٰعَةَ چهارم ۲۷
الرَّضَاعَةَ دوم ۲۳۳
مَرضِعَةٍ بیست و دوم ۲
المَرَاضِعَ بیست و هشتم ۱۱

رضی

پنجم ۱۱۹ نهم ۱۰۱ چهل هشتم
۱۸ پنجاه هشتم ۲۲
نود هشتم ۸
وَرَضِیَ بیستم ۱۰۸
وَرَضِیتُ پنجم ۵
رَضُوا نهم ۵۸ . ۵۹
۸۸ . ۹۴
وَرَضُوا پنجم ۱۱۹ نهم ۱۰۱
دهم ۷ پنجاه هشتم ۲۲
نود هشتم ۸
رَضِيتُم نهم ۸۴
أَرَضِيتُم نهم ۳۸
يَرضٰی چهارم ۱۰۸
نهم ۹۷ نود دوم ۲۱
وَيَرضٰی پنجاه سیم ۲۷
يَرضٰی دوم ۱۱۳
بیستم ۱۳۰
وَيَرضٰی نود سیم ۵
لِيَرضٰی بیستم ۸۶
وَيُرضِيكُنَّ سیم ۵۱
تَرضَونَ دوم ۲۸۲
تَرضَوا نهم ۹۷
لِتَرضَوا نهم ۹۷
تَرضَاهُ بیست هفتم ۱۹
چهل ششم ۱۴
تَرضَاهَا دوم ۱۴۹
يُرضُونَهُ بیست دوم ۵۸
تَرضَونَهَا نهم ۲۴
وَلِيَرضَوهُ ششم ۱۱۳
يُرضُوهُ سیم نهم ۹
يُرضُونَكُم نهم ۶۲
يُرضُوهُ نهم ۶۲
رَاضِيَةً هشتاد هشتم ۹
لِيُرضُوكُم نهم ۶۲
تَرَاضَوا دوم ۲۳۲
تَرَاضَيتُم چهارم ۲۸
ارتَضٰی بیست یکم ۲۹
بیست چهارم ۵۵
هفتاد دوم ۲۷
يَرتَضٰی نود یکم ۶
وَاضِيَةٍ شصت نهم ۲۱
صد یکم ۷
رَاضِيَةٍ هشتاد نهم ۲۸
مَرضِيَّةً نوزدهم ۱۳
نهم ۱۳۱ ۱۱۰۰
رِضوَان نهم ۲۱

وَرِضوَانٌ سیم ۱۵ . ۱۶۲
وَرِضوَانًا نهم چهارم شصت
۲۹ پنجاه نهم ۸
وَرِضوَانٍ پنجم ۱۸ چهارم ۱۰
هفتم ۳۰
مَرضَاةِ سیم ۲۰
لِكُفٌ نهم ۹۲
رِضوَانَهُ پنجاه هفتم ۲۷
مَرضَاتِ نود دوم ۶۵
مَرضَاةِ شصتم ۲۸
مَرضَاتِ دوم ۲۰۷
۲۶۷ چهارم ۱۱۴
مَرضَاتَ شصت ششم ۱
مَرضَاتِ شصت ششم ۱
رَاضٍ دوم ۲۳۳
چهارم ۳۳

رطب

رَطبٍ ششم ۵۹
رُطَبًا نوزدهم ۲۵

رعب

الرُّعبَ هفدهم ۱۷
الرُّعبَ سیم ۱۵۱ . ۲۴
سیم ۲۶ پنجاه نهم ۲
رَغبًا سیم و دوم ۱۸
الرُّعبَ سیزدهم ۱۴

رعد

رَعدٌ پنجاه هفتم ۲۷
وَارعُوا بیستم ۵۶
رَاعِنَا دوم ۹۸
وَرَاعِنَا چهارم ۴۸
رَاعِيَ بیستم ۸
هفتاد دوم ۳۲
رِعَايَتِهَا پنجاه هفتم ۲۷
الرِّعَاءُ بیست هشتم ۲۳
المَرعٰی هشتاد هفتم ۴
وَمَرعٰیهَا هفتاد نهم ۳۱

رغب

يَرغَبُ دوم ۱۳۰
تَرغَبُوا نهم ۱۲۱
وَتَرغَبُونَ چهارم ۱۲۷
فَارغَب نود چهارم ۸
رَغَبًا بیست یکم ۹۰
أَرَاغِبٌ نوزدهم ۴۶
رَاغِبُونَ نهم ۵۹
شصت هشتم ۳۲

رغد

رَغَدًا دوم ۳۵ . ۵۸
شانزدهم ۱۱۲

رغم

مُرَاغَمًا چهارم ۱۰۰

رفث

الرَّفَثُ دوم ۱۸۷
الرَّفَثُ دوم ۱۹۷
وَرَفَثَ دوم ۱۹۳

رفد

الرِّفدُ یازدهم ۹۹
المَرفُودُ یازدهم ۹۹

رفرف

رَفرَفٍ پنجاه پنجم ۷۶

رفع

رَفَعَ سیزدهم ۲ هفتاد نهم ۲۸
وَرَفَعَ چهارم ۱۵۸
رَفَعنَا پنجاه ششم ۶
وَرَفَعنَا هفتم ۱۷۵
وَرَفَعنَاهُ نوزدهم ۵۷
نرفع دوم ۱۲۱
نَرفَعُ پنجاه ششم ۱۲
يَرفَعُوا چهل نهم ۲
مَرفوعٍ چهل ششم ۸۳
يُرفَعُ یازدهم ۱۱
وَيَرفَعُ بیست پنجم ۱۱
وَيَرفَعُ هشتاد هشتم ۱۸
مَرفُوعَةٍ چهاردهم ۳۶
وَارفَعُ پنجاه ششم ۳
ترفع یازدهم ۴۸
رَفِيعُ چهلم ۱۵
المَرفوعِ پنجاه دوم ۵
مَرفُوعَةٍ هشتاد هشتم ۱۳
مَرفُوعَةٍ پنجاه ششم ۳۴
هشتاد هشتم ۱۴

رفق

مِرفَقًا چهارم ۷۱
مُرتَفَقًا هجدهم ۱۵
المَرَافِقِ پنجم ۸
مُرتَفَقًا هجدهم ۲۸ . ۳۰

رق

رَقٍّ پنجاه دوم ۳

رقب

الرِّقَابِ دوم ۱۷۷
رَقَبَةٍ چهارم ۹۲
فَكُّ رَقَبَةٍ نود م ۱۳
وَرِقَابِ نهم ۶۰
نهم ۱۰
فَتَحرِيرُ رَقَبَةٍ بیست یکم ۹۰
فَارتَقِب چهل چهارم ۱۰ . ۵۹
وَارتَقِبُوا یازدهم ۹۳
فَارتَقِبهُم پنجاه چهارم ۲۷
رَقِيبٌ یازدهم
۹۲ پنجاهم ۱۷
رَقِيبًا چهارم ۱ سی و سیم ۵۲
الرَّقِيبَ پنجم ۱۱۷
وَرَقِيبٌ چهارم ۹۳ م

پنجم ۹۱ پنجاه ششم ۴
نودم ۱۳
الرَّقِيبُ بیست ۲۳ ۲۰
چهارم هفدهم ۴۰
تَرقُبُونَ چهارم ۹۹
رقد

رُقُودٌ هجدهم ۱۲
مَرقَدِنَا سی ششم ۵۲

رقم

وَالرَّقِيمِ هجدهم ۸
مَرقُومٌ هشتاد سیم ۹ . ۲۰

رقی

تَرقٰى هفدهم ۹۵
فَليَرتَقُوا سی هشتم ۹
التَّرَاقِيَ هفتاد پنجم ۲۷
رَاقٍ هفتاد پنجم ۲۶

رکب

رِكَابٍ پنجاه نهم ۶
رَكُوبُهُم سی ششم ۶۲
تَركَبُونَ چهل سیم ۱۱
لِتَركَبُوهَا شانزدهم ۸
الرُّكبَانًا دوم ۲۳۹
تَركَبُنَّ هشتاد چهارم ۱۹
وَالرَّكبُ هشتم ۴۲
رَكِبَا هجدهم ۷۱
وَالرِّكَابُ یازدهم ۴۲
رَكِبُوا بیست نهم ۶۵
فَرَكِبُوا یازدهم ۴۳
مُتَرَاكِبًا ششم ۹۹

ركد

رَوَاكِدَ چهل دوم ۳۳

ركز

رِكزًا نوزدهم ۹۸

ركس

أَركَسَهُم چهارم ۸۸
أُركِسُوا چهارم ۹۱

ركض

تَركُضُونَ بیست یکم ۱۲
يَركُضُونَ بیست یکم ۱۲
اركُض سی هشتم ۴۲

ركع

الرَّاكِعُونَ نهم ۱۱۲
الرَّاكِعِينَ دوم ۴۳
وَالرُّكَّعِ دوم ۱۲۵
رُكَّعًا چهل هشتم ۲۹
رَاكِعًا سی هشتم ۲۴
وَالرَّاكِعُونَ نهم ۱۱۲
ارْكَعُوا بیست دوم ۷۷
وَاركَعُوا دوم ۴۳
يَركَعُونَ هفتاد هفتم ۴۸

ركم

فَيَركُمَهُ هشتم ۳۷
رُكَامًا بیست چهارم ۴۳
مَركُومٌ پنجاه دوم ۴۴
تَركُمُوا یازدهم ۱۱۵
رُكُبًا یازدهم ۸۲
تَركُضُوا بیست یکم ۱۳

ركن

تَركَنُوا یازدهم ۱۱۳
رُكنٍ یازدهم ۸۰
بِرُكنِهِ پنجاه یکم ۳۹

رمح

رِمَاحُكُم پنجم ۹۵

رمد

رَمَادٍ چهاردهم ۱۸

رمز

رَمزًا سیم ۴۱

رمض

رَمَضَانَ دوم ۱۸۵

رمن

وَالرُّمَّانَ ششم ۱۴۱ . ۹۹
وَرُمَّانٌ پنجاه پنجم ۶۸

رمی

رَمَيتَ هشتم ۱۷
تَرمِيهِم صد پنجم ۴
يَرمُونَ بیست چهارم ۴ . ۲۳ . ۶
يَرمِ چهارم ۱۱۲
تَرمِي هفتاد هفتم ۳۲

رهب

تُرهِبُونَ هشتم ۶۰
فَارهَبُونِ دوم ۴۰
شانزدهم ۵۱
يَرهَبُونَ هفتم ۱۵۴
وَاستَرهَبُوهُم هفتم ۱۱۶
الرَّهبِ بیست هشتم ۳۲
وَرَهبًا بیست یکم ۹۰
وَرُهبَانًا پنجم ۸۲
وَالرُّهبَانِ نهم ۳۴
وَرُهبَانَهُم نهم ۳۱
وَرَهبَانِيَّةً پنجاه هفتم ۲۷

رهط

رَهطٍ بیست هفتم ۴۸
أَرَهطِي یازدهم ۹۲
رَهطُكَ یازدهم ۹۱

رهق

رَهَقًا هفتاد دوم ۶ . ۱۳
تُرهِقُنِي هجدهم ۷۳
يُرهِقَهُمَا هجدهم ۸۰
سَأُرهِقُهُ هفتاد چهارم ۱۷
تَرهَقُهُم دهم ۲۷
وَتَرهَقُهُم هفتادم ۴۴
تَرهَقُهَا هشتاد م ۴۱

رهن

رَهِينَةٌ هفتاد چهارم ۳۸
فَرِهَانٌ دوم ۲۸۳
رَهِينٌ پنجاه دوم ۲۱

رهو

رَهوًا چهل چهارم ۲۴

روح

تُرِيحُونَ شانزدهم ۶
رُوحٍ دوازدهم ۸۷ م
وَرُوحٌ پنجاه ششم ۸۸
رُوحٍ شانزدهم ۱۰۲
وَرُوحٌ چهارم ۱۷۱
الرُّوحُ هفدهم ۸۵
بیست ششم ۱۹۳
هفتاد هشتم ۳۸
وَالرُّوحُ هفتادم ۴
نود هفتم ۴
بِرُوحِ پنجاه هشتم ۲۲
بِرُوحٍ دوم ۸۷ . ۲۵۳
۱۰۹
الرُّوحُ هفدهم ۸۵
بِالرُّوحِ شانزدهم ۲
رُوحًا چهل دوم ۵۲
الرُّوحُ چهلم ۱۵
رُوحِي پانزدهم ۲۹
سی هشتم ۷۲
رُوحِهِ سی دوم ۹
رُوحَنَا نوزدهم ۱۷
رَوحًا بیست یکم ۹۱
شصت ششم ۱۲
روحنا نوزدهم ۱۷
الرِّيحُ چهاردهم ۱۸
الرِّيحَ سیم ۱۱۷
الرِّيحُ هفدهم ۷۱
رِيحٌ دوازدهم ۹۴
الرِّيحَ سی و چهارم ۱۲

الرباح دوم ۱۵۹
چہل پنجم ۴
الریاح ہفتم ۵۵
پانزدہم ۲۲ بیست پنجم
بیست ہشتم ۴۶ سے ام
۴۵ سی پنجم ۱۰
ریحکم ہشتم ۴۸
وترواح چہارم سی چہارم ۱۱
والریحان پنجاہ ششم ۸۸
والریحان پنجاہ پنجم ۱۱

رود

ناودنی دوازدہم ۵۱
راودتہ دوازدہم ۲۶
وراودتہ دوازدہم ۲۳
راودتہ دوازدہم ۳۲
۵۱
راودوہ پنجاہ چہارم ۳۲
تراود دوازدہم ۳۰
سنراود دوازدہم ۶۱
فاراد ہفدہم ۱۰۵
ہجدہم ۸۱
اردنی یازدہم ۶۳
فاردت ہجدہم ۷۸
ارادا دوم ۲۳۳
ارادواد دوم ۲۲۸
نہم ۴ بیست دوم ۲۲
سی دوم ۲
فارادوا سی ہفتم ۹۶
وارادوا بیست ہکم ۷۰
اردن بیست چہارم ۳۳
اردتم دوم ۲۳۳
چہارم ۲۲ بیستم ۸۹
اردنا چہارم ۶۵ نہم
۱۰۸ ہفدہم ۱۷
بیست یکم ۱۷
فاردنا ہجدہم ۸۰
اراد نہ سی نہم ۳۹
اردناہ شانزدہم ۴۲
ویرید چہارم ۳۰۳
ہشتم ۷
یرید سیم ۱۳۹ پنجم
۴۵ ششم ۱۲۵
بیست دوم ۲۶ پنجاہ یکم
ترید ہجدہم ۲۷
بیستم ۱۸
ارید بیستم ۱۸
ارید پنجم ۳۲ یازدہم
۹۰ بیست ہشتم ۲۲
پنجاہ یکم ۵۷
وان یرید ہفتاد ۱۰
ویریدان بیستم ۶

وتریدون چہارم ۳۷
۱۴۹
یریدوا ششم ۲۰۶۲
تریدون دوم ۱۰۲
۸۶ چہاردہم ۱۲ سی ام
۳۸ سی ہفتم ۴ ۸
اتریدون چہارم ۹۰
۱۴۳
یردن سیم ۲۸ ۲۹
ارید پنجم ۱۱۳ یازدہم
۸۱ ہفدہم ۱۹ ہفتاد
ششم ۹
ونرید بیستم ۴
یردن سی ششم ۲۲
یردک دہم ۱۰۷
ارادنی سی ہشتم ۵
روید ہشتاد ششم ۱۷

رافق

روضتہ سی ام ۱۴
روضات چہل دوم ۲۱

راع

الروع یازدہم ۷۷

راغ

فراغ سی ہفتم ۸۹ ۹۱
پنجاہ یکم ۲۶

رام

الروم سی ام ۱

زاب

لازب بیست نہم ۴۷
وازبات نہم ۴۵
ارباب چہل نہم ۴۹
اوکثم پنجم ۱۰۵
شضب پنجم ۴
وازبنم پنجاہ ہفتم ۱۳
ربات ہفتاد چہارم ۳
بیتانوا چہل نہم ۱۵
تربانوا دوم ۲۸۲
زبب دوم ۲۱
بیست دوم ۵
ربانم نہم ۴۵
ربتہ نہم ۱۱۱
مربب یازدہم ۶۵
۱۱۲ چہارم ۱۰ سی چہارم
۵۴ چہل یکم ۴۵
چہل دوم ۱۳ پنجاہ ۲۴
مرکاب چہل ۳۶

زامن

وزبنا ہفتم ۲۵

راع

زہیر بیست ششم ۱۲۸
ذان ہشتاد ستم ۱۴
لاہبا لوا سی

زبد

زبد سیزدہم ۱۱
الزبد سیزدہم ۱۸
زبدا سیزدہم ۱۸

زبر

الزبور بیست یکم ۱۰۵
زبورا چہارم ۱۶۱
ہفدہم ۵۷
زبر بیست ششم ۱۹۶
الزبر پنجاہ چہارم ۴۳
۵۲
والزبر سیم ۱۸۱ شانزدہم
۴۶
وبالزبر سی پنجم ۲۳
زبر ہجدہم ۹۵
زبرا بیستم ۵۵

زبن

الزبانیہ نود ششم ۱۸

زجج

الزجاجہ بیست چہارم ۳۵
زجاجہ بیست چہارم ۳۵

زجر

وازدجر پنجاہ چہارم ۹
زجرا سی ہفتم ۲
زجرۃ سی ہفتم ۱۰
ہفتاد نہم ۱۳
فالزاجرات سی ہفتم ۲
مزدجر پنجاہ چہارم ۴

زجی

مزجی ہفدہم ۶۸
بیست چہارم ۴۳
مزجاۃ دوازدہم ۸۸

زحزح

زحزح سیم ۱۸۲
بمزحزحہ دوم ۹۰

زحف

زحفا ہشتم ۱۵

زخرف

زخرف ہفدہم ۹۵
زخرف ششم ۱۱۲
وزخرفا چہل سیم ۳۴
زخرفہا دہم ۲۵

زرب

وزرابی ہشتاد ستم ۱۶

زرع

تزرعون دوازدہم ۴۷
تزرعونہ پنجاہ ششم ۶۴
تزرع سیزدہم ۴
زرع چہاردہم ۴۰
کزرع چہل ہشتم ۲۹
زرعا ہجدہم ۳۱ سی دوم
۲۲ سی نہم

الزرع شانزدہم ۱۱
والزرع ششم ۱۴۲
وزروع بیست ششم ۱۴۸
چہل چہارم ۲۵
الزراع چہل ہشتم ۲۹
الزارعون پنجاہ ششم ۶۴

زرق

زرقا بیستم ۱۰۲

زری

تزدری یازدہم ۳۳

زعم

زعم شصت چہارم ۷
زعمت ہفدہم ۹۴
تزعمون ششم ۲۲ ۹۴
بیست ششم ۶۲ ۵ ۴
بزعمہم ششم ۱۳۷
۱۳۹
زعیم دوازدہم ۷۲
شصت ہشتم ۴۰

زفق

یزفون سی ہفتم ۹۴

زفر

زفیر یازدہم ۱۰۸
بیست یکم ۱۰۰
وزفیرا بیست پنجم ۱۳
زقوم پنجاہ ششم ۵۲
الزقوم سی ہفتم ۶۰
چہل چہارم ۴۳
زکریا سیم ۳۲
۳۳ نوزدہم ۷
زکریاء نوزدہم ۱
وزکریا ششم ۸۵
بیست یکم ۸۹

زکی

زکی بیست چہارم ۲۱
زکیہا نود یکم ۹
یزکی چہارم ۵۲ بیست
چہارم ۲۱
یزکون چہارم ۵۲
تزکوا پنجاہ سیم ۳۲
ویزکیکم دوم ۱۴۶
یزکیہم دوم ۱۶۹
سیم ۷۱
ویزکیہم دوم ۱۲۳ سیم
۵۸ اشصت دوم ۲
ویزکیہم نہم ۱۰۴
تزکی بیستم ۷۸ سی پنجم
۱۹ ہفتادم ۱۸
ہشتاد ہفتم ۱۴
یزکی سی پنجم ۱۹ نود
دوم ۱۸
یزکی ہشتاد ۳

زکوۃ سیم ۳۸
فللزکوۃ بیستم ۴
الزکوۃ بیست یکم ۷۳
چہارم ۳۲
والزکوۃ نوزدہم ۳۲
۵۶
زکوۃ ہجدہم ۸۰
وزکوۃ نوزدہم ۱۴
زکیا نوزدہم ۱۹
زکیۃ ہجدہم ۷۳
ازکی دوم ۲۳۲
ہجدہم ۱۸ بیست چہارم ۲۸
۳۰ زل
زللتم دوم ۲۰۵
فتزل شانزدہم ۹۶
فازلہما دوم ۳۴
استزلہم سیم ۱۴۹

زلزل

زلزلت نود نہم ۱
وزلزلوا دوم ۱۰
سیم ۱۱
زلزالا سیم ۱۱
زلزالہا نود نہم ۱
زلزلۃ بیست دوم ۱

زلف

وازلفنا بیست ششم ۶۴
ازلفت ہشتاد یکم ۱۳
وازلفت بیست ششم ۹۰
پنجاہم ۳۰ زلفا
زلفۃ شصت ہفتم ۲۷
وزلفا یازدہم ۱۱۶
زلفی سی چہارم ۳۶
سی نہم ۴
لزلفی سی ہشتم ۲۵ ۴۰

زلق

لیزلقونک شصت ۵۱
زلقا ہجدہم ۴۰

زلم

وبالازلام پنجم ۹۴
بالازلام پنجم ۴

زمر

زمرا سی نہم ۷۱ ۷۳

زمل

المزمل ہفتادستم ۱

زمہر

زمہریرا ہفتاد ششم ۱۳
زنجبیلا ہفتاد ششم ۱۷

زنم

زنیم شصت ہشتم ۱۳

زنی

یزنون بیست ہشتم ۶۸
یزنین شصتم ۱۲

الزنا ہفدہم ۳۴
زانی بیست چہارم ۳
والزانی بیست چہارم ۳
الزانیۃ بیست چہارم ۲
فالزانیۃ بیست چہارم ۳
زانیۃ بیست چہارم ۳

زہد

الزاہدین دوازدہم ۲۰

زہر

زہرۃ بیستم ۱۳۱

زہق

وزہق ہفدہم ۸۳
وتزہق نہم ۵۵ ۸۶
زاہق بیست یکم ۱۸
زہوقا ہفدہم ۸۳

زوج

زوجناکہا سی سیم ۳۷
وزوجناہم چہل چہارم
۵۴ پنجاہ دوم ۲۰
یزوجہم چہل دوم ۴۲
زوجت ہشتاد یکم ۷
زوج چہارم ۲۴ سیم
بیست دوم ۵ بیست ششم
سی یکم ۹ پنجاہم ۷
زوجا دوم ۲۳۰
وزوجک دوم ۳۳
ہفتم ۱۸
ولزوجک بیستم ۱۱۵
وزوجہ دوم ۹۶
زوجہا پنجاہ ہشتم ۱
زوجک سی سیم ۳۷
زوجہ بیست یکم ۹۰
زوجہا چہارم ۱
ہفتم ۱۸۹ سی نہم ۸
زوجان پنجاہ پنجم ۵۲
زوجین یازدہم ۴۲
سیزدہم ۳ بیست ۱۸
پنجاہ یکم ۴۹
الزوجین پنجاہ سیم ۴۵
ہفتاد پنجم ۳۹
ازواج دوم ۲۳
چہارم ۶ پنجاہ ششم ۵۸
وازواج سیم ۱۳
ازواج سیم ۳۷
ازواج ششم ۱۴۴
سیم ۵۲ سی نہم ۸
الازواج سی ششم ۳۶
چہل سیم ۱۱
وازواجہ سی سیم ازواج
چہارم ۱۲ وازواجکم

باب السین بعد الالف الی الباء

۴۸ ۵

ازواجهم شصتم ۱۱	زادتهم نهم ۱۲۵	هشتم ۶۳	سال	شصتم ۱۰	۹۱ ۸۸
و ازواجهم سی و ششم ۶	زادتهم هشتم ۲	زاغوا شصت و یکم ۵	سال هفتادم ۱	فاسئلوا دوازدهم ۵۰	الاسباب دوم ۱۶۱
ازواجك شصت و ششم ۱	فزادتهم نهم ۱۲۵	تزیغ نهم ۱۱۸	سال اوا چهارم ۱۵۲	سلهم شصت و هشتم ۴۰	الاسباب سی و هشتم ۹
لا ازواجك پنجاهم ۲۸، ۵۰	زادوکم نهم ۴۷	تزغ سی و چهارم ۱۱	سالتم دوم ۶۱	و اسئلهم هفتم ۱۶۳	اسباب چهلم ۳۶
ازواجه شصت و ششم ۳	زادوهم یازدهم ۱۰۳	ازاغ شصت و یکم ۵	سالك دوم ۱۸۲	فاسئلوهم بیست و یکم ۶۳	الاسباب چهلم ۳۸
ازواجنا شصتم ۱۴۰	فزادوهم هفتاد و دوم ۶	تزیغ سیزدهم ۸	سالها پنجم ۱۰۱	فاسئلوهن سی و سوم ۵۳	سبت
بیست و پنجم ۴ ۷	زدناهم شانزدهم ۹۰	تزیغ سیزدهم ۵	سالتهم شصت و هشتم ۸	سئل دوم ۱۰۲	یسبتون هفتم ۱۶۳
ازواجکم شانزدهم ۷۴	هفدهم ۹۹	زال	سالتهم نهم ۶۶	سئلت هشتاد و یکم ۸	السبت شانزدهم ۱۲۵
بیست و ششم ۱۱ شصتم	وزدناهم هجدهم ۱۲	زالتم چهلم ۶ ۳	بیست و پنجم ۶۳ ۰	سئلوا سی و سوم ۱۴	السبت دوم ۶۵ چهارم
شصت و چهارم ۱۴	یزید هفدهم ۸۴	تزال نهم ۱۱۱ سیزدهم ۳۱	بیست و یکم ۲۴ سی و نهم ۳۹	یسئل بیست و یکم ۲۳	۵۰ ۱۵۳ هفتم ۱۶۳
ازواجهم بیست و سوم ۶	سی و پنجم ۱ ۳۷	بیست و دوم ۵۴	چهل و هشتم ۸۰ ۸۷	بیست و هشتم ۷۸ پنجاه و پنجم	سبتهم هفتم ۱۶۳
سی و سوم ۵۰ هفتادم ۳	ویزید نوزدهم ۷۸	تزال پنجم ۱۶	سالك هجدهم ۷۵	۳۹	سباتا بیست و پنجم ۴۷
لا ازواجهم دوم ۲۴۱	ولا یزیدك بیستم ۶۹	یزالون دوم ۲۱۴	سالکم دهم ۷۲	تسأل دوم ۱۱۳	هفتاد و هشتم ۹
و ازواجهم سیزدهم ۲۳	یزید هفتاد و یکم ۲۹	یازدهم ۱۲۰	سی و چهارم ۴۶	تسالون بیست و یکم ۲۳	سبح
چهلم ۸		۲۹	سالتموه چهاردهم ۳۷	و تسالون چهل و سوم ۸	تسبحون بیست و یکم ۲۴
ازواجك سی و سوم ۴۹	ازیدهم هفتاد و چهارم ۱۵	۲۵	سالتموهن سی و سوم ۵۳	و لتسالن بیست و هفتم ۱۲	سی و ششم ۴۰
ازواجه سی و سوم ۵۳	ویزیدون سی و هفتم ۱۴۷	زان	کسال هفتادم ۱۰	تسالون دوم ۱۲۸	سبح پنجاه و هفتم ۱ پنجاه
ازواجکم سی و سوم ۴	ستزید هفتم ۱۶۱	زین ششم ۱۳۸	هفتاد و پنجم ۶	۱۳۵ بیست و یکم ۱۳ سی	نهم ۱ شصت و یکم ۱
ازواجهم بیست و چهارم ۶	ونستزید دوم ۵۵	پنجم ۵۰	لسال سی و نهم ۸	چهاردهم ۲۴ چهل و سوم ۳	وسبحوا سی و دوم ۱۵
و ازواجهم سی و هفتم ۲۲	تزید چهل و دوم ۲۲، ۱۹	فزین شانزدهم ۵ ۶	لتسالن دوم ۲۷۴	لتسالن شانزدهم ۵۸	تسبح هفدهم ۴۴
ازواجهن کرم ۱۳۲	یزیده هفتاد و یکم ۲۰	وزین ششم ۴۳	سی و سوم ۲۰ پنجاه و یکم ۱۲	هجدهم ۸	بیست و چهارم ۱۰۳
زاد	و یزید هفدهم ۵۵	بیست و هفتم ۴ ۲۴	و لتسالوا شصتم ۱۰	و لتسالن شانزدهم ۹۵	پنجاه و نهم ۲۴ شصت
و یزود دوم ۱۹۳	یزیدهم هفدهم ۴۳	بیست و نهم ۳	تسالوا دوم ۱۰۲	تسال سی و چهارم ۲۴	دوم ۱ شصت و چهارم ۱
الزاد دوم ۱۹۳	واو	فزینوا چهل و یکم ۲۴	پنجم ۱۰۱	تسالون بیست و سوم ۱۰۳	و سبح سیزدهم ۱۴
رزق	یزیدهم چهارم ۱۷۳	زین ششم ۱۰۸	فلتسالن هفتم ۵	بیست و ششم ۲۷	سبح هفدهم ۴
ازرق صدم ۲	هفدهم ۱۰۹ چهل و دوم	سی و هفتم ۶	ولتسالن هفتم ۵	پنجاه و دوم ۲۵ ۴۸	یسبحون بیست و یکم ۲۰
الزور بیست و دوم ۳۱	۲۵	وزینا چهل و یکم ۱۱	تسالك چهارم ۱۵۲	هفتاد و چهارم ۴۲	سی و نهم ۷۵ چهلم ۷
وزورا بیست و پنجم ۵	ویزیدهم بیست و چهارم ۳۸	وزینها چهلم ۷	سی و هشتم ۳	هفتاد و هشتم ۱	چهل و یکم ۳۸ چهل
پنجاه و هشتم ۲	سی و پنجم ۲۷	وزیناها پانزدهم ۱۶	تسال پنجاه و پنجم ۲۹	لتسالوا هجدهم ۱۸	دوم ۳
الزور بیست و پنجم ۷۲	یزید هفتاد و یکم ۵	پنجاهم ۶	تسالکم شصتم ۲۰	تسالون چهارم ۱	یسبحن بیست و یکم ۷۹
تزاور هجدهم ۱۶	لایزید پانزدهم ۳۹	وزین چهلم ۱۲	تسالکم چهل و هفتم ۳۸	سوال سی و هشتم ۲۴	سی و هشتم ۱۲
زال	یزیدهم چهاردهم ۷	ازینت دهم ۲۵	تسالکوها چهل و هفتم ۹	بسوال سی و هشتم ۲۳	یسبحون شصت و هشتم ۲۸
زالت بیست و یکم ۱۵	یزیدهم یازدهم ۴۶	زینت هجدهم ۲۸	تسالهم دوازدهم ۱۰۴	سائل هفتادم ۱	تسبیح دوم ۲۸
زالتا سی و پنجم ۳۹	یزید هفتاد و هشتم ۳	۴۴	بیستم ۷۴ پنجاه و دوم	للسائل پنجاه و یکم ۱۹	وتسبیحه هفتم ۲۰۵
تزولا چهاردهم ۴۷	زدنا هفتاد و ششم ۴	زینتی پنجاه و هفتم ۱۹	سی و ششم ۴۶	هفتادم ۲۵	وتسبحوه چهل و هشتم ۹
تزول چهاردهم ۴۶	زدنی بیستم ۱۱۳	زینتهم بیستم ۹۰	تسائلون یازدهم ۴۸	السائل نودوم ۱۰	تسبیح بیستم ۳۴
زیت	فزدنا سی و هشتم ۶۱	زینت بیست و چهارم ۵۹	هجدهم ۶۹	للسائلین دوازدهم ۷	تسبیح هشتاد و هفتم ۱
زیتونا بیست و چهارم ۳۵	ازدادوا سیم ۸۴	سی و هشتم	السائل یازدهم ۴۹	چهل و یکم ۹	فسبح پانزدهم ۹۸
والزیتون نود و پنجم ۱	چهارم ۱۳ هجدهم ۲۴	الزینة بیستم ۱	وتسالونکم دوم ۲۱۶	والسائلین دوم ۱۷۷	بیستم ۱۳۰ پنجاه و ششم
وزیتونا هشتادم ۲۹	ویزداد هفتاد و چهارم ۳	زینة هفتم ۳۰	۲۱۸ ۲۲۰ هفدهم ۸۷	مسؤلا هفدهم ۳۶	۷۳
والزیتون ششم ۹۹	تزداد سیزدهم ۹	هجدهم ۲۷	هجدهم ۲۸ بیستم ۱۰۵	۳۸ بیست و پنجم ۱۷	۹۶ شصت ۵۲
۱۴ شانزدهم ۱۱	ازدادوا سیم ۱۷۲	زینت دهم ۸۸ هجدهم	تسالك بیستم ۱۳۲	سی و سوم ۱۵	صدم ۳
زیتونه بیست و چهارم ۳	چهل و هشتم ۴	زینا شانزدهم ۸	لتسالهم پانزدهم ۹۲	مسئولون سی و هفتم ۲۴	و سبح سی و سوم بیستم
زاد	تزدادوا دوم ۶۵	وزینها ششم ۶۰	سئل دوم ۲۰۷	بیستم	۱۳۰ بیست و پنجم ۶
و زاد دوم ۲۴۸	زید سی و سوم ۳۷	زینت سی و هفتم ۷۹	فاسئلوا دوازدهم ۹۳ هفتم	یسئم چهل و یکم ۴۹	چهلم ۵۵ پنجاهم ۳۸
و زادکم هفتم ۶۹	زیادة دهم ۳۷	زینهم بیست و چهارم ۳۱	۱۰۲ بیستم ۱۱۵	لایسأمون چهل و یکم ۳۸	پنجاه دوم ۴۸
زادهم سی و سوم ۲۲	و زیادة دهم ۲۶	وزینها یازدهم ۱۸	بیست و پنجم ۶۰	تساموا دوم ۲۸۲	تسبیحه نوزدهم ۱۲
سی و هفتم ۳ چهل و هفتم ۹	مزید پنجاهم ۳۴	۳۸	واسئلوا دوازدهم ۸۲	سبت	تسبیحا بیست و ششم ۳ پنجاه
فزادهم دوم ۹	مزید پنجاهم ۲۹	بیستم ۲۹	چهل و سوم ۴۵	یستوا ششم ۱۰۸	دوم ۹ ۲۸۵
و زادهم بیست و پنجم ۶۱	زاغ	زینهن بیست و چهارم ۳	یسالوا شانزدهم ۷۵	تسبوا ششم ۱۰۸	و سبحه هفتاد و ششم ۳
	پنجاهم ۱۷ سی	باب السین	بیست و یکم ۷	بیست و پنجم ۱۹	و سبحوه سی و سوم ۴
	زاغت سی و هشتم ۱۰		واسالوا چهارم ۳	مستوا هجدهم ۸۳	سبحانه سی و سوم ۷

هفتاد نہم ۳
وَالسَّابِحَاتِ ہفتاد نہم ۳
وَتُسَبِّحُوہُ بیست چہارم ۴۱
تُسَبِّحُ ہفدہم ۴۴
الْمُسَبِّحُونَ سی ہفتم ۱۶۶
الْمُسَبِّحِينَ سی ہفتم ۱۴۳
سبط
وَالْأَسْبَاطِ دوم ۱۴۰
سوم ۸۴ چہارم ۱۶۳
أَسْبَاطًا ہفتم ۱۶۰
وَالْأَسْبَاطِ دوم ۱۳۶
سبع
سَبْعَ دوازدہم ۴۳
۴۶ ۴۸
السَّبُعُ ہفدہم ۴۴
سَبْعَ دوازدہم ۴۶
وَسَبْعَ دوازدہم ۴۶
السَّبْعِ بیست وسوم ۸۸
وَسَبْعَ دوازدہم ۴۳
سَبْعًا پانزدہم ۸۷
ہفتاد ہشتم ۱۲
سَبْعَةٍ پانزدہم ۴۴
سی یکم ۲۶
سَبْعَةٌ ہجدہم ۲۱
وَسَبْعَةٍ دوم ۱۹۶
سَبْعُونَ شصت ۳۴
سَبْعِينَ ہفتم ۱۵۴
نہم ۸۱
السَّبْعِ پنجم ۴
سبغ
وَأَسْبَغَ سی یکم ۱۹
سَابِغَاتٍ سی چہارم ۱۱
سبق
سَبَقَ ہشتم ۶۸ یازدہم ۴۲ بیستم ۹ بیست و ۲۸
سَبَقُوا ہشتم ۵۹
سَبَقَكُمْ ہفتم ۸۰
بیست نہم ۲۷
سَبَقُونَا چہل ہشتم ۱۱
پنجاہ نہم ۱۰
كَسَبَقُو پانزدہم ۵
بیستم ۴۵
تَسْبِقُونَ بیست یکم ۲۷
تَسْبِقُونَا بیست ہفتم ۳
سَابَقُوا پنجاہ ہفتم ۲۱
وَاسْتَبَقَا دوازدہم ۲۵
نَسْتَبِقُ دوازدہم ۱۷
فَاسْتَبِقُوا دوم ۱۴۸
پنجم ۴۸ فَاسْتَبَقُوا ہفتاد ۶۶
مُسَابِقُونَ سی ششم ۴۰

سَابِقٌ سی پنجم ۲۹
سَابِقُونَ بیست سوم ۶۱
السَّابِقُونَ پنجاہ ششم ۱۰
وَالسَّابِقُونَ نہم ۱۰۰
پنجاہ ششم ۱۰
سَابِقِينَ بیست نہم ۳۹
فَالسَّابِقَاتِ ہفتاد نہم ۴
بِمَسْبُوقِينَ پنجاہ ششم ۶۰
ہفتادم ۴۱
سبل
سَبِيلٌ ششم ۵ ۹ ۶۹
سَبِيلٍ سوم ۷۵
السَّبِيلِ نہم ۹۴ چہل ۹۱ چہل دوم ۴۱
دوم ۴۵ شصت ریکم
سَبِيلٌ چہارم ۳۴ نہم
چہل ۹۲ چہل و ۱ چہل دوم
۳۹ ۴۳ ۴۵
السَّبِيلِ پانزدہم ۷۶
سَبِيلًا ہفتم ۱۴۳ ۸
دہم ۱۴۳ ۸۹
شانزدہم ۱۲۶ سی
۱۴ چہلم ۳۰ ۴۱
السَّبِيلَا سی سوم ۶۷
سُبُلَ پنجم ۱۸ شانزدہم ۲۱
سُبُلًا بیستم ۵۵
بیست یکم ۳۲ چہل ۱
و ہفتاد یکم ۱۹
وَسُبُلًا شانزدہم ۱۵
السُّبُلَ ششم ۱۵۴
سُبُلِي سوم ۱۹۴ دوازدہم
۱۰۸ شصتم ۱
سَبِيلِكَ دہم ۸ ۸
سَبِيلُ چہلم ۷
سَبِيلَهُ ہجدہم ۶۰ ۲۰
سَبِيلَنَا بیست نہم ۵
سَبِيلِهِمْ نہم ۵
سُبُلَنَا چہاردہم ۱۵
بیست نہم ۶۹
سَبَأ
سَبَإٍ بیست ہفتم ۲۲
لِسَبَإٍ سی چہارم ۱۴
ست
سِتِّينَ ہفتم ۵۲ دہم
۲ یازدہم ۹ بیست پنجم ۶۰
سی دوم ۳ سی ہم ۳۷
پنجاہ ہفتم ۴
سِتِّينَ پنجاہ ہشتم ۵
ستر
تَسْتَتِرُونَ چہل یکم ۲۱
سِتْرًا ہجدہم ۸۹
مَسْتُورًا ہفدہم ۴۶
سجد

تَسْجُدَ پانزدہم ۳۰
سی ہشتم ۷۳
تَسْجُدُوا چہارم ۱۰۳
اسْجُدُوا دوم ۳۴ ہفتم ۱۱
ہفدہم ۶۳ ہجدہم
۴۸ بیستم ۱۱۵
يَسْجُدُ سیزدہم ۱۶ ۱۸
شانزدہم ۵۱ بیست دوم
تَسْجُدَ ہفتم ۱۱ سی ہشتم
۷۵
اَسْجُدُ ہفدہم ۶۳
لَا تَسْجُدُوا پانزدہم ۳۳
يَسْجُدَانِ پنجاہ پنجم ۵
يَسْجُدُونَ سوم ۱۰۹
ہفتم ۲۰۵ بیست ہفتم ۲۴
ہشتاد چہارم ۲۱
يَسْجُدُوا بیست ہفتم ۲۵
اسْجُدُوا چہل یکم ۳۷
فَاسْجُدُوا ہفتاد ششم ۲۶
وَاسْجُدُوا نود ششم ۱۹
وَاسْجُدِي سوم ۴۳
اسْجُدُوا دوم ۳۴
ہفتم ۱۱ ہفدہم ۶۳
ہجدہم ۴۸ بیستم ۱۱۵
بیست پنجم ۱ ۶۰
فَاسْجُدُوا پنجاہ سوم ۶۲
وَاسْجُدُوا بیست دوم ۷۶
چہل یکم ۳۷
سَاجِدًا سی نہم ۱۲
السَّاجِدُونَ نہم ۱۱۳
سَاجِدِينَ ہفتم ۱۱۲
دوازدہم ۴ پانزدہم ۱۹
بیستم ۴۵
سی ہشتم ۷۲
السَّاجِدِينَ ہفتم ۱۰
پانزدہم ۳۱ ۳۲
بیستم ۹۸ ۲۱۹
الْمَسْجِدَ نہم ۱۰۹
مَسْجِدًا ہفتم ۲۸ ۹۰ ۲
وَالْمَسْجِدِ دوم ۱۴ ۲
بیست دوم ۲۵
مَسْجِدًا نہم ۱۰۸
مَسْجِدًا ہجدہم ۲۰
الْمَسْجِدِ نہم ۲۸
ہفدہم ۷ چہل ہشتم ۲۷
وَمَسَاجِدَ بیست دوم ۴۱
الْمَسَاجِدَ دوم ۱۸۳
مَسَاجِدَ دوم ۱۰۸
نہم ۱۷ ۱۸
الْمَسَاجِدَ ہفتاد دوم
۱۸
سجر
سُجِّرَتْ چہلم ۷۳

سُحِرَتْ ہشتاد یکم ۶
الْمَسْجُورِ پنجاہ دوم ۶
سجل
السِّجِلِّ بیست یکم ۱۰۴
سِجِّيلٍ یازدہم ۸۲ ۴
پانزدہم ۷۴ صد پنجم ۴
سجن
لَيُسْجَنَنَّ دوازدہم ۳۵
يُسْجَنَ دوازدہم ۲۵
لَيُسْجَنَنَّ دوازدہم ۳۲
السِّجْنُ دوازدہم ۳۳
السِّجْنَ دوازدہم ۳۹
۴۱ ۴۲ ۱۰۱
السِّجْنِ دوازدہم ۳۶
سِجِّينٍ ہشتاد ہشتم ۸
سِجِّينٌ ہشتاد سوم ۷
الْمَسْجُونِينَ بیست ششم ۲۸
سجی
سَجَى نود سوم ۲
سحب
يُسْحَبُونَ چہلم ۷۱ پنجاہ
چہارم ۴۸
سَحَابٌ بیست چہارم ۴۰
پنجاہ دوم ۴۴
السَّحَابِ بیست ہفتم ۹۰
وَالسَّحَابِ دوم ۱۶۴
سَحَابًا ہفتم ۵۷
بیست چہارم ۴۳
سی ام ۴۸ سی پنجم ۱۰
السَّحَابَ سیزدہم ۱۲
سحت
فَيُسْحِتَكُمْ بیستم ۶۱
لِلسُّحْتِ پنجم ۴۲
السُّحْتَ پنجم ۶۲ ۶۳
سحر
سَحَرُوا ہفتم ۱۱۶
كَسِحْرٌ بیستم ۶۹
لِتَسْحَرَنَا ہفتم ۱۳۲
أَسِحْرٌ دہم ۷۷
أَفَسِحْرٌ پنجاہ دوم ۱۵
لَسِحْرٌ دہم ۷۶
السِّحْرَ دہم ۸۱
بِسِحْرِ ہفتم ۱۱۳ بیستم ۶۳
السِّحْرُ بیستم ۷۱
السِّحْرَ دوم ۱۰۲ بیستم
۷۳ بیست ششم ۳ بیست
ششم ۴۸
سِحْرَانِ بیستم ۶۳
بِسِحْرٍ بیستم ۵۷
بِسِحْرِ بیست ششم ۳۴
بِسِحْرِهِمَا بیستم ۶۳
بِسِحْرِهِمْ بیستم ۶۶
بِسِحْرِ پنجاہ چہارم ۳۴

بِالْأَسْحَارِ سوم ۱۷
وَبِالْأَسْحَارِ پنجاہ یکم ۱۸
سَاحِرٌ سی ششم ۳ چہلم ۲۵
پنجاہ یکم ۳۹
لَسَاحِرٌ ہفتم ۱۰۶
دہم ۲ بیست ششم ۳۴
السَّاحِرُ بیستم ۷۲
چہل سوم ۴۹
سَاحِرٍ ہفتم ۱۰۹ دہم ۷۹
بیستم ۷۲
لَسَاحِرَانِ بیستم ۶۳
السَّاحِرُونَ دہم ۷۷
السَّحَرَةُ ہفتم ۱۱۰
۱۱۷ دہم ۸۰ بیستم
۷۳ بیست ششم ۳۷
۴۰ ۴۵
السَّحَرَةَ بیست ششم ۳۹
سَحَّارٍ بیست ششم ۳۶
مَسْحُورًا ہفدہم ۴۷
۱۰۱ بیست پنجم ۹
مَسْحُورُونَ پانزدہم ۱۵
الْمُسَحَّرِينَ بیست ششم ۱۵۳
۱۸۵
سحق
فَسُحْقًا شصت ہفتم ۱۱
سَحِيقٍ بیست دوم ۳۱
وَالسُّحْتَ دوم ۱۳۴
چہاردہم ۴۱ سی ششم ۴۵
سحل
بِالسَّاحِلِ بیستم ۳۹
سخر
سَخِرَ نہم ۷۹
سَخِرُوا ششم ۱۰ یازدہم ۳۸
بیست یکم ۴۱
يَسْخَرُ چہل نہم ۱۱
فَيَسْخَرُونَ نہم ۷۹
وَيَسْخَرُونَ دوم ۲۱۲
سی ہفتم ۱۲
تَسْخَرُونَ یازدہم ۳۸
تَسْخَرُوا یازدہم ۳۸
سَخَّرَ شانزدہم ۱۲
بیست دوم ۳۶ ۶۵
یکم ۱۹ چہل سوم
چہل و پنجم
تَسْخَرُ سی ہشتم ۱۷
فَسَخَّرْنَا سی ہشتم ۳۶
وَسَخَّرْنَا بیست یکم ۷۹
سَخَّرَهَا بیست دوم ۳۶
شصت نہم ۷
سِخْرِيًّا بیست دوم ۳۷
يَسْتَسْخِرُونَ سی ہفتم ۱۴
السَّاخِرِينَ سی ہفتم ۵۶

سَحَرًا بیست ہشتم ۱۱۲
سی ہشتم ۳
چہل ہشتم ۳۱
الْمُسَحَّرِ دوم ۱۵۹
الْمُسَحَّرَاتِ شانزدہم ۱۲
مُسَخَّرَاتٍ ہفتم ۵۲
شانزدہم ۸۲
سخط
سَخِطَ پنجم ۸۳
يَسْخَطُونَ نہم ۵۸
أَسْخَطَ چہل ہفتم ۲۸
سَخَطَ سوم ۱۵۶
سد
سَدًّا ہجدہم ۹۳ ۹۴
سی ششم ۸ ۹
السَّدَّيْنِ ہجدہم ۹۲
سَدِيدًا چہارم ۱۰
سی سوم ۷۵
سدر
سِدْرِ سی چہارم ۱۵
پنجاہ ششم ۲۷
سِدْرَةِ پنجاہ سوم ۱۴
السِّدْرَةَ پنجاہ سوم ۱۶
سدس
السُّدُسُ چہارم ۱۲ ۱۵
سُدُسٍ ہجدہم ۲۱
پنجاہ ہشتم ۸
سدی
سُدًى ہفتاد پنجم ۳۶
سر
سِرَّ دوم ۶۴
أَسَرَّ سیزدہم ۱۱
شصت ششم ۳
وَأَسَرُّوا ہفتاد یکم ۸
أَسَرُّوا پنجم ۵۲
وَأَسَرُّوا دہم ۵۵
بیستم ۶۵ بیست یکم ۳
سی چہارم ۳۲
فَأَسَرَّهَا دوازدہم ۷۷
وَأَسِرُّوا دوازدہم ۱۹
تُسِرُّونَ دوم ۷۴
یازدہم ۶ شانزدہم ۲۳
سی ششم ۷۶
تُسِرُّونَ شانزدہم ۱۹
شصتم ۱ شصت چہارم ۴
وَأَسَرُّوا شصت ہفتم ۱۳
سِرًّا دوم ۲۳۵
۲۷۵ سیزدہم ۲۲
چہاردہم ۳۱ شانزدہم
۷۵ سی پنجم ۲۹
السِّرَّ بیستم ۷ بیست پنجم ۶
سِرَّكُمْ ششم ۳

سرہم نہم ٧٩
جہل سیم ٨٠
وسرورا ہفتاد ششم ١١
سرر ہشتاد ہشتم ١٣
سربر پانزدہم ٤٧ سے
ہفتم ٤٣ پنجاہ دوم ٢
پنجاہ ششم ١٥
وسرر اچہل سیم ٣٣
والسراء ہفتم ٩٣
السراء سیم ١٢٨
السرائر ہشتاد ششم ٩
اسرارا ہفتاد یکم ٨
اسرارہم چہل ہفتم ٢٨
سرورا ہشتاد چہارم
١٣ ٠ ٩

سرب
سربا ہجدہم ٦٠
کسراب بیست چہارم ٣٩
سرابا ہفتاد ہشتم ٢٠
وسارب سیزدہم ١١

سربل
سرابیل شانزدہم ٨١
وسرابیل شانزدہم ٨١
سرابیلہم چہاردہم ٥٠
سراجا بیست پنجم ٦١ ہفتاد دوم
١٥ ہفتاد ششم ٤
وسراجا سی سیم ٤٥

سرح
تسرحون شانزدہم ٦
سرحوہن دوم ٢٣١
وسرحوہن سی سیم ٤٩
واسرحکن سی سیم ٢٨
سراحا سی سیم ٢٨-٤٩
تسریح دوم ٢٢٩

سرد
السرد سی چہارم ١٠

سردق
سرادقہا ہجدہم ٢٩

سرع
یسارعون سیم ١١٤
پنجم ٤١-٥٢-٦٢
بیست یکم ٩٠-٦١
وسارعوا سیم ١٣٣
تسارع بیست ٥٦
وسارعوا سیم ١٢٧
سریع ہفتم ٦٥ اسراع
پنجاہ ہفتاد ٤٣
اسرع ششم ٦٢
دہم ٢١

سرف
اسرف بیستم ١٢٧
اسرفوا سی نہم ٥٣
یسرف ہفدہم ٣٣

یسرفوا بیست پنجم ٦٧
تسرفوا ششم ١٤١
ہفتم ٣١
اسرافا چہارم ٦
واسرافنا سیم ١٤٧
مسرف چہل ٢٨-٣٤
مسرفون ہفتم ٨١
سی ششم ١٩
المسرفون پنجم ٤٣
مسرفین چہل سیم ٥
المسرفین ششم ١٤١
للمسرفین دہم ١٢
پنجاہ یکم ٣٤

سرق
سرق دوازدہم ٧٧
٨١
تسرق دوازدہم ٧٧
ذ سرقن شصتم ١٢
استرق پانزدہم ١٨
والسارق پنجم ٣٨
والسارقۃ پنجم ٣٨
لسارقون دوازدہم ٧٠
سارقین دوازدہم ٧٣

سرمد
سرمدا بیست ششم ٧١
٧٢

سرہ
تسر ہشتاد نہم ٣
اسر سیم ٢٩ بیست ششم

سعد
سعدوا یازدہم ١٠٨
وسعید یازدہم ١٠٥

سعر
سعرت ہشتاد یکم ١٢
السعیر بیست دوم ٤
سی یکم ٤-٢١
سی پنجم ٦
شصت ہفتم ٥-١٠-١١
سعیرا چہارم ١٠-٥٥
ہفدہم ٩٧ بیست پنجم ١١
سی سیم ٦٤ چہل ششم ٣
١٣ ہشتاد چہارم ١٢
وسعرا پنجاہ چہارم ٢٤
وسعر پنجاہ چہارم ٤٧

سعی
سعی دوم ٢٠٥ پنجاہ سیم ٣٩
٤٠ ہفتاد نہم ٢٢
وسعی دوم ١١٤
ہفدہم ١٩
سعوا بیست دوم ٥
سی چہارم ٥
لتسعی بیستم ١٥
٩٢ ہفتاد ششم ٩
تسعون سی چہارم ٣٧
ویسعون پنجم ٣٣
فاسعوا شصت دوم ٩
سعیا دوم ٢٦٢
السعی سی ہفتم ١٠٢
سعیکم ہفتاد ششم ٢٢
سعیہم ہفدہم ١٩
ہجدہم ١٠٤

سطح
سطحت ہشتاد ہشتم ٢٠

سطر
لیسطرون شصت ہشتم ١
اساطیر ششم ٢٥
ہشتم ٣١ شانزدہم ٢٤
بیست پنجم ٥ بیست سیم
بیست ہفتم ٦٨ چہل ششم
مسطورا ہفدہم ٥٨
پنجاہ دوم ٢
مسطورا ہفدہم ٥٨
سی سیم ٦
مستطر پنجاہ چہارم ٥٣
بمسیطر ہشتاد ہشتم ٢٢
المسیطرون پنجاہ دوم ٣٧

سطو
یسطون بیست دوم ٧٢

اسفارا شصت دوم ٥
سفرۃ ہشتاد ہشتم ١٥
مسفرۃ ہشتاد ٣٨

سفح
المسفحا نود ششم ١٥
وسفحنا ہفتاد ششم ٢٢

سفک
ویسفک دوم ٣٠
سی سیم ٢٤
تسفکون دوم ٨٤

سفل
سافلین نود پنجم ٥
سافلہا یازدہم ٨٢
پانزدہم ٧٤
الاسفل چہارم ١٤٥
اسفل ہشتم ٤٢
سی ١٠ نود پنجم ٥
الاسفلین سی ہفتم ٩٨
چہل یکم ٢٩
السفلی نہم ٤٠

سفن
السفینۃ ہجدہم ٧١
سفینۃ ہجدہم ٧٩
السفینۃ ہجدہم ٧٠
بیست نہم ١٤

سفہ
سفہ دوم ١٣٠
سفہا ششم ١٤١
سفہاء دوم ١٤٢
السفہاء دوم ١٣
ہفتم ١٥٤
السفہاء چہارم ٥
سفیہا دوم ٢٨٢
سفیہنا ہفتاد دوم ٤
سفاہۃ ہفتم ٦٥
سفاہۃ ہفتم ٦٦

سقر
سقر ہفتاد چہارم ٢٧
سقر پنجاہ چہارم ٤٨
ہفتاد چہارم ٤٢
٤٣ سقط
سقطوا نہم ٤٩
تسقط ششم ٥٩
یسقط ہفتم ١٤٩
تساقط نوزدہم ٢٥
تسقط ہفدہم ٩٢
تسقط سی چہارم ٩
فاسقط شصتم ١٨٧
ساقطا پنجاہ دوم ٤٤

سقف
السقف شانزدہم ٢٦
والسقف پنجاہ دوم ٥
سقفا بیست یکم ٣٢
سقفا چہل سیم ٣٣

سقم
سقیم سی ہفتم ٨٩
سقی
سقی بیستم ٢٤
سقیت بیستم ٢٥
وسقاہم ہفتاد ششم ٢١
فسقی دوازدہم ٤١
لسقی دوم ٦٠
یسقون بیستم ٢٣
تسقی بیستم ٢٣
ویسقون بیست ششم ٧٩
وسقوا چہل ہفتم ١٥
لسقی سیزدہم ٤
ویسقی چہاردہم ١٩
نسقی ہشتاد ششم ٥
یسقون ہشتاد سیم ٢٥
ویسقون ہفتاد ششم ٧
فاسقینا کم ہفتاد ششم ١٧
فاسقیناکموہ پانزدہم ٢٢
اسقیناہم ہفتاد دوم ١٦
وتسقیہ بیست پنجم ٤٩
تسقیکم شانزدہم ٦٦
بیستم ٢١
السقایۃ دوم ٧٠
السقایۃ ہفتم ٤٢
سقیا نہم ١٩
لسقیا دوازدہم ٧٠
وسقیاہا نود یکم ١٣

سکب
مسکوب پنجاہ ششم ٣١

سکت
سکت ہفتم ١٥٣

سکر
سکرت پانزدہم ١٥
سکرا شانزدہم ٦٩
سکرۃ پنجاہم ١٨
سکرتہم پانزدہم ٧٢
سکاری چہارم ٤٣
بیست دوم ٢
سکاری بیست دوم ٢

سکن
سکن ششم ١٣
سکنتم بیست ششم ٦
وسکنتم چہاردہم ٤٥
لتسکن ہفتم ١٨٩
لتسکنوا بیست ہفتم ٨٦
تسکنون بیست ششم ٧٢
لتسکنوا دہم ٦٧
بیستم ٧٣ سی ام ٢١
چہل ٦١
اسکن دوم ٣٥

ہفتم ١٨
اسکنوا ہفتم ١٦١
ہفدہم ١٠٤
اسکنن پنجاہ ششم ٥٨
اسکنت چہاردہم ٣٧
فاسکناہ بیستم ١٨
لنسکننکم چہاردہم ٣١
ولتسکنکم چہاردہم ١٧
اسکنوہن شصت پنجم ٦
سکن نہم ١٠٣
سکنا ششم ٩٦
شانزدہم ٨٢
ساکنا بیست پنجم ٤٧
یسکنا دوازدہم ٣١
سکینۃ دوم ٢٤٩
السکینۃ چہل ہشتم ٤-١٨
سکینۃ نہم ٢٦-٤٠
چہل ہشتم ٢٦
مساکن چہاردہم ٤٥
ومساکن نہم ٧٢
شصت یکم ١٢
ومساکن نہم ٢٤
مسکنہم سی چہارم ١٥
مساکنہم بیست ہفتم ٥٨
چہل ششم ٢٥
ومساکنکم بیست یکم ١٣
مساکنہم بیستم ١٢٨
بیست نہم ٣٧ سی دوم
٢١
مساکنکم بیست ہفتم ١٨
المسکنۃ سیم ١٠٨
والمسکنۃ دوم ٦١
مسکونۃ بیست چہارم ٢٩
مسکین شصت ہشتم ٢٤
مسکین دوم ١٨٠
المسکین شصت نہم ٣٤
ہشتاد نہم ١٩
صد ہفتم ٣
مسکینا پنجاہ ششم ٥
ہفتاد ششم ٨ نود م
المسکین ہفتاد چہارم ٤٤
وللمسکین ہفدہم ٢٨
سی ام ٣٧
المساکین ہجدہم ٧٨
والمساکین چہارم ٩
والمساکین دوم ٧٧
چہارم ٣٠ ششم ٢٣
نہم ٦٠ پنجاہ نہم ٧
المساکین پنجم ٩١
١٢٢
والمساکین دوم ٢١١
بیست چہارم ٢٢

سَلَ
لَیَسْلُونَ بیست‌وچهارم ۳ ۶
سَلَائِلَ بیست‌ویکم ۱۲۰
سی‌ودوم ۷
سَلْسَل
سِلْسِلَةٍ شصت‌ونهم ۳۲
وَالسَّلَاسِلَ چهل ۳ ۷
سَلَاسِلَا هفتادوششم ۴
تَسْلُبُهُمْ بیست‌ودوم ۷۲
اَسْلِحَتَكُمْ چهارم ۱۰۳
اَسْلِحَتَكُمْ چهارم ۱۰۳
وَاَسْلِحَتَهُمْ چهارم ۱۰۳
اَسْلِحَتَهُمْ چهارم ۱۰۳
سَلَخ
نَسْلَخُ سی‌وششم ۳۷
فَانْسَلَخَ هفتم ۱۷۴
سَلْسَبِل
سَلْسَبِيلًا هفتادوششم ۱۸
سَلَط
لَسَلَّطَهُمْ چهارم ۹۲
یُسَلِّطُ پنجاه‌ونهم ۶
سُلْطَانٍ پانزدهم ۴۲
شانزدهم ۱۰۰ هفدهم
۶۷ سی‌وهفتم ۱۵۶
وَسُلْطَانٍ یازدهم ۹۶
بیست‌وسوم ۴۷ چهلم ۲۴
سُلْطَانِيَهْ شصت‌ونهم ۲۹
سُلْطَانٌ شانزدهم ۲ ۱۰
سَلَف
سَلَفَ دوم ۲۷۵ ۲
چهارم ۲۲ ۲۷۰
پنجم ۹۶ هشتم ۳۹
اَسْلَفَتْ دهم ۳۱
اَسْلَفْتُمْ شصت‌ونهم ۲۴
سَلَفًا چهل‌وسوم ۵۶
سَلَق
سَلَقُوكُمْ سی‌وسوم ۱۹
سَلَك
وَسَلَكَ بیستم ۵۵
فَسَلَكَهُ سی‌ونهم ۲۱
سَلَكَكُمْ هفتادوچهارم ۴۲
سَلَكْنَاهُ بیست‌وششم ۲۰۰
یَسْلُكُ هفتادودوم ۲۷
نَسْلُكُهُ هفتادودوم ۱۹
یَسْلُكُهُ هفتادودوم ۱۷
یَسْلُكُ پانزدهم ۱۲
اُسْلُكْ بیست‌وهشتم ۳۲
فَاسْلُكْ بیست‌وسوم ۲۸
فَاسْلُكِي شانزدهم ۶۹
فَاسْلُكُوهُ شصت‌ونهم ۳۲
سَلِم

سَلِمَ هشتم ۴۵
سَلَّمْتُمْ دوم ۲۳۳
وَیُسَلِّمُوا چهارم ۶۵
وَتُسَلِّمُوا بیست‌وچهارم ۲۷
فَسَلِّمُوا بیست‌وچهارم ۶۱
وَسَلِّمُوا سی‌وسوم ۵۶
اَسْلَمَ دوم ۱۱۲
سوم ۸۳ چهارم ۱۲۵
ششم ۱۴ هفتادودوم ۱۴
اَسْلَمْتُ دوم ۱۳۱
سوم ۲۰
وَاَسْلَمْتُ بیست‌وهفتم ۴۴
اَسْلَمَا سی‌وهفتم ۱۰۳
اَسْلِمُوا سوم ۲۰ پنجم
۴۸ چهل‌ونهم ۱۷
اَسْلَمْنَا چهل‌ونهم ۱۴
تُسْلِمُونَ سی‌ام ۲۱
اُسْلِمْ چهلم ۶۶
یُسْلِمُونَ چهل‌وهشتم ۱۶
تُسْلِمُونَ شانزدهم ۸۱
لِنُسْلِمَ ششم ۷۱
اَسْلِمْ دوم ۱۳۱
اَسْلِمُوا بیست‌ودوم ۳۴
وَاَسْلِمُوا سی‌ونهم ۵۴
السَّلَمُ چهارم ۹۴
السَّلَمِ هشتم ۶۱
السَّلَمَ شانزدهم ۸۷
سَلَمًا سی‌ونهم ۲۹
السَّلْمِ چهارم ۹۱
۹۳ شانزدهم ۲۸
۸۹
سَالِمُونَ شصت‌وهشتم ۴۳
فَسَلَامٌ پنجاه‌وششم ۹۱
وَسَلَامٌ نوزدهم ۱۵
بیست‌وهفتم ۵۹ سی‌وهفتم ۱۸۱
السَّلَامُ پنجاه‌ونهم ۲۳
وَالسَّلَامُ نوزدهم ۳۳
بیستم ۴۷
بِسَلَامٍ یازدهم ۴۸
پانزدهم ۴۶ پنجاهم ۳۴
السَّلَامُ پنجم ۱۶
ششم ۱۲۷ دهم ۱۰
سَلَامًا یازدهم ۶۹
پانزدهم ۵۲ نوزدهم
۶۳ بیست‌وپنجم ۸۴
پنجاه‌ویکم ۲۵ پنجاه
وششم ۲۶
وَسَلَامًا بیست‌ویکم ۶۹
بیست‌وپنجم ۷۵
السَّلَامُ چهارم ۹۴
سَلَامٌ پنجاه‌ودوم ۳۸

سُلَّمًا ششم ۳۵
سُلَّمٌ پنجاه‌ودوم ۳۸
سی‌وهفتم ۸۹
سُلَيْمَانَ دوم ۱۰۲
بیست‌ویکم ۸۱
سُلَيْمَانُ حالت جری
دوم ۹۶ بیست‌وهفتم
۳۰ ۴۵
اَلِسُلَيْمَانَ بیست‌وهفتم ۱۷
وَلِسُلَيْمَانَ بیست‌ویکم ۸۱
سی‌وچهارم ۱۲
وَسُلَيْمَانَ چهارم ۱۶۳
سُلَيْمَانُ در حالت نصبی
بیست‌ویکم ۷۹ بیست‌وهفتم
۳۰
سی‌وهشتم ۳۰ ۳۴
وَسُلَيْمَانُ ششم ۸۴
بیست‌ویکم ۷۸ بیست‌وهفتم
۱۵
الْاِسْلَامَ سوم ۱۹
الْاِسْلَامِ سوم ۸۵
ششم ۷
لِلْاِسْلَامِ ششم ۱۲۵
سی‌ونهم ۲۲
الْاِسْلَامُ پنجم ۵
اِسْلَامِهِمْ نهم ۷۴
اِسْلَامَكُمْ چهل‌ونهم ۱۷
مُسْلِمًا سوم ۶۷
دوازدهم ۱۰۱
مُسْلِمِينَ دوم ۱۲۸
الْمُسْلِمُونَ هفتادودوم ۱۴
لِلْمُسْلِمِينَ شانزدهم ۸۹
۱۰۲
مُسْلِمَةً دوم ۱۲۸
مُسْلِمَاتٍ شصت‌وششم ۵
وَالْمُسْلِمَاتِ سی‌وسوم ۳۵
مُسَلَّمَةٌ دوم ۷۱
چهارم ۹۲
تَسْلِيمًا چهارم ۶۵ سی‌وسوم
۵۶
وَتَسْلِيمًا سی‌وسوم ۲۲
مُسْتَسْلِمُونَ سی‌وهفتم ۲۶
سَلَا
وَالسَّلْوَى دوم ۵۷
هفتم ۱۶۰ بیستم ۸۰
سَمَر
سَامِرًا بیست‌وهفتم ۶۷
سَمُومِ پنجاه‌ودوم ۲۷
السَّمُومِ پانزدهم ۲۷
پنجاه‌وششم ۴۲
سَمَد
سَامِدُونَ پنجاه‌وسوم ۶۱

سَمَر
سَامِرًا بیست‌وسوم ۶۷
السَّامِرِيُّ بیستم ۸۵
السَّامِرِيُّ بیستم ۸۷ ۹۵
سَمِع
سَمِعَ سوم ۱۸۱
پنجاه‌وهشتم ۱
سَمِعْتُ دوازدهم ۳۱
بیست‌وچهارم ۱۲ شصت‌وهفتم
هشتم ۵۱
سَمِعُوا پنجم ۸۳ بیست
پنجم ۱۳ بیست‌وهشتم ۵۵
سی‌وپنجم ۱۰ ۳۶
سَمِعْنَا چهارم ۱۳۹
وَسَمِعْنَا دوم ۹۳
سَمِعْنَاهُ بیست‌وچهارم ۱۲
۱۵
سَمِعْتُمُوهُ دوم ۱۷۲
یَسْمَعُ دوم ۱۷۱
نوزدهم ۴۲ بیست‌وهشتم
۴۶ چهل‌وپنجم ۷
پنجاه‌وهشتم ۱
تَسْمَعُ نهم ۶
تَسْمَعُ نوزدهم ۹۸ بیستم ۱۰۸
هشتادوششم ۱۱
لِیَسْمَعُوا هفتم ۱۹۷
سی‌وپنجم ۱۵
تَسْمَعُ شصت‌وهفتم ۴
اِسْمَعْ بیستم ۴۸
یَسْمَعُونَ ششم ۲۰
بیست‌وهشتم ۷۱
یَسْمَعُوا چهل‌وپنجم ۲۵
وَلِتَسْمَعَنَّ سوم ۱۸۶
یَسْمَعُ چهل‌وسوم ۸۰
شصت‌وهشتم ۱۰
یَسْمَعُهَا سی‌ویکم ۶
چهل‌وپنجم ۷
یَسْمَعُونَكُمْ بیست‌وششم ۷۲
وَاسْمَعْ چهارم ۴۶
۴۹
وَاسْمَعُوا دوم ۹۳ ۵
۹۸ پنجم ۱۰۸ شصت
چهارم ۴۶
فَاسْتَمِعُونِ سی‌وششم ۲۵
اَسْمِعْهُمْ هشتم ۲۳
لَاَسْمَعَهُمْ هشتم ۲۳
یُسْمِعُ سی‌وپنجم ۲۲
اُسْمِعَ نوزدهم ۳۹
وَاَسْمِعْ هجدهم ۲۶
یُسْمِعُونَ سی‌ام ۸
اَسْتَمِعْ هفتادودوم ۱

اسْتَمَعُوا بیست‌وهشتم ۲
یَسْتَمِعُ ششم ۲۵
چهل‌وهفتم ۱۸
یَسْتَمِعُ هفتادودوم ۹
یَسْتَمِعُونَ دهم ۴۳
هفدهم ۵ ۳ سی‌ونهم
۱۹ چهل‌وششم ۲۸
پنجاه‌ودوم ۳۸
یَسْتَمِعُونَ بیست‌وششم ۲۴
فَاسْتَمِعْ بیستم ۱۳
وَاسْتَمِعْ پنجاهم ۴۰
فَاسْتَمِعُوا هفتم ۲۰۳
بیست‌ودوم ۷۲
اَلسَّمْعَ بیست‌وششم ۲۱۲
لِلسَّمْعِ هفتادودوم ۹
سَمْعًا هجدهم ۱۰۱
چهل‌وششم ۲۵
سَمْعَكُمْ چهلم ۲۱
سَمْعِهِمْ چهلم ۱۹
چهل‌وپنجم ۲۵
سَمْعُهُمْ چهل‌ویکم ۲۲
سَمْعَهُمْ دوم ۶
بِسَمْعِهِمْ دوم ۱۹
وَسَمْعِهِمْ شانزدهم ۱۱۰
سَمِيعًا چهل‌وششم ۴
سَمِيعٌ دوم ۲۲۴
۲۵۶
سَمِيعًا سوم ۳۳
لَسَمِيعٌ هشتم ۴۲
وَالسَّمِيعِ یازدهم ۲۴
سَمِيعًا چهارم ۶۱
۱۳۳ ۱۴۷ هفتاد
ششم ۲
سَمَّاعُونَ پنجم ۴۱
۴۶ نهم ۴۷
بِمُسْمِعٍ سی‌وپنجم ۲۱
مُسْمِعٍ چهارم ۴۸
مُسْتَمِعُونَ بیست‌وششم ۱۵
مُسْتَمِعُهُمْ پنجاه‌ودوم ۳۸
سَمَك
سَمْكَهَا هفتادونهم ۲۸
سَمِن
بِسَمِينٍ هشتادوهشتم ۷
سِمَانٍ پنجاه‌ویکم ۲۶
سِمَانٍ دوازدهم ۴۳
۴۶ سَمَا
سَمَّاكُمْ بیست‌ودوم ۷۸
سَمَّيْتُهَا سوم ۳۶
سَمَّيْتُمُوهَا هفتم ۷۱
دوازدهم ۴۰ پنجاه‌وسوم
۲۳ لَيُسَمُّونَ پنجاه‌وسوم ۲۷

سَمُوَاتٍ سیزدهم ۳۳
سَمِيًّا هفتادوششم ۱۸
سَمَاءً یازدهم ۴۴
سَمَاءٍ چهلم ۱۱
وَالسَّمَاءِ پنجاهم ۷
هشتادوپنجم ۱ هشتاد
ششم ۱۱ نودویکم ۵
وَالسَّمَاءُ دوم ۲۰
چهل‌ونهم ۴ پنجاه‌ویکم ۴۷
پنجاه‌وپنجم ۶
السَّمَوَاتِ سوم ۱۲۷
یازدهم ۱۰۹ ۱۱۰
هفدهم ۴۶ نوزدهم
۹۲ بیست‌وسوم ۷۳ چهل
دوم ۳
وَالسَّمَوَاتُ چهاردهم ۴۹
سی‌ونهم ۶۷
سَمَوَاتٍ دوم ۲۹
چهل‌ویکم ۱۲ شصت‌وپنجم ۱۲
شصت‌وهفتم ۳
هفتادویکم ۱۴
وَالسَّمَوَاتِ بیستم ۳
اِسْمُ ششم ۱۱۸
۱۱۹ بیست‌ودوم ۴۱
پنجاه‌وپنجم ۷۸
الْاِسْمُ چهل‌ونهم ۱۱
بِسْمِ یازدهم ۴۳
بیست‌وهفتم ۳۰
بِاسْمِ پنجاه‌وششم ۷۴
۹۶ شصت‌ونهم ۵۲
نود وششم ۱
اَسْمَاءٌ پنجاه‌وسوم ۲۳
الْاَسْمَاءُ هفتم ۱۷۹
هفدهم ۱۱۰ بیستم ۷
پنجاه‌ونهم ۲۴
بِاَسْمَاءِ دوم ۲۹
اَسْمَاءٍ هفتم ۶۹
اَسْمَاءٌ دوازدهم ۴۰
الْاَسْمَاءَ دوم ۲۹
اِسْمُهُ دوم ۱۰۸
سوم ۴۰ نوزدهم ۷
بیست‌وچهارم ۳۶
شصت‌ویکم ۶
اَسْمَائِهِ هفتم ۱۷۹
بِاَسْمَائِهِمْ دوم ۳۳
سَمِيًّا نوزدهم ۸ ۶۵
مُسَمًّى پنجاه‌وسوم ۲۸
سَنّ
بِالسِّنِّ پنجم ۴۹
وَالسِّنَّ پنجم ۴۹
مَسْنُونٍ پانزدهم ۲۶ ۲۸ ۳۳
یازدهم ۱۳ چهل‌ودوم ۵۳

السُّتُرِ ہے سیم ۶۲
ہے پنجم ۴۱ ۴۲
چہل ہشتم ۴۳
سُتْرًا ہفدہم ۷۹،۸ ہے
سیم ۳۸ ۰ - ۴۶
ہے پنجم ۴ چہل ۸۵
چہل ہشتم ۴۳
سُنَنَ سیم ۱۳۱
سُنَنَ چہارم ۳۱
الْسِنَتُنَا ہفدہم ۷۹
سُنُونِ پانزدہم ۲۶
۲۸ ۳۳

سُنبل

سُنبُلَۃٍ دوازدہم ۴۷
سُنبُلٰتٍ دوہم ۲۶۳
سُنبُلٰتٍ دوازدہم
۴۳ ۴۶

سَنَدَ

مُسَنَّدَۃٌ تصت ۴
سُندُسٍ ہجدہم ۳۰
چہل چہارم ۵۳ ہفتاد
ششم ۲۱
لَسَنَۃٍ دوہم ۶۱ ۴
سَنَا بیست چہارم ۴۳
سَنَۃٌ دوہم ۹۰
بیست وہم ۶۴ بیست
نہم ۱۳ ہے دوہم ۴
ہفتادم ۴
سنۃ پنجم ۲۹
چہل ششم ۱۴
السِّنِیْنَ دہم ۵ ہفتاد ۱۳
بِالسِّنِیْنَ ہفتم ۱۲۷

سَہَرَ

بِالسَّاہِرَۃِ ہفتاد ونہم ۱۴

سَہَلَ

سُہُوْلِہَا ہفتم ۷۲

سَہَمَ

فَسَاہَمَ ہے ہفتم ۱۴۱
سَاہُوْنَ پنجاہ یکم ۱۱
صد ہفتم ۵

سَاءَ

فَسَاءَ چہارم ۲۲ بیست
ششم ۱۷۳ بیست ہفتم
۵۹ ہے ہفتم ۱۷۷
وَسَاءَ چہارم ۲۶
ہفدہم ۳۴ بیستم ۱۰۲
سَاءَتْ بیست پنجم ۶۶
وَسَاءَتْ چہارم ۹۹
۱۱۵ ہجدہم ۲۸
چہل ہشتم ۶
لِيَسُوْءُا ہفدہم ۷
تَسُؤْكُمْ پنجم ۱۰

تَسُؤْہُمْ سیم ۱۱۶
نہم ۵۰
سَیِّئَۃٍ پانزدہم ۷۹
بیست نہم ۳۲
سَیِّئَتُ شصت ہفتم ۲۷
اَسَاءَ چہل یکم ۴۶
چہل پنجم ۱۴
اَسَاءُوْا ہے ام ۹
پنجاہ سیم ۳۲
اَسَاءَ ہفدہم ۷
سُوْءٍ نوزدہم ۲۹
بیست یکم ۷۴ ۰ ۷۷
السُّوْءَ نہم ۹۹ شانزدہم ۶۲
بیست پنجم ۶۲ ۳۲
چہل ہشتم ۱۲
سُوْءٍ سیم ۱۶۸
السُّوْءَ ہفتم ۱۸۸
ہے نہم ۶۲
سُوْءٍ شانزدہم ۶۱
ہے نہم ۴۸
بِسُوْءٍ ہفتم ۷۱
یازدہم ۵۷ ۰ ۶۷
بیست ششم ۱۵۶
السُّوْءَ ہفتم ۱۶۵
بِالسُّوْءِ دوہم ۱۶۴
چہارم ۱۴۷ دوازدہم
۵۳ ششم ۲
سُوْءَ دوہم ۴۶
ششم ۱۵۶ ہفتم
۷ ۳ ۱۶۰ سیزدہم
۲۱ چہاردہم ۶
ہے نہم ۲۵
سُوْءٌ چہارم ۱۱۰
۱۲۲ ششم ۵۴
دوازدہم ۲۵ سیزدہم
۱۲ ہے سیم ۱۷
السُّوْءَ چہارم ۲۱
دوازدہم ۲۴ شانزدہم
۹۰ ۱۲ بیست ہفتم
۳ ہے ام ۹
وَالسُّوْءِ شانزدہم ۲۹
السَّیِّءُ بِالسَّیِّئِ ہے پنجم ۴۱
سَیِّئَاتِہِمْ ۳ سَیِّئَۃً ہفتم
سَیِّئَۃٌ سیم ۱۱۶
چہارم ۸۰ ہفتم
۱۲۸ ہے ام ۳۵
چہل دوہم ۳۸ ۰ ۴۷
السَّیِّئَۃَ چہل یکم ۳۴
سَیِّئَۃٌ چہارم ۸۱
دہم ۲۸ چہل دوہم ۳۸
السَّیِّئَۃِ ہفتم ۹۳
بِالسَّیِّئَۃِ ششم ۱۶۱

سیزدہم ۷ بیست ہفتم
۷ ۴ ۰ ۹۲ بیست ششم
۸ ۴۳
سَیِّئَۃً دوہم ۷۵ چہارم
۸۷ چہارم ۴۳
السَّیِّئِ سیزدہم ۲۲
بیست سیم ۹۸ بیست ہشتم
۵۴
سَیِّئَاتِ شانزدہم ۳۶
ہے نہم ۴۹ ۰ ۵۲ م
چہل پنجم ۳۲
السَّیِّئَاتِ یازدہم ۱۳
سَیِّئَاتُ چہل ۴۸
وَالسَّیِّئَاتِ ہفتم ۱۶۷
سَیِّئَاتِہٖ شصت چہارم ۹
شصت پنجم ۵
سَیِّئَاتِنَا سیم ۱۹۱
سَیِّئَاتِکُمْ دوہم ۲۷۳
چہارم ۰ ۳ ۳ پنجم
۱۵ ہشتم ۲۹
شصت ششم ۸
سُوْءَ پنجم ۳۴ م
سُوْءَاتِہِمَا ہفتم ۲۱
بیستم ۱۱۹
سُوْءَاتِہِمَا ہفتم ۱۹
۱۲۶
سُوْءَاتِکُمْ ہفتم ۲۵
اَسُوْءَ ہے نہم ۳۶
چہل یکم ۳۷
السُّوْءٰی چہل ۶۰

سَابَ

سَائِبَۃٍ پنجم ۱۰۳

سَاحَرَ

بِسَاحَتِہِمْ ہے ہفتم ۱۷۳

سَادَ

اسْوَدَّتْ سیم ۱۰۲
وَتَسْوَدُّ سیم ۱۰۲
وَسَیِّدًا سیم ۳۴
سَیِّدَہَا دوازدہم ۲۵
سَادَتَنَا ہے سیم ۶۷
الْاَسْوَدِ دوہم ۱۸۳
سُوْدٌ ہے پنجم ۲۵
مُسْوَدًّا شانزدہم ۶۰
چہل سیم ۱۶
مُسْوَدَّۃٌ ہے نہم ۶۰

سُوْرٌ

تَسَوَّرُوا ہے ہشتم ۲۰
بِسُوْرٍ پنجاہ ہفتم ۱۳
اَسَاوِرَ ہجدہم ۳۰
بیست ودوہم ۲۳ ہے
پنجم ۳۰
ہفتاد ششم ۲۱

اَسْوَقَ چہل سیم ۵۳
بِسُوْقِہٖ دوہم ۲۱
دہم ۳۹
سُوْقٍ یازدہم ۶

سَاطَ

سَوْطَ ہشتاد ونہم ۱۲

سَاعَ

وَالسَّاعَۃَ چہل پنجم ۳۱
پنجاہ چہارم ۴۶
سَاعَۃٍ نہم ۱۱۸
سَاعَۃً ہے ام ۵۵
بِالسَّاعَۃِ بیست پنجم ۱۱م
لِلسَّاعَۃِ چہل سیم ۶۱
سَاعَۃُ ہفتم ۳۲
دہم ۴۶ ۰ ۵۰
شانزدہم ۳ ۶ ہے چہل
۲۹ چہل ششم ۳۵
سُوَاعًا ہفتاد یکم ۲۳

سَاغَ

سَیِّغَۃٍ چہاردہم ۲۰
سَائِغٌ ہے پنجم ۱۳
سَائِغًا شانزدہم ۶۸

سَافَ

لَسَوْفَ نوزدہم ۶۷
فَسَوْفَ بیست ششم ۴۱
نود سیم ۵ وَلَسَوْفَ نوزدہم ۲۱
وَسَوْفَ چہارم ۱۴۵
پنجم ۱۷ ششم ۶۶
بیست پنجم ۶۴ چہل
سیم ۴۳
وَلَسَوْفَ نود دوہم ۲۱
نود سیم ۵

سَافَ

سُقْنَاہُ ہفتم ۵۵
فَسُقْنَاہُ ہے پنجم ۱۰
تَسُوْقُ ہے دوہم ۲۷
وَنَسُوْقُ نوزدہم ۸۹
وَسِیْقَ ہے نہم ۷۱
۷۳
یُسَاقُوْنَ ہشتم ۶
السَّاقُ بِالسَّاقِ
ہفتاد پنجم ۲۹
سَاقَیْہَا بیست ہفتم ۴۴
بِالسُّوْقِ ہے ہشتم ۳۳
سُوْقِہٖ چہل ہشتم ۲۹
الْاَسْوَاقِ بیست پنجم ۸
۲۲
سَائِقٌ پنجاہم ۲۰
الْمَسَاقُ ہفتاد پنجم ۳۰

سَوَّلَ

سَوَّلَ چہل ہفتم ۲۷
سَوَّلَتْ دوازدہم ۱۸
۸۳ بیستم ۹۶

سَامَ

یَسُوْمُوْنَہُمْ ہفتم ۱۶۶
یَسُوْمُوْنَکُمْ دوہم ۴۶
چہاردہم ۶ ہفتم ۱۳۲
یَسْئَمُوْنَ شانزدہم ۱۰
بِسِیْمَاہُمْ دوہم ۲۷۴
ہفتم ۴۴ ۰ ۴۶ چہل
ہفتم ۳۲ پنجاہ پنجم ۴۱
مُسَوِّمِیْنَ سیم ۱۲۱
الْمُسَوَّمَۃِ سیم ۱۲
مُسَوَّمَۃً یازدہم ۸۴
پنجاہ یکم ۳۴
سِیْمَاہُمْ چہل ہشتم ۲۹

سَوِیَ

فَسَوّٰی ہفتاد پنجم ۳۸
ہشتاد ہفتم ۲
سَوَاءَ بیستم ۳۵
فَسَوَّاہُ ہشتاد دوہم ۷
سَوَّاہُ ہے دوہم ۸
سَوَّاہَا نود یکم ۷
فَسَوَّاہَا ہفتاد ونہم ۲۸
نود یکم ۱۴
فَسَوَّیْنَ دوہم ۲۷
تُسَوِّیْ پانزدہم ۲۹
ہے ہشتم ۷۲
اَسْتَوٰی بیست ہشتم ۹۸
اَسْتَوٰی چہارم ۴۵
وَسَاوٰی ہجدہم ۹۵
لِتَسْتَوٗا پنجاہ ہفتم ۴
نُسَوِّیْکُمْ بیست ششم ۹۸
فَسَوّٰی چہلم [illegible]
خَلَقَ [illegible] ۹۵
فَاسْتَوٰی چہل ہشتم ۲۹
پنجاہ سیم ۶
وَاسْتَوٰی بیست ہشتم ۱۳
وَاسْتَوَتْ یازدہم ۴۶
اسْتَوٰی بیستم ۲۹
اسْتَوٰی چہل سیم ۱۲
تَسْتَوِی سیزدہم ۱۷
چہل یکم ۲۴
یَسْتَوِیَانِ یازدہم ۲۶
ہے نہم ۳۰
یَسْتَوُوْنَ نہم ۱۹
شانزدہم ۷۷ ہے دوہم ۱۸
اَسْتَوُوْا چہل سیم ۱۲
سُوًی بیستم ۶۰
وَسَوَاءٌ ہے ششم ۹
سَوَاءٌ پنجم ۶۵ ۸۱
ہے ہفتم ۵۳ ہے ششم ۲۱
چہل چہارم ۳۷
سَوَاءٍ ہفتم ۵۷ ہشتم
۶۴ بیست یکم ۱۰۹
سَوَاءَ دوہم ۲ پنجم ۱۵
بیستم ۲۱ شصتم ۱

سَوَاءٌ سیم ۱۰۹
چہارم ۹۱ بیست دوہم
۲۵ چہل یکم ۹ چہل پنجم
۲۰
السَّوِیِّ بیستم ۱۳۵
سَوِیًّا نوزدہم ۱۱ ۱۶
۴۴ شصت ہفتم ۲۲

سَاحَ

فَسِیْحُوْا نہم ۲
السَّائِحُوْنَ نہم ۱۱۳
سَائِحَاتٍ شصت ششم ۵

سَارَ

وَسَارَ بیست ہشتم ۲۹
وَلِسَیْرِ پنجاہ دوہم ۱۰
فَسِیْرُوْا سیم ۱۳۷
شانزدہم ۳۸
لِیَسِیْرُوْا ہجدہم ۴۵
یُسَیِّرُکُمْ دہم ۲۲
سُیِّرَتْ سیزدہم ۳۰
ہشتاد یکم ۳
وَسُیِّرَتِ ہفتاد ہشتم ۲۰
سِیْرُوْا پنجاہ دوہم ۱۰
الْسَّیْرَ ہے چہارم ۱۷
سِیْرَتَہَا بیستم ۲۲
سَیَّارَۃٌ دوازدہم ۱۹
السَّیَّارَۃِ دوازدہم ۱۰
وَلِلسَّیَّارَۃِ پنجم ۹۷

سَالَ

فَسَالَتْ سیزدہم ۱۸
وَاَسَلْنَا ہے چہارم ۱۲
السَّیْلَ سیزدہم ۱۸
سَیْلَ ہے چہارم ۱۵

سَیْنَاءَ

سَیْنَاءَ بیست ہفتم ۲۰
سِیْنِیْنَ نود پنجم ۲

باب الشین

شَأَمَ

الْمَشْئَمَۃِ پنجاہ ششم ۹۴
نودم ۱۹

شَأَنَ

شَأْنٍ ہشتادم ۳۷
شَأْنِ دہم ۶۱ پنجاہ
پنجم ۲۹
شَأْنِہِمْ بیست چہارم ۶۲

شَبَہَ

شُبِّہَ چہارم ۱۵۷
تَشَابَہَ دوہم ۷۰ ششم
مُتَشَابِہٍ سیزدہم ۱۷
تَشَابَہَتْ دوہم ۱۱۸

وَمُتَشَابِہٍ ششم ۹۹
۱۴۱

باب الشین بعد الالف الی الغین

متشابها دوبم ۲۳	واشتد دهم ۸۸
ششم ۱۴۲ سیم ۲۴	فشدوا چهل هفتم ۴
متشابهات سیم ۵	اشتدت چهاردهم ۲۱
مشتبها ششم ۹۹	لشدید سیزدهم ۷
شت	لشدید چهاردهم ۷
اشتاتا بیست چهارم ۶۰	هشتاد پنجم ۱۲ صدهم ۸
نودنهم ۶	شدید چهل ۲
شتی بیستم ۵ پنجاهم ۴	الشدید پنجاهم ۲۵
لشتی نود دوم ۴	الشدید دهم ۷۱
شتی	شداد دوازدهم ۴۸
الشتاء صد ششم ۲	شست ششم ۶
شجر	شدادا هفتاد هشتم ۱۲
شجر چهارم ۶۸	اشداء چهل هشتم ۲۹
شجر شانزدهم ۱۰	واشدد چهارم ۸
والشجر پنجاه پنجم ۵	اشد دوبم ۷۹
شجر پنجاه ششم ۵۲	واشد چهارم ۹ ۶
الشجر شانزدهم ۷۰	چهل ۲ ۸

[illegible]

باب الشين بعد الغين الى الهاء

بشعرون دوبم ۱۴۹
ببیست‌شم ۱۳ سے نهم
۵ء چهل نهم ۲
بشعرن هجدهم ۱۵
بشعرکم ششم ۱۰۹
الشعر سے ستم ۶۹
واشعارها شانزدهم ۸۰
شاعر بیست یکم ۵
پنجاه دوبم ۳۰
شاعر شصت نهم ۴۱
لشاعر سے هفتم ۳۵
والشعراء بیست ششم ۲۲۴
الشعرى پنجاه سوم ۵۰
شعائر دوبم ۱۵۳
بیست دوبم ۳۲
شعائر پنجم ۲ بیست
دوبم ۳۳
المشعر دوبم ۱۹۴
واشتعل نوزدهم ۳

شغف

شغفها دوازدهم ۳۰

شغل

شغلتنا چهل هشتم ۱۱
شغل سے ششم ۵۵

شفع

تشفع دوبم ۲۵۶
تشفع چهارم ۸۷ م
يشفعون بیست یکم ۲۸
فيشفعوا هفتم ۵۱
والشفع هشتاد نهم
شافعين هفتاد چهارم ۴۸
۴۹
شفیع ششم ۵۱ ۶۹۰
شفیع دهم ۳ سے دوبم
چهلم ۱۹
شفعاء سے ام ۱۲
شفعاء هفتم ۵۱
سے نهم ۴۴
شفعاؤنا دهم ۱۹
شفعاءکم ششم ۹۴
شفاعة هفتاد چهارم ۴۸
شفاعة دوبم ۴۵
۱۱۲ ۰ ۵۵ ۲۵
الشفاعة بیستم ۱۰۸
سے چهارم ۲۲ سے نهم ۲۳
شفاعتهم چهارم ۸۷ م
الشفاعة نوزدهم ۹۰
چهل سوم ۸۶
شفاعتهم سے ششم ۲۳
پنجاه سوم ۲۶

شفق

واشفقون سی‌ستم ۷۲
ءاشفقتم پنجاه هشتم ۴
الشفقون هشتاد چهارم ۱۶
مشفقون بیست یکم ۲۹
۵۰ بیست سوم ۵۹ چهل
دوبم ۱۷ هفتادم ۳۷
مشفقين هجدهم ۴۷
چهل دوبم ۲۱ پنجاه
دوبم ۲۶
وشفتين نودم ۹

شفا

وتشف نهم ۱۴
ويشفين بیست ششم ۸۰
شفاء سوم ۹۹ نهم ۱۱۰
شفاء شانزدهم ۷۱
هفدهم ۸۲
وشفاء دهم ۵۸
چهل یکم ۴۴
شفقنا هشتادم ۲۶
اشفق بیست ششم ۲۷
شاقوا هشتم ۱۳ پنجاه
نهم ۴
وشاقوا چهل هفتم ۳۲
بشاقق چهارم ۱۱۵
هشتم ۱۳
شاقق پنجاه نهم ۴
تشاقون شانزدهم ۲۹
تشقق دوبم ۶۹
تشقق بیست پنجم ۲۷
... پنجاهم ۴۳
وانشق پنجاه چهارم ۱
انشقت پنجاه پنجم ۳۷
هشتاد چهارم ۱
وانشقت شصت نهم ۱۶
وتنشق نوزدهم ۹۲
شقا هشتادم ۲۶
بشق شانزدهم ۷
الشقة نهم ۴۲
اشق سیزدهم ۳۴
شقاق دوبم ۱۳۱
۱۷۱ بیست دوبم ۵۲
چهل یکم ۵۲
وشقاق سے هشتم ۱
شقاقي چهارم ۳۹
شقاقي یازدهم ۹۱

شقي

شقوا یازدهم ۱۰۸
الاشقى بیستم ۱۲۳
فتشقى بیستم ۱۱۵
لاشقى بیستم ۱
شقي یازدهم ۱۰۷
شقيا نوزدهم ۴

۴۹۰ ۳۲
الاشقى هشتاد هفتم ۱۱
نود دوبم ۱۵
اشقاها نود یکم ۱۲
شقوتنا بیست سوم ۱۰۸

شك

شك چهاردهم ۱۱

شكر

شكر بیست هفتم ۴۰
پنجاه چهارم ۳۵
شكرتم چهارم ۱۴۶
چهاردهم ۷
بشكر بیست هفتم ۴۰
سے یکم ۱۱
يشكر سے یکم ۱۱
ءاشكر بیست هفتم ۴۰
چهل ششم ۱۴
اشكر بیست هفتم ۱۹
چهل ششم ۱۴
يشكروا سے نهم ۹
اشكر سے یکم ۱۳۰۱۱
واشكروا دوم ۱۴۷
۱۶۷ شانزدهم ۱۱۵
بیست نهم ۱ سے چهارم ۱۳
شكرا سے چهارم ۱۲
شكورا بیست پنجم ۶۲
هفتاد ششم ۹
شاكر دوبم ۱۵۳
شاكرا چهارم ۱۴۶
شانزدهم ۱۲۲
هفتاد ششم ۳
شاكرون بیست یکم ۸۰
شاكرين هفتم ۱۶
بالشاكرين ششم ۵۳
شكور سے پنجم ۲۷
۳۱ چهل دوبم ۲۲
شصت چهارم ۱۷
الشكور سے چهارم ۱۲
شكور چهاردهم ۵ سے
یکم ۳ سے چهارم ۱۸
چهل دوبم ۳۱
شكورا هفدهم ۳
مشكورا هفدهم ۲۰
هشتاد ششم ۲۲

شكس

متشاكسون سے نهم ۳۰

شكل

شكله سے هشتم ۵۸
شاكلته هفدهم ۸۴

شكى

اشكو دوازدهم ۸۶
وتشتكي پنجاه هشتم ۱

بشكوة بیست چهارم ۳۵

شمت

تشمت هفتم ۱۴۹

شمخ

شامخات هفتاد هفتم ۲۷

شمز

اشمازت سے نهم ۴۶

شمس

الشمس سے ششم ۴۰
پنجاه پنجم ۶ هفتاد
پنجم ۹ هشتاد یکم ۱
والشمس بیست دوبم ۱۸
سے ششم ۳۸ چهل یکم
الشمس هفدهم ۷۸
للشمس بیست هفتم ۲۴
چهل یکم ۳۷
والشمس نود یکم ۱
شمسا هفتاد ششم ۱۳

شمل

اشتملت ششم ۱۴۴
۱۴۵
الشمال هجدهم ۱۰۱۷
پنجاهم ۱۶
پنجاه ششم ۴۰ م
هفتادم ۳۷
وشمائل سے چهارم ۱۴
بشماله شصت نهم ۲۵
والشمائل شانزدهم ۵۰
شماله هفتم ۱۶

شنأ

شنآن پنجم ۲۰۳ ۱۱
شانئك صد هشتم ۴

شهب

شهاب پانزدهم ۱۸
سی هفتم ۱۰
بشهاب بیست هفتم ۷
شهابا هفتاد دوبم ۹
وشهبا هفتاد دوبم ۸

شهد

شهد دوبم ۱۸۱
سوم ۱۸ چهل یکم ۱۹
چهل سوم ۸۶
وشهد دوازدهم
۲۶
چهل ششم ۹
شهدوا چهارم ۱۹
ششم ۱۵۰
اشهدوا چهل سوم ۱۹
وشهدوا سوم ۸۰
ششم ۱۳۰
هفتم ۳۵

شهدتم چهل یکم ۲۰
شهدنا ششم ۱۳۰
هفتم ۱۷۱ دوازدهم
۸۱ بیست هفتم ۴۹ ...
تشهد چهارم ۱۶۶
شصت سوم ۱
تشهد چهل یکم ۱
تشهد ششم ۱۵۰
اشهد ششم ۱۹
تشهدون چهارم ۶
ششم ۱۵۱ بیست یکم
۶۲ بیست پنجم ۲
ليشهدوا بیست دوبم ۱
تشهدن دوبم ۷۸
سوم ۶۳
لتشهدون ششم ۱۹
تشهد شصت سوم ۱
تشهد هشتاد سوم ۲۱
تشهدن بیست هفتم ۳۲
واشهد سوم ۵۲ پنجم ۱۱۱
اشهد یازدهم ۵۷
فاشهدوا چهارم ۷
شصت پنجم ۲
واشهدوا دوبم ۲۸۲
شصت پنجم ۲
اشهدوا سوم ۵۷
فاشهدوا سوم ۷۵
واشهدوا یازدهم ۵۷
واشهدهم هفتم ۱۷۱
اشهدتهم هجدهم ۴۹
ويشهد دوم ۲۰۰
واستشهدوا دوم ۲۸۲
شاهد یازدهم ۲۰
دوازدهم ۲۶ چهل ششم ۹
فاستشهدوا چهارم ۱۹
وشاهد هشتاد پنجم ۳
شاهدا سے سوم ۴۴
چهل هشتم ۸ هفتاد سوم ۱۵
شاهدون سے
هفتم ۱۵۰
شاهدين نهم ۱۷
بیست یکم ۷۸
الشاهدين سوم
پنجم ۸۳ ۷۵۰۴۶ پنجم
۱۱۳ ۰۸۶
بیست یکم
۵۷
بیست هشتم ۴۴
شهود هشتاد
پنجم ۷
شهودا دهم ۶۱
هفتاد چهارم ۱۳

الاشهاد یازدهم ۲۱
چهلم ۵۱
لشهيد صدم ۷
وشهيد پنجاهم ۲۰
شهيد چهل یکم ۴۷
شهيدين دوبم ۲۸۲
شهيد چهارم ۴۱
بیست چهارم ۴ شهداء دوبم
۱۳۰
بالشهداء دوبم ۲۸۲
والشهداء بیست چهارم ۱۳
والشهداء چهارم ۷۱
سے نهم ۶۹
شهداءکم دوبم ۲۱
ششم ۱۵۱
الشهادة پنجم ۱۰۵
فشهادة بیست چهارم ۶
بالشهادة پنجم ۱۰۷
للشهادة دوبم ۲۸۲
شهادة پنجم ۱۰۵
شهادة دوبم ۱۴۴
ششم ۱۹ بیست چهارم ۴
الشهادة دوبم ۲۸۳
شصت پنجم ۲
شهادات بیست چهارم ۸۰
لشهادتنا پنجم ۱۰۶
شهادتهم چهل سوم ۱۸
شهادتهما پنجم ۱۰۶
بشهاداتهم هفتادم ۳۳
مشهد نوزدهم ۳۸
مشهود یازدهم ۱۰۵
ومشهود هشتاد پنجم ۳
مشهودا هفدهم ۸۰

شهر

شهر دوبم ۱۸۱
شهر سے چهارم ۱۱ م
الشهر دوبم ۱۹۰
شهر نود هفتم ۳
الشهر دوبم ۲۱۴
بالشهر دوبم ۱۹۰
شهرا نهم ۳۶
چهل ششم ۱۴
الشهر دوبم ۱۸۱
پنجم ۲
والشهر پنجم ۹۸
شهرين چهارم ۹۲
پنجاه هشتم ۵
الشهور نهم
۳۶
اشهر دوبم
۱۹۳

باب الشين الى الياء
باب الصاد

الأشهر نهم ٥
اشهر دوم ٢٢٦، ٢٣٤
نهم ٢ شصت پنجم ٤
شهق
وشهيق يازدهم ١٠٦
شهيقا شصت هفتم ٧
شهد
اشهد بيست بكم ١٠٢
تشهد چهل بكم ٣١
تشهد چهل سوم ٧١
شهوة هفتم ٧٩
بيست هفتم ٥٦
الشهوات سوم ١٢
چهارم ٣ نوزدهم ٦٠
شاب
لشوبا سي هفتم ٦٥
شار
وشاورهم سوم ١٥٣
فاشارت نوزدهم ٣٠
شورى چهل دوم ٣٦
وتشاور دوم ٢٣٣
شاظ
شواظ پنجاه پنجم ٣٥
شاك
الشوكة هشتم ٧
شوى
تشوى هجدهم ٢٨
للشوى هفتادم ١٦
شئت هفتم ١٥٤
هجدهم ٧٦ بيست چهارم
٢٤
بشئ دوم ٢٣.٥٥
هفتم ١٨ سي نهم ١٧
چهل بكم ٤٠
شيئا دوم ٣٣ هفتم
اشياء هفتم ٥٥ ١
تشاؤن هفتاد ششم ٣
هشتاد بكم ٢٩
تشاء بيست ششم ٣ سي
چهارم ٩ سي ششم ٣٢
لشئ يازدهم ٧٥ سي
هشتم ٥٠٤
لشيئا شانزدهم ٤٢
هجدهم ٢٣
وشئ سي چهارم ١٥
كشيا پنجم ١٠١
اشياء هفتم ٨٣
يازدهم ٨ بيستم ٨٢
شاب
شيبا نوزدهم ٣
شيبا هفتاد سوم ١٧

وشيبتهم سي ام ٥٣
شاخ
اشيخ بيستم ٢٣
شيخا يازدهم ٧٥
دوازدهم ٧٨
شيوخا چهلم ٦٩
شاد
مشيد بيست دوم ٤٤
مشيدة چهارم ٨٠
شاع
تشيع بيست چهارم ١٨
شيعته نوزدهم ٧٠
شيعهم بيستم ١٤
سي هفتم ٨١
شيع پانزدهم ١٠
شيعا ششم ٦٥
بيست هشتم ٣ سي ام ٣١
باشياعهم سي چهارم ٥٤
اشياعكم پنجاه چهارم ٥١
باب الصاد
ص
ص سي هشتم ١
صب
فصب هشتاد نهم ١٢
صببنا هشتادم ٢٥
صبوا چهل چهارم ٤٨
يصب بيست دوم ٢٠
صبا هشتادم ٢٥
صبأ
والصابئون پنجم ٧٣
والصابئين دوم ٥٩
بيست دوم ١٧
صبح
صبحهم پنجاه چهارم ٣٨
اصبح شصت هفتم ٣٠
فاصبح پنجم ٣٤.٣٣
هجدهم ٤٣.٤٠
بيست هشتم ١٧
واصبح بيست هشتم ٩
٨٢
فاصبحت شصت هشتم ٢٠
اصبحوا پنجم ١٠١
فاصبحتم سوم ٩٨
چهل بكم ٢٢
تصبح هجدهم ٣٩
فتصبح بيست دوم ٦٣
[illegible]
[illegible]
[illegible]

هشتاد بكم ١٨
صبحا صدم ٣
صباح سي هفتم ١٧٧
الاصباح ششم ٩٦
مصبحين پانزدهم ٦٦
٨٣ سي هفتم ١٣٧
شصتم ١٧ ٢١٠
مصباح بيست چهارم ٣٥
المصباح بيست چهارم ٣٥
بمصابيح چهل بكم ١١
شصت هفتم ٥
صبر
صبر چهل دوم ٤١
چهل ششم ٣٤
فصبروا ششم ٣٤
وصبروا شانزدهم ١١١
صبرتم سيزدهم ٢٤
شانزدهم ١٢٧
صبرنا چهاردهم ٢٥
بيست پنجم ٤٤
وتصبر دوازدهم ٩٠
تصبر هجدهم ٦٧
تصبروا چهل بكم ٢٣
اتصبرون بيست پنجم ٢٢
تصبروا سوم ١١٦
١٢١.١٨٣ چهارم ٢٥
پنجاه دوم ١٦
تصبر دوم ٥٨
ولئن صبرتم چهاردهم ١٥
اصبر سي هشتم ١٦
اصبروا سوم ٢٠٠
فاصبروا هفتم ٨٥
پنجاه دوم ١٦
واصبروا هفتم ١٢٥
هشتم ٤٦ سي هشتم ٥
وصابروا سوم ٢٠٠
اصبرهم دوم ١٧٠
فصبر دوازدهم ١٨
٨٣
بالصبر دوم ١٢٨.٤٢
نوزدهم ١٧ صد سوم ٣
صبرك شانزدهم ١٢٨
صابرا هجدهم ٦٨ سي
هشتم ٤٣
صابرون هشتم ٦٦
الصابرون بيست هشتم ٨٠
سي نهم ١٣
والصابرين دوم ١٧٢
بيست دوم ٣ سي سوم ٣٥
هفتم ٣٣
١٢٢
الصابرين شانزدهم
الصابرة ٦٧

والصابرات سي سوم ٣٥
صبار چهاردهم ٥ سي
بكم ٣ سي چهارم ١٨
چهل دوم ٣١
واصطبر نوزدهم ٦٥
بيستم ١٣٢ پنجاه چهارم ٢٧
اصابتهم دوم ١٨
هفتاد بكم ٦
صبغ
وصبغ بيست ٢٠
صبغة وصبغة دوم ١٣٢
صبا
اصب دوازدهم ٣٣
صبيا نوزدهم ٣٠.١٢
صحب
تصاحبني هجدهم ٧٥
وصاحبهما سي بكم ١٤
يصحبون بيست بكم ٤٤
كصاحب شصت هشتم ٤٨
والصاحب چهارم ٤٠
فاصحاب پنجاه ششم ٨
اصحاب ششم ٧٠
باصحاب صد پنجم ١
لاصحاب پنجاه ششم ٣٧
شصت هفتم ١١
واصحاب نهم ٧١
واصحاب بيست پنجم ٤٠
بيستم ١٤
صاحبه هجدهم ٢٥
صاحبكم پنجاه سوم ٢
هشتاد بكم ٢٢
لصاحبه نهم ٤٠ هجدهم ٣٢
بصاحبكم سي چهارم ٤٦
بصاحبهم هفتم ١٨٣
صاحبي دوازدهم ٣٩
٤١
صاحبهم پنجاه چهارم ٢٩
اصحابهم پنجاه بكم ٥٩
صاحبته ششم ١٠١
صاحبته هفتاد دوم ٣
وصاحبته هفتادم ١٢
هشتادم ٣٦
صحف
بصحاف چهل سوم ٧١
الصحف هشتاد بكم ١٢
صحف پنجاه سوم ٣٧
هشتاد هفتم ١٩
صحف هشتادم ١٣
الصحف بيستم ١٣٢
هشتاد هفتم ١٨
صحفا هفتاد چهارم
٥٢ نود هشتم ٢

صخ
الصاخة هشتادم ٣٣
صخر
الصخر هشتاد نهم ٨
صخرة سي بكم ١٥
الصخرة هجدهم ٦٣
صدّ چهارم ٥٨
تصدوا نهم ٩ پنجاه
هشتم ١٧ شصت سوم ٢
وصدوا چهارم ١٦٥
شانزدهم ٩ چهل هفتم
٣٤٠١ ٦ ٣
صدتهم شانزدهم ٩٦
وصدها بيست هفتم ٤٣
فصدهم بيست هفتم ٢٤
بيست نهم ٣٢
صدوكم پنجم ٣
وصدوكم چهل هشتم ٢٥
صددناكم سي چهارم ٣٢
يصدون چهارم ٦٤
هفتم ٤٥ هشتم ٣٤
يازدهم ٢٢ شصت سوم ٥
يصدون چهل سوم ٥٧
ويصدون هشتم ٤٧
نهم ٣٤ چهاردهم ٣
بيست دوم ٢٥
لتصد واهشتم ٣٦
تصدون سوم ٩٩
وتصدون هفتم ٨٦
يصدكم سي چهارم ٤٢
ويصدكم پنجم ٩١
يصدنكم چهل سوم ٦٢
يصدنك بيستم ١٧
ليصدونهم چهل سوم ٣٧
يصدنك بيست هشتم ٨٧
تصدونا چهاردهم ١٢
واصد چهل ٤٠
وصدوا سيزدهم ٣٣
وصد دوم ٢١٤
وصدهم چهارم ١٦٠
صدوا چهارم ٦٤
صديد چهاردهم ١٩
صدر
يصدر نود نهم ٦
يصدر بيست هشتم ٢٣
صدرا شانزدهم ١٠٨
الصدور چهل ٢٠
صدور بيست نهم ٩
٤٨ صد چهاردهم ٥
صدور نهم ١٤
صدري بيستم ٢٦
بيست ششم ١٢

صدرك يازدهم ١٥
پانزدهم ٩٧
صدرك هفتم ١
صدرك نود چهارم ١
صدره ششم ١٢٥ م
سي نهم ٢٣
صدورهم يازدهم ٥
فاصدع پانزدهم ٩٤
يصدعون پنجاه ششم ١٩
يصدعون سي ام ٤٢
الصدع هشتاد ششم ١٢
متصدعا پنجاه نهم ٢١
صدف
وصدف ششم ١٥٨
يصدفون ششم ٤٦
١٥٨ م
الصدفين هجدهم ٩٥
صدق
صدق سوم ٨٩
چهل هشتم ٢٧
وصدق سي سوم ٢٢
سي ششم ٥٢
فصدقت دوازدهم ٢٦
اصدقت بيست هفتم ٢٧
صدقوا دوم ١٧٧
نهم ٤٣ بيست هفتم ٢
سي ششم ٢٧ چهل هفتم ٢
صدقنا سي ششم ٧٤
صدقكم سوم ١٤٥
صدقنا پنجم ١١٣
صدقتم بيست پنجم ٩
صدق سي چهارم ١٩
هشتاد پنجم ٣١
وصدق سي هفتم ٣٧
سي نهم ٣٣ نود دوم ٦
وصدقت شصت ششم ١٢
صدقت سي هفتم ١٠٥
تصدقون پنجاه ششم ٥٧
يصدقني بيست هشتم ٣٤
وتصدق پنجم ٤٩
تصدقوا دوم ٢٨٠
فاصدق شصت سوم ١٠
تصدقوا چهارم ٩٢
لنصدقن نهم ٧٦
وتصدق دوازدهم ٨٨
الصدق چهل ششم ١٥
بالصدق سي نهم ٣٣
٣٤
صدقا ششم ١١٥
صدقهم پنجم ١١٩
صدقهم سي سوم ٨
بصدقهم سي سوم ٢٤

باب الصاد مع الالف والباء والتاء والثاء والدال والراء والضاد

تصلونها چهاردهم ۳۴
سی وششم ۵ پنجاه وششم ۹
هشتاد ودوم ۱۵
تصلى هشتصت ونهم ۳۱
سأصليه هفتاد و چهارم ۲۶
نصليهم چهارم ۳۴
ونصليه چهارم ۱۱۵
نصليهم چهارم ۵۹
تصطلون بیست هفتم ۷
بیست وهشتم ۲۹
اصلوها سی وششم ۶۴
پنجاه ودوم ۱۶
صال سی وهفتم ۱۶۳
صالوا سی وهشتم ۵۹
لصالوا هشتاد وسوم ۱۶
صليا نوزدهم ۷۱
وتصلية پنجاه وششم ۹۴

صنم

اصنام هفتم ۱۳۴
اصناما ششم ۷۴
بیست وششم ۷۱
الاصنام چهاردهم ۳۸
اصنامكم بیست ویکم ۵۸

صنو

صنوان سیزدهم ۴
صنوان سیزدهم ۴

صهر

يصهر بیست ودوم ۲۱
وصهرا بیست وپنجم ۵

صاب

اصاب سوم ۱۱۳
اصابتكم سوم ۱۵۹
اصابكم چهارم ۱۶
اصابه چهاردهم ۱۶
فاصابه دوم ۲۶۶
واصابه دوم ۲۶۶
اصابها دوم ۲۶۵
اصابكم سوم ۱۴۰
اصابكم سوم ۱۶۵
فاصابهم شانزدهم ۳۴

تصيبهم سیزدهم ۳۱
تصيبنا نهم ۵۷
فتصيبكم چهل وهشتم ۲۵
تصيبهم بیست وچهارم ۶۳
بیست وششم ۴۷
يصيبك نهم ۵۰
يصيبكم ششم ۱۱۶
يصيبهم چهارم ۸۰
هفتم ۱۲۸ سوم ۳
چهل ودوم ۴۷
صوابا هفتاد وهشتم ۳۸

صوب

كصيب دوم ۱۸
مصيبتها یازدهم ۸۳
مصيبة پنجم ۱۰۵
مصيبة دوم ۱۵۱

الصائم دوم ۱۸۳
صياما پنجم ۹۶
الصيام دوم ۱۸۳
والصائمين والصائمات
صوم سیزدهم ۳۵

صيح

الصيحة یازدهم ۶۷
بیست وسوم ۷۳
چهل ودوم ۲۹
صيحة شصت وسوم ۴
صيحة سی وششم ۲۸

صيد

الصيد پنجم ۹۷
الصيد پنجم ۹۵
الصيد پنجم ۹۶

صير

مصير چهاردهم ۵۳
مصيرا چهارم ۹۹
المصير بیست وپنجم

صوت

لصوت سی ویکم ۱۸
صوت چهل ونهم ۲
الاصوات بیست ویکم ۱۹
الاصوات سی ویکم ۱۸
صوتك سی ویکم

صور

فصرهن دوم ۲۶۰
صوركم چهل ۶۴
صوركم هفتم ۱۱
صورة هشتاد ودوم ۸
المصور پنجاه ونهم ۲۴

صاع

صواع دوازدهم ۷۲

صوف

اصوافها شانزدهم ۸۰

صوم

الصيام دوم ۱۸۳
صياما پنجم ۹۵

ضحى

وضحيها نود ویکم ۱
ضيق
ضيقا نود وسوم ۸۵
بضرر سیزدهم ۱۳۸

ضرب

اضرب بیست وششم ۷۳
يضربون سوم ۱۴۴
بضرب دوم ۲۷۳
فاضربوا هشتم ۱۲

مصباح
المصابيح

ضلل

ضلال

نغرعون

یهد ۱۰۸
مصباح چهارم ۱۶
المصطفى ۴۳
وضوب شانزدهم ۷۸
شصت وششم ۱۱
ضربوا سیزدهم ۱۵
ضربتم چهارم ۱۰۲
یحمد ۱۰۵
ضربنا ۲۱
ضربنا ۵۸
ضربوا چهاردهم ۴۷
واضربوا هشتم ۱۲
واضربوهن چهارم ۳۴
ضرب بیست ودوم ۷۸
بیست وسوم ۱۰۸

[illegible]

نضرعون ہفتم ٩٢
تضرع ہشتادہشتم ٦
تضرعا ششم ٤٢ ہفتم
٢٠٢ ٥٣
ضعف
ضعف بیست وہم ٧٢
ضعفوا سیم ١٤٠
یضاعف دوم ٢٦٣
فیضاعفہ دوم ٢٤٦
پنجاہ ہفتم ١١
یضاعف یازدہم ٢٢
یضاعف شصت وچہارم ١٧
یضاعفہا چہارم ٤٤
یضاعف بیست ونہم ٦
سی ستم ٣٠
استضعفوا ہفتم ١٣٩
یستضعف بیست وہشتم ٣
استضعفوا ہفتم ٧٣
بیست وہشتم ٤ سی وچہارم ٣٠
٣١ ٣٢
یستضعفون ہفتم ١٣٣
ضعفا ششم ٤٧
ضعف ہفتم ٦ ٣
الضعیف سی وچہارم ٣
ضعیف ہفتم ٧٧
ضعفین دوم ٤٧
سی سیم ٣٠ ٨
اضعافا دوم ٢٤٤
سیم ١٢٥
ضعف سی ام ٥٣
ضعفا سی ام ٥٣
ضعفاء چہارم ١٠
ضعفاء دوم ٢٨٢
چہارم ٧٨٢
یازدہم ٩٣
ضعفاء دوم ٢٦٨
الضعفاء چہارم ٢٤
چہل ٥٠
الضعفاء نہم ٩٢
اضعف ہفتادودوم ٢٥
واضعف نوزدہم ٧٥
المضعفون سی ام ٣٨
مضاعفۃ سیم ١٣٥
مستضعفون ششم ٢٦
مستضعفین چہارم ٩٩
المستضعفین چہارم ٧٥
والمستضعفون چہارم ١٠٠ ٧٧ ١٢٦
ضعف
ضعفا سی وششم ٣
اضعاث دوازدہم ٤٤

بیست ہشتم ٥
ضغن
اضغانکم چہل وہفتم ٣٧
اضغانہم چہل وہفتم ٢٩
ضفدع
والضفادع ہفتم ١٣٣
ضلل
ضللت ششم ٥٦
چہارم ٤٩
فضلوا ہفدہم ١٥
بیست ویکم ١٠
وضلوا پنجم ٨١
ضللنا سی ودوم ١٠
یضل دوم ٢٨٢
اضل سی وچہارم ٤٩
یضلون سی وششم ٢٥
الضلال دوم ٨٨
فضلوا چہارم ١٧٥ ٣٧
واضلوا چہل وہفتم ٩
اضلوا ہفتاویکم ٢٤
واضلوا پنجم ٨١
اضلنی چہارم ٩٣
اضلہم بیست ونہم ١٨
اضلنی بیست وپنجم ٣١
واضل چہل وپنجم ٢٢
اضللنا بیست وہشتم ٩٩
فاضلہم بیستم ٨٧
اضل ما چہل ویکم ٢٩
اضلونا ہفتم ٣٦
فاضلونا سی وسیم ٦٧
یضل چہاردہم ٤
یضل چہاردہم ٣٢
یضل ہفتم ٥
لیضل ششم ١٤٥
نہم ١٢٦ بیست ودوم ٩
سی ویکم ونہم ١١
یضل ہفتم ١٥٤
یضلون سیم ٦٢
چہارم ١١٣
لیضلون ششم ١١٩
یضلوا ہفتاد ویکم ٢٨
لیضلوا چہاردہم ٣٥
یضل بیست وسیم ٤
لیضلنا بیست وچہارم ٤٤
یضلل ششم ١٢٥
فضلک سی وسیم ٢٥
یضلہ چہارم ٦
یضلل ششم ٣٩
والمضلین چہارم ١١٨
یضلوکم سیم ٦٢
یضلونہ شانزدہم ٣٦
یضلون چہارم ١١٣

سیم ١١٦
ضلالا نوزدہم ٧
ضلالا چہارم ٦٣
سیم ١٦٥ ١٢٥ ١١٥ سی وسیم ٣ ہفتاد ودوم ٢٤
الضالون ششم ٤٤
شانزدہم ٣٢
الضالون سیم ٨٤
یازدہم ٥ پنجاہ وششم ١٤
سی ہفتم ٥٦
الضالین بیست ویکم ٧
ششم ٧٧ بیست ونہم ١٩
پنجاہ ششم ٩٣
الضلال دوم ٣٣
چہاردہم ٢١ بیست ودوم ١٩
والضلال سی وچہارم ٨
ضلال دوازدہم ٩٥
ضلالۃ ہفتم ٥٩
الضلالۃ ہفتم ٢٨
شانزدہم ٣٨
الضلالۃ نوزدہم ٧
الضلالۃ دوم ١٥ ٢٧
چہارم ٤٧
ضلالتہم بیست وسیم ٨٣
سی ام ٥٢
واضل پنجم ٧٣
بیست وپنجم ٣
ویضلل صد وپنجم ٢
فضل بیست ششم ١٤
فضل سی ونہم ٣٨
المضلین ہجدہم ٤٩
ضمم
واضمم بیستم ٢٣
بیست ششم ٣٢
ضمر
ضامر بیست ودوم ٢٨
ضنن
بضنین ہشتادویکم ٢٤
ضنک
ضنکا بیستم ١٢٣
ضھی
بضاھئون نہم ٣٠
ضوء
اضاء دوم ١٩
اضاءت دوم ١٦
بضیاء بیست وہشتم ٧١
ضیاء دہم ٥
وضیاء بیست ویکم ٤٩
ضیر بیست وششم ٥٠
ضیز

ضیزی پنجاہ وسیم ٢٢
ضاع
اضاعوا نوزدہم ٥٩
یضیع سیم ١٦٥ نہم
١٢١ یازدہم ١١٧
دوازدہم ٩٠
لیضیع دوم ١٤٣
اضیع سیم ١٩٥
یضیع ہفتم ١٦٩
دوازدہم ٥٦ ہجدہم ٣٠
ضیق
یضیق ہجدہم ٧٦
ضیقا یازدہم ٥١
پنجاہ ویکم ٢٤
ضیق یازدہم ١٢
ضیق پنجاہ وچہلم ٣٧
ضیف
وضیفی یازدہم ٧٨
بیست ونہم ٣٢
ضیف نہم ١١٩
وضیافۃ نہم ٢٥
یضیفوہما یازدہم ٩٢
وضیق بیست وششم ١٢
لیضیقوا شصت وپنجم ٦
ضیق شانزدہم ١٢٨
بیست وہفتم ٧٢
ضائق یازدہم ١٢
باب الطاء
طبع
طبع چہارم ١٥٤
ساشردہم ٣ چہل ہفتم
وطبع نہم ٩٤
یطبع ہفتم ٩٩
٩ چہل ٣٧
نطبع ہفتم ٧٥
وطبع ہفتم ٩٨
فطبع شصت وسیم ٣
وطبع نہم ٨٨
طبق
طبقا شصت وہفتم ٣
طبقا ہفتاد ویکم ١٥
طباقا ہشتاد وچہارم ١٩
ہفتادوہشتم ١٤
طحی
طحاہا نود ویکم ٦
طری
طریا شانزدہم ١٤
سی وپنجم ١٢
طرح
اطرحوہ دوازدہم ٩
طرد

اطردہم یازدہم ٣٢
بطارد ششم ٥٢
بطارد یازدہم ٣١
بیست وششم ١١٤
طرف
اطراف چہاردہم ٤٤
الطرف سی وہفتم ٤٧
ہشتم ٥٢ پنجاہ پنجم ٥
طرفک بیست وہفتم ٤٠
طرفہم چہاردہم ٤٤
طرفی سیم ١٢٢
طرفی یازدہم ١١٤
واطراف بیستم ١٣٠
اطرافہا سیزدہم ٤١
بیست وپنجم ٤٥
طرق
الطارق ہشتادوششم ٢
والطارق ہشتادوششم ١
طریق چہل وششم ٢٩
طریق چہارم ١٦٧
طریقا چہارم ١٦٦
بیستم ٧٩
الطریقۃ ہفتاد ودوم ١٦
طریقۃ بیستم ١٠٤
طرائق بیست وسیم ١٧
ہفتاد دوم ١١
بطریقتکم بیستم ٦٣
طسم بیست وششم ١
بیست وہشتم ١
طعم
طعموا پنجم ٩٣
طعمہ نوزدہم ٥٣
بطعمہ ششم ١٤٥
بطعمہا ششم ١٣٩
یطعم دوم ٢٥٠
اطعمہم سیزدہم ٤٧
اطعمہ صد ششم ٣
یطعمنی بیست وششم ٧٩
ویطعمون ہفتاد ششم ٨
یطعمون ہفتم ٩١
یطعم ہفتاد وچہارم ٤٥
اطعمہ سیزدہم ٤٢
یطعمنی بیست ششم ٧٩
یطعمون پنجاہ ویکم ٥٧
یطعمکم ہشتادششم ٩
ویطعموا بیست ودوم ٣٣
یطعم ششم ١٤
استطعما ہجدہم ٧٧
طعم چہل وہفتم ١٦
الطاعم ششم
طعام پنجم ٩٥

چہارم ٤٣
وطعام پنجم ٧
طعام دوازدہم ٣٢
شصت ونہم ٣
ہشتادوہشتم ٦
طعام دوم ١٨٠
نہم ٣٤ ہشتاد ونہم ١٩
صد ہفتم ٣
طعام دوم ٥٨ سی
سیم ٥٣
الطعام سیم ٨٥
طعام ہجدہم ١٨
وطعام ہفتادوسیم ١٣
الطعام پنجم ٧٩ بیست ویکم ٨ بیست وپنجم ٢٢٠٨
ہفتادوہشتم ٨
وطعام پنجم ٩٧
وطعام پنجم ٧
طعاما دوم ٢٦١
طعام ہشتادم ٢٤
الطعام پنجم ٩١
طعام پنجاہ ششم ٥
الطعام نود م ١٤
طعن
وطعنوا نہم ١٢
وطعنا چہارم ٤٨
طعنا فی بیستم ٢٥
٤٥ پنجاہ سیم ١٧
شصت نہم ١١ ہفتاد
نہم ١٧ ٢٧
طغوا ہشتاد نہم ١٠
طغی بیستم ٤٢
لطغی نود ششم ٦
تطغوا یازدہم ١١٤
بیستم ٨٣ پنجاہ پنجم ٢
اطغیتہ پنجاہ ہم ٢٦
طاغوت پنجاہ پنجم ٥٣
پنجاہ دوم ٣٢
الطاغین سی ہفتم ٤٩
شصت ششم ٣١
للطاغین سی ام ٥٥
ہفتاد ششم ٣٢
بالطاغیۃ شصت ونہم ٥
والطغیان پنجاہ سیم ٥٣
بطغواہا نود ویکم ١١
طغیانا پنجم ٦٤ ٦٠
طغیانہم ٦ ہجدہم
[illegible]

[illegible]

بالطاغوت دویم ٢٥٦
والطاغوت چهارم ٥١
الطاغوت پنجم ٦٠
شانزدهم ٣٦ سی نهم ١٧

طفق
المطففین هشتادوسیم ١

طفئ
اطفأها پنجم ٦٤
لیطفئوا نهم ٣٢
لیطفئوا شصت یکم ٨

طفق
فطفق سی هشتم ٣٣
وطفقا هفتم ٢٢ بیستم ١٢١

طفل
الطفل بیست چهارم ٣١
طفلا بیست دویم چهلم ٦٧
الاطفال بیست چهارم ٥٩

طل
فطل دویم ٢٦٥

طلب
طلبه هفتم ٥٤
طلبا هجدهم ٤١
الطالب بیست دویم ٧٣
والمطلوب بیست دویم ٧٣

طالوت
دویم ٢٤٧
طالوت دویم ٢٤٨

طلح
وطلح پنجاه ششم ٢٩

طلع
طلعت هجدهم ١٧
تطلع هجدهم ٩٠
لنطلع صدم ٧
اطلع نوزدهم ٧٨
فاطلع سی هفتم ٥٥
اطلعت هجدهم ١٨
طلع پنجم ١٤
صد چهارم ٧
اطلع بیستم ٣٨
فاطلع چهلم ٣٧
مطلع پنجاهم ١٠
طلعها بیست ششم ١٤٨
سی هفتم ٦٥
طلعها ششم ٩٩
طلوع بیستم ١٣٠
پنجاهم ٣٩
مطلع نود هفتم ٥
مطلع هجدهم ٩٠
مطلعون سی هفتم ٥٤

طلق
الطلاق دویم ٢٣٠
وللمطلقات دویم ٢٤١
المطلقات دویم ٢٢٨

المطلقون ششم ٥
المطففین دویم ٢٣٨
سی ششم ٤٨
فطفقوا شصت پنجم ١
وانطلقوا سی هشتم ٥
فانطلقا هجدهم ٧١ ٧٤ ٧٧
فانطلقوا شصت هشتم ٢٣
انطلقتم چهل هشتم ١٥
ینطلق بیست ششم ١٣
انطلقوا هفتاد هفتم ٢٩
الطلاق دویم ٢٢٩
الطلاق دویم ٢٢٧
والمطلقات دویم ٢٢٨
ولیطلقات دویم ٢٤١
طم
الطامة هفتاد نهم ٣٤
یطمثهن پنجاه پنجم ٥٦ ٧٤
فطمسنا پنجاه چهارم ٣٧
لطمسنا سی ششم ٦٦
نطمس چهارم ٤٧
فطمس دهم ٨٨
طمست هفتاد هفتم ٨
طمع
یطمع هفتاد چهارم ١٥
اطمع هفتادم ٣٨
فیطمع سی سیم ٣٢
اطمع بیست ششم ٨٢
یطمعون هفتم ٤٦
افتطمعون دویم ٧٥
نطمع پنجم ٨٤
ونطمع بیست ششم ٥١
وطمعا هفتم ٥٦
سیزدهم ١٢ سی ام ٢٤
سی دویم ١٦
طمعوا سیزدهم ٩٥
بیست ششم ٨٢ چهل
بیست ام ٤ چهل هفتم
طمان
اطمأن بیست دویم ١١
واطمأنوا دهم ٧
اطمأننتم چهارم ١٠٣
لیطمئن دویم ٢٦٠
تطمئن سیزدهم ٢٨
وتطمئن سیزدهم ١١٢
١٠
وتطمئن پنجم ١١٣
مطمئن شانزدهم ١٠٦
مطمئنین
هفدهم ٩٥
المطمئنة هشتاد
نهم ٢٧
مطمئنة شانزدهم ١١٢

طهر بلیسیم ١
طهر
یطهرن دویم ٢٢٢
وتطهر سیم ٣٢
تطهیر سیم ٤٥
لتطهرکم نهم ١١
ویطهرکم سی سیم ٣٣
تطهیر نهم ١٠٤
تطهروا هفتاد چهارم ٤
ونطهر بیست دویم ٢٦
اطهر دویم ١١٩
یتطهرن دویم ٢٢٢
یتطهرون هفتم ٨٢
بیست هفتم ٥٦
یتطهرون نهم ١٠٩
فاطهروا پنجم ٩
طهورا بیست پنجم ٥٠
هفتاد ششم ٢١
الطهر یازدهم ٨٠
سی سیم ٥٣
والطهر دویم ٢٣٢
پنجاه ششم ٣
تطهیرا سی سیم ٣٣
ومطهرة سیم ٤٨
مطهرة دویم ٢٥
سیم ١٣ چهارم ٥٧
مطهرة هشتادم ١٤
مطهرون نود هشتم ٢
المطهرین پنجاه ششم ٧٩
المطهرین دویم ٢٢٢
المطهرین نهم ١٠٩
کالطود بیست ششم ٦٣
طور
طور بیست سیم ٢٠
والطور نود پنجم ٢
الطور نوزدهم ٥٢
بیست ٨٢ بیست سیم ٤٩
٤٤
والطور پنجاه دویم ١
الطور دویم ٦٠
٨٧ چهارم ١٥٣
اطوارا هفتاد یکم ١٣
طوع
طوعت پنجم ٣٣
اطلع چهارم ٢
اطیعو بیست ششم ٣
المطاعون سی ٤٠
لطاعون چهل سیم ٥٤
المطوعین نهم ٧٩
المطوعین سیم ١٦٢
المطوعین چهارم ٣٨
المطوعین شصتم ١٢
ویطیعون نهم ٧٢

نطبع پنجاه نهم ١١
نطبع
نطمسکم چهل نهم ٧
نطمئن نود ششم ١٩
نطعمها بیست پنجم ٧ سی یکم ٢٤
نطعمون بیست چهارم ٣
نسطیعه پنجاه ششم ٢٨
والطعن سی سیم ٣٣
نطاع چهلم ١٩
لیطاع چهارم ٦٧
تطوع دویم ١٥٤ ١٨٠
استطاع سیم ٩١
استطعت ششم ٣٥
هجدهم
استطعنا یازدهم ٩٠
استطاعوا دویم ٢١٧
هجدهم ٩٦ سی ششم ٤٧
پنجاه یکم ٤٥
استطاعوا هجدهم ٩٦
استطعنا نهم ٤٢
یستطیع دویم ٢٨٢
پنجم ١١٢
یستطیع چهارم ٢٩
پنجاه ششم ٣٣
یستطیع هجدهم ٦٧
یستطیعون بیست پنجم ٢
یستطیعوا چهارم ١٣٨
طومها سی ٧٧ نهم ٥٣
سیزدهم ٣٨ چهل یکم ٢٠
طاعتهم چهارم ٨٣
بیست چهارم ٥٣ چهل نهم
طاوعین چهل یکم ١٠
مطاوع بیست یکم
المطوعین نهم ٨٠
طاف
نطاف شصت هشتم ١٩
یطوف پنجاه ششم ١٧
ویطوف پنجاه دویم ٢٤
هفتاد ششم ١٩
یطوفون پنجاه پنجم ٤٤
یطاف سی هفتم ٤٥
چهل سیم ٧١
ویطاف هفتاد ششم ١٥
یطوف دویم ١٥٨
یطوفوا بیست دویم ٢٩
ولیطوفوا بیست دویم ٢٩
الطوفان بیست هفتم ١٣
الطوفان هفتم ١٣٣
طوافون بیست چهارم ٥٨
للطائفین دویم ١٢٥
بیست دویم ٢٧
طائف ٤٥
وطائفة هفتم ١٤٦
هفتاد سیم ٢٠

طائفة سیم ٦٩
نهم ٦٧ بیست سیم ٣
طائفتان سیم ١٢٢
چهارم ٩
طائفتین ششم ١٥٧
الطائفتین ششم ٧
سنطوقون سیم ١٨٠
یطوقونه دویم ١٨٤
طائر دویم ٢٨٢ ٢٥٥
طال
طال بیست یکم ٤٤
طال پنجاه هفتم ١٦
فطال بیستم ٨٦
الطول نهم ٨٧ چهلم ٣
الطوال چهارم ٢٩
طولا هفدهم ٣٧
طولا هفتاد سیم ٧
هفتاد ششم ٢٦
طوی
نطوی بیست یکم ١٠٤
کطی بیست یکم ١٠٤
المطوی بیستم ١٢
هفتاد نهم ١٦
مطویات سی نهم ٦٧
طاب
طاب چهارم ٣
طبن چهارم ٣
طبتم سی نهم ٧٣
طاهر چهارم ٨٣
بیست چهارم ٢٦
طوبی سیزدهم ٢٩
طاوبین چهل یکم ١٠
الطیب پنجم ١٠٠
والطیب پنجم ٢١
الطیب سیم ١٧٩
٣٨ بیست دویم ٢٤
الطیب چهارم ٢
طیبا دویم ١٦٨
٩٠ پنجم ٩٠
شانزدهم ١١٥
والطیبون بیست چهارم ٢٦
للطیبین بیست چهارم ٢٦
طیبة سی چهارم ١٤
طیبه ٣ نهم ٢٢
چهاردهم ٢٩ شانزدهم ٩٧
بیست چهارم ٦١
طیبة سی چهارم ١٥
طیبات دویم ٥٧
طیبات دویم ٥٤
٢٦٧ ١٦٧
طیبات پنجم ٤
هفتم ٣٢ بیستم ٨١
الطیبات چهارم ١٦٠
والطیبات بیست چهارم ٢٦
والطیبات هفتم ٣٠

ظهرها پنجاه ششم ١٩
ظار
بظهره ششم ٣٨
ظهرنا سی ششم ١٧
الظهور هفتم ٤٨
بظهورها هفتم ١٢٨
بیست دویم ٣٢
والطیر بیست چهارم ٤١
طیر پنجاه ششم ٢١
والطیر سی هفتم ٢
طیرا سی هشتم ٣٩
صدم ٣
الطیر بیست هفتم
والطیر بیست یکم ٧٩
طائر شصتم ٣٨
طائرکم بیست ششم ٤٨
١٨
طائرهم هفتم ١٢٨
طائره هفدهم ١٤
مستطیرا هفتاد ششم ٧
طاف
طائف هفتم ٢٠١
شصت هشتم ١٩
الطین سیم ٤٩
٤٣ بیست ٣٨
طینا هفدهم ٦١
باب الظاء
ظعن
ظعنکم شانزدهم ٨٠
ظفر
اظفرکم چهل هشتم ٢٤
ظفر ششم ١٤٦
ظل
ظل شانزدهم ٥٨
چهل سیم ١٦
فظلت بیست ششم ٣
فظلوا پانزدهم ١٤
ظلت بیستم ٩٧
فظلتم پنجاه ششم ٦٥
فظل سی هفتم ٣١
ظلها هفتاد ششم ١٤
ظلا چهارم ٥٧
وظللنا دویم ٥٧
٥٤
هفتم ١٦٠
الظل سی پنجم
٢٠
الظلال هفتاد هفتم ٣٠
ظلال سی ششم ٥٦
الظلال بیست یکم ٤٨
ظلال چهارم ٦٠
الظلال بیست ششم ٤٢

باب الظاء و باب العین بعد الباء

ظلال سوره ۶ شتم ۵
هفتاد هفتم ۴۱
ظلالا شانزدهم ۸۱
ظلام سیزدهم ۳۵
ظلالا شانزدهم ۵۰
ظلا ظلا هفتاد و شتم ۱۴
و ظلالهم سیزدهم ۱۵
ظلم هفتم ۱۷۰
الظلم بیست و شتم ۱۸۹
ظلم سی و نهم ۱۸
ظلم دوم ۲۰۶
کالظلل سی و یکم ۳۱
ظلیل هفتاد هفتم ۳۱
ظلیلا چهارم ۶۰

ظلم

ظلم دوم ۲۳۱
بیست هفتم ۱۱
ظلمت دهم ۵۵
ظلمت بیست هفتم ۴۵
بیست و شتم ۱۵
ظلموا هفتم ۱۰۱
و ظلموا چهارم ۱۶۴
سی و چهارم ۱۸
ظلموا دوم ۵۹
ظلموا هفتم ۲۲
ظلمک هشتم ۲۴
ظلم نهم شانزدهم ۳۵
ظلموا دوم ۵۴ هفتم ۶
ظلمهم یازدهم ۱۰۳
شانزدهم ۱۱۹
ظلم چهارم ۴۴
هجدهم ۴۷
ظلم چهارم ۱۴۸ بیست و نهم
ظلم هجدهم ۳۱
ظلمونا دوم ۲۹
ظلموا نهم ۳۶
لظلمهم نهم ۷۱ بیست هشتم
و سی ام ۹
ظلم چهارم ۱۴۷
ظلموا شانزدهم ۴۳
بیست و دوم ۴۴
ظلم بیست هشتم
شتم ۵۴
ظلمون دوم ۲۷۴
۲۷۹ چهارم ۷۹
الظلم دوم ۱۹
ظلم سی و یکم ۱۲
الظلم ششم ۱۳
یازدهم ۱۱۹
ظلم چهارم ۱۸۵
ظلم ۱۱۱ چهارم

بیست هفتم ۱۱۰ بیست و پنجم ۵
بیست هفتم ۱۴ چهل ۳۳
و ظلمنا چهارم ۳۴
ظلمهم ۴۳ چهل و دوم
۳۹
ظلمهم سیزدهم ۷
ظلمهم چهارم ۱۵۲
شانزدهم ۶۳
الظالم هجدهم ۳۳ سی و یکم
و ظلما سی و پنجم ۱۱۳
الظالم بیست و پنجم ۲۹
الظالم چهارم ۷۷
الظالمون دوازدهم ۷۹
و الظالمون چهل و دوم ۸
الظالمین یازدهم ۷۸
بالظالمین دوم ۸۹
۲۴۲ شتم ۵۱
شصت و دوم ۷
الظالمین دوم ۲۷۳
سی ۱۸۹
و الظالمین هفتاد و شتم
الظالم چهارم ۹۹ شانزدهم
الظالم یازدهم ۱۰۴
بیست و دوم ۴۷
الظالم بیست و یکم
ظلمت دوم ۱۸ بیست
الظالمات سیزدهم ۱۲
سی و پنجم ۴۰
الظلمات ششم ۵۹
ظلمات سی و نهم ۶
ظلمات بیست و چهارم ۴۰
ظلمات سی و نهم ۳۲
ظلموا سی و هفتم ۱۷۸
بیست و دوم ۱۲
ظلامی
۲۸
ظلام بیست و سیزدهم ۵۳
مظلوما هفدهم ۵۳
مظلوم ۲۸
مظلومین سی و شتم ۳۷

ظما

تظما بیستم ۱۱۷
ظما نهم ۱۲۲
الظمآن بیست و چهارم ۹
ظن
ظن دوازدهم ۴۲
بیست و چهارم ۱۲
چهارم ۱۴
ظنی بیست و یکم ۸۷
و ظن دهم ۲۵
۲۳ هفتاد و پنجم ۲۸

ظننت شصت و نهم ۲۰
ظننا دوم ۲۳۰
ظننا هفتاد دوم ۷
ظنهم هجدهم ۵۱
ظننتم چهل و یکم ۲۲
چهارم ۱۲ پنجاه و نهم ۲
هفتاد و دوم ۷
و ظننتم چهل و شتم ۱۲
ظننا هفتاد و دوم ۵
ظن بیست و دوم ۱۵
هشتاد و سی ۴
ظن هفتاد و پنج ۲۵
ظن هجدهم ۴۳
چهل و یکم ۵۰
یظنون دوم ۴۶
۲۵۰ سی ۴۸
و یظنون هفتم ۵۴
سی ۱۰
ظن چهل و نهم ۱۲
ظن چهل و نهم ۱۲
لا ظنک هفدهم ۱۰۲
لا ظنک بیست ۳۸
۳۹ چهل
ظنک بیست و شتم
ظنک هفتم ۴۴
ظنکم یازدهم ۲۹
ظن دوم ۲۶
الظن چهارم ۱۵۶
ظن نهم ۱۲
ظن سی ۱۴۸
چهارم ۱۲۶
الظن ششم ۱۱۶
دهم ۲۳
سی ۲۳
ظنکم سی و نهم ۸۵
چهل و یکم ۲۲
ظن سی و چهارم ۱۹
الظنونا سی و سوم ۱۰
الظانین چهل و شتم

ظهر

ظهر سی ۱۵ هفتم ۳۱
بیست و چهارم ۳ سی ام ۴۱
و ظهر نهم ۴۸
ظهورن چهل و سوم ۳
ظهورها نهم ۸ هجدهم
بیست و چهارم ۳۱
ظهوره هجدهم ۶
ظهار سی و نهم ۹
ظاهر و سی و دوم
ظاهرین پنجاه و یکم
ظاهر چهل و پنجم
ظاهرکم شصت و ششم
و ظاهر شصت و شتم

ظهر هفتاد و دوم ۲
ظهر چهل ۲۷
ظهر و سی ۱۷
ظهر نهم ۲۳ چهل
سی ۲۸ شصت و یکم ۹
تظاهرا بیست و ششم ۴۸
شصت و ششم ۴
تظاهرون دوم ۷۹
ظهر چهل و دوم ۳۱
هشتاد و چهارم ۱۰
ظهرها سی و پنجم ۴۴
ظهر نوزدهم ۳
ظهور هفتاد و شتم ۳۹
ظهورها ششم ۱۴۲
و ظهورهم نهم ۳۵
ظهوره چهل و سوم ۱۲
ظهورها دوم ۱۸۵
ظهورکم ششم ۱۹۴
ظهورهم دوم ۹۵
سی ۱۸۴ شتم ۳۱
سی ۱۷۱ بیست و یکم
و الظاهر پنجاه هفتم ۳
ظاهر سیزدهم ۳۳
ظاهر ششم ۱۲۰
ظاهرا هجدهم ۲۹
ظاهرین چهل ۳۰
بیست و یکم ۱۴
و ظاهره پنجاه و هفتم ۱۳
ظاهره سی و یکم ۱۹
چهارم ۱۷
ظهیر شصت و ششم ۴
ظهیرا سی و چهارم ۲۱
ظهیرا هفدهم ۹۰
بیست و پنجم ۵۷
هشتم ۱۶
ظهیرا بیست و هشتم ۵۷
ظهیرا یازدهم ۹۴

باب العین بعد الباء

عباء
بعبوء بیست و یکم ۷۷
عبث
تعبثون بیست و ششم ۱۲۸
عبثا بیست و سوم ۱۱۷
عبد
و عبد بیست هفتم ۶۵
عبدتم صد و نهم ۴
عبدنا شانزدهم ۳۲
عبد نام چهارم ۱۹
نعبد نوزدهم ۴۵
نعبد هفتاد و سوم ۴۳
نعبد پنجم ۲۳

لنعبد و اسی ام ۳۱
نود هشتم ۴
فلنعبدوا صد و ششم ۳
انعبدون بیست و نهم ۸۰
سی و هفتم ۹۳
انعبدون بیست و یکم ۶۷
نعبد اول ۴ دوم ۱۲
بیست و ششم ۷۱
نعبد سی ام ۵۲ یازدهم
چهارم ۳۸
لنعبد هفتم ۸۶
نعبد بیست و چهارم ۵
نعبد پنجاه و یکم ۵
نعبد و طاسی و نهم ۱۹
نعبد سی و نهم ۴
اعبد سی و نهم ۶۲
و اعبد یازدهم ۹۹
اعبدوا سی و نهم ۱۷
و اعبدوا چهارم ۴۰
بیست و دوم ۷۶
پنجاه سیم ۶۲
فاعبدنی بیستم ۱۴
فاعبد یازدهم ۱۲۳
نوزدهم ۶
اعبدونی بیست و نهم ۱۰
فاعبدونی بیست و یکم ۲۵
۹۲ بیست نهم ۵۶
و اعبدوا نهم ۱۶
یعبدون چهل سیم ۴۴
عبد بیست و یکم ۲۱
العبد نوزدهم ۳۱
هفتاد و دوم ۱۹
عبد چهل سیم ۵۹
و لعبد دوم ۲۲۰
العبد سی و شتم ۹
و العبد دوم ۱۲۳
عبد سی و چهارم ۹
پنجاهم ۸
بالعبد دوم ۱۷۳
عبد بیست و ششم ۱۰
عباد چهل سیم ۱۸
عباد هفتاد و شتم ۶
و عباد بیست و یکم ۶۳
عباد هفتم ۱۹۳
بیست و یکم ۲۶
عباد سی ۱۲ ۱۸۰
۱۹
الکبار شتم ۲۹
چهارم ۵ بالعبادی
سیم ۱۳ ۱۹ ۲۸
للعباد چهل و ۳ پنجاهم

عباد چهل سیم ۷۳ هجدهم
عبد چهارم ۱ بیست و یکم
پنجاه سیم ۱۰ پنجاه و هفتم ۹
عبد هجدهم ۱
عبد دوم ۲۱ شتم ۲
عبد نوزدهم ۳۰ سی و نهم ۳۲
عبد سی و شتم ۶ ۴۰
پنجاه چهارم ۹
عباد بیست و یکم ۱۱۸
عبادی بیستم ۷۹ بیست
شتم ۲ چهل و چهارم ۳
العباد چهارم ۴۳
هفدهم ۵۵
عباد چهارم ۱۱۸
بیست شتم ۱۹ سی و نهم ۴۷
پنجاه هفتم ۳۲
۹۸ سی و یکم ۲۸ ۲۵
چهل و دوم ۱۸ ۲۶
العباد هفتم ۳۰ سی
نهم ۹ چهل و دوم ۴۶
العبادی سی و نهم ۱۲۱
عبادکم بیست و چهارم ۳۲
عباد یازدهم ۴۰
سی شتم ۸۴ هفتاد
عباد نوزدهم ۶۲ سی
نهم ۱ چهل و دوم ۲۲
عباد سی و ششم ۴۵
عابد صدم ۴
عابدون دوم ۱۳۲
بیست ۴۹ صدم
۵۰۳
العابدون نهم ۱۱۳
عابدین بیست و یکم ۵
۱۰۶ ۷۳
العابدین چهل و سوم ۸۱
للعابدین بیست و یکم ۸۴
عابدات شصت و ششم ۵
عباده هجدهم ۱۱۰
عباده چهل و ۲ ۶۲
عباد بیست و چهارم ۱۷۱
هفتم ۲۰۵ بیست و یکم ۱۹
لعباده نوزدهم ۶۶
عباده هجدهم ۳۰
عباده نوزدهم ۸۵
چهل و ششم ۵

عبر

تعبرون دوازدهم ۴۳
فاعتبروا پنجاه و نهم ۲
عابری چهل ۴۶
عبره دوازدهم ۱۱۱
عبس
عبس هفتاد و چهارم ۲۲

هشتاد م ۱
عبوسا هفتاد ششم ۱۰
وعبقری پنجاه پنجم ۷۶

عتب

یستعتبوا چهل یکم ۲۴
یستعتبون شانزدهم ۸۴
سی ام ۵۷ چهل پنجم ۳۴
المعتبین چهل یکم ۲۴

عتد

واعتدت دوازدهم ۳۱
عتید پنجاهم ۱۷ ۲۲

عتق

العتیق بیست دوم ۳۳ ۲۹

عتل

فاعتلوه چهل چهارم ۴۷
عتل شصت هشتم ۱۳

عتا

عتت شصت پنجم ۸
عتوا هفتم ۶۶ ۱
فتعوا پنجاه یکم ۴۴
وعتوا هفتم ۷۵
بیست پنجم ۲۱
عتو شصت هفتم ۲۱
عتوا بیست پنجم ۲۱
عتیا نوزدهم ۹ ۷۰
عاتیة شصت نهم ۶

عثر

عثر پنجم ۱۰۶
اعثرنا هجدهم ۲۰

عثا

تعثوا دوم ۶۰ ۵۷ هفتم ۷۴
یازدهم ۸۵ بیست ششم ۱۸۳
بیست نهم ۳۶

عجب

عجبت سی هفتم ۱۲
عجبوا پنجاهم ۲
وعجبوا سی هشتم ۴
او عجبتم هفتم ۶۳ ۶۹
تعجبی سیزدهم ۵
اعجبتکم نهم ۲۵
یعجبون پنجاه سیم ۵۹
اعجب پنجاه هفتم ۱۹
اعجبکم ۱۰۰ سی سیم ۵
اعجبکم دوم ۲۲۱
اعجبتکم دوم ۲۲۰
نهم ۲۵
تعجب چهل هشتم ۱۹
یعجبک دوم ۲۰۰
یعجبک شصت سیم ۴
تعجبک نهم ۵۵ ۸۵
تعجب سیزدهم ۵
عجبا دهم ۲۴ هجدهم ۸

عجاب سی هشتم ۴
عجیب یازدهم ۷۲ پنجاهم ۲

عجز

اعجزت پنجم ۳۴
بمعجزین هشتم ۱ ۶
بمعجز هفتاد دوم ۱۲
لیعجزه سی پنجم ۴۴
بمعجزه هفتاد دوم ۱۲
عجوز یازدهم ۷۵
پنجاه یکم ۲۹
عجوزا بیست ششم ۱۷۱
سی هفتم ۱۳۵
اعجاز پنجاه چهارم ۲۰
شصت نهم ۷
معاجزین بیست دوم ۵۱
سی چهارم ۵
بمعجزین چهل ششم ۳۱
معجزین یازدهم ۲۲
بیست چهارم ۵۷
بمعجزی نهم ۲

عجف

عجاف دوازدهم ۴۳ ۴۶

عجل

وعجلت بیستم ۸۴
اعجلتم هفتم ۱۵۰
یعجل نوزدهم ۷۸ بیستم ۱۱۴
لتعجل هفتاد پنجم ۱۶
یعجل چهل ششم ۲۵
لعجل هجدهم ۵۸
عجلنا هفدهم ۱۸
یعجل دهم ۱۱
عجل سی ششم ۱۵
اعجلک بیستم ۸۳
یعجل دوم ۲۰۳
استعجله چهل ششم ۲۴
یستعجلون هجدهم ۵۸ ۱۷ چهارم
تستعجله چهل ششم ۲۴
یستعجلون بیست ششم ۲۰۴
سی هفتم ۱۷۶
تستعجلون ششم ۵۷
۵۸ دهم ۵۰ ۵۱ بیست
هفتم ۴۷ ۷۲
پنجاه یکم ۱۴
یستعجلون پنجاه یکم ۵۹
یستعجلونک بیست ۶
ویستعجلونک سیزدهم ۶
بیست دوم ۴۷
بیست نهم ۵۳
کستعجلونه بیست هفتم ۴۶
تستعجلوه شانزدهم ۱
عجل یازدهم ۷۲
پنجاه یکم ۲۶

عجل هفتم ۱۴۸ بیستم ۸۸
العجل دوم ۵۱ ۵۴
۹۲ ۸۷ چهارم ۱۵۲
هفتم ۱۵۱
بعجل بیست یکم ۴۸
العاجلة هفدهم ۱۹
هفتاد پنجم ۲۰ هفتاد ششم ۲۷
عجولا هفدهم ۱۱
استعجالهم دهم ۱۱

عجم

الاعجمین بیست ششم ۱۹۸
اعجمی شانزدهم ۱۰۳
اعجمی چهل یکم ۴۴
اعجمیا چهل یکم ۴۴

عد

نعدهم نوزدهم ۸۴
تعدونه بیست دوم ۴۷
سوره ۴
نعد چهاردهم ۳۷
شانزدهم ۱۸
نعدهم نوزدهم ۸۴
نعدهم ششم ۶۲
وعدده صد چهارم ۲
واعد چهارم ۹۵ نهم
۱۰۱ سی سیم ۳۰ ۳۳
۵۷ ۶۴ چهل هشتم ۶
لا تعدوا نهم ۴۶
واعدوا هشتم ۶۰
اعدت دوم ۲۴ سیم
۱۲۴ ۱۲۷ پنجاه هفتم ۲۱
تعدونها سی سیم ۴۸
عدد نوزدهم ۹۴ ۸۷
العادین سیم ۱۱۵
عدد دهم هجدهم
۱۳ بیستم ۱۱۴
عدد هجدهم اعداد
دوم ۲۵ : ۲۸
فعدة دوم ۱۸۴ ۱۸۵
وعدة سی سیم ۴۸
عدة نهم ۳۶ ۳۷
العدة دوم ۱۸۱
شصت پنجم ۱
نعدتهن شصت پنجم ۴
بعیک تهم هجدهم ۲۱
لعدتهن شصت پنجم ۱
وعدتهم هفتاد چهارم ۳۱
عدة نهم ۴۶
معدودات دوم ۲۰۳
معدودات یازدهم ۱۱
دوازدهم ۲۰
معدودة دوم ۷۴
معدودات دوم ۱۸۴

---

۱۹۹ سیم ۲۳

عدس

وعدسها دوم ۵۸

عدل

فعدلک هشتاد دوم ۷
تعدل ششم ۶۹
لا تعدل چهل دوم ۱۴
یعدلون ششم ۱۵۰
هفتم ۱۵۹ ۱۸۰
بیست هفتم ۶۰
تعدلوا چهارم ۳ ۱۲۸
۳۴ پنجم ۱۱
اعدلوا پنجم ۱۱
فاعدلوا ششم ۱۵۳
عدل پنجم ۹۶
عدل دوم ۱۲۳ ۴۸
عدل پنجم ۹۶
۱۰۵ ششم ۶۹
شصت پنجم ۲
بالعدل دوم ۲۸۲
چهارم ۵۸ شانزدهم ۹۰
۴۲ چهل نهم ۹
وعدلا ششم ۱۱۵

عدا

تعد هجدهم ۲۷
یعدون هفتم ۱۶۳
تعدوا چهارم ۱۵۴
عادیهم شصتم ۷
یعد دوم ۲۲۹
شعب پنجم ۱
ویتعد چهارم ۱۸
اعتدی دوم ۱۷۴
۱۹۰ پنجم ۹۵
اعتدوا دوم ۶۱
اعتدینا پنجم ۱۰۶
یعتدون دوم ۸۵
سیم ۱۰۸ پنجم ۲ ۸۲
تعتدوا دوم ۱۸۶
پنجم ۳ ۸۹
لتعتدوا دوم ۲۳۱
تعتدوها دوم ۲۲۹
فاعتدوا دوم ۱۹۰
عدوا ششم ۱۰۸
وعدوا دهم ۹۰
عادون بیست ششم ۱۶۶
العادون بیست سیم ۷
هفتادم ۳۱
وعدو بیستم ۳۹
العدو شصت سیم ۴
عدو چهارم ۹۲
نهم ۱۲۱
عدو هشتم ۶۲
اعداء چهل یکم ۱۸

اعداء چهل یکم ۲۸
اعداء سیم ۸ چهل
ششم ۵ شصتم ۲
الاعداء هفتم ۱۴۹
عدوه بیستم ۱۲۳
عدو کم بیستم ۸۲
عدوهم شصت یکم ۱۴
عدو شصتم ۱
عدو کم هفتم ۱۲۶
وعدو کم هشتم ۶۳
شصتم ۱
باعدائکم چهارم ۴۷
بالعدوة هشتم ۴۲
عداوة چهل یکم ۳۴
العداوة شصتم ۴
عداوة پنجم ۸۵
العداوة پنجم ۹۱ ۶۷
۹۳
والعادیات صدم ۱
والعدوان دوم ۷۹
پنجم ۷۰ ۳ پنجاه
هشتم ۹ ۱۰۰
عدوان دوم ۱۹۳
عدوانا چهارم ۳۴
متعد ۲۴ شصتم
۱۲ هشتاد سیم ۱۲
المعتدین نهم ۱۰
المعتدین دوم ۱۸
نهم ۹ هفتم ۵۵ دوم
بالمعتدین ششم ۱۱۹

عذب

وعذب نهم ۲۶
لعذبنا چهل هشتم ۲۵
لعذبهم پنجاه نهم ۳
وعذبناها شصت پنجم ۸
یعذب پنجم ۴۴ بیست
نهم ۲ هشتاد نهم ۲۵
ویعذب دوم ۲۸۴
سیم ۱۲۸ پنجم ۲۱
لیعذب سی سیم ۷۳
ویعذب سی سیم ۲۴
چهل هشتم ۶
تعذب هجدهم ۸۵
تعذب نهم ۶۷
فیعذبه هجدهم ۸۶
هشتاد هشتم ۲۴
یعذبهم چهل هشتم ۱۷
یعذبنا پنجاه هشتم ۹
یعذبکم پنجم ۲۱
یعذبهم نهم ۳۹
هفدهم ۵۶ چهل
یعذبهم نهم ۱۰۲

یعذبهم چهارم ۱۷۲
یعذبکم سیم ۱۲۳
هشتم ۳۴ نهم ۸۶
لیعذبهم هشتم ۳۳
نهم ۵۵
یعذبهم نهم ۱۴ ۷۵
نعذبهم پنجم ۱۱۸ بیستم ۴۹
اعذبه پنجم ۱۱۵
فاعذبهم سیم ۴۹
لا اعذبه بیست هفتم ۲۱
نعذبه هجدهم ۸۰
سنعذبهم نهم ۱۰۲
عذب بیست پنجم ۵۵
سی پنجم ۱۳ ۱۲۴
تعذاب ششم ۴۹ ۱۲۴
دهم ۴
بعذاب بیست ۲۸
کعذاب بیست ۹
تعذاب بی هشتم ۴۰
وعذابا هفتاد سیم ۱۳
والعذاب دوم ۱۷۰
عذابه دهم ۵۱
عذابها سی پنجم ۳۳
افبعذابنا بیست ششم ۲۰۴
سی هفتم ۱۷۶
بعذابکم چهارم ۱۴۷
عذابه هفدهم ۵۹
هشتاد نهم ۲۵
عذابها بیست پنجم ۶۶
عذابها بیست چهارم ۲
معذبین هفدهم ۱۶
معذبهم هشتم ۳۴ ۱۶
معذبهم هشتم ۳۳
معذبوها هفدهم ۶
بمعذبین بیست ششم ۱۳۸
سی چهارم ۳۳ ۵۷ سی هفتم
المعذبین بیست ششم ۲۱۳

عذر

یعتذرون نهم ۹۵
معذرتهم هفتاد هفتم ۳۶
تعتذروا نهم ۶۷
۹۵ شصت ششم ۷
عذرا هجدهم ۷۵
هفتاد هفتم ۶
المعذرون نهم ۹۱
معذرة هفتم ۱۶۴
معاذیرهم سی ام
۵۷ چهل ۵۵
معاذیره هفتاد پنجم
۱۵

عشر

معشر چهل هشتم ۲۵
والمعشر بیست دوم ۳۷

عرب
عُرُبًا پنجاه ششم ۳۶
عربيٍّ شانزدهم ۱۰۵
وعربيٌّ چهل یکم ۴۴
عربيٍّ بیست ششم ۱۹۵
الاعراب نهم ۹۸
چهل نهم ۱۴
عرج
یعرج سی دوم ۴ سے
چهارم ۴ پنجاه هفتم ۴
یعرجون پانزدهم ۱۴
الاعرج بیست چهارم ۶۱ ، چهل هشتم ۱۷
المعارج هفتادم ۳
تعرج چهل سوم ۳۳
عرجن
کالعرجون سی ششم ۳۹
عرش
یعرشون هفتم ۱۳۷
شانزدهم ۶۸
عرش بیست هفتم ۲۳
عرش شصت نهم ۱۷
العرش چهل ۷
عرشک بیست هفتم ۴۲
عرشه یازدهم ۷
بعرشها بیست هفتم ۳۸
عرشها بیست هفتم ۴۱
عروشها دوم ۲۵۹
هجدهم ۴۲ بیست دوم ۴۵
معروشات ششم ۱۴۱
عرض
عرضنا سی سوم ۷۲
وعرضنا هجدهم ۱۰۰
عرضهم دوم ۳۱
عرض سی هشتم ۳۱
وعرضوا هجدهم ۴۸
عرضتم دوم ۲۳۵
فاعرض هجدهم ۵۷
چهل یکم ۴
واعرض شصت ششم ۳
اعرضوا بیست هشتم ۵۵
چهل یکم ۱۳ چهل دوم ۴۸
فاعرضوا سی چهارم ۱۶
اعرضتم هفدهم ۶۷
یعرض هفتاد دوم ۱۷
تعرض پنجم ۴۲
تعرضن هفدهم ۲۸
یعرضوا پنجاه چهارم ۲
تعرضوا چهارم ۱۳۵
لتعرضوا نهم ۹۵
اعرض پنجم ۴۲
یازدهم ۷۶ دوازدهم ۲۹

فاعرض چهار محمد ۸۳
ششم ۶۸ سی دوم ۳
پنجاه سوم ۳۰
واعرض ششم ۱۰۶
هفتم ۱۹۹ پانزدهم ۹۴
فاعرضوا چهارم ۶۳ ۸۱ ۹۴
یعرض چهل ششم ۲۰ ۳۴
یعرضون پانزدهم ۲۱
چهل ۴۶ چهل دوم ۴۵
یعرضون شصت نهم ۱۸
کعرض پنجاه هفتم ۲۱
عرضنا هجدهم ۱۰۰
عرضها سوم ۱۳۳
پنجاه هفتم ۲۱
عرض هفتم ۱۶۸
عرض چهارم ۹۴ هشتم ۶۷
۱۶۸ هشتم ۶۸
بیست چهارم ۳۳
عرضنا نهم ۴۲
عریض چهل یکم ۵۱
عارض چهل ششم ۲۴
عارضا چهل ششم ۲۴
عرضة دوم ۲۲۴
اعراضا چهارم ۱۲۷
اعراضهم ششم ۳۵
عرف
عرفوا دوم ۸۹ پنجم ۸۳
تعرفهم دوازدهم ۵۸
فلعرفتهم چهل هفتم ۳۰
اعرف بیست دوم ۷۱
هشتاد سوم ۲۴
یعرفون دوم ۱۴۶ ششم ۲۰
هفتم ۴۶ شانزدهم ۸۳
یعرفوا بیست سوم ۶۹
تعرفهم دوم ۲۷۳
ولتعرفنهم چهل هفتم ۳۰
یعرفونه دوم ۱۴۶
ششم ۲۰
یعرفونها دوازدهم ۶۲
یعرفونهم هفتم ۴۶
فعرفهم دوازدهم ۵۸
یعرف پنجاه پنجم ۴۱
تعرفون سی ستم ۵۹
عرف شصت ششم ۳
عرفها چهل هفتم ۶
یتعارفون دهم ۴۵
لتعارفوا چهل نهم ۱۳
اعترفوا نهم ۱۰۲
فاعترفنا شصت هفتم ۱۱
فاعترفنا چهلم ۱۱
بالعرف هفتم ۱۹۹

عرفا هفتادم هفتم ۱
الاعراف هفتم ۴۶ ، ۴۸
عرفات دوم ۱۹۸
معروف دوم ۲۶۳
چهل هفتم ۲۱
معروف دوم ۲۴۱
چهارم ۱۱۴ شصتم ۱۲
بمعروف دوم ۲۲۹
۲۳۱ شصت پنجم ۲ ، ۶
المعروف نهم ۶۸
معروفا دوم ۲۳۵
چهارم ۵ ، ۸ سی سوم ۶
سی سوم ۶ ، ۳۲
معروفة بیست چهارم ۵۳
عرم
العرم سی چهارم ۱۶
عرا
اعتراك یازدهم ۵۴
بالعروة دوم ۲۵۶
سی یکم ۲۲
عری
بالعراء سی هفتم ۱۴۵
شصت هشتم ۴۹
عزز
وعزنی سی هشتم ۲۳
فعززنا سی ششم ۱۴
تعز سوم ۲۶
عزا نوزدهم ۸۱
العزة دوم ۲۰۶ سے
پنجم ۵۴ شصت سوم ۸
تعززوه چهل هشتم ۹
العزة سی هشتم ۱۸۰
عزة سی هشتم ۲
العزة چهارم ۱۳۹
دهم ۶۵ سی پنجم ۱۰
فبعزتك سی هشتم ۸۲
عزیز پنجاه چهارم ۴۲
تعزیز یازدهم ۹۱
چهاردهم ۴۷ سی پنجم ۱۷
سی نهم ۳۷
اعز پازدهم ۹۲
واعز هجدهم ۳۴
الاعز شصت سوم ۸
اعزة پنجم ۵۴
اعزة بیست هفتم ۳۴
والعزى پنجاه سوم ۱۹
عزب
یعزب دهم ۶۱ سی چهارم ۳
عزر
وعزرتموهم پنجم ۱۲
وعزروه هفتم ۱۵۷
وتعزروه چهل هشتم ۹

وامر عزره چهل دوم ۴۳
العزم سوم ۱۸۶
عزل
عزلت سی سوم ۵۱
اعتزلهم نوزدهم ۴۹
اعتزلوكم چهارم ۹۰
اعتزلتموهم هجدهم ۱۶
واعتزلكم نوزدهم ۴۸
تعتزلون چهارم ۹۳
فاعتزلوا دوم ۲۲۲
فاعتزلون چهل چهارم ۲۱
لمعزولون بیست ششم ۲۱۲
معزل یازدهم ۴۲
عزم
عزم چهل هشتم ۲۳
عزمت سوم ۱۵۹
عزموا دوم ۲۲۷
تعزموا دوم ۲۳۵
عزمت سوم ۱۵۹
عزم سوم ۱۸۶
یکم ۴۳ چهل دوم ۴۱
العزم چهل ششم ۳۵
عزما بیستم ۱۱۵
عزی
عزین هفتادم ۳۷
عسر
تعاسرتم شصت پنجم ۶
عسیر شصت نهم ۷
العسر نود چهارم ۵ ، ۶
عسرا هجدهم ۷۲
العسر دوم ۱۸۵
عسر پنجاه چهارم ۸
عسرة دوم ۲۸۰
العسرة نهم ۱۱۷
عسیر هفتادم چهارم ۹
عسیر هفتاد چهارم ۲۸
للعسرى نود دوم ۱۰
عسعس
عسعس هشتاد یکم ۱۷
عسق چهل دوم ۱
عسل
عسل چهل هفتم ۱۷
عسی
فعسى چهارم ۱۹ پنجم
۵۷ نهم ۱۸ هجدهم ۲۴
بیست هشتم ۲۲
وعسى دوم ۲۱۶
عسیتم دوم ۲۴۶
چهل هفتم ۲۲
عشر
عشر ششم ۱۶۰
بعشر یازدهم ۱۳
عشر هشتاد نهم ۲

بعشر هفتم ۱۴۲
عشرا بیستم ۱۰۳
بیستم ۱۰۴
وعشرا دوم ۲۳۴
عشر بیستم ۱۰۳ نهم ۳۶
دوازدهم ۴ هفتاد
چهارم ۳
عشرة دوم ۱۹۶
عشرة پنجم ۸۹
عشرة دوم ۶۰ هفتم ۱۶۰
عشرون هشتم ۶۵
وعاشروهن چهارم ۱۹
العشیر بیست دوم ۱۳
وعشیرتكم نهم ۲۴
عشیرتك بیست ششم ۲۱۴
عشیرتهم پنجاه هشتم ۲۲
العشار هشتاد یکم ۴
معشر ششم ۱۲۸
۱۳۰ پنجاه پنجم ۳۳
معشار سی چهارم ۴۵
عشی
یعش چهل سوم ۳۶
العشاء بیست چهارم ۵۸
عشاء دوازدهم ۱۶
بالعشی سوم ۴۱ ششم ۵۲
۱۸ ، ۳۰ چهل ۵۵
والعشی سی هشتم ۱۸
هجدهم ۲۸
وعشیا نوزدهم ۱۱ ، ۶۲
سی ام ۱۷ چهلم ۴۶
عشیة هفتاد نهم ۴۶
عصب
عصبة دوازدهم ۸ ، ۱۴
بیست چهارم ۱۱
بالعصبة بیست هشتم ۷۶
عصیب یازدهم ۷۷
عصر
اعصر دوازدهم ۳۶
یعصرون دوازدهم ۴۹
والعصر صد سوم ۱
اعصار دوم ۲۶۶
المعصرات هفتاد هشتم ۱۴
عصف
کعصف صد پنجم ۵
العصف پنجاه پنجم ۱۲
عاصفا هفتاد هفتم ۲
عاصف دهم ۲۲
عاصف چهاردهم ۱۸
عاصفة بیست یکم ۸۱
والعاصفات هفتاد هفتم ۲
عصم
یعصمنی یازدهم ۴۳

بعصمكم بیست یکم
یعصمك پنجم ۶۷
واعتصموا چهارم
۱۴۵ ، ۱۴۶
یعتصم سوم ۱۰۱
فاعتصموا سوم ۱۰۳
بیست دوم ۷۸
فاستعصم دوازدهم ۳۲
عاصم دهم ۲۷ چهلم ۳۳
العاصم یازدهم ۴۳
بعصم شصتم ۱۰
عصا
بعصاك دوم ۶۰
هفتم ۱۶۰ بیست ششم ۶۳
عصای بیستم ۱۸
عصاك هفتم ۱۱۷
بیست هفتم ۱۰ بیست هشتم ۳۱
عصاه هفتم ۱۰۷
بیست ششم ۳۲ ، ۴۵
وعصیهم بیستم ۶۶
وعصیهم بیست ششم ۴۴
عصی
عصی هفتاد سوم ۱۶
وعصى بیستم ۱۲۱
هفتاد نهم ۲۱
عصیت ششم ۱۵
اعصیت بیستم ۹۳
عصیت ششم ۱۵
دهم ۹۱ سی نهم ۱۳
عصوا دوم ۶۱ سوم ۱۱۲
پنجم ۷۸
فعصوا شصت نهم ۱۰
وعصوا چهارم ۴۲
یازدهم ۵۹
وعصیتم سوم ۱۵۲
وعصینا دوم ۹۳
چهارم ۴۶
عصانی چهاردهم ۳۶
عصیته یازدهم ۶۳
عصونی هفتاد یکم ۲۱
عصوك بیست ششم ۲۱۶
یعص چهارم ۱۴ سی
سی سوم ۳۶ هفتاد دوم ۲۳
اعصی هجدهم ۶۹
یعصون شصت ششم ۶
یعصینك شصتم ۱۲
عصیا نوزدهم ۱۴ ، ۴۴
والعصیان چهل نهم ۷
ومعصیت پنجاه هشتم ۸ ، ۹
عض
عضوا سوم ۱۱۹
یعض بیست پنجم ۲۷

عضد
عضدًا هجدهم ۴۹
عضدك بیست‌وشم ۳۵
عضل
تعضلوهن دوم ۲۳۲
چهارم ۲۳
عضين پانزدهم ۹۱
عطف
عطفه بیست‌ودوم ۹
عطلت هشتادویکم ۴
معطلة بیست‌ودوم ۴۵
عطی
اعطی بیستم ۵۰ نودودوم ۵
واعطی پنجاه‌وسوم ۳۵
اعطیناك صدوهشتم ۱
يعطيك نودوسوم ۵
اعطوا نهم ۵۸
يعطوا نهم ۲۹
يعطوا نهم ۵۸
فتعاطى پنجاه‌وچهارم ۲۹
عطاء هفدهم ۲۱
عطاءٍ هفدهم ۲۱
عطاءً یازدهم ۱۱۰
هفتادوهشتم ۳۶
عطاؤنا سی‌وهشتم ۳۸
يعظكم بیست‌ودوم ۳۱:۳۳
ويعظم شصت‌وپنجم ۵
العظم نوزدهم ۳
يعظم ششم ۱۴۷
العظام سی‌وششم ۶۲
عظامًا هجدهم ۵۲ : ۱۰۰
بیستم ۱۴ هفتادم ۱۱
وعظامًا بیست‌وسوم ۳۷
سی‌ونهم ۱۶ : ۵۱ : ۸۳
پنجاه‌وششم ۴۷
العظام بیست‌وسوم ۱۴
سی‌وششم ۷۸
عظامه هفتادوپنجم ۳
العظيم پانزدهم ۸۷
اعظم نهم ۲۰ پنجاه‌وهفتم ۱۰
واعظم هفتادوسوم ۲۰
عفف
فليستعفف چهارم ۶
وليستعفف بیست‌وچهارم ۳۳
يستعففن بیست‌وچهارم ۵۹
التعفف دوم ۲۷۳
عفر
عفريت بیست‌وهفتم ۳۹
عفى
عفى سیزدهم ۴۳ : ۱۴ : ۴۹ پنجم
۱۰۱ : ۹۶ نهم ۳ ۴۳
چهل‌ودوم ۳۸
وعفى دوم ۱۸۳
عفوا هفتم ۹۳

عفونا دوم ۴۹
نعفو پنجم ۱۵۲
ويعفو پنجم ۱۸ چهل‌ودوم ۲۹ : ۲۴
يعفو دوم ۲۳۸ چهارم ۱۰۰
ويعفو چهل‌ودوم ۳۴
ويعفون دوم ۲۳۸
وليعفوا بیست‌وچهارم ۲۲
تعفو دوم ۲۳۸ چهارم ۱۴۸ شصت‌وچهارم ۱۴
تعف نهم ۶۶
فاعف سوم ۱۵۳ پنجم ۱۳
واعف دوم ۲۸۶
فاعفوا دوم ۱۰۹
عفو دوم ۱۷۸
العفو دوم ۲۱۹
هفتم ۱۹۹
والعافين سوم ۱۳۴
لعفو بیست‌ودوم ۵۹
پنجاه‌وهشتم ۲
عفوا چهارم ۴۳ : ۹۹ : ۱۴۹
عقب
يعقب بیست‌وهفتم ۱۰
بیست‌وهشتم ۳۱
عاقب بیست‌ودوم ۶۰
فاقبتم شانزدهم ۱۲۶
فعاقبتم شصتم ۱۱
فعاقبوا شانزدهم ۱۲۶
عوقب بیست‌ودوم ۶۰
عوقبتم شانزدهم ۱۲۶
فاعقبهم نهم ۷۷
عقبا هجدهم ۴۴
عقبى سیزدهم ۲۲
اعقابنا ششم ۷۱
اعقابكم سوم ۱۴۴ : ۱۴۹
بیست‌وسوم ۶۶
عقبى دوم ۱۴۳ سوم ۱۴۴
عقبى سیزدهم ۲۲ : ۲۴ : ۳۵ : ۴۲
وعقبى سیزدهم ۳۵
عقباها نودویکم ۱۵
والعاقبة هفتم ۱۲۸
بیستم ۱۳۲ بیست‌وهشتم ۸۳
عاقبة سی‌ام ۹
العاقبة یازدهم ۵۱
فاقبة هفتم ۱۷

معقب سیزدهم ۴۱
معقبات سیزدهم ۱۱
عقد
عقدت چهارم ۳۳
عقدتم پنجم ۸۹
بالعقود پنجم ۱
عقدة دوم ۲۳۵
عقدة دوم ۲۳۷
عقدة بیستم ۲۷
العقد صدوسیزدهم ۴
عقر
فعقر پنجاه‌وچهارم ۲۹
فعقروا هفتم ۷۷
فعقروها یازدهم ۶۵
بیست‌وششم ۱۵۷ نودویکم ۱۴
عاقر سوم ۴۰
عاقرًا نوزدهم ۵ : ۸
عقل
عقلوه دوم ۷۵
تعقل شصت‌وهفتم ۱۰
يعقلها بیست‌ونهم ۴۳
عقم
عقيم پنجاه‌ویکم ۲۹
عقيم بیست‌ودوم ۵۵
عقيمًا چهل‌ودوم ۵۰
العقيم پنجاه‌ویکم ۴۱
عكف
يعكفون هفتم ۱۳۸
العاكف بیست‌ودوم ۲۵
عاكفًا بیستم ۹۷
عاكفون دوم ۱۸۷
بیست‌ویکم ۵۲
عاكفين بیستم ۹۱
بیست‌وششم ۷۱
والعاكفين دوم ۱۲۵
معكوفًا چهل‌وهشتم ۲۵
علق
علق نودوششم ۲
علقة بیست‌ودوم ۵
چهلم ۶۷
علقة بیست‌وسوم ۱۴
هفتادوپنجم ۳۸
العلقة بیست‌وسوم ۱۴
كالمعلقة چهارم ۱۲۹
علم
فعلم چهل‌وهشتم ۱۸ : ۲۷
وعلم هشتم ۶۶
علمت سی‌وهفتم ۱۵۸
هشتادویکم ۱۴
هشتادودوم ۵
علمت یازدهم ۸۱
هفدهم ۱۰۲
بیست‌ویکم ۶۵

علمت بیست‌وهشتم ۳۸
علموا دوم ۹۶
فعلموا بیست‌وهشتم ۵۷
علمتم دوم ۶۱
دوازدهم ۷۳ : ۸۹
علمنا دوازدهم ۸۱ : ۵۱
یازدهم ۲۴ سی‌وسوم ۵
پنجاهم ۴
بیست‌وچهارم ۳ پنجاه‌وششم ۶
لعلم چهارم ۸۳
علمته پنجم ۱۱۶
علمتموهن ششم ۴
وستعلم سیزدهم ۴۲
بیستم ۲۸۲
ليعلم بیست‌وهفتم ۶
تعلم شانزدهم ۷۰
بیست‌ودوم پنجاه‌وهفتم ۲۵
ليعلم پنجم ۹۵ دوازدهم
هفتادودوم ۲۸
وليعلم سوم ۱۴۰ : ۱۶۶
سوم شانزدهم ۲۱ بیست
دوم ۵۳ پنجاه‌وهفتم ۲۵
ويعلم سوم ۱۴۲ چهل‌ودوم
دوم ۳۳
يعلم سوم ۱۴۲ هشتم ۷
نهم ۱۶ بیست‌وهشتم ۷۸
نودوششم ۵ : ۱۴
فليعلمن بیست‌ونهم ۳
وليعلمن بیست‌ونهم ۱۱ : ۳
تعلم چهارم ۱۱۳ پنجم ۱۱۶
چهاردهم ۴۱ نوزدهم ۶۵
سی‌ودوم ۱۷
ليعلم یازدهم ۸۱
وليعلم بیست‌وهشتم ۱۲
وتعلم نهم ۴۳
تعلم دوم ۱۰۰ : ۱۰۱
پنجم ۴۴ بیست‌ودوم ۶۹
واعلم دوم ۳۱ هفتم ۶
دوازدهم ۸۶
ستعلمون پنجاه‌وچهارم ۲۶
هفتادوهشتم ۴
فستعلمون نوزدهم ۷۵
هفتادودوم ۲۵
فتعلمون دوم ۲۴
ليعلمون دوم ۱۳۹
ويعلمون بیست‌وچهارم ۲۵
چهل‌ودوم ۱۷
يعلموا نهم ۶۴ : ۷۹ : ۸۰
ششم ۱۰۵ نهم ۵۳
ليعلموا هجدهم ۲۰
وليعلمكا چهاردهم ۵۲
اتعلمون هفتم ۷۳

فستعلمون بیستم ۱۳۵
شصت‌وهفتم ۱۷ : ۲۹
تعلموا چهارم ۴۳ ششم
۹۱ دوازدهم ۸۰ سی‌وسوم
۵ چهل‌وهشتم ۲۷
لتعلموا پنجم ۹۸ دهم
۵ شصت‌وپنجم ۱۲
ولتعلموا هفدهم ۱۳
ولتعلمن بیست‌وهفتم ۷
سی‌وهشتم ۸۸
نعلم سوم ۶۰ ششم ۳۳
پانزدهم ۹۷ شانزدهم ۱۰۵
سی‌وششم ۷۶
لنعلم شصت‌ونهم ۴۹
ونعلم پنجاهم ۱۵
نعلم چهل‌وهفتم ۳۳
لنعلم دوم ۱۳۸
هجدهم ۱۱ سی‌وچهارم ۲۰
ونعلم پنجم ۱۱۳
تعلم دوم ۲۷۳
يعلم بیست‌وششم ۱۹۷
تعلم دوم ۱۹۳ سوم ۲۷
تعلمها ششم ۵۹ م
تعلمهم هشتم ۶۲ چهارم
۱۵ هجدهم ۲۱
تعلمها یازدهم ۵۱
تعلمهم نهم ۱۰۲
تعلموهم هشتم ۶۲
تعلموهم چهل‌وهشتم ۲۵
تعلمهم نهم ۱۰۲
فاعلم پنجم ۵۲ بیست‌وهشتم
۵۰ چهل‌وهفتم ۲۱
واعلم دوم ۲۶۲
اعلموا پنجم ۹۸ پنجاه
هفتم ۱۶ : ۱۹
فاعلموا دوم ۲۵ پنجم
۳۸ : ۹۳ هشتم ۴۱
نهم ۳ یازدهم ۱۷
ليعلم بیست‌وچهارم ۳۱
علم پنجاه‌وپنجم ۱ نودوششم ۵۴
وعلم دوم ۲۹
علمتم پنجم ۶
علمنی دوازدهم ۳۷
وعلمك چهارم ۱۱۳
علمه دوم ۲۸ پنجاه
سی‌وهفتم پنجاه‌وپنجم ۳
وعلمه دوم ۲۵۲
علمكم دوم ۲۴۰
پنجم بیستم ۷۱
بیست‌وششم ۴۸
وعلمتني دوازدهم ۱۰۲
علمنا دوم ۳۰

علمك پنجم ۱۱۰
علمناه دوازدهم ۶۸
سی‌وششم ۶۹
وعلمناه هجدهم ۶۵
بیست‌ویکم ۸۰
يعلمان دوم ۱۰۲
يعلمون دوم ۹۶
اتعلمون چهلم ۱۶
ويعلمك دوازدهم ۶
يعلمه شانزدهم ۱۰۵
ويعلمه سوم ۴۸
ويعلمكم دوم ۱۵۱
م ۲۸۲
ويعلمهم دوم ۱۲۹ سوم ۱۶۴
شصت‌ودوم ۲ : ۵۸
تعلمن هجدهم ۶۶
تعلمونهن پنجم ۴
وليعلمه دوازدهم ۲۱
عليك هجدهم ۶۵
وعلمتم ششم ۹۱
علمنا بیست‌وهفتم ۱۶
ستعلمون دوم ۹۶
ويعلمون دوم ۹۶
علم سیزدهم ۴۳ سی‌ویکم
۳۴ چهل‌وپنجم ۲۷
چهل‌وسوم ۸۵ پنجاه‌وسوم ۳۶
لعلم چهل‌وسوم ۶۱
بعلم یازدهم ۱۴
بعلم ششم ۱۴۴ هفتم
وعلما دوازدهم ۲۲
بیست‌ویکم ۷۴ : ۷۹
بیست‌وهشتم ۱۴ چهلم ۷
والي بیست‌وششم ۱۱۲
علمها هفتم ۱۸۷ : ۱۸۸
بیستم ۵۲ سی‌وسوم ۶۳
علمهم بیست‌وهفتم ۶۸
علمه دوم ۲۵۵
بعلمه چهارم ۱۶۶
دهم ۲۰ سی‌وپنجم ۱۱
چهل‌ویکم ۴۷
كالاعلام چهل‌ودوم ۳۲
پنجاه‌وپنجم ۲۴
عالم سی‌ونهم ۴۶
العالمون بیست‌ونهم ۴۳
عالمين بیست‌ویکم ۵۱ : ۸۱
بعالمين دوازدهم ۴۴
لعلم بیست‌ودوم ۵۸
العلم ششم ۹۶ سی
ششم ۳۸ چهلم ۱
چهل‌ویکم ۱۱
علام بیست‌وششم ۱۹۷
العلماء سی‌وپنجم ۲۸

باب العين بعد اللام الى الهاء

علام پنجم ۸ ط ۱ ذ ۶ ۱۱
غم ۷۹ سی چہارم ۲۷
وَعَلامٰتٍ شانزدہم ۱۶
يَعلَم ششم ۵۳ بیست هفتم ۹
مَعلُومٍ یازدہم ۴ سی هفتم
۴۰ ۰ ۱۶۴
هفتادم ۲۴
مَعلُومٌ یازدہم ۲۱
بیست ششم ۳۲ ۰ ۵۵ ؛
پنجاه ششم ۵ هفتاد هفتم ۴۴
لِلمَعلُوم یازدہم ۳۸
سی هشتم ۲ ۸
مَعلُومٰتٌ دوم ۱۹۳
مَعلُومٰتٍ بیست دوم ۲۹
مُعَلَّم چہل چہارم ۱۳

عَلَنَ

اَعلَنتُ هفتاد یکم ۸
اَعلَنتُم شصتم ۱
يُعلِنُونَ دوم ۷۲
یازدهم ۵ شانزدهم ۲۳
بیست هفتم ۷۵ بیست هشتم ۶۹
سی ششم ۷۶
نُعلِنُ شانزدہم ۱۹
بیست هفتم ۲۰ شصت
چہارم ۴
تُعلِنُ چہاردہم ۴۱
وَعَلانِيَةً دوم ۲۷۵
سیزدہم ۲۲ چہاردہم ۳۶
سی پنجم ۲۶

عَلَا

عَلَا بیست هشتم ۳
وَلَعَلَا بیست سوم ۹۳
عُلُوًّا هفدہم ۷
نَعلُوا بیست هفتم ۳۱
چہل چہارم ۱۸
وَلتَعلُنَّ هفدہم ۴
وَتَعالیٰ شانزدہم ۳
بیست هفتم ۶۴ هفتادم
دوم ۳
فَتَعالَينَ سی سوم ۲۸
تَعالَوا سوم ۶۴ ۱۵۲ ۵۷
ع۱ چہارم ۶۴ پنجم
۱۰۳ ششم ۱۵۲
شصت سوم ۵
اِستَعلیٰ بیستم ۶۴
لَعالٍ دہم ۸۳
عالِيًا چہل چہارم ۳۰
عالِينَ بیست سوم ۴۸
العالِينَ سی هشتم ۷۶
عالِيَة شصت نهم ۲۲
هشتاد هشتم ۱۰
عالِيَها یازدہم ۸۴

یازدہم ۴ ۷
غالِبُهُم هفتاد ششم ۲۱
فَتَعلیٰ دہم ۲ ۷۲
لَتَعلیٰ سی چہارم ۲۳
شصت هشتم ۴
فَتَعلیٰ یازدہم ۳۲
عَلَيكَ نوزدہم ۲۵
قَعلَيهِ سی ام ۴۳ سی
پنجم ۳۲
وَعَلَيهِ دوازدہم ۷۶
شصت هفتم ۲۹
فَعَلَيها ششم ۱۰۴
چہل یکم ۴۶ چہل پنجم ۱۴
وَعَلَيها دوم ۲۸۶
بیست ششم ۲۲ چہلم ۸۰
عَلَيكُما پنجاه پنجم ۳۵
وَعَلَينا سیزدہم ۴۰
وَعَلَيكُم بیست چہارم ۵۴
فَعَلَيهِم شانزدہم ۱۰۶
وَعَلَيهِم چہل دوم ۱۵
فَعَلَيهِنَّ چہارم ۳۰
العَلِيُّ بیستم ۲۳ ۷ ۷
العُليا نهم ۴۰
عُلُوًّا هفدہم ۴ ۵ ۴
بیست هشتم ۸۳
وَعَلَوا بیست هفتم ۱۴
عَلِيٍّ چہل دوم ۵۱
لَعَلِيٌّ چہل سوم ۳
العَلِيِّ دوم ۲۵۵
بیست دوم ۱۶ سی یکم ۲۹
سی چہارم ۲۲ چہل دوم ۲
العَلِيُّ چہلم ۱۲
عَلِيًّا چہاردہم ۳۸ نوزدہم
۵۱ ؛ ۵۸
الاَعلَونَ سوم ۱۳۳
چہل هفتم ۳۷
عِلِّيُّونَ هشتاد سوم ۱۹
عِلِّيِّينَ هشتاد سوم ۱۸
المُتَعالِ سیزدہم ۱۰

عَمَّ

عَمَّ سی سوم ۴۹
اَعمالُكُم بیست چہارم ۶۰
وَعَمّاتِكُم چہارم ۲۷
عَمّاتِكَ سی سوم ۴۹
عَمّاتِكُم بیست چہارم ۶۰

عَمَدَ

تَعَمَّدَت سی سوم ۵
عَمَدٍ سیزدہم ۲ سی یکم ۹
صد چہارم ۹
العِمادِ هشتادنهم ۶
مُتَعَمِّدًا چہارم ۹۳
پنجم ۹۵

عَمَرَ

يَعمُرُوها سوم ۸
وَعَمَرُوها سوم ۸
يَعمُرُ نهم ۱۸
يَعمُرُوا نهم ۱۷
نُعَمِّرُ سی ششم ۶۸
نُعَمِّرُكُم سی پنجم ۳۷
يُعَمَّرُ دوم ۹۶ سی پنجم ۱۱
يُعَمَّرَ دوم ۹۰
اعتَمَرَ دوم ۱۵۸
واستَعمَرَكُم یازدہم ۶۱
لَعَمرُكَ پانزدہم ۷۲
العُمُرِ بیست یکم ۴۵
بیست هشتم ۷۰
العُمُرَ شانزدہم ۷۰ بیست دوم ۵
عُمُرًا دہم ۱۶
عُمُرٍ بیست ششم ۱۷
عُمُرٍ سی پنجم ۱۱
بِالعُمرَةِ دوم ۱۹۶
وَعِمارَةَ نهم ۱۹
عِمرانَ سوم ۳۰ ۳۳ ۳
شصت ششم ۱۲
المَعمُورِ پنجاه دوم ۴
مُعَمَّرٍ سی پنجم ۱۱

عَمَقَ

عَمِيقٍ بیست دوم ۲۷

عَمِلَ

تَعمَلُ سوم ۲۸ م
شانزدہم ۱۱۱ سی ششم ۷۱
سی نهم ۷۰
يَعمَلُوا هفتم ۱۵ ۱ شانزدہم
۲۰ ۱۳ ۱۲۰ چہلم ۴۲
تَعمَلُنَّ شصت چہارم ۷
تَعمَلُهُ سی ششم ۳۵
يَعمَلُ چہاردہم ۴۳
هفدہم ۸۲ سی چہارم ۱۱
يَعمَلُ چہارم ۱۱۰ ۱۲۳
بیست نهم ۱۱ بیست یکم ۱۲۳
۹۴ نود نهم ۸ ۷
فَليَعمَل هجدہم ۱۱۰ سی هفتم
وَيَعمَلُ شصت چہارم ۹
شصت پنجم ۱۱
تَعمَلُ بیست یکم ۷۴
وَتَعمَلُ سی یکم ۳۱
اَعمَلَ دہم ۴۲ بیست سوم ۱۰۲
اَعمَلُ بیست هفتم ۱۹ چہل
ششم ۱۴
وَيَعمَلُونَ بیست یکم ۸۲
تَعمَلُ هفتم ۱۵ شانزدہم ۳۰
سی پنجم ۳۴ فنعمل هفتم ۱
نَعمَلُ سی دوم ۱۲
سی پنجم

پنجم ۴۳
اِعمَل سی چہارم ۱۰
فاعمَل چہل یکم ۴
اِعمَلُوا ششم ۱۳۵
نهم ۱۰۵ یازدہم ۹۳
۱۲۲ سی چہارم ۱۲ سی
نهم ۴۰ چہل یکم ۴۰
وَاعمَلُوا بیست سوم ۵۱
سی چہارم ۱۰
عَمَلُ نهم ۱۲۱ یازدہم ۴۶
وَالعَمَلُ سی پنجم ۱۱
عَمِلَ پنجم ۱۹۲ بیست ششم ۱۴
عَمِلَ دہم ۴۶ بیست پنجم ۲
عَمِلَ سوم ۱۹۳ دہم ۸۱
عَمَلًا نهم ۱۰۳ یازدہم ۹
هجدہم ۲۹ ؛ ۱۱۰ ؛ ۷
بیست یکم ۸۲ بیست پنجم ۷
شصت هفتم ۲
اَعمالُ بیست سوم ۶۵
اَعمالًا هجدہم ۱۰۳
عَمَلِي هجدہم ۴۲
عَمَلُكَ سی نهم ۶۵
عَمَلِهِ پنجم ۷
عَمَلُكُم دہم ۴۲
عَمَلِهِ سی پنجم ۹ چہلم ۴۰
چہل هفتم ۱۵
وَعَمَلُهُ شصت ششم ۱۱
اَعمالُكُم بیست ششم ۱۶۸
عَمَلُهُم پنجاه دوم ۲۱
عَمَلَكُم نهم ۹۵ ۱۶ ۱۰
عَمَلُهُم ششم ۱۰۸
اَعمالُنا دوم ۱۳۹
بیست هشتم ۵۵ چہل دوم ۱۴
اَعمالُكُم دوم ۱۳۹
بیست هشتم ۵۵ چہل دوم ۱۴
چہل نهم ۲
اَعمالُكُم چہل نهم ۱۴
اَعمالُهُم نهم ۳۷
اَعمالُكُم سی سوم ۷۱
چہل هفتم ۲۲ ؛ ۳۲ ؛ ۳۵
۳۷
عامِلُ ششم ۱۳۵
یازدہم ۹۳ سی نهم ۴۰
عامِلٍ سوم ۱۹۳
عامِلُونَ یازدہم ۱۲۲
بیست سوم ۶۳ چہل
یکم ۴
العامِلُونَ سی هفتم ۶۱
العامِلِينَ سوم ۱۳۶
بیست نهم ۵۸ سی نهم ۷۴
فَالعامِلُونَ نهم ۶۰
عامِلَةٌ هشتاد هشتم ۳

عَمَهَ

يَعمَهُونَ دوم ۱۵ ششم ۱۱۰
هفتم ۱۸۶ دہم ۱۱
یازدہم ۷۲ بیست هفتم ۴
بیست هفتم ۴

عَمِيَ

عَمِيَ ششم ۱۰۴
فَعَمِيَت بیست هشتم ۶۶
عَمُوا پنجم ۷۱
فَعَمُوا پنجم ۷۱
فَتُعمِي بیست دوم ۴۶ م
فَعَمِيَت یازدہم ۳۰
عَمِيَ چہل یکم ۴۴
العَمیٰ چہل یکم ۱۶
عَمُونَ بیست هفتم ۶۶
عَمِينَ هفتم ۶۴
اَعمیٰ سیزدہم ۱۹ هفدہم
۷۲ م بیستم ۱۲۴ ؛ ۱۲۵
وَالاَعمیٰ چہل هفتم ۲۵
كَالاَعمیٰ یازدہم ۲۴
عَمیٰ دوم ۱۷ ؛ ۱۶۶
الاَعمیٰ بیست هفتم ۳ ۶
سی
امر ۲ ۵
عُميًا هفدہم ۹۷
العُميُ دہم ۴۳ ؛ ۳۹ چہل ششم ۴۰
وَعُميانًا بیست پنجم ۷۳
وَعمیٰ بیست سوم ۹۳ هفتم
۱۰ پنجاهم ۱۰ هفتادم ۳۷
عَمیٰ دوم ۸۲ یازدہم ۱۳
دوازدہم ۳۳ سی ششم ۲۲
شصت نهم ۲۲
عَنهُما چہارم ۲۰ هم
۲۶ شصت ششم ۱۰

عَنَبَ

وَعِنَبٍ هفدہم ۱۳
وَعِنَبًا هشتادم ۲۸
اَعنابٍ ششم ۹۹
سیزدہم ۴ هجدہم ۳۱
وَالاَعنابِ دوم ۲۶۶
بیست سوم ۱۹ سی ششم ۳۴
وَالاَعنابُ شانزدہم ۶۸
وَاَعنابًا هفتاد هشتم ۳۲
وَالاَعنابِ شانزدہم ۱۱

عَنَتَ

عَنِتُّم سوم ۱۱۸ نهم ۱۲۸
لَاَعنَتَكُم دوم ۲۱۹
العَنَتَ چہارم ۲۵
فَعَنِتُّم چہارم ۲۵ ؛ ۱۳۳
وَعَنِتُّ نهم ۲ چہلم
عَنَتَكُم چہارم ۸۰
هشتم ۸۳ ۳۲

بیست سوم ۲۲ چہل هفتم ۱۸
وَعِندَهُ ششم ۵۹
سیزدہم ۳۹ چہل سوم ۸۵
اَعِندَكَ پنجاه سوم ۳۵
عِندَكَ پنجم ۵۷ نهم ۵۲
یازدہم ۳۰ بیست هشتم ۳۲
عِندَها سوم ۳۷
هجدہم ۴۳ پنجاه سوم ۱۵
عِندَنا سوم ۱۵۰
پانزدہم ۲۱ سی چہارم ۳۶
سی هفتم ۱۶۸ سوم هشتم
۱۲۴ ۹ ۳ ۱ ۴۲
وَعِندَنا پنجاهم ۴
عِندَكُم ششم ۱۴۹
دہم ۶۶ شانزدہم ۹۸
وَعِندَهُم پنجم ۴۳ سی
هفتم ۴۷ سی هشتم ۵۲
عَتِيدٌ یازدہم ۶۲
چہاردہم ۱۸ پنجاهم ۲۳
عَنِيدًا هفتاد چہارم ۱۶

عَنَقَ

عُنُقِكَ هفدہم ۲۹ سی هفدہم ۳۱
عُنُقِهِ هفدہم ۱۳
اَعناقِ سی چہارم ۳۳
الاَعناقِ هشتم ۱۲
وَالاَعناقِ سی هشتم ۳۲
اَعناقُهُم بیست ششم ۳
اَعناقِهِم سیزدہم ۵ سی
ششم ۸ چہلم ۷۱ ۳

عَنكَبَ

العَنكَبُوتِ بیست نهم ۴۱ م

عَنا

وَعَنَتِ بیستم ۱۱۰

عَهِدَ

عَهِدَ سوم ۱۸۳ هفتم
۱۳۱ چہل سوم ۴۸
عَهِدنا بیستم ۱۱۵
وَعَهِدنا دوم ۱۲۵
اَعهَد سی ششم ۶۰
عاهَدَ نهم ۷۵ چہل
هشتم ۱۰
عاهَدتُ هشتم ۵۶
عاهَدُوا دوم ۱۰۰
سی سوم ۱۵ ؛ ۲۳
عاهَدتُم نهم ۱ : ۴ ؛ ۷
شانزدہم ۹۱
عَهدَ سی سوم ۱۵
عَهدَهُ نهم ۷
العَهدُ بیستم ۸۶
بِعَهدِ سوم ۷۷ سیزدہم
۲۰ شانزدہم ۹۵ ؛ ۹۷
وَبِعَهدِ ششم ۱۵۳

باب العين الياء
و باب العين بعد الباء

عَهْدِ هفدهم ۱۰۰
بِالْعَهْدِ هفدهم ۳۷
عَهْدَ دوّیم ۲۵
سیزدهم ۲۵
عَهْدًا دوّیم ۱۷۴، ۹۹
نوزدهم ۸۱، ۹۰
الْعَهْدَ هفدهم ۳۶
عَهْدِهِ دوّیم ۱۱۸
بِعَهْدِهِ دوّیم ۳۸
بِعَهْدِ سیّم ۷۰ نهم ۱۱۲
بِعَهْدِكُمْ دوّیم ۳۸
عَهْدِهِمْ نهم ۱۲
بِعَهْدِهِمْ دوّیم ۱۷۲
وَعَهْدِهِمْ بیست‌سیّم ۸
هفتادم ۳۲
عَهِدْنَا دوّیم ۷۴
عَهِدْتُمْ هشتم ۵۸ نهم ۴

عهن

كَالْعِهْنِ هفتادم ۹
صد بکم ۴

عاج

عِوَجٍ سی‌نهم ۲۹
عِوَجَ بیستم ۱۰۷
عِوَجًا سیّم ۹۴
هفتم ۴۳، ۸۴ یازدهم
۲۲ چهاردهم ۳ هجدهم
۱ بیستم ۱۰۶

عاد

عَادٍ دوّیم ۲۷ پنجم ۹
سی‌ششم ۳۹
أَعَادُوا هشتم ۲۸
عُدْتُمْ هفدهم ۸
عُدْنَا هفتم ۸۷ هفدهم
۸ بیست‌سیّم ۱۰۹
تَعُودُونَ پنجاه‌هشتم ۹۰۴
تَعُودُوا هشتم ۳۹
نَعُودُونَ هفتم ۲۸
تَعُودُوا هشتم ۱۹
بیست‌چهارم ۱۶
لَتَعُودُنَّ هفتم ۸۶
چهاردهم ۱۶
نَعُودُ هفتم ۸۷
نَعُدْ هشتم ۱۹
يُعِيدُ سی‌چهارم ۴۸
وَيُعِيدُ هشتاپنجم ۱۳
يُعِيدُنَا دهم ۴، ۳۵ م
بیست‌هفتم و بیست‌نهم
۱۸ سی‌ام ۱۰، ۲۶
نُعِيدُنَا هفدهم ۵۳
يُعِيدُكُمْ هشتابکم ۱۷
يُعِيدُكُمْ هفدهم ۷۱
يُعِيدُكُمْ هجدهم ۱۹

نَبْلُ بیست‌بکم ۱۰۴
تَسْتَبْعِدُهَا بیستم ۲۲
يَعِيدُكُمْ بیستم ۵۷
أَعِيدُوا بیست‌دوّیم ۲۲
سی‌دوّیم ۲۰
عَادَ یازدهم ۲ و بیست
ششم ۱۲۳ چهل‌بکم
۱۴ پنجاه‌چهارم ۱۸
شصت‌نهم ۶
وَعَادٌ بیست‌دوّیم ۴۳
سی‌هشتم ۱۱ پنجاهم ۱۳
شصت‌نهم ۴
بِعَادٍ هشتانهم ۵
لِعَادٍ یازدهم ۶۳
وَعَادٍ نهم ۷۰ چهارم
۹ چهل ۳۲
عَادًا یازدهم ۳ و بیست
نهم ۳۷ پنجاه‌سیّم ۵۱
عَائِدُونَ چهل‌چهارم ۱۴
مَعَادٍ بیست‌هشتم ۸۵

عاذ

عُذْتُ چهل ۲۸ چهل
چهارم ۱۹
أَعُوذُ دوّیم ۶۷ یازدهم
۴۹ نوزدهم ۱۸ بیست
سیّم ۹۹ صد سیزدهم ۱
صد چهاردهم ۱
وَأَعُوذُ بیست‌سیّم ۱۰۰
يَعُوذُونَ هفتاد‌دوّیم ۶
أُعِيذُهَا سیّم ۳۱
فَاسْتَعِذْ هفتم ۱۹۹
شانزدهم ۱۰۰ چهل ۵۸
چهل‌بکم ۳۶
مَعَاذَ دوازدهم ۲۳، ۷۹

عوج

عِوَجٍ سی‌سیّم ۱۳
بِعَوْرَةٍ سی‌سیّم ۱۳
عَوْرَاتٍ بیست‌چهارم ۳۱
عَوْرَاتٍ بیست‌چهارم ۵۷

عاق

الْمُعَوِّقِينَ سی‌سیّم ۱۸

عال

تَعُولُوا چهارم ۳

عام

عَامٍ دوّیم ۱
عَامَ دوازدهم ۴۹
عَامٍ دوّیم ۲۶۱ م
نهم ۱۲۷
عَامًا نهم ۳۷ م بیست نهم ۱۳
عَامَيْنِ سی‌بکم ۱۴
عَامِهِمْ نهم ۲۸

عان

تَعَاوَنُوا پنجم ۳

وَتَعَاوَنُوا پنجم ۳
تَسْتَعِينُ اوّل ۴
اسْتَعِينُوا دوّیم ۱۴۸
هفتم ۱۲۵
وَاسْتَعِينُوا دوّیم ۴۲
عَوَانٌ دوّیم ۶۳
الْمُسْتَعَانُ دوازدهم ۱۸
بیست‌بکم ۱۱۲
أَنْبِيَاءَ پنجاهم ۱۴
بَغَى چهل‌ششم ۳۲

غاب

أَعْيَيْنَا هجدهم ۷۸

غاد

عِبَادًا پنجم ۱۱۴

عار

الْعِيرُ دوازدهم ۷۰، ۹۴
وَالْعِيرَ دوازدهم ۸۲
عِيسَى جزی ۵۲
بِعِيسَى پنجم ۵۰
پنجاه‌هفتم ۲۷
وَعِيسَى چهارم ۱۶۱
پنجم ۸۲ سی‌سیّم ۷
عِيسَى درحالت نصبی دوّیم
۸۱ سیّم ۴۸ چهارم
و ۵ پنجم ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۶
وَعِيسَى ششم ۸۵ چهل
دوّیم ۱۱

عاش

عِيشَةٍ شصت‌نهم ۲۱
صد بکم ۵
مَعَاشًا هفتاهشتم ۱۱
مَعِيشَةً بیستم ۱۲۳
مَعَايِشَ هفتم ۹
پانزدهم ۲۰
مَعِيشَتَهَا بیست‌هشتم ۵۸
مَعِيشَتَهُمْ چهل‌سیّم ۳۱

عال

عَائِلًا نود سیّم ۸
عَيْلَةً نهم ۲۸

عان

وَأَعَانَهُ بیست‌پنجم ۵
فَأَعِينُونِي هجدهم ۹۴
عَيْنٌ هشتادششم ۱۲
عَيْنٍ هجدهم ۸۶
بیست‌هشتم ۸ هشتادهشتم ۵
الْعَيْنَ سیّم ۱۱
بِالْعَيْنِ پنجم ۴۹
عَيْنَ سی‌چهارم ۱۱
صد دوّیم ۷
عَيْنًا دوّیم ۶۰ هفتم
۱۶۰ نوزدهم ۲۶
هشتادششم ۱۸، ۶

هشتادسیّم ۲۸
وَالْعَيْنَ پنجم ۴۹
عَيْنَانِ پنجاه‌پنجم ۵۰، ۶۶
عَيْنَيْنِ نودم ۸
وَعُيُونٍ پانزدهم ۴۵
بیست‌ششم ۵۷، ۱۳۴
۱۴۷ چهل‌چهارم ۲۴
۵۲ پنجاه‌بکم ۱۲ هفتاد
هفتم ۴۱
الْعُيُونِ سی‌ششم ۳۴
عُيُونًا پنجاه‌چهارم ۱۲
أَعْيُنُ هفتم ۱۷۸، ۱۹۴
الْأَعْيُنُ چهل‌سیّم ۷۱
أَعْيُنِ بیست‌بکم ۶۲
أَعْيُنِ بیست‌پنجم ۷۴ سی
دوّیم ۱۷
الْأَعْيُنِ چهل ۲۰
أَعْيُنُ هفتم ۱۱۳
عَيْنُهَا بیستم ۴۱ بیست‌ششم ۱۳
عَيْنِي بیستم ۴۰
عَيْنَاهُ دوازدهم ۸۴
عَيْنَاكَ هجدهم ۲۷
عَيْنَيْكَ پانزدهم ۸۸
بیستم ۱۳۱
أَعْيُنَكُمْ یازدهم ۳۷
أَعْيُنَهُمْ هجدهم ۱۰۱
سی‌سیّم ۱۹
وَأَعْيُنَهُمْ نهم ۹۳
أَعْيُنَهُنَّ سی‌سیّم ۵۱
بِأَعْيُنِنَا یازدهم ۳۹
بیست‌سیّم ۲۷ پنجاه دوّیم
۴۸ پنجاه‌چهارم ۱۴
أَعْيُنِكُمْ هشتم ۴۴
أَعْيُنِهِمْ هشتم ۴۶
سی‌ششم ۶۶
أَعْيُنِهِمْ پنجم ۸۶ پنجاه
چهارم ۳۷
عَيْنٍ سی‌هفتم ۴۷ پنجاه
ششم ۲۲
عِينٌ چهل‌چهارم ۵۴
پنجاه دوّیم ۲۰
مَعِينٍ سی‌هفتم ۴۴
پنجاه‌ششم ۱۸
شصت‌هفتم ۳۰
وَمَعِينٍ بیست‌سیّم ۵۲

باب الغين

غبن

التَّغَابُنِ هفتم ۸۱
یازدهم و بیست‌ششم ۱۷۱
بیست‌هفتم ۵۸ بیست‌نهم ۳۱
۲ بیست‌هفتم ۱۳۵
غَبْنِ هشتادم ۴۰

غبن

التَّغَابُنِ شصت‌چهارم ۹
غُثَاءً بیست‌سیّم ۴۳
هشتاد هفتم ۵

غدر

نُغَادِرْ هجدهم ۴۷
نُغَادِرُ هجدهم ۴۵

غدق

غَدَقًا هفتاد دوّیم ۱۶

غدا

غَدَوْتَ سیّم ۱۱۷
وَغُدُوًّا شصتم ۲۵
اغْدُوا شصتم ۲۲
لِغَدٍ پنجاه‌نهم ۱۸
غَدًا دوازدهم ۱۲ هجدهم
۲۳ سی‌بکم ۳۴
پنجاه‌چهارم ۲۶
غَدَاءَنَا هجدهم ۶۲
بِالْغُدُوِّ هفتم ۲۰۴
سیزدهم ۱۵ بیست‌چهارم ۳۶
غُدُوًّا چهل ۴۹
غُدُوُّهَا سی‌چهارم ۱۱
بِالْغَدَاةِ ششم ۵۲
هجدهم ۲۷

غر

غَرَّ هشتم ۵۱
غَرَّكَ هشتاد دوّیم ۶
وَغَرَّكُمْ پنجاه هفتم ۱۳
وَغَرَّهُمْ سیّم ۲۳
وَغَرَّتْكُمْ چهل‌پنجم ۳۴
پنجاه هفتم ۱۳
وَغَرَّتْهُمْ ششم ۷۰، ۱۳۰
هفتم ۴۹
يَغُرَّكَ چهل ۴
يَغُرَّنَّكَ سیّم ۱۹۶
يَغُرَّنَّكُمْ سی‌بکم ۳۳ سی
پنجم ۵
تَغُرَّنَّكُمْ سی‌بکم ۳۳ سی
پنجم ۵
غُرُورٍ شصت‌هفتم ۲۰
بِغُرُورٍ هفتم ۲۱
الْغُرُورِ سیّم ۱۸۴
پنجاه هفتم ۲۰
غُرُورًا چهارم ۱۱۹ ششم
۱۱۲ هفدهم ۶۴ سیّم
۱۲ سی‌پنجم ۳۸
الْغَرُورُ سی‌بکم ۳۳ سی
پنجم ۵ پنجاه هفتم ۱۴

غرب

غَرَبَتْ هجدهم ۱۶
تَغْرُبُ هجدهم ۸۶
الْغُرُوبِ پنجاهم ۳۸

غَرَامًا بیست‌پنجم ۶۵
الْغُرَابَ پنجم ۳۱
غُرَابًا پنجم ۳۱
الْغُرَبِيِّ بیست‌هشتم ۴۴
غَرْبِيَّةٍ بیست‌چهارم ۳۵
وَغَرَابِيبُ سی‌پنجم ۲۷
وَالْمَغْرِبُ دوّیم ۱۰۹، ۱۴۲
الْمَغْرِبَ دوّیم ۲۶۰
وَالْمَغْرِبُ دوّیم ۱۷۷
بیست‌ششم ۲۸ هفتاد
مَغْرِبَ هجدهم ۸۴
الْمَغْرِبَيْنِ پنجاه پنجم ۱۷
وَالْمَغَارِبِ هفتادم ۴۰
وَمَغَارِبَهَا هفتم ۱۳۳

غرف

اغْتَرَفَ دوّیم ۲۵۰
غُرْفَةً دوّیم ۲۵۰
الْغُرْفَةَ بیست‌پنجم ۷۵
غُرَفٌ سی‌نهم ۲۱ م
غُرَفًا بیست‌نهم ۵۸
الْغُرُفَاتِ سی‌چهارم ۳۷

غرق

أَغْرَقْنَا بیست‌ششم و ۱۲۰
بیست‌هفتم ۳۹ سی‌هفتم ۸۰
وَأَغْرَقْنَا دوّیم ۵۰ ۲۷
هفتم ۶۴ هشتم ۵۴ دهم ۷۳
فَأَغْرَقْنَاهُ هفدهم ۱۰۳
أَغْرَقْنَاهُمْ بیستم ۳۹
فَأَغْرَقْنَاهُمْ هفتم ۱۳۶
بیست‌بکم ۷۷ چهل‌سیّم
لِتُغْرِقَ هجدهم ۷۱
فَيُغْرِقَكُمْ هفدهم ۶۹
نُغْرِقْهُمْ سی‌ششم ۴۳
أُغْرِقُوا هفتاد‌بکم ۲۵
غَرْقًا هفتاد نهم ۱
الْغَرَقُ دهم ۹۰
مُغْرَقُونَ یازدهم ۳۷
بیست‌سیّم ۲۷ چهل‌چهارم ۲۴
الْمُغْرَقِينَ یازدهم ۴۳

غرم

وَالْغَارِمِينَ نهم ۶۰
غَرَامًا بیست‌پنجم ۶۵
مَغْرَمٍ پنجاه دوّیم ۴۰
شصت‌هشتم ۴۶
مَغْرَمًا نهم ۹۸
لَمُغْرَمُونَ پنجاه‌ششم ۶۶

غرا

فَأَغْرَيْنَا پنجم ۱۴
لَنُغْرِيَنَّكَ سی‌سیّم ۶۰

غزل

غَزْلَهَا شانزدهم ۹۲

غزي

باب الغين بعد السين الى النون

۵

عزّتی سبع ۱۵۰

غسق

غسق هفدهم ۸۰

غاسق صد و دهم ۳

وغساقا هشتم ۲۵

غسل

فاغسلوا پنجم ۸

تغتسلوا چهارم ۴۳

مغتسل سی هشتم ۴۱

غسلین شصت نهم ۳۶

غشی

غشیهم بیستم سی بکم ۳۱

تغشیهم بیستم ۸۱

مغشی سبع ۱۴۸ چهل

چهارم ۱۰ پنجاه سبع ۱۶

ثم نود دوم ۱

وتغشی چهادم ۵۱

یغشاه بیست چهارم ۴۰

یغشاها نود بکم ۴

غشیته پنجاه سبع ۵۵

فغشیهم سی شنم ۱۹

غشیت ...

غشاوة ...

استغشوا ...

یستغشون یازدهم ۵

غاشیة دوازدهم ۱۰۷

الغاشیة هشتاد هشتم ۱

غواش هفتم ۳۹

غشاق دوم ۶

الغشی چهل هفتم ۲۲

غص

غصة هفتاد سبع ۱۳

غضب

غضبا چهدهم ۷۸

غض

یغضون چهل نهم ۳

یغضوا بیست چهارم ۳۰

یغضضن بیست چهارم ۳۱

واغضض سی بکم ۱۸

غضب

غضب پنجاه هشتم ۱۵

شصتم ۱۳

وغضب چهارم ۹۵

پنجم ۵۰

چهل هشتم ۶

غضبوا چهل دو ۳۷

۳۵

غضب هفتم ۱۵۱

شانزدهم ۱۰۶ بیستم ۱۵

۸۹ چهل دوم ۱۵

وغضب هفتم ۶۹

بغضب دوم ۶۱ ۸۴ ۸۵

سبع ۱۰۸ هشتم ۱۶

الغضب هفتم ۱۵۲

غضب بیست چهارم ۹

غضبه بیستم ۸۳ م

غضبان هفتم ۱۴۹

بیستم ۸۶

المغضوب اول ۷

مغاضبا بیست یکم ۸۷

غطش

واغطش هفتاد نهم ۲۹

غطا

غطائی هجدهم ۱۰۱

غطاءک پنجاه ۲۱

غفر

غفر سی شنم ۲۶

فغفر بیست هشتم ۱۵

وغفر چهل دوم ۴۱

تغفر سی هشتم ۲۴

یغفر سبع ۱۲۴ ۱۲۹

چهارم ۱۰۵ ۱۱۵ پنجم ۲۱

دوازدهم ۹۲ سی شنم ۳۵

شصتم ۱۴ چهل هشتم ۱۴

یغفر دوم ۲۸۴

ویغفر چهارم ۵۱ ۱۱۶

پنجم ۴۴

یغفر نهم ۸۱ بیست چهارم

۲۳ ۵ ۸ ۱۵



باب الفاء بعد الالف الی الدال

٥

باب الفاء بعد الدال الى الصاد

٥ ٦٨

سے نهم ٤٨
فَدَيْنَـٰهُ هفتادم ١١
لِيَفْتَدُوا پنجم ٤٠
فِدَآءً چهاهفتم ٥
فِدْيَةٌ پنجاه هفتم ١٤
فِدْيَةٌ دوئم ١٨٠
فَفِدْيَةٌ دوئم ١٩٢

فرث

فَرْثٍ هفتاد چهارم ١٥
تَفَرُّدٍ بیست ششم ٢٠
فَرْدًا سی ستم ١٦
بِعِبَرِهِ هشتادم ٣٤
بِفَرْدٍ نٰی شصت دوئم ٨
يُفْرِدُوا پنجاه یکم ٥٠
الْفِرَارُ سی ستم ١٦
فِرَارًا هجدهم ١٧ سی
ستم ١٣ هفتاد یکم ٥
الْمَفَرُّ هفتاد پنجم ١٠

فرت

فُرَاتٌ بیست پنجم ٥
سی پنجم ١٣
فُرَاتًا هفتاد هفتم ٢٧

فرث

فَرْثٍ شانزدهم ٦٨

فرج

فُرِجَتْ هفتاد هفتم ٩
فُرُوجٍ پنجاه نهم ٦
فُرُوجَهَا بیست یکم ٩١
شصت ششم ١٢
لِفُرُوجِهِمْ بیست سیم ٥
هفتادم ٢٩
فُرُوجَهُمْ بیست چهارم ٣٠
سی ستم ٣٥
فُرُوجَهُنَّ بیست چهارم ٣١

فرح

فَرِحَ نهم ٨٢ چهل دوئم ٤٧
فَرِحُوا ششم ٤٤ سی ام
٣٥ چهل ٨٣
وَفَرِحُوا دهم ٢٢ سیزدهم ٢٦
تَفْرَحُ سی ام ٣
لَفَرِحٌ بیست هشتم ٧٦
تَفْرَحُوا ستم ١١٦
فَلْيَفْرَحُوا دهم ٥٩
تَفْرَحُونَ بیست هفتم ٣٦
چهل ٧٥
فَرِحُوا پنجاه هفتم ٢٣
لَفَرِحٌ یازدهم ١٣
فَرِحُونَ نهم ٨١
بیست سیم ٥٥ سی ام ٣١
فَرِحِينَ ستم ١٧٠
الْفَرِحِينَ بیست هشتم ٧٦
يَفْرَحُونَ سیم ١٨٨

سیزدهم ٢٦
فَرِيًّا نوزدهم ٢٧ ٨٩ ٩٥
بیست یکم ٨٩
فُرَادَىٰ ششم ٩٤
وَفُرَادَىٰ سی چهارم ٤٥
الْفِرْدَوْسِ هجدهم ١٠٧
الْفِرْدَوْسَ بیست سیم ١١
فَرَشْنَاهَا پنجاه یکم ٤٨
وَفَرْشًا ششم ١٤٢
كَالْفَرَاشِ صد یکم ٣
فِرَاشًا دوئم ٢٠
وَفُرُشٍ پنجاه ششم ٣٤
فُرُشٍ پنجاه پنجم ٥٤

فرض

فَرِضَ دوئم ١٩٣
بیست چهارم سی ستم ٣٩
شصت ششم ٢
فَرَضْتُمْ دوئم ٢٣٨ ٢٣٧
فَرَضْنَاهَا سی ستم ٥٠
وَفَرَضْنَاهَا بیست چهارم ١
لَفَرَضُوا دوئم ٢٣٧
فَارِضٌ دوئم ٦٣
الْفَرِيضَةِ چهارم ٢٨
فَرِيضَةً دوئم ٢٣٧
٢٣٨ چهارم ١٢ ٢٨
نهم ٦٠
مَفْرُوضًا چهارم ٨ ١١٨
يُفَرِّطُ بیستم ٤٧
فَرَّطْتُ سی نهم ٥٧
فَرَّطْتُمْ دوازدهم ٨٠
فَرَّطْنَا ششم ٣١ ٣٨
يُفَرِّطُونَ ششم ٦١
فُرُطًا هجدهم ٢٧
مُفْرَطُونَ شانزدهم ٦٢

فرع

وَفَرْعُهَا چهاردهم ٢٩
وَفِرْعَوْنَ سی هشتم ١١
پنجاهم ١٣
لِفِرْعَوْنَ بیست ششم ٤٠
چهل ٤٠
وَفِرْعَوْنَ بیست هشتم ٢
هشتادم نهم ٩
فِرْعَوْنُ در حالت نصب هفتم
١١٥ دهم ٨٣ ٨٨
بیست ششم ١٥ بیست هشتم ٣
٥ ٧
وَفِرْعَوْنَ بیست نهم ٣٨
فِرْعَوْنَ نود چهارم ٧
تَسْرَعُ پنجاه پنجم ٣١
أَفْرِغْ هجدهم ٩٥
أَفْرِغْ دوئم ٢٥١
هفتم ١٢٣

فَارِقًا بیست هشتم ٩

فرق

فَرَقْنَا دوئم ٤٧
فَرَقْنَاهُ هفدهم ١٠٧
يُفَرِّقُونَ نهم ٥٦
فَافْرُقْ پنجم ٢٨
يَفْرَقُ چهل چهارم ٣
فَرَّقَ بیستم ٩٤
فَرَّقُوا ششم ١٦٠
سی ام ٣١
يُفَرِّقُونَ دوئم ٩٦
يُفَرِّقُوا چهارم ١٤٩ ١٥١
نُفَرِّقُ دوئم ١٣٠
٨٥ بیستم ٧٨
فَالْفَارِقَاتِ شصت هفتم ٢
تُفَرِّقُ نود هشتم ٣
تَفَرَّقَ ششم ١٥٣
تَفَرَّقُوا سیم ١٠١ ٩٨
چهل دوئم ١٣
تَتَفَرَّقُوا چهارم ١٢٩
يَتَفَرَّقُونَ سی ام ١٣
تَتَفَرَّقُوا چهل دوئم ١١
فَرَّقْنَا هفتاد هفتم ٤
فِرْقٍ بیست ششم ٦٣
فِرْقَةٍ نهم ١٢٢
فِرَاقُ هجدهم ٧٧
الْفِرَاقُ هفتاد پنجم ٢٨
فَالْفَارِقَاتِ هفتاد هفتم ٤
وَفَرِيقٌ چهل دوئم ٥
فَرِيقٌ نهم ١١٨
فَرِيقًا دوئم ٨١
تَفَرِيقًا ستم ٧٢
وَفَرِيقًا دوئم ٨١
پنجم ٧٤ هفتم ٢٨
فَرِيقَانِ بیست هفتم ٤٦
الْفَرِيقَيْنِ ششم ٨١
یازدهم ٢٤ نوزدهم ٧٣
الْفُرْقَانَ هشتم ٤٢
وَالْفُرْقَانَ دوئم ١٨١
فُرْقَانًا هشتم ٢٩
الْفُرْقَانَ سیم ٣ بیست یکم
٣٩ بیست پنجم ١
وَالْفُرْقَانِ دوئم ٥٠
وَفَرِيقًا نهم ١٠٨
مُتَفَرِّقُونَ دوازدهم ٣٩
مُتَفَرِّقَةٍ دوازدهم ٦٧

فره

فَارِهِينَ بیست ششم ١٤٩

فری

افْتَرَىٰ هفتم ٨٧
افْتَرَاهُ دهم ٣٩
یازدهم ١٣ ٣٢

بیست یکم ٥ بیست پنجم ٥
سی دوئم ٢ چهل ششم ٧
افْتَرَيْتُهُ یازدهم ٣٧
چهل ششم ٧
يَفْتَرِي شانزدهم ١٠٧
لِيَفْتَرِيَ هفدهم ٧٥
يَفْتَرُونَ دهم ٦٠
شانزدهم ٥٨
افْتَرَوْا بیستم ٦٣
لِيَفْتَرُوا شانزدهم ١١٧
يَفْتَرِينَهُ شصتم ١٢
مُفْتَرًى دهم ٣٨
دوازدهم ١١١
فَرِيًّا نوزدهم ٢٨
مُفْتَرًى بیست ششم ٣٦
سی چهارم ٤٢
مُفْتَرٍ شانزدهم ١٠٣
مُفْتَرُونَ یازدهم ٥٤
الْمُفْتَرِينَ هفتم ١٥١
مُفْتَرَيَاتٍ یازدهم ١٦

فزز

يَسْتَفِزَّهُمْ هفدهم ١٠٥
لَيَسْتَفِزُّونَكَ هفدهم ٧٨
وَاسْتَفْزِزْ هفدهم ٦٤

فزع

فَفَزِعَ بیست هشتم ٨٩
سی هشتم ٢١
فَزِعُوا سی چهارم ٥٠
فُزِّعَ سی چهارم ٢٣
الْفَزَعُ بیست یکم ١٠٣
فَزَعٍ بیست هفتم ٩١

فسح

تَفَسَّحُوا پنجاه هشتم ١٢
فَافْسَحُوا پنجاه هشتم ١٢
يَفْسَحِ پنجاه هشتم ١٢

فسد

لَفَسَدَتِ دوئم ٢٥٢
بیست ستم ٣٢
لَفَسَدَتَا بیست یکم ٢٢
أَفْسَدُوهَا بیست هفتم ٣٤
يُفْسِدُ دوئم ٢٨
لِيُفْسِدَ دوئم ٢٠١
لِيُفْسِدُوا هفتم ١٢٧ ٩٠
بیست ششم ١٥٢
بیست هفتم ٤٩
وَيُفْسِدُونَ دوئم ٢٥
سیزدهم ٢٥
تُفْسِدُوا دوئم ١٠
هفتم ١٥٤ ٨٣
چهل هفتم ٢٤
لَيُفْسِدُوا هفتم ١٢٤
لَتُفْسِدُنَّ هفدهم ٤
لِتُفْسِدُوا دوازدهم ٧٣

وَفَسَادًا هشتم ٧٤
الْفَسَادَ سیام ٤٠
فَسَادٍ پنجم ٣٥
الْفَسَادِ یازدهم ١١٨
فَسَادًا پنجم ٣٧ ٦٩
بیست هشتم ٨٣
الْفَسَادَ دوئم ٢٠١
بیست هشتم ٧٧ چهل ٢٧
هشتاد نهم ١١
الْمُفْسِدَ دوئم ٢١٩
مُفْسِدُونَ هجدهم ٩٣
الْمُفْسِدُونَ دوئم ١١
مُفْسِدِينَ دوئم ٥٧
هفتم ٧٤ یازدهم ٨٥
بیست ششم ١٨٣
بیست نهم ٣٥
بِالْمُفْسِدِينَ سیم ٦٣
دهم ٤١
كَالْمُفْسِدِينَ سی هشتم ٢٧
تَفْسِيرًا بیست پنجم ٣٣

فسق

فَفَسَقَ هجدهم ٤٨
فَسَقُوا دهم ٣٣
سی دوئم ٢٠
فَفَسَقُوا هفدهم ١٦
يَفْسُقُونَ دوئم ٥٩
ششم ٤٩ هفتم ١٦٣
٦٥ بیست نهم ٣٣
تَفْسُقُونَ چهل ششم ٢٠
فِسْقٌ پنجم ٣
لَفِسْقٌ ششم ١٢١
فِسْقًا ششم ١٤٥
فَاسِقٌ چهل نهم ٦
فَاسِقًا سی دوئم ١٨
فَاسِقُونَ پنجم ٥٩
٨٤ نهم ١٨ ٨٥
پنجاه هفتم ١٦ ٢٧
لَفَاسِقُونَ پنجم ٤٩
فَاسِقِينَ نهم ٥٣
پنجم ٧٣ بیست هفتم
١٢ بیست هشتم ٣٢ چهل
سیم ٥٤ پنجاه یکم ٤٦
لَفَاسِقِينَ هفتم ١٠٠
فُسُوقٌ دوئم ٢٨٢
الْفُسُوقُ چهل نهم ١١
فُسُوقٌ دوئم ١٩٧
وَالْفُسُوقَ چهل نهم ٧

فشل

فَشِلْتُمْ سیم ١٤٥
لَفَشِلْتُمْ هشتم ٤٣
تَفْشَلَا سیم ١٢٢
فَتَفْشَلُوا هشتم ٤٦

فصح

افْصَحُ بیست هشتم ٣٤

فصل

فَصَلَ دوئم ٢٥٠
فُصِّلَتْ دوازدهم ٩٤
يُفَصِّلُ بیست دوئم ١٧
سی دوئم ٢٥ چهل یکم ٣
فَصَّلَ ششم ٩٧ ٩٨ ١١٩ فَصَّلْنَا
١٢٦ هفتم ١٣٣
فَصَّلْنَاهُ هفتم ٥٠
فَصَّلَ ششم ١١٩
يُفَصِّلُ دهم ٥ هفتم ٣٠
سیزدهم ٢
نُفَصِّلُ ششم ٥٥ هفتم
٣٠ ١٧٣ دهم ٢٥
سی ام ٢٧
وَنُفَصِّلُ نهم ١١
فَصَّلْتُ یازدهم ١
چهل یکم ٣ ٤٤
فَصْلٌ هشتاد ششم ١٣
وَفَصْلَ سی هشتم ١٩
الْفَاصِلِينَ ششم ٥٧
نُصَّالًا دوئم ٢٣٣
وَفِصَالُهُ سی یکم ١٣
چهل ششم ١٤
وَفَصِيلَتِهِ هفتادم ١٣
وَتَفْصِيلَ دهم ٣٨
دوازدهم ١١١
تَفْصِيلًا هفدهم ١٢
وَتَفْصِيلًا ششم ١٥٤
هفتم ١٤٢
مُفَصَّلًا ششم ١١٤
مُفَصَّلَاتٍ هفتم ١٣٠

فصم

انْفِصَامَ دوئم ٢٥٧

فض

انْفَضُّوا شصت دوئم ١١
لَانْفَضُّوا سیم ١٥٩
يَنْفَضُّوا شصت ستم ٧
فِضَّةٍ چهل سیم ٣٣ هفتاد
ششم ١٥ ١٦ ٢١
وَالْفِضَّةِ سیم ١٤
وَالْفِضَّةَ نهم ٣٤

فضح

تَفْضَحُونِ پانزدهم ٦٨

فضل

فَضَّلَ چهارم ٣٢ ٣٤ ٩٥
١٦ شانزدهم ٧١ ٩٧
وَفَضَّلَ چهارم ٩٥
فَضَّلْنَا دوئم ٢٥٣
ششم ٨٦ هفدهم ٢١ ٥٥ ٧٠

فضلنا

باب الفاء بعد الضاد الی الیاء و باب القاف

فضّلنا بیست هفتم ۱۵
فضّلکم هفتم ۳۶ ۱
فضّلکم دوم ۴۴ ۱۱، ۴۶
وفضّلناهم هفدهم ۷۲
چهل پنجم ۱۵
وتفضّل سیزدهم ۴
فضّلوا شانزدهم ۷۳
یفضّل سیوم ۲۴
فضل چهارم ۷۵
الفضل چهارم ۷۲
بیست هفتم ۱، سی پنجم ۲۹
چهل دوم ۲۱
فضل دوازدهم ۳۸
بیست ۴ پنجاه هفتم ۲۹
شصت دوم ۱۰
هفتاد سیوم ۲۰
بفضل دهم ۵۹
وفضل سیوم ۱۶۸، ۱۶۵
چهارم ۱۴۷
الفضل دوم ۲۸ ۳ سیوم
۲۹ پنجاه هفتم ۲۹
لفضل دهم ۱۰۷
فضله یازدهم ۳
هفدهم ۸۹
تفضیلاً هفدهم ۲۱ / ۷۲
وفضلاً دوم ۲۷۱

فضی

افضی چهارم ۲۵

فطر

فطر ششم ۷۹ سی ام ۲۹
فطرنی یازدهم ۵۳ سی
ششم ۲۱ چهل سیوم ۲۶
فطرنا بیستم ۷۵
فطرکم هفدهم ۵۳
فطرهن بیست یکم ۵۷
ینفطرن نوزدهم ۹۲
چهل دوم ۳
انفطرت هشتاد دوم ۱
فاطر چهل دوم ۹
فاطر ششم ۱۴ چهاردهم
۱۱ سی پنجم ۱
فاطر دوازدهم ۱۰۲
سی نهم ۴۷
فطور سی ام ۲۹
فطور شصت هفتم ۳
منفطر هفتاد سیوم ۱۸

فظ

فظاً سیوم ۱۵۳

فعل

فعلن دوم ۲۳۴، ۲۴۱
فعلتم دوازدهم ۸۹
چهل نهم ۶
فعلنا چهاردهم ۷۴
فعله بیست یکم ۶۴
فعلتم هجدهم ۸۱
فعلتها بیست ششم ۱۹
وفعلت بیست ششم ۱۸
فعلوا چهارم ۶۶ پنجم
۸۲ ششم ۱۳۸، ۱۱۲
پنجاه چهارم ۵۲
وتفعل چهاردهم ۳ ۲
تفعل دوم ۲۳۱ سیوم
۳۷ چهارم ۴۶، ۱۱۳
دوازدهم ۳۲ بیست پنجم ۶
شصت سیوم ۹
تفعل پنجم ۷۱
تفعلوا سیوم ۱۸۵
تفعلون شانزدهم ۹۳
بیست هفتم ۱۰ چهل دوم
۲۴ شصت یکم ۳۰۲
هشتاد دوم ۱۲
تفعلوا دوم ۲۲ تم
۱۹۳، ۲۱۱، ۲۷۹
۲۸۲ سیوم چهارم ۱۲۶
سی سیوم پنجاه ششم ۱۴
فعل سی هفتم ۳۳
هفتاد هفتم ۱۸
تفعل یازدهم ۸۹
بفعله شصتم ۱
تفعلو هشتم ۷۴
افعل سی هفتم ۱۰۲
فافعلوا دوم ۶۳
وافعلوا بیست دوم ۷۶
فعل بیست یکم ۷۳
فعلتک بیست ششم ۱۸
فاعل هجدهم ۲۳
فاعلون بیستم ۴
لفاعلون دوازدهم ۶۱
فاعلین دوازدهم ۱۰
یازدهم ۷۱ بیست یکم
۱۷، ۶۸، ۷۹، ۱۰۴
فعال یازدهم ۱۰۹
هشتاد پنجم ۱۶
مفعولا چهارم ۵
هشتم ۴۳، ۴۶
هفدهم ۵ سی سیوم ۳۷
هفتاد سیوم ۱۸
لمفعولا هفدهم ۱۰۸

فقد

تفقدون دوازدهم
۸
یتفقد دوازدهم ۷۲
وتفقد بیست
هفتم ۲۰

فقر

الفقر دوم ۲۷۱
فاقرة هفتاد پنجم ۲۵
فقیر سیوم ۱۷۷ بیست
هشتم ۲۴
فقیراً چهاردهم ۱۳۴، ۶
الفقیر بیست دوم ۲۹
الفقراء سی پنجم ۱۶
چهل هفتم ۴۰
للفقراء دوم ۲۷۳
نهم ۶ پنجاه ۸
فقراء بیست چهارم ۳۲
الفقراء دوم ۲۷۳

فقع

فاقع دوم ۶۴

فقه

یفقهون چهارم ۸ ششم
۶۵، ۹۸ ونه سیزدهم
یفقهوا بیستم ۲۹
نفقهون هفدهم ۴۶
یفقهوه ششم ۲۵
هفدهم ۴۸ هجدهم ۵۹
لیتفقهوا نهم ۱۲۳

فک

فک نودم ۱۳
منفکین نود هشتم ۱

فکر

فکر هفتاد چهارم ۱۸
ویتفکرون سیوم ۱۸۸ ۱
یتفکروا هفتم ۱۸۳
سی ام ۷
تتفکرون دوم ۲۱۷
۲۶۸ ششم ۵۰
تتفکروا سی چهارم ۴۶

فکه

تفکهون پنجاه ششم ۶۵
فکهین هشتاد سیوم ۳۱
فاکهون سی ششم ۵۵
فاکهین چهل چهارم ۲۶
پنجاه دوم ۱۸
فاکهة سی ششم ۵۷
چهل سیوم ۷۳ پنجاه
پنجم ۱۰، ۶۸
فاکهة چهل چهارم ۵۵
بفاکهة سی هشتم ۵۱
پنجاه دوم ۲۲ پنجاه
پنجم ۵۲
وفاکهة پنجاه ششم ۲۰، ۳۲
وفاکهة هشتادم ۳۱
فواکه بیست سیوم ۱۹
سی هفتم ۴۱
وفواکه هفتاد هفتم
۴۲

فلح

افلح بیست ۳ بیستم ۱
هشتاد هفتم ۱۴ نود یکم ۹
یفلحون دهم ۷۰
شانزدهم ۱۱۷
تفلحوا هجدهم ۱۹
المفلحین بیست هشتم ۶۷

فلق

فالق بیست ششم ۳ ۶
الفلق صد سیزدهم ۱
فالق ششم ۹۶، ۹۵

فلک

الفلک سی ام ۴۵
چهل پنجم ۱۱
والفلک دوم ۱۵۹
والفلک بیست دوم ۴۴
فلک بیست یکم ۳۴ سی
ششم ۴۰

فنن

افنان پنجاه پنجم ۴۸

فند

تفندون دوازدهم ۹۴

فنی

فان پنجاه پنجم ۲۶
فمنها بیست یکم ۷۹

فات

فاتکم سیوم ۱۴۷ پنجاه
هفتم ۲۳ شصتم ۱۱
فوت سی چهارم ۵۰
تفاوت شصت هفتم ۳

فوج

فوج سی هشتم ۵۹
شصت هفتم ۸
فوجا بیست ششم ۸۵
افواجا هفتاد ششم ۱۸
صد دهم ۲

فار

وفار یازدهم ۴۲
بیست سیوم ۲۷
تفور شصت هفتم ۷
فورهم سیوم ۱۲۱

فاز

فاز سیوم ۱۸۲
سی هشتم ۷۱
فافوز چهارم ۷۵
فوزا چهارم ۷۵
سی سیوم ۷۱ چهل هشتم ۵
الفائزون نهم ۲۰
بیست سیوم ۱۱۳ پنجاه چهارم
۵۱ پنجاه نهم ۲۰
بمفازة هفتاد هشتم ۳۱
بمفازتهم سیوم
۱۸۵
بمفازتهم سی نهم
۶۲

فاض

وافوص چهل ۴۷

فاق

آفاق هفتم ۱۴۰
فوق چهاردهم ۳۱
بیست دوم ۲۰
فوقهم بیست چهارم ۴۰ تم
فوقها سی نهم ۲۱
چهل یکم ۹
فوقکم ششم ۶۵ سی
سیوم ۱۰
فوقهم پنجم ۷۰ هفتم ۳۹
شانزدهم ۲۶، ۵۲
بیست نهم ۵۵ سی نهم ۸
فوقهن چهل دوم ۳
وفوق دوازدهم ۷۶
فوقها دوم ۲۶
فوقکم دوم ۶۳، ۸۷
بیست سیوم ۱۷ هفتاد هشتم ۱۲
فواق سی هشتم ۱۴

فوم

وفومها دوم ۵۸
فاه سیزدهم ۱۵
بافواهکم بیست چهارم ۱۴
سی سیوم ۴
افواههم سیوم ۱۱۴
چهاردهم ۱۰ هجدهم ۴
سی ششم ۶۵
بافواههم سیوم ۱۶۱
پنجم ۴۵ نهم ۳۰ ۸
۳۲ شصت یکم ۸

فی

افیء چهاردهم ۴۹ بیست چهارم ۱۱
فیء سیوم ۱۰۳ یازدهم ۱۰۸
۱۱۰
وفیه دوازدهم ۴۹
وفیها هفتم ۲۴ بیستم ۵۷
چهل سیوم ۷۱
فینا یازدهم ۶۵، ۹۳
بیست ششم ۱۲ بیست نهم ۶۹
وفیکم سیوم ۹ نهم ۴۷
فانت چهل نهم ۹
فاوا دوم ۲۲۶
تفیء چهل نهم ۹
افاء سی سیوم ۴۹
پنجاه نهم ۷۶
یتفیئوا شانزدهم ۵۰

فاض

تفیض پنجم ۸ نهم ۹۳
افاض دوم ۱۹۵
افضتم دوم
۱۹۹
بیست چهارم ۱۴
تفیضون دهم
۶۲

چهل ششم ۷
افیضوا دوم ۱۹۵
هفتم ۴۸
الفیل صد پنجم ۱

باب القاف

ق پنجاهم ۱

قبح

المقبوحین بیست هشتم
۴۲

قبر

فاقبره هشتادم ۲۱
المقبور هشتادم ۴
القبور بیست دوم ۷
سی پنجم ۲۱ شصتم ۱۳
صدم ۹
مقابر نهم ۸۵
المقابر صد دوم ۲

قبس

نقتبس پنجاه هفتم ۱۳
قبس بیست هفتم ۷
بقبس بیستم ۱۰

قبض

نقبض بیستم ۹۶
قبضناه بیست پنجم ۴۸
یقبض دوم ۲۴۵
ویقبضون نهم ۶۸
ویقبضن شصت هفتم ۱۹
قبضنا بیست پنجم ۴۸
قبضة بیستم ۹۶
قبضته سی نهم ۶۷
مقبوضة دوم ۲۸۳

قبل

یقبل نهم ۱۰۵
چهل دوم ۲۵
تقبلوا بیست چهارم ۴
یقبل سیوم ۷۹، ۸۵
تقبل سیوم ۸۴ نهم ۵۴
فاقبلت پنجاه یکم ۲۹
فاقبل سی هفتم ۴۸
شصت هشتم ۳۰
واقبل سی هفتم ۲۷
پنجاه دوم ۲۵
فاقبلوا سی هفتم ۹۴
واقبلوا دوازدهم ۷۱
اقبلنا دوازدهم ۸۲
اقبل بیست هشتم ۳۱
فتقبلها سیوم ۳۷
یتقبل پنجم ۳۰
نتقبل چهل ششم ۱۵
تقبل دوم ۱۲۱
فتقبل سیوم ۳۱
وتقبل چهاردهم
۴۲

يقتل پنجم ٣٠
يقتل نهم ٥٣
قتل پنجم ٤٠
فقتل پنجم ٣٠
وقتل بیستم ١٣٠
پنجاهم ٣٨
قتلی سیم ١٨٠ بیست یکم
٢٤ چهل ششم ١٦
قتلها سیزدهم ٢٩
بیست هفتم ٤٢
قتلنا دوم ٢٨٦
ششم ١٥٧
قتلك هفدهم ٧٩
بیست یکم ٧ بیست پنجم ٢٢
سی چهارم ٤٣
قتله شصت نهم ٩
قتل دوازدهم ٢٦
قتلا ششم ١١١ هجدهم ٥٣
قتل دوم ١٧٢
بیست هفتم ٣٧
قتله پنجاه هفتم ١٣
قتلك هفتادم ٣٦
قاتل چهلم ٢
قتله دوم ١٤٠
قتلة دوم ١٣٩
دهم ٨٧
القتلة دوم ١٣٨
قتلهم دوم ١٣٦
قتلك دوم ١٤٠
قتلهم دوم ١٤٠
قتول سیم ٣٢
قتلا هفدهم ٩٤
وقتله هفتم ٢٦
وقتل چهل نهم ١٣
متقاتلين پانزدهم ٤٧
سی هفتم ٤٣ چهل
چهارم ٥٣ پنجاه ششم ١٠
مستقبل چهل ششم ٢٣

قتر

يقتروا بیست پنجم ٦٧
قتر دهم ٢٧
قترة هشتادم ٤١
قتورا هفدهم ١٠٢
المقتر دوم ٢٣٧

قتل

قتل چهارم ٩٤ پنجم
٣٥ ٩٦
وقتل دوم ٢٥٢
قتلت بیستم ١٨
وقتلت بیستم ٤١
اقتلت هجدهم ٧٣
قتلت بیستم ٣٣

قتلوا ششم ١٤١
قتلتم دوم ٦٧
قتلنا چهارم ١٥٦
قتله پنجم ٩٦
فقتله پنجم ٣٣
هجدهم ٧٣
قتلهم هشتم ١٧
قتلوه چهارم ١٥٦ تم
قتلتموهم سیم ١٨٠
تقتل چهارم ٩٤
يقتل چهارم ٩٥
اقتل چهلم ٢٧
يقتلون پنجم ٧٤
بیست پنجم ٦٨
فيقتلون نهم ١١٢
ويقتلون دوم ٥٨
سیم ٢٠ تم ١٠٥
يقتلني شصتم ١٢
تقتلون دوم ٧٩
٨١، ٨٥ سی سیم ٦٣
اتقتلون چهلم ٢٩
تقتلوا چهارم ٣٣
پنجم ٦ ششم ٩ ٢٥٢ تم
دوازدهم ١٠ هفدهم ٣٣
تقتلني بیست هشتم ١٨
ليقتلني پنجم ٣١
لاقتلك پنجم ٣١
لاقتلنك پنجم ٣٠
يقتلونني هفتم ١٤٩
يقتلون بیست هشتم ١٣
بیست هشتم ٣٣
يقتلوك هشتم ٣٠
ليقتلوك بیست هشتم ١٩
تقتلوه بیست هشتم ٨
تقتلوهم هشتم ١٧
اقتلوا چهارم ٢٩
دوازدهم ٩ چهلم ٢٦
فاقتلوا دوم ٥١
نهم ٥
اقتلوه بیست نهم ٢٣
واقتلوهم دوم ١٨٧
چهارم ٩١ ٩٣
فاقتلوهم دوم ١٨٧
فقتلوا هفتاد چهارم ١٩
قتلت هشتاد یکم ٩
قتلوا سیم ١٥٥، ١٦٢
١٦٣ بیست دوم ٥٧
چهل هفتم ٥
وقتلوا سیم ١٩٤
قتلتم سیم ١٥٢، ١٥٣
قتلنا سیم ١٤٨
يقتل دوم ١٤٩

يقتل چهارم ٧٦
ويقتلون نهم ١١٢
يقتلون هفتم ١٣٧
سيقتل هفتم ١٢٤
وقتلوا سی سیم ٦١
يقتلوا پنجم ٣٧
قاتل سیم ١٤٠
وقاتل پنجاه هفتم ١٠
وقاتلوا سیم ١٩٤
پنجاه هفتم ١٠
قاتلوا سی سیم ٢٠
قاتلكم چهل هشتم ٢٢
قاتلهم نهم ٣٠
شصت سیم ٤
قاتلوكم دوم ١٨٧
شصتم ٩
فلما قاتلوكم چهارم ٩٢
يقاتل چهارم ٧٦
فليقاتل چهارم ٧٦
يقاتل سیم ١١
يقاتلون چهارم ٧٨ تم
نهم ١١٢ شصت یکم ٤
هفتاد یکم ٢٠
يقاتلوا چهارم ٩٢
يقاتلون چهارم ٧٧
نهم ١٣
يقاتلوا دوم ٢٤٧
نهم ٨٤
تقاتل دوم ٢٤٧
يقاتلونكم دوم ١٨٦
٢١٤ نهم ٣ پنجاه نهم ١٤
يقاتلوكم دوم ١٨٧
سیم ١٠٧ چهارم ٩٢ تم
شصتم ٨
يقاتلونهم چهل هشتم ١٦
يقاتلوهم دوم ١٨٧
فقاتل چهارم ٨٦
فقاتلا پنجم ٢٧
قاتلوا سیم ١٦٠ نهم
٢٩، ١٢٤
فقاتلوا چهارم ٧٨ نهم ١٢
چهل نهم ٩
وقاتلوا دوم ١٨٦
٢٤٥ نهم ٣٦
قاتلوهم نهم ١٤
هشتم
قوتلوا پنجاه نهم ١٢
قوتلتم پنجاه نهم ١١
يقاتلون بیست دوم
اقتتل دوم ٢٥٤
اقتتلوا دوم ٢٥٤

چهل نهم ٩٠
تقتيلا بیست هشتم ١٣
القتل سیم ١٤٨
القتل دوم ١٨٧، ١٩١، ٢١٧
هفدهم ٣٥ سی سیم ١٦
قتل پنجم ٣٣
ششم ١٣٨
وقتلهم چهارم ١٥٤
قتلهم هفدهم ٣٣
وقتلهم سیم ١٧٧
قتيلا سی سیم ٦١
قتال دوم ٢١٤
القتال دوم ٢١٢
٢٤٧ تم چهارم ٧٩
چهل هفتم ٢٢
قتال دوم ٢١٤
لقتال هشتم ١٦
القتال هشتم ٦٥
للقتال سیم ١١٧
قتالا سیم ١٦٧
القتال چهارم ٧٩ سی سیم ٢٥
القتلى دوم ١٧٣

قثا

وقثائها دوم ٥٨

قحم

المقتحم نودم ١١
مقتحم سی هشتم ٥٩

قد

وقدت دوازدهم ٢٥
قد دوازدهم ٢٦، ٢٧، ٢٨
قددا هفتادم ١١

قدح

قدحا صدم ٢

قدر

فقدر هشتاد نهم ١٦
قدروا ششم ٩١
بیست دوم ٧٣ سی نهم ٦٧
فقدرنا هفتاد هفتم ٢٣
يقدر شانزدهم ٧٧، ٧٨
يقدر نودم ٥
يقدرون دوم ٢٦٤
چهارم ٢١ پنجاه هفتم ٢٩
تقدروا پنجم ٢٨
چهل ششم ٢١
نقدر بیست چهارم ٨٧
شصت پنجم ٧
قدر هفتاد چهارم ١٩
٢٠
هشتاد هفتم ٣
وقدر چهل یکم ٩
هفتاد چهارم ١٨
قدرنا پانزدهم ٦٠

پنجاه ششم ٦٠
وقدرنا سی چهارم ١٧
قدره بیست پنجم ٢
هشتادم ١٩
وقدره دهم ٥
قدرها هفتاد ششم ١٦
قدرناه سی سیم ٣٩
قدرناها بیست هفتم ٥٨
بقدر هفتاد سیم ٢٠
وقدر سی چهارم ١٠
القدر نود هفتم ١، ٢، ٣
قدرا شصت پنجم ٣
قدره ششم ٩١
بیست دوم ٧٣ سی نهم ٦٧
قدير بیستم ٤٢
هفتاد هفتم ٢٢
بقدر پانزدهم ٢١
بیست سیم ١٨ چهل دوم ٢٧
چهل سیم ١ پنجاه چهارم ٤٩
قدرا سی سیم ٣٨
قدره دوم ٢٣٦ م
بقدرها سیزدهم ١٨
وقدور سی چهارم ١٣
قادر سی ششم ٨٣ هفدهم ٩٩
لقادر هشتادم ٨
القادر ششم ٦٥
بقادر سی ششم ٨١
چهل ششم ٣٢
هفتاد پنجم ٤٠
قادرون دهم ٢٥
لقادرون بیست سیم ١٨
٩٧ هفتادم ٤٠
القادرون هفتاد هفتم ٢٣
قادرين شصت هشتم ٢٥
هفتاد پنجم ٤
لقدير بیست دوم ٤٠
القدير سی ام ٥٣
قدير چهارم ١٣٢
١٤٨ بیست پنجم ٥٤ سی
سیم ٢٧ سی نهم ٤٣
چهل هشتم ٢١
نقدر ششم ٩٦ سی
ششم ٣٨ چهل یکم ١١
تقديرا بیست پنجم ٢
هفتاد ششم ١٦
مقدورا سی سیم ٣٨
بمقدار سیزدهم ٩
مقدارة سی دوم ٤
هفتادم ٤
مقتدر پنجاه چهارم ٤٢
٥٥
مقتدرا هجدهم ٤٥

مقتدون چهل سیم ٢٣

قدس

ونقدس دوم ٢٨
القدس دوم ٨١، ٢٥٤
پنجم ١٠٩ شانزدهم ١٠٤
القدوس پنجاه نهم ٢٣
القدوس شصت دوم ١
المقدس بیست دوم ١٢
هفتاد نهم ١٦
المقدسة پنجم ٢٤

قدم

وقدمنا بیست پنجم ٢٥
يقدم یازدهم ١٠٠
قدمت سی هشتم ٦١
هفتاد پنجم ١٣
قدمت پنجاه هشتم ٢٧
هشتاد نهم ٢٥
قدموا سی ششم ١١
قدمتم دوازدهم ٤٨
قدمتموه سی هشتم ٦١
تقدموا دوم ١٠٤
چهل نهم ١ پنجاه هشتم ١٣
هفتاد سیم ٢٠
تقدموا پنجاه هشتم ١٣
وقدموا دوم ٢٢٣
تقدم چهل هشتم ٢
تقدمكم هفتاد چهارم ٣٧
يستقدمون هفتم ٣٢
دهم ٥٠ شانزدهم ٦٣
تستقدمون سی چهارم ٢٩
قدم شانزدهم ١٢
قدم دهم ٢ بیست دوم
والاقدام پنجاه پنجم ٤١
اقدامنا چهل یکم ٢٩ م
اقدامنا دوم ٢٥١
سیم ١٤١
اقدامكم چهل هفتم ٨
قديم چهل ششم ١٠
القديم دوازدهم ٩٥
سی ششم ٣٩
الاقدمون شصت ششم ٧٦
المستقدمين پانزدهم ٢٤

قدی

اقتده ششم ٩٠
مقتدون چهل سیم ٢٣

قذف

وقذف سی سیم ٢٦
پنجاه نهم ٢
فقذفناها سی نهم ٩٠
يقذف سی چهارم ٢٧
ويقذفون سی چهارم ٥٢
نقذف بیست یکم ١٨

قرّ
الاذفیم بیستم ۳۹
وتجدونه سه هفتم ۸
لقرّ بیستم ۴۱ بیست هشتم ۱۲
سه سیم ۵۱
وقرّی نوزدهم ۲۶
اقررتم دو نهم ۷۸
ءاقررتم سیم ۷۵
اقررنا سیم ۷۵
ونقرّ بیست دو نهم ۵
اینستقرّ هفتم ۱۳۹
القرار چهاردهم ۳۴
سه هشتم ۶۰
قرار چهاردهم ۳۱ بیست
سیم ۲ ۱۱۳ ۵ هشتاد
هفتم ۲۱
القرار چهل ۴۲
قرارا چهل ۶۶
قرّة بیست هشتم ۸
قرّ سه دو نهم ۱۷
قرّ بیست پنجم ۷۴
قواریر بیست هفتم ۴۴
هفتاد ششم ۱۶ ۱۵
مستقر پنجاه چهارم ۳
۳۸
مستقرا بیست هفتم ۴۰
مستقر دو نهم ۳۴ ششم
ء ء هفتم ۲۳
فمستقر ششم ۹۸
المستقر هفتاد پنجم ۱۲
لمستقر سه ششم ۳۸
مستقرا بیست پنجم ۲۶
ء ۱ ۶۷
مستقرها یازدهم ۸
قرأ
قرأت شانزدهم ۱۰۰
هفدهم ۴۷
نقرأه بیست ششم ۱۹۹
فرأناه هفتاد پنجم ۱۸
یقرءون دهم ۹۴
هفدهم ۷۳
لتقرأه هفدهم ۱۰۷
نقرأه هفدهم ۹۵
اقرأ هفدهم ۱۵
نود ششم ۳۱
اقرءوا شصت نهم ۱۹
فاقرءوا هفتاد سیم ۲۰ م
قرئ هفتم ۲۰۴
هشتاد چهارم ۲۱
سنقرئک هشتاد هفتم
قروء دو نهم ۲۲۸
قرآنه هفتاد پنجم ۲۱

القرآن پنجاه ششم ۷۷
وقرآن سه ششم ۶۹
القرآن دو نهم ۱۸۱ پنجم
۱۰ ششم ۱۹ هفتم ۲۰۳
دهم ۳۸ بیست پنجم ۳۴
چهل و نهم هشتاد چهارم ۲۱
قرآن دهم ۱۲ ۶۴
بقرآن دهم ۱۶
وقرآن پانزدهم ۱
بالقرآن بیستم ۱۱۳
پنجاهم ۴۵
والقرآن نهم ۱۳ سه ششم
سه هشتم ۱ پنجاهم ۱
قرآن هفدهم ۸۰
وقرآن هفدهم ۸۰
وقرآنا هفدهم ۱۰۷
والقرآن پانزدهم ۸۷
قرآنه هفتاد پنجم ۱۸
وقرآنه هفتاد پنجم ۱۷
قرب
لاقرب چهلم ۲۳
تقربا دو نهم ۳۳
هفتم ۱۸
یقربوا نهم ۲۸
تقربوا چهارم ۴۴ ششم
۱۵۲ ۱۵۱ هفتم
۳۶ ۳۴ ۳
تقربون دوازدهم ۶۰
تقربوها دو نهم ۱۸۷
تقربوهن دو نهم ۲۲۲
قربا پنجم ۳۵
تقربه پنجاه بکم ۲۷
وقربناه نود ۵۳
تقربکم سه چهارم ۳۷
لیقربونا سه نهم ۳
اقترب هفتم ۱۸۴
بیست یکم ۱
واقترب بیست یکم ۹۷
اقتربت پنجاه چهارم ۱
واقترب نود ششم ۱۹
قربة نهم ۱۰۰
قربات نهم ۱۰۰
قریب دو نهم ۱۸۲
هفتم ۵۶ یازدهم ۶۴
۴۷ سه چهارم ۴۹
چهل دو نهم ۱۳ اشصت پنجم
اقرب بیست یکم ۹
هشتاد دو نهم ۲۶
یقرب یازدهم ۸۳
قربانا پنجم ۱۰۵ ششم
۱۵۳ ۱ نهم ۱۴ سه پنجم ۱۹
بقربان سیم ۱۷۹

قربانا بیستم ۳۰ چهل
ششم ۲۷
واقرب چهلم ۸۰
والاقربون چهارم ۸ م
۳۷
الاقربین بیست ششم ۲۱۴
والاقربین دو نهم ۱۷۶
۱۱ چهارم ۱۳۴
اقربهم پنجم ۸۵
المقربون چهارم ۱۷۰
پنجاه ششم ۱۱ هشتاد
سیم ۲۸ ۲۱
المقربین سیم ۴۵ هفتم
۱۱۱ بیست ششم ۴۱ پنجاه
ششم ۸۷
مقربة نودم ۱۵
قرح
قرح سیم ۱۳۴ م
القرح سیم ۱۶۶
فرد
فرادی دو نهم ۱۶ هفتم
۹۴
القردة پنجم ۶۰
قریش
قریش صد ششم ۱
قرض
تقرضهم چهلم ۱۶
واقرضوا پنجاه هفتم ۱۷
واقرضتم پنجم ۱۵
یقرض دو نهم ۲۴۵
پنجاه هفتم ۱۱
تقرضوا شصت چهارم ۱۷
واقرضوا هفتاد سیم ۲۰
قرضا دو نهم ۲۴۵
پنجم ۱۲ پنجاه هفتم ۱۱
شصت چهارم ۱۷ هفتاد سیم ۲۰
قرطس
قرطاس ششم ۷
قراطیس ششم ۹۱
قرع
قارعة سیزدهم ۳۱
القارعة صد یکم ۱ م ۲
بالقارعة شصت نهم ۴
قرف
اقترفتموها نهم ۲۴
یقترف چهل دو نهم ۲۲
یقترفون ششم ۱۲۹
ولیقترفوا ششم ۱۱۳
مقترفون ششم ۱۱۳
قرن
قرن ششم نوزدهم
۹۸ ۷۵ سه هشتم ۲

بیجاهم ۳۵
وقرنی سه سیم ۳۳
قرنا ششم بیست هفتم ۳۴
القرنین چهلم ۸۳
۹۳ ۸۵
القرون چهل ششم ۱۶
القرون یازدهم ۴۷ ۱۱۶
هفدهم ۱۸ بیستم ۵۱ ۱۲۸
بیست هشتم ۷۸ سه دو نهم ۲۶
سه ششم ۳۰
قرونا بیستم ۴۴
بیست ششم ۴۵
وقرونا بیست پنجم ۳۸
القرون دهم ۱۴ بیست سیم ۳۱
قرن سه هفتم ۴۹
چهل سیم ۳۵
القرنین چهل سیم ۳۷
قرنا چهارم ۴۲ م
قرینة پنجاهم ۲۶ ۲۲
قرناء چهل یکم ۲۴
قارون بیست هشتم ۷۹
قارون بیست هشتم ۷۶
وقارون بیست نهم ۳۹
چهلم ۲۴
مقترنین چهل سیم ۵۳ بیست
پنجم ۱۴ سه هشتم ۳۸
مقرنین چهل سیم ۱۳
مقرنین چهل سیم ۵۳
قریة دهم ۹۸
القریة چهارم ۷۵ هفتم
۱۶۳ بیست یکم ۷۴
بیست پنجم ۴۰ بیست ششم ۳۴
۳۳ سه ششم ۱۳
قریة شانزدهم ۱۱۲
هفدهم ۱۶ بیست هفتم ۳۴
القریة دو نهم ۵۸
هفتم ۱۶۱ دوازدهم ۸۲
القریتین چهل سیم ۳۱
قری سه چهارم ۱۸
بیست نهم ۱۴
قریتک چهل هفتم ۱۳
قریتنا هفتم ۸۸
قریتکم هفتم ۸۲
بیست هفتم ۵۶
قس
قسیسین پنجم ۸۲
قسور
قسورة هفتاد چهارم ۵۱
قسط
تقسطوا چهارم ۳
وتقسطوا شصتم ۸
واقسطوا چهل نهم ۹

القسط بیست یکم ۴۷
القاسطون هفتاد دوم ۱۴ ۱۵
اقسط دو نهم ۲۸۲
سه سیم ۵
المقسطین پنجم ۴۲ چهل
نهم ۹ شصتم ۸
قسطس
بالقسطاس هفدهم ۳۵
بیست ششم ۱۸۲
قسم
قسمنا چهل سیم ۳۲
یقسمون چهل سیم ۳۲
وقاسمهما هفتم ۲۱
اقسموا پنجم ۵۳
شصت هشتم ۱۷
واقسموا ششم ۱۰۹
شانزدهم ۳۸
بیست چهارم ۵۳ سه پنجم ۴۲
اقسمتم هفتم ۴۹
چهاردهم ۹۶
یقسم سی ام ۵۵
مقسمون بیست هفتم ۴۹
تقاسموا بیست هفتم ۴۹
تقاسموا بیست هفتم ۵۰
تستقسموا پنجم ۳
قسم هشتاد نهم ۵
لقسم پنجاه ششم ۷۶
قسمة پنجاه سیم ۲۲
پنجاه چهارم ۲۸
القسمة چهارم ۸
مقسوم پانزدهم ۴۴
فالمقسمات پنجاه یکم ۴
المقتسمین پانزدهم ۹۰
قسو
قست دو نهم ۷۴ سی و ششم ۴۳
فقست پنجاه هفتم ۱۶
للقاسیة سه نهم ۲۲
والقاسیة بیست دو نهم ۵۳
قاسیة پنجم ۱۳
قسوة دو نهم ۷۴
قشعر
تقشعر سه نهم ۲۳
قص
وقص بیست هشتم ۲۵
قصصنا شانزدهم ۱۱۸
چهلم ۷۸
قصصناهم چهارم ۱۶۴
نقص ششم ۵۷
بیست هفتم ۷۶
یقصون ششم ۱۳۰
هفتم ۳۵
نقص هفتم ۷ یازدهم ۹۹

۱۲۱ دوازدهم ۳
چهلم ۲ بیستم ۹۹
نقصها یازدهم ۱۰۲
تقصص دوازدهم ۵
نقصص چهلم ۷۸
نقصصهم چهارم ۱۶۴
فلنقصن هفتم ۷
فاقصص هفتم ۱۷۶
قصیه بیست هشتم ۱۱
القصص سیم ۶۲
القصص دوازدهم ۳
قصصا هجدهم ۶۴
القصص هفتم ۱۷۶
بیست هشتم ۲۵
قصصهم دوازدهم ۱۱۱
قصاص دو نهم ۱۷۹
پنجم ۴۵
القصاص دو نهم ۱۷۸
القصاص دو نهم ۱۹۴
قصد
واقصد سه یکم ۱۹
قصد شانزدهم ۹
مقتصد سه یکم ۳۲
سه پنجم ۲۹
مقتصدة پنجم ۷۰
قصر
تقصروا چهارم ۱۰۱
یقصرون هفتم ۲۰۲
وقصر بیست دو نهم ۴۵
کالقصر هفتاد هفتم ۳۲
قصورا هفتم ۷۴
بیست پنجم ۱۰
قاصرات سی و هفتم ۴۸
هشتم ۵۲ پنجاه پنجم
۵۶
مقصورات پنجاه پنجم
۷۲
ومقصرین چهل هشتم ۲۷
قصف
قاصفا هفدهم ۶۹
قصم
قصمنا بیست یکم ۱۱
قصو
قصیا نوزدهم ۲۲
الاقصی بیست هشتم ۲۰
سه ششم ۲۰
الاقصی هفدهم ۱
القصوی هشتم ۴۲
قض
ینقض هجدهم ۷۷
قضب
وقضبا هشتادم ۲۸
قضی

باب الكاف والباء بعد الكاف

٧٤ ٥

وكانتا هفتاد هشتم ٣٤	بيست يكم ٤٤	واكتبنا سيوم ٤٦	تكتموا دوم ٢٨٣	كذبوا ششم ٢٤ نهم ٩١	پنجاه هشتم ١٩
فكانت بيست دوم ٤٤	وكبراء ما سي سيوم ٦٧	يكتم ٥ ٨	وتكتموا دوم ٣٩	يازدهم ٢١ سي نهم ١٦	كاذبين يازدهم ٢٩
فكبت بيست هفتم ٩٢	لكبتهم دوم ٣٢	فاكتبوه دوم ٢٨٢	تكتم پنجم ١٠٥	يكذبون نهم ٧٨	دوازدهم ٧٤ شانزدهم ٣١
مكبا شصت هفتم ٢٢	كبرتم ١٢٢ هجدهم ٤٧	ستكتب چهل سيوم ١٨	يكتمها دوم ٢٨٣	تكذبون سي ششم ١٤	كاذبة پنجاه ششم ٢
كبت	لكبتم دوم ١٣٨	اكتتبها بيست پنجم ٥	تكتمونه سيوم ١٨٤	كذبوا دوازدهم ١١٠	كاذبة نود ششم ١٦
بكبتهم سيوم ١٢٢	كبائر چهارم ٣٥ چهل	كاتب دوم ٢٨٢	كتب	مكذب بيستم ٥٨	كذاب سي هشتم چهل
كبت پنجاه هشتم ٥	دوم ٢٥ پنجاه سيوم ٢٨٢	كاتبا دوم ٢٨٢	كتبنا هفتاد سيوم ١٤	هفتاد نهم ٢١	٢٩ : ٢٥ پنجاه چهارم ٢٥
كبتوا پنجاه هشتم ٥	كبارا هفتاد يكم ٢١	كاتبون بيست يكم ٩٤	كثر	وكذبت ششم ٥٦ سي	الكذاب پنجاه چهارم ٢٦
كبد	وأكبر هفدهم ٢٢	كاتبين هشتاد دوم ١١	كثر چهارم ٨	چهارم ٤٤ سي نهم ٣٣	كذابا هفتاد هشتم ٢٨
كبد نودم ٤	الأكبر بيست يكم ١٠٣	فكاتبوهم بيست چهارم ٣٣	كثرت هشتم ١٩	نود دوم ٩	مكذوب يازدهم ٦٥
كبر ششم ٥٣ دهم ٢٢	الأكبر نهم ٣ سي دوم ٢١	كتاب يازدهم ٢٠	تكثر هفتم ٨٤	فكذبت نهم ٦٠	تكذيب هشتاد پنجم ١٩
چهل ٣٢ چهل دوم ١١	أكبر چهارم ١٥٣	چهل ششم ١١	وأكثرت يازدهم ٣٤	فكذبوا سي چهارم ٤٤	المكذبون پنجاه ششم ٥١
شصت يكم ٣	دهم ٦٢	كتاب چهل يكم ٤١	فأكثروا هشتاد نهم ١١	پنجاه چهارم ٩	مكذبين شصت نهم ٤٩
كبرت هجدهم ٤	الأكبر هشتاد هشتم ٢٢	وكتاب پنجم ١٨	لاستكثرت هفتم ١٨٨	كذبتم دوم ٨١	والمكذبين هفتاد سيوم ١١
يكبر هفدهم ٥٢	أكابر ششم ١٢٣	بكتاب هفتم ٥٠	استكثرتم ششم ١٢٨	بيست پنجم ٧٧	كرب
تجبروا چهارم ٦	الكبر هفتاد چهارم ٣١	بيست هشتم ٩ چهل سيوم ٢٩	تستكثر هفتاد چهارم ٦	أكذب بيست هفتم ٨	كرب هفتاد نهم ١٢
لتكبروا بيست دوم ٣٨	الكبر نهم ٧٩	وكتاب بيست هفتم ١	كثرة پنجم ١٠٠	وكذبوا ششم ٥٧	كرب دوم ٢١٦
ولتكبروا دوم ١٨١	چهل يكم ٣	بيست دوم	كثيرا نهم ٢٥	تكذبوا شصت هفتم ٩	بيست ششم ١٠٢ سي نهم
تكبر هفتاد چهارم ٣	تكبرا هفدهم ١١١	بالكتاب سيوم ١١٥ : ٨٢	الكوثر صد هشتم ١	كذبوا بيست سيوم ٢٤	الكرب هفدهم ٦
وكبر هفدهم ١١١	المتكبر پنجاه نهم ٢٣	هفتم ١٦٩ چهل ٧٢	كثيرا دوم ١٠٣ سيوم	٤١ بيست ششم ١١٢	كرب شصت هفتم ٤
أكبر دوازدهم ٣١	متكبر چهلم ٢٨	وبالكتاب پنجم ٢٣	١٣ پنجم ٧٥	كذبوا سيوم ٨١ سي ششم	كرب
تكبر هفتم ١٢	المتكبرين شانزدهم ٣١	والكتاب بيست نهم ٤٦	وكثيرهم بيست يكم ٧٦	٩ يازدهم ٤٢	كرب ششم ٦٣
تكبرون هفتم ١٤٣	سي نهم ٧٢ چهل ٧	پنجاه هفتم ٢٦	پنجاه هفتم ٢٧ : ٢٦ : ١٥	كذبوه سي ٤٦	الكرب بيست ششم ٧٦
استكبر بيستم ١٤	المتكبرين سي نهم ٦	كتب نود هشتم ٣	لكثير ششم ١٣٨	تكذبونها بيست ٥٠	سي هفتم ٢٤ : ١١٥
واستكبر دوم ٣٢	استكبارا سي پنجم ٤١	كتبوه چهارم ٣٣	كثيرا چهارم ٩٦	سي ششم ١٣	كرسي
بيستم ٢٩	المكتب بيست يكم ١٠٤	كاتبه شصت نهم ١٩ : ٢٥	بيستم ١٩ : ٢١	تكذبون بيست پنجم ٢٠	كرسيه دوم ٢٥٦
هفتاد چهارم ٢٣	هفتاد يكم	كتابها چهارم ٢٨	چهل سيوم ٧٣	يكذبون دوم ٩	كرسيه سي هشتم ٣٣
استكبرت سيوم ٧٦	مستكبرا سي يكم ٥		كثيرا نهم ٢٥ سي ششم ٥١		كرم
واستكبر سي نهم ٦٠	چهل پنجم	كتابه پنجم ٢٨	پنجاه ششم ٣١	بيست هفتم ١٧	كرمت هفدهم ٦٤
واستكبروا چهارم ١٧٣	مستكبرون شانزدهم ٢٢	كتابا چهل پنجم ٢٧	كثيرة دوم ٢٤٣ ٢٥	تكذيب هفتاد چهارم ٤٧	كرمنا هفدهم ٧٢
هفتم ٣٣ : ٣٨	شصت سيوم ٥	بكتاب سي هفتم ١٥٧	چهل هشتم ٢٠ : ١٩	كذبت ششم ٢٧	أكرمن هشتاد نهم ١٥
هفتاد يكم ٦	مستكبرين بيست سيوم ٤٦	كتابك هفدهم ١٥	وأكثر بيست ششم ٧٨	كذبت نود پنجم ٧	فأكرمه هشتاد نهم ١٣
استكبروا دوم ٨١	مستكبرين شانزدهم ٢٣	كتابه هفدهم ٧١	وأكثر نهم ٧٠	يكذبون بيست ششم ١١	تكرمون هشتاد نهم ١٨
فاستكبروا چهارم ٣٠	وكب	شصت نهم ١٩ : ٢٥	وأكثرهم سيوم ٥	پنجاه ششم ٣٤	أكرمي دوازدهم ٢١
واستكبروا سيوم ٩	فكبكبوا بيست ششم ٩٤	هشتاد چهارم ١٠ : ٧	پنجم ١٠٢ نهم ٨	تكذبون سي ششم ٣٢	الأكرم نود ششم ١١٧
واستكبروا چهارم ١٧١	كتب	كتابهم هفدهم ٧٣	أكثرهم سي ششم ٧	يكذبوك بيست دوم ٤٢	هشتاد دوم ٦
تستكبرون ششم ٩٣	كتبت دوم ٧٢	وكتبه دوم ٢٨٥	لأكثرهم هفتم ١٠٠	سي پنجم ٤	الكريم چهل چهارم ٤٩
هفتم ٤٨ چهل ششم ١٩	كتبت چهارم ٧٩	چهارم ١٣٥ شصت ششم ١٣	أكثركم پنجم ٦٢	كتب سيوم ٢٣	كريما چهارم ٣٥
كبر چهلم ٥٨	كتبنا چهارم ٦٦	مكتوبا هفتم ١٥٦	چهل سيوم ٧ ٨	وكذب بيست دوم ١٨١	هفدهم ٢٤ سي سيوم ٣١
كبرت بيست هجدهم ١١	٣٥ بيست يكم ١٠٥	كثر	وكتابي پنجاه هفتم ١٩	كذب ششم ٣٤	كرام هشتم ٢٥ ٤٣
الكبر دوم ٢٨ سيوم	وكتبنا بيست نهم ١٤٣	كثيرون دوم ١٣٤	التكاثر صد دوم ١	سي پنجم ٤	كراما بيست پنجم ٧٢
٣٥ يازدهم ٥٣	كتبنا پنجاه هفتم ٢٣	يكثر چهلم ٢٩	كدح	كذبوا ششم ٣٤	هشتاد دوم ١١
الكبر چهاردهم ٤١	بكتب چهارم ٨٣	يكثرون دوم ١٥٤	كدحا هشتاد چهارم ٦	كذبة دوازدهم ١٨	الأكرم نود ششم ٣
نوزدهم ٩	كتب بيست دوم ٢٨٢	٩٤ سيوم ١٤١ چهل	كادح هشتاد چهارم ٦	الكذب پنجاه هشتم ١٥	أكرمكم چهل نهم ١٣
الكبر هفدهم ٢٤	فليكتب دوم ٢٨٢	٣٥ پنجم ٦٦	كدر	فلكذب پنجم ٦٦	والإكرام پنجاه پنجم ٢٧ ٧٨
كبرة يازدهم ٣٠	وليكتب دوم ٢٨٢	ليكتمون دوم ١٤١	انكدرت هشتاد يكم ٢	كذبة چهلم ٢٩	مكرمة هشتادم ١٣
شصت هفتم ٩	ستكتب سيوم ١٧٢	يكتمون چهارم ٣١	كدى	كاذب يازدهم ٩٣	مكرمين بيست ششم ١٩
وكبيرة پنجاه چهارم ٥٣	نوزدهم ٨٢	يكتمون دوم ٢٢٨	وأكدى پنجاه سيوم ٣٥	سي نهم ٥	مكرمون بيست يكم ٢٦
الكبير چهلم ١٢	ونكتب سي ششم ١٢	يكتمون دوم ٣١	كذب	كاذبا چهلم ٢٨ : ٣٩	سي هفتم ٤١
لكبيركم بيستم ٧٤	فسأكتبها هفتم ١٥٦	٢٧ پنجم ٩٩	كذب سي نهم ٣ پنجاهم ١	كاذبون بيست ششم ٢٢٣	بهفتادم سي ششم ٢٥
بيست ششم ٤٨	تكتموه دوم ٢٨	جنبشم ١١٠ بيست چهارم	سيوم	الكاذبون شانزدهم ١٠٥	الكرمين سي هفتم ٢٥
كبيرهم دوازدهم	تكتموها دوم ٢٩	ولتكتمون سيوم ٤ ٦	فكذبت دوازدهم ٢٧	بيست چهارم ١٣	پنجاه يكم ٢٤
	واكتب هفتم ١٥٥				

باب الکاف بعده الواء الی اللام

کره

کرہ ہشتم ۸ نہم ۳۲ و ۳۳
۴۶ دہم ۸۲ چہل ۱۴
شصت یکم ۹۰۸
کرهوا چہل هفتم ۱۰ و ۲۸
ذکرهوا نهم ۸۲
چہل هفتم ۳۰
فکرهتموه چہل نہم ۱۲
کرهتموهن چهارم ۲۳
یکرهون شانزدهم ۴۶
تکرهوا دوم ۲۱۳
چهارم ۲۳
وکره چہل نہم ۷
اکرهتنا بیستم ۷۵
تکره دهم ۹۹
تکرهوا بیست چهارم ۳۳
یکرههن بیست چهارم ۳۳
اکره شانزدهم ۱۰۸
کرها چهارم ۲۳ نہم
۵۳ چہل یکم ۱۰
وکرها سیزدهم ۱۶
کره دوم ۲۱۲
کرها چہل ششم ۱۴ م
کارهون نہم ۴۸
۵۴ یازدهم ۴۰ بیست
۷۲ چہل سیم ۷۸
کارهون هشتم ۵
کارهین هفتم ۸۶
اکراه دوم ۲۵۷
اکراههن بیست چهارم ۳۳
مکروها هفدهم ۴۰

کسب

کسب دوم ۷۵ پنجاه
دوم ۲۱ صد یازدهم
کنا پنجم ۴۲
کسبتم دوم ۱۳۵ و ۱۲۸
تکسب چهارم ۱۱۱ و ۱۱۲
تکسب ششم ۱۶۴ سیزدهم
۳۲ سی یکم ۳۴
تکسبون ششم ۳ هفتم
۳۷ دوم ۵۲ سی نهم
یکسب چهارم ۱۱۱
الکسب بیست چهارم ۱۱
اکتسب دوم ۲۸۶
اکتسبوا چهارم ۳۲
سی سیم ۵۸
اکتسبن چهارم ۳۶

کسد

کسادها نہم ۲۴

کسف

کسفا پنجاه دوم ۴۴

کسفا هفدهم ۹۲
بیست ششم ۹ سی ام ۴۷
سی چهارم ۹
کسالی چهارم ۱۴۱
نهم ۵۴

کسا

فکسونا بیستم ۱۴
وکسوهم چهارم ۴
کسوتهم پنجم ۹۱
فکسونا دوم ۲۵۹ / ۲۳۳

کسط

کسطت هشتاد یکم ۵

کسف

کسف شانزدهم ۵
وکسیف بیست هفتم ۴۴
کسیف هفتم ۱۳۱
کسفنا بیست هشتم ۸۱ / ۱۳ دهم
۱۳ ... ۹۸ چهل سیم ۴۹
فکسفنا بیست یکم ۴
یخالم ۲۱
وکسفنا بیستم ۷۷
تکسیف ششم ۴۱
وکسیف بیست هفتم ۶۳
اکسف چهل چهارم ۱۱
تکسف شصت هشتم ۴۲
کاشفوا چهل چهارم ۱۴
کسف هفدهم ۵۱
کاشف ششم ۱۷ دهم
کاشفتم پنجاه سیم ۵۸
کاشفات سی نهم ۳۹

کظم

کاظمین چهل ۱۸
والکاظمین سیم ۱۳۵
کظیم دوازدهم ۸۴
شانزدهم ۵۸ چهل سیم
مکظوم شصت هشتم ۴۸

کعب

الکعبین پنجم ۸
الکعبة پنجم ۹۶
الکعبة پنجم ۹۸
وکواعب هفتاد هشتم ۳۳

کف

کف چهل هشتم ۲۴
وکف پنجم ۱۲
وکف چهل هشتم ۲۰
کففت پنجم ۱۱۰
یکف چهارم ۸۴
یکفون بیست یکم ۴۰
وتکفوا چهارم ۹۳
کفوا چهارم ۷۹
کفیه سیزدهم ۱۵
وحده ۴

کافر دوم ۲۰۴ نهم
۳ و ۲۶ ۱۲۳ سی چهارم ۲۷
کفروا صد دوازدهم ۴

کفت

کفاتا هفتاد هفتم ۲۵
وکفر هشتاد هشتم ۲۲
فکفرت شانزدهم ۱۱۳
وکفرت شصت یکم ۱۴
اکفرت هجدهم ۳۵
کفرت چهارم ۲۷
نکفر داسی هفتم ۱۷
چهل ۲۳ شصت چهارم ۶
وکفر دا نهم ۷۵ بیست
اکفرتم سیم ۱۰۲
وکفرتم چهل ششم ۹
کفرتا چهار دهم ۱۰
شصت هشتم ۲
وکفرنا چهل ۸۴
بکفر دوم ۹۳ بیست
۲۴ چهل سیم ۳۲
فلیکفر هجدهم ۳۸
یکفر دوم ۹۶
اکفر بیستم ۴۰
لاکفر چهل ۴۵
سیکفرون نوزدهم ۸۵
وبکفرون دوم ۸۵
بکفرنا دوم ۸۴
... ششم ۶۳ بیست
لیکفروا شانزدهم ۵۷
بیست نهم ۶۶ سی ام ۳
فلیکفرون نهم ۱۰
لیکفرون چهل یکم ۸
ونکفرون دوم ۷۹
بکفرون چهارم ۱۳۰ و ۱۶۸
چهاردهم ۸ سی نهم ۹
وبکفر چهارم ۱۴۹
بکفروا سی چهارم ۳۲
بکفرون دوم ۱۴۷
اکفروا پنجاه نهم ۱۶
وکفر واسیم ۶۵
کفر پنجاه چهارم ۱۴
تکفر چهارم ۱۳۹
بکفروا سیم ۱۱۱
کفر چهل هفتم ۲
لکفرنا پنجم ۷۰
وتکفر دوم ۲۲۳
بکفرن شصت ششم ۸
لیکفر سی نهم ۳
وتکفر چهل هشتم ۵۰
بکفر شصت چهارم ۹
... ۴
شصت پنجم ۵
وتکفر هشتم ۲۹

لاکفرن سیم ۱۹۴
پنجم ۱۵
یکفرن چهارم ۳۵
لنکفرن بیست نهم ۶
ونکفرن سیم ۱۹۱
الکفرن هشتاد دوم ۱۶
وکفرن دوم ۲۱۴
الکفر سیم ۱۷۵ پنجم ۴۵
نهم ۶۱۲ و ۳۷ و ۷۵
بالکفر سیم ۷۴ پنجم ۶
نهم ۱۷ شانزدهم ۱۰۸
الکفر سیم ۱۶۰
کفرا سیم ۸۴ چهارم ۳
نهم ۹۸ چهاردهم ۳۳
وکفر پنجم ۹ و ۲۰ و ۷۲ نهم
۱۰۸ هجدهم ۷۹
کفر سی ام ۴۳ سی یکم
۲۲ سی پنجم ۳۷
کفرهم سی پنجم ۳۷ م
یکفر سی نهم ۱۱
یکفرهم دوم ۸۲ و ۷۰
چهل ۴۹ ۱۵۴
وبکفرهم چهارم ۱۵۵
وکفرهم چهارم ۱۵۴
کافر دوم ۲۱۴
شصت چهارم ۲
الکافر پنجم ۵۷
هفتاد هشتم ۳۱
کافر دوم ۳۸
الکافرون سی ام ۷
والکافرون دوم ۲۵۵
چهل دوم ۲۵ هفتاد
چهارم ۲۳
بکافرین ششم ۸۹
الکافرین دوم ۱۸
نهم ۴۹ بیست نهم ۵۴
والکافرین دوم ۸۴
چهل هفتم ۱۱ پنجاه هشتم
والکافرین چهارم ۱۳۹
الکفرة هشتاد ۴۲
کفار دوم ۱۵۶ سی
۸۵ چهارم ۲۲ چهل هفتم
الکفار سیزدهم ۴۲
شصتم ۱۳ هشتاد سیم
کفار دوم ۲۷۲
الکفار نهم ۱۲۴ چهل
۲۹ شصتم ۱۰ و ۱۱
هشتاد سیم ۳۴
الکفار نهم ۱۲۱ و ۷۳
چهل هشتم ۲۹ پنجاه هفتم
والکفار پنجم ۶۲ نهم ۶

اکفار پنجاه چهارم ۴۳
کفار دوم ۱۰۳
کافره سیم ۱۳
الکوافر شصتم ۱۰
کفورا هفدهم ۹۱ و ۱۰۱
بیست پنجم ۵۰
کفورا یازدهم ۱۲ ... ۴۷
لکفور بیست دوم ۶۶
چهل سیم ۱۴
کفورا بیست دوم ۳۹
یکفر سی یکم ۳۲
کفورا هفدهم ۹۹
هفتاد ششم ۳ و ۲۴
الکفور سی چهارم ۱۶
کفار چهاردهم ۳۴
سی نهم ۵
کفار پنجاهم ۲۳
کفار هفتاد یکم ۲۸
کفارت پنجم ۹۱
کفارته پنجم ۹۴
کافور هفتاد ششم ۵

کفل

یکفله سیم ۳۹
یکفله بیستم ۴۱
یکفلونه بیستم ۱۱
وکفلها سیم ۳۲
اکفلنیها سی هشتم ۲۳
کفل چهارم ۸۷
الکفل بیست یکم ۸۵
سی هشتم ۴۸
کفلین پنجاه هفتم ۲۸
کفیلا شانزدهم ۹۱

کفی

کفی سیزدهم ۴۳ و ۶۳
۹۸ بیست نهم ۵۱
چهل ششم
بکفیکم سیم ۱۲۴
کفینا پانزدهم ۹۵
یکف چهل یکم ۵۳
فسیکفیکهم دوم ۱۳۷
یکفی بیست نهم ۵۱
یکفیهم بیست نهم ۵۰
بکاف سی نهم ۳۶
وکفی سیزدهم ۹ پنجاه
کلفه چهارم ۷۷ و ۳۰
فلکفی چهارم ۱۵
وکفی چهل دوم ۳۲ و ۴۱
شانزدهم ۸ بیست هفتم
کفی بیست هفتم
فکفی بیست هفتم
لکفی پنجاه ۲۴ هفتم
وکفی دوم ۱۴۳

کلب

کلب ... ۸۶ چهارم ۲۷
۱۳۲ چهل ششم ۱۸
وکلبهم شصتم ۱۱
هشتاد هشتم ۲۹
کلابا چهارم ۱۲۹ ششم ۸۴
هفتم ۴۴ یازدهم ۱۱۳
هفدهم ۲۱
فکلا بیست نهم ۳۹
کله هشتم ۴۰ یازدهم ۱۲۳
کلاهم دهم ۹۹ یازدهم ۳
سی هشتم ۷۳
وکلاهم نوزدهم ۹۵
کلهن سی سیم ۵۱
کلهم سیم ۱۱۵ نهم ۳۲
چهل هشتم ۲۸ نه ...
کلتا پنجاه چهارم ۴۲
کلهم سیم ۱۴۸
کلتا دوم ۲۹ بیست ...
بیست هشتم ۳ چهل ...
کلتا دوم ۸۱
وکلتا یازدهم ۴۰
اکلتا دوم ۹۴
کلتا پنجم ۳۱
کلالها هفدهم ۲۴
الکلالة چهارم ۱۷۵
کلاله چهارم ۱۵
بکلوه بیست ۴۳

کلب

الکلب هفتم ۱۷۵
کلبهم هجدهم ۲۱ تخ
وکلبهم هجدهم ۱۷
مکلبین پنجم

کلح

کالحون بیست سیم ۱۰

کلف

تکلف دوم ۲۸۶
وسنت پنجم ۷
تکلف ششم ۱۵۳ هفتم
۳۰ بیست سیم ۶۲
نکلفها دوم ۲۳۳ چهارم
المتکلفین سی هشتم ۸۶

کلم

کلم دوم ۲۵۴
وکلم چهارم ۱۶۲
کلمه دوازدهم ۵۴
وکلمه هفتم ۱۳۹
وکلمهم ششم ۱۱۱
تکلم سیم ۴۱
تکلم پنجم ۱۰۹
یکلم هشتم ۳۶ نوزدهم
تکلم نوزدهم ۵۰
تکلمه چهل دوم ۵۰

باب الکاف بعد اللام الی الیاء

بکلمٰتٍ دوم ۱۱۲
بکلمٰتہٖ دوم ۱۶۹ سیم
۱ ر ہفتم ۶ ۱۴
وکلمتنا سے ششم ۶۵
بکلمٰتہٖ بیست وہفتم ۸۴
بکلمٰتہٖ بیستم ۱۱۰
کلّم سیزدہم ۳۰
نکلّم سے ام ۳۴
تکلّم یازدہم ۱۰۷
یتکلمون ہفتادوہشتم ۳۸
نتکلّم بیست چہارم ۱۵
کلّا تردتہم ۷۵ نہم ۶
چہل ہشتم ۱۵
یکلّمنی ہفتم ۱۴۱
وکلمۃ دہم ۴۰
کلمۃ سیم ۵۷ چہادہم ۳۱
بکلمۃ سیم ۳۹ ۴۰ ۴
کلمۃ نہم ۴۰ ۷۵
چہل ہشتم ۲۶
کلمۃ چہاردہم ۲۹
ہجدہم ۴ چہل سیم ۲۷
کلمٰت ششم ۱۱۵
ہجدہم ۱۹ سے یکم ۲۶
بکلمٰت شصت ششم ۱۲
الکلمٰت ششم ۳۴ دہم ۶۵
ہجدہم ۱۰۹
کلمٰت دوتم ۳۵
بکلمٰت دوتم ۱۱۸
الکلم سے پنجم ۱۱
الکلم چہارم ۴۸ پنجم
۱۶ ۵ ۴
وکلمتہ چہارم ۱۶۹
کلمتنا سے ہفتم ۱۷۱
بکلمٰتہ ہشتم ۷ دہم ۸۲
چہل دوتم ۲۳
کلمٰتہ ششم ۱۱۵
ہجدہم ۲۶
وکلمٰتہٖ ہفتم ۱۵۸
کلّما چہارم ۱۶۲
کلّا ہفتم ۲۱۰۲ م
دہم ۷۹ م بیست ہشتم ۱۴
چہل ششم ۱۶
الکلم بنجاہ سیم ۲۱
فلکلم دوہم ۷۹ سیم ۱۷۳
چہارم ۱۳

کـم

الاکمام پنجاہ پنجم ۱۰
اکمامہا چہل یکم ۴۷

کمل

اکملتُ پنجم ۵
ولتکملوا دوم ۱۸۱
کاملین دوم ۲۳۳

کاملۃ دوتم ۱۹۲
کاملۃ شانزدہم ۲۷

کمہ

الاکمہ سیم ۴۳ پنجم ۱۱۰

کن

اکننتم دوتم ۲۳۵
تکن بیست ہفتم ۷۶ بیست ششم ۶۹
اکنانا شانزدہم ۸۳
اکنۃ چہل یکم ۴
اکنۃ ششم ۲۵ ہفدہم
۴۸ ہجدہم ۵۵
مکنون سی ہفتم ۴۷
بنجاہ دوتم ۲۴
مکنون بنجاہ ششم ۷۷
المکنون بنجاہ ششم ۲۲
لکنود صدم ۶

کنز

کنزہم نہم ۳۵
یکنزون نہم ۳۴
تکنزون نہم ۳۵
کنز یازدہم ۱۲ ہجدہم ۸۲
بیست پنجم ۹
وکنوز بیست ششم ۵۸
الکنوز بیست ہشتم ۷۶
کنتم ہجدہم ۸۱

کنس

الکنس ہشتاد یکم ۱۶

کہف

الکہف ہجدہم ۹۰۸ ۱۰۰۱
کہفہم ہجدہم ۱۶ ۲۴

کہل

وکہلا سیم ۴۶ پنجم ۱۱۰

کہن

کاہن بنجاہ دوم ۲۹
بکاہن شصت ونہم ۴۲
کہیعص نوزدہم ۱

کوب

واکواب ہشتاد ششم ۱۴
باکواب بنجاہ ششم ۱۸
واکواب چہل سیم ۷۱
ہفتاد ششم ۱۵

کاد

کادہ نہم ۱۱۸ بیست ۴۳
کادت نوزدہم ۹
کادوا دوتم ہفدہم ۷۳
۷۸ ۰۷ ہفتادو دوم ۱۹
وکادوا ہفتم ۱۴۹
یکاد دوتم ۱۹ چہادہم
۲۰ بیست ہم ۲۰
چہل سیم ۵۲ شصت ۱
یکاد بیست چہارم ۴۰
تکاد نوزدہم ۹۲

چہل دوتم ۳ شصت ششم ۸
اکاد بیستم ۱۵
یکادون چہارم ۸۰
ہجدہم ۹۲ بیست دوم ۷۱

ورو کار

یکور سے نہم ۷
ویکور سے نہم ۷
کورت ہشتاد یکم ۱

کوکب

کوکب بیست چہارم ۳۵
کوکبا ششم ۷۶ دوازدہم ۴
الکواکب ہشتاد دوتم ۲
الکواکب سے ہفتم ۶
اکان دہم ۲
وکانٔ نوزدہم ۹۵
شصت ششم ۱۲ ہفتاد ۱۴
وکنت دہم ۹۱ سے نہم ۶۰
کنت دوازدہم ۲۹
لکنت سے ہفتم ۵۵
سے نہم ۵۸
وکنت پنجم ۱۱۷ نوزدہم ۲۳
کانا دوتم ۳۴ پنجم ۷۹
کانا چہارم ۱۷۵
بیست یکم ۳۱ شصت ششم
کن دوتم ۲۲۹ چہاہ ۱۲
شصت پنجم ۶
فکنتم بیست یکم ۶۸ ۱۰۷
کنتن سے سیم ۲۸ ۲۹
اکانا ششم ۵۸ سے چہارم ۳۰
سیم ہفتم ۱۶۹
یکون بیست پنجم ۸
لیکون بیست دوم ۷۸
بیست پنجم بیست ہشتم ۷
لیکون ششم ۷۵
ویکون دوتم ۱۳۷ ۱۸۹
ہشتم ۴۰
ولیکون دوازدہم ۳۲
فتکون پنجم ۱۱۰
وتکون ہفتادم ۹
صد یکم ۴
لیکون دہم ۹۲ بیست ششم
۱۹۳ بہشتم ۹
ولیکون چہل ہشتم ۲۰
ویکون دہم ۷۹
فیکون سے یکم ۱۵
ولیکن سیم ۱۰۰
تکون دوتم ۱۴۲ ششم ۱۴
۳۵ ۱۱۴ دہم ۹۴ ۹۵
بیست ششم ۸۶ ۸۷ ۱۰۵
لیکون بیست ششم ۱۱۶ ۱۶۲
ولیکون سے نہم ۶۵
فاکون سی نہم ۵۹

اکن چہارم ۷۳ یازدہم
۴۹ پانزدہم ۳۳
نوزدہم ۴
واکن دوازدہم ۳۳
شصت سیم ۱۰
آلن نوزدہم ۲۰
لاکونن ششم ۷۷
تکونا دوتم ۲۸۲
لیکونا چہل یکم ۲۹
تکونا ہفتادم ۱۹ م
تکونا دوتم ۳۳
ہفتم ۱۸
یکونون ہفتاد دوتم ۱۹
ویکونون نوزدہم ۸۵
لیکونوا نوزدہم ۸۴
سے پنجم ۶
فیکونوا چہارم ۱۰۳
لیکونن سے پنجم ۴۰
تکن چہل نہم ۱۱
فتکونون چہارم ۹۱
لیکونوا دوتم ۱۳۷
چہل و ۶۹
وتکونوا دوازدہم ۹
بیست دوتم ۷۸
تکونن ہفتم ۱۱۲ بیستم ۶۸
فیکون بیست ششم ۱۰۲
ویکون پنجم ۱۱۳ ششم ۲۷
بیست ششم ۴۷
نکن چہارم ۱۴ نہم ۸۲
چہل ۷۴ پنجاہ ہفتم ۱۳
تکن ہفتاد چہاہ ۴۴ ۴۵
لنکونن ششم ۴۳ ہفتم
۱۲۲ ۱۴۸ ۰ ۱۸۹
دہم ۲۳
ولیکون نہم ۶ ۷
کن دوتم ۱۱۱ سیم ۴۲ ۴۴
ششم ۷۲ وفی اربعۃ سورۃ
وکن ہفتم ۱۲۱ پانزدہم
۹۸ سی نہم ۶ ۶
کونی بیست یکم ۶۹
مکان چہارم ۲۴ ہفتم
۹۳ شانزدہم ۱۰۳
بیست دوتم ۴۷
مکانہ ہفتم ۱۳۹
دوازدہم ۷۸ بیستم ۳۲
مکانکم دوتم ۲۹
مکانکم ششم ۱۳۵
یازدہم ۹۵ ۱۲۲
سے نہم ۴۰
مکانہم نوزدہ ششم

کوی

فتکوی نہم ۳۵

کی بیستم ۳۳ ۰ ۴۱
بیست ششم ۱۲
کیلا بنجاہ نہم ۷

کاد

سکید ہفدہم ۶ ۷ سے ہفتم ۵۴
کیدنا دوازدہم ۷۶
واکید ہشتاد ششم ۱۶
لاکیدن بیست یکم ۵۸
یکیدون ہشتاد ششم ۱۵
فکیدوا دوازدہم ۵
کیدون ہفتم ۱۹۴
فکیدون یازدہم ۵۵
فکیدون ہفتاد ہفتم ۳۹
کید بیستم ۷۲ چہل ۲۶
۴۰ ہفتاد ہفتم ۳۹
کید ہشتم ۱۸
کید چہارم ۷۸ دوازدہم ۵
کید سے ہفتم ۱۸۲
شصت ہشتم ۴۵
کیدہ بیست دوم ۱۵
کیدہم سیم ۱۱ پنجاہ
دوہم ۴۶
کیدکن دوازدہم ۲۸
بکیدہن دوازدہم ۵۲
کیدہ بیستم ۶۲
کیدکم بیستم ۶۷
کیدکن دوازدہم ۲۸
کیدہم صد پنجم ۲
کیدہن دوازدہم ۳۳ ۳۴
المکیدون پنجاہ دوم ۴۲
وکیف سیم ۶۰ چہارم
۲۵ پنجم ۴۷ ششم ۸۱
ہجدہم ۶۷

کال

کلتم ہفدہم ۳۶
کالوہم ہشتاد سیم ۳
اکتالوا ہشتاد سیم ۲
نکتل دوازدہم ۶۳
کیلا دوازدہم ۶۵
الکیل دوازدہم ۵۹ ۶۰ ۸۸
المکیال یازدہم ۸۴ ۸۵

کان

استکانوا سیم ۱۴۶
بیست سیم ۷۸

باب اللام

اولا نودہم ۷۲ نہم
۱۲۷ نوزدہم ۶۸

لاک

الملٰئکۃ دوہم ۹۶
ملٰئکتہ ہفدہم ۹۲
شصت ششم ۶

بالملٰئکۃ یازدہم ۷
والملٰئکۃ دوہم ۱۵۵ ۱۷۲
سیم ۱۸ ہفدہم ۹۳
ملٰئکۃ بیستم ۲۳
چہل یکم ۱۳ چہل سیم ۶۰
ہفتاد چہارم ۳۱
وملٰئکتہ سے سیم ۴۲
وملٰئکتہ دوتم ۹۲
۲۸۵ چہارم ۱۳۵
وملٰئکتہ سے سیم ۵۶

ولؤ

لؤلؤ بنجاہ دوتم ۲۴
اللؤلؤ بنجاہ پنجم ۲۲
اللؤلؤ بنجاہ ششم ۲۳
لؤلؤا بیست دوم ۲۳
لؤلؤا ہفتاد ششم ۱۹
سے پنجم ۳۰

لبث

لبث یازدہم ۷۲
فلبث دوازدہم ۴۲
بیست نہم ۱۴
لبث سے ہفتم ۱۴۴
لبثت دوتم ۲۵۹ م
فلبثت بیستم ۴۲
ولبثت بیست ششم ۱۷
لبثت دوتم ۲۶۱ دہم ۱۷
لبثوا ہجدہم ۱۱ ۲۵ سیم
۵۵ سے چہارم ۱۴
ولبثوا ہجدہم ۲۴
لبثنا ہجدہم ۱۸ بیست سیم ۱۱۵
یلبثون ہفدہم ۷۸
یلبثوا دہم ۴۶ چہل ششم
۳۵ ہفتاد نہم ۴۶
تلبثوا سی سیم ۱۴
لابثین ہفتاد ششم ۲۳

لبد

لبدا نودم ۶
لبدا ہفتاد دوتم ۱۹

لبس

وللبسنا ششم ۹
یلبسون ششم ۹
یلبسوا ششم ۸۲
وللبسوا ششم ۱۳۸
یلبسون سیم ۶۴
تلبسوا دوتم ۳۹
یلبسکم ششم ۶۵
یلبسون چہل چہارم ۵۳
ویلبسون ہجدہم ۳۰
تلبسونہا شانزدہم ۱۴
سے پنجم ۱۳
لبس بنجاہ ہم ۱۴
ولباس ہفتم ۲۵

لباسُ دوّیم ١٨٣
لباسُ شانزدهم ١١٣
لباسا هفتم ٢ بیست‌و‌هفتم ٩٣ هشتاد هشتم ١٠
لباسهما هفتم ٢٦
وَلباسهم بیست‌و‌دوّیم ٢٣
سی‌ام ٣٠
لَبُوس بیست‌و‌یکم ٨٠
لبن
لَبَنٍ چهل‌و‌هفتم ١٥
لَبَنًا شانزدهم ٦٦
لجج
لُجِّیٍّ بیست‌و‌چهارم ... ٤٠
لُجَّةً بیست‌و‌هفتم ٤٤
لجأ
مَلجَأَ چهل‌و‌دوّیم ٤٧
مَلجأً نهم ٥٧
مَلجأً نهم ١١٩
لحد
یُلحِدُونَ هفتم ١٧٩
شانزدهم ١٠٣ چهل‌و‌یکم ٤٠
بالحادٍ بیست‌و‌دوّیم ٢٥
مُلتَحَدًا هجدهم ٢٦
هفتاد و دوّیم ٢٣
لحف
اِلحافًا دوّیم ٢٧٣
لحق
یَلحَقُوا سیّم ١٦٤
بیست‌و‌دوّیم ٣
الحقنیٓ سی‌ام ٢٦
الحقنا پنجاه‌و‌دوّیم ٢١
وَالحِقنی دوازدهم ١٠١
بیست‌و‌ششم ٨٣
لحم
لَحمَ پنجم ٣
وَلَحمَ پنجاه‌و‌دوّیم ٢٢
پنجاه‌و‌ششم ٢١
لَحمًا ششم ١٤٢ چهل‌و‌نهم ١٢ وَلَحمُ دوّیم ١٦٨
شانزدهم ١٤
لَحمًا دوّیم ٢٥٩ شانزدهم ١٤ بیست‌و‌سیّم ١٤ سی‌و‌پنجم ١٣
لُحُومُها بیست‌و‌دوّیم ٣٧
لحن
لَحنِ چهل‌و‌هفتم ٣٠
لحی
بِلِحیَتی بیستم ٩٤
لدّ
لُدًّا نوزدهم ٩٧
أَلَدُّ دوّیم ٢٠٤

لدن
لَدُنْ یازدهم ١
بیست‌و‌هفتم ٦
لَدُنِّی هجدهم ٧٦
لَدُنكَ سیّم ٨ ٣٨
چهارم ٧٧ نهم ٨٠
هجدهم ٩ نوزدهم ٥
لَدُنهُ چهارم ٤٠
هجدهم ٢
لَدَی وَلَدا ...
لَدَی دوازدهم ٢٥
لَدَیهِ چهلم ١٨
لَدَیهِ بیست‌و‌هفتم ١٠
پنجاهم ٢٢ ٢٧ ٢٨
لَدَیهِم هجدهم ٩١
پنجاهم ١٧
وَلَدَینا بیست‌و‌سیّم ٦٢
پنجاهم ٣٥
لَدَینا دوازدهم ٥٤
سی‌و‌ششم ٣٢ ٥٣
چهل‌و‌سیّم ٣ هفتاد‌و‌سیّم ١٢
لذّ
وَتَلَذُّ چهل‌و‌سیّم ٧١
لَذَّةٍ سی‌و‌هفتم ٤٦
چهل‌و‌هفتم ١٥
لزب
لازِبٍ سی‌و‌هفتم ١١
لزم
وَاَلزَمَهُم چهل‌و‌هشتم ٢٦
اَلزَمناهُ هفدهم ١٣
اَنُلزِمُكُمُوها یازدهم ٢٨
لِزامًا بیستم ٢٩
بیست‌و‌پنجم ٧٧
لسن
لِسانُ شانزدهم ١٠٣
لِسانَ شانزدهم ١٠٣
لِسانٍ پنجم ٧٨
بِلِسانِ چهاردهم ٤
بِلِسانٍ بیست‌و‌ششم ١٩٥
لِسانًا نوزدهم ٥٠
بیست‌و‌ششم ٨٤
لِسانًا بیست‌و‌هشتم ٣٤
چهل‌و‌ششم ١٢
وَلِسانًا نودم ٩
بِالسِّنَتِهِم سیّم ٧٨
لِسانی بیستم ٢٧ بیست‌و‌هشتم ١٣
بِلِسانِكَ نوزدهم ٩٧
چهل‌و‌چهارم ٥٨
لِسانَكَ هفتاد‌و‌پنجم ١٦
اَلسِنَتُكُمُ شانزدهم ١١٦
اَلسِنَتُهُم شانزدهم ٦٢
بیست‌و‌چهارم ٢٤

اَلسِنَتُهُم سی‌ام ٢٢
بِاَلسِنَتِهِم چهارم ٤٦
بِاَلسِنَتِکُم چهارم ٤٨
چهل‌و‌هشتم ١١
اَلسِنَتُکُم سیّم ٧٨
وَاَلسِنَتُهُم شصتم ٢
لطف
وَلیَتَلَطَّف هجدهم ١٩
لَطیفٌ دوازدهم ١٠٠
بیست‌و‌دوّیم ٦٣ سی‌و‌یکم ١٦
چهل‌و‌دوّیم ١٩
اللَّطیفُ ششم ١٠٣
شصت‌و‌هفتم ١٤
لَطیفًا سی‌و‌سیّم ٣٤
لظی
تَلَظّی نود‌و‌دوّیم ١٤
لَظی هفتادم ١٥
لعب
وَنَلعَبُ دوازدهم ١٢
یَلعَبُونَ ششم ٩١
هفتم ٩٨ بیست‌و‌یکم ٢
چهل‌و‌چهارم پنجاه‌و‌دوّیم ١٢
وَیَلعَبُوا چهل‌و‌سیّم ٨٣
هفتادم ٤٢
وَلَعِبٌ نهم ٦٥
لَعِبٌ ششم ٣٢ چهل‌و‌هفتم ٣٦
پنجاه‌و‌هفتم ٢٠
وَلَهوٌ بیست‌و‌نهم ٦٤
لَعِبًا ششم ٧٠
وَلَعِبًا پنجم ٥٧ ٥٨ هفتم ٥١
لاعِبِینَ بیست‌و‌یکم ١٦
چهل‌و‌چهارم ٣٨
اللّاعِبِینَ بیست‌و‌یکم ٥٥
لعل
سیّم ٢١ چهل‌و‌دوّیم ٢٤
شصت‌و‌پنجم ١
لَعَلَّ دوازدهم ٤٦
بیستم ١٦ بیست‌و‌سیّم ١٠٢
بیست‌و‌ششم ٢٩ ٣٨ ٤٠
چهل‌م ٣٨
لَعَلَّکَ بیستم ١٣٠
بیست‌و‌ششم ٣
فَلَعَلَّکَ یازدهم ١٥
هجدهم ٦
لَعَلَّهُ بیستم ٤٤ بیست‌و‌یکم ١١ هشتادم ٣
لَعَلّی بیست‌و‌ششم ٣٩
لَعَلَّکُم هفتم ١٤٣
١٢٣ شانزدهم ٤٦
لعن
لَعَنَ سیّم ٤٦
لَعَنَهُ هفتم ٥٢

لَعَنّا چهارم ٥٠
لَعَنتُ چهارم ١٨
وَلَعَنَّا چهارم ٩٥
لَعَنَهُمُ دوّیم ٨٢ چهارم
٤٩ ٥٥ سی‌و‌سیّم ٥٧
چهل‌و‌هفتم ٢٥
وَلَعَنَهُمُ نهم ٦٩
چهل‌و‌هشتم ٦
لَعَنَهُمُ پنجم ١٣
وَیَلعَنُهُم بیست‌و‌نهم ٢٤
یَلعَنُ چهارم ٥٥
یَلعَنُهُمُ دوّیم ١٥٩
وَیَلعَنُهُمُ دوّیم ١٥٤
نَلعَنَهُم چهارم ٥٠
وَالعَنهُم سی‌و‌سیّم ٦٨
لَعنٌ پنجم ٨٢
لُعِنُوا بیست‌و‌چهارم ٢٣
وَلُعِنُوا پنجم ٦٩
لَعنًا سی‌و‌سیّم ٦٨
لَعنَت دوّیم ١٥٩ هفتم ٣٨
٤٢ یازدهم ٢١
فَلَعنَةُ دوّیم ٨٩
اَلَّعنَةُ سیزدهم ٢٥
چهل‌م ٥٥
لَعنَتُ سیّم ٦١ ٨٧
بیست‌و‌چهارم ٧
لَعنَةُ یازدهم ١٠١ ١٢٣
بیست‌و‌هشتم ٣٥
اللَّعنَةُ یازدهم ٣٥
لَعنَتی سی‌و‌هشتم ٧٨
اللّاعِنُونَ دوّیم ١٥٩
مَلعُونِینَ سی‌و‌سیّم ٦١
المَلعُونَةَ هفدهم ٦٢
لغب
لُغُوبٌ سی‌و‌پنجم ٣٥
لُغُوبٍ پنجاهم ٣٨
لغو
وَالغَوا چهل‌و‌یکم ٢٦
لَغوٌ پنجاه‌و‌دوّیم ٢٣
وَلَغوٍ بیست‌و‌هشتم ٥٥
اللَّغوِ بیست‌و‌سیّم ٣
بِاللَّغوِ دوّیم ٢٢٥ پنجم ٨٩
بیست‌و‌پنجم ٧٢
لَغوًا نوزدهم ٦٢ پنجاه‌و‌ششم ٢٥ هفتاد‌و‌هشتم ٣٥
اللَّغوَ بیست‌و‌هشتم ٥٥
لاغِیَةً هشتاد‌و‌هشتم ١١
لفت
وَالتَفَّتِ هفتاد‌و‌پنجم ٢٩
اَلتَفَّتُ هفتاد‌و‌پنجم ٢٩
لِتَلفِتَنا دهم ٧٨
لفف
لَفیفًا هفدهم ١٠٤
وَالتَفَّتِ بیستم ٣٩
اَلفافًا هفتاد‌و‌هشتم ١٦

یازدهم ٦٥
یَلتَفِت یازدهم ٨١
لفح
تَلفَحُ بیست‌و‌سیّم ١٠٤
لفظ
یَلفِظُ پنجاهم ١٨
لفی
وَاَلفَیا دوازدهم ٢٥
اَلفَوا سی‌و‌هفتم ٦٩
اَلفَینا دوّیم ١٧٠
لقب
بِالاَلقابِ چهل‌و‌نهم ١١
لقح
لَواقِحَ پانزدهم ٢٢
لقط
فَالتَقَطَهُ بیست‌و‌هشتم ٨
یَلتَقِطهُ دوازدهم ١٠
لقف
تَلقَفُ هفتم ١١٧
بیستم ٦٩
تَلقَفُ بیست‌و‌ششم ٤٥
لقم
لُقمانَ سی‌و‌یکم ١٢
لُقمانُ سی‌و‌یکم ١٣
لقی
لَقِیا هجدهم ٧٤
لَقُوا دوّیم ١٤ ٧٦ سیّم ١١٩
فَلَقُوا ...
لَقِینا هجدهم ٦٢
لَقِیتُمُ هشتم ٤٥
تَلقَونَهُ نهم ٧٧
تَلقَوهُ سیّم ١٤٣
تُلقُوا چهارم ٩٤
تُلقُونَ شصتم ١
...

فَالقُوا شانزدهم ٨٨
بیست‌و‌ششم ٤٣
فَالقَوا شانزدهم ٣٠
وَالقَوا چهارم ٩٠
وَالقی بیستم ٨٧ بیست‌و‌ششم ٧
اَلقاهُ دوازدهم ٩٦
اَلقاها بیستم ٢٠
فَالقاها بیستم ٢١
بُلقی بیست‌و‌دوّیم ٥٢
چهلم ١٠
تُلقی هفتم ١١٣ بیستم ٦٥
یُلقی سی‌و‌ششم ١٢
یُلقُونَ سیّم ٣٩
بیست‌و‌ششم ٢٢٣
وَیُلقُوا چهارم ٩١
تُلقُونَ شصتم ١
یُلقی سیّم ١٤٤
هفتاد‌و‌سیّم ٥
فَلیُلقِهِ بیستم ٣٩
اَلقِ هفتم ١١٧ بیستم ٦٩
وَالقِ بیستم ٦٩ بیست‌و‌هفتم ١٠
اَلقیا پنجاهم ٢٤
اَلقوا هفتم ١١٦ دهم ٨٠
بیستم ٦٦ بیست‌و‌ششم ٤٣
وَاَلقی بیست‌و‌ششم ٤٤
فَالقَی بیست‌و‌ششم ٢٨
القِها بیستم ٢٠
فَالقِهِ بیست‌و‌هشتم ٢٥
فَالقُوهُ دوازدهم ٩٣
سی‌و‌هفتم ٩٥
فَالقُوهُ دوازدهم ١٠
القِیَ بیست‌و‌نهم ٨ چهل‌و‌سیّم ٥٣ شصت‌و‌هفتم ٨
وَالقِیَ پنجاه‌و‌چهارم ٢٥
فَالقِیَ بیستم ٧٠
بیست‌و‌ششم ٤٦
وَالقِیَ هفتم ١١٦
القِیَ بیست‌و‌پنجم ١٣
شصت‌و‌هفتم ٧
یُلقی بیست‌و‌پنجم ٨ بیست‌و‌هشتم ٨٦
چهل‌و‌یکم ٤٠
تَتَلَقّی هفدهم ٣٩
تَلَقّوهُ دوّیم ١٩١
وَتَتَلَقّیهُمُ دوّیم ٣٥
تُلَقّاها بیست‌و‌هشتم ١٤
یُلقُونَهُ پنجاهم ١٠
وَتَلَقّاهُم بیست‌و‌یکم ١٠٣
اِلتَقَی سیّم ١٣ ١٥٥
چهل‌و‌دوّیم ٥٢
فَالتَقَی پنجاه‌و‌چهارم ١٢

باب اللام الياء باب الميم الى الجيم

النقلو سیم ١١
النقیم هشتم ٤٦
بلقیان پنجاه پنجم ١٩
لا قبز بیست هشتم ٤١
لقاء چهل یکم ٥٤
ولقاء هفتم ١٤٥
سی ام ٢٥
لقائه سی دوم ٢٣
ولقائه هجدهم ١٠٥
بیست نهم ٢٢
لقاءنا دهم ٧، ١١، ١٥
بیست پنجم ٢٣
بلقاء دهم ١٦
بلقاء هفتم ٤٥
بیست هشتم ٢١
التلاق چهل ١٥
ملاقی شصت نهم ٢٠
ملاقوا دوم ٤٣، ٢٥
یازدهم ٣١
ملاقیکم شصت و دوم ٨
ملاقوه دوم ٢٢٣
فملاقیه هشتاد چهارم ٦
ملاقون دهم ٨٠
بیست ششم ٤٢
الملقین هفتم ١١٢
فالملقیات هفتاد هفتم ٥
المتلقیان پنجاهم ١٧
ولکن هفتم ٥٩، ٥٠، ٦
یازدهم ٣١ چهل ششم ٢٢
ولکنه هفتم ١٧٥
لکنا هجدهم ٣٨
ولکنا بیست و ششم ٩ بیست هشتم ٤٥
ولکنکم سی ام ٥٦
پنجاه هفتم ١٣
ولکنهم نهم ٥٦
لمم
لما هشتاد نهم ٢٠
اللمم پنجاه سیم ٣٢
لمح
کلمح شانزدهم ٧٩
کلمح پنجاه چهارم ٥٠
لمز
یلمزون نهم ٨٠
تلمزوا چهل نهم ١١
یلمزک نهم ٥٨
لمزة صد چهارم ١
لمس
لامستم چهارم ٤٣
پنجم ٩
لمسنا هفتاد دوم ٨
فلمسوه ششم ٧
فالتمسوا پنجاه هفتم ١٣
آلن

الان سیم ١٢٠
لهب
لهب صد یازدهم ٣، ١
اللهب هفتاد هفتم ٣١
لهث
یلهث هفتم ١٧٥ م
لهم
وألهمها نود یکم ٨
لهو
ألهاکم صد دوم ١
ولا تلهیهم پانزدهم ٣
تلهکم شصت سیم ٩
تلهی هشتادم ١٠
تلهیهم بیست چهارم ٣٧
لهو بیست نهم ٦٤
ولهو ششم ٣٢ چهل
هفتم ٣٨ پنجاه هفتم ١٩
اللهو شصت دوم ١١
لهو سی یکم ٥
لهوا هفتم ٤٩ بیست یکم
١٧ شصت دوم ١١
ولهوا ششم ٦٩
لاهیة بیست یکم ٣
تلهو ششم ١٥ بیست ششم ١٠٢
چهل هفتم ٣٦
لات
ولات سی هشتم ٢
اللات پنجاه سیم ١٩
لاح
لوح هشتاد پنجم ٢٢
الواح پنجاه چهارم ١٣
الالواح هفتم ١٤٢
الالواح هفتم ١٤٩، ١٥٣
لواحة هفتاد چهارم ٢٩
لاذ
لواذا بیست چهارم ٦٣
لوط
لوط یازدهم ٨٣
بیست ششم ١٦٧
لوط بیست ششم ١٦١
بیست نهم ٢٥
لوطا یازدهم ٧٩
بیست نهم ٣١، ٣٢
سی هفتم ١٣٣
لام
لمتننی دوازدهم ٣٢
تلوموني چهاردهم ٢٢
ولوموا چهاردهم ٢٧
تلاوموا بیست ششم
هشتم ٣٠
لومة پنجم ٥٩
لائم پنجم ٥٩
اللوامة هفتاد پنجم ٢

ملوم پنجاه یکم ٥٤
ملوما هفدهم ٣١، ٤١
ملومین بیست سیم ٦
هفتادم ٣
ملیم سی هفتم ١٤٢
پنجاه یکم ٤٠
لان
لونها دوم ٦٩ م
الوانه شانزدهم ١٣، ٧١
سی پنجم ٢٥ سی نهم ٢٢
الوانها سی پنجم ٢٥ م
والوانکم سی ام ٢١
لوی
یلوون سیم ٧٢
تلوون سیم ١٤٧
تلووا چهارم ١٣٤
لیا چهارم ٤٨
لووا شصت سیم ٥
لیت بیست هشتم ٧٩
سی ششم ٢٥ چهل سیم ٣٧
لیتها شصت نهم ٢٧
لیتنا ششم ٢٧ سی سیم ٦٦
لبثت دوم ١٠٢ م
ولبثت چهارم ٢٢
لست چهارم ٩٤
ششم ١٦ سیزدهم ٤٣
هشتاد هشتم ٢٢
لست ششم ٦٦
الست هفتم ١٧١
لبسوا سیم ١٠٩ ششم ٨٩
لستم پنجم ٧٢ پانزدهم ٢٥
ولستم دوم ٢٧٠
لستن سی سیم ٣٢
لیل
اللیل ششم ٧٧ سی ششم ٣٧
٤٠ چهل یکم ٣٧
بلیل بیست هشتم ٧٢
وباللیل سی هفتم ١٣٨
واللیل هفتاد چهارم ٣٣
هشتاد چهارم ١٧ هشتاد
نهم ٤ نود یکم ٤
نود دوم ١ نود سیم ٢
لیال نوزدهم ١٠ شصت نهم ٧
ولیال هشتاد نهم ١
لیالی سی چهارم ١٧
لیلها هفتاد نهم ٢٩
لیلة نود هفتم ٣، ٢
لیلة نود هفتم ١
لیلة چهل چهارم ٢
لیلة دوم
١٨٣
لیلة دوم ٤٨
هفتم ١٣٨ م

لیلا دوم ١٤٥
چهاردهم ١٢ پنجاه هفتم ٢٩
لان
لینت سیم ١٣٥
تلین سی نهم ٢٤
والنا سی چهارم ١٠
لینة پنجاه نهم ٥
لینا بیستم ٤٦
باب المیم
یم بیست هفتم ٣٥
فیم پانزدهم ٥٤
وبما سیم ٧٣ چهارم ٣٨
نهم ٧٨ چهل ٧٥، ١٢٢
چهل ششم ١٩
[illegible] هفتاد هشتم ١
الما سی هفتم ٥٥
فیم چهارم ٩٩ هفتاد
نهم ٤٣
لما دوم ٩٦ سیم ٧
شصت ششم ٣٨، ٣٩
فلم دوم ٨٥ سیم ٥٩
١٨٠ پنجم ٢١
ولما بیست یکم ٦٧
ثم هشتاد ششم ٥
ماء
ماء دوم ٢٦٣
ماء هشتم ٦٦، ٦٧
ماء سی هفتم ١٤٢
ماء هجدهم ٢٤
ماء دوم ٢٦١ م
بیست چهارم ٢
یا ابتی هشتم ٦٦، ٦٧
متع
متعت چهل سیم ٢٨
متعنا یازدهم ٨٨ بیستم
١٣١ بیست یکم ٤٥
متعناهم بیست پنجم ١٩
متعناه بیست هشتم ٦١
متعناهم بیست ششم ٢٠٥
فمتعناهم سی هفتم ١٤٨
ومتعناهم دهم ٩٨
یمتعکم یازدهم ٣
وامتعه دوم ١٢٠
امتعکن سی سیم ٢٨
فامتعه دوم ١٢٠
نمتعهم سی یکم ٢٣
سنمتعهم یازدهم ٥٠
فمتعوهن سی سیم ٤٨
ومتعوهن دوم ٢٣٧
یمتعون بیست ششم
٢٠٧ یتمتعون سی یم ١٥
تمتع دوم ١٩٢
تمتعوا یازدهم ٦٨

چهاردهم ٣٥ پنجاه یکم ٤٣
فتمتعوا شانزدهم ٥٧
بیست ام ٣٣
وتمتعوا هفتاد هفتم ٤
تمتعوا چهل هفتم ١٣
ولیتمتعوا بیست نهم ٦٦
ویتمتعوا پانزدهم ٣
تمتع سی نهم ١١
استمتع ششم ١٢٨ نهم ٦٩
فاستمتعوا نهم ٧٠
استمتعتم چهارم ٢٨
فاستمتعتم نهم ٧٠
واستمتعتم چهل ششم ١٩
فمتاع بیست هشتم ٦٠
چهل دوم ٣٤
ومتاع دوم ٣٤ هفتم
٢٣ بیست یکم ١١١
متاع سیزدهم ١٨
متاع دهم ٢٣ بیست ششم
ومتاعا شانزدهم ٨٢
سی ششم ٤٤ پنجاه ششم ٧٣
متاعنا دوازدهم ١٧
متاعنا دوازدهم ٧٩
متاعهم دوازدهم ٦٥
وامتعتکم چهارم ١٠٣
متن
متین هفتم ١٨٢
شصت هشتم ٤٥
المتین پنجاه یکم ٥٨
مثل
فمثل نوزدهم ١٧
مثل دوم ٢٢٨، ٢٣٣
٢٧٠ چهارم ١١٢، ١٧٥
پنجم ٩٦ سی پنجم ١٥
لمثل سی هفتم ٥٩
بمثل دوم ١٣١، ١٩٠
شانزدهم ١٢٧ هفتادم
٩٠ بیست دوم ٥٩
مثله سیم ١٣٤ هفتم
٨ سیزدهم ١٨
مثلها چهل دوم ٣٨
هشتاد نهم ٧
مثلنا چهاردهم ١١
بیست ششم ٥٤، ١٨٦
سی ششم ١٤
مثلکم چهاردهم ١٣
هجدهم ١١٠
بیست یکم ٣
بیست سیم ٢٤، ٣٣
چهل یکم ٥
مثلهم چهارم ١٣٩
بمثله هفدهم ٩٠
هجدهم ١٠٩

کمثله چهل دوم ٩
امثالهم بیست چهارم ١٦
مثلها دوم ١٠٠
مثلها دوم ٢٨
مثلنا بیست سیم ٤٩
ومثله پنجم ٤٠
سیزدهم ١٨ سی نهم ٤٨
مثلها ششم ١٦١
چهل ٤٣
مثلنا یازدهم ٢٩
مثلکم بیستم ٣٦
مثلهم هفدهم ١٠١
سی ششم ٨١
ومثلهم بیست یکم ٨٤
سی هشتم ٤٢
مثلهن شصت پنجم ١٢
مثلیها سیم ١٥٩
مثلهم سیم ١١
ومثل دوم ٢٦٧، ١١، ٢٦
چهاردهم ٣١
مثل بیست دوم ٢٧٦
المثل شانزدهم ٦٢ سی ام
مثل هفدهم ٩١
هجدهم ٥٢ سی ام ٥٨
سی نهم ٢٨
بمثل بیست پنجم ٣٥
مثل سیم ٥٢ هجدهم ٤٣
ومثلا بیست چهارم ٣٤
چهل سیم ٥٦
الامثال بیست نهم ٤٢
پنجاه نهم ٢١
کامثال پنجاه ششم ٢٢
مثله ششم ١٢٢
فمثله دوم ٢٦٤
هفتم ١٧٥
مثلهم دوم ١٧، ١ چهل
هشتم ٢٩
ومثلهم چهل هشتم ٢٩
امثالها چهل هفتم ١١
امثالکم ششم ٣٨
هفتم ١٩٣
امثالهم بیستم ١٠٤
امثالهم ششم ١٦١
امثالکم چهل هفتم ٣٨
پنجاه ششم ٦١
امثالهم چهل هفتم ٣
هفتاد ششم ٢٨
المثلات سیزدهم
٧
المثلی بیستم ٦٦
التماثیل بیست یکم ٥٢
وتماثیل سی چهارم ١٣
وماجوج بیست یکم ٩٦

وما يجمع چهلهم ٩٣
مجد
مجيد يازدهم ٧٣
هشتاد و پنجم ٢١
المجيد هشتاد و پنجم ١٥
المجيد پنجاهم ١
مجس
والمجوس بيست و دوم ١٧
محص
وليمحص سيوم ١٤١ و ١٥٤
محق
يمحق دويم ٢٧٦
ويمحق سيوم ١٤١
محل
المحال سيزدهم ١٣
محن
امتحن چهل و نهم ٣
فامتحنوهن شصتم ١٠
محا
فمحونا هفدهم ١٢
يمحو سيزدهم ٣٩
ويمح چهل و دوم ٢٤
مخر
مواخر شانزدهم ١٤
سى و پنجم ١٢
مد
ملممد نوزدهم ٧٥
مددا يازدهم ١٠٩
پنجاهم ٧
فليمدد نوزدهم ٧٥
بيست و دويم ١٥
يمدون يازدهم ٨٨
سيزدهم ١٣
ونمد نوزدهم ٨٢
يمدكم يكم ٦
ويمدكم دويم ١٤
يمدهم هفتم ٢٠١
امددكم هشتاد و چهارم ١٣٣
امدكم بيست و ششم ١٣٢
وامددناهم ٦
وامددناهم پنجاه و دوم ٢٢
نمدهم هفدهم ٣١
نمدكم سيوم ١٢٥
يمددكم هفتاد و يكم ١٢
ويمددكم بيست و ششم ٣٦
تمدونن بيست و سيوم ٥٧
مدا نوزدهم ٧٩
مددا وحطامدا چهارم ١٠٩
مدتم نهم ٤
ممدودة پنجاه و ششم ٣٩

ممدود هفتاد و چهارم ١٢
ممددة صد و چهارم ٩
ممدكم هشتم ٩
مدن
المدينة نهم ١٤
المدائن هفتم ١٠٨
بيست و ششم ٣٦ و ٥٣
مدين يازدهم ٩٨
مرء
مرة دويم ١٢١
يازدهم ٤٠ بيست و نهم ٩٠
مرتين هفتم ١٨٩
مرتوا بيست و نهم ٧٢
هشتاد و سيوم ٣٠
تمرون بيست و هفتم ٥٠
تمرون دوازدهم ١٠٥
المرء سيوم ١٣٧
مرة نهم ١٢٧ ، ٨١
سيوم ٣٧
مرتان دويم ٢٢٩
مرتين نهم ١٢٦ ، ١١١
هفدهم ٤ بيست و هشتم ٥٤
سى و سيوم ٣١
مرات بيست و چهارم ٥٨
مرة پنجاه و سيوم ٦
وامرت پنجاه و چهارم ٤٢
مستمر پنجاه و چهارم ٢
مستقر پنجاه و چهارم ١٩
مرء
المرء هشتم ٢٤
هشتادم ٣٤
المرء دويم ١٠٢ هشتم ٢٤
مرئيا چهارم ٣
امرؤ چهارم ١٧٥
امرئ نوزدهم ٢٩
امرأت سيوم ٣٥
دوازدهم ٢٠ ، ٥١
امرأت بيست و هشتم ٩
امرأت چهارم ١٢٨
امرأة شصت و ششم ١١ ، ١٠
وامرأة شصت و ششم ١٠
امرأة بيست و هفتم ٢٣
وامرأة سى و سيوم ٤٩
امرأتين دويم ٢٨٢
امرأتين بيست و هشتم ٢٣
امرأة نوزدهم ٥
وامرأت سيوم ٣٥
امرأته پنجاهم ٢٩
وامرأته يازدهم ٧١
صدوم يازدهم ٤
لامرأته دوازدهم ٢١
امرأته يازدهم ٨١

بيست و نهم ٣٢
امرأته هفتم ٨١
يازدهم ٥٠ و بيست و هفتم ٥٥
بيست و نهم ٣١
مارد
وما رودت دويم ٩٦
مرج
بيست و پنجم ٥٣ پنجاه و پنجم ١٩
مارج پنجاه و پنجم ١٤
مريج پنجاهم ٥
والمرجان پنجاه و پنجم ٢٢ و ٥٨
مرح
تمرحون چهلم ٧٥
مرحا هفدهم ٣٧ سى و يكم ١٧
مرد
مردوا نهم ١٠٢
مريد بيست و دويم ٣
مارد سى و هفتم ٧
مريدا چهارم ١١٧
ممرد بيست و هفتم ٤٤
مرض
مرضت بيست و ششم ٨٠
مرضا دويم ٩
المريض بيست و چهارم ٦١
چهل و هشتم ١٧
مريضا دويم ١٨٤ ، ١٨٠
١٩٢
مرضى چهارم ١٠٢ و ٤٣
پنجم ٩
مرو
فالمروة دويم ١٥٣
مرى
تمار هجدهم ٢٢
تمارون پنجاه و سيوم ١٢
افتمارونه پنجاه و سيوم ١٢
فلا تمار هجدهم ٢٢
تتمارى پنجاه و سيوم ٥٥
يمترون نوزدهم ٣٤
نوزدهم ٣٥
تمترون ششم ٢
چهل و چهارم ٥٠
تمترن چهل و سيوم ٦١
المترين دويم ١٤٢
سيوم ٦٠ ششم ١١٤
دهم ٩٤
مرية يازدهم ١٧ ، ١١٠
بيست و دويم ٥٥ چهل و يكم ٥٤
چهل و يكم ٥٤
مرية هجدهم ٢٢
مريم
سيوم ٣٢ ، ٣٧ ، ٤٢
نوزدهم ٢٨

مريم در حالت جنبى سيوم ٣١
نوزدهم ٣٩
ومريم شصت و ششم ١٢
مزج
مزاجه هشتاد و سيوم ٢٧
مزاجها هفتاد و ششم ٥
١٧ مزق
ومزقناهم سى و چهارم ١٨
مزقتم سى و چهارم ٧
ممزق سى و چهارم ١٨
مزن
المزن پنجاه و ششم ٦٩
مسد
مسد صد و يازدهم ٥
مسح
المسيح هفتم ١٨٨ يازدهم
٥٤ بيست و يكم ٨٣
سى و هشتم ٤٠
مسه دهم ١٣ هفدهم ٨٥
چهل و يكم ٤٩ : ٥١
هفتادم ٢٠ ، ٢١
مسنا دوازدهم ٨٨
پنجاهم ٣٧
مسكم شانزدهم ٥٥
هفدهم ٦٩
لمسكم هشتم ٦٩
بيست و چهارم ١٤
مسته يازدهم ٦
مسته يازدهم ١٧
چهل و يكم ٥
ميثاقهم دويم ٢١٠
دهم ٢٢
بيست و يكم ٤٧
تمسني سيوم ٤٧
نوزدهم ٢٠
تمسسه بيست و چهارم ٣٥
تمسوها هفتم ٧٣
تمسوهن دويم ٢٣٦
تمسهم دويم ٢٣٧
يمسس پنجاهم ٣١
يمسسكم سيوم ١٤٠
يمسسكم ششم ١٧
يمسك ششم ١٧ يونس يازدهم
٥٠ يازدهم ٤٨
تمسسهم سيوم ١٢٠
يمسسهم سيوم ١٧٤
يمسسهم پنجاه و هشتم ٣
فيمسكم يازدهم ١١٣
تمسك هشتم ١٤
ممسوها هفتم ٧١
يازدهم ٧ و بيست و هشتم ٦
تمسوهن دويم ٢٣٧
٢٣٨
سى و سيوم ٤٨
تماسا پنجاه و هشتم ٣
المس دويم ٢٧
مساس بيستم ٩٧

مسك
فامسكوا چهارم ٤٦
پنجم ٩
وامسكوا پنجم ٨
متماسكة هشتم ٣٢
المسجد سيوم ٣٠ چهارم ١٢٩
١٢٠ پنجم ١٩ : ٧٢
١٩ نهم ٣٠
المستمسك چهارم ٥٧ پنجم
والمستمسك نهم ٣١
تمسكوا شصت و ششم ٥٨
لتمسكوا شصت و ششم ٨٣
تمسك
اسكن شصت و هفتم ٢١
اسكن پنجم ٦
لا تمسكوا هفدهم ١٠٢
امسكها سى و پنجم ٣٩
يمسك سى و پنجم ٣٩
يمسك سى و نهم ٤٣
ويمسك بيست و دويم ٦٥
يمسكها سى و پنجم ٢
لتمسكوا شصتم ١٠
امسكوا شانزدهم ٦١
تمسكون شانزدهم ٨١
شصت و هفتم ١٩
تمسكوهن دويم ٢٣١
امسك سى و سيوم ٣٧
فامسكوهن دويم ٢٣١
چهارم ١٩ شصت و پنجم ٢
امسكم ششم ٣٦ ٢٥٢
سى و هفتم ٢١
فامسك چهل و سيوم ٤٣
ممسك هفتاد و سيوم ٣٢
فامسكوه دويم ٢٢٩
يمسك سى و پنجم ٢
يمسكها سى و نهم ٣٩
يمسكون سى و نهم ٣٩
يمسكون چهل و سيوم ٣
مسى
تمسون سى و نهم ١٦
مشج
امشاج هفتاد و ششم ٢
مشى
مشوا دويم ١٩
تمشون پنجاه و هفتم ١٢٢ بيست
چهارم ٣٤ نوزدهم شصت و ششم

يمكم ١٧
ويمكرون بيست و يكم ٢٢
تمكرون پنجاه و هفتم ٢٨
امشوا سى و هشتم ٥
فامشوا شصت و هفتم ١٥
تمكن سى و يكم ١٨
ممشاء شصت و هشتم ١١
مصر
مصرا در حالت جمع و دويم
٢١ چهل و سيوم ٥٠
بمصر دهم ٨٧
مصر در حالت چهل و سيوم ٥١
مصرا دويم ٥٨
مضغ
مضغة بيست و دويم ٥
مضغة بيست و سيوم ١٤
المضغة بيست و سيوم ١٤
مضى
ومضى چهل و سيوم ٧
مضت هشتم ٣٩
امضى هجدهم ٩
وامضوا پانزدهم ٥٥
مضيا سى و ششم ٦٧
مطر
وامطرنا هفتم ٨٤
يازدهم ٨٢ پانزدهم ٧٤
بيست و ششم ١٧٣ هشتم
فامطر هشتم ٣٢
امطرت بيست و پنجم ٤٢
مطر بيست و ششم ١٧٣
بيست و هفتم ٥٩
مطر چهارم ١٠٢
مطرا بيست و پنجم ٤٢
مطرا هفتم ٨٢
بيست و هفتم ٥٨ بيست و ششم ١٧٣
ممطرنا چهل و ششم ٢٣
مطى
يتمطى هفتاد و پنجم ٣٣
مع
المع بيست و نهم ٦٩
معهما بيستم ٤٦
معكما بيستم ٤٦
معنا نهم ٤٠ يازدهم ٤٢
دوازدهم ٦٦ ، ٦٣
بيست و ششم ٤٩ بيست و ششم ٢
معكم پنجم ٥٨
معز
المعز ششم ١٤٤
معن
الماعون صد و هفتم ٧
معا
امعاءهم چهل و هفتم ١٥

مقت
لَمَقتُ چهل ۱۰
مَقتاً سے بجم ۳۷ چهل
۳۷ شصت بکر ۳
وَمَقتاً چهارم ۲۶
مَقتُکم چهل ۱۰
مک
مَکّةَ چهل هشتم ۲۴
مکث
مُکثٍ بیست هفتم ۲۲
فَمَکَثَ سبزدهم ۱۸
امکثوا بیستم ۹ بیست هشتم ۲۹
مُکثَ هفدهم ۱۰۷
ماکثونَ چهل سیم ۷۷
ماکثینَ هجدهم ۲
مکر
مَکرَ سیزدهم ۴۲ پنجاه دوم ۲۸
وَمَکر سیم ۴۲
مَکروا چهاردهم ۴۶ شصت دوم
۴۲ چهل ۴۸
مَکروا چهاردهم ۴۱
وَمَکروا سیم ۴۲
بیست هفتم ۵۰ هفتاد یکم ۲۱
وَمَکرنا بیست هفتم ۵۱
مَکر بِهِ هفتم ۱۲۰
بمَکرِ هشتم ۳۰
وَیمکرُ هشتم ۳۰
وَیمکرونَ هشتم ۳۰
لِیمکروا ششم ۱۲۳
یمکرونَ دهم ۲۲
یمکرُ سے چهارم ۳۲
وَمکرُ سے پنجم ۱۱
مَکرٌ دهم ۲۲
لَمکرٌ هفتم ۱۲۰
المکرُ سیزدهم ۴۲ سے پنجم ۴۱
مَکرُ هفتم ۹۷ تم
وَمکرُ سے پنجم ۴۱
مَکراً دهم ۲۲ بیست هفتم
۵۰ تم هفتاد یکم ۲۱
مَکرَهُم سیزدهم ۳۳
چهاردهم ۴۷ تم
مَکرِهِم بیست هفتم ۵۲
مَکرِهِنَّ دوازدهم ۳۱
مَکرُهُم چهاردهم ۴۷
الماکرینَ سیم ۴۲
هشتم ۳۰
میکال ۹
وَمیکالَ دوم ۹۲
مکن
مَکّنّا دوازدهم ۲۱ و ۵۶
هجدهم ۸۴
مَکّنّی هجدهم ۹۴
مَکّناکم هفتم ۹

چهل ششم ۲۵
مَکّنّاهم ششم بیست دوم ۴۱
چهل ششم ۲۵
وَلیمکّنَنّ بیست هشتم ۵
نُمکّن شتم ۶ بیست ۵۷
وَلَمکّنّا بیست چهارم ۵۶
فامکنَ هشتم ۷۲
مکینٌ دوازدهم ۵۴
مَکینٍ بیست ششم ۲۱ هشتاد
هفتم ۲۱ هشتاد یکم ۲۰
مکا
مُکاءً هشتم ۳۵
مل
یُمِلّ دوم ۲۸۲
فَلیُملِل دوم ۲۸۲
وَلیُملِل دوم ۲۸۲
مِلَّةَ دوم ۱۲۴
الملّة سے هشتم ۶
مِلّتنا هفتم ۸۶ چهاردهم ۱۰
مِلّتکم هفتم ۸۷
مِلّتهم هجدهم ۱۹
مِلّتهم دوم ۱۱۴
ملا
لأملأنّ هفتم ۱۷۵
یازدهم ۱۲۰ سے دوم ۱۳
سے هشتم ۸۵
مُلئت هفتاد دوم ۸
وَلَمُلِئتَ هجدهم ۱۷
امتلأت پنجاهم ۲۹
مَلأً هشتم ۸۵
مَلأُ یازدهم ۴۰
الملأ دوم ۲۴۷
سے هفتم ۸
بالملأ سی هشتم ۶۹
لِلملأ بیست ششم ۳۳
الملأ بیست ششم ۱۹
مَلَئهم دهم ۸۳
وَمَلَئه دهم ۸۸
فمالئونَ سے هفتم ۴۶
پنجاه ششم ۵۳
ملءُ بیست پنجم ۵ سے سیم ۱۳
ملو
اَملی ششم ۱۵۲
هفدهم ۳۳
ملک
تَملکُ بیست چهارم ۶
تَملکُ پنجم ۴۵
املکُ پنجم ۲۸
هفتم ۱۸۸
دهم ۵ شصتم ۴
هفتاد دوم ۲۱
تملکونَ هفدهم ۱۰۲
چهل ششم ۲

تملکُهم بیست هفتم ۲۳
تملکنا بیستم ۹۰
مُلکُ دوم ۹۶
وَمُلکِ بیستم ۱۲۸
بالملکِ دوم ۲۴۸
مُلکاً چهارم ۵ سے ششم ۲۴
وَمُلکاً هفتاد ششم ۲۰
الملکُ دوم ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۴۶
سیم ۲۵۰ تم
مُلکِهِ دوم ۲۴۹
مُلکِهِ دوم ۲۴۸ سے ششم
مَلکُ سے دوم ۱۱
مَلکُ ششم ۸، ۵۰
یازدهم ۳۱، ۱۱۵ دوازدهم
۳۱ بیست پنجم ۸
وَالملکُ شصت نهم ۱۷
هشتاد نهم ۲۳
مَلکُ پنجاه سیم ۲۶
مَلکاً ششم ۸، ۹
هفدهم ۹۷
مَلکینِ هفتم ۱۹
مَلکُ هجدهم ۷۸
مَلکُ صد چهارم ۲
الملکُ دوازدهم ۷۲
۷ شصت دوم ۱
مَلکاً دوم ۲۴۷، ۲۴۸
مَلوکاً پنجم ۲۳
الملوک بیست هفتم ۳۴
مالکِ چهل سیم ۷۷
مالکِ اول ۳
مالکَ سیم ۲۵
مالکونَ سے ششم ۷۱
ملکوتُ بیستم ۹۰
سے ششم ۸۳
ملکوتُ هفتم ۱۸۴
ملکوتُ ششم ۷۵
مَلیکٍ پنجاه چهارم ۵۵
مملوکاً شانزدهم ۷۷
ملی
وَاُملی چهل هفتم ۲۷
اَملیتَ بیست دوم ۴۷
فأملیتَ سیزدهم ۳۲
بیست دوم ۴۴
وَاُملی هفتم ۱۸۲
شصت هشتم ۴۵
نُملی سیم ۱۷۲ تم
نُملی بیست پنجم ۶
مَلیّاً نوزدهم ۴۷
وَمَیِّن بیست هفتم ۴۸
لَمِن دوم ۹۶
سیم ۱۹۸
چهارم ۴۷
هفتم ۱۷
بیست دوم ۱۳

وَلَمِن چهل دوم ۳۹، ۴۱، ۴۳
فَلَمِن دوازدهم ۷۲
پنجاه پنجم ۴۶ هفتاد یکم ۲۹
وَمِمَّن هفتم ۱۸۰ نهم
۱۰۲ نوزدهم ۵۹ تم
سے هشتم ۸۵
اَدَمَن ششم ۱۲۲
چهل سیم ۱۷
فَمَن دوم ۱۹۶ چهارم ۲۹
۲۸۱ شانزدهم ۵ د
بیست هشتم ۲۷
اَفَمَن پنجاه سیم ۵۹
وَمِنکَ سے سیم ۷
فَمِنهُ سے ششم ۳۳
وَمِنهُ شانزدهم ۱۰
فَمِنها سے ششم ۷۲
فَمِنکم چهل هفتم ۴۵
شصت چهارم ۲
وَمِنّا هفتاد دوم ۱۴، ۱۱
لَمِنکم نهم ۵۶
لَمِنکَ سے سیم ۲۹، ۳۰
۳۱ شصت ششم ۵
مَن سیم ۱۵۸ ششم
۵۳ دوازدهم ۹۰
بیست هشتم ۸۲
فَمَن چهارم ۹۶
پنجاه دوم ۲۷
هفتاد بیستم ۳۷
سی هفتم ۱۱۴
بِمَن چهاردهم ۱۳
چهل نهم ۱۷
تَمُنُّ هفتاد چهارم ۶
یَمُنّونَ چهل نهم ۱۲
تَمُنّوا چهل نهم ۱۷
یَمُنَّ بیست هشتم ۴
تَمُنُّها بیست ششم ۲۱
فَامنُن سے هشتم ۳۸
بالمَنِّ دوم ۲۶۴
مَنّاً دوم ۲۶۲ چهل نهم
المَنِّ دوم ۵۷ هفتم ۱۶۰
بیستم ۸۲
المَنّونَ پنجاه دوم ۳۰
تَمنونَ چهل یکم ۷
شصت هشتم ۳ هشتاد
چهارم ۲۵
نود پنجم ۶
منع
مَنَعَ دوم ۱۱۴ هفدهم ۹۴
هجدهم ۵۵
مَنَعَکَ هفتم ۱۲ بیستم ۹۲
سے هشتم ۷۵
فمُنِعَ هفتم ۶۱
مَنَعَهُم نهم ۵۴
وَیَمنَعونَ صد هفتم ۷

تَمَنّیهم بیست یکم ۴۴
وَتَمَنّیکم چهارم ۱۰۴
مُنیَ دوازدهم ۶۴
فانفتم پنجاه نهم ۲
متنوعا هفتاد دوم ۲۱
مناعٍ پنجاهم ۲۴
شصت هشتم ۱۲
ممنوعةٍ پنجاه ششم ۳۳
مون
وَیُمَنّیهم چهارم ۱۱۹
وَلأُمَنّیَنّهم چهارم ۱۱۸
تَمنونَ پنجاه ششم ۵۸
یَمنّ هفتاد پنجم ۳۷
تَمنّی پنجاه سیم ۴۷
تَمنّی بیست دوم ۵۱
پنجاه سیم ۲۴
تمنّوا بیست هشتم ۸۲
فتمنّوا دوم ۸۸
شصت دوم ۶
یتمنّونَ سیم ۱۳۷
تَتمنّوا چهارم ۳۲
یتمنّوه شصت دوم ۷
یَتمنّوهُ دوم ۸۹
وَمناةَ پنجاه سیم ۲۰
مَتَّی هفتاد پنجم ۳۷
اَمانیُّهم بیست دوم ۵۱
الأمانیُّ پنجاه هفتم ۱۴
اَمانیَّ چهارم ۱۲۳
اَمانیُّهم دوم ۱۰ دوم ۱۱۱
بِاَمانیّکم چهارم ۱۲۳
مهد
یَمهدونَ سے ام ۴۳
وَمَهّدتُ هفتاد چهارم ۱۴
المَهدِ سیم ۴۱ پنجم ۱۰۹
نوزدهم ۳۰
مَهداً بیستم ۵۳ چهل ۳۹
الماهدونَ پنجاه یکم ۴۸
مِهادٌ هفتم ۳۹
المهاد دوم ۲۰۶ سیم ۱۲
۱۹۷ سیزدهم ۱۸
شصت ششم ۵۶
مِهاداً هفتاد هشتم ۶
تمهیدا هفتاد چهارم ۱۴
فمهّل هشتاد ششم ۱۷
وَمَهّلهم هفتاد
سیم ۱۱
امهلهم هشتاد ششم
۱۷
مَهلِکَ بیست هفتم ۴۹
کالمهلِ هجدهم ۲۸
چهل چهارم ۴۵ هفتادم ۸
مَهما هفتم ۱۲۹
مهین چهل سیم ۵۱

مهین سے دوم ۷
شصت هشتم ۱۰ هفتاد هفتم ۲۰
مات
ماتَ سیم ۱۳۸ نهم ۸۵
میتَ بیست یکم ۳۵
مِتُّ نوزدهم ۲۳ ۶۶
ماتوا سیم ۱۵۶ بیست دوم
۵۷ چهل هفتم ۳۶
وَماتوا دوم ۱۶۱
سیم ۸۵ نهم ۱۲۵، ۸۵
مُتُّم سیم ۱۵۱، ۱۵۲
مِتنا بیست سیم ۳۷
مِتنا بیست سیم ۸۲ سے
هفتم ۱۶ ۱۱۱ پنجاهم ۳
پنجاه ششم ۴۷
فیمیتُ دوم ۲۱۷
تموتُ سے یکم ۳۴
تموتَ سیم ۱۳۹
تمتُ سے نهم ۴۴
اَموتُ نوزدهم ۳۴
یَموتونَ چهارم ۲۲
یموتوا سے پنجم ۳۶
یموتونَ هفتم ۲۴
تموتنّ دوم ۱۲۶
سیم ۹۷
نموتُ بیست سیم ۳۹
چهل پنجم ۲۳
اَمانَ پنجاه سیم ۴۴
اَماتَهُ هشتادم ۲۱
فاَماتَهُ دوم ۲۵۹
اَمتَنا چهلم ۱۱
وَیُمیتُ دوم ۲۵۸
سیم ۱۵۶ هفتم ۱۵۸
وَاُمیتُ دوم ۲۵۸
وَیُمیتُ یازدهم ۲۳
پنجاه هفتم ۴۲
یُمیتُنی بیست ششم ۸۱
یُمیتُکم دوم ۲۸
بیست دوم ۶۶ سے ام ۳۹
چهل پنجم ۲۶
مُتُّوا دوم ۲۴۳ سیم ۱۱۹
موتوا بیست پنجم ۴
مُوتِها چهارم ۱۵
سے چهارم ۱۳
مَوتِکُم دوم
۵۶
مَیتاً بیست پنجم ۴۹
چهل سیم ۱۱ چهل نهم ۱۲
پنجاهم ۱۱
اَمواتٌ دوم ۱۵۴
شانزدهم ۲۱
الأمواتُ سے پنجم ۲۲
اَمواتاً دوم ۲۸

باب النون والواو بعده الالف الجيم

ستّم ١٦٣
وأموالنا هفتاد هفتم ٦٧
متبك سي نهم ٣١
متبين هفتم ٥٥ سيم ١٠
بمتين چهاردهم ٢٠
للتين ستم ٢٨ ششم ٥ الم
دهم ٣٢ سي ام ١٨
مثنا ششم ١٢٢
الكتب ستم ٢٦ دهم
٣٢ سي ام ١٨
متبون سي نهم ٣١
لمتبون بيست ستم ١٥
بمتبين سي هفتم ٥٦
المونة چهل چهارم ٥
موتنا چهل چهارم ٣٤
موتنا سي هفتم ٥٧
الميتة پنجم ٣ سي ششم ٣٣
ميتة ششم ١٤٥، ١٣٠
الميتة دوم ١٦٨
شانزدهم ١١٦
المات هفدهم ٧٧
ومماتهم ششم ١٦٣
ومماتهم چهل پنجم ٢٠
ماج
بموج چهاردهم ٩٩
موج بيست چهارم ٤٠ تم
سي بكم ٣١ ٥
الموج دهم ٢٣ يازدهم
موج يازدهم ٤٣
مار
تمور پنجاه دوم ٩
شصت هفتم ١٦
مورا پنجاه دوم ٩
بمونين هفتم ١٢٨
لموتين دهم ٨٣
وموتين بيستم ٣ ٧
سي ستم ٧ هشتاد هفتم ١٩
مال
مال بيست ششم ٨٨
لمال چهاردهم ٤٤
مالي بيست چهارم ٣٣
مالي بيستم ٥٧
شصت هشتم ١٤
بمالي بيست هفتم ٣٢
المال دوم ٢٣٨
مالي ششم ١٥٢
هفدهم ٣٦
المال دوم ١٧٢
هشتاد نهم ٢١
واموال نهم ٢٤
اموال دوم ١٨٤
سي ام ٣٨

باموال هفدهم ٦
هفتاد يكم ١١
الأموال دوم ١٥٠
هفدهم ٦٥ پنجاه هفتم ١٩
اموال چهارم ١١، ١٥٩
نهم ٣٤
اموالا نهم ٧٠ سي چهارم ٣٤
واموالا دهم ٨٨
ماليه شصت نهم ٢٨
ماله هفتاد يكم ٢٠
نود دوم ١١ المدثر ٢
ماله نود دوم ١٨
صد چهارم ٣
اموالنا چهل هشتم ١١
اموالكم هشتم ٢٨
سي چهارم ٣٧ شصت ستم ٩
شصت چهارم ١٥
اموالهم ستم ١١٢، ٨
نهم ٥٥، ٨٥ پنجاه
هشتم ١٨
اموالنا يازدهم ٩٨
اموالكم دوم ٢٧٩
ستم ٨٣ چهارم ٢
باموالكم چهارم ٣١
نهم ٤١ شصت يكم ١١
اموالهم چهارم ٣٨
نهم ١٠٣ دهم ٨٨
پنجاه ١٩ هشتم ٢٤
واموالهم پنجاه نهم ٨
اموالكم دوم ١٨٣
چهارم ٢٣، ١٤ چهل
هشتم ٣٨
واموالكم نهم ١١٢
مآء
الماء دوم ١٩ يازدهم ٤٣
پنجاه چهارم ١٢ شصت
بماء سيزدهم ٤
هفدهم ٢٨ پنجاه چهارم ١١
شصت هفتم ٣
ماء دهم ٢٤ هفدهم ٤٢
ماء بيست هشتم ٢٢
وماء پنجاه ششم ٣٠
ماؤها چهاردهم ٣٩
ماؤكم شصت هفتم ٣٠
ماؤكم يازدهم ٤٤
ماؤها هفتاد نهم ٣١
ماد
تميد شانزدهم ١٥
بيست يكم ٣٢ سي يكم ٩
مائدة پنجم ١١٢، ١١٤
ماز

وعبر دوازدهم ٦٥
ماز
تمتن ستم ١٧٣
لمنتن هشتم ٣٨
تمتن شصت هفتم ٨
وأمتاز اسي ششم ٥٩
مال
فميلون چهارم ١٠٣
تميلوا چهارم ١٣٢، ١٢٨
الميل چهارم ١٢٨
ميلا چهارم ٣٢
ميلة چهارم ١٠٣

باب النون

ن
شصت هشتم ١
نا
بنا نهم ٥٢ بيستم ٣٥
بيست يكم ٤٨ بيستم ٨٢
ولنا دوم ١٣٣
نائ
ونائ هفدهم ٨٥
چهل يكم ٥١
تنأون ششم ٢٦
نبأ
بنات شصت ششم ٣
بناتي شصت ششم ٣
بنائها شصت ششم ٣
بنائها نهم ٩٥
نبأكم دوازدهم ٣٧
أنبئوني دهم ١٩
فلننبئن چهل يكم ٥٠
بنبئك سي پنجم ١٥
فننبئكم ششم ٦٠
سي چهارم ٧
فننبئهم پنجم ١٧ ششم ١
پنجاه هشتم ٨
فننبئ نهم ششم ١٠٨
بيست چهارم ٦٤
پنجاه هشتم ٧
فننبئكم نهم ٥٥
سنبئك هفدهم ٧٧
أنبئكم پنجم ٦٠
دوازدهم ٤٥
بيستم ٢٢١
أنبئهم دوازدهم ١٥
سيزدهم ١٣
فأنبئكم بيست نهم ٧
سي يكم ١٤
أفأنبئكم بيست دوم ٧١
وأنبئكم ستم ٤٣
ينبئونك سيزدهم ٣٣
ينبئكم هفدهم ١٠٣ سي ستم ٣٣
فينبئكم دهم ٢٣

فننبئهم سي يكم ٢٢
نبئ پانزدهم ٤٩
نبئنا دوازدهم ٣٦
ونبئهم پانزدهم ٥١
پنجاه چهارم ٢٨
تنبؤني ششم ١٤٣
نبئني هفتاد پنجم ١٣
نبأني پنجاه ستم ٣٧
لتنبئنهم شصت چهارم ٧
أنبأك شصت ششم ٣
أنبأهم دوم ٣١
أنبأهم دوم ٣١
أنبئوني دوم ٢٩
وتستنبئونك دهم ٥٣
نبأنا نهم ٧١ چهارم ٩
سي ستم ٢٠ شصت ششم ٥
نبأ سي هشتم ٦٧
نبأ ششم ٣٤ بيست ششم
نبأ ششم ٦٦
بنبأ بيست هفتم ٢٢ چهل
نهم ٦
النبأ هفتاد ششم ٢
نبأ پنجم ٣٠ هفدهم ١٧
دهم ٧٢ بيست ششم ٦٩
أنباء ششم ٥ بيستم ٣
الأنباء بيست هشتم ٦٦
أنباء ستم ٣٩
يازدهم ١٥١، ١٠٢
دوازدهم ١٠٣
بيستم ٩٩
الأنباء پنجاه چهارم ٤
نبأ سي هشتم ٨٨
نبأتهم چهاردهم ١٢
أنبأتها هفتم ٩٩
أنباء كم سي ستم ٢٠
لنبيّ دوم ٢٣٧ ستم
٥٥ هشتم ٥٥
النبيّ هفتم ١٥٨ نهم
١١٨ سي ستم ٣٠
٦٢، ٥٣، ٣٨، ١٣، ٦، ٥٠
چهل نهم ٢
النبيّ نهم ١١٣ سي ستم ٤
والنبيّ پنجم ٨٤
نبيّا نوزدهم ٤١، ٣١
٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٠
وينبئنا ستم ٤٤
النبيّ هفتم ١٥٦ نهم
سي ستم ١٣ ٥٣
شصت ششم ٨
النبيون دوم ١٣٠
والنبيون ستم ٤٨
بالنبيين سي نهم ٦٩
ونبيين

والنبيين دوم ١٧٢
ستم ٧٣ چهارم ١٦١
أنبياء دوم ٨٨ پنجم ٢٣
الأنبياء ستم ١٠٨
٧٧ چهارم ١٥٤
نبيهم دوم ٢٤٨، ٢٣٩
النبوة بيست پنجم ١٣
بچهارم هفتم ٢٦
والنبوة ستم ٧٣ ششم ٨٩
چهل پنجم ١٥
نبت
نبت بيستم ٢٠
أنبتت دوم ٢٦٣
وأنبتت بيست دوم ٥
أنبتنا بيست ششم ٦
فأنبتنا بيست هفتم ٦١
سي يكم ٩ پنجاه هشتم ٢٧
وأنبتنا پانزدهم ١٩
سي هفتم ١٤ پنجاه
وأنبتها ستم ٣٢ چهل
أنبتكم هفتاد يكم ١٦
ينبت شانزدهم ٢
تنبت دوم ٥٨ هفدهم ١٧
تنبتوا بيست هفتم ٦١
نباتا دهم ٢٥ چهاردهم
نبات بيستم ٥٥
نبات ششم ٩٩
نباتا ستم ٣٢ هفتاد يكم
ونباتا هفتاد هشتم ١٥
نباته هفتم ٩٩
نباته هفتم ١٩
نبذ
نبذه دوم ٩٥
نبذه دوم ٩٣
فنبذوه سي ستم ٢٠
فنبذوه ستم ١٨٣
فنبذناه سي هفتم ١٤٥
فنبذناه بيست هشتم ٤٠
پنجاه يكم
فانبذ هشتم ٦٠
لينبذن شصت هشتم ٢
لينبذن صد چهارم ٤
فانبذن نوزدهم
٢٢
انتبذت نوزدهم
١٦
نبر
تنابزوا چهل نهم ١١
نبط
يستنبطونه چهارم ٨٣
نبع
ينبوعا هفدهم ٩٢
ينابيع سي نهم ٢٣

نبئنا هفتم ١٧٠
نشر
انتشرت هشتاد دوم ٢
منشورا بيست پنجم
هفتاد ششم ٩
نجد
النجدين نودم ١٠
نجس
نجس نهم ٢٨
نجل
والإنجيل ستم ٥٨
الإنجيل پنجم ٥١
چهل هشتم ٢٩
والإنجيل هفتم ١٥٦
نهم ١١٢
الإنجيل پنجم ٥٠
پنجاه هفتم ٢٧
والإنجيل ستم ٤٣، ١٢
پنجم ١١٠، ٦٧
نجم
النجم هشتاد ششم ٣
والنجم پنجاه پنجم ٥
والنجم شانزدهم ١٦
والنجوم پنجاه ستم ١
النجوم هشتاد هفتم
هفتاد يكم ٢
والنجوم شانزدهم ١٢
بيست دوم ١٨
النجوم سي هفتم ٨٨
پنجاه دوم ٤٩ پنجاه ششم
النجوم ششم ٩٧
والنجوم هفتم ٥٤
نجو
نجي دوازدهم ٤٥
نجوت بيست هشتم ٢
نجينا يازدهم ٦٦
وچهارم ٢٩
ونجينا چهل يكم ١٧
نجاها هفتم ٨٤
نجاكم هفدهم ٦٩
نجاهم بيست نهم ٦٥
سي يكم ٣١
فنجيناه بيستم ٣١
نجيناهم سي هفتم ١٣٤
ونجيناه بيست يكم
٧٢، ١٧١
٨٨ سي هفتم
بيست يكم
نجيناهم ٧٦
ونجيناه سي هفتم ٧٦
بيست ششم ١١٩
ونجيناهم دوم ٤٩
نجيناهم چهارم ٣٤
نجيناهم يازدهم ٦١

نجی سے نهم ۶۲
ننجی دهم ۱۰۳ نوزدهم ۷۳
ننجیکم شصتم ۶۳ ۶۴
نجیک دهم ۹۲
لننجینه بیست نهم ۳۱
ننجی بیست ششم ۱۶۹
بیست هشتم ۲۰
وننجی بیست ششم ۱۱۸
شصت ششم ۱۱
وننجیا دهم ۸۶
ننجی دوازدهم ۱۱۰
تاجیم پنجاه هشتم ۱۳
انجینا هفتم ۱۶۵
یازدهم ۱۱۸
وانجینا بیست ششم ۵۶
بیست هفتم ۵۴
فانجاه بیست نهم ۲۳
انجاکم چهاردهم ۶
انجام دهم ۲۳
انجینا ششم ۶۳
دهم ۲۳
فانجیناه هفتم ۶۴
۸۱ بیست ششم ۱۱۹
هفتم ۵۸
انجاکم هفتم ۱۳۷
بیستم ۸۲
فانجاکم دوم ۴۷
فانجیناهم بیست پنجم ۹
ننجی بیست پنجم ۸۸
نج دهم ۱۰۳
نجیه هفتادهم ۱۴
ننجیکم شصت پنجم ۱۰
تناجیتم پنجاه هشتم ۱۰
وتناجون پنجاه هشتم ۹
تناجوا پنجاه هشتم ۱۰
وتناجوا پنجاه هشتم ۱۰
ناج دوازدهم ۴۲
النجاه چهل ۴۴
نجیا دوازدهم ۸۰
نوزدهم ۵۲
نجوی هفدهم ۵۰
پنجاه هشتم ۸
النجوی بیستم ۵۶
بیست پنجاه ششم ۱۱۹
نجویکم پنجاه ششم ۱۳ ۱۴
نجویهم چهارم ۱۱۴
ونجویهم نهم ۷۹
چهل ستم ۸۰
نجم
النجوم بیست نهم ۳۲
النجوم پانزدهم ۵۹
نجمه سی ستم ۲۳

نحب
نحبون پانزدهم ۸۲
نحبون سے هفتم ۹۳
ونحبون هفتم ۷۲
بیست ششم ۱۴۹
نحر
وانحر صد هشتم ۲
نحس
نحس پنجاه چهارم ۱۹
نحسات چهل یکم ۱۵
ونحاس پنجاه پنجم ۳۵
نحل
النحل شانزدهم ۶۸
نحلة چهارم ۳
انحن سے چهارم ۳۱
نحن پانزدهم ۲۳
نوزدهم ۷۱ بیست ۴۳
سے هفتم ۱۶۶
نحو
نحوی هفتادهم ۱۱
نخل
ونخل پنجاه پنجم ۶۸
والنخل پنجاه پنجم ۱۰
نخل پنجاه چهارم ۲۰
شصت نهم ۷
نخل چهل هم ۳۱
ونخل بیست ششم ۱۴۸
النخل ششم ۹۹ بیست ۷
ونخلا هشتادهم ۲۹
والنخل ششم ۱۴۲
پنجاهم ۱۰
النخلة نوزدهم ۲۳ ۲۵
ونخیل سے پنجم ۴
نخیل دوم ۲۶۶
هفدهم ۹۳ بیست ۹
سے ششم ۳۴
النخیل شانزدهم ۹۹
والنخل شانزدهم ۱۱
ند
انداد دوم ۲۲ ۱۶۰
چهاردهم ۳۰ سے چهارم ۳
سے نهم ۱۱ چهل یکم ۸
ندم
نادمین پنجم ۵۲
بیستم ۴۲
چهل نهم ۶
النادمین پنجم ۳۱
النادمة دهم ۵۵
سے چهارم ۳۲
فنادے بیست یکم ۸۷
هفتاد نهم ۲۳
وناد هفتم ۴۴

پانزدهم ۴۸ ۶۲
۴۷ ۲۳ چهل ستم ۵۰
فنادوا سے هشتم ۲
پنجاه چهارم ۲۹
ونادوا هفتم ۴۴
چهل ستم ۷۷
نادیتم پنجم ۶۳
نادینا بیست هشتم ۴۶
نادیناه هفتادم ۱۶
فنادیها نوزدهم ۲۴
ونادیها هفتم ۲۱
نادانا سے هفتم ۷۳
فنادیه سیم ۳۳
وناداه نوزدهم ۵۲
ونادیناه سے هفتم ۱۰۴
ینادیه سیم ۱۹۰
پنجاهم ۴۰
ینادیهم بیست هشتم ۶۲
۶۵ ۷۴ چهل یکم ۴۷
ینادونك چهل نهم ۴
ینادونهم پنجاه هفتم ۱۴
تنادوا چهل هم ۵۰
نودی بیستم
بیست ۳۰ شصت
دوم ۹
ونودوا هفتم ۴۱
ینادون چهل ۱۰
چهل یکم ۴۴
فتنادوا شصت هشتم ۲۱
نادیة نوزدهم ۱۷
نادیکم بیست نهم ۲۸
نداء نوزدهم ۲
ونداء دوم ۱۶۶
ندیا نوزدهم ۷۴
المناد پنجاهم ۴۰
منادیا سیم ۱۹۰
التناد چهل ۳۴
نذر
نذرت سیم ۲۱
نوزدهم ۲۷
نذرتم دوم ۲۷۳
انذر چهل ششم ۲۰
انذرتهم پنجاه چهارم ۳۶
وانذرتهم دوم ۵
سی ششم ۹
فانذرکم چهل یکم ۱۲
انذرتکم هفتادم ۳۰
لتنذر چهل ششم ۱۸
وتنذر هفتم ۳
تنذر سیم ۱۹

ششم ۱۰
لتنذر پنجاه بیست ششم ۴۶
سی دوم ۲ سی ششم ۵
چهل دوم ۵
ولتنذر ششم ۹۲
وتنذر نوزدهم ۹۷
چهل دوم ۵
ولینذروا نهم ۱۲۳
لتنذرکم هفتم ۱۶۳
تنذرهم دوم ۶
سے ششم ۹
انذرکم بیست یکم ۴۶
لانذرکم ششم ۱۰
وینذرونکم ششم ۱۳۰
سے نهم ۷۱
انذرهم هفتاد یکم ۲
فانذر هفتاد چهارم ۲
وانذر ششم ۵۱
چهاردهم ۴۴ بیست ششم ۲۱۴
انذروا شانزدهم ۲
وانذرهم نوزدهم ۴۰
چهل ۱۸
انذر سی ششم ۵
انذروا هجدهم ۵۴
چهل ششم ۲
ینذرون بیست یکم ۴۶
ولینذروا چهاردهم ۵۲
تنذر دوم ۲۷۳
بالنذر هفتاد ششم ۷
تنذروا ۳۰
النذر
پنجاه چهارم ۱۵ ۴۱
والنذر دهم ۱۰۱
النذر پنجاه سیم ۵۷
النذر پنجاه چهارم ۲۱
۱۳۳ ۳۶
ونذر پنجاه چهارم ۱۶
۱۱۸ ۲۱ ۳۰ ۲۷
ونذیر پنجم ۲۹
النذیر پانزدهم ۸۹
سے پنجم ۳۴
نذیرا بیست پنجم ۱ ۵۱
نذیر ۱۷
منذر سی هشتم ۸
منذرون بیست ششم ۲۰۸
منذرین سی هفتم ۷۲

چهارم ۱۶۳ ششم ۴۸
هجدهم ۵۴
المنذرین بیست ششم ۱۹۴
بیست هفتم ۹۴
المنذرین دهم ۷۳
بیست ششم ۱۷۳ بیست هفتم ۵۹ سے هفتم ۷۲ ۷۱
نزع
ونزع هفتم ۱۰۵
بیست ششم ۳۲
ونزعنا هفتم ۴۱
پانزدهم ۴۷ بیست هشتم
ونزعنا یازدهم ۱۲
تنزع هفتم ۲۶
تنزع پنجاه چهارم ۲۰
وتنزع سیم ۲۶
لننزعن نوزدهم ۷۰
تنازعتم
تنازعوا هشتم ۴۸
فتنازعوا بیستم ۶۵
تنازعتم چهارم ۶۹
ولتنازعتم ششم ۴۵
وتنازعتم سیم ۱۵۲
فتنازعون هجدهم ۲۲
پنجاه دوم ۲۳
والنازعات هفتاد نهم
تنازع هفتادم ۱۶
نزغ
نزغ دوازدهم ۱۰۱
ینزغ هفدهم ۵۵
ینزغنك هفتم ۱۹۹
چهل یکم ۳۶
نزغ هفتم ۱۹۹
چهل یکم ۳۶
نزف
ینزفون سی هفتم ۴۷
پنجاه ششم ۱۹
نزل
نزل هفدهم ۱۰۵
بیست ششم ۱۹۳
نزلنا سے چهارم ۲
پنجاه هفتم ۴
نزلناه دوم ۲۳
نزلنا هفدهم ۹۷
ونزلنا شانزدهم ۹۱
بیستم ۸۲
پنجاهم ۹
نزله دوم ۹۱
شانزدهم ۱۰۴
ونزلنا بیست ششم ۱۹۸
ونزلنا هفدهم ۱۰۷
نزل شانزدهم ۱۰۲

چهاردهم ۱۲۶ ۲۷
پنجاه هفتم ۹
ونزل هشتم ۱۱
بیست چهارم ۳۴ سی ۲۳
یکم ۳۴ چهل ۱۳
نزل دوم ۸۴ پنجم
ششم ۱۱۲ ۲۷
نزل سیم ۴۴ ششم
هفتم ۳ بیست ۷
نزل چهارم ۱۵۲
هفدهم ۹۵
نزل پانزدهم ۸
ونزل هفدهم ۸۴
نزل بیست ششم ۳
نزله پانزدهم ۲۱
ونزل بیست پنجم ۲۷
نزلت چهل هفتم ۲۲
نزل پنجم ۱۰۱
نزل دوم ۹۹ سیم ۴۸
نزل سیم ۸۷
نهم ۶۵
فانزل نهم ۴۰
چهل هشتم ۱۸ ۲۶
لانزل بیستم ۲۴
چهل یکم ۱۳
انزل سیم ۶۴
بیست ششم ۲۴
انزل دوم ۳۸
فانزلنا دوم ۵۶
هفتم ۵۰ پانزدهم ۲۲
انزل چهارم ۱۶۳
بیست هفتم شصت پنجم ۵
انزلتموه پنجاه ششم ۶۹
انزلناها بیست چهارم ۱
سانزل ششم ۹۳
انزل پنجم ۱۴
انزلت بیست سیم ۳۰
وانزل سی هشتم ۷
وانزل بیست پنجم ۴
نزلت بیست ۲
انزلت سیم ۵۸
۱۲۵ ۱۲۸ بیست
۸۲ چهل هفتم ۲۲
ننزل شصت پنجم ۱۲
ننزل چهل یکم ۳۰
ننزل بیست هشتم ۲۲۱
۲۲۳ نوزدهم ۴
ننزل نوزدهم ۶۶
ننزل پنجاه ششم ۹۳
نزل پنجاه ششم ۵۶
نزل پنجاه سیم ۱۳
نزل سے دوم ۱

باب النون بعدہ النون الی الصاد

بعده، اچهل اچهل پنجم
اچهل ششم ۱
لنزلنا بیست ششم ۱۹۲
نتزل چهل یکم ۴۲۰۱
پنجاه ششم ۷۹
شصت نهم ۴۳
تنزیل سی ششم ۴
نزلا هفدهم ۱۰۷
بیست ۳ بیست پنجم ۲۷
هفتاد ششم ۲۳
منازل دهم ۵ سی ششم ۳۹
منزلا پنجم ۱۱۵
منزلون بیست نهم ۳۳
المنزلون پنجاه ششم ۶۸
منزلین سی ششم ۲۷
المنزلین دوازدهم ۵۹
بیست سیم ۳۰
منزلا بیست سیم ۳۰
منزلین سیم ۱۲۰

نسأ

النسیئ هفتم ۳۲
منسأته سی چهارم ۱۳

نسب

نسبا بیست پنجم ۵۶
سی هفتم ۱۵۸
انساب بیست سیم ۱۰

نسخ

ننسخ بیست دوم ۱۵
ننسخ دوم ۱۰۰
نستنسخ چهل پنجم ۲۸
نسخها هفتم ۱۵۴

نسر

ونسرا هفتاد یکم ۲۳

نسف

ینسفها بیستم ۱۰۵
لننسفنه بیستم ۹۷
نسفت هفتاد هفتم ۱۰
نسفا بیستم ۹۷ ۱۰۵

نسک

ناسکوه بیست دوم ۶۷
نسک دوم ۱۹۶
ونسکی ششم ۱۶۳
منسکا بیست دوم ۳۴

۶۷
مناسکنا دوم ۱۲۸
مناسککم دوم ۲۰۰

نسل

ینسلون بیست یکم ۹۶
سی ششم ۵۱
والنسل دوم ۲۰۵
نسله سی دوم ۸

نسی ی سی نهم ۱۱
فنسی بیستم ۱۱۵،۹۰
ونسی هجدهم ۵۵
بیست ششم ۸ ۲۳ ۷
نسیت هجدهم ۶۳، ۲۴
نسیا هجدهم ۶۰
فنسوا پنجم ۱۴
ونسوا پنجم ۱۳
نسیتم سی دوم ۱۴
چهل پنجم ۳۴
تنسنا دوم ۲۸۶
فنسیهم نهم ۶۷
فنسیها بیستم ۱۲۶
تنسی هفتم ۵۱
وتنسون پنجاه هشتم ۱۹
تنساکم سی دوم ۱۴
ینسی بیستم ۵۲
تنسوا هشتاد هفتم ۶
تنس بیست هشتم ۷۷
وتنسون دوم ۴۴
ششم ۴۱
تنسوا دوم ۲۳۷
فتنساکم چهل پنجم ۳۴
فنساهم هفتم ۱۹
تنسی بیستم ۱۲۶
انسانیه هجدهم ۶۳
فنساه دوازدهم ۴۲
فنسانا پنجاه هشتم ۱۹
پنجاه نهم ۱۹
انسوکم بیست سیم ۱۱۰
ینسینک ششم ۶۸
ننسها دوم ۱۰۶
نسیا نوزدهم ۲۳
نسیا نوزدهم ۶۴
نسوة دوازدهم ۳۰
النسوة دوازدهم ۵۰
نساء چهارم ۱۱
ونساء چهارم ۲۵
النساء سی سیم ۵۲
نساء سیم ۳۷
ونساء سی سیم ۵۹
نساء چهارم ۱۱
والنساء چهارم ۸
والنساء چهارم ۷۷، ۷۵
نساء سی سیم ۳۲، ۳۰
نساء چهارم ۱۲
ونساء چهارم ۱۲۹ ۱۲۷
نسائکم دوم ۲۲۳
النساء دوم
۲۲۲
۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۲
۲۳۷
چهارم ۳ ۴۳
پنجم ۹

شصت پنجم ۱
نسائکم دوم ۱۸۳
چهارم ۱۹، ۲۷ تم
شصت پنجم ۴
نسائهم دوم ۲۲۶
پنجاه هشتم ۲، ۴
نسائهن بیست چهارم ۳۱
سی سیم ۵۵
ونسائنا سیم ۶۱
نسائکم دوم ۶۴
هفتم ۱۲۷ چهاردهم ۶
ونسائکم سیم ۶۱
نساءهم بیست هشتم ۴
چهل ۶
منسیا نوزدهم ۲۳

نشأ

ینشؤ چهل سیم ۱۸
انشأ ششم ۱۴۲
بیست سیم ۸۰
انشأکم پنجاه ششم ۷۱
انشأنا بیست سیم ۳۲
۶۰ بیست هشتم ۴۵
وانشأنا ششم ۶
بیست یکم ۱۱
فانشأنا بیست سیم ۱۹
انشأها سی ششم ۷۹
انشأکم یازدهم ۶۴
پنجاه ۳ شصت هفتم ۲۳
انشأناهن پنجاه ششم ۳۵
انشأناه بیست سیم ۱۴
ینشئ بیست نهم ۲۰
وینشئ سیزدهم ۱۲
وینشئکم پنجاه ششم ۶۱
ناشئة هفتاد سیم ۶
النشأة بیست پنجم ۱۹
پنجاه سیم ۴۷ پنجاه
ششم ۶۲
انشاء پنجاه ششم ۳۵
للنشأة پنجاه پنجم ۲۴

نشر

وینشر چهل دوم ۲۷
نشر هجدهم ۱۵
نشرت هشتاد یکم ۱۰
فانتشروا چهل سیم ۱۰
انشره هشتادم
۲۲
منشرون بیست یکم
۲۱
تنتشرون سی ام ۱۹
فانتشروا سی سیم ۵۳
شصت دوم ۱۰
نشرا هفتاد هفتم ۳

والناشرات هفتاد هفتم ۳
النشور سی پنجم ۱۰
شصت هفتم ۱۵
نشورا بیست پنجم ۴۲، ۲
۴۹
منشورا پنجاه دوم ۳
منشورا هفدهم ۱۴
منشرة هفتاد چهارم ۵۲
بمنشرین چهل چهارم ۳۴
منتشر پنجاه چهارم ۷

نشز

انشزوا پنجاه هشتم ۱۲
فانشزوا پنجاه هشتم ۱۲
ننشزها دوم ۲۵۹
نشوزا چهارم ۱۲۷
نشوزهن چهارم ۳۴

نشط

نشطا هفتاد نهم ۲
والناشطات هفتاد نهم ۲

نصب

فانصب نود چهارم ۷
نصبت هشتاد هشتم ۱۹
بنصب سی هشتم ۴۱
نصب نهم ۱۲۱ یازدهم
۳۲ سی پنجم ۴۸
نصبا هجدهم ۶۲
نصب هفتاد ام ۴۳
النصب پنجم ۳
والانصاب پنجم ۹۰
نصیب دوم ۱۹۸
چهارم ۸ تم ۳۲
۵۶، ۸۷، ۱۴۰
نصیب چهل دوم ۱۹
نصیبهم هفتم ۳۷
نصیبک بیست هشتم ۷۷
نصیبهم هفتم ۳۷
یازدهم ۱۱۱
ناصبة هشتاد هشتم ۳

نصت

انصتوا چهل ششم ۲۹
وانصتوا هفتم ۲۰۴

نصح

ونصحت هفتم ۹۱، ۷۹
نصحوا نهم ۹۱
وانصح هفتم ۶۲
انصح یازدهم ۳۴
نصحی یازدهم ۳۴
ناصح هفتم
۶۸
ناصحون بیست هشتم
۱۱
لناصحون دوازدهم ۱۱
الناصحین هفتم ۲۱
۷۷ بیست هشتم ۱۹

نصوحا شصت ششم ۸

نصر

ونصروا هشتم ۷۲ ۷۴
نصرتم نهم ۴۰
نصرکم سیم ۱۱۹ نهم ۲۵
نصرهم چهل ششم ۲۷
ونصروه هفتم ۱۵۷
نصروهم پنجاه نهم ۱۲
ونصرناه بیست یکم ۷۷
ونصرناهم سی هفتم ۱۱۶
بنصر سی ام ۴
ولینصرن بیست دوم ۴۱
ینصرون هفتم ۱۹۲ ۱۹۷
وینصرون پنجاه نهم ۸
ینصروا چهل هفتم ۸
لتنصرنه چهل ۳ د
ینصرنی یازدهم ۳۲ ۶۳
وینصرک چهل هشتم ۳
ینصره بیست دوم ۱۵
پنجاه هفتم ۲۵
ینصرنی بیست دوم ۱۵
لینصرنه بیست دوم ۶۰
ینصرنا چهل ۳۰
ینصرکم سیم ۱۶۰
شصت هفتم ۲۰
ینصرکم سیم ۱۵۴
چهل هفتم ۸
وینصرکم نهم ۱۴
ینصرونه هجدهم ۴۳
بیست هشتم ۸۱
ینصرونکم بیست ششم ۹۳
ینصرونهم چهل دوم ۴۶
پنجاه نهم ۱۲
ینصرونهم نهم ۴۰
ولینصرنه سیم ۷۵
لننصرنکم پنجاه نهم ۱۱
وانصروا بیست یکم ۶۸
انصرنی بیست سیم ۲۶
۴۱ بیست نهم ۳۰
فانصرنا دوم ۲۸۶
وانصرنا دوم ۲۵۰
سیم ۱۴۷
تنصرون یازدهم ۱۱۵
بیست سیم ۶۵ سی ام ۵۵
تناصرون سی هفتم ۲۵
انتصر چهل دوم ۳۹
لانتصر چهل هفتم ۴
وانتصروا بیست ششم
۲۲۷
تنتصران پنجاه پنجم ۳۵
ینتصرون بیست ششم
۹۳ چهل دوم ۳۹
فانتصر پنجاه چهارم ۱۰

ینتصرن بیست ۱۷
ینتصرکم هشتم ۷۳
نصر دوم ۲۱۰ سی ام ۴
صدودهم ۱
نصر بیست نهم ۹
شصت یکم ۱۳
النصر سیم ۱۲۶
هشتم ۱۰، ۷۳
بنصر سی ام ۴
نصر دوم ۲۱۰
بیست یکم ۴۴
نصرا هفتم ۱۹۱
بیست پنجم ۲۰ چهل هشتم ۳
نصرنا ششم ۳۴
دوازدهم ۱۱۰
بنصری سیم ۱۳ هشتم ۲۶
نصرهم بیست دوم ۴۰
نصرکم هفتم ۱۹۷
نصرهم سی ششم ۷۴
ناصر هشتاد ششم ۱۰
ناصر چهل هفتم ۱۳
ناصرا هفتاد دوم ۲۵
الناصرین سیم ۱۴۳
انصار سیم ۵۲
شصت یکم ۱۴
انصار دوم ۲۷۰
سیم ۱۹۲ پنجم ۷۲
والانصار نهم ۱۰۰ ۱۱۷
انصار شصت یکم ۱۴
انصارا هفتاد یکم ۲۵
انصاری سیم ۵۲
شصت یکم ۱۴
النصیر هشتم ۴۰
بیست دوم ۷۸
ونصیرا بیست پنجم ۳۱
نصاری دوم ۱۳۵
۱۲۹، ۱۳۴ پنجم ۱۷ ۸۵
النصاری دوم ۱۰۷
۱۱۴ نهم ۳۰
والنصاری دوم ۵۹
پنجم ۲۱، ۵۶، ۷۳
بیست دوم ۱۷
نصرانیا سیم ۶۰
منصورا هفدهم ۳۳
المنصورون سی هفتم ۱۷۲
منتصر پنجاه چهارم ۴۴
منتصرا هجدهم
۴۱
منتصرین پنجاه یکم
۴۵
المنتصرین بیست هشتم ۸۱

نصف

نصف چهارم ۱۲، ۲۵ ۱۷۶
فنصف دوم ۲۳۸

النصفُ چهارم ۱۱
نصفهُ هفتادوسیم ۳
ونصفهُ هشتادوسیم ۲۰
نصو
ناصیةٍ نودوششم ۱۶
بالناصیةِ نودوششم ۱۵
بالنواصی پنجاه وپنجم ۴۱
بناصیتها یازدهم ۵۶
نضخ
نضاختانِ پنجاه وپنجم ۶۶
نضج
نضجت چهارم ۵۶
نضد
نضیدٌ پنجاهم ۱۰
منضودٍ یازدهم ۸۲
پنجاه وششم ۲۸
نضر
نضرةَ هشتادوسیم ۲۴
نضرةً هفتادوششم ۱۱
ناضرةٌ هفتادوپنجم ۲۲
نطح
والنطیحةُ پنجم ۴
نطف
نطفةٍ شانزدهم ۴
هجدهم ۳۵ بیست ودوم ۵
وفی ستة سورة حسری
نطفةً بیستم ۱۳
هفتادوپنجم ۳۷
النطفةَ بیستم ۱۴
نطق
ینطقُ بیست وسیم ۶۲ چهل
پنجم ۲۸ پنجاه وسیم ۳
ینطقون بیست ویکم ۶۵
۶۶ بیست وهفتم ۸۷
هفتادوهفتم ۳۵
تنطقون سی وهفتم ۹۲
پنجاه ویکم ۲۳
انطقَ چهل ویکم ۲۰
انطقنا چهل ویکم ۲۰
منطقَ بیست وهفتم ۱۶
نظر
نظرَ نهم ۱۲۷ هفتادوچهارم ۲۱
فنظرَ سی وهفتم ۸۸
ینظرُ سیم ۷۱ دهم ۴۳
سی وهشتم ۱۴ هفتادوهشتم ۴۰
فینظر هفتم ۱۲۶
فلینظر هجدهم ۱۸
بیست ودوم ۱۵ هشتادم ۲۴
ولتنظر پنجاه ونهم ۱۸
انظر هفتم ۱۳۹
ینظروا هفتم ۱۸۴

نحاسٌ
تنظرون دویم ۵۰ ۴۷
سیم ۱۳۷ پنجاه وششم ۸۳
تستنظر بیست وهفتم ۱۷
لینظرَ دهم ۱۵
تنظرُ بیست وهفتم ۴۱
وانظرُ دویم ۲۵۹
بیستم ۹۷
فانظری بیست وهفتم ۳۳
انظروا ششم ۱۱، ۹۹
دهم ۱۰۱
فانظروا سیم ۱۳۷
شانزدهم ۳۶ بیست وهفتم ۶۹
بیست ونهم ۱۹ سی امر ۴۱
وانظروا هفتم ۸۴
انظرنا دویم ۹۸
وانظرنا چهارم ۴۶
انظرونا پنجاه وهفتم ۱۳
ینظرون هفتم ۱۹۴
دهم ۷۲ یازدهم ۵۸
انظرنی هفتم ۱۴
فانظرنی پانزدهم ۳۶
سی وهشتم ۸۰
تنتظر سی وسیم ۲۳
ینتظرون دهم ۱۰۲
وانتظر سی ودویم ۳۰
انتظروا ششم ۱۵۹
فانتظروا هفتم ۷۱
دهم ۲۱، ۱۰۲
وانتظروا یازدهم ۱۲۲
نظرَ چهل وهفتم ۲۲
ناظرین سی وسیم ۵۳
الناظرین دویم ۶۴
للناظرین هفتم ۱۰۵
پانزدهم ۱۶ بیست وششم ۳۲
ناظرةٌ هفتادوپنجم ۲۳
فناظرةٌ بیست وهفتم ۳۵
نظرةً سی وهفتم ۸۶
فنظرةٌ دویم ۲۸۰
منظرون بیست وششم ۲۰۴
منظرین پانزدهم ۸
چهل وچهارم ۲۸
المنظرین هفتم ۱۴
پانزدهم ۳۷ سی وهشتم ۸۱
منتظرون ششم ۱۵۹
یازدهم ۱۲۲ سی وسیم ۳۰
المنتظرین هفتم ۷۱
دهم ۲۱، ۱۰۲
نعج
نعجةٌ سی وهشتم ۲۳
نعجةً سی وهشتم ۲۲
نعاجه سی وهشتم ۲۴

نعجتک سی وهشتم ۲۳
نعس
نعاساً سیم ۱۴۸
النعاس هشتم ۱۱
نعق
ینعق دویم ۱۶۶
نعل
نعلیک بیستم ۱۲
نعم
ونعمةٌ هشتادونهم ۱۴
انعم چهارم ۷۱، ۷۲
پنجم ۲۶ نوزدهم ۵۹
سی وسیم ۳۷
انعمتَ اول بیست وهفتم ۱۹
بیست وششم ۱ چهل وششم ۱۴
وانعمتَ سی وسیم ۳۷
انعمتُ دویم ۴۰، ۴۷، ۱۲۲
۱۱۶
انعمنا هفدهم ۸۵
چهل ویکم ۵۱ چهل وسیم ۵۹
انعمها هشتم ۵۵
نعمَ هفتم ۴۲، ۱۱۱
بیست وششم ۴ سی وهفتم ۱۸
نعمَ هشتم ۴۰ هجدهم ۳
بیست ونهم ۵۸ سی وهشتم
۲۹، ۴۴
فنعمَ سیزدهم ۲۴
بیست ودویم ۷۸ سی ونهم ۷۴
پنجاه ویکم ۴۸
فلنعمَ سی وهفتم ۷۳
ولنعمَ شانزدهم ۳۲
ونعمَ سیم ۱۳۶، ۱۷۳
هشتم ۴۰ بیست ودویم ۷۸
نعمّا چهارم ۶۱
فنعمّا دویم ۲۷۳
النعم پنجم ۹۵
انعامٌ ششم ۱۳۹
والانعامَ ششم ۱۳۹ ۱۴۲
الانعامُ بیست ودویم ۳۱
چهل وهفتم ۱۳
والانعامُ دهم ۲۵
بالانعام بیست وششم ۱۳۳
کالانعام هفتم ۱۷۸
بیست وپنجم ۴۶
والانعام سیم ۱۴ ششم
۱۳۷ سی وپنجم ۲۵
چهل وسیم ۱۱
انعاماً بیست وپنجم ۵۱
سی وششم ۷۱
الانعامَ چهلم ۷۹
والانعامَ شانزدهم ۵
انعامهم سی ودویم ۲۷

ولانعامکم هشتادم ۳۲
هشتادونهم ۳۱
انعامکم بیستم ۵۴
ناعمةٌ هشتادوهشتم ۸
ونعمةٍ چهل وچهارم ۲۷
النعمةِ هفتادوسیم ۱۱
نعمةً سی وهفتم ۵۵
نعمةُ بیست وششم ۲۲
نعمت شصت وهشتم ۴۹
بنعمة یا بنعمت
سی ویکم ۳۱ پنجاه ودویم ۲۹
شصت وهشتم ۲ نودوسیم ۱۱
افبنعمةِ شانزدهم ۷۱
وبنعمةِ شانزدهم ۷۲
بیستم ۶۷
نعمةٍ شانزدهم ۵۵
نوددهم ۱۹
بنعمةِ سیم ۱۰۳ ۱۷۴ ۱۶۸
نعمةَ هشتم ۵۳ سی ونهم ۱۱۰
۵۰ پنجاه وچهارم ۳۴
ونعمةٍ چهل ونهم ۸
نعمتی دویم ۳۸، ۴۴
۱۱، ۱۴۵ پنجم ۹، ۱۰
نعمته سیم ۹۸
نعمتک بیست وهفتم ۱۹
چهل وششم ۱۴
نعمةً پنجم ۹ دوازدهم ۶
شانزدهم ۸۳ چهل وششم ۲
نعمةٌ سی وهفتم ۱۹
بانعم شانزدهم ۱۱۳
لانعمه شانزدهم ۱۲۲
نعیمٌ نهم ۲۱
نعیمٍ پنجاه وششم ۸۸
هفتادم ۳۸ هشتاد
دویم ۱۳ هشتاد وسیم ۲۲
ونعیمٍ پنجاه ودویم ۱۷
نعیماً هفتاد وششم ۲۰
نعماءَ یازدهم ۱۳
نغض
فسینغضون هفدهم ۵۳
نفث
النفاثاتِ صدوپنجم ۴
نفح
نفحةٌ بیست ویکم ۴۷
نفخ
ونفخَ سی ودویم ۹
ونفختُ پانزدهم ۲۹
سی وهشتم ۷۲
فنفخنا بیست ویکم ۹۱
شصت وششم ۱۲
فتنفخُ پنجم ۱۱۰
فانفخُ سیم ۴۳

انفخوا هجدهم ۹۵
نفخ بیست وسیم ۱۰۳ سی
نهم ۶۸ شصت ونهم ۱۳
ونفخ هجدهم ۹۹
سی وششم ۵۱ سی ونهم ۶۸
پنجاهم ۱۹
ینفخ ششم ۷۳ بیستم ۱۰۲
بیست وهفتم ۸۹
هفتاد وهشتم ۱۸
نفخةٌ شصت ونهم ۱۳
نفد
لنفدَ هجدهم ۱۰۹
نفدت سی ویکم ۲۶
ینفدُ شانزدهم ۹۸
تنفدَ هجدهم ۱۰۹
نفادٍ سی وهشتم ۵۴
نفذ
تنفذون پنجاه وپنجم ۳۳
تنفذوا پنجاه وپنجم ۳۳
فانفذوا پنجاه وپنجم ۳۳
نفر
نفرَ نهم ۱۲۳
لینفروا نهم ۱۲۳
تنفروا نهم ۳۹، ۸۲
انفروا چهارم ۷۳
نهم ۳۸، ۴۱
نفرٌ هفتاد ودویم ۱
نفراً هجدهم ۳۲
چهل وششم ۲۸
فانفروا چهارم ۷۳
ونفورٍ شصت وهفتم ۲۱
نفوراً هفدهم ۴۳
۴۹ بیست وپنجم ۶۱
سی وپنجم ۴۰
نفیراً هفدهم ۶
مستنفرةٌ هفتادوچهارم ۵۱
نفس
تنفسَ هشتاد ویکم ۱۸
فلیتنافس هشتاد وسیم ۲۶
النفسُ هشتاد ونهم ۲۷
نفسٌ دوازدهم ۶۸
کنفسٍ سی ویکم ۲۲
لنفسٍ سیم ۱۲۹ ۱۰۰
هشتاد ودویم ۱۹
ونفسٍ نود ویکم ۷
بالنفس پنجم ۴۹
هفتاد وپنجم ۲
النفوسُ هشتاد ویکم ۷
الانفسُ چهارم ۱۲۷
چهل وسیم ۷۱ پنجاه وسیم ۲۳
الانفسِ شانزدهم ۷
والانفسِ دویم ۱۵۰

الانفسَ سی ونهم ۴۲
نفسکَ سی ونهم ۹
نفسه پنجم ۳۲ پنجاهم ۱۵
لنفسی هفتم ۱۸۸
دهم ۵۰ دوازدهم ۵۳
بیستم ۴۳
نفسکَ چهارم ۸۱
پنجم ۱۱۶ هفتم ۲۰۴ سی
سیم ۳۲
بنفسکَ هفدهم ۱۰
فلنفسه ششم ۱۰۴ سی
۴۲ چهل ویکم ۴۶
چهل وپنجم ۱۴
بنفسها شانزدهم ۱۱۲
هجدهم ۲۷۰ بیست وششم
نفسه دویم ۲۳۱، ۲۲۳
۲۳۱ سیم ۲۸، ۲۲
چهارم ۱۱۰ سی ویکم ۱۰
بنفسها سیم ۳۹
نفسکَ چهارم ۸۶
نفوسکم هفدهم ۲۶
انفسکم دویم ۸۱
دوازدهم ۱۸، ۸۳
چهل وپنجم ۳۱
وانفسهم سی ودویم ۲۶
انفسنا ششم ۱۳۰
فلا تنفسکم دویم ۲۷۲
وانفسکم سیم ۱۸۳
نهم ۴۱ شصت ویکم ۱۱
بانفسهم ششم ۱۲۳
هشتم ۵۵ نهم ۱۲۱
سیزدهم ۱۲ بیست وچهارم
لانفسهم سیم ۱۷۲
سیزدهم ۱۷ بیست وپنجم ۴
فلا انفسهم سی امر ۴۳
انفسهن دویم ۲۳۴
۱۴۱ ۲۳۴
بانفسهن دویم ۲۲۸
انفسنا هفتم ۲۳
وانفسنا سیم ۵۴
ولانفسکم سیم ۵۴
وانفسهم هفتم ۱۷۶
المتنافسون هشتاد وسیم ۲۶
نفش
نفشت بیست ویکم ۷۸
المنفوش صدویکم ۴
نفع
نفعت هشتاد وهفتم ۹
نفعها دهم ۹۸
نفع بیستم ۱۰۸ سی
چهارم ۲۲ پنجاه ویکم ۵۵
ینفعکَ دهم ۱۰۶

باب النون مع الواو
الفاء الی الواو

بنفعه ببست دوم ۱۲
ینفعنا ششم ۷۱
ینفعنا دوازدهم ۲۱
ببست هشتم ۸
ینفعکم یازدهم ۳۶
ببست یکم ۶۷
ینفعکم سی سیوم ۱۶
چهل سیوم ۳۸
ینفعهم دوم ۹۶
دهم ۹۱ ببست پنجم ۷۵ چهلم ۵
فتنفعه هشتادم ۴
ینفعها دوم ۱۲۷
تنفعکم شصتم ۳
تنفعهم هفتاد چهارم ۴۸
ینفعونکم ببست ششم ۷۳
نفعه ببست دوم ۱۳
نفعهما دوم ۲۱۶
منافع ببست دوم ۳۴
ببستم ۲۱ سی ششم ۷۳
چهل ۸۰
ومنافع دوم ۲۱۶
شانزدهم ۵ پنجاه هفتم ۲۵
منافع ببست دوم ۲۹

نفق
نافقوا سیوم ۱۶۰
پنجاه نهم ۱۱
انفق هجدهم ۴۰
پنجاه هفتم ۱۰
انفقنا هشتم ۶۴
وانفقوا چهارم ۴۳
سیزدهم ۲۲ ببست پنجم ۲۶
پنجاه هفتم ۷
انفقتم دوم ۲۱۱ ۲۷۳
سی چهارم ۳۸ شصتم ۱۰
ینفق دوم ۲۶۶
پنجم ۶۶ نهم ۹۹، ۱۰۰
شانزدهم ۷۷
لینفق شصت پنجم ۲
فلینفق شصت پنجم ۷
وینفقوا چهارم ۳۶
تنفقوا دوم ۲۷۲ نج
سیوم ۸ ام هشتم ۶۲
پنجاه هفتم ۱۰ شصتم ۷
تنفقون دوم ۲۶۹
۲۷۲
انفقوا چهل هفتم ۳۸
انفقوا دوم ۲۵۴ ۲۶۷
نهم ۵۳ سی ششم ۴۷
فانفقوا شصت پنجم ۶
وانفقوا دوم ۱۹۱
پنجاه هفتم ۷
شصت سیوم ۱۰
شصت چهارم ۱۶

ینفقونها نهم ۳۴
فسینفقونها هشتم ۳۶
لنفقة یازدهم ۹۳
نفقا ششم ۳۵
النفاق نهم ۱۰۲
نفاقا نهم ۷۸
ونفاقا نهم ۹۸
نفقة دوم ۲۷۰
نفقة نهم ۱۲۲
نفقاتهم نهم ۵۴
الانفاق هفدهم ۱۰۲
منافقون نهم ۱۰۲
والمنافقین نهم ۷۴
سی سیوم ۱ ۱ ۴۷
شصت ششم ۹
والمنافقات نهم ۸ ۶
پنجاه هفتم ۱۳
وللمنافقات نهم ۶۹
سی سیوم ۷۳ چهل ششم ۶
والمنفقین سیوم ۱۵

نفل
الانفال هشتم ۱
الانفال هشتم ۱
نافلة هفدهم ۸۱
ببست یکم ۷۲

نفی
ینفوا پنجم ۳۷

نقب
فنقبوا پنجاهم ۳۵
نقبا هجدهم ۹۶
نقیبا پنجم ۱۵

نقذ
فانقذکم سیوم ۹۹
ننقذ سی ششم ۲۰
ینقذون سی ششم ۲۲
ینقذونه سی ششم ۴۳
یستنقذوه ببست دوم ۷۲

نقر
نقیر هفتاد چهارم ۸
نقیرا چهارم ۱۲۳ ۵۳
الناقور هفتاد چهارم ۸

نقص
ننقص پنجاهم ۴
تنقصوا یازدهم ۸۵
ینقصوکم نهم ۴
ننقصها سیزدهم ۴۱
ببست یکم ۴۵
ینقص سی پنجم ۱۲
انقص هفتاد سیوم ۳
ونقص دوم ۱۵۵
هفتم ۱۲۷
منقوص یازدهم ۱۱۱

نقض
نقضت شانزدهم ۹۳
ینقضون دوم ۲۵
هشتم ۵۸ سیزدهم ۲۰ ۲۵
تنقضوا شانزدهم ۹۳
انقض نود چهارم ۳
نقضهم چهارم ۱۵۴
پنجم ۱۶

نقع
نقعا صدم ۴

نقم
نقموا نهم ۷۵
هشتاد پنجم ۸
تنقم هفتم ۱۲۳
تنقمون پنجم ۶۴
انتقمنا چهل سیوم ۵۵
فانتقمنا هفتم ۱۳۲
پانزدهم ۷۹ سی ام ۴۷
چهل سیوم ۲۴
منتقم پنجم ۹۶
انتقام سیوم ۳ پنجم ۹۶
چهاردهم ۴۸
سی نهم ۳۸
منتقمون سی دوم ۲۲
چهل سیوم ۴۰
چهل چهارم ۱۵

نکب
لناکبون ببست سیوم ۷۶
مناکبها شصت هفتم ۱۵

نکث
نکث چهل هشتم ۱۰
نکثوا نهم ۱۲، ۱۳
ینکث چهل هشتم ۱۰
ینکثون هفتم ۱۳۱
چهل سیوم ۴۹
انکاثا شانزدهم ۹۴

نکح
نکح چهارم ۲۶
نکحتم سی سیوم ۴۸
ینکح ببست چهارم ۳
تنکح چهارم ۲۹
تنکح دوم ۲۳۰
ینکحن دوم ۲۳۲
تنکحوا دوم ۲۲۰
چهارم ۲۶ سی سیوم ۵۳
ینکحها ببست چهارم ۳
تنکحوهن چهارم ۱۲۶
شصتم ۱۰
فانکحوا چهارم ۳
فانکحوهن چهارم ۲۹
تنکحوا دوم ۲۲۰
وانکحوا ببست چهارم ۳۲

انکحک ببست هشتم ۲۷
یستنکحها سی سیوم ۴۹
النکاح دوم ۲۳۶ ۲۳۸
نکاحا ببست چهارم ۳۳ ۵۹
النکاح چهارم ۵

نکد
نکدا هفتم ۵۶

نکر
نکرهم یازدهم ۷۳
نکروا ببست هفتم ۴۱
ینکر سیزدهم ۳۶
تنکرون چهلم ۸۱
ینکرونها شانزدهم ۸۵
نکرا هجدهم ۷۳ ۸۶
شصت پنجم ۸
نکر پنجاه چهارم ۶
نکیر ببست دوم ۴۳
سی چهارم ۴۴ سی پنجم
۲۴ شصت هفتم ۱۸
نکیر چهل دوم ۴۶
انکر سی یکم ۱۸
منکرون دوازدهم ۵۸
ببست یکم ۵۰ ببست سیوم ۷۱
منکرة شانزدهم ۲۲
منکر پنجم ۸۲
بالمنکر نهم ۶۸
والمنکر شانزدهم ۹۲
ببست چهارم ۲۱
ببست نهم ۴۵
منکرا پنجاه هشتم ۲
المنکر ببست دوم ۷۱
ببست نهم ۲۸
منکرون یازدهم ۶۲
پنجاه یکم ۲۵

نکس
نکسوا ببست یکم ۶۶
ننکسه سی ششم ۶۸
ناکسوا سی دوم ۱۲

نکص
نکص هشتم ۵۰
تنکصون ببست سیوم ۶۸

نکف
یستنکفوا چهارم ۱۷۲
یستنکف چهارم ۱۷۰
یستنکف چهارم ۱۷۱

نکل
انکالا هفتاد سیوم ۱۲
نکال هفتاد نهم ۲۵
نکالا دوم ۶۴ پنجم ۴۲
تنکیلا چهارم ۸۶

نمم
بنمیم شصت هشتم ۱۱

نمرق
ونمارق هشتاد هشتم ۱۵

نمل
النمل ببست هفتم ۱۸
نملة ببست هفتم ۱۸
الانامل سیوم ۱۱۵

نهج
ومنهاجا پنجم ۵۲

نهر
تنهر نود سیوم ۱۰
نهرا هجدهم ۳۴
انهار چهل هفتم ۱۶
والانهار چهل هفتم ۱۲
انهارا ببست هفتم ۶۲
هفتاد یکم ۱۲
وانهارا سیزدهم ۳
شانزدهم ۱۵
الانهار هشتم ۶
چهاردهم ۳۷ هفدهم ۹۳
بنهر دوم ۲۵۰
ونهر پنجاه چهارم ۵۴
نهرا هجدهم ۳۲
والنهار چهل یکم ۳۷
نهار چهل ششم ۳۵
بالنهار ششم ۶۰
سیزدهم ۱۱
نهارا دهم ۲۵ ۵۰
ونهارا هفتاد یکم ۵

نهی
ونهی هفتاد نهم ۴۰
ونهوا ببست دوم ۴۲
نهاکما هفتم ۱۹
نهاکم پنجاه نهم ۷
وینهی شانزدهم ۹۲
ننهی نود ششم ۹
تنهی ببست نهم ۴۴
تنهون ششم ۲۶
هفتم ۱۶۵ یازدهم ۱۱۸
وینهون سیوم ۱۰۰ ۱۰۱
نهم ۶۸ ۷۲
وتنهون سیوم ۱۰۶
نهاکم شصتم ۸ ۹
نهاهم پنجم ۶۸
وینهاهم هفتم ۱۵۶
انهاکما یازدهم ۵۶
انهاکم هفتم ۲۱
انهاکم یازدهم ۹۰
تنهک یازدهم ۷۰
وانه سی یکم ۱۶
نهیت ششم ۵۶
۶۸
و چهل
نهوا چهارم ۱۵۹
ششم ۲۸ هفتم ۱۶۶

پنجاه هشتم ۹ ۸
انتهون چهارم ۳۵
ینتهوا پنجم ۸۲
فانتهی دوم ۲۷۶
انتهوا دوم ۱۹۲ ۱۸۸
هشتم ۴۰
ینته سی سیوم ۶۰
نود ششم ۱۵
تنته نوزدهم ۴۷
ببست ششم ۱۱۶ ۱۶۷
ینتهون نهم ۱۲
ینتهوا پنجم ۷۷ هشتم ۳۹
انتهوا هشتم ۱۹
ششم ۱۲
انتهوا چهارم ۱۶۹
فانتهوا پنجاه نهم ۷
والناهون نهم ۱۱۲
النهی بیستم ۵۴ ۱۲۸
المنتهی پنجاه سیوم ۱۴ ۴۲
منتهون پنجم ۹۳
منتهاها هفتاد نهم ۴۴

ناء
لتنوء ببست هشتم ۷۶

ناب
اناب سیزدهم ۲۷ سی
یکم ۱۴ سی هشتم ۳۳
واناب سی هشتم ۲۴
وانابوا سی نهم ۱۹
انبنا شصتم ۴
انیب چهل ۱۳ چهل
دوم ۱۳
انیب یازدهم ۹۰
چهل دوم ۸
وانیبوا سی نهم ۵۵
منیب یازدهم ۷۷
منیب سی چهارم ۹
پنجاهم ۳۲ ۸
منیبا سی نهم ۱۱
منیبین سی ام ۳۰ ۳۲

ناح
نوح یازدهم ۴۱ ۴۳
۵۰ ببست ششم ۱۱۶
نوح یازدهم ۴۲ ۴۴
ببست ششم ۱۰۶ سی هفتم
هفتاد یکم ۲۷ ۱۲۰
ونوحا سیوم ۳۰
ششم ۸۴ ببست یکم ۷۶

نار
نار نهم ۸۱ ببست پنجم
سی پنجم ۳۳ سی هشتم
نارک دوم ۲۶۸
ببست چهارم ۳۵ نودم

باب الهاء مع الدال / باب الالف الى الزاء

صبر بکم ۸
فالنار یازدهم ۲۰
چهل یکم ۲۳
والنار چهل هفتم ۱۳
نار نهم ۱۳۵ ، ۱۱۰
یازدهم ۲۷ پنجاه دوم ۱۳
نود هشتم ۵
نار هفتم ۱۱ بیست دوم ۲۰
سی ششم ۷۷ پنجاه پنجم ۱۴
نار نهم ۶۶ ، ۶۹
هفتاد دوم ۲۴
نور بیست چهارم ۳۵
نور پنجم ۱۸ بیست چهارم ۳۵
ونور پنجم ۱۴۸ ، ۵
النور سی پنجم ۲۰
والنور سیزدهم ۱۷
بنور سی نهم ۶۹
نور بیست چهارم ۳۵
۴۰ سی نهم ۲۲
والنور شصت چهارم ۸
نورنهم ۳۲ شصت یکم ۸
النور هفتم ۱۵۶
والنور ششم ۱
نورهم پنجاه هفتم ۱۲
شصت ششم ۸
ونورهم پنجاه هفتم ۱۸
نوره بیست چهارم ۲۵
شصت یکم ۸
لنوره بیست چهارم ۳۵
نورکم پنجاه هفتم ۱۳
بنورهم دوم ۱۶
نوره نهم ۳۲
نورنا شصت ششم ۸
منیر بیست دوم سی پنجم ۱۹
المنیر سوم ۱۸۱
سی پنجم ۲۳
منیرا بیست پنجم ۶۱
سی سوم ۴۵
بالناس دوم ۱۳۸
هفدهم ۶ بیست دوم ۳
والناس دوم ۱۵۵ سوم
۸۱ یازدهم ۱۲۰ سی
دوم ۱۳ اصد چهارم
ناش
التناوش سی چهارم ۵۱
ناص
مناص سی هشتم ۳
ناق
ناقة هفتم ۷۳ یازدهم ۶۴
ناقة بیست ششم ۱۵۵
الناقة پنجاه چهارم ۲۷
ناقة نود یکم ۱۳

الناقة هفتم ۷۰ هفدهم ۵۹
نال
ینالهم هفتم ۴۷ نالم
نوم دوم ۲۵۶
والنوم بیست پنجم ۴۷
نومکم هفتاد هشتم ۹
نائمون هفتم ۹۷
شصت هشتم ۱۹
المنام سی هفتم ۱۰۲
منامکم سی ام ۲۳
منامک هشتم ۴۳
منامها سی نهم ۴۲
نون
النون بیست یکم ۸۷
والنوی ششم ۹۵
نال
ینال دوم ۱۲۴
ینال بیست دوم ۳۷
ینالون نهم ۱۲۱
ینالوا نهم ۷۴ سی سوم ۲۵
تنالوا سوم ۹۲
ینالهم بیست دوم ۳۷
ینالهم هفتم ۴۹
سینالهم هفتم ۱۵۲
تناله پنجم ۹۴
ینالا نهم ۱۲۰
باب الهاء
ه
وبه هفتم ۱۵۶ ، ۱۸۰
فلها چهارم ۱۲ ، ۱۷۶
هفدهم ۷
وعلها یازدهم ۴
بیست هفتم ۲۳
ها سوم ۱۱۹ ، ۶۶
چهارم ۱۰۹ چهل هفتم ۳۸
هیهنا سوم ۱۵۴
پنجم ۲۴ بیست ششم ۱۹
هانتم شصت نهم ۱۹
هبط
اهبط دوم ۳۶
اهبط یازدهم ۴۸
فاهبط هفتم ۱۳
اهبطا بیستم ۱۲۳
اهبطوا دوم ۳۶ ، ۳۸ ، ۶۱
۵۸ هفتم ۲۳
هباء
هباء بیست پنجم ۲۳
پنجاه ششم ۶
هنا
هانتم بیست هشتم ۲۷
هاتوا دوم ۱۰۵
بیست یکم ۲۴
بیست هفتم ۶۴

بیست هشتم ۷۵
هجد
فتهجد هفدهم ۸۱
هجر
تهجرون بیست سوم ۶۷
فاهجروهن چهارم ۳۴
واهجرنی نوزدهم ۴۶
واهجرهم هفتاد سوم ۱۰
واهجروهن چهارم ۳۴
هاجر پنجاه نهم ۹
هاجروا دوم ۲۱۸
سوم ۱۹۵ شانزدهم ۴۱
۱۱۱ بیست دوم ۵۸
وهاجروا هشتم ۷۲ ، ۷۴ ، ۷۵
۲۰ نهم ۷۶
هاجرن سی سوم ۵۰
یهاجر چهارم ۱۰۰ یهاجروا ۸۹
هشتم ۷۲ م
فهاجروا چهارم ۹۷
مهاجرا هفتاد سوم ۱۰
مهجورا بیست پنجم ۳۰
مهاجرا بیست نهم ۲۶
مهاجرات چهارم ۱۰۰
المهاجرین نهم ۱۰۰
پنجاه نهم ۸
والمهاجرین نهم ۱۱۷
بیست چهارم ۲۲
سی سوم
مهاجرات شصتم ۱۰
هجع
یهجعون پنجاه یکم ۱۷
هدا
هدا نوزدهم ۹۰
هدم
لهدمت بیست دوم ۴۱
هد هد
الهدهد بیست هفتم ۲۰
هدی
هدی دوم ۱۳۸
هفتم ۲۸ شانزدهم ۳۸
بیستم ۵۲
فهدی دوم ۲۰۹
هفتاد هشتم ۳
نود سوم ۷
هدی سیزدهم ۳۰
وهدی بیستم ۱۲۰
هدینا ششم ۸۴ م
نوزدهم ۵۸
هداه ششم ۱۶۲
سی نهم ۵۸
هدان ششم ۸۰
وهدان شانزدهم ۱۲۲
هدانا ششم ۷۰

هفتم ۴۳ م چهارم ۴۲
هداکم ششم ۱۸۱
۱۹۴ بیست دوم ۳۸
چهل نهم ۱۷
هداکم ششم ۱۵۰
شانزدهم ۹
هداهم نهم ۱۱۶ سی نهم
هدینا سوم ۶
هدیناه هفتاد ششم ۳
وهدیناه نوزدهم ۱۰
وهدیناها سی هفتم ۱۱۸
لهدیناکم چهاردهم ۲۱
فهدیناهم چهل یکم ۱۷
وهدیناهم ششم ۸۷
۷۶ چهل دوم ۲۴ بیست ششم
۶۵ چهل سوم ۳۹
لهدینهم چهل دوم ۵۲
وتهدینه هفتم ۱۵۴
یهدون هفتم ۱۵۹
۱۸۰ بیست یکم ۷۳ سی
دوم ۲۴
یهدوا چهارم ۹۰
یهدیه چهل دوم ۵۲
یهدین بیست ششم ۷۸
سیهدین بیست ششم ۶۲
سی هفتم ۹۹ چهل سوم ۲۶
یهدینی بیست ششم ۲۱
یهدین چهل هم ۲۲
یهدی شصتم ۷۷
ویهدیک چهل ششم ۲
یهدیکم چهل پنجم ۲۲
ویهدیکم بیست دوم ۱۲
یهدیهم ششم ۱۲۵
یهدی بیست یکم ۴۱ ، ۴۳
ویهدیکم چهارم ۳۱
چهل هشتم ۲۰
یهدیهم هفتم ۱۴۶
دهم ۹ شانزدهم ۱۰۶
سیهدیهم چهل هفتم ۵
ویهدیهم چهارم ۱۷۴
پنجم ۱۸ ، ۳۲
لیهدیهم چهارم ۱۳۷
فاهدیک هفتاد نهم ۱۹
اهدیک نوزدهم ۴۴
اهدکم چهل ۳۰
اهدکم چهل ۴۱
یهدونا شصت چهارم ۶
لنهدینهم بیست نهم ۶۹
اهدنا اول ۵
واهدنا سی هشتم ۲۱
ناهدوهم سی هفتم ۲۳

هدی سوم ۹۶
یهدی بیست دوم ۲۴
هدنا هفتم ۱۵۵
بهدی دهم ۳۶
اهدی بیست چهارم ۴۹
اهدوا دوم ۱۳۱
سوم ۱۹ نوزدهم ۷۸
چهل هفتم ۱۹
اهدکم پنجم ۱۰۴
یهدی دهم ۱۰۸
هفدهم ۱۶ ، ۹۴
انهدی بیست هشتم ۴۱
یهدوا چهارم ۶۵
چهل ششم ۱۰
یهدوا دوم ۱۲۹
بیست چهارم ۵۳
لیهدوا هشتم ۹۲
لیهدی هفتم ۴۱
الهدی دوم ۱۳۶
الهدی دوم ۱۹۲ م
هدایا پنجم ۹۶
الهدی پنجم ۲
والهدی پنجم ۹۸
چهل هشتم ۲۵
هادی سیزدهم ۳۳ ، ۷
سی نهم ۴۴ ، ۳۷
چهل ۳۵
لهادی بیست دوم ۵۳
بهادی بیست هفتم ۸۱
سی ام ۵۲
هادی هفتم ۱۸۵
هادیا بیست پنجم ۳۱
هدیه دوم ۱۱۴
سی ششم ۸۸ ، ۱۰۶
سی نهم ۲۳
لهدی بیست هشتم ۷۹
للهدی نود دوم ۱۲
والهدی دوم ۱۵۴
هداء دوم ۲۶
بیستم ۱۲۲
هداها سی دوم ۱۳
هداهم دوم ۲۷۲
شانزدهم ۳۹
یهدیهم ششم ۹۰
یهدیهم بیست هفتم ۳۵
یهدیکم بیست هفتم ۶۴ ، ۳
یاهدی چهل سوم ۲۳
مهتد پنجاه هفتم ۲۶
المهتد هفتم ۱۷۷
هفدهم ۹۹
هجدهم ۱۶
مهتدون ششم ۸۲

هفتم ۲۸ بیست ششم ۳۰
چهل سوم ۲۱ ، ۳۶
المهتدون دوم ۶۶
چهل سوم ۴۹
للمهتدین دوم ۱۵۷
مهتدین دوم ۱۶
ششم ۱۴۱ دهم ۳۶
المهتدین ششم ۵۶
نهم ۱۸
بالمهتدین ششم ۱۱۷
شانزدهم ۱۲۶ ، ۲۸ ، بیست هشتم
شصت هشتم ۷
اهدنا بیست یکم ۳۷
بیست پنجم ۴۳
اهدنا پنجاه ششم ۸۰
فهدی سی ام ۵۶
یهدی هفتم ۳۱
جهدهم ۴۷ بیست پنجم ۸
چهل یکم ۲۵
هذانی بیست ششم ۶
بیست دوم ۲۰
وهذی چهل سوم ۵۰
هرب
هربا هفتاد دوم ۱۲
هرت
هاروت دوم ۹۶
هرع
یهرعون یازدهم ۸۰
سی هفتم ۶۸
هرون بیستم ۹۴ ، ۹۲
بیست ششم ۳۴
هرون خاکی دوم
۲۴۸ هفتم ۱۳۸
نوزدهم ۲۹ بیستم ۳۰
بیست ششم ۱۲
وهرون چهارم ۱۶۱
هفتم ۱۱۹ بیست ششم ۴۲
سی هفتم ۱۱۴ ، ۱۲۰
هرون خالصی نوزدهم
۵۳ بیستم ۳۱ بیست
۴۷ بیست پنجم ۳۷
وهرون ششم ۸۴
دهم ۷۶ بیست پنجم ۴۹
هزء
تهزءا نوزدهم ۲۵
اهتزت بیست دوم ۵
چهل یکم ۳۹
تهتز بیست هفتم ۱۰
بیست هشتم ۳۱
هزء
تستهزء دوم ۱۴
تستهزءون نهم ۶۶
استهزءوا نهم ۶۵
استهزئ ششم ۱۰
سیزدهم ۳۲
بیست یکم ۴۲

باب الهاء الى الياء
وباب الواو الى الجيم

باب الواو وما بعده الجيم الى الصاد

لِوَجهِ هفتاد ششم ۹
وَجهَ سيم ۶۵ سے امين ۳۸ ،۳۷
وُجُوُه شصت هفتم ۲۷
وُجُوه سيم ۱۰ ،مصابيح ۲۳ شش
وَوجُوه هفتاد پنجم ۲۴
هشتادم ۴۰
الوُجُوه بيستم ۱۱۰
وُجُوه بيست ودوم ۷۱
وُجُوهَا چهارم ۵۰
الوُجُوه هجدهم ۲۸
وَجهي سيم ۱۴ ششم ۷۹
وَجهَهُ شانزدهم ۶۰
چهارسيم ۱۶
وَجهِك دوم ۱۳۹
وَجهَك دوم ۱۳۹
۱۴۴ : ۱۴۵ دهم ۱۰۵
سے ام ۱۲۹ ،۴۲
وَجهَهُ دوازدهم ۹۵
بيست ودوم ۱۱ شصت هفتم ۲۲
بوَجهِهِ سے نهم ۲۵
وَجهِهَا پنجم ۱۰۷
وَجهَهَا پنجاه يكم ۲۹
بوُجُوهِكُم چهارم ۶۴
پنجم ۹
وُجُوهَكُم دوم ۱۳۹
۱۴۵ ،۱۷۲ پنجم ۸
هفتم ۲۸ هفدهم ۷
وِجهَةٌ دوم ۱۴۳
وَجهَا سيم ۴۰ سے سيم ۹
الوَاحِدُ سے هفتم ۴
الوَاحِد دوازدهم ۳۹
سيزدهم ۱۷ سے ششم ۶
سے نهم ۶
الوَاحِدُ چهارم ۴۱
چهل ۱۶
بِوَاحِدَة سے چهارم ۴۵
فَوَاحِدَة چهارم ۳
وَحِيدًا هفتاد چهارم ۱۱

وحش

الوُحُوشُ هشتاد يكم ۵

وحى

أَوحَى هفدهم ۴۱
پنجاه سيم ۱۰ نود نهم ۵
فَأَوحَى چهاردهم ۱۶
نوزدهم ۱۲
پنجاه سيم ۱۰
فَأَوحَى شانزدهم ۷۰
چهل يكم ۱۱
أَوحَيتُ پنجم ۱۱۱
فَأَوحَينَا بيست سيم ۲۷
بيست ششم ۶۳
يُوحِي ششم ۱۱۲

لِيُوحِي هفتاد ششم ۴۹ هشتم ۱۲ سے چهارم
چهل دوم ۱
فَيُوحِي چهل دوم ۵۱
لَيُوحُونَ ششم ۱۲۱
يُوحِي دوازدهم ۱۰۹
شانزدهم ۴۵
بيست يكم ۲۵۰۷
يُوحَى سيم ۳۹
دوازدهم ۱۰۳
يُوحِيهَا يازدهم ۵۱
وَأُوحِيَ ششم ۱۹
يازدهم ۳۸
يُوحَ ششم ۹۳
وَحيٌ پنجاه سيم ۴۲
بِالوَحيِ بيست يكم ۴۶
وَحيًا چهل دوم ۵۰
وَحيُهُ بيستم ۱۱۳
وَوَحيِنَا يازدهم ۳۹
بيست سيم ۲۷

ودّ

وَدَّ دوم ۱۰۳ چهارم ۱۰۲
وَدَّت سيم ۶۲
وَدُّوا سيم ۱۱۴ چهارم
۹۱ شصت هشتم ۹
وَدُّوا شصتم ۲
يَوَدُّ دوم ۹۰ ،۹۶
چهارم ۴۳ پانزدهم ۲
هفتادم ۱۱
أَيَوَدُّ دوم ۲۶۸
يَوَدُّ سيم ۲۸
يَوَدُّوا سے سيم ۲۰
وَيَوَدُّونَ هشتم ۷
يُوَادُّونَ پنجاه هشتم ۲۲
وُدًّا هفتاد يكم ۲۲
وُدًّا نوزدهم ۹۶
وَدُودٌ يازدهم ۹۲
الوَدُودُ هشتاد پنجم ۱۴
مَوَدَّةً چهارم ۷۵
بِالمَوَدَّةِ شصتم ۱
مَوَدَّةَ بيست نهم
مَوَدَّةً پنجم ۸ سے ۲۴
۲۰ شصتم ۷
المَوَدَّةَ چهل دوم ۲۲

ودع

وَدَّعَكَ سے سيم ۴۷
وَدَعَكَ نود سيم ۳
وَمُستَودَعٌ ششم ۹۸
وَمُستَودَعَهَا يازدهم ۸

ودق

الوَدقَ بيست چهارم
۴۳
سے ام ۴۷
وَدٍّ ۱

وادٍ بيست هشتم ۱۸
وادٍ بيست ششم ۲۲۵
بوادٍ چهاردهم ۴۰
الوادِ بيست هشتم ۳۰
بالوادِ بيستم ۱۲ هفتاد
نهم ۱۸ هشتاد نهم ۸
وَادِيًا نهم ۱۲۲
أَودِيَةٌ سيزدهم ۱۸
أَودِيَتِهِم چهل ششم ۲۴

قَد يَلِجُ چهارم ۴۴
وَدِيَةٌ چهارم ۹۴

وذر

لِيَذَرَ سيم ۱۷۳
نَذَرَ پنجاه يكم ۴۲
هفتاد چهارم ۲۸
أَتَذَرُ هفتم ۱۲۴
تَذَرُ هفتاد يكم ۲۷
وَيَذَرُكَ دوم ۲۳۴
۲۴۱ هفتاد ششم ۲۷
وَيَذَرُونَ بيست ششم ۱۶۶
سے هفتم ۱۲۵
هفتاد پنجم ۲۱
يَذَرَنَّ هفتاد يكم ۲۲
فَيَذَرُ دهم ۱۲
وَنَذَرُ نوزدهم ۷۳
وَيَذَرُ هفتم ۶۸
وَيَذَرَكَ هفتم ۱۲۴
فَذَرهَا بيستم ۱۰۶
وَيَذَرُهُم هفتم ۱۸۵
تَذَرنِي بيست يكم ۸۹
نَذَرهُم هفتاد يكم ۲۸
فَتَذَرُوهَا چهارم ۱۲۸
وَتَذَرُهُم ششم ۱۱۰
وَذَرِ ششم ۶۹
وَذَرُوا دوم ۲۷۸
ششم ۱۲۰ هفتم ۱۷۹
شصت دوم ۹
ذَرنِي هفتاد چهارم ۱۱
فَذَرنِي شصت هشتم ۴۴
وَذَرنِي هفتادم ۱۱
ذَرنَا نهم ۸۷
ذَرهُم ششم ۹۱
پانزدهم ۳
ذَرُونِي چهلم ۲۷
فَذَرُوا دوازدهم ۴۷
فَذَرُوهَا هفتم ۷۱
يازدهم ۶۴
ذَرُونَا چهل هشتم ۱۵

ورث

وَوَرِثَ بيست هفتم ۱۶
وَرِثُوا هفتم
۱۶۹
وَوَرِثَهُ چهارم ۱۲

وَرِثَ نوزدهم ۶
يَرِثُونَ هفتم ۹۸
بيست سيم ۱۱
يَرِثُوا چهارم ۲۳
يَرِثُ نوزدهم ۴۱
يَرِثُنِي نوزدهم ۶
يَرِثُهَا چهارم ۱۲۵
بيست يكم ۱۰۵
وَيَرِثُهُ نوزدهم ۸۳
أَورَثنَا سے پنجم ۲۹
وَأَورَثنَا هفتم ۱۳۷
سے نهم ۷۲ چهل ۶
وَأَورَثَكُم سے سيم ۲۷
وَأَورَثنَاهَا بيست ششم ۵۹
چهل چهارم ۲۸
نُورِثُ نوزدهم ۶۳
نُورِثُهَا هفتم ۱۲۵
أُورِثُوا چهل دوم ۱۴
أُورِثتُمُوهَا هفتم ۴۳
چهل سيم ۷۲
يُورَثُ چهارم ۱۵
الوَارِثُ دوم ۲۳۳
الوَارِثُونَ پانزدهم ۲۳
بيست سيم ۱۰
الوَارِثِينَ بيست يكم ۸۹
بيست هشتم ۵ ،۵۸
وَرِثَ بيست ششم ۸۵
التُّرَاثَ هشتاد نهم ۲۰
مِيرَاثُ سيم ۱۷۰
پنجاه هفتم ۱۰

ورد

وَرَدَ بيست هشتم ۲۲
وَرَدُوهَا بيست يكم ۹۹
فَأَورَدَهُمُ يازدهم ۹۸
الوِردُ يازدهم ۹۸
وِردًا نوزدهم ۸۶
وَارِدُونَ بيست يكم ۹۸
وَارِدُهَا نوزدهم ۷۱
وَارِدَهُم دوازدهم ۱۹
وَردَةً پنجاه پنجم ۳۷
الوَرِيدِ پنجاهم ۱۶
المَورُودُ يازدهم ۹۸

ورق

وَرَقَةٍ ششم ۵۹ بيستم ۱۲۱
بِوَرِقِكُم هجدهم ۱۹
وَرِقٍ ششم ۵۹

ورى

وُورِيَ هفتم ۲۰
يُوَارِي پنجم ۳۱
هفتم ۲۶
فَأُوَارِيَ پنجم ۳۱
تَوَارَت سے هشتم ۷۰

تَوَارَت سے هشتم ۳۱
يُوَارِي شانزدهم ۶۱
وَزَائِي نوزدهم ۵
وَزَائِهِم چهاردهم ۱۹
وَزَائِكُم چهارم ۲۴ ،۳۰
وَرَائِهِم بيست ۱۰۲
چهل پنجم ۹ هشتاد پنجم ۲۰
وَرَائِي دوم ۸۵
وَرَائِكُم يازدهم ۹۲
پنجاه هفتم ۱۳
وَرَائِهِم هجدهم ۷۸
هفتاد ششم ۲۷
فَالمُورِيَاتِ صدم ۲

وزر

تَزِرُ ششم ۱۶۴
هفدهم ۱۶ سے پنجم ۱۹
سے نهم ۹ پنجاه سيم ۳۹
يَزِرُونَ ششم ۳۱
شانزدهم ۲۷
وِزرَ ششم ۱۶۴
هفدهم ۱۵ سے پنجم ۱۹
سے نهم ۹ پنجاه سيم ۳۹
وِزرًا بيستم ۱۰۰
أَوزَارَ شانزدهم ۲۷
أَوزَارًا بيستم ۹۰
أَوزَارَهَا چهل هفتم ۵
أَوزَارَهُم ششم ۳۱
شانزدهم ۲۷
وِزرَكَ نود چهارم ۲
وَزَرَ هفتاد پنجم ۱۱
فَازِرَةٌ ششم ۱۶۴
هفدهم ۱۵ سے پنجم ۱۹
سے نهم ۹ پنجاه سيم ۳۹
وِزرًا بيستم ۳۰
بيست پنجم ۳۵

وزع

يُوزَعُونَ بيست هفتم ۱۷
۸۵ چهل يكم ۱۸
أَوزِعنِي بيست هفتم ۱۹
چهل ششم ۱۴

وزن

وَزَنُوهُم هشتاد سيم ۳
وَزِنُوا هفدهم ۳۵
بيست ششم ۱۸۲
وَالوَزنُ هفتم ۷
وَزنًا هجدهم ۱۰۵
الوَزنَ پنجاه پنجم ۸
مَوزُونٍ پانزدهم ۱۹
المِيزَانِ پنجاه پنجم ۷
المِيزَانَ پنجاه پنجم ۸ ،۹
الموَازِينَ بيست يكم ۴۸
مَوَازِينُهُ هفتم ۸ ،۹

بيستم ۱۰۴ ، ۱۰۵
صد يكم ۶ ،۹

وسط

فَوَسَطنَ صدم ۵
وَسَطًا دوم ۱۴۳
أَوسَطِ پنجم ۸۹
أَوسَطُهُم شصت هشتم ۲۸
الوُسطَى دوم ۲۳۸

وسع

وَسِعَ دوم ۲۵۵ ششم
۸۰ هفتم ۸۷ بيستم ۹۸
وَسِعتَ چهلم ۷
وَسِعَت چهلم ۷ ،۸
وُسعَهَا دوم ۲۳۳ ،۲۸۶
ششم ۱۵۳ هفتم ۴۲
بيست سيم ۶۲
وَاسِعٌ پنجاه سيم ۳۲
وَاسِعًا چهارم ۱۲۹
وَاسِعَةٌ بيست نهم ۵۶
سے نهم ۱۰
وَاسِعَةٍ ششم ۱۴۷
وَاسِعَةً چهارم ۹۷
سَعَةً دوم ۲۴۷
وَسَعَةً چهارم ۱۰۰
سَعَتِهِ چهارم ۱۳۰
شصت پنجم ۷
المُوسِعِ دوم ۲۳۶
لَمُوسِعُونَ پنجاه يكم ۴۷

وسق

وَسَقَ هشتاد چهارم ۱۷
اتَّسَقَ هشتاد چهارم ۱۸

وسل

الوَسِيلَةَ پنجم ۳۵
هفدهم ۵۷

وسم

المُتَوَسِّمِينَ شصت هشتم ۱۶
لِلمُتَوَسِّمِينَ پانزدهم ۷۵

وسن

سِنَةٌ دوم ۲۵۵

وسوس

فَوَسوَسَ هفتم ۲۰
بيستم ۱۲۰
يُوَسوِسُ صد چهاردهم ۵
تُوَسوِسُ پنجاهم ۱۶
الوَسوَاسِ صد چهاردهم ۴

وشى

شِيَةَ دوم ۷۱

وصب

وَاصِبٌ سے هفتم ۹
وَاصِبًا شانزدهم ۵۲

وصد

بِالوَصِيدِ هجدهم ۱۸
مُؤصَدَةٌ ...

تصیف شانزدهم ۱۱۵
وتصف شانزدهم ۶۲
تصفون دوازدهم ۱۸
۷۷ بیست بکم ۱۸، ۱۱۲
وتصفهم ششم ۱۴۰

وصل

یصل ششم ۱۳۷ م
تصل یازدهم ۸۳
یصلون چهارم ۹۲
سیزدهم ۲۱ بیست هشتم ۲۵
یصلوا یازدهم ۸۲
وصلنا بیست هشتم ۵۱
یوصل دوم ۲۵
سیزدهم ۲۱، ۲۵
وصیلة پنجم ۱۰۳

وصی

وصّی چهل دوم ۱۱
ووصّی دوم ۱۲۶
وصّینا چهارم ۱۳۰
سی یکم ۱۳ چهل دوم ۱۱
ووصّینا بیست نهم ۷
چهل ششم ۱۴
وصّیکم ششم ۱۴۵
۱۵۲ : ۱۵۳ : ۱۵۴
واوصانی نوزدهم ۳۲
یوصی چهارم ۱۲ : ۱۵
یوصین چهارم ۱۳
توصون چهارم ۱۴
یوصیکم چهارم ۱۲
اتواصوا پنجاه یکم ۵۳
وتواصوا نودم ۱۷ م
صد سوم ۳ م
الوصیة دوم ۱۷۶
وصیة چهارم ۱۲
۱۳ : ۱۴ : ۱۵
الوصیة پنجم ۱۰۵
وصیة دوم ۲۴۱
چهارم ۱۶
توصیة سی ششم ۵

موص دوم ۱۷۸
ووضع پنجاه پنجم ۶
وضعت سوم ۳۱
ووضعنا نود چهارم ۲
وضعها پنجاه پنجم ۹
ووضعته چهل و
ششم ۱۴
وضعتها سوم ۳۱
وضعتها سوم ۳۱
وتضع هفتم ۱۵۵
تضع سی پنجم ۱۲
چهل یکم ۴۷
وتضع بیست دوم ۲
تضع چهل هفتم ۵

تبیضن بیست هشتم ۵۹
شصت پنجم ۴ : ۶
تضعون بیست چهارم ۵۷
تضعوا چهارم ۱۰۲
وتضع بیست یکم ۴۸
وضع سوم ۹۰
وضع چهارم ۴۷
سی نهم ۶۹
ولا وضعوا نهم ۴۷
مواضعه چهارم ۴۸
پنجم ۱۳، ۴۵
موضوعة هشتادهشتم ۱۴

وضن

موضونة پنجاه ششم ۱۵

وطأ

یطؤون نهم ۱۲۱
تطؤوها سی سوم ۲۷
تطؤوهم چهل هشتم ۲۵
لیواطؤا نهم ۳۷
وطأ هفتاد سوم ۶
موطئا نهم ۱۲۱

وطر

وطرا سی سوم ۳۷ م

وطن

مواطن نهم ۲۵

وعد

وعدها نهم ۱۱۵
بیست دوم ۷۱
وعدنا هفتم ۴۲
سی سوم ۱۲ : ۲۲
وعدکم چهاردهم ۲۲
چهل هشتم ۲۰
وعدتنا سوم ۱۹۴
وعدتهم چهلم ۸
وعدکم چهاردهم ۲۲
وعدنی نهم ۷۸
وعدناه بیست هشتم ۶۱
تعد سی پنجم ۲۸
تعدکم دوم ۲۶۸ م
هشتم ۷ چهل ۲۹
اتعدکم بیست سوم ۳۵
تعدکم بیستم ۸۹
یعدهم چهارم ۱۲۰ م
هفدهم ۶۴
تعدنا هفتم ۷۰
یازدهم ۳۲
چهل ششم ۲۱
نعدناهم چهل سوم ۴۱
انعدانی چهل ششم ۱۷
نعدهم دهم ۴۶
سیزدهم ۴۰
بیست سوم ۹۵
چهلم ۷۷
وعدهم هفتم ۶۶

وعد سیزدهم ۳۵
بیست چهارم ۵۵ چهل هشتم ۱
وعدنا بیست یکم ۱۰۴
بیست هفتم ۷۰
واعدنا دوم ۵۱
وواعدنا هفتم ۱۴۲
وواعدناکم بیستم ۸۰
تواعدوهن دوم ۲۳۵
تواعدتم هشتم ۴۲
وعد سیزدهم ۳۱
هفتم ۱۰۲، ۷۱، ۶
۱۰۸ هجدهم ۹۸ م
وعده یازدهم ۶۵
الوعد نوزدهم ۵۵
الوعد بیست یکم ۹
وعده نوزدهم ۶۱
هفتاد سوم ۱۸
وعد چهاردهم ۴۷
وعده یازدهم ۶۷
وعده سوم ۱۵۲
بیست دوم ۴۷ سی ام ۶
سی نهم ۲۰
الوعید بیستم ۱۱۳
پنجاهم ۱۴
بالوعید پنجاهم ۲۸
وعید چهاردهم ۱۴
پنجاهم ۱۴ : ۴۵
موعد هجدهم ۵۸
موعدا هجدهم ۴۸
۵۸ بیستم ۵۹، ۹۷
موعدی بیستم ۸۶
موعده یازدهم ۱۷
موعدکم بیستم ۵۹
موعدهم پنجاه چهارم ۴۶
الموعدکم یازدهم ۸۱
موعدک بیستم ۹۷
موعدهم یازدهم ۸۱
موعدة نهم ۱۱۴
الموعود هشتاد پنجم ۲
المیعاد سی چهارم ۳۰
المیعاد هشتم ۴۲
المیعاد سوم ۹ ، ۱۹۴
سیزدهم ۳۱ سی نهم ۲۰

وعظ

اوعظت بیست ششم ۱۳۶
تعظون هفتم ۱۶۴
یعظ سی یکم ۱۳
یعظکم دوم ۲۳۱
چهارم ۵۸ شانزدهم ۹۰
بیست چهارم ۱۷
اعظک یازدهم ۴۶
اعظکم سی چهارم ۴۶

یوعظ سی چهارم ۶۶
فعظوهن چهارم ۳۴
یوعظ دوم ۲۳۲
شصت پنجم ۲
یوعظون چهارم ۶۹
توعظون پنجاه هشتم ۳
الواعظین بیست ششم ۱۳۶
موعظة دوم ۲۷۵
دهم ۵۷
وموعظة سوم ۱۳۸
یازدهم ۱۲۱
والموعظة شانزدهم ۱۲۵
موعظة هفتم ۱۴۵
وموعظة دوم ۶۶
پنجم ۴۶ بیست چهارم ۳۴

وعی

وتعیها شصت نهم ۱۲
فاوعی هفتادم ۱۸
یوعون هشتاد چهارم ۲۳
وعاء دوازدهم ۷۶
باوعیتهم دوازدهم ۷۶
واعیة شصت نهم ۱۲

وفد

وفدا نوزدهم ۸۵

وفر

موفورا هفدهم ۶۳

وفض

یوفضون هفتادم ۴۳

وفق

یوفق چهارم ۳۵
وفاقا هفتاد هشتم ۲۶
وتوفیقا چهارم ۶۲
توفیقی یازدهم ۸۸

وفی

وفی پنجاه سوم ۳۷
فوفاه بیست چهارم ۳۹
یوفی یازدهم ۱۱۱
یوفیهم بیست چهارم ۲۵
یوفیهم سوم ۵۷
چهارم ۱۷۳
لیوفیهم سی پنجم ۳۰
ولیوفیهم چهل ششم ۱۹
لیوفینهم یازدهم ۱۱۱
ووفیت سوم ۲۵
سی نهم ۷۰
یوفی سی نهم ۱۰
یوف دوم ۲۷۲
هشتم ۶۰
توفی دوم ۲۸۱ سوم ۱۵۱
وتوفی شانزدهم ۱۱۱
توفون سوم ۱۸۵
سی نهم ۱۰ چهل
اوفی پنجاه سوم ۴۱

اوف دوم ۴۰ دوازدهم ۵۹
یوفون سیزدهم ۲۰
هفتاد ششم ۷
ولیوفوا بیست دوم ۲۹
فاوف دوازدهم ۸۸
اوفوا پنجم ۱
شانزدهم ۹۱ بیست ششم ۱۸۱
فاوفوا هفتم ۸۵
واوفوا دوم ۴۰ ششم ۱۵۲
شانزدهم ۹۱ هفدهم ۳۴
توفاهم چهارم ۹۷
توفته ششم ۶۱
توفتهم چهل هفتم ۲۷
یتوفیکم ششم ۶۰
یتوفی هشتم ۵۰ سی نهم
یتوفاکم سی دوم ۱۱
۴۲ هم ۶۴ شانزدهم ۷۰
سی دوم ۱۱
یتوفاهن چهارم ۱۵
یتوفاهم شانزدهم ۲۸
یتوفاکم هفتم ۳۷
متوفیک دهم ۴۶
سیزدهم ۴۰ چهل ۷۷
توفنی دوازدهم ۱۰۱
ویتوفاکم سوم ۱۹۳ هفتم ۱۲۶
یتوفی بیست دوم ۵
چهلم ۶۷
یتوفون دوم ۲۳۴، ۲۴۰
یستوفون هشتاد سوم ۲
الاوفی پنجاه سوم ۴۱
لموفوهم یازدهم ۱۰۹
والموفون دوم ۱۷۷
متوفیک سوم ۵۵
کعب صد سیزدهم ۳

وقت

الوقت پانزدهم ۳۸
سی هشتم ۸۱
لوقتها هفتم ۱۸۷
میقات هفتم ۱۴۳
میقات پنجاه ششم ۵۰
لمیقات بیست ششم ۳۸
میقاتنا هفتم ۱۵۵
مواقیت دوم ۱۸۹
میقاتهم چهل چهارم
۴۰
لمیقاتنا هفتم ۱۴۳

۱۵۴
موقوتا چهارم ۱۰۳

وقد

اوقدوا پنجم ۶۴
یوقدون سیزدهم ۱۷
توقدون سی ششم ۸۰
فاوقد بیست هشتم ۳۸

یوقد بیست چهارم ۳۵
استوقد دوم ۱۷
وقود سوم ۸
الوقود هشتاد پنجم ۵
وقودها دوم ۲۴
شصت ششم ۶
الموقدة صد چهارم ۶

وقذ

والموقوذة پنجم ۳

وقر

وتوقروه چهل هشتم ۹
وقرا ششم ۲۵ ، هفدهم ۴۶
وقرا پنجاه یکم ۲
وقرا ششم ۲۵
هفدهم ۴۶ چهل یکم ۵
سی یکم ۷
وقارا هفتاد یکم ۱۳

وقع

وقع چهارم ۱۰۰
هفتم ۱۳۱، ۶۹ دهم
۵۲ بیست هفتم ۸۵
فوقع هفتم ۱۱۸
ووقع بیست هفتم ۸۲
وقعت پنجاه ششم ۱
شصت نهم ۱۵
تقع بیست دوم ۶۵
فقعوا پانزدهم ۲۹
سی هشتم ۷۲
یوقع پنجم ۹۱
واقع هفتم ۱۷۰
چهل دوم ۲۲
لواقع پنجاه یکم ۶
پنجاه دوم ۷
هفتاد هفتم ۷
واقع هفتادم ۱
لوقعتها پنجاه ششم ۲
الواقعة پنجاه ششم ۱
شصت نهم ۱۵
بمواقع پنجاه ششم ۷۵
مواقعوها هجدهم ۵۳

وقف

وقفوهم سی هفتم ۲۴
وقفوا ششم ۲۷ : ۳۰
موقوفون سی چهارم ۳۱

وقی

فوقاه چهلم ۴۵
ووقانا پنجاه دوم ۲۷
فوقاهم هفتاد ششم ۱۱
ووقاهم چهل چهارم ۵۶
پنجاه دوم ۱۸
تق چهلم ۹
فتقیکم شانزدهم ۸۱

باب الواو بعد الالف الی الیاء

توا شصت ششم ۶
قفنا سیم ۱۸۸
وقفا دوم ۲۷ هشتم ۱۴
وقنهم چهل ۲۰۷ ۹
یوق پنجاه نهم ۹
شصت چهارم ۱۶
واتقوا سیم ۲۰ نوزدهم ۵
المتقین سیم ۳۲
واتقوا دوم ۲۹۷ سیم ۱۶۶
پنجم ۷ هفتم ۹۴
یتقی سی نهم ۲۵
یتق دوازدهم ۹۰
شصت پنجم ۲: ۴:۲ ۵
ولیتق دوم ۲۸۲ ۲۸۳
ولیتقوا چهارم ۱۰
تتقوا سیم ۲۷ هشتم ۲۹
ولیتقوا هفتم ۶۱
ویتقه بیست چهارم ۵۱
اتقی دوم ۲۰۲ سی سیم
واتقی سی سیم ۳۲
والمتقین سی سیم ۵۵
فاتقون دوم ۳۸
شانزدهم ۲ بیست ۴
سی پنجم ۱۸
واتقون دوم ۱۹۳
والتقوه ششم ۷۱
بیست ششم ۱۵ سی ام ۳۰
هفتاد پنجم ۳
واتقی سیزدهم ۳۴ ۳۷
چهل ۲۲
تقیا نوزدهم ۱۸ ۱۱۳ ۲۳
تقیه سیم ۲۷
تقاته سیم ۷ ۹
تقوی نهم ۱۰ ابیست دوم ۳
والتقوی پنجم ۳
پنجاه هشتم ۱۰
بالتقوی نود ششم ۱۲
للتقوی دوم ۲۳۸
پنجم ۱۱ بیستم ۳۲ چهل
نهم ۳
وتقویها نود یکم ۸
تقویهم چهل هفتم ۱۹
بالمتقین سیم ۱۱۱
نهم ۴۴

و ک ا

اتوکا بیستم ۱۹
یتکون چهل سیم ۳۳
متکون سی ششم ۵۵
متکئین هجدهم ۳۰
متکأ دوازدهم ۳۱

و ک د

توکیدها شانزدهم

و ک ز

وکزه بیست هشتم ۱۴

و ک ل

وکلنا ششم ۸۹
وکل سی دوم ۱۱
توکلوا دهم ۸۴
فتوکلوا پنجم ۲۶
توکلنا هفتم ۸۷
دهم ۸۵ شصتم ۴
شصت هفتم ۲۹
یتوکل سی نهم ۳۹
یتوکل هشتم ۵۱
شصت پنجم ۳
فتوکل چهاردهم ۱۵
فتوکل سیم ۱۵۳
بیست هفتم ۸۱
الوکیل سیم ۱۶۷
بوکیل ششم ۶۶ ۱۰۷
دهم ۱۰۸ سی نهم ۴۲
چهل دوم ۶
المتوکلون دوازدهم ۶۷
چهاردهم ۱۲ سی نهم ۳۹
المتوکلین سیم ۱۵۳

و ل ت

بالتکم چهل نهم ۱۴

و ل ج

یلج سی چهارم ۲ پنجاه هفتم ۴
یلج هفتم ۳۸
یولج بیست دوم ۶۰
سی یکم ۲۸ سی پنجم ۱۴
پنجاه هفتم ۶
ویولج بیست دوم ۶۰
سی یکم ۲۸ سی پنجم ۱۴
پنجاه هفتم ۶
تولج سیم ۲۶
وتولج سیم ۲۶
ولیجة نهم ۱۶

و ل د

ولد سی هفتم ۱۵۲ نوزدهم ۳
ولدتهم پنجاه هشتم ۲
بالد صد دوازدهم ۳
والد یازدهم ۷۵
بالد هفتاد یکم ۲۸ ولدنه نوزدهم ۳۳
یولد صد دوازدهم ۳
ولد نوزدهم ۳۳
بیست سیم ۹۳
وولدا هجدهم ۳۲
نوزدهم ۸۰
والاولاد هفدهم ۶۴
و اولاد نوزدهم ۳۴
پنجاه هفتم ۱۳

واولادنهم ۷۰
سی چهارم ۳۴
وولده هفتاد یکم ۲۰
ولده سی یکم ۳۲
بولدهم دوم ۲۳۳
بولدها دوم ۲۳۳
اولادکم سی چهارم ۳۶
شصت ۳ شصت سیم ۹
واولادکم هشتم ۲۸
شصت چهارم ۱۵
اولادهم سیم ۸ ۱۱۲
نهم ۵۵ پنجاه ششم ۱۸
واولادهم نهم ۶۸
اولادکم چهارم ۱۲
واولادکم شصت چهارم ۱۴
اولادکم دوم ۲۳۳
ششم ۱۵۲ هفدهم ۳۳
اولادهم ششم ۱۴۱
اولادهم ششم ۱۴۱
اولادهن دوم ۲۳۳
شصتم ۱۲
والد سی یکم ۳۲
ووالد نودم ۳
الوالدان چهارم ۸ ۳۷
الوالدین چهارم ۱۳۴
وبالوالدین دوم ۷۷
چهارم ۴۰ ششم ۱۵۲
هفدهم ۲۴
للوالدین دوم ۱۷۶
فللوالدین دوم ۲۱۱
والده سی یکم ۳۲
فلوالدیک سی یکم ۱۳
بوالدیه نوزدهم ۱۴
بیست نهم ۷ سی یکم ۱۳
چهل ششم ۱۴
لوالدیه چهل ششم ۱۶
والدی بیست هفتم ۱۹
چهل ششم ۱۴
ولوالدی چهاردهم ۴۲
هفتاد یکم ۲۹
والده دوم ۲۳۳
والوالدات دوم ۲۳۳
بوالدیه نوزدهم ۳۳
والدیک پنجم ۱۰۹
ولیدا بیست ششم ۱۷
ولدان پنجاه ششم ۱۷
هفتاد ششم ۱۹
الولدان چهارم ۱۲۶
فالولدان چهارم ۷۷
الولدان هفتاد سیم ۱۷
مولود دوم ۲۳۳

سی یکم ۳۲
المولود دوم ۲۳۳

و ل ی

یلونکم نهم ۱۲۴

و ل ی

ولی بیست هفتم ۱۰
بیست هشتم ۲۱ سی یکم ۶
تولیت هجدهم ۱۷
وتولوا هفدهم ۴۹
بیست هفتم ۸۱ سی چهارم ۵۱
چهل ششم ۲۸
تولوا با تولوا
نهم ۷ چهل هشتم ۲۲
ولیتم نهم ۲۵
ولاهم دوم ۱۳۶
یولون سیم ۱۵
ویولون پنجاه چهارم ۴۵
لیولن پنجاه نهم ۱۲
تولون چهل ۳۵
تولوا دوم ۱۰۹ ۱۱۲
بیست یکم ۵۸
تولی ششم ۱۲۹
یولهم هشتم ۱۶
یولکم سیم ۱۰۷
تولوهم هشتم ۱۵
فلنولینک دوم ۱۳۹
تولیه چهارم ۱۱۵
فولی دوم ۱۳۹، ۱۴۴
۱۴۵
فولوا دوم ۱۳۹ ۱۴۵
فتولی هفتم ۷۷، ۹۱
بیستم ۶۲ پنجاه یکم ۳۹
فتولوا سی هفتم ۸۸
لتولوا هشتم ۲۳
وتولوا نهم ۷۷
شصت چهارم ۶
تولاه بیست دوم ۴
تولوهم شصتم ۹
یتولی سیم ۴۲ هفتم ۱۹۵
بیست چهارم ۴۶
یتول پنجم ۱۲ چهل هشتم ۱۷
پنجاه هفتم ۲۲ شصتم
یتولون پنجم ۴۷، ۸۳
یتولوا نهم ۷۵
ویتولوا نهم ۵۰
تتولوا یازدهم ۵۵
چهل هفتم ۳۰ چهل هشتم
۱۶ شصتم ۱۳
یتولهم پنجم ۵۰ نهم
شصتم ۹ ۲۳
یتولونه شانزدهم ۱۰۲
تولی بیست هفتم ۲۸

تولی سی هفتم ۱۷۴
پنجاه یکم ۹ پنجاه ...
وتولی سی هفتم ۱۷۸
والیهم سیزدهم ۱۲
فتلی دوم ۲۵۸ سیم
۱۶ چهل پنجم ۱۸
فلیکی ششم ۱۰۱ ۹۰
هفدهم ۱۱۱ چهل یکم ۳۴
الولی چهل دوم ۲۴۷
ولیه دوم ۲۸۲
ولیهما سیم ۱۱۸
ولینا هفتم ۱۵۶ سی ام
چهارم ۴۰
ولیکم پنجم ۶۰
ولیهم ششم ۱۲۷
شانزدهم ۶۵
اولیه هفدهم ۳۵
بیست هفتم ۵۰
ولی کهف ۱۹۵
اولیاءه هشتم ۳۴
اولیاکم چهل یکم ۳۱
اولیاءهم دوم ۲۵۹
ششم ۱۲۸
اولیاءکم سی سیم ۶
اولیاؤهم ششم ۱۲۱
اولیائه سیم ۱۶۹
الولایة هجدهم ۴۲
ولایتهم هشتم ۷۳
فاولی چهل هفتم ۲۲
هفتاد پنجم ۳۴، ۳۵
الاولیان پنجم ۱۰۶
مولی چهل هفتم ۱۲ م
مولی چهل چهارم ۴۱ م
المولی هشتم ۴۱
بیست دوم ۱۳، ۷۸
موالی چهاردهم ۳۳
للموالی نوزدهم ۵
مولاه شانزدهم ۷۶
شصت ششم ۴
مولانا دوم ۲۸۶ ۵۱
مولیهم ششم ۶۲ دهم ۳۰
ومولیکم سی سیم ۵
مولیها دوم ۱۴۳

و ن ی

تنیا بیستم ۴۴

و ه ب

وهب چهاردهم ۳۹
فوهب بیست ششم ۲۱
وهبت سی سیم ۴۹
وهبنا نوزدهم ۵۰
یهب چهل دوم ۴۸
ویهب چهل دوم ۴۸

الاهب نوزدهم ۱۹
هب سیم ۳۸ بیست پنجم ۷۴
بیستم ۸۳ سی هشتم ۹۹
فهب نوزدهم ۵
وهب سیم ۸ سی هشتم ۳۵
الوهاب سیم ۶
سی هشتم ۳۴
الوهاب سی هشتم ۸

و ه ج

وهاجا هفتاد هشتم ۱۳

و ه ن

وهن نوزدهم ۳
وهنوا سیم ۱۴۰
تهنوا سیم ۱۳۳
چهارم ۱۰۴ چهل هفتم ۳۵
وهنا سی یکم ۱۳
وهنا سی یکم ۱۳
اوهن بیست نهم ۴۰
موهن هشتم ۱۸

و ه ی

واهیة شصت نهم ۱۶

و ی ک ان

ویکان ویکانه
بیست هشتم ۸۲

و ی ل

وویل دوم ۳ ۲۳
چهاردهم ۲ چهل یکم ۵
الویل بیست یکم ۱۸
ویلک چهل ششم ۱۶
ویلنا بیست یکم ۱۴
سی ششم ۹۶، ۵۲
سی هفتم ۲۰ شصت هشتم ۳۱
ویلکم بیستم ۶۱
بیست هشتم ۸۰
ویلتی پنجم ۳۴
یازدهم ۷۵ بیست پنجم ۳۰
ویلتنا هجدهم ۴۲

باب الیاء

یلی بیستم ۱۹ سی ششم ۴۳
صد نهم ۶
ویاه هفتم ۱۸ یازدهم ۳۱
۳۳ ۵۴، ۲۱، ۶۶، ۸
۹۱ ۹۵ چهل ۴۴
یبلس بیستم ۴ شصتم ۱۳
یبلسوا بیست ۲۲ شصتم ۱۳
یبلس شصت پنجم ۴
یباس دوازدهم ۸۷
یئاس سیزدهم ۳۰
تیاسوا دوازدهم ۸۷
استیاس دوازدهم ۱۱۰
استیاسوا دوازدهم ۸۰
یئوس چهل یکم ۴۹
یئوس یازدهم ۱۲
یئوسا هفدهم ۸۵

باب الباء مع الالف الى الواو



